

دانشنامه تاریخ جهان ۱

ویراستار متن انگلیسی : جروم برن

ترجمه فارسی از : دکتر محمود زنجانی

ویراستار و مقدمه نویس فارسی : پروفسور سید حسن امین



جلد یکم

از آغاز پیدایش بشر تا ظهور صفویه: از ۳/۵ میلیون سال پیش تا ۱۵۰۲ میلادی



دانشنامه‌ی تاریخ جهان

جلد اول

(از) ۳/۵ میلیون سال پیش (تا) ۱۵۰۲ میلادی

دایرة المعارف ایران
ENCYCLOPAEDIA OF IRAN

مرسر، دریک، ۱۹۴۴ م، Mercer, Derrik
دانشنامه تاریخ جهان / ویراستاران متن انگلیسی دریک مرسر؛ جروم برن؛ زیرنظر و با مقدمه‌ی سیدحسن امین؛ مترجم محمود زنجانی. تهران: دایرة‌المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۸-.
ج. : مصور.

ISBN 964-96370-8-7 :(دوره)
ISBN 964-96370-5-2 (ج. ۱)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: Chronicle of the World

۱. گاهشماری تاریخی. ۲. سالشمار. الف. برن، جروم، Burne, Jerome
. ب. زنجانی، محمود، ۱۳۱۳ ، مترجم. ج. عنوان.
۲ د ۴ م / ۱۱ D ردهٔ دیویی: ۹۰۲/۰۲
۱۳۸۸
کتابخانه ملی ایران ۳۱۱۸ - ۸۵ م

ENCYCLOPAEDIA OF IRAN

دانشنامه‌ی تاریخ جهان، جلد اول:

گاه‌شماری تاریخی از ۳/۵ میلیون سال پیش تا ۱۵۰۲ میلادی

سرپرست علمی و ویراستار متن انگلیسی: دریک مرسر - جروم برن
ترجمه به فارسی از: دکتر محمود زنجانی
زیرنظر و با مقدمه‌یی به قلم: پروفسور سیدحسن امین

ناشر: سازمان انتشاراتی دایرة‌المعارف ایران شناسی
مدیر تولید: آرش اسدزاده **مدیر اجرایی:** مهندس حجت حیدری **طرح جلد:** هوتن پورزکی
چاپ: ندای ایران **صحافی:** فردوس **لیتوگرافی:** ندا
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه **نوبت و تاریخ چاپ:** اول ۱۳۸۹
قیمت: تک جلد ۲۰۰۰۰ تومان - قیمت دوره‌ی دو جلدی ۳۵۰۰۰ تومان - دوره‌ی سه جلدی ۵۵۰۰۰ تومان
شابک دوره: ۷-۸-۹۶۳۷۰-۹۶۴
شابک مجلدات: (ج. ۱) ۲-۵-۹۶۳۷۰-۹۶۴ (ج. ۲) ۱-۰۰-۵۲۰۴-۶۰۰-۹۷۸ (ج. ۳) ۸-۱-۰۴-۵۲۰-۶۰۰-۹۷۸

سازمان دایرة‌المعارف ایران‌شناسی
تهران، تقاطع خیابان انقلاب و فلسطین، ساختمان مهر، شماره ۳۱۲، کدپستی: ۱۴۱۶۸۱۴۵۷۴
تلفن: ۶۶۹۶۸۴۸۸ ؛ دورنگار: ۶۶۹۶۸۴۸۷
پست الکترونیکی: E - mail: Info @ Hafizmonthly. org

اسامی ویراستاران، نویسندگان و پژوهشگران

متن انگلیسی

دانشنامه‌ی تاریخ جهان

سرویراستار: دریک مرسر

ویراستار: جروم برن

عکاس کتاب: راث داربی

ویراستاران سال‌شماری: هیزل بدفورد؛ هنریتا هیلد

معاون ویراستار: دنیس پیتز

تنظیم‌کنندگان مطالب: برونون لویس (مدیرتولید)؛ یوآن‌توماس (ویراستاری)؛ کریستیان دانجر؛ مائو داسکالونا؛ لوراهیکز؛ مارتین مک‌مانوس؛ فرانچسکا اودل؛ ناتالی پالومبا

سرپرست هنری: هنری مارگان؛ کریس تیان بود

سرپرست پردازش‌رایانه‌ای: کاترین بالوئه؛ دومینیک کلوتز (مهندس نرم‌افزار)؛ معاون مارتین کولیوت

فهرست‌نگار: یان کرین

مترجمان: جنیفر بارنس از دانشگاه آکسفورد (نخستین چاپ از دانشگاه کمبریج؛ اصطلاحات لغوی از دانشگاه بیرمنگام)؛ راترین روس از دانشگاه آکسفورد؛ روس شوارتز از دانشگاه لندن؛ تینو از دانشگاه لندن

نویسندگان: فرانک‌باربر؛ آدام کرتیس؛ کریستوفر دابسون؛ پیتر اوانس؛ تونی جرافتی؛ دیوید گولد؛ ریچارد گرانت؛ جاناتان گرین؛ رابرت جونز؛ پیتر لویس؛ شارلوت ویسی‌می؛ جان میلر؛ روبرت موریس؛ وارن پیتز؛ ریچارد ترنچ؛ پری لئوپارد

مشاوران علمی: دکتر ریموند آلچین؛ متخصص در امور هندوستان، رییس دانشکده‌ی مطالعات شرقی دانشگاه کمبریج (هندوستان از سال ۱۲۰۰میلادی)

دکتر اوریانا بدلی، عضو عالی‌مقام تاریخ هنر در امریکای جنوبی از دانشگاه لندن (درباره‌ی امریکای لاتین)

پروفسور تیم بارِرت، استاد تاریخ آسیای شرقی در مدرسه‌ی مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن (چین از سال‌های ۳۰۰پیش از میلاد تا ۱۸۰۰ میلادی)

دکتر پل کارت‌لیج، از کلیر کالج دانشگاه کمبریج، مقالاتی درباره‌ی تاریخ باستان (اروپا از سال‌های ۲۰۰۰پ.م. تا۳۰ پیش از میلاد)

دکتر کریستوفر کولن، از مدرسه‌ی مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن، مقالاتی درباره‌ی تاریخ پیشرفت تکنولوژی آسیا (چین از ۳۰۰ پ.م.)

دکتر گیلیان دارسی، از دانشگاه پلی‌تکنیک زنان میدل‌سکس، انگلستان، مقالاتی درباره‌ی تاریخ

پیتر اوانس، عرضه‌کننده‌ی برنامه‌ی «علم‌نوین»، از رادیو بی‌بی‌سی، شبکه‌ی چهار علمی

ویکتور هاریس، از دپارتمان مطالعات باستانی کشور ژاپن، وابسته به بریتیش میوزیوم لندن (ژاپن از ۷۰۰پ.م تا۱۰۰۰ میلادی)

دکتر رزماری هاروکس، از دانشگاه کمبریج، مقالاتی درباره‌ی تاریخ (اروپا، از ۱۰۰۰تا ۲۵۰۰ میلادی)

مارک‌جنبر، از دانشکده‌ی سن‌جان‌کورنیکی و مدرسه‌ی مطالعات شرقی دانشگاه کمبریج، مقالاتی درباره‌ی ژاپن (ژاپن، از سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۹۴۵ میلادی)

ژارو میرمالک، از آشمولیان میوزیوم وابسته به دانشگاه آکسفورد (مصر باستان)

دکتر تیم‌موری، از بخش مطالعات باستان‌شناسی دانشگاه لاتروب استرالیا (درباره‌ی کشور استرالیا)

دکتر نیل پارسون هون. از بخش پیگیری تحقیقاتی کشورهای مشترک‌المنافع (کامنولث) دانشگاه لندن (افریقای‌جنوبی و صحرا)

دکتر جان پاترسون، از ماگدالین کالج دانشگاه کمبریج، مقالاتی راجع به تاریخ باستان (اروپا از۱۰۰۰ تا سال‌های ۳۰۰پ.م)

دکتر تیم‌پات، متخصص تحقیقات در مورد کلیسای مسیحی، دانشگاه آکسفورد (میان‌رودان)

دکتر فرانسیس رابینسون، محقق تاریخ در رویال هالووی و بدفورد نیوکالج دانشگاه لندن (هندوستان از سال‌های ۱۲۰۰-۱۹۴۵)

دکتر دریک روهوناری، سرپرست مرکز پژوهشی دونالد بادن پاول کوآترناری وابسته به دانشگاه آکسفورد (جهان از ده هزار سال پ.م)

آماندا ساکور، معاون تعلیماتی مدرسه‌ی مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن، (آفریقای غربی از سال‌های۲۰۰ پ.م تا ۱۸۵۰ میلادی)

دکترآندریو شرات، از بخش عتیقه‌شناسی موزه‌ی آشمولیان وابسته به دانشگاه آکسفورد (اروپا از ده‌هزار تا دوهزار پ.م)

دکتر جان‌اسپور، از فلوسنت ادموند هال، دانشگاه آکسفورد (اروپا ۱۶۰۰-۱۸۰۰ میلادی)

دکتر آر.جی تیدمن، از مدرسه‌ی مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن، مطالعاتی راجع به قاره‌ی افریقا (چین ۱۸۰۰-۱۹۴۵ میلادی)

فیلیپ والر، از مرتون کالج دانشگاه آکسفورد (اروپا۱۸۰۰-۱۹۴۵)

دکتر برایان واردپرکنیز، از کالج تثلیثی دانشگاه آکسفورد (اروپا، سال‌های۳۰۰-۱۰۰۰میلادی)

پژوهشگران:

مایکل برلین، جان‌کاسل فورد؛ پی‌گوکی؛ پنه لوپه‌گلر؛ لوئیز هالووی؛ آندریو هوپ؛ نیال یک‌کوون؛ دکتر سیمون لازبی؛ برندان مارشال؛ دکتر درعوت کین؛ ژی. وی استوکس؛ ماتیو استریک‌لند؛ ادوارد وین‌سنت؛ جان‌واتز

پیشگفتار

به قلم: دکتر محمود زنجانی



به نام پروردگار توانا

با سپاس و امتنان از دادار هستی‌بخش و جامع جمیع علوم شناخته و مجهول بر آدمیان، که به این حقیر توفیق عنایت فرمود که در راه برگردان کتاب عظیم«کرونیکل اف د ورلد» (دانشنامه‌ی تاریخ جهان) کمر همت بسته و این مهم را به پایان برم.

در این دانشنامه، پیشینه‌ی زندگانی بشر بر روی کره‌ی زمین، از زمانی که اولین «انسان‌نما» توانست با دو پای خود راه برود و به محیط اطراف خویش توجه نماید، آغاز شده و از آن پس تا زمان حال مورد مطالعه و تفحص قرار گرفته است.

به طورکلی، کره‌ی زمین که سیاره‌ی کوچکی از منظومه‌ی شمسی‌ست، در حدود ۴/۶ میلیارد سال عمر دارد و به نظر می‌رسد که یکی از کرات قابل زندگی باشد که تمام عوامل مورد نیاز برای حیات را در خود دارد و با تابش نور خورشید که به زمین نور و روشنایی و گرمایش لازم را می‌بخشد، خودکفاست، به طوری‌که هرچه در آن هست، باقی‌مانده و تنها تحول و دگرگونی می‌یابد.

با این وصف، با محاسبه‌ی دانشمندان، از جاذبه‌ی خورشید برخوردار می‌باشد و این جاذبه بر قطبین کره‌ی زمین که خاصیت آهنربایی دارد، تأثیرگذار است. این نیروی جاذبه، بر تمام کائنات جاری و ساری‌ست و مهم‌ترین عامل بقای یونیورس می‌باشد.

کره‌ی زمین که یکی از اقمار خورشید است، با شعاع شش‌هزار کیلومتری، تنها از ۶۰ کیلومتر، یعنی یک‌صدم، قشر یا پوسته برخوردار است و بقیه‌ی آن از کانون مرکزی و مذاب تشکیل شده و بدین سبب کره‌ی خاکی نام گرفته است.

میلیون‌ها سال به درازا کشید تا زمین از نظر آب و هوا، برای زیست موجودات جاندار آماده شود. حیات نخستین از دریا شروع شد و پس از چند هزار میلیون سال، موجوداتی با ساختمان عالی و سرانجام مهره‌داران و میمون‌های شبیه انسان‌های اولیه به وجود آمدند. در این مدت، زمین هم از نظر شکل رو به تکامل رفت و چین‌خوردگی‌ها و کوه‌های بلند ایجاد شد، به طوری که اکنون فاصله‌ی بلندترین قله‌ی کوه‌ها و اعماق اقیانوس آرام، به حدود۲۰ کیلومتر، یعنی به

اندازه‌ی قشر خاکی زمین می‌باشد.

با تکامل محیط زیستی کره‌ی زمین و به وجودآمدن موجودات جاندار، سرانجام انسان‌های اولیه در زمین پیدا شدند، لیکن این پیدایی یک‌مرتبه و ناگهانی صورت نگرفت، بلکه از تکامل پستانداران عالی و میمون‌های باهوش، بشر اولیه ظهور پیدا کرد که اولین‌بار جای پای چند نفر از آن‌ها در منطقه‌ی لیوتلی تانزانیا به وسیله‌ی خانم ماری لیکی(باستان‌شناس امریکایی) کشف شد که تاریخ حیات آن انسان‌نماها بین ۳/۵ تا ۴ میلیون سال پیش محاسبه شده است.

پس ملاحظه می‌شود که عمر انسان‌های نخستین نسبت به عمر کره‌ی زمین بسیار کوتاه است و صانع و خالق کائنات، تمام شرایط و عوامل را برای پیدایش بشر اولیه مهیّا ساخته است.

با این مقدمه‌ی کوتاه و مختصر، هر فرد جست‌وجوگر و محقق تمایل دارد که بداند در طول این مدت طولانی چه بر سر انسان‌ها آمده و تمدن به چه شکلی پیدا شده است.

رئوس مندرجات دانشنامه‌ی حاضر، شامل مطالب زیر است:

۱- شرح زندگانی اولیه‌ی انسان نماها و وسایل زندگی و ادوات شکار در دوران‌های پارینه‌سنگی (پالئولیتیک)، میان‌سنگی (مزولیتیک) و نوسنگی (نئولیتیک)؛

۲- تمام رویدادهای دوران‌های مختلف تمدنی، از قبیل سیاسی، نظامی، اجتماعی، مراسم صلح و آشتی، زد و خورد اقوام مختلف برای تصاحب و مالکیت زمین جهت برخورداری هرچه بیش‌تر از مواهب زندگانی و تحت سیطره قراردادن دیگران؛

۳- پیدایش و پیشرفت ادیان گوناگون، نهضت‌های سیاسی و دینی و مخالفت‌ها، بروز ایدئولوژی‌ها، اختراع‌ها و اکتشافات در دانش‌های مختلف؛

۴- بیوگرافی دانشمندان و متفکران، موسیقی‌دانان، هنرمندان، شعرا و نویسندگان، مردان سیاسی؛

۵- قزاردادهای جنگ و صلح، پیشرفت‌های تکنولوژی، صنایع و استخراج کانی‌ها و نیز دگرگونی تمدن بشری، طلوع ادیان و جنگ‌های عقیدتی، ظهور بودا، کنفوسیوس و مسیح و دستگاه مذهبی پاپ‌ها و اختلاف مذاهب مسیحیت، مانند کاتولیک، پروتستان، ارتودکس و ...

۶- ظهور اسلام در سده‌ی هفتم میلادی و سپس نبردهای صلیبی، شرح حال پادشاهان و مردان سیاسی، جهان‌گشایی و کشورگشایی و تصاحب سرزمین‌های دیگران به قیمت از بین‌بردن هزاران هزار انسان‌های بی‌گناه.

۷- رنسانس و ظهور تمدن جدید و عصر ماشین و دگرگونی شیوه‌ی کشت و عرضه‌ی بیش‌تر محصولات غذایی، شرح دو جنگ جهانی و نیز پیدایش عقاید تازه‌ی اجتماعی، از جمله ایدئولوژی مارکسیسم، پیدایش اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی رژیم نخستین کشور کمونیستی جهان.

۸- از سویی، کاربرد ماشین در صنعت و اختراع انواع ماشین‌های تولیدی و صنعتی و هم‌چنین وسایل مدرن دریانوردی و کشف قاره‌ها و سرزمین‌های جدید و راه‌های آبی و در نتیجه پیشبرد حمل و نقل دریایی و ساخت کشتی‌هایی با ظرفیت بالا و ظهور عصر فضا با اختراع هواپیما و سرانجام اختراع ماشین حساب و کامپیوتر، تشکیل سازمان ملل و صلیب سرخ جهانی و قراردادهایی در جهت حفظ منافع جامعه‌ی بشری و نیز انقلاب‌های بزرگ به منظور بهبود اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف جهان و بالاخره وضع کنونی جهان.

بدین ترتیب، واضح است که دانشنامه‌ی حاضر که ترجمه‌ی فارسی آن در سه مجلد در ۱۳۸۹ به زیر چاپ می‌رود، مجموعه‌ی بزرگی‌ست برای اطلاع و آگاهی همگان.

بدیهی‌ست که گذشته از ترجمه‌ی این کتاب جامع، چاپ و نشر دایرةالمعارف تاریخ جهان در کشور ما، نیاز به صبر و بردباری و تحمل هزینه‌ی زیاد دارد که از عهده‌ی یک‌نفر خارج است. خوش‌بختانه «سازمان دایرةالمعارف ایران‌شناسی» به سرپرستی جناب پروفسور حسن امین که یکی از دانشمندان بزرگ و استادان حقوق و ادیبان

برجسته‌ی این سرزمین هستند و همه‌ی عمر را در راه تحقیق و نویسندگی گذرانده‌اند که حاصل آن مجموعه‌ی پربرگ و باری از کتاب‌ها و مقالات ایشان می‌باشد، با سعه‌ی صدر، چاپ و نشر این دانشنامه‌ی مهم را بر عهده گرفتند که بسیار شایان تقدیر است.

همین‌طور از آقایان مهندس حجت حیدری و آرش اسدزاده که تمام وسایل چاپ و تهیه‌ی عکس‌های کتاب را فراهم کرده‌اند، بسیار متشکرم.

در ضمن از مساعی و راهنمایی‌های جناب سرهنگ هوشنگ وزیری، رییس «انجمن ادبی بهارخاقانی»، که سال‌هاست در راه پیشبرد ادب‌پارسی به خدمت مشغول هستند و در راه چاپ این مجموعه خدمات بی‌نظیری انجام داده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم.

از خانم‌های تایپیست متعددی نیز که در طول این چند سال به‌طور متناوب زحمت تایپ و صفحه‌بندی این دانشنامه‌ی سه جلدی را عهده‌دار بوده‌اند، متشکرم.

جا دارد که از همسرم خانم قضایی که صبر و بردباری کم‌نظیری نشان داده‌اند، قدردانی نمایم و نیز از عروسم خانم دکتر لینا هنریکسون که پیش‌گفتاری به زبان انگلیسی برای معرفی بیش‌تر این دانشنامه نوشته‌اند و همچنین از فرزندم دکتر بهنام زنجانی و نیز از فرزند عزیزم خانم شادی زنجانی (مونتل‌لئونه) که مرا در این امر مهم تشویق نموده‌اند، بسیار سپاسگذارم. همین‌طور از آقای رضا ملک‌زاده که مساعی فراوانی در این مورد برعهده داشته‌اند سپاسگزاری می‌نمایم، که در تمام مراحل مشوق این جانب بوده‌اند، تقدیر می‌نمایم.

دکتر محمود زنجانی

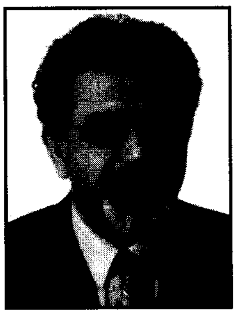
تهران - زمستان ۱۳۸۸

مقدمه

به قلم: پروفسور سیدحسن امین

استاد بازنشسته‌ی کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیدونیا

سرپرست علمی و سرویراستار دایرةالمعارف ایران‌شناسی



۱-درآمد

دانشنامه‌ی حاضر، ترجمه‌ی فارسی یک دایرةالمعارف تخصصی در زمینه‌ی تاریخ جهان از آغاز پیدایش بشر تا پایان قرن بیستم با عنوان Chronicle of the World است که با همکاری انبوهی از اهل فضل و فرهنگ زیر نظر دریک مرسر (سرویراستار) و جروم برن (ویراستار) به زبان انگلیسی تدوین شده است و آخرین چاپ آن از سوی انتشارات ایکام Ecam Publications در خارج از کشور منتشر شده است.

این دانشنامه به عنوان یک مرجع مورد اعتماد می‌تواند نیاز علمی و اطلاعاتی همه‌ی فارسی‌زبانان به‌ویژه دانشجویان، دانش‌آموختگان و پژوهشگران را برآورده سازد و در عین فشرده‌بودن و ایجاز، علاقه‌مندان را به آشنایی با سیر تمدن و فرهنگ بشری در سرتاسر جهان کمک کند.

به جهت اهمیتی که دانشنامه‌ی حاضر از جهت فرهنگی حائز است و نیز از جهت پرشدن خلأیی که با ترجمه‌ی این دانشنامه در حوزه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری در ایران حاصل خواهد شد، بیان توضیحاتی راجع به مفهوم و ساختار دایرةالمعارف و سپس تاریخچه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری در ایران از یک‌سوی و اشاره به کلیاتی راجع به موضوع این دانشنامه یعنی تاریخچه‌ی حیات بشر بر روی زمین از سوی دیگر در این مقدمه برای خوانندگان سودمند است.

۲- کلیاتی راجع به دانشنامه‌نگاری

در این بخش، نخست به تعریف دانشنامه / دایرةالمعارف و ذکر مختصات و انواع و سپس تاریخچه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری در جهان و ایران می‌پردازیم.

۲-۱- مفهوم و ساختار دایرةالمعارف

اصطلاح فرهنگی دانشنامه یا «دایرةالمعارف» ترجمه‌ی عربی واژه‌ی انسایکلوپیدیا Encyclopaedia در زبان‌های اروپایی است. این عبارت اروپایی هم ترکیبی از دو کلمه‌ی Kyklos (به معنای دایره) و Paideia (به معنای معارف) است. معنای لغوی انسایکلوپیدیا همان دایره‌ی دانش یعنی The Circle of Knowledge است. مفهوم عام این کلمه، عبارت از مجموعه‌یی چنددانشی

است که شامل تمام رشته‌های دانش بشری یا شامل زمینه‌های مختلف تفصیلی یک رشته‌ی معین از معارف بشری بشود و به عنوان «مرجع» در اختیار اهل دانش و پژوهش قرار گیرد؛ بنابراین دایرةالمعارف‌ها از نظر گستره به سه گروه قابل تقسیم‌اند:

اول. «دایرةالمعارف عمومی» General Encyclopaedias که با توزیع متعادل، همه‌ی رشته‌های معارف و علوم بشری را دربر می‌گیرد و بین رشته‌های مختلف علمی علی‌الاصل قائل به اولویت و امتیاز نیست. اهمیت عمده‌ی دایرةالمعارف‌ها و مجموعه‌های چنددانشی در ایجاد نوعی ارتباط و اتصال میان زمینه‌های مختلف دانش بشری‌ست.

دوم. «دایرةالمعارف موضوعی یا تخصصی» Specialised Encyclopaedia یا Topical که در یک زمینه‌ی واحد مثل تاریخ، جغرافیا، پزشکی یا حقوق بین‌الملل یا علوم سیاسی یا انسان‌شناسی و یا فلسفه، اطلاعات لازم را دربردارد. نمونه‌ی دایرةالمعارف‌های موضوعی، دانشنامه‌ی حاضر راجع به «تاریخ جهان» به زبان انگلیسی، «دایرةالمعارف جغرافیای شوروی» به زبان روسی و «دانشنامه‌ی زبان و ادب‌فارسی در شبه‌قاره» به زبان‌فارسی است که اخیراً نخستین دفتر آن از سوی فرهنگستان زبان و ادب به چاپ رسیده است.

سوم. «دایرةالمعارف‌های تخصصی‌تر» که به موضوع معینی از یک رشته‌ی معین اختصاص دارد، مثل «دایرةالمعارف حقوق‌بشر» یا «دایرةالمعارف دموکراسی» به انگلیسی یا «دایرةالمعارف فقه اسلامی»، «دایرةالمعارف اهل بیت(ع)»، «دانشنامه‌ی امام علی»، «دانشنامه‌ی قرآن‌پژوهشی» یا «دانشنامه‌ی فلسطین» یا «دایرةالمعارف خواب و رؤیا» (از انتشارات دایرةالمعارف ایران‌شناسی)، چاپ شده‌اند و ده‌ها دایرةالمعارف دیگر - مانند دایرةالمعارف انقلاب (از انتشارات سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی)، دایرةالمعارف جنگ تحمیلی (وابسته به بنیاد شهید)، دایرةالمعارف کتاب‌شناسی (وابسته به کتابخانه‌ی ملی)، دایرةالمعارف زنان (زیر نظر سازمان زنان وابسته به ریاست‌جمهوری)، فرهنگ ناموران (وابسته به حوزه‌ی هنری) و امثال آن‌ها در بخش دولتی در دست تهیه و تدوین‌اند.

۲-۲-تاریخچه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری در جهان

در فرهنگ بشری، دایرةالمعارف‌نگاری در خاور دور یعنی چین آغاز شد و قسمتی از نخستین دایرةالمعارف چینی که متعلق به سه‌هزار و پانصد سال پیش است، تا امروز باقی است. سپس در فرهنگ ایران باستان، با تکیه بر آموزه‌های کیش زرتشتی، مجموعه‌های دینی، حقوقی و قضایی متعددی تدوین شده است که «دینکرد» از نمونه‌های متأخر آن‌هاست.

در جهان غرب، در فرهنگ یونانی، اول‌بار، شاگردان افلاطون به نوشتن دایرةالمعارف دست زدند. بعضی اولین دایرةالمعارف‌نویس یونانی را اسپیوسیپوس Speusippus برادرزاده‌ی افلاطون و بعضی دیگر ارسطو شاگرد افلاطون دانسته‌اند. پس از یونانیان، نوبت دایرةالمعارف‌نویسی به رومیان رسید و معروف‌ترین دایرةالمعارف‌نگاران رومی، شخصی به نام مارکوس ترنتیوس‌وارو Terentius Varro Marcus (۱۱۶-۲۷ق.م.) و پلینی ارشد Pliny Elder - (۲۳-۷۹ق.م.) بودند. گفتنی‌ست که دایرةالمعارف لاتینی تدوین پلینی ارشد با کمک یک‌صد مؤلف در ۳۷ مجلد با بیست‌هزار شناسه (مدخل) تدوین شده بود و در تألیف آن از دوهزار منبع و مرجع مکتوب استفاده شده بود.

در عصرجدید، تدوین دایرةالمعارف‌های عمومی و تفصیلی به زبان‌های مختلف اروپایی، سرفصل دانش‌گستری شد. به زبان انگلیسی، دایرةالمعارف بریتانیکا Encyclopaedia Britannica اول‌بار در ۱۷۶۸ تدوین و در ۱۷۷۱ در سه جلد شامل۲۶۷۰ صفحه در اسکاتلند منتشر شد و به تدریج شمار مجلدات آن افزایش یافت تا به سی جلد رسید. پس از آن، دایرةالمعارف امریکانا اول‌بار در ۱۸۳۳ در ۱۳ مجلد در بوستون منتشر شد که اکنون سی‌جلد است. به زبان فرانسه، دایرةالمعارف فرانسه در ۲۱ جلد و لاروس بزرگ در ده جلد تدوین شد. اصحاب این دایرةالمعارف به زبان فرانسه، در فرهنگ‌سازی در سطح اروپا تأثیری چشم‌گیر از خویش برجای گذاشتند. به زبان روسی، دایرةالمعارف شوروی در ۵۳ جلد، در شمار دایرةالمعارف‌های عمومی بود. به زبان آلمانی هم دایرةالمعارف‌های بروکهاس و مایر و پاولی و به زبان ایتالیایی هم دایرةالمعارف ایتالیانا تدوین شده‌اند. خلاصه

هر کشوری سعی کرده است که یک دایرةالمعارف مناسب برای مردم خود داشته باشد و حتا ترکیه در سال‌های ۱۹۴۶تا ۱۹۸۴ و افغانستان هم در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۸، موفق به تدوین دایرةالمعارف ویژه‌ی خود شدند.

۲-۳-تاریخچه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری در ایران و اسلام

نهضت دایرةالمعارف‌نویسی در اروپا که در دو تا سه دهه‌ی پیش از انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ شکل گرفت، از نظر فکری و فرهنگی، زمینه‌ساز انقلاب فرانسه شد. در قرون اول اسلامی هم، نهضت ترجمه از متون یونانی و سریانی و پهلوی، زمینه‌ساز رشد تمدن اسلامی گردید. مهم‌تر آن‌که، در ایران هم متون چند دانشی و دایرةالمعارفی به زبان‌های پهلوی، عربی و فارسی وجود داشته است؛ برای مثال، مجموعه‌ی «دینکرت» (دایرةالمعارف دینی زرتشتی) در قرن سوم هجری برابر قرن نهم میلادی به زبان پهلوی شامل اطلاعات مربوط به قواعد و اصول، آداب و رسوم، روایات و تاریخ و ادبیات زرتشتی تألیف شد. دایرةالمعارف‌های عصر اسلامی هم-اگرچه به زبان عربی-اغلب به‌دست ایرانیان تدوین شده‌اند؛ از جمله «احصاءالعلوم» ابونصرفارابی و «مفاتیح‌العلوم» اثر ابوعبدالله‌محمدبن احمد بن یوسف خوارزمی که هر دو دایرةالمعارف عمومی‌اند. در زمینه‌ی دایرةالمعارف‌های تخصصی، «احسن‌التقاسیم» مقدسی در جغرافیا، «تجارب‌الامم» ابوعلی مسکویه و «الآثار الباقیه»ی ابوریحان بیرونی در تاریخ، «کافی» کلینی و «بحارالانوار» مجلسی در علم حدیث، «عیون‌الاخبار» ابن‌قتیبه‌ی دینوری در ادب و تاریخ، «فهرست» ابن‌ندیم و «کشف‌الظنون» حاجی‌خلیفه در کتاب‌شناسی، «جامع‌العلوم» فخر رازی، «رسائل» اخوان‌الصفا، «شفا» و «دانشنامه‌ی علایی» (فارسی) ابن‌سینا در علوم عقلی.

در خصوص دایرةالمعارف‌های عمومی، «احصاءالعلوم» تألیف ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ق.) در تقسیم و تعریف علوم و ذکر موضوعات هر علم، شاید اولین دایرةالمعارف عصر اسلامی است که در پنج فصل (زبان و ادبیات، منطق، ریاضیات، الهیات و علوم مدنی) تمام رشته‌های معارف بشری را دربرمی‌گیرد، بلکه اصلاً مغرب‌زمین مفهوم «دانشگاه» یعنی «جامعه» University را مدیون «احصاءالعلوم» فارابی است؛ هم‌چنان که« الآثار الباقیه» تألیف ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ق.) در حقیقت نخستین اثر ابتکاری در دایرةالمعارف‌نگاری با تکیه‌ی مخصوص بر گاه‌شماری و تاریخ همه‌ی ملل عالم یا تاریخ تاریخ است. دیگر از دایرةالمعارف‌های عصر اسلامی عبارتند از: «صبح‌الاعشی» قلقشندی، «مجموعه‌ی ورام» امیر ورام، «نهایه‌الادب» نویری، «محاضره‌الابرار» و «فتوحات مکیه» ابن‌عربی، «دره‌التاج» قطب‌الدین محمود شیرازی، «تعریفات» میر سید شریف جرجانی، «انموذج‌العلوم» جلال‌الدین دوانی، «نفایس‌الفنون» شمس‌الدین محمد آملی، «مدائن‌العلوم» استرآبادی و «مشکلات‌العلوم» ملامهدی نراقی.

از میان دایرةالمعارف‌های ایرانی (اگرچه به زبان عربی)، مهم‌تر از همه «مفاتیح‌العلوم» تألیف ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی (وفات۳۸۴هـ.ق./۹۹۴م.) معروف به خوارزمی دوم (در برابر ابوعبدالله محمدبن‌موسی خوارزمی، ریاضیدان مشهور) و نیز «کاتب» عتبی (وزیر امیر نوح سامانی) است که با طبقه‌بندی علوم و معارف بشری موجود، گامی بلند در تأسیس فن دایرةالمعارف‌نگاری در جهان برداشته است. خوارزمی علوم را آگاهانه به دو بخش عمده‌ی نقلی(منقول) و عقلی (معقول) تقسیم کرده است. بخش نخست(علوم نقلی) یا به اصطلاح امروز علوم انسانی، شامل فقه (در یازده باب)، حکمت و کلام (در هفت باب)، صرف، نحو، کتابت، شعر، عروض و اخبار (تاریخ)؛ و اما بخش مهم‌تر شامل علوم عقلی یعنی حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، شیمی (کیمیا) و مکانیک (حیل) است. بخش اخیر از جهت تاریخ علم مخصوصاً در رشته‌ی پزشکی، شیمی، مکانیک (علم‌الحیل)، ستاره‌شناسی و بالاخص ضبط بیش از دوهزاروچهارصد اصطلاح خاص علمی حائز اهمیت است و به همین دلیل فن ولوتن G.Van Vloten آن را در ۱۸۹۵ تصحیح و چاپ کرد.

اینک فهرستی از کتاب‌هایی که در طول تاریخ پس از اسلام به شکل مجموعه‌های چند دانشی تألیف شده است،

به سلسله‌مراتب تاریخی ذکر می‌شود:

۱- کتاب‌الحیوان، جاحظ(وفات۲۵۵ ق/ ۸۶۹ م)

۲- قسام‌العلوم، ابوزید احمد بن سهل بلخی(ح ۲۳۵-۳۲۲ ق/ ۸۴۹-۹۳۴ م)

۳- احصاءالعلوم، ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ق/۸۷۴-۹۵۰ م)

۴- جوامع‌العلوم، ابن‌فریغون (۳۲۷-۳۴۴ ق/ ۹۳۸-۹۵۵ م)

۵- مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، مسعودی (وفات۳۴۵ ق/۹۵۶ م)

۶- اخبارالزمان، از همان مؤلف

۷- ذخایرالعلوم (در زمین‌شناسی، جغرافیا، انسان‌شناسی، نجوم، مردم‌شناسی، تاریخ و فلسفه)، از همان مؤلف

۸- وصف‌العلوم و انواعها، ابوحاتم محمدبن حیّان بستی (وفات۳۴۵ ق/۹۶۵ م)

۹- مفاتیح‌العلوم (ساخته‌ی ۳۶۷-۳۸۱ ق/ ۹۷۹-۹۹۱ م)، تألیف خوارزمی که پیش از این به تفصیل از آن سخن گفتیم.

۱۰- الفهرست، ابن‌ندیم بغدادی(وفات۳۸۵ قا/۹۵۵ م)

۱۱- مراتب‌العلوم، ابن‌مسکویه‌رازی(۳۲-۴۲۱ ق/۹۳۷-۱۰۳۰ م)

۱۲- منازل‌العلوم، از همان مؤلف

۱۳- الشفا(در فلسفه)، ابن‌سینا بزرگ‌ترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایران(وفات۳۷۰-۴۲۸ ق/۹۸۰-۱۰۳۷ م)

۱۴- قانون(در طب)، از همان مؤلف

۱۵- تقاسیم‌الحکمه، از همان مؤلف

۱۶- الحدود و الحقایق، سیدمرتضی علم‌الهدی (وفات۴۳۶ ق/۱۰۴۴ م)

۱۷- ماللهند، ابوریحان بیرونی (وفات ۴۴۰ ق/۱۰۴۸م)

۱۸- کنزالفواید، کراجکی (وفات۴۴۹ ق/۱۰۵۷ م)

۱۹- جام جهان‌نما (ترجمه‌ی التحصیل ابن‌سینا)، بهمنیار مرزبان(شاگرد ابن‌سینا)

۲۰- مراتب العلوم و کیفیة طلبها، ابن حزم اندلسی (وفات ۴۵۶ ق / ۱۰۶۴ م)

۲۱- کیمیای سعادت (خلاصه‌ی احیاء علوم‌الدین)، غزالی (وفات۵۰۵ ق/۱۱۱۱ م)

۲۲- احیاءالعلوم، از همان مؤلف

۲۳- طبقات‌العلوم، ابیوردی (وفات۵۰۷ ق/۱۱۱۳ م)

۲۴- کتاب‌الفنون، ابوالوفای بغدادی (وفات۵۱۳ ق/ ۱۱۱۹ م)

۲۵- نزهت‌نامه (ساخته‌ی۵۰۶ ق/۱۱۱۲ م)، شه‌مردان رازی

۲۶- کنزالعلوم و الدّرالمنظوم، جمال‌الدین ملقب به المهدی (وفات۵۲۴ ق/۱۱۳۰ م)

۲۷- مفیدالعلوم و مبیدالهموم (ساخته در حدود۵۲۷ ق/ ۱۱۱۳ م)، ابوعبدالله قزوینی

۲۸- مجمع‌العلوم، نجم‌الدین نسفی سمرقندی (وفات ۵۳۷ ق/۱۱۴۲م)

۲۹- یواقیت‌العلوم (اتحاف به مظفرالدوله حاکم قزوین در گذشته‌ی ۵۷۳ ق/۱۱۷۷ م)

۳۰- الامالی من کل فن، زمخشری (وفات ۵۳۷ ق/ ۱۱۴۲ م)

۳۱- ربیع‌الابرار، از همان مؤلف

۳۲- قیدالاوابد، ابوعبدالله ازدی زاغولی (وفات ۵۵۹ ق/ ۱۱۶۴ م)

۳۳- انموذج‌العلوم، ابوبکربن خیر بلوی (وفات ۵۵۹ ق/ ۱۱۶۴ م)

۳۴- شمس‌العلوم و دواء کلام‌العرب من الکلوم، نشوان بن سعید حمیری یمنی (وفات ۵۷۳ ق/۱۱۷۷ م)

۳۵- المخزون‌المکنون فی عیون‌الفنون، ابن شهر آشوب مازندرانی (وفات۴۸۹-۵۸۸ ق/۱۱۰۶-۱۱۹۲ م)

۳۶- فرخ‌نامه‌ی جمالی (ساخته‌ی ۵۸۰ ق/۱۱۸۵ م)، جمالی یزدی

۳۷- مجموعه‌ی ورّام، امیرورّام مالکی‌اشتری (وفات ۶۰۵ ق/ ۱۲۰۸ م)

۳۸- جامع‌العلوم، فخرالدین رازی (وفات۶۰۶ ق/۱۲۱۰ م)

۳۹- مفتاح‌العلوم، سکاکی (وفات ۶۲۶ ق/۱۲۲۹ م)

۴۰- ینابیع‌العلوم (ساخته‌ی ۶۳۰ ق/۱۲۳۳ م)، احمدبن‌خلیل‌بن ساعده

۴۱- محاضره‌الابرار و مسامره‌الاخیار، ابن‌عربی (وفات ۶۳۸ ق/۱۲۴۰ م)

۴۲- اقسام‌الحکمه، خواجه‌نصیرالدین طوسی (وفات۶۷۲ ق/۱۲۷۳ م)

۴۳- عجایب‌نامه (جام گیتی‌نما) یا عجایب‌المخلوقات، محمدبن‌محمود طوسی (قرن هفتم)

۴۴- جامع‌العلوم، جلال‌الدین بخاری (وفات۶۶۸ ق/۱۲۶۸ م)

۴۵- تعریفات‌العلوم و موضوعاتها، قاضی بیضاوی (وفات ۶۸۵ ق/۱۲۸۶ م)

۴۶- مجمل‌الحکمه، سراج ارموی (وفات۶۸۲ ق/۱۲۸۲ م)

۴۷- لطایف‌الحکمه، از همان مؤلف

۴۸- اقالیم‌التعالیم، قاضی محمد خوئی(وفات۶۹۳ ق/۱۲۹۴ م)

۴۹- اشمل‌المنظوم فی مصنفی‌العلوم، سید غیاث‌الدین حلی (وفات۶۹۳ ق/۱۲۹۴ م)

۵۰- جامع‌الفنون و سلوه‌المحزون، نجم‌الدین احمد بن حمدان بن شبیب حرانی حلبی (وفات ۶۹۵ ق/۱۲۹۶م)

۵۱- نوادر الانوار (ساخته‌ی ۶۹۹ ق/۱۲۹۹م)، شمس‌الدین دنیسری

۵۲- دره‌التاج، قطب‌الدین شیرازی (وفات ۷۱۰ ق/۱۳۱۰ م)

۵۳- المجموع‌الرائق من ازهار الحدائق (ساخته‌ی ۷۰۳ق /۱۳۰۳ م)، سید هبه‌الله بن‌ابومحمد حسن موسوی

۵۴- مختصر الدّرالمکنون فی غرائب‌الفنون (ساخته‌ی ۷۰۳ ق/۱۳۰۳ م)

۵۵- الاسرار الخفیه فی العلوم العقلیه، علامه‌ی حلی (متوفی۷۲۶ ق/۱۳۲۶ م)

۵۶- نهایه‌الارب فی فنون الادب، شهاب‌الدین نویری (وفات حدود۷۳۳ ق/۱۳۳۳ م)

۵۷- تعدیل العلوم، عبیدالله بن مسعود صدرالشریعه محبوبی بخاری (وفات۷۴۷ ق/۱۳۴۶ م)

۵۸- مسالک‌الابصار فی ممالک الامصار، شهاب‌الدین‌احمد بن‌یحیی معروف به ابن‌فضل‌الله عمری (وفات ۷۴۸ ق/۱۳۴۷ م)

۵۹- نزهة‌القلوب (ساخته‌ی۷۴۰ق/۱۲۳۹ م)

۶۰- ارشاد القاصد، شمس‌الدین اکفانی (وفات ۷۴۹ ق / ۱۳۴۷ م)

۶۱- نفایس‌الفنون، شمس‌الدین آملی (وفات۷۵۳ ق /۱۳۵۲ م)

۶۲- شرح العیون، شرح رساله ابن زیدون، جمال‌الدین ابوعبدالله محمدبن‌محمد ابن نباته المصری (وفات ۷۶۸ ق /۱۳۶۷م)

۶۳- الدّر المنظوم فی بیان حصرالعلوم، احمدبن عمر بن هلال ربعی مالکی (وفات ۷۹۵ ق/۱۳۹۳ م)

۶۴- ریاض‌العلوم، ملا شکرالله طبیب شیروانی (قرن نهم)

۶۵- حیاة‌الحیوان، دمیری (وفات ۸۰۸ ق/۱۴۰۵م)

۶۶- مقدمه، ابن خلدون (وفات۸۰۸ ق)

۶۷- التعریفات، سیدشریف جرجانی (وفات۸۱۶ ق / ۱۴۱۳ م)

۶۸- صبح‌الاعشی فی صناعه الانشا، قلقشندی (وفات ۸۲۱ ق/ ۱۴۱۸م)

۶۹- فرائدالفواید فی فنون غیرواحد، احمدبن علی بلوی غرناطی (وفات حدود۸۳۰ ق/۱۴۲۷ م)

۷۰- عنوان الشرف الوافی فی علم الفقه و التاریخ و النحو و العروض و القوافی، شرف‌الدین ابومحمد اسماعیل بن ابی‌بکر شاوری یمنی شافعی معروف به ابن‌القمری (وفات۸۳۷ ق/۱۴۳۳ م)

۷۱- انموذج‌العلوم، محمدشاه چلبی (وفات۸۳۹ ق /۱۴۳۵م)

۷۲- مجمع‌الفرائد و منبع‌الفواید، تقی‌الدین ابوالعباس مقریزی (وفات۸۴۵ ق/۱۴۴۱م)

۷۳- المستطرف من کل فن مستظرف، ابشیهی، (وفات ۸۵۰ ق/۱۴۴۶م)

۷۴- دانشنامه جهان (ساخته‌ی۸۷۹ ق/۱۴۷۴م) غیاث‌الدین اصفهانی

۷۵- روضة العلوم و دوحة‌الفهوم، مولی سیدمحمد بن امیرحسن سعودی که آن را برای سلطان مرادخان (وفات ۸۵۵ ق/۱۴۵۱م) نوشته است.

۷۶- مصابیح‌الفهوم و مفاتیح‌العلوم، علی بن محمد

غزالی مشهور به ابن ابی قصیبه حسنی (حدود۸۷۸ ق /۱۴۷۳م)

۷۷- الدّرالمنظوم فی خلاصة‌العلوم، از همان مؤلف

۷۸- تحفة‌الخاقان (ساخته‌ی۸۸۱ ق/۱۴۷۶ م)، یوسف حلبی

۷۹- مدینة العلوم، مولی محمد قطب‌الدین ارنیقی (وفات ۸۸۵ ق/۱۴۸۰ م)

۸۰- موضوعات العلوم، مولی لطف‌الله توقانی معروف به مولانا لطفی (وفات۹۰۰ ق/۱۴۹۵ م)

۸۱- مجموعه، ابن ابی‌جمهور احسائی (زنده در۹۰۱ ق /۱۴۹۶ م)

۸۲- مجمع‌الغرائب و موضوع‌الرغائب، تقی‌الدین ابراهیم کفعمی (وفات۹۰۵ ق/۱۴۹۹ م)

۸۳- انموذج‌العلوم، جلال‌الدین دوانی (وفات ۹۰۷ق /۱۵۰۱ م)

۸۴- النقایه در ۱۴ علم، جلال‌الدین سیوطی (وفات ۹۱۱ق / ۱۵۰۵ م)

۸۵- الکنزالمدفون و الفلک المشحون، از همان مؤلف

۸۶- مقالیدالعلوم فی الحدود و الرسوم، از همان مؤلف

۸۷- انموذج الفنون، حبیب‌الله مشهور به میرزاجان شیرازی (وفات۹۴۰ ق/۱۵۳۳ م)

۸۸- انموذج العلوم، سیدامیرشاه طاهر بن رضی‌الدین حسینی کاشانی (وفات۹۵۲ ق/۱۵۴۵ م)

۸۹- انموذج العلوم الاسلامیه و اللغویه، عیسی صفوی (وفات ۹۵۳ ق/۱۵۴۳م)

۹۰- جواهرالعلوم همایونی (ساخته‌ی ۹۶۳ق/۱۵۵۶ م)، محمدفاضل سمرقندی باشاملوی (وفات ۹۵۷ ق/۱۵۵۰م)

۹۱- نقطه‌العلم، از همان مؤلف

۹۲- فهرست‌العلوم، از همان مؤلف

۹۳- اسامی العلوم و اصطلاحاتها (ساخته‌ی ۹۵۷ ق /۱۵۵۰م)، تقی‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی، از شاگردان میرصدرالدین دشتکی (شهید۹۰۳ ق)

۹۴- طلیعة‌العلوم، از همان مؤلف

۹۵- مفتاح‌السعاده و مصباح‌السیاده، طاشکبری‌زاده (وفات ۹۶۸ ق/۱۵۶۱ م)

۹۶- انموذج العلوم لذوی البصائر و الفهوم، شمس‌الدین محمدبن ابراهیم حلبی مشهور به ابن‌حنبلی (وفات۹۷۱ ق /۱۵۶۳ م)

۹۷- انموذج‌العلوم، فضل‌الدین محمد ترکه (وفات۹۹۱ ق /۱۵۸۳ م)

۹۸- انموذج‌العلوم، محمدبن‌علی مشهور به سپاهی‌زاده بروسی (وفات۹۹۷ ق/۱۵۸۹ م)

۹۹- مدینة‌العلوم، مصطفی بن خلیل (اوایل سده‌ی ۱۱ق / ۱۷م)

۱۰۰- ریاض‌الابرار (ساخته‌ی ۹۷۹ق/۱۵۷۱م) به اقتباس از جامع‌العلوم فخر رازی، حسین عقیلی رستمداری

۱۰۱- سلّم‌السماوات، ابوالقاسم بن ابی‌حامد انصاری کازرونی متخلص به قاسمی (زنده در ۱۰۱۴ق/۱۰۶۵ م)

۱۰۲- دانشنامه‌ی شاهی، محمدامین استرآبادی (وفات ۱۰۳۶ق/ ۱۶۲۷م)

۱۰۳- زبده‌التصانیف (ساخته‌ی ۱۰۳۸ق/۱۶۲۹م)، مولی حیدر بن محمد خوانساری که آن را به شاه‌عباس صفوی یکم اتحاف کرده است.

۱۰۴- گنج بادآورد صاحبقرانی، میرزا امان الله کابلی شیرازی (وفات۱۰۴۶ ق/۱۶۳۶ م)

۱۰۵- انموذج‌العلوم، شیخ شمس‌الدین محمد بن شهاب‌الدین ابن خاتون عاملی عینانی (وفات ۱۰۰۹ ق /۱۶۰۰ م)

۱۰۶- الاثنی‌عشریه فی مشکلات العلوم الاثنی‌عشر (ساخته در ۱۰۱۵ ق/۱۶۰۶ م)، عبدالکاظم بن عبدعلی گیلانی تنکابنی

۱۰۷- انموذج العلوم، قاضی نورالله شوشتری (شهادت ۱۰۱۹ ق/۱۶۱۰م)

۱۰۸- انموذج العلوم، میرداماد(وفات۱۰۴۱ ق/۱۶۳۱م)

۱۰۹- فهرست‌العلوم، حافظ‌الدین محمد عجمی (وفات۱۰۵۵ ق/۱۶۴۵ م)

۱۱۰- شاهد صادق، محمدصادق اصفهانی (وفات ۱۰۶۱ق/۱۶۵۰م)

۱۱۱- انموذج‌العلوم، سلطان‌العلما مشهور به خلیفه سلطان مرعشی (وفات۱۰۶۴ق/۱۶۵۴م)

۱۱۲- کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه (وفات ۱۰۶۸ ق/۱۶۵۸م)

۱۱۳- کلیات، ابوالبقا حسینی کفوی حنفی (وفات ۱۰۵۹ ق / ۱۶۸۰م)

۱۱۴- فهرست‌العلوم، ملامحسن فیض کاشانی (وفات ۱۰۹۱ ق/۱۶۸۰م)

۱۱۵- تیجان‌العنوان، رشیدی مغربی (وفات ۱۰۹۶ ق / ۱۶۸۰م)

۱۱۶- عقول عشره، محمد براری متخلص به امّی (قرن یازدهم هجری)، چاپ۱۳۱۷ ق در بمبئی شامل علوم نجوم، اسطرلاب، رمل، جغرافیا، تاریخ، کتاب‌شناسی، ادب، شعر، خط، کتابت، اخلاق، فقه، پزشکی و...

۱۱۷- انموذج‌العلوم، معزالدین حکیم مشهدی خراسانی (زنده‌ی ۱۰۹۷ ق/۱۶۸۶م)

۱۱۸- انموذج‌العلوم (رساله الانموذج)، محمدبن حسن شیروانی (وفات۱۰۹۹ ق/۱۶۸۸م)

۱۱۹- السفینه (ساخته‌ی حدود ۱۱۰۰ق/۱۶۹۹م)، سیدمیرزا ابوطالب اصفهانی سبط میرفندرسکی

۱۲۰- بحارالانوار، ملامحمدباقر مجلسی (وفات ۱۱۱۱ق / ۱۶۹۹م)

۱۲۱- نوادر علوم، محمدصالح قزوینی (معاصر مجلسی)

۱۲۲- بهارستان علوم، محمدتقی طالقانی (معاصره شاه سلطان حسین صفوی)

۱۲۳- رشحات الفنون، امین‌الدین هروی (۱۱۲۳ ق /۱۷۱۱م)

۱۲۴- جنات‌الفردوس(العلوم) فی اصطلاحات العلوم و تعریفاتها، خزانه الخیال، دوکتاب از محمدمؤمن بن محمدقاسم شیرازی جزائری (زنده ۱۱۳۰ ق/۱۷۱۸م)

۱۲۵- تذکره‌ی عنوان‌الشرف، فرج‌الله بن محمد بن درویش حویزی (وفات ۱۱۴۸ ق/۱۷۳۵م) در نحو، منطق، عروض، فقه، انشاء، تاریخ به شیوه‌ی کتابِ عنوان الشرف.

۱۲۶- ترتیب‌العلوم، محمدبن‌ابی‌بکر مرعشی مشهور به سیچاقلی‌زاده (وفات ۱۱۵۰ ق/۱۷۳۷م)

۱۲۷- کشاف اصطلاحات الفنون، محمد بن اعلی بن علی تهانوی (وفات۱۱۵۸ ق/۱۷۴۵م)

۱۲۸- العوالم (جامع‌العلوم و المعارف)، عبدالله بن نورالدین بحرانی (وفات۱۱۷۳ق/۱۷۶۰م) از شاگردان علامه مجلسی

۱۲۹- سفینه‌ی نوح، شرف‌الدین محمد بن مکی (زنده‌ی ۱۱۷۸ ق/۱۷۶۴م) از نوادگان شهید اول محمد بن مکی

۱۳۰- مقسم‌العلوم، اسماعیل بن مصطفی عاکف بن بیرام (وفات۱۱۹۲ ق/۱۷۷۸م)

۱۳۱- خلاصه‌العلوم، میرزامحمد کرمانی(حدود۱۱۹۳ ق/۱۷۷۹م)

۱۳۲- المسائل الجبلیه، سیدعلی بروجردی (فقیه قرن ۱۲ ق) شامل ۷۰ مسأله در علوم عقلی و نقلی

۱۳۳- جامع‌الشتات (کشکول)، سیدمحمد بن علی بن ابراهیم آل ابی‌شبابه بحرانی

۱۳۴- مشکلات‌العلوم، ملامهدی نراقی (وفات ۱۲۰۹ ق/۱۷۹۴م)

۱۳۵- خلاصة‌العلوم، محمد تقی بن کاظم «مظفر علیشاه» کرمانی (وفات۱۲۱۵ ق/۱۸۰۰م)

۱۳۶- ریاض‌الجنه، زنوزی (وفات۱۲۱۸ ق/۱۸۰۳م)

۱۳۷- دوائرالعلوم و جداول‌الرسوم، میرزامحمد اخباری (وفات۱۲۳۲ ق/۱۸۱۷م)

۱۳۸- الصدف‌المشحون بانواع‌العلوم و الفنون، محمدشریف بن‌رضا شیروانی تبریزی، معروف به شریف (متوفی ۱۲۴۸ ق/۱۸۳۲م)

۱۳۹- حقایق‌العلوم، ابراهیم بن‌عبدالجلیل وزیر تبریزی (زنده‌ی ۱۲۵۱ق/۱۸۳۵م)

۱۴۰- مجمع‌الفنون و مطلع‌العلوم یا مطلع‌الفنون و مجمع‌العلوم، سیدمحمد واحد علیخان بن نواب حکیم اصفهانی مشهدی بنگالی (تألیف ۱۲۶۲ ق/۱۸۴۶م)

۱۴۱- اعمال‌العلوم، مولی محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی تهرانی (وفات۱۲۶۳ ق/۱۸۴۷م)

۱۴۲- مدائن‌العلوم، از همان مؤلف

۱۴۳- مجموع من مهمات‌المتون‌المستعمله من غالب خواص‌الفنون (چاپ۱۲۷۲ ق/۱۸۵۶م)

۱۴۴- دستورالعلما، قاضی عبدالنبی احمد نگری هندی (وفات۱۲۷۳ ق/۱۸۵۷م)

۱۴۵- مجموع‌الادب فی فنون‌العرب، شیخ ناصیف یازجی (وفات۱۲۹۶ ق/۱۸۷۹م)

۱۴۶- حبک‌النجوم فی تعریفات‌العلوم، عبداللطیف داغستانی (وفات۱۲۹۷ ق)
۱۴۷- مجموعه‌العلوم، محمدکاظم بن محمدباقر خراسانی (قرن۱۳ یا ۱۴ق/۱۹ یا ۲۰م)
۱۴۸- مدینه‌العلوم، سیدمحمدرضا موسوی شیرازی (وفات۱۳۰۰ ق/۱۸۸۳م)
۱۴۹- زبده‌الصحائف فی اصول‌المعارف، نوفل افندی طرابلسی (وفات۱۳۰۵ ق/۱۸۸۷ م)
۱۵۰- ابجدیه‌العلم، صدیق حسن‌خان امیر بهوبل (وفات۱۳۰۷ ق/۱۸۸۹م)
۱۵۱- رساله فی اجزاءالعلوم، ابوعبدالله بن ابوالقاسم موسوی زنجانی (وفات۱۳۱۳ ق/۱۸۹۵م)
۱۵۲- جام‌جم فی آثارالعجم، ملاحسین واعظ بن مولی محمد جمی (وفات۱۳۱۹ ق/۱۹۰۱م)
۱۵۳- ابواب‌العلوم، محمدهادی بن محمدامین طهرانی (وفات۱۳۲۱ ق/۱۹۰۳م)
۱۵۴- التذکره فی‌العلوم الاربعه عشر، مولی‌باقر بن غلام‌علی شوشتری نجفی (وفات۱۳۲۷ ق/۱۹۰۹م)
۱۵۵- کنزالادیب فی کل فن عجیب، احمد بن درویش علی‌بن‌حسین بغدادی‌حائری(وفات۱۳۲۷ ق)
۱۵۶- مجموعه‌العلوم، نظام‌الدین مرتضی بن حسن شیخ‌الاسلام عاملی کاظمی (وفات۱۳۳۶ ق/۱۹۱۸م)
۱۵۷- دایرة‌المعارف، عبدالحسین ملک‌المورخین سپهر (وفات ۱۳۵۱ق/۱۹۳۲م)
۱۵۸- اصطلاحات‌العلوم، شیخ اسدالله‌امین‌الواعظین دزفولی (وفات۱۳۵۳ ق/۱۹۳۴م)
۱۵۹- تأسیس‌الشیعه، سیدحسن صدر (وفات ۱۳۵۴ق /۱۹۳۵م)
۱۶۰- فنون‌الاسلام، از همان مؤلف
۱۶۱- انموذج‌العلوم، ابوالقاسم بن محمدرضا تبریزی طباطبایی(وفات۱۳۶۲ ق/۱۹۴۳م)
۱۶۲- تراث‌الانسانیه، مؤسسه‌المصریه‌العامه.
۱۶۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی (۱۳۸۹ ق/۱۹۶۹م)
۱۶۴- اصطلاحات‌العلوم، دکترحسین‌علی محفوظ
۱۶۵- دایرة‌المعارف قرن عشرین، فرید وجدی
۱۶۶- دایرة‌المعارف، بستانی
۱۶۷- مجموعه‌ی ابن‌امین (بر سیاق مجموعه‌ی ورّام)، سیدعلینقی امین (۱۲۹۷-۱۳۷۹ش)
۱۶۸- نوادرالکلام فی وقایع‌الایام، از همان مؤلف
۱۶۹- آثارالشیعه‌الامامیه(عربی)، عبدالعزیز جواهرکلام
۱۷۰- دایرة‌المعارف اسلامیه (فارسی)، عبدالعزیز جواهرکلام
۱۷۱- دایرة‌المعارف اعلمی و...

دانشنامه‌ها و مجموعه‌های دایرة‌المعارف‌وار یادشده در بالا بیش‌تر بر سنت و رویّت قدمایی و توسط عالمان دینی مسلمان تألیف و تدوین شده است. در مقابل این میراث کهن مکتوب، تلاش‌هایی نیز تحت تأثیر نهضت دایرة‌المعارف‌نگاری‌اروپایی در ایران آغاز شده است که اشاره به آن‌ها نیز در این مقدمه واجب است.

۲-۴-دایرة‌المعارف‌نگاری در عصر جدید در ایران

۲-۴-۱- کارهای آغازشده و ناتمام

در دوران ناصرالدین‌شاه، در وزارت انطباعات که زیرنظر محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه اداره می‌شد، یک «مجمع دارالتألیف‌نامه‌ی دانشوران» زیرنظر علی‌قلی‌میرزا اعتضادالسلطنه (وزیرعلوم) - جدّ مادری دوست دانشمند ما مهندس علیقلی بیانی - تأسیس شده بود که با کمک تعدادی از دانشمندان به تهیه و تدوین دایرة‌المعارف فارسی «نامه‌ی دانشوران» دست زد و چهار مجلد آن منتشر شد.

چندین دهه‌ی بعد، در سال‌های پایانی قاجاریان، میرزا عبدالحسین‌خان سپهر کاشانی ملقب به ملک‌المورخین (وفات ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۲ م)، کتابی با عنوان «دایرة‌المعارف» در پنج مجلد که لغت‌نامه‌یی شامل واژگان علمی، فنی، تاریخی، ادبی و علوم انسانی بود، تألیف کرد که گویا به دلیل نبودن حمایت مالی به چاپ نرسیده باشد. به هر حال، پس از آن، اقدام رسمی دیگری برای تدوین دایرة‌المعارف از سوی دولت ایران به عمل نیامد، تا آن‌که پس از تحولات فرهنگی و دیوانی و انقراض سلسله‌ی قاجار و تشکیل موسساتی هم‌چون کمیسیون معارف، فرهنگستان، شورای عالی فرهنگ، شورای عالی تبلیغات، دانشگاه تهران و امثال آن‌ها در عهد رضاشاه پهلوی،

عقلای قوم به فکر تدوین یک دایره المعارف فارسی افتادند. در نهایت در حدود سال ۱۳۱۵، وزارت فرهنگ با زنده‌یاد استاد سعید نفیسی (وفات ۱۳۴۵) قراردادی بست که دایره المعارفی شامل لغات فارسی و اعلام ایرانی و خارجی تهیه کند که فقط مجلد اول آن با نام «فرهنگ‌نامه‌ی فارسی» از طرف وزارت فرهنگ در ۱۳۱۹ منتشر شد. در همان اوان، محمدعلی خلیلی نیز به ترجمه‌ی «دایره المعارف اسلام» دست زد که تنها مجلد نخستین آن در سال ۱۳۱۸ ش. چاپ شد و چاپ مجلدهای بعدی آن پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ در محاق تعطیل افتاد.

سید حسن تقی‌زاده که ادوار زندگی سیاسی و فرهنگی‌اش باید بخش‌بندی شود و برای خدمات او حسابی جداگانه از خیانت‌هایش باز شود، مدت‌ها بود که ترجمه‌ی «دایرةالمعارف اسلام» چاپ لیدن را توصیه می‌کرد و عاقبت در دهه‌ی ۱۳۴۰ بنگاه ترجمه و نشر کتاب به فکر ترجمه‌ی «دایره المعارف اسلام» به فارسی افتاد و «دانشنامه‌ی ایران و اسلام» را با افزودن مقالات تازه در ۱۳۴۸ فقط در حرف‌های (آ و الف) منتشر کرد. به همین دلیل، پس از انقلاب اسلامی که به تکمیل دایرةالمعارف مزبور تصمیم گرفتند، «دانشنامه‌ی جهان اسلام» زیر نظر ریاست‌جمهوری وقت به عنوان دنباله‌ی آن «دانشنامه» از حرف ب ادامه یافت که اکنون هم‌چنان ادامه دارد و فعلاً چهارده مجلد آن تا حرف (د) منتشر شده است.

۲-۴-۲- کارهای به پایان رسیده

از میان دانشنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌هایی که به روش جدید در هفتاد ساله‌ی اخیر در ایران تدوین و چاپ شده است، تنها چند اثر زیر به پایان رسیده است:

۲-۴-۲-۱- لغت‌نامه‌ی دهخدا

زنده‌یاد علامه علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴) در دربه‌دری‌هایش در طول جنگ جهانی اول، طرح بزرگ‌ترین فرهنگ‌نامه‌ی فارسی یعنی «لغت‌نامه» و «امثال و حکم» را ریخت. مجلد اول «لغت‌نامه» (مدخل‌های آ - ابوریحان) هم در ۴۶۸ صفحه در ۱۳۱۹ به چاپ رسید. سرانجام طرح تدوین و تکمیل «لغت‌نامه‌ی دهخدا» با تصویب مجلس شورای ملی در ۱۳۲۴ تعقیب شد.

سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا با همکاری و یاری تعدادی از استادان از جمله دکتر محمد معین، دکتر سید جعفر شهیدی و گروهی از کارمندان مجرب که تعداد آنان نزدیک به صد نفر می‌رسید، این خدمت را در ۱۳۵۹ در بیست و شش هزار و پانصد صفحه شامل دویست هزار مدخل لغوی و هشتاد هزار اعلام تاریخی و جغرافیایی و تعدادی مفاهیم و اصطلاحات به پایان رسانید. اما متاسفانه توزیع عادلانه و منصفانه در رشته‌های مختلف اصلاً و ابداً در این مرجع مهم رعایت نشده است و در همان رشته‌های ادبی و تاریخی و علوم انسانی هم که موضوع عمده‌ی اهتمام نویسندگان «لغت‌نامه» است، باز در مدخل‌های مختلف رعایت انصاف در طولانی‌بودن یا کوتاه‌بودن مدخل نشده است.

برای نمونه، مدخل اسکندر صد صفحه، ولی مدخل شبه‌قاره‌ی هند - به‌رغم اشتراک و تعامل فرهنگ ایران و هند و رواج زبان پارسی در هند - فقط یک صفحه است؛ در حالی‌که امروز موضوع «زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره» خود موضوع دانشنامه‌ی ویژه‌یی‌ست که مجلد اول آن حاوی حرف (الف) در ۷۳۹ صفحه در ۱۳۸۴ چاپ شده است. باز در لغت‌نامه می‌بینیم که مدخل شاه‌اسماعیل صفوی - به‌رغم تاثیر عظیمی که تاسیس دولت صفوی در تاریخ ایران دارد - فقط چند صفحه است و یا آن‌که مدخل عباس‌میرزا نایب‌السلطنه - به‌رغم تاثیر او در پهنه‌های مختلف نظامی، سیاسی و تجددطلبی - فقط چند سطر است.

۲-۴-۲-۲- دایرةالمعارف فارسی

وقتی که نقایص و معایب جزوه‌های «لغت‌نامه‌ی دهخدا» که بخشی از آن منتشر شده بود، معلوم شد، در ۱۳۳۳ موسسه‌ی انتشارات فرانکلین به ترجمه‌ی دایرةالمعارف کوچک کلمبیا - معروف به دایرةالمعارف کلمبیا - وایکینگ Columbia Viking Encyclopaedia که تلخیص دایرةالمعارف کلمبیا است، زیر نظر دکتر

غلامحسین مصاحب (ریاضیدان و منطق‌دان نامدار) پرداخت. این دایرةالمعارف به حقیقت نخستین دایرةالمعارف فارسی به معنی درست این کلمه است که به اسلوب جهانی تهیه و تدوین شده است.

طرح اولیه‌ی کار، فقط ترجمه‌ی دایره المعارف یک جلدی کلمبیا - وایکینگ بود، اما بعد با حذف بعضی مدخل‌ها و افزودن بعضی مدخل‌های مرتبط با ایران، به صورت یک دایره المعارف بالنسبه جدیدی درآمد و در نتیجه جنبه‌ی تألیف بر ترجمه غالب شد و سرانجام جلد اول آن همراه یک مقدمه‌ی عالمانه (در ۸۱ صفحه) در ۱۳۴۵ منتشر شد.

همکاران عمده‌ی این دایرةالمعارف (علاوه بر هیأت علمی مانند احمد آرام، مصطفی مقربی و دیگران)، عبارت بودند از: عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب خویی، محمد معین، حسین گل‌گلاب، محمد پروین گنابادی، مهندس علیقلی بیانی، دکتر مهدی حائری یزدی، دکتر مهدی محقق، دکتر احسان یارشاطر، دکتر محمدجعفر محجوب، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و ایرج افشار. عیب عمده‌ی دایره المعارف مصاحب، ضعیف‌بودن آن در مقالات اسلامی (مانند شرح احوال امامان شیعه) از یک سو و روزآمد نبودن آن در اوضاع کنونی (یعنی چهل سال پس از چاپ مجلد اول آن) است. به علاوه، این منبع بسیار مهم نیز خالی از اشتباهات نیست، مثل این‌که مترجم کتاب «حاجی‌بابا» شیخ احمد روحی (ذیل «احمد روحی») آمده است و حال آن‌که مترجم آن میرزا حبیب اصفهانی است؛ اما به راستی ورود بعضی اشتباه‌ها و نقص‌های محدود به این اثر عظیم، به هیچ‌وجه از اهمیت آن که به حقیقت همانند چاپ نهایی «لغت‌نامه»ی علی‌اکبر دهخدا و «فرهنگ فارسی» دکتر محمد معین از خدمت‌های ارزشمند فرهنگی عصر پهلوی دوم است، نمی‌کاهد. چه در تدوین این اثر، وسواس علمی و روش علمی رعایت شده و معارف بشری منصفانه و بی‌غرضانه به شیوه‌یی متناسب و متجانس با اعتدال اخلاقی و امانت علمی به پارسی تدوین گردیده است. این دایرةالمعارف فارسی، امروز محتاج تجدید چاپ است.

چند سال پیش آقای کامران فانی (از کتاب‌شناسان قدر اول ایران که من مدتی سعادت همکاری با ایشان را در «دایرةالمعارف تشیع» داشتم)، در صدد روزآمد کردن این دایرةالمعارف برآمده بودند که پس از برآورد معلوم شد باید بیش از چهارهزار مدخل برای آن نوشته یا بازنویسی شود تا روزآمد شود.

۲-۴-۲-۲-۳- دانشنامه‌ی نوجوانان

در همان اوان، باز مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، دانشنامه‌ی دیگر از مجموعه برتاموریس پارکر را که مخصوص نوجوانان بود، از انگلیسی به فارسی ترجمه و در تیراژی اندک منتشر ساخت که به‌دلیل کمبود و نقص اطلاعات آن راجع به ایران و اسلام، عمومیتی نیافت و اکنون «فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان» با همت مدیران شورای کتاب کودک، زیر نظر خانم‌ها توران میرهادی، ایران گرگین و نوش‌آفرین انصاری، جبران آن نقصان را کرده است.

۲-۴-۲-۲- ایران‌شهر

کمیته‌ی ملی یونسکو، دایره المعارف‌گونه‌یی تخصصی در ایران‌شناسی با عنوان «ایران‌شهر» را در ۱۳۴۵ در دو مجلد منتشر کرد. در این خدمت هم علی‌اصغر حکمت که در آن زمان مغضوب حاکمیت وقت بود، بسیار مؤثر بود.

۲-۴-۳- دانشنامه‌های در دست تدوین

خوشبختانه در بیست و چند ساله‌ی اخیر، نهضت دایرةالمعارف‌نگاری در ایران آغاز شده است و چندین دایرةالمعارف بزرگ از جمله «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، «دانشنامه‌ی جهان اسلام»، «دایرةالمعارف تشیع» و ده‌ها دایرةالمعارف دیگر در داخل کشور به فارسی و «دانشنامه‌ی ایرانی» (ایرانیکا) به انگلیسی در خارج از کشور در دست تهیه و تدوین است؛ اما هیچ یک از آن دایرةالمعارف‌ها به موضوع تاریخ تمدن بشری به تفصیلی که در دانشنامه‌ی حاضر آمده است، نمی‌پردازد. اهمیت عمده‌ی دایرةالمعارف حاضر در این است که چون به سلسله مراتب تاریخی و سنوی پیش می‌رود، به خواننده فرصت می‌دهد که درجه‌ی رشد تمدن‌ها را در چهار گوشه‌ی جهان

در زمان واحد و در قیاس شرق، غرب، شمال و جنوب دنبال کند.

اکثر دایرةالمعارف‌های جهان، مدخل‌های خود را به ترتیب الفبایی تنظیم و تدوین می‌کنند، اما در دانشنامه‌های تاریخی آن هم در دانشنامه‌یی که مرتبط با تاریخ تمدن بشری از آغاز تا امروز در همه‌ی حوزه‌های تمدنی بشر از غرب و شرق و شمال و جنوب است، رعایت سلسله مراتب تاریخی / سنوی، کاملاً موجه است و بر ترتیب الفبایی رجحان دارد؛ چنان‌که حتا لسان‌الملک سپهر هم، «ناسخ‌التواریخ» خود را از «هبوط آدم الی زماننا (یعنی زمانه) هذا» به ترتیب سنوی تنظیم کرده است.

۴- موضوع دانشنامه‌ی حاضر: تاریخ جهان

موضوع دانشنامه‌ی حاضر، پیشینه‌ی حیات بشر بر روی کره‌ی زمین و تاریخ عمومی جهان (و نه تاریخ ویژه‌ی ایران و اسلام) است؛ یعنی سرگذشت همه‌ی جهانیان در سراسر جهان در تمام موارد و مواقف. ارزش این تألیف در وسعت و گستردگی موضوعی آن است، زیرا نه تنها تاریخ سیاسی، نظامی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی بلکه هم‌چنین تاریخ هنر، ادبیات، علم و فن‌آوری نیز در آن رصد شده و مورد بحث قرار گرفته است.

در سطح جهانی، قدیمی‌ترین تاریخ مدون بشری در دو هزار و پانصد سال پیش در چین تألیف شد. در سطح ایران و اسلام، کارهای متعدد و متنوعی در زمینه‌ی تاریخ عمومی و تفصیلی جهان شده است که درخشان‌ترین آن‌ها تاریخ طبری اثر محمد بن جریر طبری (وفات ۳۱۰ ق. برابر ۸۲۳ میلادی) است که اهل طبرستان بود و مقدمات علوم را در آمل فراگرفت و دانش خود را در ری تکمیل کرد و سپس به بلاد عرب رفت و سرانجام تاریخ جهانی خود را در یکصد و پنجاه مجلّد به عربی تألیف کرد که تنها پانزده جلد آن باقی مانده است و بقیه‌ی آن به احتمال قوی در زمان حمله‌ی مغول نابوده شده است. متن این تاریخ را به جهت اهمیت ویژه‌ی آن شرق‌شناسان اول بار در سال ۱۸۷۶ در لیدن و سپس در قاهره منتشر کردند. این تاریخ که نخست توسط یوهانس لودو ویکاکو زگارتن به لاتین و توسط زوتنبرگ به فرانسه و بعدها به زبان‌های دیگر (از جمله پارسی) ترجمه شد، تاریخ جهان را از آغاز «هبوط آدم به زمین» (براساس روایات اسراییلی) تا سال ۳۰۲ هجری قمری برابر ۹۱۳ میلادی به ترتیب منظم سنوی سال به سال گزارش می کند. تاریخ ابن خلدون تونسی نیز تاریخ جهانی و عمومی است و «مقدمه»ی معروف آن‌که به اکثر زبان‌های معتبر جهان از جمله فرانسه و انگلیسی ترجمه شده است، از منظر فلسفه‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی اعتبار بسیار دارد.

در عصر جدید، تاریخ‌دانان اروپایی نیز کتاب‌های معتبر و ارزشمندی در زمینه‌ی تاریخ جهان تألیف کرده‌اند که اغلب به فارسی هم ترجمه شده است و از جمله:

الف. مشهورتر از همه «تاریخ تمدن» ویل دورانت است که در یازده مجلد به این مهم می‌پردازد:

۱- مشرق زمین، گاهواره‌ی تمدن؛ ۲- یونان باستان؛ ۳- قیصر و مسیح؛ ۴- عصر ایمان؛ ۵- رنسانس؛ ۶- اصلاح دین؛ ۷- آغاز عصر خرد؛ ۸- لویی چهاردهم؛ ۹- عصر ولتر؛ ۱۰- روسو و انقلاب و ۱۱- عصر ناپلئون.

ب. هم‌چنین کتاب دایرةالمعارف‌گونه‌ی ارزشمند دیگری با عنوان «کلیات تاریخ» که دورنمایی از تاریخ زندگی آدمی از آغاز تا ۱۹۶۰ میلادی‌ست، تألیف هربرت جرج ولز (با تجدید نظر ریموند پوستگیت) در دو مجلد (به ترجمه‌ی فارسی مسعود رجب‌نیا) در دسترس است که علاوه بر تنظیم جدول وقایع مهم تاریخی (از ۸۰۰ پیش از میلاد تا ۱۹۴۵ میلادی)، روشمندانه ادوار تاریخ بشری را به شرح زیر بررسی کرده است:

۱- جهان پیش از پیدایش آدمیان

۲- پیدایش انسان: ریشه و تبار آدمیان (انسان‌نماها، انسان نئاندرتال یا نژاد برافتاده‌ی اواسط کهنه‌سنگی، نخستین انسان‌های همانند ما در عصر پارینه سنگی اخیر، انسان دوران نوسنگی)

۳- نخستین تمدن‌ها (سومریان، سارگن اول، حمورابی، آشوریان، مصر، چین و...)

۴- یهودیه، یونان، آریاییان، یونانیان و ایرانیان (با تکیه بر مردم آریایی زبان، فلسفه‌ی یونان باستان و فتوحات اسکندر، پدید آمدن آیین بودا)

۵- امپراطوری روم

۶- مسیحیت و اسلام

۷- امپراطوری مغول

۸- قدرت‌های بزرگ غربی (هلند، انگلستان، آلمان، آمریکا، فرانسه) از آغاز تا پایان جنگ جهانی دوم.

ج. «فرهنگ تاریخ جهان» نیز پیش از این توسط احمد تدین و شهین احمدی از انگلیسی به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات آگاه در دو مجلد منتشر شده است که ما برای پرهیز از خلط این دو، عنوان مجموعه‌ی حاضر را «دانشنامه‌ی تاریخ جهان» گذاشته‌ایم.

۵- برای رفع نقص دانشنامه‌های غربی

کاستی عمده‌ی این دانشنامه‌ها و فرهنگ‌ها در این است که نویسندگان غربی آن‌ها با غرب‌محوری، بیش و کم تنها به ذکر آن دسته از رویدادهای تاریخی پرداخته‌اند که به نحوی با تاریخ غرب ربط پیدا کند و به همین دلیل، بسیاری از رخدادهای سرنوشت‌ساز و تاثیرگذار در قاره‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را در منابع دایره المعارفی خود نیاورده‌اند؛ در حالی که آن‌چه برای ما ایرانیان از جهت تاریخ حائز اهمیت است، سیر تمدن فرهنگ، فلسفه، حقوق و ادب در حوزه‌ی تمدنی ایران است.

چون مسایل تاریخی، فرهنگی و تمدنی ایران و اسلام، در دانشنامه‌های غربی که با تکیه بر مراجع غربی و برای خوانندگان غربی تهیه و تدوین شده است، مهجور و مظلوم واقع شده است، از باب جبر کسر یا جبران مافات، در این مقدمه به اختصار به آن اشاره می کنیم.

پیشینه‌ی حیات بشر بر روی زمین را به دو دوره‌ی پیش از تاریخ و دوران تاریخی باید تقسیم کرد. عمر زمین بیش از ۴۵۰۰ میلیون سال است و نخستین آثار حیات بر روی زمین به ۳۵۰۰ میلیون سال می‌رسد، در حالی که عمر اجداد اولیه‌ی انسان‌نماها از هفت میلیون سال درنمی‌گذرد و رد پای اولین انسان‌نماها متعلق به ۳/۵ میلیون سال پیش است. اولین عصر تمدنی عصر حجر است و بعد از آن عصر فلزات. از جهت پیشرفت اقتصادی و شهرنشینی هم، در آغاز اقتصاد بشر بر محور شکار و شبانی بود، سپس به کشاورزی بدوی رسید. تمام این ادوار مربوط به پیش از تاریخ است؛ در حالی که دوره‌ی تاریخی که با اختراع خط و تدوین تاریخ شروع می‌شود، دو هزار و چند صد سال بیش‌تر سابقه ندارد.

اگر از تاریخ جهان بگذریم، تاریخ چند هزار ساله‌ی اخیر ایران هم، به دو دوره تقسیم می‌شود:

الف) دوره‌ی قبل از اسلام؛

ب) دوره‌ی بعد از اسلام

۵-۱- دوره‌ی پیش از اسلام

مرزهای ایران در عهد باستان، از کاشغر در غرب چین امروز تا حلب در شمال سوریه‌ی امروز گسترده بوده است. شاهنشاهی هخامنشی بزرگ‌ترین امپراطوری دنیای باستان - حتا مصر را هم در برداشته است. هم‌چنان که ما در دانشنامه‌ی سه جلدی «تاریخ حقوق ایران» به تفصیل فصیل نوشته‌ایم، نظامات تمدنی، حقوقی، قضایی و اداری در ایران پیش از اسلام سابقه‌یی درخشان داشته است. ایران قبل از اسلام دارای نظام‌های مدنی، حکومتی، حقوقی، قوانین اخلاقی و تشکیلات اجتماعی و اصول اعتقادی و سنت‌های فرهنگی خاص خود بوده است.

در مطالعه‌ی تطور سیر تمدن در ایران باستان، نخست، باید به کشفیات باستان‌شناختی نقب زد و زندگی فردی و جمعی یا اعتقادات و باورهای باشندگان این خاک را از روی آثار تمدنی آن روزگار به قراین حدس و تخمین زد. با رشد تمدنی بیش‌تر، نگارگری و ترسیم نقوش و اشکال بر روی سنگ‌ها و ابزار و آلات و نیز ساخت و سازهای عمومی و خصوصی، نشانه‌هایی از اندیشه‌های قدیم مردم فلات ایران به ما ارایه می‌دهد. در مرحله‌ی بعد، با اختراع خط، سنگ‌نبشته‌ها و کتیبه‌ها، معرف فرهنگ و فلسفه‌ی اقوام این حوزه‌ی تمدنی‌اند و در نهایت، استفاده از اسناد و ارقام نوشته بر الواح گلین یا پوست و انواع کاغذ، در تدوین تاریخ تمدن، دین، حقوق، معارف، دانش، هنر و صنعت کمک می‌کند.

از جهت نظامات اداری و حقوقی و سیاسی هم تاریخ ایران را باید نسبت به دو بخش: پیش از اسلام و پس از اسلام و سپس هر بخش را به چند دوره تقسیم کرد:

الف) تاریخ پیش از اسلام

تاریخ پیش از اسلام، شامل ادوار زیر است:

۱- پیش آریاییان (عیلامی‌ها و دیگر تمدن‌های

پیش‌آریایی)
۲- دولت‌های ماد، پارس و بویژه هخامنشیان
۳- حمله‌ی اسکندر و دولت‌های سلوکی
۴- اشکانیان
۵- ساسانیان

ب) تاریخ پس از اسلام

تاریخ ایران پس از اسلام، به ترتیب شامل ادوار زیر است:
۱- عصر فتوحات
۲- خلافت امویان و عباسیان
۳- حاکمیت‌های ایرانی (سامانیان، صفاریان، آل‌بویه و آل‌زیار)
۴- حاکمیت‌های ترکان (غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و اتابکان)
۵- حمله‌ی مغول و دولت ایلخانان و تیموریان
۶- صفویان و قاجاریان
۷- انقلاب مشروطیت و پنجاه و چند سال دوره‌ی پهلوی
۸- انقلاب ۱۳۵۷، انقراض رژیم سلطنتی و تأسیس جمهوری اسلامی.

تمدن، فرهنگ، دین و نظامات ایران باستان هم‌چنان که به جای خود از فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیش از خویش متاثر شده است، به سهم خود در فرهنگ‌های دیگر و افکار و آرای دیگران موثر واقع گردیده است. هم‌چنان که زبان یونانی قدیم (و هم زبان مرده‌ی لاتین) ریشه‌ی خود را از زبان‌های ایرانی (یعنی زبان سانسکریت که مادر زبان‌های ایران باستان و هند قدیم بود)، گرفته است. برای اثبات این واقعیت، کافی‌ست اشاره شود که در زبان سانسکریت پدر را پتر گویند؛ در یونانی و لاتین پاتر Pater، در آلمانی Vater، در انگلیسی Father.

برای شاهد مثال، ما در این‌جا به مطالعه‌ی تأثیر متقابل اندیشه‌های فلسفی در ایران و یونان می‌پردازیم. در اروپا، تاریخ فلسفه را به سه دوره‌ی مهم تقسیم کرده‌اند:

اول) فلسفه‌ی عهد باستان که برای اروپاییان، منحصراً در فلسفه‌ی یونان خلاصه می‌شود.

تطورات فلسفه‌ی یونان باستان را هم می‌توان در سه دوره‌ی مختلف خلاصه کرد:

الف - عهد اوایل و فلاسفه‌ی متقدمین باستان و عصر نظر در عالم خلقت که به تعبیر غربی‌ها عصر حکیمان پیش از سقراط است و در شرق شهاب‌الدین سهروردی از آنان به سفیران و رسولان حق تعبیر کرده است.

ب - عهد سوفسطاییان و سقراط یا دوره‌ی نظر در خود انسان.

ج - عهد افلاطون و ارسطو که در حقیقت آغاز بحث منظم و مدون در مباحث فلسفی و علمی‌ست.

از لحاظ علمی، فرهنگی و فلسفی، دوره‌ی سوم از ادوار فلسفی یونان باستان، یعنی عهد ظهور سقراط، افلاطون و ارسطو، حائز اهمیت بیش‌تری‌ست. هرچند فلاسفه‌ی یونان بی‌گمان از ملل و نحل دیگر (بویژه ایران) کم و بیش متأثر شدند، اما اهمیت عمده‌ی ایشان در این است که فلسفه را از قیود و محدودیت‌های مذهبی و سنتی که بین ملل دیگر موجود بود، رها کردند و آزادانه به بحث و فحص در مسایل مختلف پرداختند.

دوم) فلسفه‌ی قرون وسطی و مخصوصاً فلسفه‌ی مدرسیون (اسکولاستیک Scholastic) که با ظهور سنت اوگاستین (در گذشته‌ی ۴۳۰ میلادی) مؤلف «اعترافات» آغاز شد و با بروز توماس آکویناس Thomas Aquinas (درگذشته‌ی ۱۲۷۴ میلادی) مؤلف کتاب «حقیقت مذهب کاتولیک» و دنس اسکوتوس Duns Scotus از فلاسفه‌ی قرون وسطی به اوج خود رسید.

سوم) عهد رنسانس و بعد از آن‌که عهد فلسفه‌ی جدید اروپایی‌ست (دکارت، کانت، هگل و...).

برای خوانندگان ایرانی «دانشنامه‌ی تاریخ جهان» مهم‌ترین بحث، تحقیق در مشابهت‌ها و تاثیر ادیان جهانی (اسلام، مسیحیت، دین یهود، کیش هندویی، زرتشتی، بودایی و مانوی) در یک‌دیگر یا خدمات متقابل تمدن‌های شرق و غرب به یک‌دیگر است. برای مثال، یک موضوع قابل تحقیق، تاثیر آیین زرتشتی در ارتباط با فلسفه‌ی یونانی یا تاثیر میترائیسم و مانویت در مسیحیت است که در این‌جا به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۵-۱-۱- تاثیر آموزه‌های زرتشتی در فلسفه‌ی یونان

البته زرتشت (پیامبر ایرانی)، فیلسوف به معنی اخص نبود، زیرا اندیشه‌های فلسفی و آموزه‌های او مقدمه‌هایی زیربنایی برای دیانت ویژه‌ی او بود که همه می‌بایست در نهایت به یک مکتب عقیدتی ختم می‌شد؛ در حالی که فلاسفه‌ی یونان با تکیه بر تجربه و آزمایش و بحث و جدل، دوستدار حقیقت بودند و علی‌الاصول پیش‌فرضی نداشتند و می‌بایست هرچه حقیقت است، بپذیرند.

در باب تأثیر آموزه‌های زرتشتی بر فلاسفه‌ی یونانی، این‌قدر هست که آدولف برودبک Adolph Brodbeck می‌گوید: باید پذیرفت که احتمال دارد که زرتشت، استاد سقراط فیلسوف یونانی و استاد فیثاغورث (پیثاگوراس) ریاضیدان بوده باشد.

تعالیم زرتشت به نحوی به سقراط رسیده بود، چرا که رفت‌وآمد میان هند و ایران و یونان در آن زمان بسیار رایج بود و از دوره‌ی فنیقی‌ها که در عصر سلطنت حضرت سلیمان مرتب به هند رفت‌وآمد داشتند، معمول شده بود. بنابراین می‌توان حدس زد که آموزش بنیادین سقراط درباره‌ی روان (احتمالاً به واسطه‌ی فیثاغورث یا دیگران) از زرتشت به عاریت گرفته شده باشد. از این جمله است باورداشت به «تجرد روح»: وجود جداگرفته‌ی روان، جدا از بدن، یعنی پیش‌باشی Pre-existence روان، اعتقاد به «بقای روح»: نامیرایی درون و به میعاد و برگشت روح پس از مرگ به عالم مینو. و نیز این‌که حیات و زندگی، پیوند موقتی میان تن و روان بیش نیست و این‌که تن برای روان، زندانی موقت است. این‌ها همه آشکارا اموری برخاسته از اعتقاد به ثنویت است. تنها عامل وحدت‌گرایی در آن عبارت است از این‌که: روان برای سقراط یک تکواد Monade است که در محاوره‌ی فدون، وحدتی انحلال‌ناپذیر به‌شمار می‌رود.

هم‌چنین افلاطون در بعضی آرا و افکارش تحت تاثیر فلسفه و باورهای زرتشتی و نظام دولتی ایران قبل از اسلام بوده است. مثلاً اعتقاد او به مثل و صور مجرد، با صور روحانی عالم پاک و مفهوم فَرَوَهَر در آیین زرتشتی یکی‌ست و به احتمال زیاد، متأثر از نظام فکری و دینی ایرانیان قبل از اسلام است. آدولف برودبک به سال ۱۸۹۳ میلادی، کتابی راجع به تاثیر فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی بر فلاسفه‌ی یونانی نوشت و در آن بر بهره‌گیری افلاطون از آرای ایرانیان قبل از اسلام و دین زرتشت تاکید کرد. (بنگرید به آدولف برودبک، **تاثیر فرهنگ و جهان‌بینی ایران بر افلاطون**، ترجمه‌ی استفان پانوسی، تهران، انجمن فلسفه‌ی ایران، ۱۳۸۹ قمری).

بعضی در پاسخ مشاهده‌ی مشابهاتی بین افکار افلاطون و آموزه‌های زرتشتی و مخصوصاً گات‌ها، گفته‌اند: بسا که گات‌ها به صورتی که امروز یافت شده و در دسترس‌اند، متأثر از افکار افلاطون باشد، چنان‌که جیمز دارمستتر James Darmesteter مترجم **اوستا** چنین پیشنهاد کرده است و از جمله گفته است که: «عقل نیک» و «خرد پاک» مقبول نزد زرتشتیان، اقتباس از لوگوس ثیوس Logos Theios یونانی‌ست؛ اما محققان دیگر، با دلایل و اسناد، تأثیر افکار زرتشت را بر افلاطون ثابت کرده‌اند.

فلسفه‌ی مذهب زرتشت را می‌توان فلسفه‌ی مزدیسنا خواند. این مکتب فلسفی به طور خلاصه قائل است که اهورامزدا، پرودگار جهان و آفریننده‌ی عالم و منشأ خیرات و حسنات است و دارای صفات یا خصوصیاتی‌ست که امشاسپندان یا جاودان‌های مقدس (= معادل «صفات جلال و کمال زائد بر ذات» در اسلام)، مظهر آن‌ها هستند، چون راستی و درستی، اندیشه‌ی نیک، سلطنت و شهریاری مقدس، عشق و محبت، کمال در جهان مادی و جاودانگی و حیات ابدی. روان بشر یا روح انسانی متعلق به آن جهان مینوی‌ست و در عرصه‌ی حیات جسمانی به طور موقت در تخته‌بند تن و قفس بدن، زندانی‌ست، اما سرانجام به عالم مینوی و حیات ابدی دست خواهد یافت. برای رسیدن از جهان شرور به عالم خیرات، انسان باید متخلق به اخلاق اهورامزدا شود و از باب تشبه به کامل، در کمال خویش بکوشد تا در آخرت رستگار و آمرزیده شود و از شر اهریمن - که منشأ شرور، نادرستی و مفاسد است - ایمن شود.

۵-۱-۲- تاثیر میترائیسم در مسیحیت

کیش مهر یا آیین میترائیسم، پیش از کیش زرتشتی در حوزه‌ی تمدنی ایران رایج بود. این دین در زمان اشکانیان،

دین برتر ایرانیان بود و مؤید این امر تکرار نام «مهرداد» که به عنوان نام یا لقب پادشاهان اشکانی‌ست. میترا که ایزد بزرگ آریاییان ایران و هند ودایی بود، در بابل، با خدای خورشید (شمس)، در مصر با ایزیس و در افریقیه، با ماگناماتر خلط شد؛ هم‌چنان که به گزارش مجریطی در **غایة‌الحکیم** در آیین صابئیان، هرمس یونانی با بودای هندی و هوروس رومی و تیر (عطارد) ایرانی تطبیق داده شد، یا آن‌که بودا در اسلام به یوذاسف تصحیف گردید.

میترائیسم، یک قرن پیش از میلاد مسیح، قدرتمندانه وارد امپراطوری روم شد و مراسم آیینی و نمادهای اعتقادی آن با سرعت در سرتاسر اروپا گسترش یافت، تا آن‌که در نیمه‌ی قرن سوم میلادی به اوج شکوفایی رسید و سرانجام در ۲۷۴ میلادی، روز ۲۵ دسامبر سالگرد تولد میترا توسط کلیسای روم زادروز عیسی مسیح (جشن کریسمس) اعلام شد.

به نوشته‌ی پلوتارک، آیین میترا، نخست توسط لژیون‌های رومی پمپه که به جنگ دزدان دریایی سیلیقیه رفته بودند، به روم آورده شد و مردم سیلیقیه به نوبت خود، این آیین را در زمانی که پارسیان بر آسیای صغیر تسلط داشتند، از ایشان آموخته بودند. به فاصله‌یی اندک، امپراتوران روم، معابد و مهرابه‌های باشکوهی برای میترا (مهر: آفتاب شکست‌ناپذیر) ساختند. آثار مهرابه: Mithraeum) نوعی سردابه / غار، برای برگزاری مراسم مذهبی آیین مهر) در سرتاسر اروپا موجود است.

۵-۱-۳- نظام سیاسی اجتماعی و فرهنگی

نظام‌های سیاسی و اجتماعی، حقوقی و فلسفی ایران که تا انقراض شاهنشاهی ساسانی همه تحت تاثیر مستقیم دیانت زرتشت بود، نه تنها در یونانیان بلکه در خاور دور نیز تاثیر گذاشت. دانش و فرهنگ ایرانی - و نوشته‌های پهلوی - به خاور دور مخصوصاً چین و ژاپن انتقال یافت؛ چنان‌که آثار کتبی و لوح‌های خطی فراوانی به زبان پهلوی در ژاپن و چین پیدا شده است (بعضی آثار خطی بر چوب‌های معطر منقوش است که به ژاپنی به آن «راکودان» گویند).

مهم‌ترین بحث در خصوص تاریخ تمدن ایران باستان و در پیوند با دانشنامه‌ی تاریخ حاضر، موضوع اختراع خط است که تاریخ‌نگاری بدان آغاز می‌شود. در اساطیر ایرانی، ابداع خط به «دیو»ها در زمان تهمورث دیوبند نسبت داده شده است، چنان‌که فردوسی از زبان «دیو»ها خطاب به تهمورث می‌گوید:

که: ما را مکش تا یکی نو هنر
بیاموزی از ما کت آید به بر
نبشتن به خسرو بیاموختند
دلش را به دانش برافروختند

ابوالحسن مسعودی در «التنبیه و الاشراف» اختراع خط را به زرتشت نسبت داده و گفته است: «زرادشت، کتاب اوستا آورد که بیست و یک سوره (نسک) داشت و شمار حروف و صداهای آن شصت حرف و صدا بود و هر حرف و صدا، صورتی متفاوت با صورت دیگر حروف داشت. این خط را زرادشت پدید آورده بود و مجوسان آن را «دین دبیره» (= نوشته‌ی دین) نامند.»

به گزارش حمزه اصفهانی، فارسی یکی از خطوط کتابت (در مقابل عربی، عبری، سریانی، هندی، چینی و...) بوده است و به گفته‌ی ابن‌ندیم، ایرانیان باستان هفت نوع خط داشته‌اند که دین دبیره تنها یکی از آن‌ها بوده است.

به دلایل ویژه‌ی تاریخی و فرهنگی، در ایران قبل از اسلام، چندین زبان مختلف طبقاتی و محلی مرسوم و متداول بود؛ بدین قرار: پهلوی (فهلوی)، دری، فارسی، خوزی، سریانی و جز آن‌ها. پهلوی زبان پادشاه و خاندان سلطنت بوده است. دری زبان موبدان و رجال دین و هم‌چنین زبان درباریان و اهل مدائن و بلخ بوده است و زبان خوزی زبان مردم خوزستان بوده است، اما زبان سریانی زبان آسوریان مسیحی مقیم ایران بوده است که بعدها در نهضت ترجمه (یعنی ترجمه‌ی منابع فلسفی یونانی به عربی) نقش عظیمی ایفا کرده‌اند که در ذیل به آن اشاره خواهیم کرد.

یکی از دلایل کمبود آثار مکتوب غیر دینی از عصر ایران باستان (با آن جمعیت عظیم)، در مقایسه با آثار مکتوب مانده به یونانی و سپس عربی، نداشتن زبان و ادبیات واحد در سطح شاهنشاهی‌های هخامنشی و

ساسانی بود، زیرا ایرانیان نه تنها زبان خود را بر ملل مغلوب تحمیل نکردند، بلکه در داخل مرزهای فلات ایران هم طبقات اجتماعی مختلف و مردم مناطق مختلف کشور، زبان‌ها و گویش‌های مختلف داشتند. در حالی‌که پس از اسلام، زبان علمی همه‌ی اقوام ایرانی و تمام مسلمانان جهان از مصر تا هند، زبان عربی شد و به همین دلیل هم، بزرگانی صددرصد ایرانی مانند ابن‌سینا که در کشورهای عربی‌زبان حضور نیافتند و در ایران زادند و در ایران زیستند و در ایران به خاک سپرده شدند، اکثر آثارشان را به زبان عربی که زبان علمی آن روزگار بود، نوشتند و به همین جهت است که در دایرةالمعارف‌های بیگانه گاهی به اشتباه و ندانسته از ابن‌سینا به عنوان فیلسوف و پزشک عرب، یاد کرده‌اند و کشورهای عربی نیز به عمد و دانسته، این دانشمندان و بزرگان ایرانی را عرب معرفی کرده‌اند.

باید گفت که یکی از دلایل شکست ایرانیان از اعراب، همین اختلاف‌ها در فرهنگ و زبان و تبعیضات دینی و طبقاتی بود. نداشتن زبان واحد از یک‌سوی و اختلافات طبقاتی از دیگر سوی توأم با نبود آزادی برای ادیان غیر زرتشتی، موجب شد که بسیاری از ایرانیان به پیروی از سلمان پارسی از مهاجمان مسلمان برای براندازی نظام ساسانی، استقبال کنند.

۵-۲- دوره‌ی پس از اسلام

در نخستین دهه‌های تاریخ اسلام، یعنی از عهد خلافت عمر بن خطاب به بعد، سپاه اسلام که در آن زمان منحصراً متشکل از اعراب بود، نخست به قسمت‌های جنوبی و غربی شاهنشاهی ساسانی حمله کردند و پس از پیروزی در جنگ، به سرزمین‌های بین‌النهرین، خوزستان، فارس و مناطق مرکزی ایران دست یافتند؛ اما قسمت‌های شرقی ایرانی (یعنی خراسان بزرگ که شامل افغانستان امروز و ماوراءالنهر هم می‌شد)، هم‌چنان که مناطق شمالی (یعنی مازندران و گیلان) تا مدت‌ها از تصرف اعراب خارج ماند. از این‌جاست که یزدگرد آخرین شاهنشاه ساسانی، پس از شکست‌های مکرر، عاقبت به سال ۲۲ هجری به خراسان پناه آورد. بدین‌گونه ایران از جهت فرهنگی و مذهبی دچار گسستگی عظیم شد و رشد فرهنگی ایرانیان از آن پس تنها در سایه‌ی نظام جدید و به زبان عربی - که به زبان علمی ایرانیان (و دیگر اقوام و ملل مسلمان) تبدیل شده بود - مقدور شد.

از جهت فرهنگی و تمدنی و فلسفی، تاریخ بعد از اسلام را که به‌طور فزاینده‌یی تحت تاثیر تلاش‌های فرهنگی ایرانیان قرار گرفت، می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

دوره‌ی یکم. دوره‌ی ترجمه که مسلمین شروع به ترجمه‌ی آثار فلاسفه‌ی یونانی و متون فلسفی و علمی و ادبی ملل دیگر کردند و مطالبی از زبان‌های فارسی، یونانی، قبطی، سریانی و... ترجمه کردند. اغلب این مترجمین ایرانی بودند. این دوره، قریب دو قرن طول کشید.

دوره‌ی دوم. دوره‌ی ظهور فلاسفه‌ی مسلمان است که خود، صاحب مکتب و نظریه‌ها و فرضیه‌های فلسفی بوده‌اند. بزرگان فلاسفه‌ی این عهد عبارتند از: فارابی (حدود ۲۶۰-۳۳۹ هجری) و ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ هجری) در معارف نظری و ابوریحان بیرونی (معاصر ابن‌سینا) در علوم تجربی به معنی اعم.

دوره‌ی سوم. دوره‌ی تهافتات و مخالفت با فلسفه است. در این دوره است که غزالی، نخست کتاب «مقاصد الفلاسفه» را در شرح عقاید فلسفه‌ی مشاء نوشت و بعد در کتاب «تهافةالفلاسفه» آن عقاید را مورد ایراد و انتقاد قرار داد و بعد، ابن‌رشد، پاسخ آن‌ها را فراهم کرد. بعد از او، فخر رازی که او را امام‌المشککین گفته‌اند، دوباره به فلسفه حمله آورد. این دوره تقریباً سه قرن به‌طول انجامید و در همین عهد بود که شهاب‌الدین سهروری (شیخ اشراق) ظهور کرد و حکمت اشراق را با استفاده از اندیشه‌های فلسفی فلاسفه‌ی مشرق‌زمین، تأسیس کرد.

دوره‌ی چهارم. دوره‌ی فترت است که در عهد حکومت خوارزمشاهیان و مغول و تیموریان فرهنگ و معارف عقلی روی به افول نهاد و فلسفه نیز رواجی نداشت.

دوره‌ی پنجم. دوره‌ی صفویه است که مذهب شیعی را در ایران به‌عنوان تنها مذهب رسمی در قلمرو خود ترویج کردند و یک نوع فکر فلسفی - مذهبی تقریباً جدیدی در فرهنگ ایران رواج دادند. این دوره با میرفندرسکی و میرداماد شروع می‌شود و با ظهور ملاصدرا به اوج می‌رسد.

دوره‌ی ششم. اتباع ملاصدرا که اهم و اشهر آنان، حاج

ملاهادی سبزواری‌ست. آثار حاج ملاهادی تلفیقی از فلسفه‌ی مشاء و اشراق و افکار فلاسفه‌ی شیعی‌ست. این دوره از عهد نادر تا اواخر قاجار به‌طول انجامید و با مرگ شاگردان حاج ملاهادی و شاگردان جلوه، به پایان رسید.

دوره‌ی هفتم. افکار آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی، در قرن اخیر تا حد بسیار زیادی به نظام فکری و فلسفی غربی وابسته است و از اوایل مشروطیت تا اواخر عهد سلطنت محمدرضاشاه پهلوی، هم‌چنان که در زمینه‌های صنعتی و فنی در قلمرو علوم اجتماعی و انسانی و از جمله موازین و مبادی فکر فلسفی نیز، فرهنگ ایرانی تحت تأثیر مستقیم بلکه دنبال‌رو فرهنگ باختری بود و می‌توان گفت تداوم فکر فلسفی در ایران، در این دوره قطع شد یا در حال قطع‌شدن بود، زیرا مسایل فلسفه‌ی قدیم که تقریباً پویایی و انطباق‌پذیری خود را با فرهنگ جدید از دست داده بود، محل اعتنای مجامع علمی و دانشگاهی رسمی نبود و فقط در سطح محدودی به‌وسیله‌ی بعضی متخصصین - آن هم بیش‌تر به‌عنوان میراث فرهنگی و از جهت تاریخی - تعقیب می‌شد و فی‌الجمله در طول این مدت یعنی از آغاز مشروطیت تا آغاز انقلاب ۱۳۵۷، فلسفه‌ی شرقی و اسلامی در حال فترت و انحطاط بود و در عوض، متفکران ایرانی با ترجمه‌ی متون مهم فلسفی، علمی، ادبی و اجتماعی، طبقه‌ی فاضله و تحصیل‌کرده‌ی ایران را با فرهنگ غربی آشنا کردند.

دوره‌ی هشتم. تجدید فکر اسلامی و بازگشت به نظام فرهنگی شیعی اثناعشری که از آغاز انقلاب ۱۳۵۷ (بلکه چند سال پیش از آن) شروع شد و به تاسیس جمهوری اسلامی انجامید.

دوره‌ی نهم. روند جهانی‌شدن فکر و فرهنگ که به دستیاری ابزارهای ارتباط جمعی، مرزهای سیاسی و فرهنگی را بیش و کم از میان برده و در داخل کشور به نهضت ترجمه کمک کرده است.

۶- درباره‌ی دانشنامه‌ی حاضر

دانشنامه‌ی عمومی حاضر در باب تاریخ جهان، براساس ترتیب سنوی و شیوه‌ی سالشماری تنظیم شده است. این شیوه‌ی تاریخ‌نگاری در فرهنگ ایرانی، سابقه‌یی دراز دارد که معتبرترین آن‌ها «تاریخ طبری» تألیف محمد بن جریر طبری است؛ اما اثری که شبیه‌ترین کتاب به دانشنامه‌ی انگلیسی حاضر در زبان فارسی‌ست، کتابی به نام «وقایع السنین و الاعوام» تألیف عبدالحسین حسینی خاتون‌آبادی اصفهانی است که تمام رویدادهای مهم تاریخی را از منظر یک فرهنگور ایرانی شیعی از ابتدای خلقت و هبوط حضرت آدم ابوالبشر تا سال ۱۱۹۵ هجری قمری به سلسله مراتب سنوی گزارش کرده است که این کتاب هم به کوشش محمدباقر بهبودی در ۱۳۵۲ در تهران به چاپ رسیده است.

در فرهنگ بومی ما، برای تدوین حوادث تاریخی، علاوه بر رعایت ترتیب تاریخی و تنظیم جداول سنوی، شیوه‌های دیگری نیز به کار گرفته شده است؛ از جمله پدر زنده‌یاد من مرحوم استاد سید علینقی امین کتابی پارسی با عنوان «نوادر الکلام فی وقایع الایام» در دوازده مجلد تألیف کرده است و در آن، اساس کار را دوازده مال سال (به حسب تقویم قمری) قرار داده و در هر روز تمام حوادث و وقایعی که در آن روز در آن ماه در طول تاریخ اتفاق افتاده است، ذکر کرده. در مثل، در جلد دوم که مرتبط با وقایع ماه صفر است، در وقایع روز چهاردهم صفر، زلزله‌یی که در چهاردهم ماه صفر سال ۴۳۴ هجری در تبریز واقع است شده است، ثبت کرده و هر واقعه‌ی دیگری هم که در آن روز اتفاق افتاده باشد، براساس منابع مختلف، اعم از حوادث طبیعی یا سوانح سیاسی و اجتماعی (جنگ، صلح، فتح) یا موالید و وفیات انبیا و اولیا و بزرگان علم و ادب و امثال آن ها را ذکر کرده است.

از جهت موضوعی، دانشنامه‌ی حاضر مرتبط با تاریخ عمومی جهان و از جهت روش تدوین، مبتنی بر شیوه‌ی سال‌شماری‌ست. بنابراین، دانشنامه‌ی حاضر از جهت موضوع (به خلاف دایرةالمعارف‌های در دست تدوین در ایران که اختصاص به جهان اسلام یا عالم تشیع دارند)، همه‌ی جهان را دربرمی‌گیرند و به تعبیر دیگر از دیدگاه یک ایرانی مسلمان امروزین، حق اسلام و ایران را چنان که باید و شاید ادا نمی‌کند.

صاحب این قلم، در مراحل آغازین طرح ترجمه‌ی این دانشنامه‌ی ارزنده بر آن بودم که این کمبودهای ویژه را با افزودن اطلاعات تاریخی لازم در باب تاریخ ایران و اسلام

و تشیع در متن حاضر جبران کنم، اما بعد برای حفظ اصالت دانشنامه‌ی حاضر، تصمیم گرفتم که تنها به نوشتن همین مقدمه‌ی مفصل در آغاز مجلدات دانشنامه و سپس افزودن «ضمیمه / پیوست»هایی به شکل سالشمار تاریخ ایران به مجلد آخر این دانشنامه، اکتفا کنم.

دلایل من برای پرهیز از هرگونه دستکاری و حذف و اضافه در ترجمه‌ی متن انگلیسی، به شرح زیر است.

۱- حفظ اصالت دانشنامه‌ی حاضر از این جهت به نظر مطلوب رسید که تدوین این کار بزرگ که حاصل همکاری انبوهی از پژوهشگران و نویسندگان غربی‌ست، نماینده و نشان‌دهنده‌ی طرز فکر طبقه‌ی فرهیخته‌ی اروپایی و امریکایی نسبت به جهان شرق در مقایسه با غرب است. پس غفلت‌های این دسته از پژوهشگران و نویسندگان نیز، ممکن است برای خواننده و جوینده‌ی ایرانی و پارسی‌زبان بصیر، آگاهی‌بخش باشد.

۲- با دیدن این دانشنامه، در قالب اصیل آن، ما تشخیص می‌دهیم که فرهنگ، تمدّن و تاریخ ایران در نگاه بیگانگان، چه درصد اندکی از کل تاریخ بشری را در برگرفته است. این بی‌اعتنایی به حوزه‌ی تمدنی ایران در طول تاریخ، برای ما درس عبرت است تا هم به وظیفه‌ی خود در تعرفه‌ی فرهنگ و تمدن گذشته‌ی خویش بپردازیم و هم به مشارکت فرهنگی و تولید علم در سطح جهانی از سوی ایرانیان در حال و استقبال بیش تر بیندیشیم و هم بدانیم که سیاست‌گزاران غربی و رجال سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک غیرایرانی که نوعاً اطلاعات خود را نسبت به کشورهای دیگر از جمله ایران از این‌گونه منابع دایرةالمعارفی (چه به صورت مکتوب و چه رایانه‌یی) دریافت می‌کنند، چه مایه غرب‌محور و از تمدّن درخشان پیشین و استعدادهای امروزین ایرانی بی‌اطلاع و ناآگاه‌اند.

۳- ما در زبان فارسی برای پژوهش در موضوع تاریخ اسلام و ایران، دچار کمبود منبع و مرجع نیستیم و لذا دانشنامه‌ی حاضر از این جهت که کاری کاملاً مستقل است و موازی یا رقیب دانشنامه‌های اسلامی و ایرانی در دست تدوین در ایران نیست، نیاز به هماهنگ شدن با دایرةالمعارف‌های متعدد اسلامی / ایرانی موجود ندارد.

ایران هم از جهت منابع مادی و ذخایر زیرزمینی و هم از جهت هوش و استعداد مردم، باید یک کشور پیشرفته باشد؛ دلیل توسعه‌نیافتگی ما آن است که منابع موجود مادی و معنوی خود را کاربُردی و روزآمد نکرده‌ایم و در تعامل با جهانیان، با تسهیم به نسبت سهم خود و سهم دیگران را درست بازنمی‌شناسیم. دانشنامه‌ی حاضر می‌تواند در بازشناسی واقع‌گرایانه‌ی ما از گذشته و حال و آینده‌ی خودمان در برابر جهانیان کمک شایسته‌یی به ما بکند.

۴- از جهت روش هم، شیوه‌ی سال‌شماری که در دانشنامه‌ی حاضر رعایت شده و در تاریخ عمومی بر شیوه‌های دیگر در تاریخ عمومی و جهانی مرجح است، به ما این فرصت را می‌دهد که در مجلد آخر سالشمار ایرانی / اسلامی لازم را به شکل یک پیوست مستقل (یعنی بدون دخل و تصرف در متن اصلی) در اختیار خوانندگان قرار دهیم، تا ضمن جبران مافات، رعایت اصل امانت هم شده باشد و از ناحیه‌ی مترجم و ویراستار سانسور یا دخل و تصرفی در متن اصلی صورت نگیرد.

۷- سخن پایانی

برای ما در انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی افتخار بزرگی‌ست که از عهده‌ی یک چنین خدمت فرهنگی ارزشمندی در قالب نشر دانشنامه‌ی تاریخ جهان برآییم؛ اما بیش و پیش از همه باید از همت و زحمت همکار فرهیخته، مؤلف و مترجم دانشور جناب آقای دکتر محمود زنجانی که یک‌تنه ترجمه‌ی این دایرةالمعارف را از انگلیسی به فارسی به سامان رسانده‌اند، سخن بگوییم و کوشش و تلاش و پشتکار ایشان را ستایش و قدرشناسی کنم.

در خاتمه از تمام همکارانی که در طول هفت ساله‌ی اخیر در به ثمر رساندن این مجموعه با این‌جانب همکاری کرده‌اند، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

سید حسن امین

دانشنامه‌ی تاریخ جهان

جلد اول

(از) ۳/۵ میلیون سال پیش:

پیدایی اولین انسان‌نمایی که روی دو پا حرکت می‌کند.

(تا) ۱۵۰۲ میلادی:

سال تأسیس دولت صفو و رسمیت‌یافتن مذهب شیعه‌ی دوازده امامی در ایران.

پیدایی اولین انسان نمایی که روی دو پا حرکت می کند:

در حدود ۳/۵ میلیون سال پیش، نخستین انسان نما در لیوتلی (Leaotoli) کشور تانزانیا پیدا شده است.

این انسان نماها همراه تعدادی از حیوانات بزرگ و پرندگان مهاجر بودند که بیشتر به طرف شمال حرکت می کردند. گرچه هنوز کاملاً روشن نشده که انواع انسان نماهای اولیه کدام دسته بوده اند، لیکن اثر پاهایی که از ایشان در این ناحیه به جا مانده است، نشان می دهد که دو نفر بالغ و یک نوجوان بوده اند.

اندازه ی طویل ترین کف پاهای انسان نماهای نخستین، بین ۷ تا ۹/۵ اینچ می باشد و گودی اثر پاها بین ۴ تا ۵ اینچ، که در خاکسترهای آتشفشان ناحیه به دست آمده است. هم چنین در خاکسترهای آتشفشان این زمان بیش از ۱۸۰۰۰ انسان نما و تعدادی حیوانات از قبیل فیل تا مورچه به جای مانده است.

اثر پاهای کشف شده، حاکی از آن است که هنگامی که خاکسترهای آتشفشان در اطراف پخش می شده، یکی از سه نفر انسان نما، جهت دیدن این واقعه توقف می کند و در نتیجه گرفتار گدازه های آن می شود.

این نوع انسان نما قابلیت و فهم آن را داشته است که از خطرهای اطراف خود آگاهی پیدا کند و دشمن خود را بشناسد و این موضوع به او کمک می کند که در پیدا کردن غذا جوانب خود را آزمایش کند و در صدد دفاع برآید.

به نظر می رسد این فرد انسان نما جهت جلوگیری از حمله ی حیوان های زمینی، می توانست از درخت بالا رود و بر سردو پا فرار کند و به خوبی از دست های خود استفاده کند و نیز در گروه های کوچک جمع آمده و تمایل به نظافت خود و محیط خود داشته و این پدیده در زندگی او نمایان است.

تحقیقات انجام گرفته بر روی انسان نمای اولیه نشان می دهد، گرچه می توانسته از انگشت شصت استفاده کند ولی به طور کامل جهت گرفتن اشیاء و سنگ به عنوان سلاح، نمی توانسته از این انگشت که ویژه ی انسان است، بهره گیرد. به نظر می رسد که این انسان با دست تکه هایی از چوب و سنگ را حمل می کرده و فهم استفاده از این ابزار را داشته و نیز اندکی اطراف خود را می شناخته و جهت رفع

تانزانیا ۳/۵ میلیون پیش از میلاد

انسان نمایی که نام او را استرالوپیتکوس آفرنسیس (Australopethecus Afarensis) گذارده اند، در لیوتلی (Laeotoli) واقع در کشور تانزانیای کنونی زندگی می کرده است. آنها می توانستند با قامت نسبتاً راست راه بروند.

اتیوپی ۳/۱ میلیون پیش از میلاد

انسان نماهایی از گونه ی استرالوپیتکوس آفرنسیس در این هنگام درهادار (Hadar) واقع در اتیوپی (Ethiopia) نمایان شده است.

اتیوپی ۲ میلیون پیش از میلاد

ابزار ساخته شده به وسیله استرالوپیتکوس یا احیاناً انسان نمای دست افزار (هوموهابی لیس Homohabilis) در دلتای رود امو (Omo) پیدا شده است. این لوازم زندگی انسان نماها اولین بار در هادار کشف شده و پس از آن در ۷۰۰ هزار پیش در شمال اتیوپی ابزاری ساده از سنگ که به عنوان چکش جهت خرد و له کردن گوشت و بریدن آن و کندن میوه از درخت به کار می رفته ، این سنگ ها از کوارتز که سنگی است که خاصیت تورق دارد، ساخته شده است.

تانزانیا ۱/۸ میلیون پیش از میلاد

در این سال ها انسان نماها خانه هایی از قلوه سنگ و سنگ های درشت و مکانهایی به شکل نیم دایره با چند راه در ناحیه اولدووای (Olduvai Gorge) تانزانیا ساختند و در این کلبه های سنگی مسکن گزیدند.

پاکستان ۱/۸ میلیون پیش از میلاد

ابزار سنگی ساخته شده در ناحیه ی پاکستان امروز ، شباهت به سایر جاها دارد و در شمال پاکستان به وسیله انسان نماها به کار می رفته که در آنجا انواع حیوانات به ویژه فیل فراوان بوده است.

افریقای شرقی ۱/۵ میلیون پیش از میلاد

در بیش از ۱/۵ میلیون سال پیش در دره های ساحلی افریقای شرقی و مناطق مجاور انسان نمای دیگری به تعداد خیلی زیاد که تفاوت با نسلهای قبلی داشت ظاهر شد. اینها جانشین نسل پیشین هوموهابی لیس شدند که شباهت بسیاری با انسان نمای دست افزار داشتند. در این دره ها حیواناتی نظیر فیل و اسب آبی به تعداد فراوان وجود داشت که این انسان نماها با سنگهایی که ساخته بودند و بسیار تیز و برنده بود، پوست حیوان شکار شده را می کندند و به وسیله نوعی سنگ دیگر آن را کوبیده و له می کردند.

افریقا ۱ میلیون پیش از میلاد

گروه استرالوپیتکوس آفرنسیس در جنوب و شرق افریقا به مدت سه میلیون سال زندگی می کردند. استرالوپیتکوس همه چیزخوار بوده و از گوشت شکار و گیاهان و میوه ها جهت تغذیه استفاده می کرده است. استرالوپیتکوس روبوس ستوس (Ausrtalopithecus robustus) در ۲/۱ میلیون سال پیش در جنوب افریقا زندگی می کرده و به نظر می رسید که بیشتر گیاهخوار بوده است. استرالوپیتکوس بوئی زی (Boisei) در ۳ - ۱/۷ میلیون سال پیش بیشتر در شرق افریقا می زیسته و غذای اصلی آنها هم میوه های درختی بوده است.

نیاز در محیط کوچک خود گردش می کرده، لیکن توانایی مسافرت و شناخت قسمت های دورتر را نداشته است.

کاربرد سنگ های آتشفشانی وطرز استفاده از آن:

اتیوپی (حبشه) – ۲/۵ تا ۲/۹ میلیون سال پیش: در این هزاران سده (حدود چهارصد هزار سال) در شمال اتیوپی در دره ی آواش (Awash) و منطقه ی آفار (Afar) شیوه ی زندگی بسیار پیشرفت کرده و انسان نماها از سنگ های آتشفشانی و ته نشستی از نوع کوارتز و بازالت که لبه های تیز داشته جهت شکار و پاره کردن پوست حیوان و استفاده از گوشت آن، بهره می برده اند.

در این هنگام انسان نماها به جنوب اتیوپی می رسند و در کرانه ی دریاچه ها متمرکز می شوند و محل سکونت دسته جمعی پیدا می کنند و نیز در اطراف رود اُمو (Omo) ساکن می شوند، که این رودخانه از دریاچه ی تورکانا (Turkana) از کشور کنیا منشعب می شده است.

در تمام این مجتمع های اولیه، بهره وری از سنگ های ته نشستی و آتشفشانی به عنوان سلاح و ابزار اولیه متداول بوده است .

در دره ی رودخانه ی اُمو از سنگ هایی از جنس کوارتز برای شکستن سنگ های بزرگتر و لبه تیز بسیار استفاده شده که این نوع سنگ جهت پیشبرد زندگی بسیار مؤثر بوده است.

به نظر می رسد کاربرد این سنگ ها به دو شکل بوده است. ۱- استفاده از تیزی ؛ ۲- استفاده از وزن سنگین آن که برای خرد کردن و لِه کردن به کار می رفته است، لیکن نمی توان به طور کامل، شیوه ی کاربرد این نوع سنگ ها را به طور دقیق تشخیص داد.

ظهور انسان هوموهابیلیس (Homohabilis):

در حدود ۲ میلیون سال پیش در جنوب افریقا انسان هایی زندگی می کردند که رشد مغزی پیشرفته تری داشتند. آن ها از دست بیشتر استفاده می کر دند و انگشت شصت دست را در مقابل سایر انگشتان قرار می دادند. (انسان دست افزار)

این ها قدیمی ترین نژاد بشری هستند که توانسته اند از سنگ های معمولی با اشکال گرد و بدون تضاریس، سنگ های تیز و با لبه های مضرس بسازند و از آن برای پوست کندن شکار و سایر کارها استفاده کنند.

هوموهابیلیس به معنی فردی ست که می تواند از دست بهره گیرد و این وجه تمایز بین انسان و سایر حیوانات است. این انسان قادر بوده که ابزار مورد نیاز را با دست بگیرد و دست خود را به صورت مشت در آورد و نیز از چوب و شاخ های درختان به عنَوان آلت دفاعی و شکار در موقع نیاز بهره برداری کند. هوموهابیلیس ها هم چنین از دره ی اولدووای (Olduvai) در جنوب افریقا و دریاچه ی تورکانا (Turkana) به نقاط دورتر مسافرت کردند و به ساکنان سرزمین های تانزانیا و اتیوپی پیوستند و تعدادی از آن ها در ناحیه ی چشمه های جنوب افریقا ساکن شدند.

این انسان ها ویژگی هایی دارند که کاملاً با انسان های استرالوپیتکوس (Australopithecus) تمایز دارند.

گنجایش مغز این انسان ها در حدود ۷۰۰ سی سی است و قوس ابروی آن ها فاصله دارتر شده است و استخوان پس سری در آن ها رشد نکرده است. در حالی که در انسان استرالوپیتکوس گنجایش مغز حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ سی سی می باشد.

جهت جویدن و تکه کردن پاره های گوشت، عضله ماستر یا ماضغه که حرکت فک پایینی را سبب می شود، رشد زیادی دارد. انسان هوموهابیلیس می توانست از گوشت و گیاهان هر دو تغذیه کند، لیکن غذای انسان استرالوپیتکوس و میمون ها تنها از گیاهان و میوه های آن ها بود.

انسان دست افزار (هوموهابیلیس) دندان های بلندتری داشت که از آن ها جهت پاره کردن و تکه کردن استفاده می کرد. در صورتی که انسان استرالوپیتکوس دندان هایش جهت سائیدن و لِه کردن گیاه مورد استفاده بوده است.

سکونت انسان هایی در سرزمین اولدووای (Olduvai):

در حدود ۱/۹ تا یک میلیون سال پیش، تیره یی از انسان در ساحل و کناره های دریاچه ی لوکسور(Luxurious) ظاهر می شوند. این قسمت در دشت سرنگتی (Serengeti) در کشور تانزانیای کنونی واقع شده است.

در این هنگام همان طور که ذکر شد، دو تیره یا گونه از انسان کشف شده است، یکی گونه ی استرالوپیتکوس که رشد مغزی کمتری دارد و به نظر می رسد که کاملاً گیاهخوار بوده و دیگری انسان دست افزار (هوموهابیلیس) که مغز او بیشتر رشد داشته و از گیاهان و گوشت حیوانات تغذیه، و بر روی دو پا حرکت می کرده و انسانی راست قامت بوده است.

در حدود ۱/۵ میلیون سال پیش، این انسان راست قامت که بر روی دو پا به راحتی حرکت می کرد، شروع به بهره وری از تمام آلات شکار کرد، به طوری که می توانست حیوانات بسیار عظیم الجثه مانند فیل را شکار کند.

برای شکار ازدام استفاده می کرد و پوست کندن حیوان را آموخت و نیز در زمین های مردابی به حیوانات حمله کرده و پس از کشتن، از گوشت آن ها جهت تغذیه ی دسته جمعی بهره می برد.

کنیا:

در حدود ۱/۶۵ میلیون سال پیش باز هم نوع جدیدی از انسان نما در کشور کنیا واقع در افریقای شرقی کشف شده که در ناحیه ی نیروکستوم (Nairoxtome) در ساحل غربی دریاچه ی تورکانا زندگی می کرده است.

در همین حدود فسیل انسان نمایی ۱۲ ساله کشف شده که به طور تقریب ۱۸۰ سانتیمترقد و به کلی با نیاکان خود تفاوت داشته، در حالی که قد انسان نمای استرالوپیتکوس ۱۲۰ سانتیمتر بوده است.

گنجایش جمجمه ی این انسان ۹۰۰ سی سی و کاملاً راست قامت بوده، ساختمان شانه ها تغییر کرده و حالت خمیدگی آن کمتر شده و طول بازوها کمتر و هم چنین در شکل استخوان های لگن تغییراتی به وجود آمده که در انسان نر و ماده این تغییرات کاملاً نمایان است.

پهنا و عمق کانال ژنیتال (مجرای جنسی) در زن کوچکتر شده و نیز گنجایش جمجمه بسیار افزایش یافته که این تغییرات در نسل های بعدی موروثی بوده است.

اتیوپی:

انسان نمای سیار، در حدود ۳/۱ میلیون سال پیش در اتیوپی، فسیل فردی از تیره ی استرالوپیتکوس کشف شده که به نظر می رسد عمر او ۲۵ سال بوده و نام او را هم لوسی گذاشته اند.

آسیا ۱ میلیون پیش از میلاد

انسان راست قامت (هوموارکتوس Homo erectus) به ناحیه یوآن مو (Yuanmou) در ناحیه ی غربی چین و سانگیران (Sangiran) جزیره ی جاوه (Java) در اندونزی می رسد.

۱میلیون تا ۱۵۰ هزار پیش از میلاد – اروپا ۸۰۰ هزار پیش از میلاد

دراین سالها شکارچیان در منطقه ایسرنیا (Isernia) واقع در قسمت جنوبی و مرکزی ایتالیا و نیز در غار والونه (Vallonnet) در ناحیه جنوب فرانسه ساکن و این مناطق را متصرف می شوند و برای نخستین بار به شکار جانوران بزرگ علف خوار مانند فیل می پردازند.

شمال افریقا ۷۰۰ هزار پیش از میلاد

انسان نماهای راست قامت درناحیه ترنی فاین (Ternifine) واقع در الجزایر و سایر قسمت های ساحلی مدیترانه و قسمت شمالی کوههای اطلس اقامت می کنند.

اروپا ۶۰۰ هزار پیش از میلاد

دست افزار سنگی ساخته شده به مقدار فراوان و دراندازه های گوناگون و اشکال مختلف به منظور بریدن و کندن در بخش های جنوبی و غربی اروپا یافت می شود.

پاکستان در ۵۰۰ هزار پیش از میلاد

دست افزارهای سنگی و سایر لوازم سنگی درشمال پاکستان به تعداد فراوان پیدا می شود.

بریتانیا ۴۵۰ هزار پیش از میلاد

گروههای انسانی به بریتانیا می رسند و در نواحی غارهای کنت (Kent) در دون (Devon) و سوفولک (Suffolk) و باکس گراو (Boxgrove) واقع درساسکس (Sussex) ساکن می شوند.

چین در ۳۵۰ هزار پیش از میلاد

غارهای زوکودیان (Zhoukoudian) تپه استخوانهای اژدها درشمال رودخانه زرد ، واقع در شمال شرقی چین به وسیله انسان نمای راست قامت به مدت یکصد هزار سال اشغال می شود و به نظر می رسد که از آتش خیلی خوب بهره گیری وبا مهارت آن را به کار می برده اند.

آلمان در ۳۰۰ هزار پیش از میلاد

مردمان ساکن در اطراف دریاچه واقع در ناحیه بیلزینگزلبن (Bilzingsleben) لوازمی از چوب و استخوان تهیه می کنند و همچنین از دست افزار سنگی پیشرفته استفاده می کنند.

اسپانیا در ۳۰۰ هزار پیش از میلاد

شکارچیان فیل در نواحی تورالبا (Torralba) و امبرونا (Ambrona) در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق مادرید (Madrid) فعالیت دارند و در پی شکار سایر حیوانات وحشی ، زمین های گل آلود را در تعقیب شکار طی کرده و با آن زندگی می کنند.

فرانسه ۳۰۰ هزار پیش از میلاد

در ناحیه ترآماتا (Terra Amata) نزدیک شهر نیس (Nice) واقع درساحل جنوبی فرانسه مردم شکارچی کلبه هایی از سنگ به عنوان پناهگاههای موقتی می سازند که در آن جا اجاق هایی برای نگهداری آتش یافت شده است.

قد او به زحمت به ۱/۲۰ متر می رسیده و گنجایش جمجمه ی او ۴۰۰ سی سی بوده است، اما از این که چگونه این فسیل در اتیوپی پیدا شده، آگاهی درستی در دست نیست، لیکن چنین انسان نمایی هم قادر به راه رفتن روی دو پا بوده است. این فسیل متعلق به گونه ی قدیمی و دور انسان های استرالوپیتکوس می باشد و می توان گفت که خانواده آنها شامل ۹ نفر بچه و بزرگ بوده است. این خانواده در ناحیه جنگلی و اطراف رودخانه زندگی می کرده اند و از دو جنس نر و ماده تشکیل شده اند و به نظر می رسد که در آن ناحیه قدیمی ترین ابزار را جهت زندگی به کار می برده اند.

به کار بردن آلات سنگی جدید:

اروپا – در ۲۵۰ تا ۱۰۰ هزار سال پیش، پیدایش هوموساپینس (Homosapiens) بلند قدترین انسانی که تحول بزرگی در زندگی او به وجود آمد، این ها در اروپا، آسیا و افریقا ساکن شدند و روش جدیدی در تولید ابزار سنگی به کار می بردند، آن ها از یک سنگ به عنوان چکش استفاده می کردند و با آن سنگ های صاف و نوک تیز به وجود می آوردند.

در بسیاری از نقاط غرب اروپا، ابزارهای سنگی پیدا شده که از سنگ چخماق جهت تولید سنگ های ورقه ورقه و تیز استفاده کرده اند که بر حسب نیاز به صورت سنگ هایی با نوک تیز و یا صاف تهیه می کرده اند که جهت کارهای گوناگون به کار می رفته است. با این روش در شکل زندگی تحول بسیار بزرگی به وجود آمد که دقت و پیشرفت فکری آن ها را در ابداع و اختراع می رساند. به تدریج که جمعیت و گروههای دسته جمعی بیشتر می شد، انسان ها با کمک فکری یکدیگر به پیشرفت های جدیدتری دست می یافتند و دقت و ظرافت تولید بهتر می شد.

در زندگی ساکنان بریتانیا وضع نویی به وجود آمد، آن ها از چوب به صورت های گوناگون استفاده می کردند و چوب به ویژه به شکل سلاح و ابزار دفاعی مورد استفاده قرار گرفت. آن ها بیشتر در کنار رودخانه و جنگل زندگی می کردند. هم چنین در آلمان و اسپانیای کنونی ابزاری پیدا شده که نشانه ی روشنی از پیشرفت فکری بشر در این دوران است. علاوه بر آن پیدا شدن استخوان هائی از فیل و کرگدن و گوزن و اسب نشانی از توسعه در اجتماع بشر است.

موفقیت بیشتر انسان هوموساپینس (بوداپست (Budapest) ۴۵۰ هزار سال پیش):

در این سال ها هوموساپینس توفیق بیشتری در ساختن گونه های مختلف دست افزار سنگی داشته و به سایر نقاط دنیا سفر می کرده و تقریباً در تمام کُره ی زمین مسکن داشته و این جریان در یک میلیون سال پیش خیلی تعجب آور است. از این که چگونه و به چه طریق انسان راست قامت توانسته به اکثر نقاط دنیا از شرق و جنوب افریقا برسد، نکات روشنی در دست نیست، تنها می توان به پیشرفت مغزی او پی برد.

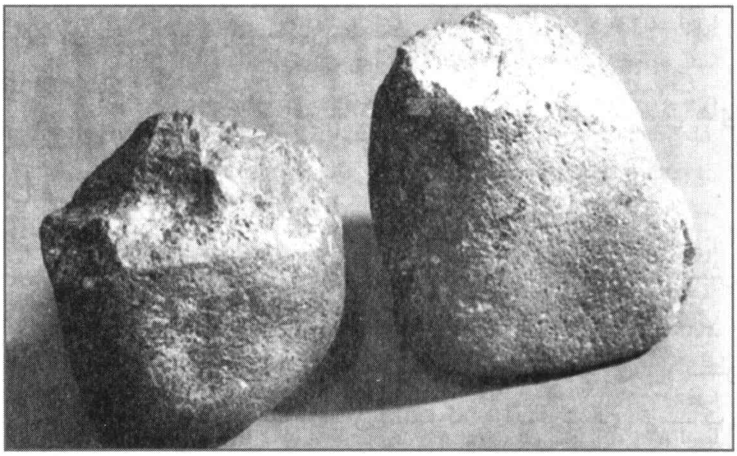
گنجایش مغزی انسان راست قامت بین ۸۴۰ تا ۱۰۶۶ سی سی، در حالی که حجم مغز هوموساپینس در حدود ۱۴۰۰ سی سی بوده است.

این انسان نما که در حقیقت باید آن ها را مردم زمان خود نامید، چون زندگی آن ها شباهت بسیار زیادی با اجتماع های ساکن شهرک ها و دهات امروزی داشته و در کنار نهرها و دریاچه های کم عمق و چشمه های آب گرم مسکن داشتند وچون محیط زندگی سرد بوده، از آب گرم چشمه ها بهره می بردند.

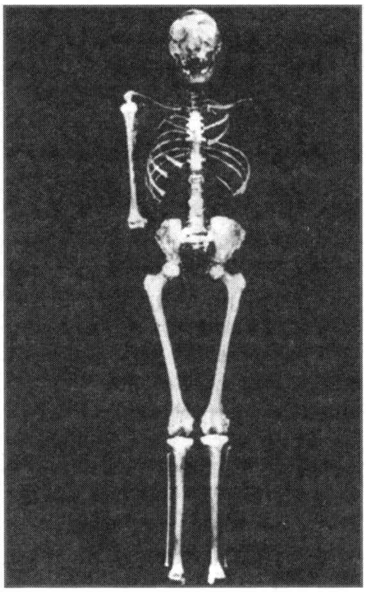
از سویی به نظر می رسد که از آتش جهت گرما و روشنایی محیط زندگی استفاده می کرده اند.

از نظر ساختمان اسکلت و جمجمه، استخوان پس سری و استخوان های کف جمجمه ضخیم تر شده و ماهیچه هایی که جهت جویدن به کار می رود، ظریف تر و بلندی دندان ها کمتر شده و این می رساند که شاید آن ها از غذای پخته استفاده می کرده اند.

گروه های هوموساپینس در جاوه (نگاندونگ Negandong) چین (ماپا Mapa)، یونان (پترالونا Petralona)، فرانسه (تائوتاوه و بیاشه Tautavel Biache)، آلمان (اشتین هایم Steinheim) و بریتانیا (سوانس کامب Swanscombe) و نیز اتیوپیا (بودو Bodo) زندگی می کرده اند، که انسان اتیوپیائی از سنگ به صورت چنگال بهره می برده است.



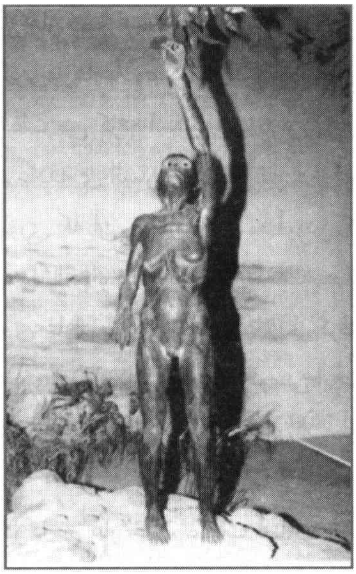
لوازم شکار از سنگ‌های تراشیده که به عنوان ابزار زندگی مورد استفاده بوده است.



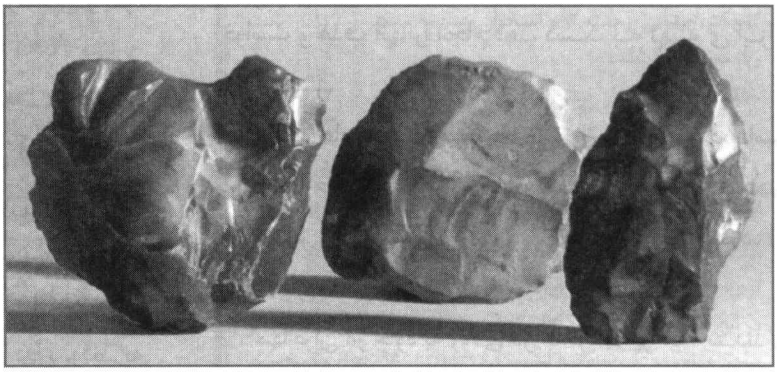
اسکلت انسان هومو ارکتوس‌ها (Omoerectus)
در اولدووایی (Olduvai)



نخستین اثار پای انسان بر روی تپه‌های منطقه‌ی
لیوتلی Leiotoli در افریقای شرقی



تصویری از زنی به اسم لوسی (Lucy) که قد او
در حدود ۱۲۰ سانتی‌متر بوده و مشغول کندن
میوه از درخت می‌باشد.



لوازم سنگی نیمه‌تراشیده که از غارهای منطقه‌ی سوان اسکامب (SwanScombe)بریتانیا کشف گردیده و
به‌نظر می‌رسد که در آن زمان، یعنی حدود یک‌میلیون سال پیش از تکنیک نوینی استفاده می‌شده است.

رمز بهره وری گروه هوموساپینس شاید به خاطر رشد مغزی این انسان در دویست و پنجاه هزار سال پیش بوده است.

در غارهای سراسر اروپا تعداد زیادی اسکلت انسانی کشف می شود. (اروپا، ۱۵۰ هزار پ.م.):

در دوران چهارم زمین شناسی و زمان یخبندان، انسان های هوموساپینس به علت سرمای شدید اروپا بیشتر به غارها پناه بردند.

در جنوب فرانسه، به علت برف و یخبندان جنگلها و زمین ها، اسکلت های بسیاری در غارها کشف شده، همین طور در کشور یوگوسلاوی حالیه، در ناحیه ی لاکوت دوسنت برلاد (Lacotte de. St. Brelade) در فرانسه، درناحیه ی جرسی (Jersey) و لازاره (Lazaret) و کروناسِتی ژنا (Crevna Srijena) در یوگوسلاوی.

در این هنگام ممکن است حرارت داخل غار به ۳۰ درجه سانتیگراد می رسیده، در حالی که در روز درجه ی حرارت بیرون غار کمتر از ۴ درجه بوده است.

این غارها علاوه بر آن، افراد را از باران و رطوبت بیرونی محافظت می کرده است. این زندگی داخل غار برای همیشه مورد علاقه ی انسان آن زمان نبوده و آنها را قانع نمی کرد، به طوری که آن ها با به وجود آوردن کُلبه و کپرهایی از چوب و شاخه و برگ درختان، خانه هایی ساختند، چون خانه ی غاری ممکن بود آن ها را از گرفتاری های خارج غار مصون نگاه دارد و محیط گرمی ایجاد کند، معهذا در غارها ناراحتی های زیادی برای انسان غارنشین وجود داشت.

در داخل غار اغلب سنگ ها، مخصوصاً سنگ های آهکی، به آسانی بر سر ساکنان آن فرود می آمد و باعث مرگ آنها می شد.از سوی دیگر، سرمای بیرون، پناهگاهی برای حیوانات دیگر به ویژه حیوانات درنده بود و برای ساکنان غار ایجاد ترس و مرگ می کرد و اغلب انسان ها در برابر حیوانات وحشی در محیط محدود غار بی دفاع بودند. به ویژه آن که حیوانات زمستان خواب مثل خرس و کفتار مدت چندین ماه در داخل غارها به حالت خواب زمستانی بودند.

از دیگر بلاهای داخل غار جهت نابودی انسان داخل غار، جریان سیل و ریزش بهمن و مسدود شدن دهانه ی آن و مرگ ساکنان غار بود.

خروج از افریقا در جستجو و کشف سرزمین های دیگر:

آسیا – اولین انسان هایی که به چین وارد میشوند.

چین. شانکزی (Shaanxi) ۹۰۰ هزار سال پیش: ساخت و اختراع ابزار جدید و هماهنگی با محیط زندگی و بهره وری از آتش و گرما و نور و نیز نگاهداری آن، انسان راست قامت را بر آن داشت که به مسافرت های ترسناک و وحشت آور دست بزند، و این عمل آنها به معما شبیه است که چگونه این سفرها صورت گرفته است.

آنها از سبزیجات پخته استفاده ی غذایی می کردند و گیاهان را به کمک ابزاری شبیه داس فراهم می آوردند. دسته هایی از راست قامتان مسکن های گرم در افریقا را رها کردند و با قایق های بسیار ابتدایی دست به مسافرت های دریایی هول انگیز زدند. این سفرهای دریایی خطرناک به یقین عده یی از آن ها را هلاک کرد، لیکن بالاخره به سرزمین چین رسیدند. نخست دسته هایی از آنها پس از گذشتن از شمال افریقا و هندوستان، چون سرزمین های دیگر دست نخورده و دورنمای بهتری داشت سرانجام به جاوه در کشور اندونزی حالیه رسیدند.

این انسان های اولیه به ابزارهای سنگی تیز و بُرا مجهز بودند، لیکن این سنگ ها را خیلی مناسب نمی دیدند، و خواهان ابزار بهتری جهت شکار بودند که به وسیله ی آن چند کار انجام دهند و چون این سنگ ها نمی توانست کاملاً خواست و هدف آنها را انجام دهد، دست به تهیه ی ابزار بهتری زدند.

سنگ های جدید تهیه شده می توانست از درخت بامبو برای آنها چوبدستی و لوازم مورد استفاده ی دیگر فراهم آورد و نیز پوست شکار را راحت تر شکافته و برای استفاده از گوشت آن آماده کند.

مهاجران در جاوه به زودی در جنگل ها پراکنده شدند و چون ازدحام جمعیت را نمی توانستند تحمل کنند به دسته های ۲۰ – ۳۰ نفری تقسیم شدند، زیرا دسته های کوچک می توانستند به طور مسالمت آمیز با همدیگر زندگی کنند.

اروپا ۲۵۰ هزار پیش از میلاد

انسان هوموساپینس (Homo sapiens) در نواحی غربی اروپا به ویژه در سوان کامب (Swans Combe) در کنت وپونت نه وید (Pontnewydd) در ناحیه ویلز(Wales) و هم چنین در توتاول (Tautavel) فرانسه و در آلمان در منطقه اشتین هایم (Steinheim) به تعداد فراوان سکونت می گزینند.

اروپا ۱۵۰ هزار پیش از میلاد

در غارهایی که دهانه آنها به خوبی باز ومحل آمد وشد بوده در ناحیه لازاره (Lazaret) نزدیک شهر نیس در فرانسه و نیز اردوگاههای ساخته شده به وسیله بشر نشانه های فراوانی از زندگی انسانها نمایان است.

اروپا ۱۲۸ هزار پیش از میلاد

آب دریاها و اقیانوس ها به سبب گرم شدن و پایان یخبندان بالا می آید.

جنوب افریقا ۱۲۵ هزار پیش از میلاد

شکارچیان و تهیه کنندگان مواد غذایی در غارهای دهانه رودخانه کلازی (Klasies) در جنوب افریقا ساکن می شوند که غذای آنها شامل آبزیان و جانوران ساحل رودخانه هاست.

آسیا – اروپا ۱۲۰ هزار پیش از میلاد

گروهی از انسانهای نئاندرتال وابسته به زیر گروه هوموساپینس نئاندرتالنسیس (Homosapiens neanderthalensis) در غرب آسیا ظاهر می شوند. تعدادی از همین گروه که گنجایش مغزی بیشتری دارند دراروپا زندگی می کردند ، در حالیکه آنها مواد غذایی خود را ذخیره می کردند ، لیکن خشن تراز مشابهین آسیایی خود بودند.

بریتانیا ۱۲۰ هزار پیش از میلاد

درحالیکه هوای گرم به شدت شروع می شد و مدت ۸ هزار سال این گرما ادامه داشت ، در بریتانیا انواع حیوانات گرمسیری شروع به ازدیاد نسل کردند.

افریقا ۱۰۰ هزار پیش از میلاد

در شرق و جنوب افریقا نسل تازه یی از انسان به نام گروه هوموساپینس ساپینس (Homo Sapiens Sapiens) ظاهر می شوند. این گروه در مقایسه با گروه پیشین که به نام هوموساپینس نامیده می شدند،صورت کوچکتر، پیشانی برجسته تر و استخوان جمجمه سبکتر و اندام (دست وپا) مستقیم تر داشتند.

خاورمیانه ۹۰ هزار پیش از میلاد

تعدادی انسان از نسل زیرگروه هوموساپینس ساپینس (Homo sapiens Sapiens) در غارهائی در نزدیکی قافزه (Qafzeh) و اسکول(Skuhl) واقع در کشور کنونی ، اسرائیل می زیستند که سهم بزرگی در به وجود آمدن نئاندرتال داشتند.

اروپا ۸۰ هزار پیش از میلاد

در این هنگام انسان نئاندرتال به مدت ۴۰ هزار سال در غارها و پناهگاههای سنگی منطقه لوموستیه (Le Moustier) و دوردوین (Dordogne) اجتماع هایی تشکیل می دهند و به طور کلی محل سکونت آنها در بلژیک ، اسپانیا ، بریتانیا و اروپای مرکزی و شرقی شناخته شده است.

دسته های جاوه یی به سراسر جزیره پراکنده شدند،به ویژه درسانگیران (Sangiran) موجوکرتو (Modjokerto)وتری نیل (Trinil) در دره ی رود سولو (Solo) در سرزمین چین بیشتر این مردمان در غارها ساکن شدند و فسیل های کشف شده در نقاطی مانند زی هودو (Xihoudu)، یومو(Yumou) و تسینگ تون (Tsingtun) و هم چنین در شرق چین در ناحیه ی یوآن مو (Yuanmou) و در ناحیه ی لانتی یان (Lantian) در کنار رودخانه ی زرد.

اروپا، شکارچیان، دریای مدیترانه را در می نوردند:

۶۸۰ هزار سال پیش: در حدود یک میلیون سال پیش انسان نماهای راست قامت به عزم سفر و استفاده از نقاط دیگر کُره ی زمین، همان طور که گفته شد گروههایی به جاوه و چین رسیده، در آن مناطق طرح زندگی جدید را ریختند.

دسته هایی دیگر پس از گذشتن از تنگه ی جبل الطارق به جنوب فرانسه می رسند و در قاره ی اروپا در گروههای جدا از یکدیگر رحل اقامت می افکنند.

آن ها به سبب وجود هوای سرد اروپا، به غارها پناه می برند. وجود سنگ ها و ابزارهای تیز جهت پوست کندن شکار و نیز استخوان های حیوانات بزرگ و کوچک از قبیل گاو وحشی و خرس، اسب آبی، گوزن، کرگدن و اسب حکایت می کند که این بشر اولیه می توانست به انواع شکار دست یافته و از گوشت آنها تغذیه کند.

این جریان بیشتر در زمانی که هوای محیط گرمتر می شد، صورت می گرفت و آن ها می توانستند گوشت حیوان شکار شده را برای خود ذخیره هم بکنند.

گروه های دیگری از این مهاجران به کشور ایتالیا در ناحیه ی ایسرنیا (Isernia) در ۵۰ هزار سال بعد ساکن شدند، و نیز دسته های دیگر در ناحیه ی موئر (Mauer) آلمان وهم چنین در مرکز و شرق اروپا ساکن شدند که از ابزارهای اولیه استفاده می کردند.

به نظر می رسد دسته های ساکن در اروپا از سه راه به این قاره وارد شده باشند.

۱- از راه جنوب غربی آسیا.
۲- از راه باریک کناره ی تنگه ی جبل الطارق پس از گذشتن از شمال افریقا.
۳- از شمال کشور لیبی کنونی به جزیره ی سیسیل رفتند، در هنگامی که آب این قسمت از مدیترانه در سطح پایین بوده و از شمال افریقا پلی از خشکی در این قسمت وجود داشته است.

از سوی دیگر، نشانه یی در دست نیست که این مهاجران در حین گذشتن از دریای مدیترانه در جزایر این دریا ساکن شده باشند.

هوای جهان تغییر کرده و رو به گرمی می رود:

گرم شدن هوا و بالا رفتن درجه ی حرارت در چندین صد هزار سال پیش، علت مهم مهاجرت انسان ها بوده، به طوری که یخ های چندین هزار ساله شروع به آب شدن کرد و سطح اقیانوس ها حدود ۸/۵ متر بالا آمد و سیل های شدیدی جاری شد، این بالا آمدن آب سبب شد بخش نسبتاً پست و جلگه یی از سرزمین های اطراف بین فرانسه و انگلیس (کانال مانش کنونی) در زیر آب برود و سرزمین فعلی انگلیس از قاره ی اروپا جدا شده و به صورت جزایر مجزا و جداگانه دربیاید.

از سویی باز هم این بالا آمدن آب دریا موجب تغییرهوای اقلیمی شد و هوای مرطوب جایگزین هوای خشک و سرد که با طوفان های شدید و گردباد بود، همراه شد. جریان این هوای مرطوب، هم چنین باران های سنگین و شدید به همراه آورد.

این باران سیل آسا موجب تغییر هوا و رطوبت بسیار شد، به طوری که گیاهان اولیه بدون برگ و ریشه، مانند خزه ها و جلبگ ها، بر روی سنگ ها شروع به رشد کرد و این گیاهان چراگاه هایی برای حیوانات علف خوار چون گوزن شمالی به وجود آورد.

پس از آن بر روی همین سنگ های یخی و خاک های مرطوب حالت استپ ایجاد گردید و چمنزار و جنگل هایی سراسر قاره را در بر گرفت که زندگی حیوانات چرنده و درنده را تأمین می کرد، بُز کوهی و گوزن شمالی در سراسر قاره پیدا شد و چون این جانوران باندازه ی کافی چراگاه داشتند، به طور طبیعی پروار شدند و دسته های شیر و گرگ به شکار آن ها پرداختند.

همین طور گله های خرس چون زمینه ی تغذیه ی آنها مانند ماهی سالمون و صدف در رودخانه ها و دریاچه ها به وفور موجود بود، و نیز جمعیت فیل ها و کرگدن ها و اسب آبی در سراسر اروپا زیاد شدند.

لیکن سال به سال این آب و هوا تغییر می کرد و به تدریج هوای اقلیمی سرد شد و یخبندان دوباره شروع شد. به یقین اگر وضع موجود پایدار می ماند مراکز جمعیتی متوجه ی شمال می شد و این سیل مردمی برای بهره گیری از شکار و استفاده از گوشت و پوست آنها، برای پوشاک و تغذیه، سراسر منطقه را فرا می گرفت و جمعیت انسان ها زیادتر می شد. زندگی دشوار و سخت این انسان ها (زن و مرد) که با مشقت می گذشت، آن ها را با محیط سازش داد و آن ها توانستند با پوشش پوست جانوران و استفاده از میوه ها و سبزیجات و شکار، این دوران را بگذرانند.

سلاح آنها جهت شکار و دفاع همان سنگ های تهیه شده و بُرا و نیز چوب های جنگلی بود که این زنجیره ی پیوسته ادامه پیدا می کرد، باید دانست که مردمی که بیشتر طاقت و توان داشتند و در برابر این شرایط مقاومت می کردند، پایدار می ماندند.

اسب آبی در رودخانه ی گرم تیمز (Thames) به وفور شناور می شود:

بریتانیا — ۱۱۸۰۰۰ — ۱۲۸۰۰۰ پ.م.: در رودخانه ها ومرداب های بریتانیا نسل اسب آبی فراوان می شود، چون رودخانه های منطقه خیلی عمیق نبوده و حالت مردابی داشت و چراگاه و علف به وفور یافت می شد، تعداد این جانور افزایش یافت، و یک حالت همزیستی بین این حیوان و سایر جانوران بزرگ جثه پیدا شد.

در این منطقه حیواناتی نظیر شیر، گوزن و کفتار پیدا شدند و نکته ی غیر طبیعی پیدا شدن دندان فیل بود که خیلی راست و شباهتی با دندان ماموت پشمالو در دوران یخبندان بعد بود، نداشت.

سکونت این انسان ها در همین ناحیه و فراوانی گیاهان و جانوران و آب زیاد و دیگر لوازم زندگی اولیه می رساند که

یوگوسلاوی ۷۰ هزار پیش از میلاد
نشانه هایی از گروه نئاندرتال ساکن ناحیه کراپینا (Krapina) در یوگوسلاوی در دست است حاکی از این که مردم این نواحی در حال توحش و آدم خواری بودند و اقدام به کشتن همنوعان و خوردن آنها می کرده اند.

اروپا - آسیا ۳۰ - ۵۰ هزار پیش از میلاد
آب وهوای اقلیمی در اروپا و آسیای مرکزی به تدریج رو به سردی می رود و دوباره یخبندان شروع می شود. نئاندرتال ها هنوز به سرما عادت دارند ، درحالیکه گروه هوموساپینس ساپینس به اروپا مهاجرت می کنند.

استرالیا ۳۰-۵۰ هزار پیش از میلاد
برای نخستین بار بشر از راه دریا به استرالیا می رسد و در سراسر قاره پراکنده می شود.

روسیه ۴۵ هزار پیش از میلاد
مهاجرت بزرگ و دورانی در سراسر زمینه های استپی روسیه در نزدیک مولداوی (Moldavia) ادامه می یابد ، شکار ماموت (Mammoth) و استفاده از پوست آن برای پوشش ، جهت جلوگیری از سرمای شدید محیط ، وکلبه هایی که در آنها اجاق برای روشن کردن آتش و تولید گرما وجود دارد، انسانها را دراین مکان سرد حفظ می کند.

افریقای جنوبی ۴۵ هزار پیش از میلاد
درناحیه سوازیلند (Swaziland) برای تولید رنگ قرمز گل اخرا به کار می برند.

خاورمیانه ۴۲ هزار پیش از میلاد
گرچه ابزار سنگی تیز و برنده جهت پوست کندن و بریدن در صحرای افریقا کشف شده ، لیکن در این هنگام ساختن اشیای بسیار تیز در خاورمیانه در کشور اسرائیل کنونی و لبنان بسیار پیشرفت کرده و سنگ های نازک و ورقه یی شبیه تیغ در این مکانها یافت شده است.

هندوستان - پاکستان ۲۵ هزار پیش از میلاد
گروه هایی از شکارچیان و تهیه کنندگان مواد غذایی در بخش مرکزی هندوستان در کلبه های ساخته شده از سنگ زندگی می کنند ، و نیز در شمال پاکستان در ناحیه پنجاب کلبه هایی می سازند که آنها را درمقابل بادهای سخت محافظت کند.

اروپا ۳۰ هزار پیش از میلاد
بعد از جایگزینی و تصرف سرزمین های اروپا ، خاورمیانه و شمال افریقا به مدت در حدود ۱۲۰ هزار سال ، انسان نئاندرتال به علت نامعلومی ناپدید می شود و گروه هوموساپینس ساپینس به تنهائی در صحنه باقی می ماند.

مکزیک ۳۰ هزار پیش از میلاد
در نواحی ال سدرال (El Cedral) و سن لویی پوتوزی (San Luis Potosi) واقع در کشور مکزیک انسان ها پراکنده می شوند.

استرالاسیا (Ausralasia) ۳۰ هزار پیش از میلاد
انسان هایی که تقریبا تمام خشکی های کره زمین را اشغال کرده اند در استرالیا در غارهای منطقه بلاف (Bluff) و نیز شانون (Shannon) درجنوب جزایر تاسمانی (Tasmania) هم اقامت می کنند.

آن ها با حیوان عظیم الجثه یی چون اسب آبی خو گرفته بودند.

این محیط مساعد با آغاز فصل تابستان و گرمای منطقه، موجب ظاهر شدن انواع حشره های گزنده نظیر پشه و مگس که خود سبب بیماری های مختلف و ناراحتی های ناشی از آن بود، می گردید.

غلبه و چیرگی انسان نئاندرتال بر محیط (اروپا ۸۰ -۱۲۰ هزار پ.م.):

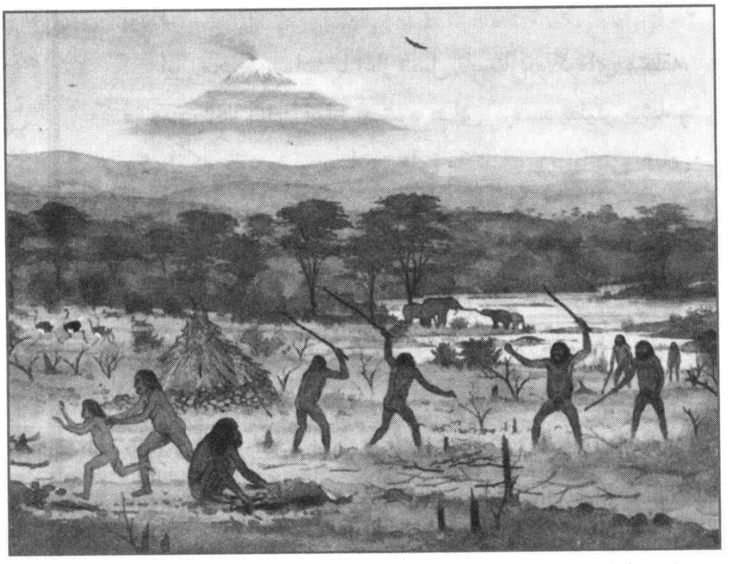
انسان نئاندرتال که زیر گونه یی از انسان ساپینس بود و قد و قواره یی درشت داشت و از تمام گونه ها به انسان کنونی بیشتر شباهت داشت، در اروپا، شمال افریقا و جنوب غربی آسیا بر محیط مسلط می شود. این گونه ی انسانی که اولین بار در دوسلدرف آلمان کشف شده، از گونه های دیگر بلندتر و در حدود ۱۷۰ سانتیمتر قد با گنجایش مغزی زیادتر، دندان های درازتر و عضلات جونده ی قوی تر، قوس ابرویی برجسته، صورت صاف و فک پایینی راست که برجستگی آن کمتر شده و از حالت میمونی شکل خارج شده، لیکن پهنای صورت و فک پایین زیادتر شده و بینی حالت پهن تری پیدا کرده و صاف تر شده است.

در منطقه ی جنوب غربی آسیا به علت هوای گرم تر صورت تغییر بیشتری دارد و استخوان ها ناهمواری کمتر داشته و ضخامت و کلفتی آن هم کمتر شده است.

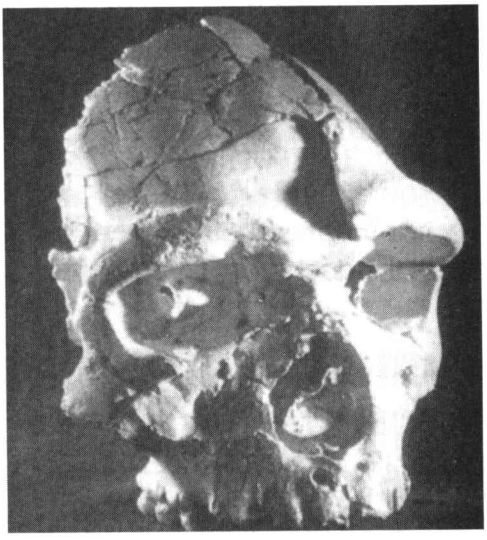
درباره ی مهارت ها و پیشرفت ها و طرز زندگی و مسکن آنها آگاهی های کمتری در دست است. گرچه حدس نزدیک به یقین است که گروههای در حال حرکت را چند نفر به عنوان طلایه یا دیده بان حراست می کردند که خطر یا حمله یی از سوی حیوانات وحشی صورت نگیرد و اگر خطری در بین بود، افراد حالت دفاعی به خود بگیرند.

هم چنین همان طور که گفته شد سنگ چخماق را که سنگی بسیار سخت است ، جهت تهیه ی ابزار سنگی با لبه های تیز به کار می بردند که نه تنها برای کشتن و جدا کردن گوشت حیوان شکار شده استفاده می شد، بلکه برای تهیه ی پوست جهت پوشش و حفظ بدن از سرمای سرزمین اروپا به کار می رفت.

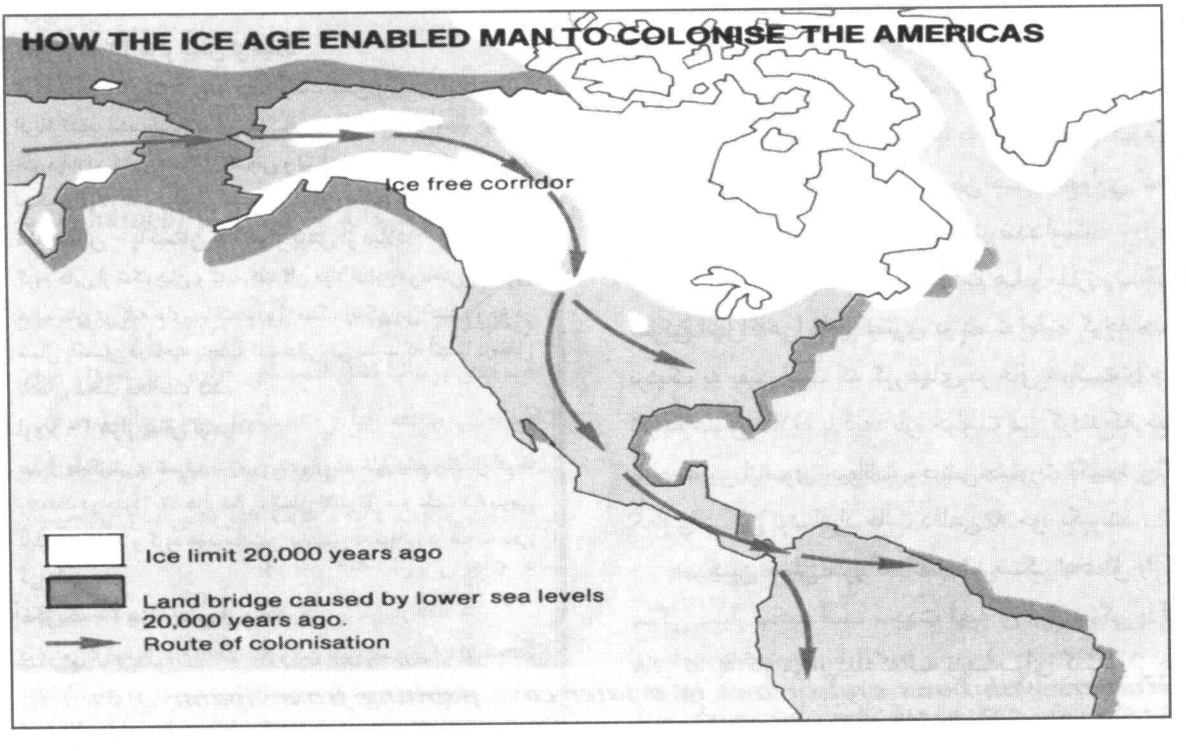
تیره ی نئاندرتال در اروپا تنومندتر و قوی تر از تیره ی افریقایی بودند و بیشتر در اروپای غربی سکونت



منظره‌یی از انسان‌هایی که از دست‌افزار برای شکار و دفاع استفاده می‌کرده‌اند و این تصویری است از انسان هوموهابی لیس (homo habilis) که در سده‌ی بیستم طراحی شده است.



فسیل اسکلت سرانسان هوموساپینس (Homo sapiens) که از منطقه ی توتاول (Tautavel) فرانسه به دست آمده و نشان می دهد که حجم جمجمه این تیره از انسان ها حجیم تر از دوران های پیشین می باشد.



این نقشه، مهاجرت انسان را در دوران یخ‌بندان به سرزمین امریکا و تشکیل گروه‌های مهاجرنشین را می‌نمایاند.

جمهوری چک ۲۶ هزار پیش از میلاد

تحول اساسی در ساخت کلبه های زندگی رخ می دهد که در نواحی دولنی وستونیس (Dolni Vestonice) و پاولوف (Pavlov) واقع در موراوی (Moravia) دیده شده و نیز تندیس هایی از زنان با استخوان وعاج ساخته شده است. هم چنین از گل رس خالص و بدون شن و مواد خارجی که با آتش پخته شده اشکال گوناگون از انسان و حیوان به وجود آورده اند.

استرالاسیا ۲۵ هزار پیش از میلاد

ظهور انسان در استرالیا و گینه جدید (New Guinea) از راه دریایی با بلم و کرجی های ساخته شده از تنه های درختان کار بسیار دشوار و مشکلی بوده است. معهذا انسان توانست با وجود خطرناک بودن آن را انجام داده و استرالیا را بگشاید.

استرالیا ۲۲ هزار پیش از میلاد

در شمال این سرزمین درناحیه مالاناجر(Malangerr) نشانی از کاربرد سنگهای ساخته شده دست افزار انسان مشاهده شده است.

۸-۲۰ هزار پیش از میلاد ، اروپا – آسیا در ۲۰ هزار پیش از میلاد

سرمای محیط تقریباً از ۲۰ هزار سال پیش شروع و درجه حرارت به پایین ترین حد خود رسید. شکارچیان ماموت به سرزمین های بازتوندرا (Tundra) رسیدند و به ساختن خانه هایی برای در امان ماندن از سرما پرداختند. سطح آبهای اقیانوس و دریاها به علت یخبندان رودخانه پایین رفت و جمعیت انسانی در این مناطق کم شد.

فرانسه ۱۸ هزار پیش از میلاد

در ناحیه سولوتر(Solutre) در غرب فرانسه شکارچیان اسب در پرتگاههای طبیعی و جاهایی که تصور می شد محل چراگاه اسب هاست دام می گستردند ، و در ناحیه روک دوسر(Roc de sers) و دره شارنت (Charente) به شکار اسب و گاو وحشی دست زدند. مردم این ناحیه موفق به ساخت میخ از استخوان حیوانات شدند.

افریقای شمالی ۱۵ هزار پیش از میلاد

هنر ساختن اشیای بسیار تیز و برنده قوم ارانیان (Oranian) به اشکال گوناگون و به ویژه فرم هندسی از ویژگیهای مردم شمال افریقاست و درآنجا توسعه فراوان یافته است. مردم اورانی بین ناحیه ساحلی و داخل خاک این سرزمین در جستجوی یافتن اشیای مختلف به استخراج وحفر زمین می پردازند.

امریکای شمالی در ۱۱ هزار پیش از میلاد

درمدت زمان بیش از ۴ هزار سال که سطح آب دریا پایین رفت ، گروههای جمعی از راه تنگه برینگ (Bringia) که سیبری را به قاره آمریکا وصل می کند به آمریکای شمالی می رسند ، و در پی شکار جانوران بزرگ جثه به ساختن اقامتگاه در آن قاره بطور وسیع می پردازند.

اروپا ۱۰ هزار پیش از میلاد

با پایان دوره سرما و یخبندان در این قاره و رسیدن درجه حرارت به حد معمول سرزمین های استپی جای خود را به جنگل های با درختانی چون کاج و بلوط و فندق می دهند و اکوسیستم تغییرات کلی می یابد. در این حال گوزن شمالی و ماموت ها به شمال می روند و در اروپای مرکزی به سبب آب و هوای نسبتاً گرم نایاب می شوند ، لیکن جانورانی مانند گوزن قرمز و نوعی گاومیش و خوک وحشی به فراوانی یافت می شوند.

گزیدند. آنها با سرمای محیط به تدریج عادت کردند و مقاومت فیزیکی از نظر بدنی پیدا کردند و به سهولت توانستند که آب و هوای سایر نقاط را تحمل کنند، چون هوای سرد در راه بود و دوران یخبندان بعدی شروع می شد، نئاندرتال از پوست حیوانات لباس تهیه کرده و به جنگ سرما که بزرگترین دشمن اوبود، رفت.

سنگ چخماق مناسب برای زندگی، نشان پیشرفت نئاندرتال و درخشش او در محیط میشود. (اروپا، ۳۲- ۸۰ هزار سال پ.م):

زیرگروه هوموساپینس که همان نئاندرتال بود، هرچه بیش تر سنگ چخماق را جهت زندگی به کار می برد. در غار موستیه (Le.Moustier) در ناحیه ی دوردنی (Dordogne) واقع در کشور فرانسه سنگ های تیز و به کار رفته توسط آنها یافت شده است. هم چنین در کشور انگلیس و درنقاط مختلف آلمان و اسپانیا و نیز شرق اروپا نشانی از مهارت و استادی و ابداع این تیره است که چگونه از این ابزار استفاده می کرده اند.

قدیمی ترین ابزار سنگی استفاده شده به وسیله ی نئاندرتال که به طور تصادفی کشف شده، سنگی است که به عنوان چکش جهت شکستن سایر سنگ ها و شکل دادن به آنها جهت استفاده های گوناگون به کار می رفته، نیز سنگ چخماقی که با آن سنگ های مدور و سنگ های صاف و تیز تهیه می کرده اند.

به نظر می رسد که انسان نئاندرتال هنگامی که موفق به ساخت این سلاح های سنگی به صورت های گوناگون شد، از آن به شکل های مختلف استفاده می کرد. مانند دشنه برای شکافتن و بریدن و پرتاب به صورت دفاعی و یا کشتن شکار، و به این ترتیب به طور مرتب مهارت او در ساخت آلات و ابزار آشکار می شود. از سویی تهیه ی این ابزار و توسعه ی آن کار و شغل برای افراد این تیره فراهم ساخت، به طوری که بیش از غذای روزانه شکار می کردند و جهت استفاده ی آینده آن را ذخیره می کردند و هنگامی هم که تهیه ی چوب مشکل و در دسترس نبود، آن ها استخوان های دراز حیواناتی را که باقیمانده بود، جهت پوست کندن و نیز استخوان دندان، ماموت (عاج) را که بسیار سخت است به کار می بردند.

بدین گونه نمونه ی زندگی فامیلی پایه ریزی شد و گروههای نزدیک به هم کار اشتراکی انجام می دادند.

انسان نمای هوموساپینس در استرالیا و گینه ی جدید ساکن می شوند.(استرالیا، آسیا ۳۰-۵۰ هزار پ.م):

یکی از کارهای درخشان هوموساپینس دریانوردی در اقیانوس آرام و گذشتن از آن طریق از آسیای جنوب شرقی است.

البته بیشتر جابه جایی مردم آن دوران، سفرهای زمینی بود. چون بر اثر سرمای شدید و یخ های قطبی، سطح دریاها در حدود ۱۳۰-۱۴۰ متر پایین رفته بود.

با این وجود آنها توانستند در حدود ۵۰ کیلومتر در دریاهای باز جلو بروند و بالاخره به سواحل استرالیا و گینه ی جدید و تاسمانی رسیدند. در این سرزمین ها بسیاری چیزها و شرایط جدیدی از جمله جانوران کیسه دار از قبیل کانگوروی بزرگ جثه به چشم می خورد که تنها در این نواحی یافت می شد، چون این قسمت، از قاره های دیگر جدا شده و شباهت به سرزمین های دیگر نداشت.

گروه های بشر اولیه به راحتی توانستند به بخش های دیگر این سرزمین برسند که نخستین بار به منطقه ی جنوب ویلز (New South Wales) جدید کنونی رسیدند و شاید خط ساحلی را در نوردیدند.

بر طبق نظریه ی دانشمندان، آنها حتا به ناحیه ی جنوبی ساهول (Sahul) وکوزایپ (Kosipe) در جنوب گینه ی جدید و جنوب غربی استرالیا رسیده و در آنجا ساکن می شوند و می گویند که آنها مردگان خود را هم می سوزانیدند.

انسان ها به مردگان خود احترام می گزارند و آنها را با آئین های ویژه دفن می کنند. (آسیا، اروپا،۵۰ هزار پ.م):

بر طبق عقیده ی انسان نئاندرتال پس از مرگ، زندگی جدیدی شروع می شود و در آن هنگام مردگان نیاز به تمام وسایل دنیوی دارند، که در آسیا و اروپا این موضوع صادق است.

از این رو به مردگان احترام می گزارند و آنها را با آئین های ویژه در خاک دفن می کنند و از روح آنها طلب آمرزش می کنند و به این موضوع اعتقاد دارند که مردگان قادرند به آنها کمک کنند.

در غار شانیدار (Shanidar) در سلسه جبال زاگرس در کشور عراق، گوری یافت شده که فسیل مرده یی همراه با دسته های گل و عطر و شیرینی دفن شده بوده، هم چنین بنابر عقیده ی انسان نئاندرتال، در این ناحیه کسانی که در زندگی دچار رنج و مشقت بوده اند،بایستی در آن دنیا و زندگی پس از مرگ با گذاشتن نیازهای آنها در گور از آنها حمایت شود که به رستگاری آنها کمک خواهد کرد.

در ناحیه ی موستیه (Moustier)درکشور فرانسه، جسد نوجوانی همراه اسباب های ساخته شده با سنگ چخماق و استخوان های حیوانات در اطراف او کشف شده که نشانه ی احترام به اوست.

هم چنین در فراسی (Ferrassie) در یک پناهگاه سنگی کوهستانی، جسد زن و مردی همراه دو بچه و یک نوزاد در داخل گور کوچکی دفن شده بود، که از سنگ های آهکی پوسته یی ساخته شده است.

در ناحیه ی تشیک تاش (Teshik Tash) واقع در ازبکستان از جمهوری های آسیای مرکزی، جسد کودکی با یک رأس بز دفن شده که شاخ های بز هم پهلوی همان کودک بوده است.

به هر حال ممکن است که دفن کردن همه مرده ها معمول نبوده، لیکن به نظر می رسد که بیشتر آنها دفن می شده اند.

مردان با مقداری گوشت وبعضی اشیاء لازم و تعداد دیگری از لوازم دفن می شدند، اما این امر در مورد زنان اعمال نمی شده است.

احترام به مرده همان طور که گفته شد در جمعی از انسان های نئاندرتال رعایت می شده، و در تمام موارد این امر صدق نمی کند.در ناحیه ی کراپینا (Krapina) در یوگوسلاوی، استخوان های حیوانات در اطراف استخوان های مرده به طور پراکنده، پخش شده است. بعضی عقیده دارند که نئاندرتال در حالت توحش بوده و آدمخواری هم می کرده که به نظر می رسد که این موضوع دور از ذهن باشد.

خاور نزدیک ۸۵۰۰ پیش از میلاد

پس از نزدیک به ۱۵۰۰ سال که آب وهوا تغییر کرده و رو به گرمی می رود ، در صحراها و کویرهای منطقه به سبب بارندگی های شدید، علفزار و چراگاهها وسعت یافته و غلات وحشی به فراوانی می روید و از نظر حیات وحش هم تغییرات کلی پدیدار می گردد.

اروپا ۸۰۰۰ پیش از میلاد

در این سالها شکارچیان به سلاح تیروکمان برای صیدمسلح می شوند و از چوب درختان جنگلی برای ساخت انواع تیرهای پرتابی استفاده می کنند و چون حیوانات دونده و علف خوار فراوان می شود ، انسان ها بایستی از تیراندازی از راه دور به شکار بپردازند ، و این طرز شکار به مدت هزار سال تداوم می یابد. در ناحیه اشتل مور (Stellmoor) نزدیک شهر هامبورگ در آلمان حدود یکصد عدد تیرپرتابی چوبی از زمان ۸۵۰۰ پیش از میلاد کشف شده است.

۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ پیش از میلاد. جریکو(Jericho) در ۸۰۰۰ پیش از میلاد

واحه های ناحیه جریکو و مرکز چشمه های دایمی منطقه عین سلطان در دره رود اردن مدت حدود یکهزار سال محل سکونت بوده و خانه های ساخته شده از آجر و گل جای حالت نیمه چادرنشینی را می گیرد.

امریکای جنوبی ۸۰۰۰ پیش از میلاد

دسته های انسانی در سراسرامریکای جنوبی به ویژه در ناحیه تیرا دل فوگو (Tierra del Fuego) درکشورپرو (Peru) پراکنده می شوند. در این بخش مردم از غده ها و ریشه های گیاهی ، سیب زمینی و دانه های غذایی و انواع حبوب جهت تغذیه استفاده می کنند.

اروپا ۸۰۰۰ پیش از میلاد

گروههای شکارچی سراسر اروپا و منطقه اسکاندیناوی (Scandinavia) در لاپ لند (Lappland) و نیز شرق و غرب و جنوب را در می نوردند.

جریکو ۷۵۰۰ پیش از میلاد

ساکنان منطقه جریکو به مدت دو هزار سال در دهکده های احداثی بناهایی بسیار محکم از سنگ با دیوارهای بسیار قطور به درازای ۱۰ متر وبلندی ۸ متر شبیه برج می سازند. این استحکامات بی مانند جهت حفاظت گروهها از بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله ساخته می شود که حاصل کار و کوشش جمعی است.

صحرای افریقا ۷۰۰۰ پیش از میلاد

ساختن ظروف سفالی به وسیله مردم ساکن صحرای بزرگ افریقا به ویژه در ناحیه ار(Air) ، هوگار(Hoggar) وتادارت (Tadart) در شمال کشور نیجریه و جنوب الجزایر متداول می شود، که این اشیای سفالی با خطوطی بر روی آنها تزئین شده است.

گینه جدید ۷۰۰۰ پیش از میلاد

در اینجا مردم روستایی ، شروع به کشت ریشه و غده های غذایی و تربیت خوک می کنند.

پاکستان ۷۰۰۰ پیش از میلاد

در منطقه مهرگاره(Mehrgarh) واقع در دره سند غربی خانه های روستایی می سازند و هم چنین کشت جو، تربیت گوسفند و بز وگاو کوهی و سایر حیوانات علف خوار آغاز می شود. آنها هنوز از ادوات سنگی استفاده می کنند و آجر را برای ساختمان به کار می برند.

درجه حرارت محیط پایین می افتد و یخبندان شروع می شود. (بریتانیا، ۳۰-۷۰ هزارپ.م):

به تدریج سرما بر محیط حکمفرما می شود و با پایین آمدن درجه ی حرارت اقلیمی زمین ها یخ می زند، لیکن در نواحی جنگلی به علت وجود درختان متراکم، حالت تونـدرا ایجاد شده و نباتات و حیوانات به زندگی خود ادامه می دادند.

حیواناتی مانند اسب آبی و فیل (که بعداً ماموت پشمالو جایگزین آن شد) کرگدن، گاو وحشی و بیزون، گوزن شمالی و اسب، همه توانستند این موج هوای سرد را از سر بگذرانند، لیکن این نکته قابل ذکر است که نئاندرتال در داخل غار چگونه توانست به زندگانی ادامه دهد، در حالی که در جلگه ها و نواحی پست سرما بیداد می کرد.

باز هم سلاح آنها همان سنگ های ساخته شده ی دستی بود و این حالت را حفظ کرده بودند، آنها قادر به تغییر محیط نبودند و با وجود این به پیشرفت و ترقی ادامه دادند و با سرمای محیط خو گرفتند.

احساس حالت بیگانگی و ناپدید شدن نئاندرتال (اروپا،آسیا ۳۰ هزارپ.م):

در آخرین سالهای یخبندان در حالی که می رفت دوره ی یخی به پایان برسد، مهمترین موضوعی که فکر را به خود جلب می کند، ناپدید شدن گروه نئاندرتال می باشد. در حالی که در حدود ۱۰۰ هزار سال آنها در نقاط مختلف کره ی ارض جلوه و درخشش خوبی داشتند و به پیشرفت های زیادی دست یافتند و نیز با سرمای محیط دست و پنجه نرم کردند. در این حال زیر گروه دیگری که راست قامت بوده و چابک تر و زرنگ تر و تندتر حرکت می کرد، به نام هوموساپینس ساپینس، جایگزین نئاندرتال شدند که با نظر جدیدی به کره ی زمین می نگریستند.

چند نظریه در مورد ناپدید شدن انسان نئاندرتال وجود دارد، چون به نظر نمی رسد که با آمیزش و اختلاط نئاندرتال و امتیاز و برتری گروه جدید، نسل آنها به کلی از بین رفته باشد. بر طبق نظریه ی نخست نابودی نسل نئاندرتال به طور ناگهانی و به وسیله ی شیوع و انتشار بیماری سختی که منجر به قتل عام آنها می شود، بوده است.

نظریه ی دوم حاکی از آن است که نئاندرتال چون با سرمای محیط سازش داشت و با آن خو کرده بود، در نتیجه نتوانست گرمای ناگهانی را تحمل کند و از بین رفت.

از طرفی بزرگی سرو جمجمه ی این گروه که مرتباً هم بزرگ می شد، در هنگام زایمان باعث تلف شدن نوزاد می گردید، چون مجرای تناسلی زنان نئاندرتال تنگ بود و نوزادان در آن موقع می مُردند و کمبود نوزاد سبب نابودی نسل آنها شده، لیکن این نظریه قابل قبول نمی باشد.

به هر صورت گروه جدید هوموساپینسّ ساپینس، بر گروه نئاندرتال فائق شده و سراسر کره ی زمین در حیطه ی قدرت آنها قرار گرفت.

نقاشی ماهرانه انسان در غارها، در نور بسیار کم حاصل از آتش (اروپا، در ۲۰ هزار پ.م):

به احتمال زیاد در این هنگام و پیش از شروع دوران یخبندان جدید، بشر دست به کارهای نوو خلق آثار و نشان دادن محیط زندگی خود می زند.

برای نخستین بار، استادان فن نقاشی، تصاویر حقیقی را با کمال مهارت جهت نمایش سال های عمر خود می کشند. تعدادی از این استادکاران جزئیات زندگی را با حک و نقاشی به طور فیزیکی، محیط و زمان خود را تشریح می کنند و حقیقت آن را به خوبی روشن می سازند و از دید خود چگونگی و کیفیت محیط را با روشنی کامل و به سادگی به نمایش می گذارند.

این کار سخت و ماهرانه، که حاکی از دید بسیار عمیق و ظریف آنهاست و کار آنها را در محیط بسیار تاریک غارها، در فرورفتگی های سنگی تاقچه مانند و در زیر روشنایی اندک آن جا که با آتش تأمین می شد، بسیار حیرت انگیز است، به ویژه آن که به طور مثال جانور غول پیکر ماموت را به صورت برجسته نشان می دهد که با در نظر گرفتن شرایط آن زمان شگفت انگیز است.

از سوی دیگر، با وجودیکه ساکنان غار با سرما در ستیز بودند و محیط زندگی دهشت بار، لیکن آنها با کار شاق و طاقت فرسا، آن را برای گذران معیشت جاودانه تحمل می کنند و با خلق آثار بسیار زیبا، تندیس جانوران وحشی از قبیل گوزن، گاو وحشی (بیزون) که هر روزه با آنها سر وکار داشتند، موجب حیرت می شود.

در ناحیه ی کومبارل (Les Combarelle) کشور فرانسه، حکاکی حیوان با سنگ چخماق بر روی دیواره سنگی غار کشف شده که تاریخ آن به ۱۰ هزار سال پیش می رسد.

در غار دیگری در جنوب غربی فرانسه و در دره ی دوردین (Dordogne) نقاشی و حکاکی بر روی دیوارآن دیده شده است. خلقْ این آثار که با کمک روشنایی سنگ چخماق (آتش زنه) و سوخت جلبگ و یا چربی حیوانات انجام می شده، کار بسیار حیرت انگیزی است.

آنها رنگ های به کار رفته در این تصاویر، از قبیل زرد و قرمز و سیاه را از سنگ های معدنی نظیر پودر اکسید آهن، فسفات کلسیم واکسید منیزیم را از حدود ۵۰ کیلومتری محل به دست می آورده اند.

در این طرح ها، تصاویری از ماموت پشمالو، گاو، گوزن شمالی، گاو وحشی، اسب، شیر و حتی ماهی، مورد نظر نقاشان و هنرمندان این کار بوده است.

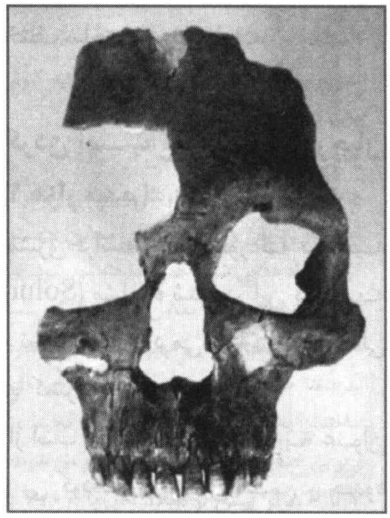
این طرز فکر هنرمندان حکاک و مجسمه ساز به خوبی می رساند که آنها می توانستند زمینه ی محیط زندگی را خیلی روشن به آیندگان برسانند، هرچند تندیس انسان به ویژه زنان، کمتر به چشم می خورد.

درشمال و جنوب فرانسه، اسپانیا و سایر بخش های اروپا و روسیه و در ناحیه دولنی وسترنیس (Dolni Vestornice) در جمهوری چک، تعداد کمی تندیس با حالتهای گوناگون انسانی از گل پخته یافت شده است.

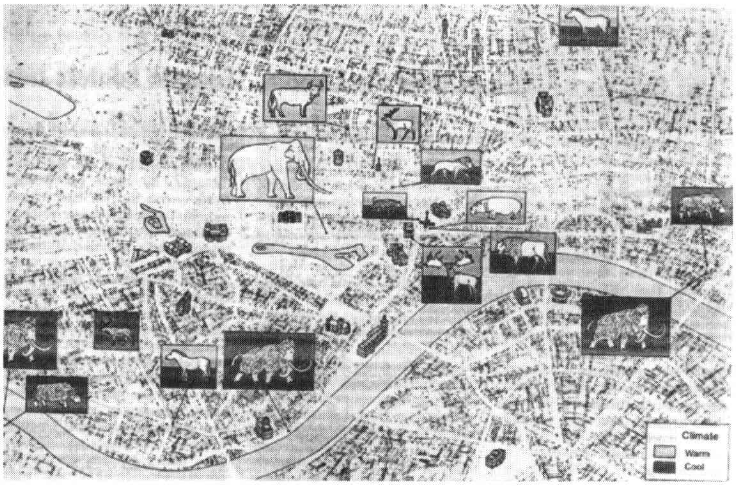
هم چنین از تندیس زنانی که از استخوان یا عاج ساخته شده و اغلب صورت آنها از بین رفته و به نام هیکل ونوس نامیده شده، وجود دارد که نشانه ی الهه باروری و تولید نسل می باشد، لیکن اندازه ی سینه ها و باسن آنها خیلی بزرگتر از طبیعی ساخته شده است.

گوزن و ماموت، نقش بزرگی در زندگی انسان بازی می کنند (اروپا، ۱۲-۲۰ هزارپ.م):

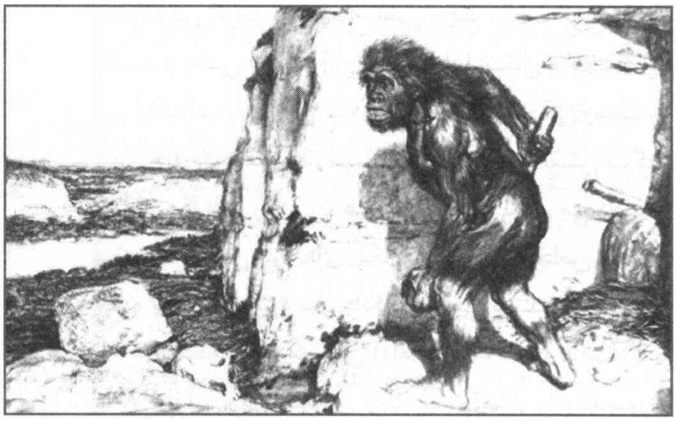
در آخرین سال های یخبندان در اروپا و آسیا، صحنه برای چریدن و تاخت و تاز انواع جانوران علفخوار بسیار مساعد گشت و حیواناتی مانند گوزن شمالی، اسب، گاو کوهی و ماموت پشمالو، فراوان گشت. در این زمینه ی مساعد،خوشبختانه انسان ها شروع به بهره برداری از این



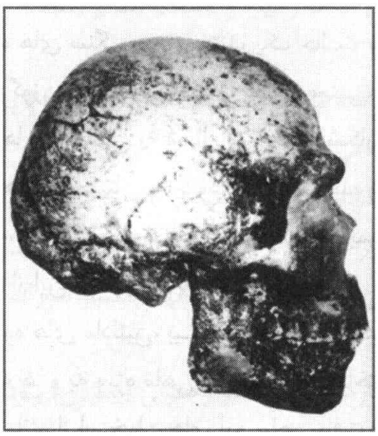
بخشی از جمجمه‌ی انسان هوموساپینس که در استرالیا می‌زیسته است.



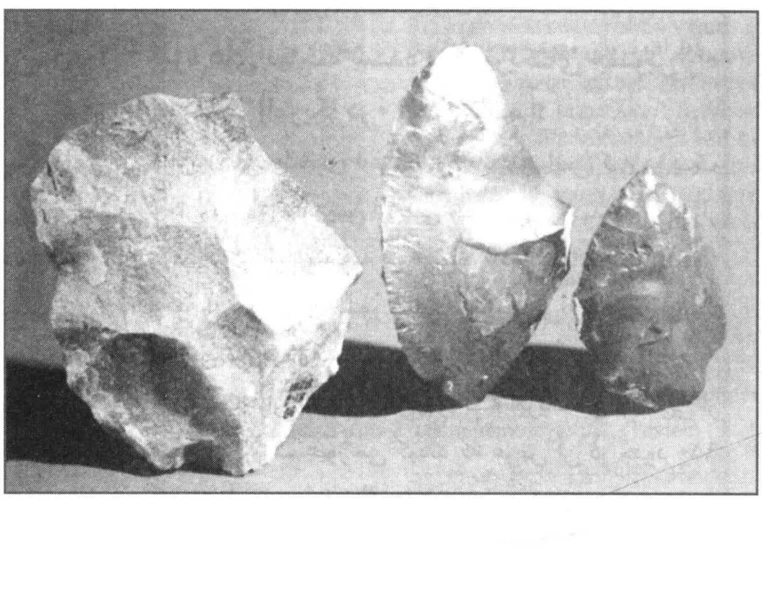
نقشه ای از شهر لندن در آن زمان که نشان می دهد در دوران های پیشین که هوای این منطقه گرم تر بوده، چه نوع حیواناتی در آن جا زندگی می کرده اند و در زمان های سردتر از هوای کنونی، انواع جانوران و تنوع آن ها چه گونه بوده است.



چه‌گونگی و وضع انسان نئاندرتال (Neanderthal) از منظر اوایل قرن بیستم.



فسیلی از جمجمه‌ی انسان هوموساپینس ـ ساپینس (Homo sapiens Sapiens)



لوازم و آلات سنگی انسان نئاندرتال که با آن می‌توانسته بهتر شکار کند و از تیزی و برندگی سنگ‌های سخت هم‌چون خارا جهت بریدن و له‌کردن گوشت بهره‌مند شود.

وضع کردند و با شکار مداوم،از گوشت و پوست و پشم و استخوان و عاج آنها استفاده می کردند.

از سوی دیگر، با شیوه ی جدید شکار و فراوانی آن، انسان توانست که با استفاده از سرعت و بادپایی اسب و گوزن شمالی، آنها را رام کرده و در حمل و نقل استفاده کند.

بعضی انسانها، حتی توفیق آن را یافتند که از ویژگی حیوانات بهره برداری کنند و این امر سبب شد که در اجتماع های دیگر، انسان به پیشرفت بیشتری دست یابد.

باز هم این طریق جدید و فراوانی انواع شکار، سبب تشویق اهالی به صید روزافزون شد و شاید به انواع دیگر حیوانات توجهی نشد.

در اروپای مرکزی و اوکراین، بیشتر توجه، به شکار ماموت جلب شد، چون با شکار یک ماموت تعداد بسیازی از مردم از آن حیوان بزرگ جثه منتفع می شدند، در حالی که در شرق اروپا اسب و گوزن را ترجیح می دادند.

در مادلئین (La Madeleine)، واقع در دوردنی در جنوب غربی فرانسه، گروههای شکارچی که در غارها و پناهگاه های سنگی می زیستند، یک حالت مهاجرت را در تعقیب گوزن رعایت می کردند، بدین معنی، هنگامی که گوزن ها در تابستان به شمال می رفتند، شکارچیان متعاقب آنها و هنگام زمستان به جنوب می رسیدند، و شاهد مدعا این که، آثار اردوگاه هایی در حوالی پاریس و در شمال فرانسه از این شکارچیان به جا مانده است.

گروه های مادلئین، بیشتر به صید ماهی در سواحل رودخانه ها و به ویژه ماهی سالمون می پرداخته اند و انبوه خرمن مانند از استخوان های این ماهی یافت شده است.

توسعه ی سفال سازی در چادر نشینان (ژاپن، در ۱۲ هزار پ.م):

از چادر نشینان ماهی گیر در ژاپن، ظروف سفالین بدون ظرافت و خشن، که با ریسمان جهت برداشتن آب و تهیه ی غذا ساخته شده، یافت شده است. گرچه آنان برای پختن گِل به کار رفته، در سفال ها در بیش از ۱۰ هزار سال پیش، از آتش استفاده می کرده اند، لیکن این موضوع در مورد گروههایی که در محل، اقامت دائمی داشته اند، صدق می کند. به هر حال ساخت لوازم سفالین در این هنگام به صورت های گوناگون در تمام گیتی و به ویژه در نزد کشاورزان معمول بوده و در بعضی نقاط با ظرافت خاص و کاربرد رنگ های مختلف ساخته می شده است.

پرورش و اهلی کردن اسب توسط شکارچیان (فرانسه، ۱۰-۲۰ هزار پ.م):

مردم ساکن در مشرق فرانسه، همان طور که در ناحیه ی سولوترن (Solureans) مشاهده شده، در این هنگام به اهلی کردن اسب به تعداد بسیار زیاد می پرداختند، در حالی که در سایر نقاط اروپا کمتر به آن توجه شد.

مردمان سولوتر از اسب جهت حمل شکار و به عنوان بارکش بهره برداری می کردند و با پرورش اسب در حدود ۱۰ هزار سال پیش کاملاً آشنایی داشتند.

سولوترنی ها هم چنین از سنگ و استخوان حیوانات، نیزه های نوک تیز جهت پرتاب کردن به سوی شکار استفاده می کردند و مهارت خاصی جهت ساخت این سلاح داشتند و بعضی از انواع این نیزه ها را با اشکال برگ و گل می آراستند. درازای این نیزه ها به ۲۰ سانتیمتر می رسید و همان طور که گفته شد، جهت زیبائی نیزه، از نقش برگ گیاهان وگلها بر روی آن، هنرمندی خود را نشان می دادند، و تدریجاً ساختن نیزه های شکاری، ویژه ی اشخاص خاصی شد و پیشه وران نیزه ساز جایگاه ویژه یی یافتند.

در ناحیه ی پردموستی (Perdmosti) به فاصله ی ۸۰۰ کیلومتر و در جمهوری چک، بیشتر شکار ماموت مورد نظر بود ونیزه های ساخته شده از عاج ماموت را جهت شکار به کار می بردند و از آن لوازم دیگری جهت استفاده در کلبه های خود می ساختند.

نیزه های ساخته شده به امریکای جنوبی راه می یابد. (امریکا در ۱۰ هزار پ.م):

ساکنان عشایری آسیا و اروپا به علت این که در یک مکان نمی ماندند، پس از طی مسافتی در حدود ۱۶ هزار کیلومتری، به منطقه ی مونت ورده (Monte Verde) (کوههای سبز) در کشور شیلی می رسند و به نظر می رسد که این مهاجرت کمتر از ۱۵ هزار سال پیش بوده است.

مهاجران برای رسیدن به امریکای جنوبی از تنگه ی برینگ عبور می کردند که عرض آن در حدود ۹۵۰ کیلومتر است، و این تنگه را در می نوردیدند.

در این هنگام که دوره ی پایان یخبندان است، ورقـه ی یخ اقیانوس منجمد شمالی ضخیم تـر شـده و قـدرت آن را داشته است که کاروان های مهاجران را تحمل کند.

این مردم شکارچی، پس از پیمودن راه یخی و گذشتن از یخ های پل برینگ به آلاسکا می رسند.

زمان سفر مهاجران شکارچی که این سرزمین های یخی را می پیمایند، سال ها به درازا می کشد و به نظر نمی رسد که آن ها توانسته باشند در مدت کم این سفر را به ویـژه در نواحی یخبندان انجام دهند و به مـدت زمـان طـولانی نیـاز بوده است که البته، توأم با مشقت و سختی و تلفات بیـشمار بوده است، در ضمن باید دانست که مسافران بـا هـم بـسیار صمیمی بوده و به کمک هم و اشتراک مساعی بـا یکـدیگر می پرداختند.

به هر حال، آنها در حین حرکت جمعی، موفق به کـشف سرزمین های جدید می شوند و به کوههای راکی (Rocky Mountain) در امریکـای شـمالی و نیـز بـه لارونتیـد (Laurentide) کانادا رسیده و قسمت اعظم منطقـه کانـادا کشف می شود.

پـس از آن، بـه شـرق کالیفرنیـا و نیومکزیکـو و بخـش شرقی پنسیلوانیا می رسند.

سلاح این شکارچیان سیار، تیرها و نیـزه هـای بـا شـیار طولی بوده، و نیز جانورانی چون ماموت و اسب و سگ های آبی را شکار می کردند که جثه ی آنهـا بـسیار بـزرگ بـوده است.

دیگر از شکارهای آنها، گـاو وحـشی (بیـزون) بـوده کـه شکارچی از مغز و پشم و پوست و شاخ آن بهـره مـی بـرده است.

در هزار سال پیش، سـاکنان امریکـا، تنگـه ی پانامـا را پیموده بودند و آن منطقه کشف شده بود.

بالاخره مهاجران این تنگه را هم می پیماینـد و در ایـن ناحیه هم به شکار ماموت دست می زنند، کـه البتـه مـاموت این ناحیه را ماستودون (Mastodon) می نامنـد. سـفینه و وسیله ی گذشتن از این راه، استفاده از تنه هـای درختـان و ساختن بلم از چوب آنها بوده و حتـی اسـکنه را هـم جهـت وصـل کـردن تختـه هـای بلـم (کـشتی ابتـدائی) بـه کـار می برده اند.

آسیا در ۷۰۰۰ پیش از میلاد

حبوب و گندم وجو از آناتولی واقع در ترکیه کنونی تا پاکستان کـشت و مورد بهره برداری قرار می گیرد.

خاور نزدیک ۷۰۰۰ پیش از میلاد

جایگاه زندگی و محل سکونت بهبود می یابد و در سراسر ایـن منطقـه خانه های دایمی و نیز ظرف های سفالین جهـت پخـتن غـذا و ذخیـره کردن مواد غذایی شبیه خمره ساخته می شود. به تدریج استعمال ادوات سفالین به جای سنگ معمول و لوازم سنگی کمیاب مـی شـود. سـفال های ساخته شده بسیار با مهارت انجام مـی شـود و از ظرافـت خاصـی بهره مند می گردد ، هم چنین موادی بـرای جلـوگیری از نفـوذ آب در ساختمان به کار برده می شود. بهداشت محیط و آب هم مورد نظر بوده و نوعی تصفیه فیزیکی جهت آب انجام می شود.

۷ تا ۶ هزار پیش از میلاد ، اروپا ۷۰۰۰ پیش از میلاد

در اثر بهبود آب و هوا وگرمای نسبی درختان کاج ونارون و بلوط وفندق و نیز لیمو و پرتقال به وفور یافت می شود.

ژاپن ۶۵۰۰ پیش از میلاد

زندگی مردم مجمع الجزایر ژاپن بر پایه شکار ، صید ماهی بوده ، لیکن ابزار سنگی و ساختن انواع ظرفهای سـفالین در شـکلهای گونـاگون در آنجا رواج دارد.

خاور نزدیک ۶۵۰۰ پیش از میلاد

ساخت خانه هایی با آجر و شکل مربع مستطیل جـایگزین کلبـه هـای دایره یی شکل می شود، و این خانه ها در مزارع و کـشتزارها بنـا مـی شود. کشت دانه های غذایی هر ساله تجدید شده و مازاد بر مصرف آن ذخیره می شود. ظروف سفالی و نیز تنـدیس جـانوران و انـسان ازگـل ساخته می شود.

یونان ۶۵۰۰ پیش از میلاد

مردم یونان در این حال کم کم بـه مرتـب کـردن جنگلهـا پرداختنـد و درضمن به کشت ذرت ، جو ، ارزن و در بعـضی نقـاط عـدس و نخـود پرداختند ، همچنین درختان میوه مانند گلابی ، بادام ، انجیر را در نقـاط مختلف کاشتند. پرورش درخت زیتون هم به تدریج در همه کشور بـاب شد که روغـن آن را در غـذای روزانـه مـصرف مـی کردنـد. در زمینـه دامداری و پرورش گاو ، بز وخوک نیز پیشرفت زیادی کردند.

اطراف دریای مدیترانه ۶۵۰۰ پیش از میلاد

ساکنان این نواحی به جهت نزدیکـی بـه دریـای آزاد بـا کـشتی هـا و قایق های خود در جستجوی سرزمین های جدید، این دریا را می کاوند و جزایر آن را کشف می کنند و در آنجا گروهها و طایفه هایی تـشکیل می دهند. آنها سـرامیک را بـه اشـکال و انـواع گونـاگون بـه مـصرف می رسانند.

اروپا ۶۵۰۰ پیش از میلاد

پهنه دریاها در این قاره سراسر پوشـیده از یـخ اسـت ، بومیـان از نظـر فیزیکـی و عـادت بیـشتر نـواحی حاشـیه اقیـانوس اطلـس را تـرجیح می دهند، به ویژه در فرانسه در منـاطق هودیـک (Hoedic) ، تویـک (Teviec) وکونژموز(Kongemose) و در دانمارک در حاشیه منطقـه ارتبول (Ertebolle) ساکن می شوند.

پیشرفت فن کشاورزی و کاشتن تخم و دانه ها (دره نیل، ۱۰-۱۵ هزار پ.م):

تا مدت های مدید، مردم مصر از دانه های گندم و غلات خودرو، که در کناره های رود نیل به دست می آمد تغذیه می کردند. آنها با زحمات طاقت فرسا این دانه ها را می کوبیدند و از آن چیزی شبیه آرد(البته به صورت اولیه) به دست می آمد.در سرزمین های مصر، با جمع آوری دانه های غلات، آنها را به صورت خرمن انبار می کردند و پس از کوبیدن، آنها را با آب مخلوط کرده و چیزی شبیه نان تهیه می کردند.

در بخش شمالی دره ی نیل در سرزمین نوبه (سودان کنونی)، گندم کنونی خودرو را با داس سنگی که از سنگ های ورقه ورقه ی آهکی می ساختند، درو کرده و با سنگ های صاف و مسطح آن را آرد کرده و به مصرف می رسانیدند، که این همان آسیاب اولیه می باشد.

از سویی، با گرم شدن کره ی زمین و پایان یخبندان، کمربند استوایی حالت خشکی خود را از دست داده و با یخ شدن آب ها، مرطوب تر شد، در نتیجه غلات وحشی به مقدار زیاد روئید و زیاد شدن مواد غذائی سبب کثرت نفوس گردید. این حالت رطوبی هم دیری نپائید و سال هایی چند، خشکی قاره یی آن جا را فرا گرفت و باز هم مردم به شکار و صید ماهی جهت تغذیه پرداختند.

سرمای شدید،جای خود را به گرما می بخشد، لیکن زندگی هم چنان دشوار است. (شمال اروپا در ۱۰ تا۶ هزار پ.م):

گرمای نسبی شمال اروپا مدت طولانی ادامه نمی یابد و باز هم سرما جایگزین آن می شود. حیوانات بی پناه در جستجوی پناهگاه برمی آیند، در نتیجه شکار فراوان می شود و مردم محروم، به شکار آنها روی می آورند و از پوست آنها جهت پوشش و از شاخ و استخوان آنها جهت تهیه ی ابزار زندگی بهره می گیرند. به هر حال، مدتی نواحی تونـدرا و استپ (سرزمین های مناطق قطب شمال) جای خود را به علفزار و جنگل و درختان تنومند مانند کاج می سپارند و جانوران این مناطق نظیر گاو وحشی و گوزن، شکار انسان ها می شوند. این جانوران به صورت گله های بزرگ در چراگاهها زندگی می کنند و محیط جنگلی و علفزار جهت تولید مثل و ازدیاد آنها فراهم می شود.

در این محیط، انسان ها دسترسی کامل به انواع و اقسام مواد غذائی از قبیل شکار حیوانات وحشی و پرندگان و صید ماهی و میوه های جنگلی جهت تغذیه پیدا می کنند.

چادر نشینان شکارچی به اروپای شمالی نقل مکان می کنند (شمال اروپا ۸ هزار پ.م):

در پایان دوران یخبندان، مردمی که با سرمای محیط خو گرفته بودند، در شمال اروپا به سرزمین های یخی روی می آورند و با وضع جدیدی زندگی را آغاز می کنند و به زودی با طبیعت این سرزمین یخبندان خو می گیرند.

این شکارچیان تازه، با خود، گوزن های شمالی را برده و آنها را از حالت وحشی به حالت اهلی در می آورند و ازاین حیوان به شکل های گوناگون بهره می گیرند.

مردمان ساکن این نواحی،با گوزن شمالی زندگی را در منطقه ی پایین قطب شمال و در شبه جزیره ی اسکاندیناوی و شمال روسیه (منطقه ی سیبری) آغاز می کنند.

این وضعیت و تغییر اقلیمی هوا و تبدیل نواحی توندرا و استپ به سرزمین های جنگلی و چراگاه ها و نیز ازدیاد نفوس جانوران شکاری در اثر تغذیه ی مناسب، سبب پیشرفت وسایل شکار انسان می شود و تیر و کمان، جایگزین پرتاب سنگ های تیز جهت شکار می شود.

فراوانی جنگل و چوب به ساختن، قایق جهت ماهیگیری و تهیه ی تیر و کمان کمک می کند و هم چنین تبر و دشنه جهت کندن و بریدن اشجار جنگلی به وجود می آید و ساکنان جنگل از چوب، وسایل دیگری جهت زندگی بهتر فراهم می آورند.

برای نخستین بار، کشت دانه های غذائی و غلات آغاز می شود (خاورمیانه، ۸ هزار سال پ.م):

پس از حدود دو میلیون سال، برای اولین بار در فلسطین، مردم بومی، زمین ها را جهت کشت آماده می کنند، آنها علف های هرز را در زمین از بین

جزیره کرت ۶۳۰۰ پیش از میلاد
دریانوردان پس از طی کیلومترها از آناتولی به شمال جزیره کرت رسیده ودر کنوسوس (Knosson) اقامت می کنند ، و در کلبه های گلی ناحیه خشک جزیره مسکون می شوند و به کشت انواع غلات می پردازند. در این زمان مردم جزیره به ساخت سفال وسرامیک جهت مصارف گوناگون دست می زنند که مقادیر زیادی از این ناحیه به دست آمده است.

امریکای شمالی ۶۰۰۰ پیش از میلاد
تغییرات هوای اقلیمی باعث توسعه جنگل در شمال و شرق ونیز سبب خشکی بیشتر نواحی مرکزی و غرب می شود. شکارچیان به مقدار کمتری در تعقیب شکار می روند ، درحالیکه وسعت چراگاهها بیشتر شده و جانوران کوچک جایگزین شکارهای بزرگ مانند ماموت می شوند و نسل ماموت نابود می گردد.

مکزیکو ۶۰۰۰ پیش از میلاد
مردمی که در غارها ساکن بودند به سرزمین های صحرایی و خشک روی می آورند ، در حالیکه در ناحیه تامئولیپاس (Tamaulipas) تا سالهای هفت هزار پیش از میلاد زندگی آنها تغییر نکرده بود.شکارچیان وگردآورندگان مواد غذایی به کشت فلفل وکدو تنبل می پردازند.

قبرس در ۵۸۰۰ پیش از میلاد
مهاجران آسیایی در گشت های دریانوردی به جزیره قبرس می رسند و پس از اقامت در این جزیره خانه های کوچکی به شکل دایره می سازند که پایه های آنها از سنگ ، ودیوارها گلی و یا خشتی است.

پاکستان ۵۵۰۰ پیش از میلاد
ساکنان ناحیه مهرگاره (Mehrgarh) در دره سند قادر به ساختن انواع سفال هستند و حتی اشکالی از مجسمه زن می سازند که همه آنها از گل پخته بوده است. آنها از راههای دور، سنگهای گرانبها و صدفهای دریایی را جهت فروش حمل می کنند.

میان رودان – بین النهرین – (Mesopotamia) ۵۴۰۰ پیش از میلاد
ساکنان این منطقه برای نخستین بار در ساحل رود فرات (Euphrates) ظاهر می شوند ، به ویژه در کیش (Kish) اریدو(Eridu) ، اور(Ur) والعبید (Al Ubaid) ، آنها چرم گاومیش و سفال هم تولید می کردند و برای سفال ها رنگ قهوه یی مایل به قرمز جهت تزئین به کار می بردند.

مکزیکو ۵۰۰۰ پیش از میلاد
کشت ذرت هم در این سالها به کشاورزی منطقه دره ی تهواکان (Tehuacan) افزوده می گردد.

چین ۵۰۰۰ پیش از میلاد
مردم منطقه هومودو (Homudu) موفق به کشت برنج می شوند.

اروپا ۵۰۰۰ پیش از میلاد
در سراسر کرانه دریای مدیترانه از اسپانیا تا توسکانی (Tuscany) مردم این ناحیه هنوز در غارها زندگی می کنند، لیکن در خارج از غار هم پناهگاه هایی می سازند. این پناهگاه ها به شکل کلبه های مدور می باشد. آنها گندم و جو می کارند و گوسفند و نوعی گوزن شبیه گاو وخوک را هم پرورش می دهند ، هم چنین ظرفهای سفالی جهت پختن غذا، ملاقه، ظرفی شبیه بطری تولید می کنند و جهت تزئین بعضی از آنها از صدف استفاده می کنند.

می برند و پس از شخم زدن، دانه ها و هسته ی نباتات را می کارند.

این تغییر تدریجی از زندگی شکار به کشاورزی، با به کار بردن سنگ های مستوی و تیز جهت کندن زمین شروع می شود، چون سال ها مردم از غلات وحشی استفاده می کردند، و پس از آن همان دانه های وحشی را می کارند و از آن مواد غذایی به دست می آورند.

در زندگی کشاورزی مردم از داس سنگی استفاده می کنند و خرمن های غله به وجود می آورند.

به زودی غارنشینان منطقه ی وادی المقره نزدیک کوه کارمل، به زندگی کشاورزی روی می آورند و با دشواری فراوان غلات به دست آمده را به حالت آردی در آورده و به مصرف می رسانند.

در طی سه هزار سال، ساکنان چادر نشین سرزمین اردن، غلات کاشته شده به دست بشر را، جایگزین غلات وحشی و خودرو می سازند و وضع تغذیه بهبود نسبی می یابد و درمنطقه ی ناتوفیان (Natufians) در اردن، کلبه های دایمی می سازند و در این منطقه، خانه هایی از سنگ به شکل دایره و نیم دایره ساخته می شود.

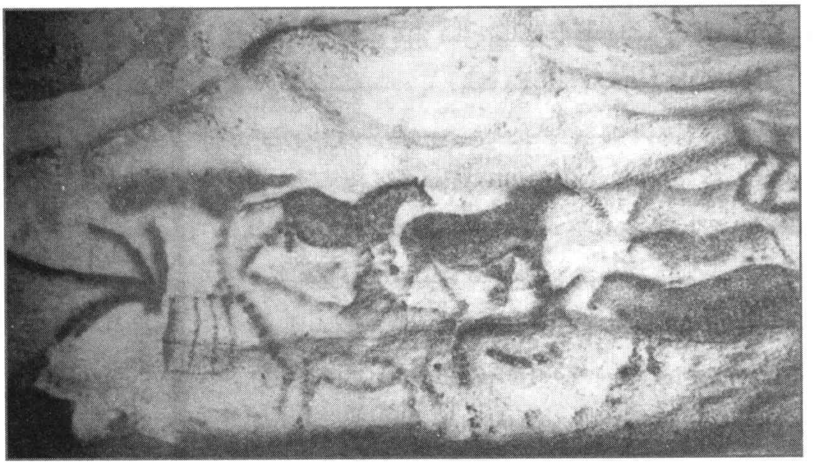
از سوی دیگر، سنگ های صاف و مستوی جهت کوبیدن، جای خود را به سنگی شبیه دسته ی هاون می دهد که از آن برای کوبیدن و لِه کردن مواد گوشتی استفاده می شود، معهذا این زندگی کشاورزی توأم با مصرف مواد گوشتی و ماهی ادامه می یابد، این قدم بسیار بزرگی از تغییر زندگی با شکار حیوان و تغذیه از گوشت آن به زندگی کشاورزی و ساکن شدن انسان در یک منطقه به طور دایم می باشد.

پیشرفت لوازم شکار(تیرو کمان)، (اروپا در هشت هزارپ.م):

لوازم شکار قدیمی که برای کشتن حیوانات جهت تغذیه در اروپا به کار می رفت، جای خود را به لوازم جدیدتر داد. کاوشگران از لوازم ساخته شده و اختراعی شکارچیانِ آن هنگام خبر می دهند که افراد از شاخه های درختان که حالت خم شدن و تاشدن بیشتر ی داشتند، استفاده می کردند. آنها این شاخه ها را با طناب های بافته شده از برگ



بقایای اسکلت یک انسان از تیره‌ی نئاندرتال که در گوری در فرانسه به‌دست آمده است.



نقاشی هنرمندانه از تعدادی بز و اسب که در غاری در منطقه‌ی لاسکو (Lascaux) بر بدنه‌ی سنگی آن حک شده است.



نقش حیوان بزرگ‌جثه‌ی علف‌خوار که شباهت بسیاری با بیزون (Bison) (نوعی گاو وحشی) دارد، بر دیوار غار.

خاور نزدیک ۵۰۰۰ پیش از میلاد

در این ناحیه از فلز مس بطور وسیع جهت ساختن ظروف استفاده می شود ، به ویژه آن رابرای سرگرز یا چماق به کار می برند.

مصر ۵۰۰۰ پیش از میلاد

کشاورزان در مصر به ساختن خانه های گروهی اقدام می کنند و گندم و جو هم می کارند.

آمریکا ۵۰۰۰ پیش از میلاد

مردم آمریکای شمالی در این هنگام در چادرهای دایمی زندگی می کنند و به کشت ذرت بطور وسیع می پردازند.

اروپا ۴۵۰۰ پیش از میلاد

ماهیگیران محلی که در ساحل رود دانوب و در منطقه لپنسکی ویر(Lepenski Vir) در شرق اروپا ساکن بودند، در هنر تندیس نگاری پیشرفت داشته و به ویژه تندیس سر ماهی در آنجا به وفور یافت شده است.

اروپا ۴۵۰۰ پیش از میلاد

در سراسر ساحل اقیانوس اطلس از اسپانیا تا سوئد، کشاورزان مکانهایی شبیه قبر مگالیت (Megaliths) در زیر تپه یا صخره شامل دالانی که به اتاقی منتهی می شود با بدنه اصلی از سنگ می سازند که برای دفن مردگان بوده است.

اروپا- خاورنزدیک ۴۵۰۰ پیش از میلاد

مردم اروپای جنوبی و خاور نزدیک در فن استخراج مس از معدن به پیشرفتهایی نایل می شوند و در این زمنیه ابداع هایی به کار می برند و فلز را از سنگ معدن جدا می کنند.

میان رودان ۴۵۰۰ پیش از میلاد

برای اولین بار قایق هایی جهت گذر از آب در رودخانه فرات ظاهر می شود.

افریقای غربی ۴۱۰۰ پیش از میلاد

کشاورزان ناحیه کشور غنای کنونی (Ghana) از هسته خرما روغن خوراکی تهیه می کنند.

اروپا ۴۰۰۰ پیش از میلاد

کشاورزان ناحیه دانوب (Danube) در جستجوی چراگاههای تازه جهت دام های خود از رود راین (Rhine) می گذرند و در نوار شمال فرانسه در ناحیه آلزاس(Alsace) ساکن می شوند.

اروپا ۴۰۰۰ پیش از میلاد

کشاورزان از جهات دیگری به تجارب جدید دست می زنند از قبیل ساختن گاوآهن و گاری جهت حمل ونقل که در مرکز وشرق اورپا ساخته می شود. در حدود ۵۰۰ سال پیش در اروپای شمالی نوعی فنر ساخته شده بود که در دشت های اسکاندیناوی و در جاهای دیگر قاره اروپا هم چنین تجربه هایی داشته اند.

صحرای افریقا ۴۰۰۰ پیش از میلاد

در مرکز صحرا به ویژه جنوب الجزایر و شمال نیجریه پرورش گوسفند وبز وگاو به طور معمول انجام می شود.

درختان که به صورت ابتدایی تهیه شده بود و حالت درگیری دام را برای شکار داشت، بهره گیری می کردند.

شکارچی چوب مورد نظر را تا حد امکان به صورت تیر در می آورد و آن را به طرف هدف پرتاب می کرد و در صورت اصابت تیر، طناب دنباله ی آن را می کشید، و بدین ترتیب شکار زخمی را به طرف خود می آورد و آن را پوست کنده و مصرف می کرد. در این شیوه، شکارچی به سرعت و چالاکی حیوان زخمی را می کشت. ساخت تیر وکمان بیشتر حیوانات را در معرض تهدید قرار داد، بدین معنی که انسان با فاصله ی بیشتری تیر را به سوی شکار پرتاب می کرد و سلامت بیشتری را جهت شکارچی تأمین می کرد، چون در فاصله کم شکارچی هم از حمله ی شکار در امان نبود.

به طور کلی، معلوم نیست پیش از اختراع تیر وکمان پرتابی، شکارچی چگونه دست به حمله می زد، چون از سوی شکار هم تهدید جهت شکارچی وجود داشت و ممکن بود شکار باعث تلف شدن شکارچی شود و این بستگی به مهارت و تجربه ی شکارچی داشت. در زمانی که سراسر اروپا دوران یخبندان را سپری می کرد، به سبب کمبود درخت و جنگل و وجود علفزارهای فراوان و هم چنین نبود دید کافی، بیشتر از نیزه های پرتابی استفاده می شد و از روش پیشین صید، بیشتر بهره گیری به عمل می آمد.

با از بین رفتن دوران یخبندان و جایگزینی جنگل به جای توندرا، نوع شکار و حیوانات هم تغییر کرد و حیوانات جنگلی جانشین انواع دیگر کوچکتر از خود شدند، از قبیل گوزن های بزرگ و گوزن حنایی رنگ که بیشتر به صورت گله حرکت می کردند و در نتیجه شکار آنها از فاصله ی کم بعید می نمود. شکار آنها به وسیله ی تیروکمان امکان پذیر شد که برای نخستین بار مردم ساکن آسیا از آن استفاده کردند.

اروپایی ها به کار بردن تیروکمان را از آسیایی ها اقتباس کردند و در آن تغییراتی در جهت بهبود انجام دادند که استعمال آنها آسانتر شد.

شکارچیان به تدریج از انوع تیرهای تیز و سوراخ کن استفاده کردند. آنها بر سرِ تیرهای پرتابی، مقداری از صمغ درخت می زدند و پس از خشک شدن آن، تیر را به سوی شکار پرتاب می کردند، در این حال، صمغ مانند نیزه ی آهنین در بدن شکار فرو می رفت و حیوان از پا در می آمد.

در مورد ساخت تیرهای سنگی هم تدریجاً اندازه ی آن کوچک تر شد و به اندازه ی ۲/۵ سانتیمتر رسید، البته با نوک بسیار تیز، که این وسیله ی تکامل یافته، هزاران سال مورد استفاده ی شکارچیان قرار داشت.

این گونه تیرها را از سنگ چخماق که نوعی سنگ خارا می باشد به شکل هرمی که مقطع مثلثی داشت درست کرده و بر سر چوب نصب می کردند و این تیر را که شبیه نیزه های چوبی و با سر آهنین بود چند صد سال پیش جنگ آوران در مسیر شکار پرتاب می کردند و شکارچی تمام مهارت و تجربه ی خود را جهت هدف گیری صحیح به کار می برد.

ساخت چکش های مسی و کاربرد آن (ایران و ترکیه هفت هزارپ.م):

ساکنان تیزهوش و زیرک این ناحیه به کاوش در کوه های منطقه پرداخته و به کشف معدن های مس دست یافتند که از آن ابزارهای مسی ساختند، این ابزارها در سراسر خاورمیانه و جنوب اروپا به وفور یافت می شد.

این مردم باهوش و کاوشگر، در کوه های منطقه به تکه هایی از مس خالص دست یافتند که به آسانی با ضربه به اشکال گوناگون در می آمد، به طوری که توانستند از آن آلتی شبیه درفش جهت سوراخ کردن پوست و چوب و نیز نوعی زنجیر بسازند. باید توجه داشت که ساخت این لوازم محدود بود و کاربرد مس هنوز به طور وسیع وجود نداشت.

قطعات مس خالص که به طور طبیعی یافت می شد، اغلب مقداری طلا هم داشت که به اشکال مختلف در می آمد و هنوز هم در بعضی گنجینه ها تکه هایی از فلزمس توأم با مقدار کمی طلا یافت می شود و در موزه ها نگهداری می شود.

بهبود تغذیه ی ماهیگیران افریقایی (افریقای شرقی، ۷۵۰۰ پ.م):

وضع غذایی مردم ساکن شمال کنیا و اطراف دریاچه ی تورکانا (Turkana) در این زمان بهبودی یافت، و این نه به خاطر فراوانی ماهی و آبزیان دریایی بود، بلکه به سبب ظروف تهیه ی غذا (سفال) و طرز پخت آن و تهیه ی غذایی شبیه سوپ بوده است. البته در این هنگام آب و هوای ناحیه تغییر کرده و رطوبت هوا بیشتر و رودخانه و دریاچه ها پرآب تر و ماهی هم در نتیجه فراوان تر شده بود.

مردم بومی منطقه ی شمال دلتای رودخانه ی نیل و دره ی کرانه ی دریا، به تدریج وسایل ماهیگیری خود را کامل کردند و تقریباً غذای اصلی آنها ماهی و آبزیان بوده است. آنها از زوبین های خاردار جهت صید ماهی استفاده می کردند و این زوبین ها در بدن ماهی فرو می رفت و ماهیگیر به راحتی آن را از آب می گرفت.

هم چنین توانستند بوسیله ی قایق با پرتاب زوبین، ماهی را در اعماق آب صید کنند.

پیشرفت وسیله ی شکار ماهی، مردم ناحیه ی رود نیل را قادر ساخت که هم از طرز صید و هم از گوشت ماهی های گوناگون این رودخانه لذت ببرند وهمین طور پرندگان ماهی خوار و لاک پشت را هم گاهی اوقات صید کنند.

ازدیاد نفوس (تولیدنسل) مورد پرستش واقع می شود. (خاورمیانه ۷۵۰۰ پ.م):

در این هنگام هنوز مردم خاور نزدیک به صورت قبیله یی در چادرهای نزدیک محل کشت و زراعت خود زندگی می کردند و ترجیح می دادند که تمام عمر خود را در همین مکان ها سپری کنند، آنها در عین حال وابستگی شدیدی به دریانوردی و قایقرانی داشتند و به آن احترام گذاشته و اهمیت می دادند.

در دره ی رود اردن، در ناحیه ی جریکو (Jericho) به زودی مردمی از دریانوردان حرفه یی پیدا شدند، آنها قایق های خود را پر از سفال های ساخته شده می کردند که شکل هایی بر روی آن منقوش بود.

این شکل ها اغلب به رنگ بشره و پوست انسان ها و صورت انسانی، به ویژه در گذشتگان آنها بود، چون برای مردگان خود احترام زیادی قائل بودند.

جهت نمایش دادن چهره و جمجمه ی انسان ها، از گِل رس قرمز رنگ استفاده می کردند و حفره ی چشم ها را با صدف می آراستند و مجموعه ی سروگردن را بر روی پایه ی ستونی قرار می دادند که این پایه خیلی کوچک و تنها برای نشان دادن سرو صورت بود.این تندیس سر

انسان ها، خیلی زیبا نبود و شاید شباهت اندکی به شخص مرده داشت، لیکن آنها کمال هنر خود را جهت خلق آن آثار به کار می بردند.

بیشتر ساکنان دره ی رود فرات، واقع در مرز کشور سوریه و عراق، گاو نر را مورد پرستش قرار می دادند و هیچ گاه آن را برای غذا و استفاده از گوشتش، نمی کشتند.

در صورت مرگ حیوان، جمجمه و استخوان های آن را در دیوار های گلی حصار خانه دفن می کردند، لیکن از گوشت آهو جهت سد جوع استفاده می کردند.

در ناحیه ی مرکز آناتولی و در منطقه ی کتل هویوک (Catal Huyuk)، اشکالی از گاوهای عظیم الجثه دیده شده، و بر دیوارهای بسیاری از خانه ها و مکان های عمومی، تصویرهایی از گاو نر با جثه ی بسیار بزرگ نقاشی شده که مورد احترام مردم بوده است. هم چنین در خاور نزدیک، شاخ های حقیقی گاو نر در دیوارها نصب شده، که نشانه ی قدرت می باشد و این می رساند که گاو نر که به نظر می رسیده سمبل قدرت است، مورد پرستش مردم بوده و نیز گاو ماده نشانه ی آشکاری از تولید نسل و فراوانی نعمت بوده است.

پرستش جنس ماده از نظر تولید غذا (شیر) برای انسان و حیوان در سراسر خاور نزدیک از رسوم منطقه بوده، و الهه ی مادر به صورت زنی با پستان های بسیار بزرگ و شکم برآمده در حالت نشسته، لیکن با صورت نامشخص، نشانه ی بزرگداشت مقام مادر و او را به عنوان فرشته تلقی کردن بوده است و باز هم در ناحیه ی کتل هویوک، تصویر زنان آبستن در حالات گوناگون دیده شده است.

هم چنین تصویر زنانی باریک اندام هم وجود دارد که نشانه ی حالت پس از زایمان و بدنیا آمدن بچه می باشد که به نظر می رسد موهای سر این زنان بر اثر زایمان های متعدد ریخته و از موی مصنوعی استفاده می کرده اند، هم چنین حالت صورت آنها هم بسیار عجیب است. در هر حال، زن به عنوان انسان مولد نسل، بسیار مورد حرمت بوده است.

خانه های روستایی در خاور نزدیک توسعه می یابد (خاور نزدیک، هشت هزارپ.م):

مردم ناحیه به تدریج از زندگانی خانه به دوشی، که توأم با خطرهای فراوان و مشقت زیاد بود، سکونت در مکان

اروپا ۴۰۰۰ پیش از میلاد

در ناحیه جنوب شرقی اروپا به ویژه در وارنا (Varna) واقع در کشور بلغارستان (Bulgaria) کارگران صنعت طلا سازی استادانه به ساختن انواع گوناگون وسایل تزئینی از طلا دست می زنند.

پرو ۴۰۰۰ پیش از میلاد

روستائیان ناحیه ایاکوکو(Ayachucho) در پرو به اهلی کردن شتر لاما(Ilamas) و آلپاکاس (Alpacas) (نوعی شتر با جثه کوچک) می پردازند و در مزارع خود به کشت ذرت ، سیب زمینی و کتان به طور وسیع اقدام می کنند.

اروپا ۴۰۰۰ پیش از میلاد

پدیده جدید ظهور نسل معدن کاران و معدن کاوان در ناحیه گریمز گریو(Grimes Graves) در بریتانیا، اسپینس (Spiennes) در بلژیک و ریجیک شاوت سینت گیرتروی (Rihkshot- sint Geertrui) در استان داچ (Dutch) در لیمبورگ (Limburg) است که کارشناس معادن سنگ چخماق هستند.

افریقای غربی ۴۰۰۰ پیش از میلاد

ساکنان کرانه اقیانوس در ناحیه ی ته ما(Tema) در غنا در ساختن انواع ظروف سفالی موفق می شوند.

مصر ۴۰۰۰ پیش از میلاد

دو گروه مهم کشاورزان ساکن دره نیل در حالیکه یکی از این گروهها در دسته های متراکم در دلتای نیل بودند، دسته دیگر در واحه فیوم (Faiyum) سعی می کردند ناحیه علیای دلتا را تصرف کنند.

استرالیا ۴۰۰۰ پیش از میلاد

لوازم سنگی ظریف در مناطقی از استرالیا و مخصوصاً برای نخستین بار در سرزمین آرنهم (Arnhem) واقع در شمال پیدا شده که شاید از هزارسال قبل مورد مصرف اهالی بوده است.

میان رودان ۳۵۰۰ پیش از میلاد

شهرهای کوچک وبزرگ دراین سرزمین سربرمی آورند که نشانه پیشرفت تمدن می باشد، بعضی از شهرها جنبه مذهبی دارد و بعضی ویژه کاخهای پادشاهی است که از نظر تاریخی و هنری بسیار مهم می باشد. هم چنین در این شهرها روستائیان به تبادل اجناس و کالا و تجارت می پردازند.

چین ۳۵۰۰ پیش از میلاد

مردم لانگ شان (Longshan) واقع در شرق وشمال شرق چین نوعی سرامیک ظریف سیاه رنگ در ساختمان به کار می برند. در یانگ شائو(Yangshao) از ۵۰۰ سال پیش ساختن سفال هایی با نقش های هندسی و بسیار ظریف که نمونه هایی، از آن ناحیه به دست آمده است. روستائیان این نواحی به کشت ارزن و پرورش سگ و خوک و گوسفند و گاو میش می پردازند.

هندوستان ۳۵۰۰ پیش از میلاد

ساکنان مناطق کوهستانی بلوچستان و شمال افغانستان به سوی دره سند (Indus) که حیوانات وحشی در آنجا فراوان بود روی می آورند، در ضمن خاک این قسمت بسیار حاصلخیز و ازآب فراوان برخوردارند که برای زراعت بسیار مستعد می باشد، به تدریج جمعیت این مناطق زیاد شده و محصول کشاورزی به وفور به دست می آید و گروه خانه های روستایی تبدیل به شهر می شود.

دایمی و مرکزیت دادن به آن روی می آورند و کشاورزی و کشت و کار را برمی گزینند، چون تهیه ی غذا هم آسانتر و سالم تراست.

در زندگانی کشاورزی و دامداری، دو راه مؤثر انسان را از نبرد با طبیعت بازمی دارد. در درجه ی نخست، این که انسان با زمین گره می خورد و وابسته به آن می شود، چون فرد کشاورز در تمام سال باید از زمین مزروعی مراقبت کند.

درثانی، کشاورزان بایستی زندگانی اجتماعی داشته باشند و در گروه و دسته های کوچک صدها نفری باهم و نزدیک هم به سر برند و کار دسته جمعی انجام دهند، در حالی که شکارچیان در یک محیط بسیار بزرگ صدها هکتاری، شاید یک خانواده جهت تأمین غذای خود می تواند زندگی کند و ممکن است بین مردم یک منطقه، جنگ های محلی هم برای تصاحب زمین و مالکیت شکار صورت بگیرد.

در کار تولید، کشاورز حداکثر می توانست چهار، پنج هکتار زمین را کشت و برداشت نماید و این در قیاس با کیلومترها زمین برای شکار جانفرساست، در ضمن کشاورزان با تضمین حیات خود، جمعیت انسانی را افزایش می دهند. این شیوه ی ادامه ی حیات باعث یک باره سر برآوردن خانه های روستایی و پیشرفت کشاورزی شد و در زمین های نسبتاً پست و غیر کوهستانی، بین دریای مدیترانه و خلیج فارس، گروههای بزرگ بشری به طورمرتب سر برآورد و در این منطقه نخستین تمدن پیشرفته ی انسانی به وجود آمد.

در جنگل های ناحیه سوریه، نسل فیل به تعداد فراوان وجود داشت و چون گندم و جوی وحشی هم می روئید، این منطقه و جنوب آناتولی ازنظر آب وهوا شباهت بسیار داشت. منطقه ی دیگری که نظیر آن بود، فلسطین بود که باران فراوان داشت و محصول آن هم بیشتر غلات وحشی بود.

خانه های روستایی را به صورت دایره یا بیضی بنا می کردند که شباهت بسیاری با چادرهای مسکن شکارچیان قدیمی داشت. این خانه ها را با زیربنای سنگی و آجرهای کوچکی که از گِل درست شده و در آفتاب خشک می شد (خشت) درست می کردند. بزرگترین مجموعه ی روستایی، در منطقه ی جریکو (فلسطین)، به وسعت تقریبی دو هکتار، با بنای قطعات سنگی و به قدمت قرن ها پیدا شده است.

این مجموعه های کشاورزی می توانست برحسب تمایل و ازدیاد جمعیت توسعه یابد و در ضمن محصول کشاورزی را بیشتر کند، برخلاف زندگی شکار که توسعه و پیشرفت نداشت و محدود بود.

تمدن و شهر نشینی و زندگانی اجتماعی سبب بهبود استعدادها و پیشبرد کار می شد و همگان می توانستند نیروی ابتکار خود را به کاربرند و دلیل آن هم این که همین شیوه باعث شکوفایی تمدن بشری شد و کشاورزان دیگر طرز زندگانی با شکار را نمی پسندیدند و آن را رها کردند و شاید از همین ناحیه تمدن بشری به نقاط دیگر گسترش یافت.

یک جانشینی در پاکستان هم پیشرفت می کند (پاکستان هفت هزار پ.م):

کشف بزرگی که در ناحیه ی مهرگاره (Mehrgarh) در ساحل رودخانه ی بولان (Bolan) و در حاشیه ی شرقی آن در دره ی سند صورت گرفت، سبب پیدایش گروه های فلاحت کار این منطقه شد.

مردم ساکن این منطقه بر حسب عادت، از گندم و جوی وحشی و طبیعی تغذیه می کردند و به تدریج این دانه ها را کشت کرده و محصول خوبی برداشت می کردند که مقداری از آن را به طور معمول انبار می کردند، آنها از زندگی دشوار و سخت شکار آنتیلوپ (Aktelope) خسته شدند و تحول بزرگی در شیوه ی بهره وری به وجود آوردند.

فعالیت شکارچیان جهت تهیه ی گوشت و تغذیه از آن، تبدیل به پرورش و دامداری گردید، آنها بز و گوسفند را اهلی کرده و شروع به اهلی کردن گاوهای کوهان دار کردند.

روستاییان منطقه ی مهرگاره، ساختمان های مسکونی خود را از خشت و گل می ساختند و قالب های گِلی را در گرمای آفتاب خشک می کردند. آنها هم چنین مردگان خود را درمحل های مخصوص دفن می کردند.

سلاح اصلی آنها، آلاتی شبیه داس از سنگ بود که به آن دسته ی چوبی یا استخوانی وصل می شد.

در مجاورونزدیک رودخانه ی همین محل، مقداری حصیر بافته شده و هم چنین سبدهای چوبی برای انجام کار روزانه و پوشش زمین به عنوان زیرانداز، یافت شده است.

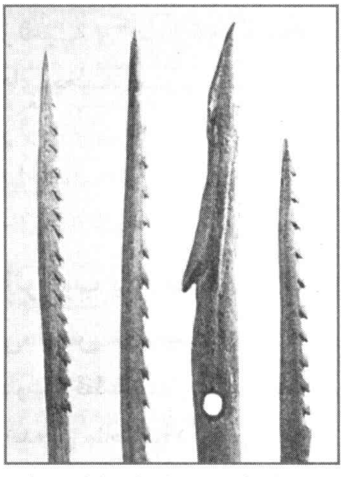
منطقه ی کتل هویوک، قانون جدیدی برای محل



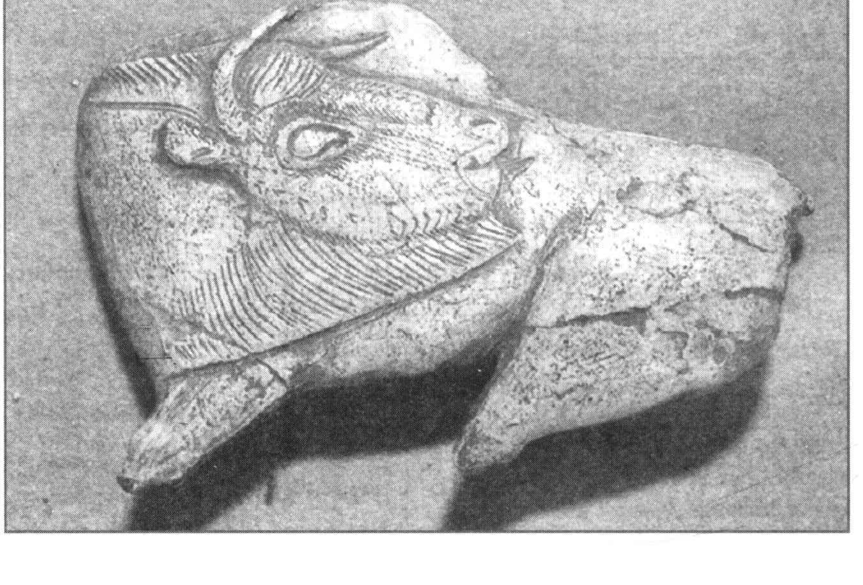
در این تصویر یک رأس گاو و اسب را نشان می‌دهد که برای نخستین‌بار برای جلوه‌ی بیش‌تر، از رنگ قرمز استفاده شده است.



نقش یک ماموت (Mammoth) پشمالو از نظر شکارچی در اروپای مرکزی بر صخره‌ی یک غار.



زوبین‌ها یا اره‌های شکار که از استخوان تراشیده شده، و از آن برای بریدن و اره‌کردن استفاده می‌شده است. این ادوات در مناطقی از اروپای‌غربی کشف شده است.



نقش سر یک بیزون (Bison) یا نوعی گوزن که با زبان بدن خود را لیسیده و تمیز می‌کند. این تندیس که با وسایل اولیه تراشیده شده، بسیار هنرمندانه و ماهرانه می‌باشد و نشان می‌دهد که تا چه اندازه انسان‌های آن دوران با دید وسیع به محیط خود نگاه می‌کردند. این مجسمه سنگی در غاری در منطقه دوردوین (Dordogne) کشف شده است.

سکونت آدمی برقرارمی کند. (آناتولی، شش هزار پ.م):

شهر کتل هویوک که در مرکز آناتولی واقع شده، مکانی دیدنی و تماشایی است که از یک مزرعه ی بزرگ اشتراکی تشکیل شده و جمعیت آن به صدها نفر می رسید. این مزرعه بالغ بر هشت هکتار بوده واز خانه های روستایی بهم فشرده ساخته شده و رودخانه یی از وسط شهر عبور می کند که این دشت خشک را سیراب می کرد.

برخلاف جریکو که خانه ها مدور یا بیضی شکل بود، در این جا، خانه ها مربعی شکل و اتاق ها در اطراف حیاط ساخته شده و منظره ی خانه های سده های اخیر را دارد.

نکته ی مهم آنکه، خانه های منطقه، درِ ورودی که به طور معمول در دیوار خانه نصب می شود نداشته، بلکه نردبان هایی در اطراف خانه گذاشته می شد و از سقف خانه به داخل می رفتند.

ساکنان کتل هویوک، شکار را دوست داشتند و این بخش کوچکی از زندگی آنها بود، لیکن بیشتر به پرورش و نگهداری گاو می پرداختند که به تعداد زیاد تولید می شد و اهالی از این راه معاش خود را می گذراندند.

این شهر مرکز پرورش و اهلی کردن گاو بود و از این راه مردم ثروتمند می شدند، از سویی چون شهر به وسیله ی منطقه ی آتشفشانی محاصره شده بود، اهالی از یک نوع سنگ سیاه رنگ شبیه شیشه به جای آینه استفاده می کردند. پس از کاوش سنگ دیگری کشف شد که جهت تزئین جسد مرده همراه او دفن می شد که البته آن را به شکل مهره هایی در می آوردند و زینت مردگان خود که در کف خانه دفن می کردند، قرارمی دادند.

دراین شهر بخشی از محل سکونت به عنوان معبد بود که گاو را پس از مردن و بعد از این که به وسیله ی حیوان لاشخور(کرکس وغیره) خورده می شد و استخوان هایش باقی می ماند، جمجمه ی آن را همراه با جمجمه ی گوزن نر در دیوار خانه قرار داده و روی دیوار هم نقش آن را می کشیدند و مورد پرستش قرار می دادند.

این جریان در تمام خانه ها اجرا می شد و به نظر می رسد که تمام شهر حالت مذهبی داشته و همه ی کشاورزان حالت مذهبی خود را حفظ کرده و مراسم آن را انجام می دادند.

آب شدن یخ ها در شمال، جایزه یی برای شکارچیان (بریتانیا، هفت هزارپ.م):

در این زمان، یخ های شمال یکباره شروع به آب شدن می کند و جنگل ها جای زمین های توندرایی را می گیرد،شکار فراوان شده و شکارچیان به فعالیت جهت شکار و جمع کردن مواد غذایی حیوانی برمی آیند.

در ناحیه ی استَارکار(Star Carr) واقع در یورکشایر (Yorkshire)، شمال بریتانیا، این جریان چشمگیرتر است که شکارچیان به دنبال شکار گوزن، گرازنر، گاو کوهی و نوع دیگری از گوزن های بزرگ جثه به نام اوروک (Aurochs) بودند.

در این هنگام بریتانیا هم وصل به قاره ی اروپا بود و آب های اقیانوس آن را از بقیه جدا نکرده بود و در نتیجه شکار محدودیت نداشت. در ناحیه ی استارکار، اسلحه ی شکارچیان همان سنگ های چخماق تیز و صاف و کارد استخوانی و چوبی و سایر لوازم قبلی بود که برخی از این وسایل کاربرد تیر و چاقو را داشت.

سطح آب دریاها در اثر ذوب یخ بالا می آید. (سراسر پهنه ی گیتی، شش هزارپ.م):

بخش بزرگ قطب جنوب و قطب شمال از یخ ها آزاد می شود و آب های آزاد شده آن مناطق را در بر می گیرد و اقیانوس ها و خشکی ها شکل جدیدی به خود می گیرد و قاره ها به شکل کنونی درمی آید، لیکن نقاط مرتفع کره ی زمین از دسترسی به آب دور می ماند و سده های متوالی به حالت خشک درمی آید.

صحراها و دشت های کناره و نقاط مرتفع، حیوانات بزرگ شکاری را در بر می گیرد و آنها را ازغرق شدن محافظت می کند. بزرگترین بخش جدا شده از جنوب شرقی آسیا و جذاب ترین و شورانگیزترین آن، مجمع الجزایر آتشفشانی واقع در اقیانوس آرام و قاره ی جدید استرالیاست که این جزایر آتشفشانی خود بخشی از استرالیا بوده است.

در بسیاری از این جزایر که پیش از آن وصل به سرزمین اصلی بود، پس از بالا آمدن سطح دریاها و منفصل شدن، حالت ویژگی خود را به دست آوردند و گیاهان وجانوران حالت بومی به خود گرفتند.

با بالا آمدن آب مردم بومی هم ویژگی های محلی را حفظ کردند و برحسب آب و هوای منطقه زندگی آنها حالت دیگری به خود گرفت و از بقیه ی مناطق جدا شده و جنبه ی منطقه یی یافت.

هم چنین بالا آمدن سطح آب دریا به طور مشخص بریتانیا را از بقیه ی قاره اروپا جدا ساخت، لیکن در حال حاضر یک پل زمینی بین بریتانیا و قاره اروپا وجود دارد که از سطح آب ارتفاع کمی دارد و هنوز هم به وسیله دریا پوشیده شده (کانال مانش) که بین کشور فرانسه و بریتانیاست و بریتانیا هم مانند خیلی از مناطق دنیا از سرزمین اصلی جدا مانده است.

پرورش حیوانات اهلی، انقلابی در زندگی به وجود می آورد. (یونان، شش هزار پ.م):

کشاورزان خاور نزدیک که یکجا نشینی را به عوض خانه به دوشی برگزیده بودند، مهارت و تبحر خود را در کشت دانه های غذایی به اثبات رسانده و از غلات خودرو، گندم و جو اهلی به وجود آوردند، اکنون به اهلی کردن حیوانات ازقبیل گوسفند و بز و گاو می پردازند. آنان همراه گله های دام خود، به سوی شمال در جست و جوی زمین های حاصلخیزتر و مراتع سرسبزتر برای دام ها در ناحیه ی بالکان ساکن می شوند.

نیاکان این کشاورزان اغلب چادرنشین و شکارچی بودند و به دنبال گله های شکار و جمع آوری غلات وحشی در فصل های مساعد می پرداختند، اکنون دیگر مهاجرت های بدون نتیجه را رها کرده و در یک مکان مستقر می شوند و پس از چندی زمین های زراعی را از گیاهان هرز پاک کرده و به کشت غله ی دستی اقدام و خرمن های محصول را جمع آوری می کنند.آنها تنها به کشت و کار در یک قطعه زمین مشغول می شوند و پس از برداشت محصول آن را رها کرده و در قطعه زمین دیگری همان کار را انجام می دهند.

این شکل زراعت آنان را وابسته به زمین می کرد وپرورش و تربیت دام هم آنان را مجبور می کرد که در محل معینی بمانند. هم چنین دام ها را می بایست چوپان از شر حیوانات درنده حفظ کرده، در بهار و تابستان در دامنه های کوهستان به چرا ببرد و در زمستان برای حفظ آنها در آغل های دره پناه دهد.

اروپا ۳۴۰۰ پیش از میلاد

در حالیکه ساکنان ساحل اقیانوس اطلس شامل معماران مشغول ساختن گور برای مردگان بودند که بیشتر آنها از یک دالان و اتاقی در انتهای دالان تشکیل می شد. باز هم در اطراف این مناطق بقایای جسد مردگان و لوازمی از قبیل تیشه که برای حجاری به کار می رفت و هم چنین مقداری ظروف سفالین و گردن بند پیدا شده است.

مصر ۳۳۰۰ پیش از میلاد

استخراج ، تهیه مس ، برنج و آهن و مصرف آن در مصر رو به تزاید است که شاید هنر این کار از غرب آسیا بوده و این صنعت وارداتی است که هیچگونه تغییری هم در ابداع آن در مصر به عمل نیامده بود ، لیکن بدون استفاده از این ابزار فلزی ساخت و صیقلی کردن سنگ جهت ساختمانهای بزرگ ناحیه کرانه نیل غیر ممکن به نظر می رسد. هم چنین کشاورزی بدون بهره گیری از فلز ، شخم زمین و برداشت محصول امکان نداشت.

میان رودان ۳۲۰۰ پیش از میلاد

در شهر اوروک (Uruk) واقع در جنوب میان رودان نوشته هایی بر روی سنگ و صخره های سنگی کشف شده که به خط تصویری است ، آنها بدین وسیله این خط را در دنیا منتشر کردند.

آمریکای جنوبی ۳۱۱۴ پیش از میلاد ، ۱۳ اوت

تقویم افسانه یی تمدن مایا (Maya) کشف شد.

مکزیکو ۳۰۰۰ پیش از میلاد

مردم ساکن در غارهای منطقه تهوآکان (Tehuacan) از ذرت وحشی برای تغذیه استفاده می کنند. این ذرت نوع ناشناخته ذرت خوشه یی بود ، لیکن مردم مکزیک با کاشتن و پرورش بهتر ، آن ذرت را وارد رشته غذایی بشر کردند ، که به رشد جمعیت کمک نمود.

صحرای افریقا ۳۰۰۰ پیش از میلاد

بررسی های بیشتر در منطقه صحرا، سرنخهای زیادتری به دست داده ، بدین معنی که با مهاجرت مردم از صحرای خشک افریقا پرورش گاوهم به مناطق زیادتری مانند کشور مصر انتشار یافت.

هندوستان ۳۰۰۰ پیش از میلاد

در مدت ۵۰۰ سال گذشته توسعه مسکن در دره سند چشمگیر بود و مردم در بهره برداری از این زمین های حاصلخیز و بالا آمدن جریان آب رودخانه که هرسال صورت می گرفت تأخیر روا نمی داشتند، هم چنین جمعیت مهاجر در اطراف منطقه زیادتر ودر خانه های آجری ساکن می شدند. با تبادل کالا و تماس مردم روستاها باهم ، تجارت و دادوستد فرهنگی و مادی هم رونق گرفت.

اروپا ۳۰۰۰ پیش از میلاد

در این هنگام مردم اروپا به تولید و پرورش گاو و گوسفند پرداختند، همچنین به پرورش اسب جهت سواری و استفاده از گوشت آن پی بردند و شناخت اسب برای آنها یکی از اصول زندگانی شد ، به طوریکه اسبان وحشی را شکار و به اهلی کردن آن اقدام می کردند.

در زمانی که انسان ها شروع بـه شـکار حیوانـات جهـت تغذیه ی خود کردند، چون زمینه ی شـکار فـراوان بـود، بـه ویژه آهو(غزال)، بیشتر مـورد توجـه بـود و مـردم آهـو را در جاهایی نگاه می داشته، لیکن چون آهو در یکجا باقی نمـی ماند، شکارچیان بزوحشی راجایگزین آهـو کردنـدو بـز را بـه تدریج اهلی کرده و مخصوصاً در اطراف زمین های سـاحلی مدیترانه آن را نگاه می داشتند. در خوزستان (جنوب باختری ایران) پرورش گوسفند جایگزین بزهای ساکنان مدیترانه شد و گوسفند در این منطقه به وفور پـرورش داده مـی شـد. در آخرین مرحله، تربیت گاو در دشت های بین رودخانـه هـای دجله و فرات و مرکز آناتولی به عمل آمد.

اکنون دیگر چارپایان را نه تنهـا بـرای بهـره بـرداری از گوشت پرورش می دادند، بلکه از شـیر آن بـه عنـوان مـاده غذایی و پوسـت آن جهـت پوشـش و دوخـتن چـادر محـل سکونت و حتی شاخ حیوان را در کشاورزی برای شخم زدن استفاده می کردند و حتی از شیر به تدریج محصولات دیگـر تولید شد.

به علاوه داشتن گله های دامی، سبب مبادلات مواد بـه دست آمده شد که از این راه تجارت بین اقـوام، و از سـویی موجب قدرت و ثروت دارندگان آن گردید.

پیدایش کشاورزی در جنوب شرقی آسیا (جنـوب شرقی آسیا و استرالیا در شش هزارپ.م):

در آخرین سال های هزاره ی ششم و یا در همین حدود، دامنه ی زراعت ازهند و چین بـه سـرزمین گینـه ی جدیـد کشیده شد، جایی که انسان ها تازه از دوران یخبندان رهایی یافته بودند. با گرم شدن محیط و آب شدن یخ ها زمـین هـا مساعد برای جنگل و کشت وکار شدند و به ویـژه سـرزمین های ساحلی که از رطوبت و آب فراوان برخوردار بودند.

مردمی که سال ها با شکار زندگی می گذرانیدنـد، نمـی توانستند آن را رها کنند، لیکن چون زمین ها مساعد زراعـت بود، آنها تدریجاً با استفاده از آب مرداب هـا و گـودال هـای آب، آبیاری زمین را به شکل اولیه شروع کردنـد و حیوانـات اهلی را هم برای آب کشی مورد بهره برداری قـرار دادنـد و شاید این روش آبیاری تا هزار سال بعد متداول بود.

کرجی و بلم های چوبی مورد استفاده ی تجـارت وحمل دام قرار می گیـرد. (سـاکنان مدیترانـه در ۶۳۰۰ پ.م):

درماه های تابستان کـه سـواحل دریـا آرام تروخـشونت کمتـری دارد، مـاهیگیران غـار فرانکتـی (Franchthi) در پولوپونز(Peloponnese)، کرجی های اولیه ساخته شـده از تنه ی درختان را، به آب می اندازند و پاروزنان دریا را درمـی نوردند. آنها دریانوردی را به جهت صید ماهی آغاز می کنند، لیکن در مسافرت طولانی بـه جزیـره ی آتشفـشانی ملـوس (Melos) می رسند. این جزیره پر از سنگ های آتشفشانی، به ویژه نوعی شیشه ی سیاه رنگ و تیز می باشد که جهـت بریدن و پاره کردن اشیاء به کار می رود، این کرجی ها تمام سواحل دریا را تا کشور کنونی دانمارک می پیمایند.

این دریانوردان تنومند و قوی هیکل، کـه بـسیار مقـاوم هستند، با چارپایان و دام های خود جزایر بین راه را پیموده و گروه ها و دسته هایی از آنان ساکن جزایر قبرس و کـرت و ساردنی (Sardinia) می شوند.

کشاورزان آسیایی، شیوه ی رام کردن گوسفند را بـه اروپـا مـی آورنـد. (جنـوب اروپـا در هفـت هزارپ.م):

تربیت و اهلی کردن گوسفند برای نخستین بار از ایـران به آسیای باختری و اروپای جنوبی و سواحل غربی مدیترانـه انتشار می یابد. گوسفند وحـشی را در آسـیای بـاختری تنهـا برای بهره وری از گوشت آن شکار می کردند.

به تدریج که جمعیت زیـاد شـد، کـشاورزان محـدودیت شکار را بـا اسـتفاده از لـوازم دیگـر زیـر پـا نهادنـد و طـرح نقشه ی اهلی کردن این حیوان را آموختند، بـه طـوری کـه گله های گوسفند را ازکوهها به پایین هدایت کردند و حتـی آن را برای قربانی در پای خدایان خود ذبح می کردند.

اهلی کردن گوسفند هم چنان که ذکر شد، از خوزسـتان در ایران شروع شد و اهـالی منطقـه، گوسـفند را بـه عنـوان کالای تجاری به لوانت (Levant)، آناتولی و یونان بـرده و با کالاهای دیگر مبادله می کردند. اکنون دیگر گوسـفند نـه تنهـا مـورد اسـتفاده کـشاورزان، بلکـه مـورد درخواسـت ماهیگیران و شکارچیان هم بود.

استرالیا ۳۰۰۰ پیش از میلاد

مردم بومی استرالیا به ساختن لوازم سنگی دست افزار توفیق یافتند.

شبه جزیره کره ۳۰۰۰ پیش از میلاد

در این هنگام کشاورزان کره یی کشت ارزن را شروع کردند، در حالیکه از مدتها پیش یعنی هشت هزار سال قبل به ساختن سفال مشغول بودند ، لیکن شکار و جمع آوری تولیدات آن در گذراندن زندگانی آنها بسیار مؤثر بود.

کشور اکوادور-Ecuador- ۳۰۰۰ پیش از میلاد

ساکنان والدیویا (Valdivia) واقع در ساحل اقیانوس آرام هم به ساختن سفال می پردازند.

مصر ۳۰۰۰ پیش از میلاد

معماران مصری به تولید ومصرف آجر بطور وسیع و در تمام زمینه ها پرداخته و آن را زیربنای ساختمان قرار می دهند. هنرمندان مصری به ویژه درپالت نارمر(Palette of narmer) منز(Menes) تاجهایی به رنگ سفید وقرمز برای پادشاهان خود می سازند. در این هنگام اتحاد و کنترل شمال وجنوب کشور عملی می شود و مصر یک پارچه تحت نظام سلطنتی اداره می شود.

مصر ۲۸۰۰ پیش از میلاد

در زمان پادشاهی تینیت دن (Thinite Den) تغییرات شگرفی در مصر انجام می شود و پیشه وران فلزکار به تولید سنگ های صیقلی و مجسمه های بسیار عظیم می پردازند و نیز تولید وسایل تجملی مانند مبل و غیره معمول می شود. ساخت مقبره های بزرگ مانند مصطبه (Masrabas) جهت خاندان سلطنتی و نیز مقبره هایی هم جهت دفن سران کشور انجام می گیرد.

میان رودان ۲۸۰۰ پیش از میلاد

دراین زمان سیل بسیار مخربی باعث ویرانی جلگه بین النهرین می شود وتلفات جانی عظیمی به بار می آورد که به عقیده مردم عادی به سبب گناه بیش از حد مردم و خشم خدایان بوده است.

آمریکای جنوبی ۲۸۰۰ پیش از میلاد

در سرزمین آمازون(Amazon) مجتمع کلبه های روستایی بطور وسیع در حال شکل گیری است.

چین ۲۷۰۰ سال پ.م

مردم چین استادانه به تولید و بافت پارچه ابر یشمی می پردازند، آنها همچنین هنرمندی خود را در تولید وسایل برنجی (برنزی) نشان می دهند، تولید کنف و مصرف آن بویژه برای بافتن طناب و ریسمان هم از یکصد سال پیش آغاز شده بود.

مصر در ۲۶۵۰ سال پ.م

مصریان در این هنگام که سلسله قدیمی پادشاهی سلطنت می کردند به ساختن هرم های عظیم اقدام کردند.

میان رودان ۲۶۰۰ سال پ.م

پس از توقف جریان سیل و فروکش کردن سطح آب دجله و فرات، دوباره دوران سلطنت آسمانی سومریها (Sumerian) شروع می شود که در جزیره کیش (Kish) رونق این تغییرات بیش از جاهای دیگر است.

پادشاهان محلی قوانینی برای اولین بار جهت نظم عمومی کشور وضع می کنند که در کیش آثار آن مشهود است این سری قوانین نخستین قانون های سلطنتی می باشد.

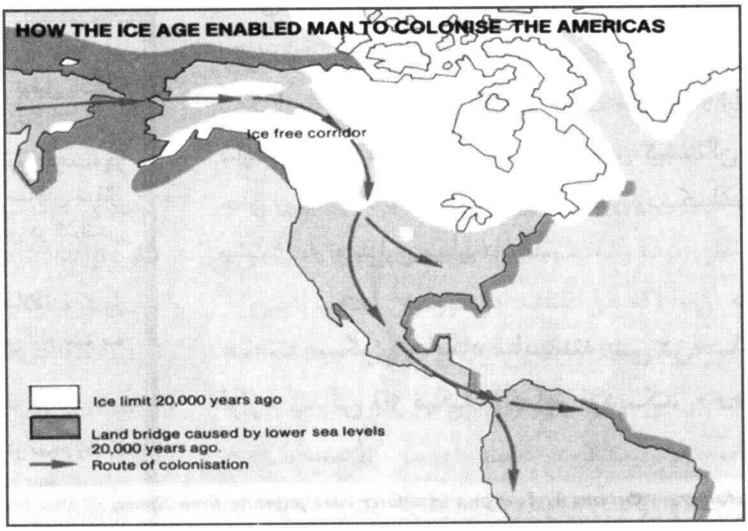
گوسفندان با شاخ های پیچیده و پشم بلند جهت استفاده ازگوشت آن، مورد درخواست بود، لیکن با تولید و پرورش بیشتر این حیوان در نواحی بالکان، اطراف مدیترانه تا ایتالیا، ساردنی، جنوب فرانسه و اسپانیا، تقاضا برای گوشت آن هم چنان رو به تزاید بود و مردم اروپا وخاور نزدیک اشتیاق بیشتری به تولید این حیوان داشتند.

صنعت مسگری جایگاه شایسته یی در ساخت لوازم زندگی باز میکند. (خاور نزدیک، ۳۰۰۰ - ۵۰۰۰ پ.م):

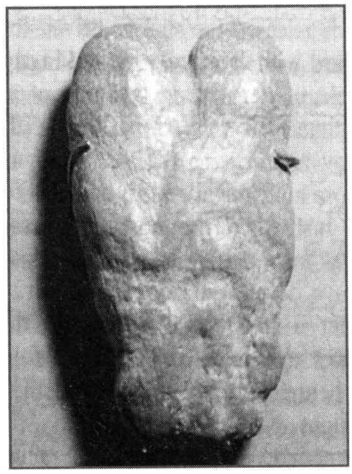
هنرمندان فلز کار در ساختن لوازم زندگی و سلاح به پیشرفت مهمی دست می یابند، زیرا که صنعت ذوب فلز از سنگ معدن به آنها اجازه می دهد که فلز مس را همراه با طلا استخراج کنند و درخشندگی لوازم ساخته شده روز به روز بهتر شود.

این عمل استخراج مس از سنگ معدن در کوره هایی شبیه آجرپزی انجام می شد و درجه حرارت تا ۸۰۰ درجه ی سانتیگراد بالا می رفت و در این درجه حرارت مس به حالت مذاب در می آمد و وقتی کوره سرد می شد، مس همراه کمی طلا به صورت تکه یی از آلیاژ مس و طلا در می آمد و چون درجه ی ذوب طلا بسیار بالاتر از ذوب مس است، همواره مقدار جزئی طلا باقی می ماند. این قطعه آلیاژ را می توانستند با سنگ کوبیده و به صورت ورقه با لبه های تیز درآورند. به هر حال این تکه فلز، بدون مواد خارجی بود و برای ساختن لوازم به کار می رفت، و ذوب کنندگان همیشه سعی داشتند سنگ های معدنی به دست بیاورند که بهتر و زودتر ذوب شود و مواد خارجی کمتری داشته باشد.

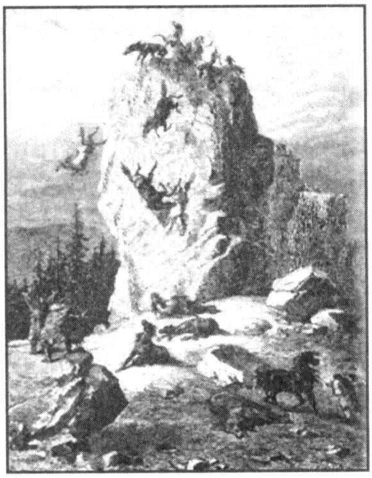
آنها هم چنین برای راحت تر ذوب شدن خاک نرم به کار می بردند و از آلیاژ به دست آمده، تیشه و تبر می ساختند. مواد دیگری که برای آن به کار می رفت آرسنیک بود که هنگام ذوب به آن اضافه می کردند که سبب زودتر سرد شدن فلز می گردد. ذوب کنندگان فلزات، برای این که بتوانند مقدار بیشتری سنگ معدن به پای کوره ی ذوب برسانند، قطعات سنگ معدن را بار حیوانات بارکش می کردند و چون روشن کردن کوره مستلزم سوخت بود و هر بار نمی توانستند برای مقدار جزئی کوره را روشن کنند، با



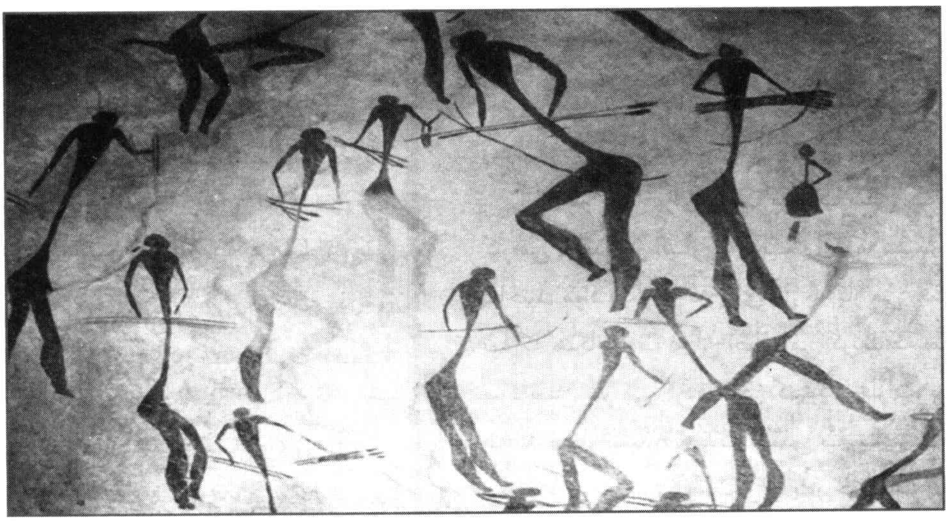
این نقشه، مهاجرت انسان را در دوران یخ‌بندان به سرزمین امریکا و تشکیل گروه‌های مهاجرنشین را می‌نمایاند.



سنگ تراشیده‌یی که یکی از افراد قبیله ناتوفیان (Natufian) را در حالی‌که لبان خود را به حالت بوسه جمع کرده، است.



این تصویر نشانه‌یی از قدرت و مهارت انسان در صعود از سنگ‌ها جهت رسیدن به شکار و بهره‌وری از حیوانات است.



نقشی از مردان شکارچی با تیر و کمان که در غاری در منطقه‌ی کشور اسپانیا کشف شده است.

جزیره مالت ۲۶۰۰ سال پ.م

در منطقه هال سافلینی (Hal-saflieni) معبدی در زیر زمین در سه طبقه و به وسعت حدود ۷۰۰ مترمربع ساخته می شود. این معبد نخستین معبد زیر زمین است که باین وسعت و هنرمندی ساخته می شود.

هندوستان ۲۶۰۰ سال پ.م

کشاورزان منطقه دره سند به پیشرفت بزرگی در ساخت و کاربرد آهن دست می یابند.

مصر ۲۶۰۰ سال پ.م

ساختمان یکی از اهرام به نام میدوم (Maidum) به پایان می رسد که نخستین هرم واقعی است.

مصر ۲۵۸۰ سال پ.م

در هنگامی که فرعون های سرزمین مصر شروع به ساختن اهرام کردند، اشراف کشور هم به ساختن مقبره برای دفن مردگان خودشان در زیر زمین و نیز ساختمان معبد و نمازخانه جهت دعا و نیایش می کردند. آنها مردگان خود را در تابوت های سنگی قرار می دادند و لوازم ضروری مرده را هم در تابوت می گذاشتند که پس از مرگ مورد استفاده او قرار گیرد. همچنین در محل نمازخانه انواع نوشیدنی ها و غذاها را هم می گذاشتند که از نظر آنها مرده تشنه و گرسنه نماند.

هندوستان ۲۵۵۰ سال پ.م

هندیان در پیرامون شهرهای بزرگی چون موهنجودارو (mohenjo-Daro) و هاراپا (Harappa) دیوارهای عظیمی با آجر پخته جهت دفاع شهر می ساختند.

میان رودان ۲۵۰۰ سال پ.م

اداره کنندگان شهر لاگاش (Lagash) جهت حفاظت شهر سرزمین های استپی اطراف شهر اورنانش (Ur-nansh) را تصرف کردند، شهر لاگاش بزرگترین و مهمترین شهر سومر بود. تا این زمان این استان سومر با قوانین و مقرارت داخلی خود اداره می شد و در تمام زمینه ها پیشرفت داشت، مردم جهت ترقی شهر خود بیشترین سعی خود را می کردند و از جانفشانی هم دریغ نداشتند.

میان رودان ۲۵۰۰ سال پ.م

نخستین کتابخانه جهان در شوروپاک (Shuruppak) (فرا) (Fara) و اِرِش (Eresh) (ابوسالابیخ) (Abu-salbikh) گشایش می یابد. این کتابخانه تنها به این امر اختصاص نداشت، بلکه مکانی جهت دادرسی و محاکمه خاطیان بود و دادرسی هائی از قبیل شکایت فردی از زن و مادر خود بررسی می شد، که مرد می گفت، زن من در معبد است و مادرم در کنار رودخانه، در حالیکه من دارم از گرسنگی می میرم، شما ارباب شهر و پادشاه می باشید، مردم مالیات می پردازند که در آسایش به سر برند.

کشور پرو ۲۵۰۰ سال پ.م

ساکنان منطقه وای واکاس (Waywakas) لوازم زینتی از طلا می سازند.

حمل مقدار زیاد آن توسط حیوان بارکش مقدار زیادتری سنگ کانی به پای کوره می رساندند.

آموزش روش نوین شخم زنی در مزارع تازه (میان رودان، ۶۰۰۰ پ.م):

نمی توان گفت که شخم زدن با گاو آهن و به کار بردن هم زمان دو بیل جهت شیار زمین را نخستین بار چه کسی اختراع کرد، لیکن می توان گفت که با این روش کار کردن در مزارع آسانتر شد و کارگر کشاورز از زحمت طاقت فرسای بیل زدن نجات یافت.

هنگامی که نقشه ی آبیاری به طور مصنوعی هرچه بیشتر منتشرمی شد، به همین نسبت به کشاورزان امکان می داد زمین های بیشتری را کشت کنند و در نتیجه میزان محصول به دست آمده افزایش می یافت.

به هر حال هم چنان که سطح زمین های زیر کشت افزوده می شد، وضع اقتصاد بهتر شده و زمین های باتلاقی و بایر و استپی در خاور نزدیک به مزارع تبدیل می گردید.

اکنون دیگر در این منطقه شخم زدن و شیار زمین به یک امر عادی تبدیل شده و دهقانان در فصل پائیز زمین را شخم زده و خاک را برگردان می کردند که برای فصل باران آماده باشد.

بدون شخم زدن، خاک آماده برای کشت نبود و در این حال علف های هرز هم آماده ی رویش بودند و کارگر کشاورز به زحمت دچار می شد و بایستی زمین را با بیل دستی شیار کند، لیکن شخم زدن با گاو آهن زمین را برای تخم پاشی مهیا می ساخت و اگر در زمین سنگ و بعضی مواد مانع رشد گیاه بود، با این وسیله از بین می رفت و سطح زمین تا عمق لازم شیار می شد و تخم پاشیده در سطح قرار نمی گرفت و از عوامل مزاحم در امان بود.

آبیاری صحیح سبب پیشرفت کشاورزی می شود. (میان رودان ۴۰۰۰ -۶۰۰۰ پ.م):

گروه های کشاورز همواره در فکر اضافه تولید محصول چشم به آینده داشتند و برای این امر سعی می کردند با آبیاری صحیح زمین های زیادتری را زیر کشت برده و مواد غذایی زیادتری تولید کنند.

یکی از بزرگترین کارهای ساخته ی دست انسان، ساخت سد و دیواره کرانه ی رودخانه ی فرات بود، چون طغیان همه ساله ی آب رودخانه، زمین های بسیاری را طعمه ی سیل می کرد و محصول به مقدار زیاد از بین می رفت، در عین حال ساختن همین سد سبب آبیاری مقدار بیشتری از زمین ها و برداشت محصول بیشتر می شد. قبل از ساختن این سد و کانال های آبیاری، تنها مقدار کمی از زمین ها که آب بر آنها سوار می شد از آب بهره می بردند و زمین های دور از آب محروم بودند، لیکن این طرح الگو و نمونه آبیاری کشاورزی گردید.

یکی از طرح های اولیه ی آبیاری در شش هزار پ.م در منطقه ی شوگامامی (Chogamami) نزدیک مندلی (Mandali) در عراق انجام شد که در گودال های با شیب زیاد آب را رها می کردند و این آبها به زمین های پایین شیب می رسید و آنها را سیراب می کرد، با حفر کانال های آبیاری، آب به وسیله ی این کانال ها به زمین ها هدایت می شد و مزارع به طرز صحیح آبیاری و باعث ازدیاد محصول می شد.

در خارج از نواحی که آب رودخانه ی نیل آن مناطق را آبیاری می کرد و هم چنین در دره ی سند، مهندسان خاکریزهایی جهت سوار شدن آب بر مناطق پست تر می ساختند، لیکن با طغیان رودخانه، در اثر تخریب زمین ها و خاکریزها سبب از بین رفتن محصول به مقدار زیاد و حتی خانه های دهقانان می شد.

کشاورزان روستایی از راه دره های رودخانه سرامیک های هنری را از شرق به اروپا وارد می کنند (اروپای خاوری، ۵۰۰۰ پ.م):

مهاجرت بزرگ کشاورزان از بالکان به سوی اروپای مرکزی جهت تصرف و به دست آوردن زمین های بهتر برای کشت شروع می شود. این جابه جایی به طرف دشت های جمهوری چک، اسلوواکی، لهستان و آلمان از راه دره رودخانه های پهن صورت می گیرد و زمین های تازه یی آماده ی بهره برداری می شود.

این زمین ها حاوی مواد معدنی کافی هستند که پس از پایان یخبندان به وسیله ی بادهای گرم ساحلی به سوی داخل و مرکز اروپا آورده شده و یک ورقه روی سطح زمین ها را پوشانده و خاک حاصلخیر به وجود آورده بود. در حین مهاجرت، کشاورزان روستایی، جهت زندگی جنگل ها را از درختان و سایر رستنی های مزاحم پاک کرده و خانه هایی بنا می کردند، که این خانه ها اغلب در ساحل رودخانه ی دانوب و شعبه های آن ساخته می شد.

این خانه ها دارایِ طویله جهت چارپایان و گاوداری و مکان هایی جهت خشک کردن ذرت در خارج از محل زندگی روستاییان بود که با تیرهای چوبی و تنه ی درختان بنا می شد. هم چنین برای ساخت خانه از سنگ و تیر استفاده می شود که با سنگ چخماق چوب ها را ورقه ورقه کرده و گاهی به شکل تیغ تیز در می آوردند.

کشاورزان برای خشک کردن درخت و استفاده از نور آفتاب جهت رشد محصول خود، حلقه یی از پوست درخت را می کندند که درخت خشک می شد و ناحیه ی جنگلی از بین می رفت.

مزارع کوچک را جهت چرای گوسفند و گاو و بز آماده می کردند. این روستاییان در محیط صلح و صفا زندگی می کردند و جهت امنیت خانه در مزرعه، حتی نیاز به ساختن حصار و دیوار در اطراف آنها نبود، لیکن گاهی حصاری از اسفنج های دریایی به صورت موقتی و غیر مقاوم برای چارپایان می ساختند.

ساکنان منطقه ی بالکان، بیشتر کار و فعالیت خود را جهت ساختن ظروف سفالی و هرچه بهتر و ظریف ترکردن آن به کار می بردند و از مهارت خود و دقت نیاکان خود استفاده می کردند.آنها با حکاکی و کشیدن اشکال گوناگون و استفاده از رنگ و تراش روی سفال هنر خود را به نمایش می گذاشتند.

هنر ساخت ظروف سفالین با به کار بردن خطوط عمودی وافقی و بهره وری از استخوان شاه ماهی جهت تزئین آن و رنگ های هر چه روشن تر مشخص می شد.

اکنون ظروف سفالین جهت تزئین ومصرف به کار می رود. (خاورنزدیک، شش هزارپ.م):

خاور نزدیک ۲۵۰۰ سال پ.م

آلیاژ برنج (برنز) در ساخت لوازم زندگی و نیز آلات تزئینی به کار می رود.

مکزیکو ۲۵۰۰ سال پ.م

ساخت سفال و بافت پارچه در مرکز کشور مکزیک توسعه می یابد.

آمریکای جنوبی ۲۵۰۰ سال پ.م

کشت ذرت و انتخاب این محصول و نیز پرورش و پیوند آن جهت تولید بیشتر و کیفیت بهتر روز به روز توسعه پیدا می کند، در نتیجه جمعیت این منطقه زیاد شده و به ساختمان خانه های جدید نیاز بیشتری پیدا می شود. در عین حال تجارت و ساخت لوازم آهنی برای فروش در حال گسترش است.

میان رودان ۲۴۵۰ سال پ.م

اینـاتوم (Eannatum) یکی از پادشاهان سومری که بنیانگزار سلسله اورنانش (Ur-nansh) در لاگاش می باشد، بر تمام پادشاهان و امرای محلی پیروز می شود در ستلی (Stele) (سنگ نبشته) که از او باقی مانده، می گوید که با سپاهان خود بر علیه حکومت های دیگر حمله می کند و حتی بر دورترین نقطه شمال غربی در ناحیه ماری (Mari) و نیز در شرق سومر بر ایلام (Elam) (عیلام) در کشور ایران پیروز و آن را متصرف می شود.

میان رودان ۲۳۵۰ سال پ.م

پادشاه سومر پس از پیروزی بر اکدیها (Akkadian) در صدد بخشش و دستگیری فقرا و مستمندان برآمد. در این زمان فلز مس هم در ساخت بدنه کشتی استفاده می شود. غلبه بر عمان سبب می شود که بعضی از اقسام سنگ ها به ویژه نوعی سنگ سیاه را از آنجا وارد کنند که جهت نوشتن کتیبه پادشاه به کار می رفت. آنها با کشتی تیرهای چوبی از ایران و سوریه وارد می کنند.

سومر از راه خلیج فارس کالاهای خود را با پاکستان و دیگر کشورهای نزدیک مبادله کرده و تجارت خود را با ساکنان دره سند ادامه می دهند.

مصر ۲۳۵۰ سال پ.م

مصریان با رواج دادن خط هیروگلیف (Hieroglyph) به دانش روز کمک می کنند. آنها با به کار بردن این خط بر دیوارهای سنگی و حکاکی آن بر معابد، کارها و متصرفات فرعون های مصر را شرح می دهند.

میان رودان ۲۳۰۰ پیش از میلاد

درلوگالزاجزی(Lugalzagesi) شاهزاده جاه طلب و بلند پرواز اوما (Umma) درسومر طرحهای جدیدی اجرا می کند. آنها سعی می کنند پس از پیروزی بر شهر اور(Ur) تمام سرزمین میان رودان را زیر نظم وقانون خود درآورند و لوگالزاجزی بر تمام کشور حکومت کند. این حکومت بر سرزمین اصلی سومر و شکست اوروایینی ماژینا (Uru inimgina) در لاگاش (Lagash) پیروز می شود ، لیکن خود را در برابر پادشاه قدرتمند آگاد (Agade) به نام سارگون (Sargon) می بیند.

یکی از نشانه های ثروت گروه های روستایی، امروزه داشتن هر چه بیشتر ظروف سفالین با رنگ های روشن و اشکال هندسی و نقش حیوانات بر روی آنهاست.

ساخت سفال در حدود چهار هزار سال پیش از این در چین و ژاپن مرسوم بود، لیکن از آن پس، در بسیاری از مناطق ساخت آن بدون وابستگی شروع شد. به طور مشخص معلوم نیست که در چین و ژاپن چطور ساخت این ظروف شروع شد، لیکن سنگین بودن و شکنندگی آن نتوانست ساخت آن را همگانی کند و تنها چادرنشینان آن را مصرف می کردند.

به نظر می رسد برای نخستین بار خشت های ساختمانی در کنار آتشی که برای روشن کردن محیط زندگانی روشن می شد، قرار گرفت و بشر پی برد که گل پخته خیلی مقاوم تر است. این نخستین قدم در ساخت سفال از گِل می باشد و پس از آن بشر از گِل نرم و بدون مواد خارجی جهت ساختن ظروف استفاده کرد و آن را در کنار آتش در فضای باز قرار داد. جایگزینی ساخت گل پخته به جای گل خام باز هم بشر را قادر ساخت که آن را به اشکال گوناگون و مورد دلخواه خود درآورد.

ساخت ظروف سفالین در یک هزار سال پیش از آن در خاور نزدیک به ویژه در سوریه و فلسطین آغاز شد و به زودی به طور وسیع در میان رودان مورد مصرف قرارگرفت، که در ابتدا به صورت ظروف مکان های مقدس و زیبایی به کار رفت، و پس از آن پیشرفت و ترقی در ساخت و تزئین و رنگ آمیزی آن نشانه ی هنرمندی آن شد.

قایقرانی در رودخانه نیل پیشرفت می کند. (مصر در ۴۵۰۰ پ.م):

مصریان قایق های با روش مهندسی و پیشرفته را در رودخانه ی نیل مورد استفاده قرار می دهند. این رودخانه شاهرگ حیاتی کشاورزان مصری و یک آبراهه ی داخلی جهت حمل و نقل بوده و طغیان سالیانه ی آن سبب بارور شدن خاک اطراف آن می شد. قایق های اولیه را از نی می ساختند و نی ها را در کنار هم قرارداده و باهم می بستند. لیکن دماغه و ته کشتی را با چوب های سخت می پوشاندند، چون بایستی در برخورد با مانع مقاوم باشد و نیز

پاروها را از چوب های سخت می ساختند و پارو زنان هم بایستی مردان قوی و زورمند با بدن عضلانی باشند تا بتوانند کار دشوار پارو زنی را انجام دهند.

صنعت فلزکاری به سوی اروپا توسعه می یابد. (اروپا ۴۰۰۰ پ.م):

فلزکاری رقیب ساخت ابزار زندگی از سنگ می شود و فلزکاران مهارت بیشتری در ساخت اشیاء فلزی از مس و برنز و طلا به دست می آورند. اکنون فلز مس به اندازه ی کافی برای ساختن اسباب زندگی در دسترس هست و تولید آن هر روزه زیادتر می شود و بیشترین مصرف آن در تولید دست افزار می باشد.

مس پس از سرد شدن در خاک نرم، به صورت قطعه یی در می آید و می توان آن را به شکل دلخواه در آورد. تقاضا برای فلز مس اکنون سبب روش جدیدی در تولید آن از کربنات مس که سنگ معدنی با عیار بالاست می شود و نیز سنگ معدنی به نام مالاکیت یا ملاشیت (Malachite) که به خوبی قابل تصفیه است و مقداری طلا نیز با آن همراه است می باشد. در معادن مس که رگه هایی از طلا وجود دارد، می توان با کلنگ تا عمق ۳۰ سانتیمتر و شاید کمی بیشتر از آن را شکافت و به رگه های طلا دست یافت.

این رگه ها که با چشم قابل دیدن است و با رنگ آن تشخیص داده می شود را می توان با کمک ابزار سنگی و چکش های سنگین چوبی حفر کرده و مقدار قابل ملاحظه یی از این فلز استخراج کرد.

بعضی از این معادن بزرگ مس که در منطقه ی بالکان است حاوی مقدار زیادی طلا می باشد. سرانجام ساخت ابزار مسی به وسیله ی معدن کاران، آنها به ارزش معادن مس پی بردند و این فلز با ارزش و نرم را هرچه بیشتر استخراج کردند.

قبایل و خانواده هایی که به این معادن دست یافتند، هرچه بیشتر ثروت اندوختند و هرکدام از اعضاء فامیل خود را در موقع مرگ و تدفین با مقدار زیادی از این سنگ معدن قیمتی دفن می کردند.

درهنگام کندن و حفر زمین به طور تصادفی، قطعه هایی از طلا در این منطقه به دست آمده که به نظر می رسد به عنوان زینت مورد استفاده بوده است.

سردرد، کوشش جهت سوراخ کردن جمجمه و مداوای آن (فرانسه، ۴۰۰۰ پ.م):

به نظر می رسد جراحی مغز با روش خیلی ابتدایی در مون پلیه لوویو(Montpellie le vieu) بر روی یک بیمار انجام شده است. بیمار را که از سردرد وحالت جنون رنج می برد با یک قلم از سنگ چخماق که حالت مدور و سوزنی شکل داشته و بسیار تیز بود، سوراخ کردند تا دیو و جنی را که درمغز او بود درآورند.

سوراخ کردن سر بیمار با موفقیت انجام شد، البته قبل از عمل جراحی او را با مخلوطی از شیره ی گیاهان و سبزی ها کاملاً بیهوش می کردند و بیمار پس از عمل هیچ چیزی به یاد نداشت.

این طرز عمل جراحی سپس در نواحی اطراف دریای مدیترانه مورد اقتباس قرار گرفت و بشر از دانش پیشینیان خود تجربه آموخت و پیشرفت هایی را در جراحی باعث شد. روش های دیگر جراحی که امروزه مرسوم است، شاید براساس سوراخ کردن همان شیوه ی نخستین باشد.

تیغ و خار جراحی برای شکافتن دمل ها و آبسه ها و خارج کردن چرک و خون و نیز آبسه ی دندان و به کار بردن سنگ چخماق (خارا) نازک و تیز جهت بریدن و قطع کردن عضو فاسد و از بین رفته سبب ترقی و پیشبرد دانش جراحی، و هم چنین کاربرد داروهای گیاهی برای رفع دردها و ناراحتی ها و تب و مسمومیت ناشی از سموم و به کار بردن داروهای ضد سم گیاهی و معدنی و بیهوشی و بهبودی زخم ها شاید برپایه و اساس همان تجربه ها و دانش طبی اولیه باشد.

شکارچیان چینی روش شکار را کنار گذاشته و به زراعت می پردازند. (چین، ۴۰۰۰ پ.م):

مردم چین در شش هزار سال پیش یا در همین حدود، هرچه بیشتر سکونت و یک جانشینی را بر می گزینند. در هنگامی که زمان یخبندان به سر رسید و یخ های کره ارض شروع به ذوب شدن کرد، چینی ها هرچه بیشتر به استخراج معدن و تولید مواد گیاهی و پرورش حیوانات پرداختند و این امر بستگی به گرم شدن محیط داشت. با به کار بردن کلنگ توانستند هر چه بیشتر زمین را بکاوند و در کشاورزی به



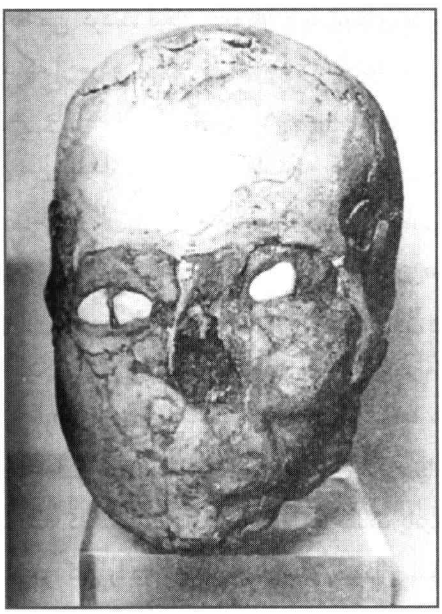
سنگ‌های سخت و تیز که به‌عنوان چاقوی دستی به‌کار می‌رفته است.



منظره‌ی داخلی یک برج در ناحیه‌ی جریکو (Jericho).



مجسمه‌یی از سنگ به‌عنوان سمبل باروری و تولید نسل با پستان‌های بزرگ و پُرشیر که در منطقه‌ی آناتولی (Anatolia) به‌دست آمده است.



تندیس یک سر که برای نشان‌دادن چشم او از صدف استفاده شده.

کشت دانه های غذایی پرداخته و با اهلی کردن حیوانات و پرورش آنها مواد مورد مصرف را افزایش دهند. در منطقه ی بانپو(Banpo) در شمال چین، مردم به نگهداری خوک و سگ بیشتر علاقه نشان می دهند و در مناطق خشک کشت ارزن به خوبی صورت می گیرد و نیز در نواحی مرطوب جنوب، سایر محصولات گیاهی به ویژه برنج به مقدار زیاد کشت می شود.

مکان های مقدس با سنگ بنا می شود. (اروپا، ۴۰۰۰ پ.م):

بخش اعظم مقبره ها و مکان های مقدس و بناهای تاریخی با سنگ های بزرگ ویکپارچه ساخته می شود. این بناها به وسیله ی مردم محلی بر پا می شود، مردمی که به دنبال سرزمین های بهتر از اروپای شرقی به سواحل روی می آورند و در سراسر اروپا پراکنده می شوند.

اصل و ریشه ی این مردم شکارچیانی بودند که به شغل ماهیگیری و شکار حیوانات اشتغال داشتند و اکنون طرز کشت غلات را آموخته و هم چنین در پشت خانه ها به پرورش جانوران اهلی می پرداختند. آنها بناهای بزرگ را با سنگ بنا می کردند، لیکن خانه ها را با تیرهای چوبی می ساختند که از مردم اروپای شرقی یاد گرفته بودند.

درهر حال بناهای سنگی ساخته شده بدون شک تا هزاران سال پایدار و مقاوم می ماند که حکایت از مهارت و استادی بناکنندگان می کند. بعضی از این ساختمان ها محل تدفین مردگان بود که در اتاق کوچکی آن را دفن می کردند و چون این قسمت بسته بود هر بار برای دفن مرده ی جدید، سنگ در این قسمت را بر می داشتند و پس از دفن، دوباره آن را می بستند.

اتاق دفن مردگان را با سنگ های بسیار بزرگ می ساختند که مگالیت (Megalith) یا سنگ یادبود نامیده می شد. مردگان را در کفن پیچیده و در گودال خاک قرار می دادند و به صورت ردیفی به شکل دایره یا اشکال دیگر دفن می کردند و اغلب روی تپه های بلندی قرار داشت که از کیلومترها قابل رؤیت بود.

سنگ هایی که جهت بناهای مقدس و مذهبی به کار می رفت، اغلب به ارتفاع حدود ۱۰-۱۲ متر بود که آن را تنها در زمین قرار می دادند که عنوان یاد بود داشته و چشم گیر باشد، هم چنین روی این سنگ ها را به شکل هندسی یا اشکال آدمی حکاکی می کردند.

نشانه ی برتری مهاجران شرقی اروپا همان خاکریزها و تپه های بلندی بود که وجه تمایز آنها با سایر بومیان شمالی بود و بلندی خانه ها و بناها، آنها را متمایز می ساخت، لیکن در حقیقت این نمایش و تمایز، برتری آنها را نمی رساند، بلکه ساخت خانه و محل سکونت و زندگی آنها را از خطرهای بیشتر مصون می داشت و حالت پناهگاه به آن می داد که در صورت حمله بیشتر قابل دفاع بود.

اسب های وحشی، رام شده ودراختیارانسان ها قرارمی گیرند. (اروپای شرقی، ۴۰۰۰ پ.م):

انسان ها از پیاده روی خلاص می شوند. چون می توانند اسبان را رام کرده و به صورت مرکب درآورند، آنها در اطراف دریای سیاه اسب ها را به دام انداخته و به نواحی اطراف مدیترانه می آورند و به عنوان کالای تجارتی به سایرین می فروشند، چون در نواحی بالکان و روسیه به ویژه در کوهستان ها بسیار مورد لزوم است.

به طور معمول اسب می تواند یک نفر را در پشت خود سوار کند و اسب سوار باید به شکل عمودی بر روی اسب بنشیند و برای هدایت اسب دهانه یی به دهان حیوان بزند.این دهانه برای حرکت حیوان و هدایت آن بر حسب تمایل سوارکار و نیز تنظیم سرعت حرکت اسب می باشد، چون ممکن است که در سرعت زیاد، تکان های شدید، سبب سقوط سوارکار و ناراحتی شود و دهانه برای کشیدن و مهار اسب ضروری است.

نخستین بار رام کردن اسب های وحشی در کرانه ی رود های دنیپر (Dnieper)، دن (Done) و استپ های ساحلی دریای سیاه صورت گرفت.

مردمان این نواحی برای رام کردن حیوانات و پرورش آنها و اهلی کردن اسبان سابقه ی زیاد داشتند و این مهارت را سپس به سایرین آموختند. به هر حال مردم کرانه ی دریای سیاه توانستند به نواحی دور و استپ های شمال این دریا و مناطق علفزار جهت پرورش دام بروند و هم چنین اسب را جهت نظارت بررمه های گاو گوسفند و بز و مراقبت از آنها در کوهستان ها مورد بهره برداری قرار دهند.

اروپا ۲۳۰۰ پیش از میلاد

تجارت در مسیرهای طولانی سبب توسعه مبادلات می شود و این امر به پیشرفت صنعت فلزکاری و استخراج آن کمک می کند. در همین حال آلیاژ برنج در صنعت کاربرد بیشتری پیدا می کند و در ساخت لوازم زندگی و سلاح هم به کار می رود. پیشه وران وفلزکاران ساکن جزایر دریای اژه (Agean) به پیشرفت و کاربرد فلزات وسنگ کمک می کنند.

آمریکای مرکزی ۲۳۰۰ پیش از میلاد

برای نخستین بار هنر سرامیک سازی در این منطقه پدیدار می شود.

مصر ۲۲۹۰ پیش از میلاد

حکومت سلسله پادشاهی پیپی (Pepi) در این زمان به پایان می رسد. آنها در هنگام پادشاهی خود ساختمانهای غول آسا را شروع کردند. به ویژه در عبیدوس (Abydos) ، دندرا (Dendera) و بوباستیس (Bubastis). پیپی به سرزمین نوبه (سودان کنونی) واقع در جنوب مصر لشگر کشی کرد و سرزمین آبشار نیل و فلسطین را تصرف نمود ، و به تجارت بین مصر و بابل رونق بخشید.

سوریه ۲۲۵۰ پیش از میلاد

در سوریه از یک نوع گاوکوهی بزرگ به نام آکسن(Oxen) برای حمل ونقل استفاده می شود ، جهت این کار آنها این حیوان را به گاری چرخدار می بندند ، که این کار در سالهای سه هزارپیش از میلاد در میان رودان انجام می گرفت.

هندوستان ۲۲۵۰ پیش از میلاد

تمدن دره سند بیشتر در شهرهای موهنجودار وهاراپا تمرکز می یابد. آنها از راه دریایی خلیج فارس به تجارت خود با میان رودان ادامه می دهند که به نظر می رسد این راه برای بازرگانی آینده بسیار درخشش خواهد داشت.

چین ۲۲۰۰ پیش از میلاد

مردم لانگ شان (Longshan) در شمال وشمال خاوری چین دیوار عظیم باستانی را جهت جلوگیری ازهجوم اقوام وحشی می سازند و نیز در توسعه ابتکاری و ساخت انواع ظروف سفالین روشهای نوینی مانند صنعت فلزکاری به کار می برند.

مصر ۲۱۵۵ پیش از میلاد

پیپی دوم پادشاه مصردرسن ۹۶ سالگی فوت شد. او در شش سالگی به سلطنت رسید و در زمان پادشاهی خود باعث افتخار و بزرگی کشور بود ، به ویژه در تجارت با بیبلوس (Byblos) و پونت (Punt) در شرق افریقا خدمات درخشانی انجام داد و بزرگترین تجربه بازرگانی را پشت سرگذارد. با درگذشت این پادشاه بزرگ افتخارات او هم از بین می رود و کارهای برجسته او جنبه افسانه به خود می گیرد و سلسله قدیمی پادشاهی مصر به پایان می رسد.

میان رودان ۲۱۵۰ پیش از میلاد

پادشاهی آکاد(Akkadina) یا اکد، مدت ۲۰۰ سال است که به وسیله سارگون اول پایه گذاری شده که با حملات و هجوم پی درپی قوم گوتی (Guti) که در ناحیه مرتفع و کوهستانی زاگرس (Zagros) اقامت داشتند روبرو می شود. گوتها سرزمین های متصرفی را به دست غارت وچپاول می سپارند.

کلبه های زمان نوسنگی در بالکان توسعه می یابد. (بالکان، ۴۰۰۰ پ.م):

کشاورزان اولیه که در شرق اروپا ساکن شدند، خانه های پیشرفته یی جهت سکونت ساختند که سقف آن غیر قابل نفوذ جهت آب بود و باران آنها را خراب نمی کرد. این خانه به شکل مربع و درهر طرف یک در داشت که جهت ورود و خروج از آنها استفاده می شد و به طوری قرار گرفته بود که در معرض آسیب و حوادث واقع نشود.

دراین کلبه ها تهویه به خوبی انجام می شد. هنگام مرگ هم اغلب مردگان خود را در همین خانه ها دفن می کردند.

وضع و موقعیت زن در آن اجتماع بسیار قابل توجه و مادر به عنوان الهه ی مقدس بود که هر دختر، خواه ناخواه به مقام مادری می رسید. در خانواده خیلی احترام برای مادر قائل بودند و از نظر اداره ی خانه و سلامتی وجود زن مغتنم بود که روی لوحه های گِلی آن زمان شرح داده شده و زن را به طور خلاصه مقدس می شماردند.

هنر اهالی صحرا با تغییر اقلیمی آب و هوا دگرگون می شود. (صحرا، ۳۷۰۰ پ.م):

کار نقاشان غارنشین صحرا به کلی تغییر شکل می دهد. در پنج هزار سال پیش از این، هنرمندان این ناحیه، برحسب عادت به محیط، تصاویری از زرافه و فیل که در محیط زندگی آنها فراوان بود به وجود می آوردند. اکنون، در اثر خشک شدن و کم بارانی منطقه، این جانوران نایاب شده و گونه های آنها به علت کمی رطوبت از بین می روند و در ضمن چشم انداز نقاشان دیگرگون می شود، و جانوران کویری به تعداد کم جایگزین آنها شده که در نتیجه نقاشی دیوارها با تصویر آنها مزین شده است به ویژه گاو که در زندگی کشاورزان نقش مهمی دارد، به عوض آنها در کار هنرمندان ظاهر می شود.

در اثر تخمیر میوه ها، نوشابه های نشئه آور پدید می آید. (خاور نزدیک در ۳۵۰۰ پ.م):

مردمان این ناحیه به کشف جدید دست می یابند، بدین معنی که از تخمیر خرما، انجیر و سایرمحصولات درختی

کشت شده، نوشابه یی تولید می کنند که خاصیت مستی دارد.

آنها میوه ها را در کوزه های سفالی و ظرف های دیگر ریخته و مخلوط می کنند، پس از چندی، میوه درون ظرف تخمیر شده و آب آن که سر منشاء تولید آبجو می باشد، خاصیت خواب آور و مستی آور پیدا می کند. نوشیدن جرعه یی از این مایع حالت خلقی را دگرگون واندیشه را مختل می کرد، این حالت مستی مورد استقبال مردم قرار گرفت و شراب حاصل از خرما بسیار گرانبها شد، و چون شراب خرما گران تمام می شد، کم کم مایع حاصل از خیساندن جو مورد توجه قرار گرفت که مقدار زیادی رسوب و دُرد داشت وبرای گرفتن دُرد آن از کاه استفاده می کردند.

استفاده ازباربری حیوانات درهای تجارت را به روی اروپا می گشاید. (اروپا، ۳۵۰۰ پ.م):

هم چنان که کشاورزان اروپایی، از گوشت و شیر حیوانات اهلی که در پشت مزارع پرورش می دادند، بهره مند می شدند، استفاده از نیروی بارکشی آن هم مورد توجه قرار گرفت.

دو اختراع مهم کشاورزان شایسته ی تقدیر است: یکی گاوآهن جهت شخم زنی که نیروی زیادی می طلبد و دیگری ساختن گاری جهت کشیدن بارهای سنگین، که نوعی گاومیش (اکسن)(Oxen) گاری های با وزن زیاد را می کشید.

این گاری های بارکش سنگین که انسان و اسب قادر به کشیدن آن نبودند، با نصب چهار چرخ در زیر آن برای حمل و نقل محصولات کشاورزی و دامی و نیز ادوات فلزی مورد بهره برداری قرار گرفت و گاری ها قابلیت حمل آن را جهت فروش و احیاناً تبادل و معاوضه جنسی داشتند.

شخم زنی و کشیدن گاوآهن به وسیله ی گاومیش های زورمند به کشاورزان امکان داد که زمین های کوچک با دست کشت شده را توسعه داده و محصول بیشتری تولید کنند. کشاورزان هم چنین درخت های جنگلی را با تیشه قطع کرده و زمین ها را جهت کشت آماده می کنند. در عین حال شخم زمین به زارع اجازه می دهد که خاک را آزمایش کرده و حالت باروری و یاحاصلخیز نبودن آن را مورد دقت قرار دهد. باقطع درختان نواحی جنگلی، کشاورزان دام ها را در زمین رها کرده تا تغذیه و پروار شوند و کود دامی، زمین را برای بهره برداری آماده کند.

چگونه آب و هوای اقلیمی صحرا دگرگون می شود. (افریقا، در ۳۰۰۰ پ.م):

حالت خشکی صحرای شمالی افریقا، پس از یک دوره ی کوتاه رطوبی که ایجاد شد، برای ساکنان این مناطق و همچنین حیوانات بسیار غم انگیز و وحشت آور بود. در آخرین سال های دوران یخبندان اخیر که ۶۵۰۰ سال پیش ایجاد شد، کمبود باران و نبودن رطوبت کافی علت اصلی این حالت بود.

در حالی که رطوبت نه چندان زیاد دوره ی کوتاه یخبندان، سبب پیدایش تعدادی دریاچه از قبیل دریاچه ی چاد شد، هشت هزار سال پیش (پس از این که حالت خشکی محیط کاملاً فراگیر شود.) در حدود دوازده هزار سال پیش، به مدت حدود یک هزار سال، مساحت ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع به حالت کویری درآمد و کویر این سطح عظیم را پوشانید.

مردم صحرا در حدود شش هزار سال قبل، به مدت چهار هزار سال توانستند در حاشیه ی این کویر که تا اندازه یی سبز وعلفزار بود، به سر برند. این نواحی شبیه زمین های کرانه ی دریای مدیترانه بود و در این قسمت حیواناتی نظیر شیر، فیل، اسب آبی و کرگدن به وفور یافت می شد که نتیجه ی حالت جنگلی و چراگاه های کرانه ی صحرا بود.به هر حال در مدت حدود یک هزار سال ، وضعیت خشک و صحرایی در این منطقه حاکم شد. به طوری که حتی دریاچه های داخلی صحرا خشک شده و از بین رفت.

در سومر زبان محاوره یی به صورت نوشته در می آید. (میان رودان، ۳۲۰۰ پ.م):

در نسل های متوالی این فکر درمردم سومر پیدا شده بود که از خدایان برای اعطای زمین حاصل خیز تشکر کرده و آنها را ستایش کنند. لیکن برای شکست در تولید محصول و گاهی اوقات از بین رفتن خرمن ها، جوابی شایسته نمی یافتند، لیکن این جریان به سبب بد اداره کردن و عدم

میان رودان ۲۱۲۰ پیش از میلاد

اتوهگال (Utu hegal) پادشاه اوروک(Ukuk) لشگر شکست خورده را تحت نظم درمی آورد و سرزمین سومر را آرامش می بخشد. حملات گوتی ها (Guti) به تمدن درخشان سومر آسیب فراوان می رساند. از نظر مردم میان رودان گوتی زیان بزرگی به کشور زد.

مصر ۲۰۴۰ پیش از میلاد

مردم تب(Thebans) کنترل تمام مصر را در دست می گیرند. در حدود یکصد سال پیش تجارت و امنیت کشور تحت نظر آنها اداره می شد. پس از مرگ پیپی دوم مصر دچار آشوب و تجزیه شد و جنگهای سختی بین گروههای مختلف در گرفت. این سلسله پادشاهی در سال ۲۱۳۵ پیش از میلاد تأسیس شده بود و مؤسس این سلسله به جنگهای داخلی جنوب مصر پایان داد و منازعات را با پیروزی به سامان برد.

مصر ۲۰۱۰ پیش از میلاد

با مرگ منتوهوتپ (Mentuhotpe) از سلسله پادشاهی تب ، پس از پنجاه سال سلطنت نشانه هایی از درگیری دوباره آشکارشد. منتوهوتپ پس از شکست وخرد کردن حریف ، هراکلئوپولیس (Herakleopolis) را دوباره ضمیمه خاک خود کرد و قوانین حاکم را در آنجا جاری نمود. منتوهوتپ ملیت بعضی از شهرها را مانند پایتخت برقرار و به آنها استقلال بخشید.

میان رودان ۲۰۰۴ پیش از میلاد

پایان خوشبختی و تفوق اور(Ur) ،بدین معنی که پادشاه ایلام که در جنوب غربی ایران سلطنت می کرد به اور لشگر کشید و نیروی شهر کشور اور رامضمحل و شاه آن را زندانی کرد، این لشگرکشی تحت حمایت گروه گوتی ها به رهبری آموریت (Amorites) انجام شد. سلسله اور ، در یک سده پیش به وسیله اورنامو (Urnammu) تأسیس شده بود که در میان رودان جنوبی حکومتی درصلح و صفا تشکیل داده و پیشرفت عظیمی در ادبیات وهنر وخوشبختی مردم سومر به وجود آورده بود.

حکومت اژه یی ها ۲۰۰۰ پیش از میلاد

در جزایر سیکلاد (Cycladic) واقع در دریای اژه منشعب از دریای مدیترانه مردم بومی واسطه بازرگانی بین جزیره کرت، یونان و سوریه می شوند. در محل مینوآن (Minoan) در جزیره کرت پیشرفت هنری مهمی در ساخت ظروف سفالین پدیدار شده و هنرمندان محلی تصویر پرندگان و ماهی ها را برروی سفال به شکل زنده نمایش می دهند.

آمریکای جنوبی ۲۰۰۰ پیش از میلاد

مردم ساکن سرزمین کوههای اند(Andes) واقع در پرو به کشت ذرت های درشت و دانه های پراز ماده مغذی می پردازند و در منازل دایمی مستقر می شوند. پروئی ها برای نخستین بار ظروف سفالین می سازند، در حالیکه درجاهای دیگر این قاره کارهای هنری از هزار سال پیش در دست انجام بود.

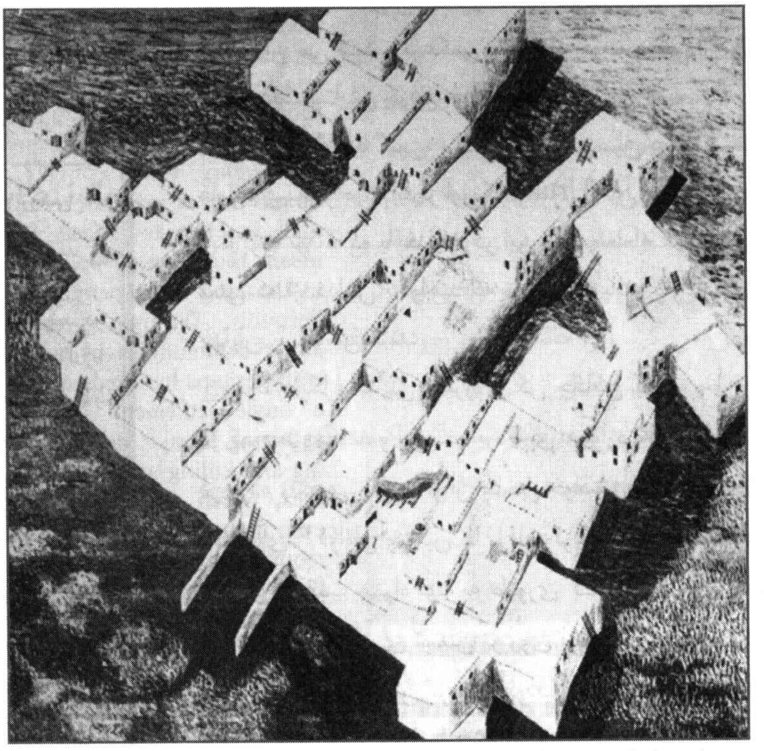
مهارت کافی کشاورزان است یا عامل دیگری در این کار موجب آن می شود و برعکس محصول خوب بعضی از سال ها، به علت ستایش کردن خدایان است.

از آن هنگام تا کنون، مشکل اصلی، همین پیدا کردن عامل آن بود و مردم شهر اوروک (Uruk) این جریان را به ارث برده بودند که با خدایان در این مورد معامله کنند، بدین معنی که از خدایان بخواهند که محصول زیادتر شود و آنها خدایان را ستایش کنند.

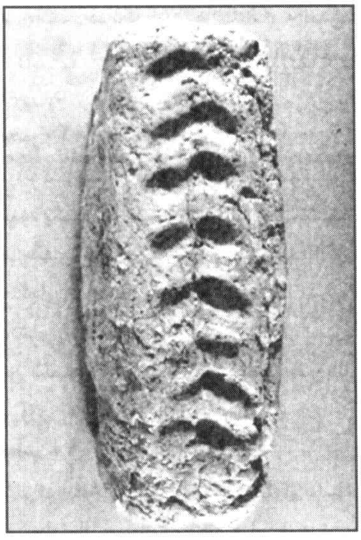
مردم شکل خدایان را برروی گِل حکاکی کرده و آن را در کوره می پختند و این تصویرنگاری همواره یاد خدایان را در مردم زنده می کرد و از آن ها می خواستند که محصول کشاورزی را فراوان و زمین ها را بارورتر گردانند. ابداع این عمل با موفقیت همراه بود، به طوری که بدون معامله و صرف انرژی زمینه ی نوشتن بر روی لوحه های گِلی آماده شد. سومری ها اولین مردمی بودند که طرز نوشتن را آموختند و آن را از خود به یادگار گذاشتند.

این طرز فکر نشان می دهد که ایده ی آنها پس از چندی دچار اشتباه شد و لوحه های گِلی برای این کار مناسب نبود. پس از سومری ها به کار بردن و نوشتن بر روی لوحه ی گلی مورد اقتباس سایرین قرار گرفت. به نظر می رسد که در همین زمان این ابتکار در شهر شوش واقع در خوزستان نیز عملی شده و تمدن ایلامی ها هم بر این شیوه قرار گرفته است.

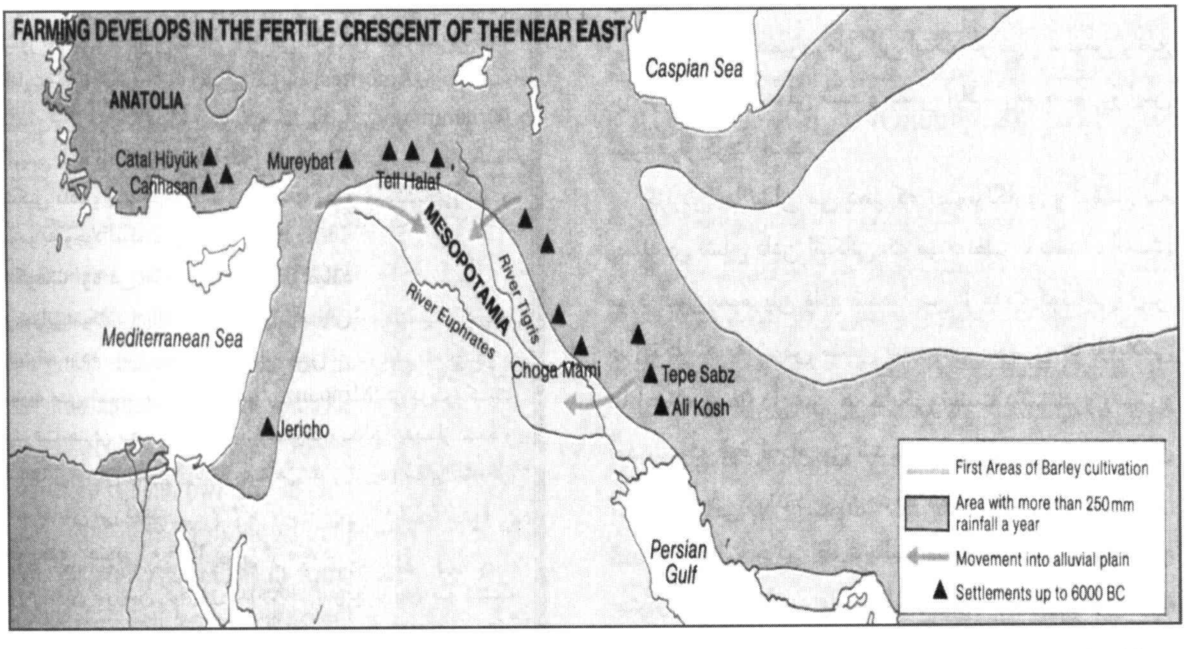
گزارش ها نشان می دهد که تصویرنگاری و نوشتن به وسیله ی نشان دادن اشکالی که مورد نظر نویسنده است، مورد قبول سومریان واقع شده، پس از مدت کوتاهی، این طرز نگارش به شوش منتقل شد، چون سومری ها با ایلامی ها (عیلامی ها) در عین همسایگی نسبت داشتند و رفت و آمد بین دو قوم انجام می شد و همان کلماتی که سومری ها به کار می بردند در زبان مردم شوش هم استعمال می شد.این کلمات خیلی خام وحالت اولیه داشت و بعدها وضع بهتری پیدا کرد، به عنوان مثال اشکالی از قبیل سر آدمی، درختان و نباتات و تصویر حیوانات خیلی ابتدایی بود. هم چنین طرز تولد بچه ی انسان را شبیه تخم پرندگان می دانستند که باید مدتی در زیر بال گرم پرنده قرار گیرد.



منظره‌یی از یک روستای اولیه در کاتال هویوک (Catal Huyuk)، واقع در آناتولی (آسیای صغیر) برطبق نقشه‌ی اطلس باستان‌شناسی



قطعه‌یی از گل پخته یا آجر بیضی‌شکل که برای ساختمان دیوار در منطقه‌ی جریکو به‌کار می‌رفته، آن‌ها خانه و محل سکونت خود را با پایه‌های سنگی و به شکل مدور بنا می‌کرده‌اند.



با ازدیاد جمعیت، انسان‌ها در جست‌وجوی مناطق حاصل‌خیز به سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه گسیل می‌شوند.

بحران در دره ی رود فرات در سرزمین میان رودان (میان رودان، ۴۰۰۰ پ.م):

در ناحیه ی بین دو رودخانه ی دجله و فرات، در جنوب میان رودان، تمدنی پیشرفته و به سامان شکل گرفته بود و در واقع این بخش دلتای رودخانه هایی بود که به دریا می ریخت. در این منطقه، کشاورزان خانه هایی با تمام وسایل زمان خود ساخته بودند که تمدنی چند قرنی را نشان می داد و کشاورزی آنها به برکت این رودخانه که هر ساله طغیان می کرد و زمین های اطراف خود را آبیاری و مواد رسوبی مساعد برای کشت فراهم می آورد، بسیار پیشرفته بود، اضافه بر آن، ماهیگیری هم منبع غذایی خوبی برای منطقه بود.

در ضمن چون طغیان آب ممکن بود زیان هایی هم داشته باشد، مردم همکاری و همیاری خوبی جهت تشکیلات آبیاری و ساختن سد و مانع برای هرز نرفتن آب و نیز ساختن کانال هایی برای تقسیم آب رودخانه داشتند. ساکنان روستاها، سدها و دیواره هایی جهت مهار سیل و جلوگیری از تخریب و نیز جلوگیری از حمله ی دشمن ساخته بودند و اطراف روستاها را هم با ساختن حصار محافظت می کردند. در داخل روستاها و شهرها، معابدی جهت عبادت و پرستش خدایان محلی ساخته بودند، مانند اریدو (Eridu) واقع در دره ی فرات که چند معبد برای نیایش وجود داشت و این می رساند که مردم این مناطق به طور کامل تشکیلات مدنی داشتند و در ساختن شهرها بسیار پیشرفته بودند.

مصر پیش قدم در به کار بردن خط هیروگلیف (مصر، ۳۰۰۰ پ.م):

کاربرد خط تصویری (هیروگلیف) به وسیله ی نویسندگان مصری، آغاز ثبت رویدادهای روزانه بر روی کاغذ پاپیروس که ازیک نوع نی که در ساحل رود نیل می رویید، می باشد.

این شکل نوشتن بر روی پاپیروس، نمی توانست دایمی باشد، زیرا پاپیروس پس از مدتی از بین می رود، لیکن این آغازی بود برای حکاکی و قلم زنی بر روی سنگ ها و دیوارهای معابد که سده های متوالی باقی می ماند.

خاورنزدیک ۲۰۰۰ پیش از میلاد

اقوام هوریان (Hurians) که نژاد آنها مشخص نشده در سراسر سوریه و میان رودان ساکن می شوند.

بریتانیا ۲۰۰۰ پیش از میلاد

دراستون هنج (Stonehenge) واقع در وسکس (Wessex) ساختمانهای سنگی دایره شکل عظیمی برپا میشود. استون هنج ساختمان های بسیار مرتفعی بوده که مرکز ومعبد مراسم مذهبی در جنوب انگلیس بوده است.

افریقای خاوری ۲۰۰۰ پیش از میلاد

پرورش گاو که ازدو هزار سال پیش در این منطقه مرسوم بود به کرانه های رود زامبزی (Zambezi) و صحرای کالاهاری (Kalahari) نیز کشیده می شود. در این منطقه مردم بر روی ظروف سنگی که احتمالاً برای پختن غذا به کار می رفت با قلم اشکال گوناگون و زیبا ترسیم می کنند.

اروپا ۲۰۰۰ پیش از میلاد

در مرکز و خاور اروپا بهتر شدن وضع اقتصادی و اجتماعی باعث رشد جمعیت می شود و این جریان فشار بر زمین را برای بدست آوردن محصول بیشتر و نیز ازدیاد نفوس نیاز به ساختن ساختمان های بلند و مرتفع را سبب شد.

منطقه قطب شمال ۲۰۰۰ پیش از میلاد

در سیبری، کانادا و گرینلند (Greenland) زمینه کاوش و بهره برداری از لوازم سنگی به ویژه سنگ چخماق فراهم می شود. بومیان سنگ چخماق را برای بریدن و حکاکی بر روی سایر سنگها و استخوان به کار می برند و نیز سایر سنگ ها را جهت ساختن نیزه جهت شکار ماهی و چاقوهای کوچک و قراردادن بر سر تیرهای چوبی بکار می بردند.

خاور نزدیک ۲۰۰۰ پیش از میلاد

فلز جدید سخت و برنده آهن کشف می شود ، لیکن فلزکاران و آهنگران روش جدیدی جهت پیشبرد این صنعت هنوز پیدا نکرده اند.

مکزیکو ۲۰۰۰ پیش از میلاد

نخستین ساکنان مکزیک در مرکز کشور در خانه های دایمی ساکن می شوند.

مصر ۱۹۲۵ پیش از میلاد

در این سال سلطنت سزوستریس(Sesostris) اول پایان می یابد. در زمان سزوستریس نیروهای پادشاهی مصر منطقه نوبه (سودان) ولیبی را متصرف می شوند و ثروت وشکوه کشور دراین هنگام افزون گشت.

میان رودان ۱۹۰۰ پیش از میلاد

ازدیاد جمعیت سبب فشار شدید برزمین برای برداشت بیشتر محصول می شود، در حالیکه منطقه کم باران و خشک است. از سوئی آبیاری و تقسیم آب کشاورزی نظم و ترتیب درستی ندارد، روی این زمینه سازمانی به نام لارسا(Larsa) جهت بهبود وضع آبیاری به وجود می آید که مسئولیت تقسیم آب را عهده دار می شود.

این خط تصویری را به صورت خطوط موازی رسم می کردند. کاغذ پاپیروس را با خیساندن و تحت فشار قراردادن برگ های نوعی نی کرانه ی رود نیل، به دست می آوردند.

زبان اصلی مصری میانه از ۷۰۰ تصویر تشکیل می شد، لکن با پیشرفت تمدن و به کار بردن کلمات جدید تعداد این تصاویر بیشتر می شد.

خط هیروگلیف نشان دهنده ی حالات انسانی، اعضاء و جوارح آدمی، حیوانات، پرندگان، نباتات، درختان و انواع لوازم زندگی و ظروف و لوازم خانه بود.

این خطوط را می توان به صورت افقی و عمودی رسم کرد و نیز آن را از راست به چپ یا از چپ به راست خواند که با شکل سرآدمی یا حیوان مشخص می شود و با به کاربردن نقطه، موضوع پایان یافته و خط بعدی حکایت از جریان دیگری است، در ضمن کلمات و جمله ها از هم تفکیک نشده است.

علامت های تصوری و مربعی شکل، فرمان های پادشاه و خدا را به زمینیان ابلاغ می کند. یک علامت می توانست چند معنی را برساندو نشان از صدا و عقیده ی افراد و یا شرح موضوع های دیگر باشد. هم چنین یک تصویر امکان داشت نام، فعل و سایر موضوعات و نیز وابستگی فامیلی، نام شخص خاص و یا احساس، افکار و عقاید و اندیشه آدمی باشد. هر علامت یک صدای ویژه داشت (فنوگرام) و از حروف بی صدا تشکیل می شد و حرف باصدا در آن وجود نداشت.

بعضی از علامت ها صداهای خاصی را شامل می شد، لیکن تلفظ آن صدا را مشخص نمی کرد.

جمله های فعلی از دستورهای دشواری پیروی می کرد، که شامل فعل، موضوع و دستور به کار بردن بود. البته دانش و فهم هیروگلیف ویژه ی طلبه و دانشجویان مذهبی و کاهنان بود که تعداد آنها بسیار اندک و ۹۹ درصد مردم بی سواد بودند.

سنگ های عظیم تاریخی بدون نشانه دراروپای شمال غربی رهامی شوند. (اروپا، ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پ.م):

ساختن و بنای سنگ های بسیار بلند و عظیم حکایت از دانش و مهندسی پیشرفته و مهارت برپاکنندگان آن است که انسان را به شگفتی واداشته و حس احترام در شخص به وجود می آورد، و نیز به نظر می رسد که آنها نشانه ی وجود گذرگاه ها و محل عبور مردم از وسط آنها بوده است.

یکی از این گذرگاه ها که حالت خیابان های کنونی را داشته، در ساحل جنوبی بریتانی در فرانسه بوده، که شامل سه چهارراه اصلی می شده که حدود ۶ کیلومتر درازا در کرانه داشته و جهت زیبایی و استحکام خیابان به کار رفته است.

ساخت و کاربرد این سنگ ها جهت گذرگاه، مخصوص این ناحیه نبوده، بلکه در منطقه اورکنی (Orkneys) در ایرلند هم این خیابان ها وجود داشته است، هم چنین دیدن این سنگ های عظیم انسان را به این فکر می اندازد که شاید ساخت آنها در پایان عصر آخرین یخبندان اروپا بوده است.

در حالی که ممکن است این کوششی برای ساختن جایگاه زندگی پس از مرگ و احترام و نیایش خدایان باشد.

پیشرفت وترقی ناگهانی تجارت، منادی راه سعادت وخوشبختی برای جزایر یونان می گردد. (ساکنان دریای اژه در ۲۸۰۰ پ.م):

جزایر نزدیک به هم سیکلادیک (Cycladic) مسیر مهم تجارت بین یونان، آناتولی و کرت و مرکز مهم اقتصادی شرق مدیترانه می شوند و بومیان منطقه از نظر توسعه ی تمدن به موفقیت هایی دست می یابند.

سردسته ی این جزایر، جزیره ی دلوس (Delos) می باشد که در این دایره قرار گرفته و مواد اولیه فراوانی برای فروش دارد. سنگ شیشه یی آتشفشانی از ملوس (Melos)، سنگ مرمر از پاروس (Paros) و ناکسوس (Naxos) و فلز نقره، مس و جیوه از سریفوس (Seriphos) و سیفنوس (Siphnos) به سراسر منطقه صادر می کند.

مواد صادراتی این شهرها به میان رودان، مصر و لوانت (Levant) وارد می شود و در هزاره ی اول میلادی، سبب توسعه ی تجارت و پیشرفت تمدن دو طرف می شود. راههای تجارت دریایی، به اندازه ی کافی برای جزایر

مصر ۱۸۴۰ پیش از میلاد
مدت نزدیک به چهل سال سلطنت سزوستریس سوم به پایان رسیده و آمنمهت (Amenemhet) جانشین او می شود. درهنگام سلطنت این پادشاه (فرعون) سرزمین نوبه (سودان) ضمیمه کشور مصر می شود و ساختمان دیواره بلند کرانه نیل جنوبی برای امنیت مردم و جلوگیری از تخریب ناشی از بالا آمدن آب رودخانه آغاز می شود. این پادشاه متعهد می شود که سپاهیانی جهت تصرف فلسطین اعزام دارد ونیز قوانین خودمختاری ایالات کشور را متوقف و لغو می کند.

پرو ۱۸۰۰ پیش از میلاد
یک معبد بزرگ ساخته وتقدیم خدایان می شود. این معبد در شاوین دوهونتار(Chavin de Huantar) در دامنه شیب دارکودیلرابلانکا(Codillera Blanca) در شمال پرو واقع است. مردم هم قربانیان انسانی و حیوانی به معبد تقدیم می کنند. تجارت پرو در این زمان با ساکنان کرانه اقیانوس آرام در جریان است.

مصر ۱۸۰۰ پیش از میلاد
خوشبختی وشکوه سرزمین فراعنه در زمان پادشاهی آمنمهت سوم به اوج خود می رسد، در زمان سلطنت آمنمهت سوم تجارت خارجی کشور رو به ارتقاء است و درآمد افزایش می یابد. درعین حال آمنمهت برای آبادنی کشور می کوشد و به ویژه در ساخت هرم بزرگ در واحه فیوم (Faiyum) و مقبره خود سعی فراوان می کند.

مصر ۱۸۰۰ پیش از میلاد
دانش ریاضی در ساخت اهرام مصرو به کاربردن ارقام اعشاری برای محاسبات نقشه برداری و مهندسی ساختمان از اهمیت ویژه یی برخوردار است.

میان رودان ۱۸۰۰ پیش از میلاد
قوانین ومقررات زمان پادشاهی سلسله ایزین(Isin) و لارسا که در شهر اور به اجرا در می آمد به مرحله فراموشی می افتد و کشور به مناطق متعدد تقسیم می شود. چادرنشینان آموریت که در نقاط باتلاقی زندگی می کردند، به شهرهای بزرگ سوم وآکد هجوم آورده و شهر نشین می شوند.

آشور ۱۸۰۰ پیش از میلاد
شمشی آداد (Shamshi Adad) شاهزاده آموریت در رأس قدرت کشور آشور قرار می گیرد. او بر همسایگان خود با نیروی نظامی وحشتناک و خونخوار پیروز می شود و ایالت ماری (Mari) و شهرهای بسیاری را متصرف می شود. شمشی آداد در ساحل رود فرات در منطقه ترقه (Terqa) حکومت خود را بنیان می نهد و با قدرت و جاه طلبی حکومت می کند.

صحرا ۱۷۳۰ پیش از میلاد
مردم نیجر در صحرای آزاد ایر(Air) درنیجر به کشف مس موفق می شوند و سنگ های مس همراه با طلا را به دست می آورند.

خاور نزدیک ۱۷۳۰ پیش از میلاد
حضرت ابراهیم پیامبر رئیس مذهبی قبیله اور(Ur) با قوم خود به مهاجرت از شهر اور دست می زنند و در شهر هبرون (الخلیل – Hebron) در کنعان (Cannaan) اقامت می گزینند.

سیکلادیک سودآور است و مردم این منطقه با ساختن قایق های کشتی مانند، به طور مرتب از این جزیره به آن جزیره جهت مبادله ی کالا مسافرت می کنند.

این گروه جزیره یی به زودی ثروتمند شده و با ساخت قایق و به وجود آوردن تغییراتی در جهت پیشبرد کار، مواد خام و اولیه را به فروش می رسانند.

ساکنان داخل جزایر برای محافظت از مناطق مسکونی خود بر روی تپه ها، حصارهایی می سازند و مهارت بسیاری در ساخت زینت های نقره یی، مدل های قایق و تندیس های مرمری نشان می دهند، در ضمن به سبب وفور کالا به سرعت خود را به جزایر منطقه می رسانند.

منس (Menes) اتحاد بین سرزمین مصر به وجود می آورد. (ممفیس (Memphis)، ۲۹۵۰ پ.م):

منس، نخستین پادشاه مصر، به نام (هوروس نارمر Horus Narmer) موفق می شود که سراسر کشور مصر را تحت یک نظم و قانون درآورده و یکپارچگی آن را تأمین کند. این کشور شامل مناطق شمالی و جنوبی، دره و دلتای رودخانه ی نیل می شد. این اتحادیه از پادشاهی نواحی سفید و قرمزکه ناحیه ی سفید شمال مصر و ناحیه ی قرمز در قسمت جنوبی بود، که اکنون یک پادشاه بر تمام آنجا سلطنت می کند.

منس، مؤسس سلسله ی پادشاهی تی نیت (Thinite) بود که شاید بعدها این نام را از تیس ال بیربا (This.el.Birba) در مصر شمالی گرفت و سایر شاهان این سلسله از شمال مصر بودند. پایتخت آنها شهر ممفیس (اینب هج Inebhedj) یا دیوار سفید در رأس دلتا قرار داشت.

این پادشاه نام های مختلفی برای خود انتخاب کرده است، از قبیل نارمر (Narmer) که به مناسبت جشن بیست و پنجمین سال پادشاهی بر روی تخته سنگی در هیراکونپولیس (Hierakonpolis) نقش شده و او دوباره جوان شدن و به دست آوردن نیروی جوانی خود را می آزماید. این کتیبه که بسیار هنرمندانه و با سلیقه بر روی تخته سنگی بزرگ حکاکی شده، نشان از نیرو و قدرت این سلسله ی پادشاهی است. نام هوروس (Horus) به معنی

خداوند است که باز (قوشی) را در دست دارد و این علامت و نشان پادشاهان این سلسله در هیراکونپولیس می باشد.

در تحت نظم و قانون منس، مردم کشور مصر خوشبختی خود را می آزمایند. منس را پس از مرگ در آرامگاهی ساخته شده از آجر در سقره (Saqqara) دفن کردند.

شهر اوروک دوستدار و جایگاه خدایان سومری (میان رودان، ۳۱۰۰ پ.م):

معابد تاریخی زیادی در شهر اوروک، مرکز سومر (Sumer) که نشانه ی عظمت و بزرگداشت خدایان است ساخته می شود و این باور و عقیده ی ساکنان شهر را نسبت به خدایان خود به نام های این‌نا (Inanna) و کولابا (Kulaba) را می رساند. این خدای افسانه یی مظهر تولید و الهه ی دوست داشتن این‌نا در سمیت (Simites) و خدای ایشتار (Ishtar) است.

این الهه قدرت خود را از خدای اِنکی (Enki) کسب می کند که در مهمانی از حقیقت و راستی سیراب شد. معابد بزرگ اوروک ساختمان هایی دیدنی است که برای الهه ی این‌نا (Eanna) ساخته شده و حصارهای محکمی اطراف آن را احاطه کرده که بر پایه و ستون هایی قرار گرفته و طول اضلاع آن ۸۰ متر و ارتفاع آن ۳۰ متر می باشد، و شامل دالان های طویل و اتاق های کوچکی است که حامی و حافظ خدایان شهر اوروک است. در بعضی از این ساختمان‌ها، جهت تزئین، موزائیک هایی به کار رفته که رنگی است و این مجموعه به وسیله ی دیوارهای گِلی محصور است.

تبرهای سنگی همراه مردگان دفن می شود. (اروپای شمالی، ۳۰۰۰ پ.م):

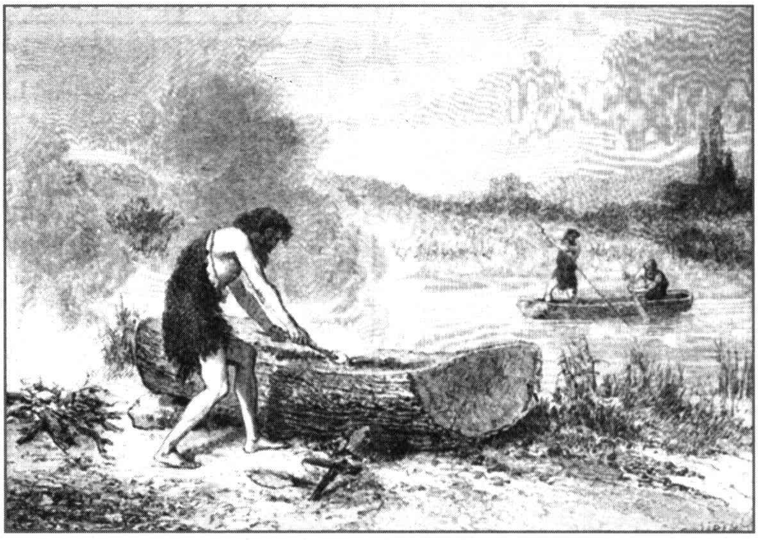
به طورکلی،در سراسر دشت های اروپای شمالی، از هلند تا مسکو،گورهای جدیدی ساخته می شود که برای مردان بالغ شامل یک حفره ی فردی در زیر خاکریز کم ارتفاعی همراه وسایل زندگی روزانه مانند فنجان هایی برای نوشیدن وریسمان هایی حلقه یی و پیچیده و نیز تبر و تیشه برای بریدن و سوراخ کردن اشیاء می باشد.

در وهله ی اول فکر می کردند که این چیزها برای دفاع در برابر هجوم احتمالی مردم آسیای مرکزی می باشد. لیکن بعد معلوم شد که این وسایل و ابزار و سلاح ها و حتی نوشیدنی ها را برای رهبران و پیشوایان خود در گور آنها می‌نهند که حافظ و نگهبان روح افراد در مقابل ارواح خبیث باشد. تمرین تازه برای بیداری و شب زنده داری جهت تزکیه‌ی روح است که باعث تغییر شکل زندگی می شود و برای کشاورزان اهمیت دارد، که مقدمه ی نگهداری چارپایان در طویله است که در شب های تاریک مکان های ترسناکی است. در مزارع جدید، اغلب دیده می شد که مکان هایی جهت پرورش دام قرار می دهند که تمیز و مرتب و آماده برای تربیت حیوانات باشد و نیز هنگامی که خرمن محصول به دست می آید، آن را در جای تمیز می ریزند که با مواد خارجی و خاک مخلوط نشود. هم چنین در موقع دفن جسد، همراه آن سلاح هایی برای دفاع و ظرفی برای نوشیدن قرار می دهند.

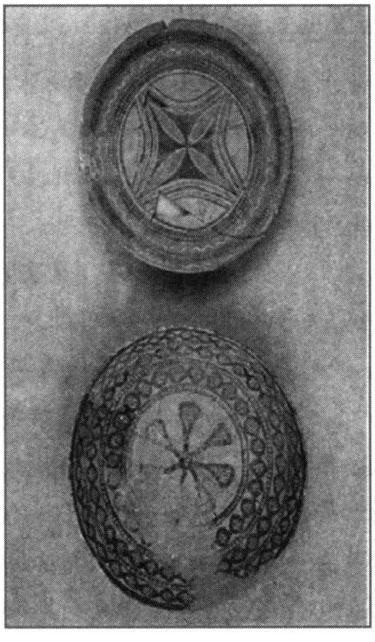
ساخت هرم های عظیم جهت آرامگاه پادشاه (ممفیس، ۲۶۲۰ پ.م):

ساختمان عظیم ترین هرم در سقره ی(Saqqare) مصر که به شکل پلکانی است پایان می یابد که مهندسان ومعماران آن پرستش کنندگان ایمهوتپ (Imhotep) هستند. این برج باعظمت، در زمان جوزه (جیزه Djoser)، سومین سلسله پادشاهان مصر توسعه پیدا می کند. وسعت زیربنای این هرم ۱۶۰ هزار مترمربع است. در این بنا، جایگاه ویژه ی شاه در محلی است که سراب نامیده می شود. دومین برج در قسمت جنوبی آن ساخته شده که شامل نمازخانه برای خدایان دیگری است و در بخش شرقی آن باز هم نیایشگاهی وجود دارد.

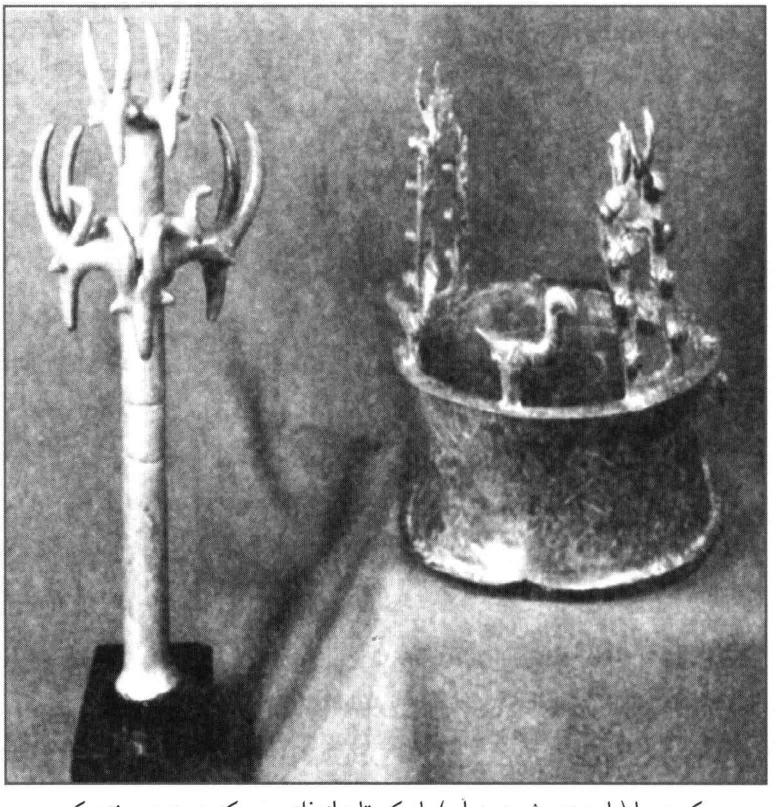
نقشه و طرح هرم سقره و برج آن درزمان سلسله های پیشین ریخته شده بود که شامل مقبره یی از سنگ های بسیار سخت با پایه ی آجری و قسمت دیگری که دیوارهای بلند داشته، مربعی شکل است و این قسمت در مرکز بنا پایه گذاری شده بود. در بخش مصطبه که قسمتی از برج است که داخل مقبره می باشد و آن نشانه ی خلقت نخستین



این طرح که در اوایل سده‌ی بیستم کشیده شده، ساخت اولین قایق‌های ماهیگیری را از دید یک طراح فرانسوی نشان می‌دهد که برای نخستین‌بار ساکنان کرانه‌های دریای مدیترانه به آن اقدام کرده‌اند.



دو صفحه‌ی بشقاب‌مانند سفالی با تزیینات بسیار زیبا که در میان‌رودان (بین‌النهرین) یافت شده است.



یک عصا (یا چیزی شبیه به آن) با یک تاج از فلز مس که در دره‌یی نزدیک بحرالمیت (Dead sea) پیدا شده است.

روزهای آفرینش زمین به وسیله ی خدای آتوم (Atum) است.

ایمهوتپ پادشاه مصر، نظیر نقشه ی اصلی را بنیان گذاری کرد، لیکن سقره را جهت مراقبت و نگهداری ابدی جسد پادشاهان از سنگ بنا کرد. در مرحله ی آخر نقشه ی معماران این بود که مصطبه را جهت احضار روح و بیداری فرعون بنا کنند و ساختمان پله مانند برای هرچه نزدیکتر شدن به آسمان و دسترسی به روح پدر ایمهوتپ باشد.

ساختن هرم را شایدبه این جهت بنا کرده باشند که فرعون بتواند به خورشید تیراندازی کند، چون در بالای هرم فاصله ی خورشید کمتر می شود.

جوزه (جیزه) فرعون مصر نتوانست تکمیل شدن هرم بزرگ را ببیند. ایمهوتپ هرم را با سنگ های آهکی پوشانید که اندازه های این سنگ ها بسیار منظم و دقیق بوده و کوچکترین اشتباهی ندارد، نقشه او از نظر امنیتی و حفاظت وسایل از سه قسمت در آینده بوده است. در بخش انتهایی دالانی به درازای ۳۰ متری برای نگهداری جسد مومیایی شده ی فرعون تعبیه شده که بدن فرعون را در آنجا می گذارند تا از دسترس به دور باشد.

در این قسمت جادری و دیوارهایی با فرورفتگی تاقچه مانند که با شیشه هایی به شکل مکعبی به صورت آجر پوشیده شده، که یادگار ونمای تاریخی دارد.

مدفن جسد در مرکز بنا واقع شده و زیر بلندترین قسمت هرم است که با دیواره هایی به ارتفاع ۱۰۰ متر به شکل قلعه ی نظامی است. ایمهوتپ دستور داد که ۱۴ قسمت را به شکل درهای کاذب درآورند که به شکل کاملاً هندسی باشد.

دومین مقبره را درجنوب این قسمت ساختند، با دیواره هایی که در زیرزمین بنا شده و حجراتی با استانداردهای بسیار حساب شده و دقیق.

اِیوبِری (Avebury): معبدی در وسط تپه های جنوب انگلیس (بریتانیا در ۲۶۰۰ پ.م):

در ایوبری معبدی با بنای بسیار دیدنی که شاید ساختمانی برای برگزاری جشن بوده، ساخته می شود. بخش اول این بنا با دو ستون سنگی مدور بسیار بزرگ که جنبه ی تاریخی دارد بنا شده و پس از آن در بیرون آن در زمینی در ساحل، راه آبی با حصار مشخص ساخته شده با دو خیابان که جهت رفت و آمد در نزدیک آن ایجاد شده است.

تمام این بنا در هفت هکتار زمین با معماری و مهندسی شگفت انگیز و اعجاب آور و هنرمندانه ساخته شده وکاری در خورتحسین می باشد. جفت این سنگها که جهت ایجاد خیابان در آن به کار رفته، به شکل لوزی و نشان دهنده ی دو جنس زن و مرد می باشد. پیش از این هم، مقبره هایی با سنگ های مدور شبیه این بنا در این ناحیه ساخته شده بود.

توسعه مذهب و اساطیر در سومر، یک داستان حماسی بابلی (بابل، ۲۷۵۰ پ.م):

گیل گمیش (Gilgamish)، یکی از پادشاهان سومری اوروک شهری واقع در جنوب میان رودان، رویدادی را برای مردم بابل (Bobylon) شرح می دهد. یکی از رزمندگان و پهلوانان واقعی بر علیه حکومت کیش (Kish) با نیروی خدادادی پس از مرگ قیام می کند.در این داستان رزمی، گیل گمیش مردم را تحریک به جنگ با خدایان می کند که در طلب فناناپذیری هستند. او با یاری دوست خود انکیدو (Enkidu) به کشتن هوواوا (Huwawa) دست می زند، نگهبانی جنگل های سرو را به عهده می گیرد، در این هنگام الهه ی این‌نا (Inanna)، دو رأس گاو برای قربانی از بهشت برای آنها می فرستد و آنها گاوها را قربانی می‌کنند. پس از مدت کوتاهی انکیدو می میرد و گیل گمیش در جستجوی اوتناپیشتیم (Utnapishtim)، پیرمردی که به سومری ها وعده ی عمر طولانی داده بود می رود و تابوت بزرگی جهت فامیل خود و حیوانات می سازد و برای مردم از خدایان، زندگانی جاودانی طلب می کند.

اوتناپیشتیم درختی بسیار عظیم به گیل گمیش می دهد، لیکن شیطان آن درخت را می دزدد، باز هم گیل گمیش برعلیه افکار شیطان اقدام می کند. گیل گمیش دوباره نزد اوتناپیشتیم می رود و او برای زندگی جاودانه پنهانی به او می گوید که بایستی شش روز و هفت شب بیدار بماند. گیل گمیش تنها فرد انسانی است که می تواند بر خواب پیروز شود، اما هنگامی که بیدار می ماند، مرگ به سراغ او می رود.

میان رودان، ۲۷۰۰ پ.م:

سومریان خدایان را راهنما و میزبان زندگانی روزمره ی خود می دانند، آنها پرستش خدایان را از نیاکان خود آموخته اند که جهت آمرزش روح پس از مرگ لازم است. سومریان ساکن هر شهر، خدایانی ویژه ی شهر خود داشتند، لیکن سیاست خدایان در ادوار بعدی این جریان را تغییر داد و خدایان جایگاه خود را بر حسب عقیده مرم شهرها عوض کردند.

خدایان سومری به شکل انسان بودند و وابستگی هایی با طبیعت داشتند.

بزرگترین خدایان عبارت بودند از: آنو(Anu)، انلیل (Enlil) و انکی (Enki).

آنو، خدای آسمان و پدر خدایان دیگر بود. انلیل خدای هوا بود، او همه چیز را می توانست خلق کند و برای او آفرینش امکان داشت او خلقت رابرحسب فرمان و توصیه ی انکی انجام می داد که خدای عقل و خرد بود و با مهارت آب های زیرزمینی را به وجود آورده بود که زندگی سومری ها با خوشبختی قرین گردد.

خدای مهم دیگر، این‌نا، الهه ی عشق وجنگ بود.

سومریان خدایان خود را در هنگام جشن ها پرستش می کردند و بر این باور بودند که خدایان به آنها خوشبختی و سعادت و زندگی طولانی اعطا می کنند. در هنگام بهار که طبیعت دوباره زنده می شود، هر ساله جشن و شادمانی برقرار می شود وبه ستایش خدایان می پردازند که آنها را از گزند حوادث و سیل و طوفان حفظ کند و آنها بتوانند تا سال بعد زندگی را در آسایش بگذرانند.

بندگان درهنگام مرگ اربابان، همراه آنها دفن می شوند. (میان رودان، ۲۶۰۰ پ.م):

پادشاه شهر اور (Ur) به نام مس کالام داگ (Mes-Kalam-Dug) و برادرش آکلام داگ (A-kalam-Dug) می میرند، اما بندگان با وفا وخدمتکاران مؤمن و وظیفه شناس خود را در هنگام پادشاهی بایستی نیز هنگام تدفین همراه آنها به خاک سپرده شوند، از این رو، خدمتکاران را که تعداد آنها زیاد می باشد، دسته جمعی قتل عام کرده و همراه اربابان مرده به گور می سپارند. در دالان

یونان ۱۶۵۰ پیش از میلاد

سرزمین اصلی یونان تحت تأثیر فرهنگ و تمدن جزیره کرت قرار می گیرد چون کرت در این هنگام به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته بود ،به عنوان مثال برجی بلند شبیه گنبد در تولوس (Tholos) ساخته شد و این نمونه یی شد که در پیلوس(Pylos) و میسنه (Mycenae) شروع به ساختن بناهای تاریخی بکنند. همچنین پیشه وران به ساخت انواع سفال با شکل های بسیار زیبای زینتی پرداختند.

آناتولی ۱۶۲۰ پیش از میلاد

مهاجران هند و اروپایی که از اقوام هیتی (Hittites) بودند شروع به تجاوز به سرزمین های دیگر می کنند و به بومیان فشار وارد می کنند، آنها در منطقه آناتولی اساس یک حکومت پادشاهی را به رهبری لابارناس(Labarnas) اول می ریزند که این پادشاه در ۱۶۵۰ پیش از میلاد درمی گذرد ، او در مرکز آناتولی به متصرفاتی دست می یابد.پسر لابارناس در فکر تسخیر سرزمین های دیگری به پیش می رود و در جنوب فتوحاتی انجام میدهد وهاتوساس (Hattusas) یا بغازکوی (Boghazkoy) را به پایتختی انتخاب می کند.

چین ۱۶۰۰ پیش از میلاد

ساکنان منطقه ارلیتو (Erlitou) نزدیک ینشی (Yenshi) در استان هنان (Henan) (هونان – Honan) قصر بسیار بزرگی بر روی تپه بنامی کنند ، این قصر افسانه یی مدت چند قرن در تصرف بیگانگان قرار داشت. این ساختمان بعداً جنبه مذهبی پیدا کرد. هنرمندان محلی در ساخت آن آلیاژ برنج (برنز) را به طرز بسیار زیبایی توأم با سنگ یشم (Jade) به کار می برند.

خاور نزدیک ۱۵۹۵ پیش از میلاد

مورسیلیس (Mursilis) پادشاه قوم هیتی علیه هامورابی (Hammurabi) آخرین فرد سلسله پادشاهان بابل وارد نبرد می شود و بابل را تسخیر می کند. مورسیلیس قبلاً هم پادشاهی شمال سوریه به نام آلپو(Aleppo) را بر می اندازد. در این هنگام مورسیلیس به پایتخت خود هاتوسا(Hattusas) مراجعت می کند و درصدد بیرون راندن قوم کاسیت(Kassites) که در کوههای زاگرس اقامت داشتند برمی آید و آنها را از منطقه رانده و سراسر بابل را به تصرف خویش در می آورد.

هندوستان ۱۵۰۰ پیش از میلاد

مردم منطقه دره سند از شهرهای خود می گریزند ، چون یک فاجعه غیر منتظره به شکل هجوم اقوام مارودر(Marauders) آدم خوار از تپه های شرق شروع شده و خرابی و نابودی بسیار به بار می آورند، لیکن ساکنان شهرها پس از فروکش کردن بلا و خارج شدن مهاجمان دوباره به مساکن خود بر می گردند.

آمریکای شمالی ۱۵۰۰ پیش از میلاد

مردم ساکن مینه سوتا(Minnesota) و ویسکانسین (Wisconsin) صنعت فلزکاری می آموزند.

و سردابه ی مقبره، دسته جمعی نوکران را سوار ارابه می کنند و پس از مسموم کردن، جسد آن ها را همراه پادشاه دفن می کنند و بر طبق سنت و رسوم زمانه در یک گور تعداد ۷۴ جسد مربوط به خدمتکاران یافت شده است.

به طور معمول جسد پادشاه را با تعدادی از نزدیکان و خدمتگزاران صدیق و مقداری وسایل ضروری برای هنگام دوباره زنده شدن در گور مجلل زیرزمینی به خاک می‌سپارند و در مقبره مس کالام داگ و آکالام داگ تمام ثروت آنها همراه جسد دفن شده است. این وسایل شامل ظروف طلا و نقره و جواهرات و سنگ های گران بها و عقیق و سنگ لاجورد و گلدان های ساخته شده از طلا و سلاح هایی که در هنگام جشن ها به عنوان زینت استفاده می شد، بوده است. هم چنین برای شادی و سرور جسد، آلات موسیقی و تخته های بازی با روکش سنگ لاجورد و مرواریدهای بسیار درشت به نام مروارید مادر در مدفن آنها یافت شده که این جریان برجسب امر خدایان اجرا می شده است.

درهنگام مرگ گیل گمیش، مقداری هدایا به خاطر جلب توجه آنها با او دفن شده و همین طور فرزندانی از زنان صیغه‌یی و نوکران او به خاک سپرده شدند.

در استپ ها گودال های قبر نشان دفن مردگان است. (اروپای شرقی، ۲۸۰۰ پ.م):

مهاجرت دسته جمعی گله داران از اروپای شرقی نشانه‌ی ترک محل زندگانی اصلی خود در جستجوی زمین های تازه است. این مهاجرت ها به خاطر استفاده از اسب و گاری چرخ دار و ارابه بسیار سهل تر انجام می شود. این گونه ترک دیار، بیشتر جهت زمین های خشک ناحیه ی اکراین است که در آن جا تبرهای غیرمعمول یافت شده است. اکنون صدها گور جمعی یافت شده که با تیرهای چوبی روی آن را پوشانیده بودند ودر حالت نیمه نشسته مرده را بر روی پاها قرار میدادند.

شبیه این گونه قبرها را در غربی ترین بخش اروپای شرقی هم می توان یافت که کشاورزان هنگام مهاجرت جهت جستجوی زمین های حاصل خیز تر برای مردگان خود ساخته بودند آنها زمین های خود را برای کشاورزی مناسب نمی دیدند و کسانی که تازه وارد سرزمین های جدید می شدند، قبور خود را با شیوه ی جدید می ساختند.

از تازه واردین، آگاهی های کمتری در دست است که هنگام ترک سرزمین های استپی و ورود به داخل اروپا به چه زبانی تکلم می کردند و چگونه می توانستند با دیگران تماس بگیرند و خواسته ها وامیال خود را انتقال دهند.

کشت زمین های حاصلخیز ساحلی به وسیله ی کشاورزان سند (هندوستان، ۲۵۰۰ پ.م):

دشت های حاصلخیز دره ی رودخانه ی سند، به صورت گسترده زیر کشت کشاورزان متمدن هندی قرار می گیرد. زمین هایی به وسعت ۱۲۵۰۰۰۰ کیلومترمربع که مرکز آن دو شهر هاراپا (Harappa) و موهنجودارو (Mohenjo-Daro) می باشد. در دایره یی به طول چهار کیلومتر که ۳۰ هزار جمعیت دارد، مورد استفاده زارعان واقع می شود.

نقشه ی خیابان های هر دو شهر گواه بر این است که شهرها شباهت بسیار به شهرهای میان رودان دارد و نمونه و الگویی از آن است، در این شهرها کوره های آجرپزی شبیه میان رودان ساخته اند و خشت های آن به عوض این که در آفتاب گذاشته شده و خشک شود، در کوره تبدیل به آجر سخت و مقاوم می شود.

در اطراف شهرها سنگرهایی به شکل خاکریزهای مصنوعی به بلندی سه متر جهت حفاظت بنا کرده اند. این آجرهای کوره های آجرپزی، هم چنین برای ساختن دیواره هایی جهت جلوگیری از طغیان رود سند به کار می رود. خانه های هر دو شهر مجهز به سیستم فاضلاب برای خروج آب های آلوده و کثیف بوده و نشان می دهد که مردم اهمیت به سزایی برای بهداشت قایل بودند و نیز خانه ها اتاقی جهت شستشو و حمام داشته است.

پیشرفت و توسعه حکایت از تمدن شهری دارد، که نه تحت نظر یک امپراتوری حاکم، بلکه نشانه ی پیشبرد تمدن و شیوه ی اداره ی شهر بود. در جنب موهنجودارو هم بندری به طول حدود شش کیلومتر شهر را با دنیای خارج از راه دریا مربوط می کرد که از نظر تجارت و بازرگانی اهمیت زیادی برای اهالی داشت و نیز زبان دراویدی (Dravidian) برای آموختن و پرورش به کار می رفت. در ضمن شاید بتوان

جزیره سیسیل (Sicily) ۱۵۰۰ پیش از میلاد
رهبران محلی سیسیل شروع به تجارت و داد وستد با همسایگان خود به ویژه اژه ای ها (Agean) می کنند. آنها در قبال دادن محصولات محلی ظروف سفالین و فلزی مبادله می کنند ، چون هنوز در ساخت این صنایع مهارت کافی ندارند.

بریتانیا ۱۵۰۰ پیش از میلاد
پیشه وران طلا ساز و زرگران بریتانیایی با پشتکار فراوان شروع به ساخت انواع گوهرها از قبیل الماس ، گردن بند، سنجاق سینه و سر برای فروش و صادرات به سرزمین اصلی اروپا می کنند، چون تقاضا برای این نوع زینت آلات مرتباً افزوده می گردد.

مدیترانه ۱۵۰۰ پیش از میلاد
ساکنان جزایر ساردنی (Sardinia) ، کورسیکا(Corsica) و بالریک (Balearic) برای جلوگیری از هجوم اقوام دیگر به ساختن قلعه هایی در روی تپه ها با سنگ های تراشیده اقدام می کنند. در کورسیکا هم چنین تندیس سازان از سنگ اعضایی از بدن انسان مانند چشم ، دهان و بینی و غیره رامی سازند.

سوریه ۱۵۰۰ پیش از میلاد
ایدریمی (Idrime) پسر آلپو پادشاه میتانی (Mitanni) حکومت را در درست می گیرد. او مقر خود را در آلالاخ (Alalakh) قرار می دهد. آلالاخ به وسیله موکیش (Mukish) تأسیس شده و به تنهائی علیه هیتی ها به نبرد اقدام می کند.

هندوستان ۱۵۰۰ پیش از میلاد
با ورود اقوام هند و آریایی به دره پنجاب تمدن این منطقه از بین می رود. قبایل هندوآریایی چادرنشین به پرورش حیوانهای اهلی می پرداختند. با فشار وهجوم آنها مردم دره سند به عقب نشینی می پردازند. هندوآریایی ها به سلاح های جنگی و ارابه نیز مجهز بودند. هنگامی که آریایی ها در این منطقه مستقر شدند، شروع به تدوین ریگ ودا (Rig Veda) (قدیمی ترین کتاب مذهبی هندو) بزرگترین اثر و عصاره عقاید خود می کنند که خود اساس و پایه دین هندو است.

اروپا ۱۵۰۰ پیش از میلاد
کشاورزان نوین به کار بردن داس وتیشه سنگی ساخته شده از چخماق را به کنار می نهند و به جای آن ابزار مفرغی که تیزتر است بکار می برند و از این طریق کار زراعت آسان تر می شود.

چین ۱۴۵۰ پیش از میلاد
سلسله شانگ (Shang) به حکمفرمایی در سراسر چین ادامه می دهد، پایتخت در چنگ چو(Cheng chou) یا شنگ شو (Zheng zhou) قرار دارد. این شهر به وسیله دیوارهای بلند محصور است و کاخ شاهی در مرکز شهر قرار دارد. سلسله شانگ در دره رود زرد مدت بیش از دویست سال است که فرمانروایی منطقه را عهده دار است.

گفت که بافت پارچه های کتانی جهت لباس و نیز ساخت ظروف سفالی ظریف با نقش های زیبا نخستین بار کار هنرمندان و نساجان این ناحیه است.

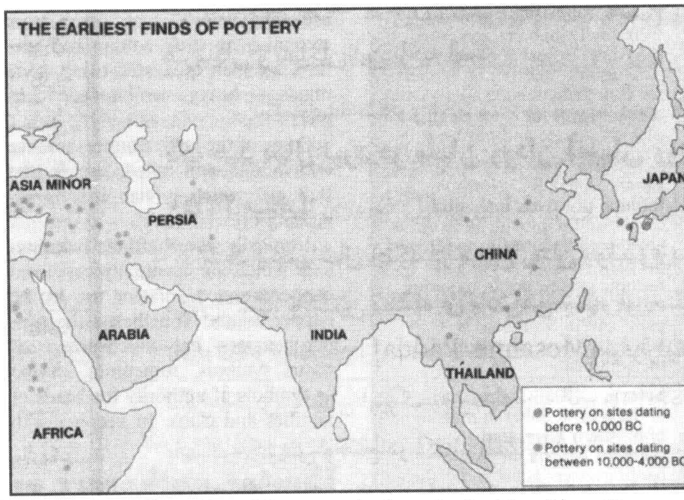
یک صد سال نبرد در میان رودان (میان رودان، ۲۳۵۰ پ.م):

مدت یکصد سال جنگ در میان رودان موضوع بسیار مهمی است. نخستین سلسله ی پادشاهی شهر اور صلح را تحت نظام مزانه پادا (Mesanne Padda) برقرار ساخت، لیکن آخرین پادشان اوروک به وسیله مسالیم (Mesalim) پادشاه کیش واقع در آکاد (Akkad) شمال سومر (Sumer) سرنگون گردید، اما در این هنگام با پافشاری حکومت مسلط، نبرد پایان نیافت.

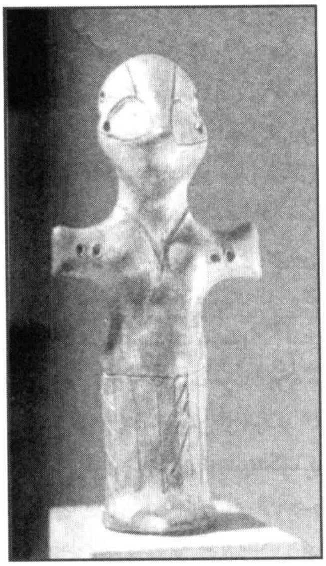
علت اصلی نبرد دو همسایه ی ناحیه ی لاگاش (Lagash) و اوما (Umma)، بر سر تصاحب و کنترل آبیاری سرزمین گودین (Guedin) بوده است. مسالیم، حکمران کیش، سعی داشت با اندازه گیری مرزها به وسیله‌ی طناب و تعیین مرز از وقوع جنگ جلوگیری کند. لیکن در حدود سال ۲۴۵۰ پ.م. اِناکاللی (Enacalli)، پادشاه لاگاش، لشگریان پیاده نظام خود را با نیزه های بلند و در پناه سپرهای سنگین به میدان نبرد فرستاد که نتوانستند مقاومت کنند ودچار شکست شدند.

اوما درتحت لوای شاه اورلوما (Urlumma)، جنگ را از سرگرفت، ولی پیروزی واقعی به وسیله ی نوه ی اِن متنا (Enmetena) در سال ۲۴۰۰ پ.م. به دست آمد. نبردهایی گهگاهی هم بین لاگاش، اوما و ماری (Mari) واقع در شمال ادامه داشت. در یک مرحله، ایلا (Ila) که به پادشاهی لاگاش رسیده بود، سرزمین تحت تسلط اوما را تصرف کرد. او به کشور پیشین خود بازگشت و چون نتوانست مقاومت کند شکست خورد. این حرکات دست به دست شدن حکومت ادامه داشت تا لوگال زاگزی (Lugal Zagesi) در اوما به قدرت رسید که ادعای کنترل تمام سرزمین میان رودان را داشت.

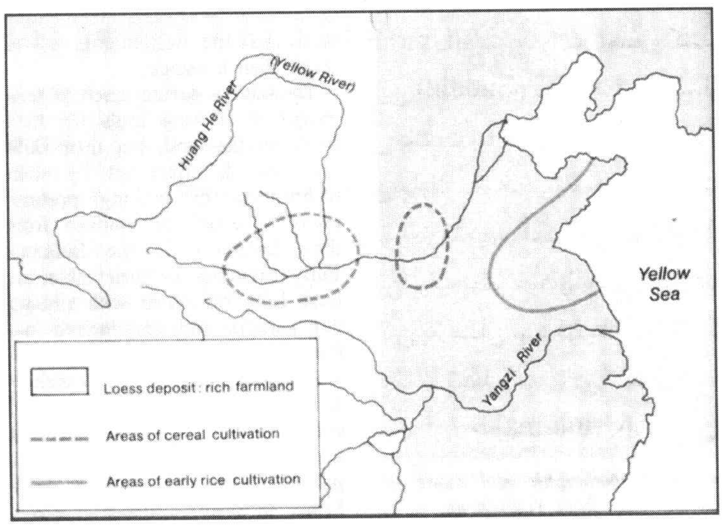
مقبره هایی شایسته ی فرعون ها بنا می شود. (مصر، ۲۵۸۰ پ.م):



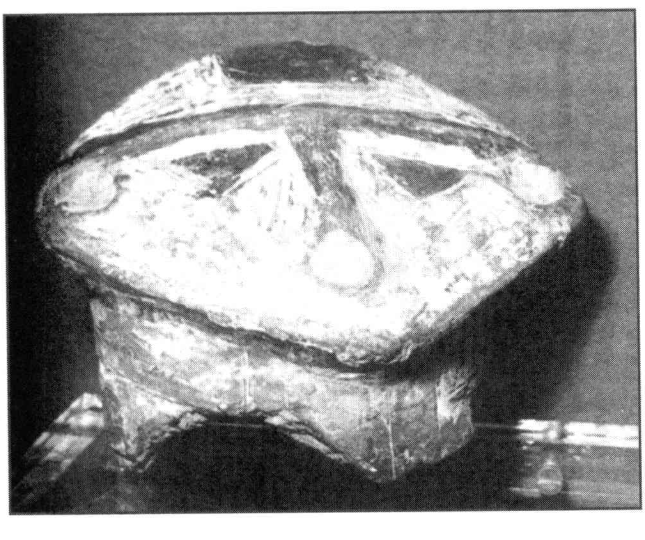
نقشه‌ی اولین مکان‌هایی که در آن‌جا صنعت سفال‌گری پا گرفته است.



تندیسی انسان‌گونه از جنس سفال که به‌نظر می‌رسد عروسک باشد، ساخت یوگوسلاوی (Yugoslavia).



مردم سرزمین چین، کشاورزی را جایگزین شکار می‌کنند. در این نقشه، نخستین مناطقی که به این کار مبادرت ورزیده‌اند،



سری از جنس سفال که ساخت اهالی شبه‌جزیره‌ی بالکان (Balkans) است.

خاور نزدیک ۱۴۵۰ پیش از میلاد

سوریه و فلسطین که به علت قرار داشتن در منطقه جغرافیایی همواره مورد نظر و شکارگاه همسایگان بوده، در این زمان به دو بخش تقسیم شد، بخشی به میتانیها و هیتی ها تعلق دارد و بخشی را مصر تصرف کرده است. این زمان بدترین تاریخ و سخت ترین روزگار برای سوریه و فلسطین است.

کرت ۱۴۵۰ پیش از میلاد

جزیره کرت زمان شکوه و عظمت خود را طی می کند ، هرچند که با خرابی که کنوسوس اژه یی در منطقه میسنانس (Mycenaeans) به وجود می آورد موجب نگرانی است، لیکن آنها با نوشتن زبان یونانی آشنا می شوند و طرز نوشتن را می آموزند و زبان یونانی را به عنوان زبان اصلی جزیره می پذیرند و این زبان محاوره یی آنان می شود.

بابل ۱۴۵۰ پیش از میلاد

گولکی شار (Gulkishar) شاه بابل (Babylon) جهت ساختن شیشه اقدام به جمع آوری اطلاعاتی درباره آن کرد. این کار بیشتر برای ساختن کوره ذوب شیشه طبیعی (سیلیس) انجام شد. اولین آگاهی را به صورت تفکیکی و جزء تفکیکی و جزء به جزء جهت فراهم آوردن مواد مورد لزوم جهت انتخاب بهتر و تولید شیشه مرغوب در دسترس صنعتگران قرارداد.

مصر ۱۴۳۰ پیش از میلاد

آمنمهت دوم پسر توتموز(Thutmose) سوم به زودی توانست در امر کشورداری با پدر خود دخالت کند. وی نفوذ خود را به پدر قبولاند و در این راه تلاش بسیار کرد. به طوریکه در جنگی علیه فلسطین جنوبی بر آنان غلبه کرد و نیز طغیان و شورش سرزمین فرات را خوابانید و آن منطقه را هم به تسلیم واداشت. در این نبرد نقش تیراندازان که با تیروکمان پیکار می کردند بسیار مهم بود.

اروپا ۱۵۰۰ پیش از میلاد

کشاورزان نوین به کار بردن داس وتیشه سنگی ساخته شده از چخماق را به کنار می نهند و به جای آن ابزار مفرغی که تیزتر است بکار می برند و از این طریق کار زراعت آسان تر می شود.

مصر ۱۴۱۰ پیش از میلاد

ازدواج توتموز چهارم که اکنون به سن رشد رسیده ، با دختر پادشاه میتانی(Mitanni) به دوام وقوام امپراتوری مصر کمک کرد و ارتباطی بین دو خانواده بر قرار ساخت. توتموز چهارم هم چنین ستون یادبودی بین دو پای پیکرده ابوالهول جیزه (Ciza sphinx) برپا ساخت ، که بعداً با کمال تأسف در زیر شن های منطقه مدفون شد.لازم به ذکر است که توتموز سوم پدر بزرگ توتموز چهارم در تمام متصرفات مصر حکمفرمایی داشت.

آناتولی ۱۴۰۰ پیش از میلاد

اقوام هیتی (Hitties) ذوب فلزآهن را در کوره به طور عملی یاد گرفتند. البته در سالهای پس از ۲۵۰۰ پیش از میلاد درخاور نزدیک آهن را ذوب کرده و آکادیها پیکرده خدای خود را از آهن ساخته بودند. این کلید رمزی برای به دست آوردن فلز آهن توسط هیتی ها شد، سپس آنها توانستند با اضافه کردن کربن به آن به آلیاژ سخت تری دست یابند.

فرعون های مصر را در جایگاه های ابدی و همیشگی قرار می دهند، بدین ترتیب که جسد آنها را پس از مومیایی کردن به طریق بسیار ساده با ادویه ی مخصوص، خوشبو می کنند و آنها را در مقبره های عظیمی که از سنگ ساخته شده، به حالت خوابیده می گذارند. این مقبره ها در حاشیه ی رودخانه ی نیل در سرزمینی بارور ساخته شده است. این هرم ها که بلندترین آنها (خوفوکئوپس Khufu Cheops) به ارتفاع ۱۶۰ متر بنا شده و سنگ های آهکی آن از معدنی که در مجاورت آنها بوده آورده شده، برپا کنندگان اهرام بهترین سنگ ها را از معدن روبروی رودخانه انتخاب و در بنای ساختمان به کار برده اند.

این سنگ ها را که وزن هر کدام ۲ تُن می باشد، به وسیله ی کنده های درختان حمل می کردند. کارگران ساختمانی برده نیستند، بلکه این کار را مقدس می شمارند و وظیفه ی دینی خود می دانند. مردان کارگر، زحمت بسیاری را جهت بلند کردن و حمل سنگ ها تحمل می کنند. آنها سنگ های عظیم را سوراخ کرده واز این سوراخ ها طناب رد می کنند. کارگران ساختمانی اوقات فراغت خود را برای این امر مقدس اختصاص می دهند.

حمل کنندگان و کارگران پادشاه، این کار را برای پیشرفت سرزمین خود و صلح و تقدس انجام می دهند که امری جهانی است.

به باور مصریان، زندگانی پس از مرگ وظیفه یی است در راه کمک و یاری فرعون، که خدای خورشید در روز است. بدین معنی که باید سعی آنها براین باشد که بدن فرعون پس از مرگ در آسایش قرار گیرد، و تمام وسایل من جمله مواد خوراکی و نوشیدنی کافی در دسترس او باشد. بدن فرعون را پس از مرگ با داروهای ویژه، مومیایی و داخل جسد را از مواد خوشبو پر کرده و به وسیله ی پارچه می پوشانند. به عقیده ی مردم مصر، فرعون دوباره متولد شده وسرزمین خود را تصرف می کند، پس باید در وضع راحتی قرار گیرد.بنابراین چون در زندگی به وسایل ویژه نیاز داشت، بایستی کارمندان و زنان و نوکران خودِ را در اختیار داشته باشد، پس باید آنها را هم در گور او قرار داد.

رودخانه ی نیل زندگانی را برای اجتماع مصریان به ارمغان می آورد.(مصر،۲۵۸۰ پ.م):

بیش از چهارصد سال پس از این که پادشاه مصر مقدمات آبیاری مهندسی سرزمین حاشیه رود نیل را فراهم کرد، هر ساله با طغیان رودخانه مقدار زیادی گِل و مواد رسوبی این منطقه را می پوشانید و آن را جهت کشت، آماده ساخته و نیز ماهی فراوانی جهت تغذیه ی مردم با خود می‌آورد و مصریان آن را منبع ثروت خود می دانستند. این سرزمین، باروش آبیاری به وسیله ی راه های آبی و مخزن‌های آب در رسوب های رودخانه نیل، به خوبی قابل کشت بود.

در این ناحیه، گندم، جو، اِمِر (Emmer) (نوعی غله) و کتان کشت می شد و محصول بسیار فراوانی داشت و نیز باغ های سبزیجات و میوه و باقلا و هم چنین عدس و نخود و کاهو و خیار به مقدار زیاد به دست می آمد، و نیز تاکستان های انگور زیادی وجود داشت که منبع تولید شراب بود و مدتی در حدود پانصد سال مصریان شراب تولید می کردند.

بیشتر روستاییان در خانه های خشت وگِلی زندگی می‌کردند و به پرورش گاو وگوسفند و بز وخوک می‌پرداختند. در عین حال زمین های خود را جهت کشاورزی شخم زده و آماده می کردند، غذای آنها شامل نان، ماهی تازه و یا خشک کرده و آبجو بود که جایگاه مهمی در تغذیه ی روستاییان داشت.

اقتصاد و ثروت آن ها بستگی به طرزاداره ی کشوربه وسیله ی فرعون و کارمندان رسمی حکومت و ثبات ملی داشت. زندگانی مردم وابسته به راه های آبی و آبیاری صحیح و مخزن های آب داشت، و در همه حال ترسان از خشکسالی و طغیان بیش از اندازه ی رودخانه ی نیل و سیل و قحطی.

زیرکی و کیاست یک وزیر مصری (مصر، ۲۳۵۰ پ.م):

پتاهوتپ (Ptahhotpe) در نامه یی که بر روی پاپیروس نوشته شده، به ظاهر توصیه و پندهایی به پسر خود کرده است که در حقیقت پندهایی برای نسل های آینده است و نظری به زندگانی مردم مصر است که اصل آن سندی بر روی پاپیروس و قابل حمل است. پتاهوتپ، در مقدمه ی نوشته ی خود از طبیعت و گردش روزگار شاکی است، او با دیدگان تاریک و گوش های ناشنوا و عدم قدرت تکلم و فراموشی خاطرات گذشته و تهی مغزی می نویسد.

او ادامه می دهد و اخطار به روشنفکران می کند که تکبر و خود پرستی را به کنار نهند و به معلومات خود افتخار نکنند و مشاوره و مشورت را در تمام امور، سرلوحه ی کار خود قرار دهند، دوستان را به فراموشی نسپارند و مشیت خدواند را در نظر بگیرند، پیش از آن که قدرت را از دست بدهند و صحنه ی مسابقه را ترک گویند.

رمزی پیرامون جام دست ساز مردمی (اروپا، ۲۵۰۰ پ.م):

سازندگان و بنا کنندگان سنگ های عظیم مگالیت، با یورش به شمال اروپا و مهاجرت به آنجا، کالاها و بسیاری از رسوم خود را به ارمغان می برند. آنها فلز مس را به جای سنگ خارا به شمال می برند تا از آن کارد و خنجر و انواع وسایل تیز و برا تولید کنند. بیشترین تغییر در ساخت لوازم در اروپای شرقی، بهبود و پیشرفت در تولید سفال های ظریف و به صورت جام هایی به شکل زنگ بود که جهت نوشیدن مایعات به کار می رفت.

به نظر نمی رسد که شیوه ی ساختن این جام ها از خارج آمده باشد، بلکه اهالی شهر های کوچک و دهات این طرز ساخت را از نسل های پیشین و نیاکان خود آموخته و روز به روز در بهبود آن کوشیده اند.

این ظروف سفالین و بسیار ظریف، در مناطق مختلف با تزئین ها و هنر محلی آراسته شده و برای رنگ و حرارت کوره ظرافت خاصی به کار برده اند. آخرین و بهترین شیوه در ساخت آنها، بلندی گردن جام و شکل پایه به صورت زنگ بوده است.

بدون شک، رمز این ظرافت در ساخت جام های سفالین را سازندگان آن حفظ کرده و همین روش را به آیندگان انتقال داده و بدین نحو این شیوه را حفاظت کرده اند.

اگر مرد مبارزی از دنیا می رفت،درگور او علاوه بر سلاح هایش، جام های اورا هم در آرامگاه وی می گذاردند. ساختن این ظروف سفالین به شکل جام، مردم را تشویق به تخمیر جو و تولید آبجو کرد و نوشیدن آن را در جام متداول ساخت.

یونان ۱۴۰۰ پیش از میلاد

تمدن میسنی ها (Mycenaean) با پیشرفت به سرزمین اصلی یونان باعث شد که این تمدن بتواند به خارج از کشور نفوذ کرده و درهای تجارت را به روی ساکنان جزایر سراسر دریای مدیترانه به ویژه جزایر دریای اژه و قبرس و خاورنزدیک بگشاید و تماس نزدیک بین آنها برقرار شود. میسنی ها با مبادله عطر ،روغن زیتون ، غلات ، شراب و مواد اولیه در مقابل ، فلز مس ، قلع ، طلا ، عاج ، کهربا و جواهرات وارد می کردند.

یونان ۱۴۰۰ پیش از میلاد

میسنی ها در کاخ های خود از نشانگانی استفاده می کردند ک صورت انسان ، حیوانات و سایر اشیاء را به نمایش می گذاشت ، بدون اینکه چهره کامل آن شیئی را منعکس کند. بطور مثال بر روی کوزه روغن علامتی می گذاشتند که نشان دهنده مایع حاوی کوزه باشد و برای حاملان کالا مشخص باشد و اجناس ضایع نگردد. این عمل در سرزمین چانیا(Chania) و کرت و بسیاری از جزایر دریای اژه معمول بود.

چین ۱۳۹۰ پیش از میلاد

خط نوشتاری در کشور بزرگ چین وضع مبهمی دارد، لیکن در ناحیه شانگ مردم آن سامان کتیبه های مذهبی را بر روی برنز و استخوان به وجود آورده اند.

کرت ۱۳۷۵ پیش از میلاد

اقوام کنوسوس (Knossos) درناحیه مینوان(Minoan) در سال های ۱۴۵۰ پیش از میلاد دوباره سر بر می دارند و دست به قتل وغارت و ویرانی می زنند. علامت های به دست آمده گواه این است که در منطقه تولوس(Tholos) (معبدکندوی عسل حک شده بر روی سنگ) مصرف فلز جهت معابد به اشکال گوناگون وجود داشته، از سویی تشکیلات نظامی و اداری گواه آن است که در همین اواخر میسنی ها بر اوضاع غالب شده و موقعیت بهتری پیدا می کنند.

سوریه ۱۳۶۰ پیش از میلاد

میتانی ها حکومت و پادشاهی مستقلی تشکیل می دهند، آنها هرگز با غارت و چپاول پایتخت هیتی ها را در۳۷۰۰ پیش از میلاد به رهبری شوپی لولیوماش(Shuppiluliliumash) به تصرف در نیاوردند. حتی فرمانروایی در آنجا هم به وسیله حکام کشوری انجام می شد. توش راتا (Tushratta) سلطان هیتی ها با توطئه درونی کاخ خود و به وسیله اطرافیانش کشته شد. در این زمان مردمان بسیاری از اطراف واکناف بابل محل زندگی خود را ترک کرده و به صورت پناهنده به آنجا روی آوردند که تحت تابعیت آشوری ها درآمده تامورد رحم و شفقت قرار گیرند.

مصر ۱۳۵۳ پیش از میلاد

پس از درگذشت آمن هوتپ (Amenhotep) سوم ، جنازه وی را در بزرگترین مقبره یی که تا آن زمان بنا شده بود دفن کردند. در زمان این پادشاه مصری نفوذ و اعتبار و افتخار کشور بالا رفت.

نویسندگان، رویدادهای شهر (ابلا Ebla) رابر روی لوحه های گلی ثبت می کنند. (سوریه، ۲۳۵۰ پ.م):

اگر چه قدیمی ترین شهرهای دنیا در سومر ایجاد شد، و در جنوب میان رودان به طور جهشی این شهرها در سرزمین حاصلخیز هلالی شکل بین دریای مدیترانه و دهانه ی رودهای دجله و فرات قرار داشتند.

یکی از این شهرها به نام (ابلا) با وسعت در حدود ۳۰ هکتار در شمال غربی سوریه با برج و باروی مستحکم و کاخ سلطنتی و نیز سنگرهایی در اطراف شهر با چهار دروازه قرار داشت. قصر شاهی با بایگانی از لوحه های گِلی در قفسه هایی چوبین بسیار جالب می نماید، که نویسنده، رویدادها را با خط میخی در سده های اخیر به وسیله سومری ها ثبت کرده است. اکنون مناطق زیادی در سراسر میان رودان وجود دارد که از راه های تجاری مواد خام با ارزش را برای صادرات حمل می کنند.

منابع بسیاری وجود دارد که ثابت می کند، سیاست آنها بیشتر بر پایه ی تجارت قرار داشته است. در بایگانی رسمی شهر، مستنداتی از سیاست اقتصادی شهر (ابلا) وجود دارد و پیشرفت این سیاست را نشان می دهد که قدرت شهر روزافزون بوده است. در نامه یی که از پادشاه شهر (ابلا) به پادشاه (ماری) همسایه ی او، نوشته شده، قدرت و تسلط او را بر پیشینیان و چگونگی چیره شدن و به دست آمدن پیروزی نشان داده شده است.

پادشاهان برای مدت طولانی مورد پرستش قرار نمی گیرند. (میان رودان، ۲۳۵۰ پ.م):

شاهان میان رودان، از جانشین خدا بودن دست بر می دارند و به تدریج از جلد خدایی و مورد ستایش قرارگرفتن بیرون می آیند. این جدایی در مورد پادشاه شهر اور به نام (اوروانینی ماژینا Uruinimgina) به سرعت صورت می گیرد، که در قصر خود و معبد مورد پرستش واقع می شد و اکنون مردم شهر (لاگاش Lagash) برای او عمر طولانی آرزو می کنند.

پیش اززمان سلطنت این پادشاه و در هنگام (اِن متانا Enmetana) مردم در دو مکان شاه را پرستش می کردند،

که یکی در معبد و دیگری در قصر سلطنتی بود، که این مراسم را (دودو Dudu) می نامیدند.

پس از مرگ (ان متانا) مراسم نیایش نین گیرسو (Ningirsu) از میان برداشته شد و پرستش خدایان به طور وسیع توسط مردم انجام می شد، و نیز مأموران دولتی مالیات های سرشاری برای مراسم سوگواری مردگان و عروسی وضع کردند که این امر زندگی مردم را دچار اختلال ساخت.

چون (اوروانینی ماژینا) به پادشاهی رسید، برنامه های بلندپروازانه خود را به اجرا گذاشت، او مالیات را کسر کرد وتعداد مأموران دولتی را کاهش داد و زمین هایی را که به خدایان تعلق داشت، به معابد خدایان پس داد. در شرح حال او نوشته شده: او تمام اهالی شهر را آزاد اعلام کرد، مردم را از رباخواری بازداشت، جلوی دزدان و حملات آنها را به مردم گرفت و به همه آزادی اعطا کرد.

تنها هشت سال پیش از به قدرت رسیدن و سلطنت (اوروانینی ماژینا) لاگاش مورد تاخت و تاز نظامیان (لوگال زاجزی Lugalzagesi) پادشاه (اوما Umma) قرار داشت. (لوگال زاجزی) شهر (اوروک) و بیشتر نواحی سومر را تصرف کرد، لیکن با (سارگون Sargon) رودرو به نبرد کشیده شد.

شهرتروا درآتش سوخت وجواهرات بسیاری منهدم ودچار تباهی شد.(آناتولی،۲۳۰۰ پ.م):

استحکامات و حصار شهر در آتش سوخت و پیش از آن که بتوانند شعله های آتش را خاموش کنند، تمام ساختمان ها ومحل های سکونت اهالی آتش گرفت و مجموعه ی جواهرات و اشیاء با ارزش از بین رفت.

این اشیاء گران بها شامل تبر و تیشه های مسی، ظروف غذاخوری و آشامیدنی، شمش های طلا و نقره که همه نشانه ی ثروت و قدرت ساکنان شمال غربی آناتولی بوده، می شد.

شهر تروا در یک زمان از ثروت خود بهره مند بود و اهالی شهر شاد بودند، آنها این ثروت را از استخراج معادن و تجارت و داد و ستد مواد کانی و صادر کردن آن به جزایر دیگر از راه دریای اژه و مرمره و تنگه ی بوسفور به دست آورده بودند.

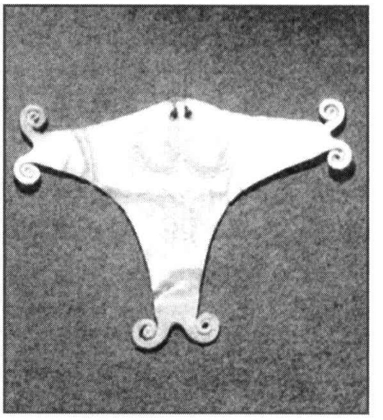
حصار شهر را در ۷۰۰ سال پیش در اطراف شهر و به قطر چهارمتر با مخلوطی از شن و ماسه و خاک ساخته بودند که به وسیله ی دوازه هایی با خارج مربوط می شد. پایه ی این باروی شهر با تخته سنگ هایی با به کاربردن تیرهای چوبی محکم می شد، و نیز بر روی دیواره را با سنگ های بزرگ پوشانده بودند که ازبرف وباران محفوظ بماند. درداخل شهر خانه های مأموران رسمی دولت و نیز وابستگان شاهی بنا شده بود.

پیشه وران و صنعتگران با شیوه های جدید، وسایل زینتی از قبیل ملیله دوزی و به کار بردن سنگ هایی بر روی تزئینات و ساخت زینت آلات ظریف فلزی مهارت خود را نشان داده بودند و این روش همزمان در میان رودان هم متداول بود.

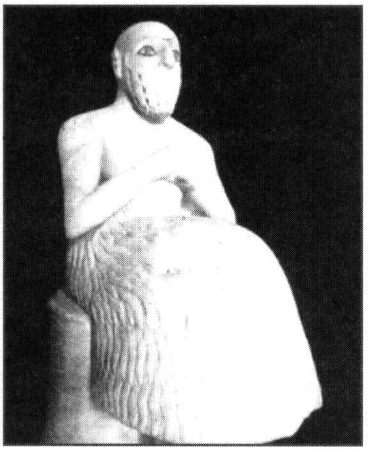
در گذشت سارگون، نخستین امپراتور (میان رودان، ۲۲۷۹ پ.م):

در این سال (سارگون) که خود از خانواده یی گمنام برخاسته بود و بنیان گذار نخستین امپراتوری در جهان بود، درگذشت. در مدت پنجاه سال او با قانون و نظمی که خود وضع کرده بود از شهر (آگاد یاآکاد Agade or Akkad)، کشور را اداره می کرد. از سارگون که به معنی نیکوکار یا شاه راست کردار، شخصیتی افسانه یی و پیچیده ساخته بودند. می گویند که فرزند نامشروع بوده و او را در سبدی حصیری سر راه گذاشته بودند که فردی اصیل ونیکوکار او را برداشته ونزد الهه (ایشتار Ishtar) یا (ایاننا Inanna) می برد. باز هم گفته شده که سارگون ساقی مجالس جشن و میگُساری (اورزابابا Ur-Zababa) پادشاه کیش (در شمال میان رودان) پیش از شکست از (لوگال زاجزی) که با ارتش زیر فرمان خود از او دچار شکست شده، بوده است. این شخص اخیر با مقهور کردن (اورزابابا) فرمانفرمای سومر می شود.

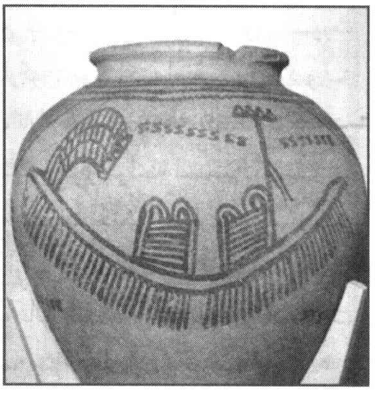
سارگون با پیروزی سریع، شهرهای اور، لاگاش و اوما را تسخیر می کند و شهری به نام آگاد در کرانه ی رود فرات می سازد، وکاخی برای خود و معبدی جهت زابابا که شخصیتی شجاع و خدای زور ونیرو در کیش بود، بنا می کند. آگاد سپس شهری مشهور و نخستین پایتخت میان



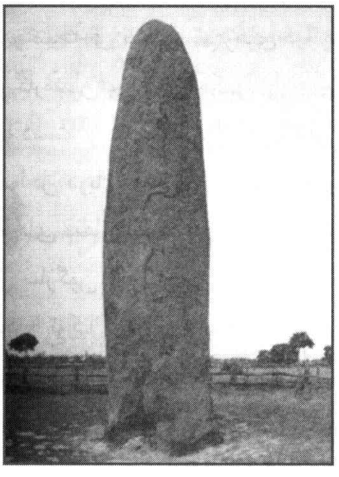
یک پلاک زرین که به‌عنوان زینت زنانه کاربرد داشته است.



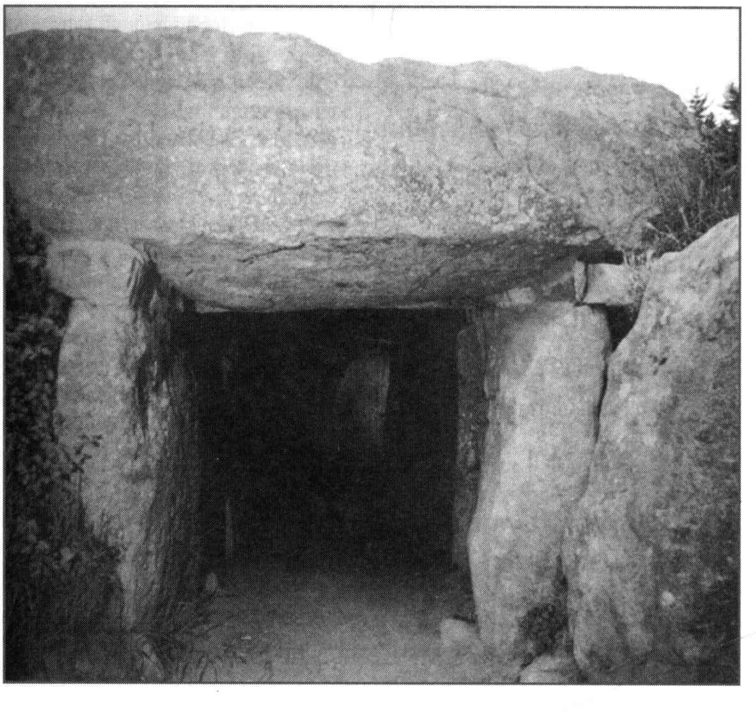
پیکره‌یی از یک راهب که لباسی از پوست گوسفند پوشیده و به خدای ایتانا (Inanna) (ایشتار) (Ishtar) تقدیم شده و مربوط به حدود سال ۲۵۰۰ پ.م. می‌باشد.



یک کوزه‌ی سفالی ساخت مصر، با تزییناتی از قایق‌هایی که در رود نیل حرکت می‌کنند.



سنگ بسیار عظیم یادبود در منطقه‌ی دول دو برتین (Dol-de-Bretagne) در بریتانی.



راه ورودی یک گورستان سنگی در منطقه‌ی لوک ماریاکر (Locmariaquer)، نزدیک ناحیه‌ی کارناک (Carnac) در بریتانی (Brittany).

رودان شده و سومیت ها (Semite) در این سرزمین به مقامات رفیع دست می یابند.

سارگون به مذهب و معابد احترام می گذاشت و دختر خود را از ستایشگران و خدمتگزار ناننا (Nanna)، خدای ماه در شهر اور قرار داد، و در عین حال صداقت و نیکوکاری را سرلوحه ی سیاست خود قرار داد. او اقتدار و قدرت فرماندهی خود را در سایه نیروی نظامی و ارتش منظم بنیان نهاد. او به سرزمین های مجاور حمله کرده و تا ساحل رود دجله، مرز ایران و نیز به کرانه ی رود فرات، مرز سوریه رسیده و این مناطق را جزو سرزمین آکادیان قرار داد.

عملیات جنگی سارگون بر علیه کشورهای ثروتمند منطقه، جهت به دست آوردن فلزات، سنگ و تیرهای چوبی ساختمانی در ساحل رود فرات و پایین شهر آکاد انجام می گرفت. در نتیجه ی تسخیر شهرهای دیگر، ثروت شاه افزون گشت و کارمندان و عوامل حکومتی هم ثروت های آن چنانی به دست آوردند و به خزانه ی شاهی بدهکار شدند.

از سواحل دریای مدیترانه تا بلندی های کشور ایران و از کوهپایه های قفقاز تا شمال آن، بدون نبردهای شدید، تحت سلطه ی سارگون قرار گرفت. او حتی می توانست پایتخت و قصر خود را ترک کرده و به استان های دیگر کشورش برود، بدون این که اغتشاشی در آن جا روی دهد، در ضمن هنرمندان را تشویق و ترغیب می کرد که در پیشرفت هنر بکوشند. در تمام مدت سلطنت سارگون، که حدود ۵۵ سال به درازا کشید، در هیچ یک از مناطق تحت نفوذ او، طغیان و شورشی صورت نگرفت.

سارگون کشور بزرگ و ثروتمندی از خود به جای گذاشت، هرچند پس از او گرفتاری های داخلی پیش آمد. پس از او، سرزمین های تحت سلطه ی وی، علم طغیان برافراشتند، چون اقتدار سارگون سبب فرونشاندن نارضایتی ها شده بود و در قلب سرزمین آکادیان اغتشاشاتی رخ داد، واین هوشیاری جهت گردانندگان حکومت بود که نیروهای نظامی کشور را به حالت آماده باش درآوردند.

سرزمین های جدیدی به میان رودان در نتیجه ی موفقیت های سارگون اضافه شد. (خاور نزدیک، ۲۲۰۰ پ.م):

با گسترش سلسله ی پادشاهی آکادیان و رخدادهای جنگی، مناطق تازه یی تحت سلطه درآمد.نبردهای پادشاهان آگاد برای حصول دو مقصود بود، در درجه ی اول آنها می خواستند که دشمنان خود را سرکوب کرده، که نتوانند به مراکز تجاری دست یابند، و در درجه ی دوم هر چه بیشتر ثروت جهت آگاد تحصیل کرده و برپایه ی تحول بیشتر، نیروی نظامی قدرتمندٌ داشته باشند.

در حدود یکصد سال پیش، سارگون این امپراطوری را پایه نهاد و ارتش او برعلیه حکومت های منطقه از مدیترانه در شمال غربی و بخش شرقی تا سرزمین ایران و سراسر خلیج فارس و دریای ماگان (Magan) (عمان (Oman) را متصرف شدند.

این متصرفات وسیع که بیشتر در زمان سارگون صورت گرفت، سبب شد که سارگون مورد احترام قرار گیرد و به ویژه در زمان نوه ی او، نارام سین (Naram-Sin) که در ادبیات آکادیان مورد ستایش قرار گرفته است. درمدت ۳۶ سال، ارتش سارگون به علمیات جنگی بسیاری دست زدند. در شرق، او بر شهر آرمن (Arman) و ابلا (Ebla) در کشور سوریه ی کنونی، فائق شد و آن جا را به باد غارت داد، پیش از آن که دشمن بتواند به تلافی برخیزد.

در شمال، او توانست نامر (Namer)، پادشاه هوریان را شکست دهد و یک کاخ شاهی در محل خابور (Khabur) بسازد و راه های جزیره را تحت کنترل درآورد، و نیز در جنوب، بر ماگان پیروز شد.لیکن مهمترین دستاورد او پیروزی بر لولوبی (Lullubi) قدرتمندترین حکومت در شرق بود، که شرح آن بر بنای یادبودی سنگی پابرجاست.

زرگران هنرمند در آگاد، زینت آلات جدید می سازند.(میان رودان، ۲۲۰۰ پ.م):

طلا، نقره ومفرغ، فلزاتی بودند که پیشه وران و هنرمندان آگادی از آن زینت آلات به اشکال گوناگون و بسیار زیبا می ساختند و آثار باقی مانده از آنها موجب افتخار آنها می باشد. هم چنان که می گویند: لوگال باندا (Lugalbanda)، پادشاه افسانه یی مدت چند سده به تمام مناطق اطراف سفر کرد که شبیه این وسایل زینتی را بیابد، در نتیجه سربازان با استعداد خود را مأمور ساختن این چنین اشیاء کرد.

آناتولی ۱۳۵۰ پیش از میلاد

در اثر شجاعت سربازان و سیاست فرماندهی آنها شوپی لولیوماش به سلطنت می رسد و هم او بنیانگذار سلسله هیتی ها در این ناحیه می شود.

سوریه ۱۳۵۰ پیش از میلاد

در بندر سوری اوگاریت (Ugarit) (راس شارما – Ras Sharma) اهالی به چند زبان تسلط داشته و صحبت می کردند ونوشتار آنها به خط میخی بود، لیکن زبان محلی رواج داشت، زبان بابلی و هیتی هم زبان محاوره یی بود.

آشور ۱۳۵۰ پیش از میلاد

در زمان پادشاهی آشور اوبالیت (Assur Uballit) که بنیانگذار سلسله آشور محسوب می شود، در سال ۱۳۶۵ پیش از میلاد، این قوم از زیر سلطه میتانی ها خارج شدند و مدت دویست سال، میتانی به عنوان رعیت آشور و یکی از متصرفه های آن دولت درآمد. این پادشاه با قدرت کشور را اداره می کرد و به توسعه و احیای آن همت گماشت و برحسب ادعای او قدرت بزرگ منطقه گردید. اوبالیت حصاری برگرد پایتخت خویش جهت جلوگیری از هجوم اقوام دیگر کشید ونیز ارتباط سیاسی با مصر برقرار ساخت.

آناتولی ۱۳۵۰ پیش از میلاد

هیتی ها هجوم سخت قوم آهیاوا (Ahhiawa) را که درغرب هیتی ساکن بودند دفع کردند. در عین حال در قلب این سرزمین به فشار و خشونت خود ادامه دادند.

میان رودان ۱۳۴۵ پیش از میلاد

آشور اوبالیت پادشاه آشور به خاطر کشته شدن نوه اش در پیکاری کوتاه مدت شعله جنگ بین دو امپراتوری را برافروخت. پس از جریان مرگ پسر، اوبالیت دختر خود را به زناشویی بورنابوریاش (Burnaburiash) پادشاه بابل درآورد.

مصر ۱۳۳۵ پیش از میلاد

آمن هوتپ چهارم فرعون مصر سلطنت را از پدرش آمن هوتپ سوم با موفقیت ربود. در این هنگام حکومت های جداگانه تحت نفوذ قدرت مرکزی درآمدند و ملوک الطوایفی به پایان رسید.

سوریه ۱۳۳۵ پیش از میلاد

با مرگ شوپی لولیوماش پادشاه هیتی ، تمام سرزمین سوریه تحت فرمانروایی شاهان هیتی به پایتختی دمشق درآمد.

میان رودان ۱۳۳۰ پیش از میلاد

کوری گالزو (Kurigalzu) دوم پادشاه کاسیت (Kassite) شهر بابل را رها کرد و در ۱۶۰ کیلومتری شمال غربی آن پایتخت جدیدی بنا نهاد. نام پایتخت جدید را هم دورکوری گالزو (Dur kurigalzu) آکارکوف (Aqarquf) گزارد و در آن کاخی بسیار عظیم با وسعت زیاد ساخت که یکی از عجایب آن دوران به نظر می آمد. وی هم چنین زیگوراتی (Ziggurat) (معبد منشوری شکل) به ارتفاع ۵۵ متر درنزدیکی کاخ خود جهت زیارتگاه در دشت بنا کرد.

در همین زمانی که معابد سلطنتی ساخته می شد، فلزکاران با شیوه های نوین کارهای بسیار جذابی خلق کردند که پیشرفت آنها را در این قبیل صنایع ظریفه نشان می دهد.

در این زمان از فلز، چکش های ظریفی می سازند که به وسیله ی آن طلا و نقره را به شکل های بسیار زیبا در می آورد و در سوراخ های ریزی که در فلز به وجود می آورند، نگین های ریز کار می گذارند و انواع ملیله کاری در فلزات به وفور دیده می شود و نیز جوشکاری طلا ونقره را با ظرافت خاصی انجام می دهند.

هنرمندان نقره کار برحسب تقاضای مشتری گاهی ظروف سنگین با حکاکی بر روی آن می سازند. یکی از این ظرف ها به وزن ۲۹ کیلوگرم که از طلا ساخته شده در شهر نیپور(Nippur) یافت شده که بر روی آن شکل خورشید و هلال ماه به اشکال بسیار کوچک و ظریف حکاکی شده است.

معابد جدید پایتخت مصر را می آرایند (تبس (Thebes)، ۲۰۰۰ پ.م):

اکنون شهر تبس که پیشتر، یکی از شهرهای استان بود، به پایتختی برگزیده می شود و در آن جا معابدی ساخته می شود که یکی از آنها معبد کارناک (Karnak) برای خدای آمون (Amun) است که خدای اصلی می باشد، این معبد با بلندی بسیار، در زمانی که تبس تنها یک شهر معمولی بود، ساخته شده بود.

در افسانه ها آمده که خدای آمون، به وسیله یک قایق هر سال طی مراسم رسمی به آن جا می آید، در حقیقت او طی ضیافتی که همه در آن شرکت کرده بودند، به وسیله ی اُپت (Opet) به تبس آورده شده بود.

فرعون های مصری برای بزرگداشت کارناک، معابدی برای آنها ساختند و برای خود نیز مقبره هایی با سنگ های تراشیده و بسیار بزرگ با نما و سردرهای زیبا در ال تِرف (El Taraf) بنا کردند.

من هوتپ (Mentuhotpe) اول برای توسعه ی شهر تبس به عنوان پایتخت،سعی بسیار کرد، لیکن آمنم هت (Amenemhet) این شهر را ترک کرد و پایتخت را در ال

لیش (Ellish) در واحه فایام (Faiyum) قرار داد. (به عللی این جابه جایی حاصل سیاست سوق الجیشی بود که محل پایتخت، بین دلتا و دره ی نیل قرار گرفت.)

شهر تبس از نظر سیاسی، مکان بسیار مناسبی بود، چون برای بازرگانی و حمل کالا و مواد معدنی موقعیت خوبی داشت و سر راه نوبه یا کشور سودان کنونی قرار داشت و می توانستند از این محل سرباز مزدور بگیرند.

به هرحال تشکیلات جدیدی برای کشور پادشاهی مصر که پایتخت آن باید در مکان بسیار مستحکمی باشد، و پیرو سیاست واحدی تمام امور اجرایی در آن جا انجام شود، و از پراکندگی کارها جلوگیری شد.

تمرکز سیاسی در مکانی واحد سرانجام سبب تمرکز جمعیت گردید و مصریان طبقه ی متوسط، بیشتر به پایتخت روی آور شدند، و دست آویز آنها همان تسهیلات شهری بود.

به طور مشخص، خدای اوزیریس (Osiris) یک باره منحصر به شاهان شد، حالا دیگر در هنگام مرگ اظهار تفقدی به عمل می آورد و در این مورد مردم بسیار خوش وقت بودند.

موضوع مشکلی که بین شاه و نایب السلطنه پیش آمد، عمر طولانی فرعون بود که پسرش میل داشت نایب او در کشور باشد و این موضوع سبب هرج و مرج شد.

در افریقای شرقی ظروف و جام های سنگی ساخته می شود. (شرق افریقا، ۲۰۰۰ پ.م):

ساخت وسایل و ظروف سنگی در شرق افریقا از سال ها پیش همزمان در سواحل وسیع این ناحیه و دره های رودخانه با پرورش گاو ودام های دیگر به وسیله ی کشاورزان انجام می گرفت. مردم نجورو (Njoro) که در غارهای این منطقه می زیستند و بیشتر ازسودان آمده بودند، ظروف گودی با استفاده از سنگ های محلی، با بریدن،سوراخ کردن و تراشیدن آنها می ساختند.

این سنگ ها بیشتر شیشه های سیاه آتشفشانی بود که لبه های تیز داشت، لیکن در ساختن ظروف سنگی تنها از این مواد اولیه استفاده نمی شد. بقیه ی وسایل بیشتر از چوب ساخته می شد. مردمان نجورو ادوات چوبی با تزئینات مخصوص تهیه می کردند و هم چنین ظروف سفالی می ساختند، هرچند به نظر می رسد که ظروف سنگی بیشترین تولیدات آنهاست، لیکن آنها سبدهایی از طناب تولید می کردند و از کدوهای قلیانی ظرف هایی می ساختند. مهارت و تجربه ی مردمان کرانه ی رود نجورو، به همین جا ختم نمی شود و شکار هم جزئی از زندگی آنهاست. این مردم گروه هایی به وجوذ آورده اند که در کار کشاورزی پیشرفته اند و بیشتر در شمال سکونت دارند، آنها گاوداری را هم چون تربیت بز و گوسفند آموخته اند.

در بخش شمالی، یعنی کشور سودان کنونی، گندم و سایر غلات کاشته می شود واهالی این بخش به صید و خوردن ماهی نمی پردازند و آن را موجودی مقدس می شمارند. جدای از آن، مردم این منطقه در کار ساختن جام های سنگی مهارت بسیار دارند، آنها بیشتر اوقات فراغت خود را صرف ساختن مهره هایی به شکل های گوناگون و از مواد اولیه ی محلی می کنند.

در فاصله ی زمانی صلح بوسیله ی گودا (Gudea) پادشاه میان رودان، معابدی زمینی احداث می شود. (سومر، ۲۱۲۴-۲۱۴۴ پ.م):

در زمانی که گوتی ها (Guti) در سراسر میان رودان به غارت و چپاول می پرداختند، شهر لاگاش تحت فرمانروایی گودا، سرزمین کوچکی را در صلح و تمدن به پیش می برد.

در طی بیست سال زمامداری این پادشاه، تنها ارتش در کار تحکیم قدرت بود و در ایران هم حالت آرامش برقرار بود که در این مدت ساختن معابد شروع شد. گودا تعداد ۱۵ معبد در لاگاش ساخت که قرارگاه ای نینو (E-ninnu) و باعث خشنودی نین گیریسو، بزرگ خدایان شهر باشد. ساختمان معبد به طرز ماهرانه یی ساخته می شود و خانه ی زمینی خدا محسوب می شد، به طوری که شاه گودا شکل ساخت آن را در خواب دیده بود. پس از مشاوره ی با الهه نانشه (Nanshe) و خوابگزاران در تفسیر خواب او گودا در جستجوی مکانی مناسب در شهر جهت ساخت معبد برآمد، چون او نمی خواست در جائی معبد بنا شود که حالت موازی و زیاده روی داشته باشد، یعنی پیش از آن در آن جا معبدی ساخته شده باشد.

هنرمندان و کارگران ماهر ساختمان را گرد آوردند و مصالح ساختمانی را هم از راه های دور تهیه کردند و نقشه های چندی کشیده شد تا به نظر گودآ برسد. او مانند یک پیامبر زمینی (نین گریسو) معمار و سرپرست، برنامه کار را شروع کرد و خاک نرم و رُس را برای تهیه ی آجر به کار برد و بنای ساختمان را با آجر ریخت. بالاخره معبدی با ابعاد غول آسا به شکل هفت ضلعی با دکوراسیونی به اشکال دیو و حیوانات درنده از قبیل شیر وگاو هفت سر و اژدها، بنا شد.

در سومر به تدریج تشریفات استقرار می یابد. (میان رودان، ۲۱۰۰ پ.م):

پس از سقوط آکادها، نظم جدیدی در میان رودان پدید می آید. با مرگ نارام سین، یک سری طغیان ها و سرکشی ها آغاز می شود که موجب انقلاب و برقراری هرج و مرج شد، به طوری که اقوام گوتی از ارتفاعات کوهستانی زاگرس با نیروی آکادها دست به حمله می زنند، اورنامو (Ur-Nammu) بنیانگذار شهر اور درسومر، قدرت و اقتدار ملی را افزایش داد و پسر او به نام شولگی (Shulgi) اقدام به بهبود وضع اجتماعی و اداره کردن تشکیلات ایالت و تشریفات سلطنتی جامع می کند و نظم نوینی ایجاد می گردد.

در زمان صلح و آشتی بزرگی که ایجاد می شود، شولگی به ساخت معابد و اتمام ساختمان هایی به یاد بود اورنامو می پردازد و در ضمن خود او هم بناهایی می سازد.

او خداهای سومری را دوباره به جایگاه خود برمی گرداند و در زیارتگاه ها قرار می دهد، تقویم را اصلاح می کند و اوزان و اندازه های جدید برای توزین غلات وضع می کند. وی هم چنین از بهم پیوستن نیروهای گوناگون کشور،نیروی مختلطی از راه دیپلماسی ایجاد می کند و با ازدواج دختران خود با مقامات دولتی باراهش (Barahshe) و آنشان (Anshan) موافقت می کند و نیز معابدی در شوش واقع در سرزمین ایلام بنا می کند.

امپراتوری سومر به وسعت امپراتوری آکاد نبود، لیکن دارای نظم و ترتیب ویژه یی بود. شاه در تمام امور قدرت بلامنازع بود،یک شبکه از ایالت های دولتی که حکام آنها از سومری ها یا آکادی ها و یا سایر جاها انتخاب می شدند،در

آمریکای جنوبی ۱۳۰۰ پیش از میلاد

در ناحیه سانتارم (Santarem) پایین دست رود آمازون بومیان ظروف سفالی می ساختند که بر روی آنها نقش های رنگی انسان، سوسمار (کروکودیل آمریکای جنوبی)، قورباغه، میمون، جاگوار (Jaguars) و انواع پرندگان وجود داشت.

مصر ۱۲۹۰ پیش از میلاد

رامسس (Ramesses) دوم جوان و جاه طلب بر پدر خود رامسس اول ستی (Seti) که بنیانگذار سلسله رامسس ها در ۱۳۰۷ پیش از میلاد بود، فایق آمد. رامسس نخستین توانست نفوذ و حاکمیت مصر را بر فلسطین محکم و پابرجا نماید.

مصر ۱۲۵۶ پیش از میلاد

رامسس دوم با شاهزاده خانم هاتی (Hatti) دختر پادشاه هیتی ها به نام هاتوسیلیس (Hattusilis) ازدواج کرد. این وصلت بنیان خوبی برای روابط دو کشور شد و آنها پیمان نامه صلحی مهر کردند و این اوج بهبود روابط آنها د رسال ۱۲۸۵ پیش از میلاد در جنگ علیه کادش (Kadesh) بود.

اروپا ۱۲۵۰ پیش از میلاد

در این سالها اروپا قدرت تسلیحاتی و نظامی خود را افزایش داد و به ساختن آلات جنگی گوناگون پرداخت و دسته بندی به وجود آورد. آنها توانستند زره هایی با سیم های برنجی ، کلاه خود برنجی و شمشیر و نیزه بسازند. در این زمان مردم اروپا مرده های خود را می سوزانیدند و خاکستر آنها را در ظرف مخصوصی ریخته و نگاه می داشتند.

آشور ۱۲۵۰ پیش از میلاد

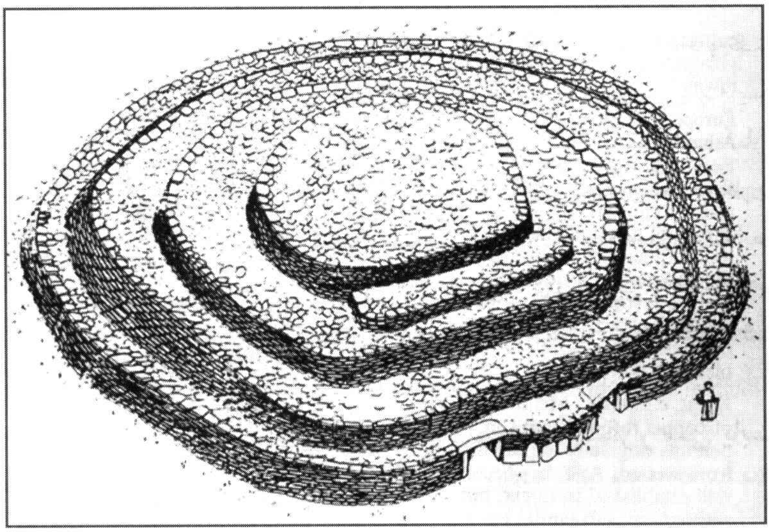
کشور آشور تحت رهبری شلمانسر(Shalmaneser) مبارز نیروی نظامی خود را برای پیروزی و غلبه بر همسایگان حفظ می کرد. پس از مطیع ساختن مناطق کوهستانی شمال که زیر نظر دولت اورارتو (Urartu) در ارمنستان بود، آشوریها به سوی متفقان پیشین تاخته و هوریان ها (Hurrians) را شکست دادند و هیتی ها را هم اجیر ساختند و سرزمین های آنان را ضمیمه امپراتوری خود کردند.

بابل ۱۲۳۵ پیش از میلاد

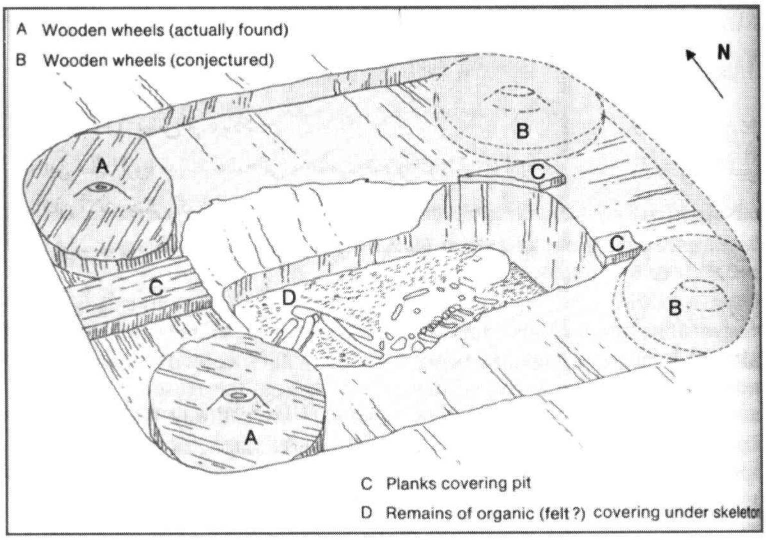
توکولتی نینورتا (Tukulti Ninurta) که در سال ۱۲۴۴ پیش از میلاد به پادشاهی رسید، به سوی شهر کشور بابل لشگر کشیده و کاشتیل یاش (Kashtiliash) چهارم پادشاه بابل را اسیر و به کالاه (Kalah) نیمرود (Nimrud) تبعید کرد وتمام سرزمین بابل را تحت امر خود درآورد. وی نخستین شاه آشور است که در عین حال به پادشاهی بابل رسید.

بابل ۱۲۲۵ پیش از میلاد

مردم بابل علیه حکومت دست نشانده آشور شورش کردند و خواستار برگشت توکولتی نینورتا شدند که قوانین بابلی برآنها حاکم باشد. کاسیت ها پس از آن توانستند حکومت و برتری را دوباره به کشور بازگردانند.



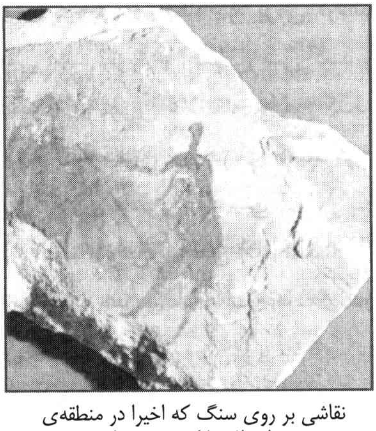
یک قبرستان بسیار بزرگ و مدور که از گل و قلوه‌سنگ در منطقه‌ی دیسین یاک (Dissignac) فرانسه ساخته شده، با قسمت ورودی و سقف بسیار مرتفع که جایگاه گور خانوادگی هم هست.



در این دیاگرام که اخیرا رسم شده، کاربرد اولین چرخ‌ها را که از تنه‌ی درخت تهیه شده و برای حمل جسد تا گورستان به‌کار می‌رفته، نشان داده شده است. این تنه‌های درخت، اغلب دایره‌ی کامل نبوده، لیکن به‌عنوان نخستین وسیله‌ی گردنده مورد استفاده بوده است.



لوحه‌یی سنگی با خط تصویری که بر آن حک شده و نشان از تقدیم هدیه به پیشگاه شاه می‌باشد.



نقاشی بر روی سنگ که اخیرا در منطقه‌ی صحرای افریقا کشف شده است.

صحرا ۱۲۰۰ پیش از میلاد

تصویرسازان درآن دوران نوعی ارابه جنگی را نشان می دهندکه با دو چرخ گردان برده می شد و چراغ هم جهت نور داشته است. این ارابه در منطقه هوگارماسیف (Hoggar Massif) تعبیه شده و تا شرق مدیترانه توسعه و کاربرد داشته است.

خاور نزدیک ۱۲۰۰ پیش از میلاد

قبائل اسرائیلی که در مصر زندگی می کردند در ۱۲۳۰ پیش از میلاد خاک مصر را به فرمان رامسس دوم ترک می کنند تا به کنعان در فلسطین رسیده و درآنجا ساکن شوند. آنها در پیکاری جهت استقلال و خودمختاری کشور خویش به رهبری موسی شرکت می کنند. موسی خود ادعای معجزه های زیاد داشت، از آن جمله که از پشت دیوارهای جریکو (Jericho) صدای شیپور را می شنود.

یونان ۱۲۰۰ پیش از میلاد

کاخ های چهارگانه واقع در میسنا (Mycenace)، تیرن (Tiryns)، پیلوس (Pylos) و تبس (Thebes) ویران می شوند و تمدن میسنا رو به افول می گذارد. مردمان اطراف پیلوس تقریباً همگی منطقه را ترک می کنند. لیکن در ارگولیس (Argolis) و آتیکا (Attica) اهالی به صورت گروه های دوباره دسته بندی شده به پناهگاهها هجوم می برند و در پناهگاه آتیکا ساکن می شوند. یک نوع قحطی اقتصادی و مشکل اجتماعی سبب خیزش مردم شده و وضع بد اجتماعی ریشه این گرفتاری می باشد.

آناتولی ۱۲۰۰ پیش از میلاد

اقوام فریژی (Phrygian) درمنطقه تراس (Thrace) شبه جزیره بالکان به فلات آناتولی حمله کرده و با غارت و چپاول به پایتخت امپراتوری هیتی می رسند و هاتوزاس (Hattusas) را هم به ویرانی می کشانند ، در نتیجه حکومت هیتی منقرض می شود.

آسیا ۱۲۰۰ پیش از میلاد

مهاجران آسیایی که از سرزمین های استپی آمده بودند، صنعت تولید آلیاژ برنج را در اثر تماس بامردم منطقه شانگ در چین می آموزند و این آلیاژ را به مقدار زیاد در کارگاهها تولید می کنند.

آناتولی ۱۱۸۴ پیش از میلاد

افسانه ویرانی تروآ(Troy)

میان رودان ۱۱۶۰ پیش از میلاد

شوتروک ناخونت (Shutruk Nakhunte) پادشاه ایلام (جنوب ایران خوزستان) درراس نیروی نظامی عظیمی با قایق ها در عملیاتی جنگی به جنوب میان رودان حمله و آنجا را غارت کرد.

مصر ۱۱۶۰ پیش از میلاد

کشور مصر در این زمان دچار بحران می شود. کمبود مواد غذایی و شورش کارگرانی که در ساخت اهرام ومقابر کار می کردند. هم زمان کاهنان معابد دست به غارت مقبره ها زدند و نیز طغیان رود نیل مانند هرسال به رونق کشاورزی کمک نکرد. درنتیجه فرعون مصر اقتدار و احترام خود را از دست داد.

کشور وجود داشت که بایستی این حاکمان ریشه ی ملی داشته باشند. شبکه ی ارتباطی با ایجاد پادگان ها و کاروانسراها در راه های اصلی وجود داشت و بین ایالات ارتباط تجاری و داد و ستد با ازدواج بین اقوام منسجم می شد.

حکومت مرکزی دارای اقتدار کامل بود، و فرمان های شاه به تمام ایالات ابلاغ می شد و کارگاه ها و کارخانه ها و مکان های داد وستد در سراسر میان رودان و خارج کشور برقرار بود.

مرکز فرمانروایی از شاه شروع و به سروزیر ابلاغ شد. او تمام تشریفات را برعهده داشت و همه ی فرمان ها را به سراسر کشور می رساند و تمام ملت واجب الطاعه بودند، در حقیقت سرپیشخدمتان بودند که در خارج از خانه و مزرعه به کار مشغول بودند و جملگی تحت امر ویژه قرار داشتند.

مأموران وصول در دولت های محلی ازبندگان و چاپاریان مالیات گرفته و مبلغی ازآن را به مرکز می پرداختند واز سودی که از این راه به دست می آوردند به ویژه در پایتخت شهر اور، ثروتمندانی پیدا شدند که صاحب گله های گاو به تعداد زیاد بودند.

معابد هم به همین ترتیب، دارای تشریفات ونظم ویژه‌یی بود، مدیر معبد در حقیقت تمام امور را زیر نظر داشت، دراین هنگام، مأموران و فرماندهان ارتشی، سرپرستان، ناظران کشاورزی، مباشران، سرباغبانان، مدیران پُست و مأموران تشریفات دربار دراین نظام در کنار تجار وبازرگانان پیدا شدند که روی هم رفته، طبقه ی متوسط اجتماع را شامل می‌شدند.

در حالی که در قاعده ی این هرم اجتماعی، گروه برده ها و کارکنان مزارع و سرف های وابسته به زمین قرار داشتند.

نخستین قانون مدنی به وسیله ی شاه اعلام می شود. (میان رودان، ۲۱۰۰ پ.م):

اولین قانون مدنی شناخته شده در سومر معرفی می شود.

سارقان شناخته شده از شهر تبعید می شوند، فقرا در تحت حمایت دولت قرار می گیرند و نیز سیستم جدیدی

برای تنبیه ابداع می شود. اصلاحاتی که به وسیله ی اورنامو به اجرا در می آید، به وسیله ی فرزند او شولگی ادامه می یابد و وی به نوبه ی خود مواردی برآنها می افزاید و برخی از جنایات در تحت قانون به تبعید و یا وصول جریمه منجر می شود.

کسانی که به قوانین اورنامو آشنایی داشتند، در مواردی این چنین می نویسند. احیاء کنندگان زمین های بایر، حفرکنندگان مجرای آب، ایجاد کنندگان شهرک ها و ساختن بناها مورد تشویق دولت مرکزی واقع می شوند.

اورنامو هم چنین برای نخستین بار، اقدام به ساختن زیگورات (Ziggurat) سه طبقه در شهر اور کرد که این معبد (زیگورات) سه طبقه، اولین بنای سه اشکوبه در جهان می باشد.

در کِرت شروع به ساختن نخستین کاخ ها می نمایند. (جزیره ی کرت، ۲۰۰۰ پ.م):

سبک جدیدی درساختمان بناهای مجلل جزیره ی کرت به عنوان جزیره ی پیشگام تجارت در دریای اژه به نمایش در می آید. مردمان این جزیره چندین کاخ در نزدیکی شهرهای کوچک آن که مقر ومرکز ساختمان هاست، می سازند. شاید بزرگترین آنها در کنوسوس (Knossos) که در دشت حاصل خیزی در مرکز جزیره واقع شده، می باشد. این کاخ در محوطه و حیاطی قرار گرفته که اتاق هایی به شکل انبار و آپارتمان های بسیار زیبا دارد که به نظر می رسد مکان مقدسی بوده است.

درآن جا نقش هنر به حد والایی رسیده است. مهره هایی از سنگ های نیمه قیمتی به اشکال حیوانات، پرندگان، گیاهان، قایق ها و نیز صدف ها ونمونه های هندسی بر روی گچ بری دیوارها به کار رفته و هم چنین سفال هایی با رنگ های روشن در روی زمینه ی تیره در روی دیوار قرار داده شده که دورنمای بسیار جالبی دارد.

از سویی هنرمندان این دوره، در ساختن ظروف سنگی به اشکال گوناگون، به ویژه کارهای فلزی و نقره یی بسیار ماهرانه عمل کرده اند. در تجارت و داد و ستد کالا با سوریه، آناتولی و مصر هم با کشتی های شراع دار مردم این جزیره پیشقدم بوده و از راه های آبی سود می برند.

آشوری ها گروههای بازرگانی ایجاد می کنند. (آشور، ۱۹۰۰ پ.م):

در امپراتوری آشوری ها، نقش بازرگانی خیلی حساس بود و آنان به این رشته اهمیت می دادند، به طوری که بازرگانی و داد وستد آنها در ناحیه ی کاپادوکیه (Cappadocia) که قلب وحشی شرق آناتولی نام داشت، پررونق بود. دراین اواخر آنها کالاهایی را از پایتخت آشور که مقر بازرگانی بود به سایر نقاط حمل می کردند، به طوری که از ناحیه کانش (Kanesh) (گل تپه) اشیاء ساخته شده از قلع صادر و اشیاء مسی وارد می کردند.

تجارت این قوم تحت قوانینی کنترل شده قرارداشت که این قوانین، محلی و فامیلی بود واز راه ساخت اشیاء طلا ونقره سود فراوانی عاید آنها می شد.

شبکه ی اولیه تجارت با گروه های کوچک تشکیل و پس از آن از اتحاد این گروه ها راه برای تجارت دسته جمعی در سراسر دریای اژه هموار شد. آشوری ها با مقررات سختی جهت اجرای این کار و استفاده ی سهل و آسان داد وستد در تمام قلمرو حکومتی، جلوی هرگونه تخلفی را سد می کردند.

هرگروه جمعی دارای فروشگاه ها و بانک هایی بود با اقتدار محلی، که وصول مالیات را هم بر عهده داشتندو این مالیات برای هزینه های محلی بود. کارگاه های شغلی بیشتر در خط فامیلی بود وسود آن هم به خانواده ی تجاری می رسید. گرچه دارائی در صد پایینی بود، معهذا سود حاصله ی آن بیش از صددر صد بود.

گروه های تجاری مسئولیت داشتند که بیلان کار خود را به مرکز اصلی تجاری که در کانش قرار داشت، بدهند که آن مرکز هم جوابگوی دولت آشور بود. مرکز تجارت هرگونه مواد ضروری را تهیه می کرد و روز به روز میزان دارایی و مصرفی را جهت گزارش یادداشت می کرد.

مجسمه و مدل های چوبی کارهنری جدید مصریان (مصر، ۱۹۰۰ پ.م):

هنرمندان مصری به خلق آثار جدیدی می پردازند. آنها مدل هایی از چوب ساخته و در معابد قرار می دهند. آنها به طور اصولی تندیس ها را از سنگ های آهکی می تراشیدند،

لیکن کار جدید، فعالیت روزانه آنها را نشان می دهد که تندیس و مدل های کوچک و بسیار ریز از قبیل خانه،باغ، انبارغله، کشتی و هر آن چه که با زندگی مردم و معاش و داد وستد و خرید و فروش سروکار دارد، به نمایش می گذارد.

بازهم به طور مثال، قصاب را در حال سر بریدن گاو و تجار را هنگام اره کردن تیر و الوار یا نوازنده را درحال نواختن سرود با آلت بادی.

تمام مردم و زندگی آنها، زنان در حال آرد کردن ذرت، نانوا در هنگام خمیر کردن که خمیر آن هم برای ساختن آبجو مصرف می شود، و دیگری مشغول الک کردن آرد که آرد را هم برای خمیر و تولید آبجو که نوشابه ی مورد علاقه‌ی مصریان آن روزگاران بوده، به نمایش گذاشته است.

خدای آمون در رأس و سرآمد خدایان مصر در می‌آید. (مصر، ۲۰۰۰ پ.م):

خدای آمون دیگر خدای اعلی و سرآمد خدایان است. پیش از آن آمون یکی از خدایان کوچک بود که در تبس مورد پرستش بود، اما به تدریج شهر تبس رونق پیدا کرده و توسعه یافت، به طوری که به عنوان پایتخت برگزیده شد، اعتبار خدای آمون (Amun) هم بیشتر شد. به حدی که به نام پادشاه خدایان درآمد و در رأس خدایان با زوجه اش موت (Mut) و پسر او به نام خونس (Khons) خدایان سه گانه قرار گرفتند. خدای آمون به طور فیزیکی پدر تمام فرعون های مصر بود وهدایای زیادی برای سپاسگزاری از سوی پسرانش به معبد او تقدیم می شد که سبب امتیاز بیشتر برای خدا و پرستش او بود.

هدایا برای معبد آمون زیادتر می شد و همین طور شمار زائران و عبادت کنندگان آن فزونی می یافت، به حدی که پرستش آمون به صورت قدرت سیاسی درآمد و نام او هم از نام های بسیار مهم در دربار فرعون محسوب می شد.

تصویرآمون به صورت انسانی که دوپر بزرگ برروی کلاه دارد و برعرشه ی کشتی نشسته، با هیکلی بزرگ، شهوت آلود که نشانه ی باروری می باشد نشان داده می شد. (پرهای روی سر، نشان از خدای پروازوصعود کننده دارد). یک قوچ و یک بزسفید نیز به همراه اوست.

بابل – ایران ۱۱۵۷ پیش از میلاد

در این سال دولت ایلام شکست خورد و کاسیت ها فرمانروای بابل شدند، پس از پیکار سبعانه یی که درگرفت، بابلی ها پیکره خدای مردوخ را پس گرفته و به محل خود بردند. کشور ایلام به وسیله کاسیت ها مسخر و نیرومندی و اقتدار خود را بازیافتند. این سلسله در ۱۵۹۵ پیش از میلاد پایه گذاری شده بود.

اژه ۱۱۵۰ پیش از میلاد

پس از سقوط تمدن و فرهنگ میسنی ، اکثریت جمعیت آن ناحیه به یونان و بنادر دریای اژه کوچ کرده و به تابعیت یونان و اژه ای ها درآمدند. در همان حال که میسنی ها دست به مهاجرت زدند، نخستین یونانی ها به آناتولی آمده و در آنجا ساکن شدند.

بابل – ایران ۱۱۲۰ پیش از میلاد

نبوکدنزر(Nebuchadnezzar) پادشاه بابل به ایلام حمله کرده و به موفقیت قابل توجهی دست یافت و پیکره مردوخ (Marduk) خدای بابل را پس گرفت، پس از مدت کوتاهی از شکست ایلام از بابل، ایسین(Isin) شاه ایلام از سلطنت کناره گرفت و نبوکدنزر پادشاه بابل سلسله چهارم از قوم کاسیت را تشکیل داد. نبوکدنزر از شاهان برجسته و ممتاز این سلسله است.

آشور ۱۱۰۰ پیش از میلاد

شارحان می گویند که حکومت آشور به بیشترین حملات ممکن به سرزمین دیگران دست می آزید که اغلب با موفقیت و پیروزی همراه بود. در عین حال آشور به حرکات و کارهای قهرمانانه خود افتخار می کرد.پس از آن بابل را تسخیر کرد. که توکولتی نینورتا پایه گذار آن بود. این پادشاه در ۱۲۰۸ پیش از میلاد درگذشت.

آشور۱۰۷۷ پیش از میلاد

در این سال تیگلات پیلسر پادشاه آشور درگذشت، او برای آشور عظمت و ثروت و افتخار آورده بود. تیگلات پیلسر(Tiglath Pileser) نفوذ و قدرت خود را بر فنیقی ها (Phoenician) و سراسر دریای مدیترانه و بابل گسترش داد و همواره با مقاومت مختصری روبرو می شد. وی با ساختن دیوارهایی در اطراف شهر نینوا (Nineveh) پایتخت آشور بر مقاومت نظامی آن افزود. تیگلات پیلسر به ترقی و بالا بردن قانون وعدالت اجتماعی و ایجاد کتابخانه در سرزمین آشور کمک کرد.

مصر ۱۰۷۰ پیش از میلاد

پس از دوره شکوفایی و اوج عزت وعظمت ، امپراتوری مصر جای خود را به نقصان و کمبودها می دهد. در دوره ۵۰۰ ساله کشور مصر به اوج افتخار و ثروت نایل شد و گلها به بارنشست و نفوذ و قدرت آن به بالاترین نقطه رسید. هنر ومعماری بسیار ترقی کرد و فرعون های مصر هم به موفقیت های شایانی دست یافتند.

چین ۱۰۲۵ پیش از میلاد

سلسله امپراتوری شانگ به وسیله مردم شوئو(Zhou) منقرض می شود، اینها بومیان وبندگان ناحیه مرزی غرب چین بودند. آنها پایتخت جدیدی در شهر هائو(Hao) نزدیک زی آن هسی آن (Xian Hsi – an) بنا کردند و نفوذ خود را تا غرب گسترش دادند.

نیروی خدای آمون سبب می شود که عبادت کنندگان و نیایش کنندگان رو به ازدیاد گذارند. آمون (Oamun)، او می خواند و گوش می دهدبه صدای تو، ای کسی که تنها در پیشگاه او هستی، ای کسی که می خواهی از فقر به ثروت برسی.

مردمانی که به همدیگر و زیر نظاره ی او ستم روا می دارند، نقره وطلا به مقدار زیاد ذخیره می کنند. لباس های آن چنانی در بردارند، وخدای آمون وزیری را به شاهی می نشاند، در حالی که مرد مستمند در پیشگاه او شکسته نمی شود.

دیگر ستایش کننده به وجود آمون گواهی می دهد که مبشر راستی و صداقت است.

آمون رَع (Amon-Re)، با انگشتان خود در بین زمینیان قضاوت می کند، و در قلب مردمان جای داشته و افکار نیک در آنها پدید می آورد. او همین طور ریشه ی بدی ها را می خشکاند که کیفر بدی ها تنبیه و تکفیر، و عدالت و نیکوکاری پاداش نیک دارد. او هم چنان این ندا را تکرار می کند.

سینوهه (Sinuhe) چهره قهرمان در ادبیات مصر (مصر، ۱۹۶۰ پ.م):

در این زمان افسانه یی به صورت نوشته درآمد (به بهترین شیوه).

این قصه که سینوهه آن را نوشته، شرح و نشانی از سال ها پیش از آن و رویدادهای کشور مصر است.

برابر این داستان، سینوهه ندیم دربارشاه آمنم هت (Amenemhet) اول بوده و هنگامی که پادشاه فوت می‌کند، سینوهه از ترس شورش ملیون، فرار می کند و به تنگه ی سوئز(Suez) در دلتای رود نیل می رود.

او خود را در کویری می یابد که برای اولین بار دشمنانی به او حمله می کنند، در حالی که موجودات خیالی و وحشتناک در آن مکان زیاد است، او از تشنگی تقریباً به حال مرگ درمی آید، اما می خواهد خود را از شرقبایل بدوی حفظ کند. سپس شخصی که سرپرست یک خانواده بود، سینوهه را به رهبری قبیله بر می گزیند.

این یادداشت ها سفرنامه ی جالب و دلنشینی است که از مراحل گوناگون مسافرت و طرز فکر و احساس او نسبت به زندگی در صحرا که به طور مشروح بیان کرده است.

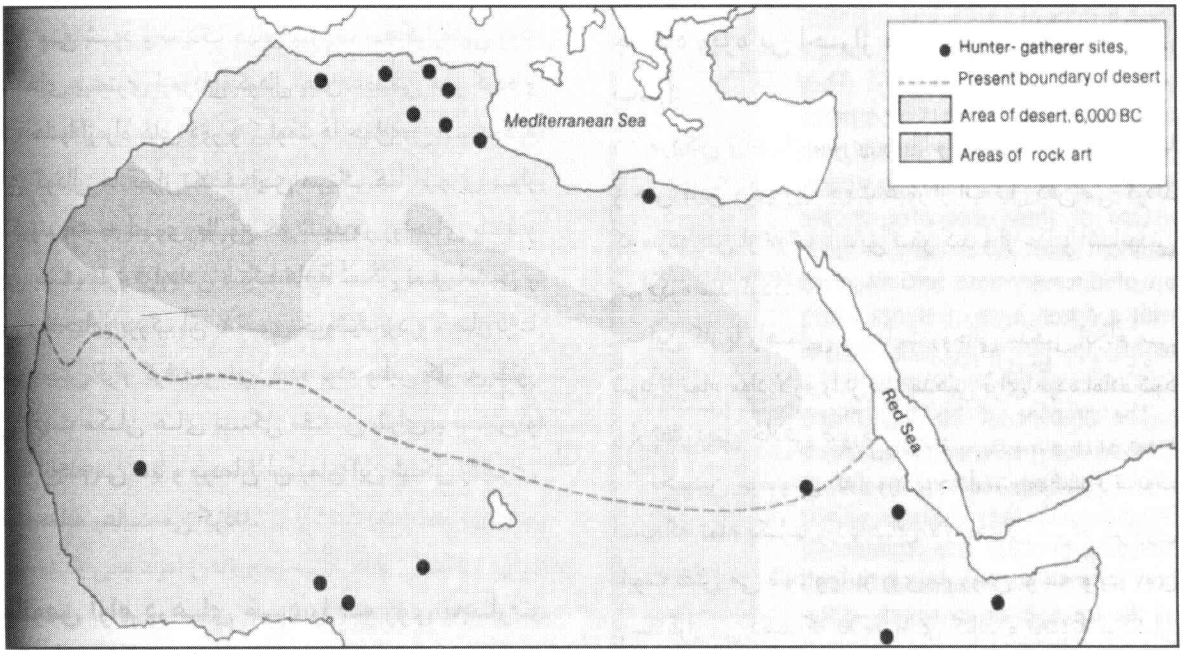
او کینه و عداوت خود را نسبت به صحرا فراموش نکرده، لیکن حس میهن پرستی او را هم از بین نبرده است، هنگامی که فرمانی از جانب سسوستریس اول (Sesostris)، پادشاه جدید مصر به او می رسد، سینوهه آن را پذیرفته و بسیار خوشحال می شود. او در ضمن یک پست مهم را دارا می شود، لیکن قول می دهد که معبدی جهت کودکان درباری بسازد. سینوهه این نمونه را در ادبیات مصر برجا می گذارد. پیشگویی او از نگارش این جریان حتی برای آینده، بسیار مهم و در ادبیات مصر باقی ماند.

مردمان ساحل رود زرد برای تغییرات شدید اجتماعی آماده می شوند. (چین، ۲۰۰۰ پ.م):

در زمینه ی فرهنگی، روشی خاص در وضع اجتماعی مردم فلات مرکزی رودخانه و ناحیه ی لونگشان (Longshan) پدید می آید. مخصوصاً پیشرفت های زیادی در کشاورزی حاصل می شود، آنها کشت ارزن و سایر دانه های غلات را توسعه داده و حیوانات اهلی، مانند سگ و خوک و گاو را پرورش می دهند. ساخت سفال به بهترین وجه و فرم های بسیار زیبا با جدار بسیار نازک و با رنگ های قشنگ به دست هنرمندان سفالکار انجام می شود و اینگونه سفال ها جایگزین سفال های بدشکل و بی قواره ی قبلی می شود.

طبقات اجتماعی تغییر می کند و مردم ولخرج و مسرف و پولدار به تعداد زیاد در شهرها جای فقرا را می گیرندو زندگی مردم بهبود می یابد. درحالی که فقرا درگودال ها و غارها زندگی می کردند، ولی پولداران و ثروتمندان در خانه های خود استراحت می کردند. از سنگ های قیمتی مهره های صیقلی و صفحه های زیبا و هم چنین صدف های دریایی به صورت های گوناگون ساخته می شود. زن در این زمان مقام والایی ندارد و این حالت در زنان فقیر و ثروتمند فرقی ندارد، آنها را باکمترین مراسم در هنگام مردن دفن می کنند.

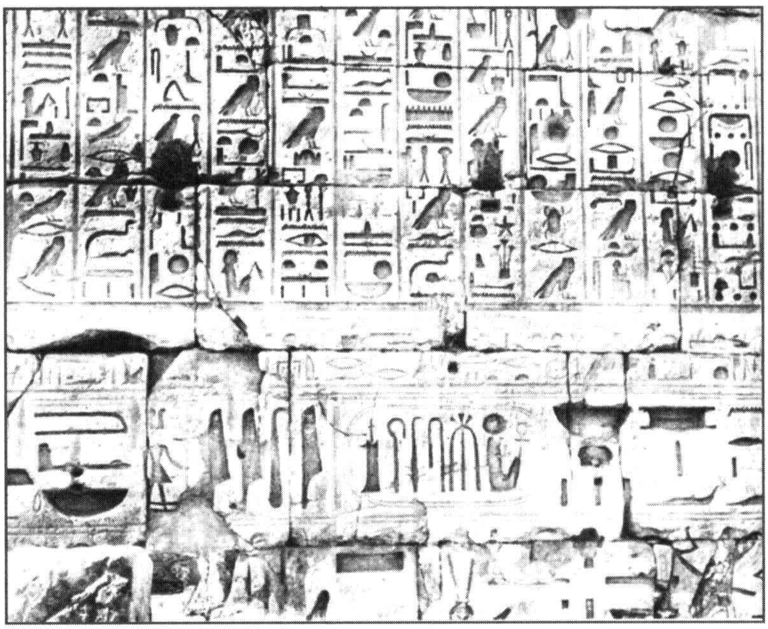
برای ساخت مکان های سنگی مقدس، از سنگ های غول آسا استفاده می شود. (بریتانیا، ۱۷۰۰ پ.م):



نقشه‌یی با مناطق مسکونی که در صحرای افریقا به‌وجود آمده.



عروسکی از سنگ مرمر با چشمانی بسیار درشت و بی‌قواره از سوریه (Syria)



خط تصویری (هیروگلیف) (Heiroglyph) مصری که بر روی سنگ حک شده و در ناحیه‌ی کارناک (Karnak) به‌دست آمده است.

برای بنای مکان های مقدس باستانی، کارهای بیشتری انجام می شود و سنگ های بزرگ به کار می رود. دسته های بیشتری ازمردان گودال های عظیمی حفر کرده و سنگ ها را از راه های دور و کیلومترها حمل می کنند که در آن گودال ها قرار دهند. این سنگ ها طوری قرار می گیرند که به سوی طلوع خورشید در روزهای بلند و آفتابی باشد. طرز قراردادن سنگ ها به شکل نعل اسبی و قوس و انحنای بزرگ آن به سوی خورشید بود و حصار برپا شد آن چنان قرار گرفته و سرپا شده بوده و این کار به طور یقین جهت مکان های سنگی مقدس برای پرستش و عبادت انجام می شد و مردمان آن زمان این شکل را برای ساخت معابد رعایت می کردند.

اقیانوس آرام درهای خود را به روی تجارت می گشاید. (ملانزی، ۱۷۰۰پ.م):

بازرگانان مقیم مجمع الجزایر بیسمارک در جنوب غربی اقیانوس آرام، از جزایر محل سکونت خود جهت داد و ستد خارج شده و به نقاط دیگر می روند. این مهاجرت ها نخستین بار در قبایل لاپیتا (Lapita) خیلی سریع آغازشد و اهالی این جزایر در سراسر منطقه به طور گسترده پخش شدند. قبایل لاپیتا در نواحی دور از کرانه ی جزایر متعلق به خودشان مسافرت کردند و در محل های جدید آنان به پرورش خوک اقدام کردند وکشت انواع گیاهان مغذی غده‌یی مانند سیب زمینی شیرین (هندی) و گیاه گوش فیل را در آن مناطق رواج دادند، آنها هم چنین با بردن نهال های درختان میوه و گردو وفندق آنها را درمحل های اقامت جدید خودکشت کردند.

این مردم به ساختن قلاب جهت صید ماهی اقدام و به صید ماهی صدف و لاک پشت سبز پرداختند. در ضمن جهت تکمیل مواد غذایی به پرورش خوک و مرغ و خروس دست زدند و سگ را اهلی کردند.

همراه با رفتن طوایف لاپیتا به جزایر خالی از سکنه ی اطراف، آنها هم چنین از کاربرد سنگ های گوناگون بهره بردند همین طور از سنگ ها و شیشه های آتشفشانی برای ساخت خانه استفاده می کردند و وسایل زیادی تهیه کرده و ساختن انواع سفا ل ها هم به اشکال مختلف شروع شد.

از این پس در مقابر و آرامگاه ها کتابت و نوشته، جایگاه ویژه یی احراز می کند. (مصر، ۱۷۰۰ پ.م):

مردگان و اجساد مصری را با انواع غذاها و آشامیدنی ها و حتی قایق های زیبا جهت عبور از آب نیل دفن می کردند که مرده پس از مرگ با قایق سفر کند و از غذا و آشامیدنی هم بهره مند گردد.

این کار با راهنمایی و هدایت روحانی مذهبی انجام می شود تا تمام مواد لازم را از نظر مذهبی برای مرده آماده شود و از نظر دینی خلافی صورت نگیرد.

نخستین موضوعی که مورد توجه است، موضوع تابوت است که تمام نکات و دعاهای لازم برای مرده بر روی تابوت نقش می شود و یا بر روی پاپیروس نوشته و بر روی جسد قرار می دهند که به منزله ی کتاب و نوشته مردگان است، موضوع ها و مطالب زیادی در این جا آورده می شود، که از جمله ی آنها برگشت زندگی و مراجعت دوباره ی روح به جسم آدمی است که بایستی تحت مراقبت و مواظبت ویژه قرار گیرد و ر وح با آرامش رجعت کند.

بسیاری از این موضوع ها خیلی زیباست که چگونه روح هر شخص با نام ویژه ی او منطبق است و روح هر نفر به جسم خود او برمی گردد و تداخل انجام نمی شود، و همین طور افسون هایی جهت راندن اشباح مخوف و ترسناک به کار می رود. این کار برای تشفی قلب و مراقبت از آن برای رهایی و ترس از تاریکی تابوت و فراراز آن و رسیدن به باغ های مفرح و برگشت به زندگی خانوادگی و نسیم فرح بخش و استفاده از باد شمالی است.

قانون گزاری به وسیله ی شاه بنیان می گیرد. (بابل، ۱۷۶۰ پ.م):

قوانین هامورابی در روی تخته سنگ ها، حکاکی و نقرشده است. در معبد مردوخ خدای بابلی، این تخته سنگ‌های نقش شده، در قسمت بالای آن کار گذاشته شده که نشانه ی کاربرد اولیه قانون به وسیله ی هامورابی سر سلسله‌ی پادشاهان بابل است. از آن پس، سایر پادشاهان بابل این قوانین را برای میان روادن و مردم آن سرزمین مراعات کرده و بر طبق آن عمل می کردند، درحالی که

اسرائیل ۱۰۲۰ پیش از میلاد

در این هنگام شائول (Saul) پادشاه اسرائیل نخستین حکومت سلطنتی را تشکیل داد. اقوام مختلف اسرائیلی را در کنعان گردآورده سکونت داد، و رهبری قوم را تحت قوانین محلی و قبیله یی خودکه در بین سال های ۱۰۲۰- ۱۱۹۰ پیش از میلاد وضع شده بود، یکپارچه ساخت ، شائول درٌ عین حال فرماندهی نظامی و حکومتی را توأمان بر عهده داشت و فرمان های یهووه(Jahovah) (خدای اسرائیلی) را ابلاغ می کرد.

پرو ۱۰۰۰ پیش از میلاد

تمدن ونفوذ پروئی که تنها در منطقه شاوین دوهوآنتار (Chavin de Huantar) حاکم بود ، اکنون به دره موچه (Moche) در شمال و دره نازکا(Nazca) واقع در جنوب گسترش یافت. بومیان در ساخت سفال ، تزئینات طلا ، حکاکی بر روی سنگ و نیز بافتن تبحر داشتند. در کارهای رسمی و نظامی شیوه ویژه خود را داشتند و از نظر مذهبی یک نوع بت را پرستش می کردند که به شکل گربه بود.

جنوب افریقا ۱۰۰۰ پیش از میلاد

بومیان سواحل جنوب افریقا در منطقه امیدنیک به پرورش سگ جهت شکار می پرداختند و به نام خویزان (Khoisan) نامیده می شدند.

اسرائیل ۱۰۰۰ پیش از میلاد

شائول پادشاه اسرائیل با تصرف اورشلیم (Jerusalem) آنجا را پایتخت خویش قرار داد.

مصر ۹۴۵ پیش از میلاد

فرعون مصر به نام شوشینگ (Shoshenq) با سربازان اجیر به عملیات نظامی علیه فلسطین اقدام کرد و پس از تسخیر وغارت آنجا را پایگاه خود قرار داد که پشتیبان اقدامات جنگی او باشد.

اسرائیل ۹۲۵ پیش از میلاد

یربعام (Jeroboam) نخستین پادشاهی است که اسرائیل را به دو بخش کرد ، پس از مرگ سلیمان با یک طغیان علیه اقوام شمالی به رهبری یربعام. وی موفق شد ، جنوب را از شمال مجزا کرده و در بخش جنوبی دولت یهود را تشکیل دهد.

شمال افریقا ۹۰۰ پیش از میلاد

بخش شمال شرقی افریقا به نام نوبه(Nubia) کوش (Kush) به مدت هزار سال زیر سلطه حکومت مصر درآمد که پایتخت آن را به نام ناپاتا (Napata) می نامیدند.

اسرائیل ۸۸۴ پیش از میلاد

امری (Omri) شاه اسرائیل ناحیه زیمری(Zimri) واقع در سوریه را غصب کرده و آن را جزو سرزمین اسرائیل قرار داده و به پایتختی برگزید.

قیمت های اجناس را ثابت نگاهداشته و شاهان عفو عمومی اعلام کرده بودند و مجازات های گذشته را بخشیده بودند.

مجموعه قوانین هامورابی، شامل ضرورت های زندگی آن دوران بوده که به موجب آن فرمان، تمامی مراقبت ها را برای همه افراد بیان می دارد که اخلاق و رفتار و شیوه ی زندگانی را بر روی آن بنا نهند. براین منوال،مردم به سه دسته تقسیم می شدند که شامل آزاد مردان و سرف ها یا رعایا و بندگان یا غلامان بودند که حقوق و مزایای هر طبقه و دارایی آنها برحسب طبقه ی ویژه ی آنها جایگزین سیستم قدیمی تر سومر شد.

مجازات جراحی که سبب ناراحتی و از بین رفتن عضو بیمار می شد، قطع دست و نیز مجازات معماری که باعث خرابی ساختمان و احیاناً مجروح شدن افراد می شد، قطع انتهاها و شاید گاهی انگشتان می شد. زن زناکار را شوهر او می توانست بکشد، لیکن تنها شاه می توانست او را عفو و از مرگ نجات دهد. اگر زنی زندانی می شد، و خرج خوراک در منزل نداشت، می توانست با مرد دیگر همبستر شده و خرج زندگی خود را تأمین کند.اگر مردی می خواست زن خود را طلاق دهد، بایستی زندگی زن را ازنظر مالی جبران کند. زن بیوه می توانست تا آخر عمر با مرد دیگری که دلخواه او بود به سر برد.

مردم در حالت طبیعی و زندگی ثابت خود بر حسب قبیله و تیره ی ویژه، دارای زمین، غله (ذرت)، گوسفند و گاو بودند که شاه در اختیار آنها قرار می داد و آنها هم با صداقت و وفاداری به شاه از آن بهره مند می شدند.

فالگیرها رویدادهای آینده را پیشگوئی می کنند. (بابل، ۱۸۰۰ پ.م):

کار فالگیرها یا غیب گوها برای طلبه ها، دانشجویان و فلاسفه بسیار مهم بود. حتی شاه هم جهت ایجاد خاکریزها و جنگ با دشمن به بنای معابد بدون مشورت با آنها اقدام نمی کرد.

پیش از این بلاها و مصیبت ها را آنان پیشگویی و خسارت های وارده را تخمین می رندند. به باور آنها رویدادهای طبیعی و کائنات درتحت تأثیر حرکات متناوب انجام می گردد و ارتباط با هم دارد. حفره ی عظیمی در

کائنات و کیهان وجود دارد که از شبکه های به هم پیوسته و در هم پیچیده از نیروهای هم نوا و موافق تشکیل شده که فواصل آنها بسیار متغیر و متفاوت با هم می باشد. درنتیجه، بستگی انسان با حیوانات و نیز ارتباط و وابستگی آنها با سایر اجسام و اشیاء را می توان تشخیص داد.

در زمان معینی، بعضی از نیروها برضد ومخالف نیروی دیگر عمل می کنند و برخی با هم وابستگی دارند. غیب گوها و منجمان معتقدند که می توان از این نشانه ها به اعمال و افکار درونی و طبیعی انسانها پی برد و کار اندام های درونی انسان، واکنش بیرونی ایجاد می کند.

به طور مثال، شکل و ظاهر روده ها و اندام داخلی گوسفندان و چرخش و پیچش روده ها نشانه هایی چند ایجادمی کند، من جمله، پسر شاه در به دست آوردن تخت و تاج شاهی موفق می شود، یا خیر. هم چنین نفخ و بادکردگی روده ها حکایت از آن دارد که فرد دیوانه یی زمام امور را به دست می گیرد. اگرروده های کوچک نفاخ باشد، حاکی از آن است که روستازاده یی به سلطنت می رسد.

غیب گویان میان رودان مدعی بودند به دانستن این که ارتباط انسان با طبیعت بسیار تنگاتنگ است واین حالات را در معابد، که انسان با روح و عشق درونی، خود را از جسم فارغ حس می کند، می توان مشاهده کرد.

شکوفه های ادب در سومر به بار می نشیند. (میان رودان، ۱۸۰۰-۱۹۰۰ پ.م):

در این زمان زبان سومری رو به انحطاط می رود وافراد روشنفکر برای شکوفا شدن و رونق دگرباره ی آن، در مکان هایی لوحه هایی از آن را نگهداری و حفظ می کنند.

این کوشندگان ادبی، تشکیلات مفصلی به وجود می آورند، که طالبان علم و استعدادهای درخشان را جذب می کند و این مجامع ادب و فرهنگ بیشتر خانوادگی و خویشاوندی است که به طور مثال، پدر خانواده به فرزندان تعلیم می داد و برادر بزرگ، روح ذوق و فراگیری علم را در برادر کوچک خودمی پرورانید، شاگردان طرز جمله بندی، دستور زبان و ساختمان و ترکیب جمله را فرا می گرفتند و می نوشتند. همین طور انتخاب جملاتی برای خلق آثار ادبی رونق داشت.

درهرحال، درمعابد و پرستشگاه ها بیشتر با این شیوه سروکار داشتند و این آثار نسخه برداری می شد.

به تدریج شبکه یی از مکان هایی که محل جمع آوری لوح ها بود، به وجود آمد، که بر روی آنها اسطوره ها، حکایات و ضرب المثل ها جمع آوری شده بود که برخی باورها را شرح می داد و روابط بین انسان و طبیعت که ریشه در هستی و کائنات داشت و مسائل دیگری که با عقاید عمومی هم رنگ بود، درآن یافت می شد. همین طور سرودهای روحانی در ستایش خداوند وشاه، مراسم عزا و سوگواری در پی بلایای طبیعی و بروز طاعون و کشتار آن و بدبختی و پریشانی آن ایام، افسانه هایی درباره ی حیوانات، گیاهان و درگیری انسان با آنها و شکار حیوانات، مسابقات ورزشی، پندها و ضرب المثل ها و آموزه ها وحکایت های قهرمانی، مانند گیل گمیش و نیز افسانه هایی راجع به گذشته های دور شهر اوروک.

ملخ ها را برای سرگرمی و رضایت شاهان ماری کباب می کنند. (میان رودان، ۱۷۰۰ پ.م):

پادشاهان ماری درمیان رودان در کاخی زندگی می کردند که دارای ۳۰۰ اتاق و حیاطی به اندازه هفت جریب بود.

این کاخ هم چنین دارای اتاق های بارعام رسمی، اقامت گاه و آپارتمان ویژه ی شاه، جایگاه مهمانان پادگان، یک مدرسه، نمازخانه ها، آشپزخانه ها، اتاق های پیشخدمتان و محل خدمات بود. حیاط بزرگ کاخ در حدود یک کیلومتر مربع وسعت داشت که درختان نخل در سراسرآن کاشته بودند.

درحیاط دیگر، سراسر مزین به نقاشی های دیواری که همه ی افراد در حال احترام و کرنش خداوندان هستند. این کاخ با آجربنا شده و دیوارها را با گچ پوشانده بودند. پی ساختمان در بیرون به کلفتی ۱۳ متر بود. کاخ اصولاً پنجره نداشت، لیکن درها سراسری و سوراخ هایی در سقف ها جهت ورود نور تعبیه شده بود. لوله هایی جهت خروج آب باران از بام ها درست کرده بودند که آب را به خارج ساختمان هدایت می کرد. غذای شاهانه بسیار عالی و از گوشت گاو وگوسفند وغزال به مقدار زیاد تهیه می شد.

مصر ۸۷۴ پیش از میلاد

اوسرکن(Oserkon) دوم بر تاکه لوت (Takelot) اول پیروز و پسر او، نیم لوت (Nimlot) که سرپرستی معبد آمون (Amon) را بر عهده داشت برکنار کرد. او تعداد بیشتری معبد بنا کرد. این معابد درتانیس (Tanis) و لئونتوپولیس(Leontopolis) تل ال مقدم (Tell – el – muqdam) بنا شد و تالاری هم برای برگزاری جشن ها در بوباستیس (Bubastis) تل باستیس(Tell Basta) ساخت.

آشور- سوریه ۸۳۸ پیش از میلاد

شالمنسر (Shalmaneser) سوم پسر آشورنزیرپال (Ashurnasirpal) دوم برای بار سوم شروع به دست اندازی بیهوده به سوریه کرد که نتیجه نداشت.

ارمنستان ۸۳۰ پیش از میلاد

در این هنگام ساردور(Sardur) در سرزمین اورارتو واقع در ارمنستان، حکومت جدید هوریان را پایه گذاری کرد که این حکومت در شمال فرینژس (Fringes) و پایتخت آن هم به نام توشپا (Tushpa) در ساحل دریاچه وان (Lake Van) قرار داشت.

آشور ۸۲۷ پیش از میلاد

شورشی اصیل علیه شالمنسر سوم درگرفت به طوریکه پسر او را در آتش سوزانیدند. این شورش مقاومت قابل توجهی برضد اشراف بود.

شمال افریقا ۸۱۴ پیش از میلاد

فنیقی ها حکومت کارتاژ (Carthage) را بنیان نهادند.

میان رودان ۸۱۱ پیش از میلاد

پس از درگذشت شالمنسر سوم پادشاه آشور، شمشی اداد (Shamshi Adad) پنجم به جای او به پادشاهی رسید. او شورش داخلی کشور را که برادرش در بابل ایجاد کرده بود خواباند و او را مطیع ساخت. شمشی اداد در این پیکار سود فراوانی برد، به طوریکه موقعیت بابل بسیار ضعیف و تحقیر شد و پادشاه را به حد پرستش، ستایش کردند و در آشور به مقام الوهیت رسید. شمشی اداد بالاخره پیش از مرگ خود از بابلیان انتقام گرفت و شورش آنها را با نیروی نظامی سرکوب کرد.

آشور – سوریه ۸۰۶ پیش از میلاد

اداد نیراری(Adad Nirari) سوم که قدرت خود را به عنوان پادشاه آشور تحمیل کرده بود به سوریه حمله برده وارد دمشق شد واز اهالی سوریه مالیات و باج و خراج فوق العاده بازستاند. او در سال ۸۱۱ پیش از میلاد در هنگام مرگ پدرش خیلیّ جوان بود ، به طوریکه مدت ۵ سال مادرش زمام امور کشور را در دست داشت. مادر اداد نیراری سوم همان ملکه سامورامات (Sammuramat) بود که به نام سمیرامیس (Semiramis) شهرت داشت.

ایران ۸۰۰ پیش از میلاد

نژاد هندوایرانی که از سوی شمال سرزمین ایران در ۳۰۰ سال پیش مهاجرت کرده بودند در قالب اقوام ماد (Medes) وپارسی در فلات ایران مسکن گزیده و نیروی مستحکمی تشکیل دادند.

درحالی که ماهی به ندرت مصرف می شد. ملخ را به سیخ کشیده و کباب می کردند که غذای لذیذ و مورد طبع بود، تخم شترمرغ، سبزیجات، نان و گوشت شیرین شده هم جزو غذاها محسوب می شد.

آبجو که از تخمیر جو به دست می آمد و نیز شراب تاکستان های سوریه که به مدت یکسال در مرداب های زیرزمین جهت رسیدن باقی می ماند جزء نوشیدنی ها بود.

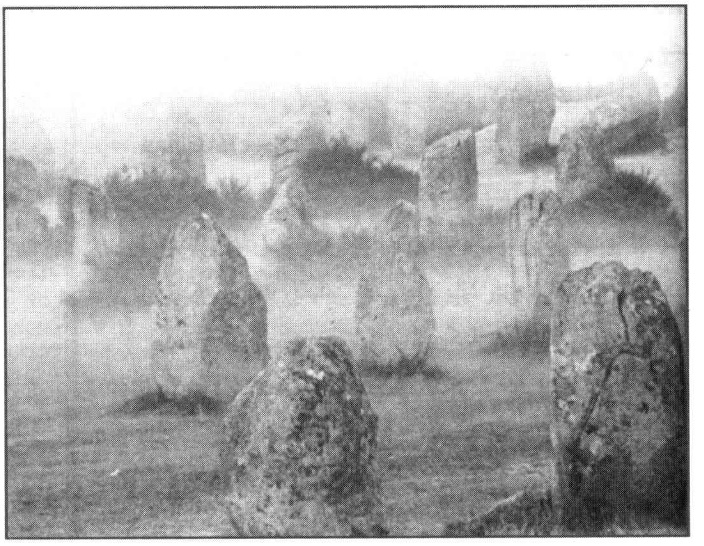
شاه در سر میزی که نزدیکان و بزرگان هم در آن شرکت داشتند، غذا صرف می کرد، درحالی که ملکه بر روی میز دیگری غذا می خورد.

شاه لباس ساده می پوشید، درحالی که کلاه ویژه ی بابلی بر سر می نهاد و کمربندی بر روی لباس می بست. او به سرعت راه می رفت، به جز هنگامی که در حیاط کاخ خود بود. شاه به دیدن مردم نمی رفت، همین طور به معبد هم قدم نمی گذاشت و شهر پایتخت را هم نمی پیمود، بلکه خداوندان را به حضور می پذیرفت و آنها به دیدن شاه می آمدند.

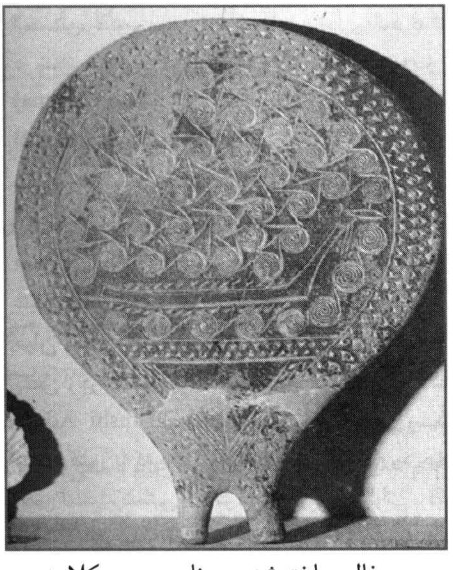
در مینوآن (Minoan) واقع در جزیره ی کرت، کاخ های جواهر آسا بنا می شود. (کرت، ۱۷۰۰ پ.م):

پس از زلزله بسیار شدیدی که با خرابی و ویرانی بسیار همراه بود، کاخ های جزیره را با سبک و اسلوب جدید و بسیار شکیل تر و عالی تر از پیش بنا نهادند. شاه مینوس (Minos) درکنوسوس(Knossos) اقدام به ساختن کاخی با معماری دادالوس (Daedalus) به وسعت بسیار زیاد و در اطراف حیاط مرکزی کرد که بیشتر به سمت شمال جنوبی بود.

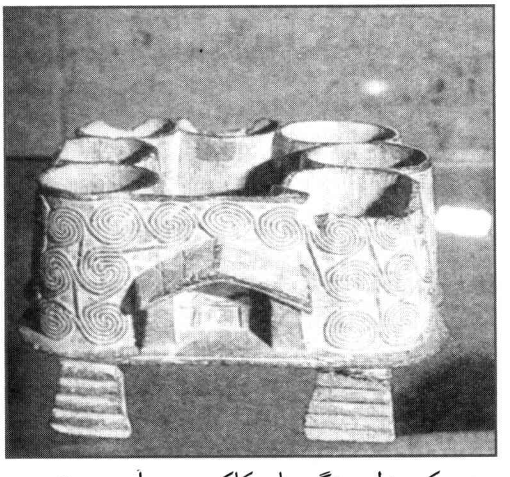
دراطراف اتاقی که تخت سلطنتی درآن قرارداشت و آپارتمان شاهی، معبد و زیارتگاه و ساختمان های اداری بنا شده بود و همین طور انبارهای غله و زراد خانه و کارگاه ها وجود داشت. نزدیک به مرکز کاخ، پیکَره ی زنی به نام الههٔی مار بر سکویی قرارداشت. این الهه که پیکری متناسب با کمری باریک و شلواری چسبان در برداشت، با بلوزی که یقه آن باز و پستان های او نمایان بود، نشان داده می شد، در حالی که چند مار را با دست می فشرد و به آن الهه ی مار لقب داده بودند.



مه صبحگاهی در منطقه‌ی کارناک بریتانی که سراسر آن را سنگ‌های یادبود فرا گرفته، این ناحیه بین سال‌های سه تا دو هزار پیش از میلاد به این‌صورت درآمده است.



سفال ساخته‌شده در ناحیه‌ی سیکلاد (Cyclades) از جزایر یونانی.



یک مدل سنگی با حکاکی روی آن، جهت نگهداری گندم و آرد، از ناحیه‌ی سیکلاد



قهرمان افسانه‌یی گیل گمیش (Gilgamesh) و حیوانات.

در روستاهای اطراف کاخ هم در خانه های روستایی و در مکان های ویژه دستگاه های تهیه ی روغن زیتون و تخمیر و تقطیر شراب وجود داشت، و نیز در پشت خانه ها محل نگاهداری و آغل گوسفندان بود که از پشم گوسفندان برای تهیه ی پارچه و بافت آن استفاده می شد.

شیوه ی زندگی و فراهم آوردن مواد مورد نیاز و خودکفایی را اهالی کرت از مصریان آموختند و اصل سندی که به صورت لوحه موجود است، این امر را ثابت می کند.

کاخ های ساخته شده در کنوسوس و دیگر بناهای جزیره دراصل از ساختمان های اصلی اقتباس شده و مکان هایی هم جهت قبرستان و دفن مردگان درنظر گرفته شده بود.

از سویی این ساختمان ها جایگزین ساختمان های پیشین که به شکل مربع مستطیل بنا شده بود، گشت.

درمالیا (Malia) شهرکی که درشمال کرانه ی دریا واقع شده بود تعدادی ساختمان اداری بنا شده بود که با فاصله از کاخ ها قرار داشت واز آن ها مجزا بود. قبرستان را درمحلی صخره یی نزدیک دریا و در دامنه ی تپه های سنگی که عرض کمی داشت و در ضمن مسیر باد بود قرار داده بودند، این ناحیه را گورنیا (Gurnia) می نامیدند که از ساحل دریا قسمت باریکی دیده می شد که نزدیک آن خانه های روستایی قرار داشت. برخی از این خانه ها با وسایلی مبله شده بود که چوب های آن را از فاصله ی ۵۰ کیلومتری می‌آوردند و در سراسر جزیره به کار می رفت. یک راه پرپیچ وخمی هم در کنوسوس وجود داشت که گفته می شد در آن جا نیای بزرگ شاهان مینوس (Minos) قرار دارد که با جثه ی بزرگ انسانی و سری به شکل گاو نر مشاهده می‌شد که آن را به نام مینوتار(Minotaur) می نامیدند.

سفالگران هیتی به روش هنرمندانه دست می زنند. (آناتولی، ۱۶۰۰ پ.م):

هیتی ها (Hitite) طرز ساخت سفال را تغییر دادند که زیربنای قبلی درآن رعایت، لیکن با سرعت بیشتری سفال ها تهیه می شد. طرز کار را آنها از نیاکان و اسلاف خود آموخته بودند، درحالی که قوم هاتی که به آنجا مسافرت کرده بودند، وسایل مورد نیاز خود را از جنس فلز مثل مس ونقره

هندوستان ۸۰۰ پیش از میلاد

مردمان نژاد هندوآریایی که چند سده قبل به هندوستان کوچ کرده بودند در شمال هندوستان و سراسر پاکستان مقیم شدند. این قوم توانستند در محل سکونت خود به کشاورزی و کارهای دیگر دست بزنند و درراه پیشرفت و آبادانی منطقه خدمات شایانی انجام دهند.آنها در عین حال به دره رود گنگ رسیده و با از بین بردن جنگل ها و تسطیح زمینها تشکیلات شهری در آنجا به وجود آوردند که اکثریت آنها از نژاد هندوآریایی بودند.

ساردنی ۸۰۰ پیش از میلاد

جزیره ساردنی(Sardinia) مدت ۲۰۰ سال جدا از سایرسرزمین ها و درحالت انزوا به سر می برد ومردم به معماری و پیکره سازی مشغول بودند. معماران برج هایی به شکل مخروط سربریده (مخروط ناقص) با حصار سنگی می ساختند. پیکره سازان هم تندیس هایی از برنز به صورت انسان ، حیوانات وخدایان درست می کردند و نیز بزرگترین الهه به صورت زنی که کودکی را در بغل دارد نشان داده می شد.

ایتالیا ۷۹۰ پیش از میلاد

در اطراف وحومه رم کلبه ها و خانه های ابتدایی با محوطه اندرونی در دامنه تپه ها وهم جوار کاخ های مجلل ساخته شده بود. مردم این نواحی زندگی خودرا با صید ماهی و شکار وتهیه مواد غذایی گیاهی، مانند گندم وجو وپرورش خوک وبز می گذرانیدند.

یونان ۷۷۶ پیش از میلاد

بازی ها و مسابقات ورزشی المپیک برای نخستین بار شروع می شود.

چین ۷۷۰ پیش از میلاد

پس از سقوط شهر غربی شوئو(zhou) پایتخت جدید هائو(Hao) به لوئویانگ(Luoyang) منتقل می شود و منطقه نفوذ آن تا دره ویی (Wei) و پایتخت پیشین ، سرزمین استان کین(Qin) چه این (Ch'in) گسترش می یابد.

ایران ۷۷۰ پیش از میلاد

درجنوب دریاچه ارومیه پادشاهی کوچکی به نام مانا یا مانیان (Manneans) با مردمی که به سواری علاقه وافر داشتند و بیشتر در پشت منازل خود اسب داشتند و نیز به کارهای فلزی می پرداختند، زندگی می کردند. این کشور کوچک جنگهای زیادی به خود دیده که بین آشوری ها و اورارتو(Urarto) درمی گرفت. لیکن مردمان این سرزمین عادات و رسوم با فرهنگ های گوناگون مانند یونانی ها، آشوری ها، اسکیت ها(Scythian) داشتند. درناحیه حسنلو، آنها استحکامات نظامی، دژها، پناهگاهها، معابد و قصرهایی هم ساخته بودند.

مدیترانه ۷۷۰ پیش از میلاد

یونانی ها در سراسر کرانه مدیترانه وغرب آسیا مجتمع و شهرک هایی بنا کردند.

می ساختند و شیوه ی فلزکاری را در آناتولی رواج دادند که تحت تأثیر کار هند واروپایی و میان رودان بود.

این طرز کار در ساختن گلدان ها و ظروف و لوله های انتقال آب و وسایلی که برای معابد و رسوم مذهبی به کار می رفت و حتی مدل لباس وکلاه آناتولی اقتباس از تمدن های دیگر و الگوبرداری شده بود.

کارپات ها (Carpathian) پادگان های نظامی ایجاد می کنند. (کارپات، ۱۷۰۰ پ.م):

کارپات ها یک سری پادگان هایی در مسیرهای کوهستانی با سنگ و مصالح بسیار مستحکم می سازند که برای تسهیل تجارت در ناحیه ی چکوسلواکی و ترانسیلوانیا (Transylvania) بنا شده، دراین مسیر کاروان های بازرگانی از آلمان و دانمارک عبور می کرد که حامل وسایل ساخته شده از مس وقلع و یا فلزهای خام بود، این سازه ها بیشتر وسایل جنگی و سلاح بود که مورد نیاز این نواحی به شمار می رفت که از معادن کشور رومانی کنونی به دست می آمد. گاهی هم این کاروان ها مورد هجوم قرار گرفته و یا به آتش کشیده می شد، این استحکامات را برای حمایت و پشتیبانی راهها درست کرده بودند. از خاک این منطقه حتی طلا و کهربا هم استخراج می شد که ثروت سرشاری بود.

دراثر آتشفشان جزیره نابود می شود. (دریای اژه، ۱۵۰۰ پ.م):

جزیره ی سانتورینی (Santorini) دراثر آتشفشانی عظیم نابود می شود و خرابی های بسیار به بار می آورد، اهالی و ساکنان آن در زیر این بلای طبیعی جزیره راترک می کنند و قشر بسیار ضخیمی از خاکستر و مواد آتشفشانی و مذاب بر روی زمین های جزیره پراکنده می گردد. قسمت اعظم جزیره ی سانتورینی به زیرآب دریا رفته و محو می شود.

هم زمان با آتشفشان، لرزش زمین شروع شده و زلزله، با جنبش های شدید به تخریب بیشتر آن کمک می کند. ساکنان جزیره به سوی مرکز و شهر آکروتیری (Akortiri) فرار می کنند، درحالی که تعداد کمی از وسایل و اثاث گرانبهای خود را که قادر به حمل آن بودند می برند.

پس از آن از دهانه ی آتشفشان سنگ های بزرگ به سوی خانه های اهالی پرتاب می شود.

روز بعد مشاهده می شود مثل این که یک پتوی بزرگ بر سراسر جزیره کشیده شده است.

در نتیجه هزاران تن مواد مذاب آتشفشانی و خاکستر برزمین جزیره ریخته شده، و دریا هم با حرکات زلزله و آتشفشان به فرو رفتن زمین درآن کمک می کند و مردم بی پناه در این ویرانی نابود می شوند.

زندگانی در جزیره ی سانتورینی ناپدید می شود. فرآورده های غذایی مانند سبزیجات، ماهی خشک شده، غله، روغن زیتون و شراب که در انبارها ذخیره شده بود با اهالی که در طبقه بالا زندگی می کردند، نابود گشت. در هر خانه اتاقی جهت عبادت وجود داشت. در این اتاق با نقاشی های دیواری که نمایی از حیوانات، قایق ها و گیاهانی مثل سوسن یا پاپیروس و چیدن گل زعفران و جانوری گربه مانند که در حال حمله به اردک هاست و نیز ماهیگیری که ماهی های زیادی صید کرده در دست دارد. شهر آکروتیری و مردم آن با وقوع آتشفشان و زلزله ی توأمان، در زیر گدازه ها دفن شدند، در حالی که تمدن قدیمی آن ها هم با اهالی مدفون شد و کاشفان بعدی پس از جستجوی زیاد به تمدن درخشان و در حال رشد آنها پی بردند که مردمی در جزیره ی کوچکی در دریای اژه مایه ی عبرت آیندگان شد.

مصریان درحمله هیکسوس ها (Hyksos) با محاصره ی طولانی شکست خورده و از هیکسوس ها اربابان جدید پدید می آید. (مصر، ۱۵۵۰ پ.م):

پس از محاصره ی دراز مدت، هیکسوس ها در استحکامات پایتخت به نام آواریس (Avaris) که در شمال شرقی دلتای نیل قرارداشت، بالاخره پس از ۱۴۰ سال دفاع مصری هاقشون بیگانه موفق به فتح آنجا می شوند.

لشگریان پیروز هیکسوس سپس به تعاقب دشمن پرداخته و به فلسطین و سوریه حمله می کنند و اکنون با همیاری آتش هیکسوس در آسیای غربی به پیش می رانند. اقوام آسیایی در این حملات با غارت شهرها به ثروت سرشاری رسیدند و مصریان ضعیف و بی چیز ساحل دلتا، بالاخره شکست را پذیرا می شوند.

دراین نبردها نقش ارابه های جنگی و سایر سلاح های دشمن چشمگیر بود. برطبق گزارش های به دست آمده،

ایتالیا ۷۷۰ پیش از میلاد

درناحیه مرکزی ایتالیا وناحیه ویلانوا(Villanova) نزدیک بولونیا(Bologna) تمدن پیشرفته یی شکل گرفته بود. این مردم در کلبه های روستایی زندگی می کردند که روی تپه ها بنا شده بود. زندگانی آنان برپایه کشاورزی نهاده شده و به تجارت و دادوستد و ساختن لوازم فلزی اشتغال داشتند. هم چنین آنها در محیط خود به سواری و مسابقات سوارکاری درحالت انزوا به سر می بردند. مرده های خود را سوزانده و خاکستر آن را در ظرف مخصوص نگهداری می کردند.

ایتالیا ۷۵۳ پیش از میلاد

افسانه شهر رم شکل می گیرد.

ایتالیا ۷۵۰ پیش از میلاد

قبایل اتروسک (Etruscan) به وسیله قایق و از راه دریا به ناحیه توسکانی(Tuscany) مهاجرت و تمدن خود را در خاور نزدیک گسترش می دهند. این تازه واردان با ویلانوویان ها روابط مستحکمی برقرار کرده و دانسته های خود را درکارزرگری و طلا سازی وسایر مهارت ها به سایرین می آموزند.

اسرائیل ۷۵۰ پیش از میلاد

فردی روستایی به نام آموس (Amos) یاموسی از قوم یهود (Judah) به پیامبری اسرائیل می رسد که از روز قیامت یا داوری مردم را آگاه می کند. وی می گوید درآن روز خداوند به داوری افعال و رفتار مردم رسیدگی می کند، پس مردمان بایستی از کودکی عدل و انصاف را نصب العین قرار داده و به آن عمل کنند.

اروپا ۷۵۰ پیش از میلاد

کارهای آهنگری که از ۲۰۰ پیش از میلاد در این قاره شروع شده بود به سرزمین بریتانیا می رسد. چون فلز آهن که در قاره اروپا به وفور یافت می شد، به تدریج جایگزین برنز شده و در صنعت به ویژه ساخت اسلحه به کار می رود.

ارمنستان ۷۴۵ پیش از میلاد

سرزمین اورارتو در ارمنستان تحت فرمانروایی ساردور(Sardur) سوم به اوج قدرت رسید. این پادشاهی به وسیله ساردور یکم در یکصد سال پیش بنا نهاده شده بود، دراین هنگام با سوریه برضد دشمن خود آشور ائتلاف کرد.

سوریه ۷۴۳ پیش از میلاد

منطقه آرپاد (Arpad) در مرکز اورارتو با سه سال محاصره به وسیله تیگلات پیلسر پادشاه آشور (Tiglath – pileser) سوم مسخر وشکست خورد و اکنون به کانون دشمنی علیه آشوَر درآمده است.

میان رودان ۷۴۰ پیش از میلاد

اقوام ماد و پارس که از نژاد هندوآریایی بوده و در چند سده پیش در سرزمین ایران ساکن شده بودند، اکنون با دولت آشور هم مرز شدند.

سوریه ۷۳۲ پیش از میلاد

با سقوط شهر دمشق به وسیله دولت آشور، سرانجام استقلال سوریه از بین رفت. تیگلات پیلسر شهر های سامری(Sameria)، تیره(Tyre) و بیبلوس (Byblos) را ضمیمه خاک خود کرد، در ضمن وی توانست دومین ائتلاف سوریه را از بین ببرد.

وحشیگری ها و قتل و غارت و کشتار مردم بی دفاع بسیار وحشت انگیز است. فاتحان مردان را کشته و زنان وبچه ها را به اسیری بردند و بقیه را به بردگی می کشاندند. گرچه برخی از ادعاهای مصریان درآن زمان گزاف و اغراق آمیز است. معهذا خسارت و وحشیگری و قساوت این قوم بسیار گران بوده است. پس از گذشت ۹۰ سال پادشاه هیکسوس به نام سالی تیس (Salitis) سلسله پادشاهی خود را در سراسر مصر گسترش می دهد و فرمانروایی این سلسله بر سرزمین مصر مستحکم می شود.

هیکسوس های بی سواد و بی فرهنگ به تدریج با فرهنگ غنی مصر آشنا شده و خط هیروگلیف را می آموزند و با عادات و رسوم زندگی مصریان آشنا می شوند و حتی اسامی مصری را بر خود می گذارند. شاهان شفرد(Shepherd) که شناخته شده اند و قوانین هیکسوس را در سرزمین مصر پراکندند، عبارتند از: سالی تیس، بنون (Bnon)، آپاخنان (Apakhnan)، آپوفیس (Apophis)، یاناس (Iannas) و کرتوس (Kertos) که در استان های مصری حکومت کرده اند.

تشکیلاتی سازمانی که در شهر تبس در این زمان ایجاد شد نشانه ی عظمت روح جنگجویی آنهاست که عبارتند از سواران، ارابه های جنگی، تیروکمان و نیزه که سلاح اصلی هیکسوس ها بود. این سلاح ها را هیکسوس ها در نبرد شمال به کار می بردند.

بالاخره شاه مصری به نام آموزیس (Amosis) با حمله و محاصره ی دژهای نظامی هیکسوس، آنها را به هزیمت واداشت و سرزمین دلتا را از هیکسوس ها پاک و آنها را منهدم کرد و سرانجام سرزمین دلتا آزاد شد.

فرعون های مصر در دره ی شاهان زندگانی پس از مرگ را شروع می کنند. (مصر، ۱۵۵۰ پ.م):

هنگامی که یک فرعون فوت می شود، در دره ی شاهان سفر خود را شروع و تمام اموال و دارایی های زمینی خویش را تصاحب و غلامان خود را هم در اختیار دارد که از اونگهداری و مراقبت کنند.

لیکن جهت این امر نخستین کار انجام امور مذهبی با مومیایی و خوشبو کردن جسد برای سفر زیرزمینی و پیوستن

به خدای خورشید می باشد که با قایق هر شب به زیرزمین می رود و تا پیش از طلوع درآنجا می ماند.

این مراسم کفن پوش کردن مدت ۷۰ روز به درازا می کشد که ۴۰ روز آن صرف مومیایی جسد فرعون و۳۰ روز بعدی برای باندپیچی می شود. به طوری که برای هر باندی که بر جسد پیچیده می شود بایستی دعاها و مراسم ویژه ی آن انجام شود.

هرکدام از باندهایی که جسد را می پوشاند، باید از بهترین کتان بافته شده باشد. مومیایی شامل ترمیم و جا اندازی احشای داخلی مثل ریه ها، کبد، معده و روده می باشد که هرکدام سرپوشی برای فرد است که به منزله ی چهار پسر پاسدار و نگهدار هوروس (Horus) که خود نگهبان داخل جسم است می باشد.

این اعضای داخلی را با هم در کنار جسد در داخل تابوت می گذارند با شاوابی تیس (Shavabtis).

مومیایی کردن به طور معمول با گیاهان خوشبو همراه است، به طوری که جسد فوت شده معطر و خوشبو گردد. کار مومیایی تا زمان در تابوت و قبر گذاشتن ادامه می یابد تا کاملاً جسد کفن پوش شود.

همراه فرعون لوازم ضروری او از قبیل، سلاح ها، وسایل بازی، جواهرات، وسایل تفننی و موسیقی، لباسها حتی جعبه توالت او در تابوت قرارداده می شود. این وسایل برای زندگی دوباره پس از مرگ فرعون لازم و ضروری است. پس ازمدت ۷۰ روز جسد آماده برای بردن به مقبره ی مشخص می شود، که این مقبره در مکانی واقع شده که راه ها و دالان هایی پر پیچ وخم دارد که همه ازسنگ هاو صخره های بزرگ درست شده است.

اکنون در این مکان دسته هایی سرودهای مذهبی می خوانند و هوای آن آکنده از شمیم معطر بخوردان هاست در این هنگام سرد رمقبره را در جایی که کمتر هوادر آن نفوذ دارد باز کرده و جسم مومیایی شده را در آن جا قرار می دهند. همه آمادگی ها برای آخرین سفر فرعون انجام می شود که او در مقبره ی خود خوشبو شده و آماده ی دیدار خدایان گردد و خدایان اورا حراست و نگهبان باشند.

نقاب های ریش دار را جهت زنان فرعون در مصر به کار می برند. (مصر، ۱۴۵۰ پ.م):

دختر توتموز(Thutmose) اول، به نام هاتس هپسوت (Hatshepsut)، که به طور مشخص جانشین فرعون در تمام مصر محسوب می شد و برادر زاده ی ناتنی توتموز سوم بود، از فرعون رنجیده می شود و در مدت سلطنت او از عمه خود نگران بوده است.

درتمام مراحل آن زمان، این دختر زیبا به راستی به عنوان فرعون محسوب می شد.

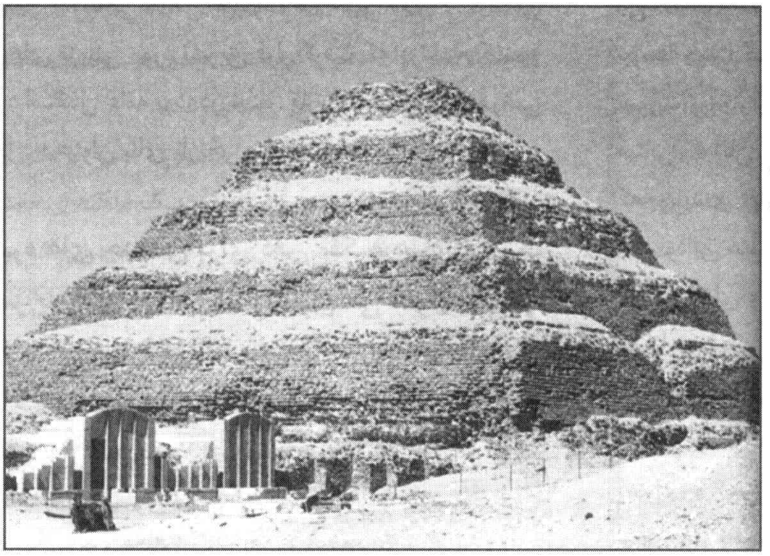
درزمان پس ازمرگ، او را با نقابی ریشدار که نشانه ی فرعون مذکر می باشد، نقاشی کرده که به همین صورت هم او را نمایش داده اند. وی را در مقبره های ویژه‌ی مخصوص شاهان و فرعون های مصر درمقبره یی باشکوه و تماشایی قراردادند.

اما چگونه این زن به این مقام رسیده و تحت تأثیر چه عواملی او را در زمره ی مردان حاکم قرارداده اند، پاسخ آن را باید در چگونگی و ویژگی حکومت و حاکمان این زمان جستجو کرد. هاتس هپسوت با نابرادری خود ازدواج کرد، توتموز دوم خیلی زود درگذشت، درحالی که پسری برای جانشین شدن نداشت. توتموز سوم از زن دیگری از توتموز اول به دنیا آمد، و چون قابلیت و استعداد حکمفرمایی نداشت و نمی توانست کشور را اداره کند، در نتیجه، هاتس هپسوت زمام امور کشور را در دست گرفت و به طور رسمی تا هنگام مرگ زمامدار کشور مصر بود.

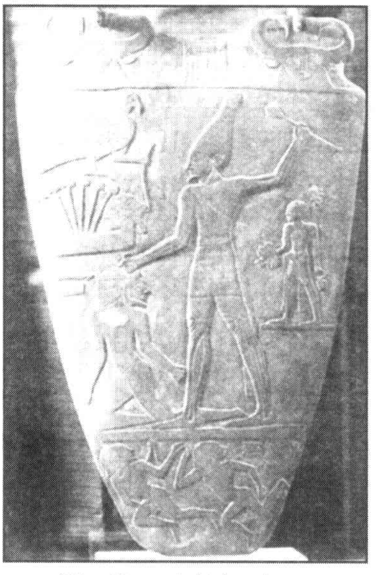
درزمان سلطنت هاتس هپسوت، تجارت مصر به طرز شگفت انگیزی رونق گرفت و قدرت و توانایی کشور به اوج رسید. معابد زیادی بنا گردید، درهای ورودی بعضی معابد با روکش برنزی سیاه به شیوه ی بسیار زیبا با مرصع کاری با کهربا به وسیله ی سنه موت (Senemut) ساخته شد که از شاهکارهای زمانه به شمار می رود، و نیز دختراین هنرمند (سنه موت) لله و مربی ملکه بود.

بازرگانی هم همان طور که ذکرشد به سرعت بالا گرفت، به ویژه داد وستد با سرزمین پونت (Punt) (که شاید سبب واردات طلا، عاج فیل، عطریات و مواد خوشبوکننده، میمون، پرنده و درختان پرثمر به مصر گردید، به حدی که سطح داد وستد و تجارت در این هنگام به حد غیرقابل تصوری می رسید.

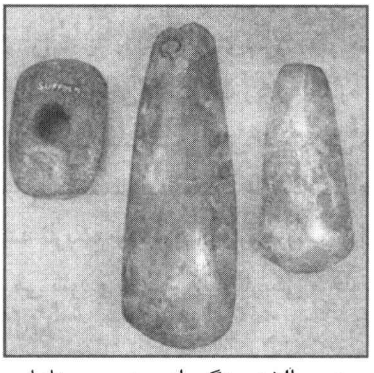
ملکه ی بسیار چاق و تنومند پونت، با ملکه ی مصر نماینده سیاسی مبادله کردند و نیز مهره ها و کالاهای دیگری در تجارت آنها جایگاه ویژه پیدا کرد.



هرم جیزه (Djoser)، یادبودی از معماری بسیار پیشرفته‌ی مصر در زمان فرعون ایمهوتپ (Imhotep).



تصویر نارمر پادشاه (King Narmer)، یا خدای هوروس (Horus).



تبر و آلات سنگی از سرزمین بریتانیا.



مکانی به شکل دایره با سنگ‌های مدور در ناحیه‌ی ایوبوری (Avebury) در بریتانیا.

در زمان پادشاهی هاتس هپسوت هم چنین معماری و سایر هنرهای تزیینی مورد تشویق قرار گرفت که درتمام کشور مورد استقبال عامه بود. در شهر کارناک دو ستون هرمی شکل به عنوان بنای تاریخی بنا نهاده شد.

مقبره های جدیدی برای دفن ملکه های بزرگ مصر به جای اهرام پایه گذاری می شود. (مصر، ۱۴۶۰ پ.م):

جهت به خاکسپاری ملکه هاتس هپسوت، مرقد او را تکمیل می کنند، درضمن درکرانه ی رودنیل برای هر یک از ملکه های مصری مقبره یی درخور شأن و مقام هر یک با ارتفاع زیاد درمنطقه کارناک (Karnak) و منظره یی تماشایی ساخته می شود. برای این منظور صخره های کوه را بریده و آن ناحیه را به اندازه ی مورد نظر صاف می کنند، ایوان ها و ستون هایی با تزئینات زیبا به اندازه ی مناسب با مکان هایی جهت استراحت زائران ساخته می شود که از هر نظر بسیار جالب است. این مقبره ها برخلاف اهرام که درون آنها همیشه تاریک بود، درهنگام روز روشن و از نور آفتاب بهره مند می شود و به طور کلیه تاریکی و خلوت مقبره های فراعنه را ندارد.

تشکیل پادشاهی میتانی (Mitanni) درخاور نزدیک (میان رودان، ۱۵۰۰ پ.م):

یک دولت پادشاهی جدید و آماده ی پیکار که میتانی نامیده شد در سراسر خاور نردیک به وجود آمد. این کشور که پایتخت آن واشوکانی (Washukani) بود، دامنه ی قلمرو و نفوذش تا نقاط دور من جمله اورشلیم و نیز ناحیه ی آلالاخ (Alalakh) درساحل مدیترانه گسترش یافت و آراپخا (Arrapkha) درساحل رودزاب (Zab) سفلی (پایین) و ساحل دجله خراج گزارآن بود.

در بخش اعظم این سده، دولت جدید دچار بیماری طاعون و جنگ های گوناگون بوده و این زد وخورد و جنگ ها برای تثبیت قدرت و اقتدار این خاندان و پیشرفت حوزه‌ی قلمرو آنها بوده است. هر دسته یی از این اقوام برای پیشبرد قدرت حکومتی و کمک به خود مختاری مانند هی تیت ها (Hittites) و مصریان وارد پیکارهای محلی می شدند، از سویی مصریان و هی تیت ها برای تخفیف این نبردها جهت گسترش نفوذ خود کوتاه نمی آمدند و به هر صورت روزگار را پیوسته در نزاع می گذراندند. اکثر جمعیت میتانی به زبان محلی هوریان (Hurrian) تکلم می کردند که برپایه ی زبان مهاجران هند و اروپایی قرارداشت و نیز با زبان ودایی هندی در دورترین نقاط هند ارتباط داشت.

نام اصلی و بومی آنها آرتاتاما(Artatama)به معنی ساکنان روحانی درگاه الوهیت توشراتاها (Tushratta) بود که با ارابه های با شکوه به این سرزمین رسیدند. آنان عناصر اشرافی بودند که با ارابه های جنگی خود جهت پیکار برای پیروزی و گسترش وداها به زمین نازل و به نام مردان جوان پیرو وداها نامیده شدند. میتانی ها خدایان بزرگ هند و ایرانی مانند میترا و وارونا (Varuna) را مورد پرستش قرار می دادند که مانند الهه هپات (Hepat) خود آنها پیروصلح بوده و صلح و دوستی را شعار خود قرارداده بودند. درحالی که شهرهای کمتری در این سرزمین از جنگ اجتناب می ورزیدند. در بین این شهرها جایی که قابل ذکر است، شهر نوزی (Nuzi) واقع در زاب پایین یکی از رودخانه های میان رودان می باشد. این شهر حالت بی طرفی داشت و حد فاصل دو قدرت آشوری و میتانی جهت حفاظت پادشاهی میتانی از توسعه نفوذ آشور به داخل میتانی بود.

بسط نفوذ و قدرت مصر تا کرانه‌ی رود فرات (مصر، ۱۴۶۰ پ.م):

پس از سلسله هفدهم پادشاهی، توتموز سوم دامنه قلمرو خود را به کرانه ی رود فرات رسانید و نیز حوزه ی جنگی نیروهای نظامی را به سراسر میان رودان گسترش داد. در همین حال به سبب هراس از مصر، بین شاهزاده نشین های می جیدو (Megiddo) و کادش (Kadesh) اتحادی بسته شد. توتموز عملیات جنگی بر علیه می جیدو را در راه استراتژیکی باریکی که فقط یک اسب در تعقیب یکی دیگر و سربازان به صورت صف تک نفری حرکت می کردند و هر کدام جا پای دیگری می گذاشت، شروع کرد و پس از محاصره یی کوتاه، آن جا را تسخیر نمود. با تسخیر می جید و سپر دفاعی اطراف کشور که از جانب سوریه و فلسطین تهدید می شد و ممکن بود حملات سلسله ی

بابل ۷۲۹ پیش از میلاد
تیگلات پیلسر سوم شاه آشور، پس از فرونشاندن شورش بابل، خود را پادشاه بابل(Babylon) اعلام کرد.
آشور ۷۲۷ پیش از میلاد
پس از مرگ تیگلات پیلسر سوم ، امپراتوری وسیع و شکوفایی از او باقی ماند.
رم ۷۱۶ پیش از میلاد
افسانه رومولوس(Romulus) نخستین پادشاه رم قوت گرفت که وی به وسیله ارابه جنگی از آسمان فرود آمد. رومولوس با برادر دوقلوی خود رموس (Remus) همانطور که شایع بود به وسیله شیر ماده گرگی تغذیه و رشد کردند.
آشور ۷۱۰ پیش از میلاد
سارگون(Sargon) دوم پادشاه آشور که سربازی بسیار برجسته بود، در سال ۷۲۱ به تخت و تاج آشور رسید و پایتخت خود را از نیمرود(Nimrud) به خورس آباد(Khorsabad) در ۲۳ کیلومتری شهر نینوا تغییر داد. این شهر (خورس آباد) را در سرزمینی وسیع و بکر بازیگوراتی (معبد چند سطحی) جهت پرستش بنا کردند.
خاور نزدیک ۷۰۵ پیش از میلاد
سیمریانها(Simmerians) که مردمی جنگجو و ساکن جنوب روسیه بودند از قفقاز(Caucasus) گذشته و وارد آسیای غربی می شوند، مردم آناتولی که حکومتی ثروتمند به وجود آورده و در لیدی (Lydia) آسیای کوچک (صغیر) به نام فریژی(Phrygia) نامیده می شدند، در اثر مزاحمت های سیمریها به ستوه آمدند. تا بالاخره سیمریها با دولت ماد و حکومت کوچک مانیان دست اتحاد دادند.
آشور ۷۰۰ پیش از میلاد
شهر نینوا پایتخت قدیمی دولت آشور که در اثر ویرانی تخریب شده بود، دوباره سازی شد. پس از مرگ سارگون دوم هم که پایتخت را به خورس آباد تغییر داده بود ، شهر نینوا رو به خرابی رفت.
آشور ۷۰۰ پیش از میلاد
سناخریب (Sennacherib) پادشاه آشور که در سال ۷۰۴ پیش از میلاد به سلطنت رسیده بود ، با عملیات خود حکومت روبه زوال آشور را با سرعت به ترقی رهبری کرد، او پس از مرگ پدرش سارگون دوم ، موقعیت کشور را به نحو بسیار جالبی ترمیم کرد و ایالات تحت تابعه خویش را زیر نظم درآورد، و همچنین نیروی نظامی کشور را تقویت و برای پیکارهای بعدی آماده ساخت.
آسیا ۷۰۰ پیش از میلاد
سواران قبایل اسکیت (Schyth) که مردمانی خشن، درنده خو و چادرنشین بودند، پس از عزیمت از نقاط استپی در دسته های بزرگ به ساختن خانه های دایمی برای سکونت در غرب استپ ها پرداختند و در مکانهای پشت منازل خود به پرورش گاوو گوسفند و اسب اقدام و زندگی خود را از راه کشاورزی و شکار تأمین می کردند. و نیز در محل زندگانی سلسله مراتب طبقاتی را رعایت می کردند.

هیکسوس تکرار شود تشکیل شد و سرزمین های پادشاهی کوچک، صلح را تضمین کردند، در ضمن تمام این منطقه پرداخت و جمع آوری خراج را متعهد شدند.

پس از چندین سال که هات هپسوت عمه توتموز به پیکار با فرعون پرداخت و به عنوان یک ملکه ی مقتدر جانشین فرعون شد. توتموز فرعون مصر نه تنها یک مرد جنگی مبارز، بلکه سیاستمداری برجسته بود که می توانست دشمن را فریب دهد. در هر حال توتموز شکست خورده و معزول شد و اورا با پسران و برادرانش به اسیری به مصر بازگردانیدند و ناحیه ی کوچکی را به او واگذار کردند که با فقر و فاقه روزگار بگذراند.

مرگ توتموز پایان گرفتاری های سرزمین های اطراف بود. در سوریه جهت این مراسم گله یی از فیل های وحشی را برای حفظ جسد او به راه انداختند. آمنم هاب (Amenemhab) در پیکاری که برعلیه انقلاب شاهزاده کادش و شاهزاده نشین تونیپ (Tunip) از سویی درگرفت، با به کار بردن ارابه های جنگی به تسخیر سرزمین هایی دست زد.

شمالی ها مردگان خود را با لباسهایشان دفن می کنند.(دانمارک، ۱۴۵۰ پ.م):

در دانمارک و شمال آلمان مردم مردگان خود را در قبرهای مدور خالی دفن می کنند، یا اینکه در تابوت هایی که از تنه های درخت ساخته شده می گذارند. جسد را با لباس پشمی پوشانده که لباس معمولی در زمان زندگی آنهاست و درمردان این ردا به رنگ قهوه یی است که با کمال مهارت مرده را می پوشانند.

در زنان جوان مرده دامنی کوتاه و در زنان سالمند دامنی بلند با کمربندی که منگوله دار است پوشانده می شود. موهای زنان را با روبانی به عنوان گیسوبند و شانه شده و حتی فرق موی سر باز شده در تابوت می گذارند. درون تابوت را با یک قطعه پوست گاو می پوشانند و مرده را هم با زینت آلات مصنوعی در آن قرار می دهند این زینت ها طلایی است از جمله ظرفی از غذا و نوشابه که لازمه ی پس از مرگ است، می گذارند و در تابوت مردان شمشیری برنزی با نیام پشمی و یا به جای شمشیر، خنجر می گذارند که برای دفاع آماده باشد.

در ناحیه نوزی (Nuzi) پدر سالاری و مالکیت در تمام خانه ها حکمفرما ست. (میان رودان، ۱۴۵۰ پ،م):

در شهر نوزی یکی ازشهرهای امپراتوری میتانی درمیان رودان،مرد در رأس خانواده و پرستنده ی خدایان فامیل وارباب زوجه و سرپرست تمام خانه است.

احترام و پرستش نیاکان با خدایان قبیله صورت می گیرد.تهیه خانه و وسایل آن با تصویب پدرو دیدارتندیس خدایان هم با مجوز او انجام می شود. او می تواند که جهت ادای قرض و وام هر یک از افراد خانواده رابه گروگان گذارده و یا این که آن ها را برده کند.

شوهر اختیار دارد در حق زن هر نوع بیرحمی و وحشیگری را اعمال کند و در آشورمی توانست صورت زن را زشت کرده و بینی و گوش او را ببرد.چون زن به عنوان یک کالا بود که می توانستند او را ازخانه برانند و یا این که پدر یا ناپدری و حتی بچه های وی را از او جدا کنند. درنوزی یک پدر دوراندیش تا هنگام مرگ قدرت و اختیار تمام امور خانواده را حفظ می کرد.

برای این کار محدودیت هایی وجود داشت. در هر حال زن بیوه نمی توانست چیزی بخرد و حق داشتن کالا و وسایل را هم نداشت، و اگر از راه راست تخطی و تجاوز می کرد، می توانستند او را از خانه برانند. برای بچه ها هم سخت گیری هایی وجود داشت. بچه ها را اگر نا فرمانی می کردند شلاق یا دست بندمی زدند و یا این که در دخمه های تاریک آنها را زندانی می کردند.

پیکار مصر وهیتی ها بر سر برتری قدرت (مصر، ۱۴۰۰ پ.م):

دو کشور مقتدر جهان آن روز در خاور نزدیک رو در روی یکدیگر قرار می گیرند، در حالی که سوریه و فلسطین هم مشتاقانه در پی سهم خود و بردن غنیمت و جایزه برای خود هستند.پس از چند فقره لشگرکشی مصر برعلیه هیتی در پی فرمان توتموز سوم پادشاه مصر، دو قدرت برای غلبه بر یکدیگر آماده می شوند. با مرگ توتموز به یکباره جرقه جنگ بین شاهزادگان سوری روشن می شود، چون نیروی فائقه جنگی مصر از بین رفته بود. گرچه تا زمان به قدرت رسیدن آمن هوتپ دوم (Amenhotep) پسر توتموز مدتی آرامش برقرار بود، لیکن درخاورمیانه تنش و ترس از هیتی وجود داشت.

نکته جالب آنکه هر دو کشور بر روی منطقه پادشاهی میتانی حساسیت شدید داشتند که سوریه و میان رودان را تسخیر کرده وبرگ برنده داشته باشند. توتموز هیچ گاه موفق به تسخیر قلمرو میتانی نشده بود، اما اکنون در آستانه موفقیت بود، آمن هوتپ دوم با نگرانی سعی داشت که با دوستی وهمراهی باملت، شاهزاده میتانی را به حرم خویش بخواند و او را در جرگه متصرفات خود درآورد. در همین حال شوپ پیلولیوماش(Shuppiluliumash) پادشاه که پس از ۲۰ سال امپراتوری جدید هیتی را پایه گذاری کرده بود، چشم طمع به میتانی داشت. او در پی این جریان مدعی تخت و تاج میتانی، با تظاهر به ائتلاف با شاهزاده آن جا بود.

شوپ پیلولیوماش در اولین حمله از ارتش میتانی شکست خورد، اما درهجوم دوم خود با گذشتن از رود فرات، شهر واش شوکانی(Washshukani) رامورد حمله قرار داد و به پیروزی چشمگیری دست یافت. باتسخیر شهر، شوپ پیلولیوماش کنترل بخش بزرگی از امپراتوری میتانی را از دست داد و تسلیم شد. در این حال متارکه جنگ بین مصر و هیتی صورت گرفت.

فنیقی ها الفبای زبان خود را به کار می برند. (سوریه، ۱۴۰۰ پ.م):

برای نخستین بار در بندر لوانتین (Levantine) در ناحیه ی اوگاریت (Ras Sharma) سوریه، شیوه جدیدی برای نگارش زبان محلی که یکی از زبان های سامی است، اختراع شد که به بیان آن زبان کمک می کند.

بندر اوگاریت، یکی از پیشرفته ترین بنادر سوریه بود که از آنجا سلاح های گوناگون صادر می شد و در ساخت آلات و ابزار برنزی شهرت داشت. این شهر علاوه بر ساخت وصدور محصولات خود، راه بزرگ تجاری مناطق دیگر بود و می بایستی برای تسهیل مراوده و انجام معاملات بازرگانی از شیوه ی نگارش قابل انتقال و پذیرفتنی برخوردار باشد.

این روش جدید تکلم و محاوره زبان نبود، بلکه شیوه یی جهت به کار بردن نظم و ترتیب و انتقال فکر بود که بتوان با آن منویات را منعکس کرد. در ادوار پیشین، نیاکان مردم

یونان ۷۰۰ پیش از میلاد

هزیود(Hesiod) شاعر یونانی که قبلاً چوپان بود، در بئوسی(Boeotia) نزدیک کوه هلیکون(Helicon) در یونان مرکزی متولد شده بود، او در کودکی بدون سرپرست بود و نخستین نویسنده یی است که تعلیم وتربیت را در دستور کار خود قرار داد و به طور جدی امانت در کار را مطمع نظر قرار داده است. هزیود شعر حماسی را در زندگانی روزمره مردم و در داخل خانه روستایی می سرود و باعث ترقی افکار یونانی در آن زمان شد.

آناتولی ۷۰۰ پیش از میلاد

اکثر گروه های یونانی آناتولی در این هنگام در تراس (Thrace) و سواحل دریای سیاه ونیز در پروپونتیس (Proponis) در کرانه دریای مرمره (Marmara) می زیستند.

سیسیل ۶۹۰ پیش از میلاد

بخشی از مردم یونانی که به دوریانها (Dorians) مشهورند در اسپارت (Sparta) وآرگوس (Argos) که در سرزمین پلوپونز(Peloponnese) واقع است ، اتحادیه هایی تشکیل داده و شهری به نام جلا (Gela) را بنیان نهادند. این مردم دست اندازیهایی هم به جزایر سیسیل از جمله انتیفموس (Antiphemos) رودس(Rhodes) و انتیموس(Entimos) در جزیره کرت (Crete) می کنند و آنها را تحت هدایت خود در می آورند، در حالیکه پیش از این تحت الحمایه کرت بودند.

ایتالیا ۶۹۰ پیش از میلاد

اهالی ایالت اتروسک برای نوشتار از الفبای یونانی ساکنان اوبوآ (Euboea) استفاده می کردند ، در نتیجه اتروسک ها(Etruscan) روش کالسیدیانها (Chalcidian) را پذیرفتند (از ابوآهای کالسیس (Euboean Chalcis) و الفبای یونانی را برای به کار بردن زبان تغییر دادند و آن را به روی سنگ ، برنز ، پاپیروس وحتی طلا منعکس کردند.

میان رودان ۶۸۹ پیش از میلاد

در تعقیب جنگ بزرگی که بر روی رودخانه دجله بین بابلی ها و ایلامی ها (ایرانیان) از یک سو و آشور از سوی دیگر روی داد، سناخریت به تلافی آن شهر بابل را تخریب کرد.

چین ۶۸۷ پیش از میلاد

در این سال در بخشی از چین سنگ ها یا شهاب های آسمانی مانند باران باریدن گرفت.

آناتولی ۶۸۷ پیش از میلاد

توطئه یی علیه کانداول (Candaules) پادشاه لیدی به وقوع پیوست که در اثر آن تعدادی از افراد گارد نگهبان و بزرگان کشته شدند وشایع بود که به تحریک ملکه جیجز (Gyges) آن واقعه انجام شده ، وشاه که خیال ازدواج مجدد داشت ، به بلیه گرفتار شد.

دولت یهود ۶۸۷ پیش از میلاد

طفل ۱۲ ساله یی به نام ماناسه (Manasseh) به جانشینی پدرش هزکیاه(Hezekiah) سلطنت دولت یهود را تصاحب کرد.

مصر و میان رودان، خط هیروگلیف و میخی را برای نگارش به کار می بردند که البته الفبای جدید سوری، تعداد حروف کاهش یافته و حروف باصدا به ۳۰ حرف رسید.

پیش از این در جنوب سوریه، یعنی فنیقیه و فلسطین، شیوه ی نوشتاری طولی بود و این روش معمول بود که در آن الفبای میخی هم به کار نمی رفت. با خراش های انحنادار و یا مستقیم در روی لوحه های گلی و یا چوب، این روش نگارش تعمیم و گسترش یافت.

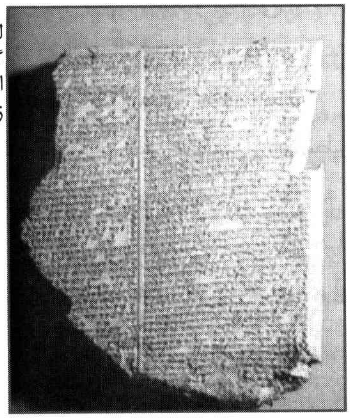
حکاکی وکنده کاری روی سنگ درروی دامنه های جدیدآلپ ماری تایم (Maritime) (آلپ، ۱۴۰۰ پ.م):

چوپانان و روستاییان با سعی و کوشش فراوان به قله ی مونته بگو(Monte Bego) از جبال آلپ دست می یابند و به حکاکی اشکال انسان و سایر اشیاء در روی سنگ های آن می پردازند، آنها با استفاده از قلم های تیز فلزی و سنگی بر روی سنگ های ته نشستی و سنگ های شنی تصویر را بر آن ها منعکس می کنند.

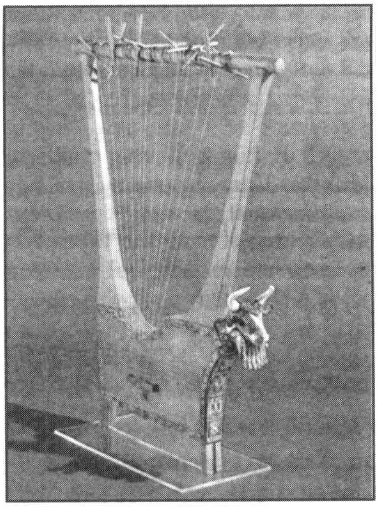
آنها تصاویر افراد رادر هوای آزاد و نیز نقش هایی از مکان های مقدس و زائران را در هنگام عبادت و پرستش نشان می دهند، از سویی دیگر تعداد زیادی انسان ها را در حال کار وپیکار هم به تصویر کشیده اند. از دیگر نگاره های سنگی در این مکان نقش گاوان را درحال شخم زدن و سایر اشیاء برنزی و مسی ساخته ی دست بشر می باشد.

در شهر تب، پایتخت مصر، معبدی به وسیله ی فرعون تقدیم خدایان می شود. (مصر، ۱۳۹۰ پ.م):

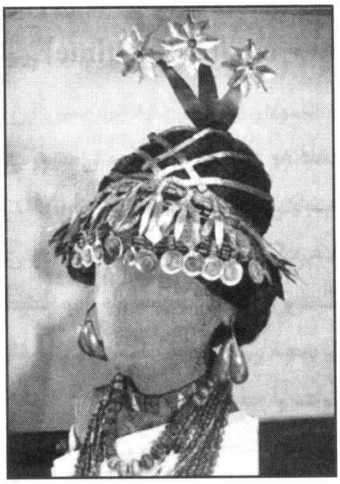
در زمان پادشاهی آمن هوتپ سوم، کشور مصر به تجدید حیات هنری ومعماری دست زد و به اوج هنر رسید.وی وارث کشور ثروتمند و مقتدری شده بود ودرخاور نزدیک اقتدار کامل داشت. از نظر سیاسی و اقتصادی هم سیاست او بر پایه‌ی مستحکمی استوار شده بود که با بستن قراردادهایی با همسایگان موجودیت کشور را تحکیم می کرد. او با داشتن زوجه یی به نام ته یه (Teye) که از خانواده ی سلطنت نبود، کشور مصر راهر چه بیشتر از نظر هنری ترقی داد. و در



لوحه‌یی با خط میخی از افسانه‌ی قهرمانی گیل گمیش که در آن خدایان به زمینی‌ها اخطار می‌کنند که به‌وسیله‌ی جریان سیل، زندگی بر روی زمین را از بین خواهند برد.



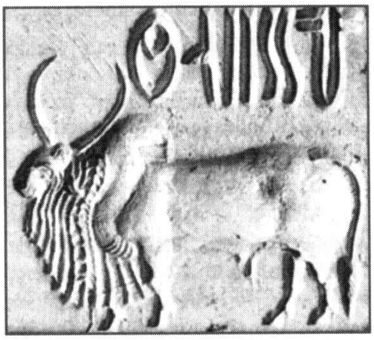
الت موسیقی به‌نام چنگ که از سنگ لاجورد، جواهرنشان و طلا ساخته شده و تقدیم معبد خدای اور (Ur) شده است.



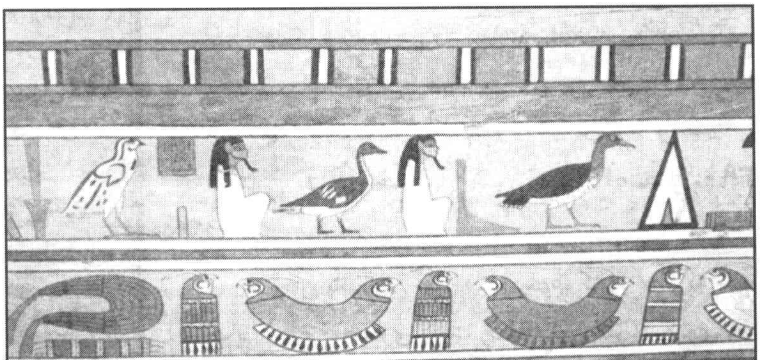
تندیس بسیار زیبا که از طلا و جواهر و سنگ یشم ساخته شده و لباس قشنگی هم پوشیده که تقدیم ملکه پو ـ آبی (Qeen Pu-Abi) در شهر اور شده. (میان‌رودان، ۲۶۰۰ پ. م.)



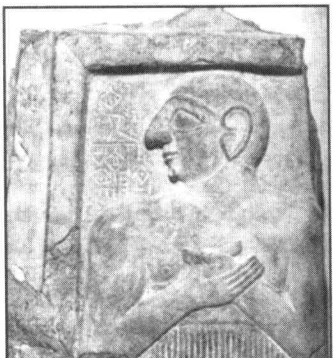
پیکره‌یی قدیمی از منطقه‌ی موهنجودارو (Mohenjo-Daro). (پنجاب)



نوعی از مهر نشانه با پیکره‌ی گاو نر.



این لوحه‌یی است با خط هیروگلیف مصری که در گور استیوارد سنی (Steward Seni) یافت شده و موضوع آن مربوط به اسرار حرم فرعون است که باید حفظ شود. این اسرار را به‌طور معمول بر دیوار مقبره‌ی فرعون می‌نوشتند و اغلب این نوشته بسیار مشکل و بغرنج بود و برای فهم و کلید رمز آن، بایستی مدت‌ها کنکاش به‌عمل آورد.



تمثال ایناتوم (King Eannatum)، شاه لاگاش (Lagash)، همراه با خط تصویری.

میان رودان ۶۸۰ پیش از میلاد

اسرهدون (Esarhaddon) جوانترین پسر سناخریب با یاری مادرش ناکیا(Naqia) زاکوتو – Zakutu به سلطنت آشور رسید و بر طبقه زمین داران فائق آمد. فئودال ها وزمین داران بزرگ از این جهت که سناخریب را سبب خرابی بابل می دانستند ، با او مخالف بودند و نیز با پادشاهی اسرهدون هم ضدیت داشتند وبه تلافی تخریب بابل نمی خواستند که پسر او هم به سلطنت برسد. لیکن اسرهدون تمام سعی خود را برای ترمیم خرابیهای آن شهر به کار برد.

یونان ۶۸۰ پیش از میلاد

آرکیلوکوس (Archilochus) شاعر بزمی و هجایی یونان در سال ۷۰۵ پیش از میلاد در جزیره پاروس (Paros) متولد و به زودی اشعار او در یونان منتشر شد. او به خط یونانی می نوشت و بیشتر پیرو مباحثات حضوری بود، او مرثیه هایی کوتاه می سرود وگاهی هم اشعار تند و هجوآمیز می گفت و اشعار غنایی او را با هرسازی می زدند. (چنگ و دف). او پرخاشگرانه به عشق سرکوب شده می تاخت. این شاعر یونانی از زیبایی پوست شادمان بود و از اینکه در پیری پوستش دچار چین وچروک می شد، نگران وغمگین بود.

افریقا ۶۸۰ پیش از میلاد

ذوب آهن و کاربرد آن و ساخت انواع سفال به زودی در بین کشاورزان ساکن کرانه دریاچه ویکتوریا(Victoria) در شرق افریقا و در ناحیه ترمیت (Termit) واقع در جنوب خاوری نیجر به طور روزافزونی گسترش یافت. ذوب فلز مس وطلا هم در کوره های سرباز و به کار بردن فلز خالص آن توسعه پیدا کرد.

مصر ۶۷۱ پیش از میلاد

اسرهدون پادشاه آشور به مصر حمله کرد و فرعون مصر تاهارکا (Taharqa) را بیرون راند. این امر به تلافی وانتقام این بود که اسرهدون می پنداشت که مصر، رعایای آشور ساکن آسیا را تحریک به شورش علیه آشور کرده است.

صحرا ۶۷۰ پیش از میلاد

مردم شمال وجنوب با ساخت ارابه دوچرخ که با اسب حرکت می کرد به داد وستد خود تحرکی داده و آن را ترقی دادند. هم چنین فعالیت برای کاربرد فلزات مس و آهن توسط فنیقی ها که دستجاتی را در شمال صحرا و حاشیه نشینان مدیترانه به نام کارتاژ به وجود آورده بودند گسترش یافت.

مصر ۶۶۷ پیش از میلاد

بر اثر هجوم آشوری ها به مصر ، شهر تبس (Thebès) پایتخت مصر سقوط کرد و به مکانهای مقدس خسارات فراوانی وارد آمد. پس از مدت کوتاهی، این بار آشور بانی پال (Ashurbanipal) پادشاه آشور با پشتیبانی مزدوران سوری جهت خواباندن شورش به مصر یورش برد، در حالی که فرعون مصر تاهارکا در سال ۶۷۰ پیش از میلاد از کشور خود اخراج شده بود. پس از این تاهارکا فرعون مصر وپشتیبانانش در طی جنگ شدیدی پیروزی به دست آوردند. وفرعون به شهر تبس بازگشت و به فرمانروایی دوباره مشغول شد.

شهر تب، پایتخت مصر، قصری با ستون های بلند و نیز معبدی جهت به خاکسپاری با برج بسیار رفیع بنا کرد که حیرت انگیز و جهت بزرگداشت فرعون ساخته شده بود. او برای تظاهر به پیشرفت و ترقی هنر، به ویژه معماری مصر و ترفیع نام خود این کار را کرد که او را خدا بخوانند و به عنوان خدا مورد پرستش قرار دهند.

آمن هوتپ، مراسم تاج گذاری خود را در پرستش گاه بزرگ شهر لوکسور(Luxor) انجام داد. تزئینات اصلی این معبد دست کمی از معبد کارناک نداشت، لیکن برای دوباره سازی از سنگ های شنی (خارا) به عنوان بنای تاریخی استفاده کرد.

اتاق های این کاخ در پشت سالن واقع شده بود و در اطراف سالن مرکزی شبستانی با ستون های با شکوه قرار داشت. تمام عمارت با یک جاده ی ۳ کیلومتری به پرستش گاه کارناک متصل می شد که در اطراف این جاده مکان هایی به شکل لانه ی زنبور جهت لنگر انداختن قایق ها تعبیه شده بود. این جاده ی خوش منظره، در زمان ملکه هات هپسوت، ساخته شده بود. این یکی از معدود کارهای آمن هوتپ می باشد، او تعداد زیادی پیکره از خود ساخت، به طوری که او را فرعون با شکوه و شگفت انگیز خواندند.

گام هایی برای تغییرات هنر مصریان برداشته می شود. (مصر، ۱۳۹۰ پ.م):

در زمان سلطنت آمن هوتپ سوم، هنر به درجه ی رفیع خود می رسد که هرگز پیش از این، تصویرها با این کیفیت نشان داده نشده بود، در این زمان کاربرد رنگ در نقاشی بسیار پیشرفت کرده و رنگ ها در وجود انسان احساس آرامش ایجاد می کرد. اما نقاشان مصری چطور توانستند به این کار جالب و دل پسند دست بزنند؟ جواب آن، این است که آنها از عناصر طبیعی زمین استفاده کردند. به عنوان مثال از بخشی از نی که پوسته ی انتهایی آن است، رشته های فیبری ساقه درخت خرما و رنگ های طبیعی مثل صمغ عربی و ژلاتین، همین طور از مواد کانی موجود در زمین با مخلوط کردن با آب و ژلاتین و صمغ و سفیده ی تخم مرغ استفاده می کردند.

خرد شدن سنگ های آهکی از بین رفتن نقش برجسته ی دیوارهای شهر تب، به ما اجازه ی تحقیق بیشتر

و کار بر روی آنها را نمی دهد. شکاف و ترک ها را با گل یا گچ پوشانده اند و به این ترتیب آنها راپرکرده اند. در زمان این فرعون، هنرمندان زمینه ی سفید را برخاکستری،- آبی ترجیح می دادند و این به سبب تسهیل به کاربردن رنگ ها بر روی زمینه ی سفید رنگ بوده است. در این زمان هنر طبیعی، که بیشتر از نگاه انسانی به آن نگریسته می شود، به اوج خود می رسد، از قبیل شکار پرندگان با تیرهای چوبی، تله گذاری برای گربه و گرفتن پروانه ها و هر حشره ی پرنده که چشم انداز هنرمند نقاش است و آنها را در روی صحنه به نمایش می گذارد.

از دیگر موضوع های اصلی ومهم، وسواس مصریان در امور مربوط به مرگ وخاکسپاری و سوگواری مردگان است که در معبد راموس(Ramose) وزیر، هنرمندان آنها را به تصویر کشیده اند که زنان شیون کنان، ندبه و زاری می کنند و صورت خود را کنده وچهره را می خراشند. این نشانه ی قدرت تفکر و پویایی هنر در زمان این فرعون است.

قدرت سوارکاری بر روی اسب تغییر شگرفی در زندگی روستاییان به وجود می آورد. (آسیای میانه، ۱۴۰۰ پ.م):

در مناطق نیمه جنگلی (استپ) وعلفزار و نیز در صحاری نیمه کویری از سواحل دریای سیاه تا هندوستان و سوریه، روستاییان از اسب در زندگی استفاده ی شایان می برند. تعداد معدودی از کشاورزان در روی زمین به کشت وکار می پردازند، درحالی که زمین به مقدار فراوان دراختیار دارند. مردم این مناطق به علت خانه به دوش بودن و در یک جا سکونت نداشتن، گله های بزرگ اسب پرورش داده و از آنها برای بارکشی و سواری سود می برند و چون اسب دونده ی خوبی است، با آن صدها کیلومتر راه را می پیمایند. همان طور که گفته شد اسب برای سواری وکشیدن ارابه مورد استفاده واقع می شود و سوارکار مورد پذیرش واحترام است و صاحبان اسب ها به طور معمول افراد ثروتمند هستند که مردگان خود را هم با آن حمل می کنند.

اغلب قبیله های آریایی هندوستان که به شغل تجارت می پردازند، کالاهای خود را از این شهر به آن شهر حمل می کنند. خدایان مورد پرستش انها همان خدایان کهن هندی، مانند میترا (Mitra) وارونا (Varuna) و ایندرا (Indra) می باشند. آنها در ساخت اشیاء برنزی مهارت کامل دارند و اغلب سلاح ها و لوازم زندگی را از آلیاژ برنز می سازند.

فرعون عقیده ی مذهبی مصریان را تغییر میدهد. (مصر، ۱۳۵۳ پ.م):

فرمانروای جدید مصر، آمن هوتپ چهارم ، باورهای دینی مصریان را تغییر میدهد. در صورتی که مصریان قرن ها ستایشگر خدای بزرگ خود، آمون رع (Amun Re) بودند. در این تغییر، نام خدا ازآمون به آخناتن (Akhenaten) تبدیل شد. آمون (به معنی موفق شده) و آخناتن (آتن یعنی مقبول وقابل قبول). آمن هوتپ چهارم، پایتخت مصر را از شهر تب به ال آمارنا (Elamarna) که درحاشیه ی کویر پایه گذاری شده بود، منتقل کرد و آتن خدای جدید در حقیقت قرص خورشید بود که روشنی و گرمی وخوشبختی می بخشید.

آمون، خدای کهن مصری، پایه باور قدیمی داشت و مردم به آن احترام گزارده و ستایش می کردند. پرستندگان خورشید درپیروی از آیین جدید، باورهای پیشین خود را از دست دادند و آمن هوتپ، دنیای جدیدی را به آنها وعده داد و این خوراک فکری شاید برای آنها جذابیت داشت. نام آمون، خدای قبلی، از خاطره ها پاک شد و به یادگار پیوست و دیگر جایگاه خدایی نداشت.

به خدای آتن معبد جدیدی پیش کش شد که بسیار نورانی بود. نفرتی تی (Neferititi)، ملکه آخناتن، به معبد گل ومیوه به عنوان هدیه تقدیم کرد. پرستش قرص خورشید به عنوان خدا، مذهب زندگی است، آزادی و عشق به طبیعت و عناصری که خورشید تولید می کند، لازمه ی اقتضای پرستش و عبادت نسبت به آن است.

پرستندگان خورشید مرتب در حال افزایش بودند و در یکی از شهرهای سوریه به نام هلیوپولیس (Heliopolis) (شهرخورشید) خدای خورشید به نام رع ها راخی(– Re Harakhi) مورد پرستش مردم شهر بود.

آخناتن تحت فشار سیاسی بود که پایتخت جدید را ترک کند و او از این کار امتناع کرد. ثروتی که از مردم لوانت و شرق مدیترانه و سایر سرزمین های اشغالی وصول می شد،

بیشتر به مصرف پایتخت پیشین یعنی تب و دستگاه روحانی معبد آمون می رسید. اکنون دیگر وصول مالیات و خراج در پایتخت جدید متوقف شده بود. صلح خواهی و جدایی طلبی هم از دیگر مشکل های آخناتن بود.

سیاست فرعون بر ادب پروری و تشویق شعرا ونیز حمایت از شاهزاده نشین های سرزمین های تحت سلطه ی مصر قرارداشت، در حالی که امپراتوری بزرگ مصر در حال شکست بود و دولت هیتی آن را تهدید می کرد. آخناتن در این پایتخت صحرایی در حال بی خبری و ناآگاهی از خطر به سر می برد. او با خود عهد کرده بود که دراین شهر بماند وهرگز تن به مسافرت ندهد، در نتیجه از آنچه در کشور و شهر تب می گذشت و رویدادهای اطراف و جوانب آن هیچ آگاهی نداشت. در شهر تب از مالیات دهندگان، مالیات وصول نمی شد وآنها به خاطر آن از دولت رحیم و رئوف خود شکرگزار بودندوکارکنان فرعون با ستایش از خدای آتن و سرودن اشعار درجهت الطاف خداوندی، وی را مورد تعریف وتمجید قرار می دادند.

هیتی ها در جهت تجاوز به پیش می رانند. (آناتولی، ۱۳۸۰ پ.م):

فرمانروای دلیر وجسور هیتی به نام شوپ پیلولیوماش، برای توسعه و گسترش متصرفات خود، حمله به جنوب را سرلوحه ی اقدامات خود قرار می دهد. دیدگاه او به سوی شهرهای ثروتمند و مراکز تولید وصنعت شمال سوریه معطوف است. دولت هیتی برای گسترش امپراتوری و توسعه ی قدرت، به سرزمین پادشاهی آناتولی و سرزمین وابسته به آن می اندیشد.

شوپ پیلولیوماش، پادشاه هیتی، برای بسط سرزمین های زیرسلطه ی خود، در صدد ایجاد شکاف بین قدرت حاکم در شهرها و شاهزاده نشین های سوری وایجاد نزاع و از هم گسیختن فرمانروایان محلی دراین ناحیه و تحکیم حکومت قدرتمند میتانی در سراسر مدیترانه است.

او در انتظار فرمانروایان حریص و آزمندی است که از شهر لوانت برعلیه مصر ونفوذ آن به پاخیزند و این کشور را مورد تعرض قرار دهند. از سویی به دولت آشور فرصت می دهد که از سوی شرق میتانی را مورد هجوم قرار دهد و برای این کار آشور را هم تشویق می کند.

ژاپن ۶۶۰ پیش از میلاد

در ژاپن افسانه یی رواج یافت که شاهزاده جیموتنو(Jimmu Tenno) از نزد الهه خورشید آماتراتسو(Amateratsu) به زمین می آید و پس از شکست دادن یاماتو(Yamato) به سلطنت کشور می رسد. وی در جزیره کیوشو(Kyushu) به دنیا می آید و در سال ۶۶۷ پیش از میلاد سرزمین خاوری ژاپن را هم به تصرف در می آورد.

آناتولی ۶۶۰ پیش از میلاد

در این سال آشوربانی پال جهت ایجاد رعب و هراس در مردم آناتولی، در راه پشتیبانی و یاری رساندن به پادشاه لیدیا، جیجس (Gyges) به آن جا حمله کرد. لیدی چندین بار هم از سوی سیمریان تهدید شده بود و سیمریان که حکومت جدیدی به وجودآورده بودند، بر فشار بر کشور لیدی می افزودند. ارتش آشور به این علت از شورش مصر نتوانست جلوگیری کند و در نتیجه مصر آزاد شد.

مصر ۶۵۶ پیش از میلاد

پسامتیک (Psammetichus) فرعون مصر با بیرون راندن آشوری ها به ترمیم خرابی ها در کشور پرداخت و آثار خرابی را در کشورهای تابعه جبران کرد. پس از آن پیشگویان خبر دادند که مردانی جهت کمک از آن سوی دریاها نام نویسی کرده اند، این مردان ایونی (Ionian) وکاریانها (Carian) بودند، که مصری ها با همیاری آنها، آشوری ها را تا اشدود(Ashdod) فلسطین تعقیب کردند.

آناتولی ۶۵۲ پیش از میلاد

سیمریان ها (Cimmerians) با تسخیر شهر سارد (Sardis) پایتخت لیدی (Lydia) جیجس (Gyges) پادشاه لیدی را هم به قتل رساندند. یکی از حوادث مهم زمان سلطنت جیجس حمله به میلت (Miletus) اسمیرنا (Smyrna) وکلوفون (Colophon) است و آخرین حادثه کمک به مصر جهت بیرون راندن آشور با فرستادن دسته های نظامی بود، که مصر را از کنترل آشور آزاد ساخت.

اروپا ۶۴۸ پیش از میلاد

در جنوب سرزمین گل (فرانسه) به تازگی فلز آهن را ذوب و به مصرف می رسانند، در ضمن در سرزمین های اروپای باختری تجارت به نحو چشمگیری رشد می یابد و به وسیله اتروسک ها فنیقی ها و یونانیان، انواع کالاها مانند جواهرات، اسلحه، سرامیک، کوزه های محتوی شراب و اجناس برنزی برای صادرات به تمام کرانه های دریای مدیترانه حمل می شود.

بابل ۶۴۸ پیش از میلاد

آشوربانی پال شاه آشور، به طور رسمی خود را پادشاه بابل اعلام کرد، لیکن برادر فرمانروای پیشین بابل شمش شوماکین (Shamash – Shumaukin) با آتش زدن کاخ خود دست به خودکشی زد.

فرمانروایان ظالم و بی رحم سلسله ی شانگ، درچین به حکومت می رسند. (چین، ۱۳۸۴ پ.م):

در ۱۲۰ کیلومتری شمال رودخانه زرد درچین، دولت قدرتمند و ستمکاری در ناحیه ی هنان هونان (Hanan Honan)، تشکیل می شود. این حکومت که بنیان سلسله‌ی پادشاهی شانگ را می سازد، به حالت نیمه خدایی است و این قوم احترام به نیاکان خود را سرلوحه ی قوانین کشور قرار می دهند و ارتباط با آنها را بسیار مهم می دانند.

در این زمان یعنی هنگام پادشاهی شانگ ها، خدایان بسیار پرقدرت و با اهمیت هستند و برای آنها انسانها را قربانی می کنند، به طور معمول در جنگ ها از زندانیان و سربازان اجیر روزمزد، استفاده می شود. مراسم قربانی به وسیله مردان جنگی، درحالی که قربانی را روحانیان با تشریفات ویژه برای خدایان می برند، انجام می شود.

در زمینه ی مصنوعات فلزی، بیشتر برنز به کار می رود و وسایل وظروف برنزی با اشکال جانوران ساخته می شود، که این ظرفها اغلب ظروف غذاخوری ویا مشروب خوری می‌باشند.

شانگ ها برای گفتگو با خدایان، پرسش های خود را بر روی استخوان، صدف و یا لاک سنگ پشت به وسیله ی میله آهنی گداخته، می نویسند، وجواب این پرسش ها را از روی فرم و شکل شکاف هایی که در استخوان و یا لاک ایجاد می شود، به دقت بررسی ومی خوانند.

پرسش هایی که از خدایان می شود، حالت ابهام و غیبی دارد و درزندگی وکار روزانه شانگ ها دخیل است. آنها هنگام لشگرکشی و پیکار را، از این طریق جویا می شوند و سعد نحس زمان پیکار را تعیین می کنند و نیز هنگام شکار فیل و ریزش باران راهم پیشگویی می کنند.

صنعتگران خیلی مورد احترام هستند، آنها از آلیاژ برنج، انواع لوازم زندگی تولید می کنند و نیز طلا وجواهر می سازند. آنها درخت توت می کارند، که جهت تغذیه ی کرم ابریشم به کار می رودو پارچه های بسیارظریف ابریشمی برای پوشاک می بافند، درحالی که مردمان کشورهای اطراف، لباس هایی ازکنف خشن و زبر بر تن می کنند.

با تمام این اوصاف، قوانین کاربردی ورفتار این سلسله بامردم ظالمانه است. آنها خدمتگزاران وزنان صیغه ی خود را درگور همراه ارباب و آقای خود دفن می کنند، ونیز ظروف غذاخوری و سلاح های شخص مرده را برای زندگانی پس ازمرگ با او به خاک می سپارند. دراین اجتماع مردمی، هیچ گونه تساوی و برابری وجود ندارد. طبقه ی فقرا و فرودست درگودال ها وحفره هایی شبیه غار، با وسایل اولیه، زندگانی می کنند، وهمیشه در تنگدستی به سر می برند. آنها روزگار خود را در رنج وعذاب در کشتزارها می گذرانند، درحالی که اشراف و نظامیان و روحانیان مذهبی و به طور کلی فرادستان، درعیش ونوش درخانه های باشکوه به سر می برند.

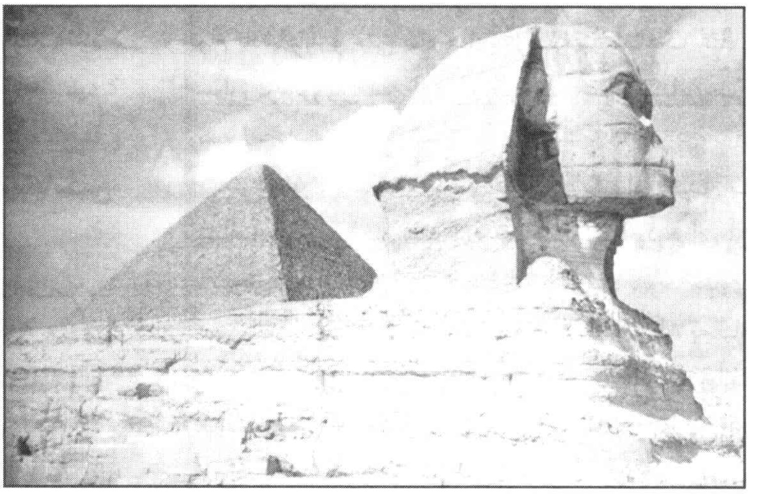
در آناتولی، هیتی ها، تندیس های غول پیکر جهت شهرت می سازند. (آناتولی ترکیه، ۱۳۸۰ پ.م):

هیتی ها درکوه های ناحیه ی یازیلی کایا (Yazilikaya)نزدیک بغازکوی (Boghazkoy) تندیس قدیسین خود را با ابعاد حیرت انگیز و غول آسا از سنگ می تراشند. به طور مثال، نخستین معبد هیتی در ۸۰ سال پیش با ویژگی های بسیار چشمگیر ساخته شده است. بخش اعظم این مکان مقدس، در قسمت غار مانندی از صخره های این کوه تراشیده شده است. در این جا ابعاد بدن انسانی، بازوها، وپاها را به نحو شگفت آوری نشان داده اند که از نظر بیننده در حال حرکت و زنده است که به طور مسلم این خطای باصره می باشد.

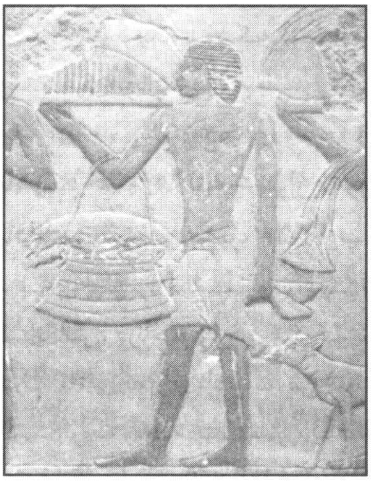
در پایتخت کشور هم، در مکانی، حدود ۳۰ معبد در اطراف میدانی بزرگ، با ستون های سنگی بنا شده است. نزدیک کاخ سلطنتی، ستون های چوبی بسیار عظیم، جلوه‌ی خاصی به سرسرای کاخ می دهد. دیوار شهر هم از ستون های صخره یی، به ارتفاع هفت متر دراسکله ی دریا بنا شده است. دوروازه های شهر هم با پیکره های غول آسا که مظهر خدای جنگ است، آراسته شده است.

هیتی ها به خوبی شیوه ی زندگی واقعی مردم را نشان می دهند. نشانه ها و مهرهای امپراتوری هیتی در روی ستون ها و پایه ها، به صورت چهارگوش و یا مدور، مدرک زنده یی از ساخت این بنا به دست آنها می باشد.

برخی از این مهرها، سلطنتی است. پیکره های فلزی کوچکی هم خدایان را در حال نوشیدن، در مراسم جشن و



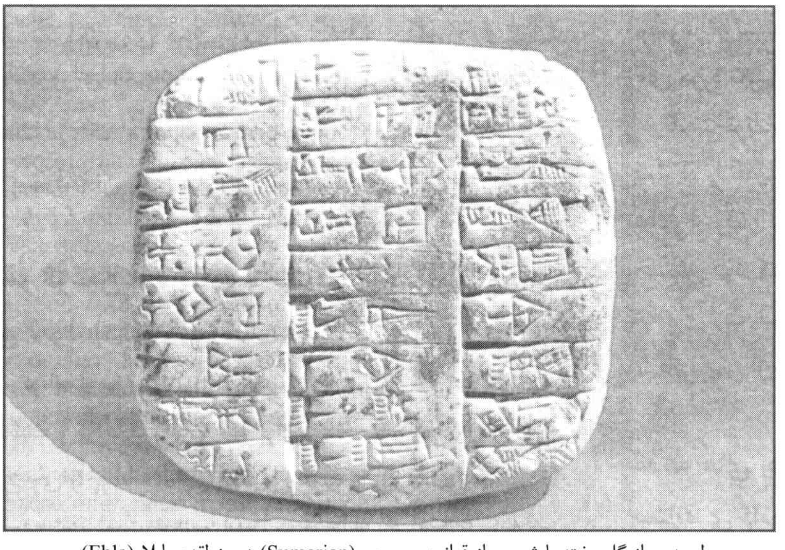
بزرگ‌ترین معبد و مقبره‌ی فرعون در ناحیه‌ی جیزه (Giza).



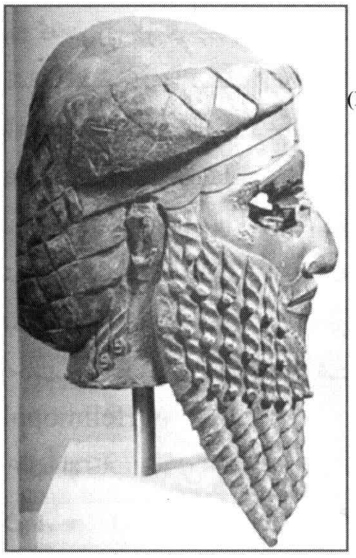
مردی با سبدی که وسیله‌ی حمل است.



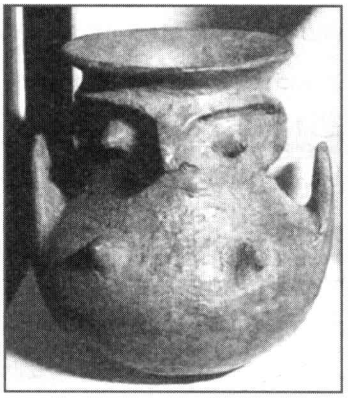
اسکلتی در گور، همراه با یک جام ابخوری.
(بریتانیا)



لوحه‌یی از گل پخته با شرحی از قوانین سومری (Sumerian) در منطقه‌ی ابلا (Ebla).



تندیس سر سارگون (King Sargon) که از برنز ساخته شده است.



جامی به شکل ادم که در شهر تِروا (Troy)کشف شده، مردم این شهر به‌علت ترس از آتش سوزی از آن‌جا فرار کرده و شهر را ترک می‌کنند، در نتیجه محل سکونت آن‌ها ویران می‌شود. این جام دودزده. سفالی یادگاری از این شهر است.

سرور نشان می دهد. یکی از بهترین مناظر، مربوط به تندیسی است از یک مرد که در حال خوردن یک تکه گوشت آهوی بریان شده می باشد.

شاهزاده خانم ها به عنوان عروسک سیاسی مبادله می شوند. (مصر، ۱۳۵۰ پ.م):

برای پیشبرد سیاست ونزاع بر سرقدرتِ مصر با همسایگانش، درناحیه ی خاور نزدیک، شاهزاده خانم ها به صورت کالای تجاری داد وستد می شوند. دولت مصر، برای برگشت ثروت و طلا به کشور، با دولت های کوچک ناحیه ی کاسیت (Kassite)، طرح ائتلاف می ریزد و با قرابت و خویشی و ازدواج با شاهزاده خانم ها اعتبار و حیثیت کسب می کنند. این شاهزاده خانم ها اغلب در سنین پایین هستند و نیروی کمکی برای به دست آوردن قدرت می باشند که از طریق مزاوجت به شکل گیری اقتدار آنها کمک می کند و این موضوع نوعی بازی سیاسی است که به پیشرفت آن یاری می رساند.

پسر فرعون با شکوه و طمطراق فراوان دفن می شود. (مصر،۱۳۳۸ پ.م):

توتانخامون (Tutankhamun)، درسن ۱۸ سالگی در گذشت و در طی کلماتی که برای نقاب طلایی صورت و بدن وی را پوشانده، او را تقدیس کرده وابیاتی بدین مضمون سروده شده است. چشم راست تو به قایقی می ماند که در شب حرکت می کند (الهه خورشید) و چشم چپ تو قایقی است که در روز در حرکت است.ابروانت، خدایان نه گانه اند. پیشانیت در حکم آنوبیس(Anubis)، پشت گردن تو شباهت تامی به هوروس دارد. طره ی زلفانت پتاه سوکار (Ptahsokar)، تو پیشاپیش خدای اوزیریس (Osiris) هستی (توتانخامون). آنها از تو سپاسگزارند. تو آنها را به بهترین راه های راهنمایی. تو آنها را به اتحاد می خوانی و دشمنانت را خدایان نه گانه شکست خواهند داد. شکست آنها در خانه فلکی است که شاهزاده هلیموپولی (Helimopoli) در آن جاست.

آنها از نقاب طلایی او مراقبت خواهند کردو هرآنچه که بدن اورا به طور غیر محسوس پوشانده، خدایان مسئولیت نگاهداری آنها را بر عهده دارند. به باور مصریان آن زمان تمام پادشاهان و حتی شاه های فرودست، شاهک ها) و پسران فرمانروایان پس از درگذشت به مقام خدایی می رسند.

به منظور بزرگداشت روح و عبادت جایگاه او، معبدی با تزئینات کامل ساخته شد که تمام دیوارها ودرهای آن طلاپوش، یعنی با ورَقه یی ازطلا پوشانده شد. تابوت حاوی جسد را در اطاقی تزئین شده با تمثالی از ملکه ی او، به نام آنخس نامون (Ankhesenamun)، دختر آخناتن به امانت گذاردند، که تصویر او را درحال نشسته و آشامیدن نوشابه نشان میدهد. تصویر دیگری که جهت زینت اتاق به کار برده شده، شاهزاده ی جوان را در حال نبرد با شیر شرزه نشان می دهد، درحالی که دم شیر را محکم گرفته، که این موضوعات، نشانه ی قهرمانی فرعون وقدرت اوست که درآن زمان مورد تجلیل مردم قرار داشته است.

تابوت توتانخامون با چهار ورقه طلا پوشانده شده که جسم او را تقدیس کند. اولین ورقه که پایه هایی دارد، نشانی از رب النوع اوزیریس و استحکام ومقاومت است. بخش دوم که کره یا منگوله هایی دارد، به نشانه ی رب النوع ایزیس (Isis) وسایر بخش ها حاکی از زندگانی پس از مرگ می باشد.

خدعه های جنگی هیتی ها، ارتش مصر را در آستانه ی نابودی قرار داد. (کادش سوریه، ۱۲۸۵ پ.م):

با یورش های غافل گیرانه هیتی ها، دژها و پادگان های نظامی ارتش مصر در ساحل رودخانه اورونتس (Orontes) درمعرض نابودی قرارگرفت. با پیشروی طلیعه ارتش مصر به سوی شهر، ارتش هیتی ها دست به دو نیرنگ زد و رامسس (Ramesses) گمان می کرد که هیتی ها درحال فرار از شهر هستند، وان جا در اختیار ارتش مصر قرار خواهد گرفت. تا زمانی که نیروی نظامی مصریان به شهر کادش نزدیک شدند، هیتی ها یورش خود را شروع کردند. فرمانده ی نظامی هیتی ها، به نام موواتالیس (Muwatallis)، فرمان حمله ارابه های جنگی خود را برای شکاف در صف های دشمن، صادر کرد و از گدار رودخانه

گذشت. با شکافی که در نیروهای مصر به وسیله ی ارابه های جنگی به وجودآمد، ارتش مصر دچار تفرقه و پراکندگی گردید و سربازان رامسس به دسته های کوچک تقسیم شده و قدرت فرماندهی از دست رفت، درحالی که نیروهای مصری به وسیله ۲۵۰۰ دستگاه ارابه جنگی محاصره شده بود.

در بحبوحه ی جنگ، سربازان دو طرف، نبرد تن به تن را شروع کردند و روحیه ی سربازان به شدت ضعیف شد و فرماندهان سپاه قادر به جمع آوری ونظم سربازان نبودند، در نتیجه، سپاهیان فرعون در گودالی مغاک گرفتار آمدند. در حالی که نظامیان مصری خود را برای هجوم آخر آماده می کردند، هیتی ها دست به غارت وچپاول چادرهای مصریان زدند و اموال و سلاح های سربازان را به یغما بردند. در این حال، رامسس تنها توانست با صدای طبل و شیپور، بقایای سربازان را جمع آوری وامر به بازگشت دهد. در این پیکار، ارتش رامسس دچار شکست شد وشهر کادش به دست دولت هیتی افتاد.

میسنی ها (Mycenae)، مستحکم ترین دژهای نظامی را در یونان دارا هستند. (میسنی یونان، ۱۳۰۰ پ.م):

دژها و قلعه های نظامی میسنی که در فلات آرگوس (Argos) یونان ساخته شده، در ردیف مستحکم ترین آنهاست. میسنی ها در ساختن این نوع دژ شهرت دارند، مهارت و ثروت این کار را هم دارند. در حالی که در سرزمین اصلی یونان، زمینه ی ساخت آنها نیست. میسنی ها هم چنین دارای کشتزارهای ذرت هستند و در پرورش اسب هم تبحر دارند. از نظر تجاری نیز بر سرزمین های اطراف برتری داشته و یک راه بازرگانی که از سرزمین های کوهستانی می گذرد، از جنوب شرقی تا تنگه ی کورینت (Corinth) ساخته اند.

آنها در کار ذوب فلز وصدور آن به سایر سرزمین های اروپایی و نیز ساخت تزئینات طلا و وسایل برنزی واشیاء سفالی وفروش آن به جزایر دریای اژه وشرق مدیترانه دست دارند. ثروت وتمول اربابان صنعت ومقبره های آن ها افسانه یی است. گورمیسنی به شکل استوانه یی ساخته

یهودیه ۶۴۲ پیش از میلاد

ماناسه (Manasseh) پادشاه یهودیه پس از ۴۵ سال سلطنت درگذشت. او برای اینکه بتواند تمامیت ارضی کشور خود را حفظ کند، در تمام موارد کشور را به آشور وابسته کرد. هم چنین خدایان آشور در معابد یهود مورد احترام و پرستش بودند.

آناتولی ۶۴۰ پیش از میلاد

سیمریها تمامی کناره دریای سیاه را در نوردیدند و خانه های مردم را در افه سوس (Ephesus) غارت کرده و آنها را آتش زدند، نظامیان حتی معابد آنجا را چپاول و تخریب کردند. افه سوس یکی از قدیمی ترین و مهمترین شهرهای یونانی در ساحل آناتولی بود.

یهودیه ۶۴۰ پیش از میلاد

پادشاه آشور طی جنگ با دولت ایلام (Elam) ایران اصطکاک پیدا کرد، در حالی که دولت یهود آشور را پشتیبانی می کرد، چون در این هنگام جوزیاه (Josiah) پادشاه یهود ۸ ساله بود.

ایران ۶۳۹ پیش از میلاد

در طی یورش بسیار شدیدی که آشوری ها به تمام نقاط سرزمین ایلام کردند، همه مناطق را مورد نهب وغارت قرار دادند و به ویژه شهر شوش پایتخت را به کلی ویران کردند ، این حملات آشوربانی پال، به علت دست اندازی ایلام به متصرفات آشور بود.

یونان ۶۳۲ پیش از میلاد

در بازی های المپیک یونان اغلب افراد بالغ به منظور رقابت و مسابقه شرکت می کردند. این مسابقات هر ۴ سال یکبار انجام می شد و منظور از آن بالا بردن روحیه حماسی و احترام به زئوس (Zeus) در المپیا (Olympia) بود.

ایران ۶۳۰ پیش از میلاد

کیاکسار(Cyaxares) که همین اواخر ، پس از مرگ پدرش فرائورتس (Phraortes) به پادشاهی رسیده ، وقدرت مادها را به آشور به اثبات رسانده بود. طی ضیافتی که رؤسا و سران اسکیت ها را دعوت کرده بود، درحال مستی و نشئه ی شراب ایران را مورد حمله قرار می دادند و ایران محل تمرین و تاخت و تاز آنها شده بود.

آناتولی ۶۳۰ پیش از میلاد

یونانی ها با سکونت در کرانه های دریای سیاه، به تجارت با اطراف پرداختند، آنان در بوسفور(Bosporus) وپروپونت (Propontis) (دریای مرمره) ونیز در سرزمین های بیزانتین (Byzantiun) سینوپ (Sinope) اولبیا (Olbia) وامیزوس (Amisus) محلات یونانی نشین به وجود آوردند.

سوریه ۶۳۰ پیش از میلاد

اقوام اسکیت پس از گذشتن از خاک کشور سوریه به مرزهای مصر می رسند و باکمترین مقاومت از سوی نیروی نظامی آشور روبه رو می شوند.

سوریه ۶۳۰ پیش از میلاد

یک باب کتابخانه در سولتان تپ (Sultan Tepe) در نزدیکی حران(Harran) تأسیس می شود که نشریات آن به سراسر سوریه می رسد، این کتابها شامل موضوعات پزشکی و تاریخ اساطیری و قهرمانی و حماسی مانند حماسه گیل گامیش (Gilgamesh)، افسانه های نیکوکاری و شرح مکافات و رنج های بشری و دخول به جهنم می باشد.

می شد که با دیوارهایی محصور بود. جسد مردان وزنان را با تزئینات طلا وگلدان های نقره، دستبند و گردن بند، تاج وکلاه های مربوطه وسلاح، مثل خنجرهای برنزی دفن می کردند. یکی از بزرگانی میسنی با نقاب وماسک طلا که روی او را پوشانده، دفن شده است.

اخیراً در اطراف دژهای نظامی ساختمان هایی به شکل کندوی زنبور با سقف گنبدی شکل بلند، به ارتفاع ۱۳ متر ساخته شده است. در جزیره های دریای اژه، درگذشتگان را در مقبره هایی برحسب طبقه ی اجتماعی به شکل کندو، همراه سلاح های شخصی، لوازم زندگی، انواع غذاها و مشروبات دفن می کردند. کاوشگران عقیده دارند که فوت شدگان در قبرهای استوانه یی شکل دفن می شدند.

در میسنی، همه ی طبقات مردم علاقه ی وافری به ورزش و بازی های ورزشی در تمام طول عمر دارند وگاهی پیکارهای شدیدی با شمال داشته اند. صحنه هایی از شکار گراز با نیزه وسرعت عمل در این کار و کشتن و پوست کندن گاو نر در روی دیوارهای نقاشی شده ی کاخ ها، حکاکی و نقش این آثار بر روی سنگ های معابد و نیز انواع ظرف ها، همراه نقش زنان محلی با چشم های درشت و موهای مواج با دامن های بلند وقامت رسا نشان داده شده و نیز رقص زنان ومردان در ضیافت ومیهمانی ها به نمایش درآمده است. به هر حال، این ها مناظری از زندگی روزانه ی مردم در کمترین وضع امنیت اجتماعی است. دژها و سنگرهای دفاعی خود را با دیوارهای محکم در اطراف آنها ساخته که به نظر می رسد، معماری آن اقتباس از استحکامات هیتی ها می باشد. در نزدیکی بندر تیرینس (Tiryns) یک دژ نظامی بسیار مستحکم ساخته شده که شباهت بسیاری با سایر وسایل جنگی دارد، که نشان از وضع ناآرام واحتمال نبرد در این ناحیه دارد.

عشایر ساکن صحرای افریقا، درپی چراگاه های جدید روان می شوند. (صحرا، ۱۳۰۰ پ.م):

گرمای سوزنده وخشکی هوا در سراسر صحرای افریقا و شن های روان به پیش می رود و رمه داران را مجبور می کند که در جستجوی چراگاههای تازه به سوی شمال و به سرزمین مغرب روی آورند. ساکنان جنوب و مغرب و سرزمین های مرکز افریقا و مشرق مصر به سوی منطقه های دیگر مهاجرت می کنند که احتمال بروز آشفتگی را بالا می برد. در یک هزار سال پیش، صحرا در تصرف کشاورزان مختلف بود. ساکنان صحرا برای سرپناه در غارها زندگی می کردند و زندگی خود را با ترسیم بر دیواره ی غارها مجسم می کردند. آن ها نقش فیل و کرگدن و انوع تصاویر حیوانات خیالی را نقاشی می کردند که تاریخ آن به ۳۷۰۰ پ.م می رسد. در حالی که بعداً نقش گاوها جایگزین آن شد و تصویر حیوانات خیالی محو گردید. بیشترین تصویرها مربوط به مردان ارابه ران بود که ارابه را هم اسب می کشید.

به تدریج مهاجرت ساکنان صحرا به نقاط دیگر آغار شد ومهاجران تحت تأثیر ساکنان بومی آن مناطق قرار گرفتند. درغرب ومرکز افریقا شیوه ی کشاورزی دچار تغییر شد ودر سرزمین مصر برای تغذیه ی جمعیت رو به رشد آن جا، انقلابی در کشاورزی به وجود آورد. لیکن در بخش شمالی مردم تحت نفوذ ساکنان بومی قرار گرفتند و در جهت سودجویی آرامش ناحیه از بین رفت. مهاجران تازه بربرهایی بودند که به نقاط کوهستانی رفتند و قدرت جنگی آن ها تهدیدی برای کشور مصر بود.

جدید ترین نقشه ی کشور مصر، به وسیله ی نقشه برداران مصری با محاسبه ی زوایای هندسی انجام می شود. (مصر، ۱۱۵۰ پ.م):

کار نقشه برداری به عنوان یک هنر علمی، برای نخستین بار با رعایت انتخاب رنگ ها جهت نشان دادن مکان ها و جاده های کشور مصر و سرزمین های مجاور در سطح بسیار دقیق و به توسط نقشه برداران صورت می گیرد.

این نقشه از معادن طلای واقع بین رود نیل و دریای سرخ، توأم با نقشه ی راه ها می باشد. نقشه یی که کشیده شده، شامل تمام راه ها وخانه های معدن کاران ومعبد مقدس آمون و نیز ستاره ستوس (Cethos) اول و راه هایی که به دریا ختم می شود، بود. کوه ها ومعادن طلا به رنگ قرمز و سایر رنگ ها با همان رنگی که در طبیعت به چشم می آید و زمینه ی حقیقی آن را شکل می دهد، ملحوظ شده است.

قبایل یهود از معجزه ی دریای سرخ می گویند. (صحرای سینا (Sinai)، ۱۲۰۰ پ.م):

دوازده قبیله ی صحرا نشین و بیابان گرد یهود که سال ها در اسارت مصریان تحت آزار و شکنجه بودند، حکایت فرار خود را ازمصر برای رسیدن به صحرای کنعان بدین صورت شرح می دهند. آنها پیرو تنها خدای خود، یهوه بودند و بر حسب عقیده ی خویش کرامات و معجزاتی را مشاهده کردند که در زندگی آینده ی آنها بسیار تأثیر گذار بود و آنها را از چنگال مرگ حتمی رهانید.

این طوایف در حدود پانصد سال پیش، به مصر آمدند و تحت نظر و پیرو رییس طایفه یعقوب پیامبر بودند و زندگی طاقت فرسا وکارهای شاقی برعهده داشتند و از این جهت در فکر گریختن از مصر بودند. در این زمان موسی پیامبر قوم یهود، از رامسس دوم، فرعون مصر، اجازه ی خارج شدن قوم خود را از این سرزمین کرد که مورد موافقت قرار نگرفت. در حالی که یهودیان در این مدت زجر و آزار فرعون را تحمل می کردند، تنها ده باردچار بیماری طاعون شدند و همه ساله محصول کشت آن ها دچار آفت می شد و دام های خود را از دست می دادند و کودکان آنها در معرض سخت گیری و مشقت بودند. در این هنگام که اقوام یهود در حال گریختن از مصر به دریای سرخ رسیدند، آب این دریا به دو بخش شده و راهی برای مردمان در حال فرار ایجاد کرد واجازه داد که آنها به راحتی از این دریا عبور کنند و به سلامت به آن سوی دریا برسند، لیکن تعقیب کنندگان مصری در باتلاق ایجاد شده به هلاکت رسیده و نابود شدند. اقوام یهود پس ازگذشتن از دریا، بدون این که صدمه یی دیده باشند، به صحرای سینا رسیدند وچند سالی در اطراف کوه سینا سکونت گزیدند، واین به علت پشتیبانی خدای یهوه بود و یهوه به طور کلی با خدایان دیگر فرق دارد. او حافظ و نگهبان کودکان ومردم قوم یهود می باشد. هم چنان که این دین حاوی بهترین قوانین است که موسی پیامبر یهود، در طی لوحه یی که ده فرمان خداوند بر روی آن نوشته شده بود، قوم خود را هدایت کرد و آنها را از بی عفتی و کشتار یکدیگر بازداشت.

رامسس دوم، معمار بزرگ، معبدی جدید در مقیاس عظیم بنا می کند. (مصر ۱۲۵۰، پ.م):

برای پیشگیری از تهدید وهجوم به کشور، رامسس دوم، پایتخت را تغییر داده و به مکانی در شمال شرق دلتای نیل،

مصر ۶۳۰ پیش از میلاد

پسامتیک (Psammetichus) پادشاه مصر، قبایل اسکیت ها را تهدید و به آنها حمله نمود و با پشتیبانی وحمایت حکومت لیدی در سال۶۵۵ پیش از میلاد، آشوری ها را از کشور مصر بیرون راند، پسامتیک پایتخت جدیدی در سائیس (Sais) واقع در دلتای رود نیل بنا می کند وبه ترمیم خرابی های کشور می پردازد. او هم چنین مردم یونان را تشویق به آمدن به مصر می کند.

آشور ۶۲۹ پیش از میلاد

آشوربانی پال به طرز مشکوک و ابهام آمیزی در قصر خود در شهر نینوا جان سپرد.

یهودیه ۶۲۸ پیش از میلاد

یرمیا (Jeremiah) پیامبر یهود مورد وحی یهوه (Yahwah) (خدا) قرار می گیرد وشروع به موعظه می کند.

بابل ۶۲۶ پیش از میلاد

مردم بابل به رهبری نابوپولسار(Nabopolassar) علیه سلطه آشور دست به شورش می زنند و به مرکز حکومتی می رسند. آنها مدت یک سال با جنگ های چریکی با سمیتیک ها (Semitic) که به کالدیان (Chaldeans) مشهور بودند وارد بابل شده و به طور کامل تاج و تخت سلطنت را تصاحب می کنند.

یونان ۶۲۰ پیش از میلاد

آلکائوس(Alcaeus) که اشعار مذهبی و روحانی می سرود در شهر لسبوس (Lesbos) به دنیا آمد، او در سروده هایش که بیشتر حالت روحانی داشت اشعاری در غنای آتنا(Athena)، آپولو (Apollo)، هرمس(Hermes) وآفرودیت (Aphrodite) می سرود. شعرای دیگری از این نسل در باروری سخن و گفتار هم زمان او بوده اند که زمینه تنفس در هوای آزاد سخنوری را پایه گذاری کردند. لیکن اشعار آلکائوس هم در نوع خود بنیان فکری آتنی ها را آماده ساخت. او در وصف هیجان و شادی و سرور وشراب شیرین و ناب نیز سخن سرایی کرده است.

آناتولی ۶۲۰ پیش از میلاد

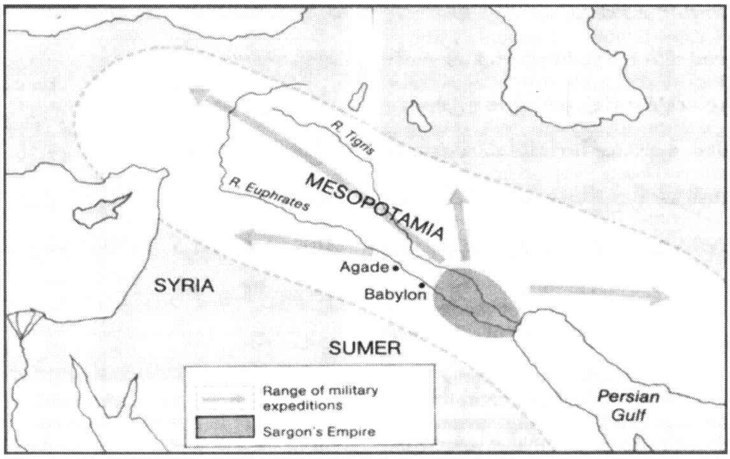
یونانی ها شروع به ضرب سکه برای داد وستد ومبادله کالا به جای معاملات پایاپای قاره یی در لیدی کردند.

آشور ۶۱۴ پیش از میلاد

کیاکسار(Cyazares) یاهو وخشتره در این سال به آشور هجوم برده وشهر آرافا (Arrapha) را تصرف کرد. نیروی نظامی ایران اکنون می توانست به جنوب حمله کرده وآشور را متصرف شود.

آشور ۶۱۲ پیش از میلاد

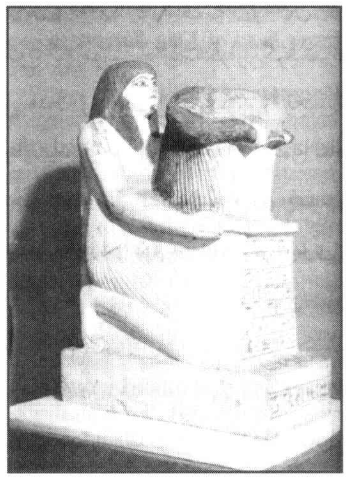
شهر نینوا (Nineveh) پایتخت آشور با حمله توأمان کیاکسار پادشاه ماد و نبوپلسار (Nabopolassar) پادشاه بابل سقوط کرد، و نیروی نظامی ایران و بابل ، نینوا را تصرف و تخریب کردند. با سقوط شهر نینوا، آشور شکست یافته و از بین رفت و امپراتوری آشور مضمحل شد.



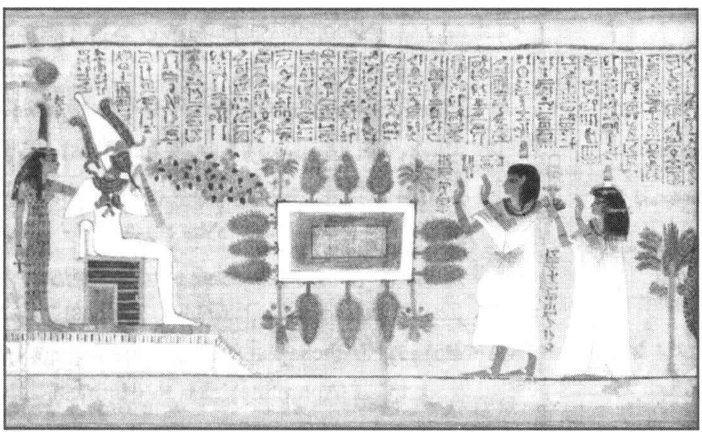
منطقه‌ی قلمرو امپراتوری سومر.



نارام‌سین (Naram-sin) و لشگریان شکست‌خورده او که بر روی سنگ حک شده است.



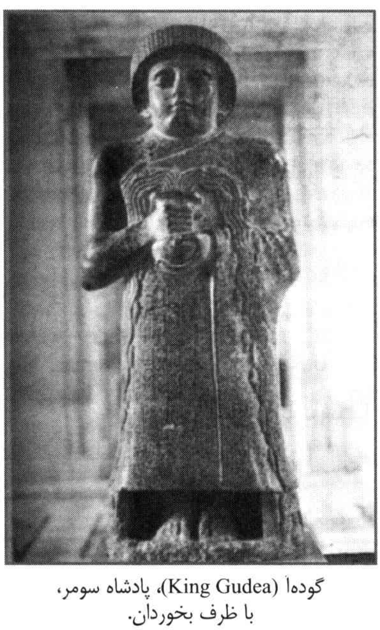
راهبه‌یی با تصویری از خدای آمون (Amun).



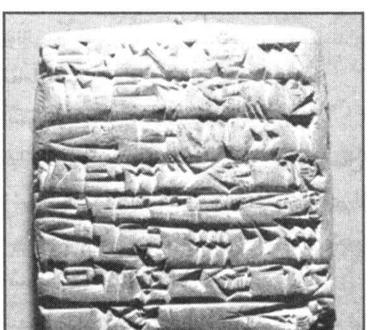
یک ورقه از پاپیروس (Papyrus) که مورد استفاده‌ی شهر وندان ثروتمند قرار می‌گرفت که در این‌جا اوزیریس (Osiris) و همسر او را با تزیینانی نشان می‌دهد.



پیکره‌یی از سنگ تراشیده در حال نواختن الت موسیقی هارپ (Harp) از اهالی پاریان (Parian)، که از ناحیه‌ی کروس (Keros) نزدیک آمورگوس (Amorgos) واقع در جزایر سیکلاد یونان کشف شده است.



گوده‌آ (King Gudea)، پادشاه سومر، با ظرف بخوردان.



لوحه‌یی با خط میخی (Cuneiform)که شامل ۳۲۷ ماده‌ی قانونی برای اجرا می‌باشد. این لوحه از جنس مس و ضایع‌نشدنی است.

به نام پی – رامسس (Pi – Ramesses) منتقل می کند که این آغاز ساختمان سازی و دوباره سازی بزرگ است.

بنای معبد ابوسیمبل (Abusimbel)، نمونه یی است که رامسس را به عنوان معمار بزرگ معرفی می کند. پیکره هایی غول آسا که بر روی صخره کنده شده، در داخل و خارج معبد و رو به طلوع خورشید، در تمامی این سازه نمایان است که از رود نیل می توان آن را مشاهده کرد. سر این پیکره ها، به شکل شاهین و به نام رع هاراختی (RE – Harakhti) لحظه به لحظه برآمدن آفتاب را شاهدند.

رامسس که خود به خدای خورشید پیوسته بود، نخستین شعاع های نورانی آن را که از ازل نشان دارد، تقدیس می کند. در حالی که این مقدس شمردن اشعه ی خورشید، آمون رع شهر تب، پتاه (Ptah) در ممفیس (Memphis) و رع هاراختی در هلیوپولیس هم صورت می گیرد و همه شکوهمندی آن را به عنوان خدا مورد پرستش قرار می دهند. چهار تندیس بسیار عظیم هم از این فرعون در حالات مختلف از صخره تراشیده شده و تمام آنها به حالت ایستاده، مقابل نور خورشید، قرار دارند. برهمین سبک، معبد کوچکتری از سوی ملکه نوفرتاری(Nofretari) هم، وقف خدای خورشید شده است رامسس هم چنین معبدی جهت امانت گذاری جسد خود به نام جایگاه رامسس در غرب شهر تب و نیز بنای یادگاری با بزرگترین تندیس خودش بر روی صخره تراشیده است که این تندیس عظیم هم درداخل معبدی است که اطراف آن را دیوارهای بلند با خانه های بزرگ و کارگاه ها احاطه کرده است.

مصر از ائتلاف دزدان دریایی با بیابان گردان شکست می خورد. (دلتای نیل، ۱۲۲۰ پ.م):

در پیکار طولانی که بین مصر از سویی و صحرا نشینان لیبی و دزدان دریایی مدیترانه، از سوی دیگر رخ می دهد، دولت مصر با دادن ۶۰۰۰ کشته و ۹۰۰ نفر اسیر در پی یر(Pi-Yer) شکست می خورد. برای شخص فرعون مصر، مرن پتاه(Merenptah) این یک پیروزی بزرگ محسوب می شود، لیکن چنین تلفاتی بهای سنگینی برای نیروی نظامی و امپراتوری است. مدت نزدیک به هزار سال ساکنان صحرا که با خشکی و از دست دادن زمین های حاصل خیز

فلسطین ۶۰۹ پیش از میلاد

نکوی (Necho) دوم که بر پسامتیک (Psammetichus) پیروز شده بود، به عنوان پادشاه مصر در سال ۶۱۰ پیش از میلاد به سلطنت رسید. در جنگ مجیدو(Megiddo) فتح درخشان نکو، نشانه اوج قدرت آسیایی ها است علیه مصر افریقایی ، هم چنین جوزیاه (Josiah) در این سال درگذشت. نکو هم چنین لباس نظامی برای آپولو در شهر میلت (Miletus) فرستاد که به عنوان مزدور در پیروزی نظامی شرکت کند و این نشانه قدرت فلسطین بود.

بابل ۶۰۵ پیش از میلاد

نبوکد رزار (Nebuchadrezzar) دوم پسر نبوپولسار در این هنگام به پادشاهی بابل رسید و اطراف شهر را با حصاری جهت مقاومت وجلوگیری از حملات دشمن بنا کرد. در این حال بابل یکی از استان های تقسیم شده بود. که دولت محلی برآن نظارت داشت. در حالی که بخش سلطنتی مجزا بود.

چین ۶۰۲ پیش از میلاد

مسیر رودخانه زرد در چین حدود ۱۶۰ کیلومتر به سوی شرق تغییر کرده و در نزدیک شهر تیان (Tian) وارد دریای چین شد.

یونان ۶۰۰ پیش از میلاد

هنر یونانی در این هنگام به اوج شکوفایی رسید این هنر در ساخت معابد و مکان های مقدس در دلف (Delphi) و المپیا (Olympia) به سبک دوریک (Doric) به خوبی نمایان و درخشید پیکره سازان با خلق آثاری که تا آن زمان مانند نهال تازه و دست نخورده بود، روح و جان تازه یی به مجسمه ها دادند و پیکره را به گونه یی می ساختند که نشانی از زندگی وشادابی داشت. در حالیکه نخست تندیس ها خشن و بزرگ جثه ساخته می شد، لیکن دراین زمان به ظرافت هر چه بیشتر اهمیت داده می شد. مردم کورینت (Corinth) سرامیک ها را با اشکال گل و حیوانات می آراستند که حالت شرقی داشت، مردم آتیک (Attic) سفال را با نقش روز درست می کردند، بدین معنی که سبک خود را مرتب تغییر می دادند و سبک های قدیمی را به فراموشی می سپردند و اساطیر را هم در کار خود دخالت می دادند.

ایتالیا ۶۰۰ پیش از میلاد

رم کنونی که با افسانه رومولوس در سال ۷۵۵ پیش از میلاد پایه گذاری شده بود، اکنون شهری بزرگ و توسعه یافته می باشد.

هندوستان ۶۰۰ پیش از میلاد

جمعیت فلات رود گنگ (Ganges) به سرعت افزایش می یابد، که اکثریت آنان از نژاد آریایی (Aryan) هستند، انان به تشکیل حکومت های بی شمار وکوچکی اقدام می کنند. هر ناحیه یا استان شهری به عنوان پایتخت دارد که با کندن خندق وایجاد بارو حفاظت می شود. قدرت مرکزی و پادشاهی در پیروی از برهمن ها (Brahmans) وکارمندان و درباریان قصر شاهی است. این حکومت تمایل به کارو صنعت دارد و کارشناسی وتخصص در اینجا مورد توجه است ، به عنوان مثال صنعتگران ، هنرمندان و بازرگانان دارای حرفه های تخصصی هستند.

خود مواجه بودند، در صدد بیرون راندن مصری ها و فشار بر آنها برآمدند. نتیجه ی این تلاش، فشار روزافزون بر ساکنان شهرها و راندن آنان به سوی مشرق بود.

آنان با داشتن اسبان تیزرو و ارابه رانان ماهر به شهرها حمله ور شده و دست به غارت وچپاول زدند، درنتیجه ساکنان شهرهای غارت شده و آواره به سرزمین اصلی مصر پناهنده شدند که نیروی نظامی مرن پتاه در مقابل هجوم مردمان آواره به تحلیل رفت. در تلاشی که ساکنان صحرای لیبی با دزدان دریایی ساکن جزایر کورس (Corsica)، ساردنی(Sarainia) و سیسیل(Sicily) برای بستن پیمان نامه یی به عمل آمد، شهرهای لوانتین (Levantine) دستخوش غارت شد واین غارتگران از سوی صحرای لیبی به مصر حمله ور شدند و از سوی دیگر مهاجران آسیایی تحت نفوذ ایران فشار مضاعفی جهت تهدید کشور مصر بودند. مرن پتاه، تاحدی توانست بر سرزمین جنوبی فلسطین پیروزی به دست آورد، ونیز نیروی دریایی متحدان لیبی را در شهر پی یر متوقف و مرز خود را در این ناحیه حفظ کند.

سقوط امپراتوری هیتی و پایان شکوه و عظمت آن. (آناتولی، ۱۲۰۰ پ.م):

قدرت امپراتوری هیتی دیری نپایید. پادشاهان هیتی بر سرزمین وسیعی حکومت می کردند که قدرت مرکزی آن در فلات آناتولی در ترکیه ی کنونی متمرکز بود واغلب باعث از بین رفتن تفرعن و غرور فراعنه ی مصر بودند. در همین زمان گرفتار ناآرامی هایی از سوی بابل و پخش قدرت جهت دفع و راندن تازه واردان و نیز وحشیگری اقوام اروپایی که از سوی دریا هجوم می آوردند، شدند. اغتشاش و شورش های محلی سبب به هم ریختگی سیاست و اقتصاد و فشار بر روی بدنه ی قدرت امپراتوری هیتی شده و تجارت دولت که پدید آورنده ی ثروت کشور بود، دچار تزلزل گردید.

این ناآرامی ها فرصتی بود برای مردمی که به صورت مزدور برای مغشوش کردن محیط آماده بودند ونیز دزدان دریایی. دودخالیاس(Dudkhalias)، پادشاه هیتی ها، برای دفع شورش های محلی از پادگان شهر اوگاریت (Ugarit) در مرز سوریه، درخواست کمک نظامی کرد که این نشانه ی پایان قدرت محسوب می شد.

در این حال، از سوی دریا حملاتی به سراسر شهرهای ساحلی به وسیله ی مردم تراس (Thracians) و ارامنه صورت گرفت و نیز به پایتخت هیتی به ویژه در منطقه ی دهکده هاتوزاس (Hattusas) (بغازکوی) که د رتنگه های کوهستانی قرار داشت، صدماتی وارد شد و این منطقه هم به وسیله ی فریژی ها(Phrgian) (فریگیه) که از شبه جزیره‌ی بالکان آمده بودند، مورد غارت قرار گرفت.

در نقاشی هایی که از قوم هیتی بر روی ستل (Stele) یا لوح های گلی باقی مانده، آنها را با صورتی بزرگ، بینی بسیار خمیده پیشانی برآمده وریش انبوه نشان می دهد. لباس آنها کاملاً چسبان با نیم تنه ی بدون آستین، اما در حالت رئیس وحاکم بر قدرت و فرمانروا به نظر می آیند.

در بایگانی شهر هاتوزاس، در ده ها لوحه ی گلی که از هزاران لوحه باقی مانده، از طرز زندگی، پیمان نامه ها، شیوه داوری وقضاوت و آگهی های دوستی شرح مبسوطی به خط میخی موجود است ، که این لوحه ها مانند لغت نامه یی از زبان بابلی و سومری به زبان هیتی ترجمه شده است. در قانون های مدنی هیتی، خشونت بیشتری نسبت به قوانین همورابی وجود دارد که منبعت از قوانین اسرائیل است (چشم در قبال چشم) هم چنین شخص مرده از مجازات معاف است، لیکن اعمال جنسی غیر متعارف مجازات مرگ دارد.

در شروع امپراتوری، هیتی ها به علم جغرافیا علاقه نشان می دادند، لیکن به عوامل طبیعی جهت حفاظت سرزمین خود مانند تنگه ها ونواحی شیب دار وکرانه‌ی دریا اهمیت می دادند واطراف هاتوزاس را با کندن خندق حفظ می کردند، در حالی که جنوب وشرق آن به وسیله ی کوه ها محصور بود. در بخش غربی شهر هم، بریدگی های کرانه‌ی دریای اژه حالت پناهگاهی برای شهر داشت و از این قسمت هم شهر کمتر در معرض هجوم بود. مردمی که از راه دریا به هیتی می رسیدند، به سبب فقدان نیروی دریایی خود و کالایشان ممکن بود از بین برود و در این قسمت تحت حمایت نبودند و دفاع از آنها مقدور نبود. به سبب ضعف نیروی نظامی در این بخش، اقوام مزدور و همسایگان و به ویژه اقوام بربر به طور دایم آرامش زمین داران در معرض مخاطره قرار داشت، واین عدم آرامش باعث اضطراب اهالی بود. مخصوصاً حمله نیروهای مصر به اژه.

در نتیجه تزلزل امپراتوری ها، فنیقی ها به جایگاه بلند دست می یابند. (لوانت، ۱۲۰۰ پ.م):

اغتشاش وشورش در مصر وهیتی، برای فنیقی ها خیرو برکت به همراه داشت. این ملت تاجر و دریا نورد در سواحل شرقی دریای مدیترانه زندگی می کردند. به سبب کینه و عداوتی که فنیقی ها از دزدان دریایی جزایر کورس، ساردنی وسیسیل داشتند، ارتباط خود را درتمام کرانه های مدیترانه با موفقیت گسترش دادند. فنیقی ها، دریانوردان متوسطی بودند که با تمام بندرها ارتباط داشتند و به فاصله ی مساوی از مصر و میان رودان ناوگان تجاری آنها در سراسر دریای مدیترانه مشغول رفت و آمد بود.

بسیاری از شهرهای این منطقه، مانند اوگاریت (Ugarit)، آرادوس (Aradus) و صیدون (Sidon) یک حالت رقابت و حسادت برضد ناوگان تجاری فنیقی ها وجودداشت و پیوسته دزدان دریایی در پناهگاه ها درکمین کشتی های آنها بودند. ناوگان شهر صیدون درکرانه ی مدیترانه، کشتی های عبوری را مورد بازدید قرار می داد و به برخی از آنها اجازه عبور نمی داد و بزرگ ترین قدرت منطقه محسوب می شد. فنیقی ها سواحل دریای مدیترانه را تا دورترین نقاط اسپانیا وجزیره سیسیل در می نوردیدند و کالاهای تجاری را از افریقا به اسپانیا می رسانیدند. آنها هم چنین با جزیره ی قبرس و تیره (Tyre) درارتباط بودند و به تمام کرانه های شبه جزیره ی ایبری هم مسافرت می کردند، به طوری که مس را از اسپانیا و قلع را از بریتانیا و منسوجات و ادویه را از شرق به غرب می بردند.

کارمندان مصری در اتهام دزدی از معابد پادشاهی در شهر تب. (مصر، ۱۱۱۰ پ.م):

عده یی از کارمندان عالی رتبه ی دولتی به اتهام دزدی از معابد پادشاهی، تحت پیگرد قرار می گیرند، که در محاکمه، هشت تن از این مردان تبرئه می شوند. این اتهام برابر گزارش شهردار تب، به نام پاسر(Paser) می باشد، او در کمیسیونی که به ریاست خائموز(Khaemwese) تشکیل می شود، بر طبق گزارش، شهردار ادعا می کند که به معابد شاهی بی احترامی صورت گرفته واز آن جا دزدی شده، لیکن آن طور که شنیده شده و از قراین برمی آید، این

هندوستان ۶۰۰ پیش از میلاد

هندیان در پیکار از فیل استفاده می کنند.

اروپا ۶۰۰ پیش از میلاد

قبایل سلت (Celtic) درخاور وشمال آلپ (Alps) در تماس با زیست گاههای یونانی غرب دریای مدیترانه به طور مستقیم با آنها داد وستد و تجارت می کنند.

ایران ۶۰۰ پیش از میلاد

تعلیمات زرتشت (Zoroaster) پیامبر بر پایه نیک اندیشی و راستی و پیکار همیشگی نور یا راستی با بدی یا شیطان است که سرانجام نور یا نیکی بر بدی یا شیطان پیروز شده و بدی یا ظلمت از بین خواهد رفت.

یونان ۶۰۰ پیش از میلاد

در یونان نیروهای نظامی شهر سیکیون (Sicyon) که نزدیک مناطق کورینت (Corinth) و کله ایستن (Cleisthenes) قرار دارد علیه قدرت ظالمانه دوریان (Dorian) پایه میدان می گذارد. بر حسب روایات، دوریان ها از سه تیره یا قوم بودند که نام های آن ها عبارتند از پیگیت ها (Piggites) ، اسونیت ها (Swinites) و آسیت ها (Assites).

یونان ۶۰۰ پیش از میلاد

آلکمان (Alcman) شاعر یونانی که گفته می شد اصل او از اهالی لیدی در آناتولی می باشد در اسپارت سکونت گزید، او اشعاری مذهبی در مباحث روحانی گفته است. سروده های مذهبی او در پارتنون (Partheneia) به صورت دسته جمعی خوانده می شد. به طور کلی شعر یونانی را جوانان با رقص و سرور اجرا می کردند و این به مذهب صورت وحالت جذابیت و شادابی می داد که در زندگی سیاسی مردم با اهمیت بود.

یونان ۶۰۰ پیش از میلاد

آریون (Arion) شاعر وچنگ نواز یونانی به طرز معجزه آسا از مرگ نجات یافت. وی شاگرد و مرید آلکمان بود. آریون شهر به شهر جهت نواختن چنگ و سرودن شعر مسافرت می کرد. او حتی سفری به ایتالیا برای پرورش ذوق واستعداد و بالا بردن مهارت خود نمود و در برگشت به یونان ملوانان به او حمله کردند و به قصد کشتن او تمام پولهایش را دزدیدند، لیکن خود وی از مرگ نجات یافت و آریون چنگ نواز به دریا افتاد، لیکن دولفینی او را برپشت خود حمل کرده و به ساحل رساند و بدین ترتیب شاعر عمر دوباره یافت.

آلمان ۶۰۰ پیش از میلاد

روستائیان کشاورز برای نخستین بار به سرزمین های پست شمال اروپا رفته و در آن جا ساکن شدند و شروع به ذوب آهن کرده و این صنعت را پیشرفت دادند.

افریقا ۵۹۴ پیش از میلاد

کشتی های فنیقی به مسافرت دور قاره افریقا دست می زنند، آنها جنوبی ترین نقطه قاره را دور می زنند، جاشویان کشتی چگونگی طلوع خورشید را از سوی دیگر با کشتی نظاره وگزارش می کنند.

جریان بر اثر رقابت وعداوت بین شهردار پاسر و رئیس پلیس کرانه ی غربی مصر، به نام پاوارع (Paweraa) بوده است.

پس از بررسی و تحقیق روشن شد که تنها معبد پادشاهی سبه کمساف (Sabekemsaf) دوم، مورد دستبرد واقع شده بود که در آن به چند مقبره مردم عادی بی احترامی شده است.

پاوارع، رئیس پلیس، با بدگمانی در اطراف این موضوع، طی لیستی این جریان را با فرعون در میان می گذارد، لیکن برابر اعتراف و اقرار سنگ تراشی به نام آمن پانوفر (Amenpanufer) در مدت چند سال تمام اشیاء مردگان را سرقت می کرده، به هرحال با این اقرار، سنگ تراش به فلک محکوم می شود (یک تنبیه، که با چوب یا شلاق به کف پای مجرم می زنند). این مرد مدت چند سال از قبرهای مردم دزدی می کرده است. در هر صورت، آمن پانوفر، برای آزادی خود به پلیس گورستان رشوه می داده، پاسر، شهردار تب هم، رئیس پلیس را متهم می کند که در محاکمه ی پاوارع می خواسته که تمام زندانیان را آزاد کند که این موضوع هم به خائموز گزارش شد. در جریان محاکمه، یک نکته روشن شد و آن این که زخمی بر پیکره دادرسی قضایی مصر وارد شد که به گنجینه قبرستان ومحل سپردن اموات دستبرد زده می شده و این جریان از چشم پلیس پنهان می مانده و به حسب ظاهر پلیس از آن آگاه نبوده و به طور روزافزون تکرار می شده است. در این حال، دولت مصر بالاخره توانست جسدهای مومیایی شده را به حالت آرامش در تابوت ها قرار دهد و محیط گورستان را به حالت سکون درآورد.

تعداد معدودی از مردمان خانه به دوش، از تحت سلطه ی آشوری ها می گریزند و این پایان فصل فرمانروایی آشور است. (خاور نزدیک، ۱۱۰۰ پ.م):

گروه های صحرا گرد که از سرزمین های تحت فرمان آشوری می گریزند، رو به تزاید است. آنها خود را به شهرهای مهم سوریه، به ویژه دمشق رسانده و باعث فشار بر جمعیت هیتی های جدید می شوند.

این گروه ها، زبان آرامی را باخود همراه بردند که ریشه‌ی آن، زبان عبری یهودی بود واقوام اسرائیلی به آن صحبت می کردند و به شکل طولی نوشته می شد و علامت های الفبایی آن شباهت تامی به زبان فنیقی داشت. در حالی که به نظر می رسد از خط ونوشتاری میخی شکل که در سرزمین های دور به کار می رفت خیلی آسان تر بود.

گروه های ارامنه، که به شهرهای دیگر حمله می کردند، به وسیله ی شاهان آشوری در سده ی سیزده پیش از میلاد، شکست خوردند، لیکن فشار خود را به سرزمین های استپی ادامه می دادند و به سمت شهرهای مهم جنوبی پیشروی می کردند. ارامنه با خود فرهنگ تازه نیاوردند، اما سبک زندگی ساده تر وهنر خود رابه نواحی جدید انتقال می دادند، بدین سبب تیگلات پیلسر(Tiglat – Pileser) اول حدود ۲۸ بار بر ضد ارامنه به پیکار پرداخت تا توانست موج حملات آنها را کاهش دهد. یکی از رهبران ارامنه، دست اتحاد به سوی شاه بابل دراز کرد که این عمل خوش آیند پادشاه آشور نبود و آن را تهدید جدی برای سلطنت وفرمانروایی خود تلقی کرد.

مردم بابل، عقاید خود را در مورد اقتدار خدایان از دست می دهند. (بابل، ۱۲۰۰ پ.م):

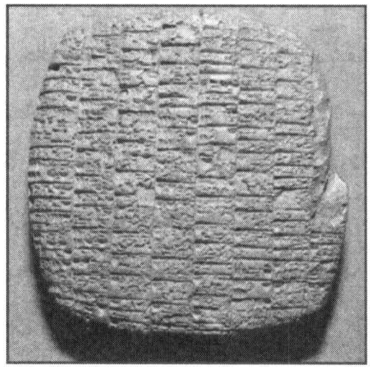
باور مردم بابل نسبت به قدرت خدایان خود، درباره ی بیماری و مرگ و عوامل و بلاهای طبیعی نقصان می یابد. به اندیشه ی آنان خدایان نامهربان شده و حمایت وپشتیبانی خود را از دست داده اند.

آنان تمایل به بدبینی دارند و فکر می کنند که خدایان آن ها قلابی و متقلب هستند.

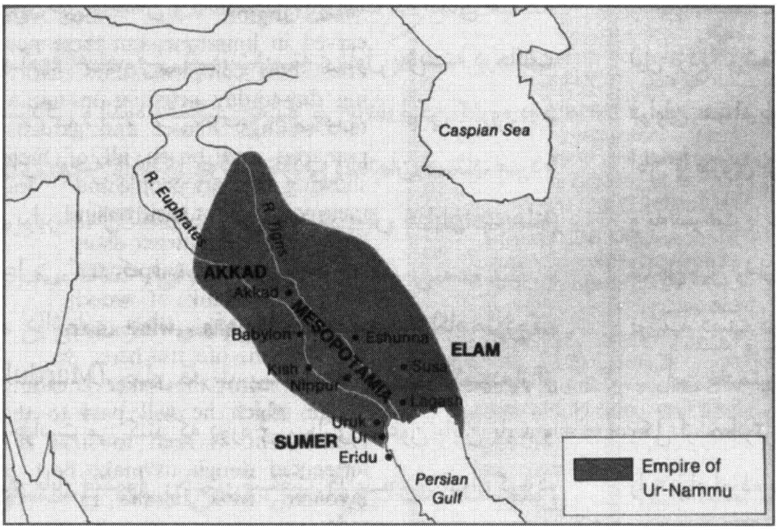
یکی از شعرهایی که ذهن آنان را تیره می کند این است (رنج مندان کنونی)، ترس از خدا وخداترسی را در مردم از بین برده وخدایان را ترک گفته اند. بیماری و ناشادمانی و حالت سستی ورخوت و عدم اطمینان به این که شاه وسلطنت او به وسیله ی خدا مورد حمایت قرار گیرد، ازبین رفته است.

در این اشعار به این موضوع اشارت دارد که دیگر شادمانی پایان یافته و اگر انسان آگاه بر سرنوشت خود، به وسیله خدایان نباشد، قدرت حیات و زندگی را ازدست خواهد داد.

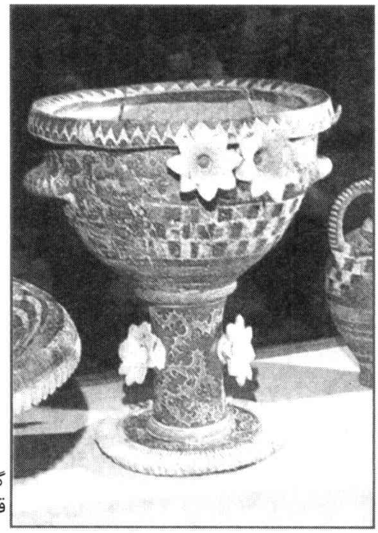
باور عمومی مردم بر این است که سرنوشت و تقدیر انسان ها از پیش از تولد آنها نوشته و مشخص شده و



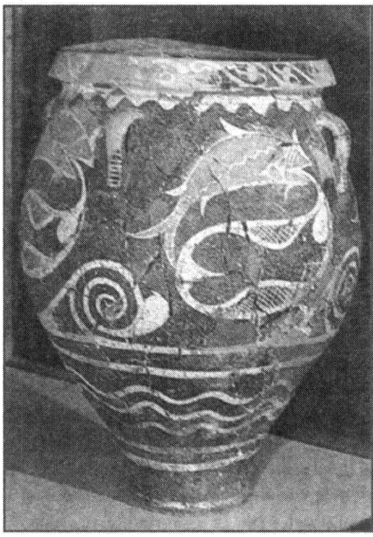
ظرف سفالی پر از گندم که بر راهبان و
خدمت‌گزاران معبد هدیه شده است.



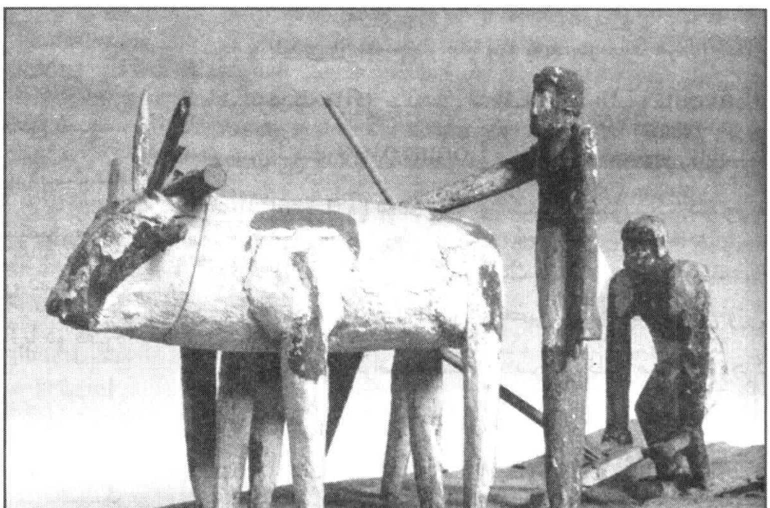
نقشه‌ی قلمرو حکومتی اورنامو.



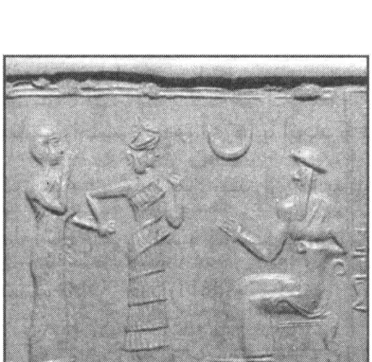
گلدان زینتی (گابلـه) (Goblet)، متعلـق بـه
قصر فاستوس (Phaestos).



کوزه‌ی زینتی مخصوص اب یا شراب کـه
از قصر فاستوس به‌دست آمده است.



تندیس چوبی دو مرد زارع که با خیش چوبی زمین را شخم می‌زنند. (مصر)



هدایایی که به اورنامو (Ur-Nammu)
تقدیم می‌شود.

بحث کلی محققان و دانشمندان این است که انسان ها به دو گروه تقسیم می شوند: دسته ی اول پیوسته درحالت افسردگی و اندوه وغمگینی به سر می برند، لیکن گروه دوم دارای روحیه واخلاق خوب و مؤدب وشادمان هستند. مردم در برابر اعمال ناهنجار وزشت خود در پیش خدایان، پیوسته ادعا می کنند که فریب شیطان را خورده اند.

دراشعاری حماسی وقهرمانی که به پیشگاه مردوک (Marduk)، خدای قدرت، پیشکش و تقدیم می شود، از او درخواست می کنند که دوره ی بیماری طاعون پایان یابد و شهر بابل مشمول رحم و شفقت خداوندیش قرار گیرد. حملات بیماری طاعون به شهرها سبب کشتار بی شمار مردم می شد وخدایان همواره و در همه حال قادر نبودند که به درخواست ودعای دین داران پاسخ دهند و این بلا را از سر مردم رفع کنند.

شکست مردم ساحلی در پیکاری خونین (مصر، ۱۱۸۷ پ.م):

رامسس دوم، با بهم پیوستن نیروهای نظامی خود در سراسر دهانه نیل و تحت رهبری خود، در پیکاری تلخ، ودرحمله به فلسطین وسوریه، آن ها را به شکستی سخت دچار کرده و آن ها را به کیفر ومجازات می رساند.

طوایف ساحل شرقی دریای مدیترانه در ائتلافی با یکدیگر، برضد حملات خارجی متحد می شوند. سال ها بود که این مردم پس از خوردن شراب، دست به غارت و چپاول همسایگان می زدند. در هشتمین سال سلطنت رامسس سوم، آن ها با اتحاد با یکدیگر، دست به یک حمله ی شدید می زنند. آن ها پیکار خود را با دو فقره حمله شروع می کنند و با کشتی هایی که دور از ساحل داشتند، تلاش خود را آغاز می کنند.

آن ها با تصور این که، نیروهای مصری در دلتالنگر انداخته و هیچ گونه آمادگی برای درگیری ندارند، این موضوع را مهمل می پنداشتند. آنان هوش و ذکاوت رامسس را به حساب نیاورده بودند. مصریان از هر نظر آمادگی داشتند و اجازه دادند که کرانه نشینان با قایق های خود به دلتای نیل نزدیک شوند، در حالی که این کار آنان با رنج و مشقت فراوان همراه بود، باز هم دست به یک یورش سریع زدند، آنان با نیروی بی شمار خود اقدام به حمله ی برق آسا کردند و به سرعت با سربازان پیاده و قایق های جنگی سراسر ساحل نیل را از قایق های مصری پاک کردند و به این ترتیب، دست مردم نیل را از آن جا قطع کردند.

این نخستین تلاش وهجوم آنان به لوانتین نبود، اما یکی از خطیرترین آنها بود. حمله کنندگان تمام فامیل خود را همراه آورده بودند و تصور آنها این بود که در سرزمین های متصرفی می توانند ساکن شوند. متحدان شامل طوایف جک کر (Tjekker)، شردن (Sherden)، شک لش (Sheklesh)، وشش (Weshesh)، دنن (Denen) و سایرین بودند. لیکن اکنون تحت رهبری وکنترل رامسس، مصر تمام رنج های حاصل از درگیری ها را با پیشرفت به جلو، حالت مقاومی ایجاد کرده است.

درامریکا فرهنگ اولمک (Olmec) سربر می آورد. (خلیج مکزیک، ۱۲۰۰ پ.م):

تندیس های بزرگی از چند سر که از سنگ خارا ساخته شده و بلندی آن به چهار متر می رسد، درمعابد هرمی شکل و در نزدیک مراکز مذهبی منطقه ی لاونتا (Laventa)، سن لورنزو (San Lorenzo) و تِرِس زاپاتا (Treszapatas) در ناحیه ی کشور مکزیک کنونی، امریکای مرکزی کشف شده است.

این تندیس های عظیم که بعضی از آنها چندین تُن وزن دارند، واز سنگ تراشیده شده، در سراسر خلیج مکزیک وجود دارد، آن ها وقف ارواح خدایان وپرورش حس پرستش می باشد. در داخل این معابد، ستون های خوش تراش ومحل ذبح قربانی وتابوت هایی از سنگ یشم و انواع سفال ها وتندیس هایی از استخوان و نیز خواجه های چاق و تنومند و همین طور مجسمه هایی از جاگوارها وشیاطین وجود دارد.

آناتولی ۵۹۰ پیش از میلاد
پس از چند بار تلاش که مردم لیدی در آن شکست خوردند، کیاکسار یاهووخشتره پادشاه مادی ایران موافقت کرد که رودخانه هالیس (Halys) (قزل ایرماق) مرز دایمی بین ایران و کشور لیدی باشد.

خاور نزدیک ۵۸۷ پیش از میلاد
نبوکد رزار دوم پادشاه بابل به تلافی شورش یهودی ها اورشلیم را تخریب و یهودی ها را به اسارت به بابل فرستاد ، تحت رهبری نبوکدرزار دوم، امپراتوری وی از هرسو محافظت و امنیت آن از طرف سوئز، دریای سرخ و سوریه و سراسر مرزهای میان رودان و امپراتوری ایلام تأمین می شود.

آناتولی ۵۸۵ پیش از میلاد
در شهرهای یونانی شرق کرانه دریای اژه، به ویژه در میلت ، تمایل به زندگی روشنفکری و روشنگری توسعه می یابد. ریاضی دانان، پزشکان و فلاسفه به جنبه عقلانی علوم روی می آورند و مادیات را هم از نگاه اساطیری می نگرند.

فنیقیه (Phoenicia) ۵۷۳ پیش از میلاد
شهر تیره (Tyre) واقع در یک جزیره پس از سیزده سال محاصره به وسیله نبوکدرزار دوم تسخیر می شود. این شهر دارای دو بندر دریایی بود و از نظر تجاری وسیاسی برای فنیقی ها بسیار اهمیت داشت و چون از هر نظر حمایت می شد ودر موقعیت مناسبی قرار گرفته بود، از هر سو احتمال حمله به این شهر وجود داشت.

مصر ۵۷۰ پیش از میلاد
نیروی نظامی مصر شورشیان شهر سیرن (Cyrene) را که اقدام به شورش کرده بودند با کشتار خاموش کردند و پادشاه آپریس (Apries) که مزدوران او را حمایت می کردند بیرون راندند، این واقعه در سال ۵۸۹ پیش از میلاد اتفاق افتاد. آپریس پس از به دست آوردن تخت وتاج خود، ارتشی به فلسطین گسیل داشت و چون اورشلیم به وسیله نبوکدرزار دوم تخریب شده بود، یهودیان را برای سکونت در مصر دعوت کرد.

ساموس ۵۷۰ پیش از میلاد
تئودور(Theodorus) و رویکوس(Rhoikos) معماران یونانی مأموریت یافتند که معابد و مکان های مقدس خدایان هرا (Hera) را که سوزانده شده بود، دوباره سازی و ترمیم کنند. این معبد جدید دارای دو دالان بود که به سالن اصلی می رسید که با دو ستون ساخته شده به سه شبستان ختم می شد. دو نفر معمار نامبرده محل گودی را کشف کردند که یک تندیس برنزی در زیر خاک مدفون شده بود و این نشانه اهمیت مجسمه سازی است.

ایران ۵۷۰ پیش از میلاد
آستیاگ (Astyages) آخرین شاه ماد دختر خود را به یکی از زیردستان خود کامبوزیا (Cambyses) شوهر داد. آستیاگ که همیشه هراسان بود، شبی در خواب دید که از رحم دخترش درخت تاکی روئید و شاخ های آن تمام آسیا را فراگرفت که بالاخره هم به وسیله نوه اش، کوروش از سلطنت برکنار شد و پادشاهی ایران به هخامنشیان و سرسلسله آن کوروش رسید.

در داخل هرم های اولمک، تقویم صحیح برای مطالعه ی ستارگان وعلم حساب وریاضی و طرز درست نوشتن را به پژوهندگان می آموخته اند.

درامریکای مرکزی و نقاط دوری چون گواتمالا (Guatemala) و ال سالوادور (Elsalvador)، تمام باورها و عقاید مذهبی به دانش پژوهان شرقی و نقاط مرکزی مکزیک به طور وسیع یاد داده می شد و افکار مذهبی آن ها را تقویت می کردند.

زیگورات و اماکن مقدس، تمدن ایلام را نشان می دهد. (ایلام، ۱۱۸۰ پ.م):

با تسخیر بابل به وسیله ی شوتروک ناخونت (Shutruk – Nakhunte) وی عملاً فرمانروای ایلامی میان رودان گردید. تمدن ایلامی ها در ۸۰۰ سال پیش با از بین بردن سلسله سوم اور (Ur) نمایان شده بود، لیکن اخیراً با محو نفوذ و سلطه بابل، این موضوع بیش از پیش ظاهر شد.

زمانی که اونتاش ناپیریشا (Untash- Napirisha)، در ۱۲۴۰ پ.م به پادشاهی رسید، شهر مقدسی را به نام دوراونتاش (Dur – Untash) بنا نهاد که در آن زیگوراتی به عنوان معبد و پرستش خدای اینشوشیناک (Inshushinak) ساخته شد.

این شاید بزرگترین بنای یادبود ایلامیان درخاورمیانه باشد. در اطراف این شهر دیوارهای بلندی برای هرچه بیشتر محفوظ ماندن و دفاع معبد ساخته شد، که چندین دیوار داخل یکدیگر قرار داشت. در اولین طبقه ی ساختمان زیگورات، اتاق های گنبدی شکل چندی بنا شده که به وسیله ی پلکان می توان به مرکز معبد دست یافت، معماری بنای معبد به صورتی است که از هر طرف به بخش اصلی معبد که درمرکز بنا قرار دارد می رسد.

شوتروک ناخونت، بیشترین مدت سلطنت خود را صرف جنگ و سلطه بر بابل کرد. او یکی از بهترین سربازان بود و

هیچ گاه در بابل سکونت نکرد و هم خود را مصروف پیشرفت واعتلای ایلام کرد.

شوتروک ناخونت، بیشتر این سلطه را بر میان رودان داشت و بیشترین اثر را در تاریخ میان رودان بر جای گذاشت، هم چنان که نارام سین (Naram- Sin) تأثیر بسیاری براکد (آگاد Agade) وحمورابی (Hammurabi) بر بابل داشتند، او توانست بر شهر شوش تأثیر گذار باشد و آن جا را بلند آوازه ساخت.

سلیمان و داود بر قدرت اسرائیل می افزایند. (اسرائیل، ۹۲۵ پ.م):

دوازده قبیله ی یهود که در مصر دراسارت و سپس به مدت ۴۰ سال در بیابان سرگردان و آواره بودند، برای نخستین بار دولت قدرتمندی تشکیل می دهند. آنان در مدت بیش از ۵۰ سال، قدرت خود را در شرق مدیترانه گسترش دادند. این مهاجران خانه به دوش و سرگردان در این سرزمین سکونت گزیدند و به طور مرتب، نفوذ خود را در منطقه توسعه داده و توانستند ارتشی جهت دفاع از سرزمین خود تشکیل دهند.

این تغییر شکل حکومت، درنتیجه ی مساعی دو تن از پادشاهان اسرائیل انجام شد، که اولی داود نبی که مدت ۴۰ سال سلطنت کرد و سپس پسرش، سلیمان نبی، که او هم مدت ۴۰ سال پادشاه بود و در این هنگام درگذشت.

داود پادشاه اسرائیل، در بهم پیوستن و اتحاد بین دوازده طایفه ی پراکنده ی یهودی، نقش به سزایی داشت و به ویژه در بخش شمالی کشور یهود که دچار گرفتاری بیشتری بودند، قدرت بیشتری اعمال کرده و اورشلیم را به پایتختی برگزید.

برادر ناتنی سلیمان، فشار زیادی بر وی، جهت به دست آوردن سلطنت و رسیدن به قدرت وارد کرد، در حالی که موفقیت داود در تشکیل دولت اسرائیل زمینه را ساخته و ریاست پسر خود سلیمان را بر کشور آماده کرده بود. سال های سلطنت داود و سلیمان سال های طلایی برای اسرائیل بود که توانستند نفوذ و قدرت خود را به سرزمین های دور توسعه داده و آن را به فراملیتی تبدیل کنند.

در هنگام فرمانروایی سلیمان پیامبر، یک نوع حکومت روحانی و دینی حقیقی بر سراسر سرزمین اسرائیل برقرار شد که پایه و اساس آن شباهت به پادشاهی مصر داشت و یکپارچگی آن تضمین شده بود.

این اتحاد در سایه ی نیروی نظامی متشکل از چهارهزار اسب و ۱۴۰۰ ارابه ی جنگی تأمین شده بود. برخلاف این دورنمای چشمگیر و درخشان، مردم بار اقتصادی سختی را بر دوش می کشیدند و دولت از کار بندگان بهره می برد و زندان ها پر از اسرای جنگی بود و نیز معادن مس در وادی العرب بهره برداری قرار می گرفت و صنعتگران کشور مشهور بودند. تجارت رو به توسعه و کار پارچه بافی ونساجی رونق داشت و منسوجات تولیدی به سرزمین های مجاور و به ویژه به فنیقیه صادر می شد.

نکته ی قابل ذکر این که، از این زمان افسانه ی سفر ملکه ی سبا با طی حدود ۲۵۰۰ کیلومتر راه جهت استفاده ازتجربیات سلیمان پادشاه اسرائیل، بر سر زبان ها افتاد، به طوری که گفته می شد که سلیمان از نظر هوش و درایت فرمانروایی زبانزد بوده است.

سلیمان، بزرگترین بنا کننده ساختمان های یادبود در کشوراسرائیل و نیز گسترش فکر کارهای سازندگی زمان خود بوده. او قصری برای خود و معبد اورشلیم، درکوه موریان (Morian) را برای خانه آرک(Ark) بر حسب پیمانی که با خود داشت بنا کرد که دردنیا مشهور بود. پس از هفت سال، معبدی هم به شکل حلزون با اتاق ها ورواق های پیچ درپیچ (فضای داخلی) برای عبادت کنندگان ساخت.

سلیمان هم چنین برای بهبود تجارت، عهدنامه یی با همسایگان،من جمله هیرام (Hiram)، پادشاه سرزمین تیره (Tyre)، جهت آماده کردن صنعت کشتی سازی که طی آن مواد خام و اولیه را برای ساخت قایق می آوردند، بست.

قبرس با ذوب کردن فلزات کارهای هنرمندانه تولید می کند. (قبرس، ۱۰۷۵ پ.م):

جزیره قبرس که در شرق دریای مدیترانه واقع شده، در حقیقت چهارراهی است که بین اروپا، افریقا و لوانت قرار گرفته و تمدن وآداب و رسوم این نقاط را به هم منتقل

می‌کند. با سقوط امپراتوری های هیتی و میسنی، این تمایل بیشتر به یونان پیدا شد که با سقوط این باره ی یونان و کم شدن قدرت یونان، فرصت برای نفوذ نقاط دورتری از صحرا، همچون جزیره ی ساردنی و کشور مصر پیدا شد.

برخورد وانعکاس هنر این جزیره از هنر یونانی و میسنی با نفوذ هنر شرقی و مصری در آمیخت و آمیزه ی هنری جدید از آن پدید آمد. نام های یونانی کاربرد برای نوشتار محلی داشت و حوزه نفوذ یونانی گری به طور آشکار در اتاق‌های معابد وارد شده و اجازه ی ورود ونشر آن از این راه ممکن و میسر گردید.

آشوری ها امپراتوری برجسته ونوینی را درخاور نزدیک پایه گذاری می کنند. سلطه وپیروزی شاه جدید در ضیافتی به او تهنیت گفته می شود. (نیمرود (Nimrud) آشور، ۸۷۹ پ.م):

جشن های ده روزه دویستمین سال امپراتوری آشور بر متصرفات آن دولت و کنترل بر سراسر سرزمین های دریای مدیترانه به طور رسمی در پایتخت آشور آغاز می شود، اکنون دیگر دولت آشور به دریای مدیترانه دسترسی دارد.

بیش از ۶۰ هزار نفر از توانگران و ثروتمندان سراسر امپراتوری در این جشن دعوت شده اند که با تعظیم و کرنش این موفقیت عظیم را به آشورناسیرپال (Ashurnasirpal) دوم که یکی از فرمانروایان مقتدر آشور می باشد تبریک و تهنیت بگویند.

در حدود چهار سال پیش، سلطنت او بر این امپراتوری استحکام یافت و قدرت فرمانروایی آشور برتمام شهرهای ساحل دریای مدیترانه از جمله فنیقیه در غرب تا کوه های زاگرس و ارمنستان و نیز تا کرانه ی دریاچه ی ارومیه در شرق بسط و توسعه یافت.

پایتخت جدید آشور در موقعیتی قرار داشت که موجب تجدید قدرت و کاربرد عظیم این اقتدار بر سراسر امپراتوری را تأمین می کرد. این سلطه و چیرگی بر ملیت های گوناگون، باج وخراج معتنابهی بر آنها تحمیل می کرد که سالیانه باید بپردازند، باج به صورت طلا، نقره ودیگر فلزهای با ارزش و سایر مواد خام واولیه، کالاها و گله های جانوران اهلی و محصولات آنها بود.

مصر ۵۶۸ پیش از میلاد

آمازیس (Amasis) دوم با شورش علیه آپریس دوم ومزدوران یونانی وی غلبه، و سلطنت مصر را از آن خود ساخت. مصریان از یونانی ها خوششان نمی آمد. زیرا آنان سبب گرفتاری مصریان بودند. آمازیس آرامش را به کشور بازگرداند، وزمینه کار وتجارت را برای یونانیان در شهر نوکراتیس (Naukratis) در ساحل دلتای رود نیل فراهم ساخت.

آتن (Athens) ۵۶۰ پیش از میلاد

جنگ بین مردان کرانه دریا و ساکنان دشتها سود وغنایم بسیاری نصیب مگاکل (Megacles) کرد، در نتیجه لیکورگوس (Lycurgus) و پی زیسترات (Peisistratos) دهقانان شورشی علیه طبقه اشرافی به پا خاستند و آکروپولیس (Acropolis) را اشغال کردند.

هندوستان ۵۶۰ پیش از میلاد

سیدهارتاگواتاما بودا (Siddhrtha Gautama Buddha) متولد شد.

سیسیل ۵۵۶ پیش از میلاد

استسی کروس (Stesichorus) بزرگترین شاعر غنایی دوریانی در کاتانیا(Catania) درگذشت.اشعار او را در معابد به عنوان سرود مذهبی دسته جمعی می خواندند. موضوع های آن بیشتر جنبه اساطیری مانند تسخیر جریون (Gerion) به وسیله هرکول (Hercules) و پس گیری تروآ (Troy) ونیز برگشت آکایی های (Achaean) قهرمان در افسانه اورستس (Orestes) بود.

ایران ۵۵۰ پیش از میلاد

در این سال کوروش به پادشاهی رسید. او به محض تولد توسط پدربزرگش به یک گله دار سپرده می شود که نتواند موجب دردسر آستیاگ شود وبه قتل برسد، لیکن همان چوپان با بزرگ کردن کوروش او را از مرگ نجات می دهد. بعدها او به وسیله پدرش کامبوزیا که موفق شده بود به پادشاهی رسید.

مکزیک ۵۵۰ پیش از میلاد

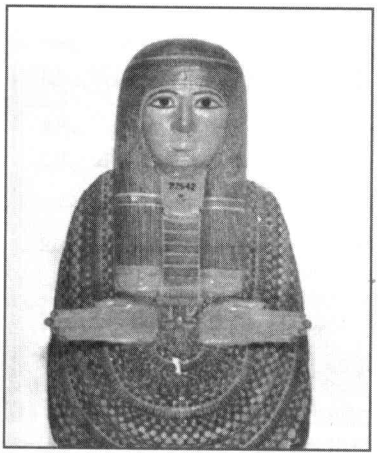
تندیس باروری زن مورد پرستش در کوئی کوئیلکو (Cuicuilco) و تلاتیلکو (Tlatilco) در مرکز مکزیک قرار می گیرد و جزو خدایان محسوب می شود، در کوئی کوئیلکو هرمی از خاک به همین منظور ساخته می شود.

خاورنزدیک ۵۵۰ پیش از میلاد

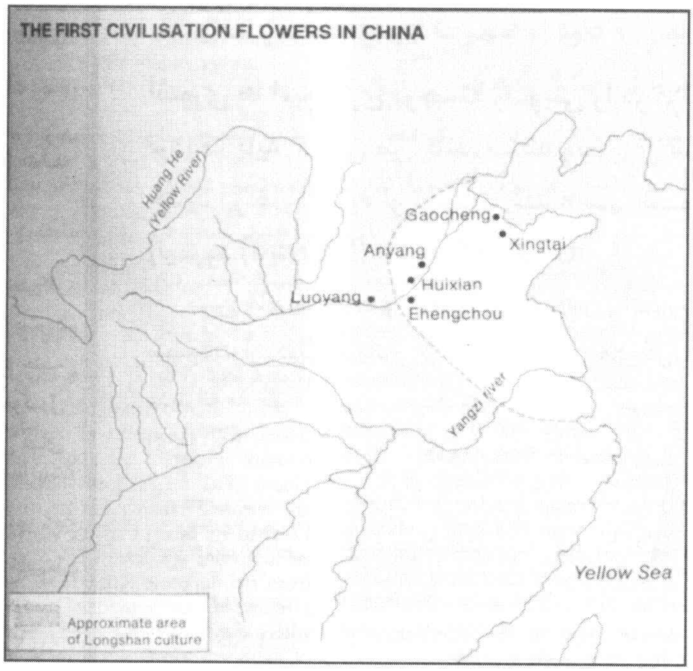
نابونید (Nabonidus) پادشاه بابل، کشور خود را به نفع پسرش بلشازار (Belshazzar) ترک کرده و در تما (Tema) یکی از واحه های عربستان ساکن می شود. نابونید به عنوان اعتراض خود را وقف خدای سین (Sin) که آن را بالاتر از مردوک می دانست و مورد پرستش قرار می داد کرد. تما یکی ازمراکز مهم پرستش خدای سین بود و نابونید سعی داشت که این محل را با ایجاد حصار و سد از حملات و هجوم ایرانیان برای تخریب آن حفاظت کند.



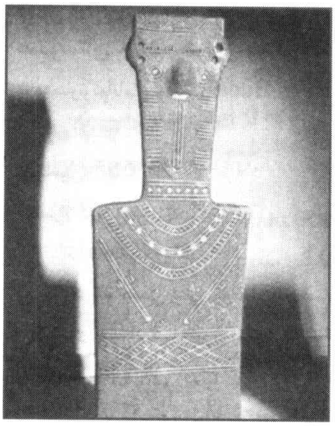
تصویر یک راهبه و میمون به‌عنوان خدای هاپی (Hapi) در مقابل چشم جادویی آمون رع (Amun-Re).



یک خواننده‌ی معبد امون رع. (تبس)(Thebes)



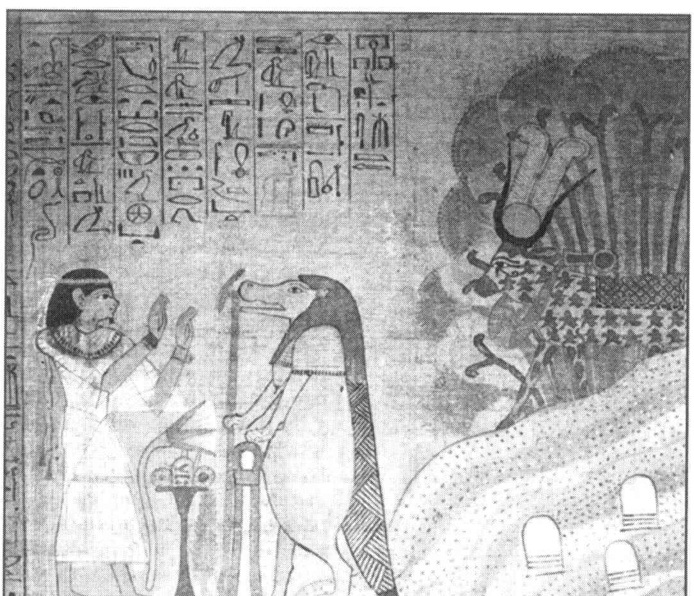
نقشه‌ی نخستین شکوفه‌های تمدن در سرزمین چین.



یک ظرف سفالین رنگی به‌نام «پلانک ایدول» (Plank Idol) ساخت جزیره‌ی قبرس، که با تزییناتی بر روی آن که بسیار زیبا به‌نظر می‌رسد.



دایره‌یی از سنگ‌های عظیم به‌نام بلواستون (Blue Stone)که در منطقه‌ی استون هنج (Stone henge) در سرزمین بریتانیا کشف شده است.



کتاب مردگان: روح زنی مرده از الهه‌ی تورت (Tauret)که به شکل اسب آبی ظاهر می‌شود. تقاضای عفو و آمرزش می‌کند، در حالی‌که الهه‌ی عشق به‌صورت نقش یک گاو یا هاتور (Hathor) و مراقب و ناظر این جریان است.

یکی از نشانه های ثروت بادآورده ی آشور ناسیرپال، بنای کاخ بزرگی با هشت کیلومتر مسافت پیرامون آن است. در دروازه های این شهر، تندیس های عظیمی از شیر وگاو قرار داده شده که از مرمر سفید تراشیده شده بود. در داخل و حیاط کاخ، درختانی چون سروبلند (آزاد)، شمشاد، توت سیاه و پسته کاشته بودند.

سالن بزرگ مخصوص شاه واتاق های پذیرایی با دیوارهایی با نقش برجسته ی انسان های درحال نیایش و عبادت وصحنه های پیکار و شکار شاهانه، تزئین شده بود.

درداخل دژها و باروها، معبدهای خدای جنگ به نام نینورات (Ninurat) را نشانی می داد. در حالی که تبسم بر لب به آسور می نگرد و شاید پیروزی آن ها را شادباش می گوید.

در حدود دویست سال قبل و در زمان فرمانروایی تیگلات پیلسر(Tiglat – Pileser) اول، دولت آشور به مدیترانه دسترسی پیدا کرد. درآن زمان حکومت های ضعیفی بر شهرها و ایالات کرانه ی مدیترانه حاکم بودند.

این تجدید حیات آشور در سال ۹۱۱ پیش از میلاد و درزمان فرمانروایی ادادنیراری (Adad – Nirari) دوم، شروع شد. این پادشاه در طی شش بار جنگ و تخریب دژهای نظامی شمال سوریه، بدان دست یافت. اکنون در زمان نوه ی او، آشور ناسیرپال، قدرت تحکیم شد و دژهای دفاعی وقلاع پیشین در حاشیه ی شرقی ترمیم شده وراه ورود به بنادر مدیترانه باز شد.

حکومت وحشت وترور در تمام امپراتوری حاکم می شود. (آشور، ۸۷۹ پ.م):

یک حالت وحشت وترس شدید بر مردم مستولی شده بود وهیچ فردی حق واجازه نداشت برای دیدن آشور ناسیرپال دوم، به کاخ جدید او برود. پیام پادشاه آشور: اگر هر یک از سران کشور قصد طغیان داشته باشد من پوست او را می کنم و ستون ها را با پوست آنها مفروس می کنم و دیوارها را با پوست آنها می پوشانم. بدن عده یی را سوراخ

یونان ۵۵۰ پیش از میلاد

اتحاد بین ایالات پلوپونز تحت لوا وقانون اسپارت شکل می گیرد، این امر نشانه پیروی از آرگوس (Argos) و یاری کردن به آزادی شهرها ورهایی از ظلم وستم و ایجاد مرکزیت قدرت پیش از اقتدار کامل اسپارت بود. هم چنین این اتحادیه نشان از ارتش و نیروی همگانی شهرها جهت دفاع وجلوگیری از هجوم وحمله دشمن به ایالات یونانی نشین است.

اتیوپی ۵۵۰ پیش از میلاد

اعراب یمن پس از گذشتن از دریای سرخ در شمال اتیوپی ساکن می شوند. رئیس قبیله ی هاباشات (Habashat) با قبایل نزدیک ازدواج فامیلی می کند و به این ترتیب ارتباط قبایل مستحکم شده و اتحادی بین آنها برقرار می شود که به قوم جیز(Geez) شهرت دارند،وخود بنیانگذار پادشاهی آکسوم (Aksum) یا (Axum) می شوند.

قبرس ۵۴۰ پیش از میلاد

آمازیس (Amasis) دوم پادشاه مصر پس از لشگرکشی و تسخیر جزیره قبرس، جهت اخذ مالیات از مردم این جزیره فشار وارد می آورد. مصریان در ساحل جزیره تندیس عظیمی از خدای مصری بس (Bes) در ناحیه آماتوس (Amathus) از جنس سنگ های آهکی برپا می کنند.

ایران ۵۳۹ پیش از میلاد

کوروش در نبردی از ناحیه ی سی پار(Sippar)، نابونید پادشاه بابل را شکست می دهد. وی پس از پیروزی بر آستیاگ پدربزرگ خود در همدان (هگمتانه) و شکست آستیاگ در ۵۴۸ پیش از میلاد در تمام کشور استحکاماتی جهت جلوگیری از نفوذ دشمن برپا می کند. اکنون دیگر او ارباب آسیا از کوههای هندوکش تا سواحل دریای مدیترانه می باشد.

هندوستان ۵۳۸ پیش از میلاد

پادشاه جاه طلب و زیاده خواه ماگادا (Magadha) به نام بیمبی سارا (Bimbisara) در طی پیکاری با مردمان ورجی (Vrjji) که دره رود گنگ را در اختیار داشتند، بر آنها پیروز می شود. تعصب شدید مذهبی موجب گسترش عقاید بودایی در سراسر منطقه و ماندگاری آن می شود. او هم چنین درتمام ایالات ناحیه تشکیلاتی برای جمع آوری مالیات ایجاد می کند.

ایران ۵۳۸ پیش از میلاد

کوروش شاهنشاه ایران طی فرمانی به یهودیان ساکن بابل آزادی می دهد و به آنها اجازه می دهد که در صورت تمایل به کشورشان بازگردند.

رم ۵۳۴ پیش از میلاد

سرویوس تولیوس (Servius Tullius) شاه رم که از اتروسک ها (Etruscan) بود، طی اصلاحاتی حکومت نجبا و اشراف را پایه گذاری می کند. ششمین پادشاه، روزشمار یا تقویم را برای گاهشماری درست می کند. برای مکان های مذهبی وخدمات آن ها کاهنان را می گمارد. او رم را به چهار ناحیه و مردم را به پنج دسته از نظر ثروت و مال تقسیم می کند. وی هم چنین ارتشی از افراد شخصی درست می کند که برای حفاظت از شهر رم به کار می رفت. (نگهبانان شهررم)

کرده وقطعات بدن آنها را به دیوار می آویزم و ستون ها را از تکه های بدن و اندام های آنان می پوشانم. شورش و نافرمانی مرزبانان را هم با پوست کندن آن ها و قطع اعضاء آنان جبران می کنم. همین طور تمام اعضاء افسران یاغی را قطع می کنم و تأثیر این پیام بدین شکل تظاهر کرد که مردم از ترس به احتیاط و محافظه کاری روی آوردند. امپراتوری آشور اکنون از خیلی از رویدادها آگاه بود و سیاست ترس و وحشت را اعمال می کرد. نیروی نظامی آشور در این زمان از شهرت و اعتبار برخوردار بود واین موضوع باعث رشگ و حسد دشمنان آشور به ویژه در خاور نزدیک شد واز سویی عامل بازدارنده ی رقیبان بود.

نیروی سوارکار به عنوان قلب این ارتش به شمار می رفت. سواره نظام وظیفه ی راندن ارابه های جنگی دو چرخه را داشت و این دسته به طور غیرقابل تصوری صف نیروی دشمن را می شکافت و دشمن را نابود می کرد. این دسته هم چنین، اسبان را برای این جریان آماده نگاه می داشت و باعث تقویت و تقدم سواره نظام می شد. نیروی سواره نظام از سربازان اصیل انتخاب می شدند و بخش مقاوم ارتش امپراتوری را تشکیل می دادند و همه روزه تعداد ۱۰۰ رأس اسب تازه نفس ذخیره داشتند. این اسب ها برای حمل ونقل وبارکشی نبودند.

ارتباطات تمام امپراتوری تحت نظم و کنترل نیروهای نظامی قرار داشت ومردم تمام سرزمین های تابعه، زیر فرمان مرکز اداره می شدند. مردمان غیرآشوری، در زمره ی بربرها و وحشیان قرار داشتند و به طور وحشتناک قتل عام می شدند، برابر گزارش کارمندان رسمی اگر مرتکب خلاف می شدند، به فوریت سر به نیست می شدند. به باور آشوری ها، عالم هستی همیشه درجدال با شیطان است درکانون این عالم خدای آشورقرار دارد که الوهیت او واقعی و غیرقابل انکار است. سربازان ارتش آشور، شهرها را غارت می کردند و کالا واثاث مردم ساکن آن را به پایتخت خود می بردند، به طوری که زندگی ساکنان شهرهای غیرآشوری همواره لگد مال می شد ودر معرض انهدام بود.

دزدی پیکره های مقدس زنگ خطری برای بابل (سیپار (Sippar) بابل، ۸۷۹ پ.م):

ربودن تندیس خدای بابلیان به نام مردوک در هنگام غارت و چپاول شهر بابل سبب رکود و تنزل اقتصاد این شهر می شود. فقدان پیکره ی مردوک برای عبادت و پرستش برای مدت مدید، باعث گسستن حمایت آن از مردم شده و جنبه ی الوهیت خدایان دیگر مورد تردید است.

اقتصاد بومی ومحلی دچار تزلزل وخرابی وحشتناک خواهد شد. بدون خدا زراعت دچار خسران شده و محصول به بار نمی نشیند. خرمن ها تهی وکشاورزان بدون غذا می مانند. اغتشاش وآشوب در بیشتر سرزمین ها ایجاد شده و مهاجران ارمنی و سوتی های (Sutaean) بیابانگرد انبارهای غله را غارت و شهرها را آتش خواهند زد، در نتیجه ساختمان شهرها به خرابی روی خواهد نهاد.

مردم بابل از این که خدای مردوک را مورد پرستش قرار نمی دهند، سخت هراسانند و می گویند تعادل هستی جهان بر هم خواهد خورد. مطابق اندیشه ی شایع، مردوک خشمگین وگرسنه سرزمین بابل را به بیابان بدون استفاده و لم یزرع تبدیل کرده و قدرت واعتبار آن را از بین خواهد برد.

در هنگام عادی و روزهای خوش عبادت کنندگان دو نوع غذای مورد علاقه ی مردوک را به معبد شامش (Shamash) می برند که عبارت بود از تکه های گوشت و انواع میوه، در حالی که نوازندگان برای خدا می نواختند.

به فراموشی سپرده شدن خدای بَعَل(Baal) و بازگشت به قدرت خدای یهوه(Jehovah) (اسرائیل، ۸۴۲ پ.م):

پس از سال ها نزاع و پیکار، خدای یگانه ی اسرائیل به جایگاه پرستش وعبادت مردم رجعت می کند. این جریان در تعقیب ازدواج سی سال قبل اُمری(Omri)، پسر آهاب(Ahab)، با ایزابل (Izabel) فنیقی که او خدای تیره به نام ملکارت (Melkart) را مورد پرستش قرار می داد.

مردم فنیقیه خدای بَعَل را در معبدی واقع در ساماری (Samari) قرار داده بودند جایی که امری پایتخت جدید

خود را در آن جا به جای اورشلیم بنا کرد، در حالی که عبادت کنندگان آن رو به فزونی بود، لیکن پرستش کنندگان خدای یهوه (Jehovah) رو به کاهش نهاده وموردزجر وآزار بودند.

مخالفان ایزابل و شوهر او شاه اهاب، به وسیله ی دو گروه بنیادگرای الیجاه(Elijah) و نیز گروه کوچکتر الیشا (Elisha)، پیروان موسی پیامبر را با سر نیزه مورد حمله قرار می دادند. ایزابل تمام پیروان مسلم یهود و مخالفان خدای بعل را در سرزمین اسرائیل اسکان داد و تلاش بسیاری در این راه کرد، به طوری که توانست موفقیت خود را برای طرد پرستش بعل و به قدرت رسانیدن یهوه را به اثبات برساند.

در توصیف پرهیزکاری مردوخ (مردوک Marduk) اشعار زیبایی می سرایند. (بابل ۸۵۰ پ.م):

پرستندگان مردوک به مدت چهار روز، بر طبق تقویم خودشان، روز فستیوال شعری به مناسبت بزرگداشت و شرح پرهیزکاری وپاکی این بزرگترین خدای بابل (زمان بزرگی وعظمت) به شکل حماسی می سرایند.

این اشعار به صورت هفت تابلو گلی کشف شده که در آن ها به طور مشروح غلبه ی مردوک را بر سایر خدایان پیش از خلقت کائنات و به وجود آمدن انسان آمده وزمانی که هرج ومرج بر جهان حاکم بوده است. گفته شده در زمانی که آب های شیرین ونیز آب های شور به وسیله ی توده هایی از ابرها از آسمان نازل شد، در این هنگام که اغتشاش و دگرگونی بر جهان ظاهر شده بود، خدایان نخستین پدیدار شدند که از آن جمله اِآ (Ea) که صاحب عقل وخرد کامل بود، او وهمسرش دام کینا (Damkina)، مردوک را به وجود آوردند.

در همان هنگام که آتش جنگ را تیام مات (Tiammat) شروع کرد، اعلان جنگ به وسیله اِآ سرسخت و خشونت طلب داده شد، درحالی که سایر خدایان طرفدار صلح وکاهش پیکار بودند. مردوک که خود منازعه را توصیه کرده و قبول داشت به خدای عالی مقام وبلند پایه تبدیل

مصر ۵۲۶ پیش از میلاد

مدت ۶ ماه پس از تاجگذاری پسامتیک سوم، کامبوزیای دوم پسر کوروش طی لشگرکشی به مصر، آن کشور را تسخیر وخود را پادشاه مصر می نامد.

یونان ۵۲۰ پیش از میلاد

آناکرئون (Anacreon) شاعر مدیحه سرای آتنی در منطقه تئوس (Teos) درایونی (Ionia) متولد می شود. موضوعی را که این شاعر بیشتر مورد علاقه اش بود و به آن می پرداخت عشق به ارباب انواع و خدایان ومردان صبور بود که مورد ستایش او قرار می گرفت. او دختران جوان افسونگری را ستایش می کرد که رام نشدنی بودند و از مادیان ها بیشتر حالت وحشیگری داشتند و رقیب وحریف او در عشق بازی بودند، این شاعر بیشتر زندگی خودرا با زنان نانوا و هرزه و فاسد می گذرانید.

ساموس (Samos) ۵۱۶ پیش از میلاد

جزیره ساموس از توابع یونان هلنی (Hellenic) که دارای دو حصار مستحکم بود به زیر سلطه ایران درآمده و سقوط کرد. اکنون تمام ایونیها در زیر فشار ومهمیز مأموران رسمی پادشاهی شوش بایستی مالیات کمر شکن بپردازند که خزانه شاهی شوش پر شود.

ایران ۵۱۵ پیش از میلاد

داریوش شاه ایران که در سال ۵۲۲ پیش از میلاد به سلطنت رسیده بود، شروع به ساختن پایتخت جدید و کاخ پرسپولیس (Persepolis) کرد که در آن از طلا ونقره هم استفاده شده بود. او پس از مرگ کامبوزیای (Cambyses) دوم پسر کوروش که مدتی حکومت دروغینی در ایران مصدر کار بود به پادشاهی رسیده بود.

یونان ۵۱۳ پیش از میلاد

معبد آپولو در دلفی (Delphi) که بر اثرآتش سوزی در سال ۵۴۱ پیش از میلاد ویران شده بود، با اشتراک و مساعی بین المللی بازسازی وتکمیل شد.

آسیا - اروپا ۵۱۳ پیش از میلاد

داریوش شاه ایران در رأس ارتشی بزرگ پس از گذشتن از تنگه بوسفور به سرچشمه رود دانوب رسید و منظور وی از این لشگرکشی پیکار با اسکیت های ساکن آسیای مرکزی وشمال اروپا بود. به هر حال وی با شبیخون و اغفال اسکیت ها توانست سلطه این قوم را از بین برده و ایرانیان را که سده های متوالی از مزاحمت آنان در عذاب بودند، رها سازد. در این جریان مردم شهرهای ایونی خیانت ورزیدند، و ایران از این موضوع بهره مند شد.

ایتالیا ۵۱۰ پیش از میلاد

شهر سیباریس (Sibaris) که یکی از ثروتمندترین شهرهای یونانی جنوب ایتالیا به شمار می رفت و طرز زندگی آنها بسیار زشت بود و به اعمال شنیع دست می زدند به وسیله مجاهدان مذهبی، تخریب و مردمان آن قتل عام شدند و به کلی از صفحه روزگار محو شد. این مجاهدان جدید و نوکیسه جایگزین آنها شده وبه شهرهای قدیمی تحمیل شدند.

شد. پس از شکست کین گو (Kingu)، پسر تیام مات خون خود را در راه به وجود آمدن نخستین انسان فدا کرد ودر خدمت خدایان درآمد.

فرعون ها در معابد تانیس (Tanis) دفن می شوند. (مصر، ۸۴۰ پ.م):

سرزمین تحت فرمانروایی پادشاهان مصر گسترش یافته و به ناحیه ی تانیس (سانل – هاگار Sanel – Hagar) در شمال شرقی دلتای رود نیل به عنوان پایتخت می رسد.

در این مکان، بزرگترین معبد آمون قرار دارد که سلطان خدایان محسوب می شود و مورد احترام سایر خدایان است. معبد جداگانه یی هم برای خدای موت(Mut) وزوجه ی او ونیز پسران خونز (Khons) که درنزد کنعانیان مورد احترام و ستایش می باشد، تقدیم شده است. آن ها هم چنین الهه آنتا (Anta) را در خور ستایش می دانند.

هارتن از فرعون های مصر به نام شوشنک (Shoshenq) سوم، اوسروکون (Osrokon) دوم و پسوسنس (Psusennes) اول، همگی در آمنوفیس (Amenophis) در اطراف معبد دفن شده و برای آخرین مهاجرت همگی همسفر یکدیگرند.

در اوپانیشاد (Upanishas) باورهای دینی و عقاید مذهبی هندیان به ثبت رسیده است. (هندوستان، ۸۰۰ پ.م):

مهمترین عقاید مذهبی و قدیمی ترین باورهای مردم شمال هندوستان به نام ریگ ودا (Rig – Veda) می باشد و گرچه این اعتقادات به صورت مدون نبود و افراد مذهبی آن ها را سینه به سینه نقل می کردند، در دویست سال پیش از این جمع آوری و تدوین شد، در حالی که مؤمنان، ان را به شکل سرودهای مقدس می خواندند.

بحث های راجع به روح وزندگانی وحالات معنوی آن را که مردم متدین به عنوان اشعار وسرودهای مقدس می خواندند، حالیه به نام اوپانیشاد خوانده شد که بر اثر مساعی پیروان دینی وشاهان فیلسوف گردآوری شد. کلمات وجملات این کتاب به صورت پرسش و پاسخ بین شاگردان و دانشجویان علوم دینی در قالب حدود ۲۵۰ مبحث که بیشتر حالات روحی و آفرینش کائنات در آن به بحث گزارده شده، درآمده است.

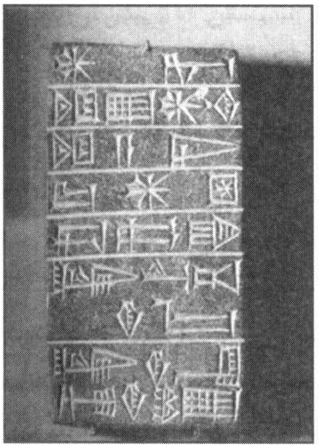
این مباحث شامل حقیقت زندگی و قالب انسانی بشر، روح وچگونگی وجودآن ونیز راستی و درستکاری و وجود برهما و همین طور شکل گیری هستی و کائنات می باشد. باز هم در آن چگونگی به وجود آمدن روح نخستین و ظهور خدایان والهه ها مورد بحث است. در اوپانیشاد پرسش هایی درباره ی ریشه واصل کائنات وجهان هستی و بنیان و پایه روح وروان آدمی وطرز شکل گیری آن به کنکاش درآمده است.

تابش نوری بر زمینه ی تاریک سرزمین یونان در سال های ظلمانی (یونان، ۸۰۰ پ.م):

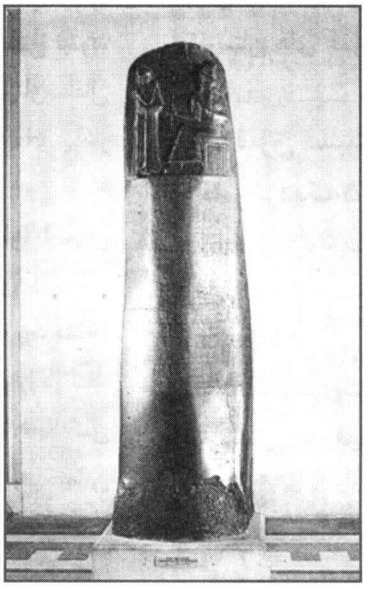
سرزمین های یونانی نشین، طرز زندگی و تمدن مینسی ها را می آموزند و شیوه ی شهرنشینی به سبک و روش آنها را به کار می بندند. مدت چهارصد سال ساکنان سرزمین یونان در دهکده ها می زیستند و در تاریکی محض و بدون هیچ گونه پیشرفت در نادانی به سر می بردند وعامه ی آن ها بی سواد بودند. شهرها بدون جمعیت و از عمارات بزرگ اثری نبود. بیشتر ساکنان جنوب یونان در تحت سلطه ی تازه واردان دوریانی (Dorian) یعنی شمالی ها بودند. این که چگونه مردمان پلوپونز(Peloponnese) تحت استیلای دوریانی ها قرار گرفتند مشخص نیست، اما بیشتر به نظر می رسد که آن ها به سبب شورش های محلی قدرت خود را از دست دادند و دوریانی ها توانستند خلاء قدرت را پر کنند.

درهمان سال های تیره ی یونانیان، دوریانی ها با اعتماد به نفس موفق شدند از آهن وسایل و ادوات جنگی بسازند. آنها درگروه های کوچک ومستقل، زمین ها را تقسیم کردند و طرح های گروهی را به کار بستند. لیکن افراد روحانی ومذهبی توانستند، قطعات زمین های بزرگ را تصاحب کنند و این شیوه ی قسمت بندی را گسترش دادند.

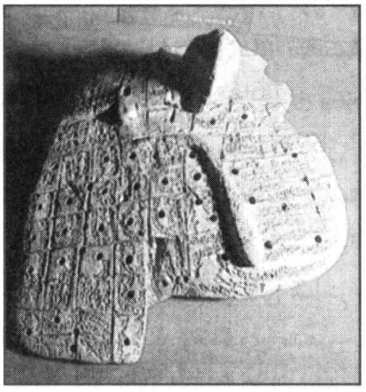
مهاجران فنیقی که برای دیدن یونانیان آمده بودند، با خود وسایلی آوردند که از آن جمله لوازم وظروف سفالی و جواهرات بود، لیکن هنر یونان به طور تدریجی و آهسته



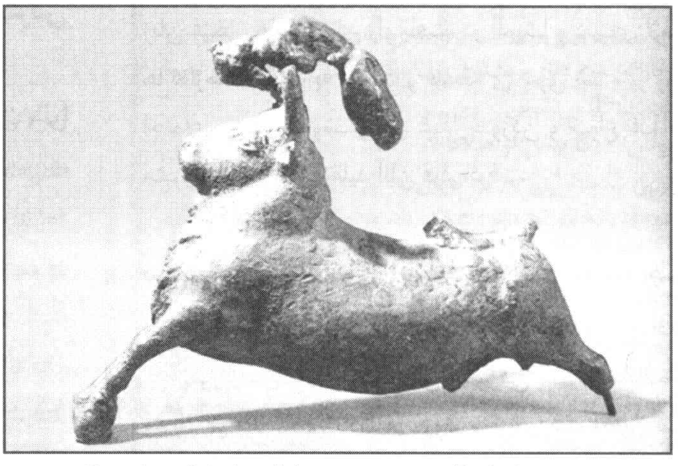
شمه‌یی از قوانین حکاکی‌شده بر روی یک قطعه سنگ به خط میخی.



یک لوحه‌ی سنگی با خط میخی از سومر (Sumer).



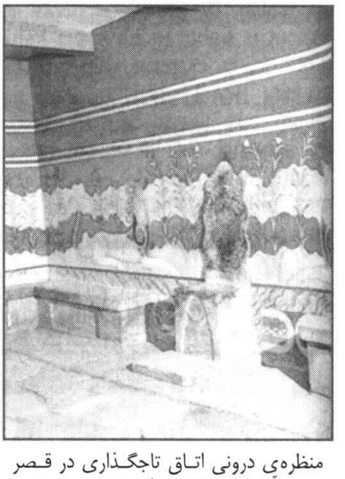
تصویری از جگر گوسفند که از سفال ساخته شده و برحسب اعتقاد جادوگران، جگر گوسفند ذبح‌شده اسرار و رموزی را نشان می‌دهد.



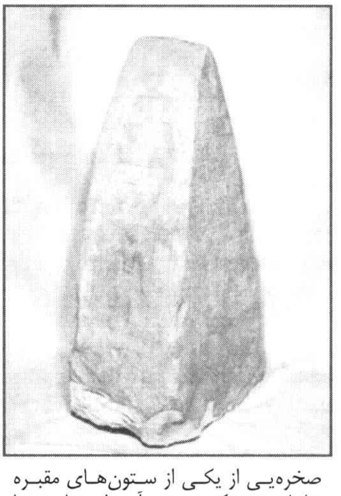
مجسمه‌یی از یک گاو و حین جست‌وخیز، از قصر پادشاه کرت (Cretan).



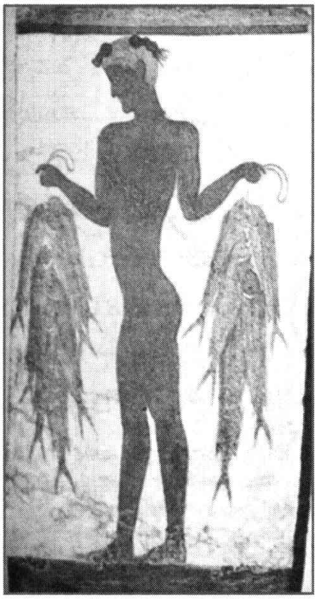
پیکره‌ی ماری (Mari) بزرگ‌ترین خواننده‌ی دربار در میان‌رودان و امپراتوری سومر.



منظره‌ی درونی اتاق تاجگذاری در قصر مینوآن (Minoan)، واقع در جزیره‌ی کنوسوس (Knossos).



صخره‌یی از یکی از ستون‌های مقبره شاهان مصر که بر روی آن طرز ساخت بنا شرح داده شده و مربوط به سال ۱۵۸۵ پ. م. می‌باشد.



نقاشی دیواری در جزیره‌ی اتشفشانی دریای اژه (Aegean Sea).

ازخواب چندین ساله برخاست. به طور نمونه این وضع هنوز قابل مقایسه با معماری و سایر مصنوعات میسنی نبود، نقاشی دیواری، کارهای ظریف فلزی و نیز برخی از سفال های نقش دار و همین طور گور مردگان و صحنه های پیکار زمینی و دریایی پیشرفت چشمگیری داشته است.

درهر حال، سال های تیره و تاریک تاریخ یونان با تمدن میسنی در هم آمیخت و یونانی ها در زمینه ی کارهای حماسی وساخت معابد وفراگیری مذهبی به رقابت پرداختند. و به طور مثال معبد رییس روحانی و زوجه ی او را در لف کاندی(Lefkandi) واقع در شهر ابوآ(Ebbua) را با گل مخفی کردند که از دید در امان بماند. این معبد ساختمانی با ستون های چوبی بود. این موضوع دال بر این است که شعاعی نورانی بر سال های تیره ی یونانیان درخشیده است.

ساخت گورستان در سراسر اروپا گسترش می یابد. (اروپای مرکزی، ۸۰۰ پ.م):

زندگی در بخش شمالی آلپ اروپا دچار دگرگونی می شود. مدت چهارصد سال واپس گرایی کرانه دریای مدیترانه، نفوذ روحانیت را در اقتصاد منطقه تسجیل می کند. نیاز به آلیاژ برنز سبب می شود که برای استخراج مس کارگرانی در ناحیه ی اتریش (Austria) استخدام شوند، چون این آلیاژ به صورت ورقه جهت ساخت انواع لوازم، مانند کلاه خود مورد مصرف دارد. آن ها شمشیرهایی تولید می کردند که سواره نظام در حالی که بر پشت زین اسب، دشمن را هدف قرار دهد.

مالکان زمین به کشت انواع ریشه های غده یی جهت خوراک می پردازند و تولید گندم وغلات هم رواج دارد، که بیشتر فصل کاشت آن ها پس از زمستان است. آن ها مزارع خود را باپرچین ها وخاکریزها محافظت می کنند و در ضیافت ومهمانی برای نوشیدن نوشابه، از ظرف های طلا و برنز بهره می برند.

این شیوه ی زندگانی در سراسر اروپای مرکزی وشرق غرب اروپا متداول است. مسافرت اقوام سلت (Celt) سبب شده که آنها زبان خود را به کشور فرانسه ی کنونی و همسایگان آن، مانند اسپانیا وجزایر بریتانیا رواج دهند. آنان که پیش از این، مردگان خود راسوزانده وخاکستر جسد مرده را در ظرف مخصوصی نگهداری می کردند، اکنون دیگر به روش جدید مردگان را در گورهای عمیقی که حفر شده، در گورستان های عمومی دفن می کنند.

نظر شرق نسبت به راه های بزرگ بازرگانی غرب (خاور نزدیک،۸۲۵ پ.م):

یکی از راههای مهم تبادل انواع کالا در آلمینا (Almina) واقع در دهانه ی رودخانه ی اورونت (Orontes) در سوریه بود. این جزیره یونانی اوبوآ (Euboea) نزدیک آتیک (Atica) قرار داشت که مطمح نظر یونانی ها وفنیقیه بود که با قبرس و لِوان (Levan) اقسام کالاها را داد وستد می کردند که عبارت بودند از تجارت برده، فلزات، لباس، عطر وسایر کالاهای ارزشمند.

راه دیگر ارتباط این مردم، پیوندهای زبانی به جهت تبادل کالا وفهم زبان یکدیگر بدان وسیله بود که الفبای زبان فنیقی ها به یونان راه یافت. در آلمینا و دنیای اژه ای ها نظرها معطوف به ادبیات و فلسفه ی شرق شد ونیز روابط اجتماعی وسبک وشیوه ی غذا خوردن و انواع غذاها و مشروبات هم مورد تقلید آنان قرار گرفت.

سلسله ی پادشاهان زوئو(Zhou) در غرب چین به سلطنت می رسند. (چین، ۷۷۵ پ.م):

پس از دویست وپنجاه سال پادشاهی سلسله شانگ، به وسیله ی سلسله ی پادشاهی زوئو منقرض شد، اکنون شهر هائو(Hao) پایتخت مرکز فرمانروایی این سلسله بسط می یابد و فرهنگ آنان هم چون منش سیاسی در سراسر کشور گسترش می یابد. حکومت شانگ ها(Shangs) در آتش و خون به پایان می رسد.

در آن هنگام امپراتور چئوهسین (ChouHsin) از نظر اخلاقی به بدترین شکل خود شهرت داشت، او برای بهتر برگزار کردن میهمانی های خود به کشتن وایلدبیست (Wildbeast) (نوعی گاوکوهی تنومند با شاخ های بزرگ) دست می زد. در این روزها ادب و علم از کشور رخت بربست. سرقت ودزدی جواهرات رونق گرفت، هموآتشی را که در قصرها شعله ور شده بود خاموش کرد.

در این زمان، فرمانروایی عاقلانه و مبتنی بر قانون زوئو با قدرت وعنوان وکیل در سراسر چین برقرار میشود و مردم

چین از پایین ترین فرد تا اعضاء خاندان سلطنت و اشراف و نجیب زادگان در برابر کار، مزد دریافت می دارند.

امپراتوری چین هنوز شیوه ی قربانی کردن انسان ها را ترک نکرده، لیکن به رسم زمان پیشین، شانگ ها که همه روزه مراسم قربانی برپا بود و افراد را برای قربانی شدن با کمال بیرحمی داغ می کردند، متروک شده بود.

یکی از عللی که سبب ترک این روش گردید، این بود که شاهان اولیه ی شانگ، نیاپرستی را جزو عبادات می دانستند و برای پرستش تیان (Tian) وآسمان (بهشت) حالت نیمه خدایی قائل بودند.

زوئوها هم چنین به تاریخ خود مباهات می کردند و نیز در ساخت لوازم برنزی با تزئینات زیبا تبحر داشتند و اوقات و زمان را تصحیح کردند.

آنان بسیار جاه طلب بودند و عنوان امپراتوری اشراف را بر خود نهاده و مرزهای سرزمین خود را توسعه بخشیدند.

ایالات اتروسکن (Etruscan) ایتالیا در مسیر قدرت (ایتالیا، ۷۵۰ پ.م):

اتروسک ها، مردمانی اسرارآمیز بودند که از قرار معلوم در سرزمین های مرتفع و آتشفشانی شرق یعنی اتروریا (Etruria) توسکانی (Tuscany) به مرکز ایتالیا مهاجرت و به سایر نقاط پیشروی کرده بودند. این ایالات در عقاید مذهبی ودینی مشترک بودند وسرنوشت خود را تحت کنترل درآوردند. سیستم سیاسی، اقتصادی و نظامی آن ها قابل تحسین و به بهترین وجه کارها درحال رشد وگسترش بود. اتروسک ها در کار صنایع فلزی و به ویژه، ساخت ابزار آهنی وداد وستد آن با یونان و فنیقی ها ونیز تولید زره ی آهنی جهت سربازان و ارابه های جنگی در جنوب به خصوص در کامپانیا (Campania) مهارت بسیار داشتند.

در زمینه ی فرهنگی، آن ها مدیون ویلانووان (Villanovan) بودند که مهاجران آن ها یونانی و جایگزین بومیان شده بودند. هلنی ها (یونانیان) نه تنها نقش هایی بر دیوارهای معابد می کشیدند، که مردم را درمیهمانی ها به صورت مصنوعی و مرده به تصویردر می آمد، بلکه زندگانی روزمره ی مردم را درحال قایقرانی، ماهیگیری و شکار بردیوار معابد به روشنی نشان می دادند.

هندوستان ۵۱۰ پیش از میلاد

با پیوستن دره رود سند به متصرفات داریوش شاه ایران، سرزمین های تحت فرمان دولت هخامنشی، شامل تمام هندوستان، تراس مقدونیه در اروپا، کشور مصر ولیبی و سراسر کرانه مدیترانه در شمال افریقا شد.

رم ۵۱۰ پیش از میلاد

تارکینیوس سوپربوس (Tarquinius Superbus) هفتمین پادشاه رم و تمام خانواده وی به خارج از رم تبعید شدند. تارکینیوس سومین عضو خاندان سلسله اتروسک های فرمانروای رم بود. بروتوس (Brutus) پسر برادر او بر اثر ستمکاری های وی مردم را تحریک به طغیان وشورش کرد، که نتیجه آن برکناری تارکینیوس و تبعیدش به خارج شد.

یونان ۵۰۵ پیش از میلاد

اسپارت ها و دوستان ومتحدان پلوپونزی آنها به شمال و باختر آتیک (Attica) حمله ور می شوند. آتنی ها در مقابل آنها شکست خورده و به فرار متوسل می شوند، لیکن اسپارت ها تعداد بسیاری از آنها را به اسیری می برند و برای رهایی وآزادی زندانیان مبالغ زیادی به عنوان فدیه مطالبه می کنند. جنگجویان پلوپونزی در آن حال حملات بیشتری برای تنبیه وتأدیب آنها انجام می دهند و آتنی ها دچار شکست های بیشتری در نواحی بئوسی (Beotia) و اوبوآ (Euboea) می شوند.

یونان ۵۰۰ پیش از میلاد

در پی شکست آتنی ها، فرماندهان نظامی در نشستی فوق العاده در شهر آتن مجلس مشورتی تشکیل داده و ده ژنرال نظامی را انتخاب می کنند که تحت نظر وفرماندهی عالی فرمانده کل انجام وظیفه نمایند.

صحرا ۵۰۰ پیش از میلاد

در زمانی که کویر در صحرا در حال پیشرفت است، حمل ونقل کالا وداد وستد به وسیله ارابه های اسبی دچار مشکل می شود، از این رو به تدریج برای اینکه تجارت کاملاً از بین نرود، شتر جای اسب را می گیرد و از شتر برای حمل کالا استفاده می شود.

مکزیک ۵۰۰ پیش از میلاد

مکزیکی ها شروع به ساخت ترکیبی از معابد دردره اکساکا (Oxaca) ودامنه کوه آلبان (Alban) واقع در جنوب مکزیک می کنند. در این ناحیه قله کوه مسطح است و معابد را در روی قله کوه در اطراف میدانی طرح ریزی کرده وبنا می نمایند. ساکنان این ناحیه با روش ویژه خود سفال هایی به اشکال مختلف می سازند و نیز تندیس سازی ومعماری آنها با الهام از ستارگان فضایی و نجوم می باشد و تقویم خاص خود را دارند.

ایتالیا ۵۰۰ پیش از میلاد

اتروسک ها درهنر به ویژه مجسمه سازی بیشتر به شکل زندگی طبیعی اهمیت داده واز شیوه یونانی پیروی می کنند. به طور مثال تندیس آپولو در معبد ویی (Veii) به حالت جادویی ونیروی بدنی فوق العاده با صورت درخشان و روشن و چشم های کهربایی وتبسم رمزگونه نشان داده می شود. اتروسک ها روش مخصوص خود را در ساختن تندیس های سنگی وبرنزی به کار می برند.

این معبدها با تصاویر زیبا وروشن نقش شده بود که شیوه و منش اتروسک ها را به وضوح نشان می داد و بیننده از دیدن آن ها لذت می برد. اتروسک ها هم چنین در کار زرگری و جواهر سازی و تولید زینت های ظریفه بسیار پیشرفته بودند. اتروسک ها به موزیک، انواع بازی ها و قمار علاقه داشتند و زنان در زندگی آنان نقش بسیار مهمی داشتند.

یونانیان حروف الفبایی را می آموزند. (یونان، ۷۷۵ پ.م):

هم پایه ی تجارت رو به رونق و رشد سریع آن بین ملت های یونانی،ضرورت و نیاز به زبان محاوره یی بازرگانی که سبب تسهیل آن شود پیدا شد. در این حال نوشتاری به زبان فنیقی شروع شد و نیز تغییرات کلی در زبان یونانی پدیدار گردید و یونان درراه یکی شدن زبان ملت های وابسته تلاش بسیاری کرد. در زمان میسنی ها، زبان یونانی ۸۸ حرف وسیلاب داشت و نمی توانست به طور وسیع مورد استفاده قرار گیرد و بایستی برای تسهیل از روش نوینی بهره ببرد، به خاطر این موضوع، تجدید نظری در آن به عمل آوردند. برخی از سبک ها شبیه الفبای تصویری (هیروگلیف مصری) و برخی مانند خط میخی میان رودان (بین النهرین) دشواری ها و مشکلاتی دربرداشت. درنتیجه یونان از زبان فنیقی بهره برد و برای سهولت نوشتاری از آن زبان سود جست. یونانیان برای نخستین بار دریافتند که فنیقی ها سبک جدیدی در تجارت دارند. سپس فنیقی ها ی ساکن یونان هم متوجه شدند که ملل یونانی زبان برای سفارشات تجاری خود تغییراتی در زبان خود داده اند، به طوری که در این روش الفبای جدید فراموش نمی شود. یکی از اسامی الفبای متداول، شیوه ومتن فنیقی نام گرفت و طرز نوشتاری و به کار بردن آن با فنیقی متحدالشکل گردید.

مهم ترین اختلاف بین شیوه ی یونانی و مدل جدید این است که صداهای حروف تغییر کرده و شکل هر حرف هم با عنایت به صدای آن اختلاف مختصری دارد. تعداد حروف بی صدای زبان جدید یونانی، ۲۲ با پنج حرف صدادار بود. در حالی که در زبان سامی که زبان فنیقی هم مشتق از آن است به حروف با صدا توجه لازم نشده است.

داستان های شنیدنی از جرأت و جسارت امیران یونانی (یونان، ۷۵۰ پ.م):

در حال حاضر مردم یونان این شانس را دارند که در کتاب شعرهای حماسی (رزم آوران) را بخوانند. نخستین آن درباره ی جنگ ترویا به نام ایلیاد (Iliad) ودیگری سرگذشت شاهزاده ی یونانی اودیسئوس (Odysseus) به نام اودیسه (Odyssey) می باشد که خود درجنگ ترویا شرکت کرد.

مدت های مدیدی پیش از این، یونانیان تحریک می شدند که در پیکاری سرنوشت ساز شرکت کنند و حکایتی حماسی بیافرینند. در این داستان که به وسیله ی شاعری باستانی در هر رهگذر خوانده می شد که مردم یونانی، شکست ناپذیر و ثابت قدم در راه خدایان هستند ونیز زنان آنان قهرمان می باشند و از هیولا وغولان هم باک ندارند. این اشعار را شاعران دوره گرد و آوازه خوانان در هر کوی وبرزن می خواندند وبسیار مشهور بود. شاه بیت این اشعار یک بیت بود که مرتباً تکرار می شد که از نظر زبان شناسی بسیار غنی است. شاعر باستانی از پدیده کردار و افعال انسانی سخن می گوید و در روی آن پافشاری می کند که انسان ها بایستی زندگی را هم دوش با کار وکوشش مساعی یکدیگر طی کنند ورنج ومشقت ونیز خوشی ها ولذت ها از آن همه باشد. (افراد به هم دوخته و وصل شده اند.)

عناصری که همه روزه و در همه سال ها در میسنا (Mycenae) (میسنی) و در زندگی مردم آن دیار تأثیر گذار بود، حالت بهم پیوستگی وترکیب کننده بود که وجود یک میهن واحد همه را به هم متصل کرده و مانند تن واحدی هستند و عرق میهن پرستی همه را یکپارچه کرده و حالت قهرمانی یک تنه به وجود آورده بود.

هومر (Homer)، شاعر نابینای یونانی باستان، این دو حماسه را برای یونانیان نقل می کرد وبدین جهت او را بزرگترین شاعر باستان می دانند. وهمه دریافتند که این شاعر کار بسیار مهمی انجام داده ویک مرد توانسته آن را بسراید که به طور یقین کار بسیار مشکلی است.

داستان های قهرمانی ایلیاد (یونان، ۷۵۰ پ.م):

رم ۵۰۰ پیش از میلاد
کالسیدین ها (Chalcidian) الفبای یونانی را که حدود ۲۰۰ سال پیش اتروسک به کار می بردند، حالیه به پیروی از زبان یونانی در رم رواج می دهند.

آناتولی ۴۹۸ پیش از میلاد
در جو به وجود آمده از تنش، یونانی ها علیه ایران در شهر سارد (Sardis) پایتخت لیدی دست به شورش چشمگیری می زنند و سارد را مورد حمله قرار می دهند. شهر های یونانی تنگه بوسفور و هلس پونت (Hellespont) راه های بازرگانی ایران را می بندند. در این حال در دو قسمت یعنی در کاریا (Caria) وجزیره قبرس حالت ناآرامی ایجاد می شود.

اژه ۴۹۵ پیش از میلاد
در جزیره اژه (Aegina) واقع در خلیج سارونیک (Saronic) بین آتیک و پلوپونز(Peloponnese) معبدی جهت آفائه (Aphaea) الهه حافظ شکارچیان و ماهیگیران ساخته می شود. بریتومارتیس (Britomartis) پری دریایی اهالی کرت ودختر زئوس را درحال فرار از مینوس (Minos) نشان می دهد. تندیس اصلی این اسطوره که قابل تقدیس بود، مدتها قبل خراب شده بود. معبد جدید با دو در ورودی ستون دار با یک تندیس از بهترین سنگ مرمر که اسطوره حماسی و قهرمانی مبارز آتنی است ساخته شده است.

آناتولی ۴۹۴ پیش از میلاد
ایران طی پیکاری شکستی سخت بر شورشیان شهر میلت (Miletus) وارد می کند. شهر میلت با خاک یکسان می شود و ساکنان آن را به میان رودان می فرستند.

آتن ۴۹۳ پیش ازمیلاد
فرینی کوس (Phrynichus) شاعرمرثیه سرای یونانی در اشعاری با عنوان (نابودی شهرمیلت) عزیمت مردم میلت و کوچاندن آنها را از زادگاهشان موضوع این تراژدی قرار میدهد. آتنی ها که خود احساس مسئولیت در مقابل تخریب شهر میلت می کردند، سعی داشتند که مرهمی بر این زخم عمیق گذاشته و رفع تقصیر کنند که شاعر میلتی همه جریانات را به تصویر کشیده و بیان کرده است.

یونان ۴۹۲ پیش از میلاد
ژنرال مردونیوس(Mardonius) فرمانده کل ارتش ایران در جنگ با یونان به غرب این سرزمین می رسد و یونانیان از این واهمه داشتند که به آتن حمله کند، آنها در واقع از پیامدهای جنگ و بدبختی های حاصل از آن که درتراس و مقدونیه مشاهده کرده بودند ترس داشتند. روی این خوف وهراس زمانی که نیروی نظامی ایران به دامنه کوه آتوس (Athos) رسیدند، آنها با رفتن به قله سنگ های کوه را بر سر سربازان ایران می ریزند.

یونان ۴۸۹ پیش از میلاد
میلتیاد (Miltiades) قهرمان ماراتون (Marathon) در نتیجه زخمی که در حمله بی اسرانجام به جزیره ی پاروس(Paros) کرد فوت شد. او با نیرویی عازم سیکلاد (Cyclades) که در تصرف ایرانیان بوده می شود تا ذخایر طلای پاروس (Paros) و تازوس (Thasos) را تصاحب کند. پیش از مرگ وی آتنی ها ذخایر هنگفتی در آنجا پیدا کرده بودند.

ایلیاد این مجموعه شعری که مربوط به محاصره شهر تروآ ودر فشار قرار گرفتن مردم این شهر است، علاوه برحماسی بودن وایجاد روح وطن پرستی ودفاع از میهن، سبک وشیوه ی نوینی در ادبیات وفرهنگ یونان ایجاد کرد.

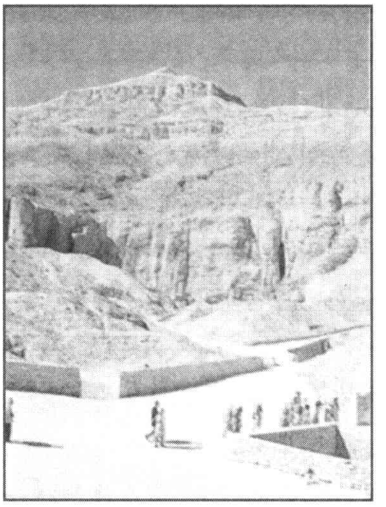
شبیه و مکمل آن اودیسه می باشد، ایلیاد خود حکایتی است نانوشته که شامل داستان قدیمی است که به روشنی و سهولت تحرکی بسیار مناسب در زبان یونانی به وجود آورد و نیز توانست در بین مردم حالت هیجان وغم واندوه توأمان ایجاد کند که در سرنوشت آینده ی کشور نقش مهمی داشت.

این اشعار رزمی لازمه وپایه ی ایجاد روح قهرمانی یونان و پیروزی قهرمانان تروآ در جنگ دریایی شد. نایره جنگ با ربودن هلن زیبا، زوجه ی منه لائوس (Menelaus) به وسیله ی پاریس (Paris)، یکی از پنجاه پسر پریام (Priam)، پادشاه تروآ افروخته شد.

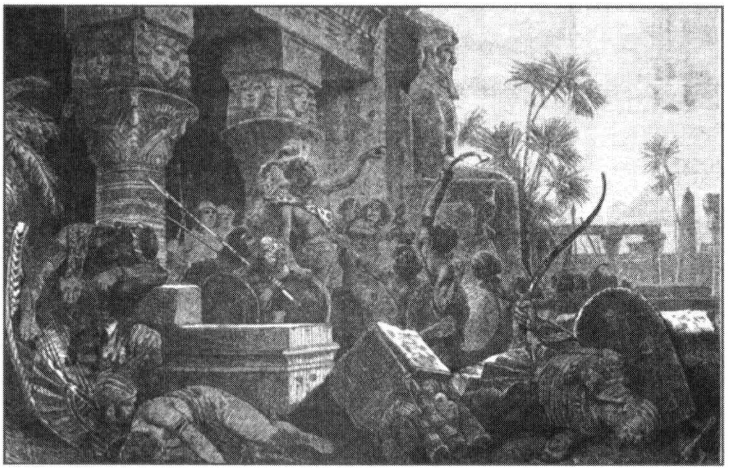
یکی از بزرگ ترین قهرمانان مبارز که در یونان حالت نیمه خدایی داشت به نام آشیل (Ashilles) با ۵۰ کشتی جنگی به پشتیبانی برادر بزرگ آگاممنون (Agmemnon)، پادشاه یونان که همان منه لائوس بود، رفت. آشیل که خود در جوانی شهرت یافته بود، مردی بلند قد با چشمانی درخشان وموهایی به رنگ آتش سرخ و حالت خشمی که در هنگام تحریک غیرقابل پیش بینی وکنترل بود.

موقعی که آگاممنون، دختر اسیر را به آشیل داد، آشیل از پیکار دست کشید، لیکن در دل خود حالت انتقام داشت. آشیل هم چنین از دوست خود، پاتروکولوس(Patroclus) تعدادی زره برای حفاظت بدن جنگجویان یونانی در برابر تیرهای دشمن به ودیعه گرفت. پاتروکولوس به دست هکتور(Hector) کشته شد وهکتور یکی از پسران پریام، پادشاه ترویا و از مبارزان بزرگ آن شهر بود. آشیل، فرنزد (Frenzied) و آگاممنون از قتل پاتروکولوس بسیار غمناک شدند. روز بعد شهر تروآ دچار شکست شد وهکتور به قتل رسید وجنازه ی او را پس از به خاکسپاری پاتروکولوس، به پریام تحویل دادند.

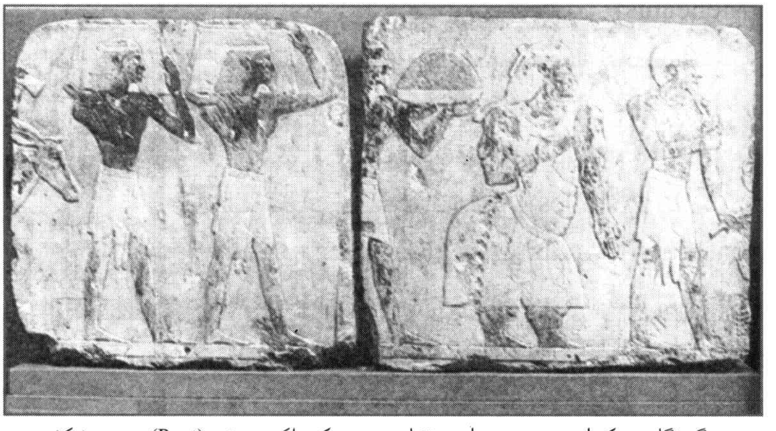
اولین فاتح، مورد تحسین و هلهله ی مردم قرار می گیرد. (یونان، ۷۵۰ پ.م):



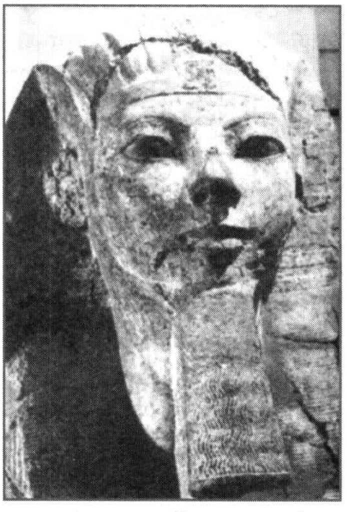
درهٔ شاهان در مصر که برطبق عقیده عمومی آخرین سفر شاهان می‌باشد.



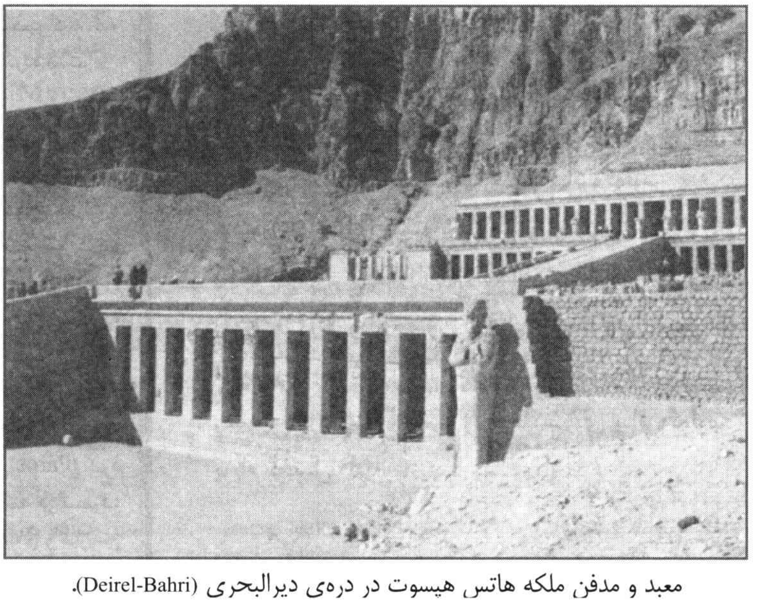
حمله‌ی شاهان هیکسوس (Hyksos) به مصر از منظر یکی از هنرمندان المانی معاصر.



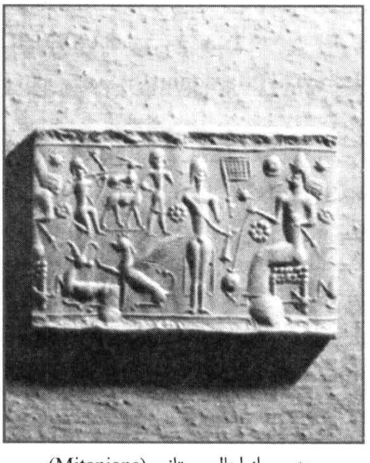
سنگ نگاره‌یی که از مصر به‌دست امده، نشان می‌دهد که ملکه‌ی پونت (Punt) جهت پیشکش هدایایی از افریقای شرقی به حضور ملکه‌ی هاتس هپسوت (Queen Hatshepsut) بار می‌یابد.



هاتس هپسوت، ملکه‌ی مصری باریش.



معبد و مدفن ملکه هاتس هیسوت در دره‌ی دیرالبحری (Deirel-Bahri).



عده‌یی از اهالی میتانی (Mitanians) در حال شکار و شراب‌خواری.

هندوستان ۴۸۶ پیش از میلاد
آجاتاساترا (Ajatasatra) پسر جاه طلب بیمبی سارا (Bimbisara) برای رسیدن به تاج وتخت، پد رخود را برکنار و او را به زندان می اندازد و خود به جای او می نشیند.

مصر ۴۸۶ پیش از میلاد
مصری ها با استفاده از شکست ایران در جنگ ماراتون، دست به شورش علیه سلطه ایران می زنند، در همین حال نیروی بیگانه (ایران) کانال و آبراهه بین رود نیل و دریای سرخ را به سرپرستی نکو انجام داده وتکمیل می کنند.

ایران ۴۸۶ پیش از میلاد
خشایار(Xerxes) شاه پس از مرگ پدرش داریوش اول به پادشاهی رسید، داریوش معمار و پایه گذار ایران نوین بود.

بابل ۴۸۲ پیش از میلاد
در پی تلاش برای خوابانیدن شورش بابل علیه تسلط ایران، خشایار شاه طی لشگرکشی به بابل، معابد آنجا و نیز معبد مردوخ، خدای بابلیان را تخریب و ویران کرد.

آناتولی ۴۸۰ پیش از میلاد
هراکلیتوس (Heraclitus) فیلسوف ساکن افه سوس که لقب ریدلر(Riddler) داشت، تئوری اشیاء را بیان کرد. برحسب استدلال او، کائنات همیشه درحال دگرگونی و تبدیل است و همه چیز جمع اضداد می باشد وبر ضد هم عمل می کند. بر طبق نظریه او تمام عوامل در حال استحاله و دگرگون شدن هستند و در نهایت به وضع نخستین بر می گردند وعنصر اصلی آن آتش است که این دگرگونی ها را باعث می شود.

یونان ۴۸۰ پیش از میلاد
پارمنید(Parmenides) فیلسوف یونانی درباره طبیعت و تفسیر و شرح آن در طی اشعار حماسی نظریات خود را بیان می دارد. بر طبق عقیده او جهان تغییر و تحول نمی یابد. وی می گوید الهام او این است که دختران خورشید با ارابه خود در زمان روشنایی روز به پیش می آیند و به قصر دایک (Dike) وارد می شوند، الهه های داوری می گویند سرنوشت هرچیز مقدر است و تغییر ناپذیر. پارمنید می آموزد که وجود و هستی تغییر نمی پذیرد و در حالت ثابت می ماند.

یونان ۴۸۰ پیش از میلاد
زنو(Zeno) فیلسوف یونانی که در مجتمع یونانی ها در ایتالیا سکونت داشت، دچار توطئه یی می شود که برای او شکنجه وعذاب تولید می کند. هم چنانکه پارمنید می گوید، زنو سعی و تلاش داشت که علیه یونان مردم را به قیام وادارد. او تمایل به موضوعات پیش پا افتاده و مهمل داشت، به عنوان مثال آشیل (Achilles) هرگز نتوانست یک لاک پشت بگیرد از سوئی فاصله بی نهایت قابل محاسبه و تقسیم نیست.

در همان حالی که مردم بی شماری به استقبال وتحسین قهرمان جسور و بی باک داستان ایلیاد می شتابند، داستان سفرهای اولیس (Ulysses)، قهرمان و مبارز اودیسه آغاز می شود. اولیس پسر شاه لیرت (Laertes)، مبارزی است که در داستان ایلیاد درخدمت آگاممنون و آشیل بوده است.

زمان سقوط شهر تروآ، هنگامی است که داستان اودیسه آغاز می شود. اولیس قهرمان، تصمیم می گیرد که به خانه‌ی خود به نزد زنش پنه لوپ (Penelope) وفرزندش تله ماکوس(Telemachus) برگردد. او پس از ترک شهر تروبا با سیکونی ها (Cicones) به جنگ می پردازد و بر اثر ضربه یی به داخل دریا سرنگون می شود، جریان آب او را به کرانه، در خشکی و در سرزمین آدم خوارها می اندازد. اولیس دربه در وسرگردان، مورد تعقیب غول یک چشم (غول هایی که یک چشم در میان پیشانی دارند) قرار میگیرد. غول یک چشم، اولیس یا اودیسئوس را برای خوردن می برد. اولیس با تلاش زیاد از گیر آدم خواران یک چشم فرار می کند و بالاخره به جزیره ی زنان جادوگر به دست ساحره یی به نام سیرس (Circe) گرفتار می شود. آن زن اولیس یا اودیسئوس را به کار خوک چرانی در نزد مردان خوک چران وامی دارد. و اولیس یک سال درآن جا می ماند. او بدون این که به این وضع تسلیم شود، با نهایت دقت و زیرکی آن جا را ترک و به سیرن (Sirens) پناه می برد وبرای جاشوها آواز می خواند، سربازان جذب آواز او می‌شوند. این جاشوها (ملوانان) گرسنه، گاو نر متعلق به خورشید هلیوس (Helios) را کشته و می خوردند.

خورشید به تلافی آن، کشتی آن ها را غرق می کند، تمام همراهان اولیس کشته می شوند، اولیس غم زده مانند جسم بی جان دستخوش امواج دریا شده وجریان آب او را به جزیره ی حوریان دریایی کالیپسو (Calipso) می برد. حوریان دریایی مدت هفت سال از او نگهداری می کنند، پس از این مدت، دریانوردان او را ربوده و به دریا می اندازند که اولیس شناکنان خود را به ساحل رسانده و به شاه فئوسیا (Phaeacia) پناهنده می شود، شاه هم او را به گدایی وامی دارد. اولیس در فرصت مناسب با کمک پسرش، زن شاه فئوسیا را می کُشند و پس از مدت ده سال جدایی به خانواده ی خود می پیوندد.

یورش ناگهانی اسکیت ها (Scythian) به خاورمیانه (خاورمیانه، ۷۱۵ پ.م):

قدرت نوینی ظاهر می شود که موجودیت وهستی مردم خاورمیانه و قفقاز را مورد تهدید قرار میدهد، گروه های صحرا نورد و چادر نشین اسکیت، مانند سیل تمام نقاط خاورمیانه را در نوردیده و آسیای غربی ومرزهای دولت آشور را تا دهانه ی دریای سیاه، تسخیر و مردمان این نواحی را مورد نهب و غارت قرار داده و هرگونه مقاومت را در هم می کوبند. اسکیت ها که از استپ های آسیای مرکزی و اطراف رودخانه ولگا (Volga)می آمدند و تا آن زمان عشایری خانه به دوش بوده و در چادر زندگی می کردند و به طور مرتب همراه گله های حیوانات خود، در جستجوی مراتع جدید، چراگاه های خود راعوض می کردند که به نظر می رسد که کاری بسیار سخت بوده و هیچ کس هم نمی دانست که انگیزه ومحرک آنها در این کار چیست، لیکن ممکن است که آنان در پی فشار اقوام دیگر برای تصاحب زمین دست به این کار می زدند.

قبایل دیگری از جنوب روسیه مثل سیمریان (Cimmerian) که پادشاه آن ها میداس (Midas) بود، فشار مضاعفی بر روی اسکیت ها وارد می آوردند و آن ها را به فریگیه (Phrygia)، واقع در منطقه ی آناتولی (Anatolia) می راندند که آن ها هم مردم سر راه را غارت وچپاول می کردند و در این جریان تعداد زیادی از مردم هلاک می شدند و یا زندگی خود را از دست می دادند.

اسکیت ها که جنگجویانی کوهستانی بودندبه افرادی مهیب و ترسناک مشهور بودند. آن ها تیراندازانی قابل تحسین بودند که بر پشت اسب پیکار می کردند و تیرهای آن ها از چوب و استخوان یا چوب تنها ساخته شده وبسیار محکم بود تیزهای چوبی هم یک تکه بود. به هر حال، اسکیت ها مردمانی قوی ونیرومند بودند که در کارهای دستی هم بسیار مهارت داشتند که نمونه والگو به حساب می آمد ومایه اصلی هنر آن ها از مواد اولیه حیوانی مانند استخوان بود.

یک دسته ناو جنگی کوشیت (Kushite)، برای تسخیر پایتخت مصر مهیا می شوند. (ممفیس مصر، ۷۳۰ پ.م):

پیانخی یا پیِه (Piankhy or Piye)، پادشاه قوم کوش، ارتش مصر را در ممفیس، پایتخت مصر شکست داد و کنترل رود نیل را به دست گرفت و گفت من مانند سیل خروشان همه چیز را نابود خواهم کرد. پیانخی بدین گونه به مصر پیش از جنگ اخطار کرد و با فراهم کردن یک دسته ناو جنگی، با کشتی های کوچک، به ممفیس از راه رود نیل یورش برد.

در حدود هزار سال، دو طایفه رودنیل را تحت نظارت داشتند. اول مصریان و دوم طایفه ی کوش، و از این راه با هم ارتباط داشتند. هرگاه که حکومت مصر ضعیف می شد کوش ها به حمله دست می زدند و زمانی که مصریان برابریکه قدرت بودند، آنان سلطه مصر را پذیرا می شدند. در تمام این قرون، هیچ گاه حکومت کوش قوام ودوام پیدا نکرد.

مصریان در کار زرگری وتراش عاج و تولید الوار چوبی بسیار پیشرفته بودند ولیکن کوش از نظر ملیت و فرهنگ هرگز هویت پیدا نکرد. تنزل و نقصان قدرت مصر باعث شد که کاشتا(Kashta) برادر پیانخی پادشاه لیبی، فرصت را غنیمت شمرده و به مصر حمله کند. کوشیت ها با بهره برداری از معادن طلای سرزمین خودشان به رشد اقتصادی رسیدند و توانستند کاخی بزرگ در ناپاتا (Napata) بنا کرده وتأسیساتی در سراسر رود نیل به وجود آورند و نیز از طریق کوه مقدس (جبال بارکال Gebel Barkal) شهر تبس وشمال مصر را تسخیر کرده و سرزمین خود را گسترش دهند.

پیانخی، منطقه ی نفوذ خود را توسعه بخشیده و می گوید: به تو می گویم هر پادشاه که بتواند هنر پادشاهی را دریابد، پادشاه خواهد بود. هم اکنون پایتخت ناپاتا مرکز تمام مصر است و با تلاش بیشتر مصریان وپیروزی خود، مردم مصر سرانجام تمام کشور به پایتختی ناپاتا یکپارچه تن در خواهند داد.

مردم تراس در شرق میهن جدیدی می یابند. (اروپای شرقی، ۷۱۵ پ.م):

تراس ها (Theracian) پس ازگذشتن از کوه های قفقاز به اروپای شرقی می گریزند. اینان در پی هجوم سواره نظام اسکیت، که سرزمین استپی خود راترک می کنند و به

سوی دریای سیاه به پیش می رانند، با گلـه هـای حیوانـات خود و اسب های پرورش یافته در پی سرزمین هـای جدیـد هستند.

تراسی ها درجایی سکونت می کنند کـه فلـزات قیمتـی مانند طلا، نقره ومس به وفـور یافـت شـود و صـنعتگران و هنرمندان تراس که مهارت زیادی در سـاخت هنرمندانـه ی اشیاء ولوازم وزینت آلات دارند، به این سرزمین که مایـه ی تشویق آن هاست، عشق می ورزند.

تاج وتخت آشور به تصرف یک مرد اسرارآمیز در می آید. (نیمرود، آشور، ۷۲۱ پ.م):

پس از انقراض شلمانسر پنجم، که در حقیقت شایستگی سلطنت نداشت و به توسط سارگون دوم سرنگون شـد، ایـن مرد مرموز که به هیچ وجه کسی نمی توانست بـه روحیـه و منش او پی ببرد، اما لقب او طرز اداره ی کشور را تـا انـدازه یی نمایان می ساخت.

سارگون (Sargon)، یادآور نام پادشاه قـانونی و مظهـر اندیشه وانعکاس روزهای شادی وسرور مـی باشـد، او بنیـان گذار سلسله ی پادشاهی آکد یا آگاد اسـت. سـارگون جدیـد، بسیار سخت کوش وتند وسریع بود، در ضمن خود که عامل بی نظمی بوده، سریعاً به قـدرت رسـید وتوانـست شلمانـسر پنجم را برکنار کند.

نخستین کار او برانـدازی وانقـراض حکومـت پیـشین و تصمیم به خالی کردن شهر کم جمعیت وآوردن آشـوری هـا به جای آن ها و نیز ایجاد مکان های مقدس بـود. سـارگون دوم، شهروندان ساکن شهرهای مقدس و معابـد را مطمـئن ساخت که از دادن مالیات و سربازی معاف خواهند بود.اهالی بومی به مقررات وضع شده به وسـیله سـارگون دوم، احتـرام گذاشته و از روبـرو شـدن بـا او وحـشت داشـتند. در غـرب، مصریان هنوز نگران از دست دادن فنیقیـه و الحـاق آن بـه آشور بودنـد. آنـان مـصمم بودنـد کـه بتواننـد بـا پـشتیبانی شاهزادگان فلسطینی دست به شورش بر علیه سـارگون دوم بزنند و از زیر قدرت او خود را رهایی بخشند.

در بخش شرق هم، سارگون مواجه با مداخله ی ایلام در امور بابل بود. حالت استقلال نسبی که در بابل وجود داشت، کمکی به بابل برای قطـع کـردن راههـای بازرگـانی بـرای شهرهای فتح شده به وسیله ی آشور بود.

سیسیل ۴۸۰ پیش از میلاد

جلون (Gelon) فرمانروای مستبد و ستمگر سیراکیوز (Syracuse) با ترون (Theron) عقد اتحاد بـست، زیـرا در جنـگ کارتاژهـا بـه رهبری هامیلکار(Hamilcar) آن ها را شکست داد و جلون در ایـن جنـگ کـه در جـلا (Gela) اتفـاق افتـاد بـر هیپـوکرات (Hippocrates) فایق آمد، او از بحران وآشوبی که در کارتـاژ روی داده بود، فرصت به دسـت آورده و قـدرت و اقتـدار را بـه سـیراکیوز بازگرداند. پونیک ها (Puinc) هم تهدید کردنـد کـه تـا هـر زمـان می توانند به مقاومت ادامه دهند.

یونان ۴۸۰ پیش از میلاد

حالات روحـانی و پرسـتش وعبـادت دختـر الهـه بـاروری زمینـی و دخترش پرسفون (Persephone) که هادس (Hades) آنها را بـه زمین آورده بود گسترش می یابـد، هـادس خـدای زیـرزمین اسـت. پدیده دیگر حالت روحانی بودن مرگ و سرانجام زندگی است که به وسیله الئوزینان (Eleusinian) به شکل رمز بیان شده است.

یونان ۴۷۹ پیش از میلاد

ایران پس از شکست در نبرد سالامیس (Salamis)، سعی کرد عدم موفقیت خود را با مذاکره جهت اتحاد با آتن و پیمـان بـستن بـا آن، آرامش دنیای یونانی را بر هم زند.

هندوستان ۴۷۸ پیش از میلاد

بزرگترین فرد روحانی آسـیا، سـیدهارتاگائوتاما بـودا (Siddhartha Gautama Buddha) که بنیانگذار مکتب بودیـسم (Buddism) بود درگذشت، وی در سی سالگی زندگی زمینی و دنیا پرستی و جاه طلبی را رها کرد و زاهدانه زیست. او در طی ۴۰ سال زندگی بعـدی در دنیای تفکر غوطه ور بود و راه درست را برگزید، و در ایـن مـدت مشغول مطالعه وآموزش دیگران بـود و مریـدان بـسیاری بـه دور او جمع شدند.

سری لانکا (Sri Lanka) ۴۷۸ پیش از میلاد

شاهزاده ویجایا (Vijaya) با تعـدادی از بزرگـان هنـد ویـارانش بـا کشتی به جزیره سـری لانکـا وارد شـده و در آنجـا یـک حکومـت سلطنتی تشکیل داد.

یونان ۴۷۷ پیش از میلاد

اهالی تازوس (Thasos) از جزایـر دریـای اژه کـه بـسیار ثروتمنـد بودند، منطقه تراس را جهت عقد پیمـان نامـه بـا دلیـان (Delian) ترک می کنند و زمینه اتحادیه دریایی را برای اقتدار بیشتر یونـان و جلـوگیری از حمـلات بحـری و انهـدام کـشتی هایـشان فـراهم می نمایند.

یونان ۴۷۷ پیش از میلاد

پیکره ساز یونـانی کریتیـوس (Critios) مـأمور مـی شـود کـه بـا همکاری آن تنور(Antenor) هر طور صلاح اسـت مجـسمه هـای برنزی برای جایگزین کردن تندیس هایی که خشایار شاه ظالمانه از یونان برده بود، بسازد و روحیه یونانیان را شاد کند.

پس از دو سال محاصره، اکثریت مردم اسـرائیل تبعید می شوند. (سامری، ۷۲۱ پ.م):

نیروی نظامی آشور، فراریان اسرائیل را تعقیب کـرده و پس ازدوسال محاصره، منطقه ی سامری (Samaria) را از وجود آنان پاک می کند و بدین ترتیب پادشاه متکبر ومغـرور شـمال اسـرائیل را سـرنگون و آن ناحیـه را ضـمیمه ی امپراتوری آشور می نماید.

نیروی نظـامی بـر طبـق فرمـان سـارگون دوم امپراتـور جدید، شروع به تبعید یهودیان کـرده وناحیـه ی سـامری را بازسـازی مـی کنـد، بـه طـوری کـه نـشان و اثـری از آن ها باقی نماند.

برابر آمار رسمی،تعداد یهودیان تبعیدی ۲۷۲۹۰ نفر بوده است. بخش اعظم این عده را ماننـد بردگـان درچـادر جـای داده و به بیگاری می کشانند.

آشوری ها فرهنگ بومی را تغییر داده و ایالت سامری را تخلیه کرده ومهاجرانی از سوریه، بابل و عرب ها را جایگزین آن هـا سـاخته وشـکل منطقـه را دگرگـون مـی سـازند. در منطقه‌ی اسـرائیلی نـشین، دو دولـت یهـودی وجودداشـت، قسمت شمالی را که آشوری ها به ترتیب گفته شده ضـمیمه امپراتوری آشور کردند، منطقه ی جنوبی یـا یهودیـه هـم در ۱۵ سال پیش تابعیت آشور را پذیرفتـه و در تحـت حمایـت آشور قرار داشت.

تعقیـب ودسـتگیری فراریـان سـامری اولـین پیـروزی سارگون دوم به حساب مـی آیـد. بـا فروپاشـی محاصـره در شش سال قبل آخرین طغیـان وشـورش اسـرائیل در زمـان پادشاهی هوشه بن الاه (Hosheaben Elah) کـه دسـت نـشانده وزیـر نظـر تـیگلات پیلـسر(Tiglath Pileser) سوم،امپراتور آشور بود، صورت گرفت که این شورش جهـت رد تحت الحمایگی اسرائیل و تا زمان دست یـافتن سـلطنت آشور به وسیله ی شلمانسر پنجم ادامه داشت.

هوشه، سه سال پیش شهر سامری را در تسلط داشـت و بعد تسلیم شد.

فریگیه آخرین قربانی امپراتوری آشور (گوردیـوم فریگیه (Gordium Phrygia)، ۷۰۹ پ.م):

میـداس، پادشـاه فریگیـه درگذشـت، او صـاحب ثـروت افسانه‌یی بود وتوانسته بود تمام وسایل زندگی خود را از طلا بسازد، او پس از حمله ی سیمری ها تسلیم شده وخودکشی کرد. حمله کنندگان هم پایتخت را به بـاد غـارت دادنـد. بـا خودکشی میداس، استقلال فریگیه هم پایـان یافـت. حالیـه کشور به خاطر حفظ موقعیت خود، معاهده صلحی با همسایه جنوبی خود، آشور، امضاء می کند کـه بـر طبـق آن فریگیـه تحت حمایت آشور قـرار مـی گیـرد و حکومـت آشـور هـم ضمانت مرزهای فریگیه را برعهده می گیرد، مشروط به این که فریگیه خراج سالیانه را بپردازد.

میداس، شاه فریگیه، از احترام برخوردار بود. او با ثـروت خود اعتباری در فلات آناتولی برای فریگیه کسب کرده بود، وی با یکی از شاهزاده خانم های یونانی ازدواج کـرد وبـرای نخستین بار یک نفر غیر یونانی به دلفی راه یافت.

پادشاهی اورارتو بـه وسـیله ی آشـور سـرنگون می شود. (اورارتو، ۷۱۴ پ.م):

پس از ۱۵۰ سال، نیروی نظامی آشور، کنترل پادشـاهی اورارتو، واقع در ارمنستان را به دست می گیرد. کشور اورارتو در ساحل دریاچه ی وان واقع شـده بـود ویکـی از دشـمنان اصلی آشور به شمار می رفت که به وسـیله ی ارتـش آشـور سقوط کرد واین هم یک پیروزی دیگر بـرای سـارگون دوم بود.

این جریان نشان از آگـاهی واقتـدار ارتـش و نیـز کلیـد موفقیـت هـای جنگـی آشـور مـی باشـد، کـه پیـشاهنگان وپیشگامان آن ها در کاخ بـزرگ سـارگون دوم از حـوادث و رویدادهای مرزی به او گزارش می دادند. اخیراً گزارشـی بـه دست آمد که اقوام سیمری چادرنشین، دسـت بـه حملـه ی بزرگی به اورارتو(Urartu) زده و تلفات زیادی به ارتـش آن وارد آورده انـد، یـک گـزارش دیگـر ایـن کـه، سـناخریب (Sennacherib) یکی از شاهزادگان، در جنگ تعداد زیادی از فرماندهان ارتـش اورارتـو را بـه قتـل رسـانده، در نتیجـه سارگون با خوشحالی بیش از حد، موقع را غنیمت شـمرده و به دشمن ضعیف تاخت.

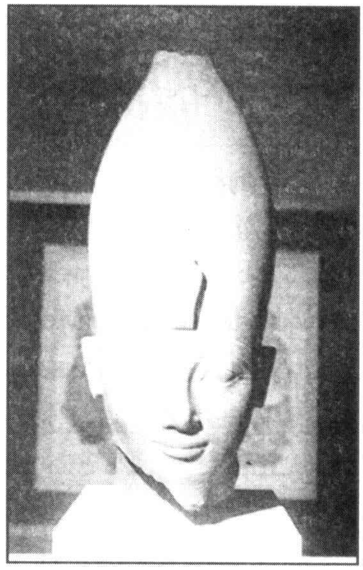
با پیروزی آشور بر اورارتو، آشور به سرعت ترقی کـرده و اقتصاد آن رونق گرفت. کشاورزی اورارتو زیربنایی مستحکم داشت و انبارهای غله ی آن پر بود، به ویژه این که در تمـام کشور، دریاچه های مصنوعی برای جلوگیری از خشکـسالی ایجاد کرده بودند و از حیث آبیاری مـزارع اشـکال نداشـتند.



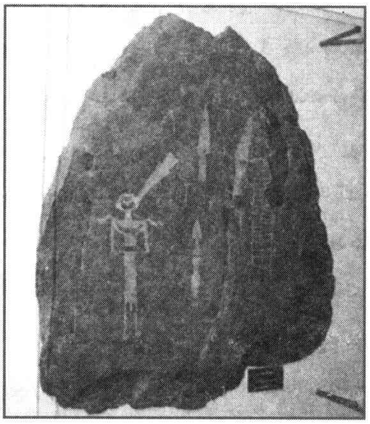
بقایای جسد مرده در یک گور دانمارکی
(Danish Grave) .



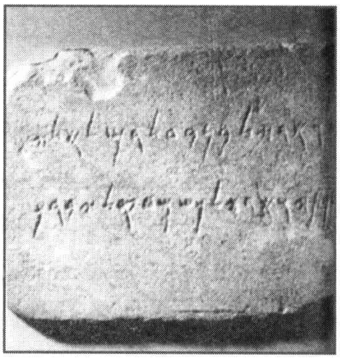
یک سوار که نشانه‌ی
اقتدار ارتش
هیتیت‌ها (Hittites) می‌باشد.



توتموز (Thutmose) سوم،
یک رهبر برجسته.



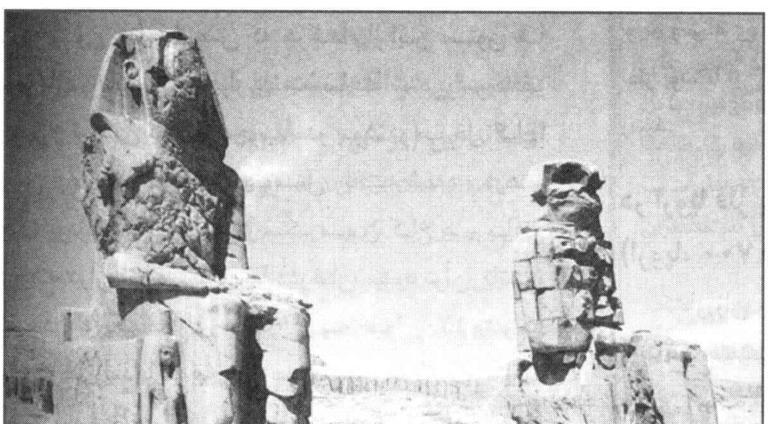
تصویر یک رییس قبیله که بر روی سنگ‌های
کوه آلپ (Alps) حک شده است.



یک لوحه‌ی فنیقی (Phoenicians) که با
حروف الفبایی نوشته شده و تقدیم یکی از
خدایان گردیده است.



سرباز در حال تیراندازی در حالی که نگهبانی
قصر تل‌الهلف (Tell Halaf) را برعهده
داشته است.



تندیس (Collosi of Memnon) عظیم یادبود
آمنهوتپ (Amenhotep) سوم در
شهر تبس (Thebes).

صنایع فلزی اورارتو در دنیا شهرت داشت و نیز راههای تجاری بسیاری جهت حمل کالا ساخته بودند. در نتیجه ی الحاق این سرزمین به آشور، به توسعه ی آن بسیار کمک کرد وحکومت آشور را از مرز شمالی مطمئن ساخت.

شهرنینوا (Nineveh) پایتخت جدید و باشکوه آشور (نینوا،آشور، ۷۰۰ پ.م):

در این زمان پایتخت قدیمی آشور درحال خراب شدن و انهدام بود. ازاین رو در صدد برآمدند که پایتخت جدیدی در شهر نینوا برای نسل پادشاهان آشور بسازند که در واقع خانه‌ی شاهان درآن باشد. درپی این فکر سناخریب شاه جدید آشور که یکی از پادشاهان مهم وازنسل شاهان جاه طلب بود، برای این کار پیش قدم شد که شهری بی رقیب برای امپراتوری بزرگ بنا کند که ستارگان درآسمان آن بدرخشند و خدایان هم در این بهشت نمایان باشند.

پس شهری با جلال وجبروت، با دیواری به درازای سه کیلومتر بنا نهاده شد. در قلب شهر که تی بیلتو (Tibilto) نام داشت، با برگرداندن بستر رودخانه به وسیله ی صخره‌های بزرگ، و ایجاد سکویی جهت ساختمان بنای دژ که برای دیده بانی ومراقبت شهر لازم بود و نیز اقامتگاهی در کناره ی رود ساخته شد. مساحت اصلی کاخ، ۳۲۵ در ۱۸۵ متر پایه گذاری شد که بزرگتر از قصر پادشاهی در پایتخت قدیم آشور بود.

در سمت راست که دروازه ورودی قصر محسوب می شد، دو ستون عظیم از مس که هرکدام از این ستون ها برروی چهار شیر برنزی قرار داشت، ساخته شده بود و سقف آن هم از تیرهای بزرگ از چوب سدر بود. در مدخل کاخ، تندیس چهاررأس قوچ از نقره ومس ریخته شده و درهم پیچیده بودند، وجود داشت. در یک سوی کاخ هم باغی مفرح که درآن انواع سبزی ها ودرختان میوه درآن کاشته شده بود و با یک مجرای آب بزرگ به طول ۲۷۰ متر با حوضچه ها وسدها که به طور مستقیم از رودخانه منشعب شده بود، آبیاری می شد.

شورش بابل به وسیله ی آشور شکست خورد. (ایلام (Elam)، خلیج فارس، ۶۹۴ پ.م):

شورش عظیم بابلی ها که در سراسر کرانه ی خلیج فارس و در سرزمین های تحت نفوذ و اطراف برضد سلطه‌ی آشور برپا شده بود، با پیمانی که حکومت آشور با رهبر شورشیان بسته بود و با نیروی نظامی آن کشور شکست خورده و پایان یافت.

آشوری ها با نیروی نظامی تحت رهبری سناخریب، شهرهای عیلامی سراسر خلیج فارس را درنوردیده و به خاک وخون کشیدند، از سویی مروداک بالادان (Merodach – Baladan) رهبر کلدانی ها را مرتد اعلام کرد. او مدت شش سال تحت حمایت و در پناه ایلام به سر می بردو تا سال ۷۰۰ پ.م که گروه های نظامی آشور برای از بین بردن شورش بابل دست به حمله برای کنترل بابل زد، باقی بود. در این هنگام مروداک بالادان، تندیس خدایان و استخوان های نیاکان بابلی را به آشور برد، و بدین ترتیب تمام افتخارات فامیلی واجدادی ایلام و بابل به وسیله ی آشوری ها پایمال شد.

این آخرین توسعه طلبی و گسترش سرزمین تحت نفوذ آشور بود، به طوری که مرز آشور از جنوب عراق به دریا رسید ونیروی دریایی آن توانست شهر نینوا پایتخت آشور را به صورت خط منحنی از طریق رود دجله به دریا برساند. آن ها با کندن آبراهه ی بزرگ آراتو(Arahtu) در محل پیش از پیوستن رودخانه فرات به دجله به خلیج و دریا دست یافتند.

پیش از این، شخص مروداک بالادان، هنگام تصرف بابل در سال ۷۲۱ پ.م خار راه آشور جهت تسخیر بابل بود. او به وسیله ی سارگون دوم، معزول و تا مدت ده سال تحت نظر بود، تا این که در سال ۷۰۴ پ.م بار دیگر به قدرت رسید.

در اروپا فلز برنز، جایگاه خود را به آهن می دهد. (اروپا، ۷۰۰ پ.م):

کشاورزان روستایی در سایه ی برتری آهن بر آلیاژ برنز و ساخت شمشیر آهنی که بسیار تیزتر وقطع کننده تر از نوع برنزی آنست، این فلز کارآمد را در ساختن آلات جنگی به کار برده و از نظر اقتصادی و سیاسی قدرت خود را بالاتر می برند.

اقوام هیتی برای نخستین بار آهن به کار بردند و پس ازآن سلت ها در سراسر اروپای شرقی، کاربرد آن را مرسوم

کردند. تیغه های کارد ولبه شمشیرآهنی، جهت شکافتن و بریدن از نوع برنزی آن بسیار تیزتر بود ودرپیکارها کارآیی زیاد داشت.

پس از سقوط هیتی ها،مدت ۳۵۰ سال ساخت آلات و ابزار آهنی به وسیله آهن کاران وتولید کنندگان آن که بسیار ارزانتر هم تمام می شد، به طور وسیع ادامه یافت. ایتالیا در این کار پیش قدم بود و مدت ۱۵۰ سال پیش از سایر نقاط به تولید لوازم آهنی می پرداخت. پس از ایتالیا، اسپانیا، برتانی و آلمان وهلند در این راه گام نهادند.

در حالی که صنعت جدید تولید آهن که به مرز مشترک آناتولی و ایتالیا و در سرزمین پادشاهی و تمدن درخشان میسنی می رسد، ریشه ی ان خشک شده و از بین می رود. جای بسی شگفتی است که شاید بزرگترین وارد کننده ی فلزات گران بها از شرق اروپا در این هنگام منطقه ی آناتولی باشد، چون همان طور که گفته شد، صنایع فلزکاری آن در حال افول می باشد.

آن ها کهربا را از منطقه ی بالتیک، قلع را از چکوسلواکی وطلا را از مجارستان می خرند.

سال ها بعد این منطقه که تمدنی درخشان و پیشرفته داشت، به یکی از نواحی معمولی کرانه ی دریای مدیترانه تبدیل می شود و به تدریج به عقب بر می گردد. این جریان مصادف می شود با وارد شدن مقدار زیادی آهن از شرق اروپا به این منطقه و پیدایی رقیب جدی با تولید مصنوعات آهنی آناتولی.

یونانیان در اندیشه ی سال های طلایی افسانه یی (یونان، ۷۰۰ پ.م):

هزوئید(Hesoid) شاعر یونانی، سعی و تلاش می کند تا شرح دهد که چگونه تمام خدایان کارهای خود را انجام می دهند (خداشناسی) تا بالاخره موفق می شود در کتاب کارها وروزهای خود، وجود انسانی و درک هستی را روشن سازد. او انسان ها را اندوهگین وخسته وکسل می یابد که آن هم محصول دوعلت است.

نخست آن که، شیطان انسان را به کارهای زشت وامی دارد ونشانه ی آن زن پاندورا(Pandora) (شیطان به زن زیبایی، جعبه یی بخشید که تمام کارهای زشت انسان ها در

مدیترانه ۴۷۷ پیش از میلاد

پس از مرگ جلون د رسال ۴۷۸ پیش از میلاد هیرون (Hieron) فرمانده دریایی پس از جنگ با اتروسک ها و پیروزی بر آنها به عنوان حاکم وارد سیراکیوز می شود. هیرون شاعران را دوست می داشت و مشوق پیندار(Pindar)، اوسکیلوس(Aeschylus)، سیمونید(Simonides) وباکی لید (Bacchilides) بود. پیندار و باکی لید چکامه یی در ستایش هیرون که د رمسابقات اسب دوانی المپیک برنده شده بود، سرودند.

آتن ۴۷۲ پیش از میلاد

اوسکیلوس شاعر یونانی صحنه های جنگ سالامیس اسپارتیها با نیروی نظامی ایران را مجسم می کند. صحنه های این نبرد و ضجه و ناله سربازان درس بزرگ و اخطار به فرمانروایان است و احترام به خدایان و شکایت آن ها را می رساند و به ایرانیان توجه می دهد که از تخریب دست بردارند.

یونان ۴۷۰ پیش از میلاد

پوزانیاس (Pausanias) فاتح نبرد سالامیس علیه ایران که در ناحیه پلاتو (Plataea) واقع شده، مورد اتهام به تحریک وشورش بردگان اسپارت قرار می گیرد. او معبدی در جایگاه درگذشتگان از گرسنگی در نبرد سالامیس جهت بزرگداشت آنها بنا می کند.

یونان ۴۶۸ پیش از میلاد

آریستید (Aristeides) یکی از بزرگان عرصه سیاست اتن در فقر و تنگدستی در گذشت. به طوری که اکنون دانسته شده او فرمانده نیروهای یونانی پیش از انتخاب آرکون(Archon) در نبرد ماراتن بوده، وی رقیب ژنرال آزادی خواه تمیستوکل(Themistocles) بود. لازم به ذکر است که نیروی نظامی آتن در پیکار پلاتوتحت فرماندهی او بود و هم او عاقد پیمان آتن وایالت دلیان (Delian) به شمار می رود.

یونان ۴۶۷ پیش از میلاد

سیمون (Cimon) پسر میلتیاد فاتح نبرد ماراتون کشتی های جنگی ایران را در دهانه رود اوریمدون (Eurymedon) در ساحل پامفیلیه(Pamphylia)، تخریب و نابود و تعدادی از آنها را تصاحب کرده، و امنیت آتن را در دریای اژه تأمین کرد، این جریان سبب کاهش موقعیت سیاسی تمیستوکل گردید. سیمون را قدرتمندترین مرد جنگی آتن می دانند.

آتن ۴۶۷ پیش از میلاد

اسکیلوس در مقاله یی داستان همیاری بزرگ دیونیزها(Dionysia) با مردم تب(Thebes) را بیان می کند. او در هفت قطعه شعری، رودررویی در شهر تب را شرح می دهد که پسران اودیپوس (Oedipus) آن ها را نفرین می کنند و اتوکل (Etoeocles) پادشاه تب و برادر اوپولی نیس (Polynices) در نبردی با شکنجه و عذاب در خانه ی لایوس (Laius) به قتل می رسد.

آن به ودیعه گذاشته شده بود و چون در آن را گشودند، زشتی آن به تمام بشریت رسید و تنها امید در آن به جا مانده است و این افسانه از آن زمان باقی ماند) می باشد که نمونه یی از خصایل وصفات بشریت است که تمایل به کار بد را در انسان می نمایاند.

دوم این که مردان در سال های اولیه زندگی به طور معمول به خرابکاری و فساد رو می کنند و این هم از منش بشریت ناشی می شود.

مردم در این سال های طلایی وزیبا ونشاط آور، که خدایان به آن ها اعطا کرده اند، فارغ البال از رنج و زحمت و بدبختی و دور از گرفتاری ها به سر می برند و همه چیز را ساده می انگارند. آنان هرگز به پیری ومرگ نمی اندیشند و غالب اوقات خواب موفقیت های خود را می بینند، و بدون تحمل رنج کار ونیز بدون بذرافشانی وکاشت زمین، توقع برداشت تمامی مواد غذایی را از خاک دارند، غافل از آن که بدون زحمت کشتن سودای بی حاصلی است. هنگامی که این مردم کار در زمین را انجام دادند، زئوس(Zeus) (خدای خدایان) در آن ها روح خدایی ایجاد خواهد کرد.

متعاقب سال های زرین، سال های پست نقره یی می آید که در این حال انسان حالت بچگی را در پیری و صد سالگی دارد و به تدریج به سوی مرگ می رود، از سویی به سبب کم عقلی وبی شعوری به طرف بلاهت می رود و در این صورت نخواهد توانست به خدایان احترام بگذارد. زئوس آنان را به زیرزمین می فرستد و در خاک زمین جای می دهد، اکنون مرحله ی سوم که دوران برنز است آغاز می شود که اصالت انسانی است. این حالت بسیار وحشت انگیزتر وترسناک برای مبارزان، وچرخشی دورانی است که تا ابد ادامه دارد وبرآن پایانی نیست.

زئوس راه رستگاری مردان را در مرحله ی برنز هموار می کند، که این مرحله ی چهارم است (قهرمانان اصالت خدایی دارند) آن ها اسلاف مردان دوران جدید هستند. آن ها مردان نیکوکاری هستند که در اثر خشونت وجدال وترس ناشی از جنگ به بیراهه وفساد رفته ونابود شدند. قبل از این که دروازه های هفتگانه تبس یا تروپا به روی آن ها گشوده وهلن زیبا با موهای سحرانگیز ظاهر شود. آنانی نخواهند مرد که در جزایری در انتها و پایانه ی زمین زندگی می کنند و به مرگ جنبه ی تقدس و تبرک می دهند و آن را طبیعی می انگارند.

اکنون مردم به مرحله ی آهن به دیده ی تحقیر می نگرند، درحالی که از آن چیزهای خوب تولید می شود که هرگز نمی توان بدون رنج وناراحتی بدان دست یافت. لیکن هزوئید آنان را آگاه می کند که زود تسلیم رشگ و حسد وبی قانونی وکینه وعداوت نشوند. چون زمانی فرا خواهد رسید که زئوس آنان را هم چون نیاکان و پیشینیان آن ها نابود کرده و به دیار عدم خواهد فرستاد.

اصالت زندگی یونانی وابسته به کار در روی زمین است. (یونان، ۷۰۰ پ.م):

کاروکار وبازهم کار. این کلید زندگانی شایسته و در خور وضامن خوشبختی است. این اشعار هزوئید است که خود شاعری چوپان در مرکز یونان بود و خود او به کار کشت وزرع وشبانی اشتغال داشت.

پند شاعر درکتاب روزها وکارها براین پایه قرار دارد که در تقویم سالیانه توصیه می کند که هر چه بیشتر به کارهای سخت بپردازید، تا این که در کارهای معتدل و متوسط در روستا وحمل اشیاء کوچک توانایی شما افزون گردد.

او در درسی که به برادرش پرسس (Perses) می دهد به این نکته بیشتر تکیه می کند. پرسس نجبا و اشراف را وا می دارد که سهم بیشتری از زمین کشاورزان را به او واگذار کنند. البته پس از مرگ پدرش، هزوئید تلاش می کند که با پند واندرز، ضرب المثل، کلمات رمزی وحکایات، بیماری تنبلی و تن پروری را به کار وکوشش وتلاش درراه رسیدن به زندگی بهتر ورفاه بیشتر تبدیل کند، مانند داستان پاندورا وفرد پنج ساله.

ادای دین و وام بیشترین اهمیت را در زندگی دهقانان دارد و سبب جلوگیری از قحطی است. در زمانی که باید تأدیه و پرداخت شود و تعلل در آن روا نیست،چون که تصفیه نکردن حساب دیگران سبب می شود که انبارهای غله ی شما هیچ گاه پرنشود. هزوئید می گوید عدم تأدیه قروض همسایه، سرانجام آن، دوری او از شماست ووام دهنده شمارا ترک خواهد کرد.

خوشبختی روستایی درآن است که خود و فامیلش در زمین کار کنند و در کشت گندم، جو، سبزیجات، میوه و انگور رأساً اقدام کرده واز برده وکارگر روزمزد کمتر استفاده

ایران ۴۶۵ پیش از میلاد

خشایار شاه، دیگر هرگز تنوانست اقتدار گذشته را پس از شکست از یونان به دست آورد. او درتوطئه و اغتشاش پس از آن که به وسیله ی فرزندش اردشیر انجام شد، کشته شد و اردشیر به پادشاهی ایران رسید.

یونان ۴۶۵ پیش از میلاد

در عهدنامه یی که با دلیان (Delian) یکی از ایالات یونانی بسته شد، آن ها متعهد شدند که خرج ساختن معبد آپولو در دلوس (Delos) را بپردازند و این پرداخت می توانست با پول و یا کالای دیگر باشد. برای مثال ساخت کشتی های تندرو. به هر حال این پیمان باعث می شد که آتن و دیگر شهرهای یونانی از حملات ایران مصون بماند واین لازمه ی قدرت دفاعی یونان و تکیه گاهی جهت بالا بردن روحیه ی آنها بود.

یونان ۴۶۵ پیش از میلاد

درهنر نقاشی سبک نوین و واقع گرایی پدید می آید. در این شیوه نقاش به زندگی روزانه ی مردم توجه می کند و تصویر فرد را مورد نظر قرارمی دهد که ارتباط با اعمال روزمره دارد. نقاش در صحنه و زمینه ی سفید، رنگ های گوناگون به کار می برد. که این رنگ های روغنی ست و بیشتر روی گلدان ها نشان داده می شد که در آن مراسم دفن وترحیم مردگان ترسیم شده وبه آن لکی تویی (Lekythoi) می گویند.

درحالت دیگر منظره ی قتل عام کودکان را در نیوب(Niobe) می نمایاند که به زور و انواع شکنجه ها آن را می کشند که منتهای عذاب روحی در بیننده به وجود می آید.

مصر، ۴۶۰ پیش از میلاد

آتن ناوگانی از کشتی های سریع خود را جهت حمایت از شورش مصر بر ضد نیروهای نظامی اشغال کننده ی ایرانی به آن کشور گسیل می نماید. در مقابل آن ایران ارتشی مرکب از ۳۰۰ هزار مرد جنگی جهت سرکوب شورش به آن سرزمین اعزام می دارد.

هندوستان ۴۵۹ پیش از میلاد

آجاتاساترا(Ajatasatra) پس از معزول کردن پدرش از پادشاهی، درگذشت. آجاتاساترا برای در امان ماندن از شکست در پیکار با مردم ورجی (Vrjji) پایتخت را به استحکامات جنگی مجهز می کند و قلعه ی نظامی در منطقه پاتالیگراما(Pataligrama) بنا می کند.

مصر ۴۵۹ پیش از میلاد

نیروی نظامی یونان که جهت پشتیبانی شورش مصریان اعزام شده بود، در منطقه ی پاپرمیس (Papremis) دچار شکست شده و پس از تحمل خسارات بسیار به جزیره یی در دلتای رود نیل پناهنده می شوند.

یونان ۴۵۸ پیش از میلاد

بخشی از نیروی نظامی یونان در یورش به یکی از ایالت های پلوپونز که هم پیمان آن بود، شرکت کرده ونیروی آتنی ها بر یک جزیره در خلیج سارونیک (Saronic) حمله کرده و نیروی نظامی کورینت ها واقع در مگارا(Megara) دچار شکست شده و آتنی ها کورینت (Cornith) را تسخیر می کنند.

کنند. گوسفند را برای بهره گیری از پشم، بز برای شیر و پنیر، گاونر واستر وقاطر را برای حمل ونقل به کار برند.

هر زمانی از سال را برای یک نوع کار و وظیفه انتخاب کنند، از قبیل شخم زدن، کاشتن، کوبیدن، خرمن کردن، و ذخیره کردن غلات وکله. زنان خانه دار بایستی در تهیه و پختن غذا و رشتن پشم وکتان برای بافت پارچه و استفاده از آن جهت پوشش ولباس انجام وظیفه نمایند. هم چنین غله را برای هر سال آسیاب کرده تا بتوانند به راحتی استفاده کنند و درهنگام فستیوال های سالیانه، رنج کار وزحمت را از تن به در کرده و شادی وتفریح نمایند.

قهرمانان اسپارتی (Sparta) در تحت مقررات و ضوابط شدید، زیربنای دنیای جدیدی را فراهم می کنند. (یونان، ۷۰۰ پ.م):

مردم این شهر طبق عادت ورسم خود، بایستی نظم و قانون شهری را رعایت و آن را در تمام موارد به کار برند، این شیوه را قانون گزاران، لیکورگوس (Lykourgos) نامیده اند و در تمام ناحیه اسپارت مورد احترام عمومی و کاربرد دارد. این مقررات شامل دو اصل اساسی است: که شامل مساوات و تحمل سختی ومشقت و به کار بردن روش های طاقت فرسای نظامی است. این شیوه اداره کردن شهر منحصر به فرد می باشد و امتزاجی است از پادشاهی، اولیگارشی و مردم سالاری.

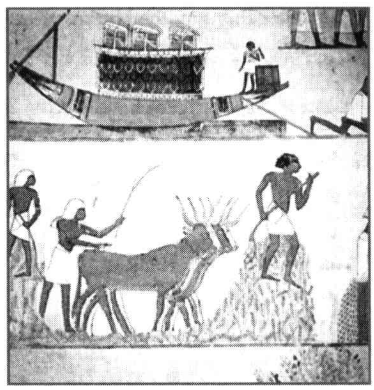
آنان دو پادشاه دارند. یکی که از قهرمانان جنگی باید باشد که هر پنج سال انتخاب می شود وقدرت و اقتدار دولت بااوست، ودیگری که مقام کنسولی دارد، برای تمام عمر انتخاب می شود و حداکثر سن وی بایستی ۶۰ سال باشد. این مقام کنسولی در مجلسی که ۹۰۰۰ نفر شهروند تشکیل می شود، دارای رأی نهایی است. بقیه ی مردم اسپارت عنوان شهروند ندارند که شامل آزادمردان و سرف ها هستند که وظیفه ی آنها تولید مواد غذایی برای همه ساکنان شهر می باشد وحق رأی نداشته وخارج از قدرت بوده و درحکومت نقشی ندارند. گرچه آنان در شهر زندگی می کنند، لیکن در مکان هایی جدای از بقیه ونیز در فشار وعسرت به سر می برند. زن های یونانی هم به طور کلی هیچ گونه فعالیت سیاسی ندارند.



شهردار شهر تب که گل نیلوفر آبی را می‌بوید.



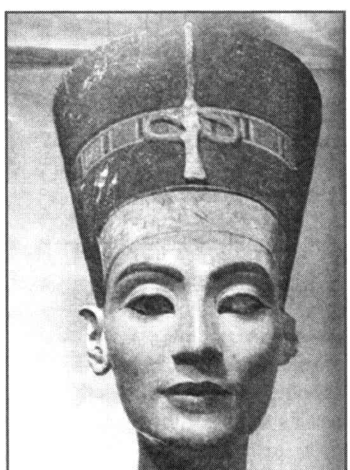
شکار پرنده در مناطق مردابی که با هنرمندی نقاشی شده و پرندگان شکارشده را در قایقی پر می‌کنند.



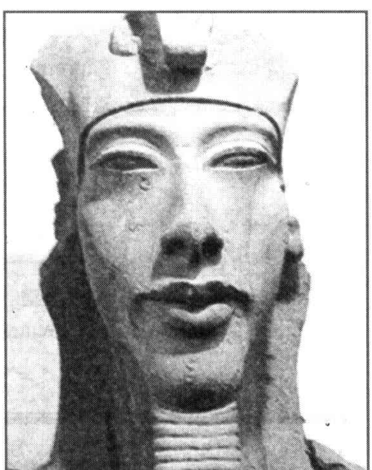
خرمن‌کوبی با گاوهای نر و قایقی که بر ساحل رود نیل لنگر انداخته است.



اخناتن، نفرتی‌تی (Nefretiti) و دختران آن‌ها که برای بهره‌وری از رب‌النوع خورشید در زیر اشعه‌ی آن قرار دارند.



نقرتی‌تی، مادر شش تن از شاهزاده‌خانم‌ها.



مجسمه‌ی عظیم اخناتن (Akhenaten) قهرمان پرستش خورشید به‌عنوان خدای جدید مصر.

یونان ۴۵۸ پیش از میلاد

به دنبال مداخله ی آتن بین فوسیس (Phocis) و دوریس (Doris) نیروی آتنی ها با اسپارت ها روبرو می شوند که اسپارت ها در تانگارا (Tangara) واقع در بئوسیا (Boetia) بر آتنی ها پیروز شده وآتن به شکست دچار می شود.

آتن ۴۵۸ پیش از میلاد

اوسکیلوس (Aeschylus) نخستین جایزه نمایشات تراژدی را به دست می آورد، او با نقل داستان حزن انگیز اورستیا (Oresteia) پادشاه آکایی (Achaean) به دست زنش به نام کلیتم نسترا(Clytemnestra) و عاشق او به قتل می رسد. در عین حال پسر آگاممنون به اسم اورستس (Orestes) به انتقام قتل پدر، مادر خود را می کشد. این حادثه را اومنیدس (Eumenides) بازسازی کرده و به نمایش درمی آورد.

سیسیل ۴۵۶ پیش از میلاد

اوسکیلوس در غربت و تنهایی در شهر جلا دار فانی را بدرود می گوید. بر طبق روایات یونانی هنگامی که عقابی سنگی را برای شکستن لاک یک سنگ پشت هدف قرار می دهد تا لاک شکسته و عقاب بتواند آن را طعمه خود قرار دهد، چون اوسکیلوس سرش بی مو و طاس بود،به طوری که درزیر نور خورشید می درخشید، هدف سنگ پرتاب شده به وسیله عقاب قرار می گیرد و کشته می شود. به طور حتم شاعر بر اثر این سنگ از بین می رود و دوباره زنده نخواهد شد.

یونان ۴۵۴ پیش از میلاد

آتن با پیمان اتحاد با دلیان (Delian) گنجینه دلوس(Delos) را به آکروپولیس در آتن سرازیر می کند. علت اصلی این کار اعاده امنیت برای شهر و تهدید آزادی بود. آتن با این ثروت به سوی اشرافیت و سیاست امپریالیستی روی می آورد.

مصر ۴۵۴ پیش از میلاد

ایران بار دیگر کنترل اوضاع مصر را در دست می گیرد وبه ویژه تمام نیروی امدادی یونان را به کلی نابود می کند و شورشیان مصری هم سرکوب می شوند.

چین ۴۵۳ پیش از میلاد

در نتیجه احراز قدرت به وسیله پادشاهی ژین (Jin) (چین) شکافی در اتحادیه سه جانبه، هان (Han)، ویی (Wei) و شائو (Zhao) ایجاد می شود.

آتن ۴۵۱ پیش از میلاد

پریکلس (Pericles) رهبر دموکرات (مردم سالار) آتن شعله آتش جنگ را دامن می زند و اژه ای ها را پس زده و بعد از پنج سال پیمان متارکه جنگ بین آتن و اسپارت را زیر پا می گذارد. او چهره ضد اشرافی در سیاست به خود می گیرد. این سیاست به وسیله سیمون پایه گذاری شده بود. سیمون هم پس از ده سال تبعید به وطن باز می گردد و مذاکراتی را با اسپارت ها به جهت رفع اختلافات اساسی آغاز می کند.

شهر اسپارت روی هم رفته، به سوی پیشبرد نظام جدید اجتماعی به پیش می رود. داد وستد طلا ونقره ممنوع است و مردم حق پوشیدن لباس های گوناگون را ندارند و بایستی به یک پوشش بسنده کنند. شهروندان ذکور را از هفت سالگی به تمرین های نظامی وامی دارند و بایستی در خوابگاه های عمومی زندگی و دسته جمعی از غذای ساده مانند آش و غیره استفاده کنند و این طرز زندگی تا زمان ازدواج آنها ادامه دارد.

معابد جدیدی در مکان های مقدس سربر می آورد. (یونان، ۶۹۰ پ.م):

در سال های اخیر، یونانیان برای ساختن معبد برای خدایان، فعالیت های مؤثری انجام داده اند. جهت این امر، آنان مکان های مقدس را که پیشینیان آن جا را محترم می شمردند، انتخاب و برای بنای معبد مناسب تشخیص داده اند.

به طور معمول، این مکان ها درفضای باز ونیز در جایی که از نظر طبیعی منظره ی جالب داشت و می توانست مردم را جلب کند و به ویژه بایستی محل تجمع انجمن های مذهبی باشد، ساخته شد. در آن مکان کاشت درختان بلوط معمول شد، چون صدای خش خش برگ های این درخت به معجزه ی خدایان (زئوس) بود که به این خدا تقدیم شد.

معبد دلفی (Delphi) که صاحب بزرگترین معجزه ها بود، به آپولو(Apollo) تقدیم شد، در حالی که در زمان های پیشین، این روح زمینی به المپیا(Olympia) تعلق داشت که مهم ترین زیارتگاه زئوس بود. معابد یونانیان، بنابر عقیده ی آنها، بایستی به شکل شش ضلعی با یک ورودی و دو دالان در اطراف آن و دیوارهایی که بین آن ها، ستون های چندی قرار داشت، ساخته شود.

معبد شبیه خانه بنا می شد که در اطراف آن اتاق های چندی وجود داشت واین اتاق ها محل اجتماعات مردمی جهت نیاز ونیایش بود. در وسط شبستان، روبروی ورودی، محل ذبح یا قربانگاه قرار داشت که جدای از سایر جاها بود که این مکان ویژه ی راهبان وکارکنان معبد بود و آنان اجازه داشتند که به داخل آن جا بروند. در بیشتر زیارتگاه ها، محلی برای خزانه ی معبد و پرستشگاه به عنوان محل جمع

آوری پول جهت مخارج هم وجود داشت و به طور تقریب، در هر شهر کوچکی هم معبدی کوچک متناسب با شهر ساخته می شد که محل جمع آوری ثروت بود.

شهروندان یونانی با صداهای ناهنجار در شهر های خود دمسازند. (یونان، ۶۹۰ پ. م):

در مراکز و بازار شهرهای یونانی، همیشه ازدحام و صدای اعتراض روستاییان برعلیه شهرنشینان بلند است. اعتراض و عصبانیت اولیه ی آن ها ناشی از اختلاف مالک و روستاست و بیشتر روستاییان از مالکان شکایت دارند که حق آنها را تضییع کرده اند. روی این زمینه دراطراف روستاها تغییرات چندی صورت می گیرد و دهقانان ادعای مالکیت زمین دارند که اغلب این اختلافات منجر به داوری دولت های محلی می شود.

پیش ازاین، تنها مرد، مالک ثروت و دارایی و ارباب خانواده بود و از دستگاه روحانی اجازه داشت که تمام شعائر مذهبی خانواده و دعاهای مذهبی را به جای آورده و امور سیاسی و انتخاب مأموران رسمی دولت دخالت کند.

به طور معمول، در میدان های بزرگ شهراجتماعاتی از بردگان، روستاییان، صنعتگران، بازرگانان و اشراف تشکیل می شد و تعدادی از افراد سخنرانی می کردند. فرماندهان و دولتمداران از طبقه ی اشراف و ثروتمندان انتخاب می شدند که خود مرکز قدرت برای سیاست شاه محسوب می شدند.

دراین زمان، یکی از افسران بلند پایه به عنوان شاه برگزیده می شود که رییس شورای مذهبی وآیین باستانی بودوهموفرامین مذهبی رااز‌جانب خدایان به عموم ابلاغ می کرد. سایر مأموران دولتی،کارهای عمومی،قضاوت و سرپرستی اماکن تربیتی راعهده دار بودند. در مرکز شهرها ساختمان دولت محلی قرار داشت که اطراف آن را خانه های شهری فرا گرفته بود و ارجح آن بود که این ساختمان ها بر روی تپه باشد که از نظر دفاعی در وضع بهتری باشد.

درچین امرای جنگی به عنوان دولت مردان شناخته می شوند. (چین، ۶۷۹ پ. م):

در شهری درناحیه ی شرقی ساحل دریا به نام کین چین(Qinchin)، فردی به نام دوک هوآن (Duke Huan) که از مالکان مبارزچین بود،به عنوان با (Ba) یا فرمانروا بر گزیده می شود. مردم این ایالت از سال ۷۷۱ در حالت شورش و عصیان به سر می برند و چون پادشاه زوئو به بهبود وضع مردم بی علاقه بود، وی پادشاه را به قتل رساند و پایتخت را هم دستخوش غارت قرار داد.

این شاهزاده، از زمره ی نجات دهندگان قانون مالکیت محسوب می شود، و در عین حال محل پایتخت را در شرق بنیان گذاشت. به هر حال، مردان جنگجو و مبارز جهت ادامه ی حکمرانی به قدرت رسیدند، لیکن سلسله ی پادشاهی زوئو(Zhou) که در این زمان زوئو زمام سلطنت را در دست داشت، هرگز نتوانست قدرت مرکزی مؤثری به وجود آورد.

در نتیجه مبارزان زمین دار برعلیه حاکمان غیرچینی به مصاف آمدند وبخشی از کشور را تصاحب کردند. شهرها تخریب و دهات به ویرانی دچار شد.

اکنون با به قدرت رسیدن دوک هوان و پیروزی او بر سلسله زوئو، در سال قبل، فرمانروایی کین تثبیت شد و مردم به تابعیت از فرامین او درآمدند. او به پیگیری قدرت نظامی ادامه داد و به نظم نوینی در ارتش پرداخت، وی هم چنین به تقویت اقتصاد ایالات و تشویق کشاورزی و توسعه ی کارخانجات، تولید نمک از آب دریا و نیز به صندوق تجارت کمک های شایانی کرد. کین اکنون به یکی از مقتدرترین شاهان منطقه یی چین تبدیل شده است.

کارتاژ در راه توسعه و پیشرفت بازرگانی اقدام می کند. (کارتاژ، ۶۷۷ پ.م):

بیش از یک صد سال پیش، کارتاژها دولتی را در شهر تیره (Tyre) بنیان نهادند که تمدن فنیقی راهنمای آن بود. در سده های متوالی فنیقی ها (Phoenician) یکی از نخستین قدرت های منطقه بودند و شهر کشور لوانتین در ساحل دریا از راه تجارت قلع، سرب، مس، طلا، منسوجات و چوب به ثروت سرشاری رسیده بود. در زمانی که فشار حکومت آشور بر استان تیره و بخش های آن غلبه داشت، این استان و سایر همسایگان وی از هم پاشیده بود، پس از آن آشوریان از تیره بازگشتند.

در این زمان ساکنان فنیقی در شهرهای الیزا (Elissa) و دیدو (Dido) دومجتمع شاهزاده نشین تشکیل دادند و

آتن ۴۵۰ پیش از میلاد

سوفوکلس (Sohpocles) حوادث دردناک آژاکس که در نبرد تروبان (Trojan) اتفاق افتاده بود را به رشته تحریر می آورد ولی پس از درگذشت آشیل قهرمان، مردم به او لقب قهرمان رویین تن و بزرگترین مرد با کیاست می دهند. اولیسه (Ulysses) یا اودیسه (Odysseus) در سرگذشت آژاکس (Ajax) دلیرترین فرد قلمداد شده ومظهر خشم وغضب است. او تمام چهارپایان را که در جنگ مورد استفاده می باشد، می کشد و سپس خودکشی می کند.

آتن ۴۵۰ پیش از میلاد

کار مجسمه سازی فیدیاس (Pheidias) آتن را به سرعت جلال وشکوه می بخشد. فیدیاس به چهره تندیس های خود حالت آرامش می دهد و در این سکون وآرامش نشانی از روح و ضمیر او را مجسم می کند. شاهکار این پیکرنگار را تندیس های زئوس (Zeus) و آتنا(Athena) در پرستشگاه المپیا و هم چنین در پارتنون (Parthenon) می توان مشاهده کرد.

سیسیل ۴۵۰ پیش از میلاد

در این سال امپدوکلس (Empedocles) شاعر در اگریجنتوم (Agrigentum) سیسیل متولد شد که همگان او را به عنوان یک فیلسوف بزرگ و کارهای سحرانگیز وی را مورد تکریم واحترام قرار می دهند. او در شعرهایش که راجع به طبیعت سروده به چهار عنصر طبیعی هوا، آتش، زمین و آب اشاره کرده که عوامل تشکیل دهنده زندگانی ومواد اولیه است که بر تمام موجودات حاکم هستند و دوستی وعشق هم از آنها مشتق می شوند.

یونان ۴۴۹ پیش از میلاد

آتن واسپارت پیمان صلح ۳۰ ساله امضا می کنند و آتن را مجبور می کند گروه های جنگنده خود را از سرزمین های متعلق به پلوپونزخارج کرده و بر اساس این پیمان صلح، استقلال آن ها را به رسمیت بشناسد.

آتن ۴۴۵ پیش از میلاد

آتنی ها پرستشگاهی جهت بزرگداشت و تقدیر از رب النوع کارو پیشه در بالاترین نقطه تپه بنا می کنند، که به معبد هفیستیون (Hephaisteion) شهرت پیدا کرد.

رم ۴۴۳ پیش از میلاد

در رم اداره یی جهت آمار و سرشماری تشکیل می شود که مسئولیت شمارش جمعیت را بر عهده دارد. این سرشماری برای تعیین عده سناتورها ونیز تعداد شهروندان اصیل رومی از غیر رومی می باشد. این سازمان می تواند هریک از اعضای سنا را که دارای سابقه بد و یا ازنظر عضوی معیوب هستند از سناتوری عزل نماید و اعضای مجلس سنا را از افراد شایسته انتخاب کند، به طوری که ساکنان غیررومی به بهانه نداشتن اصالت رومی و یکپارچه شدن اجتماع اخراج می شوند.

اهالی استان تیره به یک سفر بزرگ دریایی به شمال افریقا دست زدند و از راه تنگه ی بین شرق وغرب دریای مدیترانه بدان جا رسیدند. در این مکان که شبه جزیره بود، ساکنان و شهرهای جدید ایجاد کردند. لازم به ذکر است که این شبه جزیره از نظر دفاعی، پناهگاهی طبیعی و دفاع از آن آسان بود. مهاجران این مکان را کارتاژ (Carthage) یعنی پایتخت نام گذاری کردند. به زودی کارتاژ به حالت خودکفایی رسیده و ارتباط خود را با تیره قطع کرده و بدین ترتیب از حالت تابعیت خارج شد و همراه با سیسیل بر شمال افریقا و کرانه ی شرقی وغربی مدیترانه نظارت خود را برقرار ساخت.

اکنون دیگر کارتاژ بندر مهم تجاری دریای مدیترانه بود که با تجارت طلا، وبرده، پرشترمرغ از سراسر صحرای افریقا به جنوب وقلع،مس، سرب ومنسوجات را به سراسر کرانه ی شمالی می برد و به فروش می رساند کشتی های بازرگانی آن ها تمام بنادر دریای مدیترانه را می نوردیدند و پشت ستون های هرکول در اقیانوس اطلس وکوه ها و مناطق کویری این نواحی در زیر نفوذ کارتاژ قرار داشت.

فالانژها(Phalanxes) یا پیاده نظام یونانی با مقرراتی سخت درجلوی صفوف ارتش دیواری دفاعی تشکیل می دهند. (یونان، ۶۷۵ پ.م):

در شهرها وایالات یونانی از سربازان اجباری شهروند، دسته هایی از ورزیده ترین و قوی ترین آن ها برای صفوف رزمنده ها انتخاب و د رجلوی صف ها قرار می گرفتند که از نفوذ دشمن به داخل دسته جنگجویان جلوگیری و حفاظی جهت آن ها باشند. در بیشتر شهرها این فالانژها برای ارتش رزمنده لازم وضروری به نظر می رسید و تشکیلاتی بدین منظور مقرر شده بود. به طور معمول تمام مردانی که قطعه زمینی زراعتی داشتند، موظف به تجهیز افراد پیاده نظام به نام هوپ لیت (Hoplite) بودند.

هوپ لیت ها مجهز به کلاه خود برنزی، زره برای پوشش سینه، زانوبند و نیزه یی بلند بودند که جهت پرتاب وفرو بردن در سینه ی دشمن و شمشیری کوتاه (خنجر) داشتند. آن ها هم چنین دارای سپری گرد از چوب محکم بودند که در دست چپ حمل می کردند.

هوپ لیت ها دارای انضباط بسیار دقیق نظامی بودند که بر اثر تمرین های سخت و مشکل به وجود آمده بود واز این نظر کلید فتح سپاه بوده و در صفوف بسیار به هم فشرده، حرکت می کردند و بدین لحاظ آن ها را فالانژ می نامیدند. فالانژهای اصیل در صف های کاملاً فشرده به جلو می رفتند که فرصت رخنه به دشمن ندهند و اگر یکی از این سربازان زخمی یا هلاک می شد، سرباز دیگری بلافاصله جای او را پر می کرد و بدین ترتیب هر یک پشتیبان دیگری بودند. در هنگام پیکار آنان به صورت دسته های متراکم به پیش می رفتند و مانند دیواری در جلو دشمن قرار می گرفتند و در دست هر یک خنجری برای مبارزه و دفاع بود.اگر صف جلو در مقابل دشمن تاب نیاورده و در زیر پا لگدمال می شدند، صف بعدی جایگزین آن می شد و بدین ترتیب صف ها در جنگ مصاف می دادند تا این که مقاومت به پایان برسد یا این که موفق شوند دشمن را به عقب برانند. هلاک شدن در جنگ بسیار نفرت انگیز و مشمئز کننده بود، زیرا بیشترین جراحت های جنگی در ناحیه ی گردن و تناسلی ایجاد می شد، چون سایر قسمت های بدن زره پوش بود.

کاربرد داس و خیش صحنه ی کشاورزی افریقا را دگرگون می سازد. (مصر، ۶۷۸ پ.م):

پیشرفت ذوب آهن در مصر و توسعه ی آن به نقاط دیگر وساخت شمشیرهای آهنی برای هلاک دشمن آشوری ودفاع در جنگ،پایان عصر آلات سنگی را اعلام می دارد. این جریان سبب دگرگونی کشاورزی در مصر شده واقتصاد حکومت کوش را سروصورت داده و باعث تولید ثروت می گردد، دولت کوش کارخانه های ذوب آهن در اطراف پایتخت جدید مصر به نام مروئه (Meroe) تأسیس می کند.

ورود آهن به افریقا، انقلابی در کشاورزی واجتماع این قاره ایجاد کرد. مصنوعات آهنی و ساخت لوازم تیز وبرنده از آهن، قدرت حیرت انگیزی درمردان به وجود آورد، ونیز ساخت افزار آهنی در کشاورزی مانند خیش سبب شخم بهتر زمین وخرد شدن کلوخ های بزرگ و بهتر پاشیدن تخم و تولید محصول بیشتر گردید و در نتیجه مواد غذایی فراوان تری برداشت شد و لوازم مصنوعی زیادتری تولید شد.

درپرو(Peru) دفن مردگان با تشریفات مذهبی و مهارت خاصی انجام می شود. (پرو، ۶۹۰ پ.م):

در قبیله ی پاراکاس(Paracas) کشور پروی کنونی، واقع در ساحل اقیانوس آرام، جسد مردگان را با رعایت آداب مذهبی دفن می کنند. هندیان ساکن شبه جزیره ی پاراکاس، با کندن گورهای زیرزمینی و ساختن تاق های سنگی بر روی این قبرها، مرده را که از پیش مومیایی شده دفن می کنند.

خشکی وگرمای محیط به آنان کمک می کند که مرده را که اعضاء داخلی آن درآورده شده، در وضع مناسبی قرار دهند. آن ها حفره یی گرد جهت قرار دادن سر مرده وقسمتی هم برای بدن حفر می کنند. این گونه کفن ها را به طور معمول از شمال و جنوب شبه جزیره می آورند و برای دفن مرده در گور به کار می برند. در گورستان پاراکاس قبرها طبقه بندی شده وثروتمندان را در قبر با هدایا و پیشکش هایی به خاک می سپارند. این طبقه را با شنل های بلند از جنس پارچه کتانی، بسیار ظریف می پوشانند و همراه مرده زینت آلات طلایی، سلاح ها، ظروف سفالی وپارچه در گور او قرار داده می شود.

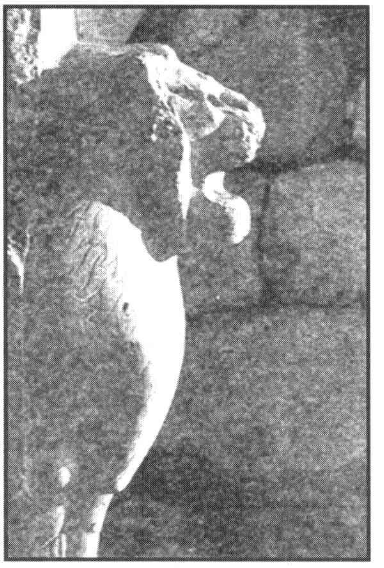
تناسب و زیبایی اندام در بازی های المپیک (Olympic) (یونان، ۶۴۸ پ.م):

امسال در بازی های المپیک دو موضوع برجسته و نمایان به احترام زئوس اجرا می شود.در این بازی ها کروکسیداس (Krauxidas) از ناحیه ی کران نون (Krannon)پیروزی بسیار درخشانی در ورزش بوکس که توأم با انواع ورزش کشتی بود به دست آورد، در حالی که لیگدامیس (Lygdamis) در سواری با اسب برنده شد، لیگدامیس از اهالی شهر سیراکیوز(Syracuse) بود.

اهالی سیراکیوز ادعا می کردند که لیگدامیس از نظر جثه و اندام و قدرت بدنی هم تراز هرکول می باشد، تا جایی که برای خوش آمد گویی وشادی وی طرح تندیس تمام قامت او را برپا داشتند.

این بازی برجسته ترین کار اجتماعی دوران محسوب می شود، که هر چهار سال یکبار برای شادی روح زئوس تمام قهرمانان را از شهرهای مختلف یونان گردآوری کرده و درآن شرکت می دهند.

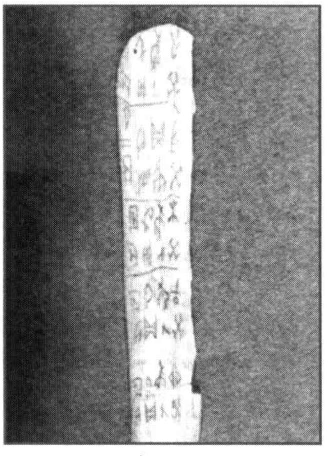
در این هنگام دولت های محلی و مردم دشمنی و عداوت های دیرینه را از خود دور کرده و با اعلام متارکه ی



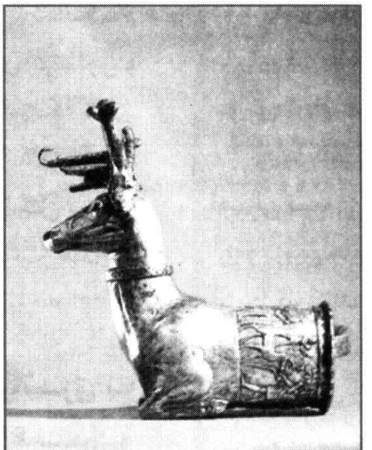
پیکره‌ی یک شیر در دروازه‌ی شهر هی‌تیت‌ها.



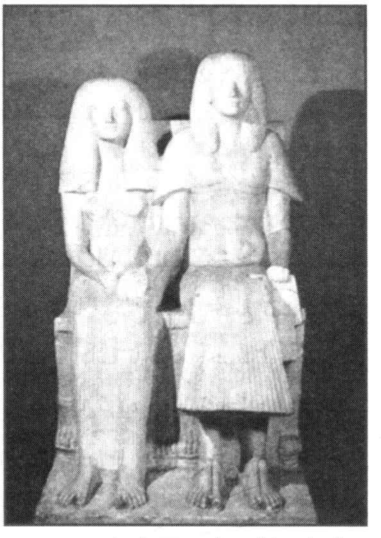
مجسمه‌ی یک ببر درنده برنزی به‌عنوان نگهبان انسان و آرایش و پیرایه‌های آن.



استخوانی که بر روی آن نوشته‌هایی از غیب‌گویان نقل شده است.



جام شراب (Stag goblet) به شکل گوزن شاخدار.



ازدواج سلطنتی با تصویری ازمراسم رسمی.



ماسک زرین توتانخامون (Tutan khamun).

جنگ، جهت انجام بازی های ورزشی آماده شده و نیز تلخ کامی ها را کنار گذاشته و شادی ها را جایگزین آن می نمایند.

ورزشکاران بایستی یونانی بوده وشهروند آزاد باشند، تماشاچیان هم از دنیای شناخته شده در گروه های مناسب می توانستند از این بازی ها دیدن کنند، گرچه زنان شوهردار هم در صحنه ی بازی ها ظاهر می شدند.

این بازی ها به وسیله ی مردم الیس (Elis) سخت تحت کنترل و نظارت بود که در فستیوال شرکت می کردند. ورزشکاران مدت ده ماه تمرین می کردند و پیش از شروع بازی باید مدت ۳۰ روز در الیس به سر برده باشند و به خدایان سوگند یاد کنند که این تمرینات را قطع نکرده و ادامه دهند.

این همکاری ها مدتی بین پنج تا هفت روز ادامه داشت که روز اول با نواختن صدای شیپورها مراسم جشن و قربانی کردن وضیافت آغاز می شد. اصل این رویداد با مسابقه ی دو (دویدن) در سال ۷۷۶ پ.م شروع شد و سایر ورزش ها بدان افزوده شد. مسابقات با مردان جوان برهنه در صحنه شروع شد که این اساس بازی ها بود. بعداً بازی بوکس و کشتی هم به آن اضافه شد که بازی های پنجگانه نام گرفت و نیز مسابقه زره پوشان با اسب های گوناگون و همین طور ارابه رانی هم جزو بازی های المپیک جای گرفت.

در روز آخر بازی ها، به قهرمانان تاجی از گل درخت زیتون اهدا می شد و به آنان لقب مبارز داده و نیز هدایای باارزشی هم به آنان تقدیم می شد.

صنعت جواهر سازی یونان تحت تأثیر شرق با نگاه جدیدی آغاز می شود. (یونان، ۶۵۰ پ.م):

یونانیان با داد وستد و تماس با خاور نزدیک در ۱۵۰ سال اخیر و به ویژه تجارت رو به تزاید با این ناحیه و نیز تشکیل مجتمع های یونانی در ایالات آن جا به روشنی تحت نفوذ جواهر سازی وسایر مصنوعات شرقی قرار گرفته و به ساخت زینت آلات قیمتی در شهرهای کورینت (Corinth) رودس(Rhodes) وسایر شهر اقدام کرده که پیش تر در نتیجه ی تماس با مردم لوانت به این کار موفق می شوند. با این تزیینات شرقی که بیشتر به شکل جانورانی مانند شیر، پلنگ، بزکوهی وچارپایان افسانه یی نظیر اسفینکس (Sphinx) وگریفین (Griffin) (جانورانی به هیبت سر انسان و بدن شیر یا ماهی وغیره) به ساخت زینت آلات می پرداختند. برای اولین بار میسنی ها (اهالی شهر میسن) اشکالی به صورت گل را زمینه ساز این کار قرار دادند.

تشکیل مجتمع های یونانی در سرزمین های اطراف مدیترانه (یونان، ۶۵۰ پ.م):

یونانیان دریاپیما در سراسر کرانه های دریای مدیترانه پخش ودر شهرهای آن جا ساکن می شوند. در بعضی از شهرها تعداد چهار تا پنج مجتمع بسته تشکیل می دهند که به طور معمول از یک نژاد هستند. دسته هایی از مردان جوان که در سنین تهاجم وجنگجویی بودند در گروههای ۲۰۰ نفره و تحت فرمان اوی کیست (Oikiste) یا مؤسس شهرهای قدیمی را انتخاب کرده و در آن جا رحل اقامت افکنده و ساکن می شوند.

به طور مثال، با گسترش منطقه ی سیراکیوز درجزیره ی سیسیل ایتالیا، شهر جدید کورینت را محل زندگی قرار می دهند. همین طور در مکان های دیگر جنوب ایتالیا مجتمع های یونانی تشکیل می دهند، و باز هم در شمال افریقا و سواحل دریای سیاه سکونت می گزینند.

آن ها گاهی اوقات با روی خوش و خوش آمد گویی اهالی بومی روبرو می شدند و بومیان حتی به آن ها زمین هایی از کرانه ی دریا را واگذار می کردند که در آن جا کار کنند، لیکن همیشه به این سادگی نبوده و با اهالی درگیر نبرد و پیکار می شدند و در صورت پیروزی و موفقیت بومیان را به بردگی کشانده و به عنوان کارگر در مزارع از آن ها استفاده می کردند.

آنان به مجرد جای گیری و اقامت در گروه تازه، اعلام استقلال و خودمحوری کرده و آن محل را شهر اصلی یا شهر مادر می نامیدند. ساکنان این مناطق زنجیره یی بسته از اقامتگاه به وجود آورده و با موطن اصلی قطع تماس می نمایند و نسلی با فرهنگ و آداب تازه به وجود آورده، حتی تندیس خدایان خود را درست کرده و به آیین خود عبادت می کنند. این مهاجرت و تغییر جا دادن ها، سبب گسترش فرهنگ وعادات ورسوم یونانی در سراسر کرانه ی دریای

آتن ۴۴۲ پیش از میلاد
سوفوکل (Sophocles) سئوالات چندی درباره اخلاق و سیاست مطرح می کند که بسیار با اهمیت است. این سئوالها به ویژه درباره اختلاف بین پیشگوئی و قضاوت انسان هاست.

آتن ۴۴۲ پیش از میلاد
کارهای پیکرنگاری کتیبه های پارتنون (Parthenon) نشان از آن دارد که غرض از آن بزرگداشت و تکریم همه اهالی شهر در هنگام زیارت این تندیس ها می باشد.

ساموس (Samos) ۴۴۰ پیش از میلاد
آتنی ها پس از ۹ ماه محاصره، شهر ساموس را اشغال می کنند. بر اثر این جریان کینه مردم ساموس نسبت به آتن تشدید می شود، به طوری که آنان با رژیم اشرافی طرح اتحاد می ریزند تا شاید به استقلال دست یابند، سپس زمانی که شهر میلت را به داوری بر می گزینند، آتنی ها به آن جزیره تاخته و دموکراسی را به آن تحمیل می کنند. دشمنی باز هم هنگامی به اوج می رسد که اهالی ساموس آن را نپذیرفته و حکومت اشرافی را انتخاب می کنند.

آتن ۴۳۸ پیش از میلاد
مدت کوتاهی پس ازبرپایی تندیس ها در پارتنون، فیدیاس مجسمه ساز به سبب اختلاس زندانی می شود. جرم ومحکومیت فیدیاس حمله غیرمستقیم به رهبر مردم سالار پریکلس است، از دیگر اتهام های او انگ بی دینی اوست که او به تندیس آتنا اهانت کرده و مانند دیدالوس (Deadalus) بایستی مجازات شود.

یونان ۴۳۰ پیش از میلاد
کتاب تاریخ هرودوت (Herodotus) که مربوط به جنگهای یونان و بربرهاست (وحشی ها) در این زمان کامل می شود. در تاریخ ادبیات آناتولی آمده که او به سفرهای طولانی در دنیای یونانی مبادرت می کند که این سفرها برای جمع آوری اساطیر یونانی و موضوعات تاریخی و جغرافیایی بوده است. کتاب او با پیکار مجتمع های یونانی برضد کروزوس (Croesus) پادشاه لیدی آغاز می شود و از جمله تاریخ لیدی در آناتولی را بیان می کند ونیز منش ورفتار ایرانیان، بابل و مصریان را شرح می دهد، از دیگر موضوع ها تفسیر وشرح دو جنگ ایران هم بخشی از کارهای اوست.

آتن ۴۲۸ پیش از میلاد
اوری پیدس (Euripides) نخستین جایزه درامهای حزن انگیز را درمسابقه با هیپولیتوس (Hippolytus) می رباید، جریان این درام مخالفت بین الهه های آفرودیت (Aphrodite) و آرتمیس (Artemis) است. این تراژدی با مرگ دو نفر پایان می یابد، یکی هیپولیتوس که نهایت طرفداری را از آرتمیس در برابر آفرودیت انجام می دهد. دیگری مادر زن فدرا(Pheadra) که به جرم عشق شدید به هیپولیتوس اقدام به خودکشی می کند.

یونان ۴۲۸ پیش از میلاد
ایکتینوس (Ictinus) طراح و معمار پارتنون، با کمک اپیکور (Epikourios) در قلب کوههای آرکادی (Arcadian) در ناحیه باسائه (Bassae) بر روی صخره یی مسطح، معبدی جهت تقدیس آپولو بنا می کنند.

مدیترانه گردید، و انگیزه ی آن ترس از گرسنگی و نداشتن زمین برای کشت وزرع و فشار اجتماعی بود.

به هر حال، این هم نوعی از تشکیل اجتماعات یونانی بود که د رکار بازرگانی و تجارت متفق و متحد سرزمین اصلی بودند و نیز در تولید محصولات غذایی سهم به سزایی داشتند.

این مهاجران سوداگر که خود تولید کننده بودند، بازاری برای داد وستد با سایز نقاط محسوب می شدند و از نظر زندگی وتولید خودکفا بوده ومرهون سرزمین مادری خود نبودند، لیکن کار گروهی آن ها فرصتی بود برای مشاغل سودآور که برای یونان هم مفید بود.

یکی از این بازارهای مبادلات کالا در نوکراتیس (Naukratis) مصر قرار داشت. فرعون با ایجاد مقرراتی برای تجارت خارجی تضییقاتی برای یونانیان فراهم کرده بود، لیکن آن ها اجازه داشتند که خدایان خود را ستایش کنند و سکونت در مصر هم تحت کنترل و مقرراتی خاص بود و لیکن اجازه ی ازدواج با مصریان را نداشتند.

معجزه ی معبد دلف، راهنمای مردم ساکن اژه برای کشف اسرار(یونان، ۶۵۰ پ.م):

بزرگترین معجزه پیشگویی از رخدادهای آینده به وسیله‌ی آپولو در معبد دلف انجام می شود.

هر ماهه مردم عادی یا نمایندگانی از شهرها پرسش هایی از خدا کرده و پندها و راهنمایی او را درامور روزانه به کار می برند، برای این که جواب ها راست و صحیح درآید، از یک زن روستایی برای این کار استفاده می شود که چون ممکن است کسان دیگر پاسخ های خدا را وارونه جلوه دهند، تمام مراسم هم به وسیله ی پیتیا (Pythia) انجام می شود. متقاضی همیشه مردی است که اعتقاد راسخ دینی داشته و باید مبلغی پول یا هم سطح آن را بپردازد. فرد سخن گو به ویژه پول بیشتری می پردازد و راهنمای متقاضی بایستی به حرف های سخنگو گوش فرا دارد. سپس به طور معمول یک بز قربانی می کنند که این کار به وسیله‌ی یکی از راهب های معبد انجام می شود واگر فال او حاوی اخبار خوب باشد، اجازه دارد که به معبد وارد شود.

این جا پیتیا حضور دارد، با خلوص نیت و دقت گوش فرا داده و روی سه پایه ی برنزی نشسته و منتظر سؤالات

است. بعضی می گویند سؤال هایی که آن زن می کند فرد رابه خلسه ونشئه می برد، در حالی که مشغول جویدن برگ های تمشک است، دیگران اصرار دارند به این که فردی که بر روی سه پایه نشسته و از شکافی که زیر سه پایه است دود وبخار برمی خیزد و خلسه ایجاد شده براثر آن بخارها می باشد. آن زن شروع به پرسش هایی می کند که پس از آن تفسیرو تعبیر هایی ازآن ها کرده وکلماتی شعرگونه را تکرار میکند که همراه با عبادت و زمزمه های روحانی است.

به هرحال، پس از مراسم دعا ونیایش، سخنان پیتیا آغاز می شود که درآن تفسیرهای گوناگون است و بعضی هم تعبیرهای غلط از آن استنباط می کنند و بدین گونه پایان مراسم با حالت حزن پایان می یابد.

پرسش ها شامل موضوعات متنوعی است. درباره ی شهرها و به این ترتیب است که آیا صلح ارجح است یا شروع جنگ. پرسش های فردی مثل سفر کردن و یا ازدواج وغیره هم از روحانی معبد دلف انجام می شود.

دیگر از سؤالات راجع به توصیه انجام کار وظیفه ونیز ایجاد مجتمع های مردمی است. بازهم از دیگر سؤالات مربوط به انجام مراسم مذهبی دعا و نیایش است که روی سخن هم با پیتیا می باشد. توصیه ها و سخنان پیتیا را در بایگانی کتابخانه معبد نگهداری می کنند که در معرض قضاوت عمومی و عقلای قوم قرار گیرد.

فرعون های (Pharaoh) مصر در راه تقلید سال های طلایی گام بر می دارند. (مصر، ۶۴۰ پ.م):

فراعنه ی مصر برای ایجاد مسرت و شادی در مردم و یکپارچگی کشور، در تحت فرمان مرکز به رقابت می پردازند. پایه و اساس این فکر در ممفیس در زمان حیات شاهان مصری و بالاخره تا زمان مرگ آنان در دلتا به وجود آمد. این تجدید حیات طبیعی به ویژه در انجام عبادات وفرایض مذهبی انجام شد. هم چنین در ساختن اهرام و نیز دیوارها و تاق های آن ها وهم چنین تابوت های سنگی در سال های طلایی صورت گرفت.

پیکره سازان خصوصی هم به نحو بارزی تحت تأثیر روش ها و یادگارهای پادشاهان پیشین قرار گرفتند. آن ها در ساخت بناها از مصالحی که زود فرسوده می شوند، مانند سنگ های آهکی کم مقاومت و نرم استفاده نکردند، بلکه از سنگ های سخت و مقاوم و جلا خور که خوب براق می‌شود، مانند بازالت و صخره های تیز و زاویه دار مرمر و اشکال مارپیچ بر روی آن بهره می بردند.

سنگ های بازالتی را روی هم طوری قرار می دادند که بین آن ها درز وشکاف باشد و در ساختن گنبدها در بین سنگ ها هوا وجود داشته باشد که حرکات طبیعی زمین آن را تخریب نکند. طرز ساخت و استیل بنا را بر روش وشیوه ی مصریان باستان قرار می دادند و یادگار کهن را بار دیگر زنده کردند. پیشرفت و ترقی کشور مصر تحت قوانین جدید، باعث توسعه ی بازرگانی و رشد آن به ویژه با دریای اژه گردید ونیز سبب گسترش زراعت و ازدیاد محصول شد.

کتاب شاعر چینی، سانگز (Songs) مورد استقبال واقع می شود. (چین، ۶۳۰ پ.م):

مجموعه اشعار انتخابی و برجسته باستانی که در یک جلد به وسیله ی شی جینگ (Shi Jing) یا کتاب سانگز نامگزاری شده مورد توجه قرار می گیرد. این کتاب حاصل جمع آوری سرودهای روحانی ۵۰۰ سال پیش می باشد. این اشعار صورت جدید و بازنگری شده سرودهای دوست داشتنی مردم روستایی آن زمان است.

این کتاب بیشتر مورد استفاده ی طبقه ی تحصیل کرده‌ی چینی و به ویژه سیاستمداران است. در سلسله اشعار آن نقل قول هایی از دنیای سیاست و سیستم زمین دارای و طرز تقسیم زمین و مالکیت آن مطرح شده، از سویی مباحثی درباره ی سرنوشت انسانی و رویدادهای سیاسی و مبادلات جنسی و نیز نکات ریز ادبی واجتماعی درآن مستتر است. هم چنین شرح جشن های خاندان سلطنتی در معابد به طرز بسیار ماهرانه یی در آن آمده است. شیوه ی زندگی روستاییان و فستیوال ماه دهم سال به پاس برداشت محصول و بردن کوزه های دوقلو برای ضیافت در روستا و کشتن بره ی جوان هم از آثار ثبت شده در این کتاب می‌باشد. بیاناتی هم در شرح وظایف سربازان طلیعه جنگ و کلمات دوستانه و محبت آمیز در بازی های بهاره ی کبریت سازان، صدای افتادن گوجه های رسیده از درخت در بخش هفتم واجازه دادن به پسرهایی که دوست دارند پیش از دیگران به صحنه بیایند قبل از این که وقت دیر شود، در آن وجود دارد.

یونان ۴۲۵ پیش از میلاد

آتنی ها چندین بار اتحادیه پلوپونز را دچار شکست می سازند. آن ها با طرح نقشه یی بردگان لاکونیا (Laconia) و مسنیا (Messenia) را به شورش وا می دارند و اسپارتها برای جلوگیری از شعله ور شدن آتش نبرد عجولانه شبه جزیره آتیک (Attica) را تخلیه می کنند، در حالیکه اشغال مسنیا و پیلوس (Pylos) مدت ها بعد انجام می شود. سپس پلوپونزیها به آتن حمله کرده وتحت رهبری دموستن (Demosthenes) آن هارا به عقب می رانند. که دراین حال تعدادی از آتنی ها را به جهت جلوگیری از تاخت وتاز دوباره آتنی ها، به گروگان می گیرند.

آتن ۴۲۴ پیش از میلاد

آتنی ها با طرح نقشه تضعیف پلوپونزی ها با ائتلاف و پشتیبانی انقلابیون طرفدار دموکراسی منطقه بئوسی (Boeotian) تعداد دو لشگر به آن منطقه اعزام کردند تا با غلبه بر اسپارت آن ها را به اطاعت وادارند. این لشگریان در ناحیه دلیوم (Delium) باستونی از فالانژهای اسپارتی، بئوسی مواجه شدند، در نتیجه در این نبرد تعداد یک هزار نفر از سربازان خود را از دست دادند.

آتن ۴۲۴ پیش از میلاد

شاهکار نمایشنامه های اوری پیدس تراژدی درخواست زنان هکوبا (Hecuba) از هرکول (Heracles) می باشد. او در این نمایشنامه روش بسیار روشنی را در اساطیر یونانی ارائه می کند. در این شیوه تازه، خشم و اضطراب مردم را از نظرروحی و روانی تفسیر وبیان می کند که در جریان سیاست کاربرد ویژه دارد.

آتن ۴۲۲ پیش از میلاد

آریستوفان(Aristophanes) به اتهام بدون دلیل و واهی خشونت و رفتار تند و زبان ناسزاگو محاکمه می شود. او می بایست تاوان این رفتار را به آتنی ها که در مباحث وگفتگوهای خود آنها را به حس بدبینی و قضاوت غلط واداشته از دارایی خود بپردازد. وی متهم است که با کنایه و نیش قلم خود، شخصیت شهروندان را دچار کاستی و خودکم بینی کرده است.

یونان ۴۲۱ پیش از میلاد

آتن واسپارت در عهدنامه نیسیاس (Nicias) بالاخره تن به امضای صلح می دهند که درآن متارکه جنگ پلوپونز قید شده، دو طرف در این موضوع به توافق رسیدند که هرکدام به مواضع پیشین خود بازگردند و نیز اسرا را مبادله کنند.

یونان ۴۲۰ پیش از میلاد

براثر تهدید و تکفیر به اتهام بی دینی، پروتاگوراس (Protagoras) پیرو عقاید سوفیست (Sophist) به آتن می گریزد. به باور وعقیده وی، انسان و تفکر او پایه گذار واساس همه چیز درجهان است. پروتاگوراس راجع به هنر گفتگو وبحث ومجادله می نویسد که انسان قادر است بامخالف خود باب استدلال و منطق را باز کند وهرمخالفی را با دلیل وبرهان مجاب کند.

کاربرد شیوه ی خوش آیند شرقی در هنر کورینت ها (یونان، ۶۴۰ پ.م):

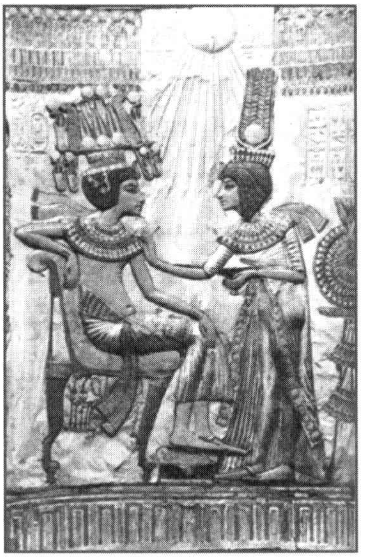
در قرن اخیر اتحادی بین هنر یونانی وخاور نزدیک برقرار می شود که این اتحاد تأثیر بسیار قابل ملاحظه یی در پیشبرد وتوسعه ی هنر یونان داشته است. طرح های هندسی در ساخت سفال در کورینت و سایر شهرها وتغییراتی در طرح های قدیمی این ناحیه جان تازه یی به این هنرها اعطا نموده و از این نظر یونان وامدار مشرق زمین است. شیوه ی قدیمی هنر یونانی مقتبس از هنر آشوری به صورت طرح هایی از قبیل اشکال شیر با سرچهارگوش در حال لمیدن با گوش هایی به شکل قلب وزبان زاویه دار وباز، حیواناتی به شکل سرآدمی و تنه ی شیر یا اسب و ماهی بود، در حالی که در طرح های شرقی اشکال حیوانات از قبیل گاو کوهی، پلنگ وشیر به حالت طبیعی و جاندار به نمایش درمی آید. درزمینه و شیوه ی هندسی حیوانات به هم پیوسته و هیچ گونه طرح گل درآن دیده نمی شد تا بالاخره در زمان میسنی ها برای نخستین بار این طرح ها دگرگون شد. در هنر آشوری اغلب اشکالی به صورت درخت سدر و گاهی درخت خرما ومیوه مخروطی کاج را هم می توان مشاهده کرد.

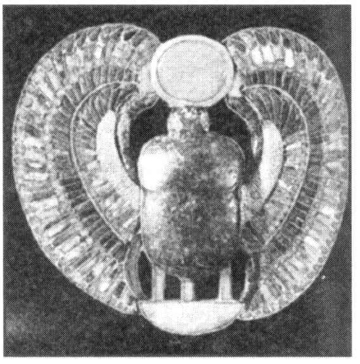
فاتحان آشوری بیش از پیش احساس امنیت می کنند. (نینوا، آشور، ۶۴۰ پ.م):

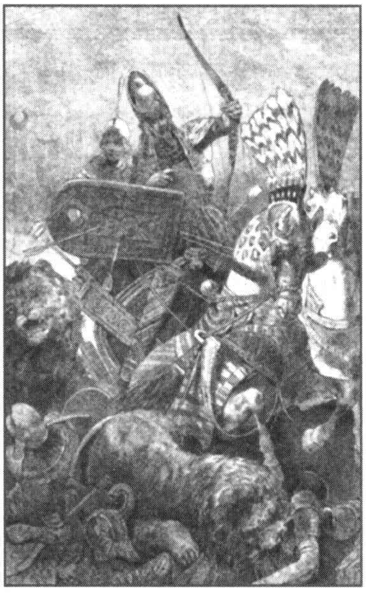
خیابان های شهر نینوا شاهد رفتار ناهنجار و بی رحمی آشور بانی پال (Ashurbanipal) پادشاه آشور می باشد، در حالی که سه شاهزاده ی ایلامی (Elamite) را با دست های به زنجیر بسته ونیز شاه پیشین عرب را به ارابه به جای اسب بسته اند و سراسر پایتخت را در می نوردد و این نشانه وسمبل قدرت امپراتوری آشور است.

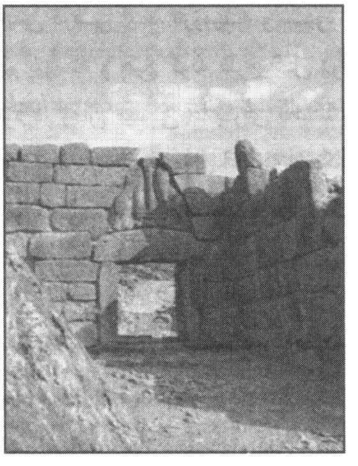
این جریان نمایشی از جشن تسخیر شهر شوش (Susa) پایتخت ایلام می باشد که در تعقیب تحت کنترل درآوردن ناحیه شمال وآناتولی و دستگیری رهبر ارتش سیمری ها (Cimmerian) لیگدامیس و آتش زدن شهر افه سوس (Ephesus) می باشد.

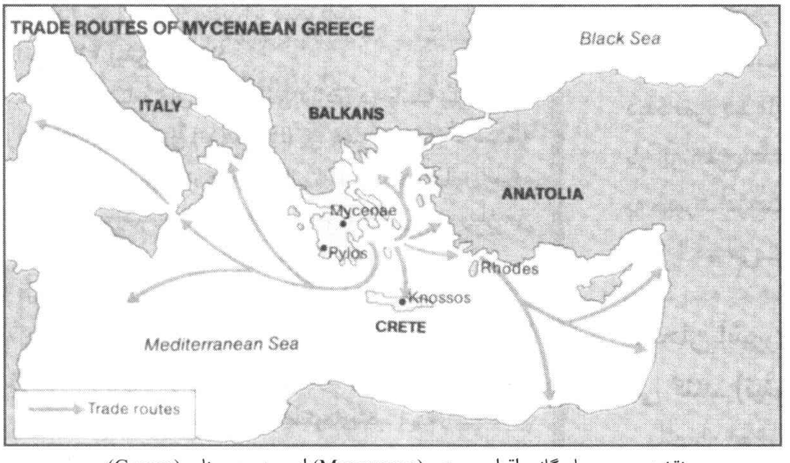
این دو گونه پیروزی به همراه حل مشکل بابل که چندی پیش رخ داد، صورت پذیرفته است، بدین معنی که


مباحثه برای جانشینی پسر پادشاه.

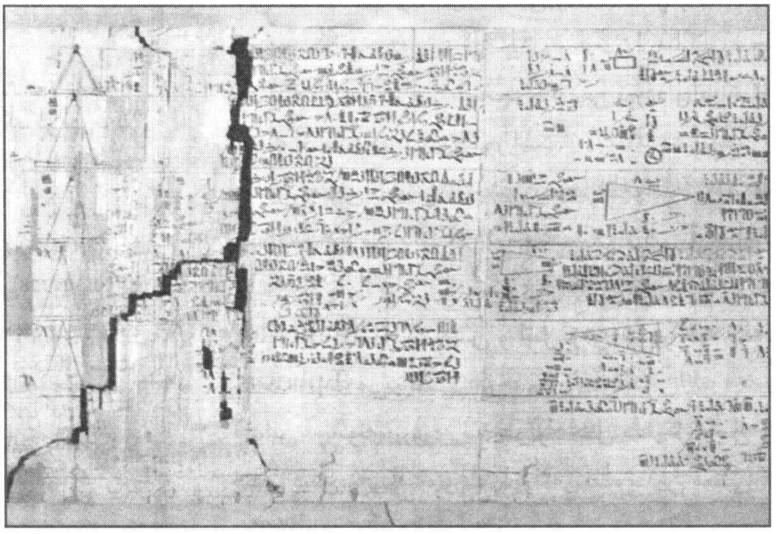

یک سنجاق سینه‌ی بسیار عالی
با زیورآلات جواهرنشان.


صحنه‌یی از میدان جنگ که در این اواخر
به تصویر کشیده شده است.


دروازه‌ی شهر میسنی که توسط
شیرها حفاظت می‌شده.



نقشه‌ی مسیر بازرگانی اقوام میسنی (Mycenaean) از سرزمین یونان (Greece).


دستورهای حل مسائل ریاضی برای تقسیم مالکیت زمین که بر روی پاپیروس نوشته شده است.


ماسک صورت مرده که از طلای سخت
ساخته شده است.

آتن ۴۲۰ پیش از میلاد
پیمان صلح نیسیاس به آتنی ها فرصت می دهد که ساختمان معبد آتنا را تکمیل کنند، نایک (Nike) گوهر درخشان آکروپولیس که ۳۰ سال قبل ساختمان آن آغاز شده بود، با کتیبه هایی که نزدیک سقف آن کنده شده، زینت بخش ساختمان آن است و به سبک وروش ایونیک (Ionic) بازسازی شده است.

آتن ۴۱۳ پیش از میلاد
آتنی ها قادر به شنیدن صدای مخالف نیستند. آریستوفان در یک نمایشنامه داستان دو نفر را که قصد دارند به جزیره پرندگان بروند و درآنجا زندگی کنند را به صحنه می آورد. آنها شروع به بنای شهری می کنند که خالی از سکنه می باشد و نام این شهر را کلودکوکوبری (Cloudcuckoobury) می گذارند که در فاصله بین بشر وخدایان است. درآنجا اعمال سیاست واخلاق ورفتار انسان مورد سنجش قرار می گیرد و به انسان می آموزد که همواره از جنگ بپرهیزند.

یونان ۴۱۳ پیش از میلاد
درحالی که آتنی ها سرگرم پیکار در جزیره سیسیل بودند، نیروی نظامی اسپارت به شبه جزیره آتیک یورش برده و مخفیانه عملیات جنگی را شروع کردند. آنها دامنه جنگ را به منطقه دسلیه (Decelea) گسترش داده و ویرانی های بسیار به وجود آوردند و آلکی بیادس (Alcibiades) فرمانده آتنی را شکست دادند.

آتن ۴۱۱ پیش از میلاد
آلکیبیادس (Alcibiades) زمینه یک حالت خطرناک اقتصادی را به طور مصنوعی برای برپا کردن شورش درآتن به وجودآورد. رؤسای شهر انتخابات راموتوقف کردند و به جای ۴۰۰ نفر اعضای شورای شهر، یک نفر را به عنوان شهردار یا کنسول برگزیدند. فرمانده شورشیان ضمن انکار وضع موجود شروع به اخذ اموال ثروتمندان برای هزینه پیکار کرد و افراد بی چیز را هم که توانایی پرداخت وجه نداشتند، جزو سربازان سنگین اسلحه یا پاروزنان ناوهای سه اشکوبه (تری رم — Triremes) قرار داد که آن کشتی ها را برانند. با این تصمیم خطرناک اکثر آتنی ها محل سکونت خود را ترک کرده و عازم پیکار شدند.

سیسیل ۴۱۰ پیش از میلاد
هنگامی که در شهر سیراکیوز(Syracuse) آتنی های تبعیدی دست به اغتشاش زده بودند، دموکراتهای آتن بخش اعظم نیرویی را که سه سال پیش به سیراکیوز اعزام کرده بودند برای سرکوب اغتشاش اعزام کردند و هرموکرات (Hermocrates) فرمانده نظامی آتنی با کمک سپاهیان خود به پیروزی رسید.

آتن ۴۱۰ پیش از میلاد
در آتن حکومت دموکراسی (Democracy) از بین رفت و یک حالت نیمه اولیگارشی (Oligarchic) (بی نظمی) جایگزین آن گردید، که این حالت را ۵ هزار نام نهادند. اسپارت ها هم برای کمک به انتخاب یک نفر به عنوان شهردار یا کنسول شروع به توطئه کردند و حالت صلح بین آتن واسپارت پایان پذیرفت. در این هنگام آتن هم ناوگان جنگی خود را برای تخریب و شکست اتریا(Etetria) در سپتامبر ۴۱۱ پیش از میلاد روانه آن ناحیه کرد. رهبران دوگانه ترامنس (Theramenes) آنجا را به دشمن تسلیم کردند و بدین ترتیب این منطقه به ۴۰۰ واگذار شد.

اکنون نواحی مرزی شمال ومشرق در حدود دوهزار کیلومتری به طور کامل در امان بوده و دشمن قابل ذکری ندارد و امنیت آن کاملاً تضمین شده است. آشور بانی پال در سال بیست وهشتم سلطنت خود ادعا می کند که درحال حاضر امپراتوری آشور بزرگترین قدرت منطقه می باشد.

نینوا اکنون ثروتمندترین شهر دنیا ست و سیل پول و خراج به سوی آن روان است، این ثروت شامل غنیمت های به دست آمده از ممفیس، تبس و شوش پایتخت عیلام در پیکارها و شکست آنان و نیزخراج شاهزاده نشین های دست نشانده ی یهودی، لیدی (Lydia) و فنیقی وهدایای شاهزادگان مادی و پارسی که نسبت به آشور اعلام وفاداری کرده اند، می باشد، برخی بر این باورند که گستردگی بیش از حد کشور و بیرون از قدرت نظامی آن مانند دیگی است با فشار زیاد که سرپوشی بر روی آن نهاده اند و اختلافات محلی می تواند در صورت طغیان سرپوش را به کناری زده و این سرزمین های زیر فشار را برای شورش آماده سازد.

شورش داخلی زیرزمینی عیلام به منزله ی آتش زیرخاکستر(نینوا، آشور،۶۴۵ پ.م):

به دار آویختن تمپت هامبانین شوشیناک (Tempt – Humbanin – Shushinak) در باغ قصر آشور بانی پال، اعلام خطری جهت شاهزادگان عیلامی بود که در صورت نافرمانی به این وضع دچار خواهند شد.

با مرگ تمپت هامبانین شوشیناک در نبرد تولیز (Tulliz) درکرانه ی رود کرخه (Kerkha)، تاریخ کشور ایلام پایان یافته که در ضمن نشان از عدم توفیق هم بستگی و اتحاد کشورهای کوچک برعلیه آشور است. برطبق نقشه ی آشور سرزمین ایلام بین دو پسر اورتاکی (Urtaki) فرمانروای آن ناحیه به نام های هومبانیگاش (Humbanigash) و تام ماریتو (Tammaritu) تقسیم شده بود، خود اورتاکی در هفت سال پیش از زندان نینوا فرار کرده بود، در حالی که تخت و سلطنت او به وسیله ی تمپت هومبانین شوشیناک اشغال شده بود.

حکومت آشور به قصد تسخیر ایلام وتسلیم پادشاه آن به ایلام لشگر کشید تا اطاعت این سرزمین را به دست آورد. نقشه و فکر آشور بر این پایه قرار گرفته بود که سرزمین

ایلام را قسمت کرده و آن را در سلسله پادشاهی خود تحلیل برده و از شرآن جا برعلیه آشور آسوده گردد. بر این اساس قرار بود ایلام به مناطقی کوچک منقسم و برهر ناحیه فرمانروایی منصوب شود که خود این حاکمان با هم در حال نزاع و ستیز باشند.

جنگ برادر کشی جهت تصاحب سلطنت آشور (بابل، ۶۴۸ پ.م):

شورش و غائله بین برادران آشور بانی پال، منجر به خودکشی شاماش شوما اوکین(Shamash-Shuma-Ukin)، نایب السلطنه و ولی عهد آشور شد، بنا به دستور او مردان و نیروهای دولتی آتش کاخ شاهی را خاموش کردند. این آخرین یورش برادر آشوربانی پال به پایتخت بود.

مرگ شاماش شوما اوکین به چهار سال کینه وعداوت بین دو برادر پایان داد و نیز توطئه یی را که جهت براندازی و عزل آشور بانی پال رهبر آشور چیده شده بود، خنثی ساخت.

طرح مهمی که شاماش شوما اوکین برای تصاحب تاج وتخت آشور چیده بود، دومین نقشه بود و دشمنان حکومت می توانستند از آن بهره برداری کنند. این نقشه با اتکا و پشتیبانی اتحاد عظیمی از دشمنان آشور شامل فنیقیه، فلسطین، یهودیه، عرب ها،کالدونی ها (Chaldeans)، عیلام، لیدی، مصر وبابل بود که بایستی به طور همزمان به سرزمین آشور حمله کرده و حکومت را سرنگون سازند.

همچنین می بایست در صورت موفقیت و پیروزی امپراتوری تحت لوای آن ها تشکیل شود.

تنها چهار سال پیش این طرح توطئه کشف شده بود و با کشف آن برای جلوگیری از انجام این طرح مقدمات آن فراهم شده بود. از حدود ۱۷ سال پیش زمانی که شاماش شوما اوکین به عنوان نایب السلطنه انتخاب شده بود، ظن وگمان بر این توطئه می رفت که زمانی شورش بر علیه حکومت آغاز شود. یک فرض بر این حکایت می کند که ملی گرایی بابلیان که خود را برتر از آشوری ها می پنداشتند و جایگاه بابل را مافوق نینوا تصور می کردند، بنیان این جریان باشد. این فکر در قصر حکومتی حکمفرما بود و به ویژه پدر شاماش شوما اوکین ازضمیر او آگاه بود که پسرش با حکومت بابل سروسری دارد و این فکر جاهلانه در او قوی است که بابل را ترجیح می دهد و در صدد است که روزی حکومت بابل بر برادرش آشور بانی پال پیروز شود.

پراکندن استخوان های پادشاهان در صحرا به عنوان پایان عداوت سه هزارساله (شوش، ایلام، ۶۳۹ پ.م):

نیروهای زیر فرمان آشوربانی پال پس از تسخیر شهر شوش، پایتخت ایلام، آن را آتش زده و از آن سرزمینی سوخته باقی گذاردند و این نشانه ی نهایت سبعیت می باشد، بازهم به دستور او معبد خدایان ایلامی را سوزانده وخدایان را از بین بردند.

آشوری ها سوگند یادکرده بودند که ریشه ایلام را از زمین بَر کنند و بدین منظور با از بین بردن حکومت آن عداوت وکینه سه هزار ساله بین دو قوم آشوری وایلامی را خاموش سازند.

درحدود ۱۱ سال پیش از این، هنگامی که تام ماریتو، فرمانروای ایلام به قدرت رسید، برای مقابله با ویرانی معابد وترمیم آثار تخریب شده از حملات آشور، دستور داد معبد خدای بزرگ را با آجرهای لعاب داده شده و میناکاری تزئین شود وتندیس های خدایان را هم مرمت کرد، لیکن با کم شدن قدرت او این آثار را از بین بردند.

ریختن و پخش استخوان های باقی مانده از شاهان ایلامی در صحرا به وسیله ی آشوریان، سبب تأثر و اندوه شدید مردم عیلامی گردید. پس از قتل عام مردم ایلام و بردن اسرای باقی مانده به آشور، اکنون دیگر برنامه ی نیروهای نظامی آشور به پایان رسیده و از آن تمدن جز صحرایی خشک و نمکزار به جای نمانده و آثار آن تمدن محو شده است.

شاه دانش طلب، کتابخانه ی با ارزشی از خود به یادگار می گذارد. (نینوا، آشور، ۶۲۹ پ.م):

آشوربانی پال، شاه آشور، مدت ۳۹ سال سلطنت کردو مرگ او به علت این که هم جنگاور و هم دانش طلب بود، باعث سوگواری گردید. یک کتابخانه ی ارزشمند، محتوی بیست وپنج هزار اثر ادبی پس از تصرف شهر ازاو کشف

آسیای کوچک (صغیر) ۴۱۰ پیش از میلاد

آلکیبیادس به فرماندهی ناوگان اعزامی به ساموس برگزیده شد، او هم با کمک ناوگان خود پلوپونزیان ها را در ناحیه سیزی کوس(Syzicus) واقع در آسیای کوچک (آناتولی) نابود کرد.

سیسیل ۴۰۹ پیش از میلاد

هانیبال (Hannibal) فرمانده نیروی نظامی کارتاژها (Carthaginian) به شهر سلینوس (Selinus) دشمن مقاوم و قدیمی مردم سبحستا (Segesta) یورش برده و آنجا را غارت کرد. ناحیه سبحستا در شمال غربی جزیره سیسیل واقع شده است.

آتن ۴۰۷ پیش از میلاد

اکنون آکلی بیادس به عنوان فرمانده و ژنرال ارتش آتن رجعت می کند. او پس از چند سال پیکار و دوری از میهن درحالی که مردم به او خوش آمد می گفتند به آتن بازگشت، او فاتح جنگهای پلوپونز واقع در آسیای صغیر (آناتولی) می باشد و در هنگام ورود در حالیکه غرق سرور است، فرمان عفو عمومی را در آتن صادر کرد.

آتن ۴۰۶ پیش از میلاد

اوری پیدس نویسنده داستان های حزن انگیز اوسکیلوس و سوفوکل درگذشت. اوری پیدس بیشتر روی اخلاق ورفتار انسان ها به هنگام خشم وغضب آنها تکیه دارد و در اساطیر یونانی موقعیت و مقام منطقه آتیک را تعالی بخشید. این جریان در درام های او به وضوح آشکار است. در عین حال بزرگترین نقش او در بالا بردن مقام زنان شهر یونانی ترویا می باشد.

سیسیل ۴۰۵ پیش از میلاد

بار دیگر کارتاژها هجوم خود را آغاز می کنند. شهرهای این جزیره یکی پس از دیگری سقوط کرده، یکی از سرکردگان سیراکیوزی به نام دیونیسیوس(Dionysius) مردم را مخیر کرد به این که شهروندان می توانند برای حفظ جان خود شهر را ترک کرده و یا زیر نظر حکومت به ملت خود خدمت کنند.

یونان ۴۰۳ پیش از میلاد

با موفقیت دموکرات های آتن به رهبری تراسی بولوس (Thrasybulus) در نبرد با اسپارت در ناحیه مونی کیا (Munychia) سرنوشت آتن تغییر می کند. فرمان عفو عمومی درباره تمام شهروندان به استثنای دسته یی از شبه اسپارت ها که به عنوان سی نفر مستبد شناخته شده اند و برخی از شورشی های افراطی که به الئوزیس (Eleusis) پناهنده شده اند صادر شد، در عین حال تراسی بولوس در تلاش است که بین تمام شهروندان آتنی حالت صلح وآشتی برقرار کند، حال بار دیگر دوران دیکتاتوری وعدم پذیرش مردم سالاری به سرآمده است.

ایران ۴۰۱ پیش از میلاد

دو برادر از شاهان هخامنشی (Achamenid) به نام اردشیر دوم و کوروش کوچک در آسیای صغیر تا سال ۴۰۷ پیش از میلاد حاکمیت آنجا را دراختیار داشتند. پس از نبرد بر سر میراث هخامنشی ورسیدن به تاج وتخت، اردشیر دوم پس از مرگ پدر به پادشاهی رسید. داریوش دوم درسال ۴۰۴ پیش از میلاد و کوروش صغیر هر دو از افراد اجیر ومزدور نظامی آسیایی و یونانی در نبردها استفاده می کردند. در جنگی که در ناحیه کوناکسا (Cunaxa) در نزدیکی بابل اتفاق افتاد، سپاهیان کوروش در جنگ پیروز شدند، لیکن خود او هم در نبرد به قتل رسید.

گردید که بیشتر این آثار ادبی حاوی رنج ومشقت هایی است که د راثر اشغال سراسر میان رودان به وسیله ی آشوربانی پال به وجود آمده است.

آشوربانی پال، از زمان کودکی عاشق و دوستدار مطالب ادبی بوده. وی پسر سوم امپراتور اسارهدون (Esarhaddon) می باشد که او را جهت خواندن و نوشتن به کهانت معبد تعیین کردند.

مرگ زودهنگام بزرگترین برادر او و گماشتن برادر دیگر به عنوان نایب السلطنه بابل، راه را برای عرض وجود وی آماده ساخت. آشور بانی پال، پادشاهی مبارز و جنگجو، مبدع و اداره کننده ی کاخ شاهی بود، وی هم چنین اغلب اوقات خود را در خارج از کاخ سلطنتی و در میدان تمرین و پیکار می گذرانید و و راه های غلبه بر دشمن را می آموخت. برحسب عقیده ی دانشمندان، کتابخانه ی او نمایشی از ملیت هاست که اجازه می دهد، آیندگان داستان های مربوطه به خدایان ملت ها را درآن هنگام بیاموزند.

پادشاه یهود تمام کافران مذهبی را لعن می کند. (اورشلیم، ۶۲۱ پ.م):

در یک دگرگونی و تغییر کلی که در حدود ۶۰ سال، ملت یهود دچار آن بود، به طوری که اکثریت مردم از دین یهود برگشته بودند، پادشاه یهود، ژوزف (Josiah) (یوسف)، طی برنامه یی از پیروان تمام مذهب خواست آنانی که مایل به برگشت به کشور هستند، بایستی خدای یگانه (یهوه) را پرستش کنند. این تغییر در پی کشفی صورت گرفت که در کتاب عهد عتیق سخنان بی پایه یی به یهوه نسبت داده شده بود، یهوه می گوید مردمی که از دین خود برگشته و بت های نیاکان خود را پرستش می کردند و حقیقت را پنهان داشته اند، بایستی به دین اصلی خود که همان دین یهودی است، معتقد باشند.

اولین گام هایی که برای این تغییر روش برداشته شد، جمع آوری تعهدنامه ها ومناسک اطاعت و پیروی از یهوه ودست برداشتن از دستورات و اوامر تمام خدایان دیگر است.

او معبد را از کلیه ی آلایش ها پاک و آن چه را که مربوط به کفر وپرستش خدایان بود، تخریب کرد. همین طور تمام مکان ها و دخمه های ویژه ی پرستش خدایان و بت های برهنه وسایر آلات مورد ستایش را که موجب

بی‌احترامی به یهوه بود هم، از بین برده شد. اکنون آداب غیرمشروع دینی و مراسم عید پسح(فصح Passover) و چگونگی مهاجرت قوم یهود از مصر به سرزمین اسرائیل و پیشگویی آینده ی این قوم و جشن های مذهبی از با اهمیت ترین موضوع های دین یهود محسوب می شود.

گروه های اسکیت به مرزهای مصر می رسند. (سوریه، ۶۳۰ پ.م):

مذاکرات مسالمت آمیز و پرداخت باجی کلان به طلا، به وسیله ی پسامتیک (Psammetichus)، پادشاه اسکیت ها، مصر را از تصرف آن ها نجات داد، اسکیت ها اقوامی چادرنشین، ساکن آسیای مرکزی بودند که با حمله به سرزمین های دیگر، آن ها را تسخیر کرده و نیز سوریه را هم تصرف کردند وتمام مخالفان را در سراسر این ناحیه ی پهناور از بین بردند. آنها بسیار سریع و چابک هستند و با تیروکمان بر روی اسب به پیکار می روند و تیراندازان بسیار ماهری به نظر می رسند.

اسکیت ها با موفقیت سراسر آشور و فلسطین را درنوردیدند و به مرزداران مصر هشدار دادند، ولی در مرز کشور مصر توقف کردند. کشور مصر در این هنگام در معرض تهدید آن ها قرار داشت و هر لحظه امکان حمله وجود داشت، که پادشاه مصر برای ملاقات آنها به فلسطین رفت و با پول آنها را خرید.

این رویداد به مذاق آشور خوش آیند نبود و آنها از این موضوع نگران شدند. آشور بانی پال با مادیس (Madyes) رهبر اسکیت ها، پیمان اتحاد بست، لیکن این پیمان مانع جلوگیری از تاخت وتاز آنها به سرزمین آشور نگردید. کینه ودشمنی اسکیت ها نسبت به دولت آشور و ثروت های این سرزمین، نتوانست اسکیت ها را به بازگشت ترغیب کند و سیاست آشور بانی پال هم مانع از آن نشد.

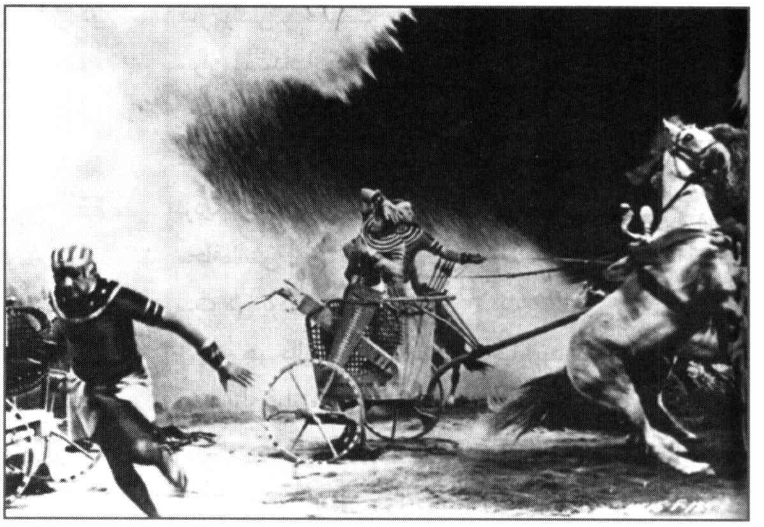
اسکیت ها برای مال ودارایی، ارزش چندانی قایل نبودند. آن ها در چادر زندگی می کردند و به غارت و چپاول سایر مردمان می پرداختند و به سهولت به کشتار و قتل عام دیگر سرزمین ها دست می زدند، در ضمن به طور دسته جمعی به کوچ ومهاجرت می پرداختند.

یونانیان عاشق آزادی، از فرمانروایان مستبد خود ابراز تنفر می کنند.(یونان،۶۳۰ پ.م):

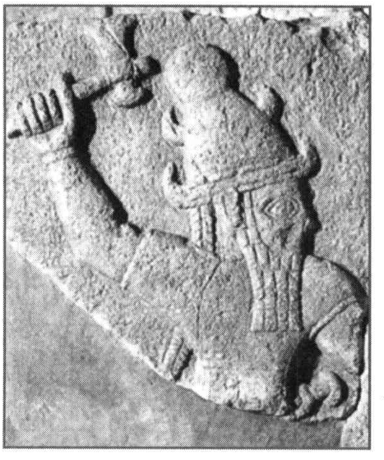
در صحنه ی شهر کشورهای یونانی، فرمانروایان جدیدی ظاهر می شوند. سیپ سلوس یکی از اشراف زادگان مستبد قدرت را در یک دوره ی بحرانی تصاحب می کند. چون برای نخستین بار حکومت ظالمان و مستبدان در سال ۶۵۵ پ.م در کورینت که در سرزمین اصلی یونان است، ظاهر شد،در حالی که دولت سیپ سلوس(Cypselus) در رأس حکومت قرار داشت. سپس تیژنی ها (Theagenes) در مگارا (Megara) در سال ۶۴۰ پ.م به قدرت رسیدند و درحدود ۱۰ سال بعد، پس از عدم موفقیت وی، ناپسری او به نام سیلون (Cylon) او را برانداخت و در شهر آتن به جای او نشست.

نکته ی دقیقی که درفرمانروایی ستمگران یا مستبدان وجودداشت، این که همه شباهت تامی از نظر اداره ی امور به یکدیگر داشتند. بی نظمی و اغتشاش در امور کشور جریان داشت که سبب گسیختن انضباط و در نتیجه نارضایتی عموم گشت. مستبدان حکومت و قدرت را در لوای شمشیر وزور به دست آوردند و در چنین حکومتی پیکار بین اشراف و طبقه ی فقیر امری دایمی بود، آنها حتی از نیروی سلاح و شمشیر مزدوران خارجی بهره می بردند. وظیفه ی فوری این حکومت از بین بردن اغتشاشات داخلی وبحران بود که آن را به عهده ی نیروی سواره نظام گذاردند که این نیرو در حقیقت پشتیبان وحامی قدرت حکومت بود، در حالی که برای اسکات مردم از آن استفاده می شد، لیکن در ظاهر به آن جنبه ی مردمی داده بودند.

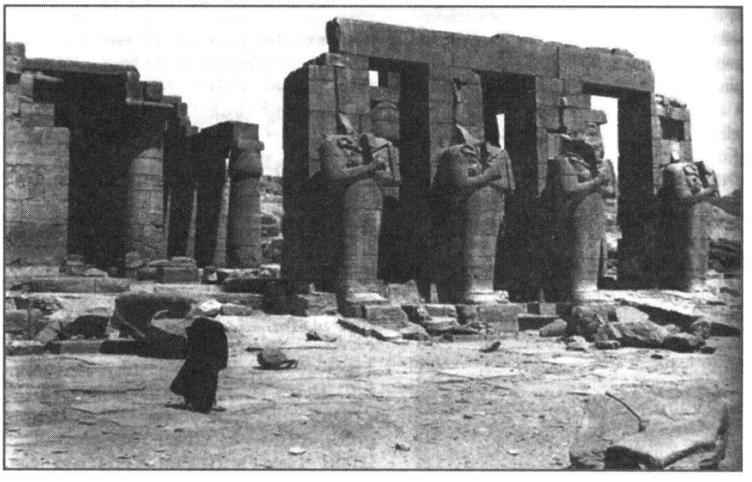
براثر مساعی حکومت زمین داری به شیوه ی جدید عملی شد و حالت ثباتی در آن برقرار گردید و تقسیم زمین وضع نوینی پیدا کرد. وی در اقتصاد و جامعه هم تحرک و جنبشی ایجاد کرد و در کار ساختمان نیز با انبوه سازی به پیشرفت شایانی دست یافت و سازه ها در اطراف شهرها بسیار ترقی کرد و شهرهای یونانی در سطح بین المللی آبرویی کسب کرد. او، یعنی سیلون، به پیشرفت هنر کمک کرد و باورهای مذهبی مردم را در مسیر بهتری هدایت کرد. برخی از فرمانروایان مستبد، دوست داشتند که قوانین حکومتی خود را به اعقاب و فرزندان خود نیز تسری دهند، که شیوه ی حکومتی را آنها هم اجرا نمایند، لیکن این روش حداکثر برای یک نسل بیشتر ادامه پیدا نمی کرد، چون یونانیان عاشق آزادی بودند و از استبداد نفرت داشتند، سعی



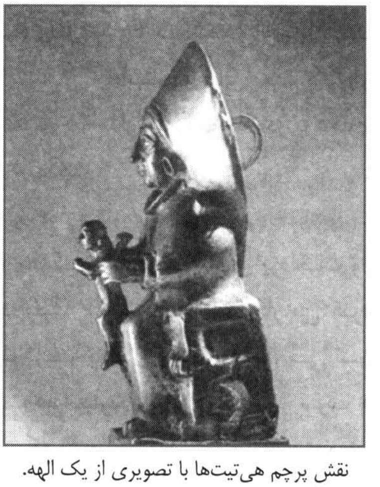
بخشی از فیلم نبرد ساحل دریای سرخ که در سده‌ی بیستم تهیه شده است.



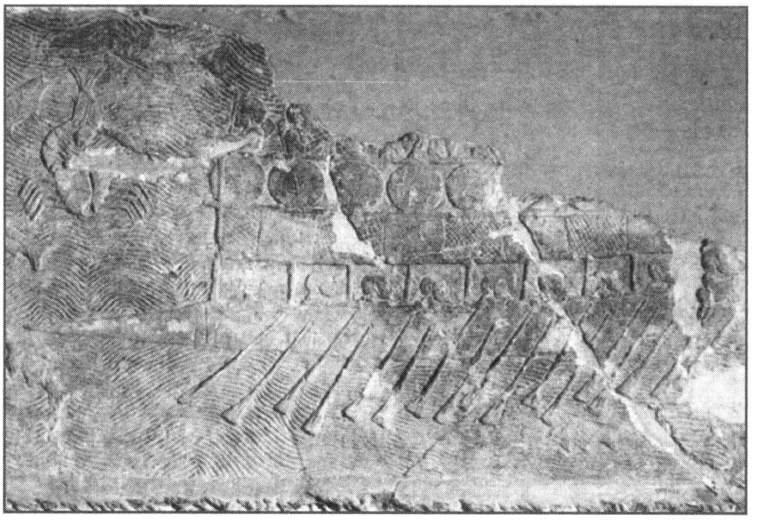
سنگ‌نگاره‌ی از پادشاه هیتی در نبرد شیران.



پیکره‌های یادبود از اوزیریس (Osiris) به نشانه‌ی پاسداری از گور رامسس (Ramesses) دوم.



نقش پرچم هی‌تیت‌ها با تصویری از یک الهه.



صحنه‌یی از میدان نبرد فنیقی‌ها برای دفاع از راه‌ها و شبکه‌های تجاری.

و کوشش آنها در جهت محو استبداد بود. بنابراین در برانداختن سلطنت و حکومت آن ها مؤثر واقع شد و این شیوه فرمانروایی از بین رفت.

مستبدان کورینتی نیاز به گارد محافظ نداشتند. (یونان، ۶۳۰ پ.م):

آداب اجتماعی سیپ سلوس مستبد، او را به اسطوره یی قابل تقدیس مبدل کرد. مادر او به نام لابدا (Labda) یکی از اعضای خاندان فرمانروایان بود که خود را به باکوس(Bacchiads) منتسب می کرد، او برای این که قدرت در خانواده اش باقی بماند، ازدواج خانوادگی را مرسوم کرد. لابدای لَنگ وچُلاق، معتقد بود که باید با نزدیکان ازدواج کند،پس با اتیون (Aetion) زناشویی کرد که از باکوس ها نبود. خویشاوندان او گفتند که او بر اثر معجزه ی دلفی سنگ خواهد زایید که آن سنگ برطبق رسوم استبدادی حکومت خواهد کرد ومنویات لابدا را به مورد اجرا می گذارد.

باکوس ها از این پیشگویی خشمگین شدند و هنگامی که زمان تولد سیپ سلوس رسید، مردانی را به کلبه ی محل زندگی اتیون فرستادند که به مجرد به دنیا آمدن، بچه را به قتل برسانند.

لابدا چون از جریان آگاه شد، تهدید کرد که اگر یکی از این افراد بخواهند که بچه را بدزدند، یا این که پدر بچه تحت تأثیر القائات آنان قرار گیرد، عاملان توطئه را به زمین و طبقه ی زیرین پرتاب خواهدکرد.

به هر حال، دراثر یک تصادف و شانس، در حالی که بچه در آغوش لابدا بود، تبسمی بر لبان او نقش بست و او که قرار بود کشته شود، از مرگ نجات یافت.

در نتیجه، پس از چند ثانیه تلاش، لابدا پسرش را در روی سینه اش فشرد و او را نجات داد.

گفته شده که لابدا بعداً نام او را سیپ سلوس گذاشت که به معنی سینه ی انسان یا قفسه ی سینه می باشد. باکوس ها از این جریان در هراس افتادند. هنگامی که وی به سن رشد ونوجوانی رسید، اعجاز دلفی به او درود فرستاد و برحسب پیشگویی او را پادشاه کورینت و یا استبداد گران خواند که درحمایت ارتش خواهد بود و نیروی نظامی پشتیبان وی در به دست آوردن قدرت است. سیپ سلوس دموکراسی و حکومت مردم سالاری را زیرپاگذاشت و یکی از سران استبداد از کار درآمد.

شیوه ی حکومتی او و دوری از طبقه ی متوسط و افراد عادی اجتماع بود. در حالی که نوشته شده که او به مردم نزدیک بود وحتی بدون محافظت رفت وآمد می کرد و محافظانش از سربازان تشکیل می شد و او از داشتن آن ها لذت می برد.

در هر حال، اوفردی ستمگر وجبار بود که باکوس ها را مورد آزار قرار می داد، بسیاری از آن ها را به دیار عدم فرستاد وعده یی را تبعید کرد و دارایی وثروت آنها را تصاحب کرد. او می خواست به آن ها بفهماند که برگشت قدرت دیگر برای آن ها هرگز میسر نخواهد شد. او اکنون برا اریکه ی قدرت و انبوه ثروت تکیه زده وپیشرفت و ترقی ملت به فرافکنی دچار شده است.

درمحیطی که خشونت و ترش رویی حاکم است، تغییرات ومسائل ظریف اجتماعی رشد می کند. (یونان، ۶۲۷ پ.م):

بر طبق اوضاعی که هومر شاعر یونانی شرح می دهد، این زمان، خشونت و اغتشاش بر تمام یونان حاکم بود. واین آشوب در اطراف شهرها بیشتر به چشم می خورد. در هیچ کجا امنیت وجود نداشت، از دشت بئوسی (Beotia) تا تپه های آتیک، شورش برپا بود.

نزاع بین طبقه ی فقرا و اشراف در جهت تثبیت قدرت با بهای سنگینی همراه بود که حمایت وکمکی هم بدان ها نمی شد. درخواست کنندگان حمایت، تقاضای سهم بیشتری از محصول وخرمن داشته و وامدار ارباب بودند ودر بزهکاری هر چه بیشتر فرو رفته بودند.

دهقان اجیر ومزدور بود و نیروی کار بدنی خود را به گروگان گذاشته بود، وهرگاه که از عهده ی پرداخت وام برنمی آمد، به صورت سرف و وابسته به زمین کار می کرد، آزادی خود را از دست داده و بنده ی مالک زمین می شد. این وضع مشابه رعیت در اسپارت وبرده درآتن بود. سرف ها یونانی بودند، در حالی که شهروند محسوب نمی شدند و حقوق اجتماعی نداشتند و حالت فرد آزاده را از دست داده بودند. این رعایا گاهی برای اثبات مردانگی خود و این که شباهت به جنگجویان اسپارت داشته باشند، شب ها در کمین گاه به قتل افراد مبادرت می کردند.

آتن ۴۰۱ پیش از میلاد

در تراژدی سوفوکل که آخرین درام اودی پوس (Oedipus) می باشد به ماجرایی اشاره می شود که اودیپ ساکن شهر کولونوس (Colonus) اسیر گناه می شود. بدین معنی که اودیپ پدر خود را به قتل می رساند و با مادر خود زناشوئی می کند. سوفوکل که در ۵ سال قبل درگذشته از این ماجرا پشیمان شده و از شهر خود تبس می گریزد. این سرگذشت در ۴۳۰ پیش از میلاد به نمایش درآمد و به نام عقده اودیپ مشهور شد.

هندوستان ۴۰۰ پیش از میلاد

پانینی (Panini) دانش پژوه هندی در زبان سانسکریت (Sanskrit) تغییراتی به وجود می آورد. وی با تجزیه و ترکیب دستور زبان سانسکریت حدود چهارهزار دستور درآن زبان به وجود آورد.

چین ۳۹۹ پیش از میلاد

کشور چین در یک دوره از حیات خود از نظر سیاسی واجتماعی در یک حالت مغشوش و تاریک به سر می برد. در سال ۴۵۳ پیش از میلاد سرزمین کین (Qin) (چی این – Ch'in) به سه قسمت تقسیم شد و حالت فئودالیته (ارباب رعیتی) یا آقا وبردگی برآن حاکم گردید.

ایران ۳۹۸ پیش از میلاد

درمدت کمتراز یک سده پس از جنگ های ماراتون و سالامیس نیروی دریایی سریع السیر ایران تحت فرماندهی یک دریاسالار یونانی به سواحل یونان رفت. درسال ۴۰۵ پیش از میلاد اگوس پوتامی (Aegospotami) دریانورد یونانی به یونان بازگشت، برابر داوری کونون (Conon) این فرمانده به دیوانگی متهم شد و از یونان با طرفداران خود تبعید شد، لیکن ناویان مزدور واجیر یونانی جهت خدمت به ایران بازگشتند.

یونان ۳۹۵ پیش از میلاد

ژنرال اسپارتی به نام لیزاندر (Lysander) کشته شد و لشگریان او در نزدیک شهر هالیارتوس (Haliatros) مستقر شدند. این جریان در تعقیب بالا گرفتن حالت ضد اسپارتی و لغو پیمان بئوسیا (Boeotia) به وسیله آتن صورت گرفت و عامل آن هم شخص فوسیس (Phosis) بود. لیزاندر در حالی کشته شد که استیلای ارتش خود را بر سراسر اژه و نیز بر پادشاه و دریاسالار اسیای کوچک (آناتولی)، آجسیالوس (Agesialus)، به ثبوت رسانید و هم چنین توانست نیروی سواره نظام ایران را در نزدیک رود پاکتالوس (Pactolus) شکست دهد.

یونان ۳۹۴ پیش از میلاد

در نتیجه پیروزی های اخیر یونان بر حریف خود، اسپارت، آتش جنگ علیه کورینت را روشن کرد. براثر این پیکار ائتلاف سپاهیان کورینت در کورونه (Cotonea) به رهبری آجسیالوس اسپارتی، دچار شکست شد.

درحومه ی شهر آتن، مردانی که پیش از این سرباز بودند و اکنون در روی زمین کار می کردند، تنها یک ششم سهم مالیاتی را پرداخت می کردند، درحالی که آنها صاحب زمین بودند. این مردان که دارای استقلال فکر بودند به این وضع احترام می گذاشتند و باج و خراج به مقدار کم می دادند.

نارضایتی وشکوه وشکایت از سیاست عمومی در شهرها بسیار ملایم تر وگاهی اصلاً وجود نداشت و مردم شهرها در برابر آن مقاومت نمی کردند و در کمیته های شهری این جریان به طور وضوح به چشم می خورد. این حالت در دسته بندی های بین اشراف جهت رقابت با یکدیگر وجود داشت و قانون در برابر عموم یکسان رعایت و مالیات زمین باید برای همه مساوی باشد. این سؤال قدیمی و مسلم و قطعی که دموس(Demos) واضع آن بوداین که: مردم همواره با قوانین کهنه وضد اجتماعی مبارزه کرده و دربرابر آن می ایستند.

یونانیان برای خدایان، حیوانات را قربانی می کنند. (یونان، ۶۰۰ پ.م):

قربانی کردن حیوان یکی از مهم ترین وظایف روزانه محسوب می شود و دو نظر را تأمین می کند،یکی پیشکش برای خدایان ودیگری منبع غذایی. این عمل از نظر سیاسی ونظامی اهمیت ندارد، بلکه خود از اراده ی مردم بود.

ذبح مذهبی، شامل حیوانات اهلی مانند بز، گوسفند وگاو بود که مقداری گوشت جهت خوردن آماده می کرد. هر کشتاری هم به عنوان قربانی به حساب می آمد.

هر قربانی به طور دقیق برای خدایی یا خدایان مشخص ذبح می شد و این مناسبت عملی داشت وجهت آن معین بود. برای کشتن حیوان پیش از ذبح کارهایی مرسوم بود، بدین معنی که حیوان را به دقت تیمار می کردند، به طوری که خوش آیند بود و حتی گاهی شاخ های آن را طلایی می کردند و آن را با رغبت به مذبح می بردند.

جایگاه قربانی را با آب تمیز کرده و سبدی برای غذای حیوان قرار می دادند که دانه های جو درآن ریخته بودند و حیوان از هر جهت احساس آرامش ورضایت می کرد. کاهن، ابتدا چند تار مویی از سر حیوان می برید. سپس حیوان را طوری دراز می کردند که سر وقسمت صورت به سوی

آسمان باشد و در این حال، حلقوم او را می برید و سکوت فضا را فریاد زنان قطع می کرد.

حیوان را بلافاصله پوست کنده و تکه تکه می کردند. قلب (دل)، ریه (شش)، جگر و کلیه ها را سالم درآورده، به سیخ کشیده و کباب می کردند و همه در خوردن آن شریک می شدند. دم، کیسه ی صفرا واستخوان ران را در پیشگاه خدایان می سوزاندند . بالاخره قسمت های باقیمانده را پخته و به صورت سوسیس در می آوردند، و یا در روده به حالت نرم درآورده تا بونگیرد و فاسد نشود.

قوانین یونانی برروی سنگ حک می گردد. (یونان ۶۲۰ پ.م):

چهره ی جدیدی از آتن و دیگر کشورهای یونانی نمایان می شود. بدین معنی که قوانین جدید اجتماعی یونان بر روی سنگ ستون ها حک می شود که در معرض دید عموم قرار دارد.

بعضی از این قوانین، مربوط به مزد کارگران و هنرمندانی است که سیارند و از اینجا به آنجا مسافرت می کنند. سایر مقررات در ارتباط با افراد محلی ومقیم است.

این فرمان ها ودستورات حکومتی است و با خط الفبایی و با مهارت نوشته شده و برای همگان قابل اجرا می باشد و شامل احکام مهم مذهبی ونیز یادآوری این احکام در تمام شئون اجتماعی برای شهروندان جهت امور روزانه است. این فرمان ها و دستورات رابرای جلب توجه مردم به دو رنگ آبی وقرمز درشلوغ ترین نقطه ی شهر وورودی ساختمان های همگانی یا داخل آگوراس(Agoras) و یا میدان شهر می نویسند.

به هرترتیب این هنر نوشتاری به وسیله ی کاردانان و هنرمندان دستگاه سلطنتی انجام شده و به مردم قوانین را گوشزد می کند که آن ها را رعایت کنند و یا این که رفتار خود را با آن تطبیق دهند.

آتنی ها به دراکو (Draco) نویسنده ی قوانین، تهنیت می گویند. (آتن، ۶۲۱ پ.م):

آتنی ها آرکون (Archon) یا دراکون(Darcon) عالی جاه را که ارثیه یی شامل حکاکی قوانین روی سنگ از خود باقی گذارد، مرد سال شناختند، او نخستین مبدع این کار بوده است. پس از کوشش و تلاش های اشرافی جوان و بلند همت سیلون، در جهت ارتقای آگاهی ها، نیاز به قوانین پابرجا ومستحکم که همگان آن را قبول داشته و در خور فهم آن ها باشد، پیدا شد.

دارکون که مردی پایبند به اصول دینی بود، مفهوم قتل غیرعمد وکسی را که از پیش تصمیم به قتل داشته، بیان می کند. برای قاتل مجازات درحد اعدام به وسیله ی ابزار و سلاحی که برای این عمل موجود بوده است، قایل شد.

برای سایر جرایم از قبیل حمله به اشخاص، کتک زدن، دزدی، غارتگری وتوهین و اهانت وفحش ودشنام برحسب مورد مجازات مناسب با جرم مانند حبس وزندان، بردگی و اسارت و تبعید در نظر گرفته شده است. عده یی از مردم این گونه مجازات را بسیار شدید و انتقام جویانه می پنداشتند، لیکن مردم آتن آن را در خور و مناسب دانسته و ضروری تشخیص دادند. درحالی که افرادی هم بودند که برای تیولداران و مالکان زمین ریختن خون آنان را انتقامی واجب می دانستند و عقیده داشتند که انتقام شخصی باید اجرا گردد.

امپراتوری آشور نابود می گردد. (نینوا، آشور، ۶۰۹ پ.م):

امپراتوری آشور که مدت دویست سال بخش شرقی جهان را زیر تسلط داشت، به یک باره فرو ریخت.

باقی مانده ی نیروی نظامی که بخش مهمی از آنها سرباز وظیفه ی مصر بودند، در خارج دروازه های شهر نینوا مُردند، درحالی که آشور اوبالیت (Ashur – Uballit) از بازستاندن پایتخت مأیوس و ناامید شده بود، این سربازان در گودال های پر از آب اطراف شهر به مرگ دچار شدند. پادشاه هم پس از تخریب قصر سارگون، خود در میدان جنگ کشته شد.

پس از سقوط شهر نینوا، آشور اوبالیت کمترین شانسی در به دست آوردن تاج وتخت نداشت. او با تحصیل چند پیروزی کوچک دلگرم شده بود به این که در جنگ موفق خواهد بود. پس نیروی نظامی باقیمانده را در غرب پایتخت گردآوری کرد، لیکن با نبرد خانه به خانه پس از سقوط نینوا در۶۱۲ پ.م مقهور نیروی نظامی ماد گردید.

آتن ۳۹۳ پیش از میلاد

ایزوکرات (Isocrates) خطیب و نویسنده سابق که ضد سوفیست بود در یک دادگاه محکوم شد. طبق نظر دادگاه، آتن برای نخستین بار یک مدرسه عالی جهت دانش پژوهان علم نطق و بیان تأسیس شد.

ایران ۳۹۳ پیش از میلاد

پس از تبعید دریاسالارآتنی، کونون (Conon) وجذب او به وسیله ایران، ناوگان ایران علیه نیروی اسپارتی، وارد جنگ شد و آن را شکست داد، این شکست که در محل کنیدوس (Cnidos) انجام شد بر سلطه و استیلای اسپارت بر اژه و سرزمین اصلی آسیایی (آناتولی) پایان داد. دولت ایران هم برای قدردانی و سپاس جهت این ائتلاف ضد اسپارتی و پیشبرد نفوذ سیاسی، مقداری کمک مالی برای آتن، آرگوس، تبس وکورینت فرستاد.

آتن ۳۹۲ پیش از میلاد

آریستوفان نمایشنامه کمدی دیگری راجع به زنان نوشت که موضوع آن زنان در پارلمان بود. بخش نخست این نمایشنامه در سال ۴۱۱ پیش ازمیلاد به صحنه آمد، با این نمایش مسخره در شهری که بخش اعظم آن به وسیله ی زنان اداره می شود ومردان نقش زیادی ندارند، بحث می کند که چگونه این شهر به وضع سیاسی ناهنجاری می افتد که غیر قابل تصور است.

دلف ۳۹۰ (Delphi) پیش از میلاد

بخش کوچکی که به صورت دایره وار می باشد در پرستشگاه دلف جهت تقدیس آتنا به نام تولوس (Tholos) ساخته می شود.

یونان ۳۸۶ پیش از میلاد

در این سال پیمان صلح بین ایران واسپارت منعقد می شود که ایران حق خودمختاری برای شهرهای آسیایی و قبرس را به رسمیت می شناسد و نیز آتن به تمام جزایر اسکیروس (Skyros)، ایمبروس (Imbros) ولمنوس (Lemnos) وسایر بخشهای یونانی چه بزرگ و چه کوچک خودمختاری اعطا می کند.

آتن ۳۸۴ پیش از میلاد

پلاتو (Plato) در یک نوشته ی کمدی راجع به فلسفه که به نام سمپوزیوم (Symposium) نامیده شد، تمام مشخصات رفتاری سقراط (Socrates) آریستوفان (Aristophanes) وآلکی بیادس (Alcibiades) را شرح می دهد و آنها را در نقش افرادی مست و عیاش که هر لحظه با نوشیدن مسکرات به حالت خوشی ولذت می رسند نشان می دهد، که د رعین حال از مدح و ثنای دیگران لذت می برند.

افریقا ۳۸۰ پیش از میلاد

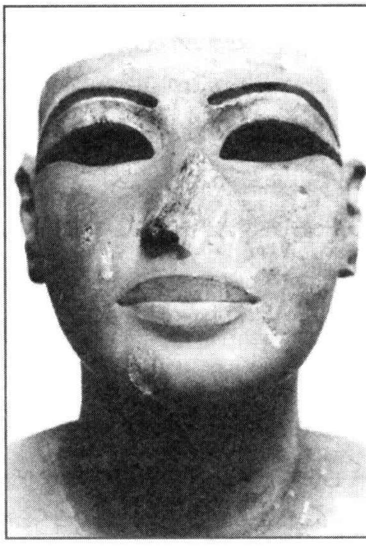
کاربردآهن وصنعت تولید آن در کار کشاورزی وسایرامور زندگی در بخش غربی افریقا به ویژه در سرزمین زامبزی (Zambezi)، جائی که مردم به زبان بانتو(Bantu) سخن می گویند به سرعت در حال پیشرفت است.همین طور ساخت ظروف و لوازم سفالی به سبک استومپا (Stumpa) دربخش غربی زامبیا (Zambia) وهمسایه آن آنگولا (Angola) رواج دارد.

برای مادها ومتحد آن بابل، این آخرین پیکار بود که در آن به خشکاندن نیروی آشور و براندازی آن منجر شد. نقطه‌ی اوج این پیروزی زمانی بود که مادها به شهر نینوا داخل شدند و سربازان مادی آخرین دسته های کوچک نیروی آشور را تارومار کردند و مابقی سوگند یادکردند که به حکومت ماد وفادار بمانند. در حالی که مدت ۷۰ سال این ارتش در خدمت آشور بود.

امپراتوری آشور ۲۰سال پس از مرگ آشوربانی پال دچار از هم گسیختگی گردید. دو پسر وی برای رسیدن به قدرت و تثبیت موقعیت خود، به جدال برخاستند، در حالی که همسایه ی آنها بابل، در پی کسب قدرت و ایجاد حکومتی نیرومند بود، و نبوپولسار (Nabopolssar) در صدد برقراری تعادل در ناحیه بود. او یک بار در سال ۶۱۶ پ.م به نینوا یورش برد، ولی شکست خورد، تا این که با اتحاد با دولت ماد به پادشاهی کیاکسارس (Cyaxares) (هووخشتره) سرانجام مهر ونشان قاهریت اشور از بین رفت و دولت آشور مضمحل گردید.

کلید شهرهای مصری به دست بابل می افتد و پیشرفت دسته های پیکارجو را سبب می شود. (کارکمیش (Carchemish) سوریه،۶۰۵پ.م):

دسته های نظامی بابلی تحت حکومت نبوکدرزار (Nebuchadrezzar) پس از عبور از رودخانه ی فرات، شهر مهم استراتژیک کارکمیش را تسخیر می کنند، این شهر قدیمی سوری در نبردی در دو سال پیش، از تصرف سوریه خارج شد. در جریان پیکار، پادگان مصری به وسیله‌ی مزدوران یونانی تجدید قوا کرده، به تجاوز خود به شهر ادامه دادند. فتح کارکمیش توسط نبوکدرزار که اخیراً صورت گرفت، در اثر پیشرفت و به جلو راندن نیروهای نظامی بابل و مساعی نبوپولسار (Nebopolassar) پدر او بود که موانع را برطرف کرد. او چندین بار سعی کرد با برپایی پلی روی رود فرات، راه تجاری را که چندین نسل برای ارتباط بین سوریه وفلسطین وجود داشت بگشاید و تجارت از طریق دریای مدیترانه را رونق بخشد. کینه وعداوتی که در چهار سال پیش بین آشور وبابل بود، بابل را واداشت که جهت تسخیر و توسعه ی سرزمین بابل اقدام کند. هم پیمان و



تندیس سر فرعـون (Alabaster head) سـتوس (Sethos) یکم از سنگ مرمر که به‌عنوان قربانی به معبد پیشکش شده است.



پیروزی رامسس دوم در شکار گاو وحشی که بر دیواره‌ی معبد حک شده و نشانه‌یی از طرز شکار آن دوران می‌باشد.



لوحه‌یی کـه بـه‌عـنوان پـیشکش تقـدیم خدایان شده و از آن‌ها جهت پاسـداری از مقابر و مردگان اسـتمداد خواسـته شـده، چون عقیده‌ی مردم همواره طلب دوستی و اطمینان از خدایان بوده است.



پیکره‌ی حقیقی اولمک (Olmec) از سنگ یشم که به مناسبت جشن پیروزی به معبد تقدیم شده است.



مراسم نیایش و عبادت در ایلام (Elamite) در حالی‌که الهه مقدس با دم شبیه ماهی بر روی سکویی نشسته، این پیکره از برنز ساخته شده است.

متحد بابل، برای این امر دولت ماد بود که بر طبق پیمانی قرار شد سرزمین های شرق کوه های زاگروس از آنِ ماد باشد. نیروی نظامی بابل بیشترین هدفش صرف بیرون راندن مصریان از سوریه وفلسطین و رها ساختن شهرهای اشغال شده به وسیله ی آن ها درسال ۶۰۹ پ.م بود که تلاش دیر هنگامی برای کمک به متحد آشوری خود کرده بودند.

نبوکدرزار دوم شهر بابل را به مرکز هنر تبدیل می کند. (بابل، ۶۰۵ پ.م):

شهر بابل به وسیله ی نبوکدرزار دوم شاه بابل، به بزرگترین شهر جهان مبدل می شود. پس از موفقیت های نبوپولسار در راه ترفیع و بالا بردن بابل و استقلالی که این شهر به مدت ۲۰ سال قبل دارا بود، شاه جوان نبوکدرزار دوم، در هنگام پادشاهی، شهر را به شاهکاری هنری وزیبایی در دنیای آن عصر مبدل ساخت. بسیاری از کارهایی که انجام شد به شهر قدیمی که در ۸۰ سال پیش تخریب شده بود، جلوه ی خاصی داد. در مرکز شهر با ساخت باغ های معلق که محل سکونت خاندان سلطنتی بود، آن جا را به یکی از شگفت انگیزترین مراکز عالم درآورد. در این باغ ها قشنگ ترین گیاهان ونباتات بومی و بیگانه کاشته شده بود و آبیاری آن ها به طور مصنوعی با لوله کشی آب انجام می شد و برای جلوگیری از خرابی و پژمردگی درختان و نباتات، اقدامات بسیاری صورت می گرفت واطراف این باغ ها سیستم نظارتی ویژه داشت.

شهر جدید بابل دارای ۵۰ معبد پیشکشی برای خدایان بود که برجسته ترین آن ها برج بلند شهر و معبد مردوک (Marduk) خدای بزرگ بود. این معبد هفت بار تخریب و مجدداً ساخته شده و به شکل هرم نوک تیزی بود که قسمت قله ی هرم خانه ی عروسی خدا بود، درحالی که خانه ی ویژه خدای مردوک در طبقه زیرین وقاعده ی هرم قرار داشت.

در معبد ایشتار(Ishtar)، خدای مؤنث که نشانگر تولید مثل وشهوت رانی بود، هر زنی یک بار در زندگی می توانست با یک مرد بیگانه در آن جا مباشرت کند، لیکن مرد باید برای این کار مبلغی پول جهت معبد بپردازد. در دروازه و

یونان ۳۷۸ پیش از میلاد

برخی از دموکراتهای ساکن تبس که توطئه یی جهت به دست گرفتن کنترل امور چیده بودند تبعید می شوند. در فستیوالی که در شهر تبس برپا شده بود، هفت نفر از توطئه کنندگان با لباس وظاهر زنانه وارد شهر شده و سه نفر از سران پیشرو اسپارتی را در مجلس جشن به قتل می رسانند. هنگامی که شهردار یا رئیس انجمن شهر ژنرال اپامینونداس (Epaminondas) با نیروی تازه نفس از راه می رسد، اسپارت ها پادگان شهر را به او تسلیم می کنند.

یونان ۳۷۷ پیش از میلاد

آتنی ها اتحادیه یی بر ضد اسپارت ها از شهرهای هم پیمان و خودمختار تشکیل می دهند که این شهرها عبارتند از : کیوس (Chios)، بیزانتیوم (Byzantium)، لسبوس (Lesbos).

یونان ۳۷۰ پیش از میلاد

اودوکسوس (Audoxus) از اهالی کنیدوس (Cnidos) که ستاره شناس و منجم و جغرافی دان می باشد، نظریه یی مبنی بر کروی بودن ستارگان ثابت وسیارات ارائه می کند. وی هم چنین سال زمینی را ۳۶۵ روز ویک چهارم روز محاسبه کرده است.

افریقای غربی ۳۷۰ پیش از میلاد

صنعت آهنگری ومیل به تولید این فلز درحال رسوخ به کمربند سبزافریقای استوایی است، ودر تمام کرانه های غربی افریقا و سرزمین ساحلی آن توسعه می یابد.

ایران ۳۷۰ پیش از میلاد

در سرزمین های وابسته و دست نشانده شاهنشاهی ایران شامل سوریه، فنیقیه، آسیای کوچک (آناتولی)، کیلکیه (Cilcia) و بعضی از بخش های فلات مرکزی حالت شورش و طغیان برپا می شود. این جریان همگام با از دست رفتن مصر در سال ۴۰۴ پیش ازمیلاد صورت می گیرد و مصریان از این موضوع خوشحال می شوند، چون ممکن است این سرزمین ها وابستگی خود را با ایران قطع کنند.

یونان ۳۶۹ پیش از میلاد

پس از شکست اخیر تبس درلوکترا(Leuctra)، اسپارت ها در پلوپونز به حاشیه رانده شدند و بنیان و پایه دو شهر بزرگ را که آمیخته یی از ۴۰ خانه روستایی مگاپولیس (Megapolis) در جنوب غربی آرکادیا (Arcadia) ومسینا (Messene) بود گذاشتند و درعین حال این مکان مرکز و کانونی از بردگان وسرفهای اسپارتی گردید.

سیسیل ۳۶۷ پیش از میلاد

در این سال حکومت و پادشاهی دیونیسیوس (Dionysius) مستبد به پایان رسید، او در سال ۴۰۵ پیش از میلاد به پادشاهی برگزیده شده است وی دارایی ثروتمندان را به نفع مستمندان و بردگان تصرف و غلامان را آزاد کرد. دیونیسیوس با لغو پیمان صلح با کارتاژها، راه های شهر سراکیوز را باز کرد و تسلط خود را در شهرهای جنوب ایتالیا استحکام بخشید.

مدخل معبد ایشتار که د رعین حال الهه جنگ بود،مکانی جهت درود و تهنیت به بازدیدکنندگان بابل قرار داشت. همه دروازه های بزرگ وزینت یافته بود واز زمان نبوکدرزار دوم، برای ارتقاو اهمیت شهر برپا و قلاع خارج از آن برای پشتیبانی وحمایت مردم که از قوانین تبعیت می کردند ساخته شده بود. آجرهای بنا با میناکاری آبی رنگ و مزین به اشکال حیوانات توهمی و افسانه یی مانند گریفین و گاو منقش شده بود که بازدید کننده نمی توانست خاطره ی آن را از شهر جدید و شگفتی های معبد ایشتار فراموش کند.

سافو، شاعره یی که زنان را دوست می داشت، درگذشت. (یونان، ۶۰۰ پ.م):

سافو، شاعره و بنیان گذار مدرسه ی منحصر به فرد زنان در جزیره ی لسبوس (Lesbos) درگذشت. گرچه او یک زوجه ومادر بود، لیکن او بیشترین اشعار مربوط به دوستی بین زنان را از برداشت.

او در یکی از بهترین خانواده های لسبوس متولد شد و زوجه ی یکی از مردان ثروتمند به نام آندروس (Andros) و صاحب یک دختر شد. او پایه گذار یک مدرسه ی شبانه روزی برای دختران نجیب زاده بود که در آن غذای افراد تأمین می شد، ونیز موسیقی وشعر وعلوم اجتماعی تحت نظر دقیق الهه ی موسس (Muses) (نهمین الهه ی یونانی ودختر زئوس) وهم چنین با نظارت آفرودیت (Aphrodite) تدریس می شد.

در این مدرسه دختران را تشویق وآماده برای ازدواج می‌کردند، چون که سافو (Sappho) در اشعارش از این موضوع تمجید می کرد. سافو هم چنین دختران را به عاطفه و محبت نسبت به دیگران ترغیب می کرد. ازدواج بین زن ومرد را یک امر طبیعی و تماس بین دو مرد یا هم جنس بازی را غیر طبیعی می دانستند، درحالی که تماس جنسی بین دو مرد در این زمان دریونان رواج داشت.

در اشعار سافو به شکل آشکار و صریح، شهوت رانی مذموم و مردود شمرده شده است. همین طور آن را برخلاف عشق حقیقی دانسته که نیرو و تحرک را از بین برده و دانش پژوه باید راه طبیعی را انتخاب کند و اغلب شاگردان خود را به آن فرا خواند.

یونانی ها در بندر ماسیلیا (Massillia) گروه های مقیم را پایه گذاری می کنند. (مارسی (Marseilles)، ۶۰۰ پ.م):

مجتمع های جدید یونانی به وسیله ی فوکایی ها (Phocaea) (آناتولی ها Anatolia) در بندر مارسی شکل می گیرد. آن ها اقامتگاه های کوچکی در دشت ساحلی و عمق آب های کرانه ایجاد می کنند و برای حفاظت خود از امواج آب ارتفاعاتی مانند تپه با صخره بنا می کنند که به آسانی به منطقه ی رون (Rhone) دسترسی داشته باشند، ونیز رودخانه را جهت استفاده ی تجاری و بازرگانی مهیا می‌کنند، که این رودخانه در جلگه ی جنوبی سرزمین گل جریان دارد.

راجع به ریشه مجتمع های این منطقه، داستانی به این شرح زبانزد بود، که دختر شاه محلی به نام شاهزاده خانم ژیرتیس (Gyrtis) در دام عشق یکی از فرماندهان به نام پروتیس (Protis) گرفتار و با او ازدواج می کند و مارسی را به عنوان جهیزیه به خانه ی شوهر می برد. به نظر می رسد این ازدواج افسانه یی ساخته و پرداخته ی فوکایی ها جهت ایجاد زمینه ی مناسب برای داد وستد و تجارت بین این مناطق بوده است. از سویی این مهاجران تازه ی فوکایی، پاسدار مرزهای دریایی یونان، جهت جلوگیری از حملات کارتاژها از ساحل به وسیله ی قبایل محلی تحت فرمان برادر ژیرتیس بودند. فوکایی ها به تجارت لوازم ساخته شده از نقره در شهرتارسوس (Tarressos) وحمل آن در ساحل ایبریا (Iberia) به وسیله ی مردان جنگی در اقیانوس اطلس که بر داد وستد محلی آنها برتری داشته و درحال توسعه بود، حسادت می ورزیدند.

این کینه و عداوت مرتباً افزایش می یافت. شراب وزیتون از عناصر اصلی بود که از رم می آمد و دراین مجتمع های جدید ساحل جنوبی ونیز در کرانه های شمال شرقی ایبریا داد وستد می شد. به هر حال در این زمان فوکایی ها، به سرعت به یک قدرت اقتصادی و بازرگانی غرب دریای مدیترانه مبدل شدند.

تعلیم و تربیت اسپارتی ها جهت دفاع ملی (اسپارت، ۶۰۰ پ.م):

یونان ۳۶۲ پیش از میلاد
اپامینونداس (Epaminondas) ژنرال تبسی (Theban) جان خود را در راه هدف از دست داد، او با شکست دادن نیروی نظامی آتن و اسپارت، راه نفوذ احتمالی آنان را در مانتینه بست. نبرد مانتینه (Mantinea) برای مردم تبس مقدس به شمار می آمد و در ضمن برای قدرت اسپارت ها نقطه تاریکی محسوب می شد و نیز وابستگی پلوپونز را با اسپارت از بین برد، لیکن دشمنی و خصومت بین آتن و تبس را تشدید کرد.

آتن ۳۶۰ پیش از میلاد
لیزیاس (Lysias) ناطق بزرگ آتنی درگذشت. پس از قتل برادرش به تصویب ۳۰ نفر از دیکتاتورها او را تبعید کردند، لیکن وی به وسیله دموکراتها به آتن بازگشت، او به وسیله اراتوستن (Eratosthenes) به جرم قتل برادرش تحت تعقیب قرارگرفت و با سخنرانی های آتشین خود که به عنوان متهم و طرف دعوا می کرد، این اتهام را نپذیرفت. او درگفتار شورانگیز خود بیشتر جنبه های اخلاقی و سیاسی واجتماعی را بیان می کرد.

مقدونیه(Macedonia) ۳۵۹ پیش از میلاد
فیلیپ نایب السلطنه به پادشاهی کشور کوچک مقدونیه رسید، او پس از مرگ برادر خود پردیکاس (Perdiccas) چون پسر برادرش ناقص و معیوب بود، تاج وتخت را تصاحب کرد. فیلیپ در هنگام رسیدن به سلطنت ۲۲ سال داشت، و واجد اداره کردن مملکت از نظر نظامی و سیاسی بود.

مصر ۳۵۹ پیش از میلاد
در این سال نکتانبوی (Nectanebo) دوم هنگامی که مصر دچار آشوب و شورش بود به پادشاهی رسید وبرای سرکوب شورشیان از نیروی نظامی بهره برد. وی سپس برنامه های سلف خود نکتانبوی اول را برای توسعه سیاسی کشور دنبال کرد.

ایران ۳۵۸ پیش از میلاد
اردشیر سوم با خورانیدن زهر به اردشیر دوم پادشاه هخامنشی به سلطنت رسید، در این هنگام ساتراپ ها (Satraps) (استانداران یا شهربانها) دست به طغیان زده بودند و ایران درآشوب فرو رفته بود. او از ترس رقیبان خود، تمام پسران فامیل را قتل عام کرد.

یونان ۳۵۷ پیش از میلاد
اتحاد بین شهرهای بیزانتیوم ومازولوس (Mausolos) از کاریا (Caria) کیوس (Chios) رودس (Rhodes) وکوس (Cos) با آتن برای جلوگیری از هجوم دشمن فسخ می شود. لیکن در این حال فیلیپ مقدونی با تسخیر آمفی پولیس (Amphipolis) پیمان نامه یی با کالسیدان ها (Chalcidians) و تسالیها (Thessalians) منعقد می کند.

مقدونیه ۳۵۶ پیش از میلاد
فیلیپ مقدونی با عزل آمین تاس (Amyntas) پسر پردیکاس شاه درگذشته، به سلطنت خود استحکام می بخشد. او با بستن پیمانی با کالسیدیانها علیه آتن که دشمن مشترک هردو بود، عازم تسخیر شهر پوتیده (Potidaea) می شود. در همین حال دو خبر خوش به فیلیپ می رسد. اول اینکه اسبش در مسابقات المپیک برنده می شود و دیگر اینکه همسرش المپیاس (Olympias) پسری به دنیا می آورد که اسم او را اسکندر می نهند.

پس از سالها زندگی توأم با عشرت مردم خاور نزدیک، اسپارت مجدداً زندگی سخت و همراه با مشکلات را احیا می‌کند، که آن بر طبق قوانین ومقررات کامل جنگی است. کودکان ضعیف البنیه ولاغر را از بین می برند و پسران تا سن هفت سالگی در دامان خانواده پرورش می یافتند و از سن ۱۲ سالگی آن ها را تحت تعلیم ویژه قرار می دادند.

پسران را با پای برهنه وکثیف در مقابل بیماری مصونیت می بخشیدند، آن ها بایستی روی حصیر بخوابند،خواندن ونوشتن بیاموزند و شخصیت خود را باکلماتی مختصر وموجز بشناسند. در بیست سالگی پس از انجام آزمایش سخت وتوان فرسا، این جوان به یک صلح طلب تبدیل وجای خود را به پسران جوانتر از خود می داد. آنها را تشویق به دزدیدن مواد خوراکی می کردند و در صورت استنکاف، مستوجب شلاق خوردن بودند.

در زمان تعلیم به آن ها یاد می دادند که چگونه دوستدار سایرین باشند. بزرگترها را به عملیات ژیمناستیک پیکاری وامی داشتند که با بدن برهنه به مبارزه با حریف بپردازند.

درجشن های مذهبی پسران را تاحد خونریزی از بدن آن ها شلاق می زدند وگاهی یکی ازآنها از شدت جراحات می‌مُرد. با این روش آن ها راسربازانی کارکشته، رنج کشیده، جان سخت و فرمانبردار مطلق به بار می آوردند.

دختران اسپارتی را هم تحت تعلیم ورزش هایی مانند دو استقامت، کشتی، پرتاب نیزه و پرتاب دیسک قرار می دادند که بدنی قوی، با استقامت و ورزیده داشته باشند که بتوانند فرزندانی سالم و قوی بزایند. مبارزان تنها به مقررات و راستی پایبند بودند وتحت نام افراد مقیم میدان نامیده می‌شدند و از آن ها می توانستند در تجارت و برده داری یا سرف های وابسته به زمین استفاده کنند.

برخی بر این عقیده اند که آن ها را برای جلوگیری از شورش، تحت نظم مخصوصی قرار می دادند و با تضییقات ایجاد شده آن ها را به اطاعت و تبعیت از مقررات وامی داشتند و برای نواحی شهری، ارتشی در زیر چادر در اختیار داشتند.

رم در تحت حکومت اتروسک ها (Etruscan) به پیشرفت هایی دست می یابد. (رم، ۶۰۰ پ.م):

درتحت حکومت اتروسک های شمالی، شهر رم که مهمترین شهر منطقه می باشد، به پیشرفت های شگرفی دست می یابد و ساخت خانه و کلبه های گلی افزایش پیدا می کند. منطقه بازار و میدان مرکزی تشکیل شده و برای شهر وخانه ها سیستم آب رسانی و فاضلاب به وسیله ی مجرای واحد تأمین می شود و این آبراهه به تمام خانه های شهر متصل شده وآب می رساند. از سویی گذرگاههای عمومی سنگ فرش شده وشهر دارای یک پادگان نظامی مستقل می شود. شهر رم پیوسته جاذبه ی جمعیتی داشته وهمواره بیگانگان به آن جا سرازیر می شدند. نژاد اصلی اتروسک ها معماست، لیکن عوامل دیگر حاکی از آن است که این مردم ریشه از شرق مدیترانه دارند و یونانی هایی با فرهنگ بسیار پیشرفته ودر سطح عالی بودند، از نظر جغرافیایی واز نظر کشاورزی این ناحیه بسیار مستعد لاسیوم (Latium) نامیده می شد (لاسیوم سرزمینی در جنوب رم بوده است) ومحصول فراوانی از آن جا به دست می آمد.

شهر رم در این منطقه واقع شده بود که هر ساله سه بار از آن جا محصول برداشت می شد و نیزدارای معادنی سرشار از نمک طبیعی بود.

سه شهر همسایه ی تارکینی (Tarqinii)، کاره (Caere) و وئی (Veii) سهمی در توسعه ی رم داشتند.

اتروسک ها از لحاظ زبان الفبای ویژه خود را به کار می بردند که از یونانی مشتق شده بود و پایه وکالبد زبان رومی شد و سرویوس تالیوس (Servius Tullius) بنیان گذار سلسله ی تارکین به توسعه وکاربرد آن کمک کرد وحکومت اتروریا(Etruria) را در آن جا مستقر ساخت. حتی نام شهر رم برابر افسانه یی از رومولوس (Romulus) است (مردی از رم) که حمایت این شخص از این شهر باعث قوام واستحکام آن شد، ریشه اتروسکی دارد.

سران سلتی (Celtic) کنترل مرکز اروپا را به دست می گیرند. (اروپا، ۶۰۰ پ.م):

تمدن هالشتات (Hallstat) به مرکز وشرق اروپا غلبه می یابد. فرماندهان سلتی بر تمدن اروپا فائق آمدند، آن ها سوارانی تندرو و چادرنشین و از اقوام اسکیت ها وسیمریان بودند که بر بومیان ساکن استپ های روسیه تسلط یافتند.

این سواران به آزادی سراسر استپ را درنوردیدند، لیکن به ندرت به اروپای مرکزی دست یافتند، وامتیاز و ویژگی آن ها این بود که رویدادها را برای این که پابرجا بماند، بر روی لوازم حک می کردند. این سلتی های اشرافی، مردگان خود را با ارابه و زین ویراق اسب در کنار فوت شده دفن می کردند.

فرماندهان جنگی آن ها در ضیافت هایشان از شراب های وارداتی یونان وایتالیا می آشامیدند وجایگاه خواب آنها روی پوست خام حیوانات بود. دسته و قبضه ی شمشیرآنان با طرح های هندسی وکنده کاری های برنزی تزئین شده بود و زین اسبان خود را شبیه مردمان ونه‌توایلیری (Veneto – Illyrian) زینت دار می ساختند که گاهی منظره ی جواهر نشان داشت و بسیار زیبا می نمود.

مردان یونانی شکار گراز را به عنوان مردانگی می آموزند. (یونان، ۶۰۰ پ.م):

شکار، به ویژه شکار گراز وحشی، بسیار خطرناک است ولی مردان جوان یونانی باید به عنوان بخشی از زندگی خود آن را بیاموزند. تعقیب شکار پیاده یا با اسب، استقامت و پایداری او را نشان می داد و نیز قضاوت او در کاربرد سلاح در شکار به ثبوت می رساند و از دروغگویی در زندگی مبرا می ساخت.

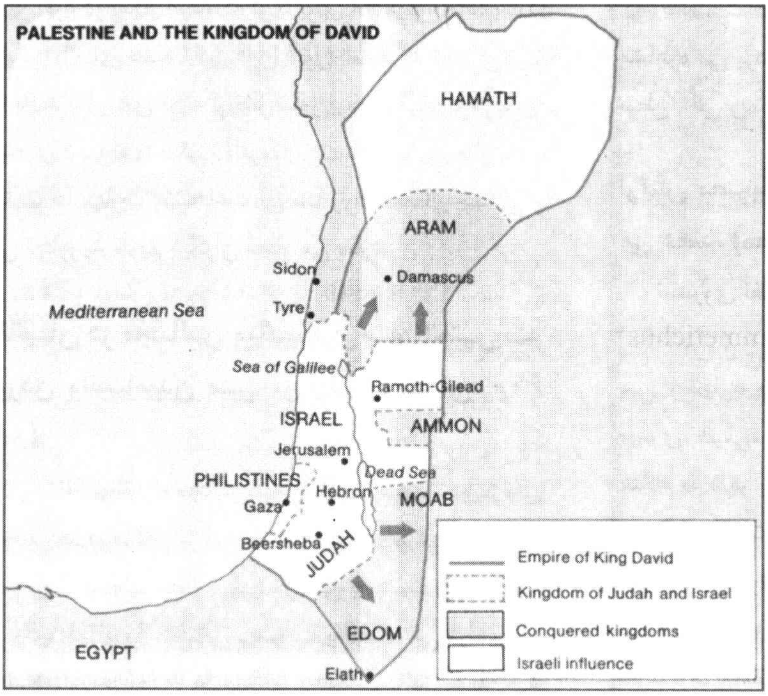
درکشوری که مردان باید همواره در صحنه ی پیکار جهت دفاع از شهر ودیار خود هرلحظه آماده باشند، تعلیم و یادگیری آن برای بقا ضروری است.

هم چنین برای مردان شکارچی که به ویژه در شب ها بایستی مراقب محصول خود از گزند حیوانات باشند، بسیار اهمیت دارد، چون حیوانات در شب ارام، مخفیانه به مزارع دستبرد زده وآن ها را از بین می برند، وکار این شکارچیان جهت جلوگیری از خرابکاری زمین های کشت شده به وسیله ی برخی حیوانات است.

از سویی اهمیت دیگر شکار اتکا به نفس جوان واعتماد واطمینان به خود است و در عین حال برای آیین های مذهبی که نیاز به داشتن زور بازو و قدرت بدنی می باشد، لازم است. حتی مراسم حمل وقربانی کردن در محیط و جای مساعد وآرام وحفظ آداب شهری، این اعمال نیاز به



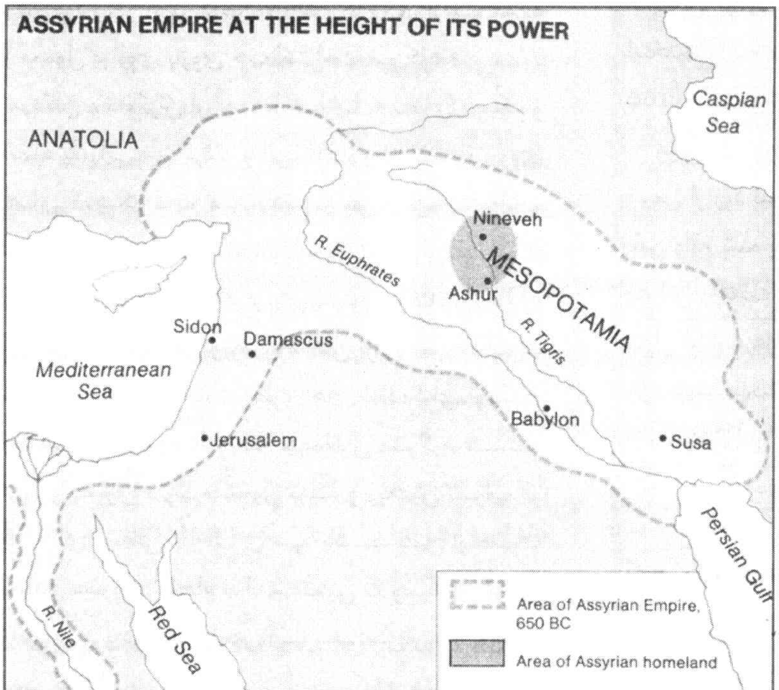
اجاقی از مفرغ که در ان کندر را برای معطرکردن محیط آتش می‌زنند و نشانه‌ی رونق تجارت مس برای فنیقی‌های (Phoenician) دریانورد می‌باشد.



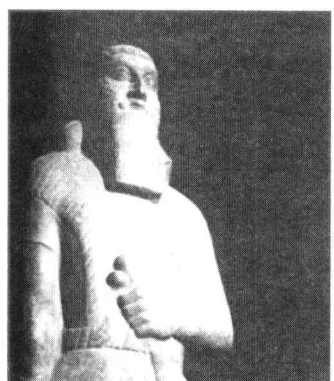
نقشه‌ی سرزمین فلسطین و قلمرو پادشاهی داود (David).



کنده‌کاری بر روی یک جعبه از عاج با نقش سر گاو نر، یکی دیگر از محصولات و فرآورده‌های کشورهای ساحل مدیترانه.



نقشه‌ی قلمرو اشور در زمان اوج قدرت.



اشور نسیرپال (Ashurnasirpal)، فرمانروای سرزمین وسیع آشور.

تمرین فرد در شکار است که او را برای انجام آن آماده سازد. وقربانی را برای هدیه دادن قابل قبول نماید.

به هرحال، این نکته از نظر باور برخی فلاسفه آتنی، زمینه ی ذکاوت وزیرکی را در کاربرد سلاح زوبین و از نظر اسپارت ها مهارت وشجاعت آن ها را در اعمال جنگی و حتی تجاوز به حریم دیگران مجاز می سازد.

یونانیان در مجالس میگساری به راحتی به خوردن وآشامیدن می پردازند. (یونان، ۶۰۰ پ.م):

از منظر یونانیان، مجالس بزم وشادمانی اهمیت ویژه ی اجتماعی دارد. مردان در این مجالس برای خوردن،آشامیدن بحث ومناظره ونیز مطالب روز، فرصتی به دست می آورند و نیز برای پذیرایی از دختران وپسران زیبا زمینه یی فراهم می گردد. در آن جا مجال وفرصت محدود بود. میهمانان به توسط دوستانشان دعوت می شدند و اتاقی جهت استراحت ولمیدن مردان بر روی کوسن و بالش ها وجود داشت که به طور معمول بر روی بازوی چپ استراحت می کردند.

بردگان و نوکران از آن ها هم با غذاهای سبک و خوشمزه پذیرایی می کردند و این غذاها و تنقلات را برروی میزهای کوچک قرار می دادند. پس از آن مشغولیات وغذاهای اصلی شروع می شد.

نان سرخ شده به وسیله ی دیونیسوس (Dionysus)، خدای شراب که انتخابی ویژه ی شاهان برای عصرانه است و مخلوطی از شراب وآب در بطری های آماده برای نوشیدن موجود می باشد. درحالی که میهمانان سرگرم هستند، دختران و پسران برده مشغول تهیه و ریختن شراب در ظرف های سفالی یا فلزی می باشند. پس از صرف وآشامیدن مشروبات انجام مراسم مذهبی به وسیله ی مردان آغاز می شود و در این مراسم وآیین ها مردان شروع به خواندن کتاب هایی می کنند. در این مکان ها زنان آزاد اجازه ی ورود ندارند، لیکن زنانی که به طور موقت در اختیار مردان هستند، می توانند در آن شرکت کنند. در هنگام نوشیدن ودوره گرداندن مشروب، شوخی ها وبذله گویی ها به اوج می رسد، لیکن به طور کلی احترام افراد رعایت می شود. آن ها اغلب از افراد روشنفکر و شاعران هستند که بیشتر در اطراف آخرین کارها وساخته های خود صحبت می کنند. گاهی اوقات فلاسفه ی بزرگ به مناظره و مشاعره می پردازند و بحث هایی صورت می گیرد که در سطح عالی وبسیار ارزنده می باشد.

ارتش مصریان پایتخت کوش را به باد غارت می دهند. (مصر، ۵۹۳ پ.م):

نیروی نظامی مصر تحت رهبری پسامتیک (Psammetichus) دوم، فرعون مصر، پایتخت کوش را پس از تخلیه، چپاول وغارت می کنند. این ارتش از نفرات مصری، فنیقی، یهود و یونانی تشکیل شده بود و د راین هنگام به شهر پنوب (Pnubs) که در بخش آبشار دوم رود نیل قرار داشت، رسیده بودند. براثر کینه وعداوتی که پسامتیک از کوش وخیانت آن ها به کشور مصر داشت، با بیل وکلنگ آثار نام های آنان را که به مدت یکصدسال بر معابد برجای مانده بود، از بین برده و محو کردند، مثل این که آن ها اصلاً وجود نداشته اند. این آخرین شکست پادشاهان کوش سبب شد که فرعون با عزمی عاقلانه پایتخت را به منطقه ی جنوبی تر در منطقه ی مروئه (Meroe)، بین آبشار پنجم وششم رود نیل، انتقال دهد.

منطقه ی مروئه شهری بود خوش قواره که به بخش وسیعی از رود نیل دسترسی داشت، وقصر سلطنتی ، در جایی واقع شده بود که مسیر تجارتی رود نیل و دریای سرخ بود، این پایتخت جدید به سرعت به مرکز بازرگانی کوش تبدیل شد. به علاوه، ارتش مصر برای تجهیز، نیاز به فلز آهن جهت ساخت اسلحه داشت که درقسمت پایینی و لجن زار و آبرفتی آن کارنهای آهن وطلا وجود داشت که آماده ی استخراج و بهره برداری بود.

آئه سوپ (Aesop)، به وسیله ی راهب معبد آپولو کشته شد. (دلفی، ۵۸۵ پ.م):

آئه سوپ، مؤلف داستان های مربوط به دلفی ها، که مردم را به پرستش خدای آپولو ترغیب می کرد، درگذشت.

برطبق روایات گوناگون، او فریژی، تراسی و یا برده بوده، به هر حال او مؤلف و تهیه کننده ی بسیاری از داستان های قابل ذکر است، لیکن تعدادی از قصه های دروغین که به زبان یونانی و توسط قصه گویان از قول وی نقل شده، به او نسبت داده شده است. شهرت آئه سوپ بر پایه ی داستانی

است که او حیوانات را به تمثیل با حرکات وافعال ورفتار انسانی متشابه می سازد، که این حیوانات در تجسم آدمیان در می آیند و رفتار انسان ها را تقلید می کنند. به باور او، اگر مردم دلف خلاف ورزیده و به مقدسات توهین کنند، به وسیله ی صخره های کوه دلف به هلاکت خواهند رسید.

زرتشت (Zoroaster) به خدای بزرگ و یکتا درود می فرستد. (ایران، ۶۰۰ پ.م):

دین ایرانیان قدیم به وسیله ی زرتشت تغییر می کند، به نظر می رسد که او یکی از مردم بخش شمال شرقی فلات ایران باشد. او اهورا مزدا را خدای یگانه می داند که خالق تمام چیزهاست و پاک ومنزه است. زرتشت پرستش خدا والهیات را در سروده هایی به خوبی شرح می دهد. برطبق نظریه او، انسان آزاده است و این نظریه نسبت به ادیان دیگر که خدایان متعدد دارند و آیین آن ها بر پرستش خدایان است، برتری دارد. او قربانی کردن را در راه خدا مطرود می شمارد و توحید وپرستش خدای یکتا جایگزین پرستش خدایان متعدد می شود.

به پندار زردشت، انسان مجذوب اهورا مزداست و او خالق وپدر هستی و وجود است و حَکَم وقاضی برای همه ی موجودات است. در هر حال، زرتشت پشتیبان وحامی مردم وقاضی وداور بین آن ها می باشد.

به پندار او، نیکی و شر دو همزاد هستند که اهورامزدا مظهر نیکی ونور می باشد و در همه عالم وکائنات نیکی و بدی حکمفرماست.

فراعنه مصر در مدت سه سال آب های کم عمق سراسر افریقا را درمی نوردند. (دلتای نیل، ۵۹۵ پ.م):

پس از فنیقی ها یک ناوگان دریایی مصری از رود نیل و درآب های کم عمق، سراسر دریای سرخ را با کشتی پیموده و دوباره به دلتای نیل رجعت می کنند.

این سفر بسیار دشوار، مدت سه سال به درازا می کشد و ملوانان، سراسر دریای سرخ را پیموده و به اقیانوس هند می رسند و پس از آن به سوی شمال رانده و به ستون های هرکول(جبل الطارق) می رسند و سراسر طول دریای مدیترانه را درنوردیده وبه مصر بازمی گردند.

یونان ۳۵۵ پیش از میلاد

پیشینه نگار گزنوفون (Xenophon) در شهر کورینت درگذشت. شهرت او بیشتر برای نوشتن شرح آنابازیس (Anabasis) یونانی بود که پس از پیکار کوناکسا (Cunaxa) و بازگشت به رشته تحریر درآورد. او هم چنین نوشته هایی درباره فلسفه برای تقدیم به استاد خود سقراط دارد. وی را برای اینکه طرفدار اسپارت بود تبعید کردند. گزنوفون بیشتر سالهای عمر خود را در پلوپونز سپری کرد.

آتن ۳۵۱ پیش از میلاد

دموستن (Demosthenes) خطیب یونانی را به جرم طرفداری از فیلیپ مقدونی و انتشار گزارش هایی راجع به اواز شهروندی آتن محروم و از سخنرانی های او جلوگیری کردند.

یونان ۳۴۸ پیش از میلاد

فیلیپ مقدونی، شهر اولی نتوس (Olynthus) را تسخیر و آن را به کلی تخریب کرد به جهت اینکه شبه جزیره کالسیدیس (Chalcidice) در امان و مصون بماند. هنگامی که فیلیپ پیمان خود را با کالسیدین ها نقض کرد، آنها به آتن پناهنده شدند. دموستن به سرعت لشگریان آتنی را مجهز کرده و به جلوگیری از حمله فیلیپ اعزام کرد، اما دیگر دیر شده بود.

یونان ۳۴۷ پیش از میلاد

افلاتون، پلاتو (Plato) نابغه و فیلسوف آتنی در جشن عروسی بدرود حیات گفت،پلاتو پایه گذار آکادمی آتن بود و نظریه های او در پیشرفت علوم در دانشگاهها وجشن های جمهوری مورد توجه قرار گرفت. او پیش از ترک دنیا عقاید خالصانه داشت و سعی می کرد که کارهای بیهوده دیونیسیوس در سیراکیوز را در دوره دیکتاتوری تغییر دهد.

یونان ۳۴۶ پیش از میلاد

کارتاژها با عقب نشینی از منطقه یونانی نشین سیسیل و حمایت یونان ازآن منطقه موافقت کردند. این جریان در تعقیب شکست آنها در دو سال قبل و درناحیه خلیج لیلی بئوم (Lilybaeum) صورت گرفت که جنگجویان کورینتی وسیراکیوزی به رهبری تیمولئون (Timoleon) در آن شرکت داشتند وعلیه کارتاژ می جنگیدند. تا هنگام امضای پیمان نامه رم در تاریخ۳۴۸ کارتاژها سرگرم هجوم به شهرهای یونانی نشین سیسیل بودند و راه های تجاری آنها را مورد تهدید قرار می دادند.

یونان ۳۳۹ پیش از میلاد

تجدید گروگانگیری بین آتن و مقدونیه نشانه شروع چهارمین جنگ مقدس می باشد. فیلیپ دوم شهر الاتیه (Elateia) را که به فاصله دو روز از آتیک واقع شده بود، تسخیر کرد. دموستن وحشت زده در مدت یک روز پیمان اتحادی بین آتن و تبس منعقد کرد.

ایران ۳۳۸ پیش از میلاد

اردشیر (Artaxerxes) سوم هخامنشی به وسیله خواجه ویژه حرمسرای خود مسموم و کشته شد. در زمان پادشاهی او در بخش هایی از ایران شورش هایی برپاشد و اغلب آنها از حکومت مرکزی سرپیچی کرده وجدا شدند.

سربازانی که در این آب های کم عمق نزدیک به ساحل حرکت می کردند، عقیده داشتند که آن ها در سفر دریایی موفق بوده واز تمام کشورهای هم جوار مانند لیبی بازدید کرده اند.

آن ها می گفتند طلوع خورشید را در طرف چپ کشتی مشاهده می کردند و تنها هنگامی که تمام کرانه را پیمودند، این بار خورشید در طرف راست کشتی طلوع کرد.

آن ها برای تأمین مواد غذایی در هر پائیز، به ساحل می آمدند و با کشت دانه ها و برداشت آن، خوراک خود را تهیه می کردند. این مسافرت قهرمانانه، مأموریتی از طرف نکوی(Necho) دوم، پادشاه مصر بود که برای توسعه ی سرزمین وپیشبرد بازرگانی در زنجیره ی دریاهای جنوبی و استحکام تجاری مصر وجلوگیری از گزند آن به وسیله ی دشمنان انجام شد. او دستور داد که کانالی بین رود نیل و دریای سرخ ایجاد شود که با خشک کردن بستر رود نیل این کار انجام شود. کارحفر کانال از ناحیه ی بوباستیس (Bubastis) بایستی شروع و به طرف شرق ادامه می‌یافت. درجریان انجام این کار، تعداد ۱۲۰ هزار نفر هلاک شدند و فرعون در این باره گفته بود که این مردان بربر (Barbarian)، سرزمین وکشور خود را ترک کرده و به هر حال اینان می توانستند نهانی به صورت دشمن به ما حمله کنند ومرگ و هلاک آنها را به سود خود می پنداشت.

آتنی ها در راه پیشرفت دموکراسی (مردم سالاری) کارهای بزرگی انجام می دهند. (آتن، ۵۹۲ پ.م):

سولون، شاعر و سیاستمدار یونانی، که به مقام رئیس دادگاه یا آرکون انتخاب شده بود، در دو سال پیش قوانین کامل وجدیدی عرضه داشت. در این قانون ها آزادی همه ی شهروندان آتنی تضمین شده بود او در ضمن اشعارش این اصول را یادآوری کرده و می گوید: من این قانون ها را نوشتم واصالت آن را تضمین می کنم که در قضاوت به طور مستقیم مورداستفاده قرار گیرد و برای هر موردی به کار رود. او با ابراز تنفر از حرص وآز و تفرعن آتنی های ثروتمند و برگشت دوباره ی این صفات آن ها در اشعارش آن را متذکر می شود، برخی از حقوقدانان از کاربرد وارزش گزاری به اساس و پایه ی آن وتوجه به این قوانین جدید به وسیله ی افراد ابراز یأس می کردند.

به نظر می رسد که دولت مردان او را برای سازش در زیر فشار قرار دادند، با این حال این جریان اصلاحات بسیار مورد قبول افرادی هم چون سیزاکتیا (Seisachtheia) و اجتماع آن واقع شد و تکانی سخت به این تحمیل ها وارد کرد و آن را بی اثر ساخت. به احتمال زیاد، بزرگترین مخالفت ها برای منسوخ کردن این قوانین از سوی افراد و فامیل هایی بود که نظام برده داری را می پسندیدند و برچیده شدن برده داری به زیان آن ها تمام می شد.

سولون هم چنین تقسیم قدرت سیاسی را تشریح می‌کند، اشرافی گری قدیمی و تقسیم آن به چهار طبقه صاحبان ثروت بر طبق میزان داشتن زمین ومالکیت آن در دکترین سولون آمده است.

قدرت عملی و کاربرد آن به وسیله ی سه طبقه ی نخستین که پست ها را چه به وسیله ی انتخاب شدن و داشتن طبقات اجتماعی اشغال کرده اند و یا خدایان به آن ها اعطا کرده اند، حتی درمورد پایین ترین طبقات اجتماعی که درمکان های خطابه و انجمن ها رسوخ کرده اند، پذیرفته شده است.

آنان که ریاست دادگاه ها را دارند و یا عضوی از آن هستند و یا کنسول ها، بیگانگانی که حقوق شهروندی دارند، هم این قوانین درباره ی آن ها صادق است. این قوانین و مقررات که بر روی چوب نوشته شده، بر روی چهاردیوار ساختمان های عمومی نصب شده است.

گفته می‌شود که سولون دموکراسی را برای آتنی ها به ارمغان آورده است. لیکن هم چنان دو دسته هنوز آن را باور ندارند و برای پیشرفت سیاسی آن را ناکارآمد نشان می دهند وبر این عقیده پابرجا هستند که این قوانین شامل تمام طبقات اجتماعی نیست. این طبقات اجتماعی که خارج از این مقررات هستند، بردگان وزنان آتنی هستند.

یهودیان را از اورشلیم اخراج و به بابل می رانند. (اورشلیم یهودیه، ۵۸۷ پ.م):

در اثر حمله ی لشگریان نبوکدرزار وسقوط اورشلیم، آن شهر از یهودیان خالی شد. شهری که ویران شده واهالی آن را اخراج می کنند.

نبوکدرزار که در بابل روزبه روز برقدرتش افزوده می گشت و باغ های معلق بابل را احداث کرده بود، آرزو داشت که اورشلیم را به امپراتوری خود ضمیمه کند. در سال ۵۹۷ به آن شهر یورش برد، در حالی که پادشاه جوان یهویاکین (Jehoiachin) با پسرعموی خود زد کیا (Zedekiah) پادشاه، دست نشانده ی بابل برآن سلطنت می کردند. در این حادثه، زد کیاه به قصر خود بازگشت و ترجیح داد که آتش عصیان وشورش را در بابل شعله ور کند و در این حال یرمیاه (Jermiah) پیامبر یهودی مرتب مردم را موعظه می‌کرد و به آن ها وعده ی واگذاری بابل را می داد که بابل تنها به یهودیان تعلق خواهد گرفت و این کفاره سال ها مظلومیت ومحکوم بودن قوم یهود است که در پی سستی وکاهلی بودند. نبوکدرزار، شکی نداشت که لشگریان او که دو سال پیش به اورشلیم حمله بردند و شهرهای آز کا(Azekah) ولاکیش (Lachish) را پس از ۱۸ ماه محاصره تسخیر کردند، در این مدت اورشلیم را بدون حادثه‌ی مهم به دست خواهند آورد و از شهر چیزی باقی نخواهند گذاشت و سلطنت یهود را برخواهند انداخت.

در هندوستان شیوه ی نظام کاست یا طبقاتی به وجود می آید. (هندوستان، ۵۷۵ پ.م):

نظام طبقاتی یا کاست که آمیخته یی از مذهب و نژاد را شامل می شود، بر این اساس تشکیل می شود، بدین معنی که تمام ساکنان وشهروندان هندی به کاست های مشخص تقسیم می شوند، ازدواج بین طبقات مختلف ممنوع و پیشه و کسب درهمان طبقه مجاز است و تغییر کاست وطبقه یعنی از طبقه یی مثلاً به طبقه ی بالاتر، مجاز نیست.

هرفردی درطبقه ی اجتماعی خود متولد می شود و متعلق به همان کاست باقی می ماند. برحسب نژادی هندیان به چهارمرتبه تقسیم می شوند که سرآمد ورأس مراتب برهمنان جای دارند که متولی وصاحب قدرت مذهبی هستند. آن ها موظف به تعلیم و یاد دادن کتاب مذهبی ریگ ودا (Rig – Veda) به مردم هستند که این کتاب مجموعه یی از سرودهای دینی و قدیمی است که در پنجاب تدوین شده و هم چنین شامل آداب قربانی کردن می باشد.

قربانی کردن برای تغذیه و دادن غذا به خدایان است که آن ها خودشان قادر به تهیه ی آن نیستند و نیز تسهیل راه و

یونان ۳۳۸ پیش از میلاد

فیلیپ دوم مقدونی نیروی نظامی مشترک آتن وتبس را در جنگ کارونه (Chaeronea) شکست داد. با تسلیم تبس پیمان بئوسیا (Boeotia) از هم پاشید. با نفوذ فیلیپ صلح بین یونان و مقدونیه برقرار شد، مشروط براینکه آتن تعهدی دیگر را با سرزمین های مجاور نپذیرد و تمام تعهدات آتن با سایر همسایگان لغو شود. بخششی که فیلیپ در مورد یونان کرد، این بود که خود واسکندر پسرش شهروندی آتن را قبول کردند.

آتن ۳۳۸ پیش از میلاد

ایزوکرات خطیب آتنی که بنیان گذار دادگاه قانونی بود ودرباره آن مقالات ونطق هایی کرده بود، در سن ۹۸ سالگی درگذشت. پس از گشایش مدرسه سخنوری در ۳۹۳ پیش از میلاد او در سخنرانی و نوشته هایش فن نطق و بیان را به پیش برد و کاربرد آن را با فصیح ترین کلمات به ثبوت رسانید. هنگامی که وی در اوج شهرت بود با پیش کشیدن بحث پان اژیریکوس (Panegyricus) و پان آتنی کوس (Panathenaicus) اژه و آتن سرآمد و پیوسته، شادی بخش نهضت هلنیسم (Hellenism) و شهر آتن گردید. ایزوکرات سهم بزرگی درتوسعه پان هلنیسم (آتن سرآمد همه) داشت که برطبق آن یونان متحد، علیه ایران به وجودآید.

ایتالیا ۳۳۸ پیش از میلاد

رم که قدرت حکومت مرکزی سرزمین اصلی ایتالیا بود، موفق به بستن پیمان اتحاد بین سرزمین های لاتینی زبان گردید.

مقدونیه (Macedonia) ۳۳۷ پیش از میلاد

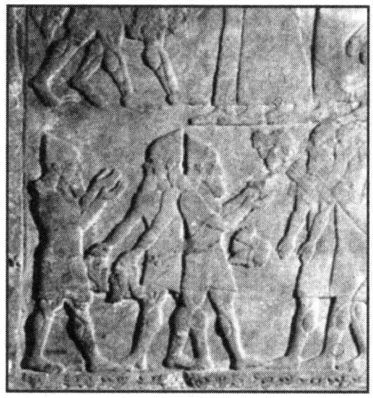
فیلیپ با ازدواج با کلئوپاترا (CleoPatra) که دختری از اشراف و نجبای مقدونیه بود، جنبشی در کاخ شاهی به وجود آورد و با این زناشویی تعدد زوجات را در مقدونیه به وجود آورد تا این جریان رسمیت یابد و اسکندر که پسر دوم فیلیپ بود، مشروع وقانونی به حساب آید. آریدئوس (Arrhidaeus) هم به صرع دچار بود و به نظر عاقلانه می آمد که فیلیپ دارای پسر سوم هم باشد.

رم ۳۳۶ پیش از میلاد

به مردم عادی اجازه داده شد که به عضویت مجلس عامه درآیند و درباره امور نظامی وسیاسی مذاکره کنند. این آخرین پله یی بود که مردم عادی را به حساب می آوردند و شهروندان معمولی رم دارای حق قانونی می شدند. حالت دیکتاتوری که در سال ۳۵۶ پیش از میلاد به وجودآمد، در سال ۳۵۱ رسمیت یافت. یکی از شهروندان عادی به نام کنیتوس پوبیلیوس فیلو (Quintus pubilius Philo) در هر سه دوره به این مقام رسید.

مقدونیه ۳۳۵ پیش از میلاد

اسکندر پسر فیلیپ مقدونی پس از واگذاری سلطنت به وی، عنوان پادشاهی یافت، او نخستین بار به تشکیل ارتشی مجهز پرداخت، هدف او مجازات مردم تری بالی (Triballi) به جرم شرکت در شورش سال ۳۳۹ پیش از میلاد وگسترش فرمان خود در شبه جزیره بالکان بود. پیروزی او سبب نفوذ دوباره اقتدار مقدونیه دربخش پایین رود دانوب شد.



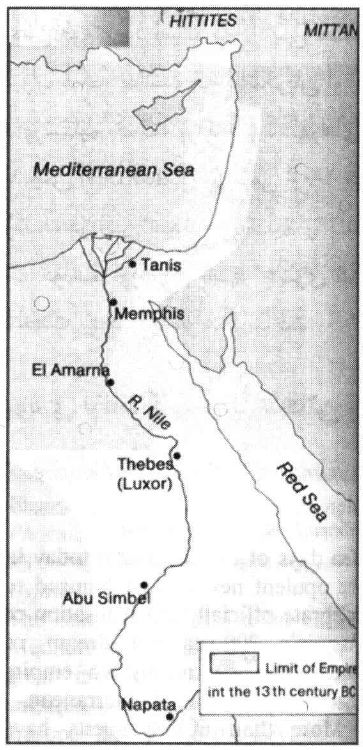
یک سرباز اشوری در حال کشتن یک اسیر جنگی.



تندیس برنزی خدای بعل (Baal).



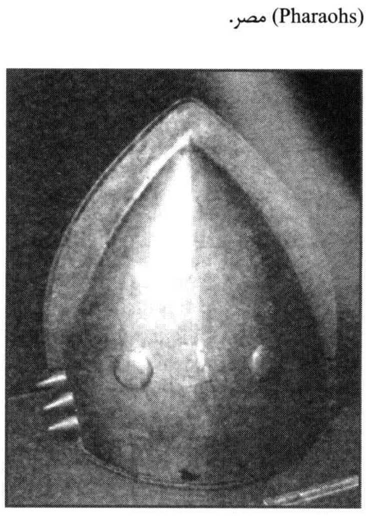
تندیس خدای خدایان، مردوخ (Marduk).



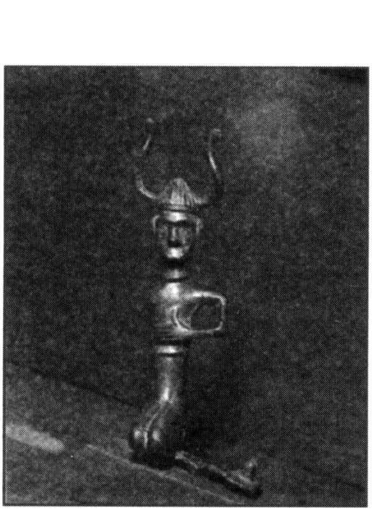
نقشه‌ی قلمرو فرعون‌های (Pharaohs) مصر.



جامی با تزئینات دوریانی (Dorian) که نشانی از زندگی واقعی اقوام میسنی دارد
که با شیوه‌ی هنرمندانه زینت شده است.



یکی از لوازم جنگی
اقوام فرانسوی.



ادمکـــی برنـــزی از
اقوام سلت (Celt) با
کلاه‌خود شاخدار.

آسیای صغیر(کوچک) ۳۳۳ پیش از میلاد

با شکست داریوش هخامنشی و پیروزی اسکندرمقدونی بر او در ناحیه ایسوس (Issus) بخش بزرگی از آسیای صغیر(آناتولی) تحت کنترل وی درآمد. این پیروزی به دنبال فتح سال گذشته اسکندر در ساحل رود گرانیکوس (Granicus) بود. داریوش سوم از صحنه پیکار فرار کرد و چادر سلطنتی ونیز چادر خوابگاه خانواده شاهی به دست اسکندر افتاد و این پیروزی بزرگی برای اسکندر بود.

فنیقیه (Phoenicia) ۳۳۲ پیش از میلاد

اسکندر شهر تایره (Tyre) را پس از۸ ماه محاصره به تصرف خود درآورد. گفته می شود دراین شهر ۸ هزار نفر کشته و سی هزار نفر به اسیری درآمدند. با تسخیر شهر تایره، ریشه شورش شهرهای فنیقی ایران کنده شد و به نظر عاقلانه می آمد که شهر تایره تسلیم می شد.

ایران ۳۳۱ پیش از میلاد

پس از عدم مخالفت با لشگرکشی اسکندر به مصر، اسکندر به سوی ایران آمد و پس از شکست دادن داریوش سوم در گوگامل (Gaugamela) (ناحیه شمالی کشور کنونی عراق) شهرهای بابل وشوش تسلیم شدند.

ایران ۳۳۰ پیش از میلاد

اسکندر به عزم تسخیر پرسپولیس (Persepolis) به آنجا رسید و به ارتش خود اجازه غارت داد (پرسپولیس پایتخت تشریفاتی شاهان هخامنشی بود) او می خواست داریوش را زنده دستگیر کند، لیکن داریوش با ایجاد شورش کشته شد. با مرگ داریوش سوم سلسله هخامنشی برافتاد.

آسیای مرکزی ۳۲۷ پیش از میلاد

اسکندرجهت امنیت سرزمین های تسخیر شده باکتریا(Bactria) (باختر) وسغد (Sogdiana) که در دو سال پیش برآنها غلبه یافته بود. پس از گذشتن از کوههای هندوکش (Hindu Kush) به سرزمین های مشرق زمین ایران دست یافت.

ایران ۳۲۷ پیش از میلاد

پیشینه نویس رسمی پیروزیهای اسکندرولشگرکشی او، کالیستن (Callisthenes) همواره همراه او در لشگرکشی ها شرکت داشت.

چین ۳۲۵ پیش از میلاد

شاهزاده کین (Qin) (چی این) عنوان وانگ (Wang) به معنی شاه را برای خود انتخاب کرد وادعا می کرد که حکومت او مشروعیت قانونی دارد وفرمانروای تمام چین است.

ایران ۳۲۴ پیش از میلاد

اسکندر پایه گذار عملی بی سابقه در یونان است، بدین معنی که توصیه می کرد که بین یونانیها و بربرها بستگی وارتباط برقرار کنند . ۹۰ نفر از همراهان او با دختران اشراف و نجبای ایرانی زناشویی کردند که بیشتر از اقوام مادی وپارسی بودند، هم چنین ده هزار سرباز یونانی با دختران ایرانی ازدواج کردند.

آسان ساختن برای ورود به بهشت یا دنیای دیگر برای آدمیان است. طبقه ی بعدی کشاتریاها (Kshatriya) که مأموران جمع آوری مالیات ونیز تهیه کنندگان قربانی برای خدایان هستند که د رضمن می توانند ریگ ودا را هم بخوانند.

گروه سوم، را وایسیاس (Vaisyas) می نامیدند که آن ها هم می توانستند قربانیان را تهیه کرده وریگ ودا را بیاموزند، لیکن شغل اصلی آن ها تولید وتهیه ثروت برای گروه های بالاتر، وهم چنین حمایت وپشتیبانی از اربابان از راه داد و ستد و زراعت بود. مردمی که در این سه گروه قرار داشتند برابر باورهای مذهبی تولد دوباره یا دویجا (Dvija) داشتند، زیرا روح آن ها پذیرش دوبار به دنیا آمدن را داشت و برای بار دوم متولد می شدند.

آخرین گروه و پست ترین آن ها که اکثریت جمعیت را شامل می شد، سودراها(Sudra) یاهاریجن ها بودند که تنها یک بار متولد می شدند. آن ها تنها می توانستند در خدمت سه گروه فوق باشند، بدون اینکه بتوانند آن ها رالمس کنند. در ریگ ودا به گروههای چهارگانه ی اجتماعی آرین ها اشاره شده و درباره ی آن بحث شده وبه رسمیت شناخته شده است. در شهرهای هندوستان اختلاف طبقاتی به طور کامل به چشم می خورد و ویژگی های هرگروه وزیرگروه مشخص است و کار و وظیفه ی اجتماعی طبقات رعایت می شود و نیز شهرهای تازه تأسیس هم از این قوانین پیروی می کنند.

ساخت معبدها موجب مباهات یونانیان است. (دنیای یونانی، ۵۶۰ پ.م):

تمدن یونانی ها در دریای مدیترانه درحال پیشرفت است، البته با ساختن چند معبد بزرگ وزیبا نمی توان تمام نبوغ و درخشندگی تمدن یونانی را در آن خلاصه کرد.

در زمان میسنی ها، در حدود ۷۰۰ سال پیش، مردم حتی شاهان هم مراسم مذهبی خود را درخانه هایشان یا در مکان های مقدس شبیه غارها و یا در قلل کوهها و در فضای باز انجام می دادند. اما در ۲۰۰ سال پیش که تمدن و فرهنگ یونانی از تیرگی درآمده و شکوفا شد، به ویژه هنگامی که میسنی ها سقوط کردند، شکل و شیوه ی معماری معابد

تغییر کرد و درخشندگی خاصی به خود گرفت. این هم شاید در نتیجه ی تمرکز قدرت حکومت و تشکیل پولیس (Polis) (شهرهای خودمختاریونانی) ویا ایالت های مستقل که جایگزین حکومت های مجزا شده بود، به وقوع پیوست.

اکنون دیگر به جای ساختن کاخ ها و معابد برای شاهان، بناهای یادبودی به نام خدایان جهت حفظ و نگهداری پولیس ها ودر امان بودن آن ها ساخته می شود، برخی از پرستشگاه ها برحسب نیاز به شیوه و پایه ی معماری قدیمی کاخ های میسنی ها برای اولین بار بنا شد.

به استثنای جزیره ی کرت، پرستشگاههای داخلی نتوانست تمام عبادت کنندگان را جذب کند. برای خدایان معابد و خانه های ساده یی هم وجود داشت که نما و منظره‌ی پیشین خود را حفظ کرده بود و زیارت کنندگان به شیوه‌ی معمول اجازه ی ورود به آن را داشتند. جشن های مذهبی در محرابی دیگر ومجزا از محراب اصلی وخارج از معبد برپا می شد، و برخی عبادت کنندگان، انجام مراسم عبادی خود در فضای باز را بار دیگر احیا کردند.

از اولین بناهای معبدی که آجری است و با سنگ های حکاکی شده در پایه و پایین دیوارهای آن به کار رفته و ستون هایی چوبین جهت پایداری سقف ساختمان ایجاد شده و بام ساختمان هم از کاه گل اندود شده است را می توان ذکر کرد.

برای تزئین دیوارها آجرهایی به کار رفته که به نام متوپس (Metopes) نامیده شده و بازهم جهت زیبایی در فاصله ی آن ها وسقف، کتیبه های چندی حکاکی شده است. نقشه ی اصلی ساختمان معبد در حقیقت بر ایجاد یک اتاق شش ضلعی وعمده به نام نائوس(Naos) وساخت یک هشتی با راهروهایی که به ستون ها ختم می شود و بعد اضافه کردن ردیف ستون ها در اطراف نائوس که در واقع سقف بنا را نگه می دارد و سنگینی آن بر روی این ستون ها می باشد، پس ازآن سقفی که از آجر سفال بر روی ستون ها ساخته می شد، همان طور که گفته شد ستون ها را عموماً از چوب می ساختند که وزن کلی ساختمان کمتر شود، درحالی که تعداد کمی از این ستون ها با سنگ بنا می شد، لیکن یونانیان در این زمان تمام ستون ها را از سنگ می ساختند. این دو شکل منحصر به فرد که در ساختمان معابد به کار می رفت، از کارهای قرن اخیر است. در سرزمین اصلی یونان وتوابع غرب آن، بیشتر ساختمان بنا، سبک دوریک (Doric) داشت که ستون هایی از کنده های درخت با طراحی وتراش راه راه خیاره یی و سرستون آن ها شبیه بالشتک درست می شد که یادگاری ازسبک میسنی یا مصری است. درآناتولی وجزیره های یونانی بیشتر سبک ایونی (Ionie) رواج داشت. این سبک بیشتر شرقی ومزین به آرایشی از اشکال گوناگون گل بود که به سبک دوریک مشهور بود.

فلاسفه و دانشمندان یونانی در مبارزه با باور خدایان (آناتولی، ۵۶۰ پ.م):

گروهی از روشنفکران یونانی ساکن شهرهای ایونی آسیای کوچک (آناتولی) در طرز فکر و اندیشه شان راجع به جهان وکائنات تغییر اساسی پدید می آید. آن ها با تحقیقاتی که در این باره انجام می دهند. به سؤال های زیادی برخورد می کنند، تالس (Thales)، آناکسیماندر(Anaximander) وهراکلیتوس (Heraclitus) با مطالعه ی آثار واشعار هزوئید مربوط به حکایات وافسانه های مذهبی تعداد ۳۰۰ خدا را برشمارده که در رأس این خدایان وپادشاه آن ها زئوس قرار دارد.

در زمره ی این خدایان، اطلس (Atlas) که حامل آسمان است، آسترائوس (Astraeus) که نگهبان ستارگان می باشد، ونیز در فهرست خدایان هزوئید، خدایانی برای حفظ و نگهداری جهان، زمین، دریا و کوههای زمین وجود دارند.

روشنفکران ایونی وجود این همه خدایان را منکر می‌شوند. آنها دخالت خدایان را در وضع طبیعت زمین نمی‌پذیرند. صدای رعد را ناشی از خشم زئوس تلقی نمی‌کنند، این جریان را به زمان طبیعی آن باور دارند و عادی می شمارند.

مردم رنگین کمان را ناشی از الهه های لایک وایز(Likewise) وایریس(Iris) می دانند، در حالی که این یک امر طبیعی در هنگام مد ورطوبت پس از باران و تشکیل ابرهای رنگارنگ است. ایونی ها جمله یی دارند که هرکس به اشیاء اطراف خود نگاهی تازه دارد و درک او از دیدنی ها با سایرین اختلاف دارد.

بابل ۳۲۳ پیش از میلاد

با مرگ اسکندر سرزمین های اشغالی او به وسیله ی اطرافیان وی تقسیم می شود. نابرادری مصروع او آریدئوس(Arrhidaeus) و فرزند اسکندر که از رکسانا (Roxana) زن ایرانی است، هنوز متولد نشده و باید منتظر او بود که دختر یا پسر است، پردیکاس (Perdiccas) نایب السلطنه آسیا، آنتی پاتر (Antipater)، حاکم اروپا، پتولمی (Petolemy) که به حکومت مصر رسیده، لیزیماکوس (Lysimachus) حاکم تراس (Therace) وآنتی گون (Antigonus) یک چشم حاکم آسیای صغیر (آناتولی).

آتن ۳۲۲ پیش از میلاد

زنو دانشمند قبرسی مدرسه یی تأسیس کرد که بعداً آتنی ها آن را رواقی (Stoic) نامیدند. دراین مدرسه که عنوان رواق داشت، (معلمان واستادان به شاگردان در ایوان یا رواق درس می دادند و از این جهت به رواقیون مشهور شدند) پوئی کیل (Poikile) در آنجا سخنرانی می کرد، اساس فکر رواقیون پرهیزکاری وتقوا و جلوگیری از افعال زشت واحترام به انسانها ونیز انجام دادن و پیروی از نیکی بود که پایه علم محسوب می شود.

یونان ۳۲۲ پیش از میلاد

پس از مرگ اسکندر آتنی ها دست به شورش زدند، اما در جنگ لامیان (Lamian) دچار شکست شدند. دموستن دست به خودکشی زد، محافظه کاران مقدونی هم تنها توانستند به مدت یک سال آرزوی اسکندر را برآورده وکشور او را سرپا نگهدارند.

ایتالیا ۳۲۱ پیش از میلاد

رومیها با شکست از سامنیت ها (Samnites) که مردمانی از جنوب کوههای آپنین (Apennines) بودند دچار تحقیر شدند. آنها با دامی که برسر راه دشمن در نزدیک کودیوم (Caudium) قرار داده بودند، رومیان را شکست دادند. کودین فورک ها (Caudine Forks) در کامپانیا (Campania) دسته جات مختلفی داشتند. آنها در پایین تپه ها با نیزه ویوغ مخفی می شدند و هنگام عبور دشمن برآنها می تاختند.

آتن ۳۲۱ پیش از میلاد

تئوفراست (Theophrastus) پس از مرگ ارسطو یا آریستول (Aristole) به سرپرستی لیسئوم (Lyceum) برگزیده شد. او در پیشرفت علوم سعی وتلاش فراوانی انجام داد و به ویژه درعلم گیاه شناسی وشناخت کانی ها کارهای زیادی کرد. تئوفراست در هنر کاریکاتور هم مساعی فراوان به کاربرد و آنرا هم مشخصات فردی نامید.

آتن ۳۲۰ پیش از میلاد

منانـدر(Menander) شاگردسابق تئوفراست فلسفه اپیکور (Epicurean) را بنیان نهاد . او در سن ۲۲ سالگی تارک دنیا شد و زندگی عادی را رها کرده و درکلبه یی در ناحیه پیرائوس (Piraeus) با زن فاحشه یی به نام گلیسرا (Glycera) ساکن وشروع به نوشتن مباحث علمی کرد.

کاسموس (Kosmos) که به معنی کائنات و عالم وجود است، لیکن این معانی شامل خیلی بیش از این هاست و یونانیان از این کلمه برداشت دیگری دارند و آن نظام یا انتظام و هماهنگی کامل بین تمام عالم هستی است که همواره به چشم می خورد. هم چنان که کائنات شامل دنیای خود است و هر چیزی در جای خویش است و نظم بی نظیری در آن حکم فرماست، که می توان مطالعات بسیاری در این باره انجام داد و علل آنها را دریافت. فلاسفه اثبات این قضایا را سهل وآسان نمی دانند و برای حمایت از باورهای خویش به دلایل زیادی نیازمندند.

آناکسیماندر نقشه جهان را ترسیم می کند.(میلت (Miletus)، ۵۵۰ پ.م):

درشهر میلت که بندری است در ساحل مدیترانه، مردم اغلب درباره نقشه یی که آناکسیماندر فیلسوف بر روی تابلویی سنگی از زمین حک کرده، بحث می کنند. او مشاهده کرد که گیتی دایره وار است. شبیه ستون، چون بخشی از ساکنان آن همواره به یک سو معطوف هستند و نکته ی غیر طبیعی آن است که به نظر می رسد که این جریان به گونه یی است که انسان خود را درحال نزول می بیند، درست مانند پرنده یا یک خدا.

پیش از او تا آن زمان، هیچ کس به این فکر نیفتاده بود. این طرز تفکر به احتمال، زمانی به مغز آناکسیماندر رسید که او دانش پژوه تالس بود. او قسمت هایی از علم هندسه را فرا گرفته بود و با اشکال هندسی مانند دایره آشنایی داشت. برحسب نظریه ی او زمین درحال سکون و بی حرکت در مرکز آسمان که به شکل نیم کره است، قرار دارد.

نظریه ی دیگر آناکسیماندر آن است که آدمیان منشاء حیوانی دارند، زیرا حیوانات بلافاصله پس از تولید قادر به دیدن هستند، درحالی که بشر پس از تولد تامدت زیادی باید تحت مراقبت ومواظبت باشد.

پیتاگوراس (Pythagoras) بنیان گزار بخشی از دانش بشری است. (ایتالیای جنوبی، ۵۶۰ پ.م):

فیثاغورث ریاضیدان، که مهاجر یونانی ساکن جنوب ایتالیا بود،چهره ی افسانه یی به خودمی گیرد، او سرآمد

پیشینیان خود بود، چون ذوق وشوق وافری به ریاضی داشت، او در عین حال از نظر سیاسی در شهرهایی چند صاحب نفوذ بود. او نه تنها واضع تئوری پیتاگوریان (Phythagorean) بود، (برابر تئوری پیتاگوراس وتر یک مربع آن را به دو مثلث تقسیم می کند که هر دو مثلث باهم مساوی هستند) بلکه او توانست گام های موسیقی را از طریق ریاضی شرح دهد. طرفداران نظریه ی پیتاگوراس (فیثاغورث) گیاهخوار بودند ومخالف کشتن موجودات زنده برای تغذیه ی آدمیان.

آنان هم چنین برای تزکیه ی روح به تمرین های بدنی شبیه یوگا (Yoga) که در شرق دور اکنون رواج دارد، می پرداختند. اما برطبق نظریه ی اعضای مکتب پیتاگوریان که می گویند زمین مرکز عالم است. آنان ادعا می کردند که می‌توانند شیوه ی کار کائنات را بیان کنند.

تالس دانش هندسه را به روش جدید شرح می دهد. (میلت، آناتولی، ۵۶۰ پ.م):

تالس را چه فیلسوف و یا غیرآن بنامیم، او توانست خوشید گرفتگی را در تاریخ ۲۵ مه ۲۵ سال قبل پیشگوئی کند، به طوری که شهرت وآوازه ی او درنقاط دور و در تمام شهرهای گروه یونانی آسیای کوچک (صغیر) پیچید. او عاشق وشیفته ی هندسه بود و برای شاگردانش در روی صفحه یی، اشکال مثلث، خط مستقیم،نقطه ودایره را ترسیم می کرد.

او اشکالات اندازه گیری سطوح هندسی به ویژه اندازه‌ی سطح دایره را تشریح کرد. وی برخلاف مصریان که در طرح وساخت نقشه بر روی زمین تبحر داشتند، تالس نمی توانست این اشکال هندسی را بر روی زمین پیاده کند. او به طور تئوری به معلومات ودانش بشری و مطالعه و فهم آن در عالم کمک کرد. وی به خلقت کائنات درتصور عامه که آن را افسانه وار باور داشتند، عقیده نداشت و باور عمومی را رد می کرد. او می گوید به احتمالی کائنات از یک ماده ی اولیه که شاید آب باشد، به وجودآمده است.

تجسس و تکاپوی پنهانی طبیعت به وسیله ی گزنوفن (آناتولی، ۵۶۰ پ.م):

گزنوفن (Xenophanes)، شاعر یونانی که به تمام نقاط یونان مسافرت کرده است، در اشعار خود انقلابی ایجاد کرده و باورهای مذهبی عمومی یونانیان را به مسخره می گیرد.

او می گوید چگونه خدایان مانند سایر مردم دارای بدن جسمانی و صدا بوده و نیاز به لباس برای پوشش دارند. ساکنان تراس (مقدونیه) فکر می کنند خدایان موهای قرمز و چشمان آبی دارند، در صورتی که به باور مردم اتیوپی خدایان دارای دماغ پهن و موهای سیاه هستند. هومروهزوئید شاعران یونانی می گویند، خدایان دارای اخلاق بد وخشن هستند. ازسویی مانند اشخاص بالغ دارای حس تسلیم پذیری و در عین حال فریب آمیز بوده و گاهی سرقت هم می کنند.

گزنوفن این باورها را مورد استهزاء وریشخند قرار می دهد، بنابر نظریه ی او اگر گاو، شیرواسب هم دست داشتند و می توانستند نقاشی کنند، خدایان آن ها هم به صورت گاو و شیر واسب ترسیم می شد. به عقیده ی او خدا یکی ویگانه است که دارای قدرت بی نهایت ومافوق بشری وبالاتر از تمام این خدایان ومردم است ودچار مرگ ونیستی نمی شود ودرمغز آدمیان نمی گنجد.

دیونیسوس (Dionysus) سرور آفرین و هوسباز، جنبش و جنون در زن ایجاد می کند. (آتن، ۵۳۴ پ.م):

در این سال، دیونیسوس جشن وسرور زاید الوصفی در آتن به وجودآورد. در میان دسته های رقص جمعی، یک نفر با نمایش های جالب خود گروه خواننده را از آن میان انتخاب می کند و برای هر نفر یک نقش در نظر گرفته و او را برای اجرای نقش خود وهماهنگ با سایرین گروه خواننده به وجود می آورد. این فرد تس پیس (Thespis) است که با سخنان خود گروه را برای اجرا آماده می سازد. به هر صورت گرداننده ی اصلی ومربی آنان دیونیسوس است.

این خدای مستی، رقص و بازی های نمایشی، قادر است گروه را در نمایشات حزن انگیز هم به پیروی از دستورات خود وادار سازد.

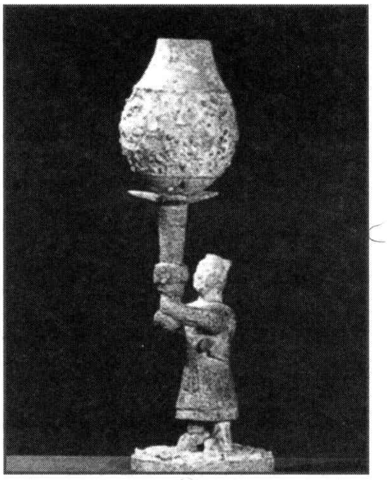
به هر ترتیب د ربخشی از کشور هنوز هم مجالس جشن و سرور دیونیسوس با همان روش وآئین پیشین همراه با تندی وخشونت و جبر وعنف برپا می شود. گروهی از زنان به جنگل یا کوه ودر هر حال به خارج شهر می روند. آنها



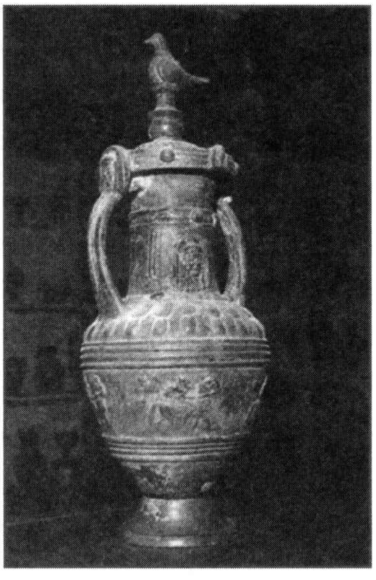
جام زرین که یکی از شاهکارهای هنری است و از تپه‌ی حسنلو (Hasanlu) در ایران به‌دست آمده است. نقش روی جام، یک سوار جنگجوی از قوم مانیان (Mannean) را نشان می‌دهد که با گردونه‌ی خود به صف دشمن می‌تازد.



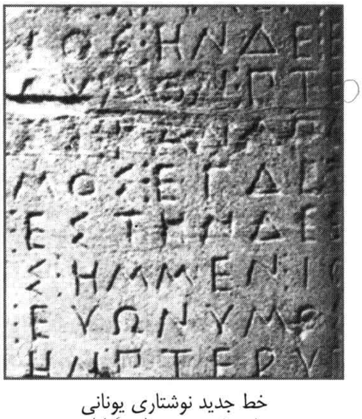
اشیل (Achilles) در جریان نبرد تروایا (Trojan) نیزه‌ی خود را به سینه‌ی پنته‌زیلا (Penthesilea)، ملکه‌ی آمازون (Amazon)، فرو می‌کند.



پیکره‌ی برنزی مردی از سلسله‌ی پادشاهی شو (Zhou) در چین، در حالیکه چراغی را حمل می‌کند.



ظرف برنزی با نقش‌های بسیار زیبا و هنرمندانه از اقوام اتروسک (Ettruscan).



خط جدید نوشتاری یونانی با حرف مصوته (صدادار).

درحالی که از مستی شراب وغذا به حالت نشئه وجذبه رسیده اند، رقص هایی با ریتم تند انجام می دهند وباصدا و فریادهای رعدآسا به باکوس درود می فرستند.

آنها در این هنگام از حالت عادی خارج وخرگوشی را شکار کرده و برای تملق وچاپلوسی در پیشگاه خدایان، خرگوش را با دست وبدون شیئی برنده، تکه تکه کرده وخام وخون آلود آن را می خورند که این حالت نشانه ی توحش وبربریت است. در دوران باستان ودر داستان های دینی دیونیسوس دارای قدرت فوق العاده زنانه است، به سبب آن که برای حفظ وحمایت او، دوبار به دنیا می آید. در این داستان دینی نه تنها حیوانات بچه های خود را می خورند، بلکه بچه های انسان هم به وسیله ی والدین خود قطعه قطعه وخورده می شوند که این حالت گونه یی از دیوانگی است.

دیونیسوس در میان خدایان یونانی به صورت غیر طبیعی نمایانده شده و به نظر می رسد که ریشه ی خارجی و بیگانه دارد. او تنها یک بار از زنی مرده به دنیا می آید. او خود پسر سمل (Semele) است که سمل دختر کادموس (Cadmus)، پادشاه تبس (Thebes) بوده که با زئوس (Zeus) دوقلو و همزاد می باشد. اما برای تنبیه و مجازات، رعد آسمانی باعث مرگ او می شود. زئوس از رحم مادر به دنیا می آید ونجات می یابد، لیکن دیونیسوس دگر باره از ران زئوس متولد می شود.

دیونیسوس یکی از خدایان بی شمار یونانی است که خدای باروری می باشد که در جشن خلقت انسانی مراسم بزرگداشت آن برپا می شود. او در بین طرفدارانش حالت نیمه خدایی دارد، که شبیه انسان است و موجودی است افسانه یی با دوپا. دارای روح وحشی و زندگانی روستایی و دهقانی. او درحالی به تصویر کشیده می شود که از ظرفی شراب می نوشد و به صورت مذکر، و درحالت هیجان جنسی وشهوانی است که نشانه ی شهوت است. گاهی هم او چندین رأس اسب،بز، اسب دم دار به همراه دارد و در حال رقص و پای کوبی نمایش داده می شود.

آتنی های ساده لوح فریب افراد ستمگر را می خورند که خیلی مضحک است. (آتن، ۵۵۰ پ.م):

از میراث سولو، شاعر یونانی تشکیل حکومت توسعه یافته بود که این حکومت از مسیر اصلی منحرف و زمینه برای استبداد و ستمکاری او مهیا شد، پی زیسترات (Peisistratos) هنگامی که قدرت را در شهر به دست گرفت، خویشاوندان نزدیک خود را هم در این جریان شرکت داد. در حالی که می بایست عدالت را در نقاط دور به اجرا بگذارد که قوانین حکومت را بپذیرند، به طوری که ظلم و ستم بر مردم وارد نشود و مردم بیشتر درحالت سرور وشادی به سر برند تا غم واندوه. مردم آتن خود در این امرمقصر بودند که اجازه دادند قدرت به دست آنها بیفتد. زمانی بین مردمی که در دشت زندگی می کردند و ساکنان کرانه ی دریا نزاع درگرفت که او شکل سومی برای اصلاح این جریان در نظر گرفت. کشاورزان فقیر و ساکنان مناطق تپه یی مدعی بودند که اصلاحاتی که سولون در نظر داشت مفید به حال آنان نبوده است. در اثر این تحمیل و فشار، آنان محصول مزارع را کنده وزمین ها را با قاطر خراب کرده و با گاری های خود بدون وسیله و برهنه آن جا را ترک کرده و به محل میتینگ و تظاهرات جمعی وارد شدند.

آگورا(Agora) وسایر مدعیان خانه های خود را رها کرده و در حال فرار به جمع آدم کشان پیوستند. شهروندان خوب آتنی از این امر به هراس افتادند و تقاضای مردانی قوی البنیه جهت حفظ خود کردند و نیز به گرزهای چوبی مسلح شدند. پس از این اعمال خشونت آمیز، آنان آکروپولیس (Acropolis) را تصرف کرده و قدرت را به دست گرفتند.

اکنون به نظر می رسید کارها رو به راه وامور شهر به انتظام رسیده و جوی آرام برمحیط حکم فرما شده است. پی زیسترات شهر را به حالت زیبایی درآورده و زمینه ی دلگرمی وتشویق پیکره سازان وشعرا را فراهم کرد، درنتیجه شهروندان آتنی شروع به بحث و انتقاد کردن از حکومت وبازگشت به سال های طلایی بودند.

پس از سال ها تبعید در بابل، به یهودیان اجازه داده می شود به اورشلیم بازگردند. (اورشلیم، ۵۳۸ پ.م):

پدران ونیاکان یهودیان که پس از ویرانی شهر اورشلیم به مدت ۵۰ سال به بابل تبعید شدند، اکنون اجازه می یابند

آسیای مرکزی ۳۲۰ پیش از میلاد

یونانیها شهری در ساحل رودخانه اکسوس (Oxus) – آمودریا (Amu Darya) یا جیحون و درمنطقه سغد (Sogdia) به یادبود اسکندر و به نام اسکندریه بنا کردند. در این شهر ساختمانی به نام آکروپولیس و به یادبود آکروپولیس آتن در ناحیه جنوبی شهر با دیوارهای بلند بنا کردند.

هندوستان ۳۱۷ پیش از میلاد

چاندراگوپتا (Chandragupta) بنیانگذار سلسله پادشاهی مائوریان (Mauryan) درسال ۳۲۱ پیش از میلاد، پایتخت خود را در پاتالیپوترا(Pataliputra) (پاتنا – Patna) در مشرق کشور بنا نهاد و پادگانهایی هم به سبک یونانی در کشور تأسیس کرد.

مقدونیه ۳۱۶ پیش از میلاد

کاساندر(Cassander) با پرتاب سنگ اولمپیاس (Olympias) مادر اسکندر را به دار باقی روانه کرد. این امر به تلافی آن بود که اولمپیاس جلوی موفقیت او را در منطقه مقدونیه و یونان که پس از مرگ اسکندر قرار بود، وی نایب السلطنه آنجا شود گرفت، و آنتی پاتر(Antipater) را حاکم ناحیه کرد، کاساندر در همان سال ۳۱۹ پیش ازمیلاد نقشه آن را چیده بود.

فلسطین ۳۱۵ پیش از میلاد

مجموعه یی از اشعار بدون نام سراینده و از منابع گوناگون با نام (سرود سروده ها) در فلسطین انتشار یافت . این شعرهای کفرآمیز ودشنام گونه در تحت نام سلیمان (Solomon) و برای بی آبرویی او سروده شده بود.

کارتاژ ۳۱۰ پیش از میلاد

آگاتوکلس (Agathocles) حاکم سیراکیوز سعی داشت با جلوه دادن کارتاژ به عنوان عنصری وحشتناک جلوی هجوم کارتاژ به سیسیل را بگیرد. او با اعزام دسته های جنگی به کارتاژ و ایجاد هراس درآنجا، آنها را وادار به صلح وانعقاد عهدنامه یی در این باره کرد.

کوش (Kush) ۳۰۸ پیش از میلاد

آخرین مقبره پادشاهان به نام ناتازن (Natasen) درمنطقه ناپاتا (Napata) ساخته می شود. برای شاهان بعدی هم قبرهایی در مروئه (Meroe) بنا می کنند.

آتن ۳۰۷ پیش از میلاد

کوشش هایی که برای عدم وابستگی آتن از مقدونیه انجام شده دچار شکست شد و همچنان این شهر تحت کنترل مقدونیه باقی ماند و دیمتریوس (Demetrius) پسر آنتی گون یک چشم به فرماندهی این شهر منصوب شد.

قبرس ۳۰۶ پیش از میلاد

پتولمی که سابقاً ژنرال ارتش مقدونیه بود و پس از مرگ اسکندر حاکم مصر شده بود، در نبردی دریایی در ناحیه سالامیس (Salamis)، ارتش آتن به رهبری دیمتریوس را شکست داد.

که به شهر خالی خود برگردند. کوروش (Cyrus) پادشاه هخامنشی (Achaemenid)،که سال گذشته به بابل دست یافت، اجازه داد که یهودیان اسیر وتبعیدی به وطن خود بازگردند.

علاوه بر آن آنان می توانستند به عبادات و مراسم دینی خود و پرستش خدای یگانه (یهوه) بپردازند. همان خدایی که آنان را به وطن خویش بازگردانید، آن ها داستان رهایی خود را تکرار می کردند.

درهنگامی که نبونید (Nabonidus)، پسر بلشازار (Belshazzar)، پادشاه بابل، ضیافتی برپا کرده بود، دستی اسرارآمیز وغیبی این کلمات را نوشت که یهودیان رهایی می یابند. از دانیال نبی نقل شده که خداوند اعمال شاهان را می سنجد و برحسب ظرفیت آنها، قلمروشان را توسعه می بخشد وروی همین زمینه متصرفات کوروش را وسعت بخشید.

کوروش، شاه هخامنشی درگذشت، لیکن امپراتوری ایران پابرجا ماند. (ایران، ۵۳۰ پ.م):

کوروش کبیر، بنیان گذار امپراتوری ایران، درگذشت. پادشاهی که بر سراسر سرزمین هایی از یونان تا هندوستان را زیر سیطره ی خود داشت. شهرت واعتبار کوروش به واسطه ی رأفت و مهربانی و جوانمردی او بود، او در تصمیم واراده ی خود همیشه پابرجا بود و یهودیان اسیر وتبعیدی را از بابل آزاد کرده و به اورشلیم بازگرداند. کوروش درحین جنگ با اقوام اسکیت (Scythian) ساحل دریای آرال (Aral) کشته شد. کمبوجیه (Cambises) (کامبوزیا) دوم پسر کوروش بر آنها پیروز شده و توفیق یافت.

برابر افسانه هایی که درباره موسی وسارگون آکادی نقل شده کوروش را هم در بچگی از رودخانه نجات دادند، لیکن نویسندگان این موضوع را رد کرده و آن را تنها یک افسانه می پندارند که حقیقتی درآن نیست. به هر حال چه این موضوع صحت داشته باشد یا خیر، تأثیری درتاریخ ندارد. کمبوجیه یکی از اعضای سلسله ی هخامنشی ایران بنیان گذار این سلسله در سال ۷۰۰ پ.م می باشد، که حکومت هخامنشیان را در ایران تأسیس کرد.

در زمانی که کوروش بر پدرش فائق آمد، هنوز کشور ایران تحت حکومت و پادشاهی مادها بود. مادها در سده ی

پیش بر سراسر ایران آن روز فرمانروایی داشتند و کیاکسار (هووخشتره که بین سال های ۶۵۳ تا ۵۸۵ پ.م سلطنت می کرد)، در سال ۶۱۲ پ.م امپراتوری آشور را شکست داده ونابود کرد. بالاخره در سال ۵۵۰ پ.م شورشی در ارتش مادهابه وقوع پیوست که آستیاگ (Astyages) پادشاه ماد نتوانست آن را بخواباند و کوروش ازاین طغیان استفاده کرده و آستیاگ را دستگیر کرد. کوروش با اتحاد با پادشاه بابل بر ضد کشور لیدی (Lydia) به پادشاهی کروزوس (Croesus) لشگر کشید، ثروت لیدی افسانه یی و زبانزد بود. او توانست به هر صورت کشور خود را از خرابی نجات دهد، در حالی که کوروش در مدت پانزده روز، آن را تسخیرکرد. کوروش از کشتن او صرفنظر و زندگی اورا تأمین کرد.

درحالی که هم چنان مستملکات کوروش توسعه می یافت و تا قندهار در شمال غربی هندوستان در تصرف او بود، پیمان اتحاد با نابونید پادشاه بابل را گسست و در ژوئیه ۵۳۹ پ.م به بابل حمله کرد. در ماه اکتبر همان سال کوروش بر نابونید فائق آمد و او را از سلطنت معزول کرد.

از دیگر اصلاحات کوروش آزادی یهودیان ساکن بابل پس از ۵۰ سال بود. بازهم از دیگر اقدامات کوروش لشگرکشی به شمال شرقی ایران و جنگ با اسکیت ها در آخرین سال عمر او بود که به تراژدی مرگ وی انجامید.

داریوش فرمانده سپاهیان، سلطنت را تصاحب می کند. (ایران ۵۲۲ پ.م):

داریوش (Darius) فرمانده ی پیشین سپاهیان کمبوجیه (کامبوزیا) طی انقلاب دوم در مدت سه ماه به پادشاهی ایران می رسد.

درتیرماه، بردیا (Bardiya) برادر کامبوزیا اعلام می کند که شاه درگذشته و خود را پادشاه ایران می خواند. در ماه شهریور داریوش بردیا را شخصی دروغ گو وشیاد و او را گئوماتای (Gaumata) مغ معرفی می کند که غاصب سلطنت است. برابر گزارش داریوش کمبوجیه در هفت سال پیش بردیا را کشته بود. در حضور شش تن از نجبا، داریوش گئوماتای مغ یا بردیای کاذب را با ضربه ی خنجر از پای در می آورد. در تمام این مدت کمبوجیه در مصر به سر می برد، وی در سال ۵۲۵ پ.م در طی نبردی در پلوزیوم (Pelusium) آمازیس (Amasis) پادشاه مصر را شکست داد و پادشاه مصر علیا و سفلی گردید. بر طبق روایاتی به مجرد خبر درگذشت کامبوزیا، بلافاصله بردیا به ایران بازگشت و خود را شاه ایران نامید، لیکن او هم به وضع نامعلومی کشته شد. کمبوجیه در حقیقت پادشاه محلی ومردمی مصر نبود، او شهرها را غارت وخانه ها را تخریب کرده بود. شایعات مَحلی حکایت از آن داشت که وی گاو مقدس (آپیس) مصری را کشته و خری را به جای آن قرار داده بود. در عین حال گفته می شد که کمبوجیه خواهر تنی خود را هم از بین برده بود.

پیشرفت مصریان سبب موج جدیدی از پیکره نگاری توأم با احساس شهوانی در یونانیان می شود. (یونان، ۵۳۰ پ.م):

یونانیان در پیکره نگاری و تندیس سازی و نشان دادن چهره ی طبیعی وحقیقی به پیشرفت های شگرفی دست می یابند، و این نتیجه ی اقتباس و به کار بردن شیوه های تمدن های دیگر به ویژه مصریان می باشد.

این دقت ومهارت بیشتر در نتیجه ی به کارگیری فن مجسمه سازی ویژه ی یونان است، لیکن این روش یونانی در اثر عواملی تغییر یافته و جنبه ی چشمگیری به خود می گیرد که د رنظر گرفتن اندازه ها و اشکال حقیقی بدن انسان از ویژگی های آن است که از ۷۰ سال پیش رعایت می شده است.

از عواملی که در این روش مؤثر بوده : یکی به کار بردن آهن مناسب و طرز تراش مرمر و ریزه کاری های آن ودر نظر گرفتن ابعاد تشریحی بدن به شکل انسان کامل و بدون نقص است که بیشتر پیکرتراشان آن را در نظر داشته اند. دیگری حالت تبسم و نشان دادن آرامش چهره از ویژگی های ثابت تندیس است که بیشتر در زمان دفن فرد، حالت مناسب به او بدهد و صورت درگذشته حالت مشمئز کننده نداشته باشد. در این هنگام شکل وترکیب تندیس ها به طور کلی تغییر می کند و به ویژه پیکره ی مردان جوان (کوروس Kouros) را لخت و برهنه به نمایش می گذارد چون می باید هماهنگی اندام ها و تناسب بین اعضای بدن رعایت شود، بدین جهت روش ۷۰ سال قبل دچار دگرگونی می شود، در این حال دو دست در طرفین بدن به حالت

آتن ۳۰۵ پیش از میلاد

اپیکور(Epicurus) فیلسوف یونانی که عقیده داشت، شادی آفرینی در مردم جزو بهترین نیکی هاست، مدرسه یی درآتن تأسیس نمود.

رودس (Rhodes) ۳۰۵ پیش از میلاد

با دفاع جانانه یی که مردم رودس و دیمتریوس در مقابل پتولمی حاکم مصر انجام دادند، محاصره این جزیره شکست خورد، او سعی داشت استقلال جزایر حفظ شود و به مقصود خود رسید، به خاطر این پیروزی مردم رودس اورا ناجی و نجات دهنده لقب دادند.

هندوستان ۳۰۲ پیش از میلاد

چاندراگوپتا مؤسس سلسله مائوریان درهند، پیمان صلحی با سلوکوس (Seleucus) ژنرال پیشین مقدونی وحاکم فعلی بابل امضا کرد.

آسیای صغیر ۳۰۱ پیش از میلاد

آنتی گون یک چشم در پیکاری در ایپسوس (Ipsus) واقع در فریگیه (Phrygia) به قتل رسید، درحالی که او معتقد بود متصرفات اسکندر پس از مرگ او باید بین جانشینانش به وضع جدیدی تقسیم شود، به این ترتیب : کاساندر حاکم مقدونیه باقی بماند . لیزیماکوس (Lysimachus) فرماندار تراس و آسیای کوچک تا کوههای تائوروس (Taurus) (آناتولی) . سلوکوس فرماندار تنها شمال سوریه و بخش جنوبی آن نصیب پتولمی حاکم مصر وبالاخره بخش آسیای صغیر، یونان، سیکلاد (Cyclades) و فنیقیه جزو حاکمیت دیمتریوس قرار بگیرد.

ایتالیا ۲۹۵ پیش از میلاد

در سومین جنگ که از سه سال پیش با سامنیت ها (Samnite) آغاز شده اکنون در حال گسترش بود، رومیها شکست بزرگی به سپاهیان مشترک گل وسامنیت وارد کردند این جنگ در ناحیه سنتینوم (Sentinum) آغاز شده بود. آنان سپس به اتروسک ها فشار آوردند که صلح را بپذیرند.

مقدونیه ۲۹۴ پیش از میلاد

دمتریوس پولیورست (Demetrius Poliorcetes) به پادشاهی مقدونیه دست یافت. از کارهای وی، شرکت در قتل کاساندر بود که با مساعی او در سال ۲۹۷ پیش از میلاد صورت گرفت.

پرو ۲۹۰ پیش از میلاد

تمدن وفرهنگ شاوین (Chavin) که ۱۵۰۰ سال در کشور پرو قدمت داشت رو به اضمحلال ونابودی رفت.

یونان ۲۹۰ پیش از میلاد

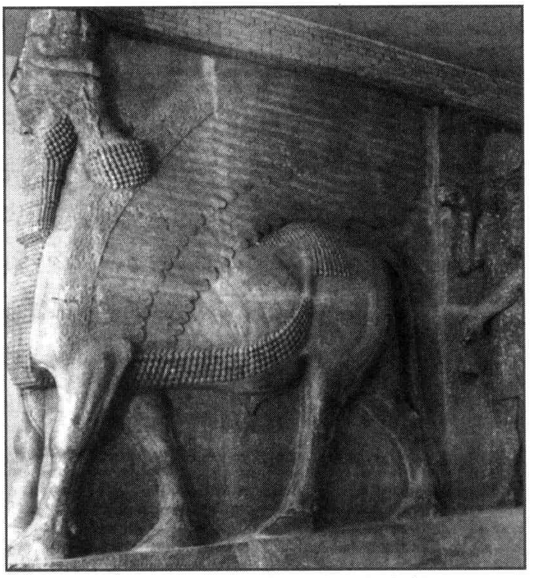
اوهه مروس (Euhemerus) بذر علم الهیات جدید را کاشت. او بحث خدایان ابدی وهدایت کننده ستارگان را پیش کشید. او خدایان کوه اولمپ (olymp) که نسلها در باور مردم ریشه دوانده بود رادر حقیقت ساخته افکارانسانی می دانست و خدایان را واسطه امیال بشری پنداشت. برحسب نظریه اوهه مروس خدایان جهت پیشبرد سیاست شاهان وسیاستمداران به وجود آمده ویونانی گری که یونان را سرآمد کشورها می داند خدایان را ساخته و این شیوه اعمال نفوذ مردان سیاست برای پیشبرد اهداف آنهاست.

افتاده رو به پایین و چسبیده به بدن و یک پا جلوتر از پای دیگر مجسمه قرار دارد. اما هیکل زنان (کور Kore) را بیشتر با لباسی نازک که کمی هم حالت جنسی و جاذبه زنان را نشان می دهد و درضمن اصالت مؤنث بودن آن آشکار می باشد. در این وضعیت پیکره ی زنان بیشتر جذابیت جنسی وشهوانی نسبت به تندیس مردان دارد و به طور کامل احساسات زنانه جنس خود را به نمایش می گذارد.

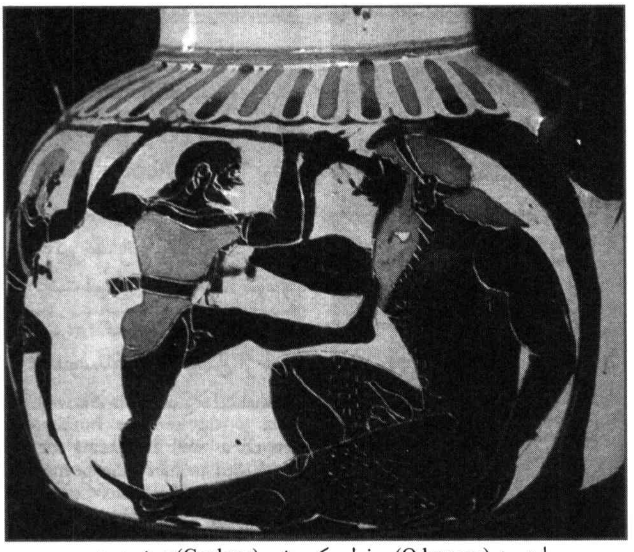
شورش رومیان به سبب فرار حکمران شهر (رم، ۵۱۰ پ.م):

مردم روم به سبب هتک حرمت و عصمت همسر یک افسر به وسیله ی یکی از هم قطاران خود، اجتماعات اعتراض آمیز تشکیل می دهند. هفتمین حکمران شهر روم به نام تارکین یوس سوپربوس (Tarquinius Superbus) از شهر فرار کرد و این جریان را به طور رسمی اعلام کردند. این حکایت برمی گردد به جریان غم انگیزی که در دلف حادث شد، ندیم و همراز شاه به نام لوسیوس جونیوس بروتوس که برادرزاده ی پادشاه بود، روزی از یک جریان معجزه مانند سخن گفت. او از همسر خود بیمناک بود و طوری وانمود کرده بود که در دربار آدم احمقی جلوه کند، شاه هم از این جریان سوء استفاده کرده وهمه چیز اورا تصرف کرده بود.

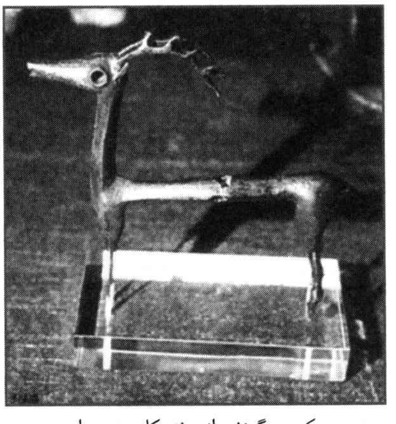
در جریان جلسه یی که افسران در حال خوردن شراب و مستی بودند، یکی از افسران گفت که بهترین و پرهیزکارترین همسر را چگونه می توان شناخت. آنان به سوی روم شتافتند، جایی که بتوانند پرهیزکارترین همسر را بیابند، در حین راه به کولاسیا (Collatia) رسیدند، محلی که لوکرسیا (Lucretia) همسر تارکی نیوس کولاتینوس (Tarqinius Collatinus) می دانست که همسرش با خادمه او در آن جا هستند و کلفت تارکی نیوس مشغول رشتن پشم بود لوکرسیا در این بازی خود را برنده می دانست. پس از این موضوع شبی یکی از افسران به نام سکستوس تارکی نیوس (Sextus Tarqinius) که پسر شاه بود، با یک برده به لوکرسیا رسید و می خواست در آن جا شام خورده و با لوکرسیا هم بستر شود.



نقش حیوان افسانه‌یی که پاسدار دروازه‌ی قصر سارگون دوم در خورس‌آباد (Khorsabad) بوده است.



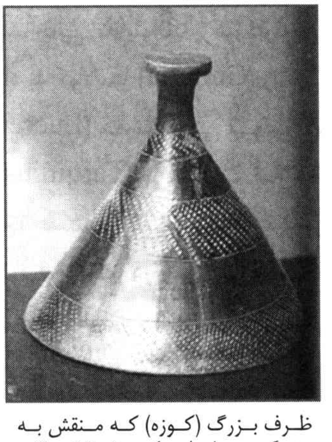
اودیسه (Odysseus) و غول یک چشم (Cyclops) در نبرد جزیره‌ی پلی فموس (Polyphemus).



پیکره‌ی گوزنی از برنز، کار هنرمندان تراس (Thracians) مقدونیه.



تنگی از گرافیت (Graphite)، کار اقوام کوش (Kush).



ظرف بزرگ (کوزه) که منقش به جنگ‌جویان اسکیت (Scythian) و سواران مبارز آن‌ها می‌باشد.



سنگ نگاره‌یی از تیراندازان و فلاخن‌داران آشور که بر دیوار قصر سناخریب (Sennachrib) در نینوا (Nineveh) نقش شده است.

اسکندریه ۲۹۰ پیش از میلاد

اوکلید (Euclid) ریاضی دان در زمره علوم پایه، برای هندسه جایگاه ویژه قائل شد.

اسکندریه ۲۹۰ پیش از میلاد

پتولمی موزه یی در اسکندریه تأسیس کرد و به دانش پژوهان وطالبان علم که علاقه به دانستن مطالب علمی داشتند، تقدیم کرد که نیازی به خارج نداشته باشند و حتی دانشمندان سایر کشورها برای فراگرفتن دانش به آن مراجعه کنند.

رم ۲۸۷ پیش از میلاد

هورتنسیوس(Hortensius) قانوندان عقیده داشت که شهروندان معمولی رومی باید قانون پابرجایی برای اعمال قدرت ملی داشته باشند و بتوانند تصمیمات خود را اعمال کنند.

چین ۲۸۷ پیش از میلاد

دولت چین برای جلوگیری از هجوم وحشیان شمالی وتخریب کشور شروع به ساختن دیوار بزرگ می کند ساخت این دیوار یکی از کارهای عظیم محسوب می شود.

مصر ۲۸۵ پیش از میلاد

پتولمی که پس از مرگ اسکندر به حکمرانی سرزمین مصر منصوب شده بود و یکی از ثروتمندترین بخش های امپراتوری به حساب می آمد، به نفع پسر خود از سلطنت کناره گیری کرد. در زمان سلطنت پتولمی کشور مصر به توسعه ارضی رسید و بخش هایی از سرزمین های اطراف به کشور ضمیمه شد، وی به مهاجرت یونانیان به پایتخت وشهر اسکندریه وترویج فرهنگ یونانی کمک های بسیاری کرد واین جریان گسترش تجارت را نیز به همراه داشت.

اسکندریه ۲۸۵ پیش از میلاد

یکی ازاهالی شهر کنیدوس (Cnidus) به نام سوستراتس (Sostratus) اقدام به ساختن فانوس دریایی در اسکندریه کرد، او با خاکریز بلندی در بخش خشکی جزیره فاروس (Pharos) جایگاهی برای برپایی فانوس ایجاد کرد.این خاکریز در سه طبقه و به ارتفاع ۱۰۰ متر بود. برقله این بلندی آینه یی قرار داشت که نور شعله های برخاسته از آتش حاصل از سوختن چوب را منعکس می کرد. این فانوس دریایی علامت و نشانه یی برای کشتی های عبوری از این بخش دریای مدیترانه بود.

مصر ۲۸۳ پیش از میلاد

پتولمی دوم به احترام درگذشت پدرش پتولمی اول شروع به ساختن جایگاه ورزشی المپیک (Olympic) به سبک یونانی در مصر کرد که مورد تکریم یونانیان قرار گرفت.

ایتالیا ۲۸۳ پیش از میلاد

درارتباط با اعدام گروهی از سپاهیان رومی درزیردیوارهای آرسیوم (Arretium) (ارتزو – Arrezzo) که دو سال پیش صورت گرفت، رومیان تعدادی از مردم گالیک (Gallic) را به طور پراکنده قتل عام کردند که آثار آن در ناحیه سنون (Senones) باقیمانده است.

هنگامی که اتاق آماده شد، تارکی نیوس، لوکرسیا را بیدار کرده به او گفت، خنجر در دست من است و تو می توانی با یک صدای بلند آن را به کار برده و بمیری. او از کشتن لوکرسیا بیم داشت و کلفت او هم فکر می کرد که لوکرسیا در جوانی نابود خواهد شد. لوکرسیا به اجبار تسلیم شد، زمانی که شوهر او مراجعت می کند، لوکرسیا را با بروتوس (Brutus) به حالت ژولیده مشاهده می کند، کارد را به سوی او پرتاب می کند، او خود را گناهکار می داند، سپس کارد را برداشته، درحالی که این کلمات را تکرار می کرد من به سهم خود از گناهانم پاک شدم، کارد را در سینه ی خود فرو برد.

پس بروتوس به سوی لوکرسیا پرید و کارد را از سینه ی او خارج کرده و به سوی سکتوس و خانواده ی او حمله ور شد. آن ها هم هیچ گاه از قدرت خود برعلیه بروتوس استفاده نکردند وپس از آن شهر روم با بنیان گذاران آن رومولوس (Romulus) ورموس (Remus) به آرامش رسیدند. با به نمایش گذاشتن جسد لوکرسیا درمرکز و بازار شهر، مردم روم دست به شورش زدند.

پادشاهان سلت (Celt) طلا وبرنزی را که به عنوان خراج دریافت می کردند به اسراف در هنگام دفن به کار می بردند. (اروپا، ۵۲۰ پ.م):

سران قبایل سلت در روی تپه های سراسر اروپا، کاخ های باشکوه بنا می کنند. آن ها ثروتی را که از راه تصاحب دارایی دیگران به دست آمده بود به شکل طلا وبرنز درگور همراه مرده دفن می کردند. بر طبق رسم یونانیان منطقه ویکس (Vix) با شاهزاده یا شاهزاده خانم ناشناخته یی که دفن شده بود وسایلی در گور او پیدا شد که نمونه یی از ساخته های هنری بسیار عالی وآن اسکلتی بود که حدود ۱/۵ متر قد داشت با گردن بندی ویژه ی جنگجویان وکلاهی بر سر در حالی که یک تندیس عروسکی در دست وی بود که نشانه ی یک زن جوان است با نیمتاجی از طلا.

درعصر یونانیان دیگ های بزرگی (پاتیل) از برنز و در اتروسک های سرزمین ایتالیا ظروفی سفالی یا برنزی و در آتن فنجان هایی زیبا که نشانه یی از ثروت آنها بوده پیدا شد درمقبره های سران اقوام سلت که از بوهم

(Bohemia) تـا بورگانـدی (Burgundi) را در تـصرف داشتند سنگ های حکاکی شده به کار رفته است.

این ها قسمت هایی از وسایل نیروی نظامی سلتی است که کنترل راه های بازرگانی بین اروپا ومدیترانه را در اختیار داشتند و برای حفاظت ونگهداری این راه ها در نقاط استراتژیک استحکاماتی به وجود آورده بودند.

آن ها برای زیبایی دسته ی خنجر و شمشیر از فلز قلع و کهربا بهره می بردنـد. یونانیـان و اتروسـک هـا هـم چنـین کالاهای لوکس به شمال صادر مـی کردنـد کـه هنرمندانـه روی آن کار شده بود و نیز شـراب هـای عـالی کـه در ایـن ناحیه از اروپا تولید می شد جهت مصرف سلت هـا فرسـتاده می شد که نشان از ثروت قابل ملاحظه ی اقوام سلت بـوده است.

در آتن قدرت به دست مردم می افتد. (آتن، ۵۰۷ پ.م):

کلیـستن (Cleisthenes) یکـی از اشـراف آتـن سـال گذشته به یکی از طرفداران اولیه مردم سالاری در مـی آیـد که رقیبانی هم پیدا می کنـد، ایزاگـوراس (Isagoras) هـم سوار بـر مـوج طرفـداران از دموکراسـی کـه در ایـن زمـان درجریان است، شده وآن را به اقصی نقاط گسترش می دهد، بالاخره این گونه اصلاحات که در جهت قدرت مردمی انجام می شود، تقویت شده و پایه های آن استوار می گردد.

آنها نقاط شهرنشین را که بـه نـام دِم (Deme) نامیـده می شد و شامل یک روستا یـا بخـشی از آتـن مـی گردیـد، مبنای این اصلاحات قرار می دهند. ایـن واحـد اجتمـاعی از گروهی تشکیل می شود که به آن تریتیس (Trittyes) می گویند کـه هـر کـدام از فیلایـی (Phylai) جدیـد یـا قـوم متشکل می گردید که جایگزین تقسیم بنـدی چهـارگروهی سابق می شد.

در این جا هرگروهی ۵۰ نفـر را انتخـاب مـی کنـد کـه نماینده ی تعداد زیادی از مردم بودند و ایـن نماینـدگان بـه مجلس فرستاده می شدند،به این معنی که تمـام شـهروندان آتنی اعم از ثروتمندترین تا فقیرترین آنها نماینـدگان خـودرا معرفی می کردند وهمه مردم از نظرقانون مساوی بودند. بـه هر صورت این اندیشه ایجاد شد که کلیستن هواخواه حقیقی مردم وحقوق آنهاست و تساوی مردم در برابر قـانون، اصـل وپایه است، در همین حال گروهی به این باور بودند که ایـن جریان اصالت و اشرافیت را به زنجیر کشیده است.

برابر اندیشه ی کلیستن برخی از خلاف کاران باید یـک سال از وطـن دور شـده ونفـی بلـد شـوند وافـراد خطرنـاک اجتماعی تا ده سال تبعید شوند. اگر شهروندی آبروی مـیهن خود را خدشه دار کند مانند تکـه سـفالی اسـت کـه بـه دور افکنده می شود. هم چنین فـردی کـه بیـشترین رأی را بـه دست آورده هم ممکن است تبعید شود.

عشق بازی بین سربازان یونانی نشانه ی جرأت و دلیری است. (آتن، ۵۱۵ پ.م):

دربسیاری از نقاط یونان هم جنس بازی به جای عـشق به جنس مخالف توسعه یافته و این نکته مثبتی است جهـت تشویق شاگردان وسربازان به محیط دسته جمعی مردانه.

همجنس بازی بیشتر حالت لواط و آمیزش بین یک مرد (اراسـتس erastes) ویـک پـسر جـوان (ارومنـوس eromenus) که سن او بین ۱۲ تا ۱۸ سال باشد انجام می شود. در بین آتنی ها این عمل به طـور عـادی بـین مـردان جوان مرسوم است. این ارتبـاط جنـسی کـه عـشق حقیقـی افلاطونی است،بین سقراط و شاگردانش برقـرار بـود وچـون فرد مفعول هم به حالت شهوانی می رسید به استمناء دسـت می زد و بدین وسیله آتش شهوت خود را فـرو مـی نـشانید. مردان جوان قاعدتاً تحت حمایت مرد مسن تر(فاعـل) قـرار داشتند که آبروی آنها نرود ودیگری به او تجـاوز نکنـد و در واقع حرم یک مرد بودند (مشابه زنان) لیکن تسلیم مرد مورد نظر بودند و در صورت تسیلم مایه ننگ ورسوائی نبودند.

درشـهرهای دوریـان (Dorian) وبـه ویـژه در اسـپارت (Sparta) عمل لواط بیشتر مورد پذیرش است واین ارتبـاط جنسی و همجنس بازی موجب دلیری درپیکـار مـی شـود و این افراد در جنگ خیلی بی رحم و شقی از آب درمی آیند.

برروی ظروف واشیاء آتیـک (آتنـی) جریـان ایـن گونـه عشق بازی ها به تصویرآمده وترسیم شـده اسـت. کـه مـرد جوان درآغوش مـرد دیگـری (کـالوس Kalos) بـه معنـی زیبایی است ومردان می توانند معشوق خود را به رسم هدیه به دولت خود اهدا کنند که البته این جریـان درخفـا صـورت می گیرد و به هر حال شامل ارتباط های همجنس است.

مصر ۲۸۳ پیش از میلاد

ترجمه کتاب مقدس از زبان عبری (Hebrew) به یونانی شروع شد. همانطور که در آن زمان گفته شد، تعداد ترجمه کنندگان ۷۰ نفر بودند.

مقدونیه ۲۸۱ پیش از میلاد

سلوکوس فاتح، دردامی که پتولمی دوم برای او نهاده بود کشته شد.سلوکوس آخرین ژنرال باقیمانده از جانشینان اسکندر بود که همیشه هم همراه وی بود، به هرحال این ژنرال پس از شکست لیزیماکوس در کوروپدیوم (Corupedium) واقع در آسیای صغیر به پادشاهی سوریه رسیده بود.

ایتالیا ۲۸۰ پیش از میلاد

پیروس (Pyrrhus) پادشاه اپیروس (Epirus) سپاهیانی برای حمایت وهمراهی ساکنان تارنتوم (Tarentum) وسایر شهرهای یونانی نشین جنوب ایتالیا که علیه روم می جنگیدند، اعزام کرد . در نبرد هراکلی (Heraclea) پیروس فیل جنگی را برای کشتن سربازان رومی فرستاد.

یونان ۲۷۹ پیش از میلاد

اهالی کوهستانی که به نام فوسی (Phocians) و اوتولی (Aetolians) شناخته شده بودند در مقابل گروه های سلتی (Celtic) قرار گرفتند، این طوایف در جنگ شمال یونان و مقدونیه اعمال وحشیانه یی انجام دادند که بالاخره در پایان جنگ در بخش شرقی از راه تراس وهلس پونت (Hellespont) جلوی پیشروی آنها گرفته شد.

ایتالیا ۲۷۲ پیش از میلاد

شهر تارنتوم (Tarentum) که سرآمد شهرهای یونانی جنوب ایتالیا به حساب می آمد سقوط کرد واین موضوع بلافاصله پس از شکست سامنیت ها حادث شد. این سقوط در پی عقب نشینی نیروهای کمکی اعزامی پیروس پادشاه اپیروس واقع شد. رومیها شهر را غارت کرده وطعم تجمل و شکوه یونانی شدن را به آنها چشاندند.

اپیروس ۲۷۲ پیش از میلاد

پیروس پادشاه اپیروس درگذشت. وی یکی از درخشان ترین استراتژیستهای جنگی و قدرتمندترین شاهزاده نشین های کوهستان بود که در زمان حیاتش بخش های منطقه را یکی پس از دیگری تحت اقتدار وکنترل مقدونیه درآورد.

آسیای کوچک ۲۷۰ پیش از میلاد

سلوکوس دوم موفق به تحت انقیاد درآوردن نیروی تازه به دوران رسیده گالیها شد و پس از حملاتی به ناحیه دلف (Delphi)، در آسیای صغیر مستقر شد.

روم ۲۶۴ پیش از میلاد

رومی ها نوع جدیدی از نمایشات خشونت زا را به صحنه می آورند وآن منازعه و پیکار گلادیاتورهاست (Gladiators) دراین نمایشها اغلب زد وخوردها به حدی می رسد که تعداد زیادی از آنها به وسیله سایرین به قتل می رسند.

مردم به تزئوس (Theseus) به عنوان پدر مردم سالاری درود و تهنیت می گویند. (آتن، ۵۰۷ پ.م):

در آتن برشهرت و آوازه ی تزئوس به عنوان عامل کشتار حیوان افسانه یی مدهش و قهرمان، هر روزه اضافه می گردد. این شاعر مشهور دراشعارش از خاطرات خود درباره ی قربانی کردن می گوید. ارتقای مهارت او نه به عنوان یک قهرمان رشد می یابد، بلکه به علت مقام پادشاهی شهر آتن و حکومت آن بوده است.

تزئوس توانست با متحد کردن ویکپارچگی آتن وشهرهای دیگر، آتن را به عنوان کانون خورشید ودرخشندگی زندگی سیاسی یونانی معرفی کند.

ابتکار او در این عمل شایسته وپیشبرد اصلاحات اساسی برپایه ی افکار کلیستن واتحاد وپیوستن شهرها باعث شد که به او لقب پدرقهرمان وموجد دموکراسی جدید بدهند.

پیکار وقتل برسر تصاحب قطعه یی از زمین (آتن، ۵۱۴ پ.م):

هیپارکوس (Hipparchus) پسر هنرمند وستمکار ونیکو سیرت، پی زیسترات(Peisistratos) درحین انجام اعمال مذهبی براثر ضربت خنجر به قتل رسید وبرادر بزرگ او به نام هیپیاس (Hippias) که در ۱۴ سال پیش برپدرش پیروز شده بود، پیکار و کشتاری بی بند وبار را علیه دشمنان آغاز کرد.

علت اصلی این امر وکشتار بیشتر جنبه ی جنسی داشت تاسیاسی. هیپارکوس دردام عشق جوانی خوش هیکل به نام هارمادیوس (Harmadius) گرفتار آمد و از او کام دل خواست، لیکن هارمادیوس تقاضای او را رد کرد، هیپارکوس چون جواب رد شنید، او را زندانی کرد، زندانی این مطلب را با مردی به نام آریستوجیتون (Aristogeiton) درمیان گذاشت. هیپارکوس که از هارمادیوس به علت این که دوبار تقاضای او را رد کرده بود کینه به دل داشت، درمکانی خواهر باکره ی او را به دام انداخت، لیکن این دختر هم به او دست نداد، چون او هم از هیپارکوس متنفر بود.

هارمادیوس از این موضوع خشمگین شد وباکمک آریستوجیتون و رفقایش در قطعه زمینی، برادران هیپارکوس

را به قتل رساندند و بدین ترتیب سلطنت از خانواده ی او متنزع شد. هیپارکوس کشته شد، لیکن آن قطعه زمین بلاصاحب ماند، هارمادیوس هم کشته شد وآریستوجیتون دستگیر وزیر شکنجه به قتل رسید. از آن زمان بسیاری از دشمنان به عنوان انتقام کشته شدند. به هرحال این اعمال زمینه را برای تقویت و به قدرت رسیدن مخالفان حکومت فراهم کرد.

طولانی ترین سفر به دور دنیا به وسیله ی کارتاژها انجام می شود. (افریقا، ۵۰۰ پ.م):

هان نو(Hanno) از اهالی کارتاژ مدعی است که بزرگترین مسافرت برای کشف دریاها وسرزمین های ناشناخته را انجام داده است. سرپرست دریانوردان کارتاژ می گوید که چگونه با سرعت توانسته است سراسر دریای مدیترانه تا سواحل اقیانوس اطلس درافریقا را به پیماید. در این داستان گرفتاری های او و ترس وتردید وی در سرزمین های دیگر ودرگیرشدن با انسان ها و موجودات شبیه انسان شرح داده می شود. به هر صورت این حکایتی است که او گفته است. هان نو می گوید، او با ۶۰ فروند کشتی برای اکتشاف وپیدا کردن شهرهای جدید برای توسعه ی بازرگانی کارتاژ عازم سفر می شود.

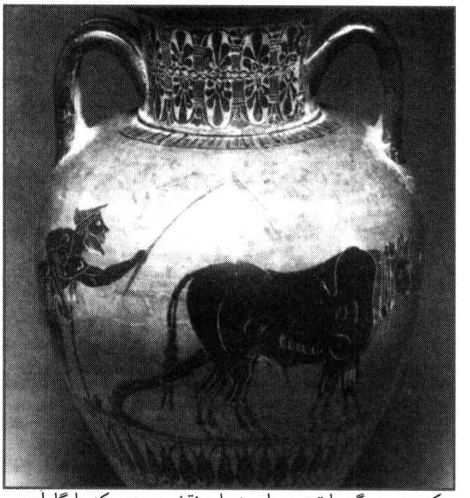
در دومین روز مسافرت و ترک دریای مدیترانه سفاین او به نخستین شهر به نام تیماتریون (Thyamtrion) در دشتی وسیع می رسند و در آنجا لنگر می اندازند. او همراهان خود را در پنج نقطه درکنار مرداب و نیزار اطراف آن جای می دهد. هنگامی که او به سرعت به دهانه ی رود وسیعی به نام لیکسوس (Lixos) می رسد، مردم چادرنشین لیکسیان (Lixian) کمک می کنند وراهنمایی کاروان آنان را به عهده می گیرند. اما هنگامی که درساحل رود عظیمی درکنار دریاچه لنگر می اندازند، به وسیله ی اسب های آبی و کروکودیل ها محاصره می شوند و نیز مردمانی وحشی که پوشش آنها از پوست حیوانات درنده بود به سوی آنها سنگ پرتاب می کنند واجازه ی ورود به آنان نمی دهند.

کارتاژها ناچار به بازگشت شده ودرهنگام مراجعت مشاهده می کنند که لیکسیان که راهنمای آنها بودند به همراهی سایر بومیان به اجرای عبادت شبانه مشغولند که این جریان وحشتی درکاروان کارتاژها به وجود می آورد که با زدن نی وطبل و صداهای فریاد ورقص دراطراف آتش توأم بوده است. درآخرین محل توقف کارتاژها به تعاقب گوریل ها می پردازند که تمام گوریل های نر فرار می کنند، لیکن دو ماده گوریل را شکار کرده وپوست آنها را برای اهالی کارتاژ به رسم سوغات می آورند.

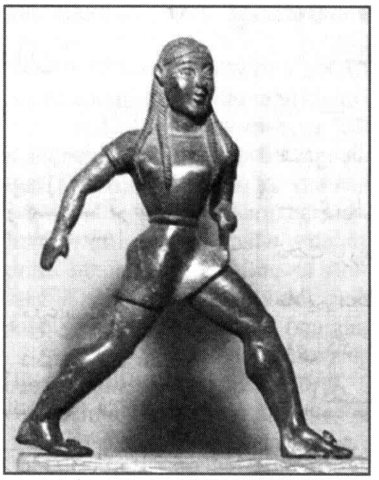
پیشرفت کار آهنگری دراجتماعات جدید افریقا (نیجریه (Nigeria)، ۵۰۰-۶۰۰ پ.م):

درمیان جنگل های غرب افریقا وبه ویژه در دره های تاروگا(Taruga) ونوک (Nok) صنعت آهن کاری به پیشرفت چشمگیر نائل شده و مردمی که از آلات و وسایل چوبی استفاده می کردند، صنایع و فن آهنگری، انقلابی در کشاورزی وزندگی آنها ایجاد کرده است فلز آهن به وسیله‌ی آهنگران سیاه به تاروگا (Taruga) آمد و به وسیله ی بومیان پذیرفته شد، لیکن بومیان عقیده داشتند که آتشی که برای ذوب آن لازم است از طرف خدایان است وقدرت اسرارآمیزی درآن وجود دارد. آهنگران برای حفظ آبروی رهبران مذهبی به تمام شیوه ها دست می آزیدند وهر مضیقه یی را که رهبران روحانی درباره ی آنها اجرا می شد تحمل می کردند تا این صنعت درجامعه جا باز کند.

ساخت آهن وذوب آن در اجتماع افریقا درمردم حالت شک و تردید به جا گذاشت، درحالی که فن تهیه ی آن اجرا می شد فرآورده های آهن درکار کشاورزی اهمیت داشت و به مردم امکان می داد که مازاد محصول غذایی داشته باشند وبه طور آشکار نشان می داد هنری فوق العاده وجاه طلبانه است که می تواند در تولید محصول و کم کردن ضایعات آن مؤثر باشد، ساخت سفال های زیبا در اشکال گوناگون در سراسر منطقه روح هنری و زیبا پسندی در مردم ایجاد می کرد. اشکال وتصاویر صورت آدمی بسیار تغییر کرده و دگرگون شده، ولی تصاویر حیوانات از قبیل، فیل، میمون و مار به صورت طبیعی و گاهی هم بر روی چوب های کنده کاری ساخته می شد. هنوز مدتی باید بگذرد که هماهنگی در بین این تصاویر به وجود بیاید و نیازمند پرداختن بهایی برای این کار است. فرم و دوخت لباس ممکن است با تزئیناتی همراه باشد، اما به طور کلی حالت متحدالشکل برای زن ومرد دارد، و طرز رفتار هم بیشتر تابع مراسم وآداب مذهبی است که باید به آن احترام



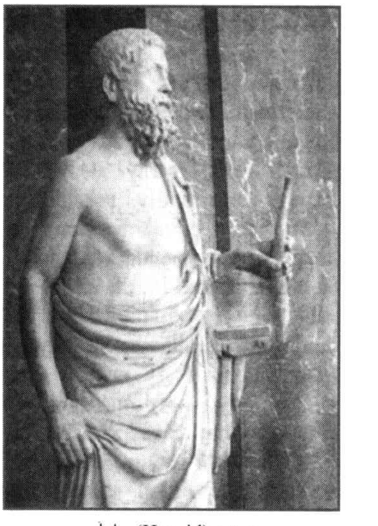
کوزه‌ی بزرگ با تزیین‌های زیبا و نقش مردی که با گاواهن زمین را شخم می‌زند مربوط به سال‌های ۶۰۰ پ.م.



تندیس یک زن ورزشکار اسپارتی. در آن زمان سیاست دولت اسپارت این بود که تمام مردان و زنان اسپارتی باید ورزش کنند تا از قدرت لازم بهره‌مند شوند.



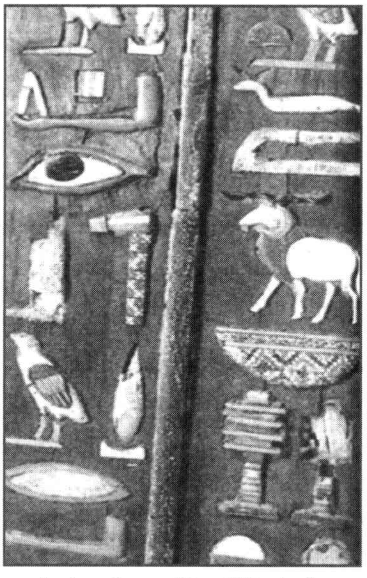
نقش موجود افسانه‌یی با سر انسان و تنه‌ی حیوان درنده از اورارتو (Urartu).



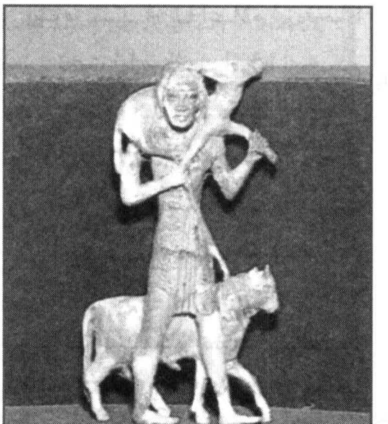
هزوئید (Hesoid) پیام‌آور روز محشر و بازجویی.



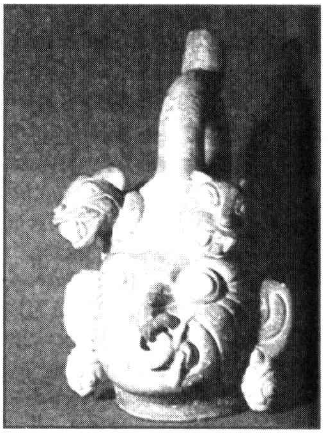
تندیس شیرهای سنگی که از تراس مقدونیه ناظر بر امنیت جزیره‌ی یونانی دلوس (Delos) هستند.



در سال‌های ۶۶۴ ـ ۵۲۵ پ. م که سلسله‌ی سائیت (Saite) بر مصر فرمانروایی داشتند، زمان اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن این سرزمین محسوب می‌شد. این تابلو هم نمونه‌یی از خط هیروگلیف آن دوران است.



مردی که حیوان قربانی را به مذبح می‌برد.



سرامیک با نقش سر انسان که در اطراف آن چند اژدها سر برآورده‌اند. نشانه‌یی از تمدن اقوام شاوین دهانتر (Chavin de Huanter) در شمال سرزمین پرو (Peru)، در منطقه‌ی کودیلرابلانکا (Cordillera Blanca) می‌باشد. شاوین‌ها مدتی در قسمت‌هایی از این سرزمین حکومت می‌کردند.



این هم پیکره‌ی سر یک زن از عاج که نشانه‌یی از هنر فنیقی است.

گذاشت و به هر حال صنعتگران وفلزکاران از نظر رسوم مذهبی در مضیقه قرار دارند.

چهره ی اتروسک ها پس از مرگ ترسیم می شود. (ایتالیا، ۵۰۰ پ.م):

مقبره های اتروسک ها شاهد بر این مدعاست که آنها سخت زندگی پس از مرگ و روح را باور داشتند. آنها عقیده داشتند که مرگ و ورود انسان به گور مانند بالا رفتن از کوه می باشد و انسان مرده به تمام وسایل زندگی برای راحتی نیاز دارد که در دسترس او پس از این دنیا باشد. تفاوتی که در باور آنها با مصریان ویونانیان است این که آنان باید وسایل وخوراکی ها را در اختیار داشته باشند، لیکن اتروسک ها به تصاویر آن بسنده می کردند و برای این کار کافی بود نقش آنها مثل پرنده وگیاهان مجاور مرده باشد، چون به عقیده ی آنها در دنیای دیگر همانطور که روح انسان به او زندگی می بخشد، این تصاویر هم جاندار خواهند شد و تصویر ونقش آنها در گور انسان کافی است.

سوزاندن مردگان در نزد اتروسک ها امری عادی بود، چون آنها عقیده داشتند با سوزاندن جسد، روح هر چه زودتر آزاد شده و به عالم علوی و بهشت جاودانی خواهد شتافت و از قید وزنجیر بدن رهایی می یابد.

به هر صورت بهتراست خاکستر مرده را در محفظه یی که شباهت به خانه دارد یا در گلدانی ریخته و تصویر متوفا را بر روی آن ترسیم کنند، جهت معرفی شخص وی برای بازگشت مجدد روح فوت شده، به این صورت تفکر و اندیشه پایه ی ساکنان کرانه های دریای مدیترانه راجع به روح و رجعت آن مشخص می شود.

یونانیان برضد حاکمان ایرانی دست به شورش می زنند. (یونان، ۵۰۰ پ.م):

یونانیان سال ها تحت سلطه وسیطره ی دولت مقتدر ایرانی به رهبری داریوش بودند و اغلب درگیر زد وخوردهای نابرابر می شدند. شهرهای ثروتمند آسیای کوچک (آناتولی) از این جریان رنج می بردند و ثروت آنها به غارت می رفت، همین طور شهرهای خودمختار یونان پیوسته در اندیشه ی استقلال بودند، درحالی که جوانه های مردم سالاری رشد می کرد و در شر ق منطقه به ثمر می رسید.

در زمانی که شیوه فرمانروایی ایران بر این قرار داشت که آسیای کوچک را از نسل یونانی پاک کند، آنها از به خطر افتادن واز هم گسیختگی بنیان تجارت خود که مدتهای مدیدی با مصر برقرار بود گله می کردند، لیکن همه چیز تحت بررسی وکنترل حکومت ایران بود و یک حالت استبداد ملایم محلی در آنجا برقرار بود. تمام این تغییرات هنگامی روی داد که در شهر میلت (Miletus) نظام استبدادی در پی دستگیری هیستیائوس (Histiaeus) به وسیله ی داریوش درشهر شوش برقرار شد. آریستاگوراس (Aristagoras) عموی هیستیائوس عازم شهر میلت شد، او حامل پیشنهادی بود که با اتحاد شهرهای یونانی، نیروی نظامی این اتحادیه شهر ناکسوس (Naxos) وسایر جزایر دریای اژه را تصرف کنند وایران هم این اتحادیه را به رسمیت بشناسد.

همان طور که گفته شد ایران با این موضوع موافقت کرد، اما جنگی خونین بین نیروی دریایی ایران و نیروی آریستاگوراس درگرفت، نیتجه ی این درگیری انهدام و شکست لشگریان آریستاگوراس بود، به طوری که موقعیت وی دچار تزلزل شد. درست در این هنگام برده یی از شوش وارد شد که سر او را تراشیده و پیامی بر روی پوست او نوشته بودند. این پیام از هیستیائوس به آریستاگوراس بود که از عموی خود خواسته بود که به محض دریافت پیام طبل ها را بنوازید و بر علیه ایرانیان انقلاب کنید.

برای پیروزی انقلاب لازم است که همه مردم از آن پشتیبانی کنند. آریستاگوراس با انتشار این پیام به همه ی شهرها اطراف شهر میلت، شورش عمومی ایجاد کرد و بر استبداد حکام ایرانی پیروز شد. او با اعلام ایزونومیا (Isonomia) که به معنی تحت لوای قانون است، از مردم خواست که انقلاب را از مسیر قانون منحرف نکنند.

او سپس از کلئومنس (Cleomenes) پادشاه اسپارت درخواست کمک کرد، وی نشان برنز ونقشه ی مسیر حرکت را به او داد، شاه اسپارت پرسید، طی این مسیر چه مدت به درازا خواهد کشید، آریستاگوراس جواب داد سه ماه، پادشاه محیل ومودی اسپارت نقشه را پسندید. او بسیار خرسند بود از این که آتنی ها به یاری او نیاز دارند و سپس گفت که ۲۰ مرد جنگی را برای این کار آماده خواهد کرد، بدین ترتیب آریستاگوراس نخستین طغیان برعلیه استبداد ایرانیان را

آسیای صغیر ۲۶۲ پیش از میلاد

در پی پیروزی ارتش سلوکی، اومنس (Eumenese) برادرزاده فیله تاروس (Philetaeros) که پرگاموم (Pergamum) را از اقوام گل نجات داده بود، این سرزمین را مستقل اعلام کرد وچهارمین حکومت پادشاهی درآسیای کوچک را تشکیل داد.

آتن ۲۶۲ پیش از میلاد

آنتی گونوس گوناتاس (Antigonus Gonatas) فرماندار مقدونیه اقتدار خود را برای گسترش سرزمین های تحت اشغال به کار می برد وبخش مهمی از آن را پس ازمدتی محاصره به تصرف درمی آورد. حدود ۵ سال پیش آنتی گون شورش پادگان مقدونی درآتن را خاموش کرد . شورش های دیگری از ائتلاف نیروهای اسپارت، آرکادی ها (Arcadians) وآکایی ها (Achaeans) به وسیله یونانیان به وقوع پیوست.

سیسیل ۲۶۰ پیش از میلاد

روم نخستین پیروزی را در جنگ دریایی با کارتاژ به دست آورد. در این پیکار که درمیله (Mylae) راونس (Ravens) صورت گرفت، طرفین با قلاب کردن ناوهای جنگی به یکدیگر به صورت تن به تن و تماس مستقیم با دشمن و اتصال کشتی ها به هم صحنه نبرد را وسیع تر کرده بودند.

اسکندریه ۲۶۰ پیش از میلاد

کالیماخوس (Callimachus) شاعر یونانی، افسانه های مربوط به الهیات وخدایان را به طور روشن مورد بررسی قرارداده و اساس تفکر انسانی را تغییر داد وبه پیشرفت هایی در این زمینه نایل آمد.

سوریه ۲۵۴ پیش از میلاد

با ازدواج بین آنتیوخوس (Antiochus) دوم با دختر پتولمی دوم به نام برنیس (Berenice) به جنگ های بین طرفین که مدت ۶ سال ادامه داشت، پایان داده می شد.

سوریه ۲۴۷ پیش از میلاد

با مرگ آنتیوخوس دوم، نقار وکدورت بین برنیس زوجه او و لائودیس (Laodice) ملکه که مادر شوهر او بود آشکار شد. پتولمی سوم با همدستی خواهر خود نیرویی برای تصرف شهر آنتیوخ (Antioch) (انطاکیه) تجهیز واعزام کرد.

چین ۲۴۳ پیش از میلاد

شاهزاده شنگ (Zheng) (چی هونگ تی – Chi Hung –ti) به پادشاهی چین (کین) دست یافت.

یونان ۲۴۳ پیش از میلاد

آراتوس (Aratus) یکی از پارتیزانهای سیکیون (Sicyon) طی پیمان آکایی (Achaean) دو بندر آکروکورینت (Acrocorinth) و مقدونیه را تصرف کرد و پلوپونز (Peloponnese) را از تسلط مقدونیها، آزاد وبه استقلال رسانید. این پیمان که در نتیجه تصرف آکروکورینت درسال ۲۵۴ پیش از میلاد به وسیله آنتی گون صورت گرفته بود، بسته شد، آکروکورینت درمنطقه کوهستانی و قلل آکروپولیس واقع شده است.

رهبری کرد و با پیشبرد این مقصد، قهرمان مقاومت و رهبر قیام یونان بر علیه ایران به حساب آمد.

اسطوره های یونان برای نخستین بار به نوشتار درمی آید. (میلت، یونان، ۵۰۰ پ.م):

برای نخستین بار اساطیر یونانی کتابت می شود، لیکن طرفه آن است که این نوشتارها به وسیله ی هکاتئوس (Hecataeus) میلتی انکار وتکذیب شد.

دراین شجره نامه وفهرست، وی تمام حکایات و رویدادها را برحسب زمان وقوع، دسته بندی کرده که از دوکالیون (Deucalion) اولین مردی که داستان زندگی هرکول قهرمان یونانی را از کودکی شرح می دهد شروع می شود.

اضافه براین که چه چیز واز چه راهی در زندگی انسان مؤثر وکانون حقیقت است وچه مواردی متناقض وکدام مورد سد راه انسان و مشکل ساز است باز عنصری هستند که انسان باید از آنها دوری کرده و تبری جوید واختیار و قضا و قدر چیست وانسان عاقل وسالم چگونه باید زیست کند.

هم چنین نوشته شده یا در این مورد نگاشته اند که این اسطوره های قدیمی قابل نقد وشرح وتفسیر می باشد که موارد صحت وسقم آن مشخص شود. هکاتئوس بیشتر نظریه ی انتقاد آمیز خود را به ویژه درباره ی سفر به دور دنیا معطوف می دارد ودر یک مناظره درباره ی مردم وسرزمین شرق دریای مدیترانه اظهار می دارد، هم چنان که گل وگیاه هر محل ومکان با سایر نقاط متفاوت است، عقاید و نظریات مردم جاهای مختلف درباره ی موضوع های گوناگون برحسب نژاد و موقعیت مکانی آنها هم اختلاف دارد.

اکنون مردم می توانند بر روی تاریخ بشریت مطالعه کنند. این مطالعات می تواند درباره ی محیط زندگی انسان ها و کیفیت ظاهری افراد و نیز زندگی خصوصی جوامع بشری وگوناگونی آن، تربیت وپرورش فکری وجسمی وطرز تغذیه وهمین طور طبقات اجتماعی مانند اشرافی گری ونزاع و جدال بین گروه های سیاسی و صلح وآرامش برطبق نظریه ی هکاتئوس باشد.

زئوس، آپولو و آفرودیت دیدگاهی زمینی بر روی انسان از فراز کوه المپ دارند. (یونان، ۵۰۰ پ.م):

به باور دینی یونانیان خدایان زیادی در زندگی و در نتیجه تمام مراحل حیات بشر وکائنات دخالت دارند. این خدایان دارای صفات انسانی، طرزرفتار، کینه، عداوت هستند، لیکن فناناپذیرند و برحسب تفاوت های اصلی که دارند، سزاوار پرستش هستند، هومر وسایر نویسندگان یونانی برای خدایان حالات متفاوتی قائلند.

آنها در قله ی کوه اولمپ که بلندترین نقطه ی یونان است جای دارند، زئوس (Zeus) پدر خدایان وآدمیان است. همسرزئوس وخواهر او هرا (Hera) نگهبان زنان وازدواج آنها هستند. پسران ودختران زئوس عبارتند از آپولو (Apollo)، خدای خورشید، موسیقی، غیب گوئی و فالگیری است، دختران دوقلوی او آرتمیس (Artemis)، الهه ی شکار وخالق ماه وزیبایی است، آفرودیت (Aphrodite) الهه ی امور جنسی وعشق، هرمس (Hermes) خدای مسافرت وسفرکنندگان، وآرس (Ares) خدای جنگجویان. اما حیرت انگیزترین آنها آتنای (Athena) باکره است که مادری نداشته و از سر زئوس به دنیا آمده، وی خدای هوش وذکاوت وپشتیبان هنرمندان وصنعتگران است.

خدایان نسبت به وظیفه ی خود، هرکدام کاری انجام می دهند. هرمس حامل پیام های آسمانی و انتقال ارواح به سوی هادس (Hades) است (که در زیرزمین جای دارد.)

همه ی آنها جایگاه مقدس دارند و انسان های مؤمن و وظیفه شناس و وفادار برای آنها قربانی می کنند. خدایان می توانند ریاکاری آدمیان را برای قربانی تشخیص دهند و در کارهای دنیایی آدمیان مداخله کنند و برحب طینت و نوع کار آنان کیفر و مجازات دهند و یابه آنها مساعدت نمایند که این اعمال به صورت معجزه انجام می شود. زئوس دوست دارد که زنان را بفریبد و هرکدام را بخواهد مقام نیمه خدایی می دهد، مانند هرکول که نیمه خدا شد و فرزند آلکمن (Alcmene) بود.

خدایان از خوراک ها و نوشابه های بهشتی که عمر جاودان می بخشد تغذیه می کنند و تا ابد جوان خواهند ماند. زمانی که بین زئوس و خدایان دیگر نزاع درمی گیرد، وی فوراً توفان وسیل می فرستد وصاعقه و رعد ایجاد می کند که خدایان دیگر مرعوب شوند.

شورش رومیان برعلیه نظام اشرافی (رم، ۴۹۴ پ.م):

آینده ی جمهوری روم بر لبه ی تیز تیغ قرار دارد، در این زمان ۹۰ درصد جمعیت شهرنشین روم با ساختن سنگرهایی بر روی تپه های آونتین (Aventine) در خارج شهر، برای براندازی سیستم حکومت به پا خاسته اند.

توده ی مردم برعلیه حالت تعادلی که ادعا می شود به اعتراض برخاسته، وآرای خود را که برای بهبود وضع داده بودند به چالش درآورده و می گویند چگونه هر روزه قدرت حاکمان افزایش می یابد. این حالت دشمنانه ی مردم از زمان سقوط پادشاهان اتروسک شروع شده، چون تمام هم آنان مصروف نگهداری موقعیت وثروت خود بود، و این حالت که خود را یگانه قدرت روم می دانستند و باید از پایگاه خود دفاع کنند، به ویژه اعضای مجلس سنای روم که خود را موکل و قیم مردم قلمداد می کردند، سبب شد گروه کوچکی از طبقه ی دوم ساکنان روم، پشتیبان ثروت آنها شوند.

نجبا واشراف، صاحب دارایی و ثروت سرشاری بودند که بیشتر از غنایم جنگ های خارج به دست آورده بودند و این ثروت به طور مرتب افزایش می یافت و توده ی مردم می خواستند مطالبات خود را هر چه بیشتر و با صدای رسا به گوش همگان برسانند و دولتی قوی برای برآوردن این تقاضاها تشکیل دهند.

آنان می گفتند که وام های آنها به اندازه یی رسیده که همگان به حالت برده درآمده اند و چون دیگر وثیقه یی برای گرو گذاشتن ندارند، نمی توانند قروض خود را بپردازند، به ناچار بایستی جسم وبدن خود را به رهن گذارند، چون مرتباً و هر روزه فشار برای تأدیه ی وام ها افزایش می یابد، بالاخره این اعتراض ها انباشته شده واکنون به پاسخ نیاز است.

در تپه ی آونیتن (Aventine) توده ی مردم هم قسم شده که همگی در مقام دفاع برآیند و از همدیگر حمایت کنند. آنان برای این امر مسلح شدند که در پیکار شرکت جویند. پس از این جریان، نماینده ی مردم به نام آگریپا (Agrippa) در طی نطقی تمام خواسته ها و آرای عمومی را بیان داشت که مردم برای حفظ منافع خود در برابر فشار روزافزون نجبا واشراف ایستادگی کرده و از خود دفاع خواهند کرد.

پیندار (Pindar) شاعر یونانی در مدح وثنای برنده بازی ها می گوید. (یونان، ۴۹۰ پ.م):

رم ۲۴۰ پیش از میلاد
در این زمان که بازی های رومی جنبه رسمی به خود گرفته بود، شاعری به نام لیویوس اندرونیکوس (Livius Andronicus) نمایشنامه هایی به صورت تراژدی و کمدی به صحنه آورد که یکی از آنها اسب تروآ (Trojan) وآشیل (Achilles) بود واین می رساند که افسانه های یونانی چقدر در زندگی رومی ها تأثیرگذار ومهم بوده است.

مدیترانه ۲۳۸ پیش از میلاد
درهنگامی که کارتاژ سرگرم خواباندن شورش مزدوران ماتو (Matho) واسپندیوس (Spendius) بود، رم حضور خود را در جزایر ساردنی (Sardinia) وکورس (کورسیکا – Corsica) نشان داد.

آسیای کوچک ۲۳۷ پیش از میلاد
آنتیوخوس مقدس که پادشاه قسمتی از آسیای صغیر بود به طمع تسخیر پرگاموم پیمان اتحادی با راهزنان گالاتیا (Galatia) که قدرت به دست آورده وحکومتی تشکیل داده بودند، بست.

کارتاژ ۲۳۷ پیش از میلاد
پس از پایان دادن به شورش مزدوران به وسیله هان نوی (Hanno) کبیر، سپاهیان ژنرال کارتاژی به نام هامیلکار (Hamilcar) درجزیره سیسیل از نیروهای روم شکست خوردند و درساحل اسپانیا مستقر شدند.

یونان ۲۳۵ پیش از میلاد
جنگ بین دمتریوس دوم مقدونی و ائتلاف اوتولیها (Aetolian) و آکائیها بدون نتیجه قطعی پایان یافت . این جریان بلافاصله پس از دست یافتن دیمتریوس دوم به پادشاهی صورت گرفت.

آتن ۲۳۲ پیش از میلاد
کریسیپوس (Chrysippus) اهل سولی (Soli) واقع درقبرس به جای کلینتس (Cleanthes) به عنوان سرپرست مدرسه رواقیون انتخاب شد.

یونان ۲۲۹ پیش از میلاد
آنتیگون سوم به مجرد رسیدن به پادشاهی، با شورش شهرهای یونانی مواجه شد. آتنی ها،تسالی ها (Thessalians) وآکایی ها (Achaeans) همگی درراه رسیدن به آزادی و خارج شدن از قیمومیت مقدونیها به پا خاستند.

یونان ۲۲۸ پیش از میلاد
آنتیگون سوم دوزون(Doson) برشورشیان اوتولی وتسالی فایق آمد، اما آکایی ها با مقدونیان پیمانی بستند که سبب اقتدارآنها شد، در همین هنگام آتنی ها از پادگان مقدونیها درپیرائوس (Peraeus) خارج شدند.

یونان ۲۲۵ پیش از میلاد
اسپارتها که مایل به سرپرستی و کنترل آکایی ها بودند، با میانجیگری بین شهرهای مقدونی ویونانی و اعمال قدرت آراتوس سیکیونی (Aratus Sicyon) که یکی از پارتیزانهای مقدونی بود از این عمل دست کشید چون با کمک آنها نتوانست خواسته خود راعملی کند.

در بازی های ورزشی، ورزشکاران میزبان در اثر استعداد فوق العاده به رکوردهای نوینی دست می یابند و در این باره پیندار شاعری از مردم تب (Theb) در اشعار خود به تمجید از آنها می پردازد و می گوید تلاش آنها در ورزش بسیار سرور انگیزوسعی وکوشش ورزشکاران فنا ناپذیراست.

درسراسر دوران زندگی، پیندار چهار فستیوال (اعمال) ورزشی را دنبال می کند و عقاید برندگان وفاتحان ورزشکار را جویا می شود، او درباره ی پیتیان ها (Pythian) (دلفی ها که نزدیک کوه المپ زندگی می کنند)، ایستمین ها (Isthmian)، نمین ها (Nemean) تحقیق می کند و می گوید ورزشکار هنگامی که به اندازه ی کافی پولدار شد، خودبه سوی شاعران جذب می شود و در مجالس آواز دسته جمعی شرکت می کند و به سوی خوشی و خوشگذرانی متمایل می شود و از زندگی در اجتماع لذت می برد.

پیندار در تمام شعرهایش بر روی این موضوعات تحقیق می کند و پس از آن دیده های خود را به نحو شایانی توصیف می کند. او می گوید آنان سعی می کنند در وهله ی اول در زندگی خود وخانواده پیشرفت کنند، و پس از آن در شهر خود واین که چگونه زندگانی کنند، سپس در مسابقات شرکت کرده و به طور معمول قهرمانان افسانه یی می شوند که در تمام زمان ها شهره و شناخته شوند.

پیندار باز هم به روشنی شرح می دهد که قهرمانان چگونه به سوی معتقدات مذهبی و اخلاقی رو می کنند و هیجانات مسابقات ورزشی را تحمل می کنند و تنها از این جهت که اخلاق را سرلوحه ی اعمال خود قرار می دهند در زندگی مقام شایسته یی را احراز می کنند.

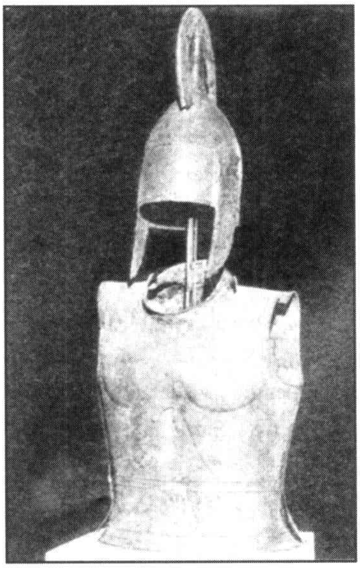
خدای شهوت وشکار یونان در اطراف روستا اقامت دارد. (یونان، ۴۹۰ پ.م):

در بسیاری از حکایات آمده که چوپانان خارج از شهر و روی تپه ها و سرزمین های مخروبه ی ارکادی (Arcadia) خیلی حالت شهوانی دارند و خدای اعمال جنسی هستند و قدرت شهوت حیوانی آنها زیاد است و امور جنسی آنها خارج از اندازه است.

درهمین زمان فردی به نام فیلی پید (philipides) اسپارتی که دونده بود، پیش از این که ایران به تاخت وتاز در اسپارت بپردازد به یک باره، به شهرت رسید.



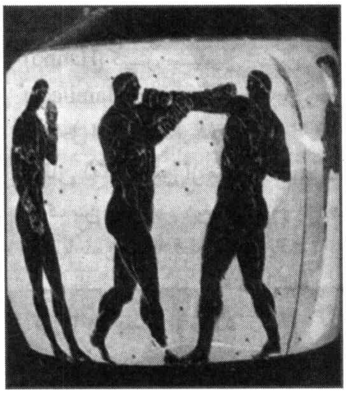
نقاشی بر روی صخره‌های صحرای آفریقا که ارابه‌یی را با دو رأس اسب نشان می‌دهد.



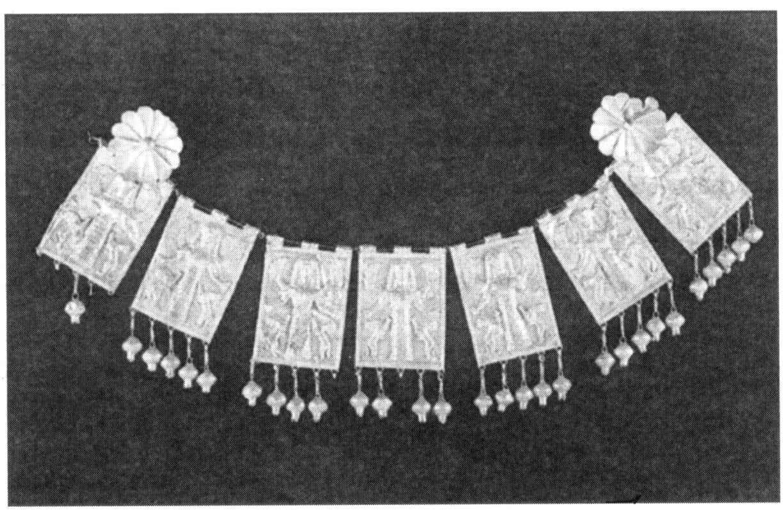
زره‌ی رزمی با کلاه خود.



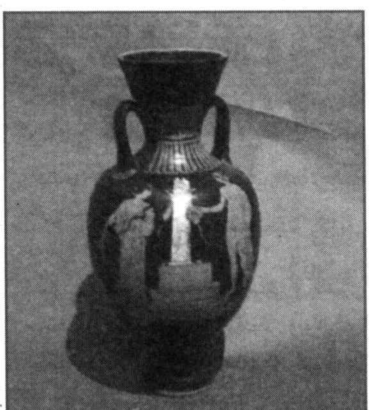
نقش مردان ورزشکار در مسابقات دو استقامت در بازی‌های المپیک (Olympic Games).



دو نفر مشت‌زن با دست‌کش‌هایی از پوست گاو که به‌صورت مچ و ساعدبند به دور دست می‌بندند، به بازی بوکس پرداخته‌اند، لیکن هنوز از رینگ (Ring) و راند (Round) (زمان بازی) در این ورزش خبری نیست.



گردن‌بندی از طلای سخت با چندین پلاک که نقش الهه ارتمیس (Artemis) بر روی پلاک‌ها نمایان است.



کوزه‌یی ساخته‌شده به سبک یونانی در یکی از مستعمرات یونان به نام متاپونتیوم (Metapontium).

یونان ۲۲۴ پیش از میلاد

آنتیگون سوم دوزون و آراتوس اهل سیکیون موافقت کردند که به شهرهای یونانی سروصورتی بدهند که شبیه پیمانی که با آکایی ها بسته بودند، بتوانند همزیستی قابل قبولی داشته باشند.

یونان ۲۲۲ پیش از میلاد

آنتیگون وآکایی ها، اسپارت را شکست دادند.

اسپانیا ۲۱۹ پیش از میلاد

کارتاژ جنگی را به روم تحمیل کرد، هانیبال (Hannibal) ژنرال کارتاژی با محاصره شهر هم پیمان رومی ساگونتوم (Saguntum) جنگ را علیه روم شروع کرد. درسال ۲۳۶ پیش از میلاد، اسپانیا هم به یکی از ایالات امپراتوری کارتاژ مبدل شد که منبعی برای اقتصاد و سربازگیری جهت نیروی نظامی شبه جزیره بود. این ایالت به یکی از مفیدترین و سودآورترین سرزمینها جهت استفاده کارتاژ تبدیل شد.

فلسطین ۲۱۷ پیش از میلاد

پیاده نظام سنگین اسلحه مصری تحت فرماندهی پتولمی چهارم که خیلی جوان هم بود، شکست خردکننده یی به ارتش آنتیوخوس چهارم دررافیا (Raphia) وارد کردند. دوسال قبل هم ضربه شدیدی به امپراتوری سلوکی وارد آمده بود و رویای اقتدار سلوکیها را برباداد. آنتیوخوس به طمع به دست آوردن ایالت کوئل (Coele) سوریه، چهارمین پیکار را علیه پتولمی شروع کرد که برای او بسیار گران تمام شد.

ایتالیا ۲۱۷ پیش از میلاد

هانیبال (Hannibal) ژنرال رومی به نام فلامینیوس را (Flaminius) با لشگریانش در (Etruria) ناحیه یی نزدیک دریاچه تراسی من (Trhasimen) درایالت اومبریا (Umbria) با کمال تعجب پذیرفت، به دنبال جنگ رومیها با کارتاژیها،رومیان تعداد ۱۵۰۰۰ نفر کشته و نیز ۱۵۰۰۰ نفر اسیر دادند و تمام ایالت اتروریا (Etruria) به دست دشمن افتاد. در روم هیچ کس انتظار چنین شکستی را نداشت و نزدیک بود که پل رودخانه تیبر (Tiber) در روم تخریب و دیوارهای شهر هم منهدم شود.

چین ۲۱۵ پیش از میلاد

شی هوانگ دی (Shi Huang Di) معمار سیاست واداره کننده چین متحد، توانست بخش های دیوار بزرگ را به هم متصل و آن را به اتمام برساند.

چین ۲۱۳ پیش از میلاد

برحسب دستور شی هوانگ دی بایستی تمام کتاب های سودمند، که حاوی مطالب پزشکی، کشاورزی و الهیات بود، سوزانده شود.

سیسیل ۲۱۲ پیش از میلاد

ژنرال رومی مارسلوس (Marcellus) توانست شهر سیراکیوز (Syarcuse) را پس از محاصره تسخیر کند. آرکمیدس (Archimedes) ریاضی دان پس از مطالعات چندی توانست ماشین سهمگین جنگی بسازد و آن را در جنگ سیراکیوز به کار برد، به طوری که کارتاژ را وادار به مذاکره و مصالحه کند، اما ظاهراً کارتاژ از مذاکره سرپیچی کرده وآن را رد کرد.

در یک موقعیت، خدای شهوت که به نام پن (پان Pan) معروف است در یک وضع زشت وناهنجار به صورت لخت و طبیعی نمایان می شود، او که خدای بز، گوسفندها و چوپانان است، با این وضع به حالت لمیده برآرنج دست وهم چنین با شاخ های کوچک و تازه روئیده و پاهای بزی و تندیس ناقص یک مرد می باشد. او در غار زندگی می کند و درخارج شهر. در تاریک وروشن شفق صبح ها با یک حوری و نیمه خدای جنگلی ظاهر می شود، درحالی که ضیافتی با قربانی کردن برپاست وحاوی نیروی جنسی فوق العاده است. حالت او در ضمن با نیاز و استغاثه مذهبی همراه است، مجذوب زنان می شود. خدای نیروی شهوانی به صورت یک بز چران در حالی که پری زیبایی را به همراه دارد ومیل شهوت بسیار در او نمایان است، ظاهر می شود.

خدای شهوت یک حالتی بین انسان و دیو دارد که از نظر جنسی شبیه حیوانات است وتندیس او حکایت از غیر اجتماعی بودن و وحشی گیری دارد و در هر حال نشانه ی کامل تمایلات جنسی ونیروی تولیدمثل است.

یونانیان در ماراتون (Marathon) حمله های ایران را دفع می کنند. (ماراتون، ۱۳ سپتامبر ۴۹۰ پ.م):

امروز درآتن شادی وسرور زایدالوصفی به سبب پیروزی ارتش یونان در دفع حملات نیروهای عظیم ایران برپا شده. قهرمان این پیکار میلتیادس (Miliades) است که ۹ ژنرال نیروی یونانی را تحریک به مقابله با ارتش ایران کرد و منتظر قوای کمکی اسپارت نشد که هنوز مشغول انجام مراسم مذهبی بودند، این خبر را فیلی پید دونده ی آتنی که شغل چوپانی داشت، در مدت دو روز و طی مسافت حدود ۲۳۰ کیلومتر به گوش اهالی آتن رساند.

لشگریان داریوش، شاه ایران، شهر ارتریا(Eretria) واقع در جزیره ی اوبوآ (Euboea) را مورد غارت قرار داده و در شرق کرانه ی آتیک در یونان پیاده شدند. امروز نیروی نظامی ایران هنگام گذشتن از دشت مردابی ماراتون با نیروی ارتش یونان به مقابله شتافت و بخش عظیمی از ده هزار سرباز ایرانی به هلاکت رسیدند. میلتیادس شنیده بود که ارتش ایران تعدادی سوار را آماده می کند که از دریا و کشتی های ایرانی به یونان حمله کنند.

او این موقعیت را غنیمت شمرده و با اطمینان از این فرصت به سرعت نیروی نظامی خود را به سه شاخه تقسیم کرده ودر پهنه ی بزرگی دست به پیشروی زد. نیروی او به سوی جلو و به طرف ارتش ایران پیش رفته و تیراندازان ایرانی را با سرنیزه مورد هدف قرار دادند.

در وهله ی اول ایرانیان قلب ومرکز لشگریان یونان را مورد حمله قرار دادند. به طوری که آتنی ها عقب نشسته و به داخل سرزمین خود بازگشتند. معهذا دو لشگر یونانی از پهلو و طرفین، نیروی ایران را مورد هجوم قرار دادند و در حالی که ارتش ایران از پشت و جناحین درمحاصره قرار گرفته بودند، دچار شکست وهزیمت شدند. سپس یونانیان هفت کشتی ایران را تصرف کردند. دراین جنگ ۶۴۰۰ نفر از سربازان ایرانی کشته شدند، درحالی که تعداد تلفات ارتش یونان کمتر از ۲۰۰ تن بود.

آتنی ها به پاس قدردانی از عنایات خدای آپولو، گنجینه یی جهت او در دلف می سازند. (دلف، ۴۹۰ پ.م):

آتنی ها پس از پیروزی بر ایرانیان دردشت ماراتون، برای نشان دادن تقدیر از خدای آپولو، گنجینه یی شایسته ی او در دلف بنا می کنند. در داخل این معبد کوچک اشیایی ساخته شده از نقره وجود داشت که ایرانیان هنگام ترک آنجا از خود باقی گذاشته بودند ودر چادرهای آنان مانده بود.

تندیس هایی از سنگ مرمر پاریان (Parian) (جزیره ی پاروس در دریای اژه) که بسیار ماهرانه و استادانه تراشیده بودند و درآن زمان شاهکار زیبایی در تمام یونان بود. این پیکره ها از قهرمانان یونانی مانند تزئوس (Theseus) و هراکلس (Heracles) بود.

یک یادبود جدید که به وسیله ی شاعر ابتکار شد. (یونان، ۴۸۹ پ.م):

یک خاطره ی جالب از شاعری به نام سیمونیدس (Simonides) از شهر سئوس (Ceos) پس از بهم خوردن و اغتشاش در مجلس ساز وآوازی که نجبا و اشراف یونانی تشکیل داده بودند. این جلسه ی بزم در منزل یکی از اشراف یونانی تشکیل داده بودند. این جلسه ی بزم در منزل یکی از اشراف به نام اسکوپاس (Scopas) واقع در تسالی (Thessaly) برپا بودو سیمونیدس با رفتن به پشت بام منزل، سقف بام خراب می شود، وشاعر به مجلس بزم، بدون اجازه حضور می یابد که البته شاعر نمی میرد و به اتاق مجمع نجبا وارد می شود. قربانی این جریان که سیمونیدس شاعر بوده از سوراخ مخصوص کبوترها به پایین پرتاب می‌شود، در حالی که تمام میهمانان در آن شرکت کرده بودند، میهمان ناخوانده از سقف می آید و به جمع حاضران می پیوندد واین خاطره برای سیمونیدس باقی می ماند که درآن حال خود را با اشراف آتنی برابر ویکسان می بیند.

آتن دویست کشتی جنگی سریع با سربازان مسلح به سرنیزه برای پیکار می سازد. (آتن، ۴۸۳ پ.م):

مردم آتن طرح ساخت دویست کشتی جنگی را که سریع ترین آن در نوع خود بود، ریخته اند که این نیرو هفت بار قوی تر از حریف خود اجینا (Aegina) بود. (اجینا مادراکیوس (Akios) که او را به صورت کبوتری به جزیره ی اجینا می برد.) این دویست کشتی در مدت سه سال ساخته و تکمیل شد. این کشتی ها را تری رم (Trireme) می نامیدند که سه ردیف پاروزن در سه طبقه داشت وطویل ترین و سریع ترین کشتی هایی بود که برای شهرها وجنگهای دریایی اعزام می شدند، هر کشتی به دویست پاروزن نیاز داشت و هنگامی که کشتی در ساحل دریا لنگر می انداخت، پاروزنان پیاده شده و با دشمن می جنگیدند.

این برنامه با نیروی فکری تمیستوکل (Themistocles) یکی از سران دولت آتن به اجرا درآمد. او همشهریان خود را وادار کرد که برای استخراج نقره و آوردن آن فلز به شهر، به لوریون (Laurios) بروند. او هم چنین با وضع مالیات برای هر محله شهر، اهالی آن محل را موظف کرد که هزینه ساخت یک کشتی را بپردازند، وی توانست این تجهیزات را فراهم کند و البته پرداخت مالیات بستگی به دارایی شهروندان داشت. بر این اساس با پرداخت مالیات بیش از ۱۰۰ کشتی ساخته شد که هزینه ی آن را ثروتمند ترین افراد پرداختند.

پیرائوس (Piraeus) آتنی به سرعت خانه هایی با تجهیزات جدید برای افراد و کارکنان بنا کرد. دهانه ی خلیج مونیکیا(Mounichia) لایروبی واطراف آن مرمت شد.

تمیستوکل برای تمرین جنگی و به آب انداختن کشتی ها، مانوری برعلیه اجینا ترتیب داد. لیکن منظور و مقصود اصلی دفاع آتن در قبال نیروی عظیم تر و داشتن ظرفیت لازم برای پیکار با ایران بود. این ناوگان بزرگ و جدید نیاز به ۴۰ هزارنفر سرباز وملوان داشت که آتن به تنهایی نمی توانست چنین نیرویی با فرض این که تمام مردان قادر به کار درآن مشغول شوند فراهم آورد.

اگر آتن هم در پیکار با ایران یا سایر دشمنان دچار شکست می شد، نیروی دریایی آتن می توانست به شرق کشور یونان برود تا از دسترس دشمن به دور باشد.

پادشاه جدید ایران، بابل را به خاک وخون کشید. (خاورنزدیک، ۴۸۲ پ.م):

خشایار شاه وارث شاهنشاهی ایران با بیرحمی شورش بابل را سرکوب می کند، مردم بابل در پی آزادی های از دست داده به وسیله ی ایران در سال ۵۳۹ پ.م دست به انقلاب می زنند. بسیاری از شورشیان در زیر شکنجه به هلاکت می رسند، دیوار شهر بابل فروریخته و معابد ویران می شوند، به دستور خشایار شاه تندیس خدای بزرگ بابلیان را که از طلا ساخته شده بود به پایتخت ایران فرستادند و معبد مردوک را که تندیس وی درآن جا قرار داشت و بزرگترین ومقدس ترین معبد جهان شرق بود، تخریب کردند.

این طغیان تجدید شورش مردم بابل می باشد که در ۴۰ سال پیش در زمان داریوش شاه رخ داد. داریوش در ۴۸۶ پ.م درگذشت. داریوش شورش را با کمک نیروی نظامی سرکوب کرد که تا این زمان آرامش درآنجا برقرار بود.

بامرگ داریوش، سرزمین وسیع ایران که وسعت آن حتی از زمان کوروش وکمبوجیه (کامبوزیا) نیز بیشتر بود، به جانشین او خشایارشاه رسید.

داریوش یکی دیگر ازاعضاء سلطنتی هخامنشی بود که در سال ۵۲۱ پ.م و پس از مرگ کمبوجیه ی دوم به پادشاهی رسید و بعد از جنگها و خوابانیدن شورش کشور، و نیز پیکارهای داخلی، قدرت سلطنت را تحکیم کرد.

بنابراین با غلبه بر مردم سرزمینی که از یونان تا هندوستان وسعت داشت، ایرانیان به امتیازات چندی نایل

ایتالیا ۲۱۲ پیش از میلاد

جنگی که بین روم ومقدونیه به رهبری فیلیپ پنجم مقدونی یکی از متحدین هانیبال از سال ۲۱۵ پیش از میلاد درگرفته بود به متارکه انجامید، فیلیپ قصد داشت کنترل وزمام امور ایلیریا (Illyria) وشهرهای یونانی نشین تا ساحل دریای آدریاتیک (Adriatic) را به دست آورده و تا کرانه های روم پیشرفت کند. در عین حال دولت روم توانست پیمان اتحادی با اتولین ها (Aetolians) منعقد کند و به آنها قول دهد که شهرهایی را که به وسیله آنها تسخیر شده به آنان واگذار کند.

ایتالیا ۲۱۱ پیش از میلاد

هانیبال پذیرفت که ناحیه کاپوآ (Capua) درکامپانی (Campania) را که مدتها تحت محاصره رومیان بود به عنوان فتح الباب به روم واگذار کند. این جریان در نتیجه ی کینه یی بود که هانیبال برای تصرف سرزمین های روم به کار برده بود و رومیان درائرآن روحیه خود را از دست داده بودند.

ایتالیا ۲۰۹ پیش از میلاد

حکومت مرکزی روم، زمام امور سیراکیوز، کامپانیا وتارنتوم (Tarentum) را به دست گرفت.

اسپانیا ۲۰۹ پیش از میلاد

اسکیپیو آفریکانوس (Scipio Africanus) فرمانده سپاهیان روم کارتاژها را درشهر کارتاژ جدید شکست داد.

گل ۲۰۸ پیش از میلاد

پس از ضربه سختی که توسط قوای رومی به سپاهیان هاسد روبال (Hasdrubal) وارد شد، اسکیپیو با طرح نقشه یی غیر عاقلانه سپاهیان خود را از منطقه پیرنه (Pyrenees) عقب کشید و در نتیجه به هاسد روبال اجازه داد که ناحیه گل را تصرف کند.

ایتالیا ۲۰۷ پیش از میلاد

کارتاژها با طرح نقشه یی فریبکارانه از دو طرف دولت روم را مورد حمله قرار دادند . هاسد روبال با عبور از آلپ به تهدید ایتالیای شمالی می پردازد. هانی بال هم از سوی جنوب شبه جزیره به سوی شمال می راند، لیکن با سدی که کنسول رومی گایوس نرو (Gaius Nero) درجلوی آنها ایجاد می کند، پیشروی متوقف می شود. نرو سپس به هم قطار خود لیویوس (Livius) درمنطقه متائوروس (Metaurus) می پیوندد، دراین حال رومی ها بر نیروهای هاسد روبال فایق و فاتح می شوند.

مقدونیه ۲۰۵ پیش از میلاد

درحالیکه دستور حکومت مرکزی روم این بود که رومیها تمام کوشش وسعی خود را علیه هانی بال به کار برند، رومیها جنگ را متوقف کردند، آنها طی عهدنامه یی که در فونیک (Phoinike) امضاء شد، قراربراین گذاشتند که منطقه ایلیریا تحت قیمومیت مشترک دو طرف رومی و مقدونی اداره گردد.

شدند. اشرافیت نظامی رسمی و سواره نظام صاحب قدرت در پیکارها شد. فرماندهان از پرداخت مالیات معاف وقشون سنگین اسلحه در ارتش تشکیل شد.

زمانی که کوروش بر سرزمین ها حاکم گردید، به طور معمول و رسمی داریوش هم به این منبع قدرت می رسید. برحسب مقرراتی که کوروش وضع کرده بود، کشور ایران به ۲۰ ساتراپی (Satrapies) (شهربان) یا استاندار تقسیم شده بود، که هراستان را یک ساتراپ یا شهربان (استاندار) اداره می کرد که در واقع دولت محلی بود، شهربان ها یا ساتراپ ها اغلب از اعضاء خانواده ی سلطنتی بودند.

هریک از ساتراپی ها یا استانداری ها وظیفه داشتند که مالیات را جمع آوری کرده وبه مرکز بفرستند، هم چنین اسب وتهیه ی قایق های جنگی وسرباز رابه عهده داشتند.

هراستاندار (ساتراپ) که درحقیقت پادشاه محلی بود، می توانست قوانینی وضع کرده وآن را اعمال کند، هم چنین تشکیل گروه ها و سیاست محلی وسایر امور استان را نیز برعهده داشت.

این کشور وسیع دارای راه های ارتباطی بی نظیری بود که جملگی به مرکز ختم می شد و همین طور ضرب سکه برای ترقی و بالا بردن اقتصاد کشور انجام می شد.

شورش وانقلاب بابل باعث از هم گسیختگی قدرت مرکزی و تهدید به پاشیده شدن امور کشور می شد و پایه های سلطنت و دولت مرکزی از درون، نااستوار می گردید و موقعیت داریوش را متزلزل می کرد، از این رو بایستی شورش مردم بابل را سرکوب کرد.

نیروی دریایی ایران با تحمل شکست میدان را ترک می کند. (سالامیس (Salamis)، ۲۹ سپتامبر ۴۸۰ پ.م):

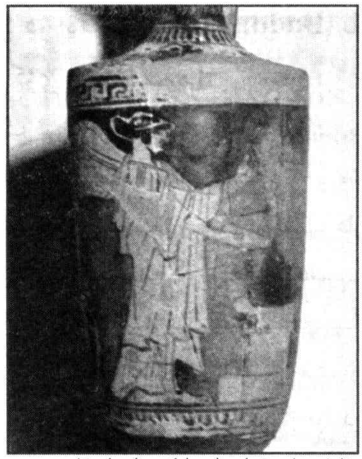
امروز کشتی های جنگی ومتحد یونان در پیکار با ناوگان ایران به پیروزی بزرگی دست یافتند. درآب های تنگه ی سالامیس کشتی های ایرانی دچار توفان شده و در اثر برخورد با یکدیگر همه ی آنها شکسته و از بین رفتند، بدین گونه ستون ارتش خشایار شاه درهم شکست و سربازان زیادی تلف شدند. ایرانیان ۲۰۰ فروند کشتی از دست دادند، در مقابل ۴۰ کشتی یونانی.

یونانیان براثر زیرکی وشجاعت وشهامت مردان دریایی خود در این پیکار فاتح شدند. حیله ی جنگی یونانیان بدین ترتیب بود که آنها در دهانه ی تنگه مشگ هایی قرار دادند و نیروی دریایی ایران پیش از آن که متوجه شود درآن دام گرفتار شد و این مانع عبور کشتی ها شد ویونانی ها در این مرحله پیکار را شروع کردند. گردنه ی شمالی خلیج الئوزیس (Eleusis) را سربازان اهل شهر کورینت پاسداری می کردند و این حیله ی جنگی از افتخارات آنهاست، فرماندهان نظامی خشایار شاه فکر می کردند که می توانند از این موانع بگذرند، لیکن پس از آن، درحال برگشت زیر ضربات یونانیان قرار گرفته وشکست خوردند.

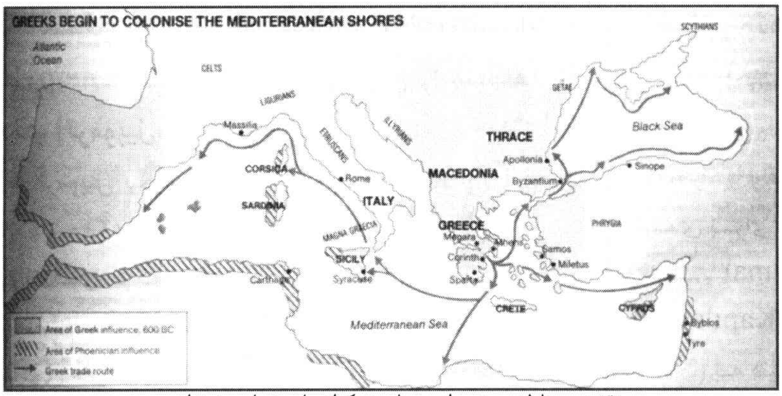
عده یی از یونانیان دراین فکر بودند که سربازان کورینتی صحنه را ترک خواهندکرد و برای نشان دادن خود با کشتی اسرارآمیزی که خدایان راهنمایی آن را به عهده دارند، تنها مدت کوتاهی توقف خواهند کرد وسپس از میدان خارج می شوند. این حکایت بازتابی در یونانیان قبل از جنگ به وجود آورد وباعث نفاق و دودستگی شد، به ویژه هنگامی که فرماندهان از این بیم داشتند که در غیاب آنها، شهرهای آنان از حفاظت لازم برخوردار نبوده وویران خواهد شد.

مردان جنگی یونانی به دسته های چندی تقسیم شده بودند: یک دسته که شیوه ی جنگی را اجرا می کردند و در حقیقت طراح جنگ بودند، دسته ی دیگر که راههای نبرد را معین می کردند که کدام راه زودتر به پیروزی خواهد رسید و یک دسته هم نگهبانانی بودند که در هنگام شب، وظیفه ی پاسداری از افراد در حالت استراحت را به عهده داشتند. در پایان این نبرد تمیستوکل فرمانده ی نیروی یونان پیروزی را اعلام کرد و سربازان لنگرگاه سالامیس را برای پیکار در دهانه ی اصلی کانال ترک کردند.

در این پیکار ۳۸۰ کشتی جنگی یونانی برعلیه ۸۰۰ ناو جنگی ایران شرکت داشتند. اما باقی مانده سربازان نیروی دریایی ایران با نبرد تن به تن و شجاعت بسیار صف یونانیان را شکافتند ولی کشتی های سه طبقه ی (تری رم) یونان آنها را تعقیب کردند که در نتیجه ۲۰۰ کشتی ایران در دریا غرق شده و به قعر دریا فرورفتند و بازماندگان آنان هم درحال گریز خلیج فالروم (Phalerum) را ترک کردند.



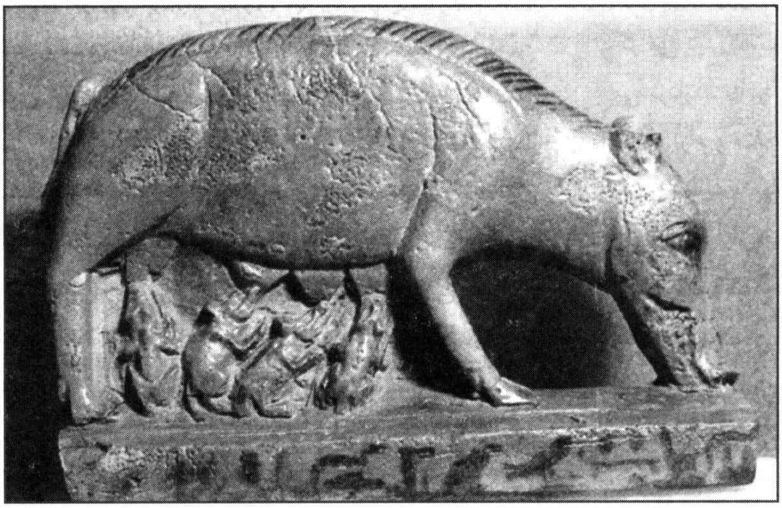
ظرف جای شراب (سبو) که برای استفاده جهت پیشگوی معبد دلف(Delphi)
به‌کار می‌رفته است.



نقشه‌ی مناطق مستعمراتی یونان در کرانه‌های دریای مدیترانه.



صحنه‌ی سقوط شهر دیگری به‌دست اشور بانی‌پال.



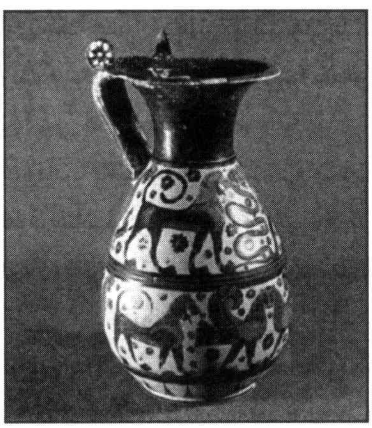
پیکره‌ی خوک ماده و چندین بچه خوک که از پستان‌های مادر شیر می‌نوشند. این خوک سمبل باروری در نزد الهه‌ی آسمان مقدس است.لازم به ذکر است که این پیکره از سفال لعاب‌داده ساخته شده است.



تندیس یک زن در زمان نوباوگی.



ظرف برنزی منقش حکاکی‌شده با باقی‌مانده‌ی استخوان‌هایی از فک و مقداری گوشت حیوان که در راه خدایان قربانی شده، در منطقه‌ی موئن (Moen, Denmark) دانمارک.



ظرفی منقش به تصویر شیر از جزیره‌ی رودس (Rhodes).

قهرمانـــان یونـــانی در تنگـــه ی ترموپیـــل (Thermopylae) نیروی نظامی ایران را متوقـف کردند. (ترموپیل، ۴۸۰ پ.م):

در ترموپیل پیکـار درگرفتـه و لئونیـداس (Leonidas) فرمانده و ۳۰۰ سرباز اسپارتی اوبه هلاکت رسیدند. آنهـا در حالی به سوی مرگ شتافتند که تنها گـروه اسپارتی بودنـد، آنان شمشیر در دست با خوشحالی مبـارز مـی طلبیدنـد و در جستجوی حقیقت بودند.

لئونیداس پادشاه و فرمانده ی نظامی یونانی، با سـربازان خود مدت دو روز در برابر نیروی مهاجم ایران مقاومت کرده وجلوی پیشروی آنها را مـی گیـرد. آنهـا بـا عملـی سـاختن نقشه‌ی خود در باریـک تـرین بخـش تنگـه، مـانع گذشـتن دشمن ونیل به دسترسی آنان به کشور خود می شوند، البتـه با ضایعه یی بزرگ، پیکار آنها با نیرو وظرفیت کـم، نـشانه و نمونه ی شجاعت و جسارت جنگی بود.

در دومین روز نبرد یکـی از خیانتکـاران یونـانی بـه نـام افیالتس (Ephialtes) راهنمای ایرانیان شده و آنان را از راه کوهستان به پشت جبهه ی یونانیان هدایت می کنـد. در آن شب یک عده سرباز زبده از راه ذکر شده به نگهبانان اردوی اسپارت ها حمله کرده و آنـان را از پـای درمـی آورنـد، ایـن نگهبان ها پاسدار حفاظت از تنگه ورهگیر دشمن بودند.

هنگامی که این خیانت کار به اردو برگـشت، لئونیـداس فهمید که او خائن و راهنمـای دشـمن بـوده اسـت. نیـروی اصلی اسپارت ها چهارهزار نفر مرد جنگی بـود کـه مـشغول برگزاری یک جشن مذهبی بودنـد و لئونیـداس وسـربازانش مأموریت داشتند که با مانور دشمن را مشغول نگه داشـته تـا نیروی اصلی به صحنه ی پیکار بیاید.

لئونیداس قاصـدهایی جهـت دریافـت کمـک بـه سـایر شهرها فرستاد، لیکن تنها نیروی کمی از تب فرسـتاده شـد، این نیرو را هم فرمانده لئونیداس برگشت داد، چون به آنـان سوء ظن داشت و به صحت عمل وشجاعت آنهـا مـشکوک بود. نیروی کمکی تب ها هم به ایرانیـان پیوسـتند، ولـی تـا آخرین نفر درجنگ کـشته شـدند، هـم چنـان کـه سـربازان اسپارتی کشته شدند، این نتیجه ی خیانتها و پشت کردن به یونانی ها بود.

شاهزاده هندی با پشت پا زدن به ثروت در سلک سخنرانان مذهبی در آمده و بودا (Buddaha) نام می گیرد. (هند مرکزی، ۴۸۲ پ.م):

برای اولین بار یک شـاهزاده در لبـاس راهـب فقیـر بـه همه ی راهها ونقـاط هنـد سـفرمی کنـد تـا طریـق وروش جدیـدی بـرای روشـنفکری بیابـد. شـاهزاده سـیدهارتا گواتامـــا (Siddhartha Cautama) در کاپیلاواســـتو (Kapilavastu) یکـی از کوهپایـه هـای منطقـه ی نپـال (Nepal) بـه دنیـا آمـد. پـدر او یکـی از حاکمـان مـشهور، مادرش مایادوی (Maya Devi) یک هفته پس از تولـد او درگذشت، چون بر طبق افسانه ها قلب مادر او می شکـست، اگر می دید که پسرش خانه را ترک مـی کنـد و بـه گـدایی می پردازد.

او آرام و متفکر بود و شکوه وجلال ظـاهری زنـدگانی را نمی پسندید و مناسب طبیعت خود نمی دانست.

پدرش ازآن بیم داشت که پسرش از تمام مزایای زندگی چشم پوشیده ومردم گریز وگوشه گیر شود. او یک روز بدون اطـلاع دیگـران، سـوار ارابـه شـده و از دروازه ی شـرقی کاپیلاواستو، بدون برخورد با کسی خـارج شـده و تـا هنگـام پیری بدان جا باز نمی گـردد، او پـس از تحمـل رنـج هـا و سختی های بی شمار درحالی که پیرمـردی بیمـار اسـت، از دروازه ی جنوبی به درون می آید. درمرحله ی سوم جـسد او را از دروازه ی غربی بدون برخورد با احدی خارج می سازند، و بالاخره در پایان او را درحالی که کاسه ی گدایی در دست دارد و یک راهب به تمـام معنـی اسـت از دروازه ی شـمالی خارج می شود. این چهار مرحله پیوسته در مخیلـه ودمـاغ او نمایان و عریان بود، وی شاهزادگی موروثی را طرد و بـه آن پشت پا زده بود.

عقیده وباور دینی هندیان دربست در اختیار ومنحصر بـه طبقه ی برهما می باشد. آنـان پـس از تولـد ومـرگ دوبـاره متولد می شوند و تا ابد این زنده شدن ومرگ ادامه دارد و از آن گریزی نیست.

سیدهارتاگواتاما، این عقیده را نمی پـذیرد وآن را رد مـی کند، او خانه وقصر خـود را کـه بـه نـام اوروِلا (Urevela) درساحل نامیرانجانا (Namiranjana) بـود تـرک و مـدت شش سال دور ازآنجا به سر می برد. در این مدت پیوسته در زیر درخت انجیری آرام نشسته و درآخر بـه دنیـای روشـن و

ضمیر پاک رسیده وبودا می شود، یک مرد با تمام پاک دلی و روشنفکری، ودر این حال به نیروانا (Nirvana) یا دنیای پوچی و بدون هدف نایل می شود.

در ایین بودا، چهار حقیقت اصلی و مقدس وجود دارد، همه چیز مایه ی رنج وعذاب است به سبب خواهش ها و تمایلات دنیوی، اگر بتوانی جلوی تمنیات خود را سد کنی، سبب رنج وعذاب خود می شوی، تازه با زهم دچار تمایلات دیگری می شوی وجلوگیری از امیال تازه بازهم مشقت زا است، تو باید پیرو وتابع راه حقیقت وایمان به آن شوی، مقصودوهدف، گفتار، عمل، وسیله ی معاش وزندگی، آگاهی از مسائل و سعی در جدیت در تمام این موارد، باید عامل به جملگی این موارد باشی. بودا یک واعظ و سخنران بود که هماره از دنیای نور و روشنی و رستگاری سخن می گفت. او عقیده داشت که یک راه تنها برای رسیدن و وصول به برهما وجود ندارد، بلکه راه های بی شماری هست و تمام درها به روی انسان ها باز است.

کنفوسیوس (Confucius) به سال های طلایی گذشته می نگرد. (چین، ۴۷۹ پ.م):

یک روشنفکر بزرگ در سال هایی که در چین حالت اضطراب و آشفتگی وجود داشت و مردم از وضع سیاسی کشور نگران بودند، پا به عرصه ی حیات نهاد. دراین فضای شاید شگفت آور بود که صحنه برای تفکر واندیشیدن مردم نسبت به زندگی خود وشیوه ی حکومت کردن دولت آماده نبود و این تفکر تازه با آن هماهنگ بود. یکی از فلاسفه که به ویژه در امر روشنگری تبحر داشت در سن ۷۰ سالگی بدرود حیات گفت. او در بیداری مردم و آموزش آنها در جهت بهتر زیستن وهمزیستی با حکومت ونیز تنویر افکار تأثیر به سزایی داشت.

نام وی کونگ فو تزو (Kung – Fu – Tzu) یا کنفوسیوس بود، او در شهر لو(Lu) در ناحیه ی شاندونگ (Shandong) در یک خانواده ی متوسط اشرافی به دنیا آمد. او مدتی کارمند و مستخدم سازمان نظارت بر امور انبارهای غله که نگهداری گندم را برعهده داشتند، بود. گفته شده که وی پس از مدتی به تدریس خصوصی افراد می پرداخت که یک راه عملی و مشخص برای شیوه ی حکومتی بیابند و نصایح او را در امور کشورداری به کار بندند

روم ۲۰۴ پیش از میلاد

یک قطعه سنگ سیاه مقدس از منطقه پسینوس (Pessinus) واقع در آسیای کوچک به روم برده و در پالاتین (Palatine) قرار داده می شود وبرای این موضوع جشنی هم برپا می شود. این سنگ سمبول و نشانه اهالی فریگیه (Phrygian) (فریژیه) برای قدردانی وبزرگداشت سی بل (Cybele) الهه مادر می باشد. محل مورد ستایش ومقدسی که برای جایگزینی این سنگ درنظر گرفته شده بود، قبلاً درکتاب سی بیلین (Cibylline) پیش بینی وغیبگویی شده بود و نشانه آن این بود که روم دیگر از تسلط و سیطره یونان وپیشروی شرق به سوی آن رهایی یافته وآزاد خواهدشد.

روم ۲۰۴ پیش از میلاد

پلوتوس (Plautus) یک نمایشنامه کمدی به نام مایل گلوریوسوس(Miles Gloriosus) (شادکام ولاف زن) به روی صحنه آورد که در این تئاتر رومی شخصیت اخلاقی فرد تغییر می کند وتقریبا نقش پهلوان پنبه به فردی می دهد که ادعای قهرمانی می کند و خود را قهرمان جنگ معرفی می کند و شخصیت مصنوعی و دروغی را پیدا می کند.

سوریه ۲۰۲ پیش از میلاد

پس ازامضای معاهده پیمان پنهانی فیلیپ پنجم مقدونی، آنتیوخوس سوم باردیگر کوشش می کند که به کوئل (Coele) واقع درسوریه حمله کند. دراین زمان حالت ضعف وناتوانی در حکومت مصر حادث شده بود، چون پس از پتولمی چهارم، پتولمی پنجم که یک پسر بچه بود به پادشاهی مصر رسیده و جانشین پدرش شده بود.

چین ۲۰۲ پیش از میلاد

دراین سال لیوبانگ (Lio Bang) به امپراتوری چین رسید، او مؤسس سلسله هان (Han) درچین می باشد.

سوریه ۲۰۰ پیش از میلاد

با کسب پیروزی درپیکاری که در ناحیه پانیون (Panion) بین آنتیوخوس سوم وسپاهان مصر درگرفت، آنتیوخوس شهر کوئل سوریه را متصرف شد.

کوش (Kush) ۲۰۰ پیش از میلاد

فرمانروایی آرکامانی (Arkamani) (ارگامنس – Ergamenes) درمروئه (Meroe) که بیش از ۲۵ سال به درازا کشیده بود، پایان پذیرفت. دراین مدت او رابطه دوستانه یی با پتولمی فرعون مصر دربخش پائینی رود نیل و در منطقه اسکندریه برقرار کرده بود.

مکزیک ۲۰۰ پیش از میلاد

با فراگیری وبنای تعدادی خانه روستایی درناحیه دره توتی هواکان (TeotihuaCan) با جمعیتی درحدود پنجاه هزار نفر برنامه ساختن بزرگ ترین مجتمع پایان یافت. درتعقیب این امر، مردم تلالوک (Telaloc) خدای باران را مورد ستایش قرار دادند.

مکزیک ۲۰۰ پیش از میلاد

با پیدایش مراکز تمدن مایا (Maya) دراوربان (Urban) واقع در شهر المیرادور (El mirador) ساخت دو هرم تیگره (Tigre) به بلندی ۶۰ متر ودانتا (Danta) با بلندی ۴۶ متر آغاز شد.

و در انجمنی این صدا را به فرمانروایان برسانند، وی پس از این زمان تا هنگام مرگ به بررسی وبازبینی افکار و نواندیشی تز خود اشتغال داشت. کنفوسیوس بر این باور بود که مردم در سال های خیلی دور درمحیطی پاک و خالی از آلایش ها به سر می بردند و همه ارزش آن را می دانستند و برای پیشبرد زندگانی شان هم هزینه ی آن را پرداخت می کردند. تز وآمال وی بر این اساس قرار داشت که آن وضع پیشین را تجدید کند، لیکن اکثریت مردم آن را فراموش کرده بودند، چون که قرن ها از آن جریان گذشته بود و این موضوع درهاله ی ابهام قرار داشت. کنفوسیوس در بطن وکانون امور قرار داشت و وضع و جایگاه حقیقی و طبیعی هر چیزی را در کائنات وجهان آفرینش به مردم می آموخت. به یقین برخی از مردم به ویژه آنان که درحکومت دستی دارند، باید سخت پرهیزکار باشند تا امور کشوری جلو رفته و این پیشگامی آنان در پرهیز از خلاف کاری موجب پیشرفت واصلاح امور خواهد شد و عامه ی مردم را اجتماعی بار خواهد آورد.

این جریان به مدت زمانی تجربه نیاز دارد که مردم به آن روی آور شوند وهدایت آنان به این شکل زندگی به تدریج جای خواهد افتاد، به طوری که گروههای خانوادگی این سفارشات را پذیرا خواهند شد و یک حالت موروثی به وجود خواهد آمد. بازهم این موضوع بستگی تام به صداقت، راستی وامانت دارد و این که افراد باید به سالخوردگان و نیاکان احترام بگذارند و افکار عامه ی مردم روشن گردیده و گروهها وطبقات پایین اجتماع هم این دستورات را رعایت نمایند.

کنفوسیوس گفته است که این موضوع از زمان های دور در ارتباط با دولت رعایت می شده و برای چهار مورد کیفیت خاص قایل است که هم به حاکمان واجرا کنندگان هر دو مربوط می شود، مراقبت و خیانت و احترام به دستورات نگاشته شده پیشین، صداقت و امانت داری و وفاداری بین همکاران، در سطوح بالای حکومتی کنفوسیوس دیدگاهی تیره از بلند پروازی های عریان را نشان می دهد، زیرا مدیران خوب وکارآمد اگر به طور دقیق و خدشه ناپذیر پیرو این دستورات بوده و آنها را رعایت کرده ونصب العین قرار دهند، موفقیت آنها حتمی و اجتناب ناپذیر است.

آتنی ها برای پیشگیری از تهدید ایران اتحادیه تشکیل می دهند. (یونان، ۴۷۸ پ.م):

مردم آتن اتحادیه یی از شهرهای مختلف یونانی برعلیه خشایارشاه، پادشاه ایران، تشکیل می دهند، زیرا هردم انتظار حمله ی انتقام جویانه ی او جهت تلافی شکست ایران در پیکار را دارند و این تهدید ایران را جدی قلمداد می کنند.

آریستیدس (Aristeides) که واضع این نظریه بود، اتحادیه یی جنگی از جزایر ایونی را پیشنهاد کرد که باید جملگی یک اتحادیه تشکیل دهند. جزیره ی دلوس (Delos) را که مکمن ارتباطات مذهبی بود را به عنوان ریاست واداره کننده ی این اتحادیه انتخاب کردند. در کنگره یی که از اعضای اتحادیه در دلیان (Delian) تشکیل شد، موافقت گردید که این جزیره به مدت یکسال این سرپرستی را عهده دار شود. اعضای اتحادیه سندی را مهر کرده وسوگند یاد کردند که به آن پای بند باشند و به عنوان نشانه این اتحادیه و استحکام آن تکه هایی از آهن را به دریا ریختند که این سوگند پابرجا مانده وشکسته نشود.

اولین اشکالی که برای آریستیدس رو نمود، این که برخی از شهرهای امضاء کننده اتحادیه، به اندازه یی کوچک بودند که توانایی تهیه ی کشتی های مورد نیاز جنگ را نداشتند و نیز فراهم آوردن مردان جنگی و اسلحه آنها هم از توان آنها خارج بود.

آریستیدس پیشنهاد کرد که این اعضاء هر یک مقداری از مالیات وخراج سالیانه خود را برای هزینه ی تهیه ی کشتی های جنگی تری رم بپردازند تا سهم خود رادر اتحادیه تأمین کنند.

اسپارت ها براین باور بودند که هم خود را در پیکار با خشایارشاه ادا کرده اند. آنان همچنین با تأسف فراوان عدم وابستگی خود را اعلام کردند. به هر حال آتنی ها هم برتری خود را برای رهبری و فرماندهی جنگی اتحادیه و تهیه ی لوازم مورد نیاز برعهده گرفته و در نتیجه آتن به این مقام رسید.

آتنی ها بر ایرانیان فائق می آیند. (پلاتیه (Plataea)، ۴۷۹ پ.م):

یونانیان شکست سخت دیگری بر نیروهای تاراج گر ایران وارد آوردند. پس از نبرد سالامیس خشایار شاه، عمده

یونان ۱۹۷ پیش از میلاد

با شکست رومیان درجنگ سینوسفاله (Cynoscephalae)، فیلیپ پنجم بر کنسول رومی به نام فلامینیوس (Flaminius) فشارآورد که تمام مواد صلح نامه اجراو مورد قبول رومیان قرار گیرد. مقدونی ها دست به غارت متصرفات یونانی، اروپایی ونیز درآسیای صغیر زدند. این پیمان به نبرد سه ساله بین روم و مقدونی ها برسر تصرف ایلیریا پایان داد.

یونان ۱۹۴ پیش از میلاد

آخرین سربازان رومی یونان را ترک کرده و به روم بازگشتند، در ضمن بسیاری از کارهای هنری یونانیها را با خود بردند.

یونان ۱۹۱ پیش از میلاد

توسعه طلبی و بلند پروازی آنتیوخوس سوم پادشاه سلوکی (Seleucid) او را برآن داشت که رومیان را وادار به واگذاری یونان وتخلیه گذرگاه ترموپیل (Thermopylae) کنند. آنتیوخوس ده هزارمرد جنگی به یونان فرستاد که نفوذ خود را در آنجا حفظ کند ودرضمن پیمانی از ائتلاف بین اتولی ها (Aetolians) اسپارتها ومقدونیها، برضد رومیان به اجرا گذاشت. اتولی ها احساس کردند که این قرارداد درعمل از بین رفته و یونان در تمام شهرهای یونانی نشین اعلام آزادی واستقلال کرده است.

آسیای صغیر ۱۹۰ پیش از میلاد

پس از شکست رومیها از ماگنزی (Magnesia)، آنتیوخوس سوم ناحیه تراس را تصرف کرده و از رومیان خواست، تمام آسیای کوچک را تا دورترین نقاط کوههای توروس (Taurus) تخلیه کنند. جهت تحکیم واعتبار دادن به این امر پوبلیوس کورنلیوس اسکیپیو (Publius Cornelius Scipio) و پوبلیوس اسکیپیو افریکانوس (Publius Scipio Africanus) که گروه هایی از روم به یونان فرستاده بودند، برای سلوکیها مشکل ایجاد کردند، در ضمن رومیان برای پشتیبانی از این گروههای اعزامی، حمایت شاهزاده نشین پرگاموم را خواستار شدند.

روم ۱۸۹ پیش از میلاد

اومنس (Eumenes) دوم با رأی سنا به پادشاهی پرگاموم رسید. حکومت های پرگاموم و رودس طی عهدنامه یی موافقت کردند که آسیای صغیر را هر دو با تشریک مساعی یکدیگر اداره کنند.

آسیای کوچک ۱۸۸ پیش از میلاد

در پی شکست در ترموپیل، آنتیوخوس سوم به عهدنامه صلح با روم در آپامه (APamea) و فریگیه پایان داد. در این پیمان آمده بود که دولت سلوکی به پیشروی خود در مدیترانه خاتمه دهد. در این زمان جزیره تراس و بخش اعظم آسیای صغیر تحت کنترل پرگاموم بود.

روم ۱۸۷ پیش از میلاد

ژنرال رومی پوبلیوس کورنلیوس اسکیپیو و برادرش لوسیوس (Lucius) که فرمانده ارتش پیروزمند روم در نبرد ماگنزی (Magnesia) بودند به اتهام دریافت رشوه از آنتیوخوس سوم تحت پیگرد قرار گرفتند، این جریان سبب غلبه پادشاه سلوکی شد.

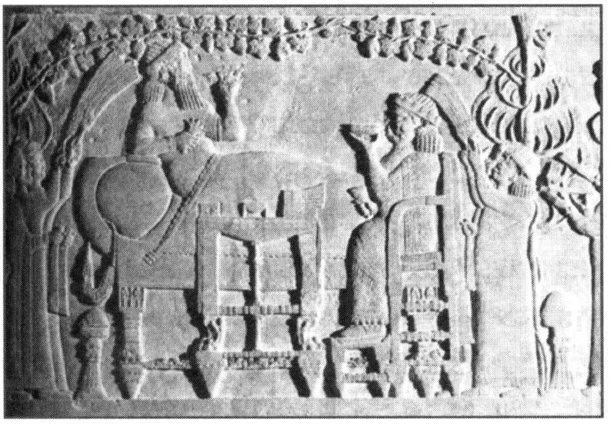
نیروی خود را به آسیای صغیر (آناتولی) جهت پشتیبانی و نجات نیروهای مقیم درآن جا اعزام داشت، آنها با برپا کردن پلی بر روی هلس پونت (Helles Pont) برای عبور سربازان، بخش مقابل خود را محکم کردند، لیکن مردونیوس (Mardonius) نیروی پشتیبانی خود را که شامل پنجاه هزار مرد جنگی بود، در جلوی جبهه به پیشروی واداشته، درحالی که عقب جبهه بدون نیروی کمکی بود و این سربازان بدون نیروی عقب دار به جنگ ادامه دادند.

نیروهای مردونیوس با غارت وچپاول اطراف روستاها و آتش زدن آتن به عقب نشینی ادامه داده به سوی بئوسیا (Beotia) رفتند، درحالی که سربازان یونانی با نیروی ۳۹ هزار نفری با ارتش مردونیوس درگیر بودند و با شیوه ی جنگی خود به جلوگیری از موانع می پرداختند و بر رقیب غلبه داشتند، به هر صورت آنها دراین پیکار پیروز شدند. این نیرو تحت فرماندهی پوزانیاس (Pausanias) اسپارتی به پیشروی ادامه می دادند، درحالی که لشگریان ایران پلاتیه را تخلیه و به پای کوه سیته رون (Cithaeron) رسیدند، در این مکان سربازان یونانی به انتقام جویی پرداختند وجنگی را برعلیه سواره نظام ایران آغاز کردند، به طوری که لشگریان ایرانی دچار شکستی سخت شدند و نیروی خشایار شاه مضمحل شد. فالانژها یا نیروی پیاده نظام و سنگین اسلحه یونانی، به سربازان در حال فرار ایرانی که فرمانده خود مردونیوس را کشته یافته و دچار تضعیف روحیه بودند، حمله بردند، فالانژها آنان را قتل عام کردند و با قساوت و وحشی گری سربازان ایرانی را نابود کردند، در پایان روز از سپاهیان ایرانی تنها سه هزار نفر باقی ماندند.

به این ترتیب، یونانیان به یک پیروزی دیگر دست یافتند. آنها دوباره شهر ساموس (Samos) را اشغال کردند، درحالی که نیروی نظامی ایران درحال عقب نشینی پادگان آن را آتش زده بودند، به هر حال کنترل اژه باردیگر حاصل شد واین منطقه از آسیب محفوظ ماند.

جشن ها و اعمال مذهبی به صورت تصویر در گاهشماری یونانی منعکس می شود. (یونان، ۴۸۰ پ.م):

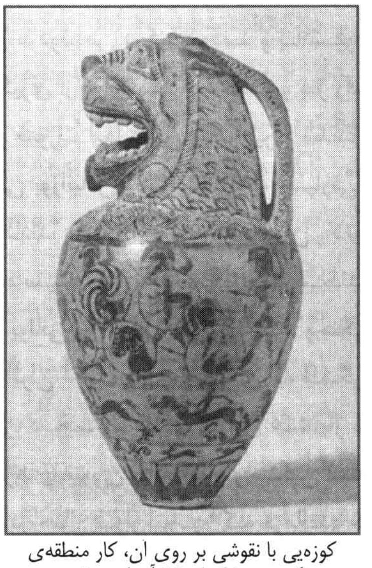
گرچه یونان در این زمان در حال جنگ با ایران بود و این خطر وجودداشت که موجودیت کشور از بین برود، با این



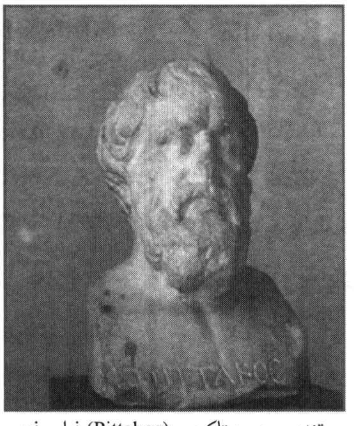
سنگ‌نگاره‌یی از اشور بانی‌پال (Ashurbanipal) و ملکه‌ی اشور در یک میهمانی که بر روی صخره‌های شهر نینوا پایتخت آن سرزمین منقش شده است.



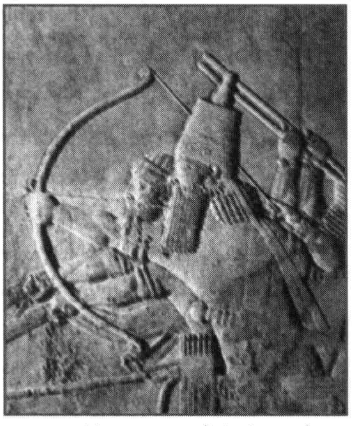
شکست نیروهای نظامی ایلام (Elamite).



کوزه‌یی با نقوشی بر روی ان، کار منطقه‌ی کورینت (Corinth) آسیای صغیر.



تندیس سر پیتاکوس (Pittakos) فیلسوف.



اخرین پادشاه اشور در نخجیرگاه شیر.



دختری را که برای ازدواج وعروسی اماده می‌سازند.



پلنگ زرین زیبا که به‌عنوان سنجاق سینه به‌کار می‌رفته و به سبک هنرهای تزیینی اسکیت (Scythian) ساخته شده است.

ایتالیا ۱۸۷ پیش از میلاد

راه امیلیا (Aemilia) که پلاستیا (Placentia) را به آرمینیوم (Arminum) ریمینی (Rimini) مربوط می کرد ساخته شد.

روم ۱۸۴ پیش از میلاد

مارسیوس پورسیوس کاتوی (Marcius porcius Cato) ارشد، بازرس ساعی وپرهیزکار، مالیاتی را بر دارایی ثروتمندان مقرر کرد، وی هم چنین اولین ساختمان بازیلیکا (Basillica) در شهر روم را ساخت. بازیلیکا پروسیا (Procia) میدانی بود که مردم در آنجا جمع شده وبا سخنرانی های خود واکنش نسبت به اقدامات و پیش آمدن قوای نظامی یونان واثر آن بر زندگی رومی ها بحث می کردند.

ایتالیا ۱۸۰ پیش از میلاد

بیش از بیست سال که از تصرف و تحت انقیاد درآمدن ایتالیاییهای سلتی تبار وضمیمه شدن آپنین (Apennines) وآلپ که به گل سیزالپین (Cisalpine) مشهور بود می گذرد. آنان مجتمع هایی در بونونیا (Bononia) (بولونیا)(Bologna) درسال ۱۸۹ پیش از میلاد و هم چنین در پارما (Parma) و موتینا (Mutina) درسال ۱۸۳ تشکیل داده بودند.

مصر ۱۸۰ پیش از میلاد

تحت حکومت پتولمی ششم که سال پیش به سلطنت مصر رسید، کشور مصر همچنان به فقرمالی و کشمکش و نزاع های داخلی و از هم پاشیده شدن وضع سیاسی و نیز اغتشاش و به هم ریختگی ارتش دچار می باشد.

چین ۱۸۰ پیش از میلاد

درپی مرگ امپراتریس دواجرلو (Dowager Lu) که خود او هم درتعقیب فوت لیوبانگ (Liu Bang) مؤسس سلسله هان، به سلطنت رسیده بود، و بر امور سیاسی کنترل شدیدی داشت، امپراتور وندی (Wendi) به پادشاهی رسید.

مقدونیه ۱۷۹ پیش از میلاد

دراثر توطئه یی که پرسئوس (Perceus) برضد پدرش فیلیپ چیده بود، به عنوان پادشاه مقدونیه به قدرت رسید. اخیراً پرسئوس فیلیپ را تحریک به اعدام برادرش دمتریوس (Demetrius) کرده بود. پرسئوس پس از تصاحب پادشاهی نمایندگانی به سراسر مدیترانه برای ائتلاف با حکومت های تمام سرزمین های منطقه، علیه روم و جنگ با آن اعزام داشت.

روم ۱۷۳ پیش از میلاد

دو نفر از شخصیت های برجسته فلسفه اپیکوری (Epicurean) را از رم اخراج کردند. برطبق نظریه آنان بهترین لذت زندگی و رمز آن، شادی و سرور ونیکی کردن وتباه نکردن جوانی است.

ایتالیا ۱۷۲ پیش از میلاد

برای نخستین بار یک شخصیت رومی با پادشاه مقدونیه پرسئوس که سرزمین رومی اپیروس (Epirus) را هم زیر فرمان داشت رو درو می شوند. پرسئوس قدرت واعمال نفوذ روم بر شهرهای پیرو مقدونیه در منطقه یونانی نشین را نپذیرفت. او در موضع قدرت قرار دارد، لیکن به جهت اینکه برخی از پیمان های منعقده علیه روم به ثمر برسد، تأمل و درنگ را جایز می شمرد.

حال نه تنها جشن های مذهبی واعمال آن، به ویژه آیین قربانی مورد بی اعتنایی قرار نگرفت، بلکه این افسانه ها در تقویم وگاهشماری سالانه نیز انعکاس داشت. سال آتنی از هکاتومبیون (Hecatombaion) (ژوئیه) آغاز می شد، هنگامی که کرونوس (Kronos) پدر زئوس (خدای خدایان) به بزرگی و جاه وجلال می رسد. اربابان و بندگان با هم سر یک میز در یک زمینه کار می کنند. درآخر ماه جشن ملی و نمایشی از پان آتنه (Panathenaea) (جشن ملی آتن به افتخار الهه آتنا (Athena)که هر چهار سال یکبار برپا می شد.) جهت پیشرفت ساخت معبد آتنا در آکروپولیس انجام می شد. توجه وعنایت شدیدی به الئوزیس در بودرومیون (Boedromion)(سپتامبر)، تنها به عنوان پیشگام و پیشقدم ابراز می شد، مردم در عین حال آپولو را به عنوان قدرت پیکار به حساب می آوردند. (خدای جنگ)

در ماه پیانپسیون (Pyanespsion) (اکتبر) که جشن دیگری برای بزرگداشت آپولو، هنگامی که این خدا برای مردم غذاهای گیاهی از قبیل انواع حبوب، باقلا، آرد وگندم، انجیر و ظرف هایی ازعسل هدیه می آورد. هم چنین در اسکوفوریا(Oschophoria) که برای بزرگنمایی دیونیسوس برپا می شود، دیونیسوس را به عنوان سمبل باروری معرفی می نمایند و برای تبریک به او خوشه های انگور تقدیم می کنند. او از شرافت و پاکی جهت ازدواج زنان با مردان مناسب و جلوگیری از باروری های نامناسب هم مراسمی برپا می شود.

ساخت آلت مردانه از سفال در پوزوئیدون (Poseideion) (دسامبر) یکی دیگر از جشن هایی است که برای زنان و ویژه ی آنها است و مراسم آن سپاس از آلت رجولیت است. باز هم در دو ماه گاملیون (Gamelion) ماه (ژانویه) و آنتستریون (Anthesterion) (فوریه) ماه هایی است که از نشئه و هیجان شراب تقدیر می شود.

فصل بهار با الافبلیون (Elaphebolion) آغاز می شود (مارس) که برای تبریک و تشکر از آتنا وتشکیل دسته های خارجی ویونانی نمایشات تئاتری و قدردانی از هنر است. در مونی کیون (Mounychion) (آوریل) انواع کیک را درست می کنند که برای سپاسگزاری از آرتمیس می باشد و نیز قربانی کردن بز جهت رفع بلای شیطان انجام می شود، در ماه تارجلیون (Thargelion) (مه) باز جشنی برپا می شود

که تندیس های آپولو و آتنا را در دریا می شویند و در این هنگام انجیر خشک جهت خوردن به آنها تقدیم می شود.

درآخرین ماه سال اسکیروفوریون (Skirophorion) (ژوئن) قربانی هایی به یادبود نخستین قربانی گاو که سمبل گاوآهن و شخم زدن زمین است انجام می شود.

خالق و موجد نیروی دریایی آتن تبعید می شود. (آتن، ۴۷۴ پ.م):

در یک تصمیم تعجب آور، آتنی ها رأی به تبعید تمیستوکل دادند. مردی که تمام زندگی خود را شبیه آرکون (یکی از سران جمهوری آتن) وقف ساختن نیروی دریایی و سایر وسایل دفاعی در برابر ایران کرده بود. او درحالی تبعید شد که سیاست خود را بر پایه ی تهیه ی هرگونه سلاح جنگی وتقویت ارتش در این سالها قرار داده بود.

قانون تبعید را در ۱۳ سال پیش جهت تبعید افراد ظالم و شقی وضع کرده بودند که در صورت نیاز در مورد این افراد به اجرا بگذارند. درعمل سیاست پیشگان این قانون را در مورد افراد دیگری که با آنها رقیب بودند ودرضمن به آنها حسادت می ورزیدند، به کار می بردند. نخستین بار این موضوع در مورد هیپارکوس (Hipparchos) پسر شارموس (Charmos) به اجرا درآمد و او به ایران گریخت.

گاهی اوقات تبعید شدن مانند آونگ ساعت که درحال چرخش است وهدفی جز حرکت ندارد و گاهی شخص به خصوصی را مورد هدف قرار می دهد و هدف اصلاح وضع اجتماع است.

به عنوان مثال می توان از آریستیدس نام برد که پس از جریان ماراتون او را تبعید کردند. گاهی هم اشخاصی را که ثروت زیادی دارند، به تبعید گاهی که مورد انتخاب خود شخص می باشد، می فرستند. طرفه آنکه تمیستوکل را به ایران که دشمن دیرینه ی یونان بود، فرستادند.

درمجلس بحث ومناظره یی که راجع به سیاست یونان برقرار شده بود، آخرین مصوبه این بود که رئیس امور سیاست کشور را تبعید کنند و در خلال شش ماه بعد با دعوت از مردم در ناحیه ی آگورا(Agora) به این تصمیم رسمیت داده شد و جنبه ی نهایی به خود گرفت. در پایان تعداد شش هزار نفر با صدای بلند آن را تأیید کردند.

کسانی که تصمیم به تبعید تمیستوکل داشتند، شرح جریان را بر روی تکه سفالی به نام استراکون (Ostrakon) می نوشتند و این نوشته رأی مثبت به تبعید بود. بدین ترتیب تعداد زیادی رأی به تبعید او دادند.

معبد زئوس یا زاوش با زحمات هواداران هرکول بنا می شود. (المپیا، ۴۶۰ پ.م):

عملیات ساختمانی برروی معبد زئوس یا زاوش ادامه دارد. به این معبد مجموعه ی از تندیس ها اضافه شده، ازجمله ۱۲ تندیس گچی که نمایی از کارگران هواخواه هرکول ونشانگر فناپذیری وجاودانی نبودن هرکول است، می باشد. هرکول مدعی بود که هرا (الهه المپیا وخواهر و زن زئوس (زاوش) سمبل داوری است) او زوجه خدای قانون وقضاوت است. به هر صورت، بدبختی اخیر را نمی توان با زحمات ورنج های اوریستئوس (Eurystheus) که تجاوزهایی به او شده، مقایسه کرد. نخستین تندیس گچی، هرکول را در حال خفه کردن نمین (Nemean) که یک شیردرنده است با دست خالی، نشان می دهد.

هم چنان که مشهور است او به طور معمول حامل گرزی است که جنبه ی نمایشی دارد. او هفت سر زهرآگین اژدهای هفت سرلرنا (Lerna) را قطع می کند و او را می کشد و گراز وحشی کوه اریمانتوس (Erymanthus) را به دام می اندازد و نیز شاخ های طلایی آرکادیا (Arcadia) را پیش از آن که بشر به خوردن گوشت پرندگان استیم فالیا (Stymphalia) دست یازد، می برد.

پس از آن او موفق به از بین بردن گاومیش های اوژئوس (Augeus) شاه که سبب انحراف مسیر دو رودخانه آن سرزمین شده بودند، می شود، و همین طور گاو دیوانه ی جزیره ی کرت را می کشد. دیگر از کارهای او کشتن مادیان آدم خوار ونیز قتل ملکه ی آمازون (Amazon) وگرفتن کمربند او است، بازهم از جمله عملیات هرکول گرفتار کردن گاومیش جریون (Gerion) که در عقب ستون ها (بعداً جبل الطارق نامیده شد) جایگاه داشت، و باز یافتن سیب زرین که محافظ حوری دریایی بود و بالاخره کشف سگ سربروس (Cerberus) که در زیرزمین جای داشت و نگهبان دروازه های زیرزمین بود.

روم ۱۶۹ پیش از میلاد

کینتوس انیوس (Quintus Ennius) شاعر رومی که در سال ۲۳۹، در رودیه (Rudiae) واقع در کالابریا (Calabria) به دنیا آمده بود، درگذشت . انیوس دوران جوانی‌اش در ارتش روم در ساردنی خدمت می کرد و به وسیله کاتوی بزرگتر (مسن تر) از آنجا به روم آمد. (سال ۲۰۴ پیش از میلاد) . انیوس یادآور تاریخ قهرمانانه روم بود و دراشعار خود به نام آنالس (Annales) هنر شعر شش بیتی را در ادبیات لاتین معرفی کرد.

مقدونیه ۱۶۸ پیش از میلاد

رومی ها پس از شکست اخیر، مقدونیه را محاصره و درجنگ پیدنا (Pydna) برآنها غلبه و ۲۰ هزار نفر از سربازان مقدونی را به هلاکت رساندند. پرسئوس پادشاه مقدونی سعی داشت که فرار کند، لیکن همه جوانب و راهها را بسته دید. فرمانده سپاهیان، کنسول آمیلیوس پائولوس (Aemilius paullus) به محاصره پایان داد. پرسئوس به وسیله ژنرال فاتح به روم برده و زندانی می شود و بدین ترتیب امپراتوری اسکندرمقدونی تجزیه و نابود شد.

یهودیه ۱۶۷ پیش از میلاد

آنتیوخوس پادشاه سلوکی سوریه، درشهر اورشلیم معبدی را به زئوس اهدا کرد.

دلوس ۱۶۷ پیش از میلاد

رومیها بندر دلوس (Delos) را بندر آزاد اعلام کردند.

روم ۱۶۷ پیش از میلاد

شهروندان رومی از پرداخت مالیات مستقیم معاف شدند.

یونان ۱۶۷ پیش از میلاد

رومیان فرمانهای رسمی یونان را زیرپا می گذارند واهالی مقدونی را با کمال بیرحمی شکار وبه دام می اندازند . تبعید، زندانی موقت، اقامت اجباری درایتالیا، بخشی از اقداماتی است که رومیان جهت مخالفت وتجزیه امپراتوری مقدونی انجام می دهند.

شمال افریقا ۱۶۷ پیش از میلاد

ماسینی سا (Masinissa) پادشاه نومدی (Numedia) بازار و محل تجارت شهر سیرتیس (Syrtis) درساحل تریپولیتانیا (Tripolitania) و سیرنائیک (Cyrenaica) را اشغال کرد.

ایتالیا ۱۶۶ پیش از میلاد

پرسئوس شاه پیشین مقدونی درمحل زندان خود در آلبافوسن (Alba Fucens) واقع در مرکز ایتالیا درگذشت.

یهودیه ۱۶۵ پیش از میلاد

یهودیهای مقدونیه به اورشلیم وارد می شوند و معبد خود را در آنجا پاک کرده و به سبک یهودی دوباره سازی می کنند. این جریان نتیجه شورش یهودیان از سوی آنتیوخوس چهارم بود.

سوریه ۱۶۲ پیش از میلاد

دمتریوس پسر سلوکوس چهارم که پس از آنتیوخوس سوم به سلطنت سلوکی رسید، تمام اسرای زندانی را به قتل رسانید و کنترل دوباره حکومت را به دست آورد. درعین حال عموزاده خود آنتیوخوس پنجم را از کشور اخراج کرد.

هرکول پس از مرگ زنش، به نام دیانیرا(Deianeira)، دست به خودکشی می زند و با خوردن شربت زهرآلود می میرد، لیکن زئوس (زاوش) او را دوباره زنده و از قبر خارج کرده و درردیف خدایان جاودانی قرار می دهد.

شورش بردگان، نظم و آرامش شهر را برهم می زند. (یونان، ۴۶۴ پ.م):

شهر اسپارت قدرتمندترین شهر منطقه ی پلوپونز در بی نظمی غوطه ور می گردد، این بحران براثر تکان شدیدی است که براثر طغیان بردگان ورستاخیز آنان به وقوع پیوسته است.

این جنبش، لرزه ی شدیدی در شهرها به وجود آورده و بر اثر توسعه ی ان، هزاران نفر از ساکنان آنها کشته شده اند. غلامان اسپارتی در لاکونیا (Laconia) و بردگان شبیه آنان درمسنیا (Messenia)، یک مرتبه و در یک زمان در شهرها و اطراف آنها به پا خاسته و به بازماندگان وساکنان حمله کردند.

دراین حال، آرکیداموس (Archidamus)، پادشاه ناحیه به سرعت مردان جنگی خود را بسیج کرده و برای پس زدن غلامان به مقابله و پیکار با آنان می فرستد. برده های اسپارتی با پیوستن و هماهنگی مردان اسپارتی که از مزایای شهروندی محروم بودند، دامنه ی شورش را توسعه داده و به طغیان دامن زده اند. آنان دامنه ی پیکار را وسعت بخشیده و آن را به باتلاق های کوه پایه ی ایسوم در مسنیا کشیده اند. با سقوط شهر، اسپارتها از سایر شهرها من جمله آتن برای فرونشاندن شورش و برگرداندن مناطق تصرف شده درخواست کمک کردند.

در آتن قدرت به مردم منتقل می شود. (آتن، ۴۶۲ پ.م):

درشهر آتن یک تغییر روش فاحش سیاسی و جابه جایی قدرت صورت می گیرد. در این سال های اخیر، طبقه ی اشرافی محافظه کار بخش مهمی از مزایا و قدرت خود را بر طبق دکترین سیمون (Cimon) از دست داده اند. زعامت این گروه در توسعه ی اقتدار نظامی در منطقه ی مسینا وحمله یی که افیالتس (Ephialtes) اصلاح طلب رادیکال

را به رأس قدرت برده بود، تأثیر به سزایی در پیدایش این جریان داشت.

افیالتس صداقت و امانت را درحق شهروندان آتنی رعایت می کرد ودرجلسه ی بحث ومذاکره یی که راجع به منش سیاسی آتنی ها تشکیل شده بود، قدرت حقیقی خود را به کار برد و با ظرافت ویژه یی عقیده ی خود را به کرسی نشاند. هدف اصلی او به کار بستن آرئوپاگوس (Areopagus) بود.

درعهد باستان، اشرافیت به داشتن مجلس مشورتی و قصرها مباهی بود و قانون وضع شده توسط آنها تا آخرین روزی که سولون کبیر به جهت جنگ با ایران و وضع غیرعادی وعدم آرامشی که از این نظر به وجودآمده بود، آن را ملغی ساخت، ادامه داشت.

افیالتس، آن قوانین را لغو کرده و آن جلال و شکوه را از بین برد و مرکز و پایه ی قدرت راقوه داوری وقضایی قرار داد که برحسب قانون عمل کند. درحال حاضر هرگونه عملی باید با دستورات مردم آتن باشد. و رأی مردم در رأس امور است. این شیوه ی مردم سالاری با مجلسی که ۵۰۰ نفر نماینده در آنجا هستند، اعمال می شود که این مجلس مردمی هلیائه (Heliaia) نامیده می شود.

درحالی که قدرت عامه مردم درحال ازدیاد است، قدرت اشراف یا آئروپاگوس به سرعت در حال نزول و متلاشی شدن است، لیکن افیالتس دشمنان زیادی دارد و صاحبان قدرت به او کینه می ورزند.

نمایندگان دولت های جهان در جشن های ایران حضور می یابند. (ایران، ۴۶۵ پ.م):

کار ساختمان شهر پرسپولیس در ایران پایان پذیرفته است. در ایران سال نو همواره منطبق با اعتدال بهاری است، به ویژه آن که این جشن ۱۱ روز به درازا می کشد و بسیار شادی آفرین و تماشایی است. در رژه یی بی نظیر و باشکوه، نمایندگانی در صف واحد برای تقدیم هدایا وخراج به حضور شاهنشاه قدرتمند ایران می رسند.

ساختمان پرسپولیس در سال ۵۱۶پ.م به وسیله ی داریوش اول شروع شد. پرسپولیس درشهر استخر فارس، نزدیک محل پایتخت قدیمی کوروش که به نام پاسارگاد (Pasargade) بود، واقع است. ساختمان آن در مدت سلطنت سه پادشاه به طول انجامید. درحالی که ساختمان کاخ داریوش در شهر شوش پایتخت اداری وسیاسی بود، پرسپولیس پایتخت جشن ها و تشریفات است و نشانه ی مجد وعظمت بزرگترین امپراتوری است که در دنیا دیده شده، وسعت سرزمین شاهنشاهی ایران از دریای خزر تا رودخانه ی نیل و از سویی از سرزمین هندوستان تا دریای اژه گسترده است. مراسم جشن در دو تالار بسیار بزرگ بار عام انجام می شود. تالار بزرگ آپادانا ویژه ی اعیان وبزرگان کشوری و لشگری و نمایندگان سرزمین های تحت نفوذ و خراج دهندگان است که هر سال مالیات وهدایای خود را به حضور شاهنشاه می آورند، درضمن این تالار محل میهمانی وضیافت شاهانه یی است که به افتخار بزرگان پارسی و مادی همه ساله برگزارمی شود.

برای رسیدن به این تالار می بایست از پلکان وسیع و بزرگی که بر روی آن کتیبه هایی از نقش پرداخت کنندگان خراج، از شوش، سرزمین های عرب، ارمنستان، بابل، مصر، اسکیت، هند، لیبی، اتیوپی و ایونی است، بالا می رفت.

تالار بزرگ دیگر که تالار صد ستون نام دارد، جهت بارعام مردم سراسر سرزمین ایران است.

ساختمان کاخ های پایتخت نشانه ی جلال وشکوه شاهنشاهی ایران است. (ایران، ۴۶۵ پ.م):

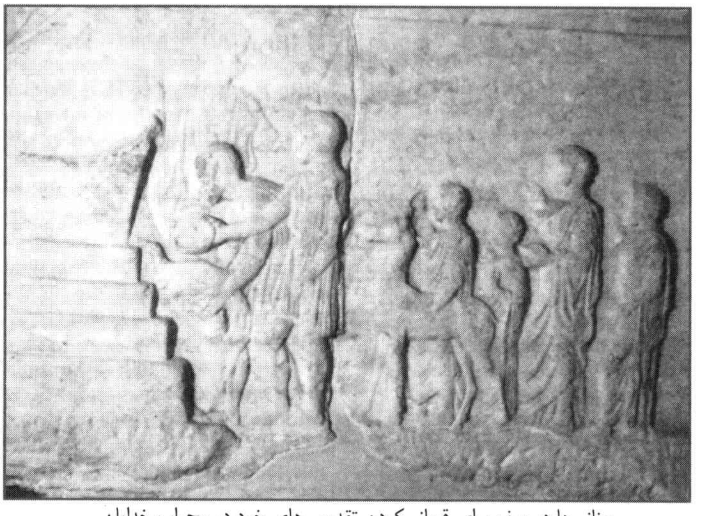
کاخ های دوگانه ی شوش و پرسپولیس یادگاری از مجد وعظمت معماری و وسعت وبزرگی سرزمین وسیع ایران می باشد. این ها وسایرآثار بی شماری که به جای مانده، نشانه‌ی پیشرفت هنر وجلوه ی آن در کشور شاهنشاهی ایران است. داریوش با استفاده از هنرمندان، سنگ نگاران وستگ تراشان لیدیایی (Lydian) و یونانی درساخت بنای کاخ پرسپولیس این امر را به پیش برد، او از هنر اصیل یونانی در برپایی ستون های باعظمت و ایوان های ستون‌دار استفاده کرد. در پرسپولیس آن طور که معلوم است در بنای کاخ از شیوه وقالب مصری بیشتر استفاده شده و گچ بری ها وهمین طور سنگ نگاری های نمای ساختمان، شبیه کارهای مصریان است، درحالی که سقف و تاق به شکل صلیب و با



یک صنعتگر فلزکار اتنی در کنار کوره‌ی ذوب.



سقوط شهر نینوا (Nineveh)، پایتخت اشور. اثر نقاش جان مارتین (John Martin) (۱۷۸۹_۱۸۵۴)



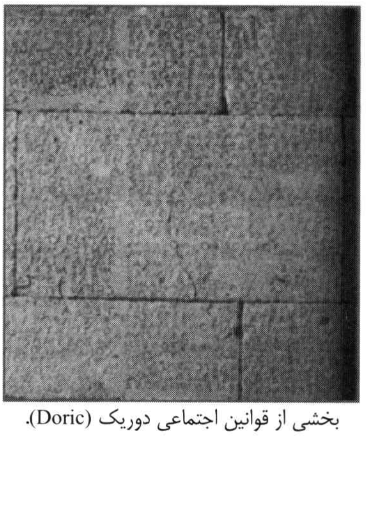
یونانی‌ها در صف برای قربانی‌کردن تقدیمی‌های خود در محراب خدایان.



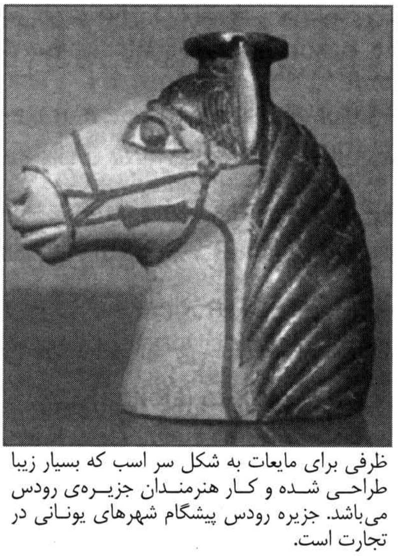
نقشه‌ی شهرهای مهم یونان.



پاسداران نیزه‌دار کاخ سلطنتی بابل
با لباس نظامی.



بخشی از قوانین اجتماعی دوریک (Doric).



ظرفی برای مایعات به شکل سر اسب که بسیار زیبا طراحی شده و کار هنرمندان جزیره‌ی رودس می‌باشد. جزیره رودس پیشگام شهرهای یونانی در تجارت است.

شیب بسیار زیادی همراه است که کاملاً منظره ی عمارت، شبیه بناهای مصری می باشد.

شهر شوش که حالیه پایتخت سیاسی و مرکز اداری به حساب می آید درسال ۶۴۰ پ.م به وسیله ی آشور بانی پال امپراتور کشور آشور تخریب شد، لیکن توسط داریوش بازسازی شد. شوش را بر روی تپه ی کوتاهی که حدود ۲۲ متر بلندی آن بود، با قطعه های سنگ و به وسعت ۳/۵ هکتار بنا کردند که در مسیر رودخانه بود. کاخ داریوش در شمال این قسمت ساخته شده که از اتاق های مربعی شکل در اطراف حیاط هایی قرار داشت.

تالار بار عام آپادانای شوش، سه راه داشت که تمام راه ها به منزله ی راه ورود به تالار بود که از ستون های سنگی و یا سنگ های سفید وسیاه بنا شده بود. هریک از ستون ها ۲۲متر ارتفاع داشت که سرستون ها از سریک جفت گاو و درحقیقت حمال ونگهدارنده ی سقف تالار بود. دیوارهای تالار از قطعه سنگ های کوچکتر شبیه آجر پوشانده شده بود که برروی این سنگها، تصاویر گاو، گریفین (موجودی که تنه‌ی شیر وسرگاو ودرعین حال بال دار بود) وسایر حیوانات افسانه یی بر روی آنها حک شده بود.

شورش درجزیره یی که مدت دو سال پیش به تصرف درآمده بود. (تازوس (Thasos)، ۴۶۳ پ.م):

پس از دو سال که از تسخیر جزیره ی تازوس توسط آتن می گذرد، بارقه طغیان و شورش مردم آن جزیره ساطع می شود. مردم جزیره دیوارهای شهر را ویران کرده واز پرداخت مالیات سرباززده و ناوگان لنگر انداخته اطراف جزیره را تصرف کرده وجزو حقوق خود محسوب کردند.

تنش بین آتنی ها و مردم تازوس به تاریخی برمی گردد که در سال ۴۷۷ پ.م درجریان مصایب نبرد سالامیس، تازوس هم به اتحادیه ی جنگی سراسر یونان، همگام با مردم دلیان (Delian) به آن اتحادیه پیوست و نیز در تدارک کشتی های جنگی و سریع السیر جهت پیکار شرکت جست. این همکاری در سال ۴۶۵ پ.م با مخالفت عمومی مردم تازوس روبرو شد، چون که مردم تازوس بر این باور بودند، معادن جزیره جزو مایملک آن هاست و به سرزمین اصلی تعلق دارد، لیکن آتن با اعزام ناوگان جنگی جزیره را متصرف شد. تاسیان ها (Thasian) یا مردم تازوس از اسپارت درخواست کمک کردند و اسپارت ها وعده ی کمک دادند و منطقه ی آتیک را تحریک کرده وسعی کردند که آتیک را از تصرف آتن خارج کنند. با کوشش اسپارت های سرسخت در راه دشمنی با آتن، آتنی ها هم بردگان اسپارتی را برعلیه اسپارت تحریک کرده و زلزله یی درآن شهر به وجود آوردند، حال بدون حمایت اسپارت مردم جزیره تازوس تن به صلح دادند.

پرستشگاه زئوس مایه ی افتخار ومباهات است. (المپیا، ۴۷۰ پ.م):

لیبون (Libon) معمار یونانی، پرستشگاه جدیدی برای زئوس (زاوش) طراحی می کند. دیواری به بلندی ۳/۵ متر متعادل با ساختمان معبد بر روی زمین و ساختمانی بزرگ و با اهمیت تر ونیز با تناسب بیشتر جهت معبد در نظر گرفته می شود. دیوارها از سنگ سفید مزین به اشکالی کم نظیر که سنگ های آن هم غیر قابل نفوذ از باران و رطوبت بوده وهمین طور تندیس های گچی در داخل معبد و دیگر اشکال گچبری شده وبرجسته درداخل پرستشگاه که نظر بینندگان را به خود جلب می کند. در اینجا جایگاه جداگانه یی وجود دارد که محل تندیس زئوس قرار داده شده، پیکر زئوس از طلا وعاج ساخته شده و هم چنین تندیسی بسیار بزرگ از فیدیاس (Phidias) به چشم می خورد. اندازه ی پیکره ی زئوس طوری طراحی شده که بزرگتر از همه خدایان و برآنها برتری دارد و این موضوع می رساند که زئوس سرآمد خدایان است. حتی خدایان دیگر درمقابل زئوس مانند بچه‌ی او و زئوس نقش پدرآنها را دارد. او نسبت به خدایان دیگر بیشتر مورد تکریم بوده و یگانه و یکتاست.

اگر حالت تعادل ظاهری وجود داشته باشد، اوخدای آسمان است که باران ورعد در اختیار اوست. وی بیش از حد معمول خدایی است که حالت رأفت دارد واز دنیا و کائنات مراقبت و پشتیبانی می کند وهم چنین بین مردم صلح وآشتی برقرار می نماید.

او به هر حال خداوند داوری و قضاوت است واین داوری را به وسیله ی الهه تمیس (Themis) که دختر اوست

انجام می دهد. هم چنین دایک (Dike) هم الهه عدل وداد است. او از قتل و خیانت بیزاری می جوید و همواره گناهکاران را تنبیه و مجازات می کند و برعلیه مقصران و جنایتکاران کینه می ورزد. او همین طور به مردمان عشق و دلدادگی می آموزد و با افرادی که شخصیت دیگران را تخریب و در معرض انهدام قرار می دهند، عناد مخصوص دارد.

زئوس هم چنین ریاست فامیل خود را داراست و این جریان را به توسط زوجه ی خود هرا اجرا می کند. خود هرا الهه ازدواج وزناشویی است، به حدی درمورد دوستان رفق ومدارا را رعایت می کند و نقش میزبان را در هر حال داراست. او عهد ومیثاق خود را در مورد بیماران، دوستان و حتی بیگانگان فراموش نمی کند وعطا و بخشش را در مورد پادشاهان وشهرها و سرزمین های تحت حمایت خود رعایت می کند و آنها را مورد لطف عمیم خود قرار می دهد.

درشهر آتن زئوس را با لقب پولیوس (Polieus) خدای شهرها، همین طور خدای آگورا (Agora) (محل ملاقات خدا) پرستش می کنند، زئوس هم چنین ریاست سنی و شیخ و سرور دیگر خدایان است و فرماندهی وهدایت جنگ را برعهده دارد. او پشتیبان وحامی همه ی یونانیان است وناجی ومنجی آنان وبرطرف کننده ی خطراست. وی تمام این اعمال وکردار را در پرستشگاه خود اعمال می کند ودر صورت پرستش، او درکنار مردم یونان جای دارد.

پوزئیدون امواج دریا را از قصر طلایی خویش هدایت می کند.(یونان، ۴۶۷ پ.م):

هنگامی که زئوس تخت سلطنت را در المپ اشغال می کند، فرماندهی دریا را به برادر خویش پوزئیدون واگذار می کند.

پوزئیدون در این حال تمرین جاودانگی انجام داده و شخصیت خود را جهت فرمانروایی بر دریاها و ساکنان کرانه‌ی آنها اعمال می کند، از جمله برهومر که ساکن و مقیم اعماق دریاست. او نزدیک دریای اژه درشمال یونان زندگی می کند، ودارای قصر طلایی جاودانی است و از این قصر با ارابه زرین خود، سراسر دریا را می پیماید، بدون این که آب دریا براو اثر داشته و او را خیس کند.

آسیای کوچک ۱۶۰ پیش از میلاد

با ضعف وفساد قدرت پتولمی ها در مصر، مرکز رقابت جدید در اسکندریه، پرگاموم پایتخت سلسله آتالید (Attalid) به وجودآمد. به هر حال کتابخانه پرگاموم با اشکال توانست کتابهای مصری را به دست آورد و آنها را از جهت پیشرفت کار وصنعت از رقبای خود با طلا خریداری کرد و این گنجینه یی از علوم برای ترقی کشور گردید.

یونان ۱۵۹ پیش از میلاد

ترنس (Terence) نویسنده نمایش های درام رومی در راه سفر به یونان درگذشت .اونخستین کمدی درام خود را به نام اندریا (Andria) درهفت سال پیش نوشت و درمدت یک سال آن را اجرا ومعرفی کرد. کارهای او بیشتر برپایه تفکر واصالت فکر مناندر (Menander) یونانی قرارداشت، ترنس سعی می کرد زبان لاتینی اصیل را به کار برد و ظرافت وشیرینی این زبان را به مردم بنمایاند.

آتن ۱۵۵ پیش از میلاد

آتالوس (Attalus) دوم که به جای برادرش اومنس دوم به پادشاهی پرگاموم درسال ۱۶۰ پیش از میلاد رسیده بود، اقدام به ساختن آگورا (Agora) (بازاربزرگ) درمحل میدانی که نیاکانش درآنجا گرد هم می آمدند و راجع به دموکراسی درآتن صحبت می کردند،نمود.

روم ۱۵۵ پیش از میلاد

آتنی ها گروهی مرکب از سه نفر فیلسوف رواقی را برای تدریس درمدارس پوی کیل (Poikile) ولیسئوم (Lyceum) به روم فرستادند. پیروان مکتب اپیکور به این امر رغبت نداشتند و روم را لایق نمی دانستند وآنها را از آتن بیرون راندند.

بالکان ۱۵۵ پیش از میلاد

درارتباط با جنگ دالماسی (Dalmatia) روم حمله همه جانبه و شدیدی به دالماسی درکرانه دریای آدریاتیک انجام داده، دلمینیوم (Delminium) پایتخت آنجا را تخریب کرد.

چین ۱۵۴ پیش از میلاد

دراغتشاشاتی که درصحنه بازی شطرنج، با شرکت ۶ نفر از پادشاهان دست نشانده حکومت مرکزی چین ودر حین رقص و آواز درمقر کاخ شاهی رخ داد، امپراتور وو (Wu) با پسرش که وارث او بود به قتل رسیدند . پس از فروکش کردن شورش حالت جدیدی درجهت احراز قدرت سیاسی به عمل آمد.

روم ۱۵۳ پیش از میلاد

در نتیجه شورش ماههای آخر سال دراسپانیا، همه کنسولها و نمایندگان خارجی به عوض پانزدهم مارس، اول سال میلادی، روز اول ژانویه به محل مأموریت خود آمدند و این تاریخ برای سالهای بعدی هم رعایت می شد.

شمال افریقا ۱۵۱ پیش از میلاد

ماسی نیسا (Masinissa) پادشاهی در همسایگی نومیدیا (Numidia) با حمله به کارتاژ یک پیروزی نظامی به دست آورد. با تحریک واعمال نفوذ روم، نومیدیا به این حمله دست زد وراههای استراتژیک کارتاژ را با آرزوی ملحق شدن کارتاژ به سرزمین خود و کینه یی که از آنها به دل داشتند بست. پس از دومین نبرد پونیک (Punic) صلح خفت باری هم به کارتاژ تحمیل کردند.

او خـدایی ترسـناک ومخـوف اسـت و بـا آمفیتریـت (Amphitrite) ازدواج کـرده و در بیانیـه ی خـود را فرمانروای امواج توفان زا معرفی می کند. یونانیـان او را بـه صورت انسان تجسم می کنند که خدای خشم وغضب است که ممکن است برای هر موضوعی دچار ایـن حالـت شـده و چهره ی خوفناک خود را ظاهر سازد. او نیـزه ی سـه شـاخه خود رابرای تهیه امواج سخت به کـار مـی بـرد و بـر امـواج حاکم است.

پوزئیدون اقتدار خود را بر روی زمین ها هم گـسترانده و می تواند به وسیله ی سه شاخه خود ایجاد زلزله نماید.او هم چنین خدای اسبان است، وی برخی اوقات ترسناک و هـول انگیز و گاهی درحال آرامش است، به هر نوعی که اراده کند.

سواره نظام و سربازان در نظر او یکسانند وبرحسب مورد در برابر خشم او قرار می گیرند وتنها هنگامی که آنـان او را عبادت کنند، بندگان را مورد ترحم قرار می دهد. معبد بزرگ وسـفید پوزئیـدون در دماغـه ی سـونیوم (Sunium) بـه وسیله ی صیادان درهنگام صید ماهی وزمانی که بـه سـوی شهرآتن رهسپار می شوند، قابل رؤیت است. افرادی کـه بـه اودیسه دشمن پوزئیدون عشق وعلاقه دارند، با قهر او روبرو شده و خفه می شوند، زیرا اودیسه خصم طبیعی او محـسوب می شود و پوزئیدون طرفداران او را هلاک می کند.

اولمپیا (Olympia) پرستش گاه مذهبی یونانیـان و میدان ورزشی (اولمپیا، یونان، ۴۵۲ پ.م):

هر چهار سال یکبار، مردم گروه گـروه از سراسـر دنیـای یونانی برای تماشای مسابقات ورزشی مردانه به اولمپیـا گـل سر سبد سرزمین یونان می آیند. اولمپیا در دره ی آلفه ئوس (Alpheus) در شمال غربی پلوپونز مکان مقدسی است که همه ساله هزاران زائـر را جهـت عبـادت و پرسـتش خـدای خدایان، زئوس، جلب می کند. لیکن بازی های المپیک هـم تعداد زیادی از مردم را جذب مـی کنـد. یـک مـاه پـیش از گشایش بازی ها، سفیران، تاریخ آغاز بازی ها را برای تهیـه مقدمات اعلام می کنند. به سبب شـروع بـازی هـا هرگونـه جنگ متوقف می شود وهمه ی سلاح ها را کنار می گذارنـد و همه گونه همکاری ومعاضدت بـین زائـران و تماشـاچیان ایجاد می شود. ورزشکاران بایستی خون یونانی داشته و آزاده و بی گناه وحلال زاده باشند. برای آمـاده شـدن ورزشـکاران مـدت ده مـاه تحـت تعلیمـات سـخت وشـدید درشـهرهای مسکونی خود قرار می گیرند.

پس از اعلام تاریخ، ورزشکاران بایـستی مـاه آخـر را در استان هم جوار الیس (Elis) تحت تعلیم ورزش ژیمناستیک وحرکات بدنی نرم باشند. آنها در یـک مـاه آخـر بایـستی از غذاهای محرک پرهیز کرده ورژیم آنهـا نـان جـوین، حلـیم گندم، انجیر خشک، دانه های روغنی وپنیر باشد.

مسئولیت اداره ی بازی ها، برعهده ی حکومت اشـرافی الیس است که تمام مراسم جشن ها در اولمپیا را ترتیب مـی دهد وانتظام امور هم وظیفه ی گارد نیروهای زمینـی اسـت. هیأت داوران را ۹ نفر تشکیل می دهند، آنها انتخابی هستند و به نام هلانودکایی (Hellanodikai) نامیده مـی شـوند. سه نفر از داوران برای ارابه رانان وسه نفر جهت بازی هـای پنج گانه وسه نفر هم برای بازی هـای دیگـر انتخـاب مـی شوند.

لباس داوران از یک پیراهن بلند ارغوانی تشکیل شده بـا تاجی از گل بر سر وبالای ابرو، آنها جهت نـشانه ی شـروع بازی ها درجای خـود مـی نـشینند و وظیفـه ی آنهـا داوری بازی ها و اهدای جایزه به قهرمانان مسابقات می باشد.

دو روز پیش از شروع جشن ها در الیس، دستور بازی ها صادر می شود و در این زمان به هیچ کس اجـازه داده نمـی شود که به طور مستقل کاری انجـام دهـد وبایـستی هیـأت داوران در جایگاه خود مستقر شوند و فرمان شروع بـازی هـا را بدهند.

ورزشکاران حدود ۵۵ کیلـومتر سراسـر منطقـه ی پیریـا (Pieria) را می پیمایند، این مسافت فاصله ی بین الـیس و پیزا (Pisa) است که چشمه یی مقدس در آن جـاری اسـت، آنها در آب چشمه خود را می شویند و هـر نفـر یـک خـوک قربانی می کند وهمه شب قبل از شروع بازی ها را استراحت می کنند.

درهنگام ورود ورزشکاران غریو شادی از بیست هزار نفر تماشاچی دراستادیوم برمـی خیـزد وآنـان بـدین وسـیله بـه ورزشکاران خوش آمـد مـی گوینـد. درایـن هنگـام یکـی از برگزارکنندگان اسـامی، محـل اقامـت و نـوع بـازی هرفـرد ورزشکار را با صدای بلند اعلام می کند. پس ازآن هر یک از مـسابقه دهنـدگان را بـه وسـط میـدان بـرده وبـه هـزاران تماشاچی معرفی می کنند. سپس تمام مسابقه دهنـدگان در

کنار محراب زئوس جمع شده و سوگند یاد می کنند که تمام منویات المپیک را رعایت کنند. در تمام مدت بازی ها، ورزشکاران تمام اصول اخلاقی را فروتنانه رعایت می کنند و همواره حالت تواضع و آرامش را حفظ می کنند.

پیروزی در مسابقات در درجه ی اول مرهون خدایان و در درجه ی دوم مرهون شهر مسابقه دهنده است. عزت نفس و رعایت احترام دیگران از وظایف ضروری هر ورزشکار است. در پایان مسابقات افرادی که قادر به پرداخت اعانه و کمک هستند نام خود را در لیست ثبت می‌کنند و تندیس قهرمانان را در محل جهت یادبود برپا می کنند.

به گفته‌ی یکی از جنگاوران قدیمی، همه‌ی زندگی حالت تقدس دارد. (هندوستان، ۴۵۰ پ.م):

در سال گذشته در دو شهر جدید هند، دو نفر فیلسوف به عرصه‌ی زندگی پاگذاشتند. یکی از آنها نهضت بودایی را بنیان نهاد ودیگر واردهامانا (Vardhamana) را به مردم آموخت که به ماهاویرا (Mahavira) (انسان بزرگ) از نظر پیروانش مشهور است.

زندگانی ماهاویرا نظیر بودا است، وی پنجاه سال قبل در بیهار و دریک خانواده‌ی جنگی از نظر نظام کاستی متولد شد. او مدت ۳۰ سال زندگانی عادی خود را ترک گفت و در این مدت تنها یک سال وقفه برای استراحت داشت و در این سالها دایم در حالت ریاضت برای روشن شدن و به دست آوردن تجربه پرداخت، او پیوسته در حال تفکر به سر می برد وبه عوالم دیگری غیر از مادیات توجه داشت. پیروان وی را ژایناس (Jainas) می نامند. آنها گشاینده‌ی ژانیسم (Janism) هستند که بر طبق این نظریه انسان برای دسترسی و نیل به روشنی و نور مطلق بایستی به جوهره و اصل هستی و وجود پی ببرد و این کار جز با ریاضت وطرد زندگی مادی میسر نیست و نیز جز با فراموش کردن خود و غور و تفحص درجهان غیرمادی ممکن نیست. پیروان مکتب ماهاویرا عقیده داشتند که فرد در این صورت به حقیقت محض خواهد رسید.

به عقیده‌ی ماهاویرا درک و آموختن متن و نص کتاب ریگ ودا نمی‌تواند انسان را به سرمنزل مقصود برساند

سوریه ۱۵۰ پیش از میلاد

دیمتریوس پادشاه سوریه در نبرد بر ضد اسکندر بالاس (Balas) کشته شد، او مدعی سلطنت سلوکی بود.

افریقا ۱۵۰ پیش از میلاد

کشاورزان مهاجر بانتو (Bantu) زبان از شمال افریقا با خود لوازم ساخته شده از آهن را به فلات زیمبابوه (Zimbabwe) می آورند. ساکنان این ناحیه با گله چرانانی که به زبان خویزان (Khoisan) سخن می گویند هنوز هم وسایل سنگی مصرف می کنند. کاسه هایی که اهالی بامباتا (Bambata) از سنگ می سازند، بسیار ظریف و با جدار نازک و دهانه تنگ با تزئینات زیبا و دسته هایی برای آویختن می باشد.

افریقای شمالی ۱۴۹ پیش از میلاد

روم برای جلوگیری از سومین جنگ پونیک بین نومیدیا و کارتاژ، میانجی می شود.

روم ۱۴۹ پیش از میلاد

لوسیوس کالپور نیوس پیزو (Lucius Calpurnius Piso) فرمانروای رم مکانی را برای ارجاع شکایات ایالات، و پرداخت و دریافت پول، برای هزینه کارمندان دولت ایجاد می کند. درکمیسیون های پیشین همیشه قوانین ویژه یی برای بازرسی و بررسی وجود داشت که نیاز به مقررات تازه نداشت.

روم ۱۴۹ پیش از میلاد

مارکوس پورسیوس کاتو(Marcus Porcius Cato) که در کارهایش بسیار جدی، ساعی و دقیق بود و به لقب کنسول دایمی شهرت داشت، درگذشت . پس ازبازدیدی که وی در سال ۱۵۳ پیش از میلاد از کارتاژ به عمل آورد، این بیانیه را منتشر کرد که کارتاژ باید نابود شود.

مقدونیه ۱۴۸ پیش از میلاد

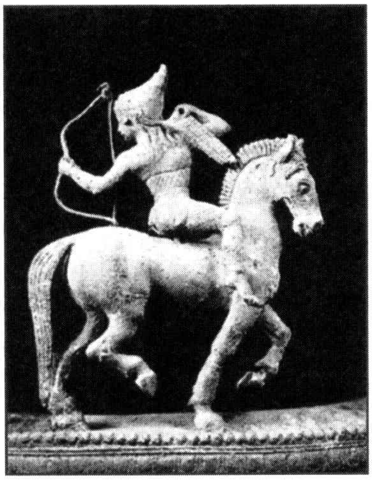
مقدونیه پس از سالها غصب پادشاهی و تحمیل خود به عنوان قدرت بزرگ، اکنون به صورت یکی از استان های روم درآمد. در پی شکست مقدونیه از روم در سال۱۶۸ پیش ازمیلاد، روم این منطقه را چهار بخش کرد که تحت نظارت حکومت فدرال اداره شود. اندریسکوس (Andriscus) که خود را به نام فیلیپ وپسر پرسئوس (Perceus) خوانده بود، آن طور که ادعا می کرد به شرط پیدا شدن متفق ومتحدی که برضد روم باشد، برای این امر در کاوش بود که به سلطنت مقدونیه دست خواهد یافت. درهنگامی که او نیروی نظامی قدرتمندی برای کنترل واداره کردن مقدونیه را داشته باشد، روم با تمام قدرت تاب مقاومت در برابر او را نخواهد داشت.

افریقای شمالی ۱۴۶ پیش از میلاد

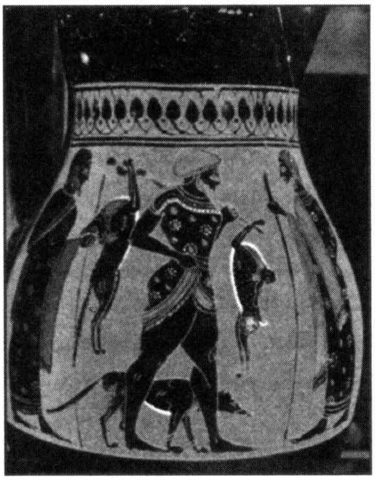
در نبردی که روم به فرماندهی اسکیپیوامیلیانوس (Scipio Aemilianus) برضد کارتاژ انجام داد، رومیها شهر کارتاژ را تسخیر و آن را ویران کردند. دراین جنگ که سومین نبرد پونیک نام داشت قشون کارتاژ به فرماندهی هاسد روبال (Hasrubal) شکست یافت و کارتاژ دیگر نتوانست قدعلم کند و به پایان خود رسید. این کشور بعدها جزیی از شمال افریقا و به نام تونس نامیده شد.



سکه با نقش شیر، ضرب شهر مارسی (Marseilles) (ماسیلیا) (Massilia).



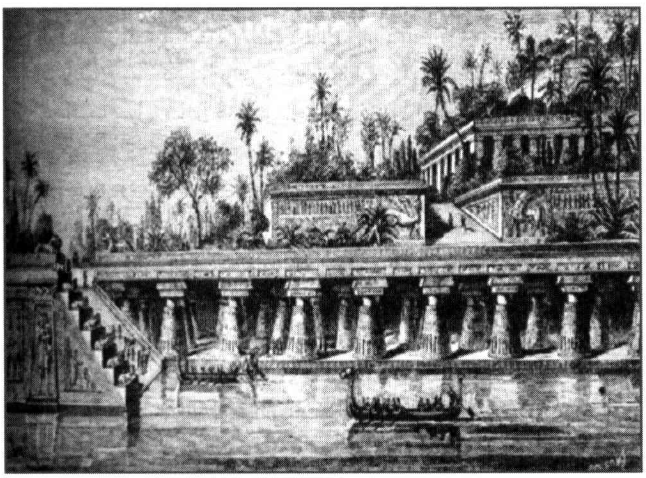
یک زن مبارز اتروسکی (Etruscan).



یک شکارچی هنگام برگشت از شکارگاه.



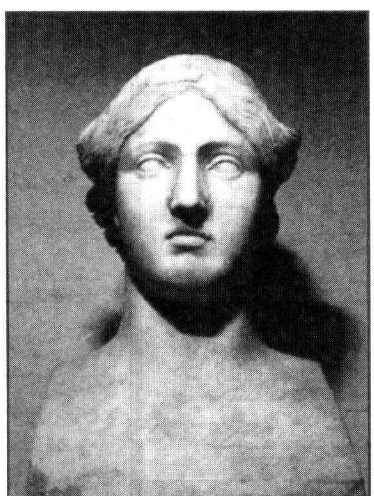
یک زن فلوت‌زن در مجلس بزم مردان.



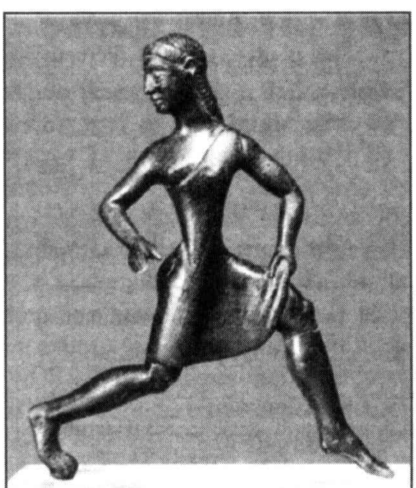
منظره باغ‌های معلق شهر بابل (Babylonian) اثر یک نقاش فرانسوی در سال ۱۸۸۶.



تیردانی از سنگ مرمر متعلق به اسپلتا (King Aspelta) پادشاه کوش (Kush).



سافو (Sappho) شاعره‌ی یونانی اهل لسبوس (Lesbos).



یک زن جوان ورزشکار اسپارتی (Spartan).

وهمین طور راهبان برهمایی قادر نیستند مردم را به رستگاری هدایت کنند، بلکه آنها هم تنها واسطه و میانجی بین خدایان و بشر هستند. راه های وصول به حقیقت وروشنی فکر عبارتتند از ایمان صحیح و درست، آموزش مناسب و ارتباط با افراد درستکار که به اهیمسا (Ahimsa) می رسد، نه با آزار و شکنجه ی خود وتباه کردن زندگی. برای رشد و توسعه ی شهرها و تولید ثروت ورونق تجارت، بایستی از ژانیسم کمک گرفت چون متابعت از این طرز فکر زد وخورد بین انسان ها را به کمترین حد خواهد رسانید و پیروی از راهبان برهمایی خدمات پرارزشی برای افراد دارد و بشر را در راه رستگاری و رسیدن به مقصود یاری خواهد کرد.

روم سرانجام به پیکار با همسایگان خود کشیده شد. (روم، ۴۵۰ پ.م):

پس از تقریباً یک سده جنگ، روم بالاخره سابین ها (Sabines) را شکست داد، این مردم آزمند که ساکن روستاهای جبال آپنین (Apennine) بودند، برای پیشروی در کرانه دریا و استفاده از مراتع وزمین های حاصل خیز و چراگاه های زمستانی دست به عملیات جنگی می زدند. آنها هم چنین برای به دست آوردن مقادیر قابل توجه نمک در استان اوستیا (Ostia) به کاوش پرداختند. بالاخره سابین ها زندگانی به سبک رومیان را یاد گرفتند و رومیان هم خدای سابین ها را که سانکوس (Sancus) نام داشت، پذیرفتند.

غلبه بر سابین ها، روم را حالت آرامش داد. در طی جنگ های بی شماری که روی داد، سابین ها اغلب تا دیواره ی شهر می رسیدند، ودریک مورد سنگرهای کاپیتولین (Capitoline) را تسخیر کردند، قبل از این که کمکی از هم پیمان روم توسکالوم (Tusculum) برسد، شهر روم تهدید به اشغال شد و بیگانگان در این روستا توفیق یافتند. حکومت روم به این ترتیب داخل همسایگان لاتینی خود شد و سیاست خود را بر ۳۰ ایالت ایتالیایی به تدریج تحمیل کرد و ریاست این ایالات را به دست گرفت، به طوری که از نظر مذهبی به خصوص این مناطق پیرو روم شدند. سیاست روم بر این پایه قرار داشت که قدرت خود را بر سایرین به نمایاند و برای این منظور پس از شکست دادن سایر ایالات، خدایان ایالات توسکالوم را که به نام

بین النهرین (میان رودان) ۱۴۶ پیش از میلاد

مهرداد اشکانی که خود را دوستدار یونان می نامید، بنیانگذار شاهنشاهی و دولت پارت گردید. مهرداد پس از غلبه بر امپراتوری سلوکی، کنترل ماد وبابل را به دست آورد، سپس توانست ایلام، پارس و بخش پارت و باختر (باکتریان) درشمال افغانستان را تحت حکومت خود درآورد. پایتخت پارتها شهر تیسفون (Ctesiphon) (سلوکیه (Seleucia) پیشین) که در کنار رودجله قرار داشت، بود.

آسیای مرکزی ۱۴۶ پیش از میلاد

یک گروه از نژاد اسکیت ها که به نام تخاری (Tochari) نامیده می شدند به استان باختر (Bactria) (باکتریا) که ساترایی (شهرب یا شهربان) از سوی دولت سلوکی داشت حمله وحکومت پادشاهی سغد را که چندین سال دوام داست، منقرض کردند.

سوریه ۱۴۵ پیش از میلاد

اسکندر بالاس (Alexander Balas) که مدعی سلطنت سلوکی بود، به وسیله دیمتریوس دوم به قتل رسید و خود به پادشاهی دست یافت.

یهودیه (Judaea) ۱۴۰ پیش از میلاد

یهودیان اورشلیم را آزاد کردند و درضمن این شهر را به پایتختی برگزیدند.

اسپانیا ۱۴۰ پیش از میلاد

ژنرال رومی فابیوس (Fabius) درشورشی که به رهبری ویریاتوس (Viriathus) صورت گرفت، دچار شکست شد . ریشه این جنبش وتحریک رمه داران لوزیتان ها (Lusitanian) بودند که از هفت سال پیش به رهبری ویریاتوس در مبارزه علیه رومیان اقدام کردند. اکنون سردمداران رومی با به رسمیت شناختن اتحادیه آنها، بیشتر تمایل به صلح وآشتی دارند.

چین ۱۳۶ پیش از میلاد

کنفوسیوس (Confucius) به حالت تقدس ومذهبی درمی آید . امپراتور چین وودی (Wudi) وضع تدریس در مدارس را به کلی تغییر داد. حالت قبلی مدارس مدت ۷۲ سال ادامه داشتند و تنها در ۵ مدرسه اصلی در سراسر کشور، صندلی برای نشستن وجود داشت.

آسیای صغیر ۱۳۳ پیش از میلاد

آتالوس فیلومتور (Attalus Philometor) سوم آخرین پادشاه سلسله آتالید (Attalid) درپرگاموم میراثی نفرت انگیز از خود پس ازمرگ باقی گذاشت واین ارثیه برای روم بود. آن طور که شایع شده بود او برای اینکه درکشورش اغتشاش وشورش ایجاد نشود تا زمانی که زنده بود کشور را نزد روم بیمه کرده بود.

اسپانیا ۱۳۳ پیش از میلاد

رومیها منطقه نومانسیا (Numantia) واقع در بخش مرکزی شمال اسپانیا را پس ازمدت طولانی محاصره، تصرف کردند. علت محاصره طولانی، این بود که اهالی این ناحیه با نبردهای پارتیزانی درکوهها، نیروی نظامی روم را سخت درمانده کرده بودند وساکنان منطقه مصمم بودند که استقلال خود را حفظ کنند، چون از سال ۱۹۷ پیش ازمیلاد دولتان اسپانیا را در تصرف داشتند و نیز مترصد بودند که به این وضع پایان دهند، بدین جهت دست به عصیان برضد روم به رهبری ویریاتوس زدند تا بتوانند جلوی پیشرفت نیروهای رومی را بگیرند.

کاستور(Castor) و پولوکس (Pollux) نامیده می شدند، به روم آوردند که از نظر مذهبی هم روم جایگاه عبادت و پرستش هم چون دیوسکوری (Dioscuri) یونان باشد.

قوانین ایتالیا به سود مردم عادی تغییر می یابد. (روم، ۴۴۹ پ.م):

دوازده تابلو برسر در میدان بزرگ روم آویخته شده که حاکی از بی عدالتی و ظلم بر فقرا و مردم معمولی است، تا به حال قوانین به سود طبقه ی اشراف و نجبا بود. کاهن بزرگ و رئیس دادگستری روم در سخنرانی های خود به تمام این جریانات اشاره کردند و از عدم آگاهی اکثریت مردم با قوانین نانوشته بر علیه آنها را شرح دادند.

جهل و نادانی طبقه ی ضعیف و فقرا، باعث شده بود که طبقه ی فرادستان فقرا را برده ی خود کرده و در مقابل بدهی، آنها را به بیگاری بکشانند و شکنجه وآزار کنند. هریک از طبقه ی فرودستان اگر وام خود را تا ۶۰ روز پرداخت نمی کرد، وام دهنده می توانست او را به عنوان برده در خدمت خود درآورد.

میلت شهری با نقشه ی نمونه والگو شهرهای آینده(یونان، ۴۵۰ پ.م):

در ساحل دریای ایونی شهری بومی به نام میلت وجود داشت که هیپوداموس (Hippodamus) معمار برای توسعه و گسترش آن نقشه یی تهیه کرد که الگوی تمام شهرهای یونانی گردید. برطبق نقشه ی هیپوداموس ساختمان خانه ها و مراکز عمومی با نظم و ترتیب معین و خیابان ها عمود برهم و تقاطع آنها با زاویه راست و خانه ها به صورت چهارضلعی و منظم وهماهنگی کامل و نیز ساختمان های عمومی و اهدایی هم به این ترتیب احداث شد.

چون در سال ۴۹۴ پ.م خانه های شهر میلت در اثر جنگ با ایران ویران شد، در سال ۴۷۹ پ.م خانه های نیمه مخروبه را خراب کردند، تایک زمینه ی خالی و صاف برای تجدید ساختمان آماده گردد، در این حال هیپوداموس توانست در این صحنه بدون ساختمان نقشه ی خود را پیاده نماید. هیپوداموس بر روی این زمینه شبیه صفحه ی شطرنج بخش هایی به صورت مربع های منظم برای ساختمان های عمومی و معابد و هم چنین منازل اهالی شهر درنظر گرفت و همان طور که ذکر شد، معابر عمومی وخیابان ها در این نقشه عمود برهم و منظم ساخته شد. در مرکز شهر برای معابد و محل های عمومی از قبیل بازار و محل داد وستد و میدان های سخنرانی و اجتماع مردم برای دیدن یکدیگر به نام آگورا (محل ملاقات عمومی) پیاده شد. برطبق این نقشه شهر میلت برای توسعه و پیشرفت آماده گردید.

طرح هیپوداموس برای مجتمع های مسکونی و بنای شهرهای یونانی به عنوان یک نمونه ی ایده آل پذیرفته شد. این طرح پیچیدگی و اشکالات شهرهای قدیمی و عدم نظم و ترتیب را از بین برد وهم چنین از ازدحام و هیاهوی محل های عمومی در شهرهای قدیمی کاست و مشکلات آن را به حداقل رسانید. پس از نقشه ی شهر میلت، به هیپوداموس مأموریت دادند که برای شهر پیرائوس (Piraeus) که بندری در کرانه ی آتن بود طرحی بریزد.

پریکلس (Pericles) درآتن حالت مردم سالاری ایجاد می کند. (آتن، ۴۳۳ پ.م):

پریکلس ناطق و سیاستمدار آتنی با پایداری و اقتدار خود تبعید و اخراج افراد را به مدت محدود منوط به آرای عمومی مردم شهر آتن می داند. وی اکنون به پیشرفت دموکراسی مانند دوست فقید خود افیالتس ادامه می دهد و این سیاست را به نفع همه ی مردم پیش می برد.

با مهارت وی پیشبرد برای دموکراسی و اصلاحات به سایر نقاط هم منتقل شد او قصد داشت که مردم از قدرت خود آگاهی یابند و همبستگی و لذت از زندگی برای تمام مردم مناطق تأمین شود. وی از همه ی مردم دعوت می کرد که درگردهمایی ها برای ابراز عقیده ی خود شرکت کنند.

در سال ۴۴۹ پ.م کنگره یی با شرکت تمام ساکنان مناطق یونانی نشین برای تجدید ساختمان معابد آتن که به وسیله ی نیروهای دولت هخامنشی ویران شده بود، تشکیل داد. برحسب نظریه او باید آزادی و صلح را برای تمام مردم وساکنان جزایر تأمین کرد. گرچه هیچ چیز تغییر نکرد، معهذا پریکلس به عنوان نماینده مأموریت یافت که ساختمان

روم ۱۳۳ پیش از میلاد

پس از انتخاب تیبریوس سمپرونیوس گراکوس (Tiberius Sempronius Gracchus) به رهبری مجلس روم، وی برای اصلاح وضع هزاران شهروند رومی که درفقر ویأس و نومیدی به سر می بردند دست به اقداماتی زد.

آسیای صغیر ۱۳۱ پیش از میلاد

رومیها برحسب درخواست آتالوس سوم پادشاه پرگاموم، لشگریانی جهت خواباندن شورش وایجاد آرامش به پرگاموم اعزام داشتند. آریستونیکوس (Aristonicus) برادر تنی اومنس (Eumenes) دوم پادشاه پیشین پرگاموم که در رأس نیروی بردگان قرار داشت، کشور را تسخیر کرد.

هندوستان ۱۳۰ پیش از میلاد

دوران سلطنت مناندر(Menander) کبیر پادشاه هندی – یونانی به پایان رسید . اودر سال ۱۵۵ پیش از میلاد به پادشاهی رسیده بود. وی به سرعت نیرویی به دره گنگ درناحیه پاتالیپوترا (Pataliputra) (پاتنا – Patna) اعزام کرد. آن طور که شهرت داشت و درخاطره ها مانده بود، یکی از راهبان مذهب بودا به نام نگازنا (Negasena) مناندر را به این مذهب راهنمایی کرده بود.

آسیای صغیر ۱۳۰ پیش از میلاد

پوبلیوس لیسینیوس کراسوس (Publius Licinius Crassus) کنسول روم که حامی تیبریوس گراکوس (Tiberius Gracchus) بود، به وسیله کسی که ادعا می کرد آریستونیکوس (Aristonicus) است،دستگیر واعدام شد.

آسیای صغیر ۱۲۹ پیش از میلاد

رومیان کنترل دوباره پرگاموم را به دست آورده وحالت آرامش برقرارکردند. شخصی که مدعی بود آریستونیکوس می باشد دستگیر وگردن زده شد. ایالات آسیایی شامل : میسیه (Mysia)، ائولیس (Aeolis)، لیدی (Lydia)، ایونی (Ionia)، کاریه (Caria)، جزایر سراسر کرانه مدیترانه و ترواد (Troad) (ناحیه کوهستانی شمال شرقی) به تصرف دولت روم درآمد.

چین ۱۲۸ پیش از میلاد

چینی ها اقدام به ساختن کانال عظیمی که بیش از ۱۶۰ کیلومتر درازا داشت کردند. این کانال رودخانه زرد را به ناحیه چانگان (Changan) نزدیک هان پایتخت چین مربوط می سازد.

پارت (Parthia) ۱۲۷ پیش از میلاد

فرهاد دوم پادشاه اشکانی در نبرد با تخاریها کشته شد، او به توسعه سرزمین خود اقدام کرد. فرهاد دوم توانست بیشترین متصرفات را نصیب کشور کند و نیز آنتیوخوس هفتم را شکست داده و دولت سلوکی را منقرض ودست او را از شرق رودخانه فرات کوتاه کرد.

چین ۱۲۶ پیش ازمیلاد

یکی از کار های برجسته و دلیرانه شانگ کیان (zhan Qian) امپراتورچین ساختن جاده عظیم ابریشم است که بسیار گسترده بود. این جاده ازچین شروع شده و از سراسر آسیای مرکزی و ایران گذشته وبه دریای مدیترانه ختم می شد، این جاده پیوند بین چین و غرب بود که فرهنگ و علوم چین و نیز کالاهای تجاری شرق را به تمام کرانه های دریای مدیترانه منتقل می کرد.

پارتنون (Parthenon) را به پایان برد. پریکلس مردی فساد ناپذیر بود، لیکن با ثروتمندان و اشراف کینه ی شدیدی داشت و دشمنان او اتهامات زیادی بر وی وارد کردند.

آتنی ها نسبت به همسایگان خود زورگویی می کنند. (آتن، ۴۵۰ پ.م):

نیروهای آتنی با پیوستن به یکدیگر و یکپارچه شدن، پس از پیروزی در جنگ با ایران، آن را برعلیه ساکنان جزایر دریایی اژه با بی پروایی به کار می برند. بنیان این قدرت بر پایه ی داشتن قدرتمندترین نیروی دریایی در منطقه و ساختن ۲۰۰ کشتی تری رم یا سه اشکوبه در سال های بین ۴۸۳-۴۸۰ پ.م بنا شده است. همین کشتی های تندرو بود که در جنگ سالامیس و مایکال (Mycale)، نیروی دریایی ایران را شکست داد وبرآن فایق شد.

برپایه ی عهدنامه دلیان که آتنی ها با سایر شهرهای یونانی بستند، شهرهای یونانی نشین متعهد شدند که با دادن مالیات وخراج این نیرو را حمایت کنند. بر طبق همین پیمان آتنی ها نفوذ خود را برای ارتقای سطح تجارت و اقتصاد خود ونیز نیروی نظامی برسایر شهرهای یونانی به کار بردند و سیاست دموکراسی و اولیگارشی را درآن شهرها اعمال کردند.

در بیشتر شهرهای یونانی نشین، آتنی ها اداره ی منطقه را عهده دار شدند. آتن به صورت پایتخت قضایی منطقه یونانی درآمد، و تجارت منطقه را به دست گرفتند، آنان توانستند با استخراج معادن نقره و فروش آن به دیگر نواحی و کارهای دستی سایر شهرها و هم چنین صادرات گندم به ثروت سرشاری دست یابند. خانواده های ساکن این مناطق برپایه ی سیاست دو رهبر خود، پریکلس و سیمون، توانستند در سی سال اخیر بر بومیان سلطه ی خود را اعمال کنند، این اعمال نفوذ را از طریق سخنرانی ها وجلسات متعددی که برگزار می کردند وتشریح سیاست فراگیر آتنی که به کار می بردند تسلط خود را بر سایرین تثبیت کردند.

بندر پیرائوس برای حفاظت، دیواری جدید به دور شهر بنا می کنند. (آتن، ۴۴۹ پ.م):

سومین دیوار با ارتفاع متوسط برای حفاظت شهر آتن در سراسر بندر پیرائوس ساخته و به اتمام رسید. این دیوار را به موازات دیوار اصلی در شمال بندر که به وسیله ی تمیستوکل در ۳۰ سال پیش ساخته شده بود بنا کردند. در سال ۴۷۹ پ.م که آتنی ها توانستند. سرانجام نیروهای ایران را از آتن برانند، برای جلوگیری از هجوم مجدد گسترش دادند، چون دیوار پیشین شهر در سال ۴۸۰ پ.م ویران شده بود. اسپارت ها قادر به ترمیم دیوار قدیمی شهر خود برای جلوگیری از نفوذ دشمن نبودند و نیروهای ایرانی می توانستند شهرهای اسپارت را مجدداً تسخیر کنند.

به هر حال، تمیستوکل از تمام شهروندان یونانی خواست که برای ساختن دیوار و حمل مصالح ساختمانی و هرگونه کمک دیگر پیش قدم و در این امر ملی از معاضدت دریغ نورزند.

گورستان ها نمایانگر وکلید مرحله پس از زندگانی است. (آتن، ۴۳۰ پ.م):

به باور آتنی ها، انسان ها پس از جدا شدن از زندگی هر قدر گناهکار هم باشند به مجرد خاک سپاری منزه وپاکیزه خواهند شد. بیشتر یونانیان عقیده داشتند انسان پس ازمرگ به گناهانش افزوده نمی شود و در نتیجه مبرا از گناه به حضور هادس (Hades) خدای زیرزمین هدایت می شود. جسد انسان قابل احترام است چون نعش مرده قادر به کاری نیست و هیچ گناهی را نمی تواند مرتکب شود. او را پس از مردن در زیرزمین جای می دهند که گناهانش پاک و از پلیدی شسته شود و پس ازآن به حضور خدایان برسد.

قبر الگوی پاک و مبرا شدن از آلودگی هاست و جایگاهی است که انسانها را برای رستگاری و فلاح آماده می کند.آتنی ها مرده راشسته و او را درکفنی که از نوع پارچه های لباس او در زندگی بوده، می پوشانند.

سپس اورا در گورمی خوابانند، و درکنار وی شیرینی های عسلی و آنچه را که در زندگی علاقه داشته به محاذات دهان مرده قرار می دهند و عقیده دارند که رودخانه یی در زمین جاری است که هفت بار اطراف مردگان می گردد و اموات را می شوید.

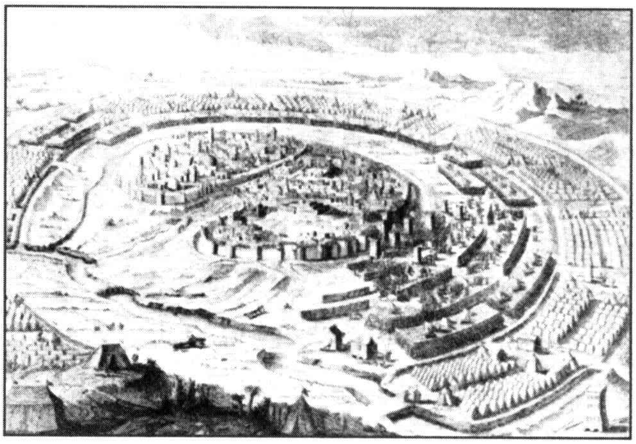
مراسم سوگواری با قربانی کردن و پاشیدن مایعاتی مانند شراب، شیر، عسل وآب آغاز می شود و عقیده دارند که روح مرده را جلا می دهد. جایگاه قبرها در گورستانی خارج از شهر برای جلوگیری از آلودگی قرار داشت جسد مرده را در تابوت قرار می دادند یا درگور می گذاشتند و استخوان های هر مرده را جداگانه در ظرف مخصوص نگاهداری می کردند. در جایگاه قبر نشانه یی قرار می دادند که این می توانست یک سنگ حکاکی شده یا اغلب تندیش درگذشته باشد. این نشانه ها حتی با تندیس های شیر و جانوران افسانه یی مشخص می شد که متوفا، جوان، دختر یا پیرمردی بوده است.

برای شادی روح مرده مراسم یادبودی در اول به فاصله‌ی یک ماه و سپس هرساله برپا می شد. در سر قبر متوفا، بسته به درجه و پایگاه اجتماعی او مراسم تعظیم و تکریم با سخنرانی از شخصیت او انجام می شد و اگرمرده از افراد معمولی بود که مثلاً در جنگ کشته شده آیین عادی درباره‌ی او اجرا می شد. یک مورد بسیار مشهور، مراسمی بود که امسال در درگذشت پریکلس آموزگار سیاست برگزار شد، ولی این مراسم با شروع جنگ با پلوپونز ناتمام ماند. پریکلس مردی شجاع و دلیر بود وظهور او برای برقراری دموکراسی درآتن و آزادی عمومی مغتنم به شمارمی رفت و آزادی آتنی ها مرهون شجاعت و جسارت او بود.

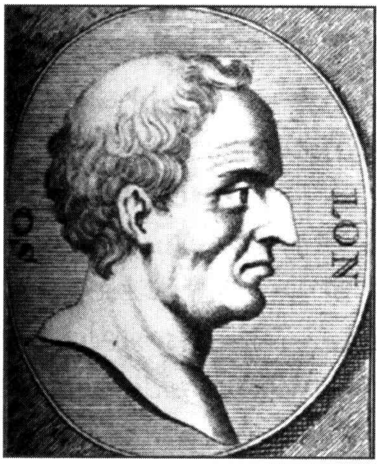
بقراط (Hippocrates) بنیان گزار دانش پزشکی (یونان، ۴۳۰ پ.م):

بقراط و سایر پزشکانی که سبک او را پذیرفته بودند، به کلی روش درمان بیماران را در شهرهای یونانی نشین تغییر دادند. این پزشک یونانی علت ومنشاء بعضی از بیماری ها را طبیعت انسانی می داند و به وجود ارواح خبیثه وشیاطین عقیده ندارد و دخالت آنان را در تولید بیماری مطرود می شمارد.

به عنوان مثال، در بیماری اپی لپسی (Epilepsy) (صرع) حلول شیطان را در بدن بیمار رد کرده و عقیده ی عامه که این بیماری را مقدس می شمارند وخدایان را درآن دخالت می دهند، نمی پذیرد، (چون مردم عقیده داشتند که حلول شیطان در بدن بیمار باعث مرض است و خدایان باید آن را از بدن بیمار خارج کنند)، او می گوید که این عقاید سرپوشی برای جهل و نادانی است.



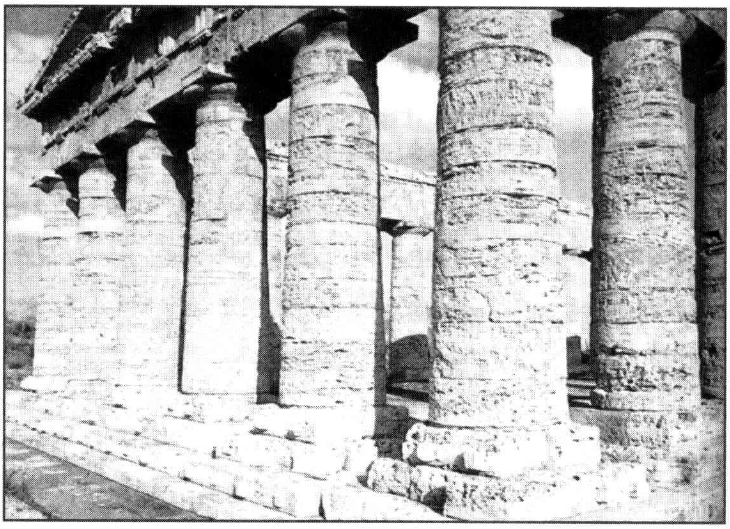
تسخیر اورشلیم (Jerusalem) از انجیل کالمت (Calmets Bible) سال ۱۷۳۲ میلادی.



سولون (Solon)، شاعر و قانونگزار یونانی.



سکه‌یی با نقش آتشدان مربوط به دین زرتشت (Zoroastrian) (۲۲۴ میلادی)



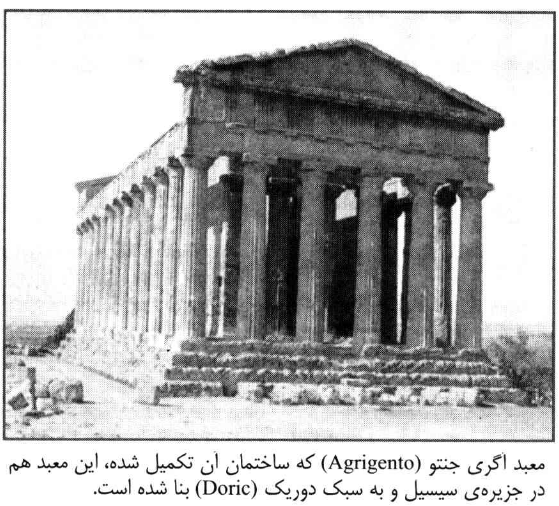
معبدی در جزیره‌ی سیسیل (Sicily) که در اثر عوامل گوناگون تخریب شده و تنها ستون‌های سنگی آن بدون سقف برجا مانده است. (سبک دوریک)



صفحه‌یی از کتاب ایزوپ (Aesop)، نویسنده‌ی یونانی. (۵۸۵ پ. م.)



یکی از برهمنـان (Brahman) کـه جزو طبقه‌ی اغنیا و درجه اول هنـد به‌حساب می‌آیند (۱۸۳۷)



معبد اگری جنتو (Agrigento) که ساختمان آن تکمیل شده، این معبد هم در جزیره‌ی سیسیل و به سبک دوریک (Doric) بنا شده است.

بقراط درجزیره ی کوچکی در ناحیه ی کوس (Cos) درجنوب غرب ساحل آناتولی متولد شد، او برای یاد دادن و تعلیم علم پزشکی به تمام سرزمین های اصلی یونانی نشین مسافرت کرد، وی پزشکی را به دانشجویان طالب علم می آموخت و بیماران را بدون اعمال نظر و بی طرفانه درمان می کرد، روش او برای درمان برحسب علایم بیماری بود و بیشتر تظاهرات بیماری را درنظر می گرفت. او اخلاق و سجایای نیکو را درباره ی مرضا رعایت می کرد و این رمز اخلاقی بعداً مورد قبول سایر پزشکان در جهان قرار گرفت و به سوگند نامه ی بقراط مشهور شد، قسم نامه ی بقراط بدین شرح است:

من بیماران را برحسب تشخیص و داوری خود، بدون کوچک ترین غرض و آنچه که در اختیار دارم، کمک ودرمان می کنم و آنچه در توان دارم برای رهایی آلام بیماران و نجات آنان از آزار و شکنجه به کار خواهم برد. آنچه را دیده و بشنوم برای سایرین بیان نمی کنم و همواره این امور را در نظر خواهم داشت. تندیس نیم تنه ی بقراط با صورت ریش دار، نموداری از یک انسان متفکر و دانشمند است.

ناراحتی شدید اجتماعی مردم ساکن اروپای غربی باعث مهاجرت آنان می شود. (اروپا، ۴۴۰ پ.م):

بسیاری از ساکنان اروپای شمالی علیه فرمانداران سلتی دست به شورش می زنند و یک سبک نوین ویژه و ابتکاری به نام لاتنه (Latene) در کرانه ی دریاچه ی نوشاتل (Neuchatel) در سویس به وجود می آورند.

با شروع قرن، مراکز قدیمی قدرت سلتی ها در بورگوندی (Burgundy) وجنوب آلمان رو به تزلزل و ضعف گذاشت. بی عدالتی های اجتماعی همراه با آز و طمع شاهزادگان سلتی ورشد جمعیت درآن مناطق سبب مهاجرت مردم این ناحیه شد. طغیان وسرکشی افراد و ایجاد موانع و استحکامات در ناحیه ی نونبرگ (Neuneberg) در ایالت باواریا (Bavaria)،تاخت وتاز و غارت و چپاول وتخریب آنچه را که در دسترس بود، علامت شروع انقلاب بود. تندیس ها را خراب وبسیاری از فرمانداران را بیرون کردند.

این حملات، شروع هجوم سلتی ها را برضد شورشیان در پی داشت. سلتی ها با افزودن بر نیروهای نظامی خود، خانه های شورشیان را ویران ومحل سکونت آن ها را تصرف کرده وتا نواحی ایتالیایی نشین و بخش هایی از آسیای کوچک (آناتولی) پیش رفتند و در این مناطق با رومی ها و یونانیان مصادف شدند و یونانیان اجیر در ارتش سلتی را هم از نیروهای خوداخراج کردند. آنان از نظر مذهبی با هم اختلاف داشتند و تنها در یک مورد با هم توافق داشتند و آن این که هر دو دسته عقیده داشتند که انسان پس از مرگ، دوباره به دنیا خواهد آمد به پرستش خدایان خواهد پرداخت. کاهن بزرگ، درویدس (Druids) که قدرت زیادی داشت، مربی آموزش جوانان بود و به آنان طرز صحیح قربانی کردن را می آموخت.

نشانه ی پیشرفت ساکنان این مناطق در صنعت ساختن شمشیرهایی تیز دو دُم (هردو لبه تیز) و تزئینات بسیار هنرمندانه است که در لاتنه کشف شده است.

آتن واسپارت با شرکت درجنگ به اختلافات خود دامن می زنند. (یونان، ۴۲۹ پ.م):

جنگ بی رحمانه یی بین آتن واسپارت وسایر متحدان آنها شروع شد. این پیکار درپی محاصره ی شهر پلوتیده (Plotidaea) به وسیله ی آتن وگرسنگی بیش از حد محاصره شدگان آغاز شد ودراثنای محاصره شهر مردم دراثر شدت گرسنگی، اجساد مردگان را می خوردند.

افسران آتنی به مردم اجازه خروج از شهر را دادند، به شرطی که تنها یک لباس با خود ببرند و این خشونت و بی رحمی برای ساکنان شهر درآن زمستان سرد بسیار مشقت بار بود، نیروهای نظامی دشمن بدون این که دست به کشتار مردم بزنند، آنها را از شهر خارج کردند، لیکن سرمای زمستان عده ی زیادی ازآنها را کشت. حتی افسران فاتح در آتن شروع به انتقاد از این امر کردند که با وجود تسلیم و واگذاری شهر، نیاز به این اعمال وحشیانه نبود. شاید حقیقت امر این بود که هنگام جنگ پلوپونز سربازان پلوتیده همین حالت را به وجود آورده و با مردم آتن همین اعمال را انجام داده بودند. آنها آتنی ها را مقصر قلمداد می کردند که هنگام ساختن قصر امپراتوری درآتن از مردم سایر شهرها از جمله اسپارت، کورینت وتب استفاده کرده بودند، حال نوبت مردم آتن بود که مجازات وکیفر اعمال گذشته را بدهند و رنج ومشقت را تحمل کنند.

پس از پایان جنگ، پریکلس با جمع آوری مردم شهر در پشت دیوار دفاعی دستور داد، که دیوار را دوباره سازی کنند، دراین زمان اسپارت ها به خود اجازه دادند که روستاهای اطراف را غارت وتخریب کنند، درصورتی که دشمن در خارج ازحصار شهر بود و عجله یی برای دفاع نداشتند. در حالی که اکنون دشمن در داخل شهر به سر می برد.

از سویی بیماری طاعون شیوع یافته و هر روز هزاران نفر را به قتل می رساند، پریکلس مردان را دعوت به پایداری ودفاع از شهر کرد.

توسیدید، نخستین گزارشگر جنگ یونان و اسپارت (یونان، ۴۳۰ پ.م):

سرباز یونانی، توسیدید (Thucydides)، انقلابی در گزارش های اخبار جنگ به وجودآورد، وی توانست خبرهای صحنه ی جنگ بین آتن و اسپارت را به صورت تاریخچه ی سالیانه، صحنه های پیکار شرح دهد وبرای این کار دچار بزرگترین ناراحتی ها ومشقات گردید. فرماندار آتنی ها شخص فداکاری چون پریکلس بود.

توسیدید، سرباز جوان وجنگجو و با حرارت وعاشق میهن خود درحدود سال ۴۶۰ پ.م متولد شد و درهنگام سربازی با متابعت از فرمانده ی خود، پریکلس،تمام رویدادها را یادداشت می کرد و از این نظر کارهای او بسیار شگفت آور وتحسین آمیز بود.

توسیدید می دانست که این کار او بسیار پراهمیت است، خود اومی گوید: این کار از شعر گفتن مهم تر است، لیکن افکار وگفتار او مبالغه آمیز به نظر می رسد ودرضمن گفته های وی با حقیقت وفق نمی دهد و بسیاری از آنها بیشتر به افسانه شباهت دارد، او افکار و خواسته های خود را بیان می کند، تا آنچه به واقع رخ داده است. لیکن شخصیت او را نمی توان با گفته های او مورد تحسین قرار داد وادعای او در کارهایش حقیقت را مکتوم می دارد.

آنچه که دیدگان انسان شهادت می دهند، حقیقت دارد لیکن گزارش های خبری توسیدید بیشتر اظهارات فرماندهان درجلسات وشوراهای جنگی است که فرماندهان وافسران گفته اند و صحنه های واقعی جنگ نیست، یادداشت ها و خاطرات او ناقص است، ولی روی هم رفته،

هندوستان ۱۲۵ پیش از میلاد

یکی از طوایف اسکیت (Scyth) از سوی بلوچستان و سند (Sind) به پنجاب حمله کردند. این طایفه به نام ساکاس (Sakas) معروف بود.

ایتالیا ۱۲۵پیش از میلاد

یکی از گروههای لاتینی به نام فرژلا (Fregellae) که ساکن مرکز ایتالیا و همواره نسبت به این حکومت وفاداری نشان می دادند وعلیه پیروس (Pyrrhus) و هانیبال می جنگیدند، حالیه برضد حکومت مرکزی قیام نمودند. گایوس اپیمیوس (Gaius Opimius) ژنرال ایتالیایی با وضعی بسیار وحشیانه، این شورش را سرکوب وبسیاری از آنها را نابود کرد.

گل (فرانسه) ۱۲۳ پیش از میلاد

حملات رومیان برضد مردم ماسیلیا (Massilia) (مارسی – Marseilles) که به سلتولیگوریان (Celto – Ligurian) شهرت داشتند، خاتمه یافت. دراین سال ارتش روم، لشگریانی جهت هجوم به گل (فرانسه) اعزام داشت که با موفقیت رومیها، نبرد پایان یافت.

مدیترانه ۱۲۳ پیش از میلاد

مردم جزایر بالریک (Balearic) درجنگ علیه روم به پیروزی دست یافتند.

روم ۱۲۱ پیش از میلاد

گایوس سمپرونیوس گراکوس عضو مجلس سنای روم وبرادر تیبریوس در بلوایی که اتفاق افتاد، با سه هزار نفر از همراهانش در میدان شهر کشته شدند. آنها به لغو مصوبه سنای روم اعتراض داشتند که برای مردم فقیر اعاناتی مقرر داشته بود و به طور آشکار گراکوس را مسئول این جریان می دانستند.

روم ۱۲۰ پیش از میلاد

لوسیوس کالپورنیوس پیزو (Lucius Calpurnius Piso) که در این اواخر به سمت ناظر کل روم انتخاب شده بود، هفت جلد کتاب مربوط به تاریخ روم را به اتمام رسانید . این کتاب که به نام آنالس (Annales) مشهور شد، تمام تاریخ روم از ابتدا تا زمان حال را شامل می شد. پیزو این کتاب را درکمال صداقت و پرهیز از هجو وزواید ونیز تطبیق افسانه های قدیمی روم با عقل و هم چنین مفاسد و شرارتهای حاکمان روم را شرح داده است.

چین ۱۱۹ پیش از میلاد

وودی (Wudi) امپراتور چین که در عین حال ازنظر مردم چین خدای جنگ بود، به یک سری جنگهای پرخرج برای توسعه سرزمین چین درناحیه آسیای مرکزی دست زد و به طور قابل ملاحظه یی کشور را گسترش داد وی با بستن مالیات مخصوص بر نمک و اشیاء ساخته شده از آهن و نیز برقایق وارابه، دوباره خزانه های سلطنتی را پرکرد.

چین ۱۱۹ پیش از میلاد

زیونگ نو (Xiongnu)،دشمن دیرینه چین که نخستین امپراتوری را در مغولستان و در قرن گذشته تشکیل داده بود، برای تسخیر صحرای گوبی (Gobi) درشمال،لشگری به فرماندهی هوئوکوبینگ (Huo Qubing) قهرمان ۲۰ ساله عازم آن دیار کرد.

اخبارصحنه های جنگ را تـوأم بـا افـسانه بیـان کـرده، امـا محتوی حقایقی هم هست که نمی توان آن را کتمان کرد.

بیماری طاعون ضربات مهلکی بـر آتنـی هـا وارد کرد و از هر چهار نفر، یک نفر هلاک شدند. (آتن، ۴۳۰ پ.م):

با حمله ی پلوپونزی ها بـه آتیـک، مـردم آتـن از پـای درآمدند، چون علاوه بر کشتار جنگی، شیوع بیماری طـاعون هم مزید برعلت شد.

هجـوم اسـپارتی هـا تحـت رهبـری پادشـاه اسـپارت، آرکیداموس(Archidamus)، مـصادف بـا شـیوع بیمـاری طاعون گردید که از ناحیه اتیوپی، از راه مصر ولیبی و کـشور پادشاهی ایران به این منطقه سرایت کـرده بـود. اولـین بـار بیماری در بندر پیرائوس مشاهده شد. هنگامی که طاعون به روستاهای اطراف آتن رسید، به یک باره جمعیـت زیـادی را مبتلا کرد، بیماری با سرعت بسیار به پیشرفت خود ادامه می داد وساکنان کلبه های روستایی، محل سکونت خود را ترک کرده وبا شور وغوغای بسیار بـه اطـراف، بـه ویـژه بـه آتـن پناهنده می شدند، درعین حال، گرمای تابستان هم به شیوع بیشتر آن کمک می کرد. توسیدید تاریخ نگار یونانی، خود به این بیماری مبتلا شد، ولی زنده ماند، وی چگـونگی توسـعه وعلایم آن را شرح مـی دهـد. مبتلایـان بـه ایـن بیمـاری نخست سالم به نظر می رسند، لیکن دفعتاً و بـه یـک بـاره احساس گرمی شدیدی در بدن می کننـد (تـب)، چـشم هـا قرمز و برافروخته و احساس تنگ نفس شدید مـی کنـد کـه بیمار با خونریزی از نای و راههای تنفسی (قـصبه الریـه) و هم چنین زبان همراه است. بـا پیـشرفت مـرض، بـه علـت خونریزی وتورم معده وروده ها، اسـتفراغ و پـیچش درشـکم آغاز می شود که با خونریزی همـراه اسـت. در روی پوسـت هم جوش های چرکی وزخم ایجاد مـی شـود. بـا پیـشرفت بیماری، احساس تشنگی شدید دست می دهـد و مـواد دفـع شده، این تشنگی را شدت می بخشد.

هنگامی که بیماران به کـم خـونی مبـتلا شـدند، رو بـه مرگ می روند. براثر گسترش بیماری درحـدود یـک چهـارم جمعیت آتن کشته شدند. پزشکان براثـر یـأس و نومیـدی از درمان بیماری، آنها را تشویق به عبادت و خواندن نماز برای خدایان می کردند و درعین حال اجساد بیماران کـم خـون و رنگ پریده به وفور در خیابان ها مشاهده می شود ودزدی و غارت اموال مردم ونیز فساد جنسی روز به روز شـدت یافتـه است.

مصریان برعلیه تسلط ایـران دسـت بـه طغیـان زدند. (مصر، ۴۲۴ پ.م):

پس از یکصد سال کـه از تـصرف مـصر بـه وسـیله ی ایرانیان گذشت، اکنون مصریان برعلیـه حکومـت ظلـم قـد برافراشته اند. آنها برضد مأموران وصول مالیات شورش کرده وآتنی ها هم از آنها حمایت می کنند، مردم در سراسر کرانـه ی رود نیل به پا خاسته اند.

این نخستین بار نیـست کـه مـصریان برعلیـه حکومـت ایران شورش کرده اند و به نظر نمی رسد که بـاز هـم ایـن آخرین بار باشد. به هر حـال، ایـن شـورش برعلیـه حـاکم و فرمانروای هخامنشی منـصوب از سـوی پادشـاه هخامنـشی است. شورش امسال چهارمین رستاخیر مصریان درعهد چهار پادشاه هخامنشی می باشد. مصری هـا بـا افراشـتن پـرچم، خواهان استقلال و آزادی سیاسی و دینی برای کـشور خـود شده و چند نفر از مأموران وصول مالیات را کشته اند.

نهمیـــا (Nehemiah) قـــوانین جدیـــدی بـــرای یهودیان وضع می کنـد. (اورشـلیم Jerusalem)، ۴۲۵ پ.م):

پس از ۹۱ سال که یهودیان از اسارت بابل رهـا شـده و به میهن بازگشتند، امسال دیوارهـای شـهر اورشـلیم دوبـاره ساخته شد. تعدادی از مردم رازدار وهواخواهان احیـای دیـن یهود از قوانین تازه حمایـت مـی کردنـد. فـردی کـه مـأمور ساختن دیوار اورشلیم ونیز واضع اصلاح دستورات دین بـود، نهمیا،مأمور رسمی دولت ایران در گذشته واکنون بـه عنـوان فرماندار یهودیه می باشد.

تجدید بنای معبد اورشلیم درسال ۵۱۵ پ.م انجام شـده بود،لیکن تا ورود نهمیا به آن جا هنوز یهودیان برای عبـادت به آن مکان نمـی رفتنـد.نهمیـا درمـدت ۵۲ روز بـا تـلاش وفعالیت بسیار، دیوار را تجدید بنا کـرد و آنجـا را بـه عنـوان مرکز یهودیه و هم چنین محل اجتماعات وعبـادات پیـروان دین یهود قرار داد و قوانین سابات (Sabbath) (روز شـنبه) دینی را به مورد اجرا گذاشت. این کار برجسته یی دراصـلاح دینی و مقررات ازدواج به شمار می رود.

افریقای شمالی ۱۱۸ پیش از میلاد
با مرگ پادشاه نومیدیا که دو پسرش را برای سلطنت به طور مشترک انتخاب کرده بود، ژوگورتا (Jugurtha) برضد هردو برادر قیام کرد. وی یکی از برادران خود را کشت و با حمله به برادر دیگر به نام آدربال (Adherbal) او را مجبور به فرار به روم کرد.

گل (فرانسه) ۱۱۸ پیش از میلاد
رومیها ایالتی بین کرانه های کوههای آلپ و کوههای پیرنه به نام گالیاناربونسیس (Gallia Narbonensis) احداث کردند ودرضمن شروع به ساختن راههایی برای پیوستن ایتالیا و اسپانیا نمودند. فرماندار ماسیلیا (مارسی) مسئول نگهداری و حفاظت کناره دریا می باشد این محل آلپ را به رون (Rhone) متصل می کند.

بالکان ۱۱۷ پیش از میلاد
روم ایالت دالماسی درکرانه دریای آدریاتیک را بار دیگر مورد یورش قرارداد.

مصر ۱۱۶ پیش از میلاد
کلئوپاترای (Cleopatra) سوم که با پسرش پتولمی هشتم مشترکاً بر مصر فرمانروایی می کردند، مورد حمله برادر کوچکتر قرار گرفتند. این برادر که اسکندر نام داشت بر جزیره قبرس حاکم بود وبرای رسیدن به پادشاهی مصر با پتولمی هشتم رقابت می کرد.

آسیا ۱۱۵ پیش از میلاد
نیاکان اشکانیان که تا همین اواخر درشرق دریای خزر، چادرنشین بودند، اکنون برسرزمین وسیعی از جمله باکتریا(باختر) درشمال افغانستان، فلات ایران و میان رودان فرمانروایی می کنند.

گل ۱۱۳ پیش از میلاد
منطقه سیمبری (Cimbri) که شامل قبایل توتون (Toutons) و آمبرون (Ambrones) سلتیک (Celtic) و اقوام ژرمن (Germanic) می باشد به سوی سرزمین های شرق کوههای آلپ مهاجرت می کنند . آنها حالت سکون وآرامش را از دست داده وهر لحظه روم را تهدید می کنند.

افریقای شمالی ۱۱۲ پیش از میلاد
ژوگورتا (Jugurtha) که بخش غربی نومیدیا را با کمک مردم ناحیه اشغال وبرآن فرمانروایی می کرد، بار دیگر به آدربال برادر خود حمله کرده ورقیب خطرناکی جهت احراز سلطنت او می شود. او براثر کینه جویی ومخالفت با روم آدربال را درشهر سیرتا (Cirta) به قتل رسانده وشهر را به تصرف خود درآورد.

چین ۱۱۰ پیش از میلاد
حکومت چین برحکومت یو (Yue) (فوکین – Fukien) ونان یو (Nanyue) (کانتون – Canton) وشمال ویتنام غلبه کرد. اکنون چین بهترین سرزمین های گیتی را که تا به حال شناخته شده در تصرف دارد.

چین ۱۰۸ پیش از میلاد
چینی ها سیاست خشن وبیرحمانه یی را در پیش گرفته و آن را توسعه می بخشند.آنها اکنون ناحیه پادشاهی شائوزیان (Zhao Xian) درحاشیه شبه جزیره کره را به تصرف درآورده اند.

علاوه برآن، نهمیا فرماندار یهودیه، با پیوند دادن برخی از مقررات قدیم و دستورات جدید، متون این دین مقدس را به صورت کتابی تدوین کرد و برپایه ی آن دین یهود به شیوه ی جدید تجلی کرد.

کودکان آتنی برای آموزش نام نویسی می کنند. (آتن، ۴۲۰ پ.م):

بسیاری از والدین کودکان آتنی، پسران خود را برای تحصیل به مدرسه می فرستند. آموزش های ابتدایی ویژه ی پسران است و مخصوص خانواده هایی است که قادر به پرداخت صورت حساب مدرسه باشند. پسران را در معیت و همراه بردگانی که لله آن ها هستند به مدرسه می فرستند (لله نوکری است که کودک تحت سرپرستی او قرار داده می شد) آنها بایستی لوحه های گِلی وقلم برای ترسیم روی آن ها به مدرسه ببرند. آن ها به خانه هایی که گراماتیست (Grammatistes) نامیده می شد، می رفتند و بایستی به استاد خود انعام بدهند.

آنان نخست شروع به یادگرفتن الفبا می کنند و سپس خواندن ونوشتن وعلم حساب را می آموزند. برپایه ی این آموزش، کودکان به سرعت مراحل آموزش را پشت سر می گذارند وسپس به قسمت های مشکل تر، مانند آموختن علم بیان ومنطق می پردازند. البته این بستگی به استعداد فرد داشت زیرا اغلب نمی توانند به این مراحل برسند، درهر حال، پس از یاد گرفتن الفبا، آموزش تجزیه و سیلاب های زبان شروع می شد. علم حساب هم شامل شمارش اعداد وکسری آنها بود که پیش از یادگیری کامل تمام لغات آغاز می شد. به هر صورت، کودکان با کمی سعی وکوشش می توانستند به تدریج زبان را در حدافراد بزرگسال بیاموزند و برحسب هوش واستعداد فردی پیشرفت کنند. یکی از مهم ترین وسایلی که درمدرسه به کار می رفت، چوبی به صورت عصا بود. کودکان می توانستند برروی پاره وتکه های سفالین ویا صفحاتی که از موم درست شده بود، بنویسند. هم چنین برروی کاغذ پاپیروس (Papyrus) با قلم نی بنویسند (پاپیروس برگ درختانی بود که درساحل رود نیل می رویید). آنها می توانستند اشعار هومر، هزوئید و یا سولون را از بَر بخوانند. همین طور درس های مذهبی را یاد بگیرند. خانواده های ثروتمند آتنی که صاحب سرپرست مخصوص



سنگ‌نگاره‌ی دیونیسوس (Dionysus)، سمبل باروری و تولیدمثل دوباره (اولین سده‌ی میلادی)



تندیس آتنا (Athena) در اکروپولیس (Acropolis) شهر آتن.



مردی از طبقه‌ی پست به‌نام بانگی (Bangy) (۱۸۳۷)



اناکسیماندر (Anaximander)، نقشه‌کش و مخترع ساعت آفتابی.



دیونیسوس نمونه تولد دوباره.

برای کودکان خود بودند، می توانستند معلومات اساسی را به آنها یاد دهند و گروهی که فرصت خوبی در اختیار داشتند، پسران خود را در سنین بین ۱۲-۱۹ سالگی به آموختن وامی داشتند.

آلکی بیادس تندخو، افراد ضد اسپارتی را شلاق زد. (آتن، ۴۱۵ پ.م):

آلکی بیادس، شخصیت معروف اسپارتی، با کمال جسارت ثروتمندترین فردآتنی را که در نطق خود نیروی دریایی آتن را وادار کرده بود به جزیره سیسیل (Sicily) حمله ور شوند، با ترکه تازیانه زد. اسپارت همواره با پیمان صلح بین آتن و اسپارت مخالف بود، درصورتی که نیسیاس (Nicias) تقاضای انعقاد پیمان صلح می کرد. اسپارت با اعمال خود دشمنی فی مابین را از سرگرفت. اکنون نیسیاس دراین جریان پیروز بود و نیروی دریایی خود را با کشتی‌های تری رم به سیراکیوز فرستاد.

آلکی بیادس (Alcibiades) بالاخره مجبور شد که در مجلس بحث ومناظره برای پیمان صلح شرکت کند واین جلسات درزمانی تشکیل می شد که نیسیاس نیروی خود را به سیسیل اعزام کرده بود، لیکن آلکی بیادس آن را خطری برای مذاکرات صلح می دانست واین سؤالی بود که جواب آن را از دشمن می خواست.

درحقیقت آلکی بیادس، باطرح این سؤال، به نحوی جنگ را به طرف مقابل تحمیل کرد.

وی به این موضوع افتخارمی کرد که ارابه های جنگی خود را چهار بار به المپیک فرستاده بود. گرچه این کاملاً طبیعی است. او می گوید که شهروندان به جلال وشکوه او رشگ می برند. من هرکاری ار که اراده کردم، درآتن انجام دادم و این امر نشانه ودلیل اقتدار من است. وی با خشونت وتلخی موافقت کرد که آتنی ها پرچم خود را در شهر برافرازندو با کمال تندی از بیم شکست در سیسیل به نیسیاس تبریک گفت و در ضمن پیشنهاد کرد که نیروهای بیشتری به آن جا اعزام دارد. با این اوصاف کمترین شکی نبود که او خصومت را دوباره آغاز خواهد کرد وبه خرابی های آتن خواهد افزود.

مردانگی شب هنگام را خدای یونان از مردان گرفته است. (آتن، ۴۱۵ پ.م):

مصر ۱۰۸ پیش از میلاد

اسکندر حاکم قبرس، پتولمی هشتم براد خود را از سلطنت خلع و از مصر اخراج کرد و خود با نام پتولمی نهم اسکندر حکومت و سلطنت را تصاحب کرد.

گل ۱۰۵ پیش از میلاد

جنگجویان سیمبری (Simbri) توتن (Teutons) وآمبرون (Ambrones) بزرگترین پیروزی را در جنگ علیه روم به دست آوردند، این جنگ درناحیه آرازیو (Arausio) (پرتغال) صورت گرفت و آنها به اسپانیا وارد شدند، لیکن به زودی توسط سلتی بریانها (Celtiberians) از منطقه اخراج شدند.

سیسیل ۱۰۳ پیش از میلاد

ارتش ۱۴۰۰۰ نفری روم برای سرکوب شورش بردگان به سیسیل وارد شد.

گل ۱۰۲ پیش از میلاد

ژنرال رومی ماریوس (Marius) شکست را بر توتن ها و سیمبریها درآبهای سکستیه (Sextiae) (اکس آن پرونس - Aix – en- provence) تحمیل می کند.

ایتالیا ۱۰۲ پیش از میلاد

گایوس لوسیلیوس (Gaius Lucilius) مبدع ادبیات جدید هجو وطنزآمیز درناپل درگذشت . شاهکار او دراین باره تألیف ۳۰ جلد کتاب مشتمل بر اشعار شش بندی و نیز تنویر افکار و بینش بشری ودرک واقعیات وحالات بحرانی زندگی است و هم چنین شارح زندگی وافکار وافعال خود می باشد(اتوبیوگرافی).

آسیای صغیر ۱۰۱ پیش از میلاد

مهرداد (Mithridates) پادشاه پونت (Ponts) (سرزمین کرانه دریای سیاه) سیاست خود را در ناحیه گسترش می دهد . وی از تجارت دو ایالت واقع درآسیاوایالت ساحلی با جزایر دریای اژه حمایت می کند و به توسعه تجاری این مناطق کمک می کند. در همین حال رومیان هم ایالتی درجنوب آسیای کوچک را به نام کیلیکیه (Cilicia) برای رقابت با این ایالات برمی گزینند.

سیسیل ۱۰۱ پیش از میلاد

مانیوس آکی لیوس (Manius Aquillius) کنسول روم جهت سرکوب مجدد شورش بردگان درجزیره سیسیل نیرو اعزام می کند وتعداد زیادی از شورشیان ورهبر آنها را به قتل می رساند.

ایتالیا ۱۰۱ پیش از میلاد

اقوام و تیره های ژرمن که به نام سیمبری مشهورند، پس ازگذشتن از آلپ از راه شمال شرق، وارد ایتالیا می شوند، لیکن به وسیله رومیان منهدم می شوند.

چین ۱۰۱ پیش از میلاد

چینی ها براغلب سرزمین ها غلبه یافته اند . این متصرفات به وسیله لی گوانگ لی (Li Guang Li) وارتش بسیار قوی او صورت گرفته و تا حوزه دلتای رود تاریم (Tarim) و فرغانه (Ferghana) ادامه دارد. این امر چین را به ارباب وآقای آسیای مرکزی مبدل کرده است.

رسوایی بزرگ درآتن رخ داده است وآن، این که دراثر توهین به خدای هرمس که درمردان نیروی جنسی می آفریند، نیروی مردی را در شب از دست داده و نمی توانند وظیفه ی خود را در قبال زنان انجام دهند، این امر دراثر توهین ولگد زدن به تندیس های خدای هرمس است که اوباش مست در شبها به آن وارد می آورند وبه نظر می رسد که این اعمال در پی تحریک اسپارت انجام می شود، علت آن هم اعزام نیروی نظامی آتن به سیسیل می باشد.

درهمین هنگام، شایع شده که دربسیاری از خانه های شخصی، جشن های نمایشی ومقدس الهه ئوزیان ها (Eleusinian) مورد تمسخر وریشخند قرار گرفته است. این نمایشات رمز ونشانه ی آغاز طبیعت است که در زندگی آنان منشاء اثرات بی شماری است و آغاز زندگی دوباره را نوید می دهد که هرسال با شادی و طرب همراه است. این مسخرگی ها وتمسخرها، تنها با طرد وکشته شدن آنهایی که این اعمال را انجام می دهند، پایان می یابد.

مردم عقیده دارند که گروهی از مردم آتن که زندگانی بسیار مرفهی دارند اینکارها را می کنند و به بیهودگی این افکار می خندند و درحالت مستی به مقدسات مردم اهانت می کنند. برطبق اظهارات بردگان درزیر شکنجه، آلکی بیادس قصد دارد که خود فرماندهی لشگریان اعزامی به سیسیل را عهده دار شود. او دشمنان خود و بسیاری از افراد را که برضد او اقدام کنند. شلاق می زند.

آتن از سقوط وغارت و چپاول سیسیل تکان خورد. (آتن، ۴۱۳ پ.م):

نیروی اعزامی به سیسیل دچار شکست شده و تارومار شدند. اسپارت ها وسیسیلی های متحد آنها، آتنی ها را شکست داده وفرمانده ی آن، نیسیاس را، دستگیر و به قتل رساندند. هزاران نفر از آتنی ها درجنگ کشته شدند و تمام نیروی نظامی آتن در دریا وزمین از هم پاشید، اسپارت ها اسیران جنگی را با پرتاب سنگ به سروصورت آنها زخمی کرده، به طوری که آن ها از اصابت سنگ وزخم وشکنجه، درگذشتند.

بیشترین مقصر درجنگ، روش سیاسی در پیش گرفته شده به وسیله ی آلکی بیادس بود که توهین به مقدسات آتنی را باب کرد. هرچند او خود درآتن ماند وتوانست این اهانت ها را از نزدیک مشاهده کند، چون درغیاب او کسی جرأت این کار را نداشت، بقایای نیروی نظامی آتن را از سیسیل فراخواندند، گرچه برطبق دستوری که آلکی بیادس به آنها تعلیم داده بود که اسپارت ها هرقدر می توانند آن ها را از بین ببرند، تعدادی از سربازان زنده و باقیمانده از جنگ، درحالی که تنها رمقی از زندگی داشتند به آتن بازگشتند و مردم آتن مراسم سُوگواری بزرگی به سبب آن برپا کردند.

پولی کلیتوس (Polyclitus)، تندیس هایی از برنز می سازد. (یونان، ۴۱۵ پ.م):

پولی کلیتوس از اهالی آرگوس (Argos)، با آلیاژ برنز و به کارگیری آن در ساخت پیکره های یونانی، انقلابی در ساخت تندیس ها به وجود آورد. او برخلاف فیدیای (Phidia) آتنی که در کار مجسمه سازی تبحر نشان داده و تندیس های زیادی از خدایان ساخته، پولی کلیتوس هنر خود را در ساخت تندیس ورزشکاران وقهرمانان به کار برده است.

هماهنگی بین فلسفه و خلق آثار هنری، درمقاله یی که کانون (Canon) نوشته به چشم می خورد، او می گوید: ساخت پیکره ها نشانی ازفلسفه ی وجودی آنهاست، همان طور که پیکره ی خدایان نقش آنها را در زندگی نشان می دهد. ساختن تندیس مردان قهرمان هم در زندگی مردم مؤثر است وآنان این مردان را الگو ونمونه قرار می دهند،ساخت مجسمه اگر ابعادی بزرگ داشته و از طلا و عاج ساخته شود، اثر آن در چشم بیننده بیشتر خواهد بود، به عنوان مثال، تندیس الهه هرا در معبد آرگوس که بسیار هنرمندانه است و عظیم به نظر می رسد.

آتنی ها برای هرچه باشکوه تر برگزار کردن جشن ها، درزیر نور مشعل می رقصند و این نشانه ی تعظیم و تبعیت با خدایان، جهت حفاظت از آیین و دین آنان است. (آتن، ۴۱۰پ.م):

بزرگ ترین جشن آتنی ها به نام پان آتنه (Panathenaea)، به مناسبت روز تولد آتنا، بزرگترین الهه‌ی یونانی، با شرکت اکثر مردم ایالت آتن درپشتیبانی از

روم ۱۰۰ پیش از میلاد

ساتورنیوس (Saturnius) وگلوسیا (Glaucia)، هم چنان در رأس شهروندان رومی ودرمقابل کنسول وفرماندهی کل ارتش باقی هستند وبه شیوه سیاسی گراکی (Gracchi) ادامه می دهند. آنها قانونی را جهت تصویب سنا پیشنهاد می کنند که تا اندازه ای به نفع فقیرترین افراد رومی است وآن کاستن ازقیمت ذرت است که قسمت اعظم خوراک فقرا می باشد، لیکن با مخالفت اشراف روبه رو می شود، وهمین موضوع باعث شروع اعتصاب وشورش می گردد.

افریقای جنوبی ۱۰۰ پیش از میلاد

کشاورزان با فرهنگ خویزان (Khoisan) ونیز مردم شمال صحرای کالاهاری (Kalahari) دورترین نقطه جنوب شرقی افریقا به زبان خویزی تکلم می کنند و این زبان گستردگی بسیاری درافریقا یافته است.

روم ۱۰۰ پیش از میلاد

ساتورنیوس و گلوسیا (Glaucia) کنسولهای مجلس سنا که غیر قانونی به رهبری رسیده بودند، پیش از دستگیری ناظر کل وفرمانده ارتش را به قتل رساندند.

افریقای شمالی ۹۸ پیش از میلاد

پتولمی آپیون (Apion) فرزند نامشروع پتولمی هفتم اورجت (Euergetes) منطقه سیرنائیک (Cyrenaica) را از پدرش به ارث برد، وی تا هنگامیکه پدرش در رم فوت شد، درآن جا فرمانروایی داشت.

چین ۹۷ پیش از میلاد

سیماکیان (Sima Qian) پسر تعمیدی امپراتور چین، بنابه دستور امپراتور وبراثر کینه یی که با او داشت، با کمال خفت و بی آبرویی اخته شد . او توانسته بود حدود نیم میلیون کلمه تاریخی را با سبک نوینی که قابل استفاده باشد یادداشت وثبت کند.

روم ۹۱ پیش از میلاد

لیویوس دروسوس (Livius Drusus) ناظر کل کشور درسنا به قتل رسید. گرچه او اصالتاً اشراف زاده بود، لیکن بیشتر طرفدار و وکیل شهروندان رومی به حساب می آمد و خواستار نوآوری در قوانین آزادی به نفع ملت بود. روز پیش از مرگ او،سنا تمام قوانین واصلاحات را که درحمایت از ملت تصویب شده بود لغو کرد .

روم ۹۰ پیش از میلاد

لوسیوس ژولیوس سزار (Lucius Julius Caesar) کنسول روم، مواد قانونی که اصول شهروندی را مقرر می داشت رد کرد.

روم ۸۹ پیش از میلاد

مارکوس پلوتیوس (Marcus Plautius) یکی از ناظران قانون اساسی، قانون جدیدی برای اساس شهروندی روم مقررداشت که مورد رضایت بیشتر مردم قرار گرفت. او به شهر روم آزادی اعطا کرد و هر کس که نام خود را در فرماندهی نیروی نظامی ثبت می کرد، جزو شهروندان رومی محسوب،و این آزادی شامل او می شد.

این الهه ی مقدس برپا می شود. این مراسم برطبق افسانه‌ی ته زئوس و با اقدام او از سال ۵۶۶ پ.م تا کنون هرساله به عنوان یک جشن مذهبی که جنبه ی میهن پرستی هم دارد وبا شرکت تمام کمیته ها تشکیل می شود. هنگام انجام مراسم دو روز آخر ژوئیه می باشد وهر چهارسال یک بار، به مدت چهارروز این آیین خیلی با شکوه تر ومجلل تر به اسم پان آتنه ی بزرگ برگزار می شود. به باور عمومی، این جشن هرچه مفصل تر وپرابهت تر باشد، خدایان بیشتر راضی می شوند وحمایت خود را از مؤمنان بیشتر خواهند کرد.

آغاز جشن، درشب، با رقص وآواز در زیر نورمشعل، آغاز می شود. شرکت کنندگان دسته جمعی از سرامیکوس (Cerameicus) حرکت کرده ودرآتن به آکروپولیس (Acropolis) می رسند، این رقص و آوازخوانی، تا طلوع فجر ادامه دارد ودراین موقع، پذیرایی کنندگان مذهبی با سینی های شیرینی تهیه شده از عسل از خارجی ها، پذیرایی می کنند و مأموران رسمی معابد با لوازمی که برای عبادت مصرف می شد، از راه می رسیدند و مؤمنان برای عبادت معبد آماده می شوند. سایرین هم با شاخه هایی از زیتون و بلوط تطهیر شده از پی جمعیت می آیند.

پس از این مراسم، منظور اصلی شرکت کنندگان شروع می شود و آن پوشاندن پیکره ی آتنا با لباس یا ردای بلند جدید است که به وسیله ی دختران اشراف بافته شده. این دختران باکره ی جوان که لباس آتنا را بافته و با خود می آورند، به وسیله ی مردان سوار همراهی می شوند.

پس از آن، درهنگام برگشت از آکروپولیس وپایان جشن، زائران تعداد زیادی گاو را به محراب پارتنون برده و قربانی می کنند. تعدادی از این گاوها سهم بخش هایی از جزیره نشینان یونانی و تعدادی هم از قسمت های دیگر سرزمین های تابعه می باشد که برای قربانی آورده شده اند.

مقداری از گوشت گاوها را به کارکنان روحانی و خدماتی معبدها می دهند وبقیه را هم بین سایر مردم قسمت می کنند، درهمین حال عده یی از کارمندان وروحانیون سایر معابد خدایان، قهرمانان مسابقات، شاعران بزرگ که اثرهای برجسته به جامعه ی یونانی عرضه کرده اند وبرندگان مسابقات ورزشی با ظرف هایی از روغن زیتون تطهیر شده به معبد می آیند و روغن ها را بین افراد تقسیم می کنند.

پیروان مکتب سوفیست (سوفسطایی) یونانی بیش از اندازه حرف می زنند. (آتن، ۴۱۰ پ.م):

اگر می خواهید بدانید که در مرحله ی نخست، مرغ خلق شده یا تخم مرغ، از یک سوفیست (Sophist) سؤال کنید. به طور مسلم او هم نمی تواند این مطلب را حل کرده و به آن جواب بدهد. هم چنان که یک راهب دینی در بازار و میدان های عمومی شهر که محل اجتماع و دیدو بازدید اهالی است، ساعت ها راجع به دستورات مذهبی سخن می گوید، یک سوفیست فیلسوف هم، شهر به شهر مسافرت می کند و برای ارشاد وتعلیم علوم گوناگون، ازقبیل ریاضی، ستاره شناسی، شجره شناسی، وغیره به صورت متکلم وحده صحبت می کند و بحث های مختلف را برای خوشحالی مردم پیش می کشد، به طوری که مطلب مرغ و تخم مرغ لوث می شود.

بحث فلسفه درشخص، حالت غرور و نخوت ایجاد می کند. افلاطون (Plato) بیهودگی دنیا را سرلوحه ی مباحث خود قرار می دهد و می گوید، عقلت را در مقابل پول ومال دنیا از دست مده، سقراط (Socrates) هم دنیا را پوچ وبیهوده می داند.

هنوز هم سوفیست هایی مثل پروتاگوراس (Protagoras)، پرودیکوس (Prodicus) وهیپ پیاس (Hippias)، مردم را برای بحث دعوت می کنند. آنها به مردم می آموزند که موضوعات دنیوی بی ارزش است، لیکن کمک کردن به کشور برای آبادانی و بهبود محل زیست، کاری گران بهاست.

آریستوفان (Aristophanes) درنمایش کمدی ابرها، به این موضوع اشاره می کند که یک سوفیست درجایی شبیه تنور نانوایی با بدن عریان ورنگ پریده که اطرافش مقداری زغال برای تنور انباشته شده، زندگی می کند و به خیال خود در بهشت است. این زندگی کاذب ودروغین دربسیاری از سوفیست ها حالت خوشحالی ولذت ایجاد می کند ومباحث ومذاکرات آنها ساعتها به درازا می کشد، بدون آن که به نتیجه ی ملموس و هدفی دست یابد، به جز شاید مقصودی بی ثمر و بیهوده.

آکروپولیس نقطه ی اوج ومنتهای هنر آتن (آتن، ۴۰۸ پ.م):

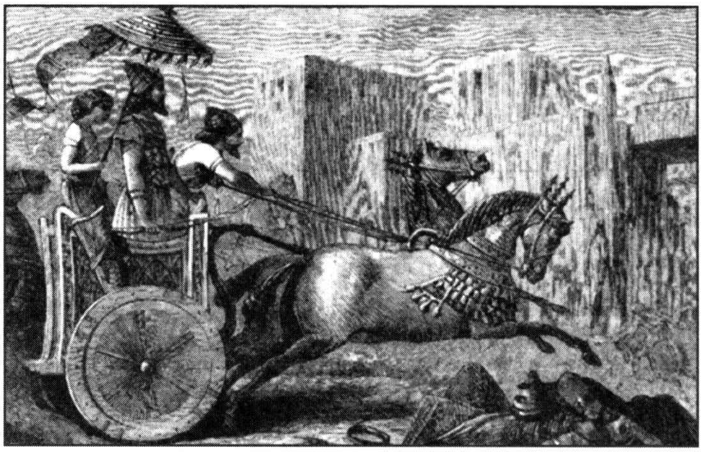
بزرگترین و مجلل ترین ساختمان با عظمت آتن به نام اِرکتئوم (Erechtheum) که مجموعه یی از معبدهای یونانی و بر روی تپه ی بلندترین نقطه ی شهر آتن که درحقیقت بام شهر است، به پایان رسید. این بنای عظیم که از سه معبد تشکیل شده با راه های ورودی عالی وستون های بلند سنگی که به منزله ی تکیه گاه ساختمان است، در مدت متجاوز از چهل سال با معماری سبک دوریک ساخته شده، که یکی از شاهکارهای برجسته ی هنر یونانی است. تمامی این بنا در سال ۴۸۰ پ.م به وسیله ی نیروهای نظامی ایران درحمله به آتن، ویران ودوباره بازسازی شده است.این ساختمان در ۴۰ سال پیش، به ابتکار پریکلس اشراف زاده، بنیانگذاری شد. پریکلس برای هزینه ی این کار از مالیات سایر شهرهای یونانی استفاده کرد که برطبق عهدنامه ی دلیان برای حفظ حیثیت یونان انجام شد.

ساختن این بنا نه تنها برای عده ی زیادی از معماران، مجسمه سازان ونقاشان کار ایجاد شد، بلکه بسیاری از صنعتگران و کارگران ساختمانی نیز مشغول به کار شدند. پریکلس با انتقاد عده یی از آتنی ها روبرو شد که مدعی بودند این کار پوچ وبیهوده است و پول شهرهای دیگر را هدر داده است. او برای ما، نه یک سرباز،نه یک اسب و نه یک کشتی تهیه نکرده، وی پول مردم را که برای کارهای ضروری ولازم بود، بدون این که خدماتی انجام دهد، صرف این کار کرده است، او می توانست به عوض این کار ناوگانی مرکب از کشتی های جنگی ترتیب دهد.

این انتقادات باعث سکوت پریکلس نشد، او گفت من مانند دوستم فیدیاس، طرفدار نصب تعدادی تندیس بزرگان وخدایان هستم. فیدیاس دوست داشت که تندیس پریکلس را بسازد و زنان هنرمند آتنی می خواستند به این کار کمک کنند.

معبد آکروپولیس از سه سو به پرتگاه وسراشیب منتهی می شد که سال ها مرکز دژ و استحکامات آتنی بوده و در عصر برنز یکی از قلاع میسنی ها محسوب می شده است.

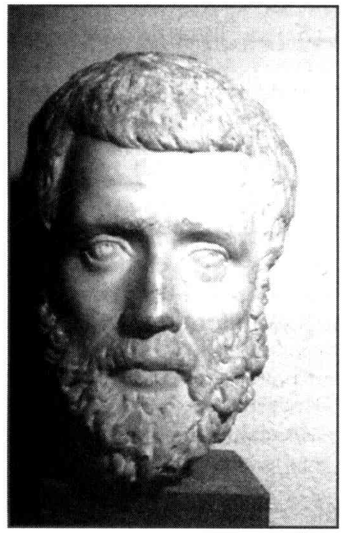
پریکلس این محل را برای عبادت مؤمنان تعیین کرد و قرار شد که تندیس الهه های یونانی،مانند آتنا را درآنجا نصب کنند وهنرمندان یونانی آثار هنری خود را درآنجا به نمایش بگذارند.



گردونه‌ی کوروش (Cyrus) هنگام ورود به شهری که تازه مسخر شده، اثر یکی از نقاشان معاصر انگلیسی.



یک زن جوان آتنی یا کور (Kore).



تندیس سر فیثاغورث (Pythagoras)، ریاضی‌دان و سیاست‌مدار یونانی که تحرکی در سیاست به‌وجود آورد.



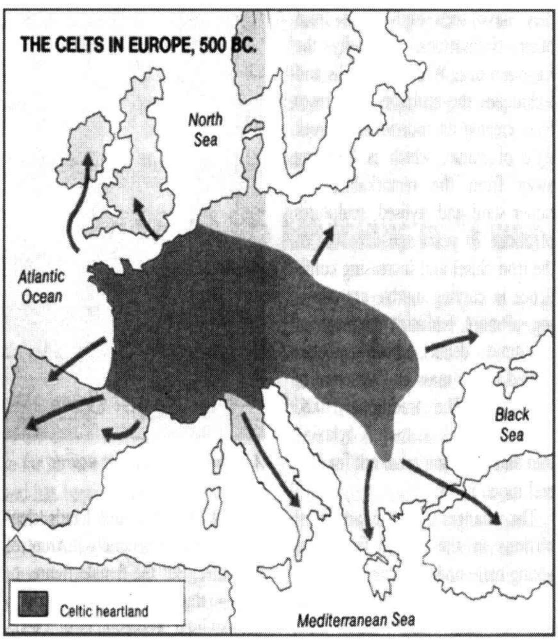
رومولوس (Romulus) ورموس (Remus) که برطبق افسانه‌های رومی از پستان گرگ شیر می‌آشامیدند.



عجوزه خیره‌چشم در دهانه‌ی یک بطری.



صحنه‌هایی از اعمال قهرمانانه‌ی ورزشکاران شهر تزئوس (Theseus)، در وسط صحنه یکی از قهرمانان شیری را می‌کشد.



نقشه‌ی قلمرو سلت‌ها (Celts) در اروپا (حدود سال ۵۰۰ پ. م.)

بزرگترین قسمت آکروپولیس، پارتـه نـون (Parthenon) از هرسو بـا سـتون هـایی از سـنگ مرمـر بنـا شـده و سـقف ساختمان بر روی این ستون ها قرار گرفته است. در سـاخت تندیس آتنا طلا و عاج به کار رفته که کلاه خود برسروحامل سلاح جنگی است. معماران ساختمان برای این کـه تفـاوت بین آتنـی هـا و بربرهـا را نـشان دهنـد، در روی دیوارهـای سنگی با گچ بُری های ظریف، صحنه های گوناگون جنگـی را نشان داده اند تا خـشونت وسـبعیت آنهـا را در پیکـار بـه تماشاچیان بنمایانند. صحنه های دیگر عبارتند ازتندیس تروآ (Troy) قهرمان یونانی و تولد آتنا درالمپیاد (Olympian)

ستون های مرمری زیر سقف، برجستگی های قاشقی را با هماهنگی وظرافت مخصوص و حیرت انگیزی نشان مـی دهد که کوچک تـرین بـی نظمـی دران هـا وجـود نـدارد و فاصله‌ی بین برجستگی ها وفرورفتگی ها کاملاً رعایت شده و به چشم بیننده بـسیار خـوش آینـد اسـت. تنـدیس زنـان ومردان به اندازه یی ظریـف وزیباسـت کـه تمـام حـالات و حرکات را به طور روشن نمایان می سازد کـه بـه نظـر مـی رسد انسان هایی زنده و جاندارند.

سقراط پس از اعلام رأی هیـأت داوران، زهـر را می نوشد. (آتن، ۳۹۹ پ.م):

سقراط، فیلسوف بزرگ آتنی و یکی از مشهورترین چهـر های اخلاقی زمانه، در سن ۷۰ سالگی و پس از رأی دادگـاه راجع به محکومیت او، درآتن درگذشت. او متهم شده بود که اخلاق جوانان را فاسـد کـرده و آنهـا را نـسبت بـه عبـادت خدایان بدبین کرده است. وی این اتهام را تکذیب می کند و در سخنان خود در دادگاه می گوید کـه بـه بـاور او، زنـدگی کردن درفقر و تهی دستی و پای برهنه راه رفتن را بر ثـروت و دارایی که از راه نادرستی و پایمال کردن حقیقت به دسـت آید، ترجیح می دهد.

درحقیقت سقراط با خودآزاری فرصت جبران بـسیاری از سیاست هایی که درجامعه جـز نـاراحتی مـردم نداشـت را از دست نداد ومایل بود که این فـشارهای اجتمـاعی را از بـین ببرد. او در زمان جنگ با پلوپونزی ها به عنوان عضو انجمن شهر خدمت می کرد، لیکن با پیـشگویی هـای معبـد دلـف، زندگانی خود را تغییر داد.

هنگامی که پیشگوی دلف گفت از شخص سقراط داناتر کسی پیدا نمی شود، وی این حرف را بـاور نکـرد. پیـشگوی دلف نام چند تن از سیاستمداران مشهور را نیز ذکـر کـرد واز هوشمندی ودانایی آنها پرسش کرد، گرچه او چندبار نام این افراد را برد، لیکن حقیقت امر این بود که آنان را جز به جهل ونادانی نسبت نداد و آنها را اشخاصـی کـودن نـام بـرد، امـا سقراط را شخصی دانشمند وعاقل دانـست و مـورد تـصدیق قرار داد. او گفت سیاستمداران، اشخاصی نـازپرورده انـد کـه مرتب ازهر چیز شکایت دارند. درهمین حال، پیشگو پرسـش هایی را تکرار کرد واز شیوه وروش سقراط در پیشبرد دانـش جوانان پرسید که چگونه آنهـا در گـروه هـای متعـدد بـرای یادگیری نزد سقراط می روند، بـه طـوری کـه آنهـا پـس از مدتی به مخالفـت بـا شـیوه ی حکومـت برمـی خیزنـد و از مسئولان اداره ی شهر راجع به همه چیز سـؤال مـی کننـد. سؤال وجواب ها مرتب تکرار شد. سقراط بایستی تبعید و یـا از زندگی معاف گردد، لیکن گفته شد کـه بایـد بـرای او بـه جهت کمک به مردم یونان، اعانه ومستمری داده شود، چون او به مردم عقل و منطق آموخته است. دادگاه با تلاش زیـاد رأی به کشتن او داد و فوری او را زندانی کرد ومقرر شد کـه به او ظرفی از زهر گیـاه شـوکران (Hemlock) بخوراننـد. سقراط می توانست از زندان بگریزد، لیکن او نوشیدن زهر را انتخاب کرد و جام را به لب های خود برد.

فرقه ی اورفیک (Orphic) (نـام شـاعر مـشهور یونانی) با ایمان به تـرک دنیـا، ایـن شـیوه را در زندگی برمی گزینند. (آتن ، ۴۰۰ پ.م):

اگر این روزها درخیابان های شهر آتـن بگردیـد، اغلـب مشاهده می کنید که مردم با لباس سفید و وضـع غیرعـادی مشغول بحث وفحص هستند. این ها اعضای گروه منتـسب به اورفئوس، شـاعر یونـانی هـستند کـه روزبـه روز درتمـام شهرهای یونانی برتعداد آنها افزوده می گردد.

آنان پیرو عقاید دینی هندوان هستند که گیاه خـوار مـی باشند و از لذات دنیا واعمال جنسی پرهیزمی کننـد و عمـل جنسی را خلاف اخلاق دانسته و عقیده به تناسـخ روح (روح پس ازمرگ فرد به جسم دیگـری حلـول مـی کنـد) دارنـد. برطبق شایعه ی بی اساس، آن هـا مراسـم میگساری هـم برای رب النوع شراب دارند.

آن ها آیین های عبادی انجام می دهند کـه تقلیـدی از اورفئـوس (Orpheus)،شـاعر یونـانی اسـت. او حیوانـات

راطلسم می کرد و به کارهای غیرطبیعی و محیرالعقول دست می زد و به زیرزمین می رفت تا بتواند مرگ وشکنجه را امتحان کند. او زنان را قطعه قطعه می کرد.

به باور اورفئوس، منشاء مردان از خون است. بچه ی دیونیسوس توسط غول قوی پیکر قطعه قطعه و به سیخ کشیده و کباب گردید، لیکن زئوس این غول را (تیتان Titan) با فرستادن صاعقه ی آتشین سوزاند و بشر از خاکستر این غول به وجودآمد.

به عقیده ی هواداران اورفیک، عبادت با قربانی کردن حیوانات،شبیه آدم خواری است و پیروان او هرگز گوشت نمی خوردند. آنان برای یادبود انسان ها پس از مرگ، لوحه یی از اعمال او را روی قبر وی می نهادند. آنان عقیده داشتند که روح انسان ها سرانجام پس ازرؤیت خداوند به صلح و آشتی روی خواهد آورد.

آتنی ها افسران فاتح را به مرگ محکوم کردند. (آتن، ۴۰۶ پ.م):

آتنی ها، شش افسر فاتح نیروی دریایی آتن را که در جنگ اسپارت برضد کشتی های جنگی دشمن، در ناحیه ی آرژینوزا (Arginusae) درکانال کم عرض بین لسبوس (Lesbos) وآسیای کوچک (آناتولی) شرکت کرده بودند، به مرگ محکوم کردند. داوران آتنی درجلسه یی به علت این که این افسران نتوانستند کشتی ها وافراد آن را نجات بدهند، این حکم را صادر کردند.

افسران آتنی در دفاع از خود اظهار داشتند که آن ها کشتی ها را برای جلوگیری از اسپارت ها اعزام داشتند، واین کشتی ها در تعقیب دشمن بودند، لیکن سیل دشمن یک مرتبه شروع شده و ما دیگر قادر نبودیم آن ها را نجات دهیم. به هر حال، گرچه سقراط به خاطر دفاع از افسران فریاد کشید، اما سایرین جلوی او را گرفتند و مانع صحبت او شدند و این عملی شرم آور بود.

بالاخره دادگاه آتن با جوی که داوران ایجاد کردند و فریادهایی همچون سوت بخارترن وحالت خشم و عصبانیت بیش از حد حضار گواهی ورأی برعلیه آنها دادند، دراین وقت یکی از داوران به نام ترامنس (Theramenes) دستور داد آنها را برای اجرای حکم اعدام، به بیرون هدایت کنند.

روم ۸۸ پیش از میلاد

همچنانکه نزاع بین شهروندان رومی در حال پایان یافتن بود،لوسیوس کورنلیوس سولا(Lucius Cornelius Sulla) به کنسولی روم برگزیده شد.او مسؤل و ضامن پیشرفت و ترقی کشور و اصلاحات داخلی معروف شد و بالاتر اینکه بایستی در برابر مهرداد اشکانی ایستادگی ومقاومت کند. واکنش سولا سعی درجلو گیری از این امر بود وسولا به ژنرال ماریوس دستور داد که هرگونه صلاح می داند، جلوی پیشروی مهرداد را سد کند. ماریوس با کمک نیروی نظامی سعی داشت که مهرداد را از اطراف روم دور کند.

آسیای صغیر ۸۸ پیش از میلاد

مهرداد اشکانی،پادشاه بلند همت پونت واقع در کرانه دریای سیاه به نیکومیدی (Nicomedes) درناحیه بی تی نیه (Bithynia) حمله و آن سرزمین را تسخیر کرد، این ناحیه در شمال آسیای صغیر قرار داد. مهرداد سپس به ایالت روم یورش برد، وتعداد۸۰۰۰۰ نفر از سربازان رومی و ایتالیایی را به قتل رسانید.

دلوس (Delos) ۸۸ پیش از میلاد

مهرداد لشگری جهت محاصره و فتح دلوس اعزام کرد و۲۰۰۰۰نفر از ساکنان جزایر را ازبین برد.

مصر۸۸ پیش از میلاد

پتولمی نهم که برادر خود پتولمی هشتم را از مصر اخراج و در۲۰ سال پیش، سلطنت را تصاحب کرده بود، به وسیله مردم اسکندریه کشته شد و شاه پیشین دوباره قدرت را به دست گرفت.

یونان ۸۷پیش از میلاد

مهرداد اشکانی، شاه ایران درتدارک نیرویی جهت تصرف وکنترل بخش اعظم یونان بود. سولا هم سپاهیانی عظیم در اپیروس (Epirus) (ناحیه دریایی) پیاده کرد، او به سرعت کنترل بخش اروپایی یونان و به ویژه بندر پیرائوس (Peraeus) را به دست گرفت.

چین ۸۷ پیش از میلاد

امپراتوری وودی (Wudi) که به نام خدای جنگ مشهور بود، درگذشت. سلطنت طولانی وموفقیت آمیز وی توأم با تصرف بسیاری از سرزمین های بیگانه وتوسعه کشوربود، او هم چنین کمک به گسترش افکار کنفوسیوس به عنوان مذهب رسمی و تعلیم آن به مردم چین جهت کنترل اجتماع و اجرای اوامر امپراتور نمود.

روم ۸۷ پیش از میلاد

لوسیوس کرنلیوس چینا (Lucius Cornelius Cinna) که خود را درصحنه جدال اجتماعی شناسانده بود، پس از سوگند به قانون اساسی واعلام وفاداری به سولا، به زودی سوگند وپیمان خودرا شکستِ و سولا را متهم کرد، او به تحکیم موقعیت خود واطمینان به اینکه از سوی مردم انتخاب شده است، نقض عهد کرده و باعث لرزش سیاسی روم شد و درضمن ماریوس (Marius) را هم احضار کرد.

روم ۸۷ پیش از میلاد

اوکتاویوس (Octavius) همکار چینا (Cinna)، با سمت کنسول وحمایت کننده از سولا، پس از احراز سمت کنسولی به چینا حمله کرد و برخی از همفکران او را به قتل رسانید و عده یی راهم از روم اخراج کرد. او سپس شخص چینا را هم تبعید و خود مقام او را اشغال کرد.

واکنش مردم آتن به جهت این امر، تنها ابراز تأسف عمیق بود. لیکن این تأسف راه به جایی نبرد و افرادی چون پریکلس، دیومدون(Diomedon)، لیزیاس (Lysias)، اریستوکرات (Aristocrates)،ترازیلوس (Thrasyllus) واراسیندس (Erasindes)،دیگر برگشت نخواهند کرد.

ناوهای جنگی آتن نابود شد. (آتن، ۴۰۵ پ.م):

مردم آتن از این که کشتی هایشان به دست اسپارت از بین رفت، دچار رنج و اندوه بسیار شدند. دراین جنگ طولانی و بی رحمانه، تمام ناوگان سه اشکو به آتن به جز ۱۰ فروند آن نابود شدند وتعداد بسیاری از سربازان تلف شدند.

در این نبرد که درسرزمین اوگوسپوتامی (Aegospotami) ودرهلس پونت (Helespont) صورت گرفت. طرفین درزمین ودریا با هم مصادف شدند. درابتدا طلایه وجلودار لشگریان آتن از بین رفت، این جنگ که به فرماندهی لیزاندر(Lysander) و ناوهایی که با پول ایران تهیه شده بود، صورت گرفت. همان طور که گفته شد، طلایه ی آتنی تحت سرپرستی فیلوکلس (Philocles) نابود شد و پس ازآن، بقیه ی ناوگان جنگی آتن پیش از آن که آماده نبرد در دریا شوند، متلاشی شد.

لیزاندر ابتدا سربازان خود را پس از تصرف استحکامات آتنی درآنجا پیاده کرد وبرای جلوگیری از حمله به نیروهای خودی، خط دفاعی آنها را مستحکم کرد وسپس با انداختن قلاب های آهنی به کشتی های آتنی آنها را کشیده وتصاحب کرد. هنگامی که وضع لشگریان آتنی در هم ریخته شد وانتظام قشون از بین رفت، حمله ی همه جانبه برای درهم شکستن قوای دشمن وفرار آنها آغاز شد.

کونون(Conon)، فرمانده ی آتنی، از ناو خود پیاده شدو فرار کرد، ولی از ترس مجازات درآتن به قبرس گریخت. متأسفانه فیلوکلوس، فرمانده ی طلایه داران هم به دست لیزاندر کشته شد. با از بین رفتن روحیه ی بقیه سربازان که زنده مانده بودند، دیگر آتنی ها پناه خود را از دست دادند و آتن بدون دفاع ماند.

اسپارت ها دست به کشتار و ترور آتنی ها می زنند. (آتن، ۴۰۴ پ.م):

سربلندی وافتخار آتن به فروتنی و تواضع تبدیل شد. با فشار نیروهای اسپارت وگرسنگی مردم شهر آتن، روحیه ی تسلیم و واگذاری شهر شدت یافت وهرلحظه به نظرمی رسید که شهر در آستانه ی سقوط است. دیوار بزرگ شهر فرو ریخت. مخالفان دموکراسی تبعید شده، دسته دسته به آتن بازگشتند و با نفوذی که لیزندر فاتح پیدا کرده بود، قوانینی به نفع دیکتاتوری پیاده شد که این امر در این هنگام بدون بازگشت بود.

گروه سی نفری طرفدار دیکتاتوری، با ایجادترس، قوانین خود را اجرا می کردند. کریتیاس (Critias)، رهبر طرفداران دیکتاتوری، که نخستین تبعیدی به وسیله ی دموس بود، اکنون به تلافی آن، تعداد زیادی از آتنی ها را کشت و از این که دست مردم را به تطاول و غارت وکشتار مردم باز گذاشته، خوشحال بود.

دیکتاتورها به طور مرتب، دموکرات ها را از شهر بیرون می کردند و تنها به سه هزار نفر اجازه ی حمل سلاح دادند و سه هزار نفر هم دراین میان کشته شدند و به بقیه هم دستور دادند که با سم شوکران خود را بکشند که اغلب بدون رأی دادگاه انجام شد زیرا هرکاری خودسرانه انجام می شد. آنان اموال و دارایی کسانی را که خدمتی به آتن کرده بودند واکنون مجبور به ترک شهر بودند،به نفع خودمصادره می کردند. این جریان برای آتنی ها شرم آور بود.

به منظور آشنا ساختن مردم آتن به عملیات رزمی بخشی از مردم را به پادگان ها می فرستند. (آتن، ۳۵۰-۴۰۰ پ.م):

اسپارت ها به جهت این که ارتش آتن را در دست خود داشته باشند و از سویی برای خفقان مردم آنان را تحت تعلیم نظامی قرار می دهند. آنان برای تربیت افراد نظامی، جوانانی را که به سن ۱۸ سالگی می رسند، به مدت دو سال در سربازخانه آموزش می دهند. هرفرد ساکن آتیک، یا شهروندان آتنی، باید وضع خود را مشخص کند وچون به سن ۱۸ سال رسید، باید پس از کوتاه کردن موی سر، لباس سربازی پوشیده وخود را به پادگان معرفی کند وتا مدت دو سال تحت آموزش نظامی قرار گیرد. این افراد آموزش دیده را برای جنگ وحفظ مرزها می فرستند، لیکن پیش از آن

آتن ۸۶ پیش از میلاد

با محاصره طولانی آتن، مردم دچار گرسنگی وعسرت شدند لیکن درپی نقض پیمان با سولا، دیوار شهر را دربخش پیرائوس شکسته و حالت محاصره از بین رفت، دراین حال گروههای متخاصم رومی به شهر حمله کرده و آنچه را که باقی مانده بود غارت کردند، معهذا سولا با بزرگ منشی به شهر آتن وارد شد و آزادی آن را تضمین کرد، به طوری که امنیت شهر آتن تأمین شد.

روم ۸۶ پیش از میلاد

ماریوس و چینا به عزم روم دوباره به شهر بازگشتند و خود را به عنوان کنسول معرفی کردند. آنها سپس دست به کشتار وحشیانه اشراف زدند. دو هفته پس از آن ماریوس به وضع طبیعی مرد.

صحرا ۸۶ پیش از میلاد

با اتحاد بربرهای گارامانتس (Garamantes)، دولت روم گروه هایی از نیروی خود را به صحرا اعزام کرد. آجی سیمبا (Agisymba) (آبی سینیا – Abyssina) فرمانده بربرها که وضع را مغشوش ودگرگون دید، با پیدا شدن نیروهای رومی، با دور زدن راه و گذشتن از رود نیل درمرکز صحرا نیروی نظامی خود را پیاده کرد.

آسیای کوچک ۸۶ پیش از میلاد

مهرداد پادشاه اشکانی با امضای پیمان صلح درزمان سولا، در داردانوس (Dardanus) تمام سرزمین اشغال شده توسط روم را پس گرفت. این جریان در پی دو مورد شکست ژنرال آرکه لائوس (Archelaus) درکارونه (Chareonea) و اورکومنوس (Orchomenos) به وسیله مهرداد در بئوسیا (Boeotia) صورت گرفت.

روم ۸۴ پیش از میلاد

چینا کنسول بیرحم وظالم رومی و متحد پیشین ماریوس در آشوب محلی کشته شد.

روم ۸۲ پیش از میلاد

درپی هجوم سامنیت ها (Samnites) در دروازه شهر کولین (Colline) سولا از روم عقب نشینی کرد. این جریان دراوج قدرت وی و درخشان ترین مبارزه او بود که مقهور شد. وی پیش از آنکه کیفر و مجازات درباره او اجرا شود، مقام دیکتاتوری روم را اشغال کرده بود.

آسیای صغیر ۸۱ پیش از میلاد

روم با مهرداد پادشاه اشکانی عهدنامه صلحی امضا کرد که به جنگ دوم مهرداد پایان دهد، لیکن این پیمان در دو سال پیش نقض شد.

روم ۸۱ پیش از میلاد

ژولیوس سزار فرزندیکی از کنسول های روم از دیکتاتوری سولا به شدت خشمگین بود، لیکن با ازدواج با دخترسولا به نام کورنلیا (Cornelia) این کدورت برطرف شد. سولا دشمن دیرین چینا بود. ژولیوس سزار قصد داشت به آسیا لشگرکشی کند.

هم بایستی به شکار حیوانات وحشی و سایر کارهای نظامی مدت یک سال را سپری کنند. آنها ملبس به لباس سیاه و کلاه مخصوص خواهند شد. سربازان پس از دوسال تمرین عملیات نظامی، با قید قسم به صداقت و راستی، درجزو سربازان سنگین اسلحه ی پیاده نظام درخواهند آمد.

پیکارهای جنسی درنمایش های یونانی به روی صحنه می آید. (یونان، ۳۹۸ پ.م):

دربحبوحه ی جنگ های پلوپونزی، تئاتر یونان درقسمت درام، به نقطه اوج واز سوی دیگر به ژرفایی و عمق خود می رسد که این نتیجه ی کارهای لیزیسترات (Lysistrata) است. دراین نمایش که به قلم آریستوفان (Aristophanes) نمایش نامه نویس تنظیم شده، زنان یونانی درزمان صلح به مردان وعده می دهند که اگر صلح برقرار شود به وصال آنان خواهند رسید و نتیجه ی آن هم برگشت ناپذیر است.

لیزیسترات، فردی که به صلح پایان می دهد ودرتمام جاها برکلئوفو (Cleophou)، رهبر آتنی ها، پیش از جنگ فائق شده، از نظر رفتار مورد اتهام قرار می گیرد. وآریستوفان را به عنوان فردی بیگانه معرفی می نماید. درسده ی اخیر، نمایش های درام یونانی تنها یک بازیگر داشت. اسکیلوس (Aeschylus) آنها را به دو نفر وسوفوکل (Sophocles) تعداد بازیگران را به سه نفر افزایش دادند. بازیگران ماسک برچهره می زدند و هر نفر ازآنها درچندین رُل شرکت داشتند. صحنه ی نمایش وآلات و اسباب های آن بسیار جزئی بود و حالت سمبولیک داشت و اگر بازیگر زیرک و باهوش بود، به بهترین وجه از آنها استفاده می کرد وهمه چیز درخط او بود. درام تا آن زمان خیلی جدی بود و بازیگر اصلی صحنه، خدایان بودند.

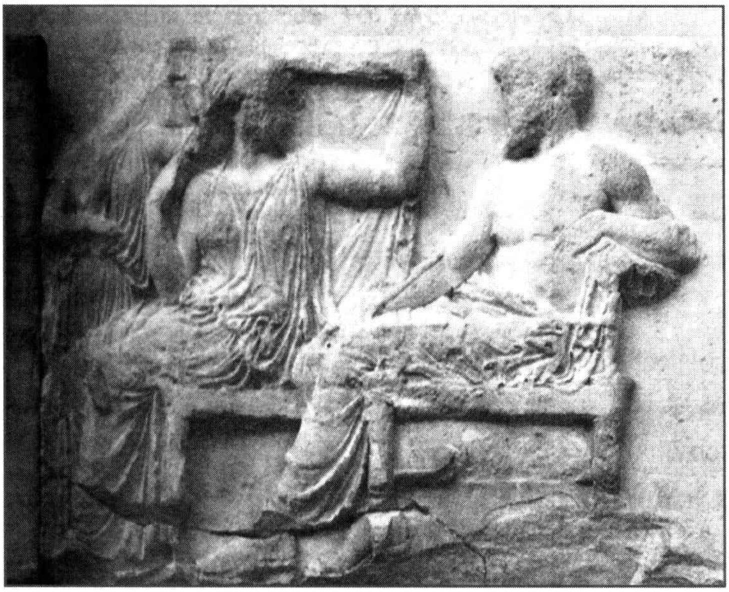
اوری پید (Euripides) نمایش نامه نویس، که درهشت سال پیش درگذشت. و بیشتر کارهایش مربوط به سده ی پنجم میلادی می باشد، وضعیت نوینی درهنر تئاتر پدید آورد، کارهای او بیشتر تکیه برثروت ودارایی افراد دارد. و کمتر توجه به افسانه دارد. ایفی جنیه (Iphigeneia) در اولیس (Aulis) که رُل آگاممنون (Agamemnon) را دارد، بایستی بین شکست درارتش و مرگ دخترش یکی را انتخاب کند که این یک سبک جدیدی است.



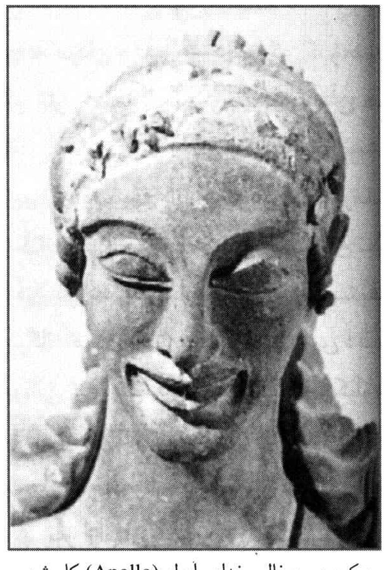
نقش یک زن و شوهر اتروسکی بر روی تابوت آن‌ها از کاره (Caere).



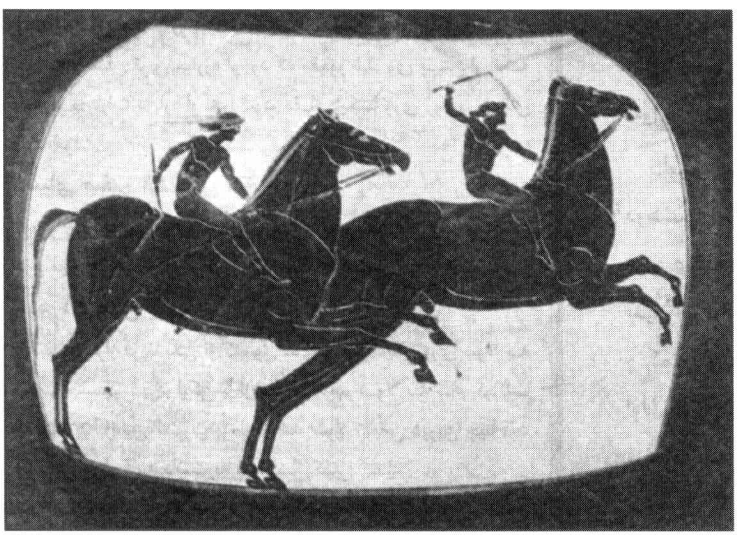
دموکراسی (Democracy) بر دیکتاتوری پیروز می‌شود.



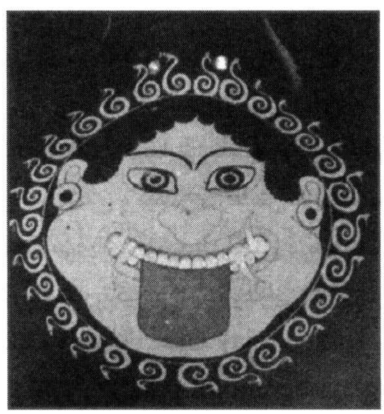
زئوس (Zeus) خدای خدایان برای حفظ الهه هرا (Hera) از پارتنون (Parthenon) وی را در پرده نگه می‌دارد.



پیکره سر سفالی خدای آپولو (Apollo) کار شهر ویی (Veii) در ۹ مایلی شهر رم. اهالی این شهر اتروسکی پیشگام هنر مجسمه‌سازی بودند.



نقش مسابقه‌ی اسب‌دوانی برای بردن جایزه که بر روی یک خمره ترسیم شده است



نقش یک زن وحشتناک و عجوزه با بهره‌مندی از هنر یونانی که موهای آن شبیه مار است، او می‌تواند با نگاه خیره‌ی خود، مردان را مبدل به سنگ نماید، لیکن توسط پرسئوس (Perseus) به قتل رسید.

زوال درام و پدید آمدن کمدی ونمایش شوخی و بذله گویی، بیشتر مرهون کارهای آریستوفان می باشد، پیش از آریستوفان نمایش های طنز وهجوآمیز، تنها درحیطه ی رقیب او، کراتینوس (Cratinus) بود که حالت اولیه وخام داشت. آریستوفان با نشان دادن قورباغه ها و پرندگان دروضعیت صلح آمیز، زشتی و وقاحت جنگ را به نمایش می گذارد و لبه ی تیز انتقاد خود را به سیاستمداران آتنی می زند و عشق را قانون زندگی معرفی می کند و از قوانین خشک ابراز تنفر می کند.

روم، اتروسک ها را درجنگ ویی (Vii) شکست می دهد. (ایتالیا، ۳۹۶ پ.م):

پس از ده سال محاصره ی شهر اتروسک ها درقله ی تپه یی واقع در ناحیه ی ویی، سربازان رومی با نقب زدن و رسیدن به مرکز شهر معبد ژونو (Juno) وغارت وچپاول محل، رومی ها آن شهر را تصرف کردند. با سقوط شهر ویی، به جنگ هشت ساله ی بین دو شهر که مرتباً دست به دست می گشت، پایان داده شد.

ازخوش اقبالی رومیان، این جریان هنگامی اتفاق افتاد که فوریوس کامیلوس (Furius Camillus)، دیکتاتور جدید اتروسک ها، به قدرت رسید و برای نخستین بارارتش روم به یک ارتش حرفه یی تبدیل شد و درعین حال دیکتاتور جدید لشگریان رومی، تنها در تابستان و به مدت محدود می توانستند به جنگ بپردازند.

تونلی که رومیان کشف کردند، در واقع حالت راه تنفس و فرار را برای کامیلوس داشت، او برای این که کسانی از راه تونل به شهر دسترسی پیدا نکنند، به مردان خود مأموریت داده بود که هرکدام شش ساعت از تونل حفاظت کنند و بدین ترتیب چهاردسته در شبانه روز از آن جا مراقبت می کردند و گزارش آن را به سمع کامیلوس می رساندند. کامیلوس هم برای هر پیروزی ونگهداری شهر ویی، درآن معبد قربانی می کرد. درپیکاری که از پس تسخیر تونل رخ داد، به دستور دیکتاتور،زنان وبردگان را زنده زنده سوزاندند واز بالای پشت بام خانه با پرتاب سنگ مردم را هدف قرار می دادند وجنگی سبعانه درگرفته بود، لیکن کامیلوس شکست خورده و او را به روم تبعید کردند. این امر به تلافی رفتار وحشیانه ی او برعلیه مردم و رسوایی ننگ آور آن بود.

مصر ۸۰ پیش از میلاد

به مجرد جانشینی پتولمی دهم ملقب به اسکندر دوم، مردم اسکندریه او را به قتل رساندند. با کشته شدن پتولمی دهم، پتولمی یازدهم، فرزند نامشروع پتولمی هشتم جایگزین او شد.

ایتالیا ۷۸ پیش از میلاد

پس از تصویب دیکتاتوری سولا درسال گذشته، سولا از مقام خود بازنشسته شد. دراین حال گفته شد که سولا رو به مرگ است و ترجیح می دهد سال های پیش از مرگ را بدون دغدغه سپری کند.

روم ۷۸ پیش از میلاد

مارکوس آمیلیوس لپیدوس (Marcus Aemilius Lepidus) به عنوان کنسول روم به مدت یکسال به جانشینی سولا انتخاب شد. او پیشنهاد کرد، کسانی که گندم را احتکار می کنند باید تبعید شوند واین قانون بایستی درباره آن ها اجرا شده و نیز زمین های آن ها به نفع ملت مصادره شود، لیکن سنای روم تنها قسمت اول این پیشنهاد را تصویب و پذیرفت.

روم ۷۷ پیش از میلاد

با عدم قبول پیشنهاد لپیدوس، وی با عصبانیت ارتش را مجهز کرده وبه روم حمله کرد. این نیرو از اتروسک ها تشکیل شده بود. درضمن او درخواست کرد که برای یک سال دیگر به کنسولی روم انتخاب شود. این دلیری وشجاعت وی به پشتیبانی ژنرال شناخته شده رومی پمپی (Pompey) بود که چندین بار لشگریان او در پیکارهای زمان سولا با موفقیت شرکت کردند و برای روم افتخار آفریدند ونیز درسال گذشته به حمایت از لپیدوس جهت احراز مقام کنسولی برخاستند.

اسپانیا ۷۷ پیش از میلاد

پمپی برای سرکوب اسپانیا که به رهبری ژنرال کینتوس سرتوریوس (Quintus Sertorius) درگرفته بود وارد این ایالت شد، این ژنرال رقیب پیشین سولا بود.

افریقای شمالی، آسیای کوچک ۷۴ پیش از میلاد

نیکومدس (Nicomedes) سوم وارث مناطق سیرنائیک (Cyrenaica) و بی تی نیه (Bithynia) از سوی حکومت روم و کسی که این ایالات را جزو حکومت روم قرار داد، درگذشت. مهرداد پادشاه پونت این موضوع را نپذیرفته و وادار به جنگ شد.

آسیای صغیر ۷۴ پیش از میلاد

مهرداد پادشاه پونت به ایالت مورد ادعای رومی بی تینیه حمله برد، لیکن ژنرال لوکولوس (Lucullus) برحسب وظیفه درمقابل او قیام کرد واو را ازاین منطقه اخراج کرد.

چین ۷۴ پیش از میلاد

یکی از بزرگترین فرماندهان ارتش چین به نام لی لینگ (Li Ling) دراسارت دشمن درگذشت. وی درسال ۹۹ پیش از میلاد با نفوذ به داخل آسیای مرکزی و جنگ قهرمانانه با قبیله چادرنشین زیونگ نو (Xiongnu) و اعمال کارهای برجسته علیه آن ها درنزدیک دون هوانگ (Dunhuang) آنان را از پای درآورده بود. پیشینه نگار سیماکیان با تحسین و ستایش از لی لینگ (Li Ling) با اخته شدن به وسیله ی امپراتور، بهای این خیره سری را پرداخت کرد.

انحطاط اتروسک پس ازسقوط شهر ویی (اتروریا، ۳۹۲ پ.م):

عظمت تمدن اتروسک ها به تدریج رو به ضعف وسستی گرائید، درصورتی که روم با گسترش سرزمین خود تدریجاً به قدرت رسید و این اقتدار به نواحی اطراف روم هم گسترده شد. همان طور که از منابع بر می آید، پس از سقوط امپراتوری هیتی ها، اتروسک ها از آسیا به ایتالیا مهاجرت کردند ودرسرزمین ایتالیا سکونت گزیدند و کم کم به توسعه‌ی متصرفات خود دست زدند. به هر صورت این امر دراثر هوش ودرایت وپشت کار آنها بود زیرا مردمی سخت کوش بودند. در هفتصد سال پیش، آنان شروع به ساختن ادوات ولوازم آهنین و استفاده ازآهن و استخراج طلا در جزیره ی الب (Elba) کردند.

آنها در مرکز شبه جزیره ی ایتالیا، حکومتی پادشاهی تشکیل داده و به تأسیس چندشهر کوچک اقدام کردند و در ضمن از فلزآهن سلاح های جنگی تهیه کرده و دانش استفاده از فلزات را آموختند.

آنان درامر تجارت هم مهارت لازم را کسب کردند و تمدن وبازرگانی را به هم آمیختند و با یونانیان ساکن سیسیل و فنیقی ها (Phoenicia)، ارتباط بازرگانی برقرار کردند، زبان آنهابرپایه ی الفبای یونانی و تمدن آنها هم هلنی (یونانی) بود.

در۱۰۹ سال پیش، اهالی بومی روم برعلیه آنان شوریدند و پادشاه آنان را بیرون راندند و حکومت اتروسک ها دستخوش انهدام قرار گرفت. اکنون با سقوط شهر ویی، اتروریا متحمل تغییرات زیادی شده و این منطقه به طور کامل به دنیای لاتینی می پیوندد.

حکومت دموکراسی روم از نقش وپیشرفت اتروسک ها کاست و درضمن آنان به عنوان یکی از شیوه های قابل قبول آن را پذیرا شدند و لوکومون (Lucumon) را به عنوان رهبر سیاسی ومذهبی پذیرفتند.

درحکومت اتروسک ها، زنان نقش فعالی داشتند و در اتروریا (Etruria) صاحب اختیار بودند، درحالی که اکنون این اختیار از آنان سلب شده، آنان قبلاً مردگان خود را می سوزاندند، لیکن حالا تابوت جای ظرف خاکستر مرده را گرفته است. هنرهای اتروسک ها که درگذشته درخشندگی خاصی داشت واز کیفیت ویژه برخوردار بود، مورد تهدید قرار گرفته است.

اتروریا به دست تقدیر افتاده، اما رومی ها بسیاری از روش های تمدن آنها راپذیرفته و فراگرفته اند. این مدیون یک قرن تماس آنها با اتروسک هاست که توانستند سبک جنگی، به کار بردن اسلحه و تشکیلات ارتشی وهم چنین بازی های گلادیاتوزی (Gladiatorial) را از آنها بیاموزند.

تاریخ نگار آتنی از سربازان خودی که ایران را ترک کردند، تجلیل می کند. (آتن، ۳۹۲ پ.م):

گزنفون (Xenphon) که عضو ارتش آتن وتاریخ نگار بود، از این که ده هزار نفر سرباز آتنی که به عنوان مزدور در ارتش ایران خدمت می کردند وپس از کشته شدن کوروش کوچک، سرزمین ایران را به قصد وطن ترک کردند، تجلیل وستایش می کند.

گزنفون تمام دانش سقراط را فراگرفت و آشکارا در همه‌ی موارد جا پای سقراط نهاد. وی درحدود ده سال پیش به عنوان سرباز داوطلب درارتشی که سربازان آن از افراد فقیر وروستایی تشکیل شده بودند،وارد شد.گزنفون که شخصی ثروتمند و از خانواده های اشراف بود، دراین لشگر که درخدمت کوورش دوم در زمانی که اردشیر دوم برادر بزرگ تر او شاه ایران بود، نام نویسی کرد، کوروش این لشگر را برعلیه برادرش اردشیر تجهیز کرده بود که اردشیر را برکنار وخود پادشاه ایران شود.

این ارتش ده هزار نفری، فریب سخنان کوروش را خوردند، او به آنها تلقین می کرد که کار وزحمت کشاورزی خیلی بدتراز سرباز بودن است و آنها با خدمت درارتش وی، به مال ومنال خواهند رسید. درحالی که او برضد سلطنت و حکومت یاغی شده وخیال داشت که سرزمین وسیع وبزرگ ایران را تصاحب کند. آنان جنگ درقشون کوروش را انتخاب کرده بودند، چون قرار بود دستمزد دو برابر دریافت کنند وکوروش حقوق خیلی زیادتری به آنان پرداخت می کرد. گزنفون درکتابی شرح حال آنابازیس (Anabasis) یکی از سربازان یونانی را به طور کامل آورده است او درقلب سرزمین وسیع ایران به جنگ می پردازد. آنابازیس، تحت فرماندهی کلیرکوس (Clearchus) به سوی کوناکسا

(Cunaxa) در حومه ی بابل، محلی که اردشیر دوم آنجا را میدان جنگ انتخاب کرده بود، اعزام شد. سربازان یونانی کوروش دوم، درجناح راست سپاه قرار داشتند. آنان با نعره های بلند شروع به تیراندازی به سپاهیان دشمن کردند و به سوی آنان شتافتند، درحقیقت جنگ آنان برای احراز پادشاهی کوروش دوم بود که او را به سلطنت برسانند، لیکن کوروش با هشت نفر از بزرگان ونجبای همراه خود به قتل رسید. براثر کشته شدن کلیرکوس، فرمانده ی لشگریونانی، به سربازان اجازه داده شد که به میهن خود یونان، بازگردند. گزنفون سپس به ژنرالی ارتش یونان رسید و کارهای قهرمانانه یی برای پاینده نگه داشتن میهن خود یونان انجام داد.

زن آتنی مانند ملکه زنبور عسل درکندو می باشد. (آتن، ۳۰۰-۴۰۰ پ.م):

جایگاه زن در منزل است. خارج از خانه هیچ گونه استقلال شخصیت ندارد و هیچ نوع خرید وداد وستدی راشخصاً نمی تواند انجام دهد،مگر حداکثر به اندازه یک مدیمنوس (Medimnos) (واحد پول یونان درآن زمان)، آنان مالک هیچ گونه ثروتی نبودند و فقط می توانستند صاحب برده ها، لباس ها و زینت آلات خود باشند.

یک دختر از خانواده یی ثروتمند باید بین نوکران خود باشد و رسوم محلی را از آنها یاد بگیرد. درژینوسیوم (Gynaeceum) به مردان اجازه داده نمی شود که نخ ریسی وبافندگی وآشپزی کنند. زنان تنها اجازه داشتند که امور خانه را اداره کنند و دستورات خودرا به برده ها بدهند.

دختر هنگامی که به سن ۱۵ سالگی می رسید، پدر او در بین نزدیکان خود درجستجوی شوهر برای او بود. بدون این که نظر دختر خود راجویا شود واو را در مشورت شرکت دهد. تربیت بچه ها ومراقبت از آنها به عهده ی زنان خانه دار قرار داشت، او درخانه نان می پخت و برای افراد خانواده لباس می دوخت وکار اودرخانه شبیه ملکه ی زنبور عسل درکندو بود. زن اصیل آتنی باید اشعار مذهبی را بخواند. به پرستش الهه ی اجاق (Hestia) (آتشدان) بپردازد و پیوسته محصور در منزل باشد. وی باید به سر قبر بستگان خود ویا به دیدن دوستان زنانی که شوهر آنها در پایه گذاری تمدن آتن شرکت داشته اند، برود. زنان روستایی آتیک باید درکار

آسیای صغیر ۷۳ پیش از میلاد

پس از شکست ومعزول شدن مهرداد از پادشاهی پونت واشغال آن به وسیله روم، مهرداد به تیگران (Tigranes) پادشاه ارمنستان پناهنده شد .

ایتالیا ۷۳ پیش از میلاد

یکی از گلادیاتورهای رومی با همراهی بردگان فراری دست به شورش زد. اسپارتاکوس (Spartacus) توانست منطقه کوهستانی وزوبوس (Vesuvius) را به تصرف خود درآورد. شورشیان دو لشگر رومی را منهدم کردند و دامنه شورش به جنوب ایتالیا کشیده شد.

ایتالیا ۷۲ پیش از میلاد

شورشیان طرفدار اسپارتاکوس برببش از سه لشگر اعزامی به منطقه سزالپین گل (Cisalpine Caul) رسیدند و اکنون بار دیگر عازم جنوب ایتالیا شدند.

اسپانیا ۷۲ پیش از میلاد

کینتوس سرتوریوس (Quintus Sertorius) که درسال ۸۳ پیش از میلاد اسپانیا را اشغال وتحت کنترل درآورده بود، به وسیله پرپرنا (Perperna) رقیب حسود خود دریک ضیافت کشته شد. درپی انقلابی که برضد روم دراین ایالت رخ داد سنای روم در قانون اساسی قید کرد که این ایالت مستقل واز وابستگی روم خارج شود. براثر کینه یی که سرتوریوس با پمپی ژنرال رومی در سال ۷۷ پیش از میلاد داشت سرتوریوس با نبوغ استراتژیک خود توانست مقاومت این ایالت را درهم بشکند و ارتش روم کامیاب شود.

روم ۷۱ پیش از میلاد

پمپی از اسپانیا برگشت و درجهت خواباندن شورش بردگان به رهبری اسپارتاکوس با کراسوس (Crassus) سردار دیگر روم همکاری کرد. سپس پمپی با به دارکشیدن واز بین بردن تعداد زیادی از بردگان، مدعی شد که این فتنه را به پایان برده و بدین ترتیب دشمنی کراسوس را برانگیخت.

روم ۷۰ پیش از میلاد

مارکوس تولیوس سیسرو(Marcus Tullius Cicero) حاکم سیسیل به علت اینکه تحت تعقیب قرار داشت، به مارسی فرار کرد وبرای اینکه وی را از تمام دارائیش محروم کنند، درغیاب او تمام اموال او غارت شد وهمه اصول اخلاقی زیر پاٌ گذاشته شد . گایوس وررس (Gaius Verres) همه ثروت وشخصیت او را پایمال کرد، چون از زمانی که در سیسیل فرماندار بود، کینه او در دل وررس بود. پس از آن سیسرو به سیسیل برگشت وتوانست از اتهامات وارده به خود تبری جوید و گناهان وررس را اثبات نماید.

روم ۷۰ پیش از میلاد

ژولیوس سزار در هنگام بازگشت از آسیا مصادف با مرگ سولا شد، او فعالیت زیادی را برای از بین بردن مقرراتی که سولا وضع کرده بود، انجام داد.

پارت ۷۰ پیش از میلاد

کشور اشکانیان دراین هنگام دچار بحران شد وتیگران پادشاه ارمنستان به تدریج بخش هایی از کشور را تصرف کرد.

زراعت به شوهر خود کمک کنند، به علاوه تمام کارهای خانه برعهده ی آن هاست.

باکره شکارچی، از دختران جوان حراست می کند. (یونان، ۳۷۸ پ.م):

دختران جوان درگروه های بی شمار به نزد براورن (Brauron) مقدس، نزدیک فیلائیده (Philaidai) درساحل شرقی آتیک می روند تا در تحت حمایت الهه ی آرتمیس قرار گیرند، آنها راه جنگلی را پیموده ودرحالی که سروگردن خود را حرکت می دهند، با نوای موسیقی رقص کنان به آنجا می رسند. همه ی آنها به قصد کمک خواستن از او برای ازدواج این رنج را تحمل می کنند. این امر به منزله ی کمکی به تجربه ی آنها درجریان زندگی است و این تجربه برای امور جنسی است که همچون حیوانات اهلی با زوج خود تشکیل زندگی داده و بتواند در اجتماع جایگاه خود را احرا کند. آرتمیس الهه بانویی است که حیوانات وحشی را رام می کند. او می گوید زندگی شبیه باتلاقی است که بین خشکی و دریاچه قرار دارد یا سرزمینی بین جنگل و شهر می باشد.

او برحیوانات وحشی فرمان می راند وهم چنین حمایت حیوانات جوان را برعهده دارد، او آنها را شکار می کند، لیکن هیچ گاه نمی کشد.

آرتمیس درامور جنسی حیوانات را هدایت می کند که رام وآموخته باشند، لیکن برطبق برخی افسانه ها، وی زن قهرمانی است که زندگی خود را وقف شکار کرده است. او مردان جوانی را که بیابد، می کشد. در افسانه های اسپارتی، آرتمیس به زنان ومردان جوان آموزش می دهد، لیکن چون زنان طاقت و تحمل نبرد را شبیه مردان ندارند، در نتیجه مردان را نسبت به زنان برتری داده ومردان را ارباب خانه قرار داده است تا در زندگانی اولیه و خشن به بلوغ و تکامل برسند.

تولد نوزاد درقبیله وخانه نشانه ی خلوص و پاکی کامل وحفظ شعائر دینی می باشد. (یونان، ۲۰۰-۳۰۰ پ.م):

نوزادی که با حفظ تشریفات دینی متولد می شود، از دوران باستان نشانه ی آن است که آن خانواده پاک ومنزه است. تصور می شود به دنیا آمدن فرزند، از بهم ریختگی و اغتشاش درخانه می کاهد و به زندگی خانوادگی خلوص و پاکی می بخشد و نظام خانواده را سامان می دهد.

هنگامی که بچه به دنیا آمد، پدر رسماً بزرگ خانواده است وهر تصمیم وٰاراده یی با اوست و درتمام امور خانواده حق دخالت دارد و زندگی ومرگ فرزند در دست اوست که بچه را نگه دارد یا خیر.

پدر می تواند فرزند خود را درآب های یخ بسته، شراب خالص یا در جای ادرار رها کند یا او را به دور بیندازد. این رسم معمول زمانه بود وتنها دریک ناحیه این حالت وجود نداشت، این کار در مورد دختران بیشتر معمول بود واغلب آن ها راسرراه می گذاشتند ممکن بود بچه را درمحل معینی قرار دهند که شاید این محل جایگاه کودکان سرراهی بود که به طور معمول آنها را آن جا می گذاشتند و اگر برحسب اتفاق چوپانی از راه ترحم وجوانمردی طفل را می برد، این شانس بچه بود. یا این که زوج های بدون بچه داوطلب می شدند، طفل سرراهی را برده وبزرگ کنند. به مجرد تولد بچه، نشانه یی بردراتاق می گذاشتند که در مورد پسران شاخه ی زیتون و برای دختران مقدار ی پشم بود و برای جلوگیری از ورود روح شیاطین در را قیراندود می کردند.

روزهفتم، تمام فامیل درجشن تولد طفل شرکت می کردند.زنان درِ خانه را آب پاشیده وجاروب می کردند، پدر طفل، او را دربغل گرفته و اطراف اجاق منزل می چرخاند وتمام فامیل سرود سپاسگزاری می خواندند.

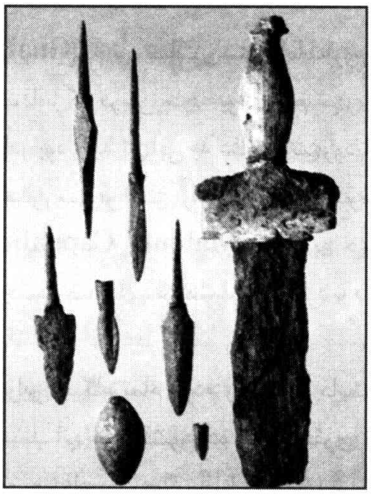
در روز دهم یا همان حدود، دیگر طفل جزو خانواده محسوب می شود و برای او نام گزاری می کردند، به طور معمول، اسامی پدربزرگ ها را روی پسر می گذاشتند تا خانواده برجای مانده و دراجتماع مورد احترام قرار گیرد و با مرگ یکی از نیاکان آثار آنان پایدار شود.

سروصدای غازها رم را نجات می دهد. (رم، ۳۹۰ پ.م):

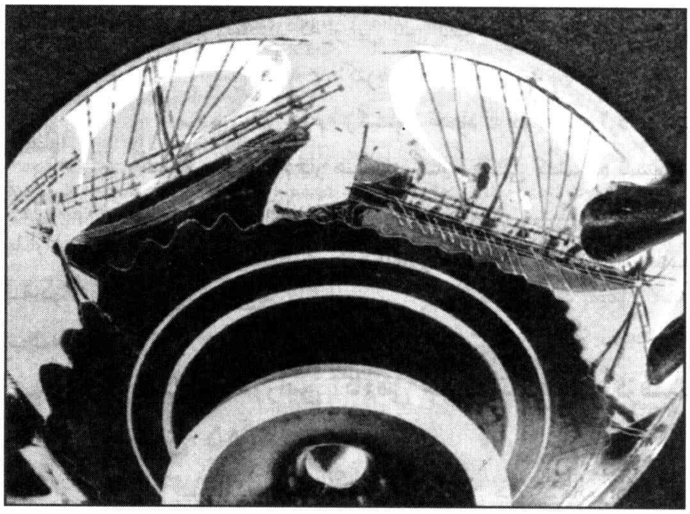
امشب صدای غازهای مقدس، (کواک کواک) در پایتخت روم، خطر حمله ی برق آسا و غیرمترقبه ی اقوام



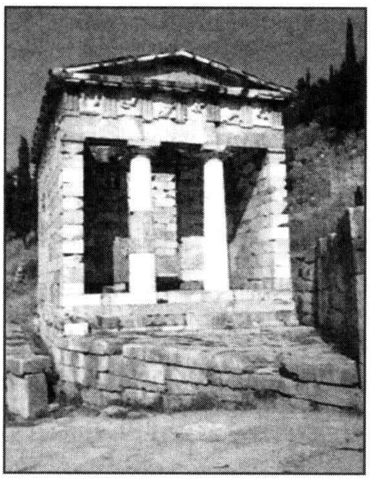
میلتیادس (Miltiades)، یکی از فرماندهان نظامی آتن.



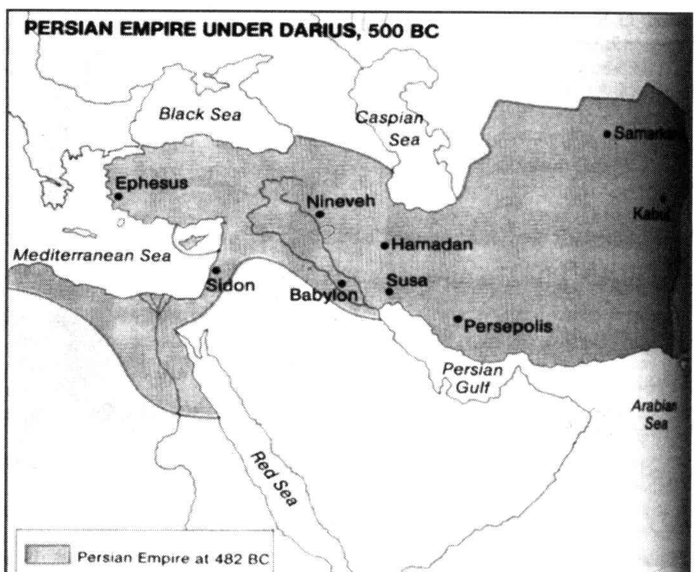
انواع سلاح‌هایی که در نبردها کاربرد داشته است.



برخورد یک‌کشتی بازرگانی بدون سلاح با یک رزمناو در صحنه دریا و اسیب‌دیدن کشتی تجاری.



ساختمان گنجینه در کنار معبد دلف (Delphi) واقع در آکروپولیس.



قلمرو فرمانروایی داریوش بزرگ هخامنشی.



نقش پیکره‌ی داریوش (Darius) در تخت جمشید (پرسپولیس) (Persepolis)

گل (Gual) به تأسیسات واستحکامات روم را از بین برد. با این صداها که فرمان حمله بود، مردم شهر را رها کرده وآنان که قادر بودند به تنهایی به دفاع از شهرودیار خود پرداختند. مدافعان شهر این را مدیون مالینوس کاپیتالینوس (Malinus Capitalinus) بودند، به جهت این که اوبود که نخست صداهای غازها را شنیده بود و به مردم هشدار داد.

دراین هنگام تمام مردم روم به پا خاستند وشهر از سکنه خالی شد. آنها یک قشون ده هزاری نفری تشکیل دادند و در موضع دفاعی درجنگ آلیا (Allia) شرکت کردند،نظیر این لشگرکشی و با این تعداد نیرو تا آن زمان بی سابقه بود واین بسیج نیرو، روم را نجات داده وسپاهیان دشمن را در سراسر ایالت پراکنده ساخت. مردم گل که این جنگ را پیش آوردند، با ارابه های جنگی خود به شهر حمله کردند. تنها به این خاطر که سناتورهای (Senators) مقیم روم را کشته و این مقام را اشغال کنند. هم چنان که شهر به مدت ده ماه تحت محاصره بود، دراین ماه رومیان وارد شهر شده و با آزاد کردن فوریوس کامیلوس (Furius Camilus) که در تبعید، وسابقاً درمقام دیکتاتوری اتروسک ها بود، درنتیجه حکومت روم با کمک او توانست طرح نوینی برای ارتش بریزد و بدین وسیله از سوی شمال به سرزمین گل بتازند.

قانون جدید به مردم عادی اجازه می دهد که به کنسولی (Consul) روم برگزیده شوند. (روم، ۳۷۰ پ.م):

مردم عادی روم که قرن ها درزیر سلطه ی حکومت اشراف بودند، اکنون به پیروزی بزرگی دست یافتند، آنان با کوشش خود توانستند حرف خود را به کرسی بنشانند. برخلاف نظر نجبا و اشراف رومی، برطبق قانون جدیدی که درسنا تصویب شد یکی از دو کنسول (مهم ترین مقام سیاسی کشور) رومی می تواند از مردم عادی انتخاب شود و این امر دراثر مساعی سالها ی اخیر عده یی از بزرگان کشور بود. قهرمانانی که در این راه کوشیدند، گایوس لی سینیوس (Gaius Licinius) و لوسیوس سکستوس (Luisus Sextus) هر دو عضومجلس عوام بودند که می دیدند حکومت نجبا و اشراف رو به ادبار و ورشکستگی نهاده و در آستانه ی اضمحلال قرار دارد و این امر پیشرفت کشور را به عقب می اندازد، آنان زیرکانه مخالفت خود را باقانون پیشین ابراز داشته و در جلسه ی رأی گیری برای تشکیل ارتش، آن را هم به تصویب رساندند.

اشراف رومی به رهبری کامیلوس دیکتاتور، درجلسه یی مواجه با دو نفر کنسول شدند که به طرفداری مردم عادی برخاسته بودند. برطبق روایت یک شاهد، کامیلوس با نهایت خشم وغضب درجایگاه خود قرار گرفت، لوسینوس و سکستوس دراین حال از زمین بلند شدند. برخلاف و به رغم تهدیدات دیکتاتور مبنی بر تبعید آنها، دو کنسول درجلسه به رأی گیری ادامه دادند، هرچند که او، آنها را از نیروی نظامی هم که در تحت امر او بودند، ترسانده بود. دوکنسول جوان ضمن رأی گیری برای جمع آوری سرباز این قانون را هم به تصویب رساندند که از این پس یک نفر از دو کنسول با رأی عامه وازبین طبقه ی اکثریت انتخاب شود.

مردم عادی روم ا زکنسول خود درخواست کردند که کسانی که وام دار هستند، به بردگی کشانده نشوند و تغییراتی را درقوانین زمین داری خواستار شدند. هنگامی که این قانون به امضای دیکتاتور رسید، نخستین کنسول عامه، شخص سکستوس بود.

افلاطون درراس آکادمی جدید آتن قرار گرفت. (آتن، ۳۸۵ پ.م):

پس از سالها مسافرت به سرزمین های بیگانه، افلاطون که اشراف زاده یی ثروتمند بود به میهن خود آتن بازگشت و به تأسیس مدرسه یی درست درخارج از شهر ودر باغی که به آکادموس (Academus) قهرمان هدیه کرده بود، اقدام کرد. افلاطون دراین مدرسه سخنرانی هایی درباره ی فلسفه ونقش آن در زندگی ایراد می کرد ودر محاوره ومذاکراتش نکات فلسفی را مدنظر قرار می داد درحقیقت دراین مدرسه بیشتر علم فلسفه تدریس می شد، او ترجیح می داد که سبک سؤال و جواب درمدرسه مانند معلم سابق سقراط باشد.

افلاطون این رشته را توسعه بخشید و اصول سؤالات را برپایه ی علمی قرار داد وتحصیل علم را براساس عقل، فرق بین حقیقت و ناراستی ومردم سالاری، خودمحوری ونیکی و بدی قرار داد.او بحث مربوط به باور وعقیده ی افراد راجع به زندگی وزیستن را اساس علوم می دانست وهم چنین ارتباط بین روح انسانی وکائنات را از اصول دانستنی ها می پنداشت.

پس از مرگ سقراط، وی مدتی از عمرخود را در قصر دیونیسوس دیکتاتور سیراکیوز واقع در جزیره ی سیسیل گذرانید. او همواره دراین فکر بود که بتواند این موضوع را حل کند که بشر چگونه به وجود آمده و اساس هستی چگونه است وعقیده ی فلاسفه درباره ی هماهنگی بین انسان وطبیعت وکائنات چیست ؟ افرادی به قدرت و فرمانروایی می رسند وسقوط می کنند، خود وخانواده شان به مال وثروت دست می یابند و اشخاصی درمنتهای فقر زندگی می کنند که حتی بوریایی برای زیرانداز وتکه زمینی برای زندگی وآسایش ندارند. او سعی داشت این موضوعات، مورد بحث و فحص دانشجویان این مدرسه قرار گرفته و یک سری راه گشایی هایی برای آیندگان باشد.

بردگان خوب تربیت شده به یکباره باعث ترقی اقتصاد یونان می شوند. (یونان، قرن چهارم پ.م):

اقتصاد یونان به سرعت رشد می کند. درحالی که جمعیت آزادگان تحت کنترل درمی آید، خرید وفروش بردگان غیر یونانی توسعه می یابد، یونانی ها با خرید برده ی سایر کشورها وبه کارگیری آنان در کارهای حیاتی وداد وستد،امکان پیشرفت اقتصادی خود را فراهم می کنند. بردگان به طور معمول، غیریونانی اند وآزاد نیستند و همواره در قید ارباب هستند، آنان حقوق وثروت شخصی ندارند ومانند سایر کالاها خرید وفروش می شوند. درحدود صدهزار نفر برده تنها درآتن زندگی می کنند، آنان در طبقه ی سوم اجتماعی هستند. درحالی که تعداد آنها بسیار زیاد است، تاکنون طغیان نکرده اند، بعضی از آنان براثر شدت فشار فرار می کنند، لیکن آنها را دستگیر و به ارباب سابق تحویل می دهند.

هنگامی که تعداد برده ها درجایی افزایش پیدا کند، کمیته هایی تشکیل می شود که درباره ی ازدیاد جمعیت آنان راه حلی پیدا کنند، چون که فشار و ازدیاد آنان خوش آیند به نظر نمی رسد. بالاتر از همه این که، چون بردگان جزو ثروت عمومی محسوب می شوند، ازدیاد عده ی آنها باعث دردسر اداری وامنیت می شود وبرحسب اجبار باید عده یی را آزاد کرد، آزادی آنها درقبال دریافت پول صورت

افریقای شرقی ۷۰ پیش از میلاد

ساخت وتولید ظروف سفالی و وسایل اولیه آهنی به دورترین نقطه این قاره هم گسترش یافت. اهالی ساکن جنوب ماپوتو (Maputo) درجنوب دهانه رود لیمپوپو(Limpopo) درکشور فعلی موزامبیک (Mozambique) هم این گونه وسایل را به کار می برند. هم چنین در کرانه های مالاوی (Malawi) واقع در بخش شرقی تانزانیا (Tanzania) وکنیا (Kenya) هم از این ادوات استفاده می شد.

روم ۶۹ پیش از میلاد

کینتوس هورتنسیوس (Quintus Hortensius) که سال گذشته به کنسولی روم برگزیده شده بود، یکی از شاخص ترین کنسول های رومی است . او در دفاع از دوست خود، وررس که علیه سیسرو اقدام کرده بود، توفیق نیافت.

کرت ۶۷ پیش از میلاد

جزیره کرت که سال پیش به وسیله روم تصرف شده بود، به یکی از ایالات رومی تبدیل شد.

مدیترانه ۶۷ پیش از میلاد

پمپی ژنرال رومی، دریای مدیترانه را از دزدان دریایی پاک کرد. اخیراً تعداد دزدان دریایی بسیار زیاد شده بود. اولین هدف پمپی از بین بردن بچه دزدی بود، آن ها بچه ها را دزدیده و در بازار برده فروشان می فروختند. مراکز فروش برده دردلوس، کرت وکیلیکه (Cilicia)، فعالیت زیادی برای فروش برده جهت کار در مزارع غلات ودیگر دانه های خوراکی بود. سعی زیادی می شد که بتوانند جلوی این کاربی ثمر گرفته شود، لیکن بالا و پایین رفتن اوضاع سیاسی جلوی این کار را گرفته بود، تا این اواخر که جزیره کرت به وسیله رومیان تسخیر شد.

روم ۶۷ پیش از میلاد

پس از گذشت یک سال از اشغال اسپانیا، ژولیوس سزار به روم برگشت و با پومپیا (Pompeia) که از خویشان پمپی و سولا بود زناشویی کرد.

آسیای صغیر ۶۶ پیش از میلاد

پمپی پس از مغلوب ساختن مهرداد پادشاه پونت، عازم پی تی نیه گردید، وی سپس برای دستگیری تیگران پادشاه ارمنستان عازم آن دیار شد وسعی کرد منطقه کاپادوکیه (Cappadocia) و سوریه را ضمیمه روم کند بدین ترتیب تیگران مناطق تسخیر شده به استثنای ارمنستان را از دست داد.

روم ۶۶ پیش از میلاد

لوسیوس سرژیوس کاتیلینا (Lucius Sergius Catilina) کاتیلین (Catiline) که به سمت حاکم منطقه افریقایی درسال پیش منصوب شده بود، نتوانست آن جا رااداره کند و سیاست بدی در پیش گرفته بود زیرا لیاقت اداره امور را نداشت.

یهودیه ۶۳ پیش از میلاد

پس از حدود یک قرن که از آزادی کشور یهود می گذشت، این کشور دوباره به وسیله نیروهای خارجی اشغال شد. پمپی اورشلیم را تسخیر کرد و یهودیه را به روم ملحق کرد. پس از این امر، بزرگترین راهب ماکابی (Maccabaean) به نام هیرکانوس (Hyrcanus) آن جا را ترک گفت.

می گیرد، آنان تشکیل خانواده می دهند و برخی از آنان که در کاری مهارت دارند به شغل هایی از قبیل کارهای دستی و حتی تجارت دست می آزند.

کمترین امیتازی که به آنان می دهند، این که آنها را درمزارع به کار می گیرند ویا نوکر خصوصی اربابان می شوند. هنگامی که به خدمت ارباب درمی آیند، دیگر هرگزآزاد نخواهند شد. پست ترین کار برای آنان کار درمعدن است که درحال حاضر سی هزار نفر از آنها به اینکار مشغولند.

امپراتوری تب درحال گسترش (یونان، ۳۶۰ پ.م):

با ویران شدن آتن در جنگ واسپارت تضعیف شده، تب که رقیب قدیمی یونان بود، به قدرت برتر دریونان رسید. تب ها با تشکیل دادن نیروی فالانژ نوین وبه کارگیری آن در جنگ لوکترا(Leuctra) برضد اسپارت، آن دولت را در یازده سال پیش شکست دادند. قدرت ارتش دلیر اسپارت، رو به ضعف و فرسودگی نهاد واسپارت به جای آن عده یی مزدور را درجنگ با تب ها شرکت داد که به شکست آنها انجامید.

تب ها که در خیال گسترش امپراتوری خود بودند، با عقد پیمان با دو ژنرال بزرگ یونانی، به نام های پلوپیداس (Pelopidas) و اپامینونداس (Epaminondas) به آتن واسپارت اعلان جنگ دادند وپس از سال ها پیکار خونین، در دو سال قبل تب های تازه به دوران رسیده، درجنگ به پیروزی دست یافتند و به هر حال، آتن واسپارت در دو سال پیش درنبرد مانتینی (Mantinea) شکست خوردند.

یکی از مهم ترین عوامل پیروزی تب ها، تشکیل دسته های ۳۰۰ نفری به عنوان گروههای مقدس در سال ۳۷۸ پ.م بود که بسیار رعب آور وتکان دهنده بود که همین دسته های جنگی اسپارت ها را از شهر بیرون کرده وآن را اشغال کردند. مردان این گروه ها هم جنس بازبودند وبدین کار عشق می ورزیدند، لیکن بسیار وفادار و راست کردار بودند، درضمن خیلی شهرت داشتند و دشمن را دچار بیم و هراس می ساختند. شخص پلوپیداس یک تنه وتنهایی درجنگ شرکت کرد وهنوز تب ها دچار شکست نشده بودند.

درهرصورت، برخلاف تصور تب ها که درخیال تأسیس امپراتوری وسیع وحکمرانی برتمام یونان بودند، هر دو ژنرال، پلوپیداس و اپامینونداس، درجنگ کشته شدند و تب ها هم در پریشانی و درهم برهمی تمام یونان شریک شدند.

پیام آور بال دار دست به دزدی می زند. (یونان، ۳۷۰ پ.م):

یونانی ها تعداد زیادی از خدایان را پرستش می کنند که همه در کوه اولمپ وتحت نظر خدای خدایان، زئوس، هستند. درمیان خدایان یکی از مهم ترین آنها هرمس می باشد که خدای مکاران است، وی علاوه بر مقام خدایی، دوست دار مردمان وبسیار مهربان است.

هرمس، پسر زئوس ویک پری دریایی به نام مایا (Maia) می باشد. (پری دریایی دختر تیتان است)، وی پیامبر خدایان است. هرمس همواره در سفر سیر می کند ومراقب مسافران وجاده هاست. نام او از کلمه یی یونانی اقتباس شده که معتی توده یی از سنگ است وچون جاده های سرزمین یونان، سنگلاخ است، از این نظر مواظبت از راه های صخره یی را برعهده دارد. او اغلب به شکل آلت تناسلی در حال نعوظ است و بین دهات ومرکز آتن درسیر وسفر می باشد. پرستش هرمس بدین جهت است که نشانه ورمز اعمال جنسی است که به تولید مثل می انجامد وسمبل مردانگی است.

هرمس (Hermes)،کلاه خود هادس (Hades) را بر سردارد که قابل رؤیت نباشد و دوبال از صندل دارد که با آن ها به پرواز درمی آید. وی یک عصای غول آسا دارد که به همراهانش فرمان دهد. او ارواح را با هم مربوط می کند و فرمانده ورئیس رسولان و پیامبران است. وی هم چنین مراقب داد وستد بازرگانان وانواع امتعه می باشد و تمام عهدنامه ها و پیمان نامه های تجاری را بررسی می کند.

لیکن این یک جهت تاریک قضیه است،یونانی ها می گویند که هرمس دزدی هم می کند، او یکبار یک گوساله کوچک را سرقت کرده ونزد خدای آپولو برد (با لاک سنگ پشت طبل هم می زند) البته درحین دزدی چوپان ها وی را دستگیر کرده که بعد معلوم می شود این خدا، ویژه ی دزدان است.

روم ۶۳ پیش از میلاد
سیسرو (Cicero) که سیاستمداری مشهور وبسیار افراطی بود به عنوان ناظر وبازرس کل روم برگزیده شد. این شخص که از جنگجویان سلحشور قدیمی بود، قانون اساسی جدیدی را به اجرا گذاشت که جنبه میانه روی داشت و اتحاد شهرهای رومی را تضمین می کرد.

روم ۶۳ پیش از میلاد
مارکوس پورسیوس کاتو (Marcus Porcius Cato) (جوان) به عنوان تریبون (Tribune) (رئیس مجلس وحامی ملت) به وسیله ژولیوس سزار متهم به همدستی با کاتیلین شد.

آسیای صغیر ۶۳ پیش از میلاد
مهرداد پادشاه پونت که از دست پمپی به جزیره کریمه فرار کرده بود، تصمیم داشت با ضربه زدن به خود، خودکشی کند وبا خوردن سمی که بسیار ضعیف وحاوی نعناع بود، این کار را کرد. درحالی که این سم او را درمقابل تمام سموم مصونیت بخشید و سایر سموم هم براو کارگر نگشت.

ایتالیا ژانویه ۶۲ پیش از میلاد
کاتیلین درشورشی وحشیانه توسط گروهی از نیروی نظامی جمهوری خواه که به پیستوریا (Pistoria) پیستویا (Pistoia) وارد شدند، به قتل رسید.

آسیا ۶۲ پیش از میلاد
پمپی توانست ۴ ایالت را به سرزمین های تحت حکومت روم بیفزاید که عبارت بودند از : بی تی نیه، پونت (بخش شرقی)، کیلکیه (Cilcia) وسوریه (Syria) بخش شرقی پونت شامل کاپادوکیه (Cappadocia)،گالاتیا (Galatia) ولیکیه (Lycia) بود. اما یهودیه به توکیل روم اداره می شد.

روم ۶۱ پیش از میلاد
پمپی پس از فائق شدن برمهرداد، تیگران شاه ارمنستان وآنتیوخوس حاکم سوریه درشرق با پیروزی درخشان به روم بازگشت، سناتورها برای ترتیب دادن جشن به خاطر این پیروزی عجله یی از خود نشان نمی دادند.این موضوع بیشتر برای حفظ آبروی اشرافیت و به تحریک تریبون (رئیس مجلس) کاتو انجام می شد و نجبای روم این پیروزی را برای پمپی تحمل نمی کردند .

روم ۶۰ پیش از میلاد
ژولیوس سزار که برای سال آینده به عنوان کنسول برگزیده شده بود، همراه پمپی و مارکوس، لیسینیوس کراسوس (Marcus Licinius Crassus)، پایه گذار تریامویرات (Triumvirate) (کنسول های سه گانه برای اداره کشور) شد ودرضمن حمایت کراسوس را نیز برعهده گرفت.

مصر ۵۹ پیش از میلاد
پتولمی یازدهم اولتس (Auletes) (فلوت زن) که فکر می کرد برای حفظ حیثیت و موقعیت خود باید دوستانی فراهم کند، درهنگام بازگشت پمپی، مبلغ ۶۰۰۰ تالان (Talents) که یک ثروت افسانه یی به حساب می آمد به او پرداخت کرد.

هرمس درکوه اولمپ برای خدایان به دزدی می پردازد خدایان به او مأموریت می دهند که هرچیزرا لازم دارند، بدزدد وبرای آنان بیاورد، چون خیلی تیزپا وسریع وتردست وتیزهوش است ودرکار دزدی مهارت دارد.

آتن برپیچیدگی الهه های متعدد غالب می شود. (آتن، ۲۰۰-۳۰۰ پ.م):

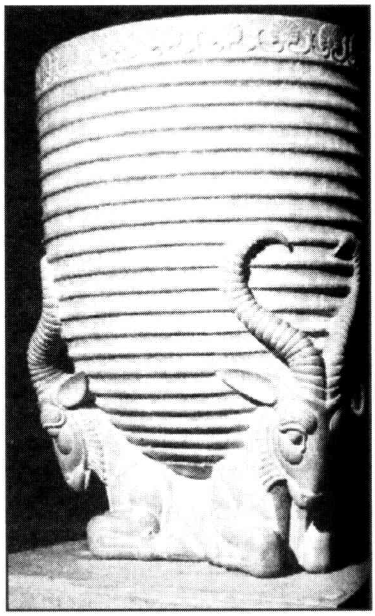
شهر آتن هنوز بر پارتنتون درآکروپولیس، که در۷۰ سال پیش ساخته شده، مسلط است. دراین جا بخشی قرار دارد که ساختمان وآپارتمان ویژه ی دوشیزگاناست که در رأس همه‌ی آنها، آتنا الهه مقدس جای دارد که مورد احترام و پرستش همگان است. آتنا یک الهه پیچیده یی است که پرورنده ی ارواح وجان هاست، وی شهر آتن را سرآمد شهرها قرار داد.

آتنا یک جنگجو به شمار می آید. کلاه خود برسر، زره بر تن ونیزه وسپر دردست دارد، وی را همواره به این شکل مجسم می کنند، اما اوهمیشه برکرسی قضاوت نشسته و قاضی القضات محسوب می شود و همه به داوری اوایمان دارند. او هم چنین یک مخترع باهوش ودرایت است. او به کارهای دستی روح می بخشد وخود سازنده ی لوازم سفالین و بافنده ی پارچه ونیز راهنما و راهبر راه نوردان از نظر سلامتی می باشد.

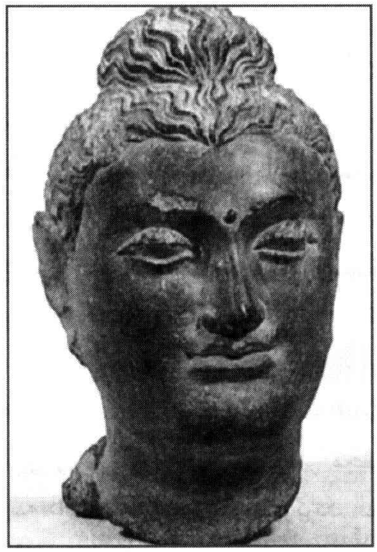
برطبق افسانه های روایت شده، اوست که حیله ونیرنگ افراد را آشکار می سازد و هم او بود که اودیسه را مجبور کرد به سفر خود پایان داده و به سرزمین خودبازگردد. مادر آتنا، متیس (Metis)، درحیله گری مشهور بود. زئوس از متیس در بیم وهراس به سر می برد، لیکن متیس او را بلعید و هنگامی که او آبستن شد، دراثر حمله ی یک گاومیش به سر زئوس، او دراثر ضربه یی که به سرش وارد آمد، دچار سردرد شد. آتنا پیش از زمان معین شکل گرفت واز زخمی که در سر زئوس ایجاد شده بود، متولد شد.

شانگ یانگ فرمانفرمای چین (چین، ۳۵۶ پ.م):

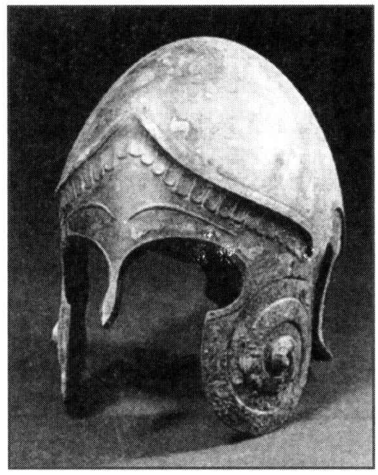
شانگ یانگ (Shang Yang) فرماندار ایالت غربی چین، یک سری اصلاحاتی درمراسم و آیین هایی که ریشه در فرهنگ چین داشت، انجام داد که البته مصادف با هیچ گونه ناراحتی درآن ناحیه نشد.



یک گلدان بسیار زیبا از ایران.



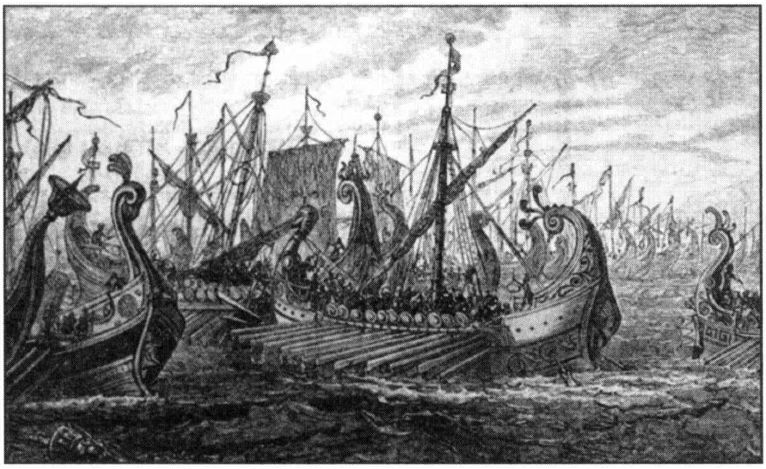
تندیس سر بودا (Buddha) به‌اندازه واقعی.



کلاه‌خود مفرغی از سالونیکا (Salonika).



نقش یک مرد اسکیمو (Eskimo) با تیر و کمان و اقسام حیوانات منطقه‌ی قطبی. تیر و کمان به‌تازگی در منطقه‌ی قطبی کاربرد دارد و به احتمال از آسیا به این نقطه آورده شده است.



پیروزی لشگریان یونانی بر قوای ایران در نبرد سالامیس (Salamis)
(کار یک نقاش انگلیسی در سده‌ی نوزدهم)



لائوتسه (Lao-tse)، بودا و کنفوسیوس (Confucius) بر روی یک صحنه،
اثر یکی از نقاشان قرن نوزدهم.

روم ۵۹ پیش از میلاد

قیصر دومین کنسول روم حالت بیطرفی را درمورد کالپورنیوس بی بولوس (Calpurnius Bibulus) رعایت کرد. بی بولوس برای جلب رضایت مردم به سنا پیشنهاد کرد که سرزمین هایی که پمپی درطی مبارزات خود تصرف کرده بود، جزو ممالک روم درآید. قیصر (سزار) دختر خود ژولیا (Julia) را به عقد ازدواج پمپی درآورد و در ضمن خود، کالپورنیا (Calpurnia) دختر لوسیوس کالپورنیوس پیزو (Lucius Calpurnius piso) را به زنی گرفت.

قبرس ۵۸ پیش از میلاد

مارکوس پروسیوس کاتو (Marcus Procius Cato) سرزمین قبرس را جزو روم قلمداد کرد. این جزیره به عنوان بخشی از ایالت کیلکیه محسوب شد.

مصر ۵۸ پیش از میلاد

با پرداخت پولی که پتولمی جهت حفظ دوستی به پمپی کرد، مردم اسکندریه او را اخراج کردند.

گل (فرانسه) ۵۸ پیش از میلاد

با پیروزی وتحت کنترل درآوردن ایالات سیزالپین (Cisalpine)، ترانسالپین گل (Transalpine Caul) و ایلیریکوم (Illyricum)، قیصر (سزار) نبردی را درگل آغاز کرد. او برقوم سلتیک (Celtic) مشهور به هلوتی (Helvetii) درناحیه بیبراکت (Bibracte) (مون بیواری – Mont Beuvary) و ژرمن ها تحت فرماندهی آریوویستوس (Ariovistus) نزدیک وزونتیو (Vesontio) (بزانکون – Besancon) غلبه کرده وآن ها را مقهور کرد.

روم ۵۷ پیش از میلاد

تیتوس آنیوس میلو(Titus Annius Milo) تریبون روم با امان دادن به سیسرو او را به روم دعوت کرد. سیسرو درسال گذشته حیثیت و آبروی خود را در اپیروس (Epirus) ودرجریان منازعه با کلودیوس (Clodius) از دست داده بود.

دولت اشکانی ۵۷ پیش از میلاد

فرهاد (Phraates) سوم پادشاه اشکانی که از سال ۷۰ پیش از میلاد به سلطنت رسیده بود، درگذشت. درمدت سلطنت وی آبروی دولت اشکانی اعاده شد، لیکن براثر ضعف شدید تاب مقاومت دربرابر لوکولوس (Lucullus) وپمپی را ازدست داد و آن ها درکشور ایران به پیشروی هایی نایل شدند.

ایتالیا آوریل ۵۶ پیش از میلاد

کنسول های سه گانه رومی درناحیه لوکا (Lucca) واقع در اتروریا (Etruria) با هم ملاقات کردند و توافق های گذشته تجدید شد. آن ها تصمیم گرفتند که پمپی و کراسوس متفقاً درسال ۵۵ پیش از میلادپست کنسولی روم را در دست داشته باشند و سزار هم به مدت ۵ سال حکومت گل را اداره کند.

مصر ۵۵ پیش از میلاد

پتولمی یازدهم فلوت زن به سلطنت باز می گردد، وی این بار با پرداخت رشوه یی کلان به اولوس گابینیوس (Aulus Gabinius) وسازش با کنسول های سه گانه پیشین از موقعیت خود خاطر جمع ودرامان است.

برطبق طرح ونقشه ی شانگ یانگ، اگر این اصلاحات انجام می شد. آن ایالت قوی ترین وثروتمندترین ناحیه از نظر نظامی و اقتصادی می شد.

او با کیاست وقدرت خود، دولت مرکزی رابه ۳۱ استان تقسیم کرد که هرکدام از این نواحی استقلال داخلی داشته و مسؤولیت هر منطقه برعهده ی دولت محلی باشد واگر احیاناً بودجه ی آن کافی نبود و یا گرفتاری های دیگری پیش آمد، حکومت آن ناحیه تمام امور را حل وفصل کند.

از سویی اگر اختلاس ویا خیانتی درکارها رخ می داد، حکومت بومی بایستی پاسخ گو باشد.

از طرفی شانگ یانگ می دانست که خانواده های قدیمی که مالک زمین های بزرگ هستند، زمین های زراعتی را فروخته یا اجاره داده اند که از قید کشاورزی و گرفتاری های حاصل ازآن خلاص شوند، زیرا مالیات زمین ها پرداخته نشده و زمین های زراعتی اغلب به صورت بایر درآمده است.

وی هم چنین مقرر داشت که هرکس زمین را کشت نکند، آن را باید مسترد کند وضمناً مجازاتی برای این کار درنظر گرفت، که این مجازات درباره همه، بدون استثناء انجام خواهد شد.

از سویی کسانی که روی زمین کار کنند و محصول خوبی برداشت کنند و درجهت گسترش کشاورزی بکوشند، متقابلاً پاداش دریافت خواهندکرد و کسانی که درجهت اضافه ی تولید بکوشند و درهنگام جنگ سرباز به دولت تحویل دهند، نه تنها بخشودگی مالیات درباره ی آنها رعایت خواهد شد، بلکه می توانند زمین را به ارث به فرزندان خود بدهند و برعکس افرادی که از این کار استنکاف ورزند، وراث او نمی توانند از آن استفاده کنند.

به کارگیری کمان های آهنی درجنگ، اوضاع چین را دگرگون می کند. (چین، ۳۶۰ پ.م):

صحنه های جنگی درچین، مرهون به کاربردن کمان های آهنین است. بدین معنی، هنگامی که این تیرها از کمان رها می شود، سرباز را به هلاکت می رساند و درصورت زنده ماندن به فلج دچار می سازد که برای طرف مقابل و دشمن این امر وحشت زا می باشد. با استعمال این سلاح مرگ زا، ارتش چین هر پیکاری را به سود خودبه

پایان می رساند، کلید این کار بدین ترتیب است کـه سـرباز تیر چوبی را چون ماشه رها می کند وریسمانی کـه بـه ایـن چوب متصل است درمدت کمی تیر چوبی را به سوی سـرباز دشمن پرتاب می نماید.

باتولید انبوه این سلاح، شهرهای دور از مرکز چین به آن روی آورده ومشتری این کالا شـده انـد و سـاخت آن بـرای مصرف کشور رو به ازدیاد نهاده است. این امر ارتش چین را یکپارچه نموده و با اضمحلال دشمن و تصرف سرزمین های دیگر اوضاع را دگرگون ساخته است.

ازسویی قـشون چـین توانـسته اسـت بـا ایـن تکنیـک شهرهای بسیاری را با استخدام سرباز اجیـر، متـصرف شـود. مدافعان شهرها اکنون قادرند گلوله های عظیم را از فاصله‌ی ده متری با منجیق برسردشـمن بریزنـد ودشـمن را کـه بـه محاصره ی شهر اقدام کـرده وسـربازان دشـمن را، گروهـی معدوم سازند. دراین حال، محاصره کنندگان شهرها به کلـی از پا درمی آیند. مهاجمان می توانند که با کندن نقب از زیـر دیوار و حصارشهر به کانون دشمن رسیده و بـا تولیـد دود و آتش مسموم کننده حریف را از پادرآورند. با تولیـد ایـن نـوع سلاح پیاده نظام مخالف دچار دردسر بزرگـی شـده وقـدرت خود را از دست داده و دگرگونی شـگرفی در نیـروی نظـامی چین پدید آورده است. گروه های نظامی چین اکنون مـسلح به زره و شمشیر وکمان های آهنین وتیرهای پرتابی هستند.

پیکرتراشان یونانی به ساخته هـای خـود حالـت زنده می دهند. (یونان، ۳۵۰ – ۵۱۰):

هنرمندان تندیس ساز یونانی، درسراسر شهرها و به ویژه میدان های شهر، پیکره های بسیاری برپا سـاخته انـد. ایـن هنرمندان نه تنها به ساخت پیکره ی خدایان، بلکه مجـسمه های زیادی از یادبودها و اشکال گوناگون انسان هـا سـاخته اند. درزمان قدیم، تندیس سازان تنها درخدمت مذهب بودند. تندیس ها جزو اموال خدایان بود و مخصوص آن ها سـاخته شده و یا به آنها تقدیم می شد. این پیکره ها از چوب، سنگ مرمر یا برنز مزین به تزئیناتی چنـد ورنـگ هـای گونـاگون برای شادی خدایان ساخته می شد و کاربرد آن منحـصر بـه اماکن مقدسه وگورستان هابود.

درمعابد یونانی، مجسمه ها درمحل نـائوس (Naos) یـا داخل اتاقی که خدا درآن زندگی می کرد، قرار داشت. سـایر تندیس های اهدایی به جهت نذر کردن افراد و سپاسـگزاری از خدایان ویادبود پیروزی های بـزرگ در جنـگ هـا و عقـد پیمان های صلح ودیگر امور، درقسمت هایی از مکان هـای مقدسه قرار داده می شد. درقبرسـتان هـا، تنـدیس هـایی از زمان جوانی وصباوت فرد مرده که به نظر شاداب مـی آمـد، گذارده می شد. برای نخـستین بـار درقـرن پـنجم پـیش از میلاد، مجسمه هایی درمیدان های عمومی شهر آتن نـصب شد.

درسال ۵۱۰ پ.م پیکره های دو تن از حاکمـان سـتمگر آتنـی بـه نـام هـای هـارمودیوس (Harmodius) و آریستوجیتون (Aristogeiton) به یاد ستمگری های آنهـا درمحل آگورا (Agora) نصب شد. اسپارت ها این دونفـر را به هلاکت رسانیدند،لیکن آتنی ها به جهت یادبود ظلم آنان، مجسمه های آنان را به عنـوان سـمبل برپاداشـتند. خـشایار (Xerxes) شاه، پادشاه هخامنشی، این تندیس ها را با خود به ایران برد، ولی در سال ۴۷۷ پ.م آتنی ها دوباره تنـدیس آنان را در آگورا نصب کردند. درهمین هنگـام آتنـی هـا بـه خاطر فداکاری های کونون، دریاسالار آتنی، درجنگ با ایران وهمدستی با اسپارت ها مجسمه ی او را ساختند.

درســال ۳۵۰ پ.م پراکـسی تلـس (Praxiteles)، پیکرتراش آتنی، توانست تندیسی از آفرودیت ویک مجسمه به عنوان سمبل کدبانوی آتنی، به نام فیرنه (Phyrne) کـه درشهر آتن شهرت داشت، برپا سازد.

مقـدونی هـای (Macedonian) فـاتح، مالـک شاهزاده نشین تراس (Thrace) مـی شـوند کـه جنگجویان آن چوپان ها هستند و دارای جواهرات فراوان است. (بالکان، ۳۴۰ پ.م):

پس از ۲۰ سال جنـگ، فیلیـپ (Philip) دوم مقـدونی، مالک امپراتوری تراس می شود که ثروت بـسیار وخزانـه ی پر از پول دارد. سرزمین تراس، ناحیه یی را زیر سلطه داشت که از رود دانوب تا دریای مدیترانه وسـعت داشـت و فیلیـپ دوم یکی از بزرگترین کشورهای منطقه را که دارای تمدن و اقتصاد پیشرفته و هم چنین از نظر سیاست بسیار فعال بـود، تصرف کرد. تراس ها از نقره وطلا، ملیله هـایی تولیـد مـی کردند که در جهان آن روز شهرت داشت، آن ها هـم چنـین درتولید کارهای دستی از قبیل جواهرات، زره هـای جنگـی، کلاه خود از نقره وطلا با تزئینات مخصوص تبحر داشتند.

بریتانیا ۵۵ پیش از میلاد

ژول سزار (قیصر روم) با گذشتن از کانال مانش به بریتانیا حمله می کند و سپس با عقب زدن نیروهای دشمن، موفق به استوار کردن پایگاه خود می شود. اکنون بخش جنوب خاوری کشور زیر نظر بلژیک وتحت حکومت آن کشور درآمده است.

روم ۵۵ پیش از میلاد

پمپی وکراسوس دراین سال کنسول روم هستند، کراسوس به مدت ۵ سال فرمانروای سوریه و پمپی هم همین مدت، دو ایالت رومی اسپانیا را اداره خواهد کرد.

سوریه ۵۵ پیش از میلاد

اوایل امسال کراسوس وارد سوریه شد، چون توطئه یی علیه آن به وقوع پیوسته است.هدف کراسوس توسعه و تجهیز ارتش تحت فرماندهی خویش است که بتواند پیروزی بزرگی بر دولت اشکانی به دست آورد وآن را به رخ رقیبان خود پمپی وسزار بکشد.

بریتانیا ۵۴ پیش از میلاد

در پی مساعی پیش، سزار به قصد و نیت به دست آوردن یک پیروزی دیگر ونشان دادن اقتدار خود، دو مرتبه ارتش خود را به بریتانیا آورده و پس ازعبور از کانال مانش در اوایل تابستان با هجوم به نیروهای کاسی و لانوس (Cassivellaunus) پادشاه کاتو وللونی (Catuvellauni) در هرت فورد شایر (Hertfordshire) او را شکست داد. وی عنوان فرماندار کل بخش جنوب شرقی بریتون (Britons) را دارد. به هر حال سزار با نیروی قابل ملاحظه خود، این منطقه را تسخیر کرده و دراوایل سال به ناحیه گل بازگشت.

گل (فرانسه) ۵۴ پیش از میلاد

آمبیوروا (Ambiorix) سردسته طایفه گالی ها (Gallic) که به ابورن (Eburones) شهرت داشت سرزمین بین رود راین (Rhine) وموزه (Meuse) را تصرف کرده وعلیه سزار طغیان نمود. او چادرهای یکی از اردوهای رومیان را تخریب وهمه افراد آن را به قتل رساند، سپس به سوی ناحیه نروی (Nervii) در بلژیک لشگرکشی ویکی دیگر از اردوگاههای آنان را دراین سرزمین تسخیر کرد.

روم ۵۴ پیش از میلاد

زوجه پمپی ودختر سزار درهنگام زایمان فوت کرد. پمپی با ازدواج با دختر دیگر سزار، وابستگی خود را نسبت به سزار تشدید نمود، و درحقیقت موقعیت کنسول های سه گانه را تحکیم بخشید.

میان رودان (بین النهرین) ۵۳ پیش از میلاد

کراسوس سردار ویکی از سه کنسول روم از طریق ارمنستان، یکی از هم پیمانان ودست نشاندگان پیشین آن به صحرای میان رودان لشگرکشید، او به عزم رسیدن به تصرف شهر سلوکیه به این لشگرکشی اقدام کرد . درپیکار بین کراسوس ولشگریان اشکانی درناحیه حرا(کاره – carrhae) قشون روم به کلی متلاشی شد و کراسوس وپسرش هم دراین جنگ به قتل رسیدند.

این قبیل آلات با اشکال انسان و حیوانات وسایر موجودات تزئین شده بود، لیکن با تمام این اوصاف در ساختن لوازم جنگی ناموفق بودند وروی هم رفته، در جنگ ها سعی می کردند با بستن پیمان های نظامی ومتحد شدن با سایر سرزمین ها توفیق یابند و کوتیس (Kotys)، فرمانروای تراس، می خواست به این وسیله متحدینی برای خود دست وپا کند.

کوتیس سعی کرد که با یکپارچه کردن واتحاد تراس با قبایل چوپانان وحشی، نیروی نظامی تهیه کرده و برعلیه کشور ایران به کار برد چون آن کشور نواحی واقع در بین دریای سیاه ومدیترانه را مورد تهدید قرار داده بود.

الئوزینیان ها (Eleusinian) به تظاهرات و نمایشات مذهبی بسیار علاقه نشان می دهند. (یونان، ۳۴۰ پ.م):

یونانی ها آئین ها ومراسم مذهبی را دوست دارند، لیکن این شیفتگی بیشتر از عادات اهالی میسته (Mystae) نیست، آنان یعنی الئوزینیان، خیلی بیشتر از دیگران به این آئین ها اهمیت می دهند.

بزرگترین جشن به افتخار الهه دمتر(Demeter)، رب النوع تولید مثل ورستاخیز، درماه سپتامبر هرسال به مدت ۹ روز برپا می شود. الهه دمتر دختر پرسه فون (Persephone) است. این الهه مورد پرستش تمام مردم یونانی زبان حتی بردگان است که درهر سن ومقامی، اعم از این که زن یا مرد باشند، می باشد. گاهی اوقات هم مراسم کوچکتری از ماه سپتامبر تا آخر زمستان برپا می شود. پس ازاین جریان مراسم سوگند درسکوت انجام می شود.

آئین اصلی درآتن و در ساحل فاله رون (Phaleron) آغاز می شود. درمحلی که میسته یک خوک را قربانی می کند ودردریا خود را می شوید که خود را از گناهان پاک کند. سپس در پنجمین روز، آیین هایی جهت تقدیس دمترو پرسه فون درناحیه ی الئوزیس برپا می شود. این محل جایی است درهال (Hall) که به عقیده ی الئوزینیان ها آغاز معراج دمتر وبه فضا رفتن اوست. تفصیل این آئین به این شرح است که درپایان جسد دمتر را درکفن پوشانده و در خفا او را دفن می کنند، لیکن افسانه ی دمتر وپرسه فون سمبل و نشانه ی اهمیت تولید نسل است.

براساس روایات وداستان ها، معبد اصلی دمتر به وسیله‌ی الئوزینیان ها بنا شده و برای تسکین آلام دمتر پسر او به نام دموفون (Demophon) به پادشاهی می رسد واین پادشاهی ابدی است. دمتر پس از این که دخترش به وسیله ی هادس ربوده و ملکه ی زیرزمین می شود، الئوزیس را ترک می کند. وی دربازگشت، به سبب مهمان نوازی تریپتولموس (Triptolemus)، پاداشی برای او مقرر می کند. اما پس ازآن زئوس بین هادس و پرسه فون میانجی می شود که به پرسه فون اجازه داده شود که هرسال مادر خود را در الئوزیس به بیند. او هر سال درموسم برداشتن محصول ذرت، دوباره به دنیا می آید و در این فصل هرساله ظاهر می شود.

بااحیای قدرت مصریان حملات ایران پایان می یابد. (مصر، ۳۴۲ پ.م):

پس از ۶۰ سال که از شورش مصر برضد تسلط ایران گذشته، بار دیگر مصریان برعلیه حکومت ظالمانه ی ایران به پاخاستند. با تجدید قدرت وتمدن مصر تحت رهبری نکتانبو (Nectanebo) وجانشین وی، غارت و چپاول ایرانیان درمصر پایان می یابد.

نکتانبوی اول، فرمانروای مصر، یکی از بزرگترین پادشاهان این سرزمین است که درسی سال پیش که حکومت ایران سعی می کرد دوباره تسلط خود را براین کشور بقبولاند، درپیکاری با ایران فاتح شد و آنان را تا طغیان سالیانه ی رود نیل دردلتا به عقب راند و ناوگان خود را در باتلاق های این ناحیه قرار داد تا از حملات دشمن به کشور جلوگیری به عمل آورد. پس ازمرگ نکتانبوی اول، حکومت ایران بار دیگر مصر را مورد تهدید قرار داد ونکتانبوی دوم به جنوب فرار کرد. نکتانبوی نخست، با هزینه کردن یک دهم مالیات های دریافتی و بدون کمک خارجی توانست ساختمان های زیادی درکشور بنا کند. از جمله ساختن معبدی ویژه ی پادشاهان از سنگ گرانیت قرمز درناحیه ی سرچشمه ی اول رودخانه ی نیل که بسیار زیبا و باشکوه بود.

علاوه برآن، معبدی بزرگ در ایزیس (Isis) که به اسم ایزئوم (Iseum) دردلتا بنا کرد و نیز اتمام بنای یکی از دو ساختمان بزرگ کشور مصر که از بهترین سنگ های گرانیت ساخته شده بود. نکتانبوی اول چند ساختمان به شکل ابوالهول (Sphinx) هم درسقره (Saggare) بنا کرد، این ساختمان ها هم از قشنگ ترین سنگ ها درست شده.

از دیگر کارهای انجام شده این پادشاه، بنای خانه (ولادت مقدس) معبدی که ضمیمه دندراه (Denderah) در مصر شمالی شد،جایی که جشن تولد اوزیریس (Osiris) در آن جا برپامی شد. مضر بهای گزافی برای انقلاب پرداخت، چون تمام بناهای مقدس را که عبادتگاه عموم مردم مصر بود، به تدریج خراب کردند و مردم را واداشتند که خری را به عنوان رب النوع عبادت کنند.

موسیقی جدید یونانی جایگاه موسیقی قدیم را اشغال می کند. (آتن، ۳۴۰ پ.م):

یک نوع موسیقی جدید وغریب به جای موسیقی قدیم درآتن نواخته می شود و به جای موسیقی قدیمی مورد توجه جوانان قرار می گیرد. دونفر از فلاسفه ی یونانی، افلاطون و ارسطو، دراین کار پیشقدم هستند وآن را به وجود آورده اند.

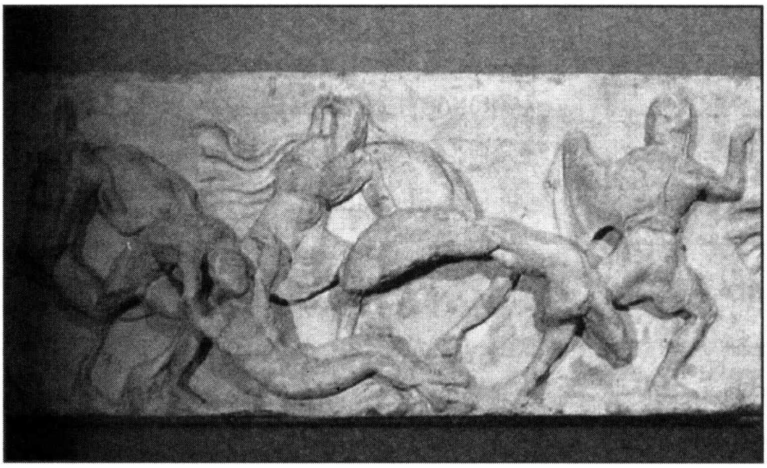
افلاطون مدت سه سال از وقت خود را وقف این کار کرد که موسیقی قدیمی روستایی را حذف کرده وموسیقی جدیدی که درجوانان هیجان وتحرک ایجاد کند، به جامعه معرفی کند. هم چنان که تیموتئوس (Timotheus) از اهالی میلت موسیقی مخصوص افراد پیر که خمودگی را درآنها برطرف کند، به وجود آورد.

ارسطو هم به این امر اذعان داشت که این نوع موسیقی می تواند درنسل جوان شادابی و نشاط ایجاد کند. این ریتم جدید نمی توانست در سالمندان ونسل گذشته جایی داشته باشد.

تا این زمان اورفئوس (Orpheus) درچهارپایان، پرندگان وحتی درختان جادویی به وجود می آورد که همان آوای قدیمی بود که درتمام این موجودات حالت وجد ورقص ایجاد می کرد.

دراین روزها موسیقی آرگونوت (Argonauts) بر مردم تسلط دارد، اورفئوس با نواختن چنگ و خواندن سرودهای آپولو، نوای سحرانگیز خود را برای خدایان به دنیای زیرزمینی می فرستد.

او صدای ایلیاد واودیسه را با چنگ خود می نوازد و همگان سرشار از لذت می شوند.



سنگ‌نگاره‌یی اثر نقاش آتنی مبنی بر جنگ ایران و یونان.



نقش کنفوسیوس
بزرگ‌ترین فیلسوف چین.



دمتر (Demeter) و پرسه‌فون (Persephone)، بخشی از مراسم اسرارآمیز الهٔوزیس (Eleusis) که در نزدیک شهر آتن به‌دست آمده است.



پیکره‌ی یک ارابه‌ران که در مسابقه‌ی ارابه‌رانی که به دستور دیکتاتور پلی زلوس (Polyzelos) پادشاه جلا (Gela) برپا شد، برنده شده است.



نقش هرکول (Hercules) قهرمان یونانی در حال جدال با یک خوک وحشی و پیروزی هرکول.

موسیقی درتعلیم و تربیت وفرهنگ آتن اهمیت والایـی دارد. درحالی که شهرنشینان آئولوس (Aulos) یـا (Oboe) مـی نوازند. روستاییان با نی لبک آواز حزین به وجود مـی آورنـد. در سده های پیشین، هنگام جنگ با اسپارت، آتنی هـا آلات موسیقی گوناگونی به کار می بردند. تنها در این اواخر در پی جنگ با اسپارت های بی فرهنگ بود که آنـان توانـستند بـه اهمیت موسیقی پی ببرند وتیموتئوس میلتی با نـوای چنـگ خود جنبشی درآنها به وجودآورد و نقش موسیقی را درجامعـه تشخیص دادند.

درپیکار مقدس مقدونی ها، یونانی ها را شکـست دادند، این شکست تحقیرآمیز بود. (یونـان، ۳۴۶ پ.م):

درطی مدت ده سال جنگ، بالاخره فیلیـپ مقـدونی بـر یونانیان پیروز شد واین قوم بربر سلطه ی خود را بـر یونـان تحکیم بخشید، درحالی که پیشگوی معبد دلف آن را جنـگ مقدس نامیده بـود. ایـن جنـگ پـیش بینـی نـشده، تلفات بسیاری به هر دو طرف وارد آورده ومجروحـان زیـادی هـم برای شهرهای یونانی برجای گذاشت.

هنگامی که جنگ آغاز شد، حکومت تب کنترل بسیاری از ایالات رادر دست داشت و مردم طبـق مراسـم آنهـا آئین های مذهبی را اجرا می کردند، براثر فشار وتهدید، فوسی ها (Phocians)، بهترین زمین های زراعی را تصاحب کردنـد. فوسی ها که یک بار کنترل معبد دلف را در دسـت داشـتند، حال بار دیگر آن جا را متصرف شدند، لیکن این تسخیر پس از زد وخوردهای بیرحمانه وظالمانه صورت گرفت کـه مـردم ناچار به ترک محل شدند، پس ازآن فیلیپ جاه طلب دریافت که اکنون فرصت خوبی برای تسخیر یونان دراختیار اوست.

پیشرفت فیلیپ دریونان سبب گرفتـاری بـسیاری بـرای مــردم شــد و حملــه ی تلخــی کــه بــه دموســتن (Demosthens) ناشر شرح حال فیلیپ درسـال ۳۵۱ پ.م شد، خاطره ی بدی در اذهـان بـاقی گذاشـت. کمـک هـای نظامی متحدان یونانی برای آتن بسیار دیر رسـید زیـرا درآن هنگام فیلیپ دراولینتوس (Olynthus) استقرار یافته بود.

همان طور که ذکر شد، این کمک ها بسیار دیرهنگـام و قلیل بود، دراین حال فیلیپ شهرها را تصرف کرده و ویـران ساخت. درهمان موقع فوسی ها درتلاش برای پیمـان صـلح بودند، لیکن سرانجام فیلیـپ بربـر مالـک قـدرت در یونـان گردید و تمام این سرزمین را تصرف کرد.

فیلیپ مقدونی بر یونان تـسلط مـی یابـد. (آتـن، ۳۳۷ پ.م):

بعد از شکـست قطعـی آتـن بـه وسـیله ی فیلیـپ دوم مقدونی، فرمانده ارتش یونان صلح را پـذیرفت، مـشروط بـر این که شهرهای یونانی استقلال خود را حفظ کند. درجنگی که بیست سال قبل بین آتن و مقدونیه رخ داد، ایـن امـر بـه اثبات رسید که مقدونی های بربر استعداد و نبوغ فوق العـاده یی دارند و فرماندهی جنگی آنان بی نظیر است.

فیلیپ درکارها حیله های گوناگون از قبیـل خرابکـاری، تخریب، ازدواج وفریب کاری های سیاسی به خرج می دهد. تغییـرات ناگهـانی کـه درارتـش وی ایجـاد شـد، توانـست منطقـه‌ی ایلیریـه (Illyria) درشـمال کرانـه هـای آتـن را تصرف کند. لیکن هنوز کرانه های اژه درتصرف او نبـود و او با جنگ های بیرحمانه تمام شهرهای اصلی منطقه را تسخیر کرد. آتن تا دیرزمانی، مخالفت خود را با اواعـلام مـی کـرد، ولی درسال ۳۵۲ درجنگ ترموپیل شکست خورد وبـا فیلیـپ یک قرارداد موقتی صلح بست. حکومت تب که از درون تهی بود برضد فوسی برخاست، لیکن به هر صورت فـاتح اصـلی فیلیپ بود. سایر دولت های منطقه هـم بـا چـشم پوشـی از اقدامات فیلیپ، می خواسـتند بـا او صـلح کننـد، لـیکن وی درسال ۳۴۱ پ.م به آن حمله برد. او با بستن پیمان هایی با برخی از دولتهای کوچک درسال گذشـته، نیروهـای خـود را تجدید سازمان کرد و از تراس و گـالی پـولی (Gallipoli) جنـگ سـختی را شـروع کـرد. فیلیـپ بـا نیرنـگ و حیلـه وانمودکرد که درحال عقب نشینی است وی دسـته هـایی از سربازان را برای فریفتن آتن به عقب فرستاد و منتظر تغییـر فصل شد.

اکنون وضع جوی بـه گونـه یـی بـود کـه سـواران مـی توانستند درجنگ خودنمـایی کننـد، درضـمن اسـکندر پـسر فیلیپ به فرماندهی سواران منصوب شد. این جنگ به زودی نتیجه ی مطلوب را به نفع مقدونیـه داد، تـب اشـغال شـد و دیگر قدرت ماورای دریا را ازدست داد. رئیس حکومت تـب، نومینال (Nominal) مساعی خود را برای حفظ مستملکات

گل (فرانسه) ۵۳ پیش از میلاد

قبایل بلژیک دست به انقلاب زدند . سزار با نبردی وحشیانه شورشیان را سرکوب نمود. سه سال پیش سزار پیمانی با آلزاس (Alsace) و بلژیک منعقد کرد. این پیمان درپی غلبه برآن ها انجام شد. سزار پس از به دست آوردن پیروزی درغرب کانال مانش و کرانه های اقیانوس اطلس برساکنان ونه تی (Veneti) وبرتانی و نرماندی (Normandy) منویات خود را تحمیل کرد. او سپس عازم هجوم به ژرمن ها و اهالی سراسر رودخانه راین گشت.

روم ۵۳ پیش از میلاد

به منظور جلوگیری از آشوب و جنگ بین گلادیاتورهای پوبلیوس کلودیوس (Pubilus Clodius) و تیتوس آنیوس میلو (Titus Annius Milo) حامی سابق پمپی، درجریان آن کلودیوس کشته شد و چون درسال ۵۷ پیش از میلاد سیسرو را برای بازگشت به روم دعوت کرده بودند، وی توانست که به این نزاع خاتمه دهد.

چین ۵۲ پیش از میلاد

شان یو (Shanyu) فرماندار هوهان یه (Huhanye) در زیونگ نو (Xiongnu) درسال پیش فرزند خود را جهت کاستن ا زخراج به قصرامپراتور هان فرستاد. آنان قبایلی چادرنشین درآسیای مرکزی هستند، به هر حال پسرشان یو درقصرهان جزو ندیمان امپراتور وملتزمان رکاب وی درمی آید، وامپراتور درحق او سخاوت انجام می دهد و از خراج سالیانه شان یو می کاهد.

آتن ۵۲ پیش از میلاد

گایوس ممیوس (Gaius Memmius) شاعر،ادیب و ناظر کل رومی وحامی ملت ورئیس کاتولوس (Catullus) ولوکرتیوس (Lucretius) ا زتبعید به آتن باز می گردد. ممیوس حاکم پیشین بی تی نیه مدت دو سال درمقام کنسولی ابقا می شود و تهمت و بی آبرویی که به او درجریان انتخابات نسبت داده بودند، روشن و برطرف می شود. او به این مجازات اعتراض می کندوخود را مبرا از این اتهام اعلام می کند.

گل (فرانسه) ۵۲ پیش از میلاد

ورسن ژتروا (Vercingetorix) در رأس لشگری جهت شکستن و فرونشاندن آشوب سرزمین گل به بیب راکت (Bibracte) (مون بوآری – Mount Beuvary) اعزام می شود. ورسن ژتروا فرزند سلتیلوس (Celtillus) پادشاه سابق گالیها و به آورنی (Averni) مشهور بود.

ایتالیا ۵۲ پیش از میلاد

پوبلیوس کلودیوس، سیاستمدار که همواره خطر را احساس می کرد و زنگ آن بیخ گوش او به صدا درمی آمد، به توسط تیتوس آنیوس میلو (Titus Annius Milo) به قتل رسید، او داوطلب شغل سناتوری درسال قبل بود وبه نظر نمی رسید که انتخاب شود.

روم ۵۲ پیش از میلاد

پمپی که از راه غیرقانونی به کنسولی روم رسیده بود، درعمل دیکتاتور روم و سنا هم آن را تصویب کرده وبود. وی در دو سال پیش محل ساختمان تئاتری را به کاپوس مارسیوس (Campus Martius) اهدا کرد.

دریایی کشور انجام داد. بیشتر مناطق برطبق پیمان کورینت، ضمیمه ی متصرفات فیلیپ شد واکنون باقدرتی که او به دست آورده، خود را آماده ی حمله به ایران می کند. یونان هم با بهای گزافی تحت سلطه ی مقدونیه درآمد.

دموستن درنقش فرماندهی جنگ برای تحصیل آزادی (آتن، ۳۳۷ پ.م):

تمدن ودفاع از آزادی را می توان در دموستن مجسم کرد، این شخص قانوندان، سیاستمدار و ناطقی زبردست بود. او حتی پس از شکست مشترک آتن وتب درکرونه (Chaeronea) ودرسال ۳۳۸ پ.م به وسیله ی ارتش فیلیپ مقدونی، بازهم مورد احترام واعتماد مردم آتن قرار داشت. درضمن مقبره یی برای او درست کردند که پس از مرگش درآن جا دفن شود، وهم چنین تاجی از طلا به خاطر سروسامان دادن جنگ ودفاع از شهر ودیار خود به او هدیه کردند. دموستن قانون جنگ را کاملاً اجرا می کرد و همچون یک جوان درمقابل دشمن ایستاد و دارایی او هم به وسیله ی گارد محافظش به تاراج رفت. او دراین جریان برنده شد، چون پس از آن توانست زندگی خود را با نوشتن سخنرانی هایش به دست آورد. درمدت سی سالی که درمجلس کرسی نطق وخطابه داشت، طرز بیان او مستحکم بود. هر چند سخنرانی ها همواره برعلیه جنگ بود، درسال ۳۵۴ پ.م مردم را برضد جنگ بسیج کرد و درسال ۳۵۱ پ.م شهرت فراوانی کسب کرد، چون درزمان پیش از جنگ مردم تصور می کردند که شاید بتوان از وقوع ان جلوگیری کرد.

معروفیت او بیشتر به خاطر منطق واستدلالی بود که در نطق هایش رعایت می کرد، هم چنین کنایه های وی برعلیه جنگ طلبان مردم را جلب می کرد.

درسال ۳۵۱ ودرزمان قبل از جنگ، او با فریاد اعلام کردکه آتنی ها نباید به فیلیپ اعتماد کنند و مصرانه از مردم درخواست کرد که از شهر و دیار خود تاحد امکان دفاع و حمایت کنند و با تقویت نیروی نظامی وساختن استحکامات شهری از میهن خود پشتیبانی به عمل آورند. همان طور که او پیش بینی می کرد این امر اتفاق افتاد وتدابیر بعدی خیلی دیر شده بود.

روستای کوچک به مرکز امپراتوری تبدیل می شود. (مقدونیه، ۳۴۶ پ.م):

برطبق اظهارات وشهادت مسافرینی که دراین اواخر از پلا (Pella)، پایتخت مقدونیه، دیدن کرده بودند، آنجا روستای کوچکی بوده، این موضوع را دموستن که همیشه مخالف مقدونیه بود، تائید کرده است. این روستا از کلبه های محقری تشکیل شده بود ویک جاده ی باریک به عرض ده متر با مهندسی نسبتاً خوب آنجا را به نواحی اطراف مربوط می کرد. این شهر دریک دشت حاصل خیز درکنار ساحل واقع شده بود و یک بندر پیشرفته داشت. این منطقه برای نخستین بار در پنجاه سال پیش به وسیله ی شاهزاده آرکه لائوس (Archelaus) گسترش یافت و به پیشرفت هایی رسید. این پادشاه، قصر باشکوهی با دیوارهایی به کلفتی دو متر وستون هایی به ارتفاع یک متر ونیم با تزئیناتی از کوارتز بر روی ستون ها بنا کرد وآنجا را پلا نامید.

دیوارهای این قصر به وسیله ی هنرمند بزرگ زئوکسیس (Zeuxis) نقاشی شده بود و سیستم آبرسانی بهداشتی و با لوله های ساخته شده آب را به شهر می رسانید. در نمایشنامه ی اوری پید، اسکندرجوان به وسیله ی ارسطو تعلیم داده می شود وارسطو درحقیقت به عنوان معلم و سرپرست او انتخاب شده و پلا دهکده ی کوچک مقدونی، قطب و مرکز امپراتوری گشت.

فیلیپ کشته شد واسکندر(Alexander) به قدرت رسید. (مقدونیه، ۳۳۶ پ.م):

فیلیپ دوم، پادشاه مقدونیه، که درجشنی به مناسبت نصب مجسمه اش درالمپ به عنوان خدا شرکت کرده بود، با ضربه ی خنجر یکی از محافظانش که با او کینه یی دیرینه داشت، به قتل رسید و برحسب وصیت او، اسکندر پسر ۲۰ ساله ی وی، جانشین او گردید. اسکندر با وجود جوانی براثر خودسری ولجاجت هم چون سربازی سال خورده و با تجربه دولتی تشکیل داد. درچهارسال قبل اسکندر با لقب نایب السلطنه در یک جنگ محلی که فیلیپ به او محول کرده بود، به بیزانتین (Bysantiun) اعزام شد، این جنگ برضد اهالی تراس مدی (Maedi) درگرفته بود. اسکندر با نقشی که درآن جنگ برعهده داشت، در تمام یونان به شهرت رسید، اسکندر دارای تحصیلات عالی بوده و همه ی علوم آن زمان را آموخته بود.

درآن زمان، اسکندر حین خواندن درس وپیگیری تحصیلات خود، به عنوان یک اشراف زاده، مسائل مربوط به سیاست واداره ی کشور را می آموخت. درسال های اولیه ی جانشینی،او تحت نظر مادر خود، اولمپیاس (Olympias) درپلا، پایتخت مقدونیه به سر می برد.

لئونیداس (Leonidas) که از اقوام نزدیک مادرش بود، هم به او داستان های هومر شاعر یونانی را یاد می داد و در عین حال راهنمای او جهت تعلیم شیوه های جنگی وهنر دریانوردی بود.

درسن ۱۳ سالگی پدرش او را جهت تحصیل علم به شاگردی ارسطو درآورد. ارسطو درشهر میزا (Mieza) به او دروس پزشکی، هندسه، علم سخنوری وادبیات را می آموخت . درسراسر این سالها، مادر او بقیه ی مسائل را به او یاد می داد.

زمانی که فیلیپ بادختر جوانی به نام کلئوپاترا (Cleopatra) درسال گذشته ازدواج کرد واین دومین زناشویی او بود، این موضوع نزدیک بود به مرگ او منتهی شود. در مجلس جشن عروسی که به این مناسبت برپا شده بود، عموی عروس احمقانه اظهار داشت که جانشین فیلیپ باید پسر مشروع او باشد و سلطنت حق اوست. اسکندر بسیار خشمگین شد وتصمیم گرفت برای احقاق حق خود، مبارزه کند و می خواست با آن شخص درگیرشود، فیلیپ خواست دراین جریان مداخله کند، لیکن چون مست بود به زمین افتاد، اسکندر مجلس را ترک گفت درحالی که با خود می گفت : کسی که اروپا تا آسیا را درنوردیده و سرزمین های زیادی را مسخر کرده، قادر نیست از این میز به میز دیگر برود وتعادل خود را حفظ کند.

پس ازمدت کمی اسکندر پدرش را وادار کرد که به ایلیریه برود که درحقیقت تبعیدگاه او بود که البته مادر اسکندر شوهرش فیلیپ را همراهی می کرد.

ارسطو (Aristotle) برای تدریس منطق به ریاست مدرسه جدید فلسفه انتخاب می شود. (آتن، ۳۳۵ پ.م):

یک مدرسه ی عالی فلسفه، در باغ لیسئوم (Lyceum)، جهت تعلیم علوم فلسفه به روش جدید، توسط ارسطو افتتاح شد وطالبان علم ودانشجویان از آن استقبال کردند. ارسطو مبدع این بود که به سؤالات فلسفه و منطق جواب دهد و انسان ها را با استدلال آشنا کرده و مشکلات آنها را حل می کرد. ارسطو درتمام دوره ی تحصیل به شاگردان اجازه نمی داد جلسات درس را تعطیل کنند ودانشجو موظف بود طبق برنامه ی تعیین شده در درس حاضرشود. ارسطو در کتاب یادداشت های خود به نام هیستوریا انیمالیوم (Historia Animalium) یا تاریخ حیوانات، به شرح زندگی جانوران پرداخته واین کتاب نشان دهنده ی آن است که ارسطو نخستین زیست شناس بوده است.

ارسطو به شاگردان می آموخت که آرزو و خواسته های انسان ها نامحدود و بیکران است واین غریزه درنهاد هرکس به ودیعه گزارده شده، این موضوعات پایه ی آموزش ارسطو به شاگردان بود.

خانواده ی ارسطو بدون شک در مشکلات وی دخالت داشتند. پدر ارسطو پزشک مخصوص فیلیپ مقدونی بود. او ۱۷ ساله بود که به آتن آمد ودرکلاس درس افلاطون برای آموزش شرکت می کرد و مدت ۲۰ سال تا زمان مرگ او درآنجا بود. عده ی زیادی از ارسطو خواستند که به جانشینی افلاطون، مدیر مدرسه شود. لیکن این طور نشد وارسطو به عنوان سرپرست ومعلم اسکندر، پسر فیلیپ انتخاب شد.

ارسطو برخلاف نظر شاگردانش راه دیگری را برگزید. او علوم را به دو دسته تقسیم کرد، یک لفظی یا تئوری و دیگری عملی. دروس لفظی وگفتاری، آنهایی هستند که فقط نوشته وخوانده می شوند، مثل فلسفه، ریاضی نظری، شیمی نظری. دروس عملی مثل علم و تحقیق به مواد موجود درطبیعت وسیاست و بازرگانی اطلاق می شود.

ارسطو شیوه ی نوینی برای دستیابی انسان به حقیقت و درست فکر کردن وبررسی طبیعت را به مردم آموخت. او هم چنین نوشته هایی درباره ی ماورای طبیعت، خورشید و علوم هستی وآفرینش وچگونگی خلقت وهم چنین علم اخلاق دارد، حتی اوتوانسته به قلمرو سیاست وارد شود و آموزش هایی دراین باره از خود باقی گذارد.

ارسطو درنوشته هایش به قیاس وتضاد درعلم منطق اشاره می کند و قیاس را پایه ی علم منطق قلمداد

روم ۵۲ پیش از میلاد

میلو به اتهام کشتن کلودیوس به مارسی تبعید شد. دوست او سیسرو جرأت نمی کند که از او حمایت کند. چون میلو به دستور پمپی، اول مبادرت به حمله کرده بود، درنتیجه تحت پیگرد قرار گرفت و سنا دراین مورد دستور اکید داده وفشار زیادی وارد کرده بود که باید میلو تبعید شود.

روم ۵۲ پیش از میلاد

پمپی خود را از اتهام دریافت رشوه از متلوس اسکیپیو (Metellus Scipio) جهت اینکه به او درسازمان کنسولی شغلی داده شود تبرئه نمود. اسکیپیو درسال قبل درمقابل انتخاب میلو به کنسولی سخت مقاومت کرده بود.

مصر ۵۱ پیش از میلاد

پتولمی یازدهم فلوت نواز، درهنگام مرگش پتولمی دوازدهم و کلئوپاترای هفتم را مشترکاً به پادشاهی مصر منصوب کرد.

روم ۵۱ پیش از میلاد

درست همزمان با بازگشت سیسرو مشکل جدیدی برای وی به وجودآمد و آن اینکه در روم وضع غیر قابل قبولی مرکب از پادشاهی، اولیگارشی و دموکراسی حاکم بود، بنا به اظهار سیسرو این وضعیت برای انسان شرافتمند غیر قابل تصور بود ونمی توانست برابری ومساوات را برقرار کند.

روم ۵۱ پیش از میلاد

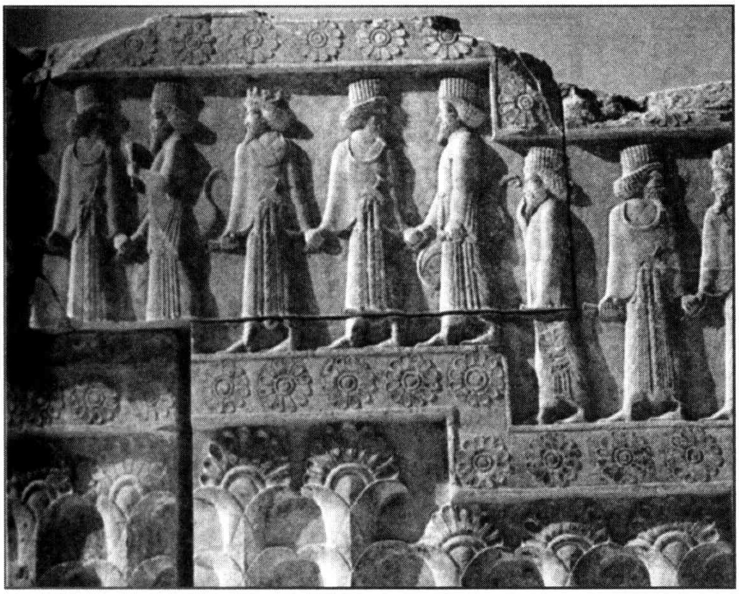
ژول سزار برای اینکه یادبودی از او درایالت گل باقی مانده وپس از وی یادش زنده بماند دریک مکان خشک ولی بسیار باشکوه از بودجه مالیاتی ساختمانی بنا کرد ودر آن جا لوح یادبودی از شرح پیکارها ومبارزات خودو نیز پیروزی های خویش را نوشت و از دید یک بیگانه و فاتح تمام جریانات مربوط به سرزمین گل را بیان کرد. باید یادآوری کرد که سزار با عداوت وکینه یی که از گل ها داشت، تمام خاطرات خود را در نبرد با گالی ها و عملیات قهرمانانه آنان را درکتابی به رشته تحریر درآورد. وی با کمک کارمندان خود اقدام به تأسیس یک تئاتر کرد.

روم ۵۰ پیش از میلاد

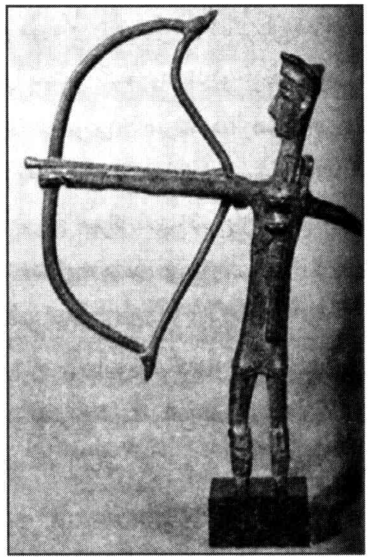
برحسب دستور سزار، اقدام به ساختمان میدان دیگری درروم کردند، که محل آن درجوار ساختمان کاپیتول بود وبه اشراف تعلق داشت. وی این مکان را سه سال پیش از آنها به قیمت بسیار خریده و شروع به ساختن آن کرده بود.دراین میدان جدید، هم چنین معبدی جهت عبادت ونوس افسانه یی که سرپرستی خانواده ژولیان را به عهده داشت، ساخته شد. دراین میدان ساختمانی هم برای مجلس سنا در نظر گرفته شده بود.

ایتالیا ۵۰ پیش از میلاد

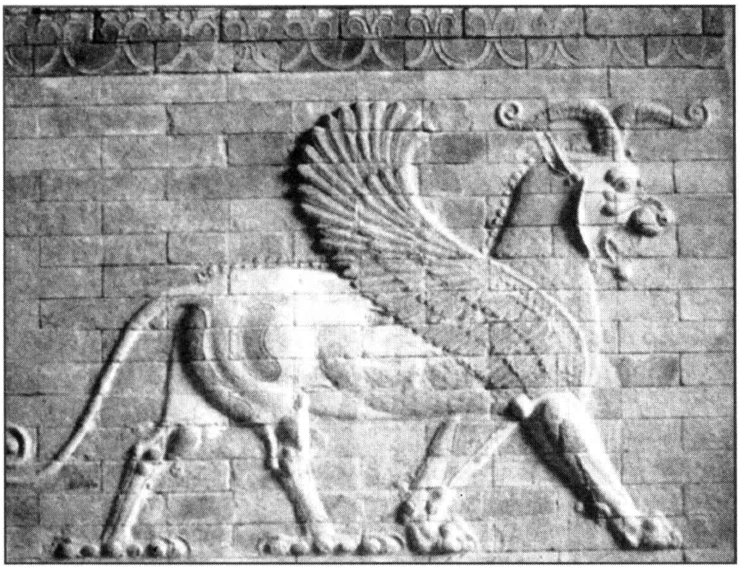
پمپی قشونی را به سرپرستی کنسول گایوس کلودیوس مارسلوس (Gaius Claudius Marcellus) جهت دوهنگ کاپوآ (Capua) تقویت و تجهیز ارتش روم اعزام کرد.



ایران، سربازان هخامنشی با کلاه‌های شیاردار ویژه در مسیر پلکان تخت جمشید.



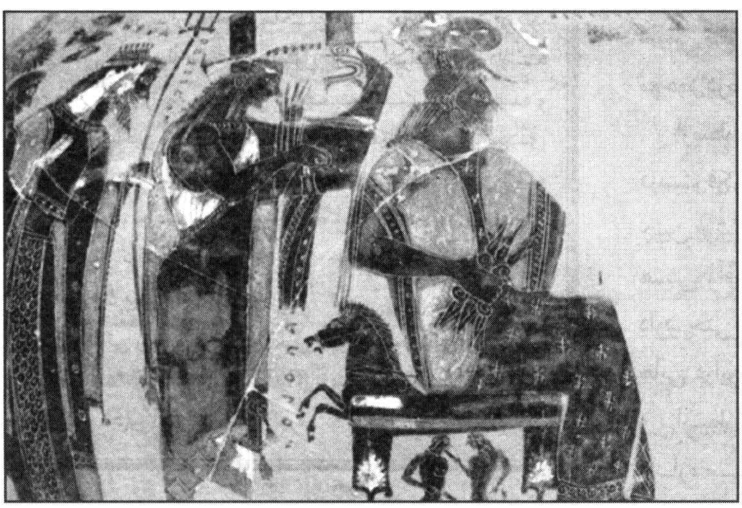
پیکره‌ی مفرغی یک تیرانداز اهل جزیره‌ی ساردنی (Sardinia)، مردمان ساردنی مدت ۵۰ سال با تیراندازان خود یکه‌تاز صحنه‌های نبرد بودند.



اجرهای لعابدار با نقش گریفین (Griffin) (موجود عجیب و غریب) که در قصر شوش (Susa) به‌کار رفته است.



سرباز تیرانداز در شوش.



دریای سرخ ۵۰ پیش از میلاد

از شهر اسکندریه به مدت دویست سال یعنی از سال ۲۶۴ پیش از میلاد همواره سنگ های ساختمانی به روم ارسال می شد. دودمان پتولمی درکرانه دریای سرخ، بندری به نام اپی تراس (Epitheras) درمحل ساحلی اتیوپی تأسیس کردند. از این بندر مرتباً عاج وپوست حیوانات به طور روزافزونی صادر می شد. پتولمی سوم وچهارم فرعون های مصربه تجارت از این بندر توسعه بخشیدند و بندر آکسوم (Axum) درساحل اتیوپی هم رونق گرفت.

افریقای شرقی ۵۰ پیش از میلاد

برخی از ساکنان اسکندریه به عزم سفرهای دریایی به ساحل شرقی در راپتا (Rhapta) وشاید به منطقه روفیجی (Rufiji) دردهانه رودخانه تانزانیا و درساحل اقیانوس هند رسیدند.

روم ۵۰ پیش از میلاد

مخالفان ژول سزار به او اخطار کردند که ماندن نیروی نظامی او درسرزمین گل کارخطایی است. او در زمان سناتوریش دراین مورد اشتباه کرده و باید هرچه زودتر لشگریان خود را احضار کند، لیکن سزار مایل بود که مارکوس آنتونیوس (Marcus Antoinius) که سمت ناظر کل را داشت دراین مورد، درسنا از او حمایت کند.

روم ۷ ژانویه ۴۹ پیش از میلاد

درسناگفته شد که اگر ژول سزار این دستور را اجرا نکند وقشون خود را منحل نکند، این موضوع نشان می دهد که او دشمن جمهوری است بالاخره این مساعی منجر به این شد که ناظر کل وحامی سزار به راونا (Ravenna) محلی که سزار درانتظار او بود بگریزد.

ایتالیا ۱۰ ژانویه ۴۹ پیش از میلاد

سزار از روبیکون (Rubicon) گذشت.

ایتالیا ۴۹ پیش از میلاد

لوسیوس دومیتیوس (Lucius Domitius) یکی از مخالفان سرسخت کنسول های سه گانه سرانجام از مخالفت با سزار دست کشید ودستور سنا را درباره او کان لم یکن اعلام داشت. چون مواجه با پیروزی لشگریان سزار درکورفینیوم (Corfinium) واقع درگل شد.

ایتالیا ۴۹ پیش از میلاد

پمپی از بیم نیروهای مقتدر سزار درگل، ایتالیا را به قصد یونان ترک کرد، این موضوع در پی فشار سنا انجام شد.

روم ۴۹ پیش از میلاد

با پشتیبانی سناتور مارکوس امیلیوس لپیدوس (Marcus Aemilius Lepidus) وسایر سناتورهای صمیمی با سزار، او به سمت دیکتاتور تعیین شد. این موضوع در پی اعطای عالی ترین مقام به سزار به عنوان ریاست جمهوری انجام شد.

اسپانیا دوم اوت ۴۹ پیش از میلاد

سزار به عزم اسپانیا دراوایل امسال ایتالیا را با مارکوس آنتونیوس ترک کرد، درضمن دو ژنرال پمپی به نام های آفرانیوس (Afranis) وپتریوس (Petreius) به فتوحاتی در ایلردا (Ilerda) (لریدا – Lerida) درشمال رود ابرو (Ebro) نایل شدند.

می‌نماید. وی مردن را برای بشر یک امر قطعی می داند (قضیه‌ی بزرگ) ومرگ سقراط را (قضیه ی کوچک) تلقی می کند. او قیاس رابه شاگردانش آموخت که باید برای اثبات هر چیزی بدان توسل جویند، قضیه ومعمای بزرگ مرگ ونیستی است ومرگ سقراط هم یکی از این معماهاست.

درباره ی سیاست، پیشنهاد او برای یکپارچه شدن واتحاد ۱۵۰ شهر کوچک، این است که بایستی روشی اتخاذ کرد که مورد قبول اکثریت بوده و بهترین طرز اداره و مدیریت برای امور این است که مردم درآن دخالت داشته باشند.

دریونان تندیس صورت انسانی، جنبه ی فراگیر پیدا می کند. (یونان ۳۳۵ – ۳۹۰ پ.م):

آتنی ها با به وجودآوردن پیکره های باشکوه انسانی به شکل زنده، نهایت هنرمندی ومهارت خود را در این باره به معرض نمایش می گذارند. به طوری که آتن مرکز تندیس های انسانی می شود، این ودیعه مدیون پیکرنگار پراکسی تل (Praxiteles)،پسر سفیزودوتوس (Cephisodotos)، تندیس ساز مشهور یونانی است. پراکسی تل، نخست زیرنظر پدر هنرمند خود این هنر را آموخت و شخصاً هم ابداعاتی در این باره به کار برد واز جمع آنها توانست آثار خود را خلق کند و این دو موضوع درآثارش کاملاً منعکس شده است.

درآثار پراکسی تل نمونه هایی هم از کارهای نیسیاس (Nisias)،نقاش هنرمند آتنی به چشم می خورد، وی در خلق اثرهای خود از سنگ مرمرهایی به رنگ های قرمز و سیاه بهره برده درکارهای پراکسی تل نشانه هایی هم از روح قهرمانی وجنگی دیده می شود، از جمله تندیس های خدای هرمس و دوران کودکی دیونیسوس وآفرودیت درشهر کنیدوس (Cnidos) که درآنها اثراتی از خشم وغضب و حالات روانی هر یک به درجات مختلف مشاهده می شود.

در پیکره ی خدایان مخلوق پراکسی تل، به نظر می رسد روح زنده وجودندارد وبیشتر حالت مرگ درآنها مشاهده می شود، لیکن زیبایی الهه های یونانی به طور مشخص در آثار وی پیداست و به طرز شگفت آور روح زیبایی و زیبا شناسی را مجسم می کند. بالاخره این نخستین بار است که درپیکره ی خدایان کمتر آثار شرم وحیا مشاهده می شود و او توانسته است این موضوع را درپیکر نگاری به اثبات برساند.

یونانیان ناآرام مقهور اسکندر می شوند. (یونان، ۳۳۵ پ.م):

دراین چند ماه پُر حادثه که اسکندر به قدرت رسید، به سرعت شروع به متحد کردن شهرهای یونانی کرد، کاری که پدرش فیلیپ ناتمام گذاشته بود. وی بنیان سیاست خود را براین قرار داد که شهرها وسرزمین هایی را که اعتماد واطمینان به او ندارند، با جنگ آنها را تأدیب کرده و به جرگه ی طرفداران خوددرآورد و وفاداری آن سرزمین ها رابه دست آورد. اسکندر دو نفر از اشراف مقدونیه را به جرم به جا نیاوردن احترام و تعظیم لازم به قتل رسانید.

عموی کلئوپاترا، زن دوم فیلیپ را که برای جنگ به یونان فرستاده بود، به جرم توطئه وهمدستی با دموستن، قانون گذار آتنی، متهم کرده و یک واحد نظامی برای برگرداندن آتالوس (Attalus) عموی کلئوپاترا، به یونان اعزام کرد و آتالوس را به وطن خویش برگردانید.

اسکندر به تمام سرزمین دشمن حمله می کند. اولین یورش او به تری بالی (Triballi) وایلیریه در ساحل دانوب (Danube) صورت گرفت.

درغیاب وی روابط بین آتن و اسپارت تیره شد، قبلاً شایع شده بود که اسکندر درآتش سوزی که در تب اتفاق افتاده بود، کشته شده است. تب سعی داشت اتحاد شهرهای یونانی را از بین ببرد.

اسکندر فاصله ی پانصد کیلومتر را در ۱۳ روز طی کرد و به طبق شیوه ی معمول خود، همه جا راتخریب و ویران و همه چیز را منهدم می کرد، به جز معابد وخانه ی شاعر معروف یونانی پیندار (Pindar) که از ویرانی محفوظ ماند. اسکندر تعداد هشت هزار نفر ازاهالی شهرها را به عنوان برده فروخته واموال آنها را هم به تاراج برد. سایر مناطق هم وسوسه شدند که از اسکندر طلب عفو وبخشش کنند.

اسکندر مقدونی برای تکمیل فتوحات خود مصمم بود که به ایران بتازد وبرای انتخاب هنگام حمله و سعد ونحس بودن آن، برای مشاوره وپیشگویی به معبد دلف رفت و از آن استمداد جست و از راهب معبد خواست که هر چه را پیش بینی می کند، برای او بخواند. اسکندر کاهنان معبد را دعوت کرد تا درجشنی که برپا کرده بود، شرکت کنند، لیکن آنها دعوت او را رد کردند. وی به سوی معبد حرکت کرد. دراین حال زنی سراسیمه در رسید واسکندر را با صدای بلند مرد شکست ناپذیر، خواند. اسکندر او را رها کرده و به او گفت دیگر نیاز به پیشگویی ندارد. اسکندر می دانست که نباید به آتن و اسپارت وتب اعتماد کند، چون که آنها دشمنان پنهانی وی هستند ودراین وضعیت هیچ گونه اعتمادی به آن ها نیست، بنابراین یک قشون از سربازان درجه ی دوم خودرا درآن مناطق مستقر کرد که عقب جبهه را دراختیار داشته باشند وراه عقب نشینی او باز باشد.

به یاد بود فتوحات مقدونیه، شهری در مصر بنا می شود. (مصر، ۳۳۱ پ.م):

جهت یادبود پیروزی هایی که اسکندر مقدونی به دست آورده بود، بیگانگانی که درسواحل مدیترانه می زیستند، تصمیم گرفتند که شهری به نام او در قسمت غربی دلتای رود نیل بسازند. آنان بندری بزرگ با اسکله یی عظیم جهت بارگیری ولنگر انداختن ناوگان جنگی اسکندر در پیکار با ایران بنا کردند.

دینوکرات (Dinocrates)،معمارشهر، بعدها شهرت فراوان پیدا کرد، این شهر روی تپه ی آتوس (Athos) بنا شد و تندیس بسیار عظیمی از اسکندر درکرانه ی دلتا برپا کردند و شهر به نام اسکندریه نامیده شد. خیابان های شهر مستقیم ومتقاطع ساخته شد و روی هم رفته، نقشه ی شهری نوین درآن جا پیاده شد.

اسکندر قصد داشت پس از بازدید از پیشگوی آمون (Ammon) در واحه سیوا (Siwa) درهمسایگی لیبی، شهری عظیم بنا کند. برطبق اظهارات یونانیان اسکندر می خواست که معبدی مشابه معبد زئوس (زاوش) خدای خدایان یونانی به مناسبت تولد خود، برای خدای آمون در مصر بسازد. هنگامی که اسکندر وارد واحه سیوا شد، به احترام او یک راهب با صدای بلند، بانگ برآورد، ای پسر خدا خوش آمدی.

شهر جدید اسکندریه درموقعیت بسیار خوبی قرار داشت، این شهر بین دنیای یونانی وآسیای صغیرواقع شده بود و یکی از مراکز مهم بازرگانی منطقه محسوب می شد، با آمادگی نسبی شهر یهودیان درشمال شرقی آن ساکن شدند که باعث رشد تجارت می شدند، درحالی که ماهیگیران

گل ۴۹ پیش از میلاد

پس از پیروزی های سزار دراسپانیا، مارسی هم به سزار تسلیم شد.

یونان ۹ اوت ۴۸ پیش از میلاد

نیروهای سزار درشمال اپیروس درماه ژوئن بر نیروهای پمپی غلبه کردند، درضمن پدر ناتنی پمپی به نام متلوس اسکیپیو (Metellus Scipio) درناحیه فارسالوس (Pharsalus) فرمانده سپاهیان وی بود و به این ترتیب پمپی هم به مصر گریخت.

مصر ۲۸ سپتامبر ۴۸ پیش از میلاد

درهنگام پیاده شدن پمپی به مصر، او را بنا به دستور پتولمی دوازدهم به قتل رساندند.

اسپانیا ۴۷ پیش از میلاد

لپیدوس به عنوان فرماندار یکی از ایالات اسپانیا انتخاب شد.

مصر ۴۷ پیش از میلاد

با تسخیر اسکندریه به وسیله ی نیروهای سزار، وی برای استراحت با یک لشگر از نیروهای خودی به آسیا عزیمت کرد، پتولمی دوازدهم امپراتور جوان مصر هم درحین جنگ کشته شد.

مصر ۴۷ پیش از میلاد

درپی مرگ پتولمی دوازدهم، سزار ترتیبی داد که پتولمی سیزدهم مشترکاً با کلئوپاترا امور سلطنت را درمصر برعهده گیرند.

مصر ۴۷ پیش از میلاد

کلئوپاترا که عاشق سزار بود، ترتیبی داد که سزار مدت سه ماه را با او بگذراند.

سوریه دوم اوت ۴۷ پیش از میلاد

فارناسس (Pharnaces) (فرهاد) فرزند کبیر پادشاه پونت درمنطقه زلا (Zela) از سزار شکست خورد، سزار در حمله به پونت پیشدستی کرد ودراین باره به حالت خود بزرگ پنداری می گوید: آمدم، دیدم و پیروز شدم.

روم ۴۶ پیش از میلاد

سزار در حالت تسلیم ورضا به روم برگشت و طلسم جهانگیری را شکست .درهمین حال کاهنان دست به اصلاحاتی در گاهشماری به وجودآوردند و روز شماری را به وضع جدید درآوردند و تقویم قدیمی را کنار گذاشتند، به این ترتیب که سال به ۳۶۵ روز تقسیم شد وهر چهار سال یک روز به آخر سال افزوده شد.

شمال افریقا ۴۶ پیش از میلاد

حامیان پمپی که از موضوع کشته شدن خود درهراس به سر می بردند، به سزار اجازه پیاده شدن درشمال افریقا را ندادند، لابینوس (Labienus) وکاتو که به نومیدیا (Numidia) رسیده بودند درپناهگاهی که ژوبا (Juba) پادشاه نومیدیا برای آنها ایجاد کرده بود، مسکن گزیدند.

افریقای شمالی ۶ آوریل ۴۶ پیش از میلاد

رهبران طرفدار پمپی به سردمداری متلوس اسکیپیو و آفرانیوس (Afranius) دریکاری با گروه حامی سزار درناحیه تاپسوس (Thapsus) کشته شدند. پسر پمپی هم به نام سکستوس پمپی (Sextus Pompey) به اسپانیا گریخت تا به برادر خود گنائوس (Gnaeus) به پیوندد.

مصری درجنوب غرب آن مسکن گزیدند.و یونانیان در مرکز شهر مقیم شدند که بیشتر آن منطقه را باغات احاطه کرده بود.

ساختمان شهر تا نواحی بسیار دور ادامه پیدا کرد و این بندرگاه زمینه ی جنگ با ایران را برای اسکندر فراهم کرد. اسکندر کلئومنس (Cleomenes) جوان را به عنوان نایب السلطنه تعیین کرد وسعی کرد که برای ساختمان شهروسایر امور فشار زیاد برای اخذ مالیات بیشتر به مردم وارد نشود.

نابغه نظامی بر کشور پادشاهی ایران غلبه می یابد. (آسیای صغیر وایران ۳۲۰ پ.م):

دریک روز صبح زود، اسکندر وقشون وی از کوهستان های غرب ایران گذشته و باردیگر به بقایای ارتش قدرتمند داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی تاختند. بیشترین بخش این ارتش فرار کرده بودند و اسکندر چون به چادرهای سلطنتی وچادر داریوش رسید، مشاهده کرد که داریوش دراثر ضربه های خنجر یکی از بستگان نزدیکش به نام بسوس (Bessus) به قتل رسیده است. نبرد ایران و اسکندر مقدونی که از سه سال پیش شروع شده بود، اکنون به پایان رسید و اسکندر با بیش از سی هزارمرد جنگی، وارد آسیای صغیر شد. دراین زمان اسکندر، پادشاه ایران شد. درحالی که نیروی نظامی ایران قوی ترو از نظر تعداد هم بر قوای اسکندر برتری داشت.

نبرد اول داریوش سوم بااسکندر درساحل رود گرانیگوس (Granicus) نزدیک دریای مرمره رخ داد. اسکندر با ۱۳ دسته از سواران همراهش به سرعت و شناکنان از رودخانه گذشته و به یک فوج از نیروی نظامی ایران که از قسمت اصلی لشگریان جدا مانده و ضعیف بودند حمله کردند، درحالی که بخش اعظم از نیروی یونانی وی در پی آنان می آمدند. آنان برای نخستین بار از دسته های فالانژ استفاده می کردند. فالانژها به نیزه های بلند مجهز بودند وهرستونی از دسته های فالانژ پشت دسته ی پیشین درحرکت و پشتیبان گروه قبلی بودند و با این وضعیت این نیروها خیلی مقاومت می کردند.

اسکندر پس از نبرد گرانیگوس، به سوی جنوب حرکت کرد وبرخی از شهرهای آسیای صغیر را آزاد کرده ونیروی

نظامی خود را آماده ی نبرد در گوردیوم (Gordium) کرد. دراین جا گوردیوس (Gordius)، پادشاه افسانه یی فریگیه (Phrygia) اسکندر را به جنگ تحریک کرد و ادامه آن را خواستار شد و خود به زیر یوغ اسکندر درآمد و سرسپرده ی وی گردید. او به اسکندر گفت، طبق پیشگویی، اسکندر به پادشاهی آسیا خواهد رسید واوخیلی به سهولت با شمشیر خود آسیا را مسخر کرده و تحت سلطه ی خود قرار خواهد داد.

امپراتوری اسکندر از سوی هندوستان گسترش می یابد. (شوش، ایران، ۳۲۵ پ.م):

اسکندر با سپاه پیروز خود به پایتخت بازگشت و سپاه خود را آماده برای جنگ با هندیان کرد ودر این جا لشگریان خود را به دو قسمت کرد. لشگریانی که به سوی پنجاب حرکت کردند با گرسنگی وتشنگی وهوای گرم وسوزان مواجه شدند. اسکندر خود با نیمه سپاه سراسر افغانستان را درنوردید و از تنگه ی خیبر عبور کرده، از شمال راه هندوستان را درپیش گرفت. دراین هنگام لشگریان پیروز اسکندر با پروس (Porus)، پادشاه تابع ایران روبرو شد، پروس با چهل هزارمردجنگی ودویست زنجیر فیل به مبارزه ی اسکندرآمده بود، لیکن اسکندر شبانه از رودخانه گذشت و درکرانه مقابل با پروس درگیر شد، دراین جنگ حدود بیست هزار نفر پیاده وسه هزارنفر سواره از اردوی پروس کشته شدند، درحالی که سپاهیان اسکندر ۸۰ نفر از سربازان خود را ازدست داده بودند. این براثر هوش ودرایت قهرمان صحنه‌ی پیکار بود که هرسال از سال قبل، به فتوحات بیشتری دست می یافت. وی سراسر ترکستان را مورد تاخت وتاز قرار داده، از کوه های هندوکش و رود اکسوس (Oxus) گذشت، سپس به سمرقند رسید و اکسارتس (Oxartes)، رهبر وفرمانروای اسکیت ها (Scythian) را دستگیر کرد.

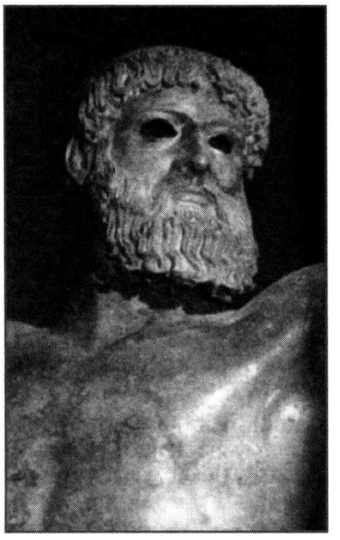
او سپس با رکسانا (Roxana) دختر داریوش زناشویی کرد. او میل داشت که بین مردم شهرهایی که تازه به تصرف درآورده بود و یونانیان بستگی ایجاد کند و همراهان خود را تشویق می کرد که با ایرانیان ازدواج کنند که در نتیجه بین یونانیان واهالی آسیا قرابت ونزدیکی به وجود آید. وی خود با بسیاری از عادات ورسوم ایرانیان خو گرفت. هم چنان که پادشاهان مقدونیه سعی کردند که مقابل مقدونی ها رفتار وآداب یونانیان را کسب کنند. اکنون می دید که همراهان ولشگریان او از این امر ناراضی هستند وبا آن مخالفت می کنند. به شامه ی او بوی توطئه ودسیسه رسیده بود، وبه خاطر این موضوع یکی از همراهان وفادار خود به نام پارمنیو (Parmenio) را به قتل رسانید. جاه طلبی اسکندر او را واداشت که به سواحل رودخانه گنگ (Ganges) برود وساکنان آخر دنیا ودورترین نقطه ی زمین را به بیند، لیکن همراهان او این خواسته ی او را رد کردند. اسکندر سه روز به حالت قهر در چادر خود به سر برد.

اسکندر سپاهیان خود را به سه قسمت تقسیم کرد، نیروی عمده را که درحدود دوسوم سربازان وی بودند، از راه افغانستان و پاکستان وگذشتن از رود سند به ساحل اقیانوس هند فرستاد که از آن جا درخلیج فارس به سواحل ایران برسند. یک سوم سپاه را هم از راه بلوچستان روانه کرد که مدت سه ماه در بیابان های آن ناحیه دچارگرفتاری های شدید شده و تعداد زیادی از لشگریان وی به هلاکت رسیدند.

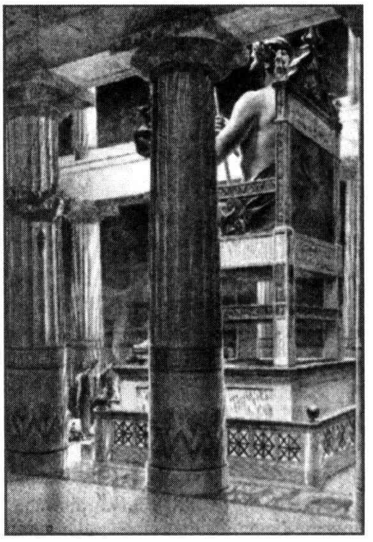
با برپایی جنگ، دموکراسی هم درآتن از بین رفت. (یونان، ۳۲۱ پ.م):

آتن در نبرد زمینی و دریایی از آنتی پاتر (Antipater) نایب السلطنه ی مقدونیه شکست خورد و با این شکست و تسخیر یونان دموکراسی نابود شد و آنتی پاتر صلح را بر یونان تحمیل کرد. آتن به تدریج نیروی نظامی واقتصاد خود را سروسامان بخشیده و بازسازی کرد وحال وقت آن رسیده بود که آزادی خود را از مقدونیه به دست آورد. عده یی از آتنی ها در سرزمین اصلی یونان طالب صلح وزندگی آرام بودند و چون مقداری ازاموال خود را به دست آورده بودندراضی بودند، وعده یی هم درصدد پیمان بستن با همسایگان وآغاز دوباره ی جنگ بودند که دررأس آنها لئوستن (Leosthenes) قرار داشت که با اجیر کردن سرباز برای جنگ موافق بود.

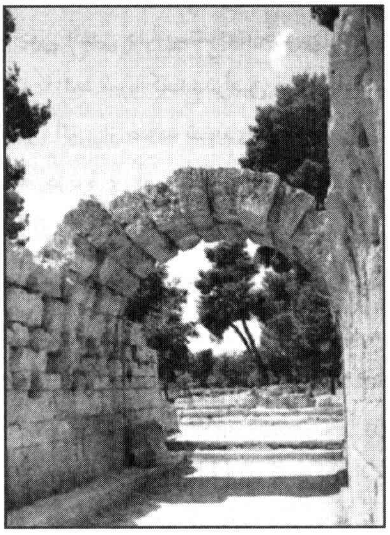
او با پیروزی دربعضی قسمت های سرزمین خود و شکست آنتی پاتر درآن مناطق با گروههای نظامی خود به لامیا (Lamia) عقب نشینی کرد. دموستن که در تبعید به سر می برد به آتن بازگشت و با کمک هیپرید (Hyperides) ناطق یونانی، بیشترین تلاش خود را برعلیه



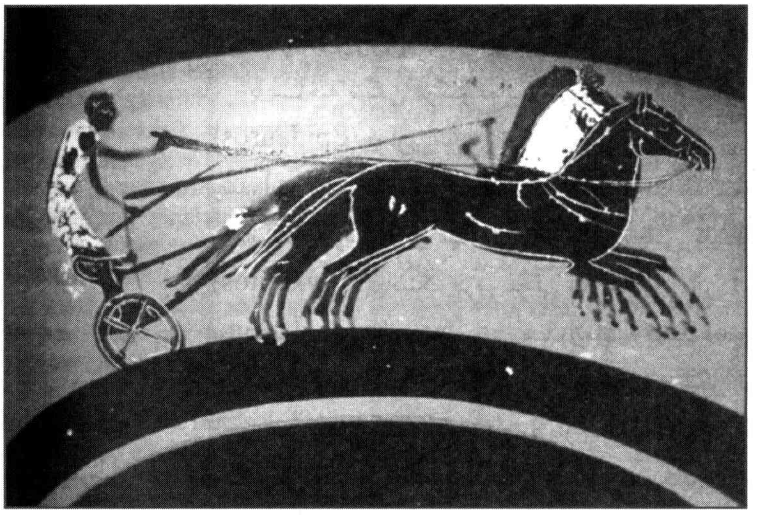
تندیس برنزی پوزیدون خدای یونانی حافظ دریانوردان.



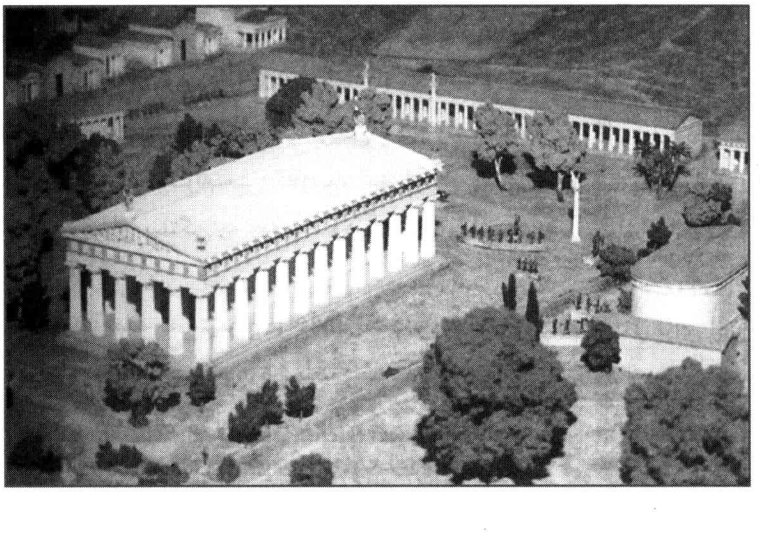
مجسمه‌سازان یونانی سرانجام موفق به ساختن پیکره‌ی زئوس می‌شوند.



راه ورودی به استادیوم.



مسابقه‌ی ارابه‌رانی در بازی‌های المپیک طرفداران زیادی دارد.



معبد زئوس در وسط محوطه استادیوم (Stadium) ورزشی (قرن بیستم)

مقدونی ها به کار بست. به هر ترتیب جنگ بـه زودی آغـاز شد و چون آتنـی هـا پیـشرفت خـوبی نداشـتند، آنتـی پـاتر توانست تجدید نیرو کنـد. درایـن نبـرد لئوسـتن کـشته شـد ونیروهای آتنی از ضربه شدیدی که درسـال گذشـته خـورده بودند به جزیره ی آمورگوس (Amorgos) فرارکردند. گفته می شد اگر همانطور که نبـرد سـالامیس درسـال ۴۸۰ پ.م وبا همان وضع درگرفته بود، اکنون جزیره ی آمورگـوس هـا هم ویران شده بود.

سپس آنتی پـاتر بـه یونـان بازگـشت و بـا بـی میلـی و نارضایتی با بستن پیمان هایی درجنگ کرانون (Crannon) واقع در تسالی (Thessaly) شرکت کرد. دراین حال وضـع نیروهای دوطرف از هم گسیخته وگروه ها پراکنده و متفـرق و هیچ کدام قادر به ادامه ی نبرد نبودند و پیروزی هیچ یـک مشخص نبود، اما فرمانده ی سپاه یونانیـان در پـی قـرارداد صلح بود. آنتی پاتر با زیرکی توانست با مناطق از دست داده در جنگ صلح کند و بدین وسیله در نیـروی دشـمن تفرقـه ایجاد کند. اکنون آتن به اجبار تن بـه صـلح داد. هیپریـد در جنگ کشته شد و دموستن هم خودکشی کرد.

فلاسفه ی ملی، هر روز بیـشتر مـورد سـتایش و تمجید قرار می گیرند. (یونان، ۳۰۰-۴۰۰ پ.م):

مهارت فلاسفه ودانشمندان علم هندسه، جهت یـاددادن وتعلیم این علوم به مردم به طور مرتب افزایش می یابد، آنها بیشتر سعی می کنند که موقعیت زمین را مشخص کنند. این آموزش ها تحسین مردم را برانگیخته است. چون شکارچیان وماهیگیران با این معلومـات توانـسته انـد موقعیـت خـود را مشخص کنند. همان طور که صنعت گران می توانند از مواد خام آلات و ادوات مورد لزوم را بسازند.

یونانی ها برحـسب عـادت بـه کـاردانی و لیاقـت افـراد صنعتگر و دانـشمند احتـرام مـی گذارنـد، کـه البتـه میـزان وکیفیت این جریان بستگی به موقعیت وهوشمندی ولیاقـت افراد دارد.

درافسانه ها آمده که متیس (Metis)، نخستین زوجه ی زئوس بود. او به وسیله ی شوهرش بلعیده شد، و ازشوهرش آتنا را درشکم داشت، لیکن زئوس او را رها کرد کـه پـسری قوی بنیه بزاید، با بلعیده شدن متیس اگر او دوبـاره بـه دنیـا نمی آمد، حیله ونیرنگ از دنیا رخت بربسته بود.

درایلیاد، هومر این طور شرح می دهد که، حکیم پیر بـه پسر خود آنتیلوخوس (Antilochus) می گوید کـه چگونـه می تواند با کمک او ارابه ی خود را آن چنان تندتر براند کـه بر رقیب خود در مسابقه پیروز گردد.

آنتیلوخوس چنان ارابه ی خود را در جاده ی باریک رانـد تا برحریف فایق آمد و سپس دهنه ولگـام اسـبان را کـشید. پس ازآن که مقداریْ از راه را پیمود با خود فکر کـرد کـه از جاده انصاف خارج شـده و خـود را سـرزنش کـرد کـه ایـن نمایش ومانور عادلانه نبوده است، ایـن درسـی اسـت بـرای انسان هایی که با زیرکی و متانت راه خود را می پیمایند ودر زندگی موفق می شوند، لیکن از جـاده ی انـصاف و عـدالت خـارج نمـی شـوند. متـیس سـلاح اصـلی خـود را در هـر مسابقه یی به کار می برد وصداقت لازم را نداشت.

از صدای نمایشات تئـاتر یونـان، تپـه هـا زنـده می شوند. (یونان، ۳۲۰ پ.م):

با ساخته شـدن مرکـز نمایـشات یونـانی دراپیـدوروس (Epidauros) یونان، تئاتر و نمایش به درجه ی کمال می رسد. این آمفی تئاتر که گنجایش سیزده هزار نفر تماشـاچی را داشت، به وسـیله ی مهندسـی ومعمـاری پلـی کلیتـوس (Polykleitos) باسنگ مرمر محلی بنا شده بود واین تعداد بیننده درآن می توانـستند بـازی هـا راتماشـا کننـد. اطـراف جایگاه نشستن، ۲۶ درجه شیب داده شده بود وبه شکل تپـه محل سـاختمان شـیب دار و دایـره وار بـود بـه طـوری کـه تماشاچیان به یک نقطه متوجه می شدند و تمام دایره رو بـه سِن وجایگاه دید داشـت وموزیـک وارکـستر ونوازنـده هـا و کسانی که شعر وقصیده می خواندنـد، درآن جایگـاه مـستقر می شدند وهمان طور که گفته شد صحنه ی نمایش درمرکز دایره قرارداشت. درپشت جایگاه، سـه در وجـود داشـت کـه بـازیگران از آن جـا وارد مـی شـدند. درهـر سـوی جایگـاه تماشاچیان، نرده هایی وجودداشت کـه از پـرت شـدن افـراد جلوگیری می کرد ودو در بزرگ برای ورود وخروج قرار داده بودند. برای این که صدای نوازندگان وخوانندگان بـه گـوش همه برسد و ساختمان هم به شکل نیم کره بنا شـده بودکـه حالت رزنساس داشته باشد که صدا دوباره تکرار شود، چـون دربنای گنبدی شکل، صدا انعکاس پیدا می کند و بـه تمـام اطراف منتقل می شود.

افریقای شمالی ۴۶ پیش از میلاد

با خودکشی ژوبا پادشاه نومیدیا این ایالت افریقایی به یکی از ایالات رومی تبدیل شد. نومیدیا پس از ملحق شدن به روم آرامش خود رابازیافت.

افریقای شمالی ۴۶ پیش از میلاد

با شنیدن پیروزی های سزار در تاپسوس، مارکوس پورسیوس کاتوی (Marcus Porcius Cato) (جوانتر) که جزو حامیان سابق پمپی بود، درناحیه اوتیکا (Utica) باضربت خنجری که درسینه خویش فرو کرد،خود را کشت.

روم ۴۶ پیش از میلاد

سزار باردیگر به اتفاق لپیدوس به کنسولی روم تعیین شد. او درمدت ۱۰ سال صداقت و درستی خود را به مردم روم نشان داد. به میمنت پیروزیهای درخشان او درچهار نقطه دنیا شامل گل، مصر، آسیای صغیر، افریقا جشن های باشکوهی در روم ترتیب داده شد.

اسپانیا ۱۵ مارس ۴۵ پیش از میلاد

آخرین پیروزی سزار برلشگریان طرفدار پمپی به سرپرستی دو ژنرال، سکستوس (Sextus) وگنائوس (Gnaeus) که پسران پمپی بودند در موندا (Munda) صورت گرفت.

روم ۴۵ پیش از میلاد

سزار که برای مدت ده سال مقام کنسولی روم را به دست آورده بود، پذیرفت که عموزاده بزرگ او اوکتاویوس (Octavius) نقش سر او را بر روی سکه های رایج درایالات تحت کنترل و خراج گذار روم به جریان بگذارد.

روم ۴۴ پیش از میلاد

مارکوس آنتونیوس همکار سزار به مقام کنسولی منصوب شد.

روم ۱۵ مارس ۴۴ پیش از میلاد

سزار دریک توطئه به قتل رسید.

روم ۴۴ پیش از میلاد

پس ازمرگ سزار، شورشی که در روم برپا شده بود، فرونشانده شد. مارکوس آنتونیوس مدعی شد که اوضاع علیه اوکتاویان (Octavian) درجریان است . عموزاده بزرگ و پسر او برای به دست آوردن میراث سزار به روم بازگشتند.

روم ۴۴ پیش ازمیلاد

سیسرو آشکارا اعلام کرد که راه سزار درست بوده وراه آن را ادامه خواهد داد. دریک مباحثه جدلی که به نام فیلیپیک (Philippics) معروف است، وی به مارکوس آنتونیوس و طرفداران وی قویاً هشدار داد.

روم ۴۴ پیش از میلاد

سنای روم طبق فرمانی اعلام کرد که لشگریان سزار را علیه قاتلان سزار و به ویژه مارکوس آنتونیوس تجهیز و قدرت نظامی آن ها را بالا خواهد برد. پس از کشته شدن سزار، دسیموس بروتوس (Decimus Brutus) به سزالپین گل فرار کرد، مارکوس بروتوس (Marcus Brutus) به مقدونیه وکاسیوس (Cassius) به سوریه، ایالاتی که اکنون آماده بودند که هرکدام جداگانه به کشوری با حکومت مستقل مبدل شوند.

اسکندر در سن ۳۲ سالگی درگذشت.

در موسم بهار، اسکندر به بابل رسید، درحالی که سفیران کشورهای مشهور آن زمان، آماده ی تعظیم به فاتح بزرگ آسیا بودند. وی جسارت آن را داشت که تمام پادشاهان دست نشانده ی سراسر امپراتوری را به حضور بپذیرد و درباره ی آنها تحقیق کند.اوامسال از هندوستان برگشته وتوانسته بود فرمانروایی خود را در دورترین نقاط بقبولاند وافرادی را که به طور دایم شکایت کرده واو را از منویات خود برحذر می داشتند، دور کند. او برحکومت ایران پیروز شده،ولی اغلب اشراف ونجبای ایرانی در دستگاه او مشغول خدمت بودند و نیز سی هزار جوان ایرانی هم در ارتش وی بودند. اسکندر قبل از ترک شهر شوش، با یک دختر دیگر داریوش به نام ساتیرا (Satira) ازدواج کرد.

دربابل او دستورداد که ناوگان بزرگی ازکشتی های جنگی بسازند وهم چنین تحت نظر او اسکله یی با ظرفیت یکهزار کشتی دردهانه ی رود فرات بنا کنند. وی می خواست یک مسیر دریایی از بابل به مصر ایجاد کند که عربستان را دور بزند. پس از آن درنظر داشت که در دورترین نقاط امپراتوری یعنی شمال دریای خزر به اقیانوس شمالی گذرگاهی ایجادکند. درتابستان همان سال همه چیز آماده بود واو آماده ی بازگشت از بابل بود. اسکندر مدت دو شب را درحال مستی ومیگساری با دوستانش سپری کرد.

صبح گاه روز دوم هنگام برخاستن از خواب، احساس کرد که تب دارد، لیکن این امر را جزئی پنداشته و قابل اعتنا ندانست. دراین حال او به زودی دچار هذیان شد. قصر پراز افسران سپاه شد که دسته دسته به بالین او می آمدند، همان طور کاهنان وراهبان وفالگیران وپیشگویان برای ادعا واستغاثه و پیش بینی حال وی بر بالین اوبودند. همان دَم، در یک لحظه که اسکندر حافظه وهوش خود را دریافت، از او پرسیدند که جانشین او کیست، و او جواب داد بهترین مرد. ژنرال ها وافسران ارتش مقدونی یکی یکی به اتاق بیمار رفته و با او بدرود می گفتند. گفته می شد که او یکایک اطرافیان خود رابا نام آنها تشخیص می داد (این موضوع مورد سؤال است) او مانند خورشید در دشت بابل غروب کرد ومُرد، درحالی که ۳۲ سال بیشتر نداشت.

ده سال جنگ وپیکار برای تشکیل یک امپراتوری (خاورنزدیک، ۳۲۳ پ.م):

اسکندر ۲۰ ساله بود که پس از کشته شدن پدرش فیلیپ دوم، پادشاه مقدونیه، به سلطنت رسید. بلافاصله پس از آن سران سپاه پشتیبانی خود را از وی اعلام کردند واوتوانست شورش قبایل کوهپایه ها درشمال وطغیان تب ها را سرکوب وخاموش کند. سپس افسران دریایی وژنرال ها برای جنگ با ایران اعلام آمادگی کردند. یک بار هم یک قبیله ی مرزی مقدونیه درخارج از یونان تغییر جهت داده و پشتیبانی خود را از نیروی نظامی محلی که قبلاً زیرنظر فیلیپ بود، اعلام داشتند.

اکنون اسکندر جاه طلب و زیاده خواه، توانسته بود که یونان را زیرسلطه قرار داده و خود را به یونان بقبولاند، زیرا یکی از بزرگ ترین فلاسفه زمان، ارسطوی یونانی، به تعلیم و آموزش او پرداخته و او را تشویق به جهانگیری وغلبه بر آسیا کرده، اسکندر آن جا را تسخیر کرد. ارتش اسکندر از مردان سوار، تیرانداز، زوبین انداز ونیزه دار که طول نیزه ی آن ها به شش متر می رسید و گروه مهندس ومعمار و دانشمند وتاریخ نگار تشکیل شده بود.

زمانی که اسکندر دربهار سال ۳۳۴ پ.م از هلس پونت (Helles Pont)،واقع درآسیای صغیر (آناتولی) گذشت، مدت ده سال بود که تمدن یونانی درسراسر منطقه گسترده شده بود. او به سرعت سراسر سوریه وفلسطین را پیمود تا به مصر رسیده واین کشور را منهدم کند. وی آسیای کوچک را تسخیر، ایران را با شکست روبرو کرده، با نفوذ در افغانستان به سمرقند رسید تا به هندوستان دست یابد. او هر شهر را که می گشود، سعی می کرد که ارتباط خود راباسایر نقاط حفظ کند.

سربازان قدیمی که پاسدار ونگهبان پادگان های یونانی بودند، در رکاب اسکندر آمدند تا در فتوحات اسکندر شرکت جسته و نام خود را معروف سازند. اسکندر یک نابغه ی نظامی با دید بسیار وسیع بود. وی نام خود را به عنوان فاتح ایران برجا گذاشت و این اثر او باقی ماند. او حتی نام خود را به اسکندر درزبان فارسی تغییر داد (اسکندردرغرب، آلکساندرنامیده می شود.)

یونان به بزرگ ترین هنرمند خود، آپه لس (Apelles) خوش آمد می گوید. (یونان، ۳۲۵ پ.م):

آپه لس، سرآمد ودر رأس قله ی هنرمندان یونان قرار دارد، او درقصر بزرگ اسکندر درپلا، کارهای مهمی انجام داد. شاه به غیر از او به شخص دیگری اجازه نمی داد که تصویری از او بکشد. او اسکندر را سوار براسب، شبیه آذرخش ونیز به اشکال دیگر ترسیم کرد. او اغلب برای تصویربرداری دوبار در روز اسکندر را ملاقات می کرد. هنگامی اسکندر به آپه لس اجازه داد که از محبوبه ی او برهنه و لخت نقاشی کند واین نشانه ی کمال اعتماد به اوست. او درخانواده ی نقاش متولد شد، افوروس (Ephoros) نقاش ساکن افه سوس (Ephesus) برای نخستین بار به او هنر نقاشی راآموخت. لیکن او بعداً این هنر را در نزد پامفیلوس (Pamphilus) در سیکیون (Sicyon) ادامه داد. وی زیبایی هنر ایونی را با تحرک وتجسم به هم آمیخت و توانست شباهت تصویر را بافرد کاملاً بنمایاند. غیر از این کارها او بسیاری از تصاویر مذهبی ومقدس را با بزرگنمایی درمعابد نقاشی کرد.

سیراکیوز وکارتاژ درآستانه ی جنگ (دماغه بون (Cape Bon)، افریقای شمالی، ۳۱۰ پ.م):

یک نیروی نظامی چهارده هزار نفری؛ تحت رهبری آگاتوکلس (Agathocles) که خودش را پادشاه سیسیل خوانده بود، با جسارت به شمال افریقا حمله وهمان اشتباه کارتاژ را تکرار کرده است، اکنون سیراکیوز پایتخت سیسیل به وسیله ی کارتاژها محاصره می شده.

آگاتوکلس در یونان متولد شده واولین فرد اروپایی است که به شمال افریقا یورش می برد و اکنون درحال پیشرفت به سوی تونس است. وقصد دارد که تلافی حملات کارتاژ را بکند واین منطقه را متصرف شود. آگاتوکلس با این عمل خاطره ی جنگ کارتاژ وفرمانروای یونانی را درقرن گذشته زنده می کند. درآن پیکار هم دشمنان سعی کردند با تصرف اردوگاه نیروی نظامی سیسیل، آن را تقسیم کنند.

درسال گذشته زمانی که یونانی های ثروتمند، حکومت اولیگارشی درشهرهای آکراگاس (Akragas)، جلا (Gela) ومسینا (Messina) به وجودآورده واز پرداخت باج به

روم ۴۴ پیش از میلاد

مارکوس آنتونیوس به مردم روم تأمین داد و اعلام کرد که سزالپین (Cilsalpine) گل به روم تعلق دارد و مقدونیه به خود او سوریه به پوبلیوس کورنلیوس دولابلا (Pubius Cornelius Dolabella) .

مصر ۴۴ پیش از میلاد

پتولمی سیزدهم که با خواهر خود مشترکاً بر مصر سلطنت می کردند، به وسیله خواهرش کلئوپاترا به قتل رسید.

ایتالیا ۲۱ آوریل ۴۳ پیش از میلاد

درپیکار بین اوکتاویان با مارکوس آنتونیوس درنزدیک موتینا (Mutina) (مودنا – Modena) اوکتاویان پیروز شدو هیر سیوس (Hirtius) و پانزا(Pansa) کشته شدند. سرانجام آنتونیوس جاه طلب با اوکتاویان کنار آمده و با ائتلاف با یاران سابق پمپی به قدرت بزرگی مبدل شدند.

رم ژوئیه ۴۳ پیش از میلاد

آنها (اوکتاویان وآنتونیوس) پس ازبازگشت به روم، سنا را ناگزیر کردند دریک انتخابات ویژه، اوکتاویان و پدیوس (Pedius) را به کنسولی بر گزیدند. برای اجرای این امر، سنا به انتقام خون سزار قانون جدیدی را گذارند.

ایتالیا نوامبر۴۳پیش از میلاد

اوکتاویان، مارکوس آنتونیوس و مارکوس لپیدوس، فرمانروایان سزالپین گل در بونونیا (Bononia) (بولونیا – Bologna) با هم ملاقات کردندو با ائتلاف سه گانه تصمیم گرفتند که به پیشروی نیروهای رومی درآن منطقه ادامه دهند .

روم ۷ دسامبر ۴۳ پیش از میلاد

سیسرو اعلام کرد که کشتن سزار برحسب دستور مارکوس آنتونیوس انجام شده است.

گل (فرانسه) ۴۳ پیش از میلاد

دراجرای تقویت بنیانی ارتش سزار، برخوردی بین سربازان مستقر درون (Rhone) فرانسه و سائون (Saone) که محل استقرار گروه سربازان لوگودنوم (Lugdunum) (لیون – Lyons) بود، درگرفت.

روم ۴۲ پیش از میلاد

به سزار رسماً مقام خدایی دادند و کنسول های سه گانه را تحریک به ساختن یک معبد درمیدانی که به همت او ساخته شده بود کردند که محلی برای ستایش وی باشد.

سیسیل ۴۲ پیش از میلاد

سکستوس پمپیوس (Sextus Pompeius) پسر پمپی به کمک طرفداران آواره و فراری پدرش جزیره سیسیل را تصرف کرد، که این کار تجدید خاطره پیروزی های سزار بود.

یونان ۴۲ پیش از میلاد

اوکتاویان ومارکوس آنتونیوس درجنگی که درمنطقه فیلیپی (Philippi) رخ داد، کاسیوس و مارکوس بروتوس قاتلان سزار را شکست دادند. دسیموس بروتوس (Decimus Brutus) یکی دیگر از توطئه گران هم سال گذشته درایتالیا کشته شده بود.

آگاتوکلس خودداری ورزیدند. آگاتوکلس درهفت سال قبل با همکاری ومعاضدت مردم سیراکیوز به قدرت رسید وآن زمان چهارهزار نفر از اشراف را به قتل رسانید.

اولیگارشی های آکراگاس، عقیده دارند که تقدیر و سرنوشت آگاتوکلس براین بوده که آن انتقام را پس دهد و اکنون سیراکیوز تحت محاصره ی کارتاژ است وبایستی این چنین می شد.

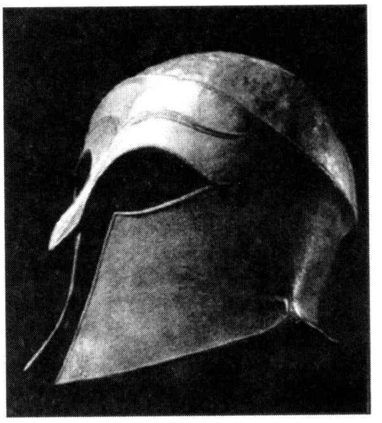
ژنرال های اسکندر، امپراتوری او را قطعه قطعه کردند. (مقدونیه، ۳۰۶ پ.م):

پس از بیست سال که از مردن اسکندر گذشته، ژنرال ها وجانشینان وی مشغول توطئه چیدن ودسیسه برعلیه یکدیگرند که هریک سهم بیشتری از میراث او ببرند. در بخش غرب آسیا، آنتیگون (Antigonus) عنوان پادشاهی به خودداده و سایرین هم از او تقلید کرده اند. آنتیگون درعین حال یکی از مهمترین جانشینان اسکندراست.

درمصر هم، پتولمی (Ptolemy)، لقب پادشاهی دارد و هم چنین سلوکوس (Seleucus) در بابل و لیزیماخوس (Lysimachus) درآسیای صغیر (آناتولی) هرکدام خود را پادشاه نامیده اند. دریونان ومقدونیه هم فرماندار آن منطقه، آنتی پاتر (Antipater) نایب السلطنه ی زمان اسکندر درگذشت و کاساندر جانشین او شد. کاساندر(Cassander) مادر اسکندر، اولمپیاس را به قتل رسانید، او قبلاً برادر ناتنی فیلیپ را که به بیماری اپی لپسی (صرع) دچار بود، کشت. وی هم چنین آریدوس (Arrhidaeus) وهمسر او اوریدیس (Euridice)، رکسانا، بیوه ی اسکندر وپسر او را که عنوان اسکندر چهارم را داشت، به قتل رساند.

به این ترتیب، سرزمین هایی را که اسکندر با کمال بیرحمی وقساوت وویرانی تصاحب کرده بود، دچار اغتشاش وخونریزی گردید. درمدت هشت سال گذشته نبردهایی به طور متناوب بین آنتیگون و حریفان او، درسال گذشته بین او و دمتریوس (Demetrius) با حمله به یونان درگرفت وکاساندر به بابل تبعید شد. در بابل وشرق سلوکوس را با سیم خفه کردند. سلوکوس عمر خود را وقف گسترش تمدن وآداب ورسوم یونان به شرق کرده بود.

آپیوس نام خود را برروی جاده یی که به روم می رسید، نهاد. (روم، ۳۱۲ پ.م):



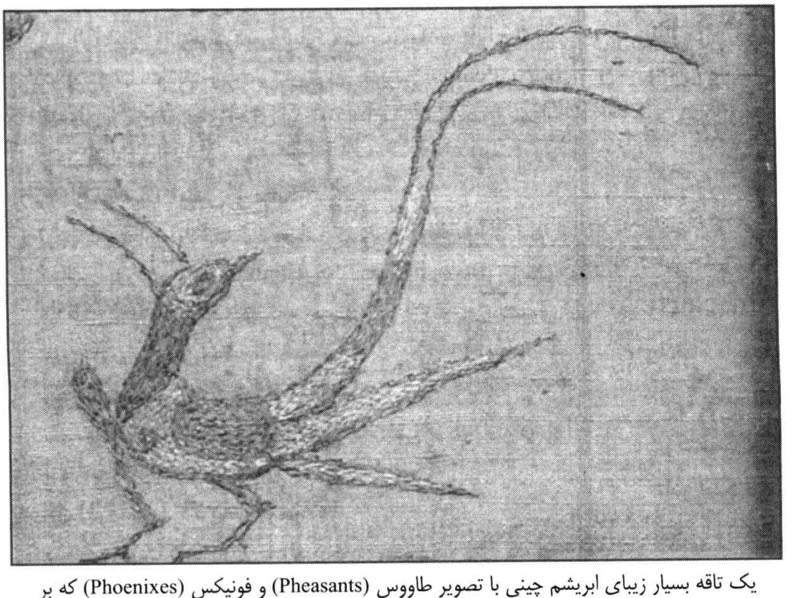
کلاه‌خود مفرغی از المپیا (Olympia).



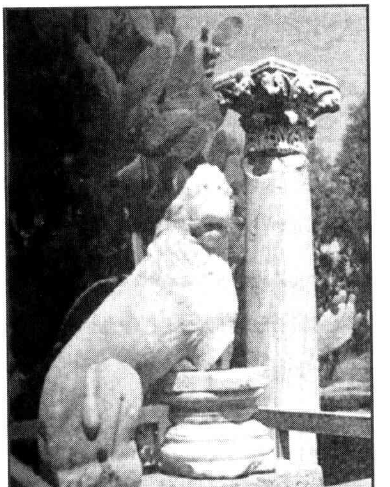
بقایای ستون‌های معبد هرا در المپیا به‌عنوان مکان مقدس.



تمثال ماهاویرا (Mahavira) مربوط به
سال‌های بین ۷۰۰_۵۰۰ میلادی.



یک تاقه بسیار زیبای ابریشم چینی با تصویر طاووس (Pheasants) و فونیکس (Phoenixes) که بر روی مقبره‌ی یکی از سران قوم اسکیت کشیده شده و حافظ گوراو در سرمای آسیای شمالی بوده است.



تندیس یک شیر در کنار ستون،
از جزیره‌ی میلت (Miletus) .



تندیس الهه هندو در قرن دهم.

ایتالیا ۴۱ پیش از میلاد
لوسیوس آنتونیوس برادر مارکوس، انقلابی را با کمک روستائیانی که برای به دست آوردن زمین های اجدادی خود تلاش می نمودند علیه اوکتاویان برپا کردند . مارکوس آنتونیوس به کمک زنش فولویا (Fulvia) توانست از جنگ بین سربازان قدیمی جلوگیری به عمل آورد.

آسیای صغیر ۴۱ پیش از میلاد
جهت سروسامان دادن به قسمت شرقی امپراتوری روم، مارکوس آنتونیوس با کلئوپاترای هفتم ملکه مصر درشهر تارسوس (Tarsus) واقع در کیلکیه ملاقات کرد.

ایتالیا ۴۰ پیش از میلاد
اوکتاویان پیروزی هایی علیه لوسیوس آنتونیوس درپروسیا (Prusia) (پروجا–Perugia) با کمک دو ستوان ارتش خود به نام های آگریپا (Agrippa) و روفوس (Rufus) به دست آورد. او عملیات بیرحمانه یی برای پیشرفت سربازان خود واخذ پیروزی علیه سربازان قدیمی و روستائیان جنگجو انجام داد.

سوریه ۴۰ پیش از میلاد
نیروهای نظامی اشکانی به فرماندهی پاکوروس (Pacorus) پسر پادشاه ایران و کینتوس لابی نیوس (Quintus Labinius) هم پیمان پیشین کاسیوس توطئه گر به سوریه یورش بردند. دسید یوس ساکستا (Decidius Saxta) هم که به عنوان فرماندار سوریه از سوی مارکوس آنتونیوس منصوب شده بود، فرماندهی جنگ را از طرف روم به عهده داشت. دراین جنگ پاکور پسر پادشاه به قتل رسید.

ایتالیا اکتبر ۴۰ پیش از میلاد
پیمان صلحی بین اوکتاویان ومارکوس آنتونیوس به امضارسید. به این ترتیب که بخش شرقی سرزمین های روم تحت کنترل اوکتاویان و بخش غربی زیرنظر مارکوس آنتونیوس قرار گیرد و لپیدوس هم فرماندار بخش افریقایی متصرفات روم باشد.

ایتالیا ۴۰ پیش از میلاد
پس ازمرگ همسر مارکوس آنتونیوس به نام فولویا، آنتونیوس با خواهر اوکتاویان به نام اوکتاویا (Octavia) ازدواج کرد.

روم ۴۰ پیش از میلاد
سالوست (Sallust) وقایع نگار رومی شرح پیکار ژوگورتین (Jugurthine) را که درآن روم به حملاتی علیه نومیدیا دست زده بود وداستانهای دیگر را که درپایان قرن رخ داده بود، منتشر کرد. سالوست مدتی در ارتش سزار درجنگ شمال افریقا درسال ۴۶ پیش از میلاد خدمت کرده و به عنوان نخستین فرماندار ایالت افریقایی روم به مدت طولانی درآنجا حکومت داشت.

آسیای صغیر ۳۹ پیش از میلاد
مارکوس آنتونیوس برای بیرون راندن دولت اشکانی از سوریه دست به حمله زد. پوبلیوس ونتیدیوس (Publius Ventidius) هم شکست سختی به نیروی دشمن در کیلکیه (Cilicia) وارد آورد.

آپیوس کلودیوس (Appius Claudius) ناظر کل، که زمینه ی اشرافی گری داشت و در ضمن شهرت او در مردمداری و مردم دوستی بود، کارهایی را که برای توسعه‌ی روم انجام داده بود، افتتاح کرد. از مهم ترین کارهای او ساختن جاده یی به طول حدود ۲۰۰ کیلومتر که روم را به کاپوآ (Capua) وصل می کرد، بود. این جاده که یکی از مشکل ترین جاده ها بود سراسر کرانه ی دریا را با سنگ فرش پوشانده ونام آن را آپیان (Appian) نهادند.

این جاده که درحین جنگ با سامنیت ها(Samnite) خراب شده بود، بازسازی شد و اکنون آن را ازنظر امنیتی و نظامی کاملاً مجهز کرده اند که ارابه های جنگی به راحتی از آن عبور کنند وراه لاتین را هم از آن جا عبور دادند. این راه ۱۴ کیلومتر آب گذر و کانال داشت که برای مسیل ساخته شده بود. برخلاف آن چه گفته می شد که آپیون یک اشراف زاده است، او بیشترین زمان عمر خود را درخدمت مردم عادی گذراند. پیش از این، هیچ کس چون او، نتوانسته بود درخدمت بینوایان شهر باشد. انتقاد کنندگان می گفتند که این کار ساده یی بود، درحالی که او نمی خواست برای شورش وطغیان زمینه فراهم شود، حتی وی مخالف آن بود که مردم عادی واشراف زاده با هم مخلوط شوند و در یک مکان به پرستش خدایان بپردازند. آپیوس با تمام تفاصیل ذکر شده، طرفدار ائتلاف اشراف ومردم عادی بود. آپیوس هم چنین انسانی ادب دوست وپیرو اخلاق ورفتار حسنه بود وبه عنوان ناظر کل روم اثراتی از خود به جا گذاشت. ناظر کل در روم به فردی گفته می شد که تمام ادارات را زیر نظرداشت و برقوانین جاری اشراف داشت وارتباط دهنده ی قوانین با امور کشور بود. ناظر کل مقامی بود که درسال ۴۴۳ پ.م با مسئولیت اجرای قوانین ایجاد شد و درزندگی سیاسی روم خیلی مؤثر بود. برطبق آمار به دست آمده مقام ناظر کل هم چون فرمانروا بود و برتمام شهروندان حکومت می کرد. آپیوس انقلابی درمقام نظارت کل ایجاد کرد و شهروندان را پسران خود خطاب می کرد و به آنان توصیه می کرد که بردگان خود را آزاد کنند.

ستارگان درزندگی تأثیرگذار هستند. خواب و رؤیا از دید پیشگویان (میان رودان، ۳۰۰ پ.م):

درجهانی که هرروزه بر پیچیدگی وابهام آن افزوده می شود وحوادث گوناگونی درآن رخ می دهد، موجودیت بشر نیز دچار ابهامات است ونشانه ها و رموزی دراطراف انسان وجود دارد. این گونه اسرار را پیشینیان جزو طبیعت می پنداشتند و دانشمندان هم به آنها وقعی نمی گذاشتند. در این زمان در میان رودان (Mesopotamia) (بین النهرین) گروهی پیدا شدند که مدعی بودند از آینده خبر می دهند و حوادث رخ نداده را پیشگویی می کنند.

کار این پیشگویان رونق گرفت و آنها ادعا می کردند که این علامات ونشانه ها گویای اسرارگوناگونی است، ازجمله کارهای آنان تفسیر و تعبیر خواب بود که برطبق ادعای آنان ارتباط مستقیم با عالم دیگر و خدایان دارند و الهاماتی به آنان می شود. اغلب پیشگویان کتاب تعبیر خواب داشتند که تعبیر خواب را ازآن استخراج می کردند. فالگیران از روی اشکالی که درکبد قربانی می دیدند، رویدادهای آینده را خبر می دادند و به آن جگرشناسی (هپاتولوژی Hepatology) می گفتند. آنها می توانستند از روی اشکال جگر تازه قربانی شده ویا آشغال هایی که از قربانی باقی مانده، پیش بینی کنند.

درمیان رودان، پیشگویان دیگری بودند که ازعلم ستاره شناسی حوادث را خبر می دادند، آنان از اشکال ستارگان درآسمان و در اول شب می توانستند برای هر فردی ستاره‌ی او را مشخص کنند واز فاصله ی آن ستاره با سایر ستارگان سرنوشت او را تعیین کنند و این گونه ستاره شناسی اولیه به علم نجوم کمک فراوان کرد. پیشگویان عقیده داشتند که به تعداد انسان ها، ستاره وجود دارد و می توان از ظهور و عدم ظهور ستاره به سرنوشت هر شخصی پی برد.

تعلیم علم ستاره شناسی درمیان رودان توسعه یافت و از وضع ستارگان تقریباً تمام حوادث پیش بینی می شد و جای یادداشت روزانه وتقویم را گرفت.، به طوری که اغلب مردم شبها چشم به حرکت ستارگان می دوختند و حرکات و درخشش آن هارا زیرنظر داشتند که با افول و درخشندگی هر ستاره زندگی فرد پایان می یابد و سایر رویدادها را از میزان نور ستاره پیش بینی می کردند. هرسیاره یا شهاب ویژه ی یک فرد بود و از بین رفتن سیاره مشتری بستگی به عمر شاه داشت و اغلب طول عمر شاه را از روی فاصله ی آن با سایر ستارگان پیش بینی می کردند.

پادشاه هندوستان، تارک دنیا و مرتاض می شود. (هندوستان، ۲۹۷ پ.م):

چاندرا گوپتا (Chandragupta)، نخستین مردی در شبه قاره ی هند است که سلطنت را رها کرده و پادشاهی را به بیندوسارا (Bindusara)، پسرش واگذار کرده و تارک دنیا می شود. وی به علت عدم توفیق در تقویت نیروی نظامی به اجبار تن به صلح داده وقرارداد صلح را امضاء کرد. او هم چنین به دین بزرگ بودا کمک کرده و بودائیسم و ژانیسم (Jainism) را رواج می دهد. درسده چهارم قبل از میلاد، شمال هندوستان در تحت فرمانروایی یک پادشاه به ۱۶ ایالت بزرگ تقسیم شده، لیکن دولت در حقیقت یکپارچه و متمرکز نیست وهر روزه تصمیم جدیدی به وسیله ی حکومت های محلی اتخاذ می شود وریشه ی مذاهب بودایی ژانیسم مستحکم می گردد. دره ی رودخانه ی گنگ زیرنظر وسلطه ی شاهزاده نشین، ماگاندا (Maganda) بود، چاندراگوپتا، مائوری (Maurya) را تأسیس وسلسله ی پادشاهی ناندا (Nanda) را از بین برده و قسمت اعظم شمال ومرکز هندوستان را تحت کنترل درمی آورد.

درسال ۳۰۵ پ.م چاندراگوپتا، از این که شمال غربی هند تحت سلطه ی سلوکوس نیکاتور (Seleucus Nicator) یکی از جانشینان اسکندرمقدونی قرارگرفته بود، به خیال بیرون کردن وی از خاک هند به نبرد با وی می پردازد. دراین هنگام برابر قرار داد صلحی دوستانه که بین سلسله پادشاهی مائوری ها و سلوکوس بسته شده بود، این سلسله تحت حمایت سلوکوس قرار داشت.

کوتی لیا (Kautilya) صدراعظم چاندرا گوپتا، عهدنامه‌ی حکومت مائوری ها را به رسمیت شناخت و پس از مدت کوتاهی چاندرا گوپتا از سلطنت کناره گیری و پیرو ژانیسم گردید. وی گفت پس از این ریاضت کشی دین را انتخاب کرده و روش مرتاضان را در زندگی پیش خواهد گرفت.

نماینده ی سیاسی یونان جلال و شکوه هندوستان را شرح می دهد. (هندوستان، ۳۰۲ پ.م):

مگاستن (Megasthenes) سفیر سلوکوس نیکاتور، پادشاه مقدونی از جلال و عظمت شهر پاتالیپتورا

ایتالیا ۳۹ پیش از میلاد

سکستوس پمپی یوس (Sextus pompeius) پسر پمپی بزرگ اینک، سیسیل، ساردنی، کورس و پلوپونز را تحت حکومت خود دارد. او با زیر پاگذاشتن قرارداد کنسول های سه گانه به متصرفات خود جنبه رسمی داد. اگر پمپی دست از این متصرفات برمی داشت، تهیه دانه های غذایی برای تغذیه کشورهای مدیترانه دچار مشکل می شد وبه سرزمین اصلی روم هجوم می بردند.

روم ۳۸ پیش از میلاد

اوکتاویان اکنون تقریباً بر تمام بخش غربی متصرفات روم حاکمیت دارد، به جز نواحی تحت تصرف سکستوس پمپی، او عنوان پسر ژولیوس (Julius) مقدس را هم بر خود نهاده است.

سوریه ۳۸ پیش از میلاد

ونتیدیوس توانست نیروی نظامی اشکانیان را از سوریه براند.

ایتالیا ۳۷ پیش از میلاد

برابر پیمان تارنتوم (Tarentum)، اوکتاویان به مارکوس آنتونیوس قبولاند که نیروهایش را برضد اشکانیان مجهز کند.

روم ۳۷ پیش از میلاد

قرارداد سه گانه کنسولی برای مدت ۵ سال تجدید شد.

یهودیه ۳۷ پیش از میلاد

نیروهای روم به سوی کشور اشکانی عزیمت کردند. سپاهیان اشکانی، درسال ۴۰ پیش از میلاد به یهودیه یورش برده و اورشلیم را اشغال کرده بودند. هرود(Herod) پس از رسیدن به پادشاهی به علت شورش به روم فرار کرد.

سیسیل ۳۶ پیش از میلاد

اوکتاویان، سکستوس پمپی را به اتهام شکستن توافق نامه سال ۳۹ با مارکوس آنتونیوس راجع به پیش بینی تهیه ۱۲۰ کشتی، تحت پیگرد قرار داد. وی با کمک آگریپا (Agrippa) سعی داشت منصب دریاسالاری بگیرد، لپیدوس توانست سکستوس را شکست داده و راه ورود وخروج کالا به روم را بگشاید و امنیت این راه را تضمین کند.

ارمنستان ۳۶ پیش از میلاد

مارکوس آنتونیوس (مارک آنتونی) پس از تحمل سختی های بسیار وشکست سنگین از نیروهای اشکانی و دادن تلفات بیشمار، توانست به ارمنستان عقب نشینی کند.

آسیای صغیر ۳۶ پیش از میلاد

سکستوس پمپی به شهر میلت (Miletus) فرار کرده و درهمان جا درگذشت.

سیسیل ۳۶ پیش از میلاد

لپیدوس براثر عداوت با اوکتاویان سعی کرد که سیسیل را پس از گریز سکستوس پمپی به چنگ آورد، لیکن اوکتاویان این جزیره را تسخیر و ضمیمه روم کرده و لپیدوس را هم دستگیر کرد.

ایتالیا ۳۶ پیش از میلاد

اوکتاویان مواضع نیروهای نظامی روم را درآلپ و ایلیریکوم (Illyricum) مستحکم کرد.

(Pataliptura)، پایتخت امپراتوری مائوریان، سخن می گوید.

هیأت اعزامی سلوکوس نیکاتور یکی از جانشینان اسکندر مقدونی، پادشاه سرزمین های دور، به ریاست مگاستن به هندوستان سفر کرده و درسال ۳۰۵ پ.م پیمان صلحی با چاندراگوپتا، مؤسس سلسله ی مائوری امضاء می کند. دراین زمان قسمت اعظم هندوستان زیرنظر چاندراگوپتا اداره می شد. این دو پادشاه به مبادله ی سفیر و هدیه دربین خود می پردازند.

برطبق اظهارات مگاستن، پایتخت مائوری شهری است بسیار بزرگ به طول تقریبی ۱۶ کیلومتر که رود گنگ (Ganges) آن را احاطه کرده وبرای جلوگیری از خطر برای مردم اطراف رودخانه را با نرده های محکم، استحکام بخشیده اند که دارای ۶۴ دروازه ی بزرگ و ۵۷۰ برج دیده بانی است و بازهم در پشت نرده، خندق های عریضی جهت دفاع شهر حفر شده است. قصر بزرگ پادشاه از تیرهای چوبین بسیار ضخیم وسنگ بنا شده و تزئینات دیوارها طلایی است.

مگاستن درباره ی ارتش وسپاه هند می گوید که نیروی نظامی آن ها علاوه بر سرباز، تعداد زیادی فیل دراختیار دارد. مگاستن جریاناتی را که دیده، به تحریر درآورده است.

مگاستن هم چنین امور غیر معمول وغیر عادی دربار چاندرا گوپتا را هم شرح می دهد که راه های جنگلی اطراف شهرهای او اغلب ناهموار و پوشیده از چوب است، لیکن به رغم این جریان، تعداد زیادی نوکر را در رکاب خوددارد و دوست دارد که با ارابه به شکار برود، درحالی که ستونی از زنان مسلح حصاری دراطراف جنگل به وجود آورده و نیزه داران فیل سوار در عقب او هستند و وی را حمایت می کنند.

هنرمندان یونانی به رئالیسم (Realism) (حقیقت گرایی) روی می آورند. (یونان، ۱۰۰-۲۰۰ پ.م):

تندیس پردازان وهنرمندان یونان درپی حقیقت، انقلابی درهنر به وجود می آورند که این خواسته، مورد رضایت عموم بود.

درموضوعاتی مانند ساختن پیکر خدایان، نبردهای طولانی و پیروزی ورزشکاران، سبک قدیمی در رقابت با این

شیوه ی جدید بود و هنرمندان سعی داشتند که سبک جدید را جایگزین شیوه ی پیشین نمایند، چون به حقیقت نزدیکتر است. دراین شیوه ی نوین، نقاش درجستجوی واقعیت می باشد و هرچیز را همان طورکه وجود دارد، نشان می دهد وبرخلاف روش پیشین که هنرمند به آنچه که آرزو و مشتاق آن بود، توجه داشت و کمتر به آن چه که هست، تمایل نشان می داد و بیشتر میل وخواسته ی خود را درهنر به نمایش می گذاشت. به هر حال با این انقلاب، هنر جنبه ی مردمی به خود گرفت. درحالی که هنرمندان پیشین بیشتر روی لوازم زندگی از قبیل کاسه کار می کردند، اکنون هنرمند اغلب بر روی دیوار وسنگ مرمر کارمی کند. روی هم رفته، دراین زمان هنر به شکلی تغییر یافت که زمینه ی طبیعی داشته و تنها نظرش روی اشکال ساده نبوده وواقعیت را مورد توجه قرار می دهد.

شکوفایی فلسفه درشهرهای یونانی (یونان، ۲۹۰ پ.م):

امپراتوری اسکندر دیری نپائید. لیکن شهرهایی که وی درآسیای صغیر(آناتولی)، سوریه، ایران ومیان رودان بنا نهاد، رو به ترقی گذاشت اما تمدن یونانی درشهرهای ایران ومصر رو به افول گذاشت و حکومت های پادشاهی دراین دو کشور به ضعف و فتور دچار شدند. مردانی که با تهور از شهرهای سرزمین مادری خود پراکنده ومهاجرت کردند، با فرصت به دست آمده، شروع به گسترش فرهنگ یونانی در نقاط دیگر کردند. مهم ترین وبزرگ ترین شاخه ی فلسفی، فلسفه ی رواقی بود که به وسیله ی یک مرد قبرسی جوان پایه گزاری شد، وی قبرس را رها کرده و درآتن سکونت گزید.

اومذهب را باعث تباهی و فساد می دانست که دست و پای انسان را می بندد و او را از فعالیت باز می دارد. زنو (Zeno) عقاید و نظریات خود را بر دیوار وستون های معبر وبازار می نوشت. وی می خواست انسان را از ترس برهاند و آرزو داشت که ناراحتی ورنج بشر را به خوشی و لذت تبدیل کند که درآرامش به سر برد و می گفت: دنیا را هم چنان که هست، بایستی پذیرفت و لذت و سرور وشادی بسته به خود انسان است. پس تحصیل وبه دست آوردن کامیابی وخوشبختی بستگی به بسیاری از چیزها دارد، لیکن اموری هست که برای بشر کنترل آن ها محال است، انسان می تواند هیجان وناراحتی های خود را با آرامش حفظ کند و زندگی را با پرهیزکاری سپری کند.

اپیکور (Epicurus) که خود زاده ی آتن بود، درخیال رهایی انسان از بیم وهراس وشتاب درزندگی بود، او به شنوندگان اعم از زنان و مردان می گفت: ای کسانی که در جستجوی خوشبختی هستید، از زیاده خواهی پرهیز کنید، چون سبب همه ی دردهاست، زندگانی را ساده برگزار کنید، از جاه طلبی بپرهیزید، چون این امر عدم توفیق را به همراه خواهدداشت. ازدواج خود یکی از گرفتاری هاست.

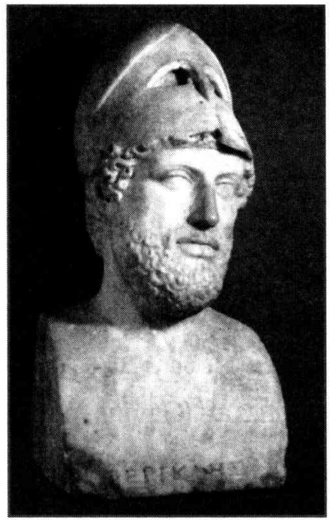
سایر چهره های فلسفی چون ارسطو (Aristotle) که یک باردر لیسئوم (Lyceum) سخنرانی کرد وهمین طور افلاطون (Plato) سالخورده پیرو همین افکار بود. گروهی دیگر که خود را شکاکان (Septics) می نامیدند و پیرو مکتب ظن وتردید بودند، همواره از مکتب خود دفاع می کردند وبحث و استدلال آنها برمحور تردید دور می زد و همه چیز را با نظر شک می نگریستند، از جمله این که مرد عاقل نمی تواند درباره ی چیزی اظهارنظر کند، بدون اینکه آن را دیده یا لمس کرده باشد.

دراین اواخر، گروهی واعظ درخیابان های آتن پیدا شدند که همیشه سرگردان ودربه در، به دنبال چیزی می گشتند که به آنها فیلسوف کلبی (Synics) یا بدبین اطلاق می شد، آنان ادعا می کردند تمام مسائل دنیوی مانند غنا، صداقت، آزادی وسلامت درگرو پرهیز و پرهیزکاری است.

آنان نه خانواده داشتند ونه مذهب، وهمیشه درفقر و تنگدستی می زیستند. از دیوجانس (Diogenes) (دیوژن) فیلسوف کلبی پرسیدند: به چیزی نیاز داری و او جواب داد، به این که از جلوی آفتاب کنار روی تا نور خورشید برمن بتابد. او هرچیز مادی را مایه ی دردسرآدمی می پنداشت و تنها به ظرفی برای شستشو بسنده می کرد و هیچ چیز را مالک نبود.

به هر حال، تمام فلاسفه برخلاف اختلاف نظر و گوناگونی عقاید، همگی امروزه براین عقیده پا برجا هستند که رژیم خود محوری و دیکتاتوری منشاء گرفتاری ها می باشد، وسوءظن و بدگمانی اساس این باورهاست.

لژیون های (Legions) روم، سامنیت ها (Samnites) را تار ومار کردند و کنترل ایتالیا را به دست گرفتند. (روم، ۲۹۵ پ.م):



پریکلس (Pericles)،
ناطق و سیاست‌مدار یونانی.



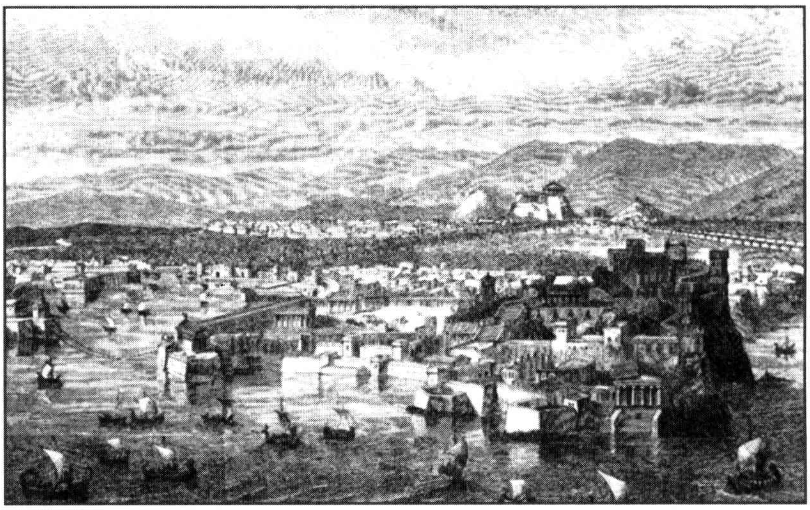
آتنا و هرا (Hera) با فرمان‌هایشان.



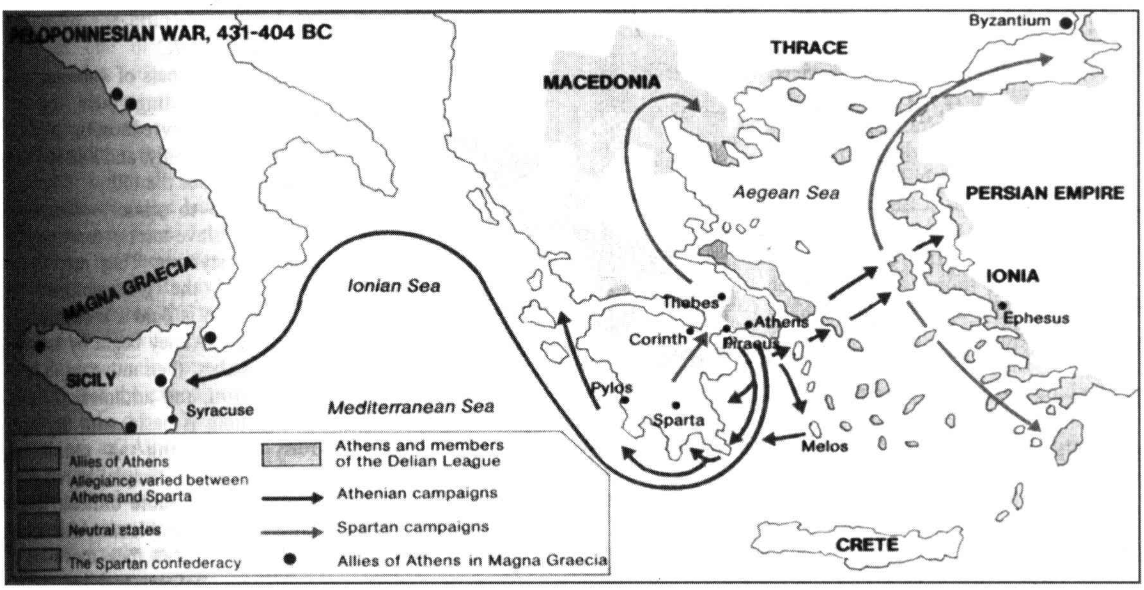
گلدان بزرگی با نقش تشییع‌کنندگان مرده.



کلاه‌خود با نقوش بسیار زیبا
از شهر لاتن (La Tene).



منظره‌یی از شهر پیرائوس (Piraus) و حصار طویل آن. (سده‌ی ۱۹)



نقشه‌ی نبرد پلوپونزی‌ها (Peloponnesian) (سال‌های بین ۴۳۱ـ۴۰۴ پ. م.)

با به وجودآمدن دو ارتش دشمن ومخالف درصف دشمنان، روم اینک بایستی در دو جبهه می جنگید و این دو، اتحادی برعلیه روم داشتند، یکی گل ها و دیگری سامنیت ها که مانند گرگ که درروستا درپی شکار می دود، درسراسر مرزهای روم پرسه می زدند و با سپاهیانشان درکمین بودند. سامنیت ها جنگی پنهانی را برعلیه روم آغاز کردند وبرخلاف پیش بینی هایی که سامنیت ها برای خود کرده بودند، روم در این پیکار پیروز شد و جنگ پایان گرفت.

دونفر از فرماندهان سپاه روم، هریک روشی جداگانه در این جنگ وحشیانه برضد ائتلاف دشمنان اتخاذ کردند. دسیوس موس (Decius – Mus) فرمانده جوان تر با سواران خود به جبهه ی ارابه سواران گل تاخت، به طوری که آشفتگی درمیان آنان ایجاد شد، دسیوس وسوارانش کشته شدند. از سویی فابیوس (Fabius) با احتیاط کامل به حالت دفاعی درآمد تازمانی که توانست شکافی در صف گل ها به وجودآورد واز عقب این سپاه به آن ها بتازد.

پیروزی برای رومیان با کشته شدن ۸۰ هزار نفر سرباز به دست آمد واز سربازان مؤتلفه ی دشمن، ۲۵ هزار نفر تلف شدند با تلفاتی که دسیوس و سوارانش درمیدان جنگ داده بودند، و دسیوس بافداکاری که انجام داد ائتلاف دشمن را درهم شکست، و روم هم دراین موقعیت توانست ایالات همسایه ی خود را به زیرسلطه درآورد.

دامی که باعث عذاب روم بود و بر سینه ی آن سنگینی می کرد. (روم، ۲۹۵ پ.م):

سامنیت ها مردمانی کوه نشین بودند که مدت بیست سال کوهستان را رها کرده و دردشت لاسیوم (Latium) ساکن شده بودند، انها به علت کینه یی که با مردم شهرنشین داشته ومورد اهانت وتحقیر قرار می گرفتند، به جنگ رومیان برخاستند و بالاخره این یوغ (یوک Yoke) که به گردن رومیان انداخته شده و بر سینه ی آنها سنگینی می کرد، با شکست درجنگ برداشته شد.

ساعت های سیاه درزمانی اتفاق افتاد که در ۱۸ سال پیش، افسران سپاه سامنیت دستور دادند که تنه ی درختان را سر راه انداخته و ریسمانی درجاده کودین فورک (Caudine Forks) کشیده بودند که جلوی رفت وآمد رومیان را بگیرند و سامنیت ها درپشت این سد، سنگر گرفته بودند. دراین حال نیروی نظامی روم خیلی ناتوان بود و نمی توانست دراین باره تصمیم بگیرد و مسلم بود با فرماندهی این چنین، جنگ تنها به تلفات زیاد سربازان منتهی می شد.

سربازان دسته دسته درحال خشم حمله می کردند که یا کشته و یا تسلیم می شدند و برخی هم برعلیه فرمانده ی خود دست به یاغی گری می زدند. سامنیت ها برفشار خود افزودند تا بدانند که چه اتفاقی خواهد افتاد و یک ارتش منظم چگونه می تواند به پیروزی برسد. فرمانده ی سامنیت ها، گاویوس پونتیوس (Gavius pontius) نخست روش مسالمت پیش گرفت، سپس دست به کشتار مردم روم زده و تعداد ۶۰۰ نفر از اشراف را به گروگان گرفت که درنتیجه رومیان به زیریوغ درآمدند واین امر به علت عدم قدرت و شخصیت افسران بود که مردم را به زیر سلطه ی دشمن درآوردند. آنها افسران رومی را لخت کرده و با دست بند و یوغ (زنجیری که به گردن اسیر می اندازند) به سوی مردم برده وآنها را مسخره و ریشخند می کردند ودرحالی که لباس برتن نداشتند در تمام شهر گردانده ومورد استهزاء قرار می دادند. بدین ترتیب تمام سپاهیان را مورد تحقیر قرار می دادند و به خصوص آنهایی را که حالت تبختر و تفرعن داشتند و به دشمن اعتنا نمی کردند، مورد ضرب وشتم قرار داده و به زیرلگد می انداختند. بدین ترتیب رومیان را به تمسخر و استهزاء گرفتند.

مناندر (Menander) یونانی، پدرکمدی نوین، در سن ۵۰ سالگی درگذشت. (آتن، ۲۹۲ پ.م):

یکی از پرکارترین نمایش نویسان یونانی، مناندر شاعر آتنی، در سن ۵۰ سالگی جهان را بدورد گفت. برطبق اسنادی که باقی مانده، وی تعداد ۱۰۸ نمایش نامه تنظیم کرد که برخی از آنها شهرت داشت، واز میان آنها دو، نمایش سپر و بیزاری از بشر، معروفیت فراوان داشت.

نمایش های درام مناندر، آمیخته یی از همدردی و هم آوایی و چرخش انسان ها به سوی بدی و رذالت است و این قبیل نمایش ها به کمدی نوین معروف شده، وی خود در این نمایشات نقش کارگران را داشت. اواجتماع را به گونه یی نشان می داد که به هرطرف متمایل می شود وتنها به ظاهرنمایی نمی پردازد، بلکه جریانات را عریان وبدون شائبه به مردم می نمایاند. هرچند نمایشات مناندر پیچیده و دور از

مصر ۳۶ پیش از میلاد

مارکوس آنتونیوس (مارک آنتونی) پس از تحمل شکست مشقت بار به مصر رفت تا درآن جا با کلئوپاترا به سربرد، او با عداوتی که با اوکتاویا داشت با کلئوپاترا ازدواج کرد، کلئوپاترا سعی داشت با آنتونی سیستم سلطنتی یونانی را در مصر برپا کرده و اتحاد روم را در شرق تحکیم بخشد.

روم ۳۵ پیش از میلاد

سالوست (Sallust) تاریخ نگار جنگ ژوگورتین وکاتالین توطئه گر، درگذشت . او از اتهام ظلم وستم درباره افریقاییان هنگام حکومت خود برآنجا تبرئه گشت، لیکن ثروتی برای خود فراهم کرده بود که با پول آن باغهایی درکویرینال (Quirinal) احداث وخانه مجللی درآنجا برای خود ساخته بود.

روم ۳۳ پیش از میلاد

اوکتاویان موافقت کرد که مارک آنتونی مصررا با کلئوپاترا مشترکاً اداره کنند، کلئوپاترا با دلفریبی از مارک آنتونی توانست از این موضوع سوءاستفاده کرده وبین دو رقیب نفاق ایجاد کند.

روم ۳۲ پیش از میلاد

مارکوس آنتونیوس (مارک آنتونی) زن خود اوکتاویا، خواهر اوکتاویان را طلاق داد.

ایتالیا ۳۲ پیش از میلاد

به دنبال برملا شدن نقشه مارک آنتونی درتدارک این که کلئوپاترا را درمصر ابقا کرده وخود با او به سربرد، اوکتاویان اوضاع گل، اسپانیا و افریقا وسایر متصرفات روم را سروسامان داده وسوگند یاد کرد که به جنگ آنتونی برود، درعین حال این سوگند به او اختیار تام اعطا کرد و به عنوان رهبر روم شناخته شد وبرای حمایت از ایتالیا مقاومت و ایستادگی کرد.

یونان ۳۱ پیش از میلاد

اوکتاویان به مارک آنتونی وکلئوپاترا اعلان جنگ داد. کلئوپاترا و آنتونیوس در یونان بودند، اوکتاویان هم همراه ژنرال آگریپا عازم آن دیار شد و میدان جنگ هم منطقه اکسیوم بود. دراین جنگ آنتونی و کلئوپاترا دچار شکست شده و به مصر گریختند.

مصر ۳۱ پیش از میلاد

مارک آنتونی پس از شکست در پیکار اکسیوم (Actium) دریونان دانست که کلئوپاترا درنقش زن در پی فریب اوست و چون زندگی خود را درخطر دید، دست به خودکشی زد.

مصر ۳۰ پیش از میلاد

پس از شکست خدعه کلئوپاترا درفریفتن اوکتاویان جوان، کلئوپاترا هم خود را کشت وبا مرگ او سلسله پادشاهی یونانی مصر برافتاد. او آخرین فرد این سلسله بود.

روم ۳۰ پیش از میلاد

با مرگ مارک آنتونی وکلئوپاترا، اوکتاویان تنها حاکم وارباب روم در دنیا معرفی شد.

ذهن به نظر می رسید، لیکن او به طور یقین، به اخلاق و رفتار توجه داشت، مناندر چهار کتاب درباره ی فصاحت بیان نوشته است.

مناندر می خواست مردم به آنچه می گویند، اعتقاد داشته وظاهر وباطن آنها یکی باشد که این سرمشق هستی انسان ها وپایدار بودن زندگی و حیات بشری است.

گل ها درحمله های جنگی از فیل استفاده می کنند. (آسیای کوچک، ۲۷۵ پ.م):

یک پیمان صلح همراه با تشنج، که بین دولت یونانی آسیای صغیر (آناتولی) و دو امپراتوری تجزیه شده ی اسکندر ودولت درحال توسعه ی گل امضاشد.

درپی به قتل رسیدن سلوکوس درسال ۲۸۱ پ.م آنتیوخوس (Antiochus) جانشین او شد، و اوهم به توسط پتولمی دوم به جنگ تهدید شد ونیز درشورش سوریه، و همین طور امپراتوری سلوکی که به وسیله ی شهرهای یونانی کرانه ی ساحل دریای اژه.

درنبرد خطرناکی که با تهدید نیکومدس (Nicomedes) شاهزاده نشین بی تی نیه (Bithynia) در شمال آسیای صغیر با قبایل غارتگر سلت مدعی سلطنت زیپ تس (Ziptes) بودند. طوایف تروکمی (Trocmi)، تولیستوآگی (Tolistoagii) و تکتوساگس(Tectosages) به عنوان شروع جنگ آسیای صغیر، این قبایل دست به غارت وچپاول وترور زده بودند. به هر صورت، درتمام این موارد، برای دفع حمله ی حریف و درتمام جنگ های ایجاد شده، فیل سواران شرکت داشتند. هم چنین آنتیوخوس خود گروه فیل سوار وفیل بانانی با اهمیت به همراه داشت. در حکومت پادشاهی فریگیه (Phrygia) که بعداً گالاتیا (Galatia) نامیده شد، تعداد محدودی فیل سوار جنگی وجود داشت.

فیل به عنوان سلاح جنگی مورد استفاده قرار می گیرد. (آسیای صغیر، ۱۵۰-۳۵۰ پ.م):

فیل نخستین بار و به تعداد زیاد، درحمله ی اسکندر به هندوستان به کار گرفته شد. درسال های بعد ودرجنگ های پس از آن، بیشتر مورد بهره برداری واقع شد. فرمانفرمایان درکشورهای شرق، سال ها بود که فیل را در جنگ شرکت

می دادند، لیکن یونانیان برای اولین مرتبه در نبرد هیداسپس (Hydaspes) فیل را مشاهده کردند، پوروس (Poros)، پادشاه پنجاب هندوستان، در ۳۲۶ پ.م فیل سواران را شرکت داد. درحکومت های پس از اسکندر و دولت سلوکی ونیز در مصر به وسیله ی حکومت های هلنیستی (Helenistic) (یونانی) و پادشاهان پتولمی از فیل به تعداد فراوان استفاده می شد.

گروه های جنگی فیل سوار بیشتر جهت تهدید و ارعاب حریف به کار می رفت، چون فیل حیوان بزرگ و دهشتناکی است وفیل سوار و فیلبان درنظر آنان مانند این است که بر روی برج قرار گرفته اند. البته سربازان از بلندای فیل بهره برداری می کردند وسربازان دشمن را تیرباران می کردند وتعداد بیشتری از افراد بدین وسیله به هلاکت می رسیدند.

فیل درجشن های پیروزی هم شرکت داده می شد وفیل سواران با تزئیناتی که بر روی فیل قرار می دادند به شکوه جشن می افزودند. آنتیوخوس درجنگ با نیروهای سلتی گروه های فیل سوار را رها کرد، در نتیجه گروه های سوار و پیاده سلت از میدان گریختند و همین سبب پیروزی آنتیوخوس شد، به سبب این پیروزی آنتیوخوس دستور داد پیکره ی فیل را به عنوان قدردانی از سنگ بتراشند.

مربیان وتربیت کنندگان فیل را ازهندوستان به سایر نقاط می بردند و در یونان مورد احترام واهمیت فراوان بود و درهر ایالتی تندیس سنگی از فیل ساختند، به طوری که فیل به عنوان ارباب جنگ مشهور شد، چون سه فیل سوار در جنگ با هزاران سرباز پیاده برابری می کرد وخیلی ارزان تر از گروه های پیاده بود و هزینه ی آن کمتر می شد. فیل بانان ومربیان فیل را از بین بردگان برمی گزیدند وبه طور معمول فیل جوانی را در اختیار او قرار می دادند که بزرگ کند و به تدریج به او زبان خود را می آموختند تا فرمانبری کند و دستورات ارباب را اجرا کند و بدین ترتیب ارتباط نزدیکی بین فیل وفیلبان برقرار می شد.

صدای هلهله وکف زدن چینی ها گوش فلک را کر می کرد. (چین، ۲۷۴ پ.م):

در یک جُنگ ادبی که در قلمرو چویو (Ch'u) در دلتای رودخانه ی یانگ تسه (Yangtze) برگزار شده بود، صدای هلهله وکف زدن مردم به مناسبت دریافت بزرگترین جایزه ی ادبی به توسط چویوآن (Ch'u Yuan)، شاعر چینی، گوش فلک را کر کرد.

این جنگ ادبی را به ویژه برای بزرگداشت کارهای ادبی و اشعار معروف ترین شاعر چینی برپا کرده بودند. او تمام عمر درخشان خود را وقف شعر وخواندن اشعار خود به وسیله‌ی زدن چنگ و بر بط سپری کرده بود و به اشعار خود حالت جذابیت و زیبایی می بخشید و بدین وسیله شعر و موسیقی را با هم آمیخت.

او که تنها هنر را از جنبه ی جذابیت وتحریک احساسات مردم می نگریست، مورد رشک و حسد سایر شعرا قرار گرفت و شایع بود که آلاس (Alas) شاعر دیگر چینی که درآن مجمع ادبی هدیه کمتری دریافت کرده بود، می خواست برعلیه چویوآن اقدام کند، لیکن همین شایعات آبروی آلاس را برد، به طوری که وی دست به خودکشی زد.

رومیان حمله ی حکومت پیروس (Pyrrus) را دفع کردند. (بنه وتوم (Benevuthum)، ۲۷۵ پ.م):

قشون نظامی روم سرانجام توانستند ارتش منظم و تحت تعلیم یونانی پیروس را از اپیروس (Epirus) برانند.

پس از موفقیت های ارزشمند سپاهیان پیروس درجنگ با سیسیل، پیروس به کمک هم پیمان یونانی خود در جنگ برعلیه ائتلاف روم کارتاژ می شتابند. این جنگ در سرزمین اصلی ایتالیا صورت می گیرد و نتیجه ی آن بیرون کردن آن ها از روم است.

این نخستین بار است که سربازان رومی با فیل سواران ارتش یونانی که اسکندر ترتیب آن را داده بود و درجنگ ها شرکت می داد، روبرو می شدند. درنتیجه سواران ارتش روم دراین جنگ (هراکله Heraclea) پراکنده و متفرق شدند. هم چنین شمشیرهای کوتاه آن ها حریف نیزه های بلند ارتش یونان نبود.

سپاه روم در این جنگ هفت هزار سرباز خود را از دست داد. برخلاف آن که رومیان دچار تلفات زیادی شدند، ارتش پیروس چهارهزار نفر از سربازانش دراین جنگ از بین رفتند واین سپاه که با ۲۵ هزار نفر آغاز به جنگ کرده بودند، این تلفات برای او سنگین بود و ارزش آن را نداشت، درضمن

مصر ۳۰ پیش از میلاد

اکنون مصر به عنوان یکی از ایالات تابعه روم درآمد و از این پس تحت فرمانروایی اوکتاویان قرار دارد و قوانین روم به طور کامل در آنجا اجرا می شود.

روم ۳۰ پیش از میلاد

یکی از دوستان اوکتاویان به نام میسنا (Maecenas) از توطئه یی که پسر لپیدوس یکی از کنسول های سابق روم علیه اوکتاویان و به قصد کشتن او درحال انجام بود، پرده برداشت، میسنا و آگریپا که نقش مهمی در پیروزی اوکتاویان در جنگ اکسیوم داشتند، در غیاب اوکتاویان نقشه این توطئه را چیده بودند.

روم ۲۹ پیش از میلاد

معبدی درستایش وقدردانی از کارهای سزار به او تقدیم شد. مکان این معبد درمیدان احداث شده به وسیله سزار تعیین شده بود.

روم ۲۹ پیش از میلاد

با انتشار اشعار ویرژیل (Virgil) به نام ژورژیک (Georgics) درباره کار کشاورزی و به کار بردن وسائل وادوات ویژه این کار و نیز حیواناتی که ازآنها درکار زراعت استفاده می شود، ویرژیل را بزرگترین شاعر سال های اخیر به حساب آورند. این اشعار هجونامه یی بود که انتشار آن مایه دردسر او شد. وی که مزرعه اش به دستور کنسول های سه نفره توقیف شده بود و تحت حمایت میسنا (Maecenas) قرار داشت، هرلحظه منتظر بود که دوباره مزرعه اش به او بازگردانده شود، روی این زمینه، چنین اشعار دهاتی را سرود.

روم ۲۹ پیش از میلاد

با تعطیل شدن معبد ژانوس (Janus) که درسال ۲۳۵ پیش از میلاد گشایش یافته بود. اوکتاویان نشان داد که مایل است صلح را درسراسر سرزمین های تحت تصرف روم تأمین کند.

روم ۱۳ ژانویه ۲۷ پیش از میلاد

اوکتاویان حق تعیین سرنوشت را به سنا و مردم داد. وی به مدت ۱۰ سال سرزمین های اسپانیا، گل و سوریه را جزو ایالات منسوب به خود اعلام داشت.

روم ۱۶ ژانویه ۲۷ پیش از میلاد

سنا لقب آگوستوس (عالی مقام) را به اوکتاویان اعطا کرد. این بزرگترین لقب و عالی ترین منصب بود که تا به حال به یک فرد داده شده بود. اوکتاویان پس از این همیشه مایل بوداورا به این نام بنامند.

یونان ۲۷ پیش از میلاد

آگوستوس (Augustus) (لقب اوکتاویان) ایالت آکایی (Achaea) یونان را ایالت جدید رومی اعلام کرد.

اسپانیا ۲۶ پیش از میلاد

اوکتاویان درجنگ دریایی برای الحاق منطقه کانتابریان (Cantabrian) که یک ناحیه کوهستانی می باشد شرکت کرد. وی این فعالیت ها را به این جهت انجام داد، چون مردم کانتابریان واتریش به شورش علیه شخص او قیام کرده بودند.

لازم به ذکر است که صف بندی پیروسی ها دراین جنگ به شکل صلیب بود.

پیروس ارتباط نزدیکی با اسکندر داشت وبه عنوان فرمانده ی نیروی نظامی وی در تارنتوم (Tarentum) تعیین شد وشهرهای یونانی نشین جنوب ایتالیا برعلیه او وارد نبرد دریایی شدند وپیروزی به دست آوردند واین پیکار به تلافی آن شکست بود.

درهمین زمان، روم درفکر یکپارچه کردن سرزمین ایتالیا وتوسعه ی قلمرو خود در جنوب بود و این تلاش به خاطرآن بود. پیروس هم درپی پیروزی های پیشین امیدواربود که بتواند ایالات وسرزمین های دیگری را به جنگ آورد. وی چندین بار درجنگ هایی برعلیه ایتالیا شرکت کرده بود، لیکن درپیکاری که درآسکولوم (Asculum) برپاشد، فالانژهای وی دچار رنج وتعب بسیار شدند، بدین معنی که فالانژهای او در راه های ناهموار حرکت می کردند، درحالی که نیروی فالانژ تنها می تواند در دشت ها وسرزمین های هموار نبرد کند.

روم در جنوب به جنگ با کارتاژ می نگرد. (مسینا (Messana)، سیسیل، ۲۶۴ پ.م):

دو لژیون رومی، عازم بندر سیسیل درجنوب ایتالیا شدند تا با خطر کارتاژها مقابله کرده و تجاوز به این جزیره را دفع کنند. درحالی که نیروهای دو طرف مساوی بودند. طلیعه ی سپاهیان روم گزارش دادند که در یک پادگان کارتاژ، دونفر از فرماندهان کارتاژی را به جرم احساس جبن به صلیب (دار) کشیده اند. علی رغم پیمان های منعقده دوستی و بازرگانی بین دو قدرت بزرگ مدیترانه (کارتاژ وروم) آن ها دست به یک مقابله زدند.

درگیری به این صورت شروع شد که جنگجویان مزدور مامرتین (Mamertines) بندر مسنا (مسینا) را تصرف کردند، درنتیجه دولت سیراکیوز (Syracuse) از کارتاژ درخواست کمک کرد، درحالیکه گروهی دیگر با این موضوع مخالفت کردند، دولت کارتاژ نیروی نظامی به کمک آنها فرستاد، ولی مامرتین ها آنها را بیرون کرده و از روم تقاضای کمک کردند، چون از کارتاژها بیم داشتند که بندر مسینا را تصرف کرده و به جنوب ایتالیا مسلط شوند، روم به زودی لژیونی برای مقابله به مسینا اعزام کرد.



تندیس برنزی آتنا در نقش زن مبارز.



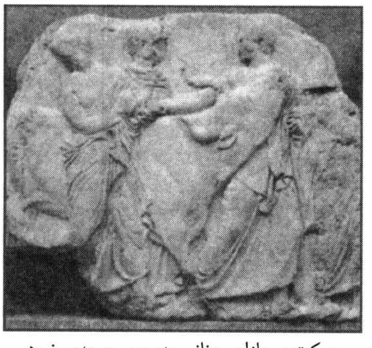
یک طبیب یونانی برای معالجه‌ی بیمار یک جام از خون وی را می‌گیرد. (سده‌ی پنجم پ. م.)



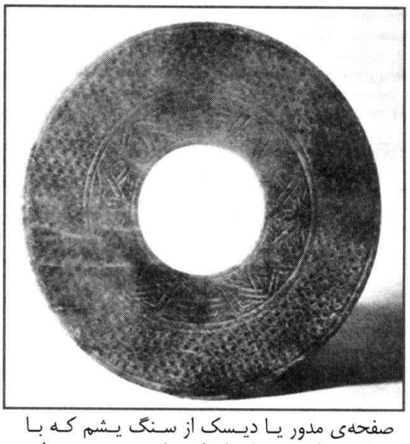
تنگ عطردان از شیشه‌ی سبز تیره با کنده‌کاری زیبا.



تصویر دو پسر بر روی یک ظرف دردار مربوط به سال‌های ۴۵۰ پ. م.



حرکت سربازان یونانی به‌سوی جبهه‌ی نبرد.



صفحه‌ی مدور یا دیسک از سنگ یشم که با تصاویری از قو بسیار ماهرانه ساخته شده، و برای خردکردن شن به‌کار می‌رفته و مربوط به سال‌های بین ۲۲۱_۴۸۱ پ. م. است.



الکی بیادس (Alcibiades) با سخنرانی مهیج و شورانگیز خود، مردم آتن را که دچار وحشت شده‌اند، به خارج‌شدن از شهر هدایت می‌کند.



تصویر برجسته‌ی آتنا در ردای یونانی.

اینک وضعی پیش آمده بود که جنگی رودررو، بین دولت کارتاژ و روم درگرفت و دولتین مستقیماً وارد جنگ شدند که پیروس آن را صحنه ی جنگ خروسان نامید.

بندر اتیوپیایی مرکز تجارت جهانی (اتیوپی، ۲۶۴ پ.م):

بندر آدولیس (Adulis) متعلق به اتیوپی، واقع در ساحل دریای سرخ که از مجموعه ی کلبه هایی کوچک تشکیل شده و سال های بسیاری قدمت دارد، به مرکز تجارت جهانی تبدیل شده است. کشتی های بادبانی و ناوگان هایی که دراین دریا رفت وآمد می کنند، کندروکنجد را از عربستان، ابریشم وسایر محصولات ابریشمی را از هندوستان وآلات ولوازم ساخته شده را به این بندر حمل و دراسکله ها پهلو گرفته و لنگر می اندازند.

تقریباً روزی نیست که این کاروان ها مصنوعات آهنی وطلا را ازکوش (Kush) وسایر نقاط به این بندر نیاورند و یا عاج وتیرهای چوبی را از این جا خارج نکنند. گشایش دریای سرخ به روی کشتی ها از ۲۵۰ سال قبل و درزمانی که پتولمی اول پادشاه مصر درصددبود، دسته هایی ازفیل جنگی را از افریقا به مصرآورده و آن ها را در نبردها شرکت دهد، آغاز شد. برای این منظور ونیز جلوگیری از حملات دزدان دریایی به کاروان ها وکشتی ها، یک بندرگاه دائمی بسیار عظیم، درنقطه یی که خلیج سوئز را به رود نیل وصل می کرد، ساخت. این بندر علاوه بر آن که امنیت کاروان ها را تضمین می کرد، به کشتی های تجارتی اجازه می داد مستقیماً از دریای سرخ به اسکندریه ومدیترانه دسترسی پیدا کنند.

فیلادلفوس (Philadelphos) فرزند پتولمی اول، سیاست پدرش را پی گرفت و تحت نظر دریادار اومنس (Eumenes) فیل های جنگی را برای نبرد آماده ساخت واساس تجارت خارجی مصر را مستحکم کرد.

بندر آدولیس، اینک مهم ترین وبزرگترین بندر جنوبی و عقبه یی است که تنگه ی باب المندب (Bable Mandeb) در عربستان را به افریقا ارتباط می دهد وکشتی های بادبانی را به این منطقه هدایت می کند و نیز تجارت باهندوستان، ایران وسایر نقاط عرب با افریقا را در انحصار

روم ۲۶ پیش از میلاد

کورنلیوس گالوس (Cornelius Gallus) به اتهام خیانت زندگی خود را از دست داد. گالوس که زمانی دوست امپراتور بود، به طور غیرمنتظره مواجه با خشم امپراتور شد وبراثرافکار عالی که داشت، نزد ملت شرمسار نشد . گالوس درضمن نامی هم روی خود گذاشت و این به خاطر اشعار عاشقانه یی بود که درباره معشوق خود سروده بود. سیتریس (Cytheris) هنرپیشه، دوستی پابرجا برای ویرژیل به شمار می رفت.

مصر ۲۵ پیش از میلاد

پترونیوس (Petronius) ژنرال رومی برای امنیت بیشتر مرزی علایمی را بین مصر واتیوپی قرارداد. یکی از مبارزان همراه و سرسخت او دراین راه، کرنلیوس گالوس (Cornelius Gallus) بود که درسال ۲۹ پیش از میلاد با این اقدام مخالفت می کرد.

آسیای صغیر ۲۵ پیش از میلاد

اوکتاویان (آگوستوس) براثر کینه یی که با رعایای ایالت گالاتیا (Galatia) دریونان داشت، همواره آرزو داشت که این ایالت دچار ضعف و فتور شده و قدرت آن زایل شود، وی بالاخره آن جارا به یکی از ایالات رومی مبدل کرد.

ایتالیا ۲۵ پیش از میلاد

ژنرال رومی ترنتیوس واروMورنا (Terentius Varro Murena) برقوم گالی غلبه کرد. این طایفه درناحیه سالاسی (Salassi) مشهور به وال دوستا (Val d Aosta) مقیم بودند.

روم ۲۵ پیش از میلاد

پیشینه نگار رومی به نام لیوی (Livy) مبادرت به نوشتن وشرح یادگارهای روم که تا این زمان رخ داده بود کرد.

روم ۲۵ پیش از میلاد

هوراس شاعر رومی که درجنوب ایتالیا زاده شده بود، یک دوره از زندگی خود را برملا کرد. او همانند ویرژیل تحت سرپرستی میسنا، به سرعت توانست خود را جزو اطرافیان آگوستوس جا بزند. هوراس پذیرفت کتابی به اسم میسنا وعنوان اودس (Odes) بنویسد . او مدعی بود این کتاب شباهت کاملی به غزل های سافو (Sappho) و آلکئوس (Alcaeus) شعرای یونانی دارد.

کوش ۲۳ پیش از میلاد

حکومت رم به ژنرال پترونیوس اجازه داد که به حکومت پادشاهی مروئه (Meroe) واقع درکوش یورش برده و پایتخت آن شهر ناپاتا (Napata) را دستخوش غارت وچپاول سازد.

روم ۲۳ پیش از میلاد

اوکتاویان که به کنسولی روم رسیده بود، قصد داشت که دراین مقام بماند و هیچگاه تغییر نکند. درهمین زمان او به بالاترین منصب در روم رسیده بود که بالاتر از تریبون (ناظرکل) بود، وی به خود اجازه داد که به سنا اخطار نماید.

خود قرار داده است. بندر آدولیس اینک از سکنه خالی شده وساکنان آن منحصراً از کارگران بندری و باربرها تشکیل شده و به انبار کالای شرق و غرب تبدیل شده و منحصراً پایگاه دریایی برای حمل ونقل امتعه بازرگانی می باشد.

درکارتاژ کودکان را قربانی می کنند. (کارتاژ، ۲۶۴ پ.م):

یکی از شهرهای امپراتوری کارتاژ که از کالاهای غارتی واموال وپول های فراهم آمده از این راه به رشد وشکوفایی فراوان رسیده و درسراسر شمال افریقا و جنوب دریای مدیترانه به یکی از مراکز تجارت بین اسپانیا و ساردنی (Sardinia) بالریک (Balearics) مالت (Malta) وسیسیل تبدیل شده است. این بندر عظیم کارتاژی این دریا را بسته اعلام کرده ودرحقیقت تجارت تمام مدیترانه را منحصراً به خود اختصاص داده است. این بندر به طور مستقیم، جبل الطارق را پیموده و کالا وامتعه بازرگانی را به وسیله ی کشتی های سه پارویی به سراسر کرانه های غربی افریقا ودر شمالی ترین نقاط بریتانیا انتقال می دهد.

امپراتوری کارتاژ خود انشعابی از فنیقیه (Phoenician) است که پایتخت آن شهر تیره (Tyre) می باشد. فنیقیه خود یکی از مراکز بازرگانی آسیاست و ناوگان دریایی آن شهرت دارد. فنیقی ها در یکصدسال پیش، حکومتی اشرافی تشکیل داده و به قدرت رسیدند و تجارت منطقه را به دست گرفتند. مهم ترین و با صلابت ترین خدای کارتاژها بعل آمون (Baal Ammon) است که تنها قربانی را قربانی انسان و به ویژه کودکان می پسندد.

احیا کننده کشور مصر پتولمی درگذشت. (اسکندری، ۲۴۶ پ.م):

پتولمی دوم درگذشت،درحالی که از او موزه و کتابخانه یی بزرگ که به یادبود اسکندر تأسیس کرده بود، برجای ماند. این فرعون برجسته ی مصری اعتبار وحیثیت برای کشور به ارمغان گذاشت و به پیشرفت مصر کمک فراوان کرد.

او با کارهای بزرگی که در زمان سلطنت خویش انجام داد، مصر را به ترقی وتعالی رسانید. وی کانال غیر قابل استفاده یی که رود نیل رابه دریای سرخ مربوط می کرد، مرمت و بازگشایی کرد و مشرق توسعه ی بازرگانی با شرق بود، معابدی را که دراثر حملات جنگ تخریب شده بود، ترمیم و بازسازی کرد، وی اسکندریه را به مرکز بزرگ تعلیم و تربیت وفرهنگ زمانه تبدیل کرد. به طوری که درجهان شهرت بسیار یافت و هنرمندان ونویسندگان وطالبان علم و دانش را تشویق کرد که به این شهر بیایند و ضمن بازدید از آن جا دراین شهر به کار بپردازند.

به خلاف تمام این اوصاف، وی به تشریفات خیلی علاقمند بود و مالیات زیادی را به مردم مصر تحمیل کرد.

شاعری که درتمام عمر مورد تمجید و ستایش قرارگرفت. (اسکندریه، ۲۶۰ پ.م):

شهر اسکندریه درحالی که به مرکز تجمع مشهورترین و بزرگترین روشنفکران و دانشمندان تبدیل می شد، یکی از بزرگ ترین شعرا را که اهمیت آن هم طراز آکادمی یونان بود، به جامعه تحویل داد.

تئوکریتوس (Theocritus) قصیده سرایی که مقبول عامه بود و در قصیده های خود جنبه ی مردمی بودن آن را در نظر داشت، همواره مورد تمجید مردم شهرها و کشورقرار می گرفت.

وی درشهر سیراکیوز، واقع در جزیره ی سیسیل زاده شد و اکنون در تشکیلات دادگستری پتولمی فیلادلفوس، مشغول خدمت می باشد، جایی که وی در تجدید سازمان آن اهتمام ورزید و آن را دادگاه چوپانان نامیدند، اشعار او جنبه‌ی فلسفی دارد و علاوه بر آن که حالت و وضعیت تمدن شهری را بیان می کند، به حدی ساده است که در خور روستاییان و گله چرانان هم هست.

در قصیده ی تیرزیس (Thyrsis)،چوپان،گله وخرمن او در حقیقت تمام زندگی و عمق آن را در روستا شرح می دهد. او در این قصیده تمام محاورات و گفتگوهای روستاییان و بُز چرانان و طرز زندگی آنان را به حالت نظم درآورده، وهم چنین طرز کشت و زرع و چگونگی خرید وفروش زمین وسایر مسائل مربوط به پرورش دام را در اشعار خود مجسم می کند.

او درباره ی تمدن شهری، جشن ها ومراسم مربوط به آدونیس (Adonis) وگفت وگوی دو زن جوانی که از سیراکیوز به اسکندریه آمده اند، ونیز روستاییانی که از دهات

و روستاها به شهرهای بزرگ می آیند و شگفتی های آنان از دیدن شهرهای بزرگ را درشعر خود بیان می کند.

از جمله سایر مسائل مطروحه دراشعار تئوکریتوس، این که زن روستایی درشهر اصرار دارد که چرخ رشتن و ریسیدن نخ را به چرخ های بزرگتری تبدیل کند و خانه ی شهری را ترجیح می دهد و دوست دارد. او هم چنین در دیوان شعر خود، درباره ی عشق می گوید: سبک مغزان ممکن است از نظر جثه عظیم وبزرگ باشند و لیکن مغز آنها تهی است.

کارمندان وکارگران تربیت شده و شهری یونانی، به مصر می روند. (مصر، ۲۴۶ پ.م):

مصر درتحت رهبری پتولمی دوم فیلادلفوس، به یکی از ایالات هلنیستی (یونانی) مبدل می شود و از نظر تشریفاتی به صف مقدم درمی آید. زنون (Zenon) که یکی از افراد متوسط شهری یونان بود، خود را برای خدمت درمصر آماده می کند. زنون از ساکنان کاریه (Carian) درآسیای صغیر می باشد. درسال ۲۶۱ پ.م به مصر می رود که در آپولونیوس (Apollonius) خدمت کند و به مقام وزیر بازرگانی می رسد، وی نخست به شغل بایگانی دریکی از ادارات پرداخت،ولی به زودی مهارت وتجربه ی خود را نشان داد و با به وجودآوردن مزرعه نمونه، به یکی از بالاترین مقامات مردمی رسید.

دراین جا مانند سایر نقاط، کارگران بومی درزیربار ناملایمات و بیرحمی ها قرار می گیرند، کارگران مزارع خرید وفروش می شوند، یا به اجاره ی ارباب ده درمی آیند، درحالی که درزیر بار مالیات کمرشان می شکند و باید درکارهای شخم زنی، آبیاری، بهره برداری وحمل محصولات خرمن شده در روستا کارکنند.

زنون درکار کشت و بذرافشانی وایجاد باغ های میوه و زمین های پرمحصول وگلستان ها و پیوند زدن گیاهان و سایر امور وابسته به کشاورزی، بازرسی و نظارت می کرد. وی درکارهای مالیاتی وحیله گری های آن واخذ مالیات های گزاف دخالت نداشت و با همه دوستانه رفتار می کرد. با این سبک و سیاق، یونانیان متمول و ثروتمند شده ودرنتیجه به مصر هجوم آور گردیدند.

روم، حریف دیرین خود را از پای درمی آورد. (روم، ۲۴۱ پ.م):

اسپانیا ۱۹ پیش از میلاد

پایان جنگ اسپانیا دچار مشکل شده بود، لیکن اوکتاویان قصد داشت برای پیروزی، نیروی نظامی بیشتری به کار برد.

بالکان ۱۹ پیش از میلاد

برای این که ایالت ایلیریکوم (Illyricum) از جهت شمال توسعه بیشتری پیدا کند . اوکتاویان دستور داد با شتاب سربازانی به ناحیه دانوب اعزام شود.

ایتالیا ۲۱سپتامبر ۱۹ پیش از میلاد

درهنگام آخرین سفر، ویرژیل شاعر رومی از گرما زدگی دچار بیماری شد ودر مدت کوتاهی پس از رسیدن به ایتالیا،در بروندیزیوم (Brundisium) یا بریندیزی (Brindisi) در گذشت.

روم ۱۷ پیش از میلاد

بنا به دستور اوکتاویان (آگوستوس) جشن هایی با آئین های ویژه در روم برپا شد. درمراسم مذهبی بازی های نمایشی وقربانی کردن که میراث کهن مردم بودانجام شد، رسم قربانی در دوران گذشته تاریخ روم انجام می شد واکنون بار دیگر احیا گردید.

گل (فرانسه) ۱۶ پیش از میلاد

مهاجمان ژرمن دست به یورش بزرگی زده وشکستی فاحشی به لشگریان ژنرال ژنرال لولیوس (Lullius) وارد کرده و به پیشروی به سوی گل ادامه می دهند، اوکتاویان ژنرال تیبریوس را برای جلوگیری از نفوذ بیشتر آن ها اعزام داشت.

بالکان ۱۵ پیش از میلاد

ژنرال دروسوس (Drusus) به اتفاق تیبریوس، به نوریکوم (Noricum) وریتیا (Raetia) درجنوب آلمان یورش بردند و در دانوب اروپایی شکست فاحشی به دشمن وارد آوردند.

گل(فرانسه) ۱۲ پیش از میلاد

دروسوس مکانی جهت قدردانی و ستایش از کارهای نیک اوگوستوس درشهر لیون به او تقدیم کرد. مراسم سپاسگزاری و تقدیر از اوکتاویان درسراسر روم گسترش یافت واین نشانه وحدت و یکپارچگی سرزمین گل بود، درضمن ازاینکه اوکتاویان را به صورت خدا بپرستند واز او بت بسازند، جلوگیری شد. اوگوستوس به دیانت و پرهیزکاری شهرت داشت و نسبت به افراد حالت بخشش داشت.

روم ۱۲ پیش از میلاد

ژنرال آگریپا که اخیراً درگذشت، در موزلیوم (Mausoleum) آگوستوس دفن شد. جدا از این پیروزی سریع او درسال ۳۱ پیش از میلاد دراکسیوم . شخصیت خود را درگل، اسپانیا، سوریه و پانونیا (Pannonia) نشان داد. وی مغز متفکر اوگوستوس بود. او پیروزی هایی هم علیه سکستوس پمپی درسال ۴۰ پیش.از میلاد در پروسیا (پروجا) و نائولوکوس (Naulochus) درسال ۳۶ پیش از میلاد به دست آورد.

آلمان ۹ پیش از میلاد

دروسوس (Drusus) ناپسری او گوستوس (اوکتاویان) به محض رسیدن به الب (Elbe) مرد و تیبریوس جانشین وی گشت. دروسوس مأموریت داشت که اقتدار و برتری روم را درآلمان گسترش دهد، حال تیبریوس تدارک تهاجم بزرگی را در سرزمین های پشت رود رن می بیند.

بـا شکـست عبـرت آور ناوگـان دشـمن قـوی در جزیـره ی اگـاتین (Aegatian)، روم سـرانجام پـس از ۲۳ سال جنگ حریف قدرتمند دریـایی خـود، کارتـاژ را از پـای درآورد. دراثـر ایـن شکـست تحقیرآمیـز، کارتـاژ جزیـره ی سیسیل را تخلیه کرد ومقرر شد که تمام غرامت جنگ را هم بپردازد.

شروع این جنگ خائنانه که بعداً یونانی ها کارتاژ را بـه این نام نهادنـد، براثـر تـصرف شـهر مـسنیا در سیـسیل بـه وسیله‌ی روم انجام شد. سنای روم دستور توقف پیـشروی در سیسیل را صادرکرد، لیکن درجلسه یی که تشکیل شد، برای یکپارچگی سـرزمین اصـلی ایتالیـا رأی گرفتـه شـد و عـزم عمومی براین قرار گرفت که جنـگ ادامـه یابـد. ارتـش روم ضمن پیشرفت درسیسیل بـه موفقیـت هـایی دسـت یافـت. ولیکن کارتاژها نیروی خود را در جزیره تقویت کردند ونشان دادند که نیروی دریایی ضعیف روم درحال شکست و از بـین رفتن است.

درسال سوم جنگ، روم اقدام به ساخت یکصد فروند نـاو جنگی کرد که هرکدام پنج نفـر پـاروزن داشـت و درضـمن تعداد ۲۰ فروند هـم تـری رم (Triremes) (سـه اشـکوبه) ساخته شد، اما پل هایی که باید ناوها را بـه سـاحل متـصل کند، آن قدر محکم نبود که تحمل بـار وسـرباز را بنمایـد و اغلب خم می شد و موجب استهزا می گردید.

ناوگان جنگی روم برای نخستین بار درسیسیل با ناوگان توانمند کارتاژ به رهبری هانی بال (Hannibal) روبرو شد، با این حال توانست شکست سختی برآن هـا وارد آورد. پـنج سال بعد نیز پس از پیروزی های دیگری توانست درسـواحل کارتاژ نیرو پیاده کند، لـیکن فرصـت انـدکی بـرای پیـروزی داشت، چون با گروه هایی از فیل سوارو سواران دیگر روبـرو شده ومجبور به تخلیه و عقـب نـشینی گردیدنـد، درضـمن، چون با جزر دریا روبرو شدند وکشتی هـا بـه گـل نشـستند، تمام ناوگان جنگی آن ها نابود شد.

این آخرین تلاش ها منجر به یأس شد ومردم روم ناچار شدند تاوان وخسارات این جنگ را تحمـل کننـد، آن هـا بـا بردباری توانستند ناوگانی قوی متشکل از ۲۰۰ کشتی بسازند و با این نیرو، بقایای نیروی دریایی دشمن را منهدم کنند.

راهبان وکاهنان سلطه ی خود را برروم گـسترش می دهند. (روم، ۲۵۰-۳۰۰ پ.م):

مذهب در روم جنبه ی عمومی داشت و راهبان بر روح و جان مـردم مـسلط بـوده و قـدرت زیـاد داشـتند، کاهنـان و فالگیران و پیشگویان تحت آموزش نوماپومپیلیوس (Numa Pompilius) درمدرسه به فراگیری اشـتغال داشـتند. ایـن شخص پادشاه دوم روم بود و فرامین وی در سراسر روم اجرا می گردید.

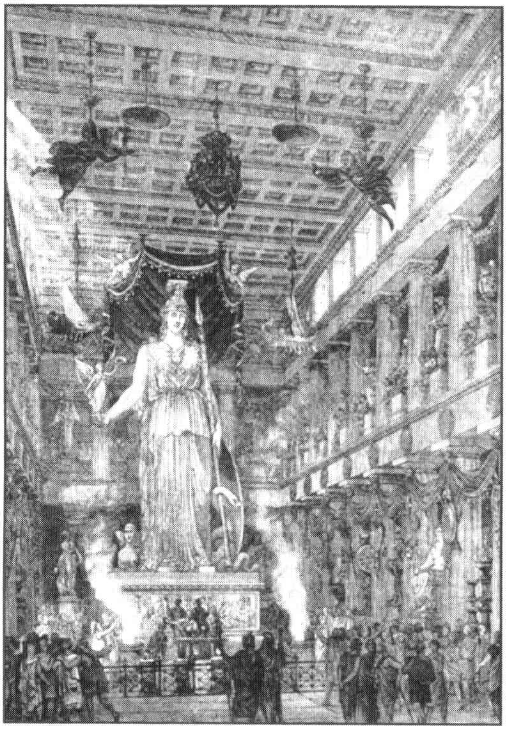
سرآمد کاهنان زوم که جنبه ی تـاریخی داشـته بـه نـام پونتی فکس ماکسیموس (Pontifex Maximus) نامیـده شده است. وی به تأسیس مدرسه ی کاهنان پرداخت و پـل چوبی رودخانه ی شهر را مرمت کرد ونیز به اصلاح تقـویم پرداخت و تاریخ جشن های مذهبی را تعیین کرد وهم چنین راهبه های تارک دنیا را به نام باکره ها ی مقدس نامید وبـر جشن های دینی نظارت می کرد.

مراسم روزهای مقدس به ۹ روز درسال افزایش یافـت و ایـن مراسـم تحـت نظـارت کاهنـان بـود کـه آن را رکـس ساکروروم (Rex Sacrorum) مـی نامیدنـد. کاهنـان هـم چنین داوران دادگاه های مقدس بودند و احکام جنایی صـادر می کردند وبه جرایم رسـیدگی مـی کردنـد و تمـام قـوانین خانوادگی واجرای آن را برعهده داشتند و درنتیجه بر همـه‌ی افراد خانواده ریاست فائقه داشتند.

این امور را تارکان دنیا وباکره های مقدس درتحـت نـام فلامین (Flamines) انجام می دادند، تعداد فلامین هـا ۱۵ نفر بود که این ها خادمان ویـژه ی خـدایان بودنـد ومراسـم قربانی را هم هدایت می کردند. سه نفـر از فلامـین هـا کـه مقام بالاتری داشتند، درخدمت ژوپیتر (Jupiter) (مـشتری) مـارس (Mars) (مـریخ) وکیرینـوس (Quirinus) بودنـد. شش نفر از باکره های مقـدس کـه درخـدمت الهـه وسـتال (Vestal) (باکره مقدس) بودند، بایستی مـدت ۳۰ سـال در این حالت بمانند و با هیچ مردی مراوده نداشته باشند.

یکی از مهم ترین کارهای این فالگیران وپیـشگویان آن بود که بایستی مردم را وادار کنند، قبل از اقدام به هر عملـی با آنان مشورت کنند و از راهنمایی آن ها استفاده کنند.

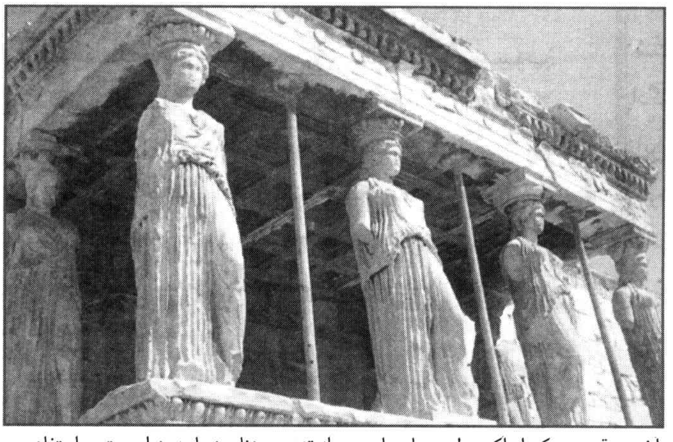
آشوکا (Asok) پادشاه هنـد، نخـستین حکومـت سلطنتی بودایی را تأسیس می کند. (هندوسـتان، ۲۶۲ پ.م):



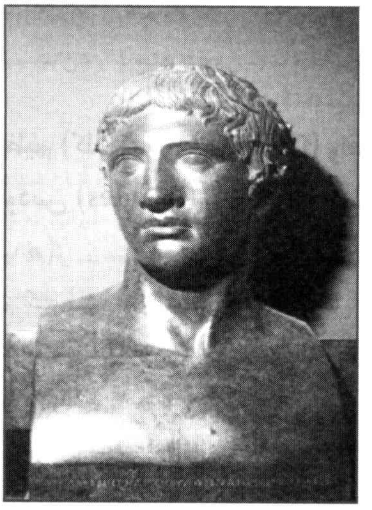
نمای ساختمان بازسازی‌شده‌ی پارتنون که به‌وسیله‌ی فیدیاس (Pheidias) از طلا و عاج ساخته شده و تندیس آتنا در مدخل آن قرار گرفته، نقاشی این بنا در قرن نوزدهم ترسیم شده است.



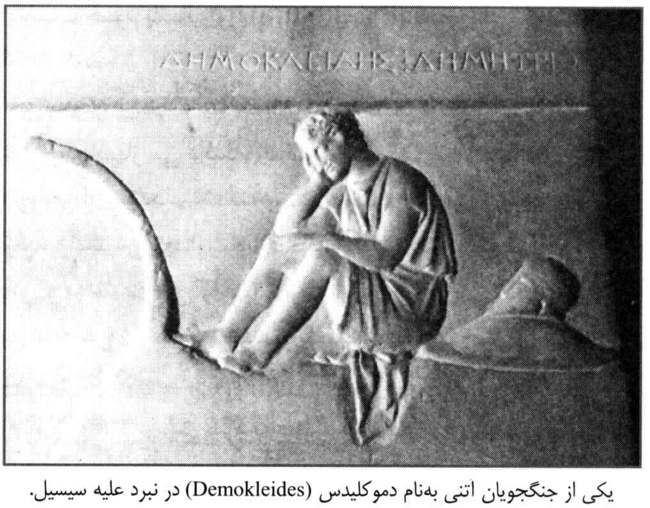
ساختمان عظیم پارتنون در اکروپولیس (Acropolis) که محل اجتماعات سیاسی و تعیین فرمانروای یونان بوده. این ساختمان بزرگ‌ترین ساختمان آتن است.



اخرین قسمتی که از اکروپولیس پابرجاست و از تندیس زنان زیبا به‌عنوان ستون استفاده شده است.



گرچه تندیس‌نگاران یونانی تحت تاثیر سبک و عقیده‌ی پلی‌کلیتوس (Polyclitus) قرار داشتند، مع‌هذا یکی از تندیس‌سازان باشوق و علاقه پیکره‌یی از یک نیزه‌دار یونانی را با روش جدید از برنز تهیه کرده است.



یکی از جنگجویان اتنی به‌نام دموکلیدس (Demokleides) در نبرد علیه سیسیل.

آشوکا سومین پادشاه سلسله ی مائوری هند، دین بودایی را می پذیرد. درنبرد کالینگا (Kalinga) که درآن یکصد هزار سرباز کشته شدند، آشوکا موفق شد که به سلطنت هند برسد و تکانی که این امربه وجود آورد بسیار حیرت انگیز بود، ازسویی پذیرش دین بودایی به وسیله ی آشوکا، مدتی هندیان را به وحشت دچار ساخت،لیکن این موضوع هم موقتی بود و سپس آرامش درکشور برقرار شد.

آشوکا درده سال قبل درهند به سلطنت رسیده بودو سایر مخالفان رامقهور کرد و برتمام کشور استیلا یافت. وی کشور وسیع هند را به چهاربخش تقسیم کرد و هر بخش را تحت نظر یکی از شاهزادگان قرار داد، مشروط برآن که خون خانواده ی سلطنتی در رگ های آنان باشد دراین زمان مردم به هفت کاست (طبقه) تقسیم شدند که دو طبقه ی اول برهمنان (Brahmans) وکشاتریاها (Kshatriyas) بودند که تمام مراسم مذهبی را انجام می دادند و طبقه ی روحانی را که بالاترین کاست راتشکیل می داد.

این دوکاست یاطبقه، هم چنین پدرروحانی محسوب می شدند و تمام مراکز قدرت درکف آن ها قرار داشت.

برطبق دستور آشوکا، کتیبه هایی از دستورهای مذهب بودا بر روی صخره ها وسنگ ها حک گردید که در آنها گفتگوهای بودا ومقررات دین شرح داده شده است وآشوکا براین دستورات تأکید می کند وبدین وسیله آن را به آگاهی تمام مردم می رسانید.

این دستورات بودا به این صورت خلاصه شده بود: مهربانی، آزادی، صداقت وراستی وپاکیزگی وخلوص نیت درکردار وگفتار وپندار، باید همواره ملحوظ گردد. آشوکا درپایتخت خود پاتالیپتورا (Pataliptura) قصرهایی از سنگ بنا کرد.

این پادشاه فیلسوف مسلک، اغلب در ضمن خطابه ها و مواعظ خود، اظهار می داشت، اینک که پایه های حکومت مذهبی بودا مستحکم شده، بایستی نقشه هایی برای پیشرفت وگسترش تجارت وبازرگانی وتولید ثروت، رفاه عمومی و بهداشت طرح واجرا گردد. این رفاه وپیشرفت درروح و جوهره ی هستی مذهب بودا رسوخ دارد. آشوکا توصیه می کند که مساوات وبرابری بایستی درتمام کشور وتمام ایالات هند برطبق مذهب بودا، برقرار گردد.

تهدید سلت (Celts) برای امنیت شمال ایتالیا پایدار نخواهد بود.(شمال ایتالیا، ۲۲۵ پ.م):

تهدیدات سلت برای شمال ایتالیا پایان یافت. یک نیروی نظامی از قبایل گل که به روم حمله کرده بودند، به وسیله رومیان در تلامون (Telamon) دچار شکست شدند. دراین جنگ لژیون های رومی با چهل هزار سرباز گل روبرو شده بودند.

این جنگ های خونین وحوادث پس ازآن درحدود سال ۴۰۰ پ.م که اقوام گل شروع به آمدن به شمال ایتالیا کردند، آغاز شد. درسال ۲۹۵ پ.م گل ها با پیمان اتحادی که با سامنیت ها بستند، در یک زدوخورد محلی، فاتح شدند. البته این پیکار درسال پس ازآن تلافی شد و سامنیت ها این بار شکست خوردند.

درسال ۲۸۴ پ.م دوبار اقوام گل تحت فرماندهی سنون (Senones) وبویی (Boii) درروم به تاخت وتاز وتاراج دست زدند. پس ازشکست های بیشتری که گل ها به روم تحمیل کردند، درسیزالپین (Cisalpine) گل در اطراف دشت پو(Po) ساکن شدند. درسال ۲۳۲ پ.م آن ها در پادگان های رومی به پاسداری پرداختند و شهروندان رومی ازاین امر دربیم وهراس به سر می بردند.درمردم این ترس به وجود آمده که اگر طوایف گل به هفتاد هزار نفر نیروی نظامی که در صدد حمله به روم هستند به پیوندند، رومیان بین دو دام سپاهیان آنها درتلامون گرفتار شده ودرمحاصره قرار خواهند گرفت.

زلزله تندیس عظیم (کلوزوس Colossus) واقع در جزیره ی رودس (Rhodes) را ویران کرد. (رودس، ۲۲۴ پ.م):

پیکره یی عظیم که نشانه ی شهر وبندر رودس ودر حقیقت یکی از عجایب هفت گانه جهان بود، دراثر زلزله بزرگی تخریب وویران شد. این مجسمه ی بسیاربزرگ که بلندای آن به ۳۳متر می رسید ودرسال ۳۰۴ پ.م ساخته شده بود، مرد جوانی را نشان می داد که خدای خورشید بود. این تندیس را به یادبود پیروزی مردم رودس درمحاصره ی طولانی یکساله ومقاومت در برابر دمتریوس (Demetrius) بنا کرده بودند که وی می خواست ساکنان جزیره را از پای درآورد، درحالی که سعادت وخوشبختی مردم جزیره درعدم وابستگی و استقلال تجاری بود که در پیمان نامه یی بین

روم ۹ پیش از میلاد

سنا محلی را که درچهارسال پیش به نام محراب صلح اسم گزاری کرده بود، به شهر روم اهدا کرد.

روم ۸ پیش از میلاد

هوراس و میسنا که با هم دوست صمیمی بودند و هردو درهنر تاریخ نویسی روم بسیار تبحر داشتند درچند ماه پیش فوت شدند. میسنا دربین شاعران نمونه بود و نوشته های وی مانند ویرژیل بسیار شهرت پیدا کرد. پروپرسیوس (Propertius) وهوراس یادداشت هایی درباره زندگی دوست خود، اوگوستوس نوشتند، هوراس با نوشتن ساتیر(Satires) اودس (Odes) اپودس (Epodes) اپیستل (Epistles) وآرس پوتیکا (Ars Poetica) به شهرت رسید و این فرصت خوبی بود که در مسلک شعرای ملی دوره جدید درآید.

ارمنستان ۶ پیش از میلاد

تیبریوس که مدت ۲ سال با مشکل آلمان درگیر بود، اکنون به ارمنستان اعزام شد.

آسیای صغیر ۵ پیش از میلاد

استرابو (Strabo) یونانی که متولد آمازی (Amaseia) درشمال آسیای صغیر بود، اقدام به تدوین کتابی عظیم درباره جغرافیا نمود. وی با تألیف این کتاب به تجدید حیات علم جغرافیا که بنیان گذار نخستین آن اراتوستن (Eratosthenes) در ۲۰۰ سال پیش بود اقدام نمود. استرابو دراین کتاب از مکانهای زیست مردم، جمعیت، نقشه کشی و نقشه خوانی زمین، داستان های تاریخی و اساطیر ونیز محل حدوث آن ها بحث می کند.

یهودیه ۴ پیش از میلاد

سلطنت سبعانه و وحشت انگیز هرود (Herod) کبیر به پایان رسید. با مرگ او سرزمین تحت حکومت او بین سه پسرش تقسیم شد.

یهودیه ۴ پیش از میلاد

مردی به نام یوسف که شغل او نجاری و زنش به نام مریم بود، بچه یی به دنیا می آورد به نام مسیح، آنان مدت ها ساکن بتلهم (Bethlehem) بودند. او بر طبق مقرراتی که وضع می کند، تمام ملت یهود ملزم به اجرای آن بودند، اینک یهودیان باید بدون مزاحمت وشورش به شهرهای خود بازگردند به طوری که دریک مکان مجتمع نشوند و بدانند که جا برای آنان زیاد است و مجبور نیستند که در یک کاروانسرا به سربرند.

روم ۲ پیش از میلاد

با شرح فداکاری ها و پیشرفت روم د رزمان اوگُستوس که ملت روم به او مدیون است، او را به لقب پاترپاتری (Pater Patiae) (پدرکشور روم) مفتخر ساختند.

آنتیل (Antilles) سال اول میلادی

ساکنان آراواک (Arawak) که نژاد اصلی آنها از ناحیه اورینوکو (Orinoco) می باشد، به جزایر آنتیل مهاجرت می کنند وبه تدریج به سوی جزایر سیبونی (Ciboney) رفته و در آنجا ساکن می شوند.

این جمهوری و پتولمی بسته شده بود که درداخل امپراتوری یونان باقی بمانند.

در پرو (Peru) نشانه هایی از تمدن نوین به ظهور می رسد. (پرو، ۲۲۱ پ.م):

درحاشیه ی باریک بین کوهستان آند (Andes) و اقیانوس آرام، تمدن نوینی شکوفا می شود. دراین دشت حاصل خیز با شبکه ی آبیاری پیشرفته، از رود نازکا (Nasca) کشت ذرت در تمام پهنه ی دشت به چشم می خورد.

در ۱۵۰۰ سال قبل مردمانی که از سرزمین مکزیک به پرو مهاجرت کردند، اساس یک تمدن را ریخته، آنها با خود روش کشت کاری ودین خود را که شالوده ی آن بر پرستش جاگوار(Jaguar) (نوعی پلنگ) قرار داده شده بود، آوردند.

آنان روش آبیاری وسامان یافته یی را در زمین های زراعی به کار می برند که بسیار مؤثر وپیشرفته بود. درشهر کاهوآچی (Cahuachi) پایتخت، بنایی استوانه یی با ۲۰ متر بلندی ساختند که به وسیله ی پله به بالای آن می رفتند. منسوجات آنها با نقش ها ورنگ های گوناگون تزئین شده وبه ویژه تصویر جاگوار برآن نقش می شد. سفال های ساخته شده با رنگ های شاد واز خاک نرم بود وبه اشکال مختلف مزین و با تصاویر سران جنگی آراسته شده بود واغلب تزئینات را برای خشنودی خدای خود نازکا می ساختند که به تصاویر افسانه یی شباهت داشت و ویژه ی نازکا بود.

در یک سرزمین روستایی کتابی ادبی تألیف می شود. (چین، ۲۳۹ پ.م):

دریکی از ایالات چین به نام کین کتابی برجسته و ارزشمند به نام رویدادهای بهار وپائیز آقای لو (Lu)، توسط گروهی از ادبای بومی درباره ی سیاست و فلسفه منتشر شده است.

روشن نیست که این کتاب باارزش چگونه درایالت کین (Qin) به وسیله ی روستاییان دور ازمرکز بدون دسترسی به منابع تألیف شده است. مردی که به پشتیبانی و حمایت وی این کتاب تدوین شده، استاندار ایالت کین به نام بوویی

(Buwei) (لوپوووویی Lu _ Pu _ Wei) می باشد که پیش از این بازرگان بود و در سال ۲۵۰ پ.م دراین ایالت به عنوان والی خشن معروف شد، لیکن مسبب ترقی ورشد فکری بومیان شده است.

نکته یی که موجب این سرگذشت شد، این بود درزمانی که لو به تجارت دراین شهرمشغول بود، طرح دوستی با شاهزاده ی چینی را که به این جا تبعید شده بود، ریخت و با او بسیار صمیمی و یارغار شد واین موضوع ریشه ی محبت او را در دل شاهزاده بارور کرد وهنگامی که وی به تخت سلطنت رسید، او هم به مقامات بالا دست یافت. پادشاه جدید با دختری که لو معرفی کرده بود ازدواج کرد وموقعی که شاه درگذشت، ملکه دوستی خود را با لو تجدید کرد. لو هم می خواست به ملکه نشان دهد مردی که قدرت مردی و هم خوابگی با زن را ندارد، ممکن است که بتواند درکارهای معمولی موفق باشد و درتمام موارد امکان کامیابی او هست.

شاعر بلندآوازه بدرود حیات گفت. (اسکندریه، ۲۴۰ پ.م):

کالیماکوس (Callimachus) شاعری که درباره ی هر موضوع شعر سروده بود و خود را طلبه ی شعر و شاعری می پنداشت، با ۸۰۰ جلد کتاب شعر که از وی باقی مانده، در گذشت. او درسال ۳۰۵ پ.م در سیرن (Cyrene) واقع درشمال افریقا به دنیا آمد و درزمان جوانی به اسکندریه مهاجرت کرد و سپس به عنوان مدیرآموزشگاه ورئیس کتابخانه اسکندریه انتخاب شد. کالیماکوس مدارج ترقی را به تدریج طی کرد و به عنوان قهرمان سرودن اشعار حماسی معرفی شد. او با هوش وکیاست خود توانست حقیقت زندگی را شرح دهد واین براثر احساسات بی شائبه‌ی او بود، بالاخره این شاعر با اشارات وکنایات واستفاده از اساطیر، توانایی خود را دربیان حقایق نشان داد.

شنگ (Zheng) درشمال چین دیوار بزرگ را بنا می کند. (چین، ۲۲۱ پ.م):

این دیوار به طول چهارهزار کیلومتر درمرزشمالی چین جهت جلوگیری از هجوم اقوام چادرنشین ترک ساخته می شود.برای ساخت این دیوار با عظمت، تعداد سیصد هزار مرد بسیج می شوند و به امر شنگ، امپراتورچین (کین)، که خود را ارباب مطلق چین می نامید به این کار می پردازند. برای دفاع چین از مرز شمالی این امر برسایر امور تقدم دارد.

این دیوار دریک خط ورديف در روی هر نوع زمین اعم از دره ودشت از منطقه لیائودانگ (Liaodang) درشرق تا لین تائو (Lintao) درغرب ودرمرز شمالی کشیده شده است. خوشبختانه درسال گذشته معماران وسازندگان دیوار درنقاط مختلف مرز استحکامات کوچکی به وجود آورده بودند واین عمل اساس ونشانه هایی برای آینده بود که بتوانند این استحکامات را به هم متصل کنند وبرای این که مرزشمالی پایدار بماند، به سرعت اقدام به ساخت دیوار کردند و تمام پاسگاهها واستحکامات قبلی به هم پیوستند.

هنگامی که پادگان ها وبرج های دیده بانی درست شد، نقش سربازان جهت پاسداری و نگهبانی از مرز آغاز می شود، حال پاسداران تعلیم دیده را برای مراقبت از کوچکترین حرکات دشمن اعزام می دارند تا در برج های دیده بانی مستقر شوند وآنها می توانند ردپا ومسیر حرکت دشمن را درروی شن های روان و جابه جایی آنها را تشخیص داده و در تاریکی هم حرکات آنها را زیرنظر داشته باشند. دیده بانان می توانستند با پرتاب سنگ، ایجاد دود و روشن کردن مشعل، نزدیک شدن گروه های متخاصم را به برج های دیگر و مرکز گزارش دهند.

از این پس، مردان جنگجوی چینی می توانند با توفیق در جنگ های بیرحمانه و خشونت بار، صدها وهزاران نفر از نیروهای حریف را کشته واز بین ببرند.

شنگ، فرمانروای چین، دریک جلسه ی بزرگ با شرکت وزیران خود موفقیت های خود را تشریح کرده وتصمیم به اداره کردن امور کشور به شکل صحیح گرفت تا وضعیت سروسامان یابد.

وی سپس پیشنهادی را مطرح کرد که طی آن یک گروه از مشاوران محافظه کار که کشور را بین خود و خانواده شان تقسیم کرده وآن را تیول وملک مطلق خود قرار داده بودند، توقیف واموال آنها مصادره شود به نظر می رسید این روش عاقلانه که او درپیش گرفت، سبب زدوخورد ونزاع بین خانواده های قدیمی صاحب زمین شود. درعوض دولت مقرر کرد که فرماندهان وحاکمانی با اختیار کامل از طرف حکومت مرکزی با حقوق مکفی منصوب شوند ودر نتیجه

مکزیک سال اول میلادی

خط هیروگلیف (Hieroglyph) (تصویرنگاری) وکاربرد گاهشماری (تقویم) در سرزمین مایا درجنوب شرقی مکزیک گسترش می یابد . آنان روی سنگ ها را با خطوط هیروگلیف نقر می کنند ویا نقش آن رابرصفحات کتاب (به صورت ستل یا سفال) می کشند و بر بناهای یادبود هم این گونه تصویر نگاری را به کار می برند. هم چنین گاهشماری آن ها در دراز مدت انجام می شود (لانگ کانت – Long Count) این گاهشماری (تقویم) زمان را به طور دقیق نشان می دهد و دریک دوره زمانی روز و ماه وسال را تعیین می کند. این گاهشماری بر طبق زمان عبادت درمعابد و اوقات انجام مراسم مذهبی ونیز زمان سلطنت سلسله های پادشاهی صورت می گیرد.

آمریکای جنوبی سال اول میلادی

درسواحل اقیانوس آرام در سرزمین کلمبی (Colombia) و اکوآدور(Ecuador) مردم به خوبی پلاتین را در درجات بالای حرارتی ذوب می کنند.

روم ۲ میلادی

پس از مرگ لوسیوس سزار (Lucius Caesar) یکی از دو نوه آگوستوس به نام تیبریوس وپسر همسر امپراتور برسرجانشینی نزاع درمی گیرد. یکی دیگرازجانشینان احتمالی گایوس سزار (Gaius Caesar) است که نواده دیگر آگوستوس می باشد که او هم به آگوستوس معروف است.

روم ۴ میلادی

پس از مرگ گایوس سزار، آگوستوس نوه دوم آگوستوس بزرگ به قدرت رسید ومقام ناظر کل روم را اشغال کرد. آگوستوس پیش از این عنوان ناپسری تیبریوس ژولیوس سزار را پذیرفته بود. آگوستوس هم چنین آگریپا پوستوموس (Agrippa Postumus) فرزند آگریپا را درهنگام تولد پدرش آگریپا درسال ۲۸ پیش از میلاد مرده بود را به عنوان عموزاده قبول کرد و تیبریوس هم این را پذیرفت که ژرمانیکوس (Germanicus) عموزاده او باشد.

روم ۵ میلادی

لکس والریا کورنلیا (Lex Valeria Cornelia) برحسب این آگهی، اعلام می شود به مدت ده قرن آرای مردم برای انتخاب کنسول ها باید داشتن حس سلحشوری و روحیه جنگی باشد. این جریان دراثر مساعی آگوستوس بود که به مردم روحیه جنگی می داد و این قانون را مجلس سنا می توانست تصویب یا رد کند. لیکن توصیه های آگوستوس تأثیربخشید و قانون به تصویب و تأیید سنا رسید. نقش کمیتیا (Comitia) (کمیته) این بود که برای برگزیدن کنسول ها مردم این موضوع را درنظر داشته وافراد مثبت و صاحب روحیه قوی را برای پیشبرد سیاست روم انتخاب کنند.

روم ۶ میلادی

جریان باد وحوادث شهری اوگوستوس را برآن داشت که برای جلوگیری از آتش سوزی ها شبانه طرح یک گروه پلیس شهری را بریزد تا این پلیس از گسترش آتش ممانعت کند.

دربرابر مرکز مسئول و پاسخ گو باشند و حکومت فئودالی از بین برود.

با اجرای این مقررات، اقتدار حکومت مرکزی افزایش می یابد و تمام مراکز قدرت در دست امپراتور متمرکز می شود، از سویی امکان شورش وطغیان برعلیه امپراتور ومقررات مرکز از بین می رود، درعین حال مقرر شد که تمام وسایل جنگی بایستی ذوب شود ودر دست هیچ کس بدون اجازه ی حکومت مرکزی سلاحی باقی نماند، یکی دیگر از دستورات حکومت مرکزی مبنی بر این بود که جشن های بزرگ و میهمانی ها در پایتخت برگزار شود ومأموران در حیطه ی مأموریت خودباید تحت نظر حکومت مرکزی انجام وظیفه نمایند.

این قوانین شهری، همه ی ایالات چین را وابسته به حکومت مرکزی کرد و چین رایکپارچه ساخت. این مقررات طی دست خط رسمی به تمام ایالات ابلاغ، و مقررات پیشین منسوخ گردید.

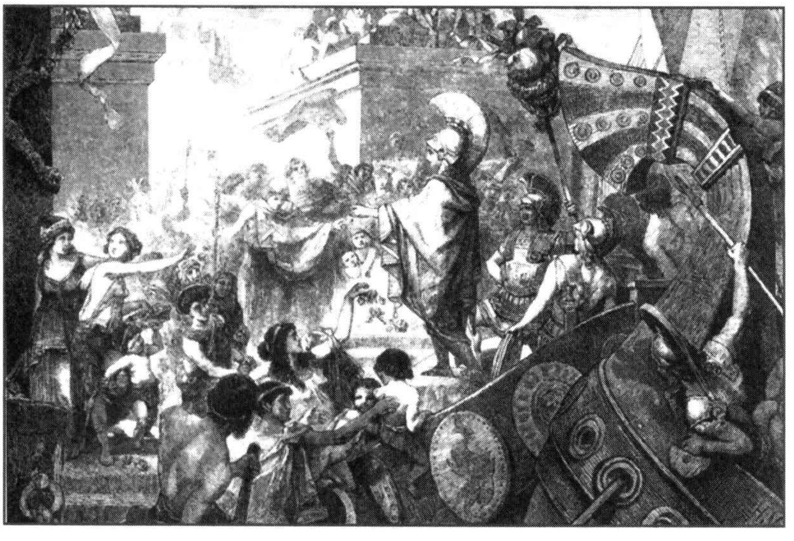
اندازه ها ومقادیر هم درتمام کشور یکنواخت واستاندارد شد، هم چنین اندازه وقطر چرخ گاری ها هم یکنواخت گردید تاگاری ها ازیک نوع باشند وکمتر خرابی در راهها به وجود آید. تمام این مقررات و دستورها نشان می دهد که نوعی اختناق و تضییق در تمام ایالات وشهرها به وجودآمده و همه بایستی در تحت اوامر و فرمان امپراتوری بوده و ازاین مقررات تخطی نکنند.

دشمن دیرین مصر درحال سقوط (سوریه، ۲۱۲ پ.م):

درحال حاضر بیش از یکصد سال از مرگ اسکندر می گذرد و دراین مدت سرزمین سوریه دچار دگرگونی های زیاد شده و چند فرمانروا به خود دیده است. درعرض این مدت، بیشترین زمان فرمانروایی از آن سلوکوس، یکی از ژنرال های وی بوده است. درجریان تحولات ا ین سرزمین، حکومت آن جا مرتباً رو به زوال رفته، به طوری که مصریان توانستند هم سوریه و هم سواحل آسیای صغیر را تصرف کنند. سلوکوس در ۹۰ سال پیش برتمام بخش های شمالی آن سیطره داشت، لیکن جانشین او آنتیوخوس اول، نه تنها فرمانروایی برجنوب را از دست داد، بلکه حتی نتوانست بر شمال این سرزمین هم سلطه داشته باشد.



نقش اورفئوس (Orpheus) در حالی‌که به‌وسیله‌ی زنان اهل تراس (Thracian) زخمی شده است و به‌خاطر تنفر از آن‌ها فرار می‌کند.



تصویر مرد جوانی که با کوتاه‌کردن موهای خود برای رفتن به جبهه آماده شده و در ضمن به جوانان دیگر سوارکاری می‌آموزد.



هنرپیشه‌ی کمدین یونانی در نمایش‌نامه‌ی جدید آریستوفان.



تندیس آتنا در حال سوگواری در غم از دست دادن شهروندان یونانی.

روم ۹ میلادی

آگوستوس درنظر داشت که به مساعی خود در مورد شکست دادن ارتش آلمان پایان دهد، به ویژه آن که دراین اواخر، شکست سختی به نیروهای روم به وسیله آرمینیوس (Arminius) سرکرده نیروهای آلمانی و رئیس قبیله چروسی (Cherusci) درناحیه راین وارد آمده بود.

چین ۹ میلادی

برطبق گفته پیشگویان نایب السلطنه چین که همواره تظاهر به هواخواهی امپراتور چین وانگ مانگ (Wang Mang) را می کرد وبرای به دست آوردن تخت وتاج وجانشینی، سلطنت را از لیویینگ (Liu Ying) شاهزاده جوان ربوده وغصب خواهد کرد. هان درهنگام مرگ گفته بود او شاهزاده لیو یینگ را ازسلطنت مغزول وبه کمک خانواده خود سلسله پادشاهی زین (Xin) یاوانگ مانگ جدید را به پادشاهی خواهد رسانید و یا با ازدواج با اقوام نزدیک امپراتور راه را برای خود هموار خواهد کرد.

بالکان ۹ میلادی

ژنرال رومی تیبریوس پس ازسه سال جنگ متوالی، توانست شورش نواحی اروپای مرکزی را در منطقه پانونیا سرکوب کند.

بالکان ۱۰ میلادی

منطقه پانونیا (Pannonia) به عنوان یکی از ایالات روم محسوب و به ایلیریکوم درکرانه ی دریای آدریاتیک (Adriatic) ملحق شد. هم چنین موئزیا (Moesia) درساحل دریای سیاه هم جزو سرزمین روم گردید و از این پس پانونیا جزو ایالت دالماسی (Dalmatia) نبوده و مستقل از آن اعلام شد.

پارت یا پادشاهی اشکانی ۱۲ میلادی

باوجود تلاش ونون (Vonones) رئیس قوم پهلوی (Pahlavas) (مردمی جنگجو وسواره نظام به نام اسکیت) اردوان سوم به پادشاهی اشکانی رسید، اردوان از سوی مادر نسبش به اشک اول بنیانگذار سلسله اشکانیان می رسید که درسال ۲۵۰ پیش از میلاد این سلسله را تأسیس کرده بود.

روم ۱۳ میلادی

اوگستوس، تیبریوس را به جانشینی خود تعیین کرد. این گونه جانشین تعیین کردن نشان از نوعی پادشاهی در روم داشت. اوگوستوس خود مدت ده سال در مقام پروکنسولی قرار داشت واین مقام را به تیبریوس تفویض کرد.

ایتالیا ۱۴ میلادی

بلافاصله پس ازمرگ آگوستوس، ناپسری او آگریپا پوستوموس (Agrippa Postumus) مسئله جانشینی خود را مطرح کرد. در حالی که چندسال قبل آگوستوس او را از تمام میراث خودمحروم کرده بود، چون آگریپا پوستوموس نتوانسته بود وضع وموقعیت خود را حفظ کند وبه پلانازی (Planasia) تبعید شده بود.

نیروی نظامی سوریه هم به حال ضعف و فتور افتاد و از نظر کمی هم کاهش یافت، درنتیجه پتولمی پادشاه مصر، توانست برسوریه مسلط شود.

درحالی که پادشاهان سلوکی نتوانستند قدرت خود را حاکم برمنطقه کنند، سه نفرازپادشاهان نخستین سلوکی، شهرهایی دراین سرزمین بنا کردند که عبارتند از آنتیوخ یا انطاکیه که پایتخت کشور وباغ های آن مشهور است،این شهر درمنطقه ی دافنه (Daphne) واقع شده،دیگری سلوکیه (Seleuceia) در پیریا (Pieria) که دارای بندرگاه بزرگی است وسوم آپامه (Apamea) که مرکز پادگان ها ونیروی نظامی است ودربخش وسطای اورونت (Orontes) قرار دارد، دراین شهر، دولت سلوکی حیواناتی را هم که در جنگ به کار برده می شوند نگاهداری می کند.

این شهرتحت نظر شهردارانی اداره می شود که مسئولیت نگهداری خیابان ها، آبرسانی به شهر وبهداشت عمومی برعهده ی آنهاست. آن ها اختیار اجرای قوانین را هم دارند. مردم این شهرها مخلوطی از یونانی، مقدونی و شرقی هستند وکار اصلی آنها کشاورزی است.

شهر اسکندریه دارای کتابخانه یی با دویست هزار کتاب است. (اسکندریه، ۲۲۰ پ.م):

امسال به مناسبت شصتمین سال تأسیس کتابخانه ی اسکندریه، که مشهورترین و بزرگ ترین کتابخانه ی دنیاست، جشن باشکوهی برپا می شود.این کتابخانه بخشی از موزه ی اسکندریه می باشد که در۵۰ سال پیش پتولمی دوم فیلادلفوس آن را پایه گذاری کرد، هرچند دراین مورد بحث است که این کتابخانه را پتولمی اول در ۶۵ سال پیش بنیان نهاده است.

امروزه این کتابخانه، بزرگ ترین و بی نظیرترین مرکز علمی و محل اجتماع روشنفکران ودانشمندان جهان است.

در اینجا، حدود دویست هزار جلد کتاب موجود است (به عقیده ی عده یی حدود ۴۹۰ هزار) هر چند تعدادی از آنها به صورت توماری پیچیده از کاغذ پاپیروس می باشد و تعداد بسیاری از کتابها از یک موضوع بحث می کند وبسیاری دیگر ازکتابها دو جلدی است وحدود ۱۲۰ هزار جلد آن تک جلدی است. کتابخانه تحت نظر یک رئیس اداره می شود

وکارکنان کتابخانه درباره ی موضوعات بی شماری تحقیق می کنند و تحصیلات آنها مرتباً تکمیل وادامه می یابد.

تمام کتابها فهرست بندی شده، مؤلف و مصنف آن معین و این که درباره ی چه موضوعاتی بحث شده در فهرست کتاب ها مشخص شده است.

اگر احیاناً کتابی را بخواهند در دو جلد باشد، باید آن را دست نویسی کرد و به وسیله ی مؤلف تصحیح گردد.

اسکندریه، به صورت پایتخت علمی دنیای یونانی درمی آید. (اسکندریه، ۲۱۲ پ.م):

شهر اسکندریه را که اسکندرمقدونی آن را بینان گذاری کرد، اکنون به عنوان پایتخت ومرکز علمی دنیای یونانی درآمده است. بخش اعظم این امر، مدیون حمایت وتشویق فرمانروایان مصری سلسله ی پتولمی واطرافیان وژنرال های اسکندر می باشد. پس از این که اسکندر شهر تیره(Tyre)، واقع درلبنان را محاصره وتسخیر کرد، اسکندریه به فنیقیه پیوست و چون فنیقی ها درکار تجارت بسیار پیشرفته بودند، بخشی از این ثروت به اسکندریه منتقل شد واین شهر بندری رو به ترقی نهاده وساختمان های عمومی بسیاری در آن بنا شد. پتولمی درآن شهر موزه ودانشگاهی بزرگ ساخت ومدارسی برای تحصیل پزشکی،ریاضی،نجوم و جغرافیا تأسیس کرد. محصلان ودانشجویان این دانشگاه از سراسر دنیای یونانی به آن جذب شدند که هزینه ی تحصیل وتحقیق انها برعهده ی شاه بود.

یکی از استادان این دانشگاه، اراتوستن (Eratosthenes) سیرنی (Cyrene) بود که توانست اندازه ی محیط کره ی زمین را به دست آورد. وی هم چنین توانست زاویه یی را که سایه چوبی دریک روز تابستانی و درکرانه ی دریا ایجاد می شد، تعیین کند، بدین معنی که چوبی را در زمین فرو کرد وزاویه ی سایه ی ایجاد شده به وسیله ی این چوب را معین کرد، درحالی که درآسوان (Aswan) شهری در۸۰۰ کیلومتری جنوب اسکندریه،این چوب در همان زمان سایه یی نداشت. بدین ترتیب مقدار واندازه ی زاویه ی ۷/۵ درجه از ۳۶۰ درجه محیط دایره به دست آمد و در نتیجه انقلابی درعالم ریاضیات به وجود آورد.

شاه مصر هم چنین زمینه ی تحصیل دانش زیست شناسی را فراهم کرد، به این صورت که محکومان جنایی را پیش از این که جان داده باشند وهنوز زنده بودند، دراختیار محققان قرار می گرفت و آن ها بدن وی را شکافته وروی اندام ها مطالعه می کردند وبدین وسیله روی تمام اندام ها از جمله مغز، معلومات بسیاری حاصل شد.

درموردی دیگر که مربوط به علم هندسه است، یک پادشاه از دانشمندان سؤال می کند که این مکان برای جاده سازی مناسب می باشد، اوکلید (Eucild) پاسخ می دهد اعلیحضرتا، درهندسه راه سلطنتی وجود ندارد.

هانیبال ضربه بزرگی به روم وارد کرد. (روم، ۲۱۸ پ.م):

هانی بال،ژنرال کارتاژی، با نقشه ی جسورانه و دلیرانه توانست سپاهی مرکب از ۲۵هزار مرد جنگی وتعدادی سوار وفیل سوار را از کوهستان پربرف آلپ، گذرانده و به شمال ایتالیا یورش برد. وی پس ازرسیدن به این منطقه به نیروهای متحد خود که از گل در دره ی پو(Po) مستقر بودند، پیوست و با همکاری این نیرو به روم هجوم برد. به رغم این که دولت روم می توانست قشونی ۶۰۰ هزار نفری تشکیل دهد، لیکن هانی بال ومتحدان او درجنگی بیرحمانه و وحشیانه به طور غیرمترقبه با روم رودررو شدند.

روم با تکیه برنیروی دریایی خود، هرگونه حمله ی کارتاژ را این زمان دفع کرده بود. درآغاز نبرد نیروهای رومی به سپاه کارتاژی که در اسپانیا مستقر بودند حمله ور شدند، سپس چون این مانور نتیجه یی نداد، به کارتاژها و نیروی اسپانیایی متفق آنها هر دو هجوم بردند. به این ترتیب این موضوع باعث شد که جلوی حمله ی هانی بال سد شود، لیکن آنها حساب نکرده بودند که مردان آتشین خوی هانی بال را نمی توان از حمله بازداشت. اگر چه رومیان در جنوب گل مستقر بودند، هانی بال تعدادی از سواران کارآزموده افریقایی ونیز سواران اسپانیایی را در سراسر رود رون (Rhone) وکوه های آلپ قرار داده بودند. هانی بال این موضوع را بی اهمیت می دانست که هزاران نفر از سربازان ضمن عبور از کوهستان پراز یخ آلپ کشته شوند. به هر ترتیب روم مجبور شد که منطقه را ترک کرده و ازحمله به کارتاژ صرف نظر کند و بیشتر قشون وهم خود را صرف دفاع از شمال کشور کند. تنها تعدادی سرباز را برای دفاع

روم ۱۴ میلادی

دراین هنگام تیبریوس به سمت امپراتوری منصوب و آن را رسماً اعلام کرد.

روم ۱۴ میلادی

سنای روم آگوستوس را به مقام خدایی رسانید.

کوش ۱۵ میلادی

ناتاکامانی (Natakamani) پادشاه مروئه که با کانداس (Candace) (ملکه مادر) به طور مشترک بر کشورپادشاهی می کردند، درگذشت. او پس ازحمله رومیان به ناپاتا، پایتخت مروئه درسال ۲۳ پیش ازمیلاد دوباره پادشاهی را به دست آورده بود وباهندوستان از راه اکسوم (Axum) روابط بازرگانی داشت.

روم ۱۵ میلادی

دروسوس جوان فرزند تیبریوس پس ازموفقیت درخواباندن شورش مردم پانونیا به مقام کنسولی رسید.

روم ۱۶ میلادی

یک نفر برده به نام کلمنس (Clemens) آگریپا پوستوموس را دستگیر و به قتل رسانید . آگریپا سعی داشت که تیبریوس را در زمانی که به قدرت رسیده بودبرکنار سازد.

آلمان ۱۶ میلادی

ژرمانیکوس به اتفاق پدرومادرش (تیبریوس او را پسرخوانده خود کرده بود) وآگریپا (Agrippa) با گایوس ۴ ساله که لقب او را کالیگولا(Caligula) (شاگردمهمانخانه) گذاشته بودند، درکنار رود راین با سربازان ارتش روم و کالیگولا که لباس سربازی برتن کرده بود درنبرد ناحیه شرکت کردند.

ایتالیا ۱۷ میلادی

تاریخ نگار، لیوی (Livy) که پایه گاهشماری روم را گذاشته بود، امسال درزادگاه خود پاتاویوم (Patavium) _(پادوآ – Padua) درگذشت.

روم ۲۶ مه سال ۱۷ میلادی

زرمانیکوس فرزند دروسوس که درضمن فرزند خوانده تیبریوس بود، برای پیروزی برآرمینیوس (Arminius) که درجنگ دوسال گذشته به تلافی شکست توأم با تلفات زیاد ارتش روم به وسیله آرمنیوس جشنی برپا ساخت. این نبرد مدت ۸ سال درجنگل های توتوبرگ (Teutoberg) ادامه داشت. تیبریوس با کینه یی که از مردم آلمان داشت، او را به روم فراخواند.

آسیای کوچک ۱۷ میلادی

درپی مرگ دو پادشاه آرکه لاتوس (Archelaus) پادشاه کاپادوکیه (Cappadocia) و آنتیوخوس در سرزمین کوماژن (Commagene) این دو ناحیه به روم ملحق شد. کاپادوکیا به یک ایالت رومی تبدیل شد وکوماژن به سوریه منضم گشت.

و جلوگیری از حمله ی کارتاژهایی که درسراسر رود ترسیا (Tretia) درکمین بودند، گمارد.

شکست درمنطقه ی کان نه (Cannae)، روم را به مخاطره انداخت. (روم، ۲۱۶ پ.م):

با گذشت دوسال از عبور قشون هانی بال از کوههای آلپ و موفقیت آنهادراین عمل جسارت آمیز، باز هم آنان دست به یک جنگ تمام عیار برعلیه روم زدند، که دراین جنگ رومیان چهل وپنج هزار نفر تلفات دادند که جنازه ی آنها درمیدان جنگ کان نه باقی ماند و بیست هزار نفر اسیر شدند و تعداد زیادی از سربازان هم که قبرآنها درنزدیک میدان بود.

فابیوس (Fabius) فرمانده ی جدید سپاهیان روم، از رویارویی با دشمن احتراز می کردوتنها با حرکات وحملات پارتیزانی دشمن را درآن فصل زمستان به ستوه آورده بود. هانی بال دستور داد به هنگام شب، سربازان با روشن کردن مشعل های خود ودمیدن در بوق هایی که از شاخ گاو بود، رومیان را به هراس افکنده و با این کار احمقانه، آن ها را به فرار به سمت دیگر وادار کند.

درروز دوم اوت، دوطرف درگیر شدند. هانی بال و قشون گل های وابسته به وی، بدون داشتن اسلحه وبرهنه، بانیزه های بلندی که از کمر آویخته بودند، و دسته های نیروی نظامی مزدور اسپانیولی، با لباس هایی به رنگ سرخ وسفید، روبروی دشمن قرار داشتند. رومی ها با نیروی ۶۰ هزار نفری هانی بال و ۴۵ هزار مرد جنگی متحدان او، درزیر فشار قرار گرفتند، درحالی که بادوگرد وخاک در طرف رومی ها بود و چشم سربازان رومی را کور می کرد، به نبرد آغاز می کردند، رومی ها با تدبیری جنگی به میان دشمن تاختند و سواران دشمن را در میان گرفتند، لیکن دشمن آنها را احاطه ومحاصره کرد.

به این ترتیب، گورهای بیشتری درمیدان برای سربازان حفر شد و این موضوعی بود که برای نخستین بار برای روم حادث شد وخاطره یی تلخ در تاریخ روم به جا گذاشت.

نمایشات کمدی گام جدیدی درتئاتر ایتالیا، (روم، ۲۱۲ پ.م):

هنرپیشگان کمدی جدید درنقش خدایان وسایر موضوعات بی معنی ظاهر می شوند واین قبیل هنرنمایی ها را مردم روم بیشتر ترجیح می دهند زیرا باعث سرگرمی آنان می شود. دراین میان، نویسنده یی که بیشتر طرفدار دارد و بسیار معروف است، تیتوس ماکسیوس پلوتوس (Titus Maccius Plautus) می باشد که رفتار جسارت آمیز وبی باکی دارد و درافسانه های دینی یونانی مسطور است. سرآمد و پیشرو این نویسندگان که روزنه یی دراین باره گشود وموجب تغییر هوای تنفسی سایر نویسندگان شد، منانـدر است (۲۹۲-۳۴۲) که پیش از پلوتوس (Plautus) به این نمایشات انتقادی کمدی دست یازیده است. مهم ترین ومشهورترین کارهای پلوتوس درکمدی های برده، پسرآواره، شوهر زن قحبه، مادر فاحشه به صحنه آمده. دراین گونه هنرمندی ها یک حالت سحرآمیزی به چشم می خورد که جنبه ی خانوادگی دارد.

درکمدی آمفی تریون (Amphitryon) پلوتوس، یک ژنرال اهل تب که نامش بیشتر در جنگ ها برده می شد با نوکرش به نام سوسیاس (Socias) وهمسر ژنرال به نام آلکمن (Alcmene) بازیگران نمایش هستند،ژنرال حالت زنانه دارد وتوجهی به همسرش ندارد وهم چنین خدایان ژوپیتر (مشتری) ومرکوری (Mercury) (مریخ) (پدروپسر هم شرکت دارند وشباهتی بین آنان وبازیگران نمایش هست. ژنرال آمفی تریو ونوکرش چندروز به مسافرت می روند وآلکمن همسر او تنهاست. دربرگشت آنها، سوسیاس جلوتر از ارباب به منزل می رسد وبه محض رسیدن به در منزل، صدای نی وموسیقی ازخانه به گوش او می رسد واز قرار معلوم آلکمن زن ژنرال با ژوپیتر خلوت کرده بوده است. پلوتوس شباهت کمتری بین نمایش های یونانی وورومی ایجاد کرده است.

تندیس سازان به ساخته های خود کمتر جنبه ی مذهبی می دهند. (یونان، ۲۲۰ پ.م):

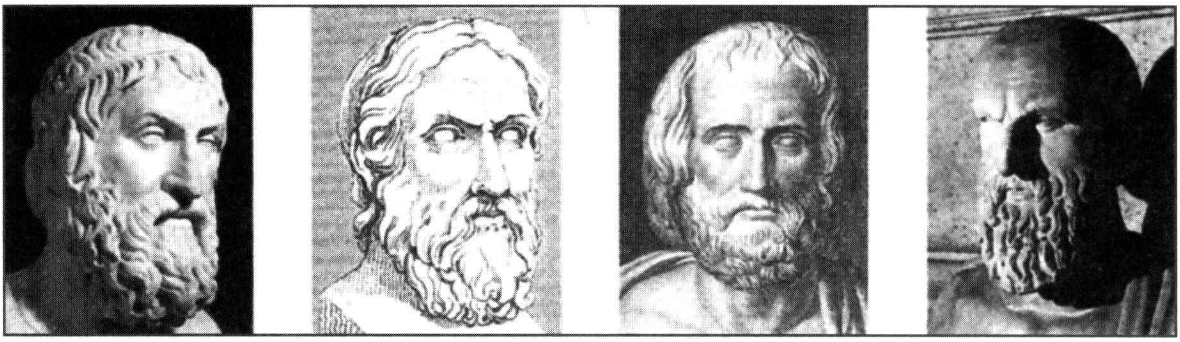
مجسمه سازان یونانی دراین سال های اخیر، خط مشی جدیدی درکار خود به وجودآوردند. هنرمندان تندیس نگار جدید، از سبک کلاسیک که درآن بیشتر حالت مذهبی، ورزشی وقهرمانی ومفهوم روحانی داشت، دست کشیده اند آنها زندگی انسانی را فقط درجهت این قضایا خلاصه نمی کنند و ترجیح می دهند که هنرشان نشان دهنده ی واقعیت باشد. پیکر نگاران امروزی سبک وشیوه ی نیاکان و اسلاف خود رابه کناری نهاده و از آن دوری می گزینند و کمتر با صحنه سروکار دارند. از سوی دیگر، دربرخی مواقع سخت به رعایت اصول پای بند می شوند ودر دایره ی مشکل آن گرفتار می شوند. تندیس ها دیگر حالت حقیقت پنداری خود را از دست داده وحالت ملموس زندگی را نشان می دهند، درحالی که تندیس خدایان والهه ها جایگاه خود را دارند، وکسانی مانند پراکسی تل (Praxiteles) به آنها احساس بشری می دهند. آنها دیگر حالت انسان گونگی ونزدیکی با حقیقت را رعایت می کنند.

دراین تندیس ها، حالات روحی انسان ها، مانند بچگی، پیری، سرزندگی،غم وشادی،رنج وعذاب را می توان مشاهده کرد. درحالی که درپیکره های کلاسیک کمتر به این حالات توجه می شد وهنرمندان اجازه نداشتند این جنبه ها را رعایت کنند و هنر آنها خشک وعاری از لطافت وحالات روحی بود. مجسمه سازان این دوره، هم چنین سعی بسیاری می کنند که ساخته های آنها تمام هیجات درونی و حکایات مربوط به زمان خود ونیزقصد وغرض از به وجودآمدن این آثار را به بیننده تفهیم کنند.

ارتش سفالین، مقبره ی خاقان چین را نگهبانی می کنند. (چین، ۲۱۰ پ.م):

نخستین امپراتور چین، مشهور به کین شی هوانگ دی (Qin Shi Hungdi)، ارباب کبیر چین در ۴۹ سالگی در حالی که یازده سال از سلطنت او می گذشت، واولین پادشاهی بود ک کشور را متحد و یکپارچه کرد، بدرود حیات گفت. وی دستور داده بود مقبره اش در زیرزمین و در زیرتپه یی از خاک دستی و نزدیک پایتخت ژیان یانگ (Xianyang) (هسین یانگ Hsien – Yang) بنا شود.

هم چنین در زیرزمین وگنبد مقبره، نقش صورفلکی و ماه وستارگان را هم چون آسمان نشان دهند، در حالی که در روی زمین مقبره، منظره ی کوهها و رودخانه ها تصویر شود. دراطراف جسد امپراتور هم آنچه لازمه ی زندگی پس از مرگ بود، قرار داده شد. برای دفاع از امپراتور هم تعداد زیادی تندیس سربازان ارتش او و سلاح های آنها که از سفال ساخته شده بود، قرار دادند که به محض دستور وی از جا جهیده و اوامر امپراتور را اجرا نمایند.



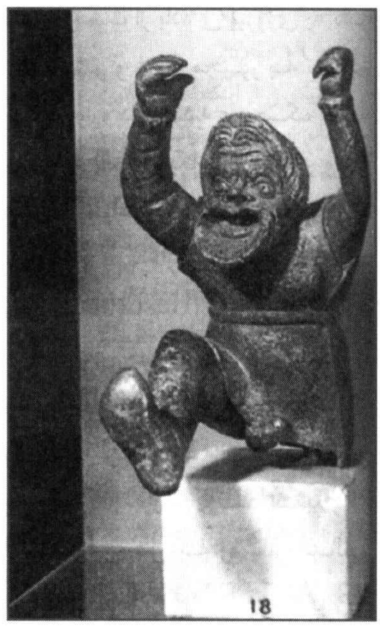
نمایش‌نامه‌نویسان یونانی: اسکلیلوس (Aeschylus)؛ اوری‌پیدس (Euripides)؛ سوفوکل(Sopholces)؛ اریستوفان (Aristophanes).



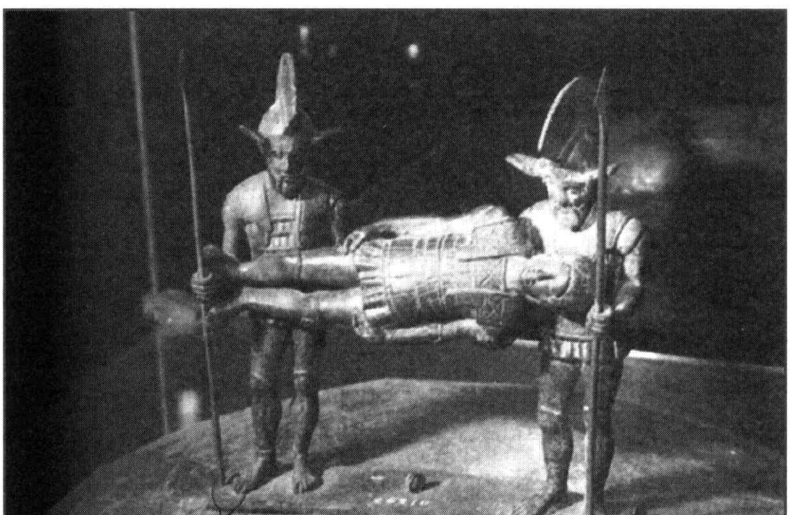
ماسک‌های یونانی برای کارها و حالات گوناگون.



قربانی‌کردن همسر در نمایش اوری پیدس (سال‌های بین ۳۲۵ـ۳۵۰ پ. م.)



تندیس مفرغی یک هنرپیشه‌ی تئاتر
مربوط به سده‌ی پنجم پ. م.



جسد سرباز اتروسکی از مفرغ که به‌وسیله‌ی دوستانش از میدان جنگ خارج می‌شود.

ساخت سفال درجنوب افریقا گسترش می یابد. (نامیبیا (Namibia)، ۲۰۵ پ.م):

پرورش گاووگوسفند واستفاده از آنها درزندگی مردمان جنوبی ترین منطقه ی قاره افریقا، گسترش یافته و معمول شده است. ساخت لوازم سفالین هم نزد بومیان افریقای جنوبی، برای نخستین دوره پیشرفت کرده است.

گوسفند وگاو رااهالی از شرق افریقا وارد کرده اند و بین مردم شکارچی و ماهیگیر منطقه و بومیان اطراف مرداب های صحرای کالاهاری (Kalahari)، طرفداران زیادی پیدا کرده است.

روستاییان، اطراف دریاچه ی بزرگی که مناطق اوکاوانگو (Okavango) و مک گادیک گادی (Makgadecgadi) را پوشانده بود، شروع به خشکاندن مرداب های این دریاچه کرده تا از زمین ها برای کشت وزرع استفاده کنند. ساکنان این نواحی درحالی که به کشاورزی و دامداری و تربیت چهارپایان اهلی اشتغال دارند، به ماهیگیری وصید حیواناتی هم چون گوراسب، اسب آبی، گوزن افریقایی وبزکوهی می پردازند.

هم چنان که به تعداد جانوران اهلی افزوده می شود، دامداران به جستجوی مراتع تازه برای چرای دام می پردازند.درجنوب منطقه، قبایلی که از تیره ی شمالی ها هستند، به آن نواحی مهاجرت کرده و با پذیرش آداب و رسوم شمالی ها به آنها پیوسته، زبان و شیوه ی زندگی را از مردم شمال یاد می گیرند.

رومیان درجنگ های با کارتاژ فاتح می شوند. (کارتاژ، ۲۰۱پ.م):

این بار شهر مغروری که کارتاژ به آن می بالید، دچار شکست شده وکمان فتح وپیروزی به سوی روم خم می شود و پیروزمندان پیشین، تسلیم شدن را می پذیرند. به خلاف بارقبل که رومیان درشمال ایتالیا شکست را پذیرا شدند، این بار ارتش کبیر هانی بال درصحرای شمال افریقا سست و به حالت گیجی دچار شده وگردوخاک آن، چشم سربازان را دراین جنگ خیانت آمیز دچارکوری کرده و پیروزی از آنِ رومیان می شود.

به این ترتیب، کارتاژ سپاهیان اسپانیولی به رهبری ژنرال اسکیپیو آفریکانوس (Scipio Africanus) را از دست می دهد. اکنون وقت آن رسیده که نیروی دریایی و سپاه فیل سوار کارتاژ، تسلیم را پذیرفته و جنگ های وحشتناک ومخاطره آمیز پایان پذیرد. حال باید کارتاژ غرامت جنگی به روم پرداخت کند و روم قدرت و شخصیت قبلی خود را احراز کند. کارتاژ می بایست شهرهای شمال افریقا را پس دهد، هم چنین اسیران، بردگان وگله ها ورمه ها را به روم بدهد و درشهرهای تحت تسلط خود هم، اجازه ی دایر کردن پادگان نظامی نخواهد داشت.

هنگامی که یکی از سناتورهای کارتاژ پشت میز خطابه رفت وبرعلیه هانی بال آغاز به سخن کرد، هانی بال در رسید وگفت کارتاژ برنده ی جنگ است واین سخنان بیهوده می باشد. سخنران اضافه کرد: مسئولیت این شکست بر عهده ی کیست؟ دولت روم رحم وشفقت دارد. به نظر می رسید که چگونه یک شهروند کارتاژی به خود جرأت می دهد که برضد دولت خود سخن بگوید واین امر تعجب آور وشگفت انگیز بود. او ادامه داد کارتاژ می باید از این مراحم کریمانه تشکر کند.

هانی بال در نبرد زاما (Zama) تسلیم می شود. (کارتاژ، ۲۰۲ پ.م):

ژنرال جوان کارتاژی، هانی بال که از ۱۷ سال پیش همیشه فاتح بود وهمواره سرمست از باده ی پیروزی به سر می برد، اینک درآخر کار باخشم و غیظ مجبور به تسلیم می شود، او در این مدت همواره دراندیشه ی جنگ علیه روم بوده است. اسکیپیو که به لقب آفریکانوس مشهور و ۲۵ سال داشت، در نبرد عقب دار سپاهیان اسپانیولی بود وبرتمام جبهه مسلط بود و دشمن به او لقب کارتاژی نوین داده بود. براثر مساعی هاسد روبال (Hasdrubal) برادر هانی بال، می خواست با ستونی از نیروهای خود سراسر جبال پیرنه را پیموده واز پشت به دشمن حمله کند، اما جبهه ی کارتاژ از این سو ضعیف شده وبه سپاهیان روم اجازه داد که ازاین ضعف استفاده کرده وبه خصم خودیورش برند. اسکیپیو در این وضع به افریقا برگشت. دراین حال که رومیان مبالغی جهت غرامت جنگی به دشمن پرداخته بودند و نیروهای هر دو سو از نظرسوار وپیاده متعادل وهم طراز بود، دوژنرال درمحل زاما با هم ملاقات کردند و برای نخستین بار ۸۰ رأس فیل جنگی هم تأثیری در نبرد نداشته

آسیای کوچک ۱۷ میلادی

اوید(Ovid) شاعر رومی که دارای تألیفات چندی بود، درحال تبعیدورناحیه تومیس (Tomis) درگذشت. تومیس درکرانه دریای سیاه قرار دارد. قبل ازاینکه این شاعر به کناره دریای سیاه منتقل شود، یکی از قانون دانان برجسته، به عنوان شاعری دوست داشتنی که تراژدی های مدیا (Medea) را سروده بود اشتهار داشت. این شاعر حماسی، اشعاری شش بیتی به نام متامورفوز (Metamorphoses) داشت که شامل مجموعه یی از داستان هایی کلاسیک و افسانه های خاورمیانه بود. اوید هم چنین نوشته هایی درمضامین دیگر، من جمله پنج قصیده، به عنوان تریستیا (Tristia) دارد. او به دستور آگوستوس تا هنگام مرگ در تبعید به سر می برد .

یونان ۱۸ میلادی

ژرمانیکوس درهنگامی که در نیکوپولیس (Nicopolis) واقع دراپیروس به سر می برد، برای دومین بار به مقام کنسولی رسید.

ارمنستان ۱۸ میلادی

ژرمانیکوس، آرتاکسیاس (Artaxias) (زنو – Zeno) را به پادشاهی ارمنستان منصوب کرد. به تلافی این عمل، اردوان (Artabanus) سوم پادشاه اشکانی ایران، یکی از منسوبان خود را به این سمت به ارمنستان فرستاد.

چین ۱۸ میلادی

نیروهای سلطنتی وانگ مانگ (Wang Mang) به رهبری امپراتور غاصب چین درپیکار با طوایف روستایی شاندونگ (Shandong) برضد حکومت مرکزی به رهبری شخصی با لقب ابرو قرمز دچار شکست شدند.

روم ۱۹ میلادی

ژرمانیکوس از اینکه مقام سناتوری را ازدست داده بود و آگوستوس را مانع این کار می توانست و با خشم و عصبانیت تیبریوس روبرو شده بود، روم را ترک و به مصر رفت.

ایتالیا ۱۹ میلادی

ماروبودوس (Maroboduus) با افراد قبیله اش از جنوب آلمان به مارکومانی (Marcomanni) درسال ۹ پیش از میلاد مهاجرت کرده و درسرزمین بوهم حکومتی تشکیل داده ومی خواست از متصرفات رومی دور ودرامان باشد، لیکن رومی ها درآن سرزمین هم به ایجاد آشوب کمک کرده و باعث ناراحتی می شوند، تا جائی که ماربودوس آن جارا ترک کرده وبه راونا (Ravenna) می رود.

سوریه دهم اکتبر ۱۹ میلادی

ژنرال ژرمانیکوس رومی درنزدیکی شهر انطاکیه (آنتیوک) درگذشت. مرگ وی به علت زهری که به او به طور پنهانی خوراندند صورت گرفت. این امر به دستور فرماندار سوریه، گنائوس کالپورنیوس پیزو (Gnaeus Calpurnius Piso) انجام شد که مایل نبود این سرزمین به روم به پیوندد.

و برعکس در پراکندن سپاهیان و سواران رُل مهمی بازی کردند.

اسکیپیو سواران خود را درجناحین قرارداد واین امر سبب شد که شکست کارتاژ قطعی شود.

فرهنگ رومی بلند آوازه می شود. (روم، ۲۰۲ پ.م):

اسکیپیو فاتح نبرد ومسبب سقوط کارتاژ، خود باعث به وجودآمدن قریحه ی شعری درشعرا می شود. از جمله شاعر حماسی، گنه یوس نیویوس (Gnaeus Naevius)، هنرپیشه ی سابق که درشعر خود به نام جنگ کارتاژ، اشعار خود را دراین باره با زمینه ی یونانی سروده است. نیویوس درباره ی جنگهای کارتاژ، رُک وبی پرده مناظری از نبرد را مجسم می کند که به نظر غیر مردمی است واین امر توهینی به خانواده ی متلی (Metelli) که ازنجبای رومی بودند به حساب می آید و درنتیجه شاعر زندانی وسپس تبعید می شود. بزرگترین کار این شاعر، سرودن اشعاری به نام بلوم پونیکوم (Bellum Poenicum) است که ترکیبی است از حقایق جنگی وافسانه، که شاعر از شهر تروآ و شهرهای افسانه یی کارتاژ درآن بحث می کند. به این ترتیب، یک سلسله بحث های ادبی در روم آغاز می شود. گرچه این پیشرفت نسبت به ادبیات یونان، ملایم تر و سنگین تر است، لیکن تکیه بیشتر روی نمایشات تراژدی وحماسی می باشد و به این ترتیب تاریخ روم به صورت شعر وادب بر روی صحنه ی تئاتر ظاهر می شود. بیشتر نویسندگان سعی دارند که کمتر از زبان لاتینی استفاده کنند، فابیوس (Fabius)،صحنه هایی از زندگی یک سناتور رومی به نام تاریخ روم نوشته است که بیشتر از زبان یونانی بهره برده است.

فرهنگ وادبیات یونان وروم به هم آمیخته است، تا زمانی که اتروریا (Etruria) به پیشرفت در تجارت و بازرگانی دست یافت، تا این زمان کمیته های یونانی در جنوب ایتالیا درحال شکوفایی بود. در ۴۰ سال پیش، لیویوس آندرونیکوس که در یونان زاده شده بود، نخستین تراژدی رومی را نوشت. این نوشته به زبان یونانی بود اما به تدریج شروع به ترجمه ی آثار هومر، مثل اودیسه (Odyssey) به زبان لاتین، کردند. واین یک ابداع است ودرست

سرچشمه ی جوشانی بود که آثار الهه های یونانی را به لاتین درآورند ویکی از زیبنده ترین آنها همین ترجمه ی شعر هومر به زبان لاتین است که بعدها اغلب نوشته های یونانی به این زبان درآمد و موجب رشد وشکوفایی زبان لاتینی گردید.

امپراتوری روم درآسیا، جای پایی به دست می آورد. (روم، ۲۰۱ پ.م):

با تأسیس نیروی دریایی قدرتمند وپیروزی در دومین جنگ کارتاژ وتأمین امنیت برای سرزمین های سیسیل، ساردنی، اسپانیا، به نظر می رسد که روم به آینده سرزمین های کرانه ی دریای مدیترانه چشم دوخته است که درآن جا به پیروزی برسد یا متحدانی برای خود فراهم کند.

این فرصت هنگامی به دست آمد که جزیره ی رودس با پرگاموم (Pergamum) (برگاما Bergama) پیمان اتحاد بست و روم به طور آشکارا به آنها کمک کرد که برضد دولت سلوکیه، به مصر حمله ور شوند.

در روم درجلساتی که مردم تشکیل دادند، به جنگ با کارتاژ رأی دادند، درحالی که سنا آغاز جنگ را نپذیرفته بود. رومی ها گروه های نظامی خود را به خاک یونان اعزام داشتند. اکنون به نظر می رسد شیوه یی را که اسکیپیو درنبرد به کار برد و درجنگ کارتاژ واسپانیا به موفقیت دست یافت، زمینه یی برای پیشرفت نیروی نظامی روم فراهم کرده وروم در انتظار پیروزی های بیشتری است وآن چنان که تصور می شد، نیروی فالانژ مقدونی هم شکست ناپذیر نمی باشد.

تحول جدید درفرهنگ های محلی از پرو تا اوهایو (Ohio) (امریکای جنوبی، ۲۰۰ پ.م):

مدت چهار هزارسال از زمانی می گذرد، که نخستین انسان ها به کوهستان های آند رفتند ودرآن جا اجتماعاتی تشکیل داده و به کشت وزرع پرداختند.

هم چنین دریک هزار و پانصد سال پیش، مهاجرانی از مکزیک به کرانه های لخت وعاری از همه چیز سرزمین پرو، سرازیر شدند ومعابدی درکواکی تانتا (Chuquitanta) ولاس آلداس (Las Aldas) وهرم هایی در ریوزکو (Rioseco) بنا کردند. در ششصدسال قبل با ترقی تمدن و فرهنگ این ناحیه، معبدی عظیم و با شکوه در چاوین دوهوآنتار (Chavin de Huantar) ساخته شد. با شروع اضمحلال تمدن وفرهنگ درچاوین ودر صحراهای آن، این تمدن جای خود را به تمدن نازکا (Nazca)اعطا کرد که در سرزمین پاراکاس (Paracas) فرهنگی بسیار پیشرفته به وجودآورد وسفال هایی بسیار زیبا با رنگ های درخشان ساخته شد.

درهمان هنگامی که تمدن چاوین درآند شکوفا بود، تمدن اولمک درسواحل مکزیک درحال پیشرفت بود. مردم این ناحیه تندیس های عظیمی ساختند که چشمان آنها به سوی کرانه های مکزیک متوجه بود.

تمدن اولمک (Olmec) جای خود را به زاپوتک (Zapotecs) داد که این مردم شهر مونت آلبان (Monte Alban) را در ساحل اقیانوس ساختند و جاده یی را که به کرانه ی دریا می رسید، با سنگهای شبیه موزائیک فرش کردند. درشمال مکزیک و دراوهایو، تمدن آدنا (Adena) به ظهور رسید که آنان شهر وروستاهایی ایجاد کردند وگورهایی هم برای مردگان خود حفر می کردند. اینک فرهنگ هاپ ول (Hopewell) جایگزین تمدن آدنا می شود که اینان مردمی تجارت پیشه اند وکاربرد مس را می دانند و توتون می کارند و به تدخین علاقمندند (کشیدن سیگار) مهم ترین تمدن سده های اخیر، تمدن مایا (Mayas) می باشد که در سراسر امریکای مرکزی گسترده بوده، آنان اهرام عظیم و بسیار پیچیده یی بنا کردند و ساختمان هایی بسیار بزرگ درگواتمالا (Guatemala) ساختند و این تمدن را تا نقاط دور دست گسترش دادند.

میخوارگی ومیگساری در روم بیداد می کند. (روم، ۱۸۶ پ.م):

در روم هزاران نفر از افراد پست و فرومایه، براثر مستی ومیگساری دچار تباهی و فساد شده اند. روحانیان وسنا این افراد را تکفیر کرده و آنها را فاقد شخصیت دانسته و بازرسان مشغول بررسی این موضوع هستند که چگونه باید با این فساد مبارزه کرد. گرچه دیونیسوس (که به عنوان خدای شراب معرفی شده) مدت ها درنزد رومیان حالت تقدس داشت، لیکن دراین اواخر مستی ومیخوارگی به خصوص در جشن ها ومیهمانی ها به صورت جنایت و بدکُنشی درآمده و

روم ۲۰ میلادی

گنائوس کالپورنیوس پیزو (Gnaeus Calpurnius Piso) فرماندار سوریه به اتهام تشکیل نیروی نظامی وایجاد شورش از سوی سنای روم تحت پیگرد قرار گرفت. ولی خود اقدام به خودکشی کرد، درضمن وی مظنون به قتل ژرمانیکوس بود.

گل(فرانسه) ۲۱

شورشی دربین اقوام گالی با عنوان تره وری (Treveri) واودویی (Aedui) پیدا شد، که به فوریت توسط گایوس سیلیوس (Gaius Silius) فرماندار بخش شمالی آلمان فرو نشانده شد.

چین ۲۲

وانگ مانگ غاصب امپراتوری چین در اغتشاشاتی که به وسیله پارتیزانهای سلطنت طلب و حامی امپراتور پیشین صورت گرفت، دستگیر و کشته شد. این شورش به وسیله سرمایه داران و بازرگانان ایجاد شد وهدف ازآن تمرین مخفیانه جهت دستگیری وانگ مانگ بود. با کشته شدن وی لهیب آتش دربین شاهزادگان چینی هان (Han) برای رسیدن به فرمانروایی شعله ورگردید.

روم ۲۳

درپی مرگ دروسوس، پسر تیبریوس که اخیراً فوت شد، گارد ویژه امپراتوری که تحت فرمادهی سژانوس (Sejanus) بودند، پراکنده شده و به سراسر ایتالیا رفتند. این موضوع دراثر تحریک وبرپا داشتن توطئه یی بود که سژانوس برای اشغال سنای روم ترتیب داده بود.

افریقای شمالی ۲۴

تاک فاریناس (Tacfarinas) پادشاه نومیدیا (Numidia) هفت سال پیش، انقلابی دراین سرزمین ایجاد کرد که صدای مهیب آن شبیه غرش زلزله درسراسر منطقه پیچید که مشابه آن تا به حال درهیچ یک از متصرفات رومی رخ نداده بود، لیکن پوبلیوس کرنلیوس دولابلا (Publius Cornelius Dolabella) پروکنسول روم وی را دستگیر وبه قتل رسانید. این بخش از افریقا دیگر به روم وفادار نماند و حالت کجروی پیش گرفت.

هندوستان ۲۵

برای نخستین بار تندیس بودا به شکل آدمی درقندهار (Gandhara) بر پا شد.

چین سال ۲۵

با فایق شدن لیوژیو (Liu Xiu) بر سایر حریفان وتلاش او در جنگ داخلی برای برنده شدن، قدرت اصلی به دست وی افتاد و سلسله ژین (Xin) منقرض شد، سلسله هان منطقه شرق چین را هم تصرف کرد وامپراتوری هان باردیگر درسراسر چین برقرار شد. پایتخت چین دراین زمان شهر لویانگ (Loyang) می باشد.

روم ۲۵

کرموتیوس کوردوس (Cremutius Cordus) پیشینه نگار رومی به اتهام خیانت به حکومت و ربودن زن سژانوس تحت تعقیب قرار گرفت. وی مخالف با تجلیل از آگوستوس بود وقاتلان سزار، کاسیوس و بروتوس را تمجید می کرد، گروهی برضد وی قسمت اعظم کتاب های او را سوزاندند.

مردان مست مرتکب کارهای زشت و شنیع می شوند. گفته می شود این افراد اغلب ریشه ی آسیایی دارند و ممکن است از اهالی جنوب شبه جزیره ی ایتالیا باشند که از راه اتروریا (Erturia) ویا کامپانیا (Campania) به روم آمده اند و حتی از طبقات پست وهرزه ی یونانی باشند. به هر صورت، ریشه مذهبی وملی آنها هرچه باشد، درمیهمانی ها و جشن ها آن قدر مشروب می آشامند که زن ومرد وپیروجوان مخلوط شده و با صدای موسیقی گوش خراش صحنه هایی ناهنجار به وجودمی آورند، که بسیار زننده است.حتی دراین مکان ها ممکن است افراد دست به کلاهبرداری و هرگونه رذالت بزنند که که منجر به قتل نزدیکان خود شوند. با تشکیل شدن این مجالس عیاشی و هرزگی که اغلب منجر به قتل و جنایت می شد،سنای روم در تصمیمی عاجلانه، امر به توقیف این افراد داد و طی این مقررات حکم تعقیب و تبعید آنها را به سرزمین های دشمن اجرا کرد.

دو تن از کنسول های روم مأموریت یافتند که دراین امر تحقیق وبررسی کنند و افراد متهم را تحت بازجویی قرارداده وتکلیف این موضوع را روشن نمایند.

هم چنین مقرر شد درسراسر روم کسانی که اطلاعی از این افراد دارند، آن را در اختیار مأموران حکومتی قرار داده وپاداش دریافت دارند، گفته می شد که تعداد هفت هزار نفر در رابطه با این موضوع، دستگیر شده وعده یی هم از روم گریخته و به شهرهای دیگر رفته اند، لیکن طبق دستور مرکز، بایستی آنها را دستگیر وبه دادگاه های محل تحویل دهند. بسیاری از این افراد هرزه وعیاش وکلاهبردار، طبق رأی دادگاه به مرگ محکوم شدند. تمام این محکومان در ابتدا زندانی شده بودند.

ارتش روم به حمایت از یونانی ها برای رها شدن از قید مقدونی ها تلاش می کند. (یونان، ۱۹۶ پ.م):

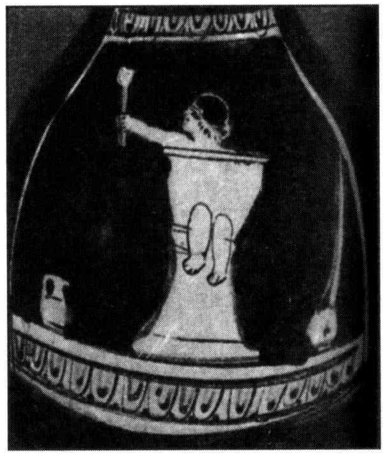
برای نخستین بار، مجلس جشنی با بازی های سرگرم کننده به مناسبت پیروزی یونان ورهایی از بند مقدونی ها وتحصیل آزادی یونان برپا می شود که البته این پیروزی با حمایت ویاری روم به دست آمده است. دراین جشن،نایب کنسول روم،به نام تیتوس کینکتیوس فلامی نینوس (Titus Quinctius Flamininus) به نمایندگی از طرف دولت



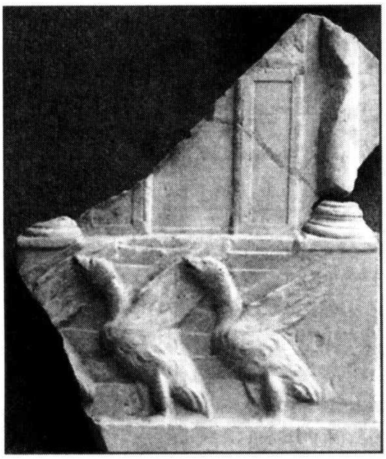
جعبه‌ی کنده‌کاری برنزی توسط هنرمندان اتروسک.



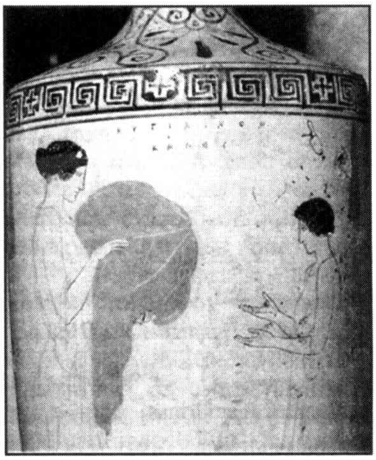
نقشه‌ی مسیر حرکت نظامیان گزنفون (Xenophon).



تصویر یک بچه در لگنچه مربوط به قرن ششم پ. م. که در قرن بیستم طراحی شده است.



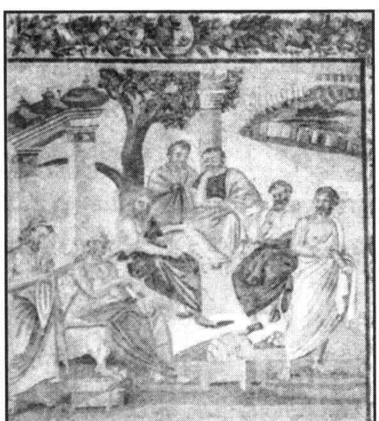
سنگ‌نگاره‌یی از غازهای کاپیتولین (Capitoline)، کار سده‌های آخر پ. م.



تصویر یک خانم اتنی و برده‌ی او.



مرگ اپامینودالس (Epaminodas) (کار سده‌های اخیر)



صحنه‌یی از کلاس درس افلاتون (Plato) بر روی موزاییک ساخته شهر پمپی (Pompeii).



تصویر اتنا در لباس جنگ‌اوری، که بسیار هنرمندانه ترسیم شده است.

یهودیه ۲۶

پونتیوس پیلات (Pontius pilate) که اخیراً به سمت پنجمین پروکنسول روم در یهودیه وسامری (Samaria) منصوب شده بود. درمخالفت با پیشرفت نفوذ روم درآنجا با رفتار دوستانه خود با یهودیان، علاقه خود را به دین یهود ابراز داشت.

ایتالیا ۲۷

تلاش سژانوس برای کسب یک مقام عالی از فرماندهی گارد، به نتیجه رسید و تیبریوس او را به مقام مشاور عالی منصوب کرد. لیکن او رم را به قصد جزیره کاپری (Capri) ترک کرد.

یهودیه سال ۲۷

هرود آنتی پاس (Herod Antipas) پس ازمرگ پدرش به مقام خاخام بزرگ یهود درجلیله (Galilee) رسید، هرود بزرگ درسال ۴ پیش ازمیلاد فوت شده بود، هرود زن خود را طلاق داده وبا دختر برادر خود هرودیاس (Herodias) ازدواج می کند. برادر هرود، فیلیپ نام داشت وهرود با دختر او زناشویی کرد.

یهودیه ۲۷

جان باپتیست (Jahn Baptist) هرود آنتی پاس را به اتهام ازدواج با هرودیاس که از محارم او بود محکوم کرد. جان عموزاده مریم بود، وی از این امر اظهار توبه وپشیمانی کرده وبا موعظه مردم را از این کار برحذر می داشت.

ایتالیا ۲۹

آگری پینا (Agrippina) بیوه ژرمانیکوس مسئولیت کشته شدن شوهر خود را به گردن تیبریوس انداخت، وی را دستگیر و به پاندانریا(Pandateria) تبعید کردند، آگری پینا تا ده سال پس از مرگ ژرمانیکوس در رم به سرمی برد. آگری پینا برای تقویت روحیه سناتورها با سژانوس فعالیت می کرد، سژانوس هم سعی می کرد که پسران دستگیر شده بیوه ژرمانیکوس آزاد شوند.

ایتالیا ۲۹

پس ازمرگ لیویا (Livia) ماد زن سابق آگوستوس، تیبریوس به لیویا اجازه نمی داد که او خودرا جزو الهه های مقدس درآورد. لیویا که اکنون به نام ژولیا آگوستوس (Julia Augustus) نامیده می شد، به اتهام کوشش علیه امپراتور تیبریوس تحت پیگرد بود . او زن قبلی تیبریوس ومادر کلودیوس نرو (Claudius Nero) بود و مارکوس آنتونیوس حامی وی بود، وی درسال ۴۰ -۴۱ پیش از میلاد علیه تیبریوس فعالیت می کرد که پس ازآن لیویا از او طلاق گرفته و با آگوستوس ازدواج کرد.

روم ۳۰

ولیوس پاترکولوس (Velleius Paterculus) افسر شوالیه (سوار) سابق که منطقه آلمان و پانونیا (Pannonia) را به ارث برده بود، تألیف کتاب تاریخ روم را به پایان رساند . وی در زمانی که قسمت اعظم سعی خود را درباره تاریخ جهانی صرف می کرد، به تجسس درباره روم پرداخت. او به ویژه درباره تیبریوس و بحران های رخ داده دراین زمان وناگفته های خانواده تیبریوس و ثبت آن در تاریخ علاقه نشان می داد.

روم به یونان آزاد سلام وتهنیت می گوید. وی درسال گذشته به عنوان فرمانده ی ارتش روم در جنگ مقدونیه انتخاب شده بود و در ناحیه سینوسفالی (Cynoscephlae) به سپاهیان مقدونی شکستی فاحش وارد آورده وآن را از هم پاشید.

این دومین نبرد یونان با مقدونیه بود که مقدونی ها تحت فرمان فیلیپ پنجم، پادشاه مقدونیه، درآن شرکت داشتند و مقدونی ها طی پیمان صلح تعهدکردند که به سرزمین یونان تجاوز نکنند.

رومیان برابر درخواست کمک آتالوس (Attallus)، پادشاه پرگاموم درسال ۲۰۱ پ.م به یاری یونان در این جنگ وارد شدند. یونانی ها خود به تنهایی به فیلیپ اعلان جنگ داده و به پیروزی های اندک رسیده بودند درنتیجه برخی ایالات یونانی دریای اژه، کمی از رقیب مقدونی رهایی یافتند. نیروی نظامی روم در آغاز از نظر رعایت مقررات جنگی و فرماندهی بسیار ضعیف بود، ودرآن حال نمی توانست از یونانی ها درجنگ پشتیبانی کند، لیکن اینک اقتدار لازم را یافته و درتحت فرماندهی فلامی نینوس (Flamininus) درنبرد با مقدونی ها به پیروزی رسید، اکنون یونان امیدوار است که با حمایت روم به پیروزی برسد وهر چه بیشتر استقلال خود را حفظ کند.

ژنرال لیوبانگ (Liu Bang) پایه گذار سلسله ی هان درچین (چین، ۲۰۰ پ.م):

کشور چین، امپراتوری جدید ومقتدری را تأسیس کرد. لیوبانگ نام این سلسله را از رودخانه هان (Han) اقتباس کرده. این ژنرال پیش از امپراتوری فرماندار ناحیه ی هان بود. وی خیلی ناگهانی وغیر منتظره به امپراتوری رسید. پس از مرگ نخستین فاتح عالی نسب چین، فرزند وی به امپراتوری منصوب شد، لیکن او فردی ضعیف و سست عنصر بود وتحت نظر خواجه ی حرمسرا به نام زائوگائو (Zhao Gao) (چائوکائو Chao Kao) کشور را اداره می کرد وهمه ی امور زیر نظر این خواجه بود. مقررات سخت و مستحکمی که امپراتور سابق اجرا می کرد، به کناری نهاده شد. درباریان هریک به گونه یی قدرت خود را تثبیت کردند. آنها درابتدا پسر امپراتور وسپس خواجه ی وی را کشتند. لرزش شدیدی سراسر کشور را فراگرفت واز هرگوشه یی

صدای مخالفت برخاست و زمینه ی طغیان وشورش عمومی فراهم آمد و مردم دچار عذاب و شکنجه شدند. دراین حال دو مرد قدرتمند و ماجراجو به جدال پرداختند، اولی یک ژنرال اشرافی به نام شیانگ یو (هشیانگ یو) و دیگری لیوبانگ فردی روستایی و حقیر بود که هرگز کسی باور نمی کرد که قدرت سلطنتی را احراز کند.

لیو باهوش و استعداد وافر توانست رقیب خود شیانگ یو را از میدان بدر کرده و دو سال پیش خود را امپراتور چین اعلام کرده وقدرت را به دست گرفت . در حال حاضر مقرراتی که در چین وجود داشت که طبقاتی از مردم را جزو گروه های پست اعلام کرده بود سست شده و لیو وعده داده است که این مقررات به کلی لغو وباطل اعلام کند.

به هرحال در دو سال پیش لیو تمام اقتدار کشور را به دست گرفت و کشور را متحد و یکپارچه ساخته و آرامش را در سراسر این سرزمین برقرار ساخته و خشونت و مقررات سخت امپراتور پیشین (نخستین فاتح و ارباب عالی نسب کبیر) را دوباره تحکیم نموده است.

سرعت پیشرفت و رشد تمدن در مکزیک، (مکزیک ۱۷۰ پ.م):

درشهر تئوتیهوتی کان (Teotihoacan) که پهناورترین و مهم ترین شهر مکزیک است جمعیت به سرعت رشد می کند و تعداد آن به پنجاه هزار نفر رسیده است. این تنها شهر در این منطقه نیست که به چنین رشدی رسیده، بلکه شهرهای شولولا و رموخاداس (Cholula and Remojadas) هم به همین نحو پیشرفت داشته اند.

هیچ کدام از این شهرها از نظر ثروت و صنعت به پای تئوتیهوتی کان نمی رسند، این شهر به وسعت تقریبی ۹ کیلومتر مربع یکی از تولید کنندگان چاقو و دیگر لوازم زندگی از سنگ ها و گدازه های آتشفشانی است. شهر به وسیله یک خیابان بزرگ به دو قسمت تقسیم شده و اهرامی جهت بزرگداشت خورشید و ماه در آن بنا شده است. دراین خیابان وسیع و عریض هم چنین اهرامی کوچکتر و کاخ هایی برای زندگی روحانیان مذهبی ساخته شده است. این کاخ ها در اطراف میدانی بزرگ، با دیوارهای سنگی و روشن است که بر روی سنگ های دیوارها تصاویری حک شده است.

در روی این دیوارها هم چنین تصاویری از جاگوار (حیوان مقدس دراین منطقه) ترسیم شده که مورد پرستش اهالی است و در کنار تصویرهای این حیوان اشکالی از دیگر اساطیر مکزیکی که نزد مردم مقدس می باشد نقش شده است.

امپراتور هندوستان کشته شد. (هند، ۱۸۵ پ.م):

بری هادراتا (Briharatha) آخرین پادشاه از سلسله مائوری هند، درحین سان دیدن از ارتش به وسیله پوشیامیترا (Pushyamitra) ، سر فرمانده نیروهای مسلح به قتل رسید، قاتل خود بنیانگذار سلسله شونگا (Shunga) در هندوستان شد.

قدرت سلسله مائوری هند با مرگ آشوکا پادشاه مقتدر هند و کسی که مذهب بودا را درآن کشور رسمیت داد.

در ۵۰ سال پیش مرتباً رو به ضعف گذاشت، هسته این ضعف و قصور شاید در روش آشوکا بود که سیاست روشنی اتخاذ کرده بود. وی امور کشور را در مرکز متمرکز کرد و این سبک سیاست به زودی ضعف و شکست خود را آشکار ساخت چون در تمام محیط کشور قابل اجرا نبود. با تغییر مذهب هند به بودایی ایالات مرفه دچار فقر و بدبختی شدند و خزانه تهی شد به طوری که در جنگی که بین شاهزاده نشین باکتریا که تحت تسلط حکومت یونانی بود، ایالت پنجاب هم از دست رفت و به نظر می رسید تنها چاره کشور از بین رفتن سلسله مائوری است و به این ترتیب هادراتا (Hadratha) را کشتند تا سلطنت مائوری ها منقرض شود و شاید کشور از این ضعف رهایی یابد.

پارتیزانهای یهود به دولت متبوعه خود سوریه ضربه می زنند . (یهودیه، ۱۶۵ پ.م):

یهودی ها در سوریه برضد حکومت دست به شورش زدند و به اورشلیم شهر مقدس یهودیان وارد شدند. پیش از این یهودیان را از ورود به این شهر مانع می شدند. آن ها تحت رهبری ماکابی یک پارتیزان یهود به نیروهای سوری تحت فرمان دو ژنرال به نام های گورجیاس (Gorgias) و نیس نور (Nicenor) حمله کرده و از عبادت و پرستش معبد زئوس که به این شهر هدیه شده بود امتناع کردند و آداب و رسوم عبادی خود را اجرا کردند . ماکابی که در زبان

یهودیه ۳۰

پونتیوس پیلات (Pontius Pilate) فرماندار رومی کوشش بیهوده یی می کرد که هرود خاخام بزرگ یهودی را از اورشلیم به خارج بفرستد، چون او مسئول برگزاری عید فصح (Passover) (پسح) جلیلی های (Galilaean) یهودی بود.

یهودیه ۳۰ آوریل ۳۰

پس ازمحکوم شدن مسیح دردادگاه عالی یهود به نام سانهدرین (Sanhedrin) به اتهام نصرانی (Nazareth) بودن، او را در منطقه‌ی گول گوتا (Golgotha) به صلیب کشیدند.

ایتالیا ۳۱ پیش از میلاد

نرو، بزرگترین پسر زنده ژرمانیکوس وآگری پینا در پونتیا (Pontia) درگذشت. وی برحسب دستور سژانوس دستگیر و سپس به خارج تبعید شد. در پی مرگ دروسوس که درسال ۲۳ میلادی ۱۷ سال داشت. نرو دومین فرد برای جانشینی تیبریوس برای احراز مقام امپراتوری بود. تیبریوس دراین مورد درسال ۲۹ به سژانوس اخطار کرده بود.

روم ۳۳

دروسوس دومین فرزند درقید حیات ژرمانیکوس وآگری پینا مانند برادرش نرو که به عنوان جانشین تیبریوس معرفی شده بود، درزندان قصر امپراتوری درگذشت.

روم ۳۳

مبلغ در یافت مالیات از مردم به طور غیر منتظره یی بالا رفت، در حالیکه درآمد عمومی دچار کسری و به شدت نقصان یافته بود. در همین حال ثروت تیبریوس در یک بانک بدون هیچگونه قرض و وام و کسری به مبلغ ۱۰۰ میلیون سسترس (Sesterces) (واحد پول روم درآن زمان) رسیده بود.

ایتالیا ۱۸اکتبر ۳۳

آگری پینا بیوه ژرمانیکوس و مادر نروو دروسوس در اثر غم و غصه و دل شکستگی از دست دادن دوپسرش و نیز گرسنگی در زندان پانداتریا (Pandateria) در گذشت.

کاپری ۳۳

پس از مرگ آگری پینا براثرگرسنگی وخودکشی، کالیگولا (Caligula) (سزارگایوس– Gaius Caesar) به کاپری رفت تا به تیبریوس ملحق شود.

ارمنستان ۳۴

پس از فوت آرتاکسیاس (Artaxias) (زنو) که نماینده و وکیل روم در ارمنستان بود، اردوان سوم، پادشاه اشکانی پسر آرساسس (Arsaces) را به پادشاهی آن جا برگزید، این عمل نشانه آشکار دشمنی و رقابت ایران با روم بود.

دولت اشکانی ۳۵

پس از برکنارشدن اردوان سوم به وسیله تیرداد سوم پسرعموی خود، اردوان به شمال شرق ایران، نزد قبایل هیرکانیا (Hyrcania) در (گرگان) گریخت.

عبری به معنای چکش خوراست یکی از پنج پسر روحانی به نام ماتاتیاس (Mattathias) بود که از سال ۱۶۹ پ.م مخالف آنتیوخوس پادشاه سوریه بود، آنتیوخوس دستور داده بود معبد یهودیان را تخریب و اموال آنها را غارت کردند وبه یکی از بزرگترین روحانیون یهودی به نام جیسون (Jason) با سرنیزه حمله کرده و او را زخمی کردند و نیز آن ها را وادار به قبول مذهب یونانی به جای یهودی کرده بودند. آنان هم چنین پادگانی در شهر اورشلیم ساخته و به اماکن مقدسه اورشلیم بی حرمتی کردند .

هم چنین یهودیان را در سراسر منطقه مورد آزار و شکنجه قرار داده و یک رأس خوک را در محراب معبد یهود قربانی کردند که این توهین به یهودیان بود. پدر ماکابی درمقابل آنتیوخوس مقاومت کرده و مخالفت می کرد. ماکابی وعده کمی پارتیزان های او، مخفی گاهی در کوهستان ساختند و هر بار دست به حمله های کوچکی برعلیه حکومت می زدند، به تدریج تعداد پارتیزانها به ۶ هزار نفر رسید، پس از دو سال جنگ و گریز و در زمانی که آنتیوخوس به ضعف دچار شد، ماکابی ونیروهای او موفق شدند.

در حالی که دولت سوریه به رهبری آنتیوخوس هنوز اداره کشور را در دست داشت، ماکابی و همرزمانش به اورشلیم وارد شدند و به ترمیم خرابی های معابد و شهر پرداختند.

دلوس (Delos) به غول تجاری دریای اژه تبدیل می شود. (دلوس، ۱۶۶ پ.م):

شهر دلوس مرکز جزایر سیکلاد (Cyclades) دردریای اژه، از هنگامی که روم آن جا رابندر آزاد اعلام کرد، به یک باره ترقی کرد وبه قطب تجاری منطقه تبدیل شد. این شهر کوچک دریای اژه، مبدل به یک کانون بازرگانی شده و بازرگانان همه ی دنیای آن روز از هر ملیت ومذهبی واز شرق وغرب درآن جا جمع شده اند.

این جزایر بدین سبب معروف شد که برطبق افسانه های دینی، آپولو وآرتمیس دوقلو، از مادرشان لتو (Leto) درآن جا به دنیا آمده اند. مکان مقدس بزرگ یونانی دراین شهر مستقیماً تحت نظر آتن اداره می شد، لیکن با از بین رفتن قدرت دریایی آتن این جریان هم فراموش شد.

درمدت ۱۵۰ سال گذشته، دلوس زیرفرمان دولت محلی بود، وی به تدریج به پیشرفت دست یافت و به مرکز تجارت ذرت تبدیل شد. حالیه از تشکیل مجتمع های بیگانه ی تجاری در این شهر جلوگیری می شود.

یکی از کالاهایی که دراین جا ردوبدل می شود، بردگان هستند. (برده درآن زمان جزوکالا محسوب می شد). دولت روم این شهر را دوباره به آتن برگردانده و آن را بندر آزاد اعلام کرد، درنتیجه این شهر به یک باره ترقی کرده و مرکز مبادله ی کالا بین آسیای صغیر و دورترین کرانه ی دریای مدیترانه شد. اکنون دلوس از دریاپیمایان و بازرگانان پرشده است.

به نظر می رسد آنیده ی روشنی دراختیار این جزیره است و می تواند با گسترش واتحاد با جزیره ی رودس، به این موضوع واقعیت بخشد، روم مدت ها طرفدار توسعه و اتحاد با جزایر یونانی و گسترش فرهنگ یونانی بود، لیکن اکنون از این جریان دچار وحشت شده است. در چهار سال پیش، مردم رودس، مذاکراتی را با سنای روم برای عقد پیمان صلح شروع کردند. این پیمان درحقیقت بین روم، پرسئوس (Perseus) ومقدونیه بسته شد. درپایان نبرد روم با رودس، این جزیره آسیای صغیر، دچار ویرانی و غارت شد.

با اجرای این مجازات به وسیله ی روم، درباره ی رودس، اینک دلوس، بندرآزاد اعلام شده و بدین وسیله رودس موقعیت خود را از دست داده ودلوس جایگاه آن را اشغال کرده است.

معابد پرگاموم رقیب معابد آتنی (پرگاموم، ۱۶۰ پ.م):

شهر پرگاموم درآسیای کوچک، تحت فرمانروایی اومنس (Eumenes) دوم، پادشاه یونانی تبار، از نظر هنری وساخت بناهای عظیم رقیب آتن شده، لیکن با این حال هنوز دراین مسابقه عقب تراست. کاخ ها، معابد، سالن های نمایش وکتابخانه های زیادی دراین شهر بنا شده و هم چنین محراب عظیمی برای پرستش زئوس ساخته شده است. این بناهای بی شمار به شکل چهارگوش با تزئیناتی به صورت کتیبه آراسته شده وتعداد کتیبه ها به ۴۲۵ عدد می رسد که تحت نظر مستقیم هنرمند بزرگ رودسی، به نام منه کرات (Menecrates)،انجام گرفته است.

هم چنین برای پرستش زئوس وآتنا، به عنوان نمونه ی خدایان پرگاموم، بنای یادبودی جهت پیروزی بر اقوام گل وبربرها وشکرگزاری به درگاه این خدایان ساخته شده است.

کارتاژ خاکسترنشین شده است. (کارتاژ، ۱۴۶ پ.م):

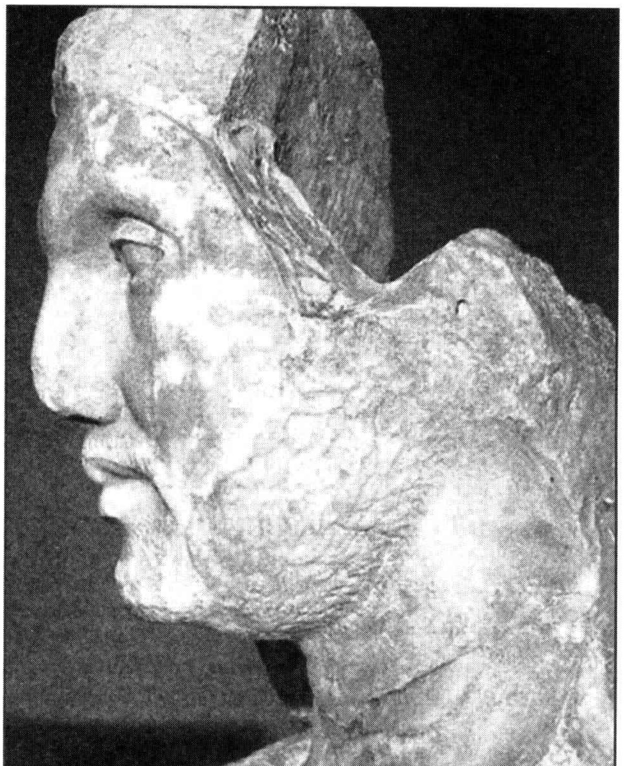
کارتاژ دیگر وجود ندارد. تمام ساختمان ها با خاک یکسان شده وخاکستر بناهای سوخته سراسر شهر را فراگرفته و به نظر می رسد که زمین ها شخم زده شده است. تعداد ۵۰ هزار نفر از مردم شهر اعم از زن ومرد وکودک به عنوان برده فروخته شد، کارتاژ که زمانی گوهر درخشنده ی شمال افریقا بود، اکنون مردمانش درزیر زجر وشکنجه ی رومیان گرفتار وسرزمین شان براثر دد منشی و دیوانگی این قوم درآتش می سوزد و برعکس روم یگانه فرمانروای سراسر کرانه های مدیترانه شده است.

برطبق فرمان سنای روم، کارتاژ دچار نهب و غارت شد، پس از جنگی خونین و وحشیانه که طی آن کارتاژ شکست خورد، فرمانده ی نیروی نظامی کارتاژ، هاسدروبال، برادر هانی بال، به پادگان لژیون اسکیپیو پناهنده وتسلیم شد. پس از شش شبانه روز که رومیان از خانه ها به عنوان سنگر استفاده کرده وتمام آنها را ویران کردند، شهر به کلی در اختیارآنها قرار گرفت. درهنگامی که جنگ ادامه داشت، ۹۰۰ نفر از سربازان فرارکرده و به معبد اسکولاپیوس (Aesculapius) پناهنده شدند و رومیان آنها رابه جرم تسلیم نشدن، اعدام کردند. آنها چندین روز با رومیان به جنگ ادامه دادند، لیکن دشمن،معبد وسربازان را طعمه ی حریق ساخت.

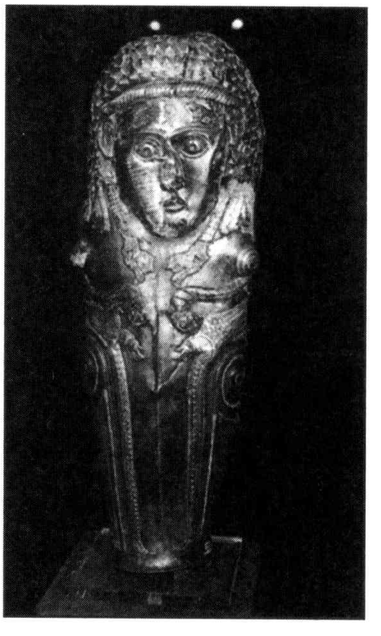
هاسدروبال، یک شاخه ی زیتون به عنوان صلح و آشتی به فرمانده ی رومیان اسکیپیو تقدیم کرد، لیکن اسکیپیو با تحقیر به او گفت که از جایت تکان نخور و به زوجه ی او اهانت کرد، زن هاسدروبال خود و فرزندانش را به میان آتش معبد انداخت. دولت روم اعلام کرد که دشمن دیرینه اش کارتاژ منهدم شده ودیگر کسی به متحدش ماسی نیسا (Masinissa) حمله نخواهد کرد. کاتو (Cato)، سناتور رومی را به خاطر سفر به شمال افریقا وتماس با کارتاژ تبعید کردند. به رغم این که اسکیپیو جنگ را درآغاز بسیار بد اداره می کرد، به طوری که سربازان دلسرد وناراضی شده و



سنگ‌نگاره‌ی یک سوارکار چینی در حال تیراندازی،
مربوط به سده‌های اول و دوم میلادی.



پیکره‌ی سنگی موزولوس (Mausolus) در آرامگاه او
در شهر هالیکارناسوس (Halicarnassus).



یک مجسمه از طلا و نقره، کار هنرمندان تراس مقدونیه.

روحیه ی خود را از دست داده و دچار شکست هایی شده بودند، اسکیپیو بعداً بارعایت مقررات نظامی وسخت گیری شدیدی توانست وضعیت اولیه را جبران کرده ودرجا باقی بماند. لژیون اسکیپیو، یک دژ نظامی را تسخیر کردند، به طوری که کارتاژها نتوانستند پیشروی کنند و متوقف شدند. فرمانده دستور داد که بندرگاهی جهت پایگاه در ساحل دریا بسازند تا جلوی حمله ی نیروی نظامی کارتاژ از سوی دریا گرفته شود.

رومیان مشاهده کردند که ۸۰ فروند کشتی کارتاژ در ساحل لنگر انداخته اند، آنها به راحتی، به وسیله ی نیروی دریایی خود، این ناوهای دشمن را از بین بردند و به این ترتیب، کارتاژ به سرنوشت شومی دچار شد.

روم با اسیران، شبیه فاتحان یونان عمل می کند یونانی ها درایتالیا حضورگسترده می یابند. (روم، ۱۵۹ پ.م):

اکثریت رومیان خانواده ی اسکیپیو را به شجاعت و دلیری می شناسند. لیکن این اسکیپیوی حاضر ونوه ی اسکیپیوی بزرگ، گرچه از نظر شجاعت ودلیری مورد تحسین مردم می باشد، بیشتر تربیت یونانی دارد و نمونه یی از نویسندگان بزرگ است ومانند ترنس (Terence) موفق شده که مردم را تشویق به سخن گفتن به زبان لاتین کند. ترنس که تازه در شمال افریقا متولد شده بود، به تعلیم زبان و ادبیات یونانی پرداخت، وی به عنوان برده به روم فروخته شد. ولی چون هوش واستعداد بسیاری در او کشف شد، از حالت بردگی خارج شده و آزاد شد. داستان زندگی او هم غیر عادی است.

در هنگامی که قدرت روم به سرزمین های دیگر گسترده شد، و روم دولت های دیگر را مقهور کرده و ممالک آنها را تسخیر کرد، فرهنگ و زبان یونانی واپس گرا شد و به عقب برگشت، درحالی که تمدن و آداب و رسوم رومی جایگزین آن می شد. زبان یونانی هم دیگر مورد توجه ی مردم نبود و زبان لاتین جای آن را گرفت. مثلاً لغاتی از یونانی در لاتین باقی ماند، چون پیراتا (Pirata) (دزد دریایی)، امبلما (Emblema) (پرچم کشتی)، پرورا (Prora) (Prow) (دلیری وشجاعت) خدایان یونانی هم به وسیله ی رومیان پذیرفته شدند وآنها نماینده یی به کوه اولمپ فرستادند که به وسیله ی پیشگویی دلف، مواقع و مواضع خطر را قبلاً اعلام کند.

اینک صنعتگران یونانی هم به روم مهاجرت کرده ونیز معماران رومی ساختمان های خودرا کاملاً شبیه یونان بنا می کنند. به طوری که هوراس (Horace)، شاعر یونانی معاصرگفته است: هم چنان که فرمانده وکاپیتان کشتی همان قبلی است و به زبان رومی صحبت می کند، اسرای رومی جای اسیران یونانی را پر کرده اند.

سنای روم با ساختن تئاتر مجلل و شایسته، مخالفت می کند. (روم، ۱۵۴ پ.م):

دوتن از سناتورهای روم به نام های کاسیوس لونژینوس (Cassius Longinus) و والریوس مسالا (Valerius Messala) از ساختن بنای تئاتر روم جلوگیری کردند. این دونفر نقشه یی تهیه کرده بودند که ساختمان تئاتر طوری باشد که عموم بتوانند ازآن استفاده کرده و درتمام فصول مورد بهره برداری قرار گیرد، هم چنین بنای آن از سنگ و دایمی بوده ونیز محل بازیگران دروسط وتماشاچیان در اطراف آن جای داده شوند، درضمن برای نجبا، جایگاه ویژه درنظر گرفته شود. لیکن اسکیپیو نازیکا (Scipio Nasica) کنسول روم، سناتورها را مورد لعن و تکفیر قرار داد و سناتورها موافقت کردند که سنگ های ساختمان به فروش برسد. آن ها هم چنین تصویب کردند که نیازی به جایگاه مخصوص نیست و به ساختمان چوبی و موقتی بنای تئاتر بسنده شد.

گفته شد که پدران وسایر مردم شهر درصورت بنای چنین ساختمانی به تنبلی وبیکاری عادت کرده و اخلاق عمومی سخت تغییر خواهد کرد. دوتن سناتور نامبرده، تأسف خود را از این امر اعلام کردند و کار این ساختمان به سرانجام نرسید که باعث تغییر روحیه ی مردم روم شود.

کاتو (Cato) نگهبان و حافظ اخلاق وآداب و رسوم روم، درگذشت. (روم، ۱۴۹ پ.م):

کاتو ناظر کل روم که درجنگ برعلیه نفوذ تمدن و فرهنگ یونان درروم پیشقدم بود ومالیات سنگینی بر تجمل

هندوستان ۳۵

پس از به هم پیوستن پنج قبیله هند وآریایی درباختر (باکتریا)، رهبر این قبایل که یوزی کوجولا کاد فی سس (Yuezhi Kujula Kadphises) نام داشت، با محاصره دره کابل، کنترل آن را به دست گرفت وبه همسایگی دولت اشکانی درآمد. این سرزمین پیش از این مسکن اسکیت ها بود که حکومت سغد وباختر را در دست داشتند. کادفی سس به این ترتیب بنیانگذار سلسله کوشان ها گردید.

سوریه ۳۵

یک نفر یهودی به نام شائول (Saul) از شهر تارسوس (Tarsus) درراه حرکت به دمشق، بادیدن به صلیب کشیده شدن عیسی، به دین مسیح درآمد . قبل از مسیحی شدن شائول، فاریزی (Pharisee) که به دین مسیح گرویده بود، دراثر شکنجه بدرود حیات گفت.

ارمنستان ۳۵

با بیرون راندن شاهزاده اشکانی ارمنستان، آرساسس خود را به پادشاهی ارمنستان رسانید. او جایگزین مهرداد اشکانی پادشاه ایبریا (Iberia) (گرجستان – Georgia) که جزو قفقاز محسوب می شد، گردید.

روم ۳۵

تیبریوس برادرزاده بزرگ خود کالیگولا (Caligula) ونوه اش تیبریوس گملوس(Ciberius Gemellus) را وارث خود قرار داد.

دولت پارت (اشکانی) ۳۶

اردوان سوم، باردیگر سلطنت را به دست آورد و به وسیله روم به رسمیت شناخته شد. اردوان پادشاه اشکانی ارمنستان را به جای خود ابقا کرد که البته این جریان با موافقت وتأیید حکومت روم حامی ارمنستان صورت گرفت.

یهودیه ۳۷

هرود آنتی پاس درپیکاری با پدرناتنی پیشین خود آرتاس (Aretas) شکست خورد، این نبرد و پیروزی آرتاس به انتقام طلاق دخترش به وسیله ی هرود و ازدواج با هروددیاس انجام شد.

ایتالیا ۱۶ مارس ۳۷

تیبریوس درهنگام سفرازکارپری که درآن جا منزل داشت، به سرزمین اصلی روم، درحالی که عقل او خوب کارنمی کردو ناسالم بود در می زنوم (Misenum) واقع در خلیج ناپل درگذشت.

روم ۱۸ مارس ۳۷

سنا درجلسه سالانه خود با انتشار خبر مرگ تیبریوس و این که گمه لوس (Gemellus) نوه تیبریوس وارث او نیست، کالیگولا را به امپراتوری روم به رسمیت شناخت، البته بعداً کالیگولا، تیبریوس گمه لوس را به عنوان وارث تیبریوس بزرگ معرفی کرد.

روم نوامبر۳۷

کالیگولا با عنوان کردن این که تیبریوس گمه لوس به بیماری مغزی شدید دچار است وزندگی را به زودی ترک خواهد کرد، درخفا او را کشت.

پرستی برقرار کرده و درضمن خواستار نابود کردن ومحو کارتاژ بود، در سن ۸۵ سالگی درگذشت.

وی درسنین جوانی از یکی از روستاهای ایالتی به روم آمد و درنبرد روم با کارتاژ شرکت کرد وپیش از آن که به مقام نظارت کل روم (فرمانروا) منصوب شود، مقامات مختلف اداری را طی کرد و در دفاع از ملیت رومی وحفظ آداب ورسوم قومی با صدای خشن ودهاتی خود داد سخن می داد. وی چندین کتاب درباره ی موضوع های مختلف نوشت، از جمله کتابی درباره ی کشاورزی که درآن به فرزند خود توصیه می کند که گاو پیرو مریض را بفروش و نیز زمینی را که مدت ها مورد بهره برداری قرارگرفته، نگه مدار و هم چنین برده ی پیر واشیاء زائد را هم بفروش.

فلسفه ی رواقی (Stoicism) دربین طبقه ی برگزیده و روشنفکر درحال گسترش می باشد. (روم، ۱۴۹ پ.م):

فیلسوفان آکادمی یونان به روم آمدند تا درجلسه ی بحث ومذاکره با فلاسفه ی پیشرو مکتب رواقی شرکت کنند رواقی ها فیلسوفانی بودند که از لذت های دنیوی پرهیز می کردند و به طور کلی اندیشه و فکر خود را در زندگی برای رفع نقیصه ها به کار می بردند. این فلاسفه ی یونانی عقیده داشتند که بهتر است سرزمین یونان وروم به هم ملحق شده وازیک سری مقررات و قوانین پیروی کنند، چون یکپارچگی نیروی فکری به سود هر دوکشور است. پس ناچار شخصیت های واجد شرایط در این کار، دخالت خواهند کرد که این امر انجام شود. درچند سال پیش که عده یی از برجستگان فلسفه ی رواقی از روم دیدن کردند، میهمان خانواده ی اسکیپیو بودند. اسکیپیو این موضوع را پنهان نگاهداشته بود، لیکن خبر آن به گوش کاتو،فرماندار کل روم رسیده بود و این جریان خشم وی را برانگیخت چون کاتو به طور کلی مخالف ترویج فرهنگ یونانی در روم بود. از طرفی رواقیون طرفدار رحم وشفقت درجنگ بوده و از ددمنشی بیزار بودند، این جریان فکری در روم به وسیله ی زنو(Zeno) از اهالی سیتیوم (Citium) درحدود سال ۳۰۰ پ.م درجزوه یی انتشار یافته و هواخواهانی پیدا کرده و هم چنین درنزد سیاستمداران ونیروهای نظامی به وسیله ی پانی تیوس

رسوخ کرده بود، درضمن یک فیلسوف یونانی هم در روم زندگی می کرد.

دراطراف این امر گفته می شد، رواقی ها درطبقات بالای اجتماعی به توسط پانی سیوس (Panaetius) نفوذ کرده اند، طبق عقیده ی رواقیون، مردان خوب در مواجهه با دشمن و نبرد با او چگونه باید باشند. هم چنین به باور آنها فیلسوف باید کارش درزندگی کمک به مردم برای رفع مشکل آنها باشد، نه این که خود مشکلی بر مشکلات آنها بیافرایند، فیلسوف رواقی واقعی، باید با مردم عقد اخوت و برادری به بندد، به عبارت دیگر بایستی به گناهکار یاری داد که امیدوار به رهایی خود از قید بزه و گناه باشد.

شهر کورینت برطبق روال تخریب می شود، شورش یونانی ها و غارت اموال ثروتمندان (کورینت، ۱۴۶ پ.م):

روم درقبال یونانی های تحت سلطه ی خود که با وحشیگری دست به غارت و چپاول اموال مردم زده اند، بردباری نشان می دهد، آنها شهر کورینت (Corinth) را ویران ساخته، مردان ساکن شهر را قتل عام کرده وزن و فرزندان وبردگان آنها را به فروش رسانده و اجناس نفیس را به روم می برند.

این قتل وغارت درپی سال ها جنگ وجدال بین ایالات و زجر وشکنجه ی وعذابی است که مأموران و سیاستمداران دولت مزدور ومدعی تمدن مقدونی بر سر ساکنان این شهرها وارد آورده اند.

رومی ها شورش را سرکوب کرده و وضعیت آشفته را برطرف ساختند. حتی تعداد یک هزار نفر از تبعیدی های آکایی (Achaean) را که باعث اغتشاش بودند، زندانی کردند و شعله و لهیب آتش طغیان را خاموش ساختند. عده یی عقیده داشتند که روم، آکایی های ساکن شمال افریقا، اسپانیا را که مخالف دستورات دولت بودند، بازداشت کرده و اسپارت ها وساکنان کورینت و آرگوس(Argos) را آزاد کرده اند. این جریان درپی تظاهراتی بود که اهالی کورینت برضد روم برپا کرده بودند. آنها یک فرمانده ی نظامی را با زور اخراج کردند، لیکن چهار لژیون رومی تحت فرماندهی مامیوس (Mumius) در تنگه ی واقع در خارج شهر مستقر شده وطبق روال عادی روم، شهر را تخریب کردند.

پس از فروکش کردن طغیان درسیسیل (Sicily)،بردگان را به صلیب کشیدند. (سیسیل، ۱۳۲ پ.م):

راپیلیوس (Rupilius)،ژنرال کنسول روم، بیست هزار برده را به جرم غارت شهر وایجاد رعب و وحشت به صلیب کشیده وبه قتل رسانید، که دیگر هیچ کس جرأت اقدام به این کارها را نداشته باشد. پس از سه سال که از جنگ های پارتیزانی بردگان می گذشت. این کار انجام شد. رهبر این شورش اونوس (Eunus) (پادشاه آنتیوخوس Antiochus) سوری بود که در زندان مُرد. وی رهبری شورش را درزمان نخستین شورش داشت که به وسیله ی ریسمان او را خفه کردند، دراین جریان ۷۰ هزار نفر برده شرکت داشتند.

روم تعداد بسیار زیادی برده را درخود جای داده که اغلب فرهنگ یونانی دارند آنها یا در جنگ ها اسیر شده ویا به وسیله ی دزدان دریایی به فروش رسیده اند. عده یی از آنها تحصیل کرده هستند که به عنوان شهروند رومی پذیرفته شده اند، ولی تعداد زیادی زیرشکنجه وعذاب هستند و به وسیله ی اربابان ستمگر خود جهت شهوترانی توأم با اذیت وآزاد (سادیسم) مورد تجاوز قرار می گیرند. درس هایی که این شورش به رومی ها آموخته، خیلی روشن است. رومی ها آنها را درجنگ دوم کارتاژ به میدان فرستادند و اقتدار روم درمقابل کارتاژ به وسیله ی همین بردگان تأمین شد. بالاتراز همه این که،بردگان در پیشرفت اقتصاد روم نقش عمده داشتند و بزرگ ترین فایده را به روم رساندند واین بهای کار آنهاست که رفاه روم را تأمین کرده است.

به طوری که اغلب رومیان می گویند: بردگان همه دشمن هستند، لیکن باز هم برای ما پناهگاه محسوب می شوند.

مصلح وپیشوای سرزمین روم به قتل رسید. (روم، ۱۳۳ پ.م):

یکی از اعضای جوان سنای روم که رهبری اصلاحات ارضی جهت افراد بی زمین را در روم به عهده داشت، با ۳۰۰

تن از یارانش که تلاش هایی رابرای تصویب قانونی در این باره درسنا می کردند، کشته شدند. گرچه تیبریوس گراکوس (Tiberius Gracchus) از طبقه ی نجبا واشراف بود، لیکن از طرف طبقه ی عوام ورنجبران به عضویت سنا انتخاب شده بود. وی درطی نطق های آتشین وپرحرارت خود، از این صنف پشتیبانی می کرد وحامی کشاورزانی بود که صدها نفر از آنها با زمین به فروش می رسیدند و جزو طبقه ی سرف ها محسوب می شدند. بیشتر زمین هایی که زیر کشت نرفته بود، به وسیله ی مال داران و ثروتمندان تصاحب شده بود که خود مالک زمین های زراعتی پرمحصول بودند واین زمین ها جزو ثروت عمومی بود. گراکوس وبخشی ازمردم، تقاضا کرده بودند که ۷۵ هکتار زمین مورد نظر به قطعه های ۴/۵ هکتاری تقسیم شده و بین زارعان فقیر پخش شود. گرچه آن ها می بایست برای این جریان جلسه تشکیل دهند و تصمیم های خود را به سنا بدهند، گراکوس درآن جلسه به عنوان تقسیم کننده بود. لیکن سنا با این تغییر وضعیت مخالف و آن را رد کرده بود وتلاش های انان بی ثمر ماند.

مقداری از این زمین ها درگرو اعضای سنا ومقداری را هم به عنوان جهیزیه دختران خود تعیین کرده بودند. به خلاف این مخالفت ها، تصمیم گیری برای این زمین ها معوق ماند و پس از کشته شدن گراکوس ویاران او، این جریان باز به کنگره محول شد.

جنوب سرزمین گل به زیرقدرت روم درمی اید. (پروونس (Provence)، ۱۲۳ پ.م):

دولت روم بخش جنوبی سرزمین گل را تصرف کرده و لژیون های رومی را درآن جا مستقر کرد.

دومی سیوس آنوباربوس (Domitius Ahenobarbus)، فرمانده ی لشگریان روم، هم چون هانی بال (Hannibal) با استفاده از فیل های جنگجو از رودخانه رون (Rhone) گذشت وبه آن منطقه رسید.

قبایل گل در برابر این نیرو سخت مقاومت کردند، این بار قشونی به فرماندهی کینتوس فابیوس ماگزیموس (Quintus Fabius Maximus) جهت مقابله با آنها اعزام شد که گل ها را شکست داده وخبر پیروزی بزرگ روم

روم ۳۸

دراین سال کالیگولا (Caligula) که تازه به مقام امپراتوری رسیده بود، فرصت های زیادی را از دست داد، کالیگولا عده زیادی را تبعید ویا اعدام کرد و تنها از بزرگان روم دروزیلا (Drusilla) و کلودیوس زنده ماندند.

روم ۲۳ سپتامبر۲۸

دروزیلا خواهر کالیگولا درماه ژوئن درگذشت. او که از ازدواج نامشروع و زنای با محارم به وجود آمده بود خود را درمقام الهه قرار داد.

آلمان ۳۹

کالیگولا به نقشه توطئه یی که به وسیله گی تولیکوس (Gaetulicus) فرماندار شمالی آلمان چیده شده بود، پی برد. او سپس برای شرکت درنبردی خارجی علیه قبیله چاتی (Chatti) درآلمان به آن کشور رفت.

یهودیه ۳۹

درپی تحریک و وادار شدن هرود خاخام بزرگ یهود به وسیله هرودیاس (Herodias) زوجه خود، هرود از کالیگولا سؤال کرد که آیا می تواند عنوان خود را به پادشاهی تغییر دهد. هرود به وسیله برادر زاده خود به نام آگریپا، این برگ برنده را برای موقعیت خود بازی کرد واز عنوان خاخامی دست کشید.

روم سال ۴۰

پتولمی پادشاه موریتانی (Mauretania) سرزمین خشک کویری درشمال غربی افریقا، هنگام بازدید از رم به وسیله کالیگولا به قتل رسید.

موریتانی ۴۰

با رهبری ادمون (Aedemon) پادشاه قبیله مائوری (Mauri) پس ازمرگ پتولمی موج مخالفت برضد پیوستن این کشور به روم شدت گرفت.

روم ۴۰

مسالینا (Messalina) نوه دختری ۱۴ ساله اوکتاویا از طرف مادر و پدر به عنوان دومین زوجه کلودیوس ۴۸ ساله به ازدواج او درآمد.

روم ۲۴ ژانویه ۴۱

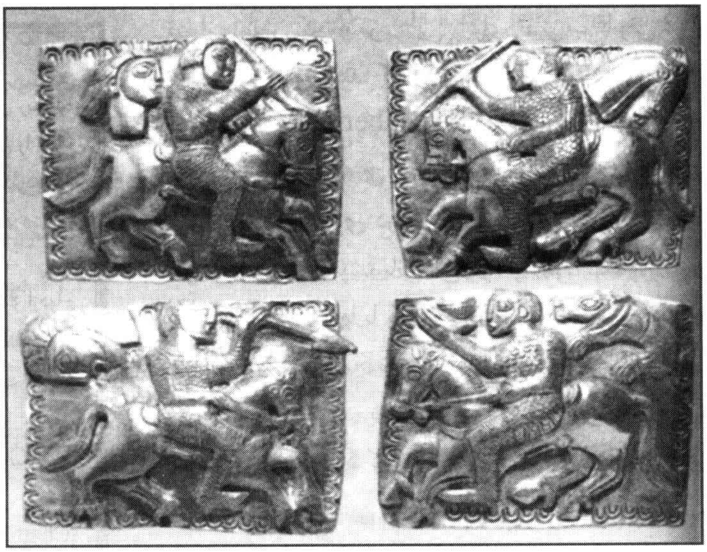
پس ازمدت کوتاهی که از اعلان خدایی کالیگولا از سوی خود او می گذشت، دونفر از معاونان ناظر کل روم وی را کشتند.

روم ۲۵ ژانویه ۴۱

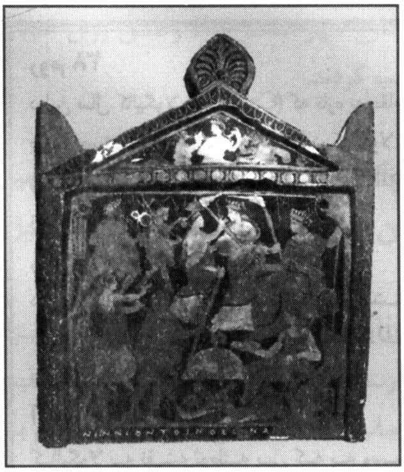
بعداز مذاکرات بی ثمر سنا درباره ی برقراری جمهوری، عموی کالیگولا را به سمت امپراتور تعیین کردند. پس ازتعیین کلودیوس به سمت امپراتور، او ازاتهام بیرحمانه کالیگولا که وی را عقب افتاده مغزی معرفی کرده بود نجات یافت. به هر حال بلافاصله پس از کشته شدن کالیگولا، کلودیوس را سربازان به کاخ امپراتوری بردند.

یهودیه ۴۱

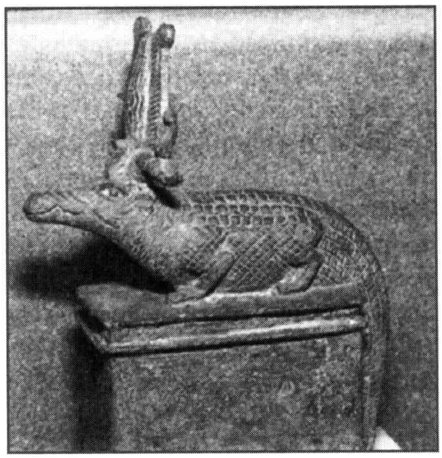
آگریپا خواهرزاده هرود و نوه هرود بزرگ، ازسوی کلودیوس، یهودیه رابه عنوان کشوری پادشاهی اعلام کرد.



چند تابلو ارزشمند و هنرمندانه فلزی، کار صنعتگران تراس.



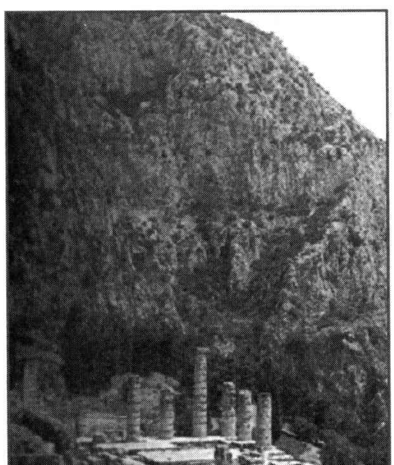
یک معبد اولیه‌ی قوم الئوزینیان (Eleusinian) برای آشنایی با انجام مراسم دینی.



یک کروکودیل مصری به‌عنوان خدای سه‌بک (Sebek).



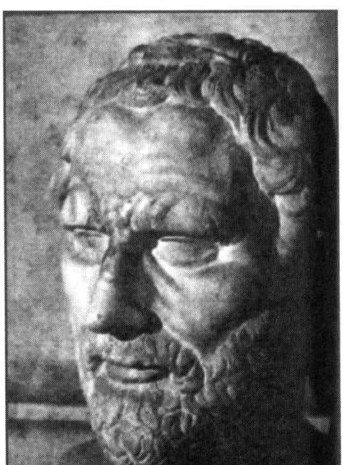
پیکره یک زن با دم عقرب (سلک) (Selk) جهت پاسداری از گورستان.



معبد آپولوی افسانه‌یی به‌عنوان معجزه‌گر دلف (Delphi).



فیلیپ (Philip)، پادشاه مقدونیه، متحدکننده‌ی یونان.



تصویر دموستن (Demosthenes)، کار یکی از نقاشان رومی.

بریتانیا ۴۲

کونوبلینوس(Cunobelinus) پادشاه کاتوولونی (Catuvellauni) واقـــع در ورولامیـــوم (Verulamium) (آلبـــان مقـــدس – St.- Albans) درگذشت. پس ازجنبش طایفـه اسکس (Essex) که به ترینـووانتس (Trinovantes) مـشهور بودنـد، کونوبلینـوس پایتخت خود را بـه کـامولودونوم (Camulodunum) (کلچستر – Colchester) تغییر داد و برای گسترش سـرزمین خـود بـه ناحیـه کنت (Kent) تاخت.

افریقای شمالی ۴۲

با رهبری شورشیان مائوری به وسیله ادمون پادشـاه موریتـانی، ایـن شورش با لشگرکشی ژنرال پائولینوس (Paulinus) رومی سـرکوب شـد و پـائولینوس بـه سـوی دورتـرین نقـاط صـحرای افریقـا بـه پیش رفت.

بریتانی ۴۳

بـه دسـتور کلودیـوس امپراتـور روم آئولـوس پلوتیـوس (Aulus Plautius) به سرزمین بریتانیا حمله کرد.

انگلستان ۴۳

قلعه میدن (Maiden) درناحیـه دورسـت (Dorset) مـورد هجـوم رومیان قرار گرفت و بخش اعظم تأسیـسات دفـاعی آن نـابود شـد. ساختمان این قلعه در ۴۰۰ سال پیش از میلاد شروع و دراین مـدت تکمیل شده بـود. پـیش از یـورش رومـی هـا تعـداد ۵۰۰۰ نفـر در کلبه های چوبی اطراف این قلعه زندگی می کردند.

یهودیه ۴۴

بـا مـرگ آگریپـا، یهودیـه کـه بـا فـداکاری او وکمـک کـالیگولا و کلودیوس سرزمین هرود بزرگ توسعه یافته بود، اکنون به امپراتوری روم پیوست.

مصر ۴۵

فیلو، مفسر و فیلـسوف مـصری در مـسقط الـرأس خـود اسـکندریه درگذشت. فیلو (Philo) به عنوان سفیر یهودیه درسال ۳۹ مـیلادی نزد کالیگولا امپراتور روم رفت تا آنها را از پرستش وی به عنوان خدا معذور دارند و علت این امر را شرح داد و بـرای پـیشبرد ایـن عمـل مساعی فراوان به کار برد.

بالکان ۴۶

زدوخورد درشاهزاده نشین تراس (Thrace) فروکش کـرد و روم بـا استفاده از این فرصت آن جا را ضمیمه امپراتوری خود کرد.

روم ۴۷

درکنار رخدادها و جریانات سیاسی و دنیـوی کـه بـه اسـم هیلاریـا (Hilaria) مـی باشـد. کلودیـوس امپراتـور روم، مراسـم عبـادت و پرسـتش آتـیس (Attis) خـدای فریگیـه (Phrygian) را مطـرح می کند. او هم چنین مقام ناظر کلی را لغو کرد.

روم ۴۸

هوسبازی ها وهرزگی های مسالینا (Messalina) زن کلودیوس بـا پیش آمدن زمان یائسگی او به پایان می رسـد، لـیکن او بـا ترتیـب دادن جشن ازدواج با یکی از عاشقان خود و به نام گایوس سـیلیوس (Gaius Sillius) درغیاب کلودیوس او را به عنوان کنسول معرفی می کند.

را به مردم وسنا دادند وروم بـه ایـن امـر مبـاهی شـد. ایـن پیروزی نمونه ونشانه ی فتوحات بعدی این دولت بود. دراین زمان روم ویونان پیمـان اتحـاد داشـتند وچـون یونـانی هـا درناحیـه ی مارسـی ((Massilia (Marseilles) مـورد تهدید بودند، از روم درخواست کمک کردند. ایـن درخواسـت فرصتی دراختیار آنها گذاشت.

رومی ها ارتباط خوبی با لژیـون هـای مـستقر دراسپانیا داشتند. مردم اسپانیا به تجـارت شـراب و سـرامیک اشـتغال داشتند واین امر فرصت بسیار مناسبی دراختیار روم گذاشـت و سنا که در امور تقسیم زمین بین کشاورزان از ده سال قبل گرفتار بود، از این موضوع استفاده کرد تا بتواند زمـین هـای حاصل خیز جنوب گل را بین آنها تقسیم کند و بـه تقاضـای چند ساله ی آنها جواب مثبت داده و سرانجام این جمعیت را درآن جا سکونت داد.

پنج هزار کشته بهـای یـک پیـروزی (روم، ۱۲۹ پ.م):

برای رومیان پیروزی یعنی غارت و تاراج. درجهان، هـیچ کشوری تاکنون به این موفقیت نایل نشده، همه ی افـسران رومی برای رسیدن به نوک هرم پیـروزی بـه بلنـد پـروازی دست می زنند. برای تحصیل این پیروزی،حاضر شـدند پـنج هزار نفر از نیروهای خود را به نیستی بکشانند. یکی از ژنرال هـا درجـشنی کـه بـه ایـن مناسـبت برپاشـده بـود، جهـت خودنمایی، گروه نظامی خود را دراموال غـارت شـده، سـهیم دانست.

در این صبح پیـروزی، فرمانـده ی سپاه فـاتح، دررأس سربازان به عنوان رئیس قرار گرفت و همـه ی اسـیران را از جلوی میدان شهر عبور داده وبه معبـد ژوپیتـر و درقربانگـاه بردند. درحالی که ژنرال صورت خود را شبیه تندیس ژوپیتـر سرخ ولباس ارغوانی پوشیده بود، تمام اموال غـارت شـده را در بالای سر تندیس قـرار داد کـه تـیمن وتبـرک گـردد. او گفت، امروز این پیروزی مرهون خدای ژوپیتر است. تـو بـه خاطر داشته باش هنر رنگ باختنی است. زنگ و شلاق برای گاری هـا ضـروری اسـت. روم قـادر اسـت هنـوز آن هـا را مجازات کند. در بحبوحه ی جشن، ژنـرال فـاتح، دسـتور داد تمام زندانیان را در پای کنگره به قتل برسانند.

هنر تصویری تمام صورت را در وضـعیت واقعـی نشان می دهد. (دنیای یونانی، ۱۰۰-۲۰۰ پ.م):

ترسیم واقعی صورت که از دویست سال پیش در کـش وقـوس بـود، حـال دریونـان شـکل حقیقـی خـود را مـی نمایاند.دراین جریـان، اخـتلاف سـلیقه بـسیار بود،عـده یـی ازهنرمندان نقاش دردنیای تحت سلطه ی یونان، براین پـای می فشردند که بایستی تندیس وتصویر هرچـه زیبـاتر باشـد وگروهی هم معتقد به ایـن واقعیـت بودنـد و بـدین منظـور درهنر خود واقعیت را درنظر داشتند، وتصاویر کلاسیک زیبـا را که جنبه ی واقعی نداشت، رد می کردند.

هنـوز هـستند هنرمنـدانی کـه حـال صـورت را شـبیه قهرمانـان نـشان مـی دهنـد، مثـل هـومر و افلاطـون کـه ایدآلیست ها آنها را مانند قهرمان جلوه می دهند، درحالی که آنان نیروی قهرمان شدن نداشتند واز نظـر فکـری قهرمـان بودندوقیافه ی عـادی داشـتند. درحـالی کـه تـصاویری کـه رئالیست ها از افراد نشان می دهنـد، زیبـایی مطلـق درنظـر گرفته نمی شود. آنها تصاویر طبیعی وعادی افراد واشیاء را به نمایش می گذارند، هم چون دهقانان درحال کـار، مـاهیگیر درحال صید وکودک خوابیده وحتی فرد مست ومیخواره را به شکل طبیعی می نگارند.

بلوا وشورش افریقایی ها سنا را ملتهب و شعله ور می سازد. (نومیدیا (Numidia)، افریقای شمالی، ۱۰۵ پ.م):

درمرکز یکی از شـهرهای افریقـای شـمالی،هنوز آثـار و عوارض حمله وغارت و چپاول درمیـان رودان احـساس مـی شود و انعکاس آن هنوز هویداست.

آغاز این امر به صورت مـشکل محـدود بـرای ژوگورتـا (Jugurta)، آخرین شاه ایـن منطقـه و جانـشینی فرزنـدش پیش آمده است، مردم در مخالفت بـا ژورگورتـا دسـت بـه تظاهرات می زنند و ژوگورتا در شهر سیرتا (Cirta) به قتـل عام مردم و تجار اقدام مـی کنـد ونـشان مـی دهـد کـه در جسارت وخونریزی همپای دوستان رومی خود، در جنگ دوم کارتاژ عمل می کند و دست کمی از آنان ندارد.

درایـن حـال، سـناتورهای روم بـه خـشم آمـده، دسـتور می دهند که ژوگورتا را دستگیر نموده و تقاضای مجـازات او را کردند. چهـارنفر از سـناتورهای روم در جلـسه ی دادگـاه حاضر شده و بر علیه ژوگورتا و گـایوس مـاریوس (Gauis Marius) فرماندار منطقـه ی شـمال افریقـا، شـهادت مـی دهند. ماریوس جاه طلب و سایر افسران رده بالای لشگر، در دادگاه برنده می شوند. آنها ادعا می کنند که ژوگورتا جنـگ را شروع کرده ولشگریان ماریوس طبق معمول رومیان، شهر را دستخوش نهب وغارت قرار داده و ویران ساخته اند. ایـن حادثه باعث آبروریزی وبی اعتباری سنای روم شد، ولی آرای عمومی آنان براین قرار گرفت کـه روم نبایـد پـس از ایـن، درجنـگ هـای خـارجی دخالـت کنـد و ایـن قـانون بـرای نمایندگان رومی درخارج از کشور الزامی شد.

پلی بیوس (Polybius)، تاریخ نگـاری کـه در دو رشته فعالیت می کند. (روم، ۱۲۰ پ.م):

پلی بیوس، تاریخ نویس و سیاستمداری که بیـشتر عمـر خود را صرف نوشتن تاریخ کرد، درسن ۸۲ سـالگی از اسـب به پایین افتاد ومرد. امتیاز وویژگی او دراین بود که با زیرکی وکیاست، توانست ادب و فرهنگ رومیان را با تمـدن آکـایی با هم پیوند زده و این دو تمدن را یک رشته سـازد . او ایـن سیاست را پس از سال ۱۴۶ پ.م درزمانی کـه آکـایی از روم شکست خورد واز بین رفت، در پیش گرفت.

وی یکی از اعضای خانواده ی ثروتمند آکایی بود که ۲۲ سـال پـیش قـدم بـه روم نهـاد. او در روم بـا خانواده ی اسکیپیو طـرح دوسـتی ریخـت و تـاآخر بـه ایـن دوستی ادامه داد، وی به عنوان مشاور ورایـزن اسـکیپیو بـه سراسر امپراتوری روم مسافرت مـی کـرد و نـسبت بـه ایـن خانواده وفادار باقی ماند.

اطلاعیه عمومی جهت سربازگیری درارتـش روم (روم، ۱۰۷ پ.م):

بـرای نخـستین بـار،ژنرال گـایوس مـاریوس (Gaius Marius) برای سربازگیری وتعلیم فنـون نبـرد بـه جوانـان اطلاعیه صادر می کند.

برابر این آگهی، پنج طبقه از ثروتمنـدترین خـانواده هـا، برای جنگ با نیروی دشمن سرشماری وانتخاب می شوند.

این فکری که باعث شده بود فقرا را درجنگ ها شـرکت بدهند، درقرن ها ی گذشته وجود داشت.

روم ۴۸

با آزاد کردن وتحریک برده یی به نام نارسی سوس (Narcissus) به وسیله کلودیوس، مسالینا و گایوس سیلیوس عاشق او به قتل رسیدند.

روم ۴۸

برابر دستور کلودیوس، اشراف ونجبای اهل گل می توانند به سناتوری انتخاب شوند.

هندوستان ۴۸

با مرگ کوجولا کادفی سس (Kujula Kadphises) پادشاه کوشان ها (Kushan) سرزمین کوشان از سوی شمال غرب تا کوه های هندوکش توسعه می یابد وپسراوبه نام ویماکادفیسس (Vima Kadphises) جانشین پدر می شود.

چین ۴۸

گوآنگ وودی (Guang Wudi) آخرین امپراتور سلسله هان شرقی، سرزمین تحت سلطه خود را تا مغولستان داخلی گسترش می دهد.

روم ۴۸

کلودیوس با آگری پینای (Agrippina) دوم خواهرزاده خود و دختر ژرمانیکوس زناشویی کرد.

اقیانوس هند ۵۰

مسیر دریایی بین هندوستان ومصر که از نظربازرگانی اهمیت به سزائی داشت، براثر رقابت بین ایران وهمسایگانش تا آسیای مرکزی گسترش می یابد . دراین مسیر اصلی کشور ایران واسطه اقیانوس وآسیای مرکزی می باشد.

روم ۵۰

کلودیوس موافقت کرد که ناپسری اش نرون (Nero) متعلق به آگری پینا هم باشد.

روم ۵۰

فدروس (Phaedrus) برده آزاد شده مقدونی به سبب نوشتن داستان هایی به شهرت رسید، وی ۵ کتاب درباره زندگی حیوانات کوچک منتشر می کند، بیشتر کارهای او اقتباس از قصه های جانوران بر پایه ی نوشته های اسوپ (Aesop) است.

بالکان ۵۰

یک گروه از قبایل روکسولانی (Roxolani) لازیگ (Lazyges) وآلانها (Alani) که به سارماتیان (Sarmatians) معروف و در سرزمین های جنوب روسیه ساکن بودند، به نواحی اطراف رود دانوب (Danube) رسیدند.

اشکانیان ۵۲

بلاش (Vologeses) پادشاه اشکانی که ازنسل مادها بود (این نسبت مشکوک است) درایران به پادشاهی می رسد. وی به اغتشاشاتی که دراین اواخر در دولت اشکانیان به وجود آمده بود، خاتمه داد.

ماریوس درجنگ های بزرگ دریایی، صحراها و کوهستان ها از این گونه افراد تهی دست درجنگ بهره می برد. با این عمل مشکلات سربازگیری پایان می یابد و گرفتاری های پیشین رفع می شود، چون همیشه احتمال شورش وطغیان وحمله وجود دارد وبا داشتن سرباز آماده به خدمت، دیگر دردسرهای آن چنانی نخواهد بود. البته ممکن است که سرباز صداقت ووفاداری نداشته باشد واین صداقت در افراد درجات مختلف دارد و نمی توان به همگان بدبین بود.

مردی که سربازی را به عنوان شغل انتخاب می کند، بیش از سربازی که برحسب وظیفه ان را انجام می دهد، بدان پای بند است، چون سرباز وظیفه درمدت سربازی درآمدی نخواهد داشت وتنها این کار را برحسب اجبار انجام می دهد وآینده ی فردای او مشخص نیست، وفقط عشق به میهن و وفای به عهد، مشوق او دراین عمل است. پیش ازاین ارتش روم سرباز دایمی نداشت وقدرت این ارتش بستگی به داوطلبان این شغل داشت که همواره این قدرت درنوسان بود. به این ترتیب، ماریوس توانست تعداد شش هزار نفر سرباز وظیفه بگیر، که هرکدام نشان نقره یی بر سینه داشتند، آماده کند واین پروانه ونشان سربازی بود.

بزرگ ترین سیاح چینی درگذشت. (چین، ۱۰۰ پ.م):

تانگ کیان (Zhang Qian) بزرگ ترین جهانگرد چینی، درحالی درگذشت که درست یک سال پس از سفر موفقیت آمیزاو به سرزمین های ناشناخته ی خارج از چین را سپری کرده بود. مسافرت های او ودگرگونی هایی درارتباط چین با دنیای ناشناخته ی بیرون از این سرزمین وسیع، پدید آورد.

این مرد قدرتمند با تدبیر وکاردان، درسفرهای خود با مخاطرات بسیاری روبرو شد تا این که توانست راه تجارت وسیاست را به روی سرزمین هند، ایران و دورترین نقاط غرب سوریه بگشاید. او هم چنین با تماس با دنیای یونانی، نمونه هایی ازانگور برای تولید شراب ویونجه را با خودبه چین برد.

این سرگذشت از سال ۱۳۸ پ.م وزمانی که داوطلبان چینی توانستند دشمنان چادرنشین خود، زیونگ نو

(Xiongu) (هانس – Huns) را بااتحاد وهم پیمانی با یوئه چی (Yuezhi) از سراسر سرزمین چین برانند، آغاز می شود.

در ده سال پیش، وی به وسیله ی خان بزرگ بازداشت و به مدت ده سال زندانی شد، در حالی که او درحق پادشاه بدی نکرده بود و همواره با او مهربان بود و حتی برای خان بزرگ زنی را انتخاب کرده بود. به هرحال وی با زوجه ی خود و یک نوکراز زندان فرار کرد واز این که آزادی خود را به دست آورده، خوشحال بود وبه مسافرت خود ادامه داد.

مدت یک سال درباکتریا (افغانستان) با قاچاقچیان در راه های چین همکاری می کرد. درطی مسافرت، دوباره به وسیله ی قبایل زیونگ نو، دستگیر وزندانی شد که بازهم از زندان فرار کرد. پس ازاین مدت، چون به چین رسید، امپراتور او را با لقب مارکیز(Marquis) (مارکی) به فرمانداری ایالت بوانگ (Bowang) منصوب کرد وهنگامی که قبایل زیونگ نو شکست خوردند، وی به عنوان امپراتور، هدایایی شامل پارچه های حریر ومقداری طلا به وی تقدیم کرد.

پسران رومی را چگونه تربیت می کنند تا یک شهروند به حساب آمده و تابع مقررات شوند. (روم، ۱۰۰پ.م):

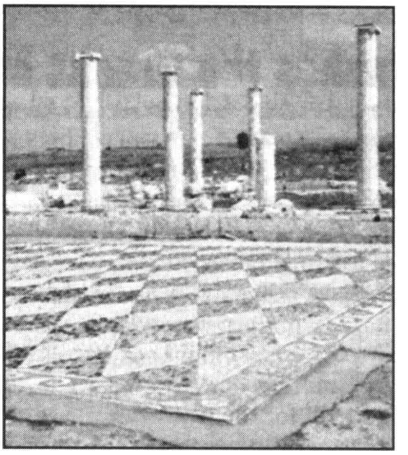
در روم، خانواده،پایه واساس زندگی محسوب می شود. درکانون خانواده، فرزندان رشد می یابند و تربیت می شوند. پسر لازمه ی خانواده وهمو است که می تواند فامیل را پایدار نگاهداشته ونام آن را ابدی وجاودانی سازد ونداشتن پسر باعث می شود که خانواده هم بی نام ونشان بماند واین امر اهمیت زیادی درروم قدیم داشته است. درآغاز تولد هر فرزند، بایستی نام گزاری شود او را درمکانی قرار می دهند که درمقابل طلسم وجادو قرار نگیرد، درهفت سال اول، او تحت نظر مادر بزرگ می شود ویک دایه ی برده باید به او شیردهد و فرزند دایه هم مثل برادر او می باشد، چون ازپستان یک زن شیرخورده اند ودایه هم او را چون فرزند خود می داند. پس ازهفت سالگی، او بایستی برای تعلیم و تربیت تحت نظر پدرخود باشد وپدر، بزرگ خانواده محسوب می شود پدر به او تمام احساسات خود را منتقل وتلقین می کند و پرهیزکاری را به او می آموزد، او به پسر خود عشق به میهن و ملت را تعلیم می دهد که چگونه بایستی از وطن خود دفاع و فداکاری کند، او پسر خود را به سنا می برد و در بعضی میهمانی ها شرکت می دهد که با آداب و رسوم شهری وسیاسی آشنا گردد، پسر هم چنین طرز خدمت کردن و آواز خواندن را هم باید بداند.

هنگامی که او به سن شانزده سالگی رسید، از حالت بچگی خارج شده و به او جوان اطلاق می شود، اینک او یک مرد جوانی است که نمونه ی یک نجیب زاده و اشرافی است ولباس مخصوص نجبا را برتن می کند. دراین هنگام بایستی خانواده را ترک گفته و در نیروی نظامی به فراگرفتن دروس جنگ ودفاع از میهن بپردازد. دختران تا هنگام شوهرکردن، تحت تعلیم مادر خود خواهند بود و بایستی فنون خانه داری ونخ ریسی و بافندگی را یاد بگیرند.

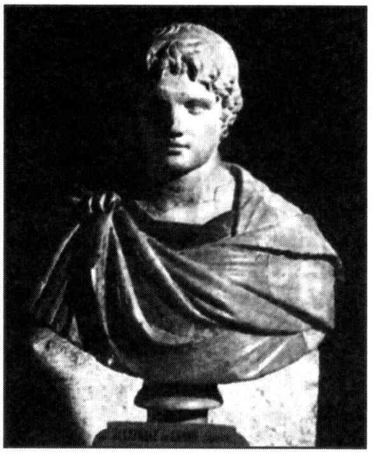
ژنرال بزرگ روم و همراهش هر دو دریک سانحه به قتل می رسند. (روم، ۱۰۰ پ.م):

در یک حمله ی وحشیانه، ژنرال گایوس ماریوس، نماینده ی سنا درارتش و یک سناتور روم به نام ساتورنینوس (Saturninus) به قتل می رسند. در دو سال گذشته، ماریوس به مدت نسبتاً طولانی در رأس ارتش و فرماندهی سپاهیان روم قرار داشت که درجنگی پیمان اتحاد آلمان را که درآن قبایل سیمبیری (Cimbri) و توتن (Teuton) شرکت داشتند، درهم شکستند او با دو لژیون رومی، گل ها را به کلی نابود کرد. دریک نبرد نیز که در ناحیه ی آکواسکستیه (Aquaesextiae) (ایالت اکس فرانسه) (Aix – en – Provence) رخ داد، رومی ها ۲۰۰ هزار سرباز توتنی را کشته و۹۰ هزار نفر را اسیر کردند. درجنگ دیگری با لشگریان مشترک، ماریوس وکاتالوس (Catulus) ۱۴۰ هزار نفر سرباز سیمبری کشته شدند.

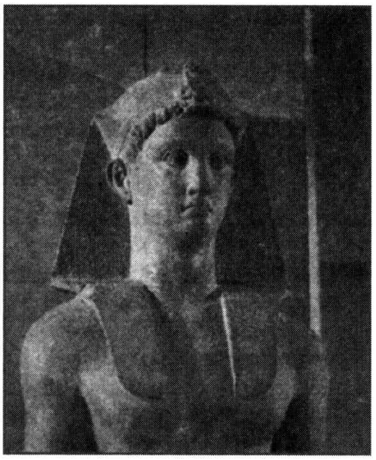
با فتح و پیروزی ماریوس، سیاست جنگی او مورد حمایت قرار گرفت وجوانان برای سربازی نام نویسی کردند که در افریقا آموزش به بینند و بدین وسیله لشگر تهی دستان و فقرا شکل گرفت. تا کنون لشگریان بربرها درشمال، ایتالیا را شکست ناپذیر تلقی می کردند، واینک با سپاهیان تازه تشکیل شده،در نومیدیا، این لشگرهای بربر نابود شدند.



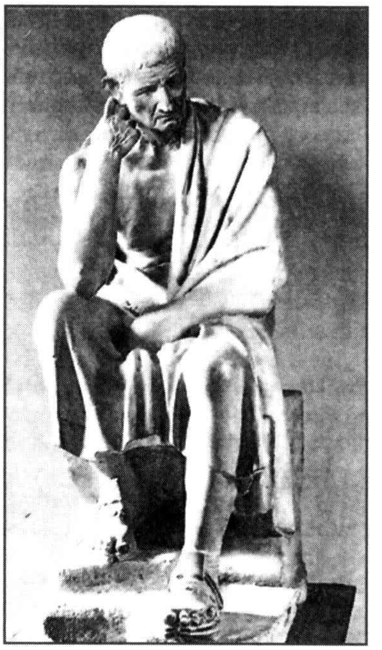
منظره بخشی از شهر پل لا (Pella) پایتخت مقدونیه.



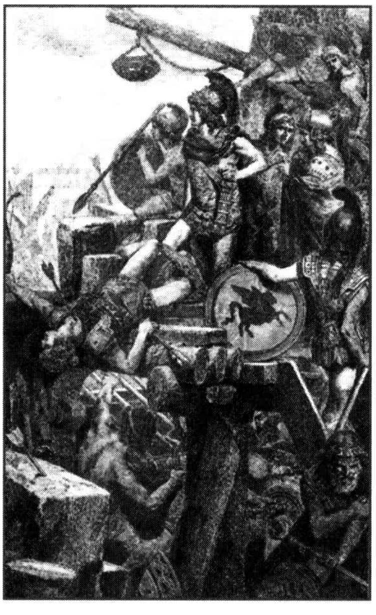
اسکندر که در ۲۰ سالگی به سلطنت رسید.



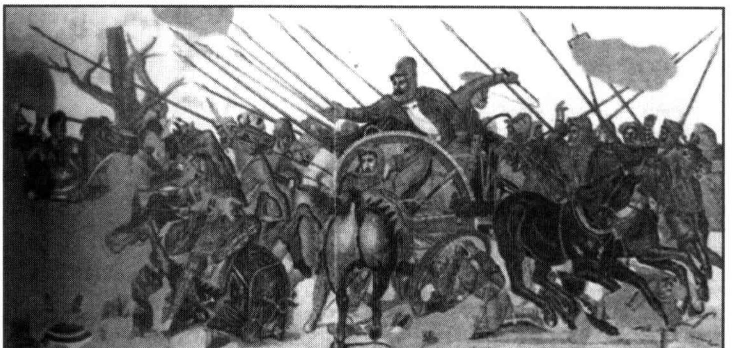
پیکره‌ی اسکندر کار تندیس‌نگاران مصری.



تندیس ارسطو (Aristole)، فیلسوف، دانشمند، طبیب و معلم اسکندر پسر فیلیپ مقدونی.



جدیدترین و آخرین تصویر از پادشاه جنگ‌طلب.



نبرد سپاهیان اسکندر با قوای ایران قبل از قتل‌عام اسکندر و شکست کامل ایرانیان.



تصویری از اسکندر فاتح.

درعقب جبهه، یعنی درروم با جنبش ولـرزه یـی کـه اصـلاح طلبان به راه انداخته بودند، مخالفت خودرا بـا توسـعه ی روم اعلام کردند و آن را خطری بزرگ بـرای کـشور دانـستند و دراین جریان ماریوس مسبب اصلی شـناخته ودرنزاعـی تلـخ گرفتار شد. دو سناتور بـه نـام هـای گلوسـیا (Glaucia) و ساتورنینوس هم دراین غوغا مداخله داشتند. بالاخره ماریوس و ساتورنینوس درمشاجره ونزاع بـا گلوسـیا کـشته و فـدایی وطن و مردم آن گشتند.

ارزش جنگی شهروندان روم بررسی مـی شـود. اتحاد ایتالیا با شورشیان به آرای مردم موکول می شود. (ایتالیا، ۹۱ پ.م):

جلسه ی فوری سنای روم برای بررسی وتشریح وضعیت ارتش وخطراتی که کـشور را تهدیـد خواهـد کـرد،از هنگـام حمله ی هانی بال تشکیل شـد. طغیـان وآشـوبی کـه سـپاه درکشور راه انداخته، بایستی به فوریـت خـاموش شـود. ایـن آشوب ها خطرهای جدی دارد و امنیت را تهدید می کند.سنا طرحی جهت این امر تهیه می کند که درضمن از این پـس، پایتخت را ایتالیکا (Italica) نامید.

مردم از سال ها پیش، تظلم و دادخواهی می کننـد،لیکن اینک وضعیت به حالت انفجار رسیده، به طوری که همگـان به مأموران دولت وهیأت حاکمه، دشنام وناسزا نثار می کنند. در اسکولوم (Asculum) دیده شده که مـردم خـشمگین را گروه گروه بدون دادرسی به زندان می اندازنـد، درحـالی کـه آنان طالب آرامش و صلح هستند وزندگی آرام می خواهند.

دردو سده ی گذشته، روم پیوسـته در صـدد گـسترش و توسـعه ی سـرزمین تحـت سـلطه ی خـود بـوده و بقیه ی سرزمین ایتالیا را به مالکیت خـویش درآورده است. دولت برطوایف و قبایل گوناگونی پیروزی یافته و آنان را بـه زیرچتر حکومتی روم درآورده و یا این کـه بـا برخـی پیمـان هایی جداگانه بسته و شبکه هایی از این متحدین بـه وجـود آورده است. این ائتلاف هـا آشـکارا باعـث رنجـش و خـشم شهروندان گردیده است.

درجلـسات سـنا، برحـسب پیـشنهاد سـناتور لیویـوس دروسوس (Livius Drusus) که جزو گروه میانـه رو بـود، مقرر شد حق انتخاب و رأی برای تمام ایتالیـایی هـا تـأمین شود، لیکن او راخائن نامیده وبـه قتـل رسـانیدند. از ایـن رو مردم به خشم آمده، دست به شورش اجتماعی زدنـد و آن را انقلاب نامیدند. دراین حال،درحدود یک صـد هـزار نفـر بـه صحنه آمدند که بسیاری از آنهـا جـزو لـشگریان کـارآزموده بودند وسال ها درکنار سایر نظامیان نبرد می کردند. آنها بـه طور یقین، درخواست وصـول مطالبـات خـود را داشـتند کـه مدت ها بود به آنها داده نشده. سنا چـون خطـر را احـساس کرد، دستور داد کـه جلـسات تعطیـل شـود، درایـن هنگـام، درمیدان ها وسطح شهر شایعاتی رواج یافت که ممکن است این امور به رأی مردم ورفراندوم گزارده شود.

برخی از مردم بر سایرین رجحـان دارنـد. (روم، ۸۸ پ.م):

نتیجه وثمره ی نبردهای اجتماعی این بود که سـنا بایـد به پرسش های شهروندان پاسخ مناسب بدهد. قوانین امانت هایی است که مردم دراختیار نمایندگان خود قرار داده انـد و آنان خواستار اجرای آن قوانین هستند، لیکن برخی از مـردم، طبق همین قـوانین بـر دیگرافـراد جامعـه ارجحیـت دارنـد. دررأس گروه های اجتماعی، حدود دویست هزارنفـر هـستند که قانون از آنها پشتیبانی می کند، آنها حـق رأی وانتخـاب شدن دارند و می توانند به مشاغل بالا برسند، درپایین تـرین طبقات اجتماع،بردگان هستند که هیچ گونه حقوق اجتمـاعی ندارند. دربین این دو گروه اجتماعی، گروهی دیگر قراردارنـد که درنبردها شرکت کرده و پیروزی به دست آورده اند، آنـان هـم حـق رأی ندارنـد،لیکن شـهروند رومـی هـستند وجـزو نیروهای نظامی محسوب می شوند. زن ها هم کاملاً در پناه قانون هستند، ولی حـق رأی بـرای انتخـاب کـردن ندارنـد. درکنار گروههای ذکر شـده،گروهی هـم هـستند کـه تولیـد کننده وصاحب ثروت هستند و بر عده یی حق تقـدم دارنـد، آنها با دارایی خود تشکیلات سپاهیان را فـراهم مـی کننـد، بدین معنی که بخش مهمی از هزینه ی نظـامی را برعهـده دارند ودراجتماع از ارزش بالایی برخوردارند.

امواج پی درپی حملات اسکیت ها، از جنوب آسیا به هندوستان رسید. (هند، ۸۸ پ.م):

فـشار وهجـوم پیـاپی و بیرحمانـه ی اسـکیت هـای چادرنشین، از آسیای مرکزی به سوی غرب وتاخت وتاز آنان درایالت یونانی باکتریا(افغانـستان) سبب شکـست سـپاهیان

بریتانیا ۵۱

کاراکتاکوس (Caractacus) فرزند کونوبلینوس (Cunobelinus) پادشاه انگلستان که در جنگ با روم درگیر شده بود، دستگیر و زندانی می شود، او درسال ۴۳ میلادی که رومیان دست به تهاجم زده بودند تا به حال نبرد می کرد و پس از دستگیری به زندانی در لودلاو (Ludlow) منتقل می شود. او فکر می کرد که با کارتی ماندوآ (Cartimandua) ملکه یورکشایربریگانت (Yurkshire Brigantes) به طور مخفیانه و خارج ازدید دشمن از زندان فرارکند، بیشتر خانواده کاراکتاکوس درزندان هستند.

ایتالیا ۵۲

برحسب دستور کلودیوس، دریاچه فوچینو(Fucino) درمرکز سرزمین ایتالیا را خشکاندند. این زمین ها را برای احیا و آباد کردن خشک کردند تا جهت زراعت آماده شود واهالی اطراف آن از گرسنگی درامان بمانند.

یونان ۵۲

پل (Paul) از اهالی تارسوس (Tarsus) واقع در کورینت (Corinth) به فکر تدوین انجیلی برای استفاده یونانی ها افتاد.

ارمنستان ۵۳

درکشمکش های بین ایران و روم بلاش پادشاه اشکانی، برادر خود تیرداد را به پادشاهی ارمنستان منصوب کردو بدین ترتیب سلطنت اشکانی ارمنستان را بنیان نهاد.

روم ۵۳

نرون با اوکتاویا ناخواهری خود ودختر کلودیوس ومسالینا، ازدواج کرد.

روم ۱۳ اکتبر ۵۴

پس ازکشته شدن آگری پینا، کلودیوس، با جانشینی پسر او نرون موافقت کرد. کلودیوس بیشتر مایل به نرون بود و میل نداشت که بریتا نیکوس (Britannicus) فرزند مسالینا جانشین او شود.

روم ۵۵

بریتانیکوس پسر کلودیوس با سمی که نرون (Nero) به او خورانید مرد.

چین ۵۷

سفیری از سرزمین پادشاهی نو (Nu) یکی ازمناطق وا (Wa) (ژاپن) به لویانگ (Loyang) پایتخت امپراتوری سلسله هان در چین آمد. او به هنگام برگشت، نشان تأیید کشور خودرا به نام امپراتور چین هان با کمال احترام تقدیم امپراتور کرد.

چین ۵۷

گوآنگ وودی (Guang Wudi) امپراتور چین درگذشت و سلطنت را به مینگ دی (Mingdi) واگذاشت.

یونان ۵۸

پل که اصلاً از اهالی کورینت بود، درهنگام دیدار از روم، به فکر نوشتن رساله یی درباره ی روم افتاد.

ارمنستان ۵۸

کوربولو (Corbulo) فرمانده ارتش روم در سوریه، با هجوم موفقیت آمیز خود به ارمنستان، این کشور را به یکی از تحت الحمایگان روم درآورد.

اشکانی وکشته شدن مهرداد (Mithridate) دوم، پادشاه اشکانی ایران، گردید.

بزرگ ترین حمله ی اسکیت ها در ۷۰ سال پیش و درزمانی که امپراتوری هان (Han) از هجوم گروه های هون (Hun) به چین باساختن دیوار بزرگ از حملات آنان جلوگیری کردند، شروع شد. هون ها فشار خود را به غرب و اقوام چادر نشین یوئه چی تشدید کردند و برآنها تاختند. چون یوئه چی ها،قادر به مقابله با اسکیت ها نبودند، خود به آنان پیوستند و به سوی غرب یورش برده و از رود اکسوس (Oxus) (سیحون یا سیردریا) گذشته و به گسترش سرزمین های تحت سلطه ی خود افزودند. آنها مدت چهل سال دراین ناحیه باقی ماندند و درآن حال با فشار یوئه چی ها، از جنوب به سرزمین پارت (اشکانی) تاختند.

دراین حملات دو تن ازپادشاهان اشکانی، به نام های فرهاد دوم و اردوان یکم، کشته شدند و با مرگ مهرداد دوم در درگیری با آنها، دیگر نیرویی برای جلوگیری از اسکیت ها وجود ندارد واین قوم بیابانگرد تاخت وتاز خودرا به دره ی سند (Indus) آغاز کرده اند.

سنای روم، مرکز اقتدار جمهوری معرفی می شود. (روم، ۸۵ پ.م):

مجلس سنای روم، کانون قدرت دریاالات کرانه ی دریای مدیترانه شده وتصمیمات آن برای زنان ومردان و بچه هایی که تابعیت رومی داشته باشند، قابل اجراست، کنترل سیاست خارجی وتعهدات خارج از کشور، نظارت بر ارتش وعملیات جنگی، ثبات در سرزمین های فتح شده و ایجاد امنیت وهم چنین تنظیم قراردادها و پیمان ها ونیز امور خزانه ی دولت، برعهده ی سناست. درمورد سیاست داخلی وبومی، تضمین امنیت وثابت نگاهداشتن مقیاس و اندازه ها ازاختیارات سنا محسوب می شود. مردان قانونگزار سنا چه کسانی باید باشند؟ این افراد معمولاً درحال یا در گذشته، ریاست بخشی از ادارات کشوری را برعهده داشته و از طبقه ی نجبا واشراف باشند. سنا درآغاز یکصدنفر عضو داشت که دراین اواخر تعداد آنان به سیصد نفر رسیده است. سناتورها لباس توگا(Toga) (قبای بلند وبدون آستین) می پوشند و کفش های مخصوصی به پا می کنند.

جایگاه آنان درجشن های مذهبی ونمایشات وسایر میهمانی ها ومراسم، محفوظ است. آنها پُست ومقام خود را پیوسته تا هنگام مرگ از دست نمی دهند وهمواره شهروند رومی به حساب می آیند.

این جریان وضعیت اولیگارشی (حکومت چند نفر بریک ملت) کاملاً آشکار است، چون قوانین به وسیله ی چند نفر تدوین و به وسیله ی همین واضعان قانون، اجرا می شود. سنا باید درمقابل تریبون که حافظ منافع عمومی است، پاسخگو باشد که در دویست سال گذشته مرسوم بوده است. هم چنین باید از وضعیت وشخصیت ۸۰ نفر اعضایی که هرسال تجدید انتخاب می شوند، آگاهی داشته باشد و نیز از قدرت ارتش و چگونگی کاربرد آن در فتوحات جنگی با خبر باشد. سخنرانی نمایندگان سنا محدودیت ندارد، آنان می توانند هر تصمیمی را که به سود ملت است، اتخاذ کنند و درهای مجلس هم باید برای عموم باز باشد.

اسپارتاکوس (Spartacus)، رهبری یکصد هزار نفر برده ی انقلابی را برعهده دارد. (روم، ۷۱ پ.م):

امروز درجاده‌ی آپیان(Appian)، تعداد شش‌هزار برده‌ی مرد را که برای کسب ازادی برعلیه روم اقدام کرده بودند، با وضع وحشتناکی به دار آویخته بودند، درحالی که آنان به تدریج جان از کف می دادند و درحال جان کندن بودند. این انقلاب بردگان به کلی با سایر جنگ ها و شورش ها تفاوت دارد، زیرا رهبری آن را فردی برگزیده از طبقه‌ی پست جامعه به نام اسپارتاکوس از اهالی تراس (Thracian) که مدرسه‌ی گلادیاتوری (Gladiator) در شهر کاپوآ (Capua) را تمام کرده، عهده‌دار است. وی دو سال پیش، با ده تن از همراهانش که سرباز بودند، لیکن جزو لشگریان محسوب نمی‌شدند، فرار کردند و دردهانه‌ی کوه وزویوس (Vesuvius) که آتشفشانی خاموش بود، پنهان شدند. او به زودی از افراد وبردگان فراری لشگری تهیه کرد و به فتوحات کوچکی برعلیه نیروهای دولتی ومحلی دست یافت.

اسپارتاکوس باافراد خود توانست بر کامپانیا (Campania) ولوکانیا(Lucania) غلبه کند وشهر روم را مورد تهدید قرار داد. درحقیقت اسپارتاکوس درنظر داشت به تمام ناحیه ی آلپ دست یابد، لیکن آلمان ها و گل ها او را تحت فشار قرار دادند که شهرهای ایتالیا را دستخوش نهب و غارت کند.

او با هفتادهزار نیروی خود، سپاه روم را شکست داده و اینک توانسته بود از زندگی مخفیانه ی خود خارج شود. وی نمی توانست به راهزنی خود ادامه دهد، درحالی که دولشگر رومی که یکی از آنها درساحل جنوبی ایتالیا از راه تراس دردریا در راه او دام گسترده بودند. دراین حال اسپارتاکوس با دو لشگر مواجه بود. دراین جا لشگریان اسپارتاکوس دراثر شش فقره نبردی که به فرماندهی کراسوس (Crassus) درگرفته بود، به سه قسمت تقسیم شده بودند، کراسوس تجربه ی نبردهای زیادی داشت. دراین نبردها، اسپارتاکوس مانند گلادیاتورها جان باخت و لاشه ی لشگریان وی در جاده ی آپیان درحال گندیدن است.

وضعیت انحصاری شدن چین مورد بحث قرار می گیرد. (چین، ۸۱ پ.م):

امروزه بحث داغ وعمیقی بین روشنفکران و سیاستمداران وسایر اقشار اجتماعی برحسب دستور دولت مرکزی درگرفته است. درطی دستوری که به صورت کتابی با تیتر (نمک وآهن) ودر زیر این عنوان و به صورت پنهانی مباحث دیگری هم به میان آمده است که چه روشی برای حمایت و پشتیبانی از حکومت مرکزی باید در پیش گرفته شود تا قدرت حفظ شود و چگونه اصلاحاتی صورت گیرد.

برابر دستوری که مرکز با بحث ومذاکره برای تولید و ازدیاد این دو محصول وبهره برداری بهینه از معادن نمک و استخراج وصنعت آهن صادر شده، می بایستی سیاستمداران و روشنفکران نقاط ضعف را در نظر گرفته و ناراحتی و رنج و شکنجه ی مردم را درپیگیری از قوانین به دست آورند. در این سلسله مذاکرات، باید معلوم شود که اصالت این اعمال صحیح است و راه اصلاح آنها چیست، آیا مردم از این طرز برخوردی که کارمندان رسمی حکومت با آنها دارند، راضی هستند یاخیر. آیا مأموران با مردم با خشونت رفتار می کنند و درکارها، دولت پشتیبان مأموران هست ویا این که رفتار وبرخورد آنها سبب جری شدن وتنفر از دستگاه می شود وآیا این چنین حالاتی نوع پرستانه وانسانی است. درهر صورت،

روم ۵۹

نرون مادر خود آگری پینای دوم را با خوراندن سم کشت، آگری پینا نیز شوهرخود، کلودیوس را به این وسیله کشته بود.

ارمنستان ۶۰

ژنرال رومی کوربولو با حمله به ارمنستان، تیرداد برادر بلاش پادشاه اشکانی را از این کشور راند وبه جای او تیگران پنجم را که پدر این سرزمین نامیده می شد قرارداد و ارمنستان را سرزمین آگوستان (Augustan) نام نهاد.

روم ۶۲

با مرگ بوروس (Burrus) رئیس محافظان حکومت روم ومعاون وی سنکا (Seneca) که تأثیری بسزا درنگهداری شهر داشتند، نرون امپراتور روم اوکتاویا همسر خود را طلاق داده و تحت نظر ارتش به کامپانیا (Campania) فرستاد. وی سپس با معشوقه خود پوپیا (Poppaea) که قبلاً همسر دوستش اوتو (Otho) بود ازدواج کرد و اوکتاویا را به پانداتریا (Pandateria) تبعید کردو در روزنهم ژوئن او را به هلاکت رسانید.

ارمنستان ۶۳

با توافق دولت روم، پادشاهی ارمنستان به تیرداد اشکانی برگشت. پس از ۶سال درگیری که ارمنستان به وسیله کوربولو به روم منضم شده بود، با پیمان صلح راندیا (Rhandeia) به جنگ درآن منطقه پایان داده شد.

روم ۶۴

نرون با اتهام شروع آتش سوزی روم به وسیله مسیحیان و توسعه حریق، تعداد زیادی از آنها را به هلاکت رسانید. پیتر که یک نفر ماهیگیر یهودی بود ودر سلک هواخواهان مسیح درآمده بود و کارش چوپانی بود، به صلیب کشیده شد.

روم ۶۴

پل از اهالی تارسوس که دوسال از عمرش را درزندانی در روم گذرانده بود، دراثر شکنجه وزجر یهودیان به هلاکت رسید.

روم ۶۵

براثر توطئه یی که نسبت به جان نرون کشف شد، نرون درحمایت گایوس کالپورنیوس پیزو (Gaius Calpurnius Piso) درآمد. پترونیوس (Petronius) نویسنده سنکا، لوکان (Lucan) وفرد دیگری به نام تراسه (Thrasea) فیلسوف رواقی به اتهام شرکت درتوطئه بازداشت و دراثرفشار دست به خودکشی زدند.

روم ۶۵

همسرآبستن نرون پوپیا دراثر ضربه لگد نرون به هلاکت رسید.

روم ۶۶

نرون تاج سلطنتی ارمنستان را به تیرداد (Tirdartes) اشکانی تسلیم کرد.

یهودیه ۶۷

یهودیان علیه دولت روم دست به شورش زدند، کنسول پیشین رومی به نام وسپاسیان (Vespasian) که درجنگ برضد بریتانیا شرکت کرده بود، برحسب وظیفه این شورش را سرکوب کرد.

بایستی قضاوت درست مردم را بررسی کرد ودراین جلسات بحث و فحص راه مصالحه و آشتی را با مردم باز کرد وخوش بینی آنان را درباره ی حکومت به دست آورد.

سولا پادشاهی با حکومت وحشت (روم، ۸۲ پ.م):

لوسیوس کورنلیوس سولا (Lucius Cornelius Sulla) یکی از کنسول های روم، برای انتقام و تلافی از دشمنان خود، ادامه ی جنگ را رها کرده وبه روم برمی گردد، وی از دولت سلب مسئولیت کرده وزمام امور را به دست خود گرفته و به روش و نظر خویش آن را اداره می کند. وی در نبرد کالین (Colline)، مدت ها درپای حصار ودروازه ی شهر متوقف شده و چون از تسخیر آن مأیوس و نا امید می گردد، سپاهیان خود را پراکنده و دشمن را رها کرده و به روم باز می گردد و خود مانند پادشاهی در رأس کشور قرار گرفته وحکومتی توأم با خودمحوری وترس وبیم تشکیل می دهد و ارباب و فرمانده ی سرزمین ها می گردد.

سولا دشمنان حقیقی و غیرحقیقی خویش را به قتل رسانده و زمام امور سیاسی و توزیع کالا را در دست می گیرد، در ضمن عده یی از سپاهیان کهنه کار و قدیمی به دور او جمع شده و از وی حمایت می کنند. اینک دست به اصلاحاتی به سبک خویش می زند. در حالی که وی زمام امور مملکت را در دست دارد و سیاست خویش را به شدت اعمال می کند، سنا به ضعف و فتور دچار شده وجلسات قومی و محلی لغو می گردد. اکنون دیگر رقیبی به جز گایوس ماریوس درمقابل او نیست وقدرت کنسولی وسنا از بین رفته است.

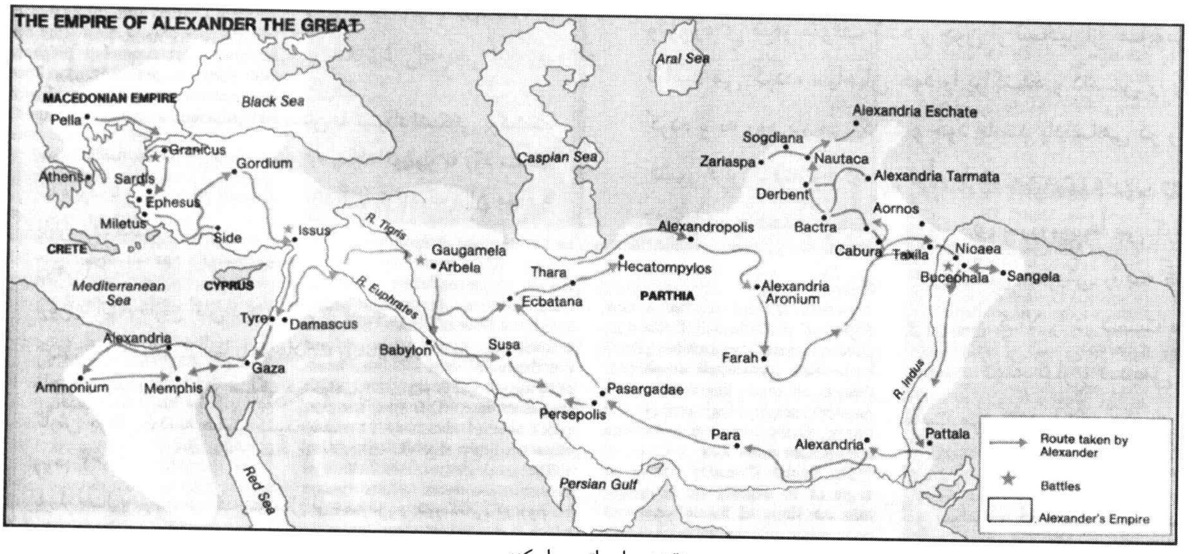
سولا آسیارا تیول وملک شخصی خود تصور می کند، لیکن دو عامل عمده در مقابل او قد علم کرده اند، یکی مهرداد چهارم، پادشاه اشکانی است و دیگری شخص ماریوس که برخلاف سولا، فردی متواضع و فروتن است و در خانواده یی از طبقه ی بالای اجتماعی متولد شده و برعکس سولا، پای بند قوانین و مقررات اجتماعی است و سخت آن را رعایت می کند و از دیکتاتوری ابراز انزجار می کند، وی حکومت را بر پایه ی قانون می خواهد و سولا را عامل ایجاد وحشت در روم می داند. به هر حال آخرین



آخرین تصویر اسکندر در زمان پادشاهی.

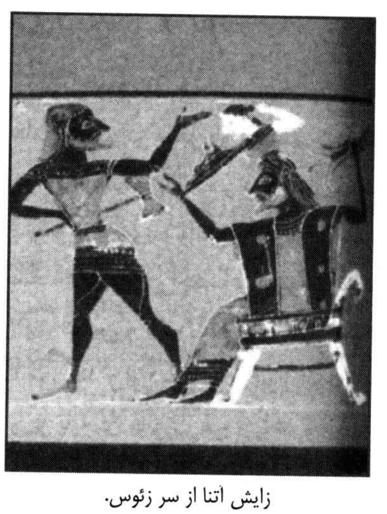


یک سالن تئاتر عظیم در اپیدوروس (Epidauros) که موجب افتخار یونانیان است.



نقشه‌ی امپراتوری اسکندر.





زایش آتنا از سر زئوس.

یونان ۶۷
درزمان گردش یک گروه ساختمانی، صنعتی ازیونان، نرون دستورداد کانالی دردماغه کورینت ساخته شود. او سپس دستور قتل کوربولو (Corbulo) را داد. کوربولو ژنرال رومی درسال ۵۸ میلادی توانسته بود، ارمنستان را پس بگیرد. وی با دو نماینده سابق آلمان اعدام شدند.

گل اسپانیا ۶۸
ویندکس (Vindex) حکمران ناحیه گالی (Gallia) ولوگدو ننسیس (Lugdunensis) (ناحیه لیون درگل) به اتفاق یک افسر بسیار ورزیده و جنگجو به نام گالبا (Galba) که او هم فرماندار بخش شرقی کرانه اسپانیا بود، علیه نرون قیام کردند. ویندکس شکست خورد، لیکن گالبا به پشتیبانی اوتو (Otho) فرماندار لوزیتانیا (Lusitania) واقع درشرق اسپانیا به جنگ ادامه دادند.

روم ۹ ژوئن ۶۸
براثر لیاقت گارد ویژه امپراتوری ورأی سنا مبنی بر عدم شایستگی، نرون خودکشی کرد.

روم اکتبر ۶۸
سرویوس سالپیسیوس گالبا (Servius Salpicius Galba) به عنوان سفیر سنا و نماینده مردم روم و برحسب دعوت ویندکس حکمران ناحیه گالیا لوگدوننسیس (Gallia Lugdunensis) که علیه نرون طغیان کرده بود، به جانشینی امپراتور نرون با پشتیبانی اوتو فرماندار لوزیتانیا در اسپانیای غربی به روم وارد شد.

آلمان ۳ ژانویه ۶۹
لژیون رومی ناحیه راین آلمان نسبت به گالبا اعلام وفاداری کرد و ائولوس ویتلیوس (Aulus Vitellius) به عنوان نماینده آنان گالبا را به سمت امپراتوری معرفی کردند.

روم ۱۵ ژانویه ۶۹
با فروکش کردن شورش لژیون رومی درآلمان، گارد ویژه، امپراتور گالبا را برکنار وبه هلاکت رساندند. آنان اوتو (Otho) را جهت احراز مقام امپراتوری پیشنهاد کردند.

یهودیه ۶۹
پس از تصرف دژهای نظامی به نام کومران (Qumran) درناحیه اسنس (Essenes) و جریکو (Jerico) درسال پیش توسط یهودیان، وسپاسیان (Vespasian)، فرماندار ناحیه شورش یهودیان را سرکوب و اورشلیم را تصرف کرد.

ایتالیا ۱۶ آوریل ۶۹
با شکست گروه های نظامی ویتلیوس (Vitellius) در بدریاکوم (Bedriacum) اوتو اقدام به خودکشی کرد.

مصر اول ژوئیه ۶۹
دراسکندریه، وسپاسیان فرمانده ارتش شرق وپسر کوچک وی که مأمور جمع آوری مالیات ایتالیا درشهرداری ریت (Reate) بود به عنوان امپراتور مورد استقبال وتکریم قرار گرفت، و لژیون مصری تحت امر اسکندر تیبریوس مقدم او را گرامی داشتند.

عامل موفقیت را که زور است، سولا در مشت خود دارد، وی سپاهیان خود را به روم آورده و هر صدای مخالفی را خفه کرده و جنبه ی تقدس به اعمال خویش می دهد و به کسی قدرت تخطی از آن مرز را نمی دهد.

خانه های شهری به سبک نوین و امروزی در می آیند.(روم، ۷۰ پ.م):

هم چنان که جمهوری روم بهای شورش خود را پرداخت وبه مجازات رسید، همان طور هم فاصله ی بین فقرا و اعیان بیشتر وعمیق تر شد وثروتمندان برای خودنمایی وتظاهر، شکل معماری خانه را تغییر دادند، که این تغییرات درتمام نقاط ایتالیا مشهود بود. این تغییر شکل، بیشتر به وسعت خانه ها افزود وثروتمندان از روم تا ناپل به وضع زندگی خویش تحول بخشیدند.

تا این اواخر، اهالی این شهر حالت اعتدالی درمعماری به کار می بردند که این امر درتمام زندگی آنها مشهود بودو جنبه ی قناعت وصرفه جویی داشت.

ساکنان اولیه ی روم، درکلبه های چوبی زندگی می کردند که برای پوشش آن کاهگل مصرف می شد، با شکست اتروسک ها و پیروزی روم، شیوه ی معماری اتروسک در بنای خانه ها شکل گرفت و این شیوه مورد قبول آنان واقع شد.

معماری اتروسک ها خیلی ساده وعبارت از یک ساختمان چهارگوش که شامل یک دهلیز و دالان بود، که به اتاق اصلی خانه می رسید و به آن آتریوم (Atrium) می گفتند، در وسط این اتاق بزرگ ودرمیان سقف،سوراخی وجود داشت که محل خروج دود و بوی غذا بود و به نور خارج، اجازه ی ورود می داد و از تاریکی اتاق می کاست، درضمن آب باران از این سوراخ درمخزنی جمع شده وبه مصرف می رسید.

این آتریوم یا اتاق بزرگ خانه، محل تجمع خانواده، آشپزخانه، غذاخوری وجای زندگی بود. مبلمان و وسایل خانه بسیار محدود بود. دراین مکان، یک اجاق آشپزی ونیز دو ستون برای نشستن وهم چنین محرابی برای پرستش خدایان خانواده بود، این آتریوم یک درداشت که به اتاق خواب عمومی ختم می شد. خانه های جدید، بسیار عالی وخیلی شیک تر و شکیل تر از سبک آتروسک ها بنا می

شود و سادگی سابق را ازدست داده، تعداد اتاق ها چند برابر شده،یک انبار وسیع برای نگهداری لوازم زندگی دارد و درآن محلی برای استحمام وفشردن انگور ودرست کردن شراب وجود دارد، آشپزخانه درمکانی جداگانه قرار دارد واتاق هایی هم اضافه بر آن برای زندگانی نوکران ومستخدمان منزل درنظر گرفته شده است. ساختمان خانه دارای ستون های بلند وجالب است وعلاوه برآن،درحیاط هرخانه باغچه ی زیبایی هم درست شده است.

ثروتمندان وخودنمایان علاوه بر تمام این ها، درمدخل حیاط خانه وزیر سقف ورودی، ستون های زیبایی تعبیه کرده اند ونیز اتاق بزرگی برای محل کار، اتاق های متعدد غذاخوری، بهارخواب و حتی کتابخانه دارند و برخی حتی منازلی با بیش از ۶۰ اتاق دارند که نشانه ی ثروت و دارایی رومیان است.

پمپی (Pompey) جوان، ستاره یی که از روم درخشید. (روم، ۷۰ پ.م):

پمپی که به کنسولی انتخاب شده، یکی از دو کنسول های بزرگ روم می باشد. این شخص ۳۶ ساله است وخیلی سریع از پلکان قدرت بالا رفته وهنوز واجد سن قانونی برای کنسول شدن نیست و پیش از این هم، کسی در این سن به این مقام نرسیده است. او این مقام را نه تنها مرهون ارتباط خانوادگی است زیرا پدر او در ده سال قبل به کنسولی رسیده است، بلکه وی درهنگام جنگ که فرماندهی سه لشگر را برعهده داشت، دلیری وشجاعت خود را نشان داد، واین دلاوری را از پدر خود به ارث برده است.

وی درراه به قدرت رسیدن سولا ودیکتاتوری او خیلی مجاهدت کرد و سولا هم درسال ۸۱ هنگام ورود او به روم، به وی لقب کبیر اعطا کرد.

در چهارسال گذشته، پمپی برای برانداختن رقبا و حریفان سولا، سعی فراوان مبذول داشت،لشگریان لی پیدوس (LePidus) را پراکنده کرد و سرتوریوس (Sertorius) رقیب دیگر وی را که دراسپانیا بود، از میدان به در برد، او درحالی به روم وارد شد که تمام شورشیان پیرو اسپارتاکوس را محو کرده وشش هزار برده را درجاده ی آپیان که به روم ختم می شد، بردارآویزان کرده بود.

پمپی از سیاستی پیروی می کرد که ناشناخته بود. وی همراه کراسوس، کنسول دیگر روم، از سولا پشتیبانی می کردند وتصورآنها براین بود که این سیاست به سود اقتصاد و تجارت مردم خواهدبود و ثروت بسیاری برای حکومت تولید می کند، درحالی که پمپی وکراسوس هر دو مردان جاه طلبی بودند و بین آنها حسادت شدیدی حکمفرما بود وهرکدام برای رسیدن به امپراتوری تلاش می کردند.

سیسرو (Circero) توطئه گران را رسوا می کند. (روم، پنجم دسامبر ۶۳ پ.م):

سیسرو از طرح توطئه،جهت رسیدن به قدرت پرده برمی دارد. برخلاف میانه روی واعتدال ژولیوس سزار(– Julius Caesar) سنا پنج نفر از توطئه گران را به اعدام محکوم کرد که فوراً اعدام شدند. این جریان از روز ۲۱ اکتبر وزمانی که سیسرو درسنا اعلام کرد که توطئه یی به وسیله ی کاتیلین (Catiline) درحال انجام است،آغاز شد،کاتیلین فرماندار رومی درافریقا بود که تلاش بسیاری درجهت کسب مقام کنسولی انجام داده بود و پس از کشف این امر از مقام خود برکنار شد.

سیسرو که درنطق وخطابه مشهور بود ومهارت بسیاری درفن سخنوری داشت، در دوهفته قبل از آن این جریان را درسنا برملا کرد، درحالی که نقشه این توطئه را از زبان معشوقه ی کاتیلین شنیده بود، این خطابه که به سخنرانی او برعلیه کاتیلین معروف شد، به شهرت بیشتر وی انجامید و کاتیلین هم به اتروریا فرارکرد، جایی که به سربازان برای اختفای او رشوه داده بود. درروز دوم هم سیسرو به سخنرانی خود برعلیه کاتیلین ادامه داد ونشانی مخفیگاه وی را هم داد.

سیسرو گفت که چه حادثه یی اتفاق افتاده و در ضمن افراد توطئه گر رانام برد. وی اظهار داشت که کاتیلین در پستویی پنهان شده و افرادی شبانه روز در آنجا پاسدار حفظ جان او هستند و کارکنانی هم در آنجا، کارهای وی را انجام می دهند، در حالی که در بین افراد، تعدادی قمارباز و زناکار و کثیف وجود دارند. با وجود این، سیسرو هنوز مدرک کافی برای بازداشت این افراد نداشت و آن ها هنوز به انجام دسیسه های خود در روم مشغول بودند.

بالکان اوت ۶۹

گایوس موسیانوس (Gaius Mucianus) حکمران سوریه، نیروی نظامی تحت امر خود را به سراسر منطقه آسیای صغیر جهت پشتیبانی وسپاسیان وجانبداری از وی برای احراز مقام امپراتوری اعزام کرده و حکومت مرکزی روم را تهدید کرد.

ایتالیا سپتامبر ۶۹

آنتونیوس پریموس (Antonius Primus) فرمانده لژیون پانونیا با اعلام وفاداری نسبت به وسپاسیان، بخش هایی از عقب رود دانوب را تصرف و به ایتالیا یورش برد.

ایتالیا اکتبر ۶۹

نیروهای آنتونیوس پریموس شکست سختی را برقوای نظامی ویتلیوس درکرمونا (Cremona) وارد آوردند.

روم ۲۰ دسامبر ۶۹

نیروهای حامی وسپاسیان وارد شهر روم شده و ویتلیوس را با زور درخیابان های شهر کشانده و با زجر وشکنجه او را کشتند.

روم ۲۱ دسامبر ۶۹

وسپاسیان وارد روم شد و سنا او را به عنوان امپراتور پذیرفت.

شرق افریقا ۷۰ میلادی

ساخت ظروف و لوازم سفالین وآلات و ادوات آهنین که از مدتی پیش درقاره افریقا مورد استفاده قرار گرفته بود، امروزه به دورترین بخش جنوبی افریقا دردهانه رود لیمپوپو (Limpopo) در موزامبیک (Mozambique) وقسمت جنوبی ماپوتو (Maputo) راه یافته است. طرز ساخت این گونه سفال ها از مالاوی (Malawi) شرق تانزانیا و کنیا به آن منطقه راه یافته است.

یهودیه ۷ سپتامبر ۷۰

با اعلام امپراتوری وسپاسیان، نیروهای تحت امر تیتوس (Titus) پسروسپاسیان که درسال گذشته، اورشلیم را تسخیر کردند به امپراتوری روم منضم ساختند.

آلمان ۷۰

گایوس ژولیوس سیویلیس (Gaius Julius Civillis) از اهالی باتاویا (Batavia) همراه با قبایل تحت فرمان وی دست به شورش بزرگی برضد حکومت روم زدند، که با شکست قطعی روبه رو شدند. این جنگ به بهانه حمایت از وسپاسیان والحاق به طوایف گالی شروع شد وشباهت تامی به پیکار تره وری (Treveri) ولینگونز (Lingones) داشت.

خاور نزدیک ۷۰

وسپاسیان اقدام به تقویت مرز بین ارمنستان و دولت اشکانی کرد. وی استحکاماتی در کرانه فوقانی رودفرات بنا کرد و کاپادوکیه (Cappabocia) را به حکومت پادشاهی گالاتیا منظم ساخت و چندین شاهزاده نشین کوچک دربخش های آسیایی و سوریه ایجاد کرد.

آنها اشتباه بزرگی هم مرتکب شدند وآن این که، تلاش کردند با قبایل گل تماس بگیرند و ازآنها یاری بخواهند، این جریان درآلوبورگس (Alloborges) انجام شد و خیانت آنها بدین وسیله محرز گردید و معلوم شد که دستان آنها آلوده به خون است. اینک آنها پاداش کیفر خود را درمی یابند ومرگ آنها بهایی است که می بایستی بپردازند.

سیسرو به خاطر دشمنی با کلودیوس (Clodius) تبعید می شود. (روم، ۵۸ پ.م):

سیسرو دراثر فشار کلودیوس،فرماندار روم، تبعید می شود. کلودیوس بدون این که نامی از سیسرو ببرد، گفت که گروهی دراثر تخاصم ودشمنی، عده یی از شهروندان رومی را قبل از آن که دردادگاه محکوم شوند، اعدام کرده اند. این جریان دراثردشمنی قبلی با کاتیلین وهمکاران او بوده وهدف آن ها از بین بردن حریف و به دست آوردن قدرت بوده و مربوط به سال ۶۳ پ.م است و سنا هم به آن صحه گذارده است.

این موضوع، خیلی هم ساده نیست و بر اثر خصومت قبلی بوده است. سیسرو، کلودیوس را به جهت این که به مقدسات توهین کرده و با لباس زنانه در مجلس جشن زنانه بونادئا (Bona Dea) که در منزل ژولیوس سزار تشکیل شده بود، شرکت کرد، متهم ساخت. سیسرو ازمحل جرم می گریزد، کلودیوس هم از اتهامات تبرئه می شود، ولی هنوز متهم از سیسرو بیزاری می جوید، اینک که سیسرو درتبعید است،خانه ی او را غارت کرده و آن را دستخوش حریق می نمایند ومحل آن را ویران می سازند، بدین ترتیب دیگر او قادرنیست که جزو کنسول های سه گانه روم درآید و سه نفر، ژولیوس سزار، پمپی وکراسوس به این مقام رسیده اند، درحالی که سیسرو نباید به ۶۰۰ کیلومتری شهر روم هم بیاید.

حمله ی ناشایست وآزارنده به خطیب (روم، ۵۸ پ.م):

هنر وفن سخنوری، نیاز به قریحه و استعداد طبیعی و غریزی دارد، حال این پرسش پیش می آید که آیا بزرگترین و فصیح ترین فرد رومی که حقوقدان وخطیب برجسته یی

می باشد، درخور چنین اتهاماتی که به او وارد می شود، هست یاخیر وآیا افراد دیگری هستند که گوی سبقت را دراین فن از وی بربایند، بحث وفحص جلسات کمیته های روم، پاسخ به این سؤال است.

دراین اواخر، سه جزوه ی بحث وگفتگو درفن فصاحت از سیسرو منتشر شد که سیسرو درآن به شرح حملاتی که به او وارد شده، پرداخته ونوشته است که چگونه به فرد تهیدست و ضعیفی چنین حمله هایی وارد شده وآیا این اعمال ورفتار درباره ی یک فرد پیشرو سخنوری شایسته است و چگونه افرادی که درآکادمی تحصیل کرده اند، این چنین عمل می کنند.

وی می گوید اساس وپایه ی خطابه، بلاغت و فراگیری علوم حقوق، تاریخ و فن خطابه است که مردان دانشمند و تحصیل کرده از عهده ی آن برمی آیند. این دانش ها، همه بر پایه ی فلسفه بنا شده وشخص سخنور باید فیلسوفی عالی مقام باشد و مهارت دراین علوم نیاز به سالها تجربه و فراگیری دارد.

لفاظی و سخنوری، نیاز به پنج عنصر دارد که عبارتند از: ابداع، نظم و ترتیب، حافظه و نیروی فکری، شیوه ی سخنوری نیاز به اقدام وعمل دارد که بایستی همراه با حرکات واشارات با دست وتغییر قیافه ی خطیب باشد. سیسرو درحال سخنرانی، حرکاتش توأم با تغییر شکل و قیافه وخم وراست شدن و حالات عالمانه و ادیبانه بود. او درسخنان خود سه هدف داشت، یکی تصریح وتأکید بر بعضی نکات برای اثبات موضوع و جنبش وتحریک احساسات شنونده وحس سپاسگزاری آنان از گوینده بود که درآن موفق بود.

شهوت قدرت پرستی کنسول های سه نفری روم را به هم نزدیک می کند. (روم، ۶۰ پ.م):

ژولیوس سزار (Julius Caesar) پس از یک سال فرمانداری توأم با موفقیت، با دگرگون ساختن وضعیت دولت وحالت کودتا به روم باز می گردد، وی برای دردست داشتن فرماندهی نیروهای مسلح با پمپی وکراسوس، ثروتمندترین مردم روم که یکی از دیگر از کنسول های رومی است، ائتلاف می کند و این سه نفر تمام مواضع قدرت وامکانات کشور را به دست می گیرند، آنها با این موقعیت، سنای روم را تضعیف کرده وحق قانون گزاری را هم به خود تخصیص می دهند و در حقیقت سنا آلت فعل و بازیچه یی در برابر آنان می شود.

به نظر می رسد سزار جاه طلب، مرد سال است. در هنگامی که پمپی سرگرم پیکار درشرق بود، سزار خود را فردی مردمی ودرخدمت مردم نشان داد وبا این اهداف خود را قدرتمند معرفی کرده و سنای روم را تخریب کرد وآن را زیر نفوذ خود قرار داد. او درنقش دوستی صمیمی با پمپی وتایید سنا دراین که پمپی را سرداری فاتح معرفی کرده بود و بخشودگی سربازان فراری،هر چه بیشتر خود را به او نزدیک کرد. دوستی سزار با پمپی مورد تحسین قرار گرفت و اتحاد سه گانه ی آنها با تحریک کراسوس طماع و آزمند، جاه طلبی کراسوس را تشدید کرد واو به عنوان فردی اشرافی، خود را برتر از دیگران می پنداشت، سزار مبلغ ۸۳۰ تالانت از کراسوس قرض گرفته بود.

درمدت کوتاهی، بلند پروازی های هرسه نفر اوج گرفت وهمگان این موضوع را دریافتند. سزار می خواست شخص اول روم به حساب آید وسیاست ومشی او برای همه پذیرفته شود وایالت بزرگ و پر اهمیتی مانند گل، تحت نظر او اداره شود و در نتیجه در رأس ارتش قرارگیرد.

پمپی هم از سنا می خواست که او را به عنوان فاتح شرق بخوانند، چون در پیکار با مهرداد اشکانی توانسته بود سوریه را به متصرفات روم بیافزاید و پیشنهادات خود را جهت تصویب به سنا فرستاد و خود را کاردان و متخصص شرق قلمداد می کرد. دراین میان، کراسوس از سایرین عقب تر بود، وی به سنا پیشنهاد کرد که به او اجازه داده شود که مقدار یک دهم از مالیات هایی که جمع آوری می شود به او بدهند تا هزینه ی لشگریان او تأمین شود.

با این آرزو های پایان ناپذیر، هر سه نفر طالب قدرت بودند، سزار می خواست به تنهائی بیشترین اقتداررا داشته باشد ودرمغز خود راه رسیدن به آن را بررسی می کرد. آنها می بایستی توانایی خود رادر سیستم کنسول های سه گانه حفظ کنند. دراین جریان، کراسوس و پمپی، نسبت به یکدیگر حسادت می ورزیدند. آنها ده سال پیش این مقام را اشغال کرده بودند و به هر صورت نمی توانستند شرکای خوبی در اداره ی کشور باشند.



پیکره‌ی نیم‌تنه‌ی اسکندر در حال مرگ.



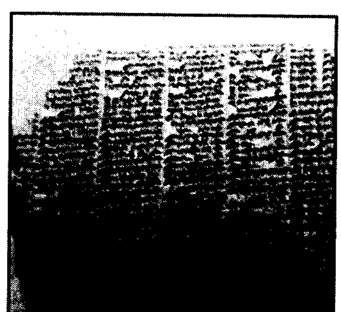
صحنه‌یی از نبرد یونانیان که بر روی سنگ نقر شده و احتمالا اسکندر هم در بین سربازان است.



یکی از خیابان‌های شهر اکروپولیس سلینیونت (Selinunte) که یونانی‌ها در جزیره‌ی سیسیل ساختند.



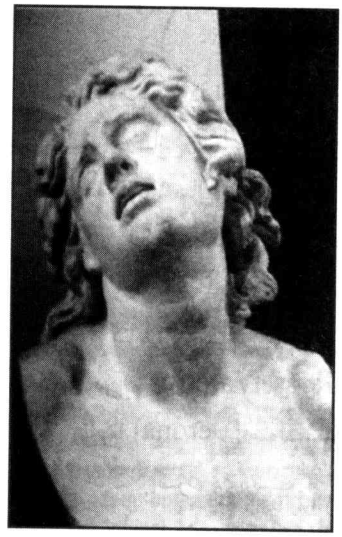
گذرگاه آپیان (Appian)، منطقه‌ی کاملا آزاد.



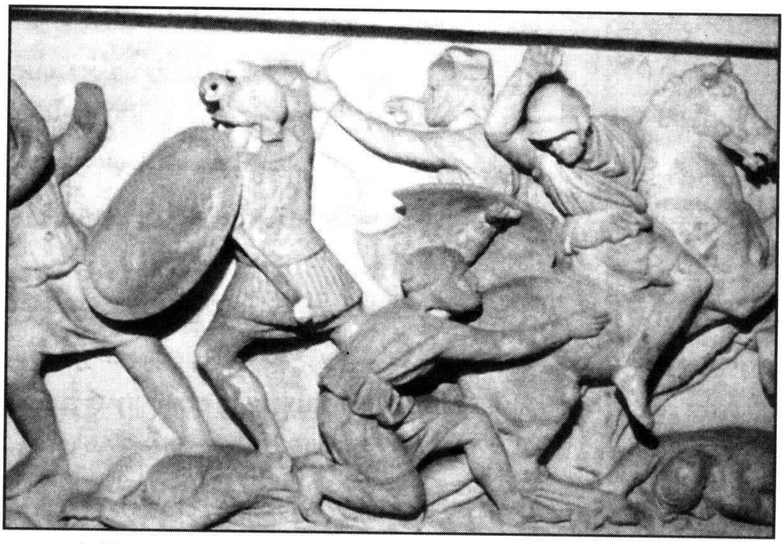
تقویم روزهای نحس و بدشگون و روزهای خوش‌یمن.



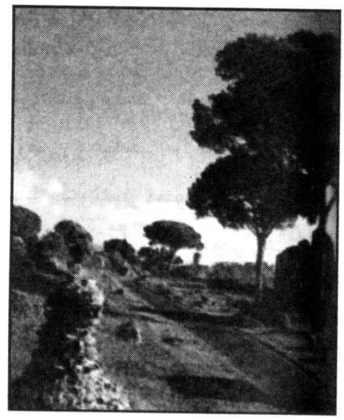
نقاشی دیواری از یک مسابقه‌ی اسب‌سواری در جنوب ایتالیا با سبک جدید.



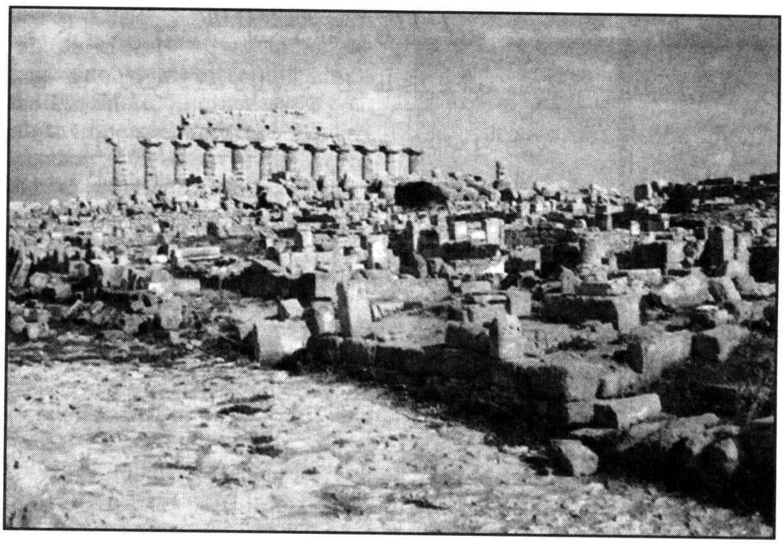
پیکره‌ی نیم‌تنه‌ی اسکندر در حال مرگ.



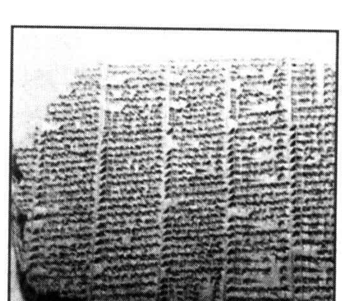
صحنه‌یی از نبرد یونانیان که بر روی سنگ نقر شده و احتمالا اسکندر هم در بین سربازان است.



یکی از خیابان‌های شهر اکروپولیس سلینیونت (Selinunte) که یونانی‌ها در جزیره‌ی سیسیل ساختند.



گذرگاه آپیان (Appian)، منطقه‌ی کاملا آزاد.



تقویم روزهای نحس و بدشگون و روزهای خوش‌یمن.



نقاشی دیواری از یک مسابقه‌ی اسب‌سواری در جنوب ایتالیا با سبک جدید.

عاشق جاه طلب باعث برانگیختن خشم ورسوایی درمنزل سزار شد. (روم، ۶۱ پ.م):

افتضاح و رسوایی بزرگی که سال پیش در خانه ی ژولیوس سزار ایجاد شد، هنوز سیاستمداران و قدرتمندان را قلقلک می دهد. این رسوایی در زمانی که جشن مذهبی بونادیا که ویژه ی زنان است، بر پا شدو انعکاس آن در اجتماع شهر مشاهده می شود. این جشنی است که برای تقدیس و بزرگ داشت بونادئا، مادر زمین،بر پا می شود و تنها منحصر به زنان است و حتی نام آن را در نزد مردان نباید برد.

این مراسم به عنوان الهه مادر که نقش ممتازی برای زنان شوهردار ایفامی کند، صورت می گیردو این الهه ناظر اعمال این زنان است وهمواره دوشیزگان تارک دنیا با این الهه همکاری می کنند، این آئین دراتاقی که با برگهای مو و انواع گل های تزئین شده، برپا و این گل ها تقدیم الهه مادر می شود. دراین صحنه، کلودیوس معروف، با لباس زنانه و گریم سعی داشت که به این جایگاه وارد شود و این در حالی بود که آئین مقدس اجرا می شد.

به محض ورود کلودیوس، پومپیا (Pompeia)، زن دوم سزار، او راشناخت و با غوغایی که درگرفت، کلودیوس با توهین از معرکه فرار کرد ولی به وسیله ی سیسرو تحت پیگرد قرارگرفت. او سپس با رشوه هایی که پرداخت، درجایگاه هیأت منصفه نشست.

درنامه یی که بعداً آتیکوس (Atticus) نوشت، کلودیوس را از اتهامات وارده تبرئه کرد. سیسرو هم تصریح کرد که شما را هرگز درکلوپ های شبانه درجه ی سوم ندیده اند. این ها تهمت هایی است که به سناتورها وارد شده و منظور ازآن، لکه دار کردن نام آنهاست و مأموران رسمی همواره در پی شکار افراد ورشکسته می باشند که خزانه ی کشور را از پرداخت های آنان پرکنند. درآخرین وهله، سزار برای گسترش قدرت خود ورهایی از این معرکه، پومپیا،زن دوم خود را طلاق داد، زیرا این زن او را بسیار مورد اذیت وآزار قرار داده وهرزه ونسبت به او ظنین وبدگمان بود. از سویی پومپیا با توهین به او می گفت که قدرت مردانگی ندارد و با سربازان خود روابط جنسی غیرمعمول دارد. زمانی کلودیوس دوست جدانشدنی سیسرو بود، لیکن پس از جریان دادگاه، این دوستی به صورت دشمنی وخصومت درآمد.

درشعر نو، عشق جایگاه روشن تری دارد. (روم، ۵۴ پ.م):

کاتالوس (Catullus) شاعر رومی،در ادبیات آن کشور جایگاه بلندی دارد، وی درشعر یونانی شاعرانی چون کالیماخوس (Callimachus) که در۲۰ سال پیش زندگی می کرد، تحول ایجاد کرد. کاتالوس حالت محافظه کارانه وجدی روش پیشین زاکنار می زند و سبک جدیدی درشعر به وجود می آورد که درآن اشاره و کنایه، به خوبی ملموس است. گایوس والریوس کاتالوس(Gaius Valerius Catullus) درسال ۸۷ پ.م دررونا (Verona) متولد شد و در ادبیات روم سبک نوینی ایجاد کرد، وی شعر ار از چهارچوب بسته وتنگ پیشین رها ساخت ودست شاعر رادر خلق افکار جدید بازگذاشت. او گرچه به کالیماخوس احترام می گذاشت و او را تحسین می کرد، لیکن جایگاه شعر را به اندازه یی بالا برد که توانست ترکیبی از چنگ نوازی،هجو ولطیفه، حالات ادبی، سرودهای مذهبی وقهرمانی ورزمی را درآن بگنجاند و اشعار رزمی وحماسی را هم چون هومر بسراید و جایگزین هومر گردد. از سویی چون زمینه و موضوع کمیاب بود، به اجبار از اشعار کالیماخوس هم تقلید وپیروی کرد، گرچه او ترکیبی از شعر یونانی وورمی را در سبک خودعیان ساخت، لیکن چون ریشه ی رومی داشت وهیجانات واحساسات رومی براو غلبه می کرد، این حالت را دراشعارش به خوبی می توان دریافت. اگر چه کاتالوس مردی با تجربه بود وتوانست جایگاه شعر را ترقی دهد، لیکن دوست داشت که درادب روم تکه هایی از لطایف وظرایف را بگنجاند و آن را از حالت خشکی بیرون آورده و درآن هجو مزاح را دخالت دهد، و بالاخره امکان آن را یافت که امور روزمره وزندگی عادی مردم را هم درشعر بیان کند، به این لحاظ به وی لقب شاعر نوپرداز داده شد.

چادرهای رومیان تبدیل به شهر می شود. (افریقای شمالی، ۵۵ پ.م):

درجنگ شمال افریقا که رومیان به پیروزی رسیدند و سخت ترین ناراحتی ها را به مردم آن ناحیه تحمیل کردند، اشیای بی ارزشی درمیدان جنگ صحرا باقی مانده بود، از جمله پایه ی ستون هایی بود که چادرها رابر روی آن

چین ۷۳
ژنرال بان چائو (Ban Chao) نیروهایی به بخش های غربی سرزمین چین برای گسترش وکنترل مناطق واحه یی و بیابانی اعزام کرد. این امر نشانه ی ارتقای حداکثر موفقیت ارتش چین در این اواخر است.

روم ۷۳
هلویدیوس پریسکوس (Helvidius Priscus) ناپسری تراسه (Thrasea) ورهبر رواقی (Stoic) از مخالفان امپراتوری روم به دستور وسپاسیان تبعید شد.

آلمان ۷۴
به دنبال پیشنهادی مبنی برکاهش دادن و برابر کردن سطح آب رودخانه راین و دانوب، رومیان دره نکار (Neckar) را تسخیر کردند.

اسپانیا ۷۴
وسپاسیان (Vespasian) تمام مردم روم و اصیل لاتینی را که ساکن شهرها و روستاهای روم بودند، دربرابر قانون یکسان وبرابر اعلام کرد. لیکن ارتقابه مقامات بالا را برای آنان ناممکن شمرد.

روم ۷۵
فلاویوس ژوزفوس (Flavius Josephus) تاریخ نگار یهودی و رزم آور، درشورش سال ۶۶ میلادی بر ضدروم، به کار نوشتن تاریخ افسانه یی یهود و نیز تاریخ پیکار یهودیان پرداخت. وی هم چنین مقالاتی راجع به ریشه قوم یهود از ابتدا تا کنون به نگارش درآورد.

روم ۷۵
وسپاسیان ساخت معبد صلح در روم را که از سال ۷۱ میلادی شروع شده بود به پایان رسانید. این معبد بخشی از برنامه ساختن بناهای باشکوه در روم محسوب می شود.

چین ۷۵
مینگ دی (Mingdi) امپراتور چین درگذشت و چانگ دی (Changdi) به جای او نشست . دراین حال ژنرال بان چائو (Ban chao) که حوزه رود تاریم (Tarim) و ناحیه واحه یی ساحل آن را درسال ۷۳ میلادی تصرف کرده بود، دست به طغیان علیه رژیم چانگ دی زد.

سوریه ۷۶
با موافقت وسپاسیان، یوحنابن زاخایی (Juhanan Ben Zekkai) نماینده پیشین فریسیان (Pharisaic) صلح خواه،به ریاست آکادمی دریابند (Jabneh) و دادگاه های یهودیان منصوب شد. یوحنا بن زاخایی پیش از اینکه اورشلیم به تصرف روم درآید، از آن شهر گریخته بود.

هندوستان ۷۸
ویماکادفیسس (Vima Kadphises) پادشاه کوشانیان پیروزی درخشانی درناحیه شمالی هندوستان و در دورترین ناحیه بنارس (Benares) ودلتای رودخانه سند به دست آورد. او برای پیروز شدن بردولت اشکانی نماینده یی به روم اعزام کرد که با هماهنگی با آن دولت بتوانند دست به حمله همه جانبه یی علیه پارتیان بزنند.

می افراشتند، این پایه ی ستون ها هرکدام در حدود ۴۵ کیلو وزن داشت وهرسرباز دشمن،اعم از پیاده و سواره مجبوربود یکی از آن ها راحمل کرده و آن ها را درمحل دیگری کار بگذارد.

ارتش روم برای هرپایه ی ستون،جایگاهی حفرکرده بود وسربازان پایه ها را دراین حفره ها قرار می دادند، به طوری که از ردیف ستون ها خیابان هایی درست می شد وتبدیل به یک سربازخانه با چهار در ورودی و خروجی می گردید، هم چنین برای هرکدام از آن هامجرای آب هم حفرمی کردند. از مصالح باقی مانده وخراب شده هم دیوارهایی با شیب زیاد می ساختند که جهت دفاع بود و سربازان برروی این دیوارها به پاسداری می پرداختند. هم چنین از ضایعات فلزی سلاح ها ولوازم دیگر وکلوخ و سنگ درپایه ی این دیوار ها برای استحکام دیوار استفاده می شد، هم چنین هرسربازی یک کیسه ی بزرگ هم در پایه ی دیوار قرار می داد که دیوار فرونریزد. برای هر هشت نفر سرباز، یک قاطر جهت حمل آذوقه و سلاح آنها، تخصیص داده شده بود.

هلهله شادی وهیاهوجهت بزرگداشت و پیوستن زن وشوهر (ادفو،مصر، ۱۵۰-۱۰۰ پ.م):

درشهر ادفو (Edfu) که در منتهالیه مصر جنوبی قرار دارد، هر ساله جشنی به مناسبت پیوستگی و ازدواج خدای هوروس (Horus) و زوجه ی او هاتور(Hathor) در دِندارا (Dendara) برپا می شود که صدای هلهله و شادی مردم تا کیلومترها شنیده می شود.

این مراسم دردومین سال مصری، هنگامی که تندیس مقدس هوروس ونیز پیکره مقدس هاتور زوجه ی او را با کشتی پاروزنان می آوردند ودر وسط رود نیل این دو پیکره به هم می رسند تادرمعبد عظیم آن جای داده شود، صورت می گیرد. این آئین هزاران سال است که درساحل نیل برپا می شود. دراین وقت است که پیروان این خدا والهه مقدس، مورد پرستش قرار می گیرد و مردم به معبد بزرگ آنها روی آور می شوند.

این پرستشگاه از تمام معابدی که از زمان نخستین فرعون های مصر ساخته شده، عظیم تر است. معماری و تزئینات این معبد بسیار زیبا و باشکوه است ودرزمان پادشاه پتولمی، ساخته شده وبه خدایان محبوب مصر (هوروس و پسر) اهدا شده است،هوروس جوان که پسر هوروس است

بنیان گذار اتحاد بین مصر شمالی وجنوبی است. مجسمه ی این دوخدای مصر، درمعبد درحال آرامش و آسودگی است.

این خدایان دشمنان مصر را با ضربت وگرفتن موهای آنان از بین می برند. معبد این خدایان جایگاهی بسیار وسیع می باشد ودرصحن مرکزی آن ۳۲ ستون بزرگ برای استحکام ونگهداری سقف بنا شده و درقسمت بالای صحن محرابی جهت عبادت کنندگان قرار دارد.

شاعر می گوید: مردگان نباید از انتقام جویی خدایان بترسند. (روم، ۵۵ پ.م):

لوکرتیوس (Lucretius) یکی از فیلسوفان بزرگ فلسفه ی جدید، به شرح وتفسیر علم اخلاق و قوانین فیزیکی (تغییر شکل اجسام) پرداخته، بدین مضمون که انسان هنگامی که وفات یافت، دیگر ترس از خدایان برای وی بی معنی است.تیتوس لوکرتیوس کاروس (Titus Lucretius Carus)،شباهت زیادی به کاتالوس شاعر داشت و تحت سرپرستی گایوس ممیوس (Gaius Memius) قرارداشت و دوست صمیمی وی بود، لیکن درادبیات وشعر آن چنان شناخته ومعروف نیست.

وی راجع به ذرات ریز موجود درکائنات می گوید: ذرات ریزی همواره درفضا شناور ودرحال حرکت سریعی هستند، این ذرات به طور مرتب درحال تغییر وفعل وانفعال بوده، با هم جمع شده واشکال نوی پیدا می کنند ویااین که متفرق شده واز هم جدا ودرآخر کار به اجسام ریزی تبدیل می شوند. بشر هم پس از مرگ طبق قانون طبیعت، هم چنان که از همان ذرات ریز تشکیل شده بود، به همان حالت استحاله می یابد. لوکرتیوس فرضیه دموکریتوس (Democrius) را مورد قبول قرار داده، بلکه خود نکات جدیدی به آن می افزاید، که برپایه ی تغییر وضع ظاهری اجسام است. وی اصل اختیاررا پایه ی هستی انسان می شمارد و از نظریات اپیکور (Epicurus) راجع به درک خوشی ولذت حمایت می کند ومی گوید: آفرینش انسان بر پایه ی استفاده از طبیعت و لذت بردن ازهستی است وهر فردی مختار است که در امور زندگی هر آنگونه که میل اوست، رفتار کند.

هرچند فلسفه ی اپیکورانسان را از لذت زندگی منع می کند و معتقد است که بشر بایستی از دنیا طلبی و دنیا پرستی احتراز کند وبه کمترین چیزها قناعت وحتی همواره برای مرگ آماده شود، چون اساس خلقت برفنا و نیستی بنا شده و همه ی موجودات فناپذیرند، پس زندگی ارزش آن را ندارد که بدان دل بست.

پس زندگی را به بهای رنج ومحنت نباید فروخت وزیر بار آن نبایستی خم شد و به هر ذلتی برای تحصیل مال و ثروت تن داد، چونْ روح انسان درآن حالت پژمرده می شود وارجح آن است که انسان زندگی را سهل وآسان بگیرد.

لوکرتیوس این نظریه اپیکور را احیا می کند و باهوش و ذکاوت خود، درآن نظریه تجدید نظر می کند. وی هم چنین به هنرمندی سیسرو احترام گذاشته و او را نابغه ی هنر نطق وبیان معرفی می کند.

ارتش روم به وسیله ی اشکانیان تحقیر می شود. (کاره (Carrhae)،میان رودان، ۵۳ پ.م):

یک نیروی نظامی اعزامی به فرماندهی کراسوس، یکی از سه کنسول رومی،درصحرای میان رودان دچار شکستی مفتضحانه از سواران اشکانی شد. دریک مصیبت وبدبختی که برای روم بی سابقه بود. یک قشون چهل هزارنفری، مرکب از هفت لشگر درمدت چندروز به کلی نابود شدند.

لشگریان اشکانی با سواران چابک و تیزرو وباداشتن نیزه های بلند که خود واسبان شان هم سراسر زره پوش بودند، به لژیون های رومی یورش بردند و هرکدام آنها دو مرد از رومیان را از بین بردند وقشون رومیان را از هم پاشیدند. تیراندازان پارتی (اشکانی) درحالی که درپرواز بودند، رومیان را هدف قرار می دادند، این تیراندازان به نظر می رسید که درکوه ها سنگر گرفته بودند وبه مجرد مشاهده ی دشمن، آن هارا درزیر تیرهای خود نابود کردند.

درنخستین مرحله ی پیکار، دشمن، پوبلیوس (Publius) فرزند کراسوس را نشانه گرفته و پس از کشتن وی، سراو را از تن جدا کرده و برنیزه گذاشته و آن را برای تضعیف روحیه ی کراسوس وسربازان او به نمایش درآوردندو این ننگی برای ارتش روم محسوب می شد. دربحبوحه ی نبرد، فرمانده ی نیروی نظامی روم هم به وسیله ی سربازان ایرانی کشته شد وسراو را هم از بدن جدا کرده وبرای پادشاه ایران که درنمایشی شبانه در ارمنستان شرکت کرده بود،

چین ۷۹
دراعتراض به کاهش تعداد دانشجویان رسمی برای یادگیری مطالب علمی جلسه یی برای مشورت و رایزنی برای این موضوع در تالار ببر سفید تشکیل شد.

روم ۷۹
باکشف توطئه به وسیله ناظر اپیروس (Epirus) به نام مارسلوس (Marcellus) علیه فرزند وسپاسیان، تیتوس سنا آن را محکوم کرد. مارسلوس دست به خودکشی زد وشریک جرم او کائه سینا آلینوس (Caecina Alienus) اعدام شد.

ایتالیا ۲۳ ژوئن ۷۹
با مرگ وسپاسیان درکوتیلیا (Cutilia) وی به مقام خدایی رسید. برطبق رسم بایستی پسر بزرگ او، تیتوس به جانشینی وسپاسیان منصوب شود، لیکن او مسئول تسخیر شهر اورشلیم درسال ۷۰ بود. تیتوس از میراث پدرش صرف نظر کرده وبرادر کوچکتر خود فلاویوس دومیتیانوس (Flavius Domitianus) را وارث پدر دانست.

هندوستان ۸۰
ویماکادفیسس که پدرش، کوجولا، مؤسس سلسله کوشان بود، برای توسعه کشور اقدام به تسخیر دورترین نقاط هند درماتورا (Mathura) نمود.

خاور نزدیک ۸۰
لوک (Luke) لوقا یکی از حواریون عیسی اقدام به نوشتن انجیل کرد.

ایتالیا ۱۹ سپتامبر ۸۱
تیتوس درناحیه کوتیلیا (Cutilia) براثر بیماری طاعون مرد و برادرش دومی تیان (Domitian) جانشین او گردید.

روم ۸۱
دومی تیان طاق نصرتی را که برادرش تیتوس به یادبود جشن پیروزی بر یهود برپاکرده بود، متوقف نمود.

روم ۸۲
مارسیال (Martial) شاعر رومی که درسال ۴۰ در بیل بیلیس (Bilbilis) اسپانیا به دنیا آمده بود، شروع به نوشتن اپیگرام (Epigrams) که شامل قصایدی هجوآمیز ناشی از هوش و ذکاوت اوبود کرد.

بالکان ۸۳
پس از اتحاد مردم داسی (Dacian) که در سرزمینی درجنوب شرقی وگوشه دریای آدریاتیک می زیستند، دسه بالوس (Decebalus) را به پادشاهی منطقه داسیا (Dacia) منصوب کردند.

بریتانیا ۸۳
ژولیوس آگریکولا (Julius Agricola) در پی فتوحات نیاکانش، درانگلیس، بر منطقه کوهستانی گروپیوس (Graupius) و کالدونی (Caledonia) دست یافت.

فرستادند، سرکراسوس به وسیله ی پوماکساتر (Pomaxatres) حمل شده بود که پارت ها وی را هم به قتل رساندند. دراین هنگام به دستور شاه ایران، یک زندانی رومی نقش کراسوس را درآن نمایش بازی کرد که درصدد پیروزی برایران بود.

این واقعه ی وحشتناک، بهای خودخواهی وجاه طلبی کراسوس بود که تصمیم داشت با این پیروزی خود را از دو کنسول دیگر، پمپی و سزار، برتر نشان داده و آن ها را تحت الشعاع قرار دهد. پمپی دومین شخصیت از سه کنسول، درخواست کرده بود که در روم بماند ونمایندگی کشور خود را در شبه جزیره ی ایبری (اسپانیا و پرتغال) داشته باشد.

پیش از این هم شهرت داشت که سزار پس از شکست کراسوس درصدد بود که فرمانفرمایی ناحیه ی گل را تقبل کرده و درآنجامستقر شود.

چگونه فرمانداران ایالات روم خود را پنهان می کنند. (روم، ۵۵ پ.م):

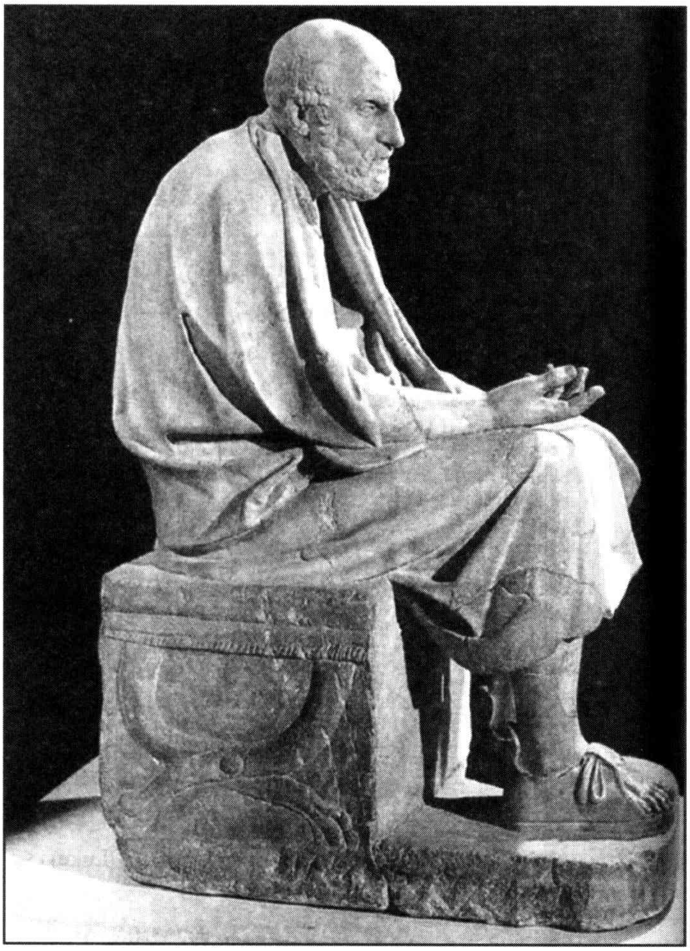
ایالات امپراتوری روم مدت ها ارتش مستقلی نداشتند، ولی دراین سه سال اخیر، کوشش هایی درجهت تشکیل وتقویت نیروی نظامی برای این ایالات انجام شده این فرمانداران سعی کردند بودجه ی زیادی برای منطقه ی مأموریت خود دست وپا کنند، به عنوان مثال، ورس(Verres) از سال ۷۳تا ۷۱ پ.م درزمانی که سیسرو تبرئه شد،سنا را فریب داده بود که بودجه ی قابل توجهی برای سیسیل منظور کند.

مطابق عرف، ایالات رومی جزوسرزمین اصلی کشور نبودند. بلکه وابسته به روم بودند، لیکن جهت هر یکی از ایالات یکی ازکنسول ها یا فرماندهان نظامی به عنوان فرمانروا به مدت یکسال منصوب می شدند، دراوائل قرن، فرمانداران ایالات وابسته به روم، تمام مالیات وخراج را برای تقویت نیروی نظامی محلی و تغییر وتحول محل مأموریت خود صرف کردند.

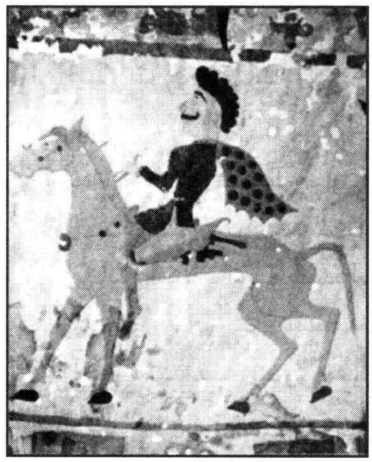
هنگامی که یک سرزمین جزو ایالات روم می شد، قانون وفرمانی از مرکز برای اداره ی آن ناحیه صادر می شد ودر ضمن فرمان های محلی هم برای آن ایالت منضم شده، برحسب اوضاع آن محل تصویب می شد که متضمن وصول مالیات وگمرک هم بود.



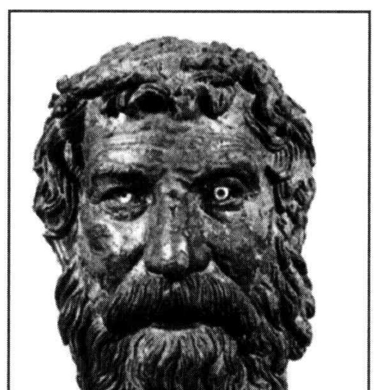
تندیس سفالی موریا (Mauria)،
مادر یکی از خدایان.



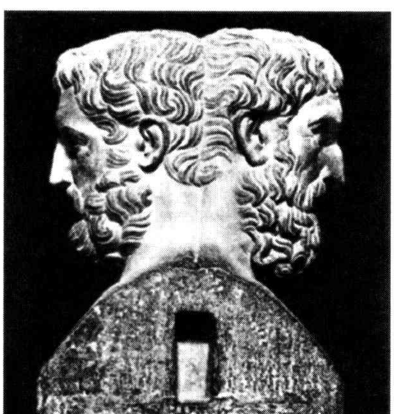
تندیس کریسی‌پوس (Chrysippus) که گفته می‌شود دنیا را به سخره گرفت و با مسخره‌کردن زندگی به مرگ تسلیم شد.



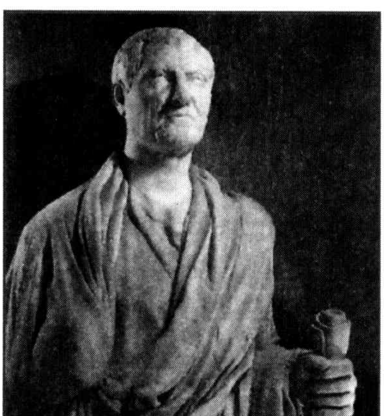
تصویر یک سوار در کمال آسودگی در منطقه‌ی کوهستان آلتایی (Altai Mountains) واقع در آسیای مرکزی.



تندیس برنزی سر یکی از فیلسوفان.



پیکره‌ی سر اپیکور (Epicurus) که عقیده داشت باید زندگی را آسان گرفت تا در کار آن دچار مشقت نشد.



یک کنسول در جمهوری رم.

آلمان ۸۳
دومی تیان درناحیه مینز (Mainz) از رود راین گذشت و جنگ برضد چاتی (Chatti) یکی از شاخص ترین قبایل آلمان را که دروسرعلیا (Upper Weser) ودیمل (Diemel) سکونت داشتند را آغاز کرد.

آسیای مرکزی ۸۵
بودیسم (Buddhism) به نواحی حوزه رود تاریم (Tarim) رسید.

بالکان ۸۵
دومی تیان امپراتور روم شخصاً به دفع هجوم داسی ها درناحیه موئزیا (Moesia) در دانوب سفلی پرداخت. این امر در پی کشته شدن اوپیوس سابی نوس (Oppius Sabinus) فرماندار موئزیا به دست پادشاه داسی ها به نام دسه بالوس انجام شد.

روم ۸۵
دومی تیان امپراتور روم خود را به عنوان بازرس وناظر کل در تمام عمر تعیین کرد. احرازاین مقام به او قدرت کنترل کامل سنا را می دهد.

بالکان ۸۷
درگیری وجنگ درداسی که درسال ۸۵ رومیان را گرفتار کرده، بالاخره با مشقت و رنج فراوان منجر به عقب نشینی آنان شد. یکی از افسران گارد ویژه به نام کورنلیوس فوسکوس (Cornelius Fuscus) در درگیری با بومیان، شکست خورده و کشته شد.

روم ۸۷
دومی تیان، براثر حسادت با ژولیوس آگریکولا (Julius Agricola) که در جنگ با حکومت بریتانیا توفیق به دست آورده و به سوی اسکاتلند پیش می رفت به امر امپراتور به روم احضار شد. پس از فتح رومی ها در کالدونی درسال ۸۵ آگریکولا برای کشف این سرزمین با کشتی اطراف آن را کاوید ودریافت که بریتانیا یک جزیره می باشد.

چین ۸۷
با مرگ چونگ دی (Chongdi) امپراتور چین، هدی (Hedi) جانشین او شد.

آلمان ۸۸
در پی شورش بی نتیجه ساتورنینوس (Saturninus) فرماندار آلمان علیا، دومی تیان اعلام کرد که تنها یک لژیون رومی درآن ناحیه بماند و آن لژیون هم مسئول جلوگیری از پیشرفت فرماندهان آلمانی در به دست آوردن سرزمین های بیشتر باید باشد.

بالکان ۸۹
رومی ها با محو کردن و تصفیه قوم داسی از دردسر و رنج این ناحیه فارغ شدند. این شاهزاده نشین از تخریب کامل به وسیله ی مارکومانی (Marcomanni) وکوآدی (Quadi) نجات یافت، اینک آن ها مشغول تسخیر منطقه بوهم، همسایه غربی داسی هستند. در پی شکست حکومت امپراتوری روم، آن ها برای امضای پیمان صلح فشار شدیدی بردومی تیان وارد آوردند که با دسه بالوس پادشاه دالماسی آشتی کند.

مردم هرایالت، حسب معمول رومیان،به سه دسته تقسیم می شدند که عبارت بودند از شهروندان دارای تمام حقوق مدنی که از پرداخت مالیات معاف بودند وسایر مردم که فاقد حقوق شهروندی بودند می باید مالیات وگمرک کالا بپردازند.

مالیات به طور معمول، یک دهم محصولات زراعی بود و همین طور کالاهای صادره و وارده به شهرها شامل عوارض راه می شد واین عوارض مرزی بود. مردم هم از دادن مالیات فرار می کردند ومعمولاً از پرداخت آن خودداری می کردند، لیکن وصول مالیات را به حراج می گذاشتند ودراین صورت مؤدیان مالیاتی بیشتر تحت ستم قرار می گرفتند. به علت شورش هزاران نفر از مردم آسیا که درزیرفرمان مهرداد بودند، براثر نپرداختن مالیات قتل عام شدند.

فرمانداران رومی، کارمندان زیادی جهت وصول مالیات داشتند و برای این که مالیات منبع درآمد سرشاری بود،کنسول ها برای تصاحب مقام فرمانداری رقابت می کردند. آنها مأموران وصول زیادی داشتند که هریک برای خود دفتری تأسیس می کردند. سزار درسال ۵۹ پ.م برای سروصورت دادن به این وضع وتعادل دروصول مالیات، قوانینی را به سنا پیشنهاد کرد که اساس سیاست مالیاتی روم باشد و مردم کمتر به ضرب وشتم مأموران وصول دچار شوند واز سویی ناسزاگویی ودشنام به کارمندان دولت هم کاهش یابد وامر اخذ مالیات برای عده یی منبع ثروت نباشد.

اختلافات رهبران سیاسی سبب غوغا و کشته شدن مردم درخیابان ها شد. (روم، ۵۲ پ.م):

جنگ خیابانی که بین هواداران کلودیوس و طرفداران میلو (Milo) برپا شده، باعث کشته شدن کلودیوس ونبرد تن به تن درخیابان های منتهی به جاده ی آپیان شده وبنا به اظهار عده یی، کلودیوس را میلو شخصاً به قتل رسانیده است. این بلوا وآشوب دربوویله (Bovillae) واقع درآپیان رخ داد. کلودیوس با سیاست رسوایی که چندین ماه درپیش گرفت و به مردم هرزه وفاسد اجازه داده بود که دراین اختلاف ها دخالت کنند، مورد خشم مردم قرارداشت، لیکن عده ی کمی برای او اشک ماتم ریختند. این شیوه و روش

کلودیوس، میلو را برآن داشت که سیسرو را از تبعید فراخوانده وبه کشور بازگرداند، میلو خو دیکی از رهبران سیاسی وفرماندار روم بود، میلو هم چنین به تلافی تبعید شدن سیسرو از اوباشان خواست به خیابان ها ریخته وغوغا و آشوب برپا سازند که منجر به قتل کلودیوس گردید.

شکی نیست میلو به پشتیبانی سیسرو باعث این امر شد، هرچند که همواره به وسیله ی طرفداران کلودیوس تهدید می شد. آنان درنظر داشتند که با ایجاد حریق درمحل سنا، سیاستمداران وسناتورها را بسوزانند. خوشبختانه با رفع اختلاف ومشکل سیاستمداران، جریان به جاهای باریک نرسید و این گرفتاری حل شد.

هنگ های تازه تأسیس ارتش، رو به ازدیاد است. (روم، ۵۰ پ.م):

این هنگ ها با همت ماریوس مولس (Marius Mules) ایجاد می شود. اینک این سپاهیان از سوارانی که زره برتن دارند وبه نیزه یا شمشیر وسپر مسلح هستند، درست شده وبرای درامان ماندن از تیررس دشمن، پناهگاه هایی چون آشیانه ی عقاب درسراسر صحرا حفر شده واین سواران سرتاپا مسلح به زره در پناه آنها درامان هستند.

هم چنان که جمهوری روم رو به ترقی است، دشمنان آن هم رو به ازدیاد است وهمان طور که در نبرد کاره (Carrhae) اتفاق افتاد، این آسیب ها درکمین کشور است. پس از جنگ دوم کارتاژ که به پیروزی روم انجامید، کشور ۲۳ هنگ رزمنده داشت.

چرندبافان می گفتند که این کار گایوس ماریوس بیهوده است، درحالی که وی درآن زمان تعداد شش هزار نفر را دراین لژیون ها با فنون سربازی وسپاهی گری آشنا ساخت، لیکن کارها را طوری ترتیب داد که ارتش روم در بیست سال بعد دارای نیروهای نظامی قدرتمند وهمیشگی باشد و سربازان آن هم از خدمت نظام اجباری تأمین شود. با گسترش این وضعیت، امپراتوری روم با استفاده از بودجه ی عمومی توانست ارتشی نیرومند با نیروی جوان مردمی تأسیس کند که درآینده گنجایش بیشتری خواهد یافت و برقدرت آن افزوده خواهد شد.

شورشیان گل تسلیم و سزار فاتح می شود. (آلزیا (Alesia)، گل، ۵۲ پ.م):

شورشی که دراستان گل از متصرفات روم به وسیله ی نجیب زاده ی جوان، به نام ورسن ژتروآ (Vercingetorix) بر پا شده بود، با حمله ی ژولیوس سزار سرکوب می شود.

گل ها که درناحیه ی آلزیا مستقر بودند، دریک جنگ وحشتناک به وسیله ی سزار محاصره شدند.

چندی پیش گلْ ها درزیرنام آزادی، ازچنگال رومیان و قوانین کمرشکن آنان دست به عصیان زدند که به تدریج به نبرد با روم انجامید. به دنبال این امر، درسال های ۵۶ و۵۵ پ.م برای دومین بار درسال ۵۴ پ.م سزار سراسر جزایر بریتانیا را پیمود و تعداد زیادی از افراد قبایل بریتانیا را خود برای نبرد برعلیه گل ها به این سرزمین آورد.

به هرحال،زمانی که به گل بازگشت، این گروهها را برای پیکار با گل ها تجهیز کرد وآنها خود برعلیه گل ها به نبرد پرداختند،لیکن گل ها به رهبری آمبیوریکس (Ambiorix) واهالی ابورون (Eburones) به رومیان یورش برده ویک هنگ ونیم از سربازان رومی را قتل عام کردند.

دراین هنگام سزار به تجدید وتقویت قوای خود پرداخت وحمله یی سخت به آنها کرد تا به هر صورت غائله را رفع کند، دراین وقت گل ها درزیر پرچم و تحت رهبری ورسن ژتروآ درآمدند. دراوان امسال، گل ها بازرگانان ساکن اورلئان (Orleans) را که به داد و ستد می پرداختند، به قتل رسانیدند. شورش وطغیان به یک باره گسترش یافت و به سراسر جنوب وغرب سرزمین گل انتشار یافت و ورسن ژتروآ سعی کرد که سزار را به زانو درآورد. زمستان در رسید وفرمانده ی گل ها مزارع را آتش زدند که آذوقه به لشگریان سزار نرسد و درعین حال، با نبردهای پارتیزانی به تعاقب آنان پرداخت. سزار در این پیکار شکست خورد، چون آنها محصولات و غلات را آتش زدند و به پیروزی بزرگی در ناحیه ی جرجویا (Gergovia) (کلرمون فران – Clermont Frrand) دست یافتند، لیکن رومیان با دسته هایی از گل ها پیوند اتحاد بستند و درحقیقت گروه هایی از گل ها خیانت کردند.

دراین حال سزار، برای این که خود رافرماندهی لایق نشان دهد، درناحیه ی آلزیا به گل ها یورش برد و موفق شد آن ها را محاصره کند ونیروهای خود را در پایین تپه ها و

روم سپتامبر ۱۰۰

به جانبداری پلینی (Pliny) برای احراز مقام کنسولی یکی از شاگردان کین تیلیان (Quintilian) نقشی از تراژان به عنوان شاهزاده مورد احترام و دوست داشتنی کشید که او را درمقابل اخلاق ورفتار بد وشیطان صفت دومی تیان قرار می دهد. پلینی هم چنین چندین کتاب حاوی نامه های ادبی، اجتماعی و سیاسی به نگارش درآورده است.

افریقای شمالی ۱۰۰

تراژان امپراتور روم یک لژیون رومی به نام لژیون سوم اوگوستو را تشکیل داد که محل آن در تاموگادی (Thamugadi) (تیم گاد – Timgad) واقع در نومیدی می باشد و نیز شهری با نقشه مهندسی با مجتمع های مردمی، از کارهای دیگر او تشکیل یک مجتمع رومی در ۳۰ کیلومتری شهر لامبزیس (Lambaesis) می باشد.

بالکان ۱۰۱

تراژان با عجله برای از بین بردن دسه بالوس پادشاه داسی به منطقه داسی یورش برد، این مکان درهمسایگی موئزیا قراردارد.

ایتالیا ۱۰۱

تراژان فرمانی جهت توسعه بندر اوستیا (Ostia) صادرکرد.

آسیای مرکزی ۱۰۲

ژنرال بان چائو برای سرو سامان دادن به اوضاع چین، نیروی نظامی خود را از دلتای رود تاریم (Tarim) عقب کشید.

بالکان ۱۰۲

پس ازتسخیر شهر سارمیزژتوزا (Sarmizegethusa)، پایتخت داسی توسط تراژان امپراتور روم، دسه بالوس پادشاه داسی برای امضای قرارداد و موافقت با صلح تحت فشار قرار می گیرد.

اسپانیا ۱۰۴

مارسیال شاعر بذله گو ومنتقد که به خاطر نوشته های هجوآمیز خود مشهور شد در بی بی لیس (Bibilis) محل تولد خود در اسپانیا درگذشت.

اسپانیا ۱۰۵

دراسپانیا ساختمان پلی بر روی رود تاگوس (Tagus) به نام آلکانتارا (Alacantara) که هم سطح زمین و مستقیم است شروع شد.

روم ۱۰۵

پلوتینا (Plotina) همسر تراژان که برای تسهیل آرامش امور و داشتن اخلاق و روحیه خوب مورد تحسین می باشد، لقب آگوستا (Augusta) را پذیرفت. او در ۵ سال پیش این عنوان را رد کرده بود.

بالکان ۱۰۵

دسه بالوس پادشاه داسی ها به قبیله چادرنشین لازیگس (Lazyges) که درساحلی سفلای رود دانوب می زیستند یورش برده و پادگان رومی واقع در داسی را مسخر کرد.

استحکامات دوبرابر کرد تا درپشت این دژها به نیروهای گل حمله کند وبدین وسیله توانست گل میخ بزرگ را در زمین فرو کند، یعنی جای پای نیروهای خود را استحکام بخشید و وضع نیروهای داخل سنگرها مستحکم شد،در ناحیه ی آلزیا هم توانست نیروهای دشمن را محاصره کند.

سزار نیروهای خود را به ۲۵۰ هزارنفر برآورد کرد و به یک یورش همه جانبه وبزرگ دست زد و توانست ضربتی به خصم زده وتا اندازه یی آنها را پراکنده کند.

از سویی، ورسن ژتروآ، فرمانده ی نیروهای گل، سعی کرد که نیروهای سزار را متفرق کند و در تاریکی های شب، مردان خود را تشویق به پیشروی کرد، لیکن سربازان وی در گودال ها فرورفته و به سختی توانستند خود را ازاین مهلکه نجات دهند و در عین حال نیزه داران سپاه سزار، دیواری را جهت جلوگیری از پیشروی آنها ایجاد کرده بودند.

هنگامی که هوا روشن شد، بار دیگر لشگریان گل با مجاهدت بسیار خواستند که ضربتی به نیروهای طرف مقابل بزنند، این بار هم درگودال هایی که با خاک وخاشاک استتار شده بود، فرورفتند، در همین حال، سربازان سزار به نیروهای گرفتار با شمشیر حمله کردند و در نتیجه گل ها مجبور به عقب نشینی به سوی شهر شدند.

بار دیگر درهنگام تاریکی شب، ورسن ژتروآ، فرمانده ی نیروی گل، ۶۰ هزار نفر از زبده ترین و جنگجوترین سربازان خود را درنهایت اختفا و سینه خیز، به سوی دشمن روانه کرد و آنها توانستند به صف اول نیروهای سزار ضرباتی وارد کرده وعده یی را زخمی کنند و در اواسط روز، در حالی که در سنگرها پنهان شده بودند، به نیروهای دشمن حمله کردند، دراین حال، نیروهای پشتیبان واصلی به دستور فرمانده وارد میدان شده وبه نبرد پرداختند. سربازان گل که خود را فاتح می دیدند، با خشم به دشمن حمله کردند و به نظر می رسید که سپاهیان روم شکست خواهند خورد، لیکن سزار که وضع را بدین گونه دید، سرخ جامگان سپاه خود را که قدرتی فوق العاده داشتند، وارد صحنه ی پیکار کرد وبه سوی دشمن روانه کرد.

ازاین حالت،گل ها دچار ترس و وحشت شده، روحیه ی خودرا باختند. روز بعد، ورسن ژتروآ خود را تسلیم کرد وبرای جلوگیری ازکشتار بیشتر ونجات باقی مانده ی نیروهای خود، تن به شکست داد، اکنون وی در زندان محبوس است وگل به روم پیوسته است.

سانچی (Sanchi)،معابدی جهت پرستش بودا بنا می کند. (هندوستان، ۵۰-۳۰۰ پ.م):

حدود ۱۵۰ سال پس از تأسیس امپراتوری آشوکا، سانچی،فرمانفرمای هند درایالت مادیا پرادش (Madhya Pradesh) معابدی بنا می کند که مرکز مذهبی بزرگ بوداییان هند واقع می شود.

اینک با ساخته شدن این بناها دراطراف معبد اصلی استوپا (Stupa)، سانچی توانسته است یک کانون بودایی در آن جا ایجاد کند. این ساختمان ها از آجربنا شده و درقسمت بالاسنگی است. سنگ ها را طوری کارگذاشته اند که دراطراف ساختمان ها حالت چتر وسایبان ایجاد شده، ودر داخل وبیرون بنا، تزئینات بسیار زیبایی به کار رفته وبرروی سنگها نقوشی حک شده است. حالیه این بناهای بسیار مستحکم که ازآجر وسنگ ساخته شده، ۱۸ متر ارتفاع دارد. سقف های آن ها گنبدی شکل ودرضمن دراطراف سایبان هایی از سنگ دارد.

مقبره بودا هم که درداخل ساختمان است، شبیه کلاه خود می باشد. دراطراف این کاسکت (Casket) یا کلاه خود، دیواره یی سنگی به ارتفاع ۳/۳ متر قرار داده اند. معبد دارای چهاردروازه ی بزرگ سنگی جهت ورود وخروج است. در روی ستون ها وسنگ های عرضی که دربنا به کار رفته، اشکال شیر، فیل، تندیس نیمه ی خدایان وتصاویری از عشق وزیبایی برروی آنها حک شده که مورد تحسین هزاران زائری که هر روزه آن جا را زیارت می کنند، می باشد و این گروه های زائران برای زیارت وعبادت از اقصی نقاط هند به معابدی که سانچی بنا کرده است، می آیند.

چادر نشینان باج و خراج به امپراتور می پردازند. (چین، ۵۰ پ.م):

طوایف جنگجو و چادرنشین زیونگ نو (Xiongnu)، که درشمال چین اقامت داشتند، بر اثر فشار امپراتور چین، مجبور به پرداخت خراج شدند. بر اثر جنگ هایی که بین دو برادر شان یو (Shanyu) و حاکم و رئیس قبیله ی چادرنشین زیونگ نو که هر دو مدعی فرمانروایی بودند، درگرفت. حکومت آنها به ضعف و فتور دچار شد و درنتیجه قادر به درگیری و تاخت وتاز درامپراتوری چین نبودند..

این تغییر وضعیت، آشکارا درجشن سال نو که درکاخ امپراتوری هوهانیه (Huhanye) برپا شده بود ودرآن شانیوس (Shanyus) یکی از رقبای حکومتی، شرکت داشت، مشاهده شد.

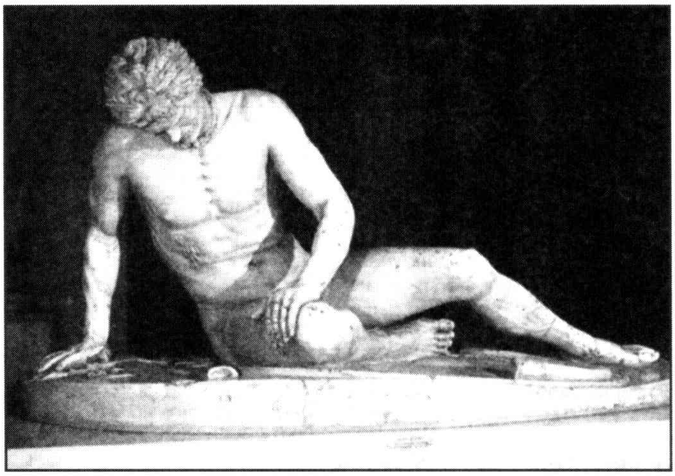
این حادثه برای امپراتوری بسیار بااهمیت بود ودستگاه حکومتی چین ازماجرا باخبر بود، از این نظر که هوهانیه در رأس تمام رعایای چین قرارداشت، چون هوهانیه از نظرامپراتور متابعت می کرد، سایرین بالتبع از او پیروی می کردند، وهمان طور که گفته شد، چون بزرگترین حریف امپراتوری برای امپراتور احترام قائل بود، دیگر نجبا و اشراف کاملاً مطیع بودند وباشرکت درمجالس جشن ها ومراسم دیگر، این امر را رعایت می کردند. آنان برای قدردانی از امپراتور وبه نشان وفاداری به او، کالاهایی چون طلا، لباس های ابریشمین و ۱۵ اسب وارابه های پراز غلات و حبوب خوراکی، همراه خود آورده بودند که محصول صحراهای استپی (Steppes) شمال آسیا و دشت های وحشی وسرد آنجا بود.

رومیان از نردبان قدرت پله پله بالا می روند. (روم، ۵۰ پ.م):

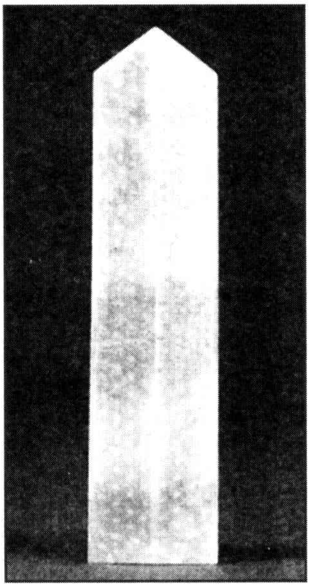
سیاستمداران جاه طلب رومی، نشان داده اند که اگر بخواهند به چیزی دست یابند، به خوبی می توانند به آن برسند. آنان برای اداره ی جنگ، نیاز به پول دارند وثروتمندان و مقامات بلند پایه مالیات نمی پردازند وهزینه های جنگ نیز سرسام آور است.

برای سیاستمدار استقامت و پایداری براصول خود امری واجب است وغیرقابل برگشت. جوانان را هم برای اشتغال می توان به کارهای مختلف گمارد، چون، جوانی، مترادف با بلندآوازدگی است.

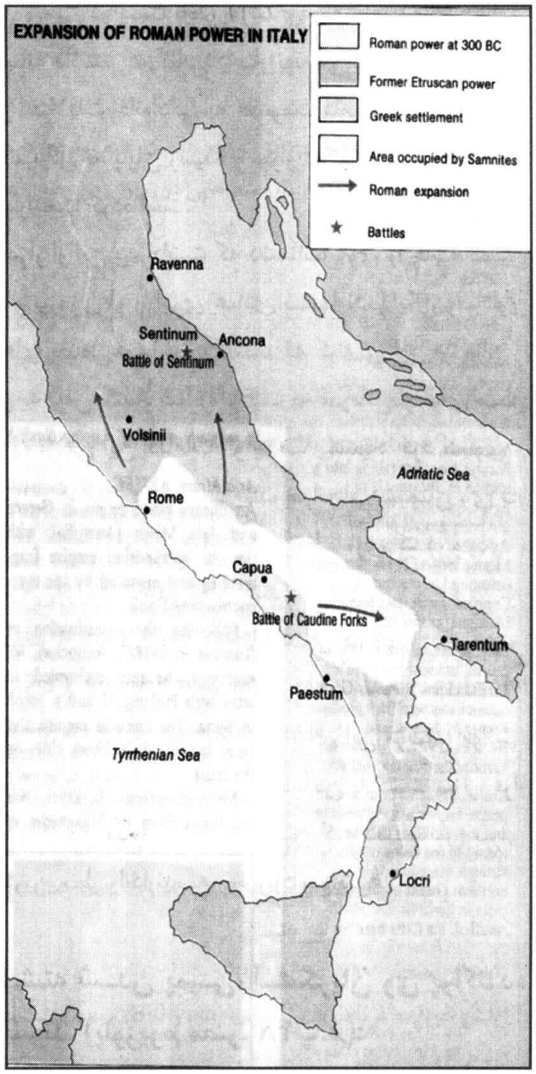
یکی از اموری که رومیان به ارث برده اند، این است که افراد با استعداد را در هر سنی برای اداره ی کشور تربیت کنند وحس رقابت را در بین جوانان به وجودآورند تا مردان رومی خود را بیابند. درنتیجه یکی از راه های برگزیده شده این است که یک دوره ی از زندگی خود را درخدمت ارتش بگذرانند و این دوره به مدت ده سال تعیین شده که جوان بتواند برای زندگی وآینده ی سیاسی کشور آماده شود، حال این جوانی که در سن سی سالگی است، می تواند به یکی از پست های بیست گانه گمارده شود که یکی از آنها اداره ی امورمالی است.



تندیس گلی بسیار هنرمندانه‌یی که از یک مبارز گل (Gaulish) در حالت مرگ تهیه شده، اهالی منطقه گل همواره جهت توسعه‌ی قلمرو خود می‌جنگیدند.



استوانه‌یی از سنگ یشم چینی که امپراتور به معبد تقدیم داشته و نشانه‌ی بهار و سرزندگی در عمر است.



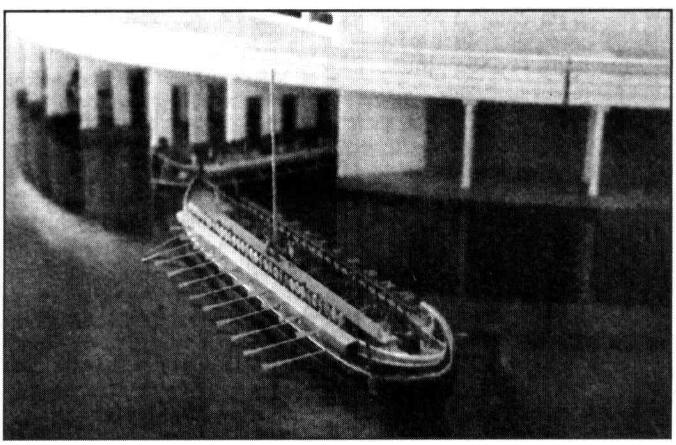
نقشه‌ی گسترش قدرت امپراتوری رم.



تندیس سنگی پادشاه پیروس (Pyrrhus).



یک فیل جنگی از گالاتیا (Galatia).



نوعی کشتی کوچک کارتاژها (Carthage) که طرح آن در قرن بیستم ریخته شده است.

وی هنگامی که به سن ۳۶ سالگی رسید، می تواند به عنوان اعضای هیئت چهارگانه که مسئولیت امور کشور با آنها بوده وبرتمام امور سیاسی ومالی نظارت دارند، انتخاب شود، حال این فرد به اوج ترقی رسیده است. همین شخص هنگامی که به سن ۳۹ سالگی می رسد، می تواند برای خود آرای لازم را برای رسیدن به هیأت هشت گانه ی فرمانداری مملکت دست وپا کند که این مقام پایین تراز مقام دو کنسول رومی است که هرساله به این سمت انتخاب می شوند ودررأس امور سیاست قرار می گیرند. برای رسیدن به مقام کنسولی باید ۴۲ سال تمام داشت.

البته بالا رفتن از نردبان سیاست وترقی، هم چنان شسته و روفته هم نیست که شخص با تجربه دراین سلسله مراتب همواره امکان موفقیت داشته باشد وجریانات دیگری نیز به این امر کمک می کند که یکی داشتن ثروت وتمول کافی است که پشتوانه ی خوبی برای رسیدن به اوج ترقی است.

هم چنان که گفته شد، موارد استثنایی هم وجود دارد که به طور مثال، سیسرو است که هیچ یک ازافراد خانواده ی او به مقام سناتوری نرسیده بودند، او درسن ۴۳ سالگی سناتور شد.

موردی دیگر که از این جریان عدول شد و راه میان بر را پیمود، سناتور پمپی می باشد که در ۳۴ سالگی به این مقام رسید. وی با سرکوب وقتل بردگان، به سناتوری منصوب شد ومیل نداشت که از ابتدا شروع کند و با تجربه به دست آوردن، این پست را احراز کند ونیز برای او مشکل بود که از پله ی نخستین آغاز کند، بلکه سریعاً این مسیر راپیمود. وی با تهدید وتطمیع وایجاد هراس دراین که امنیت کشور در مخاطره است، درسن ۳۶ سالگی بدون این که در پست های پایین تر تجربه بیاموزد و با تصدی درمشاغل دیگر، برای چنین مقامی آماده شود، به مقام کنسولی روم انتخاب شد.

نبردهای خیابانی مبارزه ی سزار و پمپی را به حالت انفجار درمی آورد. سزار دررأس ۱۳ هنگ رزمی از رود روبیکون که بین ایتالیا وگل می باشد، گذشت. (ایتالیا، ۱۲ ژانویه ۴۹ پ.م):

ژول سزار (قیصرروم) به سوی سرنوشت وتقدیر پیش می رود. وی دررأس سیزده هنگ رومی از رودخانه ی روبیکون (Rubicon) که درمرز بین گل وایتالیا جاری است، عبور می کند. نبردهای شهری بین سزار و پمپی دو متحد پیشین، غیرقابل اجتناب است.

عده یی از مردم می گویند حتی مرگ کراسوس، شخصیت سوم کنسولی روم، دراثر توطئه و دسیسه ی سزار بوده و وی کراسوس را به جنگ با ایران واداشته است برخی هم براین قول پای می فشارند که جدایی ژولیا (Julia)، دختر سزار وزوجه ی پمپی که شوهرش او رابسیار دوست می داشت و سپس مرگ وی، دراثر تحریکات سزار بوده است.

آنچه به یقین می توان گفت این است که،نه سزار ونه پمپی تمایل به نبرد نداشتند. سزار درسنا به عنوان فرمانده ی ارتش وپمپی در پست ناظر به سنای روم، روابطی صلح آمیز ودوستانه داشتند که گاهی دچار نوسان و تغییر می شد، لیکن اختلافات خانوادگی به خصومت دامن زد. دیگر تهدید از جانب گل به پایان رسیده و سزار در نقش یک فاتح به روم مراجعت کرده است.

سزار از این بیم داشت که دشمنانش وی را خانه نشین کنند و پیروزی او را امری عادی بشمارند، لیکن وفاداری نیروهای نظامی او را برآن داشت که کینه ی این دشمنان را مبدل به یأس کند و سنا را ترغیب به قدردانی از قوای مسلح کند. به تلافی این اقدامات، او به سنا پیشنهاد کرد که وی را به عنوان کنسول دوباره برگزینند، سرانجام دشمنان وی بر آن شدند که اگر وی دراین امر پافشاری کند، وی را از فرماندهی نیروی نظامی خلع کنند.

دونفر از دوستان سزار، به نام های کینتوس کاسیوس (Quintus Cassius) ومارکوس آنتونیوس (Marcus Antonius) اعلام کردند که سنا برای این موضوع قوانینی تصویب کند. کاسیوس وآنتونی با شنیدن بازگشت سزار، فرار کردند. اکنون سزار باعلم به این که دشمنانش برای اوکمترین خطر را دارند، به روم وارد می شود.

با کشته شدن پمپی، لشگریان وی پراکنده می شوند. (پلوزیوم مصر، ۴۸پ.م):

پمپی دراثر دسیسه ی خائنانه یی که به دستور پتولمی (Ptolemy) دوازدهم داده شده بود، با وجود این که برای

حفظ جان خود به او پناهنده شده بود، پس از شکست از سزار به قتل رسید. این ژنرال رومی درهنگامی که با یک کرجی درکرانه ی دریا درحال گشت بود، با ضربات خنجر کشته شد. پتولمی، جوانی بی تجربه بود که برحسب دستور مخفیانه ی سزار که درحقیقت سمت برتری بر او داشت، در تعقیب پمپی بود که او را به قتل برساند و این دشمن سزار را از پیش پای وی بردارد. از سویی با کشتن پمپی، سزار از او تشکر خواهد کرد ودیگر پمپی زنده نیست که بتواند گزندی به وی برساند.

با کشته شدن پمپی، به دستور پتولمی، سر او را جدا کرده و برای سزار فرستادند، لیکن سزار از این امر ابراز تنفر کرد، چون زمانی پمپی دوست وهمکاری وی بود وپسر خوانده ی وی محسوب می شد، اما این موضوع مانع آن نمی شد که سزار به نبرد با او نپردازد. چون سزار بر پمپی غالب آمد، طاقت از دست نداد و درصدد بود که با سیاست ویژه ی خود وتجربه وکاردانی، به پیکار با فارسالوس (Pharsalus) درتسالی (Thessaly) بپردازد.

این جنگی بود که پمپی درصدد بود درآن پیروز شود، لشگریان سزار دراین جنگ وارد شدند وچون تعداد سربازان وی بی اندازه بود ونیروی دریایی قدرتمندی دراختیار داشت، درمحاصره ی نیروهای سزار درآمدند ودراثر نداشتن آذوقه وفشار گرسنگی، تسلیم شدند و شکست را پذیرفتند. اکنون سزار، فرمانفرما و ارباب روم به حساب می آید.

برطبق روزشمار (تقویم) جدید، سال از اول ژانویه شروع می شود. (روم، ۴۶ پ.م):

مطابق گفته ی سزار،تقویم قدیمی خیلی مغشوش و درهم است وبایستی تقویم جدیدی جهت گردش ماه و سال تعیین کرد. گاهشمار جدید، باید جایگزین گاهشماری پیشین شود که درآن سال را دوازده ماه قمری حساب می کردند و سال ۳۵۵ روز داشت،درتقویم جدید سال خورشیدی انتخاب شده که ۳۶۵ روز است.

روز شمار قبلی که حالت مذهبی داشت، هر ماه را با رؤیت هلال اولیه حساب می کردند و این جنبه ی تقدس داشت و کاهنان آن را صحیح می پنداشتند، لیکن سزار تصمیم گرفت که تعیین سال وگاهشماری برحرکت خورشید

چین ۱۰۵

کای لون (Cai Lun) خواجه برای نخستین بار نمونه یی از کاغذ تهیه و آن را به دولت هان تقدیم کرد.

بالکان ۱۰۶

با آزاد شدن پادگان رومی در داسی، تراژان دوباره پایتخت داسی راتصرف و دسه بالوس (Decebalus) را تحت فشار قرار داد. در اثر این امر دسه بالوس خودکشی کرد و داسی جزء ایالات روم درآمد.

سرزمین عرب ۱۰۶

کورنلیوس پالما (Cornelius Palma) فرماندار سوریه به شهر پترا (Petra) پایتخت حاکم نشین ناباتایی (Nabataea) یورش برده و آن جا را به سرز مین های تحت سلطه روم ضمیمه کرد. این سرزمین به عنوان ایالت عربی روم نامیده شد.

میان رودان ۱۰۷

خسرو(Osroes) به پادشاهی ایران اشکانی رسید.

روم ۱۰۷

بازی ها و مراسم با شکوهی در روم به مناسبت غلبه روم بر داسی ها برپا شد. هم چنین میدان و حمام هایی در شهر روم و ستون های یادبود به نشانه این پیروزی ساخته شد.

چین ۱۰۷

آن تی (An-Ti) (نگان تی – Ngan –Ti) پسر بچه یی به امپراتوری چین رسید که با کمک داواگر (Dowager) بیوه امپراتور به نام دنگ (Deng) کشور را اداره کنند. شاهزاده ژاپنی به عنوان هدیه تعداد ۱۶۰ برده به قصر او فرستاد.

روم ۱۰۷

ایگناسیوس (Ignatius) پدر مقدس کلیسا و حواری سنت جان (جان مقدس) اسقف سابق شهر آنتیوخ (Antioch) (انطاکیه) در روم به شهادت رسید.

هندوستان ۱۱۰

بنا به توصیه کانیشکا پادشاه کوشان، بودیست (بودایی) بزرگ برای آموزش این مذهب به کشمیر (Kashmir) رفت. او تحت تعالیم خداشناسی چون آسواگ هوشا (Asvaghosha)،شاعر درام نویس، موسیقی دان و دوست امپراتور مراسم مذهبی را آموخته بود. مهم ترین پیشرفت درآیین بودا تقسیم مذهب به دو شاخه اصلی معتقدان بزرگ ومعتقدان کوچک تر به نام های ماهایانا (Mahayana) و هینایانا (Hinayana) می باشد.

آسیای صغیر ۱۱۰

پلینی جوان به فرمانداری بی تی نیه (Bithynia) منصوب شد.

روم ۱۱۳

آپولودوروس (Apollodorus) معمار دمشقی میدان تراژان در شهر رم را تکمیل ساخت.

واعتدال ربیعی باشد. با کمک دبیر ومنشی سزار، مارکوس فولویوس (Marcus Fulvius) وریاضی دان مصری به نام سوسیژن (Sosigenes) سال به ۳۶۵ روز تقسیم شد وهر چهار سال، یک سال کبیسه محسوب شد که به ماه آخر یک روز اضافه شد. این تقویم به نام ژولیان (Julian) معروف شد واول هر سال هم مطابق اول ژانویه تعیین شد.

سیسرو، فلسفه ی روم را به سبک جدید تغییر می دهد. (روم، ۴۴ پ.م):

حالت انحصاری و تواتری فلسفه ی یونان که سال ها مورد قبول عقلا بود، به تدریج دگرگون شده وحالت تازگی خود را از دست می دهد. سیسرو می گوید که چگونه به این سؤال می توان پاسخ داد که بشر فناناپذیر است. بدین معنی که روح انسان پس از مرگ چه خواهد شد وکالبد انسان پس از رهایی از این دنیا چطور دگرگون خواهد شد.

زندگانی هرفرد بسته به عواملی دارد که یک سری از آنها در وجود خود شخص رسوخ دارد وطبیعت هر فردی بستگی به این عوامل دارد.

در این اواخر، نخستین کتاب سیسرو درباره ی فلسفه در سال ۵۴ پ.م انتشار یافت که درآن وی به کشف برخی از این عوامل دست زده است.

دراین کتاب که به ریپو بلیکا (De Republica) (جمهوری) نامیده شده، او به شرح موفقیت های دولت روم وتعادل بین حالت سلطنتی (کنسولی) و اولیگارشی (سنا) پرداخته ونظر مردم را دراین باره خواستار شده است. برحسب نظریه ی وی، قضاوت و داوری پایه و اساس تمام جوامع است و تمام مردم نیاز مبرمی به داوری ودادرسی در زندگی روزانه ی خود دارند. سیسرو که فلسفه را در یونان آموخته بود، اخیراً به کشفیاتی درطبیعت نیکی وبدی موفق شده، بدین معنی که او به عقیده ی خود توانسته، اصل بدی وخوبی را شرح دهد.

ارتشیان با تجربه و کارآزموده در مرزگل مجتمع های مسکونی تشکیل می دهند. (گل، ۴۳ پ.م):

هزاران نفر از سربازان قوی، کارآزموده و با تجربه، سراسر امپراتوری روم دراجتماعاتی درمرز گل وایتالیا سکونت می گزینند، برای این امر شهرهایی دراین قسمت ساخته شده، این مکان ها درتحت نام کولونی (Colonia) یا تشکیلات شهری است واین مجتمع های شهری ویژه ی این گونه افراد است.

یکی از مجتمع های مسکونی درملتقای رود رون (Rhone) وسائون (Saone) درناحیه ی لیون (Lyon) یا لوگدونوم (Lugdunum) واقع درگل مرکزی است. طرح این مجتمع را لوسیوس موناسیوس پلانکوس (Lucius Munatius Plancus) یکی از افسرانی که درجنگ های گل رشادت به خرج داده بود، ریخته است، وی هم چنین درجنگ های خیابانی که درآن پمپی کشته شد، شرکت داشت. پس ازاین حوادث، روم درهرج ومرج فرو رفت. گروه هایی از سربازان که حقوق آنها پرداخت نشده بود، با فریاد وغوغا خواستار مطالبات خود بودند، لیکن دوستان سزار رفتاری ملایم ومؤدبانه داشتند.

پلانکوس ذکر شده، در ناحیه ی بنه ونتوم (Beneventum) درجنوب ایتالیا، در نزدیک شهرها، مجتمع مسکونی ویژه ی افراد با تجربه وکار آزموده ی ارتشی بنا می کند. این برنامه به توسعه ی شهرها و اجتماعات شهری کمک می کند و به افرادی که تشنه ی زمین و کسب وکار هستند، محل زندگی اعطا می کند و نیز باعث افزایش جمعیت رومی در سرزمین گل می شود و این سیاستی است که از قدرت گل می کاهد. از سویی موجب تشویق روستاییان به توسعه ی آبادانی ورفع فقر وتنگدستی می شود.

سیسرو تبعیدی و قانون شکن مقتول و سراو را می برند. (گائتا (Gaeta) ایتالیا، هفتم دسامبر۴۳ پ.م):

سیسرو یکی از برجسته ترین مردان روم در زد وخوردی وحشیانه که به وسیله ی دشمن وی، مارکوس آنتونیوس برپا شده بود، به قتل می رسد. هواداران مارک آنتونی وی را که از روم گریخته وبه شهر کوچکی پناه برده بود، یافته و باخنجر او را کشته و جنازه ی او را درکجاوه ی وی باقی می گذارند. قاتلان دست های وی را که با آن نامه هایی به مارک آنتونی نوشته بود، می برند و درمیدان شهر، جائی که

مردم خشمگین از آن جا می گذرند، آویزان می کنند. دراین هنگامه، تعداد زیادی از مردم هم که به سلطنت کنسول روم پس از مرگ سزار اعتراض داشتند، کشته می شوند هیچ یک از مردم روم هم احترام لازمه را برای سیسرو قائل نمی شود.

مردم ثروتمند، کامیاب تر و فاصله ی طبقاتی افزایش می یابد. (روم، ۴۴ پ.م):

در واکنش به قتل سرداران رومی، به ویژه ژول سزار و ایجاد اغتشاش های شهری وبی قانونی به نظر می رسد به ثروت مال داران افزوده شده و فقرا فقیرتر می شوند و این به علت آز و طمع ثروتمندان در توسعه ی دارایی است. منتهای خواسته جمهوری روم دربدو تشکیل، ایجاد طبقه ی درجه اول وثروتمند بوده است. مردم عادی که اکثریت نفوس را تشکیل می دهند، قانون شامل آنها نمی شود و شهروند رومی به حساب نمی آیند. این امر به صورت قانون تدوین شده است. تریبون (Tribunes) وسنای روم به توسط قدرتمندان اشغال شده ویکی از بزرگترین تریبون ها (تریبون ها در روم قدیم واجد قدرت وناظر بر تشکیلات دولتی بودند) به نام گراکوس ماریوس (Gracchus Marius) که طرفدار طبقه ی عوام بود ودرنظر داشت اصلاحاتی درمالکیت زمین های مزروعی انجام دهد، به قتل رسید.

گفته می شد که پدر ماریوس فردی کارگر بوده است. درپی کشته شدن ماریوس که درچهل سال قبل اتفاق افتاد، آزادی شهروندان درخطر قرار گرفت وبه تدریج تنها نامی از آن باقی ماند. درحالی که برقدرت وثروت نظامیان افزوده گشت و به پیشرفت وترقی جنگ آوران انجامید و طبقه ی کارگر وکارمند به پایه ی جمهوری خدشه وارد کردند و جمهوری روم به ضعف دچار شد. در همین زمان، سناتورها و واجدان قدرت که گروهی اندک از مردم را شامل می شدند، بر ثروت خود افزودند و بیشترین زمین ها را به دست آوردند. درابتدا به نظر می رسید که ماریوس خواهرزاده و وارث ژول سزار مرد قدرتمند و واجد شرایطی است که برای مستمندان و ضعفا مجاهدت می کند. ماریوس دربرخی جریانات متحد کراسوس بود و به هر تقدیر توده ی مردم وگروه فقرا امیدوار بودند که ماریوس بتواند درمقابل سایرین ایستادگی کرده و

روم ۱۱۴
با رأی سنا ساختمان تاق نصرتی به عنوان بهبود ارتباطات در انتهای جاده ترایانا (Traiana) به بروندیزیوم (Brundisium) و شرق بنه ونتوم (Beneventum) شروع شد. این تاق نصرت که به تراژان اوپتیموس (Trajan Optimus) اهدا شد، نشانه یی از اقدامات وکارهای بزرگ وقدردانی از زحمات اوست .

ارمنستان ۱۱۴
خسرو پادشاه اشکانی، شاه ارمنستان را معزول و پارتامازیریس (Parthamasiris) عموزاده خود را به جای او نشاند. تراژان با اعلان جنگ به خسرو، ارمنستان را با کمک مردم کولشیز (Colchis) در قفقاز (Caucasus)، ارمنستان را متصرف شد.

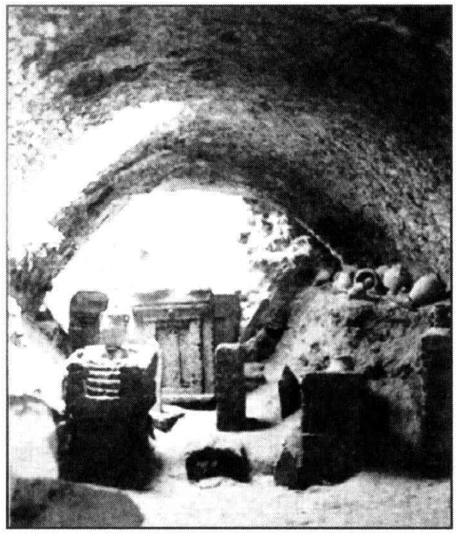
چین ۱۱۵
بان شائو (Banzhao) یکی از دانشمندان بزرگ چین، که در ضمن تاریخ نگار، ریاضی دان، منجم و شاعر بود پس از یک مسافرت سخت وطولانی همراه پسرش که فرماندار یکی از ایالات چین بود. درسن ۷۰ سالگی درگذشت. خواهر او بان گو (Ban Gu) درسال ۹۲ اعدام شده بود، بان شائو نمونه و الگوی زنان چینی درزمان خود بود . یکی از کتاب های تألیف او به اسم درس هایی برای زنان، پرهیزکاری واصالت شخصیت زن را توصیه و آنان را به همکاری و همفکری دعوت می کند.

میان رودان (بین النهرین) ۱۱۵
با همکاری آبگار(Abgar) پادشاه خسرون (Osroene)، شاهزاده نشینی درشمال غربی میان رودان که پایتخت آن هم شهر ادسا (Edessa) (اورفا – Urfa) نام داشت، تراژان موفق شد که بخش اعظم بین النهرین را به تصرف درآورد.

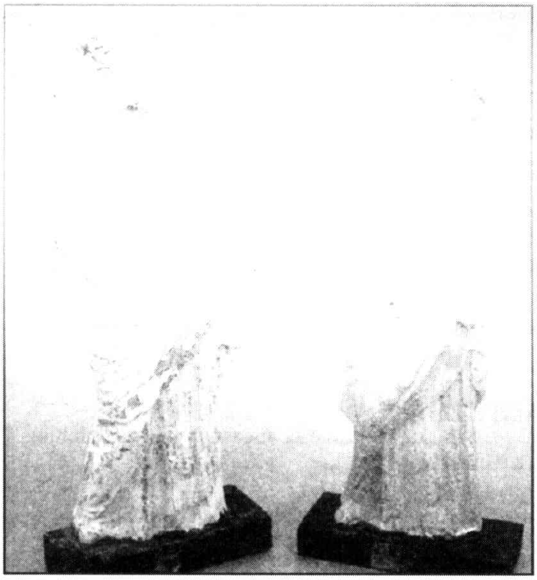
یهودیه ۱۱۵
لوسیوس کوئیتوس (Lusius Quietus) که به وسیله تراژان به فرمانداری یهودیه منصوب شده بود، سیاست خشنی جهت برقراری صلح درپیش گرفت، چندی بعد یهودیان سیرنائیک (Cyrenaica) مصر، قبرس (Cyprus) علیه رومیان و یونانی ها دست به شورش زدند. آن ها از بیم تهدید یهودیان تمام دنیا دست به این عملیات زدند.

خاور نزدیک ۱۱۶
تراژان با تسخیر تیسفون پایتخت پادشاهان اشکانی به خلیج فارس رسید، اکنون ارمنستان، میان رودان و آدیابن (Adiabane) درآشور، جزو ایالات روم محسوب می شود. تراژان پارتاماسپارت (Parthamasparthes) را به پادشاهی درمیان رودان منصوب و او را به عنوان پارتیکوس (Parthicus) یا قهرمان پارت نامید.

سوریه اوت ۱۱۷
هادریان (Hardrian) امپراتور روم که به جانشینی تراژان (Trajan) در روم رسیده بود، برای حفظ صلح و آرامش مرزها، میان رودان و آشور را به دولت اشکانی واگذار کرد، ولی خود را امپراتور انطاکیه (آنتیوک) نامید و بدین ترتیب شهر آنتیوخ جزو حکومت روم قرار گرفت.



چند گلدان که خاکستر بچه‌های قربانی‌شده را
در آن‌ها می‌ریزند.



تندیس دو زن از اهالی اسکندریه در لباس اصیل یونانی.



تصویر پتولمی (Ptolemy) دوم و همسر او.



موزاییک ساخت کارتاژ (Carthaginian) با تصویر جادویی.



پیکره نیم‌تنه تئوکریتوس (Theocritus)، شاعر قصیده‌سرای روستایی.

برای فقیران نان و آبی بخور و نمیر فراهم کرده و نظم را برقرار کند، لیکن این امید به یأس تبدیل شد و ماریوس که از طبقه ی کارگران بود، و در سلک قدرتمندان در آمده بود، به قتل رسید.

ژول سزار با خنجر درمحل سنا به قتل رسید. (روم، ۱۵ مارس ۴۴ پ.م):

قیصر روم، ژول سزار، کشته شد. وی براثر توطئه ی گروهی با خنجر به قتل رسید، درحالی که تعدادی از قاتلان از دوستان نزدیک وصمیمی وی ودرسنای روم کرسی خود را مدیون او بودند، او در ۱۵ مارس کشته شد(رومیان قدیم معتقد بودند که روزهای سیزدهم ماههای دیگر، نحس است) اسپورینا (Spurinna) پیشگو وی را از خطری که در چندروز آینده درکمین اوست، آگاهانیده بود، لیکن سزار او را کاذب و دروغگو خوانده و با پای خود به سوی مرگ شتافت.

تیلیوس سیمبر(Tillius Cimber)، به بهانه ی این که برادرش را سزار تبعید کرده، با سایر قاتلان اطراف دیکتاتور را حاطه کرده و به او اعتراض داشتند. سزار می خواست از دست سیمبر فرار کند، لیکن او با اصرار وپافشاری دامن ردای (توگا) سزار را گرفته واو را هل داد، سزار از این توهین خشمناک شده وخواست آنان را از خود دورکند، اما کاسکا (Casca) اولین ضربه را به وی زد. این ضربه چندان جدی نبود وسزار سوزش سوزن مانندی دربازوی خود احساس کرد براثر ضربه، سزار خم شد تا بتواند سرپا بایستد، لیکن ضربه خنجری دیگر بروی وارد شد وشکم او را سوراخ کرد، سزار بی طاقت شده، نقش برزمین شد. دراین حال، ضربات خنجر از سوی سایرین فرودآمد، به خاطر این که قضیه لوث شده و هیچ کس نتواند قاتل اصلی را بیابد و مسئولیت مرگ او بردوش یک نفر سنگینی نکند.

سزار هنوز چشمانش باز بود که باز هم ضربه های خنجر از سوی حمله کنندگان پیاپی فرود می آید، این ضربات هدف معینی نداشت وبه سروصورت وسینه و پاهای سزار وارد شده ووی را کشت. سزار دیگر قادر به حرکت وسخن گفتن نبود، آنان ۲۳ ضربه براو وارد آورده بودند، مارکوس بروتوس (Marcus Brutus) پس از ضربه ی آخر که به

روم ۹ ژوئیه ۱۱۸

هادریان که سال پیش به جای تراژان به امپراتوری رسیده بود، به روم وارد شد . در غیاب هادریان سنا رأی به اعدام چهارنفر از فرمانداران، شامل ژنرال های تراژان، لوسیوس (Lusius)، کوئیتوس (Quitus) و کورنلیوس پالما (Cornelius palma) که برضد امپراتور جدیداقدام کرده بودند داد.

روم ۱۱۸

هادریان با قید سوگند تعهد کرد که سناتورها را بدون محاکمه اعدام نکند.

بالکان ۱۱۸

قبیله سارماتی (Sarmatian) مشهور به روکسولانی (Roxolani) که دست به شورش زده بودند، با دخالت هادریان مقهور و به اطاعت درآمدند. او سپس به کینتوس مارکوس توربو (Quintus Marcus Turbo) فرماندار داسی دستور داد که یهودیان را درآن ناحیه اسکان دهد، یهودیان دراین اواخر اغتشاشاتی درمصر و سیرنائیک ایجاد کرده بودند.

روم ۱۲۲

هادریان سوئه تونیوس (Suetonius) پیشینه نگار رومی را که منشی مخصوص او بود و سپتیسیوس کلاروس (Septicius Clarus) فرمانده گارد ویژه امپراتوری را برکنارکرد.

بریتانیا ۱۲۲

به دستور هادریان که از بریتانیا بازدید می کرد، دیواری بین ایالت رومی وبخش فتح نشده این سرزمین کشیده شد . این دیوار از سول وی فیرت (Solway Firth) تا رود تاین (Tyne) ادامه دارد.

ارمنستان ۱۲۳

برطبق پیمان صلحی که هادریان با خسرو اشکانی امضا کرد، یکی از افراد سلسله آرشاک (Arsacid) به پادشاهی آن سرزمین منصوب و تحت الحمایه روم گردید.

آتن ۱۲۴

درهنگام بازدید هادریان از یونان، وی درمراسم معجزه های مذهبی باستانی به نام الئوزینیان (Eleusinian Mysteries) یونان شرکت کرد.

چین ۱۲۴

هنگامی که تغییر سلطنت صورت می گیرد، امپراتریس ین (Yen) به مقام سلطنت رسید و چین دچار شورش و طغیان شد.

هندوستان ۱۲۵

گائوتامی پوترا ساتاکارنی (GautamiPutra Satakarni) یکی از پادشاهان سلسله اندرا (Andhra) به شاهزاده نشین ماها راشترا (Maharashtra) یورش برده و آن جا را تخریب کرد، ماهاراشترا نزدیک بمبئی (Bombay) واقع است. اندرا به رژیم دکن (Dekhan) شرقی حمله و آن را مغلوب کرد، این رژیم از سال ۱۰۰ پیش از میلاد درناحیه یی بین گوداواری (Godavari) و رود کریشنا (Krishna) حکومت می کرده است. گائوتامی پوترا اکنون تمام ناحیه هند مرکزی را درسراسر ساحل تحت سلطه دارد.

او واردآمد، به طعنه وسرزنش جنازه ی سزار را مورد خطاب قرار داد و به زبان یونانی به او گفت: توهم پسر منی؟ جمله یی که سزار به نزدیکان خود می گفت.

بدین ترتیب سزار هم مُرد ودر پای تندیس پمپی جان داد. جنازه ی سزار برزمین افتاده بود، با این وصف کسی جرأت نزدیک شدن به او را نداشت، تا بالاخره سه نفر برده، آن را بلند کرده و با درشکه ی خودش به منزل رسانیدند. قاتلان درنظر داشتند جنازه ی وی را به رود تیبر(Tiber) انداخته واموال و فرامین وی را توقیف نمایند، اما از غارت اموال وی بیم داشتند. مارک آنتونی (Marcus Antonius) ولپیدوس (Lepidus) با اسب از معرکه گریختند. درحدود ۶۰ نفر به رهبری مارکوس بروتوس، درقتل سزار شرکت داشتند که همواره درکنار وی بودند، از جمله کاسیوس (Cassius) که سزار قول فرمانداری سوریه را به او داده بود.

آنان فکر می کردند با کشتن سزار، روم را ازدست دیکتاتور رهایی بخشیده اند وکشور را از شر حکومت ظالمانه خلاص خواهند کرد،چوی وی را پادشاه آینده خوانده بودند.

ازبین بردن سزار، علل گوناگون داشت، من جمله به پندار آنان سزار با ردای ارغوانی، با تاجی برسر برآنان چیره شده وپادشاه روم به نظر می رسیدو درنتیجه کشور درزیر حکومت دیکتاتوری نخواهد توانست کمر راست کند. هم چنین او قدرت مذهبی را به خود اختصاص داده ومذهب را زیر سیطره خود خواهد گرفت وکشور را به روش وسنت دیکتاتوری خواهد کشانید وحتی این بیم درآنان ریشه دوانیده بود که وی به خود عنوان خدایی بدهد.

مارک آنتونی قاتلان سزار را به دام می اندازد.

مارکوس آنتونیوس (مارک آنتونی) مردان قاتل سزار را زیرنظر دارد نخست وی با آنان روشی مسالمت آمیز درپیش گرفت. او درتعقیب این جریان به آنان پیشنهاد کرد که پایتخت را ترک کرده و درمکان مقدسی ساکن شوند و غذای آن ها هم به وسیله ی کاسیوس (Cassius) تأمین گردد. هم چنین وی میل داشت که حکومت چند ایالت را به بروتوس وکاسیوس واگذار کند وآن ها زیر حمایت او باشند. تا سنا به این جریانات رسیدگی کرده وبتواند درباره ی فرامین سزار تصمیم لازم را اتخاذ کند. آنتونی بدین وسیله می خواست از بروز جنگ های داخلی جلوگیری نماید.

به هر صورت، هنگامی که آنتونی مشاهده کرد مردمی که برای یادبود سزار برمزار او جمع شده بودند، با خشم وغیظ به قاتلان این مرد ناسزا می گویند و درعین حال، به روح سزار درود می فرستند وبه مدح وثنای او می پردازند ونیز توگای (ردا) خونین او را برسر دست گرفته و به دشمنان او لعنت می فرستند، عزم خودرا تغییر داد.

آنان هم چنین با جمع آوری هیزم و مشعل خانه های بروتوس و کاسیوس را آتش زدند و قاتلان را دستگیر کردند.

اوکتاویان (Octaian) جوان وارث سزار می شود. (روم، ۴۴ پ.م):

ژول سزارمیل داشت نامش محفوظ بماند، ازاین رو، مارک آنتونی خانه اش را به برادرزاده ی بزرگ او، اوکتاویان که وارث اوبود، داد.

اوکتاویان پدرخودرا درکودکی از دست داده بود، سزار هم سرپرستی وتربیت وی را برعهده گرفت، حتی سزار او را وارث خود قرار داد و هنگامی که سزار کشته شد، وی به عنوان پسر سزار قلمداد شد. اوکتاویان دراین هنگام ۱۸ سال داشت.او شنل سزار را بردوش می انداخت و بدین وسیله راه وروش او را تمرین می کرد.

برخی از مردم تصور می کردند که او بچه است و به این امر اهمیتی نمی دادند ومی گفتند جانشین حقیقی سزار مارک آنتونی است، اوکتاویان قابل احترام نیست ونباید جانشین سزار شود. وی برای نخستین بار در رأس سپاهیان سزار در جنگ ایلیریکوم (Illyricum) پس ازمرگ او شرکت کرد. اوکتاویان روم را ترک کرده وهنگامی که به بروندیزیوم (Brundisium) (بریندیزی Brindisi) رسید، سربازان را وادار کرد که با نهایت فروشکوه مقدم او را گرامی بدارند و به او سلام ودرود بگویند.

کوچه ها ومحله های کثیف و پرچاله، مردم روم بلند پرواز را به دام مرگ می کشاند. (روم، ۴۰ پ.م):

شهرهای روم طبق نقشه ی صحیح بایستی حول محوری که درآن جا اجتماع مردمی زیادتر از سایر جاهاست، دریک شبکه ی متراکم با مجاری آب و فاضلاب جهت

آسیای مرکزی ۱۲۵

بـان یونـگ (Bon Yong) ژنـرال چینـی، پسـر بـان چـائو (Ban Chao) با تمام مساعی خود نتوانست برکوشان ها درناحیه رود تاریم غلبه کند.

یونان ۱۲۵

فیلسوف وشرح حال نویس یونانی پلوتارک (Plutarch) کـه دنبالـه رو سبک افلاتون و سایر شخصیت های مشهور بود درگذشت.

روم ۱۲۷

هادریان امپراتور پس از ۷ سـال بازدیـد از ایـالات رومـی بـه وطـن بازگشت، وی به مناطقی چون بریتانیا، هلنـد، گـل، اسـپانیا، آسـیای کوچک، یونان و سیسیل سفر کرده بود.

آتن ۱۲۸

هادریان اعلام کرد که تعداد بیشماری از معابد اولمپ که جهت اهدا به زئوس از ۷۰۰ سال پیش درناحیه اولمپ شروع به ساختمان آن ها شده بود، پایان پذیرفته. ساختمان این بناهـا درزمـان پـی زیـسترات (Peisistratus) آغاز شده بود. هادریان هم چنین لقـب اولمپیـوس (Olympius) را پذیرفت.

افریقای شمالی ۱۲۸

هادریان از گروه های نظامی مـستقر درایالـت رومـی شـمال افریقـا بازدید کرد.

خاورنزدیک ۱۲۹

هادریان از منـاطق کاریـه (Caria) کلیکیـه (Cilicia)، کاپادوکیـه (Cappadocia) وسوریه بازدید کرد.

ایتالیا ۱۳۰

هادریـان از ثـروت شخـصی خـود، در تیبـور (Tibur) (تیـولی ـ Tivoli) کاخی با شکوه ومجلل که یـادبودی تحـسین آمیـز از وی درجریان سفرهایش بود بنا کرد. وی هم چنین بازسازی معبد پانتئون (Pantheon) را پایان داد. ایـن معبـد را کـه کـامپوس مارسـیوس (Campus Martius) درسال ۲۵ پیش از میلاد شروع کرده بود و معبد دیگری را هـم کـه مـارکوس ویـسپانیوس آگریپـا (Marcus Vispanius Agrippa) ساخته بود به اتمام رسانید.

مصر ۱۳۰

درحالی که امپراتور ازناحیه ساحل رود نیل بازدید می کرد، آنتینـوس (Antinous) که عاشق هادریان بود، در رودخانه غرق شد. شـهرت داشت که او برای حفظ زندگی آقای خود این کار را کرده است.

مصر ۱۳۰

هادریان شهری به نام آنتینوپولیس (Antinoopolis) را به یـادبود عاشق خود آنتینوس بنا کرد.

هندوستان ۱۳۰

واسیـسکا (Vasiska) پادشـاه کوشـان هـا (Kushans) کـه خـود جانشین کانیشکا بود درگذشت هوویسکا (Huviska) بـه جانـشینی او پادشاه شد.

بهداشت و نظافت برای زندگی ورفاه نسبی بنا شود. درحـالی که باآتش گرفتن و حریقی که دربخش قدیمی شـهر همـین امسال روی داد، گرفتـاری ومـصیبت شـدیدی بـرای اهـالی ایجاد کرد وفرونشاندن آتش به سختی انجام شد و ایـن امـر نشانه ی آن بود که شهر برطبق اصول فنی ومبنای صـحیح ساخته نـشده اسـت. دربیـشتر شـهرهای روم ایـن جریانـات رعایت نشده و خانه ها وساختمان ها درحـول خیابـان هـا و کوچه های بسیار تنگ و باریک بنا شده که اغلب درکثافـت ونجاست غوطه ور است وبلایـی اسـت بـرای سـاکنان ایـن محله ها. درشهر روم که به جرأت یک دهم جمعیت ایتالیا را درخـود جـای داده، فـشارجمعیت سرسـام آور اسـت ومـردم برحسب اجبار درخانه ها و آپارتمان های تنگ و تاریـک بـه سر می برند و درمحله های پرجمعیت وشلوغ، شبیه جزایری در دریا زندگی می کنند ودر اطراف آنها هیچ گونه وسـیله ی رفاهی ندارند.

درچنین محله های جزیره مانند، برخی خانه هـا را آجـر، ولی بیشتر با چوب و جگن بنا شده، مستأجران این مکانها بـا وجود کرایه یی که بردوش آنها سـنگینی مـی کنـد و اغلـب قادر به پرداخت آن نیستند، هیچ گونـه وسـیله ی روشـنایی، گرمایش یا جای پخت وپز مناسبی ندارند. بدتراز همه توالت ومجاری فاضلاب جهت زهکـشی درایـن شـهر بـزرگ روم وجود ندارد، درنتیجه کثافت ومواد دفعی مردم درمعابر وضـع زننده یی به وجودآورده است. آب مصرفی شهر درجوی های کثیف جاری ومجاری آب مشروب وضع ناهنجـاری دارد، بـا وجود این که مردم برای آب مصرفی خود پول پرداخت مـی کنند، شبکه ی آبرسانی شهر اسلوب درستی نـدارد. بـه نظـر می رسد به علت ایـن همـه گرفتـاری هـای شـهر و عـدم بهداشت، مردم بیشتر مبتلا به بیمـاری هـای گونـاگون مـی شوند و در نتیجه مرگ و میر فـراوان اسـت وایـن اخطـاری است برای گردانندگان شهرها و شهرداری ها.

درهمین امسال که آتش سوزی بزرگی درشهر روی داد، به سرعت به سایر جاها سرایت کرده و وزیـدن بـاد هـم بـه حریق کمک کرد، درنتیجه به خرابی و کثافت شـهر افـزوده شد و محلات پر از آشغال و خاکروبه گردید.

با وجودی که مستأجران اجاره بهـای سـنگینی پرداخـت می کنند، محل سکونت آنها در همین بیغوله و کلبه هاست

و صاحبخانه ها هم ابداً درخود مسئولیت احساس نمی کنند و درفکر تعمیر و ترمیم خانه ها نیستند.

حتی سیسرو که نفوذ زیادی درکشور دارد، از املاک خود واقع درپوتیولی (Poteoli) درجنوب ایتالیا، بی خبراست،درحالی که خانه های او درحال خراب شدن وریختن است. سیسرو می گوید اخیراً دوساختمان او فروریخته و بقیه هم درحال تخریب می باشد وساکنان این ساختمان ها می گویندخراب شدن این جا مصیبت و فاجعه است، اما من که ناراحتی ندارم و برای من، این موضوع فاجعه نیست.

ویترویوس (Vitruviu) بزرگترین معمار روم (روم، ۳۵ پ.م):

ساختمان بازیلیکا (Basilica) واقع درمیدان فانوم (Fanum) (فانو Fano) راساخته و به این اعتبار شناخته شده، بلکه دراین زمان، یعنی زمان ژول سزار، کتاب هایی درباره ی معماری وموضوعات مربوط به آن، مثل جغرافیا، عوامل اقلیمی وآب وهوا، زندگانی مردم وپزشکی نوشته است. درعین حال، او کارشناس عوامل طبیعی، ریاضی، چشم پزشکی وستاره شناسی است.

این دانستنی ها ومعلومات برای یک نفر غیرعادی است. وی درعلوم مهندسی، تحصیلات بسیار عمیقی دارد، هم چنین درعلوم هیدرولیک (Hydraulics)، بالیستیک (Ballistics) (نیروی ثقل زمین) وصدا وصوت تبحر دارد و توانسته درسالن ها وتئاترهای روباز، صدا را طوری تنظیم کند که به گوش شنونده بهتر برسد، بدین معنی که صدا را درکانون جمع کرده وانعکاس آن را به گوش برساند.

ویترویوس درباره ی مصالح ساختمانی وتاریخ بنای ساختمان های بزرگ و مقاومت مصالح، فرضیه و نظریه دارد. وی هم چنین کتابهایی درباره ی ساختمان معابد، تئاترها و حمام ها و زندان ها تألیف کرده و در تزئینات داخلی وطراحی این ساختمان ها، کارهای برجسته یی انجام داده است.

مرگ بروتوس درفیلیپی (Philippi) (فیلیپی، ۴۲ پ.م):

اوکتاویان وآنتونیوس (مارک آنتونی) درجنگ خصمانه یی برعلیه کاسیوس وبروتوس، قاتلان سزار، که درفیلیپی،واقع در مقدونیه رخ داد، آن دوراکشتند، این جنگ چند روز به درازا کشید.

کاسیوس درهمان روز اول کشته شد و چادر او را غارت کردند و همگان فکر می کردند که بروتوس هم دراین جریان به قتل رسیده است، کاسیوس قبل ازمرگ به سپردار خودامر کرد که حلقوم او را ببرد، دراین ضمن بروتوس نبرد شدیدی را برضد لژیون اوکتاویان شروع کرد، وی برسر جنازه ی کاسیوس گریست، او اعلام کرد که تمام رومیان را خواهد کشت و خودآخرین فردی خواهد بود که می میرد. بروتوس با دسته ی کوچکی از نیروهای خود به کوهستان گریخت، ولی در دامی که در راه گسترده بودند، گرفتارآمد وبه شکست تن داد، به دستور وی، استراتو (Strato) دوست او، باشمشیر خودش، او را کشت.

برروی سنگ قبر او نوشتند که درپیکار برعلیه دشمن پیروز شد و آنتونیوس درباره ی اوگفت: وی یکی از بزرگ ترین مردان نجیب زاده ی روم بود.

قاتلان سزار را براثر کینه جویی وانتقام پسرخوانده او که ستوانی به نام لپیدس (Lepidus) که اصطبل دار اسبان سزار بود را به قتل رساندند و اکنون نوبت گروه سه گانه ی کنسول های دوم روم می باشد.

نخستین کار کنسول ها، پاکسازی سریع روم از دشمنان بود. آنها اشتباه سزار را تکرار نخواهند کرد و تمام دشمنان را نابود واموال آنها را ضبط کردند. شاید سیسرو یکی از مهم ترین ومشهورترین قربانی آنان بود. حالیه که بروتوس و کاسیوس را از صحنه به در کردند، تمام دشمنان جمهوری از بین رفتند، لیکن پیش از آن هم، شرط اتحاد واتفاق روم نابودی رقبا وحریفان بوده است.

پادشاه یهودیه (Judaea) هرود (Herod) سرزمین خود را کشوری زیرنظارت دشمن می داند. (یهودیه، ۳۵ پ.م):

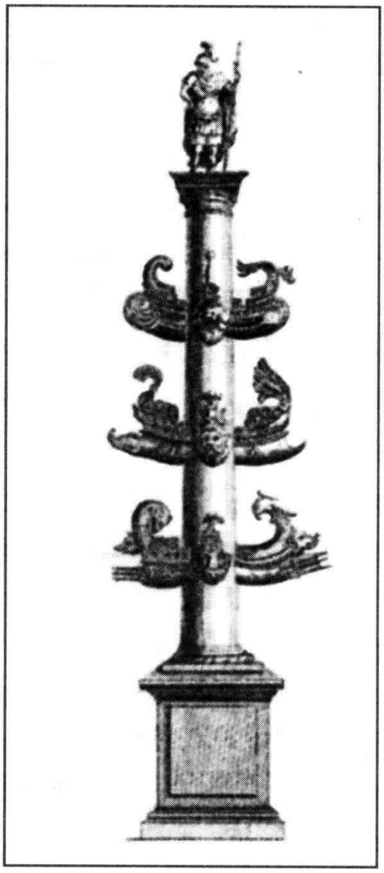
یگانه سرزمین یهودی نشین درجهان به تدریج به عنوان کشوری درتحت نظارت روم درآمده ومانند سایر ایالات وابسته به آن جمهوری می گردد. مردی که به تنهایی



ستون سمبل پایتخت اشوکا (King Asoka)، پادشاه هند، با تندیس دو شیر و زینت‌های بسیار زیبا.



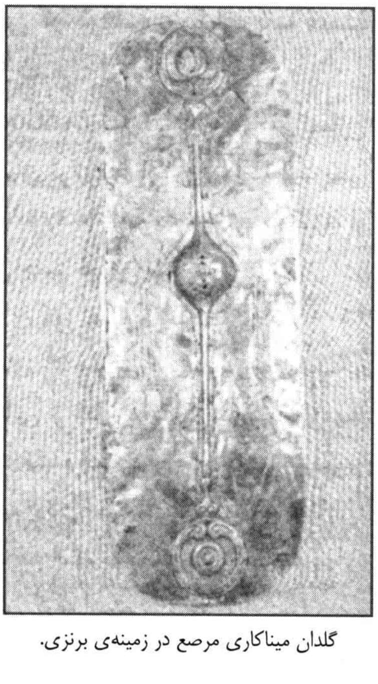
گوساله‌یی (Calf) که برای قربانی آماده می‌شود.



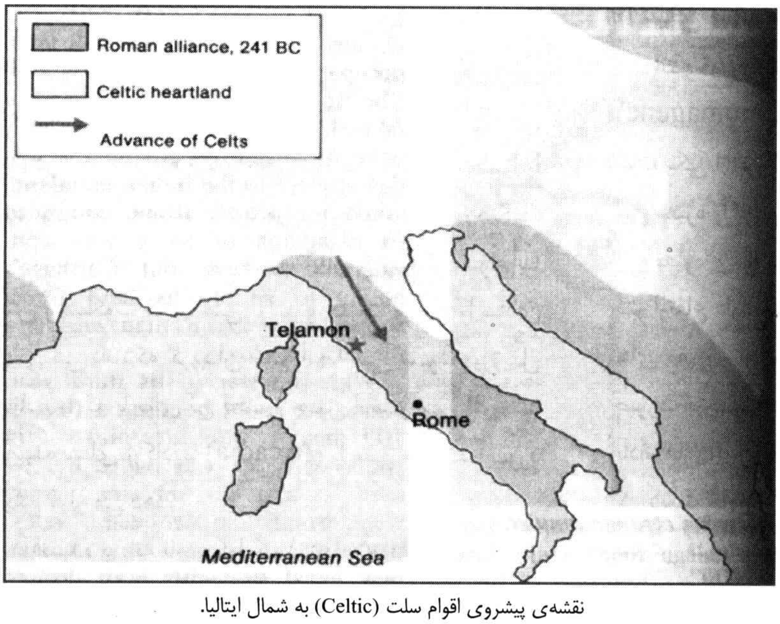
ستون یادبود شهر رم به نشانه‌ی پیروزی.



گوئوتاما بودا (Gautama Buddha) و حواریون.



گلدان میناکاری مرصع در زمینه‌ی برنزی.



نقشه‌ی پیشروی اقوام سلت (Celtic) به شمال ایتالیا.

توانست این مسئولیت را بپذیرد، هرود کبیر، پادشاه یهودیه است که از سال ۳۷ پ.م کشور را به ترقی رهنمون شد و دربرابر سنای روم با شهامت ایستاده است.

هرود وارث سلسله ی سلطنتی آنتی پاتر (Anti Pater) از سال ۴۷ پ.م به شهروندی روم درآمد، لیکن در سال ۴۰ پ.م به وسیله ی مارک آنتونی به عنوان ایالتی رومی شناخته شد که بازهم نتوانست درمقابل نیروی نظامی اشکانیان که به آن سرزمین و به ویژه اورشلیم حمله کردند، مقاومت کند.

هرود، پادشاه یهودیه، شخصی زیرک و باهوش و در سیاست حالت محافظه کارانه داشت وحکومتی بر پایه ی خشونت تأسیس کرد و از این که متحد روم است، خوشنود بود و این امر را به شدت رعایت می کرد که مورد توبیخ آن دولت قرار نگیرد. سپاهیان او از سربازانی مزدور و داوطلب تشکیل شده و استحکاماتی را هم دراطراف اورشلیم بنا کرده بود. سیاست وی خشن و دارای پلیس مخفی قدرتمند بود وبیشتر حالت دیکتاتوری داشت، هرود شیفته ی ساختمان بود و در زمان وی معابد تخریب شده،مرمت و تعدادی معابد جدید بنا شد.

زندگانی درروستا مورد تمجید ویرژیل است. (روم، ۳۷ پ.م):

یکی از شعرایی که سبک نوینی درشعر ایجاد کرده، ویرژیل (Virgil) (پوبلیوس ورژیلیوس مارو Publius Vergilius Maro) می باشد که خود در روستا زندگی کرده و نمایی از زندگی معمولی روستاییان رومی را ارائه می نماید. درگلچینی از ده قصیده، وی زندگی ساده روستا را نشان می دهد که اغلب با درد ورنج همراه است ودرجنگل ها به مصیبت دچار می شوند، روستاییان از زندگی توأم با آرامش و سکوت لذت می برند و جنگ ونزاع را بلای ناگهانی می دانندکه گریبان گیر آنها می شود. ویرژیل چوپانانی را که با نوای نی لحنی حزن انگیز می آفرینند وقصیده های آرکادیا (Arcadia) را می خوانند، مورد ستایش قرار می دهد.

درقصیده یی به نام بوکولیک (Bucolics) او روح اشعار تئوکریت(Theocritus) سیسیلی را زنده می کند، تئوکریت درحدود ۲۷۰ پ.م می زیست. وی احساساتی شدید نسبت به زندگانی روستاییان دارد و احساس خود را بیشتر دراین زمینه بیان می کند و تمام زوایا ومزایای آن را درچشم خواننده ایجاد می کند. به نظر می رسد که وی پیرو ذهنیات است تاواقعیات، او روحیات حقیقی مردم را دراشعار خود شرح می دهد. ویرژیل برای سرزمین ومیهن خود دردره ی پو (Po) نزدیک مانتوآ (Mantua) بسیار حساس ونسبت به آن محل عشق می ورزد. وی در سال ۷۰ پ.م درآنجا متولد شده است. او قهرمانان را شبیه خدایان تصور می کند که درجوانی دستیار میهن خود هستند و نام آن را بلند آوازه نگه می دارند، وی درسال ۴۴ پ.م کمک زیادی جهت به قدرت رسیدن اوکتاویان، برادرزاده ی بزرگ سزار، درموقع مرگ ژول سزار کرد.

پدر ویرژیل ثروتمند نبود، ولی آن قدر توان مالی داشت که بتواند پسرش را جهت تعلیم وآموختن علوم زمانه به میلان(Milan) وروم بفرستد. وی علاقه ی زیادی به یادگیری داشت ودراین جهت پیشرفت زیادی کرد و فلسفه‌ی اپیکور را در روم توسعه داد واساس این فلسفه را به مردم آموخت، به طوری که بتوانند درزندگی داخلی خود آن را به کار بندند. خود وی هم مدت ها درمجتمع اپیکوریان درناپل (Naples) به سر برد، ویرژیل کتاب بوکولیک را در مدت پنج سال نوشت.

مقبره ی شاهانه یی که درقله ی کوه بنا شد. (آسیای صغیر، ۳۵ پ.م):

آنتیوخوس (Antiochus) که مدت ۲۷ سال در کوماژن (Commagene) (شرق ترکیه ی امروزی) سلطنت می کرد، یکی از بزرگترین مقبره ها را در قله ی کوه بنا کرد، او این مقبره را برای دفن جسد خودش ساخت.

مقبره ی او درقله ی کوه نمرود(Nimrud) که ۳۸۰۰ متر ارتفاع دارد، به بلندی ۵۶ متر بنا گردیده. در روی سنگ های مقبره، تندیس هایی از خدایان، عقاب ها وشیران به صورت برجسته حک شده است. او هم چنین تصاویر پادشاهان ایران واعقاب یونانی خود را ونیز تصویر خدایان، که دست های او را گرفته اند، به صورت برجسته برای نمایش قدرت خود نقش کرده است.

کامیابی وخوشبختی آنتیوخوس درآن بود که وابستگی خود را با روم قطع نکرد، چون حکومت های وابسته به

روم ۱۳۱

بنا به تقاضای هادریان، سالویوس ژولیانوس (Salvius Julianus) حقوقدان جوان رومی قانون احراز مقام کارمندان گارد ویژه امپراتوری را اعلام کرد. ازمدتها پیش احکام مناسبی برای این شغل وجود نداشت ژولیانوس احکامی دایمی برای کارمندان وفرماندهان آنان تهیه کرد و احکام عزل ونصب آنان را تغییر داد.

یهودیه ۱۳۲

یهودیان از این که حالت بی تفاوتی دراجتماعات رومی سرزمین یهودیه پیش آمده وکافران رومی جری شده اقدام به ساختمان پرستشگاه ژوپیتر کاپیتولینوس (Jupiter Capitolinus) به جای معبد یهودیان دراورشلیم نمودند طغیان کردند. با همبستگی سیمون بارکوخبا (Simon Bar- Kochba) (پسرستارگان) رابی (خاخام) الازار(Rabbi Eleazar) آنان این سرزمین را تصرف کرده بودند.

آسیای مرکزی ۱۳۴

حاکمیت چین برحوزه رود تاریم روبه زوال گذاشت.

آسیای صغیر ۱۳۴

آریان (Arrian) فرماندار کاپادوکیه از جنوب روسیه اقدام به حمله علیه روستائیان چادرنشین آلان (Alans) کرد.

یونان ۱۳۵

فیلسوف رواقی اپیک تتوس (Epicteus) درنیکوپولیس (Nicopolis) واقع در اپیروس درگذشت. این محل جائی بود که دومی تیان درسال ۸۹ فلاسفه را به آنجا تبعید کرده بود. اپیک تتوس که قبلاً برده بود، حالت تارک دنیایی درپیش گرفت و از لذات جسمانی پرهیزی می کرد وبرای او رنج ومشقت دنیوی تأثیرگذار نبود، وی عقیده داشت که تمام کائنات از کارهای خداوند است.

یهودیه ۱۳۵

پس از دوسال ونیم جنگ، شورش درکشور فرونشست و هادریان هم دوباره اورشلیم را تصرف کرد. در این زد وخوردها شورشیان به استحکامات بتار (Bethar) درجنوب شرقی شهر مقدس فرار می کردند، ولی بالاخره پس از چندین ماه محاصره شهر را تسلیم کردند. نام اورشلیم به اولیاکاپیتولینا (Aelia Capitolina) تغییر یافت و تأکید شد که یهودیان، یهودیه را به نام فلسطین سوریه (Syria Palestine) بخوانند.

مدیترانه ۱۳۵

بنادر دریای مدیترانه از یهودیان زنده پس ازکشتار عمومی پرشد و آن ها را به عنوان برده فروختند.

روم ۱۳۶

هادریان، لوسیوس سئونیوس کامودوس (Lucius Ceionius Commodus) را به عنوان جانشین خود نامزد ومعرفی کرد. کامودوس لقب اولیوس سزار(Aelius Caesar) را برای خود انتخاب کرد وبرای نخستین بار لقب امپراتور روم عنوان سزار را پیدا می کند.

یونان، به کلی از بین رفته بودند وامپراتوری روم نمی توانست وجود آنها را تحمل کند. این پادشاهان به طور اسمی و ظاهری یونانی بودند، چون اِعقاب یونانی داشتند وامپراتوری روم آن هارا سپری برای دولت های بربر قرارداده بود. آنها امپراتوری روم را درمقابل هجوم سایرین محافظت می کردند و درحقیقت پادگان های دائمی برای آن دولت درمنطقه بودند.

شهر پترا(Petra) درتجارت عرب موفق وکامیاب می شود. (پترا، ۲۵ پ.م):

پترا شهری غیرمعمولی که دردل کوه کنده شده، درمسیر ترقی گام برمی دارد. مردم این شهر که به نباتین ها (Nabataeans) مشهورند، ازنظر تجارت وصدور کالا از نقاط مختلف وحتی مناطق دوردست اقدام کرده ودراین راه به موفقیت رسیده اند آنها از جنوب عربستان صمغ خوشبوی درخت مرمکی یا مرموک (گیاهی است به صورت درختچه که گل ها و برگ های معطر دارد که از آن درساخت اودکلن و نیز به عنوان عطر مشروب استفاده می شود.) را به ایران می آورند و از ایران مروارید جهت فروش به سایر نقاط می برند، هم چنین از هندوستان فلفل وادویه و کتان و از چین انواع حریر وابریشم را برای فروش حمل می کنند.

این شهر شگفت انگیز در دره یی تنگ قرار گرفته و تمام ساختمان ها دردل کوه واز سنگ ساخته شده، دارای معابد، بازار و خانه های فراوانی است و به علت تجارت پر رونق و داشتن ناوگان تجاری، مردم آن ثروتمندند.

سن ازدواج در روم از ۱۲ سالگی شروع می شود. (روم ۲۵ پ.م):

ازدواج جوانان در روم مدرن، از ده سالگی آغاز می شود. بدین معنی که دختران هنگامی که به ده سالگی می رسند، مقدمات زناشویی برای آنان فراهم می شود ودر ۱۲ سالگی جنبه ی رسمیت پیدا می کند امسال، ۱۴۵ مورد از دختران ۱۲ ساله، به خانه ی شوهر رفتند. به طور کلی، هشت درصد ازدواج ها درسنین زیر ۱۲ سال می باشد و دختران قبول می کنند که دراین سنین شوهر کنند، اغلب دختران درسن ۱۳ یا ۱۴ سالگی زناشویی می کنند. این سن برای پسران از ۱۴

سالگی آغاز می شود، لیکن اغلب ترجیح می دهند کمی صبرکنند. مراسم عروسی این نوجوانان خیلی سریع انجام می شود و به طور معمول یک شبانه روز جشن عروسی برقرار است. دراین مراسم، دختر اسباب بازی وتندیس خدای خانواده را به منزل شوهر خود می برد تا برای عبادت و ستایش آماده باشد. روز پس از جشن عروسی، عروس به خانه ی شوهر می رود وباید خدایان خانواده ی جدید را بپذیرد و مورد پرستش قرار دهد. هنگامی که عروس تازه به آستانه ی خانه ی شوهر می رسد، اطرافیان با شادی و هلهله از او استقبال می کنند و برای ورود او قربانی می کنند و درضمن چند نفر دامن لباس عروس را در دست می گیرند که وی به راحتی بتواند داخل خانه شود.

دراین حال، داماد تکه یی نان به نشانه ی برکت کف دست عروس می گذارد ودوک نخ ریسی را به نشان کدبانویی ویگانه شدن با اهل منزل، می گیرد، درضمن آتشی را به علامت فروزندگی روشن می کنند و نیز مقداری آب جلوی پای عروس می پاشند. به طور معمول، جوانان کم سن وسال ترجیح می دهند زودتر ازدواج کرده وزندگی تشکیل دهند و براین باورند که ازدواج به سلامت جامعه کمک می کند . به هر صورت، می توان قبول کرد که به علت کمی سن زناشویی زوج های جوان و کم تجربگی آن ها در امور زندگانی میزان طلاق افزایش می یابد.

کلئوپاترا در مسیر شهرت (روم، ۳۲ پ.م):

کلئوپاترا، ملکه ی مصر، مردان مشهور رومی را در ماجراهای عشقی اغوا کرده و فریب می دهد، او پیش از این از ژول سزار ومارک آنتونی یک پسر به دنیا آورده بود. رسوایی های جنگ های خیابانی درمصر هم دراثر تحریک همین زن بود و وی آن ها را ترغیب به نبرد با یکدیگر می کرده است.

اوکتاویوس (Octavius) که سزار او را به فرزندی قبول کرده بود، پس از سزار باهمکاری آنتونی که چهره یی مردمی داشت و در زمان سزار یکی از افسران ونزدیکان وی بود، نخستین دیکتاتور روم شد. هیچ یک ازمردان رومی، حساب جاه طلبی و غرور ملکه ی نیل را نکرده بودند واز فریبکاری وی بی خبر بودند.

کلئوپاترا در رویای مرکزیت شهر اسکندریه به عنوان کانون یونانی رومی به پادشاهی سلسله ی پتولمی مصر به سر می برد و در زیر این پوشش به خدعه و نیرنگ دست می زد و دراین راه مارک آنتونی او را حمایت می کرد. از سویی مارک آنتونی هم درخیال تصرف ثروت مصر، کلئوپاترا را هم چون تخته ی شیرجه (دایو) تصور می کرد (چون دایو برای شناگر به منزله ی پلی است برای غوطه ور شدن درآب) که با واسطه ی کلئوپاترا می تواند به این ثروت دست یابد. مارک آنتونی از دست زدن به جنگ با اشکانیان طفره می رفت و زمان را از دست می داد وخیال جنگ از شمال سرزمین اشکانیان را نداشت. دراین جریان، نه مارک آنتونی و نه کلئوپاترا درفکر زوجه ی آنتونی به نام اوکتاویا (Octavia)، خواهر اوکتاویان نبودند، وی از این که آنتونی با کلئوپاترا ازدواج کرده ودوقلو زائیده بود، بسیار خشمگین بود.

نبردهای شهری اجتناب ناپذیربود، اوکتاویان با نیروی دریایی عازم شرق شد، درحالی که آنتونی و کلئوپاترا مشغول آخرین نقش خود بودند.

اوکتاویان پیروز می شود. (اکتیوم یا اکسیوم (Actium)، دوم سپتامبر ۳۱ پ.م):

درنبردی که بین ناوگان دریایی اوکتاویان وژنرال او آگریپا (Agrippa) و نیروی دریای مارک آنتونی و کلئوپاترا در دریا رخ داد، اوکتاویان به پیروزی قطعی رسید. باوجود این که کشتی های سه طبقه ی (تری رم) آنتونی درموقعیت خوبی نبودند و تجهیزات آن ها به اندازه ی کافی نبود، اقدام به حمله کردند که سود چندانی نداشت، لیکن نیروی آگریپا با مقدمات کافی به آن ها یورش بردند. از سویی با وجود نداشتن تعداد کافی پاروزن برای کشتی های سه طبقه، طاعون هم دربین آن ها شایع شد. دراین زمان، آگریپا با مهارت وکاردانی، درتنگه یی باریک واقع در کرانه ی غربی بالکان، ناوگان آنتونی را به دام انداخت، درحالی که نیروی آنتونی بسیار ضعیف شده بود و درآستانه ی نابودی قرار داشت.

کلئوپاترا به زودی صحنه را ترک کرد، چون مشاهده کرد که آنتونی به وضع بدی دچار شده ودرحال شکست

اروپای مرکزی ۱۳۶
لوسیوس اولیوس سزار که مقام ناظر کل و پروکنسول را کسب کرده، فرمانداری را برای دو ایالت در پانونیا، انتخاب و عازم محل ماموریت کرد.

روم فوریه ۱۳۸
پس ازمرگ لوسیوس اولیوس سزار(کامودوس) دراول ژانویه، هادریان تیتوس اورلیوس آنتونینوس (Titus Aurelius Antoninus) پروکنسول سابق آسیا را برای جانشینی و احراز قدرت منصوب کرد. دراین جابه جایی قدرت، مارکوس آنیوس وروس (Marus Annius Verus) پسر جوان و برادرزاده وی نقش مهمی داشت.

ایتالیا ۱۰ ژوئیه ۱۳۸
هادریان امپراتور روم درمحل سکونت خود درناپل درگذشت.

روم اوت ۱۳۸
با جلوس تیتوس اورلیوس آنتونینوس به امپراتوری، سنای روم از اینکه وی هادریان را با عنوان خدایی شناخت نارضایتی خود را ابراز داشت. او سپس مقام حکومت ایتالیا را به عنوان یک ایالت از بین برد. همسر وی فائوستینا (Faustina) لقب اوگوستا را برای خود انتخاب کرد.

روم ۱۳۹
بنای گورستان باشکوه روم که ویژه امپراتوران بود و در سال ۱۳۶ به وسیله هادریان آغاز شده بود، پایان یافت.

روم سال ۱۴۰
قانوندان و منتقد رومی به نام ژونال (Juvenal) زندگی را بدرود گفت. او در زمینه اخلاق و منش رواقیون به شرارت وفقر وتجاوز به حقوق دیگران حمله می کند. وی هم چنین عدم رضایت خود را ازدومی تیان، امپراتوراسبق روم ابراز داشت،دومی تیان او را تبعید کرده بود. ژونال هم چنین به طور آشکار از زنان یهودیان بدگوئی می کند.

بریتانیا ۱۴۲
جنبش ضدرومی بریتانیا دریورکشایر با شکست مواجه شد، این جنبش که به وسیله بریگانت ها (Brigantes) که مهمترین عشیره دربریتانیاست برپا شده بود.

بریتانیا ۱۴۳
شورشی که در بریتانیا درسال پیش توسط بریگانت ها برپا شده بود، به وسیله کینتوس لولیوس اوربیکوس (Quintus Lollius Urbicus) فرماندار فرونشانده شد. او هم چنین مسئولیت ساخت دیوار سراسری هادریان، درشمال کشور واتمام آن را برعهده گرفت.

روم ۱۴۵
مارکوس اورلیوس با دختر عمه خود فائوستینا (Faustina) که دختر کوچک آنتونینوس بود زناشوئی کرد.

روم ۱۴۶
با تولد دختر مارکوس اولیوس وی حائز مقام ناظرکلی و پروکنسولی گردید. این مراکز قدرت، راه را برای جانشینی وی برای امپراتوری آماده کرد.

است، وی فوراً با نیروی مصری تحت فرماندهیش، به سوی مصر فرار کرد. آنتونی هم چون دید که معشوق بی وفای او با ناوگان خود ازمعرکه گریخت، درتعقیب او برآمد و مردان او هم چون نسبت به آنتونی وفادار و اخلاق وسجایای او را می ستودند، با اشتیاق و تحت فرمان وی به تعاقب کلئوپاترا پرداختند.

شکست آنتونی به هرحال جنبه ی فردی داشت وخود عامل آن بود. شکی نیست که اوکتاویان براثر کینه یی که از آنتونی به دل داشت، وی را تا آب های مصر تحت پیگرد قرار داد، آنتونی دست به خودکشی زد و اوکتاویان از مرگ او مطمئن شد.

اوکتاویان فرماندهی ضعیف بود و بایستی از آگریپا متشکر باشد و او بود که این پیروزی درخشان را به وی عرضه کرد، لیکن خود وی هم در زمینه ی سیاست وفریب دشمن ید طولایی داشت و هم او بود که نقشه یی طرح کرد و متحد پیشین خویش را که با او دریک موضع بود، نابود ساخت. لپیدوس در وهله ی اول، بی طرفی را اختیار کرد، لیکن بعداً به مردم گفت که مارک آنتونی به جرم اعمال خود وحمایت از کلئوپاترا به روم خیانت ورزید.

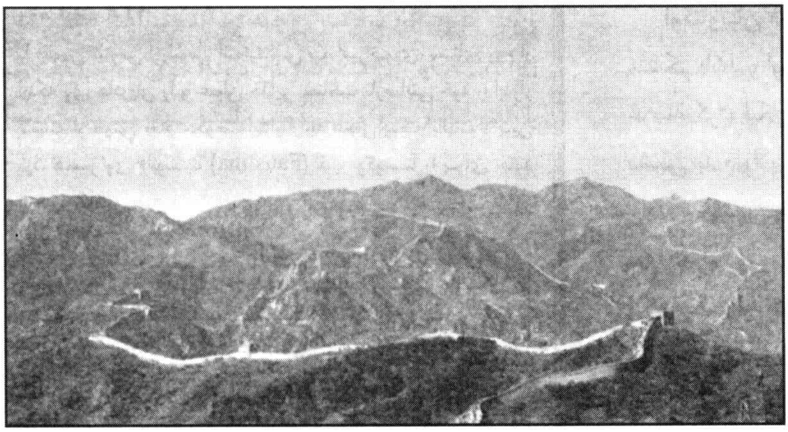
اکنون او آرزو می کند مردی چون سزار وجودداشت که با رهبری وقدرت خویش، روم و تمام متصرفات آن را اداره کند و به این امر جامه ی عمل بپوشاند.

فرماندهان ایالات روم در پی قدرت (روم، ۲۷ پ.م):

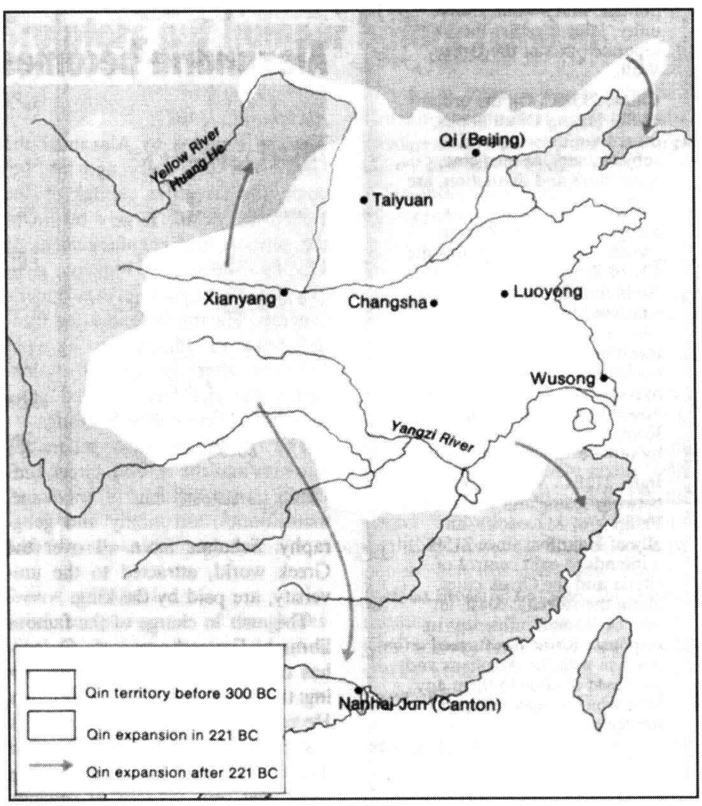
آگوستوس (Augustus) فرماندار روم، در پی کسب قدرت وباقی ماندن در پُست ومقام خود وحفظ آن، به دنبال نقشه یی است که در موفقیت او بسیار تأثیرگذار می باشد. وی درعین حال، انعطاف بیشتری به سوی سنای روم دارد. او درحدود ده نفر از فرمانداران ایالات رومی را با صلاحدید سنا انتخاب می کند و این طرح او مورد پذیرش سناست آگوستوس، فرماندارانی را انتخاب می کند که حس سلحشوری و جنگجویی داشته و از رده ی سواره نظام باشند، مدت نمایندگی آن ها یکسال بوده وبایستی از تمام قدرت خود برای حفظ پرستیژ واعتبار روم استفاده کنند و مسئولیت تمام امور حوزه ی مأموریت نیز با خود آنهاست.



تندیس عظیم بندرگاه رودس (Rhodes) با مشعلی که برای راهنمایی کشتی‌ها در دست او می‌باشد.



دیوار بزرگ چین (Creat Wall)که هم‌چون ماری مرز شمالی چین را محدود می‌کند.



وسعت سرزمین چین در سده‌های پیش از میلاد.

چین ۱۴۷

امپراتریس بیوه که از فامیل لیانگ (Liang) بود، هوآندی (Huandi) فرزند خود را به پادشاهی چین رسانید. خانواده لیانگ اکنون به اوج قدرت رسیدند و این امر به سبب رهبری مارشال لیانگ چی (Liang chi) برادر امپراتریس بود.

روم ۱۶۱

گایوس (Gaius) حقوقدان مشهور اقدام به تهیه قوانین مربوط به امپراتوری روم که یادگار تمام دوران ها بود، کرد وعنوان آن را انستیتو (Institutes) گذاشت.

ایتالیا ۷ مارس ۱۶۱

با مرگ آنتونینوس درلوریوم (Lorium) مارکوس اورلیوس جانشین او به عنوان امپراتور روم شد.

روم ۱۶۱

مارکوس اورلیوس از برادر خود لوسیوس وروس (Lucius Verus) دعوت کرد که با عنوان معاون در قدرت با او شریک بشود. این نخستین بار است که امپراتور فرد دیگری را در اداره امور سهیم می کند.

ارمنستان ۱۶۲

با مردن آنتونینوس، بلاش سوم پادشاه اشکانی، پاکور(Pacorus) یکی از منسوبان خود را به پادشاهی ارمنستان برگزید و درالژیا (Elegeia) قشون روم را شکست داده وپادشاه دست نشانده روم را فراری داد، وی سپس به سوی سوریه پیش رفت.

آتن ۱۶۲

هرود آتیکوس (Herodes Atticus) حاکم وناظر کل یونانی به یادبود مرگ همسرش رژیلا (Regilla) که درسال ۱۶۰ درگذشته بود، اودئون (Odeon) یا سالن تئاتری سرپوشیده با گنجایش زیادبنا کرد، رژیلا همسر آتیکوس زنی پاکدامن و شرافتمند بود.

سوریه ۱۶۲

وروس معاون امپراتور روم برای مقابله با دولت اشکانی نیروهای تحت فرماندهی خود رادر سوریه پیاده کرد.

ارمنستان ۱۶۳

استاتیوس پریسکوس (Statius Priscus) فرماندار کاپادوکیه، نیروهای دولت اشکانی را از ارمنستان بیرون کرده و آرشاسیدوس سوهائموس(Arsacidus Sohaemus) را که دست پرورده روم بود برتخت پادشاهی ارمنستان نشانید. پس از تخریب پایتخت کشور، آرتاکساتا (Artaxata) پایتخت جدیدی در والارشاپات (Valarshapat) تأسیس کرد.

میان رودان ۱۶۴

آویدیوس کاسیوس (Avidius Cassius) یکی از فرماندهان وروس فرماندار سوریه از رود فرات گذشته و به سرزمین اشکانیان هجوم برد.

این فرمانداران یا نمایندگان دولت اوامر وفرمان های مرکز را درحیطه ی نفوذ خود به اجرا می گذارند و درتمام موارد گزارش های لازم را به مرکز می دهند.

این نواحی عبارتند از سیسیل، ناربونه (Narbonne) و بخشی از افریقا و هم چنین مقدونیه. آگوستوس با زیرکی و حیله گری توانست مدت چندین سال به این وضع ادامه دهد و جانشینان او هم این شیوه ی او را، سال ها ادمه دادند.

افسانه های جمهوری در زیرنقاب قدرت امپراتور (روم، ۲۳ پ.م):

آیا هنوز جمهوری روم برقرار است، یا مردم را فریب داده واغفال می کنند، که سرنوشت و تقدیر روم براین بوده و این باور را درمردم رسوخ می دهند. رومیان در قید وبند به سر می برند و به نظر می رسد که گروگان یک رژیم سلطنتی به نام جمهوری هستند و هرقدرتی که برسر کارآید، مقبول آنان است. آنان چندسال به حالت تبعید بودند و درزمان ژول سزار به نام آزادی آن را پذیرفتند.

اوکتاویان که درجنگ دریایی برعلیه مارک آنتونی رقیب بزرگ خود که مدت هشت سال درسمت کنسولی روم با وی همکاربود، به پیروزی رسیده بود، هرساله به عنوان کنسول انتخاب می شد. وی پس از رفع همه ی موانع و از بین بردن رقبا خود را برای مادام العمر امپراتور خواند و به خود لقب امپریوم مایوس پروکنسولار (Imperium Maius Proconsulare) داد و درواقع صاحب قدرت مطلق گردید. وی درعین حال خود را فروتن وافتاده جلوه می داد و حامی وطرفدار مردم، حتی هنگامی که لقب غیرمعمول امپراتور را برخود نهاد، به سنا پیشنهاد کرد که به مدت ده سال در این سمت باقی خواهد ماند و هر ده سال انتخاب تجدید شود واین نمایش را تا آخر عمر به صحنه آورد.

درچهال سال قبل، او لقب کبیر را به خود اعطا کرد و اکنون عنوان کبیر به صورت نامی برای وی درآمده و همگان او را به این اسم می خوانند. درعین حال، وی ترجیح می دهد که احساس جمهوری در مردم فروکش کرده وبه امپراتوری،رضایت دهند و او را به عنوان شخص اول شهروندان بشناسند. حتی اوکتاویان می خواست به مردم بفهماند که حکومت جمهوری وضعیت پایداری نبوده و نخواهد بود.

ویرژیـل دراشـعار جدیـد خـود از اصـالت روم می گوید. (روم، ۱۹ پ.م):

ویرژیل، شاعر رومی، دوازده جلد کتاب خود را به پایـان رسانید، وی درکتابی به نام آئه نید (Aeneid)، افسانه هـای قهرمانی مربوط به تشکیل روم را شرح می دهد. او درکتـاب برجسته ی خود، حکایات رزمی وقهرمانانـه ی روم را بـرای تقویت روحیه ی مردم وشهروندان رومی درقالب اشعاری زیبا به نظم آورده. وی نشان می دهد که چگونه شاعر می توانـد حس میهن پرستی را درسربازان درجهـت دفـاع از آن ونیـز سیاسـتمداران را در پیـشبرد اهـداف مـیهن رهنمـون شـود. شاعری که نقایص وعیوب این امـر را درک مـی کنـد، مـی تواند خوشـی و مـسرت را حتـی در روسـتا احـساس کنـد و روستاییان را به حس وطـن دوسـتی ترغیـب کنـد. بـا ایـن وصف، وی دراین درک لذت تأمل می کند، چون خدای آپولو به او توصیه می کند که غرق اشعار روستایی نـشود و بـه او اخطار می کند به سایر جهات نیز بپردازد.

ویرژیل هوای تازه یی دراشعار رزمی هومر به وجـودآورد وجانی تازه به آن بخشید. قهرمانی که هـومر از او ذکـر مـی کند، آئه نا مـی باشـد (Aeneas) کـه درارتبـاط بـا هکتـور (Hector) است و مهم ترین بخش آن توصـیف روحیـات و مشخصات اوست که در ایلیاد هومر آمده است. درحـالی کـه آئه نا درکتاب اودیسه، شهر تروآ را ترک مـی کنـد، اودیـسه ئوس (Odysseus) هم همان عمل را به علـت مقـصودی دیگر انجام می دهد.

دراشعار ویرژیل، آئه نا به نزدیک ایتالیا می رسد، درایـن هنگام الهه ژونو(Juno) او را ترغیب می کند کـه بـه کرانـه های افریقا برود.دراشعار هجائی ویرژیل ونوس (Venus) به عشق ملکه ی کارتاژ به نام دیدو (Dido) گرفتار می شـود. وی حکایت دردام افتادن تروآ و سرگردانی او را تـشریح مـی کند، اما ژوپیتر بـه او مـی گویـد کـه بـا همکـاران خـود در جستجوی سرزمین دیگری برای توطن برآیند. به هـر حـال، دیدو خود را از شدت اشتیاق و دوری او می کـشد، و آئـه نـا پس ازنبردهای چندی به لاسیوم (Latium) بر می گـردد و با همکاری مردمـان ایـن دیـار کـه متـشکل از آرکادیـان و اتروسک ها بودند، سرزمین روم را احیا می کنند.

هوراس (Horace) می گوید: بهتراست که انسان درخوشی وشادمانی غوطه ور نـشود، چـون درک لذت را انتهایی نیست. (روم، ۱۳ پ.م):

در مورد گویش مردمـی، هـوراس، شـاعر رومـی، مقـام والایی دارد وقدرت وی درنوشـته هـایش بـه خـوبی آشـکار است. او بدون تظاهر به روحیات خود، طرفدار وحامی زندگی ساده وبی آلایش وتوأم با تقوا و پرهیزکـاری اسـت. درعـین حال، شعروی حاوی سرگرمی هـا وآمـوزش هـای ضـروری اسـت.وی درسـال ۶۵ پ.م درآپولیـا (Apulia) زاده شـد، خانواده ی هوراسیـوس فلاکـوس (Horatius Flaccus) متصف به صفات فروتنی وافتادگی بودند. وی دراوان زندگی برای تحصیل به دانشگاه آتن رفت و پـس از آن وارد ارتـش تحت فرماندهی بروتوس (Brutus) شد. او شعرهایش را به مـــردم مـــسینا (Maecenas) هدیـــه کـــرد، درضـــمن نوشته های وی بیشتر حـول وضـع سیاسـی آگوسـتوس دور میزند و به خـاطر ایـن موضـوع، آگوسـتوس مزرعـه‌یـی در منطقه‌ی سابین (Sabine) که اقـوام قـدیمی و کهـن درآن ساکن بودند به وی بخشید که هوراس اغلب درنوشته هایش از این موضوع یاد می کند.

درزمینه ی اشعار هجـوآمیز، وی آن هـا را دربـین سـال های ۳۰–۳۵ پ.م سرود،هوراس مخالفـت خـود را بـا لـذات زودگذر زندگی بیان می کند، چون سبب هیجانات ونـاراحتی هایی در اجتماع می شـود. او درگفتگـو ومحـاورات روزمـره، رعایت ادب و احترام را ضـروری مـی دانـد ورفتـار وسـلوک اجتماعی را برپایه ی آن می سنجد.

هـــوراس در دو کتـــاب اودس (Odes) واپـــودس (Epodes) لطیفـه هـای هجـوآمیز دارد، کـه ایـن سـبک نگارش را مدیون آرکی لوکـوس (Archilochus) یونـانی است که اشعار وی حاوی کلمـاتی سـوزاننده وتـوهین آمیـز است. معهذا، هوراس حد واندازه ی آن را رعایت می کند واز آن تخطی و تجاوز نمی کند.

درآخرین اثر این شاعر، به نـام اپـی سـتل (Epistles)، وی تئوری افلاطون را آویزه ی گوش خود قرار می دهد که بایستی حیا وشرم را درتمام نوشته هـایش مرعـی دارد و بـه این علت ایـن اثـراو جنبـه ی حکیمانـه دارد وحـاوی پنـد و اندرزهایی است. این اثر در نزد مـردم بـسیار طرفـدار دارد و شادی آفرین است. درآخرین مرحله، وی توصیه می کند کـه با رعایت بعضی نکات درزندگی، انسان می تواند از حماقت و

نادانی، جهل و فساد و آلودگی به گناه، جلوگیری وازآن حذر کند.

بازیگران وهنرمندان پرو، برگ کوکا (Coca) را در جشن های مذهبی به کار می برند. (پرو، ۱۰ پ.م):

بهترین هنرمندان وصنعتگران درکرانه های شمال شرقی پرو که به نام مردم موچیکا (Mochica) نامیده می شوند، معتاد به جویدن برگ درخت کوکا هستند و تعداد این معتادان رو به افزایش است. هم چنان که ثبت شده ویا از تصاویر نقش شده بر روی موزائیک ها برمی آید، آنان برگ کوکا را درهنگام اعیاد مذهبی با پوشیدن لباس مقدس و آوردن خدای محلی خود به نام موچیکا، در دهان گذارده و می جوند، این لباس مقدس، آن ها را به شکل گربه درمی آورد وماسکی هم شبیه سرگربه به صورت خود می زنند، در حالی که کمربند آن ها شبیه مار می باشد و آویزان است. البته تمام موزائیک ها اشکالی از زندگانی خانواده های روستایی مثل مردی با گربه و یا لاشخوری درحال نوک زدن به شکاری مرده، دیده می شود که بسیار دقیق ترسیم شده اند.

ظرف های سفالین قوم موچیکا، با روش و سبک ویژه یی ساخته شده که به نظر می رسد روی گل رُس را با مهرهایی به شکل کمی برجسته یا برجستگی خیلی بلندنشان می دهد، بدین معنی که تصویر را با برجستگی قابل توجه می نمایاند. برخی از این موزائیک ها هم سطوحی صاف دارند و به هر صورت، از قالب هایی گوناگون برای این کار استفاده می شود که با دست ساخته و به صورت گوناگون شکل داده شده است.

اشکال دیگر موزائیک ها طوری نقش بندی شده که چند تصویر بر روی هم افتاده و نشان از مناظری چند است. دربرخی هم برگ های مقدس کوکا و کیسه هایی پراز این برگ های مقدس وحتی صحنه های جنگی و اسیرانی را که به عنوان قربانی سربریده اند، نشان داده اند.

نبرد با آلمان مدتی به تعویق افتاد. (آلمان، ۹ پ.م):

آسیای کوچک ۱۶۴

مارکوس اورلیوس درشهر افه سوس (Ephesus) با لوسیلا (Lucilla) دختر لوسیوس وروس یکی از کارمندان امپراتوری زناشوئی کرد.

روم ۱۶۵

دانشمند مسیحی به نام ژوستین (Justin) پیرو مکتب استدلالیون (Apologist) را شهید کردند. او در ساماریا (Samaria) متولد شده بود. ژوستین درمکتب افلاطونی رواقی بسیار موفق بود. وی پس از این که دین مسیح را پذیرفت، برای تبلیغ وسخنرانی مسافرت می کرد. از کارهای دیگر او این که دو مقاله برای اثبات صحت دین مسیح نوشت و برای امپراتور روم ارسال کرد.

چین ۱۶۵

وانگ فو (Wangfu) فیلسوف پیرو مکتب کنفوسیوس اخیراً درگذشت. مرگ وی یادآور نوشته های انتقادی اوست، درباره مصرف بیش از حد کالاهای لوکس و غیرضروری وخارج کردن این اجناس از کشور.

میان رودان ۱۶۵

آویدیوس کاسیوس شهر نی سی بیس (Nisibis) یا نصیبین را تصرف و بربخش شمالی سوریه مسلط شد. هم چنین او پادگانی رومی در شهر دورا اوروپوس (Doura Europos) واقع درفرات تأسیس کرد وکنترل مسیر تجارت درخلیج فارس را به دست گرفت.

بریتانیا ۱۶۵

پس از بنای دیوار آنتونی در سال ۱۴۳ نیروهای بریگانت که دراین منطقه دست به تاخت وتاز جدیدی زده بودند، با مانع روبرو شده و به پشت دیوار هادریان عقب نشینی کردند.

چین ۱۶۶

سفیری که از سوی مارکوس اورلیوس از سوریه به عزم کشورچین جهت مذاکره درباره بازرگانی بین دو کشور معین شده بود، به چین رسید .

میان رودان ۱۶۶

به دنبال فتوحات آویدیوس کاسیوس که خرابی هایی در تیسفون پایتخت شاهان اشکانی به جا گذاشت، امپراتور وروس جهت عقد پیمان صلح بابلاش سوم به پایتخت ایران وارد شد.

ایتالیا ۱۶۶

قبایل آلمانی از سراسر دانوب علیا و سفلی سرازیر شده وبه شمال ایتالیا یورش بردند.

آسیای کوچک ۱۳ فوریه ۱۶۷

اسقف پولی کارپ (Polycarp) اهل اسمیرنا (Smyrna) درغرب آسیای صغیر را در سال ۱۱۰ زنده زنده درآتش سوزانده و به شهادت رسانیدند. یکی از مریدان ژان مقدس به نام پولی کارپ همین اواخر درایگناسیوس (Ignatius) واقع درشهر آنتیوخ یا آنتیوک به شهادت رسید، او نخستین فرد درآئین مسیح بود که به این صورت درگذشت ودر زمره مقدسان درآمد. وی درمورد جشن های ایستر (Easter) با دولت روم اختلاف داشته و درستیز بود.

رومیان برای گسترش وتوسعه ی امپراتوری ومرزهای قابل دفاع که حفاظت از سرزمین اصلی روم را شامل شود، درنبرد با آلمان درنگ می کنند. دروسوس (Drusus) فرمانده ی متهور ودلیر قشون روم، درجنگ با آلمان در چادر تابستانی خود در می گذرد. او ناپسری آگوستوس، امپراتور روم بود و مورد احترام وتوجه خاص وی قرار داشت. آگوستوس وی را به فرماندهی سپاه برعلیه آلمان گماشت، چون برسایر ژنرال ها برتری داشت، دروسوس دریورش به آلمان درسه سال پیش به پیروزی دست یافت، لیکن با برقراری مالیات سنگین بر مردم، مشکلاتی برای خود وحکومت مرکزی به وجودآورد که قابل تخمین نبود.

وی پس از سه فقره پیکار، خط مرزی را به کرانه ی رود الب (Elbe) رسانید لیکن برای تسخیر سایر نقاط اقدام نکرده و آن جا را ترک گفت.

دراولین نبرد، دروسوس سرفرماندهی وترا (Vetera) (گزانتن Xanten) و موگونتیاکوم Mogontiacum (مینز Mainz) را برعهده داشت، او ریشه قوم سوگامبری (Sugambri) را کند و سپس با ناوگان خود به سوی قسمت پایین رود راین (Rhine) رفت و درآن نقطه کانالی تا دریای شمال احداث کرد تا از آن راه به دریا دسترسی پیدا کرده وقوم فریزی (Frisii) را مغلوب کند. نقشه ی جنگی وی این گونه بود که از دهانه ی رود الب درمنطقه ی زویدرزی (Zuyderrzee)، گروه های رزمی خود را درعقب نیروهای دشمن پیاده کرده و درضمن یورش آنها را محاصره کند.

درسال گذشته، دروسوس توانست نیروهای خود را در ساحل رود الب پیاده کرده و جنگ بزرگی را برعلیه اقوام کاتی (Chatti) آغاز کند، پیش از آن که دشمن بتواند هدف خود را که حمله ی متقابل از آلمان بود، به مورد اجرا بگذارد، دروسوس براثر افتادن از اسب دچار بیماری شد واز عوارض آن هم درگذشت.

چون دروسوس دربستر بیماری افتاد، تیبریوس (Teberius) برادر وی، به عجله از تی سی نوم (Ticinum) عازم منطقه شدو پیش از مرگ برادرش فرماندهی سپاه را دردست گرفت، چون خبر بیماری او به تیبریوس رسیده بود.

توسعه ی تجارت وصنعت درروم (روم، ۱۰ پ.م):

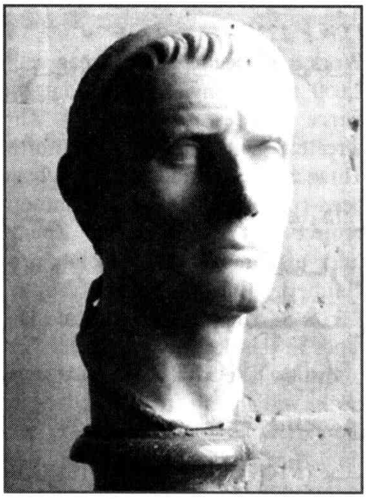
با گسترش سرزمین روم و اقتدار بیشتر امپراتوری، مردم سایر نقاط علاقه ی زیادتری پیدا کردند که با آن ارتباط داشته باشند، از سویی ازدیاد جمعیت کشور و به ویژه دسترسی به ماورای دریاها، سبب رونق صنعت وبازرگانی گردید و مردم به شوق کسب ثروت بیشتر به این سرزمین روی آوردند.

درامپراتوری زوم هم مانند سایر مناطق متمدن آن روز، اجتماع طبقاتی وجودداشت و گروه اکثریت زیرطبقه بودند، بدین معنی که آنان حقوق شهروندی نداشتند، لیکن به تدریج قسمت اعظم این زیرگروه به طبقه ی بالاتر راه یافتند وبه نام مردم عادی نامیده شدندو توانستند به عنوان شهروند به حساب آیند. همین گروه ها از نظر اقتصادی به پیشرفت غیرمترقبه رسیدند و ثروت برای کشور تولید کردند.

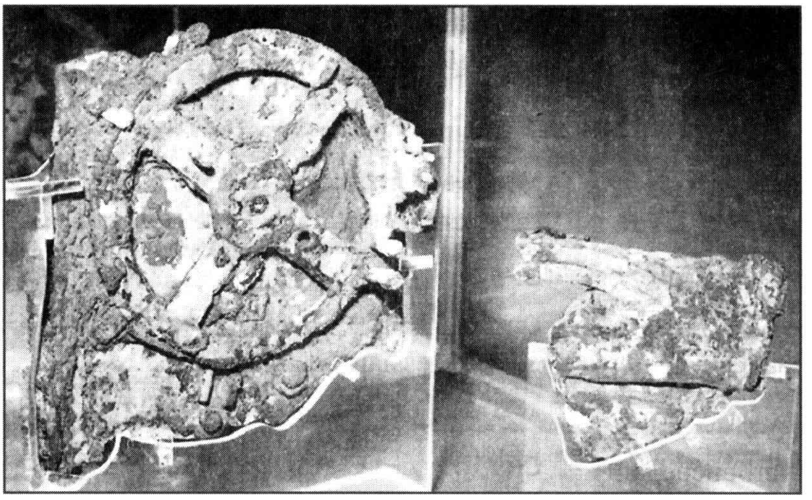
به عنوان نمونه، بندر مدرن اوستیا (Ostia) می باشد که از نظر امکانات بندری تمام تسهیلات را دراختیار دارد و داد وستد کالا درآن جا به راحتی انجام پذیراست. دراطراف این بندر راههایی برای حمل کالا ایجاد شده و تمام امکانات خدماتی ایجاد شده و آن چه را که مورد نیاز بازرگانان می باشد، فراهم شده که باعث رضایت خاطر تجار است. بیشتر این کالاها در محل تولیدمی شود وساکنان این بندر به سخت کوشی عادت کرده اند. دراین بندر انواع واقسام مشاغل مانند نانوایی، لباس شویی، زرگری، آهنگری و دباغی وجود دارد وکالاهای تولیدی آن ها خریدوفروش می شود.

دریک تجارت پیشرفته ومطمئن، همان طور که صنعتگران و بازرگان و کارهای خدماتی باید به نحو صحیح ودرست انجام شود و این امر بستگی به مهارت و تجربه ی دست اندرکاران دارد، حکومت هم بایستی برای حمایت و پشتیبانی آنان قوانینی وضع کرده که حافظ منافع بازرگانی باشد، از سویی امنیت شغلی و راههای ارتباطی و سایر جهات فراهم باشد. یکی از زمینه های ترقی و پیشرفت بندر اوستیا، تهیه ی شراب به وسیله ی کارکنان ماهر آنجاست.

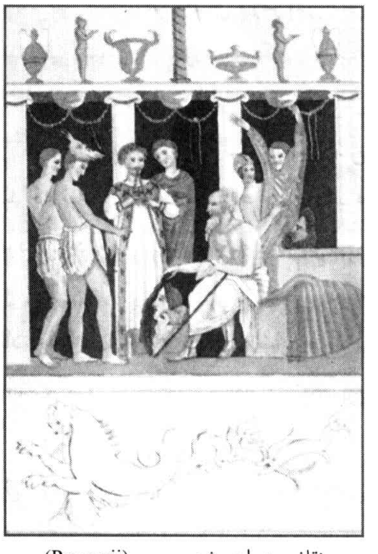
دراین بندربه طور معمول، شراب را به حراج می گذارند تا مشتریان زیادی جلب کند وخریداران بالتبع انواع کالاهای دیگر راهم می خرند. این امر درضمن باعث می شود که کارکنان بندر جهت تولید کالاهای دیگر فعالیت بیشتری انجام دهند تا رونق زیادتری برای این سرزمین فراهم شود.



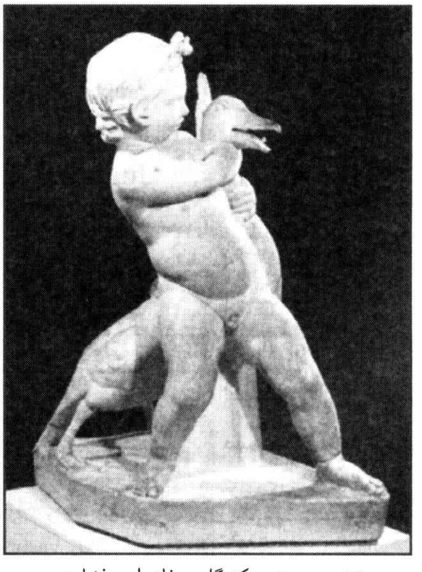
تندیس سر انتیوخوس (Antiochus) سوم،
پادشاه سوریه (Syria).



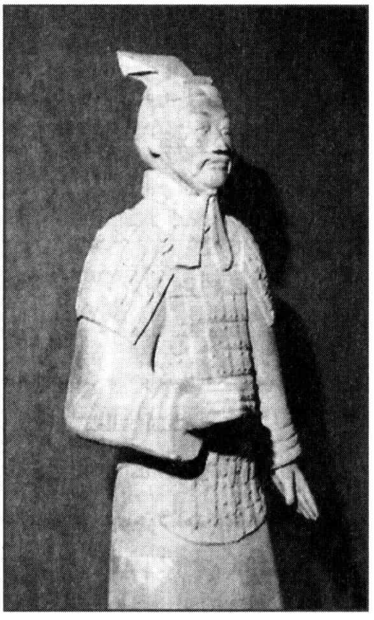
لوازم زنگ‌زده‌ی مکانیکی (Antikythera) دریانوردی.



نقاشی دیواری شهر پومپی (Pompeii)
که عده‌یی بازیگر را نشان می‌دهد.



تندیس بچه‌یی که گلوی غاز را می‌فشارد.



یک سرباز مبارز چینی
مأمور حفاظت از مقبره‌ی امپراتور.



نبرد فیل‌سواران در عملیات جنگی و پیروزی ان‌ها.



هانی بال (Hannibal)، فیل فاتح جنگ.

دین یهود (Jewish)، به چند شعبه منشعب می شود. (یهودیه، ۱۰ پ.م):

یهودیان که به یکتا پرستی خداوند و عبادت او افتخار می کردند، اکنون به فرقه های چندی تقسیم می شوند وهر کدام ادعا می کنند که دین حقیقی یهود از آنهاست و تنها آنان واقعیت دین را درک کرده اند. درحالی که تمام فرق یهودی دریک موضوع اتفاق نظر دارند وآن تعداد پیامبران آنهاست و سرآمد این پیامبران، مسیح (Messiah) موعود به زبان عبری (Hebrew) است. (مسیح تدهین شده که به وسیله ی روغن مالیدن به بدن او تعمید می شود) واین مسیح ناجی یهودیان از وضع کنونی شده وآنان را سرور تمام جهانیان خواهد کرد.

مهم ترین و برجسته ترین فرقه ی آنها فریسیان (Pharisses) هستند که درعبری به آن ها تفرقه افکنان می گویند. (فریسیان گروهی بودند که ترجمه ی تحت الفظی وظاهری تورات را قبول داشتند و با صدوقیان در مورد روز قیامت و حشر اختلاف داشتند و منکر روز جزا بوده و آمدن مسیح موعود را هم رد می کردند.)

این فرقه به وسیله ی یهودا ماکابی (Judas Maccabaeus) درسال ۱۶۵ پ.م به وجود آمد، وی چون پرچم دار فریسیان عقیده داشتند برای نیل به حقیقت دین بایستی با فرهنگ آن آشنا شد و آنچه را که مورد نیاز روز است، باید پذیرفت که مناسب زمان باشد، عده یی دیگر عقیده داشتند که روز جزا و قیامت حتمی است وهمه ی مردگان زنده خواهند شد و درمعرض قضاوت خداوند قرار خواهند گرفت و هرکس مکافات اعمال خود را خواهد دید و خداوند قادر مطلق است.

برخلاف این ها، دراین زمان فرقه یی به نام جوهریون (Essenes) به وجود آمد که ادعا می کرد فرقه ی آن ها جهانی است. به باور آنها، زندگانی بایستی اجتماعی و اشتراکی باشد و درهرحال باید عمق مطالب دین را درک کرد، بدون این که بیگانگان درآن مداخله کنند. آن ها پیشگویی کرده بودند که دنیا درآینده یی قریب الوقوع به پایان خواهد رسید و دو نفر منجی ظهور خواهند کرد، یکی داود پیامبر و پادشاه یهود و دیگری آرون (Aaron). در بین آن ها هم فرقه یی به نام صدوقیان (Sadducees) به وجود آمد که گروه روحانیون یهودی متعصب بودند که باور التقاطی داشتند و بین عقاید فریسیان و طالبان جنگ و پیکار یهود برعلیه سایرین جهت رستگاری این قوم خواهان همبستگی بودند.

مردان قبایل گل، ریش خود را می تراشند و ردای بلندی (توگا) پوشیده و از سبک اداری و معماری رومی در سرزمین گل اقتباس کرده و شیوه های رومیان را به کار می برند. (گل (Gaul)، ۱پ.م):

اگر شما این روزها به منطقه ی گالیا ناربوننسیس (Gallia Narbonendsis) (پروونس Provence) سفر کنید، تقریباً تمام شهروندان آن جا را بدون ریش وحتی سبیل، درحالت رفت وآمد می بینید. هم چنین درمرکز این ناحیه، مردانی را مشاهده می کنید که شلوارهای کوتاه را به توگای رومی (ردای بلند) مبدل کرده اند. گرچه ناحیه ی گل درحدود ۱۲۰ سال قبل به روم پیوسته است، لیکن ساکنان آن همواره سعی داشتند که لباس وآداب و رسوم خود را به شدت حفظ کنند. امروزه آن حالت از بین رفته و درسراسر نواحی گل، مردم رسوم رومی ها را پذیرفته اند و همان گونه که حکومت تحت انقیاد و اطاعت آن ها درآمده، سایر مراسم رومیان هم رایج شده است، تنها در پادگان ها این موضوع رعایت نمی شود.

این نشانه ی توفیق رومیان در تغییر آداب و رسوم محلی است و گل ها هم سیاست و اعمال آن ها را به صورت مسالمت آمیز تقلید و به آن ها تأسی جسته اند واشغال کنندگان این سرزمین، راه و روش خود را به آن ها تحمیل کرده اند.

زبان لاتین هم درتمام موارد جای خود را باز کرده و مردم به طور وسیعی آن را می آموزند و به طور معمول، نیروهای نظامی وسربازان وحتی بازرگانان به این زبان تکلم می کنند. شهروندان ثروتمند خانه هایی به سبک رومی بنا می کنند که دارای حمام هایی با آب گرم است. آنان هم چنین خدایان روم را مورد پرستش قرار می دهند. در شهرهای مختلف هم معابدی بسیار زیبا وعظیم به سبک یونانی رومی ساخته شده که با تندیس های عظیم آراسته شده است. ظروف بلوری تولیدی آن ها هم سبک رومی دارد و از آن اقتباس گردیده.

روم ۱۶۷

برحسب دستور وروس (Verus) به علت شیوع بیماری طاعون سپاهیان روم از منطقه شرق بازگشتند هم چنان که از زمان های باستان عقیده داشتند، این بیماری برابر فرمان خدایان عارض مردم می شود. بایستی خدایان را به غذا میهمانی کردورحمت وشفقت آنان را برای کمک به مردم خواستار شد. این میهمانی برای خدایان جنبه سمبولیک داشت. به هرحال خدایان به یاری مردم می شتافتند تا از دام بیماری رهایی یابند.

اروپای مرکزی ۱۶۷

حمله اقوام ژرمن درپانونیا (Pannonia) به وسیله کلودیوس پومپی یانوس (Claudius Pompeianus) حکمران پانونیای سفلی، متوقف شد.

چین ۱۶۸

هوآندی (Huandi) امپراتور چین درسن ۳۶ سالگی درگذشت. با درگذشت وی خاندان لیانگ دچار تفرقه و چند دستگی شد، چون برابر وصیت او بیوه هوآندی جانشین وی گشت و چون این زن نتوانست قدرت را حفظ کند، زمام امور کشور به دست خواجه سرایان افتاد.

چین ۱۶۸

درپی کشته شدن فرمانده خواجه سرایان کاخ به وسیله دووو (Dou Wu) پدرزن امپراتور سابق افتاد، خواجه سرایان مساعی جدیدی را آغاز کردندودوباره زمام امور را به دست گرفتند، با افول سلسله پادشاهی هان، کوشش برای به دست آوردن اقتدار کشور بین خواجه سرایان وسایر دست اندرکاران کاخ امپراتوری شدت یافت.

ایتالیا ۱۶۸

درسال ۱۶۶ بین مارکوس اورلیوس (Marcus Aurelius) امپراتور روم و لوسیوس وروس (Lucius Verus) فرمانده نیروهای مهاجم به شمال ایتالیا پیمان صلح درمحل آکی لیا (Aquileia) بسته شد و بدین ترتیب کشور از مداخله بیگانگان رهایی یافت.

روم ۱۶۹

لوسیوس وروس هنگام بازگشت به روم براثر سکته درگذشت.

روم ۱۶۹

مارکوس اورلیوس درکمال بی میلی با بیوه وروس به نام لوسیلا ازدواج کرد، وروس دوست کلودیوس پومپی یانوس (Cladius Pompeianus) فرماندار پانونیای سفلی بود.

آسیای صغیر ۱۷۰

کریستیان مونتانوس (Christian Montanus) درفریگیه (Phrygia) پیشگوئی هایی کرده بود، این واعظ ریاضت کش و شهید گفته بود که مسیح دوباره ظهور خواهد کرد. این پیشگوئی انتقادات بسیاری را برعلیه او برانگیخت و درکلیساهای روم وسایر نقاط مورد عتاب و سرزنش واقع شد، مونتانیسم (Montanism) نخستین حالت کفر و ارتداد درمسیحیت به حساب آمده است.

هرود کبیر، پادشاه یهودیه و متحد روم درگذشت و مردم اورشلیم عزاداری آن چنانی نکردند. (یهودیه، ۴ پ.م):

هرود کبیر، پادشاه یهودیه، که مدت ۳۳ سال پادشاه و کاملاً تحت نظر روم بود، در سن ۶۹ سالگی درشهر اورشلیم درگذشت. وی درسال ۴۰ پ.م به وسیله ی سنای روم به پادشاهی یهودیه تعیین شده، واز اتحاد با روم پشیمان و متأسف بود. او هم چنین با فرقه های صدوقیان، فاریسیان ها، متعصبان و جوهریون چهره یی نامردمی داشت. او بزرگ ترین یادگارهای معماری کشورش را در اورشلیم از خود به جا گذاشت. هرود کاخ بسیار مجللی هم برای خود ساخت که درآن به امور کشور رسیدگی می کرد ونیز ساختمان تخریب شده ی معابد را مرمت و تعمیر کرد. وی هر ساله سیورسات و لوازم و وسایل زندگی صدها وهزاران زائری را که برای زیارت معبد به آن جا می شتافتند، فراهم می کرد. هرود با این کارها و ساختمان هایی که دریهودیه بنا کرد در دنیا مشهور شد.

قتل عامل درجنگل (آلمان، نهم):

یک قبیله ی آلمانی دروسط جنگل برسرراه سه هنگ بی تجربه از نیروی نظامی روم درکمین نشستند و تمام افراد وسربازان را قتل عام کردند. چون اخبار این کشتار به روم رسید، حالت تکان ودگرگونی درآن جا ایجاد کرد، این زیان بزرگ، ضربه ی عظیمی به حیثیت رومیان وارد آورد وموجب سرشکستگی امپراتوری دربرابر آلمان ها گردید.

این لشگریان تحت فرماندهی ژنرال کیک تیلیوس واروس (Quictilius Varus) قرار داشت که برای سرکوبی و فرونشاندن طغیان قبایل آلمانی اعزام شده بود. واروس در انجا م این امر اردوی لشگریان خود را درجنگل، واقع در منطقه ی توتوبرگ (Teutoberg) برپا کرده بود و درنظر داشت که به قوم کروچی (Cherusci) به سرکردگی شاهزاده ی جوان به نام آرمی نیوس (Arminius)،یورش برد.این قبیله هم درحاشیه ی جنگل ودرکنار مردابی خود را استتار کرده بودند که براثر حمله ی آلمانی ها تمام این لژیون ها نابود شد، به طوری که یک نفر هم زنده نماند. واروس که دراین جریان اغفال شده بود، براثر انفعال و

احساس سرکوفتگی با تشکر از دولت مرکزی، با شمشیر خود را کشت، افراد قبیله ی پیروزهم، سر او را بریده و به روم فرستادند. آگوستوس به علت احساس شکست و سرخوردگی مدت چند ماه مو وریش خود را اصلاح نکرد واغلب اوقات قدم زنان با خود غرولند می کرد که واروس لشگریان مرا برگردان. اکنون روم مجبور است سراسر رود راین را مرز امپراتوری وسرزمین آلمان اعلام کند.

حاکم نشین افریقا در پی رنساس و تجدید نظر (سودان،نهم):

پس از مدت بیش از سی سال که از حمله و ویرانی روم به حاکم نشین کوش (Kush) گذشته، ناتاکامانی (Natakamani)، پادشاه کوش، علاوه براین که خرابی ها را ترمیم کرد، اقدام به ترویج تجارت و گسترش آن درتمام زمینه ها نمود. این نبرد که بین کوش وروم درگرفت، بسیار غیرعاقلانه بود ودرناحیه ی سیه نه (Syene) نزدیک آسوان آغاز شد و آن هنگامی بود که سپاهیان رومی در مصر درنبرد دیگری برضد اعراب درگیر بودند. لشگریان روم تحت فرماندهی پوبلیوس پترونیکوس (Publius petronicus) فرماندار مصر، ناحیه ی سیه نه را تسخیر و عازم جنوب درقلب سرزمین کوشیت ها (Kushite) شدند و پایتخت آن ها به نام ناپاتا (Napata) را غارت کردند.

برطبق اظهارات جغرافیدان رومی، استرابو (Strabo) که با سپاهیان همراه بوده، کوشیت ها مردمی غارنشین بودند که درکرانه ی رودخانه به جستجوی کانی ها از جمله آهن می پرداختند وبا حفر زمین مقداری آهن استخراج وازآن اشیایی تهیه می کردند، عده یی دیگر چادرنشین بودند و غذای خود را از راه شکار به دست می آوردند. آنان نه از نظر نفرات قابل توجه بودند و نه از تعلیمات نظامی لازم برخوردار بودند وقادربه نظم و انتظام امور لشگری نبودند، معهذا تعداد ۳۰ هزار نفر سپاهی فراهم کردند تا به مقابله با مهاجمان بپردازند. سپاهیان پترونیکوس که مرکب از ده هزار پیاده و ۸۰۰ سوار بود، لشگریان محلی را تارومار کردند. پس ازمدت ده سال که به بیهودگی سپری شد، با به قدرت رسیدن و پادشاهی ناتاکامانی و آموختن طرز استفاده از لوازم که به پیشرفت کشور انجامید، کوش به ترمیم خسارات و خرابی ها پرداخت و کشور توسعه پیدا کرده و به قدرت و ثروت دست یافت که به نظر می رسد حمله ی رومی ها باعث تحرک آن ها گردید.

ناتاکامانی دستور استخراج کانی های طلا و آهن را صادر کرد وراه هایی برای صدورکالا احداث کرد ونیز امنیت جاده ها را تأمین وقوانینی جهت پیشبرد امور کشور وضع کرد که به طور کلی درتمام زمینه ها باعث ترقی کشور شد.

وی پیش از این هم دربسیاری از موارد، کشور را از نظر مقررات آماده کرده بود، درعین حال،شروع به ساختن معابد وقصرهایی درآمارا(Amara) مروئه(Meroe) ناکا(Naqa) کرد وهم چنین معبد عظیمی درجبال بارکا (Barka) نزدیک ناپتا (Napta) بنا کرد.

لیوی (Livy) تاریخ ۱۶ ساله ی روم را به پایان رساند. (روم، نهم):

تاریخ وگاهشمار ۱۶ ساله ی رومی که سند بزرگی برای ثبت می باشد و پیش از آن هم کارهایی روی آن انجام گرفته بود، خاتمه یافت.

مؤلف این کتاب ۱۴۲ جلدی که به نام تاریخ روم مشهور شد،فردی به نام تیتوس لیویوس (Titus Livius) یا لیوی ۵۰ ساله است که درناحیه ی پادوآ درشمال شرقی ایتالیا متولد شده،وی دراین کتاب که شرح زمان معاصر وهمزمان با به قدرت رسیدن آگوستوس است،تنها به رویدادها بسنده نکرده وبرخلاف تمام تاریخ نگاران، به عمق مطالب توجه داشته و رویدادها را از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار داده و مجموعه ی کاملی به روم تقدیم کرده است.

در مدت ۱۶ سال گذشته، لیوی سرآن داشت که نمونه ی کاملی از تاریخ روم تهیه کند، چون قدرت مالی آن چنانی نداشت، به دربار آگوستوس متوسل شد و آرزو داشت که تاریخ را صحیح وعقاید وافسانه های روم را به طرز صحیحی به مردم عرضه کند.

برخلاف آنچه که تصور می شد، این تاریخ جنبه ی جدی دارد، وی به روحیه ی انسانی واخلاق وعادات مردم وحالات وکیفیات زندگی عادی توجه زیادی نکرده است. وی همان طور که به زبان لاتین مسلط است، این زبان را به نحو گسترده یی به کار برده و در دایره ی علم بیان واستدلال، روشی بسیار استادانه دارد، او حتی درزبان گفتگو و محاوره هم مهارت عجیبی به خرج داده است. لیوی

روم ۱۷۰
مارکوس اورلیوس (مارک اورل) تندیس سوار براسب خود را در کنگره روم نصب کرد.
بالکان ۱۷۲
مارکوس اورلیوس پیمان صلحی را برکوآدی (Quadi) و مارکومانی (Marcomanni) تحمیل کرد. برطبق این پیمان منطقه یی به پهنای ۸ کیلومتر بایستی عاری از نفرات و سلاح های جنگی باشد.
یونان ۱۷۳
پوزانیاس (Pausanias)، جغرافیدان و تاریخ نگار یونانی متولد لیدیه (Lydia) کتاب خود را به نام سیاره یونان به پایان رسانید.
مصر ۱۷۳
قیام وشورش کشاورزان راهزن درمصر به وسیله آویدیوس کاسیوس فرماندار سوریه درهم شکست، این قیام درسال ۱۶۶ برپا شده بود کاسیوس به این ترتیب کنترل تمام شرق را در دست گرفت.
بالکان ۱۷۵
مارکوس اورلیوس پیمان صلحی رابر سارماتیان یازیگس (Sarmatian Lazyges) یعنی ساکنان دانوب تحمیل کرد.
سوریه ۱۷۵
با مرگ مشکوک مارکوس اورلیوس، آویدیوس کاسیوس فرماندار سوریه خود را امپراتور خواند سه ماه پس از امپراتوری، کاسیوس هم به وسیله یکی از سربازان محافظش کشته شد.
روم ۱۷۶
مارکوس اورلیوس پیش از مرگ، پسرخود را که کومودوس (Commodus) نام داشت به جانشینی برگزیده و به او لقب آگوستوس داده بود.
روم ۱۷۷
سنای روم قدرت امپراتوری را به کومودوس پسر مارکوس اورلیوس اعطا کرد.
بالکان ۱۷۷
مردم کوآدی ومارکومانی باردیگر به روم اعلان جنگ دادند.
گل (فرانسه)
ایرنه ئوس(Irenaeus) یکی از مریدان پولی کارپ (Polycarp) به جای پوتینوس (Pothinus) اسقف شهید لوگدونوم (Lugdunum) لیون (Lyons) برگزیده شد.
یونان ۱۸۰
سلسوس (Celsus) فیلسوف یونانی نخستین کتاب انتقادی جامع خود را برعلیه مسیحیت به نام دنیای حقیقت و دلایل رد آن را به اتمام رسانید.
آسیای صغیر ۱۸۰
آریان (Arrian) پیشینه نگار (مورخ) یونانی که درنیکومدی (Nicomedia) بی تی نیه (Bithynia) زاده شده بود، درگذشت. آریان در سال ۱۳۴ درخدمت فرمانروای کاپادوکیه که ازسوی هادریان منصوب شده و درحمله به آلانهای قفقاز وتارومار کردن این قوم بود ودراین جنگ شرکت داشت. او از شاگردان مکتب فیلسوفان رواقی بود ونیز خطیب برجسته یی به شمار می رفت و دراین جهت درراستای هدف خود کوشا بود. مهمترین کاروی تألیف کتاب آنابازیس (Anabasis) است که درآن تاریخچه و شروع جنگ های اسکندرمقدونی به تفصیل بیان شده است.

دربخش هایی از این کتاب احساساتی آتشین دارد و به رغم رومیان که کوته فکر و خودبین هستند، دارای روحی سرزنده و بشاش و هم چنان که گفته شد، پیشینه نگاری واقع بین و حقیقت جو می باشد.

پرستش امپراتور در دنیای متحده ی روم (گی تیوم یونان، ۱۷) :

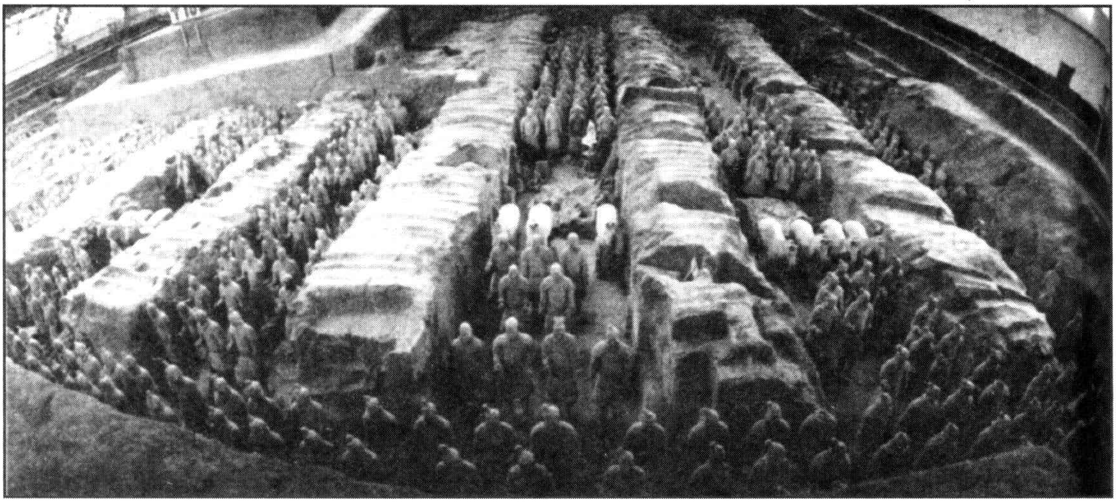
تیبریوس، امپراتور روم، نمایندگانی به تمام ایالات تابعه حتی در دورترین نقاط اعزام کرد که مردم را برای پرستش امپراتور هدایت وراهنمایی نمایند.

او هم چنین فردی را با نامه به ناحیه ی گی تیوم (Gythium) فرستاد که مردم را با این امر آشنا سازد. سال گذشته نیز درپایان مراسم شش روزه که در معبد سزار انجام شد، گاوی را برای پرستش تیبریوس واعقاب او قربانی کردند.

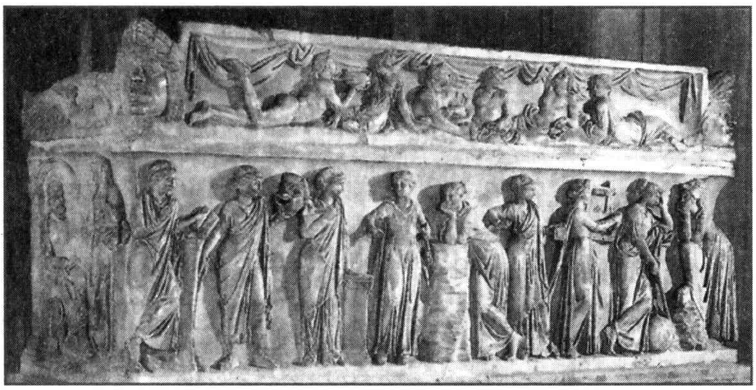
در بدو ورود تیبریوس، گی تیت ها (Gytheates) یا مردم گی تیوم، با هلهله و شادی مقدم وی را گرامی داشتند و با درود به روان سزار بزرگ، پدر روحانی وی، مراسم آغاز شد و او را درجایگاه خدایان قرار دادند. تیبریوس گفت من با کمال فروتنی احساسات شما را می ستایم و به آن ارج می نهم. وی با پذیرش قربانی، وذکاوت ذهنی خود سوگند خورد که روح وروان مردم راهدایت کند، لیکن مشاهده کرد که حاضران وی را به چاپلوسی ومداهنه، به مقام الوهیت رسانده و خدا خواندند، چون تا آن زمان به این موضوع فکر نکرده بود. دراین جشن اعضای انجمن شهر ودیگر مقامات رسمی، شیفتگی ودوستی خود را نسبت به فرمانداران رومی ابراز داشتند. نظیر این آئین ها همه ساله در سراسر امپراتوری روم برپا می شود و مردم امپراتوررا ستایش کرده ودرکنار خدایان محلی خود قرارمی دهند.

هم چنان که ذکر شد این مراسم درتمام ایالات وابسته به روم بدون کم وکاست برپا می شود واهالی برای اثبات وفاداری خود به امپراتور وفرمانداران محلی، احساسات خود را بیان می دارند و به ویژه امپراتور را مورد ستایش قرار می دهند.

گزارش های رسیده از سراسر امپراتوری، دلالت برآن دارد که پرستش وستایش امپراتوزر درایالات وابسته و فتح شده روم، اخیراً گسترش بیشتری یافته و این مناطق برای



گروه عظیمی از پیکره‌های سربازان چینی و دواب آن‌ها که از سفال ساخته شده و گوش به فرمان فرمانده خود هستند. این سربازان امپراتور شی هوانگ دی (Shi Huang Di) از سلسله کین (Qin) می‌باشند که پس از خاک‌برداری در یک حفره‌ی بسیار بزرگی کشف شد.



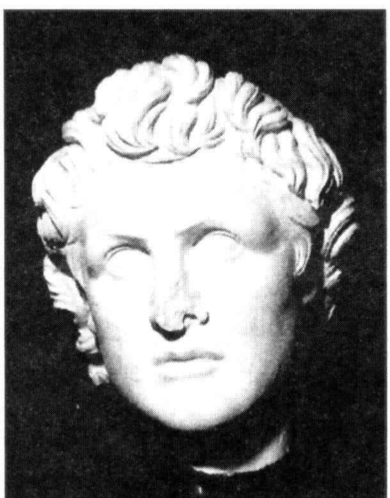
تندیس تعدادی زن بر دیوار مقبره‌ی اساطیری رم که از شاهکارهای هنر مجسمه‌سازی و نیمه‌برجسته به‌شمار می‌رود.



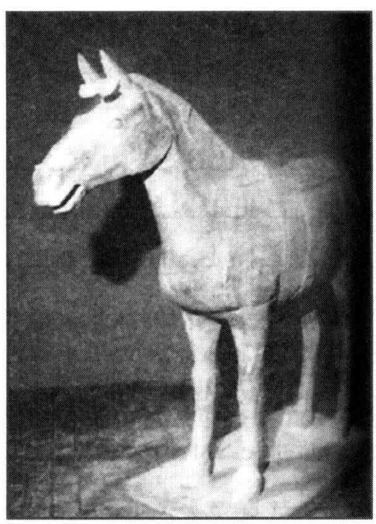
پیکره‌ی یک سرباز دیگر.



سنگ‌نگاره‌یی از موجودات عجیب و غریب از کارتاژ.



سر اتالوس (Attalos) اول پادشاه پرگاموم (Pergamum).



پیکره‌ی یک اسب زین‌شده از سفال به اندازه‌ی

بالکان ۱۷ مارس ۱۸۰
بامرگ مارک اورل دراثرطاعون، پسرش کومودوس جنگ برضد مارکونی درقسمت بالای دانوب را تجدید کرد. کومودوس که اکنون تنها امپراتور بود نقشه هایی را که برای پیروزی داشت به فراموشی سپرد وبرای عقد پیمان صلح با مارکومانی، برق آسا روم راترک کرد.

دریای سیاه ۱۸۰
برخی از اقوام ژرمن که منشاء آن ها از جنوب اسکاندیناوی بود و به گوتها(Goths) مشهوربودند اطراف دریای بالتیک را ترک گفته و به سواحل دریای سیاه مهاجرت ودرآن منطقه سکونت گزیدند. گوتها به دو دسته تقسیم می شدند گوتهای غربی به نام ویزیگوت (Visigoths) وگوتهای شرقی به نام اوستروگوت (Osthrogoths) که هرکدام درسواحل غربی وشرقی رود دنیستر (Deniester) ساکن بودند.

روم ۱۸۰
اکنون کارهای ستون یادبود جنگ های مارک اورل (مارکوس اورلیوس) به وسیله کامپوس مارسیوس (Campus Martius) درکرانه دانوب آغاز شد.

روم ۱۸۲
لوسیلا دختر مارک اورل وخواهر کومودوس (Commodus) به جرم توطئه ناموفق برضد برادرش به فرمان وی به جزیره کاپری تبعید شد. افعال و رفتار کومودوس موجب تحریک سنا برضد حکومت او شد.

روم ۱۸۲
گارد محافظ جاویدان امپراتور به فرماندهی تاروتنیوس پاترنوس (Tarrutenius Paternus) که بدون تردید مسئولیت حفظ جان امپراتور را داشتند، ترجیح می دادند که ضوابط ومقررات زمان مارک اورل را رعایت کنند و براساس آن خدمت کنند.

روم ۱۸۵
گارد جاویدان محافظ، قربانی دشمنی با ارتش مستقر در بریتانی شد، بدین معنی که کلیندر (Cleander) فرمانده این گارد به روابط نامشروع متهم و رسوا شد، کلیندر به تازگی وبرحسب فرمان کومودوس به این سمت انتخاب شده بود.

آلمان ۱۸۷
کلودیوس آلبینوس (Clodius Albinus) برتشکیلات قوم آلمانی مشهور به چاتی (Chatti) که ناحیه آگری دکوماتس (Agri Decumates) را تهدید می کردند چیره شد (آن ها در جنگل های سیاه زندگی می کردند) مرز بین رودهای راین ودانوب با استحکاماتی درزمان دومی تیان مستحکم شده بود، لیکن در همین اوان آنتونی آن را رها کرده بود، به این ترتیب چاتی ها بر منطقه مسلط شده بودند.

هندوستان ۱۸۹
دمتریوس (Demetrius) اسقف اسکندریه هیأتی مذهبی را به سرپرستی پانتانوس (Pantaenus) به هند فرستاد، لیکن این هیأت موفقیت چندانی کسب نکرد.

این که هم بستگی خود رازیادتر جلوه دهند، این آئین ها را با شکوه تر برپا می سازند و امپراتور را درجایگاه والایی قرار می دهند. آن ها بیشتر نبوغ و استعداد وی را در پیشرفت جمهوری می ستایند.

چگونه روم تحت فرمانروایی آگوستوس به پیشرفت نایل آمد. (روم، ۱۴):

آگوستوس، امپراتور سیاستمدار درگذشت.

هنگامی که امپراتور آگوستوس، دربستر مرگ افتاد، گروهی از دوستان خود را احضار کرده و از آنها پرسید که آیا من از راه راست منحرف شدم، آیا من در زمان زمامداری خود، مورد تمسخر واقع شدم و نتوانستم اعتبار وحیثیت لازم را برای سرزمین خود فراهم کنم. دراین حال، آگوستوس توانست به گذشته بنگرد که چه طور اکنون روم استوار و پایدار است و از نظر ثروت و سیاست به رشد خود ادامه می دهد. آگوستوس توانست که تشنجات و اغتشاشات داخلی را در دنیای روم پایان بخشد. وی با نیروی نظامی و فشار، موفق به فرونشاندن انقلاب های اسپانیا وگل شد و سرزمین های چندی، ازجمله مصر را منضم به روم کرد. وی دراین سالهای اخیر بیشتر سعی خود را درخارج از سرزمین اصلی برپایه ی سیاست و دیپلماسی قرار داد تا جنگ. در بخش شمال شرقی با به کار گیری نقشه ی عظیمی توانست شاهنشاهی پارت (اشکانیان) را شکست دهد و یادگار این جنگ، تسخیر بخشی از سرزمین ایران و گرفتن تعدادی اسیر است، هم چنین ارمنستان را از نیروی نظامی ایران تخلیه کرد. به طوری که اکنون رود فرات مرز بین دوکشور است. آگوستوس این باور را در رعیت ها و روستاییان سرزمین های یهودیه و گالیسیا (Galicia) به وجودآورد که کاروکوشش باعث ترقی و توسعه می شود و آن ها را تشویق به انجام کار صحیح و فعالیت زیادتر کرد.

جشن در معابد موجب مباهات روم است. (روم، دهم):

دنیای روم پس از یک سده آشوب، به مرحله ی بی سابقه ی صلح و آشتی دست می یابد.یک برنامه ی ساختمانی عظیم دردست تهیه است که درگرو بیرون رفتن

امپراتور از شهروخالی شدن بناهای دولتی است. طبق این برنامه،باید شهرجدیدی ازآجر و سنگ مرمر با سبک نوین احداث شود. شاید این بناها به زیبایی محراب صلح که به دستور آگوستوس به مناسبت پیروزی وی درفرونشاندن انقلاب گل واسپانیا نباشد.

این بنا درسال ۹ پ.م ساخته شد؛ ومحراب آن که حالت نیمه مذهبی و نیمه شهری داشت، به منظور روح وروان مردم روم، از سوی سنا ورومیان به عنوان یادبود بنا گردید. برروی یک دیوار این بنا که تمثیلی از شهر روم و سایر شهرهای ایتالیا می باشد، صحنه یی از افسانه ی رومولوس و رموس به نحو بسیار زیبایی نشان داده شده است. بر روی دیوار دیگر، گروه هایی از سناتورها، قراولان و تعدادی از مردم عادی به نحو باشکوهی نمایانده شده. علاوه برآن، یک منظره ی تماشایی از امپراتور وخانواده وبستگان وی را به حالت طبیعی و به اندازه ی کاملاً عادی، نقش و به صورت برجسته تراشیده شده است.

یک میدان سوم هم که رقیب دو میدان بزرگ قبلی است، درحال اتمام است. دراین میدان مردم به صورت اجتماع دور هم گرد می آیند و درباره ی قانون بحث می کنند. هم چنین معبد جدیدی برای ژوپیتر درکنار کاپیتول (سنا) و ساختمان معبد وجایگاه مقدسی برای مریخ وبه یادبود سزار درحال انجام کار می باشد.

سرودن اشعار عاشقانه، منجر به تبعید شاعر شد. (روم،۱۷):

پوبلیوس اویدیوس نازو (Publius Ovidus Naso) شاعر ایتالیایی که متخلص به اوید (Ovid) بود، برای سرودن اشعاری عاشقانه، مورد خشم و غضب آگوستوس قرار گرفته و تبعید شد.

اوید که با اشعارش مورد توجه و استقبال مردم روم بود، در ۹ سال قبل به محل تومیس (Tomis)، واقع در ساحل دریای سیاه، جلای وطن کرده بود، که دراین سال، جهان را بدرود گفت.

بزرگترین شاهکار ادبی اوید، ساختن غزل هایی به نام آرس آماتوریا (Ars Amatoria) یا هنر دوست داشتن و عشق بود که به همین سبب خشم آگوستوس را برانگیخت. وی عقیده داشت که کتاب های اوید انسان را به گمراهی می کشاند.

کتاب اول و دوم، درباره ی مردان وجلد سوم مربوط به زنان است که خواستار عشق یکدیگرند.

دربیشتر اشعار و غزلیات عاشقانه ی اوید، وی با کیاست وزیرکی، احساسات خود را بیان کرده و زندگی رومیان را به باد مسخره گرفته است. دوستان اوید رمز وراز تبعید شدن وی را دریافته و عقیده دارند که به نظر آگوستوس، اوید در سیاست دخالت های نابجایی کرده است.

اوید درکتاب خود به سزار نوشت: ممکن است شاعری دچار خبط و خطا شود، لیکن تو دوبار درباره ی من جنایت کرده ای، یکی این که روح مرا تخریب کرده یی، دیگر آن که با تبعید،مرا از مردم جدا کرده یی، با این وصف، من بایستی ساکت بمانم.

امپراتور با فرامین خود مردم را دچار هیجان کرده و آن ها رابافشار تحت کنترل درمی آورد. (روم، ۱۴):

دسته ها و گروه های بردگان آزاد شده، از هرطایفه و قومی، از هفت تپه ی شهر روم به خیابان ها ریخته و خواستار اجرای فرمان امپراتوری پیش از آگوستوس بودند. چون امپراتور با ایجاد بوروکراسی، فرمانداران ایالات محلی روم را عملاً از مقام های خود خلع کرده است، بدین معنی که آنان اختیار انجام هیچ عملی را ندارند.

دولت روم ترجیح داد که فرمانداران را ازبین سواران سلحشور جنگ های داخلی برگزینند که هرکدام آن ها مسئولیت جداگانه داشته باشند. امپراتور که خود ریاست تمام کارکنان و فرمانداران را برعهده دارد، سیاست دربسته و پنهانی اتخاذ کرده. اجرای دستورات روم تنها با تماس دو نفر از این سواران انجام می گیرد. در تحت این فرامین، پلیس وآتش نشانان ومأموران تهیه ی ذرت، همه کاره اند. جاده به اندازه ی کافی احداث نشده و صنعتگران بیکارند. فرماندار مصری کارها را بر طبق تمایل خود انجام می دهد. جمع آوری مالیات را بردگان آزاده به کمک بردگان انجام می دهند، با این روش، نارسائی هایی درامور به وجود می آید و کارها برمنوال عادی صورت نمی گیرد.

آگوستوس با تجدید نظر دراین امور، وظیفه ی هر شهروندی را مشخص ساخت و برای رفاه مردم دستور داد

چین ۱۸۹
ژنرال دانگ شو (Dong Zhuo) با قتل عام خواجه سرایان به هرج و مرج پایان داد و اعمال نفوذ آن ها را در دربار از بین بردو قدرت را درحکومت متمرکز کرد.
مصر ۱۹۰
کشور مصر دراثر فقر و بی چیزی رنج می برد، این امر شاید ناشی از دو برابر شدن هزینه زندگی و کمبود مواد مصرفی است، عیار سکه های نقره به نام دینار (Denarius) از ۹۰ به ۷۰ درصد رسیده است.
چین ۱۹۰
بادرگذشت لینگتی (Lingti) درسال پیش، ژیاندی (Xiandi) (هینتی – Hienti) به امپراتوری رسید.
افریقای جنوبی ۱۹۰
فرهنگ و کاربرد مصرف آهن واستفاده ساختاری از آن برای لوازم زندگی به دورترین نقاط افریقای جنوبی از جمله دره لیمپوپو (Limpopo) مابونی (Mabveni) (جنوب زیمباوه) و ماکودو (Makodu) (شرق بوتسوانا – Botswana) گسترش یافته است. سفال های ساخته شده این مناطق هم ریشه نژادی دارد و ویژگی خاص افریقای شرقی ودریاچه های بزرگ (زامبیا Zambia، شرق تانزانیا Tanzania و اوگاندا Uganda) را دارد.
چین ۱۹۲
به دنبال مجوزی که به سربازان برای آتش زدن شهر لویانگ (Loyang) پایتخت چین داده شد، ژنرال دانگ شو نیز به قتل رسید و چین دچار آشوب و هرج و مرج شد.
روم ۱۹۱
کومودوس به عنوان مؤسس روم جدید، آن را به اسم خود، کولونیا لوسیا اورلیا نوا کومودیانا (Colonia Lucia Aurelia Nova Commodiana) نامگزاری کرد وی هم چنین به ناوگان جنگی و سپاهیان دستور داد که درتمام سال گندم مصرفی را به شهر حمل کنند.
روم ۳۱ دسامبر ۱۹۲
با مختل شدن قدرت مغزی کومودوس، وی خود را در جسم هرکول مشاهده کردو فکر کرد که هرکول زمانه است او میل داشت که کنسول های جدید روم را فدای منافع و جاه طلبی های خود کند، وی به بیماری مانیاک (maniac) دچار شده بود، او مارسیا (marcia) را صیغه کرد (زوجه موقتی)، آمیلیوس لاته توس (Aemilius Lateus) فرمانده گارد ویژه برای سامان دادن به این وضع در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳ یکی از ورزشکاران غول پیکر به نام نارسیوس (Narcissus) را مامور کشتن امپراطور کرد، او با خفه کردن امپراطور وی را کشت و بدین ترتیب سلسله آنتونی منقرض شد.

که مأموران جمع آوری مالیات وتهیه و توزیع ذرت از کارکنان رسمی دولت انتخاب شوند. وی تمام آداب و رسوم پیشین را احیا کرد، چنانچه مردم روم به میهن خود افتخار می کردند. برطبق اوامر امپراتور، افراد بایستی درمیدان های عمومی شهر با لباس توگا (ردای بلند) ظاهر شوند واین توگا به فرم و اندازه ی زمان سزار باشد و از آن تخطی نشود.

روستائیان اصلاحات ارضی را نمی پذیرند. (چین، ۲۵):

اصلاحات ارضی که زمین را به طور مساوی قرار بود بین روستاییان تقسیم کنند، یک بار در ۱۶ سال پیش به وسیله ی وانگ مانگ (Wang Mang)، امپراتور اصلاح طلب سلسله ی هان، پیشنهاد شده بود. وانگ مانگ که چهره ی مردمی داشت، این گونه اصلاحات را درزمانی که رودخانه ی زرد درچین بسیار کم آب وخشک بود، با زور به روستاییان دردهات وروستاها تحمیل کرده بود.

قحطی و گرسنگی درحال گسترش بود، روستاییان زمین ها را رها کرده ودسته دسته خود را مسلح می کردند، آنان برای این که شناخته نشوند، پیشانی و ابروان خود را به رنگ قرمز درمی آوردند، چون این رنگ را سپاهیان چینی نیز به کار می بردند و آن ها برای یکنواختی با نیروهای نظامی چین، این کار را انجام می دادند، آن ها توانستند با تشکیل سپاه، جمعی از گروه های دولتی را شکست دهند.

بی نظمی و آشوب سراسر کشور را فراگرفت تا این که دیگر قرمز بودن ابرو و رنگ خود را ازدست داد، بدین معنی که ابرو قرمزان لو رفتند و شناخته شدند وابرو قرمزان اصیل ازسایرین متمایز گردیدند، درحالی که این ها تحت فرمادندهی هان ها بودند. وانگ مانگ شکست خورد و دراین میان یکی از اعضای دیگر سلسله ی هان که با امپراتور نسبت داشت، به نام لیوخوآن (Liuxuan) به سلطنت رسید، درحالی که لیوخوآن هم به وسیله ی یکی از جنگجویان که برادرزاده ی او بود، برکنار شد، این شخص که لیوزیو (Liuxiu) نام داشت، خود را امپراتور جدید چین نامید.

واعظ یهودی صاحب معجزاتی است. (جلیله (Galilee)، ۲۹):

یک واعظ یهودی جوان بـه سراسـر سـرزمین یهودیـه مسافرت می کند، ضمن اینکه مردمـان را پنـد و انـدرز مـی دهد، ادعا می کند پیامبر جدیدی است و در عین حال موفق می شود پـشتیبانانی بـرای خـود بـه دسـت آورد. بعـضی از همراهان وی مدعی هستند که ما حواری و مرید او هستیم و وی همان پیام آوری اس که همه در انتظار او بودنـد. نـام او مسیح است که به یونانی کریست (Christ) ترجمه شده.

مسیح از اهالی ناصره و شـغلش نجـاری بـود، تربیـت و تعلیماتی در حد پایین داشـت. وی در مکتـب ژان باپتیـست (John Baptist)، یکی از واعظان ریاضت کـش، آمـوزش هایی دیده بود که هر دو مـرد اعتقـاد و اصـرار داشـتند کـه مردمان روی زمین بایستی از گناهان خود توبه و انابه کننده و به دستورهای خداوند عمل کنند و از هم اکنون با رفتـار و کردار شایسته ی خود، خدا را خوشنود سازند.

برطبق اظهارات همراهان وی، مـسیح شخـصیتی اسـت یگانه، او حامل پیام خداوندی اسـت و فـوق العـاده بـه خـدا مربوط است. خداوند به منزله ی پدر وی مـی باشـد، ارتبـاط مذهب وی با مذهب یهود تنها در پرستش خدای واحد است و از جهات دیگر پیوستی ندارد.

وی دو موضوع را همـواره ضـمن سـفرهایش بـه مـردم گوشزد می کرد و بر آن اصرار می ورزیـد. یکـی آن کـه بـه مردم آموخت که راهنما و پیغمبر خداست و همواره آن را بـه رمز بیان می کرد.

یهودی تهی دسـت و بـی چیـز، راه هـای رسـتگاری را چنین تفسیر می کرد، مپندارید کـه اولـین همیـشه صـحیح است و آخرین به شکل تـصورناپذیری درسـت نمـی باشـد، بدین معنی که انسان باید عمق مطلب را درک کند و تقدم و تاخر موضوع مورد نظر نیست، همیشه شخصیت انسانی را در نظر بگیری و افـراد ناراضـی را خوشـحال و راضـی سـازید. دشمنی و خصومت بزرگ ترین آفت است، صـلح و آشـتی را در بین مردم می توان جایگزین آن کرد.

در بسیاری از مواقع به شکل رمز معجزاتـی از او سـرمی زد. او اعمال خارق العاده یی انجام می داد. به عنـوان مثـال، بیماری را که در شرف مرگ بود، شفا می داد، آب را تبـدیل به شراب می کرد و مردگان را زنده مـی کـرد و بـسیاری از کارهای غیر عادی دیگر. از اعمال بسیار محیرالعقول عیـسی که از وی نقش شده، این که تنی چند از مردان گرسنه را بـا چند عدد ماهی غذا داد که همگی سیر شدند، در میان هیاهو و غوغای مردم تمام حرف های آن ها را می شنید. شـاهدان دیگری که عملیات اعجاب آور او را دیده انـد، گـواهی مـی دادند که او را دیده بودند، گواهی می دادند که او نه تنها یک واعظ قدرتمند است، بلگه این فرد مسیح موعود می باشد.

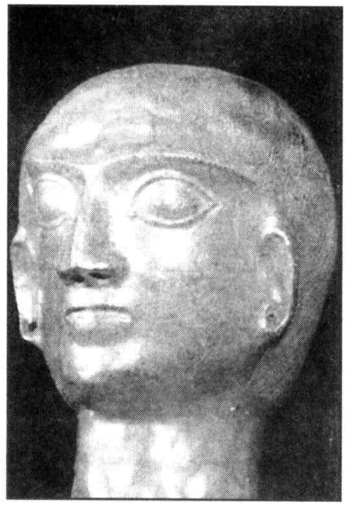
تیبریـوس در مـسمومیت و مـرگ ژرمـانیکوس (Germanicus) همدسـت بـود. (اپیدافنـه (Epidaphne) سوریه (Syria)، ۱۰ اکتبر ۱۹):

ژرمانیکوس فاتح نبرد با اقوام ژرمـن و دوسـت داشـتنی ترین شاهزاده ی رومی، در گذشت. وی در بستر مرگ یکـی از مسموم کنندگان خود را پیزو (Piso) مـی دانـست و او را متهم می کرد، او هم چنین به تیبریـوس بـدگمان بـود، بـه خاطر این که چند با همراهان و نزدیکان امپراتـوری بـه وی اخطار کرده بودند که جانش در خطر است.

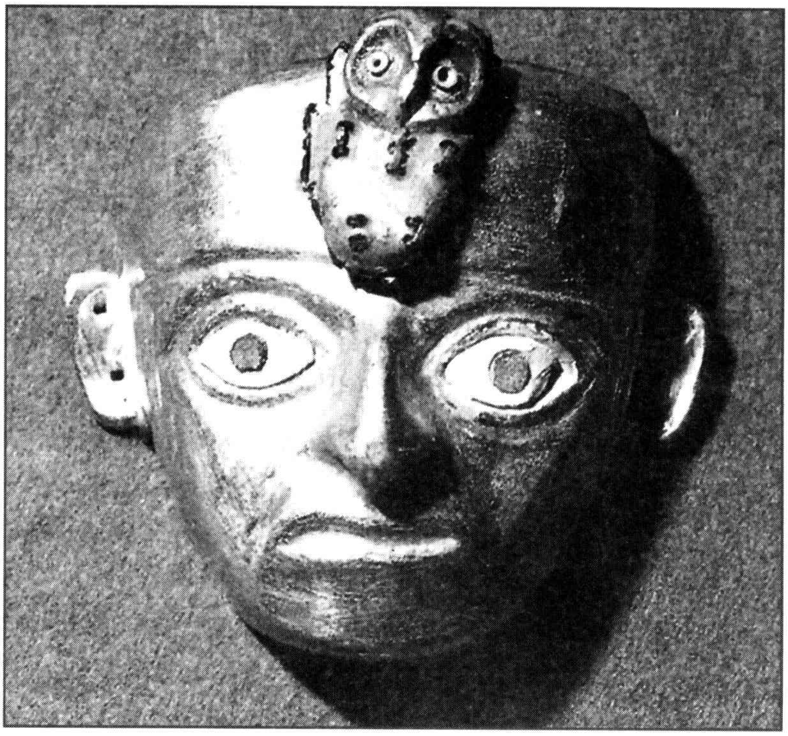
پسر بـزرگ دروسـوس (Drusus) و بـرادر تیبریـوس، هنگامی که پرمانیکوس با آگری پینا (Agrippina)، دختر بزرگ آگوستوس ازدواج کرد، و تیبریوس هم با آن موافقـت کرد، کینه ی وی را به دل گرفت، چـون مـی پنداشـت کـه ژرمانیکوس وارث امپراتور خواهد شد. از سویی چون در هفت سال پیش که وی به کنسولی روم رسید، عامه ی مردم او را یکی از نجبـای دوسـت داشـتنی و مـورد علاقـه خـود مـی پنداشتند، در نتیجه موفقیت او حتمی به نظر می رسید. پـس از مرگ آگوستوس، وی برای فرونشاندن غائلـه سـاحل رود راین و انتقام جـویی از شکـست و مـرگ واروس (Varus)، فرمانده ی قوای روم، دوبار به آن جا لـشگر کـشید و آرمـی نیوس (Arminius)، فرمانده ی قبایی آلمانی را در چروکی (Cherosci) شکست داد، وی پس از این پیروزی به وسیله تیبریوس امپراتور، احضار و به شرق اعزام شد. همانجائی که تیبریوس از آن ناراحت بود، و پیـزو جـرأت و جـسارت آن را نداشت و می دانست که مصر و سوریه مانند چاه ویلی اسـت که ممکن است در آن سرنگون شده و معدوم گردد.

ترس از رومیان تیبریوس را بر آن داشت که خود به تبعید برود. (کاپری (Capri)، ۲۷):

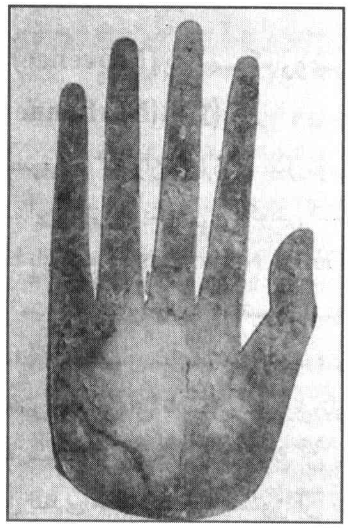
تیبریوس در سال گذشته روم را تـرک کـرد و بـه قـصد زندگی در جزیره ی کاپری واقع در کرانه ی ناپـل بـه آنجـا رفت.



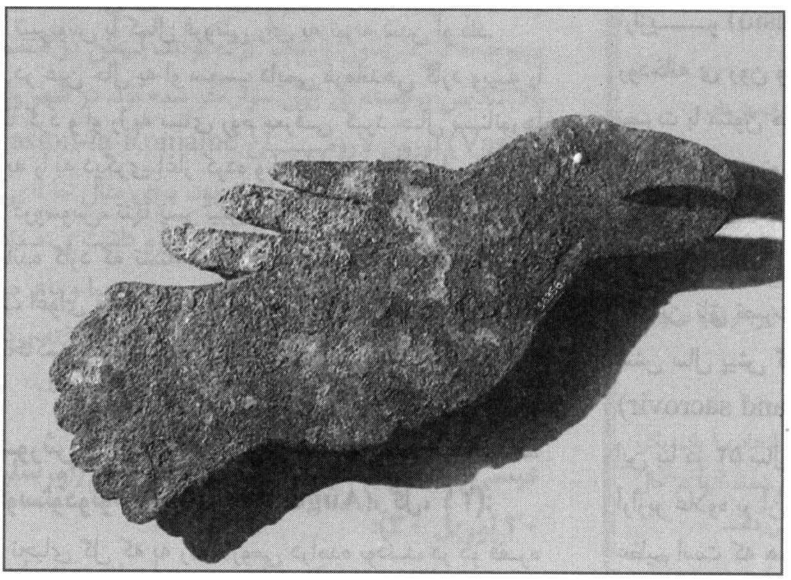
تندیس سر یک زن از معبدی در کناره رود سیحون (Oxus) در منطقه‌ی باکتریا (باختر افغانستان) و مربوط به سال‌های میراتوری هخامنشی و دوران هلیستی (Hellenistic) (یونان)



ماسک زرین با چشم‌های میناکاری شده و سر جغد از سرزمین پرو.



یک دست سمبل منطقه‌ی اوهایو (Ohio).



تندیسی از کلاغ سیاه با چشم‌هایی از مروارید، کار منطقه‌ی هاپ‌ول (Hopewell).



تندیس یک مرد جوان در وضعیت نشسته از گواتمالا (Guatemala) و از کارهای سفالی اقوام مایا (Maya).

شهر روم در ناراحتی به سر می برد، از این کـه سـه ژانـوس (Sejanus) فرمانده ی گارد ویژه، مرد قدرتمند و درجـه ی اول روم است.

تیبریوس که اکنون ۱۴ سال است بر مسند قـدرت تکـه زده، در سال ۴۲ پ.م در یک خانواده ی اشرافی به دنیا آمده و آگوستوس او را به عنوان ناپسری پذیرفت، لیکن حالیـه از قدرت کنار رفته و به آن بی میل است. او سـرباز نمونـه یـی بود و لیاقت خود را در پیکارهای شـرق امپراتـوری، آلمـان و بالکان به منصه ی ظهور رسانید.

به نظر می رسد در حال حاضر سخت بـه خـود مـشهود است و اکنون حالت یغمـاگری و سـلطه جـویی را از دسـت داده، سناتورها به اراده ی او احترام می گزارنـد و سـعی مـی کنند که قدرت را به فرد مورد نظر او واگذارند. در حـالی کـه نسبت به او مهربان و وفادارند، لـیکن بـرای آن هـا مـشکل است که این امر را به او بقبولانند.

محاکمه‌ی مارسلوس (Marcellus) بـه اتهـام خیانـت یکی از این موارد است. تیبریوس در حالـت خـشم و غـضب اعلام کرد که به سوگند خود وفادار است. سزار از آرای عموم برخوردار بود یا در آخرین مرحلهآن را به دست آورد. یکـی از سناتورها از وی پرسید: آیا شما اولین فردی هـستید کـه بـه قدرت پشت می کنید، به هر صورت من آخرین فـرد هـستم که بر علیه وی رای خواهم داد.

تیبریوس با کمال فروتنی رای به تبرئه شدن او داد.

در عین حال به او منصب دایمی فرماندهی گارد ویـِـه را اعطا کرد و او را به سنای روم معرفـی کـرد حـال سـناتورها ضربه را به دیگری آغاز کرده و او را آماج حمله قرار داده اند.

دروسوس، تنها پسر تیبریوس هدف حمله سه ژانوس که فرمانده گارد که تشنه قدرت می باشد، قرار گرفـت. وی بـه سبب اغوای همسر خود در معرض اتهام قرار داشت و پـیش از محاکمه با سم خود را کشت.

شـورش نجبـا بـه مـرگ عـده یـی انجامیـد. (اگوستودونوم (Augustodunum)، گل، ۲۱):

نجبای گل که به رنگ رومی درآمده بودنـد، در دو فقـره شورش همزمان که علیه روم بر پا کـرده بودنـد، سـرکوب و فرماندهان آنها دست به خودکشی زدند.

درپی بالا بردن مالیات و افـزایش آن، مـردم شـروع بـه غرغرکرده و عاملان دولت روم را لعن و نفرین می کردند.

دو کاهن محلی به نام های ژولیوس فلوروس (Julius florus) و ژولیوس ساکروویر (Julius Sacrovir)) هم در این جریان به اتهام تحریک مردم تحت پیگرد قرار گرفتند و خـود را تـسلیم کردنـد و در پـی آن شـورش در نـواحی تروری(Treveri) و اودوی (Aedui) برپاشد.

فلوروس، اول بار در تعقیب کشته شـدن تعـداد کمـی از بازرگانان رومی در تروری خـود را تـسلیم کـرد. شـورش در اودوی بسیار جدی تـری بـود، لـیکن سـاکروویر تعـدادی از محصلان ساکن گل را به اعتصابیون پیوسته بودند، بازداشت کرد، این آشوب در آگوستودونوم بیشتر به چشم مـی خـورد. وی توانست تعداد چهل هزار نفـر از مـردان قـوی هیکـل را تجهیز کند، اما آنهـا قـادر بـه مقابلـه بـا لـشگریان کـایوس سیلیوس (Gaius Silius) نـشدند و شـورش و آشـوبپایان یافت.

شهرهای پروونس (Provence) به سـبک رومـی در می آید. (ناربونه Narbonne)، ۳۰):

در این اواخر طاق نصرتی به عنـوان پیـروزی تیبریـوس ساخته و به او هدیه شد، این یکی از بناهای باشکوهی است که درشهرهای مهم گالیا ناربونـه (Gallia Narbonensis) (پروونس) ساخته شده است. این بنای جدید در شمال شـهر آرازیـــــو (Arausio) (پرتغـــــال Orange) در دره ی رودخانه ی رون و در بخش شمالی آن تاسیس شد. این تاق نصرت با ستون هایی به سبک کورینت در چهار ضلع آن بنا شده و دارای ستون های بلندی است که سـه سـتون آن بـا ارتفاع بسیار ساخته شده و هم چنین دو تای آن ها به سبک آتیک و تا سقف ساختمان امتداد دارد.

این تاق نصرت را به یادبود سرکوبی و فرونشانی شورش شش سال پیش گل ها، بـه رهبـری فلـوروس و سـاکروویر (florus and sacrovir) و شکست آنان بنا کردند. اصـل این بنا در ۵۲ سال پیش به شـیوه ی رومـی ایجـاد گردیـد، آرازیو علاوه بر آن دارای چندین میدان بـزرگ و یـک معبـد عظیم است که همه ی آن هـا بـه سـبک رومـی اسـت. در همین شهر، یک تئاتر بسیار بزرگ با گنجایش بیـست هـزار نفر تماشاچی، در حال اتمام است.

در شهر نایم (Nimes) هم آثـار برجسته ی معمـاری رومی، چندی به چشم می خورد، از آن جمله مجتمعی که در

سال ۱۶ پ.م تأسیس شد و اکنون گنجایش پنجاه هزار نفر را دارد و باعث مباهات می باشد. شهر نایم دارای حصار و دیوارهای سنگی به قطر دو متر می باشد که ۱۹برج دیده بانی دارد. بلندترین برج ۴۲ متر ارتفاع دارد که در ضمن مرتفع ترین نقطه ی شهر است. نایم هم چنین دارای یکی از بهترین سالن های آمفی تئاتر می باشد. معمار این آمفی تئاتر به نام تی کریسپیوس ربوروس (T.Crispius Reburrus) بوده که همتای این آمفی تئاتر را در یک نقطه ی دیگر شهر بنا کرد که در واقع این آمفی تئاتر دوقلو هستند.

حمام های زیبایی در شهر گلانوم (Glanum) (رمی مقدس St Remy) به سبک یونانی در سومین سده ی پیش از میلاد بنا کرده بودند، گرچه این شهرها در طی جنگ های یونان دستخوش نهب و غارت گردید، لیکن بر طبق گزارش ها، در سده ی دوم پیش از میلاد، در شهر سیمبری (Crimbri) کف منازل را با موزائیک هایی که در آن بلور کوارتز مخلوط شده بود، مفروش می کردند و این کار به علت درخشندگی کوارتز، زیبایی کف را دو چندان می کرد. به هر حال، در سده ی اخیر، بیشتر منازل و ساختمان ها سبک رومی داشت. مقبره ی ژول سزار هم به سبک یونانی و اساطیر آن بنا گردیده و بر روی دیوارهای آن افسانه های مربوط به آن سرزمین را حک کرده بودند، لیکن در قسمت بالا تندیس برجسته ی ژول سزار نقر شده بود. در شهر وازیو (Vasio) (وزون لارومان Vasion-la-Romaine) برخی منازل بسیار باشکوه و ابهت بود. برای مثال خانه یی با رواق ورودی که دیوارهای آن پوشش نقره داشت و تعدادی اتاق و حمام بسیار با شکوه و استخری بسیار زیبا و باغ خیلی بزرگ و ساختمانی با ستون بندی رفیع در روم ساخته بودند که از هر جهت باعث شگفتی و اعجاب بیننده می شد.

عیسی، پسر خدا، به صلیب کشیده شد. (اورشلیم، ۳۰ آوریل ۳۰):

عیسی اهل ناصره که حواریون وی، او را پسر خدا می خواندند و به یونانی مسیح نامیده می شد، با اجازه ی حکومت روم پیش از آن که به رهبری یهودیان برسد و ملت یهود او را به عنوان ناجی بشناسد، کشته شد. در ساعت ۹ امروز صبح، او را به همراه دو نفر دزد در محل گورستان به

روم اول ژانویه ۱۹۳

پوبلیوس هلویوس پرتیناکس (Publius Helvius Pertinax) با حمایت کامل لائه توس فرمانده گارد ویژه به امپراطوری رسید.

روم ۲۸ مارس ۱۹۳

گارد ویژه امپراطوری با تاسف از مرگ کومودوس (Commodus) پرتیناکس را پس از تنها سه ماه از گذشت زمامداری در دفتر کارش به قتل رسانید. در پی آن مارکوس دیدیوس ژولیانوس (Marcus Didius Julianus) فردی نامردمی که فرماندهی لشکریان رومی را در استانها به عهده داشت، به امپراطوری رسید.

بالکان ۹ آوریل ۱۹۳

یکی از افسران شناخته شده رومی به نام سپتیموس سوروس (Septimius Severus)که فرمانده سپاه در ایلیریکوم (Illyricum) بود، خود را امپراطور خواند.

سوریه آوریل ۱۹۳

پسنیوس نیجر (Pescennius Niger) که سمت فرمانداری سوریه را در ۲ سال قبل داشت با پشتیبانی لشگریان شرق، خود را به عنوان امپراطور معرفی کرد.

روم اول ژوئن ۱۹۳

مارکوس دیدیوس ژولیانوس امپراطور در کاخ مقر امپراطوری به قتل رسید.

روم ژوئن ۱۹۳

به مجرد رسیدن سپتیمیوس سوروس به روم بدون درگیری و منازعه تمام افراد گارد ویژه را تعویض کرده و اعضای جدیدی را جایگزین آنان کرد.

بریتانی ۱۹۳

کلودیوس آلبی نوس فرماندار بریتانیا به خود لقب قیصر داد.

سوریه۱۹۴

در سال گذشته در حالی که پسنیوس نیجر چندین بار از قشون سپتیمیوس سوروس شکست خورده بود، معهذا با یاری لشگریانش خود را امپراطور خواند، وی در حین فرار به سوی فرات گرفتار و دستگیر شد و به فرمان سوروس به قتل رسید. به این ترتیب سوریه به دو استان تقسیم شد.

چین ۱۹۵

جنگجویان چادر نشین زیونگ نو(Xiongnu) با اتحاد با یکدیگر، کنفدراسیونی تشکیل داده و در شمال چین ساکن شدند آنها در حال حاضر هم به تهدیدات خود به کشور چین ادامه می دهند.

گل ۱۹۶

کلودیوس آلبی نوس فرماندار بریتانیا مساعی خود را برای رسیدن به قدرت متمرکز کرده و لشگریان مستقر در آلمان را برای پیشگیری از پیامدهای آتی مجهز کرده و از سرزمین گل به سوی روم عزیمت کرده و خود را به نام آگوستوس امپراطور نامید.

صلیب کشیدند. در هنگام مرگ او، مادرش شاهد قتل وی بود و با مختصری شیون و زاری، مرگ فرزند را می نگریست، آخرین کلماتی که از عیسی هنگام مرگ شنیده شد، این بود که : ای پدر (منظور خداوند است) من در دستان تو هستم و تو را می پرستم و روح من از این امر راضی و خشنود است.

مسیح در طول زندگی اش، معجزات و کراماتی از خود بروز داد و با کمال هوشیاری و رضایت، مرگ را پذیرفت، لیکن پس از سه ساعت بعد از مرگ او، خورشید گرفت و فضا تاریک شد که این نشانه ی غضب خداوند بود. مطمئناً تعدادی از کسانی که وی را در این حال دیدند، به صورت مسخره، او را پادشاه قوم یهود تلقی کردند و با استهزا گورستان را ترک کردند. جسد او آن طور که گفته شده، به وسیله ی یوسف نامی، از اعضای انجمن شهر آریماته (Arimathaea) برده شد و دشمنان او گفتند که به سزای خود رسید. عیسی که ادعا می کرد ناجی بشر است، در تاریخ ششم آوریل، در حالی که وی را مورد لعن و نفرین قرار می دادند، دستگیر شد. شاهدان مدعی هستند، با وقایعی که از وی دیده اند، عیسی پیامبر خداست. در شامگاه عید فصح (فطیر Passover) که شب قبل از کشتن و به دار کشیدن عیسی بود، یکی از حواریون او را لو داد و همین لو رفتن باعث مرگ عیسی گردید، این حواری مدعی بود که جریان زندگی و مرگ عیسی در کتاب مقدس عهد عتیق (تورات) یهودیان، پیشگویی شده است.

تمام پیامبران یهود هم این امر را تصدیق و مورد تائید قرار داده اند و این حقیقتی انکار ناپذیر است. یهودا (Juda) یکی از حواریون عیسی بود و هم او باعث لو رفتن وی گردید. رهبران مذهبی یهود بعدها ادعا کردند که عیسی، خود لقب پسر خدا را برای خویش برگزیده، در حالی که واعظان و مبشران او را با لقب پسر و فرزند انسان می نامیدند. بزرگترین روحانی یهودی هم اعلام کرد که وی در خور مجازات اعدام بود، چون وی در صدد واژگونی امپراتوری روم بود و در نظر داشت خود را پادشاه روم بنامد و این چنین گناهی، مستوجب چنین کیفری بوده است.

عیسی تا مرگ و قبل از تسلیم به یهودیان، در اختیار و بند حاکم روم به نام پونتیوس بود و او عیسی را برای مجازات به یهودیان تحویل داد. فرماندار رومی، پونتیوس (Pontius)، عیسی را از اتهامات وارده مبرا دانست و پس از چند بار شلاق زدن او را آزاد کرده و به روحانیون یهود تسلیم کرد و او هم از ترس ایجاد آشوب و خونریزی در شهر اورشلیم که به پشتیبانی عیسی ایجاد شده بود، صلاح دانست که هر چه زودتر عیسی را به قتل برساند، در حالی که گناهی بر وی مترتب نبود و عیسی هیچ بزهی مرتکب نشده بود. پونتیوس هم با آزاد سازی عیسی، از وقوع حوادث آینده و درگیری در روم ممانعت به عمل آورد.

فرمانده ی گارد ویژه ی روم به اعدام محکوم شد. (روم، ۱۸ اکتبر ۳۱):

لوسیوس اولیوس سه ژانوس (Lucius Aelius Sejanus)، فرمانده ی گارد ویژه ی امپراتوری، به جرم طرح نقشه ی تصرف و در دست گرفتن قدرت، پس از دستگیری، اعدام شد. قتل وی در زمانی اتفاق افتاد که در اوج قدرت بود، او پس از بین بردن مدعیان سلطنت و امپراتوری در روم و دیگر ایالات رومی، به اقتدار رسیده بود، سه ژانوس پس از این اقدامات، بلافاصله به ریاست گارد جمهوری و گارد ویژه ی امپراتور منصوب شد. وی به عنوان شخصی مدیر و مدبر و فرماندهی برجسته، اطمینان تیبریوس را به خود جلب کرده بود، مقام او از نخست وزیر هم بالاتر رفت. سه ژانوس تعداد زیادی از مقامات بلند مرتبه اعم از زن و مرد را به جرم گناهان واهی و حتی عده یی بی گناه را هنگامی که تیبریوس خود را باز نشسته کرده و در جزیره ی کاپری مسکن گزیده بود، به دیار عدم فرستاد.

تیبریوس وی را به مدت پنج سال در پست کنسولی روم ابقا کرد، لیکن به جرم نوشتن نامه به خواهرزاده ی امپراتور و نقشه ی برکناری وی، دستگیر شد. سه ژانوس و دو بچه ی وی را به فرمان امپراتور خفه کردند.

سر بریده ی ژان باپ تیست به عنوان جایزه (یهودیه، ۳۰)

نادختری هرود آنتی پاس (Herod Antipas) اهل جلیله (Galilee)، به نام سالوم (Salome)، جایزه یی مخوف و دهشت زا دریافت کرد، این جایزه سر خون آلود ژان باپ تیست بود که در پارچه یی پیچیده شده بود. هرود، همسر هردویاس (Herodias) ناپدری سالوم بود، این

گل (فرانسه) ۲۰۲

پدرایرنه ئوس(Irenaeus) مسیحی در گذشت. شاید مرگ او به علت آزار و شکنجه بوده . وی پیش از اینکه در سال ۱۷۸ به مقام اسقفی برسد در موگدونوم (لیون) خود را وقف مباحثات دینی جهت دعوت مردم به دین مسیح در دره رون(Rhone) کرد. و پیوسته با فرقه گنوستیک (Gnostics) در جدال بود و پیمان نامه یی مهم بر علیه هرتیک ها (Heretics) بست.

روم ۲۰۳

یک تاق نصرت در محل میدان مرکزی روم جهت پیروزیهای سپتیمیوس سوروس ساخته شد.

روم ۲۰۳

پاپی نیان(Papinian) حقوقدان رومی به عنوان فرمانده گارد جاویدان امپراطوری جانشین پلوتیانوس (Plautianus) شد. وی طبق طرحی که از پیش تهیه شده بود به قتل رسید. پاپی نیان اخیراً به تجزیه عقاید اصالت روح انسانی و رابطه آن با قانون پرداخته بود.

مصر۲۰۳

اوریگن(Origen) به جای کلمنت(Clement) به سرپرستی مدرسه مسیحیان اسکندریه انتخاب شد.

بریتانیا۲۱۰

لشگریان روم با حمله به اسکاتلند لشگریان روم با حمله به اسکاتلند(Scotland) در سال ۲۰۸ موجب آزار و اذیت شدیدی بر ضد مردم شدنداکنون دولت روم و اسکاتلند پیمان صلح امضا کردند.

بریتانیا ۴ فوریه۲۱۱

سپتیمیوس سوروس در جریان جنگ بریتانیا در ناحیه ابوراکوم (Eburacum) (یورک-York) به طور طبیعی درگذشت وی یکی از پسران مارکوس اورلیوس آنتونیوس Marcus Aurelius Antonius) را که ملقب به کاراکالا بود به جانشینی خویش برگزید در حالی که برادر کاراکالا (Caracalla) هم به نام سپتیمیوس آنتونیوس ژتا (Septimius Antonius Geta) که در گل فرمانده لشگریان رومی بود رقیب نیرومندی برای او به شمار می رفت.

روم فوریه ۲۱۲

ژتا به فرمان کاراکالا کشته شد، با اجرای دستور امپراطور خونریزیهای شدیدی در پایتخت به وقوع پیوست. همزمان با این جریان تعداد بیست هزار نفر از مریدان و معتقدان فرقه معروف پاپی نیان نیز قتل عام شدند.

روم ۲۱۲

کاراکالا به تمام ساکنان آزاده همه ایالات رومی عملا عنوان شهروندی اعطا کرد به طوریکه از این پس هر فرد آزاد رومی می توانست از مزایای آن استفاده کند.

یادگار جنگی را به عنوان هدیه جهت شادمانی و رقص او فرستاده بود و او این سر بریده را برای سالوم، دختر خود، ارسال کرد.

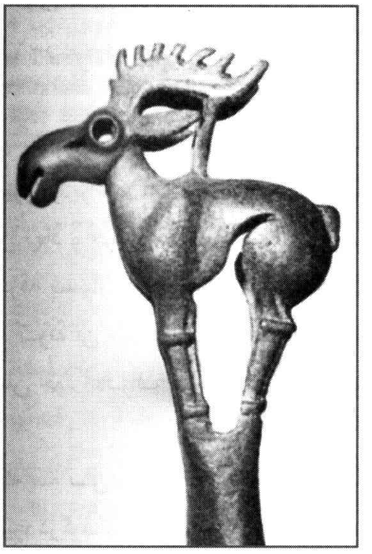
ژان (John)، پسر عموی مریم، مادر عیسی، در زمانی که سرپرستی روحانیون را بر عهده داشت، فرقه ی باپتیست (Baptist) را بنیان نهاد و خود عیسی هم یکی از اعضای این فرقه بود. این فرقه بسیار نام آور و مشهور گردیده و پیروان بسیاری پیدا کرد، آن ها معتقد بودند که انسان همواره باید به گناهان خود اعتراف کرده و از آن ها توبه کند.

ژان در نزاعی که سه سال پیش بین او و هرود آنتی پاس، پسر هرود کبیر، درگرفت، مغلوب شد. این نزاع بر سر طلاق دادن ناباتین (Nabataen)، همسر هرود آنتی پاس و ازدواج با هروديیاس بود.

هرودیاس، دختر آنتی پاس و زن برادر فیلیپ بود. ژان آنتی پاس را متهم به زنای با محارم کرده بود و بر اثر آن درگیری، ژان به هلاکت رسید و سر وی را برای سالوم فرستادند. اکنون هرودیاس خشمگین توانسته بود انتقام خود را از ژان بگیرد و بدین وسیله ی شادمانی خود را ابراز کند.

قوم آراواک (Arawaks)، قایق های خود را به هند غربی اعزام می دارند. (امریکای مرکزی، ۴۰):

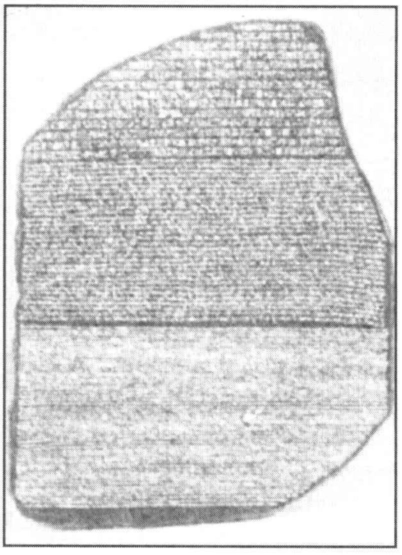
مردم آراواک با شیوه ی خود از درختان جنگلی که استحکام کمی دارند، قایق های کوچکی ساخته و آن ها را در طول رودخانه ی اورینوکو (Orinoco) به حرکت درآورده و در جزیره ی ایگوآنا (Iguana) (سان سالوادور (Sansalvador) ساکن شده اند. آن ها در سراسر منطقه‌ی کارائیب و در جزایر جامائیکا (Jamaica) و کوبا (Cuba) و سایر جزایر هند غربی (West Indian) پراکنده شده اند. آنان کاملاً به قایق های خود وابسته اند و زندگی آنها به وجود قایق بستگی دارد و از قایق ها برای مهاجرت، ماهی گیری، شکار و حمل و نقل مواد غذایی استفاده می کنند. این مهاجران، کشاورزان با تجربه یی هم هستند. آنان در کشت ذرت، سیب زمینی شیرین، لوبیا، باقلا، بادام زمینی، فلفل، آناناس و سایر محصولات خوراکی،



تندیس برنزی یک گوزن در حال فرار از دام یک سوار که در زمان سلسله‌ی پادشاهی هان (Han) تهیه شده است.



تندیس سرامیک یک مرد اهل پرو که پیاله‌یی در دست دارد.



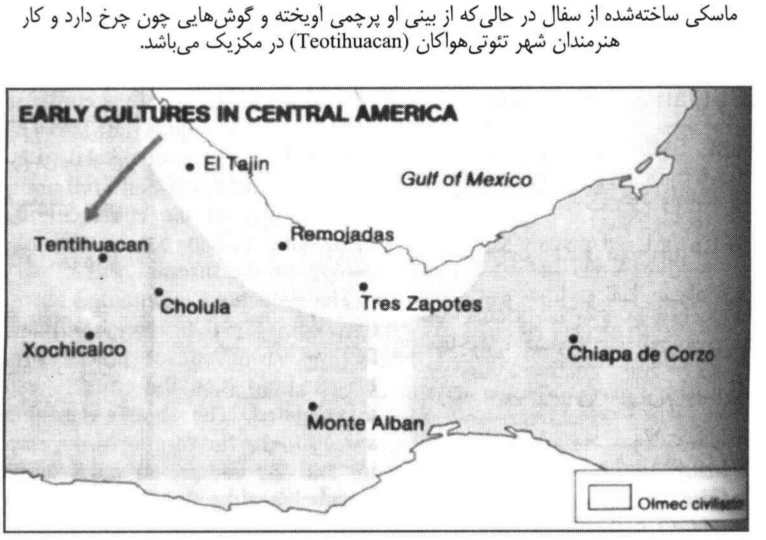
سنگ‌نبشته‌یی با خط هیروگلیف شکسته و یونانی که در توصیف و بزرگداشت پتولمی پنجم پادشاه مصر به‌وسیله‌ی یکی از راهبان معبد روزتا (Rosetta) نوشته شده است.



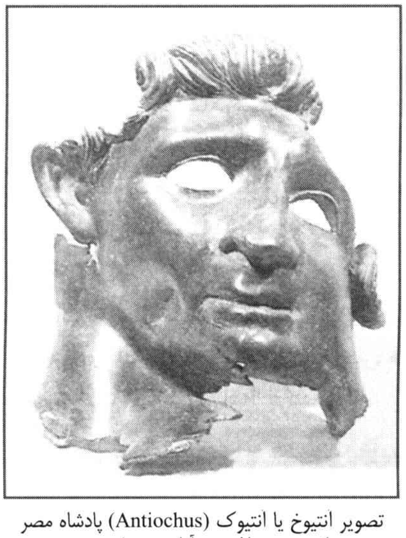
ماسکی ساخته‌شده از سفال در حالی‌که از بینی او پرچمی آویخته و گوش‌هایی چون چرخ دارد و کار هنرمندان شهر تئوتی‌هواکان (Teotihuacan) در مکزیک می‌باشد.



ظرفی با تصاویر و خطوط زینتی از تئوتی هواکان.



نقشه‌ی گسترش نخستین تمدن در امریکای مرکزی



تصویر انتیوخ یا انتیوک (Antiochus) پادشاه مصر

فلسطین ۲۱۵
کلمنت (Clement) پدر کلیسای اسکندریه درگذشت او در آتن زاده شده بود و تحصیلات خود را در رشته فلسفه به انجام رسانید و اخیراً به سرپرستی مدرسه مسیحیان اسکندریه انتخاب شده بود وی در همانجا به مدت بیش از ده سال به تدریس اشتغال داشت.و تحت فشارهای سوروس به فلسطین گریخت، چون او دستور قتل کلمنت را صادر کرده بود، لیکن کلمنت با فرار خویش از مرگ رهایی یافت. آخرین کار وی نوشته هایش درباره التقاط مسیحیت و عقاید فلسفی باستانی بود.

آلمان ۲۳۵
ماکزیمینوس(Maximinus) که سابقاً در منطقه تراس زارع بود، به کمک دسته های یاغی و سرکش، طرفداران الکساندر سوروس را بر کنار کرده و خود را امپراتور خواند.

بالکان ۲۳۸
لشگریان روم بدون در نظر گرفتن و بر خلاف آنکه قبایل گوت خراج سالیانه را می پرداختند به آن منطقه وارد شده و بربرهای گوت (Goth) و کارپی (Carpi) را تارومار و حکومت موئزیا (Moesia) را سرنگون کردند.

افریقای شمالی ۲۳۸
گوردیان(Gordian) فرماندار افریقای روم اخیراً خود را به عنوان امپراتور معرفی کرد، لیکن در شورش اهالی نومیدیا(Nomidia) شکست خورده و کشته شد و بدین ترتیب به حکومت ۲۲ روزه وی پایان داده شد.

روم ۲۳۸
گارد نگهبان امپراتوری در اغتشاشاتی که بر پا کردند، سنا را مجبور به انتخاب دو تن به نامهای بال بینوس (Balbinus) و پوپیه نوس (Pupienus) کردند که هر دو نفر به اتفاق یکدیگر قدرت امپراتوری را در دست داشته باشند، از سویی گوردیان سوم نوه گوردیان یکم فرماندار ایالات افریقایی روم هم خود را امپراتور خواند، در همین حال گارد محافظ، بال بینوس و پوپیه نوس را به قتل رسانیدند.

ایتالیا ۲۳۸
ماکزیمینوس (Maximinus) که در سال ۲۳۵ به امپراطوری رسیده بود، هنگامی که در راس لشگریان خود به محاصره منطقه اکیلیا (Aquileia) پرداخته بود کشته شد.

چین ۲۳۹
ملکه هیمی کو(Himiko) از یاماتایی(Yamatai) ژاپن، سفیری به چین اعزام کرد و همراه او مهری زرین برای امپراطوری چین به رسم هدیه فرستاد که به تحکیم روابط هردو کشور منجر شد.

دریای سیاه ۲۴۲
گوردیان سوم شهرهای سیمریان (Cimmerian)، تنگه بوسفور در جنوب روسیه را از ساکنانش تخلیه کرد. بدین ترتیب رابطه آنها را با روم قطع کرد اکنون این ناحیه تحت سلطه اوستروگوتها (Ostrogoths) که در اوکراین (Ucraine) زندگی می کردند درآمد.

مهارت دارند و حتی گیاهان و محصولات غیر خوراکی و درختانی که در رنگرزی مورد استفاده واقع می شد را نیز کشت می کنند.

آنان توانسته بودند با مهارت کافی، سیستم آبیاری صحیحی برای آبیاری مزارع و درختان به وجود آورند، در ضمن قمه هایی از آهن می ساختند که هم برای قطع و بریدن گیاهان به کار می رفت و هم سلاحی مرگبار برای دشمنان بود و از طرفی نیز، برای حفر زمین استفاده می شد.

از جهت مذهب هم به پیروی از مردم منطقه ی امریکایی مرکزی، خدایان چندی را می پرستیدند و در هنگام عبادت، کره یی به رنگ ارغوانی با خود داشتند و برای خدایان هم، انسان ها را قربانی می کردند.

کالیگولا (Caligula)، امپراتور خون آشام، به قتل رسید. (روم، ۲۴ ژانویه ۴۱):

کالیگولا، امپراتور روم، در محل قصر امپراتوری، در سن ۲۸ سالگی، بر اثر حملاتی که به او شد، به قتل رسید. مرگ وی پایان یک دوره ی ستمگری، بی رحمی، شقاوت و خونریزی بود. گایوس ژولیوس سزار ژرمانیکوس (Gaius Julius Caesar Germanicus) ملقب به کالیگولا، به معنی بی ریشه، به وسیله ی ۳۷ نفر از سربازان گارد امپراتوری که ملبس به لباس ارغوانی ویژه ی مقامات بلند پایه بودند، کشته شد.

وی دارای قدی بلند، بدنی بسیار پرمو، سری طاس و بی مو و دست و پایی لاغر و چشم هایی فرو رفته بود، در تمام دوران بچگی، بیمار بود و تنها در مدت کمی پس از دست یابی به مقام امپراتوری، همواره رنجور بود و به نظر می رسید که پریشان حال و از نظر روحی بیمار است. وی نسبت به اسلاف و پیشینیان خود، بسیار خودستا و خود محور بود و برای خود مقام خدائی قائل بود و هم چنین خواهر خود را که با او همبستر می شد، در هنگام مرگش، خدای مؤنث خواند (الهه). کالیگولا به سبب بی رحمی و ستمگری مشهور شد. به دستور وی یکی از سناتورها را قطعه قطعه کردند و هنگامی که امعاءُ احشای وی از شکمش بیرون ریخت، احساس شادمانی زایدالوصفی می کرد.

او به سادگی دستور می داد افراد را با اره به دو نیم کنند، در حالی که جرم آن ها بسیار جزیی بود. کالیگولا اغلب

گاوهای وحشی را به جان هم می انداخت و گوشت حیوانی را که برنده ی این جدال بود، تناول می کرد. او هم چنین شیران را با مردان جنگجو و سلحشور وادار به پیکار می کرد و بیش تر اوقات دستور می داد که زبان افراد بی گناه را از حلقوم آن ها بیرون آورده و سر از تن آن ها جدا کنند.

کالیگولا را در هنگامی که برای سرکوبی شورشیان اقوام ژرمن، به اتفاق لشگریان خود به منطقه ی رود راین رفته بود، در سال گذشته به قتل رسانیدند. توطئه کنندگان با کشتن او همه را از شر اعمال و جنایات او رهایی بخشیدند.

به درخواست امپراتور زد و خوردهای نژادی فرو کوفته شد. (اسکندریه ی مصر، ۴۱):

پس از فرونشانی جدال هایی که بین ساکنان شهرهای یونانی و یهودی نشین روی داده بود، به تقاضای مردم، بعد از این آرامش، کلودیوس امپراتور در بین مردم اسکندریه ظاهر شد.

یهودیان پس از مرگ آگوستوس، دست به طغیان زدند. سی و پنج سال پیش، بعد از آن که یهودیه (Judaea)، ساماریه (Samaria) و ایدومه (Idumaea) به فلسطین پیوست و تشکیل یک ایالت رومی تحت امر فرمانروای فلسطین درآمد، پونتیوس پیلات (Pontius Pilate)، فرمانده ی رومی ناحیه، بر حسب دستور تیبریوس، به یهودیان آزادی مذهبی داد که آنان مراسم دینی خود را مطابق دستورات مذهب خود انجام دهند و این آزادی مذهبی مدت ده سال از تاریخ ۲۶ تا ۳۶ میلادی ادامه یافت، لیکن تیبریوس شورش های محلی را سرکوب کرد. هنگامی که کالیگولا کشته شد، آتش عصیان یهودیان با انداختن و واژگونی تندیس وی در معبد اورشلیم زبانه کشید. به هر حال، کلودیوس وارث این اوضاع آشفته شد، به ویژه این که، پونتیوس پیلات فرماندار روم، عیسی مسیح را که زندانی او بود به یهودیان تحویل داد و آن ها بدن مسیح را تدهین کرده و به صلیب کشیدند. یهودیان، عیسی را قبول نداشتند و به انتظار ناجی قوم یهود بودند که آنان را از بدبختی و مشقت زندگانی و سلطه ی بیگانگان برهاند.

چین، انقلاب ویتنام (Vietnam) را در هم می شکند. (ویتنام، ۴۳):

ویتنام مدت چهار سال در تب و تاب انقلاب بر علیه چین می سوخت و مردم آن طالب استقلال بودند. دولت چین این انقلاب را به وسیله ی ژنرال کار کشته ی خود به نام مایوآن (Ma-Yuan) در هم شکست و انقلابیون را در منطقه ی لانگ بک (Lang Bac) متلاشی کرد.

رهبران انقلابیون دو خواهر به نام های ترانگ تراک (Trang Trac) و ترانگ نهود (Trang Nhu) بودند که در هنگام فروکوبی شورش، طبق مراسم خود، دست به خودکشی زدند. انقلاب ویتنام بر اثر یک سده حکومت اشرافی، مسلط بر منطقه بود که این حکومت هم دست نشانده ی فرمانروای چین بود، عده یی اصلاح طلب در پی تغییر حکومت بودند و آزادی نسبی و خودمختاری کشور را طالب بودند و غیرتمندانه تحت فرماندهی شوهر ترانگ تراک، مالک بزرگ زمین های ناحیه، دست به شورش زدند. این شخص، تهی ساچ (Thisach) نام داشت و توانست تا مدتی در مقابل چین ایستادگی کند.

در این شورش بیرحمانه، تعداد زیادی از انقلابیون از هر دسته و گروه، به هلاکت رسیدند و تهی ساچ، رهبر آن ها هم کشته شد و دو خواهر، رهبری انقلاب را در دست گرفتند.

شورشیان هم که تا اندازه یی به پیشرفت رسیده بودند، به سوی سرزمین اصلی چین تاختند و خود را ملکه خواندند. آنان به هر حال توانستند از حمایت و پشتیبانی رعایای بدون زمین برخوردار شوند، چون روستائیان درخواست داشتند که اراضی کشاورزی تقسیم شود و آنان خود از مالکان بزرگ بودند. ژنرال مایوآن چینی با گروههای مجهز و مسلح خود. بین انقلابیون تفرقه انداخت و به آسانی شکار خود را یافت و آن را به دام انداخت.

در حالی که احتمال کمی وجود داشت، کلودیوس (Claudius) به قدرت رسید. (روم، ۴۳):

گرچه کلودیوس در دو سال گذشته فردی ناشناخته و منزوی گذشته بود، معهذا با تغییر وضعیت به شهرت و قدرت رسید. وی مدت ۱۶ روز را همراه لشگریانی که در حمله به بریتانی (Britain) شرکت داشتند، گذرانده بود و اکنون با پیروزی به روم برگشت. او در جریان تصرف شهر کولچستر (Clochester) که پایتخت منطقه ی ترینوبانتس کامولودونوم(Trinobantes Camulodunum) محسوب می شود، حضور داشت.

هند ۲۴۲

کوشانها (Kushans) در این زمان برابر امپراطوری ساسانیان قرار گرفتند و این امر نشانه آن بود که ساسانیان به جنگ در ناحیه باکتریا (باختر) می اندیشند و قصد تسخیر آنجا دارند.

میان رودان مارس ۲۴۴

گوردیان در جنگی که در سال ۲۴۲ بر علیه ایران آغاز کرده بود، توسط سربازان خود به قتل رسید گارد جاویدان فیلیپ عرب (Arab Philip) را به عنوان امپراطور معرفی و فیلیپ هم با ایران صلح کرد.

ژاپن۲۴۷

ملکه هیمی کو از قبیله یاماتایی در جنگی که در نزدیکی کونوکوکو (Kunukoku) منطقه یی در شمالی ترین جزیره ژاپن روی داده بود شرکت کرد. وی کمک دولت چین را در این جنگ نپذیرفت.

ژاپن ۲۴۷

پس از مرگ ملکه هیمی کو نبرد داخلی در ژاپن درگرفت و برادر ملکه تاج و تخت را غصب کرد او وراثت زن را جهت امپراطوری قبول نداشت، با این وصف تا زمانی که دختر ملکه به نام یی یو (Iyo) که در عین حال کاهنه معبد بود به قدرت رسید، جنگ داخلی ادامه داشت و وی توانست صلح و آشتی را در کشور برقرار کند.

روم ۲۷ آوریل ۲۴۷

فیلیپ عرب به مناسبت هزارمین سال تاسیس روم جشنهایی در تمام کشور بر پا کرد.

ایتالیا ۲۴۹

فیلیپ عرب در تصادم با دسیوس (Decius) فرماندار منطقه داسی (Dacia) در ورونا (Verona) کشته شد، ودسیوس به امپراطوری رسید.

چین ۲۴۹

وانگ بی (Wang Bi) فیلسوف روشنفکر چینی در سنین جوانی بین (بیست تا بیست و نه سالگی) درگذشت، در حالی که باعث تغییراتی در تفکرات و باورهای مردم شده بود.

چین ۲۴۹

فرمانده نیروهای مسلح که بنیانگذار سلسله ویی (Wei) می باشد، در کاخ خود تسلیم سر فرمانده خود، سیمایی (Sima Yi) شد. در این زمان از سلسله ویی جز نامی باقی نمانده بود.

اتیوپی ۲۵۰

شهر اکسوم (Axum) پایتخت اتیوپی در هنگام حکومت افیلاس (Aphilas) به قدرتی تبدیل شد، از این شهر کندرو مرمکی (Frankincense) از سراسر دریای سرخ به کرانه های دریای مدیترانه صادر می شد و افیلاس سکه های ضرب شده سرزمین خود را منتشر می کرد. کاخ با عظمت پادشاهی با ستونهای منشوری شکل سنگی مشهور بود.

کلودیوس پس از کشته شدن و مرگ کالیگولا، شوهر خواهرش، به طور غیر مترقبه در دو سال پیش به امپراتوری رسید.

هنگامی که کالیگولا به قتل رسید، وی از ترس، فرار کرد و سربازن او را که در پشت پرده ی یکی از اتاق های قصر امپراتوری پنهان شده بود یافتند. سناتورها می خواستند جمهوری اعلام کنند، لیکن از بیم جنگ و نزاع داخلی، منصرف شدند.

غوغا طلبان و ماجراجویان، ترجیح می دادند که حکومتی توأم با آشوب روی کار آورند، سربازان و افسران چون مشاهده کردند که کشور در خطر است، وی را به امپراتوری برگزیدند و کلودیوس بدون دردسر به قدرت رسید. در زمان کودکی، آگوستوس، دایی بزرگ وی، او را از انظار پنهان می کرد، او دچار تیک (حرکت غیر عادی سر) بود و نیز لکنت زبان داشت، هم چنین دهانش همیشه باز و آب از آن سرازیر بود، مردم وی را ابله و احمق می دانستند.

کلودیوس مدت ها مانند زندانیان تحت نظر لله و سرپرست نگهداری می شد، چون قادر نبود که به عنوان شاگرد و دانش آموز در مدارس کارتاژ و یا اتروسک ها به تحصیل بپردازد.

حالیه وی در سن ۵۳ سالگی، خود را به عنوان فرمانروایی باهوش جا می زند. برای ابراز وفاداری اطرافیان، کلودیوس ۱۵۰ قطعه طلا رشوه می دهد. وی با اتکا بر وفاداری و صداقت دو نفر از بردگان آزاد شده به نام های پالاس (Pallas) و نارسی سوس (Narcissus)، در رأس امپراتوری و به عنوان گرداننده و حافظ ثروت روم قرار گرفته است. کلودیوس حاکمان ایالات رومی فراسوی دریاها را تشویق می کند که به عضویت سنای روم در آیند.

کلودیوس بندری در ناحیه ی اوستیای (Ostia) روم تأسیس می کند. (روم، ۴۲):

امسال کار ساختن بندری در ۲۵ کیلومتری جنوب روم، در منطقه ی اوستیا، شروع شده. معمار و موسس بندر اعلام کرده، این منطقه که بین اوستیا و روم واقع شده، مناسب نیست، چون رود تیبر (Tiber) در این مکان باریک است و وزش باد منطقه، مانع تخلیه و بارگیری کالاست و حتی ناوگان های حامل کالا نمی توانند به راحتی در این بندر

پهلو بگیرند، لیکن کلودیوس امپراتور جدید بر عزم خود پافشاری می کند و سلاح او هم قدرت اوست.

هنگامی که کلودیوس پس از قتل کالیگولا (Caligula) در سال پیش، به امپراتوری رسید، اعلام کرد که تنها به مدت ۱۸ روز ذرت در انبارها برای تغذیه ی مردم موجود است. او احساس می کرد که تنها دویست هزار شهروند آزاده ی رومی وابسته به قدرت را باید سیر کرده و مواد غذایی آن ها را مهیا سازد. در حالی که بخش اعظم این ۱۲ میلیون بوشل (Bushel) (هر بوشل ۳۶ لیتر) ذرت، خوراک ایالات مصر و متصرفات شمال افریقاست. بندرگاه واقع در اوستیا، ظرفیت کشتی های اقیانوس پیما و حامل مواد غذایی را ندارد. دانه های غذایی و غلات را در دوبه های (Lighter) و خارج از ظرفیت، بارگیری می کردند. به طوری که امکان غرق شدن آن ها با اضافه بار وجود داشت.

کلودیوس در نظر داشت در حدود سه کیلومتر دورتر و در شمال این منطقه، اسکله یی علاوه بر اسکله ی موجود بسازد. برای این کار، دستور داد یک موج شکن محدب در دریا، برای جلوگیری از امواج شدید آب، بنا کنند. او دستور داد که در مرکز یک جزیره که فرورفتگی عمیقی داشت، برای کشتی های بازرگانی بزرگ، محلی به نام چهارراه کالیگولا بسازند و هرمی به شیوه ی مصریان در آن جا بنا کنند که کشتی های بزرگ تجاری، کالای خود را در آن محل تخلیه کنند. هم چنین انباری چهار اشکویه، شبیه مخازن بزرگ اسکندریه، به ظرفیت یکصد و بیست هزار پوشل، جهت نگهداری عدس بنا کنند. کلودیوس هم چنین در نقشه ی خود بنای اسکله ها و انبار های متعدد دیگری را در نظر دارد.

اوستیا، تنها به خاطر غله و دانه های غذایی در نظر گرفته نشده، بلکه، محل انبار شراب، ادویه، مواد معطره، پارچه، لباس و سایر کالاهایی است که از سراسر امپراتوری و سرزمین های چین و هند به وسیله ی ناوگان بازرگانی حمل می شود. بدین ترتیب اوستیا به سرعت به یک بندر تجاری دریای مدیترانه مبدل شد. امپراتور جدید هم چنین برای امنیت و سلامت راههای دریایی و جلوگیری از راهزنان، طرح های عملی در دست اقدام دارد و در جهت اجرای این امر اداره یی برای نظارت بر آن در نظر گرفته و یک افسر سوار مورد اطمینان را در راس آن قرار داده است.

مردم در بیم وهراس بردگان آزاد شده (روم، ۴۰):

طبقه و دسته ی جدیدی در نظام اشرافی روم بیدار شده و به پا می خیزند، در حالی که پیش از این در بند بودند.

آنان بردگانی آزاد شده هستند که بین طبقه ی بردگان و افراد شهروند آزاده به دنیا آمده، قرار دارند.

بردگان آزاد شده اغلب دارای معلومات بالا و تربیت شده هستند و کلودیوس امپراتور هم با بذل عنایت به آن ها، چندین نفر از این طبقه را هم چون نارسیسوس (Narcissus)، پالاس (Pallas) و کالیستوس (Callistus) را هم در رأس مقامات مهم گمارده است.

آنان استعداد و لیاقت غیر قابل انکاری دارند، اما نخوت و غرور و خودپسندی اشرافیت را فاقدند و بعضی از آن ها که به مقامی رسیده اند، سخت در بند حفظ موقعیت خویش هستند و حرص و آز چندانی ندارند، روی این زمینه به عنوان افسران سوار برگزیده شده اند.

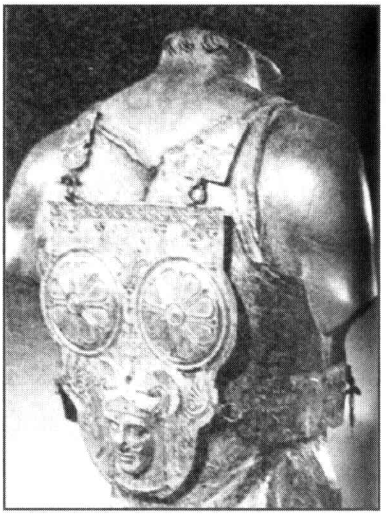
بر طبق رسم معمولی رومی، پترونیوس که خیلی شهوت مقام پرستی دارد، نسبت به این طبقه احساس خوش آیندی ندارد، ویژگی اصلی رومی ها که ارثیه ی مالی است، و رومیان ثروت را از نیاکان خود به ارث می برند، در این طبقه وجود ندارد، زیرا بردگان آزاد شده، ثروت را از راه کسب و تجارت به دست می آورند.

پترونیوس (Petronius) را در حالی به تصویر کشیده اند که قدرت و ثروت و خوشبختی را از کف داده و حالی زار و مضحک به خود گرفته است.

در همین حال، کلودیوس، سخت حامی و طرفدار بردگان، کشاورزان و صنعتگران است و در نظر دارد موقعیت آن ها را تثبیت کند، به طوری که حالت کینه و دشمنی از میان جامعه ی رومی نسبت به نوکران و خدمتگزاران از بین برود. بر خلاف نظر فیلسوفان رواقی که بردگان را تنها مناسب مشاغل پست می انگاشتند، بسیاری از مقامات بلند پایه، اکنون اصول نوع دوستی و انسانیت را ترویج می کنند و کلودیوس توصیه می کند که آنان در سخنرانی های خود توجه بیشتری به بردگان مبذول دارند و این طبقه را که در جامعه تحقیر می شدند و روش تعلیم و تربیت درستی نداشتند، با سبک و شیوه ی جدید به انسان هایی والا تبدیل کنند که در جامعه ی روم نقصانی وجود نداشته باشد.



نقاشی بر روی دیوار و دهانه‌ی یک غار در منطقه‌ی اجانتا (Ajanta) در هندوستان (سال‌های ۲۰۰ پ. م. ۹۰۰ میلادی)



زره برنزی که پشت سرباز را برای مقابله‌ی دشمن حفظ می‌کند، این نـوع پوشـش زره را کارتاژهـا در مقابل رومیان مورد استفاده قرار می‌دادند.



تصویری از یک کاهن کارتاژ در هنگام ادای مراسم مذهبی ۲۵۰ پ. م.



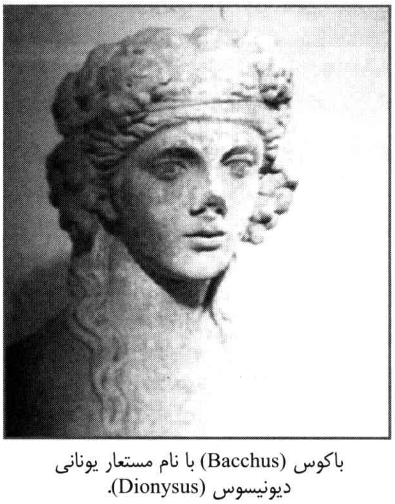
هنـر یونـانی کـه مـورد اقتبـاس رم شـد. ایـن صحنه‌یی از مبارزه آپولـو (Apollo) بـا شـیرون (Cheiron) موجود افسانه‌یی است کـه بـر روی ظرفی نقش شده است.



تصویری از هنر غیرمعمول کارتاژی در سوگ عزیز از دست رفته و به خاک‌سپردن مرده مربوط به ۲۵۰ پ. م.



معبد بازسازی‌شده‌ی زئوس خدای خدایان یونانی در پرگاموم.



باکوس (Bacchus) با نام مستعار یونانی دیونیسوس (Dionysus).

مارک (Mark)، داستان زندگی عیسی را به نگارش در می آورد. (فلسطین، ۶۰)

مارک (مرقس) که یکی از حوارین واعظ یهودی به نام مسیح و خود اهل ناصره بود، شروع به نگارش شرح احوال مراد خویش کرد. او زندگی عیسی را به طور کامل نوشته و این امر به توسعه و پیشرفت این دین کمک شایانی کرده و موجب نشر تعلیمات و دستورات عیسی گردیده است.

عیسی که به وسیله ی حواریون خود به اسم مسیح نامیده شده، در سال ۳۰ میلادی به جرم ایجاد فتنه و آشوب و ایراد ناسزا و توهین به مقدسات دین یهود، به امر یکی از سران یهود، به اعدام محکوم گردید و به صلیب کشیده شد.

همه ی حامیان و پشتیبانان وی، از ترس او را ترک کرده و فرار کردند و حتی مرگ او را هم تائید کردند، اکنون دین مسیح وسیله ی تفریح و سرگرمی مخالفان وی می باشد.

مرقس و ده نفر دیگر از پیروان اصلی مسیح، وی را به عنوان رسول و پیامبر می شناسند. عیسی به حواریون خود توصیه کرده بود که وظیفه ی اصلی آن ها نشر و تبلیغ این دین جدید در تمام عالم است، به طوری که پیروان وی اندرزها و تعلیمات دینی مسیح را به عنوان فرضیه تلقی کرده و به توسعه و انتشار آن می پردازند.

بیشتر مندرجات کتاب مرقس گرفته شده از خطابه ها و سخنرانی های پطروس (Peter) حواری است که به زبان آرامی بوده و پطروس آن ها را خود از زبان عیسی شنیده و ترجمه ی آن ها را منتشر کرده است. مرقس برای ترجمه‌ی سخنان پطروس، پیش از مرگ وی، از آرامی (Amaraic) به یونانی، از گروهی استفاده کرده که به زبان آرامی آشنا بوده اند. مرقس این کتاب را برای ثبت در تاریخ، از آرامی به زبان یونانی معمولی و محاوره یی برگرداند که همه از تعلیمات عیسی مسیح بهره مند شوند.

مرقس زندگی عیسی را از هنگامی که با ژان باپتیست در بیابان ها به سر می برد، آغاز کرد و تمام سرگذشت وی را به نگارش درآورد. بالاخره مرقس توانست بخش هایی از معجزات و تولد عیسی را که خود معجزه یی بزرگ به شمار می رفت، تا هنگام مرگ وی و روز رستاخیز و حتی پیروان و حواری های مسیح را به طور مشروح در کتاب خود بیان دارد.

رومیان رهبر مقاومت انگلیس را دستگیر کردند. (روم، ۵۱):

کاراکتاکوس (Caractacus)، رهبر نهضت مقاومت بریتانیا، پس از هشت سال جنگ، سرانجام به وسیله ی لشگریان رومی دستگیر و زندانی شد.

ملکه ی بریگانتس (Brigantes)، در این هنگام به نام کارتیسمن دوآ (Cartismandua) بود، کاراکتاکوس که فرماندهی سپاهیان را بر عهده داشت، دشمن را در ناحیه ی لودلا (Ludlow) مجبور به عقب نشینی کرد.

حملات بریتانیا بر ضد رومیان، در سال ۴۳ میلادی آغاز شد. رومیان که به وسیله ی قایق های پارویی به سواحل انگلیس رسیده و در کلبه هایی در بندرگاه روتوپیه (Rutupiae) مسکن گزیده بودند، به یک باره دچار یورش سپاهیان انگلیس در این ناحیه که به نام ریچ بورو (Richborough) نزدیک ساندویچ (Sandwich) کنت(Kent)، شده و هزاران نفر تلفات دادند. هنگامی که نیروها از رود میدوی (Medway) عبور می کردند، مقاومت مختصری دیده شد، لیکن پس از پیاده شدن در ساحل رودخانه، با لشگریان بریتانیا به فرماندهی کاراکتاکوس مواجه شدند. مدت دو روز بریتانیایی ها جنگ را اداره می کردند و میدان در دست آن ها بود، پس از آن، با نیروی بی شمار رومی مواجه شدند و صفوف آن ها از هم پاشیده و به سوی غرب عقب نشینی کردند، در این جا توانستند به سپاهیان انتظام داده و صفوف خود را تجدید سازمان کرده و به بی نظمی پایان دهند، در این هنگام حملات خود را بار دیگر آغاز کردند.

کلودیوس، امپراتور روم، به فاصله ی کمی پس از پیاده شدن نیروی نظامی خود، از آن ها سان دید و در هنگام تسلیم شهر کامولودونوم (کولچستر) حضور یافت و این شهر را پایتخت قرار داده و این منطقه را بریتانیا نامید. هر چند که در یک صد سال پیش، ژول سزار (قیصر روم) توانسته بود که بخش هایی از این سرزمین را متصرف شود، لیکن تاکنون به طور کامل بریتانیا به اشغال روم درنیامده بود.

کلودیوس با زهری که آگری پینا، زوجه ی وی، به او خورانده بود، درگذشت و آگری پینا موفق شد

بالکان ۲۵۰

کارپی (Carpi) به منطقه داسی (Dacia) و گوت ها به موئزیا یورش بردند.

بالکان ۲۵۱

در نتیجه خیانت های گالوس (Gallus)، فرماندار موئزیا، دسیوس (Decius) و پسر وی در نبرد آربی توس (Arbittus) شکست خورده و کشته شدند. این جنگ به فرماندهی نیوا (Kniva) از طایفه گوت بر پا شده بود. با کشته شدن دسیوس، گالوس به امپراطوری رسید.

بالکان ۲۵۳

در هنگام یورش امیلیوس امیلیانوس (Aemilius Aemilianus) جانشین فرمانروای موئزیا، گالوس توسط سپاهیان خویش به قتل رسید.

روم سپتامبر ۲۵۳

والریان (Valerian) به وسیله سنای روم به امپراطوری انتخاب شد. وی پسر خود را به عنوان مشاور عالی برگزید. در پی توطئه یی که امیلیائوس ترتیب داد آنها کشته شدند و امیلیانوس چند ماه در مقام امپراتوری باقی ماند.

گل (فرانسه) ۲۵۳

فرانکها (Franks) و آلامانی (Alamanni) به گل یورش بردند.

فلسطین ۲۵۳

اوریگن (Origen) فیلسوف و عالم الهیات که مدت ۲۸ سال سر پرستی مدرسه مسیحیان اسکندریه را که زادگاه او هم بود بر عهده داشت در اثر زجر و شکنجه حکومت داسی ها در سال ۲۵۰ در گذشت.

روم ۲۵۸

دومین فرمان امپراطوری علیه مسیحیان صادر شد، در سال گذشته مسیحیان از ترس دین خود را پنهان می داشتند و بر طبق آن پاپ سیکستوس دوم به شهادت رسید.

افریقای شمالی ۲۵۸

سیپریان (Cyprian) اسقف کارتاژ (Carthage) به شهادت رسید.

روم ۲۶۰

گالیه نوس (Gallienus) امپراتور روم اعلام کرد که اماکن مسیحی مورد احترام است و این نشانه کوچکی از صلح و آشتی با کلیسا شناخته شد.

سوریه ۲۶۰

دولت ایران انتخاب ماکرینوس (Macrinus)فرمانده گارد جاویدان را به عنوان فرماندار کاپادوکیه رد کرد. او پسران خود را به عنوان امپراتوران منطقه امه سا (Emesa) (هومز–Homs) معرفی کرد. اودنیتوس (Odenaethus) شاهزاده پالمیرا (Palmyra) هنگامی که آنها از بازدید ایالات تابعه روم برمی گشتند، آنان را مورد حمله قرار داد.

ناپسری وی را که نرون نام داشت، به جانشینی کلودیوس برگمارد. (روم، ۱۳ اکتبر ۵۴):

کلودیوس، امپراتور روم، بر اثر خوردن یک بشقاب قارچ مسموم درگذشت. مردم، بی قرار و مشتاق آنند که بدانند آیا شایعه ی مسمومیت وی به وسیله ی همسر او آگری پینا، صحت دارد یا خیر. بر طبق این شایعات، آگری پینا قصد دارد که پسر خود نرون را که از شوهر پیشین وی است به جای بریتانیکوس (Britannicus)، فرزند کلودیوس، بنشاند.

کلودیوس بر اثر فشار اطرافیان با آگری پینای ۴۸ ساله که خواهر زاده ی خود و از سویی پدر او پالاس، برده ی آزاد شده بود، ازدواج کرد. او بزرگ ترین نوه ی دختری آگوستوس (Augustus) بود و قبلا دو مرتبه شوهر کرده بود. او فاقد اصول اخلاقی و پایبند به هیچ چیز نبود. وی دشمنان خود را فریب داده و آن ها را با زهر مسموم می کرد. هم چنین نرون را در مقابل بریتانیکوس فرزند کلودیوس برانگیخت و وی را وادار کرد که با اوکتاویا (Octavia) دختر کلودیوس ازدواج کند. البته کلودیوس هم در ازدواج اولش با مسالینا (Messalina) خوشبخت نشد. او از بدبینی و پایبند نبودن وی به اصول مذهبی، چشم پوشی می کرد تا این که در سال ۴۸ به خاطر مصالح سیاسی با او زناشویی کرد، در حالی که مسالینا همسر اول کلودیوس، سیلیوس (Silius) را بیشتر دوست می داشت و در خفا با او عشقبازی می کرد. آن ها، یعنی مسالینا و سیلیوس، در نظر داشتند کلودیوس را سرنگون و به قتل برسانند، لیکن کلودیوس به این راز پی برده و آن ها را کشت. به رغم تمام این جریانات، به قدر کافی هوش و ذکاوت فرمانروایی داشت. او به تمام بردگان و بردگان آزاد شده ی داخل کشور و ایالات وابسته کمک می کرد، اما قدرت توطئه چینان و دسیسه سازان خیلی بیشتر از قدرت و توانایی امپراتور بود.

نرون دستور قتل مادر خود را صادر می کند. (روم، ۵۹):

آگری پینا (Agrippina)، بیوه ی ژرمانیکوس (Germanicus) و مادر نرون (Nero)، به دستور شخص امپراتور به قتل رسید. او از توطئه یی که برای

کشتن او به وسیله برده ی آزاد شده یی به نام آنی ستوس (Anicetus) چیده شده بود، جان به در برد و ضربه یی که جهت کشتن به او وارد آمد، تنها شانه ی او را مجروح ساخت و با قایق از مهلکه گریخت. با فرار آگری پینا، مدارک و دستخط هایی از کاخ های امپراتوری به دست آمد که بیشتر اسرار و ناگفتنی هایی را درباره ی وی فاش و برملا می ساخت، از ان جمله، عاشقان وی که در خفا با آن ها عشقبازی می کرد و در بخشی از آن چگونگی مسمویت و مرگ کلودیوس ثبت شده بود.

هنگامی که کلودیوس در اثر مسمومیت درگذشت، نرون ۱۷ ساله و سلطنت وی استحکام نداشت، لیکن آگری پینا نیروی مقاومی بین او و بریتانیکوس پسر کلودیوس بود، در سال ۵۵، بریتانیکوس به دستور نرون مسموم شد. در پنج سال اول سلطنت نرون، کارها با تصویب سنا انجام می شد. در این هنگام نرون تحت سرپرستی سنکا (Seneca)، فیلسوف دانا و زیرک قرار داشت و نصایح و توصیه های وی را در کارها مراعات می کرد و امپراتور جوان توانست در مقابل سناتورها و مقامات بلند مرتبه، چهره یی حق به جانب به خود بگیرد که مورد وثوق و اطمینان باشد و در ضمن افکاری روشن داشت و به پیروی از اصول سیاست آگوستوس متظاهر بود.

پس از چندی، مالیات های گزاف و ظالمانه یی مقرر داشت که مردم از پرداخت آن عاجز بودند و بیشتر این پول ها به مصرف هزینه ی ۳۰۰-۵۰۰ نفری که گارد امپراتوری را تشکیل می دادند، می رسید، در ضمن نرون کارهای بیهوده و احمقانه یی هم انجام می داد. وی شیفته ی آن بود که هزاران نفر از مردم را جمع کرده و در حضور آن ها سخنرانی کند و در ضمن حاضران هم او را با تحسین و کف زدن تشویق و استقبال کنند.

او برخی شب ها با لباس مبدل و مخفیانه با تعدادی از دوستان صمیمی خود در خیابان ها پنهان می شد و دستور ضرب و شتم مردم و حتی کشتن آن ها را می داد.

سنکا، نویسنده ی رومی، به ندیمی شاهانه برگزیده می شود. (روم، یکم ژانویه ۵۶):

سنکا، فیلسوف و نویسنده ی رومی، در سن ۶۰ سالگی سریعاً به مرد قدرتمند روم تبدیل می شود. پیشرفت و ترقی او هم به واسطه ی سرپرستی نرون امپراتور از سال ۴۹ شروع شد، در حالی که قدرت و سلطه ی آگری پینا، مادر نرون بر وی به کاستی می رفت، اکنون سنکا و بوروس (Burrus) که هر دو از قضات کنسولی بودند، به عنوان ندیم و همنشین امپراتور انتخاب می شوند.

سنکا در اواخر سده ی گذشته، در جنوب اسپانیا و در خانواده یی ثروتمند و سواره نظام ایتالیایی زاده شد، وی تحصیلات خود را در رشته ی فلسفه و سخنوری آغاز کرد و در سنین جوانی به عنوان نویسنده و خطیب برجسته در روم شهرت یافت.

در سال ۴۱ بر اثر دسایس مسالینا، همسر اول کلودیوس، به کورسیکا (Corsica) تبعید شد. در سال ۴۹ با کمک آگری پینا، همسر دوم کلودیوس، از تبعید آزاد شده و به عنوان مربی نرون تعیین شد. سنکا در نوشتن نهایت ایجاز و اختصار را رعایت می کرد، و زندگی بشر را مملو از دسیسه و توطئه می انگاشت. او در آخرین نوشته هایش از رحم و شفقت و مهربانی ستایش می کرد و مردم را برای این صفات می ستود و بین احراز قدرت و فلسفه ی رواقی، حالت آشتی جویانه برقرار کرد. او نتوانست کاملاً به اختیار خویش جریان کثیف کشته شدن بریتانیکوس، پسر کلودیوس، به وسیله ی نرون را به نگارش درآورد.

سفیر ژاپن در کاخ امپراتور چین با تعظیم به حضور می رسد. (چین، ۵۷):

فرستاده ی سیاسی نو (Nu)، پادشاه یکی از کشورهای وا (Wa) (ژاپن) در دربار امپراتور گوآنگ وودی (Guang Wudi) در لویانگ (Loyang)، پایتخت چین، به حضور وی بار می یابد.

حکومت چین با پذیرفتن سفیر یک کشور خارجی که افسانه هایی درباره ی آن و مردمانش گفته می شود، بسی خوشوقت است. گفته می شود که مردم این سرزمین یک نوع شراب بسیار قوی مصرف می کنند و خود را به انواع زیور آلات می آرایند و لباس های آنان به رنگ ارغوانی و بسیار زیبا و جذاب است.

آن ها هنگامی که به حضور فرد بلند پایه یی می رسند، زانو زده و دو دست خود را به هم می چسبانند و این نهایت درجه ی احترام است. این سفیر، در برگشت با احترام بدرقه

شد و مهری که نشان امپراتوری بود به نو، پادشاه کشور خویش، تقدیم داشت، در همین زمان، بیش از ۳۰ قبیله چینی تقاضای خودمختاری از چین را کردند.

زنان بودیکا (Boudicca) که برای تحصیل آزادی می جنگیدند، میهن خود را از وجود رومیان پاکسازی کردند. (بریتانیا (Britania)، ۶۱):

اکنون رومیان خشمگین در صحنه ی پیکار بر علیه ارتش بودیکا در ناحیه ی مرکزی بریتانیا، وارد شدند. شاهدان عینی اظهار می کردند که بیش از ۸۰ هزار جنگنده بریتانیایی که تعداد زیادی از آن ها را زنان تشکیل می دادند، پابه پای مردان، در میدان جنگ حضور داشتند.

این زنان جنگجو با پرتاب زوبین به سربازان رومی، به دفاع از میهن خود می پرداختند و تنها کمتر از ۴۰۰ نفر تلفات دادند. آیسنی (Iceni)، ملکه ی بریتانیا، به انتقام دو دختر خود که مورد تجاوز رومیان قرار گرفته بودند، سربازان رومی را شلاق می زد، آن ها پیش از آن که به دست رومیان اسیر گردند، خود را با زهر کشتند. ملکه ی سلت ها (Celtic) در غیاب سوئه تونیوس (Suetonius)، مردم را در انگلسی (Englesey) به قیام واداشت و به انتقام مظالم رومی ها در زندان کامولودونوم (Camulodunum) (کلچستر Colchster) و شهرهای دیگر، دست به قتل عام رومیان زد که گفته می شد بیش از ۷۰ هزار نفر از رومیان در این جریان کشته شدند و فرمانده ی قشون روم برای حفظ جان خود به گل (Gaul) فرار کرد. عده ی کمی که ملکه آیسنی را دیده بودند، می گویند او زنی قد بلند بود، با چهره یی ترسناک و مخوف، با چشمان فرو رفته و صدایی خشن. یک تاریخ نگار رومی (که در واقع خود او را ندیده بود و نوشته هایش بر اثر نقل قول است) اظهار می دارد که وی به سپاهیان خود گفته بود: این سرزمین میهن خانوادگی ماست، ولی رومیان آن را نشناخته و ما آن ها را در همین سرزمین به گورستان خواهیم فرستاد.

پل (Paul)، از حواریون (Gospel) مسیح، انجیل را در تمام دنیای رومی منتشر می کند. (روم، بهار ۶۰):

پولس یا پل، از اهالی تارسوس (Tarsus)، که سابقا از یهودیان فریسی (Pharisee) بود، خود را آماده ی پذیرش

بالکان ۲۶۷

طوایف گوت سرزمین های مقدونیه، تراس و یونان را دستخوش چپاول و غارت قرار دادند.

ایتالیا سپتامبر ۲۶۸

گالیه نوس هنگام فرو نشاندن شورش شوالیه ها به رهبری اورئولوس (Aureolus) در محاصره شهر کشته شد.

بالکان ۲۶۹

پس از تارومار شدن گوتها در دو جنگ بزرگ که در دوبروس (Doberus) و نیسوس (Naissus) نیسا (Nissa) اتفاق افتاد، کلودیوس دوم که یکی از افسران بلند پایه و موفق گالیه نوس در سال گذشته بود در یک جشن پیروزی، لقب گوتیکوس (Gothicus) یعنی فاتح گوت گرفت. کلودیوس به مجرد رسیدن به مقام امپراطوری با حمله به آلامانی، آنها را شکست داد.

مصر ۲۶۹

زنوبیا (Zenobia) بیوه شاهزاده پالمیر، شهری واقع در مرکز کویری بین سوریه و بابل با حمله به کشور مصر، آنرا متصرف شد. او پیش از این سپاهیانی در مرز سوریه گمارده بود که از مرزهای آن در مقابل حملات اعراب سرزمین شمالی بوسترا (Bostra) دفاع کنند.

بالکان ۲۷۰

کلودیوس دوم در اثر بیماری طاعون در سیرمیوم (Sirmium) (میترِوویکا —Mitrovica) درگذشت. این بیماری از شرق توسط سربازان شایع شده بود.

بالکان ۲۷۰

لوسیوس دومی تیوس اورلیانوس (Lucius Domitius Aurelianus) (اورلیان — Aurelian) که در جنگ با گوتها به پیروزیهایی رسیده و خود را نشان داده بود، پس از مرگ کلودیوس در راس شوالیه ها به مقام امپراتوری رسید.

آسیای کوچک ۲۷۰

زنوبیا به استثنای بی تی نیه زمام امور قسمت اعظم آسیای صغیر را در دست گرفت.

بالکان ۲۷۱

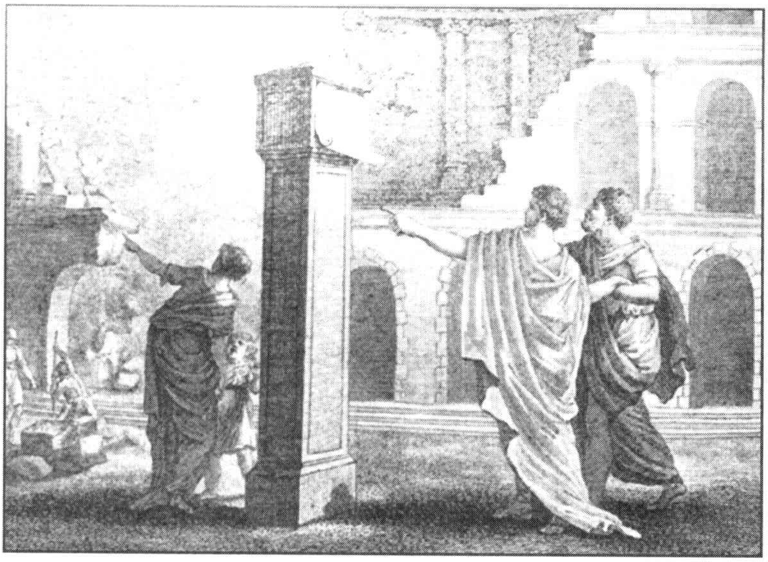
در نخستین عقب نشینی مهم امپراتوری روم نیروی نظامی کشور، منطقه داسی را تخلیه کرد.

روم ۲۷۱

به جهت حمله یی که ژوتانجی ها (Guthungi) به شمال ایتالیا انجام دادند، اورلیان دستور داد به سرعت دیواری اطراف شهر روم احداث کنند.

سوریه ۲۷۱

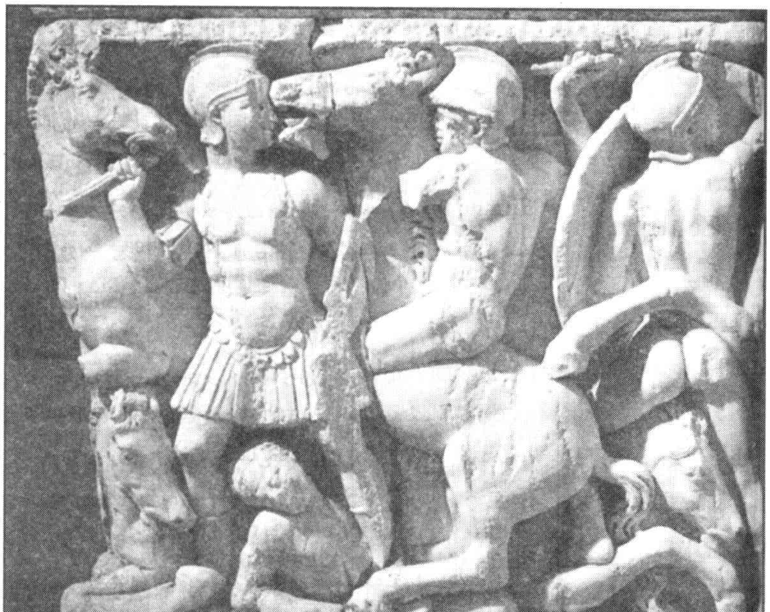
ملکه زنوبیا خود را امپراتریس نامید و رابطه خود را با روم قطع کرد، و به پسرش به نام والاباتوس (Vaballathus) لقب آگوستوس اعطا کرد.



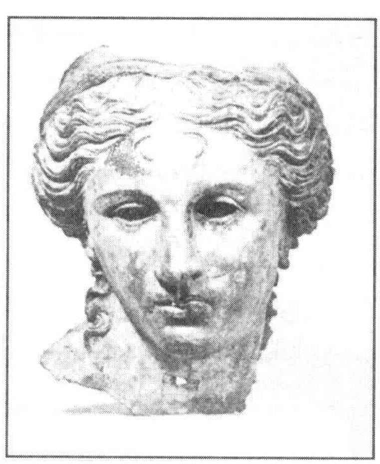
تصویری از ساختمان نیمه‌تمام سالن تئاتر رم که سنا عقیده داشت که باید مطابق سلیقه و روحیه و آداب و رسوم مردم بنا شود.



تصویری از کاتو (Cato) در قرون معاصر، کاتو معتقد بود که سرزمین کارتاژ باید ویران شود.



سنگ‌نگاره‌یی از سربازان مبارز یونانی که برای مبارزه با سربازان رمی با عجله به پیش می‌تازند.



مجسمه‌ی برنزی سر افرودیت (Aphrodite) مربوط به یک سده پ. م. این تصویر نشان می‌دهد که الهه‌ی آفرودیت صورت انسانی داشته و تندیس‌نگار چهره‌ی حقیقی این الهه را مجسم ساخته است.



دین مسیح با روش جدید و بر طبق تعالیم مسیح ناصری می کند، او سعی دارد که آئین جدید را جایگزین دین یهودی کند، بر طبق نظر برخی، وی جانشین واقعی مسیح می باشد.

پولس که نام پیشین او شائول (Saul) بود، قبلا رهبری مخالفان مسیح را بر عهده داشت، اما با سفری که در سال ۳۵ به دمشق کرد و معجزات عیسی را دید، در بازگشت، نام خود را به پولس یا پل تغییر داد و تمام باورها و معتقدات پیشین خود را هم رها کرد، او راجع به قوانین و مقررات روم و قدرت تحمیلی رومیان بر مردمان تحت سلطه، اظهار تردید می کند واین قدرت را در حال زوال می داند، در طی مسافرت به شرق مدیترانه و یونان، همه جا به تبلیغ و سخنرانی تعالیم و مقررات آئین جدید می پردازد و نشان می دهد که در طرفداری و پشتیبانی از این آئین بی نظیر و در عقاید خود راسخ است.

پولس از تمام رسولان و حواری های عیسی که هم ریشه و نسلی از یهودیان بودند، صادق تر است و بر اصل الوهیت عیسی بیشتر پای بند است و به نظر می رسد که این امری طبیعی است که وی باورهای پیشین را مورد تردید قرار دهد، به هر حال، او در آخرین سفر خود به اورشلیم دستگیر شد. او را از شهروندی تا آخر عمر محروم کردند و به روم فرستادند و اکنون در آن جا زندگی می کند.

سناتورهای روم بخشی از قدرت خود را از دست می دهند. (روم ۶۰):

نرون (Nero)، شبیه کلودیوس (Claudius)، امپراتور پیشین، مایل است که تمرکز قدرت در دستان وی باشد و همه ی امور تحت کنترل او قرار گیرد. هر دو امپراتور سعی در کاستن اقتدار سنا و سناتورها داشتند و مطابق میل خود، سناتورها را انتخاب می کردند و سناتورها هم بر حسب اراده‌ی امپراتور رفتار می کردند و از خود اراده نداشتند. نرون هم سعی می کرد مشاغل مهم کشوری را به اطرافیان خود واگذار کند. سنا قوانینی را تصویب می کرد که، امپراتور می خواست و دادگاه ها هم مخالفان امپراتور را به مجازات های سنگین محکوم می کردند. فرمانداران ایالات وابسته به امپراتوری را سنا تعیین می کرد و امپراتور هم بایستی آن را تائید کند، بسیاری از مشاغل، از جمله چهارصد کنسول شهرها به وسیله ی سنا و تصویب امپراتور معین می شدند.

مصر ۲۷۱

اورلیان (Aurelian) به قصد جلوگیری از خودسری های زنوبیا گروهی از نظامیان خود را به مصر اعزام کرد، لیکن در جنگی که بین نیروهای وی جهت کنترل آن سرزمین رخ داد، ژنرال پروبوس (Probus) یکی از فرماندهان بزرگ خود را از دست داد.

سوریه ۲۷۲

بر اثر دو فقره جنگی که برای تسخیر دوباره آناتولی به فرمان اورلیان روی داد. ملکه زنوبیا شکست خورد و نیروهای روم شهر پالمیرا (حرا) را تسخیر و زنوبیا را دستگیر و زندانی کردند.

سوریه ۲۷۳

اورلیان شورش جدیدی را که در پالمیرا آغاز شده بود، سرکوب کرد و پادشاه جدید آنجا را معزول، و این شهر را به صورت ویلای اختصاصی درآورد.

گل ۲۷۴

پس از تسلیم شدن نیروهای تتریکوس (Tetricus)، وی در سال ۲۷۰ خود را امپراتور سرزمین گل نامید. اورلیان هم به امپراتوری گل ها خاتمه داد و آن سرزمین را ضمیمه امپراتوری روم کرد.

روم ۲۷۴

ملکه زنوبیا که قبلاً با یکی از سناتورها ازدواج کرده بود، در گمنامی در روم جان سپرد. اخیراً در اثر پیروزی ها و مساعی اورلیان زنوبیا از فعالیت باز داشته شده بود.

گل ۲۷۵

این سرزمین به وسیله فرانک ها و آلامانی ها به تاراج رفت.

آسیای صغیر۲۷۵

در هنگامی که اورلیان قصد رویارویی با ایران را داشت در نزدیک بیزانتین بر اثر دسیسه سپاهیان خود به قتل رسید.

آسیای صغیر ۲۷۶

تاسیتوس (Tacitus) که در جنگ علیه گوتها پیروزیهایی به دست آورده بود و سال پیش به عنوان امپراتور روم و جانشین اورلیان به وسیله سنا انتخاب شده بود، توسط اطرافیان خود کشته شد.

ایران ۲۶ فوریه ۲۷۷

مانی (Mani) بنیانگذار مکتب مانی (Manichaeism)، به وسیله پادشاه ساسانی به قتل رسید.

گل ۲۷۷

مارکوس اورلیوس پروبوس (Marcus Aurelius Probus) در سال ۲۷۶ از رقیب خود فلوریان (Florian) پیشی گرفت و به تنهایی امپراتور روم گشت، وی سرزمین گل را از قید فرانک ها و آلامانی ها رهایی بخشید.

بالکان ۲۷۹

پروبوس قبایل بورگاندی (Burgundians) و واندالها (Vandals) که جنوب اروپا را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند از رایسیا (Rhaetia) بیرون راند.

گرچه اشرافیت ارثی نبود، لیکن عضویت سنا و ثروت امپراتوری در بین یکصد فامیل تقسیم می شد و تمام شغل های دولتی و نان و آب دار برای همین فامیل ها و فرزندان آن ها ذخیره می شد و دیگر شهروندان را در این کارها دخالت نمی دادند، به عبارت دیگر، ثروت ومقام و قدرت، انحصاری بود. پسران این قوم کاملاً جا پای پدران خود می گذاشتند. لباس آن ها (لاتوس کلاووس Latus Clavus) ردای بلند با کمربندی به رنگ ارغوانی و سنا جایگاه و محل دید و بازدید (پاتوق) آن ها بود.

نرون و کلودیوس همان طور که ذکر شد، تمام مناصب و مشاغل را بین چهار صد نفر (دومین کانون قدرت پس از امپراتور) تقسیم می کردند و هیچ جایی نبود که امپراتور و اعوان و انصار وی در آن نفوذ نداشته باشند و حتی بردگان آزاد شده ی ایالات، بایستی تحت کنترل آن ها باشند. تمام مقام ها بایستی مردم را از قدرت امپراتور آگاه کنند و وفاداری و صداقت در راه پیشبرد منویات وی را نصب العین قرار دهند و سناتور ها هم به هر صورت ممکن لیاقت و شایستگی خود را به ثبوت برسانند. فرمانداران و حاکمان ایالات وابسته باید مردم را برای رای دادن به سناتورهای پیشنهاد شده، آماده کنند. به هر حال، سناتورها هم موظفند که لوایح و قوانین را بر حسب میل نرون ارائه و از تصویب بگذرانند.

نرون به ترمیم خرابی های ناشی از آتش سوزی روم می پردازد. (روم ۶۴-۶۸):

آتش سوزی که در روم رخ داد و در آن بخش بزرگی از شهر سوخت، فرصتی برای نرون پیش آورد که طرح نوی برای دوباره سازی شهر و نیز ترمیم خرابی ها بپردازد و قصری را که در خواب برای خود دیده بود؛ بسازد. گرچه نرون مسیحیان را مقصر قلمداد کرد، لیکن همه می دانند مجرم اصلی خود او بوده است. این آتش سوزی در شب ۱۸ ژوئیه ۶۴ میلادی و در میدان بزرگ شهر، در حالی که ماه تمام رخ نموده بود (بدر) روی داد و در این شب مهتابی، وزش باد هم به گسترش آن کمک کرد.

شعله های آتش به سرعت شهر را فرا گرفت و مغازه های زیادی در نواحی ده تا ۱۴ آگوستان (Augustan) تخریب شد. در روز ششم که می رفت آتش در تپه ی اسکی لین (Esquiline) فرو نشیند و به نظر می رسید جریان پایان یافته، حریق جدیدی در فضای باز شعله ور شد و معابد و تیمچه ها و بازار شهر را در بر گرفت.

هنگامی که آتش دوباره زبانه کشید، نرون خود به جنگ آن شتافت و برای مردم آواره و بی خانمان پناهگاه ساخت و به پخش غذا و ذرت با بهای ارزان به آن ها پرداخت، لیکن در این هنگام به یاد افسانه ها و حوادث خرابی های شهر تروآ (ترویا)(Troy) افتاد و به بالای برج مسیناس (Maecenas) رفت و در ضمن نظاره به آتش، به خواندن سرود پرداخت. مردم با مشاهده ی نرون در حال سرودن شعر، به شدت عصبانی شدند، لیکن نرون برای فرو نشاندن خشم و غضب مردم، دست به کشتار مسیحیان زد و با انواع شکنجه ها آن ها را از دم تیغ گذرانید چون از مشاهده ی عذاب و رنج آن ها لذت می برد.

با فروکش کردن آتش، نرون دست به تجدید ساختمان و گسترش شهر روم زد و نقشه ی شهر را با خیابان های عمود بر هم و چهار راه ها و ساختمان هائی بلندتر و رفیع تر از قبل آغاز کرد. هم چنین در ناحیه ی بین اسکی لین و تپه های کائلیان (Caelian)، قصر بسیار باشکوه و مجللی، آن طور که آرزو داشت، بنا کرد که آن را دوموس اورئوس (Domus Aureus) نامیدند.

معماری این کاخ وضع عجیب و غیر منتظره یی داشت، در قسمت شرق بال بنا، سالنی بسیار بزرگ به شکل هشت گوشه با سقف قله یی بلند و در اطراف آن هم اتاقی هایی که بعضی حالت قله و برخی دیگر نیمه قله یی داشت، ساخته شد، به طوری که از بالا منظره ی قلل کوه را نشان می داد و تاق های آن ها ضربی بود. داخل بنا هم با دکوراسیون های گوناگون و مناظر مختلف به نحو هنرمندانه یی تزئین شده بود، در خارج ساختمان کاخ هم، میدانی وسیع برای تأسیسات و ساختمان های آتی در نظر گرفته شده بود که در وسط پارک، تندیس نرون به ارتفاع ۴۰ متر ساخته شد.

دین بودا (Buddha) به سراسر کشور چین رسوخ می کند. (چین، ۶۵):

بیش از یکصد سال است که نخستین بار مذهب بودا به چین راه یافته، اکنون صومعه های بودایی در سراسر چین تأسیس شده و پادشاه هم به آن مذهب گرویده است.

فلسطین ۲۷۹

یوحنان بارناپاخا (Juhanan bar Nappacha) دکتر یهودی و مخترع و نابغه یهود که اهل فلسطین یا اورشلیم بود و کتاب مقدس تلمود (Talmud) کلیمیان را تالیف کرده بود، درگذشت.

مصر ۲۸۰

پاپوس (Pappus) ریاضیدان مصری که مجموعه ریاضیات را تالیف کرده بود، خلاصه یی از علوم گوناگون و مطالب علمی زمان خود را هم در کتابی تدوین و جمع آوری کرد.

ایران ۲۸۰

بهرام دوم پادشاه ساسانی سفیری را با پیشنهاد صلح بین دو کشور، روانه دربار پروبوس امپراتور روم کرد.

مصر ۲۸۱

پروبوس جهت مقابله با مردم بلمیس (Blemmyes) که اخیراً در مصر چندین بار به فتوحاتی دست یافته بودند به مصر لشگر کشید و آنان را از آن سرزمین بیرون راند.

میان رودان اوت ۲۸۳

کاروس (Carus) فرمانده گارد جاوید امپراتور پروبوس که در سال گذشته خود را امپراتور اعلام کرده بود، کشته شد. وی در جریان جنگ موفقیت آمیزی که علیه ایران برپا شده بود، توانست به شهر تیسفون دست یابد، معهذا در بحبوحه نبرد به قتل رسید.

آسیای صغیر ۲۰ نوامبر ۲۸۴

با مرگ نومریان (Numerian) پسر کوچکتر و جانشین کاروس در نیکومدیا، دیوکلسین (Diocletian) فرمانده گارد محافظ امپراتور با کمک سربازانش خود را امپراتور اعلام کرد.

بالکان ۲۸۵

کارینوس (Carinus) برادر بزرگتر نومریان که پیش از مرگ پدر خود کاروس، به نام آگوستوس نامیده می شد، در جنگی که در ناحیه مارگوس (Margus) در سرزمین موئزیا رخ داد، به وسیله دیوکلسیان شکست خورد و کشته شد.

گل اول آوریل ۲۸۶

ماکزیمیان (Maximian) توسط دیوکلسین، امپراتور روم اعلام شد و بین آن دو مناسبات دوستانه یی برقرار شد. ماکزیمیان هم لقب اگوستوس را احراز کرد.

بریتانیا ۲۸۷

کاروسیوس (Carausius) دریا سالار کانال مانش، تمام سرزمین بریتانیا و نواحی شمال گل را تسخیر کرد.

آسیای صغیر اول مارس ۲۹۳

دیوکلسیان توانست ترتیبی اتخاذ کند که در عین حال دو قیصر در روم زمام امور را در دست داشته باشند. این دو گالریوس (Galerius) و کونستانتیوس کلوروس (Constantius Chlorus) هستند که هر دو نفر با هم باید در حکومت و مقررات کشوری تشریک مساعی کنند.

این مذهب که در آغاز، در واحه هایی در اطراف جاده ی ابریشم و در غرب چین منتشر شده بود، به امپراتوری کوشان ها (Kushan) در آسیای مرکزی نفوذ کرد و از آن جا به جنوب دریای چین و سرزمین برمه (Burma) و در نتیجه به سرزمین اصلی چین راه یافت، تعجب در این است که چطور مذهب بودا با این وسیله انتشار یافت، در واقع گسترش مذهب بودا به کمک بازرگانان خارجی که سراسر منطقه ی دریایی و زمینی را می پیمودند، به توسعه ی خود ادامه داد.

به زودی صومعه های بودایی بسیاری در سراسر چین تأسیس شد و مردم، دین بودا را بیشتر به حقیقت نزدیک یافتند و گروه های زیادی مذهب تائو (Tao) را رها کرده و به دین بودا گرویدند و در نتیجه بخش عظیمی از مردم این مرز بوم، پیرو دین بودا شدند.

نخستین پادشاهی که دین بودا را انتخاب کرد، مینگ دی (Mingdi) بود، او خود اعلام کرد که تغییر مذهب داده و خواب دیده که خدایی زرین، بر فراز قصر او در پرواز بوده است. برادر امپراتور که آدمی لاابالی و بی تعصب در دین، به نام لیوینیگ (Liu Ying) بود و شاهزاده نشین چو (Chu) در قلمروی او محسوب می شد، چون در پنج سال پیش نتوانسته بود به پادشاهی دست یابد، در همان موقع به دین بودا گرویده بود. مرتاضان و کاهنان بودایی در پنگ چنگ (Pengcheng)، پایتخت لیوینیگ و هم چنین در لویانگ (Loyang)، پایتخت امپراتور مینگ دی، صومعه هایی ویژه امپراطور و شاهزادگان تأسیس کردند. مذهب بودایی در چین مخصوص این سرزمین بود و ویژگی های خاص خود را داشت.

چینی ها اصطلاحات خاص تائویی (Taoist) را در دین بودا به کار می بردند و آن ها را ترجمه کرده و به عنوان دستورات مذهب بودا استعمال می کردند. (چون بودا هندی و به زبان ویژه ی هندیان آئین خود را عرضه کرده بود.)

دین بودا مردم را آزاده می انگاشت و از رنج و غصه ی دنیا رهایی می بخشید، در نتیجه میلیون ها نفر چینی بدان راغب شدند و پیشرفت این دین در جامعه ی چینی سرعت گرفت و آئین رسمی مردمان چین گردید.

آداب و رسوم رومی در عادات غذا خوردن آن ها تأثیر گزار است. (روم، ۶۸).

بر خلاف بغض و عدواتی که رومیان نسبت به نرون و خودکشی وی داشتند، او در مدت سلطنت خود تغییراتی در شئون اجتماعی آن ها پدید آورد و برخی از آداب و رسوم زاید رومیان را بر انداخت و اکنون هم مردم بیشتر از آن پیروی می کنند و آن را جدیدتر به حساب می آورند. در هیچ کجا مانند روم، این عادات غذایی به عیان تغییر نکرده است.

در زمان جمهوری، مردم در مصرف مواد غذایی صرفه جویی می کردند و غذا را در اتاقی که به اصطلاح آتریوم (atrium) گفته می شد و یا هر جای دیگر که امکان داشت، صرف می کردند. اولین غذای روزانه که اغلب هنگام کار خورده می شد، شامل مقداری نان با شراب و یا آب بود. غذای ظهر یا ناهار، اغلب شامل مقداری سبزیجات خام و یا نیم پز بود که با کمی اماج (آرد جو که با آب مخلوط می شد و آن را به صورت قطعاتی شبیه نان، البته نپخته، در می آوردند) و همراه کمی پنیر و میوه صرف می شد. شام هم شبیه ناهار و شاید کمی مفصل تر بود. گوشت بیشتر در میهمانی ها و جشن ها خورده می شد.

در سال های اخیر و در طبقات بالای اجتماع، شام بسیار مفصل و مواد غذایی فراوان است، گرچه اکثریت مردم و عامه همان روش صرفه جویی را مراعات می کنند. غذا را در اتاقی که نیمکت هایی در آن چیده شده و به آن تریک لینیوم (triclinium) گفته می شود و به شکل نعل اسبی ساخته شده و یا در اتاق ناهارخوری در اطراف میز ناهار صرف می کنند. میهمان را به سبب احترامی که برای او قائلند در وسط نیمکت و کنار میزبان می نشانند و پیش خدمت ها در پایین دست او برای اجرای اوامر آماده اند، هنگام ورود میهمان، پیش خدمت ها پاهای او را می شویند. ظروف غذاخوری مملو از بچه خوک سرخ کرده، زبان فلامینگو، شاه ماهی، جگر و سبزیجات پخته و تزئین شده، انواع شراب با طعم های گوناگون و انواع سس (Sauces) را که نوکران و پیش خدمت ها در روی میز چیده اند، به چشم می خورد که تشخیص آن ها برای شخص غیر ممکن است.

محافظه کاران این وضع را نمی پسندیدند و آن را اسراف و زیاده روی می دانستند و سعی می کردند در مصرف، تعادل را رعایت کنند. پترونیوس (Petronius) که یکی از چاپلوسان و ریاکاران دربار نرون و بسیار پرخور بود، حدی برای شکم پروری او وجود نداشت، او چنان در نرون نفوذ داشت که نرون او را به مقامات بالای کشور رسانید. پترونیوس، کارشناس مواد غذایی امپراتور بود و از سر میز نشستن و خوردن غذاهای گوناگون لذت می برد و بر خلاف نیاکان صرفه جویش بسیار آکل بود.

روم به طور کامل دوباره سازی می شود. (روم، ۷۰)

وسپاسین (Vespasian) که مردی دون صفت و در سخن درشت گفتار و خشن بود، به فرمانروایی امپراتوری روم منصوب شد. این قهرمان جنگ های یهودیه، در حالی که سر خود را با برگ های درخت اوکالیپتوس یا غار به نشانه ی تاج (در آن زمان برگ این درخت را به نشانه ی افتخار به شعرا و نویسندگان می دادند) آراسته بود، وارد روم شد، چون هم امپراتور و هم فاتح جنگ بود. وی قبلاً در فکر باز سازی و نوسازی خرابی های ناشی از حریق روم بود و حالیه این فرصت در اختیار او قرار گرفته بود. تعدادی از شهرهای بزرگ روم در این زمان دچار رنج و مشقت ناشی از آتش سوزی های نرون بودند، چون نرون با دیدن شعله های آتش به وجد می آمد.

وسپاسین از همه دعوت کرد که به مناطق خالی از سکنه کوچ کنند و آنجاها را برای بازسازی آماده کنند تا خرابی های گذشته ترمیم شده و ساکنان قبلی دوباره در محل خود سکونت گزینند و مناطق پیشین آباد گردد. او خود اول بار، یک گونی پر از قلوه سنگ و پاره آجرهای باقیمانده از خرابی کنگره را بر دوش حمل کرد و به نشانه ی نخستین عمل ساختمانی به خارج از محوطه بود.

هم چنین برای تأمین هزینه ی بازسازی به افزایش مالیات دست زد که از این راه بتواند هرچه سریعتر مناطق تخریب شده را آباد کند و مالیات را منبع درآمد ملی تلقی می کرد که به آسانی می توانست از مردم وصول کند. دیگر از اعمال وی به عنوان فرمانروای کل، پاکسازی سنای روم از دشمنان خود و معرفی ایالات غیر رومی و مردم ایتالیا به کنگره بود.

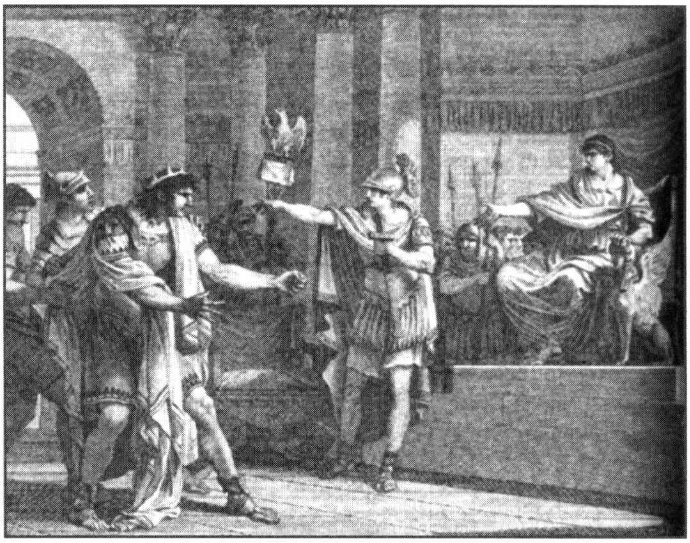
وسپاسین خود را آدمی بخشنده و با فرهنگ و در بیشتر کارها استاد می پنداشت، او همچنین خود را حامی و هواخواه انسانیت می دانست، لیکن هنگام جلوس و تحصیل قدرت



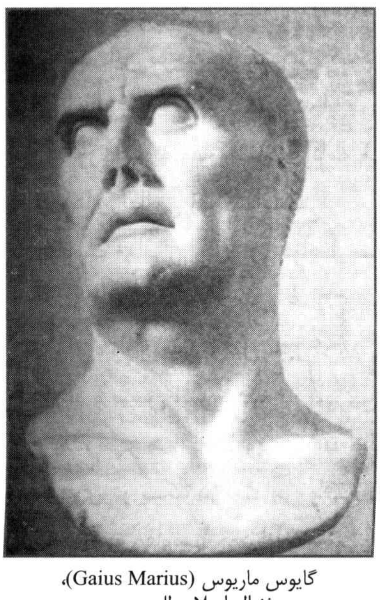
یک مبارز سلتی که به‌سوی یک رمی برای کشتن وی سلاح برگرفته. این آخرین تصویری است که خصومت اقوام گل را برعلیه رمی‌ها نشان می‌دهد.



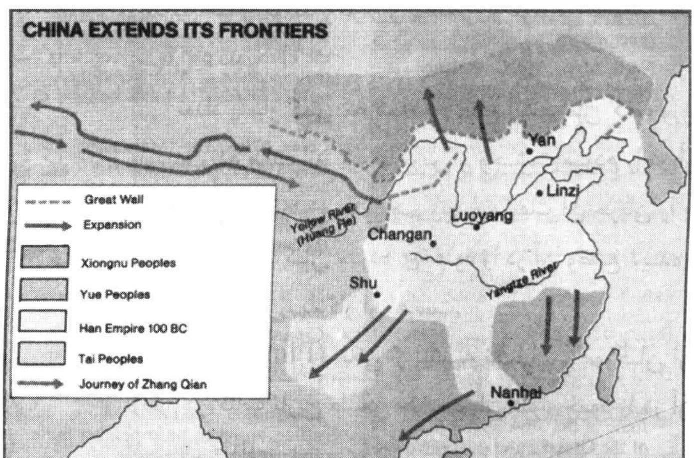
پلی‌بیوس (Polybius)، پیشینه‌نگار، سرباز و سیاست‌مدار در جشنی که برای بزرگداشت وی توسط یونانی‌ها و رمی‌ها برپا شده (این تصویر مربوط به سده‌ی هجدهم می‌باشد.)



در این تصویر که کار قرون معاصر می‌باشد، بوکوس (Bocchus)، پادشاه نومیدیا (Numidia) را نشان می‌دهد که پس از شکست از شورشیان رمی تصمیم به پناهندگی به ژوگورتا (Jugurta) گرفته است.



گایوس ماریوس (Gaius Marius)، ژنرال اصلاح‌طلب رمی.



نقشه‌ی گسترش مرزهای چین.

در ماه نوامبر امسال، بسیاری از شخصیت های برجسته و مقامات بلند پایه ی کشوری را به دیار عدم فرستاد.

شورش یهودیان با تخریب اورشلیم پایان پذیرفت. (اورشلیم (Jerusalem)، ۸ سپتامبر ۷۰):

پس از چهار سال جنگ خونین که یهودی ها بر علیه سلطه ی رومیان دست به شورش و طغیان زده بودند، شورش سرکوب و جنگ پایان یافت، اورشلیم مقدس ترین معبد یهودیان تخریب و ویران شد. یهودیه که یکی از ایالات روم محسوب می شد، همواره موجب دردسر و مشکل آفرین برای روم بود و امپراتورها سعی داشتند که به سلطه‌ی خود ادامه داده و روی آن سرزمین کنترل خاصی داشته باشند. اغتشاش و شورش جدید یهودیان در سال ۶۶ به پایان رسید، یهودیان از فرماندار رومی یهودیه خشمگین بودند، آن ها مدت ها رنج و تعب و گرسنگی را تحمل کردند و این جریان به علت این بود که ناسیونالیست های متعصب در موعظه های خویش مردم را به استقامت و پایداری در مقابل ظالمان تشویق می کردند. مرحله ی اول شورش یهودیان، در دو سال پیش با پیروزی نیروهای تحت فرماندهی وسپاسین و تیتوس (Titus) پایان یافت. یهودی ها در این مرحله، با تشکیل گروه های پارتیزانی، نیروهای نظامی روم را به دردسر دچار کردند. در این هنگام، تنها شهر اورشلیم به مقاومت خود ادامه می داد و در طی دو سال، نیروهای نظامی روم نتوانستند آن جا را تسخیر کنند. امروز مقاومت مدافعان و آزادی خواهان را در هم بشکنند. آن ها شهر را دستخوش نهب و غارت شدید و وحشتناک قرار دادند و هزاران نفر را قتل عام کردند، هم چنین معبد را غارت کرده و سپس آتش زدند، به طوری که معبد با خاک یکسان شد، شهر هم کاملاً ویران شد. تنها یک دسته ی هزار نفری در یک دژ نظامی واقع در جنوب ماسادا (Masada) به مقاومت خود ادامه می دهند. و پیشنهاد تسلیم شدن را نپذیرفتند.

پومپی (Pompeii) در زیر آتشفشانی کوه وزوو به شهری سوخته مبدل شد. (پمپی، ۲۴ اوت ۷۹)

مردم شهر به تندی دچار مرگ می شوند، این مرگ خیلی ارزان و کم بها در دسترس افراد قرار گرفت. هزاران نفر رومی در گرمای کشنده ی تابستان به این شهر هجوم آور شده بودند. شهر پومپی مأمن و پناهگاه برای تعطیلات تابستانی بود. پومپی در روی تپه با چشم انداز زیبایی از دریا ساخته شده بود. این شهر بسیار خنک و هوایی لطیف داشت و در خیابان های آن بازرگانان و صنعتگران به وفور در حال کار مشاهده می شدند. سفال های آن در تمام ایتالیا مشهور بود، خانه ها دارای راهرو سر پوشیده، باغ و دیوارهای نقاشی شده بود. تئاتر شهر در تمام فصول، مملو از جمعیت و به داشتن سنگ های قدیمی ساختمان خود می بالید و این تئاتر تا به امروز در دنیای رومی نظیر نداشت. دهانه ی آتشفشان کوه وزوو (Vesuvius) تا به حال خاموش، لیکن ناگهان با غرش شروع به پرتاب مواد مذاب کرد.

در هنگامی که ابر وسیعی از خاکستر جستن کرد. عده‌یی در خواب بودند، و همگان غوطه ور در آن شدند، عده یی در حال قمار کردن، عده یی از مردم در حال بیداری و گفت و گو با اطرافیان خود بودند و تا آخرین دم مرگ مقاومت کردند و ناگهان مردند. برخی از مردم در حال عشقبازی در رختخواب و بعضی ها در فاحشه خانه های شهر که تعداد آن هم زیاد بود، سرگرم هوسرانی، که آتش آن ها را همراه رنج و شکنجه به مرگ ابدی فرستاد. بازرگانان و فروشندگانی بودند که در حال چانه زدن بوده و اصرار و پافشاری بر نرخ کالای خود داشتند.

همه در پومپی به مرگ فجیع مردند و دولت و قوانین و مقررات روم را رها کردند. آن ها مرگ را همراه شکنجه و عذاب اختیار کردند و در زیر پوششی از مواد مذاب و خاکستر پنهان شدند.

تعداد بسیار کمی که شاهد وقوع آتشفشان کوه وزوو بودند، زنده مانده اند. آن ها ترس و وحشت مردم را در آن شب مشاهده کرده و هنوز هم رنج و مشقت آن جریان را به یاد دارند و نیاکان مرده ی خود را در آن وضع دیده و خاطره‌ی تلخ آن، یادگار آن هاست.

پلینی (Pliny)، یکی از پیشینه نگاران و مورخان آن زمان در کتاب تاریخ طبیعی خود جریان فرار خود را در آن شب شرح داده، چون وی در آن شب زنده ماند و پس از چند

ایران ۲۹۳

نرسی (Nerses) یا نرسه پادشاه ساسانی و پسر شاهپور که دوبار به میان رودان و سوریه حمله کرده بود از آن منطقه بازگشت، او سیاستی ضد رومی اتخاذ کرده بود.

آمریکای مرکزی ۲۹۵

تمدن و فرهنگ مردم تئوتیهوآکان (Teotihuacan) و کوههای آلبان در مکزیک و آمریکای مرکزی به درجه والایی رسیده و از از نظر ثروت هم صاحب تمول هستند. در سرزمین ماهایا تعداد بیشماری شهر احداث شده و فرمانروایان محلی جهت پیشرفت سرزمین اجدادی خود با هم رقابت می کنند.

بریتانیا ۲۹۶

کونستانسیوس کلوروس (Constatius chlorus) قیصر روم غربی به کشف تازه یی رسید و آن اینکه بریتانیا بوسیله آلکتوس (Allectus) غصب شده، آلکتوس افسر ارتش کارسیوس (Carasius) بود که خود وی رهبری شورش بریتانیا را داشت و در جریان شورش از بین رفته بود.

مصر ۲۹۷

دومین شورش مصر که در پنج سال پیش آغاز شد، بوسیله دیوکلسین سرکوب شد.

روم ۳۱ مارس ۲۹۷

فرمانی دائر بر محکومیت مکتب مانه شیسم و مذهب وی و همچنین سیاست ضد رومی از سوی دولت ایران صادر شد.

ارمنستان ۲۹۷

برحسب دستور روم، تیرداد پادشاه ارمنستان که از سوی نرسی پادشاه ساسانی منسوب شده بود، از پایتخت اخراج شد. قیصر گالریوس به دیوکلسین ماموریت داد که لشگریان روم را برای مقابله با سپاهیان ایران نزدیک کاره (Carrhae) (حرا) اعزام کند.

ارمنستان ۲۹۸

گالریوس قشون روم را با تجهیزات کافی به مقابله با سپاهیان نرسی فرستاد. در این جنگ سپاهیان ایران شکست سختی خوردند و نرسه به اجبار به صلح تن دادف این پیمان صلح در نصیبین (Nisibis) به امضا رسید. در این پیمان قید شده بود که ایران، باید ارمنستان را به روم واگذارد و سپاهیان ایران به پشت رود دجله عقب نشینی کنند.

ارمنستان ۳۰۰

تیرداد پادشاه ارمنستان در تحت تاثیر گریگوری (Gregory) روشنفکر مسیحی، این مذهب را پذیرفت. این نخستین ایالت رومی بود که مسیحیت را به عنوان دین رسمی مورد قبول قرار داد.

روم ۲۰ نوامبر ۳۰۳

آگوستی (Augusti) و قیصر(Caesar) که هردو حکومت روم را دارند، برای نخستین بار تواماً در جشن بیستمین سال زمامداری و بزرگداشت دیوکلسین شرکت کردند.

روز در گذشت، بقیه ی وقایع را برادرزاده ی او به رشته ی تحریر در آورده است.

او می نویسد: عمویم در جریان آتشفشان در حالی که شب تاریک شهر نورافشان شده بود و از چندین جا آتش فوران می کرد، به جلو دوید و چون یک شکافی در زمین مشاهده کرد، در آن جست، یعنی در حقیقت در آن پرتاب شد. پلینی بزرگ در آن شکاف زمینی دچار حرکات نوسانی شد و زمین زیر پای او لرزان بود، وی به تلاطم افتاد و هم چون امواج دریا که غرق شده ی خود را بالا و پایین می برد، دچار عدم تعادل بود.

این مکان، بدون آن که خود پلینی آگاه باشد، نزدیک دریا بود و با ارتعاش ها و تکان های شدید زمین در اثر فشار آتشفشانی، پلینی به دریا افتاد و به طور غیر منتظره یی دریا راه فرار او را تسهیل کرد و از آتش جانکاه، ناگهانی نجات یافت. امواج دریا وحشی وخطرناک بود. آن شب از شب های دیگر تاریک تر می نمود و امواج سهمگین، جثه ی لاغر و نحیف پلینی را در کام خود داشت و با غرش و نعره های وحشت آور به پیش می رفت، در حالی که وی را در آغوش داشت، او را به ساحل پرتاب کرد و بدین ترتیب پلینی نجات یافت.

دانشمند یونانی از نیروی آب استفاده می کند. (اسکندریه، ۸۰):

هرو (Hero) یا هرون (Heron)، یکی از بزرگ ترین و شاخص ترین دانشمندان این دوره می باشد که مهم ترین اختراع او، استفاده از نیروی جریان آب یا هیدرولیک است، این اختراع وی نشانه ی آن است که می توان فشار بخار آب را با گذراندن از مجرای تنگ، زیادتر نمود. هرو که دارای هوش و استعداد طبیعی و ذاتی برای اختراع و ابداع بود، دستگاهی به نام ائولی پایل (Aeolipile) ساخت. این دستگاه که شکل کره یا گوی داشت، از منبعی آب را درون گوی به جریان می انداخت و از مجرای خروجی هم خارج می شد، بدین معنی که بخار آب در دیگی جوشان تولید شده ودر گوی جاری می شد و از منفذ خروجی با صدا و فشار زیاد، خارج و در نتیجه فشار داخل گوی بسیار بالا می رفت.

هرو در سایر رشته های علمی هم به پیشرفت هایی رسید. او توانست فرمول اندازه گیری سطح مثلث را بیابد،

همچنین اندازه ی تقریبی سطح مربع را پیدا کرد و رساله یی در این باب نوشت، علاوه بر آن ها، اندازه ی سطح هندسی هم چون مخروط، هرم، استوانه، کره، منشور را تعیین کرد و با فرمول های ساده ی آن ها را بیان کرد.

هرو در علم نجوم هم دست داشت، او فاصله ی بین بندر اسکندریه و روم را به کمک خسوف محاسبه نمود، همین طور سهم قابل توجهی در علم نقشه کشی و نقشه برداری و مساحی دارد و جهت شکست نور و زاویه ی شکست آن را در دید، محاسبه کرد.

به هر حال، شاید مهم ترین و قابل توجه ترین اختراع او، دستگاه تعیین فشار بخار آب، و استفاده از نیروی ایجاد شده ی بخار باشد، دستگاهی که بشر را از خیلی معضلات و گرفتاری های آن می رهاند.

پس از آگریکولا (Agricola)، رومیان با لغو رونوشت پیمان نامه، بر اسکاتلند فشار را تشدید کرده و با تهدید آن ها نبرد را در کوهستان آغاز می نمایند. (کالدونی (Caledonia)، ۸۴)

در پی پیروزی های آگریکولا که توانست نیروی نظامی روم را تحت فرماندهی پیکت ها (Picts) در یک دژ کوچک به نام کلایدفورت (Clyde-fort) توقیف کند، رومیان توانستند در دورترین نقاط بریتانیا به پیشرفت هائی دست یابند.

یورش رومیان در سال ۴۳ با ۵۰ هزار نفر سرباز تحت فرماندهی اولوس پلوتیوس (Aulus Plautius) به امر امپراتور کلودیوس، برای امنیت منطقه گل انجام شد و بازرگانان رومی در پی کشف معادن و استخراج آن برای روم شادی و لذت آفریدند، چون حمل این محموله ها منبع ثروت برای امپراتوری بود. این جریان جای پایی در بریتانیا باقی گذاشت و رومیان در نواحی جنوب شرقی و غرب بریتانیا این جای پا را تحت فرماندهی و سپاسین مستحکم کردند.

در سال ۴۸، این نیروی نظامی مستقر در بریتانیا به فرماندهی اوستوریوس اسکاپولا (Ostorius Scapula) به ناحیه ی ویلز (Wales) حمله کردند و نیروهای ملکه آیسنی را در ناحیه انگلیای شرقی (East Anglia) خلع سلاح کردند.

شورش بودیکا (Boudicca) در سال ۶۱ آغاز شد، و نیروهای تحت فرماندهی سوئه تونیوس پائولینوس (Suetonius Paulinus) در نظر داشتند آن ها را در انگلسی (Anglesey) سرکوب کند، لیکن بودیکا توانست نیروهای روم را تار و مار کند و آن ها را پراکنده سازد.

معهذا پس از آن، رومیان با نیرویی در حدود ۷۰ هزار نفر سرباز، ناحیه ی لندن و اطراف آن را غارت کرده و در یک نبرد خونین شورش آن ها را سرکوب و شورشیان را متلاشی کردند.

در سال ۷۴ سریالیس (Cerialis) در ناحیه ی بریگانتس (Brigantes) واقع در شمال مغلوب و مقهور شد، و در سال ۷۷ سیلورس (Silures) در ناحیه ی ویلز در مقابل فرونتیوس (Frontius) تسلیم شد.

نبرد آگریکولا بر ضد پیکت ها به سبب پیروزی رومیان که اغلب مناطق بریتانیا را تحت تسلط داشتند، به کوهستان ها کشیده شد و مناطق کوهستانی گرامپین (Grampian) واقع در شمال جزیره ی بریتانیا را فرا گرفت.

مارتیال (Matrial) شاعر، به طنز جنبه ی هنری می دهد. (روم، ۸۵):

شاعر ۴۶ ساله ی اسپانیولی الاصل، اخیراً به جمع آوری اشعار طنز و هجویات پرداخته و آن را در کمیته ی ادبی روم ارائه کرد. مارکوس والریوس مارسیالیس (Marcus Valerius Martialis) یا مارتیال، مدت ۲۰ سال از عمر خود را در روم گذرانیده، با افتتاح تماشاخانه ی کولیزه (کلوزئوم (Colosseum) در شش سال پیش به وسیله ی تیتوس (Titus)، امپراتور روم، مارتیال این اشعار را به صورت چند کتاب به عنوان هدیه تقدیم تیتوس کرد.

نخستین جلد کتاب وی حاوی اشعار طنز آمیز، نمونه ی انتقاد ادبی وی را فراهم ساخت، او در این کتاب لبه ی تیز ایرادها را به نمایندگان سیاسی و مذهبی نشان می دهد، علاوه بر آن، تصویر برخی افراد را در حالات مختلف و زندگی هر یک را به صورت فکاهی در اشعار خود بیان می دارد، مارتیال با هوش و ذکاوت استعدادی خود، رخدادها را در قالب طنز، در کمال اختصار و ایجاز، شرح داده و از این راه به تنویر افکار عمومی کمکی شایسته کرده است.

آسیای صغیر ۳۰۴

برای محو آثار مسیحیت در دربار و ارتش روم دیوکالسیان (Diocletian) در سال ۳۰۲ اعلامیه یی در ۴ فصل انتشار داد، بدین شرح: اموال و اثاثیه کلیساها ضبط شود. روحانیون و کشیشان زندانی شوند. مسیحیان باید برای خدایان قربانی شوند و منکران و کفرگویان به قتل برسند.

روم اول مه ۳۰۵

دیوکلسین نخستین امپراتور است که از پست خود استعفا می دهد، وی ایام بازنشستگی خود را در کاخش واقع در دریای آدریاتیک می گذراند و استعفای او هم بر اثر فشار ماکسیمیان صورت گرفت. گالریوس و کنستانتیوس هر دو ملقب به آگوستوس شدند. قیصر جدید روم سوروس کاملاً ایتالیایی نژاد است. برادرزاده گالریوس به نام ماکسیمین دایا (Maximin Daia) کنترل کامل سوریه و مصر را به دست آورده است.

بریتانیا ۲۳ ژوئیه ۳۰۶

با مرگ آگوستوس کنستانتیوس کلوروس، کنستانتین پسر وی در منطقه یورک خود را امپر اتور غرب نامید. سوروس هم بوسیله گالریوس قیصر پیشین در غرب به عنوان آگوستوس معرفی شد.

روم ۲۸ اکتبر ۳۰۶

ماکزنتیوس (Maxentius) فرزند ماکسیمیان که توسط گارد محافظ و مردم روم تائید شده، دامنه سلطه خود را به ایتالیا، اسپانیا و آفریقا گسترش داد.

ایتالیا ۳۰۶

سوروس در ناحیه راونا Ravenna پس از کوشش های ناموفق بر اینکه به پایتخت دست یابد، در راونا تسلیم ماکزنتیوس شد و سپس به وسایلی به قتل رسید.

امپراتوری شرق ۳۰۷

گالریوس تحت فشار از حمله به ایتالیا دست برداشت، چون احساس می کرد خیانت هایی در ارتش وی در شرف وقوع است.

روم ۳۰۸

ماگزنتیوس ملقب به آگوستوس شد. ماکسیمیان پدر وی و امپراتور پیشین هنگامی که توسط پدرش معزول شد به کنستانتین پناهنده شد.

بالکان ۳۰۸

گالریوس منطقه کارنونتوم Carnuntum در ساحل رود دانوب را به دیوکلسیان و ماکسیمیان بخشید. ماکزنتیوس دشمن عمومی تلقی شد و لوسینوس Lucinius هم در حقیقت فاتح غرب شناخته شد.

ایران ۳۱۰

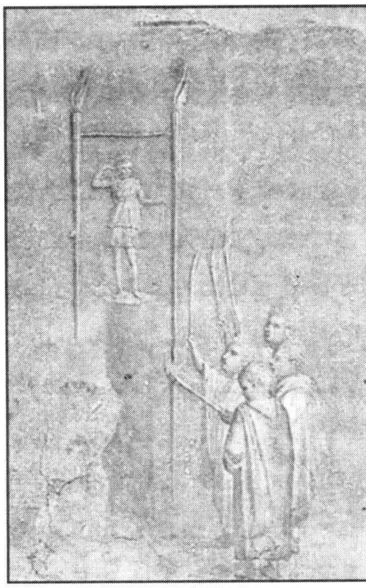
در پی اغتشاشاتی که درایران روی داد، شاهپور دوم ساسانی و نوه نرسی در سن ۱۷ سالگی به سلطنت رسید.

آمفی تئاتر (Amphitheatre) جدید با بازی های خونین گلادیاتوری (Gladiators)، جهت تفریح مردم روم. (روم، ۸۰)

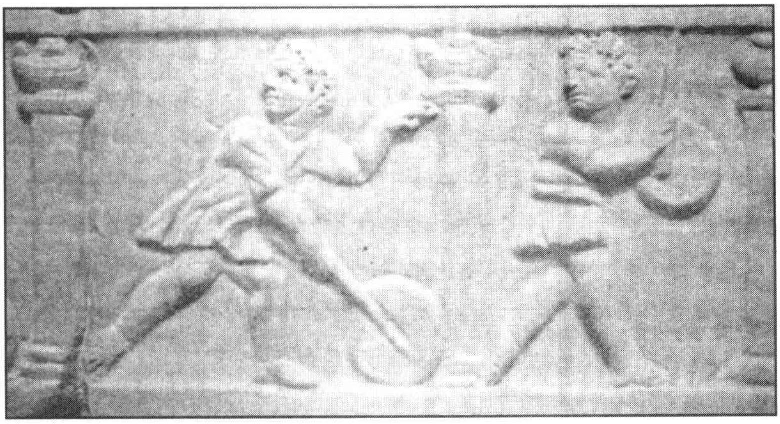
بزرگ ترین صحنه ی نمایشات و بازی های گلادیاتوری در جهان، امروز به دست امپراتور تیتوس افتتاح شد. این نمایشگاه در حقیقت گنجایش پنجاه هزار تماشاچی را دارد و هنگام گشایش آن، مردم با فریادهای شادی و هلهله، ابراز سرور و خوشحالی می کردند. در داخل این استادیوم عظیم که با رنگ های زنده تزئین شده بود، دسته های موزیک، رقاصان و سربازان گارد ویژه ی امپراتور، با نوای موسیقی، محیط بسیار تماشایی به وجود آورده بودند. به همراه آن ها، دسته هایی از فیل های افریقایی، شتران مصری و سوارانی از اسپانیا که قیصر از آن منطقه با خود آورده بود، جلوه یی بی نظیر داشت.

بزرگترین گروه در بین این اجتماع، گلادیاتورها بودند که با بلند کردن شمشیر و سپر و نیزه های سه شاخصه برای جنگیدن با یکدیگر در زیر تور صف بسته و با فریادهای رعد آسا به امپراتور و اعضای سنا و شورای شهر و سایر حاضران تعظیم می کردند. حتی هنگامی که نعره ی جمعیت خوابید، صدای غرش حیوانات داخل قفس ها که آن ها را گرسنه نگاهداشته بودند، آغاز شد.

در این صحنه ی پر هیجان و غوغا، گلادیاتورها ستاره ی صحنه بودند که برای نبرد آماده شدند، نبرد آن ها قاعده ی معینی نداشت، به استثنای برندگان مسابقات که، فرد برنده پس از شکست دادن حریف، در آنجا شتابان گام بر می داشت و خوشحال از این که زنده مانده است. در محل نمایشات تعداد زیادی سربازان خارج از خدمت و حرفه یی هم بودند که از نقاط مختلف ایتالیا به محل آمفی تئاتر آمده بودند تا مهارت و چابکی خود را در پیکارها به نمایش بگذارند. آنان همراه حریفان خود آمده بودند و هر کدام که در نبرد فاتح می شدند، به آزادی می رسیدند و می توانستند با دختر زیبایی که انتخاب می کنند، به سر برند، این دختران خود داوطلبانه برای درک لذت و شادی می آمدند. گروه های زیادی از بردگان هم در پیکارها شرکت می کردند و اگر شانس با آن ها یار بود و زنده می ماندند، آزادی خود را به دست می آوردند.



بچه‌ها هنگام اجرای مراسم مذهبی.



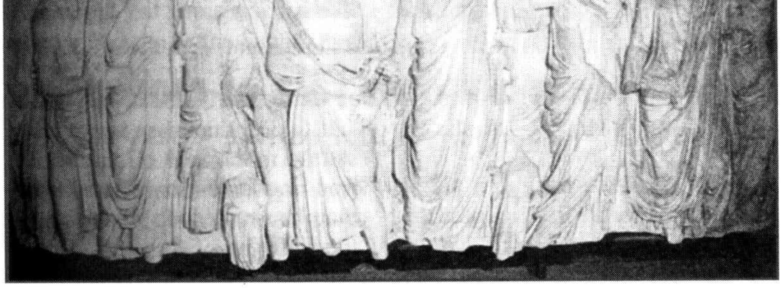
سنگ‌نگاره‌یی از بازی‌های تفریحی کودکان که بر روی تابوت نقش شده است.



نیروهای نظامی هوادار ماریوس پس از غلبه بر دشمنان در سیمبری (Cimbri)، مست از باده‌ی پیروزی، او را بر روی دست‌هاشان بلند کرده‌اند. (نقاشی از ساوریو آلتامورا (Saverio Altamura) (۱۸۲۶ـ۱۸۹۷)



پیکره‌ی آفرودیت موسوم به ونوس دومیلو (Venus de Milo) که توسط آلکساندروس (Alexandros) آنتیوخ (انطاکیه‌یی) از هنرمندان جزیره‌ی ملوس (Melos) از متصرفات یونان ساخته شده است.



عده‌یی از نمایندگان سنای رم که طرفدار آزادی بیان هستند.



سکه‌ی ضرب شده توسط سوکی (Socii).

افریقای شمالی ۳۱۱

کائه لیلیانوس CaeCilianus در مسابقه اسقفی کارتاژ رقیب خود دوناتوس Donatus را پشت سرگذاشت و به مقام اسقفی رسید. دوناتوس اسقف نومیدیا بود. این موضوع سبب شکاف در کلیساهای افریقایی شد که به جدایی دوناتیست Donatist معروف شد. (سن دوناتوس پایه گذار مکتب دوناتوس در مسیحیت است). این عدم توافق باعث شد که مسیحیان مورد اذیت و آزار قرار گیرند. افراطیون طرفداردوناتوس سبب شدند که مسیحیان را در راه خدایان قربانی کنند، بدین جهت آنها فراری و آواره شدند و برای ورود مجدد به کلیسا بایستی مجوز جدید کسب کنند.

بالکان آوریل ۳۱۱

گالریوس طی اعلامیه ساردیکا Sardica اظهار داشت: دولت روم مسیحیت را پذیرفته و آنرا تحمل می کند، وی پس از مدت کوتاهی در گذشت. ماکزیمین Maximin و لیسینیوس Licinius هم با شتاب امپراتوری شرقی را بین خود تقسیم کردند. ماکزیمین آزار و شکنجه مسیحیان را از سرگرفت.

ایتالیا ۲۸ اکتبر ۳۱۲

پس از یورش به ایتالیا، ماگزنتیوس Maxentius در نبرد پل میلویان Milvian از کنستانتین شکست خورد و کنستانتین فاتح تمام سرزمین های روم غربی گردید.

میلان فوریه ۳۱۳

لیسینیوس با کونستانتیا Constantia خواهر کنستانتین ازدواج کرد. این دو امپراتور طی اعلامیه میلان توافق خود را به این شرح اعلام کردند که : از نظر سیاست و مذهب از یک روش و سبک پیروی کنند و مسیحیان را هم در انجام تکالیف دینی آزاد گذاشته و آن ها را تحمل کنند.

آدریانوپول (Adrianople) ۳۰ آوریل ۳۱۳

لیسینیوس، قیصر ماگزیمین دایا را بر کنار و تمام امپراتوری روم شرقی را تحت اطاعت خود درآورد.

بالکان ۳۱۳

دیو کالسیان امپراتور اسبق در دالماسی (Dalmatia) بدرود حیات گفت.

روم ۳۱۵

تاق نصرتی به نام کونستانتین در نزدیک کلوزیوم (Colosseum) ساخته شد. کنستانتین همچنین ساختمان قصر سلطنتی را که به وسیله ماگزنتیوس شروع شده بود به سرانجام رسانید ودر مکانی از این قصر تندیس عظیمی از خود بر پا ساخت . این تندیس به یادبود فتح و پیروزی وی در سال ۳۱۲ بر پا شد.

چین ۳۱۶

باتسخیر ناحیه چانگان(Changan) توسط زیونگ نو (Xiongnu) امپراتوری ژین (Jin) غربی سقوط کرد.

گروه های زیادی از جمعیت را هم گلادیاتورهای سرزمین های تحت تابعیت امپراتوری روم تشکیل می دادند که یکی بر علیه دیگری پیکار می کرد و اغلب آن ها زخم های متعدد و خون فشانی بر پیکر داشتند و تا لحظه ی مرگ پایداری می کردند تا بالاخره یکی از آن ها زنده می ماند.

پیکارکنندگان ممکن بود برادر علیه برادر، پدر بر ضد پسر، مسابقه دهند و اغلب اتکای آن ها به جمعیت تماشاچی بود که آن ها را تشویق به بازی مرگ می کردند. در هر حال، مردانی که با شمشیر ویا دیگر آلات جنگی از پا در می آمدند، پرده یی روی جنازه ی آنان کشیده و از صحنه خارج می کردند. منظره ی غریب دیگر، پیکار بین افراد مسیحی با حیوانات وحشی بود که رومیان از دیدن آن مناظر سخت خوشحالی می کردند، به ویژه اگر حیوان وحشی آن مرد را می درید، به هر ترتیب، تمام این بازی های مرگ زا مورد توجه ی رومیان بود که به عنوان سرگرمی و تفریح به تماشا می آمدند. این بازی ها مخصوص روم بود. امپراتور در جایگاه زراندود و سناتورها و مقامات عالی رتبه هم در جایگاه ویژه بودند. هنگامی که رای امپراتور بر این قرار می گرفت که فردی زنده بماند و مورد بخشش قرار گیرد، آن فرد را از صحنه بیرون می بردند و زخم های او را مداوا می کردند و اگر بر عکس، فردی بر حسب اراده ی امپراتور می بایست کشته شود، به هر حال او زنده نمی ماند.

ورود به جایگاه تماشاچیان بلیط مخصوص داشت. زنان به استثنای راهبه های باکره (که مانند مردان شهروند رومی جایگاه رایگان داشتند) در ردیف پشت مردان قرار می گرفتند و همه ی مردان هم باید لباس توکا (Togas) (ردای بلند رومی) پوشیده باشند و این لباس رسمی واجباری بود. پیکر و جنازه ی مردگان را هم از در مخصوص به نام پورتالیبی تیناریا (Porta Libitinaria) به خارج حمل می کردند.

امپراتوری روم و چین به هم نزدیک می شوند. (آسیای مرکزی، ۹۴):

ژنرال چینی، بان چائو (Ban Chao)، به منظور بسط قدرت چین، نفوذ امپراتوری هان (Han) را به جاده ی ابریشم و سراسر ترکستان تا سواحل شمالی دریای خزر، گسترش می دهد، لیکن تا کوههای ارمنستان پیش رفته و برای جدا شدن از حوزه ی نفوذ دولت روم، متوقف می شود.

بان چائو که بخش اعظم بیست سال گذشته را در نبرد با قبایل چادر نشین شمالی گذرانده، در مرز دو کشور، نماینده یی از سوی امپراتوری هان به روم فرستاده تا برای تعیین دقیق مرزها و اتحاد با روم قراردادی منعقد کند. وی مردی سخت کوش و سخت گیر، با قدرت فوق العاده است و توانست در نبرد با قبایل چادرنشین غرب چین، پیروزی به دست آورده و تا کاشغر (Kashgar) را به زیر سلطه ی حکومت چین، درآورد. موفقیت های بان چائو دشمنی ایالات غربی را برانگیخت، در حالی که پیش از آن هم، او در مقابل دشمنان به سختی مقاومت کرده بود و به توسعه ی کشور کمک کرده بود.

با روی کار آمدن و احراز قدرت سلسله ی هان و به ویژه امپراتوری هان زانگدی (Han Zhangdi)، بان چائو به اوج قدرت رسید. او توانست تمام قبایل وشاهان محلی را تحت انقیاد در آورد و اکنون با هفتاد هزار مرد جنگی در ساحل دریای خزر منتظر فرستاده ی سیاسی چین و اخباری است که این سفیر در تماس با دولت روم با خود بیاورد و اتحاد سیاسی چین و روم را فراهم سازد.

امپراتور بی رحم و شقی، کاخ جدیدی بنا می کند. (روم، ۸۵):

امپراتور دومی تیان (Domitian) دستور داد کاخی عظیم و پرشکوه در پالاتین (Palatine) برای او بسازند، علت این امر شاید فقر شدیدی بوده که امپراتور در جوانی دچار آن بوده که الان این قدر حریص به نظر می رسد، گفته می شود خانواده ی دومی تیان آن قدر بضاعت مالی نداشتند که او را به مدرسه بفرستند. این قیصر مستبد، فکر می کند تمام سرزمین روم ملک طلق او می باشد، در صورتی که او و جانشینانش باید بدانند که این کشور خانه ی مسکونی آنان نیست و تنها برای مدتی جهت اداره کردن آن را در اختیار دارند، و قوانین برای اجرا آن ها را مختار کرده است. تپه های پالاتین روم، یک جایگاه منتخب قدیمی است. این هفت تپه که بلندترین نقطه ی شهر است، مانندأشخاصی هم چون سیسرو (Cicero)، کراسوس (Crassus)، سولا (Sula) و مارک آنتونی (Marcus Antonius) مشهور هستند و قرن هاست که برای رومیان خاطره انگیز بوده و جنبه ی ملی دارد و مظهر شهر روم است. علاوه بر آن، قصر در این محل باشکوه بنا خواهد شد و امپراتور دستور داده که هر چه زودتر آن را به پایان ببرند، مصالح این بنا به تمامی از بهترین مواد اولیه است و وی قصد دارد صدای موزیک نوازندگان همواره در آنجا در ترنم باشد.

بازدید کنندگانی که به حضور امپراتور بار می یابند، باید از سرسرایی به درازای ۴۰ متر که تماماً از مرمر پوشیده شده بگذرند تا به حضور امپراتور برسند، همه ی حاضران هنگامی که امپراتور جلوس دارد، باید در برابر او خم شوند و در مواقع غیر رسمی می توانند در صحن باغ واستخری که با فواره هایی مزین است، جهت گفتگوهای خصوصی بروند. ایوان کاخ با ستون هایی از سنگ های سفید شبیه ماه و به مانند آینه، آراسته شده که عکس بیننده در آن هویدا است و امپراتور در هنگام عبور از آنجا می خواهد عقب سر خود را ببیند که نکند قاتلی او را تعقیب کرده باشد. بر حسب اراده‌ی او، هیچ موجودی نباید پشت سر او دیده شود.

دومی تیان در بنای این قصر قواعد جدیدی را رعایت کرده، کاخ وی دارای یک سالن عظیم برای جشن ها و میهمانی ها، باغ بزرگ شبیه استادیوم، میدان ها و حمام های چندی است. دومی تیان تمام مساعی خود را در راه لذت و شادی و تفریح خود به کار می برد، در حالی که به بی رحمی و شقاوت مشهور است و در راه هوس های خود حاضر است حتی یک نسل از مردم را قربانی شهوات و خودخواهی های خود کند.

راهبه ی تارک دنیای بی عفت، زنده به گور می شود. (روم، ۹۰):

بر حسب دستور دومی تیان، امپراتور روم، رئیس راهبه های (وستال ویرجین Vestal Virgin) یا مقدسان تارکان دنیا، که گفته می شد از جاده ی عفاف خارج شده و هرزگی وی در تمام شهر منتشر شده بودف زنده به گور می شود.

به طور کلی، وستال ویرجین ها (تارکان دنیا) یا باکره های مقدس را امپراتور از بین بهترین راهبه ها انتخاب می کند که قابلیت کاهن شدن را داشته باشند. این تارکان دنیا در خدمت الهه ی اجاق یا رب النوع روشنایی و حافظ آتشدان بودند. آنان بایستی مدت ۳۰ سال از عمر خود را باکره بمانند و این درد را تا هنگام مرگ تحمل کنند، بدین

معنی که در واقع خود زنده به گور می شدند و مجبور بودند درد تنهایی را به اجبار متحمل شوند. رئیس این راهبه های پیشین که کورنلیا (Cornelia) نام داشت، چون به اوامر دومی تیان امپراتور، وقعی ننهاده بود و او را به سالاری قبول نداشت، در عین بی گناهی، به فرمان وی گرفتار سخط او شد و در راه آرمان خود به دستور امپراتور کشته شد.

نویسنده ی مسیحی سرنوشت رم را پیشگویی می کند(جزیره ی پاتموس (Patmos)، دریای اژه، ۹۷):

یک نفر پیشگوی ساکن جزیره پاتموس در دریای اژه، اظهار می دارد که رم در خطر حمله ی وسیعی قرار می گیرد و دنیای مسیحیت دچار آشوب و غوغا می شود. ژان، یکی از حواریون عیسی که مولف و نویسنده ی محبوب یکی از چهار انجیل عیسوی است، داستان زندگی و سرنوشت عیسویان را بر طبق گفته های عیسی مسیح به نگارش درآورده است.

ژان (John)، که بر حسب دستور دومی تیان امپراتور، از جزیره پاتموس تبعید شده، در بخشی از نوشته های خود به نام مکاشفه ی یوحنا (Apocalypse) در کتاب انبیا، پیشگویی کرده که زجر و آزار مسیحیان توسط دولت رم پی آمد بسیار زیان آوری دارد که با تجدید و تعالی روحیه ی مسیحیان، آنان به رم حمله رو شده و این حمله به تخریب همه جانبه ی امپراتوری می انجامد و بدین وسیله ی به رم اعلام خطر کرده و از پیش آمدهای آتی بر حذر داشته است؛ وی هم چنین با این نوشته، مسیحیان را نسبت به آینده، امیدوار ساخته و باعث تقویت روحیه ی آن ها شده است که درد و رنج پیروان مسیح به زودی پایان خواهد یافت و باز می گوید: این شکنجه و آزار در نهایت سبب سقوط امپراتور خواهد شد.

بر طبق این مکاشفه و در واقع عریان کردن حقایق که در انجیل کبیر آمده، لیکن آشکارا و مستقیم فردی را شاخص نکرده، بلکه در لفافه و به صورت رمز بیان شده که ارباب اربابان و شاه شاهان که منظور عیسی مسیح است، زنی را که حیوانی چهارپا و به رنگ ارغوانی همراه اوست، از کوهستان مامور می کند که به زمین هبوط کند و او تمام

چین ۳۱۷
بازماندگان جنگهای ژین (Jin) غربی دوباره به تجدید سازمان پرداختند و دامنه نفوذ خود را گسترش داده وتا جنوب رود یانگ زی (Yangzi) پیشروی کردند . نخست وزیر پیشین به نام سیما روئی(Sima Rui) در ناحیه شرق جیان کانگ (Jiankang) (نان جینگ–Nanjing) به سلطنت رسید.

مصر ۳۱۸
اریوس(Arius) کاهن اسکندریه باورهای جدیدی ارائه کرد و این عقاید در مسیحیان رسوخ کرده و پیشرفت کرد. وی اعتقاد به پسر وپدر را که پایه دین است رد کرده ودین مسیح را ازاین افکار مبرا تلقی کرد.

هند ۳۲۰
چاندرا گوپتا (Chandragupta) پادشاه ماگادا (Magadha)، سلسله پادشاهی گوپتا (Gupta) را پایه گذاری کرد.

روم سوم ژوئیه ۳۲۱
روز یکشنبه در سراسر امپراتوری روز تعطیل و استراحت اعلام شد.

مصر ۳۲۳
پاکومیوس (Pachomius) در منطقه صحرایی تابنزی (Tabennesi) تعدادی صومعه بنا کرد.

اسیای صغیر ۳۲۴
پس از شکست های چندی که کنستانتین در دریا وزمین برشریک امپراتوری لیسینیوس(Licinius) وارد آورد، او را از بین برد. کنستانتین با پاک سازی و ایجاد امنیت در شرق، اکنون به تنهایی فرمانروای تمام سرزمین روم می باشد.

آسیای کوچک مه ۳۲۵
کنستانتین تمام رؤسای کلیسا ها و اسقف های سراسر گیتی را برای شرکت در اجلاسیه مسیحیان در نیکائه(Nicaea) فرا خواند و دین مسیحیت را پذیرفته و به جهان مسیحیت اعلام کرد.

فلسطین ۳۲۵
اوزبیوس (Eusebius) (اوزب– Euseb) اسقف قیصریه و حامی آریوس (Arius)، کتابی به نام روز شمار (Chronicle) منتشر کرد.

روم ۲۵ژوئیه ۳۲۶
کنستانتین جشنهای مفصلی به مناسبت بیستمین سال سلطنت خود و پیروزی هایش بر دولتهای بربر و همچنین بر لیسینیوس بر پا کرد، لیکن از قربانی کردن در معبد ژوپیتر و انجام مراسم سنتی خدایان رومی استنکاف ورزیده وآن راشرک تلقی کرد.

اورشلیم ۳۲۶
هلنا (Helena) مادر کنستانتین، محل به صلیب کشیده شدن عیسی در اورشلیم را کشف کرد که مدفن مسیح است به نام سپولکر مقدس (Holy Sepulchre) نامیده شد.

زنان، حتی زنان فاحشه را هدایت می کند، بدین معنی که مسیحیت تمام افراد را، اگر هم گناهکار و شقی باشند، در پناه خود قرار می دهد تا آنان اعمال بد خود را کنار نهاده و به افعال نیک گرایش پیدا کنند و جامعه در پرتو نیکان به فلاح و رستگاری رهنمون شود. با نگاه عمیق تر، باز هم به امتثال، چهار سوار ظاهر می شوند و مردم را از روز رستاخیز آگاهی می دهند و همراه این سواران دو راس حیوان عظیم الجثه هست (منظور امپراتوران رم می باشد)، این چهار سوار در جنگ پایانی بر علیه شیطان پیروز می شوند. در تمام کتاب ژان که حاوی مکاشفات یوحنا می باشد، این ها سمبل و نمادی هستند از آنچه واقع خواهد شد و تمام آن ها درس هایی است برای فهم و ادراک مسیحیت و واقعیات این آئین و چگونگی تعبیر و تفسیر این کتاب مقدس.

تراژان (Trajan)، سرباز رومی، به امپراتوری می رسد. (امپراتوری روم، ۲۸ ژانویه ۹۸):

پس از مرگ نروا (Nerva) امپراتور روم، برای پرهیز و جلوگیری از فروپاشی قدرت امپراتوری، در یک سال پیش توافق شد که تراژان یکی از ژنرال های ایالات تحت تابعیت، به مقام امپراتوری، برسد. در حال حاضر، تراژان ۴۳ ساله و سناتور اسبق، که مادرش اسپانیولی و پدر وی رومی بوده، در این مقام ابقا شده. تراژان هم اکنون در ناحیه ی دوری از رم و در منطقه راین، مرز آلمان، و در دژ نظامی به سر می برد، وی به سنا گفته است تا پایان کار آلمان و یک سره کردن آن به رم باز نمی گردد. تراژان زندگی در چادر و کنار سربازان را بر اقامت در شهر ترجیح می دهد. او با پومپیا پلوتینا (Pompeia Plotina) ازدواج کرده و تاکنون فرزند ندارد، آن چنان که مشهور است. قیصر جدید رم شیفته ی شراب و پسران کم سن و سال است.

بر اثر افراط در شراب خواری، دومی تیان سقوط کرد. (روم، ۹۲):

با سقوط دومی تیان بر اثر شراب خوارگی، شکاف عمیقی در امپراتوری رم پدید آمد. در سال گذشته به علت کاشتن بیش ار حد درخت مو و تولید شراب قوی، تعداد زیادی از شهروندان رومی مسموم شدند و در ضمن محصول ذرت در رم و ایالات تابعه، رو به نقصان گذاشت. امسال مقرر شد که بایستی محصول مو و در نتیجه شراب به نصف کاهش یابد. به هر حال، مردم رم به کنایه و اشاره، دومی تیان امپراتور سابق رم را، بز شراب خوار نامیدند، چون وی بر اثر افراط در شراب خواری درگذشت.

پس از فروکش کردن آشوب، اهالی مرزی آلمان در آرامش به نقاط جدیدی نقل مکان می کنند. (روم، ۹۰):

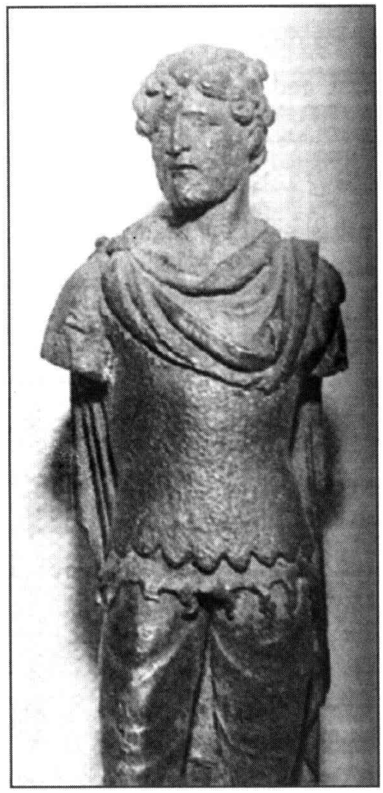
در تعقیب پیروزی های ارتش رم بر علیه قبایل آلمانی، دومی تیان امپراتور رم، اولین سفیر را جهت مذاکره به آن ناحیه اعزام می دارد. بخش اعظم ساکنان شمالی این ناحیه را بربرها تشکیل می دهند. این سرزمین که به شکل مثلث می باشد، محصور از جنگل های تاریک است که بین رود راین و دانوب (Danube) قرار گرفته و رم با فتح این ناحیه، منطقه ی امنی را برای قسمت آلپ ایتالیا به وجود آورده و این سرزمین هم اکنون در آرامش و سکون است.

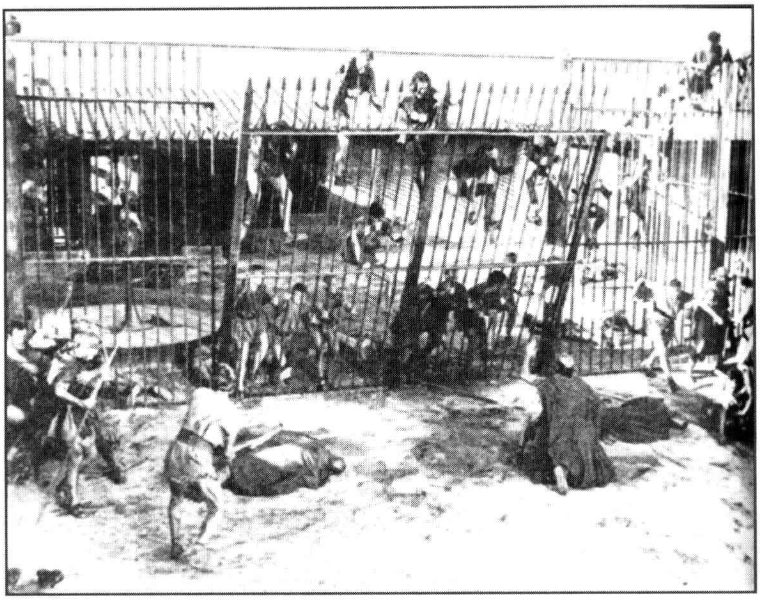
در ضمن، در مدت ۱۶ سالی که از تصرف این سرزمین می گذرد، دولت رم اقداماتی را برای رفاه ساکنان منطقه انجام داده که شامل احداث راهها، ساختن استحکامات دفاعی و سکونت دادن اهالی در نقاط امن، ایجاد زمین زراعی و انجام کارهای رفاهی و زمینه ی برداشت محصول از این زمین ها و پرداخت یک دهم محصول به دولت روم، بوده است. در هر حال، برای این پیروزی ها، دولت رم نیاز به ۹ لشگر داشت و این ۹ لشگر در این مدت همواره در ناحیه مستقر بودند، البته چهار لشگر از این ارتش جهت جلوگیری از شورش بریتانیا در نظر گرفته شده بود.

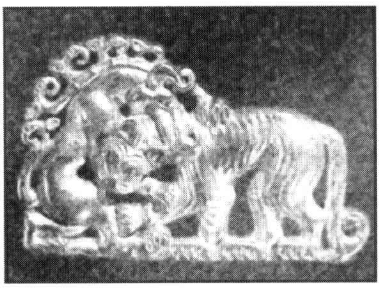
یکی از خواجه سرایان امپراتوری هان، چگونگی ساختن کاغذ را شرح می دهد. (چین، ۱۰۵):

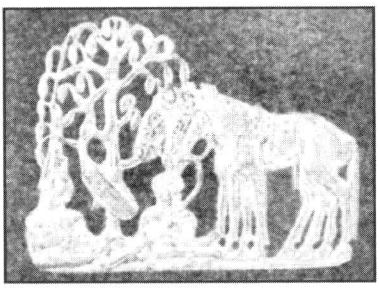
کای لون (Cai Lun)، یکی از خواجه سرایان، که در قصر امپراتوری مشغول خدمت بود، با خیساندن برگ و پوست درختچه های شاهدانه و کنف، و گذاشتن آن در زیر تورهای کهنه ی ماهی گیری و با کوبیدن و تحت فشار قرار دادن این جسم خیسانده، به اختراع و تولید چیه (Chih) (کاغذ) مبادرت ورزیده است.

این اختراع سبب تغییراتی در هنر و نقاشی و نویسندگی شده و کارها را آسان تر کرده، پیش از این برای این کار به


یکی از اسرای گل (Galic) (حدود سال ۵۰ پ.

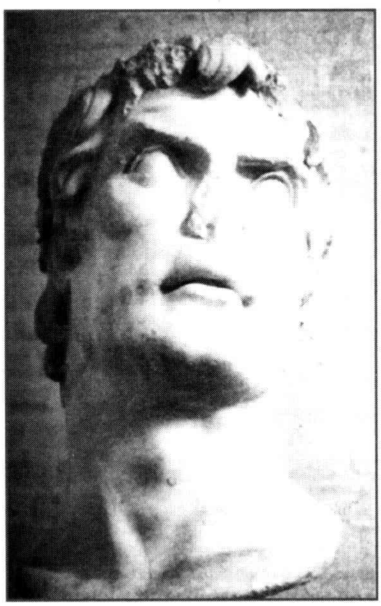

شورش بردگان و حمله‌ی آن‌ها به سربازان رمی در فیلم اسپارتاکوس (Spartacus).

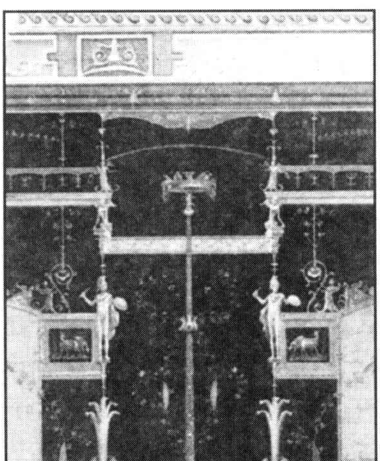

پلاک ساخت اقوام اسکیت
(۱۰۰ پ. م. ـ ۱۰۰ میلادی)


سنجاق سینه طلا با قلاب کمر زرین
مربوط به سال‌های ۱۰۰ پ. م.



پومپی (Pompey) جوان‌ترین فردی‌که به مقام
کنسولی رم رسید، از دید یکی از هنرمندان قرون اخیر.


تندیس سر سولا (Sulla)، دیکتاتور رمی که
مایه‌ی ترس و وحشت همه‌ی رومیان بود.


نقاشی دیواری و رنگارنگ منزل پومپی که
نشانه‌ی ثروت سرشار وی می‌باشد.

اجبار از ورقه های درخت بامبو (Bambo) و یا از پارچه های ابریشمی استفاده می کردند ک بسیار گران بود وبامبو هم بسیار سنگین بود. اکنون قطعه های کاغذ، خیلی سبک و بسیار ارزان است و حمل آن هم مشکلی ندارد و ماده ی اولیه این کاغذ هم، فراوان و در دسترس است. هم چنین نوشتن و نقاشی بر روی این نوع کاغذ بسیار آسان و نیاز به تخصص و مهارت ویژه ندارد و با قلم و مرکب می توان بر روی آن خواسته ها را بیان کرد و از این کار لذت برد. امپراتور هم این اختراع و تولید کاغذ را به مردم نمایاند و در ضمن از کای لون تمجید و ستایش کرد. وی قبلاً هم هوش و استعداد خود را با کارهای مهمی که در قصر امپراتور شانگ فانگ سی (Shang Fang Si) انجام داده بود، از قبیل ساخت سلاح و لوازم زندگی و غیره، به شهرت رسیده بود. او اکنون مشغول تصفیه و پالایش رنگ ها و کاربرد آن بر روی پارچه و سایر بافته ها و همچنین تکمیل اختراع اصلی خود، یعنی کاغذ است و لقب مارکیز (Marquis Cai) هم دریافت کرده است.

پادشاه داسی (Dacian) رومانی، با فرار خود زندگیش را نجات می دهد. روم، ۱۰۶:

دسه بالوس (Decebalus)، پادشاه کشور کوچک داسی ها، واقع در شمال رودخانه ی دانوب، در جنگ با تراژان، امپراتور رم، دچار شکست می شود و از منطقه می گریزد، به همین مناسبت، تراژان در کوهپایه های ژمونی (Gemonia Steps)، جشنی برپا ساخت.

با این شکست، دسه بالوس به کوه های ترانسیلوانی (Trasylvania) فرار می کند و از شر لشگریان رومی به فرماندهی تراژان، که هم چون سیخی در گلوی او بود، نجات می یابد، رومیان هم کاخ او را متصرف شده و ان را غارت می کنند، در ضمن نیروهای او را هم خلع سلاح می کنند.

زمینه ی فتح و پیروزی تراژان از ماهها پیش آماده شده بود، زمانی که دسه بالوس سرگرم ساختن پل سنگی عظیمی بر روی رود ایستر (Ister) بود. تراژان به او اجازه داد که کار این پل را تمام کند و در این مدت متارکه ی جنگ اعلام شده بود و به همین منظور، پیمان متارکه یی در سال ۱۰۲ با دسه بالوس، امضاء کرده بود.

تراژان قوانینی در جهت حمایت از مردم وضع می‌کند. (روم، ۱۰۱):

از سه سال پیش که تراژان به امپراتوری رسیده، تا به حال، کارهای سودمند و مفیدی در جهت رفاه طبقه ی فقیر و ضعیف جامعه انجام داده، و در همین زمان با افزایش مالیات هم موافقت نکرده است. وی هم چنین اصلاحات بنیانی و نوسازی در شهرها انجام داده که به پیشرفت هایی در تمام امور منجر شده است.

امپراتور در جهت تشویق مردم به کشت و زرع، میزان محصول ذرت را به رقم قابل قبولی رسانده و نیز تمهیداتی برای بهبود وضعیت کودکان به کار برده است. مالکان زمین های بزرگ را هم وادار کرده که بهره ی وام ها را کاهش دهند، تراژان دستور داده که پنج درصد مالیات ها برای رفاه کودکان مصرف شود. برخی از مردم سوال می کنند که چرا مالیات های پرداختی آن ها به تمامی، صرف مردم فقیر می شود، در حالی که آنان خود برای بهبود وضعیت خود کاری انجام نمی دهند. در حقیقت غرض از کمک به بچه های فقیر و مستمند، آن بود که آن ها را آماده برای ورود به خدمت نظامی کنند و تراژان قصد داشت با به کارگیری آنان، هر چه بیش تر به تقویت نیروهای مسلح رم بپردازند. پلینی، یکی از مفسران جوان تاریخ رم می گوید:

با انجام این طرح، نزدیک به پنج هزار شهروند آزاد متولد شده که تنها در استان محل زندگی وی به خدمت نیروی نظامی در زمان جنگ در می آیند و هنگام صلح هم این نیرو نگهبان و حافظ کشور و امپراتوری خواهند بود. آن ها در زمان صلح، به کارهای عمومی و عام المنفعه از قبیل ساختن راهها و بندرها و حمام های عمومی و نیز ایجاد میادین و خیابان ها در شهرها مشغول خواهند بود.

تراژان هم چنین موفق شد جنگ داسی را به انجام برساند و ارمنستان و بخشی از میان رودان را متصرف شود و مرز امپراتوری رم را فراتر از پیشینیان خود برساند.

مذاهب بودا و یونانی ترکیب جدیدی در هندوستان به وجود می آورند. (هندوستان، ۱۰۰):

یک مدرسه ی هنری تازه، مرکب از عقاید بودایی و یونانی، در استان قندهار در شمال غربی هند، تاسیس

قسطنطنیه یا کنستانتینوپول (Constantinople) ۱۱ مه ۳۳۰

کنستانتین شهر قسطنطنیه در سرزمین بیزانتین در جنوب کرانه دریای بوسفور را به عنوان پایتخت جدید خود برگزید. این شهر پس از کنستانتین هم به نام کنستانتینوپول یا قسطنطنیه نامیده می شود.

کنستانتینوپول ۳۳۱

سوپاتروس(Sopatrus) فیلسوف و شاگرد پروفیری(Porphyry) که متهم به انجام اعمال شیطانی بود را کشته و سر اورا بریدند وکتابهای مکتب نو افلاتونی(Neo-Platonist) اوراهم سوزاندند.

کنستانتینوپول ۳۳۱

در مبارزه علیه شرک وبت پرستی، کنستانتین دستور داد که تمام اموال و دارائیهای معابد مشرکان در سراسر روم توقیف ومصادره شود، وی در عقاید خود نسبت به مسیحیت پابرجا ومقاوم بود.

اتیوپی ۳۳۳

ازانا(Ezana) پادشاه اکسوم که در سال ۳۲۰ به سلطنت رسیده بود، دین خود را با القائات وتوصیه های میسیون مذهبی کوپتیک (Coptic) به سرپرستی فرومنتیوس به مسیحیت تغییر داد، فرمنتیوس(Frumentius) سپس آتانازیوس (Athanasius) اسقف اسکندریه را به مقام اسقف اتیوپی تعیین کرد.

اورشلیم ۳۳۵

کلیسای مقدس سپولکر جزو کلیساهای مخصوص به حساب آمد.

هندوستان ۳۳۵

چاندراگوپتا پادشاه ماگادا (Magadha) که سلسله سلطنتی گوپتا (Gupta) در هند را در سال۳۲۰ تأسیس کرده، در گذشت.جانشین وی سامودراگوپتا (Samudragupta) نیز پایه گذار امپراتوری در دره گنگ (Ganges) شد.

قسطنطنیه۳۳۶

آتانازیوس(Athanasius) سرپرست روحانیون اسکندریه که تا سال ۳۲۸ در این مقام باقی بود، از کنستانتین در خواست کرد که اجلاسی در شهر تیره (Tyre) برای قطعی شدن محکومیت آریان (Arians) وملیتان (Melitans) تشکیل شود. لیکن بر حسب امر امپراتور، اسقف اوزبیوس تحت پیگرد قرار گرفته و تبعید شد ونیز آتانازیوس به شهر تریه(Trier) در گل تبعید گردید.

قسطنطنیه۳۳۶

با وجود مرگ آریوس (Arius) اسقف اسکندریه، اسقف آریان بدعت گزار مسیحیت به زندگی خویش ادامه می دهد.

آسیای صغیر ۲۲ مه ۳۳۷

پس از بیماری شدید کنستانتین وی در بستر مرگ افتاد ودر ویلای خویش در نزدیکی آنکیرا (Ancyra) در نیکومدیا (Nicomedia) در گذشت. وی را در کلیسای حورای مقدس در استانبول (قسطنطنیه) دفن کردند.

می شود. تا همین اواخر، هنرمندان تنها از شیوه و سبک مورد نظر خود در ترسیم اشکال اولیا و بزرگان مذهبی بودایی استفاده می کردند و تندیس بودا به همان مدل پیشین ساخته می شد، لیکن اکنون در ترسیم تصاویر از شیوه های اروپائی و باستانی یونان تقلید و پیروی می شود. این حالات بودایی یونانی که در ساخت تندیس ها و تصاویر بودا و سایر مقدسات دین آنان رعایت می شود، در قندهار و به خصوص ناحیه ی تاکسیلا (Taxila) در زمان سلسله پادشاهی تاختی باهی (Takhti-Bahi) به کار گرفته شده است.

ژوونال (Juvenal)، طنز نویس رومی، سبک خود را گسترش می دهد. (روم، ۱۱۰)

کتاب جدیدی با عنوان طنز، با حمله ی گسترده به اخلاق و معنویات مورد قبول جامعه، در دست تهیه می باشد که جلد نخست آن منتشر شده است. این کتاب به وسیله ی ژوونال که در زمان سلطنت نرون و در شهر آکی نوم (Aquinum) در کامپانیا (Campania) متولد شده، تالیف گردیده است.

او در مقام آموزگار فن بیان معرفی شده، وی در کمال روشنی، ویژگی های طبقه ی پایین اجتماع از قبیل حرص و آز و شرارت و تبهکاری را به رشته ی تحریر در آورده. او در لباس شوخی و مسخرگی، دورویی و ریای مکتب رواقیون (Stoics) را مورد انتقاد قرار داده و آنان را افراد سفسطه جو و لوطی معرفی می کند و آنان را از این نظر که در پوشش اخلاق، مرتکب اعمال زشت می شوند، مورد استهزا قرار می دهد.

ژوونال، اعضای کابینه ی دومی تیان، امپراتور رم را، افرادی چاپلوس و مداهنه گر می داند که برای سرگرمی خود مشغول پختن یک سپرماهی غول پیکر هستند. تلخ ترین بخش طنز آمیز نوشته های او، درباره ی شهری است که مردم امین و صالح قادر به زندگی در آن نیستند و افراد فقیر و ناتوان را موجوداتی پست می شمارند، آنان در مقام اشخاص ثروتمند اجتماع، به خدمتگزاران گستاخ خود می خندند که به اشخاص فقیر ارزان ترین و پست ترین غذاها را تقدیم می کنند.

دریانوردان، راه های دریایی اقیانوس هند را کشف می کنند. (اریتره (Eritrea)، ۱۰۶):

یک نفر فرمانده کشتی که در دریای احمر سفر می کرد، توانست راه های دریایی این دریا و اقیانوس هند را بیابد و ناوگان ها را هدایت و راهنمایی کند، او این منطقه را دریای ارتیره نامید.

این راهنما، اطلاعاتی راجع به بندر ارتیره و شهر آدولیس (Adulis)، پایتخت اتیوپی و هم چنین بندر آکسوم (Axum) در سومالی (Somalia) که مردمانی سخت متمرد و یاغی دارد، می دهد. می گوید مردم این ناحیه فرق بسیاری با دیگر شهرهای معتبر سومالی دارند، وی درباره ی جزایر زنگبار (Zanzibar) (که مهم ترین بازار قاره ی افریقاست) و نیز یمن (Yemenite) و بندر موکا (Mocha) که همواره در ازدحام صاحبان کشتی ها و دریانوردان است و جنوب عربستان و سواحل هندوستان، گزارشاتی دارد.

حاکم نشین پترا (Petra) به امپراتوری می پیوندد. (پترا، ۱۰۶):

پس از مرگ رابل (Rabbel) دوم، پترا، پایتخت حاکم نشین نبطیه (Nabataea) که مدت های مدیدی تابع حکومت رم و تحت الحمایه ی آن دولت بود، در زمان تراژان به یکی از ایالات رم تبدیل می شود. پترا یکی از مراکز بازرگانی اعراب بدوی و راه عبور کاروان های کالاست و به داشتن کاروان سرائی با سقف های گنبدی مشهور است، در صخره ها و کوه های پترا، تندیس هایی از یونان باستان و افتخارات دیگر ناحیه، کنده شده که زینت شهر محسوب می شود.

افتخارات رم در میدان بزرگ شهر منعکس است. (روم، ۱۱۸):

روم، شهری با بیش از یک میلیون جمعیت، بزرگ ترین شهر جهان و وارث امپراتور آگوستوس، به شهرت و آوازه ی خود ادامه می دهد و اکنون با ساختمان های مرمرین که در تمام شهر برپا شده، زیبائی خاصی دارد. این شهر با آفرینش شاهکارهای معماری در میدان و بازار بزرگ آن که بسیار پیچیده و رویایی است، در زمان تراژان امپراتور، با ستون های عظیمی به ارتفاع ۴۳ متر و تندیس بزرگ تراژان، هم چون مبارزی است که زره بر تن دارد.

در قسمت ورودی این مجموعه ی ساختمانی، تاق نصرت بزرگی به نشانه ی پیروزی امپراتور به چشم می خورد، پس از آن تعدادی قصر که هر کدام آن ها دارای پنج حیاط و صحن است و مزین به انواع تزئینات، بنا گردیده. این قصرها متعلق به امپراتور می باشد. در این مکان، دو کتابخانه، به زبان یونانی و یکی به زبان لاتین وجود دارد، فوروم (Forum) یا میدان بزرگ شهر، دارای صدها خانه ی مسکونی است و در این بخش از شهر روم، هزاران تن خاکبرداری شده، بازار بزرگ شهر هم که به صورت نیم دایره ساخته شده، زخمی بر تپه ی بزرگ بر جای گذاشته است. همچنین در این ناحیه ی شهر، ساختمان های بزرگی که قصر مانند است و متعلق به تئاتر و معابر عمومی که با بخش های دیگر تفاوت دارد، در پرمیوم (Premium) ساخته شده و آپارتمان هایی مخصوص طبقات نادار و فقیر بنا شده است.

در این قسمت شهر، ازدحام و غوغا کر کننده است و تفاوت فاحشی بین محله های اعیانی و فقیر به چشم می خورد. در بخش ثروتمند، ساختمان های بزرگ تری که زمین زیادی را اشغال کرده، مختص یک خانواده ی کوچک است. در حالی که در این جا، در یک آپارتمان تعدادی خانوار زندگی می کنند و در قید و بند هستند و بایستی یکدیگر را تحمل کنند.

آن ها در جاهای تیره و تاریک بیغوله مانند، ساکنند و روشنایی محل سکونت خود را با شمع یا چراغ های دودزا تامین می کنند و وسیله ی پخت وپز آن ها، اجاق هایی سر باز است که اغلب خطر حریق به همراه دارد. اگرچه تعداد هشت لوله، روزانه ۹۰۰ میلیون لیتر آب را به شهر می رساند، لیکن مردم فقیر به اجبار آب مصرفی خود را با سطل یا دلو از قنات های خیابانی به خانه می برند. آن ها هم همچنین فاضلاب و گنداب ها را در سطل جمع کرده و در خیابان رها می کنند.

خیابان های شهر روم، بسیار باریک و شلوغ و سر زنده است و انبوه جمعیت کارگران، فروشندگان، صنعتگران، مارگیران، شیادان، بندبازان و سایر مشاغل مشروع و غیر مشروع در حرکت و فعالیت هستند. سلمانی ها در کنار خیابان ها منتظر مشتری هستند و تعدادی هم خرچنگ های صید شده را در روغن و یا سرکه گذارده و به انتظار خریدار جهت خوراک خود می نشینند.

قسطنطنیه (استانبول) ۹ سپتامبر ۳۳۷

کنستانتین سه پسر از خود باقی گذاشت، یکی بـه لقـب آگوسـتوس، دیگری کنستانتین دوم وسومی کنستانس (Constans) که هرسه با هم در امپراتوری غـرب شـرکت داشـتند. کنـستانتین دوم کنتـرل شرق را نیز در دست داشت.

ایتالیا مارس ۳۴۰

پـس از شکـست و کـشته شـدن کنـستانتین دوم در آکـی لیـا (Aquileia) واقع در شمال ایتالیا، کنستانس تمـام امپراتـوری روم شرقی را متحد ساخته و تحت فرمانروایی خود درآورد.

روم شرق ۳۴۰

پاپ ژولیوس (Julius) شورای کلیساها را بـا شـرکت آتانـازیوس و سـایر اسـقف هـای تبعیـدی زمـان کنـستانتین تـشکیل داد. او در نامه یی خطاب به کلیساهای شرقی از موقعیت و دیدگاه خویش بـه عنوان رهبر جامعه مسیحیت دفاع کرد.

میان رودان ۳۴۱

هـزاران نفـر از مـسیحیان بـر اثـر شـکنجه و آزار در سـلوکیه (Seleucia) محکوم به مرگ شدند.

بالکان ۳۴۳

امپراتوران مسیحی برای بهبود و رفع شکاف بین کلیساهای شـرق و غرب به تشکیل اجلاس مشترکی از تمام کلیساهای جامعه مسیحی در شهر سارد(Sardis) واقـع در شـهر تـراس (Thrace) مبـادرت کردند، لیکن با کوشش های پی گیر، تنها نتیجه آن وقفه در حملات کلیساها نسبت به یکدیگر بود.

مصر ۲۱ اکتبر ۳۴۶

در زیر فشار دستگاه سلطنت بر کلیساهای شرق و غرب، آنها به یک مصالحه عصبی و تحریکی تن دردادند. آتانازیوس هم بر دیدگاه خود پافشاری می کرد.

میان رودان ۳۴۸

در نبرد خونین سینگارا (Singara) که بین شـاپور دوم ساسـانی و کنستانس رخ داد، به بی تصمیمی ها پایان داده شد.

کوش ۳۵۰

مروئه (Meroe) پایتخت کوش(Kush) (در سودان) بر اثر یـورش ازانا(Ezana) پادشاه اتیوپی و با سـپاهیان اتیوپیـایی بـه فرمانـدهی پادشاه ویران گردید. در این اواخر اکسوم پیمانی با دولـت روم علیـه مروئه منعقد کـرد، در حالیکـه مروئـه ر مقابـل زورگـوئی هـای روم ایستادگی می کند.

چین ۳۵۰

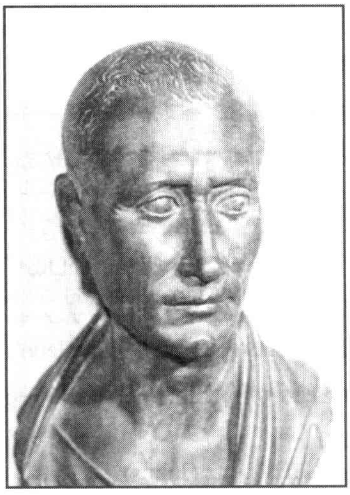
ویی فورن (Wei Furen) مادر خوشنویـسی در چیـن در گذشـت. وی درباره هنر خوشنویسی سعی بلیغی داشت و در کتابی تعداد یـک صد حرف از الفبای چینی را هنرمندانه نگاشت و باعث شـد کـه روح تازه یی در کالبد خط چینی دمیده شود، او به عنـوان رهبـر تجربـی خط معرفی شد.

هادریـــان (Hadrian)، وارث وســیع تـــرین امپراتوری که رم تا کنون بـه خـود دیـده اسـت. (آسیای صغیر، ۸ اوت ۱۱۷):

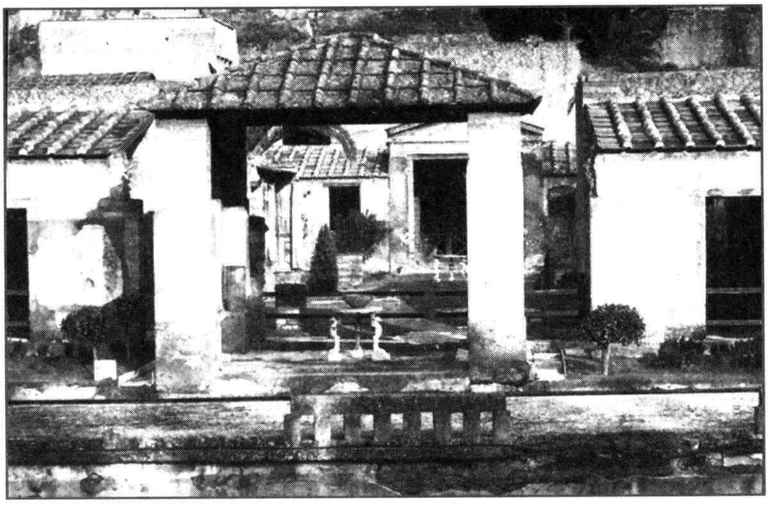
تراژان، امپراتور رم، پس از مراجعت از جنگ با اشـکانیان در سلینوس (Selinus)، واقع در آسیای صـغیر در گذشـت. وی وصیت کرده بود که هادریان ۴۶ ساله که تراژان سال ها سرپرستی او را به عهـده داشـت و او را بـزرگ کـرده بـود و اکنون هم فرمانده ی سپاهیان رم در سوریه هست، جانشین وی شود. در عین حال، بیوه ی تراژان، پلوتینـا (Plotina)، به سنا گفته بود که تـراژان در بـستر مـرگ، هادریـان را بـه جانشینی تعیین کرده است.

اولین و مهم ترین موضوع در حـال حاضـر، پاسـداری از مرزهای کشور بود که هر زمان امکان بی ثباتی در آن وجود داشت. تراژان ارثیه یی مشتمل بر سرزمینی وسیع که تـا بـه حال رم به خود ندیده بود، برای وارث خود هادریان، گذاشته، اغلب سرحدات و مرزهای این سرزمین بزرگ را اقوام بربر و دور از تمدن تشکیل داده بودند که بسیار پراکنده بود و اینان در صدد بودند که هر زمان که دولت رم رو به ضـعف نهـاد، آنجا را تصرف کننـد. یکـی از مرزهـای کوتـاه رم را کـه در ناحیه‌ی خلیج قرار داشت، یکی از اقوام بربر نگهبانی می کرد واین جریان در یکصد سال اخیر، و از زمان آگوستوس تا بـه حال، ادامه داشته است. این جا که یکـی از سرچـشمه هـای قدرت رم می باشد، همواره تحت حمایـت بـوده و حکومـت هیچ گونه دغدغه یی از این بابت نداشته است.

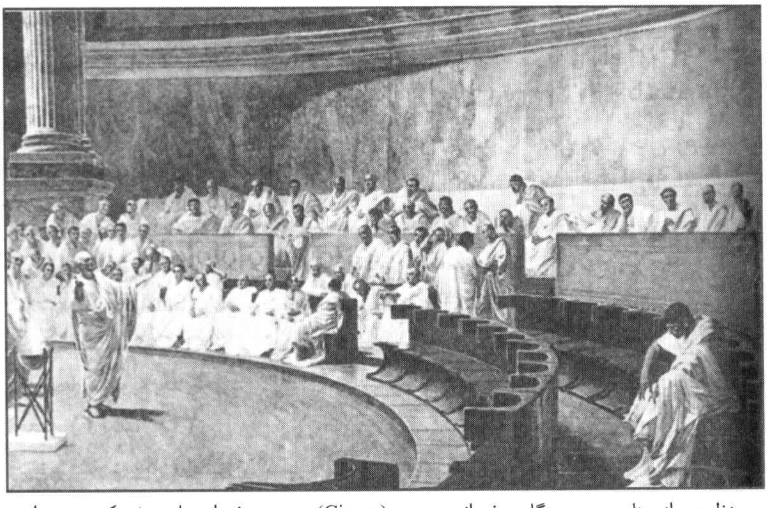
پادشـاهان اشـکانی همـواره در فرامـرز رود فـرات بـه متصرفات رم تجاوز می کردند و سـرزمین سـوریه اغلـب در تصرف این دولت بود، و در این اواخر هم مردم این سرزمین به شورش علیه رم دست زده بودنـد. یهودیـان در ناحیـه ی دیاســـپورا (Diaspora) واقـــع در میـــان رودان (MesoPotamia) همین طور در مصر و ناحیه ی سـیرن (Cyrene) در لیبی هم، انقلاب کردنـد و سـبب گرفتـاری های فراوان برای حکومت رم شـدند. اکنـون بـا بـه قـدرت رسیدن هادریان، مورد بخشش و عفو قرار گرفته و هادریـان موافقت کرد که با آن ها گفتگـو کنـد، مـشروط بـر آن کـه خواسته های بی منطق نداشته باشند و مزاحمت برای دولـت رم ایجاد نکنند.



تصویری از ژولیوس سزار(Julius Caesar) مشهورترین و قدرتمندترین کنسول رم.



یک خانه‌ی بسیار بزرگ ویلایی متعلق به اقوام اتروسک که اکنون به‌صورت زیبایی بازسازی شده و مورد استفاده واقع می‌شود. نظیر این‌گونه منازل در شهر هرکولانوم (Herculaneum) زیاد است.



منظره‌یی از سنای رم در هنگام سخنرانی سیسرو (Cicero)، همین سخنرانی باعث شد که عده‌یی از نمایندگان به رهبری کاتیلین (Catiline) در توطئه‌یی علیه سیسرو شرکت کنند.
این تصویر کار سده‌ی اخیر می‌باشد.



تصویری از سیسرو، بزرگ‌ترین ناطق سنای رم که در حمایت از قوانین اجتماعی قیام کرد.



کلودیوس (Clodius) با لباس زنانه و بدون ماسک. این تصویر در سده‌ی ۱۸۰۰ تهیه شده است.

گل (فرانسه) ۳۵۰

کنستانس به وسیله مگ ننتیوس (Magnentius) فرمانده ارتش خود طی کودتا کشته،وجسداو در حالت سر بریده پیدا شد. مگ ننتیوس با کشتن حریف، امپراتوری غرب را غصب کرد.

گل(فرانسه) اوت ۳۵۳

کنستانسیوس (Contantius) دوم در تعقیب غاصب سلطنت مگ نتیوس در نبردی در ناحیه مورسا(Mursa) در سرزمین گل در سال ۳۵۱ بر وی غلبه یافت، این دومین شکست مگ نتیوس بود، او در پی این شکست دست به خودکشی زد و کنستانسیوس دوم بلا رقیب به امپراتوری رسید.

گل (فرانسه) ۳۵۵

قبیله بربر ژرمنی، آلمانی از رود راین عبور کرده و به تلافی، بخش شرقی را مورد چپاول وتاراج قرار دادند.

قسطنطنیه۱۹ فوریه ۳۵۶

کنستانسیوس دوم در دستورالعملی فرمان داد که تمام معابد مشرکان در سراسر امپراتوری روم بسته شود.

مصر ۳۵۶

آتانازیوس پدر روحانی بندر اسکندریه بنا به دستور کنستانسیوس دوم و تأیید نظر آریان برای بار دوم به منطقه صحرای مصر علیا (بالایی) تبعید شد.

روم ۲۸ آوریل ۳۵۷

کنستانسیوس دوم امپراتور جهت آشنایی با مردم روم و بازدید و شناخت سنا، برای نخستین بار به روم آمد. وی در این هنگام جشنهایی هم به مناسبت پیروزی برمگ ننتیوس ترتیب داد.

گل ۲۵ اوت ۳۵۷

ژولیان عموی کنستانسیوس دوم که در ۶ نوامبر سال ۳۵۵ به قیصری رسیده بود، قبیله آلامانی را در منطقه استراسبورگ (Strasbourg) شکست داد و به سوی قسمت عقب رود راین پیشروی کرد.

سوریه ۳۵۹

شاپور دوم ساسانی،شاهنشاه ایران در حمله به سوریه، شهر آمیدا (Amida) را پس از تلاش زیاد تصرف کرد.

ایتالیا- میان رودان ۳۵۹

دو اجلاس جداگانه کلیساهای شرق و غرب در شهرهای ریمینی (Rimini) و سلوکیه تشکیل شد. در این جلسات بیشتر بحث بر سر پیگیری عقاید بر له مشاوره آریان جهت اعلامیه صادره از سوی امپراتور کنستانسیوس دوم بود و قرار شد که شرکت کنندگان نظر خود را در این باره به امپراتور گزارش دهند.

قسطنطنیه ۳۶۰

در جلسه مشورتی شهر نیسن(Nicene) موافقت شد که تغییراتی در عقاید طرفداران آریان صورت گیرد.

از سویی گفته می شود، هادریان طی برنامه یی قرار است از بریتانیا و منطقه ی بین سولوی فیرت (Solway Firth) و تاین (Tyne) که دیواری طولانی برای جلوگیری از هجوم اقوام پیکت (Picts) در ناحیه ی تپه‌های کالدونی (Caledonian) کشیده شده، بازدید به عمل آورد. سربازانی که جهت تسخیر این منطقه از بریتانی در این مکان اقامت دارند، اغلب مدت های مدیدی است که در آنجا سکونت گزیده و جزو افراد بومی محسوب می شوند، آنان اغلب با زنان بومی ازدواج کرده و پسران حاصل از این زناشویی ها به مرحله ی سربازی رسیده و وارد قشون رم شده اند.

از آنجایی که تراژان در خانواده یی نظامی متولد شده و سپس در سلک سیاستمداران درآمده بود، هادریان که اکنون مرد سیاست است، حس می کند همراه با سیاست، بایستی از فنون سپاهیگری هم آگاهی داشته باشد. وی به طور یقین، روشنفکرتر از سلف خویش است و از هنرمندان و دانشمندان حمایت می کند.

ایالتی از رم که در آن بی نظمی و هرج و مرج حکمفرماست. (روم، ۱۱۰)

تراژان، امپراتور روم، پلینی کوچک را به عنوان سفیر به ایالت آشوب زده ی بی تی نیه (Bithynia) اعزام می دارد. پلینی بیش از آن هم در این ایالت به سبب برقراری یک حاکمیت خشونت بار و غاصب شهرتی کسب کرده بود.

وی هم چنین تعداد ۹ کتاب ادبی، شامل نامه های ادبی، در سال گذشته تالیف و منتشر کرد و یک نویسنده ی فعال و پربار می باشد. او در سال ۶۱ میلادی در شهر کومو (Como) متولد شده، سپس به رم آمده و شروع به تحصیل شغل وکالت، تحت نظر کین تیلیان (Quintilian) پرداخت.

وی در نامه های خود به شرح و تفسیر جزئیات رخدادهای سیاسی و اجتماعی رم پرداخته. بیش ترین بخش این مباحث، نشان دادن زندگی ثروتمندان و زنان آن ها در طبقه ی بالای اجتماع می باشد که از نظر ادبی جایگاه ویژه یی دارد. پلینی نقش سنا را در مقابل دومی تیان (Domitian) امپراتور رم و مخالفت با وی، قهرمانانه توصیف کرده و آن را می ستاید.

به هر حال، پلینی از رفتار و سلوک ثروتمندان در قبال بردگان انتقاد می کند و ان را میراث دوران بربریت و زمان شکار حیوانات به وسیله ی انسان قلمداد کرده است.

پیشینه نگار رومی، تاریخ امپراتوری را تکمیل می کند. (روم، ۱۱۵):

کورنلیوس تاسیتوس (Cornelius Tacitus) تاریخ نگار بلند پرواز و پرآوازه ی رومی که در این زمینه محصول فراوانی به بار آورده، تاریخ رم را از زمان آگوستوس تا تراژان به تفصیل شرح داده او بیش تر در این تاریخچه تکیه بر سلسله ی ژول سزار- کلودیوس (Julio-Claudian) کرده است. وی از افراط گویی و مبالغه برای کسب شهرت احتراز دارد، لیکن بیش تر مباحث آن روی جنایات و فجایع دوران نرون و تیبریوس دور می زند.

نخستین کتاب تاسیتوس درباره ی ناپدریش آگریکولا و فتوحات او در بریتانی است، وی هم چنین انتقادهای شدیدی بر دوران سیاه و وحشت زای دومی تیان دارد. وی تمام رویدادهای زمان بین مرگ نرون و نیز مرگ دومی تیان را بررسی می کند تاسیتوس با انتشار این کتاب ها، قهرمانانه اقدام کرده و کار او عملی تهور آمیز است. وی نوری به رخدادهای تاریک رم می تاباند و وقایع دوران جمهوریت هم در لابه لای جریانات دوران دیکتاتوری به تشریح و تفسیر رسیده و هم چنین زندگانی طبقات پایین و فقیر اجتماع غول آسای رم و قهرمانی افرادی از این گروه را به تصویر کشیده است.

پلوتارک (Plutarch)، نویسنده و دانشمند علوم اخلاق، درگذشت. (یونان، ۱۲۵):

مشهورترین شهروند چیرونی (Chaeronea) در یونان، پلوتارک، نویسنده، استاد علم اخلاق، کاهن و سیاستمدار یونانی که تابعیت رومی هم داشت، درگذشت. او به اغلب شهرها مسافرت کرده بود. وی در آتن به آموزش علم فلسفه پرداخت و مدتی از عمر خود را هم در اسکندریه صرف کرد و در این جا بود که یکی از متفکران عصر خود شد. او در زمان امپراتوری وسپاسین (Vespasian) در رم به تدریس مشغول بود و در این مدت همواره به نویسندگی و تعلیم می پرداخت. نوشته های وی باعث تنویر افکار عموم و به ویژه جوانان گردید و بدین ترتیب وارد عالم سیاست شد، پلوتارک مدت سی سال از هشتاد سال عمر خود را در معبد دلف (Delphi) به کهانت گذرانید، لیکن در اواخر عم خانه نشین شد و در این مدت هم به مطالعه و نوشتن سرگرم بود. او هم چنین به عنوان یک استاد علم اخلاق، کتاب اتیکا (Ethica) را نوشت و معتقد بود که با سعی و کوشش در پرورش اخلاق و تهذیب و تحکیم آن، می توان به فلاح و آرامش رسید، چون به این وسیله ی روح منزه و پاک می شود.

در نوشته های وی یک حالت صمیمیت و گرمی مخصوص وجود دارد که خواننده را جذب می کند و شرارت و بزهکاری را طرد می کند. بیش ترین شهرت پلوتارک مدیون نوشتن تاریخ و شرح حال و زندگی شخصیت های یونانی و رومی است. وی توانست از فرصت به دست آمده در یونان در جشن های افتخار آمیز یونان شرکت کند. و از این رویدادها شرح مفصلی تهیه کند. او شباهت هایی بین افسانه ها و رویدادهای یونانی و رومی، مانند تزئوس (Theseus) و روملوس(Romulus) و نیز میان پریکلس (Pericles) و فابیوس ماکزیموس (Fabius Maximus) یافته و آن ها را تفسیر کرده است.

کار پلوتاک نشان دادن اخلاق و روحیات رهبران سیاسی است. هم چنین وی مطالعات عمیقی درباره تعلیم و تربیت و فرهنگ یونانیان و رومی ها انجام داده و تاثیر آن را در زندگانی روزمره افراد معمولی و اجتماع دو امپراتوری در گذشته و حال مورد بررسی قرار داده است. نوشته های وی به طور قطع، در فرهنگ و تعلیم و تربیت نسل های این دو کشور، تاثیر به سزایی داشته و کاری برجسته و درخشان در تاریخ به شمار می رود و به هر حال، نشان از فرهنگ تسالی های (Thess) یونانی دارد.

روم با تصمیم به صلح، به سرعت به سوی خوشبختی گام بر می دارد. (روم، ۱۳۲):

گرفتاری ها و تنش هایی که سال ها گریبان گیر رم بود و حتی قوانین کشور تحت الشعاع آن قرار داشت، به تدریج توسط هادریان بر طرف می شود. اکنون هادریان در نظر دارد با تقسیم شبه جزیره ی ایتالیا به چهار استان بخشی از این ناراحتی ها را از بین ببرد. تا کنون فرمانده ی شهر رم و

میان رودان ۳۶۰

در جنگ بین ارتش روم و لشگریان شاپور دوم، شهرهای سینگارا (Singara) وبزابد(Bezabde) به تصرف لشگریان ایران درآمد.

گل فوریه ۳۶۰

در پاریس، ژولیان که خود را قیصر روم خوانده بود، توانست مناطق گل و بریتانی را به اطاعت در آورد وبا شکست دادن قبایل فرانک و آلامانیمرزهای روم را به کرانه رود راین برساند، ژولیان توسط لشگریان خویش ملقب به آگوستوس شد. پس از آن امپراتور کنستانسیوس دوم از ژولیان خواست که بخشی از سپاه خود را به شرق بفرستد، چون در شرق نیروهای نظامی دست به شورش زده بودند.

آسیای صغیر نوامبر ۳۶۱

کنستانسیوس دوم که قصد مقابله با ژولیان را داشت، در راه بر اثر تب جان سپرد، ژولیان هم که حمله به شرق را آغاز کرده بود، بلا منازع به امپراتوری رسید.

سوریه ۱۷ ژوئن ۳۶۲

ژولیان امپراتور روم طی اعلامیه یی به مسیحیان توصیه کرد که دستورات دینی خود را بیاموزند ونیز درفن سخنوری مهارت پیدا کنند. وی آنانرا مورد لعن قرار داد و قبلاً هم اعلام داشته بود که خود وی مشرک است و به تمام ادیان احترام می گذارد و عقاید آنها مورد قبول اوست.

ایران ۲۶ ژوئن ۳۶۳

ژولیان با حمله به سرزمین ایران، نیروی نظامی آنرا شکست داده و به پشت دیوارهای تیسفون پایتخت ساسانیان رسید، لیکن هنگام عقب نشینی بر اثر جراحات وارده بر بدن او توسط سپاهیان ایرانی، در فراسوی دجله در گذشت. با مرگ او داستان تجدید عقاید کفر و شرک هم به پایان رسید.

ایران ۳۶۳

ژوویان (Jovian) که به دستور و امر او ژولیان امپراتور به نبرد با ایران آمده بود، چون ژولیان درگذشت، به اسارت نیروهای ایران درآمد و به اجبار قرارداد صلحی را با شاپورامضا کرد. بر طبق این پیمان تمام سرزمین هایی که در زمان دیوکلسیان ازایران جدا شده بود و از آن جمله شهرهای نصیبین و سینگارا به ایران مسترد شد.

آسیای صغیر ۲۶ فوریه ۳۶۴

پس از مرگ ژوویان در کنفرانسی که در نیکائه (Nicaea) تشکیل شد، بر این امر توافق شد که والنسینیان (Valentinia) یکی از افسران ارتش روم که در اروپای مرکزی در سال۳۲۱ در ناحیه پانونیا متولد شده بود به مقام امپراتوری منصوب شود.

قسطنطنیه۲۸ مارس ۳۶۴

والنسینیان برادر خود والنس (Valens) را به فرمانداری منطقه شرق منصوب کرد. این نخستین بار بود که قرار شد بخش شرقی تحت فرمان امپراتوری شرقی قرار گیردو نیروهای نظامی جداگانه داشته باشد وتمام امور دفاعی و جنگی شرق به طور مجزا عمل کنند، در نتیجه بخش شرقی امپراتوری از بخش غربی به کلی جدا شد.

مقامات رسمی سایر استان ها، هر سال بر حسب دستور دولت مرکزی، تعویض می شدند و قضاوت و داوری مرکز بایستی رعایت می شد. اکنون یک نفر حقوقدان در این باره می تواند نظر بدهد.

امپراتور با سفر به تمام سرزمین های تابعه، وضع آن ها را بررسی می کند. (روم، ۱۳۲):

با بازگشت هادریان به روم، وی قصد دارد برای تمام سرزمین های وابسته طرح نوینی را به مورد اجرا بگذارد. او با مسافرت به این نقاط سعی می کند تمام فرمانداران را از نزدیک دیده و مشکلات آن ها را بررسی کند و سوابق و تاریخچه ی هر منطقه را از نظر بگذراند.

هادریان ۱۲ سال از ۲۱ سال سلطنت و امپراتوری خود را دور از رم به سر برده تا وضع امپراتوری و سپاهیان آن را به بیند، وی نه تنها اوضاع هر منطقه را تحت بررسی قرار می دهد، بلکه در ساختمان راه ها، معابد و پرستشگاه ها، ساختمان های دولتی، کاخ ها و بناهای یادبود هر ناحیه شرکت کرده و زیر بنای پیشرفت را آماده می سازد.

۱۲ سال پیش، او مسافرت و بازدید از سرزمین های تابعه را از منطقه ی گل، آلمان، بریتانی و اسپانیا شروع کرد و سپس به آسیای صغیر، جزایر دریای اژه و یونان رسید وسپس از راه سیسیل به رم بازگشت، چهار سال پیش هم هادریان سفر دیگری را این بار به آفریقا، شرق، سوریه و مصر آغاز کرد. وی بر خلاف اسلاف و پیشینیان خود، طریق صلح را انتخاب کرده و این سفرها سرآمد انعقاد پیمان های صلح منطقه یی و ایجاد دوستی با تمام سرزمین های وابسته به امپراتوری و در نتیجه پیک خوشبختی و صلح و دوستی برای کشور است.

چین ضرباتی به چادرنشینان وارد می کند. (مغولستان، ۱۲۳):

جنگجویان هراس انگیز و وحشتناک چادرنشین مغول به نام زیونگ نو (xiongnu) در اثر ضرباتی که مردم زیان بی (Xianbei) به آن ها وارد کرده اند، دچار یک سری شکست هایی از همسایه ی خود شده اند. این چنین سرخوردگی و شکست ها، شاید برای اولین بار در طول قرن هاست که به آن ها وارده شده و باعث گشایش باب

حمله های دیگری بر آن ها باشد. علاوه بر آن نیروهای نظامی آن ها در اثر هجوم امپراتوری هان (Han) منقسم شده و سپاهیان چین توانسته اند که از شمال و غرب بر آن ها بتازند و یکایک آن ها را شکست دهند. پس از این شکست ها، نیروهای زیونگ نو که در شمال مستقر بودند، تشکیل یک اتحادیه یا کنفدارسیون دادند، لیکن با ائتلاف هان و زیان بی، مواجه گشتند و در نتیجه چابک سواران مغول که همواره موجد هراس بودند، دیگر قادر به مقابله با این ائتلاف نشدند.

همسر امپراتور مورد تجاوز مورخ قرار می گیرد. (روم، ۱۲۲):

امپراتور، منشی مخصوص خود سوئه تونیوس (Suetonius) را که به نظر می رسید با همسرش سر و سری دارد، فوراً اخراج می کند. گفته می شد هنگامی که هادریان در رم نبوده و مشغول بازدید از بریتانیا بوده، سوئه تونیوس مخفیانه به کاخ امپراتور می رفته و با تجاوز به ژولیا (Julia) همسر امپراتور، حیثیت وی را لکه دار کرده است.

سوئه تونیوس، مولف کتاب زندگانی مردان نامدار که بیش تر مساعی خود را در تالیف بخشی از کتاب خود به نام زندگی قیصرهای روم صرف کرده، این قسمت را بدون مراجعه به بایگانی رسمی تنظیم کرده است.

دیوار بزرگی در بریتانیا برای جدایی طوایف سلت، ساخته می شود. (بریتانیا، ۱۳۰):

پس از ۹ سال که از بازدید سراسری هادریان، امپراتور روم، از بریتانیا گذشت، مهندسان نیروی نظامی روم، دیواری را به درازای ۱۱۵ کیلومتر در شمالی ترین ایالت وابسته، به پایان رسانیدند، این حصار سراسری، از ناحیه ی تاین تا سولوی فیرت ادامه دارد.

پهنای این دیوار یادبود، ۲٫۷ متر و دارای ۱۶ دژ می باشد که از بالای آن تا فاصله ی ۸۰۰ متری را می توان زیر نظر داشت، بنای این دیوار که هادریان طرح آن را ریخته بود، برای جدایی و جلوگیری از هجوم دو قبیله ی ساکن بریگانت (Brigantes) واقع در شمال این سرزمین، به نام های سل گووی (Selgovae) و نوانتی (Novantae) در قسمت مرکزی و پست این ناحیه بود. لشگریان رم در بخش های چستر (Chester) و یورک (York)، پی این دیوار را ریختند و سپس شروع به ساختن بخش های دیگر کرده و قسمت به قسمت آن را به هم وصل کردند.

خطیب درباره ی عظمت رم سخن می گوید. (۲۱ اوریل ۱۴۳):

یک شهروند رومی با افتخار از عظمت و بزرگی شهر رم ستایش می کند و می گوید که امروزه مردم شهر و امپراتور آن در خور تمجید و ستایش هستند.

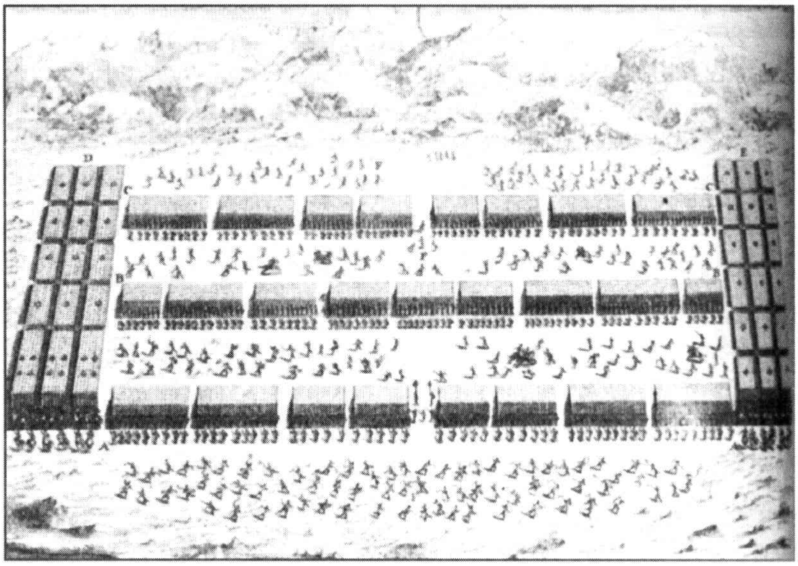
اولیوس آریستید (Aelius Aristides) فیلسوف و خطیب یونانی الاصل، با چاپلوسی و تملق از کارهایی که درباره ی دیو اهل پروسا (Dio of Prusa) و هرودس آتیکوس (Herodes Atticus) انجام داده، انقلابی در ادب یونان به وجود آورده است.

آریستید که به عنوان خطیب و ستایشگر رم شهرت یافته، می گوید: دولت رم آمیزه یی از تمام نیکی هاست و حکومت اشرافی، دموکراسی را توام دارد، بدون این که سیمای زشتی از خود نشان دهد، و تنها قوانین طبیعی را به کار می برد. شما می توانید در هر کجای کشور به سر برید و آزاد زندگی کنید. به هر کجا سفر کنید، دولت برای شما همه گونه تسهیلات را فراهم می کند، بدون این که سوال کنند در کجا زاده شده اید و هیچ کس را بر دیگری برتری و رجحان نیست، در حالی که مردم از همه گونه نژاد و ملیت تشکیل شده اند، قوانین هم به طور یکسان درباره ی افراد اجرا می شود.

آریستید، سپس درباره ی ملیت یونانی خودسخن می گوید و این که اکنون در اجتماع رم زندگانی می کند. او ادامه می دهد: در حال حاضر شهرهای یونان تحت قوانین رم به ترقی و پیشرفت ادامه می دهند و تمام منویات خود را بر حسب میل و اراده ی خود انجام می دهند، هنر و زیبایی را مورد تکریم قرار می دهند، هم چنین آداب و رسوم پدران خود را حفظ کرده و به ترویج آن می پردازند.

او باز هم با کمال افتخار ادامه می دهد که: در تمام سرزمین امپراتوری و دورترین نقاط آن، مردم محروم، از عواطف انسانی و صفات والای بشری برخوردارند و از این مواهب بهره مند می باشند.

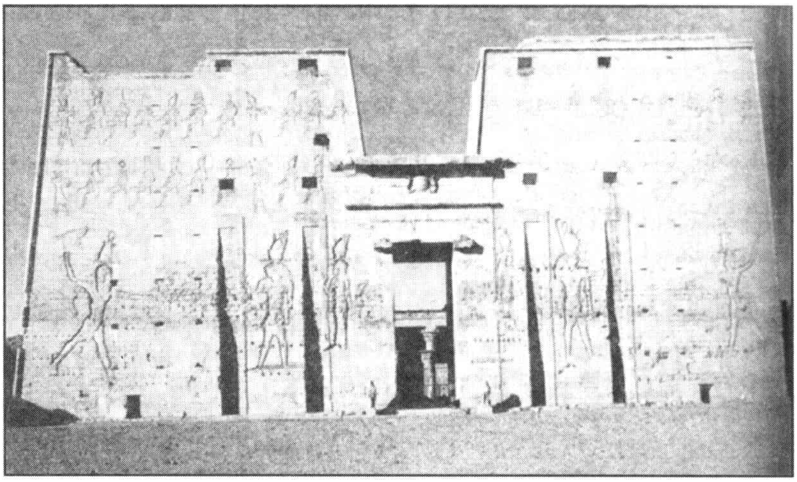
اخراج یهودیان، منجر به سرگردانی و پراکندگی آنان می شود. (امپراتوری روم، ۱۳۵):



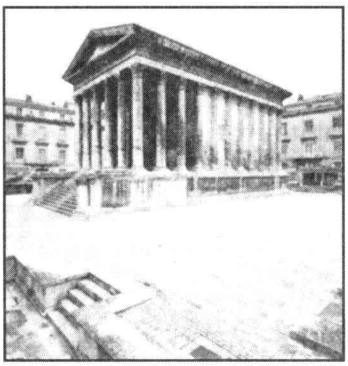
بخشی از ارتش رم که با انضباط مخصوص خود در چادرها منتظر فرمان هستند و در جنگ‌ها هم به همین ترتیب عمل می‌کنند. این نظام باعث پیشرفت و پیروزی رم در نبردها شد.



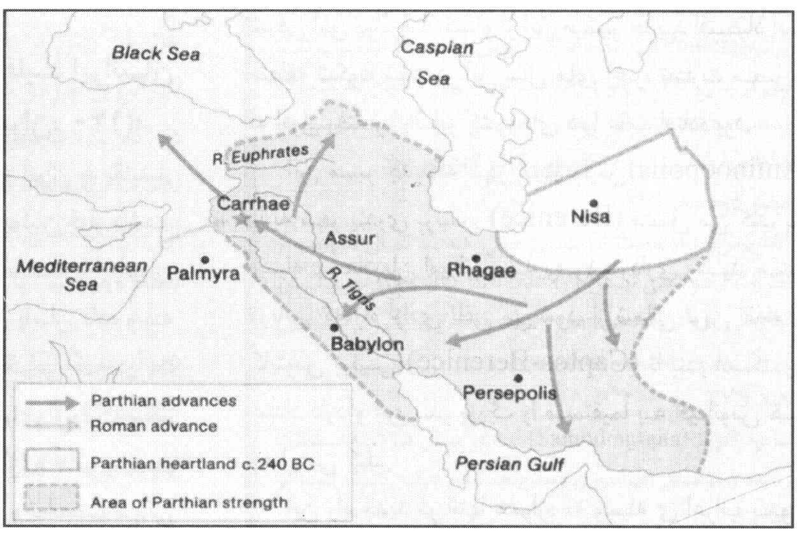
لوکرسیوس (Lucretius)، یکی از فلاسفه‌ی مکتب اپیکور (Epicurean) که در قرون اخیر به تصویر درآمده است.



معبد هوروس (Horus) در ادفو (Edfu) مخصوص انجام مراسم فرعون‌های سلسله‌ی پتولمی. در روی دیوار معبد، نقش پادشاه و اسیران به نمایش درآمده است.



معبد محلی رومی‌ها در منطقه‌ی نه‌موزوس (نیم) ((Nemausus (Nimes)) در مرز گل.



نقشه‌ی پیشروی ارتش اشکانیان (پارت‌ها) و شکست نیروهای نظامی روم توسط آن‌ها.



تندیس برنزی که در شمال افریقا در ناحیه‌ی سیرنائیک (Cyrenaica) به‌دست آمده. (حدود ۲۰۰ پ. م.)

سیمون یا شمعون و یا شیمون بارکوخبا (Simon Bar-Kochba) رهبر شورشیان یهود، که به پسر ستارگان نامیده می شود و بر ضد دولت رم انقلاب کرده، به شکست دچار شده، کشته می شود و پیروان و نیروی نظامی وی بر حسب دستور هادریان، امپراتور رم از آن سرزمین اخراج می شوند. برحسب این فرمان، کشاورزان و زارعان یونانی به سرزمین فلسطین وارد شده و در آنجا به کشت و کار می پردازند، در نتیجه یهودیان در سراسر ایالات رم پراکنده می شوند. این پراکندگی اجتماعی یهود به عنوان یهودی سرگردان مشهور می شود و این اصطلاح در زبان ملل گوناگون رواج می یابد، که در زبان یونانی هم به کلمه ی پراکندگی و تفرقه معروف شده است.

شورش و طغیان بارکوخبا که به تدریج به اوج رسید، با نبرد چریکی بر علیه رم شروع شد و در این سال های اخیر، گرفتاری زیادی برای رم تولید کرد. این نبردها مدت ۱۸ سال به درازا کشید.

تراژان قبلا آن را سرکوب و فرو نشانده بود، لیکن در سال ۱۳۲ با سعی و کوشش هادریان، نیروهای نظامی رم به فرماندهی ایلیا کاپیتولینا (Aelia Capitolina)، یهودیان را شکست داده و از فلسطین بیرون راندند و بار کوخبا هم کشته شد.

این نبرد خونین که مدت سه سال به درازا کشید، تحت فرماندهی ژولیوس سوروس (Julius Severus) که فرماندار پیشین بریتانی بود، شورشیان را تار و مار کرد و به قول یهودیان، تعداد بی شماری از آن ها شهید شدند.

هنرهای یونانی از این پس مورد تقلید ایرانیان قرار نمی گیرد و پیشرفتی ندارد. (ایران، ۱۴۰):

با سلطه و چیرگی اسکندر مقدونی، هنر ایران به تقلید از هنر یونانی پرداخت و مدت ها تحت تاثیر یونان قرار داشت، اکنون دیگر این سبک به تاق نسیان سپرده شده و ایرانیان در تحت حکومت اشکانیان به این اقتباس پایان داده و به شیوه ی ملی و محلی روی آورده اند هنگامی که در ۵۰ سال پیش، اسکندر درگذشت، ژنرال های او وارث یک امپراتوری وسیع شدند و سعی کردند که زبان و آداب و رسوم یونانی را در این سرزمین بزرگ رواج دهند و توانستند مدتی این امر را به سامان برند، لیکن با ضعیف شدن دولت مقدونی، ملی گرایی رونق گرفت و یونانی گری متروک شد. وارثان اسکندر نتوانستند. این امپراتوری وسیع را اداره کنند و سلوکوس (Seleucus) یکی از سرداران اسکندر، با ایجاد شهرهای جدید و ترمیم خرابی های برخی از شهرها، حکومت سلوکیه (Seleucids) را از آسیای صغیر تا کوه های هندوکش تشکیل داد و به توسعه و گسترش فرهنگ و آداب یونانی در این سرزمین پرداخت. در حدود سیصد سال پیش، پارت ها یا اشکانیان چادرنشین، با تصرف و تسخیر بخش اعظم این سرزمین یک حکومت شرقی، با فرهنگ و هنر ایرانی- یونانی، تاسیس کردند.

در این اواخر، با رشد ملی گرایی ایرانیان در تحت حکومت اشکانیان، آداب و رسوم و هنر یونانی به واپس گرایی تبدیل شد و شیوه ی زندگی ایرانی نضج گرفت و ایرانیان از یونانی گری دست کشیده، فرهنگ ایرانی ترویج شد و در مقابل فرهنگ یونانی قرار گرفت.

ساختمان ها به شیوه ی زمان اشکانی، با بنای گنبدی شکل و ایوانی که به چهارسو باز می شد، سامان داده شد و معماری اشکانی جایگزین معماری یونانی گردید و همان طور که گفته شد، نه تنها معماری، بلکه سایر هنرها و رسوم محلی و بومی به رنگ ایرانی درآمد.

مسیر جدید بازرگانی در شرق به وجود می آید. (مصر، ۱۳۷):

با اتصال رود نیل به دریای سرخ و ایجاد راه جدید بازرگانی، امید می رود به زودی تجارت مصر با همسایگان شرقی اش پیشرفت کند و از این مسیر جدید اقتصاد این منطقه شکوفا شود. در این سال های اخیر، تجارت مصر رو به افول رفته و از سایر کشورهای دنیا عقب افتاده بود.

این مسیر جدیدکه شهر آنتینوپولیس(Antinoopolis) را به شهر بندری برنیس (Berenice) متصل می کند، به وسیله ی هادریان امپراتور، به بهره برداری رسید. مسیر دریایی که راه آزادی تلقی می شود، از شمالی ترین نقطه ی کاپتوس برنیس (Captos-Berenice) تا بندر اسکندریه امتداد دارد و این بندر بزرگ را مستقیماً به اقیانوس هند وصل می کند.

این راه جدید در انتها همواره به وسیله ی اعراب بدوی مورد تهدید است، چون آنان این مسیر را منحصراً به

کالاهایی که به بندر اسکندریه حمل می شود، اختصاص داده اند. بازرگانان اسکندریه برای حمل کالاهای گران قیمت وارداتی به این شهر، هم چون ادویه، عطریات و بردگان، بایستی کرایه ی گزافی بپردازند تا از دستبرد دزدان دریایی و اعراب بدوی در امان باشند.

اکنون، بازرگانان مصری دیگر مجبور نیستند که مسیر طولانی سابق را از دورترین نقطه‌ی شرق به‌پیمایند، چون از راه اقیانوس هند به رود نیل به طور مستقیم استفاده می‌کنند که خطری کمتر دارد و نیز در شمال سرزمین سوریه می بایستی عوارض خیلی بیش تری پرداخت می کردند. به ویژه، برای کالاهایی هم چون ابریشم چین، در حالی که اکنون این پرداخت تحمیلی و اضافی از بین رفته است.

در حالی که هادریان به تدریج به بیماری جنون مبتلا می شد، یک نجیب زاده ی اشرافی به قدرت رسید. (روم، ۱۴۲):

هادریان که به بیماری مزمن و طولانی جنون مبتلا شده و به تدریج شدت پیدا می کند، یک نجیب زاده ی اشرافی را به جانشینی خود برگزید، چون خود وی قادر به ادامه ی کار نبود و قبل از مرگ، جانشین خود را تعیین کرد.

این دو امپراتور کاملاً در نقطه ی مقابل هم بودند. آغاز و پایان سلطنت هادریان با خونریزی توام بود، در حالی که آنتونیوس(Antonius)، زمانی سلطنت را آغاز کرد که رم وارد نهصدمین سال بنیانگذاری خود می شد که به همین مناسبت جشن های مفصلی در سرسر امپراتوری برپا شد. هادریان بیش تر عمر خود را به سفر و بازدید از ایالات امپراتوری صرف کرد، لیکن آنتونیوس (آنتونی) ترجیح می داد که یک شخصیت اصیل باقی بماند و هیچ گاه دوست نداشت ایتالیا را ترک کند. آنتونی ارتباط با سنا و مذاکره با آن را سرلوحه ی اقدامات خود قرار داد و به خود لقب پیوس (Pius) (پارسا) یا متدین اعطا کرد.

دیوار بریتانی فیرت واقع در ناحیه ی فورت (Forth) را به رود کلاید (Clyde) متصل می کند. (بریتانی، ۱۴۳):

در کمتر از پنج سال پس از به قدرت رسیدن آنتونی، امپراتور روم، کارها و اقدامات اجتماعی رو به پیشرفت است.

گل (فرانسه) ۳۶۷

هیلاری(Hilary) که به مقام اسقف پوآتیه(Poitiers) در سال ۳۵۰ منصوب شده و آوازه وشهرت وی در رساله تریینیتی (Trinity) تثلیت به ظهور رسید، در گذشت. وی درباره موضوع بدعت گزاری آریان سه فقره مکتوب به کنستانسیوس دوم نوشت ودر آن به صراحت آریان را مخالف وفاداران به دین مسیح قلمداد کرد.

گل (فرانسه)۳۶۸

والنسینیان بنیانگذار شهر تریه (Trier) در چندین نبرد علیه آلامانی، توانست آنها را تا مرز رود راین به عقب براند.

امپراتوری روم۳۶۸

در روم برای هر شهر یک محافظ امنیتی قرار داده شد که لوازم مصرفی شهروندان طبقه پائین گران نشود و در حدی قابل قبول عرضه شود، و همچنین ولگردان و طبقه پائین اجتماع بر ضدقدرت مرکزی قیام نکنند، در ضمن نیروی نگهبان هر شهر موظف است که متخلفان را به دادگستری معرفی کند.

ارمنستان ۳۶۹

شاپور دوم ساسانی پادشاه ایران، سرزمین تحت حمایت روم یعنی ارمنستان را تصرف کرد.

اروپای مرکزی ۳۶۹

والنس بر آتاناریک (Athanaric) فرمانروای ویزیگوت ها (Visigoths) فشار آورد که پیمانی را که در آن دانوب مرز بین دو کشور محسوب می شد و مورد رضایت او نبود امضا کند.

کره۳۶۹

ژاپن برای توسعه کشور از سوی جنوب، گروههای می ماما (Mimama) را در سراسر مرز کره مستقر کرد، که این گروههای ژاپنی پایگاهی برای گسترش نفوذ کشور باشند و در نتیجه مرز ژاپن در سرزمین کره توسعه یافت.

گل (فرانسه) ۳۷۲

مارتین (Martin) یکی از مریدان هیلاری (Hilary) اسقف پوآتیه(Poitiers)، به مقام اسقف تورس (Tours) منصوب شد. وی در سال ۳۱۶ در پانونیا زاده شده بود و پیش از آنکه به مسلک روحانیت درآید، در ارتش روم خدمت می کرد. او افکار وسلوک شاهانه را در انجمن های کلیسایی غرب گسترش داد.

مصر دوم مه ۳۷۳

آتانازیوس(Athanasius) پدر روحانی که با کمال شهامت از نظریات ارتدوکسی نیسن (Nicene orthodoxy) علیه آریان دفاع می کرد در اسکندریه بدرود حیات گفت. وی یکی از مهمترین پیروان نظریه رهبانیت و اعتکاف بود.

هند ۳۷۵

سامودراگوپتا (Samudragupta) که در سال ۳۳۵ به سلطنت رسیده و مؤسس امپراتوری وسیع هند در جلگه گنگ بود، در گذشت.

دیوارها که هادریان در بریتانی برای جلوگیری از هجوم قبایل سلت ساخته بود، تکمیل کرده و ۵۷ کیلومتر به طول آن افزوده شد. این حصار جدید از نقطه ی فیرت (Firth) واقع در ناحیه فورت، در شرق بریتانی، آغاز و تا رودخانه ی کلاید در غرب متصل شد، این دیوار سرزمین های پست کالدونی را محصور می کند. دیوار آنتونی، با مصالحی از نوع گل رس و کلوخ بر پایه ی سنگی در مدت یک سال بنا شد، و بخش هایی از آن به عرض نیم گام (قدم) ساخته شد که کتیبه یی هم مشخصات و طول و پهنای آن را تعیین می کند.

در رم سکه ی جدیدی ضرب شد که پیروزی های نبرد در بریتانیا را در تاریخ ۱۴۳ تا ۱۴۴ میلادی نشان می دهد که چگونه رم بر این منطقه دست یافت و آنجا را از مردان جنگجوی شمالی پاک کرد و بدین ترتیب این سرزمین را به عنوان حافظ و پاسدار امپراتوری رم قرار داد.

زلزله باعث تخریب شهرهای آسیای صغیر شد. (آسیای صغیر، ۱۵۱):

زلزله ی شدیدی در این اواخر، موجب خرابی معبد سیزیکوس (Cyzicus) شد و نیز خرابی های بسیاری به اماکن و منازل بی تی نیه (Bithynia)، هلس پونت (Helles Pont) و دیگر بخش های آسیای کوچک وارد آورد. این خرابی ها سبب تغییراتی در امور حکمرانی و کارهای حکومتی امپراتوری رم شد، و هر چند که نگرانی ها و مشقات بی شماری ایجاد کرد، لیکن سخاوت و بخشندگی آنتونی را تحریک کرد.

پس از اقدامات اولیه؛ رم اقدام به بازسازی ترمیم خرابی ها نمود و امپراتوری تحت فرمان آنتونی با انجام کارهای عام المنفعه بخشی از جراحات را درمان کرد. قدر مسلم آن که، بخشودگی و احسان امپراتور، زیربنای تمام کارها بود و عزم او و برای ترمیم ویرانی ها بسیار موثر بود.

امپراتوران رم از آگوستوس تا هادریان، به این رسوم و آداب مردمی، احترام می گذاشتند و آنتونی هم آن را ادامه داد و این هدایایی بود که امپراتوران به مردم اعطا می‌کردند. بذل و بخشش امپراتور هم، بیش تر به ادارات شهرداری برای رفاه حال عموم شهروندان پرداخت می شد و هم چنین گاهگاهی به صورت جایزه برای مسابقات ورزشی و سایر بازی ها به برندگان داده می شد.

این جوایز به صورت پول، گندم و یا ساختمان بود. کمک های دیگر امپراتوری برای ساختن اماکن عمومی در شهرهای افه سوس (Ephesus) و پرگاموم (Pergamum) و نیز بناهای دیگری شامل بازار، میدان ها، معابد، حمام های عمومی و دروازه های شهرها به صورت نقدی و یا جنسی به حکومت های محلی پرداخت گردید.

مالیات خیلی حالت مردمی نداشت، بدین معنی که افراد طبقه ی بالای اجتماعی به طور معمول مالیات پرداخت نمی کردند و این قاعده در تمام ایالات تابعه رعایت می شد که در حالت صلح، تکافوی هزینه های جاری را می کرد، لیکن در مواقع جنگ و حالات اضطراری و خرابی هایی نظیر بلایای طبیعی، بار سنگینی را بر دوش یکایک افراد جامعه تحمیل می کرد و شهروندان در این مواقع بایستی پول بیش تری بپردازند.

رومیان به خدایان شرقی هم احترام می گزارند. (لوگدونوم (Lugdunum) (لیون Lyon، ۱۶۰):

مذاهب بیگانه و شرقی که مورد احترام امپراتور در گذشته بود، اکنون در تمام اروپای غربی هم مورد احترام است و به طور غیر معمول، در این نقاط گسترش یافته است. ستایش مادر بزرگ به نام سیبل (Cybele) که در آسیای صغیر مرسوم است یا باپ تیسم (Baptism) که با کشتن گاو نر و تراوش خون آن به انسان انجام می شود، از دیگر مذاهبی است که مورد تکریم مردم می باشد.

این رسم کشتن گاو، به این صورت است که مردی با کارد به گودالی می پرد و حلقوم گاو نری را با کارد می برد و بایستی خون گاو تمام بدن وی را بپوشاند. برخی از مردم، هم چون مصریان الهه ایزیس (Isis) را که سمبل باروری و حامی تجارت است، مورد پرستش قرار می دهند. برخی، بر حسب سیره و عادت معمول، هر ساله جهت تطهیر و تصفیه‌ی روح و رسیدن به سعادت و خوشبختی و رستگاری، هم چنین خدایان قدیمی مناطق لاتینی را هم مورد پرستش قرار می دهند.

دو امپراتور همزمان در رم به سلطنت می رسند. (۱۶۱):

گوآتمالا(Guatemala) ۳۷۵

کورل اسنوت (Curl Snout) نخستین عنصر قبیله مایا (Maya) به سلطنت سرزمین تیکال(Tikal) واقع در جنگل پتن(Peten) رسید.

اوکراین (Ucraine) ۳۷۵

قبایل هون (Huns) با پیشروی به سوی مرزهای غربی از استپ های آسیای مرکزی گذشته و طوایف اوستروگوت (Ostrogoths) را شکست دادند، در نتیجه این شکست ارمناریک (Ermanaric) پادشاه اوستروگوتها خودکشی کرد.

اروپای مرکزی ۱۷ نوامبر ۳۷۵

فرستاده و سفیر خشمگین و بی ادب بربر جهت دربار والنسیان سبب سکته قلبی امپراتورشهر پانونیا شد. در نتیجه برادر بزرگتر گراتیان (Gratian) که ۱۶ ساله بود، خود را امپراتور خواند.

بالکان ۳۷۶

ویزیگوت ها که مدت بیش از ۱۵۰ سال در منطقه داسی سکونت داشتند، به سوی قبایل هون روی آور شدند، تا با تحصیل مجوز امپراتوری روم از دانوب سفلی بگذرند و این اجازه هم به آنها اعطا شد تا با این قبایل درگیر نشوند.

آسیای صغیر اوت۳۸۷

والنس امپراتور روم شرقی در نبرد با ویزیگوتها در شهر آدریانوپول(Adrianople) مجروح وبه قتل رسید.

بالکان ژانویه ۳۷۹

به منظور کمک برای کنترل اغتشاشات روم، گراتیان، تئودوزیوس (Theodosius) اسپانیایی را به نام آگوستوس به سمت امپراتور جدیدشرقی تعیین کرد. تئودوزیوس هم جنگ علیه گوتها را آغاز کرد.

گل (فرانسه) ۳۷۹

اوزونیوس(Ausonius) شاعر و حامی سابق امپراتور گراتیان و فرماندار سرزمین گل به سناتوری برگزیده شد. وی در محل تولد خود، بوردو(Bordeaux) مدت ۳۰ سال مشغول تدریس و سرودن اشعار طنز وقصیده ونوشتن مقاله بود.

چین ۳۷۹

خوشنویس نامدار وانگ زی شی (Wang Xizhi) در گذشت. او مبدع خط و خوشنویسی بود و پیوسته در حال نوشتن به سر می برد و لطف وزیبایی خاصی در نوشته هایش وجود داشت، به طوریکه حالت انجماد و سخت گیری را در کتابت از بین برد.

قسطنطنیه ۳۸۱

تئودوزیوس امپراتور و حامی فرقه نیسن (Nicene) مسیحیان را به تشکیل مجمع جهانی در قسطنطنیه فرا خوانده و اعلام کرد که آریانیسم در حال حاضر و آینده محکوم و برای همیشه مطرود است، گراتیان (Gratian) این موضوع را در غرب هم پیگیری کرد.

برای نخستین بار در تاریخ نهصد ساله ی روم، دو امپراتور با مشارکت هم به سلطنت رسیدند. بلافاصله پس از به سلطنت رسیدن، مارک اورل (مارکوس اورلیوس Marcus Aurelius) با کمال شگفتی از سنا درخواست کرد که برادرش وروس (Verus) را به عنوان هم یار و معاونت وی مورد قبول قرار دهند. مارکوس طبق پیمانی که پیشینیان وی مانند آنتونی بسته بودند، به این عهد و پیمان پایبند بود. وروس هم مانند آگوستوس و دیگر امپراتوران، لقب کاهن بزرگ را برای خود انتخاب کرد.

این هر دو مرد، از خانواده یی ثروتمند و اشرافی برخاسته بودند و ارتباط محکمی با فرمانروایان پیشین داشتند، اما شباهت شان تا این جا خاتمه می یافت. آن ها در اخلاق و خوی و شخصیت، با هم خیلی اختلاف داشتند.

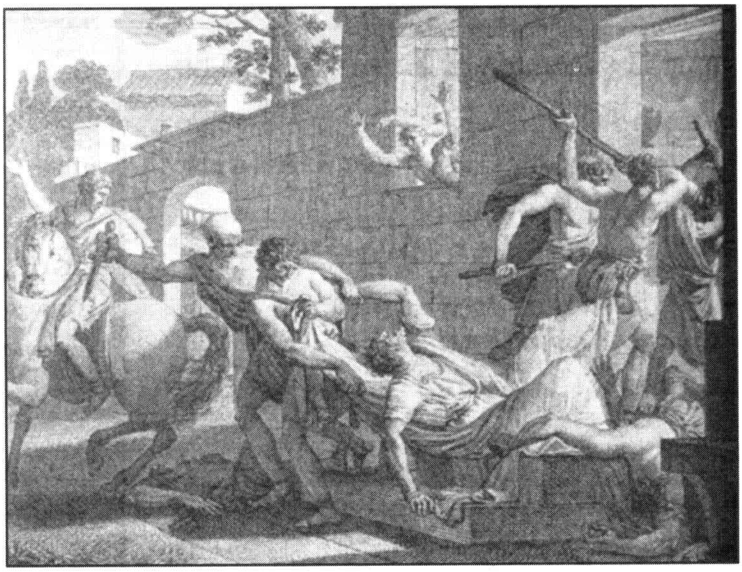
مارکوس، فیلسوفی برجسته و مانند هادریان فردی فروتن و متواضع بود، چون مدت هشت سال با وی زندگی کرده بود، به آرامی سخن می گفت و مانند مردان جوان یک حالت بیمار گونه و روحیه ی قوی و مانند سلف خود، آنتونی، حالتی متعادل و طبیعی داشت.

وروس از سوی دیگر، مردی قوی هیکل و تنومند و به مسؤولیت پای بند نبود. او کاملاً آدمی خوشگذران بود که پیوستگی زیادی با زنان و شراب خوب و تماشای سیرک داشت.

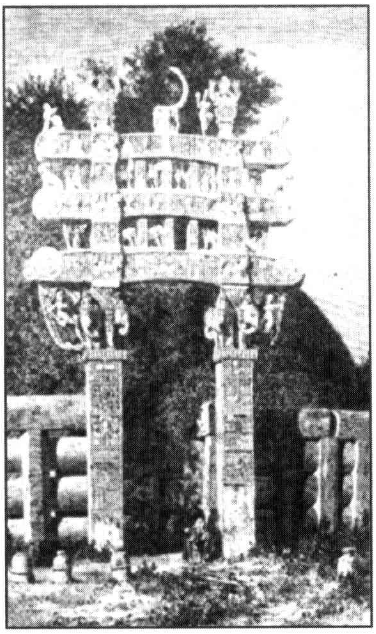
پتولمی (Ptolemy) مناظری از گیتی را نشان می دهد. (اسکندریه ی مصر، ۱۵۱):

مردم همواره در این فکر هستند که جهان چگونه است و چه طور می توان آن را مشاهده کرد، در نتیجه، از کارها و اعمال کلودیوس پتولموس (Claudius Ptolemaeus) یا پتولمی تشکر می کنند.

این شخص یک ستاره شناس و جغرافیادان بود که در اسکندریه می زیست، پتولمی توانست با سعی و کوشش و تحقیق، نقشه یی از کارهای خود را به نام جئوگرافیا (Geographia) یا جئوگرافی نشان دهد. وی نقشه های قبلی به جا مانده از پیش را اصلاح کرد و سیستم عرض و طول جغرافیا را مطرح ساخت و هر نقطه یی از زمین را با طول و عرض جغرافیایی مشخص ساخت که این موضوع



سربازان میلو، کلودیوس را به زور و کشان‌کشان از سرای او بیرون می‌برند.
تصویر مربوط به سده‌ی ۱۸ میلادی است.



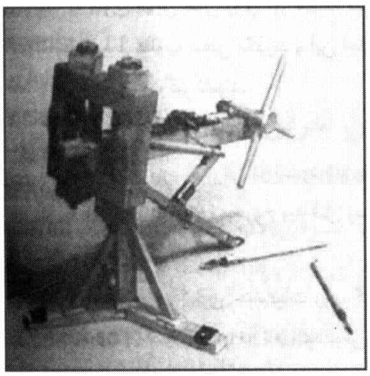
دروازه‌ی معبد سانچی (Sanchi) در هند.



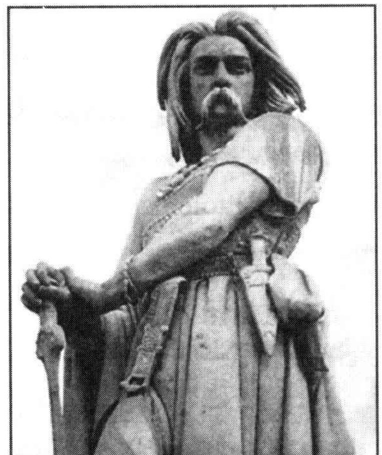
سکه‌ی یادبود سزار که بر روی آن سربازان اسیر گل و سلاح‌های آن‌ها نقش بسته است.



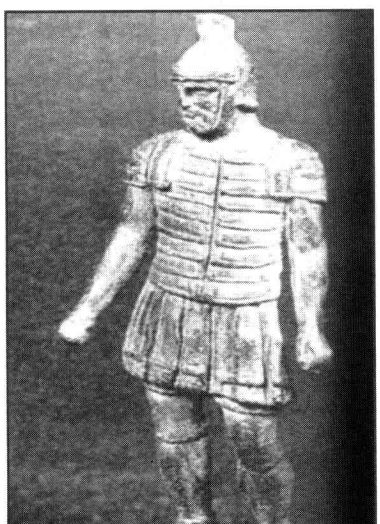
پلاک نقره‌یی از زیونگنو (Xiongun) با تصویر گاو وحشی (یاک (Yak)) در وسط درختان.



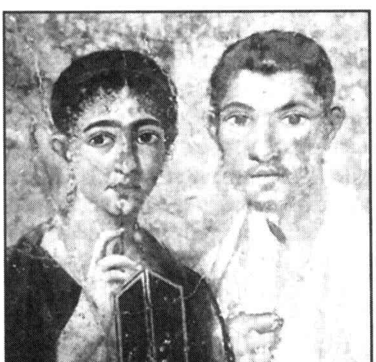
یک مدل از سربازان رمی در هنگام نبرد با تیر و کمان پرتابی مخصوص کشتن سربازان دشمن.



ورسین ژتروا (Vercingetrorix) اخرین امید اقوام گل جهت آزادی و استقلال از رم (تندیس قرن نوزده).



یک لژیونر در لباس نبرد (زره) در سال‌های ۲۰۰ پیش از میلاد. تصویر مربوط به سده‌ی ۱۸ میلادی است.



تصویر یکی از کارکنان دولتی با همسر وی که شاید جزو طبقه‌ی اشراف بوده‌اند.

ایتالیا ۳۸۲

گراتیان از قصر خود در روم به منظور بازدید از میلان و شاید آماده کردن نیروهای نظامی برای جلوگیری از هر گونه اغتشاش بدان سو رهسپار شد. در این زمان امپراتوران به ندرت از روم دیدن می کردند.

بالکان ۱۵ اوت ۳۸۳

تئودوزیوس با امضای قرارداد صلح با ویزیگوت ها، سرزمین متعلق به آنان را مسترد داشت و از آنها خواست که قوانین امپراتوری را رعایت کرده ولشگریان خود را از مرز عقب برانند.

چین ۳۸۳

یکی از جنگاوران غیر چینی به نام فوجیان (Fu-Jian) که امپراتور سابق ژین بود، با سعی فراوان تصمیم قطعی گرفت که به سوی جنوب عزیمت کرده و یاغیان منطقه کرانه رود فئی (Fei) را در مرکز آنهوئی (Anhui) سرکوب کند. در این جنگ سلسله چینی ژین مغلوب و منقرض شد.

گل (فرانسه) ۱۵ اوت ۳۸۳

گراتیان امپراتور به وسیله گروهی از لشگریان خود در لیون به قتل رسید. پس از آن ماکزیموس (Maximus) توسط گروه های هوادارش در بریتانی امپراتور اعلام شد، دراین حال وی به گل یورش کرد.

روم ۳۸۴

پاپ دامازوس (Damasus) دوم در گذشت. وی دغدغه داشت که روم را به عنوان مرکز مسیحیت و طرفداری از اصول حواریون معرفی کند، تا شهر روم مرکز قضاوت و داوری مسیحیان جهان گردد.

افریقای جنوبی ۳۸۵

تولید مس از معادن و ذوب این فلز در ناحیه کانزانشی (Kansanshi) در کاتانگا (Katanga) (شابا- Shaba) آغاز شد، همچنین لوازم مسی در سواحل زئیر(Zaire) و زامبیا(Zambia) ساخته می شود.

روم ۳۸۵

آمیانوس مارسلینوس (Ammianus Marcellinus) شروع به نوشتن تاریخ از سال ۹۶ تا ۳۷۸ به سبک تاسیتوس (Tacitus) نمود.

سوریه ۳۸۶

لیبانیوس (Libanius) دوست امپراتور ژولیان و سخنگوی گروه مشرکان در سخنرانی تحریک آمیز خود در شهر آنیتوک یا انطاکیه در دفاع از معابد، مردم را به شورش فرا خواند. لیکن تلاشهای او علیه مخالفان از نظر قانونی کاملا ناموفق از آب درآمد.

ایتالیا ۳۸۷

ماگزیموس با یورش به ایتالیا، والنسینیان (Valetinian) دوم را از کشور راند، برادر کوچکتر گراتیان که در این موقع امپراتور بود، از تئودوزیوس (Theodosius) درخواست یاری کرد.

برای دریانوردان بسیار مفید واقع شد. نقشه او به خوبی یک نقشه کش صحیح بود. برابر نقشه ی پتولمی، جهان از سرزمین های یخبندان شروع شده که جزایر قناری (Canary) در غرب تا جزیره ی سیلان (Ceylon) در شرق و جزایری ناشناخته در شمال افریقا و در ورای هندوستان خاتمه می یابد. پتولمی هم چنین در مطالعات ستاره شناسی مشهور است که عقاید یونانیان را درباره ی ستارگان و سیارات تغییر داد، چون آن ها معتقد بودند، تمام سیارات به دور کانون خود که زمین باشد، می چرخند.

افریقایی ها تندیس های عالی می سازند. (نیجریه، ۱۵۰):

در فلات بائوچی (Bauchi) و خوز (Jos Plateaux)، در سرزمین نیجریه (Nigeria) مدت هفتصد سال است که مردم آهن را می شناسند و فرهنگ آن ها به بالاترین حد رسیده و پیشرفت تمدن در سراسر این منطقه گسترش یافته است.

مردم سیاه پوست نژاد ناک (Nok)، از سده های پیشین، به علت خشکی صحرای شمالی به سوی جنوب مهاجرت کرده و چون در غرب آفریقا سکونت گزیدند، فن ذوب آهن را هم با خود به این ناحیه آوردند، در کشاورزی هم همراه با به کارگیری لوازم و وسائل ساخته شده از آهن، انقلابی به وجود آوردند که تمدن ناک ها این صنعت را تکمیل کرد. آنان هم چنین سفال هایی بسیار بدیع و زیبا و تندیس هایی ساختند که تا آن زمان در قاره ی سیاه آفریقا دیده نشده بود.

مارک اورل (Marcus Aurelius) امپراتور روم، انقلابی در وضع اجتماعی ایتالیا به وجود آورد. (روم، ۱۶۳):

مارک اورل، امپراتور فیلسوف، در اداره ی امور و اجتماع شهر رم و ایتالیا تغییرات شگرفی ایجاد کرد و وضعیت سابق را به کلی دگرگون ساخت. وی مانند سلف خود آنتونی از این که ارتباطات در سطح عالی باشد، لذت می برد؛ چنان که توانست با سنا روابط خوبی برقرار سازد و همین طور سیستم دادرسی و داوری را اصلاح کرد و خدمات اجتماعی را که در واقع نیروی بازوی دولت هستند، بهبود بخشید و در سراسر ایتالیا این اصلاحات را توسعه داد.

وی کنسول ها را در مقامشان ابقا کرد و برای کنترل حالت بوروکراسی، صاحب منصبانی را مأمور کرد. به اقتدار دادگاه ها در سراسر کشور افزود و حقوق قانونی مردم را اعاده کرد، به طور یکه، افراد در مقابل قانون از حقوق یکسان برخوردار شوند و هم چنین قدرت حکومت مرکزی را افزون ساخت. وی هم چنین اشراف محافظه کار را به شکل غیر معمول در مقابل سنا، مسئول دانست که بایستی مانند افسران افریقایی و شرقی در برابر سنا پاسخ گو باشند و دولت مرکزی آنان را در مقابل اعمال شان مسئول شناخته و جامعه احساس کند که به هیچ فردی ظلم نخواهد شد.

در زمان امپراتوری وی، حالت صلح و آرامش برقرار شد و حالت جنگی که در شرق باعث زجر و آزار مردم شده بود از بین رفت، لیکن چون دولت اشکانی بعضی از شهرها را اشغال و باعث زیان هایی شده بود، وی یک نیروی نظامی قوی به آن دیار اعزام کرد.

وضع مالیات های سنگین بر مصر، مردم را فلج کرد. (اسکندریه، ۱۶۰):

پس از ۱۹۰ سال که از تسخیر مصر به وسیله ی رم می گذشت، درخواست اضافه پرداخت مالیات، اقتصاد مصر را ورشکسته کرد. با قضاوت صحیح می توان این جریان را مورد دقت قرار داد. اداره ی کشور به طرز صحیحی انجام می شد، کانال های آبیاری رود نیل نحو مطلوبی داشت و آبیاری زمین های کشاورزی مناسب بود. قوانین رم به طور غیر مستقیم، فرهنگ و رسوم مصریان را تحت تاثیر قرار داده بود ولیکن، مردم به طور معمول فرهنگ و تمدن خود را ترجیح می دادند، یونانیان و یهودیان هم که اقلیت بودند، در این شرایط زندگی می کردند.

در این وضع، رومیان درخواست اخذ مالیات های سنگین از کشاورزان و روستائیان را داشتند، در حالی که ذرت را به قیمت ارزان از آن ها می خریدند، در نتیجه، مردم اطراف شهرها که مسئوول تولید محصول بودند، روستاها را رها کردند و آن ها از جمعیت خالی شدند و تولید کاهش یافت، از سویی سیاست حکومت مرکزی بر این قرار گرفت که یهودیان را بر ضد یونانیان بشوراند و این شورش ها سبب قتل بسیاری از مردم شد و سیستم ارتباطی فلج گردید.

به تلافی تاخت و تاز اشکانیان در سرزمین متعلق به روم، پایتخت آن ها به آتش کشیده شد. (تیسپون (Ctesiphon)، میان رودان، ۱۶۶):

شهر تیسپون و سلوکیه به جبران و کیفر حمله ی اشکانیان به سرزمین روم، طعمه ی حریق گردید، مارک اورل، یک نیروی نظامی، جهت جبران حملات پارت ها (اشکانیان) به ارمنستان، که تحت حمایت رم بود، به میان رودان فرستاد که بخشی از آن سرزمین را رم به مستملکات خود ضمیمه کرد و نیز چند پادگان نظامی در منطقه ی اوسروئن (Osroene) برپا کرد. این دردسر و گرفتاری از سال ۱۶۲، هنگامی که بلاش سوم، پادشاه اشکانی، به رم اعلان جنگ داد، شروع شد و خسرو یکی از فرماندهان سپاه ایران به ارمنستان یورش برد، در این هنگام، فرماندار کاپادوکیه (Cappadocia) در جنگ و در ناحیه الژی (Elegeia) شکست خورد و کشته شد.

در بهار سال ۱۶۳، نیروهای نظامی امپراتوری، تحت نام مارکوس اورلیوس و سرپرستی برادر وی وروس، آماده ی نبرد شدند، انتظام و تدارکات سپاهیان را خود مارکوس انجام داد و فرماندهی آن سپاه بر عهده ی آویدیوس کاسیوس (Avidius Cassius) و سایر ژنرال ها بود که مستقیماً در نبرد شرکت داشتند. نیروهای اشکانی به علت فشار لشگریان رم به تدریج ارمنستان و میان رودان را ترک کردند. در سال ۱۶۵، بیماری طاعون در سلوکیه و نقاط اطراف آن شایع شد و چون سپاهیان رم در منطقه، جهت جلوگیری از حملات بعدی نیروهای ایران مقیم بودند، دچار بیماری شدند و تلفات بسیاری را متحمل شدند، به طوری که، بقیه ی سپاهیان رم مجبور به عقب نشینی و فرار به رم شدند و به لژیون های نظامی مستقر در ناحیه ی راین (Rhine) پیوستند.

نبرد خواجگان با امپراتریس در چین (چین، ۱۶۸):

بیوه ی خشمگین امپراتور چین که شوهر خود را از دست داده بود، جهت جانشینی شوهرش، با خواجه سرایان، آشوب خونینی در قصر امپراتوری به راه انداخت.

امپراتور هواندی (Huandi) که در ژانویه فوت شده بود، در حالی که از دنیا رفت که جانشین به نامی نداشت.

ملکه دوئو (Duo)، بیوه ی وی، اعلام کرد که وارث شوهرش می باشد و قدرت کشور را به دست خواهد گرفت. از سویی، لینگدی (Lingdi)، پسر ۱۲ ساله یی که در یک خانواده ی اشرافی متولد شده بود، به وسیله ی عده یی نامزد سلطنت شد و یک هزار نفر از خواجگان مامور شدند که وی را از شهر ژیدوتینگ (Jieduting) به لوایانگ (Loyang) پایتخت آورده و بر تخت بنشانند.

این مسافرت و نقل و انتقال مدت دو هفته و نیم طول کشید و ملکه وارث امپراتور در گذشته، که تعداد ۹ زن صیغه یی هم داشت، سعی کرد که قدرت سلطنت را قبضه کند. لیکن یکی از زنان صیغه ی پادشاه فقید، با مداخله ی دو نفر از خواجگان کشته شد. ملکه دوئو هم چنین پدر خود را به یکی از مقامات عالی رسانید و به او لقب دئووو (Dou Wu) داد. هنگامی که امپراتور جدید به پایتخت وارد شد، جهت احراز قدرت، وقایع تلخی روی داد. دوئووو در صدد قتل تمام خواجه ها بر آمد، خواجه ها هم در مقابل سعی کردند که دوئووو و خانواده ی او را بکشند.

پس از خونریزی های بسیار، لینگدی با پشتیبانی خواجه سرایان بر حریف فائق آمد. در این هنگام ملکه ی سابق را زندانی کردند و دوئووو به زندگانی خود برگشت.

مسیحیان را در شهر آرنا (Arena) به قتل می رسانند. (لیون (Lyons) (فرانسه، اوت ۱۷۷):

این چنین احساس می شود که تب ضد مسیحیت در این شهر فراگیر شده است. مردم شهر تحریک شده و در شور و هیجانی وحشیانه، خوی آدم خواری در ان ها بیدار شده و مسیحیان بی گناه و تسلیم شده را شلاق می زنند. موارد زیادی دیده شده که آدم های مست به جان مردم افتاده و این بیگناهان را با سنگ مجروح کرده اند.

دولت رم سرانجام این جریانات وحشیانه را احساس کرده و نظرش به سوی آن ها معطوف گردید. بیش از ۲۰ نفر از مسیحیان دستگیر شده ی شهروند رومی، در زندان تحت شکنجه و آزار قرار گرفته و در همان جا آن ها را گردن زده اند. تعداد دیگری از آن ها را در آمفی تئاتر (کلوزوم) در حالی که جیغ می کشیدند، پیش حیوانات درنده انداختند و این درندگان با غرش، آن ها را دریدند. زن جوانی را در همان جا به چوبه ی دار آویختند، لیکن جانوران وحشی کنجکاوانه آن

چین ۳۸۷

سلسله پادشاهی ویی(Wei) در شمال سرزمین چین به پایتختی پینگ چنگ (PingCheng) (داتونگ-Datong) تأ سیس شد. تا این زمان سرزمین جنگ زده چین همواره تحت سلطه سلسله های موقتی و کوتاه مدت چینی وغیرچینی به سرمی برد. اکنون مردم توبا(Toba) که نژاد اصلی آنها مغولی است، در سلسله پادشاهی استوار و مستقر در شمال چین، با ظرفیت و کارایی عظیم تأسیس شده است.

ایتالیا ۳۸۸

پس از دو جنگی که بین تئودوزیوس و ماگزیموس صورت گرفت، ماگزیموس تسلیم وبه قتل رسید.

ارمنستان ۳۹۰

تئودوزیوس و شاپور سوم ساسانی پیمان صلحی را امضا کردند که برطبق آن ارمنستان به دوقسمت تقسیم شدوهردوکشور بخشی از آن راتصاحب کردند.

میلان ۲۵ دسامبر ۳۹۰

آمبروز (Ambrose) اسقف شهر میلان به تئودوزیوس فشار آورد که از کشتار هزاران نفر از مردم تسالونیک (Thessalonica) در یونان توبه کند و از این کار اظهار شرم نماید.

ژاپن ۳۹۱

قوم یاماتو(Yamato) که همواره به سایر نقاط حمله می کردند، مناطق سیلا(Silla) و پیکچه(Paekche)را مورد تاخت و تاز قرار دادند و به سرعت به ناحیه کوکوری(Kokuri) پیش می روند.

ایتالیا ۳۹۲

والنسینیان دوم فاتح ایتالیا و ایلی ریکوم(Illyricum) به وسیله فرمانده فرانکی ارتش خود به نام آربوگاست(Arbogast) در روز ۱۵ مه کشته شد، وی که یک فیلسوف و سخندان بود، اکنون خود را امپراتور نامیده، و کوششی بیهوده در راه استقرار عقاید مشرکان انجام می دهد.

ایتالیا ۸ نوامبر ۳۹۲

تئودوزیوس قانونی وضع کرد که بر طبق آن تمام مراسم و آیین های شرک آلود در سراسر امپراتوری منع شده است.

یونان ۳۹۳

با اجرای قوانین تئودوزیوس برضد شرک و کفر، برای نخستین بار انجام بازیهای المپیک درهزاره اخیر مسکوت گذارده شد.

ایتالیا ۶ سپتامبر ۳۹۴

درنبردی که بین تئودوزیوس واوژنیوس غاصب به فرماندهی ژنرال آربوگاست (Arbogast) در گرفت، اوژنیوس(Eugenius) و فرمانده وی منهزم وکشته شدند. این نبرد درساحل رود فریژیدوس(Frigidus) انجام شد، حالیه تئودوزیوس تنها امپراتور روم است.

را تماشا کرده، لیکن به آن نزدیک نشدند، در ضمن از آن زن هم صدایی شنیده نشد و با کمال آرامی آن وضع را تحمل کرد. مردمان محلی اظهار می دارند، بسیاری از مسیحیان محبوس را در زندان خفه کرده اند و عده یی را را هم جلوی سگ های وحشی انداخته اند.

شهر مکزیکو بالغ بر صد هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است. (مکزیکو، ۱۸۰):

شهر عظیم تئوتیهوکیان (Teotihuacan) یا شهر خدایان که در ناحیه ی فلات مکزیک قرار گرفته، الان تمام دره ی تئوتیهوکان را در برگرفته است و اکنون این شهر بزرگ ترین شهر امریکایی می باشد. این شهر که در وسط گردنه ی خلیج مکزیک، در بین تقاطع شمال و جنوب آمریکا قرار دارد، پایتخت و مرکز بازرگانی امریکای شمالی و مرکزی است، هنوز هم اطلاعات کمی از نیاکان مردم تئوتیهوکان در دست است و از ریشه فرهنگ وزبان آن ها آگاهی درستی نداریم و این موضوع به مثابه ی یک رمز در آمده است.

هنگامی که در حدود دویست سال پیش، بنیانگذاران این شهر به این منطقه گام نهادند، بخش اعظم افراد بومی را اخراج کردند و موقعی که خیابان طویل سه کیلومتری را در مرکز شهر احداث کردند، در اطراف همین خیابان، ساختمان قصرها، هرم ها و معابدی آغاز شد که به زیبایی این معبد کمک کرد. هنگامی که وسعت شهر به بیش از ۳۰ کیلومتر مربع رسید، خیابان های دیگری احداث شد که مزین به اهرامی بزرگ تر و عظیم تر گردید واین اهرام سمبل مقدس دین تئوتیهوکان ها بود که مظهر آن مار مقدس بود و آنان تندیس مار بزرگی را آراسته و مورد ستایش قرار می دادند، در این زمان، به نظر می رسید که جمعیت شهر به یکصد هزار نفر رسیده است.

اکنون مجتمع های مسکونی در دورترین نقطه ی کامینالجویو (Kaminaljuyu) در گواتمالا (Guatemala) (کانون تمدن مایاها Maya) رسیده و در این شهر تاسیساتی احداث شده که صادرات منطقه را به تمام نقاط امریکا می رساند. این صادرات صرفاً تولیدات کشاورزی و صنعتی نیست، بلکه مردم این نواحی، فرهنگ و آداب و رسوم خود را هم به سایر مناطق امریکا گسترش می دهند.

گسترش فتوحات رم در سرزمین های جدید (پانونیا (Pannonia) (مجارستان)، ۱۷۹):

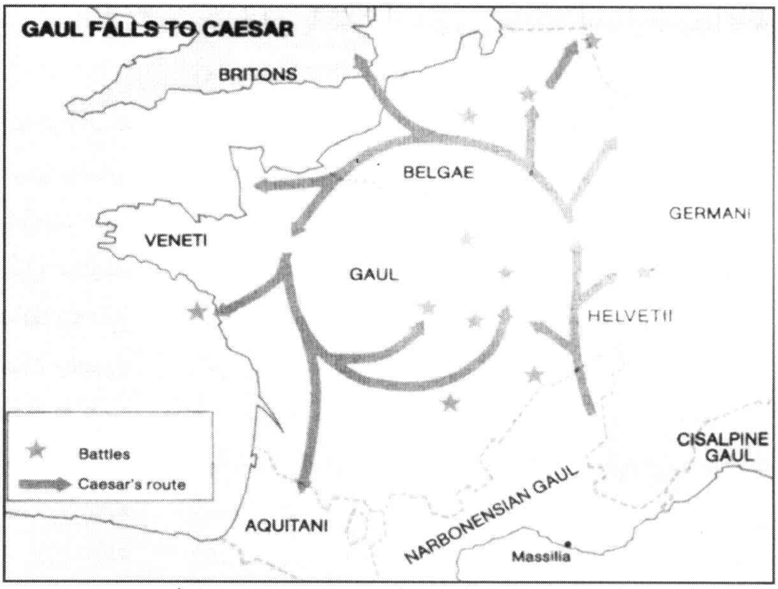
تاروتنیوس پاترنوس (Tarrutenius Paternus)، فرمانده ی گارد امپراتوری روم، منطقه ی آلمانی نشین مارکومانی (Marcomanni) واقع در ویندوبونا (Vindobona) در ساحل رود دانوب را فتح کرد. این پیروزی بر طبق نقشه یی بود که مدت ده سال در ذهن مارکوس اورلیوس بود و وی در نظر داشت که منطقه ی بوهم (Bohemia) و کارپات (Carpath) را به رم منضم کند تا مارکومانی و سارماتیا (Samatia) به عنوان ایالات رومی محسوب شود.

منطقه ی مارکومانی و ناحیه ی هم جوارش به نام کوآدی (Quadi) و سارماتی، همواره مورد هجوم قبایل گوت (Goths)، بورگوندی (Burgundi)، و وندال ها (Vandals) که در شرق اروپا سکونت داشتند، قرار داشت. آن ها در شرق سرزمین رم هم به تاخت و تاز می پرداختند. در سال ۱۶۹، مارکونی ها و کوآدی ها بر اثر ترس و واهمه از این قبایل، در دورترین دشت شمال اروپا ساکن شدند.

مارک اورل این دشت را به آنان فروخت، چون در نظر داشت با یاری رزمندگان آنان، به جنگ با آن قبایل بپردازد و بدین جهت قرارداد صلح پنج ساله با آن ها منعقد کرد، یعنی در حقیقت این مدت را برای آمادگی و تجهیز سپاه صرف کرد . لیکن در نظر داشت که قدرت رم را به همسایگان خود نشان دهد و اطراف مرزهای رم را با سپاهیان مجهز، تقویت کند.

تغییرات نوینی در روش خطاطی کنفوسیوس (Confucian) داده می شود. (چین، ۱۷۵):

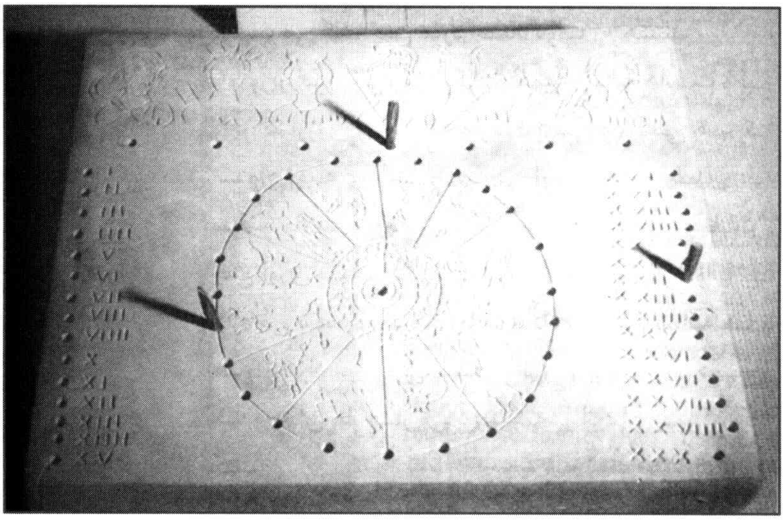
کایی یونگ (Cai Yong) یک خوشنویس مشهور چینی، با اجازه و امر امپراتور، در شش رکن اصلی خط کنفوسیوس، تغییراتی می دهد. کایی یونگ این عمل اصلاحی را خیلی آهسته و به طور خزنده انجام داد. وی با جمع کردن دانش پژوهان و حکاکان، بلافاصله شروع به اقدام کرد و عملی را که بسیار وحشت انگیز به نظر می رسید و کسی اقدام به آن نمی کرد، در سطحی وسیع به پایان رسانید و موجب تغییراتی در روش نوشتاری قدیمی شد.



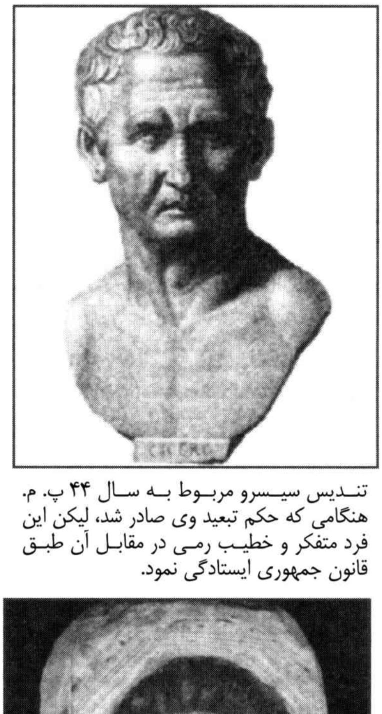
شکست ارتش گل به‌دست ژولیوس سزار (Julius Ceasar) و تصرف آن سرزمین.



ژولیوس سزار، مرد قضا و قدر.



تقویم رمی که در بالا و راست تاریخ روز و سمت چپ ماه را نشان می‌دهد.



تندیس سیسرو مربوط به سال ۴۴ پ. م. هنگامی که حکم تبعید وی صادر شد، لیکن این فرد متفکر و خطیب رمی در مقابل آن طبق قانون جمهوری ایستادگی نمود.



دختران یک خانواده‌ی ثروتمند در هنگام آموزش سی‌تارا که نوعی چنگ می‌باشد.



جسد مومیایی‌شده در استان هاورا ال‌فیوم (Hawra El Faiyam) در سرزمین مصر و هنگام فرمانروایی.

نویسنده یی که داستان خر طلایی را به رشته ی تحریر در آورد. (روم، ۱۷۵):

آپولیوس (Apuleius) داستان سرا، که در ایالت افریقایی روم، در ۵۰ سال پیش متولد شده بود و در نوشتن داستان های مبتذل ید طولایی داشت و دراین زمینه هم موفق بود، داستانی به اسم خر زرین نوشت. این، حکایت شخصی بود به نام لوسیوس (Lucius) که تصادفاً به خر تغییر ماهیت داد. در این سرگذشت، موضوعات جنسی، جادوگری، کمدی و کثافت و نجاست در هم ممزوج شده و به صورت نوشتاری بر جسته نمایانگر شده، در پایان داستان، زمانی که لوسیوس با الهه ایزیس پیمان می بندد، دوباره به هیبت انسانی بر می گردد.

شورش عمامه زردها، کشور چین را تکان داد. (چین، ۱۸۴):

قیام روستاییان به رهبری شانگ ژو (Zhang Jue) که یک جادوگر سرگردان بود، دولت امپراتوری چین را به هراس انداخت. سپاهیان پیرو زانگ ژو سیصد هزار مرد غیور و جنگجو بودند که به زرد عمامگان مشهور شدند، زیرا کلاه آن ها به رنگ زرد بود.

آنان قدرت خود را مدیون شفا و معالجه، یک نوع بیماری بودند که ایالت مرکزی چین را فرا گرفته بود و اینک آنان عقیده داشتند که نامیرا و جاوید خواهند بود.

این افراد زرد عمامه، از جنگ باک و هراس نداشتند و بدون ترس و واهمه، در نبرد شرکت می کردند و بر ضد دولت مرکزی به پیش می رفتند. آنان آن چنان مخالف امپراتور نبودند، لیکن بر ضد خواجه سرایان و عمال دولت قیام کردند، چون آن ها بدون ابا، به غارتگری مردم اطراف شهرها می پرداختند و ظالمانه با رعایا رفتار می کردند.

شورش هنگامی به اوج خود رسید که نماینده ی اعزامی آنان، توسط گروه خواجه سرایان به قتل رسید و این خواجگان درباری بودند که در حقیقت قدرت در دست آن ها بود و مخفیانه و تحت لوای حکومت، اعمال قدرت می کردند.

حال این زرد عمامگان یک ایالت خودمختار تشکیل داده و بین صلح و داوری، هم آهنگی ایجاد کرده اند.

سواران یا شوالیه های رومی، به اعمال شجاعانه و برجسته دست می زنند. (امپراتوری روم، ۱۹۲):

کلیدو فتح باب کارهای سواران جنگجو و با رشادت (شوالیه) باعث پیروزی امپراتوری رم می گردد که نقاط روشنی در اداره وتنظیم امور کشوری و لشگری دارند، به طوری که سناتورها، سواران را سلحشوران برجسته و حافظ منافع رم به شمار می آورند و به آنان لقب مردان کامل یا مردان بلند مرتبه داده اند.

شوالیه ها، تحت نظم و انتظام خاصی، در جمع آوری مالیات از کشاورزان شرکت می کنند و امپراتوران رم به علت وسعت کشور، به آن ها اجازه می دهند که حافظ نظم و قانون باشند و فرمان های حکومتی را به اقصی نقاط برسانند و حکومت هم این سواران سلحشور را به انجام این کارها ترغیب می کند، چون مورد اعتماد دولت رم هستند.

وزیر امور مالی، خود یکی از همین شوالیه هاست و نیز وزیر کشاورزی و تولید محصولات دامی و زراعی هم که مسئول تهیه ی ذرت و رساندن این ماده ی غذایی به سراسر ایالات می باشد، شوالیه است. هم چنین ارتباطات و جمع آوری مالیات های محلی در ایالات، زیر نظر شوالیه ها اداره می شود. امپراتوران زیرک و دانای رومی، شوالیه ها را حتی از افراد غیر رومی، مانند یونانیان و یهودیان انتخاب می کنندو به آن ها اختیار می دهند که در انجام امور شرکت کنند.

امپراتور، مشاور اعظم خود را از کار بر کنار کرد. (روم، ۱۸۹):

کلیندر (Cleadner) یک برده ی پیشین، که به عنوان مشاور و رابط، ارتقا یافته بود، بدون دادرسی، در حالی که امپراتور به سوی دیگر نگاه می کرد، گردن زده شد. کلیندر به اتهام کمبود و کسری تولید گندم، در حالی که امپراتور سعی در ازدیاد جمعیت داشت، کشته شد، در این حال، جمعیت تشنه به خون و سیری ناپذیر که دیدن عملیات سیرک ها و خونریزی و کشتار، انان را قانع می کرد، مشغول ازدحام بودند گفته می شد که امپراتور اخیراً توانسته بود بدون اسلحه و با دست خالی، پنج اسب آبی را بکشد.

امپراتور در نظر داشت که تعدادی از زنان مسیحی را که عقیده به میترا، یکی از خدایان رومی نداشتند، صیغه ی خود

کند و با مشورت با ژنـرال اولپیـوس مارسـلوس (Ulpius Marcellus)، این تصمیم را دفعتاً گرفت و این کار را هـم به تقلید از هوس بازی های هر کول انجـام داد. مارسـلوس توانسته بود، شورش اسکاتلندی ها را پس از ساختن دیواری که به امر آنتونی ساخته شده بود، سرکوب کنـد و ایـن تنهـا پیروزی امپراتور در زمان پادشاهی او بود. لـیکن امپراتـور بـا کـشتن وی، پاداشـی گـران بهـا بـه او داد و بـه امـر وی، مارسلوس را بدون درنگ به قتل رسانیدند. جابجایی و تغییـر پست ها در این زمان به سرعت انجام مـی شـد، اکلکتـوس (Eclectus) به سمت پیشکار و لائه توس (Laetus) بـه عنوان فرمانده ی گارد امپراتوری منـصوب شـدند. پـیش از کشته شدن کلیندر و مارسلوس هم، وی همه روزه راجع بـه زندگی و مرگ افراد، تصمیمات عاجلانه می گرفت.

امپراتـــور در آرنـــا (Arena) بـــه گلادیاتورهـــا می پیوندد. (کومودیانا (Commodiana)، ۱۸۹):

امپراتور رم که حالتی گریـزان از مرکـز دارد و اغلـب در شهرهای دیگر زندگی می کند، خود به تماشای بـازی هـای بی معنی و مسخره ی گلادیاتورها مـی رود و وقـت خـود را بیهوده تلف می کند.

پـسر مـارک اورل، خـود را در نقـش هرکـول، خـدای یونانیان، تصور می کند و نام خـود را هـم هرکـول رومـی و کومودیانا گذاشته و به عنوان خدای زورمداران معرفی کـرده است. وی میل دارد اغلب انسان هـا را دسـتگیر کـرده و بـه قتل برساند و هم چنین با حیوانات وحشی نبرد کنـد و وقـت خود را در این راه صرف کنـد و هـم چـون گلادیاتورهـا، بـا سایرین به پیکار برخیزد.

وی مـدت چهـارده روز را بـه تماشـای نبـرد مـردان در زنجیر، که مجبـور بودنـد بـرای زنـده مانـدن، هـم دیگـر را بکشند، وقت صرف کرد. در همـین راه، در مـسابقه ی ارابـه رانی که ارابه رانان با سرعت زیاد حرکت می کردنـد و جـان خود را در این مسابقات از دست می دادند، شرکت می کرد و هر کدام که کشته می شدند، جای خود را به فـرد تـازه مـی دادند و امپراتور از این کار لذت می برد.

تمام سناتورها را هم وادار می کرد که بـه تماشـای ایـن اعمال بیایند و اگر کسی در تماشای ایـن مـسابقات شـرکت نمی کـرد، جـانش در مخـاطره مـی افتـاد. در واقـع، اغلـب

میلان ۱۷ ژانویه ۳۹۵

تئودوزیوس در گذشت، وصحنه امپراتوری را برای دو پسر خود خالی کـرد. ایـن امپراتـوری بـرای نخـستین بـار تقـسیم شـد. آرکادیوس(Arcadius) ۱۸ ساله امپراتوری شرق را تصاحب کرد و هونوریوس (Honorius) ۱۰ ساله کنترل بخش غربی را در دست گرفت. این مـرز امپراتـوری از سـرزمین بالکـان تـا صـحرای لیبـی گسترده است.

میلان ۴ آوریل ۳۹۷

آمبروز اسقف، اشرافی و خداشناس میلان درگذشت. وی مدت بیست سال تسلط و نفوذ خود را به عنوان روحانی مـسیحی درجهـان غیـر دنیوی حفظ کرد.

ایران ۳۹۹

یزدگرد(Yezdgerd) پادشاه ساسانی صاحب تاج وتخت ایران شـد، وی روابط خوبی با مردم برقرار کرد وپیروان دین مسیح را در ایـران آزاد گذاشت وبرای آنها احترام قایل شد.

روم۳۹۹

فابیولا(Fabiola) نخستین زن جراح در روم درگذشت. او همچنین مشهورترین بیمارستان را برای تهی دستان در رم تأسیس کرد.
فعالیـت سـاختمان سـازی در شـهرهای مکزیکـی تئوتیهوکـان (Teotihuacan) به پیشرفتهای قابل ملاحظه یی رسیده و شـهر مکزیکو با ۲۵۰ هزار جمعیـت اکنـون ششمین شـهر جهـان اسـت. مجتمـع هـای مـسکونی وتجـاری درهـزار کیلـومتری خـارج از کامینالجویو (Kaminaljuyu) تأسیس شده. تئوتیهوکان همچنـین در گسترش فرهنگ و تمدن مایا درشـهرها واسـتانهایی همچـون تیکال(Tikal) وزاپوتک(Zapotec) پایتخت مـون آلبـان (Mont Alban) (کوه سفید) بسیار توسعه یافته است.

ایتالیا ۴۰۱

ویزیگوتها تحت رهبری آلاریک (Alaric) از بالکان به شمال ایتالیا یورش بردند.

ایتالیا ۴۰۲

فرار مردم از ترس ویزیگوتها در روم غربی دوباره آغـاز شـده، چـون ایتالیا در معرض تهدید است، نیروهای دفاع ملی از میلان تا منطقـه راونا(Ravenna) را حفاظت می کنند.

ورونا(Verona) ۴۰۲

ویزیگوتها در نبرد بـا ارتـش روم دچـار شکـست شـدند، فرمانـدهی نیـروی خـصم را ونـدال اسـتیلیکو(Vandal Stilicho) برعهـده داشت که با فعالیت حکومت امپراتوری روم غربی منهزم شـد. او بـا فشار نیروی نظامی از روم رانده شد.

قسطنطنیه ۴۰۴

پدر روحانی ژان کریسوستوم (John Chrysostom) ازقسطنطنیه تبعید شد.

شهروندان هم به خاطر این که به دستور امپراتور کشته نشوند، سعی داشتند که به فرمان او گوش بسپارند.

املاک و دارایی های ضبط شده ی افریقا، شکل جدیدی به خود می گیرد و افریقا مانند مستأجر در برابر قدرت رم می باشد و رم قدرت خود را به آنان تحمیل می کند. (سرزمین افریقایی روم، ۱۸۰):

یک بازوی قدرت رم که سرزمین افریقاست، وضع جدیدی در مقابل قدرت رم پیدا می کند. شهر تیزدروس (Thysdrus)، نزدیک ساحل مدیترانه، به مرکز تجارت روغن زیتون تبدیل شده و بزرگ ترین آمفی تئاتر افریقا به گنجایش پنجاه هزار تماشاچی، در آن بنا می شود.

وسیع ترین زمین زراعتی افریقا، به ناظر کل رم تعلق دارد که وی آن را تقسیم کرده و به عده یی اجاره داده است. بنا به امر هادریان، امپراتور روم، در این زمین ها انواع دانه های غذایی و زیتون کاشته شده و باغ های میوه احداث شده و هم چنین تاکستان ایجاد کرده اند و در بقیه ی زمین ها، گندم و جو کاشته اند که در این پنج سال اخیر، یک سوم محصولات به ناظر تعلق دارد.

مالکان یا ناظران اجازه داده اند که تنها در شش روز از سال، کارگرانی در برداشت محصول به اجاره داران کمک کنند و باقی مانده ی روزها، خودشان بایستی در مزارع کار کنند. گروهی از زارعان، دادخواستی به امپراتور کومودوس (Commodus) تسلیم کرده اند، مبنی بر این که ناظران و اربابان همواره آن ها را شکنجه می کنند و به انحاء گوناگون، مانند زنجیر کردن، زدن با چوب و عصا و چماق آن ها را کتک می زنند، چون آنان نمی توانند بیش از توان خود کار کنند و در تمام سال باید کارهای طاقت فرسا انجام دهند و اگر هم محصول به اندازه برداشت نشد، آنان را به غل و زنجیر می بندند، آن ها در عرض حال خود نوشته بودند، ما زارعان فقیری هستیم که بیش از این تاب و تحمل کار نداریم و دست هایمان قادر به برآورده کردن تمایلات اربابان و ناظران نیست، آن ها از امپراتوری تقاضا داشتند که در این مورد، اوامر لازم را صادر کند.

لوسیان (Lucian)، هنرپیشه ی آواره، در گذشت. (مصر، ۱۸۰):

لوسیان، شاعر رانده شده ی یونانی، هنرپیشه یی که در ادبیات یونانی سبک نوی را بنیان نهاده و در کارهای فکاهی بسیار تبحر داشت و در این زمینه، مشهور بود، بدورد حیات گفت.

در دیالوگ های او از مرگ و خدایان و موجودات اساطیری و امثال و حکایات هرزه و بیهوده و جاه طلبی مادر بحث می شود که به طور قابل توجهی تحریک آمیز است.

لوسین در ضمن مسافرت هایش، اشعار و گفته هایی را از بر می خواند. وی خدایان المپ (Olympus) و هادس (Hades) را به مسخره می گرفت و ان ها را باطل و پوچ می نامید و تمام آن ها زاییده ی خیال و بی اساس می پنداشت. وی نزدیک به ۶۰ مقاله و رساله تنظیم کرده بود.

امپراتور مردمی در بریتانیا در گذشت. (یورک (York)، ۴ فوریه ۲۱۱):

سپاهیان رومی پادگان شمال بریتانیا، در مرگ امپراتور عزادار شدند. سپتیمیوس سوروس (Septimius Severus) اولین فرمانروای رومی متولد در افریقا، پس از دو سال نبرد ناموفق با کالدونی ها و مبارزه با مرگ و تحمل بیماری، بدرود حیات گفت و در بستر مرگ، قبل از فوتش، پیامی به فرزندان خود بدین مضمون فرستاد: زندگانی در صلح لذت بخش است. سربازان را در وضع آبرومند نگاهدارید و دنیا را خوار بشمارید که این بهترین حالت است. هیچ یک از امپراتوران، اجرت ماهیانه ی سربازان را تا بدین اندازه (۳۷۵ تا ۵۰۰ دینار (Denarius)) بالا نبرد. این امپراتور دموکرات منش، سربازان را برای کسب معلومات نظامی به آموزشگاه می فرستاد و آنان پس از آموزش های نوین به درجات بالاتر ارتقا می یافتند. وی به سربازان اجازه می داد که در حین خدمت ازدواج کند واز این جهت، سپاهیان میل و رغبت بیش تری برای خدمت داشتند.

در فرامین وی، جنبه ی انسان دوستانه و احترام به شخصیت افراد رعایت می شد و نظم و انضباط در تمام سطوح، مورد نظر او بود، به همین جهت، در زمان امپراتوری وی، سپاهیان دارای شخصیت ذاتی بودند و مقام آن ها مورد احترام بود. در زمان سوروس، رم به یک قدرت بزرگ تبدیل شد و روحیه و قدرت ارتشش به بالاترین وجه رسید و وی این روش را تا آخر عمر حفظ کرد.

جالینوس یکی از طبیبان عالی مقام، طبعی شوخ داشت. (روم، ۱۹۹):

کلودیوس گالنوس (Claudius Galenus) یا گالن (Galen) (جالینوس)، پیشگام نوین پزشکی، در سن ۷۰ سالگی در گذشت. او در پرگاموم (Pergamum) متولد شده بود و پیش از این که در اسکندریه به تحصیل طب بپردازد، در پر گاموم جزو گلادیاتورها بود، وی در سی سال آخر عمر، به رم رفت و حسن شهرتش باعث شد که طبیب مخصوص مارک اورل شود. جالینوس به سقراط و افلاتون و ارسطو احترام می گذاشت و نخستین فردی بود که در تمام زمینه ها، جایگاه پزشک را ارتقا داد و به این علم هم مانند سایر علوم زمانه، شهرتی والا بخشید و آن را در ردیف سایر علوم قرار داد، وی فیزیولوژیستی برجسته بود و جریان خون را در شریان ها و وریدها به اثبات رساند. بر حسب عقیده ی او، بیماری ها روی مزاج ها اثرات مخلوطی بر جای می گذارند و آن ها را اخلاط نامید، او در بدن انسان به چهار مزاج معتقد بود که عبارتند از: خونی، بلغمی، تندی و وسواسی یا مالیخولیایی.

فرمانروای قاتل وضع مالیاتی را تغییر می دهد. (امپراتوری روم، ۲۱۲):

در این سال دو موضوع فراموش نشدنی روی داد، یکی این که، کاراکالا امپراتور ۲۳ ساله، برادر و معاون امپراتوری، به نام ژتا (Geta) را به قتل رسانید، و دیگر این که، فرمان داد که تمام افراد آزاد در همه ی ایالات امپراتوری، شهروند رومی محسوب شوند. کاراکالا (Caracalla) تازه از ناحیه ی یورک در بریتانیا، محلی که پدرشان سپتیمیوس سوروس در آنجا فوت شده بود، بر می گشت و ژتا برادر وی در آغوش مادر خود، ژولیا دومنا (Julia Domna) بود که کاراکالا وی را با خنجر به قتل رسانید. پس از کشته شدن ژتا، به سنا پیشنهاد کرد که او را به عنوان تنها امپراتور معرفی کند. وی افراد طبقه ی پایین اجتماع و فقرا و هم چنین شهروندان تازه را از دادن رای محروم کرد و آنان را به راحتی از دادن مالیات معاف شدند.

سربازان هم مانند همه ی مردان، مخفیانه به پرستش می پردازند. (روم، ۲۰۰):

ایتالیا ۲۳ اوت ۴۰۶

اقوام بربر از طوایف گونا گون به فرماندهی استیلیکو وتحت فرماندهی عالی پادشاه راداگی زوس (Radagaisus) روم را دستخوش غارت وتاراج قرار دادند، این غارتگری به کمک گروههای مزدور بربر در منطقه فیه سول (Fiesole) نزدیک فلورانس (Florence) صورت گرفت.

گل (فرانسه) ۳۱ دسامبر ۴۰۶

دسته هایی از قبایل وندال، آلان (Alans) ونیز سوئه وه (Sueves) به سرعت از قسمتهای سرد ویخ بسته رود راین عبور کردند و بدون رعایت قوانین مرزی، به سرزمین گل وارد و آنجا را غارت کردند.

گل (فرانسه) ۴۰۷

کنستانتین سوم غاصب که توسط هوادارانش به امپراتوری رسیده، پس از ترک منطقه بریتانی به نواحی آزاد شده گل که به وسیله اقوام بربر اشغال شده، وارد شد.

قسطنطنیه اول مه ۴۰۸

با مرگ آرکادیوس، سلطنت به پسر ۸ ساله وی به نام تئودوزیوس دوم رسید، وی تحت سرپرستی و حمایت آنتمیوس (Anthemius) فرمانده گارد جاویدان قرار گرفت که در حقیقت فرمانروایی امپراتوری را از سال ۴۰۵ به عهده داشت.

راونا ۲۳ اوت ۴۰۸

در هنگام امپراتوری هونوریوس که حالت اشرافی در روم برقرار بود، استی لیکو دستگیر و اعدام شد. نیروهای روم با فشار احمقانه نظامی خودبر مزدوران بربر، تمامی خانواده های آنانرا قتل عام کردند، و آنهایی که از دست جلادان خلاصی یافتند به ارتش آلاریک (Alaric) پیوستند.

گل (فرانسه) ۴۰۸

کنستانتین سوم از منطقه تریه (Trier) به سوی پایتخت گل، آرلس(Aries) شتافت تا اقتدار خود را در اسپانیا نشان دهد.

اسپانیا ۴۰۹

طوایف وندال (Vandals) آلان (Alans) و سوئه وس (Sueves) از گل به اسپانیا تاختند.

روم ۲۴ اوت ۴۱۰

ویزیگوتها تحت فرماندهی آلاریک، روم را تاراج کردند.

گل (فرانسه) ۴۱۱

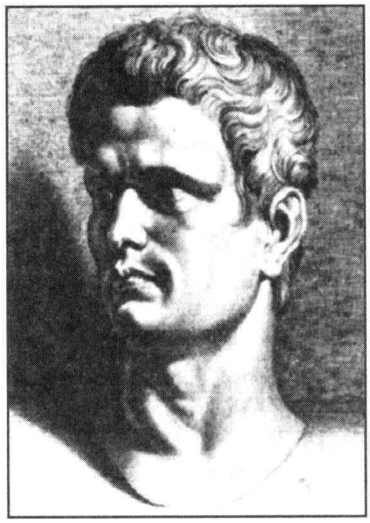
کنستانتین سوم غاصب که آرلس (Arles) را تحت محاصره داشت، سرانجام به وسیله نیروهای وفادار به امپراتور هونوریوس دستگیر شد.

سرزمین راین (Rhine) ۴۱۳

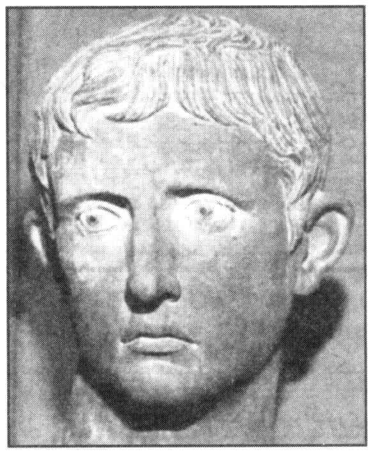
بورگاندیها(Burgundians) با پیمانی که با امپراتور روم منعقد کردند، از او مجوز سکونت در سرزمین قبلی امپراتوری واقع در اطراف راین را به دست آوردند.



با کشته‌شدن سزار در سنا، فرمانروایی او در آن‌جا به پایان رسید، سال ۲۰ پ. م.



مارکوس ژونیوس بروتوس قاتل
(Marcus Junius Brutus)



گایوس اوکتاویان (Gaius Octaian)، جانشین.



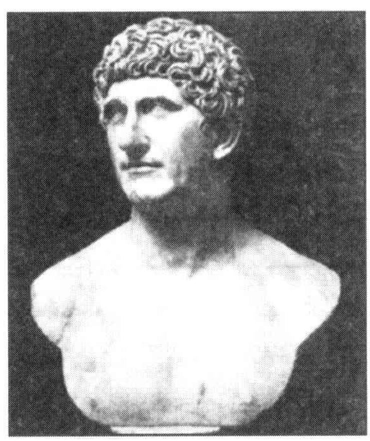
ساخت فاضلاب شهری برای بهداشت بهتر و جلوگیری از آلودگی در شهر هرکولانوم در جنوب ناپل.



نقاشی دیوار از یک سیاح و متفکر فقیر.



ژولیوس سزار، قربانی توطئه.



مارکوس آنتونیوس (Marcus Antonius) توطئه‌گر.



منظره یک روستا که الهام‌بخش ویرژیل (Virgil) شاعر رمی در سروده‌های اوست. (حدود سال ۱۵ میلادی)

قسطنطنیه ۴۱۳

آنتمیوس (Anthemius) فرمانده گارد جاویدان دیوار عظیمی در اطراف شهر بنا کرد وآن را دیوار تئودوزیان (Theodosian) نامید.

چین ۴۱۳

مترجم بزرگ کوچانی (Kuchean) به نام کوماراجیوا (Kumarajiva) در گذشت. موضوع هایی که بوسیله او از مکتب بودایی ترجمه شده، درحد بسیار عالی قرار دار، در زبان چینی، مطالب فلسفی به خوبی قابل فهم می باشد.

گل اول ژانویه ۴۱۴

آتولف آلاریک (Athaulf Alaric) جانشین پادشاه ویزیگوتها در شهر ناربونه (Narbonne) باگالاپلاسیدیا (Galla placidia)، خواهر امپراتور هونوریوس ازدواج کرد، وی تا سال ۴۱۰ در جریان غارت شهر روم به گروگان گرفته شده بود. آتولف در سال ۴۱۲ رهبری ویزیگوتها را در یورش به گل و تصرف بخش جنوب غربی کشور، عهده دار بود.

قسطنطنیه ۴۱۴

خواهر تئودوزیوس دوم به نام پولچریا (Pulcheria) که تنها ۱۵ سال داشت، فرمانروایی روم شرقی را عهده دار شد، زیرا تئودوزیوس از نظر مغزی دچار عقب ماندگی بود.

اسکندریه ۴۱۵

ریاضیدان و فیلسوف یونانی به نام هیپاتیا (Hypatia) که رهبری روشنفکران اسکندریه را عهده دار بود، توسط گروهی از مسیحیان زیلوت (Zealots)، به دستور و انگیزش پدر روحانی سیریل (Cyril) با زجر و شکنجه کشته شد. مرگ هیپاتیا که دانشمند استدلالی ومقتدری بود بر اثر دسیسه یک زن که وی را منکر اصول دین مسیح و مرتد معرفی کرده بود صورت گرفت.

هند ۴۲۰

کتاب شاهکار ادب هند به نام زنگهای ساکونتولا (Sakuntula) به وسیله کالیداسا (Kalidasa) منتشر شد. این درام که در جهت توضیح بلند همتی متدینان برهمایی و تعریف و توصیف عقاید آنان به تصویر آمده، تحسین همگان را بر انگیخته و بی مانند توصیف شده است.

چین ۴۲۰

حکومت شرقی کین(Qin) (چین) به وسیله ژنرال لیویو (Liu-Yu) منقرض وخود وی با نام لیوسانگ (Liu Song) به امپراتوری رسید. وی در یکی از خانواده های فقیر متولد شد وتمام قدرت خود را مدیون دوره زندگی نظامی و خدمت در آن بوده است. در ۱۴ سال پیش پایتخت پیشین لویانگ (Loyang) در چین شمالی به طور موقت به وسیله اقوام خارجی وغیر چینی به تصرف در آمد.

ژاپن ۴۲۱

امپراتور نین توکو (Nintoku) در گذشت وجسد اورا در بلندترین خاکریزی که بشر تاکنون به یاد دارد دفن کردند.

همه روزه به تعداد افرادی متنفذ رومی که میترا (Mithras) را پرستش می کنند، اضافه می گردد. میترا خدای نور و روشنایی ایرانیان است، آنان مصرانه درخواست می کنند پیش از آن که سایرین از این امر آگاه شوند، به انجام آئین بپردازند. برای آشنایی با این آئین هر فرد بایستی سوگند یاد کند که اسرار را فاش نکند و از گسترش آن به سایرین بپرهیزد و حتی المقدور سعی کند مراسم پرستش را پنهانی انجام دهد. با این وصف، تعداد افراد سپاهی که به این آئین می گروند، در حال افزایش است و هم چنین کاسب ها و شاغلان آزاد هم مشتاق به گرایش به این مذهب هستند. در منطقه ی بندر بازرگانی اوستیا (Ostia) تعداد ۱۵ معبد زیرزمینی برای اهداء به میترا ساخته شده است. پرستش کنندگان میترا معتقدند که اعمال آن ها در زندگی این دنیا و دنیای پس از مرگ، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت، به علاوه، تاکید می شود که این مراسم ویژه ی مردان است و فرد را به راه پرهیزکاری هدایت خواهد کرد.

هم چنان که ذکر شد، آشنا شدن با مراسم در گرو حفظ اسرار و پنهان ماندن آن است و قبل از آئین های هفتگانه‌ی پرستش، فرد بایستی به پرهیز و امساک از خوردن بپردازد و این مرحله پیش از انجام مراسم بایستی انجام شود. مراسم ستایش میترا عبارتند از این که، فرد مومن بایستی تجدید پیمان کند و در عین حال لخت شده و در اطراف چاه آب طواف کرده و چشمان خود را بسته و دست هایش جلوی سر قرار گرفته باشد، بدین معنی که فرد چشم بسته به اطراف و جوانب توجه ندارد و روح وی معطوف به خدای میترا می‌باشد.

بنیادگرایان بودائی معتقدند که زندگی رویایی بیش نیست. (هندوستان، ۲۰۰):

فیلسوفان بودایی و راهبان ناگارژونا (Nagarjuna)، طریقه ی نوینی برای نیل به نیروانا و دنیای ادراک و روشنی پیشنهاد کرده اند. روحانیون در دانیاکاتاکا (Dhanyakataka) با روش ماهایانا(Mahayana) یا طریقه ی اعتدال که در سراسر هند جنوبی گسترش یافته است، به این مهم دست یافته اند. در حقیقت ریشه ی این امر را باید از یکی از برهمنان (Brahman) هندو که دین

خود را به بودایی تغییر داد، در ۵۰ سال پیش به وسیله ی تعلیماتی که یکی از راهبان زمان کانیشکا (Kanishka) امپراتور کوشانی (Kushan) به وی آموخته بود، توانست تغییر روش داده و به این حقیقت دست یابد. اکنون این شخص در دستگاه دولتی گائوتامی پوترا ساتارکارنی (Gautamiputra Satakarni) پادشاه ساتاواهانا (Satavahana) به سمت مشاور دینی منصوب شده و عقاید خود را در شاهزاده نشین جنوب هند گسترش داده است. پاره یی از عقاید او، در کتاب پراجنا پارامیتا سوترا (Prajna Paramita Sutra) آمده که می گوید: عقل بشری همواره در تکوین است و حالت ترحم و جوانمردی در نهاد افراد بشری به ودیعه گزارده شده و افراد غیرروحانی هم مانند روحانیون و راهبان بودایی به خوبی می توانند به این مقام رسیده و به سرچشمه ی هدایت فیاض و منبع نور و روشنی نایل شوند، که در همان اوانی که بودا در حال انتشار افکار و عقاید خود بود، این موضوع را می شد درک کرد.

سایر عقاید بودائیان که برخی از راهبان به بودای بزرگ نسبت می دهند، از قبیل خلق کردن خدای واهی و بت سازی، جایی در دین بودایی ندارد و ساخته و پرداخته ی ذهن آنان است و این چنین باورهایی پوچ و بی معنی است و باعث فریب و اغفال پیروان بودا خواهد بود، مانند خواب و رویا، اصل و منشایی ندارد و افراد گمراه این تصورات و مفاهیم را به وجود آورده اند که ناشی از بدفهمی و درک نادرست آنان می باشد.

شیران، اقبال و شانس را می ربایند. (ایتالیا، ۲۰۶):

خوشبختی و خوش اقبالی که به وسیله ی نظر قربانی (مجموعه ی اوراد و دعاهایی که به طور معمول در روی کاغذ یا پارچه ی کوچکی با خطوط غیر قابل فهم نوشته می شد و آن را در جلد چرمی یا فلزی نهاده و به گردن می آویختند را نظر قربانی می گفتند) تامین می شد، سرانجام رخت بربست.

در میدان کارزار، شیران آن را ربودند، پس از مدتی که سایه ی ترس و وحشت در شهرها و روستاهای ایتالیا بر مردم افکنده شده بود، بالاخره به وسیله ی دوست یکی از زنان راهزن فاش شد. بدین ترتیب که ۶۰۰ نفر از راهزنان کار کشته و جنگ دیده در شمال ایتالیا مردم را به رعب و هراس دچار ساخته بودند.

در همان حال که ماموران ایالتی و فرمانداران محلی در لباس ارغوانی در ملأ عام ظاهر می شوند، راهزنان هم ملبس به همان لباس ها و نشان ها که شبیه نظر قربانی به گردن آویخته بودند، به سیر و گردش در محله ها پرداخته و هر چیزی را که مایل بودند، می ربودند و اموال عمومی را به یغما می بردند و هرگز آنچه که باید دیده می شد، عیان نبود و نمی شد آنان را دستگیر کرد، چون در لباس رسمی بودند و نمی شد آن ها را بازشناخت و گفته می شد مثل سایه، گریز پا هستند.

ترتولیان (Tertullian) به دفاع از دین مسیح می‌پردازد. (کارتاژ (Carthage)، ۱۹۷):

یک قانون دان که فرزند فرمانده ی صد نفر سپاهی بود، با جرأت و جسارت بی سابقه، در کتابی که منتشر کرد، سخت به دفاع از مسیحیت پرداخته است. ترتولیان که دشمن سرسخت کفر و الحاد بود، در سال ۱۹۵ دین خود را تغییر داد، وی با استدلال و برهان از مسیحیت دفاع می کند و نشان می دهد که به هیچ وجه طرفدار بی خدایی و جادوگری و سحر و افسون سیاهان نیست و از این امور نفرت دارد، چون این روشی است که کاملاً بر خلاف عقیده‌ی مسیحیت و این چنین عقاید ضدیت کامل با مذهب روحانی مسیح دارد و دین مسیح در خور احترام است. او می‌گوید، رومیان با غیر عادلانه ترین وجه به مسیحیت می‌تازند، مسیحیان مانند شهروندان معمولی قابل ستایش و احترامند. آن ها که کشته می شوند، شهید محسوب می‌شوند و در نتیجه حداکثر ارزش را باید برای آنان قائل بود و آنانی هم که در قید حیات هستند، شایسته ی احترام و حرمت هستند.

کاراکالای تشنه به خون، با خنجر به دیار عدم فرستاده شد. (میان رودان، ۲۱۷):

در اول صبح امروز، کاراکالای خون آشام، با خنجر یکی از سپاهیان، به ملاقات مرگ رفت. وی در حالی که

روم سپتامبر ۴۲۱

کنستانسیوس سوم درست به فاصله چند ماهی که در امپراتوری غربی باهونوریوس انباز شده بود، در گذشت. او به فرماندهی عالی ارتش غرب در سال ۴۱۱به وسیله هونوریوس انتخاب شده و با گالاپلاسیدیا خواهر هونوریوس در سال ۴۱۷ ازدواج کرد.

ایران ۴۲۲

پس از دوسال جنگ که بر اثر اذیت و آزار مسیحیان به وسیله ایرانیان بر پا شده بود، تئودوزیوس دوم امپراتور روم شرقی با بهرام ساسانی (Varahran)پادشاه ایران طی پیمانی تعهد کردند که به هر صورت از درگیری وجنگ بپرهیزند و پیمان صلح را به مدت یکصد سال رعایت کنند.

قسطنطنیه ۴۲۲

تئودوزیوس امپراتور روم شرقی، موافقت کرد که در ازای پرداخت باج سالیانه به هونها از حمله آنها در امان بماند و در حقیقت صلح را با پول خریداری کرد.

قسطنطنیه ۲۷ فوریه ۴۲۵

بر اثر تشویق اودوکسیا (Eudoxia) همسر تئودوزیوس یک دانشگاه برای تحصیل علاقمندان در قسطنطنیه پایتخت روم شرقی تأسیس شد، که در آن تعداد زیادی از استادان دانشهای گوناگون به تدریس خواهند پرداخت. این دانشگاه منحصرا در قسطنطنیه تأسیس شده وجهت پیشرفت علوم بسیار ارزشمند است.

ایتالیا ۲۳ اکتبر ۴۲۵

پس از مرگ تئودوزیوس دوم چند مدعی سلطنت پیدا شد. یکی به نام ژان که کنترل امپراتوری شرق را به دست گرفت، لیکن پس از مرگ هونوریوس شکست خورد، دیگری والن سینیان (Valentinian) سوم پسر کوچک کنستانسیوم و گالا پلاسیدیا (Galla Placidia) که پس از مرگ تئودوزیوس دوم با عنوان فاتح مدعی سلطنت بودو چون سن وی کم بود، مادرش زمام امور کشور را عهده دار شد.

قسطنطنیه ۴۲۸

نستوریوس (Nestorius) پدر روحانی شهر قسطنطنیه نظریه یی را به مردم القا و ابراز می کرد که بر طبق آن عیسی مسیح موجودی بین خدا و انسان طبیعی بوده است. نستوریونیسم بلافاصله پس از انتشار به وسیله پاپ سلستین(Celestine) و سیریل پدر روحانی اسکندریه محکوم شد و آنرا بدعتی در مسیحیت دانستند.

شمال آفریقا مه ۴۲۹

وندالها به رهبری پادشاه قیصریه از سواحل اسپانیا به طور مستقیم از طریق جبل الطارق به افریقا رسیدند، گفته شد که تعداد آنها به ۸۰ هزار نفر بالغ می شده است.

ایتالیا ۴۲۹

آتیوس (Aetius) که به یاری مزدوران قبایل هون، ویزیگوتها و فرانک ها را شکست داده ومرز امپراتوری را به کرانه رود راین رسانیده بود، به عنوان فرمانده ارتش روم منصوب شد.

فرماندهی قشون رم را بر ضد قیام ایرانیان اشکانی بر عهده داشت، در نزدیک آربلا (Arbela) (اربیل (Erbil)) شمال کشور عراق کنونی، به قتل رسید. او در حالی که به معبد ماه نزدیک می شد، لحظه یی از گارد محافظ خود جدا شد. در همان دم، یکی از فرماندهان صد نفری به نام مارتیال (Martialis)، صف محافظان او را شکافت و به سرعت با خنجر ضربات چندی بر پشت وی وارد کرد، ضارب بلافاصله روی اسب خود پرید و از صحنه فرار کرد، لیکن او را تعقیب کرده و با شمشیر کشتند. به طوری که گفته می شد، در چند روز پیش، برادر مارتیال به دستور امپراتور به قتل رسیده بود و کشتن برادرش، وی را واداشت که امپراتور را به دیار عدم بفرستد. برادر مارتیال هم به گمان خیانت، به وسیله ی یکی از کارکنان قصر امپراتوری به نام ماکرینوس (Macrinus) کشته شد.

کاراکالا مدت ۱۹ سال با جور و ظلم حکومت کرد و با قتل عده یی از سناتورها، محیطی پر التهاب و ترس در سنا به وجود آورد و سپاهیان او در مردم ایجاد رعب و هراس می کردند. وی به قدری سنگ دل و بی رحم بود که برادر خود ژتا در حالی که در آغوش مادرش بود، با خنجر حلقومش را برید و به مادرش ژولیا امر کرد که گریه و زاری نکند و ظاهر خود را همواره شاد و مسرور نشان دهد، چون در غیر این صورت، او را هم خواهد کشت.

جاه طلبی کاراکالا به حدی بود که خود را در جایگاه اسکندر مقدونی می انگاشت و میل داشت بر اشکانیان پیروز شود. وی همیشه سپاهیان را در حال آماده باش نگه می داشت و مشقات و سختی ها را بر آنان تحمیل می کرد و این وضعیت تا هنگام مرگ او ادامه داشت.

قاتل معدوم شد و سلسله ی پادشاهی زنان تاسیس شد. (روم، ۲۳۵):

ژولیا مامئا (Julia Mamea) قاتل، با فریب دادن سربازان رومی، توانست یک سلسله ی پادشاهی فراموش نشدنی از چهار زن تشکیل دهد، یعنی دو خواهر و دخترهای آنان، قدرت امپراتوری رم را در دست گرفتند. ژولیا مامئا، مادر الکساندر سوروس (Alexander Severus) ۱۶ ساله بود، و سمت نایب السلطنه ی وی را داشت و در سال ۲۳۲

از سپاهیان اشکانی آن چنان شکستی خورد که ارتش رم هرگز آن را فراموش نخواهد کرد.

مادر ژولیا، به نام ژولیا موزا (Julia Maesa)، دختر کنسول سوریه و یکی از اشخاص با نفوذ درباری بود که در سال ۲۱۸، الاگابالوس (Elagabalus) را امپراتور رم معرفی کرد و خودش به عنوان مشاور وی بود. خواهر او به نام ژولیا سویمیوس (Julia Soaemius) به امر الاگابالوس در سال ۲۲۲ به علت عشوه گری و عشق بازی با فرمانده ی گارد ناظر، به قتل رسید.

عمه ی او، ژولیا دومنا (Julia Domna)، مادر کاراکالا، پس از آگاهی از کشته شدن وی در سال ۲۱۷، در انطاکیه ی (Antioch) سوریه بدرود حیات گفت. این چنین شهرت پیدا کرده بود که ژولیا دومنا بر اثر گرسنگی درگذشته است.

سیاست دانش پرورانه ی ژولیا دومنا، بهترین یادگاری است که از وی به جا مانده، وی زنی باهوش و ذکاوت تربیت شده بود که مشوق دانش پژوهان، هنرمندان وحقوق دانان زمان خود بود و افرادی که مورد محبت و احترام وی بودند، عبارتند از، فلاسفه ی یونانی هم چون دیوژن (Diogenes) (دیوجانوس)، لیرسیوس (Laertius)، فلاویوس فیلوستراتس (Flavius Philostratus) و آتنیوس (Athenaeus) و پزشک یونانی عالی قدر جالینوس (Galen).

امپراتور هان با فشار سپاهیان تسلیم شد. (چین، ۲۲۰):

امپراتور هان زیندی (Han Xiendi) در زیر فشار نظامیان تسلیم شد و با تسلیم شدن وی امپراتوری ۴۰۰ ساله ی چینی هان به پایان رسید. از عواملی که باعث سقوط فوری و از بین رفتن قدرت آنان شد، یکی شورش های مداوم رعایای چینی و هرج و مرج دستگاه سلطنتی به وسیله ی خواجه سرایان درباری بود. از دیگر عوامل، قدرت های زیرزمینی و مخفی بود که آخرین امپراتوران قادر به حل آن نبودند و آن بی نظمی و تشتت در امور مالی و سیاسی کشور بود، که سبب سقوط قدرت آنان شد.

از دیگر عوامل، قدرت فرمانداران ایالات بر ضد امپراتور و ایجاد جنگ بین آنان و نواحی شهرهای اطراف و ناامنی و روابط نامشروع در دربار سلطنتی بود. این عوامل کشور را به اغتشاش و آشوب کشانید که سه نفر از فرماندهان ارشد نظامی می باید کشور را از این مخاطرات رهایی بخشند، در حالی که در این اواخر، بین آنان هم برای رسیدن به قدرت، جنگ و ستیز در گرفته بود.

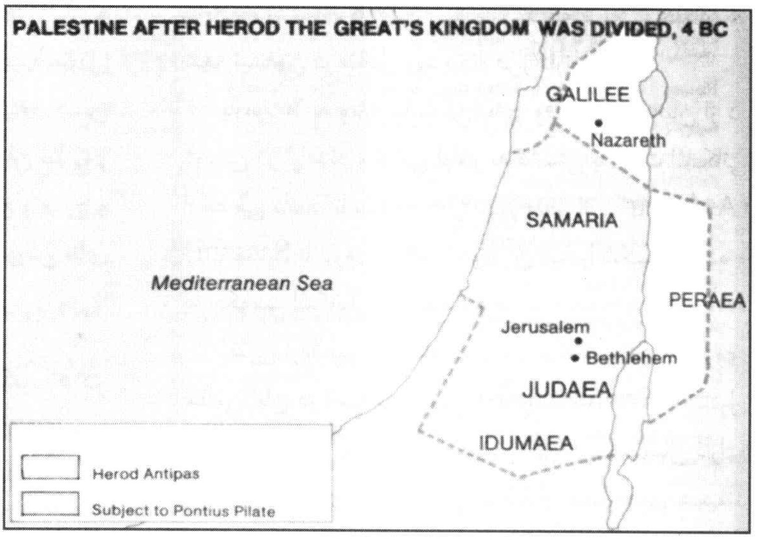
امپراتور خود دست نشانده ی گروه ژنرال ها، مثل کائوکائو(Cao Cao) و پسرش، کائو پی (Cao Pi) بود که خود طالب سلطنت بودند. در حالی که امپراتور تنها ویی (Wei) سومین ایالت شمالی چین را در اختیار داشت.

دو ایالت دیگر، شوهان (Shu-han) در جنوب و غرب و ایالت وو (Wu) در جنوب شرقی کاملاً از اختیار امپراتور خارج و در دست ژنرال های رقیب امپراتور هان بود، به طوری که گفته می شد که چین وارد زمان ملوک الطوایفی سان کوئو (San Kuo) شده و در حقیقت کشور به سه قسمت تقسیم شده است.

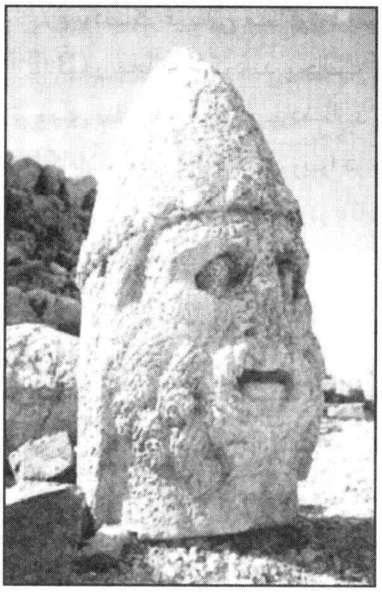
ماکزیمینوس (Maximimius)، دچار شکست شد. (روم، ۲۳۸):

در این یک سال، انقلابیون و ضد انقلابی ها که نیروهای وفادار به مدعی امپراتوری ماکزیمینوس ۱۲ ساله آن را برپا کردند، دچار شکست شدند. ماکزیمینوس، فرزند دهقان زاده یی اهل تراس (Thracian) بود که به صف شوالیه های رم در آمده بود، در سه سال پیش، وی در شهر ماینز (Mainz) حلقوم فرمانده و امپراتور الکساندر سوروس (Alexander Severus) را برید. سوروس که حکم سرپرست و نامادری وی را عهده داشت، بیست و هفت ساله بود و مادرش هم از غصه ی او مرد.

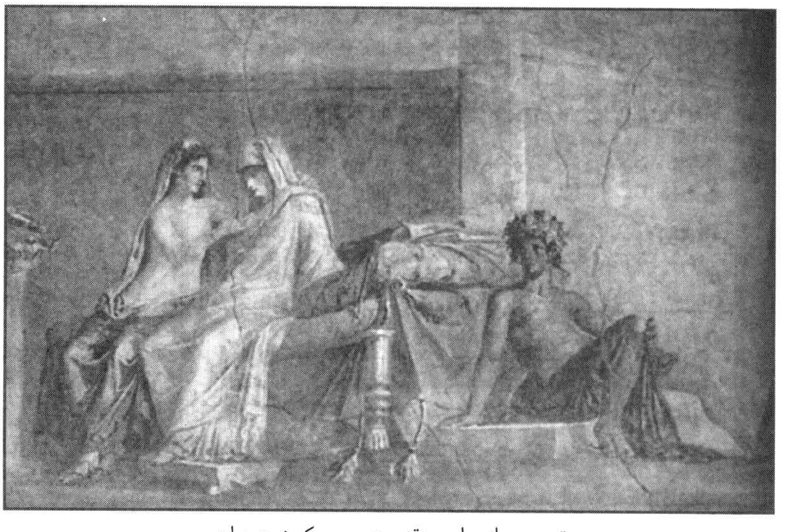
ماکزیمینوس، نیاز به یک سپاه و نیروی نظامی فعال و پر حرارت داشت، در نتیجه مالیات بر طبقه ی ثروتمند و صاحبان زمین را افزایش داد و به ویژه، به گوردیان (Gordian)، فرماندار ایالت رومی شمال افریقا، که در ضمن مخالف وی و در سن هشتاد سالگی بود، فشار آورد و او و پسرش را به وسیله ی نیروهای تراسی هودارش به دیار عدم فرستاد. سنای رم در پاسخ به این امر و درخواست مردم، نوه ی گوردیان را به سمت سزار (قیصر) برگزید. در مدت چهار ماه جنگ های بین شهری که در ایتالیا برپا بود، سپاهیان اشکانی که در خدمت ماکزیمینوس بودند، وی را



نقشه‌ی سرزمین فلسطین که پس از امپراتوری هرود (Herod the Great) کبیر تقسیم شده است.



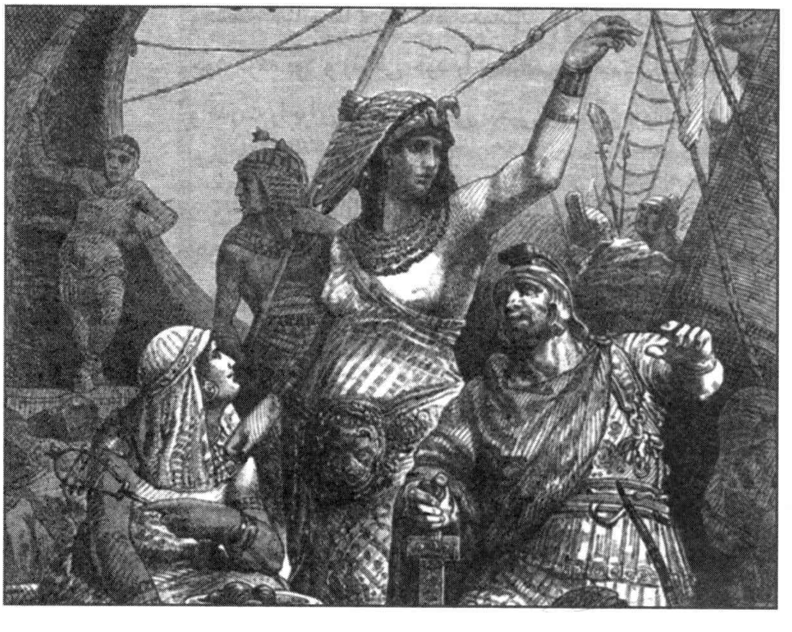
تندیس سر آنتیوخ به‌عنوان خدا که در معبد او در سرزمین کوماژن (Commagene) پیدا شده است.



تصویری از مراسم عقد و عروسی یک زوج جوان.



منظره‌ی قصری در شهر پترا (Petra) که در شکم کوه و با سنگ بنا شده است.



کلئوپاترا (Cleopatra) ملکه‌ی افسونگر و زیرک مصری که فرماندهی ناوگان دریایی مصر را برعهده داشت، به مجرد شکست آنیتوک، با ناویان خود از صحنه گریخت. (تصویر قرن ۱۹ میلادی)

دستگیر کردند و نیز دو نفر نایب السلطنه که از محافظان و ناظران رم بودند، غیابی ماکزیمینوس و بالبینوس (Balbinus) را محاکمه کردند و جالب آن که، بخش اعظم نیروهای نظامی دست نخورده ماند و آنان نظم و انضباط را کاملاً رعایت می کردند، زیرا در هرج و مرج و تشنجات داخلی شرکت نمی کردند و در مقابل شورش های کشور مقاومت کردند.

پاپ اجازه داد که مرتکبان گناهان کبیره در مراسم عشای ربانی شرکت کنند. (روم، ۲۲۲):

دشمنان درنده خوی پاپ کالیستوس (Callistus) در مقابل شخصیت وی از پا درآمدند. سر دسته ی راهبان خداشناس، هیپولیتوس (Hippolytus) بود. وی پاپ را متهم کرد که چگونه به زناکاران و فاجران اجازه می دهد که تغییر ماهیت داده و در مراسم عشای ربانی شرکت نمایند. پاپ پیش از این، یک برده بود که با پرداخت پول، آزادی خود را از اربابش خریده بود و در سابق، در بخش کم عمق دریا به شغل ماهیگیری اشتغال داشت، پس از آزادی، به رم بازگشت و در ساحل مارسیا (Marcia) به شغل سابق پرداخت و به عنوان ندیم امپراتور کومودوس (Commodus) انتخاب شد. او اولین گورستان مسیحی را در جاده ی آپیان (Appian) بر پا کرد و در سال ۲۱۷ به مقام پاپی رسید.

سلسله ی باستانی سقوط کرد. (ایران، ۲۲۶):

دولت اشکانیان که متجاوز از چهارصد سال بر سرزمین ایران حکمفرمایی می کرد، سقوط کرد. اشکانیان پس از سال ها جنگ با دولت رم که یک بار هم پایتخت آنان در تیسپون (Ctesiphon) در سال ۱۹۷ به وسیله ی سپتیمیوس سوروس (Septimius Severus) فتح شد، سرانجام به وسیله ی اردشیر ساسانی دچار شکست شده و از بین رفتند.

اشگ نخستین، در سال ۲۵۰ پ.م به پادشاهی پارت رسید اولاد و جانشینان وی در مدت کوتاهی ایران را به قدرت درجه ی دوم، پس از روم، ارتقاء دادند. آنان سلوکی ها را از سرزمین ایران راندند و وسعت کشور را تا هندوستان به پیش بردند. پادشاهان اشکانی از اقوام چادرنشین شرق دریای خزر بودند و تا آنجا پیش رفتند که پایتخت خود را در شهر تیسفون در ساحل رود دجله قرار دارند.

پارس ها به ویژه ساسانیان، هیچ وقت با اشکانیان از در دوستی در نیامدند و تا این اواخر به دشمنی با دولت اشکانی ادامه می دادند، تا سرانجام اردشیر ساسانی (Ardashir Sassani) با نیروی نظامی خود، آن ها را شکست داده و به حکومت اشکانیان خاتمه داد.

اکنون اردشیر اول ساسانی، با شکست دادن نیروی نظامی آنان در استخر پارس (Hormizdagan) کنترل تمام سرزمین ایران را به دست آورده. ساسانیان دارای سپاهیان سواره ی روئین تن و تیراندازان بسیار قوی هستند و با این نیرو توانستند قوای اشکانیان را شکست داده و اردوان (Artabanus) پادشاه اشکانی را از پای در آورند.

سپاهیان روم، امپراتور عیاش را کشتند. (روم، ۲۷ ژوئن ۲۲۱):

یکی از اعضای گارد محافظ امپراتوری، دیروز امپراتور مستبد و عیاش را که تازه از خواب برخاسته بود؛ در سن ۱۹ سالگی به قتل رسانید. بازجویان بر این عقیده هستند که قاتل به وسیله الاگابالوس تهدید شده و در ضمن عمه ماممئای مادر الکساندر سوروس، به وی رشوه داده بود که الکساندر جانشین وی خواهد بود، دیروز هم سوروس خود را امپراتور رم معرفی کرد. در این چهار سال که الاگابالوس (Elagabalus) در راس قدرت قرار داشت، با ایجاد ترس و وحشت، سناتورها و دستگاه حکومتی را وادر به قبول اعمال خود کرده بود و زندگی خود را با عیاشی و مستی آمیخته بود و قدرت را برای پیشبرد اعمال ننگین خود می خواست و به همه دشنام و ناسزا می گفت.

با مرگ الاگابالوس، مردم از پرستش وی که خود را بالاترین خدا می دانست و نیز ستایش خدای خورشید شرق که الگابال (Elgabal) نام داشت و از نام الاگابالوس اقتباس شده بود، رها شدند.

او وسواس عجیبی داشت که همیشه ردای سرخ بپوشد، به علاوه اصرار داشت که راهبان باکره ازدواج کنند، در حالی که اینان عهده کرده بودند که تا آخر عمر دوشیزه باقی بمانند و عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند و فشاری که امپراتور بر آن ها وارد می کرد، غیر مردمی و بسیار ناپسند

شمال افریقا ۲۸ اوت ۴۳۰

آگوستین (Augustine) اسقف شهر هیپو (Hippo) در حالیکه شهر در محاصره وندالها بود، بدرود حیات گفت.

ایران ۴۳۰

هونهای هفتالیت(Hephtalite) که در سراسر آسیای مرکزی پراکنده شده بودند به ایران یورش بردند.

روم ۴۳۱

پاپ سلستین، شماس (اسقف) پالادیوس (Palladius) را برای اداره کلیساهای ایرلند، به آن دیار فرستاد.

آسیای صغیر ژوئن ۴۳۱

سومین مجمع جهانی کلیساها در شهر افه سوس (Ephesus) تشکیل شد وجملگی به اتفاق آرا عقاید نستوری را بدعتی در دین مسیح قلمداد کردند.

بالکان ۴۳۴

لشگریان تئودوسیوس دوم در تراس از هونها شکست خوردند. آتیلا (Attila) و برادر وی بلدا (Bleda) به صلحی موقتی تن در دادند، مبلغ باج سالیانه که بایستی دولت روم به آنها پرداخت کند، دو برابر شد و مواردی دیگر که دولت روم باید اجرا کند، مورد موافقت قرار گرفت.

قسطنطنیه ۲۹ اکتبر ۴۳۷

والنتینیان سوم فرمانروای روم غربی با لوسینیا اودوکسیا (Lucinia Eudoxia) دختر تئودوسیوس دوم فرمانروای روم شرقی ازدواج کرد.

افریقای شمالی ۱۹ اکتبر ۴۳۹

وندالها تحت رهبری پادشاه خود قیصریه (Gaiseric)، کارتاژ را تصرف کردند.

چین ۴۳۹

با سقوط بخش شمال امپراتوری لیانگ (Liang)، توبا (Toba) فرمانروای شمالی امپراتوری ویی (Wei) دو بخش شمال وجنوب چین رو در رو قرار گرفته و کارشان به منازعه کشید و در نتیجه بخش شمالی چین به رهبری سلسله ویی یکپارچه شده وتحت فرمانروایی رژیم واحدی قرار گرفت.

هندوستان ۴۴۰

کانون بزرگ آیین بودایی تحت هدایت نالاندا (Nalanda) در جلگه گنگ شروع به آموزش و ترویج کرد. این مرکز که شامل تعداد ۱۰ صومعه و معابد بسیاری است، با احداث دیواری در سراسر محیط آن به فضای سربسته یی تبدیل شد.

افریقای شمالی ۴۴۲

قیصریه (Gaiseric) پادشاه وندالها، پیمان صلحی باوالن تینیان سوم امضا کرد که به تصویب تئودوزیوس دوم هم رسید. وی تمام حقوق سرزمینهای غیر وابسته به روم در شمال افریقا مثل تونس و بخش غربی لیبی را به رسمیت شناخت. در بازگشت هم جزیره سیسیل را که در این اواخر به آن حمله کرده بودند، به روم واگذار کرد. آنها همچنین بر روی سرزمین نومیدیا و دو ایالت موریتانی (مراکش و الجزایر) هم به توافق رسیدند.

بود. وی حتی در مجامع عمومی وجشن ها و ضیافت ها، اصرار داشت که سخنانش مورد تایید دیگران قرار گیرد و اگر برخلاف میل او سخنی گفته می شد، طرف را فوراً به قتل می رسانید، چون طاقت و تحمل خلاف اراده ی خود را نداشت.

اقوام بربر، سراسر کرانه های رود دانوب را در نوردیدند. (روم، ۲۳۸):

با وجود تلاش های زیادی که دو امپراتور، الکساندر سوروس و ماکزیمینوس بر ضد تهاجم بربرها به عمل آوردند، توفیقی در جهت شکست آن ها به دست نیاوردند.

نخستین تهاجم بربرها حدود پنج سال قبل صورت گرفت، هنگامی که اقوام ژرمن آلامانی (Alamanni) در مرز شمالی رود راین و ناحیه ی اگری دکومانته (Agri Decumantes) را تسخیر کرده بودند، در سال قبل هم قبایل گوت و کاپری (Capri) ناحیه ی شمال دریای سیاه را در تصرف داشتند و از دانوب گذشته، به ایالات موئزیا (Moesia) حمله بردند، در نتیجه دولت رم مجبور شد که به آن ها خراج بپردازد که این ایالت را تخلیه و تسلیم کنند.

یکی از متحدان دولت رم پس از پیروزی با خنجر کشته شد. (پالمیرا، ۲۶۷):

اودنیه توس (Odenaethus) شاهزاده ی ناحیه ی پالمیرا (Palmyra)، که سال ها یکی از متحدان فعال و پر و پا قرص رم بود، با ضربت خنجر به دیار عدم فرستاده شد.

این کار ظاهراً به دستور امپراتور بود، چون پس از مدت کوتاهی که پیروزی او بر فرمانده ی سپاهیان ایران می گذشت، وی به عنوان مصلح شرقی به ایرانیان درود می فرستد. اودنیه توس (اذنیه) مخلوطی از نژاد عرب سامی و آرامی داشت و در آغاز، متحد شاهپور اول ساسانی بود که پس از مدتی از ایرانیان برگشته و به رم متمایل شد. وی شهر پالمیرا و مردم آن را به وسیله ی تیز روان تیز تک و سواران زره پوش، محافظت می کرد، شهر پالمیرا در میان سه کشور ناحیه یی مرفه و خوشبخت بود و از نظر راه های ارتباطی و سوق الجیشی، بسیار مهم بود، چون بین سوریه و بابل قرار گرفته بود. اودنیه توس (اذنیه) بسیار مورد اطمینان

و اعتماد گالیه نوس (Gallienus)، امپراتور روم، بود و در ضمن فرماندهی سپاهیان رم را در جنگ علیه ایرانیان بر عهده داشت، در سال ۲۶۲، میان رودان را دوباره تسخیر کرد و هم چنین قلاع کاره (Carrhae) (حرا) و نصیبین (Nisibis) را تصرف کرد و در سال ۲۶۷ به دروازه های تیسفون، پایتخت ایران، رسید.

اذنیه برای دولت رم ارزش زیادی داشت و بدین جهت به او لقب امپراتور داده شد و حتی اجازه دادند که نیم تاجی از الماس، شبیه امپراتور روم، بر سر گذارد، لیکن این افتخارات و القاب شاه شاهان و فرماندهی سپاه، با فرمان احتمالی گالیه نوس در مورد کشته شدن او، تمام این مزایا را بر باد داد و رومیان با کشتن اذنیه نقص عهد کردند.

حملات و اختلافات و تفرقه ی داخلی، رم را به لرزه افکند.

گفته شد که از کشتار و سوزاندن مسیحیان، جوی خون به راه افتاده. (روم، ۲۵۰):

مدارک زیادی به دست آمده که مسیحیان را با شکنجه و آزار به قتل می رسانند.

بر حسب فرمان دسیوس (Decius)، امپراتور روم، که دیروز صادر شد، تمام مردم موظفند گواهی نامه ی قربانی کردن برای خدایان داشته باشند، بعضی از مسیحیان با خشم و غضب چند دانه یی در محراب کفر افشاندند، تا بی گناه به حساب آیند. عده یی دیگر که از کشتار ابا کردند، در زیر ضربات شلاق یا آتش زدن آنها، مردند. گاهی اوقات گروه هایی مراقب اعمال مسیحیان هستند و برخی را به دادگاه می کشانند.

امپراتوری از تمام جوانب مورد حمله قرار می گیرد. (روم، ۲۶۰):

روم تا به حال در زیر این چنین حملاتی قرار نگرفته است و هرگز این چنین روزهایی را به خود ندیده بود. در سمت شرق، شاهنشاهی ساسانی بار دیگر سرزمین های آسیای صغیر، سوریه و مصر را اشغال کرده، امپراتور روم دستگیر شده و در زیر شکنجه به صورت پوست و استخوانی در آمده و در اختیار دولت ایران است.

ایالت شرقی پالمیرای سابق، در دست زنوبیا (Zenobia)، بیوه ی اذنیه است و همان طور که گفته شد، اذنیه را به فرمان گالیه نوس به قتل رساندند.

در اروپا، قبایل فرانک به سرزمین گل یورش برده و تا اسپانیا همه جا را پاک کردند، در همین حال، قبایل گوت و وندال به ایتالیا و یونان حمله ور شده اند و بالاخره در افریقا طوایف بربر به ایالات رومی هجوم برده اند.

شورش و اغتشاش تمام ارتش رم را در بر گرفته و سپاهیان پراکنده و متفرقند و با جنگ های خیابانی هر گروهی برای خود قیصری (سزار) انتخاب می کند. هر گروه نظامی پیوسته در حال تخریب وضعیت کشور است.

طاعون مرتب در حال پیشرفت است و به تمام ایالات و سرزمین ها سرایت کرده، امپراتوری رم با قحطی روبروست و سربازان و نظامیان در اثر گرسنگی و عسرت دست به چپاول و غارت اموال و آذوقه ی مردم زده اند و بدین ترتیب امپراتوری در احاطه ی دشمنان است.

ورشکستگی در حال پس رفت می باشد و تجارت تکان کوچکی خورده. (روم، ۲۶۰):

در زمانی که جنگ ها در تمام کشور با قیافه ی وحشت انگیز خود، مردم را به ستوه آورده بود، بحران اقتصادی همراه با بحران سیاسی توأم بود و اقتصاد و تجارت در حال ورشکستگی و افلاس بود و شاید این جریانات در اثر زورمداری و استبداد امپراتوران بی رحم وشقی بود که نظامیان هر زمان یکی را بر مردم کشور تحمیل می کردند.

جنگ ها نه تنها باعث اضمحلال ارتش گردید، بلکه دامنه ی آن به اقتصاد و خزانه ی کشور هم سرایت کرد، و خزانه کشور را به افلاس کشانید و ارزش های مادی و اجتماعی رو به قهقرا رفت. اکنون ضرب سکه نقره به بالاترین میزان خود رسیده و چون زمینه ی این فلز کم است، مقدار نقره سکه ها ۹۰ درصد کاهش یافته. کاهش ارزش پول کشور، وضع خطرناکی را در راه های زمینی و دریایی پیش آورده، چون کالا وامتعه ارزش بیش تری پیدا کرده، دسه بالوس نتیجه بایستی دیناریوس (سکه دینار) بیش تری پرداخت کرد و نیاز به سکه های زیادتری است.

بیماری طاعون وضعیت کشور را دچار دگرگونی ساخته و محصولات غذایی در اثر خشکسالی نقصان یافته است،

گل (فرانسه) ۴۴۳

پس از شکست خفت باری که هونها (Huns) بر مزدوران امپراتوری در ناحیه ورمز (Worms) و در سال ۴۳۶ وارد آوردند، مردم بورگوندی شروع به حرکت به سوی منطقه راین علیا کردند. اکنون آنها در ناحیه ژنو، تحت قوانین امپراتوری به سر می برند و باطرح اتحادی که اتیوس (Aetius) با آنها بست، بیشتر آنها به خدمت ارتش روم درآمدند.

بالکان ۴۴۷

هون ها تحت رهبری آتیلا از مرز دانوب گذشته و به تراس حمله کرده و به دولت روم برای پرداخت باج سنگین تری فشار آوردند، از سویی با تعهدی که از روم گرفتند، می بایستی سرزمین وسیعی در کناره رود دانوب منطقه بدون سلاح و نیروی نظامی اعلام شود. باج سالیانه را امپراتور روم شرقی به هونها پرداخت کرد و منطقه وسیعی که در سال ۴۴۳ به هونها واگذار کرده بودند به سه برابر مساحت قبلی تبدیل شد.

آسیای صغیر ۴۴۹

دیوسکوروس (Dioscurus) پدر روحانی شهر اسکندریه در اجلاسی که در شهر افه سوس برگزار کرد، عقیده خود مبنی بر اینکه عیسی مسیح ذات واحدی بوده و وجود دوگانه جسمانی و خدایی بر او متصور نیست را به پذیرش اکثریت شرکت کنندگان رسانید. درحالیکه پاپ لئو (Leo) در آن جلسه حضور نداشت، پاپ مخالف سر سخت و مقاوم مونوفیزیت (Monophysite) بود (مونوفیزیت به فرقه یی از مسیحیت اطلاق می شود که عقیده داشتند که عیسی مسیح موجودی یگانه و جسمانی است).

قسطنطنیه اوت ۴۵۰

مارسیان (Marcian) یک نفر افسر بازنشسته ارتش به امپراتوری روم شرقی رسید، وی ازتمام افرادی که از او در رسیدن به مقام امپراتوری حمایت کرده بودند، سپاسگزاری کرد و نیز از آسپار (Aspar) فرمانده سپاهیان بربر در خواست یاری کرد، همچنین از پولچریا (Pulcheria) خواهر تئودوسیوس دوم که در مقام امپراتریس بود، درخواست ازدواج کرد.

ایرلند ۴۵۰

پاتریک (Patrick) یکی از اسقف های مسیحی در ناحیه آرماگ (Armagh) ایرلند دستگاه روحانیت اسقفی را تأسیس کرد.

گل ۲۰ ژوئن ۴۵۱

در حالیکه فشار هونها مرتبا رو به افزایش گذاره بود، نیروهای روم با پشتیبانی ویزیگوتها و چندین طایفه بربر تحت فرماندهی اتیوس (Aetius) در جنگی که در دشت کاتالونین (Catalaunian)روی داد، آتیلا و لشگریان وی را شکست دهند.

آسیای صغیر اکتبر ۴۵۱

بر حسب دعوت و فراخوانی پاپ لئو، چهارمین مجمع جهانی کلیساها در کالسدون (Chalcedon) درباره محکومیت و طرد عقاید مونوفیزیتیسم (بر طبق مونوفیزیت ها، مسیح یک فرد بشری بوده است) و واژگون کردن ومخالفت کامل با اعلامیه اجلاس افه سوس در سال ۴۴۹ تشکیل گردید.

قحطی هم در سراسر رم رخنه کرده، بازرگانان، صنعت گران و پیشه وران و کشاورزان که تعداد آن ها اندک است به فقر و افلاس گرفتارند.

با پول تقریباً بی ارزش، داد و ستد به پایین ترین وجه سقوط کرده و چون ارزش زمین کاهش یافته، در این بحران زمین داران بزرگ با بهای بسیار کم آن ها را می خرند و در نتیجه زمین های بزرگ به تصرف پول داران در می آید.

سربازان رومی فرماندهان خود را به قتل می رسانند. (گل، ۲۶۹):

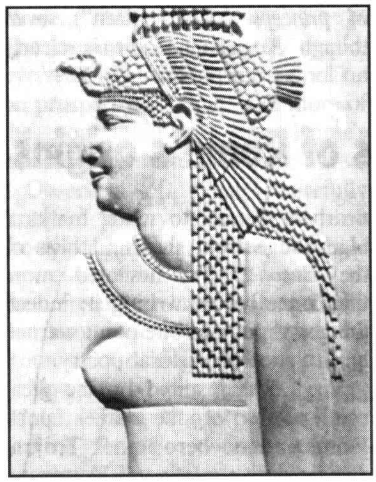
ژنرال پوستوموس (General Postumus) که پس از اسارت والرین امپراتور به وسیله‌ی شاپور اول ساسانی در ۹ سال قبل، قدرت را قبضه کرده و به امپراتوری رسیده بود؛ توسط سپاهیان خود که از وی رنجیده بودند و در مدت هفت سال امپراتوری، آنان را به مانند کارگر به کار وا می داشت، به قتل رسید.

پوستوموس که خود فرمانروای بریتانی، گل و بخشی از اسپانیا بود، به دیدن آن دیار رفت. وی که اعتبار سرزمین گل را اعاده کرده بود، شهر کولون (Cologne) (شهری که عطرش مشهور است) را به پایتختی گل وماینز انتخاب کرد و حملات ژرمن ها را به این سرزمین دفع کرد، ولی در همان حال گل ها وی را کشتند.

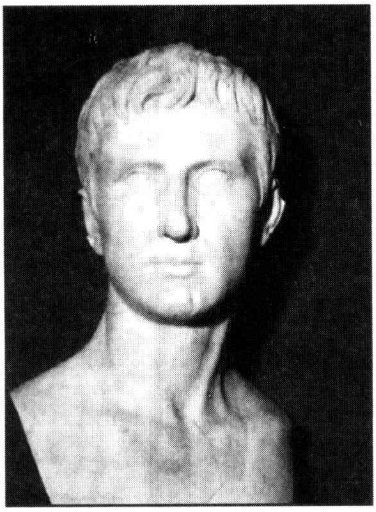
والرین (Valerian)، امپراتور روم، که از وی پوست و استخوانی مانده، در اسارت ایرانیان است. (ایران، ۲۶۰):

دستگیری و اسارت والرین، امپراتور روم، توسط شاپور اول پادشاه ساسانی، به یک دوره تخریب و کشمکش بین دو کشور پایان داد. گفته شده که والرین در اسارت به اندازه‌یی لاغر شده که مانند آنست که پوست روی استخوان هایش کشیده باشند.

اردشیر اول، نخستین پادشاه ساسانی، که چندمین جنگ را با رم رهبری کرد، شهر کاره و نصیبین را در سال ۲۳۸ تسخیر کرد. در سال ۲۴۴ شاهپور ساسانی، ارتش رم را پس از مرگ گوردیان سوم (احتمالا کشته شدن او) در محل ماسیس (Massice) شکست داد. سپس فیلیپ پانصد هزار



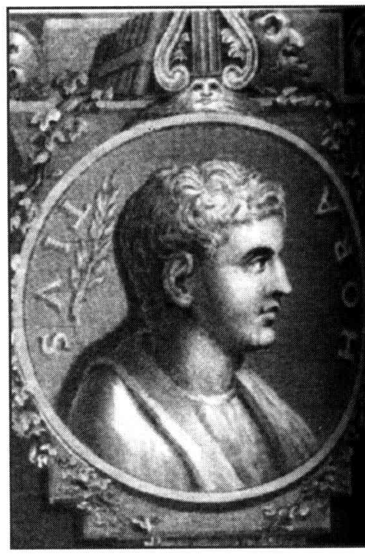
کلئوپاترا، آخرین ملکه‌ی مصر.



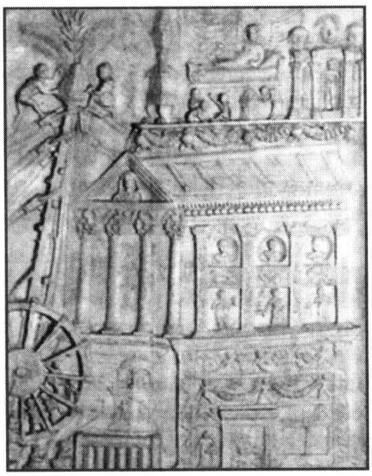
اوکتاویان، رهبر رم.



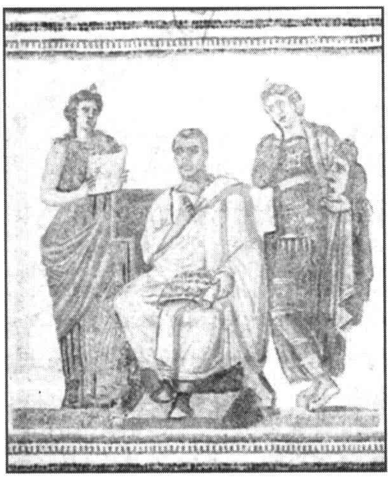
اگوستوس (Augustus)، امپراتور مردمی.



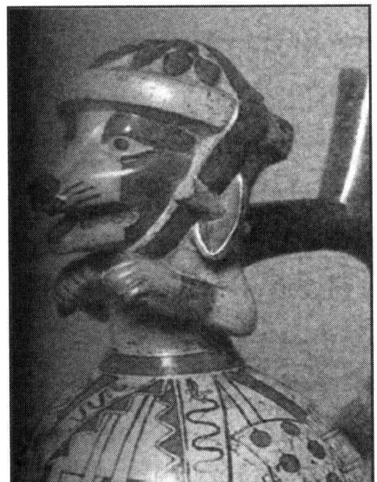
هوراس (Horace) (تصویر سده‌ی ۱۸).



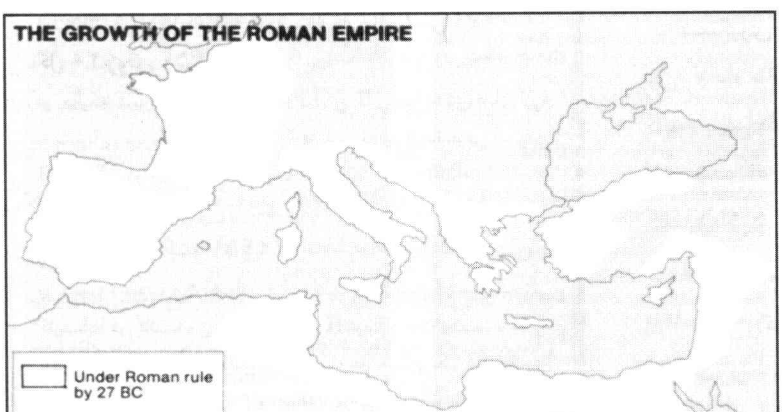
ساختمان یادبود که نشان می‌دهد کارگران باید اجسام خیلی سنگین را با کمک قرقره بـه بـالا برسانند تا در آن‌جا مورد استـفاده قـرار گیـرد و این کار بسیار شاقی است.



ویرژیل و هواخواهان او (۲۰۰ پیش از میلاد).



ظرفی با دهانه‌یی به شکل سر روباه که کلاهی هم بر سر دارد و از دهانه‌ی آن که دهان روبـاه مـی‌باشد، مـایع درون آن خـارج مـی‌شـود و گوش‌هایش هم شبیه آدمی است.



نقشه‌ی گسترش متصرفات رم.

ایتالیا ۴۵۲

هونها در حمله به ایتالیا و چندین شهر دیگر از جمله پادوآ (Padua) و ورونا (Verona) تمام این مناطق را دستخوش تاراج و چپاول قرار دادند، این حملات قبل از توصیه وپیگیری پاپ لئواز آتیلا که وی باید دست از هجوم به ایتالیا بردارد و از موضع خود جهت محو روم صرفنظر کند، انجام شد.

پان نونیا (Pannoia) ۴۵۳

پس از مرگ آتیلا رئیس اقوام هون که از سال ۴۳۴ فرمانروایی بر آنها را داشت، امپراتوری پهناور وی بین پسرانش تقسیم شد.

ایتالیا ۲۱ سپتامبر ۴۵۴

اتیوس فرمانده عالی ارتش روم شرقی در راونا توسط والنسینیان سوم امپراتور غرب به قتل رسید.

پان نونیا (Pannonia) ۴۵۴

روستائیان ژرمن تحت رهبری پادشاه منطقه گاپید (Gapids) علیه فرمانروایی پسران آتیلا دست به شورش زدند و در نبردی که در پان نونیا روی داد فاتح شدند. اینک امپراتوری هونها در حال انقراض می باشد.

اتیوپی۴۵۴

در پی شکاف و اختلاف بین کلیساهای روم، اعلامیه های زیادی در سه سال پیش،پس از اجلاس کالسدون صادر شد، در شاهزاده نشین اکسوم در حمایت از کوپتیک (Coptic) پدر روحانی و اسقف اعظم اسکندریه مبنی بر تصدیق و اعتراف به مونوفیزیت هم جلساتی تشکیل و شرکت کنندگان پیروی خود را از آن اعلام داشتند.

روم مارس ۴۵۵

والنسینیان سوم به وسیله دو تن از بربرهای محافظ اتیوس به قتل رسید، با مرگ او سلسله تئودوزیان (Theodosian) هم به پایان رسید،ویک سناتور ثروتمند رومی با دادن رشوه به گروه های طرفدارش خود را امپراتور روم خواند.

روم ژوئن ۴۵۵

وندالها تحت هدایت پادشاه قیصریه (Gaiseric)پس ازمرگ والن تین یان سوم شهر رم را غارت کردند،آنها به سرعت بخش هایی از شمال افریقا را تاکنون در دست روم بود و نیز جزایر کورس (Corsica) و ساردنی (Sardinia) را هم تصرف کردند. پیش از آنکه وندالها به رم برسند، ماکزیموس امپراتور از ترس، سعی کرد که فرار کند، لیکن توسط گروهی دستگیر و به قتل رسید، وی تنها مدت تنها یازده هفته در این مقام باقی بود.

گل ۹ ژوئیه ۴۵۵

پس از دو ماه که روم بدون امپراتور مانده بود، سناتورهای گل، اعلام کردند که آویتوس (Avitus) سرفرمانده نیروهای نظامی مستقر در سرزمین گل، امپراتور روم غربی می باشد. آویتوس مورد حمایت تئودوریک(Theodoric) دوم پادشاه ویزیگوتها قرار داشت.

دینار طلا بابت غرامت جنگ به شاپور پرداخت. در چهار سال پیش هم، ارتش ۶۰ هزار نفری رم در محل باربالیسوس (Barbalissus) دچار شکست سختی شد.

ملکه‌ی مصر با سپاهیان خود، در رم به نمایش گذاشته می شود. (روم، ۲۷۴):

زنوبیا، ملکه‌ی مصر، امروز با لشگریان طلایی مصر در خیابان های رم به خاطر پیروزی روم، در معرض دید عموم قرار می گیرد. اورلئان (Aurelian)، امپراتور رم هم اسرا را همراه با ۲۰ زنجیر فیل و دویست حیوان درنده‌ی رام شده در میان هیاهوی مردم به نمایش می گذارد.

زنوبیا که تا این اواخر روم را به مبارزه می طلبید، در یک ارابه‌ی زرین با بردگان محافظ به جلو رانده می شود. تتریکوس (Terticus)، رهبر شورشی گل هم، در ارابه‌یی دیگر در حرکت است، آنان همراه امپراتور که سراپا غرق جواهر است، با قربانیان خود عازم معبد ژوپیتر هستند که در پای خدای ژوپیتر به مسلخ بروند.

سلسله‌ی جدید پادشاهی، ایالات تقسیم شده را متحد می نماید. (چین، ۲۸۰):

سیما یان (Sima Yan) فرمانروای چین شمالی، در منطقه ویی (Wei) سه ایالت منقسم شده‌ی چین را متحد و یکپارچه ساخته و امپراتوری چین را تاسیس می کند. سیمایان در ۱۵ سال پیش با غصب تاج و تخت ویی، خود را امپراتور خواند.

ویی مدت ها پیش ایالت غرب چین را به سرزمین پادشاهی شو (Shu)، منضم کرده بود، و اینک سیمایان ارتش خود را به سراسر کرانه های رود آبی اعزام کرده و با شکست نیروهای حریف، ایالت جنوبی را هم مسخر و خود را امپراتور سراسر خاک چین معرفی نموده است، این خواسته ها آسان به دست نیامده و امپراتور راحت بر تخت نه نشسته، قدرت مرکزی همواره در معرض تهدیدهای روستائیان چینی و چادرنشینان اطراف مرزها قرار داشته است.

آرامش سرزمین گل، جشن گرفته می شود. (روم، ۲۸۱):

پروبوس (Probus)، امپراتور روم، به مناسبت پیروزی بزرگ سپاهیان خود بر قبایل بربر که همواره مرزهای رم را در مخاطره افکنده بودند و تهدیدی جدی برای کشور محسوب می شدند، در پایتخت جشنی با شکوه برپا کرد و ضمن درود بر سپاهیان، از آن ها سپاسگزاری کرد.

بزرگترین خطری که پروبوس را در سال ۲۷۷ تهدید می کرد، برطرف شد. در پی حملات طوایف ژرمن به رهبری فرانک ها (Franks) و آلامانی ها، نزدیک بود انتظام شهرها در هم بریزد، چون در این هنگام ژنرال های رومی قدرت را در بریتانی، گل و بخشی از سرزمین اسپانیا غصب کردند، این خطرات تشدید شده بود.

چهار امپراتور بر رم فرمانروایی می کنند. (نیکومدی (Nicomedia)، آسیای صغیر، ۲۹۳):

پس از یک سده که از ناآرامی های سپاهیان رم و درگیری آن ها در مرزها با نیروهای بیگانه و بربر می گذشت، دیوکلسین (Diocletian)، امپراتور روم، برای حل این جریان تدبیری اندیشید که از سقوط امپراتوری ممانعت به عمل آورد. وی هنگامی که در نیکومدی واقع در پروپونتیس (Propontis) (ساحل دریای مرمره Marmara) اقامت داشت ماکسیمیان را جهت امپراتوری غرب (امپراتور دوم) برگزید، آن ها هر دو لقب کبیر و فاتح داشتند. این هر دو امپراتور جانشینان و وارث امپراتوران گالریوس (Galerius) و کنستانتیوس (Constantius) بودند. آنان هر دو با دختران اگوستین ازدواج کرده بودند.

دیوکالسین در بالکان متولد شده، از خانواده‌ی بردگان بود و به وسیله‌ی سربازانش به این مقام انتخاب شده و در ضمن فرماندهی نیروهای نظامی را در نبرد علیه ایران بر عهده داشت. موقعی که ماکسیمیان درگیر ناآرامی های افریقا و گالریوس مشغول نبرد کرانه‌ی دانوب (Danube) بود، کنستانتیوس ارتش خود را مجهز می کرد که با دریا سالار یاغی که در فکر تصدی حکومت بود، بجنگد. درست در همین زمان، یک دولت با چهار فرمانروا تشکیل شد که این یک سیستم نوین به شمار می رفت. دیوکلسین اعلام کرد که او از نسل الیمپوس (Olympian)، خدای ژوپیتر (Jupiter)، است و در همین حال ماگزیمیان هم ادعا می کرد که وی از نژاد هرکول (Hercules) می باشد که از پیروان و وفاداران به ژوپیتر بود.

تجزیه‌ی امپراتوری مالیات سنگینی را به مردم تحمیل کرد. (روم، ۲۹۳):

با تصمیم دیوکلسین به تجزیه‌ی روم، مطلبی که مورد اشکال بود، پیدا شد و آن این که، با وسعت سرزمین رم سابق، تشریفات و مقررات جدیدی حکمفرما شد و این جریان مشکلاتی را ایجاد کرد.

هر دو امپراتوری بزرگ، نیازمند به تعداد زیادی کارمند و ثبات و محافظ کاخ ها، رئیس و کارمند اداری، کارمندان سیاسی و منشی و بایگان و هم چنین ماموران رسمی شهرداری و نیز قانونگزار و سناتور و وکیل و ماموران جمع آوری مالیات داشتند، دو امپراتور بزرگ و دو قیصر، هم چنین نیاز به پول فراوان داشتند، چون هزینه ها به طور کلی دو برابر شده بود و با کاهش شدید ارزش پول، مالیات های سنگین وضع شد و این امر تحمیل بزرگی بر مالیات دهندگان بود. مالیات به روش های گوناگون اخذ می شد، برخی از ماموران وصول، پایه‌ی اخذ مالیات را بر مقدار محصول گندم قرار دادند که در سابق برداشت می شد، در حالی که اکنون مزارع خشک و خالی شده بود و کشاورزان بیکار بودند و هم چنین سربازگیری از روستاهای خالی از سکنه، مردم را در وضع دشواری قرار داده بود و برای حکومت هم این وضع تحمل ناپذیر بود.

در نتیجه، پیشه وران که با این وضع روبرو شدند، از روستاها فرار کردند. عده‌یی به صومعه رفته و در آنجا پناهنده شدند. عده‌یی به کار کشاورزی و رعیتی برای مالک زمین پرداخته و به انتظار حمله‌ی قشون بیگانگان شدند که آن ها را از این وضع برهاند تا از پرداخت مالیات سنگین معاف شوند. این جریان سبب خوشنودی و رضایت مسیحیان و کلیساها و نیز روشنفکران و پیشه وران شد، چون در انتظار سقوط حکومت زورمداران بودند، زیرا وعده‌ی وضعیت بهتری از سوی هواداران مسیحیت به آنان شده بود.

موسس فرقه‌ی مذهبی، در زندان کشته شد. (ایران، ۲۷۷):

ایتالیا ۴۵۶

آویتوس در نبرد شمال ایتالیا در ناحیه پلاسنتیا (Placentia) که به وسیله شورشیان قبایل بربر ایجاد شده بود، از رهبر شورش ژنرال ریسیمر (Ricimer) شکست خورد و خود را تسلیم کرد. این قبایل بربر آریانی از طایفه سوئه ویان (Suevian) بودند. ریسیمر که خود را امپراتور خوانده، تحت نفوذ و دست نشانده ماژوریان (Majorian) بود.

اسپانیا ۴۵۶

رکیاروس(Rechiarus) پادشاه مقتدر سوئه ویان (Suevian) در نبرد با ویزیگوتها مغلوب وکشته شد. وی شروع به تسخیر بخش شمال اسپانیا کرده بود.

قسطنطنیه (استانبول) ۷ فوریه ۴۵۷

یک افسر ارتش تراس به نام لئو (Leo) با پشتیبانی ژنرال نظامی آسپار (Aspar)، پس از مرگ امپراتور مارسیان (Marcian) به امپراتوری روم شرقی دست یافت.

ایتالیا دوم اوت ۴۶۱

ماژوریان به وسیله ریسیمر فرمانده سپاهیان ارتش خود بر کنار و به قتل رسید، وی مسئولیت عزل ماژوریان را از سلطنت داشت. در این حادثه ماژوریان نشان داد که از وابستگی با ری سیمر چندان دل خوشی نداشت.

ایتالیا ۱۵ اوت ۴۶۵

لیبیوس سوروس (Libius Severus) که توسط ری سیمر به جانشینی ماژوریان رسیده و تحت تسلط وی قرار داشت، پس از ۴ سال سلطنت، در گذشت.

هندوستان ۴۶۷

با مرگ اسکاندا گوپتا (Skanda Gupta) که جانشین پدرش کوماراگوپتا (Kumaragupta)در سال ۴۵۵ شده بود، اکنون امپراتوری در زیر فشار هفتالیت های هون (Hephtalite Huns) قرار دارد، آنها بخش بزرگی از هند غربی را تصرف کرده اند. اسکاندا گوپتا در حالی که با حملات هونها مواجه بود به موفقیت های بزرگی در کشور هند دست یافته بود.

روم اوت ۴۶۷

با حمایت ارتش تحت نظارت ری سیمر قرار داشت، ریسیمر موافقت کرد که لئو به نام ژنرال آنتمیوس (Anthemius) به سمت امپراتور روم غربی منصوب شود. بدین ترتیب آنتمیوس با لقب آگوستوس به سوی غرب حرکت کرد.

قسطنطنیه (استانبول) ۴۶۷

لئو امپراتور روم با دختر آدریادنه (Adriadne) به نام تاراسیکودیسا (Tarasicodissa) ازدواج کرد و خود را به نام زنو (Zeno) خواند. او از اهلی ایزوری (Isauri) در کوههای واقع درجنوب آسیای صغیر می باشد.

مانی (Mani)، بنیان گزار فرقه‌ی مذهبی مانوی (Manichaeism)، به فرمان بهرام شاه ساسانی، به قتل رسید. با قتل وی، پیروان وی که ارتباطی هم با مسیحیت داشتند، تحت پیگرد قرار گرفته و در رم و ایران مورد شکنجه و آزار واقع شدند، لیکن باز هم پیروانی در رم شرقی از وی باقی ماند.

مانی در سال ۲۱۶، در شهر بابل در یک خانواده‌ی ایرانی به دنیا آمد. پدرش از روحانیون زرتشتی بود. مانی در جوانی به شرق و هند مسافرت کرد و در این سفر دانش هایی را فرا گرفت. وی به دنیای نور و ظلمت عقیده داشت و معتقد بود که شیاطین نور را احاطه کرده و مردم را به سوی ظلمت و تاریکی می رانند، وی می گفت که انسان با ریاضت و نفس کشی به سوی نور و روشنی هدایت خواهد شد و از ظلمات و تاریکی رهایی می‌یابد. به باور مانی، مذاهب زیادی در دنیا وجود دارد که هنوز نمی توانند به کائنات وقوف حاصل نمایند.

رومیان ایالت شرقی را ترک می کنند. (داسی (Dacia)، ۲۷۱):

پس از این که به امر امپراتور اورلیان (Aurelian)، دولت رم استان داسی (داسیا) واقع در عقب رود دانوب را ترک کرد، امنیت بیش تری برای رم تامین شد. این برای نخستین بار است که رم یک استان کامل را تسلیم می کند. به هر حال، چون مردم این ناحیه کوه نشینان بی فرهنگی هستند، از سال ۱۰۶ که تراژآن آنجا را تسخیر کرد تا به حال، هرگز دولت رم به راحتی نتوانسته قوانین دولت را در آن منطقه به مورد اجرا بگذارد، حتی در این اواخر، یعنی در سال ۲۱۵، گوت ها آن ها را تحریک کردند که به موئزیا (Moesia)، واقع در جنوب دانوب، یورش برند.

بزرگ ترین مجموعه‌ی قوانین یهودیان منتشر شد. (فلسطین، ۲۷۹):

طلاب یهودی مقیم طبریه (Tiberias)، قوانین، اعتقادات و قصص و حکایات یهودی را جمع آوری و به نام تلمود (Talmud) در اورشلیم انتشار دادند. تحقیقات راجع به تلمود (این صحیفه به زبان عبری (Hebrew)، لامد (Lamed) یا تعلیمات نام دارد) از حدود هشتصد سال

پیش که یهودیان از بابل آزاد شدند و به اورشلیم رسیدند، به وسیله‌ی طلاب و علوم دینی آغاز شد.

این کار برجسته، ابتدا به مغز یوحنان بار ناپاخا (Johanan Bar Nappacha)، پسر بلاک اسمیت (Black Smith) آهنگر، خطور کرد و آن را با خاخام یهودا هاقادوش (Rabbi yahuda Haqadosh) که در سال ۲۱۹ فوت شد، در میان گذاشت.

وی با کمک یک تیم از روحانیون یهودی، به جمع آوری، انتخاب و نشر مواد کتاب مقدس در سطح وسیعی اقدام کرد. اصل این مجموعه بر پایه‌ی گفتار شفاهی متدینان یهودی و پی نوشت کتاب ها و اسفار خمسه موسی (اسفار خمسه عبارت است از پنج کتاب، به نام های سفر پیدایش، سفر تکوین، سفر تورات، سفر تثنیه[مدح و ثنا] و سفر خروج می باشد) و به ویژه سفر تثنیه بوده که قوانین پایه دین یهود می باشد. مندرجات تلمود به نام میشنا (Mishna) (به معنی ساخت و بنیان است) مشهور است. این قوانین شامل تعالیم خاخام های یهودی و موعظه های آن ها و تفسیر کتاب های پنجگانه است. میشنا شامل دو فصل می باشد که عبارتند از: هالاچاه (Halachah) که متضمن قوانین و عقاید و رسوم دین یهود است و دیگری که آگادا (Agada) نامیده می شود، قصص و حکایات و رویدادهای قوم یهود را در بر دارد.

پلوتینوس (Plotinus) متفکر یونانی در گذشت. (ایتالیا، ۲۷۰):

پلوتینوس، بر اثر بیماری دیفتری در منطقه‌ی کامپانیا در گذشت. وی در حدود ۶۶ سال پیش متولد شده و به مصر رفت، در شهر اسکندریه به تحصیل فلسفه پرداخت و در رم عده‌یی از روشنفکران را به خود جلب کرد. او کارهای افلاتون را ادامه داد. به عقیده‌ی او حلقه های متراکم سرچشمه‌ی هستی و حقیقت، تصعید و کم بها می شوند و عوامل بیرونی بر آن تاثیر گزارند. انسان هم در عالم صغیر قادر است با تصفیه و تزکیه‌ی نفس، روح خود را مسرور و شاد سازد و این حالت تنها با ریاضت و تحمل میسر می شود.

نقاشی در روی سفال در میان قبایل امریکایی گسترش می‌یابد. (امریکای شمالی، ۳۰۰):

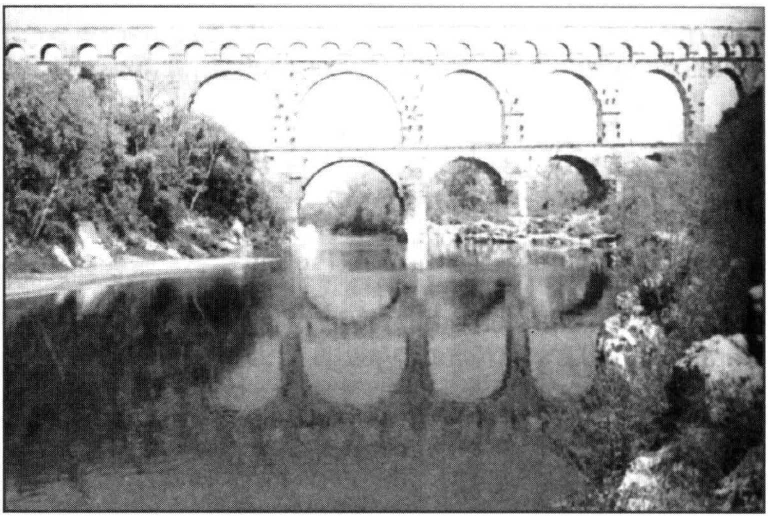
صنعت و ساختن سفال به سوی سرزمین های جنوب غربی امریکای شمالی منعطف می شود. این صنعت در میان مردمی که وقت کمی را برای این کار صرف می کردند، آغاز شد.

تولید سفال در بین موگول های هند غربی که مردمی کوه نشین بودند، در حدود پانصد سال سابقه داشت و حالیه ساکنان این منطقه آن را احیا کرده و به وضع نوی در آورده اند. تولید محصولات کشاورزی هم به طور کلی ناموفق است، چون وضع آبیاری و زه کشی برای مزارع روی نظم و ترتیب معینی نیست و کشاورز تنها متکی به بارش های فصلی است و از سویی چون منطقه کم باران و خشک است، قوت اهالی از هسته های گیاهی، ریشه های نباتات و دانه ها و مغز بعضی از گیاهان و احیاناً میوه تامین می شود، خوردن گوشت هم که به ندرت بدست می آید و خیلی جنبه‌ی تشریفاتی دارد. هنر سفال کاری در میان موگولان هندی، شاید ریشه‌ی مکزیکی دارد و اینان طرز تهیه‌ی سفال را از همسایگان مکزیکی خود آموخته اند، در نتیجه آن ها مهارت و تبحر چندانی در این کار نداشته اند و خودشان راساً به تراش پیکره های سفالی دست نیازیده اند. آنان در ابتدا از گل، کوزه و کاسه می ساخته اند و پس از آن که به گل کوزه گری شکل دادند، آن را با بلور کوهی یا شیشه صاف و صیقلی می کنند و به نظر می رسد که در تولید از چرخ سفالگری استفاده می کردند. این ظروف را موگولون (Mogollon) هندی به اندازه‌ی کافی گود و جادار می ساختند، اخیراً هم اشکال و تزیئناتی را بر روی سفال ها نقاشی می کنند که زیباتر جلوه کند.

آن ها لوله های آب را هم از سفال تهیه می کنند و گاهی هم عروسک های ظریفی از سفال می سازند. موگولون کلبه هایی در مکان های گود و یا حتی در زیرزمین بنا می کنند که در ورودی آن به طرف شرق باشد، چون علاقه دارند که اشعه‌ی آفتاب بامدادی، به درون این کلبه ها راه یابد.

کاماسوترا (Kamasutra)، راه های عشق ورزی را تعلیم می دهد. (هندوستان، ۳۰۰):

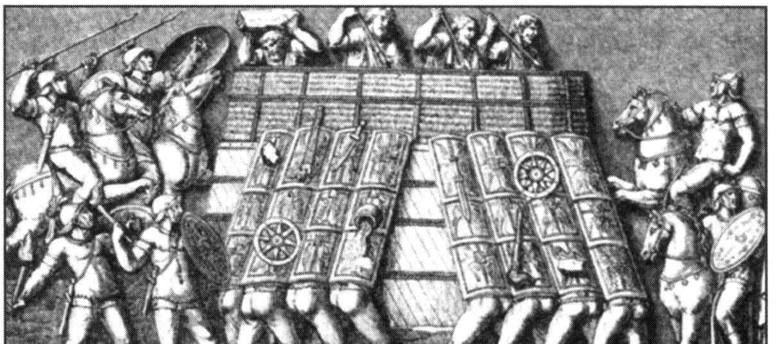
یک دانشمند هندی به نام واتسایانا مالاگانا (Vatsayana Mallagana) که در شهر مقدس بنارس



یک کانال آب که به‌وسیله‌ی مهندسان رمی برای رساندن آب به سرزمین گل ساخته‌اند.



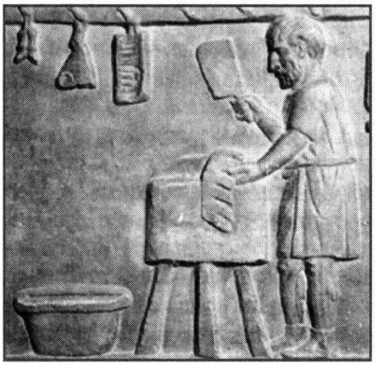
ماکتی از برج و باروی اورشلیم که به سبک انطاکیه توسط هرود کبیر پادشاه یهودیه ساخته شده، هرود هم‌چنین بازسازی معبد بزرگ شهر را انجام داد.



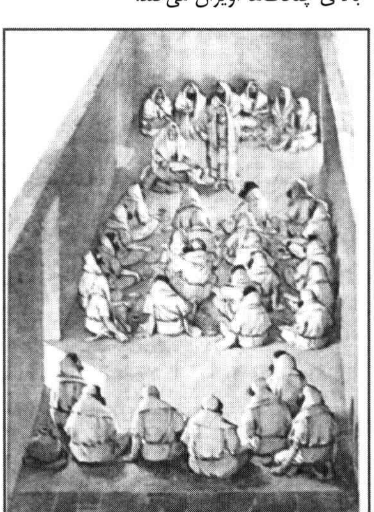
سربازان رمی در زیر سپر نظامی تحت فرمان مارک اورل (Marcus Aurelius) به حمله می‌پردازند.



تندیسی از یک نفر اهل گل به سبک رمی.



این عکس قصابی را نشان می‌دهد که با کمک ساتور بر روی تنه‌ی درخت قطعات گوشت و استخوان را از هم جدا می‌کند و با استفاده از بندهای استخوانی آن‌ها را با رعایت بهداشت به بالای چنگک‌ها آویزان می‌کند.



این تصویر که در قرن بیستم تهیه شده، فرقه‌یی از یهودیان را در حال خواندن کتاب تورات نشان می‌دهد. در آن زمان کتاب تورات بر روی پوست و به‌صورت لوله یا تومار بوده است.

(Benares) زندگی می کند، در یک جلد کتاب راهنمای عشق بازی، انواع و اقسام طرق عشق بازی و لذت جنسی و شیوه های مختلف آن را به عموم می آموزد. کتاب وی دارای یک هزار و دویست و پنجاه بیت شعر و ۳۶ فصل می باشد، که به زبان سانسکریت (Sanskrit) سروده شده و تمام مناظر و مرایای آداب شهوانی را شامل می شود، هم چنین در این کتاب، به مردان آئین روزهای قبل از عروسی و نکته های عشقی دوران نامزدی را آموزش می دهد.

کتاب کاماسوترا یک دایره المعارف اعمال جنسی است در این کتاب، نه تنها صدها طریقه و روش آمیزش با همسر شرح داده می شود، بلکه صفحاتی از آن روش آمیزش و ارتباط با زنان فاحشه را نیز عیان می سازد و اعمال جنسی و شهوترانی و شیوه های عشوه گری و بوس و کنار و دلربائی را به زنان می آموزد که در موقع نزدیکی چگونه مرد را جذب کنند. او عشق بازی فیزیکی و نزدیکی را به شکل بی سابقه‌یی شرح می دهد که به نظر می رسد یک حالت سحر آمیز دارد. وی هم چنین در لابه لای آموزش های جنسی، نشان می دهد که در دین مقدس هندو، تا چه اندازه به روابط جنسی مرد و زن توجه شده و اعمال جنسی را پایه‌ی تولد و ازدیاد نسل شمرده و به آن اهمیت داده است. در اشعار کاماسوترا، اعمال جنسی یک امر طبیعی و مقدس شمرده شده که هندوان معتقدند در موقع نزدیکی، خدای شیوا(Shiva) در کائنات به رقص در می آید تا بندگانش در خوشی و لذت و کامرانی سیر کند و روح آنان شاداب شود.

پورفیری (Porphyry)، منتقد مسیحیت، درگذشت. (روم، ۳۰۴):

پورفیری به معنی رنگ ارغوانی، نام مستعار فیلسوفی بود که در ناحیه‌ی مالکوس (Malchus) در شهر تایره (Tyre) به دنیا آمد. اهالی فنوسی (Phoenician) در آسیای صغیر، مردگان خود را در کفنی ارغوانی به رنگ لباس امپراتوران می پوشاندند. با مرگ وی که رهبر پیروان نو افلاتونی بود ودر بست یکی از هواداران افلاتون بود، این عقیده هم در خاک شد.

پورفیری به مردم درس گرسنگی کشیدن و پرهیزکاری و ریاضت کشی آموخت که روح را صیقل می دهد و از مناهی پاک می کند، هم چنین او در مقالات خود تعلیم خداشناسی می دهد، لیکن انتقادهایی هم به مسیحیت و بندگی و تعبد در آئین مسیح دارد و به قداست بعضی امور و مراسم بدگمان است. عقیده‌ی وی ترکیبی است از مسیحیت و گیاهخواری و تفاسیری از رساله های پلاتینوس (Plotinus)، فیثاغورث (Pythagoras)، هومر (Homer) و قواعد جنین شناسی و نیز شرح و تفسیرهایی از افلاتون، ارسطو (Aristotle) و پتولمی (Ptolemy).

دوران صلح و آرامش در امپراتوری رم(روم، ۲۸ نوامبر ۳۰۳):

پس از بیست سال که از دوران امپراتوری دیوکلسین می گذشت، وی برای نخستین بار از شهر رم دیدن کرد، اینک فرصتی بود که او بتواند در میهمانی ها و بازی های مورد دلخواهش شرکت کند. پس از سال ها جنگ و تخریب، اکنون زمان صلح آغاز شده است.

دیوکلسیان اصلاحاتی را در تمام دستگاهها و ادارات به وجود آورد و ارتش و ادارات کشوری را از هم مجزا ساخت. وی تمام بخش های دولتی را از هم جدا ساخت و وضعی به وجود آورد که از حالت شکنندگی و سستی خارج شوند، تعداد کارمندان را کاهش داد و در نتیجه توانست در دورترین ایالات هم نظارت داشته باشد.

وی در اداره‌ی امور اقتصادی هم توفیق حاصل کرده، در اثر مساعی امپراتور، بهای کالاها و نیز دستمزدها تحت کنترل در آمد. با کنترل قیمت ها، بهای انواع اجناس، مانند نان، گوشت، سبزیجات، میوه، کفش، چرم، فرش و زیرانداز و لباس، معادل بهای دو سال پیش شد. ماکزیمینوس هم به نوبه‌ی خود دستمزد تمام افراد، از کارگر ساده تا وکیل و حقوقدان را به نرخ ثابت قرار داد. مجازات اخلال گران اقتصادی از تبعید تا اعدام بود. این بلند پروازی ها و سخت گیری ها باعث سقوط اقتصاد و روی آوردن مردم به بازار سیاه شد که حاصل فشار روز افزون بر مردم بود.

دیوکلسین در اصلاحات خود، به وضع مالیات هم توجه داشت و تلاش ها و فشار وی نتایجی هم در برداشت، وی سیستم قدیمی اخذ مالیات را که بسیار پیچیده و مبهم بود، منسوخ کرد و آن را بر پایه‌ی مساحت زمین زراعتی و بر

حسب جریب تعیین کرد که خیلی ساده تر از سابق بود. این تجربه‌یی بود که مالیات و خراج را خیلی آسانتر می شد وصول کرد، و شامل قیمت محصول و اجرت کارگر هم می شد، به طوری که این قانون برای آینده هم مفید واقع شد. بدین ترتیب، مردمان روستایی از گرفتاری و درگیری با ماموران مالیاتی خلاص شدند.

شهر تریه (Trier)، در سرزمین گل، مقر امپراتور شد. (گل، ۲۹۶):

کنستانسیوس کلوروس (Constantius Chlorus)، قائم مقام امپراتور دیوکلسین، که عنوان سزار (قیصر) را داشت و از سال ۲۹۳در این سمت بود، اعلام کرد که پایتخت خود را در شهر تریه (آگوستاتره ویروروم Agusta Trevirorum) در ساحل رود موسل (Moselle) قرار داده است.

این شهر که در سال ۴۴، توسط امپراتور کلودیوس بنا شده، در گذشته دارای اهمیت زیادی بود و در کمتر از یکصد سال پیش، حصار و بارویی به دور شهر کشیده شد . این استحکامات شامل پورتانیگرا (Porta Nigra) یا دروازده‌ی سیاه بود و نیز یادبودهایی مانند آمفی تئاتر بزرگ و حمام های وسیع داشت. کنستانسیوس در نظر داشت که در تریه ساختمان های باشکوهی در منطقه‌ی غرب هم چون شهری به ابهت شهر رم ایجاد کند که پس از روم، دومین شهر محسوب شود. بر حسب امر امپراتور، قصری عظیم برای وی و چندین حمام با لوله کشی آب در نقاط مختلف شهر ساخته شد. پیش از اقدام به ساخت بناها، کنستانسیوس در بریتانی مشکل غصب فرمانروایی را داشت که در غیاب او حکومت آن ناحیه را در دست گرفته بودند.

رشد سریع امور بازرگانی در دنیای رم (روم، ۳۰۰):

یکی از راه هایی که خیلی به سرعت می توان به رشد و ترقی سالیانه‌ی اقتصاد و ثروت عمومی در رم بدان دست یافت،مشاهده‌ی تل و تپه هایی از سفال های شکسته و دور ریخته شده‌یی است که نشان می دهد مردم چه قدر روغن زیتون مصرف کرده اند و چون روغن به مثابه‌ی آن است که سطح زندگی و مصرف عمومی بالا رفته است.

سیسیل ۴۶۸

وندالها با مغلوب کردن نیروی نظامی غربی، توانستند جزیره سیسیل را تسخیر کنند.

استانبول ۴۷۱

به دستور امپراتور لئو، فرمانده عالی ارتش روم شرقی ژنرال آسپار به قتل رسید.

روم ۱۱ژوئیه ۴۷۲

ژنرال بربر(بیگانه) ری سیمر در نبردهای خیابانی، امپراتور آنتمیوس را به قتل رسانید و المیبریوس (Olymbrius) را به جای او نشاند.

روم ۱۹ اوت ۴۷۲

ژنرال ریسیمر که همواره پادشاه تعیین می کرد و امپراتور ساز بود و مسئولیت یک سری جایگزینی را در به سلطنت رسانیدن در حکومت روم غربی داشت، خود در گذشت . یکی دیگر از بورگاندیهای (Burgundi) بربر به نام گوندوباد (Gundobad)، سر فرماندهی ارتش روم غربی را عهده دار شد.

روم دوم نوامبر ۴۷۲

اولیمبروس امپراتور روم در گذشت و دیگرکسی نبود که فوراً به این مقام برگزیده شود.

روم ۲۴ ژوئن ۴۷۳

ژولیوس نپوس (Julius Nepos) که با کمک لئو به امپراتوری روم شرقی دست یافته بود، به عزم روم پایتخت روم غربی شتافت و با اخراج گوندوباد، گلیسریوس (Glycerius) که نامزد امپراتوری از طرف خودش بود، به این مقام منصوب کرد.

قسطنطنیه ۴۷۳

لئو، فرد دیگری را که او هم لئو نام داشت و پسر ناپدری زنو بود به معاونت خود برگزید.

استانبول ۴۷۴

لئوی دوم که با مرگ لئوی نخست تنها امپراتور روم شرقی بود، پس از چند ماهی سلطنت پس از مرگ لئوی اول، در گذشت و پدر خود زنو را به جانشینی برگزید.

گل-اسپانیا، ۴۷۵

اوریک (Euric) سلطان ویزیگوت ها که تا سال ۴۶۶ پادشاهی می کرد، تمام متصرفات خود را که به طور قانونی از ژولیوس نپوس (Julius Nepos) امپراتور روم شرقی به او واگذار شده بود، بخشید. اکنون سرزمین تحت تسلط ویزیگوت ها عبارت است از سرزمین گل شرقی و قسمت اعظم اسپانیا به جزشاهزاده نشین سوئه ویان در شمال غرب.

روم ۴۷۵

فرمانده ی ارتش روم به نام اورستس (Orestes) با نیروهای تحت فرمان خود، ژولیوس نپوس را از ایتالیا بیرون راند و پسر خود را به نام رومولوس آگوستوس (Romulus Augustus) به سلطنت برگزید.

همان طور که گفته شد، تجارت روغن زیتون و مراکز تولید آن و ظرفیت کشتی هایی که آن را بارگیری و حمل می کنند، نشانه‌ی فعال بودن و رونق اقتصاد می باشد. بریتانی، یکی از مراکز تولید زیتون و ذرت است و هم چنین مرزنشینان ساحل رود راین، در تولیداین دو رقم جنس دست دارند، سرزمین راین صاحب چندین کارخانه‌ی تولید شیشه و سفال است، و روغن زیتون تولیدی را از افریقا با کشتی های بزرگ به رم حمل می کنند.

محدود کردن قیمت ها و پرداخت ها جهت مبارزه با ورشکستگی (روم، نوامبر ۳۰۱):

بر طبق امر امپراتور دیوکلسین، موسسه‌یی جهت کنترل قیمت ها و دستمزدها تشکیل شد که بتواند نرخ ها را در حد متعادلی حفظ کند، تا از این راه، از ورشکستگی جلوگیری شود، چون قبلا ارزش پول تا حدود ۵۰ درصد تنزل کرده بود. این فرمان شامل تمام سرزمین های تحت حکومت رم می شد و از این نظر بی سابقه بود. در این لیست، قیمت تمام کالاها درج شده بود و در تمام کشور، ساری و جاری بود، قیمت ها این چنین اعلام شده بود، یک تخم مرغ، یک دینار، یک لیمو، ۲۴ دینار، مرغ، ۳۰ دینار، قرقاول ۲۵۰ دینار، یک نفر برده‌ی مرد، ۳۰ هزار دینار و یک اسب مسابقه، یکصد هزار دینار، دستمزدها هم طبق لیست اعلام شده این چنین بود: کارگر کشاورز، ۲۵ دینار در روز، نانوا، ۵۰ دینار روزانه، نویسنده، ۲۵ دینار برای ۱۰۰ سطر و معلم برای هر شاگرد در ماه، ۵۰ دینار می توانست دریافت کند.

دیوکالسیان جانشین خود را با امنیت خاطر معرفی می کند. (روم، آوریل ۳۰۵):

دیوکالسیان امپراتور، پس از ۲۱ سال، از مقام سلطنت استعفا داده و بازنشستگی خود را اعلام و در قصر خود در سالونی (Salonae) در موطن اصلیش دالماسی (Dalmatia) اقامت می کند.

سیستم امپراتور های چهارگانه که دیوکالسین به وجود آورد، مدتی صلح را هم برای رم به همراه داشت. با این وضعیت چهارگانه، دو امپراتور ارشد، یکی در شرق و یکی هم در غرب، قدرت را در دست داشتند و هر یک از دو امپراتور کوچک تر را به نام قیصر می نامیدند.

با اعلام حالت جدید فرمانروایی، هر یک از فرمانروایان، به راحتی یک نیروی نظامی برای شورش ها در اختیار داشتند که حیطه‌ی قدرت را درآرامش نگاه می داشت. دیوکلسین و ماکزیمیان (Maximian) شخصیت هایی والا و عالی مقام بودند که بخشی از اختیارات خود را به دو قیصر اعطا کردند، کنستانتیوس در غرب و گالریوس در شرق، بدین ترتیب هر یک از امپراتورهای چهار گانه در حیطه‌ی قدرت خودبه طور مجزا حکومت می کردند.

بربرها پایتخت چین را غارت کردند. (چین، ۳۱۱):

شهر لویانگ، پایتخت چین، به وسیله‌ی زیونگ نو(Xiongnu)، رهبر بربرهای شمال چین دچار تاراج و چپاول شد. با هرج و مرج جاری در چین که در تحت حکومت ژین ها (Jins) در این کشور برقرار بود، زیونگنو رهبر لیوکونگ (Liu Cong) پایتخت را به آتش کشید و امپراتور را دستگیر وبه زندان افکند. دیوار بزرگ چین، در زمان پادشاهی سلسله‌ی هان به این منظور و جلوگیری از هجوم این اقوام احداث شد، لیکن به علت خبط و اشتباه بزرگ یکی از شاهزادگان سلسله‌ی ژین که تعدادی از مزدوران جنگجوی لیوکونگ را در ارتش چین استخدام کرد دست آنان را در حمله بر ضد امپراتوری چین باز گذاشت و آن ها توانستند این چنین اقدامات را در کشور انجام دهند.

ضرب سکه های جدید، جهت جلوگیری از ورشکستگی (تریه گل، ۳۱۰):

بر حسب امر کنستانتین امپراتور، جهت از بین بردن ورشکستگی و کاهش قیمت ها و نیز مقاومت در برابر کمبود توزیع کالا، سکه های طلایی به نام سولیدوس (Solidus) ضرب شد.

با رواج این سکه که ارزش آن برابر ۷۲ سکه در مقابل یک پوند طلا بود، حکومت امپراتوری وضعیت مالی کشور را بر پایه‌ی سکه های سولیدوس قرار داد و به نظر می رسید که قدرت خرید مردم را در کشور ترقی داده و داد و ستدها روال عادی به خود گرفته است.

انتشار سکه‌ی سولیدوس طلا، در حقیقت به سود کارگران و نوکران و سربازان است، چون آن ها دستمزد خود را به طلا دریافت می دارند.

کنستانتین (Constantine)، تنها به مقام امپراتوری کل دست یافت. (نیکومدی (Nicomedia)، آسیای صغیر، ۲۵ ژانویه ۳۲۵):

به مناسبت بیستمین سال به قدرت رسیدن کنستانتین و نیز پیروزی بر کریسپولیس (Chryspolis) در سال گذشته، البته با همکاری و اتحاد قبلی با لیسینیوس (Licinius)، جشن های مجلل و پرخرجی برپا شد.

با شکست قطعی کریسپولیس، لیسینیوس نقض عهد کرد واز کنتسانتین خواست که در نصف امپراتوری شرق با او شریک شود تا وی هم به دین مسیحیت در آید. کنستانتین وی را شکست داد و تمام بیزانتین را تصرف کرد، بنابراین تمام راهبان مسیحی در اجلاس نزدیک شهر نیکیه (Nicaea)، شرکت کرده و آن را جشن گرفتند.

کنستانتین پسر امپراتور، از زنی صیغه‌یی بود که آن زن مسیحی و در خانواده‌یی از طبقه اشراف بی تی نیه (Bithynia) متولد شده بود. خانواده‌ی کنستانتین را امپراتور دیوکلسین در سال ۳۰۵ از میراث محروم کرده بود. به هر حال، وی به بریتانیا گریخت و در جنگ بر علیه امپراتور به کمک پدر شتافت و در روزی که پدرش از دنیا رفت در سال ۳۰۶ خود را امپراتور خواند.

کنستانتین دانا و زیرک در صدد آشتی دادن و اتحاد تمام کلیساهاست. (نیکومدی، آسیای صغیر، ۲۰ مه ۳۲۵):

امپراتور کنستانتین با پوشیدن ردای ارغوانی به نشانه‌ی اهمیت و تقدیس مسیحیان و نیز قدرت خود، مجمع جهانی کلیساها را در شهر نیکائه افتتاح می کند.

وی با فراخوانی تمام اسقف های سراسر امپراتوری برای ملاقات با یکدیگر و فرو نشاندن آتش جدال و مباحثه های جنجال برانگیز و خشم روز افزونی که از هفت سال پیش بین آن ها ایجاد شده، این اجلاس را تشکیل داده است.

این شکاف هنگامی ایجاد شد که یک اسقف اهل اسکندریه به نام آریوس (Arius) این پرسش را مطرح کرد که مسیح را چگونه می باید در مقام خدایی پرستش کرد. وی می گوید که اگر مسیح پسر خداست، باید وجود او جاودانی و ازلی باشد. پس او نمی تواند خدای در خور

گل ۴۷۶

اوریک، پادشاه ویزیگوت ها، بخش باقیمانده ی جنوب سرزمین گل در مرز ایتالیا را تصرف کرد.

ایتالیا ۴۷۶

با توطئه یی که در ارتش سلطنتی در شهر راونا به رهبری یکی از افسران بیگانه (بربر) آلمانی به نام اودوایسر (Odoacer) چیده شده بود، اورستس امپراتور کشته شد ونیز پسر وی به نام رومولوس آگوستوس توسط همین افسر از کشور خارج و به کامپانیا تبعید شد. اودوایسر، زنو را به امپراتوری انتخاب کرد که به صورت ظاهر فرمانروا باشد و خودش در خفا زمام امور را به دست گرفته و کشور را اداره کند و در حقیقت قدرت را خود وی قبضه کرد.

افریقای شمالی ۴۷۷

قیصریه، پادشاه وندال ها، در یکی از ایالات تابعه ی روم درگذشت. پسر وی به نام هونریک (Huneric) که پیرو فرقه ی آریان بود، به جانشینی پدر سلطنت را در دست گرفت و سیاست تند و خشنی را علیه کاتولیک ها که موجب آزار وشکنجه ی آنان بودند، در پیش گرفت.

چین ۴۷۷

سلسله پادشاهی لیوسانگ(Liu Song) توسط ژنرال زیائو دائوچنگ (Xiao DaoCheng) منقرض شد و زیائو به نیابت سلطنت منصوب شد.

چین ۴۷۷

بودایی گری در چین به صورت بومی درآمد.

چین ۴۷۹

زیادائو چنگ در سنین جوانی به امپراتوری رسید و تمام خاندان سلطنتی را قتل عام کرد و سلسله پادشاهی کی (Qi)را در جنوب چین تأسیس کرد. اکنون جنگ بین توبا (Toba)و سلاطین جنوب دوباره آغاز شده است.

بریتانی ۴۸۰

طوایف ساکسون (Saxon) به رهبری ائل (Aelle) که درسرزمین های کرانه جنوبی می زیستند، به سوی منطقه غرب بریتون (Britons) پیشروی کردند، این شاهزاده نشین به سوی ساکسون جنوب (ساسکس–Sussex) گسترش یافت.

دالماسی ۴۸۰

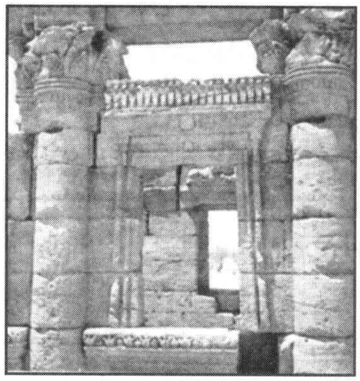
اودوایسر (Odoacer) سرزمین دالماسی (Dalmatia) را پس از تبعید و مرگ امپراتور ژولیوس نپوس(Julius Nepos)، تصرف و کنترل تمام منطقه را در دست گرفت.

گل (فرانسه) ۴۸۰

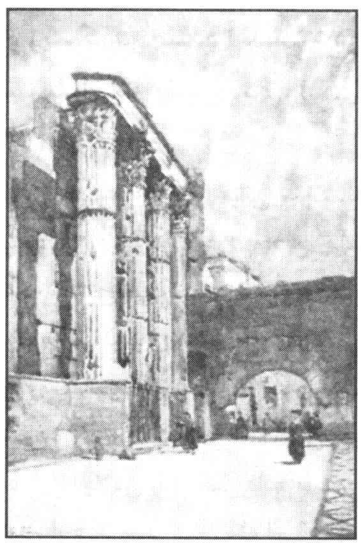
گوندوباد (Gundobad) فرمانده پیشین نیروی نظامی غرب شیلپریک (Chilperic) برادرزاده خود را جانشین پادشاه بورگاندی اعلام کرد. درحال حاضرشاهزاده نشین بورگاندی به فراسوی سرزمین گل شرقی گسترش یافته ودارای دو پایتخت در لیون وژنو می باشد.



پیکره‌ی یکی از مورخان رمی که در سال‌های اخیر تهیه شده است.



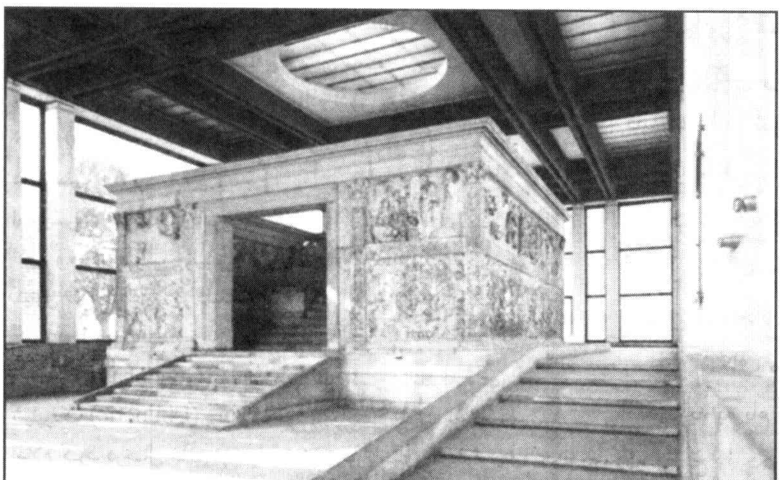
معبد اقوام کوش (Kushite) با سبک معماری پیشرفته‌ی رمی.



ویرانی‌های معبد مارس (Mars) (مریخ) در میدان اصلی شهر رم.



جشن‌هایی که به‌مناسبت امپراتوری اگوستوس در رم برپا شده، از دید نقاشان معاصر.



بازسازی معبد صلح اگوستوس، از نظر رومیان این مکان کانون اراده‌ی امپراتوری می‌باشد.

پرستش باشد و یکی از انسان های بنده‌ی خدا و در حد پدر مسیحیان است. با این وجود، تشکیل این اجتماع، مدیون افکار کنستانتین می باشد که توانسته مقامات تمام کلیساها را برای شرکت در آکادمی خداشناسان فرا خواند، لیکن خطر حقیقی در این است که اختلافات عمیق تر شود.

اکنون کنستانتین تمام مهارت و تجربه‌ی خود را به عنوان آشتی دهنده به کار می برد تا جو کنفرانس هر چه بیش تر بر تفاهم و دوستی باشد و برای این منظور هم خود در نقش مشاور در این مجمع شرکت کرده تا شاید نهال صلح و آشتی را بکارد و به حل اختلافات کمک کند.

وی خود در این امر اصرار داد که موضوع پسر خدا بودن مسیح، مورد مناقشه واقع نشود و با نگاهی سطحی بر این باور است که کلیسای ارتودکس (Orthodox) مافوق کلیسای آریانی (Arian) است (طرفدار آریوس)، در حقیقت، در سخنان زیرکانه‌ی کنستانتین بوی جاه طلبی و بلند پروازی های او استشمام می شد و آریان قبلاً این موضوع را دریافته بود که از نظر امپراتور ارتقای درجه‌ی کلیساهای ارتودوکس می باشد.

در هنگام گشایش این اجلاسیه، ۲۰۰ نفر از اسقف های هواخواه آریان اصل مطالب خود را بیان کردند و کنستانتین توانست نظریات خود را به زور تحمیل کند تا اتحاد بین کلیساها را تا ۱۲ سال تامین کند تا نسبت به هم در صلح به سر برند و از آزار یکدیگر بپرهیزند.

زاهد مسیحی سال ها در بیابان زندگی کرد. (مصر، ۳۱۲):

آنتونی (Anthony)، زاهد مسیحی که مدت ۲۰ سال را به تنهایی در صحرا و هفت سال را هم به ترویج آئین مسیح گذرانده بود، با شرکت در کمیته‌ی تارک دنیاها، باز هم به صحرا برگشت. وی شصت سال پیش در شهر ممفیس (Memphis) به دنیا آمده و اوقات زندگی خود را جهت پالایش روح و پایداری در برابر ناملایمات و سختی ها در بیابان گذرانید و این فرصی بود که جسم خود را به سختی عادت دهد تا روحش در آرامش ابدی سیر کند.

پاسخ های ریاضیدان به زبان الفبایی (اسکندریه، ۳۱۰):

هندوستان ۴۸۰

عقاید نستوری یا نستوریانیسم (Nestoriaism) که سخت پای بند این است که مسیح دارای الوهیت و حالات جسمانی توأم است وباکره بودن مادر خدا (مسیح) را انکار می کند، به مرزهای هندوستان هم رسید.

گل (فرانسه) ۴۸۱

شیلدریک (Childeric) پادشاه فرانکها در پایتخت خویش تورنای (Tournai) در گذشت و پسرخود کلوویس (Clovis) را به جانشینی خود انتخاب کرد.

قسطنطنیه (استانبول) ۴۸۲

در حالیکه جدال بین عقاید گوناگون مسیحیت که پیروان آن بر عقایدشان سخت پای می فشارند، به اوج خود رسیده وبین مونوفیزیت های کالسدونی و پیروان کاتولیک اختلافات شدیدی وجود دارد، زنو امپراتور طی اعلامیه خواستار صلح و آشتی بین گروه ها شد، این اعلامیه به نام هنوتیکون (Henotikon) مشهور شد.

استانبول -روم ۴۸۴

اختلاف وجدایی بین مجامع کلیسایی کنستانتینوپول و روم شدت گرفت. پاپ از قبول اعلامیه هنوتیکون سر باز زد وآن را رفض و بدعت دردین مسیح می دانست.

گل (فرانسه) ۴۸۶

کلوویس پادشاه فرانکها، سیگاریوس (Sygarius) فرمانده گل، روم و لشگریان وی را در سوآسون (Soissons) شکست داده و بخش اعظم گل شمالی به استثنای آموریکا (Amorica) (بریتانی-Brittany) را تصرف کرد.

ایران ۴۸۶

دومین اجلاس ایران در شهر سلوکیه با شرکت پیروان این آئین تشکیل شد و شرکت کنندگان طرفداری خود را از عقاید نستوری اعلام داشتند.

قسطنطنیه (استانبول) ۴۸۸

لئونتیوس (Leontius) غاصب که پیرو مذهب کاتولیک وپدر روحانی ناحیه ایسوری(Isauri) و ایلوس (Illus) بود در مخالفت با امپراتور به قتل رسید. حال پیروان مونوفیزیت اکثریت دارند و اعلامیه زنو (Zeno) را نصب العین خود قرار داده اند.

قسطنطنیه (استانبول) ۴۸۸

با تجدید یک سری حملات و شورش بربرها، بالاخره محل اقامت زنو در محاصره قرار گرفت. این شورش را ویزیگوتها بر پا کرده بودند، رهبر شورش که پادشاه ویزیگوتها تئودوریک (Theodoric) نام داشت، اودوایسر (Odoacer) را از ایتالیا بیرون راند.

قسطنطنیه (استانبول) ۴۹۱

پس از مرگ زنو، بیوه او امپراتریس آریادن (Ariadne)، آناستازیوس (Anastasius) را به عنوان امپراتور انتخاب کرد، او که سخت خود را ملزم به رعایت باورهای مونوفیزیت می دانست پس از تاجگذاری با آریادن ازدواج کرد.در این حال دستوراتی برای بهبود اقتصاد متزلزل وناپایدار صادر کرد.

یک ریاضیدان یونانی مقیم اسکندریه، روش نوینی پیرامون حساب در یک سری رساله بیان کرده و نام آن را آریت متیکا (Arithmetika) نهاده است. این روش خیلی بهتر از الجبرای (جبر) عربی می باشد.

در ۱۳ جلد کتاب تالیف شده به وسیله‌ی دیوفانتوس (Diophantus) که مدیون محاسبات بابلی ها می باشد، وی احتمالاً همان شیوه‌ی بابلیان را به کار برده، لیکن این روش با وجود مشابهت با آن، سبک نوینی است.

در آریت متیکا از کلمات برای تشریح مقادیر غیر شناخته شده، استفاده شده و روابط بین آن ها بیان شده. با ساختمان و تعیین مقادیر اعداد ناشناخته، دیوفانتوس توانسته این چنین اعداد را مشخص کند.

روش به کارگیری کلمات به جای اعداد علم ریاضی خیلی پیشرفت کرده و از زمان اقلیدس (Euclid) تا به حال، چنین پیشبردی در ریاضی سابقه نداشته، اقلیدس یکی دیگر از دانشمندان شهر اسکندریه، در ۶۰۰ سال پیش، عناصر طبیعی را شرح داده است.

پایتخت جدید رم در بیزانتین (Bizantium) (بیزانس، آسیای صغیر، ۳۲۴):

کنستانتین پادشاه روم، شهر جدیدی را در پروپونت (Propontis) در ساحل دریای مرمره و در منطقه‌ی یونانی نشین قدیمی بیزانس، جهت پایتختی بنا می کند. این شهر کنستانتیوپول (Constantinople) (قسطنطنیه) یا شهر کنستانتین نامیده می شود. این شهر نزدیک میدان نبرد با لسینیوس رقیب کنستانتین که به پیروزی وی انجامید، واقع شده و از نظر سوق الجیشی، بسیار اهمیت دارد.

نخستین کاخ های مسیحیان در روم بنا می شود. (روم، ۳۳۷):

گرچه تنها بیست و پنج سال از زمانی که مسیحیان در رم مورد آزار و شکنجه قرار می گرفتند، معهذا با کمک کنستانتین تعداد پنج دستگاه کاخ در رم ساخته شده. این ساختمان های باشکوه، در اصل خارج از دیوارهای شهر و در کنار محل گورستان مسیحیان بنا شده است. تنها یکی از آن ها در داخل شهر و در کنار زمین های امپراتوری است که به نام کلیسای سنت ژان لاتران (St Hohn Lateran) و یکی دیگر به نام قصر لاتران که محل کلیسای اسقفی بزرگ است قرار دارد. بیش تر این ساختمان ها شبیه راهروهایی است در کلیسای سنت پیتر که روی تپه واتیکان (Vatican Hill) و در برج حواریون (Apostle) مسیح بنا گردیده، بقیه کلیساهای قابل ذکر عبارتند از: کلیسای سنت آگنس (St Agnes) در مسیر راه نومنتانا (Nomentana)، سنت سباستین (St Sebastian) در راه آپیان و کلیسای سنت پل (St Paul) که در خارج دیوار قرار گرفته است.

اسقف بدعت گزار در کنار گوش امپراتور (نیکومدی، ۳۳۷) :

مدت کوتاهی قبل از اعیاد پنجگانه (عیدی که به مناسب دمیده شدن روح القدس بر پیکر حواریون برپا می شود)، امپراتور کنستانتین با القای اورزبیوس (Eusebius)، یکی از برزگترین طرفداران آریان بدعت گزار به فرقه‌ی باتپست ها پیوست. در زیر پوشش این جریان، قدرت فوق العاده آریان نمودار است که در قالب کلیساهای ارتودوکس در سال ۳۲۵ در نیسن (Nicene) مورد قبول واقع شد. اوزبیوس توانست اطمینان کنستانتین را به خود جلب کند و ارتودوکس را به عنوان دشمن مسیحیت طرد نماید. وی کلیساهای انطاکیه، اسکندریه و آنکیرا (Ancyra) را بی اعتبار ساخت و آن ها را تحت پیگرد قرار داد.

تمام امور در پایتخت جدید حل و فصل می شود. (کنستانتینوپول، ۱۱ مه ۳۳۰):

مرکز امپراتوری تا مدت های مدید در شهری قرار داشت که بعدها آن را کنستانتیوپول یا پایتخت جدید نامیدند و این اسم را هم از کنستانتین موسس و بنیانگذار آن اخذ کردند. این شهر جدید بر روی شهر باستانی و قدیمی بنا شد. پایتخت جدید در محل بسیار خوبی قرار دارد، این محل در کنار تنگه‌ی بوسفور (Bosporus) و چهار راه اروپا و آسیا و دریاهای سیاه و مدیترانه قرار گرفته و همین طور اطراف آن سرزمین های زیاد و مسیر دریایی واقع شده ه در زمان امپراتوری هم در مسیر سرزمین های کرانه‌ی دانوب و مرزهای شرقی قرار داشت.

از نظر جغرافیایی هم یک شهر مذهبی محسوب می شود، این شهر دارای کلیساهای عالی و باشکوه است که

آسیای صغیر ۴۹۱
اهالی ایزوری (Isaurians) که جنگجویانی از کوهستانهای جنوب آسیای کوچک هستند، علیه آناستازیوس امپراتور جدید روم شرقی به پا خاستند. آنها آخرین مرکز قدرت در شهر استانبول هستند. به هر حال شورش آنان در نبرد کوتیا ئوم (Cotiaeum) در هم شکست.

ایتالیا ۲۵ مارس ۴۹۳
پس از دو سال ونیم نبرد و محاصره، شهر راونا به وسیله اوستروگوتها (Ostrogoths) به رهبری تئودوریک سرانجام، اودوایسر تسلیم آنان شد و موافقت شد که اوستروگوتها در حکومت شرکت کنند.

روم ۳ مه ۴۹۵
اسقف های ایتالیایی، همگی در حمایت از پاپ ژلاسیوس (Gelasius) در جدال با باورهای مونوفیزیت ها علیه امپراتور آناستازیوس که در نظر داشت این عقیده را گسترش دهد هم پیمان شدند. در عین حال پاپ اظهار داشت که قدرت روحانیت که وی ریاست آنرا دارد، بالاتر از قدرت دنیوی و غیر روحانی امپراتور است.

گل (فرانسه) ۴۹۶
کلوویس (Clovis) با فرانکهای ناحیه راین علیه آلامانی متحد شده وآنها را در نبرد تولیباک (Tolibac) در نزدیک رود راین منهزم کرد، اکنون آلامانی ها به اجبار به ناحیه راین عقب نشستند.

ایتالیا ۴۹۷
آناستازیوس نماینده یی با نشان به نزد تئودوریک پادشاه شرق فرستاد و بدین ترتیب موقعیت وی را تحکیم کرده و به رسمیت شناخت.

آسیای کوچک ۴۹۸
قلاع واستحکامات کوهستانی ایسوریها (Isaurian) سر انجام برچیده شد و بدین ترتیب تهدیدهای آنان علیه امنیت امپراتوری شرق به پایان رسید.

گل (فرانسه) ۵۰۰
کلوویس پادشاه فرانکهااز مذهب کاتولیک به اورتودوکس گروید، در حالیکه کاتولیک ها دارای دستگاه سلطنتی هستند. پادشاهان ویزیگوت، وندالها، بورگوندی و استراگوت پیرو عقاید آریان هستند، لیکن امپراتور پیرو عقاید مونوفیزیت است.

افریقای غربی ۵۰۰
سلسله پادشاهان حقا (Hagha) بر غنا که سرزمینی ساحلی و بیابانی است حکومت می کنند. آنها محموله های تجاری خود را که شامل نمک و طلا می باشد با شترهای تربیت شده به مناطق شمالی افریقا ارسال می دارند.

آمریکای شمالی ۵۰۰
فرهنگ وتمدن آناسازی (Anasazi) به نواحی یوتا (Utah)، آریزونا (Arisona) و نیومکزیکو(New Mexico) گسترش یافته و برای حمایت و پشتیبانی از حملات بیگانگان ساکنان این مناطق، خانه های خود را در لبه پرتگاهها و دره ها بنا می کنند.

هر کدام شاهکاری به حساب می آید، و هم چنین از تمام نقاط جهان واردات دارد و در واقع یک شهر مسیحی است که مسیحیان برای بازدید به آن جا می آیند و تنها شهری که در مقام مقایسه با آنست، شهر رم می باشد.

اقوام مایا (Maya) در شهرهای آرام در سایه‌ی صلح به سر می برند. (امریکای مرکزی، ۳۵۰):

تمدن مایا در سراسر هندوراس، گواتمالا و جنوب مکزیک بسیار مشهور و شکوفا می باشد و در تمام امریکا فرهنگ مایا در حال پیشرفت است. این تنها تمدن غالب و مسلط نیست، بلکه این فرهنگ در بطن جامعه رسوخ کرده است.

مردم در شهرهای ایالتی در صلح و آرامش زندگی می کنند و از نظر داد و ستد و بازرگانی و اظهار عقیده آزاد هستند. سیاست کلی کشور در دست راهبان است و آن ها از روی جاه طلبی و کسب قدرت، ارتش را به نبرد نمی فرستند و جنگ طلب نیستند و به طور کلی سعی می کنند در هیچ جنگی وارد نشوند و نیروهای نظامی خود را همواره برای اسکات و فرونشاندن غائله بین اقوام به کار می برندو تمدن مایا به طور کلی برای ساختن بناها و ایجاد شهرهای جدید و پیشرفت امور محلی و هم چنین تجارت و ارتباط با سرزمین های دیگر خلاصه می شود.

در شهرهایی هم چون کوپان (Copan)، تیکال (Tikal)، چیچن ایتزا (Chichen Itza)، و کوئری گوآ (Quirigua)، معابد، هرم ها و ستون هایی در کمال دقت و ظرافت بنا شده که قبل از هر چیز سکوت و آرامش آن ها چشمگیر است، در خارج شهرها و داخل روستاها مزارع ذرت، کتان، تنباکو، کاکائو و میوه به وفور دیده می شود و پرورش زنبور عسل و تولید عسل هم به فراوانی در روستاها معمول است. به علاوه مایاها الفبا و صداهای مخصوص در زبان خود را به کار می برند که در خور توجه است، آن ها تقویمی با سال ۳۶۵ روز و ۵۲ هفته دارند و این دوره سالیانه در تمام نقاط امریکای مرکزی همزمان می باشد و نیز آداب و رسوم این منطقه شباهت تامی با یکدیگر دارد.

اتیوپی مسیحی مرکز تجارت به حساب می آید. (اتیوپی، ۳۵۰):

از زمان شکست پادشاه کوش (Kush) توسط ازانا (Ezana)، نخستین پادشاه مسیحی اتیوپی، پایتخت اتیوپی شهر اکسوم (Axum) به چهار راه تجارت شمال شرق افریقا تبدیل شده و با بی طرفی، این منطقه به یک استان قدرتمند افریقایی مبدل شده است.

کارهای معماری شهر اکسوم شگفت انگیز، و دارای کاخ ها و گنبدها و کلیساهای بسیار با شکوه می باشد. اغلب ساختمان ها در سطحی بسیار وسیع بنا شده، هم چون کلیسای بزرگ و تازه ساز سنت ماری (St Mary) که برای محل اقامت فرومنتیوس (Frumentius) اسقف اتیوپی که در ۲۳ سال پیش بنیان نهاده شده است.

ترجمه‌ی تازه انجیل توسط گوت ها (Goths) (اروپای شمالی، ۳۵۰):

برای نخستین بار کتاب مقدس به زبان بربرها ترجمه و تفسیر می شود. اولفیلاس (Ulfilas) اولین کشیش مسیحی گوتیک، انجیل، کتاب مقدس را با کمک مترجمانی متبحر به زبان بومی برگردانیده و در این ترجمه نهایت درستی و امانت رعایت شده است. در برگردانیدن انجیل به زبان گوتیک، قبلا کارهایی انجام شده بود و به ویژه ترجمه‌ی کتاب به زبان لاتین، بخشی هم به زبان گوتیک اختصاص داده شده بود؛ لیکن تا به حال روی این زبان آن چنان تاکید نداشتند و بیش تر به زبان لاتین اهمیت می دادند، چون زبان گوتیک به اندازه‌ی کافی پیشرفت نکرده بود و نمی شد که کتاب مقدس را به طور کامل به لهجه‌ی گوتیک درآورد، لیکن تا آنجا که مقدور بود، در این راه تلاش به عمل آمد تا قسمت های مهم آن به زبان بومی برگردانده شود.

گروه های زائران جهت زیارت اماکن مقدس می شتابند. (اورشلیم، ۱۷ سپتامبر ۳۳۵):

مسیحیان از سراسر امپراتوری در قالب گروه های مختلف برای زیارت بزرگ ترین مکان مقدس در شهر اورشلیم، رهسپار آن دیار می شوند، خاصه که در اسپولکر (Spulchre) این روزها جشن های بزرگی برپاست در معبد مسیحی گولگوتا (Golgotha) تا حدود هفت سال پیش جایگاه خدای آفرودیت (Aphrodite) کشف شد. امپراتور کنستانتین، طبق فرمانی اعلام کرد که در این محل مقدس، یک سری ساختمان های وسیع بنا شود. این محل شامل یک مکان با سقف گنبدی شکل و خانه های اسپولکر مقدس که کاملاً به بازیلیکا (Basilica) یا کاخ متصل است، با پنج سرسرای بزرگ می باشد، در این روزها گشایش یافت.

هجوم هون ها (Huns) به اروپا (دلتای بالایی رود دانوب، ۳۷۵):

با هجوم روز افزون اقوام بربر از کرانه‌ی شمالی رود دانوب، نیروهای نظامی رم مراقبت از مرزهای امپراتوری را تشدید می کنند. آن ها دشمنان قدیمی اقوام گوت هستند، لیکن در حال حاضر، این جنگجویان در جستجوی پناهگاهی در سرزمین رم هستند و به حملات جدیدی دست زده اند.

اقوام هون از دشت های سرد و متروک سیبری و اطراف دریاچه‌ی بایکال، به سوی غرب روی آور شده اند. هون ها از نظر قیافه و هیکل، شبیه انسان هایی هستند بی ریش و بدن های قوی که می توانند سرمای شدید سیبری را تحمل کنند.

از نظر بدنی، چاق و کوتاه که درد و گرسنگی در آن ها تاثیر ندارد، به طور معمول، جنگ و شکار کردن و کشتن را دوست دارند و می توانند بر روی زین اسب بخوابند. داستان هایی از آنان حکایت می کنند که چندان باور کردنی نیست، لیکن آن ها به طور کلی، تیراندازان ماهری هستند که در حین سواری می توانند با کمند دشمن را شکار کنند. به طور یقین می توان گفت، آن ها هنگام حمله، تمام افرادی را که در کنار آن ها هستند، از پای در می آورند، به طوری که اثری از دشمن باقی نمی ماند و به شکست ناپذیری در جنگ شهرت دارند.

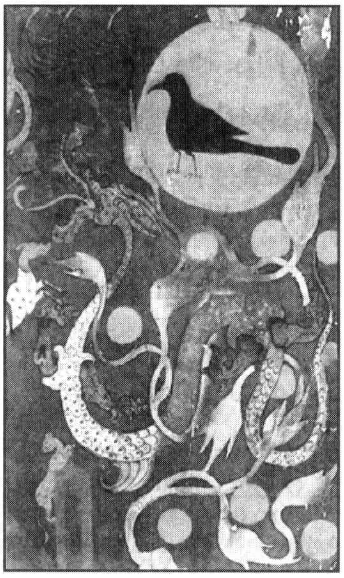
اقوام آلان (Alan) چادر نشین که در بین رودهای ولگا (Volga) و دون (Don) سکونت دارند، در مقابله با آن ها احتیاط می کنند که باعث خشم و غضب هون ها نشوند و حتی سعی می کنند محل زندگی خود را تغییر دهند. طوایف ژرمن با امواج شدید آبگیرها، متوجه مهاجرت آن ها می شوند، زیرا امواج شدید تالاب ها، نشان از ورود آن ها دارد و استروگوت ها (Ostrogoths) و ویزیگوت ها (Visigoths) با این نشانه ها تغییر محل می دهند و



اسب پرنده‌ی برنزی یکی از آثار هنری زمان سلسله‌ی پادشاهی هان در چین.



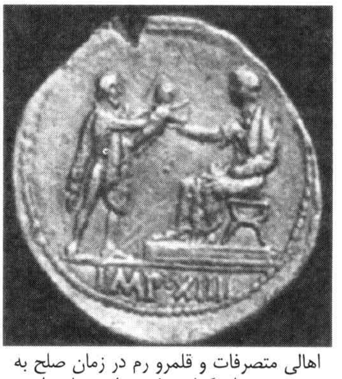
مجسمه‌ی سر تیبریوس (Tiberius). او برای مصون‌ماندن از توطئه‌ی قتل توسط دشمنان، مقر حکومت خود را به جزیره‌ی کاپری (Capri) منتقل کرد.



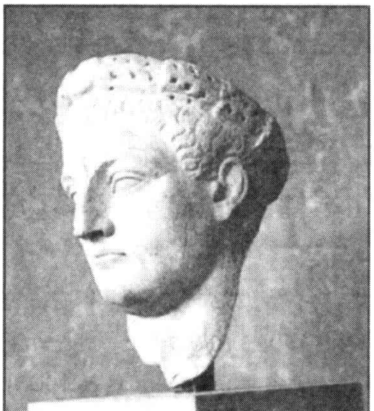
هنر دوران هان، نقاشی و قلم‌کاری رنگی بر روی پارچه‌ی ابریشمی.



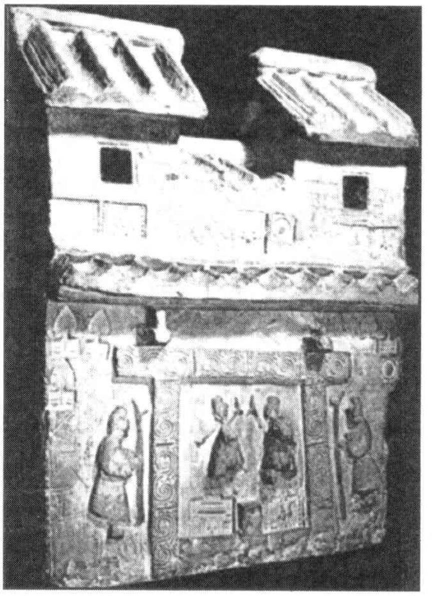
دولت رم برای تثبیت حاکمیت خود سبک معماری خود را در تمام متصرفاتش تعمیم می‌داد، این‌جا سردر دروازه‌ی شهر آتون (Autun) است.



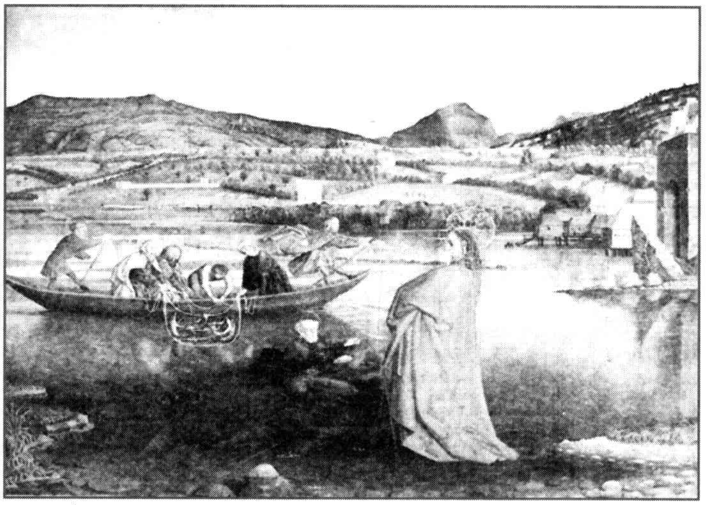
اهالی متصرفات و قلمرو رم در زمان صلح به عوض خراج گاهی فرزندان شان را به آگوستوس امپراتور می‌دهند.



کلودیوس (Claudius) امپراتور دچار نقص عقلانی و عقب‌افتاده، لیکن او نشان داد که هیچ‌گونه نقص و کندذهنی ندارد.



یک مدل سفالی از یک خانه‌ی چینی.



دستگیری و انتقال مسیح (نقاشی اثر کنراد ویتز (Conrad Witz)، سده‌ی ۱۵)

میدان را خالی می کنند. لیکن برای امپراتوری روم، نشانه‌یی وجود ندارد که حمله‌ی آن ها قریب الوقوع باشد و در نتیجه بایستی نیروهای نظامی نگهبان مرزها، در حال آماده باش باشند تا از مرزهای کشور در برابر فشار آن ها مقاومت و ایستادگی کنند.

ژولیان (Julian)، امپراتور کافر، در گذشت. (انطاکیه، سوریه، ۲۶ ژوئن ۳۶۳):

ژولیان امپراتور روم، پس از دو سال و اندی که از به قدرت رسیدن او می گذشت، به واسطه‌ی زخمی که در جنگ با ایران برداشته بود، بدرود حیات گفت. در این جنگ که در اوایل امسال رخ داد، ژولیان در ابتدا پیروزی هایی به دست آورد و به نزدیک تیسفون، پایتخت ساسانیان در کنار رود دجله، رسید، لیکن در مقابل نیروی ایران تاب نیاورده و در هنگام عقب نشینی زخم برداشت که منجر به فوت او شد، وی در زمان مرگ ۳۱ سال داشت.

ژولیان و لشگریانش، مذهب کفر را حفظ کردند، در حالی که در این زمان، مردم رم به مسیحیت درآمده بودند و وی را کافر و ملحد می خواندند و سپاهیان او هم به مانند او، مسیحیت را نپذیرفته بودند. ژولیان، آدمی روشنفکر و آداب دان بود، او فلسفه و علوم ماورای طبیعت را فرا گرفته بود و در خانواده‌ی مسیحی تربیت یافته و بزرگ شده بود.

ژولیان برادر زاده‌ی کنستانتین، امپراتور روم، بود. کنستانتین در هنگام مرگش دستور داد که بقایای خانواده‌ی او را قتل عام کنند در آن موقع، ژولیان پنج ساله بود.

او در سال ۳۶۱ اعلام داشت که پیرو مسیحیت نیست و طرفدار کفر است، در هنگام مرگ کنستانتین، او تنها امپراتور رم شد. وی مراسم پرستش خدایان را در کوه اولمپ برپای کرد و در پیشگاه خدایان گاو قربانی می کرد، لیکن از معلمان مسیحی که در مدارس تدریس می کردند، چشم پوشی می کرد. ژولیان مطالب زیادی درباره‌ی خداپرستی بیان می داشت و سخنان تندی بر علیه مسیحیت ابراز می کرد، به طوری که مردم وی را ملحد و کافر خواندند.

بحث و جدل بر سر عیسی، شکاف در بین مسیحیان را تشدید کرد. (میان رودان و ایتالیا، ۳۵۹):

مشاجره و جدال اسقف های خشمگین بر سر اصل و ریشه و طرز به وجود آمدن عیسی مسیح، کمیته های حل اختلاف را دچار تشنج و آشوب ساخته است. یک اسقف اهل اسکندریه، به نام آریوس (Arius) در خطابه های خود این بحث را به میان کشید که آیا خداوند عیسی را از هیچ آفریده؛ وی اعلام می دارد که خداوند عیسی را هم پایه و هم شان خود نیافریده، بلکه پدر عیسی را در حد نیمه خدایی در مقابل خود آفریده.

آریوس این سخنان را در سال ۳۲۵ و در اجلاس جهانی کلیساها در شهر نیکائیه، بیان داشت، او اظهار داشت که عیسی جوهره‌یی از خداوند است، لیکن هم جنس خدا نیست. عقیده‌ی آریوس و آریانیسم تا به حال یک عقیده در سطح بالاست، چون در شهر قسطنطنیه، امپراتوران از آن پشتیبانی کردند، لیکن دو مجمع کلیسایی، یکی در سلنسیا (Selencia) و دیگری در غرب رمی نی (Remini) اعلام کرده اند که پسر کاملا مشابه پدر است و در هر حال تصمیمات کنگره‌ی نیکائیه را باطل شمردند. مخالفان آریانیسم و آریوس مثل ژروم (Jerome) به این ترتیب شکوه و شکایت خود را مطرح کرد اند، تمام دستگاه مذهبی مسیحیت در سراسر دنیا از به وجود آمدن آریانیسم و عقاید مخالف آریان در شگفت هستند.

سامودراگوپتا (Samudragupta) با وجود داشتن میراث عظیم، هند را ترک می گوید. (هندوستان، ۳۷۵):

سامودراگوپتا، یکی از پادشاهان خاندان گوپتا، که قلمرو خود را از یک حاکم نشین کوچک، به سراسر شمال و مرکز هند گسترش داده بود، بدرود حیات گفت. پادشاهی که هم شاعر بود و هم در زمینه‌ی هنر، یک نمونه بود و در عین حال، به همان اندازه روح شجاعت و دلاوری داشت، در محیطی آکنده از صلح و دوستی، جهان را ترک گفت.

خراج گذاران، وی را می ستودند، او هم مانند آشوکا (Ashoka) که در حدود شش سده‌ی پیش می زیست پرهیزگار و پاکدامن بود، روی یکی از ستون های سنگی به جا مانده از آن زمان، ویژگی های این مرد حک شده است.

در نبردهایش این افراد را مقهور و شکست داده: واکاتاکاس (Vakatakas) درهند مرکزی، ناگاس

(Nagas) در شمال هند، ماگهاس (Maghas) در کوزامبی (Kausambi)، کوزالاس (Kosalas) در منطقه‌ی گنگ (Ganges) و بقایای امپراتوری کوشان ها. در ضمن سرزمین های دیگری هم با ازدواج سیاسی و اتحاد با حاکمان محلی، بدو تعلق گرفت. وی افراد فامیل خود را به حکومت ایالات منصوب کرد تا به وی وفادار بمانند و خراج گذار او باشند.

سامودراگوپتا بر یکی از وسیع ترین سرزمین های کشور که تاکنون دیده شده، فرمانروایی می کرد. در هنگام مراجعت از یکی از نبردهایش، که برای توسعه‌ی سرزمین تحت حاکمیت خود انجام داده بود، در دکن (Dekhan) آئین پرستش ودا (Vedic) را با قربانی کردن اسب به جای آورد. این آئین که هر ساله به وسیله‌ی پادشاهان اجرا می شد، در سده‌ی دوم ترک شد و اینک سامودراگوپتا آن را احیا کرده است.

به هر حال، پرستش کنندگان غیور خدای ویشنو (Vishnu)، که به هر عقیده و مذهبی احترام می گزارند و آن را تحمل می کنند، حکومت وی را پذیرفته بودند، برای یاد بود او، به عنوان نمونه‌ی یک هنرمند، تصویر وی را در روی سکه های طلا ضرب و این سکه ها را بر روی عود نصب کرده اند که همواره یاد وی در خاطره‌ی مردم زنده باشد.

دولت های ایران و رم قرارداد صلح امضاء کردند. (میان رودان، تابستان ۳۶۳):

روم و ایران یک پیمان صلح سی ساله امضاء کرده اند. در این پیمان که با نظر شاپور دوم ساسانی تنظیم شد، چون حملات امپراتور ژوویان (Jovian) به میان رودان را شاپور، بلا اثر گذاشته و آن را دفع کرده بود، ایالات ساتراپی (Satrapies)، متعلق به رم، که در سال ۲۹۸ فتح شده بود، به ایران واگذار شد و همچنین دژها و ارتفاعات شهرهای نصیبین و سینگارا (Singara) و نصف ارمنستان هم سهم ایران شد. دولت رم هم چنین مبلغ خراجی را که برای احداث بندر و نگهداری باب الابواب برای جلوگیری از حمله‌ی آلان های (Alnas) قفقازی به دو کشور وجود داشت، به ایران پرداخت کرد.

آمریکای جنوبی ۵۰۰

تمدن و آداب و رسوم هوآری (Huari) که در دره آیاکوکو (Ayachucho) شکل گرفته بود، در حال توسعه می باشد و در دورترین مناطق کوه های اند (Andean) و ساحلی شمال پرو (Peru) و سرزمین های جنوب و نیز در ناحیه نازاکا (Nazca) گسترش یافته است.

آمریکای جنوبی ۵۰۰

فرهنگ تیاهواناکو (Tiahuanaco) که کانون آن در ساحل جنوبی دریاچه تیتی کاکا (Titicaca) می باشد از نظر باورهای مذهبی و رسوم محلی شباهت تامی با گروهها و فرقه های هوآری دارد. آنها موفق به تأسیس امپراتوری بزرگی شده اند . نشانه هایی از اقتدار تمدن تیاهواناکو با ساختن دژهایی در ارتفاعات چهارهزار متری برای دیده بانی و کنترل راههای بازرگانی و راهزنان خیالی در چشمگیری از بولیوی (Bolivia) تا آرژانتین (Argentina) و شیلی (Chile)گسترده است.

بریتانیا ۵۰۰

بریتونها، ساکسونها را در مونت بادون (Mount Badon) شکست داده و به سوی غرب به پیشروی خود ادامه داده و سرانجام توانستند یک شاهزاده نشین در سرزمین ساکسون غربی (وسکس-Wessex) بنیان گذارند.

ایران ۵۰۰

یکی از موبدان بزرگ زرتشتی (Zoroastrian) به نام مزدک نهضتی به اسم مزدکیه (Mazdakite) را که عقایدی اجتماعی داشت و معتقد به مرام اشتراکی و توزیع ثروت ملی به طور یکسان بود بنیانگزاری کرد، این امر در جهت حمایت از طبقه محروم جامعه می باشد.

گل ۲۹ مارس ۵۰۲

در شهر لیون (Lyon)، گوندوباد (Gundobad)، پادشاه بورگاندیها (Burgundian)، طی قانونی اعلام کرد که از این پس رومیها و بورگاندیها حقوقی مساوی دارند و تحت یک قانون زندگی خواهند کرد.

چین ۵۰۲

زیائویان (Xiao yan) در شهر نان جینگ (Nanjing) با فشار بر فرمانروای کی (Qi) که خویشاوند وی بود، او را مجبور کرد که قدرت را به وی واگذارد. بدین ترتیب او موفق شد که سلسله امپراتوری لیانگ (Liang) را تأسیس کند.

میان رودان ۵۰۲

ایرانی ها با اعلان جنگ به امپراتوری روم شرقی به بهانه اینکه مفاد پیمان صلح سال ۴۴۲ زیر پا نهاده شده، دست به غارت شهر آمیدا (Amida) زده و آنرا تسخیر کردند، این شهر در شمال میان رودان واقع شده است.

قراردادی که شاپور با دولت رم بست، بزرگ ترین پیروزی را برای ایران به ارمغان آورد و امپراتوری ساسانیان را به اوج قدرت رسانید. این پیمان، نتیجه‌ی وفاداری اشراف و نیروهای سواره نظام ایرانی به پادشاه خود بود و برای صلح و امنیت کشور بسیار مفید واقع شد.

کارمندان کشوری ارتش روم به ازدیاد است. (روم، ۳۷۳):

امپراتوری رم با داشتن پانصد هزار کارمند، اکنون به اوج قدرت رسیده و کارمندان ارتش هم رو به تزاید است. این تعداد کارمند و کارگر، فشار روز افزونی بر دوش مالیات دهندگان و سیستم اداری کشور می باشد.

این خدمات جنبی عبارتند از: سرپرستی ایالات تابعه‌ی امپراتوری یا کونسیستوری (Consistory) یا مجلس مشورتی شوراها که سرپرستی بخش های ایالتی را عهده دارند، سرپرستی خدمات کشوری که زیر نظر یک افسر عالی مقام اداره می شود، دیگری کنترل صندوق اعانات که برای اماکن مقدسه پرداخت می شود و نیز خزانه و ضراب خانه، هم چنین مدیریت و کنترل اماکن امپراتوری و دارایی ها آنها، و نیز نگهداری کلیساها و تعمیرات بنای آن ها و احداث کلیساهای جدید و گردآوری نشریات آن ها در علوم گوناگون ادبی و غیره و ایجاد مراکزی برای پخش اطلاعات دینی و دفاتر رسمی، مانند محکمه‌ی عدالت و هم چنین سایر ادارات دولتی.

این دستگاه ها و ادارات امپراتوری، زیر نظر سه نفر ناظر کل، اداره می شود که به قلمروهای اسقفی و ایالات مختلف تقسیم شده و هر کدام زیر نظر یک فرماندار می باشد.

آتانازیوس (Athanasius) اسقف ضد بدعت گزاران، درگذشت. (اسکندریه، ۲ مه ۳۷۳):

اسقف اعظم اسکندریه در سن ۷۷ سالگی از دنیا رفت. او یکی از آشتی ناپذیرترین و سخت ترین دشمنان عقاید آریان و قهرمان حقیقی پرستش عیسی به عنوان پسر خدا به شمار می رفت و عیسی را هم پایه‌ی خداوند می دانست.

وی به خاطر همین عقاید آتشین خود، پنج بار از شهر اسکندریه تبعید شد. در عین حال، او نقش کلیساها و صوامع مسیحی را همراه شرح زندگانی سنت آنتونی (St Antony) در رساله‌یی انتشار داد و وضعیت اماکن مذهبی رم شرقی را به طور مفصل تشریح کرد.

والنس (Valens) امپراتور روم، پس از شکست، در آتش سوزانده شد. (روم، اوت ۳۷۸):

والنس که مقام امپراتوری مقدس ویزیگوت ها را بر عهده داشت، در نبرد با نیروهای وحشی و بربر هون کشته شد. سه سال پیش، هزاران نفر از هون ها با گذشتن از رود دانوب در جست و جوی سرزمین امن و آباد، به منطقه‌ی تراس (Thrace) رسیدند. فرمانداران محلی تعداد زیادی از بردگان و پناهندگان را به مقابله با آن ها اعزام کردند.

در یک ضیافتی که عده‌یی از افسران و فرماندهان دانشمند رومی در آن شرکت داشتند، همه‌ی حاضران به وسیله گارد محافظ ویزیگوت ها، کشته شدند. در پی این خصومت، پادشاه ویزیگوت ها به نام فری تیژرن (Firitigern) با همیاری آلان ها و سواران اوسترگوت، امپراتور والنس را شکست دادند.

در شهر کنستانتیوپول علت این شکست را قتل عام گروه هایی از گوتیک ها به وسیله‌ی رومیان جهت احتیاط و جلوگیری از پیوستن آن ها به دشمن می دانند.

راهبان تارک دنیا، مذهب بودا را به چین عرضه می کنند. (چین، ۳۹۹):

بودایی گری از طریق مسیر تجاری آسیای مرکزی و هندوستان به چین راه یافت. با توجه به کنجکاوی روشنفکرانی که در سرزمین هان وجود داشتند، اینک این مذهب در چین جای خود را باز کرده و مترجمان هندی سعی می کنند عمده‌ی مطالب را از زبان اصلی سانسکریت به چینی ترجمه کرده وآن را در اختیار مردم چین قرار دهند.

با حذف سخنان زاید، دین بودایی بیش تر مدیون سقوط امپراتوری هان و سال های پر التهاب و آشوب پس از آن و نیز تسخیر شهر لویانگ، پایتخت چین، توسط زیونگ نو، می باشد، که در این زمان دانش پژوهان پیرو عقاید کنفوسیوس، فرار کرده و صحنه را برای گسترش عقاید بودایی باز گذاشتند و راهبان بودایی هم چون زمینه را آماده برای پیروزی بربرها دیدند، به خدمت در این راه گام برداشتند.

بالکان ۵۰۲
بلغارها (Bulgars) که از نژاد مغول هستند و اکنون جزو بقایای طوایف هون (Huns) می باشند، بر ضد سپاهیان روم شرقی حمله نموده و شهر تراس را غارت و چپاول کردند. آنها دوباره در نبرد با روم در سالهای ۴۹۳ و ۴۹۹ دچار شکست شده بودند.

میان رودان ۵۰۶
پس از جلوگیری از تهاجم ایران، پیمان صلح بین دولت شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم به امضا رسید.

گل (فرانسه) ۵۰۶
آلاریک (Alaric) دوم، پادشاه ویزیگوتها با وضع قانونی مراسم عبادت شبانه روزی را برای مردم اجباری کرد و با انجام قانون آلاریک، روح تازه یی به کالبد قوانین تئودوزیان دمیده شد.

گل (فرانسه) ۵۰۷
با پیمان اتحادی که کلوویس با گوندوباد پادشاه بلغاریها بست،کلوویس در نبرد وویی (Vouille)، ویزیگوتها را شکست داده و آلاریک دوم پادشاه آنان را به قتل رسانید. فرانک ها منطقه آکی تاین (Aquitaine) را تصرف کردند و ویزیگوتها به سرزمین اسپانیا عقب نشینی کردند.

گل(فرانسه) ۵۰۸
کلوویس در ملاقات با آناستازیوس در منطقه تورس (Tours) به وی گوشزد کرد که تمام سرزمین گل زیر نظر امپراتوری اداره می شود.

گل (فرانسه) ۵۰۸
تئودوریک (Theodoric) رهبر اوستروگوتها به سوی شهر پرونس (Provence) در منطقه تحت نفوذ فرانکها (Franks) شتافت و آن را تسخیر کرد. لشگریان وی در جستجوی ویزیگوتها به منطقه سپتی مانیا (Septimania) (لانگدوک - Languedoc) در ناحیه تحت نفوذ ویزیگوتها رسیدند و تئودوریک نوه خود به نام أمالاریک (Amalaric) را به عنوان نایب السلطنه آنجا منصوب کرد.

پاریس ۲۷ نوامبر ۵۱۱
کلوویس پادشاه فرانک ها مرد و سرزمین تحت سلطه خود را بین ۴ پسر خویش تقسیم کرد. تئودوریک در ریم (Reims)،کلودومر (Chlodomer)دراورلئان (Orleans)، شیلدبر (Childebert) در پاریس و لوتار (Lothar) در سوآسون (Soissons).

کره ۵۱۲
اوتومو (Otomo) فرمانده ژاپنی نیروهای سلطنتی عدم موافقت خود را با پیمان کانامورا (Kanamura) که الحاق چهار ایالت می مانا (Mimana) در جنوب کره تا پیکچه (Paekche) درآن گنجانده شده بود اعلام کرد.

بورگوندی ۵۱۶
گوندوباد پادشاه بورگوندی در گذشت و پسر وی به نام سیگیسموند (Sigismund) جانشین پدر شد. او مذهب کاتولیک را به جای آریانیسم در بین مردم ترویج کرد. سیگیسموند در زمان پدرش با او در سلطنت شرکت داشت.

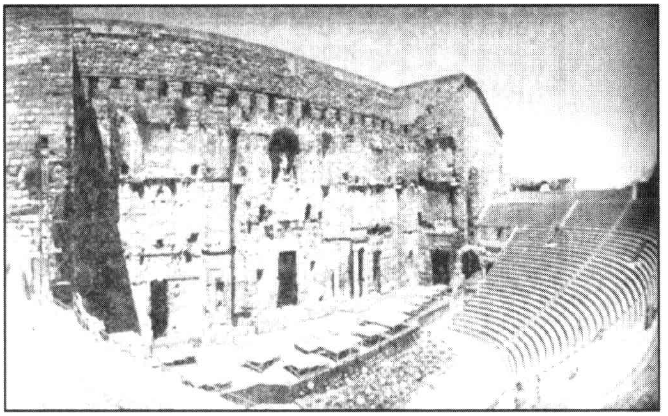
برخی از ایالات شمال که هم جوار هندوستان بودند، به آسانی تعلیمات بودایی را فرا گرفتند، کوماراجیوا (Kumarajiva)، راهبی که هندی نژاد و در آسیای مرکزی متولد شده بود، تدریس تعلیمات بودا را در چانگان (Changan)، واقع در ایالت شن زی (Shensi) که پیش از این تغییر مذهب داده بود، این مذهب ناشناخته را به چینیان آموخت. راهبان چینی هم از راه های مخفیانه و زیرزمینی به گسترش دین بودایی در چین اقدام کردند. آنان با سفر در جاده‌ی ابریشم و بررسی نقاط مختلف و تماس با ادیان گوناگون و مطالعه‌ی ریشه‌ی حقیقی این مذهب، با آیین بودایی آشنا شدند.

برخی از راهبان، هم چون فاکسیان (Faxian)، در منطقه‌ی چانگان به تاسیس زیارتگاهی در آن دیار دست زدند. به هر حال، وی که بیش از ۶۰ سال سن داشت، با گردش و سیر در جاده‌ی ابریشم وبازدید از معابد و ملاقات با مردان مقدس، تعلیماتی را از آنان اخذ کرد و هم چنین با آداب و رسوم و آئین های بودایی آشنا شد و این آموزش را برای چین به ارمغان برد.

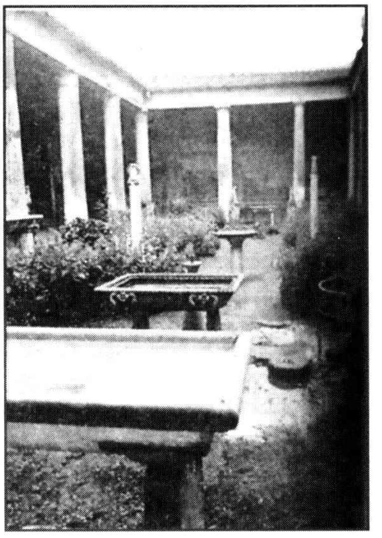
یک اسقف، امپراتور را وادار به توبه کرد. (امپراتوری روم، ۲۵ دسامبر ۳۹۰):

امپراتور تئودوزیوس (Theodosius) به خاطر فرمان قتل عامی که صادر کرده بود، وادار به توبه شد. این جریان در حقیقت اوج حکایاتی است که به تازگی شروع شده، چون اخیراً ارابه رانی به اتهام اعمال ناشایست و هم جنس بازی، توسط افسری شجاع دستگیر شده است، شهروندان تسالونیکی (Thessalonica) به اغتشاش دست زدند و تئودوزیوس، دستور قتل عام آنان را داد که برای سایرین درس عبرت باشد. اسقف آمبروز (Ambrose) از شهر میلان، سراسیمه امپراتور را وادار به توبه‌ی عمومی کرد.

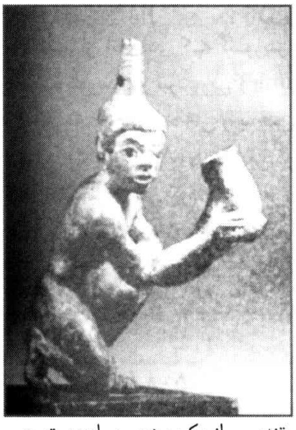
تئودوسیوس، یکی از پارسیان، و متدین به مذهب مسیح است و پس از رسیدن به قدرت در سال ۳۸۱، فرمان داد که اجلاسیه‌ی جهانی کلیساها جهت رفع اختلافات و یگانگی و یکپارچگی تمام کلیساها برپا شود، تا اندیشه های آریانیسم را مطرود بشمارند و نیز افکار شرکت مسیح در خداوندی خدا را تکذیب کرد. تئودوزیوس راجع به اصل و ریشه‌ی عقاید آریانیسم به تحقیق پرداخت، تا حدی که اکنون موجودیت اغلب اقوام بربر را به رسمیت شناخته.



محل نمایشات بسیار باشکوه و وسیع در منطقه‌ی آروزیو (اورانژ) (Arausio) (Orange) در جنوب سرزمین گل با گنجایش بیش از بیست‌هزار نفر تماشاچی.



یک باغ با عمارت ستون‌دار یا به‌عبارتی ساختمانی که با ردیف ستون‌ها مرزبندی شده. این خانه در منطقه‌ی وتی (Vetti) در شهر پومپی می‌باشد.



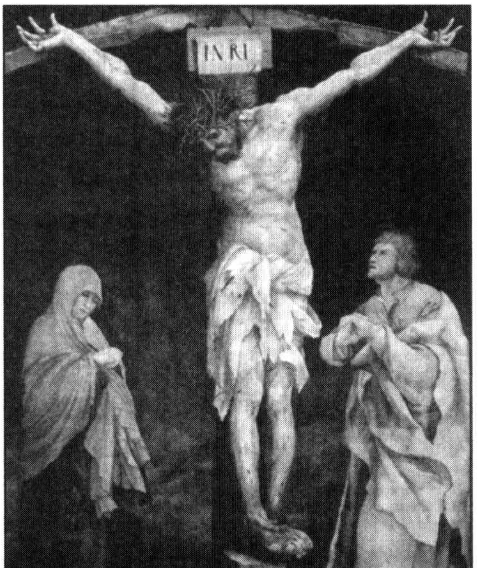
تندیسی از یک برده‌ی سیاه‌پوست رمی که مشغول تمیزکردن چکمه است.



مـارک (Mark) (مـرقس) مـشغول نگاشـتن بخشی از زندگی مسیح است. این تـصویر در سال ۱۶۷۸ ترسیم شده است.



منظره‌یی از گذرگاه دکومانوس (Decomanus) در اوستیا (Ostia) با محل نمایشات تئاتری که در سمت چپ واقع شده است.



مسیح را پس از شکنجه و ازارهای بدنی سخت و طاقت‌فرسا، سرانجام در حضور مادر و هوادارانش به صلیب کشیدند که در اثر آن جان داد. این تصویر توسط ماتیاس گرانولد (Mattias Grunewald) بین سال‌های ۱۵۲۸ـ۱۴۵۵ ترسیم شده است.



یک دیواره از موزاییک در میدان اوستیا در شهر رم، که صحنه‌یی از زیر آب با یک خانه که سطح آب را روشن کرده و نیز کشتی‌های بادبانی که بر روی دریا حرکت می‌کنند.

امپراتور تمام اشکال ارتداد و پرستش خدایان را تکفیر می کند. (امپراتوری روم، ۳۹۱):

از سوی تئودوزیوس امپراتور، اعلام شد که مسیحیت و کفر نمی توانند در کنار یکدیگر به موجودیت خود ادامه دهند، وی تمام معابد کافران را اشغال و تندیس بت ها را خرد کرد و نیز مراسم پرستش آنان را حتی در منازل خصوصی، قدغن کرد. اما آن ها که از آیین های خود محروم شده بودند، احساس ناراحتی و غربت می کردند و به یاد روزهای خوشبختی و قدرت خود می افتادند. اینک که محراب پیروزی و قدرت آن ها طعمه ی حریق شده بود، در جلساتی که در سنای رم تشکیل دادند، توصیه شد که شهر را ترک کرده و به دیاری دیگر روند.

تئودوزیوس به تنهایی امپراتور شد. (ایتالیا، ۳۹۱):

تئودوزویس که در اسپانیا زاده شده بود، فرزند یک ژنرال نظامی بود. وی نیاز به یک ارتش با مهارت زیاد داشت که بتواند در مقابل حریفان ایستادگی کند تا ردای ارغوانی امپراتوری برازنده اش باشد، معهذا او توانست امپراتوری در هم شکسته را به هم متصل کرده و متحد سازد. وی با به قتل رساندن غاصبان و شاهان دست نشانده، بار دیگر سلطنت شرق و غرب را یکپارچه کرده و از تسلیم شدن در مقابل دیگران رها شد. بالاخره پس از سه سال نبرد با گوت ها در تراس، که شهر کنستانتینوپول را تهدید می کردند، با آن ها پیمان صلح امضا کرد، در این قرارداد، اشاره شده بود که نیروها و سربازان بربر می توانند در ارتش رم استخدام شوند تا این نیروهای شکست ناپذیر به سود امپراتوری فعالیت کنند و به ویژه مرزها را در مقابل دشمنان پاسداری نمایند.

یک آموزگار زن در شهر اسکندریه (Alexandria)، علم فلسفه تدریس می کند. (اسکندریه، ۳۹۵):

یک امر غیر عادی و در نهایت مردمی و دموکراسی، در شهر اسکندریه مشاهده شده و آن این که، یک زن در دانشگاه شهر، علم ریاضی و فلسفه به دانشجویان تعلیم

قسطنطنیه ۹ ژوئیه ۵۱۸

آناستازیوس که در سال ۴۹۱ به امپراتوری روم شرقی رسیده بود، در گذشت. وی اصلاحاتی در جهت سیستم مالیاتی و ضرب سکه و اقتصاد کشور انجام داد .

استامبول ۵۱۹

امپراتور جدید روم شرقی به نام ژوستن (Justin) که مخالف مونوفیزیت، مذهب اجداد و نیاکان خود بود، مذهب اورتودوکس را در روم سایر ایالات تابعه جایگزین آن کرد و به ۳۵ سال نقار و جدایی بین امپراتوریهای شرق وغرب پایان بخشید.

افریقای شمالی مه ۵۲۳

هیلدریک (Hilderic) به عنوان پادشاه وندالها (Vandals) جانشین تراساموند (Thrasamund) گردید.

بورگوندی ژوئن ۵۲۴

پس از کشته شدن سیگیسموند پادشاه فرانکها، کلودومر و تئودوریک به بورگوندی حمله کردند، لیکن کلودومر در جنگ وزرون (Vezeron) کشته شد و گودومر (Godomer) پادشاه بورگوندی سرزمین خود را حفظ کرد.

ایتالیا ۵۲۴

با زندانی شدن تئودوریک به وسیله بوتیوس (Boethius) وزیر خود که فردی اشراف زاده و فیلسوف مدرسه قدیمی بود، اختلاف و شکاف در امپراتوری شرق بروز کرد.

عربستان ۵۲۵

دولت اتیوپی با حمله به سرزمین یمن، بخش یهودی نشین آن را که دونوآس (Dhu Nuvas) بر آن حکمفرمایی می کرد متصرف شد و مذهب مسیح را در آن سرزمین رواج داد.

ایتالیا ۳۰ اوت ۵۲۶

تئودوریک بر اثر بیماری اسهال خونی در گذشت، و دختر وی به نام آمالاسونتا (Amalasuntha) به عنوان نایب السلطنه آتالاریک (Athalaric) برادرش که کم سن وسال بود تعیین شد.

روم ۵۲۶

دیونیسیوس اگزیگوئوس (Dionysius Exiguus) راهبی که نژادش از اسکیت ها بود، تقویم جدیدی تنظیم کرد که شروع آن از زمان تولد عیسی مسیح بود و به نام تابلوی ایستر (Easter) معروف شد و از این پس تاریخ را بر حسب آن تقسیم بندی کردند.

استانبول ۴ آوریل ۵۲۷

ژوستن امپراتور روم به بیماری سختی دچار شد، در نتیجه پسر عموی خود به نام ژوستی نیان (Justinian) رادر امور حاکمیت شرکت داد، وی در همین سال در گذشت.

ژاپن ۵۲۹

شورش و طغیان شدیدی در جزیره کیوشیوی (Kyushu) ژاپن بر پا شد. نیروهای نظامی ژاپن برای کمک به ساکنان می مانا (Mimana) که در منطقه جنوب این کشور زندگی میکردند و به طور دایم به وسیله شاهزاده نشین سیل لا (Silla) مورد تهدید بودند از جزیره کره گذشته و به آن ناحیه وارد شدند.

می دهد، این خانم، دختر تئون (Theon)، ریاضی دان مشهور است. به خاطر این موضوع، دانش پژوهان از سراسر دنیای یونانی به آنجا روی می آورند، تا به سادگی به سخنرانی های او درباره ی فلسفه گوش فرا دهند. هیپاتیا (Hyptia)، شهرت خود را از علم ریاضی به دست آورده، وی در آتن زیر نظر پلوتارک جوان و دختر او به نام آسکلپ جنیا (Asclepegeneia) به آموختن ریاضی و فلسفه پرداخت.

در هنگام مراجعت به اسکندریه به دعوت دانشگاه، در آنجا به تدریس هندسه، علم نجوم و دانش جدید جبر پرداخت. وی توانست دو وسیله ی اخترشناسی اختراع کند، که یکی اسطرلاب (Astronomical Instruments) و دیگر نقشه ی کره ی زمین بر روی سطح مستوی بود. او پیرو فلسفه ی نوافلاتونی و اصالت عقل بود و در مقابل عقاید مسیحیان ایستادگی می کرد. سیریل (Cyril) اسقف اعظم اسکندریه، چون استدلالی در این امر نداشت، صلاح را در آن دید که به هر صورتی هست، شهر را از وجود او خلاص کند.

بربرها رم را غارت کردند. (روم، ۲۴ اوت ۴۱۰):

گروه های ژرمن، مدت سه روز خیابان های رم را غارت کرده و به آتش کشیده و بزرگ ترین و معروف ترین شهر دنیا را تخریب کردند.

غارتگران، تحت سرپرستی آلاریک (Alaric) پادشاه ویزیگوت ها که از سال ۳۷۵ ملقب به مقدس شده بود، قرار داشتند که پس از درنوردیدن تراس (این منطقه استقلال داخلی داشت) به ایلیریکوم (IIlyricum) برسند و چون اپیروس (Epirus) در تصرف آن ها بود، در نتیجه به ایتالیا حمله ور شدند. دول روم، قبلاً عده یی از بربرهای وندال را اجیر کرده بود که با دیدن ویزیگوت ها به آن ها پیوستند.

هورنوریوس (Hornorius) امپراتور، با سپاهیان خود در راونا (Ravenna)، در مقابل درخواست آلاریک ها در مورد پرداخت طلا و سایر امتیازات ارضی ایستاد. آلاریک هم بدون این که بتواند امتیازی کسب کند، نزد هواداران خود برگشت. افراد خوش بین و کسانی که هنوز موضوعات را ساده می انگاشتند چون تا این زمان حکومت و ارتش در راونا سالم و دست نخورده باقی مانده بود، با پذیرفتن درخواست ویزیگوت ها موافق بودند، زیرا به طور اصولی، عده یی با بعضی جریانات هم آهنگی دارند.

عده ی زیادی بر این عقیده بودند که مسیحیان مسئول این امورند، چون خدایان قدیمی را تضعیف کردند، تقصیر و گناه آنان بیش از سایرین است، به خاطر این که به نیروهای دفاعی کشور توجه نکردند. در حدود پانصد سال پیش، گایوس ماریوس (Gaius Marius) جهت اصلاحات در کشور، با حکومت اشرافی جنگید.

در شش سال اخیر هم، محافظان امپراتوری، در جنگ با اقوام گوت، تومار هستی آن ها را در نوردیدند.

هنرمندان چینی در موضوعات مختلف برتری خود را عرضه می کنند. (چین، ۴۱۰):

چهره نگاری و صورتگری هنرمندان چینی، سابقه ی تاریخی دارد وآن ها در این مورد گوی سبقت را از سایرین ربوده اند. گو کاایشی (Gu Kaizhi) نقاش دربار نکینگ (Nanking)، به طور یقین در این کار مورد اعجاب و تحسین همگانی است. یکی از بهترین نقاشی های وی، توماری است که وی ترسیم کرده که در این تومار، وی درس هایی را به یکی از خانم های دربار چین می دهد که چگونه می توان صحنه و منظره ی نقاشی را بهتر نمایاند و به زیبایی آن کمک کرد. همچنان که خواندن شعر در مراسم سوگواری، به سوگ افراد کمک می کند، همان طور نقاش هم می تواند با آرایش چهره ی بانوان، روح شادابی را در صحنه به بهترین وجه ظاهر سازد.

گروه های پیکاری در بریتانیا به وسیله ی رومیان قلع و قمع شدند. (بریتانیا، ۴۰۷):

در نامه یی که به وسلیه ی یک فرمانده ی گروه یکصد نفری از دیوار احداثی هادریان نوشته شده، چنین آمده است: در این جا هوا سرد است و مردان سرد مزاجی دارد، لیکن شراب های عالی دارد و چون مزاحم و موی دماغ پیدا نمی شود، روی هم رفته، می توان زندگی را به سر برد، چون مخصوصاً در سرزمین جنوبی زنان آتشین مزاج فراوانند. در زمانی که کنستانتین توسط سپاهیانش به امپراتوری رسید، لشگریان وی هم بریتانیا را ترک کردند، لیکن به سوی رم نرفتند.

کنستانتین سعی داشت قدرت و موقعیت خود را با از بین بردن و شکست سپاهیان بربر که به سرزمین گل حمله می

آتن ۵۲۹
مدرسه فلسفه قدیمی آتن به امر ژوستی نیان تعطیل شد. در این مدرسه آئین و مراسم کفرآمیز برپا بود و باتعطیل آن کفر والحاد بر چیده شد.

ایران ۵۳۰
درتحت فرماندهی بلیزاریوس (Belisarius) امپراتور روم شرقی نبردی با ایران در گرفت و ایران دچار شکست شد. به این ترتیب به جنگ پنج ساله یی که اخیراً در شهر دارا (Dara) در گرفته بود، پایان داده شد.

سرزمین راین (Rhinland) ۵۳۱
فرانکها به فرماندهی تئودوریک و لوتار منطقه تورینیا (Thuringia) را تسخیر کردند.

اتیوپی ۵۳۱
ژوستی نیان امپراتور روم شرقی، شروع به سربازگیری از منطقه آکسوم (Axum) جهت نبرد با ایران کرد.

چین ۵۳۱
زیائوتانگ (Xiao Tong) پسر بزرگ لیانگ (Liang) امپراتور چین و مؤلف کتاب ون زوآن (Wenxuan) که گلچینی از ادبیات پانصد ساله بود در سن ۳۰ سالگی در گذشت.

استانبول ژانویه ۵۳۲
با شورش مردمی علیه قوانین ژوستی نیان، ترس و واهمه شدیدی سراسر پایتخت را در بر گرفت. شورشیان که تعداد آنها بالغ بر ۳۰ هزار نفر بود، توسط افراد گروه نظامی در جایگاه سیرک (Circus) قتل عام شدند.

ایران ۵۳۲
در پی هفت سال نبرد پی در پی، خسرو شاه ساسانی عهد نامه صلحی دایمی با ژوستی نیان امپراتور روم شرقی امضا کرد.

بورگوندی ۵۳۴
شاهزاده نشین بورگوندی که در سال ۴۴۲ تشکیل شده بود به سرزمین فرانکها پیوست.

افریقای شمالی ۵۳۴
با فشار بیزانتین (روم شرقی) توسط بلیزاریوس (Belisarius)، شاهزاده نشین وندال تسخیر و گلیمر (Gelimer) آخرین پادشاه آن منطقه دستگیر شد. اکنون بیشتر سرزمینهای شمالی افریقا تحت سلطه حکومت بیزانتین می باشد.

چین ۵۳۵
سلسله امپراتوری وی (Wei) شمال چین، این سرزمین را به دو قسمت شرقی وغربی تقسیم کرد که به ترتیب خاندان گائو (Gao) و یوون (Yuwen) بر آن حکم فرمایی دارند.

ایتالیا ۳۰ آوریل ۵۳۵
تئوداهاد (Theodahad) پادشاه جدید اوستروگوتها توسط همسرش، ملکه آمالاسونتا (Amalasuntha) دختر تئودوریک خفه شد. این عمل به دستور ژوستی نیان به بهانه اینکه وی نقشه حمله به ایتالیا را می کشید، انجام گرفت.

کردند، تثبیت کند. مردم بریتانیا در این موقع خود به فکر افتادند که برای جلوگیری از هجوم ساکسون ها و پیکت ها و دفاع در برابر آنها، سازمان هایی تشکیل دهند که بتوانند راساً در این گونه موارد اقدام کنند.

انجیل از زبان عبری به لاتین برگردانده می شود. (بتلهم (Bethlehem)، ۴۱۴):

تنها نسخه ی ترجمه شده ی انجیل از زبان عبری به زبان لاتین، توسط کلیسا، سرانجام به پایان رسید. تمام دوران زندگی ژروم (Jerom) زاهد زبان شناس و یکی از چهار نفر دکترهای کلیسا، صرف ادبیات زبان لاتین شد و مهم ترین کار او همین ترجمه ی انجیل می باشد.

این کار مدت چهل سال به درازا کشید تا کتاب تکمیل شود. ژروم در حدود سال ۳۴۲ در استریدو (Strido)واقع در دالماسی به دنیا آمد. تحصیلات خود را در رشته ی قواعد زبان و الهیات به پایان رسانید و به قصد زهد و گوشه نشینی مدت دو سال را در صحرای سوریه گذرانید، در این هنگام، از طرف پاپ به رم فرا خوانده شد و در سال ۳۷۷ شروع به برگردان انجیل به زبان لاتین کرد.

ایالت بربرها هم جزو امپراتوری می شود. (بوردو (Bordeaux)، ۴۱۸):

سرانجام اغتشاشات و آشوب های ویزیگوت ها با خرید سرزمین آنان پایان یافت. ایالت مشهور به آکی تین (Aquitaine) دوم که تا منطقه ی تولوز (Toulouse) در ساحل اقیانوس اطلس امتداد داشت، پس از موافقت نامه یی که بین شاه آنان به نام والیا (Wallia) و امپراتور هونوریوس (Honorius) به امضا رسید قرار شد امور دفاعی کرانه های این قسمت جهت جلوگیری از دزدان دریایی ساکسونی بر عهده ی ویزیگوت ها باشد.

اخیراً چون هونوریوس موافقت نامه یی را که با والیا بسته بود، نقض کرد، آتولف (Athaulf) هم دستور داد که ویزیگوت ها حملات خود را از سر گیرند، در نتیجه آن ها ناربونه (Narbonne) تولوز و بوردو را تسخیر کردند. با ازدواج آتالوف با خواهر امپراتور به نام گالاپلاسیدا (Galla Placida) مختصری روابط بین طرفین بهبود یافت. به هر حال، بزودی نزاع جدیدی آغاز شد و هونوریوس بار دیگر

سپاهیان خود را به سوی ویزیگوت ها اعزام کرد و رهسپار اسپانیا شد، جایی که قحطی در انتظارش بود. سه سال قبل که ویزیگوت ها آتولف را کشته بودند، سیاست جدیدی همراه با والیا در پیش گرفتند، بدین معنی که برای نخستین بار ایالتی مستقل در مرزهای امپراتوری به وجود آوردند.

در این زمان، با پیروزی بزرگی که گوت ها به دست آورده بودند، یک همزیستی توام با صلح با آکی تین ایجاد شد، به طوری که، یک حکومت اشرافی قدیمی رم با حکومت جدید التاسیس گل در کنار هم به موجودیت خود ادامه دادند. این ایالت، دو ویژگی مذهبی را واجد بود. ویزیگوت ها گرچه پیرو مسیحیت بودند، لیکن از نظر رسوم و اعتقادات، اختلاف کلی با رومیان داشتند، بدین معنی که اکثریت گوت ها، پیرو نظریات آریوس بودند، فیلسوفی که اخیراً اظهار داشته بود که پسر در خدایی پدر، کاملاً با وی شریک نمی باشد و عیسی در درجه ی پایین تری از خداوند قرار دارد.

نایب السلطنه ی رم غربی را سر بریدند. (راونا، ۲۳ اوت ۴۰۸):

استیلی کو (Stilicho) که از افراد طایفه ی وندال و به مقام ژنرالی در رم رسیده بود، را امروز با سر بریده، یافتند و بدین ترتیب رم از یک محافظ مقتدر در قبال حملات بربرها، محروم شد. تئودوزیوس در سال ۳۹۴ وی را جهت سرپرستی پسر ده ساله ی خود هونوریوس، انتخاب کرده بود. این شخص یعنی استیلی کو، در این زمان نایب السلطنه ی هونوریوس بود. او حملات ویزیگوت ها بر علیه رم را دفع کرد، لیکن اخیراً سپاهیانش بر علیه خودی وی اقدام کردند.

ارمنستان برای پشتیبانی از کلیسا، به پیکار بر می خیزد. (ارمنستان، ۴۰۰):

ارمنستان سال ها صحنه ی پیکار و بغض و کینه بین رم و ایران بود، معهذا فرهنگ خود و دین مسیحیت را حفظ کرد. در منطقه یی که تحت سلطه ی ایران بود، مسیحی ها و ناسیونالیست ها با صمیمیت در کنار هم زندگی می کردند، در حالی که مسیحی ها با وجود ملیت یگانه با سایرین، خط و الفبای جداگانه ارمنی به کار می برند و هم چنین کلیساهای اسقفی به وجود آورده اند.

معبد خدای خورشید با ۵۰ میلیون قالب آجر، بنا می شود. (پرو، ۴۱۹):

تمدن موچه (Moche) به سراسر منطقه ی جنوب از چیکاما (Chicama) و دره های موچه و باریکه ی ساحلی پرو، گسترش یافته است. پس از یکصد سال موفقیتی که نصیب آنها شده بود، اینک این تمدن از جبال آند تا ساحل اقیانوس آرام، توسعه پیدا کرده است.

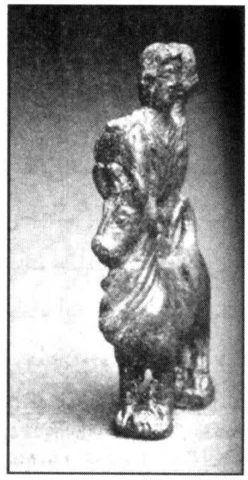
در دره های موچه، شاهراه و کانال های آبیاری برای زمین های زراعتی ایجاد شده و معابدی برای پرستش خدای خورشید و ماه ساخته شده. معبد خورشید با بلندای ۵۰ متر و با ۵۰ میلیون قالب آجر بنا شده. در داخل بنا، دیوارها با هفت رنگ نقاشی تزئین شده و کف و برخی از دیوارها با سرامیک هایی که آثار و علایم فرهنگ و آداب و رسوم آن ها حکایت می کند، فرش گردیده است و تصاویر این سرامیک ها با نقش حیوانات گوناگون و زندگی روزانه ی مردم و مطالب متنوع ترسیم شده است.

اسقفی که به امپراتریس پر خاش کرده بود، نفی بلد شد. (قسطنطنیه، ۴۰۴):

ژان کریزوستوم (John Chrysostom) اسقف اعظم شهر قسطنطنیه که در تنظیم و نشر افکار مسیحیت نقش بزرگی را ایفا کرده بود، تبعید شد. این اسقف که قبلاً زاهد و عزلت گزین بود، از نظر نطق و بیان و فصاحت سخنوری، به زرین دهان معروف شد، ولی به علت ایراد و انتقادهایی که به ملکه اودوکسیا (Eudoxia) وارد کرده بود، محکوم به این امر شد. وی به زندگی پر خرج ملکه و نیز تشریفات باشکوه و مجلل وی ایراد داشت، لیکن ملکه، شوهرش آرکادیوس (Arcasius) را وادار کرد که کریزوستوم را به خارج از شهر بفرستد.

کریزوستوم متولد شهر انطاکیه در ۵۴ سال پیش بود و در خانواده ی کافران تربیت شده بود، لیکن در سال ۳۷۰ به مسیحیت درآمد و پیرو فرقه ی باپتیست شد.

وی مدت ده سال را در بیابان های سوریه به مطالعه مشغول بود و پس از این مدت، به انطاکیه آمده و به تبلیغ و خطابه در راه پیشبرد عقاید مسیح پرداخت و شش سال پیش به مقام اسقف اعظمی شهر قسطنطنیه، رسیده بود.



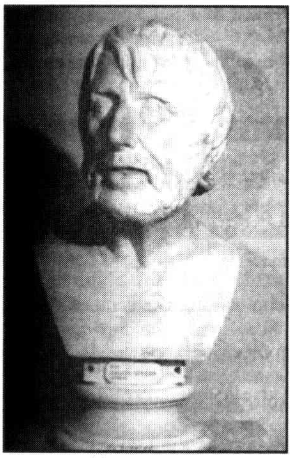
پیکره‌ی مفرغی یک نفر از قوم سلت که در قلعه دورست (Dorset) کاسل پیدا شده است.



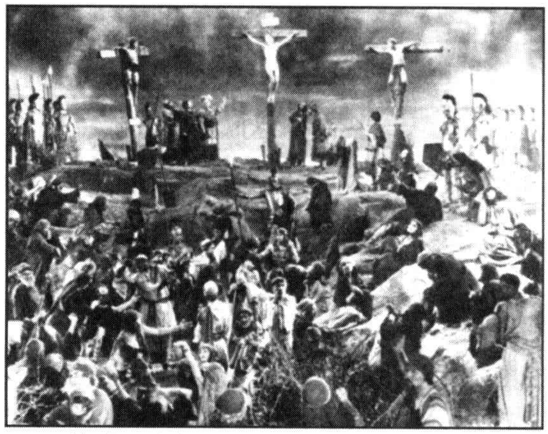
نرون (Nero)، امپراتور متفرعن و مغرور رمی با افکار شریرانه و پست.



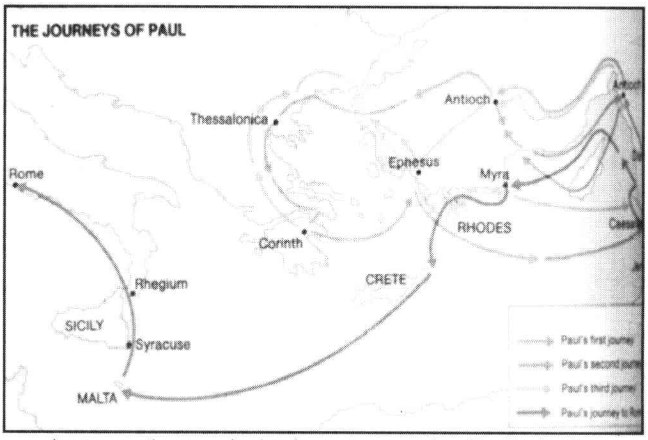
تندیس نیمه‌برجسته‌ی کلودیوس و آگری‌پینا (Agrippina) بر روی تاق نصرت، به مناسبت پیروزی رم بر سرزمین بریتانیا در سال ۵۱.



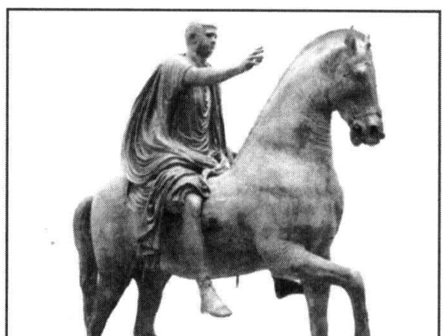
تندیس نیم‌تنه‌ی سنکا (Seneca)، متفکر پیشرو، با افکار بلند رمی.



سربازان رومی برحسب دستور فرماندهان خود به راهبان و طرفداران مسیح که در اطراف جسد و صلیب به اغتشاش و هیاهو پرداخته بودند، حمله‌ور شدند. این تصویر از فیلم شاه شاهان اقتباس شده است.



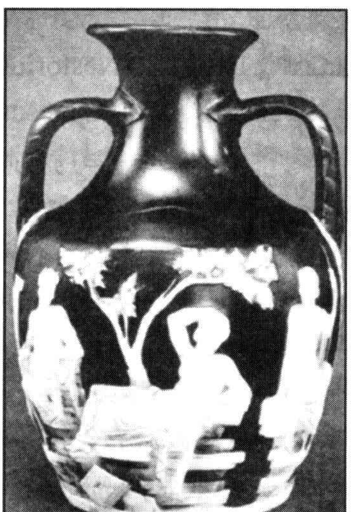
پیروان پل (Paul) حواری مسیح در سراسر امپراتوری رم گسترده شده‌اند.



کالیگولا (Caligula) خود را در نقش پومپی می‌بیند. این تندیس پومپی می‌باشد که وی را در کمال متانت و آرامش نشان می‌دهد.



پل با شهامت و رشادت مردم را به دین مسیح فراخواند. (تصویر سده‌ی ۱۴ میلادی)



تنگ شیشه‌یی آبی‌رنگ دو دسته، ساخت بریتانیا، که الهام‌گرفته از هنر رمی و از سبک کامئو (Cameo) اقتباس شده است.

مزدوران شورشی ساکسون، توانستند منطقه ی کنت (Kent)، را تصرف کنند. (کنت، بریتانیا، ۴۵۰):

سربازان مزدور ساکسونی به فرماندهی هنگست (Hengest) (به معنی اسب نر) و هورسا (Horsa) (اسب)، ناحیه ی کنت در بریتانیا را تصرف و تخریب کردند. این منطقه زیر بنای حکومت رم در این سرزمین بود. هنگامی که رومی ها این جا را ترک کردند، ساکنان محلی که نژاد رومی بریتانیایی داشتند، دفاع از این ناحیه را عهده دار شدند. در حدود ۱۴۰ نفر از جنگجویان ساکسون به فرماندهی ورتیجرن (Vortigern)، در پیکار با طایفه ی پیکت های (Picts) شمال درگیر شدند. به زودی تعداد زیادی از ساکسون ها همراه با قبایل ژوت (Jutes) و انگلس (Angels) از بریتانیا گذشته و به جستجوی تحصیل پول از راه سهل و آسان برآمدند. ولی هنگامی که زیاده خواهی آن ها از حد گذشت، سربازان اجیر اقدام به قیام علیه آنان کردند و در مقام اعتراض یکی از ناظران آن ها نوشت؛ شهرها به وضع اسفناکی در آمده، هم چون شمشیری براق و صیقلی که در شعله های آتش در حال انهدام و ذوب شدن است؛ صدای جزجز به گوش می رسد.

اسقف اعظم قسطنطنیه تبعید شد. (آسیای صغیر، ژوئن ۴۳۱):

در اجلاس جهانی کلیساها که به دعوت نستوریوس (Nestorius) اسقف اعظم کنستانتیوپول درافه سوس (Ephesus) تشکیل شد، خود نستوریوس به علت بدعت گزاری و رفض تبعید شد.

نستوریوس در سال ۴۲۵ توسط تئودوزیوس دوم به این شغل منصوب شده بود. وی فردی زاهد و پارسا، در عین حال بی طاقت و ناشکیبا بود. وی در سه سال پیش، در سخنرانی خود، در کلیسا توفانی بر پا کرد. بر طبق عقیده ی او، مسیح دو ویژگی اصلی و طبیعی داشت، یکی این که مسیح انسانی کامل بود و دیگر این که فردی به تمام معنی در خور پرستش بود. مادر مسیح تنها مریم باکره بود، نه در حد خدا.

پاپ سلستین (Celestine) و سیریل (Cyril) اسقف اعظم اسکندریه، نظرشان مخالف وی بود، بدین جهت، پاپ فوراً او را احضار کرده و به سرزمین مصر تبعید کرد.

مسیحیان اظهار می دارند که خداوند اعمال دنیوی را خواهد بخشید. (هیپو (Hippo)، افریقالی شمالی، ۴۲۶):

اگوستین اسقف شهر هیپو در افریقالی شمالی که مدت سیزده سال مشغول نوشتن رساله یی عظیم به نام شهر خدا بود، آن را به پایان رسانید. این کتاب حاوی یک سری اندیشه ها و پرسش هایی است؛ از جمله این که، چرا خداوند اجازه فرمود که شهر رم به دست بربرها سقوط کند، چون در سال ۴۱۰، آلاریک شهر رم را غارت کرد و گروه های بسیاری از مردم به افریقای شمالی پناهنده شدند. و وندال ها به افریقا هجوم بردند. افراد غیر مسیحی با ارتکاب گناه، هم چون پرستش خدایان سابق، مانند ژوپیتر که قرن ها مورد حمایت آنان بوده، در سقوط رم دخالت داشتند و گناهان آن ها دامن گیر سایرین نیز شد.

اگوستوس تا سن ۳۲ سالگی جزو کافران و مشرکان بود و همواره برای اثبات بر حق بودن خدایان، استدلال می تراشید و خدایان را در جایگاه والایی قرار داده بود، در حالی که خدایان قادر به رهایی مردم شهر تروا نبودند و نیز نتوانستند از شکست های رم جلوگیری کنند. وی می گوید که خداوند رم را به ورطه ی شکست دچار خواهد کرد، چون نیکی از آن رخت بربسته و داوری و قضاوت صحیح در کار نیست و آینده ی امپراتوری با این وضعیت در مخاطره است. تنها شهری که خداوند به آن عنایت می فرماید شهری است که شهر خدا نام دارد و در آن مسیحیان به آرزوی ابدی خود که همانا تجدید حیات، امانت و درستی و صداقت است، خواهند رسید.

در آن صورت عقاید پیشین کفر و شرک از بین خواهد رفت. وی می پرسد، هر کس در این عمر و زندگی کوتاه خود ممکن است اعمالی مرتکب شود که ناشایست باشد، اما خداوند این اعمال را خواهد بخشید، لیکن بی دینی و انکار خداوند جرمی نابخشودنی است.

کارتاژ توسط وندال ها تسخیر شد. (کارتاژ، ۱۹ اکتبر ۴۳۹):

شهر رومی کارتاژ (Cartage)، به وسیله ی وندال ها (Vandals) سقوط کرد. اقوام ژرمن موسوم به وندال ها که قومی آواره بودند، تمام شمال افریقا را تحت کنترل خود

سیسیل ۵۳۵

بلیزاریوس با تصرف جزیره سیسل، به پیروزیهایی علیه استروگوتها اقدام نمود.

روم ۹ دسامبر ۵۳۶

با تصرف ناپل که در این سال صورت گرفت، بلیزاریوس به روم رسید، و تئوداهاد پادشاه ضعیف استروگوتها را بر کنار و ژنرال ویتی گیس (Vitigis) را به جای او منصوب کرد.

اتیوپی ۵۳۶

با شکنجه و آزاری که بر پیروان کلیسای کوپتیک (Coptic) یا قبطی مصر وارد می شد، شاهزاده نشین اکسوم به امپراتوری روم ملحق شد، در این اواخر این ناحیه سخت به امپراتوری روم وابستگی پیدا کرده بود.

ایتالیا ۵۳۷

بندیکت (Benedict) راهب بزرگ مونت کازینو (Monte Ccassino)، دستگاه روحانیت یا رهبانیت خود را با نام اصول عقاید بندیکتی گسترش داد.

رم ۵۳۷

برای حفظ امنیت عقب جبهه با واگذاری منطقه پروونس (Provence) که از سال ۵۰۸ در اختیار استروگوتها بود، ویتی گیس نیروهای خود را به سوی روم حرکت داد وآن شهر را در معرض محاصره قرا داد، اکنون فرانکها کنترل تمام سرزمین گل را به جز سپتی مانیا (Septimania) (لانگدوک) که در دست ویزیگوتها بود و آموریکا (Amorica) (بریتانی) تحت سلطه خویش دارند.

رم ۵۳۸

ویتی گیس از محاصره رم دست کشید.

ژاپن ۵۳۸

تندیس برنزی بودا که بر روی آن طلا کاری و سوتراس (Sutras) (احکام شرعی دین بودا) نوشته شده، از کره به ژاپن رسید.

ایتالیا مارس ۵۳۹

میلان که یکی از مهمترین شهرهای ایتالیا پس از رم می باشد، دوباره به وسیله استروگوتها تصرف و ویران شد، آنها مردان را قتل عام کرده و زنان را به عنوان برده فروختند.

قسطنطنیه ۵۴۰

یک گروه بزرگ بلغاری شهرهای تراس و مقدونیه را دستخوش چپاول و غارت قرار داده و به پشت دیوارهای شهر قسطنطنیه (استانبول) رسیدندو هنگام بازگشت اموال غارت شده را با خود بردند.

ایتالیا مه ۵۴۰

ویتی گیس پادشاه اوستروگوتها با نیرنگی که به بلیزاریوس زد، شهر راونا (Ravenna) را به وی واگذار کرد و با پیروزی مجدد بر جنوب رود پو (Po)، به نظرمی رسد، قسمت جنوب ایتالیا به طور کامل تحت سلطه آنهاست. بلیزاریوس هم با سرخوردگی به قسطنطنیه برگشت.

در اوردند ایالت وندال تحت نظر حکومت بی رحم و ستمگر کایزر (قیصر) اداره می شد، وی برای پیکار شمال افریقا، ۸۰ هزار نفر سپاهی گرد آورده بود که ۱۵ هزار نفر آن ها جنگجویانی اسپانیائی بودند. آن ها در سال ۴۲۹ از جبل الطارق به طور مستقیم عبور کرده و به کرانه های شمالی افریقا رسیده و شهرها را یکی پس از دیگری، دستخوش غارت و چپاول کردند.

آن ها مدت دو سال طول کشید تا به کارتاژ رسیدند، در انجا قیصر دستور توقف داد، تا سال به اتمام برسد، وی در سال ۴۳۰ شهر هیپو (Hippo) را تصرف کرد، در مدت پنج سال اخیر، رم از نومیدی بر حسب ظاهر موافقت کرد که وندال ها سرزمین های تصرف شده ی پیشین در افریقا را ملک خود بدانند، لیکن قیصر از این پیشنهاد چندان رضایت نداشت. اکنون حکومت رم با از دست دادن کارتاژ و نیز سلطنت بر این سرزمین پر محصول افریقایی، بسیار ناراحت به نظر می رسد، چون امپراتوری رم وابسته به آن منطقه بود و محصول گندم آنجا بخشی از نان رم را تامین می کرد.

مردم این ناحیه هنوز هم با فرهنگ و تمدن رومی آشنایی داشتند و اداره ی شهر هم با روش و قوانین رم بود و به هر حال اکثریت، آن قوانین را پذیرفته بودند و به همان حال زندگی می کردند و این وضعیت را بر شیوه وندال ها ترجیح می دادند.

در حالی که وندال ها چون به ثروت رسیدند و اموال رومیان را ضبط کردند، به زندگی پر تجمل و تنبلی عادت کردند. بدبختانه در این موقعیت، پیروان با حرارت و متعصب آریانیسم دست به آزار و شکنجه ی کاتولیک ها زدند، به طوری که عده یی از آنان در زیر شکنجه کاتولیک ها تلف شدند، عده یی از آن ها فرار کردند و برخی را هم تبعید کردند که همین موضوع باعث بی اعتقادی و افول باورهای دینی مردم شد.

این نه تنها تهدیدات وندال ها را به افریقا محدود نکرد، بلکه کایزر با ساختن ناوهای تند رو، سعی کرد که نواحی غرب دریای مدیترانه را هم تحت کنترل خود قرار دهد.

تجدید حیات دین بودا در چین (چین، ۴۴۸):

گوئوکیانشی (Guo Qianzhi) که عقاید و باورهای دائوئیست (Daoist) را به طور رسمی در سراسر چین

گسترش داده بود، بدرود حیات گفت. گوئو هشت سال پیش دائوئیسم را در چین توسعه داد و مردم را وادار به تغییر مذهب دوران امپراتور وو (Wu) کرد، و برای هدایت و راهنمایی افراد، دستگاه عریض و طویلی ایجاد کرد که رهبری دینی مردم را عهده دار شود.

امپراتور گوئو پیش از این در سال ۴۴۶ در شهر چانگان چندین صومعه برای پرستش دائو و عبادت دایر کرد و چون مردم بر علیه آن دست به شورش زدند، دستور داد صومعه های بودایی را ویران کردند و تمام راهبان این دین را تحت شکنجه و آزار قرار داد. گوئو حتی برای تهدید و ترسانیدن پیروان بودایی و حمایت رسمی از دائوئیسم، خود به آزار و اذیت بودائیان پرداخت، به طوری که، تعداد زیادی از آن ها از شهرها گریختند. این اعمال، سبب انزجار و نفرت عموم از کیش دائو شد و پیروان بودا عزلت و گوشه نشینی را برگزیدند. چنین به نظر می رسد که با مرگ گوئو بار دیگر آئین بودایی در چین جانشین این کیش نوخاسته گردد.

ملکه ی که با یک نفر آدم دزد ازدواج کرده بود، فوت شد. (راونا، ۲۷ نوامبر ۴۵۰):

ملکه گالا پلاسیدیا (Galla Placidia)، امروز در راونا، در سن ۶۰ سالگی مرد، در حالی که زندگی پرماجرایی را پشت سر گذاشت. او در دوران زندگیش با یک ویزیگوت راهزن، ازدواج کرد، پس از آن با بی میلی با برادرخوانده اش که به خواستگاری وی آمده بود، زناشویی کرد، در حالی که او خواسار هونوریوس، امپراتور رم غربی بود.

وی دختر تئودوزیوس اول بود و زمانی که آلاریک، پادشاه گوت ها به مدت سه روز شهر رم را دستخوش تاراج کرد، بیست ساله بود که او را هم به گروگان برد. چهار سال بعد، یعنی در سال ۴۱۴، گالا با برادرزاده و جانشین آلاریک، پادشاه گوت ها، به نام اتولف ازدواج کرد. در سال ۴۱۵، گوت ها آتولف را به قتل رساندند و پلاسیدیا را به راونا پس فرستادند و او با بی میلی و عدم رضایت، زن ژنرال رومی کنستانسیوس که هوس امپراتوری داشت، شد.

کنستانسیوس (Constantius) هم بلافاصله پس از به دنیا آمدن پسرش به نام والن تینیان (Valentinian)، در گذشت. اینک پلاسیدیا روابط عاشقانه یی با برادر ناتنی خود برقرار کرده. هنگامی که تئودوزیوس دوم، به امپراتوری رم شرقی رسید، پلاسیدیا قسطنطنیه را ترک کرد و به راونا بازگشت تا نایب السلطنه ی پسرش والن تینیان، امپراتور جدید رم غربی شود، چون هونوریوس امپراتور پیشین در گذشته و والن تینیان جانشین او شده بود. عشق بازی های مخفیانه و پنهانی وی باعث قیام مردم گردید، به طوری که مردم از سلطنت دل زده شدند، سرانجام پلاسیدیا طریق پرهیزکاری و پارسایی پیش گرفت و از اعمال خود توبه کرد و در کلیسا مقیم شد.

امپراتور ادیب، قوانین اجتماعی تدوین می کند. (قسطنطنیه، ۲۵ دسامبر ۴۳۸):

تئودوزیوس دوم، چنانچه گفته شد، به امر فرمانروایی زیاد توجه نداشت. وی امور سلطنت را در درجه ی نخست، به خواهرش بولشریا (Bulcheria) و زوجه اش اودوکسیا (Eudoxia) و سایر وزیران واگذار کرده بود. امپراتور، همواره در تعقیب و پیگیری ادبیات و سایر دانش ها، سیر می کرد و شخصی پارسا و مهذب و خداشناس بود. وی در زمان سلطنت خود، دانشگاهی بزرگ بنا نهاد و دیوار عظیم کنستانتیوپول را ساخت و برای نخستین بار در طی قرن های متوالی، دست به تدوین قوانین شهری و اجتماعی جهت رفاه شهروندان زد.

این قوانین باعث شد که دستورها و امور ضد و نقیض پیشین برطرف شود، چون وضعیت قبلی سبب گرفتاری های روزمره می شد، وی هم چنین دست به اصلاح تقویم زد. او بر این باور بود همچنان که این قوانین در شرق مورد تایید قرار گرفته، می توان آن را در غرب هم به کار برد. این سلسله قوانین نیز در مواقع ضعف دولت مرکزی و گرفتاری های ایالات وابسته کاربرد دارد و از سقوط امپراتوری جلوگیری می کند. هم چنین می توان با اجرای این احکام از حرص و طمع بیش از حد سلاطین و همین طور از قدرت فرمانداران ایالات جلوگیری به عمل آورد.

پیروزی کلیساهای شرقی در انجمن کلیساها (افه سوس، ۸ اوت ۴۴۹):

مونوفیزیت ها (Monophysits) (فرقه یی که تنها مسیح را یک انسان کامل می دانند وبرای وی قدرت خدایی قابل نیستند) که طرفدار فلسفه ی جسمانی مسیح هستند و

اتیوپی ۵۴۰
مترجمان و دانش پژوهان شروع به ترجمه انجیل به زبان گیز (Geez) کردند.

کوش ۵۴۰
سرزمین کوش واقع در جنوب به سه شاهزاده نشین نو به نامهای نوباسیا (Noibatia)، آلودیا (Alodia) و موکورا (Mukurra) (دونگولا- Dongola) تقسیم شد.

سوریه ۵۴۰
خسرو انوشیروان پادشاه ساسانی با یورش به سوریه، جنگ علیه ژوستی نیان را از سر گرفت. وی انطاکیه مهمترین شهر سوریه را مورد حمله قرار داد.

ایتالیا ۵۴۱
سناتور کاسیو دوروس (Cassiodorus) که زمانی نخست وزیر تئودوریک پادشاه اوستروگوتها بود، در هنگام کناره گیری از مقام وزارت، صومعه و کتابخانه مشهوری در ویواریوم (Vivarium) واقع در جنوب ایتالیا از خود باقی گذاشت.

اسپانیا ۵۴۱
فرانکها در شمال اسپانیا دست به حمله به شاهزاده نشین ویزیگوتها زدند، لیکن پس از چندی به منطقه ساراگوزا (Saragossa) عقب نشینی کردند.

قسطنطنیه مه ۵۴۲
در همه گیری بیماری طاعون خیارکی که در سال ۵۴۱ درمصر پیدا شد، این بیماری به کنستانتینوپول رسید و صدها هزار نفر کشته به جای گذاشت. این بیماری به سراسر امپراتوری رخنه کرده و به ایتالیا هم سرایت نمود.

ایتالیا ۵۴۳
هنگام بازگشت بلیزاریوس (Belisarius) در نیروهای نظامی امپراتوری بی نظمی و اغتشاش بروز کرد. توتیلا (Totila) پادشاه جدید اوستروگوتها به سوی ایتالیا در حال پیشرفت بود، وی پس از محاصره شهر ناپل، آنرا تصرف کرد و بلیزاریوس در زیر فشار به ایتالیا بازگشت.

کوش ۵۴۳
شاهزاده نشین نوبه (جنوب سودان) که به نام نوباسیا (Nobatia) نامیده شد، تغییر مذهب داده و با هدایت هیأت کوپتیک (قبطی) به مسیحیت گرائید.

رم ۱۷ دسامبر ۵۴۶
توتیلا (Totila) پادشاه اوستروگوتها، رم را پس از یک سال محاصره تسخیر کرده و به ویرانی کشانید و تنها پانصد محله مسکونی از آسیب خرابی در امان ماند.

رم ۵۴۷
بلیزاریوس، تمام شهر روم را دوباره پس گرفت و دژهای دفاعی آنرا ترمیم کرد.

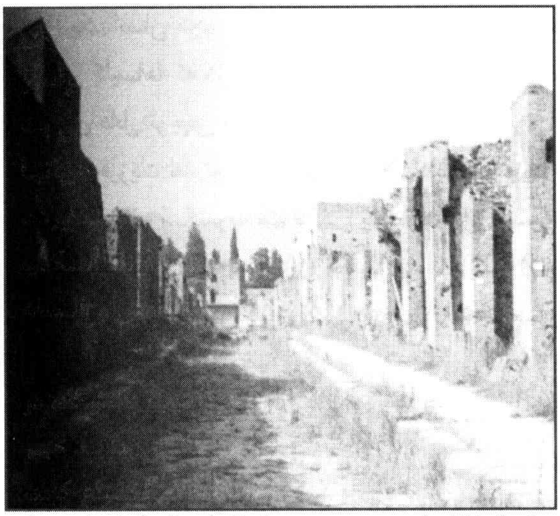
او را یک انسان مجسم قابل ستایش می دانند، در انجمن جهانی کلیساها که در شهر افه سوس تشکیل شده بود، پیروزی قابل توجهی به دست آوردند.

مونوفیزیت ها، توسط اسقف اعظم اسکندریه حمایت می شدند و اسقف اسکندریه هم مورد تایید راهبان کلیساهای سراسر سرزمین مصر بود و این توهینی به پاپ لئو (Leo) محسوب می شد، چون پاپ را تنها به عنوان اسقف شهر رم معرفی می کرد.

پیروزی کلیسای کاتولیک در شهر کالسدون (Chalcedon) (آسیای صغیر، اکتبر ۴۵۱):

مسیحیان کاتولیک بر آن شدند که در مقابل تشکیل کلیساهای شرقی در افه سوس، مجمع جهانی کلیساها را بر حسب دستور امپراتور مارسیان (Marcian) بر پا دارند. در این زمان، اسقف رم و کنستانتیوپول در یک صف متحد در برابر آئین نیسن (Nicene) که عقیده داشتند، عیسی مسیح هم مانند سایر انسان ها دارای جسم و جان و بدن و اعضا و جوارح است، ایستادگی می کردند.

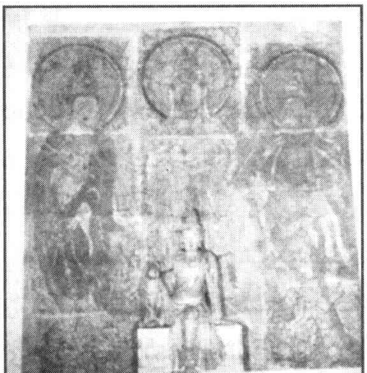
مونوفیزیت ها که کاملا مخالف عقاید پاپ و کاتولیک ها بودند، در غیاب وی، تصمیمات مهمی گرفتند. آن ها که بیش تر از منطقه ی اوتی چس (Eutyches) آمده بودند، در اجلاس افه سوس که در دو سال پیش برپا شد، رای به صحت عقاید مونوفیزیت امپراتور دادند. مونوفیزیت ها بر این باورند که عیسی مسیح تنها یک انسان امپراتور بدنی طبیعی است که در خور پرستش و ستایش است، در حالی که کاتولیک ها بر این عقیده پافشاری می کنند که عیسی دارای بدنی انسانی و خدایی است که جسم انسانی و خدایی وی از هم تفکیک ناپذیر است و این دو گانگی جسم بدنی و خدایی در عیسی مسیح تجلی یافته است. مونوفیزیسم که اخیرا به این کفر و الحاد رسیده، مدعی است اگر به عیسی جنبه ی خدایی بدهیم، چگونه بدن او را به صلیب کشیدند و این چگونه رمزی است که پسر خدا مصلوب شود و هم چنین تثلیث را به چه نحو می شود توجیه کرد. آخرین پیروان کفر که همانا مونوفیزیت ها هستند، تندیس هایی از عیسی می سازند و در عین حال تثلیث را به آن مربوط می کنند، در حالی که نستوریان (Nestorianism) (که پیرو



یکی از خیابان‌های وسیع شهر پومپی که گدازه‌های اتشفشانی بر ان فروریخته و آن را به ویرانه مبدل کرده. در افق و در انتهای تصویر کوه آتشفشان وزوو (Vesuvius) دیده می‌شود.



صحنه‌ی یک ضیافت رمی، ثروتمندان شهر برای خوردن شام در اطراف میز جمع شده‌اند.



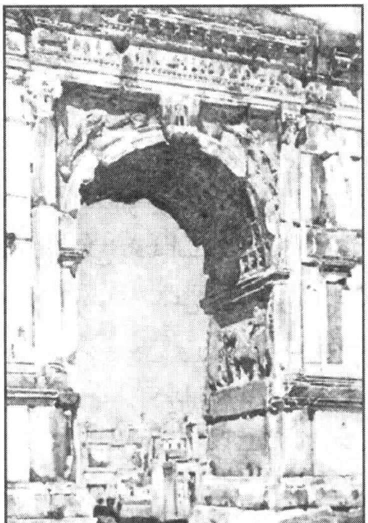
معبد خانوادگی بودا در چین
(سال‌های سده‌ی ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰)



تصویری از نقاشی دیواری که نشانه‌ی ثروت شهر پیش از تخریب و ویرانی است.



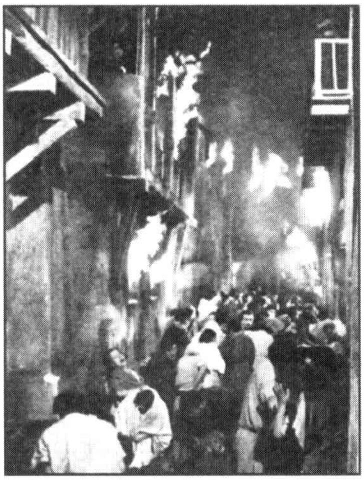
وسپاسین (Vespasian)، امپراتور رم
تصویرکار روبنس (Rubens) (۱۶۴۰ـ۱۵۷۷)



تاق نصرت تیتوس (Titus) امپراتور رم. یهودیان به علت آزار و شکنجه از این پیروزی اظهار تنفر می‌کنند.



اخرین تصویر از بودیکا (Boudicca)، ملکه‌ی سخت‌کوش آیسنی (Iceni).



شهروندان رم از بیم اتش از شهر می‌گریزند.
(فیلم کوئوو‌ادیس (Quovadis))

عقاید اسقف اعظم قسطنطنیه نستوریوس که در سال های بین ۳۱-۴۲۸ در این مقام بود) در پی آنند که جنبه ی خدایی و بشری عیسی کاملاً از هم جداست، در عین حال عیسی تنها یک فرد جسمانی است.

در همین حال کاتولیک ها در اجلاس کالسدون نتوانستند این حفره ی عمیق را پر کنند و جواب صریحی برای این دوگانگی پیدا کنند. آن ها ادعا می کنند که این عقاید خاص بیگانگان و بربرها می باشد و ریشه ی خارجی دارد، عقاید آریانیسم در میان بربرها، نستوریان در ایران و مونوفیزیت ها در مصر و فلسطین و سوریه اشاعه دارد.

اسقف پاتریک (Patrick)، پس از آن که موجب تغییر دین ایرلندی ها شد، در گذشت. (ایرلند، ۴۶۱):

اسقف پاتریک، یکی از برجسته ترین و درخشان ترین چهره هایی که تا به حال کشور به خود دیده است بدرود حیات گفت، هر فردی که تا به حال او را دیده، تاثیری شگرف از ملاقات وی در خود مشاهده کرده است و آن تقدس و پارسایی این مرد خداست که در عقاید خود پا برجا و استوار است، او راهنمایی است که برای پرستش خداوند در خواب و رویا و بیداری همراه انسان است. او با این دید به ایرلند رفت و آئین مسیحیت را برای آن ها تشریح کرد و توانست در این باب افکار آنان را به پیش ببرد.

او فرزند کالپورنیوس (Calpurnius) یکی از مالکان بریتانیایی است و در منطقه یی نزدیک کارلیسل (Carlisle) متولد شده است. پدر بزرگ وی یک کشیش بوده. ایرلندی ها وی را در سن ۱۴ سالگی دستگیر کرده و به عنوان برده فروختند. در حدود شش سال بعد، وی با یک قایق کوچک از آنجا فرار کرده و به منطقه ی گل رسید. در گل وی به آموختن دروس الهیات و آئین مسیح پرداخت و در سلک کشیشان درآمد و حدود سی سال پیش به عنوان اسقف به ایرلند بازگشت. و ی با کمال موفقیت توانست کیش مردم ایرلند را تغییر دهد و پادشاهان اولستر (Ulster)، لین استر (Leinster) و مونستر (Munster) هم به آئین وی گرویدند، در عین حال؛ او به راهبان مسیحی اجازه داد که به مردم عادی حقیقت آئین مسیحیت را یاد دهند.

افریقای شمالی ۵۴۷

قبایل بربر داخلی که مدتها علیه بیزانتین شورش کرده بودند، با حملات نیروهای نظامی تار ومار شدند. اکنون پس از سالها شورش و درگیری داخلی، افریقا در صلح و آرامش به سر می برد.

قسطنطنیه ۵۴۸

ژوستی نیان امپراتور با احضار پاپ ویژیلوس (Pope Vigilus) از رم وی را وادار به امضای اعلامیه مفصلی، مبنی بر عقیده ثابت بر وجود صانع، قبول اعلامیه کالسدون (Chalcedon) که در سال ۴۵۱ صادر شده بود و نیز احترام به قانون بدعت و رفض نستوری به وسیله مونوفیزیت ها کرد. با این کار ژوستی نیان امیدوار بود که عقاید مونوفیزیت ها هم به کاتولیکها نزدیک شده و وفاداری خود را به اعلامیه کالسدون نشان دهند. این عمل مورد اعتراض در غرب امپراتوری گردید.

کنستانتینوپول ۲۸ ژوئن ۵۴۸

تئودورا (Theodora) همسر ژوستی نیان امپراتور در گذشت. وی صاحب نفوذ و اقتدار بسیار بود، لیکن نتوانست ژوستی نیان را وادار به پذیرش و وفاداری به عقاید مونوفیزیت کند.

چین ۵۴۸

ژنرال هوجینگ از قبیله توبای (Toba) بخش شمالی چین، به خدمت لیانگ (Liang) فرمانروای چین جنوبی درآمد و رهبری شورش علیه ارباب پیشین خود را عهده دار شد و گروه نظامی خود را در نان جینگ پیاده کرد.

چین ۵۴۹

هوجینگ (Hou Jing) در نان جینگ (Nanjing) تلفات بیشماری را بیهوده متحمل شد.

چین ۵۴۹

وودی (Wudi)امپراتور چین پس از ۴۷ سال سلطنت در گذشت. در زمان پادشاهی وی گردونه بزرگ بودایی ماهایانا (Mahayana) به چین رسید، بدین معنی که مذهب بودا با سرعت بسیار در چین پیشرفت کرد.

ایتالیا ۵۵۰

کوشش های بلیزاریوس جهت بالابردن ارزش پول و تجدید قوای نظامی و ارتقای آوازه روم بی نتیجه ماند، توتیلا توانست رم را تسخیر کرده و فتوحات خود را تکمیل کند.

بریتانی ۵۵۰

آنگلوساکسونها شروع به پیشروی به سوی غرب کردند و مردم تحت تابعیت رومی بریتانیایی را به زیر فرمان خود درآورند.

کوش ۵۵۰

شاهزاده نشین نوبه یی (جنوب سودان) به نام آلودیا (Alodia) به توصیه های میسیون مذهبی قبطی، مسیحیت را پذیرفت.

وی دو کتاب به نام های کنفسیو (Confessio) و اپیستولا (Epistola) نوشت که غالب متفکران درباره ی آن بحث می کنند. آخرین کار او نوشتن نامه ی سرگشاده یی به کوروتیکوس (Coroticus) پادشاه بریتانی است که در آن انتقادات صریح و تندی به شیوه ی حکومتی وی دارد.

رومی ها و بربرها در مقابل آتیلا (Attila) متوقف می شوند. (شامپانی (Champagne)، گل، ۲۰ ژوئن ۴۵۱):

پس از یک نبرد موحش که رومیان و آتیلا، فرمانده ی طوایف هون در دشت کاتالون (Catalaun) برپا کردند، آتیلا این مرد وحشتناک اروپا، در تاریکی شبانگاهی عقب نشینی کرد. ارتش عظیم وی به پیکار سپاهیانی مرکب از رومیان و بربرها و لشگریان امپراتوری که در کنار آن ها ویزیگوت ها، فرانک ها و بورگوندی ها هم قرار داشتند، آمده بود و این اتحادیه غیر معمولی در مقابل آتیلا موضع گرفته بودند، در اثنای نبرد، تئودوریک (Theodoric) پادشاه ویزیگوت ها، کشته شد، لیکن سرزمین گل نجات یافت. ژنرال اوتیوس (Aetius) رومی هم به قشون اتیلا اجازه داد که به پانونیا (Pannonia) عقب نشینی کند (در مجارستان).

مدت دو سال طول کشید تا سیاست دشمنانه ی آتیلا مبدل به روابط دوستانه در اروپای غربی شود که در این مدت هم جنگ و خونریزی در اروپای شرقی پایان یافت.

او از هونوریا (Honoria)، خواهر والن تینیان سوم، برای زناشویی خواستگاری کرد، در حالی که نصف سرزمین های امپراتوری جهیزیه ی وی بود، گرچه هونوریا ظاهرا با این پیشنهاد موافقت داشت، شاید به خاطر این که برادرش معشوق او را به قتل رسانده بود. آتیلا این تقاضا را رد کرده بود و به گل حمله کرد. افراد سپاهی آتیلا بسیار وحشتناک بودند، پوست آن ها، هم چون حیوانات، صورت آن ها اغلب چاک چاک و فاقد ریش بودند، آن ها در هنگام برگشت، کیسه هایی پر از اموال غارت شده به همراه داشتند که هر کدام بر حسب اتفاق به چنگ آورده بودند.

بامرگ آتیلا، امپراتوری او هم متزلزل گردید. (پانونیا، ۴۵۳):

آتیلا پس از شرکت در یک ضیافت عروسی، دفعتاً درگذشت و سپاهیان وی در سوگ او، موهای خود را کنده و صورت شان را می خراشیدند، در حالی که اشک و خون در چهره ی آنان توام شده بود.

برخی دیگر که حیله گر و سیاستمدار بودند، با فقدان رهبر خود؛ آتیلا، میدان را خالی یافته و به سراغ مردم ناحیه بالکان رفته و با زور مبالغ زیادی از آنان خراج می ستاندند و این خراج به حساب امپراتوری شرق دریافت می شد، چون مردم عادی طاقت زورگویی آنان را نداشتند.

جنگجویان و تیراندازان ماهر هون (Hun) می توانستند که در حال سواری بر روی اسب های منطقه‌ی استپ (Steppe)، به سرعت تیراندازی کنند و دشمن از این اعمال آن ها به وحشت می افتاد و آتیلا هم توانست با همین شیوه امپراتوری و قدرت متزلزل را برای مدتی پا بر جا نگهدارد، لیکن با مرگ آتیلا، اقوام ژرمن که مدت ۵۰ سال تحت کنترل هون ها بودند، دست به قیام بر علیه آن‌ها زدند تا شکافی در قدرت هون ها ایجاد کنند، در حالی که گفته می شد، پیش از این هم، شبیه این جریانات پیش آمده بود و حالا در فکر جانشینی برای اتیلا بودند.

اوتیوس، در اثر ضربت خنجر امپراتور کشته شد. (ایتالیا، ۲۱ سپتامبر ۴۵۴):

امروز والنسیان سوم، امپراتور، در حال سان دیدن از سپاهیان، فرمانده ی گارد امپراتوری خود، به نام ژنرال اوتیوس (Aetius) را با ضربه ی خنجر در شهر راونا به قتل رسانید. امپراتور، اوتیوس را متهم کرد که در خیال احراز قدرت و به دست آوردن سلطنت است، و به این جرم او را از بین برد که مدعی سلطنت نداشته باشد. برخی عقیده دارند که اوتیوس قربانی عشق بازی های درباری شده و نوکران دربار هم کینه یی از او به دل داشتند، و با هم پیمان بسته بودند که وی را از بین ببرند، لیکن والنسیان خود در این راه پیش قدم شد.

اوتیوس، مدت ۳۰ سال حافظ مرزهای امپراتوری در قبال حملات بورگوندی ها و وندال ها بود و از نظر اسمی، فرمانروای حکومت محسوب می شد. او یک ایتالیایی بود که در ایالت موئزیا (Moesia) به دنیا آمده و با یکی از خانواده های اشرافی گوتیک ازدواج کرده بود، او مدت ها به عنوان

مصر ۵۵۲
پدر روحانی آپولینا ریوس (Apollinarius) دوباره عقاید کاتولیکی را در اسکندریه با کمک و حمایت نیروهای سلطنتی و آزار و خونریزی بسیار به مردم قبولانید، لیکن عقاید گروه کوپتیک همچنان مقاوم و پا برجا ماند.

ایتالیا ۵۵۲
ژوستی نیان سرانجام با پذیرش مسئولیت اغتشاشات ودرگیریهای ایتالیا، نیروی نظامی عظیمی به فرماندهی نارسس (Narses) به آنجا اعزام کرد. وی توانست توتیلا را در نبرد بوستاگالوروم (Busta Gallorum) شکست داده و به قتل برساند.

چین ۵۵۲
هنگامیکه ژنرال چن بازیان (Chen Baxian) جهت نبرد به سوی ژنرال یاغی هوجینگ از نژاد توبا، و از منطقه نان جینگ به سوی جنوب می رفت، امپراتور گائویانگ (Gao Yang) را از امپراتوری بخش شمال کی (Qi) خلع کرد و کنترل بخش اعظم شمال چین را به دست گرفت.

ایتالیا ۵۵۳
ژنرال بیزانتینی نارسس (Narses)، تئه یاس (Teias)، جانشین تورتیلا (Tortila) پادشاه استروگوتها را در ناحیه مونز لاکتاریوس (Mons Lactarius) مقهور کرد. بدین ترتیب تقریباً تمام ایتالیا دوباره فتح شد.

قسطنطنیه ۵۵۳
پیشینه نگار پروکوپیوس (Procopius) کتاب تاریخ خود را پایان بخشید. در این کتاب که به نام جنگها مشهور است، شرح جنگهای سلسله ژوستی نیان به طور کامل آمده است.

ایتالیا ۱۳ اوت ۵۵۴
امپراتور ژوستی نیان برنامه یی جهت شناسایی خرابیها و ترمیم آن که در بیست سال گذشته به وسیله اوستروگوتها در ایتالیا به وجود آمده بود تنظیم کرد.

اسپانیا ۵۵۴
در دوسال پیش از ارتش ژوستی نیان به وسیله آتاناگلید (Athanaglid) دعوت شد که به اسپانیا بیاید، چون هنوز ویزیگوتها در آنجا فرمانروایی می کردند و بخش جنوب این سرزمین را در اختیار داشتند. هنگامیکه آتاناگلید به حکومت رسید، دیگر آنها نتوانستند بر قلمرو خود بیفزایند. آنها شهر کوردوبا (Cordoba) را به پایتختی برگزیده بودند.

کنستانتینوپول دسامبر ۵۵۷
بر اثر فروریختن سنگهایی که در نتیجه زلزله شدید روی داد، کلیسای بزرگ و مقدس صوفیه (St Sophia) ویران شد.

چین ۵۵۷
یوون جویی (Yu WenJue) آخرین امپراتور بخش غربی چین، ویی (Wei) را معزول و به جای وی سلسله سلطنتی شو (Zhou) در چین تأسیس شد. در بخش جنوبی هم به علت نبودن وارث حقیقی ویی، هرج ومرج ناشی از آن، چن بازیان (Chen Baxian) تمام مدعیان امپراتوری را سرکوب کرد و سلسله چن (Chen) را بنیان نهاد.

گروگان در اختیار هون ها بود، ولی دوستی صمیمانه یی با آتیلا برقرار کرده بود و در زمانی که همه جا زیر حملات هون ها قرار داشت، وی در مکان امنی اقامت داشت.

روم برای دومین بار در ظرف کمتر از پنجاه سال، دستخوش تاراج شد. (روم، ۱۶ ژوئن ۴۵۵):

سپاهیان وندال با کیسه های پر از اموال غارتی و هزاران اسیر از رم خارج شدند، و این جریان در زمانی صورت گرفت که ملکه اودوکسیا و دخترانش رم را ترک گفتند. آنان مدت دو هفته تمام بخش های شهر بزرگ را چپاول کردند، در حالی که به پاپ لئو قول داده بودند در موقع خروج شهر را آتش نزنند. این دومین مرتبه است که این شهر دستخوش غارت می شود، بار اول در سال ۴۱۰ به دست ویزیگوت ها این عمل انجام شد.

چهار ماه پس از مرگ والنسیان سوم امپراتور، گایزریک (Gaiseric) (قیصر) پادشاه وندال ها، چون در رم خلا قدرت را مشاهده کرد، سپاهیان خود را در شهر پیاده کرد تا آنجا را غارت کنند. گایزریک، تا زمانی که امپراتور حیات داشت، به تمام قراردادها پای بند بود و آن ها را رعایت می کرد، لیکن با مرگ امپراتور، عملاً دست او باز شد.

هم چنین عدم اقتدار امپراتوری در مورد دفاع از مرزها و مصونیت کشور، آن حالت وابستگی نسبت به پیمان های منعقده را گسست و وندال ها به دفعات اقدام به هجوم کردند.

سرزمین اسپانیا سقوط کرد، منطقه ی گل تسلیم شد و شمال افریقا هم به تصرف و ندال درآمد. اکنون سپاهیان گایزریک در سراسر منطقه ی مدیترانه به آسانی در حال سیر و گردش هستند و هر جا را که اراده کنند، می توانند به اشغال خود دراورند و جزایر ثروتمند این ناحیه را به عنوان جایزه تصرف می کنند.

جهت تجلیل و بزرگداشت آئین بودایی، غار عظیمی احداث می شود. (چین، ۴۸۹):

ویی (Wei)، فرمانروای چین، جهت استقرار مجدد آئین بودا، پس از افت و خیزهایی که با تائوئیسم (Taoism) پیش آمد، یادبود بزرگی از بودا را برای تجلیل از وی برپا

می دارد. برای این کار، هزاران کارگر و تندیس نگار و حجار از سراسر چین بـرای ایجـاد غـاری عظـیم در سـنگ هـای کوهستان در ناحیـه ی یونگانـگ (Yungang) در شـمال شانگزی (Shanxi)، به کار گمارده می شوند.

این کارگران، تندیس بزرگی از بودا را بر روی سنگ هـا می تراشند و سبک آن ها هـم اقتبـاس از تنـدیس خـدایان هندی و با ظرافت مجسمه هـای یونـانی اسـت. هنرمنـدان حجار از ملیت های گوناگون انتخاب شـده انـد و اغلـب بـه شیوه ی یونانی کار می کنند، ولی نه با برداشتی که یونانیان از باستان شناسی در این مورد دارند.

بیش تر صنعتگران و تندیس نگاران چینی، بومی هستند که روش و سبک هندی را آموخته اند و به آن آشنایی کامل دارند و قادرند که پیکره ی بودا را به همـان اصـالت هنـدی درآورند. به هر حال، به نظر می رسد که این پیکره نگاران و هنرمندان، جسارت و تهور آن را دارند تا شاهکاری به وجـود آورند که قرن ها مورد اعجاب و شگفتی آیندگان شود.

صومعه ی بزرگی در صحرا، با صدها راهـب برپـا می شود. (خاور نزدیک، ۴۷۳):

یک صومعه ی عظیم در صحرای یهودیه بـرای صـدها راهب در بـه در و سـرگردان سـاباس (Sabas) منطقـه ی کاپادوکیه (Cappadocia) تاسیس شـد. ایـن صـومعه در حقیقت مکان ومنزلی برای صدها راهب بی پناه می باشد.

فکر ایجاد این صومعه در ۲۵ سال پیش با ازدیاد جمعیت مسیحیان به وجود آمـد کـه کـانونی بـرای پیـروان مـذهبی مسیحیت و نشر افکار روحانی و دینـی باشـد. کمیتـه هـای مذهبی سراسر کرانه ی شرق دریای مدیترانه، باعث تاسیس این مکان شد، در حالی که این صومعه یک مرکز اقتـصادی هم به حساب می آید. همه ی ایـن راهبـان، طالـب زنـدگی فقیرانه و ساده و یک جا نشینی نبودند، عده یی از این کلیسا به آن کلیسا، سرگردان بودند و مکان مناسبی نداشتند، عـده یی دیگر بـه اسـتیلیت هـا (Stylites) مـشهورند، بـر روی سنگ و ستون های یاد بود هم چـون سـیمون (Simoen) زندگی می کردند. (سیمون کشیش مسیحی که عزلت گزین و تارک دنیا بود، مدت ۳۷ سال از عمرش را بر روی سـتونی سنگی گذرانید و در همان جا هم در سال ۴۵۹ فـوت شـد.) این کشیشان یونانی، اصلا بـه دنیـا اعتنـایی نداشـتند و بـه زندگی بسیار ساده قناعت می کردند. برخی از آن ها هـم در تنهایی کامل به سر می بردند.

به دستور پاپ، اسقف اعظم قـسطنطنیه از شـهر تبعید شد. (روم، ۴۸۴):

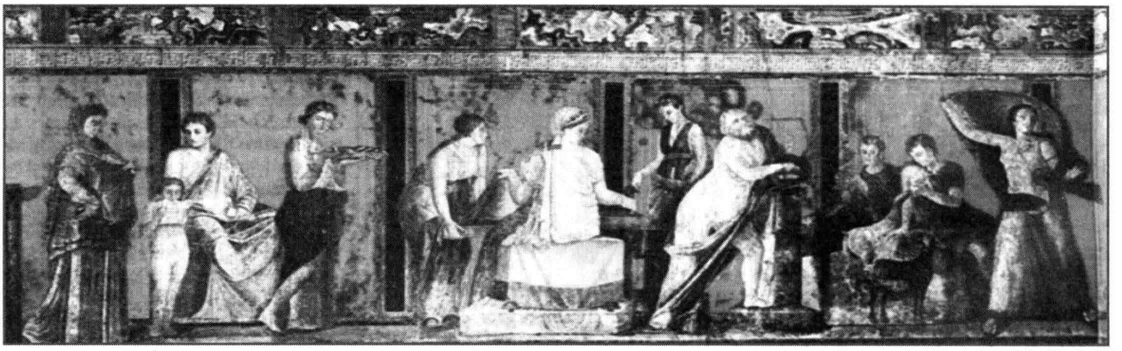
نقار و جدایی که بین کلیساهای شرق و غرب بـه علـت تصمیم پاپ فلیکس (Felix) سوم در باب تکفیر آکاسیوس (Acacius)، اسقف اعظم شهر قسطنطنیه و زنـو (Zeno) در امپراتوری رم شرقی ایجاد شـده بـود، تـشدید شـد. ایـن شکاف در سال ۴۸۲ به سبب انتشار کتابی به اسم هنوتیکون (Henotikon) از سوی آکاسیوس که بدون مشورت پـاپ ایجاد شد. در این کتاب، از تصمیم مجمع کلیساهای جهـانی که در کالسدون در سال ۴۵۱ راجع به مونوفیزیت ها گرفتـه بود و آن ها را به نرمش دعوت می کرد، تقدیر شده بود.

بر طبق فرمول آکاسیوس، عیسی یک موجـود عـادی و طبیعی بوده و مونوفیزیت هـای مـصر و سـوریه آن را مـورد پذیرش قرار داده بودنـد و آکاسـیوس ایـن موضـوع را تائیـد کرده بود و زنو آرزومند بـود کـه ایـن تـصمیم مـورد قبـول اکثریت واقع شود.

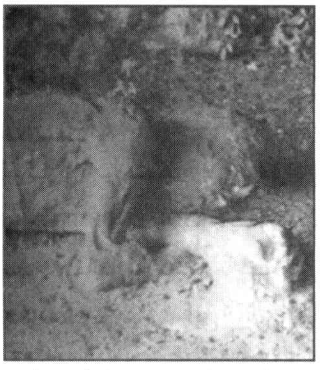
بنا به فرمان لئو، فرمانروای شرق به قتـل رسـید. (کنستانتینوپول، ۴۷۱):

آسپار (Aspar) فرماندار بربر شـرق کـه مـدت زیـادی عملاً این سمت را بر عهده داشت، همـراه پـسرش آردابـور (Ardabur)، به امر امپراتور لئو، به قتل رسیدند. بـا کـشته شدن او، کنترل موثر امپراتوری بـه وسـیله ی ژنـرال هـای آلمانی به پایان رسید.

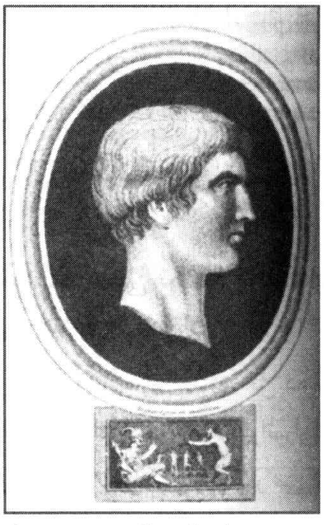
نفـوذ بربرهـا در سـال هـای ۴۲۲-۴۲۱ هنگـامی کـه سربازان آلمانی به فرماندهی آرئوبیندوس (Areobindus) و آردابور در جنگ بر علیه ایران شـرکت کردنـد، آغـاز شـد. آسپار در خدمت پدرش با درجه ی ستوانی در پی آن بود که ژان غاصب سلطنت را بر کنار ساخته و والنسیان سـوم را بـه امپراتـوری شـرق برسـاند در سـال ۴۳۱، آسـپار در مقـام فرماندهی نیروهای اعزامی به افریقا ابقا شد و در سـال ۴۳۴ به کنسولی انتخاب شد. موقعیت او در مقام سرفرماندهی، به اقتدار وی جهت حمایت از تشکیل فدراسیون گوت ها، تـاثیر به سزایی داشت.



نقاشی رنگی بسیار زیبا بر روی دیوار کاخی رؤیایی در شهر پومپی (Pompeii) که از هنر ارزشمندی برخوردار است، لیکن بر اثر اتش تخریب شد.



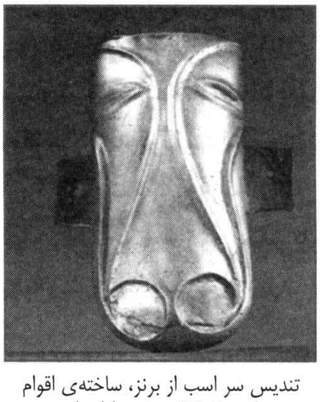
یکی از قربانیان مصیبت‌بار اتشفشانی کوه وزوو که در زیر خاکستر و مواد مذاب مدفون شده است.



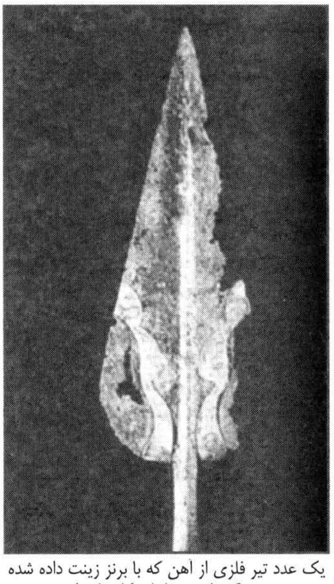
تصویری از یک جنگجوی رمی با روحیه‌ی سرشار از عشق به میهن و مبارزه که از ناصیه او هویداست و کار هنرمندان معاصر می‌باشد.



یک اختراع قهرمانانه و شگفت‌انگیز.



تندیس سر اسب از برنز، ساخته‌ی اقوام پیکت (Pict) در نبرد ارابه‌رانی.



یک عدد تیر فلزی از آهن که با برنز زینت داده شده و در جنگ‌های بریتانیا به‌کار رفته است.



امفی‌تئاتر یا کلوزئوم (Colosseum) که تماشاچیان برای دیدن بازی‌ها در اطراف میدان بازی‌ها می‌نشستند.

هنگامی که سلسله ی تئودوزیان ها به کلی ساقط شد، آسپار بزرگ ترین چهره ی قدرتمند در سرزمین امپراتوری بود. مسیحیان پیرو آریانیسم در این فکر نبودند که وی را به سلطنت انتخاب کنند، لیکن مارسیان (Marcian) در صدد بود جهت تامین امنیت، او را به فرماندهی گارد محافظ سلطنتی برگزینند. هنگامی که مارسیان در سال ۴۵۷ از دنیا رفت، آسپار به صورت ظاهر امپراتور شد، در حالی که لئو ناظر کل وضع مبهمی داشت. در سال ۴۶۶، لئو با تاراسیکودیزا (Tarasicodissa) دختر یکی از اعضای با نفوذ ایسوریان (Isaurian)، ازدواج کرد و به نام یونانی زنو نامیده شد، در حالی که خود وی اسم لئو را ترجیح می داد. در این حال، نیروهای نظامی ایسوری به زودی پایتخت را اشغال کردند، گرچه آسپار گام به گام پله های قدرت را می پیمود، لیکن این روزها را به خاطر نمی آورد.

امپراتور رم غربی توسط بربرها برکنار شد. (راونا، سپتامبر ۴۷۶):

در عرض ۲۱ سال گذشته، این دهمین امپراتور غربی است که به قدرت می رسد و امپراتوران یکی پس از دیگری، پس از مدت کوتاهی از کار برکنار می شوند، در عین حال، این امپراتور مایل نیست نام امپراتور بر خود نهد.

اودوایسر (Odoacer) یکی از بربرها بود که در کرانه ی دانوب میانی به دنیا آمد و در جوانی به ارتش سلطنتی پیوست.

سورینوس (Severinus) اسقف نوریکوم(Noricum) به او گفت تو خود هنرمندی هستی که به لباس فرومایگان در آمده یی و پس از این هدایای بسیاری دریافت خواهی کرد، وی پس از مدتی، به مقام فرماندهی بربرهای مزدور در امپراتوری رسید. سال گذشته اورستس (Orestes)، نپوس (Nepos) امپراتور را بر کنار ساخت و ردای ارغوانی وی را بر تن فرزند هجده ساله ی خود؛ رومولوس (Romulus) پوشاند. اودوایسر، مزدوران بربر را به شورش واداشت که در این جریان اورستس سر خود را بر باد داد، امروز اودوایسر به راونا، پایتخت امپراتوری بازگشت و رومولوس را که در صدد توطئه چینی بود به دیار عدم روانه کرد.

او امپراتوری شرق و غرب را از هم جدا نمی داند، وی خود را هنوز به عنوان یک افسر ستوان در امپراتوری می داند و همین طور زنو را در قسطنطنیه به نام امپراتور قبول ندارد. از سویی، وی خود را یک شهروند رومی تصور می کند، در حالی که در خارج از رم و سرزمین بربرها تولد یافته. بسیاری بر این عقیده هستند که این علایم، نشانه ی خاتمه یافتن امپراتوری رم غربی است، هر چند که هنوز اسمی از آن باقی مانده است.

پادشاه فرانک ها، ارتش رم را شکست داد. (گل، ۴۸۶):

سپاهیان شاهزاده نشین رومی سیاگریوس (Syagrius) واقع در شمال سرزمین گل، به وسیله ی کلوویس (Clovis) پادشاه فرانک ها در منطقه ی نووی دونوم (Novidunum) (سوآسون Soissons) دچار شکست کامل شد و اینک کلوویس فرماندار و حاکم ناحیه ی سام (Somme) در لوار (Loire) می باشد. این پیروزی پایان حکومت رم را بر گل نشان می دهد. کلوویس ۲۱ ساله، نوه ی مرووش (Merovech)، بنیانگذار سلسله ی پادشاهی مرووینیان (Merovingian) است که از مردم ژرمن بوده که در سال ۳۵۰ به مرز شمالی گل تاخت و آنجا را تسخیر کرد. پسر او شیلدریک (Chideric) (پدر کلوویس) که سمت فرماندهی فرقه فرانک ها را در ارتش رم بر عهده داشت، در سال ۴۸۱ فوت شد. او توانست جای پای فرانک ها را در گل تثبیت و مستحکم سازد و اینک کلوویس با آن زمینه های قبلی توانست به حکومت دست یابد.

اسقف آپولیناریس در کلرمون در گذشت. (گل، ۴۸۶):

سیدونیوس آپولیناریس (Sidonius Apollinaris)، شاعر، اسقف و سیاستمدار، در سن ۵۴ سالگی در کلرمون (Clermont)، واقع در اورین (Auvergne) بدرود زندگی گفت. او فرزند تمام عیار اهل گل و ناپسری امپراتور و نیز یک شهروند کامل رومی بود، وی قبل از این که به مقام اسقفی برسد، گام های موثری برای حمایت از کلیسا در پشتیبانی از امپراتوری برداشته بود. در این موقعیت بود که او از این که اورین به صورت یک ایالت ویزیگوت در آید، احساس انزجار می کرد، وی در سال ۴۷۵ نوشت: بردگان ما هم باید در سایه ی امنیت به سر برند.

قسطنطنیه ۷ مه ۵۵۸
گنبد کلیسای بزرگ سوفیای مقدس فرو ریخت و بلا فاصله به امر ژوستی نیان تجدید بنا شد.

قسطنطنیه ۵۵۸
بیماری طاعون بار دیگر در شهر شیوع یافت.

آسیای مرکزی ۵۶۰
گروه بیشماری از اقوام ترک به سرعت مرزها را زیر پا گذاشتند و طایفه یوآن – یوآن (Juan-Juan) یا آوار (Avar) نخستین امپراتوری مغول را پس از ۴۰۰ سال بر پا کردند، آنها در دو ایالت فرمانروایی می کردند، یکی که امپراتوری مغول را تشکیل داد (ترکهای شرقی) و دیگر زونگاریا (Zungaria) (ترکهای غربی). مهاجرت آنها حوادثی به باراوردو آوارها به سوی قفقاز پیشروی کردند.

آسیای مرکزی ۵۶۰
خسرو پادشاه ایران با پیمان همکاری نظامی که با ترکهای غربی امضا کرد، از نیروی آنان علیه هفتالیت ها (Hephtalite) بهره برده و امپراتوری آنها را از بین برد. هفتالیت ها در یکصد سال گذشته همواره مرزهای ایران و هندوستان را مورد تهاجم قرار می دادند.

گل ۵۶۱
لوتار (Lothar) که تا سال ۵۵۸ تنها پادشاه فرانکها بود در منطقه کامپین (Compiegne) در گذشت و سرزمین فرانک پس از مرگ وی بین چهار فرزندش تقسیم شد.

بالکان ۵۶۱
آوارها (Avars) برای نخستین بار در کرانه دانوب، مرز شرقی امپراتوری روم ظاهر شدند.

قسطنطنیه ۵۶۱
ژوستی نیان با بستن پیمان جدیدی با خسرو انوشیروان شاهنشاه ساسانی، مرزهای جدید دو کشور را تثبیت کردند، بر اساس این پیمان دولت روم شرقی موظف شد سالیانه مبلغی خراج به ایران بپردازد.

کنستانتینوپول ۵۶۲
ژوستی نیان پس از مرمت گنبد کلیسای سوفیای مقدس، دومین کلیسا را وقف آنجا کرد.

قسطنطنیه ۵۶۵
ژوستی نیان پس از ۳۸ سال سلطنت در گذشت و ژوستن دوم برادرزاده وی جانشین اوشد در حالی که سرزمین امپراتوری به اوج قدرت رسیده بود، لیکن کشور در سراسر مرزهای خود با اقوام بربر روبرو بود و این موضوع سرچشمه نبرد با بیگانگان قلمداد می شد.

گل ۵۶۷
با مرگ لوتار، برادر وی به نام شاریبر (Charibert) که مدعی سلطنت وی بود، سرزمین فرانک را دوباره تقسیم نمود. سی ژیبر (Sigibert)، استراسیا (Austrasia) را تصاحب کرد (گل شرقی)، شیلپریک (Chilperic)، نوستریا (Neustria) (گل غربی)، را از آن خود کرد و گونترام (Guntram) بورگوندی (گل جنوب شرقی) را به مالکیت خود درآورد.

وسیع ترین شهر امریکا در مکزیک در آستانه ی انقلاب قرار گرفت. (آمریکای مرکزی، ۵۰۰):

تئوتیهوکان (Teotihuacan) در مکزیک، بزرگ ترین شهر قاره ی آمریکا، اکنون تحت کنترل وسیع ترین امپراتوری امریکای میانی است. خدایان آن ها مانند تلالوک (Tlaloc)، خدای باران، کالکیوتلکیو (Calchiuhtlicue)، الهه آب، میکتلان تکولتی (Mictlantecuhyli)، ارباب زیرزمین ها و کوئت زالکوآتل (Quet Zalcoatl) و مارپیچ در پیچ، همگی به عنوان خدایان امریکای مرکزی پذیرفته شده اند.

تئوتیهوکان، تنها پایتخت سیاسی نیست؛ بلکه پایتخت مذهبی هم هست که هر ساله هزاران گروه برای زیارت اماکن مقدسه به شهر هجوم می آورند و گروه های پیرو هر مذهب در این شهر دویست و پنجاه هزار نفری، همواره در حال نزاع با یکدیگر می باشند. در حالی که راهبان بزرگ در عمارات بزرگ و قصرها زندگی می کنند. در کنار آنها، حفره هایی است به مانند لانه ی خرگوش که طبقه ی رنجبران و کارگران و افراد پایین اجتماع به حال خفقان در خیابان های تاریک و در این غار با مرگ دست به گریبانند و طبقه ی متوسط هم در کنار حومه ی شهر زندگی می کنند. بسیاری از اماکن مذهبی و مقدس، بدون نظم معینی در داخل شهر و پهلوی یکدیگر بنا شده و شهر حالتی متورم و آماس کرده دارد.

اکنون به نظر می رسد همین طبقات فرودست و پایین اجتماع از اوضاع ناراضی هستند و از این وضع شکوه و شکایت دارند و شهر آبستن حوادثی است که کمترین آن شورش و انقلاب عمومی می باشد.

هفتالیان، بر پادشاه ساسانی غلبه می یابند. (ایران، ۵۰۰):

هفتالیت های (Hephtalites) هون به فرماندهی تورامانا (Toramana) به هندوستان حمله کردند، اما هجوم اصلی ان ها به سرزمین ایران بود. آن ها پادشاه ساسانی را به اسارت گرفتند، هفتالیت های چادرنشین، سفید پوست هستند و ارتباط مستقیمی با هون های اتیلا ندارند، آن ها از ترکان اسیای مرکزی هستند که در سال پیش، از رود سیحون (Oxus) گذشتند. شاپور دوم ساسانی، در سی

سال قبل به اجبار ایالت باختر (Bactria)(بلخ) را در اختیار آن ها گذاشت. در سال های آخرین سده گذشته، آن ها به سوی افغانستان روانه شدند و ناحیه ی بگرام (Begram)، نزدیک شهر کابل (Kabul) را اشغال کردند و حاکم نشین کوشان را در آن ناحیه ویران کردند. هفتالیت ها یا هپتال ها، هم اکنون منطقه ی وسیعی از سرزمین باختر (باکتریا) تا ایران و سراسر افغانستان تا رود سند در هند را تحت کنترل دارند. آن ها مبالغ هنگفتی باج از پادشاه ساسانی دریافت کردند و از سوی پادشاه ایران کاواج (Kavadh) پسر خوانده ی رئیس خود را پادشاه ایران خوانده اند. آن ها با کمال وقاحت، در امور داخلی هند دخالت می کنند و سپاهیان خود را در دشت مالوا (Malwa) مستقر کرده اند، با این اقدام آن ها، امپراتوری گوپتاها (Gupta) سقوط کرد.

در همین زمان، هنری های زیبای هند و ایران به پیشرفت خود ادامه داده. آن ها تندیس های بزرگی از بودا در دل سنگ های کوهستان بامیان (Bamyan) برپا کرده اند. دین هفتال ها، پرستش خورشید به روش میترائیسم و هم چنین بودائی است، آن ها ازدواج اشتراکی دارند، بدین معنی که چند برادر از یک زن متمتع می شوند و زن بین چند مرد اشتراکی است.

امپراتوری گوپتا محکوم به سقوط است. (هند، در حدود ۵۰۰):

امپراتوری گوپتا، مهد تمدن و فرهنگ بودایی، که بیش از یک سده، حاکم بر سرزمین هندوستان بود، با یورش هون ها به اعماق کشور در حال تجزیه و انهدام است. از سال ۴۹۶ که سلطنت گوپتاهای پیرو بودا در حال اضمحلال قرار گرفت، حاکم نشین کوچک سراسر هند سعی در برقراری مجدد حکومت گوپتاها داشتند که این تلاش ها بیهوده بود و به جایی نرسید.

در زمان فرمانروایی سلسله ی گوپتا بر هند، ادبیات زبان سانسکریت احیا شده و به اوج شکوفایی رسید و به ویژه با ظهور کالیداسا (Kalidasa) یکی از ۹ گوهر درخشان در اطراف چاندرا گوپتای (Chandragupta) دوم این درخشش نمایان تر شد. هم چنین هنرهای هندو هم به تدریج پیشرفت کرد و نخستین معابد کوچک آن ها بنا شد.

در تحت حکومت گوپتاها، هنرهای بودایی هم بر قله ی زیبایی قرار گرفت و پیکر تراشی و تندیس سازی هم رونق فراوان یافت. بودا خود نشانه ها و کنایاتی از هنر را به مردم عرضه کرد که آن را مورداس (Murdas) می نامند و این علامات مربوط به تمام حوادث و رویدادهای زندگی است. تندیس بودا معانی و مفاهیم زیاید را به مردم می نمایاند.

بودای در حال نشستن، علامت آرامش، راحتی فکر و اندیشیدن و آموختن است و در حالت ایستادن و آرنج و بازو را به حالت خمیده نگهداشتن، نشانی از فروتنی و نزاکت و احترام به طرف مقابل می باشد. هم چنین تندیس نگاران، بودا را به حالت نیم رخ با شانه های پهن و پاهای بلند با صورتی پهن و گشاده و لبخندی اسرار آمیز و چشمانی نیمه باز نشان می دهند که این ها هر کدام حاوی اسراری است که بیننده را به دنیای دیگر رهنمون می سازد.

ماتهورا (Mathura) و سارنات (Sarnath) دو آموزشگاه هنرهای بودایی تاسیس کردند که آخرین روش های هنری را به پژوهشگران می آموزند این هنرها واسطه یی است بین زیبایی محض و زیبایی روح.

کلوویس شاه، حاکم نشین فرانک ها را پایه گذاری کرد. (گل، ۵۰۷):

کلوویس، پادشاه فرانک ها، آلاریک دوم، پادشاه ویزیگوت ها را مغلوب کرد، آلاریک در این نبرد پر مخاطره، در ۱۶ کیلومتری پوآتیه کشته شد. با مرگ وی، کلوویس ارباب بخش جنوب شرقی سرزمین گل شد.

کلوویس با ایجاد وحشت در تشکیلات اجتماعی، پس از شکست دادن نیروهای نظامی روم، به فرماندهی سیگاریوس (Syagrius) در محل سوآسون (Sissons) و در سال ۴۸۶ مرزهای متعلق به فرانک ها را تا لوآر (Loire) به جلو برد. در سال ۵۰۲، با مغلوب ساختن آلامانی ها (Alamanni) یکی دیگر از طوایف ژرمن باز هم از سوی شرق، سرزمین فرانک ها را گسترش داد.

کلوویس که با کلوتیدا (Clotida) که یک خانم کاتولیک بورگوندی بود، ازدواج کرد، در حین جنگ گفته بود: اگر خدا یاری کند،ضربه ی بزرگی به آلامانی ها خواهم زد. او این کلمات را به خاطر داشت، تا این که فرانک ها تحت رهبری پادشاه مسیحی خود، به سوی جنوب عازم شدند و توانستند در سال گذشته بورگوندی ها (Burgundian) را در منطقه ی تولبیاک (Tolbiac) مقهور کنند. کلوویس

پس از این پیروزی، نظر خود را معطوف به ویزیگوت ها کرد. ویزیگوت ها مانند بیش تر اقوام ژرمن، پیرو عقاید مسیحی آریان بودند و تثلیث را رد می کردند، چون کلوویس وهواداران او کاتولیک های اصیلی بودند، در نتیجه برای پیروزی بر ویزیگوت ها مجوز شرعی داشتند. سپاهیان وی می گفتند: ما از این که بهترین و زیباترین منطقه ی گل در تصرف آریان ها می باشد، متاسف و غمناک هستیم، پس هر چه زودتر بر آن ها بتازیم تا ضمن شکست مرتدان، شریک سرزمین های حاصلخیز آن ها شویم، کلوویس اعلام کرد پیش از آن که به پوآتیه (Poitiers) برسیم، پاریس را به عنوان پایتخت انتخاب خواهیم کرد.

کلوویس به زحمت می توانست مانند مسیحیان متواضع و فروتن باشد. وی همانند مسیح، در هنگام مصلوب شدن، فریاد می زند: آیا من دراین جا فرمانده ی شما سپاهیان شجاع نیستم؛ پس من آن ها را به سوی مرگ خواهم راند.

گلوریوس (Glorius) می گوید: گوت ارباب و فرمانروای غرب است. (ایتالیا، ۵۱۰):

پس از انضمام بخش جنوب شرقی گل، اکنون اوستروگوت ها (Ostrogoths)، بزرگ ترین قدرت در اروپای غربی محسوب می شوند. با تحرکات و دست اندازی های تئودوریک پادشاه اوستروگوت، وسعت سرزمین تحت حکومت وی از سرزمین فرانک ها تا ایلیریکوم (Illyricum) (یوگوسلاوی Yugoslavia) گسترش یافته. در حالی که باید اسپانیا را هم به این متصرفات اضافه کرد، چون این سرزمین تحت حاکمیت تئودوریک می باشد و در حقیقت وی نایب السلطنه نوه خود آماریک (Amalaric) است که در سن طفولیت پادشاه اسپانیا شده و او فرزند تئودومیر (Theodomir) است. تئودوریک توانسته مردان هوادار قبیله ی خود را متحد سازد. وی سال ها شهر قسطنطنیه را مورد تهدید قرار داده بود تا این که در سال ۴۷۶ به زنو امپراتور مبالغی پرداخت تا به سمت ژنرال کنسول در سال ۴۸۴ انتخاب شود ودر حقیقت این مقام را از زنو خریداری کرد. در سال ۴۸۹ زنو وی را به ایتالیا فرستاد تا اودوایسر تازه به دوران رسیده را شکست دهد و او توانست در سال ۴۹۳، اودوایسر را از مقام خود بر کنار سازد.

تئودوریک به سنت و آداب ایتالیایی وفادار ماند و زمانی که به ایتالیا رسید، به مردم شادباش گفت و خود را پادشاه

پان نونیا (Pannonia) ۵۶۷

لومباردها (Lombards) و آوارها با تشریک مساعی با یکدیگر ژپید (Gepides) را مقهور کردند. آوارها سرزمین دانوب وسطی را تصرف کردند.

ایتالیا ۵۶۸

آلبون (Alboin) پادشاه لومباردها، پان نونیا (هنگری – Hungary یا مجارستان) را به آوارها واگذار کرد و به شمال ایتالیا یورش برد.

سودان (Sudan) (کوش - Kush) ۵۶۹

در تعقیب تبدیل دین بومی به مسیحیت درنوبه (Nobia) در سال ۵۴۳ و در آلودیا (Alodia) در سال ۵۵۰، ایالت نوبه یی ماکوریا (Makuria) (دونگولا – Dongola) هم دین خود را به مسیحیت تغییر داد.

ژاپن ۵۷۰

سرزمین پادشاهی کره، کوگوریو (Koguryo) نخستین سفیر خود را به ژاپن اعزام کرد.

افریقای غربی ۵۷۰

سیف ابن دی یازان (Sef ibn Dhi Yazan)، نخستین حکومت پادشاهی بورنو (Bornu) را در کانم (Kanem) بنیاد نهاد.

عربستان ۵۷۰

حضرت محمد (ص) در مکه (Mecca) به دنیا آمد.

عربستان ۵۷۲

دولت ایران اهالی اکسوم (Axumites) را که در یمن (Yemen) اقامت داشتند از آن سرزمین اخراج و به اطراف دریای سرخ فرستاد.

ایتالیا ۵۷۲

پس از سه سال محاصره شهر پاویا (Pavia) توسط لومباردها، این شهر سرانجام سقوط کرد، و اهالی آن به شمال ایتالیا گریختند، لیکن پادشاه لومباردی آلبوین (Alboin) به وسیله همسرش ژپید (Gepid) به قتل رسید.

قسطنطنیه ۵۷۳

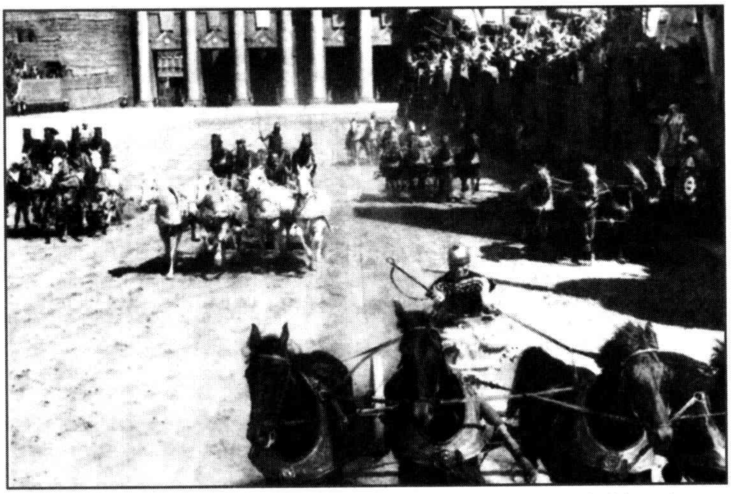
با وجود حمله لومباردها به ایتالیا، ویزیگوتها شهر کوردوبا در اسپانیا را دوباره تسخیر کردند و در افریقا شورش هایی برپا شد. ژوستین دوم از جنگ با ایران پرهیز کرد، وی با یورش به سوریه شهر مهم و استراتژیک دارا (Dara) را تسخیر کرد.

چین ۵۷۷

وو (Wu) امپراتور فعال و قدرتمند از سلسله امپراتوران شو (Zhou) شمال چین بر کی (Qi) امپراتور چین غلبه کرده و کشور متحد و یکپارچه به وجود آورد.

کنستانتینوپول ۵۷۸

تیبریوس دوم به جانشینی ژوستن دوم به عنوان فرمانفرمای امپراتوری بیزانتین منصوب شد. او هم مانند ژوستن که تا سال ۵۷۴ بر سریر قدرت قرار داشت، امپراتوری فعال و قدرتمند بود.



مسابقه‌ی ارابه‌رانی که شهروندان رمی را دچار هیجان می‌نمود. (از فیلم بن‌هور (Ben Hur))



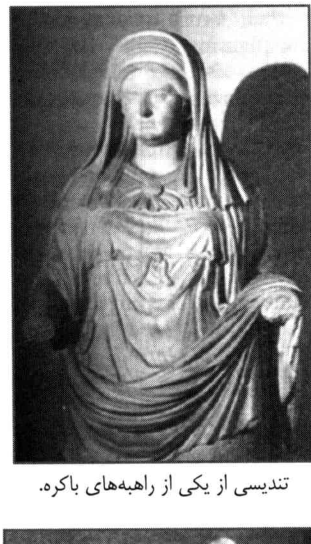
صحنه‌یی از برخورد یک گلادیاتور رمی
با حریف در آمفی تئاتر.



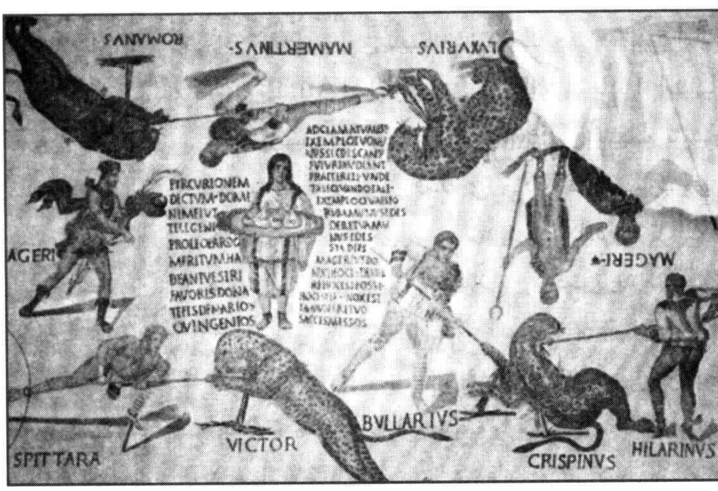
سنگ‌نگاره‌یی از ورزش‌های بسیار مهیب و موحش رومیان که مردم بسیار مایل به دیدن آن هستند، به‌ویژه آن‌که اغلب شخص امپراتور و درباریان هم تماشاگر آن هستند.



اخرین تصویر از دومی‌تیان (Domitian)
امپراتور رم.



تندیسی از یکی از راهبه‌های باکره.



دیواری از موزاییک که صحنه‌یی از عملیات گلادیاتوری (Gladiatorial) را هنگام کشتن یک پلنگ نشان می‌دهد.



یک بازیگر چینی در هنگام رقص
در زمان سلسله‌ی پادشاهی هان.

اسپانیا ۵۸۰
اسقف مارتین که مذهب مسیحیت و عقاید آریانی سوئه وس (Arian Sueves) خود را به کاتولیکی در سال ۵۶۰ تغییر داده بود، در ناحیه براگا (Braga)، واقع در شمال غربی اسپانیا در گذشت.

بالکان ۵۸۰
مردم اسلاو که مدت سی سال سرزمین کرانه دانوب را مورد تهدید قرار داده بودند، اینک در بالکان شروع به اقامت می کنند، آنان آوارها را به رهبری خود برگزیده اند.

ایتالیا ۵۸۰
کاسیودوروس (Cassiodorus) مؤسس صومعه و کتابخانه جدید در ایالت ویواریوم (Vivarium) درگذشت. وی یک سری قواعدی برای ادب و تاریخ نگاشت و برای بر پا داشتن کتابخانه خود از هر کتاب دونسخه تهیه کرد که مورد استفاده تارک دنیاهای آینده قرار گیرد.

چین ۵۸۱
امپراتور سابق بخش شمالی به نام شو در چین به وسیله یکی از فرماندهان ارتش خویش یانگ جیان (Yang Jian) برکنار شد.

بالکان ۵۸۲
تیبریوس دوم امپراتور، ناحیه سیرمیوم (Sirmium) را به آوارها تسلیم کرد و باج بسیار سنگینی را هم برای رهایی و امنیت بالکان به آنها پرداخت. وی درماه اوت در گذشت، و موریس (Maurice) فرمانده کل مرزهای شرقی روم، جانشین او شد.

اسپانیا ۵۸۵
لئو ویگیلد (Leovigild) پادشاه ویزیگوتها که عقاید آریانی داشت بر شاهزاده نشین سوئه وس در ناحیه شمال غربی اسپانیا حمله کرد.

اسپانیا ۵۸۶
لئو ویگیلد در گذشت و زجر و آزار پیروان کاتولیک به پایان رسید. پسر وی به نام ریکارد(Recared) که از طرفداران و پیروان کاتولیک بود، جانشین او بود.

آسیای مرکزی ۵۸۹
امپراتوری وسیع ترکان غربی که در زونگاریا (Zungaria) پایه گذاری شده بود، کنترل جاده ابریشم را در دست گرفت.

اسپانیا مه ۵۸۹
رکارد (Recared) پادشاه ویزیگوتها فرمان داد که پیروان و وفاداران به گروه کاتولیک طی جلسه یی در شهر تولو (Toledo) گرد هم آیند لیکن پیروان آریانیسم به کلی از جریانات سازش عقب افتاده بودند. اینک امپراتور توانسته بر عموم مردم و به ویژه بربرها به استثنای لومباردها فائق آمده و اغتشاشات را به طور قاطعانه خاموش نماید.

چین ۵۸۹
پس از پیروزی توأمان نیروهای زمینی . دریایی در حمله به شهر چن (Chen) پایتخت کشور در کرانه رود یانگ زی (Yangzi)، یانگ جیان (Yang Jian) جنوب کشور را تصرف کرده و چین متحدی زیر فرمان سلسله پادشاه سویی (Sui) تشکیل شد.

بزرگ خواند. به هر حال، گوت ها و رومی ها در ایتالیا، در کنار هم زندگی می کردند، گوت ها بیش تر در نیروی نظامی و ایتالیایی ها در کارهای اداری خدمت می کردند. جمعیت گوت ها در حدود یک سوم بود. ایتالی ها به گذشته و نژاد خود افتخار می کردند. گوت ها پیرو مسیحیت آریانیسم بودند، در حالی که رومیان، کاتولیک های متعصبی به شمار می آمدند و گوت ها را بدعت گزار و مرتد می دانستند.

فیلسوفی که در زندان و در زیر نور شمع، به نوشتن مبادرت می کند. (پاویا (Pavia)، ایتالیا، ۵۲۴):

آنیسیوس بوتیوس (Anicius Boethius) که زمانی ریاست کل ادارات سرزمین تحت فرمانروایی تئودوریک را داشت، مهم ترین کار خود را در زندان، درست پیش از کشته شدن، به اتمام رساند. بوتیوس که مسئولیت بزرگی در مدیریت کشور تحت فرمانروایی گوتیک ها و ارتباط نزدیکی هم با شاه داشت و در عین حال شخصیت و حالت روستایی خود را حفظ کرده بود، در سال گذشته، یکسره آزادی خود را از دست داد. وی به اتهام خیانت و ارتباط با امپراتوری رم شرقی، تمام اقتدارش را از کف داده و به زندان محکوم شد.

گفته شد که وی به اتهام پشتیبانی از آلبینوس (Albinus) که خود او هم به خیانت بزرگی متهم شده بود، گرفتار شد، که این اتهام دامن گیر تمام سناتورها شد و در حقیقت این یک نوع دلسوزی و حس ترحم فلسفی بود که بوتیوس در حق آلبینوس ابراز داشته بود. نوشته های بوتیوس یک نوع مباحث و گفتگوی با انسان های زمینی است که در مقابل گرفتاری ها و شداید پایداری و مقاومت کنند چون که بقای بشر در ایستادگی در برابر زور است، لیکن بوتیوس در عین حال به سرنوشت و تقدیر هم ایمان دارد. او پیش از این رساله های ارسطو، اقلیدوس و پتولمی را هم ترجمه کرده بود.

بربرها قوانین خود را به لاتین ثبت می کنند. (امپراتوری رم غربی، ۵۲۰):

بربرها شروع به ثبت قوانین خود به زبان لاتین کرده اند. در زمان های پیشین، مردم عامی و بی سواد، به کارشناسان

حقوقی اطمینان کامل داشتند و قوانین را از آن ها اخذ می کردند.

ویزیگوت ها (Visigoths) برای نخستین بار در ۴۰ سال پیش، در زمان پادشاهی اریک (Erics Code) مقدار زیادی رمز و قانون داشتند که ثبت نشده بود. در ۲۰ سال پیش هم بورگوندی ها و هم اکنون فرانک های سالیک (Salic) (بخش اعظم قدرت سیاسی در اختیار این دو دسته فرانکی است) هم قوانین بسیاری جهت اداره ی امور حکومتی خود دارند که تدوین نشده و نانوشته است. ویزیگوت ها در سال ۵۰۶ و به هنگام پادشاهی آلاریک (Alaric) این قوانین را به زبان رومی نوشتند. محاکمه ی بربرها با قید سوگند آغاز می شد و با آزمایشاتی دشوار و سخت توام بود، بدین معنی که آتش را در مقابل متهم قرار می دادند و اگر متهم با عبور از آتش، نمی سوخت، بی گناهی او ثابت می شد. هم چنین انتقام قتل های خانوادگی را با پرداخت فدیه به طرف مقابل تسویه می کردند.

جنجال بر سر تاریخ ایستر (پاک) فروکش کرد. (روم، ۵۲۵):

دیونیسیوس اگزیگوئوس (Dionysius Exiguus)، زاهد مسیحی، با تنظیم تاریخ ایستر (Easter) که مدت یک قرن گروه های مختلف را در مقابل هم قرار داده بود و هر گروه بر عقیده ی خود پای می فشرد و هر ساله مردم خشمگین را به جان هم می انداخت، فرونشاند. در سال ۳۲۵، بر حسب تقویم تنظیمی که به فرمان ژول سزار درست شده بود و مبنای آن بر طبق تصمیم اجلاسیه نیکائه (Nicaea) قرار شده بود که روز یکشنبه پس از چهاردهم ماه (قرص تمام ماه یا بدر) در فصل بهار در زمانی که اعتدال بهاری است که تقریباً در اواخر ماه فرودین یا اوایل اردیبهشت است روز ایستر یا پاک اعلام شود.

دیونیسیوس یک نوع تقویم را پس از ۴۸ سال پس از مرگ سزار تنظیم کرد که مبنای آن بر حسب روی کار آمدن پادشاهان و مدت سلطنت آن ها بود و بدین نحو اختلافات مرتفع گردید.

صومعه یی در محل آتش صحرای سینا ساخته شد. (سینا، ۵۳۰):

ژوستی نیان (Justinian)، امپراتور بیزانتین، صومعه یی در صحرای سینا و در محلی که گفته می شد، آتشی به نشانه ی نور خداوندی بر موسی، پیغمبر بنی اسرائیل نازل شد، بنا کرد. این صومعه که به نام سنت کاترین (St Catherine) نامیده می شود، در ارتفاع ۱۶۰۰ متری کوه سینا ساخته شد. در این جا دژها و باروهایی با به کار بردن موزائیک هایی که نقش عیسی مسیح را در حالت صعود به صورت نور به آسمان نشان می دهد. هم چنین تمثال و نقش عیسی را بر حسب مشاهدات سنت کاترین که خود نظاره گر این عروج بوده، در این مکان کشیده شده است. ژوستی نیان در هنگامی که به امپراتوری رسید، به قدرت و اقتدار رم شرقی افزود و تمام متصرفات رم را در شمال آفریقا دوباره به چنگ آورد.

ازدحام و فشار جمعیت در اعتراض به مالیات در میدان ورزشی، تعداد زیادی از مردم را به کشتن داد. (قسطنطنیه، ۵۳۲):

اغتشاش و فشار هیاهوی جمعیت و سرعت زیاد ارابه رانان جهت مسابقه، هزاران نفر از مردم شهر را در زیر دست و پا و نیز در زیر چرخ ارابه ها به قتل رسانید. شورش به حدی بود که نیروهای نظامی در تحت فرماندهی ژنرال بلیزاریوس (Belisarius) و ژنرال مونـدوس (Mundus) برای رفع غائله به میدان آمدند. مردم مدت سه روز شهر را به آتش کشیدند و اغتشاشات به اندازه یی بالا گرفت که امپراتور ژوستی نیان هم اقدام به اعزام نیرو کرد.

این آشوب به علت اختلاف بین دو گروه سبزها و آبی ها بود که در این مدت دست به تظاهراتی در میدان ورزشی شهر زده بودند. امپراتوران به طور معمول، در این گونه موارد واکنش تندی نشان می دادند و برای جبران مافات به مبلغ مالیات می افزودند که این وضع را جریان آبی می گفتند. از سویی ژان، اهل کاپادوکیه که رئیس ماموران جمع آوری مالیات بود، بسیار بی رحم و ستمگر بود، چون ژوستی نیان امپراتور، مالیات سنگینی بر دوش مردم فقیر برای نبرد با ایران تحمیل کرده بود. اهالی شهرها به جان آمده، قیام کردند که با واکنش ژنرال بلیزاریوس و ژوستی نیان امپراتور روبرو شدند و هزاران نفر قتل عام شدند.

در پنج سال قبل، پس از مرگ ژوستن (Justin) عموی ژوستی نیان، وی ردای امپراتوری را بر تن کرد. او در آرزوی

ایران ۵۸۹

خسرو دوم (پرویز) بر اثر طغیان ارتش از سلطنت بر کنار و برای حفظ جان خود به قسطنطنیه گریخت و حمایت امپراتور رم شرقی را نسبت به خود جلب کرد.

ایتالیا ۵۹۰

لومبوردها (Lombards) با تجدید حملات خود و با شرکت فرانکها به کنستانتینوپول یورش بردند، ولیکن چون با دیوارهای بلند شهر روبرو گشتند، عقب نشینی کردند. بیزانتین هم برای جلوگیری از حملات بعدی فرانکها و جلوگیری از سرنگونی مبلغی باج به فرانکها پرداخت کرد.

رم ۵۹۰

گریگوری (Gregory) تعداد ۶ صومعه یا کلیسا در جزیره سیسیل همانند آنچه که اندریو مقدس (St Andrew) در رم بنا کرده بود، تأسیس کرد. اینک قلمرو رهبانیت توسعه یافته و پاپ میل ندارد که برای او تکلیف معین کندکه در کجا مقر خود را برپا نماید.

بورگوندی ۵۹۰

کولومبان (Columban) سلسله پادشاهی خود رادر لوکسیل (Luxeuil) تشکیل داد.

ایران ۵۹۱

امپراتور رم شرقی موریس، با یاری به خسرو دوم وی را دوباره به سلطنت ایران باز گردانید. خسرو با رسیدن به پادشاهی، سرزمین وسیعی از غرب ایران را به موریس تسلیم کرد و بدین ترتیب صلحی پایدار بین دو امپراتوری برقرارشد.

بالکان ۵۹۲

موریس امپراتور روم جنگی را علیه آوارها و اسلاوها آغاز کرد، چون آنان به طور دوره یی بالکان را دستخوش نهب و غارت قرار می دادند و به سوی قسطنطنیه عقب نشینی می کردند و این جنگ باعث شد که این آخرین خرابکاری آنان باشد.

ژاپن ۵۹۲

امپراتور ژاپن توسط سوگااوماکو (Soga Umako) به مرگ محکوم شد، این آخرین اصطکاک بین خاندان سوگا در حمایت از مذهب بودایی و مونونوب (Mononobe) که خواهان قدرت و برتری دین رسمی و بومی خود بودند، می باشد.

بریتانی۵۹۷

پاپ آگوستین (Augustin) هیأتی را به ریاست گریگوری به کنت اعزام کرد تا دین کفر و شرک آمیز آنگلوساکسون (Angho Saxons) را به مسیحیت تغییر دهد.

ایتالیا ۵۹۸

در پی حملات پیوسته لومباردها تحت رهبری آژیلولف (Agilulf) که تا سال ۵۹۱ ادامه ادشت، حکومت بیزانس طی پیمانی شمال ایتالیا را به آنان تسلیم کرد.

به دست آوردن قدرت و عظمت دوباره ی رم بود که این کشور را مجدداً به اقتدار پیشین برگرداند. وی شخصیت درخشانی داشت و در راه آموختن دروس خداشناسی، خیلی فعالیت کرده بود و سعی داشت که امپراتوری را پایدار و مقاوم سازد.

ژوستی نیان بر این باور بود که چون رم مهد دین مسیح است و دارای تمدنی پیشرفته، بایستی شکوه و جلال گذشته را بار دیگر به دست آورد. هم چنان که بلیزاریوس، ارتش رم را برای نبرد با وندال ها در شمال افریقا آماده می ساخت، ژوستی نیان هم به مساعی خود در راه تسخیر دگر باره ی رم و حمله به ایتالیا بود، او حتی سپاهیانی را برای حراست از تنگه ی بوسفور اعزام کرده بود و ناوگانی هم در این منطقه لنگر انداخته و منتظر دستور بود، ژوستی نیان هم چنین در نظر داشت اصلاحاتی در قوانین رم به عمل آورده و کشور را به مرزهای قبلی رسانده و مسیحیت را زیر یک پرچم گرد آورده و اتحاد بین طرفداران مسیحیت را کامل کند.

مشوق وی هم در راه تحقق این اهداف، همسر وی تئودورا (Theodora) بود، ژوستی نیان آدمی مغرور و خودستا بود و به هیچ فردی به جز همسرش که در قصر وی رختخوابی گرم جهت عشق بازی فراهم کرده بود، اعتماد نداشت. تئودورا که زندگی خود را بیش تر در سوریه و مصر گذرانیده بود، شاید بیش تر در هوا و رویای قدرت سیر می کرد، امری که هرگز برایش میسر نشد.

ژوستی نیان با افزودن موادی به قوانین روم، برای آخرین بار تغییراتی در آن به وجود آورد. (قسطنطنیه، ۵۳۴):

ژوستی نیان با تغییرات عمیقی که در قوانین رم به وجود آورد و تجدید نظر در آن قوانین، به آشفتگی ها پایان داد.

زمانی ژوستی نیان به امپراتوری رسید که یک حالت در هم بر همی در قوانین رم وجود داشت و تناقض هایی در قوانین بهم آمیخته از زمان جمهوری پیشین و امپراتوری رم این مشکلات را دو چندان کرده بود که حالتی گیج کننده داشت.

در مدت دویست سالی که در رم امپراتوری برقرار بود، اغلب گرفتاری هایی با قوانین پیش از آن به وجود می آمد.

ژوستی نیان، کمیسیونی را از عالی ترین حقوق دانان و ناظران کل امور کشوری و افراد برجسته ی علمی مامور اصلاح این قوانین کرد، وی هم چنین اجلاس دیگری را برای تفسیر و ساده کردن قوانین که در خور فهم عامه باشد، تعیین کرد. در نتیجه ی این تلاش ها و مساعی گسترده، قوانین قدیمی را با زمان تطبیق داده و از پیچیدگی آن کاستند، به طوری که کشور از نظر اجرای قوانین و احکام به سامان رسید.

راهبان، حاکمان جدیدی که در تمام زندگی دخالت دارند. (ایتالیا، ۵۳۷):

دستگاه مذهبی و کلیسا و مجریان آن یعنی کشیشان و اسقف ها، نقش بزرگی را در زندگی تمام افراد و در همه ی دوران عمر آن ها بازی می کنند و در این سال های اخیر، قدمی در این راه برداشته و حکومت دینی را بر مردم تحمیل کرده اند. بندیکت، اسقفی که بر تمام کلیساهای ناحیه مونت کازینو (Monte Cassino)در مرکز ایتالیا ریاست داشت، در یک خانواده ی اشرافی در سال ۴۸۰ در منطقه ی نرسیا (Nursia) زاده شد و تحصیلات خود را در رم به پایان رسانید. وی در اجتماع هرزه درای روم، به زهد و ریاضت کشی متمایل شد و مدتی را در منطقه ی کوهستانی به حالت طبیعی و عزلت گزینی سپری کرد. او با گردآوری ۱۲ اسقف به دور خود، برای هر یک صومعه یی تاسیس کرد، لیکن با فشار حاسدان روبرو شده و از آن منطقه گریخت و با کمک یک عده از کشیشان در سال ۵۲۹ کلیسای بزرگی در منطقه ی مونت کازینو برای افراد عامی و غیر روحانی تاسیس کرد.

حاکمیت بندیکت بر کلیساها، مانند سایر جاها بود، لیکن با فشار و ریاضت کشی کمتر، وی اقتدار کاملی را بر کلیساها حاکم کرد و یک سری مقررات و قوانین داخلی برای کلیسا در نظر گرفت. بر طبق این مقررات، هر خانواده برای تمام عمر یک کشیشی را در نظر می گرفت که تمام امور مذهبی خانواده بایستی تحت امر او باشد. در بدو امر کشیش به طور آزمایشی امور مذهبی خانواده را به عهده می گرفت که بر حسب ثروت و دارایی آن خانوار مستمری به او داده می شد و کلیسا هم می توانست مستمری را به صورت نقد و یا جنس دریافت کند. کشیشان در مراکز مذهبی و تمام ساعات روز و شب برای پرسش امور عبادی خانواده ها آماده هستند تا آداب و رسوم پرستش و عبادات را به طور خصوصی به افراد آموزش بدهند و البته بقیه ی روز را به عبادت در کلیسا مشغول باشند.

بلیزاریوس، وندال ها را در شمال افریقا مغلوب کرد. (افریقای شمالی، مارس ۵۳۴):

نیروی نظامی بیزانتین به فرماندهی بلیزاریوس، سپاهیان وندال را که در راس آن ها جلیمر (Gelimer) پادشاه وندال ها قرار داشت، به کلی مغلوب و ناحیه ی شمال افریقا را آزاد کرد.

سپاهیان رومی مرکب از ارتش کوچکی با ۱۸ هزار سرباز و یک هزار نفر بربر به فرماندهی بلیزاریوس و ناوگانی با ۵۰۰ کشتی جنگی و گارد ویژه ی فرماندهی در ماه اوت گذشته در بیزانتین لنگر انداخت. در عرض مدت یک ماه، وی توانست نیروی نظامی عظیم وندال ها را در منطقه ی آد- دسینوم (Ad-Decinum) و در دروازه ی کارتاژ تار و مار کند و باب پیروزی را بر امپراتوری بگشاید.

بلیزاریوس، استراتژیست بزرگ نظامی، توانست این شکست را البته د رغیاب پادشاه آن ها که برای فرونشاندن شورشی به جزیره ی ساردنی رفته بود، بر آن ها وارد سازد. در موقع بازگشت، جولیمر با محاصره ی کارتاژ روبرو شد و ارتش وی تنها در یک ساعت در منطقه ی تری کاما روم (Tricamarum)، مقهور شد. جولیمر با مشاهده ی این وضع، فرار را بر قرار ترجیح داد و برای این که قدرت خود را در ایالات دیگر تحت تصرف خود حفظ کند، به ایالت افریقائی (تونس) رفت. با این پیروزی، ژوستی نیان به خود لقب واندالیکوس (Vandalicus) (فاتح وندال) مرحمت کرد، در حالی که بلیزاریوس فاتح این نبرد بود و در حقیقت این لقب برازنده وی می باشد.

امپراتور، کلیسای سنت سوفیا (St Sophia) را می گشاید. (قسطنطنیه، ۲۷ دسامبر ۵۳۷):

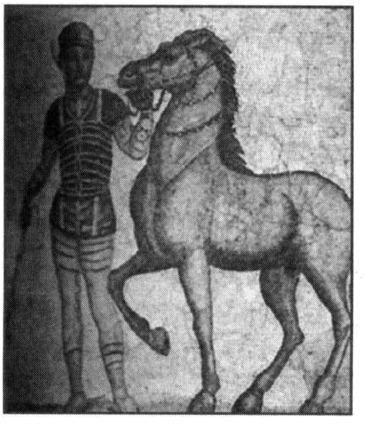
زیباترین کلیسای مسیحیان، به نام سوفیای مقدس، امروز با برپایی جشنی بزرگ، درست پنج سال پس از آغاز ساختمان آن به وسیله ی امپراتور، افتتاح شد. کلیسای قدیمی و اصلی هاگیا (Hagia) (سنت سوفیا) در سال ۳۳۰



امپراتور نروا(Nerva) در یک جاده سنگفرش شده



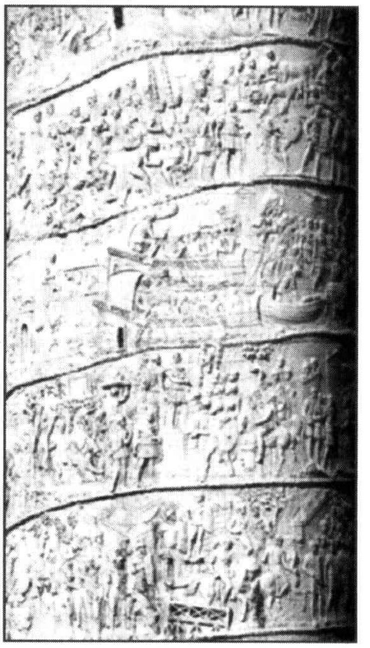
برطبق کشف یکی از حواریون به‌نام جان از انجیل لوتر (Luther)، شیطان به‌صورت مار چند سر مردم را به گناه و معصیت وادار می‌کند.



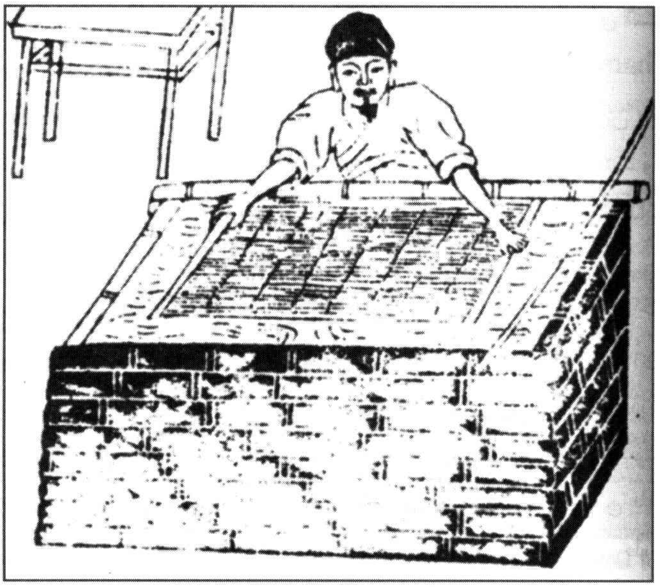
یک ارابه‌ران با لباس چرمی و کلاه‌خود برای حفظ جان وی در تصادفات.



سربازان رمی هنگام حمله به یک روستایی در مرز المان و رم.
این تصویر که در قرن نوزدهم کشیده شده است، بخشی از ستون یادبود فتوحات رم می‌باشد.



صحنه‌یی از نبرد داسی (Dacia). نقل از ستون پیروزی تراژان (Trajan)، امپراتور رم.



با اختراع کاغذ توسط یک مخترع چینی، وی توانست از مواد ارزان‌قیمت کاغذ تهیه کند.

به وسیله ی کنستانتین، بنیانگذار شهر، ساخته شده بود که در حریقی در سال ۵۳۲ به وسیله ی انقلابیون ایجاد شده بود، به کلی سوخت. در این جریان، نزدیک بود که امپراتوری هم ساقط شود. ژوستی نیان امپراتور، آنتمیوس (Anthemius) معمار، اهل ترال (Tralles) و ایزیدور (Isidore) اهل میلت (Miletus) را برای این کار استخدام کرد که کلیسای سنت سوفیا را تجدید بنا کنند، لیکن با وجود مشکلات زیاد، آن ها توانستند این کلیسا را با تزئینات بسیار زیبا و پرشکوه بار دیگر بسازند.

ژاپنی ها بودا را مظهر عقل می دانند. (ژاپن، ۵۳۸):

برای این که بودا را به طور رسمی به مردم بشناسانند، امپراتور کی می (Kimmei) دستور داد تندیسی از بودا از طلا و مس، مشابه پیکره ی او که به دستور سیونگ میونگ (Syong Myong)؛ پادشاه محلی ایالت پیکچ (Peakche) در کره ساخته شده بود، بسازند. این جریان تمرینی شد برای اهدای این پیکره. سیونگ میونگ، امپراتور کره، بایستی از ارتش در این امر یاری بجوید. چون که پیام بودا این چنین است: برای فراگیری عقل، بایستی در مغز جرقه یی ایجاد شود تا باعث دگرگونی بنیادی گردد.

فاحشه یی که با امپراتور ازدواج کرده بود، بدرود زندگی گفت: (قسطنطنیه، ۲۸ ژوئن ۵۴۸):

تئودورا، ملکه یی مقتدر و پارسا و باتقوی که سابقا فاحشه بوده و به قصر سلطنتی در کنستانتینوپول دسترسی پیدا کرده و حتی همسر امپراتور ژوستی نیان شده بود، در اوان چهل سالگی بر اثر ابتلای به سرطان درگذشت. او زنی بود با مشخصات برجسته و بسیار زیبا، لاغر و ظریف اندام و رنگ پریده، با نگاه تیز و نافذ.

این زن، نفوذ شدیدی بر شوهر خود داشت و با اطمینان می توان گفت که باعث نجات سلطنت ژوستی نیان در هنگام بحران و آشوبی بود که به شورش های نیکا (Nika) مشهور شد، زمانی که شهر در دست گروه های مذهبی و سایر فرق قرار داشت و شورشیان با افروختن مشعل ها، قصرها و سایر ساختمان های عمومی و دولتی را به آتش کشیده بودند. در این هنگام ندیمه های دربار فریاد می زدند، امپراتور اگر اقدام به فرار کند همه چیز را از دست خواهد داد و کشته خواهد شد، شما بایستی بمانید و مقاومت کنید و مرگ در خانه ی خود را به فرار ترجیح دهید. وی این سخنان را بارها تکرار کرد و در همان حال جان به جان آفرین تسلیم کرد.

تئودورا، دختر نگهبان خرس های سیرک بود و کودکی خود را با این وضع گذرانید. زمانی که ژوستی نیان تصمیم به ازدواج با وی گرفت، به موانع بزرگ قانونی برخورد کرد که امپراتور تنها می تواند با دختری از خاندان نجبا ازدواج کند و باید این زناشویی لغو گردد، چون ازدواج امپراتور با یک دختر بازیگر به صلاح کشور نیست.

گرچه تئودورا بیست سال از ژوستی نیان کوچکتر بود، معهذا وی نه تنها یک همسر محسوب می شد، بلکه در تمام امور حکومت، مشاور امپراتور بود. او به عقیده ی خود که پیروی از مونوفیزیت ها بود، پایدار ماند و کلیساهای زیادی را در شهر قسطنطنیه به مسیحیان اهدا کرد.

حمله کنندگان، اقوام سلت را بیرون راندند. (بریتانی، ۵۵۰):

اقوام ژرمن شمال کشور را به تکه های مجزا تقسیم کرده بودند، در حالی که مرکز کشور در اختیار طوایف انگلس (Angles)، ساکسون (Saxons)، و ژوت (Jutes) بود، آن ها در جستجوی زمین های جدید با کشتی های خود، دریای شمال را پیموده و در مسیر رودهای بزرگ تیمز (Thames) و هامبر (Humber) حرکت می کردند.

این مهاجمان، بیش تر در روستاها و مزارع زندگی میکردند و چون خاک دره های بین رودخانه ها استعداد کشت نداشت، محصول آن ها بسیار کم و قابل چشم پوشی بود.

این خاندان های رومی بریتانیایی در کلبه های روستایی و شهرهای ویران به سر می بردند. طوایف رومی بریتانیایی ذکر شده در این شهرهای مخروبه زندگی می کردند، لیکن حاضر نبودند در جوار مهاجرنشین های ژرمن در غرب بریتانی یا آرموریکا (Armorica) اقامت کنند.

به طوری که آن ها حاضر بودند با اهالی بریتانیایی و یا سایر بیگانگان بمانند، ولی در همسایگی ژرمن ها نباشند و ملیت بریتانیایی ولش (Welsh) را ترجیح می دادند.

بریتانیا ۶۰۰
آگوستین، اتیلبرت (Aethelbert) پادشاه کنت را تشویق به پذیرفتن مذهب کاتولیک کرد.

آمریکای شمالی ۶۰۰
فرهنگ و تمدن هوهوکام (Hohokam) در مکزیک و ناحیه کویر جنوب غربی آریزونا (Arizona) پیشرفت کرده و خود را نمایان ساخت. این تمدن سازمانهای اجتماعی را سر لوحه اقدامات خود قرار داد. دراسنیک تاون(Snaketown) (شهر ماران) و پوئبلو (Pueblo)، قصرهای کروی شکل ساخته شده، در حالیکه در شهر مساگرید (Mesa Grade) ساختمانهایی به شکل هرم های کوچک در حال ساخت است.

آمریکای شمالی ۶۰۰
هوپ ول (Hopewell) از غلبه بر فرهنگ و تفوق آن بربخش غرب میانه دست برداشت، زیرا این سبک و شیوه در آنجا سودی ندارد و مردم پیرو فرهنگ بومی خود هستند.

آمریکای جنوبی ۶۰۰
در جزیره ماراژو (Marajo) که در دهانه رود آمازون (Amazon) قرار دارد، سازمانهای اجتماعی و شهری به پیشرفت خود در قلمرو محدودی ادامه می دهند. در اینجا سفالهای بسیار زیبا با سبکی عالی ساخته می شود.

پرو ۶۰۰
امپراتوری موچه (Moche) در نتیجه توسعه طلبی هوآری (Huari) سقوط کرد. یکی دیگر از عوامل سقوط آن به نظر می رسد، حفر کانالی برای آبرسانی به شهر و قطع آب رودخانه و جایگزین شدن گل ولای و بند آمدن آب شهر باشد که مردم را بر اثر بی آبی وادار به طغیان کرد.

آسیای صغیر ۲۷ نوامبر ۶۰۲
در اوان جنگ طولانی و دراز مدت بیزانس علیه آوارها که بخش بالایی پایتخت را اشغال کرده بودند، در یک توطئه که یک دسته صد نفری از نیروهای بیزانس زیر فرمان فوکاس (Phocas) به آن دست زدند، به سوی قسطنطنیه حرکت کرده در حالیکه عده یی از مردم آنها را یاری می کردند، به شهر وارد شدند. موریس که از دسیسه آنها خبر داشت، از شهر گریخت، لیکن دستگیر و اعدام شد و فوکاس به امپراتوری روم رسید.

بریتانیا ۶۰۳
آیدان (Aidan) پادشاه اسکات (اسکاتلند) در تلاش بود که مانع توسعه قلمرو نورتومبرین ها (Northumbrians) تحت رهبری اتیلفریت شود (Aethelfrith)، لیکن در منطقه دگساستان (Degsastan) دچار هزیمت شده و مجبور به فرار شد.

ایران ۶۰۵
خسرو دوم ساسانی شاه ایران دوباره جنگ با بیزانس را آغاز کرد.

بومی ها و مهاجران تا سه سال پیش و هنگام مرگ میلگوین (Mealgwyn) پادشاه گوی ند (Gwynedd) با هم به شکل مسالمت آمیز زندگی می کردند. ژرمن ها مرتباً در حال پیشروی به سوی غرب بودند و در این راه اقوام ولش را در منطقه ی کاتریک (Catterick) مقهور کردند و اکنون تهدیدی جدی برای اقوام سلت (Celts) ساکن شمال دیوار هادریان محسوب می شدند و با فشار نیروهای نظامی انان را به سوی غرب راندند.

ژرمن ها با افتخار می گفتند که در پنجاه سال پیش ارتش آن ها پادشاه رومی سلت ها را که آرتوریوس (Artorius) یا آرتور (Arthur) نام داشته، در نبردی در همین محل دچار شکست ساختند.

طاعون مصری همه جا را فرا گرفت. (کنستانتینوپول، ۵۴۲):

در این اواخر نیمی از جمعیت شهر قسطنطنیه به بیماری طاعون دچار شدند که اجساد متعفن و پوسیده ی آن ها در خیابان های شهر هر روزه مشاهده می گردد و زندگی معمولی را دچار اختلال کرده است. این آخرین و مهم ترین ضایعه یی است که برای چندمین بار در سی سال اخیر در امپراتوری روی داده و عده ی بی شماری را به هلاکت افکنده، بیماری طاعون این بار هم از مصر به پایتخت آورده شده است.

این بیماری با هذیان شروع می شود و به تدریج پیشرفت می کند. در نخستین روز، تب و بی حالی عارض بیمار می شود، سپس در روز دوم، دردهای شدیدی که در کشاله ی ران و زیر بغل احساس می شود که با خیارک (تورم غدد لنفاوی محلی که شدت تورم به اندازه یی است که آن را به خیار تشبیه کرده اند) همراه است. این خیارک ها در هنگام مرگ، بوی تعفن شدیدی می دهد. این تب به تدریج شدت پیدا کرده و بیمار را به تشنج و ضعف دچار ساخته و گاهی به کما می برد و گاهی هم با هذیان های بصری و سمعی همراه است. در روی پوست هم، تاول های سیاه رنگ و چرکی ایجاد می شود که بسیار دردناک است. بیمار اغلب دچار مرگ ناگهانی می شود، لیکن گاهی هم بهبود می یابد.

در این چهار ماه اخیر، تلفات به حدی بود که نمی شد مردگان را دفن کرد و به طور متوسط روزانه ۱۶ هزار نفر مرگ و میر در شهر اتفاق می افتاد. در حدود یک چهارم از جمعیت فقرا و سربازان به هلاکت رسیدند. تعدادی از افراد نگهبان راهها و ماموران دریافت باج راه هم در اثر طاعون کشته شدند و حدس زده می شود که از ساکنان شهر چهارصد هزار نفری، در حدود ۲۳۰ هزار نفر از بین رفته باشند.

کشاورزان افریقایی در ساختن سفال به موفقیت هایی دست یافته اند. (افریقا، ۵۴۰):

کشاورزان افریقایی ساکن کوهپایه های دراکنزبرگ (Drakensberg) واقع در شمال افریقا، به پیشرفت هایی در همه ی زمینه ها دست یافته اند. این زارعان به همراه گوسفندان، گاوها، بزها و سگ های خود، اخیراً از شمال مهاجرت کرده اند و از آهن و مس در ساخت لوازم زندگی بهره برداری می کنند. آن ها در ساخت ابزار و لوازم زندگی، هم چون ظروف خانگی و سرامیک، تبحر و مهارت ویژه یی پیدا کرده و کارهای پیچیده و دشواری انجام می دهند.

زن ها موهای خود را به سبک زیبایی می آرایند و از انواع رنگ ها برای زیباتر جلوه دادن صورت و بدن خود استفاده می کنند و مهره هایی شبیه دانه ی تسبیح به عنوان گردن بند و دست بند به کار می برند و همین طور دست بندهای ظریفی از مس می سازند و هم چنین در صورت خود خراش ها و شکاف هایی به وجودمی آورند که به نظرشان قشنگ جلوه می کند.

آن ها کمیته هایی جهت آشنا سازی مردم با آداب و رسوم مذهبی دارند و هر ساله تعدادی از جوانان را که به سن بلوغ می رسند، برای انجام امور مذهبی به آن کمیته ها می برند که با آداب عبادت آشنایی پیدا کنند. استادان سفال کار هم، به عنوان افرادی که مورد تقدیس و پرستش هستند، در محل سکونت خود به ساختن زیباترین سفال ها می پردازند که سبب اعجاب مردم است.

این اشیای زیبا که از گل پخته ساخته می شود، به اندازه یی ظریف است که زنان با آن ها موهای خود را زینت می دهند و هم چنین برای زیبایی چهره و صورت خود از همان لوازم بسیار ظریف به عنوان چهره نگار استفاده می کنند.

در شهر راونا (Ravenna) موزائیک ها را با اصولی ثابت تزئین می کنند. (ایتالیا، ۵۴۸):

در پی اشغال دوباره و پیروزی ژوستی نیان بر بخش اعظم ایتالیا، وی اقدام به ساختن بناهای یادبودی در شهر راونا به عنوان محل استقرار نایب السلطنه ی شرق کرد. یکی از مهم ترین بناهای وی، اتمام ساختمان کلیسای سنت ویتالیس (St Vitalis) است که از زمان اوستروگوت ها به وسیله ی یک بانک دار ثروتمند آغاز شده بود. در داخل این بنا، موزائیک هایی به کار رفته که از هزاران رنگ ترکیب شده و در زیر نور تلالویی هم چون آینه دارد و بیش ترین زمینه ی آن ها رنگ های سبز و طلایی است. این موزائیک ها به خصوص در محل غسل و تعمید کلیسا به کار رفته است. امپراتور ژوستی نیان و ملکه تئودورا، اغلب در محراب کلیسا می نشستند. این موزائیک های جدید، هم چنین در داخل ساختمان سنت آپولیناریس (St Apollinaris) هم به کار رفته است.

امپراتور، گنبد جدیدی بر ساختمان کلیسای سنت سوفیا بنا کرد. (قسطنطنیه ۲۴ دسامبر ۵۶۲):

امپراتور کهن سال، امروز گنبد جدیدی را که بر روی کلیسای سنت سوفیا ساخته شده بود، افتتاح کرد. در چهار سال و نیم پیش، گنبد پیشین در اثر زلزله ی شدید ویران شد. در حقیقت کلیسا اکنون تجدید بنا شده است. در بین سال های ۵۳۲ و ۵۳۷ ساختمان اصلی و اسبق را که در شورش عمومی شهر تخریب شده بود، دوباره ساختند. معماران ساختمان، آنتمیوس، اهل ترال و ایزیدور، اهل میلت، بودند.

زلزله ی شدیدی که در سال ۵۵۷ روی داد، تمام سقف و گنبد و قسمت مهمی از ساختمان کلیسا را فرو ریخت و این بنای عظیم و با شکوه که پایه های ضعیفی داشت، ویران شد. پسر ایزیدور با مشورت با ژوستی نیان، آمادگی خود را جهت ترمیم خرابی ها اعلام کرد. با تدارک و تهیه ی مصالح لازم، ایزیدور جوان به تعبیه ی چهار ستون عظیم و حمال سقف پرداخت، که این ستون ها را هم با کمال مهارت پنهان داشت. وی گنبد را نازک تر و بسیار محکم تر از گنبد قبلی بنا کرد که با این وجود، نمای گنبد و سقف کلیسا هم مجلل تر و زیباتر به نظر می رسید، در حالی که

نورگرایی و تشعشع نور در داخل کلیسا، ناگفتنی و توصیف ناپذیر بود، به طوری که انعکاس آن تمام صحن و شبستان را منور می ساخت و خاطره ی زمان پروکوپیوس (Procopius) را تجدید می کرد.

آن طور که می گفتند، نور به اندازه یی زیاد بود که به نظر می رسید منبع آن تمام صحن و بخش های اطراف کلیسا، محل غسل تعمید و سایر مکان ها را غرق در نور کرده است.

خسرو انوشیروان، پادشاه ساسانی ایران، جهان را بدرود گفت. (ایران، ۵۷۹):

خسرو (Khosrow) پادشاه ساسانی، در حین جنگ با روم، در گذشت. این پادشاه در مدت ۴۸ سال سلطنت خود، خوش ترین و بهترین روزها را برای مردم ایران فراهم ساخت و حوزه ی فرمانروایی او از رود سیحون تا کناره ی دریای سرخ ادامه داشت. در سال ۵۳۱ که خسرو به سلطنت رسید، ظاهراً به نظر می رسید که جنگ های ایران و رم به پایان رسیده است، چون خسرو اول ساسانی در این هنگام با هفتالیان (Hephtalite) در نزاع بودو هنوز بایستی هر ساله خراجی به آن ها بپردازد و از سویی خرابی ها و ناراحتی هایی که شورش مزدکیان در کشور به وجود آورده بود، وی را مشغول داشت. خسرو در گام اول، پیمان صلحی دائمی با ژوستی نیان امپراتور امضاء کرد.

چون هواداران مزدک (mazakites) از ورود مواد مصرفی و غذایی به شهرها جلوگیری می کردند، برای فراوانی ارزاق اقدامات مفیدی انجام داد و زنانی را که مزدکیان دزدیده بودند، به خانه های شوهرانشان بازگرداند، زیرا مزدکیان عقاید اشتراکی داشتند و بر این باور بودند که مردم همه با هم برابرند و سهم مساوی در تقسیم همه ی امکانات دارند و حتی زنان هم اشتراکی هستند و چون زنان و دختران را ربوده بودند، به آن ها اجازه ی بازگشت نمی دادند.

خسرو در درجه ی نخست، مالیات ها را به خصوص درباره ی افراد سالمند کاهش داد. وی سیستم اشرافی را با گماردن چهارفرماندار کل در سراسر کشور حفظ کرد، به طوری که این فرمانداران تنها در مقابل شاه پاسخ گو بودند. انوشیروان به مسیحیان آزادی مذهبی اعطا کرد و با اسقف

چین ۶۰۵

دومین امپراتور از سلسله سوئی (Sui)، به نام یانگدی (Yangdi)، اقدام به ساماندهی و گسترش اجتماعی دین کنفوسیوس و آزمایش آن کرد و برای ارتقای درجه و حیثیت جینگ شی (JingShi) اقدام به معرفی کنفوسیونیسم کرد.

چین ۶۰۷

یک مأمور رسمی به نام اونو (Ono) غیر از طایفه ایموکو (Imoko) که نام سلسله پادشاهی ژاپن است، به وسیله ولیعهد ژاپن شوتوکوتایشی (shotoku Taishi) تحت نظر سوئی کو (Suiko) به کشور چین اعزام شد تا وضعیت سیاسی و اجتماعی تحت فرمانروایی امپراتریس ژاپن را به چین به نمایاند و نیز در راه ایجاد روابط خوب بین دو کشور تشریک مساعی انجام دهد.

ژاپن ۶۰۷

صومعه یی به نام هوریو جی (Horyugi) در حومه شهر و به دستور شوتوکوتایشی، ولیعهد ژاپن تأسیس شد که برای گسترش و توسعه دین بودا مساعی بسیاری انجام داده و سبک چینی و آداب و رسوم و سیاست مذهبی بودایی را سرمشق و مورد قبول قرار داده است.

آسیای صغیر ۶۰۸

با اشغال ارمنستان و سوریه نیروی نظامی ایران از کوههای توروس (Taurus) عبور کرده و به آسیای کوچک وارد شدند. در ضمن امپراتوری روم شرقی با سلطنت خشونت بار و بیرحمی های فوکاس (Phocas) در آستانه از هم پاشیدگی است.

عربستان ۶۱۰

حضرت محمد (ص) مبلغ مذهبی (پیامبر) از قبیله بدوی عرب قریش، شروع به تبلیغ در مکه که یک شهر واحه یی خوشبخت و محل زیارت بت پرستان بود، کرد. حضرت محمد(ص) به مردم ابلاغ کرد که زمان پرستش بت ها و دیو و پری گذشته وهمه باید از خدای یگانه و واحد (الله) فرمانبرداری کنند.

چین ۶۱۰

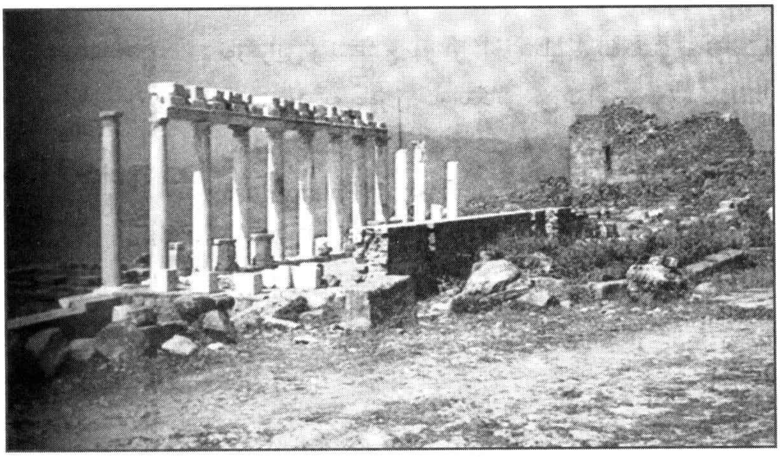
امپراتور یانگدی (Yangdi) اخیراً کانال عظیم آب برگردان چین را تکمیل کرد.

کنستانتینوپول ۵ اکتبر ۶۱۰

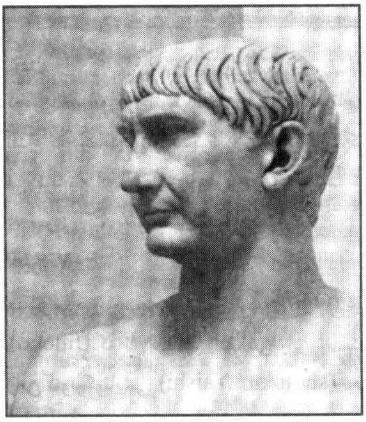
هراکلیوس (Heraclius) فرزند فرمانروای افریقا با نیروهای خود به قسطنطنیه یورش برد، مردم از وی استقبال کردند و فوکاس را دستگیر و اعدام کردند. گرفتاری تهاجم بیگانگان و ضعف عوامل مذهبی و سیاسی و تفرقه در امور حکومت، امپراتوری را در لبه پرتگاه قرار داده است.

اسپانیا ۶۱۲

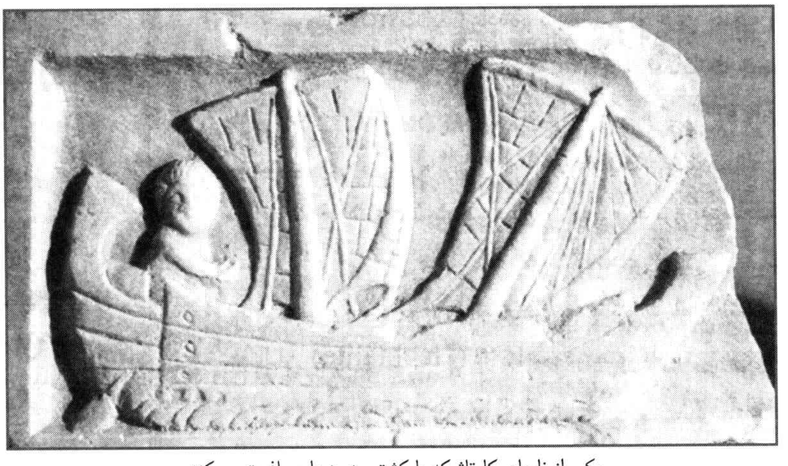
سیسه بوت (Sisebut) شاعر نمونه و سرمشق بزرگ آموزش به پادشاهی ویزیگوتها منصوب شد. وی نبرد علیه قسطنطنیه و باسک (Basque) را آغاز کرد.



ویرانه‌های معبد شهر پرگاموم که توسط تراژان بنا شده بود.



تراژان، امپراتور روشن‌فکر.



یکی از ناویان کارتاژ که با کشتی در دریا مسافرت می‌کند.



پیکره‌ی گاندارا (Gandhara Buddha) بودا
(سده‌ی دوم میلادی)



ویرانی بزرگ‌ترین میدان شهر رم از منظر جنوب شرقی.



ویرانی‌های بازار شهر رم که توسط تراژان بنا
شده بود.

پاریس ۱۵ اکتبر ۶۱۴

لوتار دوم که اینک تنها پادشاه فرانکهاست پس از آزار و اذیت ملکه برون هیلد (Brunhild) با انتشار اعلامیه یی در پاریس نشان داد که دیگر اغتشاش و بی نظمی در قلمرو وی از میان رفته است. لوتار شهردار را به عنوان نخست وزیر معرفی کرد و حوزه تحت امر آنها را به ۳ ناحیه گسترش داد، این منطقه ها عبارت بودنداز:نوستریا (Neustria) استرازیا (Austrasia) و بورگوندی.

فلسطین ۵ مه ۶۱۴

ایرانیها با اشغال اورشلیم، متصرفات خود را در سوریه کامل کردند. آنها با تصرف اورشلیم صلیب حقیقی مقدس، یادگار بزرگ مسیحیت را با خود بردند.

اتیوپی ۶۱۵

مسلمانان فراری از دست کفار عرب به ایالت اکسوم (Axum) که منطقه یی بی طرف بود، پناهنده شدند.

چین ۶۱۶

شورشی که در سراسر چین علیه یانگدی امپراتور چین بروز کرده بود سرکوب شد، وی با ایجاد کانالی عظیم، رود آبی را به رود زرد متصل کرده بود.

کنستانتینوپول ژوئن ۶۱۷

آوارها (Avars) و اسلاوها (Slavs) با ایجاد نقب و تونل در زیر دیوار بزرگ پایتخت پادشاهی بیزانتین، اطراف شهر را غارت کردند. تمام شهرهای منطقه بالکان مورد تاخت و تاز آنان قرار گرفته و تنها چند شهر در بیزانتین از دست آنها خارج است.

چین ۶۱۸

لی یوان (Li Yuan) سلسله تانگ (Tang) را در چین تأسیس کرد.

قسطنطنیه ۶۱۹

هراکلیوس امپراتور روم بخشی از سرزمین خود را از خاقان آوارها خرید و با این کار نیروی دفاعی خویش را در مقابل ایران متراکم و تقویت کرد.

کنستانتینوپول آوریل ۶۲۲

برحسب دستور امپراتور تمام گنجینه کلیساها را ذوب و برای هزینه جنگ به سکه تبدیل کردند. هراکلیوس هم نیروهای نظامی کشور را برای حمله متقابل به ایران مجهز ساخت.

مصر ۶۱۹

سپاهیان ایران سراسر خاک مصر را تسخیر کردند.

عربستان ۱۶ ژوئیه ۶۲۲

حضرت محمد (ص) شهر مکه را در اثر اذیت وآزار کفار به قصد یثرب (مدینه بعدی) ترک و به آن شهر پناهنده شد، این گریز، بعدها هجرت نامیده شد.

آسیای صغیر ۶۲۵

امپراتوری بیزانس برای کاستن از وابستگی مزدوران به بیگانگان اقدامات چندی انجام داد. در آسیای صغیر سپاهیان خود را به چند قسمت تقسیم کرد که هر کدام پاسدار و حافظ منطقه ویژه یی باشند بدین ترتیب سپاهیان بیگانه از مواضع خود عقب نشینی کردند.

اعظم نستوری که دکتری سالخورده بود روابطی دوستانه داشت.

به دستور وی، تعداد زیادی ساختمان بزرگ، از جمله تخت خسرو در شهر تیسفون بنا شد. در اتحاد باترک ها مقرر شد که پرداخت خراج قطع شود، در ضمن طی دوجنگی که خسرو با آن هاکرد، قشون هفتالیان در سال های ۵۶۵ و ۵۶۸ تار و ار شدند و باکتریا (بلخ) هم ضمیمه ی کشور شد. در زمان پادشاهی خسرو اول ساسانی، شکوه و عظمت دیرینه به کشور بازگشت و تمام امور کشور تجدید سازمان شد، لیکن دوباره جنگ بین او و ژستی نیان امپراتور رم که خصم دیرین ایران بود، آغاز شد. وی در سال ۵۴۰ به سرزمین سوریه حمله کرده و شهر انطاکیه را تصرف کرد و اهالی شهر را به تیسفون فرستاد. خسرو اول ساسانی در سال ۵۶۲ با رم صلح کرد.

ژوستی نیان به خواب های خوش تسخیر دوباره ی ایتالیا، جنبه ی حقیقت بخشید . (ایتالیا، ۵۵۴):

امپراتور روم، ژوستی نیان، با حمله به ایتالیا، سرزمینی که تا به حال آن را ندیده بود، به رؤیای تسخیر دوباره ی رم تحقق بخشید و به غارت اموال و دارایی کشور و ۲۰ سال جنگ و خونریزی پایان داد. پس از پیروزی های بلیزاریوس در شمال افریقا، ژوستی نیان به بهانه ی کشته شدن آمالازونتا (Amalasuntha) ملکه ی اوستروگوت ها که هوادار رم بود، به دست شوهرش تئوداهاد (Theodahad)، به ایتالیا لشگر کشید.

بلیزاریوس فرمانده ی سپاه روم، به ناوگان جنگی خود پیش از رسیدن به رم و حمله ی خصمانه به آن سرزمین، مأموریت داد که شهر ناپل و جزیره ی سیسیل را تصرف کنند و آن ها توانستند مأموریت خود را به خوبی به انجام رسانند. جنگ ایتالیا با نوساناتی مدت ها به درازا کشیده شد و نیروهای نظامی رم در هنگام تهاجم به ایتالیا، با نیروهای گوت ها به فرماندهی ویتی گیز (Witigis) مواجه شدند و لیکن درتسخیر شهر ناموفق ماندند.

ژوستی نیان به خود لقب افتخار آمیز گوتیکوس (Gothicus) (فاتح گوت) داد، درحالی که نتوانسته بود

آن ها را مقهور کند. گوت ها با تجدید سازمان نیروهای خود در شمال به فرماندهی توتیلا (Totila) پادشاه ناحیه با یک ضربه جنگی دوباره شهر ناپل را در سال ۵۴۳ و رم را در سال ۵۴۶ تسخیر کرده و آن جا را به بیابانی تبدیل کردند.

بلیزاریوس نتوانست سرزمین های زیرسلطه ی توتیلا را تصرف کند و تنها شهر راونا را در سال ۵۵۱ اشغال کرد. سرانجام ژوستی نیان با تهیه ی پول، ارتشی مرکب از بیست هزار سربازبه فرماندهی ژنرال نارسس (Narses) که یک خواجه ی ارمنی بود، برای سرزمین های غیر مکشوف ایتالیا اعزام کرد که بتواند جای پائی جهت استقرار نیرو بیابد. توتیلا هم درعرض دو روز نبرد را باخت و به دست وزویوس (Vesuvius) کشته شد. دراین حال ژوستی نیان پیروز شد، در حالی که خواب شاهانه اش تعبیر شد و سرزمینی را تسخیر کرد، که به ویرانی کشانده شده بود.

عقاید بیگانگان سبب ایجاد شکاف و چندگانگی درقصر امپراتوری ژاپن شد. (ژاپن، ۵۵۲):

اختلاف عقیده و اختلاط افکار در قصر امپراتور کیمی (Kimmei) بر سر مسائل فرعی و کوچک، راه را برای دخالت افکار بیگانه گشود. مباحثاتی برسر ساختن پیکر بودا که می بایستی از برنز با روکش طلا باشد، هم چون تندیسی که از بودا در شهر پیکچه (Paekche) کره ی جنوبی به امر سیونگ میونگ پادشاه سرزمین کره بالا گرفت و باعث اتحاد کی می امپراتور ژاپن با کره برعلیه حریفان گردید.

امپراتور با این فکر که ممکن است اختلاف بر سر این موضوع سبب تحریک بودای مقدس شود، توانست تهدید خود را برعلیه مخالفان عملی سازد. در حقیقت اعمال امپراتور کی می و اقدامات سیونگ میونگ پادشاه کره، سبب اختلاف عقیده دربار ژاپن گردید و ژاپنی ها مذهب شینتو (Shinto) را جایگزین عقاید درست بودایی کردند و این مذهب از این پس مذهب ژاپن شد.

مسیحیان، دین مردم سرزمین نوبه (Nubian) (سودان) را به مسیحیت برگردانیدند. (نوبه، ۵۶۹):

در سه سال آخر پادشاهی موکورا (Mukurra) پادشاه نوبه (سودان) با ورود هیأت مذهبی مسیحی مصری و تبلیغ این دین با پشتیبانی از فرقه مونوفیزیت ها که عیسی را یک فرد انسانی قابل تقدیس می دانستند، این سرزمین به عیسویت گرائید و نزاعی که بین طرفداران مسیحی ارتودوکس با مل کیت های (Melkite) مسیحی هواخواه مونوفیزیت هاوجود داشت، مردم سرزمین نوبه به مونوفیزیت ها پیوستند، زیرا تئودورا همسر ژوستی نیان هم طرفدار مونوفیزیت بود وامپراتور هم مخالفتی با عقاید وی نداشت، در نتیجه مونوفیزیت ها درسال ۵۴۳ در نوبه اکثریت یافتند و پیش از آن که سایر فرق مذهبی مسیحیت بتوانند در آن جا نفوذ کنند مونوفیزیت ها در این امر توفیق حاصل کردند. حاکم نشین آلودیا (Alodia) هم در تعقیب این جریان در سال ۵۵۰ خواستار پیروی از این دین شدند.

دریک کتاب جدید از جنگ های ژوستی نیان تجلیل می شود. (کنستانتینوپول، ۵۵۳):

درکتاب تاریخی که به وسیله ی پروکوپیوس (Procopius) تاریخ نگار به تازگی منتشر شده، مطالب زیادی درباره ی نبردهای ژوستی نیان درج شده و از آن بسیار تقدیر شده، پروکوپیوس، در شهر قیصریه (Gaesarea) فلسطین زاده شده، این کتاب ها در هشت جلد و در سه بخش و به زبان یونانی است.

این قسمت ها عبارتند از : جنگ های ایران و رم درشرق، نبردهای ژوستی نیان با وندال ها در شمال افریقاو پیکارهای او با گوت ها در ایتالیا.

پروکوپیوس که خود در نبردهای شمال افریقا به فرماندهی ژنرال بلیزاریوس، سرفرمانده ی نیروهای نظامی ژوستی نیان، مدت مدیدی را گذرانیده، خود با دید روشنی شاهد و گواه این جنگ ها بوده است. سبک نوشتاری پروکوپیوس هم تقلیدی از هرودت (Herodotus)، توسیدید (Thucydides)و پولی بیوس (Polybius)می باشد.

امپراتور چین از سلسله ی پادشاهی سویی (Sui)، این سرزمین را متحد کرد. (چین، ۵۸۹):

یانگ جیان (Yang Jian)، یک جنگجوی بیرحم و ستمگر، که نژادی مرکب از چینی و خون تاتاری داشته، پس از چهارصد سال توانست کشور چین را که همواره در جنگ

داخلی و تفرقه بود، متحد و یکپارچه سازد. این امپراتور، وندی (Wendi) نام داشت و سلسله ی پادشاهی سویی را بنیان نهاد.

درهشت سال پیش، وی خود را امپراتور چین خواند و حاکم منطقه ی شمالی چو (Chou) را به نام یوون (Yu – Wen)، با خانواده اش از دم تیغ گذرانید. به هر حال، وی بقیه ی مناطق کشور را تحت اطاعت خود درآورده، هر چند که در منطقه ی جنوبی، مقاومت هایی از سوی سلسله ی پادشاهی بی اعتبار چه اِن (Ch- en) بروز می کند.

وندی اینک در پی آن است که مبارزه با دستگاه اداری را آغاز کند و در ضمن سرو سامانی به وضع اقتصادی چین بدهد، که بیشتر اقدامات او ناموفق بوده، چون او فردی خسیس است، با ظلم و جور مالیات هارا به وسلیه ی مأموران ستمگر خود جمع می کند و در سال های پیش هم، این رویه را دنبال کرده است. اکنون انبارهای دولتی پر از برنج و ابریشم می باشد و مردم چین تا به حال این قدر خوشحال نبوده اند و در تمام مدتی که چین دچار تجزیه و تفرقه بود، مردم همواره درعسرت و تنگدستی به سر می بردند و این دوره را سرآغاز نیک بختی تلقی کرده اند. این اقتدار و قدرتی که به تازگی درکشور آغاز شده، از تهدیدات همسایگان کاسته است و دیگر مردم چین در هراس نیستند، چون همیشه حملات همسایگان در دوران ضعف و فتور کشور صورت گرفته و یک بار هم چین با خطر اضمحلال روبرو شد، البته این خطرات همیشه امپراتوران چین را به هراس می افکنده، به ویژه زمانی که پسر امپراتور برای جانشینی پدر بی تاب و توان بوده است.

امپراتور ژاپن، به وسیله ی برادرزاده ی خود به قتل رسید. (ژاپن، ۵۹۲):

سوگانواوماکو (Soga no Umaco)، یکی از چهره های قدرتمند در کاخ یاماتو (Yamato) که برادرزاده ی امپراتور سوشون (Sushun) بود، وی را به قتل رسانید، اوماکو، یک بودایی پارسا و زاهد، ولی سیاستمداری ستمگر بود، به طوری که جاه طلبی او در خانواده ی سوگا، او رابه رهبری خاندان سوگا رسانیده بود.

درپنج سال پیش که سوشون به امپراتوری اوماکو رسید، تمام افراد خاندان مونونوب (Mononobe) را که ضد

کنستانتینوپول اوت ۶۲۶

ایرانیها با اتحاد با آوارها به طور مشترک به استانبول حمله کردند، لیکن نیروهای نظامی آوار شکست خوردند و دوباره قلمروی را که هراکلیوس از آنان خریده بود اشغال کردند و بدین ترتیب پایتخت نجات یافت.

چین ۶۲۶

پسر دوم لی یوان (Li Yuan) به نام لی شی مین (Li Shimin)، با ایجاد گروه مهندسی ضربتی به دروازه زوآن وو (Xuanwu) وارد کرد، این واقعه سبب کشته شدن برادران وی گردید، پس از مدت کوتاهی او به پدرش فشار آورد و وی را بازنشسته و در حقیقت از مقام خویش عزل کرد.

بریتانیا ۶۲۷

ادوین (Edwin) پادشاه نورتومبریا (Northumbria) دین خود را تغییر داده و به مسیحیت گرائید و با راهنمائیهای پائولینوس (Paulinus) جزو فرقه باپتیست ها (Baptist) درآمد و به اسقفی منطقه یورک (York) منصوب شد.

ایران ۹ دسامبر ۶۲۷

هراکلیوس امپراتور روم با اتحاد با اقوام خزر (Khazar) که از نژاد مغول هستند، شکافی در نیروی نظامی ایران به وجود آورد و ارتش را در سرزمین نینوا (Nineveh) نابود کرد. این پیروزی باب پیروزیهای دیگر را برای هراکلیوس گشود و راه تیسفون پایتخت ساسانیان را برای او باز کرد.

ایران سوم آوریل ۶۲۸

در پی مرگ خسرو دوم، پرویز پادشاه ایران، جانشین و پسر وی به نام قباد (Kavadh)(شیرویه) از روم تقاضای صلح کرد. با این صلح وی، ارمنستان، بیزانس، میان رودان، سوریه، فلسطین و مصر را از دست داد و نیز صلیب حقیقی و مقدس را تسلیم روم کرد.

عربستان ۶۲۸

حضرت محمد (ص) به طرفدارانش در یثرب اجازه داد که از مکه که مکان مقدس و قبله مسلمانان است، دیدن و زیارت کنند. این امر در پی آن صورت گرفت که مکیان دست از محاصره یثرب (Yathrib) (مدینه - Medina) کشیدند.

گل ۶۲۹

داگوبر (Dagobert) فرزند لوتار دوم جانشین پدر و صاحب تاج وتخت فرانکها شد.

اسپانیا ۶۲۹

ویزیگوتها از بیزانتین تمام بخش جنوب اسپانیا را کشف کردند.

قسطنطنیه ۶۲۹

هراکلیوس امپراتور بیزانس عنوان خود را از هراکلیوس به قیصر فاتح و به زبان یونانی بازیلوس (Basileus) به معنی پیروز تبدیل کرد.

اورشلیم ۲۱ مارس ۶۳۰

هراکلیوس صلیب واقعی عیسی مسیح را که از ایران ربوده بود در اورشلیم قرار داد.

بودایی بودند، مغلوب ساخت، اما امپراتور گام به گام به پادشاهی تبدیل شد، خواهرزاده ی اوماکو که سمت نخست وزیری ملکه را داشت، با او در سیاست شریک بود و او را دراین راه یاری می کرد.

تاریخ فرانک ها توسط گریگوری به نگارش درمی آید.(تور، ۵۹۳):

گریگوری، اسقف شهر تور (Tours)، که اخیراً درگذشت، کتابی برجسته درباره ی تاریخ سرزمین فرانک ها نگاشت . تاریخ فرانک ها در بیست سال اخیر، مشحون از حوادث بزرگ سلطنت پادشاهان پیشین فرانکی و رویدادهای پیشینان است. این کتاب، یگانه منبع روشن تاریخ این دوران است.

اسقف گریگوری، دریک خانواده ی گالورومی (نژاد دو رگه ی رومی – گلی) اشرافی متولد شد. هنگامی که گریگوری به مقام اسقفی رسید، زمانی بود که پادشاهان به حقوق مسیحیان و کلیساها تخطی و تجاوز می کردند و او هم در این مقام یک روحانی مسیحی به دفاع از دین می پرداخت، وی در سن پنجاه وهشت سالگی دار فانی را وداع گفت.

ویزیگوت های اسپانیولی، عقاید کاتولیکی خود را تحمیل می کنند. (تولدو، مه ۵۸۹):

برای مدت های طولانی، وفاداری اسپانیا نسبت به عقاید خود، ایجاد شکافی بین ویزیگوت های پیرو مکتب آریانیسم که خود اشغالگر این سرزمین بودند و کاتولیک های متعصب، شده بود که دراین اواخر، به یگانگی عقاید مبدل شد. موضوع جهت اجلاسیه یی در شهر تولدو (Toledo) اسپانیا، که یک کشور کاتولیک نشین بود، در ماه گذشته تشکیل شد. نزاع و جدال بین مکتب آریانیسم و کاتولیک از مدت ها پیش در اجلاسیه نیکائه (Nicaea) درسال ۳۲۵ مطرح گردید. کاتولیک ها براین باور اصرار داشتند که بین پدر و پسر (خداوند و حضرت عیسی) ازنظر پرستش، هیچ گونه فرقی نیست و پدر و پسر با هم تفاوت ندارند و حالت پرستش در آن ها متعادل است، ویزیگوت ها که از سال ۴۵۸ اسپانیا را اشغال کردند، همواره پیرو آریانیسم بودند، اما همین که لئوویگیلد (Leovigild) به سلطنت رسید، از سال (۵۶۸ تا ۵۸۶) از عقاید عمومی پیروی کرد، چون استنکاف از باورهای مردم را در شأن مقام سلطنت نمی دانست.

درسال ۵۷۸ که جنگ بین بیزانتین و فرانک ها در گرفت، لئوویگیلد صلاح کشور در آن دانست که اتحاد و یکپارچگی دینی را در کشور برقرار کند و آن را ضمانت استقلال سرزمین خود دانست. او به اذیت و آزار کاتولیک ها پرداخت، درحالی که زیاد به این جریان پای بندی نداشت. بدین سبب پسر وی به نام هرمن گیلد (Hermene Gild) که با دختری از فرانک ها که مذهب کاتولیک داشت، در سال ۵۸۳ ازدواج کرد، به این مذهب گرایش بیشتری نشان داد و در تلاش برکناری پدر خود بود.

درسال ۵۸۵، با پایان یافتن شورش مذهبی، هرمن گیلد هم در زندان مُرد، در حالی که کاتولیک ها به قدرت بیشتری رسیده و تناور شده بودند.

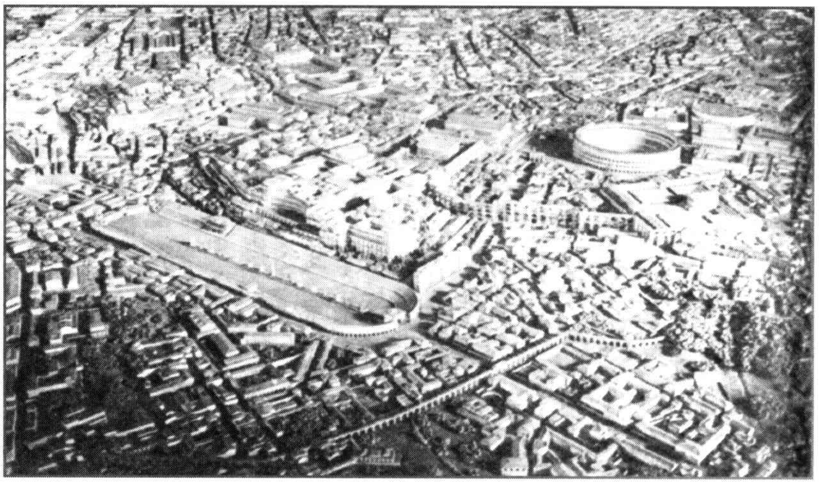
لئوویگیلد هم درسال بعد، یعنی ۵۸۶، درگذشت و پسر کوچکترش به نام رکارد (Recared)، جانشین وی شد. رکارد هم در پی گزینش مذهب، تمایل زیادتری به دین اکثریت مردم نشان داد و نیاز مذهبی، وی را واداشت که مذهب کاتولیک را اختیار کند. (سال ۵۸۷)

او به رهبران مذهبی در شهر تولدو اعلام کرد که به مذهب کاتولیک پیوسته است. درحالی که بعضی از ویزیگوت های متعصب و محافظه کار، سخت به عقیده ی آریانیسم پای بند بودند، لیکن ظاهراً خود را کاتولیک نشان می دادند.

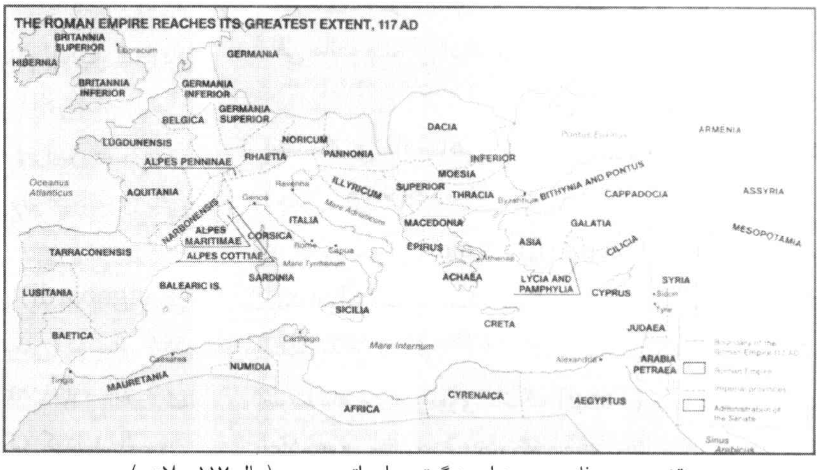
کولومبا (Columba)،درصومعه ی خود درشهر ایونا (Iona)، بدرود حیات گفت. (ایونا، ۵۹۷):

کولومبا، در صومعه یی که خود تأسیس کرده بود، درگذشت. این صومعه در یک جزیره ی زیبا و پیشرفته، در کرانه های غربی اسکاتلند واقع شده، گفته می شد، وی در آخرین پیام خود به کمیته های تارکان دنیا و کلیساها، سخت حمله کرده بود، درحالی که در محراب کلیسای خود جان داد و در چشمانش برقی از خوشحالی داشت و با این چشمان درخشان از دنیا رفت.

گرچه کولومبا در تنهایی و در سن ۶۰ سالگی درگذشت، وی عقیده داشت که شخصیت مذهبی راهبان خیلی بالاتر از تصمیمات اتخاذ شده و بی محتوای کمیته های کلیسایی در



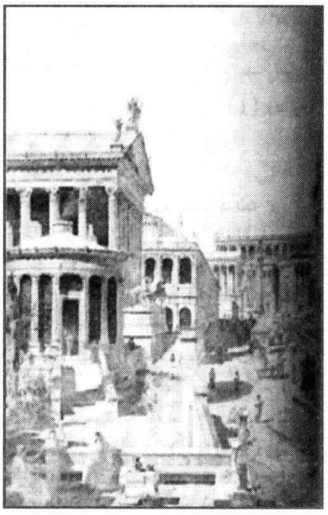
منظره‌یی از کلوزئوم و میدان شهر رم با الهام از نقشه‌ی اصلی (سده‌ی دوم میلادی)



نقشه‌ی متصرفات رم به‌عنوان بزرگ‌ترین امپراتوری عصر (سال ۱۱۷ میلادی)



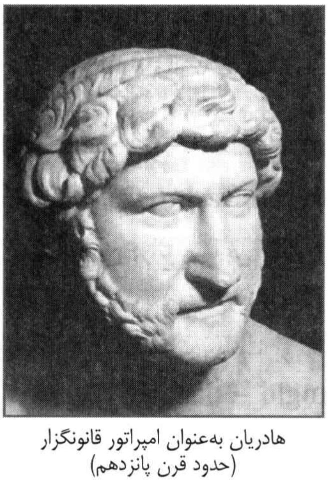
تراژان امپراتور بسیاری از راه‌ها و بناها را تجدید ساختمان کرد، از جمله شاهراه بنه‌ونتوم (Beneventum) به بروندیزی (Brundisium) در جنوب ایتالیا. این تاق نصرتی است به نشانه ی کارهای ساختمانی و کارهای مهم تراژان در پیروزی نبردها و اقدامات وی در کار سیاست ایتالیا.



دورنمایی از میدان بزرگ
تا آن‌جا که به چشم می‌آید.



پلوتارک (Plutarch)،
تاریخ‌نگار و شرح‌حال‌نویس رمی.
برطبق طرح بسیاری از نقاشان اخیر.



هادریان به‌عنوان امپراتور قانونگزار
(حدود قرن پانزدهم)

سراسر اسکاتلند و ایرلند می باشد. وی با موفقیت، کلیسای انجیلی اسکاتلند را راهنمایی کرد و پادشاه جدید اسکات ها در دال ریادا (Dal Riada) به حدی برای او احترام قایل شد که وی رابه ایونا برای دعای خیر وبرکت دعوت کرد. وی در ایرلند دریک خانواده ی نجیب زاده متولد شودر جوانی به خاطر دفاع از حیثیت خاندان خود، مردی را کشت. او خود را برای انجام این کیفر به ایونا تبعید کرد و برای تبری از گناه، کلیسایی دراین محل تأسیس کرد.

لومباردها (Lombards) کنترل ایتالیا را در دست گرفتند. (ایتالیا، ۵۹۸):

کالی نیکوس (Callinicus)، نایب السلطنه ی بیزانس در ایتالیا، با آژی لولف (Agilulf)، پادشاه ایتالیا، قرارداد متارکه ی جنگ امضا کرد و سلطه ی وی را درتمام شمال ایتالیا به رسمیت شناخت. درحالی که بقیه ی این سرزمین، یعنی مرکز و جنوب ایتالیا، در تحت حکومت امپراتوری باقی ماند.

اقوام ژرمن لومبارد یا لانگوباردی (Langobardi) (لانگ برد (Longbeards) یا ریش بلندان) درسال ۵۶۸ در اثر فشار روزافزون طوایف آوار(Avar)، منطقه ی پانونیا(Pannonia) (مجارستان) را ترک کردند. آلبیون (Alboin)، پادشاه لومباردها، شهر میلان را متصرف شد و خود را ارباب ایتالیا خواند . لومبارد ها به طور مرتب به سوی جنوب راندند و با قشون رم شرقی درگیر شدند، تا این که هجوم اسلاوها (Slave) و ایرانیان آن هارا فلج کرد تا تن به مذاکره دادند و متارکه ی جنگ را خواستار شدند.

آگوستین،دین پادشاه کنت را تغییر داد. (کانتربوری (Canterbury)، انگلستان، ۶۰۰):

دین مسیح دراثر مساعی و تلاش های آگوستین که به وسیله ی پاپ گریگوری در سه سال قبل به این منطقه اعزام شده بود، گسترش یافت. او توانست در شاهزاده نشین آنگلوساکسون (Anglo – Saxon)، کلیساهای انجیلی برپا کند. آگوستین در جزیره تانت (Thanet) رحل اقامت افکند که تحت فرمانروایی شاه ایتل برت (Aethelbert) بود، شاه نسبت به او خیلی بدگمان بود، چون مشرکان و کافران راهب در او تلقینات جادویی ایجاد کرده بودند. به هر حال، سخنان و تشویق های همسرش به نام برتا (Bertha)، که خود یک مسیحی فرانکی بود، وی را به تغییر مذهب وادار کرد. شاه، خانه یی برای آگوستین در کانتربوری آماده و کلیساهای متعددی درآن منطقه ساخت. با این موفقیت ها، مسیحیت هم چنین به ایالات مجاور و به ویژه به منطقه ی اسکس (Essex) رسوخ کرد. به هر صورت به نظر می رسد که گریگوری مسبب و عامل گسترش دین مسیح در منطقه و موجد شبکه ی اسقفی در سراسر کشور و سراسقفی در یورک (York) و لندن و پیرامون آن باشد، که سابقاً این امر غیرعملی و بعید به نظر می رسید، درحالی که بیشتر شهرهای رومی ویران شده و شهرهای آنگلوساکسون و حاکم نشین ها در دین کفر خود باقی مانده و بر آن ابرام می ورزند.

سلسله ی پادشاهی جدید، به بی نظمی پایان داد. (چین، ۶۱۸):

لی یوآن (Li Yuan)،فرماندار استان شان زی (Shanxi) با برکنار کردن و انتقاد از طرز حکومت سلسلسه ی سوئی، اعلام کرد که خود اولین پادشاه و سرسلسله ی امپراتوری تانگ (Tang) می باشد. وی در اعلامیه ی منتشره ی خود گفت: بدین سبب این مقام را قبول کرده که خون اشرافی در رگ های او جاری است و فامیل وی پیوسته با پادشاهان دو سلسله پیشین است و از سویی می خواهد حالت هیجان و اضطراب و اغتشاش را از جامعه و مردم دور کند که پادشاهان یانگدی (Yangdi) با خود آورده بودند. دومین پادشاه سلسله ی سوئی، امسال برای ارتکاب گناهان خود، پیشنهاد پرداخت مبالغ متنابهی پول، جهت جبران آن کرد، لیکن یکی از ندیمان وی، او را با طناب ابریشمی خفه کرد. در تلاش برای انتقال قدرت از یانگدی، لی یوآن، تعدادی از ژنرال های قدرت طلب را از کاربرکنار و روستائیان را هم به شورش برعلیه حکومت سوئی واداشت. در تمام تلاش هایی که لی یوآن برای احراز قدرت انجام داد، وی از پشتیبانی فرزند کم سن و سالش به اسم لی شیمین (Li Shimin) برخوردار بود. لی شیمین مطمئناً نیرویی از نیاکان تاتارش در وجود خود داشت و دراین راه برای از بین بردن دشمنان پدرش، مساعی فراوان

عربستان ۶۳۰
با شکست مکیان به وسیله حضرت محمد (ص) کنترل شهر مکه هم به دست مسلمانان و حضرت محمد(ص) افتاد.
بریتانیا ۶۳۳
ادوین (Edwin) پادشاه نورتومبریا در جنگ بریتون که با همکاری و اتحاد مرسیانها (Mercians) بر پا شده بود به قتل رسید. اوسوالد (Oswald) که جانشین او شد، مشرکان را در پیروی از عقاید خودشان آزاد گذاشت و مسیحیت را هم به کمک کشیشان تارک دنیای ایرلندی به رهبری آیدان (Aidan) از یونا (Iona) حفظ کرد. در ضمن صومعه یی در لیندیس فارن (Lindisfarne) تأسیس کرد.
دریای سرخ ۶۳۴
مسلمانان عرب شهر مساوا (Massawa)، در دریای سرخ را از اکسومیت های (Axumite) اتیوپی گرفته و به تصرف خود درآوردند.
بالکان ۶۳۵
به عزم خارج کردن آوارها از بالکان، هراکلیوس پیمان اتحادی با کوورات (Kuvrat) پادشاه بلغار بست.
سوریه ۱۵ اوت ۶۳۶
مسلمانان عرب، سپاهیان بیزانس را در جنگ یرموک (Yarmuk) شکست دادند،عربها که سال پیش شهر دمشق را اشغال کرده بودند، اینک کنترل کامل سوریه را در دست گرفتند.
ایران ۶۳۷
عربهادر جنگ قادسیه (Qadisiyya) سپاهیان ایران را شکست دادند.
چین ۶۳۸
امپراتور تای زونگ (Taizong) هیأتی از بزرگترین دانش پژوهان یان شیگو (Yan Shigu) را مأمور کرد که برای گسترش تعلیمات و تفسیر و شرح یین گدا (Yingda) را با کمک دانشمندان دیگر به رشته تحریر درآورده و آن را برای استفاده عموم منتشر کنند. این کتاب مجموعه یی از معانی صحیح پنج رساله فرهنگ و آداب عقاید کنفوسیوس است که پایه و اساس باورهای کنفوسیوس درباره تمام سؤالها و مطالب بغرنج اجتماعی می باشد.
اورشلیم ۶۳۸
سپاهیان عرب در زمان عمر خلیفه دوم مسلمانان، اورشلیم را به اشغال خود در آوردند.
اروپای مرکزی ۶۴۰
سامو (Samo) بازرگانان فرانکی در بوهم شاهزاده نشینی اسلاوی تأسیس کرد که مستقل از آوارها و فرانکها می باشد.
قسطنطنیه ۶۴۱
هراکلیوس پس از ۳۰ سال سلطنت در گذشت. با وجود پیروزیهای درخشان و چشم گیری که وی در جنگهای با ایران به دست آورد، همواره درگیر مناقشات و جدالهای دینی بود و این اواخر تهدید اعراب وی را رنج می داد. پس از مدت کوتاهی از مرگ وی که کشور فارغ از تنش به سر می برد، دو پسر او به فاصله چند ماه در یکسال مردندو در نتیجه نوه نوجوان هراکلیوس به نام کنستانس (Constans) دوم به جانشینی وی رسید.

به کار برد تا قدرت او را مستحکم کرد. درحالی که برادر بزرگترش با کمال تأسف، بی رحم و ستمگر بود.

نایب السلطنه ی ژاپن، حالت دموکراسی و مشروطیت برقرار می کند. (ژاپن، ۶۰۴):

در اثر مساعی شاهزاده اومایادو (Umayado)، نایب السلطنه ی ژاپن، مجلس جدیدی به نام مجلس مشورتی یا مشروطه درحکومت ژاپن تأسیس می شود. اومایادوی ۳۴ ساله، حکومت ژاپن را از طرف عمه ی خود به نام ملکه سوی کو (Suiko) به عنوان نایب السلطنه اداره می کرد، چون امپراتور قبلی در سال پیش کشته شده بود. وی یکی از طالبان مکتب بودایی بود که مهارت زیادی در سیاست داشت و مذهب بودا را مشابه چین در دولت متمرکز ساخته بود. او ۱۷ بند از مواد مشروطیت را برای اجرای قانون اساسی به نمایندگانی که به بودا اعتقاد داشتند و اقتدار امپراتوری را در نظر می گرفتند، پیشنهاد کرد.

مجلس مشورتی، هم چنین به تقوی و پرهیزکاری و اطاعت و فرمانبری از عناصری که با قوانین کنفوسیوس تطابق داشت، صحه گذاشت. امایادو با تیزهوشی خود، در اعلامیه یی که امسال منتشر کرد، روش گاهشماری چینی را پذیرفت. برحسب این گاهشماری، تاریخ تأسیس امپراتوری ژاپن در سال ۶۶۰ پ.م مورد قبول و تائید قرار گرفت.

گریگوری، پاپ برجسته و با استعداد، که در عین حال نویسنده هم بود، درگذشت. (روم، ۱۲ مارس ۶۰۴):

گریگوری، پاپ برجسته و باهوش، خداشناس مشعشع و نویسنده ی زبردست، پس از ۱۴ سال که در مقام پاپی بود، در سن ۶۴ سالگی بدرود حیات گفت.

گریگوری فرزند یک سناتور ثروتمند بود که تمام دارایی خود را فروخت و پول آن را بین مستمندان پخش کرد. او کلیساهای چندی تأسیس کرد که یکی از آن ها در شهر رم قرار داشت و خود متولی آن شد. گریگوری در مقام یک اسقف عالی مقدار، زمانی که در قسطنطنیه بود، با اسقف های آن شهر به مخالفت برخاست، پس از آن به رم بازگشت و مدت پنج سال سراسقف رم بود و سپس به سمت پاپ

انتخاب شد. دراین هنگام، ایتالیا با مخاطراتی روبرو شد، از جمله قحطی فراگیر، شیوع بیماری طاعون و تهاجم لومباردها.

گریگوری چندین مؤسسه ی خیریه برای کمک به بینوایان و نیروهای نظامی که در تهاجم لومباردها دچار آسیب شده بودند، تأسیس کرد، او هم چنین درکار اعزام میسیون های مذهبی به خارج فعال بود. یکی از بزرگترین اقدامات او، اعزام آگوستین اسقف هیپو (Hippo) به بریتانیا، درجهت تغییر دادن مذهب آنگلوساکسون ها از شرک به مسیحیت بود، او هم چنین تعداد چهل کلیسا یا اسقف نشین در منطقه برپا کرد. با تمام این تفاصیل، گریگوری یک نویسنده ی با ارزش و محترم محسوب می شود که در زمان خود یادگاری های ارزشمندی از خود باقی گذاشت. یکی از بزرگترین کتاب های او، شرح زندگی و کارهای سنت بندیکت است که شاید مهم ترین اثر به یاد ماندنی او، رساله ی مراقبت و مواظبت از پیرو مرشد که بیشتر آن مباحثاتی در خود امور کلیساهاست، می باشد.

هجرت حضرت محمد (ص) از مکه (Mecca) (مکه، عربستان، ۶۲۲):

حضرت محمد (ص)، پیامبراسلام، که یک عرب اهل عربستان بود، مردم را از پرستش خدایان متعدد و چند خدایی برحذر داشته و دعوت به سوی خداوند یگانه و پرستش خدای واحد کرد، وی شهر مکه را ترک و به سوی شمال روانه شد.

حضرت محمد(ص) حدود سال ۵۷۰ متولد شد و متعلق به یکی از شاخه ی قبیله ی قریش (Quraysh) (هاشم) بود، که این قبیله یکی از قبایل بدوی عرب شبه جزیره ی عربستان به شمار می رفت. حضرت در سال ۶۱۰ به پیامبری مبعوث شد وازهمان زمان مردم را به سوی دین جدید فراخواند.

حضرت یکی از پیشگامان بازرگانی با نقاط دوردستی هم چون سوریه، عراق و مصر ویمن بود و خود شخصاً کاروان های تجارتی را هدایت می کرد. حضرت با یکی از زنان بیوه ی قبیله ی قریش (حضرت خدیجه) ازدواج کرده بود و چون خدیجه یکی از زنان ثروتمند عرب بود، کارهای تجاری وی را هم محمد(ص) انجام می داد.

شهر مکه به علت وجود معبدی به نام کعبه (Kaaba) که از سنگ های سیاه موزون و یکنواخت ساخته شده و محل زیارتگاه اعراب و جایگاه بت های آن ها بود، یکی از مهم ترین شهرهای عربستان محسوب می شد و قبیله ی قریش (هاشم) پرده دار و نگهبان این بتکده بودند و در ضمن از زائران آن جا پذیرایی می کردند.

حضرت محمد(ص) اعلام کرد که این بت ها اشیاء بی ثمری هستند و انتظار کمک از آن ها کاری عبث و بیهوده است و تنها خدای بزرگ قابل ستایش و پرستش است و اوست تنها خدای واحد ویگانه که حامی مردم فرودست و بی چیز می باشد . خدا، اعراب قریش و ثروتمندان آن ها را که هر روز بر ثروت و دارایی خود می افزایند و مکیان قدرتمند و زورگو را دشمن داشته و آنان را گرامی نمی دارد. حضرت چون مورد آزار و اذیت مردم شهر مکه قرار داشت، آن شهر را با جمعی از یاران خود ترک کرد.

گنجینه ی گران بهایی به طور اتفاقی از زندگانی مردم ساکسون در محل ساتون هوو (Sutton Hoo) در یک کشتی غرق شده، به دست آمد. (انگلستان، ۶۲۵):

جسد یک پادشاه در داخل بدنه یک کشتی بزرگ به صورت غیرعادی در سراشیبی عمق دریا در ناحیه ی ساتون هوو در منطقه ی انگلیای (Anglia) شرقی (اسکس (Essex) شمال شرق لندن) کشف شد. این کشتی به طول سی متر و عرض تقریبی پنج متر بود. این کشتی را از آب بیرون کشیده و در دهانه ی رودخانه دبن (Deben) در ارتفاع سی متری که از دریا هم به طور کامل دیده می شد، قرار دادند.

در داخل کشتی، اتاقکی با سقف شیروانی مانند ساخته شده بود که جسد پادشاه و گنج همراه وی را در آن جا قرار داده بودند. روی تمام بدنه ی کشتی را هم از موادی اندوده بودند که از دور قابل رؤیت بود.

جسد پادشاه را هم برای جلوگیری از فساد، با نوعی ماده‌ی قرمز رنگ (شبیه مومیایی) اندوده بودند که نشانه‌ی جلال آن بود و از سوی دیگر، نشان می داد که وی یکی از شاهان انگلیای شرقی و ساکن منطقه ی رندلشام

(Rendlesham) ویکی از مقتدرترین شاهان انگلوساکسون به هنگام مرگ بوده است.

این شیوه ی دفن اجساد، حاکی از آن است که ناحیه ی انگلیای شرقی ثروتمند بوده و تزئینات و طرز نگهداری جسد نشان از تبحر و مهارت کارگران مأمور دفن مردگان است. اشیای همراه جسد، بسیار زیبا و کنده کاری شده با تزئینات انگلیسی بوده که نشان می داد ظرف ها کار رم شرقی و قسطنطنیه و اسکندریه، سکه ها ضرب ناحیه ی گل و کلاه خود و سپر، احیاناً ساخت سوئد بوده است.

اما طرز دفن، یک روش نامتعادل و غیرعادی نبود. بئوولف (Beowulf) شاعر حماسی آنگلوساکسون، ترجیح می دهد که ثابت کند این گنجینه همراه جسد پادشاه، نشان از جلال و شکوه مردم سرزمین آنگلوساکسون است که در هنگام مسافرت های دور و عبور از اقیانوس، همه ی وسایل را با خود حمل می کرده اند.

کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی (چین، ۶۰۵):

با مرگ وندی (Wendi)، امپراتور چین، تغییرات و اصلاحات امور کشوری هم به نحو بارزی کاهش یافت.

بوروکراسی و تمرکز اداری که در زمان پادشاهان سلسله ی سویی ایجاد شده بود و نیز اصلاحات امور اقتصادی و تغییرات رسمی در کارهای اداری و اتحاد و یکپارچگی کشور به کلی از صحنه ی عملیات خارج شد.

هنگامی که وندی در رأس قدرت قرار داشت و زمام امور در کف وی بود، توانست یک ارتش منظم و کامل برای اجرای اوامر دولتی در تمام نقاط کشور به وجود آورد که بتواند به حد کافی در مقابل تجاوز دشمن ایستادگی کند، که البته این میراث برای یانگدی، امپراتور بعدی هم باقی ماند و پشتیبان وی در امور کشور شد.

مردی ایرلندی درایتالیا کلیسا بنا می کند. (ایتالیا، ۶۱۲):

با کوشش ها و مساعی کولومبان (Columban) و با اجازه ی آگی لولف (Agilulf)، پادشاه لومباردها، یک کلیسا در شهر بوبیو (Bobbio) در ناحیه ی آپنین

چین ۶۴۱

پیشرفتهای کشور در زمان سلسله پادشاهی تانگ (Tang) سریع بود، در این زمان با در دست گرفتن جاده ابریشم و توسعه کشور از سوی غرب، سرزمین های تابعه چین گسترش یافت و مسیحیت نستوری هم به چین راه یافت.

مصر ۶۴۱

حملات اعراب به مصر در دو سال پیش صورت گرفت در نتیجه، مصر تسلیم آنها شد، اینک اعراب به سوی جنوب و به طرف نوبه (سودان) رهسپارند.

ایران ۶۴۲

اعراب سپاهیان ایران را در نهاوند (Niharvand) شکست سختی دادند و یزدگرد سوم مجبور به فرار شد. آنها امپراتوری خود را در ایران تشکیل دادند، و این پیروزی به حکومت پادشاهی ساسانیان پایان داد.

مصر ۶۴۲

اعراب با تسخیر اسکندریه، دست دولت بیزانس را از مصر کوتاه کردند.

ایتالیا ۶۴۳

روتاری (Rothari) پادشاه لومبارد (Lombards) اعلامیه یی به زبان لاتین انتشار داد که درآن تمام قوانین لومباردها تدوین شده بود. در همین اثنا وی سرگرم توسعه این حکومت نشین به سوی بیزانتین بود.

افریقای شمالی ۶۴۳

اعراب به شهرهای سیرنائیک (Cyrenaica) و طرابلس (Tripolitania) دست یافتند.

عربستان ۴ نوامبر ۶۴۴

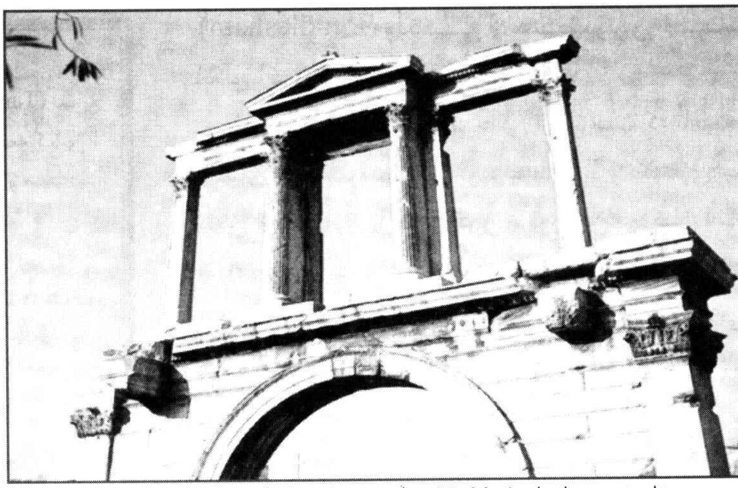
عمر (Umar) در شهر مدینه به قتل رسید و عثمان (Uthman) به عنوان خلیفه سوم جانشین وی گشت.

افریقای شمالی ۶۴۶

در حمایت از کلیسای افریقایی از حملات بیگانگان، گریگوری فرماندار کارتاژ (Carthage) دست به شورش علیه کنستانس دوم امپراتور زد. کنستانس عقد ناگسستنی با باورهای مونوتلت ها (Monothelete) (فرقه یی که تنها عقیده داشتند که عیسی مسیح وجود واحد بوده که جسمانی و یا روحانی است) بسته بود، در حالیکه فشار بر مونوفیزیت ها (Monophysite) را چون آبی که با فشار به پایین می ریزد تشدید کرده و به بدعت مونوفیزیت ها به وسیله مذهب ارتودوکس (Orthodox) که میراث افریقایی است دامن می زد. کاتولیکهای افریقایی هم در این هنگام پیشنهاد کردند که اجلاسیه یی با شرکت مونوفیزیت ها تشکیل شود.

بریتانیا ۵ اوت ۶۴۲

اسوالد پادشاه مسیحی نورتومبریا در نبرد ناحیه ماسرفلت (Maserfelth) توسط پندا (Penda) شاه کافر مسلک مرسیا (Mercia) به قتل رسید.



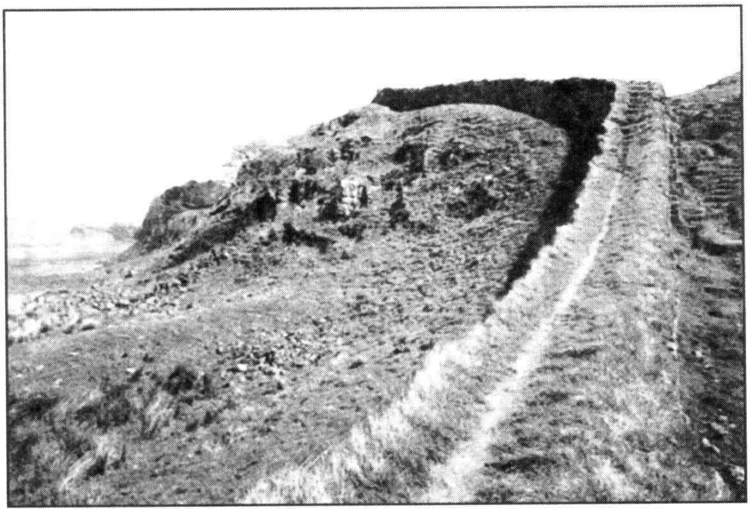
تاق نصرت هادریان (Hadrian) در اتن به نشانه‌ی اقتدار و تسلط روم بر یونان.



اخرین چهره از سوئه تونیوس (Suetonius)



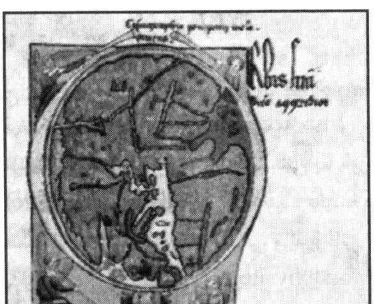
اولیوس اریستید (Aelius Aristides)،
کار نقاشان سده‌ی اخیر.



دیوار حصار هادریان برای مرز شمالی امپراتوری رم.



یهودیان بیرون رانده شده از اورشلیم در سال ۷۰.
این کتیبه که به‌عنوان تاق نصرت امپراتور تیتوس در رم بنا شده، مورد نفرت آن‌هاست.



نقشه‌ی جهان، کار دانشمندان مصری
(حدود سال ۴۰ میلادی)

(Apennines) ایتالیا تأسیس شد. اسقف و متولی این کلیسا، مردی تندخو و عبوس و سخت گیر و در زمره ی تارکان دنیا و زاهدان عزلت نشین و مردم گریز بود. او در سال ۵۹۰ ایرلند را ترک گفت و در راه تغییر مذهب مردم منطقه وسگز (Vosges) واقع در گل پیشگام شد. وی سه صومعه در آن جا تأسیس کرد، ولیکن مردم سلت برعلیه وی و ملکه ی فرانک ها به پا خاستند و او را از ایتالیا بیرون راندند.

ساکنان اطراف دره ی رود میسی سیپی، آئین های مذهبی اجرا می کنند. (امریکای شمالی، ۶۴۰):

شهر کاهوکیا (Cahokia)، که در پنجاه سال قبل، در جنوب ایلی نوی (Illinoi) در امریکای شمالی بنا شده بود، به زودی به یکی از مراکز پر جمعیت دره ی رود می سی سی پی تبدیل شده و انگار که جمعیت آن از زمین جوشیده است. ساکنان این منطقه خود را با شرایط محیط و آب وهوای منطقه تطبیق داده و با بیل، زمین را شخم کرده و با وجود خاک غنی از مواد مغذی، به کشت ذرت اقدام می کنند.

شهر کاهوکیا به یک مرکز مذهبی، سیاسی و اقتصادی تبدیل شده که با وجود معادن و کارخانجات نمک یکی از مناطق ثروتمند و خوشبخت است . دراین منطقه، زمام امور در دست رئیس و سرپرست قبیله است که تا دورترین نقاط افراد قبیله گوش به فرمان وی هستند.

در داخل شهر، خاکریزهای بلندی در روی ارتفاعات ایجاد کرده اند که به اندازه های گوناگون است و هم چنین میدان هایی ساخته شده که اهالی بومی، آئین ها و مراسم مذهبی خود را برای تماشای عموم در آن جا انجام می دهند. در روی این تپه ها و خاکریزها، سکوها و مکان هایی ایجاد شده که برروی آن ها، مکان های مقدس و خانه هایی برای رؤسای مذهبی و حتی معابدی ساخته شده . این معابد جهت عبادت و پرستش خدایان و ستایش از نیاکان مردم قبیله است، هم چنین دراین معابد، گودال هایی برای دفن استخوان های رهبران مذهبی پس از مرگ کنده اند. بزرگی و شکوه کلبه هایی که دراین منطقه درست شده، بستگی به موقعیت و وضعیت اشخاص متفاوت است و شاید بیشتر

ژاپن ۶۴۶

تایکا کایشین (Taika Kaishin) تمام سرزمین های خصوصی را جزو مالکیت عمومی درآورد، و همه اقتدار و قدرت حکومت را در فرمان امپراتور به پیروی از سیستم چین قرار داد.

افریقای شمالی ۶۴۷

اعراب در تاخت وتاز به ایالت روم شرقی در افریقا، گریگوری غاصب را کشتند و به شورشی که برضد کنستانس دوم امپراتور بیزانس برپا شده بود پایان دادند.

سوریه ۶۴۷

معاویه (Muawiyah) فرماندار عرب سوریه، کاپادوکیه (Cappadocia) در آسیای صغیر را تخریب و اموال غارت شده آنجا را به دمشق فرستاد.

هند ۶۴۷

هارشا (Harsha) فرمانروای هندوستان که در سال ۶۰۶ به سلطنت در کانوج (Kanauj) رسیده بود، درگذشت. وی در شمال هند حکومتی را تأسیس کرده بود که قابل قیاس با امپراتوری گوپتاها (Guptas) بود.

قسطنطنیه ۶۴۸

در یک تلاش بزرگ که کنستانس دوم جهت اتحاد کلیسا انجام داد، منویات خود را در اعلامیه یی به نام تایپ (Type) انتشار داد، وی تمام باورها را صحیح دانست، لیکن این ساده اندیشی وی مانع از گفتگو و بحث های سایرین نشد، به طوریکه ارتودوکس ها و مونوتلت ها از آن خوشنود نشدند.

روم اکتبر ۶۴۹

پاپ مارتین (Martin) روحانیان را برای شرکت در جلسه یی در کاخ لاتران (Lateran)، جهت محکوم کردن مونوتلت ها و رد عقاید آنان دعوت کرد، در همین اوان طی اطلاعیه یی روش صلح و آشتی را با اعلامیه تایپ از سوی کنستانس دوم صادر شده بود در پیش گرفت.

قبرس ۶۴۹

اعراب با جمع آوری نیروهای وحشت زای خود تحت فرماندهی معاویه فرماندار سوریه، در این جزیره توفانی بر پا کردند.

چین ۶۴۹

پس از مرگ تای زونگ (Taizong) امپراتور چین، گائو زونگ (Gaozong) به پادشاهی رسید.

افریقای شمالی ۶۵۱

نوبه (Nubia) در جنوب مصر بار دیگر مورد حمله اعراب مسلمان قرار گرفت.

ایتالیا ۶۵۲

آری پرت (Aripert) که به جانشینی آریان روتاری (Arian Rothari) به عنوان پادشاه لومباردها منصوب شده بود، در پاویا (Pavia) مبدل به یک معتقد کاتولیک از فرقه باتیپست ها شد. پیش از این معتقدان به مذهب کاتولیک را در زمان پیشرفت آریانیسم به لومباردیا تبعید می کردند.

مربوط به عقاید دینی و باورهای مذهبی قبیله دارد که برای افراد روحانی و جادوگرها احترام و ارزش بیشتری قائلند.

در تحت فرمانروایی داگوبرت (Dagobert)، حاکم نشین فرانک به پیشرفت هایی رسیده (گل، ۶۳۹):

داگوبرت، فرزند لوتار (Lothar) دوم که تا سال ۶۲۹ پادشاه فرانک ها بود، پس از مدت ها زجر و ناراحتی بیماری اسهال خونی (دیسانتری)، درگذشت. در زمان سلطنت وی، فرانک ها در سرزمین گل به یک اتحاد همگانی رسیدند و توانستند بخشی از قدرت و نفوذ اشراف و روحانیان را از آن ها گرفته و سلطه ی آنان را بر روی مردم از بین برده و در هر حال آن ها را بر سر جای خود بنشانند تا کانون بی عدالتی ها و ستمگری ها خشک شود و ملت کمتر از ستمگری آن ها در عذاب باشند.

یک ناظر بی طرف، چنین اظهار می دارد: این جریان زنگ خطری برای ثروتمندان بوده و ایجاد شعف و شادی در طبقه ی فرودست و پایین اجتماع کرده است.

داگوبرت، با واگذاری قدرت بین تمام افراد خاندان سلطنتی، بدین وسیله به تجربه دموکراسی دست زده است. با وجود این، قدرت اصلی در اختیار او قرار دارد و خود وی حاکم مطلق است، او سیاست پدرش را در پیش گرفته و سرزمین گل را به بخش های حکومتی کوچکتر و با اختیارات کمتری تقسیم کرده تا طرفداران ملی گرایی را هم از خود خوشحال سازد، لیکن بخش های آکیتان (Aquitaine) و اوستراسیا (Austrasia) را به طور کامل در حیطه قدرت خود دارد. وی با این اختیارات می تواند از شورش ها و بی نظمی ها جلوگیری به عمل آورد و نبرد با سلت ها را از سرگیرد و از طغیان و شورش باسک ها (Basques) و ویزیگوت ها ممانعت کند. وی با اتحاد با هراکلیوس (Heraclius)، امپراتور رم شرقی، توانست طوایف اسلاو را که دشمن دیرینه ی آن ها بودند، در منطقه ی خلیج قلع و قمع کند و از آسیب آن ها در امان بماند.

ایزیدور (Isidore)، بزرگترین محقق زمانه، درگذشت. (اسپانیا، ۶۳۶):

ایزیدور، اهل سویل (Seville) که به اعتباری بزرگترین محقق و دانشمند زمانه ی خود بود، در سن ۶۶ سالگی بدرود حیات گفت . وی یک سری کتاب از جمله دایرهٔ المعارفی تدوین کرد که شامل لغت نامه و کلمات مترادف (هم ریشه)، رساله یی درباره ی اخترشناسی، فیزیک، جغرافیا، تاریخ و مطالب زیادی در باب خداشناسی می باشد.

وی آموزگاری تجدید نظر طلب و با علم وآموزش هم آغوش بود، یعنی لحظه یی از یادگیری و آموز ش غافل نمی شد.

بدون تردید یکی از بزرگترین کارهای وی، نگارش ۲۰ جلد کتاب در علم تصریف (صرف و به کارگیری مشتقات لغات از مصدر) و ریشه یابی اصل وریشه ی هر چیز و علل و عوامل آنهاست. وی در هماهنگ کردن و موزون کردن علوم و همزمانی آن ها با هم، فردی بی نظیر و بدون رقیب بود.

گسترش و توسعه ی مرزهای اسلام توسط اعراب.

حضرت محمد (ص) عامل اتحاد عرب، رحلت فرمود. (مدینه (Medina)، عربستان، ۸ ژوئیه ۶۳۲):

حضرت محمد(ص)، بنیان گزار دین اسلام، امروز در سن حدود ۶۲ سالگی رحلت فرمودند. وی در یک خانواده ی تهی دست به دنیا آمد و به زودی یتیم شد. حضرت در یکی از واحه های شهر مکه به دنیا آمد که مرکز مردم بت پرست بود. حضرت محمد در سال ۶۱۰، مردم را به اسلام و پرستش خدای یگانه (الله) دعوت کرد و آن ها را از بت پرستی برحذر داشت. حضرت دین های مسیحی و یهودی را هم برحق دانست که حقیقت آن هم بر وی آشکار شده بود. (پیروان هر دو دین هم از خدای یگانه فرمانبری و اطاعت می کردند) این واقعیت ها از طریق وحی به وی الهام می شد. چون پیروان آن حضرت در شهر مکه کم بودند و او را مورد آزار و اذیت قرار می دادند، به ناچار این شهر را ترک کردند و به شهر مدینه (یثرب) که در حدود ۳۷۰ کیلومتری شمال مکه قرار داشت، به همراه جمعی از یاران با وفای خود مهاجرت کردند. نزول وحی به حضرت محمد ادامه یافت و آن حضرت هم آن ها را به خاطر می سپرد و به صورتی

اسپانیا ۶۵۳

رسه سوینت (Reccessuinth) پادشاه ویزیگوتها قانونی در تولدو (Toledo) (یکی از شهرهای اسپانیا) تنظیم کرد که بر اساس قوانین رومی اتحاد بین هیسپانو رومنها (Hispano – Romans) و ویزیگوت بر پایه مساوات و یگانگی اجرا شود. این نخستین فرمانی است که علیه اختلاف نژادی و عدم احترام به ملیت های گوناگون صادر می شود.

رم ۶۵۳

پاپ مارتین به فرمان فرماندار سرزمین امپراتوری ایتالیا بازداشت و به استانبول فرستاده شد. درآنجا وی به اتهام خیانت بزرگ به مرگ محکوم شد، لیکن حکم اعدام سپس به تبعید مبدل شد.

رودس ۶۵۴

اعراب به جزیره رودس (Rhodes) حمله کردند و طبق روال همیشگی آنجا را به باد غارت دادند.

آسیای مرکزی ۶۵۵

یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی ایران که از اعراب در سال ۶۴۲ شکست خورده و در حال گریز بود، به قتل رسید. در همین اوان اعراب، کابل و قندهار را هم تسخیر کردند.

شبه جزیره کریمه (Crimea) سال ۶۵۵

پاپ مارتین در تبعید به علت سرما و گرسنگی جان سپرد.

آسیای صغیر ۶۵۵

در یک نبرد دریایی بزرگ که در سواحل جنوبی آسیای صغیر بین اعراب و بیزانتین اتفاق افتاد کنستانس دوم به شکست دچار شد. اعراب به تازگی در دریای مدیترانه فرماندهی دریایی تأسیس کرده اند.

بریتانی ۶۵۵

در پیکاری که در کرانه رود ویناود (Winawed) درگرفت، اسوی (Oswy) پادشاه نورتومبریا، پندا (Penda) پادشاه مشرک مرسیا را شکست داده و به قتل رسانید.

آسیای صغیر ۶۵۵

در ساحل لی کیه (Lycia)، اعراب سپاهیان بیزانس به فرماندهی شخص امپراتور کنستانس دوم را مقهور کردند .

عربستان ۱۷ ژوئن ۶۵۶

خلیفه سوم عثمان به قتل رسید و حضرت علی ابن ابیطالب پسر عم و پسر خوانده حضرت محمد(ص) جانشین وی شد.

عربستان ۹ دسامبر ۶۵۶

در نبردی که در مخالفت با حضرت علی (ع) درگرفت، سپاهیان حضرت علی خلیفه مسلمانان، در ناحیه جمل (Camel) نزدیک بصره، لشگریان دشمن را شکست دادند.

مکزیک ۶۵۷

پاکال (Pacal) پادشاه قوم مایا (Maya) در کانون مذهب پالنک (Palenque) به پادشاهی رسید. در جنوب مکزیک در شهر مایا یک رصد خانه ستاره شناسی افتتاح شد.

یادداشت می کرد، وی خود می فرمود که من حامل پیام خداوندی هستم ویکی از بندگان او، که تنها پیام رسانم و مردم را به دین اسلام و پیروی از دستورات الله و بندگی او فرا می خواند. این پیوستگی انسان به خدا را اسلام، و پیروان این دستورات را بنده خواندند. بیشترین قبایل عرب مدینه به آئین اسلام و حضرت محمد(ص) گرویدند و آن را مورد قبول قرار دادند. حضرت در دو سال پیش با مردم مکه پیمان صلح وآشتی بست. در همین هنگام، محمد(ص) به عنوان رسول و پیامبر شناخته شد. در هنگام برگشت حضرت محمد، کعبه، معبد پیشین بت پرستان، به عنوان زیارتگاه و قبله ی مسلمانان جهان پذیرفته شد و کفر وبت پرستی از این سرزمین رخت بربست.

سوریه و اورشلیم (بیت المقدس) به دست اعراب مسلمان افتاد. (خاورنزدیک، ۶۳۸):

پس از شش سال از رحلت پیامبر، بیزانتین (Bizantines)، دچار تکان وحمله قرار گرفت و از نفس افتاد و مسلمانان عرب به پیشرفت خود ادامه دادند و این سرزمین هم اشغال شد و نیروهای اسلام، ارتش مسیحیان را از خاور نزدیک بیرون راندند.

پس از رحلت حضرت محمد، مردم دست به طغیان و شورش زدند، لیکن ابوبکر، نخستین خلیفه ی مسلمانان، نیروهای عرب را جهت دفع شورش و تسخیر بخش هایی از سوریه، بیزانس و ایران در میان رودان، از مدینه به آن مناطق گسیل داشت و آن ها هم در انجام مأموریت خود کامیاب شدند.

این جریان حاکی از آن است که نیروی دفاعی بیزانتین بسیار ضعیف شده بود. درعین حال، عمر (Umar)، جانشین ابوبکر (Abubakr) یکی از سرداران بزرگ اسلام به نام خالدبن ولید (Khalid ibn al- Walid) را درسال ۶۳۵ جهت تسخیر دمشق مرکز سوریه اعزام کرد و وی توانست تا سال ۶۳۶ تمام سرزمین سوریه را اشغال کند و ارتش بیزانس را در ساحل رود یرموک (Yarmuk) واقع در کرانه ی شرقی دریای جلیله (Galilee) به طور کامل منهدم کند. هراکلیوس (Heraclius) امپراتور رم هم، قدرت مقابله با سپاهیان عرب را نداشت و نتوانست جلوی پیشروی آن ها را بگیرد، در نتیجه، ناگزیر اعراب شهر اورشلیم (بیت المقدس)

را هم تصرف کردند. اینک فلسطین تحت سلطه ی بیزانتین، محدود به ناحیه ی اطراف قیصریه شده که در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد و چنین به نظر می رسید که به زودی به دست سربازان غیور اسلام سقوط خواهد کرد.

ابوبکر خلیفه، جانشین حضرت محمد(ص)، درگذشت. (مدینه، ۲۲ اوت ۶۳۴):

ابوبکر، جانشین پیامبراسلام، که خلافت مسلمانان را برعهده داشت، پس از تنها دو سال فرمانروایی، عالم فانی را وداع گفت. این مرد کهن سال و مؤدب و میانه رو، در مدت زمان کوتاه تصدی امور مسلمین، توانست پس از وفات پیامبر، حراست و مراقبت از امور مسلمانان را عهده دار شود.

پس از رحلت بنیان گزار اسلام، حضرت محمد(ص)، وضع و موقعیت مسلمین در هاله یی از ابهام قرار گرفت و دسته های مختلف هر کدام به هواخواهی فردی به عنوان جانشین پیامبر اسلام به پا خاستند. اما گروهی با همکاری و هم فکری یکدیگر، موافقت کردند که ابوبکر به خلافت و جانشینی حضرت محمد انتخاب شود. از آن جمله، حضرت علی(ع) پسر عمو وفرزند خوانده ی پیامبر بود که اعلام جانشینی کرد که بسیاری از طوایف عرب مسلمان ساکن مدینه با او به مخالفت برخاستند. ابوبکر هم یکی از سرداران بزرگ اسلام (خالدبن ولید) را جهت سرکوبی شورشیان (اهل رده که هیچ کس را لایق جانشینی پیامبر نمی دانستند) اعزام کرد وخالد هم توانست این شورش را فرونشاند و آنان را به راه اسلام برگرداند. ابوبکر به خیال تسخیر سرزمین بیزانس در سوریه و کشور ایران در میان رودان، نیروهایی اعزام کرد.

ابوبکر، پیش از فوت، عمر را که فردی عبوس و سخت گیر و درضمن یکی از صحابه ی بزرگ پیامبر بود، به جانشینی خود وبه عنوان خلیفه ی دوم برگزید. او هم مانند سلف خود ابوبکر، نبرد سوریه و میان رودان را ادامه داد.

مرتاضان بودایی هندی، نوشته های بودا را که به زبان سانسکریت بود، جمع آوری کردند. (چین، ۶۴۰):

هسوآنگ تسانگ (Hsuang – Tsang)، یکی از زاهدان چینی، دوازده سال پیش، به قصد سفر، موطن خود را ترک کرد. وی پس از گذر از کوه های پربرف هیمالایا (Himalayas)، درسال ۶۲۸ جهت تحصیل و یادگیری بیشتر علوم دینی، عازم مسافرت شد.

هسوآنگ تسانگ، پیش از سفر، از امپراتور تای زونگ (Taizong)، درخواست اجازه کرد که با این اقدام موافقت کند، این درخواست چندین بار تکرار شد،ولی امپراتور مخالفت کرد. سرانجام وی بدون مجوز امپراتور، اقدام کرد، درحالی که این کار کیفری نابخشودنی در پی داشت، لیکن سفر وی برای پیشبرد مذهب بودا بسیار مفید بود. یکی از اهداف مهم این میسیون مذهبی، گردآوری دست نوشته های بودا به زبان سانسکریت بود که تسانگ در هنگام مراجعت به چین، تمام آن ها را به زبان ملی خود چینی برگرداند تا به رواج بیشتر عقاید و افکار بودا کمک کند.

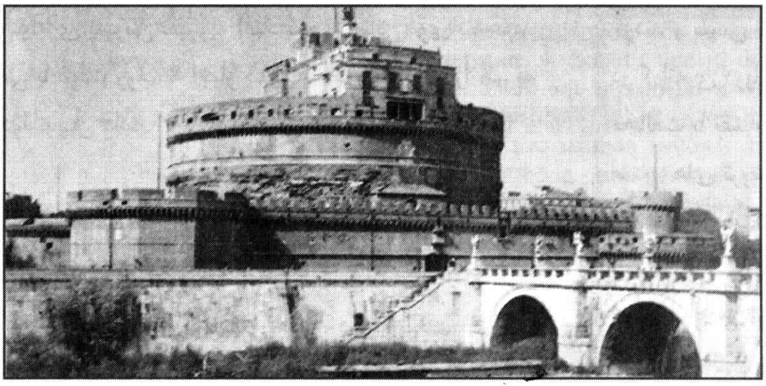
هراکلیوس، صلیب اصلی را به بیزانس برگرداند. (اورشلیم، ۲۱ مارس ۶۳۰):

صلیب و چوبه ی دار اصلی که گفته می شد عیسی مسیح را بر روی آن اعدام کردند، سال ها نزد ایرانیان بود و هراکلیوس توانست آن را پس گرفته و به معبد اورشلیم برگرداند.

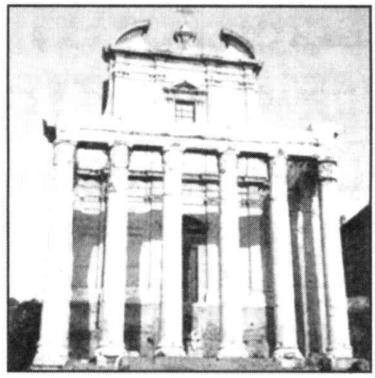
این یکی از بزرگترین پیروزی های سپاهیان رم بود که توانست قدرت و آبروی رم را در خاور نزدیک اعاده کند و مهم ترین سند تاریخی مذهب مسیح را دوباره به چنگ آورد. چنین شهرت داده شده بود که در هنگام انتقال این صلیب، ابرهایی درافق پدیدار خواهد شد. پس از برکناری هراکلیوس و روی کار آمدن فوکاس (Phocas) در سال ۶۱۰ ودر هنگام نبرد سال ۶۱۴ با ایران، این صلیب به دست لشگریان ایران افتاد. سپاهیان ایران با پیروزی های خود در جنوب، به سوی فلسطین و مصر پیشروی کردند و شهر بیت المقدس و از جمله این صلیب را به غنیمت گرفتند و سپس به طرف آسیای صغیر پیش رفتند. در سال ۶۲۲، هراکلیوس با گردآوری و تجهیز سپاهیان رم و به عزم تسخیر مجدد سرزمین های از دست رفته، اقدام کرد. پس از آن که نیروهای نظامی ایران و هم پیمان آن ها که از اقوام آوار بودند، نتوانستند در بیزانس کاری از پیش ببرند، در سال ۶۲۶ هراکلیوس به سوی پایتخت ایران، شهر تیسفون، روانه شد و در سال ۶۲۸ آن جا را تصرف کرد. پس از عزل خسرو پرویز



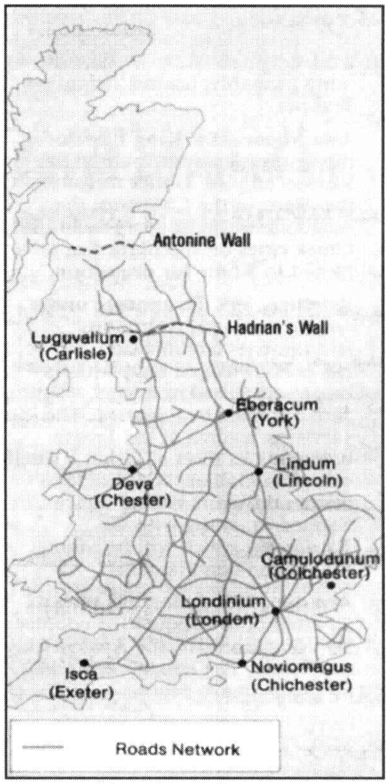
یک سینی نقره با نقش‌های زرین
زمان پادشاهی اشکانیان.



قلعه‌ی سن انجلو (St Angelo) در شهر رم که به دستور هادریان بنا شد. هادریان این محل را برای مقبره‌ی خود ساخت که دورنمای رود تیبر (Tiber) هم از آن به چشم بخورد.



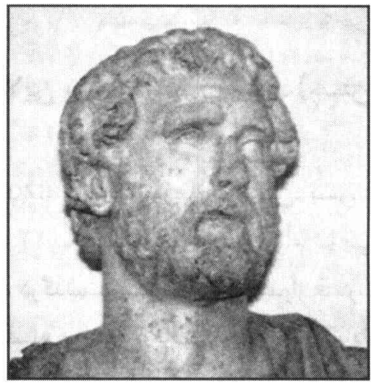
معبد آنتونیوس در میدان مرکزی شهر رم.



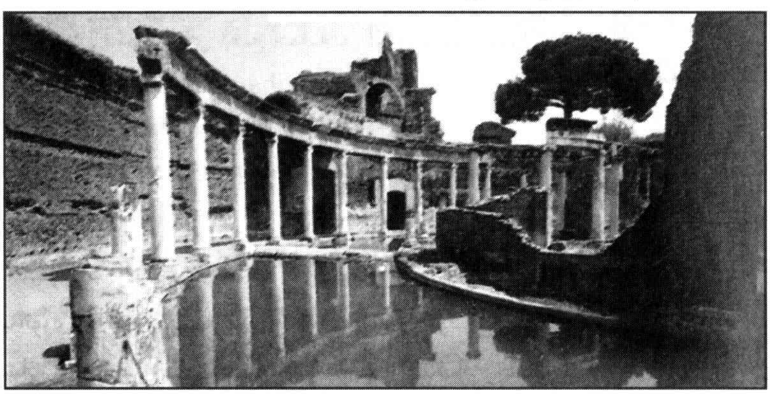
نقشه‌ی بریتانیا در زمان تسلط رم



خدای پرندگان هوروس (Horus) در قبر



انتونیوس پیوس (Antonius Pius)،
امپراتور باشخصیت و مهربان و صمیمی



ویلای یادبود خصوصی هادریان که اکنون ویران شده است.

به وسیله ی پسرش شیرویه (قباد دوم ساسانی) وی با عقد پیمانی با دولت روم، به اجبار صلیب حضرت عیسی را هم به آن دولت پس داد.

دولت شاهنشاهی ایران در مقابل سربازان اسلام سقوط کرد. (ایران، ۶۴۲):

سلسله ی پادشاهی ساسانی ایران، دچار شکست شد. سپاهیان عرب، در تحت فرماندهی سردار بزرگ اسلامی، مشهور به شمشیر خدا، در سال ۶۳۳ به میان رودان که بخشی از غرب کشور ایران بود، حمله کرد و با وجودی که از نظر تعداد نفرات، ارتش ایران دارای برتری بود و حدود دویست زنجیر فیل هم داشت، سرانجام در سال ۶۳۷ در محل قادسیه (Qadisiyya) منهدم شد. در پی این شکست، لشگریان ایران از مقابل دشمن گریختند و شهر تیسفون، پایتخت باستانی ساسانی، با قصرهای باشکوه و مجلل، به دست اعراب افتاد. آن ها تمام گنجینه و ثروت دربار ساسانیان را چپاول و غارت کردند، از جمله فرش بزرگ قصر که مزین به جواهرات بود به وسیله ی اعراب بدوی قطعه قطعه و هر کسی تکه یی از آن را به غنیمت برد. در پی این پیروزی، گروه های بسیار از اعراب به زمین های حاصلخیز بین دجله و فرات روی آوردند و آن جا را اشغال کردند. لیکن سپاهیان عرب، با مردم محلی مخلوط شدند واردوگاههایی در کناره ی مرزهای بیابانی بصره (Basra) و کوفه (Kufa) به وجود آوردند. آن ها قادر بودند که نواحی اطراف را زیر نظر بگیرند و مالیات و خراج کشور را جمع آوری کرده واعراب بدوی را هم برای آزار و اذیت به داخل سرزمین ایران بفرستند. یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، به گردآوری قشون برای دفع حمله ی اعراب دست زد و لیکن درشهر نهاوند (Nihavand) باردیگر شکست خورد.

شهر اسکندریه در مقابل مهاجمان عرب تسلیم شد. (اسکندریه، ۶۴۲):

سقوط شهر اسکندریه که بزرگترین شهر خودمختار امپراتوری رم در مصر واز سویی مرکز تمدن یونانی بود، نشانه ی اوج فتوحات اعراب مسلمان از هنگام رحلت حضرت محمد(ص) می باشد. درسال ۶۴۰ سوریه و فلسطین در برابر هجوم سپاهیان عرب اسلام، مدتی مقاومت کردند و سپس تسلیم شدند واعراب هم شهر قیصریه، واقع در کرانه ی دریای مدیترانه را اشغال کردند. پیش از این، در مخالفت با نقشه ی خلیفه عمر، جنبش هایی در بعضی از استان های ثروتمند مصری آغاز شده بود.

استحکامات و برج وباروهای شهر بابل، کلید فتح مصر مرکزی محسوب می شد، اینک با پیروزی بر شهر اسکندریه که دروازه ی این سرزمین باستانی می باشد، جایزه ارزنده یی است که سپاهیان عرب بدان دست یافته اند.

ارتش بیزانتین، کوه مقاومی در برابر مهاجمان به حساب می آمد، درحالی که وضعیت مردم محلی مبهم و مشکوک بود، کما این که پیش از حمله، خودبه خود تسلیم می شدند و مسیحیان قبطی مصر به عنوان مرتد واهل کفر، پیوسته در زیرآزار و شکنجه دولت قدرتمند بیزانس بودند و نیز افراد فرودست در زیر بار مالیات کمرشان خم شده بود و همواره آرزو داشتند که بتوانند از این ناملایمات رهایی یابند و فاتحان جدید آن ها را از این وضعیت خلاص دهند. در نتیجه، اگر هم با ارتش بیزانتین مخالفت نمی کردند و سد راه آنها نمی شدند،معهذا، باز هم کمک چندانی برای آنها نبودند و شاید کمتر از آنان حمایت می کردند.

آنان به شکل نظاره گرِ عملیات مهاجمان عرب، باقی ماندند، درحالی که حکومت بیزانس قادر به جلوگیری از حملات دریایی آنان نبود و نمی توانست در برابر آنان قد علم کند و به طور مرتب سرزمین های تحت تسلط خود را از دست می داد. این سرزمین ها نقاط ثروتمندی بود که شاید می توانست پایگاه قدرتی در برابر اشغالگران باشد وبدین ترتیب بیزانتین هم آخرین پایگاههای مقاومت را از دست داد.

چین از دوران طلایی برخوردار می شود. (چین، ۶۴۰):

تای زونگ (Taizong)، امپراتور بزرگ چین، پس از یک دوره ی باشکوه ۲۲ ساله سلطنت، گرچه توأم با بی رحمی و قساوت بود، درگذشت. پدر او برای احراز قدرت وسقوط امپراتوری سلسله ی سوئی، تلاش زیادی انجام داد و هزینه ی زیاد کرد تا توانست سلسله ی پادشاهی تانگ را برقرار کند، لیکن همواره تای زونگ مشهور به لی شیمین، در رأس قدرت قرار داشت و کشور را اداره می کرد. وی

هند ۶۵۷

برهماگوپتا (Brahmgupta) ریاضی دان بزرگ هندوستان قوانین مربوط به مفهوم عدد صفر را در کتابی منتشر کرد.

اروپای مرکزی ۶۵۸

سامو (Samo)، پادشاه اسلاوها و مؤسس حاکم نشین بوهم درگذشت.

سوریه ۶۵۹

دولت بیزانتین با فرمانده سپاهیان عرب سوریه بر سر متارکه جنگ به توافق رسید.

میان رودان ۲۴ ژانویه ۶۶۱

حضرت علی (ع) به وسیله یکی از خوارج (Kharajite) در شهر کوفه (Kufa) شهید شد.

سوریه ۶۶۱

معاویه به عنوان خلیفه، جانشین علی (ع) شد و بنیان سلسله خلفای بنی امیه (Umayyad) را گذاشت. وی پایتخت خود را شهر دمشق قرار داد.

ایتالیا ۶۶۳

با تصرف پایتخت سوریه و مصر و تشکیل حکومت نامردمی اعراب، کنستانس دوم امپراتور روم شرقی با سپاهیان دریایی به سوی ایتالیا عزیمت کرد، لیکن این کوششی بی حاصل بود، زیرا بخش اعظم سرزمین اصلی ایتالیا در تصرف لومباردها قرار داشت.

بریتانی ۶۶۴

بیماری طاعون که در سال ۵۴۰ در مصر شایع شده بود و در سال ۵۴۲ به قسطنطنیه سرایت کرد، اینک به جزایر بریتانیا رسیده و در حال شیوع به سراسر اروپا می باشد.

بریتانی ۶۶۴

اسوی (Oswy) پادشاه نورتومبریا که ریاست جلسات ویت بای (Whitby) را برعهده داشت، تصمیمات مهمی گرفت که بر نژاد آنگلوساکسون بسیار مؤثر بود.

چین ۶۶۴

راهب و زائر چینی به نام خوان زانگ (Xuanzang) که مدرسه ویی شیه (Wei – Shih) را تأسیس کرده بود، در سن ۶۸ سالگی دار فانی را وداع کرد. این شخص در سال ۶۲۹ به هند مسافرت کرد و در برگشت، مطالب کتاب مقدس را به زبان سانسکریت به چین آورد.

کره ۶۶۸

پادشاه کره به نام سیلا (Silla) سرزمین های کوگوریو (Koguryo) و پیکچه (Peakche) نزدیک مرز کره را با کمک چین بار دیگر تصرف کرد و بدین ترتیب حاکمیت تمام کره را دارا شد.

سیسیل ۶۶۸

کنستانس دوم امپراتور روم شرقی بر اثر توطئه در شهر سیراکیوز (Syracuse) سیسیل به قتل رسید. این شورش و دسیسه به وسیله پسرش کنستانتین چهارم انجام شد که پدر وی در حین فرونشاندن آن به وسیله توطئه کنندگان کشته شد.

برای به دست آوردن قدرت سلطنت، بسیار ناشکیبا و بی طاقت بود، روی این زمینه در سال ۶۲۷، برادر بزرگتر خود و خانواده اش را به قتل رسانید و پدرش را هم از پادشاهی برکنار ساخت.

وی برای تثبیت موقعیت خود، اقوام ترک شمالی را شکست داد و مرزهای امنی برای کشور به وجود آورد و در آسیای مرکزی نفوذ کرد. جهت بهبود اقتصاد کشور هم، به خرید کالاهای گوناگون از غرب پرداخت و آن هارا در اختیار مصرف کنندگان داخلی قرار داد. به بازرگانان بیگانه هم اجازه داد که به چین بیایند و یک شبکه ی تجاری در کشور ایجاد کنند، بدین جهت، عوامل داخلی را برای توسعه ی بازرگانی به کار گرفت تا به اندازه ی کافی کالا تولید شود و در ضمن قوانین لازم را برای این کار تدوین کرد.

تای زونگ از این امر آگاهی داشت که سلسله ی پادشاهی سویی در اثر قیام و شورش دهقانان سقوط می کند، او برای جلوگیری از آن کمیته هایی برای اصلاحات ارضی تشکیل داد و قوانینی برای تسهیم شدن دهقانان در زمین های زراعتی و شرکت در سود محصول آنها تنظیم کرد، این سال ها برای فرهنگ وتمدن دوران طلایی به شمار می رود، چون شعر و ادب ونقاشی و فلسفه، درخشندگی خاصی پیدا کرد. وی در سال پیش از مرگ خود، با برپا کردن جنگ بین چین وکره، آن سرزمین را به زیر سلطه ی خود آورد که این خود آخرین و بزرگ ترین پیروزی او بود. با این اوصاف، گائوزونگ (Gaozong)، پسر و جانشین وی، وارث کشوری متحد و خوشبخت و سعادتمند است واین موفقیت را هم مرهون پدر خود می باشد.

متن قرآن برای نخستین بار نوشته شد. (مدینه، ۶۵۱):

قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، که به عقیده ی آنها آیاتی است که از سوی خداوند به حضرت محمد(ص) وحی و الهام شده، برای نخستین بار گردآوری ونوشته شد.

آیاتی که به پیامبر نازل می شد، پیامبر آن هارا به خاطر می سپرد و یا به صحابه ی خود می گفت و آن ها هم در سینه ی خود حفظ می کردند.

عثمان، خلیفه ی سوم مسلمین و جانشین عمر که در سال ۶۴۴ به خلافت رسیده بود، از ترس این که این متون

هم چون کتاب های انجیل و تورات که مورد دستبرد اغیار قرار گرفت، درنیاید و آئین جدید دچار ابهام و تشکیک قرار گیرد، امر به گردآوری متون آن داد و این متون مقدس را در یک کتاب واحد جمع آوری کرد.

وی در سال گذشته، مجمعی را مأمور این کار کرد و از صحابه ی حضرت محمد(ص) خواست آنچه را در خاطر دارند، درکمال صحت و امانت به کاتبان قرآن بسپارند و بدین وسیله تمام نصوص پراکنده را گردآوری کرد. در نتیجه، هرچه برخلاف این متون گردآوری شده و غیر معمولی باشد، مورد تحریم است وبه این کتاب نمی شود منسوب کرد.

معمار بزرگ و مؤسس امپراتوری هند، دارفانی را وداع گفت. (هند،۶۴۷):

هارشا (Harsha)، پادشاه کانوج (Canauj)، که هند متحد را به وجود آورد، پس از ۴۱ سال سلطنت، وفات یافت. در سال ۶۰۶ زمانی که وی به قدرت رسید، وارث بخش کوچکی از شمال دهلی بود، اما به تدریج امپراتوری وسیعی را در شمال هند پایه گذاری کرد که از دره ی سند در مغرب تا اوریسا (Orissa) درمغرب گسترش یافت. درحالی که با فوت وی، احتمال این که هند به بخش های کوچکی تقسیم شود، وجود دارد.

هارشا درعین حال، یک نویسنده به شمار می رود که سه جلد کتاب درام به زبان سانسکریت به نگارش درآورده است.گرچه وی یکی از حواریون وهواداران شیوا (Siva)، خدای هندوست، با وجود این، یکی از این درام ها که وی نوشته، حاوی نکات برجسته ی زندگی بودا می باشد. شرح حال و زندگی هارشا و اعمال وکردار وی، درکتابی به نام هارشا کاریتا (Harsha Carita) توسط بهانا (Bhana) نوشته شده است.

پاپ دراثر سرما وگرسنگی در شبه جزیره ی کریمه (Crimea)، جان به جان آفرین تسلیم کرد. (کریمه،۶۵۵):

پاپ مارتین (Martin) که براثر جدال و درگیری با امپراتور کنستانس (Constans) دوم تبعید گردیده بود، فوت شد. مارتین که جانشین تئودور پاپ قبلی بود، با گفتاری در اجلاسیه ی لاتران (Lateran) در رم برعلیه مردمی که خدای یگانه را نمی پرستند، خشم امپراتور را برانگیخت و با پافشاری و ابرام برعقیده ی خود، کنستانس وی را دستگیر و به کریمه تبعید کرد. کنستانس خود قهرمان یگانه پرستی بود و مسیح را موجود مفرد ومجرد می دانست. پاپ را نخست به شهر قسطنطنیه اعزام کردند و سپس به شبه جزیره ی کریمه فرستادند که دراثر سرما وگرسنگی، پس از مدتی جان داد.

قتل خانوادگی در قصر یاماتو (Yamato) (ژاپن، ۶۴۵):

خانواده ی بی رحم و ستمگر سوگا(Soga)، که به سلطنت ژاپن رسیدند، سرانجام به سراشیبی سقوط افتادند . سوگانوایروکا (Soga no Iruka)،درحالی که در تالار با رعام قصر سلطنتی ژاپن به افتخار پیروزی بر سرزمین کره، حضور داشت و جمع کثیری هم در آنجا به همین مناسبت گردآمده بودند، به قتل رسید. سوگانو امی شی (Soga no Emishi)، درحال غضب درباره ی مهارت واستادی خود راجع به موضوعاتی سخنرانی می کرد. ایروکا به وسیله ی شاهزاده ناکانواوی (Naka no oe) کشته شد و امی شی هم دست به خودکشی زد، این اتفاق در روز گذشته حادث شد، در ضمن نگهبانان هوادار او پسر وی را هم کشتند.

سرزمین تبت (Tibet) به سرزمینی مستقل تبدیل می شود.(لهاسا (Lhasa)، ۶۵۰):

یک قدرت جدید و متمرکز که نشان از دولتی قدرتمند می باشد، زیر نظر حکومتی مذهبی در بخش شمالی برمه و غرب تبت به روی کار آمده است.

استرانگ بتسان اسگامپو (Strong – Btsan Sgampo)، پادشاه تبت، با ازدواج با یک شاهزاده خانم چینی و هم چنین شاهزاده خانمی از نپال (Nepal)، برسرزمین های دوردست نپال مسلط شد. پس از این که ی شمشیر در زبان مقدس سانسکریت به صورت سرود مذهبی وارد شد، زاهدان آن را لاماس (Lamas) خواندند، لاماس درآئین بودایی، آمیخته با سحر وجادو تلقی می شود و نشان از کردار وخلق نیکو دارد.

آسیای مرکزی ۶۷۰

قوتلوق (Qutlugh)، خانات (Khanate) اورخون (Orkhon) و امپراتوری ترکان شرقی را پایه گذاری کرد، لیکن تای زونگ (Taizong) امپراتور چین تأسیسات آنجا را تخریب کرد.

آسیای مرکزی ۶۷۰

سپاهیان تبت (Tibet) کنترل حوزه دلتای رود تاریم (Tarim) را در دست گرفته و از چهار پادگان خود به سوی سرزمین چین عزیمت کردند.

افریقای شمالی ۶۷۰

لشگریان عرب با تصرف افریقیه (Ifriqiyah) در شمال افریقا پیروزیهای خود را تکمیل کردند(این سرزمین چسبیده به شرق الجزایر و مرز مصر می باشد).

اسپانیا ۶۷۲

با مرگ رسه سوینت (Reccessuinth) در شهر تولدو، وامبا (Wamba) به پادشاهی اقوام ویزیگوت منصوب شد.

بریتانی ۶۷۳

اسقف بندیکت (Benedict) صومعه یی در مانک ویرمات (Monkwearmouth) واقع در نورتومبریا تأسیس کرد.

چین ۶۷۳

یان لیبن (Yan Liben) نقاش دربار سلسله پادشاهی تانگ درگذشت. وی ریاست کمیته های ساختمانی و کارهای عمومی مربوط به آن و نیز انجام ساختمان قصرهای سلطنتی در پایتخت را عهده دار بود، او در حالی جهان را ترک کرد که توماری از تاریخ سلطنت سیزده امپراتور را از خود به جای گذاشت.

کنستانتینوپول ۶۷۸

اعراب که همه ساله قسطنطنیه را از راه دریا تا سال ۶۷۴ مورد حمله قرار می دادند، امسال با سلاحی به نام آتش یونانی که به وسیله کالی نیکوس (Callinicus) سوری جهت دفاع اختراع شده بود، روبرو گردیدند. این سلاح آتش زای حیرت انگیز که با نوعی تفنگ پرتاب می شد، هنگامی که در آب دریا می افتاد، تولید حریق می کرد. این حریق وحشتناک در دریا توفانی به وجود می آورد که نیروی دشمن را دچار سوختگی های شدید می کرد و سلاحی مرگ زا بود. در نتیجه به کارگیری این سلاح اعراب دچار وحشت شده و به حملات وصدمات خود به قسطنطنیه پایان دادند و به ناچار تن به صلح داده و با بیزانتین پیمان ترک مخاصمه امضا کردند.

افریقای شمالی ۶۷۸

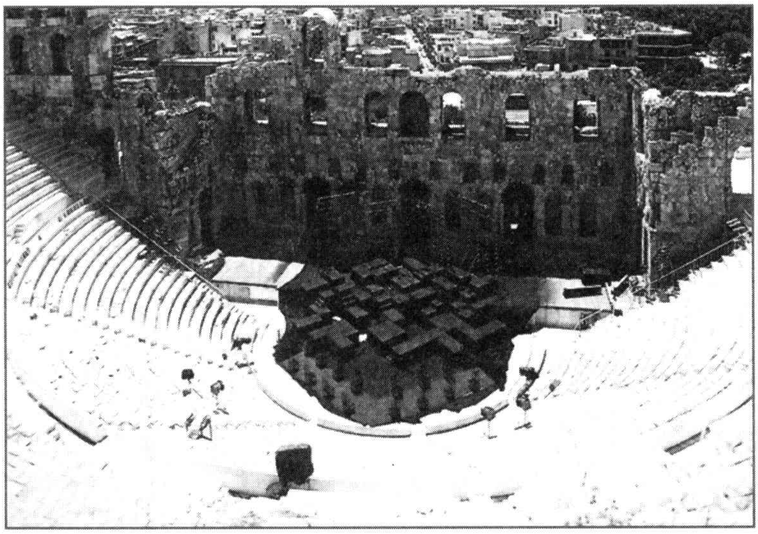
سپاهیان عرب تحت فرماندهی عقباابن نافع (Uqba ibn Nafi) سراسر افریقای شمالی را در نوردیده واز وجود دشمن پاک کردند، برای گذشتن از آب، وی مهمیز به اسب خود زد و شنا کنان از جریان آب عبور کرد و سایر لشگریان عرب هم به او تأسی جستند.

در اجلاسی که در وایت بای (Whitby) تشکیل شد، کلیسای نورتامبریان (Northumbrian) روش آموزش رومی را برای یادگیری به سلت ها انتخاب کرد.(۶۶۴):

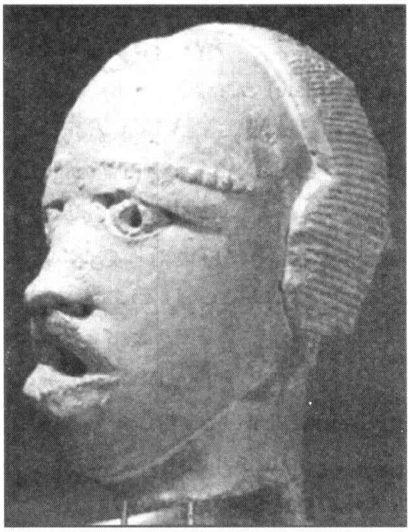
پس از بحث و مناظره ی شدیدی که دراین انجمن برپا شد، اوسوی (Oswy)، پادشاه مقتدر نورتامبریان، تصمیم گرفت که سبک آموزش رومی رابرای تعلیم در پیش گیرد و راهب ویلفرید (Wilfrid) را مأمور این کار کرد. برخی از کشیشان ایرلندی از جلسه خارج شدند، اما اکثریت آنان با این تصمیم موافقت کردند، درحالی که بین مبلغان ایرلندی و رومی، اختلافاتی در مورد آداب و رسوم، از جمله تاریخ عید پاک (ایستر) وجود داشت.

مسیحیت در سال ۶۲۷ به وسیله ی ادوین (Edwin)، پادشاه یورک، با اعتقاد به باپتیسم (Baptism) به نورتامبریا وارد شد، در حالی که مبلغان باپتیست رومی مورد حمایت همسر شاه بودند. لیکن ادوین در نبردی که بین وی و پندا (Penda)، پادشاه کافر مرسیا(Mercia)، در سال ۶۳۳ روی داد، کشته شد. پس از مرگ ادوین، شاهزاده اسوالد (Oswald)، از تبعید، بازگشت وخود را پادشاه ایرلند خواند و در ضمن هیأت بزرگی مرکب از مبلغان مسیحی به سرپرستی آیدان (Aidan) را به لیندیس فارن (Lindisfarne) اعزام کرد. پندا، اسوالد را هم به قتل رسانید، لیکن برادر وی به نام اوسوی، پندا را به انتقام خون برادرش، در جنگ و در سال ۶۵۵ کشت. اوسوی هم مانند برادرش، برای ترویج هر چه بیشتر مسیحیت اقدام کرد. خوشبختانه مسیحیت در جنوب انگلیس در حال نضج بود. در سال ۵۹۷ که آگوستین از سوی پاپ به این منطقه اعزام شده بود، توانست به زودی ایتلبرت (Aethelbert) پادشاه را به تغییر مذهب وادار کند و کانتربوری را به اسقف نشین بزرگی مبدل کند. پس از مرگ شاهان در سال ۶۱۶ جانشینان آنان به مذهب کفر روی آوردند، لیکن رومیان توانستند مسیحیت را در بین مردم اشاعه دهند که مورد قبول زمامداران هم واقع شد. از سویی پس از کشته شدن پندا، شهر مرسیا هم به دین مسیح برگشت.

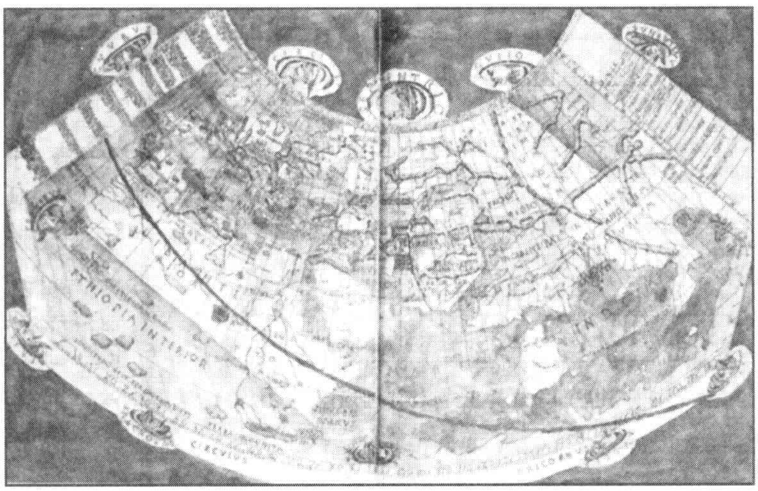
پس از ضرباتی که به مساعی گریمولد (Grimoald) وارد شد، او را سر بریدند. (گل، ۶۵۶):



چشم‌اندازی از عمارت پانتنون در اکروپولیس شهر آتن و سالن تئاتر هرودس اتیکوس (Herodes Atticus) که در سال ۱۶۲ میلادی به اتمام رسید، از منظر نقاشان قرن بیستم.



پیکره‌ی سفالی سر نوک (Nok)، یکی از رهبران نیجریه (Nigeria).



نقشه‌ی جهان زمان پتولمی، سرزمین بریتانیا در بالا و سمت چپ و اقیانوس هند در پایین واقع شده است.



وروس ویکتوریوس (Verus Victorius)، معاون امپراتور مارکوس اورلیوس.



تندیس کالسکه و اسب و کالسکه‌چی از برنز، ساخت دوران سلسله‌ی پادشاهی هان در چین.



مارکوس اورلیوس در فکر صلح و امنیّت.

تلاش های گریمولد و شهردار مقتدر وی که در حقیقت پست نخست وزیری ناحیه ی حاکم نشین فرانکی اوستراسیا (Frankish Austrasia) در شرق گـل را داشت، بـرای احراز قدرت در وین، با شکست مواجه شد. گریمولد هم توسط لوتارسوم، پادشاه نوستریا (Neustria)، در همسایگی آن در منطقه ی شمال غربی گل، به قتل رسید.

لوتار با بخشیدن اوستراسیا به برادرش، به آن منطقه هم استیلا پیدا کرد و شیلدریک (Childeric) برادر خود را بـه فرمانروائی آنجا گماشت. این گرفتاری ها و ویرانی ها از ۱۵۰ سال پیش و پس از مرگ کلوویس بر حاکم نشین مرووینیان (Merovingian) ادامه داشته. در آن زمان، این منطقه به سه بخش نوستریا، اوستراسیا و بورگاندی (Burgundy) تقسیم شده بود. گاهی اوقات هم با اعزام نیروهای مختصری، به مانند زمان داگوبرت (Dagobert) که با پشتیبانی نجبا و شهرداران در آنجا دخالت می کردند، لیکن داگوبرت هم سلطنت خود را از دست داد و در واقع شهرداران تمام قدرت را در اختیار داشتند. گریمولد، فرزند پپین (Pepin)، اهل لاندن (Landen)، که به جانشینی پدر خود رسیده بود و زمام اوستراسیا را در کف داشت، یکی ازمردان قدرتمند بود.

هنگامی که سیگی برت(Sigibert) سوم که تنها ۲۶ سال داشت، فوت شد، گریمولد به نظاره ی سراسر شاهزاده نشین خود پرداخت و داگوبرت ولیعهد را به صومعه یی در ایرلند فرستاد. وی پسرش را به عنوان پادشاه به ایرلند اعزام کرد، لیکن مدت سلطنت وی خیلی کوتاه بود، چون لوتار هردو را بازداشت کرده و درمدت چند ماه آن ها را به قتل رسانید. اکنون شیلدریک دوم به عنوان فرمانروای اوستراسیای مرووینیان به ساخت پایگاه قدرت خود مشغول است.

تلاش های سخت دنیای اسلام برای به دست آوردن قدرت، موجب لرزش جهانی شده است. آشوب طلبان خلیفه را دستگیر و کشتند. (مدینه، ۱۷ ژوئن ۶۵۶):

آشوب طلبان میان رودان، عثمان، خلیفه ی ۸۲ ساله ی مسلمین را در حال خواندن قرآن، به قتل رسانیدند، آنان به زور وارد خانه ی او در مدینه شدند وعثمان را کشتند. با

سوریه ۶۷۸

یزید پسر معاویه پس از مرگ وی در شهر دمشق، خود را خلیفه مسلمین و جانشین معاویه قلمداد کرد.

قسطنطنیه ۶۸۰

کنستانتین چهارم که تاکنون با برادر کوچکتر خود به نام هراکلیوس (Heraclius) و تیبریوس (Tiberius) در امر فرمانروایی شریک بود، با فشار آنها را بر کنار کرده و خود به تنهایی امپراتور شد.

کنستانتینوپول ۶۸۰

مونوفیزیت های واقعی از حمله اعراب به مصر و سوریه زیان های زیادی متحمل شدند. امپراتور کنستانتین چهارم که تا به حال راه آشتی را با مونوتلت ها برگزیده بود، حمایت خود را از آنان دریغ داشت و آنها را رها کرد، تا حدی که ششمین اجلاس جهانی مسیحیت را جهت محکومیت آنها تشکیل داده و اعلام داشت مذهب رسمی، ارتودوکس و کاتولیک است.

میان رودان ۱۰ اکتبر ۶۸۰

حضرت امام حسین (ع) فرزند امام علی (ع) در نبرد کربلا به قتل رسید. با مرگ وی مذهب شیعه رواج یافت. عقیده شیعه مخالف عقیده قاطبه مسلمانان است. شیعیان بر این باورند که تعبیر و تفسیری که از قرآن که بر محمد(ص) نازل شده، صحیح تر و منحصر به فرد است. آنها معتقدند که علی (ع) امام و پیشوا بوده و از هر گناه و غلط مبرا است و مقام امامت مقامی است که خداوند به آنان اعطا کرده است. هم چنین شیعیان عقیده دارند که امام حسین (ع) به عنوان شهید در خور احترام ویژه است.

اسپانیا ۶۸۰

کنت ارویگ (Count Ervig)، اهالی باسک (Basque) را تحریک به شورش علیه وامبا (Wamba) پادشاه ویزیگوتها کرد، وی از این حالت یاغی گری استفاده کرد، چون با تغییرات و دگرگونیها در کلیسا و نیروهای نظامی ناراضی بود، در نتیجه وامبا از حکومت برکنار شد تا جانشین پادشاه برطبق امیال اشراف شورشی حکومت نماید.

بالکان ۶۸۱

بلغارها پس از هزیمت و شکست سپاهیان بیزانس، حکومت مستقل محلی در دلتای رود دانوب تشکیل دادند.

بریتانی ۶۸۲

در پی جدال های ویلفرید (Wilfrid)، اسقف اعظم، وی را از حوزه اسقفی نورتومبریا تبعید کردند و ساکسونهای جنوب ساسکس (Sussex) به مسیحیت گرویدند.

خاور نزدیک ۶۸۲

عبدالله بن زبیر که پشتیبانی مردم مکه و مدینه را به همراه داشت، خود را خلیفه مسلمین معرفی کرد. در حالیکه برخی از مردم میان رودان و مصر و بعضی از افراد قبیله قیس (Qais) در سوریه وی را حمایت می کردند.

مرگ این صحابه ی پیامبر و برکناری او از خلافت، دنیای اسلام دچار تشنج و سردرگمی شد. مهاجمان به در خانه ی وی هجوم بردند، درحالی که در فصل تابستان سرزمین حجاز بسیار گرم وطاقت فرساست و خانه ها در و پیکر درستی ندارد، هجوم به منزل عثمان خیلی به سادگی انجام شد. آنان خلیفه را با زجر و شکنجه در حالت تشنگی و گرسنگی، به هلاکت رساندند.

مردم پس از فوت عثمان، حضرت علی (ع)، پسر عم پیامبر را به جانشینی او برگزیدند.

حضرت علی(ع) مجبور به ترک نبرد صفین (Siffin) می شود. (میان رودان، ۲۶ ژوئیه۶۵۷):

در میدان نبرد صفین که جنگ میان سپاهیان حضرت علی و معاویه (Muawiyah) حاکم سوریه، درگرفت، سپاهیان معاویه با زدن قرآن به سرنیزه های خود، خواستار متارکه ی جنگ بین دو فرقه مسلمانان شدند والبته این جریان برای فشار به سپاهیان حضرت علی بودکه دست از جنگ بازدارند.

سپاهیان سوری معاویه و برخی از هواداران ظاهری حضرت علی، بر این باور بودند که علی (ع) قاتل خلیفه (Caliph) عثمان می باشد و براین عقیده هم پافشاری می کردند. در نتیجه هر دو سوی پیکار کنندگان، این موضوع را به حکمیت کشاندند.

حضرت علی در بیرون مسجد کوفه به قتل رسید. (کوفه، ۲۴ ژوئیه ۶۶۱):

حضرت علی، داماد حضرت محمد(ص)، بنیان گزار دین اسلام، توسط یکی از افراد شورشی و تبعیدی خوارج (Kharajite) به قتل رسید. قاتل، حضرت را با شمشیر زهرآلود زخمی کرد، درحالی که حضرت از مسجد کوفه واقع در میان رودان (عراق) خارج می شد. آنان را بدین سبب خوارج می گفتند که در جنگ نهروان (Nahrawan)، تمام قضایای سری و رموز جنگ را فاش کردند و همگی سوگند خوردند که حضرت علی (ع) را خواهند کشت، حتی در همین نبرد هم، آن ها حضرت را مورد حمله قرار دادند.

تعرضاتی که به حضرت شد، وی را وادار کرد که آن هارا از شهر کوفه براند، لیکن آنها در جنگ صفین به صورت ظاهر شرکت کردند و هنگامی که حضرت با حکمیت موافقت کرد، آن ها اعتراض کردند و حکمیت (داوری) را نپذیرفتند و ترجیح می دادند که به نبرد ادامه دهند. خوارج اظهار می داشتند که حکمیت مورد قبول آنان نیست و علی (ع) باید به جنگ ادامه دهد، چون داور و حکم نهایی خداوند است. برطبق نقشه ی آنان، یکی دیگر از خوارج قصد داشت معاویه، یکی دیگر از امضاء کنندگان پیمان متارکه ی جنگ صفین را به قتل برساند، لیکن وی در انجام مأموریت خود کامیاب نشد.

فرماندار دمشق به عنوان خلیفه انتخاب شد. (دمشق، ۶۷۸):

با مرگ معاویه، یزید با قید سوگند، به جانشینی پدرش انتخاب شد، درحالی که او فرماندار شهر دمشق بود و اکنون یزید پسر معاویه، در مسند خلافت مسلمین قرار دارد.

یزید اعلام داشت که وی ادامه دهنده ی راه پدر خود معاویه می باشد و قدرت خلافت را حفظ خواهد کرد. این نخستین بار بود که پس از معاویه که مدت ۱۸ سال خلافت مسلمانان را عهده دار بود،پسر وی به جانشینی برگزیده شود، چون بدین ترتیب، زمامداری، حالت موروثی به خود گرفت.

به هر حال، یزید تا جایی که قدرت داشت، در مقابل حریفان ایستادگی کرد وبرای پایداری در حفظ سوگند خود، دست به مبارزه زد.

سرآمد حریفان یزید، حضرت حسین (ع)، پسر حضرت علی بود که در مقابل یزید ایستاد و رشوه ی یزید نتوانست وی را از مبارزه باز دارد، چون به طور ذاتی برعلیه زور وفشار می ایستاد. یزید نمی توانست با آرامش و سکوت که شیوه‌ی پدرش معاویه بود، حریفان را از میدان به در کند و زیرکی و سیاست معاویه را فاقد بود، درحالی که خلیفه و شخص اول سیاست، بایستی حائز چنین صفاتی باشد. با وجود این، معاویه یک سیاستمدار زیرک و باهوش بود.

مسلمانان، ناحیه شمال افریقا را هم تصرف کردند. (افریقای شمالی، ۶۷۰):

امپراتوری بیزانس، به طور مرتب و بدون وقفه در مقابل لشگریان اسلام دچار شکست می شود و نیروی نظامی مسلمانان در این سرزمین به پیش می روند. حالا زمانی

بریتانی ۶۸۳
اسقف بندیکت صومعه یی در ژارو (Jarrow) واقع در نورتومبریا تاسیس کرد.
آسیای مرکزی ۶۸۳
قتلق، خان ترک، از ناحیه چان یو (Chan Yu) به خاک چین حمله ور شد.
چین ۶۸۳
با مرگ کائوزونگ (Kaozong) امپراتور چین در لویانگ (Loyang)، زن صیغه یی او به نام ووشائو (Wu Zhao)، تخت و تاج را تصرف و سلسله پادشاهی شائو را در چین بنیان نهاد.
سوریه ۶۸۴
قبیله قیس که ابن زبیر را به عنوان خلیفه اعلام کرده بود در منطقه مرج راحت (Marj Rahit) از بنی امیه شکست سختی خورد.
بریتانی ۶۸۵
اهالی ناحیه پیکت ها (Picts) در نبردی در نزدیکی فورفار (Forfar)، سپاهیان نورتومبریا را شکست داده و پادشاه آنها به نام اکفریت (Ecgfrith) را کشتند.
سوریه ۶۸۵
عبدالملک پسر مروان (Marwan) پس از مرگ پدر به جای وی نشست. مروان نسبت دوری با معاویه خلیفه بنی امیه داشت. امویان مذهب سنی داشتند و اهل سنت آنها را حمایت می کردند. آنها در مقابله با شیعیان قرار داشتند و با قدرت خلافت عقاید خود را به دیگران تحمیل می کردند.
سوریه – قسطنطنیه ۶۸۵
عبدالملک و کنستانتین چهارم بر سر اخذ عوارض و مالیات سرزمین های ارمنستان، ایبریا (Iberia) (گرجستان – Georgia) و قبرس توافق کردند که با هم شرکت داشته باشند.
ژاپن ۶۸۵
دین بودا در ژاپن حالت بومی به خود گرفت.
کنستانتینوپول ۶۸۵
ژوستی نیان دوم در سن ۱۶ سالگی به عنوان امپراتور بیزانس جانشین پدر خود کنستانتین چهارم شد.
بریتانی ۶۸۷
بعد از فتح وسکس به وسیله کائدوالا (Caedwalla) پادشاه ناحیه، جزیره وایت (Wight) آخرین منطقه از آنگلوساکسونها در انگلیس بود که دین مسیحیت را پذیرفت.
گل ۶۸۷
پس از یک سری مناقشات که بین شهروندان اوسترازیان (Austrasian) و نوستریان (Neustrian) درگرفت، فرمانروای حقیقی فرانکها که در پشت صحنه بود، سربرآورد و در پیکاری که پیپن (Pepin) دوم پادشاه به حمایت از شهردار اوسترازیا برنده شد، اکنون فرانک ها با هم متحد شده و تحت رهبری پادشاه و مهمتر از آن شهردار واحد زندگی می کنند.

رسیده که افریقای شمالی هم به متصرفات خلفا اضافه شود. اعزام نیرو به افریقا، از سال ۶۴۰ شروع شد، همزمان با بیرون راندن سپاهیان بیزانتین از سوریه و فلسطین، در همین حال، سپاهیانی به فرماندهی عمرو بن عاص (Amr ibn al-As) به سرزمین مصر حمله کردند. درسال ۶۴۲ شهر بزرگ اسکندریه که به وسیله ی یونانیان پایه گذاری شده بود، در برابر اعراب سقوط کرد، در همین سال، اعراب ایالت سیرنائیک (Cyrenaica) در قسمت غربی مصر را هم فتح کردند. پس از آن، بلافاصله در حدود سال ۶۴۷ نیروهای اعراب به تونس (Tunisia) وارد شدند و ارتش رم شرقی به رهبری گریگوری فرماندار شمال افریقا را منهدم و خود وی را کشتند.

امپراتور رم شرقی هم اعلام کردکه نیروهای امپراتوری دست از مقاومت بردارند، چون قادر به مقابله با اعراب نیستند، او با آگاهی های مختصری که از منطقه به دست آورده بود، به این موضوع تن در داد.

به هر صورت، در سال ۶۶۵ سپاهیان عرب، برای نخستین بار، برای بازدید شهر تونس وارد این شهر شدند. نیروی نظامی اعراب با شناسایی سرزمین های جدید شمال افریقا، در انتظار پیروزی بزرگ دیگری دراین منطقه بودند. اکنون وسعت سرزمین های اسلامی از شهر قیروان (Kairouan) در کناره ی صحرای تونس تا کابل در افغانستان ادامه داشت و این نشانه ی عظمت امپراتوری اسلام بود که تقریباً بدون زحمت بدان دست یافته بودند.

همسر صیغه یی امپراتور پیشین به سلطنت رسید. (چین، ۶۹۰):

ووشائو (Wu Zhao)، همسر زیبای صیغه یی امپراتور تای زونگ، که پس از مرگ امپراتور به همسری پسر ضعیف و ناتوان وی به نام کائوزونگ (Kaozong) درآمد، و خودرا امپراتریس خواند که در عین حال، مقدس و قابل ستایش باشد. او زنی بود خیلی ظالم و ستمگر و در عین حال از هوش وذکاوت زیادی برخوردار بود.

وی درکمال بی رحمی، در کسب قدرت می کوشید و تمام شاهزاده خانم های سلسله تانگ را به قتل رسانید و دو پسر خود را که فرماندار استان های دور دست بودند، برکنار کرد. او یکی از حریفان سرسخت و دشمن خود را مبدل به

دوستدار و عاشق خود کردو درکمال قساوت و بی رحمی، خوک صفتانه دست و پای او را قطع کرد. لیکن در هر حال و با وجود خوی تند و خشن، ووشائو برای اداره ی امور کشور چین فردی قابل بود که در عین حال، قدرت حکومت و ظرفیت فرمانروایی را دارا بود.

نیروهای نظامی پیکت ها، نورتامبریان ها را مقهور کردند. (فورفار (Forfar)، بریتانیا، ۲۱ مه ۶۸۵):

مدت سی سال تسلط نورتامبریان ها بر قبایل پیکت به پایان رسید. دیروز در نبردی که به فرماندهی پادشاه بریدی (Bridei)، فرزند بیلی(Bili)، با اگفرید (Ecgfrith) پادشاه نورتامبریان ها، برپا شد، اگفرید پادشاه نورتامبریان، کشته شد. بریدی با حیله و نیرنگ در سر راه اگفرید در دره ی انگوس (Angus) به کمین نشست و پیش از این که نیروی امدادی به کمک او بیابند، وی را به قتل رسانید.

جسد اگفرید را به کلیسا فرستادند، بدون این که مورد آزار واذیت قرار گیرد، چون هر دو طرف مسیحی بودند و در اثر مساعی اسقف کولومبا (Columba) در ایرلند، دین خود را به مسیحیت برگردانده بودند. پیکت ها، مردمی مرموز بودند . آنها از شمال اروپا به جزیره ی ایرلند آمده بودند و سپس به سرزمین های وحشی شمال بریتانیا مهاجرت کردند. رومیان نتوانستند آن ها را مقهور کنند، زیرا در سراسر دیوار هادریان به تاخت وتاز مشغول بودند.

پس از این که رومیان این منطقه را ترک کردند، پیکت ها با پیمانی کوتاه مدت که با آنگلوساکسون های قدرتمند بستند، با شاهزاده نشین قدیمی سلتیک (Celtic) استرات کلاید (Strath Clyde) و اسکات ها (Scots) که آن ها هم از سلت ها بودند، روابطی برقرار کردند. آن ها از ایرلند در ۲۰۰ سال قبل به سوی شمال بریتانیا مهاجرت کردند و در سال ۵۵۰ با هم متحد شدند. در ۸۲ سال پیش، آیدان (Aidan)، رهبر اسکات ها، با پیکت ها برعلیه ایتل فریت (Aethelfrith)، پادشاه نورتامبریا پیمان اتحاد بست، لیکن مورد تعرض وحمله ی اقوام نورتامبریاواقع شدند. در سال ۶۵۷ اوسوی (Oswy)، درس خوانده شده را تکرار کرد و کنترل سرزمین واقع در کرانه ی رودخانه ی فورت (Forth) را در دست گرفت.

بلغارها، امپراتور بیزانتین را شکست دادند. (بالکان، ژوئیه ۶۸۱):

بلغارها که مانند هون ها از نسل قبایل چادرنشین استپ های آسیای مرکزی بودند، امپراتوری بیزانس را شکست دادند و چون چشم طمع به اروپای شرقی داشتند، در کرانه های شرقی رود دانوب سکونت گزیدند. آنان تحت رهبری آسپاروخ (Asparukh)، به غارت دارایی های سرزمین بیزانتین دست زدند. کنستانتین چهارم، امپراتور روم شرقی هم، سپاهی عظیم برای دفع آن ها اعزام کرد، کنستانتین شکست خورد و به اجبار به قسطنطنیه بازگشت.

اسقف انگلیسی در مقام قدیسان (بریتانی، ۶۸۷):

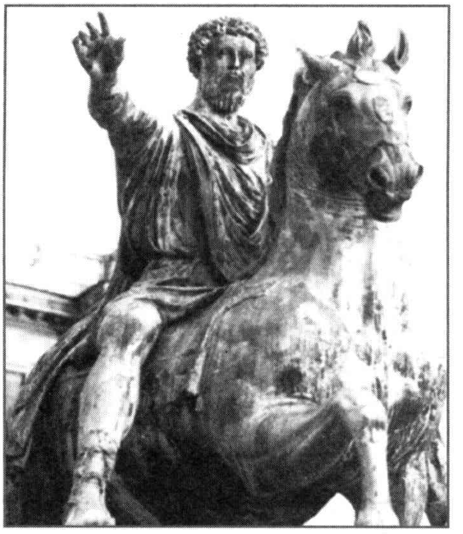
گاتبرت (Guthbert)، اسقف شهر لیندیس فارن (Lindisfarne)، در جزیره ی دور افتاده ی فارن، به حالت عزلت، بدرود حیات گفت و بلافاصله، به عنوان یکی از قدیسان پذیرفته شد. گاتبرت، یکی از افسران نجیب زاده بود که در سال ۶۵۱ در دیر ملروز (Melrose) ساکن شد. وی در این اواخر، به طور خستگی ناپذیری، مشغول کار بود و تا سال ۶۶۱ که برای آخرین بار به ملروز برگشت، سرگرم سخنرانی های دینی و درمان بیماران مبتلا به طاعون بود. او به صومعه ی لیندیس فارن برگشت، لیکن در سال ۶۷۶ یک جزیره ی دورافتاده را انتخاب کرد و در آن جا مسکن گزید. در همین سال، اگفرید، پادشاه نورتامبریا، به ملاقات وی رفت و از او دعوت کرد که به مقام اسقفی درآید. وی با کمال شجاعت، این مطلب را پذیرفت، لیکن دو سال بعد بیمار شد و به جزیره ی فارن برگشت و پس از مدت کوتاهی، دارفانی را وداع گفت.

خان بزرگ ترکستان،در سن ۸۰ سالگی فوت شد. (آسیای مرکزی،۶۹۱):

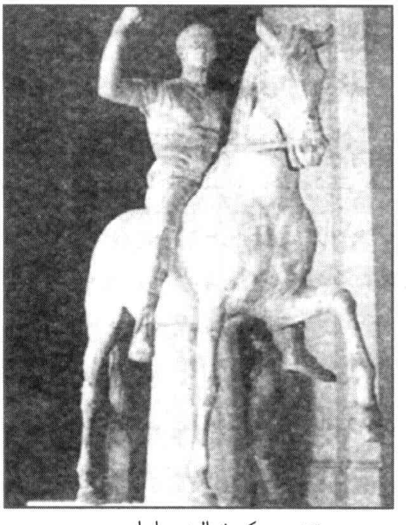
خان بزرگ التریخ خاقان (Elterich Kaghan)، ملقب به قوتلوق (Qutlugh)، به معنای خوشبخت، در سن ۸۰ سالگی وفات یافت و امپراتوری شرق ترکستان را رها کرد و برادرش به نام بک تخور (Bek Tchor)، جانشین او شد.

قوتلوق در زمانی که شاهزاده ی جوانی بود، با کمک طرفداران خویش، پنهانی برعلیه آداب و رسوم و سلطه ی چینی ها قیام کرد.

درسال ۶۷۰ بار دیگر، خانات ترک اورخون (Orkhon) را در ناحیه ی شرق ترکستان تأسیس کرد. وی با تعصبی که



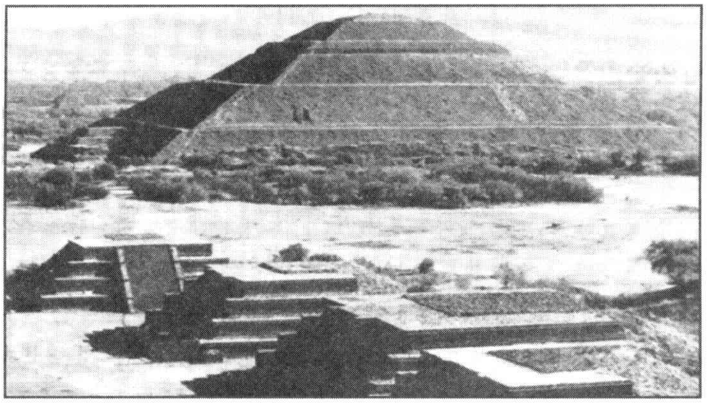
پیکره‌ی برنزی مارکوس اورلیوس (Marcus Aurelius)
(مارک اورل) در رم (حدود سال ۱۶۵ میلادی)



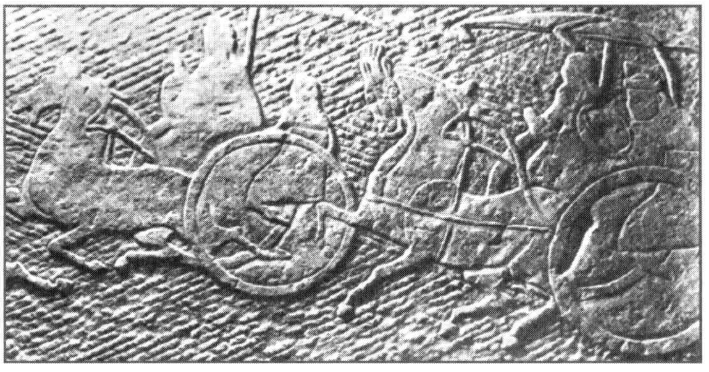
تندیس یک شوالیه سوار از پومپی.



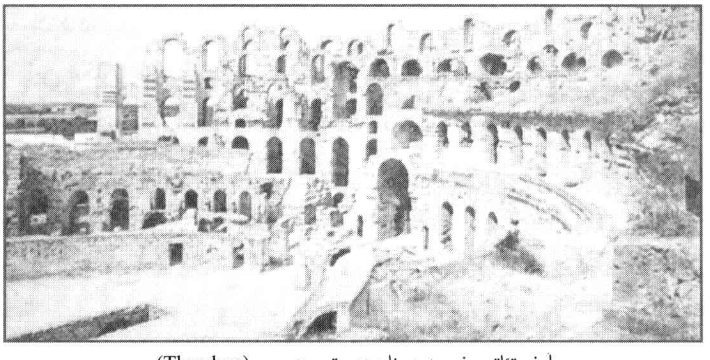
کومودوس (Commodus)، قهرمان رمی در نقش هرکول.



هرم بزرگداشت خدای خورشید و هرم کوچک‌تر برای پرستش ماه
در شهر تئوتیهوکان (Teotihuacan) مکزیک.



اسب‌ها و ارابه‌رانان کتیبه‌ی سنگی بر گور پادشاهان سلسله‌ی هان.



امفی‌تئاتر مخروبه در ناحیه‌ی تیس‌دروس (Thysdrus)
از مناطق بزرگ پرورش زیتون از متصرفات رومیان در افریقای شمالی.



نقش یک روستایی که به‌نظر می‌رسد از سلامت کامل برخوردار است،
در حال شخم زمین با گاوآهن در روی موزاییک.

برای زبان ترکی داشت، مجدداً این سلسله خانی را بنیان نهاد و گویش ترکی را ترویج کرد.

گنبد صخره در شهر اورشلیم برپا می شود. (اورشلیم، ۶۹۱):

مسجد جدیدی به یادبود آئین جدید، در اورشلیم (بیت المقدس) ساخته شد. این مسجد عظیم و پرشکوه که یادگاری از حوادث دو آئین اسلام ویهودی است و به نام گنبد سنگی یا قبه الصخره (Qubbat as- Sakrah) نامیده می شود، به امر و دستور حاکمان عرب مسلمان بنا شد. ساختمان جدید مسجد قبه الصخره، به دستور خلیفه عبدالملک، سومین خلیفه ی بنی امیه، در سال ۶۶۰ و هنگامی که وی فرماندار کرانه ی شرق مدیترانه بود، آغاز شد. به طوری که اظهار شده، این گنبد، حاکی از دو حادثه است ؛ یکی این که حضرت ابراهیم، پیامبر بزرگ یهود و مسلمانان، برای جلب حمایت و سپاسگزاری از الطاف یهوه (Yahweh)، قصدداشت، اسحاق، پسر خود را قربانی کند. دیگر این که، حضرت محمد(ص) دراین مکان به پیامبری مبعوث شد.

این مکان شریف به شکل هشت گوشی متناسب و مساوی ساخته شده که گنبد آن تمام پایه ها را پوشانیده است. گنبد و دیوارها هم از موزائیک هایی که جلای شیشه یی دارد، پوشانده شده و روی آن ها طلا کاری شده است.

نوه ی پیامبر اسلام، درجنگی برای کسب قدرت، به شهادت رسید. (میان رودان، ۱۰ اکتبر ۶۸۰):

با شهادت حضرت حسین(ع) نوه ی پیامبر اسلام، اختلاف عمیقی بین مسلمانان ایجاد شد. حضرت حسین بن علی، درجنگی به مناسبت اعلام خلافت یزید شرکت کرد و نشان داد که خلافت یزید به هیچ وجه مورد قبول وی نیست.این نبرد، درکربلا، نزدیک شهر کوفه، درگرفت و لشگریان حضرت حسین(ع) تنها در حدود ۷۰ نفر بودند که همگی به شهادت رسیدند.

معاویه، خلیفه ی پیشین بنی امیه، سلسله ی خلافت امویان (Uvayyad) را بنیان نهاد و یزید پسر خود را هم، به جانشینی انتخاب کرد. حضرت حسین(ع) با این گزینش به مخالفت برخاست و برعلیه یزید قیام کرد و به سوی کوفه، شهری که حضرت علی(ع)، پدرش و پسرخوانده ی پیامبر به مدت کوتاهی در آن جا به خلافت نشسته بود، رفت.

هواداران حضرت علی را شیعه می نامند و شیعیان معتقدند که آن ها فهم بیشتری از اسلام دارند و پیرو اسلام حقیقی هستند و به سنیان معترض هستند و عناد می ورزند.

حضرت حسین بن علی، پیش از آن که به کوفه برسد، با لشگریان ابن زیاد (Ibn Ziyad) روبرو شد. ابن زیاد، فرماندار میان رودان و کوفه بود. همراهان حضرت حسین تک تک به میدان نبرد شتافتند و برعلیه دشمن، شجاعانه جنگیدند و همگی به شهادت رسیدند.

اسقف های قسطنطنیه، به کشیشان و راهبان اجازه ی ازدواج دادند. (کنستانتینوپول، ۶۹۲):

در اجتماعی که در شهر قسطنطنیه با شرکت تمام اسقف ها بر پا شد، تصمیمات مهمی اتخاذ شد و محدودیت های کلیسایی برداشته شد که این امر، خشم رم را برانگیخت. کاردینال ها واسقف ها، به راهبان کلیسا اجازه دادند که ازدواج کنند واز سویی آنان اجباری ندارند که روز شنبه را در حال روزه باشند و دوره ی پرهیز را رعایت کنند (روزه مسیحیان ۴۰ روز است) به هر حال، با این تصمیمات، مسیح را به یک بره سر به زیر تشبیه کردند.

این تغییرات، سبب گرفتاری و دردسر کنستانتین چهارم، امپراتور بیزانس را فراهم کرد، چون وی با فعالیت شدید خود، در پی اصلاح روابط قسطنطنیه و رم بود. از طرفی، پدرش کنستانس دوم، پاپ مارتین را در سال ۶۵۵ زندانی کرده بود و پاپ مارتین هم در همان زندان جان سپرد، امپراتور سعی می کرد که از هراس پاپ نسبت به قسطنطنیه بکاهد. بالاخره در سال ۶۸۰ مصمم شد که کنگره ی جهانی کلیساها را تشکیل داده و نظریات پاپ را در آن کنگره به کرسی بنشاند.

پاپ سرژیوس (Sergius)، بدون شک بر سر تصمیمات خود مُصر بود و عقاید جدید را تحمیل می کرد. در هر حال، این چنین شهرت داشت که پاپ در صدد بوده که با حمایت نیروی نظامی، امپراتور را دستگیر کرده و به زندان بیندازد.

بریتانی ۲۰ مارس ۶۸۷

زاهد مقدس کوتبرت (Cuthbert) که در جزایر فارن (Farne) زندگی می کرد و به مقام اسقفی لیندیسفارن (Lindisfarne) در نورتومبریا نایل شده بود، درگذشت.

ایتالیا ۶۸۹

کونی پرت (Cunipert) شاه لومباردیا، دوک های عصیان زده را شکست داد و دین واحدی در منطقه برقرار ساخت. لیکن سرانجام آریانیسم (Arianism) هم از منطقه رخت بربست.

گل ۶۹۰

ویلی برورد (Willibrord) یکی از راهبان مسیحی نورتومبریا به تمام قاره اروپا مسافرت کرد و بازبان فرانکی به مردم بشارتهای انجیل را ابلاغ و عمل به آن را تشویق کرده و از فریزیانهای (Frisian) (اهالی فریزلند – Friesland) مشرک برحذر داشت.

سوماترا ۶۹۰

حاکم نشین مالایا از سرزمین سریویجایا (Srivijaya)، شاهزاده نشین اندونزیایی منطقه مالایو (Malayu) را تسخیر و شهر پالم بانگ (Palembang) را پایتخت خود قرار داده و به دین بودایی گروید.

بالکان ۶۹۰

ژوستی نیان دوم امپراتور بیزانس با شکست دادن اسلاوها، مقدونیه و تراس را پایگاه امپراتوری قرارداد.

میان رودان ۶۹۰

مصاحب (Mus,ab) فرماندار میان رودان و برادر ابن زبیر شورشی، در ساحل رود دجله از سپاهیان خلیفه عبدالملک شکست خورد.

عربستان ۶۹۰

یکی از فرماندهان سپاه عبدالملک به نام حجاج (Hajjaj)، شهر مدینه را متصرف شد.

افریقای غربی ۶۹۰

در منطقه نیجرعلیا (بالایی) حاکم نشین گائو (Gao) تأسیس شد.

آسیای مرکزی ۶۹۱

پس از مرگ قتلق خان، برادر وی به نام بک تخور (Bek Tchor) به عنوان خان بزرگ جانشین وی شد.

فلسطین ۶۹۱

گنبد مسجد قبة الضحره در اورشلیم (بیت المقدس) به طور کامل ساخته شد.

آسیای مرکزی ۶۹۲

دولت چین، حوزه رود تاریم را بار دیگر متصرف شد.

قسطنطنیه ۶۹۲

در یک مجمع اسقف ها که در استانبول تشکیل شد، شرکت کنندگان تأیید کردند، همانطور که آداب کاتولیکی در غرب حکمفرماست، در شرق هم ارتودوکس رواج دارد و این دو فرقه هم پایه اند و کنستانتیوبول در مقابل پاپ می باشد و پاپ و کنستانتینوپول دو سر یک استوانه اند.

پیشرفت و ترقی ونیز (Venice)، باعث شد که آن شهر سردمدار منطقه شود.(ونیز، ۷۰۰):

شهر بزرگ یا ایالت ونیز که به مدت پنج تا شش سده، پناهگاه خانوادگی سپاهیان مهاجم هون ها بود، اکنون به رشد سریعی دست یافته و به مرکز بازرگانی مهمی تبدیل شده. این شهر که برحسب ظاهر، تابع فرمانروایان قسطنطنیه است، در حقیقت به یک دوک نشین یا دوژ (Doge) مبدل گشته و از هر نظر، خودمختار و مستقل می باشد و ساکنان آن تمایل به استقلال و آزادی دارند و دوژیا رهبر را، خود انتخاب می کنند.

ونیز، شهر واحدی است که بر روی پایاب های رودخانه ی پو (Po) و بر روی جزایر کوچک بنا شده که به وسیله ی پایه های چوبی عظیم به ساحل مربوط می شود و کانال های بسیاری نقاط مختلف آبی را به هم متصل می سازد. این شهر که مرکز شهرهای کوچک پیرامون خود می باشد، از حیث ماهیگیری بسیار غنی است و محل ایده آلی برای تجارت است، چون که از سوی دریا می توان به شهر قسطنطنیه و شرق مربوط شده واز طریق رود پو هم، به شهرهای ثروتمند شمالی دست یافت.

یکی از منابع درآمد اهالی، فروش نمک است که از آب دریا گرفته می شود وهم چنین مبادله ی کالاها و اجناس محلی وخارجی می باشد، مردمان محلی از فروش و واردات ادویه و ابریشم عایدات سرشاری دارند.

عبدالملک، خلیفه ی اصلاح طلب، درگذشت. (دمشق، هشتم اکتبر ۷۰۵):

با مرگ عبدالملک (Abd al – Malik) پس از بیست سال خلافت، توسعه و قدرت طلبی سلاطین اموی وعربی نمودن نواحی تحت تسلط او هم مدفون شد. عبدالملک، زبان عربی را جانشین زبان یونانی کرد،به طوری که عربی زبان رسمی و اداری شد، او هم چنین سکه های بیزانتین را از جریان خارج کرد. جانشین او، ولیدبن عبدالملک، مسجد عظیمی در دمشق بنا کرد که چندین برابر تمام کلیساهای مسیحی ارزش داشت.

شیرزن و زن قهرمان بربر، براثر زخمی که در جنگ برداشته بود، درگذشت. (اورس (Aures)، افریقا(افریقای شمالی)، ۶۹۸):

الکهینـــا (Al-Kahina)، زن قهرمـــانی کـــه رهبـــر شورشیان و نمودی از عصیان گری در شمال افریقـا بـود، در نبرد کشته شد. نیروی نظامی وی در ۵۰ کیلـومتری شـمال شهر تومبا (Tomba)، درهم شکسته شد.

برخی عقیده داشتند که الکهینا، اصلاً پیشگو و غیب گـو بوده و در صف مقدم مدافعان شهر، در مقابل حملات اعراب پس از سقوط کارتاژ و از بین رفتن اقتدار بیزانتین در شـمال افریقا، قرار داشته است.

نخستین پیروزی وی، در پـشتیبانی حـسن بـن نعمـان، یکی از ملاکان شهر قسطنطنیه به دسـت آمـد. امـا بعـداً او سـاکنان شـهر اورس (Aures) را بـه تـسلیم واداشـت و فرماندهی سپاهیان را عهده دار شد. الکهینا، با همدسـتی بـا صاحبان قدرت، مردم را از زمین های خود رانـد و محـصول آن ها را آتش زد، به طوری که مردم با زمین هـای سـوخته مواجه شدند و شهر بقایا (Baghaya) را ویران ساخت کـه حمایت قدرتمندان را به خود جلب کند.

راهبان ایرلندی، کتاب مربوط به صومعه ها را بـه پایان بردند. (ایرلند، ۷۰۰):

راهبان ایرلندی ساکن دیر کلز(Kells)، به تازگی کتاب کلز یا صـومعه را بـه پایـان رسـاندند. ایـن کتـاب، یکـی از زیباترین رساله هایی اسـت کـه بـا صـفحات تـزئین شـده، راهنمای وصول و دست یابی به منبع نور ودرخشندگی است. این کتاب که مدت ده سال صرفِ تهیه ی آن شـده، نـشانه یی از تبحر و مهارت زاهدان ایرلندی است که بـدون شـک، صومعه ی آنهـا، بـزرگ تـرین مرکـز دینـی در تمـام اروپـا می باشد .

این فرقه به طورکلی، شهری در اختیار نداشته ومعابـد و صومعه های آن ها، درمکـان هـای نامناسـب قـرار داشـت. بزرگ ترین صومعه را برای نخستین بار، مردمـان فنلانـدی اهل کلونارد (Clonard) بنا کردند و سپس صـومعه هـای خیلی کوچکی هم چون اقمار در اطراف آن ایجاد شد.

اکنون، صومعه ی بزرگ اولیه توسعه یافته و به یکـی از مراکز بزرگ کلیسایی تبدیل شده، به طوری کـه از کلیـسای مخصوص شاه، بـزرگ تـر و مـشهورتر مـی باشـد. در اثـر پشتیبانی مالی که شاه از این کلیسا بـه عمـل آورده، باعـث شـده کـه آمـوزش و تعلیمـات، بـه خـوبی پیـشرفت کنـد و کتاب هایی هم درباره ی اقتـصاد معابـد و کلیـساها منتـشر کرده و تعـداد زیـادی مبلـغ مـسیحی بـه اطـراف و اکنـاف فرستاده است.

ثروت و گوناگونی تمدن هـا در جهـت پیـشرفت امریکا. فرهنگ وِ تمدن مایا، به بالاترین حد خـود می رسد. (امریکای مرکزی، ۷۰۰):

از نخستین روزهای تمدن مایـا، در حـدود یکـصد سـال می گذرد، در این مدت، پیشروی این تمدن به بالاترین حـد خود رسیده و مردم مایا که جانشین سـلف خـود هـستند، در خلق این آثار و جـلال و شـکوفایی آن در سـده ی گذشـته، کوشش بسیار کرده اند. در حال حاضر، سرزمین مایا، بخـش عظیمی از امریکای مرکزی را دربرگرفته و شهرهای مذهبی آن عبارتـــست از: کوپـــان (Copan)، تیکـــال(Tikal)، کـــوئیری گـــوآ (Quirigua)، پالنـــک (Palenque) و اوکسمال (Uxmal) که حکومت اغلـب آن هـا، پادشـاهی است وشاهان زاده ی خورشید هـستند، سیاسـت آن هـا بـر پایه ی مذهب و تشکیلات مذهبی است.

سرزمین مایا، بسیار درخشان و پوشیده از جنگـل هـای بارانی و مزارع است، با وجود این، مکـان هـای لـم یـزرع و خشک هم در پاره یی از نقـاط وجـود دارد. در ایـن منـاطق، مردم مایا، ساختمان هـای بزرگـی از قبیـل هـرم، زیگـورات (Ziggurats) (مکان های مقدس مذهبی به شکل منشور) و برج هایی از سنگ ساخته اند که رقیب هرم های باسـتانی مصر می باشد، در حالی که آن ها از نظر علم معماری، فقیـر هستند. مایاها هم چنین در علم تقویم و گاهشماری و نجوم و ریاضـی هـم دسـت دارنـد. گاهـشماری آن هـا بـر طبـق رویدادها و حوادث تاریخی است که هـر بیـست سـال آن را تجدید می کنند.

کمیته های تشکیلاتی برای پیشرفت در امریکـای شمالی به وجود می آید.

سه گونه تمدن برجسته در بـین کـشاورزان منطقـه ی جنوب شرقی امریکای شمالی، ظاهر می شود که عبارتنـداز: هوهوکـــام (Hohokam)، موگولـــون (Mogollon) و آناسازی (Anasazi) . هوهوکام ها مدت مدیدی است کـه دراین منطقه سـاکنند و پیـشرفت خـود را مـدیون مکزیـک

روم ۶۹۲
ویلی برورد ریاست مذهبی راهبان به روم سفر کرد تا به ملاقات پاپ سرژیوس (Sergius) نایل شود.

آسیای صغیر ۶۹۳
بیزانتین قرار داد صلح با اعراب را نقض کرد، لیکن در نبرد سباستیا (Sebastea) شکست خورد و در نتیجه ارمنستان هم به دست اعراب سقوط کرد.

عربستان ۶۹۳
سپاهیان بنی امیه به فرماندهی حجاج، شورش ابن زبیر را سرکوب کردند. شهر مکه هم تسخیر و ابن زبیر کشته شد. عبدالملک هم عنوان امپراتور اعراب و فرمانروای کل را احراز کرد.

اسپانیا ۶۹۴
در اجلاسی که در تولدو تشکیل شد، تصمیم گرفته شد که بر طبق فرمان دولت ویزیگوتها، تمام یهودیهای اسپانیایی را به بردگی کشانده و اموال و دارایی آنها را مصادره و توقیف کنند. این قانون که در حاکم نشین ویزیگوت وضع شد، اوج دشمنی اسپانیائیها را در یکصد سال اخیر برضد یهودیان نشان می دهد.

چین ۶۹۴
مذهب مانی و مانی گری (Manichaeism) در چین توسعه یافت.

میان رودان ۶۹۴
حجاج به فرمانداری میان رودان (بین النهرین) منصوب شد.

قسطنطنیه ۶۹۵
ژوستی نیان دوم امپراتور روم توسط ژنرال لئونتیوس (Leontius) برکنار شد. بینی او را بریدند و زبانش را هم از حلقش بیرون آوردند. با این وضع وی به بلغارها در شبه جزیره کریمه پناهنده شد.

رم ۶۹۵
پاپ، اسقف ویلی برورد (Willibrord) که در اوتریخت (Utrecht) راهب بزرگ کلیسا بود را جهت تغییر مذهب منطقه فریزیا (Frisia) تعیین کرد که آنها را تشویق به پذیرفتن دین مسیح کند.

عربستان ۶۹۶
نخستین سکه مسلمانان به نام دینار ضرب شد. عبدالملک زبان عربی را جهت تکلم در ایالات اسلامی تحت حکومت امویان زبان رسمی قرار داد، و قرآن را هم با اعراب و حروف مصوت (صدادار) منتشر کرد.

ونیز ۶۹۷
نخستین حکومت مستقل در ایتالیا به عرصه ظهور رسید.

افریقای شمالی ۶۹۸
اعراب شهر کارتاژ را تصرف کردند و به حاکمیت بیزانس در شمال افریقا پایان دادند.

افریقای شمالی ۶۹۸
اعراب قیام مردم بربر را در کوههای اورس (Aures) سرکوب کردند، این قیام که به آن شورش افریقائیان نام نهادند در کرانه افریقای شمالی روی داده بود.

هستند، آن ها تبحر و مهارت خود را از مکزیکی ها اخذ کرده و تشکیلات شهری و اجتماعی به وجود آورده اند.

هنگامی که هوهوکام ها در صحرا می زیستند، موگولون ها کوه نشین بوده و در غارها مسکن داشتند، آن ها زمین را می کاویدند که مانند پدران خود، محصول غذایی به دست آورند. آناسازی ها هم در شمال سرزمین موگولون سکونت داشتند، لیکن در همه ی حال، وابسته به سرزمین مکزیک بودند.

شهرنارا، نخستین پایتخت ژاپن (ژاپن، ۷۱۰):

مقر دولت وکاخ های سلطنتی به شهر نارا (Nara) که مکان بسیار زیبا و باشکوهی است، منتقل می شود. این تصمیم به وسیله ی تایکا(Taika)، رئیس دولت اصلاح طلب در سال ۶۴۶، گرفته شده بود که این شهر را به عنوان نخستین پایتخت دائمی ژاپن انتخاب کرد.

پس از آن سال، پایتخت رو به ترقی گذاشت، به ویژه آن که، دستگاه مذهبی و معابد دین باستانی شینتو (Shinto) دراین محل قرار داشت و مردم برای پرستش وعبادت به آن جا هجوم آورده و ساکن این شهر شدند، از سویی، مردم هم مایل بودند مردگان خود را در آنجا دفن کنند، اما زمانی که زمامدار کشور عوض می شد، محل پایتخت هم تغییر می کرد. این جریان در تمام مواقع تکرار می شد و شهر نارا به طور مرتب تغییر وضع می داد و برحسب تصمیم زمامداران کشوری، ساختمان هایی درآن بنا می شد و زمانی دیگر، متروکه می گشت، مشابه این وضعیت را شهر چانگ آن (Chang An)، پایتخت بزرگ چین داشت. برای استقرار محل پایتخت، اقدامات و مراقبت های زیادی به عمل آمد و حتی از هنرمندان و رمالان چینی دعوت شد که بهترین مکان را در کشور برای این امر جستجو کنند که در روی ارتفاعات و تپه هایی با دید و منظره یی زیبا و چشم انداز جالبی داشته باشد که قصر شاهی و مقر حکومتی، در بین آبشارها وجنگل قرار گیرد.

شهر نارا به این علت انتخاب شد که علاوه بر مشخصات ذکر شده، پایگاه دین بوداو مرکز پیشرفت این آئین و چندین معبد بزرگ در آنجا ساخته شده بود، به ویژه آن که، معبد مقدس و زیبای هوری یوجی (Horyuji) هم در این شهر قرار داشت. این معبد، پنج طبقه پاگودا



معماری با تندیس‌های نیمه‌برجسته بر روی انتهای حصار آنتونین (Antonine) که به‌وسیله‌ی اشغال‌کنندگان رمی در ۵۰ سال پیش در ناحیه‌ی کالدونی (Caledonia) ساخته شده است.



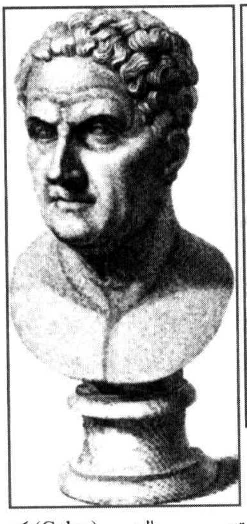
تاق نصرت جهت بزرگداشت سپتیمیوس سوروس (Septimius Severus) وی همواره در اندیشه‌ی دشمن مقتدر رم بود.



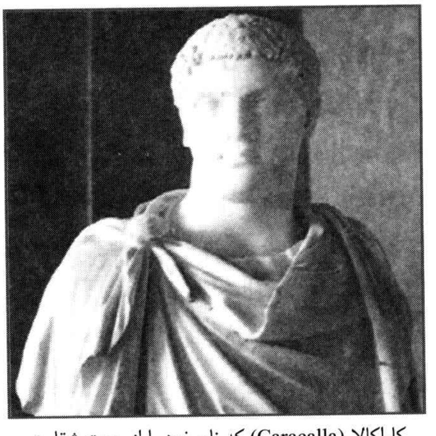
تندیس خدای میترا (Mittras) هنگام کشتن یک گاو نر.



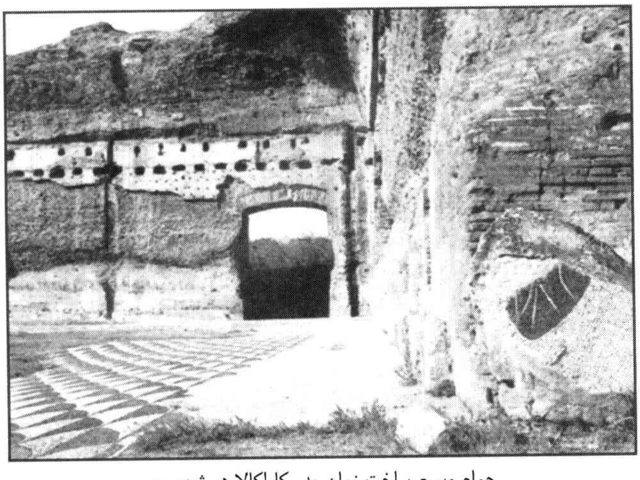
پیکره‌ی ژولیا دونا (Julia Donna) که در اثر گرسنگی مُرد. در زمان کاراکالا هم چندین کتاب‌خانه و ورزشگاه عملیات ورزشی ساخته شد.



تندیس سر جالینوس (Galen) که در سال‌های اخیر ساخته شده است.



کاراکالا (Caracalla) که نام خود را از جهت شقاوت باقی گزارد.



حمام وسیع ساخت زمان پدر کاراکالا در شهر رم.
در زمان کاراکالا هم چندین کتاب‌خانه و ورزشگاه عملیات ورزشی ساخته شد.

(Pagoda) با سالن های هشت گوشه ی آن، در سال ۶۰۷ بنا شده و کانون قدرت آئین بودایی است و ساختمان آن، رؤیایی و خاطره انگیز است. اکنون شهر نارا، محل استقرار دائمی دولت و امپراتور می باشد.

زاهدان مسیحی در جستجوی غارهایی متروک و امن برای سکونت هستند. (کاپادوکیه، آسیای صغیر، ۷۱۶):

پس از آن که بر اثر حملات و تهاجمات اعراب، زخم هایی بر پیکر امپراتوری مسیحی بیزانس واردآمد،زاهدان و تارکان مسیحی در تلاش و جستجوی مکان هایی امن برای انجام عبادات و فرایض دینی برآمدند که از دسترس دشمن به دور باشد. چون عابدان و زاهدان بیشتر درمعرض دید و در نتیجه آسیب پذیرتر از سایرین بودند.

برای پیش گیری از این مخاطرات، آن ها غارهای آتشفشانی را انتخاب کردند که به طور طبیعی، مکان هایی برای مخفی شدن داشت و برخی از این غارها، از سنگ های صاف و متورق درست شده بود که برای زندگی، مکان های بسیار جالبی بود و اتفاقاً تعداد آن ها هم بسیار زیاد و می توانست افراد بی شماری را در خود جای دهد. سنگ های آتشفشانی، نخست بسیار تیز و برنده و سوراخ کننده هم چون میخ و هرم و مخروط هستند وبراثر سایش دائمی طی هزاران سال، صاف و صیقلی می شوند، به طوری که غارها و سوراخ های ان، مکان امنی برای مخفی شدن هستند. مردمانی که از این راهها عبور می کردند و مخصوصاً اقوام هیتی (Hitties) باستانی، کوه های این منطقه راکشف کردند و جنگجویان هیتی از این غارها به عنوان سنگر استفاده می کردند.

مسلمانان به پیشروی خود درآسیا واروپا ادامه می دهند.

اسپانیا به دست مهاجمان عرب تسخیر شد. (سارگوزا (Sargossa)، اسپانیا، ۷۱۴):

پس از سقوط شهر ساراگوزا به وسیله ی سپاهیان عرب به فرماندهی موسی بن نصیر (Musa ibn Nusayr)، در

کنستانتینوپول ۶۹۸

در پی شورش مجدد که در ارتش امپراتوری رخ داد، ژنرال تیبریوس سوم به امپراتوری رسید و به دستور وی بینی لئونتیوس (Leontius) را بریدند.

ایرلند ۷۰۰

آدامنان (Adamnan) راهب کلیسای یونا (Iona) با کمک و یاری کلیسای ایرلند جهت یافتن تاریخ عید پاک (ایستر) بر طبق محاسبات رومی اقدام کرد، لیکن نتوانست ارتباط خود را با صومعه‌ی دختران مقدس در ایرلند برقرار کند.

امریکای شمالی ۷۰۰

تیروکمان به تدریج در جوامع هندیان آمریکای شمالی جای خود را به نیزه جهت شکار می دهد واین سلاح را بومیان بیشتر ترجیح می دهند. هم چنین اختراع کج بیل کار کشاورزان را برای زارعان آسانتر کرده است.

مکزیک ۷۰۰

شهر تئوتیهواکان (Teotihuacan) دراثر آتش سوزی طعمه حریق شد و بیشتر ساکنان شهر هم از بین رفتند. برخی علت آتش سوزی را قیام مردم علیه حکومت می دانند. عده یی هم براین باورند که دره مکزیکوسیتی ظرفیت این همه جمعیت را نداشته، بعضی دیگر علت آن را سوخت کوره های معادن گچ و آهک جهت تولید مصالح ساختمانی برای پوشش و تسطیح راهها و اندودن دیوارها تصور کرده اند.

مکزیک ۷۰۰

براثر سقوط تئوتیهوآکان، ساکنان آن منطقه مونت آلبان (Monte Alban) (کوه سفید) را ترک کردند.

مکزیک ۷۰۰

معبدی با چندین کتیبه و معبد دیگری به شکل صلیب در پالنک (Palenque)، مهم ترین کانون دینی مایا در دست ساختمان است.

مکزیک ۷۰۰

سپر جاگوآر (Shield Jaguar) (پلنگ) به پادشاهی یاکس چیلان (Yaxchilan) در جنگل پتن (Peten) واقع در جنوب مکزیک رسید.

بریتانی ۷۰۰

لیندیس فارن (Lindisfarne) از هواداران انجیل و مسیحیت، زیباترین دست خط آنگلوساکسونها را تحریر کرد.

افریقای غربی ۷۰۰

حاکم نشین غنا (Ghana) به رشد و توسعه سریع دست یافت، چون راههای تجاری و به ویژه مسیر کاروانهای صدور کالا را در اختیار دارد.

ژاپن ۷۰۱

قوانین تایهو (Taiho) که شامل قانونهای اجتماعی و کیفری می باشد، انتشار یافت. اومیوریو (Ommyoryo) (وزارت پیش گویی و فالگیری که توسط یین – Yin – وپانگ – Yang– به وجود آمده بود) منحل شد.

مدت سه سال، تقریباً تمام سرزمین اسپانیا به دست اعراب افتاد. موسی بن نصیر، حاکم بخش شمالی افریقا (تونس)، سپاه کوچکی به سراسر تنگه فرستاد. فرمانده ی این سپاه، طارق بن زیاد (Tariq ibn Ziyad) بود، طارق در محل کوه کالپ (Calpe) که اعراب نام آن را به جبل الطارق (Gibraltar) تغییر دادند، مستقر شد. طارق با سپاهیان خود الجزیره را فتح کرد و به سوی کورودبا (Cordoba) (قرطبه) روان شد. در نبردی که بین سپاهیان عرب طارق و پادشاه ویزیگوت ها به نام رودریک (Roderic) در سال ۷۱۱ درگرفت، عرب ها به پیروزی های بزرگی رسیدند و توانستند شهرهای اسیژا (Ecija)، تولدو، آلکالادو مانارس (Alcala de Manares) و کوردوبا را تصرف کنند.

از سویی، در سال ۷۱۲، موسی هم با سپاهی جدید، به سوی شهرهای سویل و مریدا (Merida) شتافت و درسال گذشته، آن هاراپس از شهر ساراگوزا تصرف کرد. در این حال، تنها مناطق کوهستانی شمال اسپانیا از دسترس اعراب به دور ماند و تصور می شود که اعراب مایل به رسوخ درآن منطقه نبودند. لیکن شیوه ی کشورگشایی اعراب آن بود که در مناطق اشغالی آرامش برقرار باشد و از تحریک مردم به شورش ابا داشتند. آنان به مسیحیان و یهودی ها آزادی مذهبی می دادند و در شهرها پیروان این ادیان اجازه داشتند که آداب و شعایر دینی خود را اجرا کنند. در حالی که، ساکنان روستاها و کشاورزان به دین اسلام درمی آمدند وبه این آئین ایمان می آوردند، بدین ترتیب اسلام به سلطنت ویزیگوت ها پایان داد.

مسلمانان در تلاش برای تصرف کنستانتینوپول (قسطنطنیه، ۷۱۷):

لشگریان عرب، پس از تسخیر سوریه و آسیای صغیر (آناتولی)، به مرکز بیزانتین یعنی شهر قسطنطنیه اتمام حجت دادند و از این که به دروازه های این شهر رسیده بودند از خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدند. بدون تردید، این شهر، بزرگ ترین و پرشکوه ترین شهرها در اروپا بود که از زمان ژوستی نیان تا به امروز، نظیر آن دیده نشده بود. دیوار شهر به طول بیست کیلومتر بود واز این لحاظ، غیرقابل تسخیر به نظر می رسید، لیکن، اعراب در آرزوی اشغال این بزرگ ترین و مقاوم ترین شهر جهان بودند.

شارل مارتل دربرابر سپاهیان عرب درنگ نمی کند. (گل، ۲۵ اکتبر ۷۳۲):

ژنرال شارل مارتل (Chrales Martel) فرانکی (ملقب به چکش) درمقابل سپاهیان عرب در پوآتیه(Poitiers) به پیروزی بزرگ و درخشانی دست یافت و به نظر می رسد که بدون وقفه به پیشروی خود برعلیه آن ها ادامه دهد. غریو جنگ برای لشگریان عرب به منزله ی رستگاری است ودر قرآن آمده که بهشت در سایه ی نیزه ها حاصل می شود.

با رحلت پیامبر اسلام دراین سده، اعراب توانستند تمام نقاط دنیای شناخته شده را به استثنای شهر قسطنطنیه در بیزانتین و اروپای شمالی را تصرف کنند. در چند سال پیش، آنان پس از عبور از کوه های پیرنه و اسپانیا، منطقه ی ناربونه را اشغال کردند. امسال هم لشگریان عرب، به فرماندهی عبدالرحمن، عضو یکی از فرقه های متعصب شهرهای بوردو (Bordeaux) و پوآتیه را دستخوش غارت قرار داد و تاشهر تور (Tours) پیش رفت و به حوزه ی کلیسایی سنت مارتین که یکی از مهم ترین پایگاه های مسیحیت است، رسید. اودو (Eudo) دوک آکی تیان (Aquitaine)، از این حمله به شدت تکان خورد و از شارل درخواست کمک و اعزام جنگجو برای مقابله با آنان کرد. شهر تورس (تور) نجات یافت، در حالی که زد وخورد، شش روز متوالی ادامه داشت. در یک روز طولانی که نبرد ادامه داشت، فرمانده ی قوای اعراب به قتل رسید. روز دیگر، قشون اعراب از معرکه گریختند. گفته می شد که در شمال افریقا، بربرها دست به شورش زده اند و بایستی قوای امدادی برای فرونشاندن آتش غائله اعزام کرد. بدین ترتیب، به نظر می رسد که شارل مارتل به بلند پروازی های اعراب در اروپا لگام زده است.

امپراتوری اسلامی اکنون وسیع تر از امپراتوری رم است. (دمشق، ۷۱۱):

در زمانی که سپاهیان اعراب در اسپانیا مشغول جنگ با پادشاه ویزیگوت ها به نام رودریک (Roderic) بودند، اعراب نیروی نظامی دیگری به شرق در منطقه ی دهانه ی رود سند در سرزمین هند اعزام کردند. این نیرو که از منطقه ی میان رودان و شهرهای کوفه و بصره نگهبانی

قسطنطنیه ۷۰۵
ترول (Tervel) خان بلغارها، با حمایت ژوستی نیان دوم امپراتور تبعید شده به قسطنطنیه حمله برد. امپراتور معزول توانست پایتخت خود را پس بگیرد. در ضمن به خان بلغار هم لقب قیصر داد.

چین ۷۰۵
امپراتریس وو (Wu) به وسیله وزیران کابینه خویش طی کودتایی برکنار شد، چون بیماری جنون وی شدت گرفته بود. سلسله پادشاهی تانگ با به سلطنت رسیدن پسر وی به نام شونگ زونگ (Zhong Zong) تداوم یافت.

سوریه هشتم اکتبر ۷۰۵
عبدالملک خلیفه اموی در دمشق درگذشت، و ولید (Walid) بن عبدالملک جانشین وی شد.

سوریه ۷۰۵
کار ساختمانی بزرگ ترین مسجد شهر دمشق آغاز شد.

گل ۷۱۰
هوبر (Hubert) به مقام اسقفی شهر لی یژ (Liege) انتخاب شد و کارهای مربوط به مسیحی شدن مردم مشرک شرق حاکم نشین فرانکها را ادامه داد.

اسپانیا ۷۱۰
رودریک (Roderic) شورشی و دوک باتیکا (Duke Baeica) به پادشاهی ویزیگوتها رسید. هر چند که این شاهزاده نشین به حالت تقسیم شده و منطقه تنش خیز باقی ماند، لیکن حریف رودریک به نام آژیلا(Agila)در بخش شمالی این منطقه سرگرم حکومت است.

آسیای صغیر ۷۱۱
اعمال خشونت آمیز و خونریزی هایی که در شورش های شبه جزیره کریمه با پشتیبانی ترکهای خزری به وقوع پیوسته بود به وسیله ژوستی نیان دوم سرکوب و فرونشانده شد. امپراتور پس از رسیدن به قسطنطنیه ، در قیامی که در آنجا رخ داد، دچار شکست شده و در شمال آسیای کوچک کشته شد.

اسپانیا ۷۱۱
یک گروه نظامی کوچک عرب که برای تارومار کردن شورشیان اعزام شده بود، مستقیماً از تنگه جبل الطارق گذشت و ویزیگوتها را به سرپرستی رودریک در کرانه رود اودلت (Eudelete) نابود کرد، و بیشتر اسپانیایی ها بر طبق قرارداد تسلیم شدند.

هندوستان ۷۱۱
سپاهیان عرب به فرماندهی محمد بن کاظم به سرزمین هند یورش بردند.

ژاپن ۷۱۲
کتابی به نام کوجی کی (Kojiki) درباره تاریخ ژاپن از ابتدای پیدایش آن تا به امروز انتشار یافت و باعث شگفتی عموم شد.

ایتالیا ۷۱۲
لیوت پراند (Liutprand) به پادشاهی لومبارد رسید. وی در صدد است که با تصرف سرزمین های بیزانس، و دوک نشین های نیمه وابسته مناقطق اسپولتو (Spoleto) و بنه ونتو (Benevento)، اتحاد ایتالیا را تکمیل می کند.

می کردند، به فرماندهی محمد بن الکاظم، بدون استراحت و تمدد اعصاب، به ناحیه ی سند فرستاده شد. نیروهای اعزامی به دره ی سند، تمام فلات اطراف سند و پایتخت آن شهر مولتان (Multan) را به تصرف درآوردند، درعین حال، نیروهای مسلمان با فشار و پیشروی در شمال، از طریق سرزمین ایران به مناطق استپی آسیای مرکزی و نواحی بین رودهای سیحون (Oxus) و جیحون (Jaxartes) رسیدند. نیروهای تحت فرماندهی قتیبه (Qutayba) هم، شهرهای تاشکند (Tashkent)،بخارا (Bokhara) و سمرقند (Samarkand) در جاده ی ابریشم چین را تسخیر کردند و به دشت حاصلخیز و واحه های خوارزم (Khwarazm) در کرانه ی دریاچه ی آرال (Aral sea) نفوذ کردند. در این جا مسلمین با نیروهای ترک مواجه شدند.

بنابراین متصرفات امپراتوری اسلام اکنون از کرانه های اقیانوس اطلس تا دره های سند در شمال هند و تا دریاچه ی آرال ادامه دارد و مرزهای این امپراتوری وسیع تر و گسترده تر از امپراتوری رم می باشد.

شمایل نگاری و تجسیم (پیکرسازی) در بیزانس در ردیف کفر می باشد. (قسطنطنیه، ۷۳۰):

چهار سال قبل، در کنگره یی مرکب از مردان مذهبی و کشیشان که به دستور لئوی سوم، امپراتور بیزانس تشکیل شد، جدالی در بین آن ها بر سر پیکرنگاری و صورت دادن به قدیسین و تحریم آن به ویژه درباره ی عیسی مسیح درگرفت. آنان عقیده داشتند، عیسی را به شکل ظاهری درآوردن، و به نقش انسان نشان دادن وی در عشای ربانی، هراس انگیز و وحشت زااست. شبیه سازی و تندیس عیسی را نشان دادن، مطرود و مستوجب گناه است . همه ی شرکت کنندگان، در این امر اتفاق نظر داشتند که تصویرنگاری و ساختن هیکل عیسی، کاری است الحادی و نوعی بت پرستی.

لئو، خود اولین فردی بود که به این موضوع معتقد بود و آن را بت پرستی می دانست، هم چنان که بت پرستان، مجمسه هایی از خدای خود می سازند وآن را پرستش می کنند و این امر نشانه یی از کفر است.

علاوه برآن، اکنون که مسیحیت در رویارویی با اعراب مسلمان قرار دارد، پسندیده نیست که چهره ی مسیحیت

این چنین نشان داده شود و برای آن ها شگفت آور است که مسیحیان، تندیس رهبر و پیشوای خود را درمعرض دید همگان قرار دهند و واقعیت این آئین در معرض تمسخر اسلام واقع شود. لئو که خود اقتدار مسیحیت را در برابر اسلام طالب بود، از عموم مسیحیان خواست که تندیس سازی از پیشوایان را به کناری نهند و قدغن کرد که از این پس، مسیح را به شکل انسان نمایش ندهند. لئو، هم چنین آرزوی قدرت هر چه بیشتر و روزافزون تر آئین مسیحیت را داشت و کشیشان و دستگاه مذهبی را از اختلاف برحذر می داشت و قدرت کلیسا و زمامداران کشور را خواستار بود.

ارتش نوبه (سودان)، مسلمانان مصری را به تسلیم وامی دارد. (افریقای شمالی،۷۴۵):

خلیفه مروان (Marwan) دوم مصری، به یک باره با هجوم سپاهیان مسیحی نوبه (Nubia) و اتیوپی روبرو شد، آن ها با تصرف بخش هایی از مصر، توانستند میکائیل (Mechael)، اسقف اعظم شهر اسکندریه را از زندان خلاص کنند. پیش از این خلیفه، میکائیل رهبر قبطیون (Coptic) مصر را که در مقابل وی مقاومت کرده بود، دستگیر و زندانی ساخته و به تقاضای سفیر نوبه که خواستار آزادی وی بود، ترتیب اثر نداده بود. کریاکوز (Kiriakos)، پادشاه بی باک نوبه (سودان)، چون مورد تحقیر واقع شده بود، لشگریانی جهت مقابله با نیروهای خلیفه و حمایت مسیحیان اتیوپی به مصر گسیل داشت.

این نیروها، پس از چند روز به سرزمین مصر وارد شده و به شهر فوستات (Fustat) (قاهره) رسیدند. دراثر این تهدید، خلیفه اسقف اسکندریه را آزاد ساخت. مدت بیش از یک سده، گروه های مسلمان و مسیحی ساکن دلتای رود نیل، همواره در کشمکش و زدوخورد بودند تا این که در سال ۶۴۱ سرزمین مصر توسط نیروهای عرب اشغال شد. در سال ۶۵۱ سپاهیان اسلام از راه باریکه یی به نوبه حمله ور شده و بخش اعظم این سرزمین را به تصرف درآوردند و قرار شد که حکومت سودان بابت خراج، سالیانه تعداد چهارصد نفر برده تحویل اعراب دهد. روی این زمینه، مقام اسقف اعظم، اهمیتی خاص داشت، چون انتخاب وی توسط پادشاه نوبه انجام می شد.

ابومسلم، قیام مردم خراسان را سامان می دهد. (ایران، ۷۴۷):

ابومسلم(پدرمسلم) شهر مرو(Marv)، مرکز خراسان را، که مدت ۶۸ سال در تصرف خلفای بنی امیه بود، تصرف کرد. مهاجمان عرب تصور می کردند که افعال و کردار آن ها کاملاً مطابق با دستورات قرآن است، در صورتی که این اعراب ژنده پوش و گرسنه، بیش تر در فکر به دست آوردن مال وغنیمت جنگی بودند که زندگی خود را از وضعیت فلاکت بار نجات دهند. پس از چند ماه که از اشغال شهر مرو توسط ابومسلم گذشت، وی براثر تحریکات ابوالعباس، عموی پیامبر اسلام، درخراسان طغیان کرد و بر اثر این قیام، خلافت بنی امیه سقوط کرد وخلفای عباسی زمام امور مسلمین را به دست گرفتند.

براثر قتل خلیفه، حکومت اسلامی به تشنج دچار شد. (بخره (Bakhra)، سوریه، آوریل ۷۴۴):

با کشته شدن ولید (Walid)دوم، خلیفه ی اموی، دستگاه خلافت دچار لرزش شد . ولید در سال گذشته به جانشینی پدرش هشام (Hisham) که فردی تندخوو معترض بود، رسید و به زودی در اسراف کاری و زیاده روی به شهرت رسید . وی از قصری که در منطقه ی صحرای سوریه داشت، به قصر سلطنتی تغییر مکان داد و اوقات خود را با شعرا و افرادی که مخالف آئین اسلام بودند به شراب خواری می گذرانید و همواره مست و لایعقل به سر می برد، معروف است که می گویند در حوضی از شراب شنا می کرد، او عاشق شکار دختران زیبا و پسران جوان بود.

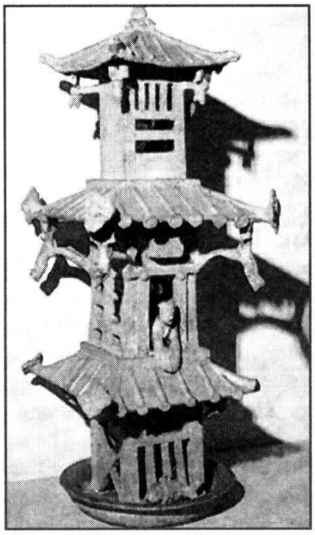
وی براثر توطئه ی فامیلی و خانوادگی، کشته شد و اکنون مأموران تجسس در تعقیب قاتل او هستند.

بید (Bede) پیشینه نگار، در خانقاه ژارو (Jarrow)، بدرود حیات گفت. (ژارو، انگلستان، ۲۵ مه ۷۳۵):

او تا لحظه ی واپسین به تدریس اشتغال داشت. دیروز فکر می کرد که هنگام صعود روحش فرارسیده است، بید به شاگردانش چنین اظهار داشت: امروز بشتابید برای یادگیری، چون وقت دیر است و فرصتی باقی نیست و من به زودی شما را ترک خواهم کرد.



تندیس ملکه پالمیرا (Palmyra) که یکی از زنان زیبای عصر خود بود، از سنگ مرمر. مربوط به سده‌ی اول تا ششم میلادی.



برج نگهبانی سفالی
مربو به سال‌های ۱۵۰ میلادی.



تصویری از پاپ کالیستوس (Callistus)، اثر قرون معاصر.



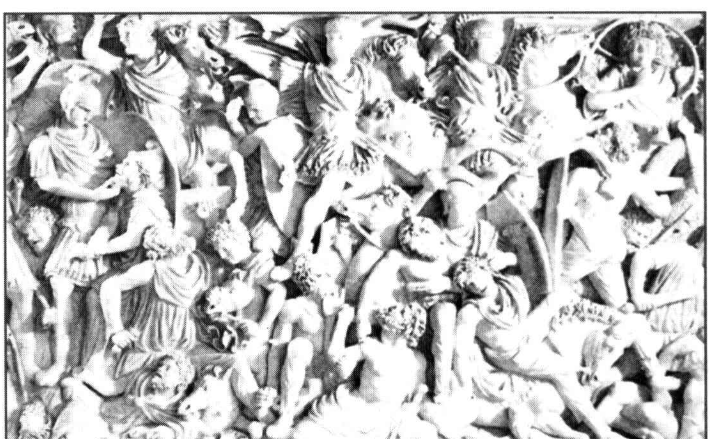
به صلیب‌کشیدن عیسی
از دید نقاشان قرون معاصر.



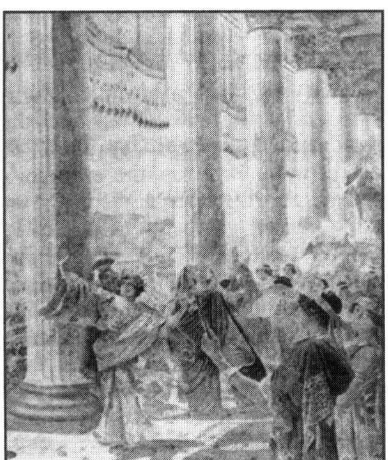
سکه‌ی منقش به تصویر الکساندر سوروس (Alexander Severus) که کشته شد.



ماسک زرین یکی از پادشاهان سلسله‌ی اشکانی
مربوط به سده‌ی اول تا ششم میلادی.



صحنه‌یی بی‌نظم و شلوغ از سربازان بیگانه به فرماندهی یک سوار.



یک تصویر از نظر نقاش قرن ۱۹ از الاگابالوس (Elagabalus) امپراتور رم

این مرد زاهد و وارسته، سرانجام در سن ۶۳ سالگی جهان را ترک گفت، در حالی که تا سر ساعت پیش از مرگ، به نوشتن و تحریر مطالب سرگرم بود. این مرد تارک دنیا، تا لحظات آخر زندگانی، بدون احساس خستگی، مشغول به پایان رساندن آخرین فصل کتاب خود بود و به دانش پژوهان گفت: هر چه زودتر قلم و مرکب را بردارید و به نوشتن بپردازید.

شش ساعت قبل از مرگ، بید گفت: روحانی و کشیش کلیسا را دعوت کنید، من گنجینه ی کوچکی در خورجین دارم که کشیش باید تکلیف آن را مشخص کند. این چیرها نمونه ی الطاف خداوند است که به من اعطا شده و عبارتست از مقداری فلفل، چند حوله و مقداری بخور، که من جهت آن ها نگرانم . او آخرین عبارات را نوشت و با صدای غرش مانند، در حالی که مشغول دعا خواندن بود، به روی کف اتاق افتاد و آخرین نفس را کشید .

شاگردان پارسا و باوفایش به شدت غمگین شدند و جلسه یی از آنگلوساکسون ها تشکیل دادند. بید در سن هفت سالگی، خانواده اش را ترک کرد وبه صومعه رفت تا زندگی در کلیسا را آغاز کند و زمانی که بیماری طاعون شروع شد، او و روحانی کلیسا، تنها افرادی بودند که در منطقه ی ژارو از مرگ گریختند. بید در سن ۱۹ سالگی، به خادمی کلیسا رسید و در سی سالگی، به کهانت و کشیشی منصوب شد. بید، تنها به مدت کوتاهی برای دیدین منطقه‌ی لیندیس فارن و یورک، کلیسا را ترک کرد و هیچ وقت به نورتامبریا نرفت. او تمام اوقات خود را صرف نوشتن تفسیرهایی از انجیل و رساله یی در باب گاهشماری زندگی عیسی، از تولد تا به صلیب کشیدن وی نمود، اخیراً نوشتجات کوتاهی درباره ی ارتداد بید و چگونگی ترک کردن زندگی روستایی و غرق شدن وی در امور کلیسا و سایر جریانات مربوطه به او، انتشار یافته است.

یکی از آثار بید، نگارش تاریخ و شرح حال کشیشان ژارو و به ویژه زندگی سنت گاتبرت (St Cuthbert) است، لکن مهم ترین یادداشت های وی، تشریح وضع کلیساهای انگلیس می باشد. نکات برجسته ی این یادداشت ها، چگونگی تغییر مذهب آنگلوساکسون ها از دین کفر و الحاد به مسیحیت و کمک ها وزحماتی که افراد پارسا و متدین در این راه متحمل شده اند، می باشد. او برای کسانی وسایل و تسهیلاتی قائل است، به ویژه اسقف بندیکت که مؤسس کتابخانه ی کلیسای ژارو بوده . بندیکت، تعداد زیادی کتاب را از رم با خود آورد و آن ها را به تساوی بین کتابخانه های مذهبی انگلیس پخش کرد.

بید، شاید بزرگ ترین پدیده ی ادب و تمدن در صحنه ی مذهبی و کلیسایی در انگلیس است که با دست نوشته های خود، چراغی فرا راه دوستداران مسیحیت قرار داده است. بید توانست دستورات مسیح را در نورتومبریا انتشار دهد و منویات کلیسای رم و سلت را در تمام کلیساهای انگلیس و ایرلند منتشر کند.

مارتل، بزرگ ترین فرمانروای اروپای غربی، درگذشت. (گل، ۲۲ اکتبر ۷۴۱):

شارل مارتل، حاکم و فرمانروای فرانکی (ملقب به چکش) در سن ۵۳ سالگی در حالی که اروپای غربی را زیر سلطه ی خود داشت، در قصر ییلاقی خود، واقع در کوآرزی (Quierzy)، وفات یافت. او برخلاف این که یکی از بزرگ ترین فرمانروایان عصر خودبود، هرگز لقب پادشاهی را نپذیرفت و تنها عنوان پاسدار قصر و یا دوک را داشت و به آن مباهی بود. سلسله ی قدیمی پادشاهی مرووینیان (Merovingian) با شارل مارتل تجدید حیات یافت، ولی زمامداران با قدرتی نداشت.

شارل که فردی باهوش و کیاست به شمار می رود، فرزند پپین (Pepin) دوم است که مدت سه سال با حریفان خود در مبارزه بود و پس از آن، توانست سرزمین های فرانکی واقع در بین رود راین و لوآر (Loire) را تصرف کند. وی توانست مناطق بورگوندی و پروونس (Provence) را تحت انقیاد خود درآورده و از طوایف ژرمن خراج بگیرد.

او روابط خوبی با دربار پاپ برای جلوگیری از تهدیدات اعراب برقرار ساخت، اما کمک پاپ، گریگوری سوم را جهت جنگ بر ضد لیوت پراند(Liutprand)، پادشاه لومبارد (Lombards)، رد کرد، چون وی در موقعیت خوبی بود.

او میسیون های مذهبی که دستورات حواریون در جنوب آلمان را تبلیغ می کردند، مورد حمایت خود قرار داد و دستور داد مجمع سالیانه اشراف برای تصمیم گیری امور جاری هرساله تشکیل شود، این انجمن کامپوس مارسیوس (Campus Martius) نام داشت.

شارل مارتل، از ضبط و مصادره ی زمین های روستائیان، توسط کلیساها، به شدت ناراحت بود.

نقش دستگاه مذهبی در انجمن های اروپای غربی در حال گسترش می باشد. (اروپای غربی، ۷۵۰):

دستگاه مذهبی و روحانیان کلیسا، هر روزه در امور خانواده ها و زندگی خصوصی مردم بیشتر دخالت می کنند و این مداخلات مرتباً توسعه می یابد . مقررات کلیسا، مرد را خدای خانواده می داند که تمام امور زندگانی در اختیار اوست و او میانجی خدا وخانواده محسوب می شود. حتی مسیحیان بیش تر اوقات خود را برای پرستش و عبادت در کلیسا می گذرانند تا هر چه بیشتر بتوانند مقرب درگاه او باشند و از دنیا بگسلند و به آخرت به پیوندند. روحانیان مسیحی به مردم چنین القا می کردند که یک مسیحی مؤمن، بایستی این دنیای فانی وبی روح و کسل کننده را رها کرده و با ایمان به دنیای باقی، خود را مصون از گناه نگاه دارد و هر خانواده تحت سرپرستی پدر خانواده با انجام فرایض دینی همواره روح خود را شاداب سازد و دین را پایه و اساس زندگی خود قرار دهد. اغلب کلیساها قوانین و مقررات ویژه ی خود را دارند و به اشکال مختلف برای اجرای این مقررات پافشاری می کنند.

در هرحال، هم چنان که ذکر شد، این فرامین و مقررات زیرنظر کمیته های راهبان و اسقف ها اجرا می شود واین خدمات و عبادات خداوندی در هر حال رو به گسترش می باشد. در سال ۵۳۷، پاپ بندیکت طی اعلامیه یی وظایف و دستورات کلیساهای تحت تابعیت خود در غرب را انتشار داد.این اعلامیه که در شهر مونت کازینو (Monte Cassino) منتشر شد، نخست در کلیساهای محلی اجرا شد و به تدریج کلیساهای سراسر غرب، تمام مفاد اعلامیه را اجرا کردند.

اما مقررات و آئین های کلیساهای محلی منطقه ی ایرلند،با جنوب اروپا، به کلی اختلاف داشت و مؤسسات مذهبی این ناحیه، قوانین خاص خود را داشت. برخی هم مانند کلیساهایی که کولومبا (Columba) احداث کرده بود، شباهت تامی به صوامع تأسیس شده در بوبیو (Bobbio) واقع در ایتالیا را داشت. در کلیساهای سلتیک

چین ۷۱۲

با روی کار آمدن و تصاحب تاج وتخت چین به وسیله زوآن زونگ (Xuan Zong) به نام امپراتور، مدتی عدم ثبات در کشور پدید آمد. شونگ زونگ (Zhong Zong) و روی زونگ (Rui Zong) در زمان امپراتریسی ویی خود را به او تحمیل کرده بودند و با فشار در قدرت شریک وی بودند. هم چنین تای پینگ (Taiping) یکی از شاهزاده خانم های چینی حالت وحشت آوری در محیط به وجود آورده بود. در آرزوی سلطنت، وضع کشور را بحرانی کردند.

گل ۷۱۴

با مرگ پپین (Pepin) دوم پادشاه فرانکها، یکی از فرزندان نامشروع وی به نام شارل مارتل (Charles Martel) (چکش) با غلبه بر سایرین جانشین پدر شد و در قصر شهردار اوسترازیان (Austrasian) اقامت گزید، با روی کار آمدن وی فرانکها قدرت یافتند.

هند ۷۱۵

محمد بن الکاظم فرمانده سپاهیان عرب، حکومت سند را مغلوب کرده و بخشی از پنجاب را هم تصرف کرد.

گل ۷۱۶

شارل مارتل شهردار و حاکم اوسترازیا در نبردی رقیب خود نوستریان (Neustrian) را در آمبه لو (Ambeleve) شکست داد.

بریتانی ۷۱۶

اگبرت (Egbert) اسقف سرگردان متولد نورتومبریان، با گرفتن حق داوری بر تعیین روز عید پاک رومی (ایستر) بر اسقف ها و روحانیون مسیحی ایونا (Iona) پیروز شد.

بریتانی ۷۱۶

اتل بالد (Aethelbald) به پادشاهی مرسیا (Mercia) منصوب شد و اقتدار قوم آنگلوساکسون را در آن حاکم نشین بالا برد.

قسطنطنیه ۷۱۷

لشگریان عرب مرکب از هشتاد هزار مرد جنگی و ۱۸۰۰ رزمناو، محاصره پایتخت بیزانس را آغاز کردند.

اسپانیا ۷۱۸

قیامی علیه اعراب به وسیله پلاژیوس (Plagius) یکی از نجبای ویزیگوت برپا شد که اعراب را در ناحیه کووادونگا (Covadonga) دچار شکست ساخت و یک حکومت غیر وابسته به مسیحیت در شمال اسپانیا از اتریشی ها تأسیس کرد.

روم ۷۱۹

پاپ، وینفرید (Vinfrid)، اسقف ناحیه ساکسون غربی را مأمور تبلیغ و ارشاد کافران در آلمان کرد که بتوانند شرک را رها کرده و به مسیحیت به پیوندند. بعداً پاپ او را اصلاح طلب دینی نامید.

ژاپن ۷۲۰

کتاب تاریخ ژاپن به نام نیپون شوکی (Nippon Shoki) منتشر شد. محتویات و نوشته های این کتاب از قرار معلوم درباره کوجی کی (Kojiki) و مجموعه افسانه ها وشایعات افواهی بین مردم ژاپن می باشد. مؤلف این کتاب، تاریخ پیدایش تمدن وملیت ژاپنی را از سال ۶۶۰ پیش از میلاد و تشکیل نخستین سلسله پادشاهی جیموتنو (Jimmu Tenno) را به رشته تحریر درآورده است.

(وابسته به سلت ها) سخت گیری های شدیدی برای مرتاضان و تارکان وجود داتش و به شدت اجرا می شد.

پپین کوتوله و پاپ، پیمان اتحاد کوتاه مدتی امضا می کنند. (گل، ۷۵۴):

پاپ استفن (Stephen) دوم و پپین سوم، پسر شارل مارتل پادشاه گل، با انعقاد پیمانی جهت تعادل قدرت در اروپای شمالی و آمادگی جنگی در صورت حملات همسایگان، موقعیت یکدیگر را تثبیت می کنند که به ویژه پپین بتواند رهبری خود را حفظ کند.

برطبق این پیمان، پپین (ملقب به کوتوله) تعداد ۲۳ شهر شمالی ایتالیا را به پاپ واگذار کرد. این شهرها در تصرف ایستولف (Aistulf) پادشاه لومباردها بود واز این نظر پاپ همواره در هراس بود، از سویی پپین قصد داشت که به لومبارد حمله کند و این شهرها را تصرف کند، چون به پاپ این قول را داده بود. در حالی که اگر این سرزمین ها در تحت سلطه ی پاپ درمی آمد، اقتدار وی افزایش می یافت و مرهون پپین می شد و پپین هم در موضع قدرت قرار می گرفت و پاپ هم از هر جهت در امنیت به سر می برد.

به هر حال با تحقق این جریان، یک سلسله ی پادشاهی مقتدر تشکیل می شد که از نظر شرعی هم مشروعیت داشت. گرچه پپین هنوز هم عنوان پادشاه نداشت و تنها نخست وزیر به وی اطلاق می شد. در سال ۷۵۱ به قصد ابزار قدرت و این که خود را بالاتر از شاه می دانست، در صدد برآمد که پادشاهان مرووینیان را از صحنه براند، دراین حال پپین و اشراف زادگان رم در مقابلش قد برافراشتند. از سویی، پپین هم پیمان عدم تعرضی را که در پانزده سال پیش بین شارل مارتل و پادشاه لومباردها به امضا رسیده بود، لغو کرد.

با مرگ معشوق، امپراتور از سلطنت کناره گیری می کند. (چین، ۷۵۶):

خوآن زونگ (Xuanzong)، امپراتور چین، نوه ی ملکه ستمگر وو (Wu)، به علت فوت معشوقش، یانگ گویی فی (Yang Guifei)، زن صیغه یی زیبای خود، پس از ۴۴ سلطنت، کناره گرفت. این زن قبلاً همسر پسرش بود، لیکن پدر طلاق او را از پسرش گرفته و وی را در جزو بانوان حرم خود پذیرفت، چون در دام عشق او گرفتار شده بود. امپراتور هم او را سوگلی حرم خود کرد. برخی می گفتند که گویی فی، خود عاشق آن لوشان (An Lushan) ژنرال مغول بوده که این ژنرال سرانجام شورشی را برعلیه امپراتور به راه انداخت.

یانگ گویی فی در این جریان از معرکه گریخت، لیکن مأموران محافظ وي، او را دستگیر کردند وبرای این توطئه، درخواست اعدام اورا کردند. امپراتور ترسو و بیمناک هم او را به خواجگان حرم تحویل داد و رئیس خواجه سرایان هم او را خفه کرد.

فرمانروایان جدید، قربانیان خود را به شام دعوت کردند. (کوفه، میان رودان، ۷۵۰ میلادی):

خلیفه ی تازه اموی،پس از شکست دادن واعدام خلیفه‌ی پیشین در سال پیش، اکنون بر تمام متصرفات اسلامی حکومت می کند. اکثریت مسلمانان، حکومت امویان و خلفای بنی امیه را بی ارزش و فاقد صلاحیت اخلاقی می دانند. نیاکان همین خلفا شقی ترین دشمنان حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام بوده و برخی از آن ها هم بت پرست وعیاش و هرزه بودند.

اغلب مردم عقیده دارند که آئین اسلام حقیقی، تنها در زمان پیامبر و خانواده ی او وجود داشت که مانع قدرت آن ها شدند و از حکومت آن ها جلوگیری شد. شیعیان وهواداران علی (ع) منسوب فاطمه(س)و شوهر دختر پیامبر اسلام سعی داشت که بنی امیه را از خلافت بازدارد و نبردهایی هم با معاویه، مؤسس سلسله ی اموی کرد.

اما برخی از خانواده ی پیامبر، یعنی عباسیان، که فرزندان عباس ابن مطلب، عموی حضرت محمدبودند، تنها چشم به حکومت و قدرت دوخته بودند. از زندگانی ابوالعباس آگاهی روشنی در دست نیست و تنها نکته یی که می توان گفت آن است که، این خاندان تا سال ۷۴۰ در جنوب اردن می زیستند. آنان دراین سال ها انقلابی در شهرهای خراسان، یعنی در شرق امپراتوری امویان برپا کردند. ابوالعباس فرستاده یی شوم به خراسان اعزام کرد تا به انقلاب مردم در برانداختن امویان یاری دهد. عباسیان با زیرکی تام از نام پیامبر و خویشاوندی خود با او استفاده کردند وهم چنین حمایت خاندان علی وشیعیان را هم در براندازی حکومت خلفای اموی کسب کرده بودند.

کنستانتینوپول ۷۲۰

لئوی سوم امپراتور بیزانس، آناستازیوس (Anastasius) دوم امپراتور اسبق را مورد اذیت و آزار قرار داد.

گل ۷۲۱

با حمله اعراب به فرانکها (Franks) شاهزاده ویزیگوتها (Visigotic) به نام سپتی مانیا لانگدوک (Septimania Langueduc) فرار کرد لیکن دوک اودو (Eudo) الصانع بن ملک را از تولوز بیرون راند و مانع حملات بعدی اعراب به این ناحیه شد.

اروپای مرکزی ۷۲۱

شاهزاده خانم لیبوزا (Libousa) شهر افسانه یی پراگ (Prague) را بنیان نهاد.

روم ۳۰ نوامبر ۷۲۲

اسقف اصلاح طلب و ارشاد کننده که پاپ او را به آلمان برای هدایت مردم فرستاده بود به محل کار قبلی خود برگشت و کارهای مربوط به راهنمای متدینان را پی گرفت.

بریتانی (Britain) ۷۲۵

راهب نورتومبریایی (Northumbrian) به نام بد (Bede) رساله یی درباره تاریخ روزانه (گاهشماری) تدوین کرد. وی رساله خود را از زمان دیونیسیوس اگزیگوئوس (Dionysius Exiguus) تا زمان تولد عیسی مسیح نگاشته است. این سلسله مقالات مجموعه یی از نشریات پراکنده پس از تولد عیسی می باشد که در سراسر اروپای غربی وجود داشته است.

قسطنطنیه (Constantinople) ۷۲۶

لئوی (Leo) سوم خشگه مقدسی و تعصب در دین را مطرود و تظاهر کنندگان به آن را لعن می کند. وی از مخالفان دینی در سراسر امپراتوری دعوت می کند که در گردهمایی بزرگی شرکت کرده و عقاید خویش را ابراز کنند.

ایتالیا ۷۲۷

پاپ گریگوری (Pope Gregory) دوم عقاید ناجور و نامناسب مذهبی را محکوم می کند. بیزانس (Byzantine) امپراتوری ایتالیا را در هم شکست.

ایتالیا ۷۲۸

لیوت پراند (Liutprand) پادشاه لومبارد (Lombards) همه سرزمین های سلطنتی ایتالیا را به جز راونا (Ravenna) پایتخت اشغال کرد. وی خود را بازنشسته کرد لیکن بخش های غربی را دراختیار گرفت.

آلمان ۷۳۰

شارل مارتل (Charles Martel) پادشاه مقتدر فرانکها بر دوک نشین آلامانی (Alamanni) بیطرف غلبه کرد وی منطقه ساکسون (Saxon) نشین پشت رود راین (Rhine) را هم مورد تاخت و تاز قرار داد.

عباسیان، سرزمین میان رودان را میدان گاه جولان و تاخت وتاز خود قرار دادند و آخرین خلیفه ی اموی را کشتند. ابوالعباس اعلام کرد که وی از خاندان پیامبر است و استحقاق آن را دارد که به جانشینی وی برگزیده شود، لیکن این امر مورد خشم و غضب خاندان علی (ع) قرار گرفت.

ابوالعباس سال گذشته درکوفه خود را جانشین پیامبر و خلیفه‌ی مسلمانان خواند و به خود لقب السفاح (خونریز) داد (به معنی خوش بیان و شیرین گفتار آمده است). سفاح که اکنون عنوان خلیفه ی مسلمین را دارد، مشغول استقرار حکومت و مستحکم کردن پایه های قدرت خود ونیز تصفیه و پاک کردن بقایای خلفای پیشین است واین کار کاملاً در خور لقب اوست.

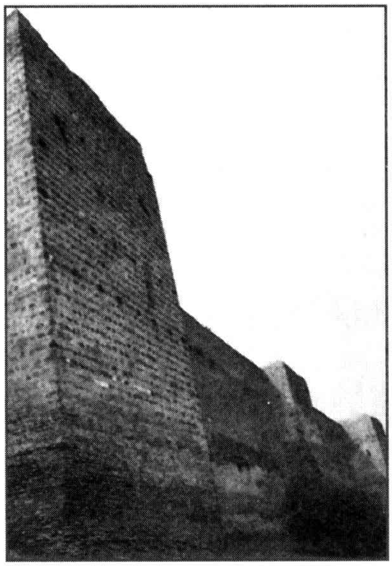
نیروهای نظامی ابوالعباس هم مشغول محو آثار بنی امیه در غرب امپراتوری هستند وهر کجا که فردی از این خاندان را بیابند، آن ها را شلاق می زنند و سپس اعدام می کنند. از سویی دیگر، قبر مردگان را شکافته و استخوان مردگان بنی امیه را پراکنده می سازند.

اخیراً ابوالعباس به عده یی از سران قوم بنی امیه پیشنهاد کرد که برای رفع کدورت وآشتی بین دو قوم، در مهمانی شامی در کاخ وی شرکت کنند. آن ها هم با استقبال از این پیشنهاد، به دعوت او پاسخ دادند، لیکن به محض ورود، آن هارا قبل از هر گونه پذیرایی، به دستور ابوالعباس کشتند و جسد آن ها را در معرض تماشای مردم گذاشتند. انقلاب عباسیان نخست ریشه ی مردمی داشت، چون عامه از حکومت امویان متنفر بودند، با وجود این، هواداران حضرت علی وشیعیان آن ها را افرادی ساده و صدیق تصور می کردند و انتظار داشتند که آن ها در رفع تشنج و آشوب حکومت اسلامی بکوشند.

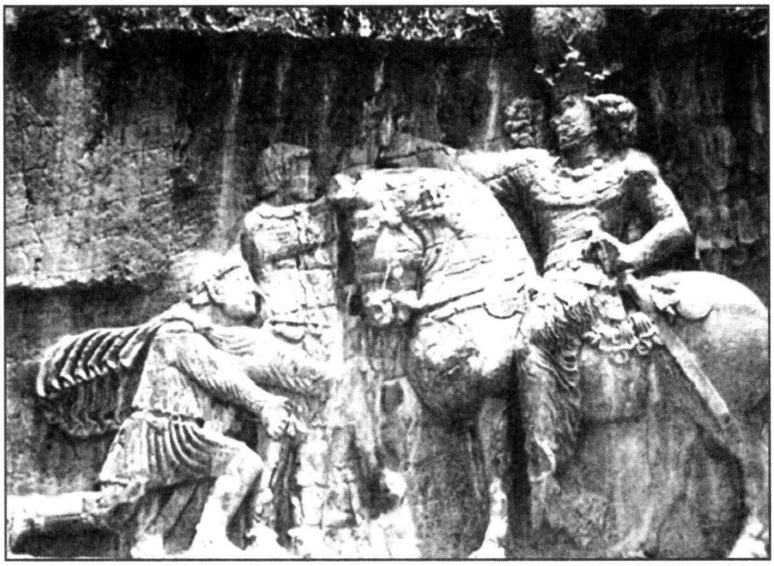
شاهزاده بنی امیه به عنوان امیر کوردوبا (قرطبه). (اسپانیا، ۱۵ مه۷۵۶):

عبدالرحمان، شاهزاده ی سوری، خود را امیر و حاکم شهر کوردوبا خواند . این، تنها فرد زنده وباقی مانده از خاندان اموی بود که با همراهان خود از قتل عام بنی عباس جان سالم به دربرده بودند.

وی هنگامی که از میهن خود گریخت، نخست به مصر رفت و پس از آن به قیروان آمد و در روز ۱۴ اوت به اسپانیا



حصار اورلیان (Aurelian) که به امر مارک اورل
برای جلوگیری از حمله‌ی دشمنان به رم ساخته شده.



کتیبه‌یی از والرین (Valerian)، امپراتور رم، که در مقابل شاپور اول پادشاه ساسانی زانو زده و از وی
طلب عفو می‌کند. این کتیبه در نقش رستم می‌باشد.



کله اسب از سنگ یشم (سال‌های ۲۰۰ میلادی)



نقش سر دیوکلسین (Diocaletian) یکم
و ماکسیمیان (Maximian) بر روی سکه.



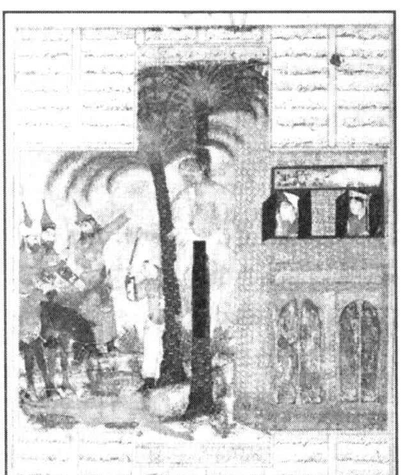
سکه‌یی با نقش پروبوس (Probus) که نیزه‌ی خود
را در شکم دشمن فرو می‌کند.



جشن و شادمانی جهت پیروزی،
از دید نقاشان سده‌ی ۱۹.



اگوستی (Augusti) و چند قیصر رم.



صحنه‌ی کشته‌شدن مانی از نظر اعراب مسلمان
در زمان طلوع اسلام.

بریتانی ۷۳۱
اسقف بد (Bede) در شهر ژارو (Jarrow) تاریخچه مجامع کلیسائی را تدوین کرد.
رم ۷۳۱
پاپ گریگوری سوم باورهای متفاوت با کاتولیک و حمایت کنندگان پیشین این عقاید را محکوم کرد.
بریتانی ۷۳۲
اگبرت (Egbert) یکی از اعضای خانواده سلطنتی نورتومبریان به مقام اسقفی یورک (York) رسید. وی در یورک کانونی بلند آوازه جهت تعلیمات مذهبی و کتابخانه یی احداث کرد.
قسطنطنیه ۷۳۳
قیامی در ایتالیا با حمایت پاپ گریگوری سوم بر علیه عقاید بت پرستی بروز کرد و لئوی سوم این قیام را در تمامی نواحی بالکان (Balkans)، سیسیل (Sicily) و کالابریا (Calabria) سرکوب کرد و حق داوری پاپ را ملغی کرده و فرمان داد که پاپ و همه کلیساها باید تحت کنترل و اداره کنستانتینوپول باشند. اکنون نقارو کدورت بین دستگاه پاپ و امپراتوری به منتها درجه رسیده است.
گل ۷۳۷
پس از فوت تئودریک (Theuderic) چهارم، سلطنت حاکم نشین فرانک برای مدتی خالی ماند. شارل مارتل در این حال رئیس قصرهای سلطنتی و فرمانروای مقتدر ناحیه محسوب می شد.
مصر ۷۳۷
مسیحیان از بخش جنوبی مصر برای حمایت از دستگاه روحانیت به اسکندریه حمله ور شدند.
اسپانیا ۷۳۹
آلفونسو (Alfonso) پسر خوانده کاتولیک مذهب پلاژیوس (Pelagius) به سلطنت شاهزاده نشین آستوریاس (Asturias) منصوب شد. وی بارها به سرزمین غرب یورش برد.
آسیای صغیر ۷۳۹
یورش اعراب به آسیای کوچک به وسیله نیروی نظامی بیزانس در نبرد آکروینون (Akroinon) به شکست انجامید.
رم ۷۳۹
پاپ از شارل مارتل بیهوده درخواست کرد که در جدال بر ضد سیاست توسعه طلبی لیوت پراند پادشاه لومبارد به‌وی یاری دهد.
گل ۷۳۹
ویلی برورد (Willibrord) راهب آنگلوساکسون (Anglo – Saxon) بشارت دهنده فریزیا (Frisia) که مردم را به دین مسیح مژده داد، در سن ۸۱ سالگی در صومعه اکترناش (Echternach) که خود وی آن را در سال ۶۹۸ تأسیس کرده بود، درگذشت.
افریقای شرقی ۷۴۰
مسلمانان عرب از عربستان و هم چنین ایرانیان با این منطقه باب تجارت را گشودند.

رسید. او از اختلافات و اغتشاشات اعراب استفاده کرده واز راه شهر سویل (Seville) به شهر کوردوبا، پایتخت اسپانیا، وارد شد. وی درعین حال شاعربود و اشعاری در مرثیه و سوگواری ترک میهن خود، سوریه، سروده است.

اعضای بدن یکی از نویسندگان عرب در شعله های اجاق سوزانده شد.(بصره، ۷۵۷):

یکی از بزرگ ترین نویسندگان عرب در سن ۳۹ سالگی، به دستور منصور، خلیفه ی عباسی، پس از آزار و شکنجه ی فراوان، جان به جان آفرین تسلیم کرد. این قتل فجیع، تحت نظارت فرماندار بصره که یکی از دشمنان قدیمی وی بود، صورت گرفت. به دستوروی، اعضای آن نویسنده را در حالی که جان داشت، قطع کرده و در آتش افکندند.

نوشته های پرطعنه و طنزآمیز ابن مقفع (Ibn al-Mukaffa) باعث مرگ او شد. وی قبل از مرگش، از منصور، خلیفه ی عباسی، پوزش طلبید و امان خواست، منصور هم سوگند خورد که او را امان داده، با این وصف، منصور محترمانه سوگند خود را زیر پا گذاشت و اورا محکوم به مرگ کرد.

در حالی که ابن مقفع اغلب در پی تعلیم علم فلسفه بود و رساله یی در باب فلسفه نوشت، از دیگر آثار او، جمع آوری و نقل داستان های کلیله و دمنه از هندی و برگردان آن به زبان عربی بود. (لازم به ذکر است که ابن مقفع یکی از ادیبان و نویسندگان ایرانی است و نام او هم روزبه بوده است).

سرزمین طلا واقع در جنوب صحرا(جنوب سودان، ۷۷۰):

نظر بازرگانان عرب به جاده کاروان رو سراسر صحرا که گفته می شود حاکم نشین معظم صاحب طلا یا غنا درآن مسیر قرار دارد معطوف شده است. مردم این ناحیه، با مبادله ی نمک، لباس و سایر کالاهای تولید شده در کرانه ی مدیترانه با طلا، به وسیله ی دلالان، صاحب ثروت کلان گردیده اند.

این حاکم نشین از زمان پادشاهی افسانه مانند حقا (Hagha) که دارای قدرت بسیار بود، آغاز شده، در حالی که کشاورزان منطقه سونینک (Soninke) درغرب سودان به کشت محصولات محلی برای قوت لایموت خود در

فعالیت بودند و تا آن زمان هیچ کس از وجود طلا در آنجا آگاهی نداشت. پس از آن که معادن طلا در منطقه کشف شد، پادشاهان محلی به کنترل بازرگانان بربر و یهودی پرداختند که این فلز گران بها رابه یغما نبرند، آن ها در بنادر ساحلی، نمک را با طلا معاوضه می کردند.

پایتخت یا شهر شاهان که اعراب آن را القبا (Alghaba) می نامیدند، در دهانه ی رود نیجر قرار داشت، به طوری که این رودخانه را منحرف می کرد این رودخانه آب شرب شهر را تأمین می کرد و کشاورزان هم از آب آن برای کشت باغ ها استفاده می کردند.

این رودخانه هم چنین مورد استفاده ی سپاهیان حامی پادشاهی حقا بود. با گسترش امپراتوری عرب، درخواست جهت طلا، برای ساخت زینت آلات در سرزمین اسپانیا و شمال افریقا، روز افزون شد. در این زمان با پیشرفت اسلام در سراسر افریقا مسلمانان توانستند دین مردم محلی را تغییر داده و آن ها را ترغیب به پذیرفتن مذهب اسلام کرده و هم چنین به ساختن مساجد در غنا اقدام نمایند.

پنی (Penny)، سکه ی جدید اقوام آنگلوساکسون، رواج می یابد. (انگلستان، ۷۷۸):

با اقدام اوفا(Offa)، پادشاه سخت گیر مرسیا (Mercia)، در ضرب سکه ی پنی و انتشار آن، اقتصاد این منطقه به طور برق آسایی پیشرفت کرده وصدای غرش این ترقی در تمام اروپا پیچیده است، سکه ی جدید که به نام پنی مشهور شده، جایگزین سکه ی نقره ی قدیمی به نام سیتا(Sceatta) شده.

سکه ی جدید درلندن، کنت و شاهزاده نشین انگلیای شرقی ضرب می شود و شباهت تامی به دنیه (Deniers) فرانک ها دارد و از نظر وزن و اندازه هم شبیه آن است و گاهی نشان از سکه های رومی دارد. نام اوفا در روی سکه نقش شده که گواه و نشانه ی پیشبرد اقتصاد آنگلوساکسون ها و مبادله ی تجاری این قوم با سایر مناطق اروپاست. ضرب این سکه حسادت عده یی از پادشاهان بومی اروپا را برانگیخته، به طوری که آن ها آرزو دارند که سرزمینشان از نظر پیشرفت اقتصاد، به پای سرزمین پادشاهی اوفا برسد.

بغداد به عنوان پایتخت عباسیان برگزیده می شود. (بغداد، ۷۶۲):

منصور، خلیفه ی دوم عباسی، بغداد را به عنوان پایتخت جدید انتخاب کرد. این شهر در کرانه ی رود دجله واقع شده و اطراف آن از غرب به کانال های منشعب از رود فرات و از سوی شرق هم کوه های زاگرس واقع در غرب فلات ایران آن را محصور کرده است. این تنها راه گریز از این منطقه به سوی شرق است.

در اطراف شهر بغداد، ساختمان هایی برای انجام امور مذهبی مانند مساجد، کاخ های خلیفه و ادارات و پادگان های سپاهیان قرار گرفته است که با دروازه های وسیع به خارج مربوط می شود. درست است که بغداد یک شهر عربی محسوب می شود، لیکن خلفای عباسی تمام آداب و رسوم و عادات ایرانیان را اقتباس کرده و زندگی روزمره ی آن ها بسیار شبیه ایرانیان است.

یکی از مردان مقتدر اسلام در مکه بدرود حیات گفت. (مکه، عربستان،۷۷۵):

منصور، خلیفه ی عباسی، که به یقین بنیانگذار و احیا کننده ی سلسله ی عباسیان بود، هنگام زیارت مکه،درگذشت. وی جانشین برادرش سفاح شد و در سال ۷۵۴ به خلافت رسید. دراین موقع فشارهای زیادی بر سلسله ی نوپای عباسیان از خارج و داخل وارد می آمد و می خواستند که عباسیان حکومتی دست نشانده باشد.

منصور، مردی بلند قد، لاغر و سبزه رو بود، او در مقابل حریفان، رحم و شفقت نداشت و به ویژه در مقابل ابومسلم، بسیار شقاوت نشان داد و ابومسلم را به دستور او به قتل رساندند، اما اقتدار او را نوکران و سپاهیان تأمین می کردند که همواره گوش به فرمان بودند. جانشین وی، مهدی بود که به آسانی به خلافت مسلمین منصوب شد.

شارلمانی (Charlemagne)، امپراتوری خود را توسعه می بخشد. (اروپای غربی، ۷۷۸):

شارل، پادشاه فرانک ها، با تهدید جدی مردم سراسر رود راین روبرو شده . این تهدید بدین علت است که شارل درصدد است قلمرو آن ها را جزو سرزمین فرانک ها نماید و کنترل کامل لومباردها را به دست آورد و نیز به این وسیله، شمال ایتالیا را متحد سازد. به هر صورت، سرزمین گل (که از این به بعد، به نام فرانسه نامیده می شود) می خواهد به

ژاپن ۷۴۱

بر طبق فرمان دولت ژاپن، معابد بودایی در سراسر این سرزمین تأسیس شد.

گل ۲۲ اکتبر ۷۴۱

شارل مارتل در شهر کوئیزی (Quiezy) درگذشت و سرزمین تحت سلطه و قدرت دولت وی، بین دو فرزندش به نامهای پپین (Pepin) سوم و کارلومن (Karloman) تقسیم شد.

کنستانتینوپول ۷۴۱

کنستانتین پنجم به جانشینی پدرش لئوی سوم که از ایزوریانها (Isaurian) بود منصوب شد وی که یکی از حمایت کنندگان عقاید ضد پاپ بود، معتقدان ظاهری و متعصبان مذهبی را مورد تعقیب قرار داد.

میان رودان (بین النهرین) ۷۴۱

زید نواده امام حسین (ع) در شورش شیعیان شهر کوفه شهید گردید.

گل ۷۴۲

کرودگانگ (Chrodegang) سر وزیر شارل مارتل به اسقفی شهر متز (Metz) تعیین شد و به ترمیم و تجهیز کلیسای فرانک ها که طی سالها تخریب شده بود پرداخت.

ایتالیا ۷۴۲

لیوت پراند پادشاه لومبارد طی لشگر کشی به جنوب سرزمین های دوک نشین و بی طرف اسپولتو (Spoleto) و بنه ونتو (Benevento) را به زیر فرمان خود درآورد.

چین ۷۴۲

زوان زونگ (Xuan Zong) پادشاه چین مذاهب را از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار داد و اعلام کرد که مذهب بودائی بر دائوئیسم (Daoism) برتری دارد. به هر حال امپراتور با پذیرش لقب تیان بائو (Tianbao) (گنجینه های بهشت) اشاره بر این دارد که دائوئیست ها در صدد تغییر ملیت و قوانین مذهبی مردم چین هستند.

افریقای شمالی ۷۴۲

اعراب شورش خوارج و بربرها را سرکوب کردند.

قسطنطنیه ۷۴۲

کنستانتین پنجم از سوی پایتخت جهت خواباندن شورش برادرزاده خود آرتاوازد (Artavasdus) و مخالفان عقاید کاتولیکی لشگر کشید. تا به این اقدام پایان دهد. وی توانست کنترل بخش های تحت سلطه و مورد حمله متعصبان مذهبی را بار دیگر به دست آورد.

کنستانتینوپول ۷۴۵

حمله طاعون خیارکی تمام شهر را فراگرفت و به تمام سرزمین های امپراتوری سرایت کرد.

مصر ۷۴۵

لشگریان نوبه (Nubians) (جنوب مصر و ناحیه سودان) به مصر یورش برده و مدتی قاهره را تسخیر کردند.

عنوان قدرتمندترین بخش اروپای غربی به شمار آید و بتواند در برابر ساکسون ها که با ترقی فرانسه مخالف هستند، مقابله کند.

پس از مرگ کارلومن (Carloman)، برادر شارل یا شارلمانی (به معنی شارل کبیر) درهفت سال پیش، وی تنها به سلطنت فرانک ها منصوب شد. وی خود را در نقش سیاستمدار بزرگ و پادشاه فرانک ها و لومباردها واشراف رومی و نیز جانشین و فرمانروای شاهزاده نشین لومباردیا می دید و نظرش بیشتر به جانب قلمرو لومبارد معطوف شد.

شارلمانی از روابط حسنه ی بین امپراتوری رم شرقی و پاپ، نگران بود ودر این اندیشه بود که این همبستگی را قطع کند. پیکارهای بین حاکم نشین های ایتالیا، وی را مطمئن ساخته بود که ایتالیا همواره در حال تجزیه خواهد بود و روی اتحاد را نخواهد دید.

علی رغم این که فرانک ها در سرزمین ساکسون ها بارها به تاخت وتاز مشغول بودند و مردان دلیر و شجاع آن ها به پیروزی هایی در مناطق تحت قلمرو آنگلوساکسون ها رسیده بودند و حتی در یکصد سال پیش، خدایان مشترکی داشتند و نیز قربانی کردن در راه خدایان را باور داشتند، فرانک ها مایل بودند که این سرزمین را جزو امپراتوری خود کرده و به ویژه در غیبت آنگلوساکسون ها، اموال آن ها را به یغما ببرند و در این حالت بحرانی و به مناسبت فوران و غلیان احساسات، شارلمانی به قدرت و استحکام موقعیت خویش مشغول بود.

برای آخرین بار و در سال های بین ۷۷۲-۷۷۵، شارلمانی با قوای نظامی، به سوی رودخانه وسر (Weser) شتافت.

اوستون ایرمین سول (Irminsul) را که نزد کافران مقدس و مورد ستایش بود، تخریب کرد. این ستون و درخت، از نظر کفار پایه ی نگهدارنده ی جهان بود. وی پس از چندی به طرف ایتالیا رفت، دراین هنگام، ساکسون ها جسارت یافته و به قلمرو فرانک ها تجاوز کردند.

در دوسال قبل هم، شارل استحکامات نظامی نزدیک رود لیپ (Lippe) را توسعه داد و پادگان هایی برای حراست و حفاظت مرزها تأسیس کرد. وی برخلاف میل ویدوکیند (Widukind) یک سرپرست قبیله جدید برای مقاومت در مقابل حملات ساکسون ها تعیین کرد.

شاعر بزرگ چینی در رودخانه غرق شد. (چین، ۷۶۲):

لی بای (Li Bai)، بزرگ ترین شاعر چین، هلاک شد. به طوری که گزارش شده وی در حالی که کاملاً مست بوده، در رود یانگ تسه (Yangtze) به دنبال گرفتن و به چنگ انداختن عکس ماه در آب بوده و در حالت مستی، غرق شده است.

مُردن بدین شکل، تازگی ندارد و در افسانه ها کسانی بوده اند که همواره عشق به شراب خواری داشته اند و در حالت های غیرعادی به شکل های مختلف دستخوش مرگ های ناگهانی شده اند. در اشعاری که سروده شده، به موارد زیادی از هوس ها و امیال غیرعادی برمی خوریم که انعکاسی از رفتار وکردار افرادی است که مبادرت به اعمال غیرعادی می کنند که ناشی از عدم مسئولیت می باشد و این، بستگی به شخصیت و منش آن افراد دارد که شاید ظرفیت آن را ندارند. این گونه اشخاص، برای مصاحبت و هم نشینی، کسانی را بر می گزینند که مشابهت زیادی به خودشان داشته باشند و هنگام بی خبری، ناآگاهانه به این اعمال دست می زنند.

این شاعر برای این که شهرت پیداکند، چندی پیش به پایتخت چین مسافرت کرد تا نزد خوآن زونگ (Xuanzong) امپراتور، بار یابد و به عنوان فردی فنا ناپذیر که همیشه در تبعید و خارج از پایتخت به سر می برده، به امپراتور معرفی شود و در صورت امکان، جزو شاعران قصر سلطنتی به حساب آید. وی از کارها و افعال یانگ گی فی، صیغه ی امپراتور، ابزار انزجار کرد و در نتیجه تبعید شد. چندی پس از این جریان، به جرم همکاری و معاضدت با یکی از شاهزادگان یانگ (Yang) که قصد براندازی امپراتور را داشت، زندانی شد. وی دیروز باز هم به کیفر جسارت و تجاوز به حریم دیگران غرق شد و پاداش خود را دریافت کرد.

سرود گریگوری، ارثیه یی برای کلیسا (روم، ۷۷۸):

به یادبود درگذشت پاپ گریگوری کبیر، سرودی را تنظیم کردند که عبادت کنندگان هنگام مراسم عشای ربانی آن را زمزمه می کنند. گریگوری که در ۱۷۴ سال پیش فوت شد، در موقع عشای ربانی، آن را می خواند، این سرود به نام کانتوس رومانوس (Cantus Romanus)معروف است. این تشریفات مذهبی که در کلیسای سنت گالن (St Gallen) در سویس اجرا می شود، بایستی دو نفر اسقف با همراهی کشیشان این سرود عجیب را به زبان لاتین بخوانند که آداب کلیسا رعایت شود. قدرت و اعتبار گریگوری مرهون سرایش این سرود می باشد.

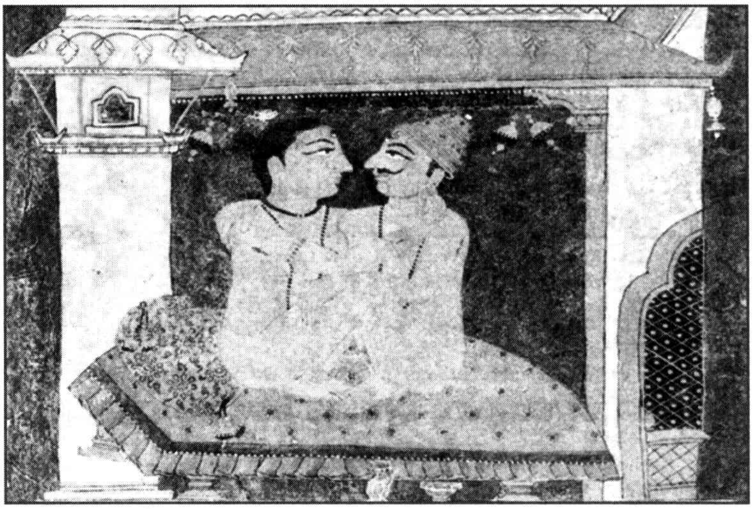
رونالد، متحد شارلمانی، دراثر حمله ی ناگهانی باسک ها، کشته شد. (اسپانیا، ۱۵ اوت ۷۷۸):

رونالد (Ronald)، یکی از بزرگ ترین وفاداران و هواخواهان شارل یا شارلمانی، پادشاه فرانک ها، دراثر حمله غیر مترقبه باسک ها در پیرنه (Pyrenees) به قتل رسید. رونالد که با سپاهیان خود در جنگ با اعراب به چندین پیروزی درخشان دست یافته بود، در حال بازگشت به فرانسه بود که ناغافل به هلاکت رسید. باسک ها که مردمانی متکبر و مغرور هستند و به زبان ونژاد خود بسیار وابسته اند، از این که قلمرو آن ها تا به حال به تصرف رم درنیامده، احساس غرور می کنند و رونالد برای مراجعت به فرانسه، این راه را که کوتاه ترین را ه بود، انتخاب کرد. به نظر می رسد که باسک ها هنگام عبور رونالد از رانسس وال (Roncesvalles)، در پشت این محل در کمین گاه نشسته ومنتظر او بودند. در این جریان، رونالد به همراه تعداد زیادی از سپاهیانش طعمه ی مرگ شدند.

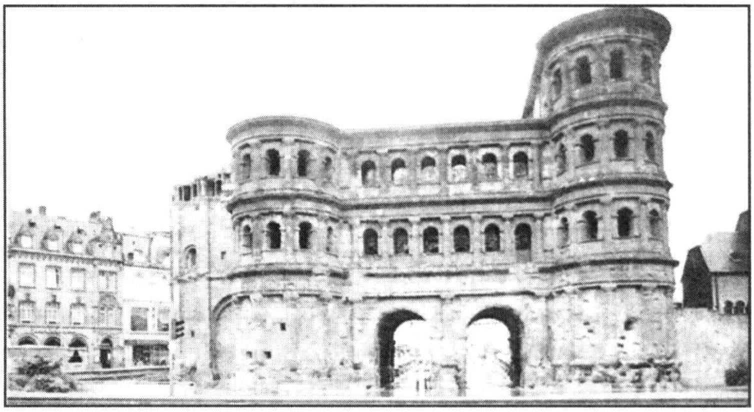
اوفا، سازنده ی دیوار بزرگ انگلیس، وفات یافت. (مرسیا، انگلیس، ۲۶ ژوئیه ۷۹۶):

اوفا (Offa)، نخستین پادشاه آنگلوساکسون که خود را پادشاه انگلستان می نامید، درگذشت. وی دیوار بزرگ را که طول آن به ۲۳۰ کیلومتر می رسید جهت جدا کردن مرز بین قلمرو خود و چندین شاهزاده نشین ویلزی (ولش Welsh) بنا کرد.

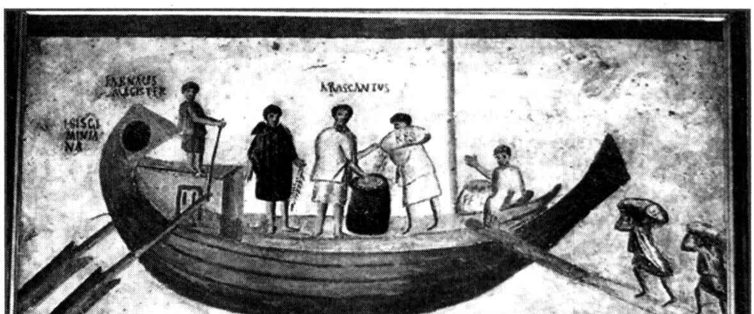
چند سال پیش، اوفا(که به سازنده ی دیوار مشهورشد) سرزمین تحت تابعیت خود را از ناحیه ی سوِرن (Severn) تا خلیج کوچک دی (Dee) و در فاصله ی ۳۰۰ متری ساحل این خلیج گسترش داد.



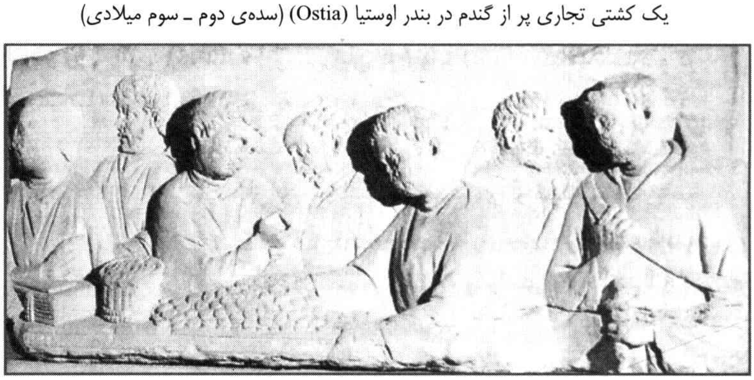
یک صحنه‌ی عشق‌بازی که کاماسوترای (Kama Sutra) هندی مشوق آن است.



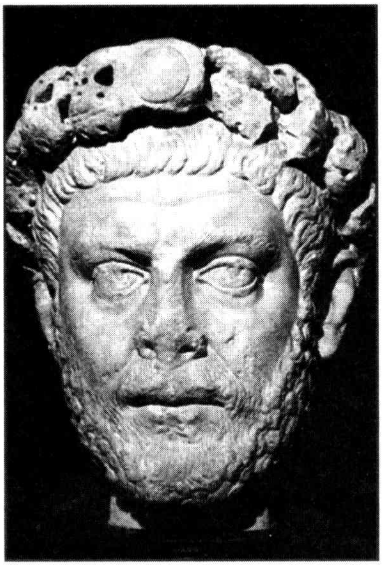
ساختمان عظیم و ناکامل تریه (Trier) در پورتانیگرا (Porta Nigra).



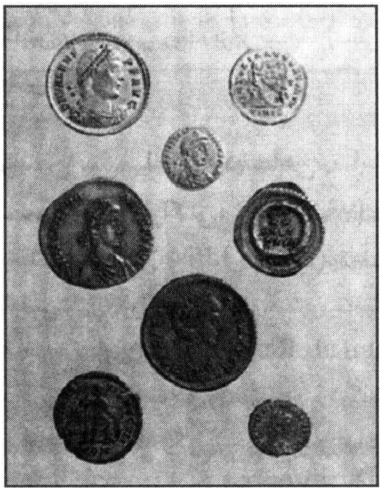
یک کشتی تجاری پر از گندم در بندر اوستیا (Ostia) (سده‌ی دوم ـ سوم میلادی)



چند نفر که متصدی شمارش پول هستند در مرکز نگهداری پول.



دیوکلسین، امپراتور صلح‌طلب.



سکه‌های مختلف، ساخت ضراب‌خانه‌ی سلطنتی.



کنستانتین (Constantine)،
امپراتور سیاستمدار و مقاوم.

اوفا در مدت چهل سال پادشاهی خود، نواحی کنت، ساسکس (Sussex)، اسکس (Essex)،و انگلیای (Anglia) شرقی را به طور مستقیم تحت سلطه داشت و در سال های آخر سلطنت منطقه ی وسکس (Wessex) را هم به قلمرو خود پیوست. لیکن به سوی شمال جزیره ی انگلیس پیشرفتی نداشت و نواحی هامبر (Humber) و نورتومبریا (Northumbria) مستقل ماندند.

اوفا برای جلوگیری از حملات دشمنان و رقیبان داخلی به جنوب انگلیس و سرزمین تحت حکومت خود، به ساختن این دیوار بزرگ که هدف نیای وی ایتل بالد (Aethelbald) بود اقدام کرد. سلطنت وی، همزمان با امپراتوری قدرتمند شارل پادشاه فرانک ها بود. اخیراً اوفا و شارلمانی نخستین پیمان بازرگانی تاریخی را امضا کردند. برطبق این پیمان بازرگانانی که ازگل به انگلیس یا از انگلیس به گل می روند، برابر ضوابط رسمی، تحت حمایت دولتین قرار داشتند.

مؤسس سلسله ی پادشاهی، با خلال دندان مسموم شد. (مراکش، ژوئن، ۷۹۱):

امام ادریس (Imam Idris)، مؤسس سلسله ی سلطنتی عرب مراکش به علت مسمومیت با خلال دندانی که خلیفه هارون الرشید (Harum al- Rashid) به عنوان هدیه برای وی فرستاده بود، مسموم و درگذشت.

امام ادریس که یکی از خویشاوندان پیامبر اسلام بود، از مدینه به مراکش رفت. در سال ۷۸۶ وی از شهر مدینه با تغییر قیافه به مصر و سپس به مراکش فرار کرد و در آنجا بر علیه خلیفه هارون الرشید علم طغیان برافراشت. قبیله آورابه (Awraba) که یک طایفه ی بربر بودند، وی را استقبال کردند و او را به عنوان رهبر دینی و سیاسی و به قولی امام خود برگزیدند، ادریس هم از شهر قدیمی رومی به نام ولوبیلیس (Volubilis) به شهر فز (Fez) آمد و آنجا را به پایتختی انتخاب کرد و تمام طوایف بربر به زیر پرچم وی گرد آمدند. امام ادریس هنگام مرگ وارث پسر نداشت، اما یکی از صیغه های حرم او حامله بود.

شارلمانی، مروج فرهنگ و ادب (آخن (Achen)، ۷۸۹):

شارلمانی، پادشاه فرانک ها، طی اطلاعیه یی جهت آگاهی عموم ساکنان قلمرو خود اعلام داشت که طرح هایی برای احیای فرهنگ و سوادآموزی دارد و این کار بخشی از دانش پژوهی و تجدید سازمان هنری است. در پی این اطلاعیه، گروهی از آموزگاران و دانش پژوهان، برای آگاهی بیشتر و تأسیس مدرسه یی که قرار بود افتتاح شود، از سراسر اروپا به کاخ وی در شهر آخن هجوم آوردند. شارلمانی گفته بود که تمام پسران نجبای جوان و حتی پسران فقیر که استعداد یادگیری دارند، می توانند در این مدرسه نام نویسی کنند. در این مدرسه، خواندن کتاب و نوشتن، به وسیله ی کشیشان تعلیم داده می شود.

خودِ شارلمانی، هنوز سواد ندارد. وی چندین بار سعی کرده که خواندن و نوشتن را بیاموزد، لیکن تا کنون موفق نشده و به نظر می رسد که در این سن، یادگیری برای او مشکل است و لزومی هم ندارد. وی می تواند به زبان لاتین صحبت کند و کمی هم یونانی می داند، در ضمن با ریاضیات و ستاره شناسی هم آشنایی دارد.

شارلمانی بیشتر مایل است که عموم مردم، روش خواندن را یاد بگیرند که بتوانند انجیل را بخوانند تا هر چه بیشتر ایمان آنها به مسیح افزایش یابد. وی در پیامی که برای کشیشان و اسقف ها فرستاد، آن ها را تشویق کرد که به آموختن ادب بپردازند، چون نوشتار آن ها حاکی از بی سوادی است و به طور عموم این نوشتارها زشت و در خور مقام های مذهبی نیست.

او می گوید: به مردان اجازه دهید هر چه را که خودشان می خواهند، یاد بگیرند تا قادر باشند هر چه را میل دارند، بیاموزند و در این باره بر آن ها سخت مگیرید و آن ها را آزاد بگذارید، یادگیری برای همه ی افراد لازم و واجب است.

شارلمانی هم چنین دید بسیار وسیعی در مورد هنر دارد. در زمینه ی معماری، وی توانست یک کاخ و کلیسایی در شهر آخن و نیز قصری به سبک کلیسای سنت ویتالیس (St Vitalis) ژوستی نیان در راونا (Ravenna) بسازد و در این هنر هم به مانند فرهنگ، مهارت و تبحر دارد.

او دوست دارد در جنگل های نزدیک قصر به شکار بپردازد و از این کار لذت می برد. وی از ضیافت های پر خرج و آن چنانی بیزار است و تنها گوشت شکار کباب شده را دوست دارد و شکار هم باید به وسیله ی اطرافیانش انجام

قبرس (Cyprus) ۷۴۶
یونانیها با یورش به نیروهای اعراب خسارات سنگینی بر آنها وارد آورده و کنترل قبرس را در دست گرفتند.

گل ۷۴۷
کارلومن (Carloman) که در فرمانروائی و قدرت حکومت با برادرش پیپن شریک بود از مقام خود کناره گرفت و در صومعه رم عزلت اختیار کرد پیپن سوم (بالقب کوتوله) تمام قدرت را در دست گرفت و فرمانروای حاکم نشین فرانکها شد.

ایران ۷۴۷
ابومسلم خراسانی در قیامی علیه امویان در خراسان دست آنها را از خلافت کوتاه و عباسیان را به خلافت رسانید.

سوریه ۷۴۸
وصیل بن عطا مؤسس آزادی مذهبی به نام فرقه معتزله (Mu,tazilism) درگذشت. پیروان وی عقیده داشتند که انسان را خداوند آزاد آفریده و سرنوشت هر فرد بشری از پیش توسط خداوند تعیین شده و علت و معلول اعمال انسانی در دست اوست.

ژاپن ۷۴۹
سلطنت شوموتنو (Shomu Tenno) که در سال ۷۲۴ آغاز شده بود به پایان رسید. وی پیروی از فرهنگ و آداب چینی را در تمام ژاپن گسترش داد.

سوریه ۷۴۹
مروان (Marwan) آخرین خلیفه اموی در جنگی که در ناحیه زاب (Zab) روی داد مقهور عباسیان (Abbasid) شد و بدین ترتیب سلسله بنی امیه (Umayyad) سرنگون شد.

افریقای جنوبی ۷۵۰
فرهنگ به کار گیری و استفاده از فلز آهن که مدتها در جنوب افریقا مرسوم بود به ناحیه ترانسکی (Transkei) در جنوب کیپ (Cape) رسید. این شیوه زندگی و مراسم آن از سال ۳۸۰ در نواحی اطراف دوربان (Durban) در ناتال (Natal) جریان داشت. در خویزان (Khoisan) که از سده های پیشین زندگانی بر پایه شکار حیوانات استوار بود اکنون استفاده از وسایل دیگر و اختلاط فرهنگی در این مناطق با سبک قدیمی ممزوج شده و شیوه نوینی جایگزین روش پیشین گشته و زبان بانتو (Bantu) هم در این نواحی مدیون صداهای طبیعی محیط خویزان می باشد.

فلسطین (Palestine) ۷۵۰
جان (John) از اهالی دمشق (Damascus) و مؤلف و احیا کننده فرقه مذهبی به نام سرچشمه عقل در صومعه سباستین مقدس (St. Sabas) در دره سدرون (Cedron) نزدیک اورشلیم دارفانی را وداع گفت. در همین هنگام قیام ضد کاتولیکی که یکی از دشمنان سرسخت لئوی سوم امپراتور روم که اصالتاً ایزوری (Isaurian) بود برپا شد و این یکی از بزرگترین معضلات امپراتور لئوی سوم به شمار می رفت.

شده باشد و فقط چهار سیخ کباب برای او کافی است. هنگام غذا خوردن هم به طور معمول مایل است به سرود سنت آگوستین (St Augustine) که درباره ی شهر خدا سروده شده، گوش فرا دارد. او مردی قوی و ورزشکار است، وی برای زنش، شوهری صمیمی و فداکار است، لیکن چندین زن غیر عقدی و فرزندان نامشروع دارد.

جانشینان خلیفه به کارهای زشت دست می آزند. (بغداد، ۴ سپتامبر ۷۸۶):

امروز صبح شایعاتی درباره ی مرگ خلیفه الهادی که دیشب به وقوع پیوست، جریان داشت. برادر کوچکتر الهادی به نام هارون الرشید، جانشین وی شد.

با خلافت هارون الرشید، به رقابت های نامطمئن و بی دوام پایان داده شد. پس از فوت منصور، خلیفه عباسی در سال ۷۷۵، وی المهدی، پسر بزرگتر خود را به جانشینی انتخاب کرد که مردی صالح و شایسته بود و در ضمن سپاهیان امپراتوری پشتیبان وی بودند و از الهادی، پسر دیگر منصور بیشتر لیاقت جانشینی داشت، اما همسر منصور به نام خیزران (Khayzuran) و دربار وحرم، بیشتر مایل بودند که هارون به خلافت برسد. سال گذشته المهدی فوت شد و چنان که باید الهادی خلیفه مسلمین گردید. گرچه وی بیمار بود، لیکن مرگ ناگهانی وی موجب بروز شایعاتی در این مورد شد و گفته شد که خیزران او را خفه کرده است، چون او پسرش را بازداشت کرده بود، به هر حال، حقیقت هر چه بود، هارون با موضوعاتی روبرو شد و با حمایت نیروی نظامی بر همه ی آن ها فایق آمد.

شب زنده داری صوفی (دنیای اسلام، ۷۸۰):

شکل جدیدی از تصوف در دنیای اسلام پدیدار می شود که طرفداران آن را به نام صوفی می خوانند، آنان به پوشیدن لباس های زبر و خشن پشمی (صوف) مشهورند و زندگی همراه با مشقت و سختی را آزمایش می کنند. صوفی گری شکلی از معرفت گرایی و احراز معنویت و رسیدن به کعبه مقصود است که راهبان مسیحی سال ها و قرن ها بدان متصف بودند. آنان برای تزکیه روح و نیل به رستگاری و پالایش جسم، غرایز جسمانی را زیر پا می نهند

و هم چنان که به پوشیدن جامه ی خشن تن در می دهند، تجرد و تنهایی و عزوبت و شب زنده داری را جزو لوازم نیل به مقصود می شمارند. صوفیان در راه رسیدن به حقیقت و نزدیکی به خداوند یگانه و تنفس در محیط روحانی، آنچه را که مانع این هدف است، کنار زده و هرچه را که رنگ مادی دارد، از سر راه خود بر می دارند.

راهب دانشمند انگلیسی، در فرانسه درگذشت. (تور، (Tours)، گل، ۸۰۴):

آلکوین (Alcuin)، دانشمند تعلیم یافته ی انگلیسی، در کلیسای سنت مارتین که شارلمانی در ۷۹۶ به وی داده بود و در شهر تور قرار داشت، جهان را بدرود گفت. او در نورتومبریا متولد شده بود و تحصیلاتش را در یورک به انجام رسانید و در کاتدرال (Cathedral) (کلیسای بزرگ) این منطقه، به دانشجویان تعلیم می داد. در سال ۷۸۲ و موقعی که شارلمانی پادشاه فرانسه را ملاقات کرد، زندگی او تغییر یافت. پارسایی و پرهیزکاری وی، بر شارلمانی چنان تأثیر گذاشت که شاه از وی دعوت کرد که به جمع دانشمندان کاخ وی جهت تدریس به پیوندد. آلکوین به مدرسه ی کاخ رفت و مشغول تدریس فرزندان شارلمانی و پسران اشراف شد، لیکن قادر به تدریس علوم دینی نبود.

آلکوین، از نظر سیاسی و فرهنگ، به سرزمین خود انگلیس وابسته بود. او هرگز مدرسه یورک را از خاطر نبرد و اشعاری در مدح و ستایش قدیسین و اسقف های آنجا سرود.

وی از شهر محل اقامتش تور، نامه هایی به شاه نوشت بدین مضمون؛ هر چند من هم جزو خدمتگزاران بی شمار شما هستم، لیکن این جا از نظر کتاب های مذهبی دچار کمبود است و کتاب نایاب است و می توانیم این گونه کتاب ها را در کشور من پیدا کنیم. ما می توانیم تعدادی از محصلان را با اجازه ی شاه به آنجا بفرستیم تا کتاب های مورد لزوم را تهیه و بیاورند. فرهنگ نورتامبریا در سطح بالایی است و می توان این فرهنگ را در تمام اروپا گسترش داد.

برحسب قرارداد، یکی از استان های دنیای اسلام استقلال یافت. (افریقای شمالی، ۸۰۰):

در قوانین اسلامی، خلیفه، فرمانروای کل مسلمانان می باشد، برحسب پیمانی که بین خلیفه و ابراهیم ابن الاقرب (Ibraim ibn – al Aghrab) منعقد گردید، موافقت شد که ایالت افریقائی تونس از نظر مذهبی تحت نظر فرماندار تونس قرار گیرد.

چون این منطقه همواره در آشوب و اغتشاش به سر می برده، خلیفه او را به سمت فرماندار آنجا تعیین کرد (تونس یکی از ایالات قدیمی رم بود). ابراهیم توانست در این سال با فعالیت و پشتکار خود، شورش وآشوب را در تونس فرونشاند و آرامش را به این ایالت بازگرداند. اما این موقتی بود و به نظر می رسید آتش زیر خاکستر است، چون هنوز بربرها در قیروان (Kairouan)، پایتخت تونس و شهرهای دیگر، به تحریک وآشوب مشغول بودند، لذا ابراهیم لشگری از بردگان را جهت مقابله با آنان تجهیز کرد. این نیروی نظامی را ابراهیم با اجازه ی خلیفه و بر حسب قرارداد تشکیل داده بود. البته خلیفه هارون الرشید، مبلغ چهل هزار دینار برای تجهیز این سپاه ارسال داشت و در ضمن مقرر شد که حاکمیت و فرمانروایی این منطقه پس از ابراهیم به فرزند او برسد. حال سرزمین اسپانیا، مراکش و نقاط شمال افریقا استقلال یافتند و خلیفه تنها در سرزمین مصر حاکمیت دارد و این کشور زیر نظر مستقیم خلیفه اداره می شود.

تمدن و فرهنگ به نقاط مرتفع کوه های آند (Andes) رسوخ کرده. (پرو، ۸۱۱):

در نواحی ساحلی دریاچه ی تی تی کاکا (Titicaca) که در ۳۶۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد، تمدن تیاهوآناکو (Tiahuanaco) حتی در قله های کوهستان و سواحل اقیانوس آرام گسترش یافته است. تمدن تیاهوآناکو برای نخستین بار در یک هزار سال قبل در شهرها و مناطق امریکای جنوبی رواج یافت، ساکنان این نواحی از نظر مذهبی ویراکوچا (Viracocha) خدای آفتاب را مورد پرستش قرار می دادند، لیکن نمی توان گفت چه مدتی این جریان در این منطقه پا برجا بوده است. چون با وجود نبردهایی که ساکنان این نواحی با همسایگان خود واقوام هوآری (Huari) بر پا داشتند، ساکنان متمدن تیاهوآناکو را ضعیف کرد و در نتیجه این عدم قدرت، آن چنان که باید نتوانستند تمدن را در مناطق دیگر توسعه دهند.

تاجگذاری شارلمانی به دست پاپ (روم، ۲۵ دسامبر ۸۰۰):

افریقای شرقی ۷۵۰

بیش از ۲۰ سال است که اعراب و ایران کنترل کرانه افریقای شرقی را که به زانی (Zani) مشهور است از سومالی (Somalia) سراسر کنیا (Kenya) و زنگبار (Zanzibar) در شرق تانزانیا (Tanznia) و موزامبیک (Mozambique) را از نظر بازرگانی در اختیار دارند.

افریقای غربی ۷۵۰

اعراب شمال افریقا با نفرات زیادی از صحرا گذشته و راه عبور محموله های طلا را در دست گرفتند.

میان رودان (بین النهرین) ۷۵۰

عباسیان قوم بنی امیه را سرنگون کرده و کنترل سیاسی و روحی بخش اعظم مسلمانان جهان را به دست گرفتند.

ژاپن ۷۵۱

معبد توشودای جی (Toshodaiji) در منطقه نارا (Nara) ساخته شد.

گل ۷۵۱

پپین (Pepin) سوم پس از تصویب و تائید پاپ به فرمانداری رسید. در این ضمن شایعات و داستان های بسیاری که تاثیر چندانی هم نداشت درباره مرووینیان (Merovingian) پادشاه منتشر شد. این پادشاه در ضمن پایه گذار سلسله پادشاهی کارولین یان (Carolingians) گردید.

ایتالیا ۷۵۱

شهر راونا آخرین منطقه یی که درشمال ایتالیا به تصرف بیزانتین درآمد اینک تحت سلطه ایستولف (Aistulf) پادشاه لومباردها قرار گرفت.

آسیای مرکزی ۷۵۱

پس از تسخیر شهرهای تاشکند، سمرقند و بخارا توسط اعراب، چینی ها در ساحل رود تالاس (Talas) از اعراب شکست خوردند و دین اسلام در سراسر منطقه وسیع آسیای مرکزی گسترش یافت.

ژاپن ۷۵۲

ملکه کوکن (Koken) پیش از آنکه تندیس برنزی بودا را در معبد نارا قرار دهند جشن باشکوهی بدین مناسبت ترتیب داد. وی اعتراف کرد که خود او یکی از سه گوهری است که به عنوان ملکه در خدمت بودا می باشد.

عربستان ۷۵۲

دو نفر زندانی چینی که در بند اعراب بودند بنا به درخواست عربها طرز تهیه کاغذ را به آنان آموختند و بدین ترتیب ساخت اوراق کاغذ برای نخستین بار در دنیای عرب به انجام رسید.

ژاپن ۷۵۴

راهب چینی به نام چی ین چن (Chein-Chen) که کور مادرزاد بود سرانجام پس از سالها تلاش به سرزمین ژاپن رسید.

امروز که روز کریسمس بود، پس از پایان مراسم عشای ربانی در کلیسای سن پیتر در روم، به ناگهان پاپ لئوی سوم با تاجی ظاهر شد و آن را بر روی سر شارلمانی در حالی که شاه فرانک ها در مقابل محراب رفیع کلیسا زانو زده بود، گذاشت و اعلام کرد؛ شارلمانی (شارل کبیر) امپراتور رم است. این در حالی بود که شخصیت های رومی با هماهنگی فریاد کشیدند که: شارل پارسا و بزرگ، تاج خود را از دست خدا گرفته، این فرد بزرگ و متعالی که دوستدار صلح است پاینده و پیروز باد.

این صحنه درام، هنگامی به اوج خود رسید که یک سری حوادثی در شُرف وقوع بود و بر اشراف مخالف لئو، ضربه ی سختی وارد شد که از دیدن و بیان آن باز ماندند و سپس آنجا را ترک کردند. در این حال، سفرا و نمایندگان سیاسی فرانک ها، از ترس در پشت پاپ مقدس خود را پنهان کردند و برخی از آنها در پناه شارلمانی قرار گرفتند. در این هنگام، پاپ با قید سوگند، خود را مبرا از پیمان شکنی دانست و دشمنان را بی شرم و حیا معرفی کرد.

شارلمانی هم ادعا کرد و با اشاراتی فهماند که پاپ وی را به عنوان امپراتور رم معرفی کرده است. در حالی که پاپ این لقب را به عنوان هدیه به شارلمانی داده بود. شارلمانی به اطراف کلیسا نگریست و احساس کرد که خداوند این امانت را برای دفاع از وطن به وی سپرده است. این قاعده و رسمی است که او را ناخودآگاه به امانت داری وادار کرده، او در حال حاضر رهبر و راهنمای تمام مسیحیان است.

امروز این جماعتی که در کلیسای سنت پیتر گرد آمده اند، اذعان دارند که وی امپراتوری صلح طلب است، او مردی جنگاور است که سی سال از زندگی خود را برای تحت انقیاد و تابعیت درآوردن ساکسون ها، ایتالیایی ها، باواریان ها (Bavarians) و اسلاوها (Slavs)، سپری کرده است و اینک امپراتوری وی با بیزانتین برابری می کند. او اغلب کارها را با نام خدا آغاز می کند، ساکسون های کافر را که دوباره شورش کرده بودند و در مقابل مسیحیان مقاومت می کردند، با بی رحمانه ترین شکل، در دسته های هزار نفری به تبعید فرستاده است.

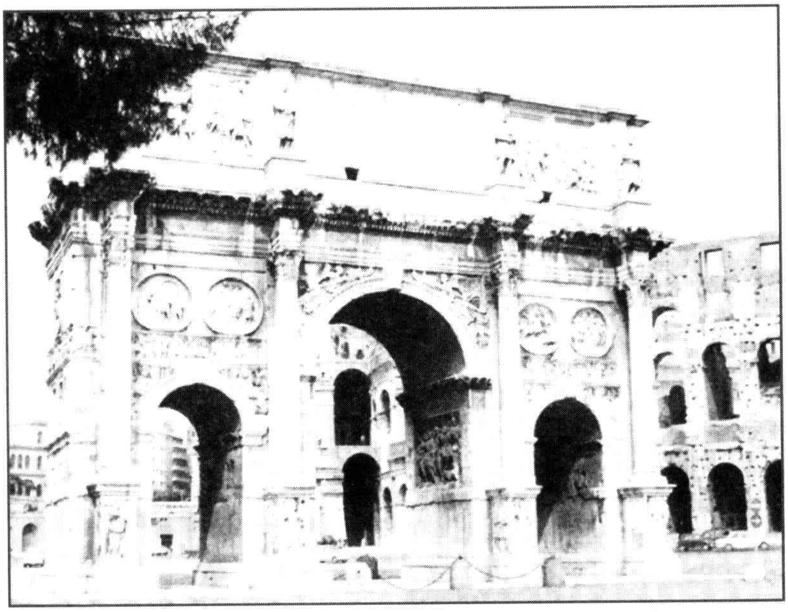
شارلمانی همواره به مقدسات مذهبی احترام می گذارد و اکنون که به عنوان امپراتور مقدس رم برانگیخته شده،



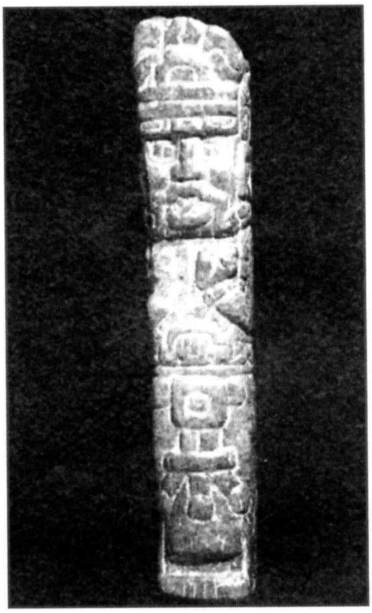
بخشی از قصر باشکوه دیوکلسین در هنگام بازنشستگی.



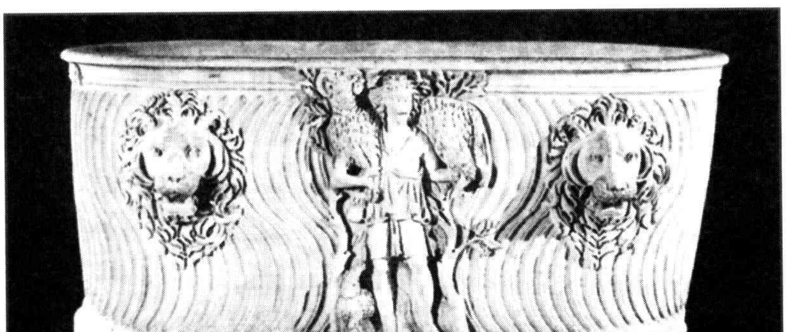
کامئو (Cameo)، امپراتور رم که شایع بود ادمی مشرک است با همسرش.



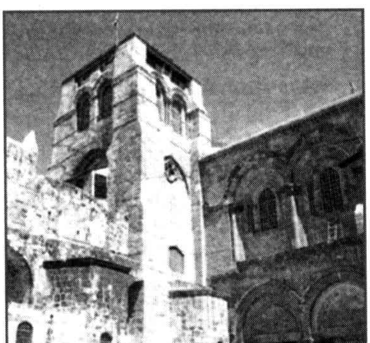
تاق نصرتی در شهر رم به افتخار مردی که توانست امپراتوری را حفظ کند.



تصویر خدای افتاب بر روی سنگ یشم
که سمبل تمدن مایا می‌باشد.



تابوت سنگی ساخت رم که نقش یک شبان خوب و حافظ گله، بر روی ان نشان داده شده است.
(کار قرون اخیر)



ساختمان یک کلیسا در سپولکر (Sepulchre)
مربوط به قرون اخیر.

گل ژانویه ۷۵۴

با هجوم لومباردها که با کمک بسیار ناچیز و غیر قابل رؤیت بیزانس همراه بود پاپ استفن (Stephen) دوم را مجبور به یاری خواستن از فرانکها کرد. این کمک که سود متقابل برای طرفین داشت ایستولف پادشاه لومبارد را به تسلیم واداشت.

آلمان ۷۵۴

با وجودی که هنوز، گروه مذهبی غیر انجیلی به فریزیا (Frisia) در شمال این سرزمین نرسیده بودند. بونیفاس (Boniface) را به اتهام شرکت در آن به قتل رساندند.

میان رودان (بین النهرین) ژوئن ۷۵۴

منصور دومین خلیفه عباسی به جانشینی ابوالعباس برادر و خلیفه اول عباسیان منصوب شد.

تبت ۷۵۵

خری اید گتساگ برتسان (Khri – Idegtsug – Brtsan) که اقدام به ساختن دژهای نظامی سلطنتی در شهر لهاسا (Lhasa) کرده بود آنها را به پایان رسانید.

چین ۷۵۵

رقابت و هم چشمی بین آن لوشان (An Lushan) ژنرال مغول و وزیر مغولها به نام یانگ گوئوزونگ (Yang Guozhong) کار را به منازعه بین آن لوشان و دربار کشید. پس از حمله، آن لوشان به سرعت نیروهای نظامی خود را به سوی هه بی (Hebei) در جنوب اعزام کرده و شهر لویانگ (Loyang) را متصرف شد و خود را به نام امپراتور و سرسلسله پادشاهی جدید زیا (Xia) اعلام کرد.

بالکان ۷۵۵

کنستانتین (Constantine) پنجم نیروهای دریایی خود را جهت جنگ با بلغارها اعزام کرد .

میان رودان (بین النهرین) ۷۵۵

ابومسلم خراسانی که قیامی را برعلیه امویان ترتیب داد و خاندان آنها را از قدرت برکنار و عباسیان را به خلافت رسانید به امر منصور خلیفه عباسی به قتل رسید.

ایران ۷۵۵

پس از مرگ ابومسلم خراسانی رهبر قیام خراسان، بار دیگر شورش بر ضد امویان باقیمانده برپا شد.

اسپانیا ۷۵۶

یکی از شاهزادگان اموی به نام عبدالرحمان به فرمانروائی شهر کوردوبا (Cordoba) (قرطبه) رسید.

ایتالیا ۷۵۶

با از سرگرفتن هجوم ایستولف پادشاه لومباردها به پاپ و عزیمت آنها به سوی رم پیین سوم با مداخله در نبرد، ایستولف را به تسلیم واداشت. در این هنگام پاپ بخش بزرگی از سرزمین ایتالیا را به عنوان قلمرو حکومت دینی با یاری و مساعدت فرانکها اشغال کرد و بدین ترتیب پیوستگی بین امپراتوری و دستگاه پاپ از بین رفت.

آزمایشی است برای تغییر وضع او که در خور این مقام هست یا خیر.

پسر شارلمانی بر قوم آوار پیروز می شود. (پانونیا، (مجارستان)، ۸۰۵):

نیروی نظامی شارلمانی به فرماندهی پیپن فرزند شارلمانی، اقوام آوار را که ریشه ی مغولی دارند، به طور کامل مطیع ساخت و مقدار معتنابهی طلا و نقره را که از سرزمین های مختلف به غارت گرفته بودند، به چنگ آورد.

آوارها در قرن ششم در اروپا پیدا شدند و با ترک ها به سوی غرب فشار آوردند و ساکنان محلی را به عقب راندند و سرانجام در دشت پانونیا بین رود دانوب و جبال کارپات، مسکن گزیدند. آنان سوارانی بسیار برجسته و شجاع هستند و همیشه تحت امر فرمانده ی خود به نام خاقان می باشند و محل استقرار و پایگاه خود را با نواختن زنگ به اطلاع افراد قبیله می رسانند.

پیپن، پیروزی خود را بر آوارها جشن گرفت و برای فتح و پیروزی وی، قصیده یی بلند سرودند که با تصویر خاقان همراه بود، در این قصیده، خاقان (Khagan)، پیپن را مورد خطاب قرار داده و می گوید: درود بر شاهزاده، تو سرور همه ی ما هستی و دستان تو همواره چون چتری از بوریا از ما و سرزمین ما در مقابل حوادث محافظت می کند.

مادر، فرزندِ امپراتور خود را کور کرد. (کنستانتینوپول، ژوئیه ۷۹۷):

ایرن (Irene)، مادر امپراتور کنستانتین ششم، دستور داد که فرزندش را کور کرده و به تبعید بفرستند و خود را به عنوان رهبر و فرمانروای بیزانتین معرفی کرد. ایرن، این زن جاه طلب و ستمگر، سرانجام به آرزوی خود رسید.

زمانی که شوهر ایرن، لئوی چهارم، در ۱۷ سال پیش فوت کرد، پسرش که وارث او بود، ۱۰ سال داشت و مادرش به سمت نایب السلطنه منصوب شد. در سال ۷۹۰، امپراتور جوان به توصیه ی مشاور خود استورسیوس (Staurcius)، ایرن را از شهر اخراج کرد، اما کوشش های او بی ثمر ماند و ایرن با تحریک سپاهیان، به شورش بر علیه فرزندش، خود را ملکه بیزانتین خواند.

بقیه ی مدت سلطنت کنستانتین به سبب فقدان بینایی، تحت نفوذ و تأثیر مادرش سپری شد. او با آزار و شکنجه یی

که بر پسرش وارد کرد، خشم سپاهیان را برانگیخت، لیکن با انواع سخت گیری ها و فشار توانست ارتش را در حالت آرامش نگاه دارد.

وی همواره ملازم پسر خود بود. ایرن بدون حجاب به میان مردم می رفت و با داشتن شوهر با تئودوت (Theodote) هم ازدواج کرد و مردم هم به این سبب و داشتن دو شوهر انزجار خود را از وی ابراز می کردند، به طوری که خشم کلیسا و مردم را هم بر علیه خود برانگیخت. ایرن خود را زنی پارسا و پاک دامن می دانست و شمایل و تصویر را دوست داشت و عقاید خود را همواره پنهان می داشت و در زمان قدرت خود از این عقیده دست بر نداشت، در حالی که پاپ لئوی سوم در کنگره ی جهانی کلیساها، تصویرنگاری و مجسمه سازی را یک نوع بت پرستی اعلام کرده بود.

شاهزاده یی که به تنهایی وارث امپراتوری فرانک ها شد. (امپراتوری فرانک ها، ۸۱۷):

پس از سه سال که از مرگ شارلمانی امپراتور فرانک ها می گذشت، لوئی سعی کرد که این امپراتوری را متحد نگاهدارد، چون بر طبق رسم پادشاهان، پس از فوت شاه، سرزمین تحت تابعیت وی بین پسرانش تقسیم می شد و لویی در تلاش آن بود که از تجزیه ی کشور تا حد امکان جلوگیری شود. و این رسم تاکنون تغییر ناپذیر بود. شارلمانی این برنامه را پیش از مرگش برای فرزندانش تشریح کرده بود، برابر طرح وی، لوتار (Lothar)، بزرگ ترین پسرش، در حکومت گل با پدر مشارکت داشت، و لویی و پپین هم کنترل نواحی باواریا و آکی تین را برعهده داشتند، ولی تقدیر چنین بود که لوتار همزمان با مرگ پدر از بین برود.

شارلمانی میل داشت که پس از مرگش، قلمرو وی به تساوی بین فرزندانش تقسیم شود، لیکن شانس با لوئی همراه بود، چون که تنها او زنده ماند.

شارلمانی در محاسبه ی خود، لوئی (Louis) را به حساب نیاورد و بزرگ ترین پسرش برنارد (Bernard) را هم که فرمانروای ایتالیا بود، به سبب تحریک مردم به شورش و آشوب از قلم انداخته بود و این ضربه باعث شد که شارلمانی او را هم از وارث خود حذف کند و بیشتر روی فرزند دوم خود لوتار حساب می کرد. لوتار هم بر اثر ضربه یی که به چشمانش وارد آمد، نابینا گشت و پس از چندی مُرد. اکنون لویی که فردی بسیار مذهبی بود و حوادث به کمک او آمده بود، در نقشه ی خود توفیق حاصل کرد.

فیلسوف بنیادگرای مکتب هندو درگذشت. (هندوستان، ۸۲۰):

شانکارا (Shankara)، فیلسوف هندو در شهر کوچین (Cochin) به دنیا آمد و با تفسیر اصول ودانتا (Vedanta)، انقلابی در اندیشه های هندو به وجود آورد و با این افکار جان به جان آفرین تسلیم کرد. گرچه شانکارا در سن ۳۲ سالگی فوت شد، با وجود این، تفسیرهای وی در مورد اوپانیشاد (Upanishads) (مکتب مقدس هندو) اندیشه های نوینی در مذهب هندو ایجاد کرد. وی در این سال های کوتاه عمرش، به اغلب نقاط هند مسافرت کرد و پیام خود را به مردم ابلاغ کرد و چندین صومعه در شهرهای سرین گری (Sringeri)، پوری (Puri)، دوارکا (Dwarka) و بادرینات (Badrinath) تأسیس کرد.

وی مذهب هندو را با بودایی درآمیخت و خود وی می گوید که حقیقت در نهان است و تشخیص آن دشوار. در دنیای ازلی تنها برهما وجود داشت و برهما (Brahma) با نیروی عقل مدت ها بعد، خدایانی از جمله مایا (Maya) را آفرید که حس بصیرت و دراکه از اوست. برهما حقیقت مطلق است، روح در حال تجرد است و به تنهایی قابل ادراک نیست. شانکارا هرگز به عالم علیا دست نخواهد یافت و در بستر مرگ می گفت: خداوند همه جا هست و او هم به نزد خالق باز خواهد گشت.

معبد بسیار مجلل و باشکوهی برای بودا به نام بوروبودور (Borobudur) در جزیره ی جاوه (Java) بنا می شود. (جاوه، ۸۱۱):

معبد پرشکوهی در مرکز جزیره ی جاوه به فرمان سیلندرا (Sailendra) فرماندار جزیره برای بودا ساخته شده است. نام این معبد بورودوبور به معنی چند خانه بودا می باشد. این مکان مقدس، هیچ شباهتی به معابدی که تاکنون در سطح زمین ساخته شده ندارد و تجسمی است از قدرت آسمانی و نیز خلاصه یی است از آنچه بشر به آن اعتماد و اطمینان و باور دارد (نیروانا Nirvana).

چین ۷۵۶
با مرگ همسر صیغه یی امپراتور به نام یانگ گویی فی (Yang Guifei) که مقام امپراتریسی را برعهده داشت امپراتور خوان زونگ (Xuan Zong) از سلطنت کناره گرفت. آن لوشان پایتخت را اشغال کرده و خود را امپراتور خواند.

چین ۷۵۶
یکی از استادان بزرگ نقاش چین به نام ووداثوجی (Wu Daogi) در زمان سلسله پادشاهی تانگ (Tang) جهان را وداع گفت.

بریتانی ۷۵۷
پس از ۴۰ سال که از سلطنت موفقیت آمیز اتیل بالد (Aethelbald) پادشاه مرسیا (Mercia) می گذشت وی توسط مأموران نگهبان خویش در سکینگتون (Seckington) به قتل رسید و یکی از خویشاوندان وی به نام اوفا (Offa) جانشین او شد.

چین ۷۵۷
با به قتل رسیدن آن لوشان امپراتور موقتی، کار شورش در چین سخت بالا گرفت که در طی آن میلیونها نفر از مردم به هلاکت رسیدند و میلیونها نفر هم به جنوب کشور پناهنده شدند.

گل ۷۵۹
فرانکها با حمله به منطقه ناربونه (Narbonne) آنجا را که از سال ۷۲۰ در تصرف اعراب بود باردیگر تسخیر کردند و نیز کنترل سپتی مانیا (لانگدوک) (Septimania Languedoc) را در دست گرفتند.

ژاپن ۷۵۹
چی ین چن (Chien- Chen) راهب چینی کانونی را برای آموزش و محلی را برای ساختن معبد توشودایی جی (Toshodaiji) به دولت تقدیم کرد.

هند ۷۶۰
برحسب فرمان امپراتور کریشنا (Krishna) از سلسله پادشاهی راشتراکوتا (Rashtrakuta) معبدی سنگی به نام کایلازا (Kailasa) در محل کوهستان الورا (Ellora) در میان صخره ها کنده شد و یک تندیس بزرگ هم در آنجا نصب شد.

ژاپن ۷۶۰
پس از مرگ امپراتور شومو (Shomu) تندیس چوبی وی را تراشیده و در محل اقامت او نزدیک معبد توشودایی جی قرار دادند. این محل را هم به نام گنجینه شوسوئین (Shosoin) اسم گزاری کردند که در آن همه یادبودهای امپراتور هنگام گذر از جاده ابریشم و رسیدن به خاور نزدیک از جمله ظرفهای گوناگون — آلات موسیقی — انواع شمشیر — مبلمان و انواع وسایلی که هنگام اجرای نمایش از آنها استفاده می شد وجود داشت.

افریقای شمالی ۷۶۱
ابن رستم سلسله پادشاهی رستمیان را در شهر طاهر (Tahert) الجزایر بنیان نهاد.

این بنای عظیم، نشانه ی ذوق و شوق و نمونه ی غیرت و شجاعت سیلندرا فرمانروای منطقه می باشد و کانونی است جهت تبلیغ مذهب بودا، چون فرمانروا اعلام کرده که آئین رسمی، تنها کیش بودایی است، در حالی که پیش از این، مذهب اهالی جزیره، هندو بوده است. این بنا در روی تپه یی مدور بنا شده که به شکل چندین طبقه بر روی هم قرار گرفته و پوشش بنا سنگی است، در اطراف این تپه و معبد، مزارع برنج وجود دارد که به شکل حلقه زمردین زیبایی معبد را احاطه کرده و به فاصله ی چند کیلومتری مخروط آتشفشان زیبایی منطقه را دو چندان کرده است. این منطقه را دشت که دو (Kedu) می نامند.

در پایین این شش طبقه که به شکل تراس هایی خودنمایی می کند، چهارراه هایی ساخته شده که هر کدام به وسیله ی پلکان ها به بخش اصلی بنا منتهی می شود، هم چنین بر روی سنگ های پوشش ساختمان تصاویری نیمه برجسته که حاکی از دوران های زندگی بودا می باشد، حک و نقر شده است. طول پیرامون این معبد، یادبود از یک انتها تا انتهای دیگر پنج کیلومتر می باشد. بالاترین ایوان به شکل دایره است با گنبدی نیم کره یی که با شبکه هایی از سنگ بنا شده و زیر آن تندیس عظیم بودا در حالت نشسته قرار دارد و هم چنان که گفته شد گنبد مخروطی روی تمام طبقات را می پوشاند.

منظره ی این معبد عظیم با گنبد آن، همانند آن است که وصل به آسمان است و حالت افق را نشان می دهد و می توان آن را خانه ی خدا نامید. این معبد با تزئینات آن اکنون زیارتگاه معتقدان بودایی است که از اکناف و اطراف جهت زیارت به سوی آن می شتابند.

لوئی پرهیزکار و پارسا، در تعلیم و یادگیری دانش پژوهان، سهل انگاری می کند. (آخن، ۸۲۸):

در هنگام زمامداری پسر شارلمانی، لوئی که فردی تحصیل کرده و روشنفکر بود، وضعیت مدرسه ی سلطنتی تغییر کرد.

بخشی از این جریان، مربوط به پشتیبانی کمتری بود که دربار در این مورد انجام می داد. قسمتی دیگر از آن، در این ارتباط بود که لویی کمتر در جلسات درس و فحص دانشجویان شرکت می کرد. از سویی، تعداد مدارس و مراکز

یادگیری سنتی بسیار افزایش پیدا کرده بود و رسیدگی به تمام آنها مشکل می نمود، در نتیجه، تأسیس این مدارس که در شهرهای تور (Tours) و ریم (Rheims)، لیون (Lyons) و صومعه های واقع در شهر آخن هر کدام روشی مخصوص به خود داشتند که کنترل این همه ی مدارس غیر ممکن بود.

مدرسه ی سلطنتی شهر آخن، برنامه ی تحصیلی خاص داشت، به طور مثال، پسر کوچک لوئی، موسوم به شارل، سرپرست ویژه داشت که به او علوم مذهبی یاد می داد و فرزندان برخی از درباریان هم در آن مدرسه تحصیل می کردند. لوئی به آن ها توصیه کرده بود که شارل باید بیشترین وقت خود را به خواندن دروس مذهبی، نماز و عبادت و گوش کردن قوانین دادخواهی صرف کند.

بنابراین این طور به نظر می رسید که وصایای شارلمانی فراموش نشده. در سراسر این امپراتوری پر عرض و طول، تمام اسقف ها و روحانیان وظیفه داشتند که به فرزندان فقرا همانند اشراف، درس های مذهبی آموزش دهند. در این گونه مدارس، در مرحله ی نخست بایستی خواندن و نوشتن به نحو احسن به آنها تعلیم داده شود، پس از آن، زبان لاتین، علم بیان و فصاحت و در آخرین مرحله، جغرافیا، اخترشناسی و موزیک جزو برنامه ی درسی دانشجو باشد.

به هر حال، مردم عادی با وجو این مدارس فرصت خوبی داشتند که از اعانه و کمک دولت بهره برده و علوم مختلف را بیاموزند. از طرف دیگر، در نقاط دور افتاده هم مردم می توانستند به وعظ و خطابه کشیشان کلیساهای محلی گوش داده و از نصایح آنان استفاده کنند.

سرآمد هجو نویسان چینی درگذشت. (چین، ۸۲۴):

هان یو (Han Yu) که روش نوینی در نوشتن مطالب هجوآمیز و طنز اتخاذ کرده بود، در سن ۵۶ سالگی از دنیا رفت. وی خوشبخت بود از این که مدت زیادی توانست با این طریقه زندگی کند، چون حمایت بی دریغ پیروان مکتب کنفوسیوس را در پشت سر داشت، او مطالبی درباره ی آثار کهن و مورد ستایش بودا نوشته و سخت به آن انتقاد کرده بود. وی هم چنین به عقاید مذهبی امپراتور خیان زونگ (Xian – Zong) در مورد ستایش بودا حمله کرده است.

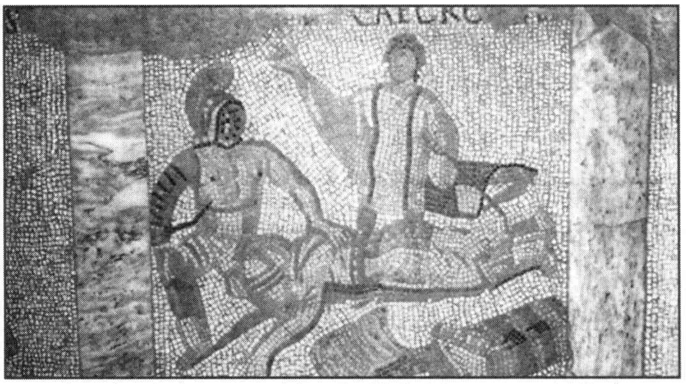
این موضوع امپراتور را بسیار خشمگین ساخت، چون هان یو در قدرت امپراتور فضولی کرده، بدین جهت، تصمیم گرفت که او را هلاک سازد، با این وجود، وی به تبعید هان یو به مدت پنج سال بسنده کرد. پس از این مدت، وی توانست در سال ۸۲۰ بازگردد. هان یو پیش از این سمت های مهمی داشت و از جمله مدتی شهردار پایتخت (چانگ آن Chang an) بود و در همان شغل هم جهان را ترک کرد. وی اخیراً زندگی سختی را گذرانید، در این زمان سپاهیان چین از وی پشتیبانی می کردند و اگر این چنین نبود وضعیت او دشوارتر می گشت. در هر حال اطرافیان هان یو را عده یی روشنفکر و تحصیل کرده تشکیل می دادند که از اوضاع گله و شکایت داشتند و شخص هان یو به عنوان نماینده این قشر، منویات آنان را منعکس کرده بود.

درایران نیروی نظامی به قدرت رسید. (ایران، ۸۲۲):

استان خراسان که یکی از ایالات ثروتمند سرزمین ایران می باشد، استقلال خود را از بغداد در زمان خلافت مأمون اعلام می دارد. ایرانیان به صورت ظاهر از مأمون در برابر امین برادرش حمایت می کنند. در سال ۸۱۹ زمانی که مأمون، ایران را به قصد شهر بغداد که پایتخت سابق عباسیان بود ترک می کرد، جمعی از ایرانیان احساس کردند که خلیفه آنان را به حال خود رها کرده، از جمله آنان طاهر، یکی از فرماندهان برجسته ی سپاه مأمون بود که در بغداد شغل مهمی به وی محول شد. مأمون، طاهر را به عنوان حاکم خراسان که میهن وی بود، تعیین کرد. اخیراً طاهر در خراسان دستور داده بود که نام خلیفه را از خطبه های نماز جمعه حذف کنند. لیکن در روز بعد، به امر خلیفه طاهر را کشتند.

از سویی فشار سیاسی باعث شد که خلیفه پسر طاهر به نام طلحه را به جانشینی او برگزینند. به هر حال، پس از ۱۵۰ سال حکومت عرب بر ایران، طاهر توانست اسم خلیفه را حداقل در بخشی از سرزمین ایران بزداید و این جریان سبب شد که ایران به تدریج استقلال خود را بازیابد.

منازعه بر سر قرآن (Koran) باعث تفرقه ی مسلمانان شد. (بغداد، ۸۲۷):



تصویر یک گلادیاتور بر روی موزاییک ایتالیایی که در کنار جسد حریف از پای درآمده، زانو زده و پیروز شده است.



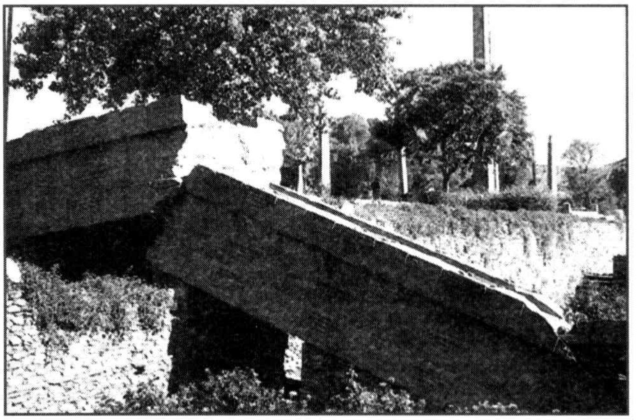
ژوویان (Jovian) امپراتور رم
از نظر نقاش سده‌های اخیر.



یک فنجان زرین با تصویری که نشانه‌ی شهر کنستانتینوپول (Constantionple) می‌باشد.



تصویر تئودوزیوس بر روی یک بشقاب.



چند ساختمان در شهر اکسوم (Axum) که با وجود ستون‌های فروریخته، در پهنه‌ی افق آسمان آبی کاملاً مشخص می‌باشد.



یک ردیف از پیکره‌ی بودا در دوران سلطنت سلسله‌ی گوپتا (Gupta) در هند.

مأمون، خلیفه ی عباسی، اصول نوینی راجع به قرآن اعلام کرد. برطبق این نظریه، خلق قرآن ازلی نبوده و خداوند آن را در زمان معینی خلق و بر محمد(ص) پیامبر نازل فرموده است.

این حالتی است که گروه معتزله بدان اعتقاد دارند، چنانچه اگر قرآن یکباره و از ازل وجود داشت، چگونه آیات آن در زمان های مختلف بر پیامبر وحی می شد، در حالی که وحی و نزول قرآن بر پیامبر، تدریجی بوده و برحسب لزوم و نیاز، این آیات به ظهور رسیده است. این موضوع هم که این وحی تدریجی و عنداللزوم بوده، بر خلیفه آشکار شده است. به نظر می رسد که معتزله این باور را پیش از این هم داشته اند و نظریه ی آنها با عقاید حضرت علی(ع) مطابقت داشته، ولی تاکنون به علت جو حاکم، قادر به اظهار آن نبوده اند و اکنون خلیفه خود به آن اذعان دارد، در حالی که هواداران پیامبر و حضرت علی، پیش از این هم آن را پذیرفته بودند. مخالفان این نظریه، هم چون احمد بن حنبل (Ahmad ibn Hanbal)، که یکی از واضعان مذهبی اهل سنت است، اظهار می دارند که: این عقیده کفر مسلم است و نوعی انکار وجود خداوند ازلی است که مأمون بدان معترف است. این مخالفان، مردم را تحت بازجویی رسمی قرار می دهند که راجع به وحی و نزول قرآن عقیده ی آنها چیست و اگر از عقاید معتزله پیروی کنند، آنان را تحت شکنجه و آزار قرار می دهند.

قرآن کتاب مقدس مسلمانان را با خط خوش تحریر می کنند. (دنیای اسلام، ۸۲۰):

برخی از آیات قرآن، کتاب مقدس و دینی مسلمین جهان، که با خطی زیبا نوشته شده، به دست آمده است. این آیات تحریر شده از روی نسخه ی اصلی استنساخ گردیده. تصویرنگاری انسان و موجودات جاندار بر فرد مسلمان تحریم شده، لیکن این موضوع در مورد خوش نویسی و کتاب منع نشده است. مسلمانان، به آیات مقدس قرآنی که بر پیامبر نازل شده، احترام می گذارند. تمام مطالب و موضوعات قرآنی در ۱۴۰ سال پیش و هنگام خلافت عثمان، سومین خلیفه، جمع آوری و کتابت شده است.

اعراب شهرهای سیسیل را از دولت بیزانتین بازستاندند. (سیسیل، ۸۳۱):

فرمانروایان سلسله ی اقلابی (Aghlabid) افریقا (تونس)، با شکست دولت بیزانس در جزیره ی سیسیل، شهر پالرمو (Palermo)، مرکز جزیره و سایر شهرهای آن را اشغال کردند، آنها با تسخیر سیسیل، باعث شدند که اعتبار و نفوذ بیزانس در منطقه ی مدیترانه به پایین ترین نقطه سقوط کند.

این پیروزی، در پی اعزام نیروی نظامی زیادت الله (Ziyaddat Allah)، سومین پادشاه اقلابی، در سال ۸۲۷ آغاز شد. این سپاهیان تحت فرماندهی اسد بن فرات (Asad ibn al – Furat) که یکی از سران مذهبی شهر قیروان بود و همه ی افراد این سپاه، میل شدیدی به پیشبرد اهداف اسلامی و بلندآوازگی اسلام داشتند و در جنگ ها همواره عرق اسلامی و مذهبی خود را بروز می دادند، اسد فرمانده ی نیروهای اسلام، قبل از فوت در جنگ مزاره (Mazara) شرکت کرده و آن جا را متصرف شده بود. او در نزدیکی شهر سیراکیوز (Syracuse)، در سال ۸۲۸، فوت شد. در هر صورت، اکنون تمام نقاط مهم جزیره به تصرف اعراب درآمده و به نظر می رسد آنها در پی تسخیر جزیره، در صدد به دست آوردن و غارت و ویرانی بقیه ی جزایر واقع در مدیترانه هستند.

با مرگ اگبرت، منطقه وسیع وسکس، به حال خود رها گردید. (وسکس انگلستان، ۸۳۹):

اگبرت (Egbert)، پادشاه ناحیه ی وسکس، پس از ۳۷ سال سلطنت و با تغییراتی که در سیاست این منطقه اعمال کرده بود، درگذشت و بزرگترین پسرش به نام ایتول ولف (Aethulwulf)، جانشین وی شد. پیش از آن که اگبرت در سال ۶۰۲ به پادشاهی برسد، وسکس، حاکم نشین کوچک، ضعیف و متفرق بود. او در سال ۸۲۵ تصمیم گرفت که حکومت بئورن ولف (Beornwulf) را سرنگون کند و به این خاطر در جنگی در نزدیکی اسوین دون (Swindon)، با او شرکت کرد و پادشاه مرسیا را شکست داد و ناحیه ی وسیع و مهم مرسیا را تسخیر کرد. بار دیگر هم، پسر خود را برای تصرف ناحیه کنت که شامل اسکس، سورری (Surrey) و ساسکس بود، با نیروی اعزامی تصرف کرد، که این نیروها پس از گذشتن از مرسیا، توانستند به

فرمانروایی ساکسون غربی برسند. در سال ۸۲۹، اگبرت ناحیه ی مرسیا را ضمیمه ی قلمرو خود کرد، لیکن به زودی خود از این منطقه خارج شد. در هر حال اگبرت بر تمام نواحی جنوب انگلیس مسلط شد و کنترل حاکم نشین کورنوال (Cornwall) در وسکس (Wessex) را به دست آورد.

نویسنده یی که تاریخ زندگی امپراتور را به نگارش درآورد. (میکل اشتاد (Michel Stadt)، ۱۴مارس ۸۴۰):

اینهارد (Einhard)، دانشمند و مورخ اهل منطقه ی راین، پس از ۴۰ سال که در شهر آخن در قصر سلطنتی به خدمت اشتغال داشت، خود را بازنشسته کرد که بتواند شرح حال و قهرمانی های امپراتور درگذشته، شارلمانی را به رشته تحریر درآورد. او شارلمانی را چنین تعریف کرده است: او مردی بود بزرگ و برجسته، همانند قهرمانان رومی، هم چون سوئه تونیوس (Suetonius)، مردی کم نظیر در کره ارض و خودساخته در نقش امپراتور.

دانشمندان در انجمن عقل و خرد می درخشند. (بغداد، ۸۳۲):

مأمون، خلیفه ی زیرک و دانا و روشنفکر عباسی، که در سال ۸۱۳ به جانشینی هارون الرشید رسیده بود، در بغداد، مؤسسه یی به نام کانون اندیشه و خرد تأسیس کرد که در تحت حمایت او، دانشمندان دانش های گوناگون را از زبان یونانی به عربی برگرداندند. مطالبی که آنان ترجمه می کردند به یونانی اصیل نبود، بلکه اغلب از زبان سریانی که تا اندازه یی به عربی نزدیک بود، ترجمه می شد که این زبان در سالهای اخیر مورد استفاده در محاورات و مکاتبات مسیحیان قرار داشت. این علوم عبارتند از: کارهای جالینوس در طب، پتولمی در جغرافیا و اخترشناسی، ارسطو در فلسفه و دیوسکورید (Dioscorides) درگیاه شناسی.

درمورد علوم تاریخ، شعر وهنرهای دراماتیک، تقریباً خیلی پیگیری نشد. مترجمان اغلب از برجستگان و نخبگان مسیحی بودند. در وهله ی نخست، اغلب ترجمه ها تحت الفظی و غیر قابل درک بود، لیکن پس از آن، به تدریج اصلاح گردید.

میان رودان (بین النهرین) - عربستان ۷۶۲

شیعیان (Shiite) قیامی را بر ضد حکومت عباسیان در میان رودان آغاز کردند در مدینه هم شبیه این شورش بر علیه عباسیان برپا شد.

چین ۷۶۳

پس از غارت و چپاول شهر لویانگ پایتخت چین، مردم آسیای مرکزی که به نام اویغور (Uighurs) مشهور بودند به دین مانی (Manichaeism) در آمدند.

بالکان ۷۶۴

پس از یک سری نبردهایی که بر ضد بلغارها در سال گذشته رخ داد کنستانتین پنجم فشار بر آنها را جهت امضای پیمان صلح تشدید کرد.

هندوستان ۷۶۵

سلسله پادشاهی پالا (Pala) در شهر بنگال و ماگادها (Magadha) بیهار (Bihar) پایه گذاری گردید.

آسیای صغیر ۷۶۵

کنستانتین پنجم از فشار و آزار بر پیروان متعصب مسیحیت کاست و هم چنین پیروان پاپ و یهودیان را آزاد گذاشت در حالیکه دستگاه مذهبی راهبان و کلیساها زیر حملات شدید مخالفان آنها قرار داشت گروه بسیاری از آنها شهید شدند.

بریتانی ۷۶۵

اتیل برت (Aethelbert) به جانشینی اسقف اگبرت در یورک انتخاب شد. وی کتابخانه بزرگی در آنجا تأسیس کرد وشاگردان بسیاری را در آلکوئین (Alcuin) جهت تعلیم علوم کلیسا و صومعه ها جمع کرد.

گل ۷۶۸

با مغلوب شدن و مرگ ویفار (Weifar) دوک آکی تین (Aquitaine)، پیپن سوم و کارولین یان سرانجام پس از ۲۰ سال حملات مکرر به این منطقه کنترل آنجا را در دست گرفتند.

گل ۲۴ سپتامبر ۷۶۸

پیپن کوتوله درگذشت و سرزمین تحت سلطه او بر طبق معمول بین پسرانش شارل (Charles)، شارلمانی (Charlemagne) و کارلومن (Carloman) تقسیم شد.

رم ۷۶۹

در اجلاسیه کلیساهای روم که در قصر لاتران (Lateran) تشکیل شد برحسب تصویب شورا مردم عوام (غیر روحانی) از حق انتخاب و شرکت و برگزیدن محروم شدند.

چین ۷۷۰

دوفو (Du Fu) شاعر بزرگ چینی شاید در اثر فقر غذایی درگذشت. در اشعار وی به روشنی عرصه صمیمیت و خوشبختی او نمایان می شود و خود را در این میدان کامیاب و کامکار می داند. وی هم چنین برگشت رویدادها را در هنگام به قدرت رسیدن ژنرال آن لوشان منول و اغتشاشات کشور را به صورت زیبا تفسیر می کند.

وایکینگ ها (Vikings) با حملات شبانه ی خود، در غرب محیط وحشت و ارعاب می آفرینند. (انگلیس، ۸۴۰):

مدافعان انگلیسی به فرماندهی دوک وولف هرد (Wulfheard)، توانستند آخرین حملات جاشویان وایکینگ را که با ۳۳ رزومنا و طویل به بندر ساتمپتون (Southampton) در جنوب انگلیس یورش برده بود، دفع کنند. آخرین گزارش ها حکایت از کشته شدن تعداد زیادی در صحنه نبرد دارد.

پیروزی وولف هرد در خلیج ساتمپتون یکی از نادرترین فتوحاتی است که در تلاش رفع تجاوزات موحش وایکینگ ها به دست آمده است. پیش از این هم، وایکینگ ها چندین بار به پورتلند (Portland) واقع در غرب حملاتی کرده بودند که قابل قیاس با تجاوز اخیر آنها نبود و در نتیجه ی این نبردها، دوک ایتل هلم (Aethelhelm) به قتل رسید و لشگریان وی دچار هزیمت شده و فرار کردند و وایکینگ ها هم چون صحنه را خالی یافتند، پیش از این که به کشتی هاشان سوار شوند، اموال مردم را غارت کرده و بردند. وایکینگ ها با کشتی های درازشان سراسر دریاها را می پیمایند و در جستجوی نقاطی هستند که بتوانند با حملات خود آنجاها را غارت کنند، آنان به حدی لجام گسیخته اند که شبانه با وحشی گری و درنده خوئی، بدون این که اهالی محلی آگاه باشند، از تاریکی شب استفاده می کنند و به چپاول لوازم و اموال مردم دست می زنند. حملات آنها به فواصل معین در این مدت ۴۷ سال اخیر صورت گرفته و هر جائی را که بهتر در دسترس باشد، مورد هجوم قرار می دهند. در سال ۸۱۸ یک ایرلندی با نام مستعار بلات ماک (Blathmac) در ایونا (Iona)، به دست وایکینگ ها به شهادت رسید. وی مدت هفت سال اموال و گنجینه های کلیساها را از دستبرد وایکینگ ها حفظ کرده بود، ولی سرانجام آنها توانستند به این دارایی ها دست یابند، آنها علاوه بر ربودن این گنجینه، بدن بلات ماک را قطعه قطعه کردند. کلیساها به طور معمول، به عنوان مکان مقدس مورد احترام و تکریم است و اغلب یک کشیش در آنجا هست و با خارج شدن کشیش از کلیسا، هدف سهل الوصولی برای دزدان است. آنها برای قربانی کردن در پیشگاه خدای اودین (Odin)، فردی را دستگیر می کنند و اعضا وجوارح او را تکه تکه می کنند و مثل لاشخور وعقاب، روده ها و امعای او را به اطراف پخش می کنند.

تا به حال، معلوم نیست که چطور وایکینگ ها مکان های عمومی مانند کتابخانه ها را آتش نمی زنند و به عنوان مثال کتابخانه ی پرارزش ایونا سالم مانده، در حالی که آنها بسیاری از شهرها را ویران کرده اند، از آن جمله منطقه ی لیندیس فارن (Lindisfarne) در سال ۷۹۳، نواحی ژارو (Jarrow) واقع در شتلند (Shetland)، هبراید (Hebride) و اورکنی (Orkney) را در حدود سال ۷۹۴، اسکای (Skye) در سال ۷۹۵، راتلین (Rathlin) (آنتریم Antrim، یونا (Iona) و بالاخره چهار بار چندین منطقه را در اسکاتلند، در سال ۷۹۵ و نیز بخش های مهمی از ایرلند را شامل آرماگ (Armagh)، شپی (Sheppey) و کرانه های کانال مانش (Manche)، دوراشتاد (Dorestad) که بزرگترین مرکز تجارتی است و نزدیک دهانه ی رود راین واقع است. در سرزمین گل، مراکز مذهبی و تجاری، مانند نوآرموتیه (Noirmoutier) و روئن (Rouen)، تا به حال مورد حملات وایکینگ ها قرار گرفته است.

این ها مناطقی بود که درباره ی آنها حدس و گمان زده می شود و از قرار معلوم، راه های آبی که مورد تجسس قرار گرفته و وایکینگ ها به آنجا یورش برده اند، خارج از دید ناظران بوده است.

آلکوین (Alcuin)، فرمانروای یورک، به پادشاه نورتومبریا نوشته و این حملات را ناشی از کفر مردم انگلیس دانسته که بایستی کیفر گناهان خود را بدهند. یکی دیگر از علل این درگیریها و گرفتاری ها، مهارت و کاردانی مردم اسکاندیناوی در ساخت کشتی های غول پیکر و طویل است و هم چنین سرعت گیری این کشتی های بادبانی در دریاست.

گفته می شود که ملوانان اسکاندیناوی، تبحر زیادی در کشتی رانی در دریا دارند و جهت باد را به خوبی تشخیص می دهند و همواره در جهت باد حرکت می کنند و این موضوع در راندن کشتی خیلی مؤثر است، ضمن این که آنها از چوب هایی برای ساخت کشتی استفاده می کنند که قابلیت نفوذ کمتری دارد و کشتی های آنها بدون درز و سوراخ می باشد و به طور معمول، حدود یک متر آب خور دارد و ملوانان و پاروزنان کشتی هم مهارت زیادی در این

هندوستان ۷۷۰

سلطنتناندی وارمن (Nandivarman) دوم که در سال ۷۲۰ در سلسله پادشاهی پالاوا (Pallava) آغاز شده بود به پایان رسید.

میان رودان (بین النهرین) ۷۷۰

نخستین داروخانه عمومی در شهر بغداد گشایش یافت.

گل ۴ دسامبر ۷۷۱

با مرگ کالومن، برادر وی شارلمانی، به پادشاهی فرانکها رسید.

ایتالیا ۷۷۴

شارلمانی بر حکومت لومباردها غلبه کرد و قلمرو دولت آن را به خاک خود پیوست. پس از آن خود را پادشاه لومبارد قلمداد کرد. او اکنون کنترل بخش اعظم ایتالیا را در کف دارد.

رم ۷۷۴

شارلمانی که نخستین پادشاه فرانکها به شمار می رود جهت بازدید از رم به آن شهر رفت. وی منطقه راونا را به پاپ هدیه کرد. این ناحیه را پیپن کوتوله جدا ساخته بود.

عراق ۷۷۲

المهدی جانشین منصور به عنوان خلیفه عباسیان بر تخت نشست.

کنستانتینوپول ۷۷۵

با مرگ کنستانتین پنجم بزرگترین پسر او به نام لئوی چهارم به امپراتوری دست یافت، در حالیکه پدر او فردی ضد دستگاه کاتولیک بود، وی اصلاح طلبان مذهبی را مورد پیگرد قرار می داد.

مالزی (Malaysia) ۷۷۵

حاکم نشین سری جایا (Srijaya) در سوماترا (Sumatra) بر تمام سرزمین شبه جزیره مالزی غلبه کرد.

بریتانی ۷۷۷

الکوین (Alcuin) رساله یی در شرح نوشتاری موسیقی به نام موسیقی تهیه کرد که در آن نظریه مربوط به زمان خود را درباره این رشته به نگارش آورده است.

کنستانتینوپول ۷۷۷

تلریگ (Telerig) خان بلغار به پیروان باپتیست پیوست و پیمان صلح و دوستی با امپراتور روم شرقی منعقد کرد.

اسپانیا ۷۷۸

شارلمانی (Charlemagne) با حمله به اسپانیا در منطقه تحت نفوذ امویان که از سال ۷۵۶ سلسله امویان را در آنجا تشکیل داده بودند دریافت که با نیروی مقاومی در ناحیه ساراگوزا (Saragossa) روبروست.

اسپانیا ۷۷۸

هنگام عقب نشینی فرانکها از اسپانیا نیروهای در کمین نشسته باسک (Basques)، رونالد (Ronald) یکی از ژنرالهای مورد وثوق شارلمانی را در ناحیه رونسس وال (Roncesvalles) به قتل رسانیدند.

کار دارند، در نتیجه آنها می توانند چندین تن اموال غارت شده را با این کشتی ها حمل نمایند.

برای جلوگیری از تصادم های احتمالی، پایتخت جدید تأسیس می شود. (میان رودان (عراق)، ۸۴۲):

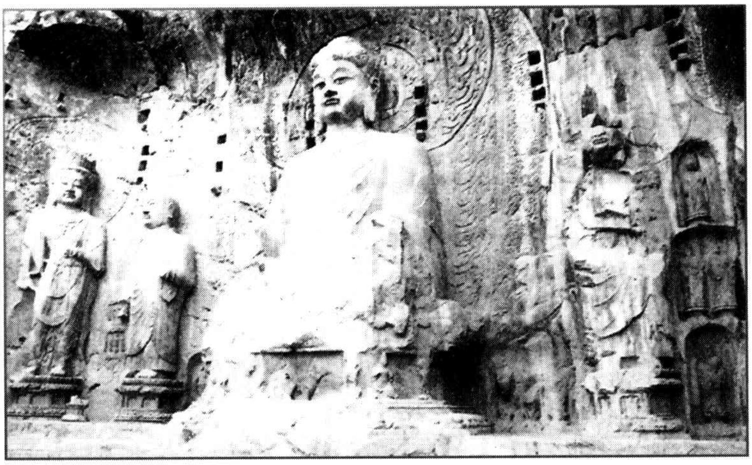
خلیفه المعتصم (al – Mutasim) مسجد بسیار عظیمی در پایتخت جدید خود در شهر سامره (Samarra) با آجرهای نسوز ساخته است.

خلیفه شهر بغداد را در سال ۸۳۶ به علل سیاسی و هم چنین نزدیکی به رودخانه دجله ترک گفت، چون بغداد در ۱۰۰ کیلومتری دجله واقع شده و اغلب از راه این رود مورد تهاجم قرار می گیرد. المعتصم، خلیفه ی عباسی، برادر مأمون و پسر یکی از زنان برده ی ترک هارون بوده که در سال ۸۳۳ به جانشینی وی به خلافت نشست، وی تعداد زیادی از سربازان ترک را برای حفظ مرزهای شرقی دنیای اسلام در ارتش استخدام کرد. آنان جنگجویان و تیراندازان بسیار ورزیده یی هستند و همواره در رکاب خلیفه که دایی آنها محسوب می شوند، حاضرند. لیکن آنها به زبان عربی آشنا نیستند و ترکی حرف می زنند و اغلب در سال های اخیر به دین اسلام درآمده اند و نو مسلمانند، از این نظر اعراب از این موضوع به خشم آمده و برخورد بین اعراب و ترک ها محتمل است.

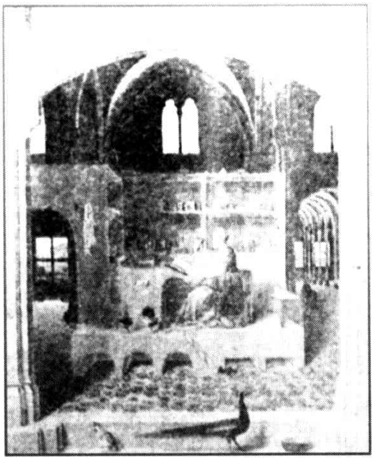
خلیفه چون احتمال می داد که بین این دو نژاد زد و خورد صورت گیرد، بغداد را ترک کرده و به این شهر نقل مکان کرد. شهر سامره به سبب دوری از رود دجله و هم چنین دوری از کانون عربی برای پایتختی انتخاب شد و در آن مساجد و قصرهایی بنا گردید. تنها گرفتاری این شهر، دوری از آب جاری می باشد و چون در بیابان واقع شده بارندگی هم کم است. با وجود این، ممکن است به عنوان پایتخت دایمی عباسیان انتخاب شود.

نقاشان و پیکرنگاران به قسطنطنیه باز می گردند. (قسطنطنیه، ۸۴۳):

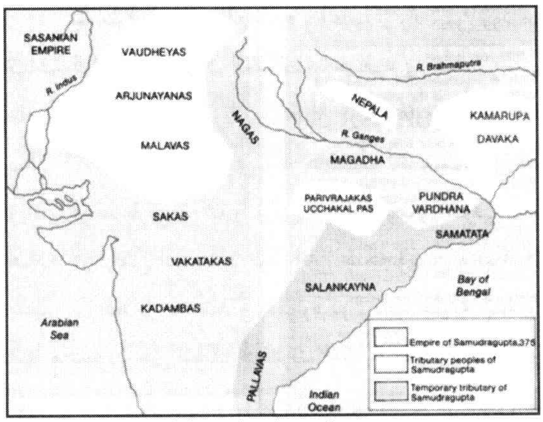
امپراتور رم شرقی، تئوفیلوس (Theophilus)، تصویرنگاری انسان را یک نوع بت پرستی می دانست و



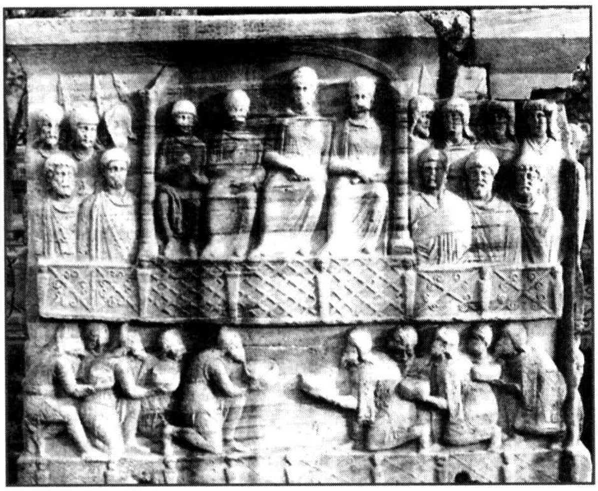
معبد بودایی‌های شهر لویانگ (Loyang) در چین، جایی‌که این دین مورد قبول مردم واقع شد.



انتونلو (Antonello) دامسینا (Da Messina) یا ژروم (Gerome).



نقشه‌ی قلمرو شاهنشاهی ساسانی.



تئودوزیوس (Theodosius) امپراتور در کنستانتینوپول پایتخت رم شرقی به تماشای میدان اسب‌دوانی نشسته است.



تندیس آمبروز (Ambrose) که در سده‌ی ۱۴ ساخته شده است.



برحسب فرمان والنس (Valens) امپراتور رم، پناهندگان ویزیگوت (Visigoths) را دست‌بند می‌زنند.

تندیس سازان و پیکر نگاران را از پایتخت بیرون راند، لیکن اکنون تابلوهای نقاشی بار دیگر زیب کلیساها شده است.

پس از فوت تئوفیلوس، همسر او ملکه تئودورا، به عنوان نایب السلطنه ی پسرش میکائیل یا میشل سوم، انتخاب شد. که تا بزرگ شدن شاه، وظایف او را عهده دار باشد. تئودورا برخلاف سیاست همسرش که بسیار سخت گیر بود و نقاشان را تبعید کرده بود و نقش انسان را یک نوع تجسیم و بت نگاری و کفر می دانست، این سیاست شاق را به کناری نهاده است. مدتی در حدود یک قرن، نقاشی و تصویربرداری، یک نوع بت پرستی قلمداد شده بود و این امر به سفارش لئوی سوم، امپراتور رم شرقی، در کنگره ی جهانی کلیساها، به تصویب رسید و جزو سیاست مذهبی دنیای مسیحیت قرار گرفت.

مخترع علم جبر درگذشت. (بغداد، ۸۴۷):

یکی از بزرگ ترین مغزهای علمی اسلام، محمد بن موسی الخوارزمی، بدرود حیات گفت. او در زمان زنده بودنش، شهرت چندانی نداشت، هر چند که کارها و نوشته های او به زبان عربی است و در بغداد می زیست، با این وجود، متولد ایران بوده است. خوارزمی، نخستین بار، اجرام فلکی در ستاره شناسی را کشف کرد و باز هم برای نخستین بار علم حساب و چهار عمل اصلی را بیان کرد. او اعداد هندی را در دنیای اسلام رواج داد و علم ریاضیات را به صورتی درآورد که آن را حساب و جبر و مقابله نامید. این نوع حساب و جبر که به جای اعداد حروف گذاشته می شود، در دنیای غرب ناشناخته بود و خوارزمی برای پیشبرد آن در دنیای مسیحیت، به توضیح و تفسیر پرداخت، به طوری که علوم ریاضی کشف شده در دنیای اسلام، برای مسیحیت به عنوان الگو درآمد.

پسرانی که سرزمین امپراتوری را تقسیم کردند. (وردون، اوت ۸۴۳):

پس از تلاش ها و مساعی لئوی پرهیزکار که در زمان حیات خود جهت اتحاد و یکپارچه شدن امپراتور انجام داد، بعد از مرگ او، سه پسرش که در قید حیات بودند، در ملاقاتی در شهر وردون (Verdun)، توافق کردند که هر یک سهم خود را جدا کنند. به این ترتیب که باواریا و

آسیای صغیر ۷۷۸

نیروهای نظامی بیزانس در جنگی که در ناحیه جرمانیکیا (Germanikeia) روی داد اعراب را شکست دادند.

گل ۷۷۹

شارلمانی اعلامیه یی منتشر کرد که در آن آمده که گروههای پیرو هر کلیسا بایستی سالیانه ده درصد از درآمد خود را برای امور کلیساها پرداخت کنند و بدین ترتیب بودجه هنگفت کلیسا را بایستی افراد تأمین کنند.

آسیای مرکزی ۷۸۰

آلپ قوتلوق (Alp Gutlug) خاقان اویغورها (Uighurs) درهای کشور خود را به روی چین و ایران گشود و دین مانی را به عنوان دین رسمی کشور پذیرفت.

چین ۷۸۱

مسیحیت در قلمرو چین گسترش یافت و کلیساهای مسیحی در آن کشور بنا گردید.

چین ۷۸۱

با وجود تلاش های دی زونگ (Dezong) امپراتور چین که قصد داشت تمام سرزمین های چینی را تابع سیاست واداره مرکز قراردهد حتی با جنگ هم نتوانست به مقصود خود نائل شود. چون با قیامهای آزادی خواهانه و کسب استقلال محلی مواجه شد.

ساکسونی (Saxony) ۷۸۱

پس از سه سال پیکار سرانجام شارلمانی ساکسون را جزو ایالات فرانکها قلمداد و مسیحیت را به عنوان مذهب بومی به اهالی تحمیل کرد لیکن پس از چندی ویدوکیند (Vidukind) قیام کرده و طی پیکاری لشگریان فرانکها را قتل عام کرد. شارلمانی هم توانست در طی نبرد دیگری عده زیادی از نیروهای ساکسون را کشته و شماری بیشتر را زندانی کند.

ساکسونی ۷۸۵

ویدوکیند رهبر شورشیان پیرو فرقه باپتیست شد و با شارلمانی صلح کرد. اهالی ساکسون هم بیشتر از وی پیروی کردند.

بریتانیا ۷۸۶

دستگاه روحانی پاپ که از زمان آگوستوس از بریتانیا بازدید نکرده بود از این سرزمین دیدن کرد. آنان کنفرانسهایی در نورتومبریا (Nurthumbria) و مرسیا (Mercia) ترتیب داده و تلاشهایی در جهت خوش بینی و رفع سوء تفاهم نسبت به روحانیان انجام دادند.

ساکسونی ۷۸۶

در این هنگام آلمانها حضور خود را در ساکسون نمایاندند. راهبان و روحانیان برای تماس با بومیان به زبان لاتین تکلم می کردند.

امپراتوری بیزانس ۷۸۷

امپراتریس ایرن (Irene) با دعوت روحانیان به شرکت در دومین اجلاس مذهبی در نیکائه (Nicaea) به محکومیت ضد پاپ صحه گذاشته و در ضمن مذهب محلی را تأیید کرد.

سرزمین های شرق آن سهم لوئی مشهور به آلمانی، بخش غربی شامل قسمت اعظم سرزمین گل سابق برای شارل مشهور به طاس (بی مو) و برادر بزرگ آنها لوتار هم، سرزمین های واقع در بین آن دو، از ایتالیا تا کانال ساحلی، به علاوه ی عنوان امپراتوری و پایتخت این امپراتوری، شهر آخن و هم چنین شهر رم را دارا باشد.

بدین ترتیب، این جدایی و انشقاق، مدت سیزده سال ادامه یافت. علت این تفرقه و جدایی، یکی جاه طلبی های سه برادر و دیگری مشکلاتی بود که بر سر راه قدرت طلبی لویی برادر کوچک وجود داشت که مدت ده سال هم به طول انجامید. در سه سال پیش که لویی فوت شد، پسران او، لویی و شارل، برعلیه لوتار به هم پیوستند و سران سپاه وی در شهر استراسبورگ (Strasbourg)، بر این موضوع هم قسم شدند، این قسم نامه به زبان محلی و نزدیک به لاتین بود که بخشی از آن قابل فهم است. در حالی که لوئی و شارل هر کدام به یک زبان سخن می گفتند، لوئی به زبان رومانا (Romana) (فرانسه اولیه) و شارل هم به زبان تودیسکا (Teudisca) (آلمانی اولیه) صحبت می کردند. آنها به لوتار فشار می آوردند که شاهزاده نشینی آنان را اعلام کند.

برحسب فرمان امپراتور، تندیس های بودا را به سکه تبدیل کردند، چون این کار را یک نوع بت پرستی می دانستند. (چین، ۸۴۵):

ووزونگ (Wuzong) امپراتور، فرمان داد که هواداران بودا و سایر ادیان بیگانه را بازداشت کنند. با فلج شدن قوانین بودایی و محکوم کردن آداب و رسوم آن، همگان از مدتها پیش آگاهی داشتند که امپراتور عقاید تائوئیسم را بر بودایی ترجیح می دهد. خوآن خوآن (Xuan Xuan)، راهب بودایی مدعی شده بود که با شمشیر جادویی خود، اویغورها را ترسانده و آنان را شکست خواهد داد. این دلیل دیگری شد که امپراتور دست به آزار و اذیت بودائیان بزند. لیکن بزرگ ترین دلیل طرد بودایی ها، ثروتی بود که در معابد انباشته شده بود و امپراتور قصد آن داشت که این دارائی ها را تصاحب کند. گنجینه های معابد، طمع امپراتور را برانگیخته و مقاومت را از وی سلب کرده بود.

به عقیده ی او، ساختن تندیس بودا، یک نوع بت پرستی است و فرمان داد که تمام تندیس های برنزی بودا را که در زیر آن شبکه ی آهنی است، ذوب کرده و به سکه تبدیل کنند. هم چنین طلا و نقره و سنگهای یشم و دیگر سنگ های قیمتی را جمع آوری و در مخازن امپراتوری بگذارند.

نیروهای اسلاو برای تأسیس حکومت موراوی (Moravia) بزرگ به آنها پیوستند. (موراوی، (چکوسلواکی (Czechoslovakia)، ۸۴۶):

موژمیر (Mojmir)، شاهزاده ی موراوی، فوت شد، در حالی که او توانسته بود برای نخستین بار طایفه های موراوی و اسلاو بوهم، (Bohemia)، اسلوواکی (Slovakia) و پانونیا را با هم متحد کند.

اینک نیروهای نظامی پر اهمیت موراوی هم تحت فدراسیون سیاسی و نظامی موراوی بزرگ درآمده است. در اوایل سده ی حاضر، هیأت های مذهبی مسیحی از رم و پس از آن هیأت های دیگر از فرانک ها برای تغییر دین اسلاوها از کفر و بت پرستی به دیانت مسیح به آن نقاط اعزام شد.

موژمیر، آئین مسیح را پذیرفت، اما بر علیه همسایه ی خود فرانک که در ضمن رقیب او بود، به پیکار برخاست و فرانکها را شکست داد، شاهزاده پری بینا (Pribina)، به جهت حمایت از فرانک ها به آنان پیوست. پس از مرگ موژمیر، راستیسلاو (Rastislav) هم از لئوی دوژرمن (Louis de German) (لویی ملقب به آلمانی) پشتیبانی کرد و معتقد بود که فرانکها در سراسر اروپا در حال پیشروی و پیشرفت هستند.

دانشمندی که به هدایت کافران همت گماشت. (امپراتوری فرانک ها، ۸۵۶):

ژان اسکاتوس اریوژنا (John Scottus Eriugena)، که یکی از متفکران بزرگ زمان به حساب می آید، در مواجهه و مقابله با کفر و ارتداد، کتابی درباره ی عقیده به پرستش دراریوژنا منتشر کرد. این مرد ایرلندی که در سال ۸۴۳ به دربار شارل (ملقب به طاس) راه یافته بود، با آخرین نظریه ی راهب گوتزچاک (Gottschalk)، که تمام ادیان را مطرود اعلام کرده بود، به مخالفت برخاست. در کتاب اریوژنا ادعا شده که انسان در عقاید خود آزاد است و در گزینش خیر وشر هم مختار. لیکن به احتمال، برای این که

گل ۷۸۹

شارلمانی طی فرمانی در ایالات تابعه خود اعلام کرد که از این پس اجرای فرهنگ و آداب و رسوم همگانی اجباری نیست و مردمان محلی می توانند پیرو فرهنگ خود باشند.

بریتانیا ۷۸۹

سه فروند رزمناو اسکاندیناوی متعلق به وایکینگ ها (Vikings) به کرانه های جنوب رسیدند. پادشاهان محلی دورچستر (Dorchester) برای بازدید آنها به سوی کشتی ها شتافتند و ملوانان به آنها گفتند این ناوگان تجاری است و تعرض بدان در حکم خودکشی است.

بریتانیا ۸ ژوئن ۷۹۳

رزمناوهای وایکینگ به سوی سواحل نورتومبریا شراع کشیدند و کلیسای ناحیه لیندیس فان (Lindisfarne) را دستخوش چپاول ساخته و کشیشان بی دفاع را کشتند.

ژاپن ۷۹۴

کامو (Kammu) امپراتور به سوی کیوتو (Kyoto) پایتخت، حرکت کرد تا قدرت فرقه بودائی را در ناحیه نارا (Nara) تثبیت کند.

اسپانیا ۷۹۵

شارلمانی ایالتی بی طرف را در مرز اسپانیا واقع در جنوب کوه های پیرنه (Pyrenees) حدفاصل نیروهای فرانک و اعراب قرار داد.

ایرلند (Ireland) ۷۹۵

پس از حملات وایکینگ ها به ناحیه شتلند (Shetlands) آنان به سوی سواحل جنوبی اسکاتلند (Scotland) عزیمت کرده، و کلیسای یونا (Jona) و سرزمین ایرلند را برای نخستین بار چپاول کردند.

رم ۲۵ دسامبر ۸۰۰

شارلمانی به دست پاپ در کلیسای پیتر مقدس تاجگذاری کرد.

قسطنطنیه ۸۰۲

ملکه ایرن (Iren)، نیسه فوروس (Nicephorus) وزیر دارائی را تبعید کرده و خود را امپراتور بیزانس نامید.

بریتانیا ۸۰۶

برای سومین بار ملوانان وایکینگ صومعه یونا را به باد غارت دادند و ۶۸ نفر کشیش را قطعه قطعه کردند.

بغداد ۸۰۷

هارون الرشید (Harun – al – Rashid) خلیفه عباسی مکانهای مقدس در شهر اورشلیم را به فرانکها بخشید.

ایران ۲۴ مارس ۸۰۹

خلیفه هارون الرشید (Harun – al – Rashid) در شهر توس (Tus) واقع در شرق ایران درگذشت.

بتواند در راه کسب علم به پیشرفت های زیادتری نایل شود، خودش کتاب هایی را که به زبان یونانی نوشته شده بود، مطالعه می کرد و شهرت و اعتبار وی سبب شد که از اتهام به ارتداد تبرئه شود.

خاندان فوجی وارا حکومت ژاپن را در دست می گیرند. (ژاپن، ۸۶۶):

طایفه ی فوجی وارا (Fujiwaras) که بزرگ ترین خانواده ی ثروتمند و زمین دار ژاپن است، تمام زمام کشور را در دست می گیرند، با انتخاب یوشی فوزا (Yoshifusa) به عنوان نایب السلطنه سئی وا (Seiwa) پسر ۹ ساله و نامزد امپراتوری، تمام اقتدار حکومت در کف یوشی فوزا قرار گرفت.

باید خاطر نشان کرد که یوشی فوزا، اولین نایب السلطنه از این خاندان نیست که خون سلطنتی در رگ های او جریان دارد. با احراز قدرت خاندان فوجی وارا، اوضاع آرام تر شده و سیاست دستگاه حکومت بر این است که از تحریک احساسات مردم پرهیز کرده و در انجام امور کشور کوشا باشند تا ژاپن در آرامش به سر برد. البته ثروت و مالکیت زمین های بزرگ و ازدواج با دخترهای شاهزادگان ژاپنی، سلطنت را در این خاندان انحصاری کرده است.

یکی از راهبان اسلاو، الفبای سیریلیک (Cyrillic) را اختراع کرد. (موراویا، ۸۶۹):

بر اثر کوشش های دو راهب اهل بیزانتین، اسلاوها آئین مسیحیت و ادبیات آن را آموختند و این کیش پایه ی عقاید آنها قرار گرفت. اسلاوها اکنون الفبای سیریلیک را یاد گرفته و خواندن و نوشتن آنها هم به این زبان است، الفبای سیریلیک مأخوذ از نام یکی از دو راهب است که آن را اختراع و در سن ۴۲ سالگی بدرود حیات گفت. نام پیشین سیریل در سال قبل و پیش از آن که به مقام کشیشی برسد، کنستانتین بود. او در شهر تسالونیک (Thessalonica) (سالونیک) از توابع بلغار متولد شد. سیریل و برادرش متدیوس (Methodius)، فرماندار یک ایالت محلی بودند و به زبان اسلاو صحبت می کردند.

آنها از میشل (میکائیل) سوم، امپراتور رم درخواست کردند که در هیأت اعزامی شاهزاده راستیسلا و وارد شوند و

برای استقلال موراویا برعلیه فرانکها مجاهدت کنند، فرانکها با پیشرفت موراوی مخالفت می کردند. هر دو برادر تمام مساعی خود را برای ترکیب کردن و به کار بردن الفبای اسلاوی مصروف کردند تا این الفبا به گلاگولیتیک (Glagolitic) مشهور شد.

آنها با استفاده از حروف یونانی و حروف با صدای اسلاوی و سیلاب های منطقه جنوب مقدونیه و ترکیب آنها، زبانی ساده به نام سیریلیک به وجود آوردند که از نظر محاوره و نوشتاری سهل تر از زبان پیشین است.

قیصر بلغارستان دین مسیحیت را پذیرفت. (بلغارستان ۸۶۶):

بوریس (Boris)، قیصر (سزار) بلغارها، به آئین مسیح گروید. البته به طور دقیق روشن نیست که آنها پیرو روش و مکتب رم هستند یا امپراتوری شرقی، هنگامی که بوریس پس از مرگ مالومیر (Malomir)، پدرش، به جانشینی او در سال ۸۵۲ رسید، سیاست خارجی او به تبعیت از فرانکها بود. در سال گذشته هم، بوریس با لوئی ملقب به پرهیزکار، تجدید پیمان کرد. در حالی که بلغارستان سال ها مورد تهدید رم شرقی بود و در سال ۸۶۴، میشل امپراتور بیزانتین، سپاهیانی به مرز بلغار (Bulgaria) اعزام کرد، لیکن بوریس فوراً بر اثر تحریک و ترغیب اسقف باپتیست قسطنطنیه، اتحاد خود با فرانک ها را اعلام داشت. در سال گذشته، طوایف کافر و قدیمی بلغار، طغیان کردند و پادشاه بلغار آنها را سرکوب و رهبر شورشیان را به قتل رساند. در حال حاضر، بوریس خود را از نظر دینی پیرو پاپ می داند و در عین حال، برای حکومت بیزانس هم عشوه گری می کند که بتواند هر دو طرف را راضی نگهداشته و از آنها در امان باشد و به نظر می رسد که یک حالت بی طرفی را اختیار کرده است.

بحران در سلسله ی پادشاهی تانگ (Tang) (چین، ۸۷۵):

امپراتور خی زونگ (Xizong)، از پادشاهان سلسله ی تانگ، در زمانی که اغتشاش در کشور روی داده، به سلطنت رسیده است. در حالی که قحطی و خشکسالی در بخشی از کشور حکمفرماست، شاهزادگان حریص و طماع، با اعزام مأموران جمع آوری مالیات به روستاها، درخواست مالیات زیادتری از آنها دارند. یکی از دانشمندان چینی به نام لوشی (Luxi)، تصویری از وضع مردم و گرفتاری های آنها را در ده سال اخیر به امپراتور جهت نرم شدن در مقابل مردم و خواسته های آنان عرضه کرده است. لوشی، هم چنین بخشی از زندگی خصوصی روستائیان و تأثیر آن بر زندگانی عمومی مردم، در ایجاد اغتشاشات اخیر را بیان کرد تا امپراتور را تحت تأثیر قرار دهد. اکنون با اعلام ابزار تفقد و شفقت امپراتور نسبت به رعایا جلساتی از سران کشور برای رفع بحران و مشکلات جاری و راه های برطرف کردن آن تشکیل می شود.

این ها مدارکی عقلانی بود که با اِعمال آن، کشور از بحران نجات می یافت، لیکن روستائیان در دهات با این جریانات قانع نشدند، آنها از اداره ی مملکت به شدت ناراضی هستند و حکومت گران را صالح نمی دانند. در این حال گروههایی از روستائیان گرسنه و دردمند، به رهبری باندیت (Bandit)، دست در دست هم، به حوالی شهرها حمله کرده و آنجاها را غارت می کنند و دیوار شهرها را ویران ساخته و با ارتش درگیر شده اند. اکنون برای نخستین بار در سلسله ی پادشاهی تانگ، در کشور هرج و مرج برقرار است واین بی نظمی ها قدرت حکومت را تهدید می کند.

پسر برده‌ی ترک در سرزمین مصر به قدرت رسید. (فوستات (Fustat)، مصر، ۸۷۷):

در حال حاضر، مصر برای اولین بار، پس از کلئوپاترا (Cleopatra)، استقلال خود را بازیافته، احمد بن طولون (Ahmad ibn Tulun)، فرمانرای مصر مصمم است که در مقابل تلاش های خلیفه جهت تحت سلطه قرار دادن این سرزمین ایستادگی کند، وی تشکیلات حکومتی را تغییر داده و به اصلاح آن مشغول است. او جهت دفاع از مصر و استقلال آن، به تشکیل ارتش قوی هم چون سوریه پرداخته که همواره از مرزها حراست کنند. ابن طولون فرزند یک برده ترک بود که به شغل سربازی در نیروی نظامی خلیفه پرداخت، لیکن به زودی به درجات بالاتر نظامی دست یافت و در سال ۸۶۸ به فرمانداری مصر منصوب شد. ابن طولون



یک صفحه از پارچه‌ی دست‌نویس که به‌جای کاغذ پاپیروس مورد استفاده قرار گرفته به‌صورت مربع مستطیل، که می‌شود از یک گوشه تا انتهای گوشه‌ی دیگر در آن مطالب را درج کرد، این تکه پارچه برای چندبار مصرف می‌شود، در حالی‌که برگِ پاپیروس به‌علّت کلفتی شکننده است. این قطعه پارچه با گل و برگ آراسته شده و مربوط به زمان سنت کاترین (St Catherine) می‌باشد.
(نقاش سینای (Sinai)، قرن چهارم)



تصویر هنگست (Hengest) و هورسا (Horsa) هنگام مذاکره با ورتیگرن (Vortigern)، که در سده‌ی ۱۹ از روی اصل آن عکس‌برداری و چاپ شده است.



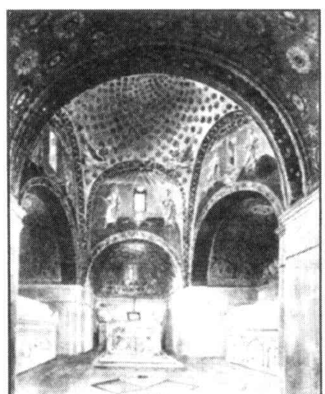
تصویر یک مبارز با لباس رزم بر روی سرامیک ساخت سرزمین پرو.



اگوستین با مریم باکره و فرزندش.



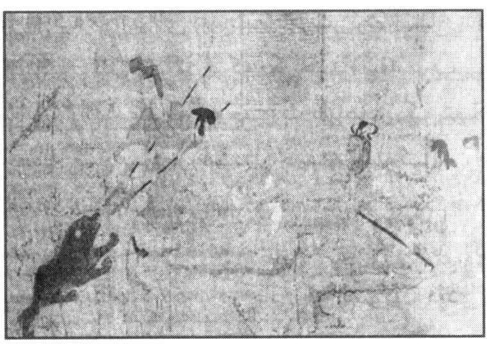
تصویر جان اسقف اعظم شهر کنسانتینوپول، مربوط به قرن ۱۹.



معبدی در شهر راونا (Ravenna) یا منطقه‌ی پلاسیدیا (Placidia).



زوج مشرک، مربوط به سال‌های ۳۹۰.



درس‌های معماری که یک مهندس زن به زنان درباری می‌آموزد، تصویر از گوکای شی (Gu Kaizhi).

سپس، پدر خود را هم به مقاماتی رسانید و بر حسب سفارش پدرش، به خواسته های مردم وفادار ماند و به اصلاحاتی در تمام زمینه ها دست زد و جلوی سیل پول و ثروت را که در جیب خلیفه می رفت، گرفت و بیشتر آن را صرف تجهیز سپاه و ساختن بنا در کشور کرد. شهر فوستات (قاهره) را توسعه داد و مسجد بزرگی که قابل مقایسه و رقیب مساجد بغداد و سامره بود، در شهر بنا کرد.

در ریاضیات عرب چیزی که می توان آن را هیچ نامید، به وجود آمد. (خاور نزدیک، ۸۷۳):

ریاضی دانان عرب، عددی شگرف و نوظهور را که می شود جادوی اعداد نامید، یعنی صفر را به جهان معرفی کردند. نام این عدد، صفر، یعنی هیچ یا تهی و خالی است که می توان آن را نبود هم، نامگزاری کرد. تا سال ۷۷۰، اعراب هم اعداد یونانی را مورد بهره برداری قرار می دادند. اعراب، صفر را به صورت نقطه یا یک علامت ریز به کار می برند، در حالی که دانشمندان هندی آن را به شکل دایره ی کوچکی می نمایانند.

با پیدا شدن عدد صفر، علم ریاضی در حال پیشرفت و ترقی می باشد و این پیشرفت شگفت انگیز، ریاضی دانان را به کسری اعشاری هم رهنمون شده است. به هر حال، این اختراع عدد صفر، هنوز به اروپا راه نیافته و کلیساها آن را نپذیرفته اند و همان فرمول اعداد رومی مورد استفاده ی آنهاست.

متفکر بزرگ عرب در رسوایی، جهان را بدرود گفت. (بغداد، ۸۶۹):

یعقوب بن اسحاق (Yagub ibn – Ishaq) یا به طوری که در دنیای عرب شهرت دارد، صباح الکندی (Sabah al – Kindi)، که یکی از فلاسفه عرب بود، با رسوایی درگذشت. او به صورت ظاهر، یک بنیادگرای محافظه کار بود و طرفدار خلیفه المتوکل (al – Mutawakkil) عباسی، لیکن در عین حال، یک فرد صلح دوست بود که به تمام فرقه های اسلامی احترام می گذاشت و هیچ کدام را طرد نکرد، در حالی که المتوکل، فردی لجوج و متعصب بود.

الکندی، اعلام کرده بود که برای پیامبر اسلام، احترام قائل است، لیکن علم راستین را هم مدنظر داشت و می گفت: افراد غیر روحانی و متفکران پایه گزار این علوم هستند و این افراد هم در حد پیامبرانند. وی مهیا کننده ی زمینه ی ترجمان و برگردان علوم از یونانی به عربی بود. او خود یکی از فلاسفه یی بود که در دنیای ماوراء الطبیعه سیر می کرد و افکار متافیزیکی ارسطو را به عربی برگردانید. به رغم عدم رضایت حکومت و دستگاه خلافت، کتاب های او مورد استفاده ی متفکران و دانش پژوهان عرب واقع شد.

آلفرد، حملات دانمارکی ها را دفع کرد. (انگلستان، ۸۹۶):

هجوم دانمارکی ها به جنوب انگلیس، سرانجام با مساعی آلفرد (Alfred)، پادشاه وسکس، در سال ۸۶۵، دفع شد، در حالی که سبب زیان های فراوانی به مناطق مختلف سرزمین انگلیس شده بودند، آنها با غارت سواحل و کرانه ها و ایجاد خرابی ها، بالاخره در نقاط دور و خارج از شهر سکونت گزیدند و به سرعت مناطق نورتامبریا و انگلیای شرقی را در نوردیده و به ناحیه ی مرسیا فشار وارد آوردند.

در سال ۸۷۱، نیروهای ساکسون غربی، تحت فرماندهی ایتل رد (Aethelred) و برادرش آلفرد، در مقابل دانمارکی ها ایستادگی کرده و به پیروزی هایی دست یافتند، اما به طور کلی، جنگ به سود آنها تمام نشد. در این هنگام، ایتل رد بدرود زندگی گفت و مقاومت آلفرد در منطقه ی اشدوان (Ashdown)، سبب پیروزی بزرگی برای وی شد. لیکن مرگ ایتل رد باعث شد که آلفرد شاه جدید پس از اندکی مقاومت، درخواست متارکه ی جنگ کند، که با پرداخت پول دانمارکی ها آن را پذیرفتند، در این هنگام، در سال ۸۷۸، زمستان بسیار سرد و وحشت زایی شروع شد که آلفرد مجبور شد با سپاهیان خود به کرانه ی مرداب های سامرست (Somerset) پناه ببرد، در حالی که ناحیه مرسیا تسلیم شده بود. در این مکان، آلفرد مخفیانه به جمع آوری سپاه از مردم محلی پرداخت و به سرعت دست به حمله ی متقابل زد و در ناحیه ی ادینگتون (Edington)، نیروهای دشمن را شکست داده و به پیروزی درخشانی دست یافت. آلفرد، با عهدنامه یی که با سران مرسیا منعقد کرد، خود به تنهایی سلطنت آنگلوساکسون ها را قبضه کرد.

دانمارکی ها هم با قوانین خود در نورتومبریا، انگلیای شرقی و میدلند شرقی باقی ماندند.

ونیز (Venice) ۸۱۰

پناهندگانی که از بیزانس فرار کرده و به ایتالیا آمده بودند از شارلمانی برای پادشاهی ایتالیا درخواست کردند که فردی را به این سمت برگزیند و شارلمانی هم فرزند خود پپین را به عنوان معاونت در فرمانروایی ایتالیا منصوب کرد. این جانشین تنها حق داشت در مرکز مدرن ونیز به نام ریالتو (Rialto) مستقر شده وبه امور اداره کشور بپردازد و حق دیگری نداشت.

گل ۸۱۱

پس از مرگ پپین و شارل دو برادر لوئی، وی تنها وارث شارلمانی گشت.

گل ۸۱۲

میشل (Michael) امپراتور روم شرقی نماینده یی به دربار شارلمانی فرستاد تا خود را به عنوان امپراتور شرق معرفی کند. در هنگام مراجعت، فرانکها، دو ایالت ونیز و دالماسی (Dalmatia) را به بیزانتین هدیه کردند.

کنستانتینوپول ۸۱۳

با فشار شدیدی که بلغارها بر بیزانتین وارد کردند خواستار آن شدند که لئو (Leo)، ژنرال میشل را برکنار و خود امور امپراتوری را در دست گیرد. وی سعی کرد که دگرباره حالت بت شکنی را برقرار سازد.

بغداد ۲۵ سپتامبر ۸۱۳

امین پسر هارون الرشید هنگام فرار از بغداد کشته شد. وی مدتی در بغداد تحت محاصره لشگریان مأمون قرار داشت. مأمون پس از مرگ برادرش رسماً خلیفه شد.

گل ۲۸ ژانویه ۸۱۴

با مرگ شارلمانی فرزند وی لوئی دوپیو (The Pious) جانشین او شد.

بلغارستان ۸۱۴

امورتاگ (Omurtag) خان بلغار با پیمان سی ساله یی که با امپراتور بیزانس منعقد کرد سرزمین بلغارستان را از آن خود کرد.

میان رودان (بین النهرین) ۸۱۶

امام رضا که به عنوان ولیعهد مأمون معرفی شده بود، طبق نقشه مرموزی به قتل رسید.

افریقای شمالی ۸۱۷

زیادت الله (Ziyadat Allah) به عنوان سومین پادشاه اقلا بیان (Aghlabids) در تونس منصوب شد. اقلابیان با رهائی از حکومت عباسیان خود سلسله پادشاهی مستقلی تشکیل دادند.

گل ۸۱۷

لوئی پادشاه فرانکها برابر رسوم کشوری خود قلمرو تحت حکومت خویش را بین پسرانش تقسیم کرد لیکن برای حفظ یکپارچگی امر کرد که فرزندان وی باید از پسر بزرگترش لوتار (Lothar) اطاعت کنند و او پادشاه کل سرزمین فرانک است.

در این صورت جنگ معنی خود را از دست داد. دانمارکی ها باز هم از راه دریا به حملات خود ادامه می دادند. بر اثر این تهدیدات، آلفرد دستور داد تعداد ۶۰ قایق پارویی طویل، جهت مقابله با این تهاجمات، تهیه کنند که این کرجی ها کاملاً مشابه قایق های دانمارکی بود. این پیروزی های آلفرد، مدیون پرهیزکاری و پارسایی وی بود که تحت تعلیمات آئین مسیح آن را فرا گرفته بود. از سویی آلفرد با سیاست ایجاد استحکامات جنگی و قصبات دفاعی در اسکاتلند (Scotland)، وین چستر (Winchester) و باکینگهام (Bukingham) توانست این موفقیت بزرگ را به دست آورد.

رمه داران در جست وجوی چراگاه های جدید به سرزمین آلمان حمله ور می شوند. (آلمان، ۸۹۹):

فرمانروایان کارولین یان (Carolingian) آلمان به تازگی در دام مصیبتی جدید گرفتار آمدند و دچار وحشت شدند. مردم چادرنشین شرق اروپا، دست به حملاتی به بخش های شرقی سرزمین های تحت تابعیت آلمانی زده و کنترل قسمت هایی از نواحی فرانک نشین پانونیا (در غرب اتریش و شرق مجارستان) را به دست آوردند. این تازه واردان بد قدم، خود را مجاری می نامند و ریشه ی نژادی آن ها کاملاً روشن نیست، آنان بیشتر به چوپانان شمال قفقاز شباهت دارند و در پی چراگاه های جدید برای رمه های خود هستند.

همان طور که ذکر شد، مجارهایی که دراین نقاط سکونت گزیدند، از طوایف ترک قفقازی هستند و در جستجوی چراگاه این منطقه را در نوردیده اند، آنان از قبیله‌ی ترک په چنگ (Turkic Pecheneg) می باشند. این مهاجرت از ده سال پیش شروع شد و فردی به نام آرپاد (Arpad) رهبری آنان را به عهده داشت. آن ها در پنج سال پیش، به منطقه ی دانوب رسیدند و به پانونیا هجوم بردند، آنان چون از ضعف حکام کارولین یان آگاهی یافتند در حاکم نشین های آلمان به پیشروی ادامه دادند و در نتیجه مناطق زیادتری تحت سلطه مجارها درآمد.

پادشاه هند کشته شد و سرزمین وی تجزیه شد. (هند جنوبی، ۸۸۵):

آپاراجیتا (Aparajita)، پادشاه پالاواس (Pallavas)، در پیکاری که خود فرمانده ی سپاهیان بود، کشته شد و امپراتوری وسیع او هم به فنا رفت.

از سال ۶۴۰ در زمان سلطنت ناراسیمها وارمان (Narasimhavarman)، و هنگامی که آوازه ی پالاوان (Pallavan) از لحاظ هنر، ادبیات و سیاست به اعماق آسمان ها رسیده بود، زد و خورد و کشمکش های پایان ناپذیر این امپراتوری با همسایه ی خود، پاندیاس (Pandyas)، نیروی آنان را تحلیل بوده و به ضعف سیاسی و نظامی دچار شدند. در همین اثنا، یک قدرت جدید به نام کولاس (Cholas)، تحت رهبری آدیت یا (Aditya)، پادشاه تیزهوش و زیرک آنها، پا به میان نهاد و دو همسایه‌ی سابق را بیشتر تحریک به جنگ کرد که از ضعف و فتور آنها استفاده کند.

در بدو امر، کولاس با عقد اتحاد با پالاواس به ویرانی پاندیاس همت گماشت و پس از چندی از پیمان قبلی برگشت و متحد شد که به قتل پادشاه پالاواس انجامید و هر دو قدرت به سستی گرائید. گرچه عمر سلطنت پالاوان ها طولانی بود، ولی با کشته شدن پادشاه، به انقراض انجامید. از امپراتوری پالاوان ها یادگاری های زیادی باقی مانده، از جمله تندیس و پیکره های نیمه برجسته در غارهای ماهابالی پورام (Mahabalipuram)، صومعه های بی شمار و مکان های مقدس مثل اهرام و هم چنین معابد با شکوهی که در این امپراتوری در زمان پالاوان ها بنا شده است.

وایکینگ ها به سوی شرق روی می آورند. (کیف، ۸۹۹):

وایکینگ های سوئد، مشهور به وارانگیان (Varangians) (روس Rus) مسیر تجاری شمال – جنوب از دریای بالتیک تا دریای سیاه را می گشایند و این مسیر را تا جنوبی ترین بخش می پیمایند. این مسیر از رودهای دنیپر (Dnieper) و ولگا (Volga) می گذرد و اغلب قایق ها به اجبار تغییر مسیر می دهند.

در بین سالهای ۸۵۲ تا ۸۶۲، گروه های مخالف وارانگیان به رهبری روریک (Rurik) وبرادر وی، برای نخستین بار این مسیر را تا نووگرود (Novgorod) پایتخت، پیمودند تا برای دسته های بعدی راهنما باشند، این خط سیر از دریای بالتیک شروع شده و به دریاچه ی لادوگا (Ladoga) ختم می شود.

بیست سال بعد، اولگ (Oleg)، جانشین روریک، شهر کیف را از طوایف خزر بازستانده و آنجا را پایتخت خود قرار داد. وی راه جدیدی را در ارتباط با کارهای بازرگانی و ایجاد ایالت روسی از خلیج فنلاند تا دریای سیاه گشود. مقصد نهایی وی، دسترسی به شهر قسطنطنیه مرکز ثروت و طلا بود. در ۴۰ سال پیش، یک بار روس ها به قصد تسخیر پایتخت امپراتوری رم شرقی، با اعزام ۲۰۰ رزمناو به کنار بندر بوسفور به موفقیت هایی دست یافتند و این حملات متفرق گاهی ادامه داشت. برخی از بازرگانان روسی، حتی به بغداد رسیدند. بعضی از روس ها هم به دین مسیح درآمدند، لیکن یکی از دانشمندان عرب می نویسد که با وجود این، یکی از روس ها در حرم خود، تعدادی زن صیغه داشت، یکی از این زنان که بر سایرین ریاست داشت، شوهر خود را خفه کرد و پس از مرگ وی، خود را همراه وی در یک گور نهادند. در حالی که مسلمانان شیوه و مشی زندگانی آنان را نمی پسندند.

کلیساهای شرق و غرب به جدال می پردازند. (کنستانتینوپول، ۸۷۸):

با مرگ اسقف ایگناتیوس (Ignatius) (که هوادار انجمن عیسوی بود) و انتصاب فوسیوس (Photius) به عنوان اسقف اعظم قسطنطنیه، بار دیگر جدال و ستیزه بین کلیساهای شرق وغرب درگرفت و هر دو طرف نسبت به روش سیاسی و مذهبی طرف مقابل، آشکارا مخالفت خود را آغاز کردند.

پس از کشته شدن میشل سوم، امپراتور شرق، و به قدرت رسیدن بازیل (Basil)، وی همواره گرفتار بحث و جدل مذهبی بود. منشاء این گرفتاری هم، فوسیوس بود که در سال ۸۶۳ به وسیله ی پاپ تکفیر شده بود و قصد داشت با تشکیل انجمن کلیساها، پاپ را انکار و تکذیب، و وجود وی را زاید قلمداد کند. یک بار هنگام جلوس بازیل بر سریر قدرت، او فوسیوس را برای مدتی برکنار کرد و ایگناتیوس را جانشین وی کرد، لیکن مناقشات ادامه یافت. در حقیقت گرفتاری اصلی بر سر این بود که دستگاه پاپ در رم خود را برتر از دستگاه روحانیت رم شرقی می دانست.

اقتصاد سودان وابسته به بردگان سونگای می باشد. (سودان غربی، ۸۸۰):

بردگان در منطقه ی سودان غربی، نقش حیاتی دارند، این منطقه را سونگای (Songhay) می نامند و ساکنان آن سیاه پوست هستند. این بردگان به حدی وفاداری خود را به فرمانروا اثبات کرده اند که از طرف وی حتی به حکمرانی محلی گمارده شده اند، بسیاری از آنها هم از سوی شاه به گروگان گرفته شده اند. بردگان در اقتصاد، امور جنگی و سیاسی نقش درجه ی اول را در این امپراتوری ایفا می کنند. آنان زمین های زراعی را هم که خیلی حاصلخیز نیست و نیاز به کار روی آن دارد، برای کشت آماده می سازند. اغلب این زمین ها متعلق به سران و بزرگان درباری است و بردگان بدین ترتیب این کشتزارها را جهت بذرپاشی آماده می نمایند و در حقیقت بیمه آنهاست.

آنها هم چنین در هنگام جنگ، در قلب سپاه قرار می گیرند و تیراندازان بسیار ماهری هستند. تعدادی از همین بردگان آزاد شده در ستون سواران جنگی به نبرد با دشمن می پردازند. آنان با اسب های زیبا در نبردها مانورهای جالبی می دهند و از این حیث برای ارتش سونگای بسیار ارزشمند هستند، به طوری که شکل جنگ را تغییر می دهند که اغلب به پیروزی می انجامد.

ارمنستان از زیر یوغ اعراب خارج می شود. (ارمنستان، ۸۸۵):

مردمان ساکن ارمنستان که ریشه ی اسلامی داشته و از سویی با امپراتوری رم شرقی سر وسری دارند، در تحت رهبری شاهزاده آشوت باگراتونی (Ashot Bagratuni) که مدت نزدیک به ۲۵ سال است از طرف خلیفه ساکن سامره به فرمانروایی این منطقه منصوب شده، به استقلال رسیده است. آشوت در کاتدرال باگاران (Bagaran) واقع در پایتخت ارمنستان تاجگذاری کرد و بلافاصله از سوی بازیل امپراتور بیزانتین به رسمیت شناخته شد. بدین ترتیب ارمنستان از تابعیت اعراب خارج شد، هر چند که بایستی همه ساله به اعراب خراج بپردازد.

تسلیم شهر نشانه یی از سقوط تمدن مکزیک است. (مکزیک، ۹۰۰):

ایتالیا ۸۱۷

به مجرد اینکه فرمان لوئی مبنی بر تقسیم کشور بین فرزندانش انتشار یافت برنار (Bernard) نوه شارلمانی خود را پادشاه ایتالیا خواند وعلیه لوئی قیام کرد. لیکن او را دستگیر کرده و به گل فرستادند که به امر لوئی چشمانش را کور کردند که پس از سه روز جهان را وداع گفت.

کنستانتینوپول ۲۵ دسامبر ۸۲۰

لئو پادشاه غیر مردمی که از سال ۸۱۳ امپراتور بود، در سنت سوفیا (St. Sophia) به وسیله فرمانده گارد محافظ خویش کشته شد، و قاتل خود را به نام میشل دوم امپراتور رم خواند.

چین ۸۲۱

پیمانی بین چین و تبت به امضاء رسید که در آن استقلال تبت به رسمیت شناخته شد و در شانگ آن (Shang an) تأیید شد.

گل ۸۲۲

بر طبق اصلاحاتی که بندیکت (Benedict) اهل آمی ین (Amiens) در قوانین مربوط به کلیسا و مذهب انجام داد اشخاص بزهکار با توبه و تحمل عذاب روحی گناهشان بخشوده خواهد شد. لوئی فرمان عفو عمومی را پس از مرگ برنار اعلام داشت.

بریتانی ۸۲۵

اگبرت (Egbert) پادشاه وسکس (Wessex) به قصد پیروزی بر پادشاه مرسیا به نام بئورنرد(Beornred) در نبردی بر او در منطقه الن دون (Ellendun) نزدیک اسویندون (Swindon) غلبه یافت.

گل ۸۲۶

هارالد کلاک (Harald Klak) که مدعی سلطنت دانمارک بود را به قصر لوئی در اینگل هایم (Ingelheim) بردند و او به یکی از پیروان فرقه باپتیست مبدل شد. وی در مراجعت راهبی را به نام آنسکار (Anskar) همراه خود آورد و این راهب توانست به تدریج تعلیمات و عقاید مسیحیت را در دانمارک رواج دهد.

افریقای شمالی ۸۲۷

زیادت الله پادشاه اقلابیان برای گسترش قلمرو خود به سیسیل لشگر کشید و اسدبن فورات (Asad ibn – Furat) فرماندار سیسیل را دستگیر کرد.

مراکش سپتامبر ۸۲۸

با مرگ ادریس (Idris) دوم پادشاه مراکش سرزمین تحت امروی بین فرزندانش تقسیم شد. این سرزمین برای افراد فراری و پناهنده از جور و ظلم حکومت بنی عباس تأسیس شده بود. ادریس یکی از بزرگ ترین پادشاهان سلسله پادشاهی مراکش بود که پایتخت خود را در شهر فز (Fez) قرار داده بود و مدت ۲۰ سال سلطنت کرد.

گل ۸۲۹

لوئی پادشاه فرانک از رفتار سه پسرش ناراحت و ناراضی بود و تاسال ۸۱۷ آن ها را در میراث خود شریک می دانست لیکن در این سال پسری را که از ازدواج مجدد با ژودیت (Judit) اهل باواریا (Bavaria) دارا شده و کم سن و سال هم بود به وراثت خود برگزید.



تصویری از پاپ لئوی (Leo) یکم که به‌وسیله‌ی اسقف شهر رم نقاشی و تزیین شده است.



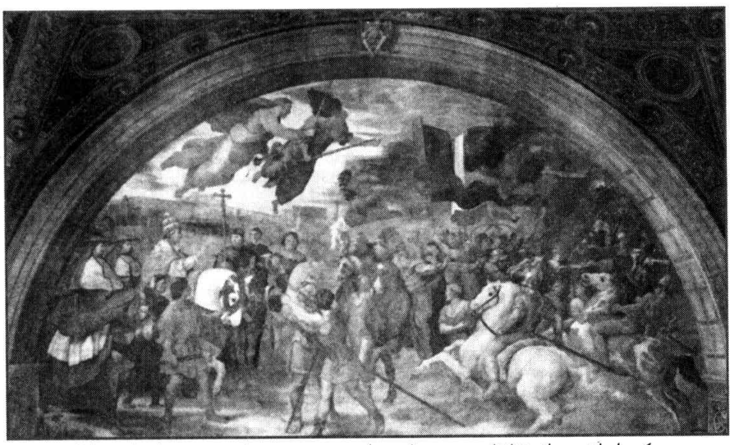
پاپ فلیکس (Felix) سوم که روابط کلیسای رم را با کلیسای شرق قطع نمود.



آخرین تمثال پاتریک (Patrick) که مسیحیت را در ایرلند انتشار دارد.



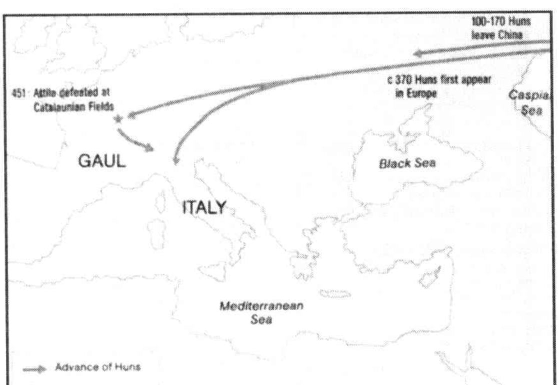
تصویر یک فرد مسیحی که در روی کوپلن بافته شده است.



یکی از آخرین اثر نقاشان رمی درباره‌ی ارتش رم و نیروهای مقدس پاپ لئوی اول که برای تقویت سپاهیان جهت جلوگیری از حملات آتیلا (Attila) به یاری آن‌ها آمده‌اند.



تصویر یک سوار از قبیله‌ی وندال (Vandal) کارتاژ (Carthage) بر روی موزاییک ساخت رم.



پیشروی اقوام هون (Huns) به سراسر قاره‌ی اروپا.

رم ۸۳۱
پاپ میسیونی مذهبی به ریاست آنسکار اسقف هامبورگ تعیین کرد و مسئولیت امور مذهبی مردم شمال را به وی واگذار کرد.
قسطنطنیه ۸۳۲
تئوفیلوس (Theophilus)، میشل دوم پسر و جانشین امپراتوری بیزانس تمام نقاشان و تندیس نگاران را از بیزانس اخراج کرد. این کار به عنوان بخشی از اقدامات او بر ضد آیکونها (Icons) (بت تراشان) بود.
گل ۸۳۳
لوئی دوپیو (Louis de pious) امپراتور غرب به سپاهیان خود دستور داد که بزرگ ترین پسرش لوتار را دستگیر و زندانی کنند. لوتار در پی این بود که خود تنها امپراتور شود.
میان رودان (بین النهرین) ۸۳۳
در مدت ۲۰ سال که مأمون خلیفه عباسی در رأس قدرت قرار داشت فرهنگ اسلامی به اعلا درجه ارتقا یافت. وی در این سال درگذشت. در زمان مأمون هم چنین تجارت و صنعت بسیار رونق پیدا کرد و بازرگانی خارجی خلفای عباسی تا هندوستان، چین، افریقا و اروپا گسترش یافت.
گل فوریه ۸۳۴
کاتدرال (Cathedral) یا کلیسای اعظم شهر متز از حوزه قلمرو لوئی دوپیو خارج و اداره آن بر عهده دستگاه روحانیت قرار گرفت و فرزند لوئی به نام لوتار هم تسلیم شد و فرمانداری تحت امر پدر را در ایتالیا به عهده گرفت.
گل ۸۳۴
وایکنیگ ها مرکز بازرگانی دورشتاد (Dorestad) واقع در دهانه رود راین را تاراج کردند.
افریقای غربی ۸۳۵
دوگون (Dougon) نخستین پادشاه سایفاوا (Saifawa) از سلسله کانم بورنو (Kanem – Bornu) (شامل نیجریه – نیجرو چاد) در شهر نژیمی (Njimi) پایتخت درگذشت.
میان رودان (بین النهرین) ۸۳۶
شهر بغداد به علت ازدحام و شلوغی بیش از حد غیرقابل سکونت اعلام شد. بدین جهت معتصم (Mu'tasim) برادر مأمون (Ma'mun) خلیفه عباسی پایتخت را به شهر سامره (Samarra) انتقال داد. او این کار را به سبب مجزا کردن بازرگانان عرب و ترک و جدا کردن امور تجارت اعراب و ترکها انجام داد.
آسیای صغیر (آناتولی) (Anatolia) ۸۳۸
نیروی نظامی اعراب شهر عموریه (Amorium) یکی از مهم ترین شهرهای اصلی آسیای صغیر را تصرف کردند و به مناسبت این پیروزی جشن هایی برپا شد و شعرهایی هم در این باره سروده شد.
میان رودان(بین النهرین) ۴ ژانویه ۸۳۸
بابک (Babak) یکی از پیشوایان مذهبی که در عین حال فردی انقلابی بود به سوی منطقه شمال غربی ایران (آذربایجان) مهاجرت کرد تا آنجا را از بند خلیفه معتصم عباسی رهائی بخشد، لیکن به وسایلی دستگیر و با بیرحمی وی راکشتند.

بزرگ ترین شهر مونت آلبان (Monte Alban) (کوه سفید) تسلیم گردید و به وسیله ی میکستک ها (Mixtec) که در همسایگی این ایالت هستند، دستخوش غارت قرار گرفت. پایتخت پانصد ساله زاپوتک ها (Zapotec) در دامنه ی کوه آلبان و در ساحل اقیانوس آرام در قلب دره ی اوکساکا (Oaxaca) قرار گرفته. این شهر شگفت انگیز و خوشبخت مرکز تمام مکزیک محسوب می شود. این شهر از تمدن تئوتیهوآکان (Teotihuacan) سبک ساختن ظروف سفالین و از مایاها گاهشماری و حجاری را به ارمغان آورده است.

مونت آلبان یا کوه سفید، در حقیقت برای معابد مقدس خدایان و به ویژه خدای باران اشتهار دارد و در طول قرن ها به یکی از شهرهای مهم و بزرگ تبدیل شده که ساکنان آن در یک دره باریک به نام اوکساکا زندگی می کنند که بسیار شلوغ و پر ازدحام است و به علت جمعیت زیاد شهر کثیفی است. در مرکز شهر، میدان بزرگی قرار دارد که اطراف آن سکوها، اهرام و بناهای رفیع ساخته شده که به وسیله ی پلکان می توان به آنجا صعود کرد. سقف این بناها، اغلب گنبدی شکل با شیب زیاد بنا شده و روی گنبد هم با نقاشی های رنگی به شکل های انسان و خدایان تزئین شده است. اکنون مونت آلبان به یک مخروبه مبدل شده است.

پادشاه برای تجدید بنای معبد هندو، در جاوه و ۱۵۰ بنای یادبود اقدام می کند.(جاوه، ۹۰۰):

سی لندراس (Sailendras)، پادشاه جدید، آئین ماتاراماس (Mataramas) را جایگزین مذهب بودائی می کند. شهر جاوه که اکنون ماتارام نامیده می شود، پس از مدتی بیش از یک سده که پیرو آئین بودایی بوده، به کیش سی وایت (Saivite) هندو تغییر مذهب داده است. در این اواخر، حاکم هندو مذهب سانجایاس (Sanjayas) برای عبودیت هر چه بیشتر به کوهستان رفت تا با اقامت در غار و تبعید اختیاری خود را از گناه مبرا سازد.

اکنون با بر کنار شدن سی لندراس از سلطنت، پادشاه نو آئین به نام بالی تونگ (Balitung)، او هم زندگی خود را وقف هندوئیسم کرده و به تمرین های بردباری و تحمل می پردازد. وی هم چنین ۱۵۰ معبد برای خدای سیوا (Saiva) بنا کرده است. بزرگ ترین این معابد چاندی لارا لونگ

گرانـگ (Chandi Lara Longgrang) نـام دارد کـه از حیث عظمت و زیبایی همپـای صـومعه ی مقـدس بـودایی بوروبودور (Borobudur) می باشد که در یکصد سال قبل ساخته شده.

این معبد که از یک سـاختمان بـزرگ مرکـزی تـشکیل شده، در اطرافش هشت عبادتگاه کوچک قرار دارد. ساختمان مرکزی که در وسط قرار دارد، وقف خدای شـیوا اسـت و در حقیقت کانون یک چهارگوشـه اسـت و در چهـار سـوی آن اهرامی ساخته شده که با کتیبه هایی تزئین شده وبه رامایانـا (Ramayana) تعلق دارد و این مجموعه زیباتر و قـشنگ تر از بوروبودور می باشد.

وایکینگ ها در فرانسه سکونت اختیار مـی کننـد. (فرانسه، ۹۱۱):

فرمانده ی کهنه کار جنگجویان وایکینگ و پادشاه غربی سـرزمین فرانکهـا، در سـنت کلرسـوراپت (St – Clair – Sur – Epte) با انعقاد پیمان صلح پس از نزدیـک بـه ۵۰ سال آشوب و درگیری بر ضد فرانـک هـا پایـان داد. شـارل ملقب به ساده لوح با واگذاری بخشی از سرزمین های غـرب به رولو (Rollo)، وی را باقید سوگند وادار کرد که به میهن خـود بـاز گـردد و او هـم قبـول کـرد کـه پیـرو فرقـه ی باپتیست ها باشد و در ضمن موافقت کرد که بـرای دفـاع از این سرزمین جهت جلـوگیری از سـایر وایکنیـگ هـا آمـاده باشد. بدین ترتیب دوک نشین نورمانـدی، از مـردان شـمالی ایجاد شد.

این جریـان شـباهت تـامی بـا اقامـت وایکینـگ هـا در سرزمین های فتح شده یا تسخیر شده جزیره ی انگلیس در ۵۰ سال اخیر داشت که وایکینگ ها را در خود جـا داده بـود قبلاً وایکینگ ها در فصل تابستان به سرزمین های کرانه ی دریا و رودخانه ها حمله می کردند و اجناس غارت شده را در کشتی ها جای داده و به میهن خود باز می گشتند، لیکن بـه تدریج ایـن روش در فـصل زمـستان تـرک شـد و تنهـا در تابستان به این کار اقدام می کنند.

اکنون غارتگران به طـور دائـم از پایگـاه هـای خـود بـا وحشی گری و خونریزی به شهرهای کلن، پـاریس، نانـت و لندن و سایر شهرهای مهـم اروپـایی یـورش مـی برنـد. در بخش شمالی اروپا، آنان سـرزمین ایـسلند و اسـکاتلند، هـم چنین ارتفاعات مربوط به آن جزایر را اشغال کرده اند و هنوز هم با کشتی های بادبانی خود در جستجوی جاهای پـرت و دور افتـاده هـستند بنـدر دوبلـین در ایرلنـد هـم یکـی از پایگاه های آنهاست. در جزیره انگلیس، پیش از آن که آلفرد به عنوان شاه انتخاب شود، وایکینگ ها تقریباً نـصف کـشور را در اختیار داشتند. اما با پیمانی که در سـال ۸۸۶، حاکمـان محلی پیشین با وایکینگ بستند، مناطق نورتومبریا، انگلیـای شرقی و میدلند (Midlands) شرقی تسلیم آنها شد که بـا قوانین خود که بـه نـام دیـن لاو (Danelaw) یـا قـوانین دانمارکی بود، آنجا را اداره کنند.

آلفرد شاه در سیزده سال قبل فوت شد و پسرش ادوارد برای نخستین بار باب آشتی با آن ها را گشود و طی پیمـانی دایمی، آنان در نواحی تحت تسلط خود استقرار یافتند و ایـن بار به عوض قتل و غارت، در آبادانی شهرها می کوشند و بـا مهـارتی کـه در امـور داد وسـتد و بازرگـانی دارنـد، بـرای شهرهایی هم چون دوبلین و یورک، اقداماتی انجام داده انـد که در آینده به خوشبختی آن ها خواهد انجامید.

شاهزاده ی هندی وارث سرزمین ثروتمنـد شـد. (هند، ۹۰۶):

آدیت یا پادشاه بزرگ منطقه ی کولا در گذشـت. وی در ۳۵ سال پیش وارث یک ایالت کوچک و فقیری بود کـه بـه خاطر قرار داشـتن در بـین دو قـدرت پانـدیاس و پـالاواس همواره وجه المصالحه بود، حـال آن کـه سـرزمینی کـه بـه فرزندش تعلق گرفته، تمام مناطق جنوب شرق هند را در بـر دارد. اکنون سلطنت وی یک حالـت رزمـی و حماسـی دارد. آدیت یا در وهله ی نخست، پانـدیاس و سـپس پـالاواس را شکست داد و با ازدواج با یک شاهزاده خانم پالاوان، قلمـرو خود را به حـدی توسـعه داد کـه بـه یکـی از قدرتمنـدترین حکومت های هند مبدل شد. او معبدی برای پرسـتش افـراد غیـر روحـانی و گورسـتانی بـزرگ در تونـدایی مانـاد (Tondaimanad) در نزدیـک شـهر کالاسـتی (Kalahasti) بنا کرد و در همین شهر هم وفات یافت.

سامانیان، مؤسس یک سلسله ی سلطنتی (آسیای مرکزی، ۹۰۰):

خانـدان سـامانیان بـا تأسـیس سلـسله ی پادشـاهی در ناحیه ی کوهستانی و صعب العبور فرا رودان (مـاوراء النهـر) واقع در ناحیه بین دریای خزر و کوه های هندوکش، خـود را پادشاه خواندند. در سده ی گذشـته، ایـن قـوم در ناحیـه ی سمرقند صاحب زمین هایی بودند که به تدریج نفـوذ محلـی آنان افزایش یافـت. در حـال حاضـر، اسـماعیل بـن احمـد، سرسلسله ی دودمان سامانی، پس از شکست رقبای محلـی، قلمرو خود را گـسترش داده و بخـارا را بـه عنـوان پایتخـت برگزیده است. در حالی که خلیفه ی عباسی در بغداد ظـاهراً حاکمیت فر رودان را دارد و سامانیان در خطبه هـا نـام او را می برند. قلمرو سـامانیان بـه زودی تبـدیل بـه یـک مرکـز بازرگانی شده و از این راه سامانیان به ثروت هنگفتی رسیده اند، بازرگانان انواع و اقسام کالاهـا را از سـرزمین کفـر خیـز چین وارد کرده و به نقاط دوردست غرب می فروشند. آن ها کالاهای ابریشمین را خریداری می کنند و به دولت بیزانتین می فروشند، در عین حال از اقوام روس پوسـت هـای خـز و آهن آلات وارد کرده و به کشورهای دیگر صادر می کنند.

اتیوپی، قرارداد تجاری با یمـن امـضا مـی کنـد. (اتیوپی، ۹۰۱):

مسلمانان از سراسر مناطق شـمالی، شـرقی و غربـی بـه افریقـا وارد شـدند و نفـوذ خـود را در تمـام نـواحی افریقـا گستردند، با این حملات، اتیـوپی هـم بـه صـف مـسلمانان پیوست، با امضای پیمان بازرگـانی بـین اتیـوپی و حکومـت یمن، اتیوپی هم به مـسلمان بـودن اعتـراف کـرد و حـداقل سیاست همزیستی با اسلام را در پیش گرفت. با این پیمـان، اتیوپی بهای گزافی پرداخت و آن گسستن از آئین مـسیح و اروپا بود.

سال ها پیش، مردم جنوب اتیـوپی، بـه اسـلام گرویـده بودند. آن دسته از مردم که با مسلمانان مخالف بودند، شـهر آکسوم (Axum) پایتخت، ارتیره و کرانه های دریای سـرخ را رها کرده، به نقاط مرتفع و کوهستانی که مسلمانان عـرب به آنجا دسترسی نداشتند، کوچ کردند. به هر حال علی رغـم نبردهای طولانی و دراز مدت، ارتباط بازرگانی بین اتیـوپی و مسلمانان رو به رونق گذاشت و نمونه ی آن پیمـان تجـاری بین اتیـوپی و یمـن بـود. یعقـوبی مـورخ عـرب، دربـاره ی سرزمین اتیوپی این چنـین مـی نگـارد؛ سـرزمینی اسـت بـا

گل ۲۰ ژوئن ۸۴۰

لوئی دوپیو در شهر اینگلهایم (Ingelheim) بدرود حیـات گفـت و لوتار جانشین وی گشت. اما جنگهای داخلی و خیابانی بین فرزنـدان در قید حیات وی اجتناب ناپذیر شد.

آسیای مرکزی ۸۴۰

امپراتوری ترکان اویغور در آسیای مرکزی بر اثر هجوم اقـوام قرقیـز (Kirghiz) ترک که از غرب آغاز شده بود به یک باره سقوط کرد.

گل ۲۵ ژوئن ۸۴۱

شـارل دوبالـد (Charles the Bald) و لـوئی ژرمـن (Loius German) پسران لوئی دوپیو، بـرادر بـزرگ تـر خـود لوتـار را کـه امپراتور غرب بود در محل فوتنن ای (Fontenay) شکست دادند.

کنستانتینوپول ۲۰ ژانویه ۸۴۲

تئوفیلوس امپراتور درگذشت و به همراه وی بت نگاری هم به خاک سپرده شد. همسر وی تئودورا (Theodora) خود را نایب الـسلطنه پسر کوچکش به نام میشل سوم معرفی کـرد.در همـین هنگـام بـه خاطر تقدیر و سپاسگزاری از امپراتور فقید تندیس او را برپا داشتند.

بریتانیا – گل ۸۴۲

وایکینگ ها شهرهای لندن، روچستر (Rochester) و بندر فرانکی کانال، کوئن توویک (Quentovic) را غارت کردند.

گل ۸۴۲

در پی غارت صومعه نوارموتیه (Noirimoutier) توسط وایکنیـگ ها، آنان برای سپری کردن زمستان، این سرزمین را اشغال کردند.

گل اوت ۸۴۳

لوتـار، شـارل و لـوئی بـا انعقـاد پیمـانی در وردون (Verdun) بـه موافقت رسیدند که لوتار به عنوان امپراتـور معرفـی شـود. لـیکن در حوزه فرمانروایی سایر برادرانش اعمال قدرت نکند.

اسپانیا ۸۴۴

وایکینگ ها برای نخستین بار اسپانیا را مورد تاخت وتاز قرار دادند.

گل ۸۴۵

هامبورگ (Hamburg) مورد چپاول وایکینـگ هـا قـرار گرفـت. کلیسای آنسکار (Anskar) تخریب و وایکینگ ها مجبور بـه فـرار شدند لیکن در همین حین میسیونهای مذهبی در دانمـارک و سـوئد هم چنان به کار ارشاد مردم ادامه می دادند و پایگاه اصـلی آنهـا در برمن (Bremen) قرار داشت.

رم ۸۴۷

با برگزیده شدن لئوی چهارم به مقام پاپی، وی شـروع بـه مرمـت و توسعه دیوارهای شهر جهـت جلـوگیری از خرابـی و دسـتبرد دزدان دریایی عرب کرد. چون سال گذشته مورد راهزنی دزدان دریایی قرار گرفته بود.

میان رودان(بین النهرین) – عراق ۸۴۷

خلیفـه المتوکـل (Al- Mutawakkil) جهـت پایـداری قـدرت حکومت عباسی تلاشهائی در جهت تحکیم و تثبیت مـذهب سـنت انجام داد. وی پیروان معتزله (Mu'taziletes) و شیعه را مورد آزار و شکنجه قرار می داد.

شهرهای وسیع و مجتمع های مسلمان نشین که جمعیت آنها همه ساله افزایش می یابد. این نخستین بار نیست که اعراب مسلمان در این کشور زندگی می کنند، بلکه در بدو ظهور اسلام، مسلمانان عرب ساکن عربستان، جهت مصون ماندن از آزار و اذیت کفار، دسته جمعی به اتیوپی پناهنده شدند و نجاشی، امپراتور آن کشور، از تازه مسلمانان استقبال کرد.

قیصر پس از شکست دچار حمله ی قلبی شده و وفات یافت. (بلغارستان، ۲۷ مه ۹۲۷):

سیمون (Symeon)، امپراتور یا قیصر بلغارها و رهبر بالکان واحیا کننده ی اقتدار بلغارستان، بر اثر حمله ی قلبی درگذشت. این مرگ ناگهانی، در اثر حمله ی غیر منتظره و پیش بینی نشده ی اقوام کروآت (Croats) به سرزمین تحت سلطه ی سیمون اتفاق افتاد. چون این شکست نخستین ضربه یی بود که بروی فرود آمد. سیمون با شکست دادن حریفان در منطقه ی بالکان، تا سرحد بیزانتین پیشرفت کرده و امپراتوری او از شبه جزیره ی ایونی (Ionian) تا دریای سیاه گسترده بود.

وی تحصیلات خود را در زمینه ی مذهبی در قسطنطنیه به پایان رساند و در حکومت خود اساس مذهب و امور غیر دینی و سیاسی را سخت رعایت می کرد و آن ها را به هم آمیخته بود. او پس از ترک کلیسا در سال ۸۹۳ به پادشاهی رسید و پس از احراز قدرت، بیزانتین را به بازی گرفت، او آمیزه یی از یک مرد سپاهی سیاسی و تجاری بود. قدرت ارتش را به بالاترین وجه بالا برد. به توسعه ی بازرگانی و تولید ثروت برای کشور اقدام کرد و در عالم سیاست هم برنده بود و قدرت و اقتدار او بلغارستان را به نهایت رسانید. وی چند بار در نبردها دولت بیزانس را شکست داد، هم چنین قصر عظیمی به تقلید از بیزانس در منطقه ی پره اسلاو (Preslav) پایتخت بنا کرد که در شکوه و جلال دست کمی از قصر مقر امپراتور رم شرقی نداشت. سیمون زبان و ادبیات یونانی و هم چنین ادبیات اسلاو را ترویج و تشویق می کرد.

شورش و انقلاب شمال افریقا فرونشانده شد. (افریقا (تونس)، ژانویه ۹۱۱):

با بالا گرفتن انقلاب مردمی در افریقا، آخرین فرمانروای اقلابی به شهر قیروان پناه برد. مردی که رهبری شورش را بر عهده داشت، یکی از شاهزادگان ساکن راکادا (Rakkada) به نام عبیداله (Ubayd Allah) بود و خود را مهدی موعود می نامید و هواداران او وی را ناجی و مهدی می خواندند. سلسله ی پادشاهی اقلابیان مدت درازی فرمانروایی این ناحیه را داشتند و خود را خلیفه می خواندند که مستقل از خلافت بغداد بود. درهر صورت مهدی هم خود را خلیفه خواند و همواره در کشمکش با بغداد بود.

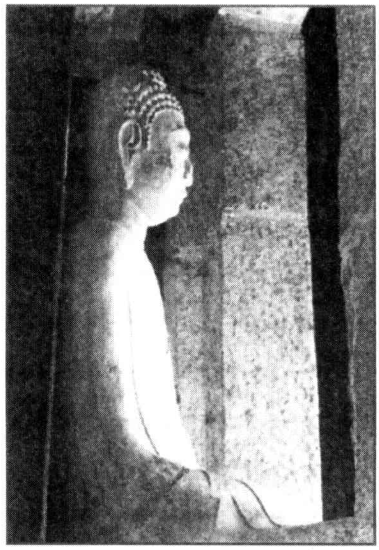
آنان خود را خلفای فاطمی منسوب به حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر اسلام می دانستند و خلافت بغداد را قبول نداشتند. ریشه خانوادگی مهدی مبهم است، او تا سال ۹۰۲ در سوریه می زیست. در این سال به سوی غرب مسافرت کرد، اما در سجیل مساح (Sijilmassah) دستگیر و زندانی شد. او ترقی خود را به کلی مدیون تبلیغات ابوعبدالله رهبر طوایف بربر کتاما (Ketama) می باشد که از سال ۸۹۴ آغاز کرد که به او لقب مهدی و ناجی داده بود.

قبیله ی کتاما، پیش از این، دشمن قدیمی اقلابیان بودند که بعدها این دشمنی به دوستی مبدل شد، به طوری که سپاهیان خود را در تحت فرماندهی اقلابیان قرار دادند. عبیداله در منطقه ی ایکجان (Ikjan) مستقر شد و تحت رهبری او، اقلابیان به ترقیاتی شگرف دست یافتند. او در سال ۹۰۹ با سپاهیان خود به راکابا (Rakkaba) وارد شد و آخرین پادشاه سلسله ی اقلابی را مقهور کرد.

صوفی ایرانی را به جرم ارتداد سر بریدند. (بغداد، ۲۷ مارس ۹۲۲):

حلاج، صوفی و عارف ایرانی را امروز با وضع شومی به دار آویختند. این مرد را چندین بار تازیانه زده بودند که در اثر آن فلج شده بود، امروز او را به دار آویختند و پس از مرگ، سر او را از بدن جدا کردند و تمام جسد را سوزانده و خاکسترش را در رود دجله ریختند.

ابوالمغیث حسین بن منصور (Abu-al-Mughith al-Husayn ibn Mansur، ملقب به حلاج (Hallaj) (به معنی پنبه زن)، در سال ۸۵۸ در یکی از روستاهای کوچک جنوب ایران به دنیا آمد. در جوانی وی به مسافرت در شهرهای ایران و ترکستان پرداخت که در ضمن



منظره‌ی داخلی یک معبد چینی
از فرقه‌ی بودایی پاگودا (Pagoda).



پایان دوران رم و محو آثار رومولوس (Romulus) که نام رم از وی گرفته شده بود.



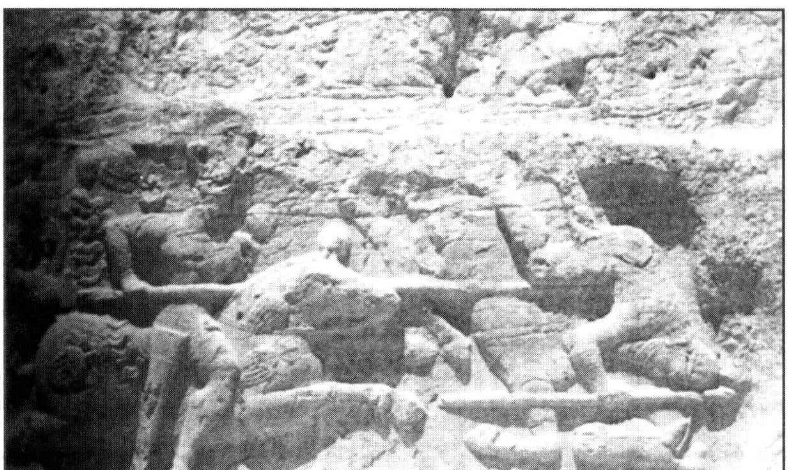
کلوویس (Clovis) پیشوای جدید گل
در دوران شباب.



نقاشی رنگی بسیار زیبای بودا که در غار اجانتا (Ajanta) در هند مرکزی ترسیم شده است.



تصویر آرخانگل میشل (Archangel Michael)، حامی امپراتوری بیزانتین (Byzantine)، که از عاج ساخته شده. (حدود سال ۵۰۰)



صحنه‌یی از میدان جنگ و اجساد کشته‌شدگان در نقش رستم فارس در زمان ساسانیان.

مسافرت هایش، مردم را هم موعظه می کرد، او حتی به هندوستان هم سفر کرد و به زیارت مکه هم مشرف شد.

حلاج یکی از صوفیان طراز اول محسوب می شود، او در جذبه ها و حالات صوفیانه خود را به خداوند نزدیک می دید و جاذبه خداوندی وی را مستحیل می ساخت و اظهار می داشت که من حقیقت مطلقم، من پاره یی از عشقم و عشق جزو وجود من است و این عشق را خداوند در من به ودیعت نهاده، ما دو روحیم در یک بدن.

او را به کفر و الحاد متهم کردند و به سبب همین الحاد و کفر، به جرم تشویش اذهان و افکار عمومی، به دار آویختند و قاضیان اظهار می داشتند حلاج کافر مطلق است و باعث شورش و اختلال نظم عمومی خواهد شد و دستگاه خلافت را تهدید می کند و خلافت را به زیر سؤال می برد. حلاج را یک بار دستگیر و زندانی کردند، لیکن او از زندان گریخت و به شهر شوش فرار کرد. لیکن در سال ۹۱۳ او را دستگیر و بار دیگر زندانی ساختند که این بار موفق به فرار نشد که تا همین امروز هم زندانی بود. او دیوانی مکتوب دارد و رساله هایی را که تألیف کرده که در کتابی به نام توازین (Tawasin) جمع آوری شده است.

بزرگ ترین پزشک ایرانی در بستر بدرود حیات گفت. (ایران، ۹۲۵):

بزرگ ترین و معروف ترین چهره ی علمی اسلامی، ابوبکر محمد بن زکریای رازی (Zakaiya)، درحالت آرامش در خراسان درگذشت. وی از جنبه های گوناگون و بادید وسیع، بزرگ ترین طبیب دنیا در عصر خود بود و با درخواست خلیفه به بغداد و سایر پایتخت های خلافت عباسیان رفت. او رساله هایی در باب بیماری های آبله و سرخک نوشته و هم چنین دایرۀ المعارفی از تمام بیماری های زمان خود گردآوری کرده که خیلی مهم تر و جالب تر از کتاب های طبی یونانی و عربی است و برای نخستین بار به شرح و توصیف بیماری ها و راه های تشخیص و درمان آنها پرداخته است. رازی را به الحاد متهم کردند و به این اتهام هم در انظار عموم شهرت یافت. تحصیلات رازی در اصل علم فلسفه بود، وی به فلسفه ی افلاتون علاقمند بود و افلاتون را به دیده ی تحسین می نگریست، لیکن بنیادگران و محافظه کاران اسلامی هر دو به فلسفه افلاتون با خشم می نگریستند و طرفدار فلسفه ارسطو بودند و بدین جهت رازی را ملحد می خواندند.

رازی در علم شیمی و طب دارای کشفیات جالبی است و در این دو دانش به تحقیقات عمیقی دست زده، او جادوگری و علم را دو مبحث جداگانه می داند و به علم و تجربه معتقد است، در نتیجه جادوگری را طرد می کند (دراین زمان سحر و جادو، مقام والایی در جامعه داشته) و چاره ی درد را به طور علمی بیان می کند. وی بعضی نظریات ارسطو را با اکراه می نگرد و از پیروان او بیزاری می جوید. برخی از محققان هم اشتباهات رازی را به دیده ی اغماض می نگرند و در حالی که با بعضی از عقاید او مخالفت می کنند، با این وصف وی را قابل احترام می دانند. چون به هر حال او یکی از بزرگ ترین پزشکان جهان به شمار می رود.

زائران مکه قتل عام می شوند. (عربستان، ۹۳۰):

یک گروه از مسلمانان انقلابی، مشهور به کرمتیان، به رهبری همدان کرمت (Hamdan Karmat)، با سرقت و غارت خانه ی کعبه که مدت یک هفته به طول انجامید و طی آن حجرالاسود، سنگ مقدس که همه ی مسلمانان برای آن احترام خاصی قائلند، به سرقت رفت، تمام مسلمانان را به حیرت و شگفتی واداشت و همه از این امر، یکه خوردند. در جریان این سرقت، تعداد زیادی از مردم هم به هلاکت رسیدند. به نظر می رسد که گروه کرمتیان با فاطمیان شمال افریقا (تونس) که هر دو مخالف خلافت عباسیان هستند، هم دست باشند. در سال ۸۹۹ آن ها در شرق عربستان، ایالتی به نام بحرین را تأسیس کردند. آن ها در این ایالت، حالت جمهوری اولیگارشی اعلام کردند که تمام طبقات مزدم با هم مساویند و بین حاکم و رعایا هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد. در این جمهوری بدون فاصله ی طبقاتی مردم مالیات نمی پردازند، لیکن تمام سختی ها و مشقات بر روی دوش بردگان است.

گروه کرمتیان به تدریج به اقتدار رسیدند، به طوری که به شهر مکه هجوم بردند و اموال زائران را غارت کردند، پس از چندی، بندر بصره را هم مورد حمله قرار دادند. این کار دزدان سبب شد که مردم مکه را هم ناامن تلقی کنند، در حالی که مکه و کعبه همیشه حالت امنیت و آرامش خود را به علت مقدس ترین مکان مسلمانان حفظ کرده است.

پرو ۸۵۰
فرهنگ و تمدن سیکان (Sican) که کانون آن در سرزمین باتان گرانده (Batan Grande) بود اکنون در تمام مناطق شمالی پرو توسعه می یابد.
هند ۸۵۰
ویجایالایا (Vijayalaya) پادشاه منطقه کولا (Chola) در تامیل نادو (Tamilnadu) قدرت را در منطقه به دست گرفت.
چین ۸۵۰
وهاب (Wahab) و ابوسعید (Abusaid) ملاحان عرب با کشتی های خود به چین مسافرت کردند و چای – برنج، کنیاک و برندی چینی (Brandy) را به وطن خود به ارمغان آوردند.
گل ۲۸ سپتامبر ۸۵۵
لوتار امپراتور غرب درگذشت و سرزمین تحت حاکمیت او بین سه فرزندش تقسیم شد. بزرگ ترین پسر او به نام لوئی دوم لقب امپراتور یافت.
بغداد ۸۵۶
احمد بن محمد بن حنبل (Hanbal) مرد الهی و آشتی ناپذیر اسلامی درگذشت. وی پایه گزار یکی از چهار فرقه مذهب سنت بود.
ایسلند ۸۶۰
سربازان دلیروبی با ک وایکینگ در سرزمین ایسلند (Iceland) (آنطور که می گویند) پیاده شدند.
کنستانتینوپول ژوئن ۸۶۰
دویست رزمناو روسی قسطنطنیه را محاصره کردند.
سرزمین گل شرقی ۸۶۲
مایگارها (Mayagars) مجارستانیها (Hungarians) که مردمی چادرنشین بودند در اوکراین (Ukraine) اقامت گزیدند. تعدادی از آنها هم به سوی غرب رهسپار شده و منطقه لوئی دوژرمن را مورد تهاجم قرار دادند.
قسطنطنیه سپتامبر ۸۶۷
با قیام قدرتمندانه بازیل (Basil) در راه خیر و نیکی و به دست آوردن امپراتوری و کمک به مردم، وی در راه منظور و هدفش کشته شد.
میان رودان (بین النهرین) ۸۶۸
الجاحظ (al –Jahiz) مؤلف کتاب لئیم و خسیس و تألیفات دیگری درباره تاریخ – مسائل جنسی و ادبیات درگذشت.
کنستانتینوپول ۸۶۹
هشتمین کنگره جهانی کلیساها بنا به دعوت بازیل امپراتور بیزانس و پاپ آدریان (Adrian) دوم به ریاست پلوتیوس (Plotius) جهت رفع اختلافات بین شرق و غرب و تعیین موارد اختلاف و بی نظمی های موجود در کنستانتینوپول تشکیل شد. پلوتیوس موارد اختلاف را مرتفع کرد. لیکن تفرقه هم چنان باقی ماند.

از سویی خانه ی کعبه، به علت وجود حجرالاسود (سنگ سیاه) در آن که از زمان بت پرستان تا به حال باقی است، مکان شلوغ و پر رفت و آمد بود که همین تجمع مسلمانان برای زیارت کعبه، منافع زیادی برای ساکنان این شهر ایجاد می کرد و منبع درآمد بزرگی بود و سارقان قصد داشتند که با ربودن این سنگ مقدس و بردن آن به بحرین، این درآمد را نصیب خود کنند. به هر حال، حقیقت هر چه بوده، عباسیان با این وضع دچار سردرگمی شده اند و مردم خلافت عباسیان را بی لیاقت می دانند، به طوری که حتی قادر به حمایت و نگهداری مکان مقدسی چون کعبه هم نیستند.

زوال وانحطاط قدرت در روم (روم، دسامبر ۹۳۲):

در عرض یک ماهه ی اخیر، ناآرامی هایی بر ضد پاپ و طبقه ی اشراف رم به وقوع پیوست. مردم در دسته های پراکنده، به قلعه یی که هوف (Hugh) (فرماندار یادوک) پروونس (Probence) با عروس خود در آن زندگی می کرد و در واقع کاخ حاکم بود، یورش بردند، دوک پروونس که اکنون در مقام شاه ایتالیا می باشد، از معرکه گریخت. در این توطئه، همسر دوک به نام ماروزیا (Marozia) و پاپ ژان نهم، دستگیر و زندانی شدند.

فارغ از این جریان، مردم رم از فرمانروایی یک بیگانه بر سرزمین شان متنفر بودند، هوف با برادرزاده ی خود عروسی کرده بود که یک بار هم این رسوایی ایجاد شده و مردم این جریان را با اطلاع و هماهنگی با پاپ می دانستند که با هر جزر و مدی خود را وفق می داد و با آن سازش می کرد. تمام پاپ ها همواره مورد احترام بودند و عامه ی مردم، آن ها را مردان مقدس می پنداشتند، تا ۳۵ سال پیش که در طی یک رسوایی ننگ آور، مردم با نبش قبر پاپ که در ۹ ماه پیش از آن مرده بود، جسد او را که در لباس رسمی پاپ ها آرمیده بود، از گور خارج ساختند و یکی از اسقف ها بر سر جسد فورموزوس (Formosus) رفته و او را به جرم پیمان شکنی مجرم دانست. و با این گناه سه انگشت وی را که با آن ها دعای خیر و برکت برای مردم طلب می کرد، جدا کرده و جسد وی را هم در رود تیبر (Tiber) انداخت.

از این پس، واتیکان با مرگ هر پاپ، دچار وحشت می شد و اغلب در پی رسوایی و بدنامی بود. جانشین پاپ فورموزس، استفن هفتم بود که وی را برکنار و خفه کردند.

بندیکت چهارم را هم به قتل رساندند. پس از آن لئوی پنجم را که تنها سی روز بود به مقام پاپی رسیده بود، به زندان افکندند و کریستوفر (Christopher) که یکی از مخالفان پاپ بود، وی را کشت. سپس سرژیوس سوم که بسیار طماع و پول پرست بود، با خانواده تئوفیلاکت (Theophylact) روابط صمیمانه برقرار کرد، به طوری که خود را پدرخوانده دختر ۱۵ ساله این فامیل به نام ماروزیا معرفی کرد، این پاپ پست ترین و منفورترین چهره یی بود که به این مقام رسیده بود.

ژان دهم که قبلاً عاشق دختر ماروزیا بود را هم خفه کردند، او به ماروزیا قول های واهی داده بود و در حال حاضر پاپ یازدهم که فرزند نامشروع ماروزیا و پسر سرژیوس (Sergius) سوم است در مقام پاپ می باشد و بر این مسند تکیه زده است.

بیزانتین با بهای گزافی به صلح دست یافت. (قسطنطنیه، ۲ دسامبر ۹۱۱):

اولگ فرمانروای روس ها و شاهزاده کیف که صاحب کشتی های بازرگانی بی شمار و ناوگان تجاری او سرآمده بود، سرانجام پیمان صلحی با بیزانس امضا کرد.

این قرارداد سیاست خارجی بیزانتین را دگرگون کرد. بیزانتین در دویست سال اخیر با اقوام خزر که منشاء آسیایی داشتند و زبانشان ترکی بود، پیمان اتحاد داشتند. خزرها در ظاهر آئین مسیح را پذیرفته بودند، درحالی که یهودی بودند. خزرها (Khazars) منطقه ی وسیعی را که بین دو رودخانه‌ی ولگا و دون قرار داشت، تحت سلطه داشتند و در برابر اعراب و مجارها ایستادگی و از حملات آن ها جلوگیری می کردند و چند بار هم از هجوم وایکینگ ها به منطقه پیشگیری کردند. لیکن در سال ۸۵۰ روس ها منطقه ی کی یف (کیف Kiev) را از خزرها گرفتند و از این پس قلمرو آن ها کوچکتر شد و در نتیجه با اقوام بربر روبرو شدند. بیزانتین در پیمانی که با روس ها منعقد کرد، به حداقل امتیاز قناعت کرد، چون اکنون روس ها بزرگ ترین قدرت منطقه به شمار می روند.

اسپانیای مسلمان، مدعی خلافت کوردوبا (کوردوبا، ۹۲۹):

عبدالرحمان سوم که تا سال ۹۱۱ امیر کوردوبا بود، اکنون خود را خلیفه کوردوبا اعلام کرده و قدرت اسپانیای مسلمان را هم پای خلافت عباسیان می داند و در عین حال که مستقل است و در این سرزمین رقیبی ندارد، قلمرو خود را تا سرزمین خلفای فاطمی گسترش داده است. در سال ۷۱۱ که اسپانیا مورد حمله یاعراب قرار گرفت، امرای عرب مسلمان بر این سرزمین حکومت می راندند، لیکن در سده‌ی اخیر، سیاست آنان دچار بحران شد. این آخرین خلیفه به اغتشاشات پایان داد و با گسترش قلمرو خود تا کوردوبا (قرطبه)، این شهر را پایتخت خود قرار داده است.

اسپانیا از نظر بازرگانی و داشتن زمین های حاصلخیز زراعتی و ارتقای سطح علمی، یکی از مهم ترین و بهترین نقاط جنوب اروپا به حساب می آید.

ونسس لاس، پادشاه بوهم، توسط کافران از سلطنت برکنار شد. (بوهم، ۹۲۹):

ونسس لاس (Wenceslas)، پادشاه بوهم، به وسیله ی برادرش به نام بولس لاو (Boleslav) کافر، به قتل رسید. ونسس لاس نوه ی بوری وی (Borivoy)، نخستین شاهزاده ی مشهور پراگ بود که به وسیله ی مادربزرگش لودمیلا (Ludmilla)به یک مسیحی پارسا و متدین تبدیل شد. وراتیسلاو (Wratislaw) پدرش هم در جنگ با مجارها کشته شد. به سفارش ونسس لاس چندین کلیسا ساخته شد.

او هم چنین پیمان اتحادی با هانری پادشاه مسیحی ژرمن ها بست که این همه در پیش چشمان برادرش بولس لاو بی ارزش بود، چون که او و اشراف جاه طلب تمام رشته های وی را پنبه کردند و همه ی اصلاحات او از بین رفت.

یک فرقه سری، خوردن گوشت و اعمال جنسی را نهی می کند. (بلغارستان، ۹۴۰):

یک فرقه ی مذهبی که عقایدی خلاف عرف دارد و به بوگومیل (Bogomils) مشهور است، با تأسیس صومعه یی در بلغارستان، پیروان زیادی در سراسر این کشور پیدا کرده است. آنان کلیساهای ارتودوکس را به ارتداد متهم کردند و با جسارت، دلایل و عقاید خود را ابراز داشتند.

گل ۸۷۰

با مرگ لوتار دوم، شارل دوبالد و لوئی دوژرمن قلمرو او را بین خود تقسیم کردند. لوئی دوم تنها وارث زنده لوتار، به عنوان امپراتور، کنترل بخش فرانسوی ایتالیا را در دست گرفت.

بریتانیا ۸۷۱

با وجود پیروزی بزرگ آلفرد (Alfred) بر برادر خود ایتل رد (Aethelred) جهت کسب پادشاهی وسکس دانمارکی ها بر وی فشار آوردند که بایستی به آن ها خراج بپردازد.

بریتانیا ۸۷۴

یک لشگر از دانمارک به منطقه مرسیا (Mercia) وارد شد و پس از مقاومت مختصری شهر را گشود. بورگرد (Burgred) پادشاه مرسیا قلمرو خود را تسلیم آنان کرد و خود جهت زیارت به رم رفت. دانمارکی ها یک پادشاه دست نشانده برای این منطقه تعیین کردند که کنترل مرسیا را به طور کلی در دست داشته باشند.

آسیای مرکزی ۸۷۴

سامانیان مسلمان، دولتی در منطقه فرارود سیحون (Transoxiana)در آسیای مرکزی تشکیل دادند و به تدریج حوزه قلمرو آنان توسعه یافت. قلمرو آن ها در شرق سیحون (Oxus) قرار دارد.

رم ۲۵ دسامبر ۸۷۵

با مرگ لوئی دوم امپراتور، شارل دوبالد با عجله به ایتالیا رفت و تاج پادشاهی را از پاپ ژان هفتم دریافت کرد.

گل اوت ۸۷۶

پس از مرگ لوئی دوژرمن قلمرو حکومت او بین سه پسرش تقسیم شد.

گل ۶ اکتبر ۸۷۷

شارل دوبالد جهان را بدرود گفت و تنها بازمانده، پسرش لوئی دواستامرر (Stammerer) به جانشینی وی رسید.

بریتانیا مه ۸۷۸

آلفرد پادشاه وسکس (Wessex) طی نبردی که در ادینگتن (Edington) جهت بیرون راندن نیروی نظامی دانمارک انجام شد، آنان را شکست داد. دانمارکی ها موافقت کردند که از منطقه وسکس خارج شوند.

اتیوپی ۸۸۰

فالاشا (Falasha) که تیره ئی از یهود و از نسل بنی حام (Ham) (یکی از پسران نوح) بودند در سرزمین اتیوپی سکونت گزیدند.

رم ۱۲ فوریه ۸۸۱

شارل سوم مشهور به چاق (The fat)، فرزند لوئی دوژرمن به عنوان نخستین فرمانروای فرانک ها تاجگذاری کرد. لیکن در حقیقت این امپراتوری به دو بخش کاملاً غیر وابسته تقسیم شده بود.

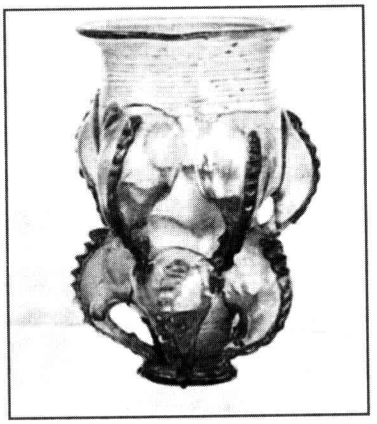
آنان به دوگانگی در خلقت معتقدند، خدای نیکی ها و خوبی ها تمام جهان و سایر چیزهای موجود در آن را آفریده و شیطان هم در افعال بد تقریباً هم طراز با خداوند است، بدین معنی که نیروی خیر وشر هم پایه هستند. آنان با شجاعت ابراز می دارند که انسان هایی کامل هستند و از تمام بدی ها پرهیز می کنند و به ویژه از خوردن گوشت و اعمال جنسی و نوشیدن شراب احتراز دارند. به عقیده ی آن ها، تنها مسیحیان راستین هستند که افکار مسیح را درک می کنند. به باور آن ها، جسم انسان پس از مرگ به ماده ی رقیقی هم چون اتر(اتر، چیز رقیقی است که از جنس ماده نیست و غیر مادی هم چون روح هم نیست، بلکه بین ماده وغیر ماده است) تبدیل می شود. آنان تنها به عهدنامه ها و مزامیر (Psalms) کتاب عهد عتیق باور دارند و نیز اعمال شیطانی را درک می کنند. این مایه ی شگفتی است که تمام مندرجات عهد عتیق در مسیحیت هم آمده است.

با این اوصاف، بوگومیل ها با این افکار عجیب و غریب از سوی تمام گروه های مسیحی به ارتداد متهم هستند. آنان ناسیونالیست های بسیار متعصبی هستند و از این که بلغارها تحت تأثیر تمدن و فرهنگ بیزانتین قرار گیرند، منزجر هستند و عقیده دارند که بایستی ملیت خود را حفظ کنند و به آن پای بند باشند، چون حکومت بیزانس آن ها را به بردگی می کشاند.

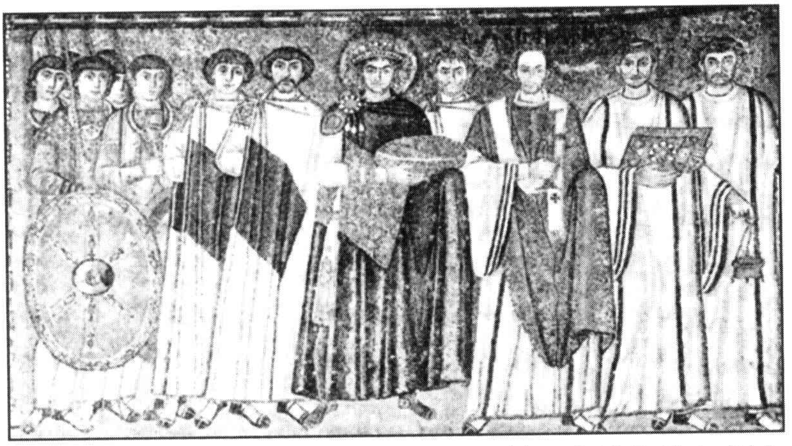
گفته می شود که بوگومیل ها این موضوع را به مردم می آموزند که هرگز بندگی اربابان را نپذیرند و خود را مدیون آنان ندانند، همواره به ثروت بی اعتنا باشند و به آن پشت کنند. قیصر و سایر بزرگان کشور را ارباب خود تصور نکنند و جایگاه آنان را خوار و پست بشمارند، چون اشراف و نجبا، قیصر را خدا نپندارند. به خاطر آن که، قیصر هم چون سایرین باید در اطاعت خدا باشد و از او فرمانبری کند. در حقیقت بوگومیل ها با این باورها، دهقانان را متحد ساخته که پیرو دین واحد باشند.

فرزند یک ماهیگیر، قدرت بغداد را به زیر می کشد. (بغداد، دسامبر ۹۴۵):

پایتخت قدرتمند خلفای عباسی، اینک در دست فرزند ماهیگیری که پیرو مکتب تشیع است و از ساکنان شمال ایران می باشد، قرار گرفته، اقتدار خلفای عباسی از مدت ها



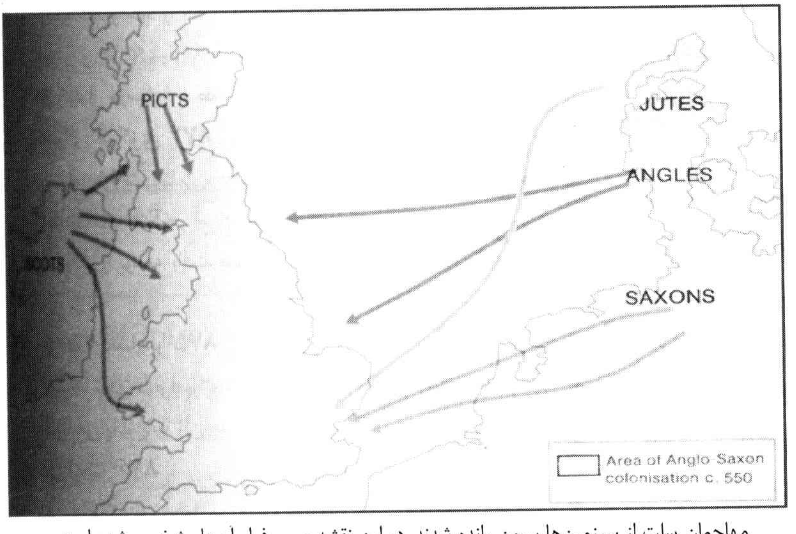
یک تنگ ابخوری فرانسوی با تزییناتی به شکل چنگال خرچنگ از گل (Gaul).



بازیلیکای (Basilica) (کلیسا) سن آپولیناریس (St Apollinaris) که به فرمان ژوستی‌نیان (Justinian) امپراتور در منطقه کلاس (Classe) واقع در شهر راونا در ایتالیا ساخته شده است. از دید هنرمند نقاش قرن ۱۷.



تندیس خدای هندو
در زمان سلسله پادشاهی گوپتا (Gupta).



مهاجمان سلت از سرزمین‌ها بیرون رانده شدند. در این نقشه مسیر فرار آن‌ها مشخص شده است.



موزاییک ساخت رم منقش به عیسی تعمیددهنده که جوانی را در حال تعمید نشان می‌دهد.
در اطراف آن ۱۲ نفر حواری عیسی با منظره‌ی بسیار باشکوه و با مهارت ترسیم شده است.

اوکراین ۸۸۲

در زمان فرمانروائی اولگ (Oleg)، شهر کیف (Kiev) به جای نووگراد (Novgorod) مرکز سرزمین روسیه شد.

فرانسه – آلمان ۸۸۲

با عزل شارل توپولی (چاق) که شخصی متنفذ بود، در اواخر سال ۸۸۷ سرانجام سلسله پادشاهی کارولین یان (Carolingian) هم ساقط شد. آرنولف (Arnulf) پادشاه آلمان و سرزمین اودو (Odo) که از خانواده کارولین یان نبود و سمت کنت شهر پاریس را داشت به پادشاهی فرانسه رسید. بقیه سرزمین امپراتوری که در جنوب فرانسه قرار داشت، شامل بورگوندی (Burgundy)، ایتالیا و حاکم نشین هایی که بر سر تصاحب آن جدال بود، ضمیمه خاک فرانسه شد.

افریقای غربی ۸۹۰

حاکم نشین سونگ هی (Songhay) (مالی و نیجر) بر منطقه گائو (Gao) درکرانه نیجر غلبه کرد.

آلمان ۸۹۱

آرنولف پادشاه آلمان، وایکینگ ها را شکست داد و آنان را از منطقه تحت فرماندهی خود بیرون راند.

بغداد ۸۹۲

خلیفه عباسی از پایتخت خودشهر سامره به بغداد بازگشت.

بالکان ۸۹۴

سیمون (Symeon) سزار (Czar)، قیصر منطقه بلغار (Bulgaria) که سال قبل به جانشینی برادرش منصوب شده بود به بیزانس حمله کرد. از مجارها درخواست کمک کرد.

بالکان ۸۹۷

سیمون پیمان اتحادی با چادرنشینان پکه نگ (Pechenegs) بست چون به وسیله مجارها (مجارها) در سراسر کرانه رود دانوب تحت فشار بود و این تهدیدی برای سرزمین اصلی بلغارستان بود. سیمون توانست ماگیارها را از جرگه خارج کند و با شکست دادن بیزانتین از آن دولت درخواست باج نماید.

فرانسه اول ژانویه ۸۹۸

با مرگ اودو (Odo) پادشاه کارولین یان، شارل ملقب به ساده (the Simple) به سلطنت رسید.

ایتالیای شمالی ۸۹۹

مجارها به شمال ایتالیا حمله کردند و نیروهای برنگار (Berengar) پادشاه کارولین یان را تارو مار کردند.

نروژ ۹۰۰

هارالد فیرهیر (Harald Fairhair) با پیروزی قطعی در هافرزفیورد (Hafrsfiord) به پادشاهی سرزمین نروژ دست یافت و تمام شاهزاده نشین ها را متحد و یکپارچه و تحت امر خود قرار داد.

افریقای جنوبی ۹۰۰

ایالت توتسوو (Toutswe) (بوتسوانا – Botswana) حوزه حکومت خود را به مرز غربی کالاهاری (Kalahari) رسانید.

پیش دچار نقصان شده که حتی قادر نیستند از سرزمین کوچک میان رودان (عراق) که در حقیقت خانه ی آن ها است، حراست کنند.

در این ده سال اخیر، خلفا به قدری ناتوانند که اداره ی کاخ خلیفه در بغداد هم به دست سپاهیان محلی افتاده و این سپاهیان هم اغلب به غارت دهات و شهرها مشغولند. در این حال، یکی از مردان شمال ایران به نام احمد بن بویه (Buwayh)، چون دریافت که اوضاع کشور دچار بی نظمی و هرج و مرج می باشد، از فرصت استفاده کرد و بخش اعظم غرب ایران را تصرف کرد. پدر احمد در شمال ایران به ماهیگیری اشتغال داشت و مدعی بود که از نسل پادشاهان باستانی ایران است.

در هر صورت، پادشاهان آل بویه که از مسلمانان شیعه ی ایرانی هستند، در حال حاضر بر اعراب سنی غلبه کرده‌اند و این موضوع باعث خشم آن ها شده و نمی‌توانند حکومت شیعیان را تحمل کنند، در حالی که احمد سعی می‌کند در بدو قدرت خود با آن ها حالت مسالمت را در پیش گیرد. به خاطر همین موضوع، خلیفه هم به احمد لقب معزالدوله داده و احمد سعی می‌کند روابط حسنه با خلیفه برقرار کند، چون بودن خلیفه به عنوان عروسک هم به نفع اوست.

آنگلوساکسون ها، نیروی مهاجم را خرد کردند. (انگلستان، ۹۳۷):

نیروهای نظامی آنگلوساکسون به فرماندهی اتلشتان (Athelstan) پادشاه، حملات مشترک ایرلندی های وایکینگ تبار، اسکات ها و بریتون ها در حاکم نشین استرات کلاید (Strathclide) را دفع کرده و تعداد بی شماری از آن ها را کشتند. البته طرفین جنگ خسارت های بسیاری دیدند، لیکن مهاجمان پس از شکست، از صحنه گریختند.

اتلشتان در سال ۹۲۵ به سلطنت رسید، در حالی که پیش از آن، پدرش به نبرد با وایکینگ ها پرداخته بود. حتی او توانسته بود وسکس (Wessex) و مرسیا (Mercia) را یکپارچه ساخته و این دو ناحیه را متحد سازد. اتلشتان دریافت که نورتومبریا کلید و کانون وایکینگ ها در یورک می باشد. وی سپس شاهزادگان ولش (Welsh) و بریتون

(Britons) در ناحیه ی کورنوال (Cornwall) را تحت تابعیت خود آورد، چون با زیر نفوذ قرار دادن این نواحی، زمینه را برای تسلط بر سرزمین اسکاتلند فراهم می کرد. اینک با خرد کردن دشمنان اصلی خود، هم چون اولاف (Olaf) در دوبلین (یکبار هم اولاف را در یورک شکست داده بود) و کنستانتین در ناحیه ی اسکات، اتلشتان به سرعت خود را پادشاه انگلستان و فرمانروای بریتانیا اعلام کرد.

اتلشتان هم چنان که جنگاوری توانا است، همین اندازه هم، سیاستمداری برجسته می باشد. شهرت نیروی نظامی تحت فرمان او، مانند فرانکها، ژرمن ها و نروژ می باشد . وی حتی در صدد است که با تمام این سرزمین ها، پیمان اتحاد به بندد.

او در فکر تشکیل کنگره یی از تمام نژادها و ملیت هاست تا آنان را در یک اتحادیه منسجم سازد و آن ها را تشویق کند که فرمانروایی او را تثبیت کنند. از سویی اعلام کرده است که با تصویب قوانینی در این کنگره، می توان سرزمین وسیع تحت تابعیت خود را به بخش هایی تقسیم کرد که کشور حالت کنفدراسیون پیدا کند و هر استان، خودمختاری داخلی داشته باشد و تمام آن ها از قوانین واحد پیروی کنند. برخی ادعا می کنند که اتلشتان از پدر بزرگش، آلفرد کبیر، مهم تر می باشد.

آتش یونانی، سپاهیان روسی را نابود ساخت. (قسطنطنیه، ۹۴۱):

سپاهیان روس یا روسیه، با تهاجم دیگری به شهر قسطنطنیه، بار دیگر تلفات زیادی دادند و هجوم آنان بی اثر ماند. ایگور (Igor) ، شاهزاده ی کیف، با سپاهیان خود، پس از عبور از دریای سیاه، با غارت و کشتار و آتش زدن شهرهای بی تی ئیه (Bithynia)، به بندر بوسفور (Bosporus) رسید. در حالی که نیروهای نظامی بیزانس در این هنگام در دریای اژه مستقر بودند. چون این خبر به تئوفان (Theophanes)، فرمانده ی نیروی دریایی بیزانتین رسید، وی با جمع آوری نیروهای خود، به سوی کنستانتینوپول حرکت کرد و به مجرد رسیدن به دشمن، از آتش یونانی که ماده ی سیالی بود و به وسیله ی لوله هایی به داخل رزمناوهای طرف مقابل ریخته می شد، استفاده کرد. آتش یونانی در آب هم قابل اشتعال بود، به هر حال تئوفان با بهره گیری از این وسیله، کشتی ها و افراد دشمن را نابود ساخت و باقی مانده ی آنها از معرکه فرار کردند.

راهبان، گوشه نشینی اختیار می کنند. (فرانسه، ۹۴۲):

اودو (Odo)، راهب بزرگ ناحیه ی کلونی (Cluny)، در سن ۶۳ سالگی در گذشت، وی در زمانی که تنها پانزده سال از اشتغالش به کهانت می گذشت، در ناحیه ی کلونی، یکی از بزرگ ترین صومعه های اروپایی را تأسیس کرد. در حال حاضر، تعداد زیادی از کلیساهای فرانسه زیر نظر کلیسای بزرگ کلونی اداره می شود و حتی کلیساهای ایتالیائی واقع در مونت کازینو (Monte Cassino) هم به تابعیت اسقف اعظم کلونی درآمده است. این در حالی است که تنها ۳۲ سال از تأسیس کلیسای بزرگ کلونی می گذرد.

برنو (Berno)، یکی از راهبان پیرو بندیکت، اقدام به ساختن کلیسایی بسیار کوچک در ناحیه ی ژورا (Jura) کرده که تعداد زیادی ازراهبان را به خود جذب کرده است.

در سال ۹۱۰، ویلیام، ملقب به پارسا، دوک آکی تین (Aquitaine) و کنت ماکون (Macon) پیشنهاد کرد که یک شکارگاه سیار در منطقه ی کلونی برای او درست کنند. در روز دوم سپتامبر سال ۹۱۰، او مکانی را در صومعه ی کلونی اجاره کرد. گرچه این صومعه تحت نظر پاپ است، لیکن وی در کارهای مربوط به کلونی مداخله می کند. از سوی دیگر، دخالت شاهزادگان و اسقف ها در امور این صومعه آزاد است.

برنو، زندگانی خود را وقف این صومعه کرده و تمام اوقات خود را در آنجا به دعا و نماز می گذراند. وی اغلب در حال سکون و سکوت به تفکر مشغول است. او کارهای خارج از صومعه و اعمال دیگر را برای خودْ منع کرده و بیشتر به مطالعه و نگارش کتاب های مذهبی می پردازد. برنو در صدد است که چندین صومعه ی دیگر تأسیس کند که تحت نظر خودش اداره شود. اودو، دیگر از این مکان رفت و در سال ۹۲۸ از پاپ جان نهم درخواست کرد که محل های دیگری را برای این امر اجاره کند و در سال ۹۳۱، پاپ لئوی هفتم را ترغیب به تأسیس چندین کلیسای دیگر کرد که همه ی آن ها تحت فرمان کلیسای کلونی درآیند. به نظر می رسد که کلیسای بزرگ کلونی یکی از

پرو ۹۰۰

مهاجران به منطقه بالزارفت (Balsa raft) رسیدند و تیکانامو (Taycanamo) رهبر آنها شهر چیمو (Chimo) را در ناحیه چان چان (Chan – Chan) بنا نهاد.

افریقای شمالی ۹۰۱

ابوعبدالله، طایفه بربرهای مقیم افریقا (تونس) را بر علیه امیر اقلابیان به قیام واداشت.

سیسیل اول اوت ۹۰۲

اقلابیان حاکم بر افریقا، منطقه تائورمینا(Taormina) را به قصد تکمیل فتوحات خودشان و تهدید بیزانس تسخیر کردند.

امپراتوری بیزانتین ۳۱ ژوئیه ۹۰۴

اعراب شهر تسالونیک (Tessalonica) را که بعد از قسطنطنیه مهم ترین شهر امپراتوری بود تصرف و پیش از ترک شهر، آن را به دست چپاول سپردند.

ژاپن ۹۰۵

کتاب کوکین واکاشو (Kokin Wakashu) که گلچینی از اشعار خالص زبان ژاپنی بود به پایان رسید.

قسطنطنیه ۹۰۷

اولگ (Oleg) شاهزاده کیف، کنستانتینوپول را محاصره کرد. لیکن این محاصره را با دریافت خراج شکست . وی هم چنین یک پیمان بازرگانی با امپراتور بست.

چین ۹۰۷

سلسله پادشاهی تانگ (Tang) که حدود ۳۰۰ سال در کشور چین بر سر کار بود سرنگون شد

هند ۹۰۷

راشتراکوتا (Rastrakutas) اکنون بخش اعظم شبه جزیره دکن (Dekhan) را در دست دارد. وی پیمان صلح با کالوکیاس (Chalukyas) را که در شرق هند واقع است رد کرد و در ناحیه ونگی (Vengi) به تجدید قوای خود پرداخت.

افریقای شرقی ۹۰۸

اعراب در منطقه سومالی رحل اقامت افکندند.

فرانسه ۹۱۰

یک صومعه (کلیسا) به وسیله ویلیام (William) دوک اکی تین (Aquitaine) در ناحیه کلونی (Cluny) گشایش یافت.

بریتانیا اوت ۹۱۰

ادوراد آلفرد (Edward Alfred) پادشاه وسکس که تا سال ۸۹۹ این سمت را داشت، دانمارکی ها را در تتن هال (Tettenhall) شکست داد. وی با کمک خواهر ایتل فلید (Aethelflaed) نایب السلطنه مرسیا به تعقیب نیروهای نظامی دانمارک پرداخت و شهرهای لندن و آکسفورد (Oxford) را از آنان پس گرفت.

آلمان نوامبر ۹۱۱

لوئی (ملقب به کودک – The Child) آخرین فرمانروای آلمان درگذشت. اشراف زادگان در اجلاسی که تشکیل دادند موافقت کردند که کنراد (Conrad) دوک فرانکونیا (Franconia) به پادشاهی منصوب شود. لیکن بخشی از این حاکم نشین به نام لوتارینیا، (Lotharingia) لورن (Lorraine) توسط شارل (ملقب به ساده) پادشاه فرانسه اشغال شده بود.

یادگارهایی است که سال ها باقی خواهد ماند و میراثی است که از مسیحیت به جا می ماند.

قصه های آخر شب ها به زندگی ملکه روح می بخشد. (دنیای اسلام، ۹۵۰):

داستان زندگی پادشاهی که زنان تازه ی خود را پس از وصال، صبح روز بعد می کشت، موجب تأثر ملکه شد. شهرزاد زیرک و زرنگ، هر شب با گفتن قصه یی درباره ی یکی از اسرا، شاه را از کشتن وی بازمی داشت و بدین وسیله شهرزاد توانست زندگی خود را حفظ کند. این داستان ها، قصه های هزار ویک شب نام دارد که آن را جمع آوری کرده و به صورت کتابی در آورده اند که حاوی شرح زندگی مردم عامی می باشد و در جهان اسلام مشهور است. شهرزاد قصه گو، داستان هایی از قبیل علی بابا، سندباد و علاء الدین را که حاکی از شرح و توصیف زندگی مردم هندوستان، ایران و میان رودان (بین النهرین، سوریه ومصر) می باشد، تعریف می کرده است.

این داستان ها متعلق به یک صنف نیست، گرچه شهرت دارد که ابو عبدالله در کتاب وزیر، تمام آن ها را به نگارش درآورده است.

شانس بسیار کمی که برای شاه مخالف قربانی کردن وجود داشت. (مکزیک، ۹۵۰):

مکزیکوآتل (Mexicoatl)، فرمانروای امپراتوری تولتک (Toltec)، در پایتخت خود به نام تولا (Tula)، به قتل رسید. این قتل، برای مردمی که او را به عنوان خدای شکار و صیادی می شناختند، تکان دهنده بود.

اکنون تمدن تولتک جانشین تمدن ارزشمند تئوتیهوآکان که مدت سیصد سال بر این منطقه حکمفرمائی داشت، شده، در حالی که مردم چادرنشین از مناطق شمالی غربی روی به این منطقه نهاده و به تخریب تمام آثار باقی مانده از این فرهنگ دست زده اند، چون این تمدن در حال فساد و زوال بود، مردم با شورش و قیام آن را نابود کردند و همه ی ساخته های این سه قرن به نابودی کشیده شد. آن ها شهری به نام تولا تأسیس کردند و همه ی خدایان تئوتیهوآکان را، مانند خدای کوتزالکوتل (Quetzalcoatl) که تندیس شیطانیش با پرهای آراسته شده، پذیرفته اند.

آن ها بر خلاف تئوتیهوآکان ها که اغلب هواخواه پیکار و نبرد بودند و تندیس هایی از خدایان جنگ در معابد بر پا کرده بودند، مردمانی مهربان و فداکار هستند و مانند پادشاه جدید خود توپی لیتزین (Topiltzin) از کشتن انسان ها به عنوان قربانی در راه خدایان، ابراز انزجار و نفرت می کنند.

اوتو، اربابان آلمانی را در جنگ شکست داد. (آلمان، ۹۳۹):

اوتو (Otto) که خود ساکسونی تبار بود و به عنوان پادشاه در سه سال پیش در شهر آخن (Aachen) تاج گذاری کرد، با شکست دادن ابرهارد فرانکونی (Eberhard Franconia) و سایر دوک های شورشی در جنگ آندرناک (Andernach)، به شهرت رسید و با این کار ولوله یی درمنطقه به پا شد. اوتو، تمام سرزمین ژرمن را تسخیر کرد، لیکن نتوانست منطقه ی ساکسون را اشغال کند. با موفقیت وی، موقعیت باواریا، فرانکونی وحتی بخشی از ساکسونی دگرگون شد، اما هانری برادرش به انقلابیون پیوست که آن هم موفقیتی به دست نیاورد. سال ها بود که اغتشاش و بی نظمی، تهاجمات خارجی، سربرداشتن مدعیان سلطنت، چهره ی امپراتوری وسیع فرانک ها را تغییر داده و درحال ضعف و ناتوانی نگاهداشته بود. اکنون در سرزمین آلمان، یک پادشاه و خاندان او، بر کشور حکم می رانند و مدعیان سلطنت، دستشان از قدرت کوتاه شده است.

پادشاه دانمارک به دین مسیح درآمد. (دانمارک، ۹۶۰):

هارالد (Harald)، ملقب به دندان آبی، که جانشین پدرش گورم (Gorm)، ملقب به کهنسال، در سال ۹۳۵ به عنوان پادشاه دانمارک شده و مدت ۲۵ سال را در میدان جنگ به سر برده، از اعتقاد به خدایان شمالی ها دست کشیده و به دین مسیح درآمده است.

برخی از مردم می گویند این تعویض دینی هارالد به سبب مباحثاتی بوده که وی با هیأت مذهبی به سرپرستی اسقف پوپو (Popo) داشته و هارالد در این مدت آزمایشات سختی را تحمل کرده که بتواند ایمان را در خود ایجاد کند. سرانجام این هیأت توانست در روز گذشته، رسمیت اعتقادات هارالد را قبول کند. هارالد هم با کمال عصبانیت مثل این که دستکش آهنی پوشیده، دست پوپو را فشرد. هنگامی که هارالد دست خود را کشید، جریان، صورت دیگری به خود گرفت، حال وی با حیرت و شگفتی به مسیحیت روی آورد و یک خداپرست واقعی گردید و اکنون تنها فردی در دانمارک است که به پرستش خدای یگانه روی آورد.

موضوع دیگر آن که، هارالد در گسترش قدرت در پیکار با اوتو، امپراتور آلمان، شکست خورد. اوتو در نظر داشت که در نقاطی که تحت تسلط اوست، آئین مسیح را برقرار کند، اما به علت عدم رضایت مردم، فشارهای وی بی اثر ماند، از سویی، چون هارالد در باطن آرزو داشت که قلمرو خود را به آئین مسیح سوق دهد، از این امر استقبال کرد، اوتو هم با شکستن بت ها، البته با همیاری هارالد، نفوذ خود را در مناطق شمالی اروپا گسترش داد. بدین ترتیب هارالد توانست قدرت و اقتدار خود را حفظ کند، در ضمن، با پشتیبانی خواهر بیوه ی خود و پنج پسرش، به نبرد با دربار نروژ پرداخت. وی هم چنین در این فکر بود که سرزمین سوئد را هم پیوست قلمرو خود کند.

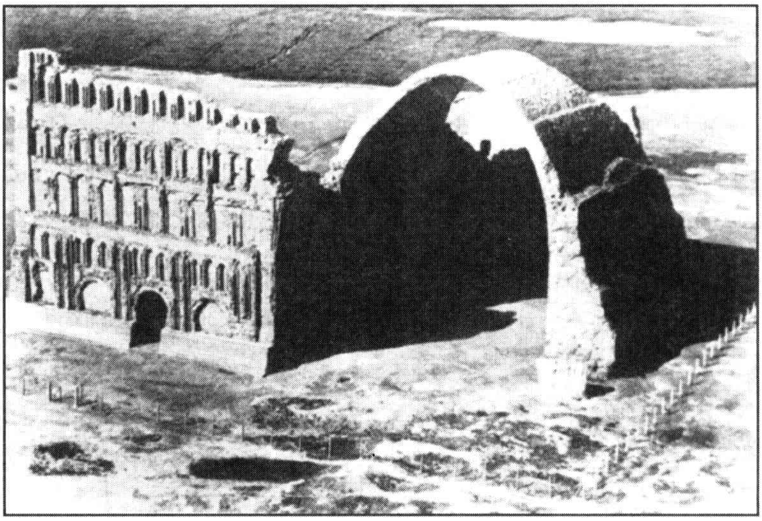
پادشاه آلمان، امپراتور جدید منطقه ی غرب (روم، ۲ فوریه، ۹۶۲):

امروز، اوتو، شاه آلمان، در حضور پاپ ژان دوازدهم، به عنوان امپراتور رم تاج گذاری کرد، در حالی که، او مدت ها در این اندیشه بود که با توسعه ی کشور، به لقب امپراتوری نایل شود و به عنوان مرد قدرتمند اروپا معرفی گردد.

برخی معتقدند که درباره ی اوتو مبالغه شده و او را بیش از اندازه بزرگ جلوه داده اند. عده یی دیگر بر این باورند که او یکی از سیاستمداران زیرک و باهوش اروپاست. وی هنگامی که به پادشاهی رسید، میل داشت که مناطق ساکسون، فرانکونیا و باواریا را در یک حاکم نشین، مجتمع کرده و آن را تحت فرمانروایی خود قرار دهد، در حالی که یک چشمش هم به سوی سرزمین های اسلاونشین دوخته شده بود که آن جا را هم به متابعت از خود وادارد و به طور کلی منطقه ی شرق را هم تسخیر کند. بالاخره هدف نهائی او تحت تصرف قرار دادن زمین های لوتارینیا (Lotharingia)، شامل شاهزاده نشین های فرانکی، مثل ایتالیا، بورگوندی و شرق سرزمین گل بود که همانند امپراتوری پیشین فرانک ها به دست پاپ تاج بر سر گذارد.



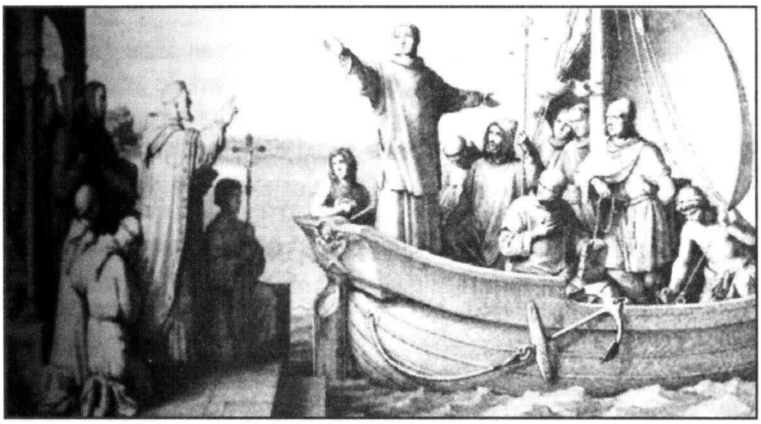
موزاییکی با نقش سن صوفیه و کنستانتین
و مریم باکره در کودکی.



تاق کسری از آثار انوشیروان در تیسفون



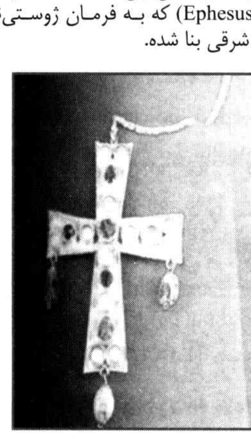
مدال پیروزی بلیزاریوس (Belisarius)



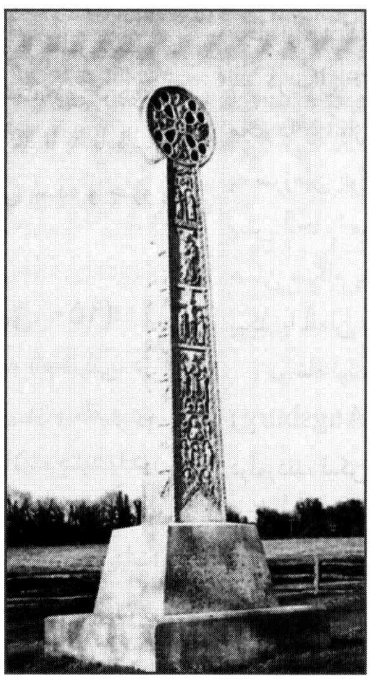
منظره‌یی از عزیمت اقوام کولومبا (Columba) از ایرلند به اسکاتلند و مشایعت اهالی.



بقایای کلیسای سن ژان (St John) در شهر افه‌سوس (Ephesus) که به فرمان ژوستی‌نیان امپراتور رم شرقی بنا شده.



صلیب اقوام ویزیگوت
با زینت مخصوص.



ستون یادبود به افتخار اگوستین.



پاپ بندیکت (Benidict) قانونگزار.

اوتو در سال ۹۵۱ هنگامی که آدلاید (Adelaide) شاه بورگوندی به وسیله ی مرزبان (Margrave) ایوریا (Ivrea) ربوده شد و برنگار (Berengar) به جای او به پادشاهی ایتالیا رسید، توانست کنترل ایتالیا را در دست گیرد. اوتو برحسب درخواست آدلاید، او را نجات داد و با ازدواج با او، بخش اعظم آن کشور را در اختیار خود گرفت. بار دیگر، هنگام دیدار اوتو از پاپ، پاپ از وی خواست که برای خواباندن شورش های شهر روم، به او کمک کند. اوتو پس از تاج گذاری، اعلام کرد که چون او بر تمام اروپا ریاست دارد، از این پس، انتخاب پاپ باید با اجازه و تایید شخص او باشد، در غیر این صورت، آن انتخاب معتبر نخواهد بود. این موضوع می رساند که حکومت او حالتی مستبدانه داشته و غیر مردمی می باشد.

سرزمین لهستان هم به آئین مسیح درآمد. (لهستان، ۹۶۶):

میتزکو (Miezsko)، مرد قدرتمند لهستان که نواحی پراکنده این سرزمین را متحد ساخت، دین مسیح را پذیرفت و از نظر مذهبی تابع پاپ گردید. این کشور از نظر منطقه اسقفی هم پیرو این مکان مقدس شد.

میتزکو از بیم این که اوتو استقلال لهستان را زیر پا نهد، این تصمیم را گرفت. با وجو این از نظر این که فرهنگ قدیمی رم بر سایر مناطق اروپا برتری دارد و از نظر دینی هم سابقه ی طولانی تری در آئین مسیح داشت، وی ترجیح می داد که از رسوم و آداب رومی ها پیروی کند تا به تابعیت دینی آلمان درنیاید. همسر وی قبلاً مسیحی شده و جزو فرقه باپتیست ها درآمده بود.

فیلسوف بزرگ عرب درگذشت. (دمشق، ۹۵۰):

یکی از بزرگ ترین فلاسفه ی اسلامی به نام فارابی، در سن هشتاد سالگی بدرود حیات گفت. وی در منطقه ی ترکستان (ماوراءالنهر) به دنیا آمد و تحصیلات خود را در بغداد به اتمام رسانید و در دربار سیف الدوله همدانی در شهر آلپو (Aleppo) درخشید. فلسفه ی او ترکیبی از معتقدات اسلامی، افکار یونانی و ممزوجی از اندیشه های افلاتون و ارسطو بود. فارابی تفاسیری از اندیشه های فلاسفه ی یونانی دارد که شامل علوم روحی و روانی، ماوراء الطبیعه و سیاست می باشد. کتاب جمهوریت افلاتون و سیاست ارسطو در واقع با تفسیر فارابی احیا گردیده و فارابی با تشریح و تفسیر آن، طراوت و تازگی به آن داده و هم چون روحی است که به بدن انسان رسوخ کرده است. فارابی اعضای بدن انسانی را به جامعه تشبیه کرده است: او قلب را سلطان جسم انسانی نامگزاری کرده که جایگاه احساسات و عواطف و درک معلومات است. فارابی هم چنین، پزشکی برجسته، ریاضی دان، واقف به علوم خفیه و پنهانی و موسیقی دان بوده است. (لازم به توضیح است که فارابی ایرانی می باشد.)

اوتو، ریشه ی مجارها را کند. (آلمان، ۹۵۵):

مجارها که مدت بیش از نیم قرن تمام، اروپا را غارت و پایمال کرده بودند، در جنگی که در منطقه باواریا درگرفت، توسط اوتو به شکست قطعی دچار شدند.

هنگامی که در ۶۰ سال پیش، مجارها طی مهاجرت خویش به پانونیا (Pannonia) در منطقه ی فرانک نشین شرقی کوه های آلپ، رسیدند، در آنجا هم چون میهنِ خود سکونت گزیدند، لیکن دورترین نقاط غرب ناحیه، مثل اورلئان فرانسه را غارت کردند. با وجودی که بین مجارها و هانری ملقب به صیاد پدر اوتو، متارکه ی جنگی وجود داشت، سپاهیان آلمانی ناگهان با وحشیگری و ناگهانی مجارها را مورد حمله قرار دادند و در اثر این حمله سپاهیان مجار از هم گسیختند.

در سال ۹۳۶ که اوتو به قدرت رسید، مجدداً حمله به مجارها را آغاز کرد، که البته این بار هدف حملات معطوف به سرزمین فرانک و شمال ایتالیا بود که مجارها در سال پیش آنجا را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند. آن ها در همان هنگام به میهن خود مراجعت کردند و خود را برای پیکار با آلمان ها آماده کردند.

در ماه اوت همین سال، مجارها با سپاهی به اوگسبورک (Augsburg) در باواریا حمله کرده و آن جا را به تصرف درآوردند، لیکن اسقف مجار (Magyar)، آن ها را متوقف کرد تا سپاه ده هزار نفری اوتو به آنجا رسید.

در نزدیک منطقه ی لکفلد (Lechfeld)، سواره نظام اوتو با استتار کامل و از بیراهه و در تاریکی شب، به سپاهیان مجار یورش بردند، به طوری که شیرازه ی لشگریان مجار از هم گسیخت، و پس از کشته شدن تعداد زیادی از آن ها،

سربازانی که زنده مانده بودند، در کمال بی نظمی و با حال نزار، به پایگاه خود مراجعت کردند. بدین ترتیب تهدیدات این قوم پایان یافت.

هنرمندان مسیحی سبک هنری مسلمانان را به کار می برند. (اسپانیا، ۹۵۱):

ساکنان مسیحی اسپانیا، به سبک زندگانی اعراب مسلمان خو کرده اند، لیکن مذهب خود را حفظ کرده اند. با وجود این که شهرهایی مانند تولدو و کوردوبا، تقریباً در اشغال مسلمانان است، مسیحیان در کلیساها به عبادت می پردازند و اسقف ها و راهبان هم به کارهای خویش سرگرم هستند. آن ها را در زبان اسپانیولی، مزارابی(Mozarabic) می نامند که از کلمه ی عربی موستاریب، (Mustaribs) به معنی اعراب گرفته شده است.

یکی از راهبان به نام بیتوس (Beatus)، اهل لی بانا (Liebana)، در سال ۷۸۶، در کتابی به شرح این موضوع پرداخته است. این کتاب که به اسم بیتوس آپوکالیپس (Beatus Apocalypse) می باشد، موضوع ژرونا (Gerona) و والادولید (Valladolid) را به روشنی بیان کرده که چگونه در تصویرهای مربوط به قدیسین هاله ی نوری در اطراف صورت آن ها نمایان است و چون رسم تصویر انسان و حیوان در مذهب مسیح منع شده، وی تصویرها را با دایره ی نورانی و قیافه های بسیار زیبا رسم می کرد. آن ها سر در کلیساها را به صورت قوسی، همانند نعل اسب و سقف ها را به حالت نیمه کروی ناقص و ضربی می ساختند و این سبک را عربی می نامیدند، در حالی که ستون های رومی، حافظ سقف های بلند ساختمان بود. سرودهای مذهبی، زبان لاتین و تم عربی داشت و نیز آداب نمازگزاری از آن ها اقتباس شده بود.

مسیحیان حتی این فرهنگ و روش اعراب را به شهرهای شمال اسپانیا بردند و در کارهای هنری و ساختمانی، این چنین سبک را که به نام اندلسی (Andalusia) نامیده می شد، به کار بردند و بدین ترتیب استیل مسیحی و اسلامی در تمام اسپانیا معمول شد.

دزدان، شاعر را در بغداد به قتل رساندند. (بغداد، ۹۶۵):

کنستانتینوپول ۹۱۳

دربی عدم پرداخت خراج سالیانه امپراتوری به سیمون قیصر بلغارها، وی به پایتخت حمله کرد و چون با حصار پرمقاومت شهر روبرو شد متوقف شد. وی تسلیم شهر را مدیون نیکلاس میستی کوس (Nicholas Mysticus) نایب السلطنه و پدر روحانی قسطنطنیه بود.

اسپانیا ۹۱۴

اوردونوی (Ordono) دوم به پادشاهی آستوریاس (Asturias) رسید وشهر لئون (Leon) در ناحیه اویدو (Oviedo) را به پایتختی برگزید .

افریقای شمالی ۹۱۶

عبیدالله نخستین خلیفه فاطمی پایتخت خود را در مهدیه (Mahdia) واقع در تونس (Tunisia) (افریقیه Ifriqiyah) قرار داد.

بلغارستان ۲۰ اوت ۹۱۷

با وجود اینکه سیمون در سال ۹۱۳ موافقت کرده بود که دست به حمله نزند لیکن با زیر پاگذاشتن این توافق به تاخت وتاز در ناحیه تراس پرداخت و در نتیجه بیزانتین در منطقه انکیالوس (Anchialus) اقدام به حمله متقابل کرد که ثمری نداشت و سیمون باز هم کنترل سرزمین بالکان را در اختیار گرفت.

فرانسه ۱۵ ژوئن ۹۲۳

شارل (ساده)، روبر (Robert) رهبر شورش و غاصب سلطنت خویش را که سال گذشته پادشاهی را از آن خود کرده بود به قتل رساند. اما در نبرد سوآسون (Soisson) شکست خورد. شورشیان این بار رالف (Ralph) را به پادشاهی خود انتخاب کردند، باز هم شارل وی را زندانی کرد و دگر باره اغتشاش از سر گرفته شد.

فرانسه ۹۲۴

مجارها از کوههای آلپ گذشتند و بدین ترتیب قلمرو خود را توسعه دادند.

بریتانیا ۱۷ ژوئیه ۹۲۴

با به دست گرفتن زمام امور انگلیای (Anglia) شرقی و تمام مرسیا توسط دانمارکی ها، ادوارد(بزرگتر) در ناحیه فارندون (Farndon) بدرود حیات گفت. در این حال پسرش به نام ایتل استن (Aethelstan) به عنوان پادشاه آنگلوساکسون جانشین او شد.

کنسانتینوپول ۹۲۴

سیمون به امپراتوری بیزانس در ناحیه استانبول یورش برد ولی دیوارهای ضخیم و مقاوم شهر وی را از پیشروی بازداشت.

آلمان ۹۲۵

هانری پادشاه آلمان لوتارینیا (لورن) را به حاکم نشین های پراکنده فرانسوی ضمیمه کرد.

یکی از بزرگترین شعرای عرب، به نام موتنبی (Al – Mutanabbi) را، دزدان در نزدیکی شهر بغداد کشتند. او پس از دیداری از امیر عضدالدوله دیلمی (Emir Abdud al-Dawla) در شهر شیراز، به بغداد بازمی گشت که دچار حمله ی دزدان شد. او در خاندان احمد بن حسین جوفی (alGufi) در شهر ابوالتائین (Abu al – Tayyn) در ۴۵ سال پیش متولد شد و در جوانی به جمع انقلابیون کرمتیان در سوریه پیوست. پیش از آن هم، دستگیر و مدت دو سال زندانی شده بود و پس از آزادی از زندان، بقیه ی عمر خود را به سرودن شعر پرداخت.

خلفای فاطمی افریقا، پس از فتح مصر، شهر جدیدی به نام قاهره تأسیس می کنند. (مصر، ۹۶۹):

خلفای شیعه فاطمی افریقا (تونس) پس از تصرف بخش اعظم این سرزمین، شهری به نام قاهره در مصر بنا کردند که اکنون یکی از مهم ترین شهرهای دنیای اسلام به شمار می رود. آنان با انتساب خود به حضرت فاطمه (س)، دختر پیامبر اسلام و با این انگیزه به این قدرت رسیده اند و در شهر قاهره اقدام به ساختن چندین کاخ، یک مسجد و دانشگاه الازهر کرده اند (این دانشگاه بسیار عظیم است) که در این دانشگاه علوم دینی اسلامی تدریس می شود و از این نظر، مهم ترین دانشگاه اسلامی در جهان محسوب می شود.

دیوارهای این دانشگاه از سنگ های بسیار سخت بنا شده و علت آن هم ترس از فرقه های سنی محلی است که بسیار متعصب می باشند و به خلیفه ی بغداد وابسته اند. در حالی که خلفای فاطمی مصر، روابط خود را با خلیفه ی بغداد قطع کرده و بر علیه او اقدام به قیام و شورش می کردند. آنان قبل از شروع به هرکار، از طالع بین و پیشگو کسب خبر می کنند که اقدام به آن عمل صلاح هست یا خیر(شاید منظور استخاره باشد)

آن ها در زیرزمین راهرویی ساخته اند و در این دالان نقب مانند سیم هایی کشیده اند که به زنگ متصل است و برای کسب اطلاع از اوضاع در هنگام گرفتاری با صدای زنگ، دربار خلیفه از جریان مطلع می شود، و شروع هر کار با صدای زنگ اعلام می شود و همان طور که گفته شد، کار در قاهره هر روز با بانگ جرس آغاز می شود. طالع بین هم با همین وسیله ی پیش بینی ایام سعد و نحس را انجام می دهد.

دزدان دریایی عرب، راهب بزرگ منطقه ی آلپ را دستگیر کردند. (آلپ، ۹۷۲):

میولوس (Maiolus)، راهب بزرگ کلیسای کلونی که با کاروانی بزرگ در گذرگاه بزرگ سنت برنارد در حال عبور بود، به وسیله ی اعراب ساراسن (Saracens) دستگیر شد.

این نخستین بار نیست که دزدان دریایی راهبان را می دزدند، آن ها با دستگیری راهبان در ازای آزادی آن ها مبالغی پول دریافت می کنند. راهبان صومعه ی کلونی از امپراتور بزرگ آلمانی اوتو درخواست کرده اند که برای امنیت راه ها از نیروی نظامی خود استفاده کند و یک باره ریشه ی این آدم ربایی را قطع کند. این راهبان که در فرانسه و ایتالیا نفوذ دارند، مجبورند که به تمام نقاط برای تبلیغات مذهبی مسافرت کنند و با این آدم ربایی این کار غیر ممکن می شود. اکنون بیش از یک قرن است که اعراب ساراسن بر مناطق ساحلی مدیترانه غربی تسلط دارند، و به ربودن اسپانیایی ها و ایتالیائی ها اشتغال دارند و تمام بنادر جنوبی فرانسه تحت نفوذ آنهاست. آنان نه تنها در دریا به دزدی می پردازند، بلکه در خشکی هم با ایجاد ترس و وحشت به اینکارها مبادرت می کنند، پایگاه آن ها در ناحیه فراکسین توم (Fraxinetum) واقع شده و دزدان از این منطقه دست به اعمال خشونت بار می زنند و مسافران منطقه ی کوهستانی آلپ را مورد آزار و اذیت قرار می دهند.

امپراتور توسط عاشق همسرش به قتل رسید. (بیزانتین، ۹۶۹):

نیسه فروس (Nicephorus)، امپراتور بیزانس، در قصر خودش، به وسیله ی عاشق همسرش که یک ژنرال ارمنی و دست راست امپراتور بود، به وضع فجیعی به قتل رسید. با کشته شدن امپراتور به وسیله ی ژنرال ژان زیمیسک (John Zimiskes)، عصر طلایی و درخشان بیزانس به پایان رسید، چون نیسه فروس در مدت زمامداری خویش، تمام رقبای سلطنت را از بین برده و به

پیروزی هایی برعلیه اعراب دست یافته بود. وی هم چنین دزدان دریایی عرب را مقهور ساخته و جزیره ی کرت را که ادعای انحصاری فرمانروایی بر دریاها را داشت، بار دیگر تسخیر کرد. او هم چنین جزیره ی قبرس را تصرف کرد و سپس به شمال سوریه حمله کرد. در اواخر همین سال، حاکم نشین شهر انطاکیه را به آئین مسیح هدایت کرد، به طوری که مردم این شهر به مسیحیت گرایش پیدا کردند. او دشمنان زیادی داشت، لیکن بر اثر توطئه ی کثیفی، به مرگ محکوم شد که این توطئه را اطرافیان و افراد نزدیک به وی اجرا کردند.

به فرمان ادگار (Edgar)، پادشاه انگلیس، آداب مذهبی احیا می شود. (چستر (Chester) انگلیس، ۹۷۳):

پس از تاج گذاری ادگار، پادشاه ساکسون، در شهر حمام (این شهر به علت وجود حمام رومی به این اسم شهرت دارد) و در یکشنبه ی اخیر، وی نیروی دریایی خود را به منطقه ی چستر اعزام کرد، جائی که هشت نفر از پادشاهان انگلیس به آنجا رفته و سوگند وفاداری خورده بودند. او برای نشان دادن قدرت و عظمت خود، کشتی های جنگی را به رودخانه ی دی (Dee) فرستاده بود که آنان، پاروزنان به نزدیک قصر و کلیسای محل تاج گذاری برسند و مردم جلال و شکوه آن را تماشا کنند.

ادگار، عملاً از چهارده سال پس از مرگ برادرش ادویگ (Edwig)، پادشاه بود، ولی به علت اختلافات داخلی، تاج گذاری خود را به تأخیر افکنده بود، چون در نظر داشت ضیافت ازدواج و تولد دخترش را با مراسم تاج گذاری یک جا برگزار کند. راهب دونستان (Dunstan) در کمال عصبانیت در جای خود قرار گرفته بود و رفتار او باعث شد که شاه او را تبعید کند.

در زمان ادویگ، پس از حوادثی، ادویگ پیمان اتحاد با مرسیا و نورتومبریا (Northumbria) را گسست و این جریان در زمان ادگار هم دنبال شد. ادویگ پس از مدت کوتاهی فوت شد و برای نخستین بار قلمرو او متحد شد. سرانجام پس از فوت اریک (Eric) ملقب به تبردار، پادشاه وایکینگ ها، در یورک حالت صلح برقرار شد، در این هنگام، ادگار که قصد داشت دستگاه مذهبی کلیسا را تجدید سازمان

افریقای شرقی ۹۲۵
جزیره زنگبار (Zanzibar) به عنوان مستعمره نشین اعراب درآمد که از راه خلیج فارس و مسیر اقیانوس هند به آن دسترسی امکان پذیر بود.

بالکان ۹۲۶
پس از اینکه هجوم غیر عقلانی سربها (Serbs) به بیزانتین شکسته شد، سیمون به کروات (Croats) حمله کرد. این حمله پاسخی بود مبنی بر پای بندی سیمون به پیمان دو جانبه ی وی با بیزانتین، که با محاصره کروات آن ها را مغلوب کرد.

مغولستان (Mongolia) ۹۲۶
امپراتور سلسله خیتان (Khitan) مغول، منچوری و شمال کره (Korea) را ضمیمه قلمرو حکومتی خویش ساخت.

بلغارستان اکتبر ۹۲۷
سیمون در ماه مه درگذشت و پیتر پسرش جانشین وی شد و با بیزانس پیمان صلح منعقد کرد.

مراکش ۹۳۱
خلیفه کوردوبا (Cordoba) (قرطبه) بر خلیفه فاطمی مراکش پیروز شد.

آلمان ۱۵ مارس ۹۳۳
هانری فاولر (Hanry Fowler) در محل مرسبورگ (Merseburg) ضربه شدیدی به مجارها وارد کرد.

فرانسه ۹۳۶
رالف شاه فرانسه درگذشت و لوئی چهارم از کارولین یانها (Carlolingian) جانشین وی گشت، لیکن هوگ (Hugh) یکی از نجیب زادگان مستقل نوستریا (Neustria) بخش اعظم قدرت حاکمیت را در بین نجبا در اختیار دارد.

میان رودان (بین النهرین) ۹۳۶
خلیفه عباسی کنترل و مدیریت سپاه را بر عهده ابن رائق (Ibn Ra'iq) گذاشت.

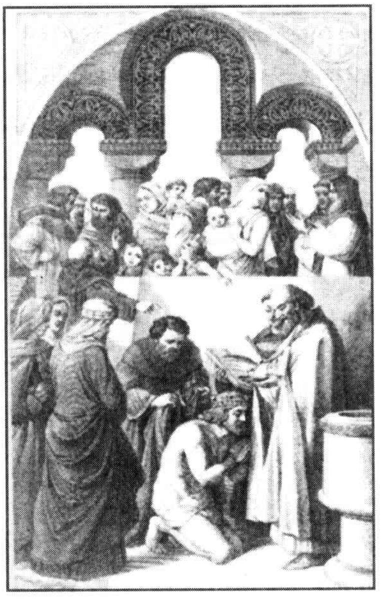
آلمان ۹۳۶
پس از مرگ هانری فاولر، پسرش به نام اوتو (Otto) جانشین وی گشت و سلطنت موروثی وی دوباره به تمام آلمان گسترش یافت.

اسپانیا ۹۳۹
خلیفه عبدالرحمن سوم شهر جدیدی به نام مدمت الزهرا (Madmat az Zahra) بنا کرد و آن را جایگزین پایتخت پیشین (کوردوبا) قرار داد.

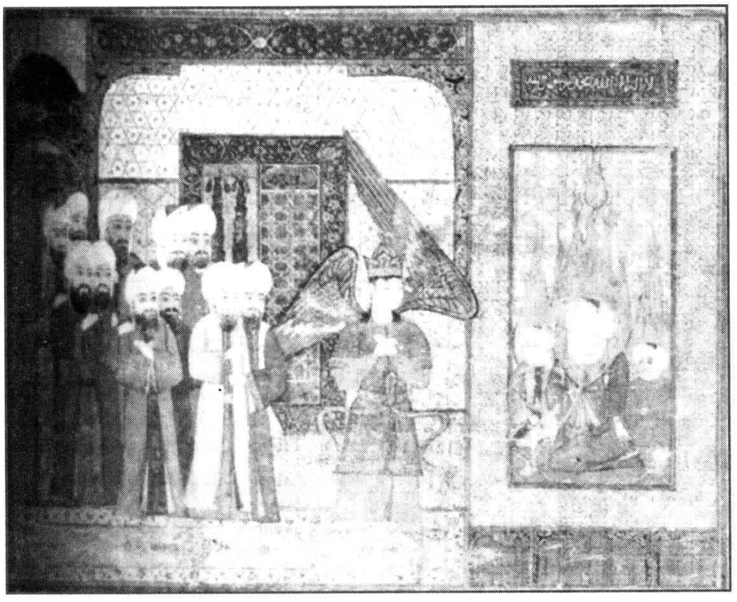
ژاپن ۹۳۹
خاندان های تایرا (Taira) و میناموتو (Minamoto) در قصر شاهی کیوتو (Kyoto) همدیگر را به مبارزه طلبیدند و در اثر آن ضایعاتی در این ایالت به وجود آوردند.

ویتنام ۹۳۹
پس از مدت زمانی در حدود یکهزار سال که سرزمین ویتنام تحت فرمانروائی چین قرار داشت اینک به استقلال رسید.

انگلستان ۹۴۰
ادموند (Edmund) پادشاه آنگلوساکسون عقدنامه صلح رابا اولاف (Olaf) رهبر وایکینگ های ایرلند نروژی بست که در آن قید شده بود ایالت یورک (York) به آن ها واگذار شود.



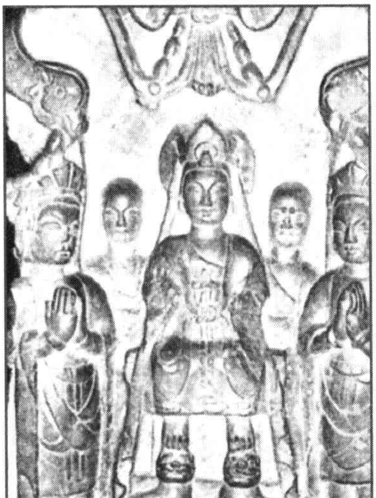
مراسم تعمید اتیلبرت (Aethelbert) در سال ۵۹۷.



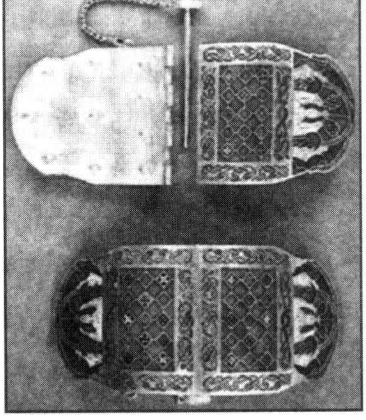
تمثال حضرت محمّد و یاران با فرشته‌ی مأمور وحی جهت مبعوث‌شدن به پیامبری.



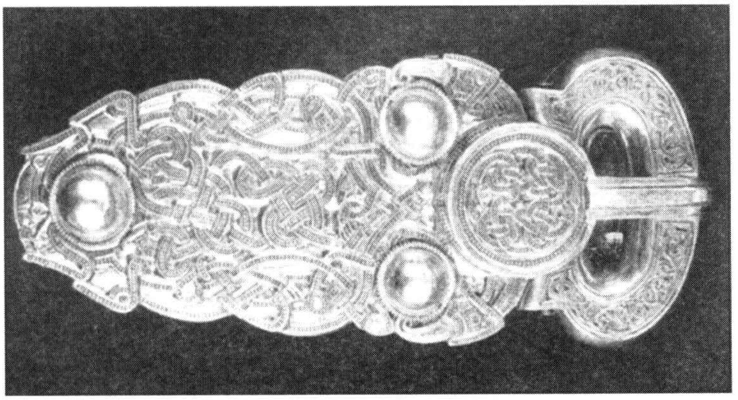
لحظه ورود عمر خلیفه مسلمانان به اورشلیم و پایان سلطه‌ی بیزانتین بر فلسطین.



بخشی از ستون یادبود بودا در چین با نقش میترا (Maitreya) در زمان سلسله‌ی پادشاهی چی (Chi) (سال‌های ۵۷۱ ـ ۵۵۰)



همیان (کمربند) زرین مرصع به جواهر با ملیله‌کاری طلا.



قلاب کمر از طلای سخت به وزن نزدیک به یک پوند که در گوری در منطقه‌ی سوتون هو کشف شده. این قلاب کمر مزین به نقش حیوانات می‌باشد و از نظر ظرافت بسیار زیباست.

میان رودان (بین النهرین) ۹۴۳

دولت بیزانس با رسوخ به سرزمین های اعراب موفق به کشف فرقه ماندیلیون (Mandylion) که هواخواه بت نگاری بودند، شد.

انگلستان ۹۴۴

با همیاری دانمارکی های ساکن این سرزمین، پادشاه ادموند توانست سرزمین واگذار شده به اولاف (Olaf) را پس بگیرد.

قسطنطنیه ۹۴۴

امپراتوری بیزانس و روسیه قرار داد جدید بازرگانی منعقد کردند.

کنستانتینوپول ژانویه ۹۴۵

از سال ۹۲۰ رومانوس (Romanus) در پست معاون امپراتور غیر فعال با پسر خوانده خود کنستانتین (Constantine) هفتم که وارث امپراتوری و از سال ۹۱۳ دراین مقام بود. او در ماه دسامبر ۹۴۴ توسط پسرانش از شهر اخراج شد لیکن کنستانتین آنها را دستگیر و از استانبول تبعید کرد اینک رومانوس به حق قانونی خود رسیده است.

افریقای شرقی ۹۴۵

یکی از اهالی اندونزی از شبه جزیره ماداگاسکار (Masagascar) با کشتی سواحل اقیانوس هند را پیموده و به منطقه سوفالا (Sofala) در ساحل موزامبیک (Mozambique) رسید.

افریقای شمالی ۹۴۵

ابویزید رهبر شورشیان تونس (افریقیه) خوارج (Kharajites) را به قیام بر علیه ظالمان دعوت کرد و خواستار مساوات و برابری مردم در مقابل قوانین شد.

میان رودان ژانویه ۹۴۶

معزالدوله دیلمی، خلیفه المستکفی (Al- Mustakfi) را کور کرد و المطیع بالله (Al – Muti) را جانشین وی قرار داد.

چین ۹۴۷

خیتان (Khitans) امپراتور مغولی چین سلسله لیائو (Liao) را تشکیل داده و شهر پکن (Peking) را پایتخت اعلام کرد.

هندوستان ۹۵۰

شاهزاده نشین چاندلا (Chandela) در هند مرکزی به اوج ترقی و ثروت رسید.

انگلستان ۹۵۴

با کشته شدن اریک بلاداکس (Eric Bloodaxe)، ایدرد (Eadred) پادشاه وایکینگ ها ناحیه یورک را تصرف و بدین ترتیب حکمران تمام انگلستان گردید.

آلمان ۱۰ اوت ۹۵۵

اوتو با متحد کردن نجبا و اشراف بر علیه مجارها، آنان را در نبرد لک فلد (Lechfeld) شکست داد. آنان به مجارستان عقب نشینی کردند و به مدت ۵۶ سال حملات و تاخت وتاز آنها متوقف شد.

افریقای شرقی ۹۵۷

علی بن الحسین بن علی در کرانه جنوبی تانزانیا (Tanznia) سلطان نشینی به نام کیلوا (Kilwa) را بنیان نهاد.

کند، از اسقف دونستان دعوت کرد که با تمام قوا این کار را انجام دهد و در شهر کانتربوری (Canterbury)، کلیسای بزرگ ورسمی تأسیس کند.

دونستان هم با کمک سایر اسقف ها، مثل اوسوالد (Oswald) اهل ورستر (Worcester) و ایتل ولد (Aethelwold) اهل وینچستر (Winchester) و کشیشانی که غیر فعال و در حالت خمودگی به سر می بردند، و هواخواه سنت بندیکت بودند به تأسیس کلیسای رسمی دولتی اقدام کردند. در نتیجه ی این جریان، فرهنگ و هنر در انگلیس پیشرفت کرد و به توسعه ی دستگاه مذهبی شهر کانتربوری انجامید.

فرانسوی ها سلسله ی پادشاهی جدیدی را انتخاب می کنند. (ریم (Rheims)، ۳ ژوئیه ۹۸۷):

هوف کاپه (Hugh Capet)، بزرگ ترین مرد قدرتمند فرانسه، امروز تاج گذاری کرد و با زمامداری خود، سلسله ی جدیدی را به اقتدار رسانید. با مرگ لوئی پنجم، به آخرین آثار شاهان سست عنصر و بی کفایت هم، پایان داده شد. گرچه مقام دوک شارل، پایین تر از آن بود که تهدیدی بر ضد سلطنت باشد، معهذا ادعا می کرد که سلطنت حق او بوده است.

از پاریس هم اسقف ها از هوف درخواست کرده بودند که جهت حمایت از سرزمین های وابسته به کلیسا، اقدام کند. علی رغم پیروزی اخیر، هوف در نظر داشت که یک کشور پیوسته ایجاد کند، چون تمام فرانسه به سرزمین های مستقل که هر کدام دوک و حاکمی جداگانه داشت، تقسیم شده بود.

با حیله و نیرنگ، شاهزاده را از مقام خود معزول و به زندان انداختند. (چین، ۹۸۷):

لی یو (Liyu)، آخرین امپراتور سلسله ی پادشاهی تانگ، که در جنوب چین سلطنت می کرد، سه سال پس از زندانی شدن، به وسیله ی سانگ ها (Songs) درگذشت. لی یو در حالی که یک امپراتور معزول بود، لیکن فردی شجاع و شاعر مسلک بود. اشعار او بیشتر حالت چاپخانه یی داشت، بدین معنی که بیش تر در این مکان ها خوانده می شد. در حالی که لی یو در زندان بر عقایدش پا برجا بود و

حالت اعتدال را رعایت می کرد. با وجود این، از دنیا شکوه می کرد و به ناپایداری قدرت تأسف می خورد و این موضوع در تمامی شعرهای او نمایان است که در غم و اندوه دوری از میهن انابه و گله می کند.

شاهزاده ی روسی دین خود را تغییر داد. (کی یف، روسیه، ۹۸۹):

ولادیمیر (Vladimir)، شاهزاده ی کیف، پس از زناشویی با خواهر بازیل دوم، امپراتور بیزانس، نخستین فردی است که در روسیه به مسیحیت گرویده، وی در هنگام مراجعت از شهر خرسون (Kherson)، خود را امپراتور خواند. امپراتور بیزانس با کمک به او برای سرکوبی شورش سپاهیانش، پاداش او را داد. با پذیرش دین مسیح به وسیله‌ی ولادیمیر و ازدواج با یک شاهزاده خانم مسیحی، وی تغییر مذهب را به مردم روسیه تحمیل کرد.

هنگامی که ولادیمیر با عروس خویش به کیف برگشت، دستور داد که بت ها را تکه تکه کرده و بسوزانند. برحسب دستور او، برزگترین بت پرستان به نام پرون (Perun) را به دُم اسب بسته و به رودخانه انداختند. دوازده مرد دیگر را با چوب هایی که بت ها از آن ها ساخته شده بود، زدند و بدین وسیله، پرستش کنندگانِ چوب ها را تنبیه کرده و پس از آن، به رود دنیپر افکندند. در روز بعد، ولادیمیر اعلام کرد که تمام اهالی کی یف در کنار رودخانه جمع شوند و بعد دستور داد که آن ها را به رودخانه بیاندازند. در حقیقت، اکثریت ساکنان شهر به فرقه ی باپتیست پیوستند، در حالی که کودکان خود را هم در آغوش داشتند، بدین معنی که کودکان آن ها هم از این پس از جمله ی باپتیست ها به شمار آمدند.

هنرمندان نقاش چینی، به پیشرفت های شگرفی دست یافتند. (چین، ۹۸۵):

سرآمد هنرمندان نقاش چنگ دو (Chengdu)، در شهر سه چوآن (Szechwan)، سرانجام کار بزرگ خود را که ساخت تندیس بزرگ بودا بر روی چوب که تری پیتاکا (Tripitaka) نامیده می شد، به پایان رسانید. این کار، ۱۲ سال به درازا کشید . کار او مهارت و تجربه ی هنرمندان و نقاشان چین را نشان می دهد که تا چه حد پیشرفت داشته اند.

تندیس تکمیل شده را با ارابه یی که به وسیله ی گاوان نر کشیده می شد، تا شهر کای فنگ (Kai –feng) حمل کردند تا به نظر تای زونگ (Taizong)، امپراتور چین برسد. برای ساخت و پرداخت و نقاشی این تندیس عظیم، به یک مکان بزرگ نیاز بود. این مجسمه ی چوبی، از ۱۳۰ هزار قطعه چوب ساخته شده و قد آن ۲۰ متر بود.

هم چنین برای پردازش و ساخت این پیکره ی شگفت انگیز، تعداد زیادی مشغول خدمت بودند و همگی در سه چوآن کار می کردند. برای این کار از کتاب لغت نامه، دایرهٔ المعارف، کتاب ادبیات، گیاه شناسی و کارهای دستی استفاده شد که این مجموعه در کتابخانه ی سلطنتی سلسله ی سانگ موجود بود.

وایکینگ ها، باکشتی، غرب اقیانوس اطلس را می پیمایند. (نروژ، ۱۰۰۰):

زمین خواران وایکنیگ، با پیمودن غرب اقیانوس اطلس و طی مسافات بعید، به سرزمین افسانه یی باتلاقی وسیعی دست می یابند. تا به حال هیچ کس نتوانسته مسافتی چنین دور را پیموده و به این سرزمین افسانه یی برسد. اهالی این جزیره ی عظیم، به گفته ی خودشان، از شیر گاوهای بومی استفاده می کنند و کالاهایی چون پوست و خز را جهت فروش به نقاط دیگر می برند. توروالد (Thorvald)، رهبر وایکنیگ ها، در پیکار با بومی ها، به وسیله ی تیرِ یکی از جنگجویان محلی، کشته شد.

در حدود بیست سال پیش بود که اریک (Erik)، ملقب به قرمز، نخستین مرحله ی سفر خود را جهت جستجوی سرزمین های جدید در شمال غرب آغاز کرد. وی توانست مزرعه های حاصلخیزی را برای اسکان سه هزار نفر وایکینگ کشف کند که نام آنجا را سرزمین سبز نهاد. مدت کوتاهی پس از آن، یعنی در سال ۹۸۶، بژارنی هریولفسون (Bjarni Herjolfsson)، باز هم برای تجسس، به سرزمین یخی یا آیسلند رسید و در حالی که به سوی جنوب می رفت به سرزمین جنگلی صاف و هموار که تپه های کوتاهی داشت، دست یافت. چند سال بعد، لی یف، پسر اریک، با خریدن کشتی بژارنی در گرین لند (Greenland) (سرزمین سبز)، باز هم به کشف سرزمین دیگری به اسم وین لند (Vinland) یا سرزمین شراب، موفق شد که یک

کنستانتینوپول ۹۵۹
کنستانتین هفتم امپراتور درگذشت و رومانوس (Romanus) دوم پسرش جانشین وی شد.
لهستان (Poland) ۹۶۰
شاهزاده میزکو (Mieszko) قبایل اسلاو (Slav) را بین دو رودخانه اودر (Oder) و ویستولا (Vistula) شکست داد و سلسله پادشاهی پیاست (Piast) را پایه گذاری کرد.
چین ۹۶۰
فرمانده گارد محافظ قصر سلطنتی شمال چین در توطئه یی که با افراد گارد چیده بودند، و بدین ترتیب شائوکوآنجین Zhao (Kuangyin فرمانده گارد به سلطنت رسید. وی سلسله پادشاهی سانگ (Song) را بنیان نهاد و پایتخت خود را در شهر کای فنگ (Kaifeng) قرار داد.
کرت (Crete) ۹۶۱
دولت بیزانس از تشکیل نیروهای دریای اعراب در جزیره کرت جلوگیری کرد.
رم دوم فوریه ۹۶۲
در پی درخواست کمک پاپ جان دوازدهم بر ضد برنگار (Berengar) پادشاه ایتالیا، اوتو برای بار دوم به ایتالیا یورش برد و در کلیسای سن پیتر تاجگذاری کرد.
اسیای مرکزی ۹۶۲
آلپ تکین (Alptegin) سر سلسله پادشاهی غزنویان استقلال خود را از سامانیان اعلام کرد و شهر غزنه (Ghazna) را پایتخت خود قرار داد.
رم ۹۶۳
پاپ ژان دوازدهم را به جرم تحریک و پیمان شکنی به قتل رسانیدند.
کنستانتینوپول ۹۶۳
با مرگ رومانوس دوم امپراتور روم شرقی ژنرال نیسه فوروس (NicePhorus)، پایتخت را اشغال و به قدرت رسید. وی با متحد خود امپراتریس (ملکه) تئوفانو (Theo Phano) ازدواج و این وصلت را شرعی تلقی کرد.
رم ۹۶۴
اوتو (Otto)شهر قحطی زده و گرسنه رم را به پاپ لئوی (Leo) هشتم واگذار و پس از مدت کوتاهی جان سیزدهم را به جای لئو برگزید، و لئو را از مقام پاپی معزول کرد.
قبرس (Cyprus) ۹۶۵
دولت بیزانس لشگریانی به قبرس اعزام کرد و در همین هنگام نیروی نظامی اعراب منطقه کیلکیه را گشودند.
ویتنام ۹۶۸
دینه بولینه (Dinh Bo Linh) مقام امپراتوری دای ویت (Dai viet (ویتنام شمالی) را پذیرفت. ویتنام در این زمان مستقل شده بود. وی سلسله دینه (Dinh) را در ویتنام تشکیل داد.

فصل زمستان را در آن محل بگذراند. چند سال بعد، توروالد، برادر لی یف (leif)، مسافرت خود را ادامه داد و قصد داشت که یک اقامتگاه در آنجا به وجود آورد.

جاشویان و ملوانان توروالد که زمستان را در سرزمین شراب گذرانده بودند، قبل از بازگشت، از مرگ ناخدای خود باخبر شدند. بدین ترتیب، آن ها با پیگیری سفرهای خویش، به گسترش قلمرو خود دست زدند.

شاهزاده ی فیلسوف، سلسله ی پادشاهی جدیدی را در مکزیک بنیان نهاد. (مکزیک، ۹۹۹):

توپیلتزین (Topiltzin)، شاهزاده ی فیلسوفی که به خاطر مخالفت با فرهنگ و تمدن تولتک ها (Toltecs) که قربانی کردن انسان ها را در پیشگاه خدایان روا می دانستند، به تبعید از وطن محکوم شده بود، پس از گذشتن از خلیج مکزیک، به شبه جزیره ی یوکاتان (Yucatan) رسید و سلسله ی پادشاهی جدیدی را در منطقه ی چیچن ایتزا (Chichen Itza) تأسیس کرد. ساکنان محلی مایا، وی را به نام کوکالکان (Kukalkan) نامیدند که به معنی جادو یا شیطان با پر آرایش شده، می باشد. وی در پی آن بود که تمدن تولتک را با فرهنگ بومی مایا تلفیق کند و از ترکیب آن ها فرهنگی نو پدید آورد(تمدن مایا بیش از یک سده در حال سکون و افول بود.)

در حال حاضر، شهر چیچن ایتزا پایتخت را با ساختن یک معبد وسیع و اهرام بسیار زیبا که رقیب معبد شهر تولا می باشد، به مکانی مجلل و باشکوه تبدیل کرده اند که حاکی از ثروت و تمول حکومت است.

امپراتور جوان رومی (روم، ۲۱ مه ۹۹۶):

پسر ۱۶ ساله یی که در رؤیا هم نمی توانست به امپراتوری برسد، این بار در عالم واقعیت به امپراتوری رم دست یافت و امروز در شهر رم که یک پایتخت بین المللی است، تاج گذاری کرد. اوتوی سوم، که هم شرقی و هم غربی است، مادرش تئوفانو (Theophano) دختر بیزانس، و پدرش اوتوی دوم، فرزند اوتوی کبیر پادشاه آلمان، می باشد که توانست امپراتوری شارلمانی را تجدید کند.

اوتوی سوم که در مدرسه ی کشیشی تحصیل کرده، خود موجود عجیبی است. او تنها سه سال داشت که پدرش

مُرد. در این هنگام هانری دوم شاه باواریا که مخالف جانشینی او بود،با ایجاد غائله یی بچه را دزدید. وی با این کار، دو نفر زن را دچار وحشت کرد، یکی مادرش توفانو، و دیگری مادربزرگ او آدلاید (Adelaide) که بیوه ی اوتوی کبیر بود. آن ها اصرار داشتند که هانری بچه را بازگرداند و یک کشیش را به عنوان نایب السلطنه انتخاب کنند.

اوتو از این نظر هم آدم بدبختی بود، به خاطر این که پاپ ژان پانزدهم، پیش از تاج گذاری وی، درگذشت. در این هنگام، دسته یی از اشراف و نجبای ناراضی، به رهبری برونو (Bruno)، دایی اوتو، که مخالف گریگوری پنجم به عنوان پاپ جدید بودند، رم را ترک کردند، با این وجود، گریگوری توانست بین درباریان حسن سلوک برقرار کند، لیکن پس از یک سال فوت شد. با مرگ گریگوری پنجم، اوتو (Otto)، گربرت (Gerbert) سرپرست ولله بیگی سابق خویش را، که اسقف اعظم شهر راونا (Ravenna) بود را، به نام سیلوستر (Sylvester) دوم، به مقام پاپی انتخاب کرد. این نام احیا کننده و بزرگداشت رم باستانی بود، چون که سیلوستر اول کسی بود که کنستانتین کبیر را به فرقه ی باپتیست درآورد و کنستانتین خود پایه گزار مسیحیت در رم بود.

اوتو هیچ گاه واقع بینی خود را از دست نداد، با این وصف، در زمان او، قدرت امپراتوری تنزل کرد و در تمام موارد هم چون ارتباط کشور با خارج و اداره ی آن و فراگیری علم و دانش، رم به پایین ترین درجه سقوط کرد. معهذا، وی مانند پدر و پدربزرگش، تلاش هایی جهت یکپارچگی کشور انجام داد، چون برخی از ایالات گروگان بارون ها (Barons) و در چنگ آنان بود واین تصور را پیش آورده بود که با این اوضاع، قدرت امپراتوری در دنیا مرتباً تنزل پیدا کرده و آن را به یک قدرت منطقه یی مبدل خواهد کرد.

طلا، مانند هویج، از زمین های غنا بیرون آورده می شود. (افریقای غربی، ۹۹۰):

شهر بربرنشین آوداگوست (Awdaghost)، به وسیله ی پادشاه غنا (Ghana)، تسخیر شد. اکنون غنا بزرگ ترین قدرت غیر اسلامی در افریقا به شمار می رود و با وجود قرار داشتن بین قسمت بالایی رود نیجر و سنگال و هم چنین صحرای افریقا در شمال کشور، از دسترسی شمال افریقا مصون است، چون سرزمین های شمالی افریقا هماره چشم طمع به طلای این منطقه دوخته اند.

سرزمین غنا از دوران قبل از مسیح، کشوری ثروتمند بود و این ثروت را مدیون معادن طلاست. مردم چادرنشین غنا و تجار غرب، این فلز را برای فروش به نواحی کرانه ی دریای مدیترانه می بردند و غنا نخستین مکانی است که نویسندگان عرب به آن اشاره کرده اند. این ثروت افسانه یی، به اندازه یی است که همدانی (Hamadhani) تاریخ نگار که در سال ۹۰۳ درگذشت، می نویسد: در شن های صحراهای این منطقه طلا به حدی است که مثل هویج از خاک بیرون می آید. پایتخت غنا که همنام کشور است، از دو شهر تشکیل شده، یکی شهر بازرگانان مسلمان و دیگری محل استقرار پادشاه بت پرست آنهاست. کاخ شاهی در محلی واقع شده که اطراف آن را قلعه ها و باروها و کلبه هایی هم چون حصار در برگرفته اند.

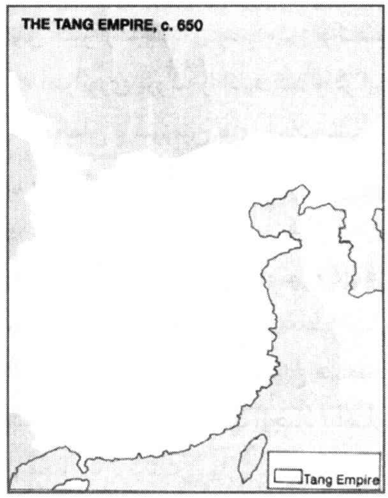
استفن (Stephen) پارسا، فرمانروای جدید مجارها (مجارستان، ۹۹۷):

دوک گزه (Geza) که نخستین فرمانروایی بود که دین مسیح را برحسب اقتضای سیاسی پذیرفت، جای خود را به پسرش وائیک (Vaik) که یک فرد مسیحی پرهیزکار بود، داد و به نام استوان (Istvan) یا استفن نامیده شد. استفن باپتیست در سن ۱۰ سالگی در جشنی که پدرش برپا کرد، وی را شریک خود معرفی کرد واکنون ۲۲ ساله می باشد. او در دو سال پیش، با ژیزلا (Gisela) خواهر دوک باواریا، ازدواج کرد.

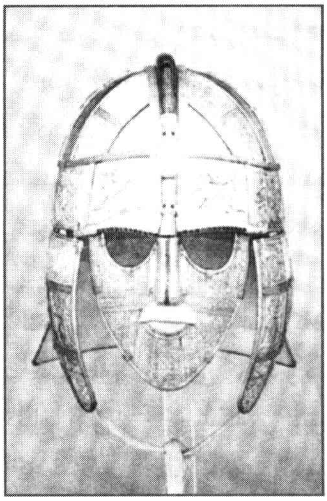
اولین فردی که پایه گزار اقتدار مجارها بود، پدربزرگِ پدربزرگ این نوه و رهبر مجارهای افسانه یی به نام آرپاد (Arpad) که کافر مذهب بود و توانست مجارستانی نیمه مستقل را بینانگذاری کند.

افسانه ی کلاسیک گنژی (Genji) (ژاپن، ۱۰۰۰):

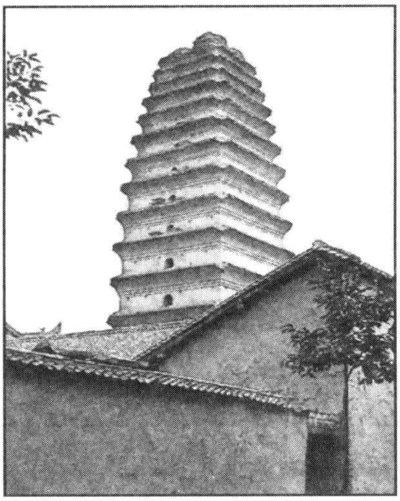
موراژاکی شی کی بو (Murasaki Shikibu)، شاعره و داستان سرای زن ژاپنی، که لله و سرپرست بچه های



وسعت قلمرو سلسله‌ی تانگ در چین.



کلاه‌خود مفرغی با پوشش اهنی
از سوتون هو (Sutton Hoo).



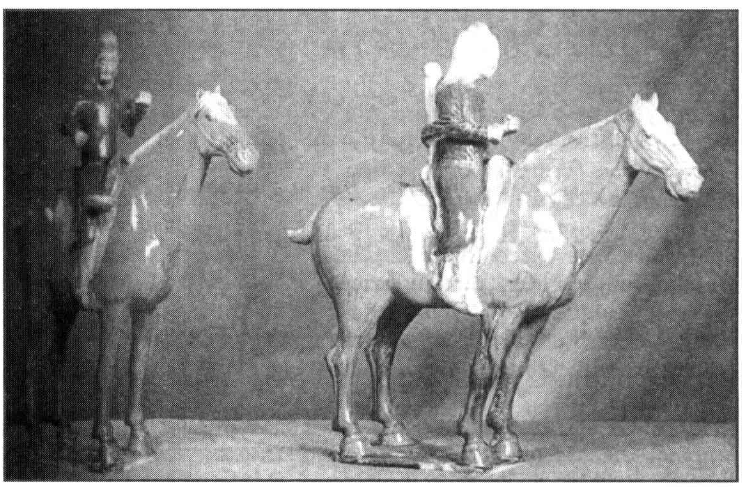
معبد چینی پاگودا (Pagoda) در شهر سیان تانگ
دین (Sian Tang Dyn)
ساخته شده در زمان سلسله پادشاهی تانگ.



سران عرب پس از کشته‌شدن عثمان با حضرت علی بیعت می‌کنند.



عروج حضرت محمّد (ص) به اسمان (معراج)



موزاییک چینی با نقش سربازان سوار در عصر تانگ.



پاپ مارتین (Pope Martin)
مظهر برخورد با کنستانس (Constans).

دربار بود، در داستانی به نام افسانه های گنژی که حاوی عشق شاهزاده گنژی نسبت به پسرش کائورو (Kaoru) می باشد، گنژی یکی از شاهزادگانی است که در خط جانشینی قدرت قرار ندارد،بدین معنی که نمی تواند وارث امپراتور شود، لیکن در مقام مشاوره، نصایح و پیشنهادهای وی در امور سیاسی کشور مورد توجه است و این خود امتیازی در دربار ژاپن به شمار می رود. اکنون مؤلف این داستان در دربار ژاپن یکی از چهره های محبوب شناخته شده و شخصیت وی مورد توجه درباریان است. کتاب این نویسنده مورد استقبال قرار گرفته و جزو آثار کلاسیک محسوب می شود.

مستعمرات اقیانوس آرام (اقیانوس آرام، ۱۰۰۰):

جزایر پولی نزی (Polynesia)، جزو نیوزیلند (Newzealand) یا سرزمین جدید گردید. با ورود آخرین دسته ی مهاجران و دریانوردان شهری که جزو تاریخ محسوب می شوند، این جا دیگر اهمیتی به سزا یافته است.

در حدود ۱۵۰۰ سال پ.م نیاکان این مردم، در جزایر اقیانوس آرام و سایر نقاط پراکنده بودند و به تدریج از جزایر شرقی به سوی جنوب شرق آسیا روی آوردند و با کاشت برنج در این مکان ها که مستعد آن بود، جمعیت به شکل انفجاری کثرت پیدا کرد. به نظر می رسد که آن ها با کرجی های بادبانی و پارویی، در حدود سال های ۴۰۰ به جزایر هاوایی (Hawaii) رسیدند. اکنون مردمان جزایر پولینزی به طور وسیعی به کشت برنج دست زده و این کار باعث ازدیاد جمعیت در این جزایر شده است.

در سلطنت کوتاه مدت اوتوی سوم، هنر به رونق چشمگیری دست یافت. (رم، ۲۳ ژانویه ۱۰۰۲):

اوتوی سوم، امپراتور ساکسونی تبار روم، در سن ۲۳ سالگی، بر اثر بیماری مالاریا درگذشت، در حالی که شهر رم بار دیگر به عنوان پایتخت وی انتخاب شده بود. او در رؤیای آن بود که امپراتوری زمان کنستانتین و شارلمانی را تجدید کند، وی در شهر رم استقرار یافت و بر مهر او، عبارت رنوواتیو ایمپری رومانی (Renovatio Imperii Romani)، نقش شده بود. اوتوی سوم با وجو این که جوانی نیمی از ساکسون و نیمه دیگرش بیزانسی بود، بیشتر از پدربزرگ خود اوتوی کبیر ارث برده بود و می توانست سیاستمداری باشد که امپراتوری بزرگ را اداره کند و در این اندیشه بود که سرزمین آلمان و سرزمین های اسلاونشین را با هم به پیوندد و آن را در قبضه ی قدرت خود قرار دهد.

سیاست او هم بر پایه ی توسعه هنر و به کار گیری الفبای جدید برای زبان قرار داشت. به طور معمول، آن ها موضوعات کلاسیک را به زبان آلمانی خیلی مشکلی بیان می کردند و سبک گاهشماری هم منطبق با تاریخ سلطنت سلسله ی اوتوها بود. از نظر ساختمانی هم، ایجاد بناهای باشکوه و کلیساهای مجلل با تزئینات بسیار زیبا، از کارهای درخشان زمان پادشاهی آنان است. لیکن مردم رم بر علیه مداخلات پادشاهان سلسله ی اوتو در کار پاپ به پا خاستند و آن را محکوم کردند. در اثر این قیام مردمی، اوتو مجبور به ترک کاخ خود در شهر رم شد و به شهر پاترنو (Paterno) گریخت و در همان جا هم بدرود حیات گفت. جسد او را در مجاور گور شارلمانی که وی او را قهرمان می نامید، دفن کردند، لیکن عده یی او را از قبر بیرون آورده و بر او نماز گزاردند. به هر حال، اوتو یکی از امپراتوران داستانی است.

چین، یکی از بدترین عهدنامه ها را برای تعیین مرزها با همسایه ی شمالی خود، منعقد کرد. (چین، ۱۰۰۴):

شن زونگ (Zhenzong)، امپراتور چین از سلسله ی سانگ، عهدنامه صلح توهین آمیزی با لیائو (Liao)، امپراتور طوایف چادرنشین خیتان (Khitan)، امضا کرد که عموم کارمندان رسمی دربار آن را اهانت به کشور بزرگ چین تلقی کردند.

امپراتور خود در رأس سپاهیانی جهت جنگ با خیتان ها آماده شد و به خیتان ها اخطار کرد که بایستی سرزمین های متصرفه در ناحیه ی هوپه (Hopeh) را تخلیه کنند، لیکن از خوش اقبالی خبر رسید که خیتان ها حاضر به مذاکره در این باره هستند، امپراتور هم که در باطن با مذاکرات صلح موافق بود. در این هنگام، ملکه زیائو (Xiao)، بیوه ی امپراتور پیشینی، به عنوان نایب السلطنه ی پسر کوچکش، قدرت را در دست داشت، آن ها پس از چندین بار کشمکش و تعویض فرستاده و سفیر، برای انعقاد پیمان صلح و قسم نامه های مبادله شده بین طرفین، سرانجام با صلح موافقت

سوریه ۲۸ اکتبر ۹۶۹

پس از محاصره طولانی، بیزانس به حاکمیت ۳۰۰ ساله اعراب بر انطاکیه (Antioch) پایان داده شد.

بلغارستان ۹۶۹

اسویاتوسلاو (Sviatoslav) شاهزاده کیف به بلغار حمله کرد و سزار (قیصر) را دستگیر کرد.

بلغارستان ژوئیه ۹۷۱

امپراتور ژان به بلغارستان عزیمت کرد و اسویاتوسلاو را از آنجا بیرون راند. لیکن ارتباط بازرگانی خود را با روسیه برقرار کرد و بخش اعظم بلغارستان را ضمیمه قلمرو حکومت خود نمود.

افریقای شمالی ۹۷۳

خلفای فاطمی مصر خاندان بربرسانهایا (Sanhaja) را در زرید (Zirids) واقع در تونس (افریقیه) مستقر کردند.

چین ۹۷۵

تانگ (Tang) سلسله پادشاهی جنوب چین، قلمرو خود را به سلسله سونگ (Song) واگذار کرد و بدین ترتیب به حاکمیت پنج سلسله و ده حاکم نشین سراسر چین پایان داد.

کنستانتینوپول ۱۰ ژانویه ۹۷۶

ژان زیمزیسک (Tzimiskes) درگذشت و بازیل (Basil) دوم جانشین وی گشت.

ویتنام ۹۷۹

سلسله پادشاهی لی(Le) در شمال ویتنام قدرت را به دست گرفت. لیکن پس از توقیف نماینده سیاسی در حاکم نشین چامپا (Champa) به کیفر این عمل شهر چام (Cham) پایتخت را ویران کردند.

اتیوپی ۹۸۰

شهر اکسوم (Axum) توانست حمله اسکندر و ملکه داموت (Damot) را که با حمایت حکومت نوبه (Nobian) (سودان) انجام شد را دفع کند . اما آنها در دریای سرخ اقتدار خود را کماکان حفظ کردند.

ایتالیا ۹۸۱

دولت بیزانتین بر ضد توسعه طلبی امپراتور اوتوی دوم با اعراب عقد اتحاد بست. این پیمان شامل ایتالیای جنوبی بود.

ایتالیا ۹۸۲

اوتوی دوم توسط سپاهیان عرب در ناحیه کورتون (Cortone) شکست خورد.

ایتالیا ۷ دسامبر ۹۸۳

اوتوی دوم ناگهان درگذشت و پسر کوچکش اتوی سوم به جانشینی وی رسید و تلاش برای کسب قدرت بین اشراف زادگان تشدید شد. در این حال اسلاوها فرصت را غنیمت شمرده و استقلال منطقه شرقی الب (Elbe) را اعلام کردند.

کردند که خیتان ها منطقه هوپه را به چین برگردانند. مفاد پیمان نامه این موضوع را به صراحت بیان می کرد که: دولت چین هر ساله مقدار یکصد هزار اونس طلا و سیصد هزار طاقه ابریشم به عنوان خراج به آن ها بپردازد و این کار ضامن بقای صلح می باشد.

حرکات آهسته ی صحنه شطرنج، دنیای شرق و غرب را دچار شگفتی کرد. (مادرید (Madrid)، ۱۰۱۰):

دنیای شرق و غرب همواره به علت اعتقادات مذهبی به دو بخش جداگانه تقسیم شده و علاوه بر آن، فرهنگ و تمدن مسیحیت و اسلام به کلی دو دنیای متمایز از همدیگر به وجود آورده که این جریان در صفحه ی شطرنج به خوبی نمایانده شده است که به آن پیکار پادشاهان می گویند که بقیه ی مهره ها زیر فرمان وی و محافظ شاه هستند. برخی عقیده دارند که شطرنج ریشه در یونان دارد و در غرب چندین بار جابه جا شده وبالاخره سر از سرزمین هند درآورده که ایرانیان آن را شطرنج نامیده اند. در دو سده ی پیش، هارون الرشید، خلیفه ی عباسی، یک صفحه ی شطرنج به شارلمانی هدیه کرد. در این سال های اخیر، یک دانشمند عرب به نام بیرونی (بیرونی دانشمند ایرانی است و به اشتباه او را عرب خوانده اند) به کشف این بازی موفق شد، او صحنه ی شطرنج را به ۶۴ خانه مربعی تقسیم کرد. مهره های شطرنج که نیروی نظامی شاه محسوب می شوند عبارتنداز: فیل ها وشترها (اسب) و دو پرنده جادویی به اسم رخ.

یورش دانمارک به انگلیس(لندن، دسامبر ۱۰۱۳):

پس از تسلیم شهر لندن در مقابل نیروهای نظامی دانمارک به فرماندهی اسوین (Sweyn) پادشاه دانمارکی‌ها مدعی شدند که کنترل تمام انگلیس را در دست دارند.

با برکناری ایتل رد(Aethelred)، پادشاه انگلستان و اخراج او، ایتل رد به اِما (Emma)، ملکه‌ی فرانسه و فرزندش، به عنوان پناهنده پیوست، در حالی که دوک نورماندی (Normandy) برادرش هم به او ملحق شده بود. اکثریت مردم با تسلیم شهر مخالف بودند و در برابر آن مقاومت کردند، دانمارکی‌ها هم از این ترس داشتند که

بی‌شباهت به تهاجمات قبلی آن‌ها را با رشوه فریب دهند. در حالی که خلاف نقشه‌ی اسوین پادشاه دانمارک، ایتل در مصمم بود که تلافی شکست قبلی را بنماید، لیکن نیروهای انگلیس بر اثر حملات پی در پی وایکینگ ها به ضعف دچار شده بود.

در نتیجه‌ی این خصومت که از سال ۱۰۰۲ بین انگلیس و دانمارک وجود داشت، ایتل فرمان داد که در روز سنت برایس (St Brice Day) فرمانده‌ی دانمارکی مقیم را، پنهانی به قتل برسانند. در همین اوان، خانم گان هیلد (Gunnhild) خواهر اسوین پادشاه دانمارک را کشتند و اسوین دستور داد که تمام خانه های مردم را در جنوب انگلیس آتش بزنند تا انتقام خون خواهرش را گرفته باشد. در سال گذشته هم، پیمان متارکه‌ی جنگ موقتی که بین طرفین وجود داشت. بر اثر کشته شدن تورکل (Thorkell) ملقب به دراز، ارشد فرماندهان نظامی دانمارک شکسته شد. تورکل فرمانده‌ی عملیات تهاجمی در ناحیه‌ی اطراف هامبر (Humber) بود و پیش از این که اسوین در ساحل انگلیس پیاده شود، این منطقه را تصرف کرده بود.

ایرلندی ها به پشتیبانی وایکینگ ها دست به تهاجم زدند. (دوبلین، ۱۰۱۴):

بریان بورو (Brian Boru)، ارشد شاهان ایرلندی و رهبر سلسه ی پادشاهی دال کایس (Dal cais)، در روز جمعه‌ی نیک، در جنگ وحشیانه‌یی که در منطقه‌ی کلون تارف (Clontarf)، بین دو طایفه‌ی ایرلندی، رخ داد، به قتل رسید، در حالی که یکی از دو طایفه به وسیله‌ی وایکینگ ها حمایت می‌شدند.

پیروزی‌های ارتش مونستر (Munster) که پیاپی با حملات سخت به نروژی‌ها انجام می‌شد آن‌ها را تضعیف کرده بود. این دومین پیروزی ارتش بورو مردان نروژی را شکست داده و دوبلین را اشغال کرده و مائل مودرا (Mael Morda) را در ناحیه‌ی لین استر (Leinster) به پادشاهی رساندند.

مودرا اخیراً با سیتریک، فرمانروای دوبلین عقد اتحاد بسته بود، سیتریک سیگودر (Citric Sigurd) اهل اورکنی (Orkeny)، برودیر (Brodir) از منطقه مان (Man) و حتی تورشتاین هالس سون (Thorstein Hallsson) اهل آیسلند را هم به این اتحادیه فرا خواند.

بورو در هنگامی که مودرا، محافظان شخصی وی را با خنجر مودر حمله قرار داد به قتل رسید. مودرا هم اخیرا با زجر و شکنجه سپاهیانی که از حملات ارتش وی بیم داشتند، به هلاکت رسید.

ایالتی خوشبخت در جنوب هندوستان (جنوب هند، ۱۰۱۰):

در تحت فرمانروایی راجاراجا (Rajaraja)، پادشاه سلسله‌ی کولا (Chola) که قلمرو فرمانروایی خود را به تمام جنوب هندوستان گسترش داده بود، سرزمین وی به یکی از مقتدرترین و خوشبخت‌ترین مناطق هندوستان تبدیل شد. معبد بریهادیس وارا (Brihadisvara) که ۷۶ متر ارتفاع داشت و نشانه‌ی عظمت و جلال سلسله کولا بود در شهر تانجاوور (Thanjavur) تکمیل شد.

با جلوس راجاراجا بر تخت سلطنت در سال ۹۸۵، قدرت سلسله‌ی پادشاهی کولا که در یک قرن اخیر رو به افول گذاشته بود و در زمان آدیت یا (Aditya)، شروع به برگشت کرده بود، به اوج خود رسید.

وی نخست به کار جنوب پرداخت و با شکست دادن پاندایا (Pandaya)، اقتدار خود را بالا برد، سپس به سری لانکا (Srilanka) حمله نمود و پس از آن در منطقه‌ی شرق، منطقه‌ی گانگاس (Gangas) را تسخیر کرد و بالاخره در سوی شمال، نیروهای نظامی ایالت ونگی (Vengi) را تضعیف کرد، در حالی که با اهالی با نرمش رفتار می‌کرد. با این عملیات، مناطق تحت تصرف خود را تکمیل و نیروهای خود را به ساحل اقیانوس هند رسانید. او هم‌چنین ثروت و دارایی منطقه‌ی تحت تصرف خود را بالا برد و تجارت خود را با سرزمین چین و خاور نزدیک توسعه بخشید و عظمت سلسله‌ی پادشاهی کولا را به اوج رسانید.

با مرگ خلیفه، کوردوبا چون جواهری بر تاج اسپانیای عربی می درخشد. (کودروبا، ۱۰۰۲):

محمدبن ابوامیر، مشهور به المنصور (ملقب به فاتح) که مدت بیست و پنج سال آخر این سده را با دیکتاتوری در اسپانیا به فرمانروایی مشغول بود، درگذشت.

در مدت حکومت وی کوردوبا به اهمیت بی‌سابقه‌یی دست یافت، ولی کارشناسان عقیده دارند که در خلاء قدرتی که پیش آمده، ممکن است کوردوبا در صحنه‌ی سیاست اروپایی به میدان جنگ مبدل شود، چون که المنصور جانشین بخصوصی نداشت که بتواند اسپانیا را اداره کند. منصور که در سال ۹۷۸ به قدرت رسید، مدت ده سال به پیشکاری خلیفه حسین که تنها ده سال داشت، اشتغال داشت. پس از این مدت با پشتیبانی مادر خلیفه به نام اوروا (Aurora) که اهل باسک بود به خلافت رسید.

گرچه منصور فردی دیکتاتور بود، هیچ گاه از موضع قدرت، کسی را مورد هتک حرمت قرار نمی‌داد، در عوض، با فعالیت و کار زیاد، در پیشرفت کشور می‌کوشید، و بر اثر استعداد و لیافت او، کشور به پیشرفت‌های مهمی دست یافت و اقتدار کوردوبا افزایش یافت. در منطقه‌ی شمال، وی شهر لئون (Leon) و کومپوستلا (Compostela) را که تحت تسلط فرماندار مسیحی بود، متصرف شد و از سوی جنوب هم، نفوذ اندلس تا غرب، مغرب (مراکش) گسترش یافت.

منصور نه تنها در مناطق متصرفی توفیق حاصل کرد، بلکه شهر کوردوبا را به بالاترین موقعیت رسانید، به طوری که این شهر با جمعیت پانصد هزار نفری، بزرگ‌ترین شهر اروپای غربی به حساب می‌آمد. صنعتگران این شهر، با تولید کالاهای بسیار مرغوب از قبیل مسنوجات و بافتن پارچه‌های عالی، لوازم چرمی و کارهای دستی از عاج مشهور بودند. خیابان‌های شهر بسیار تمیز و امن و دارای تعداد زیادی مسجد و حمام عمومی بود. اسپانیا هم‌چنین از نظر مکان‌های آموزشی شهرت داشت. حَکم دوم پدر خلیفه جوان که در سال ۹۷۸ فوت شد، میراث فرهنگی پراهمیتی از خود باقی گذاشت. وی که مجذوب کتاب انجیل بود، کتابخانه‌یی با چهار صد هزار جلد درست کرده بود که برای تمام دانش پژوهان اسلامی و مسیحی بسیار مفید بود و بیش‌تر کتاب‌ها مشحون از مطالب علمی و خداشناسی بود. این کتابخانه مرکز تجمع دانشجویان و دانش پژوهان بود، گرچه بنیادگرایان و متعصبان اغلب کتاب‌ها را تحریم کرده بودند و موضوعات آن‌ها را کفر و الحاد می‌دانستند. با این وصف این کتابخانه بیش‌ترین افراد طالب علم را به خود جذب کرده بود.

هندوستان ۹۸۵

کولاس (Cholas) بر شبه جزیره دکن و بخشی از اقیانوس هند استیلا یافت.

گرین لند (Greenland) ۹۸۶

اریک (Erik) ملقب به قرمز که از سرزمین ایسلند (Iceland) در چهار سال قبل به گرین لند تبعید شده بود شروع به تشکیل دادن مجتمع هایی در آن سرزمین کرد.

بلغارستان اوت ۹۸۶

قیصر ساموئل (Samuel) که قدرت بلغارها را در مقدونیه تا هنگام مرگ ژان زیمزیک (John Tzimiskes) احیا کرد، در مقابله جنگی بازیل دوم را شکست داد و شروع به تجدید ساختار قدرت امپراتوری خود کرد.

آسیای مرکزی ۹۸۸

سبکتکین (Sabuktigin) غزنوی شهر کابل را تصرف کرد و اقتدار این سلسله را گسترش داد.

آسیای صغیر (آناتولی) ۱۳ آوریل ۹۸۹

بازیل دوم امپراتور بیزانس با کمک ۶۰۰۰ نفر از سربازان روسی شورش خطرخیزی را که به وسیله ژنرال بارداس فوکاس (Bardas Phocas) بر پا شده بود سرکوب کرد.

افریقای غربی ۹۹۰

حاکم نشین غنا (Ghana) (شامل مالی – Mali و موریتانی (Mauritania) به رهبری سونینک (Soninke) کنترل جاده بازرگانی آواداگوست (Awadaghost) را که از صحرا می گذشت در اختیار گرفت تا محموله های نمک و طلا را زیر نظر داشته باشد.

انگلستان ۹۹۱

اولاف پادشاه نروژ که با دفاع قهرمانانه مردم انگلیس در مالدون (Maldon) روبرو شده بود نتوانست به عمق سرزمین انگلیس رسوخ کند. اکنون ایتل رد (Aethelred) (به طور نامرئی) در منطقه فرمانروایی می کند. از قرار معلوم کشور را خریده است.

اندونزی ۹۹۲

سیلندراس (Sailendras) سوماترایی به ناحیه ماتارام (Mataram) واقع در جزیره جاوه (Java) که متعلق به رقیبش بود هجوم برد و پادشاه ماتارام را کشت.

لهستان ۹۹۲

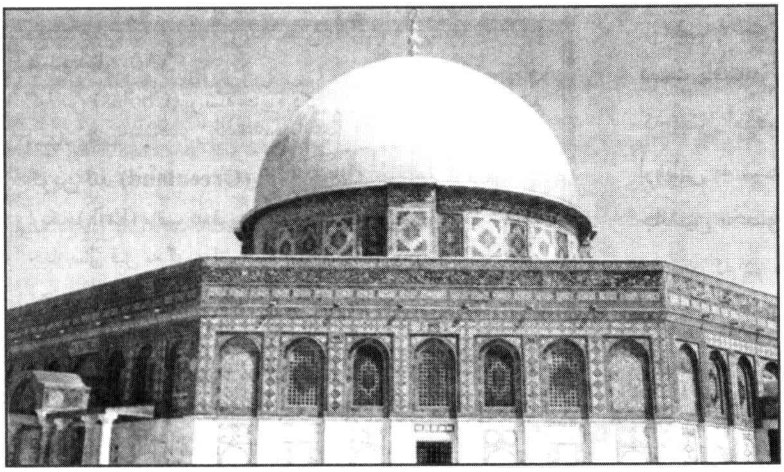
بول اسلاو (Boleslav) جانشین میزکو (Mieszko) فرمانروای لهستان شد.

کره ۹۹۳

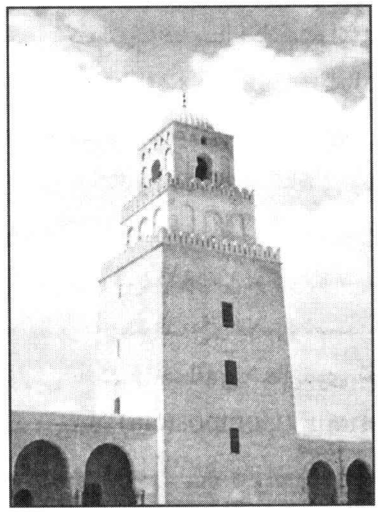
خیتان ها (Khitans) سرزمین کره را ضمیمه امپراتوری مغولستان کردند.

انگلستان ۹۹۴

اولاف نروژی و دان اسوین (Dane Sweyn) دانمارکی در منطقه لندن شکست خوردند. لیکن سراسر جنوب جزیره را دستخوش غارت کرده و خراج هنگفتی هم دریافت کردند. حملات هنوز هم ادامه دارد.



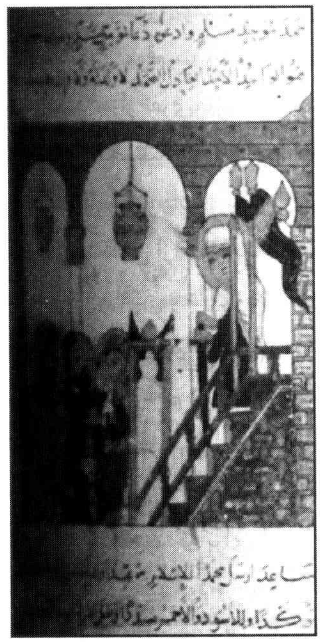
گنبد مسجد قبه الصخره‌ی فلسطین با روکش طلا. یکی از بزرگ‌ترین مکان‌های مقدس مسلمین.



مسجد بزرگ شهر قیروان (Kairouan).



عیسی مسیح به‌عنوان خدا با انجیل روکش طلا، حاوی قوانین مسیحیت، ترسیم سال‌های ۷۸۱_۷۸۳.



مسلمانان در مسجد به سخنان خطیب گوش می‌دهند.



هرم سنگی قوم مایا در شهر چیچن ایتزا (Chichen Itza).

هندوستان ۹۹۴

شهر دهلی (Delhi) به وسیله تومارا (Tomaras) تأسیس شد.

اتیوپی ۹۹۶

قبطی ها (Copts) به سبب آزار مسلمانان مصری به اتیوپی گریختند.

یونان ۹۹۷

قیصر ساموئل (Samuel) پادشاه بلغار متصرفات بیزانس در یونان را مورد تاخت و تاز قرار داد. اما مغلوب و سخت زخمی شد. تلاش برای رهبری در بالکان بین ساموئل و بازیل دوم ادامه دارد.

افغانستان ۹۹۸

سلطان محمود غزنوی از طایفه ترکان غزنه تلاش برای کسب پیروزی های بزرگتر را آغاز کرد.

سوریه ۹۹۹

بازیل دوم خود را برای یورش به عقب جبهه اعراب و تصرف شهرهای حلب (Aleppo) و انطاکیه آماده کرد.

اروپای شرقی ۹۹۹

بول اسلاو فرمانروای لهستان سلطان نشین بوهم (Bohemia) را تأسیس کرد و برای گسترش متصرفات خود به سیلزی (Silesia) موراوی (Moravia) و کراکوی (Krakow) حمله کرد.

آسیای مرکزی ۱۰۰۰

ترکان سلجوقی منطقه فرا رود شرق سیحون را اشغال کردند.

آمریکای شمالی ۱۰۰۰

تمدن و فرهنگ جنوبی ها به منطقه جنوب میسی سی پی (Mississippi) هم رسوخ کرد. این تمدن با ساختن ویلاهای بزرگ و تراش سنگهای زمردین در این ناحیه خود را نشان داده است. هنرهای تزئینی مثل تراش صدف و ساخت سفال و انواع وسایل فلزی با طرح های جذاب و چشمگیر به بوته فراموشی سپرده شد.

آمریکای شمالی ۱۰۰۰

قبایل ایروکوآ (Iroquois) در شمال شرقی آمریکای شمالی مجتمع های مسکونی فراوانی می سازند و در عین حال به کشت انواع ذرت و بنشن (نخود و لوبیا و عدس) اقدام می کنند.

اتیوپی ۱۰۰۰

در سرزمین اتیوپی قبایل جنوبی از شرک و کفر دوری جسته و به ادیان و عقاید یگانگی خداوند روی می آورند.

هنگری (Hungary) (مجارستان) ۲۵ دسامبر ۱۰۰۰

دوک استفن (Duke Stephen) که از سال ۹۹۷ بر سریر قدرت قرار داشت به عنوان نخستین پادشاه مجارستان تاج گذاری کرد و نشان سلطنتی را جهت پاپ سیلوستر (Sylvester) دوم ارسال داشت.

بالکان ۱۰۰۱

بازیل دوم امپراتور بیزانس قوای دریایی خود را برای تصرف بلغارستان بار دیگر در آن منطقه پیاده کرد.

هانری با عنوان امپراتور مقدس تاج گذاری کرد. (رم، ۱۴ فوریه ۱۰۱۴):

یکی دیگر از شاهان آلمانی با سفر به رم و تاج گذاری در این شهر، ملقب به امپراتور مقدس گردید. وی به همراه همسرش کونی گوند (Cunigunde)، دختر دوک لوگزامبورگ (Luxembourg)، در حالی که از پله‌های کلیسای سن‌پیتر بالا می‌رفت. با پاپ بندیکت هشتم ملاقات کرد و پاپ از وی پرسید: آیا شما قادرید که مدفع وفاداری برای کلیسا باشید؟ سپس هانری و همسرش را به کلیسا پذیرفتند و آن‌ها را با تشریفات ویژه مسح کردند. در این حال، پاپ در کنار هانری قرار گرفت و یک گوی طلایی و صلیبی که نمایی از امپراتوری جهانی داشت به او هدیه کرد. در پشت سر او، گروهی از نجبا، اشراف، فئودال‌ها که قدرت حقیقی کشور در دست آن‌ها بود و در مواجهه با شورشیان و انقلابیون نقش اول را داشتند، موقرانه و سنگین حرکت می‌کردند. هنری فرزند دوک باواریا که شخصی علیل و در عین حال پارسا و پرهیزکار بود، در زمان مرگ اوتوی سوم که فرزندی نداشت به جانشینی او برگزیده شد. اهالی باواریا و فرانک ها با او موافق بودند، لیکن اتحادیه ساکسون‌ها (Saxons)، تورین یان‌ها (Thuringians)، اسوابیان‌ها (Swabians) و لوتارینیان (Lotharingians) به او چندان تمایلی نداشتند. او در حالی به سلطنت رسید که در سراسر مرزها جنگ‌هایی جریان داشت.

ایتالیا از دست رفته بود، بولسلاو (Boleslav) و لهستان در شرق تسخیر شده، و کنت فلاندر به لوتارینیا پیوسته بود. در این حال، هانری در تکاپوی راهی بود که حمایت کلیسا را از دست ندهد. او با اسراف و ولخرجی، زمین‌هایی را به صومعه‌ها و کلیساها بخشید تا بتواند دستگاهی مذهبی را در خدمت سلطنت قرار دهد.

ترک‌های مهاجم تحت رهبری جدید، سرزمین‌های دیگری را تسخیر کردند. (افغانستان، ۱۰۲۴):

محمود غزنوی، با شکست دادن برادرش، به پادشاهی افغانستان رسید و متصرفات خود را تا ایران و هند گسترش داد. او با تاخت و تاز در این مناطق کوهستانی، بالاخره به

سرزمین حاصل خیر پنجاب دست یافت. محمود همان طور که سربازی جنگجو و رشید بود، همان طور هم در دین متعصب و با ایمان بود و به خاطر همین تعصب، به هندوستان حمله کرد و معابد هندوها را ویران ساخت و راهبان هندو را به زور به دین اسلام فرا خواند و در بازگشت، گنجینه‌های آنان را به یغما برد. او در آخرین پیکارش در سواحل اقیانوس هند، به معبد شیوا خداوند هندوان دست یافت و تمام بت‌های این معبد را که سومنات (Somnat) نام داشت، شکست و دروازه‌های طلایی و زرین را با خود به غزنین برد.

سلطان محمود غزنوی در عین حال دوستدار ادب و هنر بود. محمود فرزند یکی از غلامان به نام سبکتکین بود که با مجاهدت خود به پادشاهی رسید، او مسجد بسیار باشکوهی در غزنه ساخت و عروسی مفصلی برای خود برپا کرد و ساختمان‌های مجللی در شهرهای بوست (Bust) و غزنه (Ghazni) بنا کرد. دربار او مجمع دانشمندان، شعرا و هنرمندان بود.

غیبت ناگهانی خلیفه با کشته شدن او همراه بود. (قاهره، ۱۴ فوریه ۱۰۲۱)

حکیم خلیفه فاطمی مصر ناپدید شد و جویندگان خشمگین سعی داشتند که به هر طریق او را زنده بیابند. آنان پس از جستجوی بسیار، لباس‌های پاره‌ی او را در بیرون از شهر یافتند و یقین کردند که خلیفه را به قتل رسانده‌اند، چون او عادت داشت که در اطراف شهرها با لباس مبدل به تفحص بپردازد.

آن‌ها دریافته بودند که سیدالملوک خواهر خلیفه در مرگ وی دست دارد، چون خلیفه آدمی بوالهوس و ستمگر بود. او طی فرمانی بازی شطرنج را تحریم کرده بود و هم‌چنین بازاریان را واداشته بود که مغازه‌های خود را در تمام شب بازنگه دارند و کسانی را که از فرمان او سرپیچی می‌کردند، فورا به اعدام محکوم می‌کرد، هم‌چنین تمام معابد و مکان‌های مقدس مسیحیان را ویران کرد و گورستان مقدس مسیح در شهر اورشلیم را هم خراب کرد.

با این جریانات، هیچ‌کس حاضر به دفن جسد حکیم نبود، لیکن فرقه دروزی (Druze) سوریه او را فردی مقدس و قابل ستایش می‌دانستند و بلافاصله جسد او را به سوریه برده و در گوری دفن کردند.

زندانیان مجار را کور کردند. (بلغارستان، ۶ اکتبر ۱۰۱۴ میلادی):

تعداد پانزده هزار نفر سربازی که به دستور امپراتور بیزانتین کور شده بودند، امروز مراجعت کردند. هنگامی که آن‌ها به وطنشان رسیدند، ساموئل (Samuel)، قیصر مجارها، با دیدن آن‌ها از فرط ناراحتی دچار سکته شده و فوت نمود.

حتی قیصر مجارستان، با آن همه‌ی سنگدلی و بی‌رحمی، نتوانست آن صحنه را تحمل کند، ارتش مجار هنگامی که به ساحل رود استریمون (Strymon) رسید، در مقابل نیروی امپراتوری تاب مقاومت نداشت و در نتیجه شکست خورده و آن منطقه را تسلیم سپاهیان بیزانس کرد. تنها یک سرباز از هر یکصد نفر با یک چشم سالم راهنما و هادی سایرین بود که آنان را تا مقصد برده و به نظر ساموئل برساند. بازیل، امپراتور بیرانس، جهت این پیروزی، طی جشنی که برپا کرد، خود را فاتح بلغار نامید و اطرافیان هم او را مظهر انسانیت و نیکوکاری شمردند، در حالی که او با این اعمال وحشتناک خود، یک جانی و قاتل بالفطره بود. در سیزده سال گذشته، بازیل سعی داشت که ساموئل، شاه بلغار را مغلوب کند و یک بار که از امنیت مرزهای شرقی مطمئن شد، نقشه‌هایی برای حمله به سرزمین بلغار کشید و حتی نیروهای نظامی خود را برای نبردهای تابستانی آماده ساخت و تمرین‌هایی برای تصرف آن سرزمین انجام داد. برای این کار حتی نیروهای سواره نظام و پیاده نظام را برای پراکندن دشمنان امپراتوری و به دست آوردن تجربیات جنگی واداشت که بتواند نیروهای دشمن را به تسلیم وادارند.

برای آغاز جنگ هم وی با بلغارها به نرمش رفتار کرد و برای تحریف افکار آنان، به برخی از سران بلغار، عنوان‌های افتخار آمیز اعطا کرد که نظر آنان را به سوی خود جلب کند و خود در خفا به پیشرفت نقشه‌های خویش ادامه داد. به هر حال، بازیل با این اعمال ننگین، نام خود را هم به فضاحت کشید و نبردی بی‌سابقه را آغاز کرد که با وحشت و هراس و قتل عام همراه بود.

کانوت، انگلیس و دانمارک را متحد می‌کند (انگلیس، ۱۰۱۹):

ایتالیا ۲۳ ژانویه ۱۰۰۲

اوتوی سوم امپراتور در شهر پاترنو (Paterno) درگذشت.

اسپانیا ۱۰۰۲

محمد بن ابوامیر مردی دموکرات منش در دستگاه المنصور، نخست وزیر خلیفه هشام (Hisham) دوم و فردی که تأثیر زیادی در حکومت خلفای اموی کوردوبا (قرطبه) داشت در شهر مدینا سلی (Medinaceli) درگذشت. وی در ضمن فرماندار کوردوبا بود. جانشین وی پسرش به نام عبدالملک می باشد.

رم ۱۲ مه ۱۰۰۳

سیلوستر دوم (گربرت اوریلاک – Gerbert Aurillac) نخستین پاپ اهل فرانسه بدرود حیات گفت. وی در سال ۹۹۹ با حمایت اوتوی سوم به مقام پاپی برگزیده شد و با تشویق وی در برآورده شدن حس جاه طلبی امپراتوری شرق، ایتالیا را به اوتو تفویض کرد و هم چنین دوک استفن را به لقب پادشاه مجارستان مفتخر ساخت.

ایتالیا ۱۰۰۴

پس از تاج گذاری هانری دوم در روز ۱۴ مه در شهر پاویا (Pavia) به عنوان امپراتور، وی یک چهارم از قلمرو امپراتوری را به آلمانها جهت آماده کردن زمینه بخشید. این ترقیات تدریجی به سبب ایجاد جنگهای متعدد و خرابی و سوزاندن شهرها و صدها نفر کشته از اهالی به جود آمده بود.

چین ۱۰۰۶

در سراسر کشور چین انبارهای غله برای جلوگیر از قحطی و مواقع اضطراری ساخته شد.

ایران ۱۰۰۸

احمد بن الحسین همدانی نویسنده ملقب به اعجوبه زمان در هرات درگذشت. وی حکایات و قصص قرآن را در مجموعه یی از نثر وشعر منظوم و مقفی (قافیه دار) به نام مقالات نوشت و به این ترتیب روح تازه یی از مفهوم آیات قرآنی در اختیار عامه گذاشت.

هندوستان ۱۰۰۸

قوای نظامی سلطان محمود غزنوی از سرزمین افغانستان با درهم شکستن اتحادیه شهرهای هندو تمام سرزمین هند غربی را درنوردید و نیروی نظامی آنها را در نبرد جلگه پیشاور (Peshawar)از هم پاشید.

اورشلیم ۱۰۰۹

حکیم خلیفه فاطمی، کلیسای سپولکر (Sepulchre) بیت المقدس را دفعتاً با حکم جهاد ویران ساخت و مسیحیان شهر را در بلا تکلیفی رها ساخت.

ایرلند ۱۰۱۴

وایکینگ ها در نبرد کلون تارف (Clontarf) به فرماندهی بریان بورو (Brian Boru) پادشاه ایرلند دچار شکست سختی شدند و نیروهای نظامی ایرلند، آنها را از هم پاشیدند، لیکن پادشاه ایرلند هم در حین جنگ کشته شد.

کانوت (Canute) اکنون پادشاه انگلیس و دانمارک می‌باشد. در سه سال قبل، فرزند اسوین پادشاه دانمارک، پس از غلبه بر ادموندآیرن ساید (Edmund Ironside)، خود را پادشاه انگلیس خواند. اکنون دیگر با مرگ هارالد پادشاه دانمارک کانوت می‌تواند با اتحاد دو کشور خود را پادشاه این اتحادیه بخواند. این جریان، نقطه‌ی اوج مهارت سیاسی سیاستمداران انگلیس است که از فرصت‌ها استفاده می‌کنند و در پیشبرد اهداف خود به رحم و شفقت پایبند نیستند.

تا سال ۹۹۵ که کشور انگلیس تحت فرمان ایتل رد قرار داشت، این سرزمین با حملات مداوم و تاخت و تازهای پیاپی وایکینگ ها روبرو بود و حالت پایداری نداشت و در تلاطم بود. ایتل رد فرمان داده بود که تمام دانمارکی‌های مقیم کشور بایستی معدوم شوند، اما در همان هنگام ایتل رد مرد. در سال ۱۰۱۶ به علت ازدواج دانمارکی‌ها با ساکسون‌ها، کما بیش این دو ملت به هم پیوستند و یک اتحاد نوسانی و غیر متعادل بین دو کشور ایجاد گشت. در همان حال، ارتش کانوت به تلافی حملات ادموند به جنوب انگلیس، با غلبه بر وی، کنترل شمال را هم در دست گرفت، در حالی که در اوان این پیکار، ادریک و سایر شاهزادگان او را حمایت می‌کردند. در این نبرد، ادموند شکست خورد و در صحنه‌ی نبرد، در آشینگدون (Ashingdon) واقع در منطقه‌ی اسکس، با تقسیم کشور به دو بخش موافقت کرد، لیکن پس از پایان جنگ، بلافاصله درگذشت و کانوت هم رقبای خود را که شامل ادریک هم بود از صحنه خارج ساخت. در سال ۱۰۱۷، با بیوه ایتل رد به نام اما (Emma) که ملکه نورماندی هم بود ازدواج کرد، و در مراسم زناشویی خود به دین مسیح درآمد.

بدین ترتیب کانوت چون پادشاه انگلیس و دانمارک شد، برای اهالی انگلیس و دانمارک حقوقی مساوی برقرار کرد که همه از این موضوع رضایت داشتند و حتی بخشی از ارتش را برای حراست مرزهای دانمارک به آنجا فرستاد.

در معبد رفیع و برأبهت هندیان،انواع رقص ها و عشق‌بازی‌ها به نمایش درآمده. (هند مرکزی، ۱۰۲۰):

ساخت معبد عظیم و حیرت انگیز کانداریا ماهه دوا (Kandaryia Mahedeva) درچانـدلا (Chandela) پایتخت خاجو راهو (khajuraho) به پایان رسید. در یکصد سال گذشته، سلسله‌ی پادشاهی کاندار چندین معبد کوچکتر بنا کرده بودند، لیکن این معبد شاهکار معماری به شمار می‌رود.

این معبد با سنگ‌های کرم رنگ زیبا ساخته شده و چهل متر ارتفاع دارد، راه ورودی و بالا روی معبد به صورت مارپیچ است و تا به حال معبدی به این عظمت و بلندی ساخته نشده، چون این ساختمان در حالتی است که عمودی و مارپیچ به نظر می‌رسد. البته در اطراف این معبد معابدی به همین شکل، لیکن به ابعادی کوچکتر است.

در اطراف معبد، راهروهایی وجود دارد که بالای آن سایبان‌هایی بنا شده که افراد از سوزش آفتاب درامان بمانند. نمای بیرونی ساختمان هم با تندیس های فراوان و سنگ‌بری‌ها تزئین شده. در طبقه‌ی زیرین معبد، صحنه‌هایی از شکار، نبردها و زندگانی در روستاها بر روی دیوارها نقش شده، در قسمت‌های بالایی ساختمان، تندیس خدایان و الهه‌ها به نمایش درآمده که در عین حال، نمایشی است از عشق‌بازی‌ها و انواع اعمال جنسی دو نفره یا سه نفره که به صورت زنده، انواع گوناگون اعمال جنسی و لذات جسمانی را نشان می دهند.

لهستان به سرزمینی مستقل تبدیل می‌شود (لهستان ، ۱۰۲۵):

بولسلاو ملقب به دلیر، پس از چند ماهی که از تاج گذاریش به عنوان پادشاه لهستان می‌گذشت، بدرود زندگی گفت. با وجودی که در یک سال قبل، پاپ سلطنت وی را تبرک کرد، او زمامداری خود را مستقل از امپراتوری مقدس رم قلمداد می‌کرد و وابستگی خود را با آن گسست. وی جانشین و فرزند میتزکوی (Mieszko) دوم بود و در سی وسه سال پیش که به زمامداری لهستان منصوب شد، اتحاد خود با امپراتوری رم را ادامه می داد. در سال ۱۰۰۰، اوتو امپراتور آلمان، برای زیارت قبر سنت وویشک (St Wojciech)، به شهر گنیه زنو (Gniezno) رفت، لیکن جانشین او هانری دوم با پشتیبانی اشراف آلمانی، به خیال ایجاد امپراتوری نظیر فرانک ها، به نبرد با لهستان اقدام کرد. در پی پیروزی‌هایی که در مدت ۱۴ سال نصیب بولسلاو شد، او توانست بخش هایی از موراوی، بوهم، لوزاتیا (Lusatia) و میلزکو (Milzco) را تصرف کند. این متصرفات سبب شد. که وی برای استحکام قدرت خود در سال ۱۰۱۸ معاهده بوتزن (Bautzen) را امضاء کند. مرگ هانری دوم هم.سرانجام به وی اجازه داد که استقلال لهستان را رسما اعلام کند.

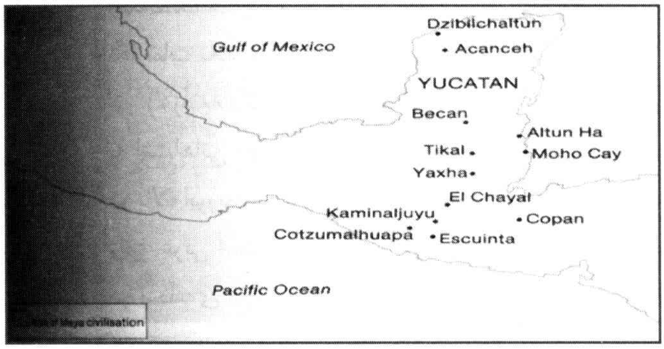
پیشرفت امپراتوری کانوت (نروژ، ۱۰۳۰):

اولاف، پادشاه سابق نروژ، در جنگی در ناحیه‌ی اشتیکل اشتاد (Stiklestad) در حالی که روحیه‌ی سربازانش ضعیف شده بود، در مقابل سربازان وفادار به کانوت، شکست خورد و کشته شد.

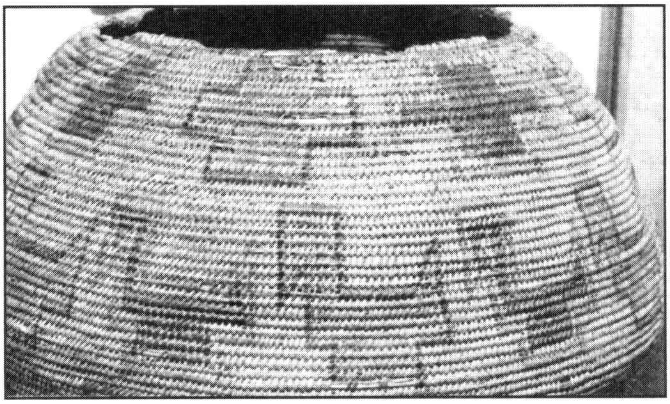
اینک کانوت به عنوان ارباب انگلیس، دانمارک، نروژ و احیانا سوئد به شمار می‌رود. اولاف که مدت سی سال از عمر خویش را در دریا گذرانیده بود و در نبردهای دانمارک، سوئد، گوتلند(Gotland)، فنلاند، انگلیس و فرانسه شرکت کرده بود، در حالی که به فرقه‌ی باپتیست گرویده بود، در ۱۵ سال پیش در نروژ به پادشاهی رسید. وی هنوز در سال اول سلطنت خود بود که پیکارهای بی‌رحمانه‌یی را آغاز کرد، او خود را پادشاهی روشنفکر و پایبند قانون می‌دانست. وی نه تنها خود را یک مسیحی متدین می‌دانست، بلکه در کشور نروژ یک ایالت را به کلیسا اختصاص داد، او نبردهایی بر علیه سوئد برپا کرد و سپس با دختر پادشاه سوئد عروسی کرد. با این وصلت، او با کمک پدرزنش، به دانمارک یورش برد، در حالی که این کار اشتباهی بود. کانوت با کنترل دریاها بسیاری از اشرف نروژی را به اطاعت خود درآورد و در سال ۱۰۲۸ به تخت پادشاهی نروژ تکیه زد. هاکون (Hakon) که از سوی کانوت به فرمانداری نروژ منصوب شده بود، در این سال، درگذشت. سرانجام تلاش‌های اولاف بدشانس به نتیجه نرسید و وی نتوانست به پادشاهی نروژ برسد.

بزرگ‌ترین استاد پزشکی، جهان را بدرود گفت. (ایران، ۱۸ ژوئن ۱۰۳۷):

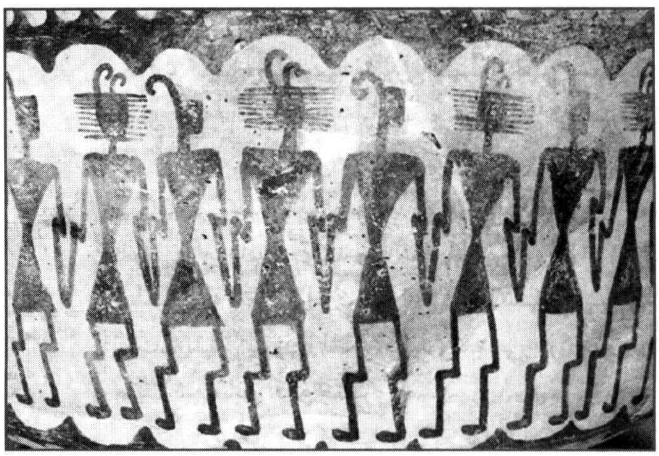
ابن‌سینا یا به زبان اروپائیان اوی سنا (Avicenna)، بزرگ‌ترین طبیب و استاد علم پزشکی، در همدان در گذشت



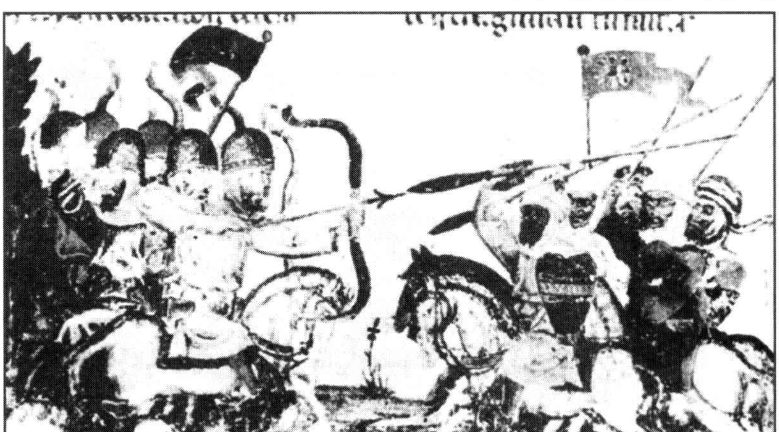
نقشه‌ی سرزمین قوم مایا.



سبد بافتنی با اشکالی از پرندگان،
نمونه‌ی تمدن آناسازی (Anasazi) در کلورادو (Colorado).



نمایش رقص مذهبی گروهی،
نشانه‌ی تمدن اقوام هوهوکام (Hohokam). آریزونا (Arizona).



سپاهیان شکست‌خورده و تمدن مضمحل‌شده‌ی
فرانک‌ها، در مدت یک روز به پیروزی رسیدند.

و جهان اسلام در سوگ او به ماتم و عزا نشست. او در تمام زمینه‌های علمی استاد بود و در واقع خود یک دایرةالمعارف مجسم بود. وی به ویژه در علم پزشکی جدید، یک مغز متفکر به حساب می‌آمد و در تمام جهان بی‌نظیر بود. او رساله‌هایی در باب نبض، انواع تب، علائم بیماری‌ها و تشخیص آن‌ها به نگارش درآورد، او در کتاب قانون خود، به شرح و درمان انواع زخم‌ها، شکستگی‌ها، بیماری‌های اسهالی، ضربه‌ها و مسمومیت‌ها پرداخته است.

علاوه برآن، ابن‌سینا به عنوان یک فیلسوف هوادار فلسفه‌ی یونانی شهرت دارد. وی عقیده داشت که یادگیری و درک معلومات انسانی پایان ناپذیر است و گنجایش مغز بشر محدودیتی ندارد. او هم‌چنین به مقدسات احترام می‌گزارد، لیکن عقل کامل را هم پایه‌ی پیامبری می‌دانست و پیامبران را انسان کامل تلقی می‌کرد.

او در دهکده‌یی به نام صحنه نزدیک بخارا زاده شد و به فارسی تکلم می‌کرد، وی به تکاپو و تحقیق در علم پزشکی می‌پرداخت و در سن ۱۶ سالگی در تمام علوم شهره بود. وی در هنگام شب به مطالعه و تحقیق مشغول می‌شد و روزها در مقام وزارت به رتق و فتق امور اشتغال داشت. ابن‌سینا بر اثر رشک و حسد رقبا، مدتی پنهان می‌زیست و همواره وی را برای مشاوره‌ی، پزشکی دعوت می‌کردند. وی بیش‌تر سال‌های آخر عمر خود را در اصفهان سپری کرد.

فیلسوف عربی که رساله یی به زبان هندی نوشته بود بدرود حیات گفت (غزنین افغانستان، ۱۰۴۸):

ابوریحان بیرونی، مولف کتاب‌های علم نجوم، جغرافی، تاریخ، شیمی و ریاضی، جهان را ترک گفت. او در بین متفکران حاضر و غایب اسلامی، مقام نخست را داراست. او زبان عربی و یونانی را خیلی سلیس صبحت می‌کرد. بیرونی در دربار سلطان محمود غزنوی به شهرت رسید و به خوبی درخشید و تمام عمر و فعالیت و انرژی خود را وقف علم کرد، هم‌چنین به پیشرفت در افغانستان و منطقه‌ی سند کمک کرد. در زمانی که قشون نظامی سلطان محمود در سرزمین هند در حال پیشروی بود، وی با سپاهیان سلطان همراه بود و در همان زمان به تحصیل زبان سانسکریت پرداخت و در فلسفه‌ی هندی تفحص و تجسس کرد. کتاب تاریخ هند که یادداشت هایی از سفر او به هندوستان است، یکی از نگارشات تحسین آمیز اوست و در خور ستایش می‌باشد.

(لازم به ذکر است که محققان غرب در برخی از موارد به اشتباهاتی دچار می‌شوند و با عنایت به مطالب ذکر شده در بالا، ابوریحان بیرونی که تنها بعضی از نگارشات او به زبان عربی است را دانشمندی عرب نوشته اند، در حالی که در منطقه‌ی فارسی زبان متولد شده و بیش‌تر عمر خود را هم در سرزمین آریایی سپری کرده است.)

فرمانفرمای جنگ طلب آلمان با درود فراوان به عنوان امپراتور مقدس برگزیده شد. (رم ایستر (عید پاک) ۱۰۲۷):

کونراد(Conrad) پادشاه جنگ طلب آلمان، با شکوه و جلال و تهنیت و درود، با حضور دو پادشاه رودولف (Rudelf) ، شاه بورگوندی (Burgundy) و کانوت، پادشاه انگلیس، تاج گذاری کرد. ژیزلا (Gisela) هم به سمت ملکه‌ی دوم انتخاب شد. در عین حال سراسقف‌های میلان و راونا (Ravenna) که رقیب همدیگرند یکی در محراب کلیسا و دیگری در بیرون کلیسای سن‌پیتر، برای خوش آمد کونراد با لحنی آرام به او خوش آمد می‌گفتند.

کونراد پادشاه آلمان، در یک سال پیش ، ظاهرا ادعا می‌کرد که سلطنت بر لومباردیا (Lombardy) جزو حقوق قانونی او می‌باشد. وی به مخالفت با اهالی پاویا (Pavia) ، سپاهیانی به آنجا اعزام کرد و دروازه‌های شهر را بر مردم بست و سپس به راونا لشگر کشید و مدعی بود که برای امنیت شهر، این اقدام ضروری است.

کونراد دستور داد که سپاهیان رم باید با پیراهن هایی بافته شده از موی بز، با پاهای برهنه و شمشیرهای بدون نیام که از گردن‌های آنان آویخته شده، در پیشگاه وی از او طلب مغفرت کنند. این آزار روحی و تحقیر لشگریان و درخواست عفو، به این جهت بود که آنان از رفتار گذشته ی خود توبه کنند و از ستیزه و نزاع با ارتش آلمان بپرهیزند و گرد شورش و یاغی گری نباشند، به هر حال کونراد بدین وسیله انتقام خود را از سپاهیان رم به معرض نمایش گذارد.

با شایعه ی این که دنیا به پایان خواهد رسید، هراسی شدید مسیحیان را فرا گرفت. (بورگوندی، فرانسه، ۱۰۳۳):

روسیه ۱۰۱۵

ولادیمیر (Vladimir) شاهزاده کی اف (Kiev) بدرود حیات گفت. او در سال ۹۸۸ به دین مسیح درآمد و با دوشیزه آن (Anne) خواهر بازیل دوم امپراتور روم شرقی ازدواج کرد. وی سپس درهای روسیه را برای ترقیات و پیشرفت های بیزانس گشود.

هند ۱۰۱۵

سپاهیان غزنوی به کشمیر (Keshmir) حمله کردند لیکن در اثر فشار نیروی حریف مجبور به عقب نشینی شدند.

بریتانیا ۳۰ نوامبر ۱۰۱۶

ادموند آیرونساید (Ironside) که به جانشینی ایتلرد (Aethelred) به عنوان پادشاه انگلیس منصوب شده بود در اواخر همین سال درگذشت. وی در حالی جهان را وداع گفت که از جدال و خونریزی نفرت داشت و از جنگ پرهیز می کرد.

بلغارستان ۱۰۱۸

بازیل دوم امپراتور روم شرقی فتوحات خود را در بلغارستان تکمیل کرد.

هند ۱۰۱۸

سلطان محمود غزنوی به استان کانوج (Kanauj) حمله ور شد و نیروی این ایالت هندو را درهم شکست .

سری لانکا (Srilanka) ۱۰۱۸

راجندرا کولا (Rajendra Chola) سری لانکا را فتح کرد.

اروپا ۱۰۱۹

انگلیس و اسکاندیناوی تحت فرمانروایی کانوت (Canute) متحد و یکپارچه شدند.

فرانسه ۱۰۱۹

ساراسن ها (Saracens) به بندر مدیترانه ناربونه (Narbonne) حمله ور شدند.

آسیای مرکزی ۱۰۲۳

سلطان محمود غزنوی پس از فتوحات شمال هند اینک توجه خود را به شمال معطوف داشته و سرزمین فرارود سیحون (Transoxiana) را اشغال کرد.

افریقای شمالی ۱۰۲۳

تارسینا (Tarsina) پادشاه زاناتا (Zanata) در منطقه یی واقع در کوهستانهای مرزی مراکش و الجزایر پس از زیارت مکه در نبرد کشته شد.

ایتالیا ۱۰۲۴

هانری دوم امپراتور در ۱۳ ژوئیه درگذشت. پس از مرگ وی نیروهای شورشی را در لومباردیا (Lombardy) شکست دادند.

هند ۱۰۲۴

سلطان غزنوی حمله وسیع و بزرگی را به معبد مقدس سومنات (Somnath) آغاز کرد و پس از کشتن حدود پنجاه هزار نفر، گنجینه یی از طلا و جواهر را با خود به غنیمت برد.

در این تابستان، ترس بی‌موردی سراسر ایالت را فرا گرفته است. بیش‌تر مردم این سخن را باور کرده بودند که در سالگرد هزاره‌ی مرگ عیسی مسیح، دنیا به آخر می‌رسد. این شایعه مانند صاعقه در تمام ایالت منتشر شد و مردم از ترس، به انبار کردن مواد خوراکی پرداختند و هنوز تابستان نشده و در هنگام بهار، قحطی مصنوعی ایجاد شد. انبوه مردم به کلیساها جهت ادای توبه هجوم بردند و با خدای خود آشتی کردند. و با قید سوگند از گناهان خود به انابه پرداختند. هزاران نفر از مردم به اماکن زیارتی شتافتند تا با زیارت این مکان‌ها گناهانشان بخشوده شود.

هراس مردم به این علت بود که حضرت مسیح در سال ۳۳، یعنی هزار سال قبل، به صلیب کشیده شده بود و اکنون سال ۱۰۳۳ و روز موعود است. در سال ۳۳ بود. که آن حادثه‌ی ناگوار به وقوع پیوست و بدبختی و ادبار به وجود آورد. اما قبر مقدس مسیح در سال ۱۰۰۹ به وسیله‌ی حکیم خلیفه فاطمی مصر ویران شد و این امر هم موجب اضطراب عموم مسیحیان گردید.

رادولف گلابر (Radulph Glaber)، یکی از زاهبان کلیسای بزرگ کلونی، جریان مشروح این شایعه را در یادداشت های خود آورده و وحشت و ترس مردم شهرها و دهات را در بهار امسال بیان کرده است. او می گوید: مردم بر این باورند که بیش‌تر قوانین طبیعت به هم خواهد خورد و انسان‌ها به علت ارتکاب گناه و برگشتن از اصالت دین مسیح، نابود خواهند شد و دنیا را به آشوب و بی‌نظمی خواهند کشاند و انتظام جهان از هم خواهد گسست. بدین ترتیب، نابودی، دنیا را فرا گرفته و سرانجام دنیا به آخر خواهد رسید.

رواج بت پرستی در قلب امپراتوری جدید برمه (برمه، ۱۰۵۰)

آناواراتا (Anawrahta) ، پادشاه جدید برمه، نظم و انضباط و قانون را با شدت و قدرت در برمه برقرار کرده است. او از پایتخت خود حالت بت پرستی و رعایت تشریفات آن را از ایالت مونز (Mons) تا شهر تاتون (Thaton) در کرانه‌ی اقیانوس هند برقرار کرده و از مردم خواسته که مراقب اعمال مذهبی خود باشند. آناواراتا با ترویج کفر و بت پرستی به سراسر سرزمین‌های یونان (Yunnan) ، آسام

(Assam) و ایالت شان (Shan)، به درآمد بازرگانی و تولید ثروت کشور یاری رسانده است. وی با تغییر روش کشاورزی و آبیاری زمین به ازدیاد محصول کمک کرده و در نیروی نظامی هم روش‌هایی ابداع نموده و با گمادرن چهار ژنرال سخت کوش در راس ارتش قدرت این نیرو را افزایش داده و نیز با به کارگیری فیل در جنگ ها، انقلابی در توان سپاهیان به وجود آورده است.

او با تغییر مذهب بودای به تراوادا (Theravada)، روح تازه‌یی در مردم پدید آورده و معبدی هم به نام شوه زیگون پاگودا (Shwezigon Pagoda) بنا کرده. وی تمام مذاهب چند خدایی را به جای پرستش پاگودا قبول نموده. آناوراتا چنین گفته است: ممکن است مردم پرستش خدایان را نپذیرند، ما به آن‌ها اجازه می‌دهیم که خدایان قدیمی خود را پرستش کنند، لیکن آینده نشان خواهد داد که ما برنده خواهیم شد.

شهر افریقایی که بر روی تپه ها بنا شده، به تجارت طلا می‌پردازد. (افریقای جنوبی، ۱۰۵۰)

مردمان شهر افریقایی لیمپوپو (Limpopo)، واقع در کرانه ی رودخانه‌ی افریقای جنوب شرقی، با اهالی ساکن ساحل اقیانوس هند، یک شبکه‌ی بازرگانی ایجاد کرده و در نتیجه ثروت منطقه افزون گشته است. این ثروت و خوشبختی که در ماپونگوبوه (Mapungubwe) و سایر این مناطق به دست آمد، مدیون داد و ستد و مبادله‌ی کالا در سراسر کرانه‌های اقیانوس هند است. این مردم که هر ساله، صدها نفر به جمعیت شان اضافه می‌شود، در کار کشاورزی از گاومیش و بز کوهی استفاده می کنند. در عین حال از همین حیوانات برای درو کردن محصولات و هم‌چنین حمل وسایل و کالا در راه‌های صعب العبور بهره می‌گیرند در صنایع دستی و زینتی هم در ساخت و پرداخت زینت آلات عاجی و مهره‌هایی از شیشه برای گردن بند بسیار تبحر دارند. آن‌ها از خلیج فارس به عنوان راه آبی برای صادرات سرامیک استفاده می‌کنند، به طوری که شهرهای آن‌ها گسترش یافته و از تمدن قابل ملاحظه‌یی برخوردارند.

پیمان نورمن‌ها و پاپ (ایتالیا، اوت ۱۰۵۹):

سرانجام نورمن‌ها (Norman) به توافق حیاتی با دشمن دیرین خود پاپ، دست یافتند. یکی از مبارزترین مردان میدان سیاست به نام روبرت ژیسکادر (Robert Guiscard)، با بستن پیمان و جلب موافقت پاپ نیکلاس دوم، که در منطقه‌ی ملفی (Melfi) صورت گرفت. ضربه‌ی بزرگی بر پاپ وادر ساخت. روبرت در شش سال پیش شکست سختی بر ارتش پاپ در ناحیه‌ی سیوی تیت (Civitate) وادر کرده بود، و این شکست باعث شد که پاپ به عنوان یک مرد سیاسی تن به صلح و اتحاد با نورمن‌ها بدهد. در این پیمان، روبرت متعهد شد که نسبت به پاپ و کلیسای کاتولیک وفادار بماند. در عوض پاپ هم او رابه عنوان دوک آپولیا (Apulia) و کالابریا (Calabria) که سابقا آن‌ها را تسخیر کرده بود به رسمیت بشناسد، هم‌چنین او را به عنوان دوک سیسیل که به تازگی از اعراب ساراسن (Saracens) آن را پس گرفته بود، معرفی کرد.

پاپ نیکلاس (Nicholas)، روبرت را در فشار گذاشت که به پیکار خود با بیزانتین ادامه داده و سپاهیان اعراب را که در سراسر مدیترانه مستقر بودند تار و مار کند و برای تلاش‌های وی در پیشبرد این اهداف تشکر کرد. او از این که یکی از دشمنان سابق خود را به دوست مبدل کرده، بسیار خوشحال بود. در ضمن، روبرت هم از این پس می‌تواند فشار را تشدید کند، بدون این که هراسی از عقب جبهه داشته باشد و نیروهای پاپ از پشت او را خنجر بزنند، بسیار راضی بود.

نورمن‌ها از اعقاب تجار وایکینگ بودند، همچنان تانکرد (Tancred) ،پدر روبرت، اهل هوت ویل (Hauteville) در ۵۰ سال قبل از ترک شبه جزیزه اسکاندیناوی به غارت سرزمین‌های فرانسه و ایتالیا پرداخته بودند. ویلیام دوک نورماندی بی‌شباهت به روبرت به ناحیه‌ی نورماندی آمد و ساکن آنجا شد و حکومتی تشکیل داد.

جنگجویان، قواعد نیزه بازی می‌آموزند. (اروپا، ۱۰۶۵):

سواره نظام دلیر و جنگجوی اروپایی، برای افزایش مهارت خود و تمرین جنگی با مجسمه‌هایی که در محل تمرینات خود درست کرده‌اند، به عنوان مردان جنگی به نیزه بازی می‌پردازند. مدت ها قبل تقریبا در سال‌های ۷۰۰، این سواران در شرق، نیاز به پیکار تن به تن داشتند که دو سواره به هم نیزه پرتاب می‌کردند، در حالی که سوارها پا در رکاب

کنستانتینوپول ۱۵ دسامبر ۱۰۲۵
بازیل دوم امپراتور روم شرقی برادر خود به نام کنستانتین هشتم را به معاونت برگزید.

ایران ۱۰۲۵
فردوسی (Ferdowsi) مولف و شاعر ایرانی شاهنامه (کتاب شاهان) در خراسان درگذشت، کتاب وی حاوی اشعاری از اساطیر قدیم و شاهان ایرانی از عصر افسانه ها تا دوره حمله اعراب بر ایران را شامل می‌شود.

سوریه ۱۰۲۷
صالح بن میرداس (Mirdas) فرماندار حلب (Aleppo) شهر ماراس (Marras) را تسخیر کرد.

رم ایستر (Easter) ۱۰۲۷
کنراد دوم در زمان حیات کانوت به عنوان پادشاه انگلیس و دانمارک تاجگذاری کرد و رودولف (Rudolf) سوم هم به عنوان پادشاه بورگوندی (Burgundy)صاحب تاج و تخت شد.

اسپانیا ۱۰۲۸
سانکوی (Sancho) سوم پادشاه مسیحی ناوار (Navarre) برکاستیل (Castile) همسایه خویش غلبه کرد.

افغانستان ۱۰۳۰
پس از مرگ محمود غزنوی سلطان مقتدر سلسله غزنویان، مسعود با کور کردن چشمهای برادرش محمد، پادشاهی را قبضه کرد. وسعت قلمرو سلطنتی آنان از سرزمینهای ایران تا دره رود گنگ (Ganges) را در بر می گرفت.

سوریه ۱۰۳۰
رومانوس سوم امپراتور رم شرقی که با دختر کنستانتین هشتم به نام زوئه (Zoe) ازدواج کرده بود به سرزمین سوریه هجوم برد.

اسپانیا ۱۰۳۱
بابر کناری آخرین خلیفه اموی به اسم هشام سوم به خلافت در کوردوبا (قرطبه) پایان داده شد.

فرانسه ۲ فوریه ۱۰۳۲
با مرگ رودولف سوم پادشاه بورگوندی که از خود فرزندی نداشت کنراد دوم مدعی سلطنت سرزمین بورگوندی شد که با موافقت سران قوم در سال ۱۰۲۷ پادشاه شد.

هندوستان ۱۰۳۵
راجاراجای (Rajaraja) کبیر که به مدت ۵۰ سال تمام رهبری سرزمین کولا (Chola) واقع در جنوب شبه جزیره هند را به عهده داشت درگذشت.

فرانسه ۴ ژوئن ۱۰۳۹
کنراد دوم پادشاه فرانسه که در سال ۱۰۲۴ جانشین هانری دوم شده و موسس سلسله پادشاهی سالیان (Salian) یا (فرانکونیان (Franconian) بود بدرود زندگی گفت.

داشتند، این موضوع اهمیت فوق العاده‌یی برای سواره نظام داشت.

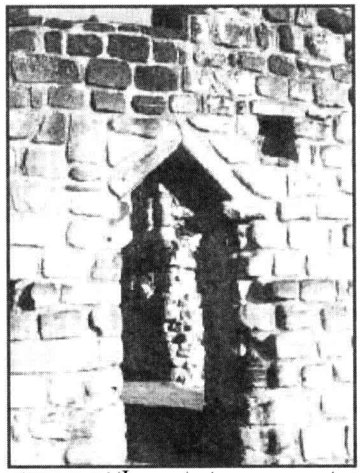
در هر صورت به نظر می‌رسد که تا این اواخر رکاب اسب برای سواره نظام اروپایی چندان مهم نبود، چون آن‌ها عادت داشتند که اسب را بدون رکاب سوار شوند،در حالی که اکنون پی برده اند به این که سواری که روی زین قرار گرفته، با نیزه ی سنگینی که در دست دارد، باید نقطه اتکایی داشته باشد که بتواند پا را بر روی آن قرار داده و با گرفتن سر نیزه در زیر بغل، آن را به سوی حریف پرتاب کند و این جریان اهمیت رکاب را ثابت کرده، علاوه بر آن، سواران بایستی مجهز به زره‌ی تمام بدن باشند که آن‌ها را از ضربات شمشیر و نیزه‌ی دشمن در امان دارد و این ممکن نیست، چون سواران ثروتمند و افراد متمول می توانند زره‌ی گران قیمت داشته باشند و تنها افراد وابسته به دربار شاهان و کارگزاران رسمی حکومت ها از این مزایا برخوردارند. برای تشکیل دسته سواره نظام یا به گفته‌ی نورمن‌ها شوالیه، برای حفظ آبرو و حیثیت خود و تجهیز سپاهیان و پیشرفت فنون نظامی از افراد متمول و اشرافی استفاده می‌کنند.

پادشاه انگلیس معاون و دستیار خود را تبعید کرد (بوشام (Bosham) ، انگلیس، ۱۰۵۱):

گودوین (Godwin) ، مشاور و دستیار پادشاه انگلیس که در ضمن ارل یا کنت منطقه وسکس بود و سال‌ها در دربار ادوارد به تنظیم امور کشوری می‌پرداخت و بار سنگین امور بر دوش او بود و در پیشرفت آن رُل مهمی داشت، در کمال بی‌رحمی به تبعید فرستاده شد.

پادشاه با دختر گودوین به نام ادگیث (Eadgyth) ازدواج کرده بود، لیکن این ازدواج بدون ثمر بود و از این زناشوئی فرزندی نتیجه نشد و شاه بدون وارث ماند و کسی نبود که جانشین او باشد و بتواند از املاک و دارایی او حراست کند. قدرت پادشاه زمانی رو به کاهش گذاشت که پسر بزرگ گودوین به نام اسوین (Swein) ، دست تجاوز به معتقدات راهبه لئومینستر (Leominster) زده و او را گمراه نمود و سپس عمه‌ی خود را به قتل رسانید.

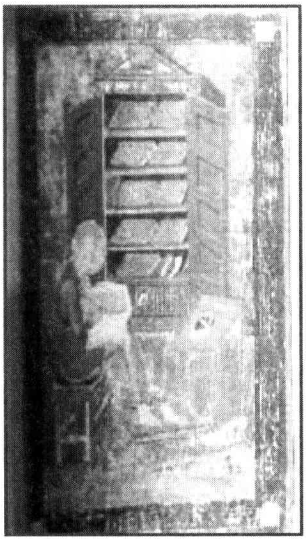
در سال گذشته، گودوین را به نقطه‌ی دوری فرستادند. کشیشان کلیسای مسیحی، گودوین سیاستمدار را به عنوان



راه ورودی معبد ژارو (Jarrow) که توسط بندیکت بیسکوپ (Bendict Biscop) تأسیس شده است.



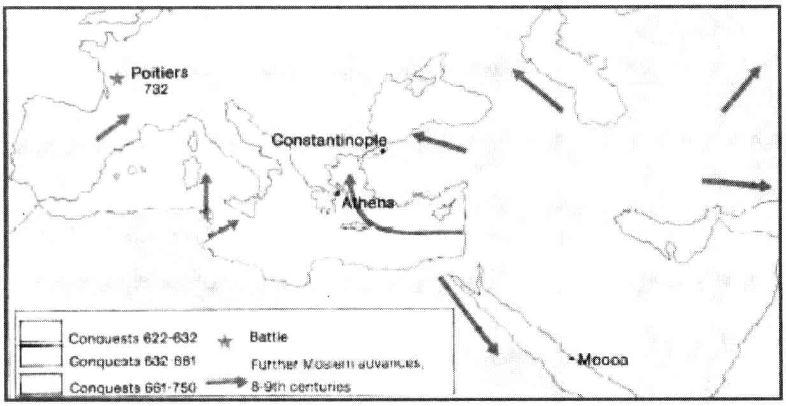
تصویر تمام رخ رستم (Roustem) آریایی یا خدای ابریشم که بر روی چوب ترسیم شده، نمونه‌یی است از طایفه‌ی دندن اویلیغ (Dandanoiliq) در ترکستان و نمونه‌ی اصیلی از هنر قوم مذکور



کتاب انجیل که توسط کشیشان ژارو تألف شده است.



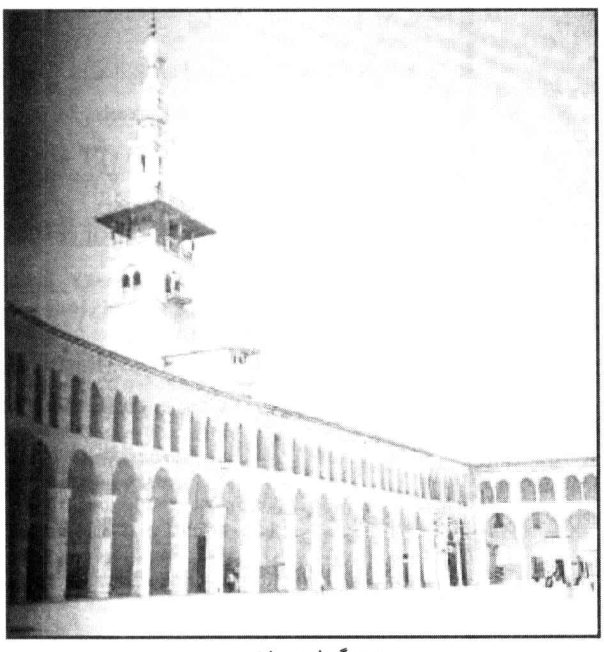
تصویری از راهب و دانشمند بزرگ بد (Bede) که در قرون اخیر ترسیم شده است.



نقشه‌ی توسعه قلمرو اسلام در این قرن که حداکثر متصرفات این دین می‌باشد.



آخرین تمثال شارل مارتل (Charles Martel).



مسجد بزرگ شهر دمشق

آسیای مرکزی ۱۰۴۰

ترکان سلجوقی (Seljuk) با یورش به سرزمین تحت تسلط غزنویان و شکست مسعود غزنوی، وی را وادار به عقب نشینی به غزنین کردند که از غصه مرد و برادرش محمد جانشین وی گشت.

ایتالیا ۱۰۴۰

گیدو آرتزو (Guido d' Arezzo) بزرگترین معلم موسیقی اروپا در سن پنجاه سالگی در گذشت.

افریقای شمالی ۱۰۴۲

عبدالله بن یاسین (Yasin) با خطبه های هیجان انگیز خود راجع به جهاد و جنگهای مقدس جان تازه‌یی در کالبد طوایف مسلمانان ال موراوید (Almoravid) صحرا دمید و آنانرا تشویق به حمله به مراکش کرد.

ایتالیا ۱۰۴۳

در ناحیه آپولیا (Apulia) قدرت سیاسی به برادران نورمن ویلیام (Norman William) (بازو آهنی) و دوروگوهات ویل (Drogo de Hauteville) تفویض شد.

رم ۱۰۴۴

بندیکت (Benedict) نهم که شخص هرزه و فاسدی بود و در سال ۱۰۳۲ به مقام پاپی برگزیده شده بود. بنا به خواسته پاپ سیلوستر سوم برکنار شد.

رم مه ۱۰۴۵

با وصف اینکه بندیکت نهم مقام پاپی را از دست داد ولی مقام خود را که در واقع یک نوع سلطنت محسوب می‌شود به گریگوری (Gregory) ششم فروخت.

روم ۱۰۴۶

هانری (Henry) سوم امپراتور روم با فشار بر پاپ گریگوری ششم توانست زمین‌های وقفی کلیساها را تصاحب کرده و سیلوستر سوم و بندیکت نهم را هم از مقام پاپی معزول کند.

ایران ۱۰۵۲

سلجوقیان شهر اصفهان را محاصره و تسخیر کردند.

ایتالیا ۲۳ ژوئن ۱۰۵۳

پاپ لئوی نهم با فراهم آوردن قوای نظامی قصد داشت نورمن ها را از ایتالیا اخراج کند. در نبردی که بین قوای طرفین درگرفت در منطقه سیویتات (Civitate) سپاهیان لئودچار شکست شدند و خودش هم دستگیر شد.

بریتانیا ۱۰۵۴

ارل سیوارد (Earl Siward) اهل نورتومبرلند (Northumberland) که فرماندهی لشگریان اسکاتلند را جهت پشتیبانی از مالکوم کان مور (Malcolm Canmore) که پدر وی به نام پادشاه دونکن (Duncan) بود را برعهده داشت توسط مکبث (Macbeth) ارل ناحیه مورای (Moray) به قتل رسید و به این ترتیب مکبث به سلطنت رسید. مکبث هم در دون سینان (Dunsinane) نزدیک پرت (Perth) دچار شکست شد.

اسقف کانتربوری برگزیدند. پادشاه انتخاب وی را تائید نکرد و روبرت نورمن را به جای وی تعیین کرد. این موضوع گودوین را بسیار خشمگین ساخت و حمله‌ی سختی را بر علیه نورمن‌ها ترتیب داد. گودوین و پسرانش، سپاهی گران را بر علیه شاه تجهیز کرده و در ناحیه‌ی، هیرفورد (Hereford) به جنگ اقدام کردند. از سوی دیگر شاه انگلیس هم با سایر ارل‌ها (کنت ها) هم دست شد.

با وجود تشکیل لشگریانی بی‌شمار که قصد پیکار با گودوین را داشتند، چون سپاهیان کلیسا قدرت مقابله با سپاهیان آزموده را نداشتند. گودوین از صحنه پیکار گریخت.

شکاف بین کلیساهای شرق و غرب، دنیای مسیحیت را تهدید می‌کند. (قسطنطنیه، ۱۶ ژوئن ۱۰۵۴):

کاردینال هامبرت (Cardinal Humbert) که به عنوان سفیر و فرستاده کلیساهای غربی اعزام شده بود، امروز پس از ورود به کلیسای بزرگ سنت سوفیا (کاتدرال) در محراب کلیسا قرار گرفت و با سخنان زشتی میشل سرولاریوس (Micheal Cerularius) سراسقف قسطنطنیه را مورد خطاب قرار داده و وی را تکفیر کرد. با سخنان وی هر گونه امیدی که مردم به این کنگره داشتند بر باد رفت و دشمنی و خصومت بین کلیساها هم چنان باقی ماند.

هامبرت از سوی پاپ ماموریت داشت که جهت بهبودی روابط کلیساها تلاش کند. در سال ۱۰۴۸ که پاپ لئوی نهم به این مقام رسید، آرزو می‌کرد که حداقل در ظاهر روابط کلیساها را در دنیای مسیحیت صمیمانه نشان دهد و همه‌ی آن‌ها را تحت کنترل خویش درآورد. پیرو همین عقیده و جاه طلبی، وی در نظر داشت که به کلیساهای بیزانتین تا اندازه یی استقلال بدهد تا بدین وسیله به نوعی آن‌ها را به اطاعت خود درآورد. وی هم‌چنین خبر داشت که کلیساهای شرقی به اتحاد بین پاپ و امپراتور آلمان اطمینانی ندارند.

مردم بیزانس پشتیبان میشل اسقف اعظم قسطنطنیه بودند و میشل از این حمایت لذت می‌برد، و در نتیجه مایل نبودند که زیر یوغ پاپ بروند و این جریان باعث شکاف و گسستگی روابط بین کلیساهای شرق و غرب بود.

این اختلافات هم تازگی نداشت و مدت ۴۰۰ سال دوام داشت، و رومیان هم این دوگانگی را ایجاد کرده بودند و مبنای آن هم حالت خدایی بود که به مسیح داده بودند و این عقیده را کلیسای شرق رد کرده بود. بر حسب امر و دستور کلیسای روم، کشیشان بایستی مجرد بمانند، در حالی که کلیسای روم شرقی به کشیشان اجازه زناشویی داده بود. بدین ترتیب، رفع اختلاف شرق و غرب به علت وجود عقاید ضد و نقیض، غیر ممکن به نظر می‌رسید و در حقیقت گره‌ی کوری بود که هیچ‌کس قادر به باز کردن آن نبود.

پیروزی‌های پادشاه اسپانیا، اعراب را از کشور می راند. (ایبریا، ۱۰۵۵):

پیشرفت عظیم فردیناند در جنگ با اعراب، بار دیگر مردم مسلمان اسپانیا را به مسیحیت سوق می‌دهد. فردیناند چهل ساله که مدت شش ماه است ناحیه‌ی کویمبرا (Coimbra) را تسخیر کرده و به خود عنوان پادشاه داده است، این بدان معنی است که فردیناند تمام سرزمین پرتغال و بخش جنوبی اسپانیا را تحت کنترل دارد و عنوان پادشاهی را به امپراتوری تغییر داده است.

جنگ‌هایی فردیناند سبب شد که سرزمین قدیمی، بار دیگر به زیر سلطه ی او در آید و قدرت امپراتوری به نواحی لئون سابق، گالیسیا (Galicia) ، کاستیل (Castile) و ریوخا (Rioja) گسترش یابد. او قادر نبود که تمام سرزمین اسپانیا را به یک باره فتح کند، بلکه ترجیح می داد که بخشی از آن‌ها خراج بپردازند تا تدریجا شهرهایی را که حصار و باروی مستحکم دارند با دستگاههای قلعه کوب و حصارشکن به تصرف درآورد. او به مسلمانان پیشنهاد کرد که اگر فورا تسلیم شوند، به آن‌ها اجازه‌ی اقامت در شهرهای مسکونی خواهد داد تا آن‌ها بتوانند به زندگانی معمولی خود ادامه دهند. اما اگر در زمان محاصره تسلیم شوند، اجازه‌ی اقامت به آن‌ها نخواهد داد و آنان بایستی شهر را ترک کنند لیکن اگر آن‌ها به خصومت و جنگ ادامه دهند، کشته شده و یا به بردگی گرفتار خواهند شد.

فردیناند هم‌چنین به مسلمانان گفت که وی سعی نخواهد کرد که آن‌ها دین خود را تغییر داده و مذهب عیسی را بپذیرند. اما همه باید بپذیرند که دین رسمی اسپانیا، مسیحی است و هم‌چنین سیاست و قوانین بایستی تحت نظر او باشد و نواحی فتح شده بایستی مقررات وضع شده را کاملا رعایت کنند.

شاعر زاهد کوری که به وجود نابینائی،شعر می سراید. (الماره (El-Marra) سوریه، ۱۰۵۶):

ابوالعلا معری (Abul' Ala al-Ma'arri) پس از نیم قرن عزلت و گوشه‌گیری، در سن ۷۷ سالگی بدرود زندگانی گفت. این شاعر در سن چهار سالگی به علت ابتلا به بیماری آبله کور شد و هیچ گاه زندگانی را بیهوده در راه پول صرف نکرد. او زندگانی بشر و طبیعت را پوچ تلقی می‌کرد و کوشش در راه به دست آوردن مال را بیهوده و عبث می شمرد. ابوالعلا معری پیرو فلسفه‌ی کلبی بود و عقیده داشت که بهتر بود در ازل حضرت آدم خلق نمی‌شد که از نسل او بشر به وجود آید و زمین را مسخر کرده و به خود ببالد. وی در دنیای تاریک و ظلمانی خود، سیزده هزار بیت به نام لزومیات (Luzumiyyat) در جهت رضای خداوند سروده که در تمامی اشعار خود، دنیا را سراسر دوستی و جنگ و پوچی و بیهودگی توصیف کرده است.

تونس را سراسر اغتشاش و بی‌نظمی فرا گرفته است. (تونس ۱۰۵۷):

المعز (al-Muizz) ، هنگامی که پس از شکست خود در نبرد با بانوهلیل (Banu Halil) عقب نشینی می‌کرد، تمام منطقه دچار اغتشاش و بی‌نظمی بود و ناحیه‌ی المهدیه را از همه طرف دشمنان احاطه کرده بودند. اعراب بدوی و چادر نشین در هفت سال قبل به پشتیبانی خلیفه‌ی مصر المستنصر (al-Mustansir) ، سراسر تونس را دچار آشوب کرده بودند و هر روز ناحیه‌یی را به بلوا می‌کشاندند.

بانوهلیل برای آن که قدرت و سیاست المعز را رو به اضمحلال نشان دهد، پیوسته در ایجاد بی‌نظمی کشور می‌کوشید تا اوضاع را هر چه بیش‌تر نابسامان جلوه دهد و هنگامی که ایلات عرب توانستند دو دخترالمعز را بربایند، این شورش به اوج خود رسید و تمام تونس یکپارچه آتش و طغیان شد و دولت او بر باد رفت.

ترکان با تسخیر بیزانتین، امپراتور را هم دستگیر کردند. (شرق ترکیه، ۲۶ اوت ۱۰۷۱):

روسیه ۱۰۵۴

یاروسلاو (Iaroslav) شاهزاده اهل کیف در شهر ویشگورود (Vyshgorod) در گذشت. وی در سال ۱۰۱۹ کیف را تصرف و اقوام پشنگ (Pechenegs) را به اطاعت درآورد،و قلمرو حکومت خود را تا ساحل دریای بالتیک (Baltic) توسعه داد.

کنستانتینوپول ژوئیه ۱۰۵۴

پدر روحانی شهر قسطنطنیه میشل سرولاریوس (Cerularius) که قبلا ارتباط بین بیزانس و پاپ را عهده دار بود خود باعث نفاق و کدورت بین کلیساهای شرق و غرب شد.

افریقای غربی ۱۰۵۵

شهرآوداگوست (Awdaghost) (در موریتانی) توسط موراویان (Almoravid) مورد حمله قرار گرفته و محاصره شد.

بغداد ۱۰۵۵

طغرل بیگ سلجوقی وارد بغداد شد وی به عنوان حامی خلیفه عباسی و آزادیخواه، نبرد برضد شیعیان را آغاز کرد. او خود یک سنی مذهبی متعصب بود. مذهب سنی دارای چهار شعبه است و طغرل سلجوقی خود به عنوان پادشاه کشور اسلامی در تحت لوای خلیفه، و مجری اوامروی بود.

آلمان ۵ اکتبر ۱۰۵۶

هانری سوم پادشاه آلمان در شهر پفالز بادفلد (Pfalz Bodfeld) در گذشت. در هنگام مرگ وی پسرش هانری چهارم تنها ۶ سال داشت. بدین مناسبت مادراو به نام آگنس پویتو (Agnes Poitou) سمت نایب السلطنه وی را عهده دار شد.

روم ۱۰۵۹

پاپ نیکلاس (Nicholas) دوم طی فرمانی اعلام کرد که حق انتخاب و انتصاب کاردینالها تنها منحصر به اوست و این حق قانونی را همواره اعمال خواهد کرد.

فرانسه ۱۰۶۰

هانری پادشاه فرانسه پسرش فیلیپ را به عنوان جانشین خود برگزید و نیروی محافظی تحت فرماندهی بالدوین (Baldwin) پنجم کنت فلاندر (Flanders) برای وی گماشت.

افریقای شمالی ۱۰۶۱

پس از پیروزی موراویان در مراکش و تسخیر شهر زاناتا (Zanata) یوسف بن تشفین (Tashfin) به عنوان پادشاه آن ناحیه تعیین شد.

مراکش- اسپانیا ۱۰۶۲

جانشین ابوبکربن یاسین شهر مراکش را بنیان نهاد و به اسپانیا حمله ور شد.

پرتغال ۹ ژوئن ۱۰۶۴

فردیناند (Ferdinand) پادشاه کاستیل (Castile) کویمبرا (Coimbra) را دستگیر کرد.

امروز پس از شکست ارتش بیزانتین به رهبری امپراتور رومانوس (Romanus) چهارم در منطقه‌ی مانزیکرت (Manzikert) واقع در شمال دریاچه ی وان (Lake Van) ، ترک‌ها با آرامش به شهر وارد شدند این نبرد نتیجه‌ی قطعی سال‌ها تنش بین ارامنه و مردم یونانی زبان آسیای صغیر بود که به نفوذ و رسوخ ترک‌های چادر نشین از منطقه‌ی شرق منجر شد.

به هر حال به نظر نمی‌رسید که این ترک‌های چادر نشین از مناطق دور دست و فواصل بعید بتوانند دولت بیزانتین را شکست دهند، لیکن این در واقع کیفری است که مناقشات آن‌ها را پاداش می‌دهد و نشانه‌ی آن است که شرق قادر است بنیان حکومت بیزانتین را بر باد دهد.

در اواخر همین سال، امپراتور مصمم شد که با تشکیل ارتشی قدرتمند، ترک‌ها را از منطقه بیرون براند، لیکن ترک‌ها با درخواست کمک از آلب ارسلان پادشاه سلجوقی، او را وادار کردند که خود شخصا در راس سپاهیانش به آسیای صغیر بیاید. در این هنگام ارتش بیزانتین گرفتار زد و خورد و نزاع داخلی بود و بی‌نظمی همه جا را فرا گرفته بود. خانواده‌ی دوکاس (Dukas) و هوادران آن‌ها هم که مخالف سیاست رومانوس چهارم امپراتور بودند، پیش از آغاز جنگ، او را ترک کرده بودند.

امپراتور جدید، مانع پیشرفت سیاست خاندان فوجی وارا می باشند. (ژاپن ، ۱۰۶۸):

خاندان فوجی وارا (Fuji Wara) که مسلط بر سیاست و اداره‌ی کشور بودند، توسط امپراتور سانجوی (Sanjo) دوم پراکنده می‌شوند، در حالی که آنان معتقدند که مادر امپراتور از خانواده‌ی فوجی وارا نیست و خون امپراتور از خاندان سلطنت نمی‌باشد. مدت بیش از یک قرن است که این خاندان به طور غیر مستقیم کنترل ژاپن را در دست دارند. اخیرا یعنی در سال ۱۰۶۲، فامیل فوجی وارا برای این که اقتدار خود را به میناموتو (Minamoto) نشان دهند، اقدام به تشکیل ارتشی به نام (چنگ و دندان) کرده و پیروزی‌هایی هم به دست آورده اند. در نبردی که مدت ۹ سال به درازا کشید، میناموتو توانست شورش خاندان آبه (Abe) را سرکوب کند و تمام استحکامات و پناهگاه‌های آنان در ساحل رود کوریاگاوا (Kuriyagawa) در شمال

ایالت موتسو (Mutsu) را ویران کرد. این عملیات به دستور دربار ژاپن انجام شد.

طوایف آبه با ایجاد وحشت، دفاع جانانه یی کردند و تنها در هنگامی که ژنرال اعزامی میناموتو به نام یوشی‌یی (Yoshiiye)، فرزند رهبر خاندان یوری یوشی (Yoriyoshi) ، با برگرداندن مسیر آب رودخانه و آتش زدن پل چوبی آن اقدام کرد، دست از مقاومت برداشتند. میناموتو با به وجود آوردن جنگی وحشت زا توانست سیاست خود را به پیش برد. لیکن آن چنان که آنان انتظار داشتند قدرت آن‌ها دیری نپائید.

اوامر پاپ باعث انحراف قدرت شاهزادگان می‌شود. (روم، آوریل ۱۰۷۵):

پاپ گریگوری هفتم، فرمانی در ۲۷ ماده ی کوتاه، برای حفظ خود، به تمام شاهزادگان و شاهان اروپایی ابلاغ کرد که همه باید از این فرامین پیروی کنند، این فرمان که به اختصار گفته‌های پاپ نام داشت، آخرین اتمام حجت ها به سران کشور ها بود.

در متن فرمان چنین آمده : امپراتور تنها به اجازه‌ی پاپ می‌تواند در راس قدرت قرار گیرد و عزل وی هم در حیطه‌ی قدرت پاپ است، تنها پاپ حق قضاوت و داوری دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند داوری و در این امر دخالت کند. سران کشورها باید همواره از پاپ اطاعت کنند.

گرچه پاپ گریگوری مدت دو سال است این مقام را اشغال کرده، لیکن سرو صدایی که او برپا کرده، در سی سال اخیر بی‌سابقه است. او در منطقه‌ی توسکانی (Tuscany) متولد شده که آن محل را هیلدبراند (Hildebrand) می نامند. او پس از مدتی راهب کلیسای بزرگ کلونی شد. در سال ۱۰۴۶، توسط پاپ گریگوری ششم به تبعیدگاه روانه شد و تمام پاپ های پس از گریگوری ششم بدین امر صحه گذاشتند. به نظر می‌رسد گریگوری نخستین مقام در دستگاه روحانیت است که به خود اجازه می‌دهد در سیاست و قانون گزاری دخالت کند. او فرمان تجرد کشیشان را که قبلا اعلام شده بود، تجدید کرد و مقام کشیشی را به معرض فروش گذاشت. گریگوری با انجام این اقدامات، نزاع بین دستگاه روحانیت و امپراتور آلمان را تجدید کرد و عهد نامه را آتش زد و بدین وسیله تشکیلات سابق را دگرگون ساخت.

شاه با پای برهنه به حضور پاپ رسیده و به او تعظیم می‌کند. (ایتالیا، ۲۸ ژانویه ۱۰۷۷):

هانری چهارم، پادشاه آلمان، سرانجام در مقابل قدرت پاپ سرتعظیم فرود آورد. سه روز پیش، وی با پای برهنه در روی برف در حالی که یک گونی به عنوان لباس بر تن داشت، در مقابل دروازه‌ی کانوزا (Canossa) در منطقه‌ی آلپ حاضر شد. پاپ هم سرانجام توبه‌ی او را پذیرفت و حکم تکفیر وی را که در سال پیش به او داده بود، پس گرفت. با انجام این عمل، تلاش‌هایی در جهت دوستی بین این دو مرد صورت گرفت. هانری دیگر از اجرای اطاعت اسقف‌ها از خود چشم پوشی کرد و دیگر در کار کلیسا دخالت نمی‌کرد.

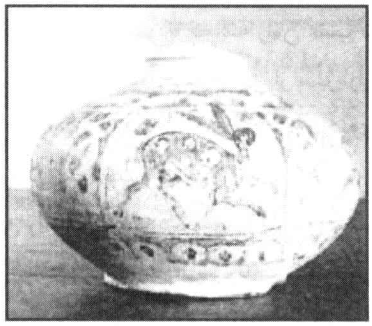
گریگوری هم در عوض پیمان دوستی و اتحاد با شاه آلمان امضا کرد به انجام تعهدات خود پایبند بود. این عمل در واقع پوزش خواهی از نجبا و اشراف آلمان بود که برضد او طغیان کرده بودند و بدین وسیله‌ی عدم رضایت خود را از ساکسون‌ها اعلام کردند. به هر حال آن‌ها بودند که هانری را به اطاعت و تسلیم در مقابل پاپ واداشتند.

امپراتور جدید از هر سو با دشمن مواجه است. (قسطنطنیه، ۱۰۸۱):

آلکسیوس کامنه ئوس (Alexius Comneus) به مقام امپراتوری رم شرقی برگزیده شد. او در دام گرفتاری‌هاست و از هر سو به وسیله‌ی دشمنان احاطه شده. از یک سو، ترکان سلجوقی تا توروس (Taurus) رسیده اند، از سوی دیگر، صرب ها به همراهی طوایف چادرنشین پاتزیناک (Patzinak) در سراسر کرانه‌های دانوب و بلغارستان دست به اغتشاش زده و منطقه را تهدید کرده‌اند. لیکن مهم ترین و جدی ترین گرفتاری حکومت بیزانتین، حملات روبرت، فرمانروای نورمن‌ها به کشور است. امپراتور هم مایل است خود همانند یک سرباز در راه میهن بجنگد و مثل یک سیاستمدار در صحنه‌ی کشور ظاهر شود.

چادرنشینان با هجوم به کشور غنا، آنجا را در نوردیده و به اسپانیا رسیدند. (غنا، ۱۰۷۷):

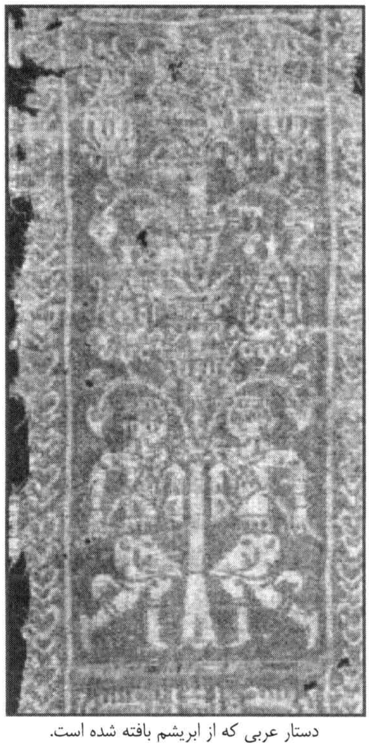
هزاران نفر از طوایف چادرنشین صحرای افریقا، در هجوم به سرزمین غنا، آنجا را از وجود مدافعان پاک کرده و



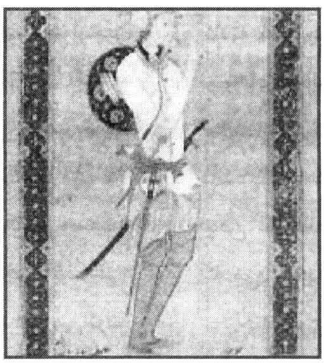
کوزه‌ی چینی ساخت اعراب ساکن اسپانیا.



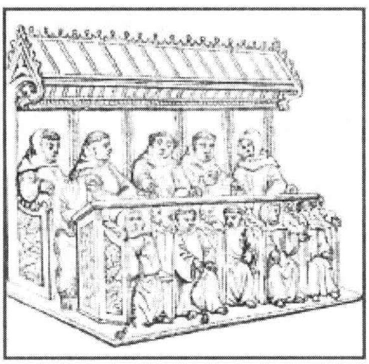
شارل پادشاه فرانسه که نظام امپراتوری را در اروپای غربی بنیان نهاد.



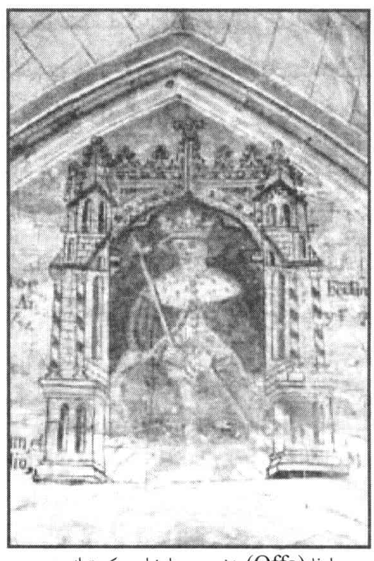
دستار عربی که از ابریشم بافته شده است.



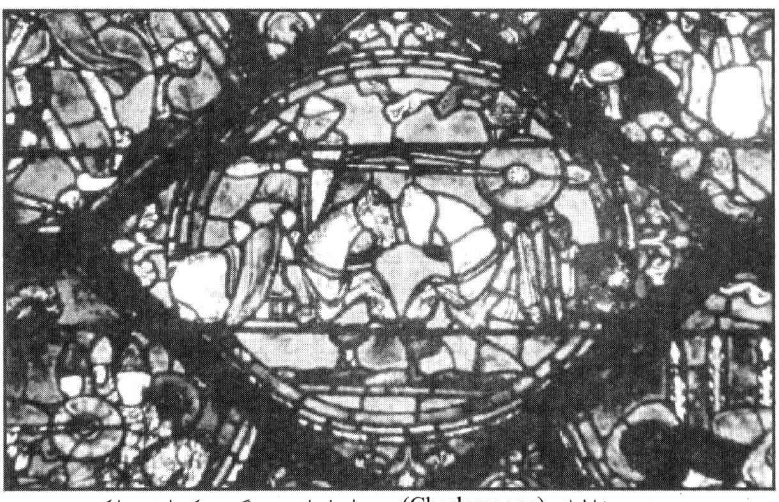
تصویر خلیفه‌ی هارون الرشید.



راهبانی که مسلک خود را تغییر داده‌اند.



اوفا (Offa)، نخستین پادشاهی که توانست
تاج پادشاهی ولز (Welsh) را حفظ کند.



تصویر شارلمانی (Charlemagne) به عنوان فرمانده‌ی جنگ در یکی از نبردها که
به وسیله‌ی رونالد (Ronald) نقاش فرانسوی در سده‌های معاصر ترسیم شده است.

ثروتمندترین منطقه‌ی افریقـای غربـی را غـارت کردنـد. در بیست سال پیش، با حکم جهادعبدالله بن یسیم (Yasim)، الموراوید با متحـد کـردن تمـام قبایـل صحرانـشین غربـی، سپاهیانی مرکب از سی هزار سرباز دلیر فـراهم کـرده و بـه مراکش یورش برد.

بار اول این سپاهیان با گذر از تنگه‌ی جبـل الطـارق بـه اسپانیا رسیدند و بار دوم هم موراوید همـراه لـشگریان خـود پس از عبور از صحرای افریقا و حمله به غنا، معادن طـلای آن را تصاحب کردند، به طوری که موراوید از تمام سـلاطین محلی ثروتمندتر شده تاجائی که همه‌ی آن‌ها بـا هـم عهـد کردند که برای سقوط او بکوشند، چون موراوید موفق شد، از سرزمین نیجر تا منطقه‌ی ابرو (Ebro) دراسپانیا را به یـک امپراتوری مبدل کند.

ویلیام، سرزمین انگلیس را در منطقه‌ی هاستینگز (Hastings)به پیروزی رسـانید. (هاسـتینگز، ۱۴ اکتبر ۱۰۶۶):

ویلیام دوک ، نورماندی، سپاهیانی بالغ بر هفت هزار نفر کـه مرکـب از فرانـسوی هـا، اهـالی برتـون (Breton) و سربازان مزدور بودند، تشکیل داده و بر لشگریان رقیب خود، هارولد (Harold) پادشاه ویندسـویت (Windswept) در ساسکس، هجوم برده و روز گذشته به پیروزی کامل رسـید. نورمن‌ها مدعی هستند که سلطنت بر انگلیس حـق شـرعی ویلیام است و هارولد می بایستی آن را به وی تسلیم می‌کرد.

این نبرد تلاشی است بـین دو گـروه مخـالف بـر ضـد یکدیگر. از یک سو تیراندازان نورمن فرانـسوی بـا سـربازان پیاده‌ی انگلیسی که با تبر و نیزه می جنگند، هنـوز مـدتی از روز باقی مانده و به نظر می‌رسد سربازان انگلیسی بـه نقـاط روز باقی مانده و به نظر می‌رسد سربازان انگلیسی بـه نقـاط مرتفع رسیده اند، آنان توانسته اند به جنگ در روی تپه های واقع در ۱۲ کیلـومتری داخـل سـرزمین‌هـای طـرف مقابـل دسترسی پیدا کرده و در روی ارتفاعات آنجا با سـپاهی تـازه نفس تمام منطقه را اشغال کنند. در پیشاپیش سپاهیان، گروه های تیرانداز ویلیام و در پشت آنان، افراد پیاده نظام همچنان به پیش می روند. در قسمت سربالایی تپه ها، موج انسان‌هـا حلقه وار در حالی که تپه را دور می زنند، نمایان است. ویلیام در حالی که بر اسب خـود سـوار اسـت، حرکـت سـربازان را کنترل می‌کند. وی به حدی راه پیموده که سه راس اسب در زیر پای او به هلاکت رسیده است. گـروه‌هـایی از سـربازان فرانسوی، وحشت زاده از میدان نبرد می‌گریزنـد و صـحنه‌ی جنگ از جنگجویان خالی می‌شود. ویلیـام نیـزه بـه دسـت و کلاه خود بر سر، آنان را به مقاومت دعـوت مـی‌کنـد و بـه میـدان جنـگ مـی‌خوانـد. بـسیاری از سـربازان انگلیـسی غرغرکنان در فکر آزادی خود هستند که به نوعی از صـحنه دور باشند، لیکن دسته هـای سـواره نظـام در تعقیـب آن‌هـا هستند که میدان را خـالی نکننـد. اکنـون لحظـات پیـروزی قطعی فرا رسیده است. گروه های فرانسوی دچار پراکنـدگی هستند، در حالی که فرماندهان انگلیسی، سربازان را به صف می‌کنند و آنان را تشویق می‌کنند کـه بـه ایـن گـروه هـای پراکنده حمله کرده و آنان را از پای درآورند. با وجود این که صحنه‌ی جنگ التهاب آمیز است، فرماندهان انگلیسی هدف ها را تعیین می‌کنند. دو برادر هارولد در اثر اصابت تیر و نیزه کشته شدند، خود هارولد هم بـا وجـود از دسـت دادن یـک چشم خود، مردانه در حال نبرد است. پس از این کـه او هـم کشته شد، جنازه ی او دیگر قابل تشخیص نبود. شامگاهان، نیروهای فرانسوی در حالی که چند نفری از آنان زنده مانـده بودند، به نبرد ادامه می دادند. این چند نفری هـم کـه زنـده مانده بودند، در حالی که یقین داشـتند کـشته خواهنـد شـد، لیکن عاشقانه در راه وطن جانبازی می‌کردند و آرزو داشـتند که میهن خود را پاینده نگه دارند.

چند نفری از سواره نظام باقی مانده به سـوی سـرازیری تپه و گودال‌های آب رو رفتند، لیکن این مـسیر بـرای سـوار خطرناک بود، ویلیام هم در حالی که نیزه اش شکسته شـده بود، به سربازانش فرمان می داد که به ایـن مـردان درمانـده یورش برند. ایـن نبـرد از بـسیاری از پرسش‌هـایی کـه در انگلیس بین مردم رواج داشت، ممانعت کـرد. چـرا ادوارد در بستر مرگ پسر برادر خود را از ارث محروم کرد؟ چرا هارولد در سه هفته‌ی پیش با عجلـه و بـدون ایـن کـه سـربازانش تجدیـد قـوا کننـد. در منطقـه‌ی یـورک بـه نبـرد هـاردرادا (Hardrada)، پادشاه نـروژ، در اسـتامفورد (Stamford) رفت تا او را شکست دهد؟

تیراندازی به سوی شاه، به ایجاد جنگ منجر شد. (ژاپن، ۱۰۸۳):

اسپانیا ۱۰۶۵
فردیناند در هنگام هجوم به پادشاه والنسیا (Valencia) در پاترنا (Paterna) به شدت بیمار شد و در گذشت. حاکم نشین وی هم پس از مرگش میان سه پسرش تقسیم شد.

انگلستان ۱۴ اکتبر ۱۰۶۶
ویلیام اهل نورماندی (Normandy) شاه هارولد (Harold) را در هاستینگز (Hastings) شکست داد و پادشاه انگلستان شد.

چین ۱۰۶۷
وانگ آن شین (Wang An-shin) شاعر چینی جنگ را مانع توسعه می‌داند زیرا منجربه خرابی و ویرانی کشور و مرگ سپاهیان می‌شود.

آسیای صغیر (آناتولی) ۱۰۶۷
ترکان سلجوقی شهر قیصریه واقع در کاپادوکیه (Cappadocia) را به تصرف درآورند.

انگلستان ۱۰۷۰
سپاهیان دانمارکی که در سال ۱۰۶۹ برضد انگلستان اعزام شده بودند بادریافت رشوه پراکنده شدند. آنان که قرار بود بر علیه ویلیام شاه، داخل نبرد شوند با راهنمائی‌های غلط هیروارد (Hereward) در مرداب‌ها سرنگون شده و از بین رفتند.

فرانسه ۱۰۷۱
با مرگ بالدوین ششم کنت فلاندر در سال گذشته، باب ستیزه و جنگ گشوده شد. بیوه بالدوین (ریشیلدا- Richilda) که به خاطر فرزندش اداره امور را در دست داشت برضد روبرت اهل فریزیان (Frisian) مشغول اقداماتی شد. روبرت قشوق ریشیلدا را در ناحیه کاسل (Cassel) شکست داد و خود به مقام کنت آن ناحیه از سوی فیلیپ منصوب گردید.

ایتالیا ۱۶ آوریل ۱۰۷۱
نورمن روبرت ژیسکارد (Norman Robert Guiscard)، شهربازی (Bari) را پس از سه سال محاصره تصرف کرد و بدین ترتیب فرمانروائی بیزانتین بر این شهر پس از مدت پنج سده به پایان رسید.

آسیای صغیر ۱۰۷۱
نیروهای سلجوقی رومانوس دیوژنس (Romanus Diogenes) چهارم امپراتور بیزانس را در منطقه منزیکرت (Manzikert) شکست دادند. در این جنگ رومانوس دستگیر شد و سلجوقیان میشل هفتم ناپسری وی را به جای او گماردند. رومانوس از زندان دشمن فرار کرد و به وطن خود بازگشت و میشل را تشویق کرد که هر چه زودتر قدرت را دوباره به چنگ آورد. لیکن با همه تلاشهائی که در این راه به کار برد پس از چندی درگذشت.

سیسیل ۱۰ ژانویه ۱۰۷۲
روبرت ژیسکارد و برادرش راجر (Roger)، پالرمو (Parlemo) مرکز سیسیل را تصرف کردند.

یوشی‌یی (Yoshiiye)، یکی از فرماندهان جنگجوی خاندان میناموتو در نبردی که در ۹ سال پیش روی داده بود و او هم توانسته بود با مهمیز زدن به اسب خود از معرکه فرا کند، سبب تسریع جنگ و ایجاد شورش در قبیله‌ی آبه گردید و این شورش مدت بیست سال به درازا کشید.

در این هنگام، دشمنان خانواده‌ی کیووارا (Kiyowara) با هم متحد شده و بر ضد قبایل آبه وارد جنگ شدند. این پاداشی بود که امپراتور به کیووارا اعطا کرد، لیکن سال‌ها بود که امپراتور او را مورد عنایت قرار نداده و او را از مقام استانداری ایالت ماتسو (Matsu) برکنار کرده بود، چون این ایالت در تب و تاب شورش گرفتار بود.

به هر جهت، امپراتور قصد داشت بر ضد آنان اقدام کند، لیکن زیاد مایل نبود در درگیری و نزاع خانوادگی آن‌ها خود را گرفتار کند، چون جنگ بین آنان گسترش می یافت و این به صلاح کشور نبود.

بنابراین یوشی‌یی چون به فرمانداری ایالت ماتسو برگزیده شد، در صدد برآمد که در ایالات شمالی کشور صلح ایجاد کند. احراز این پست یوشی‌یی، باعث حفظ آبرو و حیثیت اقتدار ارتش و خانواده‌ی جنگجویان گردید، هر چند که وی با دوری از مرکز قدرت نمی توانست در تصمیم های سیاسی و جنگی بر علیه کیووارا شرکت داشته باشد. نخستین اقدام وی آن بود که بین طرفین حالت متارکه موقتی از جنگ ایجاد کند و در جهت پیشبرد این هدف وی خود را نماینده و رهبر معرفی کرد. با تمام این اوصاف، چون کیووارا آتشین مزاج و تندخو و همواره آماده‌ی کشیدن شمشیر از نیام بود، یوشی‌یی ناچار با نیروی نظامی خود برای رفع غائله طرفین اقدام کرد.

تاریخ حماسی چین، با تبعید شاعر در چین، کامل گردید. (چین، ۱۰۸۳):

سیاستمدار و دانشمند، سیماگوآنگ (Sima Guang)، سرانجام تاریخ حماسی چین را به پایان رساند. این کتاب به نام آینه‌ی تمام نمائی برای کمک به فرمانروایان می‌باشد و حاوی مدت ۱۷ سال زمامداری یینگ زونگ (Ying Zong) امپراتور است و سراسر آن حوادثی است که امپراتور و وزرایش به وجود آوردند و موفق به پیشرفت کشور شدند.

سیما گوآنگ برای تالیف این کتاب ناچار بود که از سیاستمداران درباری و افرادی که در ایجاد حوادث کوچک دخالت داشتند، کمک بگیرد و بدون یاری آنان انجام این امر محال می نمود. چون رویدادها برپایه‌ی آن قرار گرفته بود.

نکته‌ی طنزآمیزی قضیه در آن است که سیما پیش از انجام این کار سترگ، به تبعید فرستاده شد، چون گفته شد او در کار سیاست مداخله کرده است. محافظه کاران توانستند با روی آمدن وانگ آن شی (Wang Anshi) پاداش او را با این عمل خود بدهند و علاوه بر آن، کتابخانه‌ی وی را هم مصادره کردند. در نتیجه سیاستمداران تنبل و بیکاره با این افکار خود برگ دیگری به تاریخ افزودند.

کتاب روزشمار نشان می‌دهد که فتوحات ویلیام در تاریخ انگلیس، سرآمد دیگران است. (انگلستان ، ۱۰۸۶):

تمام حیوانات، اعم از اسب، گاو، خوک و مرغ، به دستور ویلیام پادشاه انگلیس، مورد بررسی و شمارش قرار می‌گیرد و جزو ثروت رسمی کشور به حساب می‌آید. همچنین تمام موجودات زنده از قبیل انسان‌ها و حیوانات اهلی در کشور سرشماری و جزو آمار درمی‌آید. این سرشماری باید در مدت دو سال انجام شود.

نتیجه‌ی این سرشماری عمومی که هردو سال یکبار انجام می‌شود، در کتابی به نام گاهشمار یادداشت می گردد. این گونه سرشماری به جهت این است که رعایا و ساکنان دهات که صدها مورد به ماموران دولتی دروغ گفته و آنان را اغفال می‌کنند روی ندهد و در نتیجه از زیر بار مالیات شاخه خالی نکنند. برای جلوگیری از هر گونه تقلب و نیرنگ، دو نفر ناظر دولتی در هر استان حضور دارند که به دقت آمار را بررسی و واقعیت آن را به مرکز گزارش می دهند، بدین ترتیب میزان ثروت افراد در کشور محاسبه می‌شود.

به رغم پیروزی‌هایی که انگلیس در جنگ‌های هاستینگز به دست آورده، ویلیام هنوز قدرت خود را در کشور جا نینداخته و شاید قدرت واقعی او دست زمین داران بزرگ است و این ثروتمندان بومی منطقه نورماندی هستند که نبض کشور را دردست دارند و بایستی این سیستم عوض شده و از اقتدار آن‌ها کاسته شود.

این چنین برآورد و نقشه برداری از زمین ها به او اجازه داد که به دو هدف برسد؛ یکی این که اجاره داران و مالکان زمین‌های بزرگ بایستی تمام مالیات مشموله را بپردازند و دیگر این که میزان تمول و ثروت آن‌ها محاسبه شود و براساس آن در تقسیم قدرت کشور شرکت کنند.

هنر جدید، موجودات عجیب و افسانه یی را ترجیح می‌دهد. (اروپا، ۱۰۶۰-۱۱۰۰):

سبک جدیدی در معماری اروپا پدید آمده و جایگزین سبک رومی سابق شده.

در این روش، تاق شبستان قوسی است و این قوس ها محوطه‌ی شبستان یا قسمت وسیع کلیسا را به چند بخش تقسیم می‌کند که در هر قسمت یک قوس بنا شده که از دیگری مجزا است و در ضمن ستون‌هایی این قسمت ها را از هم جدا می‌کند. نیمی از دیواره‌ی هر ستون، صاف بنا شده و هر ستون هم با یک سرستون تزئین شده و این سرستون‌ها بزرگتر از نوع رومی آن نیست.

تعدادی از کلیساهای خیلی بزرگ با این سبک در ناحیه‌ی ریمس (Rheims) و نیز کلیسای بسیار بزرگ فرقه‌ی بندیکت در کلونی هم به همین سبک بنا شده که به نظر می‌رسد این کلیسا، بزرگ‌ترین صومعه دنیای مسیحیت باشد، گرچه کاتدرالی هم که به امر هانری چهارم پادشاه آلمان در منطقه‌ی اسپیر (Speyer) ساخته شده، یکی از از بزرگ‌ترین آن‌هاست که ارتفاع سقف آن از صحن به ۳۴ متر می‌رسد.

دوک نورماندی هم شکاهکاری به نام سنت اتی ین (St Etienne) در شهر کائن به وجود آورده است. یکی دیگر از کلیساهای معتبر، کلیسایی است که مشهور به خانم ما (Our Lady) می‌باشد که این ملکه در کوه سنت میشل (St michel) ساخته و زیارتگاه اهالی بومی است. از این قبیل کلیساها که به این سبک بناد گردیده، صومعه‌یی است در سانتیاگودو کومپوستلا (Santiago de Compostela) در کشور اسپانیا.

در انگلستان هم چند کلیسا در نواحی ونیچستر، نوریچ (Norwich) و دورهام (Durham) به سبک رم قدیم بنا شده است.

اسپانیا ۱۰۷۲

آلفونسوی (Alfonso) ششم پس از کشتن برادرش سانکو (Sancho) به پادشاهی لئون و کاستیل دست یافت. آلفونسو پس از مرگ پدرش فردیناند در سال ۱۰۶۵ به پادشاهی لئون رسید لیکن آنرا به برادرش سانکو بخشید. (سانکو حکومت کاستیل را داشت) اما پس از چندی پشیمان شد.

ایتالیا ۱۰۷۳

روبرت ژیسکارد، آمالفی (Amalfi) را از گیزولف (Gisulf) دوم شاهزاده سالرنو (Salerno) به عنوان غرامت جنگی گرفت. ژیسکارد می‌خواست برای امنیت راههای دریائی بازرگانی آنجا را در دست داشته باشد. چون پاپ هم دیوانه و مهجور شده بود.

روم مارس ۱۰۷۵

پاپ گریگوری هفتم اعلام کرد که اسقف شهر روم دارای مقامی مافوق سلطنت می‌باشد.

افریقای غربی ۱۰۷۷

چادرنشینان موراوید حاکم نشین غنا را تصرف کردند.

ایتالیا ۱۰۷۷

هانری چهارم امپراتور که در گذشته ارتباطاتی با پاپ گریگوری هفتم داشت خود را در کانوسا (Canossa) تسلیم پاپ کرد.

رم ۱۰۸۳

پس از مدت دو سال که هانری چهارم امپراتور، شهر رم را در محاصره داشت سرانجام توانست بر قسمتی از شهر دست یابد.

رم ۱۰۸۴

هانری پس از تقسیم کردن منطقه آلمان با حریف خود دوباره نظرش معطوف به رم شد. در حالیکه رم منطقه تحت نفوذ پاپ گریگوری هفتم قرار داشت، او به قلعه سن آنجلو (Sant Angelo) که بوسیله نورمن روبرت ژیسکارد فتح شده بود پناه برد. هانری در بازگشت به سلطنت حالت خصومتی با پاپ کلمنت (Clement) سوم پیدا کرده بود.

آمریکای شمالی ۱۰۸۵

تمدن و فرهنگ اسکیموهای (Eskimo) قطب (اسکیموهای آخر دنیا) به سراسر آمریکای شمالی و منطقه قطبی و دورترین نقاط گروئنلند و سیبری (Siberia) گسترش یافت. این اسکیموها باعث مهارت و پیشرفت فنون و محرک خوبی برای اعمال برجسته در مناطق سردسیر قطب شمال شدند. آنها همچنین قایقهای بزرگ (Kayaks) می ساختند و از سگ برای کشش سورتمه (Umiaks) در مناطق یخبندان بهره می‌بردند و در سراسر مناطق قاره شمال به شکار بالن می‌پرداختند.

اسپانیا ۲۵ مه ۱۰۸۵

آلفونسوی ششم اهل لئون تولدو (Toledo) را که پایتخت قدیمی ویزیگوتهای (Visigoth) اسپانیائی و بزرگترین شهری که دین مسیحیت در آنجا رشد کرده بود را تصرف کرد. آلفونسو که ملقب به پادشاه تولدو شده بود حال باید ویرانیهائی را که مسلمین سالها بر آن وارد کرده بودند ترمیم کند و چون این شهر مرکز رسوخ مذاهب مختلف بود از نظر استراتژیک بسیار قابل توجه می نمود.

صومعه‌یی که در منطقه‌ی دورهام هست، شبیه خوشه‌ی انگور است که در صحن آن یک در میان ستون بندی شده وروی ستون‌ها هم خطوطی شکسته حک شده است. بر روی ستون‌ها و اطراف تاق های قوسی هم خطوطی به زبان نورمان‌ها و اشکالی به صورت اشباحی، هم چون دیو، اژدها، و شکل‌های عجیب و غریب، مثل انسانی با سر اسب، اژدهای بال دار، ترکیبی از بدن مار و سر انسان و حتی افرادی هرزه و مست در این حکاکی‌ها به چشم می‌خورد. همین طور در زیرزمین و سردابه کلیسای کانتربوری، تصاویری از بز و شیاطینی مونث دیده می‌شود.

شهر روم پس از استمداد پاپ از نورمن‌ها، به وضع فجیعی دچار شده. (رم، ۱۰۸۴):

سراسر خیابان‌های شهر رم از اجساد گندیده‌ی انسان‌ها انباشته شده و بوی عفونت لاشه‌ها همه جا را فرا گرفته، این شهر که بزرگ‌ترین شهر جهان به شمار می‌آید، در اثر قتل عامی که سپاهیان نورمن به فرماندهی روبرت ژیسکارد (Robert Guiscard) ایجاد کرده‌اند، به این وضع شوم دچار شده است.

پاپ گریگوری، تنفرانگیزترین مردان رمی است، زیرا این پاپ بود که با دعوت از نورمن‌ها، جهت پشتیبانی از وی در مقابل هانری چهارم پادشاه آلمان، شهر را به این فلاکت کشانید، نورمن‌ها با تخریب و آتش زدن شهر و کشتار مردم، در حقیقت به کمک پاپ آمدند.

ژیسکارد، پسر یکی از مالکان دست پایین نورمن‌ها بود که هم چون تازیانه یی بر سر شهر کالابریا فرود آمد و پس از اشغال مناطقی از جنوب ایتالیا، به سوی بیزانتین شتافت و در حال حاضر یکی از مقتدرترین مردان کشور به حساب می‌آید. زمانی که هانری به عنوان امپراتور تاج بر سر نهاد و پاپ گریگوری را برکنار کرد و به جای او اسقف کلمنت را که دشمن گریگوری بود، به جای وی گمارد، گریگوری برای کمک از ژیسکارد دعوت کرد که به رم بیاید. در همین زمان، هانری رم را ترک کرد، در حالی که کلمنت هراس آفرین را در شهر گمارده بود. شهروندان رمی هم در همین هنگام بر علیه نورمن‌ها قیام کردند و چون روبرت ژیسکارد به آن‌ها یورش برد، این وضعیت اسفبار به وقوع پیوست.



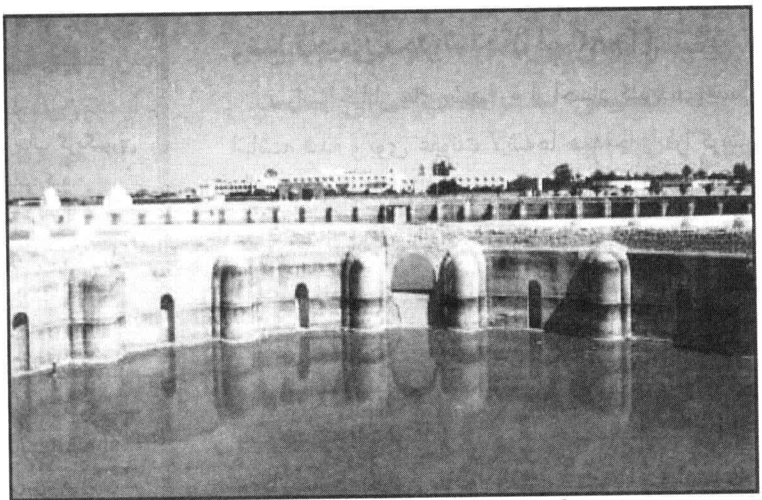
یک صفحه از عاج به عنوان بزرگداشت سن جان، رهبر مسیحیان انجیلی، ساخته شده و کار هنرمندان شمال ایتالیا می‌باشد.



امپراتور جدید رم غربی.



تصویری از ایرن (Irene) ستمکار در حال نیایش.



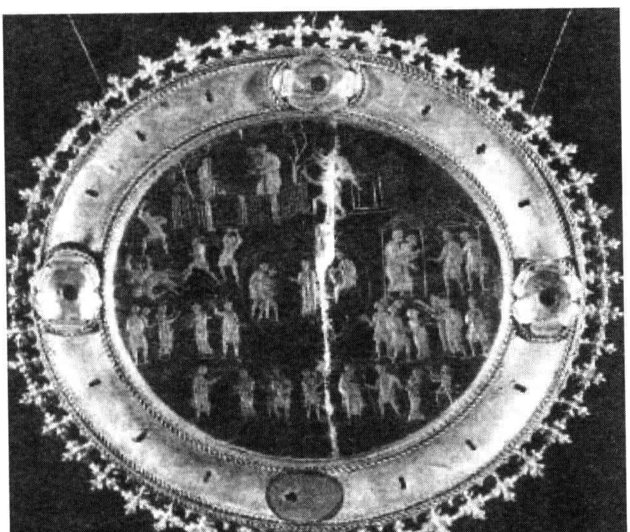
مخزن آب به فرمان حاکم جدید آفریقیه (تونس) در قیروان ساخته شد.



آلکوئین (Alcuin)، راهب دانشمند منطقه‌ی یورک (York).



نقشه گسترش امپراتوری فرانک‌ها توسط شارلمانی.



سینی فلزی بسیار زیبا که به نام کریستال لوتر (Lothair) مشهود شده و منقش به داستان سوزانا (Susanna) در کتاب انجیل است.

پادشاه مسیحی اسپانیا در شهر تولدو بر مسلمانان غلبه می‌کند. (اسپانیا، ۱۰۸۵):

آلفونسوی (Alfonso) چهارم، پادشاه لئون وکاستیل، که قدرتمندترین مرد مسیحی کلیسا به شمار می‌رود، در شهر تولدو بر پادشاه مسلمان این شهر،غلبه و وی را بر کنار کرد.

آلفونسو که در سال ۱۰۶۵ وارث زمامداری لئون گردید تا سال ۱۰۷۲ با برادرش سانکو (Sancho) که مدعی کاستیل بود، در جنگ بود، تا در این سال سانکو کشته شد و آلفونسو حکومت کاستیل را هم در دست گرفت. آلفونسو پس از این پیروزی، توجه خود را به شهر تولدو که اهمیت کمتری در اسپانیا داشت، معطوف کرد. بر این شهر چندین طایفه از مسلمانان فرمانروایی داشتند. این طوایف از پنجاه سال پیش، در این قسمت به عنوان خلیفه حکومت می‌کردند.

فرمانروایان مسیحی شمال هم مجبور بودند که هر ساله خراجی به آنان بپردازند، این وضع سبب شکایت مردم مسیحی در پنج سال قبل شد که به این امر معترض بودند، لیکن آلفونسو توانست این وضع را تغییر دهد و در تولدو هم به پیروزی برسد.

آلفونسو وجود مسلمانان و اعراب مسیحی شده را در شهر پذیرفته بود و آن را تحمل می‌کرد، لیکن خراج زیادی از آنان مطالبه کرد و چون مسلمانان به دادن خراج اعتراض داشتند، از موراوید، پادشاه بربر شمال افریقا، درخواست یاری کردند و موراوید هم به اسپانیا لشگرکشی کرد.

ال سید(Elcid) با اشغال والنسیا (Valencia)، به پیروزی دست یافت. (والنسیا، اسپانیا، ۱۷ ژوئن ۱۰۹۴):

والنسیا، یکی از شهرهای بزرگ اعراب در اسپانیا، امروز پس از بیست ماه محاصره و تحمل قحطی و گرسنگی، تسلیم مسیحیان شد. حاکم جدید شهر را، اعراب به طعنه ال سید یا مرد قهرمان نامیده اند.

ال سید یا دون رودریگو دیازدوبیوار (Don Rodrigo Diaz de Bivar) در ۵۴ سال پیش به دنیا آمد و یکی از اشرف زادگان مسیحی بود. پس از چندی، در خدمت

ایتالیا ۲۵ مه ۱۰۸۵

پاپ گریگوری هفتم در سالرنو (Salerno) بدرود حیات گفت و در هنگام مرگ این سخنان را بیان داشت. من عاشق راستی و صداقت بودم و از دوروئی و نابکاری نفرت داشتم و لیکن با کمال تاسف در تبعید می‌میرم.

ژاپن ۱۰۸۶

مینا موتویوشی یی (Minamoto yoshiye) شورش طوایف شمال شرق ژاپن را فرو نشاند و کنترل قدرت را در این ناحیه اعمال کرد.

اسپانیا ۲۳ اکتبر ۱۰۸۶

آلفونسوی ششم در نبرد با موراویان ها به سرکردگی یوسف بن تشفین که با کمک شاهزاده‌های عرب حاکم نشین اسپانیا برپاشده بود شکست خورد. یوسف در این اواخر فتوحات خود را در مغرب (شمال افریقا) تکمیل کرده و حوزه حاکمیت او در افریقا چهار برابر سرزمین اسپانیا بود. پس از اتمام جنگ یوسف دستور داد جهت نشان دادن قدرت، ارابه ها را پر از مسیحیان کرده ودر سراسر اسپانیا و مغرب بگردانند و بدین وسیله به مردم بفهمانند که دوران شکوفائی مسیحیت کوتاه بوده و اکنون به سر آمده است.

افریقای شمالی ۱۰۸۷

امتیازات تجاری که امارات زیریه (Zirid) کسب کرده بودند مرهون مساعی اهالی جنوآ (Genoese) و پیزان (Pisans) بود که راههای بازرگانی را در مقابل مهدیه (Mahdia) بسیار گسترش داده بودند.

فرانسه - انگلستان ۱۰۸۷

پس از مرگ ویلیام فاتح در نورماندی روبر کورتوز (Robert Curthose) و در انگلیس ویلیام روفوس (William Rufus) جانشینان وی شدند.

جزیره مالت (Malta) ۱۰۹۱

راجر (Roger) اهل سیسیل برادر روبرت ژیسکارد (Robert Guiscard) کنترل جزیره مالت را به دست گرفت.

فرانسه ۱۰۹۱

ویلیام روفوس به نورماندی حمله کرد و جای پایی در این دوک نشین به دست آورد.

خاور نزدیک ۱۰۹۲

فرقه حشاشین (Assassins) (مشهور به مصرف کنندگان حشیش) یا اسماعیلیه خواجه نظام‌الملک وزیر سلجوقیان را به قتل رساندند.

رم ۱۰۹۴

پاپ کلمنت سوم برکنار و اوربان (Urban) دوم به جای وی منصوب شد.

ونیز ۱۰۹۴

قصر بازیلیکا (Basilica) یا کاخ سلطنتی سن مارک(St Mark) وقف کلیسا شد.

آلفونسوی ششم، پادشاه لئون و کاستیل درآمد. در سال ۱۰۸۱، در حالی که به ظاهر یکی از خدمتگزاران آلفونسو بود، اما پنهانی بر علیه پادشاه به اقداماتی مشغول شد و شاه هم او را تبعید کرد، دون رودریگو به تدریج خود را از قید مسیحیان و اعراب رها ساخته و مستقل شد. اعراب هم به او لقب ال سید یا سید (بزرگ) دادند، در این زمان وی به خدمت فرماندار ساراگوزا (Saragossa) درآمد.

ال سید در سال ۱۰۹۲، زمانی که القدیر، حاکم شهر والنسیا، مورد تهدید اقوام بربر موراببیت (Murabits) (موراوید) بود و قدرت وی رو به ضعف می گذاشت، و از سویی مواوید نقاطی از اسپانیا را اشغال کرده بود، توانست حاکم پیشین را برکنار و شهر را تصرف کند. در اکتبر همین سال، در شورشی که مردم شهر والنسیا برضد القدیر و با حمایت مواوید برپا کردند، کشته شد، لیکن پیش از آن که شهر به تصرف مواوید درآید، ال سید آن را متصرف شد. ال سید بزرگوارانه، مسلمانان را در انجام فرایض مذهبی خود آزاد گذاشت.

پاپ اقدام به جنگ صلیبی می کند. (کلرمون Clermont)، ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵:

پاپ اوربان دوم با خبرهایی که از شورش اماکن مقدس در اورشلیم به او رسیده بود، در سخنرانی مفصلی مردم را تحریک به جنگ با مسلمانان کرد. مدت ها بود که پاپ به مردم اخطار کرده بود که آماده ی پیکار باشند. پاپ که در حقیقت سلطنت خود را در مخاطره می دید، با جمع آوری مردم شهر کلرمونت در محوطه‌ی وسیعی در خارج از شهر، بر سکوئی قرار گرفت و به ایراد خطابه پرداخت.

پاپ از قدرت بیان خوبی برخوردار بود و در تهیج احساسات مهارت داشت. او این طور شروع به سخن کرد که شهر اورشلیم (بیت‌المقدس) در تصرف ترک‌های مسلمان قرارگرفته، آن‌ها با بی‌رحمی زائران مسیحی را از زیارت اماکن مقدس منع می‌کنند و در حال حاضر شهر در بی‌نظمی غوطه ور است و در این هرج و مرج، مسیحیان هم گرفتارند. او باز هم‌چنین گفت که همه‌ی مسیحیان بایستی به حمایت امپراتوری بیزانتین به پا خیزند و در دفع مسلمانان کافر و بی دین بکوشند. او مسئولیت این تجاوزات را به گردن همه انداخت و برای آنان در دفع ستم ابراز امیدواری کرد. در این هنگام، مردم با شیون و زاری شروع به گریه کردند و از خداوند یاری طلبیدند، بدین ترتیب، پاپ در روح مردم رسوخ کرد. پاپ در این موقع سخنرانی خود را به پایان برد، و اسقف لوپویی (Lepuy) در مقابل پاپ به زانو درآمد و از پاپ ملتمسانه در خواست، به وی اجازه دهد که به صف مبارزان صلیبی به پیوندد.

جاسوسانی از طرف ریموند (Raymond) کنت شهر تولوز (Toulouse) و سنت ژیل (St gilles) هم در این اجتماع شرکت داشتند. اکثریت اهالی شهر کلرمونت، مردمان فقیری بودند، لیکن پاپ از سوی ثروتمندان حمایت می‌شد. در این حال، شرکت کنندگان در این اجتماع، با دوختن صلیب قرمز بر جامه های خود و به قصد نبرد بامسلمانان، نخستین گروه رزمندگان را تشکیل دادند.

ویلیام دوک نورمن که به سلطنت انگلیس دست یافته بود، درگذشت. (نورماندی، ۹ سپتامبر ۱۰۸۷):

پادشاه اصلاح طلب انگلیس که مدت بیست سال در کشور تغییرات مهمی ایجاد کرده بود، امروز در شهر روئن (Rouen) بدرود حیات گفت. ویلیام ملقب به فاتح در هنگام مرگ ۶۰ سال داشت، وی هنگامی که به حکومت نورماندی رسید، کینه‌یی از فرانسویان در دل داشت. او با آتش زدن شهر و غارت اموال و آزار مردم، انتقام خود را بازستاند. وی در سال‌های زمامداری، قیامی برعلیه زمین داران بزرگ انگلیسی برپا کرد. او از این که زمینی را مصادره و به نورمن‌ها بدهد، ابراز خوشحالی می‌کرد. لیکن امروز با مرگ وی، مردم در منطقه‌ی یورک خوشحال شدند. ویلیام مردمان ساکن ۸۰ منطقه را در سراسر انگلیس به اطاعت خویش درآورد. ویلیام فاتح و ملکه‌ی ماتیلدا (Matilda)، همسرش و دو برادر ناتنی اش مالک یک چهارم زمین‌های کشور بودند. یک سوم زمین ها هم به ۱۵ نفر از افرادی که در جنگ هاستینگز جزو فدائیان او بودند، تعلق داشت. بقیه‌ی زمین ها را هم بارون های نورمن و کلیساها در اختیار داشتند.

ویلیام کشور را به چند استان تقسیم کرد و برای هر استان، استانداری از طرف خود انتخاب کرد و هم‌چنین مؤسساتی جهت اداره ی امور کشور ایجاد کرد. او وضع

فرانسه ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵

پاپ اوربان دوم از صلیبیون (Crusade) دعوت کرد که مکانهای مقدس بیت المقدس را آزاد کنند.

ایتالیا ۱۰۹۶

نخستین دانشگاه جهان در سالرنو تاسیس شد.

افریقای غربی ۱۰۹۷

اومه (Umme) نخستین پادشاه کانم بورنو (Canem Bornu) (در سرزمین نیجریه و نیجر) که به دین اسلام درآمده بود درگذشت.

پرتغال ۱۰۹۷

آلفونسوی ششم اهل لئون پسر خوانده خود به نام هانری شالون (Henry Chalon) را به فرمانداری سرزمینی که بین دو رود مین هو (Minho) و تاگوس (Tagus) واقع شده و به پرتغال (Portugal) مشهور است منصوب کرد.

خاور نزدیک ۳۰ ژوئن ۱۰۹۷

صلیبیان، قشون ترکها را در دوری لائوم (Dorylaeum) شکست داده و راه آسیای صغیر (آناتولی) را گشودند.

فرانسه ۱۰۹۸

برحسب دستور سیسترسیان (Cistercian) شهر سیتو (Citeaux) بنیانگذاری شد.

خاور نزدیک ۱۰۹۸

خلیفه فاطمی، شهر بیت المقدس را به روی سپاهیان ترک گشود بیزانتین شهرهای اسمیرنا (Smyrna) و افه سوس (Ephesus) و ساردیس (Sardis) را پس گرفت. صلیبیان شهر انطاکیه را اشغال کردند.

اورشلیم ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹

این شهر بدست صلیبیون (Crusaders) سقوط کرد.

خاور نزدیک ۱۲ اوت ۱۰۹۹

صلیبیون سپاهیان الافضل (Al-Afdal) وزیر فاطمی مصر را در آسکالون (Ascalon) شکست دادند وی برای آزاد کردن اورشلیم قشون کشی کرده بود.

ایتالیا ۱۱۰۰

شهرهای جنوا (Genoa) و ونیز (Venice) و پیزا (Pisa) سپاهیانی جهت کمک به صلیبیان تجهیز و بنادر جنوبی بیروت را تصرف کردند. این متصرفات پاداشی بود جهت رونق تجارت که بدان دست یافتند.

اورشلیم ۱۸ ژوئیه ۱۱۰۰

بالدوین (Baldwin) پس از مرگ برادرش گودفری (Godfrey) اهل بویون (Bouillon) به پادشاهی شهر اورشلیم رسید.

انگلستان دوم اوت ۱۱۰۰

ویلیام روفوس در حادثه شکاری که در نیوفارست (New Forest) (جنگل نو) برای وی اتفاق افتاد کشته شد و برادرش هانری جانشین وی گشت.

کشاورزی را سامان بخشید و اقتصاد و تجارت را رونق داد و هم‌چنین نام برخی از مشاغل عمومی، مانند نانوایان، زرگران، فروشندگان نمک و پوست فروشان را به زبان قدیمی انگلیسی بیان می‌کرد، اما اسامی قصابان، نجاران، بقالان و دوزندگان را به فرانسه ترویج کرد.

مسیحیان شهر انطاکیه (Antioch) را اشغال کردند. (انطاکیه، ژوئن ۱۰۹۸):

پس از پنج ماه محاصره‌ی شهر انطاکیه که برج و باروی مستحکمی داشت و در جنوب ترکیه‌ی کنونی قرار داشت، شهر در طی جنگ خونین و دهشت زا به دست مسیحیان سقوط کرد. امروز هوای شهر پر از بوی تعفن اجساد گندیده در زیر آفتاب تابستانی می‌باشد و احدی از جمعیت مسلمان این شهر زنده نمانده و همگی کشته شدند.

این شهر در پی انتقام جویی و توطئه صلیبیان که به اشکال مختلف و در لباس‌های گوناگون و اغلب سرو پا برهنه، سراسر اروپا را درنوردیده و اکثریت پیاده به این جا وارد شده اند از بین رفت. صلیبیون که از ملیت های فلاماند (Flamands) و سایر اقوام اروپایی و عده‌یی کشیش و راهب سطح پایین کلیسای سنت پیتر هستند، پس از تحمل سختی‌ها و مشقات، در این تابستان گرم، به دشت آناتولی رسیدند و در ماه اکتبر به شهر انطاکیه وارد شدند که زمستان را به موطن خود برگردند.

آن‌ها بر طبق دستور و سخنان پاپ که گفته بود: مسیحیان اروپایی باید متحد شده و با جنگ و ستیز، اماکن مقدسه را از چنگ مسلمان بیرون آورند، سرما و گرسنگی را تحمل کرده و با شور و غیرت به نبرد آمده‌اند. گزارش‌های رسیده حاکی است که ترک‌های نزدیک شهر به تجدید قوا پرداخته و در انتظار حمله به مسیحیان هستند و به نظر می‌رسد که صلیبیون سقوط خواهند کرد.

با وجود این، شاهزاده بوهموند (Bohemond) ملقب به زیبا مو که از اقوام نورمن و ساکن تارانتو (Taranto) می‌باشد، در خفا لشگریانی به فرماندهی شخص خودش در داخل شهر آماده کرده است. فیروز یکی از از ارمنیانی که به تازگی اسلام آورده، در تاریکی شب از پنجره مشاهده می‌کند که مبارزان صلیبی با بالا رفتن از نردبان به حصار شهر و برج های دیده بانی مسلط می‌شوند.

صلیبیون انتظار دارند کـه امپراتـور بیـزانس، آلکسیوس کامنوس، آن‌ها را جهت تصرف مجدد سرزمین‌هـای تحت سلطه‌ی ترک‌ها یاری نماید. لـیکن جـاه‌طلبـی‌هـا و اوضاع مغشوش و در هم و برهم منطقه به بوهموند این فرصت را داده که شهر تحت اشغال خود، انطاکیه رانگاه دارد و خـود را پادشاه آنجا معرفی کند.

صلیبیون در بیت‌المقدس (اورشـلیم، ۱۵ ژانویـه ۱۰۹۹):

در ساعت های دیر و هنگـام عـصر امـروز، جنگجویـان صلیبی به بیت‌المقدس وارد شدند و شروع به قتل عام اهالی کردند. در هنگامی که مردان صلیبی به کـشتن مـسلمانان و یهودیان مشغول بودند، عده‌یی هم به کلیسای شهر رفته و با زیارت مدفن مقدس مسیح، به شـکرانه‌ی پیـروزی و دسـت یابی مجدد به اماکن مقدسه، خداوند را ستایش می‌کنند کـه این فرصت برای آن‌ها پیش آمده که حاکمیـت شـهر را بـر عهده داشته باشند.

برخی بر این باورنـد کـه تـانکرد (Tancred)، یکـی از اقوام نزدیک بوهموند، به آن‌ها اجازه نخواهد داد کـه امـوال غارتی از مسجد قبه الصخره را بـه بیـرون ببرنـد و تـصاحب کنند. در سال جاری که صلیبیون استحکامات شهر انطاکیـه را تصرف کردند و از آنجا به سوریه و لبنان رسیدند، برخی از فرماندهان محلی عرب، با تشکیل ارتش‌های بـومی درصـدد برآمدند که این سپاهیان را متحد ساخته و بـرای کمـک بـه ترک‌ها بفرسـتند. امـا سـقوط شـهر بیـت‌المقـدس آن‌هـا را مصمم‌تر کرد که به اقدامات خود سرعت بخشند.

از سـوی دیگـر، خلفـای فـاطمی مـصر کـه قـسمتی از سرزمین‌هایشان در اشغال ترک‌ها بود، این شانس را بدسـت آوردند که دگرباره آن‌ها را به چنگ آورند.

در روز هفتم ژوئن کـه جنگجویـان صـلیبی بـه بیـرون دروازه‌های شـهر بیـت‌المقـدس رسیدند، خلیفـه‌ی فـاطمی فرصی به دست آورد و استحکامات شهر را اشـغال کـرد. در شش هفته‌ی بعد، جنگجویان صلیبی با به وجود آوردن بـرج ها و صعود از حصارهای شهر، استحکامات آن را آتش زدند.

در این هنگام مردان جنگی، با پوشیدن زره و حمل سایر سلاح های جنگی به توسعه ی حریـق کمـک مـی‌کردنـد. اکنون مبارزان صلیبی، پس از فتح بیـت‌المقـدس، بـا دوازده هـزار سـرباز پیـاده، یـک هـزار و دویـست مـرد جنگجـو، سرزمین‌های آسیای صغیر (آناتولی)، سوریه و بیت‌المقدس را در اختیار دارند.

چین با طرح تقسیم کشور بـه سـوی اصـلاحات پیش می‌رود. (چین، ۱۱۰۰):

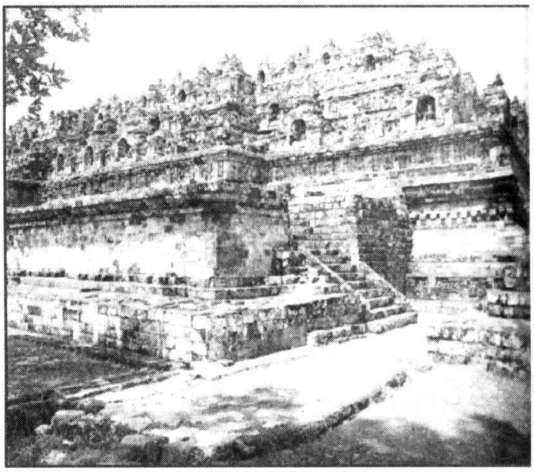
هویی زونگ (Huizong)، امپراتور جدید چـین کـه در عین حال، هنرمند و هنردوست می‌باشد و مـدت سـی سـال است به پادشاهی رسیده، برابر نقشه‌ی یکی از سیاسـتمداران چینی به نام وانـگ آن شـی (Wang Anshi)، دسـت بـه ابتکار جدیدی زده و کشور را بـه چنـد ناحیـه تقـسیم کـرده است. با اجرای این طرح، محافظه کاران و مالکـان دربـاری، دچار تکان شدیدی شده انـد، آنـان کـه مخـالف ایـن طـرح هستند، روستائیان و کـشاورزان خـود را وادار کـرده‌انـد کـه قطعات کوچک زمین را از آنان بـه رهـن و گـرو بگیرنـد تـا مالیات کمتری بپردازند، چـون اغلـب زمـین‌هـای کوچـک، مشمول مالیات نمی‌شود و آن‌هـا همچنـان ثـروت و دارایـی خود را حفظ می‌کنند.

بحث و جدل هایی هم که بر سر اجرای این طرح پـیش آمده، گرفتاری دولت را دو چنـدان کـرده. وانـگ آن شـی و سردسـته‌ی مخالفـان وی، سـیماگواند (Sima guand)، مدت‌ها پیش در گذشته اند. ولی این بحث‌ها همچنان ادامـه دارد. در حال حاضر، بزرگ‌ترین خطری کـه چـین را تهدیـد می‌کند، توسـعه و گـسترش نفـوذ اقـوام شـمالی و احتمـال حمله‌ی آنان به کشور چین است.

شهر ساراگوزا توسط فاتحـان مـسیحی سـقوط کرد. (اسپانیا، ۱۸ دسامبر ۱۱۱۸):

آلفونسو (ملقب به جنگجو)، پادشاه آراگون (Aragon)، توانست شهر ساراگوزا را از علی بن یوسف، فرماندار مسلمان اسـپانیا، پـس بگیـرد، بـدین ترتیـب، ایـن شـهر بـه دسـت مسیحیان سقوط کرد.

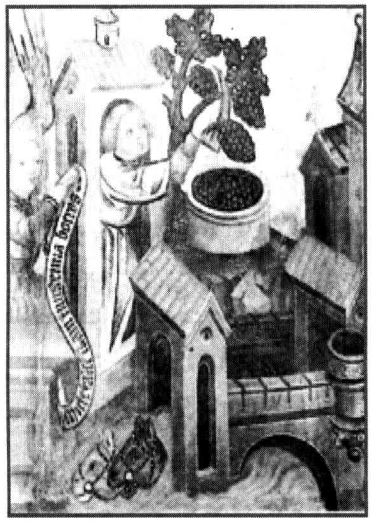
در سال ۱۰۸۵، که مـسلمانان از مورابیـد فرمانـدار بربـر شمال افریقا،برای جلوگیری از سقوط شهر تولدو، درخواسـت یاری کردند و او همچنان که گذشت، به اسپانیا آمدو در ایـن فرصت بدست آمده، شهر ساراگوزا را تسخیر کرد. حـال ایـن



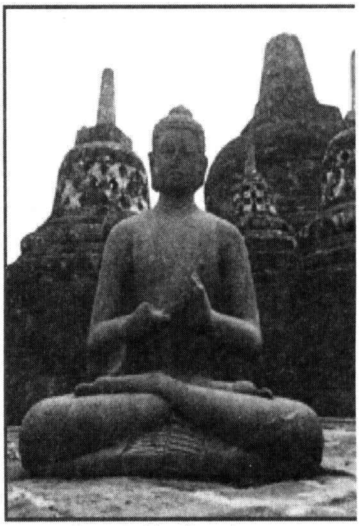
منظره‌یی از معبد پلکانی بورو بودور (Borobudur)
با تعدادی پیکره‌ی زیبای مقدسین از سنگ‌های تراشیده در جزیره جاوه.



چند دانش آموز و معلم آن‌ها در سرزمین فرانک‌ها که با وجود تهدید
اقوام گل به آموختن مشغولند.



شارلمانی در هنگام تقدیس مسیح.



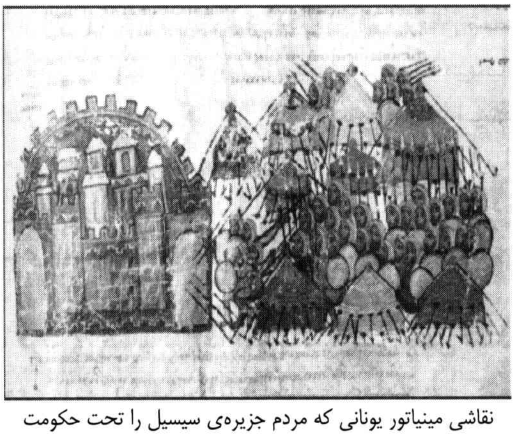
تندیس بودا در حال مکاشفه و تبلیغ.



لویی متصرفات امپراتوری پدرش را متحد و
یکپارچه می‌کند.



صفحه‌یی از قرآن که نشانه‌ی کیفیت خط زمانه می‌باشد.



نقاشی مینیاتور یونانی که مردم جزیره‌ی سیسیل را تحت حکومت
اعراب نشان می‌دهد.

شهر به دست مسیحیان تصرف گردیده است. در سال ۱۰۸۶، پدر علی به نام یوسف بن تاشوفین (Tashufin)، آلفونسوی ششم را در نزدیک شهر باداخوز (Badajoz) شکست داد و قصد داشت که با گرفتن شهر والنسیا که در سال ۱۰۹۹ توسط ال سید تسخیر شده بود، سرزمین‌های مسلمان نشین اسپانیا را با هم متحد سازد، ال سید در سال ۱۱۰۲ فوت شد. در سال ۱۱۱۰ شهر ساراگوزا واقع در شمال غربی اسپانیا هم توسط یوسف اشغال شد. با این وجود، یوسف آن قدر قدرت نداشت که سرزمین اشغال شده و مسیحی نشنین هم چون تولدو را پیش از مرگش در سال ۱۱۰۶ نگهداری کند. از سوی دیگر، حاکمان بربر شمال افریقا، شهرهای پر جلال و اُبهت اسپانیا را ترجیح می دادند، در نتیجه رژیم موراوید با تشکیل سپاهیانی به جنگ در اسپانیا دست زد و این گونه به نظر می‌رسید که مانند سابق و زمان مورِاوید، پیکار در آن منطقه آغاز گردد.

سربازان نامنظم و مشکلات مالی آنان و عدم وفاداری مردم نسبت به آنها، از جمله گرفتاری‌ها بود، و از عوالم کلیدی دیگر، نظم و انضباط و به وصف درآوردن سربازان اسپانیایی و پیشرفت‌های جنگی و تجربه‌های آن‌ها در نبردها، باعث شد که ساراگوزا در دامن مسیحیان سقوط کند.

پادشاهان ژین (Jin)، سلسله‌ی جدیدی را در چین تاسیس می‌کنند. (چین، ۱۱۱۵):

آکوتا (Akuta)، رئیس طایفه‌ی چادر نشین ژین، با تسخیر سرزمین‌هایی که از سلسله‌ی امپراتوری لیائو (Liao) به چنگ آورده بود، خود را امپراتور خواند. او که سابقا از سوی لیائو، امپراتور چین، به سمت مرزبان شمال چین گمارده شده بود، درسه سال پیش، در یک میهمانی سلطنتی، دعوت رقص امپراتور را رد کرده و خود را مستقل اعلام کرد. آکوتا با اعزام سپاهیان خود جهت جنگ با ارباب سابق خود، بر وی فایق آمد و اکنون لیائو شکست خورده و سلسله‌ی پادشاهی جدیدی به نام ژین تشکیل شده است.

یک فرقه‌ی مسیحی به سرعت ترقی می‌کند و صومعه‌هایی در مکان‌های خالی احداث می‌کند. (فرانسه، ۱۱۱۶)

برنار، یکی از نجبای بورگوندی در شهر کلروو (Clairvaux)، با همکاری سومین دختر کلیسایی سیته او (Citeaux)، صومعه‌یی را بر طبق آداب بندیکت به نام خانه‌ی سیسترسیان (Citercians) احداث کرد. در این اواخر، یعنی چند سال قبل، به نظر می‌رسید که تعداد افراد هواخواه سیسترسیان رو به افزایش گذارده و آنان مکانی برای سکونت و انجام مراسم مذهبی ندارند، برنار با تعلیمات و آموزش آنان در سطح عالی در صومعه‌های انگلیس و سامان دادن به تشکیلات، روح تازه‌یی به آنان دمید. استفن هاردینگ (Slephen Harding) هم با ارتقای سطح علمی آنان، به سرعت توانست به پیشرفت آنان یاری رساند.

در سال ۱۰۹۸، نخستین صومعه‌ی سیستری‌ها در منطقه‌ی باتلاقی و ویران شده‌ی سیته ئو در ۲۲ کیلومتری شهر دیژون (Dijon) و در روز یکشنبه‌ی پیروزی، بنیان نهاده شد. در همان زمان، یعنی در روز جشن سنت بندیکت، از ۲۱ اسقف به رهبری اسقف روبرت، دعوت خصوصی به عمل آورد که فرامین سنت بندیکت را تجدید کنند.

این کشیشان با پیروی از دستورات سنت بندیکت، از خوردن گوشت و چربی پرهیز داشتند. لباس‌های آنان پر زرق و برق و راحت نبود و از پوشیدن شلوار کوتاه و کت، امتناع می‌کردند. آنان در هنگام کار، سکوت را کاملا رعایت می‌کردند، دشمن تنبلی و بیکارگی بودند، آنان به هر کار فیزیکی و کارگری دست می زند و هر کسی که کاری به آنان رجوع می‌کرد، از انجام آن اِبا نداشتند. آن‌ها در نقاط پرت و دور افتاده و در صومعه‌های خارج از شهرها می‌زیستند، و هرگز از وجود بردگان در کارها استفاده نمی‌کردند و چون قادر به هر کاری بودند، در زراعت و کشاورزی مهارت پیدا کردند. هم‌چنین در کار ساختمانی و مهندسی، تجربیات زیادی پیدا کردند. در هر سال، یک بار از خانه ی مادر مقدس بازدید می‌کردند. این ها بخشی از فعالیت های آنان در سیته ئو بود که تحت نظر مربی خود انجام می دادند.

به طور کلی، فعالیت و کار در زندگی داخلی آنان بیش‌تر از هر چیز مورد نظر بود و رعایت آداب و رسوم و ترس از خداوند، در زندگانی آنان نقش موثری داشت و روحیه‌ی قوی به آن‌ها اعطا می‌کرد. هم‌چنین سخنان فصیح و تعلیمات برنار به عنوان نماینده، درآنان تاثیر گزار بود.

او اخیراً در یادداشت‌های خود چنین می‌نگارد: آیا شما به آنچه که او خلق کرده، ایمان دارید، شما می‌توانید آنچه را

که در کتاب‌ها وجود ندارد، در جنگل بیابید. سنگ‌ها و درختان، چیزهایی به شما می‌آموزند که هرگز در مدرسه و در محضر استاد نمی‌توانید کسب کنید. آیا هرگز فکر کرده‌اید که عسل از درختان جاری شود و یا از سنگ‌ها، روغن بیرون بیاید؟ آیا تا به حال این چنین شده که از کوهستان شیرینی تراوش کند و از تپه‌ها شیر و عسل جاری شود؟

امپراتوری که در سراسر زمان سلطنت خود، در نبرد با کلیسا بود. (قسطنطنیه،۱۱۱۸):

آلکسیوس کامنوس پس از ۳۷ سال سلطنت و نبرد دایمی با مخالفانش، در گذشت. وی زمانی به قدرت رسید که دشمنان از هر سو او را احاطه کرده بودند، لیکن او طرح‌هایی برای حراست از کشور به مورد اجرا گذاشت. او با دولت سلجوقی پیمان صلح بست و در کوهستان‌های توروس (Taurus) عهدنامه‌ی عدم تعرض با آنان امضا کرد، بدین معنی که در این کوهها مرز مشترک دو کشور تعیین شد. وی هم چنین شورشی را برعلیه روبرت ژیسکارد، دوک منطقه‌ی آپولیا، به راه انداخت تا وی را از تعرض به کشورش باز دارد و بدین منظور پیمان اتحادی هم با ونیز بر علیه او منعقد کرد. سرانجام کامنوس، قبایل چادرنشین پاتزیاک را مطیع کرد، چون آنان امنیت منطقه‌ی بلغارستان را تهدید می‌کردند. وی هم‌چنین یک پادگان نظامی برای جلوگیری از حمله‌ی قبیله‌ی کومان‌ها (Cumans) در اوکراین تاسیس کرد، چون آن‌ها در سال ۱۱۱۴ به امپراتوری بیزانس حمله ور شده بودند.

در سال ۱۰۹۱، زمانی که سلجوقیان برای باز پس گرفتن آسیای صغیر، حمله کردند، وی به ایجاد جنگ‌های داخلی کمک کرد. دو سال قبل از فوتش در کرانه‌ی دریای مدیترانه از ناحیه‌ی کیل کیه (Cilicia) تا طرابوزان (Trebizond) را هم از آن‌ها پس گرفت، و هزاران نفر از اسرای خودی را هم به میهن بازگرداند. آلکسیوس هیچ‌گاه خود را برتر از مردم نمی‌دانست. وی اموال و دفینه‌های کلیساها را جهت اجرای عملیات جنگی ضبط کرد و بر درآمد آن‌ها مالیات مقرر کرد. لیکن کلیسا در مقابل او واکنش نشان داد و برضد امپراتور دست به اقدام زد.

ایتالیا ۱۱۰۱

راجر سیسیلی در شهر میلتو (Mileto) واقع در کالابریا (Calabria) در گذشت. وی با اشغال سیسیل و مالت بر جنوب ایتالیا دست یافته بود.

اسپانیا ۱۱۰۲

مراویان در اوائل سال گذشته والنسیا (Valencia) را محاصره کردند. چون آلفونسوی ششم از موضوع آگاه شد شهر را تخلیه کرده و طعمه حریق ساخت.

خاور نزدیک ۱۱۰۴

سپاهیان ترک، صلیبیان لاتینی زبان را در شهر حران (Harran) شکست دادند. بیزانتین چون از این شکست اطلاع یافت نیروهائی جهت یاری به آنان اعزام داشت. آنان توانستند شهر لائودیسه (Laodicea) و مناطقی را در دورترین ساحال طرابلس (Tripoli) تسخیر کرده و انطاکیه را هم مورد تهدید قرار دهند. صلیبیان لاتینی زبان خواستار نبردی صلیبی بر ضد قسطنطنیه شدند.

فرانسه ۷ اوت ۱۱۰۶

هانری چهارم امپراتور، پس از شکست دادن شورش پسرش هانری پنجم در شهر لی یژ (Liege) در گذشت. پاپ پاسکال (Paschal) دوم در یکی از مقابر مسیحیان پناهنده شد که در سال ۱۱۰۲ حلقه ارتباطی بین دو جبهه مخالف دین مسیح بود.

فرانسه ۲۸ سپتامبر ۱۱۰۶

هانری شاه فرانسه در نبرد تین شبری (Tinchebrai) روبر برادرش را مقهور کرده و انگلستان و نورماندی را به هم الحاق کرد. این دو منطقه از هنگام مرگ ویلیام فاتح از هم جدا شده بود.

ژاپن ۱۱۰۸

خاندان های تایرا (Taira) و میناموتو (Minamoto)، نیروهای خود را جهت تنبیه کردن سوهی (Sohei) یا راهبان جنگجوی معبد کوه‌هیی (Hiei) نزدیک شهر کیوتو (Kyoto) جمع آوری و با هم متحد کردند.

خاور نزدیک ۱۱۰۹

شهرهای تریپولی (طرابلس) و بیروت به وسیله نیروهای صلیبی اشغال شد.

خاور نزدیک ۱۱۱۳

به پیشنهاد افراد سلحشور، زخمیان بیمارستان سن جان (St John) که در نبرد مجروح شده و بهبود یافته‌اند پس از زیارت سرزمین مقدس (بیت المقدس) قاطعانه در جنگ شرکت می کنند.

اسپانیا ۱۱۱۴

شهر تولدو در مقابل حملات مراویان مقاومت و پایداری می‌کند. فرمانـدار مـوراوی و ساراگوزا (Saragossa) بـه شـهر بارسلونا (Barcelona) چند بار حمله کرد و در نزدیکی مارتورل (Martorell) مقهور شد.

امروزه هنر موزائیک سازی در بیزانتین به اوج رسیده است. (قسطنطنیه، ۱۱۱۵):

هنر موزائیک و تزئینات کار شده بر روی آن، دومین سال‌های طلایی خود را طی می‌کند و آلکسیوس، نخستین امپراتور از سلسله‌ی پادشاهی کومنن‌هاست (Comnene) که مشوق هنرمندان این رشته می‌باشد. هنر موزائیک سازی در عین حال که کار زرنگاران، تندیس گران و نقاشان می‌باشد. هنری است بسیار ارزنده و درخشان که طالبان آن همه جا هستند و از سایر نقاط دنیا هم برای آن سفارشاتی به صنعتگران بیزانتین می‌رسد.

دیوارهای کاخ سنت مارک در ونیز، همه ا موزائیک‌های ساخت بیزانس تزئین شده و نیز کاتدرال تورچلو (Torcello) در جزیزه‌یی نزدیک کانال آبی شهر ونیز، همه با کاشی‌های کار هنرمندان بیزانسی زینت یافته است. در قسمتی از دیوار قصر سنت مارکو، هنرمندان زرگر و میناکار، تصاویری که با طلا و نقره و میناکاری شده و هم چنین سنگ‌های گران‌بها شاهکاری به وجود آورده‌اند که بی‌نظیر است.

نوعی از کاشی‌های جدید در کاتدرال مونرآل (Monreale) واقع در راونا و سیسیل به کار رفته که چشمگیر است. هم چنین کلیسای کازینو از هنرمندان بیزانسی دعوت کرده که در تزئینات داخلی ساختمان‌های عظیم مربوط به صومعه‌ها شرکت کنند، آن‌ها برای کاتدرال سالرنو (Salerno) درهایی با روکش برنزی ساخته‌اند. در روسیه پس از این که ولادیمیر به مسیحیت گروید، برای کاخ‌های کلیسائی کیف و نووگرود، از هنرمندان بیزانس دعوت کرد که برای زیباسازی آن‌ها همکاری کنند، این کلیساها وقف سنت سوفیا گردید.

هم چنین پیکرنگارانی برای ساختن تندیس باکره‌های مقدس به روسیه اعزام شد. در منطقه‌ی دافنه (Daphni)، نزدیک شهر آتن هم به دستور امپراتور روم شرقی، کاخ بزرگی برای حاکمان روحانی پیرو حکومت جهانی مسیح، در حال ساخت است که تمام دیوارها و سقف آن به وسیله‌ی هنرمندان و تصویرنگاران رومی، نقاشی و تزئین شده و این کاخ را به ویژه برای استقرار مسیح و کانون دین جهانی به وجود آورده اند.

پاپ و امپراتور به پنجاه سال خصومت و دشمنی پایان می‌دهند. (ورمرز (Worms)، ۲۳ سپتامبر ۱۱۲۲):

در کنگره‌یی که با حضور پاپ و پادشاه آلمان تشکیل شد، سرانجام تلاش‌های صلح‌آمیز به ثمر رسید. این جنگ و ستیز، از سال ۱۰۷۶ بین پاپ گریگوری هفتم و هانری چهارم، پادشاه آلمان، با تکفیر پاپ علیه امپراتور آغاز شد، چون پاپ مدعی بود که قدرت پاپ مافوق امپراتور است. اقدامات و فشارهای هانری پنجم، امپراتور کنونی و پدرش، سبب شد که پاپ به کلیسا پناه برده و منزوی شود.

در حال حاضر، پاپ کالیکستوس (Callixtus) دوم از امپراتور در خواست کرده که حقوق دستگاه روحانیت را به رسمیت شناخته و با عصای پاپی، زنگ کلیسا را نواخته و آزادی کلیسا را اعلام کند. در عوض، پاپ اجازه خواهد داد که در زمان امپراتوری وی، انتخاب اسقف‌ها با تائید شاه صورت گیرد تا ریشه‌ی این کینه‌ورزی کنده شود.

با این اقدام و به دست آمدن این تجربه، منویات شاهان به ثمر رسید. در عین حال، این توافق، گام بزرگی در جهت تثبیت قدرت کلیسا به شمار می‌رود و وجه تمایزی است بین قدرت سیاسی موقتی و قدرت روحانیت.

وجود زائران، سبب گسترش شبکه‌ی راهها و مشروب فروشی‌ها در اروپا شده. (اسپانیا، ۱۱۲۶ میلادی):

با تکمیل ساختمان کاتدرال سنت جیمز کبیر در کومپوستلای (Compostela) اسپانیا، بیش از ۴۰ ساختمان در این یک سال در طول راه‌ها بنا گردیده است. این ساختمان‌ها، کلیساهای اولیه‌یی بود که در سال ۹۰۷ به دست مسلمانان ویران شد.

این محل‌ها، جایگاه قدیسین بود که از اهمیت بسیاری در نزد مسیحیان برخوردار بود و مکان‌های مقدس به شمار می‌رفت و برخی از آنها، مانند خانه‌ی اسقف پوی (Puy)، در سال ۹۵۰ با گچ بنا شده بود. اکنون به جای آن، کاتدرال باشکوهی در این محل بنا شده که مشتاقان و آرزومندان زیارت سنت جیمز، با عبور از دورترین راه‌های اروپا با کرجی‌های کوچک، پس از عبور از دریا، به این مکان مقدس

مجارستان ۱۱۱۴
کولومن (Koloman) که برکروآسی (Croatia) غلبه یافته بود در راه و مسیر اعتقادات مسیحیت جان باخت.
فرانسه ۱۱۱۵
برنار صومعه‌یی در منطقه کلروو (Clairvaux) تاسیس کرد.
چین ۱۱۱۵
ژورچن (Jurchen) فرمانروای منچوری با شاه سانگ (Song) برای برانداختن سلسله خیتان لیائو (Khitan Liao) پیمان اتحاد بست در حالیکه خیتانها قبلا رهبر آنها بودند. پس از آن سلسله ژین (Jin) را تشکیل دادند.
خاور نزدیک ۱۱۱۸
بنابر پیشنهاد سلحشوران صلیبی برای صیانت زائران، جاده منتهی به اورشلیم را ماموران راهداری زیر نظارت قرار می‌دهند.
فرانسه ۱۱۱۹
پاپ ژلاسیوس (Gelasius) دوم که از سال ۱۱۱۸ به این مقام منصوب شده بود در کلونی (Cluny) در گذشت. وی در زمانی که جدال بین امپراتورهانری پنجم و دستگاه پاپ برپا شده بود به فرانسه گریخت. پس از مرگ وی کالیکستوس (Callixtus) دوم به مقام پاپی برگزیده شد.
خاور نزدیک ۱۱۲۳
نیروهای جنگاور صلیبی که برای پشتیبانی نیروهای مستقر در شرق از ونیز اعزام شده بودند لشگریان مسلمان مصری را از شهر آسکالون بیرون راندند.
اژه (Agean) ۱۱۲۵
ونیزیها شهر رودس (Rhodes) را چپاول کردند و شهر کیوس (Chios) را اشغال کرده و همچنین شهرهای ساموس (Samos) و لسبوس (Lesbos) را دستخوش غارت کردند.
آلمان ۱۱۲۵
امپراتور هانری پنجم بدون جانشین جان سپرد. دو نفر که نامزد جانشینی او بودند یکی فردریک (Frederick) پادشاه هوهنشتافن (Hohenstaufen) و دوک اسوابیا (Swabia) و دیگری لوتار (Lothar) اهل ساپلین بورگ (Supplinburg) و دوک ساکسونی (Saxony). لوتار به پادشاهی انتخاب شد و نبردهای خیابانی را برگزید.
مدیترانه ۱۱۲۶
ونیزیها جزیره سفالونیا (Cephalonia) را تصرف کردند. ژان کامنه نوس (Comnenus) امتیاز بازرگانی با آنها برقرار کرد و آنچه را که در سابق نیای وی آلکسیوس (Alexius) مقرر داشته بود مجددا به آنها بخشید.
اسپانیا ۱۱۲۶
آلفونسو پادشاه آراگون و ناوار با نیروهای نظامی خود در اقصی نقاط گرانادا (Granada) به تاخت و تاز پرداخت. آلفونسو همچنین یک ایالت را به طور دائم در حال آماده باش جهت جلوگیری از حملات مسلمانان از زمان پدرش سانکو در سال ۱۱۰۴ نگاه داشته بود.

می‌شتابند تا شاهد وصال را که همانا زیارت آن است، در آغوش گیرند. با وجود زائران کثیر، نیاز به راه‌های زمینی بسیاری است که مردم را از روستاها و شهرهای دور و نزدیک به این محل برساند. مسیرهای زیادی از شهرهای پاریس، بورگوندی در اووریـن (Auvergne) و جنوب فرانسه به وجود آمده که مردم را به کامپوستلا برساند.

دفترهای راهنمای مخصوصی تهیه شده که نشانی مهمان خانه‌ها، صومعه ها و کلیساها در آن درج شده که مسافران در آنجا به عبادت و استراحت بپردازند. این راه‌ها و مکان‌های استراحت، تنها ویژه‌ی زائران نیست، بلکه تجار و بازرگانان و دیگر مسافران هم می‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند و این مکان‌ها، جایگاه‌هایی هستند جهت تبادل اطلاعات و ارتباطات هر قوم و قبیله با هر عقیده و مسلک.

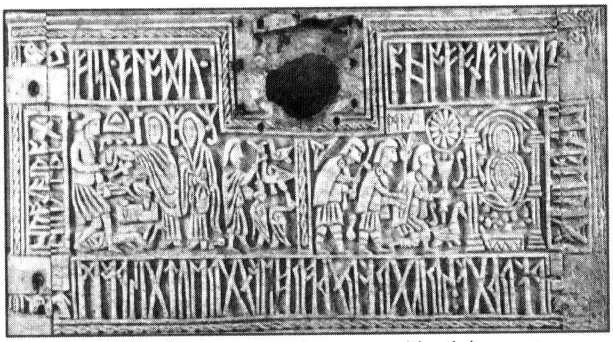
با ایجاد این راه‌ها و مکان‌های استراحت، مردم و زائران، به بنا کنندگان و موسسان آن‌ها به دیده‌ی تحسین می‌نگرند، چون آن‌ها را از راهزنان و قطاع‌الطریق‌ها در امان می‌دارد و بیش‌تر احساس امنیت می‌کنند و هم چنین از تجاوز و تعدی آن‌ها نسبت به مسافران می‌کاهد.

عمر خیام، ریاضی‌دان و شاعر رُباعی گو، درگذشت. (شرق ایران، ۱۱۲۶):

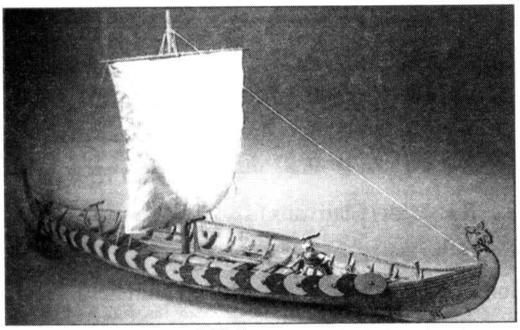
عمر خیام، دانشمند نسل‌های آینده، که در گذشته می‌زیست و دو گونه زندگی برای خود (ریاضی و شعر) برگزیده بود، بدرود حیات گفت. او در نیشابور، واقع در شرق ایران، متولد شد و برای سال‌های مدیدی، یکی از مشهورترین و بزرگ‌ترین دانشمندان ریاضی و نجوم به شمار می‌رفت. او در عین کارهای علمی، رساله‌یی در علم جبر تدوین کرد و از سوی شاه به عنوان رییس کمیته‌ی تنظیم و اصلاح تقویم فارسی، برگزیده شد.

عمر خیام، در دوره‌ی عمر پر بارش، هم به کار علمی می‌پرداخت و هم اشعاری به نام رباعیات که هر رباعی شامل چهار مصرع شعری بود، سرود. این رباعیات در عین به وجود آوردن حالت افسردگی نسبت به این جهان بی‌مقدار، انسان را از برخی جهات به وجد و سرور می‌خواند.

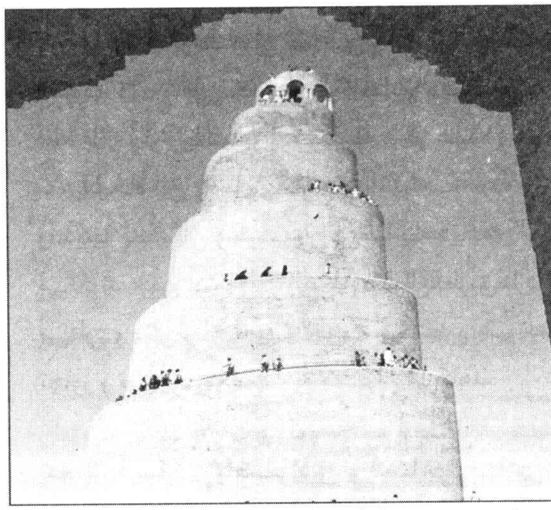
عمر خیام در رباعیات خود دچار حالت تردید و شک می‌شود و می‌گوید: چگونه در ازل هسته‌ی این گیاه کاشته



تصویری از کنده‌کاری بر روی یک صندوق چوبی که علاوه بر افراد نوشته‌هایی به زبان انگلیسی قدیم هم دارد و در ضمن نشان می‌دهد که الفبای آلمانی مشتقی از الفبای یونانی است.



یک قایق طویل وایکینگ (Viking) که حامل عده‌یی جنگجو و غارتگر است که پهنه دریاها را اشغال کرده‌اند.



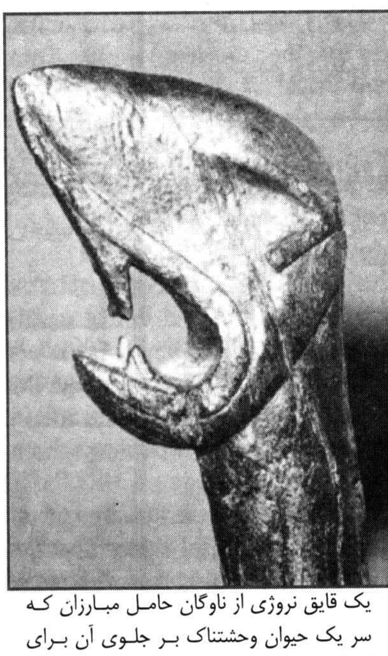
مناره پیچ‌در پیچ بسیار بلند متعلق به مسجد جدید شهر سامره.



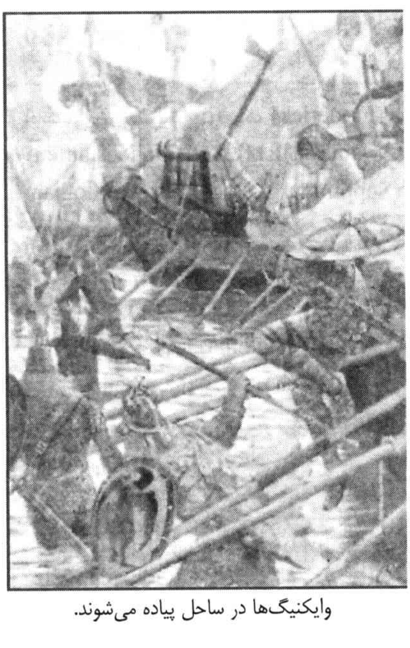
نقشه یورش وایکینگ‌ها به اروپای غربی.



یک کلاه خود زیبا با نقش‌های گوناگون وایکینگ از قبایل وندال (Vendel).



یک قایق نروژی از ناوگان حامل مبارزان که سر یک حیوان وحشتناک بر جلوی آن برای ایجاد ترس نصب شده.



وایکنیگ‌ها در ساحل پیاده می‌شوند.

شد و شراب بدست آمد و عقیده دارد که زندگانی هم چون قفسی است که رهایی از آن ممکن نیست.

راهبان مبارز، منویات پاپ را اثبات می‌کنند. (اورشلیم، ۱۱۲۸):

در نفر از شوالیه‌های فرانسوی در اجرای دستور پاپ برای حفظ معبد حضرت سلیمان در شهر اورشلیم، در آن معبد اقامت می‌کنند.

ده سال پیش، هوف (Hugh) اهل پاین (Payens) و جفری (Geoffrey) اهل سنت اومر (St Omer)، برای گذشتن از امیال دنیوی و زندگی به گونه‌ی تارکان دنیا و حمایت از زائران اماکن مقدسه‌ی اورشلیم، به آن شهر رفته و دربیت‌المقدس سکونت نمودند. آن‌ها در کمال تقدس و پاکدامنی با وجود فقر و تهیدستی، عهد بستند که از اسقف اعظم اطاعت خواهند کرد و در معبد سلیمان خواهند ماند. نکته‌یی که باید اضافه کرد این که، آن‌ها در تمام اوقات مواظب بودند که زائران مسیحی مورد تهدید کافران قرار نگیرند و موجبات آزار و اذیت برای آن‌ها فراهم نشود. این موضوع سبب شد که به زودی جنگجویان صلیبی، بخش اعظم بیت‌المقدس را اشغال کنندو تعاد زائران هم رو به افزایش گذارد، لیکن به تدریج جمعیت آن‌ها اضافه شد، چون اغلب آن‌ها دچار هراس و بر جان خود بیمناک بودند، تنها در سال گذشته، تعداد نگهبانان از دو نفر به ۹ نفر رسید، لیکن بر طبق دستور پاپ هونوریوس (Honorius) دوم، هوف برای شرکت در کنگره‌ی کلیساها به رم احضار شد تا فرمان جدید پاپ به او ابلاغ شود، اکنون با اجرای فرامین جدید پاپ، زائران مسیحی از تمام نقاط جهان به بیت‌المقدس روانه می‌شوند.

یکی از مخالفان پاپ، به عنوان پادشاه جدید سیسیل تاج گذاری می‌کند. (پالرمو (Palermo)، سیسیل، ۲۵ دسامبر ۱۱۳۰):

راجر (Roger) دوم، از طایفه‌ی نورمن‌ها، طی تشریفات باشکوهی، به عنوان پادشاه سیسیل تاج گذاری کرد و مراسم تدهین (چرب کردن بدن با روغن) او به وسیله‌ی آناکلتوس (Anacletus) سفیری که مخالف پاپ بود انجام شد. این جشن پر جلال، از دو نظر دارای اهمیت بود؛ یکی از این که

فرانسه ۱۱۲۷

پس از مرگ دوک فلاندر که فرزندی نداشت بحث جانشینی شارل ملقب به نیک، پیش آمد. لوئی ششم پادشاه فرانسه سعی برآن داشت که ویلیام کلیتو (Clito) پسر روبر کورتوز (Curthose) اهل نورماندی را تحمیل کند. اما مردم شهر، تیه ری (Thierry) اهل آلزاس (Alsace) را برگزیدند.

ایتالیا ۱۱۲۷

کونراد سوم (Conrad) برادر فردریک اهل هوهنشتافن (Hohenstaufen) به پادشاهی ایتالیا رسید.

فرانسه ۱۱۲۸

پس از کشته شدن ویلیام کلیتو (William clito) در نبردهای خیابانی، لوئی ششم با تیه ری (Thierry) اهل آلزاس، جهت احراز مقام کنت فلاندر موافقت کرد.

انگلستان ۱۷ ژوئن ۱۱۲۸

جفری (Geoffrey) پنجم اهل آنژو (Anjou) و مشهوربه پلانتاژنه (Plantagenet) با ماتیلدا (Matilda) دخترهانری پادشاه انگلیس ازدواج کرد و هانری پنجم همسر خود را طلاق داد.

پرتغال ۱۱۲۸

آلفونسو هنریک (Henriques) در نبرد سائوماميد (Sao Mamede) مادر خود به نام مادرترزا (Teresa) را شکست داد و سرزمین پرتغال را تحت کنترل خود درآورد.

فرانسه ۱۱۲۸

برنار (Bernard) اهل کلروو (Clairvaux) به جنگاوران صلیبی پیشنهاداتی داد و خود وی به عنوان فرمانده جهت پیشبرد نبرد اقدام کرد.

مجارستان ۱۱۲۸

امپراتور بیزانس، ژان دوم فرمانده مجارها را در ساحل رود دانوب نزدیک هرام (Haram) شکست داد.

افریقای شمالی ۱۱۳۲

الموهاد عبدالمومن (Almohad Abd-Al-Mumin) خود را به عنوان خلیفه معرفی کرد وی از فرقه المهدیان می‌باشد.

روم ژوئن ۱۱۳۳

لوتارسوم اهل ساکسون با اهدای تاج به وسیله پاپ اینوسنت (Innocent) دوم تاجگذاری کرد.

فرانسه اول دسامبر ۱۱۳۵

هانری پادشاه انگلیس جان باخت و سلطنت را به شوهر خواهر خود استفن (Stephen) اهل بلوآ (Blois) واگذاشت. هانری ترجیح داد که دخترش ماتیلدا نامزد پادشاهی شود. به هر حال نبردهای خیابانی غیر قابل اجتناب گردید.

آلمان ۱۱۳۸

کونراد سوم اهل هوهنشتافن (Hohenstaufen) لوتار سوم را جهت پادشاهی و جانشینی خود انتخاب کرد. در زمانی که وی مشغول محاصره ساکسونی و باواریا بود نبردها و ویرانی‌های خیابانی درگرفت.

راجر آبرومندانه به پادشاهی سیسیل رسید و دیگر این که آناکلتوس در تلاش برای به مسند نشاندن اینوسنت (Innocent) دوم به عنوان پاپ که در واقع حق طبیعی او بود، توفیق حاصل کرد. راجر دوم، پادشاه کنونی، فرزند راجر اول است که با بیرون آوردن سیسیل از دست آدلاید (Adelaide) و مسلمانان، کنت جزیره شد. او در سال ۱۱۱۳ با بالدوین (Baldwin)، دختر پادشاه اورشلیم ازدواج کرد.

راجر دوم هم در سال ۱۱۲۳ با مسلمانان شمال افریقا جنگید و پسر عمومی خود را که مدعی سلطنت آن ناحیه بود، به نام ویلیام اهل آپولیا (Apulia) را در ژوئیه سال ۱۱۲۷ به قتل رسانید. او هم چنین در اوت سال ۱۱۲۸ پاپ هونوریوس دوم را شکست داد و خود را دوک آپولیا خواند.

راجر دوم، سرزمین تحت سلطه‌ی خود را از ابروتزی (Abruzzi) در جزیره‌ی مالت (Malta) تا تریپولی (Tripoli) در قبایل (کابیلیا Kabylia) گسترش داد. او کاخ خود را شبیه کاخ فئودال‌های فرانسوی ساخته بود، و رعایای او شامل یونانی‌ها، اعراب و سایر نژادها بودند.

شاعری که در سرودن اشعار عاشقانه‌ی جدید، پیشکسوت بود، درگذشت. (جنوب فرانسه، ۱۱۲۷):

با مرگ ویلیام نهم، دوک آکی تاین (Aquitaine)، مردم این دوک نشین سوگوار شدند. در هر حال، او شوالیه‌یی فداکار و موفق بود. ویلیام آن چنان که مشهور است، در سال‌های اخیر، اشعار عاشقانه می‌سرود و یکی از پیشقدمان شعرا است،او در جنوب فرانسه، با خواندن اشعار عشقی به عنوان خنیاگر (مطرب) از این دربار به دربار دیگر سرگردان بود و مجموعه‌ی شعرهایش به نام جنگلور (Jonglerurs) مشهور است.

ویلیام با ترنم ساز و آواز و خواندن شعر، شور و حالی در مردم ایجاد می‌کرد. این اشعار جدید، در جنوب فرانسه به شعرهای اختراعی مشهور شد که شاید برای ثروتمندان و درباریان جذابیت بیش‌تری داشت. ویلیام این اشعار را در ابیاتی کوتاه و با صدایی رسا می‌خواند که بیش‌تر شرح حال و افعال و رفتار اشراف و فئودال‌ها بود و آن‌ها را در حالتی رویایی فرو می‌برد. اغلب زنان محلی جنوب فرانسه، این غزل‌ها را به یاد دارند، چون به لهجه‌ی جنوب فرانسه سروده شده و به زبان لاتین نیست، زیرا مردمان بومی این ناحیه با زبان لاتینی آشنائی ندارند.

رسته سواران به سلسله‌ی پادشاهی سونگ (Song) خیانت ورزیدند. (چین، ۱۱۲۶):

سلسله‌ی شاهان ژین با اشغال شهر کای فنگ (Kaifeng) پایتخت سلسله‌ی سونگ، دو امپراتور هوی زونگ (Huizong) و پسرش کین زونگ (Qinzong) دستگیر و خزانه‌ی سلطنتی را هم غارت کردند.

سواران ارتش چین، با وجود دریافت مبلغ هنگفتی در چند ماه پیش از امپراتور، در مقابل حفاظت از او، مقاومت چندانی از خود بروز ندادند. فرماندهان سپاه ژین، با قبول دریافت پنج میلیون اونس طلا و پنجاه میلیون اونس نقره و یک میلیون طاقه ابریشم، به امپراتور پیشین اجازه دادند که به خارج از پایتخت رفته و بازنشسته شود. پس از مدتی، فاتحان مراجعت کردند و هر چه را یافتند، با خود بردند.

سربازان مست، پادشاه را بر روی صخره انداخته و به قتل رساندند. (انگلیس، ۲۵ نوامبر ۱۱۲۰):

یگانه پسر هنری، که مقرر بود پس از مرگ پدرش به پادشاهی انگلستان برسد، توسط ناویان مست به قتل رسید. او هنگامی که در کانال انگلیس در کشتی سفیدرنگ خود مشغول سفر بود، ملاحان مست او را گرفته و بر روی صخره انداختند، بدین وسیله شاهزاده هلاک شد، لیکن خواهرش نجات یافت. به طوری که گفته شده، وی را در حال فرار دستگیر کرده و کشتند. هنری چون دیگر جانشینی نداشت و پسرش را کشته بودند، با عجله ازدواج کرد، به امید آن که جانشینی داشته باشد،در همین موقع، نامزد دیگری برای به چنگ آوردن تاج و تخت کشور ظاهر شد و او ویلیام کلیتو (William Clito) بود که پدرش در۲۰ سال قبل، ناحیه‌ی نورماندی را در جنگ به هنری تسلیم کرده بود. کلیتو برخلاف پسر عموی خود که به وسیله‌ی ملاحان به مرگ محکوم شد، راه را برای سلطنت برادرزاده‌ی خود هموار ساخت. استفن ساکن بلوآ (Blois) که قبلا هم یکی از بزرگ‌ترین شاهزادگان به شمار می‌رفت. به پادشاهی انگلیس رسید.

حاکمیت خاندان مورواوید بر اسپانیا و افریقا پایان پذیرفت. (شمال افریقا، آوریل ۱۱۴۷):

در پی سقوط شهر مراکش، پایتخت سلسله‌ی مورواوید به دست الموهاد (Almohads)، امپراتوری این سلسله هم خاتمه یافت. مورواویدها، قبایل بربر چادرنشینی بودند که یکی از فرقه‌های مسلمان محسوب می‌شدند. حدود یکصد سال پیش، آنان در شمال غربی افریقا، یک سلسله‌ی سلطنتی تشکیل دادند و در سال ۱۰۹۰، بخشی از اسپانیا را هم به تصرف درآوردند. لیکن چون مورواوید تنها در پی نفع شخصی بود و تمام دارایی‌های سرزمین‌های اشغالی در خزانه‌ی شخصی او جمع می‌شد و زندگی پر جلال و جبروتی داشت، وضع اقتصادی روبه به قهقرا رفت. در سال‌های ۱۱۴۵–۱۱۴۴، مسیحیان بر ضد زمامداران خویش قیام کردند که با پیروزی آنان توام بود و به عمر حاکمیت سلسله‌ی مورواوید پایان داد. سلسله‌ی الموهاد هم که در سال ۱۱۲۰ به رهبری ابن طومار به قدرت رسید، پیوسته رو به فساد گذاشت، آن‌ها هم از نژاد بربر مسلمانان افریقایی بودند.

در سال ۱۱۲۰، هم چنان که ذکر شد، ابن طومار (Ibn-Tumart) از قدرت کناره گرفته و جانشین او عبدالمؤمن، به زمامداری رسید. او قصد داشت که نفوذ و قدرت خود را در اسپانیا گسترش دهد و از این جهت، خود را خلیفه‌ی مسلمین قلمداد کرد. لیکن در منطقه‌ی شرق، با وجود راجر دوم پادشاه مسیحی سیسیل، اهداف وی به بن بست رسید، چون راجر اقتدار فوق‌العاده‌یی در کرانه‌ی دریای مدیترانه به هم زده بود.

شهر لیسبون مسلمان، به دست پرتغالی‌ها سقوط کرد. (لیسبون، ۲۸ اکتبر ۱۱۴۷):

پس از ۱۷ هفته که از محاصره‌ی شهر لیسبون (Lisbon) توسط ارتش پرتغال به رهبری آلفونسو هنریک (Alfonso Henriques) می‌گذشت، ساکنان مسلمان شهر با محاصره کنندگان به صلح رسیدند و شهر در برابر سپاهیان پرتغالی تسلیم شد.

در پی تسلیم شهر لیسبون، مسلمانان، سواحل تاگوس (Tagus) و بخش اعظم نواحی سینترا (Sintra) و پالمه‌لا (Palmela) را ترک کردند و آلفونسو هم بیش‌تر مرزهای

لهستان ۱۱۳۸

بولسلاو (Boleslav) سوم پس از ۳۶ سال فرمانروائی درگذشت. وی لهستانی با اقتدار را پایه‌گذاری کرد و کشور را از سوی غرب و شمال گسترش داد. وی تصمیم داشت لهستان را به ۴ ناحیه اصلی تقسیم کند.

رم آوریل ۱۱۳۹

در اجلاسیه لاتران، آناکلتوس (Anacletus)نفاق ایجاد کرد. به این معنی که وی پیشنهاد کرد که کاردینالها دو نفر پاپ انتخاب کنند. این اجلاس در سال ۱۱۳۰ تشکیل شده بود.

پرتغال ۱۱۳۹

آلفونسو، موراویانها را در محل اوریک (Ourique) شکست داد و به خود لقب پادشاه داد.

روم ۱۱۴۳

رومیها خود را مستقل از پاپ اعلام کردند.

اورشلیم ۱۱۴۳

با مرگ فولک (Fulk) آنژوکه از سال ۱۱۳۱ پادشاه بود. ملی ساند (Melisande) همسرش سعی کرد که به تنهائی قدرت سلطنتی را در دست گیرد.

پرتغال ۱۱۴۳

آلفونسوی پرتغالی که به نام آلفونسوی هفتم اهل کاستیل نامیده می شد، خود را به اطاعت کامل از پاپ درآورد.

خاورنزدیک ۲۵ دسامبر ۱۱۴۴

با اشغال شهر ادسا (Edessa) توسط زنگی (Zangi) اتابک موصل (Atabeg of Mosul) اعلام شد که جنگ صلیبی دیگری آغاز شد. زنگی مسلمانان شمال سوریه را در نزدیکی شهر دمشق به پیروزی رسانید.

افریقای شمالی ۱۱۴۶

در پی نبردهای مقدس بر علیه موراویان به وسیله پیشینیان ابن طومار الموهاد، خلیفه به فرماندهی المومن بخش اعظم مراکش را تسخیر کرد.

خاور نزدیک ۱۴ سپتامبر ۱۱۴۶

زنگی به قتل رسید و سلطان نورالدین پسرش فتوحات پدر را در ادسا (الرها) تعقیب کرد.

افریقای شمالی ۱۱۴۷

شهر مراکش پایتخت امپراتوری موراویان به دست عبدالمومن فرمانده قوای مهدیان سقوط کرد.

یونان ۱۱۴۷

راجردوم اهل سیسیل شهر کورفو (Corfu) یکی از شهرهای بیزانتین را تصرف کرد و شهرهای کورینت (Corinth) و آتن (Athens) و تبس (Thebes) را به باد غارت داد.

افریقای شمالی ۱۱۴۸

راجر سیسیلی دوم شهرهای شوش (Susa) و اسفاکس (Sfax) در تونس را تصرف کرد.

دریایی شمال و غرب کشور را تحت کنترل قرار داد. با ادامه‌ی فشار، مسلمانان ساکن مرزهای شمالی به او را (Evora) کوچ کردند. نیروهای نظامی مسیحی پیش‌بینی می‌کردند که مسلمانان پس از واگذاری بخش‌هایی از کشور، آذوقه و مواد غذایی را در غارها ذخیره کرده‌اند که در درگیری‌های بعدی دچار قحطی نشوند و دسته‌یی از لشگریان مسلمان از این غارها حفاظت می‌کردند، اما نیروهای مسیحی با استفاده از برج‌ها و پل‌های متحرک، که انگلیسی‌ها در اختیار آن‌ها گذاشته بودند، دیوارها و حصارهای غیر قابل نفوذ شهر را تسخیر کردند و بر روی سنگرها هم پل‌هایی قرار دادند و بدین ترتیب مدافعان را به تسلیم وادار کردند.

حال موضوعی که پس از فتح شهر برای آلفونسو باقی مانده بود، وجود تعداد سیزده هزار نفر سپاهیان انگلیسی، آلمانی و فلاندری بود که به او در جنگ کمک کرده بودند، این نیروهای صلیبی، در ۱۶۴ ناو جنگی به منطقه آمده بودند، آن‌ها با غارت و تاراج اموال مسلمانان، قسمتی از دستمزد خود را دریافت کردند، از سویی، آلفونسو به آنان پیشنهاد کرد که در پرتغال بمانند و از قوانین این کشور پیروی کنند، یعنی به تابعیت پرتغال درآیند.

این مهاجران جدید توانستند از حقوق شهروندی و آزادی بهره‌مند شوند و در ضمن مختار بودند که به سرزمین بومی خود مراجعت کنند. قبلا هم گروهی از مردان صلیبی انگلیس در منطقه ویلا ورده (Vila Verde) (دهکده‌ی سبز) اقامت کرده بودند.

آبلار (Abelard)، فیلسوف و حکیم الهی، توسط دادگاه کلیسا محکوم شد. (سن (Sens)، فرانسه، سوم ژوئن ۱۱۴۰):

امروز دادگاه کلیسایی، یکی از مشهورترین فلاسفه و از مبرزترین استادان الهیات فرانسه را به ارتداد و کفر محکوم کرد. وی از پاپ که دوست او بود در کمال ناامیدی درخواست کرد که این رای را باطل اعلام کند. در حالی که دیروز پنهانی اسقف برنار اهل کلروو (Clairvaux)، مامور شده بود که برحسب دستور پاپ، رای دادگاه به قوت خود باقی بماند و برنار مامور ابلاغ این دستور بود. آبلار امیدوار بود که به خوش‌رویی با برنار به گفتگو بپردازد و راجع به خداشناسی بحث و استدلال کند. امروز آبلار را بالحن زننده محکوم کردند و او را مرتد و ملحد معرفی کردند. به طور معمول، اختلاف عقیده در بحث خداشناسی، نباید به درگیری بیانجامد، این عقیده‌ی آبلاربود. آبه‌لار مورد توجه‌ی شاگردان خود بود و همه او را گرامی می‌داشتند. آبلار اهل بحث و استدلال بود و به رهبر ارتودوکس احترام می‌گذاشت و از حمله به وی خودداری می‌کرد.

آبلار در بیست سال پیش، در دام عشق یکی از شاگردانش به نام هلوئیس (Heloise) گرفتار شد. در آن زمان، آبلار ۴۰ سال و هلوئیس ۲۰ سال داشت، ثمره‌ی این عشق، یک بچه‌ی مشروع و قانونی بود. عموی هلوئیس که در کلیسای نوتردام اسقف بود، بر اثر کینه‌توزی، دستور داد که آبلار را اخته کنند و با اخته شدن او، آبلار و هلوئیس مقیم کلیسا شدندو هلوئیس راهبه‌ی تارک دنیا گردید. این عشق هنوز هم در جان و روح هر دو نفر شعله‌ور می‌باشد. آبلار مرتبا نامه‌هایی به هلوئیس می‌نویسد. او یک روز همسر آبلار بود و اکنون خواهر کلیسائی او می‌باشد.

اکنون کانون تجارت مدیترانه تحت کنترل ایتالیا قرار دارد. (مدیترانه، ۱۱۴۰):

با پیشرفت دین مسیح در اعماق سرزمین‌های مسلمان نشین، کنترل راه‌های آبی در دست مسیحیان قرار گرفته و دادو ستد و تجارت در کرانه‌های دریای مدیترانه اکنون در اختیار شهرهای ساحلی ایتالیا، هم چون ونیز، پیزا (Pisa) و جنوا (Genoa) می‌باشد. آن‌ها مسیر مهم‌ترین راه‌های دریایی تجاری جهان را کنترل می‌کنند. سپاهیان مسلمان، با غارت شهر پیزا در سال‌های ۱۰۰۱ و ۱۰۱۱ و حمله به شهرهای شمالی ساحل مدیترانه در سال ۱۰۱۵، در سال گذشته به وسیله‌ی نیروی نظامی شهرهای جنوا و پیزا در جزایر کورس (Corsica) و ساردنی (Sardinia) دچار شکست شدند که این شکست، برگشت حالت نوسانی است به نفع مسیحیان در غرب دریای مدیترانه، در حالی که آلمانی‌ها مشغول نبرد با مسلمانان و تسخیر سرزمین‌های آنان بودند، ایتالیایی‌ها هم در دریا بر آن‌ها غلبه کردند. شهرهای پیزا و جنوا در داد و ستد گندم و جو، نمک، فلزات



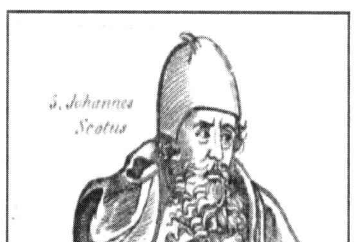
نقشه‌ی اروپا پس از عهدنامه وردون (Verdun) (سال ۸۴۳)



تندیس بودی ساتوا (Bodhi Sattva) بر روی فیل، هنرمندان ژاپنی برای ساختن مجسمه از رنگ‌های گوناگون، نقره، طلا و پارچه‌ی ابریشمی استفاده کرده‌اند.



سنگ‌هایی که در معبد بودا برای ساخت مجسمه و غیره به کار رفته بود، اکنون برای حمله به ماموران دولتی و برعلیه آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.



جان اسکات اریوجنا (John Scottus Eriugena) می‌گوید: باید بین خوب و بد، نیکی و شرارت تمییز قایل شد.



شارل دوبالد (Charles de Blad) به طور رسمی به عنوان پادشاه فرانسه تاجگذاری می‌کند.



موزاییک با تصاویر گوناگون و میمون که در کلیسای سن صوفیه به کار رفته و نشانه رجعت مجدد سبک تصویری است.

و مرجان و برده، با ساردنی رقابت می‌کردند و با سیسیل هم در فروش دانه‌های غذایی رقابت داشتند.

در همین زمان، برای نخستین بار، مردان صلیبی از شهرهای جنوا، پیزا،سالرنو (Salerno) و آمالفی (Amalfi) به سواحل تونس حمله کردند و از امیر شهر قیروان (Kairouan)، مبالغی به عنوان خراج دریافت کردند، مسیحیان با اعزام نیروهای نظامی، بر کرانه‌ای مدیترانه دست یافتند و تمام جزایر آن را به تصرف درآوردند. مسلمانان برای ساخت کشتی از نظر چوب در مضیفه افتادند و صادرات پشم و چرم هم به دست ایتالیائی‌ها افتاد.

در شرق، یعنی در شهر استانبول هم، امتیازات تجارت چرم به دست بازرگانان ونیزی افتاد و دولت بیزانتین از این امر ابراز رضایت می‌کرد، آن‌ها به تدریج بخش اعظم تجارت در بازارهای اسکندریه، انطاکیه، و تریپولی (طرابلس) در اختیار خود گرفتند.

زمانی که صلیبیون به بیت‌المقدس هجوم بردند، بازرگانان اهل ونیز، پیزا و جنوا، با اعزام نیرو به آن شهر، برای نجات آن‌ها کمک کردند و این تجار روابط دوستانه‌یی با پادگان‌ها، بازار و کلیساهای مناطق اشغالی برقرار کردند.

در سال ۱۱۲۳ و نیزی‌ها، نیروهای مصری در آسکالون (Ascalon) را شکست دادند و تعداد زیادی از کاروانیان مصری را دستگیر و اموال آنان را به غارت بردند و تمام کشتی‌های مسلمانان در دریای مدیترانه را غرق کردند.

آن‌ها پیوسته حوزه‌ی فعالیت خود را گسترش دادند و به واردات ادویه، کتان، ابریشم و منسوجات از شرق پرداختند و با صدور پشم، شاهدانه و کنف و سایر مواد اولیه مانند ذرت، نمک، روغن و شراب، حالت تعادلی در بازرگانی به وجود آوردند. با بالا رفتن معاملات بازرگانی، طبقه‌ی ثروتمندان و فئودال‌ها به وجود آمدند و در شهرها به ضرب سکه پرداختند و به آرامی کنترل کشورهای همسایه را هم به دست گرفتند.

صنف برنزکاران در ایگبو)(Igbo) واقع در نیجریه، به وجود می‌آید. (رود نیجر (Niger)،افریقا، ۱۱۳۹):

در بخش پایینی رود نیجر در افریقای غربی، تمدن درخشانی به وسیله‌ی مردمان ایگبو به وجود آمده. به نظر می‌رسد، مردم ایگبو در ۳۵۰ سال قبل در این منطقه ساکن شدند، لیکن تا به حال دولتی تشکیل نداده‌اند. به هر صورت در این مدت نیرویی مانع قدرت آن‌ها نمی‌شده، با این وصف، هنرمندان و صنعتگران در ساخت انواع لوازم برنزی بسیار ظریف تبحر و مهارت خود را نشان داده‌اند، آن‌ها با خلق این آثار هنری، برای نخستین بار در قاره‌ی افریقا استعداد هنری خود را به منصه‌ی ظهور رسانیده‌اند.

هر چند قبایل ایگبو سیاست واحدی ندارند، لیکن آن‌ها در مذهب متحد هستند و رهبر مذهبی آن‌ها، ایزنری (Eze Nri) نام دارد. بر طبق آئین ایزنری، برنزکاران بایستی لوازمی بسازند که در قبر برای مرده در جهان دیگر، مورد استفاده قرار گیرد. باز هم برحسب دستورات مذهب ایزنری، افراد مهم را پس از مردن، همراه با بردگانش دفن می‌کنند.

علاوه بر این‌ها، در گور ثروتمندان و اغنیا، زیورآلات و وسائل برنزی میناکاری شده مانند سر پلنگ و چوب دستی و مگس‌پران و زین و یراق اسب هم، قرار می‌دهند. سایر وسایل عبارتند از: تاج مسی، وسایل خانه، بازوبند و خلخال، در بعضی از گورستان‌های مردم ایگبو لوازمی یافته شده که بیش‌تر برای انجام عبادات و پرسش خدایان به کار می‌رفته است.

نبرد برای احراز مقام سلطنت در شهر لینکلن (Lincoln) (انگلیس،اول نوامبر ۱۱۴۱):

کشور انگلیس در اثر مبارزه‌ی تحصیل قدرت، بین ماتیلدا (Matilda) دختر هنری پادشاه فقید، و عمویش استفن، دچار هرج و مرج و آشفتگی شده است. در ماه فوریه، شوالیه استفن، بر اثر فشار و ترس از ماتیلدا، از شهر لینکلن گریخت. وی در حین فرار، توسط مردان ماتیلدا دستگیر و به قتل رسید و به امر ارل شهر چستر، تعداد زیادی از مردم شهر هم قتل عام شدند.

ماتیلدا گرچه مایل نیست وی را رییس دولت انگلیس بخوانند و تاج گذاری کند، با این وصف، در هفت ماه پیش، برادر ناتنی‌اش به دستور وی دستگیر شد. او ارل شهر گلوستر (Gloucester) بود. برادر ماتیلدا قصد داشت که به جای استفن به تاج و تخت کشور دست یابد. البته او هم در بین مردم بیش‌تر از ماتیلدا محبوبیت ندارد. در حال حاضر، وی با چهار دشمن قوی پنجه، دست به گریبان است که عبارتند از: اسقف‌های قدرتمند که برادرش هم جزو آنان

خاور نزدیک ژوئن ۱۱۴۹

نورالدین ریموند (Raymond)، اهل پوآتیه (Poitiers) شاهزاده انطاکیه را در نزدیک آپامه (Apamea) به قتل رسانید. وی سال گذشته به انگیزه فرماندهی دور دوم نبردهای صلیبی به نیروهای نورالدین حمله کرد. وی که در معرض خطر بزرگی واقع شده بود ترجیح داد که به جای این حملات بهتر است به شهر دمشق یورش برد.

انگلیس ۱۱۴۹

دانشگاهی در شهر آکسفورد تاسیس شد.

آلمان ۴ مارس ۱۱۵۲

فردریک مشهور به ریش قرمز (Red Beard) یا باربار روسا (Barbarossa) و برادرزاده کنراد سوم که در ماه فوریه فوت شد، به عنوان امپراتور و متحد کننده دسته‌های مختلف پس از مرگ هانری پنجم شهرت داشت.

فرانسه ۱۱۵۲

لوئی هفتم برای مصونیت خویشاوندی و خانوادگی و حفظ سرزمینهای تحت امرش با الینور (Eleanor) اهل آکی تین (Aquitaine) ازدواج کرد. الینور قبلا با هانری آنژو وصلت کرده بود.

اورشلیم ۳۱ مارس ۱۱۵۲

بالدوین سوم پادشاه اورشلیم دژهای اطراف شهر را محاصره و مادر خود ملی ساند (Melisande) را تبعید کرد. وی سلطنت دوباره خود را از سال ۱۱۴۴ آغاز کرده بود.

افغانستان ۱۱۵۲

علاءالدین (Alauddin) از شاهان غور (Ghur) به شهر غزنه یورش برد و آخرین فرمانروای غزنویان را برکنار کرد. این امپراتوری وسیع را محمود به وجود آورده بود غزنویان با احتساب مدت پادشاهی پدر محمود سبکتکین مدت یک قرن سلطنت کردند.

خاور نزدیک ۱۹ اوت ۱۱۵۳

آسکالون آخرین شهری که در تصرف فاطمیان در فلسطین بود به وسیله بالدوین سوم تسخیر شد.

فرانسه ۲۰ اوت ۱۱۵۳

برنار در کلیسای کلروو (Clairvaux) جان سپرد این محل کلیسایی بود که برنار از سال ۱۱۱۵ اسقف آن بود.

انگلیس ۱۱۵۳

با درگذشت استفن شاه، پسر وی اوستاس (Eustace) که فرزند ماتیلدا (Matilda) معرفی شده بود، به عنوان فرزند میراث پدر را نداشت. در نتیجه هانری پلانتاژنه (Henry Plantagenet) وارث پادشاهی انگلیس شد. هانری و متحد او در وینچستر (Winchester) با استفن سازش کرده بود.

سیسیل ۲۶ فوریه ۱۱۵۴

راجر دوم در شهر پالرمو (Palermo) جان سپرد. جانشین وی کوچکترین پسرش به نام ویلیام دوباد (William The Bad) (فاسد و شرور) شد.

است و اسقف‌های وینچستر (Winchester) به نظر می‌رسد که کشور سال‌ها دچار قتل و غارت و چپاول بارون‌ها باشد، آن‌ها به تازگی شهرها را آتش می‌زنند و حتی اماکن مقدسه مانند کلیسا را هم دچار حریق می‌سازند.

ساخت معبد حیرت انگیز انگ کوروات (Angkorwat) به وسیله‌ی پادشاه خمر، به پایان رسید. (کامبوج، ۱۱۵۰):

بزرگ‌ترین و با شکوه‌ترین معبد هندو در آسیا، که به وسیله‌ی پادشاه خمر در شهر آنگ کوروات، پایتخت کامبوج (Cambodia) بنا شده بود، پایان یافت. این کار برحسب دستور سوریا وارمان (Suryavarman) دوم، پادشاه خمر (Khmer)، جهت مدفن وی و نیز یکی از بزرگ‌ترین یادبودهای او انجام شده، چون این پادشاه قصد داشت که مرزهای کشور خود را توسعه بخشد، در نتیجه بایستی جلال و شکوه پایتخت خود را بنمایاند و به سایر سلاطین، آن را نشان دهد.

در سراسر پیرامون این بنا، خندقی به طول بیست کیلومتر کنده شده و در ورودی بزرگ آن، یک پل نصب شده که روی این پل که نیمی به صورت اژدها و نیمه‌ی دیگر به شکل انسان است و در دین هندو مورد پرستش و مقدس است و ناگاس (Nagas) نام دارد، با گذشت از پل ساختمان عظیمی در نظر می‌آید که یکی از بزرگ‌ترین ساختمان‌های خمر است و این جایگاه نگهبانان معبد است.

در پهلوی آن، راهروهایی وجود دارد که از سه سو به درهای ورودی برج‌ها ختم می‌شود. در آن سوی در بزرگ ورودی، گذرگاهی است که زمین آن سنگ فرش شده و در طرف دیگر جایگاه ناگاس است. در سمت دیگر، دو سالن بزرگ کتابخانه وجود دارد و در اطراف این قسمت، حیاط وسیعی وجوددارد که محیط بر سالن‌ها و راهروها می‌باشد.

روی سنگ فرش کف زمین سالن‌ها و راهروها، حجاری‌های برجسته‌یی به صورت قهرمانان بزرگ دین هندو و آثار باستانی هند، و نیر بهشت لذت بخش، درد و رنج انسان‌ها جهت تطهیر و پاک شدن از گناهان در برزخ، نبردهای دواس (Devas) و آسوراس (Asuras) ارواح خبیثه و خدای ویشنو (Visnu)، افسانه‌های گارودا

(Garuda) و باناسورا (Banasura) و حکایات راجع به این ارواح کثیف و خبیث که همگی در اقیانوسی از آتش غرق شده‌اند، به چشم می‌خورد.

این بنا از داخل به بنای دیگری راه دارد که در آن هم سالن‌ها و راهروهای چندی وجود دارد که تندیس‌های باشکوه و پر ابهتی در سراسر سالن‌ها و خارج آن به چشم می‌خورد. در داخل این قصر و درست در وسط آن و بلندترین نقطه، برجی هرمی شکل ساخته شده که خود محل پرستش است که به خدای ویشنو تقدیم گردیده و در این قسمت هم پنج برج بنا شده که یکی در وسط و چهار برج دیگر در اطراف آن قرار دارد که ارتفاع برج میانی ۷۰ متر است. به گواهی شاهدان، این معبد تمام زیبائی‌ها را در خود جمع کرده و نشانه‌یی جهت پرستش خداوند می‌باشد.

سلحشوران کشته می‌شوند. (دمشق، سپتامبر ۱۱۴۸):

دومین دسته از صلیبیون که به بیت‌المقدس اعزام شده بودند، همگی مغلوب شده و کشته شدند و کونراد پادشاه آلمان پس از آگاهی از این وضع، خشمگین شده و بیت‌المقدس را ترک کرده و عازم اروپا شد. سایر پادشاهان صلیبی مثل لوئی هفتم پادشاه فرانسه، از این حادثه متاثر شده و به ملاقات نجبا و روحانیان شتافتند تا تصمیمی برای آینده بگیرند.

در جلسه‌ی مهمی که با شرکت سپاهیان صلیبی فرانسه در شهر اورشلیم تشکیل شد،آن‌ها تصمیم احمقانه‌یی گرفتند که به دمشق حمله کنند. بارون‌های فرانسوی شمال سوریه با آن مخالفت کردند و پس از آن، امیر شهر دمشق عهدنامه‌یی با فلسطین بر ضد حاکم آله‌پو (Aleppo) به نام نورالدین جهت جلوگیری از خطر حمله، امضا کردند.

هنگامی که متحدین به خارج شهر دمشق رسیدند، صلیبی‌ها به اونور (Unur) حاکم دمشق یادآوری کردند که از نورالدین حاکم آله‌پو، جهت یاری رساندن و نجات ارتش صلیبی به آنان به پیوندد. در همان حال اونور پنهانی با صلیبی‌های مقیم اورشلیم تماس داشت و مقادیر هنگفتی پول از آن‌ها دریافت می‌کرد. پس از مدت چهار روز، صلیبی‌ها از محاصره خارج شدند و با عجله از تیررس کمانداران دشمن دور شدند. در این هنگام، مسیر جاده‌ی جلیله از اجساد کشته شدگان پر بود. بدین ترتیب دلیران و سلحشوران صلیبی در غرب همگی هلاک شدند.

عمر کشیش صلیبی در صومعه به پایان رسید. (دیژون، ۲۰ اوت ۱۱۵۳):

برنار راهب، در سن ۶۳ سالگی در ناحیه‌ی کلروو در چند کیلومتری شهر دیژون (Dijon)، امروز جان به جان آفرین تسلیم کرد. وی یکی از چهره‌های برجسته‌ی کشیشان بود که در چهل سال اخیر در صحنه‌ی کلیسا ظاهر شده بود و هفت سال آخر عمر خود را جهت تعلیم و آموزش گروه‌های صلیبی دوم صرف کرده بود.

برنار در یک خانواده‌ی اشرافی به دنیا آمده بود و مادرش شیفته‌ی او بود، وی در سن ۱۷ سالگی مادر خود را از دست داد و تصمیم گرفت که شغل رهبانیت را پیشه سازد. مدت چهار سال به تحصیل دینی پرداخت. در ۲۵ سالگی، او را به عنوان راهب یک کلیسا تعیین کردند. اکنون منطقه‌ی کلروو ۶۸ نفر کشیش دارد و کلیسای وی یکی از مشهورترین مراکز تعلیمات دینی می‌باشد.

برنار برای تعلیمات مذهبی اهمیت بسیاری قایل بود و بر سبک و شیوه‌ی یادگیری تاکید داشت تا حدی که به وصال خدا برسد و به خدا دسترسی معنوی پیدا کند. در سال ۱۱۳۰ که بین دو پاپ نفاق و کدورت ایجاد شد، او یکی از هواخواهان جدی پاپ اینوسنت (Innocent) (اینوسان) دوم بود و صومعه را ترجیح می‌داد.

در سال ۱۱۴۰ به تکفیر پیتر آبلار رای داد و مجازات دادگاه سن (Sens) را تایید کرد. آبلار تقاضای ابطال رای دادگاه را کرد، لیکن برنار نقض حکم دادگاه را خطرناک تلقی می‌کرد.

راجر، بنیان گذار امپراتوری سیسیل درگذشت. (پالرمو، فوریه، ۱۱۵۴):

راجر، پادشاه سیسیل، فوت شد. وی برادرزاده‌ی فاتح بزرگ نورمن، روبرت ژیسکارد بود. او در نظر داشت که اقتدار ایتالیا را در دریای مدیترانه گسترش دهدو زمامداران آنجا را در حد اعقابشان برساند. پس از مرگ او، ویلیام پسرش جانشین وی شد. راجر سلطنت را از پدرش به ارث برده بود و توانست مسلمانان را از سیسیل براند.

خاور نزدیک ۲۳ آوریل ۱۱۵۴

نورالدین شهر دمشق را تسخیر کرد.

انگلستان ۲۵ اکتبر ۱۱۵۴

استفن شاه انگلیس در شهر دوور (Dover) جان سپرد.

رم ۱۴ دسامبر ۱۱۵۴

نیکلاس بیک اسپیر (BakeSpear) که یک فرد انگلیسی بود به مقام پاپی رسید و اسم خود را هادریان (Hadrian) چهارم گزارد.

ایتالیا ۱۱۵۶

با پشتیبانی پاپ هادریان، دولت بیزانتین به شورشیان آپولیا (Apulia) و سیسیل حمله‌ور شد. ویلیام سیسلی شورش را درهم شکست و به سوی بیزانس در برینـدیزی (Brindisi) رفت، پاپ هم در بنه ونتو (Benevento) تسلیم شد.

قبرس ۱۱۵۶

رجینالد (Reginald) اهل شاتیون (Chatillon) شاهزاده انطاکیه به قبرس یورش برد.

اسپانیا ۱۱۵۷

بافوت آلفونسوی هفتم پادشاه کاستیل و لئون قلمرو حکومت او بین پسرانش به نامهای سانکوی (Sancho) سوم و فردیناند دوم تقسیم شد.

ایتالیا ۱۱۵۸

به دانشگاه بولونیا (Bologna) از سوی امپراتور امتیازاتی اعطا شد.

رم ۱۱۵۹

با مرگ پاپ هادریان چهارم جهت انتخاب پاپ جدید اختلاف ایجاد شد.

افریقای شمالی ۱۱۵۹

سرزمین تونس که به وسیله راجر سیسیلی تصرف شده بود توسط اعراب پس گرفته شد.

میلان ۱۱۶۲

فردریک امپراتور، شهر میلان را محاصره و تخریب کرد. ساکنان شهر هم پراکنده و در چهار روستا سکونت گزیدند.

ایتالیا ۱۱۶۷

شهرهای شمال ایتالیا به پیمان لومبارد (Lombard) که بر علیه فردریک امپراتور بسته شده بود پیوستند.

رم ۱۱۶۷

فردریک رم را محاصره کرد و پاپ آلکساندر (Alexander) سوم شهر را ترک گفت.

مصر ۱۱۶۹

صلاح الدین ایوبی به وزارت خلیفه فاطمی در کشور مصر منصوب شد. در این زمان خلیفه قدرتی نداشت و وزیر زمام امور را در دست داشت و خلیفه آلت دست وی بود.

ایتالیا ۱۱۷۰

شخص پاپ هم به پیمان لومبارد پیوست و شهری جدید برای انجام امور مذهبی به نام اسکندریه بنا کرد در این شهر فرمانهای پاپ درباره امور مربوط به کلیساهای غربی و لومباردی انجام می‌شد.

در سال ۱۱۳۰ سلطنت او توسط آناکلتوس (Anacletus) دوم به رسمیت شناخته شد و به عنوان فاتح جنوب ایتالیا معرفی شد. در این سال‌های اخیر با حمله به تونس، چندین شهر این سرزمین را اشغال کرد و در نظر داشت در افریقا هم امپراتوری برقرار سازد.

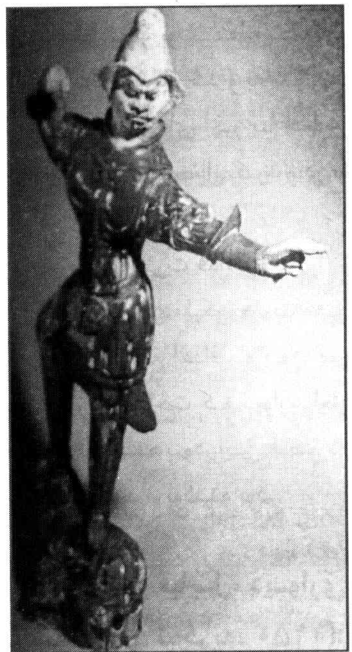
او برای حفظ قدرت نورمن‌ها، قدرت فئودال‌ها را بالا برد و یک سیستم زمین‌داری به وجود آورد، لیکن قدرت مصریان و پیشرفت‌های بیزانتین در افریقا مانع اهداف او بود، معهذا در تونس قصری مجلل برپا ساخت که دیوارهایش از موزائیک‌های گران‌بها پوشیده شده بود. این قصر دارای مسجد و نمازخانه‌ی خصوصی و حرم پوشیده بود.

برای مصون ماندن از حمله‌ی قبایل، دیواری در اطراف کانو ساخته شد. (کانو، نیجریه، ۱۱۵۰):

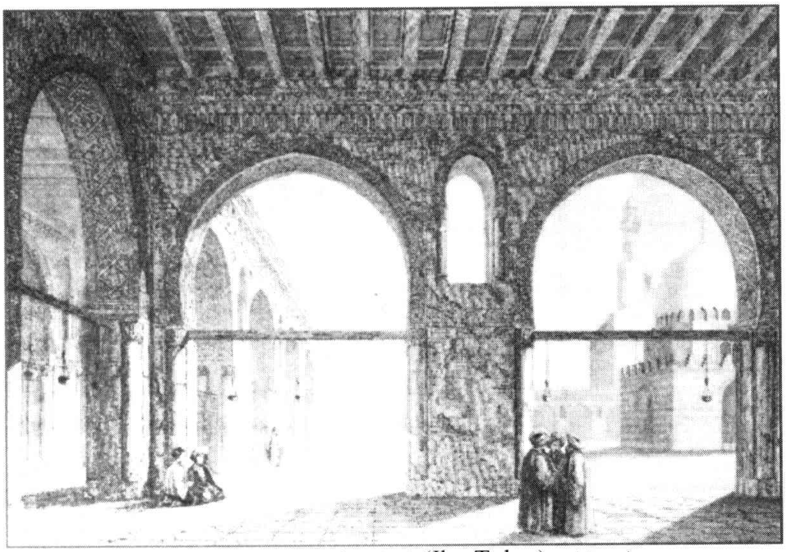
تساراکی دان جی ژیماسو (Tsarakidan Gijimasu)، فرمانروای کانو (Kano)، حصار اطراف شهر را تکمیل کرد. مدت پنج نسل بین شهروندان هوسا (Hausa) ورؤسای قبایل پیرامون آن زد و خورد و نبرد ادامه داشت. حال برای ابقای موجودیت و تضمین زندگی آنان، اقدام به ساختن این دیوار کردند. شهر کانو از قرن هشتم تا کنون، مسکن فلزکاران و آهنگران بوده، لیکن تا قرن یازدهم که قبایل هوسا به این منطقه مهاجرت کردند، تحت فرمانروایی رهبر افسانه‌یی به نام بایاجیدا (Bayajida) قرار داشت که سرزمین تحت فرمان خود را پس از مرگش به هفت پسرش بخشید که هر کدام از پسران وی،در یک شهر حاکمیت داشتند و به تدریج این شهرها را گسترش دادند تا به حالت شهرهای متمدن درآمد.

جی ژیماسو که از سال ۱۱۳۴-۱۰۹۵ عنوان حاکم سومین شهر را داشت، برای مصون ماندن از حمله‌ی دشمنان، اقدام به ساختن دیواری اطراف شهر کرد. نوه‌ی او به نام تساراکی، برای حفظ مردم ساکن شهر که از اشراف، بازرگانان، نساجان، محصلان، آهنگران و بردگان تشکیل می‌شد، این دیوار را به اتمام رسانید تا اقوام بربر به راحتی نتوانند به حریم شهر تجاوز کنند.

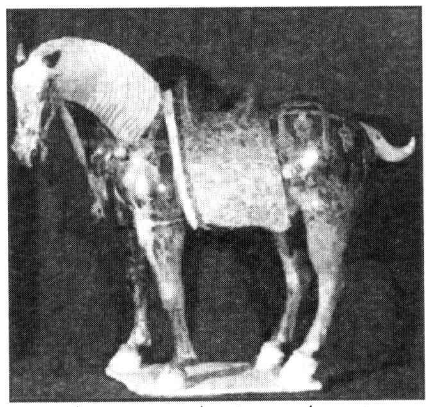
پس از تاج گذاری امپراتور، در اثر شورش، یکهزار نفر از رمیان کشته شدند. (رم، ۱۸ ژوئن ۱۱۵۵):



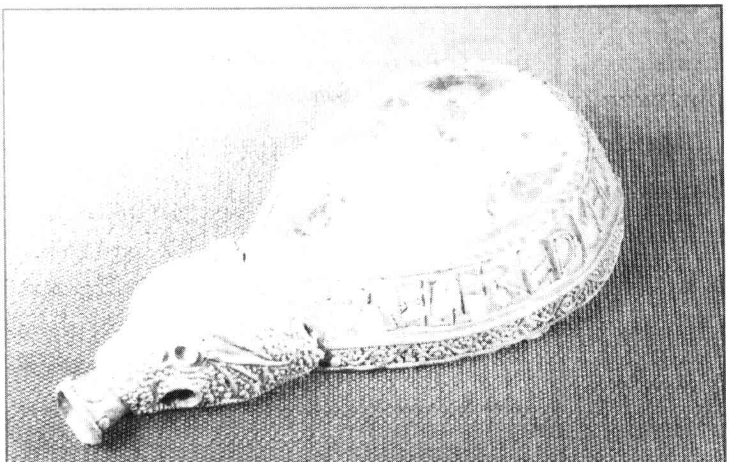
تندیس یک جنگاور چینی.



ابن طولون (Ibn Tulun) با ساختن این مسجد، نظر تمام رقبای غیراسلامی را به معماری اسلامی خیره ساخته است.



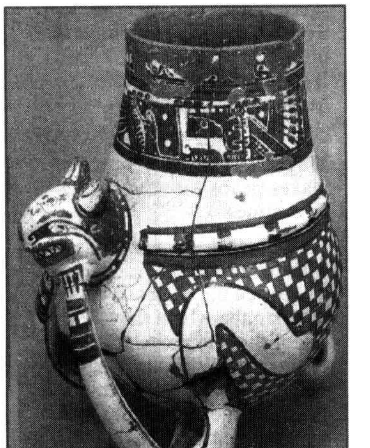
تندیس اسب زین‌شده، این هم نمونه‌یی از هنر موزاییک در عصر تانگ.



هدیه‌ی دربار سلطنتی که از بلور بسیار شفاف که بر روی آن میناکاری شده و سر یک حیوان افسانه‌یی، لیکن آلفرد (Alfred) می‌گوید: این را برای من ساخته‌اند.



پیکره‌ی زنی از شیشه‌ی رنگی.



هنرمندان کوستاریکا (Costa Rica) از قبیله‌ی نیکویا (Nicoya) با خلق این ظرف رنگین و بسیار زیبا و ظریف، هنر امریکای مرکزی را عرضه می‌کنند.



آلفرد کبیر در لباس جشن تاجگذاری.

کنستانتینوپول ۱۱۷۱

مانوئل کومنه نوس (Manuel Comnenus) فرمان داد که تمام ونیزیهای مقیم امپراتوری را دستگیر کرده و اموال و دارائی آنها را مصادره نمایند.

مصر ۱۱۷۱

صلاح الدین ایوبی خلیفه فاطمی مصر را معزول و مذهب سنی را در تمام کشور رسمی اعلام کرد (خلفای فاطمی پیرو مذهب شیعه بودند.) در نتیجه صلاح الدین قدرتی مافوق خلیفه را احراز کرد.

عربستان ۱۱۷۳

صلاح‌الدین بندر عدن را تسخیر کرد.

خاور نزدیک ۱۱۷۴

جانشین نورالدین فرزند۱۱ ساله وی شد. نایب السلطنه او تلاشهای زیادی برای اتحاد و یکپارچگی مسلمانان جهان مبذول داشت.

اورشلیم ۱۱۷۴

با مرگ آمائوری (Amaury) شاه اورشلیم، بالدوین چهارم که پسری ۱۳ ساله و جذامی بود جانشین وی شد. بدین جهت سعی شد که برای وی نایب السلطنه‌یی انتخاب شود.

قسطنطنیه ۱۱۷۵

مانوئل کامنه نوس امپراتور امتیازاتی به بازرگانان و نیزی اعطا کرد.

ایتالیا ۱۱۷۶

با شکست فردریک ریش قرمز (Frederick Barbarossa) امپراتور در مقابل امضاء کنندگان پیمان لومبارد از پاپ درخواستی مبنی بر متارکه موقتی جنگ در محل آینانی (Agnani) نمود.

آسیای صغیر ۱۱۷۶

ترکان سلجوقی نیروهای بیزانتین را در محل میریوسفالوم (Myriocephalum) از هم پاشیدند.

خاور نزدیک ۱۱۷۷

صلاح الدین (Saladin) ایوبی در محل رام الله از بالدوین چهارم پادشاه اورشلیم (Jerosalem) شکست خورد.

رم مارس ۱۱۷۹

در سومین اجلاس لاتران اعلام شد که گزینش پاپ تنها با دوسوم آرای کاردینالها مورد قبول است.

خاور نزدیک ۱۱۸۰

پس از شکست صلاح الدین در سال گذشته بالدوین چهارم فرماندار اورشلیم بامتارکه جنگ موافقت کرد.

قسطنطنیه ۲۴ سپتامبر ۱۱۸۰

مانوئل پسر ۱۱ ساله‌اش را به نام آلکسیوس دوم کامنه‌نوس (Alexius Comnenus) به عنوان جانشین معرفی کرد و بیوه او هم نایب السلطنه پسرش شد.

رم ۳۰ اوت ۱۱۸۱

پاپ آلکساندر سوم جان سپرد و بدین ترتیب اختلاف و نفاقی که از سال ۱۱۵۹بر سر انتخاب وی ایجاد شده بود حل شد.

در آغاز تاج گذاری فردریک ریش قرمز اهل آلمان، توسط هادریان (Hadrian) پاپ انگلیسی نژاد، مردم قیام کردند و در اثر آن عده‌یی قتل عام شدند و این نشانه‌ی شومی بود. این نمایش مسخره بدین ترتیب صورت گرفت که بر طبق یک رسم قدیمی، امپراتور هنگامی که پایش را در رکاب اسب پاپ می‌نهاد، سنگی را به نشانه‌ی احترام به سوی پاپ پرتاب می‌کرد. بارباروسا (Barbarossa) یا ریش قرمز، این رسم را به کناری نهاد و از انداختن سنگ خودداری کرد. پاپ هادریان هم او را رسما به امپراتوری معرفی نکرد، بدین ترتیب صلح تبدیل به زد و خوردی لفظی و آرام شد. در اثر این پیش آمد، بین کشیشان ملازم پاپ و شاهزادگان همراه امپراتور مجادله درگرفت. به طوری که ریش قرمز را از اسب پیاده کردند و بین آن‌ها درگیری ایجاد شد.

پس از مقاوله‌نامه‌یی بین طرفین پیشنهاد شد که در آن رومی‌ها در خواست کردند بار باروسا یا ریش قرمز از امپراتوری خلع شود، با وجود این، چون خزانه‌ی کشور خالی بود، نماینده‌ی مردم به ریش قرمز گفت اگر ۱۵ هزار پاوند (هر پاوند ۴۵۳ گرم است) نقره به خزانه بپردازد، می‌تواند به سلطنت برسد. چون مذاکرات به نتیجه نرسید، ریش قرمز به سوی شهر رم رهسپار شد، لیکن دروازه‌ی شهر بسته بود. او هم حیله‌یی اندیشید و گروهی سرباز را ازدر مخفی کلیسای سنت پیتر به درون فرستاد واتیکان را اشغال کرد. او روز شنبه را به عوض روی یک‌شنبه انتخاب کرد و با حمایت لشگریانش، در همین شنبه تاج گذاری کرد و بدین وسیله‌ی رضایت خود را اعلام داشت. عده‌یی می‌پرسیدند که انداختن یک سنگ کوچک راحت‌تر نبود که تو تن به این خواری دادی و گروهی را به قتل رساندی.

باز هم خبرها حاکی از آن است که شورش و بلوا ادامه دارد و مردم دو نفر از سربازان گارد آلمانی را در روی پل سنت پیتر به قتل رسانده و جسد آن‌ها را به رود تیبر (Tiber) افکندند. در اثر این جریان، فردریک دستور داد که سربازان در خارج از شهر رم مستقر شوند. سرانجام یکهزار نفر از شهروندان شهر رم به هلاکت رسیدند.

راهبی که فقر و قناعت را به مردم می‌آموخت، به آتش افکنده شد. (رم، ۱۱۵۵):

یک راهب که درس عفت و پاک دامنی و قناعت و فقر را به مردم تعلیم می‌داد و پیرو راستی و اصالت عقل بود، با فتوای دادگاه رم که رای آن هم غیر قابل تغییر بود، به جرم ارتداد و الحاد، به مرگ محکوم شد که جسد او را هم پس از مرگش سوزانده و خاکسترش را هم در رود تیبر ریختند. با این عمل، آرنولدیست‌ها (Arnoldist) (پیروان آرنولد ذکر شده) و حواریون هواه خواه قناعت که دارای مناعت طبع بودندو فقر را محترم می‌شمردند و سایر راهبان پیرو حقیقت،به جوش آمدند و فتوای رم را بی‌اعتبار دانستند، به طوری که بیم اختلاف و شکاف بین کلیساها می‌رفت و این اختلاف هم تا به حال همچنان باقی‌ست.

سال‌ها پیش، آرنولد به شهر رم رفت و به دسته‌ی مخالفان پاپ پیوست. فعالیت‌های او منجر به درگیری بین کلیساها شد. وی را پیش از تکفیر، از ایتالیا اخراج کردند و چون به فرانسه رفت، از آنجا هم او را بیرون راندند و مورد تکفیر قرار دادند.

امپراتور ژاپن در لباس خدمتکاران زن، از مقر خود فرار کرد. (ژاپن، ۱۱۵۹):

شورش و آشوب خونینی که بین خاندان سلحشوران تایرا (Taira) و میناموتو (Minamoto) رخ داد،با شکست خانواده‌ی میناموتو به پایان رسید. این حادثه که به قیام هی‌جی (Heiji) مشهور شده، سرانجام به صلح انجامید. در مرحله‌ی نخست، جنگجویان تایرا، نیژو (Nijo)، امپراتور و معاون وی گوشیراکاوا (Go-shiracawa) را زندانی کردند که پس از چندی، امپراتور در لباس خدمتکاران از زندان گریخت. سپاهیان تایرا به استحکامات نظامی یورش برده و پس از آن به قصر امپراتور حمله کردند. رهبر میناموتو به نام یوشی‌تومو (Yoshitomo) با سه فرزند خویش با وجود ریزش برف و سرمای زمستانی از کاخ مقر خود فرا کردند.

محل پایتخت ژاپن تغییر می‌یابد. (ژاپن، ۱۱۵۶):

پایتخت کشور ژاپن که در ۳۵۰ سال قبل به این عنوان شناخته شده بود، به این سبب که جایگاه توطئه‌ی درباریان و هم چنین گرفتاری‌هایی برای هوژن (Hogen) شده، و این وضع خود موجب زد و خورد و جدال بین دو خانواده‌ی رقیب تایرا و میناموتو می‌باشد، تغییر محل داد.

تام‌یوشی (Tameyoshi)، رییس خاندان میناموتو را قبلا به قتل رسانده بودند، یوشی موتو (Yoshimoto)، فرزند او را هم به مرگ محکوم کردند، لیکن این این امر اجرا نشد، چون یکی از افسران خود یوشی موتو، به دستور ارباب خویش او را کشت، یوشی‌موتو از او درخواست کرده بود برای این که به دست تایراها نیفتد، وی را بکشد،پس از مرگ یوشی موتو، آن افسر هم خود را هلاک کرد.

طوایف بربر، شمال افریقا را تصرف می‌کنند. (مراکش ، ۱۱۶۳):

با پایان یافتن سلطنت عبدالمومن، طوایف بربر الموحد که در کوهستان‌های اطلس سکونت داشتند، به شمال افریقا، به فرمانروایی می‌رسند. در پی ضعف و فتور سلسله‌ی پادشاهی موراوید، آن‌ها به سوی سرزمین‌های متعلق به نورمن‌ها در تونس شتافتند. عبدالمومن تحت حمایت ابن طومار قرار داشت. او از قبیله بدوی بربرهای آن سوی کوه‌های اطلس بود. و این قبیله اصلاح طلب اسلامی به نام الموحدین معروف بودند. آن‌ها در سال ۱۱۱۷، عبدالمومن را ملاقات کردند و طبق قرار دادی که بستند، عبدالمومن را به عنوان از اعضای مجری طرح پذیرفتند. طومار در سال ۱۱۳۰ در گذشت و این امر را مدت سه سال از عبدالمومن کتمان کردند تا عبدالمومن جانشین خود را معرفی کند. یک بار هم عبدالمومن به پشتیبانی و حمایت بی‌دریغ قبیله‌ی زاناتا (Zanata) درسال ۱۱۴۵ و در منطقه‌ی تلمسن (Tlemcen) بر تاشفین (Tashfin) ابن علی پیروز شد و تاشقین کمی بعد از شکست فوت شد.

در سال ۱۱۴۶، عبدالمومن پس از ۹ ماه محاصره‌ی شهر مراکش در مسیر شاهراه اصلی فز، با رعایت مروت و جوانمردی آنجا را اشغال کرد، بدین معنی که از کشتار و غارت شهر خود داری کرد. در سال ۱۱۴۷، مراکشی‌ها در مقابل پرداخت وجه، آزادی خود را خریدند و بدین ترتیب پایتخت سقوط کرد. پس از چندی، قوای عبدالمومن برای بیرون راندن کفار از کرانه‌ها و بنادر، به نیروهای راجر دوم ، پادشاه سیسیل، تاختند و سرزمین تحت اشغال آنان را تسخیر کردند.سپس آن‌ها توانستند بیش‌تر شهرهای مهم شمال افریقا، از قبیل الجزیره و تونس را با تصرف استحکامات و قلاع تحت تسلط مسیحیان، بار دیگر متصرف شوند و بدین

ترتیب بخش اعظم سرزمین‌های شمالی افریقا را که حق مشروع آن‌ها بود، به دست آوردند.

امپراتور انقلابیون، شهرهای ایتالیا را در هم شکست. (کرما (Crema)، ۳ فوریه ۱۱۶۰):

پس از شش ماه محاصره‌ی شهر کرما که مردم، من جمله کودکان، در پشت دیوارهای شهر محبوس بودند و دایم در ترس و اضطراب از ماشین‌های قلعه کوب و سربازان محاصره کننده به سر می‌بردند، امروز شهر به وسیله‌ی فردریک ریش قرمز فتح شد. این امپراتور، که به سنگدلی و بی‌رحمی مشهور است، با غضب و خشمی زایدالوصف، به شهر وارد شد.

مردم این شهر که خواستار استقلال داخلی خود بودند و در راه احراز آن مقاومت می‌کردند، وحشت پشت وحشت را از سرگذرانیدند و امپراتور آلمان که ازنژاد نورمن می‌باشد، با اشغال این شهر، اقتدار وحشتناک خود را نشان داد.

مردمی که مدت‌ها تحت محاصره بودند، اکنون در خطر تلافی و انتقام لشگریان بارباروسا قرار دارند و بیم آن هست که گرفتار بلای عظیم‌تری گردند که به مراتب از زندانی بودن در پشت حصار مرگبارتر باشد. فردریک دستور داد که تمامی افراد زندانی را که در مقابل لشگریان آلمان دست به مقاومت زده بودند، به دار کشیده شوند. سپس برطبق دستور فردریک، کودکان زندانی را در صف اول محکومان به اعدام قرار دهند.

هنگامی که شهر گشوده شد، بر طبق فرمان امپراتور، آن را با خاک یکسان کردند. اکنون بقایای مردم شهر که از این جریان جان سالم به دربر برده‌اند، با جسارت تمام خواستار اتحاد بامیلان در مقابل ستمگری‌های بار باروسا شده‌اند.

بازرگان ثروتمند به خاطر پرهیزکاری و قناعت تبعید شد. (لیون (Lyons)، ۱۱۷۵):

در جنبشی که از سوی والدنزی‌ها (Waldensians) به نفع مردمان فقیر برپا شد، خود زنگ خطری برای روسای کلیساهای محلی بود. در اوایل ظهور دین مسیح، به مومنان چین آموخته می‌شد که همواره در فکر افراد بی‌بضاعت و تنگدست باشند و تا حد امکان آن‌ها را یاری دهند. تمام مسیحیان، این عقیده را محترم می‌شمردند و مقامات مذهبی

قسطنطنیه ۱۱۸۲

شورشی که به رهبری آندرونیکوس کامنه‌نوس (Comnenus)بر ضد امپراتریس ماریا (Maria) برپا شده بود موجب قتل عام گروهی از ایتالیائیها شد. آلکسیوس امپراتور برای شهادت دادن مرگ مادرش تحت فشار قرار گرفت. اندرونیکوس (Andronicus) و آلکسیوس (Alexius) متفقا فرمانروائی را تا هنگام کشته شدن آلکسیوس عهده دار بودند.

دانمارک ۱۱۸۲

والدمار (Valdemar) کبیر که از سال ۱۱۵۷ سلطنت می‌کرد در گذشت وی با ساکسونها بر علیه وندها (Wends) جهت مبارزه همکاری می‌کرد (وندها از نژاد اسلاوها بودند و در ساحل دریای بالتیک زندگی می‌کردند.)

خاور نزدیک ۱۱۸۳

صلاح الدین ایوبی بر سرزمین سوریه غلبه کرد و سلطان آن منطقه شد.

آلمان ۲۵ ژوئن ۱۱۸۳

پیمان صلح کنستانس (Constance) که به عنوان عدم خصومت بین امپراتور فردریک و لومباردها بسته شده بود گسسته شد.

نروژ ۱۵ ژوئن ۱۱۸۴

ماگنوس (Magnus) پنجم که از نظر وراثت هیچ حق قانونی نداشت در نبرد با حریف خود، اسور (Sverre) شکست خورد. وی مدعی بود که خون خاندان سلطنت در رگهایش جاری است.

اسپانیا- افریقای شمالی ۱۱۸۴

ابویوسف یعقوب المنصور به جانشینی الموهاد از سلسله پادشاهی مهدیون منصوب شد.

ایتالیا ۱۱۸۴

اجلاس کلیساها که در شهر ورونا تشکیل شده بود تمام امتیازات موروثی را محکوم کرد. پاپ لوسیوس (Lucius) سوم و امپراتور موافقت کردند که اسقف‌ها بایستی حافظ اموال و دارایی‌های مصادره شده از طرف کلیساها باشند و همکاری تنگاتنگ در روابط عمومی داشته باشند.

هندوستان ۱۱۸۵

محمد غوری (Ghuri) (از سلسله غور) سلسله غزنویان را منقرض کرده و مناطق پنجاب (Punjab) و لاهور (Lahore) را تسخیر کرد.

قسطنطنیه ۱۱۸۵

آندرونیکوس امپراتور در طی شورشی کشته شد.

ژاپن ۱۱۸۵

میناموتویوری‌تومو (Minamoto yoritomo) تایراها (Tairas) را منهدم کرد و در کاماکورا (Kamakura) یک دولت نظامی برقرار کرد.

و پاپ هم این نکته را همواره به طرفداران خود خاطر نشان می‌ساختند، لیکن رفته رفته این موضوع به نسیان و فراموشی سپرده شد.

در سه سال پیش، جنبشی به رهبری پی‌یروالد (Pierre Valdes) برای کمک به فقرا و پرداخت وام به آنان تشکیل شد. او با غلبه بر احساسات خویش، افسانه‌هایی درباره‌ی مرگ سنت آلکسیس (St Alexis) برای مردم نقل می‌کرد. وی با نقل قول از کلمات مسیح چنین می‌گفت: برو تا آنجا که می‌توانی در راه خدمت به مستمندان و بی‌چیزان فعالیت کن و نیاز آنان را مرتفع نما. پی‌یروالد در راه خدمت به فقرا، همه‌دارایی خود را صرف می‌کرد، وی در درجه‌ی اول خانواده‌ی خود و سپس سایر فقرا را در نظر می‌گرفت و غذای اولیه‌ی آن‌ها را که نان و سوپ بود، تامین می‌کرد. تا آن که تمام پس انداز و دارایی خود را در ماه اوت ۱۱۷۳ از دست داد. او سایر طبقات ثروتمند را هم به این کار تشویق می‌کرد، تعداد زیادی از آن‌ها در این راه پیش قدم شدند. بدین ترتیب، وی فقرا را خوشحال می‌کرد، لیکن دستگاه روحانیت و کلیساها، از این امر نگران بودند، چون قدرت آن‌ها را دچار تزلزل می‌نمود.

توماس به کت (Thomas Becket) را در کانتربوری، به قتل رساندند. (کانتربوری، ۲۹ دسامبر ۱۱۷۰):

توماس به کت، سر اسقف کانترتبوری را در حالیکه در محراب مریم باکره و در کلیسای خود، در قسمت جناح شمالی کاتدرال، ایستاده بود، با ضربه‌ی شمشیر هلاک کردند. قاتلان او چهار نفر از شوالیه‌های دربار بودند که پس از جر و بحث با اسقف ۵۲ ساله‌ی کلیسا و ایجاد ازدحام، به این کا رمبادرت ورزیدند. سراسقف ، تلاش بسیاری به خرج داد که آن‌ها را آرام سازد، عده‌یی از اهالی شهر هم بر اثر این غوغا به تماشای این غائله آمدند ولیکن سر اسقف نتوانست آرامش را برقرار سازد. به کت در حالی که مرگش را پیش رو می‌دید، سر را در مقابل شمشیر آنان قرارداد و دستان خود را به آسمان بلند کرد و وبا التماس چنین گفت: خداوندا من تسلیم هستم و از مریم، سنت دنیس (St Denis) که نمونه‌یی از قدیسین است، خیر و برکت می‌خواهم.

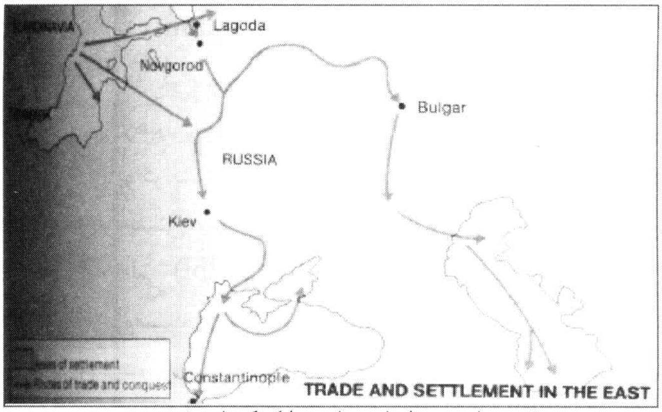
مرگ به‌کت که با خشونت و شقاوت انجام گرفت، بر اثر اختلاف عمیق بین توماس و هنری دوم پادشاه انگلیس بود که مدت‌ها ادامه داشت. به‌کت که در شهر لندن به دنیا آمده بود، فرزند یک بازرگان از نژاد نورمن بود، در جوانی به خدمت دربار انگلیس درآمد و هنری هم او را به مقام اسقف کانتربوری تعیین کرد، لیکن مایل بود که او و روحانیان کانتربوری، همواره گوش به فرمان وی باشند.

به‌کت بدون در نظر گرفتن رضایت شاه، بیش‌تر به دستگاه روحانیت اهمیت می‌داد و از کشیشان حمایت می‌کرد. به‌کت در یک فرصت مناسب، با بلند کردن عصای اسقفی، به شاه گفت: شما حق ندارید که در امور مربوط به کلیسا مداخله کنید. شاه هم هنگام تاج گذاری فرزند خود، به عنوان جانشین، او را به کلیسای وست مینستر فرستادو با همیاری یورک و شش نفر ا زکشیشان آنجا، مراسم تاج گذاری وی را انجام دا. به‌کت هم در مقابل کشیشان، وست مینستر را تکفیر کرد. چون این امر به گوش شاه رسید، بسیار خشمگین شد و کاسه‌ی صبرش لبریز شد و گفت من این راهب یاغی را مجازات خواهم کرد و بدین صورت چهار نفر شوالیه، جواب دندان شکنی به وی دادند.

امپراتوری تولتک در هم شکست. (امریکای مرکزی، ۱۱۷۵):

شورش ها و انقلابات،قحطی، آتش سوزی و بی‌نظمی‌های پیوسته، نه تنها شهر تولا (Tula)، بلکه همه‌فرهنگ و تمدن تولتک (Toltec) را در هم ریخت.

از سال ۱۱۲۰ که به طور دائم مرزهای این امپراتوری رو به کاستی می‌رفت و وسعت کشور نقصان می‌یافت، مردم این سرزمین هم که تحت فشار قرار گرفته بودند، به جنوب کشور سرازیر شدند که شاید کمتر در معرض تهدید قرار گیرند. اکثریت این مهاجران، بر اثر وفاداری به میهن خود، وضع موجود را تحمل می‌کردند. برخی هم به خاطر رهایی از این وضع، از نیروهای رقیب حمایت می‌کردند. کولولا (Cholula) که از طبقه‌ی کشاورزان بود، چشم طمع به سرزمین‌های زیر کشت کتان دوخته بود و از سوی شمال به فشار خود می‌افزود. علاوه بر آن، قحطی شدید هم مزید بر علت شد. در نتیجه، هزاران پناهنده به شهر تولا سرازیر شدند،در حالی که غذای کافی برای خوردن نداشتند. آنان از هر قوم و نژادی ترکیب شده بودند.



نقشه مهاجرت و راه‌های تجارت و ایکینگ‌ها در شرق.



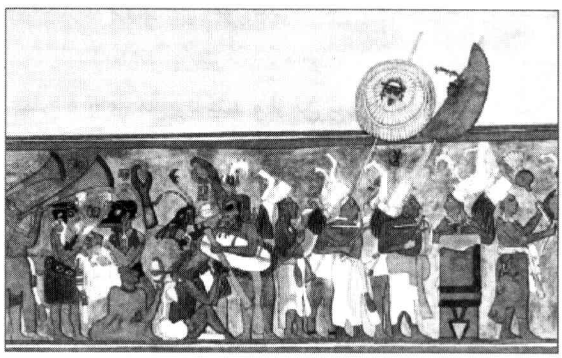
معبد پالاوان (Pallavan).



بازیل (Basil)، امپراتور رم شرقی که قبلا با رم غربی خصومت می‌ورزید، اکنون با نیروی اسلام روبه‌روست.



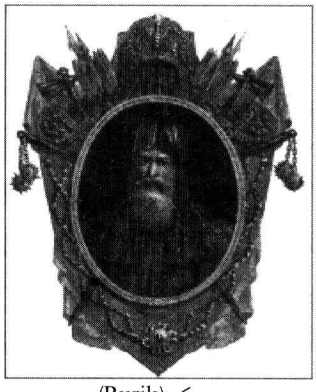
دوستی و صمیمیت امپراتور شرق، اخیرا لئوی پنجم امپراتور، در روز تاجگذاری، مایکل راگاب (Michael Rhagabe) را که ساکن امریکا بود به معاونت خود برگزید.



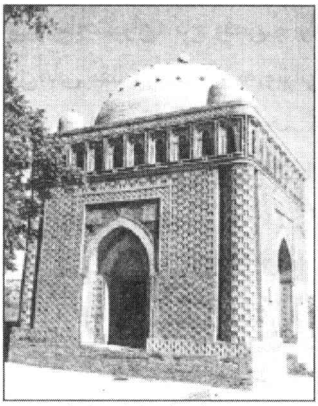
عکسی از نقاشی دیواری از معبد زاپوتک در مکزیک جنوبی.



تندیس کوچک برنزی کولا (Chola)، الهه‌ی رقص، تقدیم به خدای (Siva Nataraja)



روریک (Rurik)، رهبر اقوام وارنگیان (Varangian).



مقبره‌ی یکی از شاهان سلسله‌ی سامانی در شهر بخارا (Bokhara).

در زمان سلطنت کوتاه مدت، سی‌آکاتل تـوپیلیتزنین (Ce. Acatl Topiltzin) که دوره‌ی درخشان امپراتوری تولتک بود، او میل داشت که به وضع موجود سروسامانی بدهد و تـا حد امکان این تمدن را احیا کند. وی بر اثر عشق بـه وطـن خود، درصد بود که اختلاف نژادی را حل کند و مـشکلات را از پیش پا بردارد. اکنون به نظر می رسد که او توانسته باشـد به طور موقت و با جوانمردی و رحم و شفقت، این امر علاج ناپذیر را تا اندازه‌یی سامان دهد، لیکن به طور حـتم، سـقوط غیر قابل اجتناب است.

شهر مایا دچـار قتـل و غـارت و حریـق شـده و ساکنان شـهر آنجـا را تـرک کردنـد. (امریکـای مرکزی، ۱۱۷۹):

سرزمین امریکای مرکزی در ناامنی و آشـوب غوطـه ور شده و شهر مایا در ایالت چـیچن ایتـزا (Chichen Itza) توسط لشگریان هوناک سیل (Honac Ceel) پادشاه ظالم و ستمگر مایاپان، دچار آتش و قتل و غـارت شـده. هونـاک سیل تنها به خرابی و ویرانی می‌اندیشد. او بـا حیلـه‌گـری و توسل به اتحاد با رهبر ایالت ایزامال (Izamal) با جـسارت بیش‌تری در درجه اول مردم مایاپان (Mayapan) را مطیع ساخت و سپس به چیچن ایتزا حمله ورشد.

پس از تصرف چیچن ایتزا، حال، به متحد پیـشین خـود ایزمال، یورش برده است. ایالت چـیچن ایتـزا، از ۲۰۰ سـال قبل که تمدن مایا در امریکای مرکزی پا گرفت، مشهور شد و در این موقع، شهر تولا به مرکز تمـدن مایـا تبـدیل شـد، لـیکن اکنـون ویـران و بـه خرابـه‌یـی مبـدل شـده اسـت. ساختمان‌های عظیمی هم چون معبد جاگوارها (Jaguars)، معبد مبارزان و سلحشوران، کاخ رقص و آواز، بناهای هرمـی شکل و مکان‌های مقدس، همه‌ی به ویرانی دچار شـده و از بین رفته است. بقایای ساختمان‌هایی هم که از آتش سوزی در امان مانده بودند، دستخوش چپاول شده و فراریـان شـهر به صحرایی در نزدیکی دریاچه‌ی پتن ایتـزا (peten Itza) پناه بردند. این محل جایی است که پس از انحطـاط تمـدن مایا و خرابی شهرها، از دسترش غارتگران دراماان مانده و در نظر است که جایگاه تمدن جدیدی شده و اسـتقلال خـود را حفظ کرده و در ضـمن، پایتخـت جدیـدی بـه نـام تایـازال (Tayasal) در آنجا ایجاد شود.

کلیسا را محکوم به ارتداد و تکفیر کردند. (تولـوز (Toulouse) ، ۱۱۷۹):

در سومین کنگـره‌ی کلیـساها کـه در رم تـشکیل شـد، رهبران پاکدامن و آزاد مرد، کلیسا را به ارتداد محکوم کردند و در پشت میز خطابـه آن‌هـا را بـه دشـنام و ناسـزا بـستند. جنبش کاتار (Cathar) یا پرهیزکاران در شهرهای تولـوز و آلبی (Albi)، بسیار مشهور و قدرتمند بود. ایـن جنـبش بـه وسـیله‌ی نیکتـاس (Niketas) در شـهر سـنت فلـیکس دوکارامان (St felix de Caraman) پایـه گـذاری شـد، وی قبلا سفری به قسطنطنیه کـرده بـود، لـیکن بـه اتهـام عقیده‌ی دوگانگی (ثنویت) محکوم شد.

کاتارها عقیده داشتند د رعالم وجود و جهان هـستی، دو نیروی خیر و شر، روح و ماده، وجود دارد. مـسیح روح کامـل است و سایر مردمان، دچار نقایص و کمبودهایی هستند.

در کتاب عهد عتیق آمده که اغلب مردم، پیـرو کارهـای شر و افعال ناروا هـستند و کلیـساها هـم کارهـای ناصـواب انجام می دهند و بیش‌تر کارهای آن‌ها تجملـی و ظـاهری است.

به هـر حـال، کاتارهـا ایـن مباحـث را مطـرح کردنـد و خواستار پیگیری این امور شدند. آنان سخت به عقاید اصـیل خود پایبند بودند. پرهیزکاران همواره در زندگی بـه کارهـای عملی و یدی می‌پرداختند و از تن پروری ابا داشتند، اغلب به امساک در خوردن می‌پرداختند و روزه‌دار بودند. آنـان عقیـده داشتند که پرهیز و کم غذایی، روح را آزاد می‌سازد و روح در جسم انسان پرهیزکار، دچار عـذاب و شـکنجه نمـی‌شـود و می‌تواند به سیر آفاق و انفس بپـردازد و دیگـر در بنـد تـن آسائی و تنبلی نیست. مخالفـان و دشـمنان کاتارهـا عقیـده دارند که زندگانی بایستی توام با خوش‌گذرانی و لـذت دایـم باشد.

صـلاح الـدین در رویـای ازادی بیـت‌المقـدس (دمشق، ۱۱۷۵):

رهبـر جدیـد اسـلامی، صـلاح الـدین (Saladin) بـا یکپارچـه کـردن قـدرت‌هـای مـصر و سـوریه، آن را تحـت فرمانروایی واحد درآورد. وی با شعار اقتدار اعـراب متحـد بـا ترکیبی از ثروت مصر و تحت تعلیم قرار دادن ارتش اعـراب توسط سوریه، قدرت عظیمـی بـه وجـود آورد کـه بتوانـد در

مقابل مسیحیان ایستادگی و از بیت المقدس حراست کند. صلاح الدین از کردهای میان رودان و سربازی بود که در هشت سال پیش در مصر با عموی خود جنگیده بود. شیرکوه یکی از صاحب منصبان سوری نورالدین فرمانروای سوریه بود. نورالدین حاکم سوریه و شیرکوه فرمانده‌ی ارتش وی، هر دو به مرگ طبیعی و تقریبا هم زمان، دارفانی را ترک گفتند.

صلاح الدین که مردی قدرتمند و سخت کوش بود، چون کانون قدرت را خالی دید، با زرنگی خاص خود، خلاء قدرت را پر کرد و عملاً به حاکمیت مصر و سوریه رسید. ضمن آن که به جای شیرکوه، فرماندهی ارتش را هم در دست داشت، به سرزمین فلسطین که در اختیار کافران قرار داشت، حمله برد. هنگامی که نورالدین در چهار سال پیش درگذشت. صلاح الدین بدون فوت وقت، خود را رهبر هر دو کشور مصر و سوریه خواند، در این زمان، وی ۴۳ ساله بود. او نخست مخالفان داخلی را سرجای خود نشاند، بدون این که سیاست جهانی و نیروی تحرک خود را تغییر دهد و همواره درصدد بود که دست مسیحیان را از بیت المقدس کوتاه کند.

برخی از ناظران می‌گویند، در آن زمان غربی‌ها مزیتی بر اعراب نداشتند، جز این که اعراب به تعدد زوجات معتقد بودند و سیستم حکومتی آنان، قابلیت انعطاف بیش‌تری داشت و شاید این موضوع برتری کشور غربی بر اعراب بود، و صلاح الدین با طرح آن در بین اعراب، تا اندازه‌یی آن را تغییر دادو توانست همگان را به وضع نوینی سوق دهد و سیاست جهانی را جایگزین سیاست قبیله‌یی اعراب سازد. او با اصلاحات اجتماعی که انجام داد، در رویای آزادی بیت المقدس بود. به هر صورت، آن تنها یک رویا نبود. بلکه او توانست سهم خود را در عقاید مسیحیان پرهیزکار ایفا نماید.

با شکست امپراتور، اقتدار پاپ فزونی یافت. (ونیز، مارس ۱۱۷۷):

هزاران نفر از مردم در میدان سن مارکو جمع آمده تا نظاره گر صحنه‌یی باشند که یک امپراتور پاهای پاپ را می‌بوسد. بدین ترتیب فردریک بار باروسا (ریش قرمز) در مقابل قدرت پاپ تسلیم شدو الکساندر سوم را به عنوان پاپ و تنها اسقف اعظم پذیرفت. فردریک، سال‌ها قدرت پاپ را

خاورنزدیک ۱۱۸۷

صلاح‌الدین پس از پیروزی در هی تین (Hittin) پادگانهایی شبیه فرانکها (Frankish) در آن جا ایجاد کرد. وی تنها شهرهائی همچون تیره (Tyre) طرابلس و انطاکیه را تا آن زمان فتح نکرده بود.

فرانسه ۲۱ ژانویه ۱۱۸۹

فیلیپ آگوستوس (Philip Augustus) هانری دوم از انگلیس و فردریک ریش قرمز، گروه‌هائی برای سومین جنگ صلیبی فراهم آوردند.

فرانسه ۱۱۸۹

ریچارد (Richard) موسوم به (شیردل- Lionheart) به جانشینی هنری دوم پادشاه انگلیس منصوب گردید.

سیسیل ۱۱۸۹

ویلیام دوم که از سال ۱۱۶۶ سلطنت سیسیل را دارا بود جان سپرد. وی همواره برضد بیزانتین در نبرد بود، وتا سال ۱۱۸۵ که در موزینوپولیس (Mosinopolis) دچار شکست شد،به نیروهای لاتین برضد ساراسن (Saracens) کمک می‌کرد.

ژاپن ۱۱۸۹

با وجود یاری دادن برادر یوری تومو (Yoritomo) در نبرد بر ضد تایراس،میناموتو (Minamoto) که از طایفه یوشیت سون (Yoshitsune) بود، آماج حملات یوری تومو قرار گرفت. آنان پس از شکست تشکیلاتی خود و خانواده شان و نیز پارتیزانها دسته جمعی خودکشی کردند.

بالکان ۱۱۹۰

امپراتور ایساک (Isaac) دوم در ناحیه استارا زاگورا (Stara zagora) بر بلغارها پیروز شد.

آلمان ۱۱۹۰

دسته‌های تتوتونیک (Teutonic) جنگجو برای دفاع از بیت المقدس تشکیل شد.

ژاپن ۱۱۹۱

ای سایی (Eisai) پس از مدت کوتاهی پس از مراجعت از چین که برای تحقیق و مطالعه رفته بود فرقه رین زایی زن (Rinzai zen) را تشکیل داد.

خاور نزدیک ۱۱۹۱

ریچارد شیردل قبرس را تسخیر کرد سپس او و فیلیپ آگوستوس، اکرا (Acre) را تصرف کردند. فیلیپ آگوستوس به شدت بیمار شد و جنگ‌های صلیبی را رها کرده، به فرانسه بازگشت. اما سپاهیان وی تحت فرماندهی هوگ (Hugh) اهل بورگوندی در منطقه نبرد باقی ماندند.

رم ۱۱۹۱

هانری ششم فرزند فردریک ریش قرمز به عنوان امپراتور در حضور پاپ سلستین (Celestine) سوم تاجگذاری کرد.

دست کم می‌گرفت و مخالف پاپ ویکتور (Victor) چهارم و جانشین او پاسکال (Paschal) سوم بود. لیکن اکنون در مقابل پاپ آلکساندر سوم زانو زده است.

وی با پشتیبانی هنری دوم، پادشاه انگلیس، و لویی هفتم، پادشاه فرانسه و جانشین وی، پاپ الکساندر را به جزیره‌ی سیسیل تبعید کرد، هر چند با تمام این کوشش‌ها، مساعی وی به شکست انجامید و سرانجام پاپ بر او پیروزی یافت.

ده سال قبل، ده هزار از شوالیه ها و مزدوران جنگی، در دو ستون توانستند بر رومیان در ناحیه‌ی توسکولوم (Tusculum) غلبه کرده و در نبردی موحش، واتیکان را تسخیر کنند. پاسکال باردیگر بر مسند خود تکیه زد و لشگریان فردریک به مالاریا دچار شدند، به طوری که از هر ده نفر، یکی کشته شد. به هر صورت، دو هزار نفر از سلحشوران فردریک به ورطه‌ی هلاکت افتادند و ایتالیائی‌ها هم بر ضد او دست به طغیان زدند، تا این که فردریک با لباس خدمتکاران فرار کرد. امپراتور خستگی ناپذیر، با زهم توانست با فعالیت مجدد خود، سپاهیانی فراهم آورد. اکنون فردریک حقوق کاردینال‌ها و واتیکان را به رسمیت شناخته و آن‌ها با اکثریت دو سوم آرا، پاپ آلکساندر را برگزیدند و او هم قول داده که فردریک را در نبرد مقدس سرزمین فلسطین یاری دهد.

امپراتور پنج ساله در نبرد شرکت می‌کند. (ژاپن، ۱۱۸۵):

آنتوکو (Antoku) امپراتور خردسال، در نبرد دریایی بین دو طایفه‌ی رقیب تایرا و میناموتو به هلاکت رسید. در این جنگ، علاوه بر امپراتور، تعداد کثیری از نجبا و اشراف و هم چنین رزمندگان هم تلف شدند. خاندان تایرا، امپراتور خردسال را به نشان‌های سلطنتی به عنوان سمبل و نشانه‌ی حقانیت و مشروعیت خود به میدان نبرد برده بودند تا در مقابل گوشیراکاوا (Go-shirakawa) که به وسیله‌ی صومعه به عنوان امپراتور طایفه‌ی میناموتو معرفی شده بود، قد علم کند. اقوام تایرا در این نبرد دریایی ۴۰۰ کشتی جنگی فراهم کرده بودند، در حالی که دشمن آن‌ها یعنی میناموتو، تنها ۳۰۰ فروند ناو جنگی داشتند و از این نظر اطمینان داشتند که در این پیکار، پیروز خواهند شد و امپراتور آن‌ها هم صدمه‌یی نخواهد دید.

هنگامی که دو ناوگان جنگی در منطقه‌ی دان نورا (Dannoura) واقع در بین دو جزیره‌ی هونشو (Honshu) و کیوشو (Kyushu)، به تیررس هم رسیدند، اقوام تایرا در وهله‌ی نخست، خیلی خوشحال بودند، چون در موضع قدرت بودند. لیکن زمانی که ناوگان تایرا به ناچار در باریکه‌ی دریایی درگیر شدند که راه فرار نداشت، میناموتو بر آنان غلبه کرد، چون که تایرا دیگر در جنگ آن‌ها گرفتار شده بود، در این هنگام، ناوگان تایرا خسارت فراوان دید و بیش‌تر کشتی‌های آنان غرق شد و امپراتور خردسال هم هلاک شد.

در پی مرگ هنری، پادشاه انگلیس، ریچارد شیردل به سلطنت رسید. (لندن، ۳ سپتامبر ۱۱۸۹):

امروز ریچارد شیردل به عنوان پادشاه انگلیس تاج گذاری کرد، در حالی که عده‌ی قلیلی از مردم انگلیس با جانشینی او موافق بودند. ریچارد بخش اعظم زندگی خود را به عنوان دوک آکی تیان که ارثیه‌ی مادری وی به نام النور (Eleanor) بود، گذرانیده و چند بار هم با پدر خود هنری دوم و برادرانش، برای کسب قدرت جنگیده بود. هنری سالخورده، در هنگام مرگ این سخنان را به وی گفت، من تا زمانی که انتقام جدی از تو نگیرم، نخواهم مرد و تا آن هنگام، خداوند برای آن مرا نخواهد بخشید.

ریچارد ۳۲ ساله همیشه اوقات خود را در محیط هوس بازی و عشق بازی گذرانیده بود. هنری با ازدواج با اله‌نور (النور)، بخشی از سرزمین فرانسه را ضمیمه‌ی انگلیس کرده بود، ولی فرزندان وی هیچ‌گاه از این مشارکت راضی نبودند.

وقتی که برادر بزرگ ریچارد فوت شد و او وارث سلطنت گردید، هنری از وی خواست که آکی تیان را ترک کرده و به انگلیس بیاید. ریچارد با کلمات توهین آمیز پیشنهاد پدرش را رد کرد و با حمایت فامیل خود، در واقع به جنگ پدر رفت. ریچارد نخست قصد داشت که در ملک موروثی مادرش حکومت کند، چون اله‌نور در وینچستر به مراقبت از شوهرش مشغول بود. وی سخت مشغول جمع‌اوری پول و تجهیزات برای نبرد فلسطین بود و قصد داشت که بیت‌المقدس را از مسلمانان بازستاند.

ریچارد با کمک مبارزان صلیبی به اورشلیم حمله کرد و پیروزی‌هایی بدست آورد و از این نظر او را به لقب شجاع (شیردل) ملقب کردند.

شورش ضد سامی به تمام انگلستان سرایت کرد و در نتیجه‌ی آن، پانصد نفر از یهودیان در ناحیه‌ی یورک (York) به هلاک رسیدند. (یورک، ۱۷ مارس ۱۱۹۰):

شش ماه پس از قیام ضد سامی (سام یکی از پسران نوح پیامبر است و نژاد یهودیان و اعراب از نسل او می‌باشد.) این شورش امروز به اوج خود رسید و مردم با حمله به قلعه‌ی یورک، که یهودیان به آنجا پناه برده بودند، بیش از پانصد نفر از یهودیان را اعم از مرد و زن و کودک، کشتند.

این قتل عام پس از سه روز محاصره‌ی قلعه به وسیله‌ی مردان جوانی که جزو صلیبیون نبودند، انجام شد. اغلب این قیام کنندگان هم از افرادی بودند که وام‌های سنگینی از یهودیان ربا خوار گرفته بودند و بدهی‌های آن‌ها انباشته شده و قادر به پرداخت آن نبودند. برخی از یهودیان ترجیح می‌دادند که تمام خانواده‌ی آن‌ها کشته شود، اما به تسلیم رضایت نمی‌دادند، بعضی‌ها هم حاضر بودند به فرقه‌ی باپتیست به پیوندند، مشروط بر آن که بتوانند سالم از این مکان مقدس خارج شوند و امنیت آن‌ها تضمین گردد.

یهودیان، هرگز به طور کامل قوانین کشور را قبول نداشتند، لیکن به دشواری برخی از قوانین را در ماه سپتامبر گذشته مورد قبول قرار دادند. ریچارد، سران یهود را در جشن تاج گذاری خود دعوت نکرد، در حالی که آنان سعی داشتند به این جشن بیایند و هدایای خود را تقدیم کنند.

برخی از ساکنان شهر لندن آنان را مورد حمله قرار دادند، خانه‌های آن‌ها را آتش زدند و تعدادی را هم کشتند. در حالی که شورش سراسر کشور را در برگفته بود، یهودیان هم از منطقه‌ی دورهام (Durham) واقع در شمال انگلیس، به وینچستر در جنوب، یورش بردند.

این اغتشاشات در استامفورد (Stamford) و نیوآرک (Newark)، شدت بیش‌تری یافت.

بسیاری از نیروهای نظامی هم پشتیبان افراد ضد سامی بودند. افراد متعصب مذهبی، بر این عقیده بودند که ربا

خاور نزدیک ۱۱۹۱

ریچارد شیردل، صلاح الدین را در محل آرسوف (Arsuf) شکست داد.

خاور نزدیک ۱۱۹۲

ریچارد شیردل شهر جافا (Jaffa) را محاصره کرد. لیکن در اورشلیم دچار شکست شد.

هندوستان ۱۱۹۲

محمد غوری پس از تسخیر شهر دهلی قطب الدین آیبک (Aybak) را به عنوان نخستین فرماندار آنجا برگمارد.

فرانسه ۱۱۹۳

فیلیپ آگوستوس، ناحیه وکسین (Vexin) بخشی از خاک انگلیس را که در تصرف فرانسه قرار داشت اشغال کرد.

اروپای مرکزی ۱۱۹۳

ریچارد شیردل را در شهر وین (Vienna) دستگیر کرده و به امپراتور هانری ششم که حریف او بود تحویل دادند. تانکرد سیسیلی (Tancred) که در آلمان اقامت داشت ولف (Welf) با هانری ششم در این مورد همکاری داشتند.

خاور نزدیک ۱۱۹۳

به مجرد فوت صلاح الدین ایوبی در دمشق آتش نبردهای داخلی برای جانشینی وی شعله ور شد.

آلمان ۴ فوریهٔ ۱۱۹۴

ریچارد شیردل با پرداخت غرامت هنگفتی آزاد شد.

فرانسه ۱۱۹۴

سپاهیان فیلیپ آگوستوس در ناحیه فرت وال (Freteval) توسط ریچارد شیردل در هم شکسته شد. وی تیول خود را در خاک فرانسه پس گرفت. و قرارداد متارکه جنگ را در ورنوی (Verneuil) امضا کرد.

سیسیل ۲۹ سپتامبر ۱۱۹۷

امپراتور هانری ششم که در شهر پالرمو سه سال پیش تاجگذاری کرده بود در شهر مسینا (Messina) بدرود حیات گفت. هانری سرزمین وسیعی را به خاطر همکاری پاپ و محافظت وی در مقابل دشمنان امپراتور و همچنین اتحاد سیسیل به او واگذار کرد.

هندوستان ۱۱۹۷

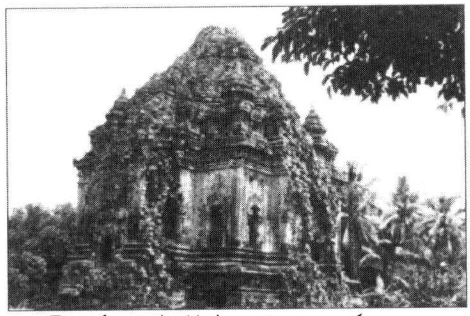
صومعه مشهور بودائی در شهر نالانادا (Nalanada) که مرکز تدریس و مطالعات دین بودا بود به وسیله اعراب ویران شد.

رم ۸ ژانویه ۱۱۹۸

با انتخاب پاپ اینوسنت سوم، وی مردم را به نبرد صلیبی جدید فراخواند.

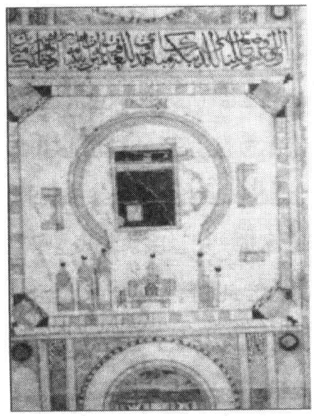
آلمان ژوئیه ۱۱۹۸

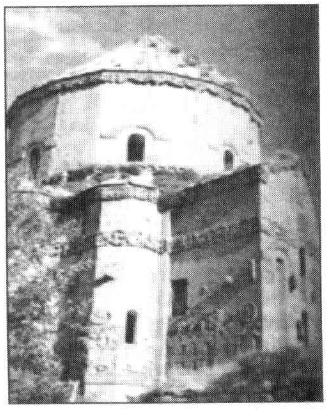
اوتو (Otto) اهل برانزویک (Brunswick) توسط ولف (Welfs) تاجگذاری کرد. در همین هنگام فیلیپ اهل اسوابیا که رهبری هوهنشتافن را بر عهده داشت و در ماه مارس با حمایت هواخواهانش به عنوان پادشاه انتخاب شده بود. این ناهماهنگی باعث بروز نبردهای محلی شد.

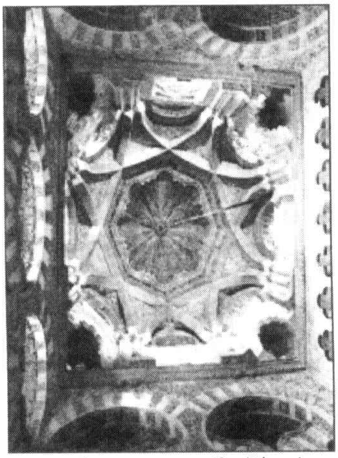

برج مرکزی معبد هندی پرام‌بانان (Prambanan) که به شیوا (Siva) تقدیم شده است.

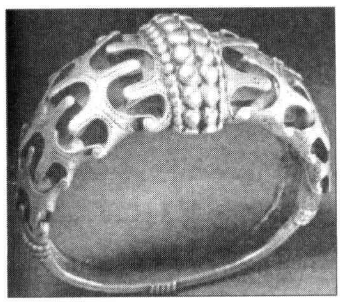

سواران بلغاری در جنگ.


رولو (Rollo)،
نخستین دوک نورماندی (Normandy).

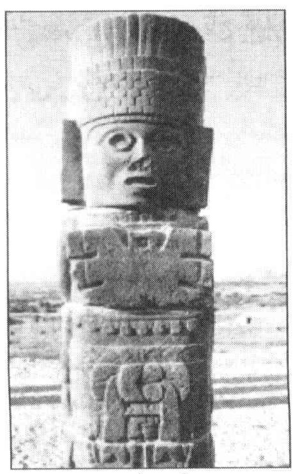

نوشته‌هایی بر روی پرده‌ی کعبه.

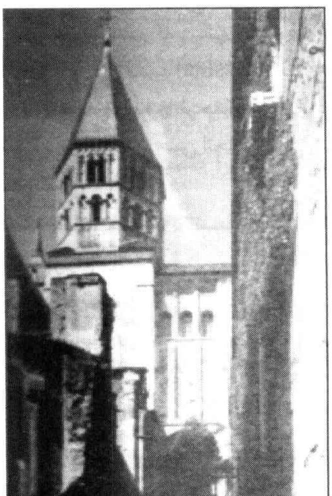

گاگیک اردونی (Gagik Ardzrouni) از ارامنه بانفوذ و طرفدار سلطنت، کلیسای جدیدی در جزیره‌ی اقتامار (Aghtamar) واقع در دریاچه‌ی وان (Van) به نام کلیسای صلیب مقدس بنا کرد و این تصویر متعلق به آن است.


نمای داخلی گنبد مسجد بزرگ شهر کوردوبا (Cordoba) در اسپانیا که بلندترین نقطه شهر است.


بازوبند بسیار زیبا و ظریف نقره، ساخت هنرمندان دانمارکی.


پاپ ژان دهم، مردی اغواگر و ظاهرفریب.


ستون سنگی تراشیده شده، در پایتخت تولتک (Toltec).


کلیسای کلونی (Cluny Abbey)،
کانون آموزش امور دینی.

خاور نزدیک ۱۲۰۰

پس از مرگ صلاح الدین برادر وی به نام الملک العادل به عنوان سلطان منصوب شد. وی توانست اتحاد ایوبیان (Ayyubids) را حفظ کند. او متصرفات سلسله ایوبی را نگهبانی می‌کرد و به علاوه میان رودان را هم به تصرف درآورد.

پرو ۱۲۰۰

مانکو کاپاک (Manco Capac) سردسته قبایل اینکا (Inca) شهر کوزکو (Cuzco) را پایه گذاری کرد.

ایتالیا ۱۲۰۱

اتوی چهارم به وسیله پاپ اینوسنت سوم به عنوان امپراتور معرفی شد.

آسیای مرکزی ۱۲۰۲

چنگیزخان مغول قبایل تاتار را درهم شکست.

فرانسه ۱۲۰۲

فیلیپ شاه فرانسه تیولهای (املاک متصرفی) جان پادشاه انگلیس را با حق داوری فرانسه (قضات عبارت بودند از آکی تین (Aquitaine)- آنژو (Anjou) و پوآتو- Poitou) مصادره کرد. وی این املاک را به آرتور (Arthur) اهل بریتانیا که برادرزاده او بود بخشید. در پی این امر سپاهیان جان پیروزی بزرگی در منطقه میرابو (Mirabeau) به دست آوردند.

مدیترانه ۱۲۰۳

سلسله پادشاهی المهدی (مهدیون) دست‌اندازی به مجمع الجزایر بالیریک (Balearic) در دریای مدیترانه را آغاز کردند.

فرانسه آوریل ۱۲۰۳

شورشهایی در انگلستان برضد جان پادشاه انگلیس برپا شد. در سال گذشته آرتور بریتانیائی مباحثی را راجع به ذیحق بودن سلطنت خویش بیان داشت لیکن جان آن را نامشروع قلمداد کرد و ضمن رد این بحث در توطئه‌یی وی را به قتل رسانید.

فرانسه ۱۲۰۴

اینوسنت سوم، پیتر (Peter) اهل کاستل نو (Castelnau) و آرماند (Armand) اهل آمالریک (Almalric) را به عنوان کشیشان شهر سیتو (Citeaux) اعزام داشت و به آنها ماموریت داد که کاتار (Cathar) رافضی مذهب را از لانگدوک (Languedoc) برانند.

قسطنطنیه ۱۲۰۴

صلیبیون شهر را تصرف کردند و امپراتوری لاتین راجایگزین امپراتوری شرق کردند. بیزانتین تحت فرمانروائی تریبزوند (Trebizond) درآمد و از تصرف آلکسیوس کامنه ئوس خارج شد.

فرانسه ۱۲۰۴

تمام دوک نشین نورماندی (Normandy) و کانال مانش اینک به دست فرانسویها افتاده است.

خواری عملی مذموم است و یهودیان در این امر مسئول هستند و این جریان کیفر اعمال آنان است، در حالی که یهودیان می‌گفتند که سایرین نسبت به دارایی آنان حسد می‌ورزند. به هر حال قیام بر علیه آن‌ها، اجتناب ناپذیر بود.

عده‌یی از صلیبیون هم یهودیان را به چشم دشمن می‌نگریستند، چون آنان را هوادار دشمنان خود فرض می‌کردند و چون دسترسی به اعراب (ساراسن) نداشتند، آنان را هدف نزدیکتری می‌دانستند که جهت انتقام گیری مورد نظر بودند، در نتیجه با ضربه زدن به آنان موجبات شادی خود را فراهم می‌کردند و عقده‌های خود را می‌گشودند.

صلاح الدین پس از نبرد با هی تین (Hittin) ارباب مشرق گردید. (اورشلیم، ۲ اکتبر ۱۱۸۷):

در سرزمین فلسطین، دیگر منطقه‌ی مسیحی نشین باقی نمانده. صلاح الدین با محاصره‌ی آخرین بخش سرزمین کوهستانی ملکه‌ی هی‌تین و آزادسازی آن، دیگر جائی نمانده بود که آن را متصرف نشده باشد، تمام مناطق متصرفی هم در خشکی قرار داشت و صلاح الدین خطر جنگ‌های دریایی را به جان نمی‌خرید و از آن برحذر بود. او تمام سرزمین‌های اطراف را در نوردیده و تکه‌تکه آن‌ها را به تصرف درآورده بود. او به هنگامی که تمام دشمنان را مغلوب کرد، زمین‌ها و علفزارهای اطراف آنجا را هم به آتش کشید. این کار برای مردان روئین تن و سوار، شکنجه آور بود، چون علوفه برای اسبان پیدا نمی‌شد. پس از آن رهبران مسیحی منطقه هم چون ریموند، پادشاه محلی تریپولی، تسلیم شدند و به پیمان‌های منعقده بین خود و صلاح الدین وفادار ماندند، چون همواره در معرض تهدید بودند.

رهبران متعصب مسیحی مانند (رجینالد (Reginald) پادشاه کاتی‌یون Chatillon) توسط صلاح‌الدین تحت فشار قرار گرفتند. سه ماه پس از آن، صلاح‌الدین با سی هزار مرد جنگی که بسیار پر تحرک بودند، قلاع مسیحی و استحکامات آن‌ها را در نوردیده و از ناحیه‌ی سنت ژان دوآکر (St Jeand' Acre) تا بیروت (Beirut) تمام آن‌ها را تسخیر کرد، تا بالاخره در کمال آرامش به اورشلیم رسید. هنوز شهر طرابلس (تریپولی)، انطاکیه و بندر تایر (Tyre) در دست فرانک‌ها باقی بود، اما صلاح الدین به آنان نشان

داد که نگهداری این مناطق تا چه اندازه پر خرج و طاقت فرساست که آن‌ها نخواهند توانست آن را تحمل کنند و مسیحیان و صلیبی‌ها قادر به نگهداری آن‌ها نیستند.

جنگ صلیبی برای ریچارد پایان یافته تلقی شد. (آکر (Acre)، ۹ اکتبر ۱۱۹۲):

ریچارد شیردل پس از ۱۶ ماه جنگ، فلسطین و بیت‌المقدس را ترک کرد، چون هنوز این مناطق در دست مسلمانان باقی مانده بود. گرچه ریچارد با شجاعت و جسارت نبرد را رهبری می‌کرد، لیکن سپاهیان وی در مقابل ارتش صلاح‌الدین پادشاه مصر، تاب مقاومت نداشته و شکست خوردند و او تنها با گروه‌های صلیبی طرفدار خود نمی‌توانست به جنگ ادامه دهد. گرچه ریچارد بسیار خوب عمل کرده بود، لیکن در موقعیت بدی قرار داشت و تنها چاره را در آن دید که قرارداد ترک مخاصمه را با صلاح‌الدین امضاء کند، در این قرار داد قید شده که تنها چند شهر کوچک ساحلی در دست مسیحیان باقی بماند و مسیحیان اجازه داشته باشند که به اماکن مقدسه و مقبره‌ی مقدس عیسی مسیح در بیت‌المقدس جهت زیارت بروند، از سوی دیگر صلاح‌الدین اجازه نمی‌داد که هیچ یک از افراد صلیبی با سلاح حتی به عنوان زائر به اماکن مقدسه رفت و آمد کنند چون این موضوع بر ریچارد گران آمد، آنجا را ترک کرد.

فردریک ریش قرمز در سومین نبرد صلیبی کشته شد. (آسیای صغیر، ۱۰ ژوئن ۱۱۹۰):

امروز جسد فردریک ریش قرمز در ساحل رودخانه پیدا شد. وی در حالی کشته شد که آرزو داشت صلیبیون مناطق مسیحی نشین و لاتینی زبان فلسطین را در اختیار خود داشته باشند. عده‌یی عقیده داشتند که او با داشتن زره‌ی سنگین در رودخانه غرق شده است.

سپاهیان فردریک به تازگی منطقه را ترک کرده بودند، آن‌ها پس از عبور از کوه‌های توروس، در ساحل دجله، بندر سلوکیه (Seleucia) را تصرف کردند و فردریک تنها به جا مانده بود و در تنهایی جان داد. آنان د رحالی که از اقوام ترک در بیم و هراس به سر می‌بردند و از گرسنگی و تشنگی و گرما در رنج و عذاب بودند، شتابان راه تنگه داردانل (Dardanelles) را در پیش گرفتند. در حالی که فرماندهان آن‌ها با تضعیف روحیه فرمان می‌دادند که مراجعت کنند.

فردریک ریش قرمز بر حسب فرمان پاپ گریگوری هشتم، جنگ صلیبی سوم را شروع کرد. اکنون اورشلیم در تصرف صلاح الدین است، در حالیکه در جنگ دوم صلیبی، بیت‌المقدس در اشغال آن‌ها بود و حالا در صحنه‌ی جنگ فلسطین، دو نفر از پادشاهان اروپا (ریچارد شیردل از کشور انگلیس و فیلیپ دوم آگوستوس از فرانسه) شرکت دارند و نیروهای صلیبی را در این جنگ هدایت می‌کنند.

کیلوا سلطان (Kilwa Sultan) که کنترل سرزمین‌های طلا و تجارت آن را در دست داشت، درگذشت. (جزیره‌ی کیلوا، افریقای شرقی، ۱۱۸۸):

علی ابن حسن، سلطان سابق و بنیانگذار اصلاح طلب جزیره‌ی کیلوا، در گذشت و مسلمانان سراسر سرزمین افریقای شرقی سوگوار شدند.

سلطان نخستین فردی بود که به ضرب سکه در کیلوا اقدام کرد، وی هم چنین تمام جزایر مافیا (Mafia) را متحد کرد و این منطقه را به قدرت رسانید. او توانست با مبادله‌ی طلا و فروش آن به جزایر رنگبار که در ۱۶۰ کیلومتری جنوب کیلوا قرار داشت به ثروت سرشاری دست یابد. از سوی دیگر، به خاطر به وجود آوردن صنایع آهنی و تجارت آهن و صدف به نقاط مجاور که تنها یکصد کیلومتر با کیلوا فاصله داشتند، مردم خود را به رفاه و خوشبختی رسانید.

علی ابن حسن سلطان در گذشته، آرام آرام به موگادیشو (Mogadishu) پیوست، طلای استخراج شده از معادن موگادیشو را صادر می‌کرد، یعنی در حقیقت به عنوان واسطه عمل می‌نمود.

علی ابن حسن و نیاکان وی، با ازدواج با خانواده‌های مسلمان موگادیشو، این رسم را ترویج کردند و بدین وسیله بین موگادیشو و جزیره‌ی کیلوا، اتحاد برقرار کردند و در واقع پنهانی به منابع طلای آنجا دست یافتند، به طوری که یکی

فرانسه ۱۲۰۵
فیلیپ آگوستوس بر آنژو (Anjou) غلبه یافت.

یونان ۱۲۰۵
یکی از جنگاوران صلیبی به نام اوتو دولاروش (Otho de la Roche) دوک نشین آتن را بنیانگذاری کرد.

آسیای صغیر ۱۲۰۶
تئودور لاسکاریس (Theodor Lascaris) ناپسری آلکسیوس سوم امپراتور پیشین،در نیکائه (Nicaea) به عنوان پادشاه تاجگذاری کرد.

هندوستان ۱۲۰۶
پس از به قتل رسیدن آخرین سلطان سلسله غوریان، قطب‌الدین ایبک سلسله پادشاهی مسلمان به نام اسلاو (Slaves) را بنیانگذاری کرد.

فرانسه ۱۵ ژانویه ۱۲۰۸
پیتر اهل کاستلنو (Castelnau) توسط یکی از غلامان رایموند (Raymond) چهارم اهل تولوز (Toulouse) به قتل رسید. ریموند مسئولیت این امر را به گردن تکفیر کننده سابق پاپ که در خطا به‌های خود جنگجویان صلیبی را به رافض کشی ترغیب می‌کردند انداخت.

رم ۲۴ مارس ۱۲۰۸
جان پادشاه انگلیس در مخالفت با پاپ اینوسنت سوم، اسقف اعظم کانتربوری (Canterbury) را تعیین کرد. جایگاه پاپ در انگلیس با تحریم، ترس و وحشت از روحانیان و کشیشان و اوامر مقدس در تمام امور تصور می‌شد.

آسیای مرکزی ۱۲۰۸
چنگیزخان ترکستان را فتح کرد.

رم نوامبر ۱۲۰۹
جان پادشاه انگلیس به وسیله پاپ تکفیر شد.

فرانسه ۲۲ ژوئیه ۱۲۰۹
در جریان نبردهای صلیبی که برضد کاتولیک‌ها برپا شد سیمون (Simon) اهل مون‌فور (Montfort) شهر بزیه (Beziers) را به باد غارت داد و هزاران نفر از جمله تعداد زیادی از کاتولیک‌ها کشته شدند.

رم ۱۲۰۹
پس از کشته شدن فیلیپ اهل اسوابیا، رقیب وی.اوتوی چهارم، در حضور پاپ تاجگذاری کرد.

انگلستان ۱۲۰۹
یک گروه از دانشجویان آکسفورد به خاطر آشوبهای برپاشده در بین شهروندان شهر کمبریج (Cambridge) دانشگاه آکسفورد را ترک گفتند.

آلمان دسامبر ۱۲۱۲
با حمایت دستگاه پاپ فردریک دوم از هوهنشتافن به عنوان پادشاه آلمان تاجگذاری کرد.

از اجداد سلطان کیلوا به نام سوفالا (Sofala)، امتیاز این تجارت را از موگادیشو کسب کرد. به هر صورت آنان توانستند از راه تجارت طلا به ثروت و قدرت برسند، تا جائی که در پایتخت خود به نام کیلواکی سی‌وانی (Kilwa Kisiwani)، بخش اعظم ساختمان‌ها را با سنگ بنا کردند.

نخستین حاکم نشین آند (Andean) در شمال غربی پرو تاسیس شد. (پرو، ۱۲۰۰):

ایالت پروئی چیمو (Chimu) در ساحل شمال غرب امریکای جنوبی گسترش یافته و به یک امپراتوری مبدل می‌شود. پایتخت این ایالت به نام چان‌چان (Chan Chan) در دره‌ی چی‌کاما (Chicama) نزدیک تروخیلو (Trujillo) در دشت ساحلی کوه‌های آند اقیانوس آرام قرار دارد.

شهر چان‌چان که پیوسته در حال توسعه می‌باشد، بر طبق روایات تاریخی، در سیصد سال پیش به وسیله‌ی اقوام تاکایامو (Tacayhamo) که با بلم‌هایی که از تعدادی تنه‌ی درخت درست شده بود، به این مکان رسیدند، پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. این شهر که برده چهارضلعی تقسیم شده و هر کدام چندین جریب وسعت دارد، با حصارها و استحکاماتی محصور شده که در حدود ۱۷ متر ارتفاع دارد.

در این شهر ساختمان‌ها طبق یک سبک ساده بنا شده و اغلب بایستی با قایق به منازل رسید. خانه‌ها به شکل هرم‌های کوچکی است که اتاق‌ها و باغچه را اطراف این هرم ساخته‌اند. هم‌چنین شهر دارای یک سیستم آبراهه‌ی سنگی و یک قبرستان عمومی است. تمام ساختمان‌ها هم به استثنای مخزن آب شهر که سنگی است، بقیه از خشت و آجر و سنگریزه و شن بنا شده است.

اشراف و ثروتمندان در قصرهایی زندگی می‌کنند که دارای قلعه و بارو می‌باشد و این مجموعه‌ی ساختمانی را نگهبانان حراست می‌کنند. دیوارهای این قصرها با نقش برجسته‌ی پرندگان، حیوانات و ماهی‌ها و گل‌ها زینت یافته است.

فرمانفرمای جنگاور ژاپنی که بدون رقیب می‌باشد. (ژاپن، ۲۱ اوت ۱۱۹۲):

یوری تومو (Yoritomo)، رئیس خاندان میناموتو که خود جنگجویی بی‌رقیب است، امروز به عنوان شوگون (Shogun) به سلطنت رسید. یوری تومو که اکنون قدرتمندترین مرد ژاپن به شمار می‌آید، با احراز قدرت معنوی، پایتخت را به کاماکورا (Kamarkura) که مکان بسیار دل انگیز و زیبایی در خلیج ساگامی (Sagami) بود، منتقل کرد. نبرد با اقوام تایرا (Taira) هم به زودی خاتمه یافت. با پایان گرفتن غائله بین میناموتو و تایرا، دیگر یوری تومو در صحنه‌ی سیاسی و جنگی حریفی ندارد و صعود به قدرت خاندان میناموتو تکمیل شده. با زمامداری یوری تومو، ژاپن حکومت نظامیان را در راس قدرت تجربه کرد و این پاداشی بود که به نظامیان داده شد آن‌ها قادرند سیاست جنگی را در سراسر کشور به مرحله‌ی اجرا درآورند و هواداران خود را در این امر یاری دهند. در عین حال، امپراتور جدید با طرح نقشه‌یی در صدد است که تمام امور سیاسی و جنگی و اقتصادی را متمرکز کرده و شبکه‌یی را به وجود آورد که مرکز و کانون آن در اختیار امپراتور قرار گیرد و همه‌ی کارکنان شبکه گوش به فرمان وی باشند.

لئونارد به سادگی ریاضی را می‌آموزد. (ایتالیا، ۱۲۰۲):

لئوناردو فیبوناکی (Leonardo fibonacci) که به لئونارد اهل پیزا (Pisa) مشهور است، با انتشار کتابی به نام کتاب (در روی تاقچه Abacus)، انقلابی در ریاضی روزمره به وجود آورده است. پدر فیبوناکی که بازرگانی اهل پیزا بود، در شهر بوژیا (Bugia) همه‌ی روزه با اعراب ریاضی دان سر و کار داشت. در نتیجه پسر وی لئوناردو سیستم حساب هندی را که عدد صفر در آن وجود داشت، آموخت و دریافت که روش محاسبه با در نظر گرفتن عدد صفر خیلی سهل و ساده‌تر از سبک رومی است. سیستم شمارش اعداد بدون صفر، در محاسبه اختلاف ایجاد می‌کند و این روش نمی‌تواند کلیه‌ی اعداد را در محاسبه منظور کند و در آن دهگان و صدگان، یعنی سیستم ده دهی وجود ندارد.

صلاح‌الدین ایوبی ، مرد دلاور، درگذشت. (دمشق، ۴ مارس ۱۱۹۳):

مجلس ترحیم و یادبودی به مناسبت درگذشت صلاح الدین ایوبی در مساجد دمشق و قاهره برپا گشت. وی در چهل یا ۵۰ نبرد شرکت داشت و همواره پیروز بود و این در جهان یک رکورد محسوب می‌شود. او تلاش بسیاری جهت یکپارچگی اعراب انجام داد و توانست مسیحیان بنیادگرا را از سرزمین فلسطین بیرون کند. شاید تا به حال مردی با چنان شجاعت و تهور در بین دلاور مردان روزگار دیده نشده باشد که بتواند دشمنان خود را دفع کند.

برای برخی وجود چنین فرد متهوری خود یک معماست که پادشاهی کافر، (منظور غیر مسیحی است) با این رویه با دشمنان خود برخورد کند. صلاح الدین مردی باهوش و ذکاوت و در ضمن مسلمانی با غیرت مذهبی بود که به عقاید خود ایمان داشت و توانست با زیرکی مخصوص به خود، تعدادی از اسیران اروپایی را به دین اسلام درآورد.

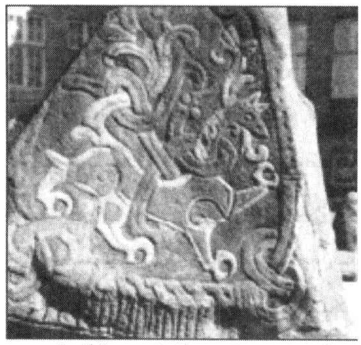
در جهان سیاست و صحنه‌ی نبرد، به طور نادر این چنین فردی پیدا می‌شود، چون صلاح‌الدین مرد سیاست و جنگ بود، و توانست در میدان سیاست و پیکار موفق شود و وحدت اعراب را تامین کند و در تمام نبردها هم پیروز شود.

صلاح الدین مردی فعال و ثابت قدم بود و در جنگ‌های سوم صلیبی، ریچارد شیردل پادشاه انگلیس و سایر پادشاهان اروپایی را مغلوب کرد.

وی برای پس گرفتن بنادر آکر (Acre) و یافا (Jaffa) (حیفا)، نیروی عظیمی را به منطقه‌ی تایر اعزام داشت. اظهار نظر برخی از ناظران که می‌گویند توفیق صلاح‌الدین در نبرد هی‌تین برای دور کردن قدرت‌های بزرگ اروپایی برای دست‌یابی به منطقه انجام گرفته بود، سخنان بی‌منطق و پایه‌یی است. به طوری که ریچارد را بر آن داشت که با فردریک ریش قرمز و فیلیپ پادشاه فرانسه متحد شود. بعضی از متحدان مانند گای (Guy) پادشاه اورشلیم (Jerusalem) که توسط صلاح‌الدین به زندان افتاده بود، در سخنان خود اظهار داشته بود تا رهایی از زندان جنگ متوقف خواهد شد.

پادشاه توسط یک تیر به هلاکت رسید. (کالو (Chalus)، فرانسه، ۶ آوریل ۱۱۹۹):

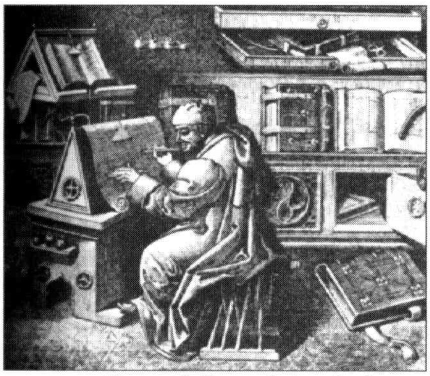
ریچارد شیردل که مدت هفت سال نتوانسته بود در مراسم عشای ربانی شرکت کند، امروز با فرا خواندن کشیشی برای اعتراف، وصیت کرد که گرچه روحش آرامش خود را بازیافته، لیکن مایل است جسم او هم با بوی خوش



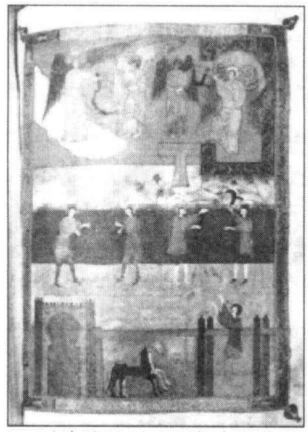
سنگ جادویی با نقش افسانه‌یی هارالد بلوتوت (Harald Bluetooth) با دندان آبی.



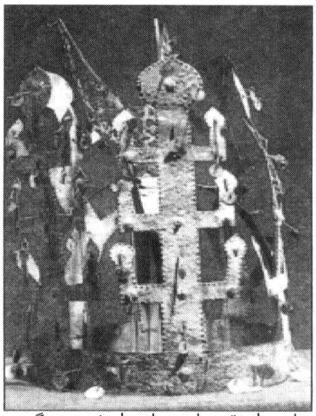
تاج گوهرنشان اوتو (Otto)، امپراتور آلمان.



یک راهب با دقت در حال کشیدن نقاشی از کارهای مربوط به کلیسا می‌باشد.



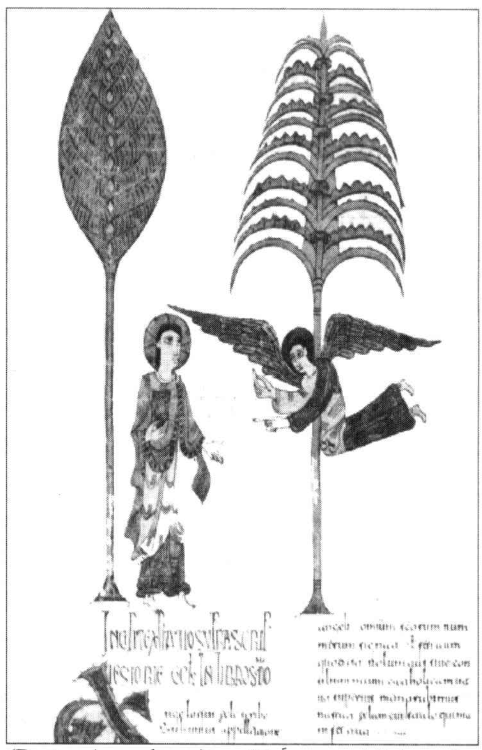
یکی دیگر از صفحات همان کتاب موزارابی، مزیّن به تصاویر متعدد.



تاجی از نقره با تزییناتی ارزشمند و گوهر نشان که به نظر می‌رسد در دوران سلسله‌ی پادشاهی سیلا (Silla) در کره ساخته شده است.



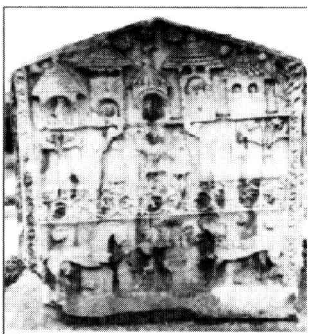
هارالد در حال غسل تعمید به وسیله‌ی اسقف پوپو (Poppo).



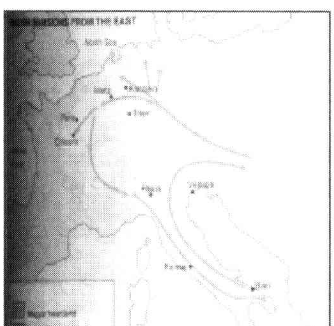
صفحه‌یی از کتاب بیتوس آپوکالیپس (Beatus Apocalypse) که به منزله‌ی کتاب انجیل اعراب مسیحی شده‌ی موزارابی (Mozarabic) اسپانیایی است با خط بسیار زیبا و روشنگر.



آخرین تصویر از اوتو، قیصر آلمان.



سنگ گور یکی از اعضای فرقه‌ی بوگومیل (Bogomil) که به علت تصاویری که مخالف عقاید کلیسا بود، موجبات خشم کلیسا را فراهم آورد.



نقشه‌ی حملات مجارها به اروپای شرقی



علاءالدین از دید داستان سرایان معاصر به صورت جن و با موجود

معطر شود، او هم‌چنین اظهار داشت که مغزم را در کلیسای شارو (Charroux) در شهر پوآتیه (Poitiers) دفن کنید، قلبم را در پایتخت نورمن‌ها در روئن (Rouen) و بدنم را در پای گور پدرم در کلیسای فونت ورو (Fontevrault) به خاک بسپارید. سرانجام این مرد شجاع و ستمگر، با آخرین نفس، جان به جان آفرین تسلیم کرد. ریچارد مدت ده سال بود که به پادشاهی انگلیس رسیده بود، ولی تنها شش ماه را در کشور به سر برده بود. ریچارد د رحال محاصره قله‌یی بود که یکی از بارون‌های سرکش و متمرد در آن جا موضع گرفته بود که دفعتاً تیری از حصار قلعه به سینه‌ی ریچارد فرو نشست و همان یک تیر باعث مرگ او شد.

ریچارد در همان هنگام سعی کرد که تیر را بیرون بکشد، لیکن چوبه‌ی تیر شکست و آهن در محل زخم باقی ماند، معهذا ریچارد دو روز پس از آن هم زنده ماند.

زمانی که ریچارد از سومین جنگ صلیبی به انگلیس مراجعت می‌کرد، وضع مالی کشور ورشکسته بود، چون تمام بودجه صرف جنگ شده بود. او در حالی که از اتریش می‌گذشت، توسط دوک اتریش دستگیر شد، لیکن با میانجی‌گری پادشاه آلمان، هانری ششم، آزاد شد و تعهد کرد که مبلغ یکصد و پنجاه هزار مارک طلا به عنوان فدیه بپردازد. این پول هرگز پرداخت نشد، حتی اولین قسط آن را هم به زور پرداخت کردند، چون خزانه‌ی کشور خالی بود.

ریچارد دوست داشت شاعر و نوازنده دورگرد شود و حتی برخی مواقع چنگ می‌نواخت. وی از پیکار و نبرد لذت می‌برد و کمتر به عشق‌بازی با زنان تمایل داشت، معهذا با دختر پادشاه ناوار (Navarre) ازدواج کرده بود.

بزرگ‌ترین متفکر مسلمان در مراکش در گذشت. (مراکش، ۲ دسامبر ۱۱۹۸):

ابن رشد، بزرگ‌ترین فیلسوف و دانشمند زمان، در سن ۷۸ سالگی در مراکش بدرود حیات گفت. او در سال ۱۱۲۰ در ناحیه‌ی مسلمان نشین اسپانیا و در شهر کوردوبا (قرطبه) به دنیا آمد، و در جوانی به زودی به خدمت خلفای المهدیان (فرقه‌یی که معتقد به وحدت خداوند و پیامبر اسلام بودند) درآمد و در دوران خلافت ابویعقوب و یعقوب المنصور در دربار آنان به خدمت مشغول بود.

به هر حال در هنگامی که ابن رشد به اوج اقتدار در دربار یعقوب المنصور رسیده بود، برای مدت کوتاهی اسپانیا را ترک و در مراکش سکونت گزید. ابن رشد در بین دو جریان ضد یکدیگر، درگیر بود. یکی این که، خلفای مسلمان تنها به سنت و گذشته‌ی اسلام فکر می‌کردند و هیچ‌گونه نوگرایی نداشتند و فقط به سنت نیاکان خود پایبند بودند و این چنین باورهایی آن پویایی را نداشت که به نبرد با مسیحیان به کار آید و این با فلسفه‌ی پویا و پر تحرکی که ابن رشد به این جهت در سرزمین مراکش به تبعید تن در داده بود که می‌پنداشت آنجا برای افراد آزادی بیش‌تری قائل هستند و درهای آن برای هر گونه فکر نو گشوده است و بر محیط گرفته و خفقان‌آور اسپانیا برتری دارد،لیکن پس از سه سال که ابن رشد در مراکش به سر می‌برد، در سال گذشته توسط خلیفه یعقوب المنصور به اسپانیا احضار شد.

ابن رشد در حالی که یک مفسر بی‌نظیر بود، در عین حال، نظریاتی پیرامون مسائل دیگر از جمله آفرینش را مطرح کرد،او می‌گفت که خداوند خالق کاینات، این جهان را در چه زمانی آفریده و آفرینش از چه موقعی شروع شده و انتظام آن چگونه است و چگونه دانشمندان و علما می‌توانند رازی از خلقت را کشف کنند و اصولا می‌توان برای آفرینش زمانی تصور کرد و ماده از کجا در طبیعت پیدا شده است.

پاپ اینوسنت قدرت سلطنت را خرد کرد. (رم، ۱۲۰۲):

پاپ اینوسنت سوم با نوشتن نامه‌یی به شاهزاده‌ی آلمانی مخالف خودش، دوک زارینگن (Zahringen)، نیش خود را به او زد و قدرت وی را به مسخره گرفت. اینوسنت که از چهار سال پیش به این مقام رسیده، همواره سعی در ارتقای قدرت کلیسا داشته، به نحوی که اقتدار پاپ به شکل حیرت‌انگیزی بالا رفته است. اینوسنت با زیرکی و حیله‌گری مخصوص به خود این اجازه را داده که امپراتور آلمان تنها با عزم او می‌تواند تاج گذاری کند و در غیر این صورت، امپراتوری وی رسمی نیست.

از سویی، اگر امپراتور راساً خود اقدام به این عمل می‌کرد، پاپ او را دیوانه تلقی می‌کرد یا این که وی را تکفیر کرده و کافر می‌شمرد. از ژانویه‌ی ۱۱۹۸، که وی به این مقام منصوب شد، دیکتاتوری دستگاه کلیسا شدت گرفت و

انگلستان ۱۵ مه ۱۲۱۳
جان شاه انگلیس تسلیم نظریات پاپ مبنی بر اینکه انگلیس و ایرلند بایستی زیر نفوذ دستگاه مذهبی پاپ باشند گردید. اینوسنت سوم این منطقه را از سال ۱۲۰۸ رافضی اعلام کرده بود.

فرانسه ۱۲ سپتامبر ۱۲۱۳
سیمون دومون فور، فرمانروای ریموند، اهل تولوز و پیتر دوم فرمانروای آراگون را در محل موره (Muret) شکست داد.

فرانسه ۲۷ ژوئیه ۱۲۱۴
جان پادشاه انگلیس، در جنگ بووینه (Bouvines) از فیلیپ آگوستوس پادشاه فرانسه شکست خورد.

انگلیس ۱۲۱۴
دانشگاه آکسفورد نخستین امتیازها را کسب کرد.

یونان ۱۲۱۵
هانری هی‌نو (Hainault) فرمانروا و برادر بالدوین نهم که به سرپرستی امپراتوری لاتین شرقی رسیده بود جان سپرد. او ملقب به پیتر دوکورتنی (peter de Courtenay) بود.

دریای آدریاتیک ۱۲۱۵ (Adriatic)
تئودور آنژلوس (Theodore Angelus) حاکم مستبد (اپیروس Epirus) مناطق دوراتزو (Dorazzo) و کورفو (Corfu) را از ونیزیها گرفت.

رم ۱۲۱۵
در جریان چهارمین اجلاسیه لاتران پاپ دستورهای جدیدی برای مبلغان دینی صادر کرد. پاپ میسیونهای (Mission) دومینیکان (Dominicans) را رافضی و خارج از دین خواند. (دومینیکان‌ها وابسته به راهب یا کشیشی فقیر بودند.

رم ژوئن ۱۲۱۵
مدت کوتاهی پس از مهر شدن و انتشار مگناکارتا (Magna carta) (فرمانی که جان پادشاه انگلیس صادر کرد که عموم مردم از نظر سیاسی و مذهبی دارای حقوق قانونی و مساوی می‌باشند.) وی به پاپ نزدیک شد و مراسم سالیانه مذهبی را به جا آورد.

فرانسه آوریل ۱۲۱۶
فیلیپ آگوستوس و پسرش با تصمیم قطعی و عزم راسخ به شورشیان حمله کردند. اخیرا بارونهای (Barons) شورشی انگلیس باب مذاکره را با فرانسه جهت پشتیبانی آنها برضد پادشاه انگلیس گشودند.

ایتالیا ۱۶ ژوئیه ۱۲۱۶
پاپ اینوسنت سوم که سرگرم فراهم آوردن نیرو جهت جنگ صلیبی پنجم بود در شهر پروجا (Prugia) در گذشت، و هونوریوس (Honorius) سوم که یکی از نجبای رومی بود به جانشینی وی برگزیده شد.

انگلستان ۱۹ اکتبر ۱۲۱۶
جان پادشاه انگلیس در شهر نیوآرک (Newark) جان سپرد و چون جانشین وی پسرش هانری ۹ سال بیش نداشت شد، ویلیام مارشال (William Marshal) هم نایب السلطنه او شد.

اینوسنت که بسیار قدرت‌طلب بود، به این استبداد و دیکتاتوری دامن زد. او به شدت در پی آن بود که از دخالت امپراتور آلمان در امور ایتالیا بکاهد و با مرگ هنری ششم در سال ۱۱۹۷، این گونه دخالت‌ها پایان یافت.

اینوسنت سعی کرد که زن بیوه‌ی هانری را به عنوان زمامدار جزیره‌ی سیسیل معرفی کند. با درگذشت کونستانس (Constance)، بیوه‌ی هانری هم فوت شد و پاپ اینوسنت به سلطنت سیسیل رسید، در ضمن نیابت سلطنت فردریک دوم، پادشاه آلمان و پسر هانری ششم را که به سن قانونی نرسیده بود، بر عهده گرفت. او اشراف معترض آلمانی را که وضع موجود را تحمل نمی‌کردند، شکست داد و املاک زیادی را در دورترین مناطق انگلیس، پرتغال، لهستان، مجارستان و دانمارک به تیول خود درآورد.

خاخامی (Rabbi) که در دربار سلطان به عنوان دکتر و سخنگوی یهودیان کار می‌کرد. (قاهره، ۱۳ دسامبر ۱۲۰۴):

ابن‌میمون (Maimonides)، قانون دان، فیلسوف و نظریه‌پرداز یهودی، در سن ۶۹ سالگی در گذشت. او در نزد یهودیان به نام خاخام موشه بن میمون (Mosh ben Maimon) یا موسی بن میمون مشهور بود که اعراب او را ابوعمران، الکوتفونی (Abu Imran al-Kutfuni) می نامیدند، وی از استدلالیون بنیادگرا بود که به تدریس مباحث برهانی می‌پرداخت.

او در شهر کوردوبا به دنیا آمد و بر اثر فشار خلفای موحدین از این شهر اخراج شد، مدت ده سال از زندگی خود را در شهر فز (Fez) گذرانید، خانواده‌ی او هم بر اثر فشار مسلمانان به اسلام درآمدند. او در نامه‌یی که به یهودیان در یمن نوشته، چگونگی مسلمان شدن خود را شرح می‌دهد و تغییر مذهب خود را گناه نمی‌داند، در ضمن متذکر می‌شود که در باطن به یهود وفادار است و ظاهراً خود را مسلمان جلوه می‌دهد.

در شهر قاهره او به عنوان دکتر دربار خلیفه مشغول کار بود و در عین حال، سخنگویی جامعه یهودیان را بر عهده داشت. وی قوانین میشنه تورات (Mishneh Torah) را خلاصه کرد. این قوانین برپایه‌ی تعلیمات کتاب تلمود

(Talmud) قرار داشت که مجموعه‌ی روایات و سخن یهود به زبان عبری بود. بزرگ‌ترین کار ابن میمون، نگارش راهنمای سرگشتگان و بهت زدگان است که وی آنان را هدایت می‌کند، این کتاب در سال ۱۱۹۰ به زبان عربی نوشته شد و متفکران یهودی هم رغبت زیادی نسبت به آن نشان دادند.

ابن میمون و پیروان او که به نام میمونیه مشهورند، پیامبران را واضع قوانین می‌انگارند و حضرت موسی را سرآمد پیامبران می‌دانند و معتقدند روح انسان‌ها به ابدیت می‌پیوندد و مرگ تنها، جسمانی است و روح همیشگی و جاودانی می‌باشد. پس نتیجه می‌شود که یهودیان به دنیای جاودانی پس از مرگ معتقدند.

زیباترین معبد هندوان به اتمام رسید. (جنوب هندوستان، ۱۲۰۳):

ساخت معبد تماشایی و حیرت انگیز ناتاراجا (Nataraja) در چیدام بارام (Chidambaram) به پایان رسد. این معبد یکی از زیباترین وقشنگ ترین معابدی است که تاکنون در عصر امپراتوری سلسله‌ی کولا ساخته شده که حاکی از جلال و شکوه امپراتوری راجا رسوارا (Rajaresvara)، مشهورترین پادشاه سلسله‌ی کولا است.

این سلسله‌ی بزرگ پادشاهی،مدت یکهزار سال است که در تانجاوور (Tanjavur) به حاکمیت خود ادامه می‌دهد. این معبد هندو که با تندیس‌های بسیار زیبا زینت یافته، در حقیقت به شکل چها رکندوی عسل ساخته شده و درهای ورودی بسیار کوتاهی دارد که زائران جهت احترام باید به حالت خمیده وارد شوند. درهای ورودی در واقع مدخل ورود به برج است. از سویی کوتاهی و کوچکی ورودی هر برج را متناسب با جثه و هیکل اهالی هند ساخته‌اند، چون در آن زمان هندی‌ها، مردمانی کوتاه قد و لاغر بودند.

شهر کنستانتینوپول توسط صلیبیون تاراج شد. (قسطنطنیه،۱۲۰۴):

مدت سه روز نیروهای صلیبی در دسته‌های منظم و با استر و قاطر به محراب بزرگ کلیسای شهر قسطنطنیه یورش برده و آنچه را که در کلیسا وجود داشت، بر قاطرها بار کرده و بردند و تمام کارهای هنری را به آتش کشیدند.

آنان یکی از زنان فاسد و هرزه را در مسند اسقف اعظم شهر نشاندند. شگفت‌انگیزتر از همه این که، آن‌ها در سه سال پیش ادعا کرده بودند افراد صلیبی باید به هم ملحق شده و در راه تحقق آرمان‌های مقدس خود بکوشند، آن‌ها خود را متحد و بیزانس را حامی خود می‌شمردند و برای تصرف دوباره مکان‌های مقدس مجاهدت می‌کردند.

آنان راه‌های منتهی به کنستانتینوپول، پایتخت بیزانتین را با ازدحام خود، دچار اختلال کرده و تمام معابر شرق مدیترانه را سد کرده بودند و چون اغلب جایی برای اطراق و استقرار نداشتند، همه‌ی کلیساهای مسیحیان ارتودوکس را اشغال کرده و با بی‌نظمی در آنجا سکونت می‌کردند.

مسیحیان کاتولیک غارتگر بیش‌تر از فرانسویان بودند که در تحت رهبری ونیزی‌ها قرار داشتند.

تمام این اعمال خشونت‌امیز تحت نام اتحاد مقدس انجام می‌شد. در حالی که این سرو پا برهنگان، خواستار دریافت وام از دولت بیزانس برای پیشبرد چهارمین نبرد صلیبی بودند.

حتی در شش سال قبل، پاپ اینوسنت سوم، هیات‌هایی را برای تصرف فلسطین اعزام کرد و کسانی را که از این امر سرپیچی می‌کردند، تکفیر نمود و اعزام شدگان را صلیبی نامید که در راه به دست آوردن صلیب مقدس مسیح می‌جنگند.

فرمانروای سرسخت و متعصب ونیزی به نام انریکو داندولو (Enrico Dandolo) ناوهایی به گنجایش ۳۰ هزار نفر تهیه کرد، لیکن تنها ۱۰ هزار نفر داوطلب برای این کار وجود داشت. بونیفاس (Boniface) که مقام مارکیز ناحیه‌ی مون فرا (Montferrat) را عهده‌دار بود، (مارکی مقامی پایین از بارون بود) تعهد کرد که شهر قسطنطنیه را تسخیر کرده و در اموال تاراج شده‌ی آن، جهت رضای خداوند، با پاپ و امپراتور شریک شود و این عمل را برای ثروتمندتر شدن شهر ونیز انجام دهد.

فاتحان صلیبی، برای چپاول اموال و چیزهای باقی مانده، در تلاشند. (قسطنطنیه، ۱۲۰۴):

پس از تاراج پایتخت بیزانتین، غارتگران شهر را به سه منطقه تقسیم کردند. یک بخش که نصیب ژرمن‌ها و گل‌های جنگجو شد، بخش دوم به رهبری دوازده نفر ونیزی

اروپا ۱۲۱۷
قحطی شدیدی مناطق مرکزی و شرقی اروپا را فرا گرفت.

انگلیس سپتامبر ۱۲۱۷
بارونها با حکومت جدید انگلیس اشتی کردند.

آسیا ۱۲۱۸
چنگیز خان شهر کاشغر (kashghar) و حوزه دلتای رود تاریم (Tarim) را تصرف کرد. دولت کره (Korea) نفوذ و تسلط وی را در سرزمین خود مورد قبول قرار داد.

ژاپن ۱۲۱۹
پس از مرگ سانه تومو (Sanetomo) سومین پادشاه از سلسله میناموتو، شوگون هوژوس (Shogun Hojos) دولت جدیدی در کاماکورا (Kamakura) تشکیل داد.

مصر ۵ نوامبر ۱۲۱۹
بندر دامیه‌تا (Damietta) پس از محاصره صلیبیان سقوط کرد.

رم ۲۲ نوامبر ۱۲۲۰
فردریک دوم پس از ۹ ماه که نیروئی جهت همیاری با پنجمین دوره جنگهای صلیبی اعزام داشت در حضور پاپ هونوریوس سوم و به دست وی تاجگذاری کرد.

جنوب شرقی آسیا ۱۲۲۰
فرانسیس (Francis) پادشاه اسیسی (Assisi) فرماندهی سپاهی را که خود به وجود آورده بود، واگذار کرد.

ایتالیا ۱۲۲۱
امپراتور فردریک دوم در شهر پادوآ (padua) دانشگاهی تاسیس کرد.

خاور نزدیک ۱۲۲۱
سلطان کامل برادرزاده و جانشین صلاح الدین ایوبی به صلیبیون پیشنهاد کرد که حاضر است منطقه فلسطین را به آنها واگذار کند و بندر مصری دامیه تا (Damitta) را پس بگیرد.

مصر ۱۲۲۱
حیله‌یی که صلیبیون در منطقه دلتای نیل به کاربرده و دامی که برای مسلمانان گذاشته بودند آشکار شد بدین معنی که آنان به مسلمانان فشار آوردند که درازای عقب نشینی مسلمانها حاضرند بندر دامیه‌تا را خریداری کنند.

فرانسه ۱۴ ژوئیه ۱۲۲۳
فیلیپ آگوستوس، پسرش لوئی هشتم را به پادشاهی و جانشینی خود برگزید.

هندوستان ۱۲۲۵
ایل تومیش (Iltumish) سلطان دهلی، حملات مغولها را دفع کرد.

اتیوپی ۱۲۲۵
لالی بلا (Lalibela) امپراتور اتیوپی درگذشت. او پایتخت را از اکسوم (Axum) به لاستا (Lasta) (لالی بلا) منتقل کرد و کلیسائی در داخل کوهستان از سنگ تراشید و بدین ترتیب این کلیسای سنگی از آفات مصون ماند.

و دوازده نفر غیر ونیزی قرار گذاشتند که برای هزینه‌ی جنگ صلیبی چهارم در بخش قدیمی و نوین شهر هر چه را یافتند، به نفع مبارزان توقیف کنند و بالاخره عده‌یی که باقی مانده بودند، در غنایم به دست آمده، شریک شوند.

بدین معنی که ونیز هر چه در ساحل شرقی دریای آدریاتیک (Adriatic) و کرانه‌ی خلیج کورنیت (Corinth) و جزایری مثل آندروس (Andros) تا ساحل آلبانی، باقی مانده بود را تصاحب کرد.

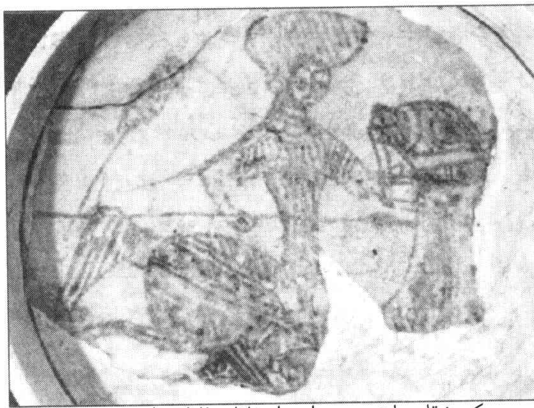
بر طبق فتوای بوئیفاس فرانسوی و پیروان وی، بخش اعظم سرزمین‌های فتح شده مثل مقدونیه، متعلق به مبارزان فرانسوی شد. یونانی‌ها در همان سرزمین پست و قدیمی باقی خواهند ماند. سرزمین‌های فراموش شده‌یی چون بالدوین (Baldwin) که اخیراً در نبردهای محدودی شرکت کرد، مانند تسالونیک هم به بوئیفاس و دستیاران او بخشیده شد. به هر صورت، حراست و نظارت بر تمام سرزمین‌های بیزانتین بر عهده‌ی جنگاوران صلیبی قرار گرفت و بدین ترتیب، فرمانروایی بیزانس بر کشورش لغو گردید و امپراتوری بیزانتین بین متحدان صلیبی تقسیم شد.

فرانسیس،با حیوانات تکلم می‌کرد و صدای آن‌ها را در می‌یافت. (رم، ۱۲۱۰):

بر طبق دستور پاپ اینوسنت سوم، کشیشان دون پایه و در سطح پایین، بایستی زندگی بسیار ساده‌یی هم چون حواریون عیسی داشته باشند. آنان باید با پای برهنه و لباس‌های مندرس و کثیف مانند گدایان دوره گرد، از مردم گدایی کنند و با اعانه‌یی که مردم در اختیار آن‌ها می‌گذارند، معاش خود را بگذرانند.

بر حسب دستور پاپ، یک عده کشیش دوازده نفری، تحت رهبری فرانسیس اهل آسیزی (Francis Assisi) به این صورت درآمدند.

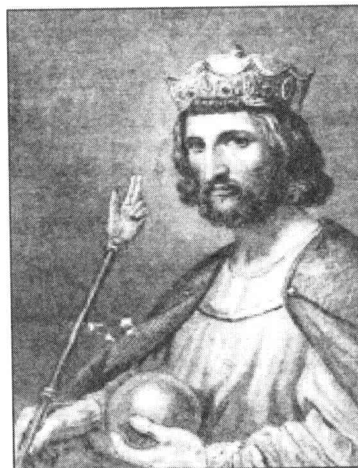
فرانسیس فرزند یکی از بازرگانان لباس فروش و ثروتمند بود که در سال ۱۱۸۱ متولد شده بود. او در اثر سال‌ها مجاهدت در راه دین به حرفه‌ی کشیشی درآمد، لیکن از دیدن فقرا و مستمندان و بیماران در خیابان رنج می‌برد و از دارایی و ثروت بیزار بود. روزی تنها صدقه‌یی که به عنوان گدا دریافت، بوسه‌یی بود که یک بیمار جذامی از لب‌های او



یک بشقاب با تصویر سواری از خلفای فاطمی از شهر قیروان
در سرزمین تونس



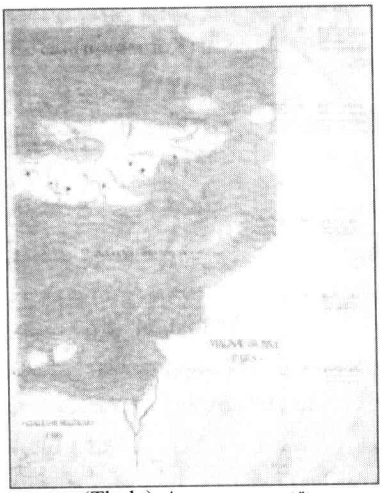
نخستین عکس صفحه‌ی اول کتابی که برای اولین بار در جهان منتشر شده است.



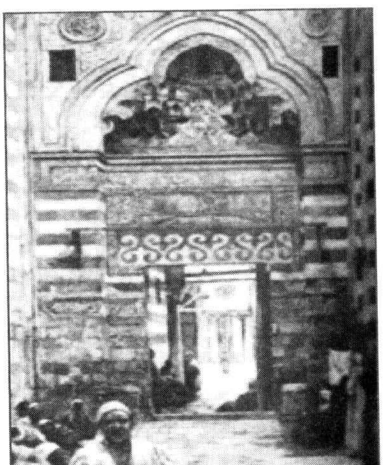
آخرین تصویر هوف کاپه (Hugh Capet).



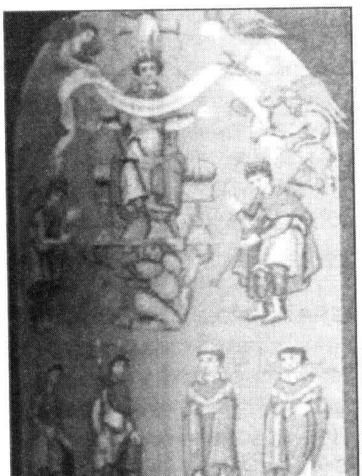
تمثال مریم باکره، گرجستان، سال‌های ۹۵۰.



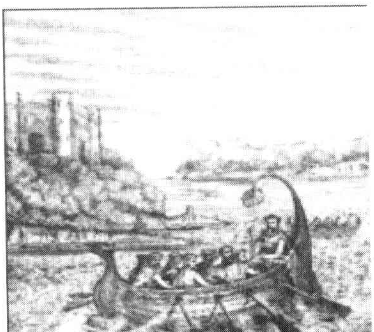
نقشه‌ی سرزمین تول (Thule) و
احیاناً ایسلند (Iceland).



رواق یک دانشگاه جدیدالتأسیس.



اوتوی سوم، امپراتور جدید رم.



هشت نفر از ناویان سلت (Celtic) در یک کشتی
متعلق به ادگار (King Edgar) شاه انگلوساکسون.



یک ماسک موزاییک
از اقوام مایا با دندان‌هایی از صدف.

گرفت. این بوسه ناگهان دگرگونی عجیبی در فرانسیس به وجود آورد.

پس از چندی برای دومین بار هنگامی که درکلیسای سنت دامین (St Damien) تصویر عیسی را بر صلیب مقدس می‌بوسید، صدایی در گوشش می‌پیچد و چنین می‌گفت: فرانسیس برو و ویرانی‌های خانه مرا ببین و آنجا را مرمت کن. وی برای نخستین بار در درون خود احساس کرد که باید به پا خاست، او برای خرید سنگ و تعمیر بنای مقدس در خیابان‌ها به گدایی پرداخت تا هزینه‌ی این کار را تامین کند. او مقداری از لباس‌های پدرش را فروخت تا بتواند مقدار زیادتری سنگ برای ساختمان تهیه کند. پدرش از کار او به شدت غضبناک شد و پول لباس‌ها را از وی خواست.

فرانسیس هم برای به دست آوردن پول در مدخل کاخ کشیشان به گدائی نشست، در حالی که لباسی در بر نداشت، او به هر صورت توانست با فروختن لباس‌های خود، پول لباس‌های پدرش را تامین کرده و به او برگرداند، در این هنگام به پدرش چنین گفت: من به ارباب بزرگ خود خواهم پیوست. (منظور عیسی مسیح است)

اکنون فرانسیس زندگی خودش را وقف مستمندان و فقیران و بیماران و هم چنین حیوانات کرده، او با پرندگان راز و نیاز می‌کند و با آن‌ها سخن می‌گوید و با صدای آن‌ها مانوس شده و گفتار آن‌ها را درک می‌کند.

مسلمانان در مقابل صلیبیون اسپانیایی دچار شکست شدند. (اسپانیا، ۱۷ ژوئیه ۱۲۱۲):

نیروهای نظامی مسلمانان امروز در اثر حمله‌ی عظیم مسیحیان مغلوب شدند، به طوری که خلیفه محمدالنصر، پادشاه اسپانیا، مجبور شد به جنوب شبه‌جزیره‌ی ایبری (Iberia) در نزدیکی شهر تریپولی (طرابلس) در شمال افریقا برود.

نیروهای نظامی دو طرف، در گذرگاه لاس ناواس (Las Navas) در تولوزا (Tolosa) نزدیک رودخانه‌ی گوآدل کیویر (Guadalquivir) ما بین شهر تولدو (Toledo) و گرانادا (Granada) در مقابل یکدیگر قرار گرفته و سپاهیان مسیحی در حالت حمله بر علیه لشگریان المهدی موضع گرفتند. در سال ۱۱۹۵، ابویوسف یعقوب، پدر محمد،

فرانسه ۸ نوامبر ۱۲۲۶

لوئی نهم به جانشینی لوئی هشتم به عنوان پادشاه فرانسه انتخاب شد و مادرش به نام ملکه بلانش (Blanche) از کاستیل به عنوان نایب السلطنه وی زمام امور را در دست گرفت.

ژاپن ۱۲۲۷

دوژن (Dogen) راهب بودائی پس از بازگشت از سفر به چین، زن بودائی (Zen Buddhism) را بعنوان دین رسمی ژاپن به مردم معرفی کرد.

رم مارس ۱۲۲۷

با مرگ هونوریوس سوم، اوگولینی دو کونتی (Ugolini dei Conti) برادرزاده اینوسنت سوم به عنوان پاپ جانشین وی گشت. او نام گریگوری نهم را برخود نهاد.

افریقای شمالی ۱۲۲۸

ابوذکریا یحیی شاهزاده نشینی مستقل از مهدیون در شمال افریقا تاسیس کرد و شهر تونس را به پایتختی انتخاب کرد.

اسپانیا ۱۲۲۸

جیمز (James) که در سال ۱۲۱۳ در سن پنجسالگی به پادشاهی آراگون منصوب شده بود در مقابل حملات مسلمین در شهر مایورکا (Majorca) دفاع جانانه‌یی از شهر کرد.

مایورکا ۱۲۳۰

در پی تصرف شهر پالما (Palma) توسط جیمز آراگونی وی در جزیره بر مسلمین پیروز شد.

اسپانیا ۲۴ سپتامبر ۱۲۳۰

با درگذشت آلفونسوی نهم پادشاه لئون، فردیناند سوم پادشاه کاستیل فرمانروایی بر لئون را پذیرفت و دو شاهزاده نشین را باهم متحد ساخت.

آلمان ۱۲۳۰

سلحشوران تئوتونیک (Teutonic) را برای کمک به پروس (Prussia) دعوت کردند تا در تغییرات دینی پروسی‌ها و یاتواگها (yatvags) زور به کار برند.

سویس ۱۲۳۱

از مردم ناحیه اوری (Uri) در منطقه سن گورهارد (St Gorhard) همه پرسی به عمل آمد که آیا ترجیح می‌دهند زیر فرمان پادشاه آلپ (Alps) باشند و تحت نظر مستقیم پادشاه ناحیه آلپ زندگی کنند یا خیر.

رم ۱۲۳۳

پاپ گریگوری نهم کمیته‌یی به نام انکیزیسیون (Inquisition) (تفتیش عقاید) تشکیل داد (در آن کمیته مردم را با شکنجه به اعتراف وامی داشتند که افراد بی دین و مخالف با عقاید دستگاه پاپ را بیابند.)

چین ۱۲۳۴

مغولها با به دست آوردن منطقه کای فنگ (K'aifeng) به سقوط کامل امپراتوری ژین (Jin) اقدام کردند.

که فرمانروای مسلمین اسپانیا بود، سلسله‌ی پادشاهی الموراوید را منقرض کرد و آلفونسوی هشتم، پادشاه کاستیل را در ناحیه‌ی آلارکوس (Alarcos) شکست داده و تعدادی از لشگریان وی را به هلاکت رسانید. در این حال، آلفونسو سایر فرمانروایان مسیحی اسپانیا با امضای متارکه‌ی جنگ، به تقویت مواضع و نیروهای نظامی خود پرداختند تا به یک باره به تسلط مسلمانان در اسپانیا و شبه جزیره پایان دهند.

اسقف‌ها و اسقف اعظم شهرها در این جریان رُل مهمی بازی کردند و با میانجی گری پاپ به تشکیل سپاهی از صلیبی‌ها برضد مسلمانان اقدام کردندو با کمک پاپ اینوسنت سوم، سپاهیان مسلمان را تا پشت کوه‌های پیرنه به عقب راندند. معهذا نیروهای مسیحی فشار را بر خلیفه تشدید کرده و توانستند آن‌ها را از تمام ایالات اسپانیولی بیرون برانند و دولت فرانسه هم این شرط و قول خلیفه را پذیرفت که د رمدت محدودی خاک اسپانیا را تخلیه کند. اکنون به نظر می‌رسد که خروج نیروهای نظامی مسلمانان از اسپانیا چاره ناپذیر است و تمام زمامداران مسیحی ایالات در این راه همگام هستند و هیچ گونه مشکلی هم وجود ندارد.

افراد ناشناسی در شمال فرانسه با رهبری پاپ مخالفت می‌ورزند. (موره، فرانسه، ۱۲ سپتامبر ۱۲۱۳):

با کشته شدن پیتر، پادشاه آراگون در هنگام محاصره و تسخیر استحکامات سیمون دومونفور (Simon de Montfort) در ناحیه‌ی موره (Muret)، تعادل قدرت به شکل چشم گیری بر هم خورد.

با این شکست، امروز در موره تکان شدیدی احساس می‌شد، چون که از این استحکامات تنها سی نفر سوار و تعداد کمی سرباز دفاع می‌کردند و با قتل شاه نیروهای همراه وی بدون نبرد، موره را ترک گفتند و بخش جنوبی فرانسه هم سقوط کرد. پیتر پادشاه فرانسه، برای سرکوبی یک فرقه‌ی مسیحی به نام آلبین زیان (Albigensians) یا در حقیقت کاتارها به نبرد سیمون دو مونفور رفته بود، زیرا پاپ فرقه‌ی کاتارها را که در جنوب فرانسه و شمال ایتالیا قدرت فوق العاده داشتند، تکفیر نموده و گفته بود که آن‌ها سبب منحرف کردن نبردهای صلیبی شده‌اند. امروز به هر جهت پاپ رهبر مذهبی به شمار می‌رود.

پیتر، پادشاه ناحیه‌ی جنوب فرانسه هم بر بی‌گناهی آنان اذعان داشت و اصل و شجره‌ی آن‌ها هم بر آن گواهی می‌داد، با این وصف، پاپ آن‌ها را تکفیر کرد و پیتر هم مجبور بود که فرمان پاپ را اطاعت کرده و آنان را از اطراف دومونفور براند تا در اعزام نیروهای صلیبی وقفه ایجاد نشود. بسیاری از سرزمین.متعلق به اسقف‌ها که در واقع تیول آن‌ها و پاپ و اسقف‌ها اعطا کرده بود، در نواحی کارکازونه (Carcassonne) و آلبی (Albi) قرار داشت و پیتر آن‌ها را ضبط کرده بود. در مدتی کوتاه، تعداد زیادی از دستیاران و پیروان پاپ اینوسنت سوم در نبردی که کاتالان (Catalan) پادشاه محلی، برضد دومونفور انجام داد، از بین رفتند. با وجود آن که چندین ماه از این جریان گذشته، پاپ زیرکانه عده‌یی از اسقف‌ها را به نزد مونفور فرستاد تا اهرم قدرت را از وی ستانده و در دست پاپ قرار دهند، بدین معنی که بر اقتدار پاپ در جنوب فرانسه بیفزایند.

جان، پادشاه انگلیس، قانون اساسی کشور را توشیح می‌نماید. (انگلستان،۱۵ ژوئن ۱۲۱۵):

جان، شاه انگلیس، مشهور به جان بی‌زمین (یعنی کسی که مالک اراضی نیست) بر اثر تهدیداتی که اشراف نسبت به زمامداری او وارد می‌آوردند، دستور داد که دولت یک قانون اساسی در رانیمد (Runnymede) واقع در منطقه سوری (Surrey) نزدیک شهر لندن برای اداره‌ی کشور بنویسند. پس از مدت‌های طولانی بحث و فحص، امروز این قانون به مهر جان ممهور شد، این قانون، هم حقوق بارون‌ها و هم آزادی و حقوق شهروندان را حفظ می‌کند و در ضمن امتیازاتی به طبقه‌ی اشراف اعطا می‌کند.

در این قانون، در حقیقت یک مبادله‌ی قدرت وجود دارد و آن این که،با وجودی که به قدرت اشراف می‌افزاید، آن‌ها مقداری از تیول خود را در فرانسه از دست می دهند.

چون پیش از آن فئودال‌ها و اشراف سعی می‌کردند هر چه بیش‌تر در تقسیم قدرت شرکت کنند و بر زمین‌های بیش‌تری دست یافته و اراده‌ی خود را بر اکثریت مردم از راه نامردمی تحمیل کنند، لیکن با تصویب و توشیح قانون اساسی، آنان در این مبارزه توفیق نیافتند و آزادی زیادتری به اکثریت ملت داده شده است. ماگناکارتا (Magna Carta) یا قانون اساسی، در واقع مصالحه‌نامه‌یی است بین جان

پادشاه کشور، و بارون‌ها، و کمیته‌هایی هم مامور اجرای صحیح این قانون شده‌اند. این قانون شامل ۶۳ ماده است که تمام مواد آن منصفانه تنظیم شده و در صورت تخلف از مواد قانونی، تابع رای حکمیت است و در هر مورد سرپیچی از مواد اصلاحی آن، برای رای نهایی به دادگاه ارجاع می‌شود، در ضمن در مواد تصویب شده‌ی آن، آزادی افراد به وضوح تامین شده است.

مغولان شهر بیجینگ را اشغال کردند. (چین، ۱۲۱۵):

چنگیزخان، فرمانده‌ی سپاهیان سوار مغول، شهر بیجینگ (Bijing) راتسخیر کرد. با هجوم مغولان به پایتخت، این شهر در آتش و خون غرق شده، آن‌ها شهر را ویران و دچار حریق ساختند، مردم را قتل عام کردند و به شکرانه‌ی این فتح و پیروزی موحش، به میگساری پرداختند.

تمام خزانه‌ی امپراتور که محتوی مقدار زیادی طلا، سنگ‌های گران‌بها، نقره و ابریشم بود، به تاراج رفته و برای چنگیزان خان که در ساحل دریاچه‌ی دولونور (Dolonor) در پشت دیوار چین، در کمال آرامش به سر می‌برد، بُرده شد.

او از این پیروزی بسیار راضی و خوشنود بود، زیرا مدافعان شهر، بدون مقاومت، تسلیم موغالی (Muqali) فرمانده‌ی سپاهیان او شدندو به فرمان او تمکین کردند. در این حال، سقوط شهر بیجینگ حتمی‌الوقوع بود.

یک سال پیش که چنگیزخان به جمع آوری و احضار افراد سپاهی پرداخت، مدافعان شهر مقاومت عجیبی از خود نشان دادند و برای دفع دشمن پیشنهاد کردند که مبالغ هنگفتی بپردازند، لیکن فرمانده‌ی قشون مغول که پیروزی خود را حتمی می‌پنداشت، از راه حیله‌گری سرانجام شهر را گشود و خزاین امپراتوری را متصرف شد.

با این وصف، ژین امپراتور چین، هر چه را داشت به فرمانده‌ی سپاهیان مغول تسلیم کرد. مغول‌ها تمام گنجینه‌ی امپراتوری، اسبان و دختران حرم امپراتور را برای هم آغوشی خود از آنجا بردند، اما ژین امپراتور که می‌دانست مغولان بار دیگر مراجعت خواهند کرد، در ژوئن سال ۱۲۱۴ شهر را ترک کرد. با عزیمت امپراتور از پایتخت، هرج و مرج و فساد و از هم گسیختگی و طغیان در شهر بالا گرفت، اما با مراجعت موغالی، فرمانده‌ی سپاهیان مغول، مردم به

آلمان ۱۲۳۵

هانری نایب السلطنه بر علیه پدر خود امپراتور فردریک قیام کرد و با لومبارد پیمان همکاری بست.

آلمان ۱۲۳۴

هانری نایب السلطنه توسط پدرش برکنار و زندانی شد.

افریقای شمالی ۱۲۳۵

حاکم نشین بربر به حاکمیت عبدالوادی (Abd-al wadids) در ناحیه تلمسن (Telmcen) واقع در مغرب تشکیل شد.

بالکان ۱۲۳۵

بلغارها تحت رهبری ژان آسن دوم (John Asen) با ژان سوم واتازس (Vatatzes) حاکم نیکائه (Nicaea) پیمان همکاری منعقد کردند و توانستند تراس را در مقدونیه تسخیر و قسطنطنیه را به محاصره در آورند.

اسپانیا ۲۹ ژوئن ۱۲۳۶

فردیناند سوم پادشاه کاستیل ولئون، شهر کوردوبا را تسخیر کرد.

روسیه ۱۲۳۷

مغولها از رود ولگا (Volga) گذشتند و چون نظرشان به مرزهای اروپا معطوف شد، شروع به رخنه در ایالات جدا از هم و حاکم نشینهای مجزا کرده و یک یک آنها را به تصرف درآوردند.

ایتالیا سپتامبر ۱۲۳۷

فردریک نیروهای نظامی پیمان لومبارد را در هم شکست.

اسپانیا ۲۸ سپتامبر ۱۲۳۸

جیمز پادشاه آراگون شهر والنسیا (Valecia) را از اعراب پس گرفت.

روسیه ۱۲۳۸

مغولها شهرهای ولادیمیر (Vladimir)- یاروسلاو (Yaroslav) و روستوف (Rostov) را متصرف شدند.

خاور نزدیک ۱۲۳۹

نبرد صلیبی جدید با از دست دادن بخشی از اورشلیم توسط سلاطین دمشق و مصر آغاز شد.

افریقای غربی ۱۲۴۰

سوندیاتا کی‌تا (Sundiata Keita) با غلبه بر سرزمین غنا آنجا را ضمیمه سرزمین مالی کرد.

اوکراین ۶ دسامبر ۱۲۴۰

مغولها شهر کی‌یف (Kiev) را تصرف کردند.

بالکان ۱۲۴۲

مغولها با عقب‌نشینی از مجارستان و دالماسیا (Dalmatia) از جبال کاریات (Carpath) گذشته و به منطقه پائین ولگا برگشتند.

ایتالیا ژوئن ۱۲۴۳

اینوسنت چهارم به مقام پاپی برگزیده شد و به جای گریگوری نهم نشست. گریگوری در حدود ۲ سال پیش از دنیا رفت.

فرمان او سرکوب شدند و وی با کشتار بی‌رحمانه، غائله را از بین برد.

مهاجمان مغول برای چپاول و غارت، چشم به غرب دوخته اند. (چین ، ۱۲۱۸):

چنگیزخان با ایجاد آشوب و بلوا و چپاول و ویران کردن شهرها، دیگر امپراتور چین را رها کرد و از تعقیب او دست برداشت و با بیرون بردن لشگریان خود از کشور چین، آن‌ها را تحت سرپرستی ژنرال موغالی اهل ژالر (Jalair)، برای تصرف سرزمین‌های دیگر و تاراج، اعزام داشت. وی فرماندهی یک عده سوار شکست ناپذیر را که به فرمانده‌ی خود به عنوان فردی روحانی و مقدس می‌نگریستند و اغلب چرک و کثیف بودند را عهده‌دار بود و مقصد این سپاهیان، شمال کشور چین، یعنی سرزمین ترکستان، ماوراء النهر (فرا رودان) و افغانستان بود. این حادثه‌ی بسیار بدی برای مسلمانان ساکن ایالات آسیای مرکزی بود که با گذشتن مغولان از قلمرو آنان، مرگ و نابودی را به همراه می‌آوردند.

مغولان که ساکن حاشیه‌ی صحرای گوبی (Gobi) بودند، مردمانی بسیار سخت کوش هستند که با آب و هوایی سردو ناسازگار محیط خود گرفته بودند و از فرط گرسنگی دست به غارت می‌زدند، آنان مردمی چادرنشین بودندو از قبایل گوناگونی تشکیل می‌شدند. چنگیزخان فردی بود که این قبایل را متحد کرده و از آن‌ها جنگجویانی وحشت‌انگیز به وجود آورد که از هیچ چیز هراس نداشتند، لیکن خودهراس آور بودند و حال، تمام سرزمین آسیا و اروپا را درنوردیده‌اند.

آنان به رغم فتوحات بسیار و اشغال شهرها، عادت به یک جا نشینی نداشته و همواره در تکاپو و پیمودن راه بودند، کوه‌نشینانی بودند، نظیر مردم چادرنشین پیش از خود که محیط زیستی معینی اختیار نمی‌کردند و به تمدن و شهرنشینی عادت نداشتند.

مغولان، شهر را مکان مناسبی برای سکونت می‌دانستند، چون در شهر محدود بوده و کمتر قادر به غارت اموال دیگران بودند. تنها سازمان آن‌ها آماده ساختن افراد برای جنگ و جدال بود و مرگ و زندگی آن‌ها بر روی زین اسب خلاصه می‌شد.

صلیبی جوان، پادشاه را به جنگ ترغیب کرد. (فرانسه ، ۱۲۱۲):

یک جوان صلیبی ۱۲ ساله به نام استفن (Stephen) اهل کلویه (Cloyes) از بندر مارسی (Marseilles) در کناره‌ی اقیانوس اطلس، ناوگانی را برای پیکار با کافران اورشلیم و اشغال اماکن مقدس تجهیز کرد. او توانست لشگری از بچه‌های کم سن و سال از طبقات گوناگان امثال دهقانان بی‌زمین و سرف‌ها، گداهای اشرافی و سایرین به نام بچه‌های سپاهی صلیبی گرد آورد و آن‌ها را بدون هیاهو و غوغا در صف صلیبیون قرار دهد.

فیلیپ دوم،پادشاه فرانسه این کار را تحریم کرد، لیکن پاپ اینوسنت سوم از آنان حمایت کرد و عده‌یی از کشیشان، کشاورزان، زنان و سایر دسته‌ها را برای جنگ و پشتیبانی از استفن اعزام کرد. آنان در ارابه‌های تزئین شده به عنوان محافظان سپاهیان بچه‌ها به سوی اورشلیم حرکت کردند و جالب آن که فرماندهی آنان را استفن بر عهده داشت. در بندر مارسی، این لشگر به وسیله‌ی تعداد بیش‌تری از مردم بدرقه شد و برای این سفر طولانی، دو نفر از بازرگانان به نام هوگ فروس (Hugh Ferreus) و ویلیام اهل پوسکر (Posqueres) (مشهور به ویلیام خوک)، مسئولیت مسافرت دریایی آنان را عهده‌دار شدند.

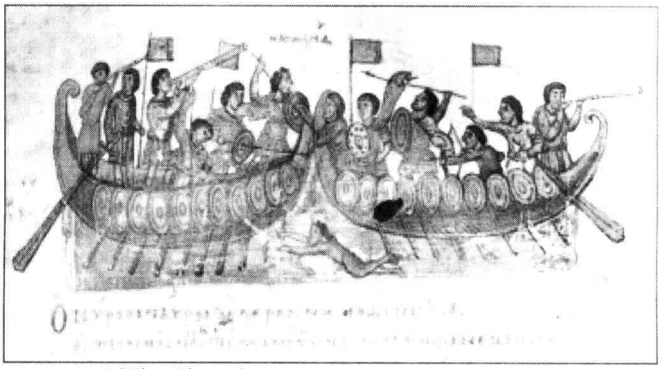
بیش‌تر قشون صلیبی بر علیه یهودیان و مرتدان بسیج شدند. (رم، ۱۲۱۵):

بر طبق اعلامیه‌ی پاپ و تصمیم کنگره‌ی چهارمین جنگ‌های صلیبی که در شهر رم تشکیل شد، بایستی بیش‌ترین حملات بر علیه یهودیان و ملحدان صورت گیرد و در امتثال فرمان پاپ عده‌ی زیادی از کشیشان و راهبان هم در این امر پیش قدم شدند.

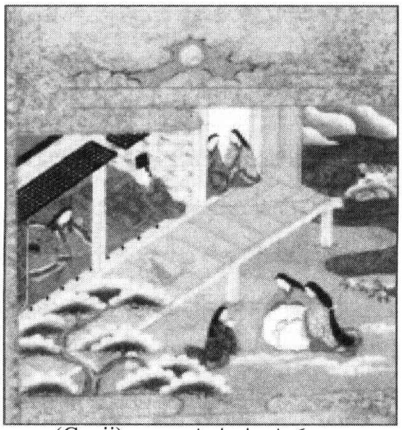
در اجلاسیه‌ی کنگره‌ی بزرگ شهر رم که بر حسب فرمان پاپ اینوسنت سوم تشکیل شد، تعداد ۱۲۰۰ نفر شرکت کردند و آنان عده‌یی از کشیشان مبلغ و تعلیم دهنده را برای هدایت مردم برگزیدند، آن‌ها هسته و پایه‌ی یک ارتش بزرگ صلیبی را درست کردند.

اصول اعلامیه‌ی اجلاس بدین قرار بود:

۱- جمعیت کشیشان طبق آئین عشای ربانی، همگی جهت تقسیم نان و شراب مقدس به سپاهیان بسیج شوند،



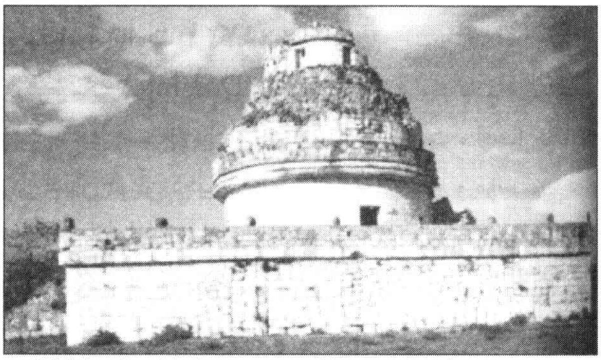
دو فروند کشتی جنگی از بیزانتین به فرماندهی نیس فروس (Nice Phorus) امپراتور رم شرقی.



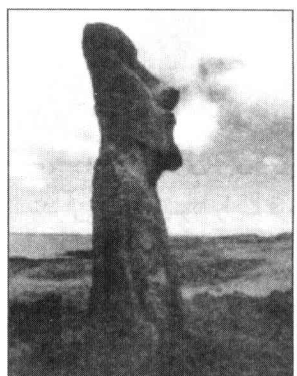
تصویر گویایی از داستان جنجی (Genji).



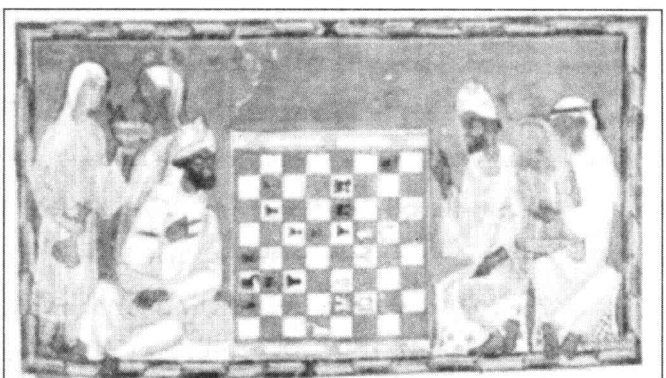
دست نوشته‌یی بر روی سنگ در وینلند (Vinland)، جایی که مورد حمله‌ی وایکینگ‌ها واقع شد.



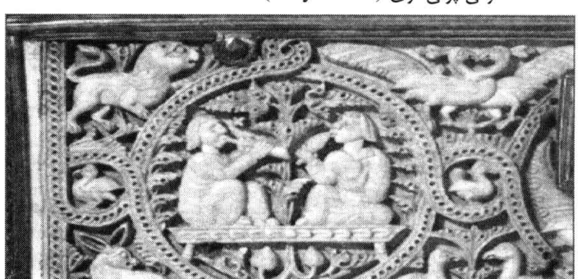
رصدخانه‌ی نجوم از قوم ثروتمند مایا در شهر چیچن ایتزا (Chichen Itza).



تندیس یک نفر از اهالی جزیره‌ی شرقی پولی نزی (Polynesian).



صفحه‌ی شطرنج به گفته‌ی اعراب با مات شدن (مرگ) شاه، طرف حمله کننده برنده می‌شود.



لوحه‌یی از عاج در شرح یکی شدن اعراب مسیحی با اسپانیولی‌ها، اثر هنری از شهر کوردوبا.



سنگ قبر به سبک دانمارکی.

آن‌ها نان را به عنوان جسم و بدن عیسی مسیح و شراب را به عنوان خون عیسی می‌خوردند، همچنان که در مراسم عشای ربانی این کار انجام می‌شد و بدین وسیله‌ی همواره یاد عیسی مسیح در خاطره‌ها باقی می‌ماند.

۲- هر فرد مسیحی بایستی این آداب را حداقل سالی یک بار انجام دهد. کسانی هم که این رسم را انجام ندهند، خود به خود جزو مرتدان محسوب می‌شوند.

۳- تمام یهودیان بایستی لباس مخصوص به خود را بپوشند تا از مسیحیان تمایز داشته و مشخص شوند.

دومینیک سرگردان تنها با خدا سخن می‌گوید. (بولونیا، ۱۶ اوت ۱۲۲۱):

دومینیک (Dominic) (مسیحیانی که معتقدند تنها ایمان به خدا (مسیح) برای رستگاری کافی است و افعال و کردار انسان در آن دخیل نیست)، بنیان گذار و موسس کلیساهای انجیلی که نام او را هم در هنگام تولد متناسب با انجیل گذاشتند، در سن ۵۱ سالگی و در هنگام تبلیغات مذهبی در بولونیا (Bologna) در شمال ایتالیا، به بیماری دچار شد و در گذشت.

او در ناحیه‌ی کالروگا (Caleruega) واقع در کاستیل (Castile) اسپانیا و در سال ۱۱۷۰ به دنیا آمد. در سال ۱۱۹۶ به کلیسا پیوست و به سرعت به مقامات بالای روحانی مسیحی رسید، او برای تبلیغ امور دینی به مسافرت پرداخت. وی برای دستگاه حکومت پاپ به موعظه می‌پرداخت. وی برای دستگاه حکومت پاپ به موعظه می‌پرداخت و تا سال ۱۲۱۷ در سراسر شهرهای اروپا به تمام کلیساها می‌رفت و به خاطر مسافرت‌های طولانیش به او لقب اسقف سرگردان دادند. در چهار سال پیش از مرگش، دومینیک تمام اوقات خود را صرف تبلیغ و موعظه‌ی دینی می‌کرد و برای این امر به تمام اروپا سفر کرد و نقطه نظر و هدفش بیش‌تر گسترش افکار مذهبی خودش بود.

یکی از نکات برجسته‌ی شخصیت دومینیک، راستی و صداقت وی بود و این ویژگی او، سبب استحکام و پایداری در اقوال و معتقدات وی گشت و مریدان او هم بدین سبب به دومینیک احترام می‌گذاشتند و موجب تشویق آن‌ها به پیروی از او می‌شد. او زندگی خود را وقف مردم می‌کرد و همواره تسلیم بود و گدایی را عار نمی‌دانست . در هنگام سرگردانی، مردم برای طلب بخشش و توبه از گناهان خود، به سوی او می‌شتافتند. دومینیک اغلب به شب زنده‌داری می‌پرداخت و از تمام لذات دنیوی چشم پوشیده بود و به ریاضت مشغول بود.

به علاوه دومینیک بر این باور بود که شخصیت مذهبی انسان بستگی به اعتقاد و ایمان به خدا (مسیح) و پیروی از دستورات او دارد و این احساس است که انسان را قادر می‌سازد که از اعمال بد پرهیز کند. او در کارهایش همواره سعی داشت که زندگی خود را کاملاً مطابق سبک و روش حواریون عیسی انجام دهد و تنها با خدا گفتگو می‌کرد یعنی با مسیح سخن می‌گفت.

زن (Zen)، با خوش نویسی، سبب تقویت روح نگارش ژاپنی‌ها شد. (ژاپن، ۱۲۲۸):

خوش نویسی که یکی از هنرهای زیبا به شمار می‌رود و رُل مهمی در فرهنگ ژاپنی دارد، با پیشرفت تمدن و فرهنگ چینی در سرزمین ژاپن به یکی از ابداعات تبدیل شده و باعث پیشرفت تعلیمات زِن در ژاپن گشته است.

سامورایی‌ها (Samurai) که افرادی قوی و زورمند هستند و برای تقویت مغز و روح خود به تمریناتی دشوار و طاقت فرسا می‌پردازند و در عین حال از نظر جسمی، مردانی بسیار قوی و درشت اندام می‌باشند، شعر و خوش‌نویسی را هم از جمله هنرهای زیبا می‌شناسند و سعی می‌کنند که مطالب را با خط زیبا بنویسند. آن‌ها دین بودا را با فرهنگ زِن درآمیخته‌اند.

کار سامورایی‌ها که بسیار دشوار به نظر می‌رسد، سبب تقویت روحیه‌ی زِن که یکی از روش‌های فرهنگی بودایی می‌باشد، شده و چون خوش نویسی هم یکی از کارهای مهم و خسته کننده است، بایستی اشخاص مهارت و تبحر لازم را داشته باشند و این کار نیاز به صبر و حوصله‌ی فراوان دارد.

گفته می‌شود که سبک جدید نوشتاری، انسان را به دقت بیش‌تری وا می‌دارد و روح شخص را آزاد و ارضا می‌کند. علاوه بر آن، سبب می‌شود که حس زیباشناسی در انسان تقویت شده و نوشتاری به سبک سنتی ژاپنی تغییر یابد.

کلیساهای اتیوپی را با سنگ‌های حجاری شده بنا می‌کنند. (اتیوپی، ۱۲۲۰):

رم ۱۲۴۴
دانشگاه رم تاسیس شد.
خاور نزدیک ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴
پس از غارت شدن شهر اورشلیم توسط ترکهای چادرنشین خوارزم (Khorezm)، به مصر پیوستند و راه مناطق لاتینی به غزه باز شد.
فرانسه ۲۷ ژوئیه ۱۲۴۵
در اجلاسیه‌یی که در شهر لیون (Lyons) تشکیل شد فردریک دوم پادشاه فرانسه به اتهام توهین به مقدسات و رافضی بودن از سمت خود معزول و مجرم شناخته شد. پاپ هم صلیبیان را برضد او تحریک کرد.
آلمان ۲۲ مه ۱۲۴۶
هانری راسپه (Henry Raspe) کنت تورینیا (Thurringia) که ضد سلطنت بود به مقام اسقف اعظم ناحیه رن (Renish) برگزیده شد.
آلمان ۵ اوت ۱۲۴۶
کنراد چهارم فرزند فردریک دوم در نبرد نیدا (Nidda) از هانری راسپه شکست خورد.
یونان ۱۲۴۶
ویلیام شاه ویلهاردوین (Villehradouin) جانشین جفری دوم به فرمانداری آکایی (Achaia) یکی از ایالات فرانک پس از سقوط شهر قسطنطنیه منصوب شد.
اسپانیا ۱۲۴۶
ابوذکریا فرمانروای تونس را از شهر سویل (Seville) بیرون رانده و وی را به داشتن تمایلات اصلاح طلبی با مسیحیان متهم کردند. فردیناند سوم پادشاه کاستیل با فرصت به دست آمده شهر را تصرف کرد.
آلمان ۳ اکتبر ۱۲۴۷
با مرگ هانری راسپه، کنت ویلیام اهل هلند که فردی ضد سلطنت بود به اسقفی منطقه رن منصوب شد.
ایتالیا ۱۲۴۷
دانشگاه سیه‌نا (Siena) در ایتالیا گشایش یافت.
فرانسه ۱۲۴۷
با شایعاتی که درباره کشته شدن کودکان مسیحی توسط پیروان مذهب یهودی انتشار یافته بود کمیته‌هایی از فرانسیسکن‌ها (Franciscans) جهت انکیزیسیون در، قلمرو اسقفی شهر وین برای پیگیری این موضوع تشکیل شد.
خاور نزدیک ۱۲۴۷
ترکان خوارزم شهرهای طبریه (Thiberias) و آسکالون (Ascalon) را پس گرفتند.
اسپانیا ۲۳ نوامبر ۱۲۴۸
شهر سویل (Seville) پس از دو سال محاصره تسلیم فردیناند سوم پادشاه کاستیل شد. بیشتر مسلمین ساکن این شهر به شهر گرانادا (Granada) گریختند.

در این کشور کوهستانی که مرزهای سه سوی آن در اختیار مسلمانان قرار گرفته و یک طرف آن هم قبایل کفار سکونت دارند، شهری در حاشیه‌ی مرز سرزمین‌های مسلمان نشین قرار دارد که شهر کلیسایی نامیده می‌شود که سمبل و نشانه‌ی مسیحیت است و مسیحیان غیور و پر تحرک را در خود جای داده.

فرمانروای این بخش از سلسله‌ی پادشاهی، زاگوه (Zagwe) می‌باشد. این سرزمین در سه سده‌ی پیش به دست مسلمانان اشغال شد، لیکن پس از مدتی، طوایف کافر گالاس (Gallas)، بخش‌هایی از آن را مستقل اعلام کردند.

در سال‌های ۱۱۵۰ مسیحیان بار دیگر مسیحیت را در کشور به زمامداری سلسله‌ی پادشاهی زاگوه احیا کردند و قسمت‌های کوهستانی و مرتفع در اختیار آنان قرار گرفت. واضح است در کشوری که ادیان گوناگون حاکم است، در هر قسمت هم قوانین مذهبی ویژگی خود را دارد و پیروان هر دین سعی می‌کنند که سیاست هم تابع مذهب باشد و در نتیجه اقوام غالب سیاست و دین را بر اکثریت تحمیل می‌کنند. در منطقه‌یی که به تازگی آزاد شده و در شهرهای تاناقیرقوس (Tana Qirqos) و دبرلیبانوس (Debre Libanos) چندین کلیسا تاسیس شده و هم چنین با کمک مسیحیان قبطی (Coptic) مصر و افراد مقدس جبرمنفاس قدوس (Gebre menfas Qeddus) (خدمتگزاران روح القدس) همواره برای پیشبرد اهداف مسیح به تبلیغ می‌پردازند.

در این شهر، به فرمان لالی بلا (Lalibela) امپراتور کنونی، چندین کلیسا بنا شده و پیروان مسیحیت در اوج افتخار قرار گرفتند. اکنون در این شهر ۱۲ کلیسا با سنگ ساخته شده است.

در روی تپه‌یی به نام کالواری (Calvary)، کلیسایی در ساحل رود اردن (Jordan) تاسیس شده که به نام گالگوتا (Galgotha) شهرت دارد. بسیاری از بازدیدکنندگان شهر، آن را اورشلیم جدید نامیده‌اند. در حالی که پیش از این مردم این ناحیه را شهر پریان می‌نامیدند.

سلحشوران نیزه انداز، لباس رنگارنگ می‌پوشند و کلاه گیس بور بر سر می‌گذارند. (باواریا،۱۲۲۷):

یکی از مبارزان جنگجوی باوارییایی با پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب زنانه و گذاشتن کلاه گیس بلندی به رنگ بور (کرم) برای مسابقه‌ی شمشیر بازی تمرینی به نقاط مختلف اروپا سفر کرده و اتفاقا با استقبال عامه روبرو شده است.

اولریخ فون لیختن اشتاین (Ulrich von Lichtenstein) ادعا می‌کند با همسر خود و سایر زنان حاضر به مسابقه است. وی از همه‌ی زنان دعوت کرده که در این شمشیربازی شرکت و هر کس که بتواند او را شکست دهد، به برنده یک حلقه طلا جایزه خواهد داد. هر کس هم که در مسابقه‌ی تورونوس (Venus Tour) بازنده شود و خود را تسلیم کند، مبلغی به عنوان باج بایستی به همسر او بپردازد.

بدین ترتیب، از تمام ۳۰۷ نفری که در مسابقه شرکت کردند، ۲۷۱ نفر برنده شدند و ۲۷۱ حلقه طلا دریافت کردند و تنها چهار نفر از سلحشوران بازنده شدند.

این روش فون لیختن اشتاین ثابت کرد که شمشیربازی در بین نجبا و اشراف اروپایی طرفداران زیادی دارد، لیکن رویه‌ی تمام آن‌ها قابل اعتماد و اطمینان نیست و بایستی با تمرین، آمادگی بیش‌تری ایجاد کرد و یکی از عناصر لازم در این امر، اتکای به نفس می‌باشد. این تمرینات زمینه‌یی است برای هنرهای رزمی و سیاسی که شخص را آماده برای تحمل هر گونه عملی می‌کند و مسابقه‌ی شمشیربازی تمرینی اجتماعی و سیاسی و دیپلماتیک می‌باشد و اگر جایزه نصیب هر کسی شود، او خود را برای مسابقات بزرگ زندگی متعهد و آماده می‌سازد.

از سویی فن و هنر شمشیربازی موضوعی است که مردم بسیار علاقمند به تماشای آن هستند و افراد ماهر در این فن می‌توانند د رنمایشات و جشن‌ها، برای سرگرمی مردم مسابقات نمایشی اجرا کنند. فون لیختن اشتاین تنها برحسب نیاز، این مسابقه را اجرا کرد، لیکن زمینه را برای توسعه و گسترش آن مهیا ساخت. رویدادی که خیلی قابل توجه است این که، آرتور (Arthur) پادشاه انگلیس، در اطراف یک میزگرد با حریف خود مسابقه‌ی شمشیربازی ترتیب داد که تعدادی از اشرف و بزرگان به تماشای آن آماده بودند و این مسابقه که در منطقه‌ی کامه لوت (Camelot) انجام شد، یکی از عالی‌ترین و باشکوه‌ترین مسابقه ها در نوع خود بود.

در یکی از جایگاه‌های ویران شده معابد هندو، مسلمانان مناره‌یی بنا کردند. (دهلی، ۱۲۱۹):

در یکی از مناطق شهر دهلی که به مرکز معابد هندو مشهور بود و ۲۷ معبد در آنجا قرار داشت، مسلمانان تمام آن معابد را تخریب کردند. آن‌ها به جای معابد ویران شده، مناره‌یی ساختند که بلندترین برج ساختمانی آسیا به شمار می‌رود. ساخت این مناره در سال ۱۲۱۰ توسط قطب‌الدین شاه آغاز شد و در زمان سلطان ایل توميش (Iltumish)، شاه فعلی، به اتمام رسد. طوایف غور (Ghur) که در چهل سال پیش مناطق دور افتاده‌یی چون افغانستان، پنجاب (Punjab)، سند (Sind)، بیهار (Bihar) و بنگال (Bangal) را تسخیر کردند، در شمال هندوستان حکومت جدید اسلامی تاسیس کردند و از بابت اخذ مالیات از مردم توانستند این مناره‌ی عظیم را بسازند.

خان بزرگ در بستر، وفات یافت. (چین، ۱۲۲۷):

چنگیزخان مرد. رهبر مغولان،امپراتوری وسیعی را به وجود آورده بود که تاکنون هیچ دولتی قلمروی به این وسعت به وجود نیاورده بود. چنگیزخان در حالی جان به جان آفرین تسلیم کرد که در چادری در دامنه‌ی کوه‌های لین بانشان (Linbanshan) و در محیطی بسیار سرد قرار داشت، در همین حال ارتش او مشغول تسخیر شهر نینگ‌زیا (Ningxia)، پایتخت تانگوت (Tangut)،پادشاه لی‌زیان (Lixian)، بودند.

خان بزرگ که هیچ گاه از اسب پایین نمی‌آمد و در یک سال گذشته مرتبا به شکار مشغول بود، در این اواخر حس کرد که دیگر مرگ وی نزدیک است. او دستور داد که افسران سپاه در یک جلسه گرد هم آیند و هر چه زودتر نینگ‌خیا را تصرف کند، چون که این موضوع خیال وی را معذب می‌کرد، از سویی، او دو پسرش اوغدوی (Ogodei) و تولوی (Toluy) را که در قید حیات بودند و در همان حوالی به جنگ اشتغال داشتند را هم فرا خواند.

او در حالی که در یورت (Yurt) بزرگ و مجلل خود که حالت بربریت او را می‌رساند، جلوس کرده بود، تمام افسران سپاه را مرخص کرد و به پسران خود چنین گفت: فرزندان عزیز، مرگ من نزدیک است. با کمک خداوند جاودان من توانستم قلمروی به این وسعت را در طی سال‌های طولانی

مصر ۱۲۴۹

لوئی نهم پادشاه فرانسه در ژوئن ۱۲۴۸ نبردهای صلیبی را رها کرده و در ساحل مصر لنگر انداخت و پیش از اینکه به سوی قاهره برود بندر دامیه تا (Damietta) را تصرف کرد.

فنلاند (Finland) ۱۲۴۹

پس از یک سده جنگ، سوئد اینک تحت فرماندهی ارل بریگر (Earl Briger) فنلاند را تسخیر نمود.

مصر فوریه ۱۲۵۰

لوئی نهم در جنگ منصوره به اسارت نیروهای مصری درآمد.

مصر ۱۲۵۰

با کشته شدن آخرین خلیفه ایوبی مصر، ممالیک (Mamelukes) مصر به قدرت دست یافتند.

ایتالیا ۱۲۵۰

با مرگ امپراتور فردریک دوم، شورش در شمال ایتالیا برضد مالکان زمینهای بزرگ (فئودالها) آغاز شد.

پاریس ۱۲۵۲

روسای غیر دینی دانشگاه پاریس نبرد بر ضد گداپروری را آغاز کردند.

ایتالیا ۱۲۵۲

نخستین سکه‌های طلا به نام فلورین (Florin) در فلورانس (Florence) منتشر شد. ضرب سکه منحصرا در اختیار پادشاه قرار داشت لیکن با اغتشاشاتی که پس از مرگ فردریک دوم پیش آمد، شهر فلورانس فرصت را غنیمت شمرده و سکه طلا را ضرب کرد.

مغولستان ۱۲۵۳

ویلیام فرانکی پیرو فرقه فرانسیسکن پادشاه روبروک (Rubruck) به عنوان نماینده سیاسی لوئی نهم پادشاه فرانسه، جهت عقد پیمان همکاری با مغولستان بر علیه مسلمانان به نزد منگوک (Mongke) خان بزرگ مغول اعزام شد.

آسیای صغیر (آناتولی) ۱۲۵۴

ژان سوم واتازس (Vatatzes) حکمران نیکائه که از سال ۱۲۲۲ در این مقام بود، در شهر نیمفائوم (Nymphaeum) نزدیک اسمیرنا (Smyrna) جان سپرد. وی با اتحاد با بلغارها در سال ۱۲۳۵ بر تراس مقدونیه دست یافت. در سال ۱۲۴۶ سرزمین بلغارستان را تصرف کرد و دیمتریوس (Demetrius) حاکم مستبد سالونیک (Salonika) را بر کنار ساخت. امپراتوری نیکائه مدعی بود که جایگزین امپراتوری بیزانس است.

افریقای غربی ۱۲۵۵

سوندیاتا کی‌تا (Sudiata keita) پادشاه مالی (Mali) بزرگ درگذشت.

ایران ۱۲۵۶

هلاکوخان (Hulegu) سلسله شاهان مغولی ایران را بنیان نهاد.

پاریس ۱۲۵۸

روبر دوسوربون (Robert de Sorbon) اسقف نیروی نظامی (قاضی عسگر) لوئی نهم، دانشکده الهیات را برای داوطلبان این رشته در دانشگاه پاریس تاسیس کرد.

برای شما تسخیر کنم و امپراتوری عظیمی را با پیمودن به وسیله‌ی اسب به وجود آورم.

اگر شما می‌خواهید که این سرزمین بزرگ تحت سلطه‌ی شما باقی بماند، بایستی با هماهنگی و یگانگی با یکدیگر، دشمنان خود را سرکوب نمائید و از فرصت‌هایی که در اختیارتان قرار می‌گیرد، نهایت استفاده را ببرید.

یکی از شما عهده‌دار امور سلطنت باشید. از این پس اوغدوی جانشین من خواهد بود. پس از مرگ من، به این انتخاب احترام نهید و برای جغتای (Jaghatay) (سومین پسر چنگیز) که در این جا حضور ندارد، ناراحتی فراهم نکنید.

پس از این سخنان، چنگیز درد شدیدی احساس کرد و در بستر خود دار فانی را وداع گفت. چنگیز همیشه در خیال دشمن قدیمی خود، امپراتوران ژاپن و کشور چین بود، نقشه‌ی جنگی او این بود که با نیروی نظامی سواره نظام بساط سلطنت همسایه‌ی خود را برچیند و آن سرزمین را جزو امپراتوری خود درآورد، با این حساب، همواره در این فکر بود که با تمهیدات و تهدیدات، امپراتور چین را به زانو درآورد. چنگیز در نظر داشت که با فشار و نبردهای موحش و ترسناک امپراتوری چین را تسخیر و قشون مغول را در دنیا به بالاترین پیروزی جهانی برساند.

با مرگ چنگیز خان، مردمی که از اسم او وحشت داشتند، دچار هیجان شدند و دسته دسته برای دیدن جنازه‌ی او به سوی چادر او می‌آمدند، لیکن با تاسف، از نزدیک شدن آن‌ها به یورت (چادر بزرگ) وی، جلوگیری به عمل می‌آمد. تشییع کنندگان که چند نفری بیش نبودند، برحسب وصیت او، جسد او را به صحرای قراقوروم بردند و در نقطه‌ی ناشناسی دفن کردند.

پادشاهی که بدون خونریزی به اورشلیم وارد شد. (اورشلیم، ۱۲ مارس ۱۲۲۹):

فردریک دوم،پادشاه آلمان، که به جهت تاخیر در شرکت کردن در جنگ صلیبی پنجم، دو بار از سوی پاپ تکفیر شده بود، سرانجام به اورشلیم وارد شد. این پادشاه جوان، برای نخستین بار در سال ۱۲۱۵ تصمیم به جنگ در بیت‌المقدس گرفت، ولیکن تا سال ۱۲۲۱ موفق نشد و تا این سال این



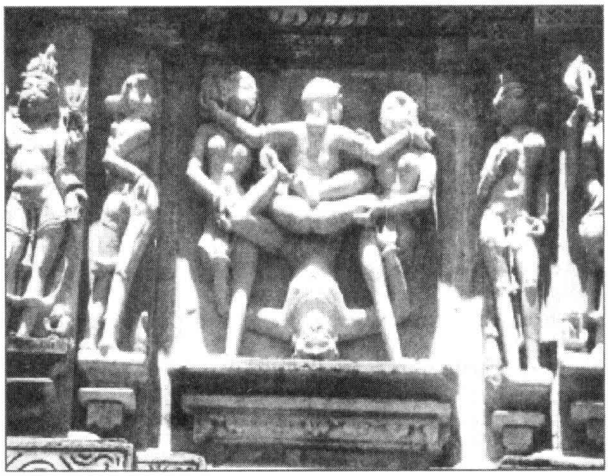
پیکره‌ی خدای شیوا در حال نشسته، از شهر کولا در هند.



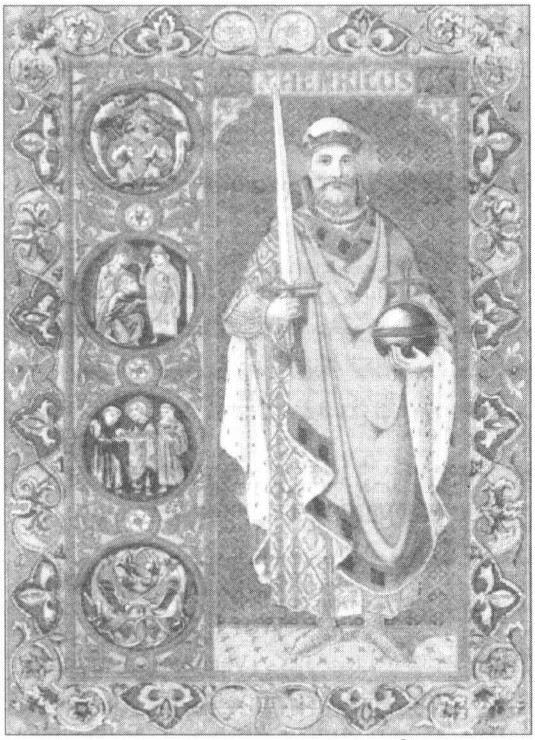
پیکره‌ی سن لوک (St Luke) (لوک مقدس) از گالری نقاشی سلسله‌ی پادشاهی اوتو.



تندیس برهما (Brahma) با سه سر از نظر اقوام کولا (Chola).



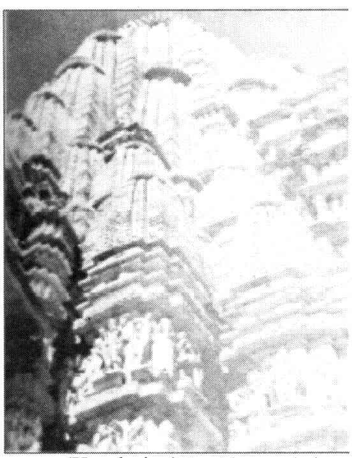
کتیبه‌یی از مردم طبقات پایین اجتماع هند که با اکراه به طبقات بالا می‌نگرند.



آخرین تصویر هانری دوم، امپراتور مقدس رم.



تصویری از یک نفر بلغاری پیش از زمان بازیل (Basil)



برج اصلی معبد کاندریا (Kandariya) در هند.



کانوت (Canute)، پادشاه دو سرزمین.

موضوع به تاخیر افتاد. در سال ۱۲۲۳، گفت که حاضر است در این جنگ با کمک ناوگان دریایی شرکت کند، باز هم گرفتاری‌های محلی مثل حملات مغول‌ها، آن را عقب انداخت. سرانجام در اوت ۱۲۲۷، عازم اورشلیم شد. سپاهیان او از راه دریایی به سوی بیت المقدس حرکت کردند، اما خود وی به علت بیماری، در شهر اورانتو (Oranto) ماند. قشون آلمانی بدون فرمانده، بخشی از راه را پیمودند. فردریک بالاخره به بندر مسیحی عکا وارد شد، در حالی که بخش اعظم سپاهیان وی در راه بودند. به هر حال او در خفا یک کارت برنده را بر زمین زد. در دو سال پیش، فردریک مخفیانه با الکامل ، پادشاه مصر، از راه دیپلماسی تماس‌هایی برقرار کرده بود. سلطان مصر از این که جنگجویان صلیبی به مصر حمله کنند، بسیار ناراحت بود و به خاطر این که در جنگ پنجم صلیبی دخالت نکند، نقشه‌هایی در سر داشت.

او از این که پیمان صلحی با صلیبیون امضا کند و بتهلهم (Bethlehem) و ناصره را به آنان تسلیم کند و در ضمن باریکه‌یی از ساحل مدیترانه را که به اورشلیم منتهی می‌شد را واگذار کند. خوشحال بود.

فردریک این راه نوظهور و غیر عادی را انتخاب کرد و خود در این راه پیش گام شد که بدون نبرد و خونریزی، توانست شهر اورشلیم و سایر اماکن مقدسه را برای جامعه مسیحی تصاحب کند، به هر حال،وی این جرات و جسارت را داشت که چنین راه پر مخاطره‌یی را برگزیند. چون اخبار پیمان صلح فردریک با کافران به واتیکان رسید، پاپ از این بابت اظهار ناخشنودی کرد.

ملاحان امپراتوری، تعدادی از کاردینال‌های پاپ را به کشتن دادند. (توسکانی (Tuscany)، ۳ مه ۱۲۴۱):

صلیبی‌ها با پرچم صلیب قرمز به راهنمایی کشتی‌های جنوا (Genoese) امروز پس از خوابیدن مد دریا به ویرانی کشانده شدند. برای امنیت و ایمنی، دو نفر از کاردینال‌ها و تعداد زیادی از اسقف‌های واتیکان، مبلغ قابل توجهی پول پرداختند. پاپ گریگوری نهم طی اطلاعیه‌یی از روحانیان مسیحی دعوت کرده بود که در اجلاسیه‌یی رای به تکفیر فردریک دوم پادشاه آلمان بدهند.

بغداد ۱۰ فوریه ۱۲۵۸

هلاکو بغداد را تسخیر و با کشتن آخرین خلیفه عباسی سلسله عباسیان را منقرض ساخت.

انگلستان ۱۲۵۸

سیمون دو مونفور (Simon de Montfort) رهبر شورش بارونهای انگلیس سرانجام موفق شد ایالت آکسفورد را از هنری سوم جهت حکومت بستاند. آنها توانستند بنیادی به نام پارلمان جهت جلسات بحث و گفتگو درباره مسائل کشوری که در هر سال سه بار جلسه داشته باشد تشکیل دهند و همچنین مجلس دائمی برای رهنمودهائی به شاه تاسیس کردند.

پاریس ۱۲۵۹

بر طبق پیمان پاریس لوئی نهم، آژنه (Agenais)، سن تونگ (Sain tonge) و بخشی از کوئرسی (Quercy)- لیموزین (Limousin) و پریگور (Perigord) را به هانری سوم واگذار کرد. هانری هم از تمامی ادعاهای خود مبنی بر تیول پلانتاژنه (Plantagenet) واقع در نورماندی آنژو (Anjou) تورین (Touraine)- ماین (Maine) و پوآتو (Poitou) دست کشید.

یونان ۱۲۵۹

میشل دوم پادشاه اپیروس با فرانکی شاهزاده آکائیا و ویلیام شاهزاده ویلهاردوین (Villehardouin) با عقد پیمان همکاری جهت فتح سالونیک و تصرف مجدد قسطنطنیه به بیزانس حمله‌ور شدند. آنها تصمیم گرفتند که بنیان نیروهای نظامی نیکائه را در شهر پلاگونیا (Plagonia) از بین ببرند.

افریقای غربی ۱۲۶۰

مانسائول (Mansa Ule) پادشاه مالی که پایتخت وی در شهر تیموبوکتو (Timbuktu) قرارداشت با کشتی به عزم زیارت مکه به آن صوب رهسپار شد.

ایتالیا ۴ سپتامبر ۱۲۶۰

فلورنتین گولف (Florentine Guelfs) که از حمایت پاپ برخوردار بود در نبرد با توسکان گی بیلین (Tuscan Ghibellines) در محل مونتاپرتو (Montaperto) دچار شکست شد. سپاهیان توسکان گی‌بیلین به پشتیبانی امپراتور در این جنگ شرکت کردند.

ایتالیا ۱۲۶۰

شارل آنژو (Charles Anjou) برادر پادشاه فرانسه تحت انقیاد پیه‌مون (Piedmont) درآمد.

آسیای صغیر (آناتولی) ۱۲۶۱

میشل هشتم دیرین شناس که در سال ۱۲۵۸ ادعای سلطنت نیکائه را داشت به امضای پیمان بازرگانی با جنوا (Genoese) توانست امتیازات تجاری بزرگی از شاهزاده نشین ونیز کسب کند.

رم اوت ۱۲۶۱

اوربان (Urban) چهارم که فرزند یک کفاش فرانسوی بود به جانشینی پاپ آلکساندر چهارم برگزیده شد.

لیکن آنان هرگز به شهر رم نرسیدند. آن‌ها به مجرد خروج از توسکانی، مورد حمله‌ی نیروهای کمکی شهر رقیب توسکانی (Tuscany) یعنی پیزا قرار گرفتند و برخی از آن‌ها در دریا غرق شدند. بسیاری از ملوانان جنوایی قتل عام شدند و کشیشان و روحانیان مسیحی هم به زندان افتادند. در این ۱۸ سالی که از جلوس فردریک دوم امپراتور آلمان می‌گذرد، امپراتور و پاپ به خصومت ادامه می‌دهند. امپراتور با گروگان گیری تعدادی از مقامات مذهبی کلیسا، تضمینی برای سلطنت خود به وجود آورده و پاپ هم نومیدانه به وی می‌نگرد.

مغول‌ها، جنگجویان مبارز تئوتونیک را در هم شکستند. (لهستان، ۹ آوریل ۱۲۴۱):

سواران مغول تاتار (Tatar) به نیروهای نخبه‌ی تئوتونیک (Teutonic) حمله کرده و برای تحقیر آنان، یک گوش تمامی سربازان را بریرند و گوش بریده شده را هم در خورجین قرار دادند، مثل این که دم حیوانات موذی را می‌برند. شایع است که تعداد گوش‌های بریده شده، ۹ خورجین بوده است.

هیچ‌کس نمی‌دانست که این نیروها پس از پایان یافتن غارت شهر لیگ نیتز (Leignitz) آلمان، مقصد بعدی آن‌ها کجاست. جنگجویان مغول چهار برابر سریع‌تر از مردان سواره نظام سنگین اسلحه‌ی اروپایی حرکت می‌کردند. آن‌ها فاصله‌ی ۶۵۰ کیلومتری از رود ویستول (Vistula) تا آلمان را در مدت یک ماه پیموده‌اند. این مهاجمان را که مشهور به اردوی طلایی بودند، در ۱۸ سال قبل چنگیزخان پس از تصرف سراسر ایران و شکست نیروهای روسی و گذشتن از رود کالکا (Kalka) به وجود آورده بود. با مرگ چنگیز در سال ۱۲۲۷، عملیات نظامی در غرب متوقف ماند. اما پس از هشت سال به فرمان نوه‌ی چنگیز به نام باتوخان (Batu Khan) در قراقوروم، عملیات جنگی دوباره از سر گرفته شد. موج جدید حملات مغول‌ها با غارت شهر مسکو شروع شد، لیکن جریان سیل‌های پی در پی، آنان را از این منطقه به سوی جنوب روسیه راند، آن‌ها پس از غارت و چپاول شهرهای قفقاز به سوی شهر نووگراد که کانون تجارت روسیه بود، شتافتند.

مغولان پیش از رسیدن به لهستان به شهر لیگ نیتز، در سال پیش شهر کی‌یف را در روسیه دستخوش تاراج قرار دادند. آن‌ها قبل از رسوخ و رسیدن به اقیانوس اطلس چون تحرک شدیدی داشتند، در تمام نقاط اروپا مردم را دچار بهت و هراس کردند و این حرکت آن‌ها متوقف نمی‌شد. آن‌ها تمام کشورها و شاهزاده نشین‌های اروپا را درنوردیدند و امپراتوری وسیعی از اقیانوس آرام تا رود دانوب تشکیل دادند.

نخستین زمامدار زن مسلمان و شوهرش به دست ترکان کشته شدند. (هندوستان، ۱۳ اکتبر ۱۲۴۰):

سلطان راضیه، اولین فرمانروای استان مسلمان نشین هند، در هنگام تسخیر دوباره‌ی دهلی کشته شد. نیروهای نظامی ترک با پشتیبانی گروه‌های هندی، با حمله‌ی برق آسا به کیتال (Kaithal) امروز ملکه راضیه و آلتونیه (Altuniyya) شوهر او را به قتل رساندند.

در سال ۱۲۳۶ راضیه پس از مرگ پدرش ، ایلتوتمیش (Iltutmish) خود را ملکه‌ی شهر دهلی و جانشین وی، معرفی کرد. ترک‌ها که نتوانسته بودند در زمامداری با دختر ایلتوتمیش شرکت کنند، با ایجاد ترس در مردم نسبت به حسن اداره امور کشور به وسیله‌ی یک زن، راضیه را خشمگین ساختند. ملکه راضیه قادر به خواباندن شورش مسلمانان و هندوها بود، لیکن توان مقابله با ثروتمندان و اشراف ترک را نداشت. د راوایل امسال، آن‌ها ملکه راضیه را دستگیر و زندانی کردند، او پس از چندی با آلتونیه، زندان بانش ، ازدواج کرد، اما مخالفان وی با همکاری سپاهیانش به دهلی یورش بردند و آن‌ها را به قتل رساندند.

مرگ خان، سبب رهایی مردم اروپا از قید مهاجران ناخوانده شد. (وین، بهار ۱۲۴۲):

پیشروی مغول‌ها در اروپا به یک باره متوقف شد، لیکن نیروهای آن‌ها باقی ماندند. در حقیقت هنگام زمستان سال گذشته سپاهیان مغول در تعقیب بلا (Bela) پادشاه مجار بودند و او با فرار از کشور در اطراف رود دانوب یخ بسته سرگردان و از سرما بر خود می‌لرزید و اوقات سختی را می‌گذرانید، آن‌ها منطقه کرواسی (Croatia) و کشور وی را تصرف کردند.

قسطنطنیه ۱۵ اوت ۱۲۶۱

میشل هشتم دیرین شناس با تسخیر شهر کونستانتینو پول به امپراتوری لاتین خاتمه دادو امپراتوری بیزانتین را بار دیگر احیا کرد.

ایتالیا ۱۲۶۲

با حمایت پاپ اوربان چهارم گولف (Guelf) بار دیگر در توسکانی (Tuscany) به قدرت رسید.

یونان ۱۲۶۲

ویلیام پادشاه ویلهارد وین که پس از حملات نافرجام به نیکائه در سال ۱۲۵۹ دستگیر و تاکنون در زندان بود برای کسب آزادی و رهائی از زندان بخشی از مورآ (Morea) واقع در پلوپوتر در اطراف ناحیه میسترا (Mistra) را به میشل هشتم دیرین شناس واگذار کرد.

رم ۱۲۶۲

شارل آنژو که تحت سلطه دستگاه مذهبی پاپ و یکی از گماشتگان اوربان چهارم به حساب می‌آمد و به عنوان قهرمان ضد آلمانی ایتالیا معرفی شده بود به سمت سناتور مادام العمر سنای رم انتخاب شد.

ایتالیا ۱۲۶۳

ونیزیها در نبرد دریائی سته پوتزی (Settepozzi) جنوا را شکست دادند.

فرانسه ۱۲۶۴

در بحث‌هائی که بین بارونهای پیرو فلسفه مشایی (اعتقاد به اینکه روح فناپذیر است و آنچه باقی می‌ماند روح جهانی است که همه افراد بشر را فرا می‌گیرد) و هانری سوم در گرفت، لوئی نهم امتیازات آکسفورد را که در سال ۱۲۵۸ هنری سوم به وی تحمیل کرده بود ملغی ساخت.

اسکاتلند ۱۲۶۶

نروژ جزایر هبرید (Hebrides) و جزیره‌های وابسته به آنرا به اسکاتلند واگذار کرد.

ایتالیا ۱۲۶۶

شارل آنژو، مانفرد (Manfred) پادشاه سیسیل را در بنه ونتو (Benevento) شکست داده و به قتل رسانید. این شخص را پاپ کلمنت (Clement) چهارم به پادشاهی سیسیل برگمارده و به شهر ناپل (Naples) فرستاده بود.

خاور نزدیک ۱۲۶۸

پس از تصرف قیصریه (Caesarea) در سال ۱۲۶۵ توسط مملوک (Mameluke) سلطان بی‌بارز (Sultan Baybars) وی شهرهای حیفا و انطاکیه را هم اشغال کرد.

ایتالیا ۱۲۶۸

کونرادین (Conradin) آخرین شاه هوهنشتافن (Hohenstaufen) به ایتالیا حمله کرد لیکن در ناحیه تالیا کوتزی (Taglia Cozzi) از شارل آنژو شکست خورد.

با پایان یافتن زمستان، نیروهای مغول در انتظار پیشروی به سوی غرب بودند و برای احتیاط از اسیرانی که در اختیار داشتند، به عنوان سپر محافظ خود در صورت لزوم، استفاده می‌کردند. در این هنگام، اخباری حاکی از مرگ اوغدوی خان بزرگ به آن‌ها رسید و نیروهای مغول با شنیدن این خبر بد، با اموال غارت شده به سرزمین خود بازگشتند.

بنیان گزار مکتب صوفیه درگذشت. (هندوستان، ۱۲۳۶):

خواجه معین الدین کیشتی (Chishti) معروف‌ترین مرتاض و ریاضت کش جهان و بنیان‌گزار مکتب سریع‌الرشد صوفیه، در سن ۹۷ سالگی در ناحیه‌ی اژمیر (Ajmir) راجستان (Rajasthan) درگذشت. کیشتی که آداب و رسوم خود را پنهانی به مردم می‌آموخت ، در پیامی به هواداران خود برتری این آئین را اعلام داشت و آن‌ها را به پیروی از آن توصیه می‌کرد.

کیشتی هم چنین عقیده داشت که همگان با اجرای قوانین ۹ گانه‌ی صوفیه هیچ‌گاه نیاز به پول نخواهند داشت و تنها می‌توان کالا و متاع یک روزه را تهیه کرد و در فکر فردا نباید بود و نیازی به گردآوری و جمع مال نیست، چون حرص و آز را در بشر به وجود می‌آورد. کیشتی آئین خود را بر پایه‌ی برادری و مساوات قرار داده بود و آن را طی پیامی به سراسر هندوستان ابلاغ کرد.

کتاب آئین خردمندی به وسیله‌ی رهبر صوفیان به نگارش درآمد. (دمشق، ۱۲۳۳-۱۲۳۲):

ابن العربی با نگارش کتاب نگین عقل و خرد، مردم را به اصول ماوراءالطبیعه و آئین صوفیه آشنا می‌سازد که همگان با پیروی از عقل و دانش با جهان ناشناخته آشنا شوند و به روشنی مکتب صوفیان را دریابند.

او در شهر مورسیه (Murcia) و در سال ۱۱۶۵ زاده شد. ابن العربی بخش اعظم زندگی خود را به خواندن، تفکر و نوشتن گذرانید، او عقیده داشت که خداوند از هر انتسابی آزاد است و او را با هیچ چیز دنیوی نمی‌توان مقایسه کرد.

او در کتاب نگین عقل و خرد، زندگانی ۲۸ پیامبر، از حضرت آدم تا پیامبر اسلام را از نقطه نظر صوفیان بیان

کرده است. در حالی که ابن تایمیه (ibn Taymiyah) که یکی از بنیادگران اسلامی است، تمام نوشته‌ها و سخنان ابن‌العربی را کفرآمیز خوانده است.

روس‌ها ریشه‌ی شوالیه‌های تئوتونیک را کندند. (دریاچه‌ی پی پوس (Peipus)، روسیه، ۵ آوریل ۱۲۴۲):

در نبردی که بر روی یخ، بین نیروهای نظامی روسیه به فرماندهی شاهزاده نوسکی (Nevsky) و شوالیه‌های تئوتونیک روی داد، نیروهای روسی با تعرض متقابل به پیروزی رسیدند، به طوری که شوالیه‌های تئوتونیک درخواست متارکه کردند. ناظران پیش بینی کرده بودند که در این نبرد، تئوتونیک‌ها شکست خواهند خورد و از تمام سرزمین‌هایی که تصرف کرده بودند، اخراج خواهند شد.

نیروهای صلیبی آلمان، برای این که روس‌ها را شکست قطعی دهند، از شهر نووگراد به دریاچه‌ی یخ بسته‌ی پی پوس، واقع در لیونیا (Livonia)، رفتند و در آنجا متمرکز شدند. نیروهای نظامی روس هم به سرکردگی نووسکی به محاصره‌ی شوالیه‌های آلمانی پرداختند، به طوری که آلمانی‌ها در تنگنا قرار گرفته و راه گریز نداشتند، نووسکی با یک ضربه‌ی شدید و ناگهانی به کمک نیروهای نظامی نخبه و برگزیده‌ی روسی به نام گروه دروژینا (Droujina) در یک روز طولانی نبرد، آن‌ها را در هم شکسته و مطیع ساختند. در حدود دو سال پیش، نووسکی با مشورت اهالی شهر نووگراد، نیروهای نظامی خود را مرخص کرده و خودرا بازنشسته کرده بود، ولیکن با هجوم آلمانی‌ها، بار دیگر آن‌ها را تحت نظم درآورده و دشمن را شکست داد و اکنون به عنوان قهرمان ملی معرفی شده است. در نووگراد گفته می‌شود، این پیروزی سبب شد که کاتولیک‌های صلیبی درس بگیرند و برای همیشه فکر حمله به روسیه را از سرشان خارج کنند.

ترک‌های مسلمان دگر باره اماکن مقدس را تصرف کرده و صلیبیون را از آنجا بیرون راندند. (اورشلیم، ۲۳ اوت ۱۲۴۴):

شهر اورشلیم یا بیت المقدس ، که در نزد پیروان سه دین اسلام، مسیحی و یهودی به عنوان مکان مقدس به شمار می‌رود و کانون صلیبیون بود، بار دیگر به تابعیت مسلمانان درآمد. مدت کوتاهی که این شهر در اثر مساعی فردریک دوم، شاه آلمان، که اهل هوهنشتافن (Hohenstaufen) بود، آن را تسخیر کرده بود، به طوری که نیروهای صلیبی، آنجا را برای همیشه جایگاه خودشان تصور کرده بودند، به سرآمد، و نیروهای مزدور خوارزمیان شهر را بار دیگر اشغال کردند. فردریک در پی انعقاد پیمانی با سلطان الکامل، فرمانروای مصر، در سال ۱۲۲۹، مدت ۱۵ سال حکمران اورشلیم محسوب می‌شد. با این موافقت نامه نه تنها اورشلیم، بلکه بتلهم و شهر ناصره و بخشی از شهرهای صیدون (Sidon) و تورون (Toron) هم در اختیار فردریک قرار گرفت. فرماندار شهر اورشلیم هیچ گاه اقتدار لازم را نداشت و اکنون هم قدرت وی کاهش یافته. در سال ۱۲۳۹ که ایوبیان اردن، فرمانروایی شهر اورشلیم را در دست گرفتند، موقعیت منطقه رو به زوال رفت. مسیحیان در رقابت با مسلمانان سعی داشتند که کنترل این شهر را در دست بگیرند و از تمام مزایای آن بهره مند شوند، اما این موضوع هرگز صورت نگرفت. ایوب، پادشاه مصر، در تلاش برای امضای قرار دادی با مسیحیان خود را در فلسطین تار و مار کردند و به کلی آن‌ها را از منطقه راندند. با سقوط شهر بیت المقدس، اسلام بر مسیحیت مهر باطله زد و در تمام صحنه‌ها پیروز گردید.

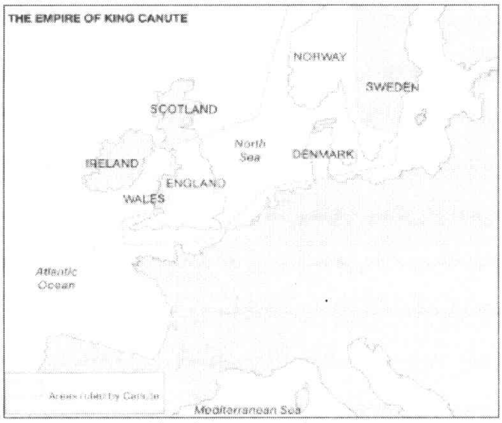
نیروهای مغول، با پیکار شش ماهه، نیروهای سلجوقی را زدودند. (آسیای صغیر، ۲۶ ژوئن ۱۲۴۳):

نیروی نظامی ترکان سلجوقی، توسط سپاهیان مغول از منطقه پاک شدند. نیروهای نظامی مغول، با پیشروی از رم به سوی سیواس، با شقاوت و بی‌رحمی، شهرهای سر راه را دستخوش نهب و تاراج قرار دادند و هر کجا که مقاومتی سر راهشان بود، در هم می‌شکستند.

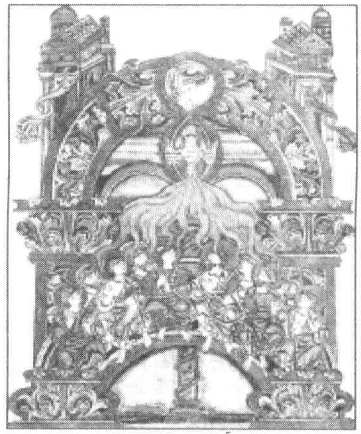
مغولان در حالی که در استان‌های تابعه‌ی دولت سلجوقی به پیشروی ادامه می‌دادند، با تصرف ارزالروم (Erzurum) (ارض الروم) در اثر خیانت اهالی شهر از محاصره‌ی سایر نقاط خودداری ورزیدند، اما با کمال حماقت، زمستان را در ارتفاعات کوهستانی که بیش از یک هزار متر بلندی داشت، گذرانیدند.



معبد بودا در شهر پاگان (Pagan)، پایتخت برمه (Burma)، نشانه‌یی از نفوذ دین هندو در نزد خمرها (Khmer).



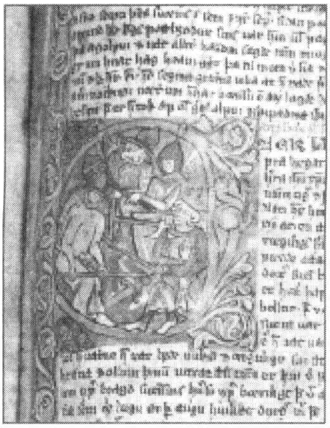
نقشه‌ی قلمرو تحت سلطه‌ی کانوت.



زبانه‌های آتش، نمونه‌یی از جهنم.



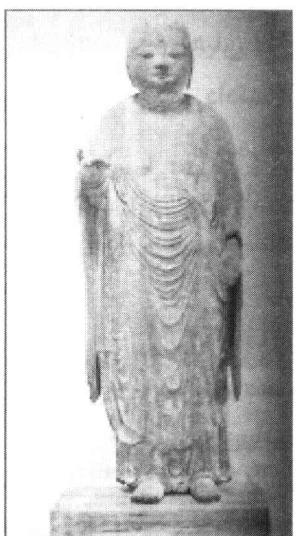
کونراد (Conrad)، امپراتور جنگ طلب.



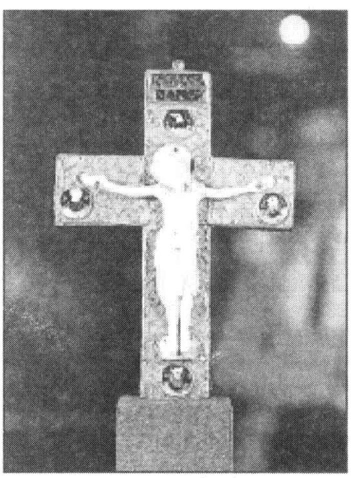
آخرین اثری که از اولاف (Olaf) باقی است.



یـک مدرسـه‌ی یهـودی، اکنـون یهودیـان در سرزمین‌های افریقای شمالی، اسپانیا و سـاحل رود راین (Rhine) به افراد آیین‌هـای یهـود را می‌آموزند و تنها یک مدرسه‌ی یهودی در بابـل (Babylon) به روش قدیم باقی مانده است.



تندیس چـوبی از بـودای ژاپنـی بـه نـام بودیساتوا جیـزو (Bodhisattva Jizo) که حامی فقرا می‌باشد، در لبـاس فقـر و درویشی.



به صلیب کشیده شدن عیسی، زلزله‌یی در اذهان مردم به وجود آورد.

هنگامی که سلجوقیان از خطر مغول آگاه شدند، سعی کردند که با جمع آوری نیروهای تازه نفس، نومیدانه سیواس را نجات دهند، چون سلطان سلجوقی در آنجا اقامت داشت. نیروهای سلجوقی قصد داشتند پیرامون شهر سیواس را محافظت کنند، لیکن ارامنه‌ی شمال شهر، پیش از این، با مغولان پیمان بسته بودند که در جنگ، بی‌طرف بمانند و در جنگ بین مغول‌ها و سلجوقیان مداخله نکنند، چون ارمنستان از مغولان بی‌اندازه بیمناک بود.

از سویی، ارمنستان کاملاً و به سهولت می‌توانست در اختیار مغول‌ها قرا گیرد، چون که نیروهای نظامی ارمنستان قادر به جنگ نبودند و تاب رویارویی با مهاجمان مغول به فرماندهی بایجو (Bayju) را نداشتند. سرانجام بایجو با در پیش گرفتن استراتژی قدیمی نبردها، دست به غافل گیری زد و به قصد بازگشت، سپاهیان را به عقب نشینی واداشت و ناگهان سپاهیان سلجوقی را که در تعقیب آن‌ها بودند، از دم تیغ گذرانید. با این حیله‌ی جنگی، بایجو توانست قشون سلجوقیان را تار و مار کند. سلطان سلجوقی و مادرش در این گیر و دار توانستند از دست لشگریان پیروزمند مغول بگریزند.

شورشیان مسلمان با به کار بردن مواد مخدر، مرگ می‌آفرینند. (سوریه، ۱۲۴۵):

یک فرقه‌ی مسلمان یاغی ایرانی، به رهبری یکی از افراد شورشی، در منطقه‌ی جبال انصاریه واقع در سوریه، حکومتی محلی تاسیس کرد. آن‌ها با به کارگیری سلاح‌هایی از قبیل خنجر بر روی بالش خواب زمامداران، آن‌ها را دچار رعب و وحشت می نمایند، بدین معنی که با به کار بردن شگردهای مخصوص، به اتاق خواب پادشاه راه یافته و خنجر را بالای سر آنان قرار می‌دهند. برای این که خود را مسلمان واقعی قلمداد می‌کنند، هر مانعی را سر راه اهدافشان مشاهده کنند، با کمال سنگدلی و بی‌رحمی از بین می‌برند این فرقه که در ۲۰۰ سال قبل به وجود آمده، مشهور به حشاشین یا آساسین هستند، چون شهرت دارد که آن‌ها هواداران خود را به حشیش معتاد می‌کنند.

حشیش که یکی از مواد مخدر می‌باشد، شخص را دچار توهمات بصری و نشئه می‌کند و او در رویا، احساس لذت و خوشی می‌کند و مرگ را هم بازیچه‌یی تصور می‌کند.

در زمان خلفای عباسی در شهر بغداد، آنان این ماده‌ی گیاهی را در خدمت خود گرفتند و در دربار عباسیان، حشیش کاربرد زیادی داشت، چون آن‌ها با منتسب کردن خود به حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام، و استعمال حشیش، تمام مردم را به پیروی از خود وا می‌داشتند، و سلجوقیان هم در متابعت از این امر، مزدوران خود را معتاد ساخته و خود را با پیامبر اسلام مرتبط می‌سازند. اسماعیلیه یا حشاشین، در سال ۱۰۹۲، یکی از بنیادگران افراطی به نام نظام الملک، وزیر اعظم پادشاهان سلجوقی را به قتل رسانیدند.

در سال ۱۰۲۹، نخستین پیشوای بزرگ حشاشین، به نام حسن صباح، یکی از قلاع جنگی در ناحیه‌ی الموت واقع در دامنه‌ی جنوبی کوه‌های البرز و جنوب دریای خزر را تصرف کرد و از آنجا فرامین خود را به پیروان ابلاغ می‌کرد.

حسن صباح، سپس یک شبکه‌ی زیرزمینی به وجود آورد و با ایجاد قلاع در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، در سراسر ایران و میان رودان، دست به نبردهای پارتیزانی زد. رهبر بزرگ اسماعیلیان، در یکی از مناطق کوهستانی، کتابخانه‌یی تاسیس کرد و پیروان خود را به آموزش تشویق می‌کرد. مرد پیر کوهستان اسماعیلیه، فارغ از تفکر درباره‌ی آخرت بود و می‌گفت هیچ حقیقتی در زندگی وجود ندارد و انجام هر کاری را مجاز می‌دانست.

راهبان فرانسیسکن، گزارش امور را به مغولان می‌دادند. (کیف ، ژوئن ۱۲۴۷):

یک راهب چاق و سالخورده‌ی ایتالیایی که به هیچ وجه با زبان‌های شرقی آشنایی نداشت، به خاطر رضایت خاطر پاپ اینوسنت چهارم، اقدام به سفری شگفت‌آور و پیمودن پنج هزار کیلومرث نمود و به دیدار خان بزرگ گویوک (Guyuk) رفت، وی به همراه میسیون مذهبی مسیحی به این کار دست زد و از بسیاری شهرهای آسیایی دیدن نمود.

ژان پلاتو کارپی نی (John Platocarpini)، که در سال گذشته سفر خود را به همراه دو نفر از کشیشان هوادار خود آغاز کرده بود، ابتدا به استپ های سرد آسیای مرکزی رسیدند. آن‌ها پیش از این که با خان بزرگ مغول، گویوک دیدار کنند، مجاز نبودند که به سفر خود ادامه دهند، با وجود این، پس از باریافتن به حضور گویوک خان مغول، به سوی صحرای قره قوروم رهسپار شدند.

این نمایندگان پاپ، در سفر چند هزار کیلومتری، اغلب پس از استراحت کوتاهی به راه خود ادامه می‌دادند، خوراک آن‌ها از مقدار کمی ارزن و نمک بود و نوشیدنی آن‌ها هم از برف‌های آب شده‌ی کوهستان تامین می‌شد، در حالی که آنان مدت ۶۶ سال عمر خود، از زندگی و رفاه کامل در ایتالیا برخوردار بودند و همواره در آسایش و استراحت در کلیسا به سر می‌بردند. ژان و همراهان وی، در تاریخ ۲۲ ژوئیه به حضور گویوک رسیدند، آنان با انجام این مسافرت تعجب آور، به خود افتخار می‌کردند، چون که تنها کسانی از غرب بودند که به این کار اقدام کردند. گویوک با خشونت با راهبان بزرگ برخورد کرد و به وسیله‌ی ژان نامه‌یی برای پاپ فرستاد.

مسلمانان اسپانیولی، در شهر سویل (Seville) سقوط کردند. (اسپانیا، ۱۲۴۸):

سویل، آخرین شهر بزرگ مسلمان نشین اسپانیا، در مقابل حمله‌ی نیروهای فردیناند سوم، پادشاه کاستیل و لئون، سقوط کرد. با سقوط شهر سویل، مسیحیان تمام شهرهای شبه‌جزیره‌ی ایبری را تصرف کردند و بدین ترتیب پیروزی آن‌ها کامل شد.

با شکست فرمانروایان سلسله‌ی المهدی در سال ۱۲۱۲ و از دست رفتن شهر لاس ناواس دو تولوزا (Las Navas de Tolosa)، مرگ این سلسله در اسپانیا آغاز شد. در سال ۱۲۲۰، با کناره گیری ابن هود (ibn Hud) یکی از پادشاهان سلسله‌ی پادشاهی المهدی، وی مجبور شد که به فردیناند سوم، پادشاه کاستیل، از تاریخ ۱۲۱۷ خراج بپردازد و هم چنین از سال ۱۲۳۰، خراج ناحیه‌ی لئون را به وی بدهد. فردیناند از ابن هود در خواست کرد که شهر کوردوبا، پایتخت باستانی مسلمان نشین اسپانیا را به وی مسترد نماید، لیکن ابن هود این تقاضا را نپذیرفت، فردیناند هم این شهر را در سال ۱۲۳۶ تسخیر کرد.

ابن هود با طرفدارانش از اسپانیا خارج شد، و چون جانشینی مقتدر و قابل توجه نداشت، در سال ۱۲۳۸، جیمز (James) پادشاه آراگون (Aragon) و کاتالونیا (Catalonia)، با عقد پیمان اتحاد با فردیناند بر ضد مسلمانان، توانستند شهر مایورکا (Majorca) را در سال

فرانسه ۱۲۷۰

اسقف پاریس متهم به هواخواهی از فلسفه مشایی (Averroists) و پیروی از مسلمانان طرفدار این فرقه گردید.

اتیوپی ۱۲۷۰

یکونوAملک (Yekuno Amlak) به پادشاهی اتیوپی رسید و سلسله سلیمان (Solomonic) را به پایتختی انکوبر (Ankober) تاسیس کرد.

افریقای شمالی ۱۲۷۰

لوئی نهم در شهر تونس جان سپرد در حالیکه خود وی دومین جنگ صلیبی را برپا کرده بود.

ایتالیا ۱۲۷۰

شارل انژو به عنوان فاتح و رهبر توسکانی مشهور شد.

فرانسه ۱۲۷۱

فیلیپ سوم پادشاه جدید فرانسه منطقه پوآتو (Poitou) در اورین (Auvergne) و کانتی (County) در شهر تولوز (Toulouse) را به عنوان میراث خود تصرف کرد. در این زمان شمال و جنوب فرانسه متحد شدند.

خاور نزدیک مه ۱۲۷۲

صلیبیون به رهبری ادوارد (Edward) پادشاه انگلیس با سلطان بی‌بارز به پیمان متارکه جنگ در قیصریه دست یافتند.

آلمان یکم اکتبر ۱۲۷۳

رودولف (Rudolf) پادشاه هابسبورگ (Habsburg) کنت قدیمی اسوابیان (Swabian) به امپراتوری برگزیده شد و به دوره فترت بزرگی که از زمان مرگ کونراد چهارم در سال ۱۲۵۲ آغاز شده بود پایان داد.

فرانسه ۱۲۷۴

در اجلاس عمومی در لیون که توسط گریگوری دهم برپا شد نحوه انتخاب پاپ به هیاتی مرکب از اسقف‌ها واگذار شد.

فرانسه ۱۲۷۴

با تسلیم شدن میشل دیرین شناس در برابر پاپ در اجلاسیه لیون، میشل آنژو خطر را در مقابل خود دید. میشل در آن جلسه پشتیبانی پاپ را جلب کرد.

چین ۱۲۷۵

بازرگان و کاشف ونیزی به نام مارکوپولو (Marco Polo) مسافرت خود را به سراسر چین آغاز کرد.

اروپای مرکزی ۱۲۷۸

با حمایت لادیسلاس (Ladislas) شاه مجارستان امپراتور رودلف توانست حریف خود به نام اوتوکار (Otokar) را در سرزمین بوهم (Bohemia) شکست بدهد.

چین ۱۲۷۹

قوبیلای خان (Kublai Khan) با غلبه بر آخرین پادشاه سانگ (Song) آخرین مقاومت‌ها را در هم شکست و با تاسیس سلسله پادشاهی یوان (Yuan) تمام چین را تحت فرمانروائی واحد درآورد.

۱۲۳۹ و والنسیا (Valencia) را مدتی بعد، متصرف شوند. هم چنین پرتغالی ها هم در سال ۱۲۳۸، کنترل تمام ناحیه‌ی آلگارو (Algarve) را به دست گرفتند. شهر سویل که ناحیه‌ی کوچکی در ساحل دریا و بخشی از ایالت گرانادا می‌باشد، تنها شهری بود که تحت تسلط مسلمانان باقی مانده بود که آنجا هم اخیرا در اختیار مسیحیان قرار گرفت.

با مرگ امپراتور سرگردان، پاپ از دست او رهایی یافت. (ایتالیا، نوامبر ۱۲۵۰):

فردریک دوم، امپراتوری که یکی از عجایب دنیا به شمار می‌رفت، امروز در قلعه‌ی فیورنتینو (Fiorentino) در گذشت و چون فرزندی نداشت، موضوع جانشینی وی باعث هرج و مرج و بی‌نظمی در اروپا شد. در واتیکان، با وجود تاسف شدید از فقدان وی، دستگاه مذهبی از امپراتوری که بارها تحت تکفیر واقع شده بود، خلاصی یافت. فردریک با وجودی که امپراتور آلمان بود، معهذا شاید به آن کشور آن چنان توجهی نداشت و آن سرزمین بیش‌تر در اختیار اشراف آلمانی بود، در حالی که سیسیل و شمال ایتالیا برای او اهمیت زیادتری داشت. در نتیجه واتیکان از این وضع رنج می‌برد و سعی می‌کرد که اهداف وی را معطوف به نقاط دیگر کند.

پس از مرگ پاپ هونوریوس (Honorius) سوم، فردریک دریافت که گریگوری نهم که فردی ستمگر و بی‌رحم بود، به جانشینی وی برگزیده شده و پاپ هم تلاش می‌کرد که او را به جنگ صلیبی دیگری وادار کند. از این نظر، امپراتور سال‌ها به این امر مشکوک بود و سرانجام از تهدیدات پاپ و تکفیر، هراسان شده و از راه دریا نیروهای نظامی خود را به فلسطین اعزام داشت و خودش به بهانه‌ی بیماری، از نبرد آشکار طفره رفت. پاپ به تهدیدات خود ادامه داد و فردریک بار دیگر از انجام فرامین او سرباز زد. گریگوری هم بار دیگر وی را تکفیر کرد، چون فردریک هنوز به نبرد صلیبی علاقه‌یی نشان نمی داد. فردریک مذاکرات صلح را جهت عقد پیمان با پادشاه مصر دنبال کرد. تکفیر سوم پاپ، به سبب مذاکره‌ی او با کافران بود. فردریک مردی دانشمند بود و به دانش اهمیتی ویژه قایل بود. او در زمان کودکی، فردی آرام و ساکت بود و همواره در پی آن بود که بداند آدم و حوا چگونه با هم گفتگو می‌کردند و زبان آن‌ها چه بوده است.

پادشاهی که خود به تجارت طلا اشتغال داشت، در گذشت. (تیمبوکتو (Timbuktu) ۱۲۵۵):

سوندیا تاکیتا (Sundiata keita)، موسس امپراتوری مالی، فوت شد. وی رهبر طایفه‌ی مالینک‌ها (Malinke) بود و ملت خود را از یوغ و رقیت سامونگورو کانته (Samungurn Kante)، پادشاه سوسو (Sosso) رهایی بخشید و امپراتوریی را بنیان نهاد که از اقیانوس اطلس در غرب، تا گائو (Gao) در شرق، وسعت داشت.

وی هیچ گاه در زندگی آدمی بشاش وسرزنده نبود. پادشاه سوسو، باعث ترس و وحشت قوم مالینک (مالی) بود، او دو نفر از جانشینان پادشاه مالی را که حکمران دو منطقه‌ی کوچک بودند، به قتل رسانده و ۱۲ نفر دیگر را هم به هلاکت رسانید. وی از فرط غرور و تکبر، دست بدین کار زده بود. اکنون سوندیاتایک پسر خود را که به بیماری مزمن دچار و در عین حال می‌لنگید را جانشین خود کرد.

سوندیاتا چون همیشه در اندیشه‌ی ترقی و سعادت ملت خود بود، از شهر خارج شد و سپس مردم را برای نبرد با سوسسو فرا خواند و خود فرماندهی آنان را به عهده گرفت و در سال ۱۲۳۵، در ناحیه‌ی کیرینا (Kirina) به پیروزی دست یافت. پس از این پیروزی، وی در نبردهای بعدی هم دشمنان خود را مقهور ساخت. در سال ۱۲۴۰، با غلبه بر پادشاه غنا، آن سرزمین را تصرف کرد و در سال ۱۲۵۰، با تسخیر سرزمین جنوب صحرای افریقا، تمام کاروان‌های عبوری از آنجا را تصاحب کرد. امپراتوری مالینک گرچه از نظر وسعت بی‌همتا نبود، لیکن ثروتمندترین سرزمین افریقای سیاه بود، چون که معادن مس منطقه‌ی تاکه‌دا (Takedda) کان‌های نمک تاقازا (Taghaza) و نیز معادن طلای ناحیه‌ی بور (Bure) را در اختیار داشت.

در نتیجه، سرزمین مالی ثروتمند، تجارت طلای سرزمین جنوب صحرا را با خود اختصاص داده بود و کاروان‌های حامل طلای این منطقه از راه مراکش به اروپا حمل می‌شد، زیرا تجارت این کالا در دست مسلمانان سیاه قرار داشت.

لوئی نهم، پادشاه فرانسه، آزادی خود را خرید. (دامیه‌تا، ۳۰ آوریل ۱۲۵۰):

لویی نهم، پادشاه فرانسه، که در زندان شهر دامیه‌تا (Damietta) اسیر بود، امروز آزادی خود را با پرداخت مبلغ یک میلیون دینار بازیافت.

ژاپن ۱۲۸۱

مغولها دومین تلاش خود را در حمله به ژاپن آغاز کردند.

کنستانتینوپول ۱۲۸۲

میشل هشتم دیرین شناس درگذشت وی امپراتوری بیزانس را که به وسیله قبایل ترک آسیای صغیر مورد تهدید بود حفظ کرد.

ویلز (Wales) (بخشی از انگلستان کنونی) نوامبر ۱۲۸۲

لی ولین (Llywelyn) شاهزاده ویلز در جریان قیام بر علیه ادوارد پادشاه انگلیس نزدیک محل بیلت (Builth) جان سپرد. وی ناحیه ویلز را در سال ۱۲۷۷ مسخر کرده بود.

مکزیک ۱۲۸۳

طایفه ایتزا (Itza) شهری را به نام مایا پان (Mayapan) در منطقه شمالی یوکاتان (Yucatan) بنیان نهاد.

پروس ۱۲۸۳ (Prussia)

سلحشوران تئوتونیک فتوحات خود را در ناحیه پروس که از سال ۱۲۳۰ آغاز کرده بودند، به پایان رسانیدند.

اسپانیا ۱۲۸۳

پاپ مارتین (Martin) چهارم، پیتر سوم شاهزاده آراگون را که مخالف اشغال سیسیل به دست فرانسویها بود از سمت خود برکنار کرد و به جای وی شارل کنت ناحیه والوآ (Valois) را جانشین او نمود. و صلیبیون به پشتیبانی او منطقه آراگون را هم فتح کردند.

اسپانیا ۴ آوریل ۱۲۸۴

آلفونسوی دهم پادشاه کاستیل و لئون که از سال ۱۲۵۲ مقام سلطنت این نواحی را داشت در شهر سویل درگذشت وی در حمایت از مسلمانان مغربی (مراکشی) و یهودی می‌کوشید و در اصلاح و نوگرائی آداب و رسوم اسپانیائی سهم فراوانی داشت.

مدیترانه ۱۲۸۴

نیروی دریایی جنوا (Genoa) ناوگان دریایی پیزا (Pisa) درمحل ملوریا (Meloria) واقع در کرانه‌های ایتالیا را در هم شکست. منطقه پیزا به جزیره ساردنی (Sardinia) پیوست و بدین ترتیب بندر جنوا اینک رقیب ونیز به شمار می‌آید.

فرانسه ۷ ژانویه ۱۲۸۵

شارل آنژو فرمانروای ناپل و سیسیل در حالی جان سپرد که سیسیل را از کف داده بود و آرزوی فتوحات خود را در شرق به گور برد. وارث وی شارل (چلاق) آراگون را تسخیر کرد.

فرانسه ۱۰ مه ۱۲۸۵

فیلیپ سوم پسر خود را که به نام فیلیپ چهارم (خوشگله) نامیده می‌شد جانشین خود قرار داد.

جنوب شرقی آسیا ۱۲۹۰

قوبیلای خان مغول، هیئتی را به برمه (Burma) اعزام کرد.

خاور نزدیک ۲۹ آوریل ۱۲۹۰

قلاوون (Qala 'un) سلطان مصر تریپولی را تسخیر و اکرا (Acre) تنها دژ نظامی بزرگ مسیحیان را آزاد کرد.

او که مدت یک ماه در زندان به سر برده، احساس خستگی و بیماری می‌کرد. یک ماه قبل او به وسیله‌ی نیروهای توران شاه، سلطان مصر، دستگیر و به زندان افتاد. در آن موقع، لویی در قصر خود در ناحیه‌ی فاریسکور (Fariskur) اقامت داشت و با مذاکراتی که به توران شاه داشت، با پرداخت فدیه موافقت کرد و از زندان خلاص شد. او با پرداخت این مبلغ توانست به داستان کشته شدن فرانسوی‌ها به دست مصریان پایان دهد. لوئی نهم در یک سال پیش هنگامی که نیروهای صلیبی به دست مسلمانان اسیر شدند، از ایوب، شاه سابق مصر، در خواست کرد که شهروندان فرانسوی را آزاد کند و در مقابل، خود اسیر آن‌ها شود، ایوب هم لوئی، پادشاه فرانسه را در شهر دامیه تا به زندان انداخت. لویی هرگز حاضر به معامله با کفار نبود.

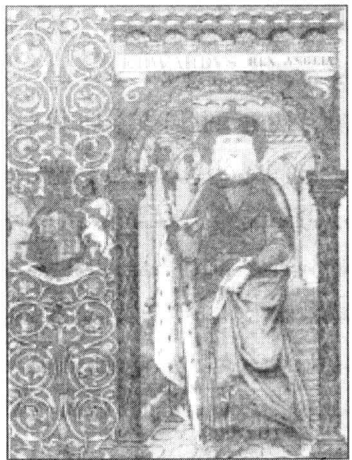
در حالی که لوئی، پادشاه فرانسه، در زندان شهر دامیه تا اسیر بود، موج آشوب در داخل و خارج شهر رو به فزونی گذاشت، چون ایوب فوت شد و توران شاه هم در خارج کشور به سر می‌برد، توران شاه پس از جلوس بر تخت سلطنت، با خزانه‌ی تهی مواجه شد و به همین سبب، در مقابل دریافت وجه، با آزادی لوئی موافقت کرد.

در آن هنگام، بیماری تیفوئید (حصبه) در میان سپاهیان شایع شد و لوئی به فکر افتاد که در این گیر و دار به اورشلیم پناه ببرد تا از بیماری در امان بماند، لیکن به امر توران شاه در دامیه‌تا دستگیر شد.

کلیسا کاربرد شکنجه را برای مرتدان مجاز شمرد. (رم ، ۱۲۵۵):

انکیزیسیون و تفتیش عقاید که از بیست سال پیش در شهر رم در مورد ملحدان انجام می‌گرفت. اکنون کلیسا شکنجه و آزار بدنی را به عنوان یک سلاح جهت اقرار و اعتراف به گناه مجاز دانسته است. آزار و اذیت بدنی، تاکنون در دادگاه های شهر، امری رایج بود، لیکن اکنون کلیسا هم آن را مجاز می‌شمارد، این کار که طبق رای دادگاه در مورد مجرمان و مرتدان اجرا می‌شد، حال با کسب مجوز از کلیسا، مجریان آن را خوشنود ساخته است.

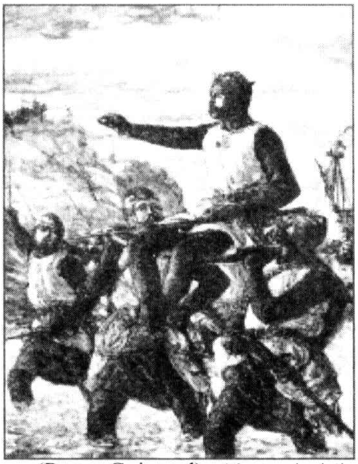
سؤالی که مطرح است این که، چگونه می‌توان در تمام موارد، فرد متهم یا مجرم را شکنجه، بر حسب رای دادگاه



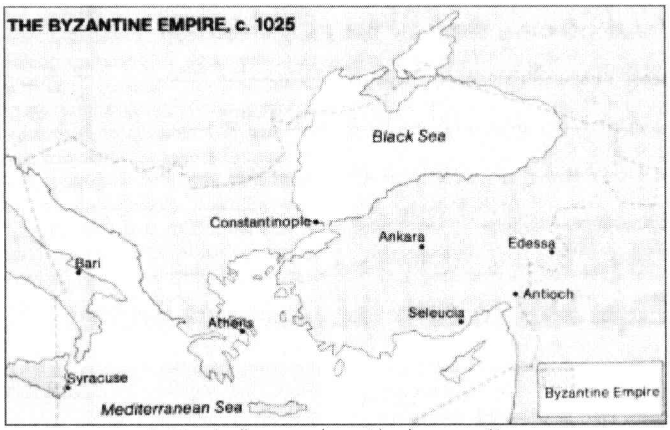
آخرین اثر باقی‌مانده از ادوارد (Edward)، پادشاه انگلیس.



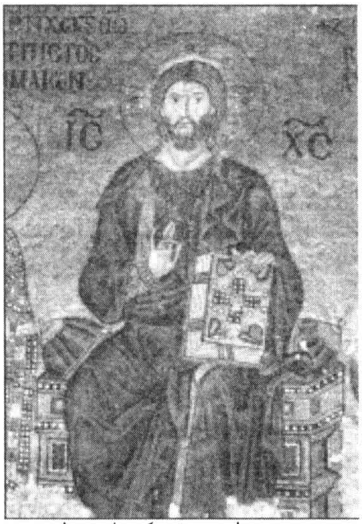
آخرین عکس گریگوری (Gregory)، پاپ مهیب و وحشتناک.



افراد راجر ژیسکارد (Roger Guiscard) در جزیره‌ی سیسیل پیاده می‌شوند.



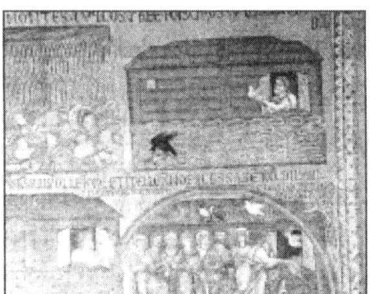
قلمرو تحت استیلای بیزانتین در سال‌های ۱۰۲۵.



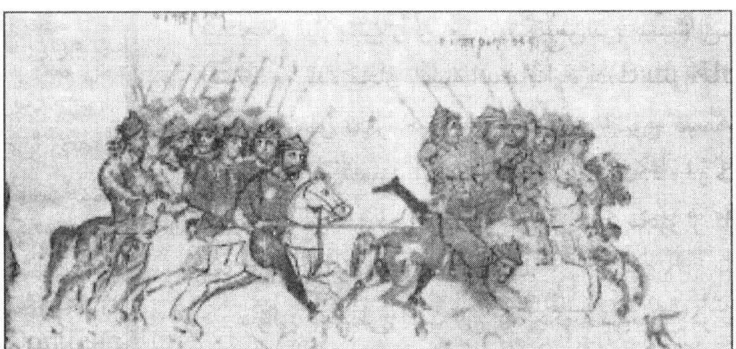
تصویری از مسیح در کنستانتینوپول.



آخرین تصویر فردیناند (Ferdinand)، پادشاه اسپانیا، کسی که توانست مسلمانان اسپانیولی را تحت کنترل درآورد.



عکس‌های موزاییک اخت شهر ونیز که داستان نوح (Noah) را شرح می‌دهد.



سواران ترک در نبرد بیزانتین از دقت در تیراندازی برخوردارند.

پرتغال ۱۲۹۰

در شهر لیسبون (Lisbon) دانشگاه تاسیس شد.

جنوب شرقی آسیا ۱۲۹۳

نیروهایی نظامی مغول اعزامی به جاوه، حمله به آنجا را شروع کردند به طوریکه منطقه جاوه سقوط کرد.

فرانسه ۱۲۹۴

پیکار بین ادوارد پادشاه انگلیس که سمت دوک آکی‌تین (Aquitaine) و گاسکونی (Gascony) را نیز داشت با فیلیپ (خوشگله) سرانجام پایان یافت.

رم ۲۳ دسامبر ۱۲۹۴

پاپ بونیفاس (Boniface) هشتم سلستین (Celestine) پنجم را جانشین خود قرار داد، لیکن وی پس از ۵ ماه این مقام را ترک گفت.

سیسیل ۱۲۹۶

فردریک برادر جیمز که مقام سلطنت را ترک کرده بود به پادشاهی جزیره سیسیل رسید. در سال ۱۲۸۵ جیمز جانشین پدرش پیتر پادشاه آراگون و به مقام پادشاهی سیسیل دست یافته بود.

اسکاتلند ۱۲۹۶

ادوارد پادشاه انگلیس به دژ دون بار (Dunbar) حمله کرد و ساکنان این قلعه نظامی تسلیم وی شدند. ادوارد به تازگی قصد تصرف تمام اسکاتلند را داشت.

هندوستان ۱۲۹۶

علاء الدین (Ala-Ud- Din) پادشاه دهلی، بخش اعظم هند را متصرف شد و سلسله پادشاهی علاء الدین را تشکیل داد.

مدیترانه ۴ آوریل ۱۲۹۷

پاپ جزایر کورس (Corsica) و ساردنی را به جیمز دوم پادشاه آراگون داد. چون جیمز مدعی پادشاهی سیسیل بود و پاپ این جزایر را در ازای سیسیل به او داد.

اسکاتلند ۱۲۹۷

قیامی که ویلیام والاس (William Wallace) رهبر اسکاتلند بر ضد انگلیس برپا داشته بود در ناحیه استرلینگ (Stirling) با شکست مواجه شد.

پرتغال ۱۲۹۷

عهد نامه‌یی با کاستیل برای روشن شدن مرزهای سرزمین پرتغال تنظیم شد.

آسیای جنوب شرقی ۱۲۹۷

سرزمین برمه هم جزو کشورهای تابعه امپراتوری مغول درآمد.

آلمان دوم ژوئیه ۱۲۹۸

آدولف (Adolf) اهل ناسو (Nassau) که در سال ۱۲۹۲ به پادشاهی آلمان برگزیده شده بود در نبردی که با حریف خود به نام آلبرت (Albert) پادشاه اتریش در گرفت در نزدیک ناحیه ورمز (Worms) شکست یافته و کشته شد.

شهری، انواع شکنجه را در مورد مرتدان به کار می‌بردند. آنان مدت زمانی را صرف پند و نصیحت متهمان می‌کردند تا آنان را به اعتراف وادار کنند و اگر این افراد به جرم خود اقرار می‌کردند و موعظه در آن‌ها تاثیر می‌کرد و تابع مقررات کلیسا می‌شدند، از آزار آنان صرف نظر می‌کردند و در غیر این صورت، به بلاهای آن چنانی گرفتار می‌شدند.

همان طور که گفته شد، اعتراف کنندگان مورد رحم و شفقت قرار می‌گرفتند. لیکن مقاومت کنندگان به سخط دچارمی‌شدند. اقرار به گناه، جنبه‌ی خصوصی و پنهانی داشت و لازم نبود اعتراف در حضور افراد دیگر انجام شود. پس از سوال‌های اولیه که از متهم می‌شد، جلسه‌ی دوم اقرار هم بدین صورت بود که باز هم فرد متهم بایستی تحت تاثیر نصایح کشیش قرار گیرد تا بدین وسیله از گناهان پاک شود. و اقرار او جنبه‌ی رسمیت به خود بگیرد. بدین وسیله‌ی، گناهان صغیره مورد بخشایش قرار می‌گرفت و کشیش روحانی آن‌ها را می‌بخشید و مبرا از گناه می‌شد. لیکن مرتکبین گناهان کبیره، به حبس دائم یا سوزاندن در آتش محکوم می‌شدند و مجرم را زنده در آتشی که با هیزم برافروخته بودند، می‌انداختند. هم چنین بر حسب رای دادگاه و تصمیم کشیش، ممکن بود مجرم را به تبعید طولانی از شهر و دیار خود وادار سازند یا برای جنگ صلیبی اعزام نمایند.

شهر بغداد پس از سقوط، مورد قتل عام واقع شد. (بغداد، فوریه ۱۲۵۸):

شهر بغداد به وسیله‌ی نیروهای مغول سقوط کرد. شاهدان عینی اظهار می‌دارند که قتل عام وحشتناکی در این شهر صورت گرفت که جهان اسلام را دچار رعشه و تکان شدیدی کرد.

در اواخر سال گذشته که تمام نواحی ایران به تصرف قشون مغولان درآمده بود، هلاکو (Hulegu) نوه‌ی چنگیزخان، به شهر بغداد حمله کرد. در روز ۱۷ ژانویه، سپاهیان مغول در مقابل نیروهای المستعصم بالله، آخرین خلیفه‌ی عباسی، قرار گرفتند. لشگریان هلاکو، سپاهیان خلیفه را تار و مار کردند و به پیروزی چشم‌گیری دست یافتند و عازم فتح پایتخت عباسیان شدند.

ناظران می‌گویند، در این هنگام تمام فضای شهر از خاک و خون انباشته شده بود و ابری از دود و خاک بر آن دیده می‌شد، همراه این ابر، صداهای غرش مانند شنیده می‌شد که فریاد و غوغای شهروندان و استیلاگران بود. موقعی که این ابر ناشی از تاخت و تاز افراد سپاهی کمی برطرف شد، مردمی که به پشت بام‌ها و مناره‌ها رفته بودند، مشاهده کردند که لشگریان مغول شهر را اشغال کرده‌اند.

هنگامی که حملات شروع شد، ترس و هراس شدیدی مردم را فرا گرفت، تازه این آغاز شقاوت و بی‌رحمی و خونریزی بود.

سربازانی که در پادگان‌ها بودند، سعی می‌کردند که از آنجا فرار کنند، چون لشگریان مغول دست به کشتار آن‌ها زده بودند. در روز دهم فوریه، خلیفه‌ی عباسی تسلیم شد، هلاکو به او گفت که به مردم دستور دهد که از شهر خارج شوند و اسلحه‌شان را بر زمین نهند. اکثریت سربازان این امر را اطاعت کردند و شمشیرهایشان را تسلیم کردند. سه روز بعد، هلاکو و سپاهیان وی، وارد شهر شدند و هر که را زنده یافتند، کشتند و شهر را هم آتش زدند. مغولان مدت ۱۷ روز مشغول غارت شهر بودند. در روز ۲۰ فوریه، خلیفه المستعصم را در کیسه‌یی پیچیده و به زیرپای اسبان انداختند تا هلاک شد.

بر طبق برآوردهای مختلف، تعداد کشته شدگان، بین ۸۰ هزار تا دو میلیون نفر بوده است. تعداد کمی از کسانی که توانسته بودند فرار کنند، داستان‌هایی از توحش مغولان بیان کرده‌اند که از ظلم بی‌حد آن‌ها حکایت می‌کند که در همه‌ی نقاط خاور نزدیک مشاهده شده است. مشهور بود که لشگریان هلاکو شکست‌ناپذیرند. آنان با به وجود آوردن ترس و وحشت، روحیه‌ی مردم را تضعیف می‌کردند و هنگامی که مردم تسلیم می‌شدند، دست به کشتار آنان می‌زدند، بدین جهت توانستند در مناطق غرب پیشرفت کنند.

راهب پیشین، رهبری سپاهیان خشم آلود را به دست گرفت. (پیکاردی (Picardy)، فرانسه، دسامبر ۱۲۵۱):

هزاران نفر از مردم خشمگین، متشکل از دهقانان و کشاورزان، برای احقاق حق خود، از مزارع و کشت‌زار به راه افتادند که آن‌ها را سپاه کشاورزان می‌نامیدند. آنان برای ایجاد وحشت دست به این کار زده بودند و مسلح به تبر و تیشه و چنگک و کلنگ بودند که این سلاح‌ها وسیله‌ی کارشان بود. آن‌ها گرسته و خواستار مواد غذایی بودند و اگر چیزی گیرشان نمی‌آمد، در شهرها به زور متوسل می‌شدند.

این شورش و غوغا از روز ایستر (Easter) (عید پاک) گذشته، هنگامی که یک کشیش مجاری تکفیر شده سابق به نام یعقوب (Jacob) مردم را دعوت به یک نبرد صلیبی جدیدی کرد، شروع شد.

این جریان مصادف با زمانی بود که لوئی نهم پادشاه فرانسه را در بیت‌المقدس زندانی کرده بودند. مردم می‌گفتند ظاهرا حضرت محمد قدرتمندتر از حضرت عیسی بوده است. یعقوب در جمع هواداران خود گفت که خداوند به این اشراف و اسقف‌های پر فیس و افاده خشمگین فرمان داده که رهبری گروه کوچکی از صلیبی‌ها را بر عهده بگیرد. در نتیجه وی برای تشکیل این نیرو، دهقانان را پایه و اساس این امر قرار داده و آن‌ها از این جریان خوشحال هستند. او به زودی به دیگر نیروهای صلیبی خواهد پیوست و در کشتار کافران شرکت خواهد کرد. صلیبی‌ها تصمیم گرفتند که به سوی بیت‌المقدس بروند. یعقوب به آن‌ها گفته بود که از راه‌های زمینی و دریایی می‌توانند به آن جا بروند و تمام وسایل آماده است. در این هنگام توصیه کرد که مسیح‌وار رفتار کنند. او شفا بخش بیماران بود، یعقوب ادعا می‌کرد که هرگز بیش از حد لزوم برای وی غذا آماده نکنند، وی مانند ماهی در دریا غلطان بود. او می‌توانست هر کدام از هواداران خود را به زناشوئی قبول کند و هر آن که را میل کند، طلاق دهد. حتی اجازه داد که دو مرد با یک زن هم خوابه شوند.

فرزند یک ماهیگیر، فرقه‌ی جدیدی تاسیس می‌کند. (ژاپن، ۱۲۵۳):

نی‌شی‌رن(Nichiren)، راهب بودایی، در خطابه‌یی مهیج، اعلام کرد که در ناحیه‌ی لوتوس سوترا (Lotus Sutra) دو گروه سنتی جودو (Jodo) و زِن (Zen) را احیا خواهد کرد.

طرفداران پسر ماهیگیر که افرادی مبارز و جنگجو بودند، در اعلامیه‌ی خود مدعی شدند که با کافران و معتقدان سایر ادیان خصومت نخواهند ورزید و همه‌ی مذاهب را تحمل خواهند کرد و به ویژه کفار هم در نظر آنان فرقی با سایرین

فلورانس ۱۳۰۲

شارل والوا (Charles Valois) و نیروهای فرانسوی تحت امر وی به وسیله پاپ دعوت شدند به اینکه از وارد شدن به دسته بندیهای ائتلافی موسوم به سیاهان چشم پوشی کنند و در تلاش برای احراز قدرت راه میانه روی را همچون گروه سفیدان برگزینند.

فلاندر (Flanders) ۱۸ مه ۱۳۰۲

پیتر دوکونینگ (Peter de Coningk) نساج، رهبری گروه آشوب طلب و قاتل فلاماندری (Flemish) را در دست گرفت.

فلاندرز ۱۱ ژوئیه ۱۳۰۲

یک گروه از جنگجویان به رهبری کنت آرتوا (Artois) در مقابل نیزه داران فلاندری قرار گرفتند.

سیسیل ۳۱ اوت ۱۳۰۲

شارل والوا که در ماه مه به دعوت پاپ که از حمایت وی برخوردار بود موافقت کرد که با فردریک آراگونز (Aragonese) حکمران سیسیل جهت پایان دادن به جنگهای موسوم به وسپر (Vespers) پایان دهد.

پاریس ۲۰ مه ۱۳۰۳

جنگ بین فرانسه و انگلیس بر سر منطقه گاسکونی (Gascony) در گرفته بود، در نشستی که طرفین تشکیل دادند موافقت کردند که به مواضع قبل از جنگ بر گردند.

یونان ۱۳۰۳

در بیزانتین مزدوران جنگی را به کار می‌گیرند. اندرونیکوس دوم لشگریان عثمانی را شکست داد و بر خلاف انتظار اقداماتی برضد امپراتوری انجام داد.

رم ۵ اوت ۱۳۰۵

برتراند دوگات (Bertrand de Got) اسقف اعظم شهر بوردو (Bordeaux) به مقامی پاپی انتخاب شد و نام کلمنت پنجم را برخود نهاد.

فرانسه ۱۳۰۶

فیلیپ خوشگله تمام یهودیان را تبعید و اموال آنان را مصادره کرد.

لهستان ۸ اوت ۱۳۰۶

ونچسلاس (Wenceslas) سوم پس از یک سال که جانشین پدرش ونچسلاس دوم شده بود کشته شد.

انگلستان ۷ ژوئیه ۱۳۰۷

ادوارد در هنگام حمله به اسکاتلند درگذشت، و ادوارد دوم پسرش جانشین او شد.

مجارستان ۱۳۰۸

شارل روبرت پادشاه آنژو، یکی دیگر از خویشاوندان آندریوی (Andrew) سوم که خود وی در سال ۱۳۰۱ در گذشته بود به پادشاهی منصوب شد.

آلمان یکم مه ۱۳۰۸

شاه آلبرت توسط برادر زاده‌اش ژان کشته شد. او معاونت و شرکت در فرمانروایی سرزمین هابسبورگ را نپذیرفته بود.

نخواهند داشت. آن‌ها باورهای خویش را با خواندن سرود (نامو میوهو رنجیکو (Namu Myoho Rengekyo) به معنی انکار لوتوس سوترا به مردم می‌فهمانیدند که از این پس با هیچ کس دشمنی ندارند. در حالی که قبلا این مردان دلاور در عین اقتدار، دشمنان زیادی داشتند.

ساخت کاتدرال‌های باشکوه، اعتبار شهرهای اروپا را بالا می‌برد. (اروپا، ۱۲۶۰):

بزرگترین و مهم‌ترین جایگاه ایمان و عبادت گاه مسیحیان که کلیسا می‌باشد، در این قرن بسیار پیشرفت کرده و با بنای کاتدرال‌ها (کلیسای بزرگ) که با سنگ‌های کنده‌کاری و حجاری شده و تندیس قدیسین بر شکوه آن‌ها افزوده شده، و اعتبار شهرهای اروپا را بالا برده است.

آغاز ساخت کلیسا در یکصد سال پیش، با بنای صومعه‌ی راهبان در سنت دنیس (St. Denis) توسط راهبی به نام سوگر (Suger) در خارج شهر پاریس شروع شد. در پانزده سال قبل دو کلیسا هم به وسیله‌ی اسقف رینو (Regnault) ساخته شد که ارتفاع مناره‌های نوک تیز آن به حدی بود که از فاصله‌ی ۳۰۰ کیلومتری مشاهده می‌شد. در هر یک از این کلیساها، ۱۶۰ پنجره، با شیشه‌های رنگین به کار برده شده که نور خارج را به داخل هدایت می‌کند. در ورودی و مدخل ساختمان کلیسا هم با پیکره‌های قدیسین تزئین شده است.

معبدی که پادشاهان فرانسه در آنجا تاجگذاری می‌کردند، با تعداد ۵۵۰ پیکره زینت یافته بود که تعدادی از آن‌ها پیکره‌ی پریانی بود که تبسم بر لب داشتند. پنجره‌های این کلساها در (چارتر (Chartures) و ریم (Rheims) تقریبا به تعداد کلیسای بزرگ نوتردام (Notre Dame) در پاریس بود. در همین هنگام، هنری سوم، پادشاه انگلیس، اقدام به ساختمان مجدد کلیسای بزرگ وست مینستر (Westminster) کرد. ساختمان این کلیسا به گونه‌یی ساخته شده که ستون‌های آن حالت شیب و سرازیری به سقف می‌داد، و برای روشنایی، پنجره‌های عظیمی در آن به کار برده شد. هنری از معماران فرانسوی برای این بنا استفاده کرد.

هم چنین هنری از سبک کلیسای ریم تقلید کرد و پنجره‌های آن را کاملا شبیه سنت دنیس بنا کرد. با این

وصف، در ساختمان کلیسای کانتربوری، مهندسان معمار فرانسوی سبک نوینی را اجرا کردند و معمار انگلیسی به نام ویلیام، اهل سن (Sens)، همان استیل فرانسوی را به کار برد و همان شیوه را هم در بنای کلیسای لینکلن (Lincoln)، ولز (Wells) و سالیسیوری (Salisbury) اجرا کرد و آن‌ها را به اتمام رسانید.

قوبیلای خان، پیشوای جدید مغول‌ها شد. (چین، ۱۲۶۰):

قوبیلای (Kublai)،جانشین منگوک (Mongke) خاقان، برادر خود شد و رهبری امپراتوری عظیم مغول را که پدر بزرگش چنگیزخان بنیان گذار موحش سلسله‌ی پادشاهی بود، به دست گرفت. خود چنگیز اولین امپراتور مغولان بود.

قوبیلای هم شبیه فامیل خود،در فکر توسعه و گسترش قلمرو سلسله‌ی مغول بود و بدین لحاظ بیش‌تر چشم طمع به بقایای سرزمین چین که تحت فرمانروایی سلسله‌ی امپراتوری سانگ (Song) قرار داشت، دوخته بود و میل داشت سرزمین جنوبی را به هر وسیله‌یی اشغال کند.

پادشاهان مغول در این اندیشه، مثل این که لبان خود را می‌لیسیدند، در انتظار بلع و خوردن ثروت عظیم کشور چین بودند، اما قوبیلای قصد داشت که نه از راه جنگ، بلکه با حیله و نیرنگ، امپراتور سانگ را خرد کند و چین را تحت استیلا قرار داده و این ثروت را از آن خود کند.

وی برای حفظ ظاهر، هائوجینگ (Hao Jing)،سفیر خود را برای عقد قرار داد صلح به دربار سانگ اعزام کرد. قوبیلای به فرستاده‌ی خود دستور داد که همواره اقتدار و عظمت مغول را در نظر داشته باشد و تلاش کند که با چین پیمان بازرگانی به بندد و به او اجازه داد که از هر فرصت، سود جوید تا سعادت و خوشبختی را برای مغول به ارمغان آورد و به امپراتور چین بفهماند که همسایه‌ی خود را تحمل نماید، در ضمن قوبیلای ادعای امپراتور، که خود را پسر خدا می‌دانست، پذیرفته بود. هائوجینگ تصویری از قوبیلای که به سبک چینی کشیده و زینت یافته بود، با خود به چین برد و به امپراتور گفت که قوبیلای پیرو دین کنفوسیوس می‌باشد و آداب و رسوم این آئین در موطن او اجرا می‌شود.

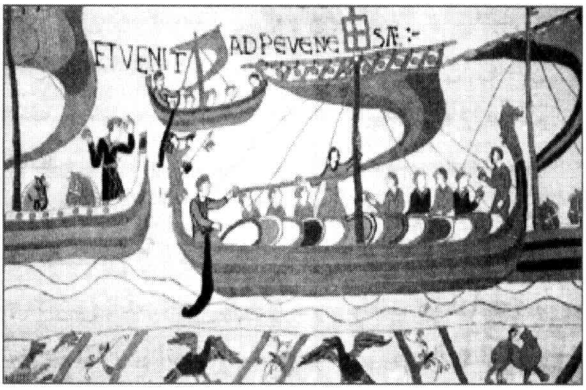
به هر صورت، هائوجینگ بدون هیچ گونه سلاح، عازم کشور چین شد. چون می‌دانست که نباید آن‌ها را دچار شک و شبهه سازد و از سویی چون همیشه مغول ها در حال مبارزه با چین بوده‌اند، سوء ظن آن‌ها برمی‌انگیخت، و این یک تجربه‌ی دیلپماسی بود که برای منحرف کردن افکار به کار می‌رفت، و هائوجینگ تمام جوانب آن را در نظر گرفته بود. امپراتور سونگ (سانگ) به حیله و نیرنگ مغول‌ها پی برده بود و می‌دانست آن‌ها او را به پسر خدا بودن قبول ندارند، بدین جهت چون می‌دانست مغول‌ها ستمگر و دو رو هستند، دستور بازداشت هائوجینگ را صادر کرد و بدون شک این جریان باعث تاسف قوبیلا گردید.

باز هم قوبیلای برای آن که خود را صلح طلب جلوه دهد، این بار دو نفر سفیر به چین فرستادو بدین وسیله باب مذاکرات را باز گذاشت.

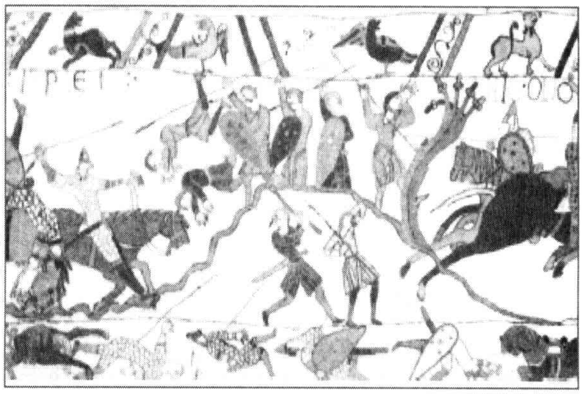
اکنون قوبیلای فردی بود که با اصول سیاست و مدنیت آشنایی داشت و هیچ گونه شباهتی بین وی و پدر بزرگش که شخصی چادرنشین و سواری جنگ طلب و ستمگر بود، وجود نداشت. او برخلاف چنگیز، نیای خود که به طور دایم صحاری استپ مغولان را در می‌نوردید، متمایل به سیاست و بازرگانی و هنر بود و می‌دانست که بازرگانی هم مانند غارت اموال مردم، سودآور است، لیکن اکنون غارت و چپاول، امری مذموم است، ولیکن شغل تجارت کاری نافع است، اما از نظر عموم، کاری درخور و مناسب می‌باشد. در هر صورت او هم مانند سایر مغول‌ها و نیاکان هم نژادش، بی‌رحم و سنگدل و طالب کار برد زور و جنگ بود و غنایم حاصل از آن را دوست می‌داشت.

یک برده‌ی سابق، با تشکیل سپاه، مغولان را تار و مار کرد و مصر را نجات داد. (ناصره، سپتامبر، ۱۲۶۰):

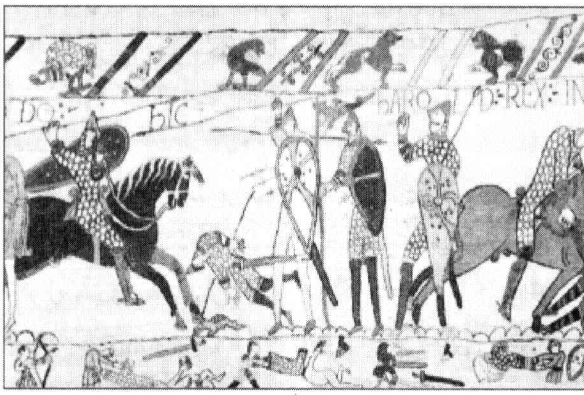
لشگریان عرب به فرماندهی یک برده‌ی سابق که مملوک (Mamelukes) نامیده می‌شد و جزو سپاه ترکان بود، جلوی حمله‌ی مهاجمان مغول را گرفت و مصر را نجات بخشید. او توانست سپاهیان شکست ناپذیر مغولان را درهم بشکند و آنان را به کلی از پا درآورد و بدین وسیله‌ی، مسیر جنگ را تغییر داده و افسانه‌ی ارتش غیر قابل شکست را باطل نماید. بدین ترتیب سپاهیان آسیایی،تحت فرماندهی هلاکوخان مغول، برادرمنگوک خاقان، خان بزرگ مغول، در مقابل سپاهیان اعراب دچارشکست شدند.



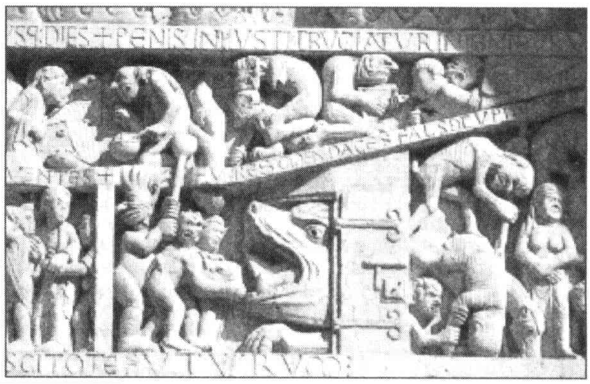
کوپلن بایو (Bayeux Tapestry) (در حقیقت برودری دوزی شده) که جریان سقوط حکومت آنگلوساکسون‌ها را شرح می‌دهد. در این جا کشتی ویلیام عازم منطقه‌ی په‌ونسی (Pevensey) می‌باشد که شاید بتواند از پیاده شدن ناویان فرانسوی در این ناحیه جلوگیری کند.



نیروهای انگلیسی در نبرد با فرانسوی‌ها در ناحیه‌ی مرتفع سن‌لاک (Senlac) به علت شکست شانس پیشروی و برد قوای فرانسه را ارتقا دادند، لیکن در پایان جنگ، نورمن‌ها (Norman) بدون اجر و مزد به نفع انگلیس جهت نبرد در صحنه حاضر شدند.



دوبرادر هارولد (Harold)، شاید پیش از این در اثر اصابت تیر به چشم‌هاشان هلاک شدند و به نظر می‌رسد علت مرگ آن‌ها زخم‌های وارده بود، لیکن هارولد با شجاعت نبرد را ادامه داد تا کشته شد.



دهانه جهنم آماده‌ی بلعیدن گروه گناهکاران می‌باشد که به صور عجیب و غریب و موحش در پیشگاه داور آخرین و عدال ظاهر شده‌اند. این سنگ نگاره به شیوه‌ی رمی بر دیوار کلیسایی در کونک (Conques) فرانسه تراشیده شده است.



تصویری از یک موجود ترسناک به نام نوکر (Knoker) که الهه‌ی مقدسی است. این نقش برجسته بر روی در شمالی کلیسای بزرگ دورهام (Dorham) کار شده که معماری ساختمان آن یکی از شاهکارهای سبک رمی است.



آخرین تصویر مبارزان صلیبی فرانسوی در تسخیر اورشلیم. (بیت المقدس).

هلاکو در نوروز چهار سال پیش، پلی بر روی رود سیحون زد و از آن گذشت. این کار در سراسر آسیای جنوبی، عملی پرحادثه و بسیار مهم بود. آن‌ها نیروهای اسماعیلیه را درهم شکستند و منطقه را از وجود آنان پاک کردند. سپس به بغداد حمله‌ور شدند، شهر بغداد را غارت کرده و آتش زدند و خلیفه بزرگ مسلمانان را هلاک کردند. پس ازفتح شهر بغداد، به سوی دمشق پایتخت سوریه هجوم بردند، در حالی که دمشق مسلمان در اثر شکست از سوی مسیحیان، به آئین مسیح درآمده بود و مسیحیان یک مسجد را خراب کرده و به جای آن کلیسا ساخته بودند. به نظر می‌رسید. مصر هم به سرنوشت سوریه گرفتار شود، سوریه تحت رهبری حاکم آله پو (Aleppo) که آدمی ظالم و ستمگر بود، قرار داشت. او که اهل مجارستان بود، مسلمانان را آزار و شکنجه می‌کرد و وادار می‌کرد که از دین اسلام برگشته و به مسیحیت بگروند.

سپاهیان مغرور و متکبر مغول در اثر اشتباه هلاکو به ورطه‌ی هلاکت افکنده شدند. چون خبر مرگ منگوک به هلاکو رسید، وی سپاهیان خود را در آذربایجان رها کرده و به سوی پایتخت، مغولان شتافت وچون ارتش مغول بدون سرپرست بود، ممالیک آن را مقهور کرده و در هم پیچیدند.

سپاهیان دو طرف (ممالیک و مغولان) در ناحیه‌ی عین جالوت (Ain jalut) (جالوت یکی از فرمانروایان یهود و شخصی ظالم و ستمگر بود که توسط داود پیامبر هلاک شد) یا چشم گولیات (Goliath's) (جالوت) در کنار جاده‌ی فلسطین به هم رسیدند. مغولان توسط مردان سخت کوش ممالیک که در بازار برده فروشان، توسط سران اسماعیلی خریده شده و تحت تعلیم بدنی سخت قرار گرفته بودند، شکست خوردند.

پس زا این شکست، گروهی به فرماندهی کت بوقا (Ketbuqa) از سران مغول به تعقیب آن‌ها پرداختند.

در پی سقوط شهر قسطنطنیه، ارتش ونیزی‌ها برخی از مدافعان شهر را نجات داد. (کنستانتینوپول، ۱۵ اوت ۱۲۶۱):

شیرازه‌ی امپراتوری لاتینی کنستانتینوپول از هم گسیخت. میشل هشتم، اهل نیکائه (Nicaea) (به ترکی ایزنیک Iznik) که در قصر کلیسای سن سوفیا به عنوان امپراتور بیزانتین تاج گذاری کرده بود، در روز پس از محاصره‌ی طولانی شهر قسطنطنیه دستگیر شد. گزارشگران معتقدند که ماموران که نگهبان دروازه‌ی بزرگ شهر و جزو لشگریان نیکائه بودند، دروازه را گشوده و مهاجمان را به درون خوانده بودند. دسته‌هایی از سپاهیان ونیزی توانستند صدها زن و کودک را که برای خانه و کاشانه‌ی سوخته‌ی خود گریه می‌کردند، نجات دهند آن ها به بدبختی خود و از دست دادن زندگی خود می‌گریستند.

میشل که غاصب سلطنت بود، از آغاز تصمیم خود را به این وضع بیان داشته بود و در دو سال پیش که تاج گذاری کرد، گفته بود که نیکائه شکست خورده و جزو لایتجرای قلمرو بیزانس است. میشل هم با بی‌اعتنایی به خواسته های بالدوین، اظهار داشت که نیمی از درآمد و نیمی از سکه‌های ضرب شده متعلق به اوست و بایستی از بیزانتین آن‌ها را باز ستاند. سپس میشل با پیمانی که با جنوا منعقد کرد، شهر قسطنطنیه را محاصره کرد، در حالی که شهر به حال خود رها شده بود، بالدوین هم پس از دفاعی کوتاه از شهر، چون عرصه را تنگ دید، از راه پشت بام از شهر گریخت و به ونیزی‌ها که از طرفداران وی بودند، پناهنده شد. او با بازوی زخمی و پای لنگ در حالی که ردای ارغوانی، یافوت دوزی خود را هم از دست داده بود، از معرکه فرار کرد.

قیام بارون‌های (Barons) انگلیسی با شکست آنان، پایان یافت. (ایوشام (Evesham) چهارم اوت ۱۲۶۵):

سیمون دو مونفور (Simon de Monfort) رهبر بارون‌های شورشی، مخالف هنری سوم پادشاه انگلیس، که زمانی سعی می‌کرد به اقتدار برسد، امروز در صحنه‌ی جنگ کشته شد، سر او را بریده بودند و جسد وی را به صومعه‌ی ایوشام بردند.

اگرچه خانواده‌ی مونفور فرانسوی بودند، اما وی حاکمیت ارل نشین لی‌ستر (Leicester) را از طرف مادرش به ارث برده بود و بیگانگان هم سعی داشتند که او را برعلیه پادشاه انگلیس به جنگ وادارند، چون مخالف سلطنت وی بودند، از سویی پاپ خراج زیادی از کلیسای انگلیس طلب

پروس ۱۳۰۹

رهبر بزرگ تئوتونیک‌ها پیشنهاد کرد که مقر رسمی حکومت وی از ونیز به مارین بورگ (Marienburg) انتقال یابد.

رودس (Rhaodes) ۱۳۰۹

جنگجویان مامور مراقبت از بیماران که به وسیله کلیسا انتخاب شده بودند این جزیره را تسخیر کردند.

یونان ۱۳۱۱

مزدوران کاتالان (Catalan) والتر برینه (Walter Brienne) دوک فرانسوی آتن را در ناحیه سفیسوس (Cephisus) شکست دادند و این دوک نشین را تصرف کردند.

فرانسه ۶ مه ۱۳۱۲

اجلاسیه عمومی شوراهای کلیسایی که در وین تشکیل شد بیشتر بحث خود را راجع به مداخله فرقه فرانسیسکن (Fraciscan) و تبعید و مصادره دارائی آنان ادامه داد و همچنین درباره اتهام رفض این فرقه تصمیم گرفت و از سوی دیگر گفتگوهایی درباره زائران اماکن مقدس انجام داد.

هند ۱۳۱۲

نیروهای علاء الدین منطقه دکن (Deccan) را تسخیر کردند.

اقیانوس اطلس شمالی ۱۳۱۲

یک کشتی فرانسوی جزایر غیرمسکونی قناری (Canary) کشف کرد.

ایتالیا ۲۴ اوت ۱۳۱۳

امپراتور هنری هفتم در محلی نزدیک سیه نا جان سپرد. وی با جاه طلبی پنهان خود قدرت سلطنت را در ایتالیا تجدید کرد.

اسکاتلند ۲۱ ژوئن ۱۳۱۴

نیروی نظامی ادوارد دوم پادشاه انگلیس تحت فشار طاقت فرسای اسکاتها (Scots) تن به سازش با آنها داد و در نتیجه این سازش رابرت بروس (Robert Bruce) در اسکاتلند به قدرت رسید.

فرانسه ۲۴ نوامبر ۱۳۱۴

فیلیپ خوشگله به جانشنی لوئی نهم (لجوج – Headstrong) انتخاب شد.

ایرلند مه ۱۳۱۵

رابرت بروس برادر ادوارد به جهت اشغال سرزمین‌های واقع در کانتی آنتریم (County Antrim) با انگلونورمن‌ها (Anglo Norman) در ایرلند به جدال برخاست.

هند ۱۳۱۸

نیروهای سلطان دهلی، حاکم نشین ماها راشترا (Maharashtra) را تصرف کردند.

لهستان ۱۳۲۰

ولادیسلاو (Vladyslav) فرماندار کوجاویا (Kujavia) در کرانه پائینی رود ویستول (Vistula) به پادشاهی رسید.

می‌کرد و دربار هنری هم اسراف کاری می‌کرد، شاه در پارلمان آکسفورد از وضع بارون‌ها اظهار نارضایتی کرد و مقرراتی را برای آن‌ها وضع کرد که نظام امور کشور سامان یابد. دومونفور هم در پارلمان آکسفورد که در قلمرو حکومت او بود، اظهار داشت که او به حد کافی مبارز دارد و مردم شهر هم پشتیبان او می‌باشند.

دومونفور، شاه و پسرش ادوارد را در جنگی که در ناحیه‌ی لویس (Lewes) و در سال ۱۲۶۴ روی داد، شکست داده ودستگیر کرد، اما یک سال بعد، مونفور احساس کرد که حمایت وسیع مردم را از دست داده، آنان توانستند ادوارد را از زندان خلاص کنند و او هم با پشتیبانی لشگریانش، مونفور را به دیار عدم فرستاد.

مردی که در راه خدا گام برمی داشت و به کافران هم احترام می‌گذاشت، فوت شد. (روم، سوم ژانویه ۱۲۷۴):

توماس آکیناز (Thomas Aquinas) بزرگ‌ترین متفکر سال‌های اخیر، در قصر واتیکان و در سن ۴۸ سالگی درگذشت. از مهم‌ترین تراوشات مغزی وی، ایجاد تلفیق بین خداشناسی مسیحیت و فلسفه‌ی باستانی ارسطو می‌باشد.

آکیناز در بین سال‌های ۱۲۲۶–۱۲۲۵ در ناحیه‌ی آکی نو (Aquino)، نزدیک شهر ناپل و در یک خانواده‌ی اشرافی متولد شد. او به زودی عضو فرقه دومینیکن شد و در سال ۱۲۴۵ رهسپار شهر پاریس شد تا نزد آلبرتوس ماگنوس (Albertus Magnus)، یکی از پیشکسوتان دومی نیکن (Dominican) کسب فیض کند.

خود آلبرتوس سعی داشت که فلسفه‌ی ارسطو را از منابع عربی به زبان لاتین ترجمه کند و آن را در اختیار طالبان علم قرار دهد که برای تدریس پیروان دین مسیح مورد استفاده واقع شود. آکیناز تا سال ۱۲۵۹ در قصر واتیکان به مطالعه‌ی فلسفه می‌پرداخت. او مدت بیش از چهار سال از سال ۱۲۶۸، در پاریس اقامت داشت و در سال ۱۲۷۲ به ایتالیا بازگشت، د رحدود سال ۱۲۶۰، آکیناز یکی از بهترین یادگارهای خود را به نام سوماکنترا جنیتل (Summacontra Gentiles) را نوشت که معتقدات پیروان کاتولیک را شرح می‌دهد که آن هم خلاصه‌یی از سوما تئولوژیکا (Summa Theologica) می‌باشد.

در این کتاب، وی مباحث عمیقی از فلسفه‌ی ارسطو را بیان می‌کند و به این استدلال می‌رسد که دین مسیح کامل کننده‌ی این فلسفه می‌باشد و بدین ترتیب مسیحیت را با فلسفه الصاق می کند. توماس آکیناز در ارتباط مسیحیت اروپایی و مهم‌ترین فلسفه‌ی یونانی پل زده و باعث پیشرفت و رونق دین مسیح گردید.

توفان (Typhoon) شدید، از حمله‌ی مغول به ژاپن جلوگیری کرد و کشور رانجات بخشید. (ژاپن، ۱۲۸۱):

حملات شدید قوبیلای، خان بزرگ مغول، در کرانه‌های ژاپن به نتیجه نرسید و دچار شکست شد. ژاپنی‌ها از توفان شدیدی که به نام کامیکازه (Kamikaze) می‌نامیدند، بسیار متشکر و ممنون هستند که با وزش آن که به امر خدای توفان‌ها وزید، کشور ژاپن را از حملات سخت مغولان رهایی بخشید. امپراتوران مغول، دارای ناوگان جنگی بزرگی بودند که با آن توانستند یکصد و چهل هزار مرد جنگی را به سواحل چین و کره اعزام دارند و با همان نیرو، این سرزمین‌ها را تصرف کنند. این ناوگان جنگی که با پرچم مغول در دریا مشغول دریانوردی بود، بالاخره به کرانه‌های ژاپن رسید، و به رغم این که ژاپن دارای نیروهای نظامی شجاعی به نام سامورایی (Samurai) می‌باشد، در برابر حملات مغولان تاب مقاومت نداشتند و مغولان می‌توانستند سواحل ژاپن را اشغال و آن را دستخوش غارت نمایند. با وزش توفان، بسیاری از کشتی‌های آنان غرق شد و تعدادی دیگر با صخره‌های ساحلی برخورد کرده و در هم شکستند، در نتیجه، اکثریت سربازان و ملاحان در دریا غرق شدند.

تعدادی از سربازان مغول هم که زنده در ناحیه‌ی تسوشیما (Tsushima) به ساحل قدم گذاشتند، به دست نیروهای دلیر سامورائی که به انتظار آنان نشسته بودند، از دم تیغ بی‌دریغ گذشتند.

مارکوپولو (Marcopolo) در دربار قوبیلای خان (چین، ۱۲۸۰):

مارکوپولو، تاجر جوان ونیزی، میل داشت قوبیلای، خان بزرگ امپراتور را در کامبولوک (Cambuluc)، پایتخت مجلل خود که زمانی سلسله‌ی پادشاهی ژین در آن اقامت داشتند، ملاقات کند.

مارکوپولو به همراه پدر و عمویش، پنج سال پیش به چین آمده بود. بار اول که به حضور خان رسید، قوبیلای نامه‌یی را که به پاپ نوشته بود، به او داد که به دست پاپ برسد، در سال ۱۲۷۱، وی در معیت دو هیات مذهبی به چین رفت.

مردان روحانی به زودی او را ترک کردند، اما مشاوران ونیزی به دربار خان بار یافتند. قوبیلای تعدادی از کارشناسان جنگی و فرماندهانی را که در فتح و ویرانی شهر بغداد، پایتخت عباسیان، شرکت داشتند و نیز تعدادی از خبرگان و مشاوران بازرگانی را گرد آورده بود، مارکوی جوان از این که این جلال و جبروت رامشاهده کرد، سخت در حیرت فرو رفت که چگونه این قوم که لباس های فاخر و زیبا پوشیده‌اند و مشغول شادی و شادمانی هستند، دست به این اعمال وحشیانه می‌زنند و چگونه چنگیزخان، پدر بزرگ این مرد، شهرهای زیادی را به خاک و خون کشید و ویران کرد، خان هم در شگفت بود که چگونه این جوان کم سن و سال، جزو هیات دیپلماتیک قرار گرفته است.

ونیزی‌ها که به هندوستان و ایران سفر کرده بودند، حال قادر نبودند که به زبان چینی صحبت کنند و این موضوع قوبیلای را عصبانی کرده بود، چون هیچ کدام زبان یکدیگر را نمی‌فهمیدند و بدین ترتیب مذاکرات بازرگانی به نتیجه نمی‌رسید. ناظران تیزبین این نکته را فراموش نکرده‌اند که مغول‌ها تمام آداب و رسوم چینی را در اداره کشور مراعات می‌کردند، آن‌ها در راه‌های بازرگانی، تعدادی پست نگهبانی داشتند و درمورد داد و ستد روش چینی را مراعات می‌کردند ودر معاملات، پول کاغذی مبادله می‌شد، چون قوبیلای خود از قوم بربر مغول بود و به آن‌ها منتسب بود و در نتیجه شهر نشینی و آداب آن را بلد نبودند، لیکن توانستند تمام عادات چینی‌ها را خیلی زود کسب کنند.

به هر حال، مارکو در سفر چین، آن چنان دچار شگفتی شده بود، در حالی که همه چیز برای او تازگی داشت، لیکن تعجب مارکو در آن بود که قوبیلای مغول را در قصری از سنگ مرمر مشاهده کرد، و اظهار داشت که قوبیلای در بهشت مشغول نوشیدن شیر است.

فردی که با زنان در می‌آمیخت، به گروه مسلمانان گروید. (مایورکا (Majorca)، ۱۲۷۰)

ریموند لول (Raymond Lull)،مرد جوان غیرعادی که بر اثر هوش و کیاست در منطقه به شهرت به سزایی دست یافت، او زبان عربی را از برده‌ی مسلمانی که در خدمت او بود، آموخت و به تمام آداب و رسوم دنیای اسلام آشنایی پیدا کرد و از مسیحیت به دین اسلام گروید. او در ضمن آموختن زبان عربی، تمام قصص و حکایات را یاد گرفت. بدین معنی که تمام راه‌های جوانمردی و سلحشوری را فرا گرفت. ریموند نه فقط در سلحشوری و جنگ و پیکار مهارت کسب کرد، بلکه روحیه‌ی سواری و جوانمردی و فتوت راپیشه ساخت. او در ضمن آموزش علوم، نژادشناسی را هم یاد گرفت که در بین هزار مرد تنها یکی می‌تواند صفات سلحشوری و شجاعت داشته باشد، چون که مهم‌ترین فردی که مدافع جان و مال مردم است، بایستی از نظر قدرت و شجاعت و شهامت و شرافت بر همه رجحان داشته باشد.

ریموند، ثروت زیادی از پدرش به ارث برده بود و از نظر مالی،حمایت‌های زیادی از جیمز، پادشاه آراگن، برای پس گرفتن شهر مایورکا از مسلمانان سیاه به عمل آورد.

او قبلا مامور شکنجه‌ی فرزند شاه بود. این مرد جوان به سبب دوست داشتن زنان و شرکت در رقص و پای کوبی و خواندن اشعار شاعرانه به شهرت رسید. در یکی از روزهای سال ۱۲۶۳، او در بستر یکی از معشوقه‌هایش، صلیبی را مشاهده کرد که پسر خدا و ارباب خلایق به صلیب کشیده شده و از آن پس در گروه پارسیان قرار گرفت.

صوفیانی که با چرخش و سماع به جذبه می‌رسند. (آسیای صغیر (آناتولی)، ۱۲۷۳):

بزرگ‌ترین شاعر صوفی مسلک، جلال‌الدین رومی، مشهور به مولوی، که پایه گذار رقص درویشان بود، در سن ۶۶ سالگی بدرود حیات گفت. او مانند اکثر شعرای ایرانی، پیرو طریقه اسلامی بود وی یکی از بزرگ‌ترین عرفای طریقه اخوت در حوالی شهر قونیه (Konia)، سال‌های زیادی زندگی کرد (قونیه یا کونیا، یکی از شهرهای قدیمی ایکونیوم (Iconium) بوده است.)

تمام اعضای گروه طریقه‌ی درویشان که مولوی موسس آن است، به نام مولویون خوانده می‌شدند، آنان در مجالس صوفیان، رقصی را باب کرده بودند که به چرخش درویشان

آوینیون ۱۳۲۳ (avignon)

پاپ ژان بیست و دوم و فرانسیسکن در مورد عقیده به اینکه مسیح همواره در تنگدستی و فقر مطلق زندگی کرده و وارث خانواده تهیدستی بوده و به توافق رسیدند.

آسیای صغیر (آناتولی) ۶ آوریل ۱۳۲۶

اورخان (Orkhan) فرزند عثمان موسس امپراتوری عثمانی شهر بروسا (Brusa) در بیزانس را مسخر و آنجا را پایتخت خود قرار داد.

فلاندر ۲۴ اوت ۱۳۲۸

لوئی کنت فلاندر، فیلیپ ششم پادشاه جدید فرانسه و نیروهای شورشی فلاندر تحت امر وی و پاتیزانهای روستایی در مونت کاسل (Mount Cassel) را شکست داد.

انگلیس ۱۳۳۰

ادوارد سوم به قدرت رسید. وی مادر خود ایزابلا (Isabella) را به صومعه عزلت گزینان و تارک دنیاها فرستاد و معشوق خود راجرر مورتیمر (Roger Mortimer) را به قتل رساند.

سیبری (Serbia) سپتامبر ۱۳۳۱

استفن اوروش (Stephen Urosh) چهارم پدرخود اوروش سوم را برکنار و اورا کشت. با فرمانروائی اوروش سوم سیبری جزو توابع بالکان به شمار می‌آید.

اتیوپی ۱۳۳۲

اووستاتوس (Ewostatewos) سلسله پادشاهی فعالی را در اتیوپی تشکیل داد.

ژاپن ۱۳۳۳

در پی تلاشهای دو سال قبل، امپراتور گودایگو (Godaigo) جانشین خود را که از خاندان هوجو (Hojo) بود برکنار و خود مسئولیت را برعهده گرفته و کاماکورا (Kamakura) را هم دستگیر کرد.

اسکاتلند ۱۳۳۳

با تجدید تاخت و تاز انگلیس بر علیه اسکاتها، فیلیپ ششم پادشاه فرانسه، دیوید بروس (Daivd Bruce) را بر علیه انگلیس مورد پشتیبانی قرار داد.

لهستان ۱۳۳۳

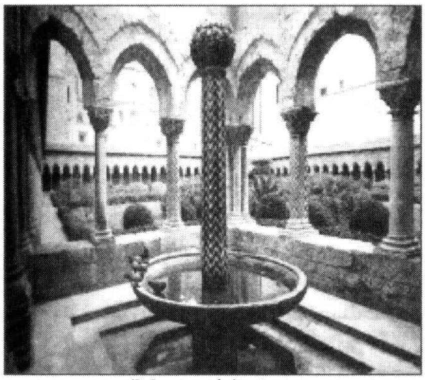
کازیمیر (Casimir) سوم جانشین و صاحب تخت و تاج لهستان نبرد با جنگجویان تئوتونیک را رها کرد و بر طبق شیوه نیای خود،ولادیسلاو (Vladislav)، کشور را اداره کرد.

ژاپن ۱۳۳۳

آشی کاگا (Ashikaga) عنوان شوگونی (Shogunate) را گسترش داد (شگون لقب یکی از سران ژاپنی در سال ۱۱۹۰بود که پس از وی منحصرا خاندان میناموتو بدان ملقب بودند.)

چین ۱۳۳۳

در ۵ سال اخیر امپراتوران مغول چین به پیشرفتهای چشمگیری دست یافتند که با پیشرفتهای مغولان در سراسر زندگی شاهانه آنها تفاوتی فاحش داشت.



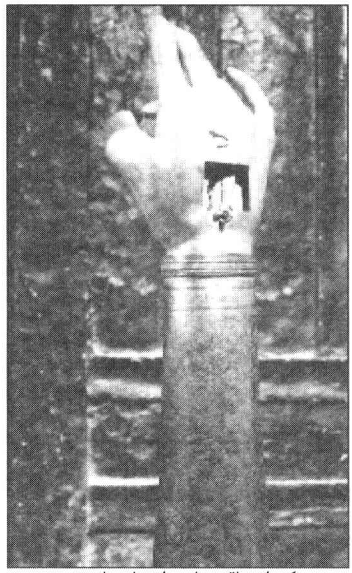
منطقـه‌ی مونتریـال (Montreale) در جزیـره‌ی سیسیل کـه حاکمـان نـورمن آن سـبک معمـاری اسلامی را در ساختمان به کار می‌بردند.



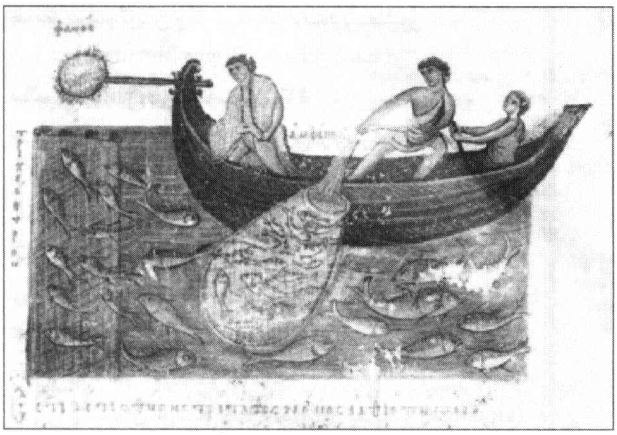
چشم جهانیان به اورشلیم دوخته شده است.



تصویر سن ماتیو (St Matthew) به سبک رمی.



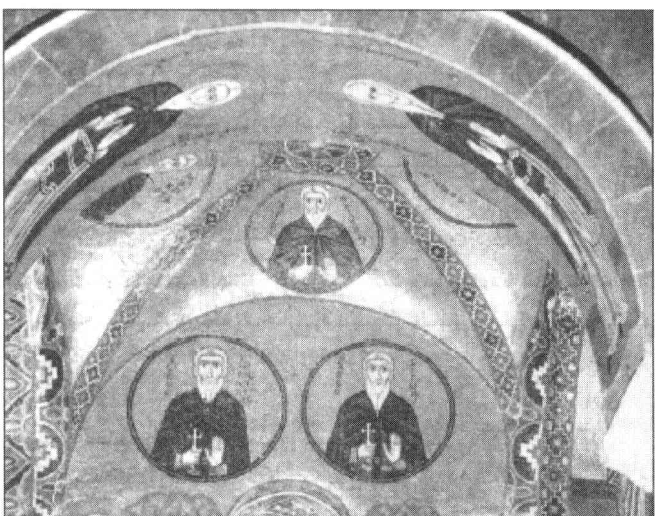
یک اثر باقی مانده از جان باپ‌تیست (John Baptist) در بیزانتین.



سه نفر ماهیگیر بیزانسی با شرحی که درباره‌ی آن‌ها زیرنویس شده.



تمثال عیسی و مریم که حلاوت مادر و فرزندی را نشان می‌دهد.



موزاییک با نقش صومعه‌ی سن لوک (St Luke) (هاجیوس لوکاس Hagios Loukas) در منطقه‌ی فئوسی (Phocis) یونان.

انگلستان ۱۳۳۶

ادوارد سوم حق پادشاهی بر سرزمین فرانسه را تجدید کرد.

ژاپن ۱۳۳۶

گادایگو امپراتور ژاپن در کاخ خود در یوشینو (Yoshino) واقع در جنوب کیوتو (Kyoto) استقرار یافت. امپراتور کومویو (Komoyo) قصری در کیوتو بنا کرده بود.

هندوستان ۱۳۳۶

حاکم نشینی به نام ویجایاناگار (Vijayanagar) در جنوب هند تشکیل شد.

انگلستان ۱۳۳۷

ادوارد سوم پادشاه انگلیس با معاضدت و همکاری شاهزاده خانم لوئیز (Louis) ملکه باواریای (Bavaria) آلمان، جنگ بر علیه فرانسه را آغاز کرد. وی همچنین از صادرات پشم از فلاندر به بهانه هرج و مرج و آشوب در منطقه جلوگیری به عمل آورد.

ایتالیا ۱۳۳۹

خانواده ویسکونت (Visconti) میلان از حدود یک سال پیش که در شهر میلان در پی توسعه قدرت خود بودند بر ماستینو اسکالا (Mastino scala) فرماندار شهر ورونا (Verona) پیروز شدند.

مسکو ۱۳۳۹

بنای ساختمان قصر عظیمی جهت سکونت خاندان دوکال (Ducal) به نام کرملین (Kremlin) در شهر مسکو آغاز شد.

فلاندر ۲۴ ژوئن ۱۳۴۰

نیروی نظامی انگلیس نیروهای فرانسوی را در ناحیه اسلویس (Sluys) شکست داده و از سواحل فلاندر راندند. نیروهای فرانسوی در هم شکسته شدند و کنترل دریا در اختیار ادوارد سوم قرار گرفت.

فرانسه ۱۳۴۰

چون مدت طولانی قشون طرفین قادر نبود که در حال جنگ باقی بماند ادوارد سوم شاه انگلیس و فیلیپ ششم شاه فرانسه به متارکه جنگ تن در دادند.

دانمارک ۱۳۴۰

جرارد (Gerard)کنت هولشتاین (Holstein) و رهبر اشراف دانمارکی پس از ۸ سال فرمانروائی جان سپرد. جانشین وی والدمار (Waldmar) چهارم می‌باشد.

اسپانیا ۳۰ اکتبر ۱۳۴۰

با همکاری و اتحاد با پرتغال، آلفونسوی یازدهم پادشاه کاستیل قبایل مور (Moors) را در کرانه رود سالادو (Salado) مغلوب کرد. با پشتیبانی فرمانروای جدید مراکش مسلمانان مقاومت شدیدی می‌کردند. مارین‌ها (Marinid) هم در سال ۱۲۷۵ به این کشور وارد شدند.

بریتانیا ۱۳۴۱

با مرگ دوک بریتانی (Britany) انگلیس و فرانسه برای نبرد آماده شدند. در این جنگ حکومت انگلیس ازژان دومونفور (John de Montfort) برادر ناتنی دوک فقید حمایت می‌کرد و فیلیپ ششم هم حامی شارل بود در حالیکه ناپدری دوک از دنیا رفته بود.

معروف شد. البته این رقص و سماع در حضور مردم انجام نمی‌شد و پیروان این طریقه، آن را برای تقرب به خداوند انجام می‌دادند که به آن جذبه گفته می‌شد. صوفیان با این رقص به حالت وجد می‌رسیدند و این مقدمه‌یی برای جذبه و از خود بی‌خود شدن و به خداوند پیوستن است و تنها پیروان طریقت به آن می‌رسیدند که یگانه راه وصول به حقیقت و راستی است.

به طور کلی، موسیقی و رقص در اسلام حرام شمرده می‌شد، لیکن در این یکصد سال اخیر، صوفیان اهل طریقت، این رقص و سماع را برای وصول به حقیقت مجاز شمردند و آن را یکی از آداب طریقت دانستند که اهل صفا بایستی برای انفکاک از امور دنیوی به آن بپردازند.

این طریقه‌ی چرخیدن و رقص صوفیان را نخستین بار فرقه‌ی قادریه (Qadirite) در بغداد که موسس آن عبدالقادر گیلانی (Abd-al-Qadir al-Jilani) بود، اجرا کردند، عبدالقادر گیلانی در سال ۱۱۶۶ فوت شد. سپس به وسیله‌ی احمد الرفاعی که در سنه‌ی ۱۱۸۳ فوت شد درمیان رودان ترویج شد. آنان دست به کارهای عجیبی می‌زدند و قادر بودند زغال افروخته را ببلعند. سر مار را در دهان می‌گذاشتند، شیشه و میخ را جویده می‌خوردند و کارد را در قسمت‌هایی از بدن خود فرو می‌کردند، بدون این که خون از آن محل جاری شود.

مملوک سلطان که در تمام عمر زندگی افسانه‌یی داشت. (دمشق، ۳۰ ژوئن ۱۲۷۷):

بی‌بارز (Baybars) پادشاه مصر، که در نبرد عین جالوت پیروز شده بود، در گذشت. نام او به عنوان مقهور کننده‌ی قشون شکست ناپذیر مغول، در تمام خاور نزدیک مورد احترام می‌باشد. او مانند سایر اعضای قوم مملوکیان، به عنوان غلام و برده‌ی ترکان و در خانواده‌ی بردگان متولد شد. بی بارز در جوانی در صفوف نظام درآمد و به تدریج به مقام فرماندهی سپاه رسید و در سال ۱۲۶۰ بر علیه لشگریان مغول به نبرد پرداخت. در نبرد عین جالوت (چشمه‌ی گولیات) نزدیک جاده‌ی فلسطین بر ژنرال کت بوقای مغول پیروز شد و توانست زندگی مردم این منطقه را با پیروزی حیات بخش خود نجات دهد و لشگریان مغول را پراکنده سازد.

بی بارز، دو نفر از رقیبان خود به نام‌های بویه (Bouyed) و کوتوز (Kutus) را مقهور کرد و لشگریانش او را به پادشاهی برداشتند. او در بیت المقدس برضد صلیبی‌های فرانسوی دست به جنگ زد و در سال ۱۲۶۸ شهر انطاکیه‌ی شام را تصرف کرد و در سال ۱۲۷۱، استحکامات کراک دو شوالیه (krak de Chevaliers) را تسخیر کرد. او پس از بیماری مختصری، در شهر دمشق وفات یافت، با مرگ او، ارتش مملوکیان در منطقه‌ی خاور نزدیک به حال خود رها شد و قدرت آن از بین رفت و در ضمن قلمرو او به پسر و جانشین وی رسید.

انجیل، توسط شخصی که دوستدار این کتاب مقدس بود، به وضعیت روز درآمد. (پاریس، ۱۲۸۱):

رومن دولا روز (Roman de la Rose) که دوستدار انجیل بود، در ۴۴ سال اخیر آن را اصلاح و به صورت نوینی درآورد. نخستین مولف انجیل، ژان دو مون (Jean de Meun) بود که اخیرا فردی به نام گیلیوم لوریس (Guillaume de Lorris) آن را اصلاح کرد و تعداد هجده هزار کلمه به آن افزود. دومون همان خط سیر لوریس را دنبال کرد و مقداری از ویژگی‌های آن را که جنبه‌ی نمودی و رمزی داشت، گشود تا ذهن مردم را بیش‌تر به آن آشنا کند.

این کتاب مشتمل بر مطالب بسیاری است که از آن جمله هنر و راه و رسم دوست داشتن و عشق ورزیدن را در زندگی به انسان می‌آموزد و مانند آینه‌یی که چهره را همچنان که هست، می نمایاند، طرز سلوک و هم‌زیستی و نوع پروری را یاد می دهد و حالت وجد و سروری را پیوسته در انسان ایجاد می‌کند که راهنمای پرهیزکاران است. لوریس، انسان را به تونل سرپوشیده‌یی هدایت می‌کند که مرزی محدود دارد و این تونل، یک طرفه می باشد و سرانجام آن، به کلیسا و محل عبادت افراد ختم می‌شود که این محل، جایگاه تفکر و اندیشه و پی بردن به اسرار ماورای طبیعت است. دومون، انسان را از باغ و بوستان‌هایی پر از میوه و گل می‌گذراند و به دنیای بی‌نهایت رهنمون می‌شود که این یک طریقه و راهی دایره‌وار است که از هر نقطه حرکت کنی، در نهایت پس از پیمودن راه به نقطه‌ی اولیه باز خواهی گشت.

او هم چنین مانند لوریس، دوستدار تفکر در جریان ماورای طبیعت و نیل به کمالات است. وی انسان را به تشکیک وا می‌دارد تا با تفکر در اعماق موضوع، به حقیقت نایل شود. در نتیجه به نظر می‌رسد که دومون طبیعت گرا می‌باشد در حالی که لوریس دوستدار ماورای طبیعت است. دومون در کتاب دایره المعارف خود، اشعاری به طنز و شوخی سروده که فرد را به شادی و سرور وا دارد و بدین وسیله، از این طریق به آزادی فکر و اندیشه کمک کند.

پیشوای پیروزمند مغول که بیش ترین فتوحات را انجام داده بود، درگذشت، (سارای (Saray)، استراخان (Astrakhan)، ۱۲۸۱):

بامرگ منگوتمیر (Mangu Temir)،رهبر اردوی زرین مغولان، پیشروی قشون مغول در اروپای مرکزی به بن بست رسید و جلوی آن گرفته شد و جانشین تمیر هم بیش‌تر تمایل داشت که جایگاه قوبیلای خان را در کشور چین اشغال کند و به فتوحات تمیر در اروپا بی‌میل بود.

در نیم سده‌ی گذشته، بزرگ‌ترین فرزند چنگیز خان، به نام یوشی (Yochi)، نظرش به اروپا و غرب دوخته شده بود و فتوحات وی تا کوه‌های اورال (Urals) رسید. دومین فرزند چنگیز به نام باتو (Batu)، بخش‌هایی از اروپای شرقی را به باد غارت داد و لشگریان وی غنایم بسیار ی به دست آوردند و این زمان به نام اردوی زرین معروف شد.

بخش اعظم فتوحات سپاهیان مغول در این زمان، به وسیله‌ی ترکان صورت گرفت. سومین نبرد و غارتگری امپراتوری مغولان، در سرزمین‌های مستقل حاکم نشین روسیه صورت گرفت که از آن جمله منطقه‌ی نووگراد (Novgorod) بود که آلکساندر نوسکی قهرمان بر آن حکومت می‌کرد، نوسکی در مقابل مغول‌ها مقاومت شایسته‌یی کرد، در حالی که سایر شاهزادگان به آن‌ها تسلیم شدند. نوسکی رعایای خود را برای جلوگیری از هجوم مغولان تجهیز کرده بود، لیکن آن‌ها چون به فنون جنگی آشنا نبودند، تعداد زیادی کشته دادند و مدت‌ها سرزمین‌شان تحت اشغال بود.

اجساد کشته شدگان، روز دوشنبه ایستر، در سیسیل انباشته شد. (سیسیل، ۲۸ آوریل ۱۲۸۲):

رم ۱۳۴۱

به پترارک (Petrarch) شاعر ایتالیایی در کنگره تاج افتخار دادند.

مجارستان ۱۳۴۲

لوئی ملقب به کبیر، شارل آنژو دومین پادشاه سلسله آنژوین (Angevin) را به جانشینی خویش برگزید. شارل هم به عنوان پادشاه منحصر به فرد سکه به نام خود زد و دارائی کشور را در اختیار دستگاه سلطنت قرار داد، همچنین معادن طلای کشور را تصاحب کرد.

آوینیون (Avignon) ۱۳۴۴

دانشمند نقاش، سیمون مارتینی (Simone Martini) در کاخ پاپ در گذشت. کارهای برجسته وی عبارتند از: میستا (Maesta) درسیه نا (Siena)- رسیدن روح به دو کو (Duccio) و تابلوی سنگی نقش دیواری به نام فولیانو (Fogliano) در پالاتزوپوبلیکو (Plazzo Publico)

فلاندر ۱۳۴۵

ژاکوب (یعقوب) وان ارته ولد (Jacob Van Artevelde) که در گروه شورشی بر علیه دیکتاتوری شرکت داشت دنیا را ترک کرد. فلاندرها که فعالانه در جنگ بین فرانسه و انگلیس درگیر بودند از بین رفتند.

آلمان ۱۱ ژوئیه ۱۳۴۶

شارل چهارم پادشاه لوگزامبورگ (Luxembourg) به عنوان امپراتور مقدس رم، پاپ کلمنت (Clement) چهارم را وادار کرد که لویس (Lewis) پادشاه باواریا (Bavaria) را بر کنار کند در حالیکه بیشتر مردم آلمان به حمایت لویس ادامه می‌دادند.

فرانسه سوم سپتامبر ۱۳۴۶

ادوارد سوم پادشاه انگلیس که در ماه ژوئیه به نورماندی (Normandy) یورش برده بود بندر کاله (Calais) را تصرف کرد.

کنستانتینوپول ۱۳۴۶

در هرج و مرجی که پس از زلزله در پایتخت بیزانتین برپا شد قوس قسمت غربی کلیسای سن سوفیا (St. Sophia) فرو ریخت.

هندوستان ۱۳۴۷

بهمن شاه، سلطان نشینی مستقل دربیجاپور (Bijapur)، بیدار (Bidar) و گولبارگا (Gulbarga) در شبه جزیره دکن (Deccan) تاسیس کرد.

اروپا سپتامبر ۱۳۴۷

بیماری مرگ سیاه در یونان- سیسیل- جنوب ایتالیا و لیورنو (Livorno) شایع شد.

رم ۲۰ مه ۱۳۴۷

کولادی رینزو (Coladi Rienzo) با افکار جاه طلبی خود شهر رم را پایتخت ایتالیا قرار داد و مردم وی را با تظاهرات عوام پسند مورد تایید قرار دادند. او خود را ملقب به تریبون (ناظر عمومی) یا فرمانروا قلمداد کرد.

تمام شورشیان فرانسوی که مدت نزدیک به یک ماه، در جزیره‌ی سیسیل قیام کرده بودند، قتل عام شدند و اجساد هزاران نفر مرد و زن و کودک، در خیابان‌ها به چشم می‌خورد.

این جنایات و خونریزی‌ها، در روز دوشنبه ایستر (عید پاک) در خارج از کلیسای روح القدس واقع در پالرمو صورت گرفت. اغتشاش زمانی آغاز شد که گروهی از ماموران فرانسوی به زنان محلی توهین کردند. یکی از گروهبان‌های فرانسوی، یکی از زنان را مورد تجاوز قرار داد و او با فرو کردن کارد در شکم گروهبان، وی را به قتل رسانید. در این ضمن، ناقوس کلیسا به صدا درآمد و سرود مذهبی نواخته شد و مردم سیسیل، جملگی فرانسویان را به هلاک رسانیدند. این خود علامتی برای قیام اهالی سیسیل بود که مدت‌ها انتظار آن را می‌کشیدند.

مدت ۱۶ سال بود که شارل آنژو (Charles Anjou) از خانواده‌ی هوهنشتافن (Hohenstaufen) کنترل جزیره‌ی سیسیل را در دست داشت. این انقلاب و شورش به تحریک میشل پالئولوگوس (Michael Palaeologus) امپراتور بیزانس و پدروی (Pedro) سوم پادشاه آراگون که همسرش از هوهنشتافن‌ها بود، صورت گرفت. پیام آوران به داخل کلیسا هجوم بردندو مردم را از آنجا و چها رراه کلیسا راندند و دهات و شهرها را تخریب و چپال کردند و هر فرانسوی را که یافتند، به هلاکت رساندند و جزیره را مستقل اعلام کردند. کشیشان دومی نیکن و فرانسیسکن را از معابد به زور بیرون کشیدند و اگر هر کدام کلمه سیسیری (Ciciri) یا به زبان ایتالیایی چیچری را خوب تلفظ نمی‌کردند، به دیار عدم می‌فرستاند. شهر مسینا (Messina)، آخرین شهری بود که شورش در آنجا صورت گرفت، معهذا باز هم به جمع انقلابیون پیوست و نیروهای اعزامی آنژوین (Angevin) مردم خشمگین شهر را قتل عام کردند.

بیکن (Bacon)، در کتاب جدید خود، اصالت مسیحیت را مورد سوء ظن قرا رمی‌دهد. (پاریس، ۱۲۹۲):

یکی از فلاسفه و دانشمندان انگلیسی به نام راجر بیکن، سال‌ها این بحث را در آکادمی پاریس مطرح کرد که

مطالعات و تحقیقات خداشناسی مهم‌ترین موضوعی است که بشر سال‌ها درگیر آن بوده و خلاصه‌ی آن باید در زندگی مورد نظر قرار گیرد و این مناقشه‌یی پایان ناپذیر می‌باشد و هر موضوعی به طور دقیق به آن ختم می‌شود.

بیکن به خاطر این چنین مطلب نوظهوری، از سوی مقامات عالی‌رتبه‌ی فرانسیسکن محکوم و مدت ده سال را در زندان گذرانید. مطالبی که بیکن بیان می‌کرد در عین این که تازگی داشت، چندان واضح و روشن نبود و با این که او معاصر سنت توماس و معلمی دانش پژوه بود، وی را شخصی نادان و جاهل معرفی کردند و فرقه‌ی دومی‌نیکن او را بزرگ‌ترین مفسده برای دستورات و آداب انجیلی خواندند، و این بی‌پرده و عریان صحبت کردن وی باعث شد که دشمنان زیادی پیدا کند.

بیکن در حدود سال ۱۲۱۴، در منطقه‌ی ایلچستر (Ilchester) زاده شد و پاپ کلمنت (Clement) چهارم یکی از بزرگ‌ترین پشتیبانان وی بود. پس از این که به پاریس رفت، پاپ از او خواست که فورا گزارشی از کارهای علمی خود برای وی بفرستد، لیکن چون فردی پایبند اصول و اخلاق بود، نمی‌توانست بدون اساس و پایه‌ی علمی، مطالب طبیعی و ذاتی خود را بیان کند، بدین لحاظ سه موضوع را به طور اجمال برای وی نوشت که جنبه‌ی شناخت کلی از جهان و طبیعت را داشت.

مباحث علمی بیکن شامل علم نجوم و کیمیا بود که هر دو بستگی زیادی با هم داشتند وکسانی که طالب علوم بودند، می‌بایستی هر دو را فرا گیرند.

بحث او، بیش‌تر حول این محور دور می‌زد که به عنوان مثال ، جانورانی چون آهو، عقاب و مار چون در مناطق خشک و سنگلاخ زندگی می‌کنند، عمر طولانی دارند، انسان باید عصاره و چکیده‌ی هستی را دریابد. لیکن بدبختانه پاپ کلمنت در همین اوان بدرود حیات گفت و بیکن از بزرگ‌ترین حامی خود محروم شد.

شهر عکا، به دست مصریان سقوط کرد. (عکا (Acre) پنجم مه ۱۲۹۱:

آخرین سرپل منطقه‌ی فلسطین و بزرگ‌ترین دژ مسیحیان، یعنی شهر عکا، پس از ۵۳ روز محاصره توسط نیروهای مسلمان، سقوط کرد. سپاهیان مسلمان، جنگجویان و سربازان پیاده را هم چون بردگان در حالی که زنان و کودکان هم همراه آن‌ها بودند، برای فروش، روانه‌ی بازار دمشق نمودند. بسیاری از دختران و زنان مسیحی را در قبال اخذ یک درهم به فروش رساندند.

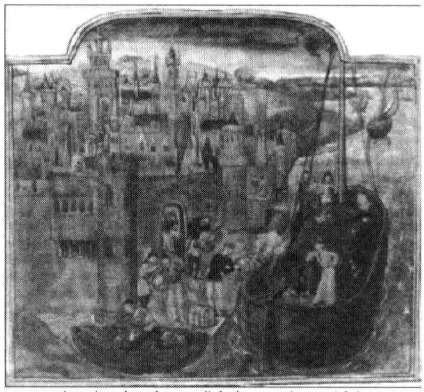
در یک سال پیش، بر اثر قرار داد ترک مخاصمه، صلیبیون مست ایتالیایی به علت عدم احترام به قرار داد به بندر عکا وارد شدند، چون مقررات ترک مخاصمه آنان را حمایت می‌کرد. تمامی این افراد حتی اگر به لباس غیر مسیحی درآمده بودند، به قتل رسیدند. سلطان قلاوون (Qalawun)، پادشاه مصر و پسرش، لشگری مرکب از ده هزار سرباز را با منجنیق‌های عظیم و قلعه کوب‌هایی که به طور مرتب دیوارهای حصار بند را می‌کوبیدند، موفق شدند که باروی شهر را بگشایند. بیش از هزار نفر مهندس در یک نقطه‌ی دیوار، راهی زیرزمینی را با باروت حفر کردند تا از آنجا به داخل شهر نفوذ کنند. در حالی که ابری از تیرهای دشمن بر سر مهاجمان می‌بارید.

تعداد مهاجمان شهر اعم از سلحشور و سرباز، یک هزار نفر بود که پیوسته جای خود را به فرد دیگری می‌دادند. چون بر اثر خستگی بی‌طاقت می‌شدند و نمی‌توانستند مدت زیادی مقاومت کنند. آنان در حالی که در برج‌های مراقبت آتش افروخته بودند، از دیوارها پایین آمدند، چون سیصدنفر از نیروهای مسلمان با نواختن طبل، پایان درگیری و ورود به شهر را اعلام داشتند. از سوی دریا هم، مدافعان قلاع و استحکامات بندر، نومیدانه در تلاش فرار بودند که شاید بتوانند به جزیره‌ی قبرس فرا کنند.

انگلیس، سیلی از یهودیان را به خارج تبعید کرد. (انگلستان،۱۲۹۰):

کمیته‌ی یهودیان انگلیسی که سال‌ها در اقتصاد ملی کشور رل مهمی داشتند. به تبعید از کشور محکوم شدند. آنان با قوانین خودی به ثروتی فوق العاده دست یافته بودند و زندگی شاهانه‌یی داشتند، بدین جهت، ادوارد شاه انگلیس، آن‌ها را به جلای وطن واداشت.

بر طبق قوانین کلیسا، هیچ مسیحی مجاز به ربا خواری نبود و نمی‌توانست پول را به وام دهد. یهودی‌ها که مضیقه‌یی نداشتند و قانون شامل آنان نمی‌شد، در این کار تبحر و مهارت داشتند و بر حسب مورد نیاز، پول را با تنزیل



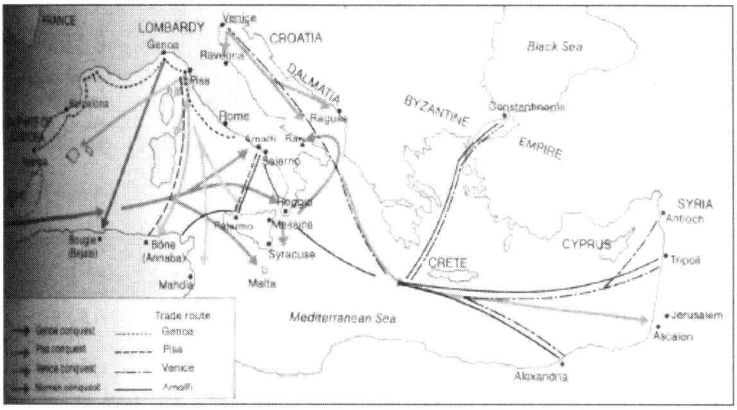
ناوگان تجاری پر از کالا در یکی از بنادر با نوشته‌یی به زبان فرانسوی.



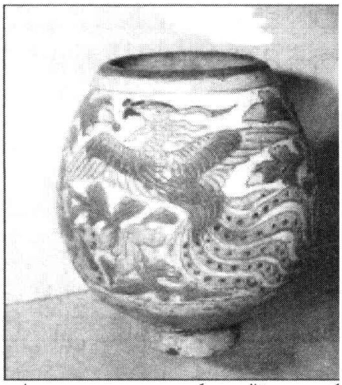
مسیح، تاج شاهی را بر سر راجر (Roger) می‌نهد، پالرمو (Palermo) – سیسیل.



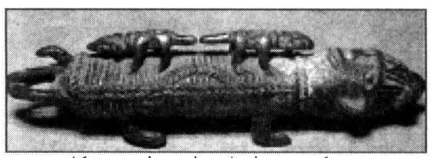
مینسترل (Minstrels)، انجمن هنرمندان چادرنشین.



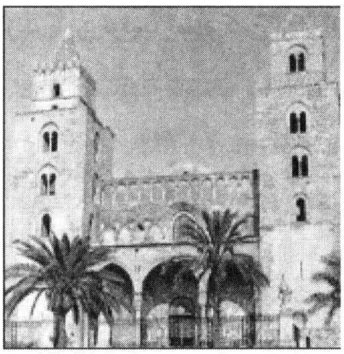
نقشه‌ی راه‌های بازرگانی سواحی مدیترانه که تحت کنترل ایتالیا می‌باشد.



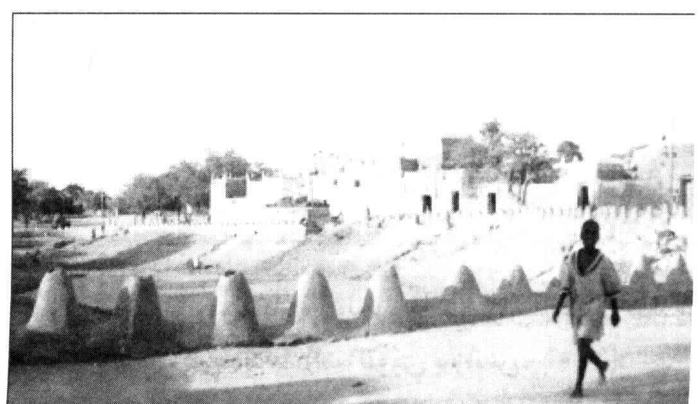
کوزه‌یی سفالین مزیّن به تصویر پرنده‌ی زیبای آتشین قفنوس یا فونیکس (Phoenix).



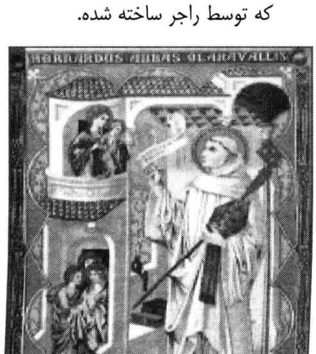
شیئی برنزی که جهت انجام مراسم مذهبی به کار می‌رود.



کلیسای بزرگ شهر سفالو (Cefalu) که توسط راجر ساخته شده.



حصار و قلاع اطراف شهر هوسا (Hausa) در ایالت کانو (Kano) واقع در نیجریه.



برنارد (Bernard)، راهب فرقه‌ی سیسترسیان (Cistercian).

زیاد به افراد نیازمند وام می‌دادند. به طور کلی، جمع این افراد بسیار کم و شاید در حدود سه هزار نفر بود، لیکن در اقتصاد و دارایی ملی رل بسیار مهمی داشتند و ثروت‌های بادآورده‌یی در اختیارشان بود.

اکنون این حالت تغییر یافته و تبعید آنان سبب دگرگونی در اوضاع شده است. در درجه‌ی اول، جریانی که منتج به این وضع شد، افکار ضد سامی در حال غلیان بود. و در درجه‌ی بعد، علت آن جنبه‌ی اقتصادی داشت. ادوارد پادشاه انگلیس، درصدد بود که مالیات سنگینی برای آنان وضع کند، چون خزانه‌ی دولت تهی بود و از طرفی نمی‌توانست تحمل کند که تا ابد این عده در ثروت غوطه‌ور شوند و بایستی به این وضعیت پایان داد. با رفتن یهودیان، به امر پادشاه اموال آنان مصادره و فروخته شد و پول آن به صندوق کشور واریز شد و بدهی وام داران بخشوده شد.

در سال ۱۲۷۵، پادشاه انگلیس اعمال آنان را در جامعه‌ی جهانی یهودیان مطرح کرده بود، اما طبق حکم جامعه‌ی یهودیان، این شکایت مردود شناخته شد. با لغو رباخواری، یهودیان دیگر نمی‌توانستند به کار تجارت بپردازند، آنان می‌بایستی به مشاغلی مانند صنعتگری و حتی کشاورزی بپردازند. بدین ترتیب تعداد کمی از آن‌ها توانستند با این مشاغل جدید کنار بیایند.

صنایع دستی و پیشه و هنر در دست اربابان پول دار و ثروتمند قرا رمی‌گیرد. (اروپا، ۱۲۹۰):

اگر شما در شهر سکونت دارید و در خانواده‌ی اشرافی و بازرگان به دنیا نیامده‌اید و میل دارید که در اروپای مدرن، شغل ابرومندانه‌یی داشته باشد، می‌توانید در رسته‌ی هنر و صنایع وارد شوید و به کار صنعت بپردازید و در یکی از صنایع، مهارت کافی به دست آورید. بایستی در یکی از مجامع رسته‌ی مورد نظر خود، عضو شوید.

با قصور و کوتاهی از این امر، برگزیدن فقر و گرسنگی است، بدین معنی که در جامعه‌های شهری، هر فردی باید شغلی انتخاب کند و این انتخاب هم بستگی به هوش و استعداد دارد و چون صاحبان این حرف خود بازرگان هستند، پس باید در استخدام آنان درآمده و فرد تنها قادر به کار صنعت نیست. اکنون تمام حرفه‌ها در انحصار تجار و ثروتمندان و قدرت در اختیار آنهاست. به طوری که ناظران اظهار می‌دارند در تمام قاره‌ی اروپا، بازرگانان در درجه‌ی بالای اجتماع قرار دارند. آن‌ها ارباب صنایع هستند و دیگران باید از آنان متابعت کنند، آن‌ها می‌توانند با پرداخت پول، اشخاص ماهر را اجیر کنند ودست آورد آنان را بخرند. ممکن است بهای صنایع تولید شده گران باشد، لیکن بازرگان می‌تواند آن را به بهای گزاف‌تری بفروشد و از آن راه، ثروتی آن چنانی به چنگ آورد. اربابان به کارگران و صنعتگران مبلغ معینی پرداخت می‌کنند و این مبلغ را کارفرما تعیین می‌کند و کارگر مجبور است که آن را قبول نماید.

در انگلستان، اعضای رسته‌های صنعتی، همه از افراد آزادند و بردگان نمی‌توانند عضو شوند و کار آن هم به طور دایم مشکل‌تر می‌شود. رسته‌ی نساجان کشور از عضویت در این گروه‌های کاری امتناع ورزیده و از این کار صرفنظر کرده‌اند، مدیران صنایع نساجی هم از افرادی که جویای کار هستند و تعداد آن‌ها هم بسیار زیاد است، با پرداخت دستمزد ناچیزی استفاده می‌کنند و سود هنگفتی از این کار عایدشان می‌شود.

اختراع صفحه‌ی کوچک مدوری از شیشه برای دید افراد سالمند (رم، ۱۲۹۹):

حالیه شیشه‌های مخصوص مدوری با قاب فلزی ساخته شده که برای اصلاح دید اشخاص سالمند، به کار می‌رود. عینک‌های شیشه‌یی از چند هزار سال پیش توسط کالدیان‌ها (Chaldaeans) مورد استفاده قرار می‌گرفت، نرون امپراتور روم، برای این که نبرد گلادیاتورها را بهتر تماشا کند، دستور داد عینکی با قابی از جواهر برای او بسازند.

اکنون هم در ایتالیا میل زیادی جهت اصلاح دید با عینک پیدا شده است. این کار هم برای محصلان و دانش پژوهان و هم برای نویسندگان، ضروری است و عمر مفید آن‌ها را افزایش می‌دهد و به آن‌ها اجازه می‌دهد که ضعف دید خود را جبران نمایند.

نو رسیدگان، دولت بیزانتین را مقهور وکشور را تکان دادند. (امپراتوری بیزانس، ۱۳۰۱):

مردان قبایل ترک عثمانی با تهاجم به مرزهای شرقی امپراتوری بیزانس، نیروهای نظامی آن را شکست دادند و بیزانتین هنوز هم از تکان این شکست برخود می‌لرزد.

گزارش‌های اولیه حکایت از آن دارد که ترکان از دره‌های کوهستانی به سوی ناحیه‌ی نیکومدی (Nicomedia) به پیش می‌روند و تا زمانی که نیروهای بیزانتین مقابل آن‌ها قرار گرفتند، این پیشروی ادامه داشت.

ترکان عثمانی چون با حریف روبرو شدند، دسته‌های جنگجوی خود را تجدید سازمان کرده و به سرعت سواره نظام خود را به میدان نبرد فرستادند تا سپاهیان بیزانتین را درهم بشکنند.

نیروهای عثمانی نقاطی را که به اشغال خود درآورده بودند، غارت کردند، لیکن نتوانستند به منطقه‌ی نیکومدی برسند. دولت بیزانس به واسطه تکان شدیدی که به آن دچار شد، هنوز نتوانسته بود اطلاعاتی درباره‌ی این نیروها که به فرماندهی عثمان به این کشور حمله‌ور شده بودند، از همسایگان خود کسب کند. آنان که ریشه‌ی آسیایی داشتند، در حدود چهار صد سال پیش، اجازه یافتند که در بخش شمال شرقی آسیای صغیر (آناتولی) ساکن شوند، در حدود ۶۰ سال قبل هم چون به حاکمان محلی در جلوگیری از حملات نیروهای مغول کمک کرده بودند، این پاداش به آن‌ها داده شد، که به بیزانتین حمله‌ور شدند.

فرانسویان در پی حملات خود، پاپ را زندانی کردند. (روم، هفتم سپتامبر ۱۳۰۳):

امشب پاپ بونیفاس هشتم را در واتیکان دستگیر کرده و در منطقه‌ی کوهستانی آنیانی (Anagni) نزدیک همین محل، محبوس کردند. آن‌ها با ۳۰۰ نفر سوار مزدور و یکهزار سرباز پیاده، محل زندگی پاپ را مورد حمله قرار دادند. این نیروها تحت فرماندهی گیلیوم‌دو نوگاره (Guillaum de Nogaret)، وزیر جدید فیلیپ (معروف به خوشگله)، پادشاه فرانسه بود که عده‌یی از مخالفان پاپ، به ویژه سیاراکولونا (Sciarra Colonna) آن‌ها را همراهی می‌کردند. به رغم این نیروهای قدرتمند، طرفداران پاپ صبح امروز مقاومت شدیدی از خود نشان دادند. در همین هنگام از سوی پاپ متارکه‌ی جنگ اعلام شد که پاپ بتواند خزاین خود را از محل خارج کند تا به دست دشمن نیفتد، لیکن سپاهیان فرانسوی از قبول آن امتناع کردند.

عصر امروز، حمله کنندگان، صف مدافعان را در هم شکستند و چون به داخل واتیکان رفتند، مشاهده کردند که

آلمان اکتبر ۱۳۴۷

با کشته شدن امپراتور لویس در یک سانحه، زمینه برای حریف وی شارل چهارم به دست آمد.

اروپا ژانویه ۱۳۴۸

مرگ سیاه به مناطق پیزا (Pisa)- ونیز- آوین یون و آرلس (Arles) گسترش یافت.

اروپا ژوئن ۱۳۴۸

بیماری مرگ سیاه به انگلیس هم رسوخ کرد.

پراگ ۱۳۴۸

شارل چهارم که پس از مرگ پدرش در کرسی (Crecy) به پادشاهی بوهم رسیده بود دانشگاه پراگ (Prague) را تاسیس کرد.

اروپا ۱۳۴۹

مرگ سیاه (در اثر بیماری طاعون) به آلمان و بریتانیا هم سرایت کرد.

اروپا آوریل ۱۳۴۹

مرگ سیاه به شهرهای تولوز، لیون و کشور اسپانیا رسید.

آلمان ۱۳۴۹

ویلیام اهل اوکام (Occam) که فیلسوفی فرانسیسکن (Franciscan) بود در مونیخ (Munich) جان سپرد. وی یکی از واضعان قوانین تجارت بود. (اصلاحات اوکام) او با تشویق دانش پژوهان جهت یادگیری نظریه‌های کوتاه علمی در بازرگانی، باعث پیشرفت علم اقتصاد شد. به اعتقاد وی تنها خداوند قادر مطلق می‌باشد.

آلمان ژوئیه- اوت ۱۳۴۹

تعداد کثیری از یهودیان در فرانکفورت (Frankfurt)، ماینز (Mainz) و کلن (Cologne) قتل عام شدند. عده زیادی هم به مجازات شلاق محکوم شدند. بیشتر کسانی که زنده ماندند به لهستان گریختند.

آوینیون اکتبر ۱۳۴۹

پاپ کلمنت ششم شلاق زدن و انواع تهدید به شکنجه را محکوم کرد.

اسپانیا ۲۷ مارس ۱۳۵۰

هنگام تسخیر جبل الطارق تنها شهر اسپانیایی که در تصرف مارین‌ها (Marinid) (مسلمانان) بود به کنترل آلفونسوی نهم درآمد و او هم در اثر مرگ سیاه (طاعون) جان سپرد. جانشین وی پدرو (Pedro) (ملقب به سنگدل و بیرحم) بود.

فرانسه ۲۲ اوت ۱۳۵۰

ژان دوم (نیکو) به جانشینی فیلیپ ششم پادشاه فرانسه منصوب شد.

جنوب شرقی آسیا ۱۳۵۰

رامادی بودی (Ramadhibodhi) پادشاه آیوت هایا (Ayutthaya) (تایلند- Thailand) برای گسترش قلمرو خود به کامبوج (Cambodia) حمله کرد. در سال گذشته هم وی به سوخوتایی (Sukhotai) یورش برد و آنجا را به سلطان نشین تابع خود موسوم به لوتایی (Luthai) پادشاه دست نشانده تحویل داد.

پاپ بونیفاس در جایگاه خود نشسته و صلیب پاپی را در چنگال خود می‌فشارد.

کولونا درصد بود که پاپ را به انتقام محکوم شدن برادرش کاردینال از سوی پاپ، به قتل برساند. نوگاره از این کار ممانعت به عمل آورد و پیشنهاد کرد که او را به فرانسه برده و زندانی کنند. این دشمنی و خصومت هنگامی آغاز شد که پادشاه فرانسه دستور داد که اسقف پالمیه (Palmiers) را زندانی کنند و بدین لحاظ، بونیفاس پادشاه را به تکفیر تهدید کرد.

خشکسالی در شهرهای امریکای شمالی، سبب مرگ افراد و تخریب زمین‌ها شد. (آریزونا، ۱۳۰۰):

بر اثر خشکسالی شدید در منطقه‌ی مزاورده (Mesa Verde) و کانیون دو شلی (Canion de Chelly) شهرها و روستاها، در نتیجه‌ی ریزش سنگ‌های کوهستانی ویران و تبدیل به کویر شده است. این منطقه به شکل نیم دایره‌ی بزرگی است که اقوام شاکوکانیون (Chaco Canyon) درآن سکونت داشتند. از یک هزار و پانصد سال قبل هم قبایل هندی آناسازی (Anasazi) به طور پراکنده، در همین جا مقیم بودند. هم چنین اقوام هندیان هوهوکام (Hohokam) با تصرف مناطق جنوب غربی، مجتمع‌های مردمی در سراسر آنجا تشکیل دادند و تمام این اقوام در نواحی مختلف امریکای شمالی به شکل متفرق زندگی می‌کردند. به هر حال در اثر خشکی هوا و نباریدن باران، مجاری و نهرها خشک شد و دیواره‌های شهرها فرو ریخت و خاک و خاشاک سطح شهرها و روستاها را فرا گرفت، با این وجود، علف‌های هرزه شبیه توپ که اصل آن از مکزیک بود، این زمین‌های خشک را پوشانید.

در بخش جنوب غربی هم وضع بر همین منوال بود. در چی هوآهوآ (Chihuahua) خانه‌های بزرگ چند اتاقه در اطراف ناحیه کازاس گرانده (Casas Grandes) که متعلق به هندیان موگولون (Mogollon) بود،از سال ۱۰۶۰ دچار خشکسالی و کم بارانی شده بود که هندیان مجبور به ترک دیار خود شدند. این خشکی و خشکسالی که سراسر قاره را از شرق تا غرب فرا گرفته بود، تمدن و فرهنگ پوئبلو (Poeblo) را از بین برد.

مدت بیست سال استان‌های آریزونا (Arizona) و نیومکزیکو (New Mexico) با خشکسالی و تغییر آب و هوا مواجه شد. رودخانه‌ها خشک و محصولات زراعی از بین رفت. شهرها به ویرانی کشیده شد و مردم از شهرها دست کشیدند، در همین حال، اقوام هندی ناواژو (Navajo) و آپاچی (Apache) جمعیت خود را از دست دادند و مردم متمدن پوئبلو به سوی صحاری روانه شدند.

قوبیلا خان، فاتح آسیا، وفات یافت. (بیجینگ، ۱۲ فوریه ۱۲۹۴):

قوبیلای خان، فرمانروای تمام دنیای واقع در بین رود دانوب و شرق دریای چین، فوت شد. او در سن ۸۰ سالگی با وجودی که سرزمین‌های وسیعی را در حیطه‌ی قدرت داشت، در نومیدی و یاس جهان را ترک گفت. او رفت در حالی که پسر مورد علاقه‌اش شن ژین (Zhenjin) و همسرش چابی (Chabi) را بسیار دوست داشت و با این حال، در انزوا و گوشه‌گیری به سر برد. او بر اثر زیاد خوارگی و پرنوشی، بسیار سمین و چاق شده بود. او از کاربرد سیاسی و زندگی خصوصی خودش غمگین و افسرده بود. پس از مرگ قوبیلای، بین منگوک (Mongke) خان برادر و جانشین وی و پسر عموهایش خایدو (Khaidu) و نایان (Nayan) بر سر تقسیم قدرت منازعه ایجاد شد.

نایان به زندان افتاد و او را در فرشی پیچیده و خفه کردند، پاداش خایدو هم آن بود که چندین سال با خان بزرگ در جنگ بود. قوبیلای در تلاش برای تسخیر سرزمین ژاپن و جزیره‌ی جاوه به بلای عظیمی گرفتار شد. با این وجود، او توانست تمام سرزمین چین را تسخیر کرده و سلسله‌ی یوآن (Yuan) را تاسیس کند و برای مقر فرماندهی خود، کاخ بسیار زیبا و درخشنده‌یی در شهر بیجینگ بنا کند. او بیش از تمام مغول‌ها به حالت مردم چین درآمده بود. او هنوز هم مانند پدربزرگش چنگیز، شکار را دوست می‌داشت و هنگام شکار در چادری زندگی می‌کرد که از پوست قاقم سفید و سمور پوشیده شده و بسیار زیبا به نظر می‌رسید، در این چادر باد و باران نفوذ نمی‌کرد و از تمام ناراحتی‌ها در امان بود. مرگ وی باعث شد که از سردرد عجیب و ناراحت کننده رهایی یابد و در حالی مرد که امپراتوری وسیعی و نیز کاخ عظیمی از خود به جای گذاشت.

فرانسه ۱۳۵۲
ژان ملقب به نیک، یک موسسه ستاره شناسی به پیروی از نمونه انگلیسی آن تاسیس کرد. پیشنهاد دهنده هم شخصی به نام کارتر (Carter) بود.

سویس ۱۳۵۳
شهر آزاد برن (Berne) به عهدنامه سه بخش جنگلی پیوست، این آخرین بخشی است که به عهدنامه می‌پیوندد. عهدنامه شامل شهرهایی است که در آن سرباز داوطلب به مرکز اعزام می‌داشتند. شهر لوسرن (Lucerne) در سال ۱۳۳۶ و زوریخ (Zurich) در سال ۱۳۵۱ به این پیمان جهت سربازگیری پیوسته بودند.

آسیای صغیر (آناتولی) ۱۳۵۴
گالی پولی (Gallipoli) کلید تنگه داردانل (Dardanelles) به وسیله عثمانیان تسخیر شد. در ملاقاتی که بین ژان پنجم دیرین شناس فرزند اخرین امپراتوراندرونیکوس سوم و ژان کانتاکوزن (Cantacuzene) فرمانده پیشین ارتش پیش آمد،دو طرف با همیاری یکدیگر جهت بیرون راندن ترکها و پیوستن به سرزمین اروپا در سال گذشته تلاش کردند.

رم ۱۳۵۵
شارل چهارم برای تاجگذاری به دست پاپ برای مدت یک روز وارد رم شد و با پایان یافتن مراسم این شهر را ترک کرد. این عجله در برگشتن از شهر رم باعث تحقیر و تمسخر ایتالیاییها گردید و مردم فکر می‌کردند که امپراتور مردم را آلت دست خود قرار داده است و تنها توجهش به قدرت خودش می‌باشد و در حقیقت این مردم هستند که اقتدار برای امپراتوری به وجود آورده‌اند.

فرانسه نوامبر ۱۳۵۵
ادوارد سوم پادشاه انگلیس نبرد بر علیه فرانسه را آغاز کرد و به آن کشور اعلان جنگ داد و پسر وی ملقب به شاهزاده سیاه برای گسترش قلمرو کشور به منطقه لانگدوک (Languedoc) تاخت.

بالکان ۲۰ دسامبر ۱۳۵۵
استفن اوروش (Stephen Urosh) چهارم پادشاه صربستان هنگامی که قصد حمله به قسطنطنیه را داشت جان سپرد و پادشاهی وی با توسعه قلمروش همراه بود. او سرزمین بلغار (Bulgaria) را که پدرش تحت سلطه داشت حفظ کرد و مقدونیه (Macedonaia)، اپیروس (Epirus) و تسالی (Thessaly) را هم تصرف کرد و در سال ۱۳۴۶ ملقب به پادشاه صربستان شد.

فرانسه اوت ۱۳۵۶
با فتح سرزمینهای پر منفعت و آشوب زده فرانسه، به وسیله شاهزاده سیاه و توسعه سرزمین انگلیس وی به حمله و تاخت و تاز در سراسر مناطق لیموزین (Limousin) و بری (Berry) در جنوب غربی کشور فرانسه اقدام نمود.

لندن ۱۳۵۸
فرانسه و انگلیس طی پیمانی برای رهایی ژان ملقب به نیک از زندان با مبلغ چهار میلیون اکو (Ecus) (واحد پول نقره در فرانسه) توافق کردند و دولت فرانسه با پرداخت آن ژان را از زندان آزاد کرد.

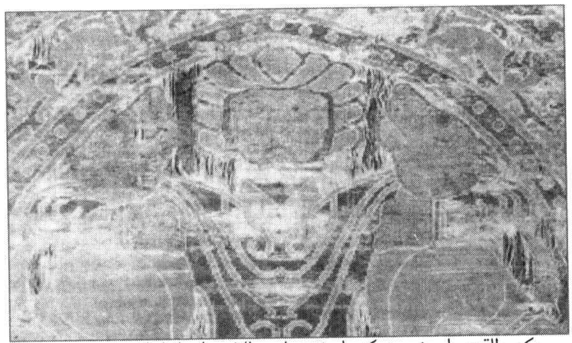
او در حالی جهان را بدرود حیات گفت که تصویرش در دست مارکوپولو بود و بخش اعظم جهان غرب را به رقیت و بندگی کشیده بود. الان کیست که به این سؤال پاسخ دهد که گور او در کدام نقطه‌ی کوهستان کنتائی (Kentai) واقع شده و این راز را شاید باد بداند که بر این گور می‌وزد و اکنون چه کسی می‌تواند حدس بزند که تا کی این امپراتوری وسیع، دوام و بقا خواهد داشت.

فرمانروای مغولی که در سلک روشنفکران در می‌آید.(ایران، ۱۳۰۴):

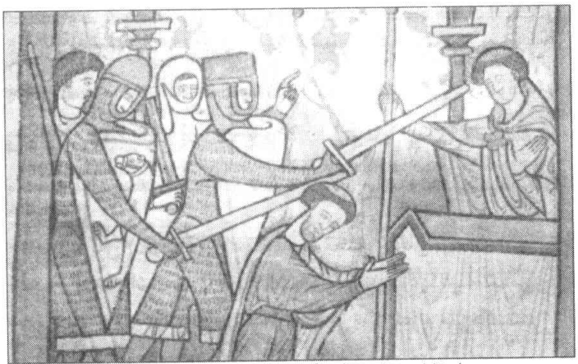
با مرگ ایل خان غازان، به ۹ سال فرمانروایی او پایان داده شد. او در مدت پادشاهی، حالت روشنفکری و روشن‌بینی داشت. غازان عمدتا این روشنفکری و آداب دانی و انسان دوستی را از ایرانیان آموخت و آن را سرلوحه‌ی حکومت خود قرار داد.

یکی از امرای جوان و قدرتمند مغول در خراسان به نام نوروز که به اسلام گرویده بود، در وهله‌ی اول، تحت پیگرد غازان قرار گرفت، لیکن با نفوذ و قدرت کلامی که نوروز داشت و در ضمن قائم مقام غازان بود، وی را وادار کرد به دین اسلام درآید. و بدین ترتیب در سال ۱۲۹۵ غازان و نوروز مسلمان شدند. او دین بودایی را کنار گذاشت و مسیحیت و یهودیت هم مورد پذیرش شهروندان ایرانی نبود، در نتیجه غازان آئین شهروندان خود را برگزید. غازان خان با پذیرفتن اسلام در حقیقت پلی بین خلیج فارس و کشور چین زد و ارتباط ایران با چین برقرار شد. از سوی دیگر، غازان به سیاست فئودالیته که در آن زمان رواج داشت، ادامه داد و چون مملوک پادشاه مصر برای جلوگیری از نفوذ اروپا در منطقه نیاز به کمک وی داشت، نیرویی جهت حمایت وی به مصر اعزام کرد. پس از چندی، یعنی در سال ۱۳۰۰، با اعزام سپاهیانی، به سوریه یورش برد، ولیکن به زودی به این نیروها فرمان بازگشت داد، چون خانات جغتایی به آسیای مرکزی حمله کرده بودند و این نیرو برای جلوگیری از آن‌ها ضروری بود.

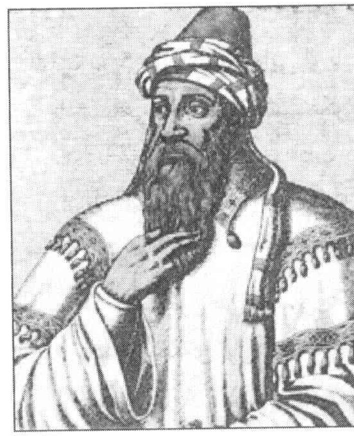
در داخل کشور، چون سیستم مالیاتی منظم نبود و اجحاف‌هایی در اخذ مالیات انجام می‌شد، وی دستور داد که مالیات‌ها برحسب وسعت زمین تحت کشت وصول شود و برای انجام این امر دفتری برای ثبت اراضی کشاورزی



یک طاقه‌ی ابریشمین که با رشته‌های طلا در اسپانیا بافته شده و روکش مقبره‌ی برنارد کالوو (Bernanr Calvo) و اسقف شهر ویچ (Vich) می‌باشد که در آن نقش یک مرد در نبرد با دوشیر را نشان می‌دهد.



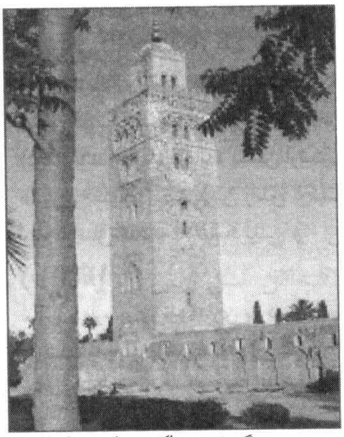
تصویری از قاتلان بکت (Becket) که سر او را با شمسیر بریدند. بکت سراسقف کلیسای کانتربوری (Canterbury) بود.



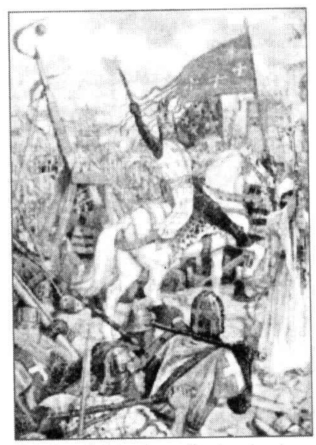
صلاح‌الدین (Salah ad-Din)، ملقب به فاتح.



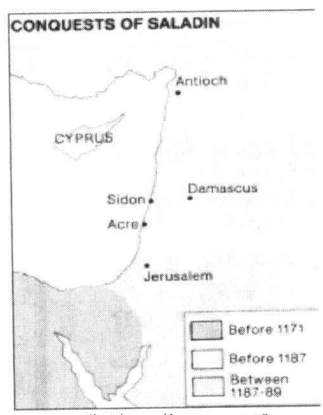
آخرین تصویر پی‌یر والد (Pierre Valdes).



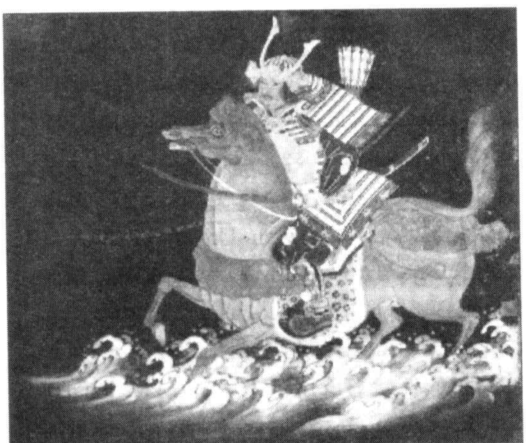
مسجد بزرگ شهر مراکش، تاریخ بنا ۱۱۴۷.



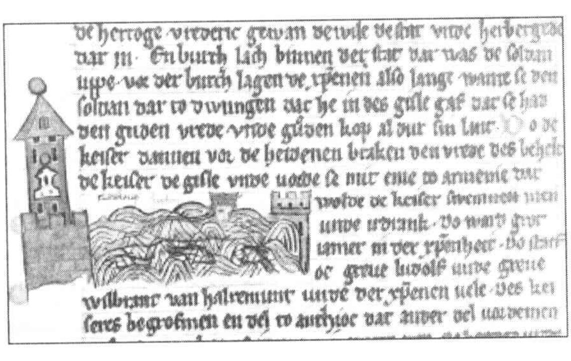
ریچارد شیردل (Richard Lionheart) پادشاه صلیبی.



نقشه‌ی متصرفات صلاح‌الدین.



تصویری از یک سوار جنگجوی ژاپنی در لباس رزم در نبردهای معمولی.



نوشته‌یی درباره خفه شدن امپراتور فردریک ریش قرمز پادشاه آلمان

فرانسه ۱۳۶۳
هنگامی که ژان به پسرش لوئی آنژو توافقنامه خلاصی را یادآور شد وی به عنوان پناهنده به انگلیس فرار کرد و با صداقتی که در گفتارش داشت به لندن بازگشت تا او را به زندان برگرداندند.

اسپانیا ۱۳۶۳
با پشتیبانی پیتر پادشاه آراگون، هانری شاه تراستامارا (Trastamara) ناپسری نامشروع شاه پدرو (Pedro) مدعی تاج و تخت کاستیل شد.

لندن ۸ آوریل ۱۳۶۴
ژان ملقب به نیک در زندان برج لندن درگذشت و شارل پنجم پادشاه فرانسه و ملقب به عاقل جانشین وی شد.

بریتانیا ۱۲ آوریل ۱۳۶۵
برطبق پیمان گوئراند(Guerande) کاخ بلوآ (Blois) جزو حقوق قانونی ژان چهارم دومونفور (John de Montfort) محسوب شده و به وی مسترد شد.

اسپانیا ۱۳۶۷
پدرو (Pedro the Cruel) ملقب به بیرحم با کمک شاهزاده سیاه، هانری شاه تراستامارا را در ناحیه ناژرا (Najera) شکست دادند.

چین ۱۳۶۸
شویان شانگ (Zhu Yanzhang) با تصرف دادو (Dadu) بجینگ (Beijing) از مغول‌ها سلسله مینگ (Ming) را تشکیل داد و پایتخت خود را هم در شهر نان جینگ (Nanjing) قرار داد.

اسپانیا ۲۸ مارس ۱۳۶۹
هانری شاه تراستامارا، با شکست دادن پدر و بیرحم قلعه مونته‌یل (Montiel) را از وی پس گرفت. پدرو هنگامی که قصد داشت از زندان فرار کند هانری با چاقو او را کشت.

دانمارک ۱۳۷۰
بر طبق پیمان صلح اشترالساند (Stralsund) امتیازات بازرگانی نصیب دانمارک شد. این امتیازات به هانسی تیک (Hanseatic) اجاره می‌دهد که به تمام شهرهای آلمانی کالا صادر کند.

بالکان ۱۳۷۱
ترکان عثمانی به رهبری سلطان مراد نیروهای بلغار را در کرانه رود ماریتزا (Maritza) شکست دادند. ترکها تمام مقدونیه را به جز شهر سالونیک (Salonika) تصرف کردند.

اسکاتلند ۱۳۷۱
بامرگ دیوید بروس (David Bruce) سلسله پادشاهی جدیدی به اسم استوارت (Stewart) روی کار آمد. دیوید برادرزاده خود رابرت استوارت را که وارث استوارتهای اسکاتلند بود به جانشینی برگزید.

فرانسه ۱۳۷۲
نیروهای نظامی کاستیلیان (Castilian) با حمایت فعالانه فرانسویها نیروهای انگلیس را شکست داده و از ناحیه لا روشل (La Rochelle) بیرون راندند. این ناحیه از سال ۱۳۴۰ در تصرف اسلویز (Sluys) قرار داشت.

تاسیس شد که کار وصول مالیات را انجام می‌داد و ماموران هم جهت برآورد مالیات در این دفتر اشتغال داشتند. برای راهها و امور پستی هم پیک‌هایی ایجاد کرد و برای امنیت راهها هم در هر جاده راهدار خانه‌هایی درست کرد که ماموران دولتی برای سهولت عبور کاروان‌ها همواره در راهها به گشت بپردازند و بدین نحو وضع راهداری اصلاح شد. هم چنین با ضرب سکه‌های جدید که وزن و اندازه معینی داشت، سیستم پولی هم وضع قابل قبولی پیدا کرد.

پودر سیاه، وضع جنگ را تغییر داد. (لندن، ۱۳۰۰)

صحنه‌ها و میدان های جنگی که تا به حال وضع تغییر ناپذیری داشت، اینک با اختراع گردی سیاه رنگ، انقلابی در آن به وجود آمده است. باروت که مخلوطی از زغال چوب، گوگرد و شوره قلمی یا نیترات پتاسیم می‌باشد، در غرب درست شده و به سرعت فنون جنگی را دچار تحول کرده و نحوه نبرد را تغییر داده است، کسانیکه مخالف این سلاح ضد مردمی هستند عقیده دارند که مخترع باروت هرگز به اندازه را جربیکن مشهور نخواهد شد. به یقین، افرادی پیش از وی، آگاهی‌هایی راجع به آن داشته‌اند.

در حقیقت، مدت‌ها قبل از سال ۱۲۲۱ که باروت اختراع شود، در نبردها از تیرو کمان استفاده می‌شد، و پیکان تیر را با مواد سمی می‌آلودند که کارآیی بیش‌تری در کشتن افراد داشته باشد. در سده‌ی دوازدهم، بمب‌هایی ساخته شد که در آن خرده و ذرات آهن وجود داشت. اینک باروت هم سلاحی است که توجه‌ی جنگ‌آوران را به خود جلب کرده است.

این سلاح به سرعت جایگاه خود را پیدا کرد و اکنون در منجنیق‌ها بکار می‌رود. بدین معنی که منجنیق‌ها بشکه‌های فلزی را از باروت پر می‌کنند و از بالای حصار، باروت بر سر مدافعان فرو می‌ریزند که بر اثر آن، همه‌ی موجودات، اعم از سرباز و مردم عادی، به هلاکت می‌رسند که به نظر می‌آید این سلاح بسیار مرگ آور است. این سلاح انفجاری می‌تواند یک صف از سربازان را نابود کند. باروت فشرده را می‌توان برای ویران کردن استحکامات به کار برد، بدین معنی که از راه دور می‌توان آن را بر روی قلاع و باروهای دشمن پرتاب و آن را خراب کرد، و همین طور، برای تخریب دیوارهای شهر نیز می‌توان از باروت استفاده کرد. همان طور که گفته شد استعمال باروت، چهره‌ی نبردها را دگرگون ساخته و با به

کارگیری این سلاح برای حمله و دفاع، کارشناسان ذوب فلزات در این فکر هستند که راه جدیدی پیدا کنند که سربازان از این سلاح در امان بمانند تا تلفات کمتر شود.

فیلیپ پادشاه فرانسه، زائران قهرمان بیت‌المقدس را مورد آزار قرار می‌دهد. (پاریس، ۱۳ اکتبر ۱۳۰۷):

امروز صبح زود، بر طبق دستور فیلیپ خوبرو پادشاه فرانسه، افسران فرانسوی در سراسر کشور، تمام زائران بیت‌المقدس را دستگیر کردند. این عملیات که با هماهنگی و به طور دقیق انجام می‌شد، همگان را تکان داد.

دیروز نعش ژاک دو موله (Jacques de Molay) مهم‌ترین فرد کشور را همسر برادر شاه تا محل دفن وی تشییع کرد، وی شب گذشته در اثر شکنجه‌های وارده‌ی بر او فوت شده بود. تعداد قلیلی از مردم، شایعه‌ی بچه باز بودن وی و متهم کردن او را به لواط و سایر اعمال زشت را باور کردند. بیش‌تر ناظران، این رفتار فیلیپ را برای پوشاندن اذیت و آزار زائران توجیه می‌کنند تا گرفتاری‌های سیاسی و مالی او در خفا بماند و مردم از آن‌ها آگاهی پیدا نکنند.

تنها در ۱۶ ماه پیش بود که خود فیلیپ از ترس مردم به کلیسای پاریس پناه برد، مردم و گروه‌های مختلف با ازدحام در مقابل کلیسا فریاد می‌زدند که خون این مرد مباح است و ارزش ندارد و باید ریخته شود. پس از مدت کوتاهی، شاه مدعی شد که خزانه‌ی دولت خالی است و عده‌یی از یهودیان ثروتمند را دستگیر کرد و از آن‌ها مقادیر معتنابهی پول اخذ کرد تا خزانه را پر کند. اینک این شایعه قوت گرفته که وی از زائران ثروتمند، مقدار زیادی پول گرفته است.

دو روز پیش از این که موله به هلاکت برسد، او در شهر پوآتیه با پاپ ملاقات دوستانه یی داشت و در بحث‌هایی که درباره‌ی صلیبی‌ها صورت گرفت، پاپ سفارش‌هایی جهت آنان کرد. فیلیپ هم پس از آن، فورا دست به این کار زد و زمینه‌ی قتل موله را فراهم ساخت.

پاپ تهیه کنندگان اکسیر حیات و کیمیاگری را طرد می‌کند. (روم، ۱۳۱۷):

کلیسا کسانی را که به طور گسترده دست به کیمیا گری می‌زنند و مدعی هستند که اکسیر جوانی را یافته‌اند و این اکسیر می‌تواند از مرگ بشر جلوگیری کند و نیز آنهایی را که ادعا می‌کنند، مس و هر سنگی را به طلا تبدیل می‌کنند، افرادی شیاد و حقه‌باز معرفی می‌کند، در گذشته‌های دور و زمان باستان، برخی از فلاسفه می‌پنداشتند که این اکسیر را یافته‌اند و مرگ را به مسخره می‌گرفتند و تصور می‌کردند که می‌توانند به طور مصنوعی طلا تولید کنند.

پاپ ژان بیست‌ودوم، در نشریه‌یی که منتشر کرد، مخالف خود را با علم کیمیاگری اعلام داشت، چون بدین وسیله کلیسای ارتودوکس را محکوم می‌ساخت، در حالی که ارتودوکس پیروان کیمیاگری را مورد تشویق قرار می‌دادند و مردم را به آموختن این علم وا می‌داشتند. پاپ نه فقط با کیمیاگری ضدیت داشت، بلکه هواداران آن را خرافی و موهوم پرست می‌نامید و علوم خفیه و پنهانی را از نظر مسیحیت گناه می‌شمرد.

او کیمیاگری و علوم مخفی را اعمال شیطانی و غیر اخلاقی تلقی می‌کرد و طرفداران آن را مورد لعن و نفرین قرار می داد. مشخص نیست که چرا او فورا اقدامی بر علیه آنان نمی‌کرد، در حالی که سیاست پاپ برپایه‌ی تجسس و تفتیش عقاید قرار داشت و کلیسا در تمام امور زندگی مردم دخالت می‌کرد. اغلب فرمانروایان آرزو داشتند که خزانه‌ی آن‌ها مملو از طلا باشد، بدین جهت از کیمیا گری استقبال می کردند و دوست داشتند که از مواد اولیه‌ی طبیعت طلا بسازند.

اسقفی که برای خواهران کلیسا گدائی می‌کرد، محکوم شد. (آلمان غربی، ۱۳۱۰):

اسقف بگوئین (Beguine) اهل ماینز (Mainz)، که برای انجمن خیریه‌ی زنان گدایی می‌کرد، محکوم شد و از کلیسای محل خود اخراج گردید. این دومین کلیسایی است که توسط واتیکان مطرود شده و از فعالیت در راه امور خیریه‌ی زنان منع می‌شود، چون کلیسا محل عبادت و نماز و نیایش است و گدایی در آنجا مجاز نیست.

کمیته‌هایی که برای امور خیرخواهانه و کمک به زنان فقیر تاسیس شده، از زنان مجرد و بالای سی سال سن تشکیل شده است. وجه مشخصه‌ی زنان خیرخواه، پوشیدن لباس سیاه و روسری سفید است، آنان در شهرهای بلژیک،

فلاندرز ۱۳۷۵

انگلیس و فرانسه در منطقه بروژ (Bruges) موافقت کردند که جنگ متارکه شود و بر طبق آن تنها بندر کاله و کرانه بدون تاسیسات گاسکونی (Gascony) در اختیار انگلیس باقی بماند.

ایتالیا ۲۱ دسامبر ۱۳۷۵

بوکاچو (Boccacchio) شاعر و مولف کتاب دکامرون (Decameron) در شهر چرتالدو (Certaldo) در گذشت.

مکزیک ۱۳۷۶

آکاماپیچلی (Acamapitchli) به قدرت رسید و امپراتوری آزتک (Aztec) را پایه گذاری کرد. آزتک یکی از سلسله‌های پادشاهی مکزیک است.

رم ژانویه ۱۳۷۷

در هراس از دست دادن کنترل ایالت پاپ نشین، گریگوری نهم که از سال ۱۳۷۰ در مسند پاپ قرار داشت، آوینیون (Avignon) را رها کرد و دستگاه مذهبی کاتولیک را در شهر رم گسترش داد.

انگلیس ۲۱ ژوئن ۱۳۷۷

ادوارد سوم نوه خود ریچارد را که هنوز طفلی بیش نبود به جانشینی انتخاب کرد. در این حال قدرت اصلی در دست مجلس سلطنتی بود.

انگلستان ۱۳۷۸

ویلیام لانگ لند (William Langland) شاعر انگلیسی، کتابی به نام پی یرپلاومن (piers Plowman) درباره مسافرت روح در جستجوی رستگاری نگاشت.

آلمان ۱۳۷۸

با مرگ امپراتور شارل چهارم پسر وی به نام ونسس لاس (Wenceslas) جانشین امپراتور و فرمانروای بوهم شد.

رم ۸ آوریل ۱۳۷۸

اسقف اعظم شهر باری (Bari) با نام اوربان ششم به مقام پاپی انتخاب شد. گریگوری نهم هنگامی که آماده می‌شد به آوینیون مراجعت کند در روز ۲۷ مارس جان سپرد. کاردینالها تحت فشار مخالفان رومی موافق انتخاب شهروند ایتالیائی برای جانشینی پاپ نبودند.

ایتالیا ۲۰ سپتامبر ۱۳۷۸

در انتخاب روبرت اهل ژنو به عنوان پاپ کاردینالها ناراضی و مخالف این گزینش بودند. به طوری که تفرقه شدیدی بین کلیساهای کاتولیک ایجاد شد. روبرت نام خود را کلمنت هفتم گزارد.

فرانسه ۱۸ دسامبر ۱۳۷۸

شارل پنجم، جان چهارم پادشاه برتانی را متهم به خیانت کرده و اموال این دوک نشین را مصادره کرد.

اسپانیا ۳۰ مه ۱۳۷۹

هانری دوم پادشاه کاستیل و لئون پسر خود ژان را به جانشینی برگزید.

فلاندرز ۱۳۷۹

واگ (Wage) در شهرهای گنت (Ghent)- بروژ (Bruges) و ایپرس (Ypres) قیام کرد. لیکن این قیام در تمام شهرها به جزگنت، خاموش شد.

شمال فرانسه و آلمان زندگی می‌کنند و برای کمک و حمایت افراد فقیر به این کار مبادرت می‌کنند.

زنان عضو، برای آشنایی به امور فرهنگی و نوع دوستی، مدت یک سال بایستی به کارآموزی بپردازند و مدت شش سال هم در امور خیریه مشغول شوند، چون نمی‌توانند به مجرد آشنا شدن به کار، ان را رها کنند. مهم‌ترین کار انجمن، جمع‌اوری اعانه می‌باشد ، این خواهران مستقلاً خود به کار ترجمه‌ی کتاب انجیل می‌پردازند و برای پیشبرد اهداف مذهب کاتولیک و دستورات مذهبی انجمن‌هایی تشکیل می‌دهند و به ارشاد مردم می‌پردازند. یکی از اسقف‌ها چون تنبلی و بی‌عاری را دوست می‌داشت واز کار گریزان بود، کلیسای خود را رها کرد و به ولگردی و گدایی پرداخت و عقیده داشت چون خداوند بشر را آزاد آفریده، او به شغل نیاز ندارد و باید ازاد زندگی کند.

هنرمند چینی که به خوشنویسی می‌پرداخت، وفات یافت. (چین ، ۱۳۲۲):

هنرمند مشهور و خوشنویس چینی به نام شائومنگ فو (Zhao Meng fu) در سن ۶۸ سالگی بدرود حیات گفت. وی از خویشاوندان شائو (Zhao) موسس سلسله‌ی سونگ (Song) بود و هم‌چنان که در هنر چهره‌نگاری مشهور خاص و عام بود، در دربار قوبیلای قاآن، امپراتور مغول چین هم، صاحب مقام بود.

کارهای زائو بسیار جالب توجه بود و سبک هنر او غیر معمول و خط او هم شباهت تامی به نقاشی داشت، او در عین حال که فردی خوشنویس بود و این هنر را در چین رواج داد، معماری بود که خط را با نقاشی درآمیخت و سبک نوینی در خط به وجود آورد و در این کار فعالیت زیادی به خرج داد تا بتواند سبک سنتی و ملی قدیمی را دگرگون سازد. زائو برای نقاشی و خوشنویسی از رنگ‌های گوناگون بهره می‌برد تا به چشم بیننده خوشایند باشد و عقیده داشت که رنگ سیاه یک دست ملال آور است. برای این امر هم از قلم مو و بروس‌های بسیار ظریف استفاده می‌کرد، و هدف او تنها خوشنویسی بود نه ایجاد هیجان برای تماشاگر. از کارهای مشهور او ، یکی منظره‌ی رنگ‌های پاییز در کوه‌های کیائو (Qiao) و هوآ (Hua) که در سال ۱۲۹۶ به

وجود آورد، و دیگری ویلائی در رودخانه که در سال ۱۳۰۲ به تصویر کشیده شد.

سربازان مزدور سویسی در خدمت ارتش هابسبورگ (Habsburg) (سویس، ۱۵ نوامبر ۱۳۱۵):

لشگر کوچکی از سربازان مزدور سویسی با ارتش امپراتوری هابسبورگ به هم ملحق شده و در ساحل دریاچه‌ی زوگ (Zug) به سوی دره‌های اشویتز (Schwyz) و آنتروالدن (Unterwalden) جهت سرکوب قیام کشاورزان که در سرزمین سویس مرکزی واقع شده در حرکت هستند، این بخش جزئی از امپراتوری هابسبورگ این دره‌ها را جزو حقوق مالکانه خود می‌داند ولی هرگز آن را جزو سیاست رسمی خود قلمداد نکرده بود.

بخش‌های زیادی از سرزمین سویس، مرتبا استقلال و خودمختاری خود را اعلام می‌کنند، ساکنان این بخش‌ها اغلب در استحکامات کوهستانی و در پناه قلاع آن زندگی می‌کنند که راه ورود به آن‌ها بسیار دشوار است.

دامداران و رمه چرانان گله‌های خود را در این مراتع به چرا می‌برند و آن را جزو حقوق قانونی خود تلقی می‌کنند و اخیرا هم مردان مسلح به یک صومعه حمله کرده و تعدادی از راهبان را گروگان گرفته اند، در نتیجه نبرد با آن‌ها اجتناب ناپذیر شده است.

لئوپولد برادر فردریک پادشاه اتریش با اجرای نقشه‌یی دست به یک حمله‌ی دریایی از طریق دریاچه‌ی لوسرن (Lucerne)، زده و درصدد است که جاده آنتروالدن را مسدود کند و به اشویتز حمله‌ور شود. به هر حال او با این لشگرکشی دریایی و زمینی نمی‌تواند محاسبه کند که چه تعدادی در این جنگ کشته خواهند شد و به ویژه از سپاهیان خودی و هم چنین از فرماندهان در منطقه‌ی مورگارتن (Morgarten) چند نفر معدوم خواهند شد.

باران‌های سیل آسیا، باعث قحطی در انگلستان شده (انگلیس، ۱۳۱۶):

قحطی گریبان انگلیس را گرفته. اقتصاد کشاورزی در مناطق بیش‌تری از انگلیس بر اثر باران‌های سیل آسا که مدت‌هاست ادامه دارد، فلج شده و تمام محصولات زراعی و خرمن‌ها را سیل نابود کرده است. از هر ده نفر از اهالی، یکی به سوء تغذیه و بیماری گرفتار شده و هنوز هم باران در حال ریزش می‌باشد. در این سال‌های اخیر، تولید محصول بسیار کم شده و سختی و مشقت نه تنها در انگلیس، بلکه در سراسر اروپای شمالی فراگیر است و محصول ذرت که قوت لایموت مردم است به اندازه‌یی نقصان یافته که کفاف خوراک اهالی را نمی‌دهد. از پائیز سال ۱۳۱۴، باران و رطوبت تشدید شده و تا تابستان ۱۳۱۵ هم باران ادامه دارد.

در غرب انگلیس، این خرابی بیش‌تر به چشم می‌خورد. در صومعه‌ی بولتون (Bolton) سهمیه گندم هر نفر به یک پنجم تقلیل داده شده، تابستان امسال هم باران‌های بی‌سابقه‌یی در حال ریزش می‌باشد که مسلما موجب گرفتاری‌های بیش‌تری خواهد شد.

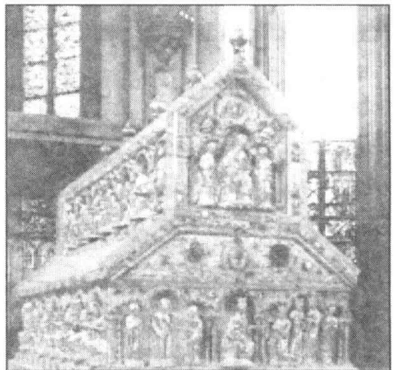
مقدار نمک محصولات زراعی دچار نقصان شده و به علت عدم تبخیر آب باز هم مقدار نمک کمتر می‌شود و چون نمک در غذای چارپایان کم شده، اغلب دام‌ها هم بدین سبب به بیماری دچار شده‌اند، در ایالت کلیپ استون (Clipstone) واقع در ناتینگهام شایر (Nothinghamshire) پنجاه درصد گوسفندان تلف شده اند.

وضع مالیات سنگین برحسب دستور مقامات دارایی دربار انگلیس موجب ترقی بهای گندم و نزاع بین ماموران دولت و اسکات‌ها شده و در حال حاضر بهای هر یک چهارم رطل گندم یا جو، ۲۶ شیلینگ و ۸ پنس می باشد که با تورمی ۸/۶ درصد مواجه هستند که این موضوع برای طبقات فقیر اجتماع تاثر انگیز است، چون آن‌ها قادر به پرداخت این مبالغ نیستند.

در برویک (Berwick)، سربازان گرسنه‌ی پادگان دست به شورش زده اند و در منطقه‌ی ساندویچ (Sandwich)، گروه‌هایی اقدام به حمله به کشتی‌های غله کرده و بار آن‌ها را غارت کرده‌اند.

پاپ کلمنت پنجم در مقر جدید خود آوین‌یون مستقر می‌شود. (فرانسه، نهم مارس ۱۳۰۹):

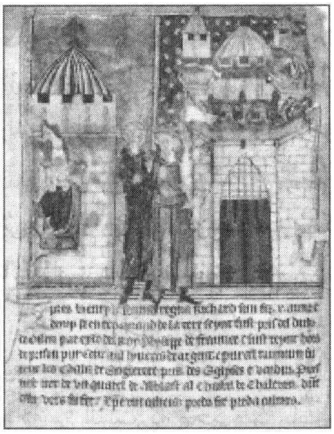
پاپ کلمنت پنجم، امروز وارد شهر آوین یون (Avignon) شد و در کلیسای کوچک دومی‌نیکن مسکن گزید. هر چند این صومعه‌ی کوچک مناسب دستگاه پاپ



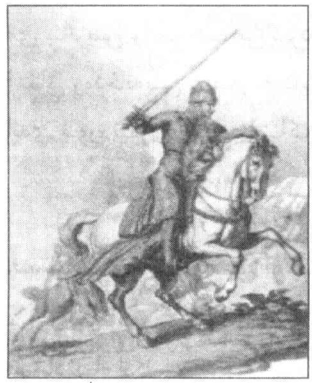
جعبه‌یی از طلا مزیّن به نقاشی‌های رنگین و بسیار زیبا از کلیسای بزرگ ماگی (Magi) در شهر کولون (Cologne). این جعبه ساخت یک استاد زرگر می‌باشد که به جای رنگ سبز از سنگ زمرد استفاده کرده و در سال ۱۱۶۴ به کلیسای شهر کولون منتقل شده و در مدت سلطنت سه پادشاه کار ساخت ان به درازا کشیده است.



هوشی (Hoshi)، راهب ژاپنی که معتقد بود که خداوند به صورت انسان ظاهر می‌شود.



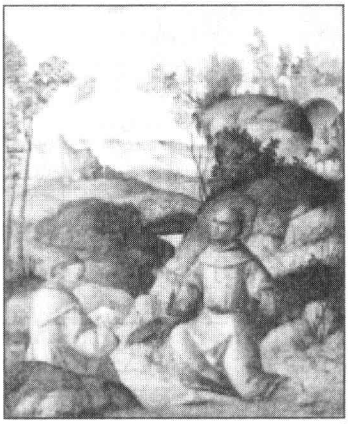
دو صحنه از زندگی ریچارد.



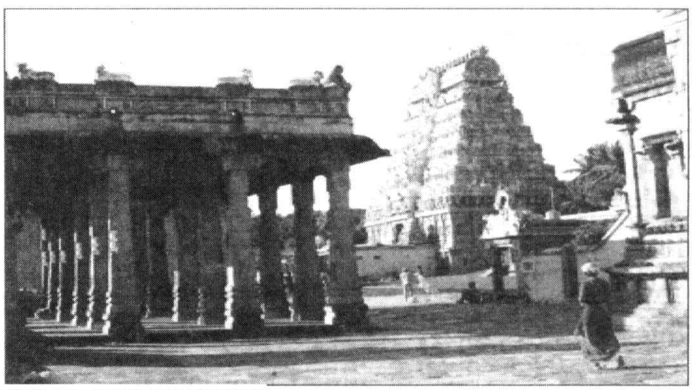
هنری دوم، پدر ریچارد.



آخرین تصویر پاپ به نام اینوسنت (Innocent).



آخرین تصویر از سن فرانسیس (St Francis) با زخم‌هایی که سیماداکونگلیانو (Cima da Conegliano) به وسیله‌ی فروبردن میخ در بدن وی به وجود آورده.



معبد چیدان بارام(chidanbaram) دروازه ورودی به شکل کندوی زنبور عسل



منظره‌یی از ورود افراد صلیبی به رهبری دلاکروآ (Delacroix) به اروشلیم.

نمی‌باشد، لیکن چون پاپ مدت کوتاهی در آن خواهد بود، ناگزیر باید تحمل کند، و از سوئی ساکنان این صومعه افتخار دارند که پاپ این محل را به قدوم خود مزین کرده است.

در این چهار سالی که کلمنت به این مقام رسیده، بیش‌ترین مدت را در فرانسه سپری کرده است و کمتر در ایتالیا اقامت داشته است.

یک حقوقدان مامور شده که مقدمات قرار داد آشتی بین فیلیپ خوبرو پادشاه فرانسه و پاپ را فراهم کند. فیلیپ هنوز هم در پی آنست که محکومیت پاپ بونیفاس هشتم را به اثبات برساند. کلمنت هم سعی می‌کند که درموضوع فیلیپ رسوخ کند و به بازداشت بونیفاس پایان داده و از وی رفع توقیف به عمل آورد، در حالی که فیلیپ در این اواخر به اینگونه فشارها و تضییقات خود افزوده و زائران اماکن مقدس را بیش‌تر تحت آزار و اذیت قرار می‌دهد.

منطقه‌ی آوینیون که بر سر راه شهر پاریس واقع شده، از نظر پاپ کلمنت، مکان بسیار مناسبی است و او می‌تواند زودتر نحوه‌ی سیاست خود را به گوش فیلیپ برساند. این منطقه از نظر بعد مسافت هم چندان دور از گاسکونی (Gascony) نیست و چون تعداد معابد و کلیساها در این ناحیه زیاد است، وی می‌تواند با اقامت در این‌جا که بر روی تپه واقع شده، از شر گرمای تابستان در امان بماند.

شاعری که در توصیف خداوند شعر می‌سرود، در تبعید و تنهایی درگذشت. (راونا (Ravenna)، ایتالیا، ۱۴ سپتامبر، ۱۳۲۱):

دانته آلیگری (Dante Alighieri)، شاعر ایتالیایی، امروز در کمال آرامش، جهان را ترک گفت. وی امسال، بیستمین سال تبعید خود را در دوری از موطن و زادگاه خود فلورانس، می‌گذرانید، او که بدون شک بزرگ‌ترین و مشهورترین شاعر ایتالیایی بود، زبان ایتالیایی را به اوج ترقی رسانید و با اشعار خود توانست زیبایی خاصی به آن ببخشد.

نخستین مجموعه‌ی شعری او که درباره معشوق خود بئاتریس (Beatrice) سروده بود را در سن سی سالگی منتشر کرد، بدبختانه بئاتریس در اواسط سن بیست و سی سالگی فوت کرد. این سروده‌ها به نام زندگانی تازه مشهور شد. در این اشعار وی زندگانیرا این چنین شرح می‌دهد که انسان‌ها تا ۹ سال پس از زایش آن چنان با محیط زندگی خو نگرفته و بایستی تحت سرپرستی اطرافیان خود باشند. از این به بعد سن دوست داشتن آغاز می‌شود و دختر و پسر با آشنایی با یکدیگر ازدواج می‌کنند وزندگانی جدیدی را شروع می‌کنند.

در اشعار و کتاب کمدی الهی وی، پیوسته این فکر به مغز خواننده رسوخ می‌کند که چه طور او در مسافرت دوره‌یی خود به جهنم و بهشت با هیچ زنی برخورد نمی‌کند و چگونه زنان در این اشعار نقشی ندارند و در تمام دوران یک هفته‌یی که به دیدار جهنم و بهشت می‌رود با هیچ زنی روبرو نمی‌شود.

کمدی الهی که در سال ۱۳۰۰ انتشار یافت، شاعر را به اوج شهرت رسانید. او در تمام سیر و سفرش به بهشت و دوزخ و برزخ، همواره سایه‌ی بئاتریس را مشاهده می‌کرد و خواننده را در این سفر به اعماق رودخانه‌یی از نور هدایت می‌کند که منظور از رودخانه‌ی نور، نوری است تابناک و پایان ناپذیر.

پادشاه انگلستان به دست همسر و عاشق او به قتل رسید. (انگلستان، ۲۱ سپتامبر ۱۳۲۷):

ادوارد (Edward) دوم، پادشاه انگلیس، که فردی ضعیف النفس و سست عنصر بود، در اوایل امسال، در قلعه‌ی برکلی (Berkeley)، واقع در گلوسسترشایر (Glocestershire) زندانی شد، او بدون این که از خود مقاومتی نشان دهد، خود را تسلیم کرد و امروز هم وی را به قتل رسانیدند، و پسر کم سن و سال وی را که هنوز قادر به امور کشورداری نیست، به عنوان ادوارد سوم در ماه ژانویه به سلطنت برداشتند. سرنوشت ادوارد هنگامی رقم زده شد که همسر او ایزابلا و معشوق وی راجر مارتیمر (Roger Mortimer) با تعدادی از مزدوران بیگانه به منطقه‌ی اسکس رفتند و از آنجا عازم لندن شدند. ایزابلا (Isabella) در اسکس (Essex) از سوی تعداد زیادی از بارون‌ها و اسقف‌های محلی حمایت می‌شد.

شاه به علت اسراف کاری‌ها و بذل و بخشش‌های بی‌مورد، سخت مورد تنفر بود و ادوارد سست عنصر برای این که مخالفانش را راضی نگاه دارد، به بعضی از آن‌ها زمین‌های زیادی بخشیده بود، با این وجود، پس از آن که رابرت بروس (Robert Bruce) را در اسکاتلند به قتل

آوینیون ۱۳۷۹

کلمنت هفتم در شهر آوینیون مستقر شد. پس از انتخاب هواداران ضد پاپی، دو نفر پاپ بر سر قدرت باقی ماندند. اوربان ششم در دور اول رای گیری برنده شد. مزدوران ایتالیایی با رای خود کلمنت برتون (Clement Bretons) را شکست دادند و کلمنت مجبور شد به شهر آوینیون برود.

ایتالیا ۱۳۸۰

ونیز توانست حریف مقاوم خود جنوا (Genoa) را در شوجا (Chioggia) شکست دهد.

فرانسه سوم نوامبر ۱۳۸۰

شارل ششم که به جانشینی پدرش شارل پنجم درآمده بود در ماه سپتامبر به عنوان پادشاه تاجگذاری کرد.

پاریس ۱۳۸۱

هانری آلمانی اهل لانگر اشتاین (Langerstein) به ریاست دانشگاه پاریس انتخاب شد و در راه از بین بردن تفرقه و جدائی مذهبی تلاشهای زیاد مبذول داشت. دلایل وی مورد قبول شارل ششم واقع نشد. او عقاید خود را علیه پاپ ادامه داد و سرانجام در زیر فشار هانری فرانسه را ترک کرد.

فلاندر مه ۱۳۸۲

در اجلاسیه کشیشان سیاه جامه (گروهی از کشیشان فرقه دومی نیکن که ردائی سیاه می‌پوشیدند و پیرو اصول درویشان بودند) اصول عقائد لولاردی (Lollardy) محکوم شد. آموزشهای جان وایکلیف (John Wyclif) درباره از بین بردن گام به گام رفض ورد عقاید کاتولیکی در دانشگاه آکسفورد، استقلال این دانشگاه را در معرض مخاطره قرار داد. وایکلیف روی عقاید خود پافشار می‌کرد. در نتیجه از آکسفورد اخراج شد.

فلاندر ۲۷ نوامبر ۱۳۸۲

نجبای فرانسوی تحت رهبری اولیویه دو کلیسون (Olivier de Clisson) شورش فلاندریها را در هم شکستند. فیلیپ فان آرته فلد در نبرد روزبک (Roosebeke) کشته شدند. شورشیان گنت با حمایت انگلیس به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

مصر ۱۳۸۲

سلسله ممالیک (Mameluke) بهریت (Bahrites) جایگزین بورژیت‌ها (Burjites) شدند.

پاریس ژانویه ۱۳۸۳

شورش میلوتین (Maillotin) که در سال گذشته آغاز شده بود با اخباری که از شکست شورشیان روزبک در فلاندر به آنها رسیده بود خود به خود از هم پاشید و رهبران آنها هم کشته شد.

فلاندر ۱۳۸۴

فیلیپ دوم (ملقب به بی باک) دوک بورگوندی و وارث فلاندر، مناطق مالین (Malines)، آنتورپ (Antwerp) و آرتوا (Artois) تصرف کرد و به سمت کنت فلاندر منصوب شد.

رسانید، این خصومت بیش‌تر شد. ایزابلا و مارتیمر از حمایت بی‌دریغ پارلمان و مردم برخوردار بودند. به ویژه آن که والتر رینولدز (Walter Reynolds) اسقف اعظم کانتربوری در یکی از موعظه‌هایش اظهار داشت: ندای مردم، ندای خداوند است. به این ترتیب اشخاص مست و غارتگر فضای شهر لندن را به هم ریختند و اغتشاش و بی‌نظمی شهر را فرا گرفت.

مردم فلاندر با حمایت انگلیس شورش کردند. (فلاندر، ۱۳۳۸):

پادشاه انگلستان که با وضع اقتصادی نامطلوب دست به گریبان بود، برای رفع این نقیصه با زیرکی و نیرنگ فلاندری‌های سرزمین فرانسه را بر علیه فرمانروایان خود تحریک کرد که قیام کنند. برای این منظور سپاهی از ثروتمندان و تهیدستان آزاد (غیر برده) ناحیه کنت به رهبری ژاکوب فان آرت ولد (Jacob van Artevelde)، شهر تورنایی (Tournai) را محاصره کردند و لویی ناوار (Louis Nevers) کنت فلاندر را که شهروند فرانسوی بود، از مقام خود برکنار کردند.

این قیام هنگامی آغاز شد که ادوارد سوم پادشاه انگلیس، قیمت محصول پشم را بالا برد و برای صادرات آن به فرانسه محدودیت‌هایی قایل شد. در نتیجه نساجان فلاندری به وضع بدی دچار شدند و بسیاری از آنان گرسته ماندند.

باید این موضوع را هم به خاطر داشت که در ده سال پیش، گروه‌هایی از روستائیان انگلیسی توسط شوالیه‌های فرانسوی قتل عام شدند و رهبر آن‌ها را با وضع وحشتناکی به قتل رساندند، این امر در تعقیب این جریان به وقوع پیوست. ادوارد با جمع‌آوری کارگران و دست‌اندر کاران نساج در زیر یک پرچم، سخت تحت تاثیر سخنان شیوا و بلیغ فان آرتولد (Van Artevelde) قرار گرفتند و از فرصت به دست آمده بهره بردندو همگان را به اعتصاب و جنگ تحریک کردند. در این جنگ لوئی ناوار برکنار شد و فیلیپ که یکی از دست پروردگان و هم پیمانان ادوارد سوم بود، جانشین وی شد. نبرد پایان یافت و فلاندری‌ها هم به اهداف خود رسیدند.

فرمانروای هندی، مردم را قربانی شلیک توپ کرد. (دهلی، ۱۳۲۷):

همه‌ی ساکنان شهر دهلی بر اثر فشارهای ظالمانه‌ی فرمانروای شهر و تهدیدات و هراس، خانه و کاشانه‌ی خود را ترک کرده و فرار کردند. بر اثر این حمله و صدای توپ، مردم از ترس توقلغ (Tughluq) حاکم، شهر را رها کرده بودند، خیابان‌ها خلوت شد و سکوت آن را فرا گرفت، در این موقع، توقلغ به صدا درآمد و گفت اینک قلبم آرام گرفت و احساس آرامش می‌کنم، چون آن‌ها خیال شورش برضد من را داشتند.

مردمان بخت برگشته‌ی شهر به دولت‌آباد، پایتخت جدید امپراتوری که در ۸۰۰ کیلومتری شهر دهلی قرار داشت، گریختند. تنها دو نفر از ساکنان شهر با امپراتور از در دوستی درآمدند، که یکی از آن‌ها اعور(یک چشمی) و دیگری لنگ بود. حاکم شهر با ارتکاب این عمل، شهر را به آتش کشید تعدادی را کشت و خود بدین وسیله به پرتگاه نزدیک شد.

جوتو، نقاش آزاده، در گذشت. (فلورانس، هشتم ژانویه ۱۳۳۷):

جوتو (Giotto)، هنرمند و نقاشی که بالاتر از زمان خود و در اصالت فکر و عقیده هم پایه‌ی دانته و پیترآرک (Peterarch) بود، در سن هفتاد سالگی و در حالی که تازه ساختن برج کاتدرال را آغاز کرده بود، دار فانی را واع گفت. این معمار و نقاش مشهور سه سال پیش از شهر ناپل به فورانس مراجعت کرده و پیش از آن هم در کارهای ساختمانی روبرت پادشاه ناپل شرکت داشت.

او در جوانی و سنین کم، حجاری و کتیبه نویسی را آغاز کرد و مدتی از عمر خود را در ساخت و ساز کلیسای سنت فرانسیس در آسیسی (Assisi) گذرانید. لیکن شاهکار او در نقاشی‌های دیوارهای داخلی معبد آرنا (Arena)، واقع در شهر پادوآ (Padua) متبلور می‌شود که آمیزه‌یی از سبک رئالیست و دراماتیک است.

این نقاشی‌ها که شامل تصاویری از قدیسین و افراد مشهور است، مهارت هنری وی را به خوبی آشکار می‌سازد. او در صحنه‌ی شلوغ تصاویری که به وجود آورده، نقش‌هایی از پادشاهان و زینت‌آلات آن‌ها، نمایش‌هایی از زندگانی طبیعی بشر و روستا و انواع جانوران و پرندگان با رنگ‌های روشن و درخشان در زمینه‌یی با رنگ آبی آسمانی را به نظر بیننده می‌نمایاند و جلوه‌های هنری خود را مجسم می‌کند.

هنرپیشگان، اربابان ستم پیشه‌ی مغول را استهزا می‌کنند. (چین شمالی، ۱۳۳۰):

زمانی که مغولان با حملات پیاپی خود بر چین غلبه کردند و قوبیلای قاآن سلسله‌ی پادشاهی یوآن را در سال ۱۲۷۹ تشکیل داد، آن‌ها با ایجاد ترس و وحشت سلطه‌ی خود را در کشور گسترش دادند. از سویی آنان در این جوّی که به وجود آوردند، به آموزش آئین کنفوسیوس همراه با نوعی کیش تخیلی و تصوری کردند که روشی نو در این آئین به شمار می‌رفت. نویسندگان و شعر رشد کرد و موسیقی هم بخشی از ندگی مردم را تشکیل می‌داد.

هنرپیشگان مرد و زن با تقلید از نمایشات صامت، بینندگان را جذب می‌کردند و آواز و رقص با ترنم آلات موسیقی رواج داشت و همراه با آن آوازهای محلی هم اجرا می‌شد. شاید د رحدود ۱۰۰ نمایش از پادشاهان یوآن با شرکت صدها هنرپیشه در صحنه بازی می‌کردند و در شهر دادو (Dadu) (بیجینگ) که پایتخت مغولان بود اینگونه بازی‌ها بیش‌تر به روی سن می‌آمد. بیش‌تر این نمایشات حالت هجو و مسخره داشت و هنرمندان حکومت مغولان و ستمگری آنان را مورد تمسخر و استهزا قرار می‌دادندو خشونت آن‌ها را برملا می‌ساختند.

هنرپیشگان هم چنین حالات غیر طبیعی آن‌ها را در عشق بازی توام با خشونت به نمایش درمی‌آوردند و جنبه‌های غیرعادی آن‌ها را نشان می‌دادند.

هنرپیشگان مرد و زن، در هنگام خواندن سرود، با یکدیگر بحث می‌کردند و از روزگار شکوه و شکایت می‌کردند و این گفتگوها در تمام مدت نمایش ادامه داشت. آن‌ها اجازه داشتند که تمام مشخصات غیر طبیعی فرمانروایان را معرفی کنند و در تمام موارد انتقادات خود را به صورت طنز و هزل بیان نمایند.

پادشاه مالی به زیارت مکه رفت. (تیمبوکتو، افریقا، ۱۳۲۵):

هلند ۱۳۸۴

گرارد گروت (GerardGroote) منعقد کننده پیمان برترین (Brethren) از بیماری طاعون به هلاکت رسید. این معاهده نامه برای تمام اعضای آن اعتبار داشت که در تمام مدت عمر تحت قانون واحدی زندگی کنندو برای تحصیل و کسب معاش در دوران زندگی از معاضدت و همکاری یکدیگر برخوردار شوند.

انگلیس ۳۱ دسامبر ۱۳۸۴

جان وایکلیف در منطقه لوترورث (Luter Worth) جان سپرد. این ناحیه جائی بود که جان زمان بازنشستگی و پس از اخراج از داشنگاه آکسفورد، زندگی خود را در آن می‌گذرانید.

ایتالیا ۱۳۸۵

جان گالیتزو ویسکونتی (Gican Galeazzo Visconti) که جانشین پدرش به عنوان دیکتاتور پاویا (Pavia) از سال ۱۳۷۸ منصوب شده بود، بر اثر حیله و نیرنگ عمویش برنابو (Bernabo) که فرماندار میلان بود دستگیر شد. برنابو و پدر جان به الحاق سرزمین‌های ویستکونتی به یکدیگر این سرزمینها را بین خود تقسیم کردند.

بالکان ۱۳۸۵

سلطان مراد عثمانی شهر صوفیه (Sofia) را تصرف کرد.

بالکان ۱۳۸۶

با تسخیر شهر سالونیک به وسیله سلطان مراد عثمانی امپراتور بیزانتین، اینک تمام سرزمین بیزانس به جز شهر میسترا (Mistra) و سرزمین کوچکی که در اطراف قسطنطنیه بود به دست سلاطین عثمانی افتاد.

اروپای مرکزی ۱۳۸۶

حکومت کنفدراسیون سویس، لئوپولد (Leopold) سوم پادشاه هابسبورگ دوک اتریش را در ناحیه سمپاچ (Sempach) شکست دادو لئوپولد در این نبرد کشته شد. واربروک (War broke) در اواخر سال گشته لئوپولد را تحریک کرد که با نیروی خود قدرت را در اسوابیا (Swabia) به چنگ آورد.

خاور نزدیک ۱۳۸۷

تاتارها (Tatar) بر تیمورلنگ (Tamerlane) غلبه کرده و اصفهان و شیراز را تصرف و به ارمنستان (Armenia) و گرجستان (Georgia) یورش بردند.

انگلستان ۱۳۸۸

یک گروه از مخالفان حکومت اشرافی به هواخواهان و دوستان ریچارد دوم حمله کردند، لیکن ۸ نفر کشته از خود برجای گذاشتند و مابقی تبعید شدند.

اروپای مرکزی اول آوریل ۱۳۸۹

آلبرت شاه اتریش با امضای پیمان زوریخ فتوحات اخیر حکومت سویس را به رسمیت شناخت، و به آن دولت اجازه داد که تمام سرزمینهای متصرفی را که در اختیار دارد کماکان حفظ کند.

مانزاموسا (Mansa Musa)، پادشاه مالی، با نوه‌ی خود که از بزرگان شهر سونیاتاکیتا (Suniata Keita) محسوب می‌شد، پس از زیارت مکه به تیمبوکتو بازگشتند. وی با این کار که هر ساله انجام می‌داد، بزرگ‌ترین اسراف و ولخرجی را می‌کرد. او صد بار شتر طلا برای هزینه همراه می‌برد، حدود ۵۰۰ نفر برده در خدمت او بودند و تعداد پانزده هزار نفر سوار هم او را همراهی می‌کردند. به طوری که بذل و بخشش او در این سفر موجب تورم در کشور مصر می‌شد. در اروپا گفته می‌شد که مظنه و بهای طلا بستگی به تصمیم پادشاه مالی دارد.

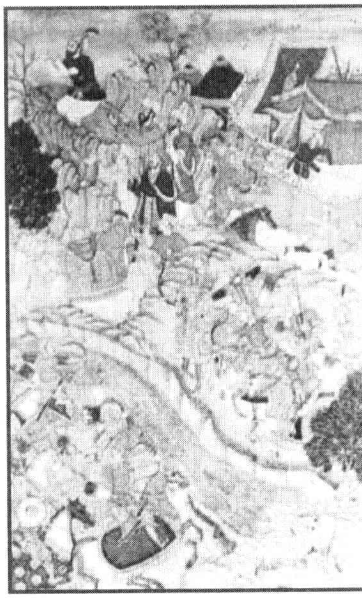
اغلب فرمانروایان کشورهای مسلمان برای حفظ حیثیت و پیشبرد اهداف سیاسی، حداقل یک بار به سفر حج می‌رفتند. مانزاموسا حج را برای نشان دادن موقعیت خود انجام می‌داد و از این نظر مورد انتقاد و عیب جویی منتقدان بود، چون که از نظر سیاسی وضع خوبی نداشت.

هنگامی که ملک النصران، مملوک مصر به حضور او بازیافت و زمین را بوسه زد، موزا وی را از این کار منع کرد و به او گفت تنها خالق زمین قابل پرستش و سزاوار بوسه می‌باشد. او هنگامی که به شهر گائو (Gao) رسید، معمار سلطنتی را فرا خواند، این معمار اصلا اسپانیولی، و آساهالی (Assahali) نام داشت، شاه به او گفت که مسجد جدیدی در شهر تیمبوکتو از محل صادرات طلا بنا کند و هم چنین در صحرا انباری جهت ذخایر طلا بسازد. در عین حال دانشگاهی برای مسلمانان سراسر دنیا که طالب علم هستند بنا کند که دانش پژوهان اسلامی از اطراف و اکناف جهان در آنجا به مطالعه بپردازند.

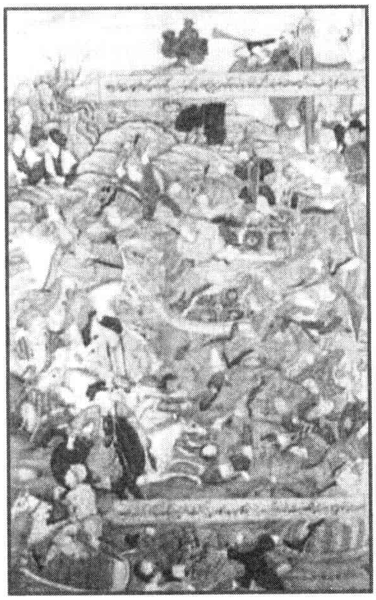
صوفی خداشناسی که ملحد خوانده شده بود، وفات یافت. (فرانسه، مارس ۱۳۲۷):

میستر اکهارت (Meister Eckhart) که منتسب به فرقه مخفی دومی نیکن آلمانی بود، در آوینیون فوت شد. وی در ماه آخر عمر خود به وسیله‌ی پاپ احضار شد و رودروی پاپ قرار گرفت و عقاید پنهانی خود را بیان داشت. پاپ در ۲۸ مورد عقاید و نظریات وی را خدعه آمیز و نیرنگ آفرین تلقی کرد.

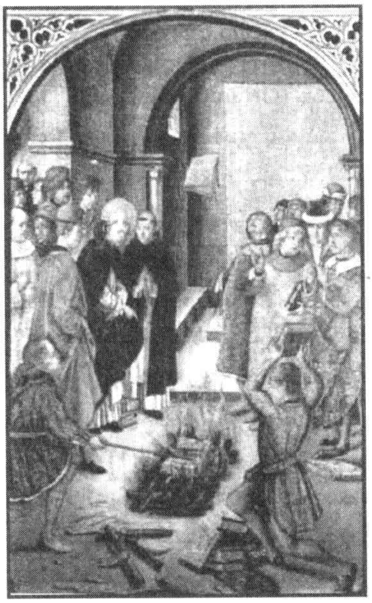
اکهارت عقیده داشت که خداوند قادر است در روح بشر نور هدایت و پرستش و تقدیس بیافریند. برای نیل به عالم



چنگیز مغول، خورشید را می‌پرستد.



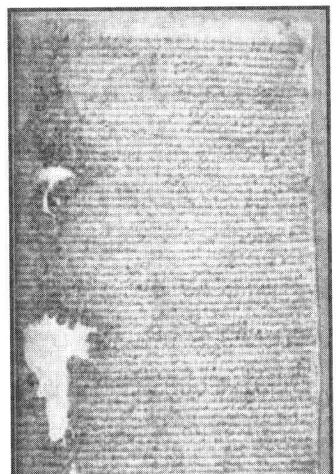
چنگیز و سپاهیان وی در حال نبرد.



پیروان دومی نیک (Dominic) به آتش‌سوزی کتاب‌های ضاله می‌نگرند.



آخرین تصویر از واقعه‌ی صلیبیون آلبی ژنزیان (Albigensian).



اعلامیه‌ی ماگناکارتا (Magna Carta) درباره‌ی آزادی.



طرح یوگاکارا (Yogacara) برای آموزش خوشنویسی خط ژاپنی.

علوی و کمال انسانی و وصول به حق، ضمیر و باطن فرد باید صاف و روشن باشد تا نور خداوندی در آن حلول کند، اگر به آن درجه رسید، همه چیز از آن تو خواهد بود و به چیزی دیگر نیاز نخواهی داشت و اگر به آن مقام نرسیدی، فاقد همه چیزی و نیازهایت پایان ناپذیر است، پس تا می‌توانی در راه خداوندی بکوش و خداوند را تقدیس کن. این کار حرص و آز بشر را از بین خواهد برد و بر آرزوهایش چیره خواهد شد. این باورهای او سبب شد که از کشیشان و راهبان دیگر جدا شود و فقر و قناعت را پیشه کند و از مال دنیا و حرص ورزی احتراز کند.

او هم چنین آداب دینی خود را به نحو اکمل انجام می‌داد و عقیده داشت که لازمه‌ی وصول به پیشگاه خداوندی، عبادت فردی است و نیایش شخصی انسان را به خداوند نزدیک خواهد کرد. با این اوصاف ذکر شده، اکهارت همواره مورد تهدید قدرت کلیسا قرار داشت، چون او کلیسا را به هیچ می‌شمرد.

سوگواری مسلمین در غم از دست دادن شاعر صوفی مسلک هندی (دهلی، ۱۳۲۵):

امیر خسرو مشهور به طوطی هندی در سن ۹۵ سالگی وفات یافت. این شاعر و نویسنده و مصنف بزرگ در زمان شش نفر از پادشاهان دهلی حیات داشت و پس از مرگش او را در مقبره‌ی صوفی بزرگ کیشتی (Chishti) نظام الدین اولیا، که استاد وی محسوب می‌شد، دفن کردند.

امیر خسرو نخستین هنرمندی است که دین اسلام را در هندوستان رواج داد و توانست فرهنگ هندی و صوفیه را در هند تلفیق دهد. اشعار و صدای او بسیار جنبه‌ی مردمی داشت و آنان را به هیجان درمی‌آورد.

امیر خسرو دهلوی نبوغ خود را درزبان پارسی با نوشتن لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و سایر مکتوباتش نشان داد. امیرخسرو در راه پیشبرد اهداف صوفیه فداکاری های زیاد کرد و روحیه‌ی تازه‌یی به آن بخشید. وی با سه تاری که خود ساخته بود، آهنگ‌هایی می‌نواخت که حالت خلسه و جذبه در انسان ایجاد می‌کرد، اشعار او هم در ستایش خداوند بود، او بدین ترتیب افکار تصوف را در مردم ترویج کرد.

راهبان مبارز را با نیزه‌های ۱/۵ متری هدف قرار دادند. (ژاپن، ۱۳۳۳):

آسیای صغیر ۱۶ سپتامبر ۱۳۸۹

سلطان بایزید ایلدروم (BayezidYilderim) جانشین پدرش سلطان مراد عثمانی شد.

روسیه ۱۳۸۹

دیمیتری دونسکی (Dmitri Donsky) پسر خود را به نام واسیلی (Vasily) جانشین و رهبر روسیه قرا رداد. با کینه‌یی که دیمیتری از تصرف سرزمین روسیه توسط مغولها داشت، چون از سال ۱۳۸۰ سرزمینهائی را در اختیار داشتند. که هنوز آزاد نشده بود با این وصف توقتمیش (Tugtamish) اردوی طلائی را به فرمان تیمور لنگ برای تصرف شهر مسکو و به زیر یوغ درآوردن مجدد اهالی آن اعزام داشت.

ژاپن ۱۳۹۲

سرزمین‌های شمالی و جنوب کشور که از هم جدا بود به هم ملحق شدند.

منطقه دریای بالتیک ۱۳۹۲

هانس (Hanse) حقوق بازرگانی شهر نووگراد (Novogorod) را که مدت ۴ سال لغو شده بود. برقرار کرد و بازرگانان توانستند معاملات خود را انجام دهند. همزمان کالاهای تجار هم که مشمول توقیف بود آزاد شد و شهرهای فلاندر توانستند کالاهای خود را صادر کنند. این امر مدیون اقدامات فیلیپ مشهور به بی‌باک بود که امتیازات زمان هانس (Hanse) را بار دیگر برقرار کرد.

فرانسه ۵ اوت ۱۳۹۲

شارل ششم پادشاه فرانسه برای بار دوم به حملات وحشیانه‌یی دست زد.

بغداد ۱۳۹۳

لشگریان تیمور (Tamerlane) بغداد را متصرف شدند.

آسیای صغیر ۱۳۹۳

بایزید عثمانی حکومت‌های کوچک آسیای صغیر را از بین برد و سلسله عثمانی را به یک قدرت بزرگ تبدیل کرد و راه را برای یورش به اروپا و تصرف آن صاف و هموار ساخت.

بلغارستان ۱۳۹۳

بایزید بلغارستان را ضمیمه قلمرو خود کرد.

اتریش ۱۳۹۴

فرماندار هابسبورگ دوک اتریش قرار داد ترک مخاصمه بیست ساله را با کنفدراسیون سویس که شامل ۸ ناحیه به نامهای اوری (Uri)- اشویتز(Schwyz)- آنتروالدن (Unterwalden)- گلاروس (Glarus)- زوگ (Zug)- برن (Berne)-زوریخ (Zurich) و لوسرن (Lucerne) می‌باشند امضا کرد.

فلورانس ۱۳۹۴

مزدوران انگلیسی به سرپرستی جان هاوک وود (John Hawkwood) با فشار حساب شده و با سیاستی که قبلا به شمال ایتالیا تجاوز کرده بودند به منطقه یورش بردند. لیکن هاک وود در همان اوان درگذشت و در قبرستان کاتدرال (کلیسای بزرگ) در گور باشکوهی دفن شد.

شورشـیان روکوهـارا (Rokuhara) انریـاکوجی (Enryakuji) را مـورد شـکنجه قـرار داده و بـه هلاکـت رساندند. مردان روکوهارا این راهب را بـه اتهـام کمـک بـه نیروهای سلطنتی به قتل رساندند و به سرعت به کوهـستان گریختند.

به هر ترتیب سران شورشـی پـس از شناسـایی راهبـان، مخفیانه از اسب‌های خود پیاده شده و با تیراندازی و پرتـاب نیزه‌های بلند به سوی آنان، به سرعت صحنه را ترک کردند.

تیرانـدازان شورشـی قـبلا محـل سـکونت راهبـان را شناسایی کردند و بر طبق نقشه‌ی ازپیش تعیین شده، محـل را محاصره و اشغال کردند. هنگامی که نیروهای شورشی به منطقه رسیدند، معبدی را که راهبان در آن مقیم بودند و بـه نام خانه‌ی ابدی نامیده مـی‌شـد، دور زدنـد و تمـام راه‌هـای خروجی را بستند، در نتیجه وقتیکـه راهبـان بـرای خـروج از معبد، در حالی که زره بر تن داشتند، در محاصـره‌ی دشـمن قرار گرفتند، در اثر تیراندازی، همه‌ی آنان هلاک شدند.

لازم به ذکر است چون همه‌ی راهبان در پنـاه سـپرهای خود قرار گرفته بودند، هـدف تیـر واقـع نمـی‌شـدند، لـیکن هنگامی که یکی از مبارزان با نیزه‌های بلنـد ۱/۵ متـری بـه آنان ملحق شدند، شورشیان با این نیزه آنـان را هـدف قـرار دادند و در نتیجه صفوف آن‌ها شکسته شد و همگی طعمه‌ی این نیزه‌های طویل شده و از پا در آمدند.

یک متفکر اهل اوکـام بـا سـخنان قـصار و نغـز، همگـان را بـه تفکـر وا مـی داشـت. (انگلـیس، ۱۳۳۰):

ویلیام اوکام (William Occam) یکی از دانـشمندان و فیلسوفان که همواره با بحث و استدلال خود، مـردم را بـه تفکر و اندیشه وادار می‌کرد، نظریه‌ی ساده‌یی بیان داشت که از بُعد علمی بسیار قابل ملاحظه بود.

قانون اقتصادی اوکام (که بهتر است آن را قیچی اوکـام نامید) این چنین بیان می‌دارد: هستی برپایه‌ی چنـد گـونگی قرار نگرفته و نیاز به انواع ندارد. اوکام می‌گوید: اگـر از یـک منجم و ستاره شناس سؤال کنید که در آسمان چه می‌گذرد، وی به اختصار جواب خواهد داد، ستاره‌ها اجسامی هستند که تحت نظارت و قوانینی ثابت در حـول محـوری در نوسـان و گردش هستند و این جواب حالت معما نـدارد و بـه سـادگی می‌توان آن را درک کرد. آنچه کـه اتفـاق مـی‌افتـد از نظـر فلسفی، موضوع پیچیده و جدیدی نیست.

دورانـد دوسـنت پورکـاین (Durand de saint-Purcain) فرانسوی که دانشمندی الهی بود، مـسائل غیـر اصولی و غیر ضروری را رها کرد و بـه پایـه و اساس علـم پرداخت. اما اوکام با کمال جسارت و گستاخی به مثابه کسی که پشم گوسـفند را مـی چینـد، بـا مقـراض تمـام زوائـد و انحرافات فکری را به دور انداخت و بدین وسـیله بـه کمـال اطمینان نظریه‌های خود را بیان داشت و به اعتبار علم افزود و هم چنین به گسترش آن همت گماشت.

ایوان، مغول‌ها را با پول راضی مـی‌کنـد. (مـسکو، ۱۳۴۰):

کالیتـا (Kalita) بـه انبـان پـول مـشهور بـود. ایـوان، شاهزاده‌ی حیله‌گر مسکو، در منطقه‌ی ایوان دانیلویچ (Ivan Danilovitch) متولد، و در یک سال پیش به میل خود باز نشسته شد. او در سن ۳۶ سالگی با مرگ خـود بـه سیاسـت ماهرانه‌ی خود پایان داد و در ضمن، اربابـان مغـول بـر روی ثروت روستاها چنـگ انداختنـد. و روس‌هـا هـم غیبـت او را مغتنم شمردند.

طوایف روس که دچار پراکنـدگی بودنـد و هـر یـک از سران آن‌ها بر منطقه‌یی حکومت می‌کرد، به مغول‌هـا خـراج می‌دادند. در۱۲ سال قبل که مردم از ستمگری‌های مغـولان بـه جـان آمـده بودنـد، تحـت رهبـری آلکـساندر تـه‌ور (Alexander Tver) و بـا همیـاری ایـوان قیـام کردنـدو قدرت آن‌ها را در هم شکستند. مدت سه سال آلکساندر خود به جمع آوری خراج و مالیـات از سراسـر روسـیه پرداخـت و دست مغولان را از این امر کوتاه کرد و در ضمن چند درصد هم خودش به آن اضافه کرده و به مغول‌ها می‌پرداخـت. بـا انجام این امر اکثریت مردم چون با مغولان رودررو نبودنـد و مورد تهدید آنان واقع نمی‌شـدند، راضـی بودنـد و در ضـمن کیسه‌ی مغول‌ها هم پر پول می‌شد. با وجود این، در ناحیه‌ی روستوف (Rostov) مغول‌ها دست به غـارت امـوال مـردم زدند. با مرگ کالیتا، پـسرش بـه نـام سیمون (Simeon) جانشین وی گـشت و مـسکو تحـت فرمـان وی مـستقل و خودمختار شد و سیاست میانه روی در پیش گرفت.

سلطان با عقد ازدواج، تمام قدرت را قبضه کرد. (کنستا نتینوپول ، ۱۳۴۱):

عثمان، سرسلسله‌ی دودمان عثمانیان، اخیرا با ازدواج زیرکانه و سیاسی خود به تدریج توانست تمام مناطق شرقی جزایر اژه (Aegean) را تصاحب و قدرت امپراتوری را در آنجا برقرار کند، این زناشویی، اقتدار پادشاه عثمانی را چند برابر کرد.

اساس و پایه‌ی سیاست اورخان (Orkhan) بر این قرار داشت که تا حد امکان سیاست خود را زیرکانه و بدون جنگ و خونریزی به پیش برد. وی سیاست سرکوب اروپا را با زناشویی با دو دختر از خاندان سلطنتی بیزانتین آغاز کرد. در سال گذشته، عثمان با خواستگاری و ازدواج با تئودورا (Theodora) دختر ژان کانتا کوزن (Cantacuzene)، امپراتور بیزانتین، در قبال کمکی که عثمان به وی کرده وبا اعزام یک نیروی شش هزار نفری در سرکوبی شورش، وی را نجات داده بود، پیوند خود را با او مستحکم کرد. امسال هم عثمان، هلن (Helen) خواهر خوانده‌ی ژان پالئولوگوس (John Palaeologus) یکی دیگر از خاندان سلطنتی را به زنی گرفت و با این وصلت توانست در بطن خانواده‌ی سلطنتی بیزانس رسوخ کند و دوستی را جایگزین خصومت کند.

نقاشی‌های دیواری در ایتالیا، اجرای سیاست خوب یا بد دولت‌ها رانشان می‌دهد. (سی یه نا، ایتالیا، ۱۳۴۱):

آمبروجو لورنزتی (Ambrogio Lorenzetti)، هنرمند نقاش ایتالیایی، با نقش‌های زیبا و پرشکوه خود بر روی دیوار، تمام ریزه کاریهای سیاست پالاتزوپوبلیکو (Palazzo Pubblico) شهردار را در اداره‌ی شهر، در معرض دید و قضاوت عمومی قرار می‌دهد. این کنایه‌یی از روش حکومت‌های مردمی و غیر مردمی است که نقاش آن را به تصویر کشیده و آن را به نحو گویایی درآورده و بدین وسیله مخالفت مردم را با حاکمیت غیرمردمی می‌نمایاند. لورنزتی، فرمانروایان بیزانتین را که در گذشته ملت را به هیچ می‌شمردند، مورد انتقاد قرار داده است.

بخشی از نقاشی به این موضوع اشاره می‌کند که حاکمان مردمی و پیرو قانون، راهنمای ملت هستند و ملتی

آوینیون (Avignon) ۱۳۹۴

بندیکت سیزدهم به جانشینی پاپ کلمنت هفتم انتخاب شد.

فرانسه ۱۵ ژوئیه ۱۳۹۴

شارل ششم در فرمانی اعلام کرد که تمام یهودیان بایستی از فرانسه اخراج شوند.

آسیای مرکزی ۱۳۹۵

قوای نظامی تیمور آستراخان (Astrakhan) را به ویرانی کشاندند.

ایتالیا ۱۳۹۵

جان گالیتزو ویسکونتی (Gian Galeazzo Visconti) لقب دوک شهر میلان را که حالت شاهزاده نشین داشت از ونچسلاس (Venceslas) شاه خریداری کرد.

اسکاندیناوی ۲۰ ژوئن ۱۳۹۷

اتحادیه کالمار (kalmar) که شامل سرزمینهای دانمارک- سوئد و نروژ بود به زیر فرمان یک پادشاه درآمد.

فلورانس ۱۳۹۷

جووانی دومدیچی (Giovanni de Medici) بانک مدیچی (Medici) را تاسیس کرد.

پاریس ۱۳۹۸

تلاشهای اخیر برای رفع جدائی بین دو پاپ و کدورت آنها به بن بست رسید و دانشگاه پاریس هم پادشاه فرانسه و روحانیان (کشیشان) را از اطاعت بندیکت (Benedict) سیزدهم بازداشت و در نتیجه درآمد وی از محل اعانات مردم به مقدار قابل ملاحظه‌ی کاهش یافت و پاپ از این درآمد محروم گردید.

هندوستان ۱۳۹۸

تیموریان (Tamerlane) هند را مورد حمله قرار دادند و شهر دهلی را غارت کردند.

انگلستان ۲۹ سپتامبر ۱۳۹۹

ریچارد دوم از سلطنت برکنار شد و هنری دوک لانکاستر (Lancaster) به نام هنری چهارم به پادشاهی انگلیس رسید. هنری پسر عموی شاه سابق می‌باشد.

قسطنطنیه ۱۳۹۹

ژآن دوم از اهالی بوسیکو (Boucicaut) که سمت مارشالی در ارتش فرانسه را داشت برعلیه عثمانیان به کنستانتینوپول حمله‌ور شد. مانوئل (Manuel) دوم امپراتور بیزانس هم برای دریافت کمک بیشتر به غرب رفت. در غیاب امپراتور ژان هفتم برادرزاده وی به عنوان معاون، امور کشور را در دست گرفت.

خاور نزدیک ۱۴۰۰

تیموریان بندر سیواس (Sivas) را از عثمانیان باز ستاندند و سوریه را دستخوش تاراج کردند.

ایتالیا ۱۴۰۰

جان گالیتزو ویسکونتی شهرهای پروجا (Perugia)- آسیسی (Assisi) و اسپولتو (Spoleto) را تصرف کرد.

که از فرمانروایان خود راضی است همه به تولید و صنعت می‌پردازد و هم چون اهالی شهر سینه‌نا (Siena) تاجر و دهقان روستائی، هر یک در پی کار روزانه خواهند بود و در محیط امن شهر و دیار خود، در آسایش و راحتی خواهند زیست و حتی یک زن برهنه مسیحی در هراس و ترس نخواهد بود و حاکم و قاضی به عنوان پدر مردم می‌باشد و در شغل خود همیشه مروت و انصاف را در نظر خواهد گرفت و این چنین شهروندانی از سران خود رضایت خواهند داشت و شکایات خود را به راحتی به گوش آن‌ها خواهند رسانید. هم چنین افراد با روحیه‌ی مناسب و روی گشاده به کار پرداخته، نساج، کشاورز و کاسب و صنعت‌گر، مصنوع خوب ارائه خواهند داد و استعدادهای آنان پرورش خواهد کرد.

از سوی دیگر، حاکمان بدکاره همواره به اذیت و آزار شهروندان می‌پردازند. مسبب آبروریزی، فقر و فلاکت و مرگ افراد خواهند شد، در حالی که ثروت عمومی را هم بر باد می‌دهند. تمام این مطلب را هنرمند نقاش در قالب تصویر ارائه کرده است.

پاپ کاخ ساده را ترجیح می‌دهد و درباره‌ی هزینه‌ی آن سخت گیری می کند. (فرانسه، دسامبر ۱۳۴۲):

کاخ محل اقامت پاپ جدید، نزدیک به پایان می‌باشد. گرچه این کاخ دارای یک شبستان است که به شکل پروانه‌ی چهاربال می‌باشد، لیکن در ساخت آن هیچ گونه اسراف و ولخرجی صورت نگرفته است. فضای این کاخ شباهت تامی به یک صومعه‌ی ساده دارد که به شدت صرفه‌جویی در آن ملحوظ گردیده. این محل برخلاف قصر باشکوهی است که کاردینال‌ها در ساحل رود رون (Rhone) و درست در خارج شهر ساخته‌اند.

سبک بنای این کلیسا برحسب دستور پاپ بونیفاس دوازدهم است که زمانی در برج بلند پاپ‌ها می‌زیست و وی همیشه در این فکر بود که آنجا را ترک کند و حساسیت خاصی نسبت به آنجا احساس می‌کرد.

مدت سی سال بود که پاپ‌ها در آنجا استقرار داشتند و این برای نخستین بار است که بونیفاس آنجا را ترک می‌کند هر یک از پاپ‌ها در رقابت با پادشاهان سعی می‌کردند که کلیسای محل اقامت خود را مجلل تر و باشکوه‌تر از کاخ شاهان بناکنند و قدرت خود را به چشم آن‌ها بکشند و این کار هزینه و مالیات سنگینی را بر طبقه‌ی ضعیف اجتماع تحمیل می‌کرد. این مبالغ گزاف از محل عشریه مالیات حق اسقف‌ها و کشیشان تامین می‌گردید، و اغلب اوقات هم برای تامین این هزینه‌های گزاف مجبور می‌شدند که محل کلیساها و کاتدرال‌ها را به اشخاص ثروتمندی که نسبت خوبی با اسقف‌ها و پاپ داشتند بفروشند و در حالی که این کار نقض قانون کلیسا محسوب می‌شد و بر طبق قانون حق فروش اماکن مذهبی را نداشتند، معهذا آنان با نقض قانون این اماکن را به خویشاوندان نزدیک خود واگذار می‌کردند.

رسالت قدیمی تمدن آزتک‌هادر پایتخت جدید آن‌ها متبلور شده. (مکزیک، ۱۳۴۵):

در یک جزیره‌ی مردابی، واقع در دریاچه‌ی بزرگ، آزتک‌ها (Aztecs) شهر جدیدی بنا کرده‌اند. این قبیله که خود را مقید به رسالت تمدن آزتک قلمداد می‌کنند، پایتخت خود را در این جزیره با علامت عقابی که بر روی کاکتوس (Cactus) (یا انجیر تیغ دار) نشسته، نمایش می‌دهند. آن‌ها پایتخت خود را به نام تنوکتیت لان می‌نامند که به معنی انجیر تیغ دار است.

تاریخ تاسیس تنوکتیت لان (Tenochtitlan) به ۲۰۰ سال پیش بر می‌گردد که آزتک‌ها در دره‌ی مکزیک آواره شدند و به عنوان مزدور در استخدام سه نیروی محلی درآمدند، این سه قدرت محلی شامل:

۱-مردمان تپانک (Tepanec) که در آزاکاپوزالکو (Atzcapotzalco) در شمال غربی ساحل دریاچه بزرگ می‌زیستند.

۲- تولتک‌ها (Toltec) که شاخه‌یی از اقوام تکزکوکو (Texcoco) در شرق دریاچه بزرگ هستند.

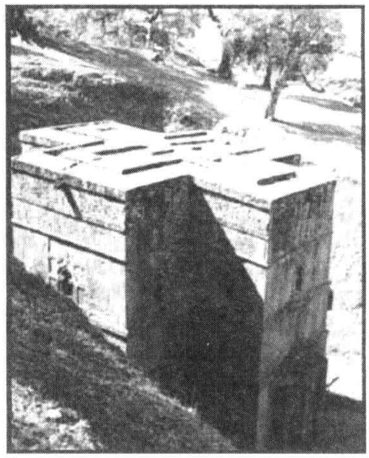
۳- قبایل کولهوکان (Culhuacan) که در جنوب این دریاچه مستقر بودند.

اکنون آزتک‌ها تحت رهبری تنوک (Tenoch) پادشاه روحانی خود به قدرت مهمی تبدیل شده و به استقلال نسبی از تپانک دست یافته‌اند.

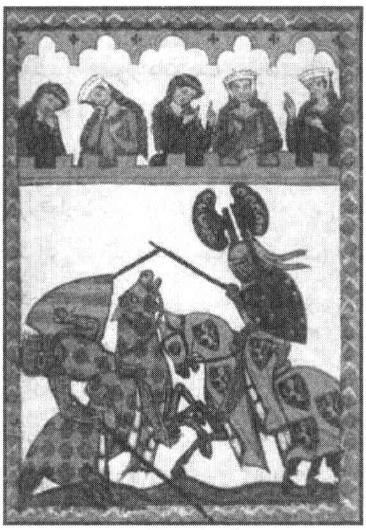
شهری که آنان در این جزیره ساخته‌اند، بسیار مجلل و باشکوه جلوه می‌کند، این شهر دارای کانال‌ها و شاهراه‌های متقاطع می‌باشد و هم چنین برای خدای هوتزیلوپوچلی



چنگیز خونخوار از اسب و قدرت به زیر می‌افتد. تصویر از نظر یک اروپایی.



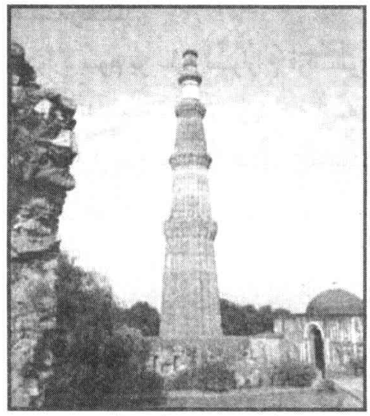
کلیسای لالی بلا (Lalibela)
که از سنگ‌های تراشیده ساخته شده.



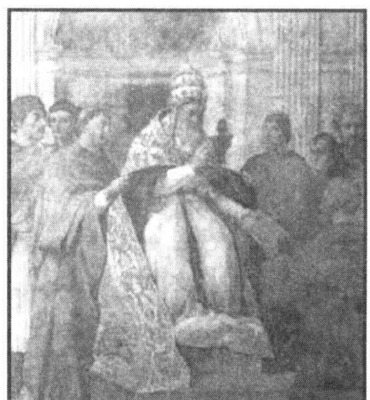
شوالیه‌ها در حال نبرد
و جمعی از تماشاگران صحنه.



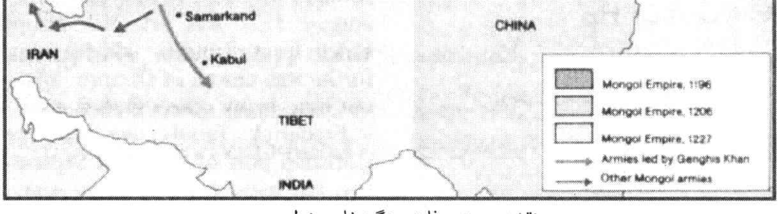
یک شوالیه پیشگام با لباس تمام رنگی.



مناره‌ی مسجد دهلی نشانه‌ی
پیشرفت نفوذ اسلام در هندوستان.



پاپ، دشمن حکومت پادشاهی.



نقشه‌ی متصرفات چنگیزخان مغول.

(Huitzilo Pochtli) معابد متعددی ساخته‌اند که برای تقدیس و تغذیه این خدا بایستی انسان‌ها را به پای تندیس خدا قربانی کرد. در خیابان‌های شهر، دهها هزار شهروند تنوکتیت‌لان (Tenochtitlan) موج می‌زند و در کانال‌های آبی صدها کرجی در رفت و آمد هستند.

هندوهای سرگردان، پایتخت جدیدی می‌سازند. (جنوب هندوستان، ۱۳۴۳):

پایتخت جدیدی توسط اقوام ویجایاناگارا (Vijayanagara) که از مرتاضان هاریهارا (Harihara) هستند، ساخته شده که به نام ویجایاناگار (Vijayanagar) نامیده خواهد شد. با اضمحلال قدرت سلطان دهلی در سال ۱۳۰۰، منطقه‌ی تحت سیطره‌ی او به مناطق کوچکی تبدیل شد. دو ایالتی که تحت نفوذ مسلمانان دکن وهندوهای ویجایاناگارا قرار داشت و توسط رودخانه‌ی کریشنا (Krishna) از هم جدا می‌شد، در هر کدام از این مناطق جنگ‌های دائمی برقرار بود. در منطقه‌یی که تحت سلطه‌ی هاریهارا قرار داشت (هندوانی که به دین اسلام گرویده بودند که خود این موضوع غیر عادی است) هندوها به قدرتی بزرگ دست یافتند، آنان در بخش جنوبی این ناحیه، پایتختی ساختند که استحکاماتی آن را از هر طرف احاطه می‌کرد که جنبه‌ی دفاعی داشت، حاکمان این شهر هم دست به اصلاحات اجتماعی زدند، از جمله زهکشی از رودخانه برای نقاط خشک و اجرای سیستم مالیاتی جدید و دیگر اقدامات لازمه یک شهر بزرگ.

پادشاه انگلیس باعث ورشکستگی بانک‌های ایتالیا شد. (فلورانس، ۱۳۴۶):

اوضاع بانکی در ایتالیا رو به خرابی گذاشته است. بانک پروتزوی (Peruzzi) در سال ۱۳۴۳ ورشکسته شد و در پی آن، بانک‌های آکیائولی (Acciauoli) و باردی (Bardi) هم در سال گذشته به ورشکستگی دچار شدند. اینک هم فلورنتین (Florentine) بانک دار فلورانسی به تنهایی ۱/۷ میلیون فلورین (Florins) بدهکار است.

معمار بزرگ این ورشکستگی و سقوط اقتصاد ایتالیا، ادوارد سوم شاه انگلیس، می‌باشد. بانکداران توسکانی (Toscany) و لومباردی (Lombardy) نزدیک به صد سال است که از سرمایه داران عمده اروپا می‌باشند.

این سرمایه‌داران فلورانسی در تمام اروپا شهرت دارند. لیکن مبالغ هنگفتی به پادشاهان و شاهزادگان محلی اروپا وام پرداخت کرده‌اند که این خود خطر بزرگی برای آن‌ها محسوب می‌شود. ادوارد سوم برای جنگ اقتصادی بر علیه اسکات‌ها و فرانسوی‌ها مبالغ زیادی از بانک‌های باردی و پروتزی وام گرفت و حالا ۸۰۰ هزار فلورین این وام را قبول ندارد و وکلای این بانک‌ها را زندانی ساخته است.

نیروهای فرانسوی در کره‌سی (Crecy) ضربه‌ی مهلکی خوردند. (کره سی ۲۵ اوت ۱۳۴۶):

شب در میدان جنگ فرا رسید، گرچه هنوز ناله و گریه‌ی مجروحانی که بر اثر ضربه‌ی شمشیر و تبر سربازان پیاده و غارتگر انگلیسی بلند بود و با تاریکی کامل صحنه، کم کم این صداها خاموش شد، چون اغلب سربازان فرانسوی در اثر خونریزی شدید به هلاکت رسیدند.

نیروهای بی‌شمار ادوارد سوم بر علیه سواران فرانسوی به پیروزی مهمی دست یافتند. فیلیپ ششم پادشاه فرانسه با از دست دادن بیش از ۱۵۰۰ نفر سرباز خود، از صحنه گریخت و راه برای پیشروی نیروهای انگلیسی به سوی بندر کاله (Calais) باز شد.

در این نبرد، دو عامل سبب پیروزی ادوارد شد. نخستین عامل، غرور و افتخار بیهوده‌ی سربازان فرانسوی بود که بر حسب دستور فیلیپ و با جهالت وی جنگجویان خود را واداشت که با مهاجمان رودررو شوند و با نیروهای انگلیسی به رقابت بپردازند و آن‌ها را تحقیر کنند که همین مانور بدون پشتیبانی، سبب شکست آن‌ها شد. از سوی دیگر، با تاریک شدن هوا در صفوف نیروهای سلطنتی اغتشاش ایجاد شد و همین برهم خوردگی، باعث شد که یکی از جناح‌های ارتش آن‌ها غفلتاً به سوی نیروهای انگلیس برود، بدون این که هدف معینی داشته باشند. آن‌ها پس از این برخورد، بلافاصله عقب نشینی کردند واین حرکت آن‌ها سبب شد که نیروهای انگلیسی دست به حمله‌ی شدیدی علیه آن‌ها بزنند. دومین عامل، مجهز بودن سربازان انگلیسی به کمان‌های بزرگ دستی که بیش از دو متر طول داشت برای تیراندازی بودند.

فیلیپ (Philip) با پشت گرمی تعداد پانزده هزار سرباز اهل جنوا، امر کرد که دسته‌هایی از آنان به تهاجم بپردازند.

فرانسه ۱۴۰۰

ژان فروا سار (Jean Froissart) کتاب گاهشماری (تقویم) خود را به پایان رسانید. در این گاهشمار عکسهای اغلب دلیرمردان نیمه دوم سده گذشته به تعداد زیاد منعکس شده که باعث شهرت آنان است.

جنوب شرقی آفریقا ۱۴۰۰

تجارت طلا در دره زامبزی (Zambezi) تا سواحل سوفالا (Sofala) به پیشرفت قابل توجهی دست یافته است.

آلمان ۱۴۰۰

ونچسلاس چهارم که فردی تن آسا و میخواره بود از امپراتوری روم خلع شد (وی در حقیقت اسمی از امپراتور داشت و حتی تاجگذاری هم نکرده بود.) گرچه به عنوان پادشاه بوهم باقی ماند. جانشین وی یکی از افسران گارد امپراتوری به نام روبرت تعیین شد که با به مسند نشستن روبرت اختلاف بین ونچسلاس و پشتیبانان روبرت که وی را انتخاب کرده بودند بالا گرفت.

بغداد ۱۴۰۱

تیمور لنگ برای بار دوم بغداد را تسخیر کرد.

انگلستان ۱۴۰۱

حکومت انگلیس قانونی را تصویب کرد که افراد مرتدی که در ارتداد و کفر خود عناد می‌ورزند و لجاجت به خرج می‌دهند بایستی به آتش افکنده شوند.

آسیای صغیر ۱۴۰۲

سلطان بایزید عثمانی در جنگی که با تیمور در نزدیک آنکارا روی داد شکست خورد. تیموریان شهر اسمیرنا (Smyrna) راتسخیر کردند و به تنگه بوسفور رسیدند. بایزید به زندان افتاد و در همانجا هم جان سپرد.

چین ۱۴۰۲

پس از نبردهای طولانی بین شهری شودی (Zhu Di) عموی دومین پادشاه سلسه مینگ (Ming) به نام جیان ون (Jian Wen) سلطنت را غصب کرده و به نام امپراتور یونگل (Yongle) به تخت نشست.

اقیانوس اطلس شمالی ۱۴۰۲

هانری شاه کاستیل نیرویی را برای تسخیر جزایر قناری اعزام کرد.

پراگ ۱۴۰۲

یان هوس (Jan Hus) کشیش اصلاح طلب در کلیسای کوچک بتلهم (Bethlehem) که در سال ۱۳۹۱ به وسیله دو نفر شخص غیر روحانی ساخته شده بود شروع به ایراد سخنرانی مذهبی کرد. این کلیسا مرکزی برای احیای مراسم مذهبی به شمار می‌آید.

ژاپن ۱۴۰۴

حکومت ژاپن با سلسله مینگ چین روابط بازرگانی برقرار کرد.

فرانسه ۲۷ آوریل ۱۴۰۴

ژان ملقب به بی پروا به عنوان دوک بورگوندی منصوب شد.

سربازان جنوایی چون در تمام طول شب جنگیده و بسیار خسته بودند، از فرمان وی استنکاف کردند. سرانجام پس ازمدتی که آن‌ها می‌خواستند به دشمن حمله‌ور شوند، باران شدیدی شروع شد و سلاح‌های آن‌ها را خیس کرد و چون زه کمان‌ها خیس شد، دیگر قابل استفاده نبود. آنان تنها توانستند که یک گام به سوی نیروهای انگلیس به پیش روند، لیکن با شمشیرهای بلند آن‌ها مواجه شدند، در نتیجه عقب نشستند، و چون سربازان پیاده فرانسوی هم با شمشیرهای خود به حمله پرداخته بودند، نیروهای جنوایی بین دو سلاح قرار گرفتند و تلفات زیادی دادند. سربازان فرانسوی که قبلا میدان جنگ را ترک کرده بودند با مشاهده‌ی پیشروی سربازان جنوایی، شروع به جلو رفتن کردند و همین حرکت نابه جا باعث شد که در تیررس سلحشوران انگلیسی قرار گرفته و تلفات زیادی را متحمل شوند.

آزاد مردان فرانسوی از شاه انگلیس طلب ترحم می‌کنند. (کاله، سوم اوت ۱۳۴۷):

شش نفر از آزاد مردان شهر محاصره شده‌ی کاله، به حضور ادوارد سوم پادشاه انگیس، رسیده و اظهار داشتند که شهر تسلیم وی شده، در همین روز، فیلیپا (Philippa) همسر ادوارد، در حالی که گریان بود، در مقابل شوهرش زانو زد و گفت سرور من، من با کمال تواضع از تو استدعا می‌کنم که این مردم را به پسر مریم مقدس و به عشقی که من به شما دارم ببخشید و برکات این عمل را از آن‌ها بخواهید، این تقاضای ترحم از طرف همه‌ی مردمان شهر است. من از قلب پاک شما این درخواست را می‌نمایم و امید بخشش و رحمت از شما دارم.

شهر کاله مدت یک سال تحت محاصره قرار داشت و در این مدت مردم سخت دست به گریبان گرسنگی بودند و هنگامی که سرجان وینه (Sir John Vienne) فرماندار شهر، تسلیم شهر را اعلام کرد، شاه انگلیس زندگانی مردم شهر را تضمین کرد و موافقت کرد که شش نفر از بزرگان شهر با پای برهنه در حالی که زنجیر به گردن دارند، کلید شهر را به او تقدیم کنند و از شاه طلب بخشش و اغماض نمایند. ادوارد تقاضای شهروندان فرانسوی را نپذیرفت، لیکن

در این هنگام فیلیپا آغاز به سخن کرد و از شاه تقاضای عفو کرد.

بیماری طاعون پس از شیوع در شهرهای روسیه به تدریج به شهرهای غربی نفوذ کرد. (کریمه (Crimea)، ۱۳۴۷):

شیوع و سرایت بیماری طاعون در شهرهای مهم شبه جزیره‌ی کریمه، موجب مرگ عده‌ی کثیری از ساکنان آنجا شده و حالیه به دیگر شهرهای حاشیه‌ی دریای مدیترانه رسیده است. گزارش‌های رسیده حاکی است که این بیماری به سوی غرب ادامه دارد و به تدریج شهرهای زیادی را فرا گرفته و پیشرفت آن متوقف نشده. قبلا طاعون جزیره‌ی سیسیل را در بر گرفته بود. ظاهراً بیماری به وسیله‌ی کشتی‌های بازرگانی آسیایی و امتعه تجار از دریای سیاه به سوی دریای مدیترانه گسترش یافته و سپس شهرهای کرانه‌ی این دریا را مبتلا ساخته و دارویی که از این بیماری پیشگیری کند، شناخته نشده است.

به یقین می‌توان گفت که بازرگانان در توسعه و سرایت طاعون دخالت داشته‌اند. نخستین همه‌گیری طاعون در هشت قرن پیش در شهرهای اردوی زرین واقع در جنوب روسیه پیدا شد و برای دومین بار در سال ۱۳۴۵ مجددا از روسیه آغاز شد. در این سال بیماری از شهرهای جنوبی روسیه به ارمنستان (Armenia)، آذربایجان، اسکیت (Scythia)، بیزانتین و کریمه سرایت کرده است.

مرگ سیاه برای سومین بار اروپائیان را به سوی خود می‌خواند. (اروپا، ۱۳۴۸):

صدها هزار نفر از مردم شهرهای مختلف اروپایی ، اعم از زن و مردو کودک، مبتلا به بیماری علاج ناپذیری شده و سلامت خود را از دست داده‌اند که به آن مرگ سیاه می‌گویند. از حدود شش سده‌ی گذشته تا به حال، اروپا به یاد ندارد که این چنین به دام بیماری گرفتار شده باشد.

به نظر می‌رسد که این بیماری از بندرهای آسیایی، توسط کک موش‌هایی که در کشتی‌های تجاری لانه دارند، به اروپا منتقل شده باشد، و نیز از طریق بنادر دریای سیاه، بیماری طاعون به بیزانتین و سایر نقاط اروپا سرایت کرده است. بیماری طاعون به دو شکل بروز می‌کند. طاعون خیارکی که غدد لنفاوی را متورم می‌سازد و معمولا غدد ناحیه‌ی گردن، زیربغل و کشاله‌ی ران آماس کرده و به شکل خیار درمی‌آید که بدین سبب به طاعون خیارکی موسوم است. دیگری نوع ریوی است که در این فرم، ریه‌ها به این بیماری دچار می‌شود و در خون هم عفونت به وجود می‌آید. این بیماری تمام قاره‌ی اروپا را در گیجی فرو برده که مردم از شرح آن عاجزند. برخی هوا و باد مسموم را که با ذرات ریزی همراه است مسئول آن می‌دانند. برخی هم عقیده دارند که آب چشمه‌ها مسموم شده است و آب را مقصر قلمداد می‌کنند. عده‌یی دیگر یهودیان را عامل مرض معرفی می‌کنند. به هر حال عقاید در این مورد مختلف است.

بعضی‌ها نبرد علیه این بیماری را به هر شکل ممکن مجاز می‌شمرند و تغییر شکل زندگی را یکی از راه‌های مبارزه با آن می‌دانند، درها را به روی خود بسته و خود را منزوی می‌سازند، لیکن هیچ کدام از این طریق، بیماری را متوقف نمی‌سازد.

بسیاری از مردم خانه‌های خود را رها کرده و به اطراف شهرها و روستاها پناه می‌برند، معهذا اغلب به فرم شدیدتر بیماری دچار می‌شوند، چون محل امنی برای بیماری وجود ندارد و تمام شهرها در دام طاعون گرفتارند و از آن رنج می‌برند و بیماری همچنان به سرعت در حال گسترش می‌باشد و به اجتماعات می‌تازد. خانواده‌ها هم بیماری را اشاعه می‌دهند و از یکی به دیگری سرایت می‌کند. وضع حکومت‌ها و دولت‌ها هم بهتر از این نیست. خدمات عمومی مختل شده، دادگاهها و سایر ادارات دولتی به حال تعطیل درآمده و کارکنان دولتی هم ادارات را رها کرده‌اند.

انسان‌های زنده‌یی را ظاهرا در حال حرکت می‌بینی. یک حالت ترس و وحشت تمام اروپا را در بر گرفته و همگان در تلاش هستند که شاید بتوانند زندگی خود را نجات دهند و حتی المقدور زنده بمانند. عایدات مردم نقصان یافته و دارایی آن‌ها ته کشیده و افراد در نومیدی و یاس می‌میرند، در این وضع، دکترها که زندگی خود را وقف سلامت اجتماع می‌کنند هم کاری از دستشان ساخته نیست و قادر به نجات مردم نیستند. اجساد باد کرده‌ی مرده‌ها در خیابان‌ها به وفور مشاهده می‌شود و یا این که در گورهای دسته جمعی دفن می‌شوند.

فلورانس ۱۴۰۶

یک نسخه از جغرافیای زمان پتولمی‌ها را از قسطنطنیه به ایتالیا بردند و جیمز آنجلوس (James Angelus) آنرا به زبان لاتین ترجمه کرد. وی با این کار توانست جنبشی در علم جغرافیا ایجاد کند چون ترجمه جغرافی او در دسترس تمام اروپائیان قرار گرفت.

ایتالیا ۱۴۰۷

با آنکه مدت زیادی از رقابت سودمندانه جنوا با رقیب خود ونیز نگذشته بود جنوا یک بانک خصوصی در شهر سن جورج (St. George) تاسیس کرد.

پاریس ۲۳ نوامبر ۱۴۰۷

لوئی، دوک اورلئان (Orleans) در اثر تحریکات ژان ملقب به بی پروا، دوک بورگوندی کشته شد. با وجودی که شارل ششم از دیوانگی حکومت ها در ایجاد جدال بین دوک نشین‌ها متاثر بود تلاشهای بی ثمری برای رفع کدورت بین لوئی و ژان انجام داد، با این وصف این جریان صورت گرفت. اعمال ناپسند پشتیبانان آنها که مشهور به آرمانیاک (Armagnac) و بورگوندیها (Burgundian) بودند سبب کشته شدن لوئی گردید.

ایتالیا مه ۱۴۱۰

در پی مرگ آلکساندر (اسکندر) پنجم در شهر بولونیا (Bologna) که گفته می‌شد به وسیله جان بیست و سوم مسموم گردیده بود وی به عنوان پاپ انتخاب شد. این انتخاب نشانه یک دوره مهم اختلاف در خاندان مدیچی محسوب می‌شود که در حقیقت به محو یکدیگر اقدام کردند.

پرو ۱۴۱۰

ویرا کوچا (Viracocha) رهبر اینکاها (Incas) که از سال ۱۴۰۰ به فرمانروائی رسیدند همواره در صدد گسترش قلمرو خود بودند. آنها سعی داشتند که قدرت سیاسی و اجتماعی را در امپراتوری اینکا پا برجا نگه دارند و تشکیلات کشوری را توسعه دهند.

افریقای غربی ۱۴۱۰

کاناژ ژدی (Canajejdi) پادشاه کانو (Kano) که کاربرد کلاه خود آهنی و زره اسب را در قلمرو خود هائوسا (Hausa) به سپاهیانش نشان داده بود، در گذشت.

مجارستان ژوئیه ۱۴۱۱

سیگیسموند (Sigismund) شاه مجارستان و برادر ونچسلاس به عنوان امپراتور مقدس رم انتخاب شد. از دو نفر رقیبی که در سال ۱۴۰۰ نامزد این مقام بودند راپرت (Rupert) در سال گذشته جان باخت و ونچسلاس هم در پانسیونی بازنشسته شد.

پرتغال ۱۴۱۱

آراگون (Aragon) و پرتغال پس از سی سال جنگ مداوم به صلح رسیده و متارکه کردند. ژان شاه پرتغال اینک در امنیت به سر می‌برد و به توسعه سیاست خود در فرادریا (ماوراء دریاها) مشغول است.

انگلستان ۲۰ مارس ۱۴۱۳

بامرگ هنری چهارم پسرش هنری پنجم به جانشینی او منصوب شد.

بعضی از اجساد، عفونت یافته و فاسد شده و جسدهایی که در خانه‌ها باقی مانده، خوف این هست که دیگران را آلوده سازند، تعدادی از اجساد فاسد شده هم بدون این که دفن شوند، به حال خود رها شده‌اند.

کشاورزی دچار وقفه شده و محصولات خشک شده و زمین‌ها بدون آبیاری مانده و دام‌ها به ویژه گاوها، سرگردان و بدون مراقبت مانده‌اند. دکترها چه می‌توانند انجام دهند، چون این بیماری درمان ندارد. اکثریت اطبا و کارشناسان تنها کاری که انجام می‌دهند، آن است که از نظر جسمی و روحی بیماران را تقویت کنند و روحیه‌ی آنان را قوی نمایند.

برخی توصیه می‌کنند که برای جلوگیری از توسعه‌ی دامنه‌ی بیماری، چوب‌های معطر و علف‌ها را بسوزانند چون دود حاصله از آن‌ها برای بیماران مفید است. بعضی هم رژیم غذایی مخصوص را پیشنهاد می‌کنند چون به باور آن‌ها فواصل زمان خونریزی از ریه را زیاد می کند و در نتیجه بیماران کمتر به خونریزی می‌افتند و کم خون می‌شوند.

ثروتمندان با دادن طلا و مروارید، داروهایی را تهیه می‌کنند که تا به حال موثر نبوده است. ترس و هراس از طاعون، نیروی کار را از مردم سلب کرده و قادر به انجام آن نیستند. مردم بهترین راه و چاره را در مهاجرت و گریز از شهر و دیار خود می‌دانند و آنان که وسیله‌ی مهاجرت ندارند، عزلت را اختیار کرده و به نماز و دعا می‌پردازند.

با زدن تازیانه، خشم خداوند فرو می‌نشیند. (اروپا ۱۳۴۹):

مردانی که با شلق (کلاهی از پارچه که روی گوش‌ها را هم می‌پوشاند) بر سر دارند و ردایی سفید بر تن، و در پشت ردای آن‌ها صلیب قرمزی دوخته شده، در سراسر اروپا راه افتاده و می‌کوشند که کفاره‌ی گناهان را پاک کرده و کینه و بغض را از بین ببرند و بدین وسیله از بیماری طاعون پیشگیری کنند.

این مردان شلاق زن، به رهبری برترن (Berthren) معتقدند که گناهکاران را با زدن شلاق و تازیانه به اعتراف و توبه وادار می‌کنند و با انجام این عمل، طاعون را دفع می‌نمایند، چون مرگ سیاه بر اثر گناه به وجود می‌آید.

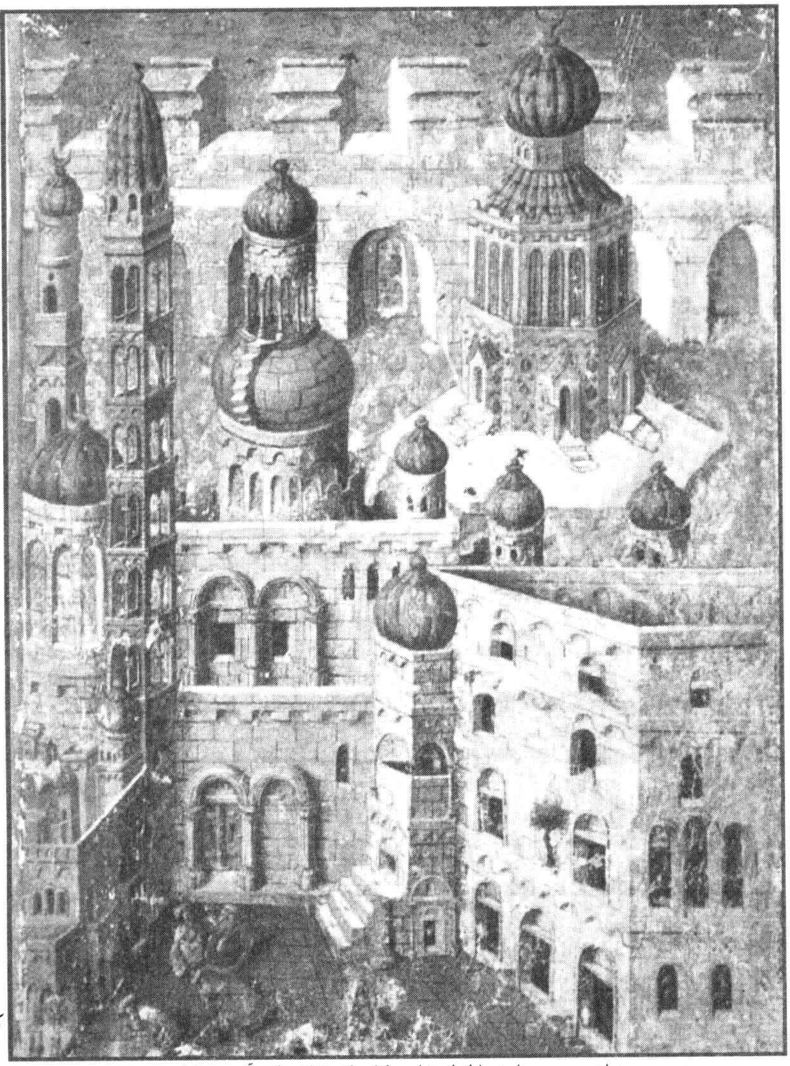
این افراد که در گروه‌های ۵۰ تا ۵۰۰ نفری هستند، بسیار سازمان یافته‌اند، برای هر گروه یک فرد روحانی



امپراتور به واتیکان به دیده‌ی تحقیر می‌نگرد.



کلاه‌خود آلکساندر نوسکی (Alexander Nevsky).



تصویر مینیاتوری و بسیار زیبا از اورشلیم، کار یک نقاش ایده‌آلیست فرانسوی.



صلیبی‌ها مهارت در تیراندازی بر روی اسب را از سواران تیرانداز مغول یاد می‌گیرند.

انتخاب شده که سرگروه محسوب می‌شود، آنان با انجام اعمال مذهبی، شهر به شهر می‌گردند. آن‌ها خودشان را شلاق می‌زنند و میخ به بدن خود فرو می‌کنند تا خون از زخم‌ها جاری شود و در عین حال سرود مذهبی می‌خوانند و هق هق گریه می‌کنند، هر یک از آن‌ها چندین زخم بر روی بدن دارند. آن‌ها در هر روز، دو بار اعمال مذهبی خود را انجام می‌دهند. این تظاهرات و نمایشات، باعث تقویت روحیه‌ی مردم شده. اعمال این مردان، در حقیقت نوعی انتقاد از کلیسا است و انتقامی است که آن‌ها از خرابی و فساد کلیسا به عمل می‌آورند و حالت ضد سامی دارد. آن‌ها اعمال خود را نوعی عبادت به حساب می‌آورند و اگر کشته شوند، جزو شهدا محسوب می‌شوند. آن‌ها با رفتار و کردار خود موجب تحسین عامه گشته‌اند.

پادشاه انگلیس فرمان جدیدی برای سواران صادر می‌کند. (انگلیس، ۱۳۴۹):

ادوارد، پادشاه انگلیس، با صدور فرمان جدید، برای راهنمایی شوالیه‌های کشور، آن‌ها را به همکاری بیش‌تر دعوت کرده، این فرمان به نام منشور گارتر (Garter) یا بند جوراب مرسوم است.

تعداد این شوالیه‌ها درست ۲۵ نفر است که با پادشاه همکاری می‌نمایند. آن‌ها موظفند به عضویت این انجمن درآیند و نخستین جلسه‌ی آن‌ها در روز سنت جورج تعیین شده. زمینه‌ی این پیشنهاد که اول بار پادشاه آن را عنوان کرد و موجب شرمساری گشت، این بود که جوراب‌های کنتس سالیسبوری (Countess Salisbury) در حال رقص از پایش در می‌آید و یک سوار جوراب‌های وی را به وضع آبرومندی در می‌آورد. کنتس هم مورد توبیخ شاه واقع می‌شود و از این زمان برای ثابت ماندن جوراب، به کار بردن بند جوراب جزو مراسم لباس پوشیدن در می‌آید و این رسم به نام بند جوراب سالیسبوری مشهور می‌شود.

شورش مردان کلاه قرمز، در هنگام طغیان رود زرد (چین، ۱۳۵۱):

شورش دهقانان، ایالت هوآی (Huai) را دولت محلی با اعزام ۲۰ هزار دسته که شامل یکصد و پنجاه هزار کارگر که

پاریس ۱۴۱۳

صنعتگران و پیشه وران پاریس جهت اصلاحات مالی و قضائی تقاضای تشکیل احزابی برای پیشبرد امور کشور به طور رسمی نمودند و با فرمان صادر شده به وسیله حکومت بورگاندی بایستی اعضای محلی و مرکزی این احزاب با رای عمومی مردم برگزیده شوند. با طرح این پیشنهاد یک حکومت ایده‌آل تحت امر حزب (Armagnac) آرمانیاک تشکیل شد و در حقیقت کنترل شهر پاریس در دست آنها قرار گرفت.

انگلستان ۱۴۱۴

هنری پنجم ادعاهای فرانسه را که ادوارد سوم در مورد حق وراثت بر ناحیه پلانتا ژنه (Plantagenets) را رد کرده بوده مورد پذیرش قرار داد.

انگلیس ۱۴۱۴

قیامی که به نام لولارد (Lollard) به رهبری سرجان اولدکاسل (Oldcastle) در مورد بی اعتبار بودن جنبش اجتماعی بنیاد گرایی به وقوع پیوست.

آلمان ۶ ژوئیه ۱۴۱۵

با وجود اینکه هنوز نیتجه اجلاسیه کنستانس (Constance) اعلام نشده بود. جان هوس به اتهام مرتد بودن در آتش سوزانده شد.

مراکش ۱۴۱۵

ژان شاه پرتغال بر شهر سوئه تا (Ceuta) در مراکش (Morocco) غلبه یافت وی مقادیر معتنابهی طلا و تعداد بی‌شماری برده از آفریقا به دست آورد. با وجود این با تحریک آفریقاییها برضد مسلمانان پیمان همکاری با آنها بست که در جنگ علیه مسلمانان مغرب از آنها استفاده کند.

آفریقای شرقی ۱۴۱۵

مالیندی (Malindi)(کنیا- Kenya) سفارت خانه در کشور چین دایر کرد.

اسپانیا ۱۴۱۶

آلفونسوی پنجم به وسیله پدرش فردیناند به پادشاهی آراگون رسید. انتخاب فردیناند پسر ژان پادشاه کاستیل در ۱۴۱۲ صورت گرفته بود. با جنگی که در سال ۱۴۱۰ روی داد کاستیل به دست دشمن متصرف شد و مرگ مارتین پادشاه آراگون در حالی اتفاق افتاد که وارث مستقیمی نداشت.

فرانسه ۱۴۱۸

جان بی باک (John Fearless) پادشاه بورگاندی با اتحاد با انگلیس کنترل دولت باواریا، که ملکه آن ایزابل (Isabel) بود را به دست گرفت. در اینحال شارل دوفین (Charles dauphin) از پاریس گریخت و در بورژه (Bourges) به عنوان نایب السلطنه مسکن گزید.

نورماندی ژوئیه ۱۴۱۹

به جز ناحیه مون سن میشل (Mont St. Michel) اینک تمام منطقه نورماندی به کنترل هنری پنجم پادشاه انگلیس درآمده است.

فرانسه ۱۰ سپتامبر ۱۴۱۹

دوفین فرمانده گارد محافظ ژان بی باک در موقعیت بسیار بدی وی را در محل مونترو (Montereau) به قتل رسانید. جانشین او پسرش به نام فیلیپ ملقب به نیک (Philip the Good) شد.

از اطراف شهرها جمع‌اوری شده بودند، درهم شکست، آن‌ها مسیر جدیدی برای رودخانه‌ی زرد، حفر و احداث کردند.

این رودخانه بیش‌تر سال‌ها طغیان می‌کند. در هفت سال پیش، رود زد طغیان کرد و آب در حدود پانزده هزار کیلومتر مربع را فرا گرفت، و سیل حاصل از آن، دیواره‌ی اطراف رودخانه را برد و حصار و دیوارهای ۱۷ شهر را ویران کرد که خود سبب قحطی و شیوع بیماری طاعون شد، و بسیاری از آوارگان هم دست به سرقت و دزدی زدند.

پس از آن، بستر خود را تغییر داد و چون کانال بزرگ گنجایش آب را نداشت، تمام زمین‌های کشت شده‌ی ایالت هژیان (Hejian) را آب فرا گرفت. امپراتور فرمان داد که هر طور هست بایستی جلوی طغیان رودخانه را سد کرد و برای انجام این امر یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌ها را به مورد اجرا گذاشت. حکومت یوآن (Yuan) با جمع کردن کارگران، دست به انقلاب بزرگی جهت جلوگیری از سیل به نام (درخت سدر سفید) زد و با فرصت به دست آمده جهت جلوگیری از مصیب بزرگ‌تر اقدامات شدیدتری انجام داد.

در همین هنگام دهقانانی که کلاه قرمز بر سر می‌نهادند و به نام کلاه قرمزها معروف بودند، مردم را به قیام و جنگ تحریک می‌کردند و این قیام سراسر شمال چین را فرا گرفت.

دکامرون (Decameron)، نویسنده کتابی درباره‌ی خشونت بیماری طاعون (فلورانس (Frlorence)، ۱۳۵۳):

برای مبارزه با بیماری خطرناک موحش طاعون، مطالب زیاد گفته شده، لیکن کوچکترین اثری در پیشگیری و درمان آن حاصل نشده، اخیراً جووانی بوکاچو (Giovanni Boccaccio) اهل فلورانس، کتابی به نام دکامرون تالیف کرده و تمام زوایا و حواشی این بیماری را در آن شرح داده است.

این کتاب حاوی یکصد داستان سرگرم کننده است که تعداد هفت نفر زن و سه مرد در آن شرکت دارند، آن‌ها برای رهایی از بیماری طاعون، شهر و دیار خود را ترک می‌کنند و برای تسلی و دلداری به مردم توصیه می‌کنند که برای نجات از افکار و اوهام ناراحت کننده، به عشق‌بازی بپردازند. داستان‌های کتاب دکامرون، مدت ۱۰ روز به طول می‌انجامد، پس ۱۰ روز از زمان، با خواندن این قصه سپری می‌شود، بی آن که خواننده در فکر طاعون باشد، لیکن شاید این کتاب برای تمام مردم با حالات گوناگون و خلقیات مختلف مناسب نباشد. بوکاچو، مادرش را در اثر بیماری طاعون از دست داد و اموالش هم در شهر فلورانس به غارت رفت. بوکاچو در سال ۱۳۱۳ در توسکانی زاده شد. پدرش کارمند بانک باردی (Bardi) بوده، وی برخلاف ارزوی پدرش که می‌خواست او به حلقه‌ی کشیشان درآید و به دنیای کلیسا وارد شود، ترجیح داد به کار ادبی بپردازد. وی مدت زیادی از عمر خود را در شهر ناپل گذرانید، و در خدمت انجمن داوری درآمد و به سرعت در رشته‌ی ادبیات لاتین به ترقی نایل آمد.

سیاح مراکشی، سراسر آفریقا را پیمود. (تیمبوکتو، ۱۳۵۲):

ابن بطوطه (Ibn Battuta) بزرگ‌ترین جغرافیادان عرب، وارد مالی شد. او در سال ۱۳۰۴ در شهر طنجه (Tangiers) مراکش به دنیا آمد. در ۲۱ سالگی، به عزم زیارت مکه آنجا را ترک گفت و به مسافرت در سراسر افریقای شمالی پرداخت، او به فلسطین، ایران، جنوب روسیه، هندوستان، چین، اندونزی و افریقای شرقی سفر کردو سپس به طنجه مراجعت کرد.

بخشی از سفر او، خصوصی و قسمتی رسمی و به عنوان سفیر پادشاه مراکش انجام گرفت. ابوعینه (Abu Inan) پسر ابن بطوطه، می‌گوید که پدرش با آخرین سفر خود مسافرتش تکمیل شده است. وی در منطقه‌ی سی ژیل ماسا (Sijilmasa) هنگام عبور از صحرای افریقا، دچار تشنگی شدید شد و تمام کاروان حامل او نزدیک بود از بی‌آبی هلاک شوند، در همین حال، او با مردی برخورد کرد که او را برادر می‌خواندند. وی این بطوطه را با کمال عطوفت و مهربانی به چین دعوت کرد. این مرد در ناحیه‌ی تقاضا (Taghaza) ابن بطوطه را به دیدن بلورهای تراشیده از سنگ نمک برد که همه را به یک وزن درآورده بودند و این سنگ‌ها برای توزین طلا بود و همین طلا منطقه‌ی مالی را به چنان ثروتی رسانده بود. این سنگ‌های نمک را برای غذا به کار می‌بردند و او ترجیح می‌داد که چیزهای دوست داشتنی را در این کشور مشاهده کند. در کشور مالی، مردم نیاز به دستگاه قضایی نداشتند. جاده‌ها امن، بازرگانان

امین و درستکار، زن‌ها زیبا که هیچ‌گاه رشک و حسد در مردان ایجاد نمی‌کردند.

امپراتور آلمان با برنامه‌ی گلدن بال (Golden Bull) (گاو زرین) به قدرت پادشاهی می‌افزاید. (آلمان، دهم ژانویه ۱۳۵۶):

از این پس دیگر انتخاب پادشاه آلمان توسط کالج انتخاباتی و تحت نظارت گروه هفت نفری صورت می‌گیرد. با اجرای برنامه گلدن بال (گاو زرین) دیگر مشاجرات و گرفتاری‌های انتخاب امپراتور مقدس رم پایان خواهد یافت.

هفت نفر اعضای کالج انتخاباتی عبارتند از:

سراسقف تریه (Trier)،کولون (Cologne) و ماینس (Mayence) و فرمانروایان بوهم، افسر کاخ سلطنتی منطقه‌ی راین (Rhine Palatine)، ساکس (Saxe)، ویتن بورگ (Witteburg) و براندنبورگ (Brandenburg). به علاوه برنامه‌ی گلدن بال مورد موافقت امپراتور شارل چهارم و پاپ قرار گرفته و اجازه داده‌اند که انتخاب، طبق این برنامه صورت پذیرد و این امر هم تغییر ناپذیر است.

تحت این برنامه، اعضای هفت نفره‌ی کالج انتخاباتی، دیگر نخواهند توانست پس از بحث، آراء را باطل اعلام کنند.

پادشاه فرانسه دستگیر شد. (فرانسه، ۱۹ سپتامبر ۱۳۵۶):

جنگ، تقریباً با پیروزی، پایان یافت. اهالی پواتیه (Poitiers) دروازه‌های شهر را بر روی نیروهای فرانسوی بسته‌اند و مواظب شهروندان هستند، لیکن در خارج شهر، انگلیسی‌ها به طور مرتب تسلیم شدگان فرانسوی را به هلاکت می‌رسانند.

ادوارد مشهور به سیاه، شاهزاده‌ی انگلیسی، چون شیری غران و درنده، تمام روز را به نبرد مشغول بود و به پیروزی خود اطمینان دارد، او در زیر پرچم نیروی نظامی خود نشسته. برای او چادری قرمز رنگ برپا کرده و مرتبا برای وی نوشیدنی می‌آورند. او که در میدان جنگ با سایر افسران مشغول نبرد بوده، اکنون سخت احساس خستگی می‌کند.

او در حالی که مشغول مشاهده‌ی اطراف خود می‌باشد، در دوردست و بالای تپه‌های کوچکی، دسته‌یی از سربازان

چین ۱۴۲۰

یونگل (Yongle) امپراتور چین در پایتخت اصلی چین که سلسله قدیم یوآن (Yuan) آنرا به نام دادو (Dadu) می‌نامیدند مستقر شد و آنرا بجینگ نامید (بجینگ پایتخت قسمت شمالی کشور بود.) این منطقه بهتر می‌توانست در مقابل مغولان تازه به قدرت رسیده مقاومت کند. پایتخت دیگر کشور نان جینگ (Nanjing) نام داشت.

اقیانوس اطلس شمالی ۱۴۲۰

هانری پادشاه پرتغال مردم را تشویق به سکونت در شهرهای پورتو سانتو (Porto Santo) (بندر مقدس) و مادیرا (Madeira) می‌نمود.

فرانسه ۱۴۲۰

کوزیمو (Cosimo) ملقب به بزرگتر (Elder) به مدیریت بانک مدیچی انتخاب شد.

پاریس اول دسامبر ۱۴۲۰

هانری پنجم تاق نصرتی، در ورودی شهر پاریس بنا کرد.

آسیای صغیر (آناتولی) ۱۴۲۱

سلطان مراد دوم به جانشینی پدرش محمد به عنوان سلطان عثمانی منصوب شد. وی سیاست توسعه طلبی در پیش گرفت.

اروپای مرکزی اول ژوئن ۱۴۲۱

در مراسم معارفه که جهت سیگیسموند (Sigismund) امپراتور بوهم و موراوی (Moravia) در کاسلاو (Caslav) صورت گرفت وی پادشاهی را کنار گذاشت و دولتی به ریاست خودش تشکیل داد.

ایتالیا ۱۴۲۱

در نبردی که برای ابقای دوک نشین میلان برپا شد، این ایالت که در زمان به قدرت رسیدن جان گالیتزو ویسکونتی (Gian Galeazzo Visconti) در سال ۱۴۰۲ به وجود آمده بود. پس از مرگ وی، فیلیپوماریا ویسکونتی (Filippo Maria Visconti) تحت سلطه جنوا (Genoa) درآمده و تسلیم طرف مقابل شد.

فلاندر ۱۴۲۱

ژیپسی‌ها (Gypsies) (کولی‌ها) بیشترین افرادی بودند که در شهر بروژ سکونت گزیدند. کولی‌هایی که در شرق اروپا از اواخر سده گذشته ساکن شدند در قرن حاضر به سوی غرب روی آوردند.

فرانسه ۳۱ اوت ۱۴۲۲

سرنوشت هنری پنجم پادشاه انگلیس در این بود که در کشور فرانسه در ناحیه وین سنه (Vincennes) تسلیم مرگ شود. جانشین وی هنری ششم فقط ۹ ماه داشت.

کنستانتینوپول ۶ سپتامبر ۱۴۲۲

سلطان مراد دوم به تلاشهای بیهوده خود جهت تسخیر قسطنطنیه پایان داد.

فرانسه ۳۰ اکتبر ۱۴۲۲

با مرگ شارل ششم دوفین که به خودش لقب شاه فرانسه داده بود، گرچه وی تنها شهر تورین (Touraine) در اورلئان (Orleans) – بری (Berry)– اووربن (Auvergne) ودوفین (Dauphine) را در اختیار داشت اکنون تکلیف این نواحی نامشخص گرید.

پیاده‌ی انگلیسی را می‌بیند که ژان مشهور به نیک، پادشاه فرانسه را در میان گرفته‌اند.

سربازان انگلیسی با ژان به سوی چادر پادشاه می‌آیند، در حالی که دو نفر از افسران مشغول باده گساری هستند و از میدان نبرد سخن می‌گویند. در ضیافت شام امشب، ادوارد و اکثریت کنت‌ها و بارون‌های فرانسوی دستگیر شده حضور دارند و میهمان شاه هستند. ادوارد که اکنون فاتح جنگ است، از نشستن در جایگاه سلطنتی در حالی که اسرا به حالت خضوع ایستاده‌اند، امتناع می‌کند. فردا پس از اتمام مراسم مذهبی، پادشاه اسیر فرانسه و آنچه را که به غنیمت گرفته شده، به لندن فرستاده خواهند شد.

حاکم شهر رم که قصد داشت با لباس زنانه فرار کند، به قتل رسید. (رم، ۱۳۵۴):

پسر مهمان خانه‌داری که در رویای ازادی شهر رم و اتحاد تمام ایتالیا به سر می‌برد، توسط حامی سابقش، به وسیله‌ی خنجر به قتل رسید. کولادی رینزو (Cola di Rienzo) در جلسه‌یی با حضور پاپ و عده‌یی از مردم رم، به جانشینی فرمانده‌ی کل شهر رم انتخاب شده و اشراف را به تبعید فرستاده، مدتی پس از این انتخاب، رینزو با پاپ به جدال برخاست. او را زندانی کردند، لیکن چندی بعد مجدداً فرمانده‌ی شهر رم شد.

وی زندان و ناراحتی‌های آن را عطیه‌ی الهی می‌دانست. زندان برای او محل استراحت و خور و خواب بود، چون که به زودی چاقی مفرطی پیدا کرد، با شکمی بزرگ و سست و بی‌حال، چشمانش حالت وحشی و خون گرفته داشت، این حالات بر اثر پرخوری و پرنوشی در وی به وجود آمده بود. با این وصف، از سوی مردم میانه‌رو حامی و پشتیبانی نداشت، چون مثل این که در شراب غوطه‌ور بود و خود را با شراب می‌شست.

او هنگامی که مالیات اضافی بر مردم تحمیل کرد، این سرنوشت برای او محتوم بود. گروهی از اهالی شهر، هنگامی که او در بالکن کاپیتول (Capitol) (مجلس) ظاهر شد، او را سنگباران کردند تا بدین وسیله رینزوی ستمگر را به قتل برسانند تا شاید فرمانداری از توده‌ی مردم جایگزین وی شود. رینزو سعی کرد که با لباس مبدل بگریزد، لیکن مردم به او امان ندادند و با ریسمان وی را خفه کردند و نیرنگ او نتوانست وی را از مرگ برهاند. رینزو نخست قصد داشت که با کلاه خود بر سر و شمشیر به دست، به نبرد با اهالی بپردازد، لیکن در لحظه‌ی آخر این فکر را نپسندید، ریش‌های خود را تراشید و لباس زنانه پوشید، لیکن مردم او را شناختند و به هلاکت رسانیدند.

شهر پراگ (Prague) هم به رم پیوست و جزو امپراتوری مقدس شد. (پراگ، ۱۳۵۰):

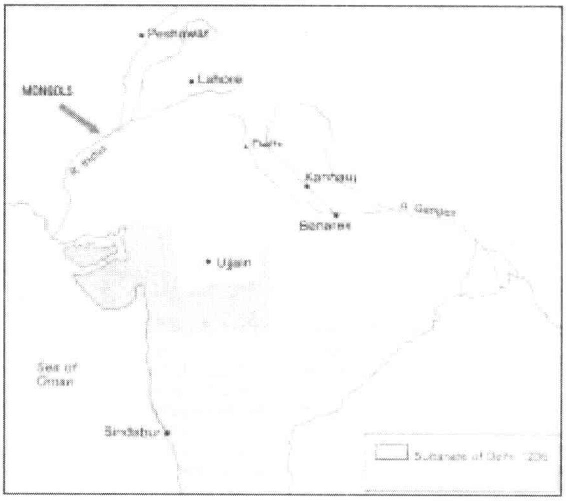
پراگ، جزو امپراتوری مقدس گشت و شهر مقدس نام گرفت و با این عنوان، افتخار دیگری کسب کرد. این امر بر حسب تصمیم امپراتور شارل چهارم انجام شد و این بخشی از نقشه و طرح وی بود که شهرهای ساحلی رود مولدائو (Moldau) یا ویتاوا (Vitava) تغییر نام دهند و شهر پراگ هم رم شمالی نامیده شد.

شارل قبلا در مرکز اروپا دانشگاهی تاسیس کرده بود. این دانشگاه دارای چهار دانشکده فلسفه، الهیات، حقوق و پزشکی بود.

او هم چنین چند کلیسای جدید شامل کلیسای سنت ویتوس (St.Vitus) و چندین صومعه و استحکامات دیگری هم بنا کرد و نیز پلی سنگی بر روی مولدائو ساخت که رفت و آمد آسان‌تر باشد، این پل به نام شارل موسوم گردید. در نتیجه شهر پراگ توانست تعداد زیادی هنرمند، معمار، تندیس نگار و نویسنده تربیت کند و بدین وسیله پراگ بی‌اندازه ترقی کرد و این امر به رشد تجارت و بازرگانی آن کمک کرد، صنعت گران و هنرمندان هم توانستند مصنوعات بسیاری تولید کنند که در اروپا مشهور بود. مدت سیصد سال شهر پراگ به واسطه تولیدات سنگی و کارهای حجاری معروف بود. و اسلاوها، روس‌ها، مسلمانان، یهودیان و ترک‌ها در این شهر به تجارت اشتغال داشتند، از سویی این شهر مرکز ادیان گوناگون هم به شمار می‌رفت.

جانشینان خان بزرگ، سلطه‌ی خود را بر ایران از دست دادند. (ایران، ۱۳۵۳):

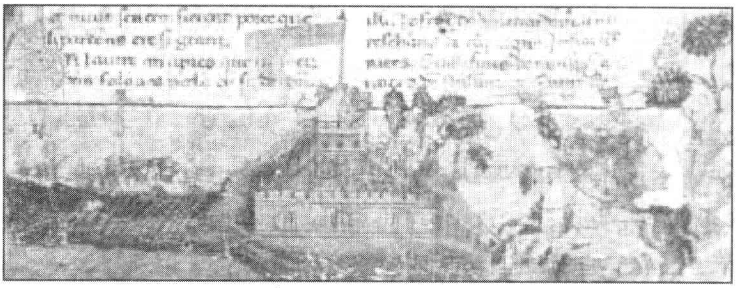
امپراتوری ایلخانی مغول ایران یا ایلخانات به بخش‌های مختلف تقسیم و تجزیه شد. یکی از مدعیان جانشینی مغولان مدت کوتاهی توانست حکومت را در دست گیرد،



وسعت حاکم‌نشین دهلی و متصرفات آن، سال ۱۲۳۶.



آلکساندر نوسکی، شاهزاده‌ی نووگراد (Novgorod) و مغلوب کننده‌ی مبارزان تئوتونیک (Teutonic) در سال ۱۲۴۰، نام وی پس از شکست دادن سپاهیان سوئدی در منطقه‌ی نوا (Neva) بر سر زبان‌ها افتاد و مشهور شد.



اورشلیم در محاصره، نوشته‌ی یکی از فرانسوی‌ها که شرح آن را بر روی دیوار می‌نگارد.



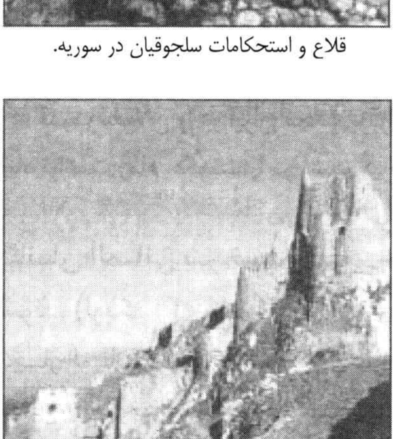
قلاع و استحکامات سلجوقیان در سوریه.



گونه‌یی از بنای کلیسا در مناطق بورگاند (Borgund) نروژ که نشانه‌ی سبک معماری سرزمین نروژ می‌باشد، و ساختمان آن با تیر چوبی و به شکل هرم می‌باشد تا باران به سقف آن آسیب وارد نیاورد.



آخرین عکس از فردریک دوم.



استحکامات ترکان سلجوقی بر روی کوه‌ها.

لیکن تا سال ۱۳۵۳ که ابوسعید به سلطنت ایران رسید، آن‌ها جانشینی نداشتند و تخت سلطنت ایران خالی ماند.

پس از مرگ غازان، برادر وی به نام اولجایتو (Oljeitu) مدت ۱۲ سال حاکمیت را در دست داشت. اولجایتو توانست با توسعه‌ی قلمرو خود، بر قدرت سلطنت مغولان بیفزاید.

وی ایالت گیلان واقع در کناره‌ی جنوبی دریای خزر را تصرف کرد و بدین وسیله‌ی آخرین بخش کشور را به متصرفات خود افزوده و در منطقه‌ی سلطانیه زنجان، بنای بلند و باشکوهی که جنبه‌ی مقبره داشت، بنا کرد که به گنبد سلطانیه مشهور است این بنا در حقیقت دو گنبد دارد که روی هم قرار گرفته است.

ابوسعید، پسر اولجایتو، که تنها ۱۱ سال داشت، پس از مرگ پدرش به سلطنت رسید و چون جوانی کم سن و سال بود، قدرت واقعی حکومت در دست امیر چوپان قرا گرفت.

پس از فوت ابوسعید، رقابت بین چوپانیان (Chopanids) و جلایریان (Jalayirids) بر سر فرمانروایی در گرفت و قدرت مغولان رو به ضعف گذاشت. در سال ۱۳۲۲ سرانجام بین حاکمان مملوک مصری پیمان صلح بسته شد و در سال ۱۳۲۷، ابوسعید، امیر چوپان را از کار برکنار کرده و وی را کشت و زمام قدرت را به دست گرفت.

در این زمان، نیروی نظامی مهمی که بتواند با نیروهای مغول مقابله کند، وجود نداشت، لیکن با ضعف پادشاهان مغول در ایران، حالت ملوک الطوایفی ایجاد شد و هر قسمت حکومتی جداگانه پیدا کرد و سلسله‌ی مغولان ایرانی دچار ضعف و سستی شدند، به طوری که آرپا خون (Arpa Ke'un) که یکی از وابستگان دور چنگیز بود، بیهوده تلاش کرد که قدرت مغولان را در ایران مجدداً برقرار کند، او تنها چند ماه توانست زمام حکومت را در دست گیرد.

بازرگانان آلمانی بر ضد رقبای خود متحد می‌شوند. (لوبک (Lubeck)، ۱۳۵۶):

تجار آلمانی شهرهای هانسیتیک (Hanseatic) اتحادیه‌یی جهت حمایت شغلی خود تشکیل داده‌اند که از رقابت بازرگانان اروپای شمالی از لندن در غرب و نووگراد در شرق در امان باشند.

شهر هانس (Hanse) از نظر تجاری و نظامی، اکنون یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین شهرهای اروپایی است. بازرگانان آلمانی از قرن دوازدهم تا کنون، با تاسیس مجتمع‌هایی در ویسبی (Wisby) واقع در جزیره‌ی گوتلند (Gotland) یک امپراتوری تجاری به وجود آورده‌اند.

ویسبی سپس تجارت با شرق را توسعه داد و با پیوستن با بازرگانان نووگراد و فنلاند از منطقه‌ی فلاندر منسوجات پارچه‌یی و نمک و آبجو به منطقه‌ی اسلاو نشین می‌بردندو از آنجا پوست‌های گوناگون و خز و موم و عنبر وارد می‌کردند.

در سراسر قرن گذشته، بازرگانان هانس، منطقه‌ی نفوذ خود را از در لوبک گسترش دادند و مراکزی هم در کرانه‌ی دریای بالتیک، هامبورگ و برمن (Bremen) برای انجام خدمات دریای شمال و شمال اقیانوس اطلس و همین طور در فلاندر به وجود آوردند که بتوانند از راه‌های دریایی آن را به مناطق مختلف اروپای شمالی انتقال دهند.

شهرهای لندن و برگن (Bergen) در نروژ هم اخیرا به این شبکه پیوستند تا از قافله‌ی تجاری آلمانی عقب نیفتند. این فدراسیون جدید تجاری به آن‌ها اجازه‌ی رقابت می‌دهد، لیکن اگر هر یک از اعضای آن از مقررات اتحادیه تجاوز کند، مجازاتی از سوی اتحادیه بر ضد عضو تخطی کننده درباره‌ی آن اجرا خواهد شد.

پترآرک، شاعری که عاشق آثار کلاسیک بود، بدرود حیات گفت. (ارکوآ (Arqua) نزدیک پادوآ، ۱۳۷۴):

فرانچسکو پترآرک (Francesco Petrarca)، پژوهش گر کلاسیک و چنگ‌نواز که به پترآرک معروف بود، در سن ۷۰ سالگی در شهر کوچکی در گذشت.

او در آرتزو (Arezzo) متولد شد و فرزند یک قاضی فلورانسی بود. سال‌های جوانی را در شهر آوینیون و در مقر پاپ گذرانید و سپس در سلک کشیشان درآمد و یکی از راهبان متنفذ و مهم دستگاه روحانیت مسیحی گردید.

در سال ۱۳۲۷، در آوینیون با دیدن لورا (Laura) همسر هوگو دوساد (Hugo de Sade)، عاشق وی گردید. او در عالم خیال، لورا را معشوقه‌ی خود تصور می‌کرد و به یاد او غزلیاتی عاشقانه می‌سرود و با نواختن چنگ، این

غزلیات و اشعار عاشقانه را ترنم می‌کرد، به طوری که دیوان غزلیات وی با نام کانزونیه (Canzoniere) در تمام ایتالیا مشهور گشت.

وی مانند دانته شاعر معروف ایتالیایی، همچنان پاک و بی‌آلایش و دور از معشوقه، هم چون عشق دانته و بئاتریس، می‌زیست، در حالی که لورا صاحب ۱۱ فرزند شد و در سال ۱۳۴۸ بر اثر ابتلا به بیماری طاعون درگذشت.

پترآرک تمام اشعار و نوشته‌های خود را به زبان لاتین می‌نوشت. اشعار رزمی او به تبعیت از اسکی پیو آفریکانوس (Scipio Africanus)) سروده شد، علاوه بر آن، وی نشریاتی درباره‌ی زندگی مشاهیر رومی هم چون دوویریس ایلوستریبوس De Viris Illustribus)) تالیف کرد. او هم چنین رساله‌یی درباره‌ی زندگانی تجرد و بی‌همسری نوشته است.

او با بوکاچو (Buccaccio) نویسنده‌ی کتاب دکامرون که در ضمن دوست وی بود، برابری می‌کند. شهرت وی بیش‌تر به خاطر عضویت افتخاری در دادگاه‌های اروپایی بود و این کار برایش حالت مشغولیاتی داشت و برای این که نوشتن به زبان لاتین را فراموش نکند، مدتی از وقت خود را در کتابخانه‌ها سپری می‌کرد. در شهر ورونا (Verona)، یادداشت‌هایی از سیسرو (Cicero) را کشف کرد و در لی‌یژ (Leige) چندین بار سخنرانی کرد. در روز عید پاک سال ۱۳۴۱، به عنوان شاعر نوپرداز، در محل تپه‌ی کاپیتولین واقع در شهر روم، تاج افتخار دریافت کرد و سنای رم از او تجلیل به عمل آورد.

شورش روستاییان در هم شکست. (فرانسه، ژوئن ۱۳۵۸):

پس از سه ماه که از عملیات ترور، وحشت، بی ناموسی و هتک حرمت زنان و حتی آدم خواری بر اثر شیوع بیماری طاعون در شمال فرانسه می‌گذشت، این شورش به نام قیام ژاکری (Jacquerie) موسوم شد. اینک اشراف دهات با همدستی یکدیگر برای رفع این غائله اقدام کردند که این فرونشانی هم توام با وحشی‌گری و شقاوت بود. اکنون شهرها غارت شده، زمین‌های کشاورزی به حال خود رها شده و حدود ۲۰ هزار نفر از افراد طاغی کشته شده‌اند. هنوز علت این شورش در هاله‌یی از ابهام فرو رفته است. یک

چین ۱۴۲۴

یونگل که از سال ۱۴۰۲ سلطنت را غصب کرده بود جان سپرد. اکنون به نظر می‌رسد کانون سلطنت او محل تشکیل دومین سلسله شاهان مینگ شده است.

قسطنطنیه ۲۱ ژوئیه ۱۴۲۵

مانوئل دوم امپراتور بدرود حیات گفت و ژان هشتم پالئولوگوس (Palaeologus) پسرش جانشین او گشت. مانوئل تنها فرمانروای شهر قسطنطنیه بود در حالیکه برادرش بر بقیه نقاط امپراتوری پیشین بیزانس حکومت می‌کرد.

اتیوپی ۱۴۲۷

ایشاک (Yeshaq) (عیسی) امپراتوراتیوپی نماینده‌یی جهت اتحاد با آراگون برضد اسلام به اسپانیا اعزام کرد.

ریم (Rheims) ۱۸ژوئیه ۱۴۲۹

شارل هفتم به عنوان پادشاه فرانسه تاجگذاری کرد.

پاریس۲۶ اوت ۱۴۲۹

خوآن (Joan) بنا کننده تاقهای پیروزی تاق نصرتی در محل ورودی شهر پاریس بنا کرد.

یونان ۲۹ مارس ۱۴۳۰

سلطان مراد دوم پادشاه عثمانی شهر سالونیک (Thessalonica) را که از سال ۱۴۲۳ در تصرف دولت ونیز بود، پس گرفت.

فرانسه ۱۴ ژوئیه ۱۴۳۰

ژاندارک (Joand' Arc) توسط پیر کوشون (Pierre Cauchon) اسقف بی اوویه (Beauvias) در ماه مه در بورگوندی محبوس شد.

بروژ (Bruges) ۱۰ ژانویه ۱۴۳۱

فیلیپ ملقب به نیک دوک بورگوندی، حکومت خود را تا ناحیه گلدن فلیس (Golden Fleece) گسترش داد.

فرانسه ۳۰ مه ۱۴۳۱

ژاندارک متهم به کفر گردید و درشهر روئن (Rouen) به قتل رسید.

اروپای مرکزی ۱۴۳۱

هوسیت ها (Hussites) (هواداران یان هوس (Jan Hus) در یک سری عملیات جنگی پیروزیهای دربوهم به دست آورده و نیروهای نظامی خود را بر علیه آلمان تجهیز کردند. جلسه شورای کلیسا که در ماه ژوئیه افتتاح شده بود باب مذاکرات را با هوسیت‌ها بازگذاشت.

پاریس ۱۶ دسامبر ۱۴۳۱

هنری ششم پادشاه انگلیس به عنوان پادشاه فرانسه در کلیسای نوتردام (Notre Dame) به دست اسقف وین چستر (Winchester) تاجگذاری کرد و ملقب به هنری بئوفورت (Beaufort) گردید.

بازل (Basle) یا بال سویس دسامبر ۱۴۳۱

اوژنیوس (Eugenius) چهارم که جانشین مارتین پنجم در اواخر سال گذشته به عنوان پاپ شده بود جلسات کلیساها را در شهر بازل تحریم کرد. لیکن شورا از نظریات وی پیروی نکرد.

گزارش حاکی از آن است که اول بار یکی از مبارزان صلیبی یکی از دهقانان را کشت و پس از هتک ناموس زن او، گوشت بدن شوهر او را به سیخ کشیده و کباب کرد و به او خورانید. چون این داستان به گوش روستائیان رسید و از یک قلعه به قلعه‌ی دیگر نقل شد، موج شورش همه جا را فرا گرفت و دسته‌هایی از روستائیان با هجوم به شهرها، آزادی زمین‌ها را خواستار شدند و ترس و هراس به سراسر شمال فرانسه رسوخ کرد.

نجبای فرانسوی، بدون کمک دولت، خود دست به کار شدند، آن‌ها به خانه‌های مردم یورش بردندو تمام مواد غذایی و نوشیدنی‌های آن‌ها را به سرقت بردند و خانه‌ها را هم طعمه‌ی حریق نمودند، در حالی که ساکنان خانه‌ها از وحشت می‌لرزیدند و منازلی که از آشوب بر کنار بودند، در های خود را بر روی این میهمانان ناخوانده می‌بستند تا از شر آن‌ها در امان بمانند.

روستائیان، تعدادی از خانه‌ها را به گروگان گرفتند و مثل این که به ضیافت دعوت شده‌اند، در آنجا به عیش و نوش پرداختند. در یک مهمانی که در شهر مئو (Meaux) بر پا شده بود، دو نفر از مبارزان با کمک تعدادی سرباز به آن خانه ریختند و دست به کشتار مردم زدند، ساکنان خانه هم تا حدی که می‌توانستند سربازان را هلاک کردند و شورش دهقانان بدین ترتیب آغاز شد.

جهاد (نبرد مقدس) پایتخت مسیحیت را تهدید می‌کند. (آدریا نوپول، ۱۳۶۱):

یکی از شهرهای بزرگ تراس (Thrace) (مقدونیه) به نام آدریانوپول (Adrianople) به دست عثمان سرسلسله‌ی دودمان عثمانی، سقوط کرد. این شهر یکی از بزرگ‌ترین شهرهای اروپایی است که برای نخستین بار در نبردهای اروپا در اختیار ترک‌ها قرار می‌گیرد.

سقوط آدریانوپول به مانند سقوط شهر گالی پولی (Gallipoly) در شبه جزیره‌ی واقع در کنار دریای مرمره می‌باشد و بی‌شباهت به آن نیست، اینک شهر کنستانتینوپول (Constantinople) پایتخت بیزانتین که به طور مرتب در معرض حملات ترکان قرار گرفته، زخم خورده است و مردم آن را ترک می‌کنند. در این حال، پاپ در رم اعلام کرده که نجات شهر قسطنطنیه مقدم بر رهایی اماکن مقدس می باشد. و مبارزان صلیبی باید به کمک آن بشتابند و مسلمانان کافر را از آنجا برانند.

شهر قسطنطنیه که بسیار صدمه دیده است. با حملات نیروهای نظامی عثمان و با پشتیبانی ژان کانتاکوزن (John Cantaccuzene) امپراتور سابق که از مقام خود کناره‌گیری کرد در آستانه‌ی سقوط قرار گرفته است. در ارتباط با همین موضوع، همان طور که پاپ اعلام کرده که نجات قسطنطنیه جزو جنگ‌های مقدس صلیبی است، عثمان هم اعلام کرده است که تسخیر آن شهر جزو جهاد است، و مسلمانان وظیفه دارند که در این جهاد مقدس شرکت نمایند. یکی از مشکلاتی که مسیحیان در اخراج عثمان از ترس مقدونیه دارند، این است که مسیحیان آن دیار هیچ پشتیبانی ندارند. بر حسب فرمانی که عثمان صادر کرده، مالیات‌ها باید کاهش یابد و حقوق مردم پایمال نشود و دستگاه قضایی اصلاح شود تا رعیت در امان باشد.

قهرمان لهستانی در اثر حادثه‌ی شکار هلاک شد. (لهستان، ۵ نوامبر ۱۳۷۰):

کازیمیر (Casimair) سوم، پادشاه لهستان، که به رونق اقتصاد کشور کمک کرده و باعث پیشرفت لهستان در تمام زمینه‌ها شده بود، امروز در هنگام شکار به طور تصادفی کشته شد. او ۶۰ سال داشت، وی هنگامی به سلطنت رسید که دشمنان از هر سو کشور را در محاصره داشتند. در سی سال قبل او توانست قلمرو خود را از آفت حمله‌ی مغول برهاند. او منطقه‌ی گالیسیا (Galicia) را ضمیمه‌ی لهستان کرد و مرزهای ملی را اصلاح نمود. او یهودیان پول‌دار و بانکداران یهودی را تشویق کرد که به لهستان بیایند، چون از مالیات آن‌ها عایدی خوبی حاصل می‌شد. او دانشگاهی در شهر کراکو (Cracow) تاسیس کرد زمین‌های کشاورزی و مالکیت آن را تحت نظم و قانون درآورد. مقررات حکومتی و مسئولیت کارمندان دولت را تحت ضابطه درآورد و حقوق روستائیان را در زمینه‌ی زراعت تامین کرد و آن‌ها را آزاد گذاشت که در هر منطقه میل دارند اقامت نمایند.

بیش ترین مناطق شمال افریقا تحت سلطه‌ی فرمانرویان فز (Fez) قرار گرفت. (مراکش، ۱۳۵۸):

اتلانتیک شمالی ۱۴۳۲

پرتغالیها در اقیانوس اطلس مجمع الجزایری را کشف و نام آن را، آزور (Azores) گزاردند.

آفریقای غربی ۱۴۳۳

توآرگ (Tuaregs) سوار صحرانورد از اهالی شمال آفریقا شهر تیمبوکتو (Timbuktu) را تسخیر کرد.

رم ۳۱ مه ۱۴۳۳

سیگیسموند به دست پاپ اوژنیوس چهارم به عنوان امپراتور تاج بر سر نهاد. وی امید آن داشت که برضد کنفرانس بازل (بال) حمایت پاپ را جلب کند.

سویس ۳۰ نوامبر ۱۴۳۳

آمادگی که در اجلاس بازل برای مذاکره با هوسیت‌ها اعلام شد سبب شکاف بین اوتراکیست‌های (Utraquists) میانه رو (آنها عقیده داشتند که مردم عادی هم در مراسم عشای ربانی می‌توانند از نان و شراب استفده کنند) و بنیادگراهای تابوریت‌ها (Taborites) گشت.

آسیای جنوب شرقی ۱۴۳۴

پایتخت حکومت خمر (Khmerr) از شهر آنگ کور (Angkor) به پنوم پنه (Phnom penh) انتقال یافت.

بوهم مه ۱۴۳۴

نیروهای نظامی سیگیسموند امپراتور، تابوریت‌ها را در منطقه لیپانی (Lipany) شکست دادند. کاتولیک‌ها و اوتراکیست‌ها هردوسیگیسموند را مورد حمایت قرار می‌دهند.

فلورانس ۱۴۳۴

کوزیمودو مدیچی (Cosimo de Medici) که در سال ۱۴۳۳ توسط دشمن خود رینالدو دالبیتزی (Rinaldo d'Albizzi) تبعید شده بود، به فلورانس برگشت و قدرت را قبضه کرد. گرچه کوزیمو به طور قطع یک شهروند مستقل بود ولی در تشکیل دادن یک جمهوری مستقل و ایفای قدرت بسیار موثر بود.

فرانسه ۱۹ سپتامبر ۱۴۳۵

دوک بدفورد (Bedford) ستوان نظامی انگلیسی در سرزمین فرانسه درگذشت. وی نشان داد که مردی است که یک تنه می‌تواند از توطئه‌های اقلیت در دولت هنری ششم ممانعت به عمل آورد، و مرگ وی باعث شد که ناشکیبائی آنان شعله ور گردد.

فرانسه ۲۱ سپتامبر ۱۴۳۵

با انعقاد پیمان اراس (Arras) که فیلیپ ملقب به نیک با انگلیس امضا کرد شارل هفتم به عنوان تنها پادشاه فرانسه معرفی شد.

اسکاندیناوی ۱۴۳۵

اریک (Eric) شهروند اسکاندیناوی با عقد پیمان صلح با هانس (Hanse) به امتیازات زیادی دست یافت هانس چندی پیش درنبرد به اریک توانسته بود در ناحیه کنت نشین هولشتاین (Holstein) شهر شلزویگ (Schleswig) را تصرف کند.

با مرگ ابوعین، سلطان مراکش، قدرت از دست پادشاهان سلسله‌ی مارینه (Marinid) خارج شد، در حالی که آنان تلاش می‌کردند که مجدداً سلطه بر زیانیه (Ziyanids) در شهر تلمسن (Tlemcen) را در دست گیرند که طوایف عرب به آن مسلط بودند و راه را بر تونس بسته بودند.

اینک درست یک سده از هنگامی که ابویحیی مرد قدرتمند و سرسلسله‌ی پادشاهان مارینه می‌گذرد. ابو یحیی در راس طوایف بربر موفق شد که قیام زیانیه را سرکوب و هم چنین بر ضد خلفای المهدی برخیزد. سلسله‌ی مارینه سپس در تحت امر ابویوسف برادر ابویحیی به پیشرفت‌های دیگری دست یافتند.

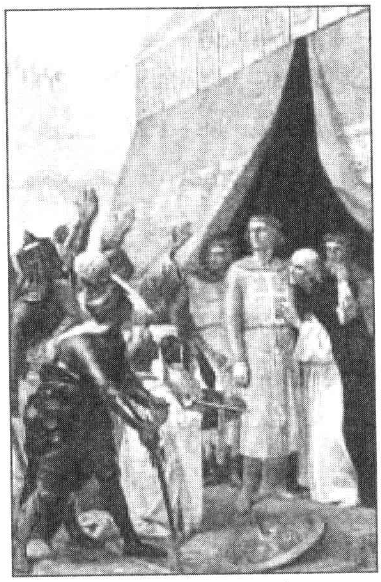
او توانست زیانیه را شکست دهد و مراکش را تسخیر کند. پس از آن شهر تلمسن را محاصره کرد و بندر سوتا (Ceuta) را تصرف و به اسپانیا حمله برد و سرانجام کاستیلیان (Castilians) را شکست داد. در تحت فرمانروایی او که در عین حال قدرت و سرپرستی مارینه را عهده‌دار بود و سلطنت و فرماندهی نظامی را برعهده داشت، در این زمان شهر فز به یکی از مهم‌ترین و با شکوه‌ترین شهرهای شمال افریقا مبدل شد.

حاکمان و شاهک‌های محلی موظف بودند خراج سالیانه را به حساب سلطان فز واریز کنند تمام شهرها و سرزمین‌های اطراف تحت فرمان سلطان درآمد و وی توانست همه‌ی آن‌ها را بدون جنگ تصرف و تحت امر خود درآورد.

مصری‌ها پادشاه تبعیدی تمام عمر را رهانیدند. (ارمنستان، ۱۳۷۵):

لئون چهارم، پادشاه ارمنستان، برای تمام عمر به اروپا تبعید و معزول شد.

دستگیر کنندگان مصری وی، آن را برای مدتی کوتاه در زندان قاهره محبوس ساختند. وی هنگام خلع ید از پادشاهی، به وسیله‌ی مصری‌ها در منطقه‌ی قابان (Gaban) در اوایل سال دستگیر و در قاهره زندانی شد، او از دین مسیح دست کشیده و بدین سبب در دادگاههای اروپایی محکوم شده بود و در تلاش آن بود که دست به



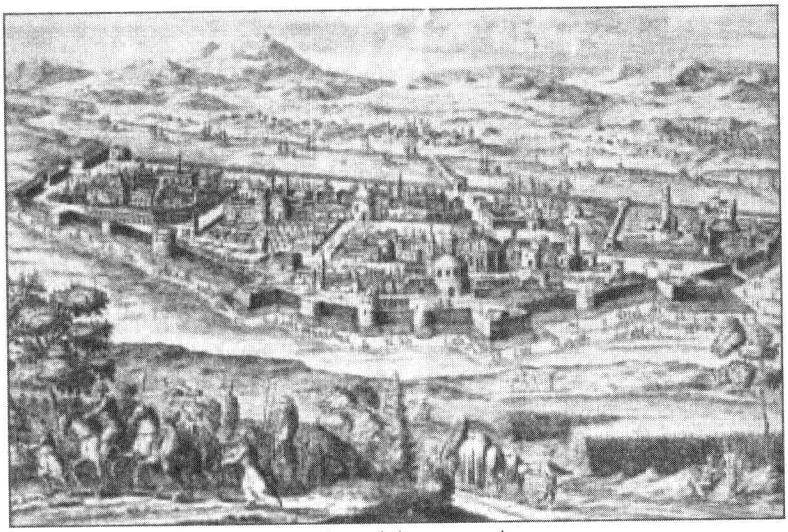
لویی نهم و عده‌یی از اسیران



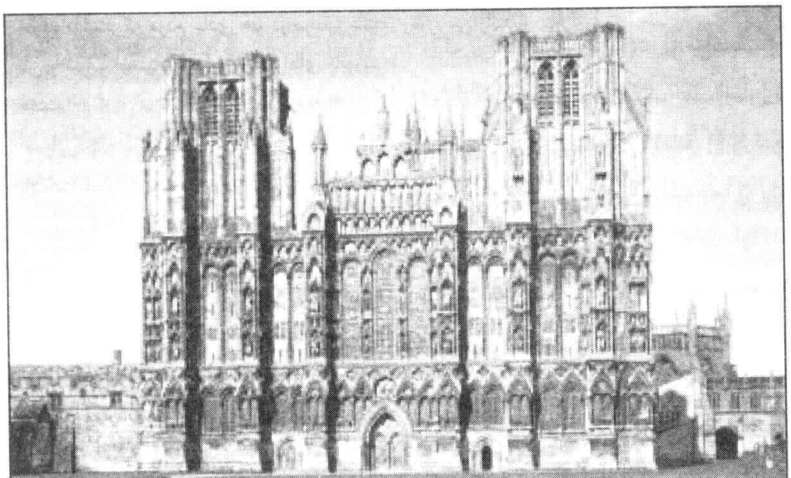
دست نبشته‌یی بسیار روشن با خط رومی در مورد داستان آرتور (Arthur) شاه و شوالیه‌های دربار وی.



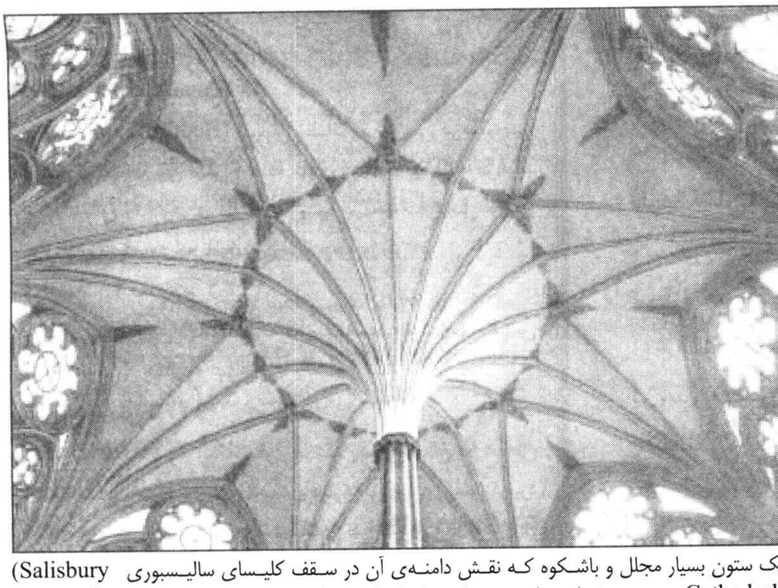
پرسش‌هایی از هنری قبل از سوزاندن او.



منظره‌ی شهر بغداد از دید یک پرنده.



نمای غربی کلیسای بزرگ شهر ولز (Wells) یا مناره‌های بلند طرفین، در شهر سامرست (Somerset) هم یک کلیسای باشکوه با منارهای سر به فلک کشیده ساخته شده که حکایت از معماری بسیار پیشرفته‌ی انگلیس دارد.



یک ستون بسیار مجلل و باشکوه که نقش دامنه‌ی آن در سقف کلیسای سالیسبوری (Salisbury Cathedral) به صورت شعاعی با هشت خانه، جلوه‌گر فن معماری پیشرفته و مهارت طراحان آن می‌باشد. در ضمن این ستون نگهدارنده‌ی بنا و سقف آن است.

تشکیل ارتش بزند. به هر حال مصری‌ها و کارمندان زندان و آشوت (Achot) یکی از نجبای ارمنستان که به اسلام گرویده بود، متفقا او را به دین اسلام تشویق می‌کردند، لیکن او از پذیرش پیشنهاد آنان امتناع می‌کرد.

به هر صورت، لئون، پادشاه سابق ارمنستان، توانست رابطه‌ی صمیمانه‌یی با زندانبان و سایر کارکنان مصری برقرار کند و با حیله از زندان فرار کرده و به شهر سیس (Sis) پایتخت محبوب خود برسد.

تیمور لنگ ایران را به تصرف درآورد. (ایران، ۱۳۷۹):

یکی از روسای قبایل ترکمن به نام تیمور لنگ در راس نیروهای نظامی خود از بخارا که دومین شهر فرارودان (ماوراء النهر) به شمار می‌رود، به قصد تخریب و ویرانی شهرها به مرزهای ایران حمله ور شد. به طوری که شایع است وی سراسر ایران از شهر مرو در شمال تا شیراز در جنوب کشور را در نوردیده و به خاک و خون کشیده، پیشگویان، اخبار بدی را پیش بینی کرده‌اند. تیمور اکنون طعم فرماندهی را می‌چشد، سایر مردمی هم که پشتیبان او هستند، در هوس تسخیر سرزمین‌های دیگران به حمله می‌پردازند. از سویی چون ریشه‌های درخت تناور سلسله‌ی پادشاهی مغولان به خشکی گرائیده، آن‌ها در پی یک رهبر تازه هستند که تمایلات خود را ارضا کنند و این‌ها هم شاگردان مکتب خشونت بار مغولان هستند، از سویی چون مرکز قدرت خالی شده و کسی در فکر آن نیست که چنان قدرتی به دست آورد، در نتیجه تیمور هم میدان را خالی یافته، اقدام به تسخیر سرزمین‌های دیگران کرده. چنین به نظر می‌رسد او هنوز در پی تصرف و چپاول شهرهاست، معهذا تیمور یک غارتگر تنها نیست، بلکه یک جانی بالفطره می‌باشد. در سرزمین مصر، حکومت و اقتصاد مملوکیان دچار لرزش و ارتعاش است و دیگر قوام و استقامت خود را از دست داده. در شمال کشور ایران، سلطان با یزید، جانشین عثمان، در فکر بلعیدن باقی مانده‌ی امپراتوری مسیحی بیزانس است.

اینک تیمور با نیروی نظامی وحشت‌انگیز خود، به صورت قدرت سومی در خاور نزدیک ظاهر شده است. در

بوهم ۵ ژوئیه ۱۴۳۶

باموافقت نامه‌یی که با هوسیت‌ها در سال ۱۴۳۳ به امضا رسید سیگیسموند به عنوان پادشاه بوهم معرفی شد.

آفریقای غربی ۱۴۳۶

پرتغالیها با گذشتن از حاشیه صحرا به کشف ناحیه ریودواورو (Rio de Ouro) (رود زرین) اقدام کردند.

ایتالیا آوریل ۱۴۳۸

با وجودی که اجلاسیه بازل جهت رفع شکاف بین کلیساهای یونانی و یکپارچگی بین تمام کلیساها اقدامات مفیدی انجام داد. با این وصف پاپ اوژنیوس (Eugenius) از کلیساهای یونانی دعوت کرد که در فرارا (Ferrara) تشکیل جلسه دهند. عده‌یی پیرو اعلامیه کنفرانس بازل بودند و در حالیکه اقلیت باقی مانده، نظریات پاپ را مورد تایید قرار دادند.

فرانسه ۷ ژوئیه ۱۴۳۸

شارل هفتم به معتصبان مذهبی که طرفدار محدود شدن اختیارات پاپ بودند و همچنین اسقف‌های سراسر فرانسه اعلام کرد که بر طبق گفته‌های شاه عملکرده و اسقف اعظم کشور را انتخاب کنند.

اسکاندیناوی ۱۴۳۸

شورش روستاییان و تحریکات ناسیونالیست‌ها، اریک پادشاه را واداشت که به سرعت از دانمارک بگریزد وی به جزیره سوئدی گوتلند (Gotland) جایی که دزدان دریائی کشتی‌ها را مورد غارت قرار می‌داند. پناهنده شد.

ایتالیا ۱۶ ژانویه ۱۴۳۹

شورای مشورتی کلیساها از فرارا به فلورانس (Florence) تغییر مکان داد.

بازل (بال) ۵ نوامبر ۱۴۳۹

نمایندگانی که اجلاس شورای کلیساها را نپذیرفته بودند پاپ اوژنیوس را معزول کردند، و خودشان دوک آمادئوس (Amadeus) هشتم اهل ساووی (Savoy) را به این منصب گماردند. این دوک لنگ بود ولیکن از نظر هوش و ذکاوت و نیز ثروت بسیار مشهور بود. اونام فلیکس (Felix) پنجم را برخود نهاد.

آلمان دوم فوریه ۱۴۴۰

فردریک سوم بزرگتر که در هابسبورگ سکونت داشت به امپراتوری تعیین شد. وی به وسیله مردم سرزمینهایی انتخاب شد که بطور اصولی از دیکتاتوری و خودمحوری نفرت داشتند و شاهان مستبد مورد پسند آنها نبود.

آفریقای جنوبی ۱۴۴۰

در فلات شمال شرقی زیمبابوه (Zimbabwe) و سراسر دره زامبری و ساحل سوفالا معادن طلا به فور یافت شده اکنون استخراج طلا از این معادن و صدور آن تحت کنترل فاتح کبیر و قابل ستایش به نام مونهوموتاپا (Munhumutapa) درآمده است.

اروپا، مسیحیت قادر نیست به کمک ایران بیاید و آن‌ها هم مانند ایران دچار مشکلات خود هستند. مدت‌های مدیدی است که بین کلیساها اختلاف عمیقی ایجاد شده و رم و کنستانتینوپول دیگر اقتدار خود را از دست داده‌اند و به حالت نزار افتاده و در ضعف و ناتوانی به سر می‌برند، به ویژه بیزانتین (امپراتوری رم شرقی در آسیای صغیر (آناتولی) به کلی خود را باخته است.

تنها قدرت اسلام است که ونیز و جنوا را به مقابله دعوت کرده، لیکن آن‌ها هم نمی‌توانند با امپراتوری بزرگ اسلام پنجه درافکنند.

شاهزادگان مسکو از جلوی مغولان می‌گریزند. (مسکو، هشتم سپتامبر ۱۳۸۰):

در میدان نبرد کورلف (Curlew) واقع در استان تولا (Tula)، سربازان روس با دین قشون شکست ناپذیر مغولان و هراسی که آن‌ها در دل سربازان به وجود آورده بودند همگی از ترس فرار کردند و مغولان هیچ گونه مقاومتی در برابر خود ندیدند.

فرمانده‌ی قشون روس‌ها به نام گراندوک دیمیتری (Grand Duke Dmitri) با این عمل سربازان، موقعیت خود را از دست داد و چون تنها ماند، برای این که دچار آسیب نشود، به زیر درختی پناه برد. در نتیجه قشون مغول که از سی هزار مرد جنگی و تعدادی مردور اهل جنوا تشکیل شده بود، تحت فرماندهی مامای تارتار (Mamay Tartar) بر لشگریان دیمیتری غلبه کردند. سپاهیان مزدور جنوایی در ۳۴ سال پیش هم با نیروهای متحد فرانسوی خود بر علیه ارتش انگلیس در منطقه‌ی کرەسی وارد نبرد شده بودند.

با پیروزی مامای، او با لیتوانی (Lithuanian) پیمان اتحاد بست و با گذشتن از رود دون (Don) در روسیه، شهرهای سر راه را غارت کرد و مستقیما به سوی شمال تاخت. با اوج گیری نبرد، دیمیتری مخفیانه نیروهای سواره‌ی خود را به میدان جنگ اعزام کرد و پیروزی‌هایی به دست آورد و قشون مغول را در هم شکست.

یک جراح انگلیسی، با اصلاح روش جراحی، به تنهایی بر علیه مقدسات و معجزات مذهبی، اقدام کرد. (لندن، ۱۳۷۶)

جان اردنه (John Ardene)، جراح انگلیسی سبک قدیمی درمان شقاق مقعد را با سوراخ کردن محل زخم ترمیم کرد و در رساله‌یی که منتشر کرد، طرز جراحی این بیماری را تشریح نمود. او تعداد زیادی از شوالیه‌ها، کشیشان، تجار و راهبان را به این وسیله درمان و برای هر عملی مبلغ ۴۰ لیره‌ی انگلیسی دریافت می‌کرد، علاوه بر آن افراد بایستی برای معالجه و درمان یک ساله و پانسمان آن سالی ۴۰ لیره بپردازند. در حالی که سایر جراحان موفقیت او را در این عمل قبول نداشتند و برای جلوگیری از خونریزی و ضعف حاصل از آن داروهای گران قیمتی تجویز می‌کردند که بتوانند سلامت بیمار را تامین نمایند.

پزشکان و جراحان، بیش‌تر روی درمان‌های معمولی و دارویی تاکید داشتند، در حالی که بیماران از آن منتفع نمی‌شدند. در این زمان اکثریت مردم به طلسم و جادو و دعا عقیده داشتندو شفای بیش‌تر بیماران را از شیاطین و کلیسا و راهبان و اشخاص نیرنگ باز طلب می‌کردند و چون این شیادان در کار خود استاد بودند، بیش‌تر می‌توانستند مردم را تحمیق کنند راهبان اماکن مقدس و زیارتگاه‌ها ادعا می‌کردند شفای بیماران در دست آن‌هاست و از پزشکان کاری ساخته نیست و حتی متخصصانی هم چون اردنه تنها توانستند در یکی دو مورد مرضا را از مرگ برهانند.

اردنه با تجربیات خود توانست د رخدمت شاهزاده ادوارد مشهور به سیاه درآید و هنگامی که مرگ سیاه (طاعون) به اوج انتشار خود رسیده بود، وی را از مرگ نجات دهد، این در حالی بود که ادوارد در فرانسه به جنگ مشغول بود. پس از خاموش شدن بیماری طاعون، او در منطقه‌ی نیوآرک (Newark) سه بیمارستان تاسیس کرد و آن‌ها را به مرکز جراحی تبدیل کرد.

او رعایت تمام نکات اخلاقی را می‌کرد و در تمام کارها انسانیت و شرافت شغل طبابت را در نظر داشت. او می‌گفت جراح هیچ گاه نباید بد زبان و فحاش باشد و بایست همواره اخلاق را مد نظر داشته باشد. هم چنین در مورد زنان بیمار باید خویشتن‌داری کند و آنان را ملعبه شهوت خود نسازد و عفت و شرف پزشکی را رعایت کند و چشم طمع به آن‌ها نداشته باشد، لیکن سعی و تلاش او بر این قرار گیرد که در حد امکان تمام بیماران را از درد و رنج نجات داده و در حد مقدورات به سلامت بیماران کمک کند.

دو نفر از پاپ‌ها باعث ایجاد شکاف در کلیسا می‌شوند، (رم، ۲۰ سپتامبر ۱۳۷۸):

اخبار رسیده حاکی از آن است که پادشاه فرانسه روبرت اهل ژنو، عموی خود را به عنوان پاپ کلمنت هفتم انتخاب کرده و این امر سبب ایجاد اختلاف شدیدی در کلیسای کاتولیک رم شده است.

انتخاب کلمنت هفتم بر اثر فشار شدیدی بود که پادشاه فرانسه بر کاردینال ها وارد و آن‌ها را به وسایل مختلف مورد تهدید قرار داده، در این حال بارتولومه پرینیانو (Bartolomeo Prignano) ایتالیایی به نام اوربان ششم که در ماه ژوئن گذشته به مقام پاپی رسیده بود، این انتخاب را باطل و بی اعتبار دانست و کاردینال‌های کلیسای سنت پیتر هم از ترس پاپ این جریان را تایید کردند.

پاپ اوربان مقام و موقعیت خود را رها نکرد. دوستان وی هم انتخاب کلمنت را غیر قانونی وغیر مشروع اعلام کردند. آنان عقیده داشتند که این امر سبب می‌شود که بدعتی در کار به وجود آید و پادشاه فرانسه مقام پاپ را غصب کند.

اکنون مدت ۷۰ سال است که پاپ‌ها در شهر آوینیون اقامت می‌کنند و این باعث می‌شود که پادشاه فرانسه در انتخاب پاپ دخالت کند و آن را حق خود بداند. به هر حال این ماجرا بالا گرفت و مشاجره تشدید شد. در جلسات مخفیانه‌یی که کاردینال های فرانسوی تشکیل دادند، اختلاف بروز کرد، لیکن اکثریت به اوربان رأی دادند.عده یی هم از روبرت پشتیبانی می کردند. مابقی آنان حامی اوربان بودند که در خانواده‌یی از طبقات پایین زاده شده بود و با مساعی خود اعتبار روحانیت و کلیسا را بالا برده و قدرت از دست رفته آن را اعاده کرده بود.

از زمانی که اوربان به مقام پاپی رسید، مخالفت خود را با زندگانی پرتجمل و پر خرج کاردینال ها ابراز داشت و بسیار از مخارج کلیساها را کاهش داد و مقداری از اموال زاید را به فروش رسانید. بدین ترتیب کاردینال های فرانسوی از اعمال وی بیزاری جستند و باعث رنجش و آزردگی آنان گردید.

فرقه ی انگلیسی هوادار لولارد (Lollards) در ستیزه با قدرت پاپ (لوترورت (Lutherworth)، انگلیس، ۱۳۷۹):

مکزیک ۱۴۴۰

مونته زوما (MonteZuma) به فرمانروائی آزتکها انتخاب شد وی در حال حاضر شروع به تسخیر سرزمین‌های قبایل اطراف و مطیع کردن آن‌ها کرده است. در سال ۱۴۲۸ بین شهرهای تنوچتیت لان (Tenochtitlan)- تکس کوکو (Texcoco) و تلاکوپان (Tlacopan) تحت رهبری تپانک (Tepanec) که از قدرت برکنار شد اتحادی سه گانه برقرار شده بود. لیکن آزتک‌ها به تدریج سرزمین‌های تحت سلطه تپانک را تصرف کردند.

ایتالیا ۱۴۴۰

لورنزو والا (Lorenzo Valla) که در زبان لاتین دارای تحصیلات عالی بود، ثابت کرد که پاپ سیلوستر (Sylvester) در سال ۳۲۶ عنوان خود را از امپراتور کنستانتین کسب کرده است و کنستانتین در آن سال این سمت را به پاپ جهت حفظ موقعیت و کسب قدرت به وی اعطا کرده و در حقیقت حق قضاوت و حکمفرمائی را پاپ‌ها به طور مصنوعی به خود داده‌اند.

پرتغال ۱۴۴۱

برای نخستین بار واردات برده و طلا از غرب آفریقا به پرتغال آزاد شد.

فلورانس ۱۴۴۱

کلیسای اتیوپی نمایندگانی به شورای کلیساها اعزام کرد. در نتیجه بین کلیسای اتیوپی و کلیسای روم پیمان اتحادی به امضا رسید.

ناپل ۱۲ ژوئن ۱۴۴۲

آلفونسوی پنجم پادشاه آراگون پس از تصرف ناپل در همان شهر تاجگذاری کرد.

مجارستان ۱۴۴۲

یانوس هونیادی (Janos Hunyadi) حاکم ولادیسلاو (Vladyslav) پادشاه لهستان و فرمانروای انتخابی مجارستان در دو فقره عملیات جنگی برترکهای عثمانی پیروز شد. وی اول ضربه‌یی برمزید بیگ (Mezid Bey) وارد آورد که ترانسیلوانی (Transylvania) را در تصرف داشت و دومین پیروزی وی دفاع در مقابل نیروهای نظامی مزید بیگ و شکست دادن ارتش او بود.

بلغارستان ۱۴۴۴

دولت عثمانی مجارستان را در محل وارنا (Varna) واقع در کرانه دریای سیاه شکست داد. با این عمل راه فتح قسطنطنیه باز شد.

آفریقای غربی۱۴۴۴

پرتغالیها در راه کشف آفریقا به دهانه رود سنگال (Senegal) رسیدند و نیز سرزمین دماغه سبز (Cape Verde) را کشف کردند.

لهستان ۱۴۴۷

کازیمیر (Casimir) چهارم از اهالی یاجی لونیان (Jagiellonian) به پادشاهی لهستان رسید و برادر وی ولادیسلاوسوم که قبلا پادشاه لهستان و مجارستان بود در جنگ وارنا شکست خورده و تبعید شد.

میلان ۱۴۴۷

با مرگ فیلیپوماریا ویسکونتی (Filippo Maria Visconti) آخرین فرد این سلسله پادشاهی، شهروندان میلانی جمهوری اعلام کردند و فرانچسکو اسفورزا (Francesco Sforza) را به عنوان (فرمانده ارتش) معرفی کردند.

جان وایکلیف (John Wyclif) (این شخص یکی از سران فرقه یی بود که پاپ آن ها را مرتد شناخت) که یکی ازدانشمندان مشهور دانشگاه آکسفورد بود، در خطابه ای، انتقاد شدیدی به مراسم عشای ربانی کرد و این مراسم را آن طور که پاپ انجام می داد، مردود شناخت.

برحسب نظریه ی سنت گرایان مسیحی و پیروان اصیل مسیحیت، نان و شراب معجزه یی است که از حضرت عیسی باقی مانده و آنان عقیده دارند که شام آخر عیسی است، در حالی که وایکلیف اصرار داشت که باید این امر تغییر یابد. گرچه این نظریه طرفداران زیادی نداشت و گروه قلیلی به آن عقیده داشتند، لیکن وایکلیف این باور را به دانشگاهیان و هواداران خود القا کرد.

وایکلیف زمانی ریاست کالج بالیول (Balliol) را عهده دار بود و در این مباحات شرکت می کرد. در این اواخر وی قدرت پاپ را مورد حمله قرار داد، در حالی که سابقاً روابط صمیمانه یی با دستگاه روحانیت داشت. این نقار و کدورت، دستگاه کلیسا را دچار وحشت ساخت، به طوری که این اختلاف به دولت انگلیس هم کشیده شد و علت آن هم این بود که پاپ یک قدرت موقتی بود و با مرگ پاپ این قدرت به فرد دیگری منتقل می شد. از نظر سیاسی وایکلیف دوستان زیادی در دستگاه انگلیس داشت که از آن جمله عموی جان، شاهزاده گانت (Gaunt) بود.

از این نظر پاپ دچار سهو و اشتباه شد چون حامیان وی را حقیر می شمرد و نمی توانست او را محکوم کند. از این رو ناچار شد، حکم مرتد بودن وی را لغو کند. در ثانی پاپ اکنون ناچار شد که با وایکلیف طرح دوستی بریزد و صمیمیت گذشته را تجدید کند و به اختلاف پایان دهد.

از سویی انتقادات مردم نسبت به پاپ روزافزون می شد و قدرت وی را به مخاطره می افکند. وایکلیف وطرفداران او از جمله لولارد عقیده داشتند باید مردم انجیل را همان گونه که هست بخوانند و دستورات آن را اجرا کنند و می توانند نظریات خود را آزادانه بیان کنند و نیازی به قیم و وصی ندارند و فهم هر کس از انجیل مورد احترام است و نمی شود برای هیچ کس وظیفه تعیین کرد.

کارگران فلورانسی قدرت شهر را در دست می گیرند. (فلورانس ۱۳۷۸):

مدت یکصد سال بود که اشراف و نجیب زادگان امور شهر فلورانس را در دست داشته و حکومت می کردند، لیکن امروزه حاکمیت در اختیار چومپی (Ciompi) اتحادیه هنرمندان و کارگران به ویژه صنف خیاط قرار گرفته است. این جریان در واقع انقلابی است که کارگران و اهل صنعت و بازرگانان را جانشین ثروتمندان و اشراف کرده است.

جدال و ستیزه بین طبقه ی نجبا (کلاه به سرها) و عوام (رداپوشان) در هنگامی که طاعون به وحشت افتادند و در غم از دست دادن ثروت گریان شدند، در حالی که روزگار به سود طبقه ی پایین تمام شد.

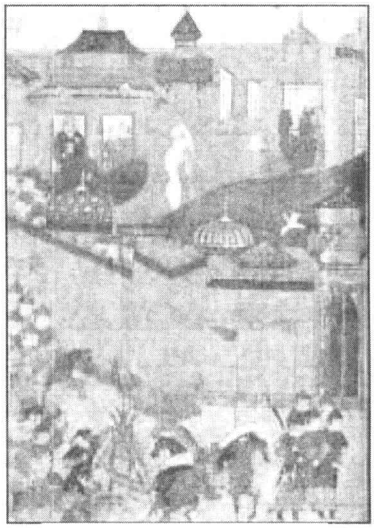
در بحبوحه ی این جریان، طعن و سرزنش در بین مردم نسبت به رجال طبقه ی بالا آغاز شد و به زبان عامیانه هزل و طنزهایی درباره ی آنان رد و بدل می شد، از این قبیل: خیاط برو پی کارت چون کار تو دوزندگی است. تو هم برو فلفل را به ساب (به سای) ای دوا فروش. اشراف هم درباره‌ی طبقه ی عوام هزلیاتی می سرودند، ای عمله ها، خائنان، دزدان، آدم کش ها، حشیشی ها، تبهکاران پرخور و شکم پرست. سرانجام این اغتشاشات و طغیان ها، طبقات تاجر صنعت گر، هنرمند و فقرا را با هم متحد کرد و آن ها توانستند که به یکدیگر به پیوندند و به کاخ های ثروتمندان و اعیان حمله ور شده و زمام شهر را در دست بگیرند.

ونیز با اتکا به قدرت اقتصادی توانست در جنگ با جنوا به پیروزی برسد. (ایتالیا، ۱۳۸۱):

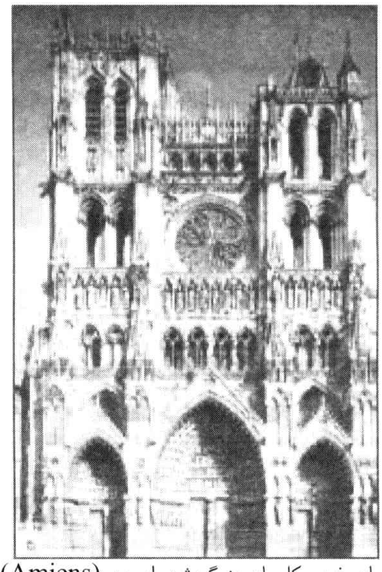
نیروی نظامی ونیز با اتکا به قدرت پولی و اقتصادی خود درجنگی که بین جمهوری ونیز و جنوا درگرفت. در ناحیه‌ی کیوژا (Chioggia) به پیروزی کامل دست یافت و نیروی نظامی جنوا را به تسلیم واداشت.

گرچه تلاش‌هایی برای کنفرانس صلح در شهر تورین (Turin) ایتالیا انجام شد، لیکن نمایندگان آن‌ها قبل از این که این مساعی به نتیجه برسد کنفرانس را ترک کردند. چون که ونیزی‌ها به پشتوانه‌ی مالی خود اطمینان داشتند که در نبرد پیروز خواهندشد.

بیش از یکصد سال بود که این دو جمهوری که زمام اقتصادی منطقه را داشتند، همواره در جدال به سر می‌برند. ونیزی‌ها با ثروت انباشته‌ی حاصل از تجارت با شرق و



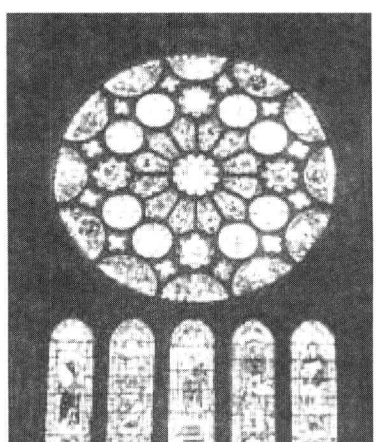
آخرین تصویری که اعراب از شهر بغداد ترسیم نموده‌اند.



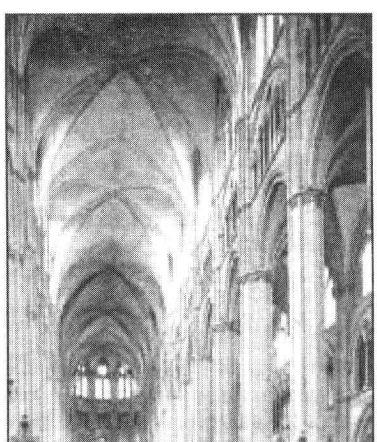
نمای غربی کلیسای بزرگ شهر امی‌ین (Amiens).



سپاهیان قوبیلای خان به شهری در چین یورش برده‌اند، تصویر قرون اخیر به وسیله‌ی هنرمندان هندی.



کلیسای چارتر و شیشه‌های پنجره‌ی آن
که به شکل گل رز می‌باشد.



کلیسای بزرگ بورگس (Bourges
Cathedral) با شبستان بسیار وسیع.



هنری سوم، پاسدار مرزهای سرزمین خود می‌باشد.

بیزانس توانستند بازار اروپا و شمال ایتالیا را قبضه کنند. آنان با همدستی و حمایت دزدان دریایی می‌توانستند کالاهای خود را از میان بر به دریای سیاه برسانند.

تجار جنوایی هم یکی از قدرت‌های اقتصای دنیای آن زمان و درضمن بانکداران موفقی به شمار می‌آمدند، آنان هم چنین ادویه را از مسلمانان خاور دور تهیه می‌کردند و این کالا را که در آن زمان ارزش زیادی داشت، به بیزانتین و سایر نقاط غرب می‌فروختند. آن‌ها نیروی نظامی خود را در کرانه‌ی مرداب کیوژا همراه ناوگان جنگی که از کشتی‌های به رنگ سیاه در منطقه‌یی مستحکم مستقر کردند و با استتاری که ایجاد کرده بودند، توانستند تعدادی از کشتی‌های جنگی ونیزی‌ها را غرق کرده و غنایمی از آن‌ها به دست آورند.

صوفی پس از حالت جذبه و خلسه، به هلاکت رسید. (روم، ۲۹ آوریل ۱۳۸۰):

کاترین، اهل سی‌یه‌نا (Siena)، که یک صوفی مسیحی بود، هشت روز پس از آن که در اثر سقوط به شکستگی مچ دست دچار شده بود، در گذشت. او اهل شهر سی‌یه‌نا و ایتالیایی و سی و سه سال داشت و همواره از درد و بیماری رنج می‌برد، به طوری که به کلیسا پناه برد و در آنجا اقامت گزید. در همین اواخر که بیماری او شدت پیدا کرد، او با پاپ در آوینیون ملاقات کردو از سمت خود استعفا کرد.

وی مدت‌ها پیش به جمع صوفیان مسیحی پیوسته بود و از عقاید این فرقه که طرفداران بسیاری هم داشتند لذت می‌برد و عقاید آنان را می‌ستود. صوفیان از نظر عقیده‌ی مذهبی در ایتالیا محدودیت نداشتند ومشهورترین صوفیان آلمان عبارتند از هیلدگارد (Hildegard) اهل بین‌ین (Bingen) که در سال ۱۱۸۰ وفات یافت، هانری ساسو (Henry Suso) (مرگ ۱۳۶۵) و بریگت (Bridget) سوئدی (مرگ ۱۳۷۳) در انگلستان و هلند هم تعدادی صوفی وجود داشت که از آن جمله ژولیان (Julian) اهل نوریچ (Norwich) و جان رویس بروک (John Ruysbroek) می‌باشند.

مشخصه و ویژگی صوفیان در دو حالت خلاصه می‌شود که عبارتند از خلسه و بی‌خودی از خود و سپس حالت مکاشفه و الهام، مرحله‌ی اول که باحالت بی‌هوشی و در حالت خلسه و انجذاب فرو رفتن است، که تمام صوفیان و دراویش پس از حرکات یکنواخت و سریع به آن نایل می‌شوند، لیکن مرحله‌ی دوم که حالت مکاشفه و الهام است ویژه‌ی پیش کسوتان است و هر صوفی به آن نایل نمی‌شد.

همان طور که ذکر شد در مرحله‌ی اول سالک و صوفی در حالت جذبه روحانی وارد می‌شود و در این حالت احساسات معمولی وی از بین می‌رود که موقتی است و در حالت بعدی که ویژه‌ی سالکان طریقت و پیش کسوتان و اولیاست، صوفی احساس می‌کند روحش در پرواز و جسم او دستخوش دگرگونی است و احساس جسمانی ندارد و درنتیجه آینده و رویدادهای آن را مشاهده می‌کند و آینده هم چون اینه در مقابلش قرار می‌گیرد و روح خود را آزاد می‌بیند و به این حالت مکاشفه و هویدایی گفته می‌شود.

راهبان مسیحی با مطالعه‌ی ستاره‌ها، آینده‌ی افراد را از روی آن پیشگویی می‌کنند. (پاریس، ۱۱ ژوئیه ۱۳۸۲):

کشیش نیکلاس اورسم (Nicolas Oresme) امروزه می‌تواند تاریخ مرگ افراد را محاسبه و اعلام کند، نیکلاس خود یک دانشمند و اقتصادان است. او در هنگام سخنرانی‌های خود سخت به هیجان می‌آید و بسیار تیزهوش و متفکر است. این دانشمند همواره در صدد توسعه‌ی دانش خود و اطرافیان است و در تمام علوم تبحر دارد و به ویژه به علم ستاره شناسی اشتیاق وافر دارد.

وی در حدود سال ۱۳۲۰ متولد شد و در دانشگاه پاریس به تحصیل الاهیات پرداخت. او پس از طی مراحلی در این علم، به مقام کشیش مقیم دربار شارل مشهور به دانا نایل شد و پس از مدتی به مقام اسقف شهر لیزیو (Lisieux) درآمد. شاید اورسم نخستین متفکری است که درباره‌ی سپهر و آفرینش و نخستین ساعت خلقت کاینات می‌اندیشد.

او علم حساب و ریاضی را در خدمت علم ستاره شناسی و نجوم به کار برد ارتباط بین زمین و ستارگان کائنات را محاسبه کرد و سرعت حرکات را در سیارات مشخص کرد.

اورسم در کتاب خود به نام پیشگویی به فلسفه جبری (تقدیری) می‌تازد و آنان را که ادعا می‌کنند که تمام اعمال بشر وآینده را از روی گردش و حرکات ستارگان پیشگویی می‌کنند به باد مسخره می‌گیرد و آن را هم چون اشباح سیاه و تاریک می‌پندارد.

یکی از سؤالاتی که اورسم مطرح می‌کند، این است که بر طبق فلسفه ارسطو، کره‌ی زمین ثابت است و تمام ستارگان به دور آن در گردش هستند و چگونه می‌توان این موضوع را به اثبات رساند که همه‌ی ستارگان حول زمین در حال چرخش می‌باشند، در حالی که خارج از کره‌ی زمین، کائنات به هستی خود ادامه می‌دهند و زمین هم یکی از کرات آسمانی است. به هر حال این موضوع‌هایی که اورسم مطرح می‌کند، مفاهیمی بسیار دشوار است و فهم ان برای عامه بسیار مشکل می‌باشد و نمی‌توان تمام تفکرات و مشاهدات او را در این باره باور کرد.

دهقانان انگلیسی قیام می‌کنند. (لندن ، ۱۵ ژوئن ۱۳۸۱):

گروهی انقلابی به رهبری وات تیلر (Wat Tyler) امروز در محوطه پل لندن با طرف داران خود شورش کردند. شاه از این جریان جان سالم به در برد. بدین ترتیب شورش سرگرفت. این شورشی خونین بود، لیکن مدت زیادی به درازا نکشید، این جریان از دو روز پیش آغاز شده بود ودر دورترین نقاط کشور هم مانند لندن شورش و آشوب برپا بود و تیلر با حیله‌یی که اندیشیده بود، آنان را از سراسر کشور فرا خوانده و مرکز شورش را در اطراف پل لندن تعیین کرده بود.

شورشیان در سر راه خود، شهرهای میداستون (Maidstone)، روچستر (Rochester) و کانتر بوری (Canterbury) را دستخوش چپاول ساخته و درهای زندان مارشال سی (Marshalsea) را گشوده و تمام زندانیان را آزاد ساختند. در این ضمن صدها نفر از اهالی لندن هم در غارت شهر به آنان پیوستند. سپاهیان هواخواه تیلر به خیابان‌ها ریخته و مغازه‌ها را غارت و به آشوب کشیدند، آن‌ها به قوانین مالیاتی اعتراض داشتند و در این رابطه، کلیساها را که اسناد دولتی در آن بود آتش زدندو تمام مدارک را سوزاندند. در این هنگام وحشت و هراس تمام شهر را در بر گرفته بود. یک قاضی و ۱۸ نفر از سران شهر را سر بریدند. این جمعیت خشمناک به محله‌ی فلاندری‌ها حمله بردند ۳۵ نفر از آنان را کشتند. سراسقف شهر را از محل اقامت وی در تاورهیل (Tower Hill) بیرون کشیده و به هلاکت رسانیدند.

آلمان ۱۴۴۸

یوهانس گوتنبرگ (Johannes Gutenberg) که اخیرا دستگاه چاپ را اختراع کرده بود در حالیکه چندین سال از عمرش را دراستراسبورگ (Strasbourg) به سربرده بود آن شهر را ترک کرد و به شهر زادگاه خود ماینز (Mainz) برگشت.

صربستان ۱۹ اکتبر ۱۴۴۸

یانوس هونیادی ژنرال مجارستانی، زمانی که ولادیسلاو در وارنا بود، در غیاب وی فرمانروائی بسیار فعال بود، لیکن در جنگ با سلطان مراد دوم پادشاه عثمانی در منطقه کوزوو (Kosovo) شکست خورد.

کنستانتینوپول ۶ ژانویه ۱۴۴۹

کنستانتین نهم، ژان هشتم پالائولوگوس (Palaeologus) را به جانشینی خود برگزید.

لوزان (Lausanne) سویس ۲۵ آوریل ۱۴۴۹

با از بین رفتن مصوبات اجلاسیه بازل که در سال گذشته از جریان خارج شد، پاپ نیکلاس پنجم از مقام خود کناره گرفت. فلیکس پنجم هم که به وسیله همان اجلاسیه و در سال ۱۴۳۹ به این مقام برگزیده شده بود آنرا واگذار کرد.

میلان فوریه ۱۴۵۰

فرانچسکو اسفورزا که فرماندهی ارتش جمهوری میلان را به طور موقت بر عهده داشت و یک مرحله آزمایشی جمهوری را می‌گذرانید ملقب به دوک شهر میلان شد.

آفریقای جنوب غربی ۱۴۵۰

موتوتا (Mutota) که بر فلات شمال زیمبابوه مسلط شده بود. فرزند خود را به نام ماتوپ (Matope) به جانشینی انتخاب کرد. اونیز ماند پدرش لقب مونهوموتوپا (Muhumutupa) را به خود گرفت.

نورماندی ۱۵ آوریل ۱۴۵۰

نظامیان فرانسوی با پیروزی در جنگ بر انگلیس در ناحیه فورمی ینی (Formigny)، فرانسه تمام منطقه نورماندی را تصرف کردند.

اسکاندیناوی اوت ۱۴۵۰

نروژ موافقت کرد که همواره با دانمارک یک پادشاه داشته باشند. در همین حال سوئد ایالتی درگیر جنگهای داخلی بود.

انگلیس ۱۴۵۰

احساس تنفر مردم و عدم شایستگی هنری ششم موجب قیام بر علیه وی شد. چندین نفر از پادشاهان انگلیس به واسطه داشتن همین ویژگی‌ها کشته شدند.

آسیای صغیر (آناتولی) دوم فوریه ۱۴۵۱

محمد دوم جانشین سلطان مراد دوم پادشاه عثمانی شد.

اتریش ۶ ژانویه ۱۴۵۳

فردریک سوم در سال گذشته به عنوان امپراتور مقدس رم تاجگذاری کرد. او در سال ۱۳۵۹ امتیازات زیادی به مردم اتریش اعطا کرد و نظم و ترتیب امپراتوری بیزانس سقوط کرد.

مردم سر اسقف را جدا کرده و آن را با کلاه اسقفی با میخ به دیواره پل لندن نصب کردند. در حالی که لندن در آتش می‌سوخت، ریچارد دوم پادشاه انگلیس، تیلر را برای گفتگو برای متارکه‌ی جنگ فرا خواند، تیلر هم با تبختر و خشم در حالی که شمشیرخود را هم حمایل کرده بود، به حضور شاه رسید. شاه هم فورا دستور قتل او را صادر کرد، لیکن تمام هوادارانش را بخشید.

پرتغال در راه آزادی (پرتغال، ۱۵ اوت ۱۳۸۵):

تعداد سیصد نفر تیرانداز انگلیسی در نبرد آلیوباروتا (Aljubarrota) امروز آتشی برپا کردند و با پیروزی خود، استقلال پرتغال را تامین کردند.

سپاهیان ژان اهل پرتغال، بر نیروهای حریف خود به پیروزی قطعی دست یافتند و ژان شاهزاده کاستیل به شهر سویل (Seville) گریخت. اکنون پرتغال از یوغ همسایگان خود رها شده و سال جدیدی در تاریخ پرتغال ورق خورده است.

مدت‌هاست که موضوع استقلال پرتغال یکی از گرفتاری‌هاست، در دو سال پیش با مرگ فردیناند پادشاه کاستیل، ژان کاستیلی خود را پادشاه خواند. با اعلام سلطنت وی، یکی دیگر از شوالیه‌های مردمی به نام ژان، شورشی را بر علیه او در منطقه‌ی آویس (Avis) به راه انداخت و در صدد برآمد که با کمک اهالی کاستیل ژان را بر کنار سازد.

در این هنگام شهر لیسبون در محاصره قرار داشت و بیش از دو هزار نفر از سران سپاه کاستیل در اثر بیماری طاعون تلف شدند. بدین ترتیب کشور نجات یافت.

پادشاه کاستیل باز هم خطر را استقبال کرد، او با جمع‌اوری تعداد هفده هزار سپاهی، جنگ دیگری را در ناحیه‌ی آلیو باروتا تدارک دید. اگر چه نیروهای مردم از نظر تعداد قلیل بودند، لیکن با تیراندازان انگلیسی که جان گانت، پادشاه انگلیس، به یاری آنان فرستاده بود، توانستند بر حریف غلبه یابند. گرچه آنان پس از پیمودن حدود ۲۰ کیلومتر راه خسته بودند، لیکن برحسب دستور فرمانده دست به حمله زدند.

نیروهای پادشاه کاستیل در امتداد آتش و تیراندازی گروه انگلیسی قرار گرفتند و به گودال‌ها و خندق‌هایی که به لانه گرگ معروف و از پیش حفر شده بودند، در غلتیده و هلاک شدند و جنگ هم در یک ساعت پایان یافت.

مالیات سنگین سبب شورش در فرانسه شد. (پاریس اول مارس ۱۳۸۲):

یک زن فروشنده که در خیابان‌های پاریس مشغول فروش کالای خود بود، هنگامی که مامور جمع‌آوری مالیات، قصد ضبط اجناس وی را کرد، سبب اغتشاش و شورش شهر گردید. او با فریا د و جیغ، مردمان را به کمک خود طلبید و آن ها هم مامور مالیات را به زمین انداختندو عده‌یی هم با کوبیدن دهل و آواز به سوی هتل دوویل (Hotel de ville) هجوم برده و تمام ماموران مالیاتی را از آنجا بیرون کشیدند. توشین‌ها (Tuchins) با این اقدام، اعتراض خود را بر علیه سیاست مالیاتی شارل ششم، پادشاه فرانسه، اعلام کردند.

در هر صورت، دهقانان و کارگران و پیشه‌وران توشین، از اطراف و اکناف شهرهای به سوی پاریس سرازیر شدند، آنان در سر راه خود دست به سرقت اموال مردم می‌زدند و تشکیلات بی بنیان مالیاتی را مورد حمله قرار می‌دادند. آنان در گروه‌های بیست نفری هم قسم شده بودند خون را در رگ‌های سردمداران منجمد کنند. روستائیان اموال و احشام مردم و چهار پایان و جواهرات و صندوق‌های پول مردم را به سرقت می‌بردند. هم چنین کشیشان و اشراف را به گروگان می‌گرفتند. آن‌ها همان مسیر روستائیان انگلیسی را می‌پیمودند و هدف نهایی شان، غارت و چپاول بود، در حالی که این کار به وطن‌پرستی آن‌ها لطمه می‌زد.

توشین‌ها همه از روستائیان و دهقانان نبودند، یکی از رهبران آن‌ها به نام پی‌یردوبرس (Pierre de Bres) به همراه تعدادی از خانواده‌ی خود به جمع آن‌ها پیوسته بودند، هم چنین لانگ دوک (دوک بزرگ) شهر اورین (Auvergne) هم خواهان هرج و مرج در کشور بود، و در گروه شورشیان قرار داشت. گراند دوک در صدد بود که عموی خود را که اسقف کلیسا بود، به گروگان بگیرد.

نقاشی که به نقش‌های ساده می‌پرداخت، در گذشت. (چین، ۱۳۸۵):

فرانسه ۱۷ ژوئیه ۱۴۵۳

نیروهـای نظـامی فرانسـه، انگلـیس را در ناحیـه کاسـتیلون (Castillon) شکست داده و به جنگهای صد ساله بـین دو کـشور پایان بخشید.

بورگوندی ۱۷ فوریه ۱۴۵۴

در یک ضیافت بزرگ فیلیپ ملقب به نیک قسم یاد کرد (همان طور که من این قرقاول پخته را تکه تکـه مـی‌کـنم در نبـرد بـا ترکـان عثمانی آنها را از هم خواهم درید.)

انگلستان مارس ۱۴۵۴

دوک یورک (York) به جانـشینی موقت هنـری ششم در زمـان سکته مغزی وی و آثار ناشی از این بیماری تعیین گردید.

ونیز ۱۸ آوریل ۱۴۵۴

دوژ (Doge)، (لقـب فرمـانروای ونیـز)، فرانچـسکو فوسـکاری (Francesco Foscari) با امضای پیمانی با سـلطان محمـد دوم پادشاه عثمانی ونیز را به او بخشید.

اسپانیا ۲۱ ژوئیه ۱۴۵۴

ژان دوم پادشاه کاسـتیل و لئـون کـه بـر ضـد مورهـا (Moors) و آراگونیها می‌جنگید، هانری پسر خود را به جانشینی انتخاب کرد.

روم ۱۸ فوریه ۱۴۵۵

نقاش ایتالیائی فرا آنجلیکو (Fra Angelico) در گذشت.

رم ۲۴ مارس ۱۴۵۵

پاپ کالیکستوس (Calixtus) سوم نیکلاس (Nicholas) پـنجم را به جانشینی خود برگزید. وی در زمانی که کاردینـال بـود در راس هیئت مذهبی برای اصلاحاتی به آلمان اعزام شده بـود و کـارش بـا موفقیت همراه بود.

انگلستان ۲۲ مه ۱۴۵۵

با بهبودی هنری ششم و بازیافـت هـوش و حـواس خـود در سـال گذشته دوک ناحیه یورک از شغل خود معزول شد، لیکن در نبـرد بـا سپاهیان هنری وی را در محل سنت آلبان(St. Albans) شکست داد و قدرت را در درست گرفت.

مجارستان (هنگری (Hungary) ۱۱ اوت ۱۴۵۶

ژان هونیادی که از سال ۱۴۴۶ نایب السلطنه مجارستان بـود بـدرود حیات گفت.

اسکاندیناوی ۱۴۵۷

کریستیان که داوطلب پادشاهی نروژ و دانمـارک بـود بـه پادشـاهی سوئد منصوب شد.

مجارستان ۲۴ ژانویه ۱۴۵۸

ماتیاس کوروینوس (Mattias Corvinus) فرزند ژان هونیادی به عنوان پادشاه مجارستان انتخاب شد.

بوهم دوم مارس ۱۴۵۸

ژورژ پادبـارد (George Podebard) کـه از سـال ۱۴۵۲ نایـب السلطنه بود به پادشاهی بوهم رسید.

یونان ۱۴۵۸

ترکهای عثمانی شهر آتن را تسخیر کردند.

نی‌زان (Ni Zan) نقاشی که برای هنر چینـی احتـرام زیـادی قائـل بـود در سـن ۸۴ سـالگی وفـات یافـت. او در منطقه‌یی نزدیک سوشـو (Suzhou) متولـد شـد و در اوان زندگی از ثروتی سرشار برخوردار بود و در رفاه می‌زیـست، او با تعدادی از مـشاهیر و هنرمنـدان چینـی اشـنا و از شـهرت خوبی برخوردار بود، لیکن سـرانجام در سـال ۱۳۵۶ زنـدگی تجملی را رها کرد و از آن دست شـست و بـا همـسرش در یک خانه‌ی محقر قایقی زندگی می‌کرد و در نهایت سـادگی روزگار می‌گذرانید. وی پس از مرگ همسرش، در حالی کـه پیر شده بود، به خانه‌ی قدیمی خود بازگشت.

او دوست داشت با افراد فقیـر و پابرهنـه زنـدگی کنـد و محیط آنان را به تصویر بکشد. به طور معمول هم تصاویر او از چند درخت پژمرده و دریاچه‌یی خشک و تپه‌های کوچـک و کوتاه تشکیل می‌شد و هیچ گونه شکوه و جلالی نداشت و چون خود به زندگی ساده قناعت کرده، تصاویر و نقاشی‌های او هم سـاده و بـی‌تکلـف بـود، در نتیجـه همگـان او را بـه خشونت و کتمان حقایق منتسب می‌کردند.

مـردم اسـپانیا،گتوهـای (Ghettoes) (محـل کلیمـی‌هـا) را بـه آتـش کـشیده و سـوزاندند. (بارسلونا، نهم اوت ۱۳۹۱):

در این چهار روز گذشـته، شـورش هـای ضـد یهـود در شهرهای اسپانیا بالا گرفت. شورش‌ها بر علیه یهودیانی بـود که سال‌ها به صورت پناهنده زندگی می‌کردند. در روز پنجم اوت، سربازان کاستیلی، گتوهای کلیمیان را آتش زدند که در اثر آن صد نفـر کلیمـی کـشته شـدند. در هنگـام شـب کـه محله‌ی یهودیان در آتش می‌سوخت و آن‌ها مشغول گریـه و زاری و شیون و غوغا بودند، مردم غـرق در شـادی و سـرور بودند و از رنج و عذاب آن‌ها لذت می‌بردند و یهودیان ناگزیر به قلاع سلطنتی پناه بردند.

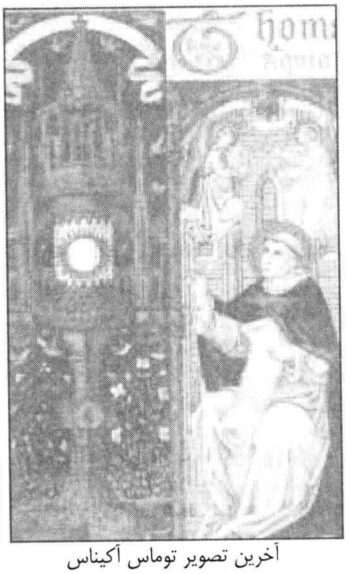
در روز بعد، سر حلقه‌ی یهودیان دستگیر و زندانی شد. در روز هفتم اوت، گروه‌هایی از یهودیان آزاد شدند، سپس مردم دژ سلطنتی را محاصـره کردنـد و از یهودیـان خواسـتند کـه مذهب فرقه‌ی باپ تیـست را بپذیرنـد و مـسیحیت را قبـول کنند. تعداد سیصد نفر از آن‌ها که از این سرپیچی کردند، در جا کشته شدند.



این تصویر تعدادی از ۱۰۰۱ تندیس تزئین شده‌یی است که به خدای کانون (Kannon) در معبد سانجوسانگن دو (Sanjusangen-do)، واقع در شهر کیوتو تقدیم گردیده و در سال ۱۱۶۴ ساخته شده است.



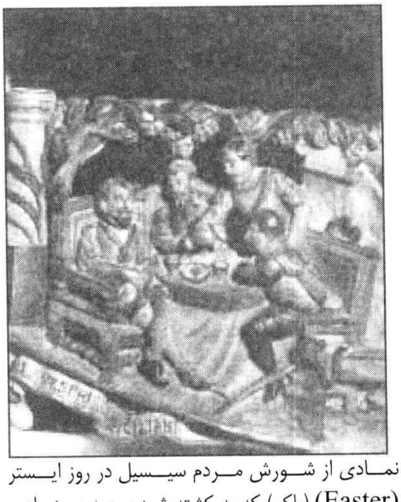
صحنه‌یی از رقص درویشان اسلامی، این صحنه کتیبه‌یی است که از تصویر اصلی گرفته شده، که نقاش به صورت خیالی تصور و ترسیم نموده و کار سال‌های معاصر می‌باشد.



آخرین تصویر توماس آکیناس (Thomas Aquinas).



آخرین نقاشی تصویری از ریموند لول (Raymond Lull).



نمادی از شورش مردم سیسیل در روز ایستر (Easter) (پاک) که به کشته شدن عده‌ی زیادی منجر شد. این صحنه در سال‌های اخیر نقاشی شده.



صحنه‌یی از مراسم معرفی مارکوپولو (Marcopolo) به حضور قوبیلای خان که نقاش به صورت خیالی تصور و ترسیم نموده و کار ساله‌های معاصر می‌باشد.

ناپل ۱۴۵۸
آلفونسوی پنجم پادشاه آراگون و ناپل جان سپرد. وی پسر نامشروع خود را از شهر ناپل بیرون راند و برادر خود ژان دوم پادشاه ناوار را به وراثت تعیین کرد.
انگلستان دسامبر ۱۴۶۰
یورکیست‌ها (Yorkists)، سپاهیان یورک، در منطقه ویک فیلد (Wakefield) شکست خوردند و ریچارد دوک یورک هم در آن نبرد کشته شد.
آناتولی ۱۴۶۱
محمد دوم مشهور به فاتح سلطان عثمانی، ترابوزان (Trebizond) آخرین شهر امپراتوری بیزانس را هم ضمیمه قلمرو خود کرد.
انگلستان ۱۴۶۱
ادوارد پسرریچارد دوک منطقه یورک، پس از پیروزی بر نیروهای لانکاستر (Lancaster) در نبرد تاوتون (Towton) به نام ادوارد چهارم تاجگذاری کرد.
روسیه ۱۴۶۲
ایوان سوم (Ivan)، مشهور به کبیر، واسیلی دوم را به عنوان شاهزاده مسکو به جانشینی خود برگزید.
فلورانس اول اوت ۱۴۶۴
پی یرو دومدیچی (Piero de Medici) جانشین پدرش کوزیمو به عنوان فرمانروای فلورانس تعیین شد.
ایتالیا ۱۵ اوت ۱۴۶۴
پیوس (Pius) دوم که در سال ۱۴۵۸ بامرگ کالیکستوس سوم به عنوان پاپ انتخاب شده بود در زمانی که نقشه‌هائی برای رهایی مسیحیان شرق در دست اقدام داشت در شهر آنکونا (Ancona) در گذشت، و پاول (Paul) یا پل دوم به جانشینی وی انتخاب شد.
فرانسه ۱۸ سپتامبر ۱۴۶۵
لوئی نهم پادشاه فرانسه که از سال ۱۴۶۱ این مقام را داشت در موافقت با پیمان عمومی ویل (Weal) که پیمانی ضد سلطنت بود و در کنگره بریتانیا به تصویب رسیده بود. نواحی بوربون (Bourbon)-آرمانیاک (Armagnac) و بورگوندی (Burgundy) را به انگلیس واگذار کرد.
پروس ۱۹ اکتبر ۱۴۶۶
پیمان صلح تورون (Torun) لغو شد و نبرد بین جنگجویان تئوتونیک و ناراضیان از این جریان که از سال ۱۴۴۰ نسبت به آن بدبین بودند در گرفت. این پیمان در حمایت از لهستان بسته شده بود.
بورگوندی ۱۵ ژوئن ۱۴۶۷
شارل ملقب به بی باک، فیلیپ ملقب به نیک را به جانشینی خود به عنوان دوک بورگوندی برگزید.
فلورانس سوم دسامبر ۱۴۶۸
لورنزو (Lorenzo) ملقب به باشکوه و برادر وی جولیانو (Giuliano) جانشین پدرشان، پی یرو دومدیچی به عنوان فرمانروای فلورانس تعیین شدند.

غوغای امسال از آنجا شروع شد که فرانت مارتینز (Ferrant martinez) به طور موقت به مدیریت قلمرو اسقفی شهر سویل انتخاب شد. او که به ضد یهود بودن شهرت داشت، در سخنرانی‌هایش مردم را مورد خطاب قرار داد که امسال به کلبه یهودیان هجوم برده و آنجا را غارت کنند و روستائیان هم یهودیان را از خانه‌هایشان برانند. در ماه ژوئن، تب حمله به کلیمیان گسترش یافت و هر روزه تعدادی از آن‌ها به هلاکت می‌رسیدند.

در شهر تولدو، مردم به انجمن کلیمیان حمله‌ور شدند و در شهر والنسیا (Valencia) تعدادی از آن‌ها قتل عام شدند. عده‌یی از مردم بر این باور بودند که یهودیان باعث شیوع بیماری طاعون خیارکی شده‌اند و در نتیجه بایستی همه‌ی آن‌ها به این جرم کشته شوند.

لهستان پس از ازدواج پادشاه، به پیشرفت‌هایی نائل آمد. (لهستان، ۱۳۸۶):

با ازدواج پادشاه ، راه برای اتحاد دو کشور لهستان و لیتوانی باز شد و آن‌ها با تشکیل اتحادیه‌یی بر علیه مخالفان و دشمنان خود به موافقت رسیدند. مخالفان لهستان که مبارزان تئوتوئیک و سرزمین مجارستان بودند، اکنون دیگر به صلیبی‌ها پیوسته بودند.

در جشنی که در شهر کراکو (Cracow) برپا شد، یا گللو (Jagello) گراند دوک لیتوانی ۳۶ ساله، با یادویگا (Jadwiga) ملکه‌ی ۱۲ ساله‌ی لهستان ازدواج کردند. با ازدواج این دو، به سال‌ها دشمنی و نفاق پایان داده شد و لیتوانی ها هم قبول مسیحیت کردند. این زناشویی جنبه‌ی سیاسی داشت و یاگللو را از حالت خصومت به در آورد و از این مخمصه نجات دادو هم چنین آینده‌ی لیتوانی روشن شد. او مدت‌ها بود که میل داشت به جرگه‌ی تمدن غرب درآید. یادویگا هم نخست با این ازدواج راضی نبود و می‌خواست با شاهزاده‌ی اتریش ازدواج کند و مایل به همسری مردی کافر نبود. او پس از این جریان به وسیله‌ی بزرگان قوم و روحانیان مسیحی تحت فشار قرار گرفت و قصد خودکشی داشت.

وی با این که خیلی جوان بود، مورد تکریم و ستایش همسر خود بود و به اندازه‌ی شوهرش مورد احترام قرار داشت و در کارهای سیاسی کشور دخالت داشت. در همین

زمان، اشراف و بزرگان لیتوانی هم مانند کشور لهستان به سنت و آداب حکومت اشرافی آشنا شدند و در آنجا هم حکومت اشرافی برقرار شد.

ارتش‌های خصوصی، با سیاحت در اروپا، شهرها را غارت می‌کنند. (پاریس ، ۱۳۹۱):

مزدوران غارتگر اروپایی، با گردش در شهرهای مختلف، دست به غارتگری اموال مردم و سرقت‌های دیگر می‌زنند. آنان ساکنان روستاها را از خانه‌های خود بیرون می‌کنند و هر جا که دلخواهشان باشد، اقامت می‌کنند و موجب سلب آسایش مردم و تهدید و رعب و هراس اهالی می‌شوند، آن‌ها هم چنین افراد را به گروگان می‌گیرند که بتوانند در ازای آن‌ها، پول دریافت کنند و بدین ترتیب اوضاع سیاسی کشورها را به هم می‌ریزند و ترس و وحشت می‌آفرینند.

کشور فرانسه در نتیجه‌ی جنگ‌ها و بیماری طاعون، از فقر و رنج در عذاب است و با دزدی و سرقت این افراد روبروست و در نتیجه مردم مرتبا فقیرتر می‌شوند، مزدوران آلمانی در ایتالیا به عملیات ایذایی دست می‌زنند، همین طور سپاهیان خصوصی امیران اسپانیولی، شهرهای یونان و جاهای دیگر را غارت می‌کنند.

فرانسه بامخاطرات گوناگون روبروست. گدایان انگلیسی به طور مرتب اموال فرانسویان را به سرقت می‌برند و همزمان با این جریان، دسته‌های ملخ سبز تمام زمین‌های زراعتی رامی‌روبند و تمام محصولات و هر آنچه سبز است طعمه‌ی آنان می‌شود و دولت هم قادر به انجام هیچ کاری نیست، شارل هفتم، پادشاه فرانسه، با بحران و بلاتکلیفی مواجه است.

با خزانه‌ی خالی دست دولت بسته و در مقابل هجوم بحران‌های گوناگون قادر به مقابله نیست، چون برای اعزام نیرو برای جلوگیری از غارتگران بودجه و پول کافی در اختیار ندارد. مردم محلی اغلب با پرداخت فدیه و باج به غارتگران، آرامش خود راحفظ می‌کنند، چون با شکایت به مقامات دولتی نمی‌توانند در قبال دزدان و چپاولگران مقاومت کنند و کسی به شکایات مردم توجهی ندارد و حاضرند که باج به دزدان و سارقان بدهند و از ایذا و آزار آنان در امان بمانند.

اگرآن‌ها از راه قانونی اقدام کنند، فرماندهان و رهبران دزدان، شوالیه را وادار می کنند که بر علیه پادشاه دست به شورش بزنند و آینده‌ی سیساسی کشور را به مخاطره بیندازند.

در این صورت مردم گناهان آن‌ها را می‌بخشند و آزادی خود را با پول می‌خزند. یکی از سران این گروه‌ها به نام مریگو مارشه (Merigot Marches) که مورد بخشش واقع نشده بود، ظاهرا به نام پادشاه انگلیس و کنت‌های آرمانیاک (Armagnac) و فوآ (Foix) دست به یک سری عملیاتی در جنوب فرانسه زد. او پس از یک سری شکنجه که نیروهای فرانسوی به او دادند، با قید سوگند، وفاداری خود را به پادشاه انگلیس اعلام کرد.

سرژیوس، زاهد مقدس روسی، فوت شد. (روسیه، ۱۳۹۲):

سرژیوس (Sergius) زاهد روسی اهل رادونج (Radonezh) در صومعه‌ی انجمن طرفداران تثلیث (اب، ابن و روح القدس) پدر و پسر ور وح القدس ، واقع در زاگورسک (Zagorsk) مرکز روسیه، وفات یافت.

او در سال ۱۳۱۴ متولد شد و در جنگ‌های بین شهری که بین سپاهیان مختلف روسی درگرفت، پدر و مادرش به منطقه‌ی رادونج در شمال شرقی شهر مسکو فرار کردند. در سن بیست سالگی او و برادرش استفن، در صومعه‌یی در کنار جنگل مقیم و حالت زهد و گوشه نشینی اختیار و سرانجام به طرفداران این فرقه پیوستند. در سال ۱۳۵۴، سرژیوس یک کلیسای خصوصی تاسیس کرد و نام او در سراسر شمال روسیه پیچید و توانست به طور مستقیم یا غیر مستقیم (با بودجه‌ی خود یا بودجه‌ی عمومی کلیساها) چندین کلیسای دیگر برپا و در ضمن بین شاهزادگان محلی حالت صلح و دوستی ایجاد کند. به هر حال او فردی بود که برای خشنودی و شادی مردم می‌زیست و زندگی خود را وقف دیگران می‌کرد و زاهدی از خود گذشته بود که مردم را بر خود ترجیح می‌داد.

جنگ آوری که از کله‌ی مردم مناره ساخت. (سمرقند، آسیای مرکزی، ۱۳۸۷):

کمتر از ده سال تیمور لنگ بخشی از اروپا را به نام سلسله‌ی تیموریان به آتش و خون کشید و همه جا را ویران ساخت، لیکن او قبلا سرزمن ایران را تسخیر و در کنترل

اسکاتندیناوی ۱۴۶۸

کریستیان پادشاه اسکاندیناوی، جزایر اورکنی (Orkney)، شتلند (Shetland) و اسکاتلند (Scotland) را که در ناحیه پلژ (Pledge) واقع شده را به عنوان جهیزیه دختر خود مارگارت (Margaret) که با جیمز سوم زناشوئی کرد بخشید.

بالکان ۱۴۶۸

بامرگ اسکندربیگ (Skandarbeg) شاهزاده آلبانیایی، (Albanian) سرزمین آلبانی به روی ترکهای عثمانی باز شد.

آفریقای غربی ۱۴۶۸

علی سنی (Ali Sonny) پادشاه سونگایی (Songai) به سوی تئورگ (Tuareges) در خارج شهر تیمبوکتو حمله‌ور شد.

ایتالیا ۹ دسامبر ۱۴۶۹

فرافیلیپولیپی (Fra Filippo Lippi) نقاش ایتالیائی بدرود حیات گفت.

اسپانیا ۱۴۶۹

ایزابلا ملکه کاستیل با فردیناند وارث سلطنت آراگون ازدواج کرد.

انگلستان ۱۴۷۰

توماس مالوری (Thomas Malory) کتاب حکایات شنیدنی اثر آرتوریان (Arthurian) را به پایان رسانید.

فرانسه ژانویه ۱۴۷۱

لوئی یازدهم پادشاه فرانسه بر علیه شارل بی‌باک، دوک بورگوندی اعلان جنگ داد و شهرهای پیکاردی (Picardy) را تصرف کرد.

آناتولی ۱۴۷۱

سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی آخرین امیرنشین ترک کارامانیا (Karamania) را تصرف کرد. اینک تمام سرزمین کوههای توروس (Taurus) واقع در کرانه‌های دریایی آدریاتیک (Adriatic) تحت امر حکومت عثمانی می‌باشد.

آلمان ۱۴۷۳

طبق فرمان پادشاه رم راجع به لقب شارل بی‌باک ترتیب ملاقاتی را با فردریک سوم در تریه (Trier) داد. لیکن بر اثر اشتباه شارل این عمل باعث خنده سران اروپا شد.

مکزیک ۱۴۷۳

آیا کاتل (Ayacatl) فرمانروای آزتکها (Aztec) که از سال ۱۴۶۸ در این مقام بود، شهر تلاتلولکو (Tlatelolco) در همسایگی خود را شکست داد .

فرانسه ۱۱ ژوئن ۱۴۷۴

لوئی یازدهم پیمان صلح دائمی دو جانبه با هابسبورگ و سویس امضا کرد.

انگلیس ۱۴۷۴

با امضای پیمان اوترخت، دولت انگلیس سخاوتمندانه امتیازات بازرگانی مهمی به ساکنان هانس (Hanse) (هانسیتها) (Hanseatic) اعطا کرد.

داشت. اینک مدت دو سال است که برای جلوگیری از هجوم ارتش مغول که خود او هم از زمره‌ی آنان است، مرزهای ماوراء النهر (فرارودان (Transoxian) را استحکام بخشیده، چون این سرزمین را ملک اجدادی خود می‌داند.

به هر حال این حقیقتی است که ، تیمور فردی تشنه به خون بوده و در طبیعت او خونخوارگی عجین شده است. او شباهت تامی به چنگیزخان سلف خود دارد که با دشمنان خود بدین گونه رفتار می‌کرد که یا تسلیم شدن به وی یا حمام خون به راه انداختن بود، حتی مقاومت در مقابل او، خوی وحشی وی را بر می‌انگیخت. پس از تسخیر یکی از شهرها، او فرمان داد سی هزار سر از مردان را ببرند و برای او تفاوت نداشت که این سرها از سربازان یا سایر اهالی شهر باشد و در مقابل حیرت عمومی، تیمور فرمان داد که از سرهای بریده مناره‌یی بسازند هم چون خربزه که فروشندگان در بازار میوه فروشان آن را انبار می‌کنند و روی هم می‌چینند.

از نظر ظاهری، تیمور مردی قوی بنیه و زورمند بود، با سری بزرگ و چشمانی ترسناک و پیشانی بلند و پوستی درخشان داشت که در زیر انبوهی از ریش پنهان بود. او از نظر مذهبی فردی پرهیزکار بود. رفتار و سلوک وی با دیگران عادی می‌نمود و شاید لنگیدن وی حالت ادواری داشت. برخی می‌گویند این لنگی در اثر زخمی است که در اثر تیر خوردن ایجاد شده و به باور برخی دیگر مادرزادی بوده است. بعضی از روزها او قادر به اسب سواری نیست، در این صورت او را با کجاوه می‌برند. تیمور هیچ گاه ارام نیست و نمی‌تواند ساکت بنشیند، به ویژه آن که در هنام بازی شطرنج باشد. او که به عقاید صوفیان مسلمان احترام می‌گذاشت،تنها فردی بود که در هنگام مرگ این جمله را گفت که خداوند در تمام اشیاء عیان است.

مردم کره سال‌های تحت سلطه‌ی مغولان را سپری کردند. (کره، ۱۳۹۲):

یی سانگ گای (Yi Song-gye)، دیکتاتور کره، کونگ یانگ (Kongyang) پادشاه کره را از کار معزول کرده و خود وی به سلطنت رسید و سلسله‌یی را بنیان نهاد که هیچ سنخیت و همرنگی با امپراتوری مغولان نداشت.

یی توانست تمام آثار سلسله‌ی مغولی را در کره بزداید و برنامه‌یی اصولی برای اصلاحات تنظیم کند و در زمینه‌ی اصلاح امور سیاسی و اقتصادی، گام‌های مهمی بردارد وی قدرت اشراف را محدود ساخت، به طوری که آن‌ها نتوانند در تمام امور کشور مداخله کنند.

خاندان اشرافی کره، در زمان حکومت مغولان و به ویژه قوبیلای قاآن، یکی از ارکان کشور به حساب می آمدند و در تحت لوای فرمانروایی مغول‌ها و خانواده‌ی قوبیلای، بر تمام جوانب کشور استیلا یافته بودند. لیکن اکنون پول حاصل از زمین‌ها و دارایی ایشان، به خزانه‌ی مملکت سرازیر می‌شود.

حریفان دربار ژاپن، به صلح و آشتی می‌گرایند. (ژاپن، ۱۳۹۲):

در پنجاه سال گلشته، رقیبان جنوب و شمال کشور را به دو منطقه‌ی تحت نفوذ خود تقسیم کرده بودند و به طور دائم در ستیزه و نزاع به سر می‌بردند. در این اواخر، گوکامه یاما (Go-Kameyama) امپراتور منطقه‌ی جنوب، با حالت تسلیم و وقار مخصوص به خود، بخش جنوبی را به منطقه‌ی شمال کشور واگذار کرد و از نشان‌ها و امتیازات سلطنتی دست کشید و با اسکورت کوچکی بدون تشریفات به شمال سفر کرد و در کاخ تسوچی میکادو (Tsuchi-Mikado) اقامت گزید، یعنی همان محلی که گوکوماتسو (Go- Komatsu) امپراتور شمال مقیم بوده و با افتخار به ملاقات وی رفت. این دو پادشاه موافقت کردند که پس از خودشان، فرزندان هر یک به تناوب، به عنوان امپراتور تمام کشور، زمام امور را دست داشته باشند و بدین ترتیب مساله‌ی جانشینی حل شد.

دولت عثمانی، نیروهای صرب‌ها را در هم شکست. (صربستان، ۱۵ ژوئن، ۱۳۸۹):

نیروهای نظامی عثمانی، لشگریان صرب را در جنگ کوزوو (Kosovo) شکست دادند و حکومت اشرافی این سرزمین را به کلی برچیدند. بدین ترتیب نیروهای ترک سراسر منطقه‌ی بالکان را پاک کرده و ناحیه را به تصرف خود درآوردند.

نیروهای صربستان که از افراد غیور و جنگ دیده تشکیل شده و وفادار به سرزمین خود بودند، همواره مزاحم بیزانس و وارث آن، دولت عثمانی بودند و مانند خاری در چشم آن‌ها جای داشتند و لیکن سپاهیان دولت عثمانی که از افراد بی‌باک و شجاع تشکیل شده بود، سرزمین‌های یونان و اسلاوها را تهدید می‌کردند.

سلطان مراد عثمانی، در سال گذشته بلغارستان را تصرف کرد و اکنون توجه خود را به صربستان معطوف نموده است. در منطقه‌ی کوزوو (سرزمین پرندگان سیاه) ترکان ترجیح می دادند که در درجه‌ی اول صربستان را تسخیر کنند. با یزید سلطان عثمانی دست بالا را گرفت. بزرگان صرب، لازار (Lasar) فرمانروای خود را به زندان انداخته و به هلاکت رسانیدند. در نبردی که بین سپاهیان ترک و صرب‌ها صورت گرفت، نمودی که تازگی داشت شرکت نیروهای جوان و قدرتمند ینی چری بود که سربازانی تازه نفس اروپایی و مسیحی بودند که تحت نظر فرماندهان ترک خود با رشادت در نبرد شرکت کرده بودند.

شاعری که بنده‌ی مطیع خداوند بود و شراب را دوست داشت. (ایران، ۱۳۸۹):

شاعر صوفی مسلک، شمس الدین محمد، معروف به حافظ، ساکن شیراز، در سن هفتاد سالگی در موطن خود در جنوب ایران،دار فانی را وادع کرد. وی یکی از مشهورترین و بزرگ‌ترین شاعران غزل سرای ایرانی است که با باریک بینی و دقت خاص خود، اشعار بزمی و عاشقانه را در لباس نظم آورده و صوفیانه جهان را ترسیم کرده و انتقادات خود را به بهترین وجه و با سبک و شیوه‌ی خاص، در معرض افکار مردم قرار داده است. او عشق و مستی را به صورتی بسیار زیبا وصف می کند، به مانند این بیت:

گر بود عمر، به میخانه روم بار دگر

به جز از خدمت رندان، نکنم کار دگر

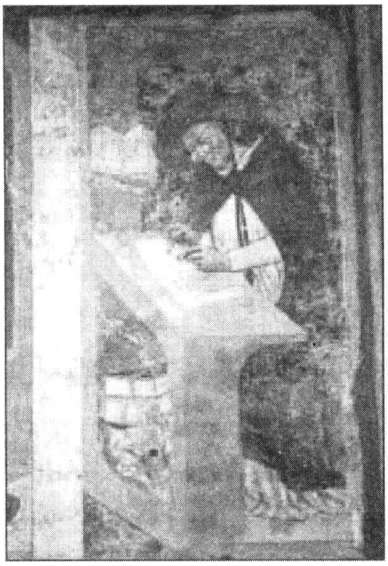
باز هم شاعر می‌گوید، عشق و شراب شیوه‌ی زندگی من است و من از آن لذت می‌برم.

شاعری که داستان کانتربوری را شرح داده بود، درگذشت . (لندن، ۲۵ اکتبر ۱۴۰۰):

جفری چوسر (Geoffrey Chaucer) شاعر بلندپایه‌ی انگلیسی، امروز در حالی فوت شد که هنوز اشعار هیجان آور راجع به داستان کانتربوری را به پایان نرسانیده



منتظر اجازه‌ی حضور به پیشگاه شاه و ملکه در باغ سلطنتی برای آشنایی با رومن دولارز (Roman de Rose) و انجیل جدید که روشنگر حقیقت می‌باشد.



اولین تصویر از یک فرد عینکی.



صحنه‌یی از میدان نبرد کالزا (Calza)
که بین سواران صلیبی و مسلمان برپا شد. نقاشی مربوط به سال‌های معاصر



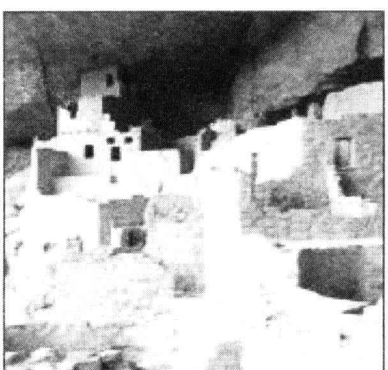
آخرین عکس از پاپ بونیفاس(Boniface) هشتم.



آخرین تصویر راجر بیکن (Roger Bacon)، دانشمند انگلیسی.



مهر صنف اشرافی لباس فروش
در شهر بروژ (Bruges).



بقایای مناطق مسکونی سرخپوستان دره‌ی پوئبلو (Poeblo) در منطقه‌ی مساورده (Mesa Verde).

بود. وی که یکی از بهترین دوستداران انگلیس بود، در مقبره‌یی در کلیسای وست مینستر، دفن شد. او از یک خانواده‌ی مرفه و ثروتمند بیست نفره بود که با دربار شاهی مراوده داشت. (پدرش ناظر دربار بود).

جفری در دربار انگلیس تربیت شد و به عنوان ورقی از کتاب جان گانت، پادشاه انگلیس بود که همواره در خدمت شاه قرار داشت. او در جنگ بر ضد فرانسه شرکت کرد. لیکن بازداشت شده و به زندان افتاد که بعدا با پرداخت دیه آزاد شد. او در بازگشت، شروع به سرودن اشعاری درباره‌ی عشق به میهن به شیوه‌ی فرانسه کرد. وی هم چنین قادر بود چهار زبان را بخواند و این کار خود را مرهون بو کاچوی (Boccaccio) ایتالیایی می‌داند.

چوسر در قصر سلطنتی روزگار را به خوشی می‌گذرانید و به عنوان رییس گمرکات کشور منصوب شد و همه روزه کوزه‌یی شراب از دست ریچارد دوم پادشاه انگلیس، دریافت می‌کرد. هنگامی که جان گانت در سال ۱۳۸۶ به اسپانیا رفت، همه‌ی درباریان وی را به عنوان رییس پذیرفته و فرمان او را اطاعت می‌کردند. چوسر در فرصت‌هایی که به دست می‌آورد، به سرودن اشعاری درباره‌ی ترویلوس (Troilus) و کریساید (Criseyde) (در افسانه‌های یونانی پسر پریام به دست آشیل کشته شد) می‌پرداخت و توانست این اشعار را به اتمام برساند، او سپس به داستان کانتربوری و زائران آن پرداخت که چکیده‌یی پر مغز و مشحون از کیاست و دانش وی می‌باشد.

قسطنطنیه در انتظار رحم و مردانگی دولت عثمانی (بلغارستان، ۲۵ سپتامبر ۱۳۹۶):

در اثر سیاست بیمار گونه و عدم سازماندهی نیروهای صلیبی در نیکوپولیس (Nicopolis) در مقابل بایزید عثمانی که سرانجام با خرابی و خونریزی پایان یافت. حالیه قسطنطنیه در دست آن‌ها قرار گرفته و سرنوشت امپراتوری بیزانس بستگی به مرحمت آنان دارد. در پی پیروزی‌های سلطان مراد عثمانی، جانشین وی بایزید، شهر کنستانتینوپول را قبل از تصرف نیکوپولیس در محاصره قرار داد، سپاهیان عثمانی، استحکامات و قلاع واقع در کرانه‌ی رود دانوب را تصرف کرده و قیصر بلغارستان را دستگیر و به هلاکت رساندند، این امر در سال ۱۳۹۳ صورت گرفت.

سیگیسموند (Sigismund)، پادشاه مجارستان، سرانجام در مقابل دولت فرانسه و شورشیان روستایی به مقاومت پرداخت، در حالی که فرانسه بیش‌تر تشنه‌ی غارت و چپاول منابع مجارستان بود و با همکاری و معاضدت همان شورشیان که به صلیبی‌ها پیوسته بودند، نیروهای خود را به سراسر کرانه‌ی رود دانوب اعزام و تمام نقاط استراتژیک را اشغال کرد. در همین زمان، نیروهای عثمانی، به فرماندهی سلطان، به محاصره‌ی کرانه‌های دانوب پرداختند و رو در روی نیروهای مجار قرار گرفتند.

نیروهای فرانسوی هم با رشادت به پیش می‌رفتند. لیکن فرمانده‌ی آنان کورکورانه عمل می‌کرد و نقاط مهم سوق‌الجیشی را نمی‌شناخت، در نتیجه نیروهای خود را در دامان عثمانیان قرار داد، چون بایزید به تمام رموز جنگی واقف بود و دشمن را در چنگ خود می‌دید، از هر سو آن‌ها را محاصره کرد و با حملات تلافی جویانه، عده‌یی را اسیر و چند صد نفر از آن‌ها را به دم تیغ فرستاد.

دوک با ازدواج خود در راس کشور ایتالیا قرار گرفت. (ایتالیا ۱۴۰۰):

جان گالیتزو ویسکونتی (Gian Galeazzo Visconti)، یکی از نجبای لومباردی، که با زیرکی و دانایی توانسته بود مردان سیاست را تحت الشعاع لیاقت و کاردانی خود قرا ردهد، بر شمال ایتالیا تسلط پیدا کرده بود. تنها فرمانروای شهر فلورانس در مقابل وی قد علم کرده و در پی آن بود که به پادشاهی کشور دست یابد.

او وارث فرمانده‌ی دریایی منطقه‌ی پاویا (Pavia) و سایر شهرهای شمال ایتالیا بود و با ایزابل (Isabel) اهل والوآ (Valois)، دختر پادشاه فرانسه، ازدواج کرد. ایزابل چندی پس از آن فوت شد و ویسکونتی پس از فوت همسرش، دختر برنابو (Bernabo) عموی مقتدر خود را که به سبب تصاحب زمین‌های خانواده‌ی ویسکونتی در زندان بود، را به زنی گرفت.

با این وجود دختر خود را به عقد لوئی اورلئان (Louis Orleans) برادر پادشاه فرانسه، درآورد. او با عقل و درایت خود، با تمام قدرتمندان پیمان دوستی بست و پادشاه فرانسه هم به سبب قرابت با او از زمره‌ی دوستان او درآمد و با نیروهای نظامی قلیل خود تمام شهرهای مهم شمال ایتالیا

را تحت نفوذ قرار داد. ویسکونتی از سوی امپراتور ونسس لاس (Wencesals) به عنوان دوک میلان و لومباردی به رسمیت شناخته شد.

پادشاه انگلیس سلطنت را واگذار کرد. (لندن، ۲۹ سپتامبر ۱۳۹۹):

سلطنت توام با یاغی‌گری ریچارد دوم پادشاه انگلیس، امروز در برج لندن با حضور خود او و در زیر فشار نماینده‌ی نجبا، با وضع شرم‌آوری پایان یافت و ریچارد سند استعفانامه را امضا و از سلطنت کناره‌گیری کرد در حالی که وکیل اشراف ارل هیرفورد (Earl Hereford) و پسر جان گانت حضور داشتند، او ادعا کرد که پادشاهی حق اوست. یک سند شامل ۳۲ ماده به پارلمان انگلیس تقدیم شده بود که حکایت از آن داشت که ریچارد فرمانروایی ستمگر و ظالم می‌باشد و ملت انگلیس تحت فرمانفرمایی وی دچار گرفتاری است. یکی از بزرگ‌ترین عوامل برکناری او، دربار بسیار لوکس و پر خرج او بود که مالیات سنگینی را بر دوش ملت تحمیل می‌کرد. لیکن یک علت دیگر که موجب برکناری وی گردید، این بود که ریچارد به عوض اصلاح وضع، هنری هرفورد که در هنگام نبرد تسلیم شده بود، را به مرگ محکوم کرد.

هنری که به حال تبعید در پاریس به سر می‌برد، ناوگانی را به انگلیس اعزام کرد که این ناوگان، در کرانه‌ی راونسپور (Ravenspur) واقع در یورکشایر (Yorkshire) لنگر انداخت. سپاهیان ریچارد، او را شکست دادند و ریچارد دستور داد که وی را در لندن به زندان بیاندازند. گرچه سلطنت ریچارد در وضع بسیار بدی پایان پذیرفت، با وجود این باید به یاد داشت که هنگامی که روستائیان انگلیسی قیام کردند، وی خود را به عنوان رهبر شورش جا زد و بدین ترتیب به اعتصاب دهقانان پایان داد، در حالی که بیش‌تر اعتصابیون را تحت پیگرد قرار داد.

مرتاض پیشین و نخستین امپراتور سلسله‌ی مینگ (Ming)، در سن ۷۰ سالگی در گذشت، (چین، ۱۳۹۸):

شویوآن شانگ (Zhu YuanZhang) که مردی زارع بود و به مقام امپراتوری چین دست یافت، در سن هفتاد

فرانسه ۲۹ اوت ۱۴۷۵

ادوارد چهارم با حمایت از شارل بی باک امتیازات زیادی کسب کرد به طوریکه لوئی یازدهم مجبور شد قرار داد پیکوئینی (Picquigny) را باوی امضا کند.

فرانسه ۱۴۷۶

سویس اکنون یکی از متحدان فرانسه محسوب می‌شود. در نتیجه جنگ با بورگوندی سهل الوصول است فرانسه شهر وود (Vaud) را ملک لایتجزای خود می‌شمارد. در نتیجه شارل بی باک هم شهر لورن (Loraine) را تسخیر کرد.

فرانسه ژانویه ۱۴۷۷

با مرگ شارل بی باک، لوئی نهم به بورگوندی فرانش کومت (Franche-Comte) و آرتوا (Artois) حمله برد.

فلاندر ۱۸ اوت ۱۴۷۷

ماکسیمیلیان (Maximilian) پادشاه اتریش فرزند فردریک سوم امپراتور، با ماری (Mary) دختر و وارث شارل بی باک ازدواج کرد. کاخ هابسبورگ اکنون متعلق به دوک بورگوندی است که ثروتمندترین ایالت اروپا می‌باشد.

فلورانس ۱۴۷۸

جولیانو دومدیچی (Giuliano do medici) در نتیجه توطئه‌ی پاتزی (Pazzi) که علیه او و برادرش لورنزو (Lorenzo) چیده شده بود به قتل رسیدند.

اسپانیا ۱۴۷۹

فردیناند (Ferdinand) شوهر ایزابلا شاهزاده کاستیل به جانشینی پدرش ژان دوم به عنوان پادشاه آراگون منصوب شد فردیناند و ایزابلا سال گذشته به دادگاه تفتیش عقاید احضار شدند.

فرانسه ۷ اوت ۱۴۷۹

ماکسیمیلیان پادشاه اتریش مانع تهاجم لوئی یازدهم به قلمرو بورگوندی شد.

میلان ۱۴۷۹

لودویکو اسفورزا (Ludovico Sforza) قدرت فرمانروایی را از برادرزاده خود جان گالیتزو (Gian Galeazzo) نوه جوان فرانچسکو اسفورزا (Francesco Sforza) سلب کرد.

روسیه ۱۴۸۰

ایوان کبیر پرداخت خراج را به مغولان را قطع کرد.

پرتغال ۱۴۸۱

ژان دوم به جانشینی پدرش آلفونسوی پنجم پادشاه پرتغال منصوب شد. وی فشار سیاست خود را بر روی سفرهای اکتشافی قرار داد.

قسطنطنیه ۳ مه ۱۴۸۱

محمد دوم سلطان عثمانی، بایزید دوم پسرش را به جانشینی انتخاب کرد.

فلاندر ۲۷ مارس ۱۴۸۲

ماری ملکه بورگوندی در حادثه شکار کشته شد. شوهر وی ماکسیمیلیان به عنوان نایب السلطنه پسرش فیلیپ که بر کشورهای پست حکومت داشت انتخاب شد.

سالگی فوت شد. او زمانی که تنها ۱۷ سال داشت، به این مقام رسید، در حالی که تمام خاندانش در اثر قحطی و بیماری طاعون هلاک شده بودند.

شو در اول، زاهدی را پیشه‌ی خود کرده بود و در جنبش دهقانان کلاه قرمز رل مهمی را ایفا کرد و موجب شد که این جنبش به حکومت برسد.

او با نیروی نظامی که از زارعان شجاع و نیرومند تشکیل داده بود، توانست به مالکان اراضی بزرگ چین که اغلب از خاندان مغول سلسله‌ی یوآن بودند، بتازد و بر آنان غلبه کند و در سال ۱۳۶۸ پیروزی‌های مهمی کسب کرده و شهر بیجینگ پایتخت را هم تصرف کند، سپس بقایای آخرین پادشاه سلسله‌ی یوآن را در صحرای گویی (Gobi)، پای دیوار بزرگ چین تعقیب کرده و به حکومت آنان پایان دهد.

وی سلسله‌ی پادشاهای خود را مینگ (درخشان) نامید و مدت ۳۰ سال سلطنت کرد. سرنوشت او چنین مقدر شده بودکه خانواده‌ی خود را از دست بدهد، لیکن بخش اعظم سلطنت خود را مصروف قدرت سیاسی کرد و اقتصاد کشور را برپایه‌ی تولیدات کشاورزی قرار داد و در نتیجه اقتدار سلطنت را توسعه بخشید. او همواره ارتباط خود را با سران و عقلای قوم حفظ کرد و حتی زمانی که روزهای عمر او به پایان می‌رسید، با کمال قساوت، دهقانان را بر اشراف و نجبا ترجیح می‌داد.

خود وی زمانی را به خاطر می‌آورد که عضو کمیته‌ی مخفی به نام درخت سدر سفید بود و هنگامی که او را دستگیر کردند، عضویت آن را انکار کرد، لیکن بعدها این سازمان را گسترش داد و شروع به اقداماتی بر علیه دولت مرکزی کرد و در یک توطئه‌ی زیرزمینی نقشه‌ی خود را بر علیه حاکمان وقت پیاده کرد و همان نقشه باعث پیروزی او شد.

با اینکه خود پایه‌گزار قدرت بود، زندگی را بدرود گفت، او دنیا را ترک کرد، در حالی که مردی بزرگ و بنیان‌گذار اتحاد چین بود،وی را در مقبره‌یی بر فراز کوهستان قرمز که خارج از شهر نانکینگ (Nanking) بود، دفن کردند.

پیمان کالمار، موجب پیوستن سه بخش اسکاندیناوی گردید. (سوئد، ۲۰ ژوئن ۱۳۹۷):

به موجب عهدنامه‌یی که در شهر کالمار (Kalmar) امضا شد، سه ناحیه‌ی شاهزاده نشین شبه‌جزیره‌ی اسکاندیناوی زیر یک پرچم و حکومت درآمد و هر سه بخش به هم پیوستند.

دانمارک، سوئد و نروژ، اکنون دومین اتحادیه‌ی بزرگ اروپایی را تحت فرمانفرمایی مارگارت ملکه‌ی دانمارک، تشکیل داده‌اند. این سه ایالت، از سیاست خارجی واحدی پیروی می‌کنند، لیکن بقیه‌ی امور هر یک از بخش‌ها، بستگی به توافق اکثریت مردم دارد.

این موافقت نامه، پیروزی بزرگی برای مارگارت جاه طلب محسوب می‌شود و موجب اعتلای قدرت و سیاست او و در حقیقت هدیه‌یی برای اوست. او پس از مرگ پدرش، به سلطنت دانمارک رسید و سلطنت نروژ را هم بعد از فوت شوهرش که پادشاه آنجا بود، تصاحب کرد هم چنین پادشاهی سوئد را با برکناری آلفرد، به وی بخشیدند. مارگارت در پانزده سالگی توسط عموی بزرگ خود به نام اریک (Eric) هفتم که مقام دوک پومرانیا (Pomerania) را داشت. در شهر کالمار تاجگذاری کرد و به عنوان ملکه‌ی اسکاندیناوی شناخته شد.

مارگارت قصد داشت که این اتحادیه را تحت نظر مردمی مناسب قرار دهد و زمام آن را به دست وی بسپارد، اما چون کنفدراسیون‌های دیگری نظیر فدراسیون لهستان و لیتوانی و اتحادیه‌ی مسکو ایجاد شد و هر روزه این اتحادیه‌ها وسعت بیش‌تری می‌یافت، به این موافقت‌نامه تن در داد و زمام قدرت را در دست گرفت.

مدت هفت سال است که شهر دهلی به حالت ویرانه درآمده است. (دهلی ، ۱۴۰۵):

شهر دهلی ویران شده. در نیم قرن گذشته، تقریبا تمام سرزمین هندوستان در محاصره‌ی دشمن بوده و به ویژه منطقه‌ی جنوبی آن واژگون گردیده است. اکنون شهر دهلی تخریب شده و در دو هفته که لشگریان تیمور مشغول غارت و چپاول منطقه بودند، دهلی به کلی از بین رفته، به طوری که در هفت سال گذشته، این چنین بلائی بر سر این شهر نیامده بود.

پیش از این که سپاهیان تیمور دست به تخریب منطقه‌ی دهلی و شهرهای اطراف آن بزنند و هندوستان

فرانسه ۲۳ دسامبر ۱۴۸۲

با عقد پیمان آراس (Arras) بورگوندی پیکاردی در پادشاهی فرانسه جذب شد. آرتوا(Artois) به عنوان جهیزیه مارگارت دختر دو ساله ماری و ماکسیمیلیان که قصد ازدواج با دوفین را برای او داشتند بخشیده شد. بقیه این سرزمین به برداردش فیلیپ رسید.

انگلستان ۹ آوریل ۱۴۸۳

ادوارد چهارم پادشاه انگلیس در ویندسور (Windsor) درگذشت. در زمان سلطنت دوباره وی جنگهای غیر مترقبه روز (Roses) در گرفت و این نبردها باعث تهدید به سلطنت رسیدن ادوارد پنجم که فقط دوازده سال از سن وی می‌گذشت شد و تاجگذاری وی به تاخیر افتاد.

رو ۹ اوت ۱۴۸۳

پاپ سیکستوس (Sixtus) چهارم مراسم عشای ربانی را در کلیسای کوچکی برگزار کرد و در نتیجه این کلیسا بعد از آن به شهرت رسید.

فرانسه ۳۰ اوت ۱۴۸۳

با مرگ لوئی یازدهم، خواهر بزرگتر شارل هشتم به نام آن بی‌ژو (Anne de Beaujeu) تا هنگام بزرگ شدن وی فرمانروای فرانسه شد.

افریقای مرکزی ۱۴۸۴

کشتی پرتغالی دیه گاکائو (Diego Cao) در کرانه آنگولا (Angola) پهلو گرفت. سال گذشته دهانه رود زئیر (Zaire) به وسیله پرتغالیان کشف شد و آنها ستونی سنگی به یاد بود این کشف در آن نقطه بنا کردند.

رم ۵ دسامبر ۱۴۸۴

پاپ اینوسنت (Innocent) هشتم طی اعلامیه رسمی از اشاعه کفر و الحاد و سحرو افسون در آلمان اظهار نگرانی کرد و جهت مصونیت دستگاه قدسی، تهدید کرد که پیروان این عقاید را به دادگاه تفتیش عقاید (Inquisition) می‌فرستد.

فلاندر ژوئن – ژوئیه ۱۴۸۵

ماکسیمیلیان شهرهای بروژ (Bruges) و گنت(Ghent) را تصرف کرد. گرچه این امر مورد پذیرش هلند، زیلند (Zeeland) و هی نو (Hainault) قرار گرفت. لیکن ماکسیمیلیان اعلام کرد به جهت حفظ قدرت و نگهبانی ایالات کوچک متعلق به پسرش، روش فلاندر و برا بانت (Brabant) را تحمل نخواهد کرد.

انگلستان ۲۲ اوت ۱۴۸۵

با پیروزی هنبر تودور (Tudor) یا هنری هفتم بر ریچارد سوم در بوس ورث (Bosworth)، وی سلسله پادشاهی تودور را تاسیس کرد.

آفریقای مرکزی ۱۴۸۵

چهارمیسیون کاتولیک پرتغالی به سرزمین پادشاهی کنگو، (Bosworth) یا آنگولا در دهانه جنوبی رود زئیر رسیدند.

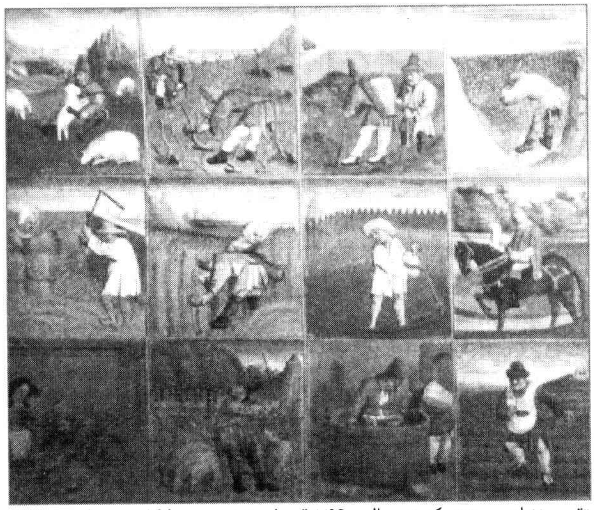
آلمان ۱۴۸۶

فردریک سوم امپراتور، پسر خود ماکسیمیلیان را به پادشاهی رم انتخاب کرد.

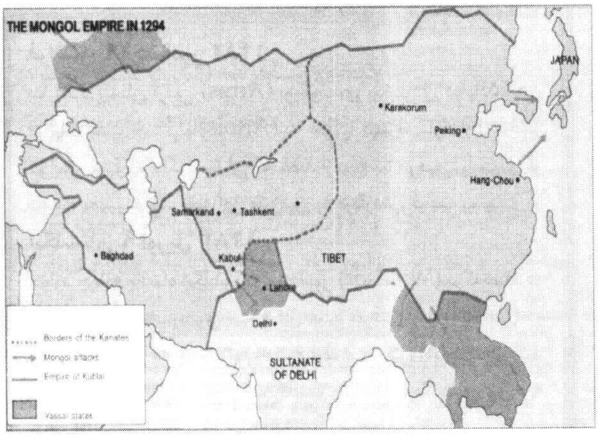
را مورد حمله قرار دهند، شورش‌هایی در نواحی گجرات (Gujarat)، جانپور (Juanpur)، پنجاب (Punjab) و دکن (Deccan) روی داده بود که موجب ویرانی این مناطق شد. این آشوب‌ها سبب خرابی و کشتن شاه به جهت وضع مالیات‌های سنگین شد، این اعمال مورد حمایت مسلمانان بر ضد اکثریت هندو صورت می‌گرفت و سبب فقر و فلاکت بیش‌تر در این نواحی شد. در سال ۱۳۹۸ تیمور لنگ و لشگریانش ناحیه‌ی سند را در نوردیدند، به این بهانه که حاکمان هندو بایستی مسلمانان را در انجام آداب و رسوم اسلامی آزاد بگذارند و حقوق آن‌ها را به رسمیت بشناسند. در حالی که هدف وی غارت و چپاول ثروت هندوستان بود. در روز ۱۷ دسامبر، لشگریان تیمور، سپاهیان سلطان محلی دهلی را که شامل ۴۰ هزار سرباز پیاده و ۱۰ هزار سوار و ۱۲۰ قلاده فیل بود، تارو مار کردند، آن‌ها فیل سواران را هم چون گاو سوار دنبال کرده، فیل و سوار جنگجو را کشتند. روز بعد هم شهر را به باد غارت داده و مناره‌یی از سرهای بریده از خود بر جای گذاشتند. پس از مدتی، مالو (Malu) سلطان دهلی و نیز پسر و جانشین وی که هر دو مورد اهانت قرار گرفته و تحقیر شده بودند، با سعی و کوشش فراوان توانستند بخشی از قلمرو ویران شده‌ی خود را دوباره به دست آورند، لیکن هیچ وسیله‌یی برای بازسازی و مرمت شهر موجود نبود.

تیمورلنگ، از پادشاه شکست خورده، به جای چهار پایه برای صعود استفاده می‌کند. (آنقره) (آنکارا) ترکیه ، ۱۴۰۲):

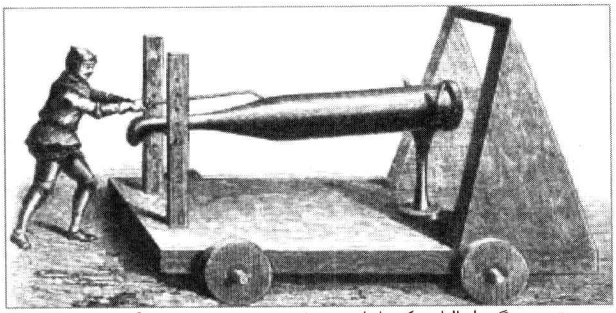
در نبردی که بین دو فرمانده‌ی بزرگ جنگی که در عین حال همسایه‌ی هم بودند، صورت گرفت، تیمور توانست سلطان بایزید، پادشاه عثمانی را دستگیر و زندانی کند. تیمور برای نخستین بار بود که سلطان بایزید را ملاقات می‌کرد و پیش از آن او را ندیده بود. در سه سال قبل، بایزید به تیمور پیشنهاد صلح کرد که بر طبق آن دو طرف مرزهای یکدیگر را به رسمیت بشناسند و از آن تخطی نکنند، لیکن تیمور آن را نپذیرفت، در ضمن بایزید از او سئوال کرد، تو که دائم اوقات خود را در جنگ می‌گذرانی، آیا نیروی مردی و جنسی داری، اینک سلطان عثمانی مشاهده می‌کرد که سوگلی حرم



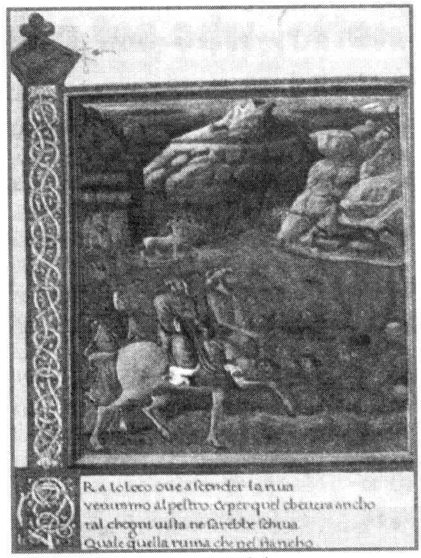
تقویم نشان می‌دهد که در سال ۱۴۶۰ قحطی شدیدی در انگلیس بر اثر جریان سیل رخ خواهد داد و مردم در سراسر سال دچار فقر غذایی می‌شوند.



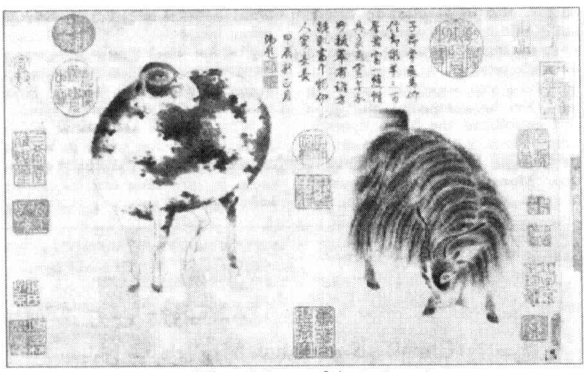
وسعت متصرفات مغول‌ها در سال ۱۲۹۴.



نخستین توپ جنگی ایتالیایی که با باروت منفجر می‌شود و سبب مرگ عده‌یی می‌شود.



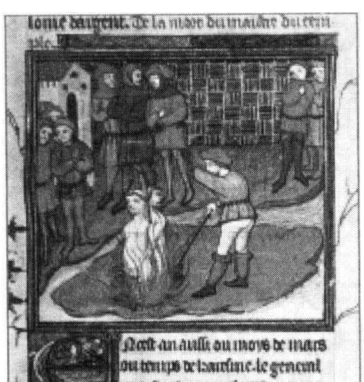
صفحه‌یی از کتاب کمدی الهی دانته (Divine Comedy) و رودی از خون در جهنم.



شائو منگ‌فو (Zhao Moengfu) و تصویری از گوسفند و بز با خط زیبای چینی.



آخرین تصویر از چهره ادوارد دوم پادشاه انگلیس.



مرگ ژاک دوموله (Jacques de molay).



پاپ کلمان (Clement) پنجم، متولد فرانسه.

اسپانیا اول مه ۱۴۸۶

دریانورد جنووایی کریستو فرکولومبوس (Christopher Colombus) در اجرای منویات ملکه ایزابلا مادر تعمیدی خود جهت توسعه قلمرو کشور به اکتشاف در مسیر غرب و کشف هند اقدام کرد.

منکزیک ۱۴۸۴

معبد بزرگ تنو کتیت لان (Tenochtitlan) که گنجایش بیش از هزار نفر زائر و قربانی کننده را داشت افتتاح گردید.

اسپانیا ۱۴۸۷

فردینانـد و ایزابلا جزیره مالاگا (Malaga) را که تا به حال منطقه‌یی مستقل و مسلمان بود تسخیر کردند.

اروپای مرکزی ۱۴۸۷

یاکوب (یعقوب) فوژر (Jacob Fugger) که بازرگان ثروتمند از خاندان اوگسبورگ (Augsburg) بود اجازه تملک معدن نقره در منطقه تیرول (Tyrol) را از سیگیسموند دریافت کرد.

فلاندر ۱۴۸۸

ماکسیمیلیان که در شهر بروژ از مذاکرات بازرگانان ناراضی بود و آنرا دامی جهت قیام بر علیه خود تلقی می‌کرد مدت دو هفته آنرا به تعویق انداخت و منتظر اخباری از سوی امپراتور پدر خود بود. ماکسیمیلیان قصد آن داشت که مقام نایب السلطنه کشورهای پست را اشغال کند.

آفریقای جنوبی ۱۴۸۸

کاشفان پرتغالی منطقه بارتولومه دیاس (Bartholomew Dias) را کشف و دماغه امیدنیک (Cape Good Hope) را دورزدند.

قبرس ۱۴ مارس ۱۴۸۹

ونیزیها این جزیره را از کاترین کورنارو (Catherine Cornaro) آخرین ملکه قبرس خریداری کردند و بدین ترتیب به سلطنت چندین سده فرانکها خاتمه دادند.

اتریش ۶ آوریل ۱۴۹۰

ماتیاس کوروینوس (Matthias Corvinus) که از سال ۱۴۵۸ پادشاه مجارستان بود در شهر وین درگذشت. وی در سال ۱۴۷۹ با امضای پیمان صلح اولوموک (Olomuc) امنیت مناطق سیلزی (Silesia)- موراوی (Moravia) و لوزاتیا (Lusatia) را تامین کرد. در دو نبردی هم که برضد امپراتور فردریک سوم برپاشده بود او توانست کنترل شهر وین در جنوب اتریش- استیریا (Styria) و کارین تیا (Carinthia) را در درست گیرد.

فرانسه سپتامبر ۱۴۹۰

ماکسیمیلیان پادشاه اتریش به پیمان انگلواسپانیائی (Anglo Spanish) که بر علیه فرانسه در سال گذشته بسته شده بود پیوست. دولت انگلیس گین گامپ (Guingamp) و کونکارنو (Concarneau) و اسپانیا منطقه وانس (Vannes) را تصرف کردند.

آسیای مرکزی ۱۴۹۰

تیمور لنگ را در مقبره بسیار باشکوهی در سمرقند (Samarkand) دفن کردند.

وی که دسپینا (Despina) نام داشت و از اهالی صربستان و زنی بسیار زیبا بود، برهنه در کنار تیمور جای دارد و ساقی وی می‌باشد، زیرا او در زندان و حرم سلطان در اختیار تیمور بود. هنگامی که نامه‌ی توهین آمیز بایزید به دست تیمور رسید و ذهن وی را مشغول داشت، در همان حال او چند شهر سوریه را که دمشق وآله‌پو (Aleppo) هم جزو آن‌ها بود، تسخیر کرده و بغداد را هم ویران ساخت و باز هم مناره‌هایی از جمجمه‌ی مردم شهر به وجود آورد، اینک قلمرو تحت سلطه‌ی او از دیوار بزرگ چین تا مرزهای آسیای صغیر را در برداشت.

امسال، تیمور سپاهی ویژه، متشکل از ۲۰ هزار مرد جنگی با یک گردان فیل سوار را تجهیز کرد. او با این سپاه ویژه، تا قلب آسیای صغیر رفت و دستور داد که سرچشمه‌ی رود هالیس (قزل ایرماق) را برگردانند تا دشمن نتواند از پشت او را در محاصره قرار دهد و بستر رود را به دشت پهناوری منحرف ساخت.

در نبردی که بین بایزید و تیمور در گرفت و منجر به شکست او و زندانی شدن وی شد، روحیه‌ی لشگریان ترک به کلی از بین رفت. در این جنگ، بایزید دستور داد که سواران ترک را که هم خون و هم نژاد تیموریان بودند، روبروی هم قرار دهند و آن‌ها هم برای این که تعداد افراد را بیش از اندازه نشان دهند، آن‌ها را به چهار بخش کرده و در جناحین لشگر قرار دادند. سربازان بایزید هر کدام با چرخش به دور خود با تبری که در دست داشتند، به سربازان دشمن حمله می‌کردند و آنان را با ضربات تبر به قتل می‌رسانیدند، با این وصف، این سربازان دلیر نتوانستند موضع خود را استحکام بخشند، به طوری که فرمانده‌ی آنان سلطان بایزید در اختیار دشمن قرار گرفته و دستگیر شد و در نزد تیمور تحقیر گشت.

تیمور لنگ درکام مرگ (سمرقند، آسیای مرکزی، ۱۴۰۵):

تیمور در حالی از جهان رفت که شاید هنوز بیش‌تر آرزوهای بلندپروازانه‌ی او در جهت تسخیر دنیا تحقق نیافته بود. او کشورهایی چون آناتولی، ترکیه، ایران، سرزمین ممالیک و آنچه را که مغولان مسخر کرده بودند، تحت سلطه داشت و وسعت امپراتوری او از تاتارستان تا هند

گسترش یافت، لیکن او مشتاق چیرگی بر سراسر منطقه‌ی چین بود. در این هنگام، سلسله‌مینگ بر چین حکومت می‌کرد و امپراتور چین از تهدید آخرین فرد سلسله‌ی مغولان آگاهی داشت و می‌دانست که کشور چین از سوی غرب در مخاطره قرار دارد.

تیمور که در غرب به تیمور لنگ معروف بود، در ۶۹ سال پیش در قبیله‌ی بارلاس (Barlas) که در سرزمین ترکستان اقامت داشتند، به دنیا آمد. این قبیله خود ریشه‌ی مغولی داشت که به دین اسلام درآمده بودند و زبانشان هم ترکی بود. او آدمی هفت جوش و رنگارنگ بود. موهای او سفید و شخصی عامی و بی‌سواد بود، لیکن از هوش و ذکاوت وافری برخوردار بود و تحت تاثیر دانشمند شهیر ابن خلدون (ibn Khaldun) قرار داشت. روش جنگ‌آوری و پیکارش بهتر از چنگیز سلف خود بود. او ستمگر و بی‌رحم بار آمده بود و روحیه‌ی خونریزی داشت، لیکن دوستدار فلسفه بود و به بازی شطرنج عشق می‌ورزید، او که مدت زیادی از عمرش را به زندگانی چادرنشینی گذرانده بود، خود یک معمار نمونه بود. وی هم چنین به جمع‌آوری اشیاء نفیس علاقمند بود. شهر سمربند پایتخت وی، مملو از امتعه‌یی بود که او از دهلی به غنیمت آورده بود اما خزانه‌ی سلطنتی او چندان بزرگ نبود، پس از سال ۱۳۷۰، او بقیه‌ی عمر سی و پنج ساله‌ی خود را در جنگ و پیمودن راهها به سر می‌برد.

تیمور زمانی که در منطقه‌ی سردسیر آسیای مرکزی اقامت داشت از آب‌های سرد این ناحیه جهت استحمام استفاده می کرد و بر اثر آن به تب دچار شد و پس از چند روز، جهان را وداع گفت. این حاکم ستمگر که در زندگی خود هزاران نفر بی‌گناه را به دیار عدم فرستاده بود، خود در آرامش جان سپرد.

سه نفر پاپ که خود را پاپ قانونی می دانستند، سبب بحران کلیسا شدند. (پیزا، اوت ۱۴۰۰)

اجلاسی که در شهر پیزا با شرکت نمایندگان پاپ ها در محیط بهت آوری تشکیل شده بود، با قبول قطع نامه‌یی پایان یافت. این اجلاس که با شرکت صدها نفر اسقف و نمایندگان پادشاهان اروپایی و تعداد کثیری از کشیشان برپاشده بود، در مدت شش ماه اخیر همه در پی این بودند که بتوانند به اختلافات پایان دهند و زمینه ی صلح و دوستی را فراهم کنند و حالت دشمنی و خصومت را از بین ببرند. سرانجام قطع نامه، رای به خروج دونفر از پاپ ها (بندیکت سیزدهم که در آوینیون بود و گریگوری دوازدهم که به عنوان پاپ رم بود) داد و از آن ها خواست که مقام پاپی را رها کنند.

سرانجام کنگره به این توافق رسیدکه اختلافات ایجاد شده را با برکناری این دو پاپ حل کند و با انتخاب یک فرد اهل کِرِه تن (Cretan) به نام پترس فیلارگوس (Petros Philargos) به عنوان پاپ الکساندر موافقت شد، هرچند که بندیکت و گریگوری این توافق نامه را نپذیرفتند، با این وصف، الکساندر در کاخ سن پیتر جای گرفت و بدین ترتیب جریان سه نفر پاپ خاتمه پذیرفت.

دانشمند عرب که نظریه ی نوینی در تاریخ به جا گذاشت، فوت شد. (قاهره، ۱۷ مارس ۱۴۰۶)

عبدالرحمن ابن محمد ابن خلدون، پیشینه نگار، سیاستمدار، قاضی و مدبر، در سن ۷۴ سالگی وفات یافت. او در خانواده ی عرب اسپانیولی زاده شد. وی دفاتری در مراکش، اسپانیا و مصر تاسیس کرده بود و کارهای ارزشمندی در زمینه ی تاریخ و سایر علوم انجام داد و همین کارها باعث اشتهار وی شد. او سه کتاب درباره ی تاریخ اعراب، ایران و بربرها نگاشته است.

نخستین کتاب او مشهورتر از آن دو دیگر است، چون که وی در این کتاب بحث نوینی را درباره ی حالات ظاهری و فیزیکی سرزمین ها از جمله آب و هوا و شرایط اقلیمی سرزمین ها ارائه می کند و هم چنین طرز زندگی و روحیه و تربیت و آداب و رسوم مردم را شرح می دهد. ابن خلدون سعی می کرد که از پیشرفت ها و گرفتاری ها و رنج و عذاب مردم و ویرانی ها و نیز از ترقیات و پویایی ها صحبت کند و به ویژه حقایق تاریخی را از جنبه های علمی بیان دارد.

لهستانی ها توانستند جنگاوران تئوتونیک را شکست دهند. (پروس (Prussia)، ۱۵ ژوئیه ۱۴۱۰):

نیروهای مشترک لهستان و لیتوانی (Lithuanian) موفق شدند که بر بزرگ ترین و نیرومندترین دشمن خود، یعنی جنگجویان تئوتونیک (Teutonic) در تانن برگ (Tannenberg) فائق آیند و به دو سده فرمانروایی آنان در منطقه پایان دهند. این نبرد که مدت یک روز به درازا کشید، منجر به کشته شدن ۲۰۰ نفراز جنگجویان تئوتونیک و فرمانده ی عالی آنان شد.

مدت ها بود که هر دوطرف تصمیم قطعی به نبرد داشتند و منتظر بودند که طرف مقابل تسلیم و مطیع گردد، حتی اغلب یادداشت های تهدیدآمیزی بین آن ها مبادله می شد. این یادداشت ها به کشورهای اروپایی و از جمله انگلیس توصیه می کرد که از دخالت در امور آن ها خودداری کنند. در همان زمان طرفین آماده ی جنگ می شدند. تئوتونیک ها شروع به نام نویسی مبارزان جدیدی کردند تا به آن ها تعلیمات جنگی بیاموزند، و در شرق هم لهستانی ها شروع به استخدام نیروهای مزدور چک کردند.

موقعی که طرفین آماده ی پیکار شدند، نیروهای متحد لهستانی و لیتوانی از نظر تعداد برتری چشمگیری بر تئوتونیک ها داشتند، لیکن از نظر تجربه و مهارت جنگی در حد پایینتری قرار داشتند.

به هر ترتیب، یاگللو (Jagello) در شهر مارین بورگ (Marienburg) پایتخت کشور اعلام کرد که موقعیت کشور در مخاطره است و از مردم لهستان یاری طلبید تا هر چه در توان دارند از نیروهای نظامی حمایت کنند و مردم هم از این دریغ نکردند و بدین ترتیب جنگ یک روزه سرنوشت لهستان را تغییر داد و نیروهای نظامی توانستند بر تئوتونیک های آلمانی پیروزی کسب کنند و فرمانده ی آنان را هم به هلاکت برسانند.

مصلح چک، خود را به تیر بسته و آتش زد. (کنستانس، آلمان، ششم ژوئیه ۱۴۱۵):

امروز، یان هوس (Jan Hus) دانشمند، آموزگار و خطیب مردمی، توسط پدر روحانی عضو انجمن کلیساها، مرتد شناخته شد. او بلافاصله لباس رسمی اسقفی را از تن خارج کرد و به لباس کارمندان دربار درآمد. برحسب فرمان سیگیسموند پادشاه، او می‌باید شهر را ترک کند و یا این که برای آخرین بار عقیده‌ی خود را انکار کند تا مورد عفو واقع

بریتانیا ۱۴۹۱

در زمانی که فرانسویها دوک نشین بریتانی را تسخیر کردند نه انگلیس و نه اسپانیا نیروی کمکی برای آنان نفرستادند. ازدواج بین ماری ملکه برتانی و ماکسیمیلیان پادشاه اتریش وکالتی انجام شده و ملکه آن، خودش این انتخاب را انجام نداده بود و شارل هشتم پادشاه فرانسه به نمایندگی از سوی اوابن کار را کرد و بدین جهت فسخ شد و در هر حال استقلال بریتانی به طور قطع از بین رفت.

خاور نزدیک ۱۴۹۱

دولت عثمانی و ممالیک پس از ۶ سال نبرد طی قرار دادی، برای صلح به توافق رسیدند. در این حال شهر کیلیکیه (Cilicia) در آناتولی تحت کنترل حکومت مصر درآمد.

قاهره ۱۴۹۱

پدروداکویلهائو (Pedro da Covilhao) نماینده دولت پرتغال پس از ماموریت در دورترین نقطه سوفالا (Sofala) واقع در کرانه جنوب شرقی آفریقا و نیز در منطقه کلکته (Calicut) در هندوستان به قاهره بازگشت.

اسپانیا دوم ژانویه ۱۴۹۲

فردیناند وایزابلا شهر گرانادا (Granada) قرطبه، را که آخرین پایگاه مسلمانان در اسپانیا و مدت دو قرن در مقابل مسیحیان مقاومت می‌کرد تسخیر کردند.

میلان ژانویه ۱۴۹۲

پیش از تمرین تخلیه فرانسویها از شهر میلان برای حفظ امنیت معاهده همکاری برضد ناپل بسته شد. بر طبق این معاهده لودویکواسفورزا (Ludovico Sforza) برای تجدید پیمان همکاری بین فرانسه و میلان اقدامات لازم را انجام داد.

اسپانیا ۳۰ مارس ۱۴۹۲

بر طبق فرمان سلطنتی مبنی بر اخراج یهودیان از کشور، یهودیان را از اسپانیا بیرون راندند.

رم ۱۰ اوت ۱۴۹۲

پس از مرگ اینوسنت هشتم، والنسیان رودریگودوبورخا (Valencian Rodrigo de Borja) به سمت پاپ برگزیده شد. وی نام خود را به آلکساندر ششم تغییر داد.

دریای کارائیب (Caribbean) (غرایب) ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲:

کشتی کریستوفر کلمبوس (کریستف کلمب) در جزیره‌یی به نام سان سالوادور (San Salvador) لنگر انداخت. این جزیره در باهاماس (Bahamas) واقع شده است.

کارائیب ۲۸ اکتبر ۱۴۹۲

کریستف کلمب به کوبا (Cuba) رسید و تصور کرد که این منطقه سرزمین ژاپن است.

ایتالیا ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲

پی یرو دلافرانچسکا (Piero della Francesca) نقاش بزرگ اهل توسکانی (Tuscan) درگذشت.

فرانسه سوم نوامبر ۱۴۹۲

با تمرینهای نظامی برای آمادگی جنگی سپاهیان انگلیس برای نبرد بر ضد فرانسه، شارل هشتم با امضای قرار داد اتاپل (Etaples) موافقت کرد که هزینه این جنگ را بر طبق پیمان پیکی نی (Piquigny) بپردازد. این پیمان در ۱۴۷۵ بسته شده بود و قصد نداشت هیچگونه حمایتی از شورش علیه هنری هفتم بکند.

شود، لیکن او آن را نپذیرفت و مرگ را با سوختن در آتش انتخاب کرد و به درون توده‌ی هیزمی که آتش زده بودند، رفت. او در حالی که بدنش می‌سوخت، مشغول دعا و ثنا و خواندن سرود روحانی بود.

هوس را به اتهام عقاید خداشناسی مخصوص، در آتش افکندند، در حالی که باورهای او شباهت کاملی با جان وایکلیف (John wyclif) انگلیسی داشت و پیرو وایکلیف بود. لیکن در زیر این لوای ظاهری، حیله‌های سیاسی نهفته بود. هوس سخنان خود را صریح و بی پرده بیان می‌کرد و از این که برخی از کلیساها به فروش رسیده و مکان‌های دیگری برای ادارات آن‌ها خریداری شده، معترض بود، سخنان وی موقعیت کلیسا را به خطر می‌افکند و مورد رضایت اربابان کلیسا نبود. او که یک چهره‌ی مردمی و دوستدار ضعیفان بود، سخنانش هم ارباب کلیسا و غیر روحانیان صاحب قدرت را آزار می‌داد و موجب ناراحتی فکری آنان بود.

به علاوه، هوس در خانواده‌ی دهقانی زاده و در یک روستای بوهمی بزرگ شده بود و آدمی گمنام بود و تنها به ملیت خود چک فکر می‌کرد و با تابعیت آلمانی‌ها مخالفت می‌ورزید.

کتاب دوک فرانسوی با تصاویر زیبا، تذهیب و زینت یافت. (فرانسه، ۱۴۱۵):

برادران لیمبورگ (Limburg) مشغول تهیه و آماده کردن کتابی به نام (ساعات ثروتمندان چگونه سپری می‌شود) برای دوک دوبری (Duc de Berry) هستند. این کتاب به وضوح وضع زندگی و مشغله‌ی افراد ثروتمند را شرح می‌دهد که ساعاتی را به آداب مذهبی و نماز و غیره می‌گذرانند و بقیه اوقات روزانه را به خواندن کتاب انجیل سپری می‌کنند و در حقیقت کار سودمندی انجام نمی‌دهند.

این کتاب حاوی تصاویر رنگی بسیار زیبایی است و یکی از شاهکارهای ادبی و نقاشی به شمار می‌رود و با بهترین کتاب‌ها از نظر رنگ آمیزی و نقاشی برابری می کند.

شاهزاده‌ی اندونزیایی مردم شبه جزیره‌ی مالاکا (Malacca) را به دین اسلام فرا خواند. (مالاکا، جنوب مالایا (Malaya) ۱۴۱۴):

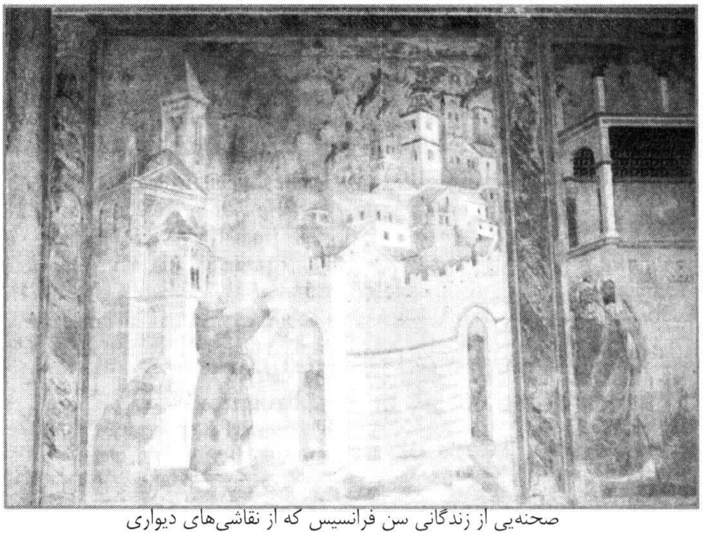
پارامسوارا (Paramesvara) شاهزاده‌ی اندونزیایی (Indonesian) که به شبه‌جزیره‌ی مالاکا تبعید شده بود، به اسلام ایمان آورد، در عین حال، پارامسوارا عقاید و سنن مذهبی قدیمی مالاکا متحد چین را باطل شمرد به مردم سیام (Siam) دشمن پیشین مالاکا هم پیشنهاد کرد که دین اسلام را بپذیرند. به هر صورت برای پارامسوارا، فرمانروای پالم بانگ (Palembang) این سفری جالب و هیجان انگیز و قهرمانی بود.

او برای نخستین بار پالم بانگ را مستقل اعلام کرد و عدم وابستگی خود را از عقاید هندوئیسم ماجاپاهیت (Majapahit) جزیره جاوه (Java) اعلام داشت و دین هندو را باطل شمرد. هنگامی که در سال ۱۳۹۰ نیروهای نظامی هندوهای جاوه ، پالم بانگ را تسخیر و تخریب کردند، پارامسوارا به شهر توماسیک (Tumasik) در شبه جزیره‌ی مالاکا گریخت، اما باز هم مورد تعقیب واقع شد. سرانجام او پس از مدت‌ها دربه دری به مالاکا وارد شد و دولت چین که در آن هنگام با وی رابطه‌ی نزدیکی داشت، او را به نقطه‌یی که از نظر استراتژیک هم وضع مناسبی داشت، پناه داد و او توانست شبه‌جزیره‌ی مالاکا را به وضع آبرومندی درآورده و موقعیت خود را تثبیت کند. پیش از این هم منطقه‌ی مالاکا از نظر ثروت آنجا افزوده بودند، علاوه بر آن، پارامسوارا هم با ذکاوت و زیرکی خاص خود موقعیت مالاکا را بهبود بخشید و چون وضع جغرافیایی مالاکا از هر نظر مناسب بود، به یکی از درخشان‌ترین مناطق مبدل شد.

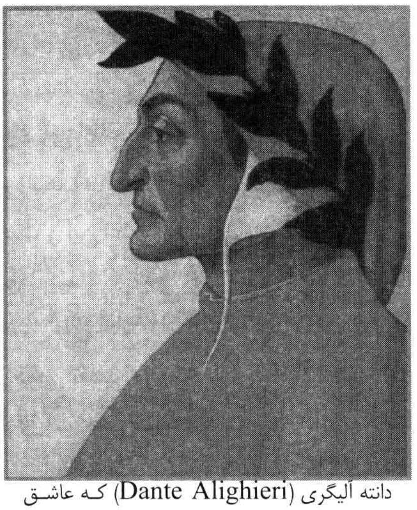
خواننده‌ی بنگالی سرودهایی در وصف کریشنا (Krishna) می‌خواند. (هندوستان ، ۱۴۱۵):

شاعر و نوازنده‌ی بنگالی به نام باروچاندیداس (Baruchandidas) نوشته‌های زیبایی درباره‌ی کریشنا یکی از خدایان هندو و نیز آهنگ‌هایی در باب ستایش ویشنو (Visnu) که خدای دوستدار مردم است، تنظیم کرده و آن را با چنگ می‌نوازد، لازم به ذکر است که کریشنا دوستدار قربانی کردن آدمیان در پیشگاه خود است. این خدایان را مردم شمال شرقی هند در این سال‌های اخیر بیش‌تر مورد ستایش قرار می دهند.

چاندیداس که خود یکی از اعضای طبقه‌ی بالای اجتماع و یکی از برهمنان است، نخستین شاعر بنگالی است که



صحنه‌یی از زندگانی سن فرانسیس که از نقاشی‌های دیواری جوتو (Giotto) در شهر آسی‌سی (Assisi) می‌باشد.



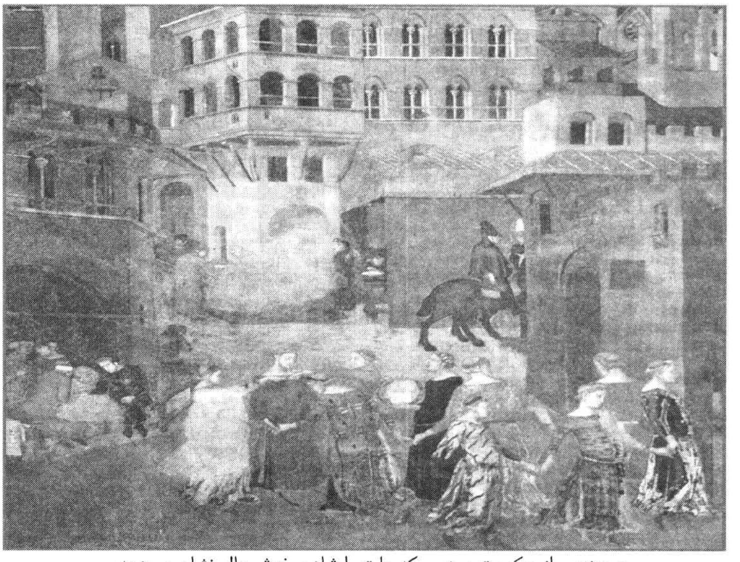
دانته آلیگری (Dante Alighieri) که عاشق بئاتریس (Beatrice) بود. نقاشی از دید ساندرو بوتیچللی (Sandro Botticelli).



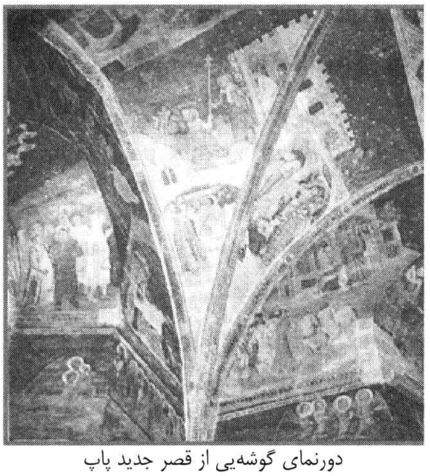
سرزمین افریقای شمالی از اطلس کاتالان (Catalan Atlas)، در زمانی که منطقه‌ی تیمبوکتو (Timbuktu) فاقد حکومت سلطنتی می‌باشد.



دورنمای کلیسای بزرگ شهر مسکو.



صحنه‌یی از حکومت مردمی که ملت را شاد و خوش‌حال نشان می‌دهد، البته از دریچه‌ی چشم هنرمند نقاش لورن زتی (Loren Zetti).



دورنمای گوشه‌یی از قصر جدید پاپ که در محل نمازخانه است.

اشعاری درباره‌ی پرستش کریشنا سروده و در کتاب خود به نام شیرکریشناکرتان (Shirkrishnakirtan)، تاریخچه‌ی زندگی کریشنای گاوچران را بازگو می‌کند، او عاشق زن چوپانی به نام رادها (Radha) می‌شود که دون شان خدایی چون اوست و این عشق سبب می‌شود که وی از آسمان به زمین هبوط کند و به زبان زمینیان سخن بگوید. به هر صورت، داستان‌های چاندیداس تماماً تحریکات و هیجانات بشری را به خوبی تفسیر می کند و آرزوهای آدمی را که همواره طالب آزادی است، می‌نمایاند.

تصاویر حالت تثلیث انسان را به خلسه و آرامش مخصوص می‌برد. (روسیه ۱۴۱۱):

آندره‌یی روبلف (Andrei Rublev) اشتهار خود را با کار بزرگی که اخیرا انجام داده به دست آورده و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نقاشان روسیه معرفی شده است. او برای تزئین کلیسای مقدس تثلیثی زاگورسک (Zagorsk) تصاویری به نام تثلیثی کشیده است، این کلیسا در منطقه‌یی نزدیک شهر مسکو قرار دارد. روبلف با کشیدن تصاویری که به سبک و شیوه‌ی تئوفان (Theophanes) یونانی در سال ۱۴۰۵ برای کلیسای بزرگ مسکو بلند آوزاه شد.

در سال ۱۴۰۸ هم با همکاری دانیل کورنی (Daniel Chorny) جهت کلیسای ولادیمبر ولینسکی (Vladimir-Volynsky) شاهکاری به وجود آورد. کارها و نقاشی‌های او هر انسانی را به تفکر و اندیشه وامی‌دارد، چون که شیوه‌ی کار او برپایه‌ی حقیقت نمایی و واقعیت‌گرایی است و با روش سایر نقاشان متمایز است. سبک وی به نام اسفوماتو (Sfumato) مشهور شده که ترکیبی است از نمایش سایه‌ها و رنگ‌های دل‌پذیر که این رنگ‌های ملایم در انسان حالت آرامش ایجاد می‌کند. سبک نقاشی تثلیثی نمایشی است از شعاع‌های نورانی که سایه‌ها را با انوار خود می‌پوشاند و اثری جاذب و در عین حال آرامشی به انسان دست می‌دهد و اعصاب فرد را تسکین می‌دهدو بالاخره فرشتگان و پریان بالدار را در نهایت سکون نمایش می‌دهد. این حالت تثلیث انسان را به خدا نزدیک‌تر می‌سازد و روح پرستش را در انسان تقویت می‌کند.

باکشتن هواداران لولارد، جنبش این فرقه از بین رفت. (انگلیس، ۱۳ ژوئیه ۱۴۱۴):

فرقه‌ی طرفداران لولارد (Lollard) که به ارتداد محکوم شده بود، با به قتل رسانیدن ۴۵ نفر از هواخواهانش به کلی نابود شد. در ماه سپتامبر گذشته، کلیسا چنین فتوا داد که سر جان اولد کاسل (Sir John Oldcastle) رهبر فرقه‌ی لولارد، مرتد می‌باشد و هر چه زودتر بایستی اعدام شود و اصلاحات مذهبی وی جرو ارتداد است.

از سوی هنری پنجم، پادشاه انگلیس، به اولد کاسل مدت چهل روز مهلت داده شد که عقاید خود را انکار کند و آن را طرد کند، لیکن او نپذیرفت. در هر حال این آخرین مهلت بود که به وی داده شده بود. او از برج لندن که زندان وی بود به اطرافیان خود که در خارج از آنجا بودند، پیوست، لیکن هنری با توطئه‌یی، هواداران وی را به اعتصاب و شورش فراخواند و هنگامی که اولدکاسل در میان آنان در حومه‌ی لندن ظاهر شد ، عده‌یی از فرقه‌ی لولارد د رجنگ کشته شدند و مابقی آن‌ها را به دستور شاه اعدام کردند، لیکن اولدکاسل باز هم فرار کرد.

پادشاه افریقایی که قشون خود را به زره‌های زنجیره یی مسلح کرده بود، در گذشت. (کانو (Kano) نیجریه، ۱۴۱۰):

کاناجیجی سارکی (Canajeji Sarki) فرمانفرمای کانو، پس از ۲۰ سال سلطنت، فوت شد. کانو که در غرب افریقا واقع شده، به ترقیات مهمی در تحت حکومت سارکی دست یافته، او برای تجهیز سپاهیان خود، سربازان را به کلاه خود و زره مسلح ساخته و اسبان سوار را هم با زرهی که تن حیوان را می‌پوشاند، از تیرهای دشمن ایمن کرده است. در دویست سال قبل، کانو ایالتی بی‌اهمیت در غرب افریقا بود که تنها در اطراف آن دیواره‌هایی جهت جلوگیری از حملات احتمالی ساخته بودند. بعدها این قلمرو توسعه یافت.

کاناجیجی با تصرف سرزمین‌های اطراف و بخش اعظم هائوسالند (Hausaland) (شمال غرب نیجریه) این سرزمین را هم تحت تابعیت خود قرار داد. در حالی که پس از مرگ وی، امپراتوری مالی به غرب افریقا دست یافت و آن نواحی را زیر سلطه خود گرفت. لیکن زمامداران کانو بیم به خود راه ندادند و با وارد کردن زره از قلمرو ممالیک مصری ارتش خود را تجهیز کردند و به ارزش سوار در جنگ‌ها پی بردند و اسبان را هم با زره مسلح کردند.

دریای کارائیب ۶ دسامبر ۱۴۹۲
درجستجوی طلا کریستف کلمب در جزیره‌یی به نام هیسپانیولا (Hispaniola) – سانتودومینگو (Santo Domingo)- پهلو گرفت.
اسپانیا - فرانسه ژانویه ۱۴۹۳
بر طبق پیمان بارسلونا (Barcelona) جزایر سردانی (Cerdagne) و روسیون (Roussillon) به شارل هشتم برگشت و در اختیار او قرار گرفت. این جزایر در سال ۱۴۶۲ به وسیله ژان پادشاه آراگون در قبال بدهی به فردیناند، نزد لوئی یازدهم به گرو گذاشته شده بود.
رم ۴ مه ۱۴۹۳
پاپ آلکساندر ششم که متولد سرزمین اسپانیا می‌باشد، بر طبق اعلامیه‌یی فرمان داد که تمام سرزمین‌های کشف شده در غرب مجمع الجزایر آزور (Azores) متعلق به اسپانیا ست.
آلمان ۱۹ اوت ۱۴۹۳
فردریک سوم فرزند خود ماکسیمیلیان را به عنوان امپراتور رم مقدس به جانشینی خود انتخاب کرد.
اسپانیا ۲۹ سپتامبر ۱۴۹۳
کلمبوس که در ماه آوریل به اسپانیا برگشته بود شهر کادیز (Cadiz) را برای مسافرت اکتشافی برای دومین بار ترک کرد.
اتیوپی ۱۴۹۴
پدرودا کاویل هائو (Pedro da Covilhao) سفیر پرتغال به اتیوپی رسید و امپراتور اتیوپی وی را بازداشت کرد.
هلند ۱۴۹۴
فیلیپ خوشگله پسر امپراتور ماکسیمیلیان به فرمانروائی کشورهای پست منصوب شد. (کشورهای پست سرزمینهائی است که زمین آنها پائین تر از سطح آب دریا است).
رم ۱۴۹۴
شارل هشتم با موافقت پاپ وارد رم شد.
میلان ۱۴۹۴
لودویکو اسفورزا در زمینه همکاری با پادشاه فرانسه به لقب دوک شهر میلان مفتخر شد.
فلورانس ۱۴۹۴
پی‌یرو دومدیچی (Piero de Medici) عازم شهر فلورانس شد که با راهب کلیسای مقدس به نام ساونا رولا (Savonarola) که یک دیکتاتور مذهبی بود ملاقات کند.
سرزمین کارائیب ۵ مه ۱۴۹۴
کشتی کریستف کلمب در جزیره‌یی به نام سانتاگلوریا (Santa Gloria) (جامائیکا- Jamaica) لنگر انداخت.
فلاندر ۱۱ اوت ۱۴۹۴
هانس مملینگ (Hans Memling) تصویر نگار، که برای اشراف نقاشی می‌کرد و بیشتر وقت خود را برای این کار صرف می‌کرد در شهر بروز (Bruge) در گذشت.
ایتالیا ۳۱ مارس ۱۴۹۵
شهرهای ونیز- میلان، اسپانیا، پاپ و امپراتور با انعقاد پیمان مقدس علیه شارل هشتم پادشاه فرانسه اعلان جنگ دادند. وی در ماه گذشته ناپل را به تصرف درآورده بود.

به طوری که هم اکنون در تمام منطقه‌ی غرب افریقا هیچ نیرویی را تاب مقاومت در برابر این ارتش نیست و ارتش وی به یکی از قوی ترین سپاهیان قاره‌ی افریقا تبدیل شده است.

روابط خصمانه‌ی کلیسا در کنستانس (Canstance) به صلح و آرامش تبدیل شد. (کنستانس، ۱۱ نوامبر ۱۴۱۷):

خصومتی که از سال ۱۳۷۰ د رکلیسای مسیحی بر اثر نامزد شدن دو نفر پاپ برای احراز این مقام آغاز شده بود، بر طرف گردید. امروز با انتخاب کاردینال اودون کولونا (Cardinal oddone Colonna) به عنوان مارتین پنجم به این مقام توسط انجمن محرمانه‌ی اسقف‌های روم، این دشمنی رفع شد، در ضمن، این گزینش مورد حمایت اکثریت اعضای روحانی و دسته‌بندی‌های سیاسی نیز می‌باشد.

انجمن اسقفی محرمانه برای برگزیدن پاپ ، هیچ گونه شباهتی به شورای در حل اضمحلال ندارد. این انجمن حق دخالت کامل د رانتخاب پاپ را داراست. بر حسب تصمیم این شورا، هر سه نفر پاپ قبلی بر کنار شدند. نخستین فردی که معزول شد جان بیست و سوم بود. وی در شورایی که در سال ۱۴۱۵ تشکیل شد، به جرم زنای با محارم، بی عفتی، لواط و بچه‌بازی و خوراندن زهر به پاپ الکساندر پنجم، محکوم شد که گناه کشتن پاپ را انکار کرد.

گریگوری دوازدهم که از طرف کلیسای روم برگزیده شده بود، بر حسب احتیاط با این که در ماه ژوئن خود را داوطلب کرده بود، کنار زده شد.

بندیکت سیزدهم نیز آدمی سنگدل و بی‌رحم بود و در ۲۶ ژوئیه به اتهام ارتداد بر کنار شد. پاپ جدید هم شهرت آن چنانی ندارد و به نظر نمی‌رسد خطیب و دانشمندی بر جسته باشد. این پاپ علاقه‌ی زیادی به شکار خرگوش توسط سگ شکاری خود دارد و برخی روزها به شکار می‌رود، لیکن ادمی مهربان و شیرین گفتار و بی‌تکلف است و احتمالا فردی صلح جو به نظر می‌آید. وی که در شهر کنستانس آلمان اقامت دارد، در حقیقت کلید امنیتی برای سیگیسموند، پادشاه آلمان، محسوب می‌شود و عقد اتحادی هم با هنری پنجم، پادشاه انگلیس، دارد و در سیاست هم طوری عمل می‌کند که مورد رضایت خداوند قرار گیرد.

پراگ تمام روزنه‌ها را به روی کلیسای رم می‌بندد. (پراگ، ۳۰ ژوئیه ۱۴۱۹):

با کشته شدن یان هوس (Jan Hus)، اسقف اهل چک، هواداران وی به شورش بر علیه کلیسای رم دست زدند و روابط فیمابین پراگ ورم به وخامت گرائید، در اجتماعی که در شهر پراگ برپا شد، هوسیت‌ها (Hussites) یعنی طرفداران هوس، به سوی تالار جدید شهر رهسپار شدند.

پس از سخنرانی چند نفر از حاضران در شرح قضایا، مردم با ابراز تنفر از کلیسای رم دست به اغتشاش زدند و ازدحام عجیبی در سالن برپا شد، به طوری که چند نفر، از پنجره‌های تالار به میدان بزرگ شهر پرت شدند. در میتینگ دیگری که برپا شد، مردم چهار نفر را برای اداره‌ی امور شهر انتخاب کردند. در این اجتماع هم مردم به سیاست ونسس لاس (Wenceslas)، پادشاه چک، که اخیرا روابطی را با رم برقرار کرده بود، اعتراض کردند و خواستار قطع روابط چک و رم شدند و تمام وابستگی‌های کلیسای پراگ با کلیسای رم را قطع نمودند. پس از این جریان، شاه هم سیاست تندی را در قبال رم اتخاذ کرد و صلیبیی‌های مقیم کشور را تهدیدی علیه چک دانست. اکنون در حالی که شور و هیجان علیه رم تا اندازه‌یی کاسته شده، لیکن طرفداران هوس، جنگجویانی تشکیل داده اند تا در موقع لزوم از کشور دفاع کنند. آن‌ها هم چنین اعلام داشتند که چنانچه از سوی هر یک از اعضای اروپایی در معرض تهدید و خطر قرار گیرند. می‌توانند مردم را برای کمک به طرفداران نهضت هوسیت بسیج کرده و هر تهدیدی را دفع کنند.

چینی‌ها گنجینه‌هایی به سرزمین‌های افریقایی می‌فرستند. (چین، ۱۴۲۲):

شنگ هی (Zheng He) خواجه سرای چینی، محموله‌یی از امتعه‌ی گوناگون جهت حفظ قدرت و شرکت یونگلو (Yunglo) امپراتور چین به کرانه‌های شرقی افریقا ارسال داشت. کالاهای ارسالی برحسب تصادف فرستاده نشده، بلکه ششمین کاروانی است که به افریقا و اکنون به منطقه‌ی مالیندی (Malindi) فرستاده می‌شود. ناوگان تجاری، شامل پنج یا شش کشتی بزرگ کفی است که هر کدام در حدود ۱۵۰۰ تن کالا حمل می‌کنند، آن‌ها پهنه‌ی اقیانوس را شکافته‌اند تا به افریقا برسند. این کشتی‌ها حامل مواد غذایی و گندم خوراک یکساله، رمه‌هایی از خوک و کوزه هایی از شراب تخمیر شده هستند.

این ناوگان هم چنین برای حمایت و پشتیبانی از عملیات جنگی جهت دفاع تعداد زیادی اسب برای بیست و هفت هزار سوار ارسال داشتند. مالیندی، برای امپراتور چین بسیار با اهمیت است، چون امپراتور مالیندی تعدادی زرافه‌ی یک شاخ برای چین فرستاده است. کشتی‌های چینی همچنین حاوی مقدار زیادی پارچه‌های اطلس و ابریشم و ساتن و نیز طلا و نقره می‌باشد. که در ازای آن‌ها تعدادی شیر و کرگدن و همچنین عنبر و مرمکی برای وی ارسال خواهد شد.

این تجارت برای کشور چین بسیار پر منفعت می‌باشد و چین کالاهای ارسالی را به عنوان تجارتی سودآور تلقی می‌کند، چون این کار به نفوذ چین در افریقا می‌افزاید و مالیندی متحدی برای کشور محسوب می‌شود و همواره امپراتور چین مورد تعظیم و تکریم خواهد بود.

انگلیس در آژین کورت (Agincourt) برنده می‌شود. (فرانسه ۲۵ اکتبر ۱۴۱۵):

در روز عید سنت کریسپین (St crispin) در منطقه‌ی آژین کورت، بدون این که جنگ تمام عیاری برپا شود، برخورد مختصری بین نیروهای نظامی انگلیس و فرانسه رخ داد. نیروهای انگلیسی که بالغ بر دوازده هزار نفر بودند چون می‌دانستند با قشون بزرگ و سربازان بی‌شمار فرانسوی روبه رو هستند و خودشان نیز از آزمودگی بسیار خوبی برخوردار بودند، با رشادت از نبرد استقبال کردندو آماده برای جانبازی در راه میهن شدند . آن‌ها در کمال آرامش و سکوت به سر می‌بردند و هنری پنجم هم به آرامی از صف سربازان سان دید و با تیراندازان و سربازان پیاده صحبت کرد، بدون این که از آنان صدایی برخیزد.

آنان طالب این نبرد نبودند و تنها می‌خواستند به مبادله‌ی کالا و تجارت خود ادامه دهند. در یک کیلومتری آن‌ها، سربازان فرانسوی مشغول شادی و سرور بودند و یک ارابه را که برای بردن پادشاه انگلیس به پاریس در نظر گرفته بودند،می‌آراستند. آن‌ها به خاطر تعداد سربازان دشمن که بالغ بر شصت هزار نفر می‌شدند، از نبرد ۶۹ سال پیش که در کرەسی (Crecy) رخ داد، سرمشق گرفته بودند.

لیتوانی (Lithuania) ۱۴۹۵

یهودیان این سرزمین اخراج شدند.

دریای کارائیب ۱۴۹۵

کلمبوس پیشنهاد کرد که تمام افراد هندی ۱۴ سال به بالای جزیره هیسپانیولا (سانتودومینگو) بایستی خراج خود را به طلا به پادشاه اسپانیا بپردازند. (کریستف کلمب ساکنان آمریکای مرکزی را هندی تصور می‌کرد.)

پرتغال ۱۴۹۵

مانوئل ملقب به فرصت طلب عموی خود ژان دوم را به عنوان پادشاه پرتغال معرفی کرد.

اروپا ۱۴۹۶

اتحاد بین هابسبورگ و کاستیل با ازدواج فیلیپ خوشگله و ژوانا (Juanna) دختر فردیناند و ایزابلا تقویت شد.

آمریکای شمالی ۲۴ ژوئن ۱۴۹۷

ملاحان ایتالیائی به سرپرستی ژان کابوت (John Cabot) پس از ۳۵ روز دریانوردی به سواحل آمریکای شمالی رسیدند و شروع به بررسی دماغه برتون (Breton) در لابرادور (Labrador) کرده و به کشفیاتی در این مناطق نایل شدند.

آفریقای جنوبی ۱۴۹۷

به فرمان مانوئل پادشاه پرتغال، واسکوداگاما (Vasco da Gama) با ناوگان دریایی خود به سوی هندوستان از مسیر دماغه امید نیک (آخرین نقطه ساحلی آفریقا) رهسپار شد. وی در تاریخ ۲۲ نوامبر از این دماغه عبور کرد.

اسپانیا ۱۴۹۷

ژان نوجوان و شاهزاده اسپانیائی که در ضمن دوک آراگون و فرزند فردیناند و ایزابلا بود در گذشت وی با مارگارت (Margaret) دختر ماکسیمیلیان ازدواج کرده بود.

دریای کارائیب ۱۴۹۷

کریستوف کلمب مردم جزیره هیسپانیولا را به عنوان کارگر اجیر برای کارهای طاقت فرسا تحت فشار قرار داد.

اسکاندیناوی ۱۴۹۷

ژان پادشاه دانمارک با حمله به دولت پادشاهی سوئد آن سرزمین را تصرف کرد و سرزمین سوئد و نروژ و دانمارک را تحت امر خود قرار داد. پدر وی به نام کریستیان (Christian) که در سال ۱۴۶۴ فرمانروای ۳ کشور اسکاندیناوی بود در تبعید به سر می‌برد.

روسیه ۱۴۹۷

شهر پسکوف (Pskov) مرکز فرمانروائی خاک روسیه شد.

آفریقای غربی ۱۴۹۷

آسکیا (Askia) (محمد تاوری- Towri) که امپراتوری سونگایی (Songhai) را تجدید سازمان کرد، مدت چهار سال تمام به زیارت مکه (Mecca) رفت.

افریقای جنوب شرقی ۲۵ ژانویه ۱۴۹۸

واسکو داگاما به کوئلیمان (Quelimane) در کرانه سوفالا (Sofala) رسید.

امروز صبح، هنری با توجه به قلت نیروهای انگلیس، به شکست خود اعتراف کرد. با این وصف، او زره‌ی خود را پوشیده و کلاه خود خود را که مزین به جواهر بود. بر سر گذاشت و پیشاپیش قسون خود به حرکت درآمد، در حالی که تیراندازان انگلیسی نیروهای فرانسوی را در زیر باران تیرهای خود قرا رداده و از پیشرفت آنان ممانعت می‌کردند. در این حال به یک باره سواران فرانسوی دچار وحشت شدند، چون که از هر سو در تیررس سربازان پیاده‌ی انگلیسی قرار داشتند، سربازان پیاده‌ی انگلیسی از صف‌های خود خارج شده و جناحین قشون فرانسه را مورد تجاوز قرار دادند و چون فرانسویان برای دفاع از خود عقب نشینی کردند، بلافاصله سربازان انگلیسی جای آنان را پر کردند و با شمشیر و نیزه، آن‌ها را هدف می‌گرفتند. نبرد در ساعت چهار بعداز ظهر پایان یافت، در حالی که قشون انگلیس از پیروزی خود مطئمن بودند. سرانجام بر اثر فشار اسیران جنگی فرانسوی و احتمال خطر، سربازان انگلیسی حلقوم حدود هزار اسیر را دریدند.

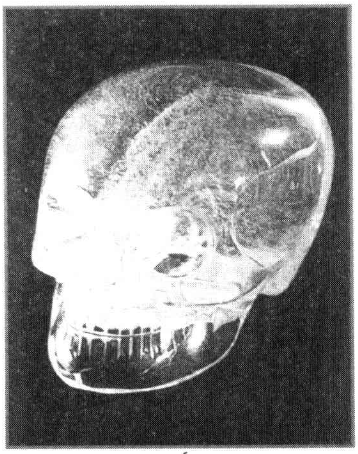
انگلیس و فرانسه، پیمان صلح دایمی امضا کردند. (فرانسه ، ۲۱ مه ۱۴۲۰):

پس از ماه‌ها مذاکره‌ی بی‌نتیجه درباره‌ی صلح، سرانجام انگلستان و فرانسه به اتحاد دست یافتند و هر دو کشور پادشاهی واحدی برقرار کردند. آن‌ها موافقت‌نامه صلح را امضا کردند که فیلیپ،دوک بورگاندی هم آن را تایید کرد و پادشاه انگلیس هم، کاترین والوآ (Catherine Valois)، دختر پادشاه فرانسه را به زنی گرفت و به این پیمان استحکام بخشید. هنری می‌دانست که این پیمان دایمی خواهد بود و بین دو قلمرو حکومتی صلحی همیشگی ایجاد خواهد کرد همگی بر این موضوع عقیده داشتند که نفاق و کدورت همیشه نمی‌توانست ادامه یابد و بهتر این بود که پادشاه هر دو کشور فرد واحدی باشد.

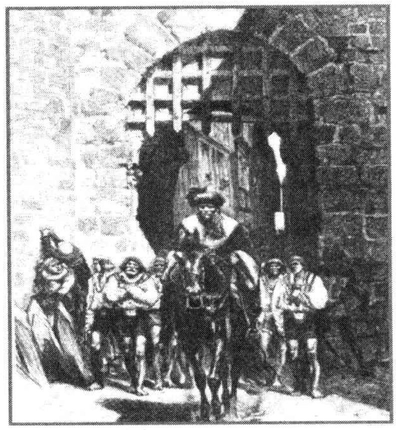
این توافق‌نامه مقرر کرده بود که وارث پادشاه هر دو کشور از فرانسه باشد و چون پادشاه فرانسه جانشین پسر نداشت و بر طبق آئین‌نامه‌ی سلطنتی بایستی وارث وی پسر باشد، از این رو به بن بست رسیدند و در نتیجه سلطنت هر دو کشور نصیب شاه انگلستان شد.



گروهی از دژخیمان که مأمور زدن تازیانه به افراد گناهکار جهت توبه و پشیمانی آن‌ها می‌باشند.



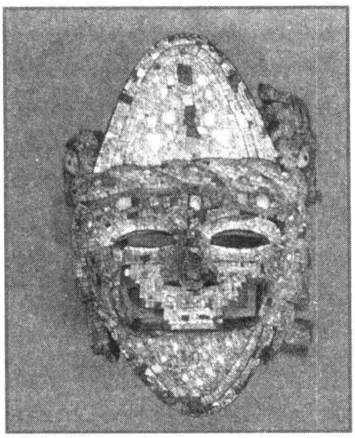
جمجمه‌ی ساخت آزتک از بلور شفاف.



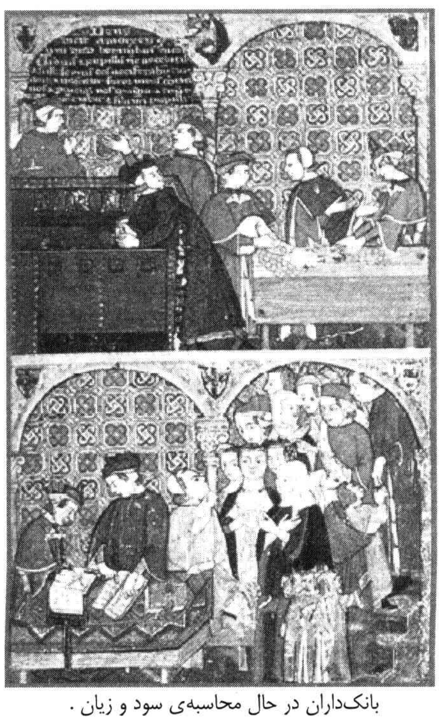
شش نفر از شهروندان بندر کاله (Calais) فرماندهی قشون انگلیس را برعهده دارند. (نقاشی سده‌ی ۱۹)



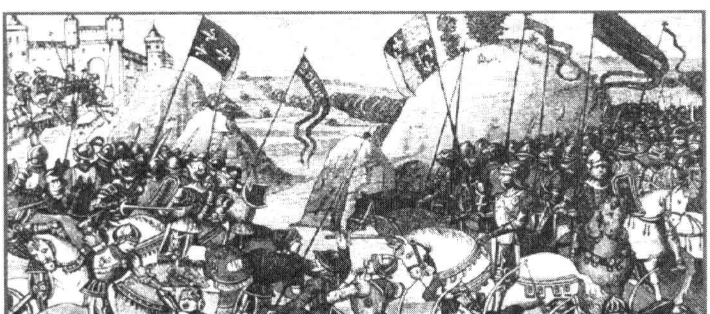
الهی منطقه‌ی کاتلیکو (Coatlicue) به صورت اژدهای چند سر.



نمای الهه‌ی آزتک (Aztec) بر روی موزاییک.



بانک‌داران در حال محاسبه‌ی سود و زیان .



نبرد کره‌سی (Crecy) که در آن سربازان انگلیسی با کمان‌های بلند برای اثبات مهارت خود می‌جنگند.

قدرت مغول در ایران و روسیه بـه پایـان رسـید. (سـارای (Saray)، اسـتراخان (Astrakhan)، ۱۴۲۰):

در مدت یک قرن، به تـدریج از قلمـرو تحـت سـلطه‌ی مغول کاسته شد و مغولان کم کم سرزمین‌هـای خـود را در اروپای شرقی و اردوی زرین روسیه و همچنین سرزمین‌های ماوراء قفقاز و کشور ایران از دست دادند و به ویـژه ایـران و روسیه از اشغال آنان به در آمد، که البته این امـر یـک بـاره صورت نگرفت، بلکه ضعف حکومت مغولان موجب این امـر گردید و حکومت‌های سابق بر ایلخانیـان پیـروز گردیدنـد و سرزمین خود را پس گرفتند.

برخی بر این باورند که مرگ قوبیلای قاآن، آغاز ضـعف و فتور مغولان بود و از سال ۱۲۹۴ دولت مغول قدرت خود را از دست داد و حکومت مرکزی به پراکنـدگی و تفرقـه دچـار شد. آنان که در نقطه‌ی اوج قدرت، سلطه‌ی اردوی زریـن را تا ساحل رود دانـوب رسـانده بودنـد، از کرانـه‌هـای دریـای بالتیک به کی‌یف (Kiev) و نواحی اورال (Urals) سـقوط کردند. اردوی زرین، بخش اعظم ثروت روسیه را به غنیمـت گرفته و مالیات تمام روسیه را دریافـت مـی‌کـرد بـه ثـروت بادآورده‌یی دست یافته بود، آنان هم چنین با واسـطه بـودن ایتالیا تجارت با ممالیک مصر را در اختیار داشتند.

مغـولان هـم چنـین از مـسیری کـه مـارکوپولو، سـیاح ایتالیایی، از اروپا به چین رسیده بود، به سراسر آسـیا و چـین دست یافتند. با افول اقتدار اردوی زرین، در سال‌های پیش از ۱۲۳۶، این وضعیت دگرگون شـد و تـرک‌هـای چادرنـشین آسیای مرکزی، با نیمه استقلالی که کسب کرده بودنـد، بـه استپ‌های روسیه رسیدند. این پیشرفت‌ها، هویت و موقعیـت نوینی نصیب سرزمین‌های روسیه کرد.

جنگ سبب اخـلال در عـشق‌بـازی‌هـا و شـادی سلطان شد. (هند مرکزی ۱۴۲۰):

فیروز بهمن، پادشاه دکن در ناحیه‌ی پانگال (pangal) واقع در کرانه‌ی رود کریشنا، پس از گرفتـاری‌هـا و مـصایب فراوان، دچار شکست سـختی شـد. ایـن هـشتمین پادشـاه سلـسله ی برهمنـی،همـواره در اوج قـدرت بـود و تـاکنون شکست نخورده بود. او در سال ۱۳۹۷ بـه سـلطنت رسـیده،

فرانسه ۸ آوریل ۱۴۹۸
لوئی دوازدهم جانشین شارل هشتم شد.

کنیا ۱۴ آوریل ۱۴۹۸
واسکوداگاما پس از عبور از کیلـوا (Kilva) و مومباسـا (Mombasa) بـه منطقه مالیندی (Malindi) رسید.

فلورانس ۲۳ مه ۱۴۹۸
ساونارولا (Savonarola) خطیب فلورانسی در آتش جان سپرد.

اسپانیا ۷ ژوئن ۱۴۹۸
کلمبوس از سومین مسافرت دریائی و کشف سرزمین‌های جدیـد بـه وطـن بازگشت.

پرتغال ۱۴۹۸
تمام یهودیان پرتغالی را تبعید کردند.

فرانسه ۱۴۹۹
لوئی دوازدهم، ازدواج ژان اهل فرانسه و دوشیزه آن (Anne) اهل بریتـانی را نپذیرفت.

انگلستان- آمریکای شمالی ۱۴۹۹
هنری هفتم به ژان کابوت یک فروند قایق بـرای سـفر دریـائی بـه کاتـای (Cathay) شمال چین – اهدا کرد. اعزام این قایق برای بازدید مقدماتی از خـط سـاحلی نیوفاونـد لنـد (New Foundland) تـا نیوانگلنـد (New England) بود. این قایق هنگامی که مراجعت کرد کابوت در آن نبود زیرا که وی در جریان مسافرت جان سپرده بود.

میلان ۱۴۹۹
لوئی دوازدهم با حمایت پاپ ادعا کرد که شهرهای ونیز، فلورانس و اتحادیه سویس جزو کشور فرانسه می باشد و دوک نشین میلان هم در زمره حقوق قانونی اوست. فرانسویها تحت فرماندهی یک مـزدور بـه نـام تـری ولزیـو (Trivulzio) میلان را تصرف کردند. لودویکواسـفورزای غاصـب در ایـن وضعیت از شهر میلان گریخت.

آمریکای جنوبی ۱۴۹۹
امریگو سپوچی (Amerigo Vespucci) دریانورد ایتالیایی خط سـاحلی شمالی جنوبی را کشف کرد.

آمریکای جنوبی ۱۴۹۹
یانز پین زون (Yanez Pinzon) اسپانیولی سراسر کرانه شمالی آمریکـای جنـوبی از دماغـه سـن اوگوسـتین (San Augustin) تـا اورینوکـو (Orinoco) را کشف کرد.

دریای کارائیب سپتامبر ۱۴۹۹
کولومبوس (کریستوف کلمب) ساکنان اسپانیولی محلی را به شـورش علیـه حکومت ضعیف هیسپانیولا (Hispaniola) وا داشت.

برزیل (Brazil) اول ژانویه ۱۵۰۰
پدروآلوارز کابرال (Pedro alvarez Cabral) کرانه‌های برزیل را کـشف کرد.

افریقای شرقی ۱۵۰۰
بازرگانان پرتغالی پایگاهی در میانه سواحل آفریقای شرقی به وجود آوردند.

هندوستان ۱۵۰۰
کابرال نخستین پایگاه تجارتی را در سواحل غربی هند ایجاد کرد.

میلان ۱۵۰۰
میلانیها قیـامی بـر علیـه فرمانـدار فرانـسوی خـود بـه نـام تـری ولزیـو (Trivulzio) برپا کردند. با آن که این قیام به خوبی پیش می‌رفت اسفورزا در ناحیه نوارا (Novara) به فرانسویان حمله کرد با این وصف گروهی که وی فرماندهی آنانرا به عهده داشت اور را تنها گذاشـتند و عـده یـی وی را دستگیر کرده و به فرانسه فرستادند که در آنجا زندانی شد.

روسیه ۱۵۰۰
ایوان سوم منطقه اسمولنسک (Smolensk) و چرنیکوف (Chernigov) را ضمیمه خاک خود کرد و به مرزهای لیتوانی فشار وارد آورد.

بلافاصله قلمرو خود را در سراسر دکن گسترش داد و سازمان‌های کشوری و لشگری را سامان داده، و به اصلاح تشکیلات مملکتی همت گماشت.

سال بعد، هاری هارای (Harihara) دوم، فرمانروای ویجایاناگار (Vijayanagar) در جنوب هندوستان، سعی کرد که به قلمرو او حمله کند، فیروز هم قشون خود را در محلی باتلاقی تحت فرماندهی پسرش اعزام کرد که بارانی شدید هم به یاری وی آمد و نیروهای جنوب را زمین گیر کرد. به طوری که اقدام به عقب نشینی کردند. نیروهای نظامی فیروز، به طور موقتی اتحادیه‌یی از ویجایاناگار، مالوا (Malwa) و گجرات تشکیل داده بودند، در سال ۱۴۰۶ او توانسته بود تمام دشمنان خود را سرکوب کرده وسر حدات خود را تا کناره‌ی رود تانگ آبهادرا (Tungabhadra) گسترش دهد.

فیروز، نه تنها یک فرمانده‌ی جنگی بود، بلکه در کار ساختمان بناهای بزرگ کم رقیب بود، او پایتخت خود را با ساختن بناهای عظیم و پرشکوه زینت داد و از آن جمله، بنای مسجد بزرگی بود که شباهت کاملی با مسجد مسلمانان در شهر کوردوبا واقع در اسپانیا داشت.

در ضمن فیروز میل شدیدی به مشروبات قوی داشت و به موزیک و زنان هم علاقه‌ی وافری داشت و صاحب حرم بسیار عریض و طویلی با زنان بی‌شمار بود. اما در این اواخر، جنگ، عیش او را منقص کرد، او در مراجعت از جنگ خیلی پیر شده و شکست در پیکار، او را خرد کرده بود در حالیکه قبل از آن فردی شاد و سرحال و شفیته‌ی زنان بود.

ژاندارک (Joan de Arc) در اورلئان پیروز شد. (اورلئان، فرانسه، هشتم مه ۱۴۲۹):

دختردهقانی که سراپا مسلح به زره بود و امروز صبح با نماز و نیاز به درگاه خداوند، در مقابل او زانو زده بود، توانست نیروهای انگلیسی را که در حال محاصره‌ی شهر بودند شکست دهد و این پیروزی، وی را بلندآوزه ساخت. بیش‌تر فرانسویان عقیده دارند که فرانسه فتح و پیروزی خود را مدیون صدای ژاندارک است که از سن سیزده سالگی در مزرعه‌ی پدرش با صدای بلند، پدر را آواز می‌داده است و چون در مزرعه برای این که صدا به گوش پدرش برسد، بایستی با صدای رسا او را می‌خواند. با عقب نشینی ارتش پنج هزار نفری انگلیس، به فرماندهی ارل سالیسبوری (earl Salisbury) راه عبور آنان به طرف رود لوآر (Loire) باز شد، به طوری که قادر بودند که منطقه‌ی آنژو (Anjou) را به تصرف درآورند. آن‌ها مشاهده می‌کردند که سپاهیان فرانسوی به طور منظم و با صدای رسای ژاندارک، مشغول تمرین و رزم آزمایی هستند و روحیه‌ی قوی و جنگجوی خود را حفظ کرده‌اند.

ژانداراک با صدای بلند سربازان را مورد خطاب قرار می‌داد و می‌گفت که به یاری خداوند ما می‌توانیم سپاهیان انگلیس را از خاک فرانسه برانیم و راه خروج آن‌ها را بسته و آن‌ها را به قتل برسانیم و لازمه‌ی این کار، همبستگی و اتفاق شماست. وی خاطر نشان کرد که دوفین (Dauphin) باید با روغن مقدس در منطقه‌ی ریم (Rheims) تدهین (روغن مالی) می‌شد تا سپاهیان انگلیسی نتوانند در مقابل وی ایستادگی کنند. در چهار ماه پیش، ژان به جانشینی دوفین انتخاب گردید و مراسم جانشینی او در نزدیک تور (Tours) انجام گرفت و او با کمال خلوص نیت و صداقت آن را پذیرفت. این جایگزینی، ژان را واداشت که تغییراتی در موقعیت و وضعیت سپاهیان بدهدو سربازان را در شهر اورلئان مستقر کند، در نتیجه، نیاز به پادگان برای استقرار آنان داشت. به هر حال، این جریان را به فال نیک گرفتند که فرمانده‌ی جوانی در سن ۱۷ سالگی با تقدس و روحیه‌ی شاد به فرماندهی منصوب شده و از این نظر بخت و اقبال با آنان یاری خواهد کرد. این جریان باعث افتخار سربلندی و نشاط و تقویت روحیه‌ی آنان شد به ویژه آن که، ژان برای وفاداری به میهن سوگند یاد کرده بود و توجه‌ی مخصوص به رعایت شعائر مذهب مسیح و عشای ربانی داشت و در صدای او آثار آن شنیده می‌شد.

هنری پنجم، که یک سرباز نابغه در کسوت پادشاه بود، فوت شد. (فرانسه ۱۳ اوت ۱۴۲۲):

هنری پنجم، پس از مدت کوتاهی پس از این که به سلطنت هر دو کشور فرانسه و انگلیس رسید و توانست به جاه طلبی بلند پروازانه‌ی خود جامه‌ی عمل بپوشاند و موقعیت خود را مستحکم کند، در گذشت.

هیچ کس خاطره‌ی ضربه‌ی فلج کننده‌ی او را در جریان نبرد آژین کوت (Agincourt) فراموش نخواهد کرد. با این وصف او توانست با ردیگر نورماندی و بسیاری از

شهرهای باحصار حصین و اغلب قلاع فرانسه را تصرف کند. در سال گذشته هم، با کاترین دختر شارل ششم که آدمی کودن بود، ازدواج کرد و به امپراتوری فرانسه نیز دست یافت. وی پس از مرگ شارل، به عنوان نایب السلطنه‌ی فرانسه منصوب و جانشین وی گشت. او تدریجا تمام امور حاکمیت فرانسه را تا ماه مه گذشته در اختیار گرفت، تا این که دیگر بر اثر بیماری قادر به انجام کار نبود. در سه ماه گذشته، او حتی قادر به سوار شدن بر اسب نبود. وی مدت ۹ سال پادشاهی انگلیس را عهده‌دار بود و هنگام مرگ سی و سه سال داشت. پسر او در زمان مرگ پدرش ۹ ماهه بود و برای حکومت انگلیس این خطر وجود دارد که انگلیس در تحت تابعیت فرانسه قرار گیرد.

آرتک‌ها با اتحاد سه گانه در مکزیک، به پیشرفت‌های سریعی نایل شدند. (آمریکای مرکزی، ۱۴۲۸):

امپراتوری تپانک (Tepanec) که در دره‌ی مکزیک دارای کر و فرو بود، در اثر اتحاد سه گانه جزایر تنوکیتت لان (Tenochtitlan) به فرماندهی نزاهول کویوتل (Nezahualcoyotl) رهبر تکس کوکو (Texcoco) که از حکومت تپانک ناراضی بود در وضعیت بدی سقوط کرد. امپراتوری تپانک که بسیار ستمگر و ظالم بود، با شورش مردم مواجه گشت.

ماکستلا (Maxtla) امپراتور، در عین ستم کاری، فردی کوته بین بود و با اعمال خود، دوستان را به دشمنی وا داشت. او روش حکومت ظالمانه پدرش را ادامه می‌داد و سیاست خصمانه‌یی نسبت به ملت خود داشت، به طوری که مردم بر ضد او به پا خاستند.

در همین زمان، رئیس اداره‌ی اخذ مالیات‌های تپانک به نام تلاکوپان (Tlacopan)، از سمت خود برکنار شد و مردم که از حکومت و وضع مالیات سنگین تحمیلی ناراضی بودند، قیام کردند و چون دستگاه حکومتی به وضع ناهنجاری گرفتار شد، ایتزکوتل (Itzcoatl) رهبر آزتک ها، فرصت را غنیمت شمرده و با حمایت مردم استقلال جزیره را اعلام داشت و در عین حال با سه دشمن تپانک، پیمان همبستگی امضا کرد و بدین ترتیب، نیروهای دشمن از هر سو تپانک را در محاصره‌ی خود گرفتند.

آتلانتیک شمالی ۱۵۰۰
گاسپارد کورت (Gaspard Corte) پرتغالی، کرانه‌های جنوبی لابرادور (Labrador) را به طور دقیق کشف و بررسی کرد و نیز سواحل گرین لند (Greenland) را در نوردید.

آفریقای غربی ۱۵۰۰
شیخ مظفربن عثمان تاریخ بورنو (Bornu) را تالیف کرد این تاریخ شامل نیجریه شمالی و نیجر (Niger) و چاد (Chad) می‌باشد.

اسپانیا ۱۵۰۱
شاه فردیناند صریحا به نیکلاس اوواندو (Nicolas de Ovando) اعلام کرد که سرزمین آمریکا مستعمره اوست و امر کرد که سیستم مالیاتی طوری تنظیم شود که همزمان بایستی خراج و مالیات مصوبه را بپردازند و برای نیروی نظامی سرباز بفرستند.

مکزیک ۱۵۰۲
مونته زومای (MonteZuma) دوم به فرمانروائی قوم آزتک رسید.

اسپانیا ۱۲ فوریه ۱۵۰۲
برطبق فرمان سلطنتی اعلام شد که تمام مورها (Moors) که پیرو فرقه باپ تیست (Baptist) مسیحی نیستند، بایستی خاک کاستیل را ترک کنند و یا به زور اخراج خواهند شد.

آلمان آوریل ۱۵۰۲
شورش روستائیان علیه دستگاه اسقفی اسپه یر (speyer) فرونشانده شد. این شورش به نام بوند شوهه (Bundschuh) مشهور شد. پس از این عصیان گفته شد که علاج این جریان شلاق زدن عاملان آن است.

ایران ۱۵۰۲
شاه اسماعیل سلسله صفویه را که پیرو مذهب شیعه بودند بنیان نهاد.

اسپانیا ۲۰ ژانویه ۱۵۰۳
یک موسسه در شهر سویل برای نظارت بر امر بازرگانی با دنیای جدید شروع به کار کرد که هزینه کلان سفرهای کولومبوس (Columbus) را تامین کند.

اسپانیا ۲۰ مارس ۱۵۰۳
اخباری که از ساراگوزا (Saragossa) می‌رسد حکایت از این دارد که ساکنان هندی دنیای جدید توجه زیادی به مسیحیت و انجیل کتاب مقدس مسیح دارند و انجیل در بین مردم جایگاه والایی دارد و همه ساله این کتاب طرفداران بیشتر پیدا می کند.

رم اول نوامبر ۱۵۰۳
جولیانودلاروور (Guiliano della Rover) که نام خود را به ژولیوس (Julius) دوم تغییر داد دومین پاپی است که در ظرف یکسال انتخاب شده است. وی جانشین پیوس سوم شد که در ۱۸ اوت به جای آلکساندر ششم متوفا برگزیده شده بود.

افریقای شرقی ۱۵۰۳
پرتغالیها خواستار پرداخت خراج از سلطان زنگبار (Zanzibar) شدند.

بالکان دوم ژوئیه ۱۵۰۴
استفن (Stephen) کبیر که از سال ۱۴۵۷ شاهزاده مولداوی (Moldavia) بود در گذشت. وی توانست امنیت بسارابی (Bessarabia) را درمقابل سلاطین عثمانی حفظ نماید و در سال ۱۴۶۹ هم حملات مغولها را دفع کرد.

اسپانیا ۷ نوامبر ۱۵۰۴
کریسوف کلمب از چهارمین سفر دریائی خود که از ۱۱ مه ۱۵۰۲ آغاز کرده بود بازگشت.

اسپانیا ۲۶ نوامبر ۱۵۰۴
ایزابلا ملکه کاستیل جان سپرد و سلطنت را به دختر خود ژووانای (Joanna) دیوانه تفویض کرد، و چون وی قادر به اداره کاستیل نبود شوهر ایزابلا، فردیناند، قدرت را در دست گرفت.

افغانستان ۱۵۰۴
بابر (Babur) ظهیرالدین، یکی از پادشاهان تیموری ترکستان، کابل را مسخر کرد.

همه‌ی نیروهای دشمن و به ویژه تنوکیتت لان و تکس کوکو، از قدیم با تپانک خصومت داشتند. معهذا سال‌ها روابط بازرگانی خود را با تپانک حفظ کرده بودند، چون از قدرت نظامی فوق العاده‌ی دشمن بیم داشتند و در ضمن از مبادلات تجاری وی سود می‌جستند و بدین وسیله‌ی تلاکوپان و تکس کوکو به ثروت سرشاری رسیدند. اینک دیگر شکی نیست که ایالتی که در اختیار آزتک‌ها قرار دارد و آزتک‌های تنوکیتت لان بر همه‌ی عوامل پیروز شده و بر دره‌ی مکزیک استیلا خواهند یافت.

ژاندارک را در آتش انداخته و سوزاندند. (روئن (Rouen) فرانسه ۳۰ مه ۱۴۳۱):

پس از یک سال تفتیس عقاید، شکنجه و عذاب زندان، ژاندارک را به اتهام جادوگری در آتشی که در میدان بازار بزرگ شهر برافروخته بودند، سوزاندند.

درست دو سال پیش بود که این دختر دهقان‌زاده، به عنوان زنی قهرمان و وفادار به میهن و پاسدار آب و خاک وطن، در اورلئان مورد ستایش قرار گرفت. مدتی بعد آوازه‌ی وی به گوش پادشاه فرانسه رسیدو پادشاه، نیروهای نظامی کشور را تحت فرماندهی او قرار داد و او هم توانست سپاهیان انگلیس را از فرانسه اخراج نماید. هیچ کس در این شکی نداشت که محاکمه و دادرسی او، جنبه سیاسی دارد و او به اعدام محکوم خواهد شد، معهذا، شارل هفتم، پادشاه فرانسه، از این امر رضایت داشت، چون می‌پنداشت جادوگری به سزای اعمال خود خواهد رسید و اگر بی‌گناه باشد، آتش او را نخواهد سوزاند. وی در پس گرفتن شهر پاریس، رل مهمی را بازی کرد و حتی در نبرد زخمی شد و پیش از این که توسط بورگاندی‌ها (Burgundian) بازداشت و زندانی شود، در تمام پیکارها علیه دشمن شرکت داشت.

انان، یعنی بورگاندی‌ها، با دولت انگلیس هم دست بودند و ژاندارک را در قبال ۱۰ هزا سکه طلا فروختند. سپس سپاهیان انگلیس با اعزام یک اسکورت، او را تحویل گرفته و به شهر روئن بردندو در آنجا در یک دادگاه غیر علنی تحت بازجویی اسقف کوشون (Cauchon) که یک بورگاندی بود، قرار گرفت. این دادگاه تفتیش عقاید بود که به ژاندارک عنوان مرتد و جادوگر داده و او را دشمن مسیحیت معرفی کرده و از قبل هم حکم آتش زدن وی را صادر کرده بود.

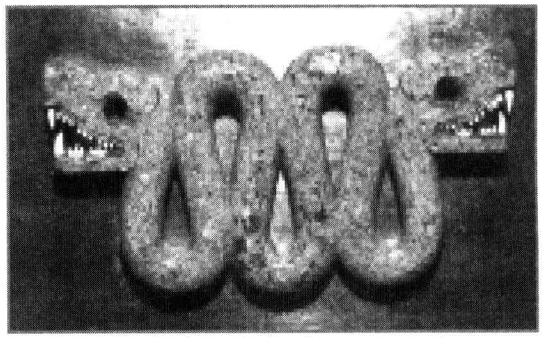
ژوآن در دادگاه با عصبانیت به سوال‌ها جواب می‌داد، چون اخلاص و صمیمیت وی نسبت به میهن خود فرانسه آشکار و عیان بود، بنابراین ترسی از فتوای اسقف‌ها نداشت و جان خود را در راه وطن ناچیز می‌شمرد. اسقف‌های گرداننده‌ی دادگاه، نخست رای بر زندانی شدن مادام العمر وی دادند، لیکن سپس این رای را کافی ندانستند، به علت این که زنی لباس مردانه پوشیده و شاید این کار را برای فریب انجام داده است و به جهت اینکه همگی بر مجرم بودن او شهادت داده بودند، برای اینکه گناهان او پاک شود، وی را به سوختن در آتش محکوم کردند ناظران می‌گویند او در آخرین وهله، فقط فریاد زد یا عیسی مسیح.

فرمانروایی که جزیره‌یی هم چون بهشت ساخته بود. (کیلوا، ۱۴۳۰):

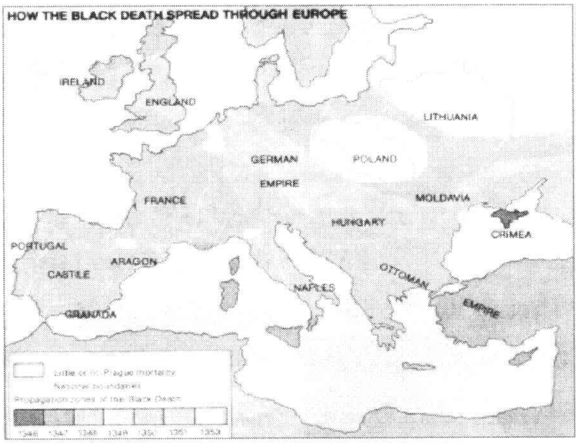
بازرگانانی که از جزیره‌ی کیلوا (Kilwa) بازدید کرده و مدتی در آنجا اقامت داشتند، زیبایی بناهای آن را تحسین می‌کنند و می‌گویند اهالی شهر با لباس‌های زیبا و آراسته به گوهرهای گوناگون، در معابر در حال رفت و آمد هستند، کاخ فرمانروا بسیار عظیم و با شکوه است و متجاوز از یکصد اتاق دارد، تمام دیوارها از سنگ پوشیده شده و یک مسجد بسیار بزرگ هم در شهر بنا شده که گنبد رفیع آن حکایت از ثروت سرشار مردم دارد و جزیره‌ی کیلوا را به ثروتمندترین منطقه‌ی اقیانوس هند مبدل ساخته است.

دارایی هنگفت این جزیره، به سبب موقعیت خوب جغرافیایی آن است و بازرگانان ترجیح می‌دهند که خرید و فروش کالاهای خود را در آنجا انجام دهند و مالیات این مبادلات به سود خزانه‌ی سلطان کیلوا است که از این راه عایدی سرشاری دارد. مالیات امتعه هم بدین قرار است: طلا، پنج درصد وزن، عاج فیل ساخته شده، ۱۴ درصد و عاج و دندان فیل طبیعی و ساخته نشده، هفت درصد.

بدین تریب، ملاحظه می‌شود که عایدی مردم کیلوا در این دویست سال، تنها به طلا منحصر نشده است. در کرانه‌های سرزمین موزامبیک، تعداد ۳۷ شهر ایجاد شده و بیش‌ترین مبادلات بازرگانی کیلوا با مسلمانان هند غربی صورت می گیرد، لیکن کشورهای اروپایی هم از جزیره‌ی کیلوا، ادویه و برده می‌خرند و سفارشات آن‌ها روز افزون است. امپراتوران سلسله مینگ هم به تجارت با این جزیره



حیوان درنده‌ی دو سر از سنگ فیروزه با دندان‌های صدف.



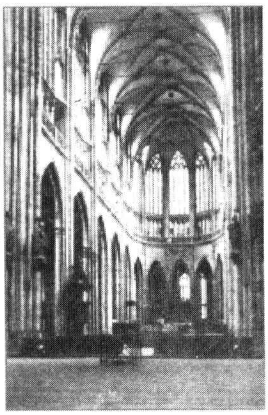
نقشه‌ی چگونگی شیوع بیماری طاعون سیاه.



نقش برجسته و ماسک ادوارد پادشاه سیاه‌پوست که هنگام جنگ از آن برای ایجاد رعب در دشمن استفاده می‌کرد.



نقاشی و دست خطی از پوآتیه (Potiers).



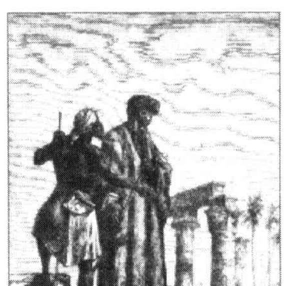
کلیسای بزرگ شهر پراگ (Prague).



تصویر جدید از پیتر آرک (Petrarch).



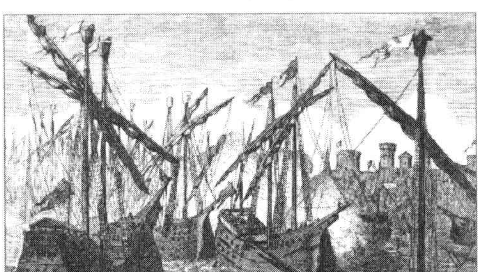
علامت سنگ قبر ادوارد که برحسب دستور گارتر (Garter) بر آن نقش بسته .



ابن بطوطه (Ibn Battuta)، اثر نقاشان معاصر.



ری نیزو (Rienzo) در رؤیای حکومت جمهوری.



کشتی‌های بازرگانی طبق پیمان هانزیتیک (Hanseatic) در

علاقه نشان می‌دهند و کشور چین با ارسال کالاهای خود به وسیله‌ی ناوگان تجاری عظیم به آفریقا، خواستار توسعه‌ی هر چه بیش‌تر امور بازرگانی با کیلوا می‌باشد.

سربازان ارتش های اروپایی، سنگینی زره را بر خود تحمل می‌کنند. (اروپا، ۱۴۳۰):

زرهی که لباس جنگی در مقابل ضربات سلاح‌های دشمن می‌باشد و از صفحات کوچک فلزی درست شده، با موفقیت روبرو شده و در میدان جنگ، کاربرد قابل توجهی پیدا کرده است. این زره که از زنجیر و صفحات نازک فلزی ساخته شده سرباز را در مقابل حملات دشمن حفظ می‌کند و موقعی که سربازان زره پوش در برابر سرنیزه و یا تیر طرف مقابل قرار می‌گیرد، احتمال کمتری وجود دارد که تیر یا سر نیزه از سوراخ‌های بین صفحات و یا زنجیرها عبور کرده و سرباز را زخمی و یا هلاک سازد. این زره‌های سفید رنگ فلزی، با درخشندگی خاص خود، دید دشمن را منحرف ساخته و انعکاس نور، چشم سرباز مقابل را به اشتباه می‌اندازد.

این صفحات و زنجیرها، از آهن و فولاد آب دیده ساخته شده، بدین ترتیب که چون آهن را در کوره‌ی مخصوص ذوب قرار می‌دهند، مقداری کربن یا زغال به آن اضافه می کنند و از آن فولاد زنگ نزن و مقاوم به دست می‌آورند.

لازم به ذکر است که اگر این فولاد را در حالی که بسیار گداخته است، در آب سرد فرو برند تا یک مرتبه سرد شود، جنس مقاوم‌تری به نام فولاد آب دیده تولید خواهد شد. در موقعی که فلز تقریبا به حالت گداخته‌ی کامل درآمد، می‌توان آن را به اشکال گوناگون و صفحات نازک درآورد و از آن زره ساخت که در مقابل تیرهای پرتابی مقاوم است.

البته باید خاطر نشان کرد که زره‌ها روی سینه و جلوی بدن را می‌پوشانند و قسمت پشت را فاقد است، چون که زره تمام بدن، تحرک و کارآیی سرباز را در جنگ کم می‌کند و از سویی بسیار سنگین می‌شود و این سنگینی زره، باعث خستگی بیش از حد می‌شود و نیروی جنگی وی را کاهش می‌دهد. از سویی، حمل و به کاربردن نیزه های سخت و سنگین را بسیار دشوار می‌کند و هدف دشمن اغلب فرو کردن نیزه در سینه‌ی طرف مقابل است و زره سینه برای سرباز کافی است. بدین جهت، برای سواره نظام، نیزه‌های کوتاه‌تر و سبک‌تری ساخته‌اند که می‌توان آن را به طور عمودی و یا افقی به کار برد و هنگامی که سوار در حال حرکت باشد، می تواند آن را به دلخواه به سوی هدف پرتاب کرده و طرف دیگر را از پا درآورد.

چین با تحریم سفر به غرب، سایر نقاط جهان را پشت مرزهای خود نگه می‌دارد. (چین، ۱۴۳۳):

تسینگ‌هی(Zheng He)خواجه دریا سالار، با نیروهای نظامی خود، هفتمین سفر خود را تمام کرده و به سلامت به کشور مراجعت کرد. لیکن، امپراتور از آن بیم دارد که وی باز هم به سفرهای خارج از کشور و به ویژه غرب ادامه دهد و میل دارد که این آخرین مسافرت تسینگ‌هی باشد.

سفرهای وی همیشه با قدرت توام است و در دربار چین به اقتدار طرفداران عقاید کنفوسیوس می‌افزاید و موجب می‌شود که نظریات کنفوسیوس در دنیای غرب بیش‌تر اشاعه پیدا کند و سیاست و دیپلماسی چین را تحت الشعاع قرار دهد.

امپراتور چین می‌پندارد که این مسافرت‌ها بیهوده و پر خرج است و هنگامی که یونگل (Yongle) امپراتور چین و ارباب شنگ‌هی در گذشت، کارمندان دربار سلطنتی به امپراتور جدید توصیه کردند که از این سفرها ممانعت کند و چون این امپراتور هم درگذشت، تسینگ‌هی، بدون این که الزام داشته باشد که از امپراتور کسب اجازه کند به سرعت وسایل آخرین سفر خود را مهیا ساخت.

او با دو کشتی عظیم که مملو از مال التجاره و خزاین و پول بود، به عربستان و سواحل افریقا رفت تا در جنوب به کشفیاتی نایل آید. هنگام برگشت، کشتی‌های وی پر از حیوانات خارجی، عطر، ادویه و دانستنی‌هایی از سرزمین‌های دور بود و این کالاها، سوغات نقاط دور دست بود و برای مردم چین تازگی داشت. به هر حال، تسینگ هی امیدوار بود که با ز هم به او اجازه داده شود که به این مسافرت‌ها ادامه دهد، اما او با کمال شهامت از فرماندهی سپاهیان نانجینگ (Nanjing) استعفا داد و بازنشسته شد. با استعفای تسینگ هی، کارمندان کشوری او متفرق شدند. گرچه آن‌ها در سفرهایشان پیروز بودند، لیکن کشتی‌های وی به علت استفاده نشدن از حیز انتفاع افتاد و خراب شد و چین هم بدین ترتیب مراودات خود را با خارج قطع کرد.

امپراتوری که جمع آوری اشیاء لوکس را تحریم کرده، جهت توسعه‌ی کشور آن‌ها را به گرو گذاشت.(کوزکو (Cuzco) پرو، ۱۴۳۸):

پاچاکوتی (Pachacuti) امپراتور جدید اینکا (Inca)، برای توسعه‌ی قلمرو خود و ساختن کشور، اشیای قیمتی را گرو گذاشت.

شهر کوزکو قبلا تحت تابعیت مردم کوهستانی آند (Andes) قرار داشت. آن‌ها از سال ۱۲۰۰ سنگ‌های ساختمانی را بدون هیچ گونه تراش و زینت از کوه کنده و در بنا به کار می‌بردند و تا بالای سقف این سنگ‌ها را روی هم می نهادند و در نزدیک‌ترین نقطه‌به بام ساختمان، روزنه‌هایی به نام پنجره تعبیه می‌کردند که جهت ورود نور و هوا از آن استفاده می‌شد.

بر روی این سنگ‌های بی‌قرار ، یک ردیف سنگ‌های آهکی قرار می‌دادند که مبتکر آن شخصی به نام ساکسیل هومان (Saccailhuaman) بود، این سبک نشانه و سمبل بناهای قوم اینکا می‌باشد. پاچاکوتی، رهبر اینکا، با الهام از امپراتور افسانه‌یی به نام مانکوکاپاک، (Manco Capac) توانست امپراتوری اینکاها را سامان داده و قلمرو خود را گسترش دهدو سلسله‌ی پادشاهی را بنیان نهد. او قوم خود را به پرستش خورشید ترغیب کرد و خورشید را به عنوان منبع نور برای ساکنان تقدیس می کرد. او سیاست اشرافی را در قلمرو خود رواج داد و با قاطعیت آن را اجرا کرد و این سیاست را برای اقوام اینکا ضروری تلقی می کرد. او قانونی تصویب کرد که تمام گردآورندگان اشیای لوکس را جریمه می‌کرد و این کار را خودپسندی تلقی می کرد و در عوض، مالیات‌های وصولی را برای کارگران، افراد بیمار و سالمندان، خرج می‌کرد تا آنان از رفاه نسبی برخوردار شوند.

پرتغالی‌ها مسیر جدید را برای دسترسی به شرق پیدا کردند. (پرتغال، ۱۴۳۴):

یکی از دریانوردان پرتغالی، سرانجام توانست دماغه‌ی وحشتناک بوژادور (Bojador) را پیموده و به ساحل شرقی افریقا برسد، این کار که نشانه‌یی از اعمال جاه طلبانه‌ی وی می‌باشد، با کمک جاشویان غیرتمند و شجاع صورت پذیرفت.

سودان (Sudan) ۱۵۰۴

فونژ (Funj) یکی از پادشاهان مسلمان بورنو (نیجریه) پادشاه مسیحی سنار (Sennar) را در منطقه بین رود نیل آبی و نیل سفید شکست داد و خود جانشین وی شد.

اسپانیا ۲۵ سپتامبر ۱۵۰۶

فیلیپ خوشگله در شهر بورگوس (Burgos) در سن ۲۸ سالگی در گذشت. وی پسر ماکسیمیلیان بود و سرزمین هلند را از ملکه ماری مادر خود، که بورگوندی را در تصرف داشت به ارث برد. او در سال ۱۴۹۶ با ژووانای دیوانه دختر فردیناند و ایزابلا ازدواج کرده بود.

عربستان ۱۵۰۶

آلفونسو دوآلبوکرک (Alfonso d'Albuquerque) دریانورد پرتغالی جزیره سوکوترا (Socotra) که کلید دریای سرخ محسوب می‌شد را تسخیر کرد.

رم ۱۵۰۶

پاپ ژولیوس دوم نخستین سنگ بنای کلیسای سن پیتر (St. Peter) را کار گذاشت و کار ساختمان این بنای عظیم را به مهندس معمار برامانته (Bramante) واگذار کرد. هزینه اینکار را هم ازمحل بخشش گناهان و توابین مسیحی تامین کردند. چون بزهکاران در مقابل خوشنودی خداوند بایستی نسبت به بزه ارتکابی پول پرداخت کنند.

رم ۱۵۰۶

کشف منطقه لائوکون (Laocoon) به وسیله گروه سنگ تراشان که مبدا تاریخ پیدایش تمدن هلنیک (Hellenic) (یونانی) بود موجب تکان و جنبش شدیدی شد. این کار به مجموعه آثار جمع آوری شده بوسیله پاپ ژولیوس دوم رونق بخشید. وی از میکل آنجلو (میکل آنژ Michelangelo) در خواست کرد که این سنگها را به حالت پیشین خود نگهدارد.

آتلانتیک جنوبی ۱۵۰۶

تریستان داکونا (Tristan dacunha) یک جزیره را کشف کرد و آنرا به نام خود اسم گزاری کرد.

اسپانیا ۱۲ مارس ۱۵۰۷

سزاربورژیا (Cesare Borgia) در بحبوحه جنگ با برادر خویش پادشاه ناوار (Navarre) کشته شد. پسر پاپ آلکساندر ششم به نام بورژیا در سن ۱۶ سالگی به مقام اسقف اعظم شهر والنس (Valence) منصوب شد و سال بعد کاردینال شد. وی در سال ۱۴۹۸ به مقام دوک والنس رسید و در سال ۱۵۰۲ دشمنانش او را کشتند.

ایتالیا ۱۵۰۷

ساکنان جنوا (Genoese) بر علیه فرانسویها قیام کردند و چند شهر آنها را تصرف کردند.

عربستان ۱۵۰۷

آلبوکرک کنترل جزیره هرمز که مکانی بسیار مهم و از نظر استراتژیک اهمیت داشت و بین خلیج فارس و دریای عمان واقع شده بود را در دست گرفت.

دریای کارائیب ۱۵۰۸

سباستیان دواوکامپو (Sebastian de Ocampo) دریانورد پرتغالی سراسر جزیره کوبا را پیمود و موقعیت آنرا بررسی کرد.

آتلانتیک شمالی ۱۵۰۸

در تکاپو و تجسس شمال غربی آتلانتیک دریانورد سباستیان کابوت (Sebastian Cabot) به خلیج هودسن (Hudson) رسید.

اسپانیا ۱۵۰۸

پاپ حقوق خود درباره ساختن و تاسیس کلیساها به ویژه در سرزمین آمریکا را به پادشاه اسپانیا بخشید.

رم ۱۵۰۸

خانواده فوزر (Fugger) حق ضرب سکه پاپ را کسب کرد.

رم ۱۵۰۸

پاپ ژولیوس دوم در خصوص تزئینات سقف کلیسای سیستین (Sistine) واقع در واتیکان (Vatican) با میکل آنژ (Michelangelo) به توافق رسید.

فرمانروایان کاخ نشین ساگرس (Sagres)، که دورادور این عملیات را تحت نظر داشتند، کشتی پشت کشتی، به این منطقه که یک برآمدگی عظیم (دماغه) بود، اعزام می‌کردند تا بلکه راهی میان‌بر برای رسیدن به شرق پیدا کنند، لیکن هیچ کدام از آن‌ها موفق نشدند، تا این که هانری که به ثقل سامعه هم مبتلا بود، به این افسانه که همه به مخاطرات آن آگاه بودند، پایان دادو با شهامت فوق العاده‌ی خود، در این کار موفق شد، در حالی که دیگران کار وی را خطرناک می‌دانستند و او را آدمی بی‌مغز می‌شمردند. آن‌ها می گفتند که این نقطه، تاریک ترین منطقه‌ی کره‌ی ارض می‌باشد و دریا در آنجا در تاریکی محض قرار گرفته و رهایی از آن محال است. آنان اظهار می داشتند، انسان‌های سفید پوست به مجرد رسیدن به آن ناحیه، سیاه می‌شوند و هیچ کسی تا به حال نتوانسته سالم از آن منطقه عبور کرده و مراجعت کند.

هانری، یکی از دریانوردان با تجربه و کار آزموده به نام ای‌نس (Eannes) را برای کشف به آنجا اعزام کرد، لیکن او همانند دیگران از ترس و وحشت نتوانست در آن منطقه پیشروی کند و تنها تا کناره‌های جزایر قناری پیش راند. هانری، در سال گذشته، بار دیگر او را فرا خواند و با توبیخ و سرزنش ملایم ، مجددا او را به این ماموریت تشویق کرده و با بار و بنه کافی، به آنجا اعزام کرد.

این بار ای نس کم رو و خجالتی توانست دماغه را دور بزند، بدون این که بشری را در آن منطقه مشاهده کند که از عبور کشتی ممانعت کند، بلکه گیاهانی را با خود آورد که به گل سرخ مریم مقدس (سنت ماری رز) معروف شد.

اهمیت این دریانوردی به این جهت بود که ثابت کرد از طریق دماغه‌ی بوژادور و از راه دریا، نمی‌توان به شرق راه یافت، بلکه ، از این راه می توان به جنوب رفت و او توانست راه جنوب کره‌ی زمین را بگشاید. از سویی ، هانری بدین وسیله به اخباری که ای نس با خود آورده بود، دست یافت. او بار دیگر آلفونسوبالدایا (Alfonso Baldaya) هم پیاله و ساقی خود را با عنوان ناخدای کشتی، جهت کشف سرزمین‌های دیگر در آن سوی دماغه اعزام کرد.

فاتح مسلمان جزیره‌ی قبرس، وفات یافت. (قاهره، ۱۴۳۸):

برسبی الظهیری (Barsbay al- Zahiri)، یکی از بزرگ ترین پادشاهان ممالیک، درگذشت . او در مدت ۱۶ سال سلطنت خود، همه‌ی اوقات را صرف بهبود وضع امپراتوری و رفع نواقص آن کرد، معهذا یکی از بزرگ‌ترین کارهای وی، فتح جزیره‌ی قبرس و اقدامات قابل ملاحظه‌ی او در امور تجارت مصر بود. او زمانی به سلطنت رسید که کشتی‌های دزدان دریایی فرانسه، ناوگان مسلمین را از بین برده بودند. برسبی به تلافی آن، به ناوگان بازرگانی فرانسویان در مناطق سوریه، اسکندریه و دامیتا (Damietta) حمله کرد. با این وصف، ناوگان دزدان دریایی در قبرس را که سبب اصلی تخریب کشتی‌های مسلمانان بودند را نیز هدف قرار داد.

وی در سه نوبت، در بین سال‌های ۱۴۲۴ و ۱۴۲۶، نیروهایی را به این مناطق اعزام کرد و در دو نبردی که یکی در دریا و دیگری در خشکی انجام داد، جزیره‌ی قبرس را متصرف شد و آن را تحت سلطه‌ی ممالیک قرار داد.

او، یانوس (Janus) پادشاه قبرس را دستگیر کرد و او را واداشت که به سلطه‌ی وی گردن نهد و بار دیگر به عنوان یکی از دست نشاندگان خود به پادشاهی بازگرداند.

هم چنین سرزمین عربی کرانه‌ی دریای سرخ را به اطاعت واداشت و آن‌ها را مطمئن ساخت که در مواقع لزوم آنان را یاری دهدو بدین وسیله آن‌ها را به تابعیت از ممالیک وادار کرد. هنگامی هم که شاهرخ، پادشاه یمن، روپوش جدیدی برای خانه‌ی کعبه فرستاد، به او خاطر نشان کرد که امتیاز این عمل مقدس ، ویژه‌ی سلطان مصر است و اوست که می‌باید هر ساله روپوش کعبه را تعویض نماید. او حتی عوارض و گمرکاتی را برای بازرگانان شهرهای جده و مکه برقرار ساخت و آن را یکی از عواید خزانه‌ی مصر تلقی کرد که هر ساله باید به خزانه‌ی این کشور واریز گردد. نیروهای نظامی برسبی توانستند این دو شهر را تسخیر کرده و مالیات و عوارض آنجا را اخذ کنند او هم چنین فشار بر بازرگانان کریمی (Karimi) را دو چندان کرد تا مالیات و سود بازرگانی خود را به دولت مصر بپردازند تا عوامل فرعی نتوانند از این موضوع سوء استفاده کنند.

موقعیت منطقه‌ی بروژ، که در نقاطع راه‌های تجاری اروپا قرا رگرفته، ثروت سرشاری برای

بغداد ۱۵۰۸
شاه اسماعیل صفوی شهر بغداد را تصرف کرد.
اتیوپی ۱۵۰۸
لبنا دنگوئل (Lebna Denguel) به سلطنت رسید.
فرانسه ۱۰ دسامبر ۱۵۰۸
در پی ادعای ماکسیمیلیان امپراتور و لوئی دوازدهم بر سر مالکیت منطقه ونیز با حمایت اسپانیا و پاپ عهدنامه کامبری (Cambrai) تنظیم شد.
رم ژانویه ۱۵۰۹
پاپ ژولیوس دوم به رافائل دستور داد که تزئینات استانز(Stanze) یا اتاقهای، کاخ واتیکان را به انجام برساند.
انگلیس ۲۲ آوریل ۱۵۰۹
در پی مرگ هنری هفتم نخستین پادشاه سلسله تئودور (Tudor) و فاتح جنگ بوس ورث (Bosworth) برضد ریچارد سوم تنها وارث زنده او هنری هشتم جانشین وی شد.
ایتالیا ۲۷ آوریل ۱۵۰۹
پاپ ژولیوس دوم جمهوری ونیز را تکفیر کرد.
ایتالیا ۱۴ مه ۱۵۰۹
نیروهای فرانسوی برونیزیها در ناحیه اینادلو (Agnadello) پیروز شدند و با اجازه پاپ رومانیا (Romagna) را تسخیر کردند.
انگلستان ۱۱ ژوئن ۱۵۰۹
هنری هشتم با کاترین خواهر زن پیشین پادشاه آراگون که در ضمن دختر فردیناند بود ازدواج کرد.
اسپانیا ۱۵۰۹
یک انجمن مشورتی با شرکت هندیان غربی درباره نحوه اداره متصرفات آمریکائی اسپانیا، تشکیل شد.
برزیل ۱۵۰۹
دیه گو آلوارز کره (Diego Alvaros Correa) نخستین مجتمع مسکونی پرتغالیها را در محلی نزدیک بندر سگورو (Seguro) تشکیل داد.
اتیوپی ۱۵۰۹
اتیوپی، ماتیو (Matthew) یکی از اهالی ارمنستان را به سفارت در کشور پرتغال اعزام کرد.
کارائیب ۱۵۰۹
خوآن پونس دولئون (Juan Ponce de Leon) یک فرد تبعیدی از اسپانیا که با کلمبوس در سال ۱۴۹۳ در مسافرتهایش همراه وی بود کنترل پورتوریکو (Puerto Rico) را در دست گرفت.
هندوستان ۱۵۰۹
کریشنادوارایا (Krishnadevaraya) به پادشاهی ویجایاناگر (Vijayanager) رسید.
اسپانیا ۱۵۱۰
واردات برده از افریقا به آمریکا بامجوز رسمی آزاد شد.
آسیای مرکزی ۱۵۱۰
شاه اسماعیل صفوی، محمد شیبانی ازبک (Ozbeg) را شکست داده و به قتل رسانید، و هرات، باختر (باکتریا -Bactria) و خیوه (Khiva) را تسخیر کرد.
مکزیک ۱۵۱۰
دو نفر از ملوانان کشتی غرق شده در ساحل یوکاتان (Yucatan) تنها بازمانده از یک فروند کشتی بودند که به وسیله مردمان مایا (Maya) دستگیر شدند. یک نفر از آنها به نام ژرونیمودوآگیلار (Jeronimo de Aguilar) به وسیله نیروی اعزامی کورتز (Cortez) نجات یافت. دیگری به نام گونزالو گوئررو (Gonzalo Guerrero) هم خود را شبیه هندیان غربی ساخته و به کمک آنها برای مقابله با نیروهای کورتز که جهت حمله آمده بودند شتافت.
ایتالیا ۲۴ فوریه ۱۵۱۰
پاپ ژولیوس دوم که در سال گذشته ونیز را تکفیر کرده بود اینک بر علیه پادشاه فرانسه به دشمنی با وی پرداخت.

آن‌ها به وجود آورده است. (بروژ (Bruges) فلاندر، ۱۴۳۵):

شهر بروژ که ثروتمندترین شهر اروپایی است و در محل تقاطع شهرهای مهم اروپا واقع شده، نه تنها از نظر ثروت، سرآمد شهرهای دیگر است، بلکه از نظر هنری و شیوه‌ی زندگانی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین مناطق قاره‌ی اروپا محسوب می‌شود.

به عنوان مثال، قصر مجلل و پر خرج فیلیپ مشهور به نیک، دوک بورگوندی، یکی از معروف ترین دربارهای سلاطین اروپایی است.

این شهر در قرن سیزدهم بسیار توسعه یافت، چون بین شهرهای مهم کشورهای انگلیس، فرانسه، ایتالیا و استان‌های ساحل رود راین قرار گرفته، در ضمن ناحیه‌ی بروژ این شانس را دارد که محل استقرار مالکان بزرگ و اشراف قرار گرفته. بر طبق پیمان هان سیتیک (Han Seatic)، پشم تولید شده در انگلیس همان طور که به شهر لندن حمل می‌شود، به شهر بروژ هم به همان مقدار می‌رسد. آن‌ها کالاهایی چون تخته، غلات، ماهی دودی، فلزات و خز را از آلمان، روسیه و سوئد وارد می‌کنند، در حالی که ادویه و سایر فرآورده‌های شرقی را توسط ایتالیایی‌ها چه از راه دریا، یا از طریق رود راین، به این منطقه می‌آورند، و اجناسی چون پرده‌های زینتی، لباس‌های دوخته و منسوجات تولیدی خود را از طریق مناطقی چون فلاندر، برابانت (Brabant) و هی نو (Hainault) صادر می‌کنند. در سال ۱۳۳۶، بر طبق پیمان هان سیتیک کارخانه‌یی در این منطقه تاسیس شد و در پی آن تجار بین‌المللی و بانکداران به این شهر هجوم آوردند.

سردمداران حکومت فلاندر، با تطمیع بازرگانان، امتیازات زیادی از آن‌ها اخذ کردند و حسابداران حکومتی مالیات و عوارض وضع شده را طبق صورت حساب‌های آن‌ها دریافت می‌کردند و از این طریق، عواید سرشاری نصیب دولت محلی شد، در حالی که تسهیلاتی هم برای آن‌ها قایل می‌شدند. مبارزان تئوتونیک، در این جا بانکی تاسیس کردند و دستگاه روحانی پاپ هم ده درصد حق واتیکان را در این بانک ذخیره می‌کرد. در سال ۱۳۶۹، لوئی دو مال (Louis de Male) دختر فیلیپ دوبولد (Philip Bold) (جسور)،



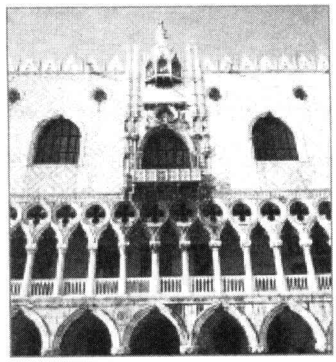
از نقاشی‌های قرن نوزدهم، جان وایکلیف (John Wyclif) را نشان می‌دهد که عده‌یی از هواداران لولارد (Lollard) را برای گسترش عقاید اصلاح کلیسا و تبلیغ این مرام به اطراف اعزام می‌دارد.



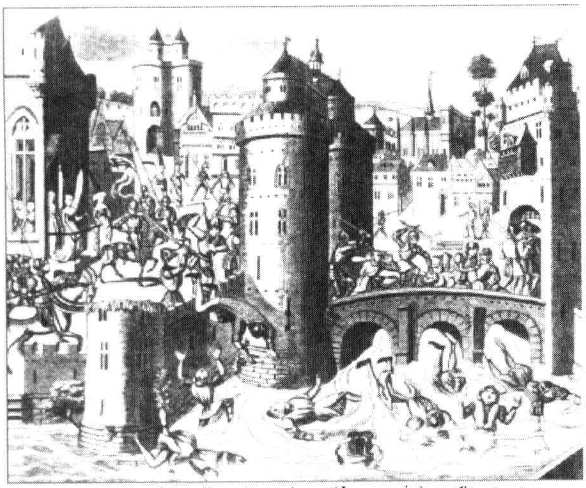
کازیمیر (Casimir) فعال و مستحکم.



جنگجویان مغول و ایرانی.



قصر دوژ (Doge) (فرمانروا) شهر ونیز.



شورش ژاکری (Jacquerie) توسط نیروهای نظامی فرانسه در شهر میو (Meaux) در هم شکست. این تصویر اخیرا توسط نقاشان فرانسیوی ترسیم شده.



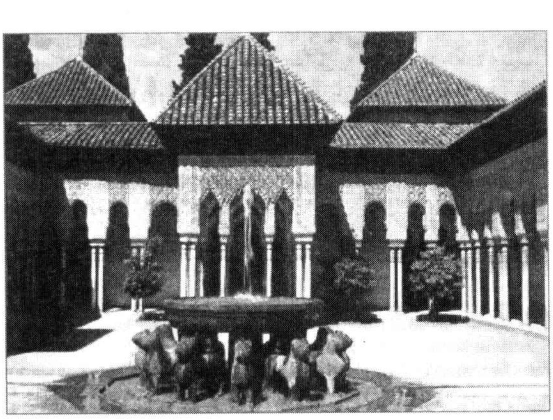
تصویری از یک کلینیک جراحی در شهر شیرورژیا (chirugia) که توسط گای دوکولیاک(Guy de Chauliac) ، نقاش فرانسوی، ترسیم شده.



اوربان ششم، روحانی قدرتمند.



پاپ کلمنت هفتم فرانسوی، غاصب مقام پاپی.



قصر الحمبرا (Alhambra)، محل سکونت محمد پنجم، فرمانروای اسپانیا، که با تندیس چند شیر مزین شده، محمد ساختمان این کاخ را در سال ۱۳۷۷ آغاز کرد و نام این مکان را هم از استخری با فواره که تعداد ۱۲ راس شیر از آن پاسداری می‌کنند، گرفت.

دوک بورگوندی، برادر شارل پنجم، پادشاه فرانسه را به زنی گرفت. دوک بورگوندی، تلاش می‌کرد که از قید فرانسه خلاص شود و به استقلال برسد، لیکن در دام دولت انگلیس گرفتار شد و در نبردی که با آن دولت کرد، در سال ۱۳۸۳ به خارج از موطن خود تبعید گردید. ساکنان محلی چون در تجارت بونانزا (Bonanza) سهیم نبودند، نبردهایی را به طور متناوب با انگلیس برپا می کردند.

امروزه دیگر فیلیپ مشهور به نیک، توانسته هنرمندان تذهیب کار و منبت کار هم چون یان وان آیک (Jan Van Eyck) و نیز کارگران فلز کاری تربیت کند که در تمام اروپا نمونه هستند و معروفیت بی نظیری دارند.

کلیساهای یونانی و رومی بر سر اصول یگانگی به توافق رسیدند. (فلورانس، ۱۴۳۹):

نمایندگان ناامید کلیساهای شرقی (بیزانتین) تحت رهبری ژان هشتم امپراتور، با تمام تقاضاهای اصلی پاپ اوژنیوس (Eugenius) موافقت کردند. کلیساهای یونانی پاپ را به عنوان رییس تمام کلیساهای جهان به رسمیت شناختند. اتحاد کلیساها به شکاف یک هزار ساله‌ی بین دو طرف پایان داد و آن‌ها در کمال آرامش این موضوع را پذیرفتند.

در حقیقت یونانی‌ها سخنان پیشین پاپ مارتین پنجم را تایید کردند و نتوانستند ترس خود را از وضع کنونی پنهان دارند، او در سال ۱۴۲۲ گفته بود ترک‌ها به شما حمله خواهند کرد و این احتمال هست که شما به یاری دیگران نیاز داشته باشید و می‌دانید که اگر وحدت و اتفاق داشته باشید، سایر مسیحیان به کمک شما خواهند آمد و نهایت آرزوی ما، این است که شما را نجات دهیم. سرانجام کلیساهای یونان به تثلیث رومیان پیوستند. آن‌ها در عهدنامه‌ی خود اشاره یی به موضوع ممنوعیت ازدواج کشیشان نکردند. در این موضوع شکی نبود که کشیشان شرقی می‌توانستند در هر زمان این سوال را مطرح کنند که مانعی در امر ازدواج آنان وجود دارد یا خیر.

سازنده‌ی فتیله سلاح آتشین و پدر شوالیه گری، در وارویک (Warwick) فرانسه درگذشت. (فرانسه، ۳۱ مه ۱۴۳۹):

سویس فوریه ۱۵۱۰
ماتیاس شاینر (Matthias Schiner) کاردینال کلیسای شهر سیون (Sion) برای انصراف از تشکیل اتحاد سویس و فرانسه بر ضد پاپ به آن کشور سفر کرد.

فلورانس ۱۷ مه ۱۵۱۰
ساندروبوتیچلی (Sandro Botticelli) نقاش فلورانسی و شاگرد فرالیپولیپی (Fra Lippo Lippi) در گذشت. نقاشی‌های وی عبارتند از تولد ونوس (Venus) و درخت گل زرد. او همچنین تصاویر کتاب کمدی الهی (Divine Comedy) دانته را با سبک بسیار عالی نقاشی کرده و توضیحات مفصلی درباره آنها داده است.

هندوستان ۱۵۱۰
آلفونسو دآلبوکرک کاشف پرتغالی منطقه گوآ (Goa) را تصرف کرد.

اسکاتلند ۱۵۱۰
جان لگراند (John Legrand) عالم الهیات پیشنهاد کرد با فشار و زور بر علیه افراد غیر مسیحی آنها را وادار به پیروی از دستورات دین مسیح کنند و تمایل آنها را در نظر نگیرند.

اسپانیا ۱۵۱۱
دیه‌گو کلمبوس (Diego Columbus) فرزند کریستوف کلمب اعلام داشت سرزمین‌های کشف شده به وسیله پدرش در آمریکا بایستی در اختیار خانواده کلمب قرار گیرد و از مصادره و توقیف شاه اسپانیا درآمده و حقوق قانونی آنها اعاده گردد.

آفریقای شمالی ۱۵۱۱
نیروهای نظامی اسپانیا جزیره پنون (Penon) واقع در خلیج الجزایر را اشغال کردند.

کارائیب ۱۵۱۱
نخستین بردگان آفریقایی به دنیای جدید وارد شدند. این جریان در تعقیب اختیاراتی بود که به نیکلاس دواواندو Nicolas de Ovando)) فرماندار ناحیه هیسپانیولا (سانتودومینگو) داده شده بود مبنی بر اینکه بردگان را به این جزیره منتقل کنند.

کارائیب ۱۵۱۱
آنتونیودومونته زینوس (Antonio de Montesinos) راهب مقدس و خطیب مستعمره هیسپانیولا در خطبه‌های خود به پرسش‌ها ی اصلی افراد تحت سلطه و مراسم و آداب دینی افراد پاسخ می‌دهد و می‌گوید که روح مردان هند غربی برای بردگی تربیت نشده و آنان حق حیات دارند و نیز فاتحان باید حقوق بردگان را در نظر بگیرند و روح آنها را نیازارند.

کارائیب ۱۵۱۱
خوآن دواسکیول (Juan de Esquivel) جامائیکا را تحت کنترل درآورد.

کارائیب۱۵۱۱
نیروهای تحت فرماندهی دیه‌گو ولازکوئز (DiegoVelazquez) اسپانیولی جزیره کوبا را اشغال کردند.

فرانسه ۱۸ اکتبر ۱۵۱۱
فیلیپ دوکومین (Philippe de Commynes) تاریخ نگار روزانه (گاهشمار) که قبلا در خدمت لوئی یازدهم بود در گذشت. یادداشت‌های وی مربوط به دوره لوئی یازدهم و شارل هشتم می‌باشد.

جنوب شرقی آسیا ۱۵۱۱
پرتغالیها برای امنیت مسیر اصلی صدور ادویه از مناطق آسیای جنوب شرقی، نیروی نظامی گماردند. آلفونسو آلبوکرک با اشغال مالاکا (malacca) و شبه جزیره مالایا (Malaya) سپاهیان دریائی خود را به مجمع الجزایر ملوک (Moluccan) اعزام کرد.

ایتالیا ۱۱ آوریل ۱۵۱۲
نیروهای نظامی پیمان مقدس شکست سنگینی برنیروهای فرانسوی در جنگ راونا (Ravenna) وارد آوردند.

اسپانیا ۲۲ فوریه ۱۵۱۲
آمریگو وسپوس یا (آمریگووسپوچی -Amerigo Vespucci) که نام آمریکا از وی گرفته شده در شهر سویل (Seville) درگذشت.

ریچارد بوچامپ (Richard Beauchamp) ارل وارویک، مشهور به پدر شوالیه و یکی از مقتدرترین اشراف انگلیسی، در شهر روئن درگذشت، در حالی که افسرمقیم فرانسه و نورماندی بود. او در سال ۱۳۸۱ متولد شده و به عنوان پنجمین ارل وارویک در سال ۱۴۰۱ منصوب شد. در سال ۱۴۰۳ پس از شرکت در نبرد شروسبری (Shrewsbury) در سال ۱۴۰۸ به اماکن مقدسه رفت و مدت شش سال از عمرش را در دربار شاهان اروپایی گذرانید. در مراجعت از این سفر، توسط هنری پنجم، پادشاه انگلیس، به عنوان فرماندار کاله منصوب شد و سازمانی از عناصر جنگجو و آماده‌ی جنگ تشکیل داد که در غیاب سربازان، وظایف آن‌ها را انجام دهند. پس از مدتی، شاه وی را به عنوان سفیر در اجلاسیه‌ی عمومی کنستانس منصوب کرد تا پاپ و امپراتور فرانسه را ملاقات کند و به او دستور داد که در قلب ناحیه‌ی سنت جورج اقامت کند. در سال ۱۴۱۶، هنگامی که وضع وارویک رو به قهقرا می‌رفت، امپراتور او را به انگلستان فرستاد. واریک هم چنین ترتیب ازدواج هنری پنجم را با دختر پادشاه فرانسه، کاترین داد. در سال ۱۴۲۹ وارویک به عنوان نایب السلطنه و نگهبان هنری ششم که هفت سال داشت برگزیده شد، در حالی که مقام خود را به عنوان شوالیه‌ی قدیمی و پیش کسوت حفظ کرده بود. او هم چنین به همراه هنری برای تاجگذاری او به فرانسه رفت و در همان زمان به فرمانداری روئن منصوب شد و در جریان محاکمه‌ی ژاندارک شرکت جست. این زمان، مصادف با طغیان و قیام مردم فرانسه بود.

حاکم ستمگری که صورت شهروندان خود را به عنوان برده داغ می‌زد. (بنین (Benin) نیجریه، ۱۴۳۹):

اووآر (Ewuare)، که به حاکمیت ایالت بنین رسیده بود، برادر خود را که تمایلی هم به جنگ با او نداشت. به قتل رسانده و مقام اوبا (Oba) را اشغال کرد. اووآر، در جنگی بسیار سهمگین ، تعداد زیادی از مردم اوربینی (Urbini) راکشت و پایتخت را دچار توفان بلا کرد. ضربه‌یی که بر بنین وارد شد، تنها از جهت حاکم جدید نبود، بلکه افعال و رفتار مردم را دگرگون ساخت. در تشکیلات پیشین، قدرت فرمانروا توسط اوزاما (Ozama) محدود می‌شد، لیکن وارث جدید بنین، فرمان دادکه تمام شهروندان آزاد هم که در خانواده‌ی آزاد متولد شده‌اند، باید به صورت آنان داغ بردگی بزنند تا همیشه برده‌ی اوبا محسوب شوند (اوبا لقب فرمانروای بنین بود). دیگر شکی نبود که اووآر دیگر خود را حاکم مطلق می‌داند، قبلا هم او خود را قدرتمندترین و با انرژی‌ترین مرد در تاریخ سیصد ساله‌ی کشور معرفی کرده بود به فرمان وی، اوزاما که قبلا مظهر قدرت بود، اکنون باید به عنوان مسئول مستقیم در مقابل او باشد و تمام جریانات را به او گزارش دهد.

او اعلام کرد که پایتخت باید بازسازی شود و نام جدید آن را هم به ادو (Edo) تبدیل کرد. سرانجام وی برای این که قدرت بیش‌تری داشته باشد، ارتش خود را توسعه داد که بتواند به کشورهای هم جوار حمله کرده و مرزهای بنین راگسترش دهد.

شهرهای ایتالیایی، پیشرو تجدید و نوسازی هنر (فلورانس، ۱۴۴۰-۱۴۵۰):

شهرهای شمالی ایتالیا، نه تنها در تولید ثروت و قدرت با هم رقابت می‌کنند، بلکه در زمینه‌ی زنده کردن هنر و تولیدات هنری نیز با هم رقیب هستند و خانواده‌های ثروتمند این ناحیه سعی می‌کنند که هنرهای ظریفه را بیاموزند و نمونه به شمار آیند.

بهترین مثال آن‌ها، یک بانک دار فلورانسی به نام کازیمو دومدیچی (Cosimao de Medici) مشهور به پدر جمهوری می‌باشد. اهالی فلورانس در سال ۱۴۳۶ بنای کلیسای بزرگی به نام سانتاماریا دی فیوره (Santa Maria dei Fiore) (کلیسای مریم مقدس) را شروع کردند که ساختمان آن به شکل هشت گوشه می‌باشد و گنبد آن را هم یکی از هنرمندان فلورانسی به نام فیلیپو برونلسکی (Filippo Brunelleschi) طراحی کرده و اخیرا به اتمام رسیده است.

درهای برنزی بخش تعمیدگاه کاتدرال هم، کار دوست وی به نام لورنزو گیبرتی (Lorenzo ghiberti) می‌باشد که تمام عمر خود را صرف این کار کرده است. نخست درهایی با اقتباس از تصاویر کتاب عهد جدید در سال ۱۴۲۴ ساخته شد و در مرحله‌ی دوم، درهایی با نزدیک به ۱۰۰ تصویر از کتاب عهد قدیم به صورت قاب تهیه و آن ها روی

درها نصب کردند. گیبرتی هم چنین مناظری را با الهام از کارهای برونلسکی روی آن‌ها به نمایش درآورد. پائولو اوچلو (Paolo Uccello) هم منظره‌هایی گوناگون بر روی دیوارها ترسیم کرد. او هم چنین تزئینات کلیسای سانتاماریا نوولا (Sant Maria Novella) را تکمیل کرد و اکنون هم مشغول اتمام مناظری حماسی از نبرد شوالیه‌ها در سنت رومانو (San Romano) می‌باشد که در سال ۱۴۳۲ اتفاق افتاد، او این نقاشی را به دستور پالاتزو مدیچی (Palazzo Medici) انجام داده است.

همین طور دوناتلو (Donatello) مجسمه‌ساز، با ساختن پیکره‌هایی بر روی نمای خارجی و برج کلیساها در بسیاری از شهرهای ایتالیا هنر خود را به نمایش گذاشته که اغلب این تندیس‌ها برنزی است. دوناتلو هم چنین تندیس با ارزش دیگری به دستور مدیچی ساخته که داود را برهنه نشان می‌دهد که به سبک رومیان باستانی و به اندازه‌ی طبیعی یک انسان می‌باشد.

دوناتلو هم چنین تعداد زیادی مجسمه در شهر پادوآ از سربازی به نام گاته ملاتا (Gattemelata) به عنوان سمبل خوشبختی ساخته و نیز تندیسی از سنت آنتونی در محراب کلیسا ساخته است که معجزات او را نشان می دهد.

نقاشی‌های دیواری آرتزو (Arezzo) بر روی کلیسای سنت فرانسیس (St Francis) و کارهای پیرودلا فرانچسکا (Piero della Francesca)) هم در ردیف آثار بسیا برجسته و هنرمندان می‌باشد. او هم چنین مناظره‌ی از جریان تعمید دادن عیسی مسیح را در زیر یک درخت نشان می‌دهد که دورنمای آن بسیار جالب است. در شهر سیه نا (Siena) انسان از کارهای هنرمندی ۱۲ ساله به نام آندرهآ ماتینا (Andrea Mantegna) دچار بهت وحیرت می‌شود که تحت نظر استاد خود به نام اسکوراچیونه (Squarcione) انجام داده است و معلوم نیست که آندرهآ در سنین بالاتر چه شاهکارهایی به وجود خواهد آورد.

در شهر ونیز هم یکی از ثروتمندترین اهالی شهر، قصری بر روی کرانه‌ی رودخانه به نام کادواورو (Ca'd'oro) (خانه‌ی طلایی) بنا نموده که تمام روکش ساختمان آن از طلا می‌باشد.

یان فان آیک (Jan Van Eyck) نخستین نقاشی که رنگ روغن به کار می‌برد، در گذشت. (بروژ، فلاندر، ۱۴۴۱):

ایتالیا ۱۵۱۲
پاپ ژولیوس دوم برای تشکیل یک اجلاسیه عمومی برضد دولت فرانسه در شهر پیزا (Pisa) کشیشان تحت امر خود را احضار کرد. که لوئی دوازدهم پادشاه فرانسه را محکوم سازند.

اروپا ۱۵۱۲
امپراتور ماکسیمیلیان پیمان اتحاد محکمی با لوئی دوازدهم پادشاه فرانسه منعقد کرد.

اسپانیا ۱۵۱۲
با اشغال پامپلونا (Pamplona) و سنت ژان پیه دوپورت (St. Jean Pied de Port) نیروهای نظامی فردیناند تمام حاکم نشین ناوار (Navarre) را تصرف کردند.

کنستانتینوپول ۱۵۱۲
با همکاری سپاهیان ینی چری (Janissaries) سلیم (Selim) پسر بایزید دوم برادران و برادرزادگان خود را کشت و خود سلطان عثمانی شد.

فرانسه ۱۵۱۲
لوئی دوازدهم مالیات جدیدی برافراد تازه مسیحی شده و یهودیان ساکن شبه جزیره ایبری (Iberian) وضع کرد.

چین ۱۵۱۲
روستائیان ایالت مرکزی سه شوان (Szechuan) در اعتراض به پرداخت مالیات سنگین قیام کردند.

افریقای غربی ۱۵۱۲
محمد اسکیای کبیر (Askia the Great) پادشاه سونگایی ایالات هائوسا (Hausa)- کاتسینا (Katsina) زاریا (Zaria) و کانو (Kano) را تسخیر کرد.

آفریقای شرقی ۱۵۱۲
قوانین بورگوس (Burgos) در حمایت از بردگان سیاه دنیای جدید، مقرراتی وضع کرده، و آزار و شکنجه آنها را مورد تقبیح قرار می‌دهد و تا اندازه یی حق حیات و شخصیت آنها را احترام می‌نهد.

فرانسه ۱۶ اوت ۱۵۱۳
نیروهایی متشکل از سپاهیان هنری هشتم پادشاه انگلیس و ماکسیمیلیان امپراتور، در جنگ اسپورز (Spurs) واقع در گینه گیت (Guinegatte) سپاهیان فرانسوی را شکست دادند.

اسکاتلند ۹ سپتامبر ۱۵۱۳
اسکاتلندیها از نیروهای انگلیس در ناحیه فلودن (Flodden) شکست خوردند و جیمز چهارم شاه اسکاتلند در این جنگ کشته شد. مارگارت خواهر هنری هشتم به عنوان نایب السلطنه طفل یک ساله هنری به نام جیمز پنجم انتخاب شد.

آمریکای شمالی ۱۵۱۳
خوآن پونس دولئون (Juan Ponce de Leon) فرماندار پیشین پورتوریکو ادعای مالکیت این سرزمین را جهت اسپانیا اعلام کرد.

اقیانوس هند ۱۵۱۳
پرتغالیها جزایر ماوریسیوس (Mauritius)را کشف کردند. این جزایر غیر مسکونی بود.

فرانسه ۱۵۱۳
در پی شکست ایتالیائی‌ها در جنگ، لوئی دوازدهم فشار خود را بر پاپ جهت مذاکره تشدید کرد. وی همچنین قرار داد صلحی را با انگلیس امضا کرد.

رم ۱۵۱۳
بانک فوژر (Fogger) جهت خرید وسائل و دارایی‌های کاخ بزرگ سن پیتر اقدام کرد.

اروپا ۱۵۱۳
یک جلد جدید از کتاب جغرافیای زمان پتولمی‌ها به تازگی کشف شده که سرزمین‌های بین دوقاره آسیا و اروپا در آن نشان داده شده بود.

رم ۱۱ مارس ۱۴۱۵
بامرگ برامانته (Bramante) رافائل (Raphael) کار ساختمان کلیسای سنت پیترا بر عهده گرفت.

یان فان آیک که نقاشی‌های بسیاری از وی باقی مانده، برای پیشرفت و ترقی این هنر، رنگ‌های روغنی ملایم را جهت کشیدن تصاویر گوناگون آزمایش کرد. تا این زمان تمام نقاشان، برای ترسیم اشکال و تصاویر، رنگ را با آب مخلوط می کردند و یا احیانا زرده‌ی تخم مرغی را برای ثابت نگهداشتن رنگ و حالت چسبناک آن به کار می‌بردند. یان (Jan) و هوبرت (Hubert)، برادر بزرگتر وی، برای اولین بار رنگ را با روغن مخلوط کرده و یک قاب چوبی را با این ترکیب رنگ کردند، البته قبلا چوب را با چسب سریشم و گچ آماده کرده بودند آن‌ها با این کار، به درخشندگی و تابش رنگ افزودند، چون مخلوط رنگ و آب زمینه را تیره نشان می‌داد.

با پیشرفت کار، آن‌ها توانستند قسمت محراب و دیوارهای کلیسای بزرگ (کاتدرال) گنت (Ghent) (کلیسائی که بره‌ی عیسی را که همواره همراه او بود آرایش و زینت داده بودند) را که شامل ۱۶ پانل و در حدود ۳۰۰ متر مربع وسعت داشت با رنگ روغنی بپوشانند، و این نخستین بار بود که این روش رنگ آمیزی انجام شد. در سال ۱۴۲۶، یان پس از فوت هوبرت، این سبک را تکمیل کرد و در شهر بروژ، محل اقامت خود. تصویر افراد غیرروحانی را کشید و استقبال بی‌نظیر از او به عمل آمد و مورد تشویق قرار گرفت. پیش از این، هیچ کس تصویری به این حالت و شکل ندیده بود، چون تصاویر آب رنگ، دارای چین و چروک و برجستگی‌ها و فرورفتگی‌هایی می‌شد، و تصویرها با واقعیت وفق نمی‌داد و زشت و ناهنجار به نظر می‌آمد و تجسم آن دشوار بود.

یان وان آیک، توانست زمینه‌ی تصویر را طوری درخشان نشان دهد که کاملا حالت طبیعی داشته باشد و سکون و آرامش را در تصویر بنمایاند. او تابلویی از مراسم عروسی به نام زناشویی آرنول فینی (Arnolfini)، کشیده و عروس و داماد را در لباس زیبایی نشان داده است. در این تابلو که به نظر می‌رسد عروس کاملا روی زمین قرار ندارد، معهذا بر روی پاهای خود ایستاده و در اطراف وی پرتقال‌هایی پراکنده است. در صحنه‌یی دیگر، عروس و داماد را در آیینه‌ی محدب که در پشت آن‌ها نهاده شده نشان می‌دهد و امضای یا ن وان ایک در زیر تابلو به چشم می‌خورد.

در سوگ خان، دانشمند و ستاره شناس (سمرقند، آسیای مرکزی، ۱۴۴۹):

الغ بیگ (Ulugh Beg) خان ستاره شناس بر اثر تحریک و اغوای پسرش به نام عبداللطیف، کشته شد و راه قانونی برای سلطنت وی مهیا گشت. الغ بیگ تنها مدت دو سال پس از مرگ پدرش شاهرخ، پادشاهی کرد. این دانشمند که علم را بر جنگ ترجیح می‌داد، در زمانی به سلطنت رسید که آشوب و هرج و مرج تمام کشور را پس از مرگ شاهرخ فرا گرفته بود و وارثان شاهرخ هر کدام در بخشی از ایران ادعای پادشاهی داشتند، به طوری که قسمتی از امپراتوری بزرگ تیمور فاتح پدربزرگ الغ بیگ از بین رفت و سلطنت وی که فردی خجالتی و کم رو بود، به سرعت به پایان رسید.

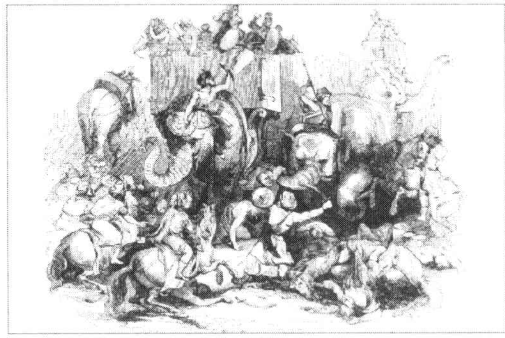
عبداللطیف بر علیه او قیام کرد، وی را شکست داده و سرانجام به قتل رسانید. در این جریان، عبدالعزیز، پسر دیگر وی که الغ بیگ را بر سایرین مقدم می‌داشت نیز کشته شد.

این قاتل پدر و برادر که بسیار پایبند شعائر و آداب و رسوم مغول بود و آن‌ها را رعایت می‌کرد هم، دیری نپائید و به زودی در آستانه‌ی مرگ قرار گرفت.

الغ بیگ که از کار ستاره‌شناسی بسیار خوشحال بود و به آن عشق می‌ورزید، همیشه در خارج شهر سمرقند و در قصری که تیمور گنبد آن را چون عقیق سیاه ساخته بود، به سر می‌برد. او تلسکوپی در روی تپه قرار داده بود و در کار ستاره شناسی غرق شده بود. الغ بیگ با چهار نفر از دانشمندان علم نجوم دست به تالیف جدولی در این باره زدند.

نخستین جدولی که درباره‌ی هیات و نجوم تنظیم گردید، توسط پتولمی انجام شد و به طور غیر باوری صحت آن تایید گردید. الغ بیگ علاوه بر تحقیق در علم ستاره شناسی، معماری بی‌نظیر بود بر این اساس، دانشگاه‌هایی در شهرهای سمرقند و بخارا تاسیس کرد. فقدان او، مرگ علم و هنر را در پی داشت و دانش و هنر در سوگ او به ماتم نشست.

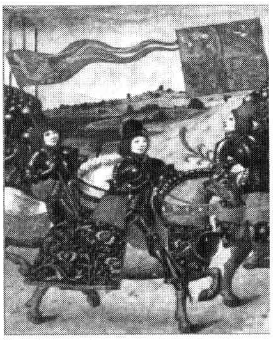
فاتحان مغول، شهر بیجینگ را تهدید می‌کنند. (چین، ۱۴۴۹):



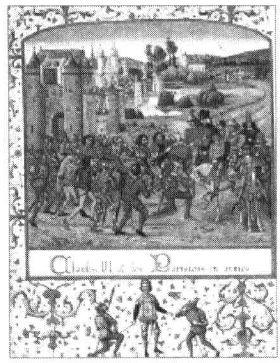
صحنه‌یی لز یکی از میدان‌های جنگ تمیور لنگ (نقاشی از رافائل – ۱۵۲۰-۱۴۸۳)



صحنه‌ی بزم بسیار زیبا بر روی دیوان حافظ.



شوالیه‌های سوار یا شارلاتان (Charlatans).



مردان مسلح شهر پاریس بر علیه قانون مالیات به پا خاسته‌اند.



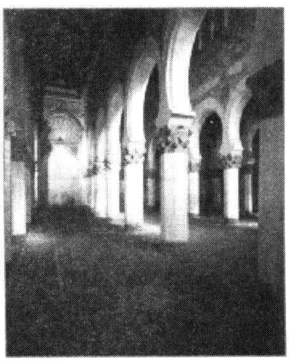
راهبه‌ی تارک دنیا هیلدگار (Hildegard)، اهل شهر بینگن (Bingen).



صحنه‌یی از نبرد آلخو باروتا (Aljubarrota) که توسط گاه‌شمار انگلیس در این اواخر ترسیم شده.



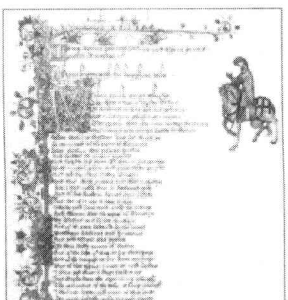
چوسر (Chaucer) در دربار ادوارد سوم اثر فورد مادوکس براون (Ford Madox Brown) (۱۸۹۱-۱۸۲۱).



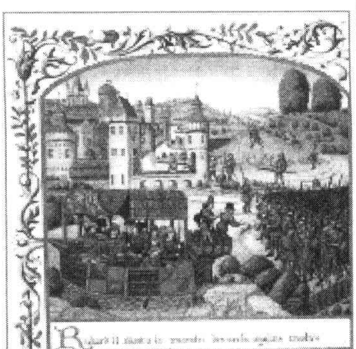
کنشت (سیناگوگ (Synagogues)) یهودیان در شهر تولدو (Toledo).



نمایی از فصل پاییز سال‌های ۱۳۶۰ و درختانی چند که توسط نی‌زان (Nizan) ترسیم شده و از زیبایی مختصری برخوردار می‌باشد.



آغاز داستان شوالیه‌گری.



ریچارد دوم با کشتی عازم ملاقات و گفت و گو با شورشیان است.

ارتش قدرتمند چین به رهبری امپراتور جوان ینیگ زونگ (Yingzong) که در کمین گاهی به انتظار سپاهیان مغول به فرماندهی اسن (Esen) نشسته بود، شکست خورد و هزاران نفر از آن‌ها کشته و امپراتور هم توسط قشون مغول دستگیر شد.

طلیعه‌ی سپاهیان مغول گزارش دادند که امپراتور در چادری روی فرش نشسته و محافظان وی هم در اطرافش هستند، مغولان هم در کمال آهستگی به آنان حمله کردند، محافظان را کشتند و شاه را هم دستگیر کردند، اینک شهر بیجینگ پایتخت چین، در مخاطره است. امپراتور بر اثر اصرار بیش از حد و پافشاری وانگ ژین (Wang Jin) خواجه، دائر بر این که، شخص امپراتور و سایر کارکنان دربار هم باید در جنگ علیه مغولان شرکت کند، به این نبرد شتافت.

در این هنگام، اردوی مغولان، کشتار دشمن را آغاز کرد.

وانگ ژین که اصلا جنگ ندیده و تجربه‌یی در این کار نداشت، مرتب سفارش می‌کرد که فرماندهان باید در جلوی صف سربازان قرار گیرند، در حالی که سربازان بدون حفاظ و پناهگاه را گرسنه و تشنه در مقابل دشمن قرار داده بودند.

در این وقت، بدبختی و ادبار همه جا را گرفت و خرابی تکمیل شد، وانگ ژین و اکثریت افسران عالی مقام کشته شدند. امپراتور را دستگیر کردند و راه پایتخت بدون رادع و مانع مفتوح گردید.

سفیری که از شهرهای با عظمت هندوستان بازدید کرد. (هند جنوبی، ۱۴۴۳):

اکنون فصل مسافرت فرا رسیده و سفیر افغان به نام عبدالرزاق که مشتاق دیدار از شهرهای مهم هندوستان بود و به این کشور حسد می‌ورزید، سفر به شهرهای بزرگ و به ویژه ویجایاناگار (Vijayanagar)، پایتخت جنوب هندوستان را آغاز کرد.

عبدالرزاق با هیات همراه خویش در کلکته (Calicut) اقامت داشت، پادشاه وی را به ویجایاناگار فرا خواند تا از یکی از شهرهای قدیمی که در سال ۱۳۳۶ بنا گردیده بود، بازدید کند. این شهر در کرانه‌ی جنوبی رود تانگابهادرا (Tungabhadra) قرار داشت و مشهورترین شهر شبه قاره‌ی هندوستان به شمار می‌رفت، این شهر به داشتن ساختمان‌های عظیم و زیبا، بازار بزرگ و مبادلات کالا و ثروت معروف بود و مردم آن در رفاه و خوشبختی زندگی می‌کردند و به موطن خود مباهات می‌کردند. در اوایل این قرن که بوکای دوم (Bukka) به پادشاهی جنوب سرزمین هند رسید، برنامه‌ی مفصل و پر خرجی را برای اصلاحات این منطقه در نظر گرفت. به علاوه او برای تامین آب شهر ویجایاناگار، سدی بر روی رودخانه‌ی تانگابهادرا ساخت.

بدین ترتیب، آب از مخزن سد که در ۲۴ کیلومتری شهر قرار داشت، به وسیله‌ی لوله به پایتخت انتقال می‌یافت. رزاق که از این وضع مبهوت شده بود، دیدن شهر اثری عمیق بر وی به جا گذاشت.

آلبانیایی ها از حملات ترک‌ها رهایی یافتند. (کروژ، آلبانی، ۲۸ نوامبر ۱۴۴۳):

یکی از اشراف آلبانی ۳۸ ساله که توسط ترک‌ها بازداشت و زندانی شده و تحت تعالیم اسلامی قرار گرفته بود، در راس شورشیان، بر علیه دستگیر کنندگان خود به قیام پرداخت. ژورژ کاستریوتی (George Kastrioti) یا اسکندر بیگ (این لقبی بود که دربار عثمانی به وی داده بود) که از سال ۱۴۳۸ فرمانروای آلبانی بود، امروز اعلام کرد که آزادی‌های اصلی و حق خودمختاری سرزمین آلبانی بایستی اعاده گردد.

پسر ژون کاستریوتی (Cjon Kastrioti) به نام اسکندر بیگ که به وسیله‌ی نیروهای نظامی عثمانی دستگیر و زندانی شده بود، قیام کرد، در حالی که ترک‌ها به وی اطمینان داشتند و تصور نمی‌کردند که او قادر به این عمل باشد. بر طبق فرمان سلطان عثمانی، یکی از عوامل آن دولت به عنوان فرماندار آلبانی تعیین شده و مشغول کار گردیده بود.

اکنون به نظر می‌رسید که تمام نقشه‌های ترکان عثمانی نقش بر آب شده و پل‌های ارتباطی تخریب شده است.

نیروهای نظامی مجارستان که در همسایگی آلبانی قرار داشتند، به نیروهای اشغال‌گر حمله کرده، آنان را پس زده و زندانیان از جمله اسکندر بیگ را آزاد کردند و او سرزمین آلبانی را مستقل اعلام کرده و خود را مسیحی خواند و در نبرد با عثمانی‌ها، آن‌ها را شکست داده و شورشیان را هم آرام کرد. پرچم آلبانی که نقش عقاب دو سر بر روی آن بود،

بر بالای حصار رفیع شهر کروژ (Kruje) به اهتزاز درآمد و اسکندر بیگ قهرمان ملی نام گرفت.

جادوگر سیاه و فرزندش در آتش سوختند. (فرانسه، ۲۶ اکتبر ۱۴۴۰):

یک فرانسوی که دوستدار مبارزان بود و سخت به آنان احترام می‌گذاشت، امروز در شهر نانت (Nantes) به دیار عدم فرستاده شد. ژیل دولاوال (Gilles de Laval) که به آقای رایس (Rais) مشهور بود، به اتهام کشتن دویست کودک و ارتداد از دین مسیح، لواط، الحاد، قربانی کردن و شورش بر ضد روحانیت را خفه کرده و به اتفاق دو نفر از یارانش در آتش سوزاندند.

مردی که به پارسایی و پرهیزگاری تظاهر می‌کرد و فرمانده‌ی پیشین یکی از گروه‌های طرفدار ژاندارک بود، مارشالی که ادعا می‌کرد که تعداد ۲۰۰ نفر مرد قدرتمند در رکاب او هستند، دوست و یار فقرا و گدایان، و هنرمند نمونه شهر رایس، و نیز مظهر مجسم مبارزان و شوالیه‌ها، در مظان اتهام قرار گرفت. با وجود این ظواهر بیرونی، در درون این مرد اثری از این صفات و سجایای اخلاقی وجود نداشت. او که پیرو شیطان و طرفدار کیمیاگری و سحر و جادو بود و ادعا می‌کرد که شباهت تامی به کالیگولا (Caligula)، امپراتور خونخوار و مظهر رذالت رم باستان دارد.

دورایس (De Rais) با همکاری یاران خود، تعداد دویست نفر کودک را به قتل رسانید. تعدادی از این اطفال را ربوده بودند و برخی را چون والدین آن‌ها فقیر و بی چیز بودند، آنان را در ازای دریافت یک قرص نان و یا لباسی کهنه فروخته بودند. بعضی از این کودکان را فریب داده و با آنان اعمال جنسی و خلاف عفت انجام داده و سرانجام کشته بودند. دورایس به هیچ وجه از اعمال ننگین خود شرمسار نبود و از این که آنان را با زجر و شکنجه جهت امیال خود قربانی کرده بود، افتخار می‌کرد. دورایس در سراسر محاکمات، خود را انسانی پارسا و پیرو مسیحیت قلمداد می کرد. او با اقرار به گناهان خود، خدا را به یاری طلبید و به آنچه او مقرر کرده بود، رضایت داده و تسلیم شد.

فرزندان اشراف طالب علم، به دستگاه سلطنتی ایتون پیوستند. (ایتون (Eton)، ۱۴۴۰):

ایران اوت ۱۵۱۴
نیروهای نظامی ایران از دولت عثمانی در جنگ چالدران (Cahadiran) واقع در دهانه علیای بالایی رود ارس (Aras) شکست خوردند.

آمریکای مرکزی ۱۵۱۴
پدروآریاس داویلا (Pedro Arias Davila) شروع به اکتشافاتی در سواحل اقیانوس آرام کرد.

فرانسه ۱۵۱۴
لوئی دوازدهم با ماری تئودور (Mary Tudor) خواهر کوچک هنری هشتم پادشاه انگلیس ازدواج کرد.

اسپانیا ۱۵۱۴
ساکنان دنیای جدید دین خود را با تهدید به اینکه به بردگی کشیده شده و یا به مرگ محکوم خواهند شد به مسیحیت تغییر دادند.

لهستان ۱۵۱۴
نیکلاس کوپرنیک (Nicolas Copernicus) ستاره شناس پس از سالها مطالعه و اقامت در ایتالیا به وطن خود مراجعت کرد. وی عقیده داشت که زمین به دور کره خورشید می گردد، این عقیده مخالف باور عمومی بود.

فرانسه اول ژانویه ۱۵۱۵
لوئی دوازدهم برادرزاده خود را که فرانسیس (Francis) نام داشت، و به جهت ادعای مالکیت ایتالیا، تحت پیگرد قرار داشت، جانشین خود کرد.

وین (Vienna) ۲۲ ژوئیه ۱۵۱۵
ماکسیمیلیان امپراتور و ولادیسلاو (Vladislav) پادشاه بوهم در اتحاد بین هابسبورگ و سلسله یاگللو (Jagiello) به پیشرفت هائی نایل شدند. لوئی و آن (Anne) دو فرزند ولادیسلاو مایل به ازدواج با ماری و فردیناند نوه‌های ماکسیمیلیان بودند.

انگلیس ۱۵۱۵
توماس ولسی (ThomasWolsey) اسقف اعظم یورک به مقام کاردینالی و وزارت خزانه داری رسید. جاه طلبی وی به حدی بود که می‌خواست انگلیس در تمام موضوعات راجع به اروپا حق داوری و قضاوت داشته باشد.

انگلستان ۱۵۱۵
هنری هشتم در یک سری اقدامات مفید برای پشتیبانی از روستائیان نتایج خوبی برداشت کرد. در انجام این کارها که به عنوان تمرین صورت می‌گرفت اقدام به تقسیم زراعی و اشتراک در امر کشت و برداشت محصول کار کرد.

سویس ۲۹ سپتامبر ۱۵۱۵
کنفدراسیون سویس عهدنامه صلح دائمی با فرانسه امضا کرد.

ایتالیا ۱۴ دسامبر ۱۵۱۵
فرانسیس پادشاه فرانسه با پاپ لئوی دهم صلح کرد. پادشاه فرانسه تنها شخصی بود که مخالفت خود را با امپراتور ماکسیمیلیان ادامه داد.

آفریقای شمالی ۱۵۱۵
برادران بارباروسا (Barbarossa) عروج (Aruj) و خیرالدین نیروهای نظامی خود را در الجزایر جهت مقابله با سپاهیان اسپانیا تجهیز کردند تا جزیره پنون (Penon) را اشغال کنند.

آتلانتیک شمالی ۱۵۱۵
خوان دوبرموذ (Juan de Bermudez) مجمع الجزایری را کشف کرد و نام آنرا برمودا (Bermudas) گزارد.

کوبا ۱۵۱۵
اسپانیولی‌ها شهری به نام هاوانا (Havana) را در جزیره کوبا بنیان نهادند.

چین ۱۵۱۵
وانگ یانگ مینگ (Wang Yangming) یکی از هواخواهان کنفوسیوس (Cofucius) اصلاحاتی در باورهای مردم به وجود آورد.

آمریکای جنوبی ۱۵۱۵
پرزدولاروآ(Perez de la Rua) سواحل پرو (Peru) را کشف کرد.

اسپانیا ۲۳ فوریه ۱۵۱۶
شارل یکم پادشاه هابسبورگ جانشین فردیناند در اسپانیا شد.

ایتالیا ۱۸ اوت ۱۵۱۶
فرانسیس پادشاه فرانسه و پاپ لئوی دهم بر سر تنظیم امور کلیساهای فرانسه و بهبود وضع آنها موافقت کردند.

مدرسه‌یی در باکینگهام شایر (Buckinghamshire) واقع در شهر ایتون افتتاح شد. کالج ایتون محصول فکر هنری ششم پادشاه انگلستان بود. در این کالج همانند مراکز روحانیت همه‌ی روز شاه را دعا می‌کنند و برای او سلامتی آرزو می‌کنند و به ۲۵ نفر دانشجوی فقیر و بی‌چیز دروس مختلف و قواعد زبان یاد می‌دهند. در ضمن رئیس مدرسه هم موظف است که از خواستاران علم نام نویسی کند و آنان را بپذیرد. تدریس و آموزش بر طبق روش زمانه انجام می‌شود. به پیروی از ابتکار هنری، ویلیام اهل وایکهام (Wykeham)، نیز مدرسه‌ی دیگری را در وینچستر (Winchester) افتتاح کرد. اکنون توجه‌ی عمومی به انتخاب معلمان خوب معطوف شده است. روحانیان که خود در راس مدارس مذهبی هستند، به تنهایی امور درسی و تربیتی را عهده‌دار هستند، ولیکن کیفیت آموزش آن‌ها را حدی نیست که در حقیقت باید باشد و برای دانش پژوه کافی و وافی به نظر نمی‌رسد.

این مشکل بیش‌تر در مورد آموزش زبان لاتین مصداق دارد، بر طبق گزارش‌های ویلیام بینگهام (William Bingham) که توسط پادشاه مامور رسیدگی به این معضل است، این مشکل به طور چشم گیری وجود دارد و همه خواستار حل آن هستند. یادداشت‌های وی حاکی از آنست که ۷۰ مدرسه‌ی موجود در حال تعطیل شدن است، چون از نظر معلم و مدیر در مضیقه هستند و مدرس و آموزگار خوب بسیار کم است، زیرا تعداد افراد باسواد به اندازه‌ی کافی وجود ندارد و کلیساها هم خود از این نظر ضعیف هستند و افراد روحانی کم سوادند.

او پیشنهاد کرد که مدرسه‌یی تاسیس شود که بتواند معلم و آموزگار تربیت کند تا آموزگاران فارغ التحصیل از این کالج در مدارس سراسر کشور به جوانان آموزش دهند و سطح اطلاعات عمومی را بالا ببرند.

زیمبابوه، از زیادی ثروت به اختناق دچار شد. (زیمبابوه، ۱۴۵۰):

زیمبابوه (Zambabwe) بزرگ یکی از ایالات آفریقایی با تولید مقادیر معتنابهی طلا و مس جایگاه مهمی را داراست، این سرزمین بین رود زامبزی (Zambezi) و رود لیمپوپو (Limpopo) واقع شده و اکنون در حال نابودی و اضمحلال قرار دارد. در پایتخت منطقه که زیمبابوه بزرگ نام دارد، مردم در خیابان‌های ویران شهر به طور پراکنده در حرکت هستند.

در بیش از دویست سال پیش، زیمبابوه در حال رشد و شکوفایی بود و این حالت در توسعه‌ی پایتخت اثر زیادی بر جای گذارد. این شهر در دامنه‌ی تپه‌هایی بنا شده بود و اطراف شهر را سراسر حصار و قلاع سنگی فرا گرفته بود و شهر تا دره‌ی رودخانه امتداد داشت. در داخل شهر مردم ثروتمند در خانه‌هایی با دیوارهای سنگی با در و پنجره‌های بزرگ سکونت داشتند و در خارج دروازه‌های شهر کلبه‌ها و چپرهای فقرا که از نی و جگن درست شده و روی آن را گل مالی کرده بودند سکونت داشتند. همان طور که ایالت زیمبابوه در حال ترقی بود، شهرها کم کم توسعه می‌یافت. برای کنترل و اداره‌ی حکومت، مردمی که ثروتمند بودند، مالیات را به طلا و مس و آهن پرداخت می‌کردند. زیمبابوه‌ی ثروتمند، به تدریج به حالت افول و سقوط افتاد. کارمندان دربار، سیاستمداران و صنعتگرانی که در اطراف شهر زندگی می‌کردند، دیگر حتی قادر به تامین غذای خود نبودند. شهر به حالت نابودی دچار شد و در نتیجه ایالت زیمبابوه هم سقوط کرد.

فرمانروایی که دوستدار صلح و شعر می‌باشد. (آدریانوپول، ترکیه، ۱۴۵۱):

سلطان مراد دوم، پس از سی سال سلطنت، به علت سکته در گذشت. در زمان حکومت او، ارتش نیرومند عثمانی به نیروهایی روشنفکر و مردمی تغییر ماهیت داد. پسر و جانشین وی، محمد دوم، انسانی متحرک و پویا بود. مراد در حالی که دوستدار صلح بود، ناگزیر همواره در حالت نبرد به سر می‌برد. او مدعیان سلطنت را منکوب کرد و به تدریج شهر قسطنطنیه را احاطه و محاصره نمود و پیش از این که بتواند شهر را فتح کند، برادر کوچکترش مصطفی، با اتحاد با کارامانیان در آناتولی، بر ضد وی قیام کرد و مالیات رعایا را بخشید و در نتیجه آن‌ها را با خود همراه ساخت. او هم چنین پیمان اتحادی با امپراتور جدید رم به اسم جان هشتم بست.

در سال ۱۳۴۰، مردم سالونیک، بر علیه فرمانروایان یونانی و ترک خود قیام کردند، که به سال‌ها جنگ در آن منطقه انجامید، در نتیجه امپراتور، سالونیک را به جمهوری

دریای بالتیک اوت ۱۵۱۶
روسیه و دانمارک با همکاری یکدیگر به لهستان و سوئد حمله کردند.
ونیز ۲۹ نوامبر ۱۵۱۶
جووانی بلینی (Giovanni Bellini) نقاش بزرگ ونیزی در گذشت.
اسپانیا ۱۵۱۶
کاردینال سیسنروس (Cisneros) نایب السلطنه اسپانیا ورود بردگان آفریقایی را به آمریکا تحریم کرد.
پرتغال ۱۵۱۶
دولت پرتغال سرزمین آمریکا را بر طبق پیمان توردسیلاس (Tordesillas) که در سال ۱۹۴۹ با بومیان آمریکائی بست به ۱۵ منطقه تیولی (ملک متصرف موروثی) تقسیم کرد.
سویس ۱۵۱۶
اورلیخ زوینگلی (Urlich Zwingli) راهب شهر زوریخ اخباری از روحیات و اعمال غیر شرعی کشیشان و مجالس عیاشی و خوشگذرانی آنها داد و اعمال و رفتار آنان را محکوم کرد.
رم ۱۶ مارس ۱۵۱۷
اجلاسیه لاتران (Lateran) که قرار بود در سال ۱۵۱۱ در شهر پیزا تشکیل شود بوسیله لوئی دوازدهم و ماکسیمیلیان امپراتور تحریم شد و اعلام گردید که دیگر این اجلاس تشکیل نخواهد شد و دعوت برای آن لغو شده است.
فلورانس ۲۶ مارس ۱۵۱۷
کومپوزر (Composer) (موسیقی دانی که آهنگهای گوناگون را می‌نوازد) مشهور فلاندری به نام هاینریش ایساک Heinrich Issac)) که موسیقی فلاندری، ایتالیائی و آلمانی را به سبکی ویژه آمیخته و اجرا می‌کرد، درگذشت.
مصر ۵ ژوئن ۱۵۱۷
سلطان سلیم عثمانی وارد شهر قاهره شد. کشور مصر تحت نظارت سلاطین عثمان اداره می‌شود.
آلمان ۳۱ اکتبر ۱۵۱۷
مارتین لوتر (Martin luther) راهب مقدس و عالیجاه ۹۵ مورد خرید و بخشش گناهان را خلاف مسیحیت تلقی کرد و آنرا رد کرد .
پرتغال ۱۵۱۷
پادشاه اسپانیا نخستین میسیون را به بندر کانتون (Canton) در چین اعزام کرد.
آفریقای غربی ۱۵۱۷
لئو آفریکانوس (Leo Africanus) کاشف سرزمین‌های آفریقایی هیاتی را جهت کشف سرزمین‌های مراکش (Morocco) تا تیمبوکتو، گائو (Gao) کاتسینا (Catsina) کانو (Kano) و دریاچه چاد به آفریقا فرستاد.
مکزیک ۱۵۱۷
ناوگان هیئت اعزامی اسپانیا به سرپرستی فرانسیسکو هرناندز (Francisco Hernandez) از کوردوبا (Cordoba)، قرطبه، در کرانه‌های یوکاتان لنگر انداخت.
هلند ۱۵۱۷
اراسموس (Erasmus) دانشمند علوم انسانی هلندی در شهر لووین (Louvain) یک کالج برای آموزش زبانهای لاتین- یونانی و عبری تاسیس کرد.
انگلستان ۱۵۱۷
دریانوردان انگلیسی به هنری هشتم پادشاه انگلیس شکایت کردند که هر روزه بر تعداد ماهیگیران فرانسوی که به صید ماهی تون (Codfish) می‌پردازند در حوزه فعالیت آنها نیو فاوند لند (New foundland) اضافه می‌شود.
سویس ۱۵۱۸
زوینگلی تلاشهایی در جهت استقلال کلیسای شهر زوریخ و پشتیبانی در مسیر اصلاح آن انجام داد.

و نیز فروخت. سلطان مراد بر سالونیک غلبه کرد، لیکن مردم شهر و تجار ونیزی را عفو کرد و از کشتار و قتل عام جلوگیری کرده و فرمان عفو عمومی را در سراسر امپراتوری صادر کرد، در سال ۱۴۴۳، نیروهای نظامی شمال اروپا به رهبری لادیسلاس (Ladislas) سوم پادشاه لهستان با همکاری ارتش مجارستان که از سربازانی شجاع و جسور تشکیل شده بود، سراسر کرانه‌ی رود دانواب را تسخیر کردند، لیکن مراد با پیمان متارکه‌ی جنگ در شهر (اسکزد Szeged) به نبرد پایان داد. در سال گذشته، مسیحیان از اسلام برگشته، به سوی وارنا (Varna) شتافتند، لیکن شکست خوردند.

سرانجام مراد توانست از نبرد خلاصی یابد و در حالی که پسرش زمام امور امپراتوری را در دست گرفته، به قصر خود در منطقه‌ی ماگنزیا (Magnesia) بازگشت، در حالی که وی را لشگری از شاعران، صوفیان، خداشناسان، نویسندگان و کاتبان احاطه کرده بودند. در دو سال پیش، او به شهر مراجعت کرد، در حالی که وزیر اعظم در رکاب وی بود. در سال ۱۴۴۸ در نبردی که بر علیه یونانیان در شهر کوزوو (Kosovo) انجام داد، با غلبه بر مجارها، به پیروزی کامل دست یافت.

درهای برنزی پس از ۵۰ سال تکمیل شد. (فلورانس، ۱۴۵۲):

لورنزو گیبرتی (Lorenzo Ghiberti)،اخیرا توانست کار عظیم خود را پس از ۵۰ سال به پایان برساند. این در که دومین در ساخته شده توسط اوست، مخصوص تعمیدگاه کلیسای بزرگ سانتاماریا دل فیوره (گل‌های مریم مقدس) می‌باشد که گیبرتی پس از اتمام درِ اول، در حالی که جوان بود، شروع کرده و حالیه به پیری رسیده بود و اکنون در سن ۷۴ سالگی به آنچه خواسته‌ی خودش بود، دست یافت.

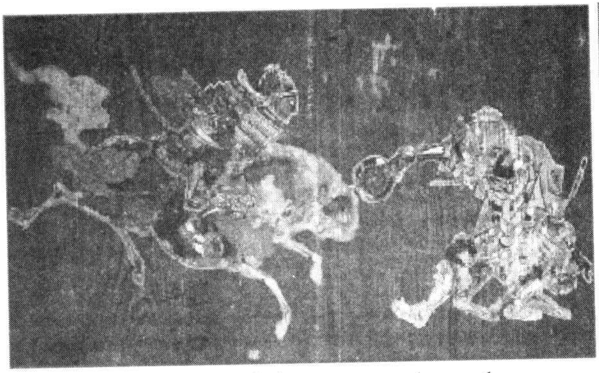
این درِ دومی، خیلی زیباتر و تشکیل‌تر از در اولی ساخته شده و روی آن تمام موضوعات کتاب عهد جدید (انجیل) حک و نقش شده است. این در تنها از ده قسمت قابی بزرگ درست شده که هر کدام از قسمت‌های قابی شکل، انسان را در دنیایی از حیرت فرو می‌برد و داستان‌های کتاب عهد عتیق (تورات) را به روشنی بیان می‌کند. در یکی از قاب‌های



پارچه برودری دوزی با نقش ملکه از شهر اوپسالا (Uppsla) در سوئد.



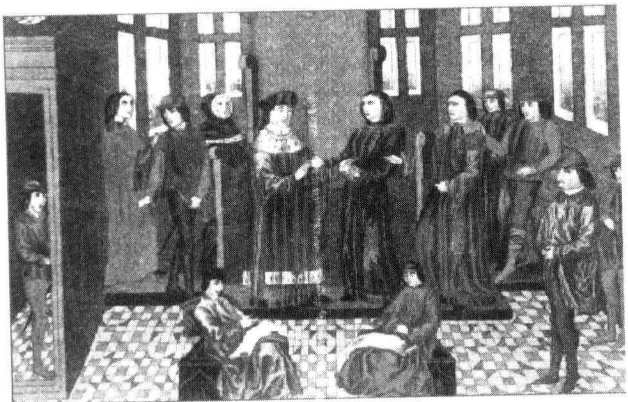
مجسمه‌ی یک سرباز به سبک دوران مینگ که پاسدار مقبره‌ی شاهی مینگ (Ming) است.



یک صحنه از نبرد تن‌به تن دو مبارز که بر دیوار معبدی در شهر کیوتو (Kyoto) نقش شده.



معبد کین کاکوجی (Kinkaku-ji) با پاویون طلایی که در حومه‌ی شهر کیوتو قرار دارد. این معبد توسط یوشی میتسو (Yoshimitsu) (شوگون) فرمانروای ژاپن پیش از بازنشستگی بنا شده است.



ریچارد دوم هنگام تاجگذاری عصای سلطنتی را از هنری دوک لانکاستر (Lancaster) می‌گیرد.



تیمور هنگام جلوس بر تخت پادشاهی، نقاشی دستی مغولی در حدود سال‌های ۱۶۰۰.



تیمور لنگ از دید یک اروپایی.



یک نفر اسیر زندانی ترک که به وسیله‌ی یکی از نقاشان معاصر ترسیم شده.

هلند ۱۵۱۸
اراسموس کتابی به نام کولوکی (Colloquies) منتشر کرد که سخنان تندی علیه اصلاح طلبان مذهبی و متعصبان (خشکه مقدسها) در آن به کار رفته و آنها را محکوم کرده است.
آلمان ۱۵۱۸
مارتین لوتر از بخشش‌های نابجا و نیز سخت‌گیری های بی مورد درباره پیروان کاتولیک پرهیز می‌کند و حالت انقباضی دینی را هم طرد می کند.
آفریقای شمالی ۱۵۱۸
اسپانیولی‌ها شهر تلمسن (Tlemcen) را اشغال کردند. عروج (Aruj) دزد دریائی در حین نبرد کشته شد.
اتریش ۱۲ ژانویه ۱۵۱۹
ماکسیمیلیان امپراتور مقدس رم که از سال ۱۴۹۳ بر مسند قدرت قرار داشت در قلعه ولز (Wels) جان سپرد.
پاناما ژانویه ۱۵۱۹
واسکو نونز دو بالبوآ (Vasco Nunez de Balboa) کاشف اسپانیولی به اتهام توطئه به دستور ناپدری خویش به نام پدرو آریاس داویلا (Pedro Arias Davila) سرخود را از دست داد.
آفریقای شمالی ۱۵۱۹
خیرالدین بارباروسا دزد دریایی، مانع نزدیک شدن نیروی مهاجم اسپانیولی به بندر پنون در خاک الجزایر شد.
مکزیک ۲۴ آوریل ۱۵۱۹
نمایندگان رهبر آزتک‌ها، مونته زومای (Montezuma) دوم نظرشان به شرق معطوف شدو در آمریکای مرکزی شروع به تجسس کردند.
فرانسه دوم مه ۱۵۱۹
لئوناردو داوینچی (Leonardo Davinci) نقاش- تندیس نگار و مهندس معمار ایتالیایی در گذشت.
اسپانیا ۲۸ ژوئن ۱۵۱۹
شارل اسپانیائی پادشاه هلند و نوه امپراتور قدیمی ماکسیمیلیان به عنوان امپراتور مقدس رم برگزیده شد و شارل پنجم نام گرفت. فرانسیس پادشاه فرانسه و هنری هشتم پادشاه انگلیس هردو نامزد این مقام بودند.
رم ژوئیه ۱۵۱۹
با اعلام اینکه پاپ مرتکب خطاهایی شده، پاپ مارتین لوتررا به رم احضار کرد تا به سوالات راجع به اشتباهات و ارتداد پاسخ بدهد.
اسپانیا ۲۰ سپتامبر ۱۵۱۹
فردیناند ماژلان (Ferdinand Magellan) متولد کشور پرتغال با کشتی به عزم سفر دریائی و گذر از اقیانوس آرام و گردش به دور دنیا آماده شد.
مکزیک ۱۵۱۹
هرناندوکورتس (Hernando Cortes) کاشف دریائی با پانصد ملوان در کرانه وراکروز (Veracruz) پهلو گرفت. او به سوی شهر تئوکتیت لان حرکت کرد و رهبر آزتکها مونته زومای دوم بدون درگیری تسلیم وی شد.
سویس ۱۵۱۹
اورلیخ زوینگلی اصلاح طلب مذهبی خرید و بخشش گناهان را در شهر زوریخ قدغن کرد.
اسکاندیناوی ۶ مارس ۱۵۲۰
کریستیان دوم پادشاه تاجدار نروژ و دانمارک که از سال ۱۵۱۵ این سمت را داشت سرزمین سوئد را هم تحت امر خود قرار داد.
اسپانیا مه ۱۵۲۰
شارل پادشاه اسپانیا که به تازگی تاجگذاری کرده بود با خشم و غضب اسپانیا را ترک کرد تا هر چه زودتر تاج پادشاهی کومونروس (Comuneros) (شهرهای کاستیل) را برخلاف میل وزرای آن منطقه بر سربگذارد و کاستیل را هم زیر سلطه خود درآورد.
پرتغال ۱۵۲۰
پرتغال سفرایی به اتیوپی و حاکم نشین نگولا (Negola) (آنگولا) فرستاد.

این در، نوح را با خانواده‌اش نشان می‌دهد که گرفتار توفان شده و وی برای جلوگیری از انقراض نسل جانوران، یک زوج نر و ماده از حیوانات را در کشتی خود جای می‌دهد و با قربانی کردن در زیر قوس رنگین کمان، آن‌ها را نجات می‌دهد. هم چنین وی درخت مو را می‌کارد، در حالی که با نوشیدن شراب مبارزه می‌کند. او برای نزدیک نمایی و بهتر مشاهده کردن موضوعات داستان‌ها، برخی از تصاویر را به صورت برجسته و نیمه برجسته بر روی برنز روکش در نمایانده است.

گیبرتی با مهارت یک معمار، تصاویری از کوهها و درختان و بالاتر همه آدمیان را نشان داده که بیننده را به حیرت و تحیر فرو می‌برد.

شهر قسطنطنیه توسط دولت عثمانی سقوط کرد. (کنستانتینوپول ، ۲۹ مه ۱۴۵۳):

شهر قسطنطنیه که به پایتختی امپراتوری، بیزانتین انتخاب شده بود، به وسیله‌ی عثمانی‌ها سقوط کرد. پس از مقاومت بی‌نظیری که سپاهیان شجاع و دلیر بیزانس، طبق حکم امپراتور، به کار بردند، بالاخره پادگان شهر به دست نیروهای دشمن افتاد و تمام نظامی‌ها کشته شدند و سر امپراتور کنستانتین یازدهم را هم بر ستون پیروزی شهر آویزان کردند.

پس از پایان این ماجرا، سربازان مسلح، همگی خلع سلاح شدند و نیروهای نظامی بیزانتین راکنار گذاشتند. تمام پیمان‌های پیشین منسوخ شد و بیزانتین برای مدتی رو به زوال رفت. پیمان‌هایی که ونیزی‌ها و جنوایی‌ها با اسلاوها و شاهزادگان بیزانتین امضا کرده بودند، باطل اعلام شد و شهر در حالت نومیدی و بدون یار و مدد رها شد و سراسر آن را نیروهای عثمانی اشغال کردند. اشغال شهر مدت‌ها یک آرزوی جاه طلبانه‌ی سلاطین عثمانی بود. سپاهیان عثمانی ماه فوریه را سپری کردند و پس از آن با نمایش دادن توپخانه و تجهیزات خود، چندین شهر ساحلی دریای مرمره و دریای سیاه را اشغال کردند و همچنان به پیشروی خود ادامه دادند. در روز ششم آوریل، با توپخانه‌ی سنگین خود، شهر را در محاصره گرفتند و بیش‌ترین آتش خود را مستقیما متوجه‌ی دروازه‌ی سنت رومانوس(St.Romanus) کردند،

در حالی که سپاهیان مزدور جنوایی بر حسب تقاضای امپراتور، در آنجا مستقر بودند.

در ابتدا مقاومت شدیدی در مقابل سپاهیان سلطان محمد دوم مشاهده شد. مدافعان، حملات سنگین و شگفت‌انگیز دشمن را دفع کردند و ویرانی‌های حصار شهر را که توسط توپخانه ایجاد شده بود، مرمت کردند. در روز بیستم آوریل هم نیروی دریایی عثمانی صدمات فراوانی به ناوگان جنگی بیزانس وارد کرد، معهذا چهار فروند از کشتی‌های جنگی آن‌ها به بندرگاه فرار کردند. پس از آن، سلطان محمد تصمیم گرفت که ۷۲ فروند از ناوهای خود را از دریای بوسفور به منطقه‌ی شاخ زرین فرا خوانده و دفاع بندری آنان را دچار اختلال کند. یک گروه از سربازان ونیزی را در شهر و در ملاء عام اعدام کردند و پس از آن، یک دسته از یونانیان را به زندان انداختند. ارتش سلطان، همچنان با آتش توپخانه‌ی خود، حصار شهر را می‌کوبید تا در قسمتی از دیوارشهر حفره‌یی ایجاد شود.

بامداد امروز، سربازان عثمانی هم چون سیل به درون شهر ریختند. جنگی وحشتانک بین نیروهای طرفین آغاز شد که در این نبرد، جووانی جوستین یانی لونگو (Giovanni Giustiniani Longo)، فرمانده‌ی سپاهیان بیزانس، زخمی شد و او را از صحنه‌ی جنگ بیرون بردند.

امپراتور هم در نبردی سنگین کشته شد، سپس غارت و تاراج شهر آغاز شد. مردم با ازدحام و غوغا به کلیسای شهر هجوم بردند. تعدادی کشته، برخی از آن‌ها به بردگی کشیده شدند و عده‌یی هم در محراب کلیسا دست به مقاومت زدند.

در این حال، سلطان به حالت ترحم درآمد و خوی جنگ طلبی و خونخواری وی از بین رفت. هنگامی که لوکاس نوتاراس (Lucas Notaras) دوک بزرگ و دریا سالار را دست بسته نزد وی بردند، سلطان قول داد که وی را به سمت فرماندار و شهردار شهر بگمارد و عده‌یی را هم در خدمت وی قرار داد.

رزمندگان ایالات ایتالیا، به صلح و سازش تن در می‌دهند. (ایتالیا، نهم آوریل ۱۴۵۴):

در حالی که امپراتوری هابسبورگ در پی پیشرفت و اقتدار خود است و فرانسه هم درصدد می باشد که به یکی از مقتدرترین سرزمین‌های اروپایی تبدیل شود، ایتالیا هم چنان در زیر سلطه‌ی قدرت مداران چندی قرار داشت و این حریفان هر کدام بخشی از این سرزمین را اشغال کرده و کشور را به حالت ملوک الطوایفی درآورده بودند. در مدت نیم قرن، نبردهای فراوانی بین رقبا درگرفت، اما اکنون مذاکراتی بین تمام آن‌ها، تحت نظر پاپ نیکلاس پنجم، در منطقه‌ی لودی (Lodi) در جریان است که به عقد پیمان صلح منجر خواهد شد.

سه رقیب اصلی در این جریان مداخله دارند که عبارتند از: ونیز، میلان و فلورانس که امضا کنندگان اصلی این پیمان هستند و رم و ناپل هم به عنوان رقبای فرعی به این پیمان پیوسته اند.این عهدنامه که به پیمان جدید ایتالیا موسوم است، مقرر می‌دارد که استان‌های عمده، یک اتحادیه تشکیل دهنده و تابع این مقررات هستند و وضع موجود را حفظ کرده و از تجاوز به حریم یکدیگر خودداری کنند.

هم چنین آن‌ها موافقت کرده اند که در صورت تجاوز بیگانگان، به کمک یکدیگر بشتابند و از حریم همدیگر حفاظت نمایند.

نکته‌ی بسیار در خور توجه این است که تمام اعضای این پیمان، بایستی از حریم جغرافیایی ایتالیا به عنوان کشوری مستقل پشتیبانی کنند و اگر بیگانه‌یی ولو در کار تجارت کشور مداخله کند، ایالات تجزیه شده‌ی آن را یاری کنند و بدون مذاکره با یکدیگر، از هر اقدامی خودداری ورزند و از زبان لاتین که پایه‌ی زبان ایتالیایی است، حمایت کنند.

مبنای ایتالیایی بودن، زبان آنهاست و تمام نقاطی که به زبان ایتالیایی تکلم می کنند، تابع مقررات کشور ایتالیا هستند و شهروند ایتالیایی محسوب می‌شوند و از مزایای کشور استفاده خواهند کرد. امور تجاری و بازرگانی ایالات مختلف هم مانعی در مقابل این عهدنامه نخواهد بود.

شاهزاده‌ی نابینای روسی، در نبردهای بین شهری برنده شد. (نووگراد، روسیه، ۱۴۵۳):

نبردهای شهری بین واسیلی (Vasily) دوم، شاهزاده‌ی بزرگ مسکو و دیمیتری شمیاکا (Dmitry Shemyaka)، برادرزاده‌ی وی، با مرگ شمیاکا که در تبعید او را مسموم کردند، پایان یافت.

واسیلی و شمیاکا، مدت بیست سال بود که برای احراز قدرت در کشمکش بودند. پس از این که واسیلی توسط اولغ

آلمان ۱۵۲۰

توماس مونزر (Thomas Munzer) حامی مارتین لوتر که روش بنیاد گرائی داشت در شهر زویکو (Zwickau) شروع به ایراد خطابه کرد.

آمریکای شمالی ۱۵۲۰

به علت مشخص نبودن سواحل جنوبی دنیای جدید، خائو آلوارز فاگوندس (Joao Alvares Fagundes) کاشف پرتغالی تلاش وسیعی را برای پیدا کردن منطقه‌یی مسکونی در جزیره و دماغه برتون (Breton) آغاز کرد. لیکن اثری از مسکونی بودن این نقاط پیدا نکرد چون کوچ نشینان در فصل زمستان این ناحیه را ترک می‌کنند.

آلئالا (Aleala)- اسپانیا ۱۵۲۰

کاردینال سیسنروس (Ciseneros) در شرح و تفسیر انجیل کتابی منتشر کرد که حاوی ترجمه عبری کتاب عهد عتیق (تورات) به زبان یونانی و لاتین به اضافه تفسیر آن به زبان آرامی باستان و اسفار خمسه (کتابهای بزرگ پنجگانه) و نیز ترجمه تورات به زنان یونانی می‌باشد.

مکزیک ۲۰ مه ۱۵۲۰

پانفیلو دوناروائز (Panfilo de Narvaez) هرناندوکورتس (Hernando Cortes) را به کیفر گناهانش به تبعید فرستاد و بدین وسیله باعث شکست روحی وی شد.

روم ۱۵ ژوئن ۱۵۲۰

پاپ لئوی دوم مارتین لوتر را برای ۹۵ مورد بخشش‌های ننگین و بزه‌های موروثی به رم احضار کرد.

مکزیک ۱۰ ژوئیه ۱۵۲۰

کورتس (Cortes) به سوی تنوکتیت لان حرکت کرد و پس از درگیری با کوآتـه موک (Cuauhtemoc) رهبر آزتکها به منطقه تلاکس کالا (Tlaxcala) عقب نشینی کرد.

قسطنطنیه ۲۱ سپتامبر ۱۵۲۰

سلیمان (قانونی -Magnificent) پسر سلطان سلیم به سلطنت عثمانی رسید.

آلمان اکتبر ۱۵۲۰

لوتر با نوشتن سه رساله راجع به اصلاحات دینی شکاف عمیقی درباورهای مردم ایجاد کرد.

سوئد نوامبر ۱۵۲۰

کریستیان دوم پادشاه سه کشور اسکاندیناوی، گوستاوواسا (Gustav Vasa) بزرگترین دشمن خود، که روستائیان دانمارکی را بر علیه وی شورانده بود به قتل رسانید.

اقیانوس آرام ۲۸ نوامبر ۱۵۲۰

ماژلان (Magellan) مسیر مستقیمی را که از راه اقیانوس آرام به جنوب آمریکا می‌رسد کشف کرد.

آلمان ژانویه ۱۵۲۱

لوتر با آتش زدن حکم رسمی پاپ در باب احضارش به رم از سوی پاپ تکفیر شد.

کارائیب ۲۰ فوریه ۱۵۲۱

خوان پونس دولئون (Juan Ponce de Leon) فرماندار اسپانیائی پورتوریکو (Puerto Rico) تعداد دویست مجتمع مسکونی در فلوریدا احداث کرد.

اسپانیا ۲۳ آوریل ۱۵۲۱

نیروی شهرهای کاستیل توسط گروههای سلطنتی در محل ویلالار (Villalar) دچار شکست شدند و فرمانده آنان به نام خوان دوپادیلا (Juan de Padilla) به قتل رسید.

آلمان مه ۱۵۲۱

فردریک دوک ساکسونی (Saxony) برای حفظ امنیت جان لوتر و جلوگیری از خطر آدم دزدی، گارد ویژه‌یی برای وی ترتیب داد.

فرانسه ژوئن ۱۵۲۱

نیروهای نظامی سلطنتی به شهر شامپانی یا شامپاین (Champagne) حمله کردند.

(ulag) محمد، فرمانروای مغول، دستگیر شد، توانست آزادی خود را در مقابل پرداخت مبلغ هنگفتی به الغ محمد، به دست آورد، دیمیتری به توطئه دست زد. واسیلی را بار دیگر دستگیر کرده و او را کور کردند، لیکن آزادی خود را بازیافت. این بار هم دیمیتری بزرگ‌ترین اشتباه را مرتکب شد، چون برادرزاده‌اش با سپاهیان خود، او را دستگیر و مدت یک سال و یک روز وی را در زندان نگاه داشتند، لیکن یارانش شمیاکا را زهر داده و کشتند، واسیلی با پیروزی وارد مسکو شد. اینک واسیلی در پی آن است که قلمرو خود را گسترش دهد.

با شکست انگلیس، به فرمانروایی آن کشور بر فرانسه، پایان داده شد. (فرانسه، ۱۷ ژوئیه ۱۴۵۳):

امروزه ارتش فرانسه به رهبری شارل هفتم، لشگریان انگلیس را در ناحیه‌ی کاستیون (Castillon) نزدیک شهر بوردو (Bordeaux) شکست داده و حالت خصومت یکصد ساله‌ی بین دو کشور از بین رفت. در چهار سال قبل، ارتش انگلیس به فرماندهی هنری ششم، توانست نزدیک به یک سوم خاک فرانسه را اشغال کند، لیکن امروز، سپاهیان فرانسوی، نیروهای ارتش انگلیسی را محاصره و در نبردی که در ناحیه‌ی کاستیون روی داد، انگلیس‌ها شکست خوردند و تنها بندر کاله (Calais) در تصرف انگلیس باقی ماند.

در این نبرد، جان تالبوت (John Talbot) فرمانده‌ی قوای انگلیس و ارل شروسبری (Shrewsbury) به قتل رسیدند و با کشته شدن تالبوت، فرانسه به پیروزی قطعی دست یافت.

ژنرال تالبوت، مورد احترام دو طرف بود و هنگامی که در راس نیروهای انگلیس به شهر بوردو وارد شد، از سوی شهروندان انگلیسی مقیم آن شهر، به وی خوش آمد گفته شد، لیکن شاید این خوش آمد گویی به زیان او تمام شد و منجر به کشته شدن او گردید، چون به طوری که معلوم شد، وی به وسیله‌ی سه لشگر فرانسوی احاطه شده بود.

شهر بوردو در کاستیون که شهری با دیوارهای بلند بود، مورد تهدید قرار گرفت، و با وجود مقاومت در برابر سپاهیان فرانسوی، تالبوت تصمیم گرفت به کمک نیروهای انگلیسی در شهر کاستیون بشتابد.

تالبوت محاسبه کرد که ارتش فرانسه دارای ۶۰۰ توپ است و سربازان فرانسوی تحت فرماندهی ژان بورو (Jean Bureau) در پرتاب گلوله‌های توپ از مهارت کافی برخوردارند و ارتش تحت فرمان وی بین آتش سپاهیان فرانسوی و رودخانه‌ی دوردوین (Dordogne) گرفتار شده‌اند، در همین هنگام، گلوله‌ی توپی به سوی اسب تالبوت رها شد و ناحیه‌ی پشت اسب و قسمت پایین بدن تالبوت را سوراخ کرد و بدین ترتیب، تالبوت از دست رفت.

ارتش مجار، در منطقه‌ی بلگراد (Belgrad) سپاهیان عثمانی را مغلوب کرد. (بلگراد، ۱۴ ژوئیه ۱۴۵۶):

در نبرد خونینی که در بلگراد و در منطقه‌ی کرانه‌ی دانوب، بین سپاهیان مجار به فرماندهی ژان هونیادی (John Hunyadi) با ارتش بزرگ عثمانی رخ داد، لشگریان مجاری به پیروزی چشم گیری دست یافتند و نیروی زمینی و ناوگان دریایی عثمانی تلفات و خسارات سنگینی را تحمل کردند. پس از پیروزی عظیمی که در نبرد قسطنطنیه نصیب سلطان محمد فاتح گردید، این نخستین پیکاری است که به شکست او انجامید و در بازگشت از بیزانس اوضاع وی دگرگون شد. سلطان در این نبرد، بخشی از نیروهای نظامی خود را که شامل یکصد و پنجاه هزار سرباز و ۶۰ فروند کشتی جنگی بود، فراخوانده بود که شهر را محاصره کند. هونیادی هم که فرماندهی سپاهیان مجار را بر عهده داشت و نیابت سلطنت مجارستان نیز با وی بود، تنها با گردآوری شصت هزار سپاهی که بخش اعظم آن‌ها، نیروی داوطلب بود و تعدادی از آن‌ها هم روستائیانی بودند که از مزارع خود دست کشیده و به سپاهیان پیوستند. فقط عده‌ی قلیلی سربازان جنگ دیده بودند.

ارتش ترکان دارای در حدود ۳۰۰ سلاح پرتابی آتشین بودند، که شامل ۲۷ دستگاه توپ‌های عظیم، منجنیق‌های آتش بار و سایر سلاح‌هایی بود که ارتش عثمانی از ایتالیائی‌ها و آلمانی‌ها به غنیمت گرفته بود.

از سوی دیگر، تعدادی منجنیق هم به این سلاح‌ها اضافه می‌شد که برای پرتاب سنگ‌های بزرگ بر روی ارتفاعات وحصار شهرها به کار می‌رفت، لیکن این سلاح کاربرد چندانی نداشت، چون هنگام کار با صدای زنگ دشمن را هوشیار و آماده‌ی دفاع می‌نمود.

پس از آن که هونیادی و سپاهیانش، ناوگان عثمانی را در هم کوفتند، دسته‌های نظامی توانستند از قلاع و پناهگاه‌ها خارج شده و به دشمن هجوم برند و بدین ترتیب محاصره را شکستند.

سرامیک‌های ساخت مینگ، زمینه‌ی صادراتی بسیار خوبی پیدا کرده است. (چین، ۱۴۶۰):

ظروف چینی که توسط کارگران سلطنتی در منطقه‌ی چینگ ته چن (Ching Te Chen) ساخته می‌شود، از نظر مرغوبیت و زیبایی به نحوی شگرف مورد توجه بازار محلی و بازرگانان خارجی قرار گرفته و به نقاط دور دست جهان حمل می‌شود.

دربار پادشاهی مینگ (Ming) که دوست‌دار دو رنگ آبی و سفید است، به هنرمندان چینی ساز سفارش مقداری سرامیک با رنگ‌های سفید و آبی داد. چینی سازان شبیه این ظروف را تولید می‌کنند و برای صدور به اقصی نقاط گیتی می‌فرستند. آنان تصاویر انواع گل‌ها، پرندگان، حیوانات و حشرات را بر روی فنجان‌ها و سایر ظروف به طرز اعجاب آوری نقش می‌کنند.

این ظروف تنها کار صنعتگران دربار چین است، زیرا مواد اولیه‌ی نقوش آن‌ها بسیار گران و غیر معمول است. آن‌ها برای مواد اولیه‌ی این ظروف، از عاج ، سنگ یشم، فیروزه و سایر مواد استفاده می‌کنند که در عین حال که بسیار زیبا و دل انگیز است و بایستی برای تهیه‌ی آن‌ها بهای سنگینی پرداخت کرد.

زارا، امپراتور اصلاح طلب اتیوپی، وفات یافت. (اتیوپی، ۱۴۶۸):

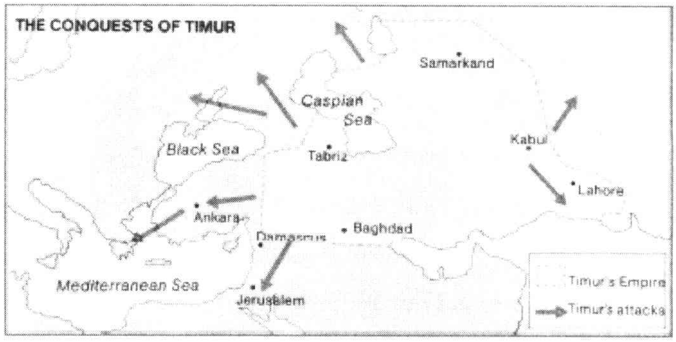
زارا یعقوب (Zara yaqub) بزرگ‌ترین پادشاه سلسله‌ی سلیمانی اتیوپی، فوت شد. او در مدت ۳۴ سال سلطنت خود، قدرت مرکزی را افزایش داده و تغییراتی در وضع کلیساها داد و مهارت خود را در امر جنگ و صلح نشان داد. هم چنین حکومت‌های خودمختار مناطق کوهستانی را تحت نفوذ مرکز قرار داد. گرچه یعقوب به مذهب پای بند و



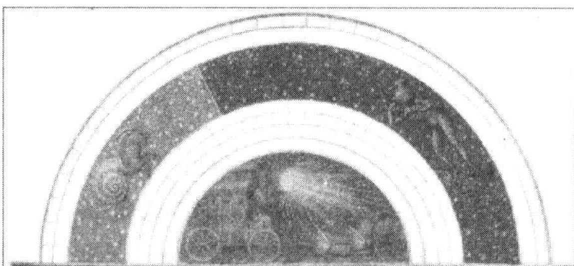
هنر ایالات دکن (Deccan) در هندوستان،
تندیس برجسته‌ی یک زن طبّال.



سه نفر مدعی مقام پاپ از چپ به راست: بندیکت، گریگوری و آلکساندر.



نقشه‌ی متصرفات تیمور لنگ (Tamerlane).



کوچک ولی زیبا، تصویر مینیاتوری از مراسم ژانویه (سال نو)
با عنوان (تره‌ریش هوره (Tres Riches Heures))



این تصویری از است از کریشنا (Krishna) سوار بر پرنده‌ی مقدس گارودا (Garuda)،
در حالی که ایندرا (Indra) خدای هندو او را زیر ضربات تازیانه قرار داده است.

به آن معتقد بود، معهذا پیروان همه‌ی مذاهب، از جمله مسلمانان را در امور مذهبی آزاد گذاشت، به طوری که پیروان ادیان مختلف مورد تهدید نبودند. یعقوب همان طور که به مسلمانان آزادی مذهب داده بود، سپاهیان مسلمان را در شاخ آفریقا شکست داد و آزادی مذهبی قبطی‌های مصری را تضمین کرد و قدرت مسیحیان را به طرز شگفت‌انگیزی ارتقا داد. پاپ در اواخر همین قرن، سفیری به اتیوپی اعزام کرد تا درباره‌ی ایالت افسانه‌یی و جدایی طلب پرسترجان (Prester John) تحقیق کند.

قحطی بخش مرکزی سرزمین مکزیک را فرا گرفت. (مکزیک، ۱۴۵۵):

خشکسالی چهار ساله در دره‌ی مکزیک، آزتک‌ها را دچار رنج و عذاب و محرومیت ساخت و قبایل این دیار را به بدبختی کشانید. هزاران نفر از مردم در اثر گرسنگی تلف شدند و اجساد آن‌ها بدون کفن و دفن، در معرض تهاجم حیوانان از قبیل لاشخورها و گرازها، شدند.

با بروز قحطی، مردم نومیدانه به اطراف پراکنده شدند تا شاید با پیدا کردن چیزی برای خوراک خود، از مرگ رهایی یابند. بسیاری از مردم در جستجوی مواد غذایی، به جنگل‌ها پناه بردندو در تلاش برای سد جوع در همان جا مردند، پاره‌یی هم به بردگی اقوام توتوناک (Totonacs) در نواحی ساحلی خلیج مکزیک کشیده شدند. آزتک‌ها چون در اصل به صید و شکار می‌پرداختند، چندان رغبتی به کشاورزی نداشته و در این فن از مهارت کافی برخوردار نبودند، لیکن خشکسالی و قحطی آنان را مجبور ساخت که با همیاری تکزکوکان‌ها (Texcocans)، کانالی از دریاچه تعبیه کرده و یک سیستم آبیاری برای سرزمین خود به وجود آورند.

تبعید، سلطان را به تبعیت از فرمانروا واداشت، (کشمیر، ۱۴۶۷):

زین العابدین (ZiaN ul abiding) هشتمین پادشاه کشمیر (Kashmir) درگذشت. او در جوانی به علت جنون خودستائی به وسیله‌ی برادر بزرگترش علی شاه به تبعید فرستاده شده بودو تیمور هم او را زندانی کرد، لیکن از این مصایب جان به در برد. در هنگام تبعید، زین العابدین شجاعت و رشادت زیادی به خرج داد و حس ترحم و دلسوزی محافظ پر جرات رئیس قبیله‌ی یاغی خوکار (Khokar) را برانگیخت و زمانی که علی شاه با لشگریان خود درصدد دستگیری زین العابدین برآمد، نیروهای یاغی خوکار به حمایت وی برخاسته، علی شاه را شکست دادند و زین العابدین را به پادشاهی سرزمین کشمیر رساندند، در حالی که او جوان و پناهنده‌ی آنان بود. بخشی از ایالت کشمیر تحت فرمانروایی مسلمانان بود، اما اکثریت اهالی، مذهب هندو داشتند. زین العابدین با هندوها خوش رفتاری پیشه گرفت و بر عکس علی شاه که هندوها، برهمائی‌ها و بودائی‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می داد، سیاست ضد او را در پیش گرفت. او در کشمیر، چندین دانشگاه و پل بنا کرد و صندوقی جهت اعانه برای فقرا درست کرد و حتی معابد ویران شده‌ی هندوها را مرمت کرد.

او زبان‌های عربی، فارسی، هندو و تبتی را به روانی صحبت می‌کرد و با حمایت از دانش و هنر، کشمیر را به سرزمین طالب علم مبدل ساخت، سلطنت وی یکی از درخشان‌ترین دوران کشمیر محسوب می‌شود. زبان پارسی هم زبان دربار و بزرگان کشور شد. ملت کشمیر، زین العابدین را دوست داشتند، زین العابدین هم صلح را بر جنگ ترجیح می‌داد، با وجود این، سپاهیان خود را با سلاح‌های آتشین تجهیز کرد و فنون جنگی نوین را به آن‌ها آموخت.

کتاب انجیل به زبان آلمانی چاپ شد. (ماینز (Mainz)، آلمان ۱۴۶۸):

یک نویسنده، صنعتگر و مخترع آلمانی، به نام یوهان گوتنبرگ (Johann Gutenberg) اهل شهر ماینز، در گمنامی، جهان را بدرود گفت. او مخترعی بود که صنعت چاپ را به دنیا معرفی کرد و آن را به صورت مکانیک درآورد، وی انقلابی در فن چاپ به وجود آورد، بدین ترتیب کاغذ را بر روی صفحاتی که بر آن حروف به صورت برجسته وجود داشت، قرار می‌دادندو با فشار بر روی آن، عکس حروف روی کاغذ منعکس می‌گشت، البته در بدو اختراع چاپ فلزی، از مرکب روغنی استفاده می‌شد. در سال ۱۴۵۵، برای اولین بار،کتاب انجیل را بر روی صفحاتی که هر کدام ۴۲ سطر داشت، چاپ کردند و نام آن را هم گوتیک (Gothic) گزاردند.

فشاری که برای چاپ بر روی صفحه وارد می کردند، کار بسیار پر زحمت و طاقت فرسائی بود، چون اوائل از صفحات چوبی استفاده می‌شد و ساعت‌ها طول می‌کشید، اما از نوشتار دستی راحت‌تر بود. بعدا تسهیلات بیش‌تری در این فن معمول شد، بدین ترتیب که فلز را (سرب) ذوب کرده و در قالب‌های که به شکل حروف درآورده بودند، می‌ریختند و این حروف فلزی جای صفحه برجسته را گرفت و از مشکلات پیشین کاسته شد. گوتنبرگ خود از ماده‌ی سیاه رنگی مخلوط با روغن برای چاپ استفاده می‌کرد که آن را مرکب چاپ نامیدند. بعدها علاوه بر چاپ کتاب انجیل، از این سیستم برای پخش و انتشار سایر کتاب‌های مذهبی استفاده شد.

گوتنبرگ برای فن چاپ از نظر مالی سخت در مضیقه قرار داشت. او برای اختراع خود، مبالغ هنگفتی از افراد وام گرفت و به خصوص به زرگری به نام یوهان فوست (Johann Fust) مقدار زیادی بدهکار شد. طلبکار برای وصول طلب خود، ناشکیبایی به خرج داد، به طوری که مخترع مجبور شد با کار شبانه‌روزی خود، با حکاکی و قلم زنی بر روی مس، مبلغ ۸۰۰ گیلدر (Guilders) از وام خود را بپردازد. عاقبت دادگاه برای پرداخت بدهی گوتنبرگ، مدتی فرصت تعیین کرد که مخترع در این فرصت توانست با فروش کتاب انجیل و مزامیر داود (فصل‌هایی از کتاب بزرگ عهد عتیق یا تورات) که به چاپ رسانده بود، بتواند بدهی خود را به فوست تادیه کند.

شاهزاده کاشف، درگذشت. (پرتغال ۱۳ نوامبر ۱۴۶۰):

آخرین روزهای عمر هانری نزدیک شد. او دو جزیره را در آزور (Azores) به اطرافیان خود بخشید، یکی از آن‌ها را به برادزاده و وارث خود واگذار کردو جزیره‌ی مادیرا (Madeira) را هم به جامعه‌ی روحانیت مسیحی پرتغال تسلیم کرد. او طبق میل و آسایش روح خود، این جزیره را برا ی هزینه مراسم عشای ربانی تخصیص داد و امروز، در سن ۶۶ سالگی، در حالی جهان را ترک کرد که از خود کلیسایی به نام سنت ماری را در لاگوس (Lagos) بنا کرده بود که گفته می‌شد این کلیسا به مریم مقدس که در تمام عمر خود باکره ماند، تعلق دارد.

فرانسه ۲۶ ژوئن ۱۵۲۱
یک مدرسه اصلاح کلیساها در اطراف گی‌یوم بریکونه (Guillaum Briconnet) به سرپرستی اسقف مئو (Meaux) افتتاح شد.

فلوریدا ژوئیه ۱۵۲۱
ساکنان جدید فلوریدا پس از اینکه پونس دولئون را در زد و خورد مجروح کردند فلوریدا را ترک کردند.

بالکان اوت ۱۵۲۱
عثمانیان شهر بلگراد (Belgrade) را اشغال کردند.

مکزیک ۳۱ اوت ۱۵۲۱
کورتس و تلاکس کالانها (Tlaxcalans) که در روز ۲۸ آوریل شهر تنوکتیتلان (Tenochtitlan) را محاصره کرده بودند شهر را اشغال و آنرا آتش زدند.

انگلیس ۲۱ اکتبر ۱۵۲۱
هنری هشتم که مشهور به وفاداری نسبت به پاپ و حامی وی محسوب می‌شد پشتیبانی خود را نسبت به مراسم و آئین‌های مسیحیت (از قبیل مراسم تعمید و عشای ربانی و غیره). برضد مارتین لوتر اعلام داشت.

رم ۹ ژانویه ۱۵۲۲
آدریان (Adrian) کاردینال شهر اوترخت (Utrecht) به جانشینی لئوی دهم به عنوان پاپ انتخاب شد و نام خود را هم آدریان ششم نهاد. بر طبقه نقشه او کلیساها اصلاحات را باطل اعلام و لوترانیسم (Lutheranism) را هم لغو کردند.

آلمان ۲۴ ژانویه ۱۵۲۲
شورای ویتن برگ (Wittenberg) طی اجلاسیه‌یی اعلام کرد که اموال و دارایی‌های کلیساها و مراسم دعا و پرستش بایستی طبق ضوابط تعیین شده باشد. این امر باعث برانگیختن هواداران لوتر و شکست تندیس سازان مقدس گشت.

مکزیک ۱۵ اکتبر ۱۵۲۲
شارل پنجم امپراتور، کورتس (Cortes) را به ژنرال فرماندهی نیروهای دریایی اسپانیا و فرماندار اسپانیایی جدید تعیین کرد.

رودس (Rhodes) ۲۱ دسامبر ۱۵۲۲
جزیره رودس پایگاه پیشین سلحشوران سن جان (St. John) برای حفظ اورشلیم پس از ۶ ماه محاصره به وسیله سلطان سلیمان قانونی به تصرف عثمانیان درآمد.

مکزیک ۱۵۲۲
با انهدام شهر تنوکتیت لان پایتخت امپراتوری آزتک، اسپانیا شهر مکزیکو را تاسیس کرد. این شهر که مورد توجه بود به عنوان پایتخت اسپانیای جدید انتخاب شد.

ایتالیا ۱۵۲۲
با شکست نیروهای فرانسوی آن‌ها، شهر میلان را تسلیم نیروهای امپراتوری کردند. این نیروها همچنین شهر جنوا (Genoa) را که پایگاه طرفداران شارل پنجم محسوب می‌شد، اشغال کردند.

هلند ۱۵۲۲
شارل پنجم محلی را جهت انجام امر تفتیش عقاید برای مدت طولانی در اختیار پاپ قرار داد که دادگاههای انکیزیسیون را درآنجا قرار دهند.

آمریکای جنوبی ۱۵۲۲
یک گروه که قصد سکونت در مناطق کومانا (Cumana) و ونزوئلا (Venezuela) را داشتند به وسیله هندیان و بومیان سرخپوست قتل عام شدند.

مکزیک ۱۵۲۲
با فرونشاندن مخالفت‌ها در امپراتوری آزتک، اینک اسپانیولی‌ها نیروهایی علیه کوه نشینان زاپوتک (Zapotec) در دماغه تهوآنته پک (Tehuantepec)اعزام داشتند.

آلمان ۱۵۲۲
مارتین لوتر در جدل با توماس مونزر (Thomas Munzer) اصلاحگرای بنیادین که طرفدار اصلاحات اجتماعی و مذهبی بود، وی را متقاعد کرد زیرا لوتر بیش‌تر پای‌بند اصلاح امور مذهب بود و آن را بالاتر و ما فوق امور اجتماعی می‌دانست.

هانری که سومین فرزند ژان شاه پرتغال، و فیلیپا (Philippa) دختر جان گانت (John Gaunt) پادشاه انگلیس بود، مدت چهل سال، تمام ثروت و نیروی خود را در راه اکتشافات بحری صرف کرد. او هنگامی به سن رشد رسید که مسلمانان اسپانیایی بخش اعظم اسپانیا را در تصرف داشتند و در صدد تسخیر سرزمین پرتغال بودند و هنوز هم روحیه‌ی صلیبی‌ها قوی بود. در این زمان، دریانوردان پرتغالی، با یاری صلیبی‌ها به متصرفات مسلمانان شمال آفریقا حمله بردند.

گرچه وی خود را یک مسیحی مبارز می‌دانست و تمام تلاش خود را مصروف مبارزه با اسلام کرده بود، لیکن از دید وسیعی برخوردار بود و افق دید او مسافات بعیدی را طی می‌کرد. او نقشه‌ی تمام جزیره‌ی سیسیل و تمام جاهایی را که دریانوردان وی آنجا را کشف کرده بودند، در اختیار داشت. به دستور وی، کشتی‌هایی ساخته شد که قادر بود مدت‌ها در دریا مسافرت کند و هرگونه هوای بد و توفانی را تحمل کند، بدون این که خطری برای دریانوردان تولید کند. او سال‌های متوالی، ناوگان اکتشافی به سوی جنوب و کرانه‌ی شرقی آفریقا اعزام کرد، وی توانست جزایر مادیرا و آزور را کشف و نخستین گروه‌های مهاجر پرتغالی را در آنجا مستقر کند، او در رؤیای رسیدن به سرزمین افسانه‌یی بود که حکومت مسیحی داشت و به باور او فرمانروای این سرزمین که در قلب قاره‌ی آفریقا قرار داشت، پرستر جان نام داشت. وی هرگز به این هدف خود نرسید، لیکن پس از مرگش، دریانوردان پرتغالی سرزمین کوهستانی را در کرانه‌ی شرقی آفریقا بین یک سلسله کوه‌های صعب‌العبور کشف کردند که سیرالئون (Sierra leone) نام داشت و اهالی آن بت پرست و کافر بودند، پس از چندی، حکومت پرتغال میسیون‌های مسیحی را به آنجا فرستاد.

گرگ‌ها، جسد شارل مشهور به دلیر را خوردند. (سویس، هفتم ژانویه ۱۴۷۷):

دو روز پس از اتمام نبرد نانسی (Nancy) یکی از شهرهای ایتالیا، جسد شارل دلیر در حوضی (استخر کوچک) یافته شد، در حالی که بدن وی برهنه و قسمتی از آن توسط گرگ‌ها خورده شده و سرش هم به وسیله‌ی تبر جنگی سویسی شکافته شده بود، جسد شارل، دوک بورگاندی، قابل شناسایی نبود و تنها نشانه‌یی که وی را مشخص کرد، جای زخمی بود که از قبل در بدن وی بود. شارل، در زندگی خود، سه آرزو داشت، یکی این که به پادشاهی برسد، دوم این که ژنرالی موفق باشد و سوم این که فاتح نبردی باشد که در آن کشته شد، و هر سه آرزوی وی بر باد رفت.

او که فردی، بی رحم و شقاوت پیشه بود، آرزو داشت که همتای ژولیوس سزار (ژول سزار) و یا سایر ژنرال‌های رم باستان گردد، در سال گذشته، کارگران معدن در سویس بر علیه شوالیه‌های بورگاندی شورش کردند، در همین زمان، شارل جنگی را برضد نوواش آغاز کرد. شارل که در نبرد با مراد سلطان عثمانی، شرمگین بود، پس از این شکست، بار دیگر راه سویس را در پیش گرفت، چون در این نبرد، نیمی از سپاهیان خود را از دست داده بود و خودش هم از ترس گریخت و به سویس رفت.

رقیب جنگی وی رن (Rene) دوم، فرماندار لورن (Lorraine) بود که شارل را به نبرد نانسی وادار کرد. رن از سویس و فرانسه درخواست کمک کرده بود تا دوک بورگاندی را شکست دهد. زمانی که شارل در شهر نانسی درمحاصره افتاد. بقایای ارتش وی مراجعت کردند و این سومین شکست او در یک سال بود، در حالی که آمال و آرزوهایش هم سه مرحله داشت. سرانجام دوک با تمام آرزوی خود سپاهیانش را از دست داد و خودش هم جان باخت.

با مرگ پادشاه بوهم، نبرد خانگی آغاز شد. (پراگ، ۲۲ مارس ۱۴۷۱):

یان هوس (Jan Hus) در سال ۱۴۱۵ به خاطر عقایدش به ارتداد محکوم و به آتش افکنده شد، ولیکن عقاید وی درباره‌ی مراسم عشای ربانی که شراب و نان را به عنوان خون و جسم عیسی رد می‌کنند و آن را عوامانه می‌دانند، همچنان باقی است و این تهدیدی است که ممکن است سرزمین بوهم را در جنگ و خونریزی فرو برد و در این صورت، دولت عثمانی هم که مترصد این وضعیت است، در آن شرکت خواهد کرد.

فرقه‌ی هوسیت امروز یکی از قهرمانان خود را از دست داد، جرج پودبراد (George Podebrad) در سال ۱۴۴۴ هنگامی که ۲۴ ساله بود، از رهبران سیاسی چک به حساب

می‌آمد. پودبراد در همان سال، با گروه‌های دیگر پیمان اتحاد بست و کاتولیک‌های پراگ و سایر نقاط کشور را به مبارزه طلبید. جورج با حمایت طرفداران خود، به سوی کلیسای کاتولیک‌ها رفت، به طوری که کاردینال شهر پراگ، در کلیسا پنهان شد و در آن هنگام غائله پایان یافت.

در سال ۱۴۵۸، لادیسلاس (Ladislas) پادشاه جوان بوهم، در اثر بیماری طاعون فوت شد و جورج که در آن هنگام نایب السلطنه بود، به سلطنت رسید و به جای لادیسلاس پادشاه بوهم شد. پاپ که در سال ۱۴۶۶ جورج را مرتد دانسته و وی را محکوم کرده بود، چون دشمن خود را قوی‌تر احساس کرد، از ماتیاس (Matthias) پسر خوانده‌ی او که پادشاه مجارستان بود، پشتیبانی کرده و او را به جنگ با جورج وادار کرد. ولیکن جورج که در دشمنی با پاپ و کاتولیک‌ها پا برجا بود، جان خود را در این راه از دست داد.

اینکاها به سراسر آمریکای جنوبی مسلط می‌شوند. (پرو، ۱۴۷۰):

سپاهیان اینکا، تحت رهبری توپا اینکا (Topa Inca) پسر پاچاکوتی (Pachacuti) بزرگ به حاکم نشین چیمور (Chimor) تاختند. استان چیمو (Chimu) که در ساحل اقیانوس آرام قرا ردارد، پیشرفته‌ترین مناطق آمریکای جنوبی بود. این پیکار که مدت هشت سال ادامه داشت، منطقه را تحت تابعیت اینکاها درآورد و در نتیجه آمریکای جنوبی زیر نفوذ اینکاها قرار گرفت.

توسعه‌ی مناطق تحت نفوذ اینکاها، از ۳۲ سال پیش که پاچاکوتی بر منطقه استیلا یافت و پایتخت خود به نام کوزکو (Cuzco) را بر فراز یکی از ارتفاعات کوهستان آند بنا کرد، آغاز شد. بدین ترتیب، اینکاها بر بخش اعظم آمریکای جنوبی دست یافتند. توپا اینکا سیاست پدرش را تعقیب کرد و با سپاهیان خود، در شمال بقیه‌ی مناطق کوهستانی آند را تسخیر کرد و از سوی غرب هم، دشت‌های ساحلی اقیانوس آرام را متصرف شد. با ملحق شدن چیمور به امپراتوری، سرزمین تحت سلطه‌ی اینکاها از کوهستان آند تا کرانه‌ی اقیانوس آرام توسعه یافت.

حکومت اینکا نتوانست بناهای آن چنانی و مناسب امپراتوری عظیم خود بسازد. حاکمیت در بند این موضوع

سویس ۱۹ ژانویه ۱۵۲۳
اولریخ زوینگلی ۶۷ مورد را زیربنای اصلاحات قرار می‌داد که نخستین آن اعلامیه زوریخ در مورد اصلاحات بود. پس از انتشار خلاصه‌یی از انجیل، زوینگلی حملات شدیدی به پاپ کرد که بیشتر راجع به اثبات ادعاهای او و مقدس دانستن پاره‌یی از امور بود.

بروکسل اول ژوئیه ۱۵۲۳
دو نفر از پیروان لوتر که راهبان مقدس شهر آنتورپ (Antwerp) بودند زنده در آتش افکنده شدند.

سویس اکتبر ۱۵۲۳
اجلاسیه شهر زوریخ برنامه اعتراض به اصلاحات مورد نظر اولریخ زوینگلی را مورد تائید قرار داد.

رم ۱۹ نوامبر ۱۵۲۳
کاردینال جولیو دومدیچی (Giulio de Medici) به عنوان پاپ انتخاب شد و نام خود را به کلمنت هفتم تغییر داد.

آمریکای مرکزی ۱۵۲۳
پدرو آلوارادو (Pedro Alvarado) تعهد کرد که هندوراس (Honduras) را فتح کند.

دانمارک ۱۵۲۳
کریستیان دوم نیرویی از روستائیان را برای حمایت از شورش علیه فدریک و جلوگیری از انتخاب وی به مقام دوک شلزویگ هولشتاین (Schleswig Holstein) بسیج کرد.

آمریکای جنوبی ۱۵۲۳
پاسکال دوآندا گویای (Pascual de Andagoya) اسپانیولی در جنوب آمریکا به مرز کلمبیا (Colombia) رسید.

اسپانیا ۱۵۲۳
دیه گو کولومبوس (DiegoColumbus) پسر کریستف کلمب تمام مشاغل موروثی پدر خود را از دست داد.

فرانسه ژانویه ۱۵۲۴
جووانی دا وراتزانو (Givanni da Verrazzano) دریانورد فلورانسی از طرف کمیسیون فرانسوی فلورنتین (Florentine) ماموریت یافت که مسیر شمال غربی هند را بیابد.

آمریکای شمالی ۱۵۲۴
دیه گو گومز (Diego Gomes) دریانورد پرتغالی که در خدمت اسپانیا بود تمام کرانه ساحلی آمریکا از نوواسکوتیا (Nova Scotia) تا فلوریدا (Florida) را کشف کرد.

فرانسه ۱۵۲۴
یکی از نگهبانان بوربون (Bourbon) که در خدمت شارل پنجم درجه ستوانی داشت به منطقه پروونس (Provence) حمله کرد.

مکزیک ۱۵۲۴
کوآتموک (Cuauhtemoc) آخرین پادشاه آزتک که مدت سه سال زندانی بود به وسیله اسپانیولی‌ها به جرم خیانت به دار آویخته شد.

سویس ۱۵۲۴
اوری (Uri)، اشوویتز (Schwyz) و اندروالدن (Underwalden) که سه ناحیه جنگلی در سویس بودند به مذهب کاتولیک وفادار ماندند و با اتریش، هم پیمان شدند.

آمریکای مرکزی ۱۵۲۴
بنا به درخواست کاک شیکوئل (Cakchiquel) هندی، اسپانیولی‌ها نیرویی جهت قلع و قمع کردن مایاها (Maya) در تنگه تهوآن تپک (Tehuantepec) اعزام داشتند.

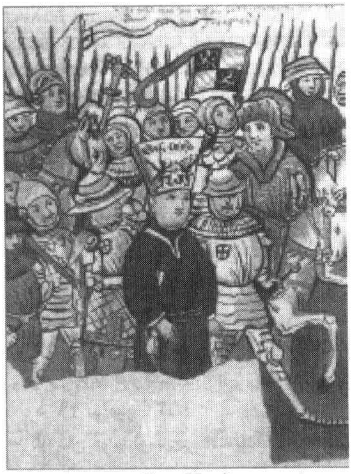
اسپانیا ۱۵۲۴
گارسیا دولوئیزا (Garcia de' Loasia) به سمت ریاست کنسولی منطقه هندی (اسپانیولی‌ها، ساکنان آمریکای مرکزی و جنوبی را هندیان غربی می‌نامیدند.) با مسئولیت اداره دارائی و داوری امور اسپانیایی جدید انتخاب شد.



فیلیپ دوک بورگوندی (Burgundy)
که در ماجرای هنری ذینفع بود.



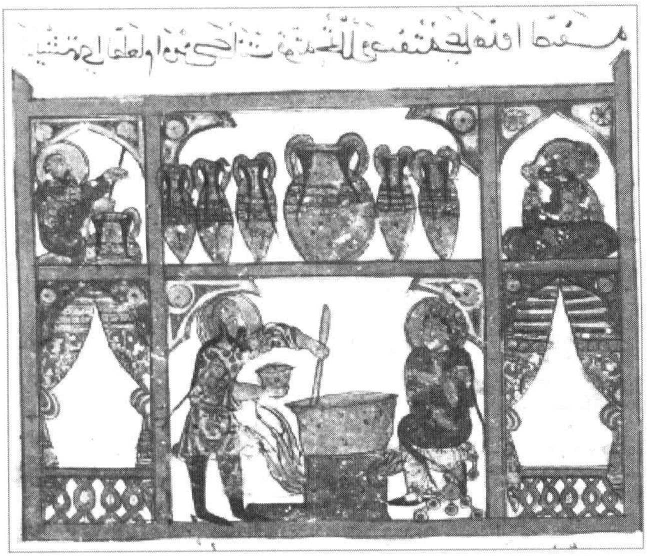
مارتین، پاپ نفاق‌افکن و تکفیر کننده.



یان هوس (Jan Hus) نخستین فردی
بود که وی را زنده در آتش سوزاندند.



هانیا (Hannya)، ماسکی ژاپنی به صورت
شیطان در حکایت تئاتر نوح پیامبر.



یک داروخانه، تمام اقشار عرب برای یادگیری فن داروسازی با هم رقابت می‌ورزند.



تمثال مسیح از دید روس‌ها در حالی که وی
یکی از سه اقنوم می‌باشد (روح القدس).



هنری پنجم که نبرد آژین کورت را به راه انداخت.

نبود و بیش‌تر سعی می‌کرد که با احضار سربازان، ارتش خود را سامان داده و قدرت آن را افزایش دهد. آنان با هنر بیگانه بودند، جز هنرهای پیکار. سیاست آنان بر این پایه قرار داشت که منحرفان جنسی را تبعید و شکنجه کنند و به انحای مختلف، آن‌ها را به قتل رسانند. مردم بایستی امپراتور را خورشید زمینی دانسته و او را بپرستند.

اهالی می‌توانستند تحت تعلیم کلاس‌های ویژه قرار گیرند و بین اینکاهای طالب جنگ و خونریزی و اینکاهای خواستار صلح، یکی را انتخاب کرده و با آن‌ها همکاری کنند. برای توپا اینکا، همه چیز و همه کس باید در اختیار جنگ و توسعه‌ی امپراتوری قرار گیرد.

دراکولا، شاهزاده‌یی که باعث قتل گروه زیادی از مردم شد، از دنیا رفت. (ترانسیلوانی (Transylvania)، ۱۴۷۷):

ساکنان اروپای مرکزی، با شنیدن اخبار مربوط به دار آویخته شدن ولاد، به خواب نسبتا راحتی فرو رفتند. او مشهورترین قاتل گروهی از مردم بود و در سن ۴۵ سالگی تسلیم چوبه‌ی دار شد. این دارکولا (Dracula)که به دار آویخته شد (روح پلیدی از اهالی رومانی بود). در پیکاری مختصر که برای تسلط دوباره بر موطن خود والاچیا (Wallachia) برپا شد، دستگیر شد. ولاد (Vlad) چهارم در ۲۱ سال قبل، به سلطنت رسید و پس از مدتی، توسط مجارها که همسایه‌ی او بودند، دستگیر و زندانی شد. وی سال گذشته آزاد شد، در حالی که مدت ۱۴ سال از عمر خود را با همکاری ترک‌های عثمانی، در توطئه علیه مردم به سر برد و موجب وحشت و ترور آن‌ها بود.

ولاد در سال ۱۴۶۱ به اوج قدرت رسید، چون پیمان اتحادی با مجارها بست. در این موقع برای ویرانی و خرابی بیش‌تر، به ساکنان ترک بلغار حمله برد و تعداد ۲۵ هزار نفر از آن‌ها را به دار آویخت. او آدمی بسیار بی‌رحم و شقی و سنگ‌دل بود. او کودکان را وادار می‌کرد که گوشت بدن مادران خود را کباب کرده، بخورند و در غیر این صورت آنان را هم اعدام می‌کرد. او تشنه‌ی خون بود و از بوی خون لذت می‌برد. یکی از ترکان عثمانی که با جاسوسی عمامه وی را ربوده بود، دستور داد سر وی را با عمامه میخکوب کنند و بدین ترتیب ترک‌ها را هم علیه خود برانگیخت.

آلمان ۱۵۲۴
مارتین لوتر (Martin Luther) سرانجام پیمان خود، راجع به امور کلیسایی را شکست و مقام روحانی را ترک کرد.

هندوستان ۱۵۲۴
واسکوداگاما (Vasco da Gama) به مقام نایب السلطنه منطقه گوا (Goa) رسید.

ایران ۲۳ مه ۱۵۲۴
شاه اسماعیل صفوی درگذشت. و فرزند ده ساله وی طهماسب (Tahmasp) جانشین او شد.

مصر ۱۵۲۴
شورشی که احمد پاشا بر ضد عثمانی در سال ۱۵۱۷ بر پا کرده و در تمام کشور گسترش یافته بود، سرکوب شد.

ژاپن ۱۵۲۴
هوجو اوژیت سونا (Hojo Ujitsuna) به دژ ادو (Edo) حمله کرد و آنرا متصرف شد. پیروان نیشی‌رن (Nichiren) که به بودیسم (Buddism) وفادار مانده بودند از ادو (توکیو) بیرون رانده شدند.

آلمان ۱۵۲۴
روستائیان جنوب آلمان، قیامی به رهبری توماس مونزرعالم خداشناس برپا کردند، آنها در خواست الغای سیستم رعیتی و حذف مالکیت‌های بزرگ زمین‌های زراعتی و نیز عشریه را داشتند.

سویس ۱۵۲۴
هانس هولباین (Hans Holbein) نقاش سویسی جان سپرد.

پروس ۸ آوریل ۱۵۲۵
آلبرت فون براندنبورگ (Albert Von Brandenburg) رهبر تئوتونیک‌ها (Teutonic) که به خود لقب دوک پروس را داده بود پیشنهاد کرد که کلیساهای پروتستان نشین به رسمیت شناخته شوند و پروس ایالت پروتستان اعلام شود.

آلمان ۷ مه ۱۵۲۵
شورش روستائیان سرکوب شد و توماس مونزر را زندانی و سربریدند.

آلمان ۱۹ ژوئیه ۱۵۲۵
شاهزادگان کاتولیک شمال آلمان با عقد پیمان دسو (Dessau) به جنگ با اصلاحات برخاستند.

پرتغال ۲۱ اوت ۱۵۲۵
استاوائو گومز (Estavao Gomes) پس از یکسال که جهت کشف سواحل شرقی آمریکای شمالی در آن دریا به سربرده بود به وطن بازگشت. او در جستجوی راه آبی مستقیم به قاره آسیا ناکام ماند.

کارائیب ۱۵۲۵
ولسر (Welser) یکی از خانواده‌های بانکدار اوگسبورگ (Augsburg) یک مرکز تجاری و مالی در سانتو دومینگو (Santo Domingo) تاسیس کرد.

اسپانیا۱۵۲۵
در کنفرانسی که در سال ۱۴۹۴ در منطقه باداخوز (Badajoz) تشکیل شد، طبق عهد نامه توردزیلا (Tordesillas) به این موضوع تاکید شده بود که اسپانیا و پرتغال سرزمین‌های دنیای جدید را بین خود قسمت کنند.

اسپانیا ۱۵۲۵
آخرین دسته از مسلمانان مراکشی که زمینهای بزرگی را در دشت والنسیا (Valencia) مالک بودند از کشور اخراج شدند.

پرو ۱۵۲
با مرگ هوآیانا کاپاک (Huayana Capac) امپراتور اینکا (Inca) حاکم نشین وی بین دو فرزند او به نامه‌های هوآسکار (Huascar) و آتاهوآلپا (Atahualpa) تقسیم گردید.

آلمان ۳۰ دسامبر ۱۵۲۵
یاکوب (یعقوب) فوژر (Jacob Fugger) دوم (ملقب به ثروتمند) وارث ثروت دو امپراتور ماکسیمیلیان و شارل پنجم، در گذشت. وی معادن استخراج مس و بازار فروش آنرا در دست داشت و موسسات تجاری و مالی عظیمی در شهر لیسبون (Lisbon) در پرتغال تا کراکو (Cracow) در لهستان و از بالتیک (Baltic) تا دریای مدیترانه دایر کرده بود.

غاصب سلطنت، پادشاه انگلیس را در جنگ‌های رز به قتل رسانید. (لندن، ۲۱ مه ۱۴۷۱):

هنری ششم، پادشاه انگلیس، کشته شد. وی احتمالا به دست غاصب سلطنت، ادوارد چهارم، که یک بار هم مدتی پادشاهی را غصب کرده بود، در برج لندن به قتل رسید.

مرگ هنری ، آخرین حادثه‌یی بود که در این سلسله‌ی پادشاهی، بین خاندان یورک (York) ولانکاستر (Lancaster) روی می دهد، و با نبردهایی که به نام رزها (Roses) معروف شده (رز سفید، علامت خاندان یورک و رز قرمز نشانه‌ی خاندان لانکاستر می‌باشد.) به دنبال بیماری مغزی که برای هنری ششم از خانواده‌ی لانکاستر در سال ۱۴۵۴ اتفاق افتاد، ریچارد که مقام دوک را در یورک داشت، به سلطنت رسید. ریچارد در سال ۱۴۶۰ در نبرد و یک فیلد (Wakefield) کشته شد، اما پسر وی ادوارد، هنری را معزول کرده و خودش به نام ادوارد چهارم به جای او نشست. در سال پیش، برادر ادوارد، دوک منطقه‌ی کلارنس (Clarence)، با همیاری ارل وارویک و دولت فرانسه، ادوارد را معزول کرد و بار دیگر هنری مقام خود را بازیافت. امسال ادوارد با میانجی‌گری دوک بورگاندی، با برادرش صلح کرد و وارویک (Warwick) را در نبرد بارنت (Barnet) نزدیک لندن و در تاریخ ۱۳ آوریل شکست داد که در حین جنگ وارویک هم به قتل رسید.

در تاریخ سوم مه، ادوارد برای تنبیه خانواده‌ی لانکاستر، به پیکار با آنان پرداخت و در جریان جنگ، ته وکسبری (Tewkesbury) شاهزاده ادوارد، پسر هنری ششم کشته شد. با وضع خطرناکی که پیش آمد، ادوارد صلاح ندید که رقیب خود هنری را زنده نگه دارد و زندانی کردن او هم برایش مخاطره‌آمیز بود، در نتیجه وی را به قتل رسانید.

کاترینای ونیزی، در مقام ملکه‌ی قبرس (قبرس، ۱۴۷۷):

به رغم تهدیدهایی که از جانب ارتش عثمانی به قبرس وارد می‌شد، این جزیره تحت زعامت ملکه کاترینا کورنارو (Caterina Cornaro) که فرمانروایی عاقل و با تدبیر بود، به کامیابی و خوشبختی رسید.

او در سال ۱۴۵۴، در خانواده‌یی ثروتمند در قبرس به دنیا آمد و از کودکی تحت تعالیم برادر خود قرار گرفت. در سال ۱۴۶۸، وی به عشق جیمز دوم، پادشاه قبرس، گرفتار شد. این زوج در سال ۱۴۷۲ زناشویی کردند، لیکن جیمز دوم چند ماه پس از ازدواج، از دنیا رفت. کاترینا در خفا با افراد دیگری عشقبازی می‌کرد، در ضمن سعی می‌کرد که قدرت سلطنت را حفظ کند. در همین اوان، پسر او به نام جیمز سوم، نامزد سلطنت گردید و چون جهت اداره ی کشور کم سن و سال بود، مادرش نایب السلطنه‌ی وی شد، چون دایی و عموی جیمز هم کشته شده بودند. در سال ۱۴۷۴، کاترینا بار دیگر قدرت را در دست گرفت، زیرا فرزندش مبتلا به بیماری مالاریا شده، در گذشت و باز هم کاترینا تنها ماند.

کتاب‌های افلاتون برای مدیچی (مدیسی) به لاتین ترجمه شد. (فلورانس، ۱۴۶۹):

مارسیلیو فی چینو (Marsilio Ficino) شیفته‌ی دنیای کهن بود و به فرهنگ و ادب ایتالیایی هم عشق می‌ورزید. او به عنوان کشیش، زندگی خود را در کلیسا می‌گذرانید. وی در این فکر بود که ادبیات ایتالیایی را زنده و پویا نگه دارد، کتاب‌ها و کارهای افلاتون را از یونانی به زبان لاتین برگرداند. او چون جوهره فلسفی داشت، این کار را برای ارضای روحیه‌ی فلسفی خویش انجام داد. (و همانند افلاطون به بقای روح پس از مرگ جسمانی معتقد بود)، دانشمندان متافیزیک (ماوراء الطبیعه) براین باورند که روح باقی و جسم فانی است.

فی چینو، رهبر اعضای گروه فلورانسی‌هایی بود که پیرو نظریات افلاتون بودند و این آکادمی را مدیچی (مدیسی) که در سه سال پیش فوت شده بود، تاسیس کرد. ترجمه‌ی کارهای افلاتون، نخستین ثمره‌ی این آکادمی بود که فی چینو شروع کرد، لکن نوه‌ی مدیچی به نام لورنزو (Lorenzo) که پس از پدربزرگش ریاست آکادمی را بر عهده گرفته، کارهای فی چینو را دنبال کرد.

آکادمی افلاتون، ساختمانی برای تجمع افراد نداشت و همین طور استادی که برای اعضاء سخنرانی کند را فاقد بود، بلکه از مردانی تشکیل شده بود که دوست دار فلسفه بودند و فی چینو مشاور آن‌ها بود. این آکادمی بیش تر در راه تمرین علم فلسفه و پیشرفت آن در جامعه‌ی ایتالیایی به وجود آمد و گامی بلند برای روشنفکران پیرو فلسفه‌ی اصالت انسانی بود.

بازرگان روسی تنها به هندوستان وارد شد. (بیدار (Bidar)، هند، ۱۴۷۰):

یک تاجر روسی به نام آفانازی نیکی تین (Afanasii Nikitin) با مسافرت قهرمانانه‌ی خود که در طی آن پنج هزار کیلومتر را پیمود، به شهر بیدار هند رسید. وی سفر خود را از موطنش کالی نین (Kalinin) نزدیک شهر مسکو و در سال ۱۴۶۶ آغاز کرد و سپس همراه هیاتی که ایوان (Ivan) کبیر پادشاه روسیه به تاتارستان فرستاده بود، شد.

او پس از ترک آن‌ها مسافرت خود را ادامه داد تا به رود ولگا (Volga) رسید، در این محل می‌خواست به حضور امپراتور مغول که در کنار دریای خزر مشغول گذارانیدن فصل تابستان بود برسد (مغول‌ها در این جا در زیر چادر زندگی می‌کردند)، لیکن راهزنان او را دستگیر و محبوس نمودند.

او پس از آزادی، یکه و تنها، به سفر خود ادامه دادو چون به کرانه‌ی دریای خزر رسید، یک قایق برای رسیدن به ایران کرایه کرد و پس از طی مسافتی، شعله‌های آتشی که از سوختن نفت در کناره دریا ایجاد شده بود، نظر وی را جلب کرد و فهمید که به شهر باکو (Baku) رسیده است.

در منطقه ی چاپاکور (Chapakur) از قایق پیاده شده و قایق را رها کرد و سراسر ایران را در نوردید، پس از پیمودن شمال ایران و حاشیه‌ی دریای خزر، از کاشان و یزد هم عبور کرده و به هرمز (بندرعباس) رسید.

از بندرعباس بار دیگر با کشتی به مسقط و از آنجا به هندوستان در منطقه چائول (Chaul) که در پانصد کیلومتری جنوب شهر بمبئی (Bombay) قرار داشت وارد شد و در آنجا مدتی اقامت گزید. پس از مدت دو ماه، به ایالت بیدار که منطقه‌یی مسلمان نشین بود وارد شد. رقیب این ایالت، منطقه‌ی ویجایاناگار هندونشین بود که در این هنگام سپاهیان مسلمان با چندین هزار سرباز پیاده و هزاران سوار با تعدادی فیل سوار جنگی به نبرد رقیب شتافتند و سیاح روسی هم نظاره گر این پیکار شد.

نت‌های موسیقی و اعلان و آگهی و نقشه‌های جغرافی، توسط صفحات فشاری به چاپ می‌رسد. (اروپا، ۱۴۷۷):

مراکش ۱۵۲۵
سلسله سعدیان با ادعای اینکه نسبشان به حضرت علی پسر عموی پیغمبر می‌رسد پایتخت خود را در شهر مراکش (Marrakesh) قرار دادند.

اسپانیا ۱۴ ژانویه ۱۵۲۶
فرانسیس فرانسوی که مدت یکسال اسیر شارل پنجم بود قرار دادی در مادرید امضا کرد که بر طبق آن بورگوندی را تسلیم کرد لیکن در عوض سرزمین‌های فلاندر (Flanders) آرتوا (Artois) و تورنایی (Tournai) را که مورد ادعایش بود گرفت. او همچنین ادعای خود را در مورد تمام سرزمین ایتالیا پس گرفت و از شورش نگهبانان منطقه بوربون پوزش خواهی کرد.

فرانسه ژوئن ۱۵۲۶
فرانسیس شاه فرانسه اینک مدعی است که پیمان مادرید پوچ و باطل است.

رم ژوئن ۱۵۲۶
پاپ کلمنت هفتم ثابت کرد که در مراسم مذهبی به وسیله ماتیو باچو (Matteo de Bascio) عقاید فرانسیکن‌ها در مورد فقر، تقدس محسوب می‌شود.

کارائیب ۲۶ ژوئیه ۱۵۲۶
لوکاس واسکوئز دوآیلون (Lucas Vasquez de Ayllon) اسپانیائی سانتودومینگورا با چند صد نفر ساکنان آن ترک کرد تا درفلوریدا اردوگاهی برای آنان تهیه کند.

مجارستان نوامبر ۱۵۲۶
ژان زاپولیائی (John zapolyai) اهل ترانسیلوانی (Transylvania) به وسیله فرقه یی از نجبا به عنوان پادشاه انتخاب شد. سلطنت مجارتسان از زمان مرگ لویس (Lewis) دوم در موهاک (Mohacs) بدون پادشاه مانده بود.

کارائیب نوامبر ۱۵۲۶
ساکنان جدید فلوریدا پس از مرگ لوکاس و اسکوئز دوآیلون در ۱۸ اکتبر بدون سرپرست فلوریدا را ترک کرده و به سانتو دومینگو (Santo Domingo) مراجعت کردند. تنها یکی از این افراد تسلیم نیروهای نظامی شد.

فرانسه ۱۵۲۸
شاه فرانسیس، پیمان بازرگانی با ترکان عثمانی امضاء کرد.

اسپانیا ۱۵۲۸
یک سپاه نظامی برای دفاع از هندیهای غربی تشکیل شد.

فرانسه ۱۵۲۸
پاریس به عنوان پایتخت فرانسه انتخاب شد.

سویس ۱۵۲۸
شهر برن (Berne) تمایل خود را نسبت به اصلاحات دینی ابراز کرد و آئین عشای ربانی را منسوخ ساخت.

هند ۱۵۲۸
پرتغالیها به منطقه بنگال (Bengal) رسیدند.

کارائیب ۱۵۲۸
هنگامی که هیئت اعزامی به برزیل، در ناحیه فلورنتین رسید جووانی وراتزانو (Giovanni Verrazzano) رهبر گروه اکتشافی به وسیله مردمان محلی به قتل رسید.

فلوریدا ۱۵۲۸
تنها عده کمی از ملوانان تحت سرپرستی پانفیلو دونار وائز زنده به یک جزیره کوچک در خلیج مکزیک خارج از ساحل فلوریدا رسیده و در آنجا پهلو گرفتند. در حالیکه بیشترین آن‌ها در دریا از شدت گرسنگی و تشنگی به هلاکت رسیدند و ناروائز بدین ترتیب تعداد زیادی از ملوانان خود را از دست داد.

آفریقای شرقی ۱۵۲۸
مردم شهر موombasa (Mombasa) برضد حکمرانان پرتغالی سر به شورش گذاشتند.

دستگاه فشاری و متحرکی که گوتنبرگ برای چاپ اختراع کرده بود، به سراسر اروپا راه یافت. در ابتدا بین چاپخانه‌ها که با روش جدید کار می‌کردند، این اختلاف پیش آمد که بایستی دستورات دینی مسیح از جمله انجیل چاپ شود، اما با منظم کردن امور چاپی این اختلاف برطرف شد.

در سال ۱۴۷۲، اقدام به چاپ کتاب های موسیقی در شهر بولونیا (Bologna) ایتالیا کردند، سپس نقشه‌های جغرافیایی چاپ شد و اکنون ویلیام کاکستون (William Caxton) انگلیسی با دستگاه چاپ اختراعی گوتنبرگ، آگهی‌ها و اعلان‌هایی که مربوط به ناحیه‌ی سالیسبوری (Salisbury) انگلیس می‌باشد را به صورت رل یا صفحات لوله شده چاپ می‌کند و برای نقاط مختلف جهت اطلاع می‌فرستد. کاکستون هم چنین به اعتبار این دستگاه، اقدام به چاپ کتابی به نام ضرب المثل‌های زبان انگلیسی کرده و در اختیار خواستاران قرار داده است این کتاب که بیش‌تر جنبه‌ی فلسفی دارد، در تاریخ ۱۸ نوامبر امسال انتشار یافت.

وی هم چنین دستورات و کارهای سازمان اداری وست مینستر (Westminster) را به زبان‌های بیگانه منتشر کرده است. او در برنامه‌ی بلند پروازانه‌ی خود، در صدد است که انواع موضوعات را از قبیل داستان‌های شوالیه‌گری رومیان، تاریخ باستانی روم، موضوعات فلسفی و حتی دایره المعارف را چاپ کند.

وام دهندگان ، با خشم کشاورزان خرده مالک روبرو می‌شود. (ژاپن، ۱۴۸۱):

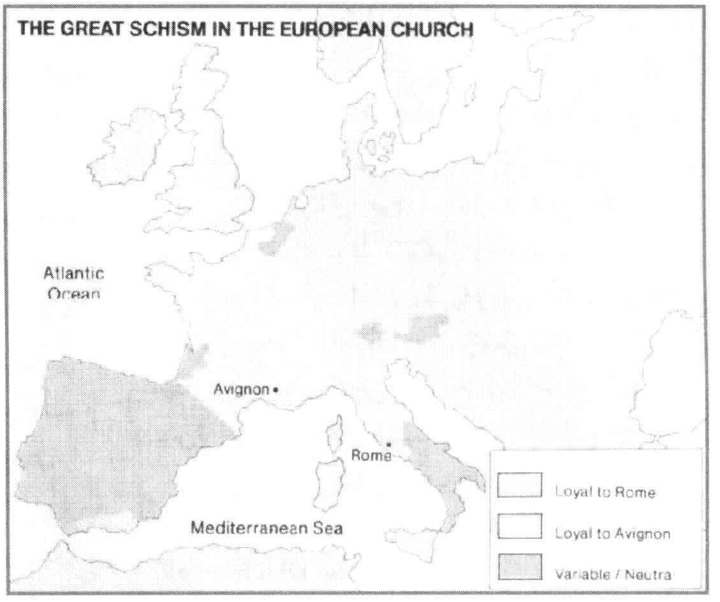
کمیته‌های روستایی سراسر دهات و روستاهای کشور ژاپن، از تمام خرده مالکان دعوت کرده که برای اعتراض و مخالفت با وضع مالیات و اقدامات وام دهندگان قیام کنند، چون وام دهندگان تصمیم گرفته بودند در ازای بدهکاری کشاورزان، زمین‌های آنان را تصاحب کنند و از دادن وام و گرو گذاشتن زمین در مقابل پول ممانعت کنند. وام دهندگان اعلام کردند که اختلافات خود را کنار بگذارند و با همبستگی خود در مقابل زارعان ایستادگی کنند تا بتوانند وام و بهره‌ی آن را دریافت کنند و نیز دعوا و ستیزه‌ی بین خود را به صلح تبدیل کنند. اما از اینکه سرانجام این ستیزه‌جویی‌ها به تاراج و چپاول و خرابی منجر می‌شود، وام دهندگان هم دست به غارت اموال روستائیان زده و خانه‌های روستائیان را ویران کردند، در نتیجه کمیته‌های روستایی از بین رفت و قدرت به دست وام دهندگان افتاد. بنابراین روستائیان که زمین‌های خود را از دست داده بودند، مسلح شده و به جنگ مسلحانه‌ی خود علیه وام دهندگان اقدام کرده و آنان را از زمین‌ها بیرون کردند. نخستین یورش آن‌ها هم منجر به تخریب بنگاههای رهنی و صرافی آن‌ها گردید.

حریفان بانک‌دار، با طرح توطئه، عده‌یی را از دم تیغ گذرانیدند. (فلورانس ، ۲۷ آوریل ۱۴۷۸):

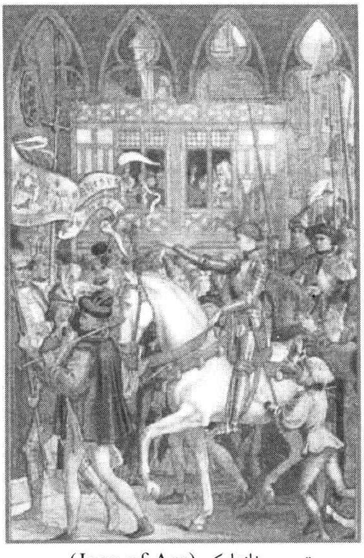
در اطراف کاخ جولیانودو مدیچی (Giuliano de Medici) اجساد شورشیان حلق‌آویز شده‌یی که از پنجره‌های قصر به بیرون پرتاب شده بود را هم چون هلالی فرا گرفته بود و این به خاطر کشته شدن لورنزو برادر جولیانو بود که به دست آن‌ها به قتل رسید. این کشتار با نقشه‌ی قبلی افراد خانواده بانک‌دار پاتزی (Pazzi) و همدستان وی از جمله سراسقف پیزا (Pisa) بود. در حالی که فرانچسکو پاتزی (Francesco pazzi) بازو به بازوی جولیانو به طرف کلیسای شهر قدم زنان در حرکت بودندو افکار آن‌ها معطوف به مراسم عشای ربانی بود. در همان هنگام هم قرار بود کاردینال شهر انتخاب شود (پاپ از تمام جریانات باخبر بود و خود وی این دسیسه را ترتیب داده بود.)

در اثنای اجرای مراسم عشای ربانی، توطئه‌گران خنجرهای خود را بیرون کشیده و به طرف جولیانو و برادرش حمله کردند و ۱۹ بار خنجرهای خود را به سوی جولیانو حواله کردند، لیکن جولیانو با وجود زخم، به طرف اتاقی که ظرف‌های مقدس کلیسا در آن قرار داشت، گریخت. لیکن لورنز و برادرش بر اثر جراحات وارده جان سپرد، جولیانو در این حادثه سالم ماند و قاتلان وی که دو نفر کشیش بودند، فرار کردند، اما مردم شهر فلورانس، پاتزی را با هم دستان وی که ترتیب دهنده ی این حادثه بودند دستگیر و به جزای اعمالشان رساندند. به طوری که حساب شده بود در این واقعه ۷۰ نفر کشته شدند.

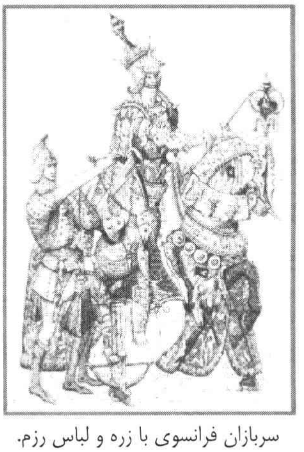
با مرگ سلطان فاتح، فلمرو وی رها شد و امپراتوری دچار آشوب شد. (امپراتوری عثمانی، ۱۴۸۱):



نقشه‌یی به نشانه‌ی شکاف عمیق در دنیای مسیحیت.



تصویر ژاندارک (Joan of Arc)
که در سده‌ی ۱۹ ترسیم شده.



سربازان فرانسوی با زره و لباس رزم.



مینیاتوری از شهید ژان دارک.



تصویری از نمایش‌نامه شکسپیر درباره‌ی زمان هنری پنجم در حالی که چادرهای نیروی نظامی انگلیس در نبرد آژین کورت (Agincourt) را برپا کرده‌اند.

مرگ محمد دوم، معروف به فاتح سلطان عثمانی، سبب از بین رفتن قدرت این امپراتوری شد. حال به نظر می‌رسد که دو پسر وی، بایزید و سلطان جم (Jem Sultan) برای احراز قدرت باید با هم به نبرد بپردازند، لیکن موضوعی که باید مورد انتقاد قرار گیرد، این است که سلطان محمد تمام ثروت و بودجه‌ی امپراتوری را صرف جنگ کرده بود و در حال حاضر خزانه‌ی کشور خالی است و این جریان از دید عمومی پنهان مانده است و مردم حق ندارند راجع به آن صحبت کنند. سلطان محمد در سال ۱۴۵۳ شهر قسطنطنیه را تسخیر کرد و لقب فاتح گرفت و این جریان اعتبار وی را در نظر دشمن قدیمی او هلیل پاشا (Halial pasha) وزیر اعظم بالا برد. وی پیش از این ، سربازان قدرتمند و مبارز ینی چری را به شورش بر علیه سلطان تحریک کرده بود، هر چند این غائله را سلطان محمد به نحوی خواباند.

محمد خود را خان و رییس چادرنشینان استپ‌ها (قاضی) و مبارزی در راه اسلام و فاتح قسطنطنیه و بیزانتیوم (Byzantium) می‌دانست. او به تمام ادیان اجازه داد که آداب مذهبی خود را انجام دهند، لیکن در مسائل سیاسی حق شرکت نداشتند و نمی‌توانستند در آشوب و اغتشاش شرکت کنند. او سپس قوانینی برای عموم مردم وضع کرد که در تمام سرزمین عثمانی می‌بایستی اجرا شود. وی بیش‌تر عمر و انرژی خود را صرف جنگ و تسخیر سرزمین‌هایی چون صربستان ، آلبانی، هرزه گوین (Herzegovina)، بخش اعظم بوسنی (Bosnia) و یونان (شامل آتن و پلوپونز (Peloponnese) کرد که قسمتی از این سرزمین‌ها در اواخر عمر او تصرف شد. آناتولی (Anatolia) تحت تابعیت وی و ونیز خراج گذار عثمانی شد.

اسپانیا، بخش جدیدی از سرزمین آفریقا را تصرف کرد. (پرتغال، چهارم سپتامبر ۱۴۷۹):

پس از تقریبا چهار سال نبرد مداوم، سرانجام اسپانیا موافقت کرد که انحصار تجارت کرانه‌ی شرقی آفریقا در اختیار پرتغال قرا گیرد و پرتغال هم حاکمیت اسپانیا را بر جزایر قناری پذیرفت.

علت فوری و اصلی توافق هر دو سو و اختتام جنگ، بیش‌تر بر سر جانشینی سلطنت منطقه کاستیل بود. گرچه به طور اسمی هانری بر کاستیل حکومت می‌کرد و پادشاه کاستیل بود، اما وی شخصی سست عنصر و بی‌کفایت بود، به طوری که دختر او به نام خوآنا (Joanna) قدرت سلطنت را در دست داشت و پس از ازدواج با پسر عمه‌ی خود به نام آلفونسو پادشاه پرتغال، خود را رسما پادشاه (ملکه) خواند. در حالی که نجبا و اشراف کاستیل از خواهر هانری، ایزابلا (Isabella) برای سلطنت پشتیبانی می کردند. در هنگام جنگ، وضع غذا و خوراک مردم پرتغال به بدی گرائید و مردم در آستانه‌ی قحطی قرار گرفتند، در حالی که اسپانیا بیش‌تر جنگ را به دریا کشید.

اسپانیا د رتمام جزایر به جز قناری، جنگ را باخت و امروز در پیمانی که بین طرفین در منطقه‌ی آلکاکواس (Alcacovas) امضا شد، جزایر قناری در اختیار اسپانیا قرار گرفت و به این موضوع به طور صریح اشاره شد. بر اثر این رویدادها، ایزابلا رسما ملکه‌ی کاستیل شد.

فردیناند و ایزابلا به سرزمین واحد اسپانیایی رضایت دادند. (کاستیل ۱۴۷۹):

اکنون دیگر مناطق کاستیل و آراگون تحت سلطنت واحدی قرار گرفته اند. ایزابلا ملکه‌ی کاستیل و فردیناند دوم پادشاه آراگون، که در ده سال اخیر زناشویی کرده‌اند، دو کشور را متحد ساخته و یک فدراسیون تشکیل داده‌اند، به طوری که اروپا از این اتحاد و قدرت جدید هراسان شده و امروزه دیگر این پیوستگی باعث شده که کشورهای بزرگ اروپا در حساب‌های خود تجدید نظر کنند.

این حالت وقتی پیدا شد که فردیناند به جانشینی پدرش ژان دوم منصوب شد و از سوی دیگر، در پنج سال پیش که برادر ایزابلا یعنی هانری چهارم از دنیا رفت، او وارث سلطنت کاستیل شد. این زوج از هنگامی که ارتش آلفونسوی پنجم پادشاه پرتغال، کاستیل را تهدید می‌کرد و توانست ضربه‌یی به آن وارد کند و نیز زمانی که خوآنا دختر هانری مدعی سلطنت بود و خود را برای این مقام نامزد کرده بود، خواستار زناشویی با همدیگر شدند.

فردیناند ۲۷ ساله، همیشه شیفته و واله زنان و طلا و جواهر بود، اما جواهر و طلا را برای زینت خود به کار نمی‌برد، ولیکن اسبان خود را با زین‌های گران قیمت می‌آراست. وی بسیار دلیر و شجاع بود و برای جلوگیری از نبرد تلاش می‌کرد و در این مورد خیلی سخت گیر بود.

ایزابلا هم درست یک سال از فردیناند کوچک‌تر بود و در ضمن انسانی عاقل، باهوش و پارسا بود و همواره در فکر جلال و شکوه سلطنت بود. کاملا آشکار بود که کاستیل شریک بزرگ و غالب این فدراسیون است.

فردیناند هم بیش‌تر عمر خود را در آنجا می گذرانید و بدون اجازه‌ی همسرش کاستیل را ترک نمی گفت. تنها زمانی که مردم کاستیل ، وی را برای شرکت در جلسات مشورتی برای جنگ دعوت کردند، او بدون اجازه‌ی ایزابلا مقر خود را ترک کرد تا در مشاوره و اخذ تصمیم به عنوان پادشاه شرکت کند.

پادشاه روسیه، آماده‌ی مقابله با نیروهای نظامی مغول (مسکو، ۱۴۸۰):

سرزمین ایوان بزرگ که مدت دویست سال همواره مورد حمله‌ی سپاهیان مغول قرار داشت و قلمرو او تحت اشغال اردوی زرین مغولان بود، به استقلال کامل دست یافت.

ایوان با گردآوری سربازان و سپاهیانی که به خان احمد (Khan Akhmat) خراج سالیانه می‌پرداختند و حمله به خان، تلافی سال‌ها ظلم و تعدی مغولان را درآورد و این جریان همزمان با تاخت و تاز ارتش لیتوانی به سرزمین‌های تحت سلطه‌ی آنان انجام گرفت.

سپاهیان لیتوانی تا آن زمان هرگز به ساحل رود اوگرا (Ugra) دست نیافته و نبرد چشم‌گیری در این منطقه انجام نداده بودند. خان که تحمل و صبر و حوصله نداشت، مصمم بود که به موطن خود با سپاهیانش مراجعت کرد و در هنگام برگشت، به وسیله‌ی یکی از دشمنانش کشته شد. ممکن است این قتل توسط یکی از شورشیان تاتار صورت گرفته و یا به وسیله‌ی فردی که توسط حکومت مسکو اجیر شده، انجام شده باشد.

ایوان هم چنین خود را محق می دانست که شاهزاده نووگراد را به مبارزه فرا خواند. نووگراد یکی از شهرهای قدیمی شمال روسیه بود و ایوان آنجا را جزو قلمرو خود تلقی می‌کرد و بدین لحاظ در نظر داشت که به آنجا لشگرکشی کرده و آن جا را ضمیمه‌ی سرزمین خود کند. وی با کمک سپاهیان لهستانی و لیتوانی به آن منطققه حمله برد. پس از کوشش‌هایی که جهت تسخیر نووگراد انجام داد و به نتیجه

آلمان ۱۶ آوریل ۱۵۲۹

پس از انجام دومین آئین پرهیز (Diet of Speyer) ۱۹ مورد اصلاحاتی که مورد اعتراض بود در سال ۱۵۲۶ طبق فرمان پادشاه در هنگام نخستین آئین پرهیز لغو گردید. این جریان به هر یک از شاهزادگان اجازه می‌داد که در این مورد تصمیم قطعی در ایالت زیر فرمان خود بگیرند.

اسپانیا ۲۲ آوریل ۱۵۲۹

برابر پیمان ساراگوزا (Saragossa) حدود مستعمرات پرتغال و اسپانیا در اقیانوس آرام در مرز ۱۷ درجه شرقی در ناحیه جزایر ملوک (Moluccas) ثابت شد. پرتغالیها در هنگام برگشت، این مجمع الجزایر را باردیگر تصرف کردند به این بهانه که بایستی خراج امپراتور شارل پنجم را جبران و تلافی کنند.

هندوستان ششم مه ۱۵۲۹

ظهیرالدین بابر (Babur) رئیس و رهبر افغانی، سپاهیان بیهار (Bihar) و بنگال را در نبرد گگرا (Ghagra) شکست دادند. اینک بابر قدرت خود را از کابل در غرب تابنگال در شرق گسترش داده است.

الجزایر ۲۷ مه ۱۵۲۹

خیرالدین بارباروسا (Barbarossa) فتوحات خود را در الجزایر به نام سلطان عثمانی تکمیل کرد.

اسپانیا ۲۹ ژوئن ۱۵۲۹

شارل پنجم امپراتور و پاپ کلمنت هفتم با امضای پیمان بارسلونا به اختلافات خود پایان دادند.

اسپانیا ۲۶ ژوئیه ۱۵۲۹

در اسپانیا برای حفظ امنیت و جلب پشتیبانی شارل پنجم، پیشنهاد شد که نیرویی به پرو (Peru) اعزام شود و فردیناند پیزارو (Ferdinand Pizarro) عشریه فرمانداری کل را ببخشد تا فکر غلبه بر مردم از اذهان زایل شود.

فرانسه ۵ اوت ۱۵۲۹

لوئی، دوک ساووی (Savoy) بر خلاف میل فرانسیس پادشاه و مارگارت ملکه اتریش، خواهرزاده شارل پنجم پیمان صلحی را در کامبرای (Cambrai) مشهور به په د دام (Paix des Dames) امضا کردند که بر طبق آن فرانسه از تمام حقوق خود در ایتالیا، فلاندر و آرتوا صرفنظر کرد و دو میلیون کراون (Crowns) خونبهای کشته شده‌ها را بپردازد. شارل هم از تمام ادعاهای خود بربورگوندی (Burgunduy) چشم پوشید.

انگلیس ۲۷ اوت ۱۵۲۹

هنری هشتم هم مفاد پیمان کامبرای رامورد موافقت قرار داد.

مجارستان هشتم سپتامبر ۱۵۲۹

سلیمان قانونی سلطان عثمانی بار دیگر به بوداپست وارد شد و زاپولیائی (Zapolyai) را به عنوان پادشاه دست نشانده آن دیار منصوب کرد.

رم اکتبر ۱۵۲۹

به اعبار امپراتور شارل پنجم، کاترین ملکه آراگون خواهر زاده پاپ کلمنت هفتم موافقت هنری هشتم پادشاه انگلیس را به علت درگیری در ازدواج خود با وی رد کرد.

انگلستان ۱۷ اکتبر ۱۵۲۹

توماس ولسی (Thomas Wolsey) که از سوی پاپ برای بر طرف کردن کدورت بین هنری هشتم و پاپ میانجی شده بود در ماموریت خود دچار شکست شد و هنری هشتم از عصبانیت روابط خود با پاپ را قطع و توماس ولسی را از شغل نخست وزیری بر کنار کرد.

انگلیس ۲۵ اکتبر ۱۵۲۹

توماس مور (Thomas More) جانشین لرد ولسی شد در حالیکه مور، یک فرد غیر روحانی بود که برای نخستین بار به سمت نخست وزیری گمارده می‌شد. وی که از دشمنان سرسخت لوتربود اخیرا در جدال با الهیون پروتستان و یک سلسله مباحثاتی که با ویلیام تیندال (William Tyndale) داشت، معتقد بود مقام سلطنت مافوق کلیسا و کاردینالهای وابسته به آن می‌باشد.

نرسید، خبر یافت که هشت هزار نفر از قبایل خودی برضد او شورش کرده و ناچار برای رفع غائله به مسکو برگشت و تعدادی از بازرگانان مسکو را به جای آنان گمارد.

برای سپاس از عنایات شوگون، قصری نقره‌یی در باغ سلطنتی بنا شد. (ژاپن، ۱۴۸۳):

به مناسب قدردانی از زحمات شوگون (فرماندار کل) یکی از بهترین معماران ژاپنی، ساختمانی به شکل کلاه فرنگی در باغی عطرآگین در توکیو به طرزی بسیار جالب با روکش نقره‌یی بنا کرد، چون شوگون از فرمانروایی کناره‌گیری و خود را بازنشسته کرده بود. این قصر نقره‌یی را در محلی که پیش از آن صومعه‌ی متروکه بود، ساختند. روی تمام ساختمان را با ورقه‌یی نازک از نقره پوشاندند که در نور آفتاب تلالو آن چنانی داشت. شوگون تمام عمر را در جنگ و نزاع با دشمنان گذرانده بود و اکنون در این قصر، عصرها با دوستان خود ضمن بحث و مذاکره درباره‌ی اوضاع، به نوشیدن چای می‌پردازند، او هم چنین از سونگ (Sung) نقاش ژاپنی دعوت کرده که برای تزئین ظروف چینی طرح‌هایی ابداع کند و نیز وصیت کرده که پس از مرگش، این محل را وقف معبد کنند.

برای حفظ امنیت و جلوگیری از خطر، شاهزاده را در برج لندن نگه داشتند. (انگلستان ۱۴۸۳):

دو پسر جوان از شاهزاده‌های انگلیسی به نام ادوارد پنجم و ریچارد شاهزاده‌ی یورک، مدتی است که ناپدید شده‌اند و عقیده عمومی بر این است که آنان توسط عموهایشان کشته شده‌اند تا به جای آن‌ها ریچارد سوم به سلطنت برسد.

در ماه ژوئن، آن‌ها را پیش از این که ریچارد خود را به عنوان پادشاه انگلیس معرفی کند، ظاهرا برای حفاظت از جانشان در برج لندن مخفی کردند، به طوری که شایع شده بود آن‌ها را بلافاصله به قتل رسانده بودند. برخی خبرها حاکی از آن است که آن‌ها را با شراب قبرس بی‌هوش کرده و خفه کرده‌اندو یا با خنجر کشته و شاید مسموم نموده‌اند.

گفته می‌شود چون ریچارد نمی تواند در انظار دشمنان ظاهر شود، ترتیبی داده که در پائیز آینده عده‌یی دست به اغتشاش بزنند و به این ترتیب، موضوع شاهزاده‌ها لوث و فراموش شود و از سویی دیگر، مدعی برای سلطنت وی پیدا نخواهد شد. بر طبق نقشه دیگری در نظر است که شایع کنند که ادوارد پنجم خود از جانشینی منصرف شده و خویشتن را پنهان کرده و ترجیح داده که هنری تودور (Henry Tudor) اهل لانکاستر (Lancaster) را به جای خود نامزد مقام سلطنت نماید.

دریانوردی که موفق شد دماغه‌ی امید نیک را دور بزند. (لیسبون (Lisbon) ، دسامبر ۱۴۸۸):

یکی از شاهکارهای دریانوردی که به وسیله‌ی بارتولومه دیاس (Bartholomew Dias) کاشف دریاها انجام شد، کشف دماغه‌ی امیدنیک است. وی این موضوع را برای ژان دوم پادشاه پرتغال شرح می‌دهد که چگونه طی دو سال سفر دریایی، او توانست به منطقه افریقای شمالی برسد.

دیاس آن قدر در دریاها به سوی جنوب پیشروی کرد که دیگر ستاره شمالی در افق از نظرش ناپدید شد. مدت ۱۳ روز توفان شدیدی کشتی وی را به طرف جنوب راند. در آخرین مرحله به عوض آن که به سوی جنوب برود، به منطقه‌یی در شرق رسید و در آنجا لنگر انداخت و برای استراحت به سوی خشکی رفت. دیاس سرانجام سراسر افریقا را در نوردید و تمام منطقه شرق را کشف کرد.

کاشف دریا به سفر خود ادامه داد و به منطقه‌یی در ساحل رسید و مشاهده کرد که گله چرانان با گاوهای خود به سوی ساحل دریا در حرکت هستند، اما دیاس که به زبان محلی آشنایی نداشت، خطر را احساس کرد، چون آن‌ها فکر می‌کردند که کشتی دزدان دریایی است و قصد ربودن گاوهای آن‌ها را دارد، دیاس به شاه گفت که این محل دماغه بزرگ نام دارد و قسمت کوهستانی آن شبیه میز بزرگی می‌باشد، این دماغه محلی است که در آنجا توفان‌های شدیدی در جریان است. در حالی که شاه آن را دماغه امید نیک می‌دانست، چون دریانوردان در آن منطقه مایوس و نومید نخواهند شد و می دانند که به خشکی رسیده‌اند و این راهی است که به هندوستان منتهی می‌شود.

پرتغالی ها وضع جغرافیایی را از طلوع و غروب خورشید می‌سنجند. (لیسبون، ۱۴۸۴):

آلمان ۱۴ نوامبر ۱۵۲۹
به دعوت فیلیپ دوک منطقه هس (Hesse) از اصلاح طلبان دینی ویتن برگ (Wittenberg) استراسبورگ (Strasbourg) و زوریخ در اجلاسه ماربورگ (Marburg) در مورد حل اختلافات الهیون که باعث تفرقه اصلاح طلبان آلمان شده شرکت کردند. لوتر (Luther)، ملانکتون (Melanchthon)، اوکلامپادیوس (Oecolampadius) وزوینگلی (Zwingli) در مورد مراسم عشای ربانی به توافق نرسیدند.

ژاپن ۱۵۲۹
راهبان تندایی (Tendai) صومعه‌های مونت هی یی (Mount Hiei) در شمال شرق کیوتو تمام پیروان فرقه نیشیرن (Nichiren) وابسته به بودایی را قتل عام و شهر را از وجود آنان پاک کردند.

انگلیس سوم نوامبر ۱۵۲۹
نخستین پارلمان انگلیس برای مدت پنج سال گشایش یافت. نمایندگان پارلمان یک لایحه قانونی را بر علیه کلیسا و روحانیت وابسته به آن، درمیان فحش و ناسزا تصویب کردند.

اتیوپی ۱۵۲۹
مسلمانان تحت رهبری احمد گران (Ahmad Gran) از طرف دریای سرخ به اتیوپی حمله ور شدند. آنان در نبرد شمبورا (Shembura Kure) منطقه شوا (Shoa) و بخش مهمی از اتیوپی را تسخیر کردند.

ایتالیا ۲۴ فوریه ۱۵۳۰
شارل پنجم به عنوان امپراتور مقدس رم به دست پاپ کلمنت هفتم در شهر بولونیا (Bologna) تاجگذاری کرد وی به سمت امپراتور فرانسه در روز ۲۸ ژوئن ۱۵۱۹ انتخاب و در ۲۶ اکتبر ۱۵۲۰ تاجگذاری کرده بود.

هندوستان ۱۵۳۰
پس از درگذشت ظهیرالدین بابر پسرش همایون سلطان دهلی (Delhi)شد.

برزیل ۱۵۳۰
پرتغالیها شروع به سکونت در شهرهای برزیل نمودند.

جزیره مالت (Malta) ۱۵۳۰
با یورش ترکهای عثمانی در سال ۱۵۲۲ به جزیره رودس (Rhodes) مردان جنگجوی سنت ژان در اورشلیم با اجازه امپراتور شارل پنجم در جزیره مالت سکونت گزیدند.

سیلزی (Silesia) ۱۵۳۰
ژرژ بوئر (George Bauer) مشهور به آگریکولا (Agricola) در زمینه استخراج معادن فلزات و بهره برداری از اینگونه معادن کارهای بسیار مهمی انجام داد که به نام دو رو متالیکا (De Re metallica) شهرت پیدا کرد.

آفریقای جنوب شرقی ۱۵۳۰
چیکویومونهوموتاپا (Chikuyo Munhumutapa) پادشاه و فرمانروای جنوب زامبزی (Zambezi) که مدت ۳۰ سال با گرفتاری دست و پنجه نرم می‌کرد و در لب پرتگاه قرار داشت در جریان جنگهای شهری کشته شد.

فلورانس ۱۵۳۰
مدیچی توانست با پشتیبانی نیروهای سلطنتی قدرت خود را در فلورانس حفظ کند.

ایتالیا ۱۵۳۰
جرولاموفراکاستورو (Girolamo Fracastoro) که بیماری سیفیلیس را که در دنیای جدید شایع و به نام بوپاس (Bupas) (بیماری غده لنفی) نامیده می‌شد، کشف کرد. این بیماری را سربازان اروپایی آوردند و در این قاره پخش کردند.

آلمان ۲۵ ژوئن ۱۵۳۰
درآئین پرهیز دراوگسبورگ، فیلیپ ملانکتون (Philip Melanchthon) شرح مفصلی درباره عقاید لوترانها برای رهایی و نجات مسیحیت ابراز داشت. وی برای رفع اختلاف بین کاتولیکها و پروتستانها هم اعلام آمادگی کرد.

آنتورپ ۱۳ ژوئیه ۱۵۳۰
کنتین ماسیس (Quentin Massis) نقاش در این شهر بدرود حیات گفت. وی درباره عقاید مذهبی فلاندر در سده گذشته کارهای مهمی انجام داد. نقاشی‌های وی آشکارا به پیشرفت عقاید انسان شناسی کمک کرده است.

ژان دوم، پادشاه پرتغال گروهی از کارشناسان امور دریا و ریاضی دانان پرتغالی را به ماموریت جهت تقویم و اندازه گیری فاصله‌های دریایی و اکتشافات جدید اعزام داشت، این هیئت برای نخستین مرتبه در اروپا برای انجام این کار مامور شده‌اند. شاه این گروه را برای سفر بلند مدت و تحقیق آب های کره زمین و وضع جغرافیایی آن بدون نقشه قبلی و داشتن مدرکی از موقعیت خشکی‌ها و آب‌ها اعزام کرده است. آنان چون مدارک و نقشه‌های پیشین را قبول نکرده و به آن اطمینان نداشتند. برای تعیین فواصل و مسافات و وضعیت کرانه‌های اقیانوس و دریاها روش نوینی را بدون استفاده از ستاره قطبی اتخاذ می‌کنند و راه‌های دریایی مستقیم را انتخاب می کنند.

شاه به ریاضی دان‌ها سفارش کرد که تا حد امکان از روش جدیدتری با استفاده از ستاره قطبی پیدا کنند و وضعیت کره زمین را در فضا بیابند. مشکل عمده برای محاسبات این بود که جایگاه کره زمین نسبت به خورشید، روز به روز و سال به سال تغییر می‌کند. این کارشناسان کارها و تابلوی زاویه انحراف کره زمین نسبت به خورشید را که آبراهام زاکوتوی (Abraham Zacuto) کلیمی اهل سالامانکا (Salamanca) مطالعه کرده بود، تایید نمودند. او این محاسبه‌ها از سال ۷۸-۱۴۷۳ انجام داده بود. محاسبات و مشاهدات تابلوی زاویه انحراف زمین، کار این دانشمندان را تسهیل کرد. اما با مطالعه ومحاسبات جدید باید دید که این مشکل زاویه انحراف چگونه حل می شود و عرض جغرافیایی را چگونه باید حساب کرد و مرکز کره زمین در کجا قرار دارد که با محاسبه این کانون بتوان فواصل دریاها و خشکی‌ها را تعیین کرد.

اعمال و کارهای سحر انگیز پیروان فرقه‌ی حروفیه (Cabalistic)، جزو ارتداد محسوب می‌شود. (رم، دسامبر ۱۴۸۶):

در کمیسیون ویژه‌یی که به دستور پاپ انیوسنت هشتم تشکیل شد، اعمال شگفت انگیز پیکودلا میراندولا (Pico della Mirandola) فیلسوف بزرگ ۲۳ ساله محکوم و خود وی را مرتد دانستند. وی در کتاب خود تعداد ۹۰۰ قضیه را درباره‌ی خدا و انسان مطرح کرده است. نظریه او که



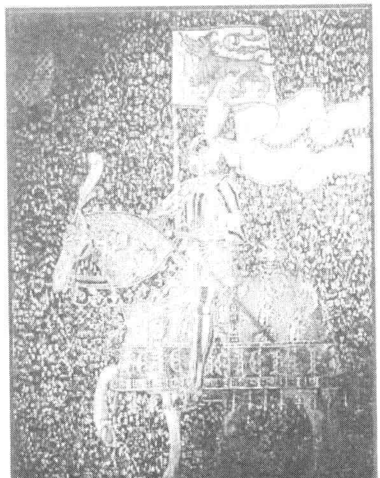
تصویر هنری پنجم، پادشاه انگلیس (۱۴۲۲-۱۳۸۷) که در کلیسای بزرگ چیچستر (Chichester) موجود است.



کوزه ساخت اینکا (Inca)
با تصویر سر انسان



توماسو ماساکیو (Tommaso Masaccio) نقاش هنرمند فلورانسی در سال ۱۴۲۸ در سن ۲۷ سالگی از دنیا رفت. یاد وی به وسیله‌ی نقاشی‌های جوتو (Giotto) بار دیگر زنده شد. این تصویر که مریم و فرزند او را نشان می‌دهد، از کارهای اوست.



شوالیه‌ی مسلح آماده‌ی پیکار.



خرابه‌های مسجد جامع شهر کیلوا (Kilwa)، اعراب مسلمان، دین اسلام را به این منطقه آوردند.

برپایه‌ی اصالت انسان قرار داشت، می‌گوید: هیچ چیز در دنیا وجود ندارد که انسان نتواند آن را درک کند و بشر مـی‌توانـد عمق هر قضیه و مشکل را دریابد و قادر به حل همـه گونـه مشکلی است و این قابل تحسین است.

به باور وی، این موضوع حقیقت ندارد که مسیح به دوزخ نخواهد رفت و بهترین راه برای این که حالت الوهیت مسیح را ثابت می کند، عقاید فرقه‌ی حروفیـه مـی‌باشـد (حروفیـه عقیده داشتند که خداوند مبدا و خالق تمام موجودات می‌باشد و سرانجام تمام پلیدی‌ها و ناپاکی‌هـا برطـرف خواهـد شـد، آن‌ها عقیده داشتند که هر حرف و کلمه کتاب مقدس معانی خاص دارد و از راه طلسم و جادو می‌تـوان شـیاطین و سـایر موجودات پلید را دفع کرد و مسیح موعود هم به زمین نـزول خواهد کرد و بنیان ظلم و ستم را در جهان دگرگون خواهـد کرد.

پیکو در یک خانواده‌ی اشرافی در شهر فرارا (Ferrara) به دنیا آمد. او در ده سالگی به آموزش قانون در شهر بولونیـا پرداخت و در دو سال بعد در شهر فرارا بـه تحـصیل فلـسفه مشغول شد. سپس در دانشگاه پروژا (Perugia)، زبان‌های عبری و عربی را آموخت و تحت تعلیمات دانشمندان یهودی قاباله (Qabbalan)، نبوغ و استعداد درخشان خود را هویدا ساخت. پس از مدتی به دانشگاه سوربون پاریس رفـت و بـا فلاسفه بزرگ پیرو مکتب هومانیسم (اصالت انـسان) دیـدار کرد.

در صـحنه‌ی نبـرد بـوس ورث (Bosworth)،بـه جنگ‌های رز خاتمه داده شد. (انگلـیس، ۲۲ اوت ۱۴۸۵):

در سحرگاه امروز که تاریکی و روشنایی توام بود، حدس زده می‌شد تا ظهر، شاه و خاندانش بتوانند بـه تـاج و تخـت انگلیس دست یابند. در این زمینه دو عقیده‌ی متفاوت وجـود داشـت. گروهـی بـر ضـد هنـری تـودور (Tudor) جـوان لانکاستری که در تبعید به سر می‌برد و عده‌ی بیش‌تری هم ریچارد سـوم پادشـاه را کـه از فرقـه‌ی یـورک بـود تـرجیح می‌دادند.

هنری فردی بود مبتدی در امور جنگ و تنها توانسته بود پنج هزار سرباز گرد آورد، لیکن ریچارد خود یک سرباز جنگ

رم ۱۸ اکتبر ۱۵۳۰
توفان وسیل شهر را فرا گرفت.

بوهم ۵ ژانویه ۱۵۳۱
شارل پنجم برای اطمینان خاطر، برادر کوچکتر خود فردیناند را به پادشاهی رم انتخاب کرد.

مجارستان ۳۱ ژانویه ۱۵۳۱
ژان زاپولیایی (John Zapolyai) و فردیناند که هردو باهم در سال ۱۵۲۶ به سلطنت مجارستان رسیده بودند به منازعه خود پایان دادند.

انگلیس فوریه ۱۵۳۱
هنری هشتم پادشاه انگلیس از اسقف‌های تمام کلیساها دعوت کرد که حق تکفیر پاپ از شاه را سلب کنند و این حالت را تندیس زریـن نامیدنـد. (حـق داوری غیر قانونی پاپ از بین رفت.) بدین ترتیب شاه انگلـستان بـه عنـوان رهبر مذهبی شناخته شد.

آلمان ۲۷ فوریه ۱۵۳۱
پروتستانهای آلمانی بر طبق قـرار داد اشـمالکالدن (Schmalkalden) در مقابل قدرت امپراتور ایستادگی می‌کنند.

اتیوپی ۱۵۳۱
دولت پرتغال نیروهایی برای کمک به اتیوپی در برابر مسلمانان اعزام کرد.

آفریقای جنوب شرقی ۱۵۳۱
دولت پرتغال با مسلمانان بندر سنا (Sena) در زامبـری سـفلی (پـائینی) یـا موزامبیک (Mozambique) روابط بازرگانی برقرار کرد.

فلورانس ۱۵۳۱
شارل پنجم امپراتـور بـا مارگـارت ملکـه پارمـا (Parma) دختـر آلـساندرو دومدیچی (Alessandro de Medici) ازدواج کـرد و وی را بـه عنـوان دوک فلورانس معرفی کرد.

فرانسه ۱۵۳۱
مارگـارت اهـل نـاوار (Navarre) یـک کتـاب جیبـی بـه نـام آینـه روح گناهکاران منتشر کرد.

فرانسه ۱۵۳۱
فرانسیس، پادشاه فرانسه پیمان همکاری با ژان زاپولیـائی شـاه مجارسـتان منعقد کرد.

برزیل ۱۵۳۱
مـارتین آلفونـسود وسـوزا (Martin Alfonso de Sousa) سرپرسـت نخستین گروه اکتشافی که به برزیل فرستاده شده بود در حین مـسافرت در گذشت.

مکزیک ۱۵۳۱
هرناندو کورتس (Hernando Cortes) با عنوان فرمانده کل به اسپانیای جدید وارد شد. وی در دو سال پـیش تغییراتـی در فرمانـداری مکزیـک بـه وجود آورده بود.

هلند ۱۵۳۱
شارل پنجم پادشاه فرانسه از دکترین و عقاید پروتستانیـسم و گـسترش آن در هلند جلوگیری کرد.

سویس ۱۱ اکتبر ۱۵۳۱
در جریان نبردهای درون شهری که بین پروتستانها و کاتولیـک‌هـا جریـان داشت پروتستانها در کپل (Kappel) شکست خوردند و اورلیخ زوینگلی در این میان کشته شد.

آلمان ۲۴ اکتبر ۱۵۳۱
ایالـت باواریـا بـا وجـود کاتولیـک بـودن بـه پیمـان اشـمالکالدن (Schmalkalden) پیوست.

انگلیس ۲۹ نوامبر ۱۵۳۱
توماس ولسلی اسقف اعظم ناحیه یورک در هنگام مسافرت به لندن جهـت پاسخگوئی به اتهام خیانت، در بین راه در لـی سـستر (Leicester) بـدرود حیات گفت.

پرتغال ۱۷ دسامبر ۱۵۳۱
یک دادگاه انکیزیکسیون (تفتیش عقاید Inquisition) در کـشور تاسـیس شد.

دیده بود و سربازان وی دو برابر طرف مقابل بود. گرچه ریچارد ارتشی آراسته و سرد و گرم روزگار چشیده تحت فرماندهی خود که قبلا مقام دوک نورفولک (Norfolk) را برعهده داشت، دارا بود، لیکن سربازان وی به او چندان ایمان و اعتقاد نداشتند، مانند ارل نورتمبرلند (earl Northumberland) و لرداستانلی (Lord Stanley) که سرپرستی گروه‌هایی را عهده‌دار بودند و به حمایت آنان چندان اطمینانی نبود.

نیروهای نظامی هنری تحت فرماندهی ارل آکسفورد قرار داشت که بسیار سبع و وحشی بودند لیکن تحت آزمایش سخت قرار داشتند، ولی از نیروهای ریچارد که از مردم ویلز، اسکاتلند و سربازان فرانسوی تشکیل شده بودند، قدرت تحرک و پویایی بیش‌تری داشتند. در این حادثه سربازان آکسفورد بر علیه نورفولک به میدان نبرد آمدند و ریچارد از این که سربازان هنری میدان نبرد خود را ترک نکرده و پایداری کرده، سخت به وحشت افتاد و بالاخره با پایمردی آنان سربازان هنری در صحنه نبرد و در جوار هنری با سربازان استانلی به نبرد تن به تن پرداختند. در این ضمن، نیروهای هنری به سوی سربازان ویلزی ریچارد فشار آوردند و ریچارد که از اسب افتاده بود در مرداب سرنگون و غرق شد و جان به جان آفرین تسلیم کرد در حالی که نیمتاج او را سربازان هنری از آب بیرون آوردند و بر سر پرنس تئودور گذاشتند و او به عنوان هنری هفتم به پادشاهی انگلیس رسید.

آزتک‌ها ۲۰ هزار نفر را قربانی کردند. (مکزیک، ۱۴۸۷):

در بزرگ‌ترین و پربیننده‌ترین مراسم قربانی آزتک‌ها تعداد بیست هزار نفر از مردم در پایتخت آزتک‌ها به نام تنوکتیت لان قلب‌های خود را به هوتزیلو پوکتلی (Huitzilopochtli) خدای جنگ تقدیم نمودند. این جشن تحت نظارت آهوتزوتل (Ahuitzotl) فرمانروای آزتک‌ها بر پا شد. آن‌ها که در دو ردیف ۱۰ هزار نفری منتظر قربانی شدن در مسلخ ایستاده بودند، همگی از افرادی بودند که در شورش شمال اکساکا (Oxaca) شرکت داشته و توسط آزتک‌ها دستگیر شده بودند. آن‌ها در سوی محراب و در کنار مذبح بزرگ‌ترین معبد قرار گرفته بودند تا با فرمان آهوتزوتل پادشاه آزتک قربانی شوند. جلادان لباس‌های قربانیان را کنده، سینه‌ی آن‌ها را شکافته و قلب آن‌ها را به پای خدای جنگ نثار می‌کردند و بقیه‌ی جسد آن‌ها را هم به نذر خدای جنگ می‌سوزانیدند. دسته‌یی از جلادان که خسته می‌شدند،همکاران آن‌ها به نام هوتزیلو پوکتلی جای آن‌ها را می گرفتند و به کشتن قربانیان ادامه می‌دادند. باز هم با خروج این دسته مشاوران آهوتزوتل به این کار مبادرت می‌ورزیدند. پس از کنار رفتن این جلادان، عده‌یی دیگر از میرغضبان برای تشفی و تسکین خدایشان و تلفیق این که این قربانیان را در راه رضایت خدایان می‌کشند به کشتن افراد بدبخت اقدام می‌کردند.

این قلب‌های از بدن بیرون آمده که در راه خدای هوتزیلو پوکتلی نثار می‌شد، کفاف حرص و آز این خدا را نمی‌داد و از فرمانروایان آهوتزوتل در خواست تعداد بیش‌تری می‌نمود. به هر صورت، پادشاه آزتک به اشغال سرزمین‌هایی که ساکنان آن‌ها در اعتراض به ازدیاد خراج دست به شورش زده بودند، اقدام کرد و شورشیان را به عنوان قربانی در راه خدای هوتزیلو پوکتلی فدا نموده و قلب آنان را به خدا تقدیم کرد.

نابغه میلانی که نقاش و مهندس از آب درآمد. (میلان، ۱۴۸۸):

نابغه سی ساله ایتالیایی به نام لئوناردو داوینچی (Leonardo Davinci) که دارای استعداد خارق‌العاده می‌باشد. به عنوان هنرمند، دانشمند، فیلسوف و مخترع، سمبل و نمونه‌یی از احیاء و تجدید حیات هنر و دانش معرفی شده و نیروی فکری وی سبب تغییراتی شگرف در زندگی انسان‌هاست. به نظر می‌رسد که وی نه تنها یک دانشمند و متفکر است بلکه در کار صنعت هم از مهارت عجیبی برخورد است و در کار ساختمانی هم در مقام یک مهندس و معمار کار می‌کند.

اوتا سن شش سالگی را در شهر میلان گذرانید. لئوناردو شبیه مخزنی است که قسمت به قسمت نیروی فکری خود را بروز می‌دهد و کارهای وی تمام استعدادهای او را نشان می‌دهد، او می‌تواند از راست به چپ مثل این که در آینه منعکس می‌شود بنویسد و همان طور که گفته می‌شود، افراد چپ دست از نیروی شگرفی برخوردارند و اغلب نوابع

چپ دست هستند. از وی یادداشت‌ها و نقشه‌های زیادی راجع به گل‌ها به شکوفه‌ها، جنین‌هایی در رحم مادر، مسائلی درباره‌ی هندسه و حساب و کارهای ابتکاری و اختراعات چندی باقی است. هم چنین اشکالی از سلاح‌هایی نظیر تیر و کمان و سلاح‌های آتشین در دست است. همین طور اختراعاتی مانند نردبان‌های بلند برای صعود به قلاع نظامی و سلاح‌های تدافعی آتش زا و زره‌های بلند دفاعی و چیزهای دیگری به جا مانده است.

لئوناردو توانست برای یک قلعه بزرگ دستگاه حرارت مرکزی و پمپاژ آب بسازد. وی هم چنین دستگاهی تولید کرد که انسان بتواند در زیر آب با آن تنفس کند و زنده بماند. بسیاری از کارها و اختراعات لئوناردو نتوانست با تکنولوژی و فنون آن زمان به حقیقت به پیوندد. او برای این که انسان هم مانند پرندگان پرواز کند دستگاهی با قدرت زیاد تعبیه کرد که می‌توانست با چرخ‌های گردنده به حرکت در آید و انسان را از زمین بلند کند و به پرواز درآورد. با این طرز فکر و اختراعات فراوان، لئوناردو را می‌توان یکی از نوابغ بزرگ و قابل تحسین به شمار آورد.

کتابی که در حمایت از جادوگران منتشر شد. (روم،۱۴۸۶):

دایره المعارفی منتشر شده که در آن از جادوگران پشتیبانی کرده است، چون به فرمان پاپ، باید جادوگران را تحت شکنجه قرار داد و آن‌ها را سوزانید، لیکن به نظر می‌رسد این کار در خور انسان نیست. بیش از یک قرن است که دومینیکن‌ها و پیروانشان در کلبه‌هایی واقع در کوه‌های آلپ و پیرنه به سر می‌برند، آن‌ها از ترس مجازات و سوختن در آتش به دستور پاپ در حال هراس و وحشت زندگی می‌کنند. البته این امر برای تمام پاپ‌ها مشکلی ایجاد نکرده، به استثنای پاپ ژان بیست و دوم که در دادگاههای انکیزیسیون دستور داد که تمام پیروان دومی‌نیکن بایستی سوزانده شوند.

او در سال ۱۳۲۶ برای حفظ قدرت کلیسا امر به شکنجه و سوزاندن آن‌ها داد. در دو سال قبل هم پاپ اینوسنت هشتم با اظهار تاسف فرمان داد دو نفر از دومینیکن‌های آلمانی به نام‌های ژاکوب اسپرنگر (Jakob Sprenger) و

آلمان ۲۶ مه ۱۵۳۲
فرانسیس پادشاه فرانسه اتحادیه‌یی با شرکت باواریا، ساکسونی، و هس (Hesse) علیه فردیناند پادشاه هابسبورگ تشکیل داد.

آلمان ۲۳ ژوئن ۱۵۳۲
امپراتور شارل پنجم پیمان صلحی را در نورنبرگ (Nuremberg) با شاهزادگان پروتستان مذهب امضا کرد و در هنگام مراجعت به سپاهیانی که برای کمک به جنگجویان ضد عثمانی آمده بودند، آزادی مراسم مذهبی اعطا کرد.

مجارستان اوت ۱۵۳۲
سلیمان قانونی سلطان عثمانی که در ماه ژوئن به مجارستان حمله کرده بود در ناحیه گانز (Guns) دچار شکست شد.

فرانسه ۱۵۳۲
پیمان اتحادیه استقلال بریتانی (Britany) به پایان رسید.

فرانسه ۱۵۳۲
فرانسوآ ربله (Francois Rabelais) که با انتشار نخستین کتاب خود به اسم پانتا گروئل (Pantagruel) موفقیت حاصل کرده بود با پخش کتاب هجونامه با مطالب مورد پسند مردم به سوربن (Sorbonne) احضار شد.

اسکاندیناوی ۱۵۳۲
کریستیان دوم پادشاه دانمارک در تلاش برای تسخیر نروژ دستگیر و زندانی شد.

ایتالیا ۱۵۳۲
شاهزاده نیکولو ماکیاولی (Niccolo Macchiavelli) پس از مرگ پدرش متولد شد.

ایتالیا ۱۵۳۲
لودوویکو آریوستو (Ludovico Ariosto) کتاب اشعار حماسی خود را پس از تجدید نظر به اسم اورلاندو فوریوزو (OrlandoFurioso) منتشر کرد.

انگلیس ۱۵۳۲
جفری چوسر (Geoffrey Chaucer) مجموعه‌یی از اشعار سروده شده خود را انتشار داد.

هلند ۱۵۳۲
یان گوزارت (Jan Gossart) نقاش هلندی مشهور به مابیوز (Mabuse) در شهر بردا (Breda) در گذشت. وی در پی بازدید از فلورانس، رم و ونیز در سالهای ۹-۱۵۰۸ در ایتالیا به شهرت رسید. او به ویژه در نقاشیهای غیر مذهبی همچون تصویرونوس و کپی تصویر دیانا (Danae) کارهای بدیعی انجام داد.

شبه جزیره کریمه ۱۵۳۲
صاحب جیرای (Sahibgiray) خان غازان (kazan)، که از سال ۱۵۲۳ فرمانروای منطقه بود سلسله خانات کریمه را تحت نظر سلاطین عثمانی تاسیس کرد.

انگلیس ۲۵ ژانویه ۱۵۳۳
هنری هشتم پادشاه انگلیس مخفیانه با آن بولین (Anne Boleyn) ازدواج کرد.

انگلستان ۳۰ مارس ۱۵۳۳
توماس کرانمر (Thomas Cranmer) طلبه دینی به سمت اسقف اعظم کانتربوری (Canterbury) منصوب شد. وی سوگند وفاداریش به پاپ را به خاطر امور دینی جاری در کشور زیر پانهاد.

انگلستان اول ژوئن ۱۵۳۳
پس از مدت کوتاهی که از ازدواج هنری هشتم با کاترین ملکه آراگون گذشته بود توماس کرانمر اعلام کرد، که این ازدواج باطل است و شاه می‌تواند با اومتارکه کند. لیکن زناشوئی شاه با ان بولین معتبر و قانونی است. بولین در کلیسای وست مینستر به عنوان ملکه انگلیس تاج بر سر نهاد.

مجارستان ۲۲ ژوئن ۱۵۳۳
پس از یکسال که از حمله سلیمان قانونی با شکوه شاه عثمانی به مجارستان گذشت سلطان عثمانی قرار داد صلح با فردیناند پادشاه هابسبورگ و برادر شارل پنجم امضا کرد. بدین ترتیب سرزمین مجارستان بین فردیناند و دولت عثمانی به سرپرستی ژان زاپولیائی پادشاه دست نشانده عثمانیان تقسیم شد.

هنریخ کرامر (Heinrich Kramer) را اخراج کنند. این دو نفر در کار تبلیغات برای کلیسا بسیار فعالیت می‌کردند. تنها در سال پیش، تعداد ۴۱ نفر از ساحران که زیر شکنجه اعتراف کرده بودند که در اعمال جنسی خشن هستند، توسط مامور انکیزسیون (اعتراف به گناه) به نام کومو (Como) در آتش افکنده شدند.

اسپرنگر و کرامر اینک کتابی را به نام (چکشی بر سر ساحران) تالیف کرده‌اند آن‌ها اظهار عقیده کرده‌اند که جادوگران در واقع میل به پرواز دارند، آنان شبیه توفان و صاعقه و آذرخش برخی اوقات زیان‌هایی به وجود می‌آورند و گاهی نور آذرخش روشن کننده است، گاهی اسب‌ها و سوار را به حالت جنون دچار می‌کنند. بعضی می‌گویند که ساحران بچه را می‌خورند. آن‌ها در هنگام اعمال جنسی به حالت توحش در می‌آیند و به مستی و آدم خواری دچار می‌شوند. پس بایستی آنان را شکنجه کرد.

دیوار بزرگ چین هنوز هم یکی از بزرگ‌ترین هاست. (چین، ۱۴۸۸):

امپراتوران مینگ سیاست خود را بر این قرار داده‌اند که دیوار چین را بازسازی کنند. در سال ۱۴۴۹ به علت جنگ تومو (Tu-mu) که در طی آن ارتش چین توسط مغول‌ها قتل عام شدند، دچار خرابی‌هایی فراوان شد و امپراتوران مینگ در صدد برآمدند که برای جلوگیری از هجوم بربرهای شمالی دیوار را مرمت کنند. بخش اعظم دیوار بر روی زمین‌های مستحکم و سنگی در ۱۷۰۰ سال قبل بنا شد و در این مدت هم تا به حال آن چنان تخریب نشده و تقریبا سالم مانده، به جز این که در طی قرن‌ها در زیر برف و باران و آفتاب دچار سایش شده و در برخی از قسمت‌ها هم به علت وجود خاک‌های نرم بر روی آن علف روئیده است که مردم محلی به آن زمین‌های اژدها می‌گویند.

اینک امپراتوری مینگ، سربازان ارتش و کارگران زیادی را برای مرمت دیوار تجهیز کرده تا ۲۳۰۰ کیلومتر مرز شمالی را ترمیم نموده و این ناحیه را از حملات اقوام دیگر ایمن سازند. پیش از این، قسمت‌هایی از دیوار را با آجر دوباره سازی کردند. در این قسمت‌ها، ارتفاع دیوار هشت متر و قطر آن چهار متر است که با سنگ پوشیده شده و در بخش‌هایی از آن هم اتاق‌های نگهبانی ساخته‌اند. دیوار بزرگ چین نشانه‌ی بزرگ‌ترین کاری است که تا کنون به وسیله‌ی بشر به وجود آمده است.

مسلمانان گرانادا به مسیحیت می‌گرایند. (گرانادا، دوم ژانویه ۱۴۹۲):

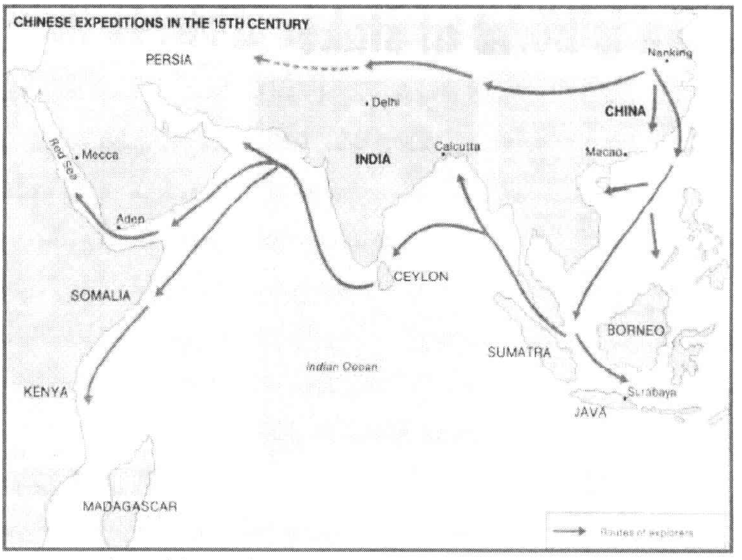
پس از ده سال جنگ، گرانادا (قرناطه) تنها شهری که مسلمان باقی مانده بود، به وسیله‌ی ارتش اسپانیا به دین مسیح درآمد. تسلیم این شهر و مسیحی شدن اهالی آن، یکی از نشانه‌هایی است که مسلمانی آن‌ها ظاهری بوده، چون در روز تسلیم شدن، مردم از ارتش استقبال جانانه‌یی کرده و ورود آن‌ها را به شهر خوش آمد و تهنیت گفتند و برای سپاهیان اسپانیا دعای خیر و برکت خواندند. در ضمن اهالی مصیبت و بلایی را که طی سال‌ها تحت سلطه بودند را شرح می‌دادند و از تسلط اسلام گله و شکایت داشتند.

این نبرد زیر نظر مستقیم فردیناند و ایزابلا، پادشاه و ملکه، ماه‌ها ادامه داشت و کشمکش ارتش اسپانیا سرانجام به محاصره‌ی مسلمانان منتهی شد. هم چنین گفته شده که فاتحان، با کمال سخاوت و مردانگی، شکایات علیه مسلمانان را بخشیده و آن‌ها را آزاد گذاشتند که به دلخواه خود به دین مسیح درآیند و یا سرزمین اسپانیا را ترک کنند.

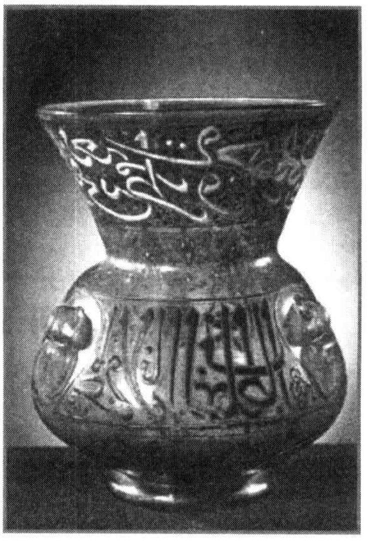
در سه سال اخیر، آن‌ها اجازه داشتند که از اسپانیا مهاجرت کرده و سلاح‌های خود را به جز تسلیحات آتش زا با خود ببرند. آنان می‌توانستند در کمال آزادی دین خود را حفظ کرده و آداب آئین و کیش خود را به جای آورند و حتی قوانین ومحاکمات محلی اسلام را رعایت کنند، مشروط بر آن که مزاحم دولت نباشند و در توطئه و دسیسه بر علیه حکومت شرکت نداشته باشند. دیگر از کارهایی که در اسپانیا در این زمان انجام می‌شد، مراسم گاوبازی بود که مردم از آن استقبال گرمی به عمل آورده و لذت می‌بردند. شهر ونیز و سایر ایالات ایتالیا هم پیام‌هایی تبریکی برای انجام مراسم گاوبازی برای اسپانیا می‌فرستادند.

تمام یهودیان از اسپانیا اخراج می‌شوند. (اسپانیا، ۳۰ مارس ۱۴۹۲):

با یاد خاطرات سفر خروج (یکی از مزامیر تورات) گروه عظیمی از یهودیان از اسپانیا اخراج می‌شوند. اما اگر نیاکان آن‌ها مشتاقانه سرزمین مصر را ترک کردند، اینان در عصر



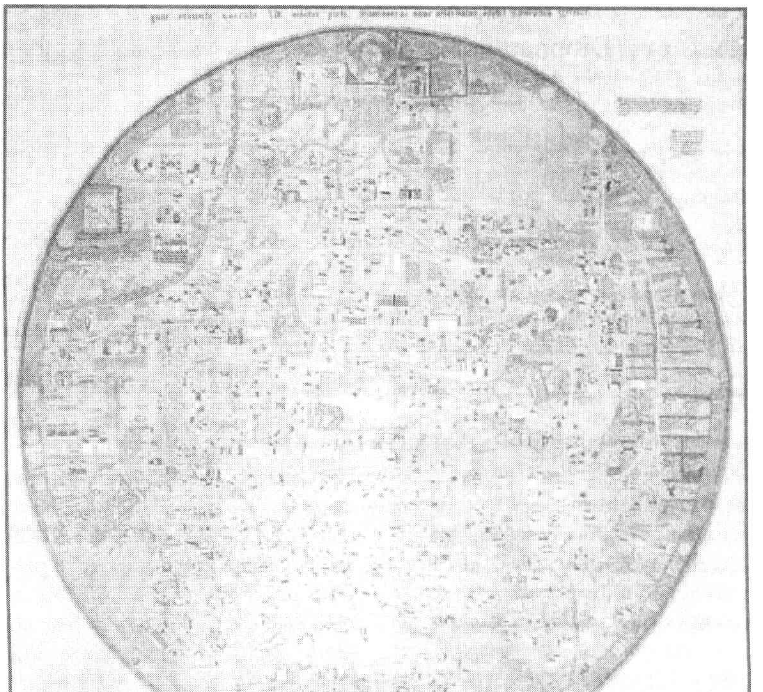
نیروهای نظامی چین در سده‌ی ۱۵ به سرزمین‌های دیگر دست‌اندازی می‌کنند.



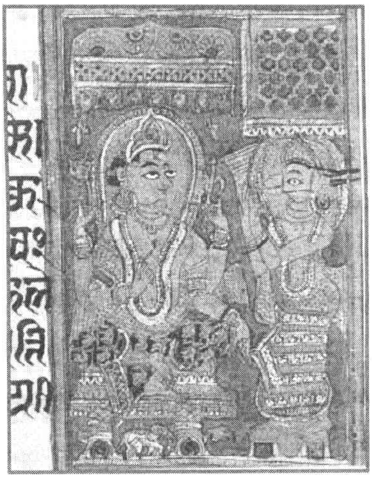
یک گلدان لعابی منقّش به خطوط عربی در قرن سیزدهم که از آن برای شمعدان و روشنایی مسجدی در جزیره‌ی قبرس استفاده می‌شده، در این زمان قبرس به وسیله‌ی اعراب مسلمان فتح شده بود.



فان آیک (Van Eyck)
در مراسم ازدواج با آرنولفینی (Arnolfini).



نقشه‌ی جهان برطبق برآورد ابسدورف (Ebsdorf) که نواحی شرقی گیتی در بالای آن قرار دارد.



اسطوره‌یی از تولد ماهاویرا (Mahavira) بنیانگزار مذهب ژانیزم (Janism) از دید یکی از پیروان این مذهب .

حاضر، بر اثر فشار از کشور اسپانیا رانده می‌شوند و این در حقیقت سفر خروج نوین است که باید موضوع تالیف کتاب جدیدی شود. در این چهار ماه اخیر، ۱۵۰ هزار نفر از کشور اسپانیا خارج شده‌اند. سال‌هاست که احساسات ضد یهود در این کشور بیش‌تر می‌شود و دستگاه مذهبی سعی می‌کند که به این موضوع خاتمه داده و مشکل را بر طرف کند.

یهودیان اسپانیایی مدت چند قرن توانستند که حاکمیت اعراب را تحمل کنند، چون از نظر نژادی یهودیان با اعراب یکی هستند. آن‌ها یهودیان را در محلی‌هایی گرد آورده بودند که تماس کمتری با دیگر اهالی داشته باشند، لیکن تابع قوانین کشور باشند. به طور معمول، فرهنگ و تمدن یهودیان پایین‌تر از سایر هموطنان اسپانیایی است. پس از جایگزین شدن حکومت مسیحی به جای اعراب مسلمان، مسیحی‌ها کمتر می‌توانند آنان را تحمل کنند. احساسات ضد یهودی مرتبا در بین ساکنان شهر رو به افزایش است، به طوری که حکومت اسپانیا قوانینی بر ضد آن‌ها وضع کرده که آن‌ها را محدودتر می‌کند. دادگاههای تفتیش عقید که در سال ۱۴۷۸ تشکیل شد، یهودیان را کافر و رباخوار دانست و این رای ، مردم را به عدم تحمل نسبت به آنان واداشته است.

سفیر پرتغال در کنگو (کنگو ۱۴۹۱):

یک سفیر پرتغالی به حضور نازینگا نکوما (Nazinga Nkuma) پادشاه کنگو (Kongo) (آنگولاAngola) در بانزا (Banza) پایتخت آن کشور، رسید. هدف وی پیام صلح و دوستی کتاب مقدس انجیل است و قصد تسخیر و تصرف ندارد. بر طبق پیشنهاد نازینگا نکوما، به مجرد خروج سفیر از کشور، به تمام راهبان، دانش پژوهان و صنعت گران پیشنهاد کرده است که به دین مسیح درآیند. فرستادن نماینده‌ی کشور پرتغال به کنگو، نتیجه‌ی هفت سال گفتگو و مشاوره و تماس بین این دو سرزمین می‌باشد.

در سال ۱۴۸۳ دریادار دیه گو کائو (Diego Cao) در دهانه‌ی رود کنگو پیاده شد و همراه چهار نفر افسر دریانورد با پادشاه کنگو تماس گرفت. پادشاه قبلا می‌دانست که آن‌ها برای شکار بالن به این منطقه آمده‌اند.

وی در سال ۱۴۸۵ بار دیگر با چند هیات متشکل از راهبان مسیحی به بانزا برگشت و این بار شاهزاده ولی عهد کنگو به دین مسیح درآمد و نام خود را آلفونسو گذارد. نازینگا نکوما از سفیر پرتغال حمایت کرد که در انجام ماموریت خود توفیق حاصل کند. پادشاه کنگو دوست نداشت در اثر جنگ تلفاتی متوجه مردم کشور شود. وی روح بلندی داشت، در آن زمان پادشاه با خواهر خود ازدواج می‌کرد تا روح و خون پادشاهان با خون سایر افراد به هم نیامیزند و دچار انحطاط روحی شوند. در این موضوع هم شکی وجود ندارد که هیات‌های مذهبی پرتغالی قصد داشتند تا به این طرز تفکر خاتمه دهند که خون و روح پادشاهان هیچ گونه تفاوتی با سایرین ندارد.

علامت + و – که در حساب کاربرد بسیار مهمی دارد، کشف شد. (آلمان، ۱۴۸۹):

یوهان ویدمن (Johann Widmann) آلمانی، کشف بسیار مهمی در حساب کرد که به زودی فراگیر شد. وی دو علامت + و – را در محاسبات معمول کرد که علامت جمع و تفریق (کاهش) نامیده شد. به کار بردن این دو علامت، نه تنها محاسبات را آسان می‌کند، بلکه کار ریاضی دانان بزرگ یونانی امثال دیوفانتوس (Diophantus) و نیز دانشمندان ریاضی هندی را تسهیل می‌کند.

مدت چندین قرن بود که انواع علامت‌ها را در عملیات محاسباتی به کار می‌بردند. اما این نشانه‌ها عمومیت نداشت و نتوانست فراگیر شود، لیکن به اضافه و علامت (منها) یا تفریق اکنون در تمام موارد به کار برده می‌شود و همان طور که ذکر شد، به کارگیری آن بسیار آسان می‌باشد، و علاوه بر آن بسیار خلاصه و مختصر می‌باشد و از استعمال لغات و کلمات اضافی جلوگیری می‌کند و نیاز به شرح و تفصیل دیگری ندارد.

لورنزو دومدیچی که نمونه‌یی از هنر و استبداد توامان بود، در گذشت. (فلورانس، نهم مه ۱۴۹۲):

لورنزو دومدیچی (Lorenzo de Medici) که خود دنیایی از هنر و یکی از بزرگ‌ترین نمونه‌های هنرمندان به شمار می‌رفت، فوت شد و همه را سوگوار نمود. به طور ساده او را می‌توان شکوه و عظمت نامید. او در سن بیست سالگی به فرمانداری منصوب شد. لورنزو شخصیتی با احساس و

انگلستان ۱۱ ژوئیه ۱۵۳۳
پاپ، هنری هشتم پادشاه انگلیس را تکفیر کرد.
پرو ۲۹ اوت ۱۵۳۳
به دستور فرماندار پـرو فرانسیـسکو پیـزارو (Francisco Pizarro) رهبـر اینکا به نام آتاهوالپا (Atahualpa) به قتل رسید. در حالیکه وی حاضر بود میلیونها پوند بابت غرامت و خون بها بپردازد.
پرو ۱۵ نوامبر ۱۵۳۳
پیزارو به منطقه کوزکو (Cuzco) وارد شد.
روسیه ۱۱ دسامبر ۱۵۳۳
ایوان (Ivan) چهارم که تنها سه سال داشت به جانـشینی پـدرش واسـیلی (Vasily) سوم منصوب شد.
الجزایر ۱۵۳۳
سلطان سلیمان قانونی، خیرالدین بارباروسا را بـه عنـوان فرمانـدار الجزیـره تعیین کرد، لیکن بنا به دستور وی این کشور بـا فرانـسویها برضـد امپراتـور همکاری می‌کند.
آلمان ۱۵۳۳
یک فرقه از بنیادگرایان مذهبی مشهور به آنابابتیست‌هـا (Anabaptists) کـه جوانـان پیـرو عقایـد (Baptism) را نپذیرفتـه بودنـد در مونـستر (Munster) به قدرت رسیدند.
ایران ۱۳ ژوئیه ۱۵۳۴
سپاهیان دولت عثمانی شهر تبریز واقع در شمال ایران را اشغال کردند.
آمریکای شمالی ۲۴ ژوئیه ۱۵۳۴
یک گروه اعزامی تحت سرپرستی ژاک کارتیـه (Jacques Cartier) کـه به تشویق فرانسیس پادشاه فرانسه قصد کانادا را داشـتند پـس از سـه مـاه مسافرت از منطقه سان مالو (St Malo) در ساحل فرانسه به خلیج کوچک (خور) در رودخانه کانادایی (سان لورنس -St Lawrence) رسیدند.
آفریقای شمالی اوت ۱۵۳۴
خیرالدین بارباروسـا بـر پادشـاه مـسلمان مـوریش (Moorish) تـونس بـا همکاری دولت اسپانیا غلبه کرد (مسلمانان شمال آفریقا را مور می‌نامیدند.)
پاریس ۱۵ اوت ۱۵۳۴
ایگناتیوس لویولا (Ignatius Loyola) (اینان فرقه‌یی بودنـد وابـسته بـه ایگناتیوس مقدس که انجمن یسوعیون را در سال ۱۰۷ میلادی در انطاکیه شام تشکیل داده و مورد تکفیر واقع شدند.)
سربازان سابق ارتش و اشـرافزاده اسـپانیولی انجمنـی بـه جهـت احتـرام و ستایش عیسی مسیح (Jesus Christ) (به نام انجمن یسوعیون) در سـال ۱۵۲۱ تاسیس کرده بود. وی پس از یک دوره تمرین مشقت و سختی تغییر عقیده دادو سپس لویولا به مونت سرات (Mont Serrat) (کوهـستان) در نواحی شمال اسپانیا مهاجرت کرده و در آن منطقه گوشه نشینی اختیار کرد.
فرانسه ۵ سپتامبر ۱۵۳۴
ژاک کارتیه با مقداری پوست خز به نورماندی برگـشت. وی جزیـره پـرنس ادوارد (Prince Edward) خلـیج شـالور (Chaleur) خلـیج گاسـپه (Gaspe) را در آمریکای شمالی کشف کرده بود.
آمریکای شمالی سپتامبر ۱۵۳۴
کابزادوواکـا اسـته وانیکـو (Cabeza de Vaca Estevanico) (یکـی از بردگان) به همراه دو نفر بـرده دیگـر کـه از گـروه اعزامـی پانفیلودونـاروائز (Panfilo de Narvaez) در سال ۱۵۲۷ زنده مانده بودند. پس از ۶ سال که در اسارت هندیان بودند از زنـدان گریختـه و بـه منطقـه جنـوب غربـی آمریکای شمالی وارد شدند.
انگلیس نوامبر ۱۵۳۴
بر حسب فرمان رهبر بزرگ انگلیس کلیساهای کـشور از تابعیـت رم خـارج شد و اعلام گردید که پادشاه خود رهبر مذهبی بـه شـمار مـی رود. فرمـان دیگری صادر شد که جانشین شاه تنها بچه آن بـولین اسـت و کـسانی کـه برخلاف این امر رفتار کنند مخالف هنری هـشتم هـستند. شاه هـم بـرای تدارک این موضوع زمینه را برای سوگند وفاداری فرزندش و احـراز قـدرت سلطنت فراهم کرد.

عاقل بود، به طوری که فلورانس آرامش دوست و صلح طلب در غم قتل و از دست دادن وی دچار آشـوب شـد، ولـی بـه شورش نینجامید. او نه تنها یک فیلسوف نمونـه بـود، بلکـه آکادمی افلاتون در شهر فلورانس، مدیون اوست و او بود که به این آکادمی رونق بخشید.

او دوست فی چینـو (Ficino) نویـسنده و شـرح حـال نویس افلاتـون و هـم چنـین آنجلـو پولیزیـانو (Angelo Poliziano) شاعر بود که اشعار وی در آثار نقاشانی چـون بوتیچلی (Botticelli) نمایان اسـت و بـه هنـر نقاشـی او ماننـــد تـــابلوی تولـــد ونـــوس (Venus) و پریمـــاورا (Primavera) روح بخشیده است.

خود لورنزو رهبری چنگ نوازان و خوانندگان زبان محلی توسکانی(Toscany) را بر عهده داشـت. وی رونـق گـروه کارناوال و نمایشات در خیابان‌های توسکانی بود و همراهـی وی با خوانندگان و نوازندگان هم چون ستاره‌یـی در آسـمان شهر توسکانی می‌درخشید. وی زیرنظر آنتونیو اسکوارچالوپی (Antonio Squarcialupi) درس موسیقی آموختـه بـود که خود او یکی از اعضای گروه موسیقی کلیسا بود و اغلـب آهنگ‌هایی هم برای نوازندگان دسته‌ی لورنزو می‌ساخت.

لورنزو به اشـیای عتیقـه‌ی یونـان و رم باسـتان اشـتیاق فراوانی داشت و مجموعه‌یی از جواهرات بسیار نفیس و سکه را در یکی از شهرهای کرانه‌ی مدیترانه گردآوری کرده بـود. وی عاشق هنرهای ظریف مثل معمـاری و تنـدیس نگـاری بود و سر در زیبای کلیسای بزرگ شهر از طرح‌های اوسـت، او فیلی پینولیپی (Filippino Lippi) و آندرآ دل وروکیو (Andrea del Verrochio) دکوراتور و تندیس نگـار را واداشت که پیکره‌ی نیم تنه‌یی از او و برادرش را در ویلایش بـسازند. او شخـصیتی زن بـاره بـود و بـر خـلاف ایـن کـه نوازنده‌یی بسیار زبردست بود، صـدایی تـو دمـاغی و گرفتـه داشت،در عین حال فـردی مـستبد و خـود رای بـود کـه در وجودش اثراتی از ظلم و ستم را آشکار می‌ساخت.

لشگریان فرانسوی، اروپا را بـه بیمـاری مـسری شبه آبله آلوده کردند. (اروپا، ۱۴۹۴):

یک بیماری جدید بسیار مسری کـه منـشاء آن بـه نظـر می‌رسد سرزمین فرانسه باشد، بسیاری از کشورهای اروپـا از جمله اسپانیا و ایتالیا را آلوده کرده است. این بیماری کـه بـه

تاول فرانسوی شهرت دارد، در دستگاه تناسلی افراد مجرم زندانی و اشخاصی که در اعمال جنسی حریص و هرزه هستند و هم چنین در افراد پرخور و شکم گنده معتاد به الکل و نیز افراد فاسد اجتماع بیشتر دیده می‌شود.

بیماری به هنگام مقاربت و آمیزش از افراد مریض به سالم سرایت می‌کند و در اجتماع پراکنده می‌شود. شروع آن با زخم‌هایی در سقف دهان و اطراف لوزه‌ها و زبان کوچک همراه است که به لب‌ها و چشم و بینی کشیده می‌شود، سپس بیمار را به درد و ضعف عضلانی و سستی و بی حالی دچار می‌سازد، پیش از آن که قربانی با دردهای شدید و مرگ فوری از بین برود. علت اصلی آن نامشخص است، بعضی آن را مرض و بلای آسمانی می‌دانند که افرا فاسد و هرزه را به کیفر اعمال خود عقوبت می کند. عده‌یی آن را در اثر کرم‌های ریز تاژک‌دار می دانند. لیکن به نظر می‌رسد که این بیماری در هنگامی که سربازان شارل هشتم، شهر ناپل را محاصره کرده بودند شایع شد. محاصره‌ی شهر شکسته شد، اما سربازان بیماری را به تمام اروپا به ارمغان بردند.

برای درمان بیماری داروهای زیادی به کار رفته که کمترین اثری در مبارزه با آن نداشته است. بهترین دارویی که تا به حال به کار برده شده و تاثیر خوبی داشته، پماد مرکور یا جیوه می‌باشد که سابقا برای درمان سایر بیماری‌های پوستی هم استعمال می‌شده.

ترس و وحشت مردم از این بیماری، سبب شده که افراد شارلاتان و حقه باز، با سبدی از داروهای گران قیمت و در حقیقت بی اثر، در سراسر اروپا پیدا شوند و داروهای خود را به قیمت گزاف به افراد بفروشند.

نقاش مینیاتوریست ایرانی جان به جان آفرین تسلیم کرد. (ایران، ۱۴۹۴):

بهزاد، یکی از بزرگ‌ترین نقاشان ایرانی، در سن چهل سالگی دار فانی را وداع کرد. او در بچگی پدر خود را از دست داد و یتیم شد، لیکن میراک (Mirak)، یکی از نقاشان پیرو سبک طبیعی رآلیست، به استعداد خارق العاده‌ی او پی برد و در راه تعلیم او کوشید، تا بهزاد یکی از هنرمندان مشهور گردید.

وی به زودی به عنوان یک مینیاتوریست شهرت یافت، او با استفاده از رنگ‌های طبیعی ایرانی و ترکیب رنگ‌ها و نیز استفاده از هوش و ذکاوت خود چنان صحنه‌های مسحور کننده‌یی به وجود آورد که باعث شگفتی است. تابلوهای بهزاد از ظرافتی خاص برخوردار است که بیننده آن را طبیعی تصور می‌کند، او هیچ وقت از رنگ‌های تند و زننده استفاده نمی کند تا صحنه‌ی تابلو در تماشاگر احساس آرامش به وجود بیاورد.

مرگ اسرارآمیز فرمانروای آفریقای غربی، (۱۴۹۲):

مرگ علی سنی (Sunni Ali) پادشاه گائو (Gao)، هم چنان در ابهام فرو رفته و شایعاتی در اطراف آن بر سر زبان‌هاست، او در عرض ۲۸ سال سلطنت خود، قلمرو کوچک گائو را به یکی از بزرگ‌ترین سرزمین‌های پادشاهی غرب افریقا مبدل ساخت. نخستین اظهار نظرها حاکی از آن بود که علی سنی در هنگام عبور از نیجر از طرف خراجگزاران به قتل رسیده است.

تازه‌ترین شایعه حکایت از آن دارد که او توسط محمد تور (Ture)، برادرزاده و رقیب بارو (Baro)، پسر و جانشین علی کشته شده و او مسئول مرگ علی است.

به هر صورت، ظن مختصری هم وجود دارد که عوامل امپراتوری بزرگ سونگایی (Songhai) در رقابت با سرزمین تحت سلطه‌ی علی و شکوفایی آن، دست به قتل وی زده باشند، چون علی ارتش منظم و قدرتمندی به وجود آورد و پایتخت خود را به یکی از شهرهای زیبای افریقائی مبدل کرد، در حالی که مدیری بسیار با تدبیر و در عین حال ظالم و ستمگر بود. وی در شهر تیمبوکتو (Timbuktu) مجامع اسلامی ترتیب داد و نخستین فرد مذهبی و روحانی بود که به قدرت رسید و حکومت تشکیل داد. علی در چندین نبرد به پیروزی رسیدو مرگ او باعث از بین رفتن قدرت در منطقه شد.

کریستف کلمب، کروی بودن زمین را به اثبات رسانید. (هند غربی ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲):

کریستف کلمب (Christopher Columbus)، فرمانده‌ی ناوگان اعزامی اسپانیا و یکی از پیش قدمان و کاشفان هند غربی، امروز در ساحل سرزمینی که مردم آن لخت و در حالت نیمه وحشی زندگانی می‌کردند، پیاده شد.

بغداد ۳۱ دسامبر ۱۵۳۴
دولت عثمانی بغداد را تصرف کرد.
ایران ۱۵۳۴
شاه طهماسب صفوی حسین خان رئیس ایل شاملورا به قتل رسانیده و قدرت را در دست گرفت.
انگلیس ۱۵۳۴
توماس کرامول (ThomasCromwel) به صدارت عظمی منصوب شد.
دانمارک ۱۵۳۴
کریستیان سوم که مذهب پروتستان داشت پس از شکست برادرش که حامی کاتولیکها بود در نبردهای خیابانی، و نیز مرگ پدرشان فردیناند در سال گذشته به پادشاهی دانمارک رسید.
فلورانس ۱۵۳۴
میکل آنجلو (میکل آنژ) در حالیکه تزئینات کلیسای کوچک در سن لورنزو (San Lorenzo) را به پایان نرسانده بود به رم بازگشت، در اینحال وی به کارتزئین کلیسای سیستین (Sistine) پرداخت چون کار نقاشی سقف این محل مدت ۳۰ سال متروک شده بود.
آلمان ۱۵۳۴
فرانسیس پادشاه فرانسه پیمان همکاری اوگسبورگ را امضا کرد. این پیمان همکاری شاهزادگان پروتستان مذهب را بر علیه شارل پنجم می‌طلبید.
برزیل ۱۵۳۴
طبق طرح جاه طلی‌های ژان سوم پادشاه پرتغال کرانه‌های ساحلی برزیل به ۱۲ منطقه فرماندهی تقسیم شد. این نقشه برخلاف امیال اشراف زادگان پرتغالی و خالی کردن زیر پای آن ها بود و قدرت تصمیم گیری را تنها در اختیار شاه قرار می‌داد و در مواقع لزوم مسئوولیت را بر عهده درباریان می‌گذاشت.
رم ۱۵۳۴
بامرگ جولیو دومدیچی (Giulio de Medici) (کلمنت هفتم) که از سال ۱۵۲۳ در مقام پاپ بود آلکساندر فارنس (Alexander Farnese) به جانشینی وی انتخاب شد و نام پل سوم را برخود نهاد.
پرو ۱۵۳۴
مانکو کاپاک (Manco Capac) دوم رهبر اینکاها قیامی بر علیه پیزارو برپا کرد.
مراکش ۱۵۳۴
ابوعبدالله آخرین پادشاه سلسله ناصری مسلمان و فرمانروای گرانادا (Granada) (قرطبه) در اسپانیا، در شهر فز (Fez) بدرود حیات گفت.
مکزیک ۱۷ آوریل ۱۵۳۵
آنتونیودومندوزا (Antonio de Mendoza) به سمت نخستین نایب السلطنه اسپانیایی جدید منصوب شد و بدین وسیله اسپانیا قدرت را در سرزمین مکزیک به دست گرفت و یکه تاز آن منطقه گردید.
فرانسه ۱۹ مه ۱۵۳۵
حکایاتی که از حاکم نشین ثروتمند ساگونی (Saguenay) به گوش سیاستمداران فرانسه می‌رسید ژاک کارتیه را بر آن داشت که دومین سفر خود را از برتانی جهت کشف این منطقه به عزم آمریکای شمالی آغاز کند.
پرو ژوئن ۱۵۳۵
فرانسیسکو پیزارو (Fracisco Pizarro) شهر لیما (Lima) را در پرو بنیان نهاد.
آلمان ژوئن ۱۵۳۵
استحکامات و قلاع شهر مونستر (Munster) که در دست فرقه آناباپ تیست‌ها قرار داد. با اتحاد و همدستی پروتستانها و کاتولیکها تسخیر گشت و ساکنان آن کشته شدند.
لندن ۷ ژوئیه ۱۵۳۵
توماس مور (Thomas More) پس از ۱۵ ماه که در برج لندن به خاطر عدم ادای سوگند درباره اختلاف بر سرجانشینی سلطنت زندانی بود به قتل رسید. سال قبل هم جان فیشر(John Fisher) سر اسقف منطقه روچستر (Rochester) به همین علت اعدام شد.

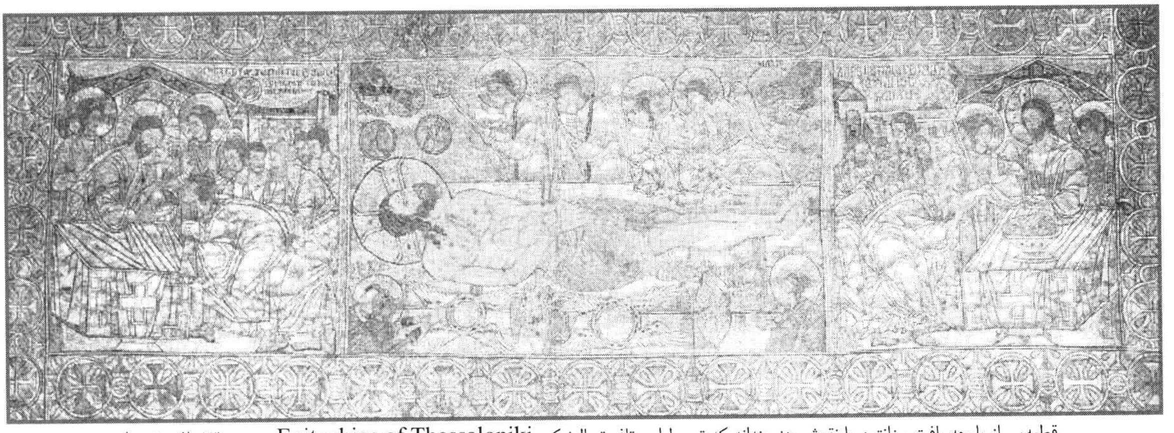
وی این سرزمین را سن سالوادور (San Salvador) یا سرزمین رستگاران مقدس نامید. کلمب که مدت‌ها در پی اکتشاف هندوستان بود، مدت‌ها در دریا سرگردان بود، سرانجام به خشکی پا نهاد و چون مردم این منطقه رنگین پوست و شبیه هندیان بودند، آن را هند غربی خواند و تصور می‌کرد که به هندوستان رسیده است. سال‌ها بود که کلمب می‌دانست زمین کروی است، اما حالیه این موضوع را به اثبات رسانید و در این موضوع هیچ شک نداشت، معهذا عده‌یی از جمله ناویان او هم زمین را مسطح می‌پنداشتند.

وی و همراهانش، مدت ۳۵ روز بود که از جزایر قناری برای بار آخر سطح افق را مشاهده می‌کردند. این دریا سالار اهل جنوا، یک دریانورد باهوش و نابغه بود که مردانی کار آزموده و با تجربه را تحت نظر داشت.

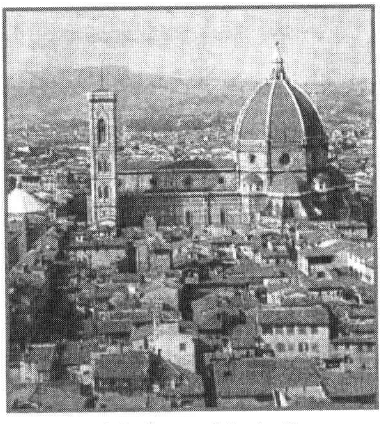
مدت ۹ روز بود که توفان شدیدی از سوی مغرب جریان داشت و باعث زحمت آن‌ها شده بود، به طوری که کشتی آن‌ها آهسته آهسته در گرداب افتاد و به سوی دریای زرد متمایل شد و ملوانان را بیشتر عصبانی و خشمگین کرد. دریا سالار که می‌دانست خیلی به سوی غرب نرفته‌اند، آن‌ها را مورد خطاب قرار داد و گفت نگرانی آن‌ها بی‌مورد است.

لیکن چون توفان فرو نشست و سرعت کشتی زیاد شد، ترس وی را فرا گرفت و احساس کرد که هرچه بیشتر به سوی مغرب پیش می‌روند و کشتی آن‌ها در مغاک عظیمی گرفتار آمده و به حاشیه‌ی کره زمین رانده شده‌اند. در همین اوان، کلمب دسته‌هایی از پرندگان مهاجر را مشاهده کرد که به سوی خشکی در پروازند و به یاد آورد که دریانوردان پرتغالی پس از سال‌ها تلاش، سرانجام به جزایر آزور (Azores) رسیدند و تجربه‌ی آن‌ها باعث آرامش وی گردید. وی سپس سکان کشتی را در جهت جنوب غربی و مسیر پرواز پرندگان قرار داد. در این حال کلمب به ناویان گفت که مطمئن باشید که دو روز دیگر به خشکی خواهیم رسید و به اکتشاف خود پایان خواهیم داد.

کلمب در ۷۱ روز پیش، از منطقه‌ی پالوس (Palos) اسپانیا، با سه کشتی کوچک و تعدادی تیرانداز خارج شد و به سیر در دریا پرداخت. کشتی وی ۲۸ متر طول و یکصد تن ظرفیت داشت که با دو کشتی کوچک‌تر که ظرفیت آن‌ها ۵۵ تن می‌شد، همراه بود. افراد پاروزن کشتی‌ها، از زندانیان جزیره‌ی پالوس بودند که از زندان محلی خلاص شده و در



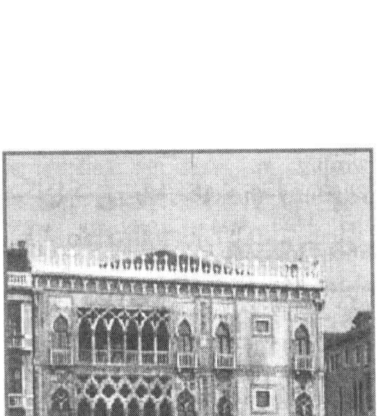
قطعه‌یی از پارچه بافت بیزانتین با نقوش هنرمندانه که توسط اپی تافیوتسالونیکی Epitaphios of Thessaloniki در سده ۱۳ بافته شده است.



کلیسای باشکوه و مجلل فلورانس.



سقف بسیار زیبای شش ضلعی کلیسای بزرگ فلورانس، کار هنرمندانه‌ی برونللسکی (Brunelleschi).



قصر زرین کاداورو (Ca'd'oro) در شهر ونیز.

کشتی به پاروزنی می‌پرداختند، در آن زمان چون شغل پاروزنی سخت و طاقت‌فرسا بود، زندانیان را به این کار وامی‌داشتند. این سفر بسیار طولانی شد و کلمبوس ۴۱ ساله، با این سفر در وهله‌ی اول پرتغالی‌ها و سپس فرانسه و انگلیس را در ترس و واهمه فرو برد، چون آن‌ها انتظار نداشتند که اسپانیا در پی اکتشاف در دریا برآید و بدین وسیله حسادت آن‌ها را تحریک کند. اسپانیا در نبرد با مسلمانان پیروز شد و بنا بود غرامت دریافتی از آن‌ها را صرف هزینه ی جنگی افراد صلیبی در سرزمین مقدس (بیت المقدس) نماید. او هنگامی که پای بر روی خشکی نهاد، معلوم نبود که سن سالوادور را کشف نموده. در حالی که کلمب می‌پنداشت که به سرزمینی نزدیک ژاپن رسیده است.

علامت قرار دادی به وسیله ی ستاره‌ها از نظر کلمب مخفی ماند. (اقیانوس اطلس میانی، ۱۴۹۲):

چهار روز پس از ترک منطقه هی‌یرو (Hiero) واقع در قسمت غربی ترین جزایر قناری، کریستف کلمب به کشفی هشدار دهنده دست یافت. وی جهت حرکت از سمت غرب به شمال را با علامتی نشان کرد و آن نقطه را مبدا فرار داد.

ملوانان و جاشویان کلمب در سلامت عقل وی تردید داشتند، چون چگونه می‌توان در وسط اقیانوس نقطه‌یی را علامت گذاشته و حدود آن را مشخص کرد و چگونه آن نقطه ثابت می‌ماند و آن نشانه در اثر عوامل جوی و باد و توفان تغییر نخواهد کرد، ملوانان تا آن هنگام نتوانسته بودند در میان کرانه‌های اقیانوس اطلس در اروپا محلی را تعیین کنند که آن محل تغییر نکند و عوامل جغرافیایی به ثبوت آن آسیب وارد نسازد، بلکه حد فاصل شرق به شمال تدریجا محو خواهد شد و یکی از عوامل تغییر دهنده وضع جغرافیایی نیروی مغناطیسی در دو قطب است که نشانه را ثابت نخواهد گذاشت و حرکت وضعی کره زمین آن را دچار نوسان خواهد ساخت. به علاوه، این سه کشتی در توفان‌های شدید بسیار آسیب‌پذیر است. این کشتی‌های سبک فقط می‌توانند در دریای بالنسبه آرام و توفان‌های سبک مقاومت نمایند و در توفان‌های شدید، ملوانان تنها شاید قادر باشند که وضعیت خود را حفظ کنند و از اطراف و جوانب بی خبر

آفریقای شمالی ژوئیه ۱۵۳۵
شارل پنجم تونس را از تصرف بارباروسا (Barbarossa) خارج ساخت.

کانادا ۲ اکتبر ۱۵۳۵
ژاک کارتیه ماه قبل به کبک (Quebec) کانادا رسید و آن شهر را مونرال (Montreal) نامید.

انگلیس ۱۵۳۵
هنری هشتم یک هیئت مذهبی را زیر نظر صدراعظم توماس کرامول قرار داد که اخبار کلیساهای ایالات را به وی گزارش دهد.

هندوستان ۱۵۳۵
همایون پادشاه مغول هندوستان منطقه گجرات (Gujarat) را مورد حمله شدیدی قرار داد و قلاع ناحیه چمپنر (Champener) را از آن خود ساخت.

اسپانیا ۱۵۳۵
هرناندو پیزارو (Hernando Pizarro) برادر ناتنی فرانسیسکو بخش‌هایی از سرزمین اینکاها را مورد حمله و غارت قرار داد و آن ناحیه را به نام شارل پنجم تصرف کرد. فرانسیسکو که قبلا فرمانداری کاستیل جدید (New Castile) و دیه گو دو آلماگرو (Diego de Almagro) را به عهده داشت سرپرستی فرمانداری تولدوی جدید (New Toledo) را هم عهده‌دار شد.

مکزیک ۱۵۳۵
اسپانیولی‌ها شهر جدیدی را به نام لاپاز (Lapaz) در جزیره‌یی نزدیک ساحل غربی مکزیک بنا کردند (باخا کالیفرنیا- (Baja California) این شهر بین جزیره و سرزمین اصلی سانتاکروز (Santa Cruz) قرار دارد.

مکزیک ۱۵۳۵
اسپانیولی‌ها دو ایالت به نام آگوستی نیان (Augustinian) و فرانسیسکان (Franciscan) را در اسپانیای جدید (مکزیک) برپا کردند. اجتماعاتی از بومیان مناطق مجاور در ساحل مکزیک پیاده شدند تا به جنگ بر علیه کاشفان هند غربی بپردازند.

آفریقای جنوب شرقی ۱۵۳۵
پرتغالیها به دورترین دره رودخانه زامبزی دست یافتند. این مناطق زیر نظر حاکمان مسلمان اداره می‌شود. آنها در سال ۱۵۳۱ در این منطقه مجلس سنا تشکیل دادند.

میلان ۱۵۳۵
با مرگ فرانسیسکو اسفورزا (Francesco Sforza) دوم این شهر توسط شارل پنجم مسخر شد.

بریتانیا ۱۵۳۶
کوشش هائی به عمل آمد که انگلستان و ناحیه ویلز (Wales) به یک فدراسیون تبدیل شده و قوانین و حکومت واحدی داشته باشند. از این پس ویلز ۲۴ نماینده در پارلمان انگلیس خواهد داشت.

انگلستان ۱۵۳۶
کاترین آراگون نخستین زوجه هنری هشتم فوت شد. گرچه او برای شاه پنج فرزند به دنیا آورد لیکن پرنسس ماری (Princess Mary) تنها در سال ۱۵۱۶ یک فرزند سالم زائید.

سویس ۲۱ مه ۱۵۳۶
در طی جلساتی که در شهر ژنو راجع به انجام اصلاحات مذهبی در کلیسا تشکیل شد همگان به این امر رای مثبت دادند. این جریان در پی آن صورت گرفت که ویلیام فارل (William Farel) دو بار تهدید کرد که اگر عقاید پروتستانها مورد بحث قرار نگیرد وی شهر را ترک خواهد گفت.

سویس ۱۵۳۶
ژان کالون (John Calvin) عالم الهیات فرانسوی که چندین سال پیش به فرقه پروتستان پیوسته بود در نشریه انجمن مسیحیان مطالبی درباره عقاید خودش راجع به فرقه‌های مذهبی مسیحی نوشت و آنرا به فرانسیس پادشاه فرانسه تقدیم کرد.

لندن ۱۹ ژوئن ۱۵۳۶
آن بولن (Anne Boleyn) دومین همسر هنری هشتم پادشاه انگلیس در برج لندن به دستور وی به قتل رسید.

خواهند ماند و قادر به درک موقعیت جغرافیایی کشتی و تعیین حدود نخواهند بود. برای ملوانان در حال حاضر یگانه راهنمای قابل اطمینان ستاره‌ی قطبی است که با علامت گذاری توسط این ستاره می‌توان در دریاها مسیر را تعیین و مشخص کرد.

اسپانیا و پرتغال، دنیا را بین خود تقسیم کردند. (توردزیلا (Tordesillas)، اسپانیا، هفتم ژوئن ۱۴۹۴):

امروز کشورهای اسپانیا و پرتغال با امضای عهدنامه‌یی بین خود، قرار گذاشتند که زمین‌های کشف شده و سرزمین‌هایی که در آینده کشف خواهد شد، به مالکیت کشور کشف کننده در خواهد آمد و دولت هایی دیگر حق مداخله در این موارد را نخواهد داشت.

این پیمان برای کریستف کلمب که دنیای جدیدی را کشف کرد و مسیر جدیدی را به طرف غرب گشود، بسیار خوشحال کننده بود و وی را به هیجان درآورد، چون تمام سرزمین‌های جدید متعلق به اسپانیا خواهد بود. برای ژان دوم، پادشاه اسپانیا که در نظر داشت سیاست دریانوردی، فردیناند و ایزابلا را تعقیب کند، این پیمان هشداری بود، از سوی پاپ آلکساندر ششم، او تعدادی گاو نر به عنوان هدیه برای اسپانیا به خاطر کشف دنیای جدید فرستاد که در مسابقات گاو بازی مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب، تمام سرزمین‌های کشف شده در غرب جزایر آزور به اسپانیا تعلق گرفت و رسمیت یافت.

ژان دوم، پادشاه اسپانیا، باب گفتگو درباره‌ی تجارت غرب اقیانوس اطلس را با فردیناند و ایزابلا باز گذاشت و خیال داشت که در این باره با آن‌ها به توافق برسد. در حال حاضر، کسی نمی‌تواند تصور کند که چقدر زمین کشف نشده در غرب وجود دارد، معهذا با کشف دنیای جدید معلوم شد که اسپانیا سهم بیشتری از آن را مالک شده است.

مکتشفین در جستجوی یافتن سرزمین افسانه‌یی پرستر ژان (Prester John) (افریقا، ۱۴۹۴):

کشف سرزمین افسانه‌یی پرستر ژان، چون سیخونک و مهمیزی بود که به پهلوی دریانوردان پرتغالی زده می‌شد زیرا آنان می‌خواستند هر چه زودتر آنجا را کشف کنندو به این مساله در قاره‌ی افریقا پایان دهند. این افسانه سبب تماس دایمی پادشاهان اتیوپی با مسیحیان غربی می‌شد.

دو نفر از دریانوردان پرتغالی، به نام‌های پدرو کویلهائو (Pedro de Covilhao) و بارتولومه دیاس (Bartholomew Dias)) در سال ۱۴۸۷ لیسبون پایتخت پرتغال را به قصد افریقا ترک کردند، در حالی که دیاس به دماغه امیدنیک در جنوب رسید، دوکویلهائو در جستجوی سرزمین پرستر ژان، کرانه‌های افریقا را در نوردید و مقادیری ادویه از هندوستان خریداری کرد که در جاهای دیگر به فروش برساند. او پس از پیمودن مسافت زیادی به منطقه‌ی لوانت (Levant) در اقیانوس هند رسید، سپس از خلیج فارس، دریای سرخ و خلیج عدن گذشته و به منطقه‌ی زیلا (Zeila) در اتیوپی رسید. در این هنگام، مردم اتیوپی که به دین مسیحیت درآمده بودند، نوزادان پسر را در سن ۴۰ روزه و نوزادان دختر را در دو ماهگی غسل تعمید می‌دادند.

ژان کابوت (John cabot)، پس از کشف لابرادور (Labrador) فاتحانه مراجعت کرد. (لندن، ششم اوت ۱۴۹۷):

ژان کابوت، دریانورد جنوایی، پس از سفر به سراسر اقیانوس اطلس، با پیروزی برگشت. هنری هفتم، پادشاه انگلیس مبلغ ۱۰ لیره به او داد و مقرر کرد که هر ساله هم مبلغ ۲۰ لیره به او بپردازند. کابوت در نظر دارد که سال آینده هم به سفر طولانی عزیمت کند. گرچه او در جنوا متولد شده و یک شهروند ونیزی است، لیکن ده سال پیش به انگلستان آمد و در شهر بریستول (Bristol) ساکن شد تا بتواند برای مسافرت به سراسر اقیانوس اطلس پشتوانه‌یی داشته باشد.

با وجودی که کابوت در روز دوم مه با کشتی ماتیو (Matthew) آغاز به سفر کرد، پس از پیمودن سراسر کرانه‌ی اقیانوس اطلس، در ۲۴ ژوئن به لابرادور در آمریکا رسید. در آنجا طبق قرار داد سنت مارک به اسپانیا اجازه داده شده بود که سرزمین آمریکا در انحصار آن کشور باشد، کابوت هم بدون تخلف از این مقررات، پرچم سنت مارک را به روی کشتی خود نصب کرد. این قرار داد در سال ۱۴۹۴ به مرحله‌ی اجرا درآمد. او قصد داشت که با رفتن به اعماق شمالی، به کشف سرزمین‌های بیشتری دست یابد.

ساکنان آمریکا عقیده دارند که دود کردن برگ توتون برای سلامتی مفید است. (اروپا، ۱۴۹۶):

زمانی که کریستف کلمب موفق به کشف قاره‌ی آمریکا شد، مشاهده کرد که بومیان آمریکای مرکزی برگ یکی از گیاهان کمیاب را آتش زده می‌کشند و از آن دود و بخار زیادی حاصل می‌شود. ملوانان و جاشویان همراه کلمب، نام این گیاه را سبزی سحر کننده نامیدند ولی بومیان محلی از آن در جشن‌ها و میهمانی‌ها استفاده می‌کردند و کشیدن آن را برای سلامتی مفید می‌دانستند.

طبق گفته‌ی یکی از راهبان همراه کلمب، بومیان برگ سبز این گیاه را خشک و خرد کرده و به آن تنباکو می‌گویند، و تنباکوئی را که از برگ خشک شده گیاه به دست می‌آید، در لوله‌یی به مانند چیق می‌ریزند و آن را آتش زده و می‌کشند و دود آن را از منخرین (سوراخ‌های بینی) بیرون می‌دهند.

آن‌ها برگ خشک شده توتون (تنباکو) را در پیپ نهاده، آتش می‌زنند و با تنفس خود آن را به داخل گلو و ریه می‌فرستند و با بازدم دود را خارج می‌کنند. دود خارج شده از بینی آن‌ها، در فضا شبیه اژدها می‌شود. برخی از بومیان برگ تنباکو را می‌جوند و این عمل هم شبیه کشیدن برگ آن فرح انگیز است. به هر حال، استنشاق و جویدن برگ این گیاه، در انسان حالت سبکی ایجاد می کند و این حالت نشئه آور و لذت بخش است.

چینی‌ها با اختراع مسواک و خلال دندان، آن‌ها را سفید کرده و تبسم را خوش حالت می کنند. (چین، ۱۴۹۸):

تاکنون یکی از مشکلات و معضلات بشر، خارج کردن ذرات باقی مانده از غذا از بین دندان‌ها بود و شاید این امر که بستگی به بهداشت دهان و دندان داشت که از بدو تمدن باعث ناراحتی بوده است. به طور سنتی، هر فرد سعی می‌کرد که پس از خوردن غذا با وسایلی ذرات باقی مانده‌ی غذا را از درون شکاف دندان‌ها خارج سازد، لیکن چینی‌ها با اختراع نوعی مسواک یا برس دندان، این کار را عملی و ساده‌تر کرده‌اند و به این ترتیب، دندان‌ها سفیدتر و شفاف تر می‌شود. و سطح دندان‌ها از طرف جلو تمیزتر نشان داده می‌شود. با این مسواک می‌توان از هر سو در حفره‌ی دهان

فرانسه ۶ ژوئیه ۱۵۳۶
ژاک کارتیه کاشف فرانسوی در دومین سفرش به آمریکای شمالی در سنت مالو لنگر انداخت. او که مدت ۲۵ روز را در سرمایی سخت زمستان به انتظار یافتن طلا گذرانیده بود دست خالی برگشت. در حالیکه ۲۵ نفر از همراهان وی در اثر یخ بستن دست و پاهایشان و گرسنگی به هلاکت رسیدند.

آلمان ۱۵۳۶
یوهان فاوست (Johann Faust) پزشک ستاره شناس و دانشمند علوم خفیه به طور غیر منتظره در ناحیه بریسگو (Bresigau) درگذشت. مشهور بود که وی قادر است به عملیات خارق العاده و حیرت انگیز اقدام کند.

ایتالیا ۱۵۳۶
جولیو رومانو (Giulio Romano) هنرمند و معمار ایتالیایی کارهای تزئینی قصر دل ته (delte) متعلق به گونزاگا دوک مانتوآرا (Gonzaga Mantua) به پایان رسانید.

ونیز ۱۵۳۶
ژاکوپوسانسووینو (Jacopo SanSovino) اقدام به تاسیس کتابخانه‌یی برای جمع آوری کتاب‌های دست نویس و با ارزش کرد که آن‌ها را از دست ترکان عثمانی نجات داده و حفظ کند. در این زمینه کاردینال با ساریون (Bassarion) هم کتاب‌های خطی را که در ونیز در اثر حملات ترک‌ها پراکنده شده بود گردآوری کرده و در این کتابخانه جای داد.

پرتغال ۱۵۳۶
جیل ویسنته (Gil Vicente) درام نویس و مولف اتودو ویزیتو کائو (Auto de Visito Cao) و خالق تماشاخانه‌های ملی پرتغال درگذشت.

فرانسه ۱۵۳۶
سپاهیان شارل پنجم در تعقیب ارتش فرانسیس پادشاه فرانسه به ایالت پروونس (Provence) حمله کرده و سعی کردند که منطقه پیه مونت (Piedmont) را محاصره کنند. آن‌ها با حمایت آن (Anne) اهل مونت مورنسی (Montmorecy) اقدام به این کار کردند.

آفریقای شمالی ۱۵۳۶
کشتی‌های جنگی خیرالدین بارباروسا یکی از گروه‌های دزدان دریایی، بار دیگر ناحیه بیزرت (Bizerta) را به اشغال خود درآوردند.

آمریکای جنوبی ۱۵۳۶
سباستیان دوبلالکازار (Sebastian de Belalcazar) که به فرمانداری ایالت کیتو (Quito) توسط فرانسیسکو پیزارو (Francisco Pizarro) منصوب شده بود شهری را به نام پاپ در شمال این منطقه تاسیس کرد.

آمریکای جنوی ۱۵۳۶
پدرودومندوزا (Pedro de Mendoza) سرپرست گروه اعزامی اسپانیا شهری به نام سانتاماریا (Santa Maria) در بوینوس آیرس (Buenos Aires) را بنیان نهاد.

فرانسه ۱۴ ژوئیه ۱۵۳۶
دولت‌های فرانسه و پرتغال پیمان اتحاد دریائی در شهر لیون (Lyons) علیه اسپانیا امضا کردند.

انگلستان ۱۵۳۶
هنری هشتم شورش زائران گریس (Grace) که ناحیه‌یی مذهبی در شمال انگلیس است را سرکوب کرد. شورشیان نواحی کنت نشین را دستخوش تاراج کرده بودند. بر حسب دستور شاه تمام کلیساهای این منطقه منحل گردید.

آمریکای جنوبی ۱۵۳۶
گروه تحت سرپرستی دیه گودوآلماگرو (Diego de Almagro) فرماندار تولدوی (New Toledo) جدید به شیلی رسید.

رم دوم ژوئن ۱۵۳۷
پاپ پل (Pope paul) سوم طی اعلامیه‌یی به استعمارگران اعلام داشت که تمام ساکنان هند غربی اعم از زن و مرد مخلوق خدا و صاحب اخلاق و روحیات بشری هستند و هیچ کس حق ندارد آنان را برده و بنده خود سازد و برده داری را تحریم کرد.

استفاده کرد و با بالا و پایین و چپ و راست بردن آن تمام ذرات غذا را از بین شکاف‌های دندان‌ها خارج کرده و آن‌ها را تمیز نمود.

واسکو داگاما به هندوستان رسید. (هندوستان، ۲۳ مه ۱۴۹۸):

واسکو داگاما (Vasco da Gama)تقریبا پس از یک سال از ترک شهر لیسبون در پرتغال به شهر کلکته (Calicut) در ساحل مالابار (Malabar) رسید. این نخستین ناوگان اروپایی است که با عبور از دماغه امید نیک در اقیانوس هند از مسیر دریا به هندوستان دست یافته است. در طی این سفر طولانی، او مواجه با مشکلات و خطرهای بسیاری از آن جمله اغتشاش ملوانان و راهنمایان بود.

داگاما در این سفر چهار کشتی و تعداد ۲۰ تفنگ و ۱۷۰ نفر مرد مسلح به همراه داشت. راهنمای وی در این سفر یک مرد عرب مسلمان بود که وی را برای احتیاط و بر طرف کردن ترس اهالی مسلمان از مسیحیان پرتغالی به همراه برده بودند، چون پیش از این هم شاه کلکته جهت تجارت با پرتغالی‌ها درگیری‌هایی داشت و از ورود تازه واردان دچار ترس و بیم بود. گاما به هنگام ورود به کلکته، هدایایی شامل چندین عدد کلاه، لباس‌های راه راه، آلات نوازندگی و وسایل شستشو را همراه آورده بود که آن‌ها را به عنوان ارمغان و هدیه به شاه تقدیم کرد. شاه عمل او را توهین آمیز تلقی کرد و به گاما گفت که این جا کشور ثروتمندی است و این اجناس کم بهاست و ارزش ندارد.

داگاما پس از درگیر شدن با توفان و گردبادهای شدید در اطراف دماغه، مواجه با مسلمانانی شد که به هنگام درگیری اسیر افریقائیان شده بودند در مومباسا (Mombasa)، مردم مسلمان ساکن آن شهر با تظاهر به مسیحی بودن با مردان مسلح خود به کشتی‌ها حمله ور شدند. داگاما برای تهیه‌ی آب مصرفی خود و همراهانش، در موزامبیک، مردم را هدف قرار داد و با سلاح‌های آتشین آنان را پراکنده کرد تا به رودخانه دسترسی پیدا کند. در شهر مالیندی (Malindi)، بر عکس به پرتغالی‌ها درود و خوش آمد گفتند و ابومجید یکی از بزرگان شهر که در ناحیه‌ی گجرات آموزش ملوانی دیده بود و تجارب زیادی در بحر پیمایی داشت، به عنوان راهنما در سراسر کرانه‌ی شرق افریقا آن‌ها را هدایت کرد. داگاما در نظر داشت در مراجعت به لیسبون، تعدادی از هندیان را برای معرفی به مانوئل، پادشاه پرتغال، همراه ببرد.

پاپ به راهب سیاه پوست اخطار داد. (فلورانس، ۲۵ دسامبر ۱۴۹۷):

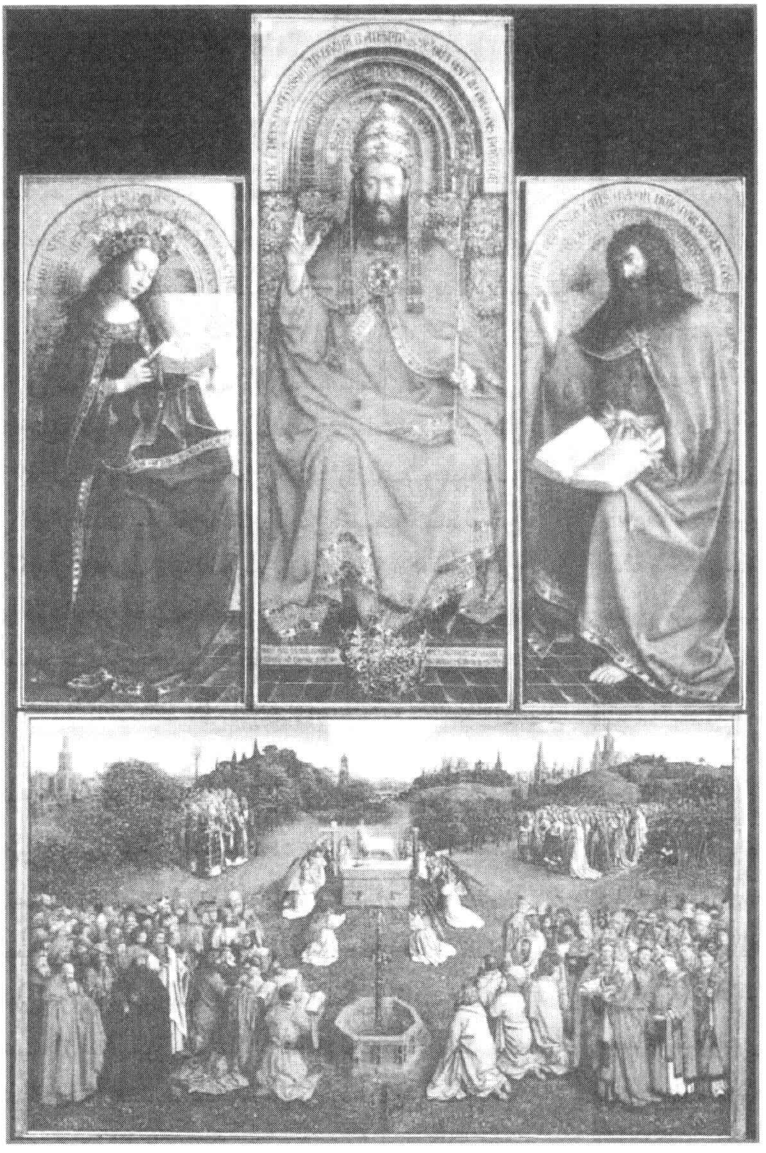
پس از شش ماه سکوت و آرامش در قبال حکم ارتداد پاپ درباره‌ی جیرولامو ساونارولا (Girolamo Savonarola) او امروز پاپ را به مبارزه طلبید. وی امروز صبح سه بار مراسم عشای ربانی را در کلیسای سن مارک اجرا کرد. در حالی که مدت هفت سال است که به عنوان راهبی سیاه پوست همواره مشغول وعظ و خطابه برای مسیحیان بوده است. او آدمی قد بلند و باریک، با بینی عقابی و ابروانی پر پشت و لبانی کلفت است. با وجود این، او دارای چشمانی به رنگ سبز خاکستری است که انسان را مسحور و هیپنوتیزم می‌کند.

جیرولامو در سال ۱۴۵۲ در شهر فرارا متولد شد و در جوانی به فرقه‌ی دومی نیکن پیوست. وی پیش از آن که به عنوان کشیش در کلیسای سن مارک معرفی شود، در حد یک پیام آور بود. او به کسانی که در راه خرابکاری کلیسا بودند و افراد غیر روحانی مخالف کلیسا، دشنام می‌داد و هنر فلورانسی را به انحطاط و زشتی متهم کرد. هم چنین لئوناردو داوینچی و بوتیچلی را به لواط و بچه بازی متهم می‌کرد، گرچه آنان از این اتهام تبرئه شده بودند. در جمعه نیک (عید پاک یا ایستر)، در سال ۱۴۹۲ ، وی نوری درخشنده را در آسمان تیره‌ی شهر فلورانس مشاهده کرد که به چشم دیگران ظاهر نشد. در این هنگام، جماعتی از سلمانی‌ها را دید که با تیغ‌های عظیم خود در حال حرکت هستند.

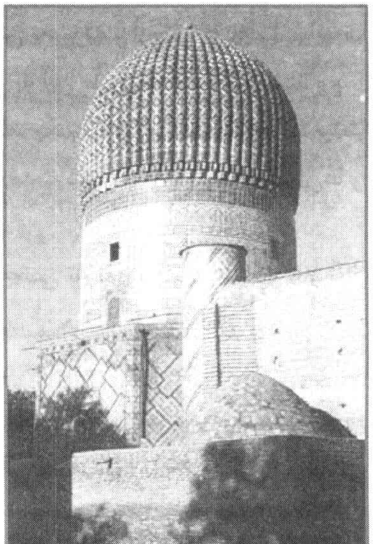
در سال ۱۴۹۴ ، وی در یک اغتشاش و آشوب، با کمک دولت فرانسه، مردم را بر علیه خانواده‌ی دومدیچی تحریک و به آنان حمله کرد. وی جمهوری فلورانس را ریا کار و متظاهر می‌خواند و همانند کتاب و عکس معرفی کرد که زنده و پویا نیستند و زندگی را به بطالت و پوچی می‌گذرانند. با حملات زننده وی، بوتیچلی از نقاشی‌های لخت و عریان دست کشید و لئوناردو از این شهر به میلان گریخت.



لحظه‌ی تولد عیسی که در صومعه‌ی سن مارک (St Mark) در فلورانس توسط فرا آنجلیکو (Fra Angelico) نقاشی شده.



گوسفند قربانی آرایش شده که قرار بود ابراهیم آن را قربانی کند. این تصویر بسیار زیبا توسط دو برادر به نام‌های یان و هوبرت فان آیک (Jan and Hubert Van Eycks) نقاشی شده و در کلیسای سن باوو (St Bavo) در شهر گنت (Ghent) هلند موجود است.



مقبره تیمور لگن در شهر سمرقند.

ارتش فرانسه، لنگ لنگان و به حال نزار، پس از شکست از ایتالیایی‌ها، به وطن بازگشتند. (ایتالیا، ششم ژوئیه ۱۴۹۵):

سپاهیان شارل هشتم پادشاه فرانسه، که دچار بیماری شده و از نیروهای نظامی ایتالیا شکست خورده بودند، با حالتی نزار و لاغر و تکیده لنگالنگ به میهن خود بازگشتند. این سپاهیان که در دو سال پیش نیرویی خرد کننده و شکست ناپذیر به نظر می‌رسیدند، و به آن مفتخر بودند، سایه‌ی آن‌ها هم ایجاد و هم و هراس می‌کرد.

ارتش‌های هردو طرف، خود را در نبرد، فاتح می‌پنداشتند، در حالی که این ادعا توپی میان تهی و خالی بود. شارل پادشاه فرانسه، همواره در رویای تصرف شهر ناپل بود در حالی که بیشتر وقت خود را با زنان صرف می‌کرد، به هر حال او سپاهیان خود را از کوه‌های آلپ گذرانیده و به سوی جنوب رفت. این ارتش از پنجاه هزار تیرانداز و کماندار و سرباز پیاده و ۳۶ توپ بزرگ تشکیل می‌شد، در حالی که چند صد نفر حامل وسایل و تدارکات شامل رختخواب، لوازم نماز و عبادت و تهیه ی غذا بودند و نیز تعداد زیادی هم آشپز، ناظر، پیشکار، راهنما و بلد، نوکر، نوازنده، بذله‌گو، مجلس آرا، نیزه باز و بندباز به همراه داشت.

با این عوامل و همراهان رنگارنگ، شارل در قلعه‌یی نزدیک شهر ناپل اقامت گزید. طلیعه‌ی سپاه شارل موفق شدند که گوش و بینی مدافعان شهر را ببرند و توپخانه شارل هم توانست به سقوط شهر ناپل کمک کند. لیکن شارل که از اتحاد بین ایتالیا و سویس بی خبر بود، سپاهیان خود را در دام انداخت و در نبرد فرونوو (Fronovo) با شکست سختی مواجه شد، به طوری که لشگریان وی با وضع بسیار بدی به طور پراکنده به سوی شمال رانده شدند.

دادگاه بازجوی عقاید اسپانیا، دشمنی خود را با فرقه‌ی دومی نیکن ادامه داده و راهبان را به قتل می‌رساند. (تولدو، ۱۴۹۸):

توماس تورکیمادا (Tomas Torquemada) یکی از کشیشان دومی نیکن و رئیس دادگاه تفتیش عقاید اسپانیا، که مدت ۱۲ سال این سمت را عهده‌دار بود، در گذشت. اما این دادگاه هنوز در شهرهای سویل و بارسلونا به شدت به شکنجه‌ی مردم ادامه می‌دهد حتی شعبات این دادگاه در شهرهای دیگر از جمله در شهر آراگون با وجود مخالفت مردم، تاسیس شده است. همه می‌گویندکه این دادگاه در بیست سال اخیر ، چندین هزار نفر را سوزانده است.

در سال ۱۴۷۸ بود که شاهان اسپانیا جهت رضایت خاطر پاپ سیکستوس (Sixtus) چهارم، دستور تاسیس این دادگاهها را دادند. هدف آن‌ها هم از تاسیس دادگاه بازجویی، تغییر دین و کیش یهودیان به مسیحیت بود. عده‌یی از آن‌ها تحت فشار شکنجه و درد و عذاب تن به مرگ دادند و برخی دیگر که آن چنان یارای پایداری و مقاومت نداشتند، به دین مسیح درآمدند.

کار این دادگاه‌ها از زمانی شروع شد که برخی جهت توبه و پشیمانی از ارتکاب جرم و گناه خود اقرار می‌کردند، به امید این که گناهشان بخشوده و رستگار گردند. بدین ترتیب به گناه اعتراف می‌کردند. تنها کافی بود که یک نفر از جرم متهم آگاه شده و آن را گزارش دهد. فردی که به گناه خود اعتراف می‌کرد، در آتش افکنده و اگر از آتش زنده بیرون می‌آمد، گناهانش بخشوده و آرامش می‌یافت، شاید تا به حال تعداد ۵۰۰ نفر به این طریق نجات یافته باشند و پنج هزار نفر هم با اعتراف ، حکم برائت دریافت داشته اند. بیشتر آن‌ها مجبور بودند که مدت شش جمعه، کلیسا و خیابان‌ها را جاروب و نظافت کنند.

بسیاری از آنان، یعنی تائبان بایستی شکنجه و آلام دیگری را تحمل کنند، آن‌ها برای پوشش بدن باید از لباس‌ها ی خشن و زبر استفاده کنند و حق سوار شدن بر اسب و حمل سلاح نداشتند. گاهی تنها می‌توانستند لباس سبز بر تن کنند در حالی که شکل صلیب‌هایی بر لباس آن‌ها نقش شده باشد.

باغی که برای سلسله‌ی پادشاهی زن (Zen) احداث شد. (ژاپن ۱۵۰۰):

باغی برای اندیشمندان و متفکران در خارج معبد بودایی سلسله‌ی زن و در منطقه‌ی ریوآن ژی (Ryoan-Ji) در توکیو گشایش یافت و اکنون شهر توکیو نه تنها پایتخت کشور، بلکه مرکز فرهنگ و تمدن ژاپن به شمار می‌آید. این معبد به شکرانه‌ی فردی جنگجو که عمری را در راه نبرد برای میهن خود سپری کرده بود. بنا شد. این شخص کاتسوموتو (Katsumoto) نام داشت و این باغ به جهت

انگلستان ۲۴ اکتبر ۱۵۳۷

جین سیمور (Jane Seymour) سومین همسر هنری هشتم فوت شد.

مکزیک ۱۵۳۷

انتونیودومندوزا (Antonio de Mendoza) نایب السلطنه اسپانیای جدید با فتوحات تازه خود مرزهای قلمرو اسپانیا را گسترش داد.

پرو ۱۵۳۷

پس از شورش بومیان برضد پیزارو و محاصره و تصرف کوزکو (Cuzco)، مانکوکاپاک (Manaco Capac) دوم یک ایالت اینکائی جدید در ویلکاباما (Vilcabamba) تاسیس کرد.

اروپا ۱۵۳۷

نیروهای نظامی فرانسه یک پیمان همکاری نظامی با دولت عثمانی بر علیه شارل پنجم امضا کردند و سپس شهرهای ایتالیا و حاشیه دریای مدیترانه را مورد حمله قرار دادند.

ایتالیا ۱۵۳۷

آندره آس وسالیوس (Andreas Vesalius) استاد تشریح دانشگاه پادوا (Padua) تشریح بدن انسان را در این دانشگاه جزو دروس پزشکی قرار داد.

رم ۱۵۳۷

پاپ پل سوم تجارت برده را برای کاتولیکها تحریم کرد.

مجارستان ۲۴ فوریه ۱۵۳۸

فردیناند پادشاه هابسبورگ و ژان زاپولیایی (John Zapolyai) که هر دو پادشاه مجارستان هستند سرانجام به امضای پیمان صلح در شهر گروس واردین (Gaosswardein) رضایت دادند.

المان ۱۰ ژوئن ۱۵۳۸

شاهزادگان کاتولیک آلمانی پیمان صلح اشمالکادیک (Schmalkaldic) با پروتستان‌ها را که در نورنبرگ امضا شده بود باطل اعلام کردند.

فرانسه ۱۵۳۸

فرانسیس پادشاه فرانسه و شارل پنجم امپراتور مقدس رم پیمان متارکه جنگ را در شهر نیس (Nice) امضا کردند و به خصومت بین خود پایان دادند.

اروپا ۱۵۳۸

پاپ پل سوم، شارل پنجم و جمهوری ونیز عهدنامه‌یی برضد عثمانی امضا کردند.

پرو ژوئیه ۱۵۳۸

به دستور پیزارو (Pizrro) دیه گوآلماگرو (Diego de Almagro) اعدام شد.

مدیترانه ۱۵۳۸

با حمایت فرانسه نظامیان دولت عثمانی به جزیره کورفو (Corfu) که به جمهوری ونیز تعلق داشت حمله کردند ولی توفیقی به دست نیاوردند.

مدیترانه سپتامبر ۱۵۳۸

سپاهیان عثمانی جمهوری ونیز و متحدان وی را به فرماندهی آندرهآ دوریا (Andrea Doria) در ناحیه‌ی پره‌وسا (Prevesa) شکست دادند و رهبری سواحل مدیترانه را در دست گرفتند.

هندوستان ۱۵۳۸

خادم سلیمان پاشا (Khadim Suleiman Pasha) فرماندار کشور مصر قشونی را برای حمله به هند اعزام کرد، لیکن سپاهیان ترک در منطقه‌ی دی یو (Diu) واقع در گجرات مغلوب شدند و به موطن خود بازگشتند.

عربستان ۱۵۳۸

با تسلیم شهر بصره به دست عثمانی، اینک دولت عثمانی به خلیج فارس دست یافت.

آرامش و آسایش وی احداث شد. این باغ به شکل مستطیل بود که تعداد ۱۵ عدد سنگ به اشکال مختلف آن را زینت می‌داد و در بین سنگ‌هابه طرز زیبایی شن ریزی شده بود، این شن‌ها به رنگ سفید و چشم انداز بسیار قشنگی داشت.

کابرال مدعی شد که برزیل به پرتغال تعلق دارد. (برزیل، ۲۳ آوریل ۱۵۰۰):

پدرو آلوارز کابرال (Pedro Alvarez Cabral)، دریانورد پرتغالی، که برای کشف سرزمین برزیل اقدام کرده، مدعی مالکیت آن برای پادشاه پرتغال است. این سرزمین وسیع که در جنوب اکوآتور (Equator) واقع شده به سرزمین چوب‌های قرمز معروف بود چون چوب قرمز رنگ در آنجا به وفور یافت می‌شد.

کاربرال با ۱۳ کشتی، به عزم رسیدن به هندوستان، موطن خود را ترک کرد. او برای گریز از سرزمین گینه‌ی افریقایی که به نام دولدورمز (doldrums) مشهور بود، هر چه بیشتر به سوی مغرب پیش راند و به کوههای دایره وار خیلی مرتفع رسید که برایش ناآشنا بودو هم چنین سواحل سنگی آن بیشتر به چشم می‌خورد. وی در ساحل دریا مردمانی را دید که پوست تیره رنگ و قهوه‌یی داشتند.

آن‌ها کاملا برهنه و لخت بودند و اسلحه شان تیرو کمان بود. مردان کابرال دو نفر از آن‌ها را برای بررسی به نزد کابرال بردند. در صورت آن‌ها اولین چیزی که جلب توجه می‌کرد، این که لب پائین آن‌ها افتاده و استخوانی تیز از آن گذشته بود و در نتیجه در لب پائین آن‌ها پارگی بزرگی مشاهده می‌شد. روز دیگر مردان بومی زنان خود را برای آشنایی با تازه واردان سفید پوست آوردند.

زنان هم مانند مردان برهنه بودند و بر روی پوست آن‌ها نقش‌هایی با استفاده از رنگ قرمز درختان رسم شده بود. کابرال در ضمن سفر خود، دست به یک عمل خطرناک زد و آن این که ، دو نفر از مردان خود را برای بررسی محل سکونت بومیان اعزام کرد. آن‌ها گزارش دادند که اغلب کلبه ها بسیار بزرگ و از چوب درختان ساخته شده و گنجایش سی نفر را دارد، این کلبه‌ها بر روی زمین‌های حاصلخیز بنا شده است. مردان کابرال مشاهده کردند که عده‌یی از مردمان محلی بر روی زمین مشغول کارند. نجاران محلی کلبه‌هایی از چوب می‌ساختند، لیکن هنگامی که

ملوانان خواستند که کلبه‌های مشابه آن را بسازند، موفق نشدند، چون آهن در آن منطقه یافت نمی‌شد و ملوانان بدون اره و تیشه آهنی نمی‌توانستند کلبه‌هایی شبیه بومیان بسازند. دو نفر از نجاران کابرال توانستند چوب‌هایی جهت ساختن کشتی تولید کنند، لیکن چون لوازم آهنی از قبیل میخ و اره و تیشه نداشتند، در این کار موفق نشدند. در حالی که بومیان با به کار بردن سنگ‌های تیز چوب را صاف و تیز می‌کردند و از سنگ به جای گوه در شکاف چوب جهت بریدن بهره می‌بردند. کابرال به بومیان یاد داد که به صلیب احترام بگذارند و آن‌ها هم در مقابل صلیب زانو زده و آن را بوسیدند.

هنگامی که مردان کابرال برای تهیه‌ی آب و غذا در خشکی لنگر انداختند، چهار صد نفر از بومیان به آن‌ها کمک می‌کردند تا مواظب این میهمانان باشند و برای حمل لوازم و وسایل به ملوانان یاری دادند. برخی به آنان برای حمل الوار جنگی کمک می‌کردند و حتی از غذا و شراب آن‌ها خوردند. کابرال که به عزم سفر به هندوستان به این مسافرت اقدام کرده بود، اینک زمینی را ترک می‌کند که مردمان آن تحت تعلیم و آموزش مذهبی قرار گرفته و به آن ایمان آورده بودند. وی دوباره به عزم هندوستان شراع کشید.

دیاس، دریانورد پرتغالی، در توفان اقیانوس اطلس هلاک شد. (دماغه امیدنیک، مه ۱۵۰۰):

کابرال، دریانورد پرتغالی، پس از ترک سرزمین تازه کشف شده‌ی برزیل، دچاربلایایی سخت شد. او در راه جنوب اقیانوس اطلس ور سیدن به هندوستان، گرفتار توفان مهیبی شد و در ضمن یک فروند از کشتی‌های خود را برای اطلاع از کشف سرزمین جدید به پرتغال فرستاد و خود برای فرماندهی و راهنمایی کشتی‌های دیگر که عزم هندوستان را داشتند، در محل باقی ماند تا بتواند با مخاطرات پیش بینی نشده مقابله کند. آنان به مجرد رسیدن به دماغه، دچار گردباد و توفانی سخت شدند، به طوری که دو فروند از کشتی‌ها با تمام نفرات و لوازم غرق شد و بقیه هم دچار آسیب‌های شدید شده و قسمتی از آن‌ها به کلی درهم شکست. یکی از مغروقان، بارتولومه دیاس، کاشف و دریانورد پرتغالی و نخستین ناخدای اروپایی بود که در ۱۲ سال قبل موفق شده بود، دماغه امیدنیک را دور برند.

این سفر تاریخی، مانند مسافرت واسکوداکاما به هند، مبدأ تاریخ گردید که در آن حادثه دیاس نقش مهمی بر عهده داشت. او خود ناظر در هم شکسته شدن ناوگان گاما بود و برای نجات آن ناوگان، کمک بسیار موثری بود. کشتی‌های آنان سه دکل داشت و بادبان‌های آن چهارگوشه بود که به شاه دکل متصل می‌شد، این کشتی‌ها هم چنین یک دکل هم در عقب داشت.

کشتی‌های گروه دیاس، هم چنین دارای بادبان‌های دوگانه بود، در حالی که در کشتی‌های کنونی این دکل‌ها توسط طناب‌هایی کلفت محکم می‌شود و نیاز به اتصال دکل‌ها به همدیگر نیست. برادر دیاس به نام دیوگو (Diogo) هم جزو ناوگان کابرال بود و دچار سانحه شد، اما زنده ماند. کابرال هفت فروند از کشتی‌های در هم شکسته را برای تعمیر در بندرگاه موزامبیک باقی گذاشت. به طور حتم می‌توان گفت که این ناوگان قادر است بقیه‌ی راه را به پیماید و دچار سانحه‌ی دیگر نشود و شاید بتواند از حوادث دیگر جان به در برد، هم چنان که دیاس توانست در سانحه‌ی دریای گاما سالم بماند.

اکنون کابرال در ساحل موزامبیک امیدوار است که بتواند در تجارت این منطقه شرکت کند و راه را برای تجار پرتغالی باز کند و تجارت جنوب آفریقا را منحصرا در اختیار این کشور قراردهد. در حالی که در نیم سده گذشته رقیب تجاری منطقه یعنی اسپانیا هم چون سیخی به پهلوی پرتغال فرو می‌رفت و دریانوردان پرتغالی با اکتشاف‌های جدید خود و گذشتن از دماغه موفق شدند حریف اسپانیایی را در این منطقه زمین گیر کنند. بدین ترتیب سفر پر اهمیت دیاس در جنوب آفریقا و پیمودن راه دریایی از مسیر دماغه امید نیک نقشه جغرافیایی جهان را دگرگون ساخت.

شوهری که توانست عمل سزارین را در مورد زن خود انجام دهد. (سویس، ۱۵۰۰):

گزارش شده که اخیرا یکی از پزشکان در منطقه‌ی شیگرزهافن (Sigershauffen) سویس اقدام به عمل جراحی مهمی کرده و به موفقیت دست یافته است.

ظاهرا زنی به نام فرائو نوفر (frau Nufer) دچار مشکلاتی در زایمان طبیعی از جمله تنگی لگن یا تغییر وضع جنین بوده و حالت طبیعی سر به طرف پائین را که وضع

اسپانیا اول فوریه ۱۵۳۹

امپراتور شارل پنجم و فرانسیس پادشاه فرانسه در شهر تولدو عهدنامه امضا کردند.

آلمان ۱۹ آوریل ۱۵۳۹

امپراتور شارل پنجم با پروتستان‌های آلمانی در شهر فرانکفورت (Frankfurt) عهدنامه‌ی صلح امضا کردند.

فلوریدا ۳۰ مه ۱۵۳۹

هرناندو دوسوتو (Hernado de Soto) کاشف اسپانیولی از کوبا مراجعت کرد و با گروهی ۶۰۰ نفره برای یافتن طلا در سواحل آمریکای مرکزی لنگر انداخت.

فلوریدا ۴ ژوئن ۱۵۳۹

هرناندو دوسوتو، خوآن اورتیز (Juan Ortiz) را که از سال ۱۵۲۷ گم شده بود و از قرار معلوم با ناوگان پانفیلودوناروائز (Panfilo de Narvaez) همراه بود، زنده یافت. او در این مدت در هند غربی زندگی می‌کرده است.

نیومکزیکو ژوئن ۱۵۳۹

استه وانیکو (EsteVanico) یکی از بردگان سیاه پوست به وسیله‌ی هندیان زونی (Zuni) کشته شد. پدر مارکوس (Marcos) (کشیش) در راس هیئتی به جستجوی هفت شهر طلایی افسانه‌یی در منطقه سیبولا (Cibola) پرداخت. در هر صورت او توانست کلبه‌های محقری را بیابد که قبایل زونی در آنجا با فقر دست به گریبان بودند.

فرانسه ۱۰ اوت ۱۵۳۹

فرانسیس دستور داد تمام قوانین و مدارک رسمی دولت فرانسه از زبان لاتین به زبان فرانسه برگردانده شود. بر طبق همین فرمان باید تمام افراد توسط کشیشان غسل تعمید داده شوند.

مکزیک ۱۵۳۹

آنتونیو دومندوزا (Antonio de Mendoza) که چهار سال پیش به سمت نایب السلطنه مکزیک منصوب شده بود، نخستین دستگاه چاپ را در شهر مکزیکو واقع در دنیای جدید به کار انداخت.

فلاندر ۱۵۳۹

امپراتور شارل پنجم با دادن امتیازاتی به اهالی گنت (Ghent) شورش مردم را فرونشاند. آن‌ها با پرداخت مالیات سنگین به فرانسیس پادشاه فرانسه مخالفت می‌کردند. چون می‌گفتند که شاه این پول‌ها را صرف جنگ‌های بیهوده می‌کند و هیچ کمکی به آبادانی کشور صورت نمی‌گیرد.

اسپانیا ۱۵۳۹

بر حسب دستور شارل پنجم تمام بدهی‌های دانشگاه سالامانکا (Salamanca) به حال تعلیق درآمد، چون بیم آن می‌رفت که کتاب‌های منتشره به وسیله‌ی دانشگاه حق پادشاه را در مورد جنگ و صلح مردود بشمارند.

طبیعی جنین است نداشت و زایمان او دچار اشکال بوده است. ترس از مرگ مادر و بچه، شوهر جراح وی به نام ژاکوب نوفر (Jacob Nufer) را وادار کرد که شکم و رحم زنش را شکافته و جنین رانجات دهد. عمل سزارین در افسانه‌های رم قدیم آمده که ژولیوس سزار (سزار قیصر رم) به همین روش به دنیا آمد.

در رم باستان، دکترها و ماماهای قابلی وجود داشتند که به اعمال جراحی اقدام می‌کردند. ژاکوب نوفر در حین جراحی سزارین، تخمدان‌های زن خود را بست تا او بار دیگر باردار نشود.

زنی اهل ساکسون، هنر نمایشنامه نویسی را ابداع کرد. (آلمان، ۱۵۰۰):

هنر نمایشنامه نویسی که موضوعی هیجان انگیز و پرطرفدار می‌باشد، در سده‌ی دهم میلادی، توسط بانوی نمایشنامه نویس ساکسونی (Saxon) موسوم به هروس ویتا (Hroswitha) اهل گاندرزهایم (Gandersheim) تقریبا بین سال‌های (۹۳۵ تا ۹۷۲) ابداع و تا به حال به شکوفایی خود ادامه می‌دهد. نگارش‌های او شامل شش نمایش‌نامه به زبان لاتین است که وی را به عنوان یکی از مشهورترین نمایشنامه نویسان آلمانی و نخستین زن نویسنده‌ی اروپایی به سبک آن روز به مردم اروپا شناساند.

پیس‌های هروس ویتا شامل (آبراهام کالیماکوس (Abraham Callimachus)، دولسی تیوس (Dulcitius) ، گالیکانوس (Gallicanus) پافنوسیوس (Pafnutius) و ساپین تیا (Sapientia) می باشد. که مشهورترین آن‌ها به نام مریم باکره و شهادت وی می‌باشد که شامل تابلوهای شکنجه های او در دوران زندگانی پاک و مقدس اوست که عده یی آن را به هرزگی تفسیر کرده اند.

دیگر از کارهای وی شامل اشعار و حکایاتی است که درباره‌ی قدیسین سروده شده است.

مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران شکل گرفت. (ایران، ۱۵۰۲):

پیدایش مذهب شیعه در ایران با تعقیب وظلم ستم همراه بود و مردم به راحتی آن را نپذیرفتند. به امر شاه اسماعیل صفوی پادشاه جدید ایران وموسس سلسله‌ی صفویه، پیروان سنت، مورد تعقیب قرار گرفته و در صورت اثبات، اعدام می‌گردند. شاه اسماعیل در سال گذشته پس از پیروزی بر آخرین پادشاه سلسله‌ی آق قویونلو (Ak-Koyunlu) با سی هزار مرد جنگی به شهر تبریز وارد شد و بر تخت سلطنت تکیه زد.

پادشاهان صفویه از ساکنان محلی کشور ایران بودند و نسب خود را به پیامبر اسلام می‌رساندند. صفویه تحت رهبری خواجه علی (۱۴۲۷-۱۳۹۱) به مذهب شیعه گرویدند، اصول و پایه مذهب شیعه، اعتقاد به ۱۲ امام معصوم است که نخستین امام، حضرت علی (ع) می باشد. جانشین خواجه علی در سده‌ی گذشته به قتل رسید، لیکن چون طرفداران صفویه در شهر اردبیل در شرق آذربایجان، نفوذ زیادی داشتند، با تبلیغات فراوان ضد عثمانی، این مذهب را در آذربایجان رواج دادند. همکاری و حمایت علمای شیعه، سرزمین‌های عربی مانند بحرین، حلیه (Hilla) در میان رودان (بین النهرین MesoPotamia) و به ویژه جبل عامل (Jabal Amil) در لبنان از شاه اسماعیل باعث رواج مذهب شیعه و تمایل عوام الناس نسبت به آن گردیدند. بیشتر زعمای مذهب شیعه در ایران ریشه عاملی داشتند و یکی از چهره‌های برجسته علمای شیعه الکرکی (al-karaki) عاملی است.

cally in the past, and how they have developed by adapting themselves under pressure of changes in their environments. Current research accordingly has a strong interest in theory and also in studying present-day hunter-gatherer communities, alongside the traditional approaches of discovery and excavation of sites and detailed analysis of artefacts.

A NOTE BY THE PERSIAN EDITOR

I must thank my learned friend and colleague Dr. Mahmood Zanjani for his considerable effort in translating **Chronicle of the World** into Persian. The Persian translation of this encyclopedic work will fill a gap in Persian literature. Its significance arises out of the fact that the present work contains considerable detailed information about the development of the numerous civilisations and cultures throughout the world. It is an undeniable fact that Iran - historically known as Persia - has contributed a great deal towards the world civilisation. However, this acknowledging of the great share of Iran in world civilisation from the time of the Persians and Medes up until the rise of the Islamic civilisation, should not blind us to recognise the depth and diversity of the human culture as spread amongst different nations of the world. Egypt, Iran, Mesopotamia, China, Greece, India and Rome as well as Africa and Latin America in the past and Europe and North America in modern time each have had their fair share of ups and downs in the history.

We must respect the rights of all the nations and consider their achievements as the common heritage of mankind. This means that we must proportionately look at our own impact in the world. We should avoid nationalistic approaches to the history and recognise the great impact that different nations have made upon each other throughout the history. We should aim at equality and fair division of the material and intellectual resources of the world. The past as well as the present and future of the mankind belongs to all the nations. The present book testifies this fact.

S.H. Amin

Tehran - January 2010

the best known Neanderthal specimens. That from Gibraltar was first in 1848, followed by the Neander Valley remains in 1856. Upper Palaeolithic burials, featuring essentially modem human types, were found at Pavilland Cave (Wales) in 1823, Cro-Magnon (France) in 1868, and Menton (France) in 1872. The first find of a European pre-Neanderthal hominid was the famous Heidelberg jaw in 1907.

Finds of Homo erectus (then called Pithecanthropus) in Java were made by a Dutchman, Eugene Dubois, in 1891-2, but it was not until the 1920s that areas outside Europe became a major focus of attention, with Raymond Dart's discovery of Australopithecus at Taungs in South Africa, and the first find of hominid remains, now recognised as Homo erectus, from Zoukoudian in China. Africa has since yielded large quantities of the earliest human types, notably in Kenya, Tanzania, Ethiopia and South Africa. Sub-Saharan Africa is now generally regarded as the "cradle of the human race".

The work of members of the Leakey family in East Africa over some 60 years has been particularly important, notably by Louis and Mary Leakey at Olduvai Gorge and by their son Richard in the Lake Turkana basin. Important finds have also been made in Ethiopia by Don Johanson, Tim White and others.

In the second half of the 20th century, many important scientific techniques have become available to Palaeolithic research, ranging from the dating of rocks by the potassium-argon method, to the microscopic examination of use-damage on stone tools, and computer-based methods of processing data of every kind. Palaeolithic archaeology can now be seen as one element of Quatenary research, which encompasses all aspects of natural history over the past two million years or so.

The work of the American anthropologist Lewis R Binford has been influential since the 1960s in directing archaeologists away from culture history and the simple classification of artefacts, towards attempts to understand how human societies operated dynami-

must be very great indeed, and Biblical events like the miraculous creation of the world and a universal deluge were open to question. At the same time, though quite independently, biologists and zoologists like Charles Darwin and Alfred Wallace, supported by T H Huxley, were putting forward their theories of evolution, which could be seen to involve slow procesess of development affecting all living things, including humans.

Darwin's The Origin of The Species was published in 1859, and by the 1870s, his work and the finds of the palaeontologist had combined to break down the old Genesis view, and create a climate in which there was a growing acceptance of the great antiquity of the human race. In various parts of Europe, sequences of archaeological sites were becoming known, as opposed to the single unrelated occurrence. Such discoveries for example, those made by J J A Worsaae in Denmark showed that the prehistoric past could be divided into the stages of Stone Age, Bronze Age and Iron Age.

These labels soon passed into general use, although they originally only referred to the materials out of which some of the more striking weapons and tools found at ancient sites were made. A more important basic division of prehistory is that between the more recent stage, when agriculture and stock raising provided the economic basis of subsistence, and the much longer preceding period when humans relied on hunting, gathering and scavenging for food.

It soon became clear that there was a very long period indeed before metalworking began during which some stone was the chief material used to make durable tools. Broad divisions were made within the Stone Age: the Old Stone Age (the Palaeolithic period) lasted from earliest times until the end of the Ice age, followed by a brief Middle Stone Age (the Mesolithic), at the start of the post-glacial period lasting until the New Stone Age (the Neolithic), when mixed farming gradually spread.

Discoveries of fossil human bones in Europe were made sporadically during the 19th century, including some of

the finger tips.

Along with these improvements to the hand was a change to taking more of the body weight on the legs rather than the arms, which in time led to a more upright posture in most primates. Another fundamental change was the development of the primates' unique stereoscopic vision. Both the shift towards vision rather than smell as the dominant sense, and the greater sensitivity of the hands led to an increase in brain size. There were also other changes such as a decline in the importance of hearing and reduction in the numbers of teeth in the jaws, probably due to an increasingly vegetarian diet.

The idea that there was anything other than a biblical beginning to human history originated in the 19th century. Until then, there was a general belief that God had created the world in seven days, just as set down in the Old Testament Book of Genesis.

From time to time, isolated discoveries had been made in various parts of Europe that appeared to show humanly manufactured implements in association with the fossil bones of extinct and clearly very ancient animals, but such reports were regarded as heretical and either ignored or explained away.

But during the first half of the 19th century, finds of implements and extinct animal bones became more frequent, notably in Britain, France, Belgium and Germany. In Britain, Kent's Cavern at Torquay, Devon, produced important finds as did another Devonshire cave at Brixham, where a committee of scientists was appointed to supervise an excavation which verified the claims. From 1838 at Abbeville in France, comparable finds were made in ancient gravels of the River Somme by Jacques Boucher de Perthes. Though most of his French colleagues refused to believe him, two Englishmen, Sir Joseph Prestwich and Sir John Evans, visited the site of his discoveries in 1859 and published a report authenticating them.

Meanwhile, a few geologists, notably Sir Charles Lyell, had begun to demonstrate that the various slow geological processes which could be seen at work today had also operated in the past, which meant that the age of the earth

these eventually became large enough to have high gravitational attraction themselves, and so to grow even faster. Eventually, the few large blobs which remained exhausted the supply of dust, and could grow no further; these were the planets of the Solar System.

Just after it was formed the earth must have been largely molten, with elements of all weights scattered through it. Gradually, the heaviest elements were pulled by gravity into the centre to form the core, the lightest elements (the gases) drifted up to create a primitive atmosphere, while the rest made up an inner mantle and an outer, solid crust.

Life on Earth: the evolution of humans

Life began on earth more than 3,500 million years ago. For a long time it was restricted to simple life forms such as bacteria and algae, and it was, an 't was not until 570 million years ago that the first shelled creatures appeared 100 million years later, before the first vertebrates (animals with backbones such as fish) appeared. For many millions of years, life on land and in the water was dominated by amphibians and reptiles, the age of dinosaurs between 300 and 70 million years ago being the most extreme manifestation of this; but by about 120 million years ago a group of small warm-blooded animals had appeared - mammals.

With the extinction of the dinosaurs, the mammals diversified rapidly, initially into a number of groups that subsequently themselves became extinct, then by 55 million years ago into such modern groups as rodents, insectivores, horses and primates - to which humans belong.

In fact, the fossil history of the primates can be traced as far back as 70 million years ago. These early primates were rather like the modem tree shrew. They were a widespread and successful group, living in tropical forests and eating insects and plant foods, but they began to change in ways that led to their subsequent success. Of particular importance was their development of grasping hands, with tactile pads on the ends of the fingers (producing finger prints) and nails protecting the backs of

Introduction

The major aim of **Chronicle of the World** is to bring all the great current events of the past to life for the ordinary reader. Compiling this book has been a fascinating and humbling experience. Not only did it make us aware of our enormous ignorance, but it gave us a sense of the vast span of history

Writing histories of the world has an honourable tradition going back to at least 100BC when the Chinese - for whom, of course, China was the world - wrote one of two million words. A pre-enlightenment Sir Walter Raleigh wrote a history while in prison in 1608 which was mainly concerned with asserting the truth of the Biblical account. In 1920 the English writer H. G. Wells published **The Outline of History**, in an attempt to gain a longer perspective on the disillusionment in the West that followed the Great War. Wells wasn't too concerned with the Bible, but there are a couple of striking differences between his view of world history and our own.

To begin with, 70 years ago it was generally agreed that the first of our ancestors who could be called humans appeared about 500,000 years ago, whereas recent research has pushed the date right back to 3.5 million years BC. Ironically, the period during which conventional academic wisdom changes the fastest is the prehistoric.

Earth before the human race appeared

The planet on which humans evolved has a long and complicated history in which they play no part. The original formation of the Earth remains obscure: no rocks remain from that time. It probably occurred about 4,500 million years ago, as the Sun condensed from a cosmic dust cloud. As the Sun's gravitational energy increased, the "spare" dust began to spin around it, and collide with itself to form larger and larger blobs. Some of

Chronicle of the World

ISBN: 964-96370-8-7
Volume One: 964-96370-5-2

Publishers and Distributors
The Encycolpaedia of Iran Publications
312, Felestin Street, Enghelab Aveneue
Tehran, Iran, Post Code 1416814574
Tel: (0098+21) 66968488
Fax: (0098+21) 66968487

E. mail: Hafizmonthly@hotmail.com

Chronicle of the World

Editors of the English Edition:

Jerome Burne and Derrik Mercer

Persian Translation by:

Dr M. Zanjani

Supervised and Introduced by:

SAYED HASSAN AMIN

Ph.D. (Glasgow), Advocate (Edinburgh)

Editor in Chief of Hafiz Monthly, Iran

Formerly Professor of Law at Glasgow Caledonian University, U. K.

ENCYCLOPAEDIA OF IRAN

TEHRAN

The Encyclopaedia of Iran Publications

2010